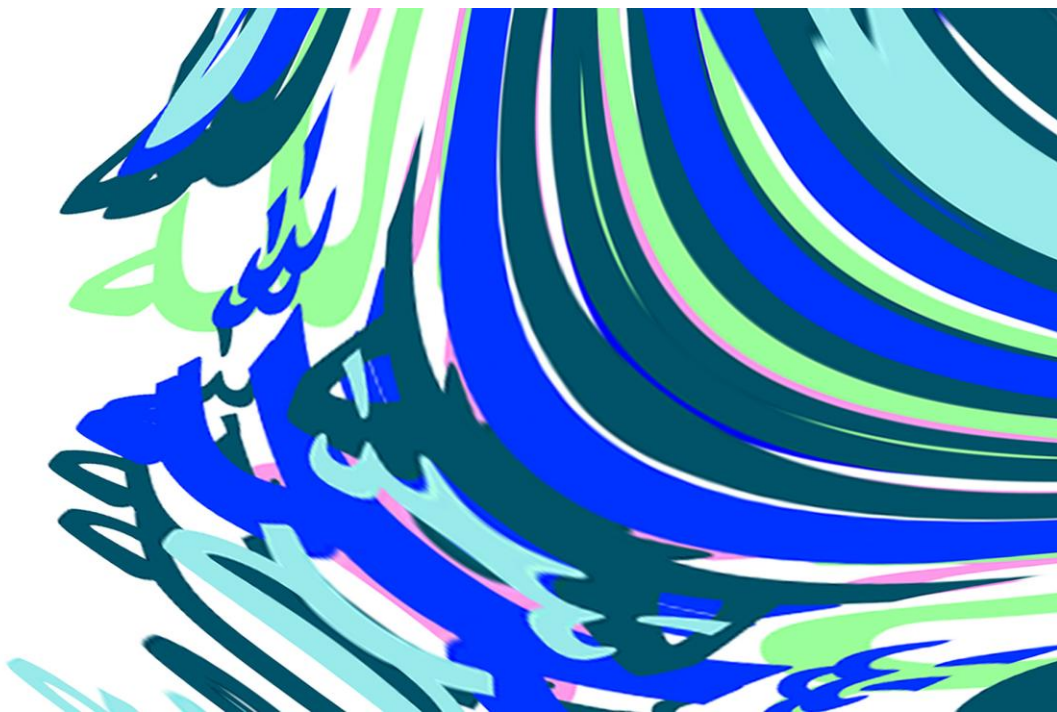


مفاتيح الجنان

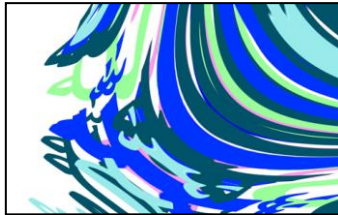
گردآورنده: شیخ عباس قمی

متن کامل مفاتيح الجنان همراه با ترجمه فارسی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مفاتيح الجنان گردآورنده شیخ عباس قمی



تفاسیخ روی جلد: اثری از استاد مهدی الماسی
استفاده و تکثیر این کتاب رایگان می باشد
التماس دعا

فهرست

توجه

با کلیک بر روی هر عنوان وارد صفحه مورد نظر خواهید شد

باب اول در تعقیب نمازها و دعاهای ایام هفته و اعمال شب و روز جمعه و بعض ادعیه مشهوره و مناجات خمس عشره و غیرها.....	۱۷
در تعقیبات مشترکه.....	۱۷
در تعقیبات مختصه.....	۲۶
تعقیب نماز عصر منقول از متهدد.....	۲۷
تعقیب نماز مغرب منقول از مصباح متهدد.....	۲۸
تَعْقِيبَ نماز عشاء منقول از مُتَّهَدِّدٌ.....	۳۱
تعقیب نماز صبح منقول از متهدد.....	۳۲
در ذکر دعاهای ایام هفته منقول از ملحقات صحیفه سجّادیه.....	۴۲
دعای روز یکشنبه.....	۴۲
دعای روز دوشنبه.....	۴۳
دعای روز سه‌شنبه.....	۴۵
دعای روز چهارشنبه.....	۴۶
دعای روز پنجشنبه.....	۴۷
دعای روز جمعه.....	۴۸
دعای روز شنبه.....	۴۹
در فضیلت و اعمال شب و روز جمعه.....	۵۱
اعمال شب جمعه.....	۵۵
نماز حضرت رسول صلی الله علیه وآله.....	۷۲
نماز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام.....	۷۴

- ۷۸ نماز حضرت فاطمه صلواتُ اللّٰهِ عَلَيْهَا.
- ۷۹ نماز دیگر از حضرت فاطمه علیها السلام.
- ۸۱ نماز امام حسن علیه السلام.
- ۸۲ نماز امام حسین علیه السلام.
- ۸۲ نماز امام زین العابدین علیه السلام.
- ۸۴ نماز حضرت صادق علیه السلام.
- ۸۵ نماز حضرت کاظم علیه السلام.
- ۸۵ نماز حضرت امام رضا علیه السلام.
- ۸۶ نماز حضرت جواد علیه السلام.
- ۸۷ نماز حضرت هادی علیه السلام.
- ۸۷ نماز امام حسن عسکری علیه السلام.
- ۸۹ نماز حضرت صاحب الزّمان عَجَلُ اللّٰهُ تَعَالٰی فِرْجَهُ.
- ۹۰ نماز حضرت جعفر علیه السلام.
- ۱۰۱ صلوات منسوبه به ابوالحسن ضَرَاب اصفهانی.
- ۱۰۵ در تعیین اسامی نبی و ائمه علیهم السلام.
- ۱۱۰ زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام.**
- ۱۱۱ زیارت حضرت فاطمه زهراء علیها السلام.
- ۱۱۲ زیارت امام حسن علیه السلام.
- ۱۱۳ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام.
- زیارت حضرت امام زین العابدین و حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام ۱۱۴
- زیارت حضرات امام موسی بن جعفر و امام رضا و امام محمد تقی و امام علیّ الثّقیّ علیهم السلام ۱۱۵
- ۱۱۶ زیارت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام.
- ۱۱۷ زیارت حضرت صاحب الزّمان علیه السلام.

۱۱۹	در ذکر بعضی از ادعیه مشهوره
۱۱۹	دعای صباح
۱۲۴	دعای کمیل بن زیاد رحمه الله
۱۳۵	دُعای عَشْرَات
۱۴۲	دُعای سِمَات
۱۵۱	دُعای مَثْلُول
۱۶۰	دعاء معروف به یستشیر
۱۶۴	دُعای مُجیر
۱۷۲	دُعای عَدِیلَه
۱۷۸	دُعای جُوشَن کَبیر
۲۰۷	دعای جوشن صغیر
۲۲۴	دعاء سیفی صغیر معروف به دعاء قاموس
۲۲۶	در ذکر بعض آیات و دعاهاى نافعہ مختصره
۲۲۷	دعای توسل
۲۳۲	دعاء فرج
۲۳۷	دعاء خلاص شدن از زندان و بند
۲۳۸	دعا حضرت فاطمه عليها السلام
۲۳۹	حرز حضرت امام زین العابدین علیه السلام
۲۴۱	دعائی از حضرت امام زین العابدین علیه السلام
۲۴۲	دعائی سریع الاجابه از حضرت امام موسى کاظم علیه السلام
۲۴۳	دعائی برای ایمنی از سلطان وبلا و
۲۴۶	دعاهایی از حضرت صاحب الأمر علیه السلام
۲۵۲	در مناجات
۲۵۲	مناجات خمس عشرة

٢٥٢ المناجات الأولى: «مناجاة التائبين»
٢٥٤ الثانية: «مناجات الشَّاكِين»
٢٥٦ الثالثة: «مناجات الخَائِفِينَ»
٢٥٨ الرَّابِعَة: «مناجات الرَّاجِيْنَ»
٢٥٩ الخامسة: «مناجات الرَّاعِبِينَ»
٢٦١ السَّادِسَة: «مناجات الشَّاكِرِينَ»
٢٦٣ السَّابِعَة: «مناجات المُطِيعِينَ لِلَّهِ»
٢٦٥ الثَّامِنَة: «مناجات المُرِيدِينَ»
٢٦٧ الثَّاسِعَة: «مناجات المُحِبِّينَ»
٢٦٩ العاشِرَة: «مناجات المُتَوَسِّلِينَ»
٢٧٠ الحادى عَشَرَ: «مناجات المُفْتَقِرِينَ»
٢٧٢ الثَّانِيَة عَشَرَ: «مناجات العارِفِينَ»
٢٧٤ الثَّلَاثَة عَشَرَ: «مناجات الدَّاكِرِينَ»
٢٧٥ الرَّابِعَة عَشَرَ: «مناجات المُعْتَصِمِينَ»
٢٧٧ الخَامِسَة عَشَرَ: «مناجات الزَّاهِدِينَ»
٢٧٩ مُنَاجَات مَنْظُومَة حَضْرَت امِير الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ ...
٢٨٤ ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ مِنْ مَوْلَانَا عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُنَاجَاتِ
٢٨٥ در فضيلت و اعمال ماه مبارك رجب
٣٠٢ در اعمال مخصوصه آيام وليالي ماه رجب است
٣٠٧ روز اوّل رجب
٣٠٩ شب سيزدهم
٣٢١ شب بيست و هفتم
٣٢٩ روز بيست و هفتم
٣٣٤ روز آخر ماه رجب

۳۳۴	در فضیلت و اعمال ماه شعبان است
۳۴۶	و اما اعمال مُختصّه شعبان
۳۷۳	در فضیلت و اعمال ماه مبارک رمضان
۳۷۹	در اَعْمال مُشترکه ماه مبارک رمضان
۳۹۸	در اعمال سحرهای ماه مبارک رمضان
۳۹۹	دعای سحر
۴۰۲	دعای حضرت امام زین العابدین علیه السلام معروف به دعای ابو حمزه ثمالی ...
۴۳۸	در اعمال روزهای ماه رمضان است
۴۶۸	اَعْمال مخصوصه شب و روز ماه مُبارک رمضان
۴۸۹	شب نوزدهم
۴۹۳	شب بیست و یکم
۴۹۷	دعای شب بیست و دویم
۴۹۸	دعای شب بیست و سیّم
۵۰۰	دعای شب بیست و چهارم
۵۰۲	دعای شب بیست و پنجم
۵۰۳	دعای شب بیست و ششم
۵۰۴	دعای شب بیست و هفتم
۵۰۵	دعای شب بیست و هشتم
۵۰۶	دعای شب بیست و نهم
۵۰۷	دعای شب سیّام
۵۰۸	بقیه اعمال شب بیست و یکم
۵۱۴	شب آخر ماه
۵۱۸	نمازهای شبهای ماه رمضان
۵۲۱	و اما دعاهای روزهای ماه رمضان

۵۲۸	در اعمال ماه شَوَّال
۵۳۹	در اعمال ماه ذی القعدة
۵۴۶	در اعمال ماه ذی الحِجَّه
۶۲۳	در اعمال ماه محرّم است
۶۳۷	در اعمال ماه صَفَر است
۶۴۲	در اعمال ماه ربیع الاول است
۶۴۶	در اعمال ماه ربیع الثانی و جمادی الاولى و جمادی الآخره
۶۴۹	در اعمال هر ماه نو و اعمال عید نوروز و اعمال ماههای رومی
۶۵۶	باب سیم در زیارات
۶۶۶	در آداب زیارت
۶۷۶	در ذکر اِدْن دخول هر يك از حَرَمهای شریفه
۶۸۱	در زیارت حضرت رسول خدا و فاطمه زهراء و انمه بقیع صلوات الله علیهم اجمعین در مدینه طیبه:
۶۸۴	کیفیت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله
۶۸۸	زیارت حضرت فاطمه علیها السلام
۶۹۳	زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله از بعید
۷۰۸	زیارت انمه بقیع علیهم السلام
۷۱۷	ذکر سایر زیارات
۷۲۰	زیارت جناب فاطمه بنت آسَد
۷۲۲	زیارت حضرت حمزه رضی الله عنه در اُحُد
۷۲۷	زیارت قبور شهداء رضوان الله علیهم به اُحُد
۷۲۹	ذکر مساجد مُعَظَّمه در مدینه مُنَوَّره
۷۳۱	زیارت وداع
۷۳۴	فصل چهاردهم
۷۳۴	در فضیلت و کیفیت زیارت مولای ما حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

۷۶۲ زیارت سر امام حسین علیه السلام
۷۶۴ زیارت معروفه به امین الله
۷۶۸ زیارت سیم
۷۷۱ زیارت چهارم
۷۷۲ زیارت پنجم
۷۷۳ زیارت ششم
۷۸۲ زیارت هفتم
۷۹۰ ذکر وداع امیرالمؤمنین علیه السلام
۷۹۲ در زیارات مخصوصه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
۸۱۷ زیارت روز مولود حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله
۸۲۸ زیارت شب مبعث
۸۴۰ فصل پنجم
۸۴۷ اعمال دکه القضاء و بیئت الطشت
۸۵۰ بیان نماز و دعا در وسط مسجد
۸۵۰ اعمال ستون هفتم
۸۵۷ عمل ستون پنجم
۸۵۹ عمل ستون سیم
۸۶۳ اعمال باب الفرج معروف به مقام نوح علیه السلام
۸۶۹ مناجات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
۸۷۳ اعمال دکه حضرت صادق علیه السلام
۸۷۴ ذکر نمازی برای حاجت در جامع کوفه
۸۷۴ زیارت جناب مسلم بن عقیل قدس الله روحه و نور ضریحه
۸۷۸ زیارت هانی بن عروة رحمة الله و رضوانه علیه
۸۷۹ فصل ششم

۸۸۱ اعمال مسجد سهله

۸۸۷ ذکر نماز و دعاء در مسجد زید رحمه الله

۸۹۱ در فضیلت زیارت حضرت ابو عبدالله الحسین صلوات الله علیه

۸۹۵ در آدابی که زائر حضرت سید الشهداء علیه السلام باید مراعات آنها را نماید

۹۱۷ در کیفیت زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام

۹۱۸ زیارت اول

۹۲۳ زیارت دویم

۹۲۴ زیارت سیم

۹۲۶ زیارت چهارم

۹۲۷ زیارت پنجم

۹۲۷ زیارت ششم

۹۲۹ زیارت هفتم

۹۴۴ زیارت حضرت عباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام

۹۵۲ در زیارات مخصوصه حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام

۹۶۱ زیارت نیمه شعبان

۹۶۳ زیارت شبهای قدر

۹۶۷ زیارت در عید فطر و قربان

۹۷۶ زیارت در روز عرفه

۹۸۷ زیارت عاشوراء

۱۰۰۶ زیارت عاشوراء غیر معروفه

۱۰۱۴ زیارت اربعین

۱۰۲۱ تذییل در فضیلت و آداب تربت مقدسه امام حسین علیه السلام

۱۰۳۰ در فضیلت و کیفیت زیارت کاظمین علیهما السلام

۱۰۴۷ زیارت مشترك میان دو امام همام علیهما السلام

- ۱۰۵۸ رفتن به مسجد شریف برائاً
- ۱۰۶۱ در زیارت نَوَاب اربعه است رضى الله عنهم
- ۱۰۶۴ در زیارت جناب سلمان رضى الله عنه است
- ۱۰۷۱ زیارت کردن جناب حذیفه بن الیمان
- ۱۰۷۲ فضیلت و کیفیت زیارت امام رضا صلوات الله عليه و على آبنه و اولاده**
- ۱۰۷۶ کیفیت زیارت آن حضرت
- ۱۱۰۱ فصل دهم در زیارت ائمه سرّ مَنْ رَأَى عَلَيْهِم السلام
- ۱۱۱۲ زیارت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام**
- ۱۱۲۸ در آداب سرداب مطهر و کیفیت زیارت امام مهدی (عج الله فرجه)
- ۱۱۹۵ صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه وآله
- ۱۱۹۷ صلوات بر امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۱۱۹۷ صلوات بر سیده نِسْوَان فاطمه علیها السلام
- ۱۱۹۸ صلوات بر حَسَن و حُسَيْن علیهما السلام
- ۱۲۰۰ صلوات بر علی بن الحُسَيْن علیهما السلام
- ۱۲۰۱ صلوات بر مُحَمَّد بن علی علیهما السلام
- ۱۲۰۱ صلوات بر جَعْفَر بن محمد علیهما السلام
- ۱۲۰۲ صلوات بر مُوسَى بن جَعْفَر علیهما السلام
- ۱۲۰۲ صلوات بر علی بن مُوسَى علیهما السلام
- ۱۲۰۳ صلوات بر مُحَمَّد بن علی بن مُوسَى علیهم السلام
- ۱۲۰۳ صلوات بر علی بن مُحَمَّد علیهما السلام
- ۱۲۰۴ صلوات بر حَسَن بن علی بن مُحَمَّد علیهم السلام
- ۱۲۰۵ صلوات بر ولی الأمر الْمُتَنظِّر علیه السلام
- ۱۲۱۱ زیارت جناب شاهزاده عبدالعظیم حسنی**
- ۱۲۱۶ در زیارت قبور مؤمنین رضى الله عنهم

۱۲۳۴ زیارت جامعه انمّة المؤمنین
۱۲۵۵ در ذکر زیارت وداع
۱۲۶۷ آداب زیارت به نیابت
۱۲۷۲ پایان کتاب شریف مفاتیح الجنان و ملحقات آن
۱۲۷۳ دعای نماز حضرت امام حسین علیه السلام
۱۲۸۰ دو زیارت از برای امامزادگان
۱۲۸۲ زیارت دیگر از برای اولاد انمّه علیهم السلام
۱۲۸۳ چهارم در اعمال روز عرفه
۱۲۸۶ دعای مکارم الأخلاق
۱۲۹۵ سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ
۱۳۰۴ سُورَةُ الرَّؤْمِ
۱۳۱۱ سُورَةُ الدَّخَانِ
۱۳۱۴ حدیث شریف کساء
۱۳۲۰ حواشی کتاب مفاتیح الجنان
۱۳۲۰ فضیلت سوره یس
۱۳۲۲ فضیلت سوره الرَّحْمَنِ
۱۳۲۲ فضیلت سوره واقعه
۱۳۲۳ فضیلت سوره جُمعه
۱۳۲۴ فضیلت سوره تَبَارَكَ
۱۳۲۴ فضیلت سوره النَّبَأِ
۱۳۲۵ فضیلت سوره اَعْلَى
۱۳۲۵ فضیلت سوره وَالشَّمْسِ
۱۳۲۵ در فضیلت سوره قدر و زلزله
۱۳۲۵ فضیلت سوره عادیات

- فضیلت سوره کافرون و نصر و توحید و معوذتین ۱۳۲۶
- مُقَدِّمَةُ رِسَالَةِ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ فِي الْأَدْعِيَةِ وَالصَّلَوَاتِ الْمُنْدُوبَاتِ ۱۳۲۶
- در مختصری از اعمال شب و روز ۱۳۲۷
- ذکر تعقیبات مختصه به نماز صبح ۱۳۶۰
- در سجده شکر است ۱۳۶۷
- در مختصری از اعمالی که متعلق به مابین طلوع آفتاب و غروب آنست ۱۳۷۷
- در اعمالی که متعلق به مابین غروب آفتاب تا وقت خوابست ۱۳۸۰
- در برخاستن از خواب و نماز شب خواندن ۱۳۸۸
- کِفَايَتِ نَمَازِ شَب ۱۳۹۱**
- در ذکر بعض اذکار و دعاها که در صباح و مساء باید خواند ۱۳۹۹
- در دعاهایی که در ساعات روز باید خواند و دعاهای هر روز که خصوصیتی به
ساعتی ندارد ۱۴۱۱
- در ذکر نمازهای مستحبیه که در مفاتیح الجنان ذکر نشده ۱۴۲۸
- نماز هدیه ۱۴۳۰
- نماز لیلۃ الدفن ۱۴۳۲
- نَمَازِ فَرَزَنْدِ بَرَايِ پَدَرِ وَ مَادِر ۱۴۳۵**
- نماز گرسنه ۱۴۳۵
- نماز حدیث نفس ۱۴۳۵
- نماز استخاره ذات الرقاع ۱۴۳۷
- ذکر نماز برای قضای دین و کفایت ظلم سلطان ۱۴۴۰
- نماز در مُهَمَّات ۱۴۴۲
- نماز رفع عُسْرَتِ وَ سَخْتی ۱۴۴۲
- نماز برای زیاد شدن روزی ۱۴۴۳
- نماز دیگر برای زیاد شدن روزی ۱۴۴۴
- نَمَازِ حَاجَت ۱۴۴۴**

- نماز استغاثه ۱۴۵۳
- نماز حضرت حجّت علیه السلام ۱۴۵۶
- نماز به جهت تیزی ذهن و قوّت حافظه ۱۴۶۰
- نماز برای آمرزش گناهان ۱۴۶۰
- نماز وصیّت ۱۴۶۱**
- نماز عفو ۱۴۶۱
- ذکر نمازهای ایّام هفته ۱۴۶۲
- در ادعیه و عوذات آلام و اسقام و علل اعضا و تب و غیره ۱۴۶۴
- ادعیه‌ای که منتخب شده از کتاب شریف کافی ۱۴۹۶**
- دعاهای وقت خوابیدن و بیدار شدن ۱۵۰۴
- دعاهای وقت خروج از منزل ۱۵۰۷
- دعاهای پیش از نماز و بعد از نماز ۱۵۱۰
- دعاهای وارده به جهت رزق ۱۵۱۵
- دو دعا به جهت دین ۱۵۱۸
- دعاهایی برای دفع اندوه و غم و خوف و غیره ۱۵۲۰
- دعاهائی برای علتها و مرضها ۱۵۲۷
- بعضی احراز و عوذات ۱۵۲۹
- چند دعای موجز که برای حوائج دنیا و آخرت نافع است ۱۵۳۲
- ذکر بعض احراز و ادعیه مؤجّزه که منتخب شده از کتاب مهج الدعوات و مجتنی ۱۵۶۴
- ذکر خواص بعضی سُور و آیات و ذکر بعض ادعیه و مطالب متفرّقه ۱۵۹۳
- بعضی از آداب و ادعیه متعلّق به موت ۱۶۱۹
- چند دعای موجز و عوذدهای مختصره از کتاب بحار ۱۶۴۱
- دعاء فرج ۱۶۴۴
- در ذکر نماز و دعاء در شب زفاف ۱۶۵۰

١٦٥١ دَعَايَ رَهْبِهِ

١٦٥٣ مَلْحَقَاتُ دَوَائِمِ بَاقِيَاتِ صَالِحَاتِ

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحًا لِذِكْرِهِ وَخَلَقَ الْأَشْيَاءَ نَاطِقَةً

ستایش خداوندی را سزا است که حمد را کلید ذکر خود قرار داد و تمامی موجودات را گویا

بِحَمْدِهِ وَشُكْرِهِ وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ الْمُشْتَقَّ اسْمُهُ

به ستایش و سپاسگزاری خود آفرید و درود و سلام بر پیامبرش محمد باد که نامش از نام او

مِنْ اسْمِهِ الْمُحْمُودِ وَعَلَى إِلِهِ الطَّاهِرِينَ أَوْلَى الْمَكَارِمِ وَالْجُودِ

که محمود است جدا گشته و هم بر خاندان طاهرینش باد که صاحبان خوبیها و جودند.

و بعد چنین گوید این فقیر بی بضاعت و متمسک باحادیث اهل بیت رسالت علیهم السلام عباس بن محمد رضا القمی ختم الله لهما بالحسنى والسعادة که بعضی از اخوان مؤمنین از این داعی درخواست نمودند که کتاب مفتاح الجنان را که متداول شده بین مردم مطالعه نمایم و آنچه از ادعیه آن کتاب که سند دارد ذکر نمایم و آنچه را که سندش بنظرم نرسیده ذکر نمایم و اضافه کنم بر آن بعضی ادعیه و زیارات معتبره که در آن کتاب ذکر نشده پس احقر خواهش ایشان را اجابت نموده و این کتاب را به همان ترتیب جمع آورده و نامیدم آنرا به مفاتیح الجنان و مرتب گردانیدم آن را بر سه باب:

باب اول در تعقیب نمازها و دعاهاى ایام هفته و اعمال شب و روز جمعه و بعضی

ادعیه مشهوره و مناجات خمس عشرة و غیرها.

باب دوّم در اعمال ماههای سال و فضیلت و اعمال روز نوروز و اعمال ماههای رومی.

باب سیّم در زیارات و آنچه مناسب آن بایست.
امید که اخوان مؤمنین بر وفق آن عمل نمایند و این گنه کار روسیاه را از دعا و زیارات و طلب مغفرت فراموش نفرمایند .

باب اوّل در تعقیب نمازها و دعا‌های ایّام هفته و اعمال شب و روز جمعه و بعض ادعیه مشهوره و مناجات خمس عشره و غیرها

و در آن چند فصلست:

فصل اوّل:

در تعقیبات مشترکه

منقول از مصباح شیخ طوسی قدس سره و غیره پس هرگاه سلام نماز دادی سه مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** بگو و بلند کن در هر یک دستها را تا محاذی گوشها پس بگو:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نَعْبُدُ

معبودی جز خدا آن معبود یکتا نیست و ما در برابر او تسلیمیم معبودی جز خدا نیست و ما جز او نپرستیم

إِلَّا آيَاتَهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَ

و دین (و عبادت) را خالص برای او گردانیم و اگر چه بر مشرکان بد آید معبودی جز خدا نیست که پروردگار ما و

رَبُّ آبَائِنَا الْأَوْلِيَّيْنَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعَدَهُ وَ

پروردگار پدران پیشین ما است معبودی نیست جز خدا که یکتای یکتای یکتاست به وعده خود وفا کند و

نَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

بنده‌اش را یاری کند و لشکرش را عزت دهد و به تنهایی احزاب (باطل) را منهزم ساخت پس او را است پادشاهی و او

راست

الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ

سپاس که زنده می‌کند و می‌میراند و بمیراند و زنده کند و او است زنده‌ای که نمی‌میرد

الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

هر خیریی به دست او است و بر هر چیز قادر است * * * آمزش می‌خواهم از خدایی که معبودی جز او نیست

الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَاتُوبُ إِلَيْهِ بِسْمِ اللَّهِ اِهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَافِضْ

زنده و پاینده است و به سوی او توبه کنم * * * بار خدایا مرا از جانب خود راهنمایی فرما و از زیاده

عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُبْحَانَكَ

بخششت به من افاضه نما و از رحمت بر من بگستران و از برکات بر من فرما و منزهی تو

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعًا فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعًا

معبودی جز تو نیست تمامی و همه گناهانم را ببامرز زیرا جز تو کسی تمامی و همه گناهان

إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَأَعُوذُ بِكَ

را نیامرزد بار خدایا من از تو درخواست می‌کنم هر خیریی را که علمت بدان احاطه نمود و پناه می‌برم به

مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتِكَ فِي أُمُورِي

تو از هر شری که علمت بدان احاطه نمود بار خدایا من از تو در تمام کارهایم عافیت می‌خواهم

كُلَّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ

و به تو پناه می‌برم از رسوائی و خواری دنیا و عذاب آخرت و پناه می‌برم به ذات بزرگوارت

الْكَرِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ

و به عزت که فوق آن متصور نیست و به قدرتت که چیزی از آن سرپیچی نتواند

مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ اخِذُ

از شر دنیا و آخرت و از شر تمامی دردها و از گزند هر جنبنده‌ای که تو فرمانروای او هستی

بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ لِحَوْلِ وَ لِقُوَّةِ الْإِبَالِ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

همانا پروردگار من بر روش حقی است و هیچ جنبش و نیرویی نیست جز به دست خدای والای بزرگ

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَكْدًا وَ

توکل کنم بر خدای زنده‌ای که هرگز نمیرد و ستایش مخصوص خدایی است که فرزندی نگرفته و کسی در سلطنت

شریک او نیست

لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبْرَهُ تَكْبِيرًا

و خواری ندارد تا نیازمند یاور باشد و به نحو کامل او را بزرگ شمار

پس تسبیح می‌کنی تسبیح حضرت زهراء علیها السلام و می‌گویی پیش از آنکه

از موضع خود حرکت کنی ده مرتبه:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا،

گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریکی ندارد. معبود یکتای یگانه فرد

لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَكْدًا.

بی‌نیاز، همسر و فرزندی نگیرد

مؤلف گوید: که فضیلت این تهلیل بسیار وارد شده خصوصاً در تعقیب نماز

صبح و شام و هنگام طلوع و غروب آفتاب پس می‌گویی:

سُبْحَانَ اللَّهِ كَلِمَا سَبَّحَ اللَّهُ شَيْءٌ، وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُسَبَّحَ وَ كَمَا هُوَ

مزه است خدا هر آنگاه که چیزی خدا را تسبیح گوید و چنانچه خدا دوست دارد که او را تسبیح کنند و چنانچه

أَهْلُهُ، وَ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلَالِهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَلِمَا حَمِدَ اللَّهُ

او لایق آنست و شایسته ذات بزرگوار و عزت و جلال او است و ستایش خاص خدا است هر آنگاه

شَيْءٌ، وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ، وَ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ

که چیزی او را ستایش کند و چنانچه دوست دارد ستایش شود و چنانچه لایق آنست و شایسته ذات بزرگوار

وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَلَّمَا هَلَّلَ اللَّهُ شَيْءٌ، وَ كَمَا يُحِبُّ

و عزت و جلال او است و معبودی جز خدای یکتا نیست هر آنگاه که چیزی او را به یکتایی یاد کند و چنانچه

اللَّهُ أَنْ يُهَلَّلَ، وَ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَ كَمَا يَنْبَغِي لِكِرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ، وَ

دوست دارد به یکتایی یاد شود و چنانچه لایق آن است و شایسته ذات بزرگوار و عزت و جلال او است و

اللَّهُ أَكْبَرُ كَلَّمَا كَبَّرَ اللَّهُ شَيْءٌ، وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُكَبَّرَ، وَ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَ

خدا بزرگ است هر آنگاه که چیزی او را به بزرگی یاد کند و چنانچه دوست دارد به بزرگی یاد شود و چنانچه لایق

كَمَا يَنْبَغِي لِكِرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ

آنست و شایسته ذات بزرگوار و عزت و جلال او است منزّه است خدا و ستایش خاص او است و معبودی

إِلَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ، وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِنْ

جز او نیست و از همه چیز بزرگتر است برای هر نعمتی که به من و به هر یک از خلق

خَلْقِهِ مِمَّنْ كَانَ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ

خود داده از آنانکه بوده‌اند یا پس از این تا روز قیامت بیایند بار خدایا من از تو می‌خواهم که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا أَرْجُو وَ خَيْرِ مَا

درود بر محمد و آلش بفرستی و از تو درخواست می‌کنم هر خیری را چه امید به آن داشته باشم و چه نداشته باشم

لَا أَرْجُو، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَخْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ مَا لَا أَخْذَرُ. بِسْ

و پناه می‌برم به تو از شر آنچه از آن در هراسم و آنچه در هراس آن نیستم * *

می‌خوانی سوره حمد و آیه الكرسي (بقره، ۲۵۵)؛ و شَهَدَ اللَّهُ (آل عمران، ۱۸)؛ و

آیه قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ (آل عمران، ۲۶)؛ و آیه سَخِرَهِ وَ آن سه آیه است از

سوره أعراف که اول آن إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ (آیات ۵۴ - ۵۶) است و آخر آن مِنْ

الْمُحْسِنِينَ. پس می‌گوئی سه مرتبه:

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَ سَلَامٌ عَلَيَّ الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ

منزه است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه (مشركان) توصیف کنند و درود بر پیامبران مرسل و ستایش خاص خدا

رَبِّ الْعَالَمِينَ. پس می گوئی سه مرتبه اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْ

است که پروردگار جهانیانست * * * * * بار خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و در کار

لی مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا، وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ.

من فرج و گشایشی قرار ده و روزیم ده از آنجا که گمان دارم و از آنجا که گمان ندارم.

و این دعائی است که جبرئیل تعلیم حضرت یوسف علیه السلام کرد هنگامی که

در زندان بود، پس بگیر ریش خود را بدست راست و کف دست چپ را بگشا

بجانب آسمان و بگو، هفت مرتبه:

يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَجِّلْ

ای پروردگار محمد و خاندان محمد بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج

فَرَجِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بگو نیز بهمان حال سه مرتبه يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، صَلِّ

آل محمد را نزدیک کن * * * * * ای (خدایی که) دارای جلال و بزرگواری (هستی) درود فرست

عَلَي مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَرْحَمْنِي وَ اَجِرْنِي مِنَ النَّارِ، پس می خوانی

بر محمد و خاندانش و به من رحم کن و از دوزخم پناه ده * * * * *

دوازده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ. وَ می گوئی اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ

* * * * * بار خدایا از تو درخواست می کنم به حق نام نهفته

الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ الطَّهْرِ الْمُبَارَكِ، وَ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ، وَ

و پنهانت که پاک و پاکیزه و مبارک است و از تو می خواهم به حق نام بزرگ و

سُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ، يَا وَهَبَ الْعَطَايَا، وَ يَا مُطْلِقَ الْأَسَارِي، وَ يَا فَكَّكَ الرِّقَابِ

سلطنت ازلت ای بخشنده عطاها و ای رها کننده اسیران و ای آزاد کننده

مِنَ النَّارِ، اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ

بندگان از دوزخ از تو می خواهم که درود فرستی بر محمد و خاندانش و مرا

اَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا، وَ [اَنْ] تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ اَمِنًا، وَ اَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي

نیز از آتش دوزخ آزاد کنی و از دنیا با ایمان سالم بیرونم بری و وارد بهشتی کنی با ایمنی و دعایم را چنان قرار دهی

أَوَّلَهُ فَلَاحًا، وَ أَوْسَطَهُ نَجَاحًا، وَ آخِرَهُ صَلَاحًا، إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ

که آغازش رستگاری و وسطش فیروزی و انجامش صلاح (حالم) باشد که تو همانا دانی به نادیدنیهای.

و در صحیفه علویّه است در تعقیب هر فریضه:

يَا مَنْ لَا يَشْعُلُهُ سَمْعٌ، عَن سَمْعٍ وَ يَا مَنْ لَا يُغْلِطُهُ السَّائِلُونَ، وَ يَا مَنْ

ای آنکه سرگرمش نکند شنیدنی از شنیدن دیگر و ای آنکه (کثرت) سائلان او را به اشتباه نیندازد و ای کسی که

لَا يُبْرِمُهُ الْإِحْحَاحُ الْمَلْحِينِ، أَذْفَنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَ حَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَ

اصرار اصرارکنندگان به ستوهش نیاورد لذت عفو و شیرینی رحمت و آمرزش را به من

مَعْفِرَتِكَ وَ نِيْزِ مِيْ گُوئِي: اِلٰهِي هَذِهِ صَلَوَتِي صَلَّيْتَهَا، لَا لِحَاجَةِ مِنْكَ

بچشان * * * * * ای معبود من این نمازی که من بجا آوردم نه بخاطر احتیاجی از تو

اِلَيْهَا، وَ لَا رَغْبَةَ مِنْكَ فِيهَا اِلَّا تَعْظِيْمًا وَ طَاعَةً وَ اِجَابَةً لِّكَ اِلٰی مَا

به آن بود و نه رغبتی که تو در آن داشته باشی جز تعظیم و فرمانبرداری تو و پذیرفتن آنچه مرا بدان

اَمْرَتِنِي بِهِ، اِلٰهِي اِنْ كَانَ فِيهَا خَلَلٌ اَوْ نَقْصٌ مِنْ رُكُوعِهَا اَوْ

مأمور کردی معبود من اگر در این نماز من خللی یا نقصی در رکوع یا

سُجُودِهَا فَلَا تُؤَاخِذْنِي، وَ تَفْضَلْ عَلَيَّ بِالْقَبُولِ وَ الْغُفْرَانِ.

سجودش هست پس مرا مؤاخذه مکن و با پذیرفتن آن و آمرزش (من) بر من تفضل کن.

و نیز می خوانی عقب هر نماز این دعا را که پیغمبر صلی الله علیه و آله تعلیم

امیرالمؤمنین علیه السلام نموده برای حافظه:

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَتَّعَدِي عَلَى اَهْلِ مَمْلَكَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ اَهْلًا

منزه است خدایی که بر آنان که تحت فرمانش هستند ستم نکند منزه است خدایی که مردم

الْاَرْضِ بِالْاَوَانِ الْعَذَابِ، سُبْحَانَ الرَّؤْفِ الرَّحِيمِ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي

زمین را به عذابهای رنگارنگ نگیرد منزه است خدای رؤف مهربان بار خدایا

فِي قَلْبِي نُورًا وَبَصْرًا وَفَهْمًا وَعِلْمًا، أَنْكَ عَلَى كُلِّشَيْءٍ قَدِيرٌ.

در دل من نور (معرفت) و بصیرت و فهم و علمی قرار داده که تو بر هر چیز توانائی

و در مصباح کفعمی است که سه مرتبه بگو بعد از نمازها:

أَعِذْ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ

پناه می‌دهم خودم و دینم و خانواده و مال و فرزندم و

إِخْوَانِي فِي دِينِي، وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي، وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي، وَ مَنْ يَعِينِي أَمْرُهُ،

برادران دینی خود و آنچه پروردگارم به من روزی کرده و سرانجام کارم و هم آن کس را که دل‌بند کار اویم

بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَ

همه را به خدای یگانه یکتای بی‌نیاز که نزاده و نه زاینده شده هیچکس همتایش نیست و

رَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ، وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي

به پروردگار صبحدم از شر آنچه آفریده و از شر شب هنگامی که به تاریکی درآید و از شر دمنده‌گانی در

الْعُقَدِ، وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ، وَ رِبِّ النَّاسِ، مَلِكِ النَّاسِ، إِلَهِ النَّاسِ، مِنْ

گره‌ها و از شر حسود هنگامی که حسودی کند و به پروردگار مردم پادشاه مردم معبود مردم

شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ.

از شر وسوسه‌گر نهانی آن کس که در سینه‌ها (و دل‌های) مردم وسوسه کند (چه) از جنیان باشد و (چه) از مردم * * *

*

و از خط شیخ منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده هر که

خواهد که خدا او را در قیامت بر اعمال بد او مطلع نگرداند و دیوان گناهان او

نگشاید باید که بعد از هر نماز این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَرْجِي مِنْ عَمَلِي، وَإِنَّ رَحْمَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي، اللَّهُمَّ إِنَّ

بار خدایا مسلماً آمرزش تو امیدوار کننده‌تر از کار من است و مسلماً رحمت تو وسیعتر از گناه من است بار خدایا

كَانَ ذَنْبِي عِنْدَكَ عَظِيمًا، فَعَفُوكَ أَعْظَمُ مِنْ ذُنُوبِي، اللَّهُمَّ إِنَّ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ أَبْلُغَ

اگر گناهم پیش تو بزرگ است ولی عفو تو بزرگتر از گناه من است بار خدایا اگر من شایسته رسیدن

رَحْمَتِكَ فَرَحْمَتِكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَتَسَعِنِي، لِأَنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، بِرَحْمَتِكَ

رحمتت نیستم ولی رحمت تو شایستگی رسیدن و فراگرفتن مرا دارد زیراکه رحمت تو همه موجودات را فراگرفته به

(امید) رحمتت

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای ارحم الراحمین

و از ابن بابویه رحمه الله منقول است که فرموده چون از تسبیح حضرت

فاطمه علیها السلام فارغ شوی بگو:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، وَلَكَ السَّلَامُ، وَالْيَكَّ يَعُودُ السَّلَامُ،

بارخدا یا تویی سلام (سالم از هر عیب) و از جانب تو است سلامتی و خاص تو است سلامتی و به سوی تو باز گردد

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

منزه است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه وصف کنند و سلام بر پیامبران و ستایش خاص پروردگار

رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى

جهانیان است سلام بر تو ای پیامبر (گرامی اسلام) و رحمت خدا و برکاتش سلام

الْأئِمَّةِ الْهَادِينَ الْمُهَدَّيْنَ، السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ،

بر امامان راهنمای راه یافته سلام بر تمامی پیامبران خدا و

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

رسولان و فرشتگانش سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا سلام بر علی امیر مؤمنان

السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر حسن و حسین دو آقای تمام جوانان اهل بهشت سلام بر

عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ،

حضرت علی بن الحسین زبور بخش عابدان سلام بر حضرت محمد بن علی شکافنده علم پیامبران

السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ

سلام بر حضرت جعفر بن محمد (امام) صادق سلام بر حضرت موسی بن جعفر

الْكَاطِمِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

«الکاظم» سلام بر حضرت علی بن موسی «الرضا» سلام بر حضرت محمد بن علی

الْجَوَادِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَادِي، السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

«الجواد» سلام بر حضرت علی بن محمد «الهادی» سلام بر حسن بن علی

الزَّكِيِّ الْعَسْكَرِيِّ، السَّلَامُ عَلَى الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ

«الزکی العسکری» سلام بر حضرت حجة بن الحسن «القائم المهدي»

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

درود فراوان خدا بر تمامی ایشان.

پس هر حاجت که داری از خدا بطلب.

شیخ کفعمی فرموده بعد از نمازها می گوئی:

رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا، وَبِعَلِيٍّ

خوشنودم که پروردگارم خدا است و دینم دین اسلام است و پیمبرم محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و

إِمَامًا، وَبِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ

امامانم علی و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد

وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْخَلْفِ الصَّالِحِ، عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَيْمَةً وَسَادَةً وَقَادَةً، بِهِمْ

و علی و حسن و فرزند شایسته اویند درود بر ایشان که پیشوایان و آقایان و رهبرانند به ایشان

أَتَوَلَّى، وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّءُ. پَسِ بَگُوسَه مَرْتَبَه اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْتَلِكُ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ، وَ

دوستی دارم و از دشمنانشان بیزاری جویم * * * بار خدایا من از تو گذشت و سلامتی و

الْمُعَافَاةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

آسایش در دنیا و آخرت را خواستارم.

فصل دوّم

در تعقیبات مختصّه

بگو در تعقیب نماز ظهر کمافی المتهجّد:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ

* نیست معبودی جز خدای بزرگ بردبار، نیست معبودی جز خدا

الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ

پروردگار عرش با کرامت ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است بار خدایا از تو می‌خواهم آنچه باعث

رَحْمَتِكَ، وَ عَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ، وَ الْعَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ،

رحمت و وسائل حتمی مغفرت تو است و بهره‌ای از هر نیکی و سلامتی از هر گناهی

اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ، وَلَا سُقْمًا إِلَّا شَفَيْتَهُ،

بار خدایا هیچ گناهی برایم مگذار جز آنکه آن را بیماری‌زوی و هیچ اندوهی جز اینکه برطرف کنی و هیچ دردی جز آنکه

شفا دهی و

وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ، وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ، وَلَا خَوْفًا إِلَّا أَمَنْتَهُ، وَلَا سُوءًا إِلَّا

هیچ عیبی جز آنکه بپوشانی و هیچ رزقی جز آنکه فراوانش کنی و هیچ ترسی جز آنکه امانش بخشی و هیچ بدی جز

آنکه

صَرَفْتَهُ، وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضًا وَلِي فِيهَا صَلَاحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا، يَا أَرْحَمَ

برگردانیش و هیچ حاجتی که در آن خوشنودی تو و صلاح کار من باشد جز آنکه برآورده‌اش کنی ای

الرَّاحِمِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَ مِی گویی ده مرتبه بِاللَّهِ اعْتَصَمْتُ، وَ بِاللَّهِ اتَّقِ،

مهربانترین مهربانان اجابت فرما ای پروردگار جهانیان * * * * * با توسل به خدا (از گناه) خودداری کنم

وَ عَلَى اللَّهِ اتَّوَكَّلْتُ، پس می‌گویی اللَّهُمَّ إِنَّ عَظَمَتَ ذُنُوبِي فَانْتَ أَعْظَمُ، وَ إِنَّ كِبَرَ

و به خدا اعتماد کنم و بر او توکل کنم * * * * * بار خدایا اگر گناهانم بزرگ است پس تو بزرگتر از آنهاهی و

اگر

تَفْرِيطِي فَانْتَ أَكْبَرُ، وَإِنْ دَامَ بُخْلِي فَانْتَ أَجْوَدُ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي عَظِيْمَ ذُنُوْبِي

کوتاهیم زیاد است باز هم تو بزرگتری و اگر بخل من ادامه دارد پس تو سخی تری بار خدایا بزرگی گناهانم
بِعَظِيْمِ عَفْوِكَ، وَكَثِيْرَ تَفْرِيطِي بِظَاهِرِ كَرَمِكَ، وَاقْمَعِ بُخْلِي بِفَضْلِ جُوْدِكَ،
را به بزرگی عفو خود ببخش و زیاد کوتاهی کردنم را به کرم آشکارت بیامرز و بخل مرا به زیادی بخششت ریشه کن

اَللّٰهُمَّ مَا بَنَّا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اَسْتَغْفِرُكَ وَآتُوبُ إِلَيْكَ.

ساز خدایا هر نعمتی که داریم از تو است معبودی جز تو نیست از تو آمرزش خواهم و به سوی تو بازگردم.

تعقیب نماز عصر منقول از متهدج

اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيْمُ، ذُو الْجَلَالِ

آمرزش خواهم از خدایی که معبودی جز او نیست زنده و پاینده و بخشاینده و مهربان و دارای جلال

وَالْاِكْرَامِ، وَاسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَبْدٍ ذَلِيْلٍ خَاضِعٍ، فَقِيْرٍ بَائِسٍ،

و بزرگواری است، از او خواهم توبه‌ام را بپذیرد توبه بنده‌ای خوار فروتن نیازمند پریشان

مِسْكِيْنٍ مُسْتَكِيْمٍ مُسْتَجِيْرٍ، لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا، وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيٰوةً

بینوا درمانده پناهنده‌ای که مالک هیچیک از سود و زیان و مرگ و زندگی و رستاخیزی برای

وَلَا نَشُوْرًا، پَسْ مِيْ غَوِيٍّ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ

خود نیست * * * * بار خدایا به تو پناه می‌برم از نفسی که (از خواهش) سیر نشود و از دلی

لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ صَلٰوةٍ لَا تُرْفَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ،

که خشوع ندارد و از دانشی که سود ندهد و از نمازی که بالا نرود و از دعایی که شنیده نشود

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ، وَالْفَرَجَ بَعْدَ الْكُرْبِ، وَالرِّخَاءَ بَعْدَ

خدایا از تو خواستارم آسانی پس از دشواری را و گشایش پس از گرفتاری و فراوانی پس از سختی بار خدایا

الشَّدَّةِ، اَللّٰهُمَّ مَا بَنَّا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَآتُوبُ إِلَيْكَ.

هر نعمتی که ما داریم از آن تو است که معبودی جز تو نیست از تو آمرزش خواهم و بسوی تو بازگشت کنم

و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که استغفار کند بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه، پیامرزد حق تعالی از او هفتصد گناه.

و روایت شده از حضرت امام محمد تقی علیه السلام که هر که بخواند **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** را بعد از عصر ده مرتبه، بگذرد برای او در روز قیامت مثل عملهای خلاق در این روز.

و مستحب است خواندن دعای عشرات در هر صبح و مساء و افضل اوقات آن بعد از عصر روز جمعه است و آن دعا بعد از این مذکور خواهد شد.

تعقیب نماز مغرب منقول از مصباح متهدج

بعد از تسبیح زهراء علیها السلام می گوئی:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

همانا خدا و فرشتگانش بر پیغمبر درورد فرستند ای کسانی

آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلَّمُوا تَسْلِيمًا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ، وَ

که ایمان آورده‌اید درود فرستید بر او و سلام کنید سلام کاملی خدایا درود فرست بر محمد

عَلَى ذُرِّيَّتِهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ،

پیامبر (گرامی خود) و بر نژادش و بر خاندانش

پس می گوئی هفت مرتبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

به نام خدای بخشاینده مهربان و هیچ جنبش و هیچ نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ

، و سه مرتبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ.

ستایش خاص خدایی است که آنچه خواهد می‌کند ولی غیر او آنچه را خواهد نتواند انجام دهد

پس می‌گوئی:

سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعاً، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا
جَمِيعاً إِلَّا أَنْتَ.

منزهی تو معبودی جز تو نیست گناهان مرا به تمامی هر چه هست بیمارز زیرا تمامی گناهان را (کسی) جز تو نیامرزد.

پس نافله مغرب را بجا می‌آوری و آن چهار رکعت است به دو سلام و تکلم
مکن ما بین آنها .

و شیخ فرموده روایت شده که در رکعت اول سوره قل یا ایها الکافرُونَ بخوانند و
در رکعت دوم قل هو الله احدٌ و در دو رکعت دیگر هر چه خواسته باشند.
روایت شده که حضرت امام علی النقی علیه السلام در رکعت سوم سوره حمد
و اول سوره حدید می‌خواند تا وهو علیم بذات الصدور و در رکعت چهارم حمد
می‌خواند و آخر سوره حشر یعنی از لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره .
و مستحب است که بخوانند در سجده آخر نوافل در هر شب و خصوصاً در شب
جمعه هفت مرتبه.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ، وَمَلِكِكَ الْقَدِيمِ، أَنْ

خدایا از تو می‌خواهم به ذات بزرگواری و نام بزرگت و سلطنت ازلیت که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمِ، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ.

درود فرستی بر محمد و خاندانش و بیماری گناه بزرگ مرا زیرا که بزرگ را جز بزرگ نیامرزد

و چون از نافله فارغ شدی پس هر چه می‌خواهی تعقیب می‌خوانی و می‌گوئی ده مرتبه:

مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ

آنچه خدا خواهد نیرویی نیست جز به خدا از خدا آمرزش خواهم *

پس می گوئی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ

خدایا از تو خواهم آنچه موجب رحمت و وسائل

رَحْمَتِكَ، وَ عَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ، وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ

حتمی آمرزش تو است و رهایی از آتش دوزخ و از هر بلا و گرفتاری و رسیدن به بهشت

وَالرِّضْوَانَ فِي دَارِ السَّلَامِ، وَجِوَارِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ

و خوشنودی تو را در منزلگاه سلامتی و همسایگی پیغمبرت محمد که بر او و آلش سلام باد، خدایا

مَا بَنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ.

هر نعمتی که ما داریم از تو است معبودی جز تو نیست از تو آمرزش خواهم و به سبب توبه کنم.

و می خوانی ما بین نماز مغرب و عشاء نماز غفیله را و آن دو رکعت است در

رکعت اوّل بعد از حمد می خوانی:

وَذَالتُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ، فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ

و ذالتون (یونس) را یاد کن آن دم که خشمناک برفت و گمان داشت بر او سخت نگیریم پس از ظلمات

إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الغَمِّ،

ندا داد که معبودی جز تو نیست منزهی تو که همانا من از ستمکاران بوده‌ام پس دعایش مستجاب کردیم و از تنگنای غم

وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ

نجاتش دادیم و این چنین مؤمنین را نجات دهیم.

و در رکعت دوّم بعد از حمد می خوانی:

وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ

کلیدهای (گنجینه‌های)

لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ، وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ، وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ رِيقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا،

غیب نزد او است و جز او (کسی) غیب نداند و هر چه در خشکی و دریاست می‌داند هیچ برگی نیفتد جز آنکه آن را

وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ.

بداند و نه دانه‌ای در ظلمات زمین و نه تر و نه خشکی مگر آنکه در نامه روشن ثبت است.

پس دستها را به قنوت برمی‌داری و می‌گویی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا

خدایا از تو می‌خواهم به حق کلیدهای (گنجینه‌های) غیبی که

إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا.

بجای این کلمه جز تو کسی نداند درود فرستی بر محمد و آلش و نسبت به من چنین و چنان کنی

حاجت ذکر می‌کنی پس می‌گویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي، وَالْقَادِرُ عَلَيَّ طَلِبْتِي، تَعَلَّمْ

خدایا تویی ولی نعمت من و توانای بر (انجام) خواسته من،

حَاجَتِي، فَاسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِ، وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي

خواسته‌ام دانی از تو می‌خواهم به حق محمد و آلش درود بر او و آنها باد که حاجتم برآوری.

حاجت خود را می‌طلبی که روایت شده که هر که این نماز را بجا آورد و

حاجت خود را بخواهد حق تعالی به او عطا فرماید آنچه را که خواهد.

تَعْقِيبُ نَمَازِ عِشَاءٍ مَنقُولِ از مُتَهَجِّدٍ

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ لِي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِي، وَإِنَّمَا أَطْلُبُهُ بِخَطَرَاتٍ تَخْطُرُ عَلَيَّ

خدایا بپرستی من جای رزق و روزی خود را ندانم بلکه روی خیالهایی که در دلم خطور می‌کند

قَلْبِي، فَاجْعَلْهُ فِي طَلْبِهِ الْبُلْدَانَ، فَإِنَّا فِيهَا أَنَا طَالِبٌ كَالْحَيْرَانِ، لَا أَدْرِي أَفِي

آن را می‌جویم و به همین جهت بدنبال آن در شهرها می‌گردم و از این رو من در طلب روزی چون شخص سرگردانی

هستم که

سَهْلٌ هُوَ أَمْ فِي جَبَلٍ، أَمْ فِي أَرْضٍ أَمْ فِي سَمَاءٍ، أَمْ فِي بَرٍّ أَمْ فِي بَحْرٍ، وَ عَلَيَّ

نمی‌دانم آیا در دشت است یا در کوه، در زمین است یا در آسمان در خشکی است یا در دریا و به دست

يَدَيَّ مَنْ وَمِنْ، قَبْلِ مَنْ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ عِلْمَهُ عِنْدَكَ، وَ أَسْبَابُهُ بِيَدِكَ، وَأَنْتَ

کی است و از جانب چه شخصی است، آنچه مسلم است دانسته‌ام که علمش پیش تو است و اسبابش به دست تو است

و تویی

الَّذِي تَقْسِمُهُ بِطُفِكَ وَ تَسْبِيهِ بِرَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،

که آن را به لطف خود قسمت کنی و به رحمت و سیله‌اش را فراهم سازی خدایا پس بر محمد و آلش درود فرست

وَ اجْعَلْ يَا رَبِّ رِزْقَكَ لِي وَاسِعاً، وَ مَطْلَبَهُ سَهْلاً، وَ مَاخِذَهُ قَرِيباً، وَ لَا تَعْنِي

و روزیت را ای پروردگار (مهربان) بر من فراخ گردان و راه درآوردنش را آسان و جای دریافتش رانزدیک کن و مرا در

طلب

بَطْلَبِ مَالٍ تُقَدِّرُ لِي فِيهِ رِزْقاً، فَإِنَّكَ غَنِيٌّ عَنِّي عَذَابِي، وَأَنَا فَقِيرٌ إِلَى

آنچه مقدرم نکرده‌ای به زحمت مینداز زیرا تو از به زحمت انداختن من بی‌نیازی و من

رَحْمَتِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ جُدْ عَلَيَّ عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ.

نیازمند رحمت توام پس درود فرست بر محمد و آلش و کرم کن بر بنده خود به فضل که تو دارای فضل بزرگی هستی

مؤلف گوید این دعا از ادعیه طلب رزق است و مستحب است نیز در تعقیب

عشاء هفت مرتبه سوره اَنَا أَنْزَلْنَاهُ بِخَوَانِدٍ وَ آنکه در نماز و تیره و آن دو رکعت

نافله نشسته است بعد از نماز عشاء صد آیه از قرآن بخوانند و مستحب است

عوض صد آیه سوره إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ در یک رکعت و سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

در رکعت دیگر بخوانند.

تعقیب نماز صبح منقول از متهدج

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ

خدایا درود فرست بر محمد و آلش و مرا در آن حقی که مورد اختلاف است

بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

به مشیت و اذن خودت راهنمایی فرما که تو هر که را بخواهی به راه راست هدایت کنی

و می گوئی ده مرتبه:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الرَّاضِينَ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ،

خدایا درود فرست بر محمد و بر آتش همان اوصیاء خوشنود پسندیده به نیکوترین درودهایت

وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ،

و برکت فرست بر آنها به بهترین برکات و سلام بر ایشان و ارواح و اجسادشان

وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ،

و رحمت خدا و برکاتش

و این صلوات در عصرهای جمعه نیز وارد شده با فضیلت بسیار و بگو نیز:

اللَّهُمَّ أَحْيِنِي عَلَى مَا أَحْيَيْتَ عَلَيْهِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، وَأَمِتْنِي عَلَى مَا مَاتَ

خدایا مرا زنده دار بر آنچه علی بن ابیطالب را بر آن زنده داشتی و بمیران بر آنچه

عَلَيْهِ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

علی بن ابیطالب بر آن درگذشت

و بگو صد مرتبه

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

از خدا آمرزش خواهم و به سویش توبه کنم

و صد مرتبه

أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَافِيَةَ

می طلبم از خدا تندرستی

و صد مرتبه

أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ

پناه می برم به خدا از آتش

و صد مرتبه

وَأَسْأَلُهُ الْجَنَّةَ

و از او بهشت مسئلت دارم

و صد مرتبه

أَسْأَلُ اللَّهَ الْخُورَ الْعَيْنَ

از خدا حورالعین می‌خواهم

و صد مرتبه

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ

معبودی نیست جز خدایی که سلطان حق و آشکار است

و صد مرتبه توحید

و صد مرتبه صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و صد مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ وَ

***** درود خدا بر محمد و آلش باد ***** منزه است خدا و

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

ستایش خاص خدا است و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است و جنبش و نیرویی مگر به خدای والای بزرگ

نیست

و صد مرتبه مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

***** آنچه خدا خواهد شود و نیست جنبش و نه نیرویی جز به خدای والای بزرگ *****

پس بگو: أَصْبَحْتُ لِلَّهِمْ مُعْتَصِمًا بِدِمَائِكِ الْمُنِيعِ، الَّذِي لَا يُطَاوَلُ وَلَا يُحَاوَلُ،

صبح کردم خدایا در حالی که پناه آوردم به جوار (مقام) منیع تو که دستی بدان نرسد و مورد تجاوز واقع

مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَطَارِقٍ، مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَ مَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَ

نگردد از شر هر ستمگر و هر راهزنی از تمام کسانی که آفریده‌ای و چیزهای دیگری که خلق کرده‌ای چه (آنها که)

خموش (اند) و

النَّاطِقِ، فِي جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِبَاسٍ سَابِغَةٍ وَلَا أَهْلٍ بَيْتِ نَبِيِّكَ، مُحْتَجِبًا

چه گویا (خود را) در سپری از هر چیز ترسناکی (نهادم) با لباسی بافته از دوستی خاندان پیمبرت و خود را بپوشانم

مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَىٰ أَدِيَّتِي، بِجِدَارِ حَصِينِ الْإِخْلَاصِ فِي الْإِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ،

از هر که قصد آزارم کند به سنگر محکم اخلاص با اعتراف به حق آن

وَالْتَمَسْتُكَ بِحَبْلِهِمْ، مُوقِنًا أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْ،

بزرگواران و تمسک به رشته دوستی ایشان در حالی که یقین دارم که حق مخصوص آنها و نزد آنها و در پیش آنها

أُولَىٰ مَنْ وَالُوا، وَأَجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا، فَأَعِزَّنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا

و بوسیله آنها است دوست دارم هر که را دوست دارند و دوری جویم از هر که دوری جویند پس خدایا به حق ایشان

مرا از شر هر چه

اتَّقِيهِ، يَا عَظِيمُ حَجَزَتْ الْأَعَادِي عَنِّي بِيَدَيْعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، إِنَّا جَعَلْنَا

می ترسم پناه ده ای خدای بزرگ، من دشمنان را بوسیله خدای پدید آورنده آسمانها و زمین از خود دور ساختم، همانا

مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ.

پیش رویشان سدی نهادیم و پشت سرشان نیز سدی، و پرده بر آنها افکندیم که نمی بینند.

و این دعا در هر صبح و شام خوانده می شود و آن دعاء امیرالمؤمنین علیه السلام است در لَيْلَةِ الْمَيِّتِ .

و در تهذیب روایت شده که هر که بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سُبْحَانَ

اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. حق تعالی او را

عافیت دهد از کوری و دیوانگی و جذام و فقر و خانه برسر فرود آمدن یا خرافت

در هنگام پیری .

و شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که بعد از نماز

صبح و نماز مغرب بگوید هفت مرتبه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. حق تعالی دفع کند از او هفتاد نوع از انواع بلا که آسانتر

آنها باد و پیسی و دیوانگی باشد و اگر شقی باشد محو شود از اشقیاء و نوشته شود از سُعداء .

و نیز از آن حضرت روایت کرده که برای دنیا و آخرت و رفع درد چشم این دعا را بعد از نماز صبح و مغرب بخوانند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

خدایا از تو می‌خواهم به آن حقی که محمد و آلش بر تو دارند که درود فرستی بر محمد و آلش

النُّورَ فِي بَصْرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ

و فرار دهی روشنایی در دیده‌ام و بینایی در دینم و یقین در دلم و

فِي عَمَلِي وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَ السَّعَةَ فِي رِزْقِي، وَ الشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا بَقَيْتَنِي.

اخلاص در عملم و سلامتی در جانم و فراخی در روزیم و همیشه تا زنده‌ام داری سپاسگذارت باشم

شیخ ابن فهد در عُدَّة الدَّاعِي از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده که هر که بگوید در عقب نماز صبح این کلام را حاجتی طلب نکند مگر آنکه آسان شود برای او و کفایت کند حق تعالی آنچه را که مهم او است:

بِسْمِ اللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ أَوْضُّ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ

به نام خدا و درود خدا بر محمد و آلش باد و واگذارم کارم را به خدا که براستی خدا به کار بندگان بینا

بِالْعِبَادِ، فَوْقِيهِ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكْرُوا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

است «پس خدا از نیرنگهای بد نگاهش داشت» معبودی جز تو نیست «منزهی تو که من از

الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَ نَجِّنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، حَسْبُنَا اللَّهُ

ستمکارانم پس ما دعایش مستجاب کردیم و از غم و اندوه نجاتش دادیم این چنین مؤمنان را نجات دهیم»

وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضَّلَ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ، مَا شَاءَ اللَّهُ

«خدا ما را بس است و چه نیکو و کیلی است پس با نعمت خدا و فروزی که دیگر بدی به آنها نرسید بازگشتند» آنچه

خدا خواهد،

لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ، مَا شَاءَ اللَّهُ وَإِنْ كَرِهَ النَّاسُ،

نیست جنبش و نه نیرویی مگر بوسیله خدا آنچه خدا خواهد می‌شود نه آنچه مردم خواهند آنچه خدا خواهد می‌شود اگر

حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، حَسْبِيَ الرَّازِقُ

چه مردم ناخوش دارند بس است مرا پروردگار از (بندگان) پروریده شده، بس است مرا آفریدگار از آفریدگان بس است

مِنَ الْمَرْزُوقِينَ، حَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، حَسْبِيَ مَنْ هُوَ حَسْبِي، حَسْبِيَ مَنْ

مرا روزی ده از روزی خوران بس است مرا خدا پروردگار جهانیان بس است مرا آنکه او بس است مرا،

لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، حَسْبِي مَنْ كَانَ مُدًّا كُنْتُ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

بس است مرا آنکه همیشه مرا بس است بس است مرا آنکه از وقتی بودم همیشه بسم بوده بس است مرا خدا معبودی

هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

جز او نیست بر او توکل کنم و او است پروردگار عرش با عظمت.

مؤلف گوید که شیخ ما ثقة الاسلام نوری نور الله مرقدۀ در کتاب دار السلام از

شیخ خود مرحوم خلد مقام عالم ربانی جناب حاج ملا فتحعلی سلطان آبادی (ره)

نقل فرموده که فاضل مقدّس آخوند ملا محمد صادق عراقی در غایت سختی و

پریشانی و بدحالی بود و به هیچ وجه برای او گشایشی نمی شد تا آنکه شبی

در خواب دید که در یک وادی خیمه بزرگی با قبه سر پا است، پرسید این

خیمه از کیست؟ گفتند از کوه حصین و غیاث مضطرّ مستکین حضرت قائم

مهدی و امام منتظر مرضی عجل الله فرجه می باشد.

پس بتعجیل خدمت آن حضرت مشرف گردید و سختی حال خود را به آن

حضرت عرض کرد و از آن بزرگوار دعائی برای گشایش کار و رفع غم خویش

خواست، آن حضرت او را حواله فرمود به سیّدی از اولاد خود و اشاره فرمود

به او و بخیمه او.

آخوند از خدمت آن حضرت بیرون شد و رفت بهمان خیمه که حضرت به آن اشاره فرموده بود دید سید سَنَد و جَبْر مُعْتَمَد عالم اَمَّجَد مُؤَيَّد جناب آسید محمّد سلطان آبادی است در آن خیمه و در روی سجّاده نشسته مشغول دعا و قرائت است آخوند برسیّد سلام کرد و حکایت حال را برای او نقل کرد پس سید برای گشایش امر و وسعت رزق او را دعائی تعلیم نمود.

پس از خواب بیدار شد در حالی که آندعا در خاطر او بود و قصد کرد خانه سید را و پیش از این خواب آخوند از سید مُنَافِر و تارک او بود بجهتی که آنرا ذکر نمی کرد پس چون بخدمت سید رسید او را بهمان نحو که در خواب دیده بود دید در مصلاّی خود نشسته مشغول ذکر و استغفار است سلام کرد سید جواب سلام داد و تبسّمی نمود مثل آنکه از قضیّه مطّلع باشد پس آخوند برای گشایش امر خویش دعائی خواست پس سید تعلیم او نمود همان دعائی را که در خواب به او تعلیم فرموده بود پس آخوند مشغول به آندعا شد به اندک زمانی دنیا از هر طرف به او روی آورد و از سختی و بدحالی بیرون آمد. و مرحوم حاج ملا فتحعلی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ سید را مدح می کرد مدح بلیغی و او را ملاقات کرده بود و مقداری از زمان هم شاگردی او نموده بود اما آنچه را که سید تعلیم آخوند کرده بود در خواب و بیداری پس سه چیز است اوّل آنکه در عقب فجر دست بر سینه گذارد و هفت مرتبه یا فَتَّاحُ بگوید دوّم مواظبت کند بخواندن این دعا که در کافی است حضرت رسول صلی الله علیه و آله تعلیم

فرمود آنرا به مردی از صحابه که مبتلا بود بناخوشی و پریشانی و از برکت خواندن این دعا به اندک زمانی ناخوشی و پریشانی از او برطرف شد.

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ

جنیش و نیرویی مگر بوسیله خدا نیست توکل کردم بر (خدای) زنده‌ای که نمیرد و

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ

ستایش خاص خدایی است که فرزندی نگیرد و شریکی در فرمانروایی ندارد و خواری

يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَ كَبَّرَهُ تَكْبِيرًا *

ندارد تا نیازمند یاور باشد و به نحو کامل او را بزرگ شمار

سوّم در عقب نمازهای صبح بخواند دعائی را که از شیخ ابن فهد نقل شد و این اُوراد را باید غنیمت شمرد و بخواندن آن مواظبت نمود و از فوائد آن غفلت ننمود، و بدانکه سجده شکر بعد از نمازها مستحبّ مؤکّد است و دعا و اذکار بسیار در آنحال وارد شده.

و از حضرت امام رضاعلیه السلام منقول است که اگر خواهی صد مرتبه شُکراً شُکراً بگو و اگر خواهی صد مرتبه عَفْواً عَفْواً و نیز از آن حضرت منقول است که کمتر آنچه در این سجده گویند آن است که سه مرتبه بگویند شُکراً لِلَّهِ و نیز بدان که در وقت طلوع آفتاب و وقت غروب ادعیه و اذکار بسیار از حضرت رسول خداصلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام مأثور گردیده است و ترغیب بیشمار بر محافظت ایندو وقت در آیات و اخبار وارد شده است .

و ما در این مختصر بذكر چند دعای معتبر اكتفا می کنیم اول مشایخ حدیث بسندهای معتبره از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که فریضه و واجبست بر هر مسلمان که ده مرتبه پیش از طلوع آفتاب و ده مرتبه پیش از غروب این دعا را بخواند:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَ

معبودی جز او نیست که یگانه است و شریکی ندارد فرمانروایی و ستایش خاص او است زنده کند و بمیراند و

يُمِيتُ وَيُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بمیراند و زنده کند و او است زنده ای که نمیرد هر چه خیر است بدست او است و او بر هر چیز توانا است.

و در بعضی از روایاتست که اگر ترک شود قضا کنید که لازمست دویم و نیز از آن حضرت در روایات معتبره وارد شده که پیش از طلوع و غروب آفتاب ده مرتبه بگو:

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ

پناه برم به خدای شنوای دانا از وسوسه های درونی شیاطین و پناه برم از اینکه

يَحْضُرُونِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ *

نزدم حاضر شوند و برآستی اوست خداوندی که شنوا و دانا است

سیم و نیز از آن حضرت روایت شده که چه مانع است شمارا که در هر صبح و شام

سه مرتبه این دعا را بخوانید:

اللَّهُمَّ مَقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ،

ای خدای گرداننده دلها و دیده ها

تَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ، وَلَا تَرْغُ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ

دل مرا بر دین خود ثابت گردان و پس از آنکه هدایتیم کردی دلم را منحرف مکن و از نزد خویش رحمتی به من ببخش

که همانا

رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، وَ أَجْرُنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، اَمْدُدْ لِي فِي عُمْرِي،

تو بخشایشگری و از آتش دوزخ به رحمت خویش پناهم ده خدایا عمرم را دراز کن و در روزیم

وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، وَأَنْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ، وَإِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ

فراخی ده و رحمتت را بر من بگستران و اگر من در کتاب (و دفتر) اصلی (لوح) پیش تو تیره بخت

شَقِيًّا فَأَجْعَلْنِي سَعِيدًا، فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتُثَبِتُ، وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ.

و شقی هستم پس مرا خوشبخت گردان که البته تو هر چه را خواهی محو کنی و هر چه را خواهی اثبات و کتاب اصلی

نزد تو است

چهارم و نیز از آن حضرت منقول است که در هر صبح و شام این دعا را بخوان :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ

ستایش مخصوص خدایی است که می کند آنچه بخواهد و دیگری چنان نیست که هر چه خواهد بکند ستایش او راست

چنانچه

أَنْ يُحْمَدَ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ، اَللَّهُمَّ اذْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ

دوست دارد که ستایش شود ستایش خاص اوست چنانچه شایسته آنست خدایا مرا در هر خیری که محمد و آتش را در

آن

فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ اَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا

درآوردهای درآور و بیرونم آور از هر شری که محمد و آتش را از آن بیرون آوردهای

وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. *

درود خدا بر محمد و آتش باد

پنجم در هر صبح و شام ده مرتبه بگو:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ

منزه است خدا و ستایش خاص خدا است و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است.

و از جمله دعاها در این دو وقت دعای عَشْرَات است که بعد از این خواهد آمد.

فصل سیم

در ذکر دعاهای ایام هفته منقول از ملحقات صحیفه سجّادیه

دعای روز یکشنبه

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو إِلَّا فَضْلَهُ، وَلَا أَخْشَى إِلَّا عَدْلَهُ، وَلَا أَعْتَمِدُ إِلَّا قَوْلَهُ،

بنام خدایی که جز فضلش امیدی ندارم و جز عدلش از چیزی ترس ندارم و جز به گفته او اعتماد ندارم و جز
وَلَا أُمْسِكُ إِلَّا بِحَبْلِهِ، بِكَ اسْتَجِيرُ يَا ذَا الْعَفْوِ وَالرِّضْوَانِ مِنَ الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ،
به رشته (بندگی و اخلاص) او چنگ نزنم ای دارای گذشت و خوشنودی به تو پناه برم از ستم و دشمنی (خلق).

وَمِنْ غَيْرِ الزَّمَانِ وَتَوَاتُرِ الْأَحْزَانِ، وَطَوَارِقِ الْحَدَثَانِ، وَمِنْ انْقِضَاءِ الْمُدَّةِ

و از دگرگونیهای روزگار و پی‌درپی رسیدن اندوهها و حوادث ناگوار شب و از سپری شدن عمر

قَبْلَ التَّأَهُبِ وَالْعُدَّةِ، وَإِيَّاكَ اسْتَرْشِدُ لِمَا فِيهِ الصَّلَاحُ وَالْإِصْلَاحُ، وَبِكَ

قبل از آمادگی و توشه‌گیری و تنها از تو راهنمایی می‌جویم برای آنچه صلاح و اصلاح من در آنست و از تو

اسْتَعِينُ فِيمَا يَقْتَرِنُ بِهِ النَّجَاحُ وَالْإِنِّجَاحُ، وَإِيَّاكَ أَرْغَبُ فِي لِبَاسِ الْعَافِيَةِ

باری طلبم در (رسیدن به) آنچه مقرون به کامیابی و کامروایی است و از تو امید دارم برای پوشش لباس تندرستی

وَتَمَامِهَا، وَشُمُولِ السَّلَامَةِ وَدَوَامِهَا، وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ هَمَزَاتِ

کامل و شمول سلامتی دائم و پناه می‌برم به تو ای پروردگار از وسوسه‌های

الشَّيَاطِينِ، وَأَحْتَرِزُ بِسُلْطَانِكَ مِنْ جَوْرِ السَّلَاطِينِ، فَتَقَبَّلْ مَا كَانَ مِنْ

شیاطین و احتراز جویم بوسیله سلطنت تو از ستم سلاطین پس (ای خدا) نماز

صَلَوْتِي وَصَوْمِي، وَاجْعَلْ غَدَى وَمَا بَعْدَهُ أَفْضَلَ مِنْ سَاعَتِي وَيَوْمِي وَ

و روزه‌ام را بپذیر و فردای من و مابعد آنرا بهتر از این ساعت و امروزم قرارده و

أَعِزَّنِي فِي عَشِيرَتِي وَ قَوْمِي، وَ أَحْفَظْنِي فِي يَفْظَتِي وَ نَوْمِي، فَأَنْتَ اللَّهُ خَيْرٌ

مرا در میان فامیل و خویشانشم عزیز گردان و مرا در بیداری و خوابم حفظ کن که تویی خدایی که

حَافِظًا، وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِي هَذَا وَ مَابَعْدَهُ

بهترین نگهدارنده‌ای و تو مهربانترین مهربانانی خدایا من بسوی تو بیزاری جویم و در این روز و روزهای

مِنَ الْإِحَادِ، مِنَ الشَّرْكِ وَ الْإِلْحَادِ، وَ أَخْلِصُ لَكَ دُعَائِي تَعَرُّضًا لِلْإِجَابَةِ، وَ أَقِيمُ

یکشنبه دیگر از شرک و بی‌دینی و دعایم را برای تو خالص می‌کنم تا در معرض اجابت قرار گیرد و همچنان بر

عَلَى طَاعَتِكَ رَجَاءً لِلْإِثَابَةِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ خَيْرٌ خَلْقِكَ الدَّاعِيَ إِلَى حَقِّكَ،

اطاعتت پایداری می‌کنم پس درود فرست بر محمد بهترین خلق خود آنکه (مردم را) بسوی حقایقت خواند

وَاعِزَّنِي بِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يُضَامُ، وَ أَحْفَظْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ اخْتِمُ

و مرا به عزت تزلزل‌ناپذیرت عزیز گردان و به دیده‌ات که هرگز نخواهد حفظ کن و ببریدن

بِالْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ أَمْرِي، وَ بِالْمَغْفِرَةِ عُمْرِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.

از خلق و توجه بسوی خودت کارم را به پایان رسان و عمرم را قرین به آمرزش به اتمام رسان که همانا تویی آمرزنده

مهربان

دعای روز دوشنبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُشْهَدْ أَحَدًا حِينَ فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَا اتَّخَذَ مَعِينًا

ستایش خاص خدایی است که هیچکس را گواه نیاورد در آن هنگامی که آسمانها و زمین را آفرید و کمک‌کاری برای

خود نگرفت

حِينَ بَرَأَ النَّسَمَاتِ، لَمْ يُشَارِكْ فِي الْإِلَهِيَّةِ، وَ لَمْ يُظَاهَرْ فِي الْوَحْدَانِيَّةِ، كَلَّتْ

در آن هنگامی جنبندگان را پدید آورد در معبودیت خود شریک ندارد در یکتایی پشتیبانی نشود زبانی

الْأَلْسُنُ عَنْ غَايَةِ صِفَتِهِ، وَ الْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ، وَ تَوَاضَعَتِ الْجَبَابِرَةُ

از حد و صفش لال و عقلمها از کنه معرفتش عاجز است گردنکشان در برابر هیبتش

لِهَيْبَتِهِ، وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِخَشْيَتِهِ، وَ انْقَادَ كُلُّ عَظِيمٍ لِعَظَمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ

فروتن و چهره‌ها از بیم و هراسش خاضع و هر بزرگی در عظمتش رام گشته پس خاص تو است ستایش

مُتَوَاتِرًا مُتَّسِقًا وَمُتَوَالِيًا مُسْتَوْسِقًا، [ثِقًا] وَصَلَوَاتُهُ عَلَيَّ رَسُولِهِ أَبَدًا، وَ

پی‌درپی و منظم، و دنباله‌دار و محکم و درودهای ابدی و تحیت همیشگی و دائمی تو بر پیامبرت باد
سَلَامُهُ دَائِمًا، سَرْمَدًا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ اَوَّلَ يَوْمِي هَذَا صَاحًا، وَ اَوْسَطَهُ فَلَاحًا،

خدایا آغاز امروز مرا صلاح و وسطش را رستگاری و

وَ اٰخِرَهُ نَجَاحًا، وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ اَوَّلُهُ فَزَعٌ، وَ اَوْسَطُهُ جَزَعٌ، وَ اٰخِرُهُ وَجَعٌ،

پایانش را کامروایی قرارده و پناه می‌برم به تو از روزی که آغازش ترس و وسطش بی‌تابی و پایانش درد و رنج

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ نَذْرٍ نَذَرْتُهُ، وَ كُلِّ وَعْدٍ وَعَدْتُهُ، وَ كُلِّ عَهْدٍ عَاهَدْتُهُ

باشد خدایا از تو آمرزش خواهم برای هر نذری که کرده‌ام و هر وعده‌ای که دادم و هر عهده‌ای که بستم

تُمْ لَمْ اَفِ بِهِ، وَ اَسْئَلُكَ فِي مَظَالِمِ عِبَادِكَ عِنْدِي، فَاَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِكَ اَوْ اُمَّةٍ

ولی به آن وفا نکرده‌ام و درباره حقوق و مظلومه‌هایی که از بندگانت به گردن دارم درخواست می‌کنم که هر بنده‌ای از

بندگانت

مِنْ اِمَائِكَ، كَانَتْ لَهُ قِبَلِيْ مَظْلَمَةٌ ظَلَمْتُهَا اِيَّاهُ فِيْ نَفْسِهِ، اَوْ فِيْ عِرْضِهِ اَوْ فِيْ

یا هر کنیزی از کنیزانت که در گردن من حتی دارد و از من ستمی به او رسیده در جانش یا در پرویش یا

مَالِهِ، اَوْ فِيْ اَهْلِهِ وَ وَاكِدِهِ، اَوْ غِيْبَةٍ اَغْتَبْتُهُ بِهَا، اَوْ تَحَامُلٍ عَلَيْهِ بِمِثْلِ اَوْ هُوِيٍّ

در مالش یا در خانواده و فرزندش یا غیبی یا از او کرده‌ام یا باری بر دوشش نهاده‌ام که سببش خواهش یا هوای نفس

اَوْ اَنْفَةٍ اَوْ حَمِيَّةٍ، اَوْ رِيَاءٍ اَوْ عَصِيْبِيَّةٍ، غَائِبًا كَانَ اَوْ شَاهِدًا، وَ حَيًّا كَانَ اَوْ مَيِّتًا،

یا خودخواهی یا رشک یا خودنمایی یا تعصب بیجا بوده چه آن‌کس غایب باشد چه حاضر، زنده باشد یا مرده،

فَقَصَّرَتْ يَدِيْ وَ ضَاقَ وَ سَعِيَ عَنْ رَدِّهَا اِلَيْهِ وَ اَلْتَحَلَّلَ مِنْهُ، فَاسْئَلُكَ يَا مَنْ

و دست من اکنون کوتاه و وسعم نارسا است از اینکه آن حق را به او رد کنم و از او حلالیت جویم پس از تو

يَمْلِكُ الْحَاجَاتِ، وَ هِيَ مُسْتَجِيْبَةٌ لِمَشِيئَتِهِ، وَ مُسْرِعَةٌ اِلَى اِرَادَتِهِ، اَنْ تُصَلِّيَ

می‌خواهم ای کسی که مالک حاجاتی و به خواست تو آنها مستجاب‌گردد و بسوی ارادات شتابان شوند (می‌خواهم) که

درود فرستی

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تُرْضِيَهُ عَنِّيْ بِمَا شِئْتَ، وَ تَهَبَ لِيْ مِنْ عِنْدِكَ

بر محمد و آلش و آن شخص را به‌آن‌طور که خواهی از من خوشنود گردانی و از نزد خود

رَحْمَةً، إِنَّهُ لَا تَنْقُصُكَ الْمَغْفِرَةُ، وَلَا تَضُرُّكَ الْمَوْهِبَةُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

به من رحمتی بخشی زیرا که آمرزش از تو نکاهد و بخشش به تو زیان نرساند ای مهربانترین مهربانها

اللَّهُمَّ أَوْلَىٰ فِي كُلِّ يَوْمٍ اثْنَيْنِ نِعْمَتَيْنِ مِنْكَ ثَنَيْنِ، سَعَادَةً فِي أَوْلِيَّهِ بِطَاعَتِكَ،

خدایا به من عطا کن در هر روز دوشنبه دو نعمت از جانب خودت یکی خوشبختی در اول روز به وسیله فرمانبرداری

و نِعْمَةً فِي آخِرِهِ بِمَغْفِرَتِكَ، يَا مَنْ هُوَ الْإِلَهِ، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ سِوَاهُ.

تو و دیگر نعمتی در آخر روز به آمرزش و مغفرتت ای کسی که تنها معبود ما او است و گناهان را جز او کسی نیامزد.

دعای روز سه‌شنبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ حَقُّهُ، كَمَا يَسْتَحِقُّهُ حَمْدًا كَثِيرًا، وَاعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ نَفْسِي،

ستایش خاص خدا است و حق اوست آنچنانکه شایسته و لایق اوست بسیار، و پناه برم به خدا از بدی شر نفس خود

إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي، وَاعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الَّذِي

که همانا نفس وادار کننده به بدی است مگر آنرا که پروردگار رحم کند و پناه برم به او از شر شیطان

يَزِيدُنِي ذَنْبًا إِلَىٰ ذَنْبِي، وَاحْتَرِزُ بِهِ مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ فَاجِرٍ، وَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ، وَ

که (پیوسته) گناهی بر گناهم بیفزاید و بوسیله او پناه گیرم از شر هر گردنکش تبه‌کار و حکمران ستمکار و

عَدُوًّا قَاهِرًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ جُنْدِكَ، فَإِنَّ جُنْدَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ،

دشمن قهاری خدایا مرا از لشکر خود قرار ده زیرا سپاه تو فقط پیروزند

وَاجْعَلْنِي مِنْ حِزْبِكَ فَإِنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيَّائِكَ فَإِنَّ

و از حزب خویش قرارم ده زیرا حزب تو فقط رستگارانند و از اولیاء خود قرارم ده زیرا اولیاء تو هستند که

أَوْلِيَّائِكَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، اللَّهُمَّ اصْلِحْ لِي دِينِي فَإِنَّهُ

خوف و ترسی برایشان نیست و حزن و اندوهی ندارند خدایا دینم را اصلاح کن که

عِصْمَةٌ، أَمْرِي وَاصْلِحْ لِي آخِرَتِي فَإِنَّهَا دَارُ مَقَرِّي وَإِيَّهَا مِنْ مُجَاوَرَةِ النَّوَامِ

دین نگهدار کار من است و آخرتم را اصلاح کن که خانه پایدار من آنجا است و از مجاورت لثیمان گریزگامم بدانجا

مَقَرِّي، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَالْوَفَاةَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ،

است، و زندگی را برای من مایه فزونی در هر کار خیری قرار ده و مرگ را آسودگی از هر شری برایم مقرر فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَتَمَامِ عِدَّةِ الْمُرْسَلِينَ، وَعَلَى آلِهِ

خدا درود فرست بر محمد خاتم پیمبران و کامل کننده شماره رسولان و بر آل پاک و

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَأَصْحَابِهِ الْمُتَتَجِبِينَ، وَهَبْ لِي فِي الثَّلَاثَةِ ثَلَاثًا، لَا تَدَعُ

پاکیزه‌اش و اصحاب برگزیده‌اش و در روز سه‌شنبه سه چیز به من عطا کن: هرگانه‌ای را از من بیمار،

لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا غَمًّا إِلَّا أَذْهَبْتَهُ، وَلَا عَدُوًّا إِلَّا دَفَعْتَهُ، بِبِسْمِ اللَّهِ خَيْرِ

و هر اندوهی را از من دور کن، و هر دشمنی را از من دفع فرما بنام خدا که بهترین نامها است

الْأَسْمَاءِ، بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ اسْتَدْفِعْ كُلَّ مَكْرُوهِ أَوْلَهُ سَخَطُهُ،

به نام خدا پروردگار زمین و آسمان دور کنم از خود هر بدی را که آغازش خشم او است

وَأَسْتَجَلِبُ كُلَّ مَحْبُوبٍ أَوْلَهُ رِضَاهُ، فَاخْتِمْ لِي مِنْكَ بِالْغُفْرَانِ يَا وَلِيَّ الْإِحْسَانِ

و می‌کشم بسوی خود هر کار محبوبی را که آغازش خوشنودی او است پس از جانب خود کارم را به آموزش پایان‌ده ای

صاحب احسان

دعای روز چهارشنبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاسًا، وَالنَّوْمَ سُبَاتًا، وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا، لَكَ

ستایش خدایی را که شب را پوشش (خلق) قرار داد و خواب را مایه آسایش و روز را (وسيله) تکاپو و جنبش ستایش

الْحَمْدُ أَنْ بَعَثْتَنِي مِنْ مَرْقَدِي، وَ لَوْ شِئْتَ جَعَلْتَهُ سَرْمَدًا، حَمْدًا دَائِمًا لَا يَنْقَطِعُ

خاص تو است که مرا از خوابگاهم برانگیختی و اگر اراده می‌کردی خوابم را همیشگی می‌کردی آن ستایشی که دائمی

أَبَدًا، وَلَا يُحْصَى لَهُ الْخَلَائِقُ عَدَدًا، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْ خَلَقْتَ فَسَوَّيْتَ،

است و قطع نگردد و خلائق شماره‌اش نتوانند خدایا ستایش خاص تو است که آفریدی و پرداختی و اندازه کردی و

وَقَدَّرْتَ وَ قَضَيْتَ، وَ أَمَتَّ وَ أَحْيَيْتَ، وَ أَمَرَضْتَ وَ شَفَيْتَ، وَ عَاقَيْتَ وَ

گذراندی و میراندی و زنده کردی، بیمار کردی و شفا دادی، تندرست کردی و

أَبْلَيْتَ، وَعَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ، وَعَلَى الْمُلْكِ اِحْتَوَيْتَ أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ

گرفتار ساختی و بر عرش استیلا یافتی و بر ملک وجود احاطه داری می‌خوانمت خواندن آنکس که

ضَعَفَتْ وَسَيْلَتُهُ، وَ انْقَطَعَتْ حِيلَتُهُ وَ اقْتَرَبَ أَجَلُهُ، وَ تَدَانِي فِي الدُّنْيَا أَمَلُهُ،

وسيله‌اش ضعیف و راه چاره‌اش قطع شده و مرگش نزدیک گشته و آرزویش در دنیا اندک شده

وَ اَشْتَدَّتْ اِلَى رَحْمَتِكَ فَاقْتَهُ، وَعَظَّمْتَ لِتَقْرِيبِهِ حَسْرَتَهُ، وَ كَثُرَتْ زَلَّتُهُ

و سخت نیازمند رحمت گردیده و افسوسش در کوتاهی و تقصیر خود بزرگ گشته و لغزش و خطایش بسیار شده

وَ عَثْرَتُهُ وَ خَلَصَتْ لَوْجَهَكَ تَوْبَتَهُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَيَّ اَهْلِ

و توبه‌اش بدرگاه تو خالص گردیده پس درود فرست بر محمد خاتم پیامبران و بر خاندان

بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ

پاک پاکیزه‌اش و شفاعت محمد صلی‌الله علیه و آله و سلم را روزی من گردان

لَا تَحْرِمْنِي صُحْبَتَهُ، اِنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ اقْضِ لِي فِي الْاَرْبَعَاءِ

و از همنشینی او محروم مکن که تو ارحم الراحمین هستی خدایا در روز چهارشنبه چهار حاجت مرا برآور:

اَرْبَعًا، اجْعَلْ قُوَّتِي فِي طَاعَتِكَ وَ نَشَاطِي فِي عِبَادَتِكَ، وَ رَغْبَتِي فِي

نیرویم را در طاعت خویش قرار ده و نشاط و شادمانیم را در عبادت و رغبت و میل را در پاداش

ثَوَابِكَ، وَ زَهْدِي فِيمَا يُوجِبُ لِي اَلِيْمَ عِقَابِكَ، اِنَّكَ لَطِيْفٌ لِّمَا تَشَاءُ.

نیکت و پارسایم را در آنچه موجب عذاب دردناک برای من گردد که همانا تو نسبت به هرچه بخواهی مدارا کنی.

دعای روز پنجشنبه

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَذْهَبَ اللَّيْلَ مُظْلِمًا بِقُدْرَتِهِ، وَ جَاءَ بِالنَّهَارِ مُبْصِرًا بِرَحْمَتِهِ،

ستایش خاص خدایی است که شب تار را به قدرتش برد و روز روشن را برحمت خویش

وَ كَسَانِي ضِيَاءَهُ وَ اَنَا فِي نِعْمَتِهِ، اَللّٰهُمَّ فَكَمَا اَبْقَيْتَنِي لَهُ فَاَبْقِنِي لِاُمَمَائِهِ،

بیاورد و روشنی روز را در آن حال که مستغرق نعمتش بودم دربرم کرد خدایا همچنانکه مرا تا به امروز نگهداشتی برای

وَ صَلِّ عَلَيَّ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تَفْجَعْنِي فِيهِ وَ فِي غَيْرِهِ مِنَ اللَّيَالِي

روزهای دیگر امثال آن نیز نگهدار و درود فرست بر محمد و آلش و داغدارم مکن در این روز و شبها و

وَ الْاَيَّامِ بِارْتِكَابِ الْمَحَارِمِ وَ اِكْتِسَابِ الْمَآثِمِ، وَ ارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَ خَيْرَ

روزهای دیگر به سبب دست زدن به کارهای حرام و فراهم آوردن گناهان و خیر این روز و آنچه در آن است

مَا فِيهِ وَ خَيْرَ مَا بَعْدَهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ وَ شَرَّ مَا فِيهِ وَ شَرَّ مَا بَعْدَهُ، اَللّٰهُمَّ

و خیر روزهای بعد را نیز روزی من گردان و شر این روز و آنچه در آن است و شر روزهای بعدش را از من دور گردان

إِنِّي بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ، وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ، وَبِمُحَمَّدٍ

خدایا من به پیمان اسلام به سویت توسل جویم و به حرمت قرآن بر تو اعتماد کنم و به وسیله محمد

الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَسْتَشْفِعُ لَدَيْكَ، فَاعْرِفِ اللَّهُمَّ ذِمَّتِي الَّتِي

مصطفی صلی الله علیه و آله در نزدت شفاعت جویم پس بشناس خدایا پیمانی را که بدان امید برآوردن

رَجَوْتُ بِهَا قَضَاءَ حَاجَتِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ اقْضِ لِي فِي الْخَمِيسِ

حاجتم را دارم ای مهربانترین مهربانها خدایا در روز پنجشنبه پنج حاجتم را برآور

خَمْسًا، لَا يَتَسَعُ لَهَا إِلَّا كَرَمُكَ، وَلَا يُطِيقُهَا إِلَّا نِعْمُكَ، سَلَامَةٌ أَقْوَى بِهَا عَلَيَّ

که جز بزرگواری تو گنجایش آنها را ندارد و جز نعمتهای تو بر آن توانا نیست: تندرستی که بوسیله آن

طَاعَتِكَ، وَعِبَادَةٌ أَسْتَحِقُّ بِهَا جَزِيلَ مَثُوبَتِكَ، وَسَعَةٌ فِي الْحَالِ مِنَ الرَّزْقِ

بر انجام طاعتت نیرو گیرم، و پرستشی که بدان مستحق پاداشت گردم، و فراخی در حال از طریق روزی

الْحَلَالِ، وَ أَنْ تُؤْمِنَنِي فِي مَوَاقِفِ الْخَوْفِ بِأَمْنِكَ، وَ تَجْعَلَنِي مِنْ طَوَارِقِ

حلال، و دیگر آنکه مرا در توقفگاههای خوفناک (برزخ و قیامت) بوسیله امان خود ایمن گردانی و از حوادث اندوهناک

الْهُمُومِ وَالْعُمُومِ فِي حِصْنِكَ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ

و غمگین در پناه خود قرارم دهی و درود فرست بر محمد و آلش

تَوَسَّلِي بِهِ شَافِعًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ نَافِعًا، إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

و توسل مرا بدان حضرت در روز قیامت شفیع و سودمند برای من قرار ده که همانا تو مهربانترین مهربانانی

دعای روز جمعه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ الْإِنشَاءِ وَ الْآخِرِ بَعْدَ فَنَاءِ الْأَشْيَاءِ، الْعَلِيمِ

ستایش خاص خدایست که آغاز هستی پیش از پیدایش و زندگی است و پایان پس از فناء موجودات، دانایی که هر که

الَّذِي لَا يَنْسِي مِنْ ذِكْرِهِ، وَلَا يَنْقُصُ مِنْ شُكْرِهِ، وَلَا يَخِيبُ مَنْ دَعَاهُ، وَلَا يَقْطَعُ

یادش کند وی را از یاد نبرد و نعمتش را از آنکه سپاس می دارد نکاهد و نومید نسازد آنکه او را بخواند و امید

رَجَاءَ مَنْ رَجَاهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيدًا، وَ أُشْهِدُ جَمِيعَ

امیدوارش را قطع نکند خدایا من تو را گواه گیرم و گواه بودن تو کافی است و گواه گیرم تمام

مَلَأَكُنِيكَ وَ سَكَّانَ سَمَوَاتِكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ، وَ مَنْ بَعَثْتَ مِنْ أَنْبِيَائِكَ

فرشتگان و ساکنین آسمانها و حاملین عرشت را و پیمبران و رسولان

وَ رُسُلِكَ، وَ أَنْشَأْتَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ، أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

را که برانگیختی و انواع موجودات بی حسابی را که آفریدی (همه را گواه گیرم) که من گواهی دهم تویی خدایی که

وَ حَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ لَا عَدِيلَ، وَ لَا خُلْفَ لِقَوْلِكَ وَ لَا تَبْدِيلَ، وَ أَنْ مُحَمَّدًا

معبودی جز تو نیست و یگانه‌ای که شریک و همتا نداری و خلاف و تغییر و تبدیلی در گفتار تو نیست و گواهی دهم

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، أَدَّى مَا حَمَلْتَهُ إِلَى الْعِبَادِ، وَ جَاهَدَ فِي اللَّهِ

که محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول تو است که بدانچه مأمورش کرده بودی به بندگانت رساند و درباره

عَزَّوَجَلَّ حَقَّ الْجِهَادِ، وَ أَنَّهُ بَشَرٌ بِمَا هُوَ حَقٌّ مِنَ الثَّوَابِ، وَ أَنْذَرَ بِمَا هُوَ صِدْقٌ

خدای عزوجل آنطور که باید کوشش کرد و بدان پاداش نیکی که حق و درست بود مژده داد و بدان عقابی که راست

مِنَ الْعِقَابِ، اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ مَا أَحْيَيْتَنِي، وَ لَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ

بود بیم داد خدایا تا مرا زنده نگاه‌داری بر دین خویش ثابتم گردان و دلم را پس از آنکه

إِذْ هَدَيْتَنِي، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

راهنماییم کرده‌ای منحرف مساز و به من از نزد خود رحمتی بخشای که همانا تویی بخشایشگر درود فرست بر محمد

وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ وَ شِيعَتِهِ، وَ احْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِ،

و بر آتش و مرا از پیروان و شیعیانش قرار ده و در گروه وی محشورم کن و موفقم دار

وَ وَفَّقْنِي لِأَدَاءِ فَرَضِ الْجُمُعَاتِ وَ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيَّ فِيهَا مِنَ الطَّاعَاتِ

برای اداء فرائض جمعه‌ها و طاعاتی که در آنها بر من واجب کردی و عطاهایی

وَ قَسَمْتَ لِأَهْلِهَا مِنَ الْعَطَاءِ فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

که در روز جزا به اهل آن (طاعات و جمعه‌ها) قست کرده‌ای که همانا تویی مقتدر فرزانه

دعای روز شنبه

بِسْمِ اللَّهِ كَلِمَةَ الْمُعْتَصِمِينَ، وَمَقَالَةَ الْمُتَحَرِّزِينَ، وَاعُوذُ بِاللَّهِ تَعَالَى مِنْ جَوْرِ

بنام خدا سخن پناهندگان و گفتار پناهجویان و پناه می‌برم به خدای تعالی از جور

الْجَائِرِينَ، وَكَيْدِ الْحَاسِدِينَ، وَبَغْيِ الظَّالِمِينَ وَآحْمَدُهُ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ،

ستمکاران و بداندیشی حسودان و ستم بیدادگران و می‌ستایمیش فوق ستایش ستایش‌کنندگان

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَاحِدُ بِلَا شَرِيكَ وَالْمَلِكُ بِلَا تَمْلِيكَ، لَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ،

خدایا تویی یگانه بی‌شریک و پادشاه بی‌نیاز (که پادشاهی را دیگری به او تملیک نکرده) در برابر فرمان تو ضدیت نشود

وَلَا تُتَنَزَعُ فِي مُلْكِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ،

و در پادشاهیت کشمکش روی ندهد از تو می‌خواهم که درود فرستی بر محمد بنده و رسولت

وَأَنْ تُوزِعَنِي مِنْ شُكْرِ نِعْمَاكَ مَا تَبْلُغُ بِي غَايَةَ رِضَاكَ، وَأَنْ تُعَيِّنَنِي عَلَيَّ

و به من طریقه سپاسگزاری نعمت‌هایت را چنان بیاموزی که مرا به سرحد خشنودیت برساند و کمک دهی بر

طَاعَتِكَ وَكُزُومِ عِبَادَتِكَ، وَأَسْتَحِقُّاقِ مَثُوبَتِكَ بِلُطْفِ عِنَايَتِكَ، وَتَرْحَمَنِي

طاعت خود و پیوستگی عبادت خویش و استحقاق پاداشت بوسیله لطف و عنایتت و به من ترحم کنی

بِصَدَى عَنْ مَعَاصِيكَ مَا أَحْيَيْتَنِي، وَتُوفَّقَنِي لِمَا يَنْفَعُنِي مَا أَبْقَيْتَنِي،

به اینکه تا زنده‌ام از گناهان بازم داری و تا زمانی که در این جهان نگاهم داری موفقم داری

وَأَنْ تَشْرَحَ بِكِتَابِكَ صَدْرِي، وَتَحُطَّ بِتِلَاوَتِهِ وَزُرِّي، وَتَمُنِّحَنِي السَّلَامَةَ

به آنچه سودم رساند و بوسیله کتاب خود (قرآن) سینه‌ام بگشایی و با خواندن آن جرم و گناهم بریزی و سلامت

فِي دِينِي وَنَفْسِي، وَلَا تُوحِشْ بِي أَهْلَ أُنْسِي، وَتُتِمِّ إِحْسَانَكَ فِيمَا بَقِيَ

در دین و جانم عطا کنی و همدمانم را برای من وحشتناک مکن و احسانت را در مابقی

مِنْ عُمْرِي كَمَا أَحْسَنْتَ فِيمَا مَضَى مِنْهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

عمر دربارہ من به اتمام رسان چنانچه در گذشته احسان کردی ای مهربانترین مهربانها

فصل چهارم

در فضیلت و اعمال شب و روز جمعه

بدان که شب و روز جمعه را امتیاز تامّ است از سایر لیالی و ایّام بمزید رفعت و شرافت و نباهت از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که شب جمعه و روز جمعه بیست و چهار ساعت است و در هر ساعت حقّ تعالیّ ششصد هزار کس را از جهنّم آزاد کند و از حضرت صادق علیه السلام وارد شده که هر که بمیرد ما بین زوال روز پنجشنبه تا زوال روز جمعه خدا پناه دهد او را از فشار قبر و نیز از آن حضرت منقول است که جمعه را حقّی و حرمتی عظیم هست پس زنهار که ضایع نگردانی حرمت آن را و تقصیر مکن در چیزی از عبادت حق تعالی در آن روز و تقرّب جو بسوی خدا به عملهای شایسته و ترک نما جمیع محرّمات خدا را زیرا که خدا ثواب طاعات را مضاعف می گرداند و عقوبت گناهان را محو می نماید و درجات مؤمنان را در دنیا و عقبی بلند می گرداند و شبش در فضیلت مانند روز است اگر توانی که شب جمعه را زنده داری به نماز و دعا تا صبح بکن بدرستی که خداوند عالم در شب جمعه ملائکه را برای مزید کرامت مؤمنان به آسمان اوّل میفرستد که حسنات ایشان را زیاده گردانند و گناهان ایشان را محو کنند و حقّ تعالیّ واسع العطا و کریم است.

و نیز در حدیث معتبر از آن حضرت مرویست که گاه هست که مؤمن دعا می‌کند برای حاجتی و حقّ تعالیّ قضای حاجت او را تأخیر می‌کند تا اینکه در روز جمعه حاجت او را برآورد و برای فضیلت جمعه مضاعف گرداند. و فرمود که چون برادران یوسف علیه السلام از حضرت یعقوب علیه السلام استدعای طلب آمرزش گناهان خود کردند گفت سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي یعنی بعد از این استغفار خواهم کرد برای شما از پروردگار خود حضرت فرمود که تأخیر کرد که در سحر شب جمعه دعا کند تا مستجاب گردد.

و نیز از آن حضرت مروی است که چون شب جمعه می‌آید ماهیان دریا سر از آب بیرون می‌آورند و وحشیان صحرا گردن می‌کشند و حقّ تعالیّ را ندا می‌کنند که پروردگارا ما را عذاب مکن به گناه آدمیان، و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حقّ سبحانه و تعالیّ امر می‌نماید ملکی را که در هر شب جمعه از بالای عرش ندا می‌کند از اوّل شب تا آخر شب از جانب رَبِّ اَعْلَى که آیا بنده مؤمنی هست که پیش از طلوع صبح برای آخرت و دنیای خود مرا بخواند تا من دعای او را مستجاب کنم؟

آیا بنده مؤمنی هست که پیش از طلوع صبح از گناه خود توبه کند پس من توبه او را قبول کنم آیا بنده مؤمنی هست که من روزی او را تنگ کرده باشم و از من سؤال کند که روزی او را زیاد گردانم پیش از طلوع صبح پس روزی او را گشاده گردانم آیا بنده مؤمن بیماری هست که از من سؤال کند پیش از طلوع صبح که او را شفا دهم تا او را عافیت کرامت کنم آیا بنده مؤمن غمگین

محبوسی هست که پیش از طلوع صبح از من سؤال کند که او را از زندان رها کنم و غمش را فرج دهم پس دعایش را مستجاب گردانم آیا بنده مؤمن مظلومی هست که از من سؤال کند پیش از صبح برای دفع ستم ظالم تا من از برای او انتقام بکشم و حقش را به او برگردانم؟ پیوسته این ندا را می‌کند تا طلوع صبح.

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که حقّ تعالیّ جمعه را از همه روزها برگزیده و روزش را عید گردانیده و شبش را مثل روزش گردانیده، و از جمله فضیلت روز جمعه آنستکه هر حاجت که در آنروز از خدا سؤال کنند برآورده می‌شود و اگر جماعتی مستحقّ عذاب شوند چون شب جمعه و روز جمعه را دریابند و دعا کنند خدا آن عذاب را از ایشان برمی‌گرداند و امور مقدّره را حقّ تعالیّ در شب جمعه مبرم و محکم می‌گرداند پس شب جمعه بهترین شبها و روزش بهترین روزها است.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که پرهیزید از گناه در شب جمعه که عقوبت گناهان در آن شب مضاعف است چنانچه ثواب حسنات مضاعف است و هر که معصیت خدا را در شب جمعه ترک کند حقّ تعالیّ گناهان گذشته او را بیامرزد و هر که در شب جمعه معصیتی را علانیه بکند حقّ تعالیّ او را بگناهان جمیع عمرش عذاب کند و عذاب آن گناه را بر او مضاعف کند، و بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که روز جمعه سیّد و بزرگتر روزها است حقّ تعالیّ

در آن روز ثواب حسنات را مضاعف می‌دهد و گناهان را محو می‌نماید و درجات را بلند می‌گرداند و دعوات را مستجاب می‌گرداند و شدت‌ها و غم‌ها را زایل می‌گرداند و حاجت‌های بزرگ را برمی‌آورد و روز مزید است که خدا رحمت‌های خود را نسبت به بندگان زیاد می‌گرداند و جماعت بسیار از آتش آزاد می‌سازد پس هر که بخواند خدا را در آن روز و بشناسد حقّ و حرمت آنرا حقّ است بر خداوند تعالی که او را از آتش جهنّم آزاد گرداند پس اگر در روز جمعه یا شب آن بمیرد ثواب شهیدان دارد و در قیامت ایمن از عذاب الهی مبعوث می‌گردد و هر که استخفاف بحرمت جمعه نماید و حقّ او را ضایع گرداند که نماز جمعه بجا نیآورد یا محرّمات الهی را در آن بعمل آورد بر خدا لازمست که او را به آتش جهنّم بسوزاند مگر آنکه توبه کند.

و بسندهای بسیار معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که آفتاب طالع نگردیده است در روزی که بهتر از روز جمعه باشد و چون مرغان در روز جمعه به یکدیگر برمیخورند سلام می‌کنند و می‌گویند امروز روز شایسته‌ای است، و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که روز جمعه را دریابد باید که بکاری بغیر از عبادت مشغول نگردد زیرا که در آنروز خدا گناه بندگان را می‌آمرزد و رحمت خود را بر ایشان نازل می‌گرداند و فضایل شب و روز جمعه زیاده از آن است که در این مختصر ذکر شود.

اعمال شب جمعه

پس آن بسیار است و ما در اینجا اکتفا می‌کنیم بذکر چند عمل، اوّل بسیار گفتن
سُبْحَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و بسیار صلوات فرستادن همانا روایت
شده که جمعه شبش نورانی است و روزش بسیار روشن پس بسیار بگوئید
سُبْحَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و بسیار صلوات بفرستید بر محمد و آل
محمد علیهم السلام و در روایت دیگر اقلّ صلوات در این شب صد مرتبه است
و آنچه زیاده کنی بهتر است،

و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که صلوات بر محمد و آل محمد در
شب جمعه برابر است با هزار حسنه و محو می‌کند هزار سیئه را و بالا می‌برد
هزار درجه و مستحبّ است که بسیار صلوات بفرستند بر محمد و آل محمد
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ بعد از نماز عصر روز پنجشنبه تا آخر روز جمعه.
و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون عصر روز
پنجشنبه می‌شود ملائکه از آسمان به زیر می‌آیند با قلمهای طلا و صحیفه‌های
نقره و نمی‌نویسند در پسین پنجشنبه و شب جمعه و روز جمعه تا آفتاب غروب
کند بغیر از صلوات بر محمد و آل محمد، و شیخ طوسی فرموده که مستحبّ
است در روز پنجشنبه صلوات فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله هزار مرتبه
و مستحبّ است آنکه بگویند در آن:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَ أَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنْ

خدایا درود فرست بر محمد و آلش و فرج ایشان را نزدیک گردان و دشمنانشانرا از

الْجَنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوْلَيْنِ وَالْآخِرِينَ

جن و انس از اولین و آخرین نابود کن

و گفتن این صلوات صد مرتبه از بعد عصر پنجشنبه تا

آخر روز جمعه فضیلت بسیار دارد و نیز شیخ فرموده مستحب است که در آخر

روز پنجشنبه استغفار کنند به این نحو:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَأَتُوبُ إِلَيْهِ تَوْبَةَ عَبْدٍ

*** * * * * * آمزش خواهی از خدائی که معبودی جز او نیست زنده و پاینده است و بسویش توبه کنم توبه بنده

خاضعٍ مَسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ، لَا يَسْتَطِيعُ لِنَفْسِهِ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا، وَلَا نَفْعًا وَلَا

فروتن بینوای درمانده که نتواند به نفع خویشتن کاری (کند) نه دفع شری و نه سود و

ضَرًّا، وَلَا حَيَوَةً وَلَا مَوْتًا وَلَا نُشُورًا، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَتْرَتِهِ

زیانی و نه زندگی و مرگی و نه رستاخیزی و درود خدا بر محمد و عترت

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَبْرَارِ، وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا

پاک و پاکیزه و برگزیدگان نیکش و سلام کاملش بر ایشان باد.

دویم آنکه در شب جمعه این سوره‌ها را بخواند که از برای هر یک فواید و

ثواب بسیار روایت شده بنی اسرائیل، کهف، سه طسین، الم سجده، یس، ص،

أَحْقَافَ، وَأَقِعةَ، حَمِ سَجْدِهِ، حَمِ دُخَانِ، طُورِ، إِقْتَرَبْتُ، جُمُعِهِ و اگر فرصت ندارد

اختیار کند واقعه و سوره‌های قبل آنرا زیرا که روایت شده از حضرت

صادق علیه السلام که هر که در هر شب جمعه سوره بنی اسرائیل بخواند نمیرد تا

بخدمت حضرت قائم علیه السلام برسد و از اصحاب آن حضرت باشد و فرمود

که هر که سوره کهف را در هر شب جمعه بخواند نمیرد مگر شهید و حق تعالی

او را در روز قیامت با شهداء محشور گرداند و با ایشان باز دارد.

و فرمود که هر که هر سه طسین را در شب جمعه بخواند از دوستان خدا باشد و در امان و حمایت حقّ تعالی باشد و فقر و تنگدستی در دنیا به او نرسد و در آخرت خدا از بهشت آنقدر به او عطا کند که او راضی گردد و زیاده از رضا به او کرامت فرماید و صد زن از حوریان بهشت به او تزویج نماید و فرمود که هر که سوره الم سجده در هر شب جمعه بخواند حقّ تعالی در قیامت نامه او را بدست راست او دهد و او را بر اعمال او حساب نکند و از رفقاء محمّد و آل او علیهم السلام باشد.

و بسند معتبر از حضرت باقر علیه السلام منقول است که هر که سوره ص را در شب جمعه بخواند از خیر دنیا و عقبی آنقدر به او عطا کنند که نداده باشند مگر به پیغمبر مرسل یا ملک مقربّی و داخل بهشت گردانند او را با هر که خواهد از اهل خانه او حتی خادمی که او را خدمت کرده است اگر چه داخل عیال او نباشد و در حدّ شفاعت کردن او نباشد.

و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در شب جمعه یا روز جمعه سوره احقاف را بخواند در دنیا به او ترسی و بیمی نرسد و در آخرت از فزع و ترس روز قیامت ایمن باشد، و فرمود که هر که هر شب جمعه سوره واقعه را بخواند خدا او را دوست دارد و او را محبوب گرداند و در دنیا بدحالی و تنگدستی نبیند و هیچ آفت از آفات دنیا به او نرسد و از رفقاء حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد و این سوره مخصوص امیرالمؤمنین است.

و روایت است که هر که بخواند سوره جمعه را در هر شب جمعه خواهد بود کفّاره مابین جمعه تا جمعه دیگر، و همین فضیلت وارد شده از برای کسی که سوره کهف را در هر شب جمعه بخواند و همچنین برای کسی که آنرا بعد از ظهر و عصر روز جمعه بخواند، و بدان که نمازهای بسیار در شب جمعه وارد شده از آنجمله نماز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر دو رکعت نماز در هر رکعت حمد و پانزده مرتبه *إِذَا زُلْزِلَتْ*، روایت شده که هر که این نماز را بجا آورد ایمن کند خدا او را از عذاب قبر و از هولهای روز قیامت.

سیم آنکه در رکعت اول نماز مغرب و عشاء سوره جمعه بخواند و در دویم مغرب توحید و در دویم عشاء اعلیٰ بخواند.

چهارم آنکه ترک کند خواندن شعر را زیرا که در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مکروه است روایت شعر برای روزه‌دار و مُحَرَّم و در حرم و در روز جمعه و شبها راوی گفت هر چند شعر حقی باشد فرمود هر چند شعر حق باشد،

و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که یک شعر بخواند در شب جمعه یا در روز جمعه در آنشب و در آتروز بهره‌ای از ثواب بغیر آن نداشته باشد، و به روایت معتبر دیگر در آن شب و آن روز نمازش مقبول نگردد.

پنجم دعاء در حق مؤمنین بسیار کند چنانکه حضرت زهراء علیها السلام مینموده و اگر از برای ده نفر از برادران مؤمن که مرده باشند طلب آمرزش کند روایت شده که بهشت برای او واجب گردد.

ششم آنکه بخواند دعاهای وارده در آنرا و آنها بسیار است و ما بذکر قلیلی از آنها اکتفای نمائیم بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در شب جمعه در سجده آخر نافله شام

هفت مرتبه این دعا را بخواند چون فارغ شود آمرزیده شده باشد و اگر در هر شب چنین کند بهتر است و دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ

***** خدایا از تو درخواست کنم به ذات بزرگوار و نام بزرگ

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ

که درود فرستی بر محمد و آلش و بیماری گناه بزرگم

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که هفت مرتبه این دعا را بخواند در شب جمعه یا روز جمعه اگر در آنشب یا آنروز بمیرد داخل بهشت شود و دعا این است:

اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَ أَنَا عَبْدُكَ

خدایا تویی پروردگار من معبودی جز تو نیست مرا آفریدی و من بنده تو

وَ ابْنُ أُمَّتِكَ، وَ فِي قَبْضَتِكَ وَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، أَمْسَيْتُ عَلَى

و فرزند کنیز توام و در قبضه قدرت توام و اراده و اختیارم بدست تو

عَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ،

است تا آنجا که توانستم بر عهد و پیمان تو روز را به شب آورم پناه می برم به خوشنودی تو از شر آنچه کرده ام

أَبُوهُ بِنِعْمَتِكَ وَأَبُوهُ بِذَنْبِي، فَاعْفُرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.

هم به نعمت تو اعتراف دارم و هم به گناه خود پس گناهم را ببامرز که براستی نیامرزد گناهان را جز تو
و شیخ طوسی و سید و کفعمی و سید بن باقی گفته اند که مستحب است در شب
جمعه و روز آن و شب عرفه و روز آن این دعا بخوانند و ما دعا را از
مصباح شیخ نقل می کنیم و دعا این است:

اللَّهُمَّ مَنْ تَعَبًا وَ تَهَيُّاً وَ أَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ، لِيُوفَاةَ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ، وَ

خدایا هرکس مجهز و آماده و مهیا و مستعد برای ورود بر مخلوقی شده به امید دهش و

طَلَبَ نَائِلِهِ وَ جَائِزَتِهِ، فَالَيْكَ يَا رَبِّ تَعْبِيَّتِي وَ اسْتِعْدَادِي، رَجَاءَ عَفْوِكَ وَ طَلَبَ

به جستجوی جایزه و بخشش او پس ای پروردگار من آمادگی و استعداد من بسوی تو است و آرزوی عفو تو و
خواهش بخشش و

نَائِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبْ دُعَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ، وَلَا يَنْقُصُهُ

جایزه ات را دارم پس در این خواهشی که دارم نومیدم مکن ای کسی که هیچ خواهنده ای ناامید از درگاهش نرود و

نَائِلٌ، فَإِنِّي لَمْ آتِكَ ثِقَةً بِعَمَلٍ صَالِحٍ عَمِلْتُهُ، وَ لَا لِيُوفَاةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ،

هیچ گیرنده عطایی از (کرمش) نگاهد و من به اعتماد عمل صالحی که کرده باشم بدرگاهت نیامده و نه به مخلوقی وارد
شده ام که از

أَتَيْتِكَ مُقِرّاً عَلَى نَفْسِي بِالْإِسَاءَةِ وَ الظُّلْمِ، مُعْتَرِفاً بِأَنْ لَأَحْجَةَ لِي وَ لَا عُذْرَ،

او امیدی داشته باشم بلکه بدرگاه تو آمده ام در حالیکه اقرار دارم که بخود بدی و ستم کرده و معترفم که هیچ دلیل و
عذری هم بر

أَتَيْتِكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ، فَلَمْ يَمْنَعَكَ طَوْلُ

این بدی و ستم نداشته ام، آمده ام به امید آن عفو عظیم تو که بدان از خطاکاران درگذری و توقف طولانی آنها بر جرم بزرگ بازت
نداشت

عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ، فَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ،

از اینکه باز بدانها مهر ورزی ای کسی که رحمتش وسیع و گذشتش بزرگ است

وَعَفْوُهُ عَظِيمٌ، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ، لَا يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ، وَلَا

ای خدای بزرگ ای خدای بزرگ ای خدای بزرگ خشم تو را جز بردباریت جلوگیری نکند

يُنْجِي مِنْ سَخَطِكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ، فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي فَرَجًا بِالْقُدْرَةِ الَّتِي

و از غضب تو جز زاری به درگاهت چیزی نجات نبخشد پس ای معبود من بدان قدرتی

تُحْيِي بِهَا مَيِّتَ الْبِلَادِ، وَلَا تُهْلِكُنِي عَمَّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي، وَتُعْرِفَنِي

که سرزمینهای مرده را بدان وسیله زنده می‌گردانی گشایشی بر من بخش و مرا به حال اندوه هلاکم مکن تا دعایم را

مستجاب کنی

الْإِجَابَةَ فِي دُعَائِي، وَادْفِنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُتَهَيِّ أَجَلِي، وَلَا تُشْمِتْ بِي

و اجابت دعایم را به من بنمایانی و طعم تندرستی را تا پایان عمر به من بچشان و گرفتار شمامت

عَدُوِّي وَلَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ، وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ عُنُقِي، اللَّهُمَّ إِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ

دشمنم مکن و او را بر من مسلط مگردان و بر گردنم سوارش منما خدایا اگر تو مرا پست کنی پس کیست

ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي، وَإِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي، وَإِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ

که (بتواند) بلندم کند و اگر تو بلندم کنی پس کیست که (بتواند) پستم کند و اگر هلاکم کنی

ذَا الَّذِي يَعْزِضُ، لَكَ فِي عَبْدِكَ، أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِهِ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي

پس کیست که درباره این بنده‌ات متعرض تو شود یا از وضع او از تو پرسش کند ولی بطور مسلم این را دانسته‌ام که در

حکم تو

حُكْمِكَ ظُلْمٌ، وَلَا فِي نَقِمَتِكَ عَجَلَةٌ، وَإِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ، وَإِنَّمَا

ستمی نیست و نه در انتقام تو شتابی است زیرا کسی شتاب (در انتقام) کند که بترسد (فرصت) از دست برود

يَحْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ، وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا اللَّهُمَّ

و شخص ناتوان نیازمند به ستم می‌باشد و در صورتی که ای معبود من تو از اینگونه مطالب بسیار برتر و بزرگتری خدایا

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ فَأَعِزَّنِي، وَاسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي، وَاسْتَرْزُقُكَ فَأَرْزُقْنِي،

به تو پناه آرم پس یاریم ده و از تو امان خواهم پس امانم ده و از تو روزی طلبم پس روزیم ده

وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ فَأَكْفِنِي، وَاسْتَنْصِرُكَ عَلَى عَدُوِّي فَأَنْصُرْنِي، وَاسْتَعِينُ بِكَ

و بر تو توکل کنم پس کفایتم فرما و برای پیروزی بر دشمنم از تو یاری خواهم پس یاریم ده

فَاعْنِي، وَأَسْتَغْفِرُكَ يَا إِلَهِي فَاغْفِرْ لِي آمِينَ آمِينَ آمِينَ

و از تو کمک خواهم پس کمک ده و از تو آموزش طلبم ای معبود من پس بیامرزم آمین

هفتم آنکه بخواند دعای کمیل را که در فصل بعد مذکور خواهد شد انشاء الله

تعالی .

هشتم آنکه بخواند دعای اَللّهُمَّ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى که در شب عرفه نیز خوانده

می شود و بیاید انشاء الله تعالی .

نهم آنکه ده مرتبه بگوید:

يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ، يَا

ای کسی که فضل و بخشش بر خلق دائمی است و ای آنکه دو دست احسانت به عطابخشی باز است ای

صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ السَّنِيَّةِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَيْرِ الْوَرَى سَجِيَّةً،

دارنده بخششهای ارجمند درود فرست بر محمد و آلش که بهترین مردمند در سرشت و نهاد،

وَ اغْفِرْ لَنَا يَا ذَا الْعُلَى فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ.

و بیامرز ما را ای خدای بلند مرتبه در این شب

و این ذکر شریف در شب عید فطر نیز خوانده می شود.

دهم انار تناول کند چنانکه حضرت صادق علیه السلام در هر شب جمعه میل

می فرمود و اگر در وقت خوابیدن بخورد شاید بهتر باشد چه آنکه روایت شده

که هر که در وقت خوابیدن انار بخورد ایمن خواهد بود در نفس خود تا صبح

کند و سزاوار است که هرگاه انار بخورد دستمالی در زیر آن پهن کند که

دانه اش را ضبط کند و بعد از آن بخورد و در انار خود دیگری را شریک نکند

شیخ جعفر بن احمد قمی (ره) در کتاب عروس از حضرت صادق علیه السلام

روایت کرده است که هر که ما بین دو رکعت نافله صبح و فریضه صبح صد مرتبه بگوید سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ، اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَاتُوبُ إِلَيْهِ حَقَّ تَعَالَى در بهشت مسکنی برای او بنا کند و شیخ و سیّد و دیگران این دعا را ذکر کرده‌اند و گفته‌اند که مستحب است که در سحر شب جمعه این دعا را بخوانند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي الْعِدَاةَ رِضَاكَ، وَاسْكِنْ قَلْبِي

خدایا درود فرست بر محمد و آلش و خوشنودی خود را در این بامداد به من ببخش و

خوفک، و اقطعهُ عَمَّنْ سِوَاكَ، حَتَّى لَا أَرْجُوَ وَ لَا أَخَافُ إِلَّا إِيَّاكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ

خوف خود را در دلم جای ده و از غیر خود (امیدم را) قطع کن تا بدانجا که امید نداشته باشم و نترسم جز از تو خدایا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي ثَبَاتَ الْيَقِينِ، وَ مَحْضَ الْإِخْلَاصِ، وَ شَرَفَ

درود فرست بر محمد و آلش و (اینها را که می‌گویم) به من ببخش: یقین ثابت و اخلاص پاک و شرف یگانه‌پرستی و

التَّوْحِيدِ، وَ دَوَامَ الْإِسْتِقَامَةِ، وَ مَعْدِنَ الصَّبْرِ، وَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَ الْقَدْرِ،

استقامتی پایدار و کان شکیبایی و خوشنود بودن به قضاء و قدر ای روا کننده

يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ السَّائِلِينَ، يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي ضَمِيرِ الصَّامِتِينَ، صَلِّ عَلَى

حاجت‌های سالان و ای دانای نهاد خاموشان درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اسْتَجِبْ دُعَائِي وَاعْفِرْ ذَنْبِي، وَ أَوْسِعْ رِزْقِي، وَ اقْضِ

محمد و آلش و دعای مرا مستجاب گردان و گناهم را ببامرز و روزیم را فراخ کن و

حَوَائِجِي فِي نَفْسِي، وَ إِخْوَانِي فِي دِينِي وَ أَهْلِي، إِلَهِي طُمُوحُ

حاجت‌هایم را درباره خودم و برادران دینیم و خانواده‌ام برآور خدایا آرمانهای بلند

الْأَمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَيْكَ، وَ مَعَاكِفُ الْهَمِّ قَدْ تَعَطَّلَتْ إِلَّا عَلَيْكَ، وَ مَذَاهِبُ

نومید شد مگر نزد تو و جایگاه همتها معطل ماند جز همتی که بر تو (متوجه) باشد و راه خرد‌ها

الْعُقُولِ قَدْ سَمَتْ إِلَّا إِلَيْكَ، فَانْتَ أَلْرَجَاءُ وَ إِلَيْكَ الْمُلْتَجَأُ، يَا أَكْرَمَ مَقْصُودٍ،

به بن‌بست رسید جز راهی که بسوی تو است پس تویی امید و پناهگاه درگاه تو است ای بزرگوارترین کسی که بسویش

وَ أَجْوَدَ مَسْئُولٍ هَرَبْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي، يَا مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ بِأَثْقَالِ الذُّنُوبِ،

رو کنند و بخشنده ترین کسی که از او بخواهند بسوی تو گریختم ای پناه گریختگان با بارهای سنگین گناهانی

أَحْمَلُهَا عَلَيَّ ظَهْرِي، لَا أَجِدُ لِي إِلَيْكَ شَافِعًا سِوَى مَعْرِفَتِي، بِأَنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ

که بر دوش کشم و هیچ شفيعی بدرگاه تو نیابم جز اینکه می دانم تو نزدیکترین کسی هستی

رَجَاهُ الطَّالِبُونَ، وَ أَمَلٌ مَالِدِيهِ الرَّاعِبُونَ، يَا مَنْ فَتَقَ الْعُقُولَ بِمَعْرِفَتِهِ، وَ أَطْلَقَ

که جویندگان امید به او دارند و آرزومندان آنچه را نزد او است آرزو کنند ای کسی که عقلا را بوسیله معرفت خویش

گشودی و

الْأَلْسُنَ بِحَمْدِهِ، وَ جَعَلَ مَا أَمْتَنَ بِهِ عَلَيَّ عِبَادَهُ فِي كِفَاءٍ لِتَأْدِيَةِ حَقِّهِ، صَلِّ عَلَيَّ

زبانها را به ستایش خود باز کردی و قرار دادی آنچه را بر بندگان خود احسان و انعام فرمودی در برابر ادای حق خود

درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ عَلَيَّ عَقْلِي سَبِيلًا، وَ لَا لِلْبَاطِلِ عَلَيَّ عَمَلِي دَلِيلًا

محمد و آتش و برای شیطان بر خرد من راهی قرار مده و باطل را راهنمای کردارم مساز

و چون صبح روز جمعه طالع شود این دعا بخواند:

أَصْبَحْتُ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ وَ ذِمَّةِ مَلَائِكَتِهِ، وَ ذِمَّةِ

صبح کردم در پناه خدا و پناه فرشتگانش و پناه

أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ ذِمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ ذِمَّةِ الْأَوْصِيَاءِ

پیامبران و فرستادگانش علیهم السلام و پناه محمد صلی الله علیه و آله و پناه اوصیاء

مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، آمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ عَلَانِيَتِهِمْ

از خاندان محمد علیهم السلام و ایمان آرم به سر نهان آل محمد علیهم السلام و آشکارشان

وَ ظَاهِرِهِمْ وَ بَاطِنِهِمْ، وَ أَشْهَدُ أَنَّهُمْ فِي عِلْمِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ، كَمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

و ظاهر و باطن ایشان و گواهی دهم که ایشان در علم خدا و طاعت او مانند محمد صلی الله علیه و آله هستند

و روایت شده که هر که در روز جمعه پیش از نماز صبح سه مرتبه بگوید:
اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ گناهانش آمرزیده شود
اگر چه بیشتر از کف دریا باشد.

و اما اعمال روز جمعه

پس آن بسیار است و در اینجا اکتفا می شود بچند عمل اول آنکه در نماز صبح
آن در رکعت اول سوره جمعه بخواند و در رکعت دوم توحید دوم آنکه بعد از
نماز صبح پیش از آنکه سخن بگوید این دعا بخواند تا کفاره گناهان او باشد از

جمعه تا جمعه دیگر:

اَللّٰهُمَّ مَا قُلْتُ فِيْ جُمُعَتِيْ هَذِهِ مِنْ قَوْلٍ، اَوْ حَلَفْتُ فِيْهَا مِنْ حَلْفٍ، اَوْ نَذَرْتُ فِيْهَا

در این روز جمعه ام گویم یا سوگندی که در آن خوردم یا نذری که در آن کردم پس در تمام آنها خدایا هر گفتاری که

مِنْ نَذْرٍ، فَمَشِيَّتِكَ بَيْنَ يَدَيَّ ذَلِكَ كَلَّمَهُ، فَمَا شِئْتَ مِنْهُ اَنْ يَكُونَ كَانًا، وَ مَا

مشیت و اراده تو پیش از همه آنها است آنچه از آن بخواهی می شود و آنچه

لَمْ تَشَأْ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَ تَجَاوَزْ عَنِّي، اَللّٰهُمَّ مَنْ

نخواهی نمی شود خدایا مرا بیامرز و از من بگذر خدایا هر که را تو رحمت بر او فرستادی پس رحمت من هم بر او باد

صَلَّيْتَ عَلَيْهِ، فَصَلِّوْا عَلَيْهِ وَ مَنْ لَعَنْتَ فَلَعْنَتِيْ عَلَيْهِ

و هر که را تو از رحمت دور کردی پس لعنت من هم بر او باد

وَ اَقْلًا در هر ماهی یک مرتبه این عمل را بجا آورد

* و روایت است که هر که بعد از نماز صبح در روز جمعه بنشیند و مشغول

تعقیب باشد تا آفتاب طالع گردد در فردوس اعلی هفتاد درجه برای او بلند

گردانند و شیخ طوسی روایت کرده است که سُنَّت است که این دعا را در

تعقیب نماز صبح روز جمعه بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَمَّدْتُكَ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي، وَأَنْزَلْتُ إِلَيْكَ الْيَوْمَ فَقْرِي وَ

خدایا من بخواسته خود تو را قصد کردم و امروز بار فقر و نیازمندی و

فاقتی و مَسْكَنتی، فَاِنَّا لِمَغْفِرَتِكَ أَرْجِي مِنِّي لِعَمَلِي وَ لِمَغْفِرَتِكَ وَ

بیچارگی‌ام را بدرگاه تو فرود آوردم و من به آمرزش تو امیدوارتر از کردار خود هستم و مسلماً آمرزش و

رَحْمَتِكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي فَتَوَلَّ قِضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا،

رحمت تو وسیع‌تر از گناهان من است پس به عهده‌گیر برآوردن هر حاجتی که دارم بدان‌جهت که قدرت بر آن داری

وَ تَيْسِيرِ ذَلِكَ عَلَيْكَ، وَ لِفَقْرِي إِلَيْكَ، فَإِنِّي لَمْ أَصِبْ خَيْرًا قَطُّ إِلَّا مِنْكَ،

و بر تو آسان است و برای آنکه من هم نیازمند به تو هستم زیرا هرگز به خیر نرسیده‌ام جز از جانب تو

وَ لَمْ يَصْرِفْ عَنِّي سُوءٌ قَطُّ أَحَدٌ سِوَاكَ، وَ لَسْتُ أَرْجُو لِأَخْرَتِي وَ

و هیچ‌کس از من هرگز بدی را دفع نکرده جز تو و من برای آخرت و

دُنْيَايَ، وَ لَا لِيَوْمِ فَقْرِي، يَوْمَ يُفْرِدُنِي النَّاسُ فِي حُفْرَتِي، وَ أَفْضَى

دنیا و روز نیازم روزی که مرا در قیرم تنها گذارند و گناهم را

إِلَيْكَ بِذَنْبِي سِوَاكَ *

بسویت آرم جز به تو به کسی امید ندارم

سیم روایت است که هر که بعد از نماز ظهر و نماز صبح در روز جمعه و غیر جمعه

بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

*** ** خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و فرج ایشان را نزدیک گردان

نمیرد تا حضرت قائم علیه السلام را دریابد و اگر صد مرتبه این صلوات را بخواند حقّ تعالی شصت حاجت او را برآورد سی از حاجات دنیا و سی از حاجات آخرت.

چهارم بعد از نماز صبح سوره الرّحمن بخواند و بعد از فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ بگوید لَا بَشِيءٍ مِّنَ الْآتِكِ رَبُّ أَكْذَبُ.

پنجم شیخ طوسی رحمه الله فرموده که سنّت است بعد از نماز صبح روز جمعه صد مرتبه توحید و صد مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرستد و صد مرتبه استغفار کند و هر یک از این سوره‌ها را بخواند: نساء، هود، کهف، صافات، الرّحمن.

ششم سوره احقاف و مؤمنین بخواند از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که در هر شب جمعه یا هر روز جمعه سوره احقاف بخواند ترسی در دنیا به او نرسد و از فزع اکبر قیامت ایمن گردد و نیز فرموده هر که سوره مؤمنین را در هر جمعه مداومت نماید خداوند تعالی ختم فرماید اعمال او را بسعادت و منزل او در فردوس اعلی با پیغمبران و مرسلین باشد.

هفتم سوره قلّ یا ایّها الکافرون را بخواند پیش از طلوع آفتاب ده مرتبه و دعا کند تا دعایش مستجاب شود و روایت شده که حضرت امام زین العابدین علیه السلام چون صبح روز جمعه می‌شد آیه الکرسی می‌خواند تا ظهر و چون از نمازها فارغ می‌شد شروع می‌کرد بخواندن سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ و بدانکه از برای خواندن آیه الکرسی علی التّنزیل در روز جمعه فضیلت بسیار روایت شده.

هشتم غسل جمعه کند و آن از سنتهای مؤکده است و روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی در هر جمعه غسل کن اگر چه باید که قوت روز خود را بفروشی و آب بخری و غسل کنی و گرسنه بمانی زیرا که هیچ سنتی بزرگتر از این نیست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در روز جمعه غسل کند و این

دعا را بخواند:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریکی ندارد و گواهی دهم که محمد بنده و رسول

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ

او است درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از توبه کنندگان و پاکیزه شدگانم قرارده

برای او طهارتی باشد تا جمعه آینده یعنی از گناهان پاک شود یا اعمال او با طهارت معنوی و مقبول واقع شود و احوط آن است که تا ممکن شود غسل جمعه را ترک نکنند و وقت آن بعد از طلوع فجر است تا زوال آفتاب و هر چه بزوال نزدیک شود بهتر است.

نهم سر را بخرمی بشوید که امان می بخشد از پیسی و دیوانگی.

دهم ناخن و شارب بگیرد که فضیلت زیاد دارد و روزی را زیاد می کند و از گناه پاک می کند تا جمعه دیگر و امان می بخشد از دیوانگی و خوره و پیسی و

در آن حین بخواند بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و در گرفتن ناخن ابتدا کند به انگشت کوچک دست چپ و ختم کند به انگشت کوچک دست راست و همچنین کند در گرفتن ناخنهای پای خود نیز پس ریزهای ناخن را دفن کند.

یازدهم بوی خوش بکار برد و جامه‌های پاکیزه خود را بپوشد.

دوازدهم تصدق کند که موافق روایتی صدقه در شب جمعه و روز آن هزار برابر اوقات دیگر است.

سیزدهم آنکه برای اهل و عیال چیز نیکوی تازه از میوه و گوشت بخرد تا شاد شوند به آمدن جمعه.

چهاردهم هنگامی که ناشتا است انار بخورد و هفت برگ کاسنی پیش از زوال بخورد و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مرویست که هر که یک انار در روز جمعه ناشتا بخورد تا چهل روز دلش را نورانی گرداند و اگر دو انار بخورد تا هشتاد روز و اگر سه انار بخورد تا صد و بیست روز و وسوسه شیطان را از او دور گرداند و هر که وسوسه شیطان از او دور گردد معصیت خدا نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت شود.

و شیخ در مصباح فرموده فضیلت بسیار روایت شده در خوردن انار در روز جمعه و در شب آن.

پانزدهم خود را از کارهای دنیا فارغ سازد و مشغول به آموختن مسائل دین خود شود نه آنکه روز جمعه را صرف کند به سیر و گشت و تفریح در باغها و مزارع مردم و مصاحبت با اراذل و بیعاران و مسخره‌گی و عیب‌گوئی مردمان و

خنده‌های قهقهه و خواندن اشعار و خوُض در باطل و امثال اینها که مفاسدش
 زیاده از آنستکه ذکر شود، و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که أَفَّ
 باد بر مسلمانی که در هفته روز جمعه را صرف آموختن مسائل دین خود
 نگرداند و برای این امر خود را از کارهای دیگر فارغ نسازد،
 و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هرگاه ببینید که در
 روز جمعه مرد پیری تواریخ جاهلیت و کفر را برای مردم نقل می‌کند سنگ‌ریزه
 بر سرش بزنید. شانزدهم هزار مرتبه صلوات بفرستد و از حضرت امام محمد
 باقر علیه السلام مرویست که هیچ عبادتی در روز جمعه نزد من محبوبتر نیست
 از صلوات بر محمد و آل مُطَهَّرٍ او صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.
 مؤلف گوید که اگر فرصت نکرد اَقْلًا صد مرتبه صلوات را ترک نکند تا در
 قیامت روی او نورانی شود و روایت شده که هر که در روز جمعه صد مرتبه
 صلوات فرستد و صد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بگوید و صد مرتبه
 توحید بخواند البته آموزیده شود و نیز روایت است که صلوات بر محمد و آل
 محمد در مابین ظهر و عصر برابر است با هفتاد حج.
 هفدهم زیارت حضرت رسول و ائمه طاهرين سلام الله عليهم اجمعين نماید و
 بیاید کیفیت آن در باب زیارات هیجدهم زیارت اموات و زیارت قبر پدر و
 مادر یا یکی از ایشان برود که فضیلت دارد و از حضرت باقر علیه السلام
 روایت شده که زیارت کنید مردگان را در روز جمعه که می‌دانند کیست که
 زیارت ایشان رفته است و شاد می‌شوند.

نوزدهم دعای ندبه را که از اعمال اعیاد اربعه است بخواند و بیاید بعد از این در محلّ خودش انشاءالله تعالی.

بیستم بدانکه از برای روز جمعه بغیر از نافله آن که بیست رکعت است و کیفیت آن بنا بر مشهور آن است که شش رکعت آن در وقتی که آفتاب پهن شود بجا آورده شود و شش رکعت دیگر وقت چاشت و شش رکعت دیگر نزدیک زوال و دو رکعت بعد از زوال پیش از فریضه و یا آنکه شش رکعت اوّل را بعد از نماز جمعه یا ظهر بجا آورد بنحوی که در کتب فقهاء و مصابیح ذکر شده نمازهای دیگر نیز نقل شده و آنها بسیار است و ذکر بعضی از آنها در اینجا مناسب است اگر چه اکثر آنها اختصاصی بجمعه ندارد لکن در روز جمعه بجا آوردن آنها افضل است.

از جمله آنها است نماز کامله که شیخ و سیّد و شهید و علّامه و دیگران بسندهای معتبر بسیار از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده‌اند از آباء گرام آن حضرت که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در روز جمعه پیش از زوال چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت سوره حمد را ده مرتبه و هر یک از «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و «آیة الکرسی» را ده مرتبه و به روایت دیگر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» و آیه «شَهِدَ اللَّهُ» را نیز هر یک ده مرتبه بخواند و چون از چهار رکعت نماز فارغ شود صد مرتبه استغفار کند و صد مرتبه بگوید «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» پس صد مرتبه صلوات بفرستد پس هر که این عمل را بجا آورد حق تعالی دفع کند از او شرّ اهل آسمان و شرّ اهل زمین و شرّ شیطان و شرّ پادشاهان جائز را تا آخر خبر که تمامش در ذکر فضیلت این نماز است نماز دیگر حارث همدانی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که اگر توانی در روز جمعه ده رکعت نماز بکن و رکوع و سجودش را تمام بجا آور و بعد از هر دو رکعت صد مرتبه بگو سُبْحَانَ

اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ که فضیلت بسیار دارد نماز دیگر بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره ابراهیم و سوره حجر را در دو رکعت در روز جمعه بخواند هرگز پریشانی و دیوانگی و بلائی به او نرسد. و از جمله آنهاست:

نماز حضرت رسول صلی الله علیه وآله

سید بن طاوس (ره) بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از آن حضرت سؤال کردند از نماز حضرت جعفر طیار (ره) حضرت فرمود که چرا غافل از نماز حضرت رسول صلی الله علیه وآله شاید حضرت رسول صلی الله علیه وآله نماز جعفر را نکرده باشد و شاید جعفر نماز آن حضرت را کرده باشد راوی عرض کرد پس تعلیم کن آن نماز را بمن حضرت فرمود که دو رکعت نماز می کنی در هر رکعت یکمرتبه فاتحه و پانزده مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ می خوانی پس در رکوع و بعد از سر برداشتن و در سجده اوّل

و بعد از سر برداشتن و در سجده دویم و بعد از سر برداشتن در هر یک پانزده مرتبه سوره قدر را می خوانی پس تشهد می خوانی و سلام می گوئی و چون فارغ شوی میان تو و خدا گناهی نمی ماند مگر آنکه آمرزیده شده است و هر حاجت که بطلبی رواست و بعد از آن این دعا را می خوانی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، إِلَهًا وَاحِدًا وَ نَحْنُ لَهُ

معبودی نیست جز خدا پروردگار ما و پروردگار پدران پیشین ما معبودی نیست جز خدا معبود یگانه و ما تسلیم اوئیم

معبودی

مُسْلِمُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ،

نیست جز خدا و نپرستیم جز او را و دینمان خالص برای او است اگرچه ناخوش دارند مشرکان

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ أَعَزَّ

معبودی نیست جز خدای یگانه یکتای یکتا که به وعده اش وفا کرد و بنده اش را یاری نمود و سپاه خویش را

جُنْدَهُ، وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

عزیز گردانید و احزاب (دشمن) را به تنهایی منهزم ساخت پس سلطنت خاص او است و ستایش از آن او است و او است بر هر کاری

توانا

اللَّهُمَّ أَنْتَ نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَنْ فِيهِنَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَ أَنْتَ قَيَّامٌ

خدایا تویی روشنی بخش آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست پس ستایش خاص تو است و تویی برپا دارنده

السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَنْ فِيهِنَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنْتَ الْحَقُّ، وَ وَعْدُكَ الْحَقُّ،

آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست پس (باز هم) ستایش خاص تو است و تو خود حقی و وعده ات حق است

وَ قَوْلُكَ حَقٌّ، وَ أَنْجَازُكَ حَقٌّ، وَ الْجَنَّةُ حَقٌّ، وَ النَّارُ حَقٌّ، اللَّهُمَّ لَكَ أَسَلَمْتُ، وَ بَكَ

و گفتارت حق است و وفای تو حق است و بهشت حق است و دوزخ حق است خدایا در برابرت تسلیمم و به تو

أَمَنْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ بَكَ خَاصَمْتُ، وَ إِلَيْكَ حَاكَمْتُ يَارَبُّ يَارَبُّ يَارَبُّ،

ایمان دارم و بر تو توکل کنم و به امید تو با خصم روبرو شوم و به سوی تو قضاوت را آورم پروردگارا پروردگارا

پروردگارا

إِغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَآخَّرْتُ، وَأَسْرَرْتُ وَأَعْلَنْتُ، أَنْتَ إِلَهِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، صَلِّ

بیمارز برایم گناہانی که از پیش کردم و از این پس کنم و آنچه آشکار کردم و آنچه در پنهان کردم معبود احدایی جز توییست درود

فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

بر محمد و آلش و بیمارز مرا و به من رحم کن و توبه‌ام بپذیر که براستی تویی توبه پذیر مهربان

علامه مجلسی رحمه الله گفته که این نماز از نمازهای مشهوره است و عامه و

خاصه در کتب خود روایت کرده‌اند و بعضی اینرا از نمازهای روز جمعه

شمرده‌اند و از روایت اختصاصی معلوم نمی‌شود و ظاهراً در سایر ایام هم توان

کرد.

نماز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

شیخ و سید از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود هر که از شماها چهار رکعت نماز امیرالمؤمنین علیه السلام را بجا آورد از گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده باشد و حاجتهای او برآورده شود، بخواند در هر رکعت حمدیک مرتبه و پنجاه مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و چون فارغ شود این

دعا را بخواند که تسبیح آن حضرت است:

سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا أَضْمِحِلَالَ

منزه است آنکه خزائنش کم نگردد نشانه‌هایش نابود نشود منزه است آنکه هیچکس را در کارش مشارکت ندهد منزه است آنکه

فخرش

لِفَخْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْقُذُ مَا عِنْدَهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ سُبْحَانَ

زوال نپذیرد منزه است آنکه دارائیش تمام نشود منزه است آنکه دورانش سپری نشود منزه است

مَنْ لَا يُشَارِكُ أَحَدًا فِي أَمْرِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ

آنکه کسی را در ریاست و حکومت کارش شرکت ندهد منزه است آنکه معبودی جز او نیست

پس دعا کند بعد از این و بگوید:

يَا مَنْ عَفَا عَنِ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يُجَازِ بِهَا، اِرْحَمْ عَبْدَكَ يَا اَللَّهُ، نَفْسِي نَفْسِي، اَنَا

ای آنکه درگذری از بدیها (گناهان) و بدانها کفر نکنی به بندهات رحم کن ای خدا نفس مرا نفس مرا

عَبْدَكَ يَا سَيِّدَاهُ، اَنَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ يَا رَبَّاهُ، اَلِهِىَ بِكَيْنُونَتِكَ

(ترجم کن) من بنده توام ای آقای من، من بنده توام که در برابر هستم ای پروردگار من ای معبود من به هستی

خودت

يَا اَمْلَاهُ، يَا رَحْمَانَاهُ يَا غِيَاثَاهُ، عَبْدُكَ عَبْدُكَ لَاحِيَلَةَ لَهُ، يَا مُنْتَهَى رَعْبَتَاهُ، يَا مُجْرَى

سوگند ای آرزوی من ای بخشاینده ای فریادرس بندهات بندهات چاره‌ای برایش نیست ای منتهای آرم‌نام ای روان کننده

خون

الدِّمِّ فِي عُرْوَقِي، يَا سَيِّدَاهُ يَا مَالِكَاهُ، يَا هُوَ يَا هُوَ، يَا رَبَّاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ

در رگهایم ای آقای من ای مالک من ای او، ای آنکه هستی فقط اوست و باقی همه هیچند و وجودشان ممکن است)

لَاحِيَلَةَ لِي وَ لَا غِنَى بِي عَنْ نَفْسِي، وَ لَا اسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا، وَ لَا اَجِدُ

ای پروردگار من بندهات بندهات چاره‌ای برایم نیست و از خود چیزی ندارم و توانایی بر زیان و نفع خود ندارم و کسی

را نمی‌یابم

مَنْ اُصَانِعُهُ، تَقَطَّعَتْ اَسْبَابُ الْخَدَايِعِ عَنِّي، وَ اَضْمَحَلَّ كُلُّ مَطْنُونٍ عَنِّي،

که با او بسازم تمام وسائل چاره از من قطع شده و هر کجا گمان داشتم از بین رفت روزگار مرا تنها به درگاهت روانه‌ام

اَفْرَدَنِي الدَّهْرُ الْيَكَّ، فَقَمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ هَذَا الْمَقَامَ يَا اَلِهِىَ، بِعِلْمِكَ كَانَتْ هَذَا

کرده پس پیش رویت در اینجا ایستادم معبودا تمام اینها با علم تو بوده پس تو

كُلَّهُ، فَكَيْفَ اَنْتَ صَانِعُ بِي، وَ لَيْتَ شِعْرِي كَيْفَ تَقُولُ لِدُعَائِي، اَتَقُولُ نَعْمَ اَمْ

چگونه با من رفتار خواهی کرد و ای کاش می‌دانستم که پاسخ دعایم را چگونه خواهی گفت آیا می‌گویی «آری» یا

تَقُولُ لَا، فَاِنْ قُلْتَ لَا فَيَا وَ يَلِي وَ يَلِي يَا عَوْلِي يَا عَوْلِي يَا عَوْلِي،

می‌گویی «نه» پس اگر گفتی «نه» وای بر من پس وای بر من، وای بر من ای بیچارگی من ای بیچارگی من،

يَا شِفَوْتِي يَا شِفَوْتِي يَا شِفَوْتِي، يَا ذُلِّي يَا ذُلِّي يَا ذُلِّي، اِلَى مَنْ وَ مِمَّنْ اَوْ عِنْدَ

ای بدبختیم ای بدبختیم ای بدبختیم، ای خواریم، ای خواریم، ای خواریم به چه کس! و از چه کسی یا پیش چه کس

مَنْ اَوْ كَيْفَ اَوْ مَاذَا اَوْ اِلَى اَيِّ شَيْءٍ اَلْجَاؤُ وَ مَنْ اَرْجُو، وَ مَنْ يَجُودُ عَلَيَّ

یا چطور یا چگونه یا به چه چیز پناه ببرم و به که امید داشته باشم و کیست که

بِفَضْلِهِ حِينَ تَرْفُضُنِي يَا وَاوَسِعَ الْمَغْفِرَةَ، وَاِنْ قُلْتَ نَعَمْ كَمَا هُوَ الظَّنُّ بِكَ وَ

به فضل خود بر من بخشش کند آن زمان که تو برانمی‌آی آنکه آمرزشش پهناور است، اما اگر بگویی «آری» چنانچه

گمان به تو

الرَّجَاءُ لَكَ، فَطُوبَى لِي اَنَا السَّعِيدُ وَاَنَا الْمُسْعُوْدُ، فَطُوبَى لِي، وَاَنَا

همین است و همین امید را به تو دارم پس خوشا بر حالم، در آن حال من سعادتمند و خوشبختم و خوشا بحالم که

الْمَرْحُومُ، يَامُتْرَحِّمٌ، يَامُتْرَفُّ يَامُتْعَطُّ يَامُتَجَبَّرُ، يَامُتَمَلِّكُ يَا مُقْسِطُ، لَا

مشمول رحمت واقع شده‌ام ای رحم کننده بسیار رؤف و با عطف ای دارنده بزرگی ای دهنده فرمانروایی ای خدای

دادگر

عَمَلٍ لِي اَبْلُغُ بِهِ نَجَاحَ حَاجَتِي، اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ فِي مَكْنُونٍ

عملی ندارم که بوسیله آن به خواسته‌ام ظفر جویم از تو می‌خواهم به حق آن نامت که آنرا در پرده

غَيْبِكَ، وَاَسْتَقِرَّ عِنْدَكَ، فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ اِلَى شَيْءٍ سِوَاكَ، اَسْئَلُكَ بِهِ وَبِكَ وَبِهِ،

غیب خود پنهان کرده‌ای و نزد خودت قرار گرفته بطوریکه برای هیچ موجود دیگری غیر از تو ظاهر نشود بدان نام از تو

می‌خواهم

فَاِنَّهُ اَجَلٌ وَاَشْرَفُ اَسْمَائِكَ، لَا شَيْءَ لِي غَيْرُ هَذَا، وَلَا اَحَدٌ اَعُوذُ عَلَيَّ

و بذات خودت که آن برتر و شریفترین نامهای تو است و چیزی غیر از این ندارم و کسی سود رسانتر

مِنْكَ، يَا كَيْنُونُ يَا مُكُونُ، يَا مَنْ عَرَفَنِي نَفْسَهُ، يَا مَنْ اَمَرَنِي بِطَاعَتِهِ يَا مَنْ

از تو به من نیست ای هست به خود و ای هستی ده ای که خود را به من شناساندی ای که مرا به طاعت و اداشتی ای که

مرا

نَهَانِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ، يَا مَدْعُوُّ يَا مَسْئُولُ، يَا مَطْلُوبُ اِلَيْهِ، رَفَضْتُ وَصِيَّتَكَ

از نافرمانیت بازداشتی ای که تو را خوانند و از تو خواهند و تو را طلب کنند وصیتی که در (باره پیروی نکردن شیطان)

الَّتِي أَوْصَيْتَنِي وَلَمْ أَطِيعْكَ، وَلَوْ أَطَعْتُكَ فِيمَا أَمَرْتَنِي لَكَفَيْتَنِي، مَا قُتِمْتُ إِلَيْكَ

به من کردی بدور انداختم و پیروی نکردم و اگر آنچه دستورم داده بودی اطاعتت می‌کردم تو هم درباره آنچه به درگاہت

آمدم کفایتیم

فِيهِ وَ أَنَا مَعَ مَعْصِيَتِي لَكَ رَاجٍ، فَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَا رَجَوْتُ، يَا مُتْرَحِمًا

می‌کردی ولی با اینکه من معصبت‌کارم به تو امیدوارم پس میان من و آنچه امید بدان دارم جدایی می‌فکن ای ترحم‌کننده

لِي أَعِدَّنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي، وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ مِنْ كُلِّ

بر من پناهم ده از پیش رو و از پشت سرم و از بالای سرم و از زیر پایم

جِهَاتِ الإِحَاطَةِ بِي، اَللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ سَيِّدِي، وَ بِعَلِيٍّ وَ لِيٍّ، وَ بِالْأَيْمَةِ الرَّاشِدِينَ

و از هر جهت که به من احاطه دارد خدایا به حق محمد آقای من و به حق علی مولای من و به حق امامان راهنمایم -

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اجْعَلْ عَلَيْنَا صَلَوَاتِكَ وَ رَأْفَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ، وَ أَوْسِعْ عَلَيْنَا مِنْ رِزْقِكَ،

که برایشان درود باد - رحمت‌های خود و لطف و مهرت را بر ما شامل گردان و روزیت را بر ما وسیع گردان

وَ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَ جَمِّعْ حَوَائِجِنَا، يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ، اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و دین ما را ادا فرما و همه حاجت‌های ما را برآور یا الله ... که همانا تو بر هر چیزی توانایی.

پس حضرت فرمود که هر که این نماز را بجا آورد و این دعا را بخواند چون

فارغ شود نماز مابین او و خداوند تعالی گناهی مگر آنکه آمرزیده شود مؤلف

گوید که احادیث بسیار در فضیلت خواندن این چهار رکعت نماز در شب و

روز جمعه وارد شده و اگر بعد از نماز بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ النَّبِيِّ الْعَرَبِيِّ وَ اَلِه

وارد شده که گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود و چنان باشد که دوازده

مرتبہ قرآن را ختم کرده باشد و حق تعالی گرسنگی و تشنگی قیامت را از او

رفع کند.

نماز حضرت فاطمه صلوات الله عليها

روایت شده که حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت نماز می کرد که جبرئیل علیه السلام تعلیم او کرده بود در رکعت اول بعد از سوره حمد صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم بعد از حمد صد مرتبه سوره توحید می خواند و چون سلام می گفت این دعا را می خواند:

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُتَيْفِ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ

منزه است (خدای) صاحب عزت بسیار بلند و مرتفع منزه است (خدای) صاحب جلال والای بزرگ، منزه است (خدای)

صاحب

ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ، سُبْحَانَ مَنْ

فرمانروایی فاخر قدیم منزه است کسی که در بردارد خرمی و زیبایی را منزه است آنکه

تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى آثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّقَا، سُبْحَانَ مَنْ

به رداي نور و وقار خود را آراسته منزه است آنکه جای پای مور را در روی سنگ صاف ببیند منزه است آنکه

يَرَى وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا لَا هَكَذَا غَيْرُهُ وَ سَيِّدُ

گذرگاه پرند را در هوا ببیند منزه است آنکه او این چنین است و دارای صفات است و دیگری چنین نیست. * * *

* * *

گفته است که در روایت دیگر وارد شده است که بعد از این نماز تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام را که بعد از هر نماز خوانده می شود بخواند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و شیخ در مصباح المتهجدین فرموده نماز حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت است در رکعت اول حمد و صد مرتبه قدر و در دویم حمد و صد مرتبه توحید و چون سلام داد تسبیح زهراء علیها السلام بخواند پس بگوید سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ تا آخر تسبیح که

ذکر شد پس فرموده و سزاوار است کسی که این نماز را بجا می آورد چون از تسبیح فارغ شود زانوها و ذراعها را برهنه نماید و بچسباند همه مواضع سجود خود را بزمین بدون حاجز و حایلی و حاجت بخواهد و دعا کند آنچه می خواهد و بگوید در همان حال سجده:

یا مَنْ لَيْسَ غَيْرَهُ رَبُّ يُدْعَى، یا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ إِلَهٌ يُحْشَى، یا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ

ای کسی که جز او پروردگاری نیست که خوانده شود و فوق او معبودی نیست که از او بترسند ای آنکه جز او

مَلِكٌ يُتَّقَى، یا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتَى، یا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشَى، یا

پادشاهی نیست که از او پرهیزند ای کسی که وزیری برایش نیست که به نزدش روند ای آنکه پرده‌داری ندارد تا به او

رشوه دهند

مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُعْشَى، یا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَيَّ كَثْرَةَ السُّؤَالِ إِلَّا كَرَمًا

ای کسی که درباری ندارد که ببوشاندش ای آنکه در برابر بسیاری سؤال نیفزاید جز به کرم وجود خود

وَجُودًا، وَعَلَى كَثْرَةِ الذُّنُوبِ إِلَّا عَفْوًا وَصَفْحًا صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ، وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ

و بر بسیاری گناه (بندگان) جز به گذشت و چشم‌پوشی درود فرست بر محمد و آل محمد

أَفْعَلُ بِي كَذَا وَكَذَا

و به من چنین و چنان کن

و بجای این کلمه حاجات خود را از خدا بخواهد

نماز دیگر از حضرت فاطمه علیها السلام

شیخ و سید روایت کرده‌اند از صفوان که محمد بن علی حلی روز جمعه

خدمت حضرت صادق علیه السلام شرفیاب شد و سؤال کرد که می‌خواهم مرا

عملی تعلیم فرمائی که بهترین اعمال باشد در این روز حضرت فرمود که من

آمده و امید گذشت عظیم تو را دارم همان گذشتی که توجه کنی بدان بر آنانکه بسیار خطا کنند در آن هنگامی که بر

کارهای

الْمَحَارِمِ فَلَمْ يَمْنَعَكَ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحَارِمِ أَنْ جُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالْمَغْفِرَةِ وَأَنْتَ

حرام در افتاده‌اند و توقف طولانی آنها بر محرمات باز ندارد تو را از اینکه آمرزش را از ایشان باز داری و تو ای آقای من

سَيِّدِي الْعَوَادُ بِالنَّعْمَاءِ، وَأَنَا الْعَوَادُ بِالْخَطَاءِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ،

بسیار برگشت به نعمت بخشی داری و من بسیار برگشت به خطا کاری، از تو می‌خواهم به حق محمد و خاندان پاکش

أَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ

که گناه بزرگ مرا ببامری که گناه بزرگ را جز شخص بزرگ نیامرزد ای خدای بزرگ، ای خدای بزرگ، ای خدای

يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ

بزرگ، ای خدای بزرگ، ای خدای بزرگ، ای خدای بزرگ، ای خدای بزرگ،

مؤلف گوید که سید بن طاوس در جمال الأسبوع از برای هر یک از ائمه‌علیهم

السلام نمازی با دعا ذکر نموده شایسته است در اینجا ذکر شود

نماز امام حسن علیه السلام

در روز جمعه و آن چهار رکعت است مثل نماز امیرالمؤمنین علیه السلام، نماز

دیگر از آن حضرت در روز جمعه و آن نیز چهار رکعت است در هر رکعت

حمد یک مرتبه و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بیست و پنج مرتبه

* * * *

دُعَاءُ إِمَامِ حَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ

خدایا برآستی من تقرب جویم به درگاهت بوسیله بخشش و کرم و تقرب جویم بدرگاهت بوسیله

بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ

محمد بنده و فرستاده‌ات و تقرب جویم به درگاهت بوسیله فرشتگان مقرب و

أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَعَلَى آلِ

پیامبران و رسولان که درود فرستی بر محمد بنده و فرستاده‌ات و بر خاندان

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي، وَتَسْتُرَ عَلَيَّ ذُنُوبِي وَتَغْفِرَها لِي، وَ

محمد و اینکه از لغزشم درگذری و گناهانم را بپوشانی و آنها را بیامرزی و

تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي، وَلَا تُعَذِّبْنِي بِقَبِيحِ كَانِ مِنِّي، فَإِنَّ عَفْوَكَ وَ

حاجتهایم را برآوری و به کار زشتی که از من سر زده عذابم نکنی زیرا که گذشت و

جُودِكَ يَسْعُنِي، إِنَّكَ عَلَيَّ كَلِشِيءٍ قَدِيرٌ

بخشش تو چنان هست که مرا فرا گیرد و همانا تو بر هر کاری توانایی

نماز امام حسین علیه السلام

چهار رکعت است در هر رکعت سوره فاتحه پنجاه مرتبه و سوره توحید پنجاه مرتبه و در رکوع فاتحه و توحید هر یک ده مرتبه و چون از رکوع سر برداری هر یک را ده مرتبه و همچنین در سجده اولی و در بین دو سجده و در سجده دویم هر یک ده مرتبه و چون از چهار رکعت فارغ شدی و سلام گفتی این دعا بخوان اللَّهُمَّ أَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِأَدَمَ وَحَوَّاءَ تَأْخِرَ دَعَاءِ كَافِرِي فِي الْجَمَلَةِ طَوْلَانِي اسْت.

نماز امام زین العابدین علیه السلام

چهار رکعت است در هر رکعت حمد یک مرتبه و توحید صد مرتبه.

دُعَاءُ آن حضرت:

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ، وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ

ای کسی که کار نیک را آشکار کنی و عمل زشت را بپوشانی ای آنکه بجرم و گناه (بندگانت را) درنگیری و پرده

وَلَمْ يَهْتِكِ السُّرَّ، يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ

(گنهکاران) ندی ای که عفو بزرگ و گذشت نیکو است و ای که آمرزشت وسیع و دو

الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى، يَا مُتْتَهَى كُلِّ شَكْوَى، يَا كَرِيمَ

دستت به مهر و رحمت گشوده است ای آگاه هر راز نهان و ای آخرین مرجع هر شکایت ای در چشم‌پوشی

الصَّفْحِ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يَا مُبْتَدِئاً بِالنَّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا رَبَّنَا وَ سَيِّدَنَا

بزرگوار و ای بزرگ مایه امید ای آغاز کننده به نعمت پیش از شایستگی آن ای پروردگار ما و آقای ما و مولای ما

وَ مَوْلَانَا، يَا غَايَةَ رَغْبَتِنَا، اسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

ای آخرین مرحله آرمان ما خدایا می‌خواهم از تو که درود فرستی بر محمد و آل محمد * * *

نماز حضرت باقر علیه السلام

دو رکعت است در هر رکعت حمد یک مرتبه و سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، صد مرتبه

منزه است خدا و ستایش خاص خدا است و معبودی جز خدا نیست

* * * * *

دعاء آن حضرت:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا حَلِيمٌ ذُو أَنَاةٍ

و خدا بزرگتر است خدایا از تو می‌خواهم ای بردباری که (با بندگان) مدارا کنی و

غَفُورٌ وَ دُودٌ، أَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي سَيِّئَاتِي، وَ مَا عِنْدِي بِحُسْنٍ مَا عِنْدَكَ، وَ أَنْ

آمرزنده و مهربانی (می‌خواهم) که از گناهانم و بدیهایی که در نزد من است بدان خوبیها که نزد تو است درگذری و

تُعْطِيَنِي مِنْ عَطَايِكَ مَا يَسْعُنِي، وَ تُلْهِمَنِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِي الْعَمَلَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ

از عطای خود به اندازه که فرایم گیرد (یا آنچه در خور طاقت من است) به من عطا کنی و الهام کنی مرا که در آنچه به

من عطا کنی در راه اطاعت تو

وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ، وَ أَنْ تُعْطِيَنِي مِنْ عَفْوِكَ مَا اسْتَوْجِبُ بِهِ كَرَامَتِكَ، اللَّهُمَّ

و اطاعت رسولت بکار برم و بدان اندازه مرا مشمول گذشت خود قرار دهی که بوسیله آن مستوجب کرامت و

بزرگواریت گردم

أَعْظِنِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّمَا أَنَا بِكَ وَلَمْ أَصِبْ خَيْرًا

خدایا به من بده آنچه را تو شایسته آنی و مکن با من آنچه من سزاوار آنم زیرا که تنها من به تو توسل جسته و هرگز خیری به من

قَطُّ إِلَّا مِنْكَ، يَا أَبْصَرَ الْأَبْصَرِينَ، وَ يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، وَ يَا أَحْكَمَ

نرسیده جز از ناحیه تو ای بیناترین بینایان و ای شنواترین شنوایان و ای عادلترین

الْحَاكِمِينَ، وَيَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ، وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

داوران و ای پناه پناهجویان و ای پاسخ دهنده دعای درماندگان درود فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ

نماز حضرت صادق علیه السلام

دو رکعت است در هر رکعت حمد یکمرتبه و آیه شَهِدَ اللَّهُ و آله

صد مرتبه. [دُعَاءِ آن حضرت]

يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، يَا جَابِرَ كُلِّ كَسِيرٍ، وَ يَا حَاضِرَ كُلِّ

ای سازنده هر مصنوع (مخلوق) و ای شکسته‌بند هر شکسته و ای حاضر در جمع

مَلَاءٍ، وَ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى، وَ يَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَ يَا شَاهِدَ غَيْرِ غَائِبٍ،

و ای گواه هر راز نهران و ای دانای هر سر پنهان و ای حاضر (ناظر) ناپنهان

وَ غَالِبُ غَيْرِ مَعْلُوبٍ، وَ يَا قَرِيبُ غَيْرِ بَعِيدٍ، وَ يَا مُونِسَ كُلِّ وَحِيدٍ،

و (ای) غالب شکست ناپذیر و ای نزدیکی که دور نیست و ای مونس هر تنها و

وَ يَا حَيُّ مُحْيِي الْمَوْتَى، وَ مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ، الْقَائِمُ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ،

ای زنده‌ای که زنده کننده مردگانی و میراننده زندگانی و آنکه بر هر کس با آنچه بدست آورد

وَ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

نگهبانی و ای زنده در آن دم که زنده‌ای نبود معبودی جز تو نیست درود فرست بر محمد و آل محمد

نماز حضرت کاظم علیه السلام

دو رکعت است در هر رکعت حمد یک مرتبه و توحید دوازده مرتبه

دُعَاءِ آن حضرت

إِلَهِي خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لَكَ، وَ ضَلَّتِ الْأَحْلَامُ فَيْكَ، وَ وَجَلَ

معبودا خاشع گشته صداها برای تو و خردها در بارهات گم گشته و هر چیزی

كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ، وَ هَرَبَ كُلُّ شَيْءٍ إِلَيْكَ، وَ ضَاقَتِ الْأَشْيَاءُ دُونَكَ، وَ مَلَأَ كُلُّ شَيْءٍ

از تو ترسان است و همه بسویت گریزانند، همه چیز در برابر تو به کوتاهی گراییده و نور تو همه را پر کرده

نُورِي، فَانْتِ الرَّفِيعُ فِي جَلَالِكَ، وَ أَنْتَ الْبَهِيُّ فِي جَمَالِكَ، وَ أَنْتَ الْعَظِيمُ فِي

پس تنها تویی که در بزرگی و جلال خویش و در جمال و زیبایی فروزانی و تویی که در قدرت و توانایی

قُدْرَتِكَ، وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يُودَكُ شَيْءٌ، يَا مُنْزِلَ نِعْمَتِي، يَا مُفْرَجَ كُرْبَتِي، يَا

خودبس بزرگی و تویی که چیزی در مانده و خستهات نکند ای فرو فرستنده نعمتم و ای برطرف کننده اندوه و گرفتاریم

قَاضِي حَاجَتِي أَعْطِنِي مَسْئَلَتِي بِلَا إِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ، آمَنْتُ بِكَ مُخْلِصًا لَكَ دِينِي،

وای برآورنده حاجتم خواسته ام رابه من عطا کن به حق این جمله که گویم «معبودی جز تو نیست» به تو ایمان آوردم و

دینم را برای تو خالص گرداندم

أَصْبَحْتُ عَلَى عَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَبُو لَكَ بِالنِّعْمَةِ، وَ اسْتَغْفِرُكَ

شب را صبح کردم به عهد و پیمان تو تا آنجا که توانایی دارم، بسویت با نعمت بازگردم و از گناهی که جز

مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ، يَا مَنْ هُوَ فِي عُلُوِّهِ دَانَ، وَ فِي دُنُوِّهِ

تو کسی آنها را نیامرزد آمرزش خواهم ای کسی که در عین برتری نزدیک (به خلق) و در عین نزدیکی

عَالَ، وَ فِي إِشْرَاقِهِ مُنِيرٌ، وَ فِي سُلْطَانِهِ قَوِيٌّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

برتری و (ای آنکه) در تابش خود نور دهنده و در سلطنت نیرومندی درود فرست بر محمد و آل

نماز حضرت امام رضا علیه السلام

شش رکعت است در هر رکعت حمد یک مرتبه و هَلْ آتَى عَلَى الْإِنْسَانِ دَهَ مَرْتَبَةٍ

دُعَاءِ آن حضرت:

يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، وَيَا وَلِيِّ فِي نِعْمَتِي، وَيَا إِلَهِي وَالِإِلَهَ

ای بار من در سختیها و ای اختیار دارندهام در نعمتم و ای معبود من و معبود

إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَاسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، يَا رَبَّ كَهَيْعِصِ وَيَسَّ وَالْقُرْآنِ

ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب ای پروردگار کهیعیص و یس و قرآن

الْحَكِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا أَحْسَنَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ

حکمت آموز از تو درخواست می کنم ای بهترین کسی که از او درخواست کنند و ای بهترین کسی که او را بخوانند

أَعْطَى وَيَا خَيْرَ مُرْتَجَى، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و ای بخشنده تر کسی که عطا کند و ای بهترین مایه امید از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد

نماز حضرت جواد علیه السلام

دو رکعت است در هر رکعت حمد یکمرتبه و توحید هفتاد مرتبه

[دُعَاءِ آن حضرت] اَللّهُمَّ رَبَّ الْأَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ، وَالْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ، أَسْأَلُكَ بِطَاعَةِ

ای خدا ای پروردگار ارواحی که از این جهان فانی رفته و ای پروردگار اجساد پوسیده از تو می خواهم به حق فرمانبری

الْأَرْوَاحِ الرَّاجِعَةِ إِلَى أَجْسَادِهَا، وَبِطَاعَةِ الْأَجْسَادِ الْمُتَلْتِمَةِ بِعُرُوقِهَا،

آن ارواح که بسوی اجساد خود بازگردند و به حق فرمانبری اجسادی که با رگهای خود

وَبِكَلِمَتِكَ النَّافِذَةِ بَيْنَهُمْ، وَأَخَذِكَ الْحَقِّ مِنْهُمْ وَالْخَلَاقِ بَيْنَ يَدَيْكَ

پیوند شوند و به حق فرمان نافذت در میان آنها و گرفتن حقت از ایشان و در آن حال که خلاق در برابرت به

يَنْتَظِرُونَ فَصَلِّ قَضَائِكَ، وَيَرْجُونَ رَحْمَتِكَ وَيَخَافُونَ عِقَابَكَ، صَلِّ عَلَيَّ

انتظار صدور حکم و امیدوار برحمت و خائف از عقاب تو آند درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلِ النُّورَ فِي بَصْرِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَذِكْرَكَ

محمد و آل محمد و بنه نور و روشنی در دیدهام و یقین در دلم و ذکرت

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَيَّ لِسَانِي، وَعَمَلًا صَالِحًا فَارْزُقْنِي

را شب و روز بر زبانم و عمل صالح روزی من گردان. * * * * *

نماز حضرت هادی علیه السلام

دو رکعت است در رکعت اول سوره حمد و یس و در رکعت دویم سوره حمد و

الرَّحْمَن.

[دُعَاءِ آن حضرت]

یا بَارُّ یا وَصُولُ، یا شَاهِدَ کُلِّ غَائِبٍ، وَ یا قَرِيبٌ غَيْرَ بَعِيدٍ، وَ یا غَالِبٌ غَيْرَ مَغْلُوبٍ،
ای نیکوکار و ای با همه پیوسته و ای گواه هر ناپیدا و ای نزدیکی که دور نیست و ای پیروز شکست ناپذیر و ای کسی که

و یا مَنْ لَا یَعْلَمُ کَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، یا مَنْ لَا تُبْلَغُ قُدْرَتُهُ، اسْئَلُكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ

الْمَكُونِ

جز او کسی نمی داند که او چگونه است و ای آنکه بقدرتش نتوان رسید از تو می خواهم خدایا به آن نامت که در پرده

الْمَخْزُونِ الْمَكْتُومِ عَمَّنْ شِئَتْ، الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ الْمُقَدَّسِ، النُّورِ التَّامِّ الْحَيِّ الْقَيُّومِ

(غیبت) مستور و در خزینت محفوظ و از آنکه خواسته ای مکتوم داشته ای آن نام پاک و پاکیزه و مقدس و نورانی کامل، (و

آن) زنده و پاینده و

الْعَظِيمِ، نُورِ السَّمَوَاتِ وَتَوَارِ الْأَرْضِينَ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ الْعَظِيمِ

بزرگ، نوربخش آسمانها و نور ده زمینها دانای ناپیدا و پیدا آن بزرگ و الامقام و عظیم

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

درود فرست بر محمد و آل محمد

نماز امام حسن عسکری علیه السلام

چهار رکعت است در دو رکعت اول بعد از حمد پانزده مرتبه سوره إذا زُلْزِلَتْ و

در دو رکعت دویم بعد از حمد پانزده مرتبه توحید

[دُعَاءِ آن حضرت] اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْبَدِيُّ قَبْلَ

خدایا از تو می خواهم برای آنکه ستایش مخصوص تو است و معبودی جز تو نیست که

كُلِّ شَيْءٍ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الَّذِي لَا يُدْرِكُكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ كُلِّ

پیش از هر چیزی بوده‌ای و تویی زنده و پاینده و معبودی جز تو نیست که چیزی خوارت نتواند کرد و تو هر روز

يَوْمٍ فِي شَأْنٍ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى الْعَالِمُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَغَيْرِ

در کاری هستی معبودی جز تو نیست (تویی) آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود دانای به هر چیزی بی آنکه

تَعْلِيمٍ أَسْأَلُكَ بِآلَائِكَ وَنِعْمَائِكَ بِاللَّهِ الرَّبِّ الْوَاحِدِ لَا إِلَهَ إِلَّا

کسی یادت دهد از تو می‌خواهم به حق نعمتهای ظاهر و باطنت زیرا تویی خدای پرورنده یگانه، نیست معبود به حقی

جز

أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَتَرُ

تو که بخشاینده و مهربانی و از تو می‌خواهم زیرا تویی خدایی که معبود به حقی جز تو نیست و

الْفَرْدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَأَسْأَلُكَ

یگانه فرد یکتا و بی‌نیازی که نزاید و نه زائیده شده و نیست برایش همتایی هیچکس و از تو می‌خواهم

بِأَنَّكَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ الْقَائِمُ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ

که تویی خدایی که معبود به حقی جز تو نیست و لطیف و آگاه و نگهبان بر هر شخصی بدانچه می‌کند و مراقب و

نگهداری و

الرَّقِيبُ الْحَفِيفُ وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ اللَّهُ الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ

از تو می‌خواهم بخاطر آنکه خدای نخست پیش از هر چیز و پایان پس از هر چیزی و

وَالْبَاطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ الضَّارُّ النَّافِعُ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ

پنهان در نزد هر چیزی و زیان دهنده و سودبخش و با حکمت دانا و از تو می‌خواهم چون تویی که

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْبَاعِثُ الْوَارِثُ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

معبود به حقی جز تو نیست زنده و پاینده و برانگیزنده و وارث خلق و دارنده رحمت و منت بخش پدیدآرنده آسمانها

ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَذُو الطُّوْلِ وَذُو الْعِزَّةِ وَذُو السُّلْطَانِ لَا إِلَهَ

و زمین دارای جلال و کرامت و صاحب فضل و عزت و دارای سلطنت و قدرت معبودی جز

إِلَّا أَنْتَ أَحَطْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَأَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عِدَدًا صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

تو نیست که علمت بهر چیزی احاطه دارد و عدد هر چیز را شماره کرده‌ای درود فرست بر محمد و آلش

نماز حضرت صاحب الزمان عَجَلُ اللّٰهُ تَعَالَى فِرَجَهُ

دو رکعت است می خوانی در هر رکعت سوره حمد را تا اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ و چون به این آیه رسیدی آنرا صد مرتبه می گوئی و در مرتبه آخر سوره را تمام می کنی پس قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدًا يَكْبَارُ می خوانی و چون از نماز فارغ شدی این دعا را می خوانی:

اللّٰهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَ ضَاقتِ الْاَرْضُ بِمَا

خدایا بلاء و گرفتاری بزرگ شد و درد پنهان آشکار گشت و پرده از روی کار برداشته شد و زمین با فراخیش تا آسمان بر ما تنگ شد

وَسِعَتِ السَّمَاءُ وَاِيَّاكَ يَا رَبُّ الْمُشْتَكِي وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَةِ وَالرَّخَاءِ

و شکوه ما ای پروردگار بسوی توست و اعتماد در سختی و آسانی بر تو است

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ الَّذِيْنَ اَمَرْتَنَا بِطَاعَتِهِمْ وِعَجَّلِ اللّٰهُمَّ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد آنان که ما را به پیروی ایشان مأمور کردی و شتاب کن خدایا

فِرَجَهُمْ بِقَاتِمِهِمْ وَاظْهَرِ اِعْزَاذَهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اِكْفِيَانِي

در فرج ایشان بوسیله قائمشان و عزتش را آشکار کن ای محمد ای علی ای علی ای محمد مرا کفایت کنید

فَاَنْتُمْ كَافِيَايَ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اَنْصُرَانِي فَاَنْتُمْ نَاصِرَايَ

که کفایت کننده ام شماست ای محمد و ای علی، ای علی و ای محمد مرا یاری کنید که یاور من شماست

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اِحْفَظَانِي فَاَنْتُمْ حَافِظَايَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

ای محمد و ای علی، ای علی و ای محمد نگهداریم کنید که نگهدارم شماست ای مولای من ای صاحب الزمان

يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ اَلْعُوْثِ

ای مولای من ای صاحب زمان ای مولای من ای صاحب زمان پناه خواهم

الغُوثُ الغُوثُ اَدْرِ كُنِي اَدْرِ كُنِي اَدْرِ كُنِي اَلْاَمَانَ الْاَمَانَ الْاَمَانَ

پناه خواهم پناه خواهم دریابم دریابم دریابم ده امانم ده امانم ده امانم ده

نماز حضرت جعفر علیه السلام

و از جمله نمازها نماز حضرت جعفر علیه السلام که اکسیر اعظم و کبریت
أَحْمَرُ است و بسندهای بسیار معتبره با فضیلت بسیار که عمده آموزش گناهان
عظیمه است وارد شده و افضل اوقات آن صدر نهار جمعه است و آن چهار
رکعت است بدو تشهد و دو سلام در رکعت اول بعد از سوره حمد إِذَا زُلْزَلَتْ
می خواند و در رکعت دویم سوره وَالْعَادِيَاتِ و در رکعت سیم إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ و
در رکعت چهارم قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت پانزده
مرتبه می گوید سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ و در رکوع
همین تسبیحات را ده مرتبه می گوید و چون سر از رکوع برمی دارد ده مرتبه و
در سجده اول ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجده دویم ده مرتبه
و بعد از سر برداشتن پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه در هر چهار رکعت چنین
می کند که مجموع سیصد مرتبه شود شیخ کلینی از ابو سعید مدائنی روایت
کرده که حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود آیا تعلیم نکنم ترا چیزی که
بگوئی آنرا در نماز جعفر گفتم بلی تعلیم فرما فرمود چون در سجده آخر چهار
رکعت نماز رسیدی و از تسبیحات فارغ شدی بگو:

سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْعِزَّةَ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَ تَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ

منزه است آنکس که لباس عزت و وقار به بر دارد منزه است آنکه مجد و بزرگیش فراگرفته و بدان گرامی باشد منزه است

مَنْ لَا يُنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَلَيْهِ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَ

آنکه جز برای او تسبیح سزاوار نیست منزه آنکه علمش همه چیز را احصاء کرده منزه است خدای صاحب فضل و

النِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ

نعمت منزه است خدای صاحب کرم و قدرت خدایا از تو می‌خواهم به حق آنچه موجب عزت

مِنْ عَرْشِكَ وَمَنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ

عرش تو گشته و به حق منتهای رحمت از کتاب تو و اسم اعظم و کلمات تامهات (اسماء حسنی یا کتابهای منزله یا

غیر آن

الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَعَدْلًا صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا

که از نظر راستی و عدالت به حد کمال رسیده درود فرست بر محمد و خاندانش و درباره من چنین و چنان کن.

بجای این کلمه حاجات خود را بخواهد و شیخ و سید از مفضل بن عمر روایت

کرده‌اند که گفت دیدم روزی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را که نماز

جعفر بجا آوردند پس دستها را بلند کردند و این دعا خواندند یا رَبِّ يَا رَبِّ

بقدریکه یک نفس وفا کند یا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ بقدر یک نفس رَبِّ رَبِّ باز بقدر یک

نفس یا اللَّهُ يَا اللَّهُ باز بقدر یک نفس یا حَيُّ يَا حَيُّ بقدر یک نفس یا رَحِيمُ يَا

رَحِيمُ باز بقدر یک نفس یا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ هفت مرتبه یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ هفت

مرتبه پس خواندند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ وَأَنْطِقُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَأُمَجِّدُكَ وَ

خدایا من گفتارم را به ستایش تو آغاز کنم و به ثنای تو زبان می‌گشایم و تو را به بزرگی یاد می‌کنم و

لا غَايَةَ لِمَدْحِكَ وَأَثْنِي عَلَيْكَ وَمَنْ يَبْلُغُ غَايَةَ ثَنَائِكَ وَأَمَدَ مَجْدِكَ

ستایشت پایان ندارد و تو را ثنا گویم ولی آنکس که به منتهای ثنای تو و انتهای مجد و عظمتت برسد

وَ اَنْتَى لِخَلِيقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةٍ مَجْدِكَ وَ اَى زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحاً

کیست و کجا مخلوق تو می توانند به کنه معرفت مجد تو برسند و چه وقت بوده که تو

بِفَضْلِكَ مَوْصُوفاً بِمَجْدِكَ عَوَّاداً عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِحِلْمِكَ تَخَلَّفَ

به فضل خویش ستوده نبوده‌ای و به مجد و عظمت موصوف نگشته‌ای و با بردباری خود بر گنهکاران پی‌درپی

بازنگشته‌ای

سُكَّانِ اَرْضِكَ عَنِ طَاعَتِكَ فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفاً بِجُودِكَ جَوَاداً

ساکنان زمینت از اطاعت تو سرباز زدند ولی تو بر آنها به بخشش و عطایت مهر ورزی و به فضل خویش بر آنها جود

بِفَضْلِكَ عَوَّاداً بِكَرَمِكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

کنی و به کرمت پی‌درپی بر آنها بازگردی ای که نیست معبودی جز تو نعمت‌دهنده بسیار و صاحب جلال و کرامت

پس حضرت فرمود که ای مُفَضَّل هرگاه تو را حاجت ضروری بوده باشد نماز

جعفر را بکن و این دعا را بخوان و حوائج خود را از خدا طلب کن که برآورده

می‌شود انشاء الله تعالی مؤلف گوید که شیخ طوسی برای برآمدن حاجت از

حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود روزه بگیر روز چهارشنبه و

پنجشنبه و جمعه را و چون آخر روز پنجشنبه شود تصدق بده بر ده مسکین هر

مسکینی مُدّی از طعام پس چون روز جمعه شود غسل کن و برو به صحرا و

نماز جعفر را بجا آور و برهنه کن زانوها را و بچسبان بزمین و بگو:

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَ لَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ

ای آنکه کار خوب (و زیبا) را آشکار سازی و کار زشت را بپوشانی ای آنکه بندگان را به جرم و جنایت نگیری و پرده

آنها را ندری

يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ

ای بزرگ گذشت و ای نیکو در گذر و ای که مغفرتت وسیع و دستهایت به رحمت

بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى وَ مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يَا مُقِيلَ

گشوده است ای آگاه هر راز و پایان هر شکایت ای درگذرنده

الْعَثَرَاتِ يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ

لغزشها ای که در چشم‌پوشی بزرگواری ای بزرگ نعمت ای که پیش از

استحقاقها یا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ ده مرتبه یا اَللَّهُ يَا اَللَّهُ ده مرتبه یا

استحقاق آغاز به نعمت کنی ای پروردگار ای پروردگار * * * * * ای خدا ای خدا * * * * * ای

سَيِّدَاهُ يَا سَيِّدَاهُ ده مرتبه یا مَوْلَايَاهُ يَا مَوْلَايَاهُ ده مرتبه یا

آقا ای آقا * * * * * ای مولا ای مولا * * * * * ای

رَجَاءَهُ ده مرتبه یا غِيَاثَهُ ده مرتبه یا غَايَةَ رَعْبَتَاهُ ده مرتبه یا رَحْمَنُ ده

امید من * * * * * ای پناه من * * * * * ای منتهای رغبت من * * * * * ای بخشاینده * * * * *

مرتبه یا رَحِيمُ ده مرتبه یا مُعْطَى الْخَيْرَاتِ ده مرتبه صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

* * * * * ای مهربان * * * * * ای دهنده خیرها * * * * * درود فرست بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ كَثِيراً طَيِّباً كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ ده مرتبه و

آل محمد بسیار و پاکیزه مانند بهترین درودی که بر یکی از مخلوق خود فرستی * * * * *

حاجت خود را بطلب مؤلف گوید که روایات بسیار وارد شده در باب روزه این

سه روز و بجا آوردن دو رکعت نماز نزد زوال روز جمعه برای برآمدن حاجت بیست

ویکم از اعمال روز جمعه آنکه چون زوال شمس شود بخواند دعائی را

که محمد بن مسلم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است و آن بنحوی

که در مصباح شیخ است آن است که بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَكُلاً

معبودی نیست جز خدا و خدا بزرگتر (از توصیف) است منزّه است خدا و ستایش خاص خدایی است که فرزندی

نگرفته

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبْرُهُ

و شریکی در فرمانروایی برایش نیست و خواری ندارد تا نیازی بیاری داشته باشد و او را به بزرگی

تَكْبِيرًا ۞ يَسْ بَگُويد يَا سَابِغَ النَّعْمِ يَا دَافِعَ النَّقَمِ يَا بَارِيَّ النَّسَمِ يَا عَلِيَّ

یاد کن * * * * ای فرو ریز نعمتها و ای جلوگیری بدیها ای آفریننده انسانها ای دارای

الْهِمَمِ يَا مُعْشِيَ الظُّلْمِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْآلَمِ يَا

همتای والا ای پوشاننده تاریکیها ای صاحب جود و کرم ای برطرفکننده زیان و درد ای

مُونِسَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلْمِ، يَا عَالِمًا لَا يُعْلَمُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ

همدم و حشتزدگان در تاریکیها ای دانایی که کسی او را نیاموخته درود فرست بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلُ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَ

آل محمد و با من آن کن که تو شایسته آنی ای آنکه نامش دواي دردها و یادش شفاي امراض و

طَاعَتُهُ غَنَاءٌ، اِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ، وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ

اطاعتش موجب توانگری و بی نیازی است رحم کن بر آنکه سرمایه اش امید و اسلحه اش گریه است منزهی تو معبودی

جز

إِلَّا أَنْتَ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

تو نیست ای پر مهر ای بسیار نعمت ده ای پدید آورنده آسمانها و زمین ای دارای جلال و بزرگواری

بیست و دویم: نماز ظهر روز جمعه را به جمعه و منافقین و عصر را به جمعه و

توحید بخواند شیخ صدوق روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که

فرمود از چیزهایی که واجب و لازم است بر هر مؤمنی که شیعه ما باشد آنکه

بخواند در شب جمعه نماز را به سوره جمعه و «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» و در

نماز ظهر آن سوره جمعه و منافقین پس هرگاه این کار را کرد گویا عمل نموده

بعمل رسول الله صلی الله علیه و آله و ثواب و جزاء او بر خدا بهشت خواهد

بود، و شیخ کلینی بسند حَسَن کالصَّحیح از حلبی روایت کرده که گفت سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام که هرگاه در روز جمعه تنها نماز گذارم یعنی نماز جمعه نخوانم و چهار رکعت نماز ظهر را بخوانم آیا بلند قرائت کنم فرمود بلی و فرمود بخوان بسوره جمعه و منافقین در روز جمعه بیست و سیّم شیخ طوسی (ره) در مصباح در ذکر تعقیب بعد از ظهر از روز جمعه روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که هر که بخواند روز جمعه بعد از سلام هفت مرتبه حمد و هفت مرتبه «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و هفت مرتبه «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و هفت مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و هفت مرتبه «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و بخواند آخر سوره بَرَاءة «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ» و آخر حَشْر که «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ» باشد تا آخر سوره و پنج آیه آل عمران «إِن فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» تا «إِنَّكَ لَا تُخَلِّفُ الْمِيعَادَ» از این جمعه تا جمعه دیگر کفایت شرّ دشمنان و بلاها از او بشود بیست و چهارم و نیز از آن حضرت روایت کرده که هر که بعد از نماز صبح یا بعد از نماز ظهر بگوید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَتَكَ وَ صَلَوَةَ مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدایا قرار ده درود خود و درود فرشتگان و رسولانت را بر محمد و آل محمد

نوشته نشود بر او گناهی تا یکسال و نیز فرموده که هر که بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ» نمیرد تا امام قائم علیه السلام را درک نماید مؤلف گوید: که اگر دعای اوّل را سه دفعه بعد از فریضه ظهر جمعه بخواند برای او امان باشد از بلاها تا جمعه دیگر و نیز

روایت شده که هر که میان دو نماز روز جمعه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد ثوابش معادل هفتاد رکعت نماز باشد بیست و پنجم بخواند دعای «یا مَنْ یَرْحَمُ مَنْ لَا تَرْحَمُهُ الْعِبَادُ» و دعای «اللَّهُمَّ هَذَا یَوْمٌ مُّبَارَكٌ» و این هر دو از ادعیه صحیفه کامله است بیست و ششم شیخ در مصباح فرموده روایت شده از ائمه علیهم السلام که هر که در روز جمعه دو رکعت نماز کند بعد از نماز ظهر بخواند در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و بعد از نماز بگوید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ الَّتِي حَشَوْهَا الْأَبْرَكَةُ وَعَمَّارُهَا

خدایا مرا از اهل بهشت قرار ده که درونش برکت است و آباد کنندگانش

الْمَلَائِكَةُ مَعَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآبِينَا إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَام

فرشتگانند در جوار پیامبرمان محمد صلی الله علیه و آله و پدرمان ابراهیم علیه السلام

تا جمعه دیگر بلائی و فتنه‌ای به او نرسد و حق تعالی جمع کند میان او و محمد صلی الله علیه و آله و ابراهیم علیه السلام علّامه مجلسی قدس سره فرموده که اگر این دعا را غیر سید بخواند بجای و آئینه و آئینه بگوید.

بیست و هفتم: روایت شده که بهترین اوقات صلوات در روز جمعه بعد از عصر است و صدمرتبه می‌گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و در فرج ایشان شتاب کن

و شیخ فرموده و روایت شده که مستحب است صدمرتبه بگویی:

صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

درود خدا و فرشتگان و پیامبران و رسولان و تمام خلق او بر محمد و آل محمد و

وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

سلام بر او و بر ایشان و بر ارواح و اجسادشان و رحمت و برکات خدا باد

و شیخ جلیل ابن ادریس در سرائر از جامع بزنی نقل کرده که ابوبصیر گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که می فرمود صلوات بر محمد و آل محمد در ما بین ظهر و عصر معادل هفتاد رکعت است و کسی که بگوید بعد از عصر روز جمعه: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْأَوْصِيَاءِ**

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد اوصیاء

الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ، وَ

پسندیده به بهترین درودهای خود و برکت ده بر ایشان به بهترین برکات و

السَّلَامَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَي أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ

سلام بر ایشان و بر ارواح و اجسادشان و رحمت خدا و برکاتش

خواهد بود برای او مثل ثواب عمل جن و انس در آن روز مؤلف گوید: که این صلوات شریفه در کتب مشایخ حدیث بسندهای بسیار معتبر با فضیلت‌های بسیار نقل شده و اگر ده مرتبه و اگر نه هفت مرتبه بخواند افضل است زیرا که از حضرت صادق علیه السلام روایت است که هر که بعد از نماز عصر روز جمعه پیش از آنکه از جای نماز خود برخیزد ده مرتبه این صلوات را بخواند صلوات فرستند بر او ملائکه از این جمعه تا جمعه آینده همین ساعت و نیز از آن حضرت روایت است که چون نماز عصر روز جمعه را ادا کنی هفت مرتبه این صلوات را بخوان و شیخ کلینی در کافی روایت کرده که چون روز جمعه نماز را ادا کردی بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد اوصیاء پسندیده به بهترین درودهای خود و

بَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَوَالِهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

برکت دهبر ایشان به بهترین برکات و سلام بر ایشان و بر ارواح و اجسادشان و رحمت خدا و برکاتش

بدرستی که هر که این صلوات را بعد از نماز عصر بخواند بنویسد حقّ تعالی برای او صد هزار حسنه و محو فرماید از او صد هزار سیئه و برآورد صد هزار حاجت او را و بلند فرماید برای او صد هزار درجه و نیز فرموده که روایت شده که هر که این صلوات را هفت مرتبه بگوید خداوند رد کند براو بعدد هر بنده‌ای حسنه‌ای و عملش در آنروز مقبول باشد و بیاید در روز قیامت در حالتی که ما بین دیدگان او نوری باشد، و در اعمال روز عرفه بیاید صلواتی که هر که آنرا بخواند محمد و آل محمد صلوات الله وسلامه عليهم را مسرور نماید.

بیست و هشتم: بعد از عصر هفتاد مرتبه بگوید «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» تا حقّ

تعالی گناهان او را بیامزد .

بیست و نهم: صد مرتبه اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بِخَوَانِدِ امَامِ مَوْسَى عَلَيْهِ السَّلَامِ روایت شده که خدا را در روز جمعه هزار نسیم رحمت است که هر بنده را آنچه خواهد از آن رحمتها عطا فرماید پس هر که بعد از عصر روز جمعه صد مرتبه سوره اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بِخَوَانِدِ حقّ تعالی آن هزار رحمت را مضاعف گرداند و به او عطا فرماید

سی ام: بخواند دعای عشرات راکه بعد از این خواهد آمد سی و یکم شیخ طوسی(ره) فرموده که ساعت استجاب دعا ساعت آخر روز جمعه است تا غروب آفتاب و سزاوار است که دعا در آن ساعت بسیار بکند و روایت شده

که ساعت استجاب آن وقتی است که فرو رود نصف قرص خورشید و نصف دیگرش غروب نکرده باشد و حضرت فاطمه صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا در آنوقت دعا می کرد پس مستحب است دعا در آنوقت و مستحب است که بخواند دعای مَرُوی از نبی صلی الله علیه و آله را در ساعت استجاب دعا:

سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

منزهی تو معبودی جز تو نیست ای پر مهر ای پر نعمت ای پدید آورنده آسمانها و زمین ای صاحب جلال و کرم

و بخواند در ساعت آخر روز جمعه دعای سمات را که بعد از این بیاید انشاء الله و بدان که روز جمعه از چند جهت اختصاص و تعلق بامام عصر عَجَلَّ اللَّهُ فَرَجَهُ دارد یکی آنکه ولادت با سعادت آن حضرت در آن روز بوده، دیگر آنکه ظهور مَوْفُورُ السُّرُورِ آن جناب در روز جمعه خواهد بود و تَرَقُّبٌ و انتظار فَرَجٌ در آنروز بیشتر از روزهای دیگر است، و بیاید در زیارت مختصه به آن حضرت در آنروز:

هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَهُوَ يَوْمُكَ، الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ وَ الْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدِكَ.

این روز جمعه است و این روزی است که انتظار می رود در آن ظهور تو و فرج مؤمنین در آن بدست تو

بلکه عید بودن روز جمعه و شمردن آنرا یکی از عیدهای چهارگانه حقیقتاً بجهت آن روز شریف است که زمین را از لَوْثِ شَرِكٍ و کفر و قذارات معاصی و از وجود جَبَّارین و کافرین و منافقین پاک و پاکیزه می فرماید و به اظهار

کلمه حق و اعلاء دین و شرایع ایمان چشم و دل مؤمنین مخصوصین را در
آنروز روشن و منور و مسرور و خورسند خواهد فرمود وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ
رَبِّهَا پس شایسته است که در این روز صلوات کبیر را بخوانی و بخوانی دعائی
را که حضرت امام رضا علیه السلام امر فرموده بخواندن آن برای صاحب
الأمر علیه السلام:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَ لِيَّكَ وَ خَلِيفَتِكَ «الدُّعَاءُ» و بیاید ذکر آن در آخر اعمال
سرداب در باب زیارات و نیز بخوانی دعائی را که شیخ أَبُو عَمْرٍ و عَمْرٍ و
قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ به أَبُو عَلِيٍّ بنِ هَمَّامٍ املاء کرده و فرموده که آنرا بخوانند در
زمان غیبت قائم آل محمد عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ، و چون آن صلوات و این دعا
طولانی است و این مختصر گنجایش ندارد ما ذکر نمودیم طالبین رجوع کنند
بمصباح المتهجد و جمال الأسبوع، بلی شایسته است در اینجا ذکر کنیم صلوات
منسوبه به ابوالحسن ضَرَّابِ اصفهانی را که شیخ و سید در اعمال عصر روز
جمعه آنرا ذکر نموده‌اند و سید فرموده که این صلوات مَرُویّ از مولای ما
حضرت مهدی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ است و اگر ترک کردی تعقیب عصر روز جمعه
را بجهت عذری پس ترک مکن این صلوات را هرگز بجهت امری که مُطَّلَع
کرده ما را خداوند جَلَّ جَلَّالُهُ به آن پس سند آنرا با نسخه صلوات نقل کرده،
لکن شیخ در مصباح فرموده که این صلوات مرویّ از حضرت صاحب
الزَّمان علیه السلام است که بیرون آمده بسوی ابوالحسن ضَرَّابِ اصفهانی به
مکه و ما سند آنرا ذکر نکردیم به جهت اختصار نسخه آن این است:

صلوات منسوبه به ابوالحسن ضراب اصفهانی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ

خدایا درود فرست بر محمد آقای رسولان و خاتم پیامبران و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ، الْمُتَنَجِّبِ فِي الْمِيثَاقِ، الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ،

جهانیان برگزیده در روز عهد و پیمان انتخاب شده در عالم اشباح و مجردات پاکیزه از هر آفت

الْبَرِيءِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاةِ، الْمُرْتَجَى لِلشَّفَاعَةِ، الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينُ

میرای از هر عیب، نجات از وی آرزو شود و امید شفاعت به اوست آن کس که دین

اللَّهِ، اللَّهُمَّ شَرَفْ بُنْيَانَهُ وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَ أفلِحْ حُجَّتَهُ، وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ،

خدایه او و اگدا ر شده خدایا پایه و اساس کارش را برابر از او برهان و منطقتش را عظمت ده و حجتش را پیروز گردان و درجه اش را

وَ أَضِيءْ نُورَهُ، وَ بَيِّضْ وَجْهَهُ، وَ اعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَ الْمَنْزِلَةَ

بلند کن و تابان کن نورش را و سفید گردان رویش را برتری و فضیلت و مقام و منزلت

وَ الْوَسِيلَةَ وَ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يُعْطِيهِ بِهِ الْأَوْلُونَ

و وسیله (بلندترین درجات بهشت) و درجه بلند به او عطا کن و او را به مقام (شایسته و) پسندیده ای برگزین که مورد غبطه

گذشتگان

وَالْآخِرُونَ، وَ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ قَائِدِ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ،

و آیندگان باشد و درود فرست بر امیرمؤمنان و وارث (علم) پیامبران و پیشوای سفیدرویان و

وَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ

آقای وصیان و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر حسن بن علی رهبر

الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلِّ عَلَى

مؤمنان و وارث (علم) پیامبران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ

حسین بن علی امام مؤمنان و وارث (علم) پیامبران و حجت پروردگار جهانیان و

صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ

درود فرست بر علی بن الحسین رهبر مؤمنان و وارث (علم) پیامبران و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ،

جهانیان و درود فرست بر محمد بن علی امام مؤمنان و وارث (علم) پیمبران

وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَارِثِ

و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر جعفر بن محمد امام مؤمنان و وارث

الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ،

(علم) پیمبران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر موسی بن جعفر امام مؤمنان

وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، إِمَامِ

و وارث (علم) پیمبران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر علی بن موسی امام

الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ

مؤمنان و وارث (علم) پیمبران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر محمد بن

عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَى

علی امام مؤمنان و وارث (علم) پیمبران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر

عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

علی بن محمد امام مؤمنان و وارث (علم) پیمبران و حجت پروردگار جهانیان

وَ صَلَّى عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ

و درود فرست بر حسن بن علی امام مؤمنان و وارث (علم) پیمبران و حجت

رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَى الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَارِثِ

پروردگار جهانیان و درود فرست بر آن یادگار صالح راهنما حضرت مهدی امام مؤمنان و وارث (علم)

الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيْمَةِ

پیمبران و حجت پروردگار جهانیان خدایا درود فرست بر محمد و خاندانش پیشوایان

الْهَادِينَ، الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ، الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ، دَعَائِمِ دِينِكَ، وَ أَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ، وَ

راهنما و دانشمندان و راستگویان و پرهیزکاران که ستونهای دین تو و پایه‌های محکم توحید و

تَرَاجِمَةَ وَحْيِكَ وَ حُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَ خُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ، الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ

مفسران وحی تو و حجتهای تو بر تمام مخلوقات و جانسینات که در روی زمین هستند آنان که ایشان را برای

لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ، وَارْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ وَخَصَصْتَهُمْ

خویش برگزیدی و برای بندگانت انتخاب کردی و برای دینت پسندیدی و به معرفت خویش مخصوصشان

بِمَعْرِفَتِكَ، وَجَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ، وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَرَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ،

گرداندی و به کرامت جلالت و برجستگیشان دادی و به رحمت آنها را پوشاندی و به نعمت آنان را پروردی

وَغَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَالْبَسْتَهُمْ نُورَكَ، وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ، وَحَفَّيْتَهُمْ

و به حکمتت غذایشان دادی و نورت را در برشان کردی و در ملکوت خویش آنها را بالا بردی و

بِمَلَائِكَتِكَ وَشَرَفْتَهُمْ بِبَنِيكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

به فرشتگانت گرداگردشان را پوشاندی و به پیامبرت ایشان را شرف بخشیدی - درود تو بر او و آتش باد - خدایا درود

فرست بر محمد و

وَ عَلَيْهِمْ، صَلَوةً زَاكِيَةً نَامِيَةً كَثِيرَةً، دَائِمَةً طَيِّبَةً، لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَلَا يَسَعُهَا

بر ایشان درود پاک و روینده بسیار و همیشگی و پاکیزه‌ای که کسی جز تو بدان احاطه ندارد و جز در

إِلَّا عِلْمُكَ، وَلَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُحْيِي سُنَّتِكَ،

علم تو نگنجد و هیچکس جز تو شماره‌اش نتواند خدایا و درود فرست بر ولی خود و زنده کننده

طریقت (آنکس که) به امرت قیام کند و بسویت بخواند و به راه تو دلالت کند حجت تو بر خلق و جانسینت

الْقَائِمِ فِي أَرْضِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ، اللَّهُمَّ أَعِزَّ نَصْرَهُ، وَمُدِّ فِي عَمْرِهِ،

در زمین و گواهد بر بندگان خدایا یاریش را نیرومند و با شوکت کن و بر عمرش بیفزای

وَ زَيْنِ الْأَرْضِ بِطَوْلِ بَقَائِهِ، اللَّهُمَّ أَكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ، وَاعْذِهِ مِنْ

و زمین را به طول بقایش زیور بخش خدایا او را از ستم حسودان کفایت کن و از

شَرِّ الْكَافِرِينَ، وَازْجُرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ، وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي

شر مکاران محافظتش کن و اراده ستمکاران را از او بگردان و از دست

الْجَبَّارِينَ، اللَّهُمَّ اعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَشَيْعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ، وَ

گردنکشان خلاصش کن خدایا به او عطا کن درباره خودش و فرزندان و شیعیان و رعایای او و

خَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ وَعَدْوَهُ، وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا، مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتَسُرُّهُ

نزدیکانش و عموم پیروانش و نیز درباره دشمنان او و تمام مردم دنیا آنچه را که چشمش بدان روشن شود و دلش بدان

بِهِ نَفْسُهُ، وَ بَلَّغَهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

شاد گردد و او را به بهترین چیزی که در دنیا و آخرت آرزو دارد برسان که همانا تو بر هر چیز

قَدِيرٌ، اَللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا أَمْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَ آخِي بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ كِتَابِكَ،

توانایی خدایا تازه کن بوسیله او آنچه را که از دینت محو شده و زنده کن بدست او آنچه را که از کتابت تبدیل یافته

وَ أَظْهَرِ بِهِ مَا غَيَّرَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى يَعُوذَ دِينَكَ بِهِ، وَ عَلَى يَدَيْهِ

و آشکار ساز بوسیله او آنچه را که از حکم تو تغییر یافته تا آنجا که برگردد دین تو بوسیله او و به دست او

غَضًّا جَدِيدًا خَالِصًا مُخْلِصًا، لَا شَكَّ فِيهِ، وَ لَا شُبُهَةَ مَعَهُ، وَ لَا بَاطِلَ

تر و تازه و پاک و بی‌آلایش که شکی در آن نباشد و شبهه‌ای بجای نماند و باطلی در آن

عِنْدَهُ وَ لَا بَدْعَةَ لَدَيْهِ، اَللَّهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَ هُدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ

نباشد و بدعتی بجای نماند خدایا روشن کن به نور او هر تاریکی را و درهم شکن به قدرتش هر

بَدْعَةٍ، وَ اِهْدِمْ بَعْزَهُ كُلَّ ضَلَالَةٍ، وَ اَقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ، وَ اَخْمِدْ بِسَيِّفِهِ

بدعتی را و ویران کن بوسیله عزتش هر گمراهی را و بشکن به دست او (پشت) هر گردنکشی را و خاموش کن به

شمشیرش

كُلِّ نَارٍ، وَ اَهْلِكْ بَعْدَلِهِ جَوْرَ كُلِّ جَائِرٍ، وَ اجْرِ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ، وَ

آتش هر فتنه را و نابود ساز با عدالت او ستم هر ستمگری را و حکمش را فوق تمام حکمها بگذران و

اَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ، اَللَّهُمَّ اَذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ، وَ اَهْلِكْ كُلَّ مَنْ

بوسیله سلطنتش هر سلطانی را زبون کن خدایا خوار کن هر که را قصد سوئی نسبت به او کند و نابود ساز هر که

عَادَاهُ، وَ اَمْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ، وَ اسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَهُ حَقَّهُ، وَ اسْتَهَانْ بِأَمْرِهِ،

با او دشمنی کند و به مکر خویش دچار کن آنکه درباره‌اش کیدی کند و ریشه‌کن ساز هر که را منکر حقش گردد و کارش

وَ وَسَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ، وَ ارَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

را سبک شمارد و در خاموش کردن نورش کوشا باشد و بخواهد او را از یاد ببرد خدایا درود فرست بر محمد

الْمُصْطَفَى، وَ عَلَى الْمُرْتَضَى، وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَ الْحَسَنَ الرَّضَا،

مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا و بر حسن (دارای مقام تسلیم و) رضا

وَالْحُسَيْنِ الْمُصْطَفَى، وَ جَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ مَصَابِيحِ الدُّجَى، وَ أَعْلَامِ

و بر حسین مصفی و تمامی اوصیاء که چراغهای تاریکی و نشانه‌های

الهُدَى، وَ مَنَارِ التَّقَى، وَ الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَ الْحَبْلِ الْمَتِينِ، وَ الصِّرَاطِ

هدایت و مشعلهای پرهیزکاری و دست‌آویزهای محکم و رشته‌های استوار و راه

الْمُسْتَقِيمِ، وَ صَلَّى عَلَيَّ وَ لِیِّكَ وَ وِلَاةِ عَهْدِكَ، وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ وَ لَدِهِ، وَ مَدَّ

راست‌اند و درود فرست بر ولی خود و سرپرستان عهد و پیمان و امامان از نسل او و عمرشان را دراز گردان

فِي أَعْمَارِهِمْ، وَ زَدَّ فِي أَجَالِهِمْ، وَ بَلَّغَهُمْ أَقْصَى آمَالِهِمْ دِينًا وَ دُنْيَا وَ

و مدت زندگانشان را زیاد کن و به منتهای آرزوهایشان در دین و دنیا و

آخِرَةَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. *

آخرت برسان که تو بر هر چیزی قادر و توانایی

و بدانکه موافق روایتی شب شنبه حکم شب جمعه را دارد

و شایسته است آنچه در شب جمعه خوانده می‌شد در آن شب نیز خوانده شود.

فصل پنجم

در تعیین اسامی نبی و ائمه علیهم السلام

به روزهای هفته و زیارت ایشان در هر روز سید بن طاووس در جمال الأسبوع

گفته ابن بابویه رحمه الله مُسْتَدًّا از صقر بن ابی دُلف روایت کرده که چون

متوکل حضرت امام علی النقی علیه السلام را بِسْرَ مَنْ رَأَى طَلْبِیدَ رُوزِی بِخَدْمَتِ

آن حضرت رفتم خبری از احوال آنجناب بگیرم و آن حضرت را نزد زراقی

حاجب متوکل محبوس کرده بودند چون نزد او رفتم گفت چه کار داری گفتم

دیدن شما آمدهام ساعتی باهم نشستیم و از هرگونه صحبتی باهم کردیم تا آنکه مردم را متفرّق کرد و مجلس خلوت شد باز پرسید که برای چه آمده‌ای من همان جواب اوّل را دادم گفت گویا آمده‌ای که خبری از مولای خود بگیری من ترسیدم گفتم مولای من خلیفه است گفت ساکت شو که مولای تو بر حقّ است و من نیز اعتقاد تو را دارم گفتم الحمد لله پس گفت آیا می‌خواهی نزد او بروی گفتم بلی گفت قدری بنشین تا صاحب البرید از نزد او بیرون آید من نشستم تا وقتی که صاحب البرید بیرون شد آن وقت پسرکی را مأمور کرد که مرا به نزد آن حضرت ببرد چون بخدمت آنجناب رسیدم دیدم بر روی حصیری نشسته است و در برابرش قبری کنده‌اند پس سلام کردم حضرت جواب داد فرمود بنشین پس فرمود که برای چه آمده‌ای گفتم آمده‌ام که از احوال شما خبری گیرم پس چون نظرم بر قبر افتاد گریستم حضرت فرمود که گریه مکن که در این وقت از ایشان آسیبی به من نمی‌رسد.

گفتم الحمد لله پس گفتم ای سید من حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که معنی آنرا نمی‌فهمم فرمود چیست آن حدیث عرض کردم: لا تُعَادُوا الْأَيَّامَ فَتُعَادِيكُمْ یعنی دشمنی نکنید با روزها که آنها با شما دشمنی خواهند کرد فرمود مُراد از ایّام و روزها ما هستیم مادامی که بپااست آسمانها وزمین، شنبه اسم رسول خدا صلی الله علیه و آله است و یکشنبه امیرالمؤمنین علیه السلام و دوشنبه حسن و حسین علیهما السلام و سه شنبه علی بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد علیهم السلام و چهارشنبه موسی بن جعفر و

علی بن موسی و محمد بن علی علیهم السلام و منم و پنجشنبه فرزندم حسن و جمعه فرزند فرزندم است و بسوی او جمع می‌شوند اهل حق.

این است معنی ایام پس دشمنی مکنید با ایشان در دنیا که دشمنی کنند با شما در آخرت. پس فرمود وداع کن و بیرون رو که ایمن نیستم بر تو و می‌ترسم اذیتی به تو رسد و بعد سید این حدیث را بسند دیگر از قطب راوندی نقل کرده آنگاه فرمود: ذکر زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز خود که روز شنبه باشد:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُهُ، وَأَنَّكَ مُحَمَّدٌ

گواهی دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست که شریکی ندارد و گواهی دهم که تو پیامبر او هستی و تویی محمد بن

عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي

عبدالله و گواهی دهم که تو رسالتهای پروردگارت را ابلاغ کردی و برای امتت خیرخواهی نمودی و در

سَبِيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَذَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، وَأَنَّكَ

راه خدا از راه حکمت و اندرز نیکو، جهاد (وکوشش) کردی و آنچه را که از حق بر عهده تو بود ادا کردی و برستی

قَدْ رَوَّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ، وَعَظَّمْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى

تو نسبت به مؤمنان مهربانی کردی و بر کافران سخت گرفتی و خدا را با اخلاص پرستش کردی تا یقین (یعنی مرگ)

أَتَيْكَ الْيَقِينَ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ

بسراغت آمد پس خداوند تو را به شریف‌ترین مقام گرامیان رسانید ستایش خاص خدایی است که

مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلَالِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ

ما را بوسیله تو از شرک و گمراهی نجات داد خدایا درود فرست بر محمد و آتش و قرار ده درودهای خود و درودهای

مَلَائِكَتِكَ، وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَهْلِ

فرشتگان و پیامبران و رسولان و بندگان شایسته‌ها و اهل

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،

آسمانها و زمینها و هر که برای تو تسبیح کند ای پروردگار جهانیان از پیشینیان و پسینیان

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ، وَنَجِيِّكَ

همه را برای محمد بندهات و فرستاده و پیامبرت و امین و حیت و برگزیده

وَصَفِيِّكَ وَ صِفْوَتِكَ، وَخَاصَّتِكَ وَخَالِصَّتِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ

و حبیبیت و صفی و پاکیزه و خاص درگاه و خالصت و انتخاب شده از

خَلْقِكَ، وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالْوَسِيلَةَ وَالدرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَابْعَثْهُ

خلقت و به او عطا کن برتری و فضیلت و وسیله و درجه بلند و برآور او را

مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ، اَللَّهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ وَلَوْ

به مقام پسندیده‌ای که اولین و آخرین به مقاش غبطه خورند خدایا خودت (در قرآن) گفتی «و اگر

اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ، فَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُوْلُ،

ایشان در آن دم که بر خویش ستم کردند پیش تو آمده و از خدا آمرزش خواسته و پیغمبر

لَوْجَدُوا اللّٰهَ تَوَّابًا رَّحِيْمًا، اَلِهٰی فَقَدْ اَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ

برای آنها آمرزش خواسته بود حتماً خدا را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند» خدایا

من اکنون به نزد پیغمبرت آمده و آمرزش خواه

ذُنُوْبِي، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ وَاغْفِرْهَا لِي، يَا سَيِّدَنَا اَتَوَجَّهُ بِكَ،

و توبه‌کننده از گناهانم هستم پس درود فرست بر محمد و آلش و گناهانم را پیامرز ای آقای ما (ای رسول خدا) بوسیله تو

وَبِأَهْلِ بَيْتِكَ اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰی رَبِّكَ وَرَبِّي لِيَغْفِرَ لِي، پَس سَه مَرْتَبَه بگو: اَنَا لِلّٰهِ

و اهل بیت بسوی خدای تعالی پروردگار تو و پروردگار خودم رو می‌آورم تا مرا بیمارزد * * * * ما از آن خداییم

وَاَنَا اِلَيْهِ راجِعُونَ پَس بگو: اُصِبْنَا بِكَ يَا حَبِيْبَ قُلُوْبِنَا، فَمَا اَعْظَمَ

و مسلماً بسویش بازمی‌گردیم * * * ما به واسطه شما مصیبت زده‌ایم ای محبوب دل‌های ما و راستی چه اندازه بزرگ

الْمُصِيبَةِ بِكَ حَيْثُ اِنْقَطَعَ عَنَّا الْوَحْيُ، وَحَيْثُ فَقَدْنَاكَ فَاِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ

است مصیبت تو که بدانجهت وحی از ما منقطع گشته و مبتلا به فقدان توشدیم پس ما هم از آن خداییم و مسلماً بسویش

رَاجِعُونَ، يَا سَيِّدَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ

باز می‌گردیم ای آقای ما ای رسول خدا درود خدا بر تو و بر خاندان

الطَّاهِرِينَ، هَذَا يَوْمُ السَّبْتِ وَهُوَ يَوْمُكَ، وَأَنَا فِيهِ ضَيْفُكَ وَجَارُكَ،

طاهرینت باد امروز روز شنبه است و آن روز تو است و من در این روز مهمان تو و پناهنده به تو ام

فَأَضِيفْنِي وَأَجِرْنِي، فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضِّيَافَةَ، وَمَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ،

پس مرا پذیرایی کن و پناهام ده که همانا تو بزرگواری و مهمان‌نوازی را دوست داری و مأمور به پناه‌دادن هستی

فَأَضِيفْنِي وَأَحْسِنُ ضِيَافَتِي، وَأَجِرْنَا وَأَحْسِنُ إِجَارَتَنَا، بِمَنْزِلَةِ اللَّهِ عِنْدَكَ وَعِنْدَ

پس پذیراییم کن و نیکو پذیراییم کن و پناهام ده و نیکو پناهام ده به حق مقام و منزلت خدا در نزد تو و نزد خاندانت

آلِ بَيْتِكَ، وَبِمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَهُ، وَبِمَا اسْتَوَدَعَكُمُ مِنْ عِلْمِهِ فَإِنَّهُ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ.

و به حق مقام و منزلت ایشان در پیش خدا و به حق آن علمی که خدا به ودیعت در نزد شما نهاده که همانا او کریم‌ترین

کریمان است

جامع این کتاب عباس قمی عَفِيَ عَنْهُ گوید که من هرگاه خواستم زیارت کنم

آن حضرت را به این زیارت اول زیارت می‌کنم آن حضرت را بنحویکه

حضرت امام رضاعلیه السلام تعلیم بَرَنْطَلِ فرموده بعد از آن این زیارت را

می‌خوانم و کیفیت آن چنان است که روایت شده بسند صحیح که ابن ابی نصر

خدمت امام رضاعلیه السلام عرض کرد که بعد از نماز چگونه صلوات و سلام

بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله باید فرستاد فرمود می‌گوئی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ

سلام بر تو ای رسول خدا و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو ای محمد بن

عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

عبدالله سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو ای حبیب خدا سلام بر تو ای

صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدٌ

انتخاب شده خدا سلام بر تو ای امین (وحی) خدا گواهی دهم که تو پیامبر خدایی و گواهی دهم که تویی محمد
بُنْ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَعَبَدْتَهُ حَتَّى
بن عبدالله و گواهی دهم که براستی تو برای امت خیرخواهی کردی و در راه پروردگارت جهاد کردی و او را پرستش
کردی

أَتَيْكَ الْيَقِينَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

تا یقین (یعنی مرگ) بسراغت آمد پس پاداشت دهد خدا ای رسول خدا بهترین پاداشی که از طرف امتی به پیغمبرشان
دهد خدایا درود فرست

مَحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

بر محمد و آل محمد بهترین درودی که بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی که همانا تو بسیار ستوده و بزرگواری

زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

به روایت آن کسی که در بیداری مشاهده کرد که جناب صاحب الزمان علیه
السلام آن حضرت را به این کلمات زیارت کرد در روز یکشنبه که روز آن
حضرت است:

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَالذُّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضِيئَةِ، الْمُثْمِرَةِ بِالنَّبُوَّةِ،

سلام بر درخت طیبه نبوت و کهن درخت تنومند هاشمی که درختی است تابان و بارور به نبوت و سرسبز

الْمُؤْنِقَةِ بِالْإِمَامَةِ، وَعَلَى ضَجِيْعَيْكَ آدَمَ وَنُوحَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

و خرم به امامت و بر دو آرمیده در کنارت آدم و نوح علیهما السلام سلام بر تو

وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ

و بر خاندان پاک و پاکیزه‌ات سلام بر تو و بر فرشتگانی که تو را در برگرفته

بِكَ، وَالْحَاقِقِينَ بِقَبْرِكَ، يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، هَذَا يَوْمُ الْأَحَدِ وَهُوَ يَوْمُكَ

و اطراف قبرت را گرفته‌اند ای مولای من ای امیرمؤمنان امروز روز یکشنبه است و آن روز تو و

وَبِاسْمِكَ، وَأَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَجَارُكَ، فَأَضِفْنِي يَا مَوْلَايَ وَآجِرْنِي، فَإِنَّكَ كَرِيمٌ

بنام تو است و من در این روز مهمان تو و در پناه توام پس ای مولای من پذیرایم کن و پناهم ده که براستی تو کریمی

تُحِبُّ الضِّيَافَةَ وَ مَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ، فَافْعَلْ مَا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ، وَرَجَوْتُهُ مِنْكَ،

و مهمان‌نوازی را دوست داری و مأمور به پناه دانی پس انجام ده آنچه را که من میل بدان دارم و از تو امیدوارم

بِمَنْزِلَتِكَ وَ آلِ بَيْتِكَ عِنْدَ اللَّهِ، وَمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ، وَبِحَقِّ ابْنِ عَمِّكَ

به حق مقام و منزلت تو و خاندانت نزد خدا و منزلت او در نزد شما و به حق پسر عمویت

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَعَلَيْهِمْ [وَعَلَيْكُمْ] أَجْمَعِينَ.

رسول خدا درود و سلام خدا بر او و آتش و بر همه شما باد.

زیارت حضرت فاطمه زهراء عليها السلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُمْتَحَنَةً، امْتَحَنَكَ الَّذِي خَلَقَكَ، فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ

سلام بر تو ای آزمایش شده، آزمودت آن خدایی که تو را آفرید پس تو را در آنچه آزمود

صَابِرَةً، أَنَا لَكَ مُصَدِّقٌ، صَابِرٌ عَلَى مَا أَتَى بِهِ أَبُوكَ وَوَصِيَّهُ، صَلَوَاتُ اللَّهِ

بردبار یافت و من مقام شامخت را تصدیق دارم و بر آنچه پدرت و همچنین وصی او - که درود خدا

عَلَيْهِمَا، وَأَنَا أَسْأَلُكَ إِنْ كُنْتُ صَدَقْتُكَ إِلَّا الْحَقِّتَنِي بِتَصَدِيقِي لَهُمَا لِيُتَسَرَّرَ

بر ایشان باد - آورده‌اند صابرم و از تو می‌خواهم که اگر تو را تصدیق کرده‌ام تصدیق مرا به آن دو نیز برسانی تا

نَفْسِي فَاشْهَدِي أَنِّي ظَاهِرٌ بَوْلَايَتِكَ، وَوَلَايَةِ آلِ بَيْتِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

دل‌م را شاد گردانی و گواه باش که من پشت‌گرم به ولایت تو و ولایت خاندانت صلوات الله عليهم اجمعین هستم

ايضاً زیارت حضرت زهراء عليها السلام به روایت دیگر

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُمْتَحَنَةً، امْتَحَنَكَ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ،

سلام بر تو ای آزمایش شده آنکس که تو را آفرید پیش از آنکه تو را خلق کند آزمودت

وَكَنْتُ لِمَا امْتَحَنَكَ بِهِ صَابِرَةً، وَنَحْنُ لَكَ أَوْلِيَاءُ مُصَدِّقُونَ، وَلِكُلِّ مَا

و تو در آن آزمایش بردبار و شکیبا بودی و ما دوستان تو و تصدیق کنندگان شمایم و در برابر هر چه

أَتَى بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَأَتَى بِهِ وَصِيَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

پدرت صلی الله علیه و آله و سلم و وصیش علیه السلام آورده‌اند

مُسَلِّمُونَ، وَ نَحْنُ نَسْئَلُكَ اللَّهُمَّ إِذْ كُنَّا مُصَدِّقِينَ لَهُمْ، أَنْ تُلْحِقَنَا بِتَصَدِّقِنَا

تسلیم هستیم و ای خدا ما از تو می‌خواهیم همچنانکه ما تصدیق کننده این بزرگان هستیم تو هم ما را بخاطر همین

تصدیقمان

بِالدَّرَجَةِ الْعَالِيَةِ، لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّ قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِهِمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

به درجه عالی‌ای برسانی تا ما خود را مژده دهیم که بخاطر دوستی و ولایت این خانواده علیهم‌السلام پاک شدیم

زیارت امام حسن علیه السلام

روز دوشنبه روز امام حسن و امام حسین علیهما السلام است

در زیارت امام حسن علیه السلام می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

سلام بر تو ای فرزند پیامبر (خدا) پروردگار جهانیان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا

عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ،

سلام بر تو ای حبیب خدا سلام بر تو ای برگزیده خاص خدا سلام بر تو ای امین (وحی) خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِرَاطَ اللَّهِ،

سلام بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای نور خدا سلام بر تو ای راه (مستقیم)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَيَانَ حُكْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

خدا سلام بر تو ای بیان (کننده) حکم خدا سلام بر تو ای یاور دین خدا سلام بر تو ای

أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَرُّ الْوَفِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

آقای پاک (و منزّه از هر عیب) سلام بر تو ای نیکوکردار وفادار سلام بر تو

أَيُّهَا الْفَائِمُ الْأَمِينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالِمُ بِالتَّوْبِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای قیام‌کننده (به امر خدا) و امین سلام بر تو ای دانای به تأویل (قرآن) سلام بر تو

أَيُّهَا الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرُ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای راهنمای راه یافته سلام بر تو ای پاکیزه منزله سلام بر تو

أَيُّهَا التَّقِيُّ النَّقِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْحَقِيقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ

ای پرهیزکار پاکدامن سلام بر تو ای حق سزاوار بدان سلام بر تو ای شهید

الصَّدِيقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ.

راست گفتار سلام بر تو ای ابا محمد حسن بن علی و رحمت خدا و برکات او

زیارت حضرت امام حسین علیه السلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان سلام

عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ،

بر تو ای فرزند بانوی زنان جهانیان گواهی دهم که تو برستی نماز را برپا داشتی و زکات دادی

وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ

و امر به معروف کردی و نهی کردی از منکر (و کارهای زشت) و خدای را از روی اخلاص پرستش کردی و در راه

خدا

حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى آتَيْتَ الْبَيْتَيْنِ، فَعَلَيْكَ السَّلَامُ مِثْلَ مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ

آنطور که باید و شاید جهاد کردی تا بقیین (یعنی مرگ) به سراغت آمد پس بر تو باد سلام من تا من زنده‌ام و شب

وَالنَّهَارُ، وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، أَنَا يَا مَوْلَايَ مَوْلَى لَكَ وَوَالِدِ

روز بر پا است و بر خاندان پاکیزه و پاکت باد و من ای مولایم دوستدار تو و خاندانت

بَيْتِكَ، سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَجَهْرِكُمْ،

هستم صلح با هرکس که با شما در صلح است و در جنگم با هر کس که با شما در جنگ است ایمان دارم به راز پنهان

و به امر

وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ أَعْدَاءَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَأَنَا

آشکار شما و ظاهر و باطن شما خدا لعنت کند دشمنانتان را از اولین و آخرین و من

أَبْرءُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْهُمْ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ،

بیزاری می‌جویم به سوی خدای تعالی از ایشان ای مولای من ای ابا محمد و ای مولای من ای ابا عبدالله

هَذَا يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ وَهُوَ يَوْمُكُمْ وَيَا سَمِكُمْ، وَأَنَا فِيهِ ضَيْفُكُمْ فَاصْبِرَانِي،

امروز روز دوشنبه است و این روز شما است و به نام شما است و من در این روز مهمان شمایم پس مرا بنوازید

وَأَحْسِنَا ضَيْفَاتِي، فَنَعْمَ مَنِ اسْتُضِيفَ بِهِ أَنْتُمْ، وَأَنَا فِيهِ مِنْ جِوَارِكُمْ فَاجْبِرَانِي،

و نیکو مهمان‌نوازی کنید که چه خوب مهمان نوازانید شما برای مهمان و من در این روز در پناه شمایم پس مرا پناه

دهید که

فَأَنْتُمْ مَأْمُورَانِ بِالضِّيَافَةِ وَالْإِجَارَةِ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَالْكَمَّ الطَّيِّبِينَ.

همانا شما به مهمان‌نوازی و پناه دادن مأمورید درود خدا بر شما و بر خاندان پاکتان باد

زیارت حضرت امام زین العابدین و حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام

روز سه‌شنبه به اسم حضرت امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر

صادق علیهم السلام است زیارت کن ایشان را بدین زیارت:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا خُزَّانَ عِلْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا تَرَاجِمَةَ

سلام بر شما ای گنجینه‌داران علم خدا سلام بر شما ای ترجمانان (و مفسران)

وَحَىِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أُمَّةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا

وحی خدا سلام بر شما ای پیشوایان هدایت سلام بر شما ای

أَعْلَامَ النَّقِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلَادَ رَسُولِ اللَّهِ، أَنَا عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ.

نشانه‌های پرهیزکاری سلام بر شما ای فرزندان رسول خدا من به حق شما شناسایی دارم

مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ، مُعَادٍ لِأَعْدَائِكُمْ، مُوَالٍ لِأَوْلِيَائِكُمْ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي

و به شأن و مقامتان بینایی کامل دارم دشمنم با دشمنانتان دوستم با دوستانتان پدر و مادرم به فدایتان

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَالِي آخِرِهِمْ كَمَا تَوَالَيْتُ أَوْلَهُمْ،

درود خدا بر شما خدایا من دوست دارم آخرین ایشان را چنانچه دوست دارم نخستین آنها را

وَأَبْرَأَ مِنْ كُلِّ وِلِيَّةٍ دُونَهُمْ، وَكَفَرُ بِأَجْبَتِ الطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ

و بیزارى جویم از هر همدم باطل غیر از ایشان و به جبت و طاغوت (مدعیان دروغین مقام ایشان) و لات

وَأُعْزَى، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ يَا مَوَالِيَّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ

و عزى کافرمد درود خدا بر شما ای سروران من و رحمت خدا و برکاتش سلام بر

عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْعَابِدِينَ، وَسَلَالَةَ الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَاقِرَ عِلْمِ

تو ای بزرگ عابدان و نژاد پاک اوصیاء سلام بر تو ای شکافته علم

النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَادِقًا مُصَدِّقًا فِي الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ، يَا مَوَالِيَّ

پیامبران سلام بر تو ای راستگوی تصدیق شده در گفتار و کردار ای سروران من

هَذَا يَوْمُكُمْ وَهُوَ يَوْمُ الثَّلَاثَاءِ، وَأَنَا فِيهِ ضَيْفٌ لَكُمْ وَمُسْتَجِيرٌ بِكُمْ

امروز که روز سه‌شنبه است روز شما است و من در این روز مهمان شمایم و پناه جوی به شمایم پس از من

فَاضِيْفُونِي وَأَجِيرُونِي بِمَنْزِلَةِ اللَّهِ عِنْدَكُمْ، وَآلِ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

پذیرایی کنید و پناهم دهید بدان مقامی که خدا در نزد شما و خاندان پاک و پاکیزه شما دارد

زیارت حضرات امام موسی بن جعفر و امام رضا و امام محمد تقی و امام علی النقی علیهم السلام

روز چهارشنبه به اسم حضرت موسی بن جعفر و امام رضا و امام محمد تقی و

امام علی النقی علیهم السلام است بگو در زیارت ایشان:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَجَ اللَّهِ،

سلام بر شما ای دوستان خدا سلام بر شما ای حجتهای خدا

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

سلام بر شما ای نور(های) خدا در تاریکیهای زمین سلام بر شما

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى آلِ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، يَا بَابِي أَنْتُمْ

و درود خدا بر شما و بر خاندان پاک و پاکیزه‌تان باد پدرم و

وَأُمِّي لَقَدْ عَبْدتُمُ اللَّهَ مُخْلِصِينَ، وَجَاهَدتُمُ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى

و مادرم به فدای شما که براستی شما خدای را از روی اخلاص پرستش کردید و آنطور که باید و شاید در راه خدا جهاد

آتیکمُ الْيَقِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ أَعْدَاءَكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ، وَأَنَا أَبْرءُ

کردید تا مرگ به سراغ شما آمد پس خدا لعنت کند همه دشمنانتان را از جن و انس و من به سوی خدا

إِلَى اللَّهِ وَالْيَكْمُ مِنْهُمْ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا إِبْرَاهِيمَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، يَا مَوْلَايَ يَا

و شما از ایشان بیزاری می جویم ای سرور من ای ابراهیم - موسی بن جعفر - و ای مولای من

أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ،

ای ابالحسن - علی بن موسی - و ای آقای من ای ابا جعفر - محمد بن علی -

يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، أَنَا مَوْلَى لَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ

و ای مولای من ای ابالحسن - علی بن محمد - من دوست شمایم ایمان به راز نهان

وَجَهْرِكُمْ، مُتَضَيِّفٌ بِكُمْ فِي يَوْمِكُمْ هَذَا وَهُوَ يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ، وَمُسْتَجِيرٌ

و امر آشکار شما دارم و خود را در این روز که روز چهارشنبه است به همانی

بِكُمْ فَاضِيْفُونِي وَ أَجِيرُونِي بِالِ يَبْتِكُمُ الطَّاهِرِينَ.

شما خوانده‌ام و به شما پناه آورده‌ام پس از من پذیرایی کنید و پناهم دهید به حق خاندان پاک و پاکیزه‌تان

زیارت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

روز پنجشنبه روز حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است بگو در زیارت

آن حضرت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَخَالِصَتَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای ولی خدا سلام بر تو ای حجت خدا و بنده خدا و بنده خالص او سلام بر تو ای پیشوای

إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ

مؤمنان و وارث فرستادگان (خدا) و حجت پروردگار جهانیان درود خدا بر تو

وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ،

و بر خاندان پاک و پاکیزه‌ات ای سرور من ای ابا محمد - حسن بن علی -

أَنَا مَوْلَى لَكَ وَ لِأَلِ بَيْتِكَ، وَ هَذَا يَوْمُكَ وَ هُوَ يَوْمُ الْخَمِيسِ، وَ أَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ، وَ

من دوست شما و خاندانت هستم و امروز که روز پنجشنبه است روز شما است و من در این روز میهمان شمایم و
مُستَجِيرٌ بِكَ فِيهِ، فَأَحْسِنْ ضِيَافَتِي وَ اجَارَتِي، بِحَقِّ آلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

پناهنده به شمایم پس نیکو از من پذیرایی کن و بخوبی پناهم ده به حق خاندان پاک و پاکیزه‌ات

زیارت حضرت صاحب الزمان علیه السلام

روز جمعه روز و بنام آن جناب است و همان روزی است که در آن روز ظهور

خواهد فرمود بگو در زیارت آن حضرت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ،

سلام بر تو ای حجت خدا در روی زمین

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدَى

سلام بر تو ای دیده‌بان (یا دیده) خدا در میان خلق سلام بر تو ای نور خدا که راهجویان

بِهِ الْمُهْتَدُونَ، وَيُفْرَجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَدَّبُ

بدان راهنمایی شوند و به وسیله او از کار مؤمنان گشایش شود سلام بر تو ای پاک پروریده

الْخَائِفُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ

ترسان (از دشمن) سلام بر تو ای سرپرست خیرخواه سلام بر تو ای کشتی

النَّجَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ

نجات سلام بر تو ای چشمه حیات سلام بر تو باد درود خدا بر تو و بر خاندان

بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ

پاک و پاکیزه‌ات باد سلام بر تو خدا شتاب کند در وعده یاری

وَظُهُورِ الْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، أَنَا مَوْلَاكَ عَارِفٌ بِأَوْلِيكَ وَأَخْرِيكَ،

تو و پیروزی کارت سلام بر تو ای سرور من، و من دوست تو و بینی به آغاز و انجام کارت هستم

اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ وَبِأَلِ بَيْتِكَ، وَأَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ، وَظَهْوَرَ الْحَقِّ عَلَى

و به سوی خدای تعالی بوسیله تو و خاندانت تقرب جویم و منتظر ظهور تو و پیروزی حق بدست

یدیک، وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مِنْ

تو هستم و از خدا می‌خواهم که درود فرستد بر محمد و آل محمد و مرا در زمره

الْمُنْتَظِرِينَ لَكَ وَالتَّابِعِينَ وَالنَّاصِرِينَ لَكَ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ

منتظران و پیروان تو قرار دهد و در زمره یاوران تو در برابر دشمنان و کسانی که در پیش رویت در میان

يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَائِكَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ

دوستانت شربت شهادت می‌نوشند ای مولای من ای صاحب الزمان درود خدا بر تو

وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ، هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَهُوَ يَوْمُكَ، الْمَتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ، وَالْفَرَجُ

و بر خاندانت، امروز روز جمعه است و آن روز تو است که انتظار ظهور تو در آن روز و انتظار فرج

فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ، وَقَتْلُ الْكَافِرِينَ بِسَيْفِكَ، وَأَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ

مؤمنان بدست تو و کشتار کافران بوسیله شمشیر تو در این روز می‌رود و من ای آقای من در این روز میهمان تو و

پناهنده‌ات هستم

ضَيْفِكَ وَجَارِكَ، وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٍ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ، وَمَأْمُورٌ بِالضِّيَافَةِ

و تو ای سرور من بزرگواری از فرزندان بزرگواران هستی و به میهمان نوازی

وَالْإِجَارَةِ، فَأَضْفِنِي وَاجْرِنِي، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

و پناه دادن مأموری پس مرا بنواز و پناهم ده درود خدا بر تو و بر خاندان طاهرینت باد.

سید بن طاووس گفته که من بعد از این زیارت متمثل می‌شوم به این شعر و

اشاره می‌کنم به آن حضرت و می‌گویم:

نَزَيْلَكَ حَيْثُ مَا اتَّجَهْتُ رِكَابِي

وَ ضَيْفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ

یعنی من بر تونازل می‌شوم هر کجا که راحله ام روی آورد و مرا وارد نماید و میهمان تو هستم در هر کجا که باشم از شهرها.

فصل ششم

در ذکر بعضی از ادعیه مشهوره

از جمله دعای صباح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و آن این است:

دعای صباح

اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبْلُجِهِ، وَسَرَحَ قِطْعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِغِيَابِهِ

خدایا ای کسی که بیرون کشید زبان صبحدم را به بیان تابناک آن و پراکنده ساخت پاره‌های شب تاریک را با آن

توده‌های

تَدَجَّلْجَلِهِ، وَأَتَقَنَّ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ تَبْرِجِهِ، وَشَعَشَعَ ضِيَاءَ

سیاه سرگردانی که داشت و محکم ساخت ساختمان این چرخ گردون را در اندازه‌ها و گردشهای زیبایش و پرتو افکن

الشَّمْسِ بِنُورِ تَأْجُّجِهِ، يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ، وَتَنَزَّهَ عَنْ مُجَانَسَةِ

ساخت تابش خورشید را با نور فروزان و گرم آن ای که راهنمایی کرد بر خودش به خودش و منزّه است از هم جنسی

(و مشابهت با)

مَخْلُوقَاتِهِ، وَجَلَّ عَنْ مِلْأَمَةِ كَيْفِيَّاتِهِ، يَا مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ،

مخلوقاتش و برتر است از سنخیت یا چگونگیهای عالم خلقت ای کسی که نزدیک است به گمانهایی که (درباره او)

وَبَعَدَ عَنْ لِحَظَاتِ الْعُيُونِ، وَعَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ، يَا مَنْ أَرَقَدَنِي فِي

بر دل خطور کند ولی دور است از چشم انداز دیدگان و می‌داند آنچه را شود پیش از شدنش ای کسی که مرا در گهواره

مِهَادِ أَمْنِهِ وَأَمَانِهِ، وَأَيَّقَنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنَنِهِ وَإِحْسَانِهِ، وَكَفَّ

آسایش و امنیت خود به خواب برد و برای استفاده از نعمتها و بخششهای بیدریغش که به من ارزانی داشته بیدارم کرد و

أَكْفَى السُّوءِ عَنِّي بِيَدِهِ وَسُلْطَانِهِ، صَلَّى اللَّهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ،

پنجه‌های بدخواهان را بدست قدرت و سلطنت خویش از من بازداشته درود فرست بر آن راهنمای به سوی تو در

الْأَيْلِ وَالْمَاسِكِ مِنْ أَسْبَابِكَ بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ، وَالنَّاصِعِ الْحَسَبِ فِي ذُرْوَةِ

شب بسیار تار (جاهلیت) و آن کس که در میان اسباب و وسائل تو بلندترین ریسمان شرف را گرفت و آن کس که حسب پاک

الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ، وَالثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَى زَحَالِفِهَا فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ، وَعَلَى إِلِهِ

و خالصش بر بلندترین شانه‌های مردان عالم قرار داشت و آن ثابت قدم بر روی لغزشگاهها در آن زمان پیشین و بر

الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ، وَافْتَحَ اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِعَ الصَّبَاحِ بِمَفَاتِيحِ

خاندان نیکوکار برگزیده خوش کردارش و بگشا برای ما خدایا لنگه‌های در بامدادان را به کلیدهای

الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ، وَالْبِسْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خَلْعِ الْهُدَايَةِ وَالصَّلَاحِ،

رحمت و رستگاری و بیوشانم خدایا از بهترین خلعتهای هدایت و شایستگی

وَاعْرِسِ اللَّهُمَّ بِعَظْمَتِكَ فِي شَرِبِ جَنَانِي يَنَابِيْعَ الْخُشُوعِ، وَاجْرِ اللَّهُمَّ

و بجوشان خدایا به عظمت خویش در جویبار دلم چشمه‌های خشوع و جاری ساز خدایا

لِهَيْبَتِكَ مِنْ أَمَاقِي زَفَرَاتِ الدُّمُوعِ، وَأَدِّبِ اللَّهُمَّ نَزَقَ الْخُرْقِ مَنِي بَازِمَةِ

برای هیبتت از گونه‌هایم مشکهای اشک و ادب کن خدایا سبک مغزی و تندخویی مرا به مهارهای

الْقُنُوعِ، إِلَهِي إِنْ لَمْ تُبَيِّدْنِي الرَّحْمَةَ مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ فَمَنْ السَّالِكِ بِي

قناعت (یا خواری در سؤال) خدایا اگر در ابتدا رحمت تو از روی حسن توفیق به سراغ من نمی‌آمد پس چه کسی

إِيَّكَ فِي وَاضِحِ الطَّرِيقِ، وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي أَنَا تَكِ لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَالْمُنَى فَمَنْ الْمُقِيلُ

بود که مرا در این راه روشن بسویت آرد و اگر حلم و بردباری تو مرا بدست آرزو و میل سرکش سپارد پس چه کسی

عَثْرَاتِي مِنْ كِبَاوَةِ الْهُوَى، وَإِنْ خَذَلْنِي نَصْرُكَ عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ

لغزشهای مرا از زمین خوردنهای هوا و هوس نادیده بگیرد و اگر در هنگام جنگ با نفس

و الشَّيْطَانِ فَقَدْ وَكَلْنِي خِذْلَانِكَ إِلَى حَيْثُ النَّصَبِ وَالْحِرْمَانِ، إِلَهِي

و شیطان یاری تو نباشد مسلماً همان یاری نکردنت مرا بدست رنج و حرمان سپارد خدایا

أَتْرَانِي مَا أَتَيْتَكَ إِلَّا مِنْ حَيْثُ الْأَمَالِ، أَمْ عَلَقْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِكَ إِلَّا حِينَ

تو بخوبی مرا می‌بینی که نزدت نیامدم جز از راه آرزوها (و آنها بود که مرا به درگاهت آورد) یا شده که بسر رشته‌های

فضل

بَاعَدْتَنِي ذُنُوبِي عَنْ دَارِ الْوِصَالِ، فَبِئْسَ الْمَطِيئَةُ الَّتِي امْتَنَطْتَ نَفْسِي مِنْ

و کرمت چنگ زنم جز وقتی که گناهانم مرا از خانه وصال دور سازد

پس چه بدمرکبی است این مرکب هوا و هوس که نفس من بر آن

هَوَاهَا، فَوَاهَا لَهَا لِمَا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونَهَا وَمَنَاهَا، وَتَبَّأَ لَهَا لِحُرَاتِهَا عَلَيَّ

سوار شده پس وای بر این نفس که گمانهای باطل و آرزوهای بیجایش در نزد او جلوه کرد و نابود باد که بر

سَيِّدِهَا وَمَوْلِيهَا، إِلَهِي قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي، وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ

آقا و مولای خویش دلیری کرد خدایا من در رحمتت را بدست امیدم کوبیدم و

لَا جِنَّاءَ مِنْ فَرَطٍ أَهْوَأْتِي، وَعَلَّقْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِكَ أَنَامِلَ وَلَائِي، فَأَصْفَحْ

از فرط هواهای نفسانی به حال پناهندهگی بسوی تو گریختم و بند کردم بسر رشته‌های کرمت انگشتان دوستی‌ام را پس

درگذر

اللَّهُمَّ عَمَّا كُنْتُ أَجْرَمْتُهُ مِنْ زَلَلِي وَخَطَأِي، وَأَقْلُنِي مِنْ صَرَعَةٍ [رِدَائِي]

خدایا از جرمهایی که من از روی لغزش و خطا کردم و نگاهم دار از حمله بیماریم (که دچار گشته‌ام)

فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي، وَأَنْتَ غَايَةُ مَطْلُوبِي وَمُنَايَ فِي

زیرا که تویی آقا و مولایم و تکیه‌گاه و امیدم و تویی منتهای خواسته و

مُتَقَلِّبِي وَمَثْوَايَ، إِلَهِي كَيْفَ تَطْرُدُ مَسْكِينًا اتَّبَجَأَ إِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ هَارِبًا،

آرمانم در دنیا و عقبایم خدایا چگونه برانی از درگاهت بیچاره‌ای را که در حال فرار از گناهان به تو پناه آورده

أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ مُسْتَرْشِدًا قَصَدَ إِلَى جَنَابِكَ سَاعِيًا، أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمْئَانَ وَرَدًا

یا چگونه نومید سازی راهجویی را که شتابان آهنگ حضرت تو را کرده یا چگونه بازگردانی تشنه‌ای را که برای نوشیدن

إِلَى حِيَاضِكَ شَارِبًا، كَلَّا وَحِيَاضُكَ مُتْرَعَةٌ فِي ضَنْكِ الْمُحُولِ وَبَابِكَ

(آب) بر سر حوضهای تو آمده نه هرگز چنین نخواهی کرد باینکه حوضهای (پر فیضت) در سخت‌ترین خشکسالیها لبریز است و

مَقْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَالْوَعُولِ وَأَنْتَ غَايَةُ الْمَسْئُولِ وَنَهَايَةُ الْمَأْمُولِ، إِلَهِي

در خانه‌ات برای خواستن و ورود در آن باز است و تویی انتهای خواسته (خواستاران) و منتهای آرزوی (آرزومندان)

خدایا

هَذِهِ أَرَمَةٌ نَفْسِي عَقَلْتُهَا بِعِقَالِ مَشِيَّتِكَ، وَهَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي دَرَاتُهَا بِعَفْوِكَ

این مهارهای نفس من است که به پای بند مشیت تو آنها را بستم و این است بارهای سنگین گناهانم که به امید عفو

وَرَحْمَتِكَ، وَهَذِهِ أَهْوَايَ الْمُضِلَّةُ وَكَلْتَهَا إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ وَرَأْفَتِكَ،

و رحمتت بر زمین نهادم و این است هوسهای گمراه کننده‌ام که به آستان لطف و مهرت

فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي هَذَا نَارِلاً عَلَى بَضِيَاءِ الْهُدَى، وَبِالسَّلَامَةِ فِي

سپردم پس ای خدا این بامداد مرا چنان مقرر کن که با انوار هدایت و سلامت در

الْدِّينِ وَالذُّنْيَا، وَمَسَائِي جُنَّةً مِنْ كَيْدِ الْعِدَى، وَوَقَايَةً مِنْ مُرْدِيَاتِ الْهَوَى،

دین و دنیا بر من فرود آید و شامم را سپری از نیرنگ خطرناک دشمنان و پناهگاهی از پرتگاههای هوا و هوس

إِنَّكَ قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ، تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ،

قرار ده که تو بر هر چه بخواهی توانایی ملک و سلطنت را به هر که خواهی می‌دهی و از هر که خواهی برگیری و

وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

عزت دهی هر که را خواهی و خوار کنی هر که را خواهی همه خوبیها بدست تو است و تو بر هر چیز

تُؤَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَتُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ،

توانایی شب را در روز فرو بری و روز را در شب درآوری زنده را از مرده بیرون آوری و مرده را

وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

از زنده برون آری و به هر که خواهی بی حساب روزی دهی معبودی جز تو نیست منزهی تو خدایا و

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، مَنْ ذَا يَعْرِفُ قُدْرَكَ فَلَا يَخَافُكَ، وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ

حمد تو را گویم کیست که قدر تو را بشناسد و از تو ترسد و کیست که بداند تو کیستی

فَلَا يَهَابُكَ، أَلْفَتْ بِقُدْرَتِكَ الْفِرْقَ، وَفَلَقْتَ بِالطُّفِكَ الْفُلُقَ، وَأَنْرْتَ بِكَرَمِكَ

و از تو نهراسد تو با قدرت خویش جداها را با هم جمع کردی و به لطف خویش سپیده دم را شکافتی و

دِيَاجِي الْعَسَقِ، وَأَنْهَرْتَ الْمِيَاهَ مِنَ الصَّمِّ الصِّيَاخِيدِ عَذْبًا وَأَجَاجًا، وَأَنْزَلْتَ مِنْ

بکرم خود تاریکیهای شدید شب را روشن کردی و روان کردی آبهای شیرین و شور را از دل سنگهای سخت و محکم

و فرو ریختی از

الْمُعْصِرَاتِ مَاءً تَجَاجًا، وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِّيَّةِ سِرَاجًا وَهَاجًا، مِنْ

ابرهای فشرده آبی ریزان و فراوان، و قرار دادی خورشید و ماه را برای مردمان چراغی فروزان بدون آنکه

غَيْرِ أَنْ تُمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَأْتَ بِهِ لُغُوبًا وَلَا عِلَاجًا، فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ

در آنچه بدان آغاز کردی (در آفرینش) دچار خستگی و تعب گردی یا به چاره‌جویی محتاج شوی ای آنکه در عزت و

وَالْبِقَاءِ، وَقَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَتْقِيَاءِ، وَاسْمَعُ

بقا یگانه است و بندگانش را بوسیله مرگ و نابودی مقهورخویش کرده درود فرست بر محمد و خاندان پرهیزکارش و فریاد

مرا

نِدَائِي، وَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي، يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ

بشنو و دعایم را به اجابت مقرون ساز و به فضل خویش آرزو و امید مرا تثبیت کن ای بهترین کسی که خواننده شدی

لِكَشْفِ الضَّرِّ وَالْمَأْمُولِ لِكُلِّ عُسْرٍ وَيُسْرٍ، بِكَ أَنْزَلْتَ حَاجَتِي، فَلَا تَرُدَّنِي

برای برطرف ساختن گرفتاری و آرزو شده‌ای برای هر سختی و آسانی فرود آوردم بار حاجتم را بدرگاهت پس مرا

مِنْ سَنِيِّ مَوَاهِبِكَ خَائِبًا، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

از عطایای عالی (و سنگین قیمت) خود ناامید باز مگردان ای کریم ای کریم ای کریم به رحمت خود ای مهربانترین

مهربانان

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ. پس به سجده برود و بگوید:

و درود خدا بر بهترین آفریدگانش محمد و آل او همگی * * * * *

إِلَهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَنَفْسِي مَعْيُوبٌ، وَعَقْلِي مَغْلُوبٌ، وَهَوَائِي غَالِبٌ، وَطَاعَتِي

خدایا دلم در پرده است و نفسم معیوب و عقلم مغلوب است و هوای نفس بر من چیره است و طاعتم

قَلِيلٌ، وَمَعْصِيَتِي كَثِيرٌ، وَلِسَانِي مُقَرَّرٌ بِالذُّنُوبِ، فَكَيْفَ حَيْلَتِي يَا سَتَّارَ

اندک و گناهانم بسیار است و زبانم به گناهان اقرار دارد پس چاره‌ام چیست ای پرده پوش

الْغُيُوبِ وَيَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ وَيَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ، اغْفِرْ ذُنُوبِي كُلَّهَا بِحُرْمَةِ

عیبها و ای دانای نادیدنیها و ای برطرف کننده اندوهها بیامرز همه گناهانم را به حرمت

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ، يَا غَفَّارُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

محمد و آل محمد ای آمرزش پیشه ای بسیار آمرزنده ای بسیار آمرزنده به رحمتت ای مهربانترین مهربانان

مؤلف گوید: که علامه مجلسی (ره) این دعا را در کتاب دعای بحار و در کتاب صلوة با بیان ذکر نموده و فرموده که این دعا از ادعیه مشهوره است و من در کتب معتبره آنرا نیافتم مگر در مصباح سیّدبن باقی رضوانُ اللّهِ عَلَیْهِ و نیز فرموده مشهور خواندن این دعا است بعد از فریضه صبح و سیّد بن باقی روایت کرده آنرا بعد از نافله صبح و بهر کدام عمل شود خوب است.

دعای کمیل بن زیاد رحمه الله

و آن از ادعیه معروفه است و علامه مجلسی (ره) فرموده که آن بهترین دعاها است و آن دعای خضر علیه السلام است حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آنرا تعلیم کمیل که از خواص اصحاب آن حضرت است فرموده در شبهای نیمه شعبان و در هر شب جمعه خوانده می شود و برای کفایت از شر اعداء و فتح باب رزق و آمرزش گناهان نافع است و شیخ و سیّد آنرا نقل نموده اند و من آنرا از مصباح المتهدّد نقل می کنم و آن دعاء شریف این است:

اللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِی وَسِعَتْ كُلَّ شَیْءٍ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِی قَهَرْتَ

خدایا من از تو می خواهم بحق آن رحمت که همه چیز را فرا گرفته و به آن نیرویت که همه چیز را بوسیله آن مقهور

بها کُشِیءٌ، وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَیْءٍ، وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَیْءٍ، وَبِجَبْرُوتِكَ الَّتِی غَلَبْتَ

خویش کردی و همه چیز در برابر آن خاضع و همه در پیش آن خوار است و به جبروت تو که بوسیله آن چیره گشتی

بها كُلَّ شَیْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِی لَا یَقُومُ لَهَا شَیْءٌ، وَبِعِظَمَّتِكَ الَّتِی مَلَأَتْ كُلَّ

بر هر چیز و به عزتت که چیزی در برابرش نه ایستد و به آن عظمت و بزرگیت که پر کرده هر

شَیْءٍ، وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِی عَلَا کُلَّ شَیْءٍ، وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِی بَعْدَ فَنَاءِ کُلِّ شَیْءٍ،

چیز را و به آن سلطنت و پادشاهیت که بر هر چیز برتری گرفته و به ذات پاکت که پس از نابودی هر چیز

وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأْتَ أَرْكَانَ كَلْبِي، وَبِعِلْمِكَ الَّتِي أَحَاطَ بِكَلْبِي، وَبِنُورِ

باقی است و به نامهای مقدست که اساس هر موجودی را پر کرده و به آن علم و دانشت که احاطه یافته به هر چیز و به

نور

وَجْهِكَ الَّتِي أَضَاءَ لَهُ كَلْبِي، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا أَوَّلَ الْوَالِدِينَ، وَيَا آخِرَ

ذاتت که روشن شد در پرتوش هر چیز ای نور حقیقی و ای منزّه از هر عیب ای آغاز موجودات اولین و ای پایان

الْآخِرِينَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ

آخرین خدایا بیامرز برایم آن گناہانی را که پرده‌ها را بدرد خدایا بیامرز برایم آن

الذُّنُوبَ الَّتِي تَنْزِلُ النَّقْمَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ، اَللّٰهُمَّ

گناہانی را که عقاب و کیفرها را فرو ریزد خدایا بیامرز برایم آن گناہانی را که نعمت‌ها را تغییر دهد

اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُحْسِسُ الدُّعَاءَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَنْزِلُ

خدایا بیامرز برایم آن گناہانی را که از (اجابت) دعا جلوگیری کند خدایا بیامرز برایم آن گناہانی را که بلا نازل کند

الْبَلَاءَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ خَطِيئَةٍ اَخْطَاْتُهَا، اَللّٰهُمَّ

خدایا بیامرز برایم هر گناهی که کرده‌ام و هر خطایی که از من سر زده

اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِذِكْرِكَ، وَاسْتَشْفَعُ بِكَ اِلَى نَفْسِكَ، وَاسْأَلُكَ بِجُودِكَ اَنْ

خدایا من به سوی تو تقرب جویم بوسیله ذکر تو و شفیع آورم بدرگاہت خودت را و به جود و کرمیت از تو می‌خواهم

تُدْبِئَنِي مِنْ قُرْبِكَ، وَاَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ، وَاَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ

که مرا به مقام قرب خویش نزدیک سازی و شکر و سپاسگذاریت را بر من روزی کنی و ذکر خود را به من الهام کنی

خدایا از تو

سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَدَلِّلٍ خَاشِعٍ، اَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي، وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ

درخواست می‌کنم درخواست شخص فروتن خوارترسان که بر من آسانگیری و به من رحم کنی و مرا به آنچه برایم قسمت کرده‌ای

رَاضِيًا قَانِعًا، وَفِي جَمِيعِ الْاَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا، اَللّٰهُمَّ وَاسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ

راضی و قانع سازی و در تمام حالات فروتنم کنی خدایا از تو درخواست کنم درخواست کسی که سخت

اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَاَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَادَةِ حَاجَتَهُ، وَعَظَّمَ عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ،

فقیر و بی چیز شده و خواسته‌اش را هنگام سختیها پیش تو آورده و امیدش بدانچه نزد تو است بسیار بزرگ است

اللَّهُمَّ عَظْمَ سُلْطَانِكَ، وَعَلا مَكَانِكَ، وَخَفِي مَكْرِكَ، وَظَهَرَ أَمْرِكَ،

خدایا سلطنت و پادشاهیت بس بزرگ و مقامت بسی بلند است مکر و تدبیرت در کارها پنهان و امر و فرمانت آشکار است

وَعَلَبَ قَهْرُكَ، وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ، وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ، اللَّهُمَّ لَا

قهرت غالب و قدرت و نیرویت نافذ است و گریز از تحت حکومت تو ممکن نیست خدایا نیابم

أَجْدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا، وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا، وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ

برای گناهانم آمرزنده‌ای و نه برای کارهای زشتم پرده‌پوشی و نه کسی را که عمل زشت

بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي،

مرا به کار نیک تبدیل کند جز تو، نیست معبودی جز تو منزهی تو و به حمد تو مشغولم من به خویشتم

وَتَجَرَّاتٍ بِيْجَهْلِي، وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمٍ ذَكَرَكَ لِي، وَمَنْكَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ

ستم کردم و در اثر نادانیم دلیری کردم و به اینکه همیشه از قدیم به یاد من بوده ویر من لطف و بخشش داشتی آسوده خاطر نشستم ای خدا

مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ، وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتَهُ، وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ

ای مولای من چه بسیار زشتیها که از من پوشاندی و چه بسیار بلاهای سنگین که از من بازگرداندی و چه بسیار لغزشها

وَقَيْتَهُ، وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهِ دَفَعْتَهُ، وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ

که از آن نگهم داشتی و چه بسیار ناراحتیها که از من دور کردی و چه بسیار مدح و ثنای خوبی که من شایسته‌اش نبودم تو آن را

نَشَرْتَهُ، اللَّهُمَّ عَظْمَ بَلَائِي، وَأَفْرَطَ بِي سُوءِ حَالِي، وَقَصَّرْتَ بِي أَعْمَالِي،

منتشر ساختی خدایا بلای من بسی بزرگ است و بدی حالم از حد گذشته و اعمالم نارسا است

وَقَعَدْتَ بِي أَغْلَالِي، وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمْلِي، وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا

و زنجیرهای علایق مرا خانه‌نشین و آرزوهای دور و دراز مرا از رسیدن به منافعم بازداشته و دنیا با ظواهر

بَغُورِهَا، وَنَفْسِي بِجِنَايَتِهَا وَمِطَالِي، يَا سَيِّدِي فَاسْتُلْكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ

فریبنده‌اش مرا گول زد و نفسم بوسیله جنایتش و به مسامحه گذراندم ای آقای من پس از تو می‌خواهم به عزت که

بدی رفتار و کردار

عَنْكَ دُعَائِي، سُوءَ عَمَلِي وَفِعَالِي، وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ

من دعایم را از اجابت جلوگیری نکند و رسوا نکنی مرا به آنچه از اسرار پنهانی من

سِرِّي، وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتُهُ فِي خُلُواتِي، مِنْ سُوءِ فِعَالِي

اطلاع داری و شتاب نکنی در عقوبت برای رفتار بد و کارهای بدی که در خلوت انجام دادم

وَإِسَاءَاتِي، وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي، وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَعَفَلَتِي، وَكُنِ اللَّهُمَّ

و ادامه دادنم به تقصیر و نادانی و زیادی شهوت‌رانی و بی‌خبریم و خدایا

بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْفًا، وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا، إِلَهِي

به عزت تو سوگند که در تمام احوال نسبت به من مهربان باش و در تمام امور بر من عطوفت فرما ای معبود من و

وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ، أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي، إِلَهِي

ای پروردگار من جز تو که را دارم که رفع گرفتاری و توجه در کارم را از او درخواست کنم ای خدای من و ای مولای

وَمَوْلَايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي، وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ

من تو بر من حکمی را مقرر داشتی که در اجرای آن پیروی هوای نفسم را کردم و از فریبکاری دشمنم در این باره

نهراسیدم

تَزْيِينِ عَدُوِّي، فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى، وَأَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ، فَتَجَاوَزْتُ

پس او هم طبق دلخواه خویش گولم زد و قضا (و قدر) هم با او کمک کرد و در اثر همین ماجرای شومی که بر سرم آمد

بِمَا جَرَى، عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ، وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ، فَلَكَ

نسبت به پاره‌ای از حدود و احکامات تجاوز کردم و در برخی از دستورات راه مخالفت را پیمودم پس در تمام آنچه

الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ، وَلَا حُجَّةَ لِي فِيهَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ،

پیش آمده تو را ستایش می‌کنم و اکنون از حکمی که درباره کیفر من جاری گشته و قضا و آزمایش تو مرا

وَأَلْزَمَنِي حُكْمُكَ وَبَلَاؤُكَ، وَقَدْ أَتَيْتَكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي

بدان ملزم ساخته حجت و برهانی ندارم و اینک ای معبود من در حالی به درگاهت آمدم که درباره‌ات کوتاهی کرده و

عَلَيَّ نَفْسِي، مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقْبِلًا، مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا، مُقْرَأًا مُذْعِنًا

بر خود زیاده‌روی نموده و عذرخواه و پشیمان و دل‌شکسته و پوزش‌جو و آمرزش طلب و بازگشت‌کنان و به گناه خویش

اقرار و اذعان و

مُعْتَرِفًا، لَا أَجِدُ مَفْرَمًا كَانَ مِنِّي، وَلَا مَفْزَعًا اتَّوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي، غَيْرَ قَبُولِكَ

اعتراف دارم و راه گریزی از آنچه از من سر زده نیابم و پناهگاهی که بدان رو آورم در کار خویش ندارم جز اینکه

عُذْرِي، وَإِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي، وَارْحَمْ

تو عذر من بپذیری و مرا در فراخی رحمت درآوری پس ای خدای من عذر من بپذیر و بر سخت پریشانم رحم کن

شِدَّةَ ضُرِّي، وَفُكِّنِي مِنْ شَدِّ وَثَاقِي، يَا رَبُّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي، وَرِقَّةَ جِلْدِي،

و از بند سخت گناهانم رهاکنم ده ای پروردگار من بر ناتوانی بدنم و نازکی پوست تنم

وَدِقَّةَ عَظْمِي، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذِكْرِي، وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَّتِي، هَبْنِي

و باریکی استخوانم رحم کن ای کسی که آغاز کردی به آفرینش من و به پادمنم و بپرورشم و به احسان و خوراک دادنم اکنون

به همان بزرگواری و

لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ، وَسَالِفِ بَرِّكَ بِي، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي، أَتْرَاكَ

کرم نخستت و سابقه احسانی که به من داشتی مرا ببخش ای معبود من و ای آقای من و ای پروردگارم آیا تو به راستی

مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ، وَبَعْدَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ، وَلَهَجَ بِهِ

جانانی که مرا به آتش عذاب کنی پس از اینکه به یگانگیت اقرار دارم و دلم به نور معرفت آباد گشته و

لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ، وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ، وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي

زبانم به ذکر تو گویا شده و نهادم به دوستی تو پیوند شده و پس از اعتراف صادقانه و

وَدُعَائِي خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ، هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مِنْ رَبِّيَّتِهِ، أَوْ

دعای خاضعانه‌ام به مقام بنده‌پروری و ربوبیت؟ بسیار دور است! تو بزرگوارتر از آنی که از نظر دور داری کسی را که

خود پروریده‌ای یا

تُبْعِدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ، أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ أَوْيْتَهُ، أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ

دور گردانی کسی را که خود نزدیکش کرده یا تسلیم بلا و گرفتاری کنی کسی را که خود سرپرستی کرده

وَرَحِمَتُهُ، وَكَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَالْهَى وَمَوْلَايَ، أَتَسَلِّطُ النَّارَ عَلَى

و به لطف پروریده‌ای و کاش می‌دانستم ای آقا و معبود و مولایم آیا چیره می‌کنی آتش دوزخ را بر

وُجُوهِ خَرَّتْ لِعِظْمَتِكَ سَاجِدَةً، وَعَلَى أَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً،

چهره‌هایی که در برابر عظمتت به سجده افتاده و بر زبانهایی که صادقانه به یگانگیت گویا شده و سپاسگزارانه

وَبَشُرِّكَ مَادِحَةً، وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِالْهَيْبَةِ مُحَقَّقَةً، وَعَلَى ضَمَائِرِ حَوْتٍ

به شکر باز شده و بر دلهایی که از روی یقین به خدائیت اعتراف کرده‌اند و بر نهادهایی که

مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً، وَعَلَى جَوَارِحِ سَعَتِ إِلَى أَوْطَانِ

علم و معرفت آنها را فرا گرفته تا به جایی که در برابرت خاشع گشته و بر اعضا و جوارحی که مشتاقانه به

پرستشگاهایت

تَعْبُدِكَ طَائِعَةً، وَأَشَارَتِ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً، مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ، وَلَا

شناخته و با حال اقرار به گناه جویای آمرزش تو هستند چنین گمانی به تو نیست و

أَخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبُّ، وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ

از فضل تو چنین خبری به ما نرسیده ای خدای کریم ای پروردگار من و تو ناتوانی مرا در مقابل اندکی از بلای

الدُّنْيَا وَعَقُوبَاتِهَا، وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا، عَلَى أَنْ ذَلِكَ

دنیا و کیفرهای ناچیز آن و ناملایماتی که معمولاً بر اهل آن می‌رسد می‌دانی در صورتی که این

بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْنَهُ، يَسِيرٌ بَقَائُهُ، قَصِيرٌ مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ اِحْتِمَالِي لِإِبْلَاءِ

بلا و ناراحتی دوامش کم است و دورانش اندک و مدتش کوتاه است

الْآخِرَةِ، وَجَلِيلٌ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا، وَهُوَ بَلَاءٌ

آخرت و آن ناملایمات بزرگ را در آنجا دارم در صورتی که آن بلا

تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَيَدُومُ مَقَامُهُ، وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ، لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ

مدتش طولانی و دوامش همیشگی است و تخفیفی برای مبتلایان به آن نیست زیرا آن بلا از

غَضَبِكَ وَأَنْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ، وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ،

خشم و انتقام و غضب تو سرچشمه گرفته و آن هم چیزی است که آسمانها و زمین

يَا سَيِّدِي، فَكَيْفَ لِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمُسْكِينُ

تاب تحمل آن را ندارند ای آقای من تا چه رسد به من بنده ناتوان خوار ناچیز مستمند بیچاره!

الْمُسْتَكِينُ، يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ لِي الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو،

ای معبود و پروردگار و آقا و مولای من آیا برای کدامیک از گرفتاریهایم به تو شکایت کنم

وَلَمَّا مِنْهَا أُضِجُ وَأَبْكِي، لِلْإِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ، أَمْ لِيَطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ،

و برای کدامیک از آنها شیون و گریه کنم؟ آیا برای عذاب دردناک و سخت یا برای بلای طولانی و مدید

فَلَيْنُ صَبْرَتِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ، وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَاتِكَ،

پس اگر بنا شود مرا بخاطر کيفرهایم در زمره دشمنانند اندازی و مرا با گرفتاران در بلا

وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَّائِكَ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي،

و عذابت در یکجا گردآوری و میان من و دوستانند جدایی اندازی گیرم که ای معبود و آقا و مولا و پروردگارم من بر

عذاب تو

صَبْرَتُ عَلَيَّ عَذَابِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَيَّ فِرَاقِكَ، وَهَبْنِي صَبْرَتُ عَلَيَّ حَرُّ

صبر کنم اما چگونه بر دوری از تو طاقت آورم و گیرم که ای معبود من حرارت

نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ، أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ

آتش را تحمل کنم اما چگونه چشم پوشیدن از بزرگواریت را بر خود هموار سازم یا چگونه در میان آتش

وَرَجَائِي عَفْوِكَ، فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَقْسِمُ صَادِقًا، لَئِنْ تَرَكَتَنِي

بمانم با اینکه امید عفو تو را دارم پس به عزتت سوگند ای آقا و مولای من بر راستی سوگند می‌خورم که اگر زبانم را

نَاطِقًا، لِأُضِجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمْلِينَ، وَلَأُصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ

در آنجا بازگذاری حتماً در میان دوزخیان شیون را بسویت سر دهم شیون اشخاص آرزومند و مسلماً چون فریادرس

الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَلَأَبْكِينَ عَلَيَّ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ، وَلَأُنَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا

خواهان به درگاهت فریاد برآرم و قطعاً مانند عزیز گمگشتگان بر دوری تو گریه و زاری کنم و با صدای بلند تو را

می‌خوانم و می‌گویم کجایی

وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ، يَاغِيَاثَ الْمُسْتَعِيثِينَ، يَا حَبِيبَ

ای یار و نگهدار مؤمنان ای منتهای آرمان عارفان ای فریادرس درماندگان ای محبوب

قُلُوبِ الصَّادِقِينَ، وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ، أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ، تَسْمَعُ

دل راستگويان و ای حیران کننده عالمیان آیا بر راستی چنان می‌بینی ای منزّه و معبودم که به ستایشت مشغولم که بشنوی

فِيهَا صَوْتُ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ، وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ،

در آن آتش صدای بنده مسلمانی را که در اثر مخالفتش در آنجا زندانی شده و مزه عذاب آتش را به خاطر نافرمانیش

وَحُسِبَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا جُرْمُهُ وَجَرِيرَتُهُ، وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ،

چشیده و در میان طبقات دوزخ به واسطه جرم و جنایتش گرفتار شده و در آن حال به درگاهت شیون کند شیون شخصی که آرزومند رحمت

وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرَبُّوبِيَّتِكَ، يَا مَوْلَايَ

تو است و به زبان یگانه پرستان تو را فریاد زند و به بنده پروریت متوسل گردد ای مولای من

كَفَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ، أَمْ كَيْفَ تُؤْمِنُهُ

پس چگونه در عذاب بماند با اینکه به بردباری سابقه دارت چشم امید دارد یا چگونه

النَّارُ وَهُوَ يَأْمَلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ، أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهْبُهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ

آتش او را بیازارد با اینکه آرزوی فضل و رحمت تو را دارد یا چگونه شعله آتش او را بسوزاند با اینکه تو صدایش را

بشنوی

صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ، أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، أَمْ

و جایش را ببینی یا چگونه شراره‌های آتش او را دربرگیرد با اینکه تو ناتوانش دانی یا

كَيْفَ يَتَقَلَّبُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ، أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَّتُهَا وَهُوَ

چگونه در میان طبقات آتش دست و پا زند با اینکه تو صدق و راستگویی را دانی یا چگونه موکلان دوزخ او

را با تندی برانند با اینکه تو را به

يُنَادِيكَ يَا رَبِّهِ، أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتَرَكُ فِيهَا، هَيْهَاتَ

پروردگاری بخواند یا چگونه ممکن است که امید فضل تو را در آزادی خویش داشته باشد ولی تو او را به حال خود واگذاری چه

بسیار از تو دور است

مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَاللَّامِعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا مُشْبِهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُؤَحِّدِينَ

و چنین گمانی به تو نیست و فضل تو ایسان معروف نیست و نه شباهت با رفتار تو نسبت به یگانه پرستان دارد

مِنْ بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ، فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْ لَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْدِيْبِ

با آن نیکی و احسانت که نسبت بدانها داری و من بطور قطع می‌دانم که اگر فرمان تو در معذب ساختن

جاحدیک، وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ، لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا

منکرانت صادر نشده بود و حکم تو به همیشه ماندن در عذاب برای دشمنانت در کار نبود حتماً آتش دوزخ را هر چه

بود به تمامی سرد

وَسَلَامًا، وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مُقَامًا، لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ،

و سالم می‌کردی و هیچکس در آن منزل و مأوا نداشت ولی تو ای خدایی که تمام نامهایت مقدس است

أَقْسَمْتَ أَنْ تَمَلَّأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا

سوگند یاد کرده‌ای که دوزخ را از کافران از پریان و آدمیان پر کنی و دشمنانت را برای همیشه در آن جا دهی و تو که

الْمُعَانِدِينَ، وَأَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدَأًا، وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكْرِمًا،

حمد ثنایت برجسته است در ابتداء بدون سابقه فرمودی و به این انعام از روی بزرگواری تفضل کردی

«أَقْمَنُ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا، لَا يَسْتَوُونَ» إلهی و سَيِّدِي فَاسْتَلْكَ

(که فرمودی) «آیا کسی که مؤمن است مانند کسی است که فاسق است؟ نه یکسان نیستند» ای معبود من و ای آقای

بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا، وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا، وَعَلَبْتَ مَنْ

من بحق آن نیرویی که مقدرش کردی و به فرمانی که مسلمش کردی و صادر فرمودی

عَلَيْهِ أَجْرِيَّتَهَا، أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ، كُلَّ جُرْمٍ

و بر هر کس آن را اجرا کردی مسلط گشتی از تو می‌خواهم که ببخشی بر من در این شب و در این ساعت هر جرمی را

أَجْرَمْتُهُ، وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ، وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ، كَتَمْتُهُ

را که مرتکب شده‌ام و هر گناهی را که از من سرزده و هر کار زشتی را که پنهان کرده‌ام و هر نادانی که کردم چه کتمان

أَوْ أَعْلَنْتُهُ أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ، وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ،

کردم و چه آشکار چه پنهان کردم و چه در عیان و هر کار بدی را که به نویسندگان گرامیت دستور یادداشت کردنش را

دادی همان نویسندگانی

الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي، وَجَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي،

که آنها را موکل بر ثبت اعمال من کردی و آنها را به ضمیمه اعضاء و جوارحم گواه بر من کردی و اضافه بر آنها

وَكَنتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ، وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ، وَبِرَحْمَتِكَ

خودت نیز مراقب من بودی و گواه اعمالی بودی که از ایشان پنهان می‌ماند و البته به واسطه رحمت بود که آنها را

أَخْفَيْتَهُ وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ، وَأَنْ تُوقِرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، أَوْ إِحْسَانٍ

پنهان داشتی و از روی فضل خود پوشاندی و نیز خواهم که بهره‌ام را وافر و سرشار گردانی از هر خیریه‌ای که فروریزی یا

احسانی

فَضَّلْتَهُ، أَوْ بِرَّ نَشَرْتَهُ، أَوْ رَزَقَ بَسَطْتَهُ، أَوْ ذَنْبَ تَغْفِرُهُ، أَوْ خَطَأً تَسْتُرُهُ، يَا رَبِّ

که بفرمائی یا نیکبهای که بخش کنی یا رزقی که بگسترانی یا گناهی که بیمارزی یا خطایی که بپوشانی پروردگارا

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رِقِّي، يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَتِي

پروردگارا پروردگارا ای معبود من ای آقا و مولایم و ای مالک من ای کسی که اختیارم بدست او است ای دانای بر

پریشانی و

يَا عَلِيمًا بَضْرِي وَمَسْكَنَتِي، يَا خَبِيرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ،

بی‌نواییم ای آگه از بی‌چیزی و نداریم پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا

أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ، وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنْ

از تو می‌خواهم به حق خودت و به ذات مقدست و به بزرگترین صفات و اسمانت که اوقاتم را در

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَيَخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً، وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ

شب و روز به یاد خودت معمور و آباد گردانی و به خدمت پیوسته داری و اعمالم را

مَقْبُولَةً، حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِدًّا وَاحِدًا، وَحَالِي فِي

مقبول درگاهت گردانی تا اعمال و گفتارم همه یک جهت برای تو باشد و حالم همیشه در

خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا، يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي، يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي،

خدمت تو مصروف گردد ای آقای من ای کسی که تکیه‌گاهم او است ای کسی که شکایت احوال خویش به درگاه او برم

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَأَشَدُّدُ عَلَى الْعَزِيمَةِ

پروردگارا پروردگارا پروردگارا نیرو ده بر انجام خدمت اعضای مرا و دلم را برای عزیمت

جَوَانِحِي، وَهَبْ لِي الْجِدَّةَ فِي خَشْيَتِكَ، وَالِدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ،

به سویت محکم گردان و به من حتی

حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ عَطَا

فرما تا تن و جان را

فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ، وَأَسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ، وَأَشْتَأِقَ إِلَيَّ

در میدانهای پیشتانان بسویت برانم و در زمره شتابندگان بسویت بشتابم و در صف مشتاقان اشتیاق

قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَاتِينَ، وَأَذْنُوكَ مِنْكَ دُئُو الْمُخْلِصِينَ، وَأَخَافَكَ مَخَافَةَ

تقربت را جویم و چون نزدیک شدن مخلصان به تو نزدیک گردم و چون یقین کنندگان از تو برترسم

الْمُوقِنِينَ، وَاجْتَمَعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ، اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي

و در جوار رحمتت با مؤمنان در یکجا گرد آیم خدایا هر که بد مرا خواهد بدش را

بِسُوءِ فَارِدِهِ، وَمَنْ كَادَنِي فَكِدَهُ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ،

بخواه و هر که به من مکر کند به مکر خویش دچارش کن و نصیبم را پیش خود بهتر از دیگر بندگان قرار ده و منزلتم

وَاقْرِبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ،

را نزد خود نزدیکتر از ایشان کن و رتبه‌ام را در پیشگاهت مخصوص‌تر از دیگران گردان که براستی جز به فضل تو

وَجُدْ لِي بِجُودِكَ، وَاعْظِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ، وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ

کسی به این مقام نرسد و به جود و بخشش خود به من جود کن و به مجد و بزرگواری خود بر من توجه فرما و به

رحمت خود مرا نگهدار

لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجاً، وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِيماً، وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ اجَابَتِكَ، وَأَقْلَنِي

و قرار ده زبانم را به ذکرت گویا و دلم را به دوستیت بی‌قرار و شیدا و با اجابت نیکت بر من منت بده و

عَثْرَتِي، وَاعْفِرْ زَلَّتِي، فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادِكَ بَعِبَادَتِكَ، وَأَمَرْتَهُمْ

لغزشم را نادیده گیر و گناهم را ببامرز زیرا که تو خود بندگان را به پرستش خویش فرمان دادی و به دعا کردن

بِدُعَائِكَ، وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْجَابَةَ، فَإِلَيْكَ يَا رَبَّ نَصَبْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ يَا رَبَّ

به درگاهت مأمور ساختی و اجابت دعایشان را ضمانت کردی پس ای پروردگار من به سوی تو روی خود گذاشتم و به

درگاه تو ای پروردگارم

مَدَدْتُ يَدِي، فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي، وَبَلِّغْنِي مُنَايَ، وَلَا تَقْطَعْ مِنْ

دست حاجت دراز کردم پس به عزتت دعایم را مستجاب فرما و به آرزویم برسان و امیدم را از

فَضْلِكَ رَجَائِي، وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي، يَا سَرِيعَ الرِّضَا،

فضل خویش قطع منما و شر دشمنانم را از جن و انس کفایت فرما ای خدای زودگذر

اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ، فَإِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ، يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ،

ببامرز کسی را که جز دعا چیزی ندارد که براستی تو هر چه را بخواهی انجام دهی ای کسی که نامش دوا است

وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَطَاعَتُهُ غِنَى، اِرْحَمْ مَنْ رَأْسِ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ، يَا

و یادش شفاء است و طاعتش توانگری است ترجم فرما بر کسی که سرمایه‌اش امید و ساز و برگش گریه و زاری است

ای

سَابِغِ النَّعْمِ، يَادَاعِفِ النَّقْمِ، يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلْمِ، يَا عَالِمًا لَا يُعَلَّمُ،

تمام دهنده نعمتها و ای برطرف کننده گرفتاریها ای روشنی وحشت‌زدگان در تاریکیها ای دانای بی معلم

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى

درود فرست بر محمد و آل محمد و انجام ده درباره من آنچه را که تو شایسته آنی و درود خدا بر

رَسُولِهِ وَالْأَيَّمَّةِ الْيَمِينِ مِنَ آلِهِ (أَهْلِهِ)، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

پیامبر و پیشوایان با برکت از خاندانش و سلام فراوان

دُعَايِ عَشْرَاتِ

از دعاهای بسیار معتبره است و ما بین نسخ آن اختلاف است و ما آنرا از

مصباح شیخ نقل می‌کنیم و مستحب است خواندن آن در هر صبح و شام و افضل

اوقات آن بعد از عصر جمعه است:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

منزه است خدا و ستایش خاص خدا است و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر از توصیف است و هیچ جنبش و نیرویی

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعُدُوِّ

نیست جز بوسیله خدای والای بزرگ تنزیه خدای را در تمام ساعات شب و اوقات روز تنزیه خدای را در بامداد

وَالْأَصَالِ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ

و شامگاهان تنزیه خدای را در شب و صبح تنزیه خدای را چون شب کنید و چون به

تُصْبِحُونَ، وَكَهْ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ،

بامدادان در آید و خاص او است ستایش در آسمانها و زمین و شبانگاه و هنگام ظهر،

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي، الْأَرْضَ بَعْدَ

بیرون آورد زنده را از مرده و برون آورد مرده را از زنده و زنده گرداند زمین را پس از

موتها، وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ، سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَسَلَامٌ

مردنش و شما هم این چنین (در رستاخیز) بیرون آورده شوید منزه است پروردگار تو پروردگارت از آنچه وصف کند

عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ،

و درود بر پیامبران و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است منزه است خدای صاحب ملک و ملکوت

سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْجَبْرُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ الْمَلِكِ الْحَقِّ

منزه است خدای صاحب عزت و جبروت منزه است خدای صاحب بزرگی و عظمت آن پادشاه برحق

الْمُهَيِّمِينَ [الْمُبِينِ] الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ،

و نگهبان و پاکیزه از هر عیب منزه است خدای فرمانروای زنده‌ای که نمیرد

سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ، سُبْحَانَ الدَّائِمِ

منزه است خدای فرمانروای زنده پاکیزه از هر عیب منزه است خدای پاینده جاویدان منزه است خدای

الْقَائِمِ، سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، سُبْحَانَ

جاویدان پاینده منزه است پروردگار بزرگ من منزه است پروردگار برترم منزه است خدای زنده پاینده منزه است

الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّنَا وَرَبُّ الْمَلَائِكَةِ

خدای والا و برتر منزه است او و برتر است بسیار منزه و پاکیزه است پروردگار ما و پروردگار فرشتگان

وَالرُّوحِ، سُبْحَانَ الدَّائِمِ غَيْرِ الْغَافِلِ، سُبْحَانَ الْعَالِمِ بَغَيْرِ تَعْلِيمٍ، سُبْحَانَ

و جبرئیل منزه است خدای جاویدانی که غافل نیست منزه است دانای ناآموخته منزه است

خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ الَّذِي يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ، وَلَا تُدْرِكُهُ

آفریدگار دیدنیها و نادیدنیها منزه است خدایی که دیده‌ها را درک کند ولی دیده‌ها درکش نکنند

الْأَبْصَارِ، وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ مِنْكَ فِي نِعْمَةٍ وَخَيْرٍ

و او است دقیق و کاردان خدایا من از لطف تو صبح کردم در میان نعمت و خیر و برکت

وَبَرَكَاتٍ وَعَافِيَةٍ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَتِمِّمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَخَيْرَكَ

و تندرستی پس درود فرست بر محمد و آلش و تمام کن بر من نعمت و خیر و

وَبَرَكَاتِكَ، وَعَافِيَتِكَ بِنَجَاةٍ مِنَ النَّارِ، وَأَرْزُقْنِي شُكْرَكَ وَعَافِيَتَكَ

برکات و عافیت را به رهایی از آتش و روزیم کن سپاسگزاری و عافیت

وَفَضْلِكَ، وَكَرَامَتِكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، اللَّهُمَّ بِنُورِكَ اهْتَدَيْتُ، وَبِفَضْلِكَ

و فضل و بزرگواریت را همیشه تا زنده‌ام داری خدایا به نور تو راه یافتم و به فضل تو

اسْتَعْنَيْتُ، وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ

بی‌نیازی جستم و به نعمت تو روز و شبم را گذراندم خدایا من تو را گواه می‌گیرم و گواهی تو بس است

شَهِيدًا، وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَأَنْبِيَائَكَ وَرُسُلَكَ، وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسَكَّانَ

و گواه گیرم فرشتگان و پیمبران و رسولانت را و حاملان عرشت را و ساکنان

سَمَوَاتِكَ وَأَرْضِكَ، وَجَمِيعَ خَلْقِكَ، بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِّكَ

آسمانها و زمینت و همه خلق تو را که تویی خدایی که معبودی جز تو نیست یگانه‌ای که

لَا شَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّكَ عَلَى

شریک نداری و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول تو است و به اینکه تو

كُلِّشَىءٍ قَدِيرٌ، تُحْيِي وَتُمِيتُ، وَتُحْيِي وَتُحْيِي، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ،

بر هر چیز توانایی زنده می‌کنی و می‌میرانی و می‌میرانی و زنده می‌کنی و گواهی دهم که بهشت حق است

وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ، وَالنُّشُورَ حَقٌّ، وَالسَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَأَنَّ اللَّهَ

و آتش دوزخ حق است و روز رستاخیز حق است و قیامت مسلماً خواهد آمد و شکی در آن نیست و حتماً خداوند

يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا حَقًّا، وَأَنَّ

کسانی را که در گورها خفته‌اند برمی‌انگیزد و گواهی دهم که علی بن ابیطالب برحق امیر مؤمنان است و البته برحق است و

الْأُمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ هُمْ الْأُمَّةُ الْهُدَاةُ الْمَهْدِيُونَ غَيْرُ الضَّالِّينَ وَلَا الْمُضِلِّينَ،

براستی پیشوایان از فرزندان او آنهاست امامان راهنمای راه یافته که نه گمراهند و نه گمراه شده

وَأَنَّهُمْ أَوْلِيَاءُكَ الْمُصْطَفُونَ، وَحَزْبُكَ الْغَالِبُونَ، وَصَفْوَتُكَ وَخَيْرَتُكَ

و (گواهی دهم که) آنهاست دوستان برگزیده‌ات و حزب پیروزت و انتخاب شدگان و بهترین خلق

مِنْ خَلْقِكَ، وَنَجَّيْتَكِ الَّذِينَ اتَّجَبْتَهُمْ لِدِينِكَ وَاخْتَصَصْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ

تو و برگزیدگانی که آنان را برای دین خود برگزیدی و از میان خلق خود

وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ حُجَّةً عَلَى الْعَالَمِينَ، صَلَوَاتِكَ

مخصوصشان ساختی و بر بندگانت برگزیدی و آنها را بر جهانیان حجت قرار دادی درو دهای تو بر ایشان و

عَلَيْهِمْ وَالسَّلَامَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ، اللَّهُمَّ اَكْتُبْ لِي هَذِهِ الشَّهَادَةَ عِنْدَكَ،

سلام و رحمت خدا و برکاتش بر آنها باد خدایا بنویس برایم این گواهی را نزد خود

حَتَّى تُلَقِّنِيهَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ،

تا اینکه در روز قیامت آن را بر زبانم جاری کنی در حالی که تو از من خوشنود باشی زیرا تو بر هر چه بخواهی توانایی

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَصْعَدُ أَوَّلُهُ، وَلَا يَنْفَدُ آخِرُهُ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

خدایا ستایش خاص تو است ستایشی که آغازش بالا رود و انجامش پایان نداشته باشد خدایا ستایش خاص تو است ستایشی

حَمْدًا تَضَعُ لَكَ السَّمَاءُ كَنَفِيهَا، وَتَسْبِحُ لَكَ الْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا، اللَّهُمَّ لَكَ

که آسمان برای تو دو بال خویش فرو نهد و زمین و آنچه بر آن است زبان به تسبیح گشاید خدایا خاص تو است

الْحَمْدُ حَمْدًا سَرْمَدًا أَبَدًا لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَلَا نَفَادَ، وَلَكَ يَنْبَغِي وَالْيَكِ يَنْتَهَى، فِي

ستایش، ستایشی دائمی و همیشگی و بی پایان و زوال ناپذیر و ستایشی که سزاوار تو باشد و بسوی تو منتهی گردد و در دل

من

وَعَلَىٰ وَكَدَىٰ وَمَعِيَ وَقَبْلِي وَبَعْدِي وَأَمَامِي وَفَوْقِي وَتَحْتِي، وَإِذَا مِتُّ وَبَقِيتُ

و بر تن من و در پیش من و با من و پیش از من و پس از من و پیش رو و بالای سرم و زیر پایم و چون مُردم و تک و

فَرْدًا وَوَحِيدًا ثُمَّ فَنِيتُ، وَلَكَ الْحَمْدُ إِذَا نَشَرْتُ وَبِعْتْتُ يَا مَوْلَايَ، اللَّهُمَّ

تنها ماندم و سپس فانی شدم و در هر حال ستایشت کنم و خاص تو است

ستایش هنگامی که دوباره زنده و برانگیخته شوم ای مولای من خدایا

وَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا، عَلَىٰ جَمِيعِ نِعْمَاتِكَ كُلِّهَا،

و از آن تو است ستایش و برای تو است سپاسگزاری به تمام انواع حمد و ستایشت همگی، بر تمام نعمتهایت همگی

حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَىٰ مَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَىٰ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ كُلِّ

تا برسد ستایش بدانجا که تو دوست داری پروردگارا و خوشنود گردی، خدایا مخصوص تو است ستایش بر هر

أَكَلَةٌ وَشَرِبَةٌ وَبَطْشَةٌ وَقَبْضَةٌ وَبَسْطَةٌ، وَفِي كُلِّ مَوْضِعٍ شَعْرَةٌ، اَللّٰهُمَّ لَكَ

لقمه و هر جرعه و هر حمله کردن و هر بستن و گشودنی و بر هر جای موی خدایا ستایش

الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لَهُ دُونَ

از آن تو است ستایشی جاویدان به جاویدانی ذات و خاص تو است ستایش ستایشی که در نزد علم تو انتهای برایش
نباشد

عِلْمِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيَّتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَجْرَ

و ستایش از آن تو است ستایشی که پیش مشیت تو پایانی ندارد و از آن تو است حمد، حمدی که برای

لِقَائِهِ الْإِرْضَاكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ

گوینده اش جز رضای تو پاداش نباشد و خاص تو است ستایش بر بردباریت از پس علم و دانشت و برای تو است
ستایش

عَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ بَاعِثَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَاثِرَ الْحَمْدِ،

بر گذشتت از پس قدرت و توانیبت و برای تو است حمد که باعث حمدی و برای تو است ستایش که واثر آنی و برای تو است
حمد

وَلَكَ الْحَمْدُ بَدِيعَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُنْتَهَى الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُبْتَدِعَ

که پدید آورنده حمدی و برای تو است حمد که انتهای آنی و برای تو است حمد که خود سازنده حمدی

الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُشْتَرِيَّ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَلِيَّ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ

و برای تو است ستایش که خریدار آنی و برای تو است حمد که سرپرست آنی و برای تو است ستایش

قَدِيمَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ صَادِقَ الْوَعْدِ، وَفِي الْعَهْدِ عَزِيزَ الْجُنْدِ، قَائِمَ

ای دیرینه ستایش و خاص تو است حمد ای که وعده ات راست و به پیمانت وفاداری لشکرت پیروزمند و مجد و
عظمتت

الْمَجْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ، مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ، مُنْزِلَ الْآيَاتِ

استوار است و ستایش خاص تو است ای والا درجات و پاسخ دهنده دعاها و فرو فرستنده آیات

مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَوَاتٍ، عَظِيمَ الْبَرَكَاتِ، مُخْرِجَ النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ،

از بالای هفت آسمان، و ای خدای بزرگ برکات و برون آورنده نور از ظلمات (تاریکیها)

وَمُخْرَجٍ مَنْ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، مُبَدِّلِ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ، وَجَاعِلِ

و برون آورنده مبتلایان به تاریکیها را به روشنی و نور و ای تبدیل کننده بدیها به خوبیها و قراردهنده

الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ غَافِرَ الذَّنْبِ، وَقَابِلَ التَّوْبِ، شَدِيدِ

خوبیها را درجه خدایا حمد مخصوص تو است که آمرزنده گناه و توبه پذیر و سخت

العِقَابِ ذَا الطُّوْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اِئْتِكِ الْمَصِيرُ، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ

کیفر و صاحب بخشش و احسانی معبودی نیست جز تو و بسوی تو است بازگشت خدایا از آن تو است ستایش در

شب

إِذَا يَغْشَى، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ

هنگامی که سیاهیش فرا گیرد و برای تو است ستایش در روز هنگامی که روشن گردد و برای تو است ستایش در انجام

و آغاز

وَالْأُولَى، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ نَجْمٍ وَمَلَكٍ فِي السَّمَاءِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ

و برای تو است ستایش به عدد هر ستاره و فرشته‌ای که در آسمان است و برای تو است حمد به عدد

الْثَّرَى وَالْحَصَى وَالنَّوَى، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي جَوْ السَّمَاءِ، وَلَكَ الْحَمْدُ

خاک و سنگ‌ریزه و هسته‌ها و برای تو است ستایش به شماره آنچه در میان آسمان است و برای تو است ستایش به

عَدَدَ مَا فِي جَوْفِ الْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْزَانِ مِيَاهِ الْبِحَارِ، وَلَكَ

عدد آنچه در دل زمین است و برای تو است ستایش به عدد وزن آب دریاها و برای تو است

الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْراقِ الْأَشْجَارِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، وَلَكَ

حمد به شماره برگ درختان و برای تو است ستایش به شماره آنچه در روی زمین است و برای تو است

الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابُكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَ لَكَ

ستایش به شماره آنچه کتاب تو آنرا برشمرده و برای تو است حمد به عدد آنچه علم و دانست‌بدان احاطه دارد و برای تو

است

اَلْحَمْدُ عَدَدَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ، وَالْهَوَامِّ وَالطَّيْرِ وَالْبَهَائِمِ وَالسَّبَّاعِ، حَمْدًا كَثِيرًا

ستایش به عدد انس و جن و خزندگان و پرندگان و چرندگان و درندگان ستایشی بسیار

طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، كَمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى، وَكَمَا يَنْبَغِي لِكِرَمِ وَجْهِكَ وَعَزِّ

و پاکیزه و بابرکت چنانچه دلخواه تو است ای پروردگار و چنانچه بپسندی و آنچه‌که سزاوار ذات بزرگوار و شوکت
جَلَالِكَ پس می‌گویی ده مرتبه: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ**
 جلال تو است * * * * * معبودی نیست جز خدای یکتا که شریکی ندارد و او را است فرمانروایی و خاص
 او است

الْحَمْدُ، وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، و ده مرتبه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ**

ستایش و او است دقیق و کاردان * * * * * معبودی نیست جز خدای یکتا که شریکی ندارد و او را است فرمانروایی و ستایش مخصوص

الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ،

او است که زنده کند و بمیراند و بمیراند و زنده کند و او است زنده‌ای که نمیرد

بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، و ده مرتبه **اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ**

همه نیکبها بدست او است و او بر همه چیز توانا است، * * * * * آمرزش خواهیم از خدایی که معبودی جز او نیست و

الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، و ده مرتبه **يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ.** و ده مرتبه **يَا رَحْمَنُ يَا**

زنده و پاینده است و بسویش بازگشت کنم، * * * * * ای خدا ای خدا * * * * * ای بخشاینده، ای بخشاینده

رَحْمَنُ، و ده مرتبه **يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ.** و ده مرتبه **يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ،** و ده مرتبه **يَا**

* * * * * ای مهربان ای مهربان * * * * * ای پدید آورنده آسمانها و زمین، * * * * * ای صاحب جلال

ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. و ده مرتبه **يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ،** و ده مرتبه **يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ.** و ده

و بزرگوار * * * * * ای مهروز نعمت ده، * * * * * ای زنده و پاینده، * * * * * ای زنده‌ای

مرتبه **يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،** و ده مرتبه **يَا اللَّهُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ** و ده مرتبه **بِسْمِ اللَّهِ**

که معبودی جز تو نیست، * * * * * ای خدایی که جز تو معبودی نیست، * * * * * بنام خدای بخشاینده مهربان * * * * *

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، و ده مرتبه **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،** و ده مرتبه **اللَّهُمَّ**

خدایا درود فرست بر محمد و آلش * * * * * خدایا انجام ده درباره من آنچه

افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، و ده مرتبه **امین امین،** و ده مرتبه **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ،**

پس می‌گویی: **اللَّهُمَّ اصْنَعْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ**

را تو سزاوار آنی * * * * * به اجابت رسان * * * * * بگو او خدای یکتا است، * * * * * خدایا با من کن آنچه را تو شایسته آنی

، وَلَا تَصْنَعُ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ

و ممکن با من آنچه را من شایسته آنم زیرا که تو البته شایسته پرهیزکاری هستی و اهل

الْمَغْفِرَةِ، وَأَنَا أَهْلُ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا، فَارْحَمْنِي يَا مَوْلَايَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ

آمرزشی و من اهل گناهان و خطاها هستم پس به من رحم کن ای مولای من و تویی مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، وَ نَبِذْ دَهْرَ مَرْتَبِهِ مِیْ گَوْنِی لِحَاوَلٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ

مهربانان * * * * * جنبش و نیرویی نیست جز به خدا، توکل بر خدای زنده‌ای

الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي

که نمیرد و ستایش خاص خدایی است که فرزندی نگرفته و شریکی در

الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا.

فرمانروایی ندارد و او را دوستی برای رفع مذلت نیست و بزرگش شمار کامل و بسیار

دُعَايِ سِمَاتِ

معروف به دعاء شبّور که مستحبّ است خواندن آن در ساعت آخر روز جمعه و مخفی نماند که این دعا از ادعیه مشهوره است و اکثر علماء سلف بر این دعا مواظبت می نموده اند و در مصباح شیخ طوسی و جمال الأسبوع سید بن طاوس و کتب کفعمی بسندهای معتبر از جناب محمد بن عثمان عمروی رضوانُ الله علیه که از نوّاب حضرت صاحب الامر علیه السلام است و از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام روایت شده و علامه مجلسی رحمه الله آن

را با شرح در بحار ذکر کرده و آن دعاء موافق مصباح شیخ این است:

اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِکَ الْعَظِیْمِ الْاَعْظَمِ الْاَعَزُّ الْاَجَلُّ الْاُکْرَمِ، الَّذِیْ اِذَا

خدایا از تو می خواهم به حق نام بزرگ و بزرگتر و آن عزیزتر و برجسته تر و گرامیتر همان نامی که

دُعِيَتْ بِهِ عَلَى مَغَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِّلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ، وَإِذَا دُعِيَتْ بِهِ

هرگاه بخواندند بدان نام برای گشودن درهای بسته آسمان به رحمت گشوده شود و هرگاه بخواندند بدان

عَلَى مَضَائِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِّلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ، وَإِذَا دُعِيَتْ بِهِ عَلَى الْعُسْرِ

نام برای باز شدن تنگناهای درهای زمین باز شود و هرگاه بخواندند بدان نام برای آسان شدن

لِّلْيُسْرِ تَيَسَّرَتْ، وَإِذَا دُعِيَتْ بِهِ عَلَى الْأَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ، وَإِذَا

سختی آسان گردد و هرگاه بخواندند بدان نام برای زنده شدن مردگان زنده شود و هرگاه

دُعِيَتْ بِهِ عَلَى كَشْفِ الْبُاسَاءِ وَالضَّرَّاءِ انْكَشَفَتْ، وَبِجَلَالِ وَجْهِكَ

بخواندند بدان نام برای برطرف شدن دشواریها برطرف گردد و سوگند به عظمت ذات

الْكَرِيمِ، أَكْرَمِ الْوُجُوهِ وَأَعَزُّ الْوُجُوهِ، الَّذِي عَنَتَ لَهُ الْوُجُوهُ، وَخَضَعَتْ لَهُ

بزرگوارت که بزرگواریترین و عزیزترین ذوات است و تمام روها دربرابرش خوار گشته و

الرِّقَابُ، وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ، وَوَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِكَ،

گردنها در مقابلش خم شده و صداها از هیبتش خاموش گشته و دلها همه از ترس

وَقِفْوَتِكَ الَّتِي بِهَا تُمَسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِكَ،

او هراسان گشته و سوگند به نیرو و قدرتت که بدان آسمان را نگهداشته‌ای از اینکه بر زمین افتد جز به اجازه خودت و

وَتُمَسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا، وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ،

نگهداشته‌ای آسمانها و زمین را از اینکه از جای خود بروند و سوگند به مشیت و ارادات که جهانیان در برابرش

وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا

خوار گشته و به حق آن کلمه‌ات که آسمانها و زمین را بدان آفریدی و به حق آن حکمتت که بوسیله آن (موجودات)

الْعَجَائِبَ، وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلًا، وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَنًا، وَخَلَقْتَ

شگفت ساختی و تاریکی را بدان خلق فرمودی و آنرا شب قرار دادی و شب را نیز (وقت) آرامش قرار دادی

بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهَارًا، وَجَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُورًا مُبْصِرًا، وَخَلَقْتَ بِهَا

و نور و روشنی را بدان آفریدی و روزش قرار دادی و روز را هم (هنگام کار) و جنبش و مایه بینش قرار دادی و بدان

الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ نُورًا،

خورشید را آفریدی و خورشید را نیز فروزان کردی، و بدان ماه را خلق کردی و آنرا نور و روشنایی

وَحَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُومًا وَبُرُوجًا وَمَصَابِيحَ وَزَيْنَةً وَرُجُومًا،

قرارش دادی و بدان ستارگان را آفریدی و قرارشان دادی اختراعی تابناک و برجها و چراغهایی و زبوربخش آسمان و وسیله

رانندن (شیاطین)

وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ، وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَمَجَارِي، وَجَعَلْتَ لَهَا

و قرار دادی برای آنها خاورها و باخترها و نیز برایش طلوع گاهها و گردشگاهها مقرر ساختی و برای هریک از آنها

فَلَكَأَ وَمَسَابِحَ، وَقَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا، وَصَوَّرْتَهَا

مدار حرکت و شناگاهی قراردادی و روی اندازه‌های معین در آسمان منزلشان دادی و به خوبی اندازه گرفتی و صورتشان دادی و

فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا، وَأَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً، وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ

نیکی صورتشان دادی و آنها را بنامهای خویش دقیقاً بر شمردی و با حکمت خویش با کمال

تَدْبِيرًا، فَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا، وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَسُلْطَانِ النَّهَارِ،

تدبیر اداره نمودی و به نیکی تدبیر کردی و بوسیله تسلط شب و روز برای تنظیم

وَالسَّاعَاتِ وَعَدَدَ السَّنِينَ وَالْحِسَابِ، وَجَعَلْتَ رُؤْيَيْهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ

ساعتها و شماره سالها و برقراری حساب تسخیرشان کردی و دیدنشان را بر همه مردم

مَرِيٍّ وَاحِدًا، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ، وَرَسُولَكَ

یکنواخت کردی و از تو می‌خواهم خدایا به حق آن بزرگواری و مجدت که سخن گفتی بدان با بنده و فرستاده‌ات

مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَقْدَسِينَ، فَوْقَ أَحْسَاسِ الْكُرُوبِينَ

موسی بن عمران علیه السلام در میان قدسیان برتر از احساس کروبیان

فَوْقَ عَمَائِمِ النُّورِ، فَوْقَ تَأْبُوتِ الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ وَفِي طُورِ سَيْنَاءَ،

بالتر از ابرهای نور و بالاتر از صندوق شهادت که در میان ستونی از آتش (بود) و هم در طور سیناء

وَفِي جَبَلِ حُورِيثَ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ، فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ جَانِبِ

و در کوه حوریت در وادی مقدس در بقعه مبارک از جانب

الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ، وَفِي أَرْضِ مِصْرَ بَتِسْعِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ،

راست کوه طور از درخت و در سرزمین مصر با نه معجزه آشکار (بمجد و بزرگواریت در)

وَيَوْمَ فَرَقْتَ لِبنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ، وَفِي الْمُنْبِجَاتِ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا

روزی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافتی و نیز در (روز) چشمه‌های جوشیده و جاری (از سنگ)

الْعَجَائِبِ فِي بَحْرِ سُوفٍ، وَعَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْغَمْرِ كَالْحِجَارَةِ

که از آن عجایبی ساختی در دریای سوف و در دل آن دریای عظیم آب آن دریا را مانند سنگ

وَجَاوَزْتَ بِبنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ، وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى عَلَيْهِمْ بِمَا

منجمد کرده و بستی و بنی اسرائیل را از دریا عبور دادی و وعده نیکت را به خاطر

صَبْرُوا، وَأَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ،

صبری که کردند بر ایشان تمام کردی و آنان را بر شرق و غرب سرزمینی که برای جهانیان مبارک گردانده بودی

وَأَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ وَمَرَآكِبَهُ فِي الْيَمِّ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ

وارث و مالک کردی و فرعون و سپاهانش را با مرکب‌هایشان در دریا غرق کردی و به حق نام بزرگ و اعظم و

الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَى كَلِيمِكَ

عزیزتر و برتر و گرامی‌ترت سوگند و به حق آن مجد و بزرگیت که بدان بر موسی کلیم خود

عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سَيْنَاءَ، وَلِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلِيلِكَ مِنْ قَبْلُ فِي مَسْجِدِ

علیه‌السلام در طور سیناء تجلی کردی و پیش از آن نیز برای ابراهیم علیه‌السلام خلیل خود در مسجد

الْخَيْفِ، وَلِإِسْحَاقَ صَفِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَثْرِ شَيْعٍ، وَلِيَعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ

خیف (تجلی کردی) و برای اسحاق برگزیده‌ات علیه‌السلام در بثر شیع (تجلی کردی) و برای یعقوب پیامبرت علیه

السَّلَامُ فِي بَيْتِ إِبْرَاهِيمَ، وَأَوْفَيْتَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِثَاقِكَ، وَلِإِسْحَاقَ

السلام در بیت ایل (خانه خدا) تجلی کردی، (و به مجد و بزرگواریت که) برای ابراهیم علیه‌السلام به پیمان خود وفا

کردی و برای اسحاق

بِحَلْفِكَ وَلِيَعْقُوبَ بِشَهَادَتِكَ، وَلِلْمُؤْمِنِينَ بَوَعْدِكَ، وَلِلدَّاعِينَ بِأَسْمَائِكَ

به سوگندت و برای یعقوب به گواهی و برای مؤمنان به وعده‌ات و برای خوانندگان به نامهایت

فَاجَبْتَهُ، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى قُبَّةِ

که اجابتشان کردی، و به همان مجد و بزرگیت که برای موسی بن عمران علیه‌السلام در قبه‌الرحمن

الرُّمَّانِ، وَبَايَاتِكَ الَّتِي وَقَعْتَ عَلَى أَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلْبَةِ،

(عبادتگاهش) آشکار گردید و به آن معجزات و نشانه‌هایت که واقع شد که در سرزمین مصر با مجد و عزت و غلبه

بِأَيَاتِ عَزِيزَةٍ، وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ، وَبِشَّانِ الْكَلِمَةِ التَّامَّةِ،

و به آن معجزات باشکوه و به آن تسلط نیرومند و قدرت با عزت و به مقام آن

وَبِكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَى أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَهْلِ الدُّنْيَا

کلمه کاملت و به حق آن کلماتی که تفضل کردی بدانها بر اهل آسمانها و زمین و اهل دنیا

وَأَهْلِ الْآخِرَةِ، وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَبِاسِطَاعَتِكَ

و آخرت و به آن رحمت که بدان بر همه مخلوقات مینت نهادی و به آن توانائیت که

الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ، وَبِنُورِكَ الَّذِي قَدْ خَرَّمْنَ فِرْعَوُ سَيْنَاءَ،

جهانیان را بدان برپاداشتی و بدان روشنی و نورت که درافتاد از دهشت آن طور سیناء و

وَبِعِلْمِكَ وَجَلَالِكَ وَكِبْرِيَاءِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَبْرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلَّهَا

بدان علم و جلال و بزرگواری و عزت و جبروتت که

الْأَرْضُ، وَأَنْخَفَضْتَ لَهَا السَّمَوَاتُ، وَأَنْزَجَرْتَ لَهَا الْعُمُقُ الْأَكْبَرُ، وَرَكَدَتْ لَهَا

زمین قدرت کشیدن آن را نداشت و آسمانها در برابرش به زانو درآمد و عمق اکبر زمین در مقابلش خود را واپس کشید

الْبِحَارُ وَالْأَنْهَارُ، وَخَضَعَتْ لَهَا الْجِبَالُ، وَسَكَنْتْ لَهَا الْأَرْضُ بِمَنَاجِبِهَا،

و دریاها و نهرها از جنبش ایستاد و کوهها در برابرش فروتن گشت و زمین با همه

وَأَسْتَسَلَّمَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ كُلُّهَا، وَخَفَقَتْ لَهَا الرِّيَّاحُ فِي جَرِيَانِهَا، وَخَدَمَتْ

پست و بلندیهایش برای او ساکن شد و تمام مخلوقات در برابرش تسلیم گردیدند و بادهای بخاطر آن در جریان خود

مضطرب گردید

لَهَا النَّيْرَانُ فِي أَوْطَانِهَا، وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عُرِفَتْ لَكَ بِهِ الْغَلْبَةُ دَهْرَ

و آتشها بواسطه آن در جاهای خود خاموش شد و به فرمانروایی مطلق (یا حجت و برهانت) که به واسطه آن همیشه به

پیروزی و غلبه

الدُّهُورِ، وَخَدَمَتْ بِهَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةَ الصِّدْقِ

معروف گشتی و بواسطه آن در آسمانها و زمینها ستایش شدی و به حق آن کلمه صدق و راست

الَّتِي سَبَقَتْ لِيَابِينَا أَدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ، وَأَسْأَلُكَ

که پیش از این برای پدر ما آدم علیه السلام و فرزندانش به لطف و رحمت سبقت جست و می خوانمت

بِكَلِمَتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَيُنُورِ وَجْهَكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ

به حق آن گفتارت که بر هر چیز غلبه کرده و به نور ذاتت که بوسیله آن بر کوه تجلی

فَجَعَلْتَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ،

فرمودی و آنرا از هم متلاشی ساختی و موسی مدهوش درافتاد و به مجد و بزرگواریت که آشکار شد بر طور سیناء

فَكَلَّمْتَ بِهِ بِنْدِهِ وَبِإِمْرَاتِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، وَبِطَلْعَتِكَ فِي سَاعِيرٍ

و بوسیله آن با بنده و پیامبرت موسی بن عمران تکلم کردی و به طلوع پرتوت در ساعیر (جای مناجات عیسی) و

و ظُهُورِكَ فِي جَبَلِ فَارَانَ بِرَبَوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ، وَجُنُودِ الْمَلَائِكَةِ

به ظهورت در کوه فاران (جای مناجات رسول خدا) در جایگاه مرتفع قدسیان و صفوف لشکر فرشتگان

الصَّافِينَ، وَخُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ، وَبِبَرَكَاتِكَ الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى

و در میان خشوع ملائکه تسبیح کننده و به حق آن برکاتت که برکت دادی در آنها بر

إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبَارَكْتَ

ابراهیم خلیلت علیه السلام در میان امت محمد(ص) (بخاطر ارتباطی که میان رسول خدا(ص) و ابراهیم برقرار ساختی)

و برکت دادی بر

لِإِسْحَاقَ صَفِيكَ فِي أُمَّةٍ عِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَبَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ

اسحاق برگزیده ات در میان امت عیسی علیهما السلام و برکت دادی بر یعقوب

إِسْرَائِيلَ فِي أُمَّةٍ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

اسرائیل در امت موسی علیهما السلام و برکت دادی بر حبیبیت محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عِزَّتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ وَكَمَا غِنِنَا عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ نَشْهَدْهُ

علیه و آله در عزت و فرزندان و امتش خدایا چنانچه ما در آن جریانات نبودیم و آنها را مشاهده نکرده و ندیده

وَأَمَّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقًا وَعَدْلًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

از روی راستی و درستی بدان ایمان آوردیم همانطور می خواهیم درود فرستی بر محمد و آل محمد

تُبَارِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَرَحَّمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ

و مبارک کنی بر محمد و آل محمد و رحمت فرست بر محمد و آل محمد مانند بهترین

مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ،

دروود و برکت و رحمتی که بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی که براستی تو ستوده و بزرگواری

فَعَالَ لِمَا تُرِيدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. [شَهِيدٌ]

و هر چه بخواهی انجام دهی و تو بر هر چیز توانایی

پس حاجات خود را ذکر می کنی و

مِی گوئی: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ، وَبِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا

*** خدایا به حق این دعا و به حق این نامهایی که نداند تفسیرش

وَلَا يَعْلَمُ بَاطِنَهَا غَيْرُكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ

را و نداند باطن آنها را کسی جز تو درود فرست بر محمد و آل محمد و بجای آر درباره من آنچه را تو

أَهْلُهُ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، وَأَغْفِرْ لِي مِنْ ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا

شایسته آنی و انجام مده درباره من سزاوار آنم و ببامرز گناهانم را آنچه گذشته و آنچه

وَمَا تَأَخَّرَ، وَوَسِّعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ، وَاكْفِنِي مَوْتَةَ إِنْسَانٍ سَوْءٍ، وَجَارِ

پس از این سر زند و وسعت ده بر من از روزی حلالت و مرا از زحمت و شر انسان بد و همسایه

سَوْءٍ وَقَرَّيْنِ سَوْءٍ وَسُلْطَانٍ سَوْءٍ إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ، وَبِكُلِّ شَيْءٍ

بد و رفیق بد و سلطان بد کفایت فرما که تو بر هر چیز توانایی و به هر چیز

عَلِيمٌ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

دانایی اجابت فرما ای پروردگار جهانیان

مؤلف گوید: که در بعض نسخ است بعد از:

وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

و تو بر هر چیز قادری

که هر حاجت داری ذکر کن و بگو:

يا اَللّهُ يا حَنَّانُ يا مَنَّانُ

ای خدا ای مهر پیشه و ای نعمت بخش

يا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرَامِ، يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

ای پدید آورنده آسمانها و زمین ای صاحب جلال و بزرگواری ای مهربانترین مهربانان

اَللّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ تا آخر.

خدایا به حق این دعا

و علامه مجلسی از مصباح سید بن باقی نقل کرده که بعد از دعای سمات این

دعا را بخواند:

اَللّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ وَبِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا، وَلَا تَأْوِيلَهَا وَلَا

خدایا بحق این دعا و به حق این نامهایی که نداند تفسیرش را و نه

باطنِها وَلَا ظاهِرِها غَيْرُكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُرْزُقَنِي

تاویلش را و نه باطنش را و نه ظاهرش را کسی جز تو (از تو می خواهم) که درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

روزی من گردانی

خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

خیر دنیا و آخرت را

پس حاجت خود را بطلبد و بگوید:

وَأَفْعَلُ بِى ما أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلَا تَفْعَلُ بِى ما أَنَا أَهْلُهُ، وَأَنْتَقِمَ لى مِنْ فُلانٍ

و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی و مکن با من آنچه را من سزاوار آنم و برای من از فلان

بِنِ فُلانٍ.

پسر فلان انتقام بگیر

و نام دشمن را بگوید: وَاغْفِرْ لى مِنْ ذُنُوبى ما تَقَدَّمَ مِنْها وَمَا تَأَخَّرَ،

و بیماریز گناهانم را آنچه گذشته و آنچه از این پس سرزند

وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَوَسَّعْ عَلَيَّ مِنْ حلالِ رِزْقِكَ،

و بیمارز پدر و مادرم را و همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه را و وسعت ده بر من از روزی حلال
 وَ أَكْفِنِي مَوْتَةَ إِنْسَانٍ سَوْءٍ وَ جَارٍ سَوْءٍ، وَ سُلْطَانَ سَوْءٍ وَ قَرِينَ سَوْءٍ، وَ يَوْمٍ
 و مرا از زحمت و شرّ انسان بد و همسایه بد و سلطان بد و رفیق بد و روز
 سَوْءٍ وَ سَاعَةِ سَوْءٍ، وَ أَنْتَقِمَ لِي مِمَّنْ يُكِيدُنِي وَ مِمَّنْ يُبَغِي عَلَيَّ، وَ يُرِيدُ بِي
 بد و ساعت بد کفایت فرما و از کسی که به من نیرنگ زند و بر من ستم کند و قصد ظلم به من
 وَ بِأَهْلِي وَ أَوْلَادِي، وَ إِخْوَانِي وَ جِيرَانِي وَ قَرَابَاتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

و به خاندان و فرزندان و همسایگان و نزدیکان من از مردان مؤمن و

وَ الْمُؤْمِنَاتِ ظُلْمًا، إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ، وَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

زنان مؤمنه را دارد انتقام مرا بگیر که تو بر هر چه بخواهی توانایی و به هر چیز دانایی اجابت فرما ای پروردگار جهانیان

پس بگوید: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَأَ الْمُؤْمِنِينَ

خدایا به حق این دعاء بر (همه اهل ایمان) تفضل کن (اما) بر فقراى مؤمنین

وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَ الثَّرْوَةِ، وَ عَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ

و مؤمنات به ثروت و توانگری و بر بیماران از مؤمنین و مؤمنات

بِالشِّفَاءِ وَ الصِّحَّةِ، وَ عَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَ الْكَرَامَةِ،

به شفاء و تندرستی و بر زندگان مؤمنین و مؤمنات به لطف و بزرگواری

وَ عَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ عَلَى مُسَافِرِي

و بر مردگان مؤمنین و مؤمنات به آمرزش و رحمت و بر مسافری

الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

مؤمنین و مؤمنات به بازگشتن بسوی وطنهای خویش به سلامتی و بهره‌مندی به رحمتت ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ عَتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ،

مهربانان و درود فرستد خداوند بر آقای ما محمد خاتم پیمبران و عترت پاکیزه‌اش

وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

و سلام فرستد بسیار

و شیخ بن فهد گفته که مستحب است بعد از دعاء سمات بگوئی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الدُّعَاءِ، وَبِمَافَاتِ مِنْهُ مِنَ الْأَسْمَاءِ، وَبِمَا يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ

خدایا از تو می‌خواهم به حرمت این دعا و به آنچه از نامهایت که در آن ذکر نشده و به آنچه در بردارد

مِنَ التَّفْسِيرِ وَالتَّدْبِيرِ، الَّذِي لَا يُحِيطُ بِهِ إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا،

از تفسیر و تدبیری که کسی جز تو بر آن احاطه ندارد که درباره من چنین و چنان کنی

و بجای کذا و کذا حاجت خود را بخواهد

دُعَايِ مَشْلُوبِ

موسوم به دعاء الشاب المأخوذ بذنبه منقول از کتب کفعمی و مهج الدعوات، و آن دعائی است که تعلیم فرموده آنرا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بجوانی که بواسطه گناه و ستم در حق پدر خویش شل شده بود پس این دعا را خواند در خواب حضرت رسول صلی الله علیه و آله را دید که دست بر اندام او مالید و فرمود محافظت کن بر اسم اعظم خدا که کار تو بخیر خواهد بود پس بیدار شد در حالتی که تندرست بود و دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا حَيُّ

خدایا از تو می‌خواهم به نامت بسم الله الرحمن الرحيم ای صاحب جلال و بزرگواری ای زنده

يَا قَيُّوْمُ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ، وَلَا كَيْفَ هُوَ، وَلَا

پاینده ای زنده ای که معبودی جز تو نیست ای کسی که جز او کسی نداند که چیست او

أَيْنَ هُوَ، وَلَا حَيْثُ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا ذَا الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، يَا ذَا الْعِزَّةِ

و چگونه است او و در کجاست او و در کدام سو است ای دارای ملک و ملکوت ای دارای عزت

وَالْجَبْرُوتِ، يَا مَلِكُ يَا قُدُّوسُ، يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ، يَا مُهَيِّمِنُ يَا عَزِيزُ،

و جبروت (قهر و قدرت) ای پادشاه جهان ای منزله از هر عیب ای سالم از هر نقص ای ایمنی بخش ای نگهبان ای عزیز

يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ، يَا خَالِقُ يَا بَارِيُّ، يَا مُصَوِّرُ يَا مُفِيدُ، يَا مُدَبِّرُ يَا شَدِيدُ،

ای دارای قهر ای با عظمت ای آفریننده ای پدیدآورنده ای صورت بخش ای سوددهنده ای تدبیرکننده ای محکم

يَا مُبْدِيُّ يَا مُعِيدُ، يَا مُبِيدُ يَا وَدَّودُ، يَا مَحْمُودُ يَا مَعْبُودُ، يَا بَعِيدُ يَا قَرِيبُ،

کارای سبب آغاز خلقت و ای سبب پایان آن ای ناپود کننده ای محبت شعار ای پسندیده ای معبود خلق ای دور و ای

نزدیک

يَا مُجِيبُ يَا رَقِيبُ، يَا حَسِيبُ يَا بَدِيعُ، يَا رَفِيعُ يَا مَنِيعُ، يَا سَمِيعُ يَا عَلِيمُ،

ای پاسخ دهنده ای نگهبان ای حساب دارنده ای نوین آفرین ای رفیع مقام ای بلند مرتبه ای شنوا ای دانا

يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ، يَا حَكِيمُ يَا قَدِيمُ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا دَيَّانُ

ای بردبار ای کریم ای فرازنده ای قدیم ای والا ای بزرگ ای مهرپیشه و ای نعمت بخش ای پاداش ده

يَا مُسْتَعَانُ، يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ، يَا وَكِيلُ يَا كَفِيلُ، يَا مُقِيلُ يَا مُنِيلُ، يَا نَبِيلُ

ای یاری جسته شده ای پُر جلال ای زیبا ای وکیل ای کفیل ای درگذرنده ای نعمت رساننده ای ماهر

يَا دَلِيلُ، يَا هَادِي يَا بَادِي، يَا أَوَّلُ يَا آخِرُ، يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ، يَا قَائِمُ

ای راهنما ای رهبر ای آغاز کننده ای اول ای آخر ای ظاهر ای باطن ای استوار ای

يَا دَائِمُ، يَا عَالِمُ يَا حَاكِمُ، يَا قَاضِي يَا عَادِلُ، يَا فَاصِلُ يَا وَاصِلُ، يَا ظَاهِرُ

ابدی ای دانا ای حکم فرما ای داور ای دادگر ای جدا کننده ای پیوند کننده ای پاک

يَا مُطَهَّرُ، يَا قَادِرُ يَا مُقْتَدِرُ، يَا كَبِيرُ يَا مُتَكَبِّرُ، يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ، يَا مَنْ

ای پاکیزه ای توانا ای با اقتدار ای بزرگ ای با عظمت ای یگانه ای تک ای بی نیاز

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ، وَلَا كَانَ مَعَهُ

نژاد و زانیده نشده و نیست برایش همتایی هیچکس و نیست برایش همسر و رفیقی و نباشد با او

وَزِيرٌ، وَلَا اتَّخَذَ مَعَهُ مَشِيرًا، وَلَا احتَاجَ إِلَى ظَهِيرٍ، وَلَا كَانَ مَعَهُ مِنْ

وزیری و نگرفته برای خود مشاوری و نه نیازمند به کمک‌کاری است و نه

إِلَهٍ غَيْرُهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، فَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ، عُلُوًّا كَبِيرًا، يَا

معبودی جز او است شایسته ستایشی جز تو نیست پس تو برتری از آنچه ستمکاران گویند بسیار برتر، ای

عَلِيُّ يَا شَامِخٌ، يَا بَادِخٌ، يَا فَتَّاحٌ يَا نَفَّاحٌ، يَا مُرْتَّاحٌ يَا مُفْرَجٌ، يَا نَاصِرٌ يَا

والا ای بلند رتبه ای والا مقام ای گشاینده ای عطا بخشنده ای فرح بخش ای گشایش دهنده ای یاور ای

مُنْتَصِرٌ، يَا مُدْرِكٌ يَا مُهْلِكٌ يَا مُنْتَقِمٌ، يَا بَاعِثٌ يَا وَارِثٌ، يَا طَالِبٌ

مددکار ای دریابنده ای هلاک کننده ای انتقام گیرنده ای برانگیزنده ای ارث برنده ای جوینده

يَا غَالِبٌ، يَا مَنْ لَا يَقُوْتُهُ هَارِبٌ، يَا تَوَّابٌ يَا أَوَّابٌ يَا وَهَّابٌ، يَا مُسَبِّبٌ

ای پیروزمند ای کسی که از دستش نرود گریز پایی ای توبه‌پذیر ای رجوع‌پذیر ای بخشنده ای سبب ساز

الْأَسْبَابِ، يَا مُفْتَحِ الْأَبْوَابِ، يَا مَنْ حَيْثُ مَا دُعِيَ أَجَابَ، يَا ظَهْوَرٌ يَا

هر سبب ای گشاینده درهای بسته ای کسی که هر زمان بخواندش اجابت کند ای پاکی بخش ای

شَاكُورٌ، يَا عَفُوًّا يَا غَفُورٌ، يَا نُورَ النُّورِ، يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يَا لَطِيفٌ يَا خَبِيرٌ،

پادشاه ده شاکران ای درگذرنده ای آمرزنده ای نور روشنیها ای تدبیر کننده

يَا مُجِيرٌ يَا مُنِيرٌ، يَا بَصِيرٌ يَا ظَهِيرٌ، يَا كَبِيرٌ يَا وَتِرٌ، يَا فَرْدٌ يَا أَبَدٌ،

امور ای نعمت بخش ای بینا ای پناه ده ای روشنی ده ای بینا ای پشتیبان ای بزرگ ای یگانه ای بی همتا ای جاویدان

يَا سَنَدٌ يَا صَمَدٌ، يَا كَافِيٌ يَا شَافِيٌ، يَا وَافِيٌ يَا مُعَافِيٌ، يَا مُحْسِنٌ يَا

ای تکیه‌گاه ای بی‌نیاز ای کفایت کننده ای شفا دهنده ای وفا دار ای صحت بخش ای نیکوکار ای

مُجْمَلٌ، يَا مُنْعِمٌ يَا مُفْضِلٌ، يَا مُتَكَرِّمٌ يَا مُتَفَرِّدٌ، يَا مَنْ عَلَا فَفَقِهَرَ،

زیب بخش ای نعمت ده ای فزون بخش ای بزرگوار ای یگانه شناخته شده، ای که از برتری بر همه قاهر است

يَا مَنْ مَلِكٍ فَقَدَرَ، يَا مَنْ بَطْنٍ فَخَبَرَ، يَا مَنْ عُبْدٍ فَشَكَرَ، يَا مَنْ عُصِيٍّ فَغَفَرَ،

ای که فرمانروا است و نیرومند ای که در درونی و از درون آگاه ای بپرستندش و او پاداش دهد ای که نافرمانیش کنند و

بیامرزد

يَا مَنْ لَا تَحْوِيهِ الْفِكْرُ، وَلَا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ آثَرٌ، يَا رَازِقَ

ای که در فکرها ننگنجد و دیده ای او را درنیابد و هیچ کاری بر او پنهان نماند ای روزی ده

الْبَشَرِ، يَا مُدَّرَ كُلِّ قَدَرٍ، يَا عَالِيَ الْمَكَانِ، يَا شَدِيدَ الْأَرْكَانِ، يَا مُبَدِّلَ

بشر ای اندازه‌گیر هر اندازه ای والا مکان ای سخت قدرت ای جابجا کننده

الزَّمَانِ، يَا قَابِلَ الْقُرْبَانِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالْإِحْسَانِ، يَا ذَا الْعِزَّةِ وَالسُّلْطَانِ، يَا

زمان ای قبول کننده قربانی ای دارنده نعمت و احسان ای صاحب عزت و سلطنت ای بخشاینده ای

رَحِيمٍ يَا رَحْمَنُ، يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ

مهربان ای که هر روز در کاری است ای که کاری از کار دیگر سرگرمش نکند

شَأْنٍ، يَا عَظِيمَ الشَّأْنِ، يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ مَكَانٍ، يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ، يَا مُجِيبَ

ای بزرگ مقام ای که در هر جا هستی ای شنوای هر صدا ای اجابت کننده

الدَّعَوَاتِ، يَا مُنْجِحَ الطَّلِبَاتِ، يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ، يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ،

دعاها ای برآورنده خواسته‌ها ای روا کننده حاجت‌ها ای فرو فرستنده برکات

يَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ، يَا مُقِيلَ الْعَثْرَاتِ، يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ، يَا وَلِيَّ

ای رحم کننده بر اشکها (و گریه‌ها) ای نادیده‌گیر لغزشها ای برطرف کننده ناراحتیها ای بدست دارنده

الْحَسَنَاتِ، يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ، يَا مُؤْتِيَ السُّؤْلَاتِ، يَا مُخَيِّئَ الْأَمْوَاتِ، يَا

نیکبها ای بالا برنده مقامها ای دهنده خواسته‌ها ای زنده کننده مرده‌ها ای

جَامِعَ الشَّتَاتِ، يَا مُطَّلِعًا عَلَى النِّيَّاتِ، يَا رَادًّا مَا قَدْ فَاتَ، يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُهُ

گردآورنده پراکنده‌ها ای آگاه بر نیت‌های دل ای برگرداننده آنچه از دست رفته، ای که صداها بر او مشتبّه

عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، يَا مَنْ لَا تُضْجِرُهُ الْمَسْئَلَاتُ، وَلَا تَغْشَاهُ الظُّلْمَاتُ،

نشود ای که (زیادی) خواهشها او را به ستوه و خستگی در نیاورد و تاریکیها

يَأْنُورُ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتِ، يَأْسَابِغُ النَّعْمِ، يَأْدَافِعُ النَّقْمِ، يَأْبَارِي النَّسْمَ، يَأْجَامِعُ

او را فرا نگیرد ای روشنی زمین و آسمانها ای سرشار دهنده نعمتها ای جلوگیری رنج و ملالها ای آفریننده انسان ای گردآورنده

الْأُمَمِ، يَأْشَافِي السَّقَمِ، يَأْخَالِقُ النَّوْرَ وَالظُّلْمَ، يَأْذَأُ الْجُودَ وَالْكَرَمَ، يَأْمَنُ

ملتها ای بهبودی ده بیماریها ای خالق روشنی و تاریکیها ای صاحب جود و کرم ای که

لَا يَطُّ عَرْشَهُ قَدَمٌ، يَأْجُودُ الْأَجُودِينَ، يَأْكَرَمُ الْأَكْرَمِينَ، يَأْسَمَعُ

گامی به عرشش نرسد ای بخشنده ترین بخشندگان ای کریم ترین کریمان ای شنواترین

السَّمَاعِينَ، يَأْبَصِرُ النَّاطِرِينَ، يَأْجَارُ الْمُسْتَجِيرِينَ، يَأْأَمَانُ الْخَائِفِينَ،

شنوایان ای بیناترین بینایان ای پناه پناهجویان ای ایمنی بخش ترسناکان

يَأْظَهَرُ اللَّاجِينَ، يَأْوَلِي الْمُؤْمِنِينَ، يَأْغِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَأْغَايَةَ

ای پشت و پناه پناهندگان ای یاور مؤمنان ای فریادرس فریادطلبان ای منتها مقصود

الطَّالِبِينَ، يَأْصَاحِبُ كُلِّ غَرِيبٍ، يَأْمُونِسَ كُلِّ وَحِيدٍ، يَأْمَلْجَا كُلِّ طَرِيدٍ، يَأْ

خواهندگان ای رفیق هر غریب و مونس هر تنها ای پناه هر آواره ای

مَأْوَى كُلِّ شَرِيدٍ، يَأْحَافِظُ كُلَّ ضَالَّةٍ، يَأْرَاحِمُ الشَّيْخَ الْكَبِيرَ، يَأْرَازِقُ الْوَلَدَ

جای ده هر گریخته ای نگهدار هر گمشده ای رحم کننده پیر کهن سال ای روزی ده کودک

الصَّغِيرَ، يَأْجَابِرُ الْعَظْمَ الْكَسِيرَ، يَأْفَاكُ كُلَّ أَسِيرٍ، يَأْمُغْنِي الْبَائِسَ الْفَقِيرَ،

خردسال ای پیوند دهنده استخوان شکسته ای رها کننده هر گرفتار دربند ای بی نیاز کن هر بینوی مستمند

يَأْعِصِمَةُ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَأْمَنُ لَهُ التَّدْبِيرُ وَالْتَّقْدِيرُ، يَأْمَنُ

ای پناه ترسناک پناهجو ای که چاره‌اندیشی و اندازه‌گیری کارها بدست او است ای که

الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ، يَأْمَنُ لَا يَحْتَاجُ إِلَى تَفْسِيرٍ، يَأْمَنُ هُوَ عَلَى

هر مشکلی برای او سهل و آسان است ای که بی‌نیازی از شرح و تفسیر ای که بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَأْمَنُ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ خَبِيرٌ، يَأْمَنُ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ،

هر چیز توانایی ای که بهر چیز خبیر و آگاهی ای که به هر چیز بینایی

یا مُرْسِلَ الرِّیاحِ، یا فَالِقَ الْإِصْباحِ، یا باعِثَ الْأَرْواحِ، یا ذالْجُودِ

ای فرستنده بادها ای شکافنده روشنی صبح ای برانگیزنده جانها ای صاحب جود

وَالسَّماعِ، یا مَنْ بیدِهِ كُلُّ مِفْتاحِ، یا سامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، یا سابِقَ كُلِّ قَوْتٍ،

و سخا ای که بدست قدرت او است هر کلید ای شنونده هر صدا ای جلوتر از هر گذشته

یا مُحییِ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ المَوْتِ، یا عَدَّتِی فی شِدَّتِی، یا حافِظِی فی

ای زنده کننده هر شخصی پس از مرگ ای ذخیره من در روز سختی و دشواری ای نگهدارم در

عُرْبَتِی، یا مُونِسی فی وَحْدَتِی، یا وَلِیِّی فی نِعْمَتِی، یا کَهْفِی حینَ تَعینِی

روز غربت و بی کسی ای همدم در تنهایی ای ولی نعمتم ای پناهگاه من در آن هنگام که

المُذاهِبِ، وَتَسَلَّمْتِی الْأَقاربِ، وَیَخْذُلْنِی كُلُّ صاحِبٍ، یا عِمادَ مَنْ

راهها مرا مانده و خسته کنند و نزدیکان مرا واگذارند و هر رفیق و دوستی دست از یاریم بکشند ای تکیه گاه هر کس

لا عِمادَ لَهُ، یا سَدَدَ مَنْ لا سَدَدَ لَهُ، یا ذُخْرَ مَنْ لا ذُخْرَ لَهُ، یا حِرْزَ مَنْ لا حِرْزَ

که تکیه گاهی ندارد ای پشتوان آنکس که پشتوانه ندارد ای ذخیره تهیدستان ای نگهدار کسی که نگهداری ندارد ای پناهگاه

آنکس که پناهگاهی

لَهُ، یا کَهْفَ مَنْ لا کَهْفَ لَهُ، یا کَنْزَ مَنْ لا کَنْزَ لَهُ، یا رُکْنَ مَنْ لا رُکْنَ لَهُ،

ندارد ای گنج بی گنجان ای پایه محکم آن کس که پایه محکمی ندارد

یا غِیاثَ مَنْ لا غِیاثَ لَهُ، یا جاراَ مَنْ لا جاراَ لَهُ، یا جاریَ اللِّصیقِ، یا رُکْنِیَ

ای فریادرس کسی که فریادرس ندارد ای همسایه بی همسایگان ای همسایه به من پیوسته ای رکن

الوٰثیقِ، یا الهیَ بِاللِّحْقیقِ، یا رَبَّ الْبیتِ الْعِتیقِ، یا شَفیقِ یا رَفیقِ، فَکُنِّی

استوار من ای معبود مسلم من ای پروردگار خانه کعبه ای مهربان ای رفیق آدم کن

مِنْ حَلْقِ الْمَضیقِ، وَاصْرِفْ عَنِّی كُلَّ هَمٍّ وَغَمٍّ وَضیقٍ، وَاکْفِنِی شرًّا ما لا أُطیقُ،

از حلقه های تنگ (روزگار) و بگردان از من هر غم و اندوه و فشاری را و کفایت کن مرا از هر چه طاقتش را ندارم

وَاعِنِّی عَلٰی ما أُطیقُ، یا رآدَ یُوسُفَ عَلٰی یَعقُوبَ، یا کاشِفَ ضُرِّ ایُوبَ،

و یاریم کن بر آنچه طاقتش را دارم ای که یوسف را به یعقوب برگرداندی ای که ایوب را از گرفتاری نجات بخشیدی

يا غافرَ ذَنْبِ داوُدَ، يا رافعَ عيسى بنِ مريمَ، وَ مُنْجِيَهُ مِنْ اَيْدِي الْيَهُودِ، يا

ای آمرزنده خطای داود ای بالا برنده عیسی بن مریم و نجات دهنده او از دست یهودی ای

مُجِيبَ نِدَاءِ يُونُسَ فِي الظُّلُماتِ، يا مُصْطَفِيَّ مُوسى بِالْكَلامِ، يا مَنْ غَفَرَ لَأَدَمَ

پاسخ دهنده آواز یونس در تاریکیهای دریا ای برگزیننده موسی (بوسیله سخن گفتن) بدان کلمات ای که بخشیدی بر

آدم

خَطِيئَتَهُ، وَ رَفَعَ اِدْرِيسَ مَكاناً عَلِيّاً بِرَحْمَتِهِ، يا مَنْ نَجَّى نُوحاً مِنْ الغَرَقِ،

خطایش را و ادريس را از رحمت خویش به جایی بلند بردی ای که نوح را از غرق نجات دادی

يا مَنْ اَهْلَكَ عَاداً اَلاَ وِلى، وَ تَمَوَّدَ فَمّا اَبْتى، وَ قَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ، اِنَّهُمْ كانوا

ای که قوم عاد قدیم را هلاک کردی و ثمودیان را باقی نگذاشتی و پیش از آنها قوم نوح

هُمُ اَظْلَمَ وَ اَطْعى، وَ الْمُؤْتَفِكةَ اَهْوى، يا مَنْ ذَمَّرَ عَلى قَوْمِ لوطٍ، وَ دَمَدَمَ عَلى

را که آنها ستمگرتتر و سرکش تر بودند و دهکده های واژگون را بیفکندی ای که نابودی بر قوم لوط فرستادی و

قَوْمِ شُعَيْبٍ، يا مَنْ اتَّخَذَ اِبْراهِيمَ خَلِيلاً، يا مَنْ اتَّخَذَ مُوسى كَلِيماً، وَ اتَّخَذَ

هلاک کردی قوم شعيب را ای که ابراهيم را خليل گرفتی ای که موسی را هم سخن خود ساختی

مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَلَيْهِمُ اَجْمَعِينَ حَبِيْباً، يا مُؤْتى لُقْمانَ

و محمد صلی الله علیه و آله را حبيب خود کردی ای که به لقمان

الْحِكْمَةَ، وَ الوَاهِبَ لِسُلَيْمانَ مُلْكَاً، لا يَنْبَغى لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ، يا مَنْ نَصَرَ

حکمت عطا کردی و به سليمان فرمانروایی و پادشاهی آن چنانی دادی که برای هیچکس پس از او شایسته نبود

ذالْقَرْنَيْنِ عَلى المُلُوكِ الْجَبابِرَةِ، يا مَنْ اَعْطى الخَضْرَ الحَيوةَ، وَ رَدَّ لِيُوشَعَ

ای که ذوالقرنین را بر پادشاهان سرکش یاری دادی ای که به خضر آب حیات دادی و برای یوشع

بْنِ نُونٍ الشَّمْسَ بَعْدَ غُرُوبِها، يا مَنْ رَبَطَ عَلى قَلْبِ اُمِّ مُوسى، وَ اَحْصَنَ

بن نون آفتاب را پس از غروب کردن برگرداندی ای که به دل مادر موسی آرامش بخشیدی و دامن مریم دختر عمران را از

آلودگی

فَرَجَ مَرِيْمَ ابْنَتِ عِمْرانَ، يا مَنْ حَصَّنَ يَحْيى بِنِ زَكَرِيَّا مِنَ الذَّنْبِ، وَ سَكَّنَ

نگهداشتی ای که يحيی بن زكريا را از گناه حفظ کردی و خشم

عَنْ مُوسَى الْغَضَبِ، يَا مَنْ بَشَّرَ زَكَرِيَّا بِبَيْحِي، يَا مَنْ فَدَا إِسْمَاعِيلَ مِنْ

موسی را فرو نشاندی ای که زکریا را به ولادت یحیی مژده دادی ای که اسماعیل را به

الذَّبْحِ بِذَبْحِ عَظِيمٍ، يَا مَنْ قَبَلَ قُرْبَانَ هَابِيلَ وَجَعَلَ اللَّغْنَ عَلَى قَابِيلَ، يَا

آن ذبح عظیم فدا فرستادی ای که قربانی هابیل را پذیرفتی و لعنت را بر قابیل مقرر ساختی ای

هَازِمَ الْأَحْزَابِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ

پراکنده کننده احزاب برای پشتیبانی محمد صلی الله علیه وآله درود فرست بر محمد و آل محمد و

عَلَى جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ، وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَهْلِ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ،

بر تمامی رسولان و فرشتگان مقرب و همه آنان که فرمانبرداری تو کنند و

وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَسْئَلَةٍ سَأَلْتُكَ بِهَا أَحَدٌ مِمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ، فَحَتَمْتَ لَهُ عَلَى

از تو می‌خواهم به هر سؤالی که از تو می‌کنند هر یک از آن اشخاصی که از آنها راضی هستی و در نتیجه

الْإِجَابَةِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ، يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ

اجابت را برایش مسلم کردی ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشاینده ای بخشاینده ای بخشاینده ای مهربان ای مهربان

يَا رَحِيمُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ

ای مهربان ای صاحب جلال و بزرگواری ای صاحب جلال و بزرگواری ای صاحب جلال

وَالْإِكْرَامِ، يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ، يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ، يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ، يَا رَحِيمُ

و بزرگواری بدان بدان بدان بدان بدان بدان تو را می‌خوانم به حق هر نامی که خود را بدان نامیدی یا در یکی از

کتابهای

فِي شَيْءٍ مِنْ كُتُبِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتُ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، وَبِمَعَاقِدِ الْعِزِّ

خود آن را نازل کردی یا آن را در علم غیب برای خویشتن برگزیدی و بدان و سائلی

مِنْ عَرْشِكَ، وَبِمَنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ، وَبِمَا لَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ

که عرش را عزت بخشید و به منتهای رحمت از کتابت و بدانچه «اگر هر درختی که در زمین است

شَجَرَةٌ أَقْلَامٌ، وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَانَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ،

قلم باشند و دریا با هفت دریای دیگر که آن را کمک دهند مرکب بود کلمات خدا تمام نمی‌شد

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ، وَاسْأَلْكَ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّتِي نَعْتَهَا فِي كِتَابِكَ،

براستی خدا نیرومند و فرزانه است» و از تو می‌خواهم به حق آن نامهای نیکویت که در قرآن توصیفشان کرده‌ای

قُلْتُ وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا، وَقُلْتُ أَدْعُونِي اسْتَجِبْ لَكُمْ، وَقُلْتُ

و فرموده‌ای: «و برای خدا است نامهای نیکو پس او را بدان نامها بخوانید» و باز فرمودی «مرا بخوانید تا اجابت کنم شما

را» و نیز فرمودی

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي، فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ، وَقُلْتُ يَا عِبَادِي

«و هرگاه بندگان من از تو درباره من بپرسند پس من نزدیکم و پاسخ دهم دعای خواننده را هنگامی که مرا بخواند» و

فرمودی «ای بندگان من

الَّذِينَ اسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ، لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا،

که بر نفس خویش اسراف و زیاده روی کردید از رحمت خدا نومید نشوید که خدا همه گناهان را ببامزد

إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، وَأَنَا أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَأَدْعُوكَ يَا رَبِّ، وَأَرْجُوكَ يَا سَيِّدِي،

و او است آمرزنده مهربان» و من از تو می‌خواهم ای معبودم و می‌خوانمت پروردگارا و امیدوار توام ای آقای من

وَأَطْمَعُ فِي إِجَابَتِي يَا مَوْلَايَ كَمَا وَعَدْتَنِي، وَقَدَّعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَافْعَلْ بِي مَا

و از تو طمع اجابت دارم ای مولای من چنانچه به من وعده داده‌ای و من تو را خواندم چنانچه به من دستور دادی پس

انجام ده درباره

أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا كَرِيمٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

من آن آنچه را تو شایسته آنی ای کریم و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است و درود خدا بر محمد و آتش

همگی

پس ذکر کن حاجت خود را که برآورده است ان شاء الله تعالی، و در روایت

مهج الدعوات است که نمی‌خوانی این دعا را مگر آنکه با طهارت باشی.

دعاء معروف به یستشیر

سید بن طاوس در مهج الدعوات از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله این دعا را تعلیم من نمود و امر کرد مرا که برای هر شدت و رخا این دعا را بخوانم و تعلیم نمایم به خلیفه بعد از خود و ترک ننمایم این دعا را تا حق تعالی را ملاقات نمایم و فرمود که یا علی هر صبح و شام این دعا را بخوان که گنجی است از گنجهای عرش الهی پس ابی بن کعب التماس کرد که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فضیلت این دعا را بیان فرماید حضرت بعضی از ثواب بسیار آنرا فرمود هر که طالبست رجوع به کتاب مهج نماید و دعا این است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، الْمُدَبِّرُ بِلَا وَزِيرٍ، وَلَا

ستایش مخصوص خدایی است که نیست معبودی جز او پادشاه بر حق آشکار آن مدبری که وزیر و کمک کاری ندارد و نه

خَلْقٍ مِنْ عِبَادِهِ يَسْتَشِيرُ، الْأَوَّلُ غَيْرُ مَوْصُوفٍ، وَالْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ الْخَلْقِ،

با مخلوقی از بندگانش مشورت کند، آغازی که به وصف درنیاید و آنکه پس از فنای خلق

الْعَظِيمُ الرَّبُّوْبِيَّةِ، نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَقَاطِرُهُمَا وَمَبْتَدِعُهُمَا، بِغَيْرِ

باقی است آن خدایی که مقام ربوبیتش بس بزرگ است روشنی آسمانها و زمینها و آفریننده آنهاست و پدیدآورنده آنهاست بدون

عَمَدٍ خَلَقَهُمَا، وَفَتَقَهُمَا فَتَقًا، فَقَامَتِ السَّمَوَاتُ طَائِعَاتٍ بِأَمْرِهِ، وَاسْتَقَرَّتْ

پایه و ستون آنها را آفرید و به نحو خاصی آنها را از هم گشود پس آسمانها مطیعانه به امرش ایستادند و زمینها

الْأَرْضُونَ بِأَوْتَادِهَا فَوْقَ الْمَاءِ، ثُمَّ عَلَا رَبُّنَا فِي السَّمَوَاتِ الْعُلَى، الرَّحْمَنُ

نیز با میخهایش (کوهها) بر زیر آب مستقر شدند سپس برآمد پروردگار ما در آسمانهای بلند آن بخشاینده

عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا

که بر عرش مستولی است از آن اوست هر چه در آسمانها و هر چه در زمین و هر چه مابین

تَحْتَ الثَّرَى، فَاِنَّا اَشْهَدُ بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا رَافِعَ لِمَا وَضَعْتَ، وَلَا وَاضِعَ لِمَا

آن دو و آنچه در زیر کره خاک است پس من گواهی دهم که براستی تویی خدایی که هر چه را پست کردی کسی بلندش نتواند کرد و هر چه را

رَفَعْتَ، وَلَا مُعِزٌّ لِمَنْ اَذَلَّتْ، وَلَا مُذِلٌّ لِمَنْ

بلند کردی کسی پست نتواند کرد هر که را خوار کردی کسی عزت نتوان داد

اَعَزَزْتَ، وَلَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَاَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلَهَ اِلَّا

و هر که را عزت دادی کسی خوارش نتواند آنچه را دادی جلوگیر ندارد و آنچه را جلوگیری کردی کسی نتواند بدهد و تویی خدایی که معبودی

اَنْتَ، كُنْتَ اِذْ لَمْ تَكُنْ سَمَاءٌ مَّبْنِيَّةٌ، وَلَا اَرْضٌ مَّدْحِيَّةٌ، وَلَا شَمْسٌ مُّضِيَّةٌ،

جز تو نیست بودی تو هنگامی که نه آسمان ساخته‌ای بود و نه زمین گسترده‌ای و نه خورشید درخشنده‌ای

وَلَا لَيْلٌ مُّظْلِمٌ، وَلَا نَهَارٌ مُّضِيٌّ، وَلَا بَحْرٌ لُّجِيٌّ، وَلَا جَبَلٌ رَاسٌ، وَلَا نَجْمٌ

و نه شب تاریک کننده‌ای و نه روز روشنی دهنده‌ای و نه دریای مواجی و نه کوه استواری و نه ستاره

سار، وَلَا قَمَرٌ، مُنِيرٌ وَلَا رِيحٌ تَهْبُّ، وَلَا سَحَابٌ يَسْكُبُ، وَلَا بَرْقٌ يَلْمَعُ،

سیر کننده‌ای و نه ماه تابناک و نه بادی وزان و نه ابری بارنده و نه برقی درخشنده

وَلَا رَعْدٌ يُسْبِحُ، وَلَا رُوحٌ تَنْفَسُ، وَلَا طَائِرٌ يَطِيرُ، وَلَا نَارٌ تَتَوَقَّدُ، وَلَا مَاءٌ

و نه رعدی به تسبیح غرنده و نه جانی که دم زند و نه پرنده‌ای که پرواز کند و نه آتشی که روشن گردد و نه آبی که

يَطْرُدُ، كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَكُوْنْتَ كُلِّ شَيْءٍ، وَقَدَرْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ،

روان گردد بودی تو پیش از هر چیز و همه را تو هستی دادی و بر هر چیز قادر و توانا

وَابْتَدَعْتَ كُلِّ شَيْءٍ، وَاغْنَيْتَ وَاْفَقَرْتَ، وَاَمَتَّ وَاَحْيَيْتَ، وَاَضْحَكْتَ

گشتی همه اشیاء را تو پدید آوردی توانگر کنی و فقیر گردانی و بمیرانی و زنده کنی و بخندانی و

وَابْكَيْتَ، وَعَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ، فَتَبَارَكْتَ يَا اَللّٰهُ وَتَعَالَيْتَ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي

بگریانی و بر عرش مستولی هستی پس منزهی تو ای خدا و برتری، تویی خدایی که

لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْخَلّٰقُ الْمُعِينُ، اَمْرُكَ غَالِبٌ، وَعِلْمُكَ نَافِذٌ، وَكَيْدُكَ غَرِيْبٌ،

معبودی جز تو نیست آن آفریننده مددکار فرمانت پیروز و دانشت نافذ و کید و مکر و عجب و غریب

وَوَعْدُكَ صَادِقٌ، وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَحُكْمُكَ عَدْلٌ، وَكَلَامُكَ هُدًى، وَوَحْيُكَ

و وعدهات راست و گفتار درست و حکمت عدل و داد و کلامت هدایت و ارشاد و وحیت

نورٌ، وَرَحْمَتُكَ وَسِعَةٌ، وَعَفْوُكَ عَظِيمٌ، وَفَضْلُكَ كَثِيرٌ، وَعَطَاؤُكَ جَزِيلٌ،

نور و رحمت پهناور و گذشتت بس بزرگ و فضل و کرمت بسیار

وَحَبْلُكَ مَتِينٌ، وَإِمَّاكُنْكَ عَتِيدٌ، وَجَارُكَ عَزِيزٌ، وَبَأْسُكَ شَدِيدٌ،

و رشته توسل به تو محکم و امکان (وسائل جور کردن) تو مهیا است پناهنده به تو نیرومند و انتقام و کيفرت سخت

وَمَكْرُوكٌ مَكِيدٌ، أَنْتَ يَا رَبُّ مَوْضِعٌ كُلُّ شَكْوَى، حَاضِرٌ كُلِّ مَلَأٍ، وَشَاهِدٌ

و مکر و کیدت زیرکانه است تو ای پروردگار من مرجع هر شکایت و حاضر در هر انجمن و مطلع

كُلِّ نَجْوَى، مُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ، مُفْرَجٌ كُلِّ حُزْنٍ، غَنِيٌّ كُلِّ مِسْكِينٍ، حِصْنٌ كُلِّ

از هر سخن درگوشی، حد نهایی هر حاجت، برطرف کننده هر اندوه، توانگری هر بینا، دژ محکم هر فراری،

هَارِبٍ، أَمَانٌ كُلِّ خَائِفٍ، حُرْزُ الضُّعْفَاءِ، كَنْزُ الْفُقَرَاءِ، مُفْرَجُ الْغَمِّاءِ،

امان بخش هر ترسناک، پناهگاه ضعیفان، گنج فقیران، غمگشای غمزدگان

مُعِينُ الصَّالِحِينَ، ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، تَكْفِيٌّ مِنْ عِبَادِكَ مَنْ تَوَكَّلَ

یاور نیکان و نیکرفتارانی این است خدا پروردگار ما که معبودی جز او نیست هر بنده‌ای از بندگانت که بر تو توکل کند

عَلَيْكَ، وَأَنْتَ جَارٌ مَنْ لَازِبِكَ، وَتَضَرَّعَ إِلَيْكَ عِصْمَةٌ مِنْ اعْتِصَمَ بِكَ نَاصِرٌ

او را کفایت کنی و تویی پناه کسی که به تو پناه آورد و تضرع و زاری به درگاهت کند، نگهدار آنی که

از تو نگهداری خواهدویار آنی

مَنْ انْتَصَرَ بِكَ تَغْفِرُ الذُّنُوبَ لِمَنْ اسْتَعْفَرَكَ جَبَّارُ الْجَبَابِرَةِ، عَظِيمٌ

که از تو یاری طلبد، بیامری گناهان کسی را که از تو آمرزش خواهد، مسلط بر همه گردنکشان بر تو (از همه) برتران

الْعُظَمَاءِ، كَبِيرُ الْكِبَرَاءِ، سَيِّدُ السَّادَاتِ، مَوْلَى الْمَوَالِي، صَرِيحٌ

بزرگ همه بزرگان آقای آقایان سرور سروران دادرسی دادخواهان غم‌زدای

الْمُسْتَضْرِحِينَ، مُنْفَسٌ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ، مُجِيبٌ دَعْوَةَ الْمُضْطَرِّينَ، أَسْمَعُ

غمندگان اجابت کننده دعای درماندگان شنواترین

السَّامِعِينَ أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، أَحَكَمَ الْحَاكِمِينَ، أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، أَرْحَمَ

شنوندگان بیناترین، بینایان عادلترین، حاکمان سریع‌ترین، حسابگران مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، خَيْرُ الْغَافِرِينَ، قَاضِي حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ، مُغِيثُ الصَّالِحِينَ،

مهربانان بهترین، آمرزندگان برآورنده حاجات مؤمنان و فریادرس نیکان و شایستگان

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبُّ الْعَالَمِينَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ، وَأَنْتَ

تویی خدایی که معبودی جز تو نیست ای پروردگار جهانیان تویی آفریننده و منم آفریده شده تویی

الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ، وَأَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْعَبْدُ، وَأَنْتَ الرَّازِقُ وَأَنَا

مالک و منم مملوک تویی پروردگار و منم بنده تویی روزی ده و منم

الْمَرْزُوقُ، وَأَنْتَ الْمُعْطَى وَأَنَا السَّأَلُ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ وَأَنَا الْبَخِيلُ، وَأَنْتَ

روزی خور تویی دهنده و منم خواهنده تویی بخشنده و منم بخیل و خسیس تویی

الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ، وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ، وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ،

نیرومند و منم بنده ناتوان تویی عزیز و منم زیون و ذلیل تویی توانگر و منم گدای نیازمند

وَأَنْتَ السَّيِّدُ وَأَنَا الْعَبْدُ، وَأَنْتَ الْغَافِرُ وَأَنَا الْمُسِيءُ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ وَأَنَا

تویی آقا و منم بنده تویی آمرزنده و منم بدکار (شرمنده) تویی دانا و منم نادان، تویی

الْجَاهِلُ، وَأَنْتَ الْحَلِيمُ وَأَنَا الْعَجُولُ، وَأَنْتَ الرَّحْمَنُ وَأَنَا الْمَرْحُومُ، وَأَنْتَ

بردبار و منم شتاب‌کار تویی بخشاینده و منم مستوجب رحمت تویی

الْمُعَافَى وَأَنَا الْمُبْتَلَى، وَأَنْتَ الْمُجِيبُ وَأَنَا الْمُضْطَرُّ، وَأَنَا أَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ

عافیت‌بخش و منم (بنده) گرفتار تویی اجابت‌کننده و منم بنده درمانده و منم گواهی دهم که براستی تویی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْمُعْطَى عِبَادَكَ بِلَا سُؤَالٍ، وَأَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ

خدایی که معبودی جز تو نیست به بندگانت بدون سؤال عطا کنی و گواهی دهم که براستی تویی خدای یگانه

الْأَحَدُ الْمُتَفَرَّدُ الصَّمَدُ الْفَرْدُ، وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ

یکتای تنهای بی نیاز فرد، و بازگشت همه بسوی تو است و درود خدا بر محمد و اهل بیت

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَاسْتُرْ عَلَيَّ عِيُوبِي، وَافْتَحْ لِي مِنْ لَدُنْكَ

پاک و پاکیزه‌اش باد و بیامرز گناهانم را و بیوشان بر من عیبهایم را و باز کن برای من از نزد خود
 رَحْمَةً، وَرِزْقًا وَاسِعًا، يَا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،
 دری از رحمت و روزی فراخ ای مهربانترین مهربانان و حمد مخصوص پروردگار جهانیان است
 وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.
 بس است ما را خدا و نیکو و کیلی است و جنبش و نیرویی نیست مگر به خدای والای بزرگ.

دُعای مُجیر

دعائیسست رفیع الشان مروی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله جبرئیل برای
 آن حضرت آورد در وقتی که در مقام ابراهیم علیه السلام مشغول بنماز بود و
 کفعمی در بلد الامین و مصباح این دعا را ذکر کرده و در حاشیه آن اشاره به
 فضیلت آن نموده از جمله فرموده هر که این دعا را در ایام البیض ماه رمضان
 بخواند گناهانش آمرزیده شود اگر چه بعدد دانه‌های باران و برگ درختان و
 ریگ بیابان باشد و برای شفاء مریض و قضاء دین و غنا و توانگری و رفع غم
 خواندن آن نافع است و دعا این است:

سُبْحَانَكَ يَا اللَّهُ، تَعَالَيْتَ يَا رَحْمَنُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ

منزهی ای خدا برتری تو ای بخشنده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی

يَا رَحِيمُ، تَعَالَيْتَ يَا كَرِيمُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا مَلِكُ،

ای مهربان برتری تو ای کریم پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی ای پادشاه

تَعَالَيْتَ يَا مَلِكُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ. يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا قُدُّوسُ، تَعَالَيْتَ يَا سَلَامُ،

برتری تو ای مالک پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی ای مبرا از هر عیب برتری تو ای سلامت بخش

أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا مُؤْمِنُ، تَعَالَيْتَ يَا مُهَيِّمُ، أَجِرْنَا مِنَ

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی ای امان بخش برتر آمدی ای نگهبان پناه ده ما را از

النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا عَزِيزُ، تَعَالَيْتَ يَا جَبَّارُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ

آتش ای پناه ده منزهی ای نیرومند برتر آمدی ای با جبروت و عظمت پناه ده ما را از آتش

يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا مُتَكَبِّرُ، تَعَالَيْتَ يَا مُتَجَبِّرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،

ای پناه ده منزهی ای دارای بزرگی و کبریا برتر آمدی ای صاحب جلال و شوکت پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا خَالِقُ، تَعَالَيْتَ يَا بَارِيُّ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ

منزهی ای آفریننده برتر آمدی ای پدید آورنده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی

يَا مُصَوِّرُ، تَعَالَيْتَ يَا مُفَدِّرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا هَادِي،

ای صورت ده برتر آمدی ای اندازه گیر کارها پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی ای راهنما

تَعَالَيْتَ يَا بَاقِي، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ. يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا وَهَّابُ، تَعَالَيْتَ يَا تَوَّابُ،

برتر آمدی ای باقی پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی ای بخشنده برتر آمدی ای توبه پذیر

أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا فَتَّاحُ، تَعَالَيْتَ يَا مُرْتَّاحُ، أَجِرْنَا مِنَ

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی ای گشاینده برتر آمدی ای آسایش بخش پناه ده ما را از

النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا سَيِّدِي، تَعَالَيْتَ يَا مَوْلَايَ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،

آتش ای پناه ده منزهی تو ای آقای من برتری تو ای سرور من پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا قَرِيبُ، تَعَالَيْتَ يَا رَقِيبُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ

منزهی تو ای نزدیک برتری تو ای مراقب اعمال بندگان پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی

يَا مُبْدِيُّ، تَعَالَيْتَ يَا مُعِيدُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا حَمِيدُ،

ای آغاز کن آفرینش برتر آمدی ای بازگرداننده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی ای پسندیده

تَعَالَيْتَ يَا مَجِيدُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا قَدِيمُ، تَعَالَيْتَ يَا

برتر آمدی ای ستوده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای دیرینه برتری تو ای

عَظِيمُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا غَفُورُ، تَعَالَيْتَ يَا شَكُورُ، أَجِرْنَا

با عظمت پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی ای آمرزنده برتر آمدی ای پاداش ده سپاسگزاران پناه ده ما را

مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا شَاهِدُ، تَعَالَيْتَ يَا شَهِيدُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ

از آتش ای پناه ده منزهی ای شاهد برتری تو ای گواه پناه ده ما را از آتش

يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا حَنَّانُ، تَعَالَيْتَ يَا مَنَّانُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،

ای پناه ده منزهی تو ای بسیار مهربان برتری تو ای نعمت بخش پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا بَاعِثُ، تَعَالَيْتَ يَا وَارِثُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،

منزهی تو ای برانگیزنده برتری تو ای ارث بر جهانیان پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا مُحْيِي، تَعَالَيْتَ يَا مُمِيتُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ

منزهی تو ای زنده کننده برتری تو ای میراننده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو

يَا شَفِيقُ، تَعَالَيْتَ يَا رَفِيقُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا أَنِيسُ،

ای مهربان برتری تو ای رفیق پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای همدم

تَعَالَيْتَ يَا مُوَسِّسُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا جَلِيلُ، تَعَالَيْتَ يَا

برتری تو ای مونس پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای شوکتمند برتری تو ای دارای جمال و

جَمِيلُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا خَبِيرُ، تَعَالَيْتَ يَا بَصِيرُ، أَجِرْنَا

زیبایی پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای آگاه برتری تو ای بینی به کارها پناه ده

مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا حَفِيٌّ، تَعَالَيْتَ يَا مَلِيٌّ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا

ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای مهربان برتری تو ای بی نیاز مطلق پناه ده ما را از آتش ای

مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا مَعْبُودُ، تَعَالَيْتَ يَا مَوْجُودُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،

پناه ده منزهی ای معبود حقیقی برتر آمدی ای موجود بالذات پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا غَفَّارُ، تَعَالَيْتَ يَا قَهَّارُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا

منزهی ای آمرزش پیشه برتری تو ای دارای قهر و سطوت پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای

مَذْكُورُ، تَعَالَيْتَ يَا مَشْكُورُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا جَوَادُ،

یاد شونده برتری تو ای سپاس دارنده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای بخشنده

تَعَالَيْتَ يَا مَعَادُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا جَمَالَ، تَعَالَيْتَ

برتری تو ای پناهگاه پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای (اصل هر) زیبایی برتری تو

یا جلال، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَکَ یا سابقُ، تَعَالَيْتَ یا رازِقُ،

ای (بخشنده هر) بزرگواری پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای سبقت گیرنده برتری تو ای روزی دهنده

اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَکَ یا صادقُ، تَعَالَيْتَ یا فالیقُ،

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای راست گفتار برتری تو ای شکافنده

اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَکَ یا سَمِیعُ، تَعَالَيْتَ یا سَرِیعُ، اَجِرْنَا مِنَ

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای شنوا برتری تو ای شتابنده (در اجابت) پناه ده ما را از

النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَکَ یا رَفِیعُ، تَعَالَيْتَ یا بدیعُ، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ،

آتش ای پناه ده منزهی تو ای بلند مرتبه برتری تو ای آفریننده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَکَ یا فَعالُ، تَعَالَيْتَ یا مُتعالُ، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَکَ یا

منزهی تو ای کننده (آنچه بخواهی) برتری تو ای والامرتبه پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای

قاضی، تَعَالَيْتَ یا راضی، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَکَ یا قاهرُ،

داور برتری تو ای راضی پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای چیره بر خلق

تَعَالَيْتَ یا طاهرُ، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَکَ یا عالمُ، تَعَالَيْتَ یا

برتری تو ای پاکیزه پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای دانا برتری تو ای

حاکِمُ، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَکَ یا دَائِمُ، تَعَالَيْتَ یا قائِمُ، اَجِرْنَا

حکمران پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای جاویدان برتری تو ای قیام کننده به امور خلق پناه ده ما را

مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَکَ یا عاصِمُ، تَعَالَيْتَ یا قاسِمُ، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا

از آتش ای پناه ده منزهی تو ای نگهدار برتری تو ای قسمت کننده روزی پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

مُجِیرُ، سُبْحَانَکَ یا غَنیُّ، تَعَالَيْتَ یا مُغنیُّ، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ،

منزهی تو ای بی نیاز برتری تو ای بی نیاز کننده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَکَ یا وَفیُّ، تَعَالَيْتَ یا قویُّ، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَکَ یا

منزهی تو ای وفادار برتری تو ای نیرومند پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای

کافی، تَعَالَيْتَ یا شافی، اَجِرْنَا مِنَ النَّارِ یا مُجِیرُ، سُبْحَانَکَ یا مُقدِّمُ،

کفایت کننده برتری تو ای شفا دهنده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای مقدم

تَعَالَيْتَ يَا مُوَحَّرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا أَوَّلُ، تَعَالَيْتَ

دارنده برتری تو ای عقب انداز پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای اول برتری تو

يَا آخِرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا ظَاهِرُ، تَعَالَيْتَ يَا بَاطِنُ،

ای آخر پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای پیدا برتری تو ای ناپیدا

أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا رَجَاءُ، تَعَالَيْتَ يَا مُرْتَجَى، أَجِرْنَا

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای امید برتری تو ای مایه امیدواری پناه ده

مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْمَنِّ، تَعَالَيْتَ يَا ذَا الطَّوْلِ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ

ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای صاحب نعمت برتری تو ای صاحب احسان پناه ده ما را از آتش

يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا حَىُّ، تَعَالَيْتَ يَا قَيُّوْمُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ

ای پناه ده منزهی تو ای زنده برتری تو ای پاینده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو

يَا وَاحِدُ، تَعَالَيْتَ يَا أَحَدُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا سَيِّدُ،

ای یگانه برتری تو ای یکتا پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای آقا

تَعَالَيْتَ يَا صَمَدُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا قَدِيرُ، تَعَالَيْتَ

برتری تو ای بی نیاز پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای توانا برتری

يَا كَبِيرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا وَالِي، تَعَالَيْتَ يَا مُتَعَالَى،

تو ای بزرگ پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای حکمران برتری تو ای الامقام

أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا عَلِيُّ، تَعَالَيْتَ يَا أَعْلَى، أَجِرْنَا مِنَ

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای والا برتری تو ای والاتر از همه پناه ده ما را از

النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا وَلِيُّ، تَعَالَيْتَ يَا مَوْلَى، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا

آتش ای پناه ده منزهی تو ای صاحب اختیار برتری تو ای سرور پناه ده ما را از آتش

مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا ذَارِيُّ، تَعَالَيْتَ يَا بَارِيُّ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،

ای پناه ده منزهی تو ای آفریننده برتری تو ای پدید آورنده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا خَافِضُ، تَعَالَيْتَ يَا رَافِعُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،

منزهی تو ای پایین آورنده برتری تو ای بالا برنده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا مُقْسِطُ، تَعَالَيْتَ يَا جَامِعُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،

منزهی تو ای به انصاف رفتار کننده برتری تو ای گردآورنده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا مُعِزُّ، تَعَالَيْتَ يَا مُدِلُّ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ

منزهی تو ای عزت بخش برتری تو ای ذلت بخش پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو

يَا حَافِظُ، تَعَالَيْتَ يَا حَفِیْظُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا قَادِرُ،

ای نگهبان برتری تو ای نگهدار پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای توانا

تَعَالَيْتَ يَا مُقْتَدِرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا عَلِيمُ، تَعَالَيْتَ

برتری تو ای با اقتدار پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای دانا برتری تو

يَا حَلِيمُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا حَكَمُ، تَعَالَيْتَ يَا حَكِيمُ،

ای بردبار پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای داور برتری تو ای فرزانه

أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا مُعْطَى، تَعَالَيْتَ يَا مَانِعُ، أَجِرْنَا

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای عطا ده برتری تو ای مانع از عطا پناه ده ما را

مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا ضَارُّ، تَعَالَيْتَ يَا نَافِعُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ

از آتش ای پناه ده منزهی تو ای زیان رسان برتری تو ای سودرسان پناه ما را از آتش

يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا مُجِيبُ، تَعَالَيْتَ يَا حَسِيبُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا

ای پناه ده منزهی تو ای اجابت کننده برتری تو ای حسابگر پناه ده ما را از آتش ای

مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا عَادِلُ، تَعَالَيْتَ يَا فَاصِلُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،

پناه ده منزهی تو ای دادگر برتری تو ای جدا کننده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا لَطِیْفُ، تَعَالَيْتَ يَا شَرِیْفُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،

منزهی تو ای مهربان برتری تو ای شریف پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا رَبُّ، تَعَالَيْتَ يَا حَقُّ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا

منزهی تو ای پروردگار برتری تو ای ثابت پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای

مَاجِدُ، تَعَالَيْتَ يَا وَاحِدُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا عَفُوُّ،

گرامی برتری تو ای یگانه پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای باگذشت

تَعَالَيْتَ يَا مُتَمَتِّمُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا وَاسِعُ، تَعَالَيْتَ

برتری تو ای انتقام‌کش پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای وسیع رحمت برتری تو

يَا مُوسِعُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا رَوْفُ، تَعَالَيْتَ يَا

ای گشایش بخش پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای مهرورز برتری تو ای

عَطُوفُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا فَرْدُ، تَعَالَيْتَ يَا وَتَرُ،

با عطوفت پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای یگانه برتری تو ای تک و تنها

أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا مُقِيتُ، تَعَالَيْتَ يَا مُحِيطُ، أَجِرْنَا

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای حافظ و نگهدار برتری تو ای محیط بر هر چیز پناه ده ما را

مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا وَكِيلُ، تَعَالَيْتَ يَا عَدْلُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ

از آتش ای پناه ده منزهی تو ای وکیل برتری تو ای سراسر عدل و داد پناه ده ما را از آتش

يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا مُبِينُ، تَعَالَيْتَ يَا مَتِينُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ،

ای پناه ده منزهی تو ای آشکار کننده برتری تو ای ثابت سستی ناپذیر پناه ده ما را از آتش ای پناه ده

سُبْحَانَكَ يَا بَرُّ، تَعَالَيْتَ يَا وَدُودُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا

منزهی تو ای نیکوکار برتری تو ای بسیار مهربان پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای

رَشِيدُ، تَعَالَيْتَ يَا مُرْشِدُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا نُورُ،

ارشاد کننده برتری تو ای رهنمون پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای نور

تَعَالَيْتَ يَا مُنَوِّرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا نَصِيرُ، تَعَالَيْتَ

برتری تو ای روشنی بخش پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای یاور برتری تو

يَا نَاصِرُ، أَجِرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ، سُبْحَانَكَ يَا صَبُورُ، تَعَالَيْتَ يَا

ای یاری ده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزهی تو ای بردبار برتری تو ای

صَابِرٌ، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ، سُبْحَانَكَ يَا مُحْصِي، تَعَالَيْتَ يَا

شکبیا پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزه ای شمارنده برتری تو ای

مُشْئِي، أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ، سُبْحَانَكَ يَا سُبْحَانَ، تَعَالَيْتَ يَا دَيَّانُ،

ایجاد کننده پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزه ای منزه برتری تو ای کیفر ده

أَجْرُنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ، سُبْحَانَكَ يَا مُغِيثٌ، تَعَالَيْتَ يَا غِيَاثُ، أَجْرُنَا

پناه ده ما را از آتش ای پناه ده منزه ای فریادرس برتری تو ای دادرس پناه ده ما را

مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرٌ، سُبْحَانَكَ يَا فَاطِرٌ، تَعَالَيْتَ يَا حَاضِرٌ، أَجْرُنَا مِنَ

از آتش ای پناه ده منزه ای آفریننده برتری تو ای حاضر پناه ده ما را از

النَّارِ يَا مُجِيرٌ، سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْعِزِّ وَالْجَمَالِ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَبْرُوتِ

آتش ای پناه ده منزه ای صاحب عزت و زیبایی بزرگی تو ای صاحب جبروت

وَالْجَلَالِ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ،

و جلال منزهی تو معبودی جز تو نیست «منزهی تو و همانا من از ستمگرا م

فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ، وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ

پس مستجاب کردیم دعای او (یعنی یونس) را و او را از اندوه نجاتش دادیم و این چنین مؤمنین را نجات بخشیم» و

درود

عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَحَسْبُنَا

خدا بر آقای ما محمد و آلش همگی و ستایش خاص پروردگار جهانیان است و خدا ما را بس است

اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

و او نیکو وکیلی است و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای الوالی بزرگ

دُعایِ عَدِيلِهِ

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا

گواهی دهد خدا که همانا معبودی جز او نیست و فرشتگان و دانشمندان نیز گواهی دهند که معبودی جز

هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ، وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ الْمَذْنِبُ

او که عزیز و فرزانه است نیست و عدل و داد بدو پایدار است همانا دین نزد خدا اسلام است و من بنده ناتوان گنهکار

الْعَاصِي الْمُحْتَاجُ الْحَقِيرُ، أَشْهَدُ لِمُنْعَمِي وَخَالِقِي وَرَازِقِي وَمُكْرَمِي، كَمَا

نافرمان نیازمند کوچکم گواهی دهم برای نعمت دهنده و آفریننده و روزی ده و اکرام کننده‌ام چنانچه

شَهِدَ لِذَاتِهِ، وَشَهِدَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ، وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ عِبَادِهِ، بَأَنَّهُ

او برای خود گواهی داده و فرشتگان و دانشمندان از بندگانش برای او گواهی داده‌اند

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، ذُو النِّعَمِ وَالْإِحْسَانِ، وَالْكَرَمِ وَالْإِثْمَانِ، قَادِرٌ أَزَلِيٌّ،

که معبودی نیست جز او آن صاحب نعمت و احسان و کرم و بخشش و توانا ازلی

عَالِمٌ أَبَدِيٌّ، حَيٌّ أَحَدِيٌّ، مَوْجُودٌ سَرْمَدِيٌّ، سَمِيعٌ بَصِيرٌ، مُرِيدٌ كَارِهٌ، مُدْرِكٌ

دانای جاویدان زنده یگانه موجود همیشگی شنوای بینی با اراده با کراهت درک کننده‌ای

صَمَدِيٌّ، يَسْتَحِقُّ هَذِهِ الصِّفَاتِ، وَهُوَ عَلَى مَا هُوَ عَلَيْهِ فِي عَزِّ صِفَاتِهِ، كَانَ

که نیازمند نیست و شایسته این اوصاف است و او در عین آنکه بی نیاز از این صفات است

قَوِيًّا قَبْلَ وُجُودِ الْقُدْرَةِ وَالْقُوَّةِ، وَكَانَ عَلِيمًا قَبْلَ إِيجَادِ الْعِلْمِ وَالْعِلَّةِ،

پیش از پیدایش نیرو و قدرت نیرومند بوده و پیش از ایجاد علم و علت

لَمْ يَزَلْ سُلْطَانًا إِذْ لَا مَمْلَكَةَ وَلَا مَالَ، وَلَمْ يَزَلْ سُبْحَانًا عَلَى جَمِيعِ الْأَحْوَالِ،

دانا بوده هنگامی که نه کشوری بوده و نه مالی او سلطنت و پادشاهی داشته همیشه در همه احوال منزه و بی نیاز بوده

وُجُودُهُ قَبْلَ الْقَبْلِ فِي أَزْلِ الْأَزَالِ، وَبَقَائُهُ بَعْدَ الْبَعْدِ مِنْ غَيْرِ انْتِقَالٍ

هستی او پیش از هر پیشی در ازل ازلها بوده و ماندنش بعد از هر بعدی است بدون تغییر و زوال

وَلَا زَوَالٍ، غَنِيٌّ فِي الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ، مُسْتَعْنٍ فِي الْبَاطِنِ وَالظَّاهِرِ، لَا جَوْرَ

بی نیاز است در آغاز و انجام و مستغنی است در نهان و آشکار هیچ ستمی

فِي قَضِيَّتِهِ، وَلَا مَيْلَ فِي مَشِيَّتِهِ، وَلَا ظُلْمَ فِي تَقْدِيرِهِ، وَلَا مَهْرَبَ مِنْ

در داوری نیست و هیچ انحراف و اعوجاجی در مشیتش نخواهد بود و هیچ ظلمی در اندازه‌گیری او وجود ندارد، راه
گریزی از

حُكُومَتِهِ، وَلَا مُلْجَأَ مِنْ سَطَوَاتِهِ، وَلَا مُنْجَا مِنْ نِقْمَاتِهِ، سَبَبَتْ رَحْمَتُهُ

حکمش و پناهگاهی در برابر حملات و یورشش نیست و وسیله نجاتی از انتقام و غضبش وجود ندارد رحمت او

غَضَبُهُ، وَلَا يَفُوتُهُ أَحَدٌ إِذَا طَلَبَهُ، أَرَا حَ الْعِلَلِ فِي التَّكْلِيفِ، وَسَوَى

برغضبش پیشی گرفته و هر که را بخواهد از دستش بدر نرود در تکلیف خود موانع را از پیش پا برداشته و در

التَّوْفِيقِ بَيْنَ الضَّعِيفِ وَالشَّرِيفِ، مَكَّنَ آدَاءَ الْأُمُورِ، وَسَهَّلَ سَبِيلَ

توفیق انجام آنها میان ناتوان و توانا را یکسان کرده به هر چه دستور داده قدرت انجام آن را داده و هر چه را

اجْتِنَابِ الْمُحْظُورِ، لَمْ يُكَلِّفِ الطَّاعَةَ إِلَّا دُونَ الْوُسْعِ وَالطَّاقَةِ، سُبْحَانَهُ مَا

قدغن کرده راه اجتنابش را آسان کرده و تکلیفی نکرده جز به مقدار وسع و طاقت منزه باد او که

أَبِينَ كَرَمَهُ، وَأَعْلَى شَأْنَهُ، سُبْحَانَهُ مَا أَجَلَ نَيْلَهُ، وَأَعْظَمَ إِحْسَانَهُ، بَعَثَ

چقدر کرم و بزرگواریش آشکار و روشن و مرتبه‌اش بلند است منزه باد که چه اندازه عطایش ارجمند و احسان و بخشش بزرگ

است

الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنَ عَدْلَهُ، وَنَصَبَ الْأَوْصِيَاءَ لِيُظْهِرَ طَوْلَهُ وَفَضْلَهُ، وَجَعَلْنَا

پیامبران را فرستاد تا عدل و دادش را آشکار سازد و اوصیاء را به جانشینی آنها منصوب داشت تا کرم و فضلش را ظاهر

کند و (از فضل او

مِنْ أُمَّةٍ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَخَيْرِ الْأَوْلِيَاءِ، وَأَفْضَلِ الْأَصْفِيَاءِ، وَأَعْلَى الْأَزْكَيَاءِ،

است که) ما را از امت سید پیامبران و بهترین اولیاء و برترین برگزیدگان و والاترین پاکیزگان

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، أَمَّا بِهِ وَبِمَا دَعَانَا إِلَيْهِ، وَبِالْقُرْآنِ الَّذِي

محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد ایمان آوردیم به او و به آنچه ما را بدان خواند و به قرآنی که

أَنْزَلَهُ عَلَيْهِ، وَبِوَصِيَّتِهِ الَّذِي نَصَبَهُ يَوْمَ الْغَدِيرِ، وَأَشَارَ بِقَوْلِهِ هَذَا عَلَيَّ إِلَيْهِ،

خدا بر او نازل فرمود و به وصییش که در روز غدیر او را (به جانشینی خود) منصوب فرمود و به گفتارش که فرمود:

«این علی است» و به او

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأُمَّةَ الْأَبْرَارَ، وَالْخُلَفَاءَ الْأَخْيَارَ بَعْدَ الرَّسُولِ الْمُخْتَارِ، عَلَيَّ

اشاره کرد و گواهی دهم که امامان نیکوکار و جانشینان برگزیده پس از پیامبر مختار عبارتند از: «علی»

قَامِعُ الْكُفَّارِ، وَمِنْ بَعْدِهِ سَيِّدُ أَوْلَادِهِ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ أَخُوهُ السَّبِطُ

زبون کننده کافران و پس از او بهترین فرزندان حسن بن علی سپس برادرش سبط

التَّابِعِ لِمَرْضَاتِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ الْعَابِدِ عَلِيٍّ، ثُمَّ الْبَاقِرِ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ

رسول گرامی پیرو آنچه موجب خوشنودی خدا بود حسین، سپس (آن امام) عابد علی، سپس (حضرت) باقر محمد، سپس

الصَّادِقِ جَعْفَرٍ، ثُمَّ الْكَاطِمِ مُوسَى، ثُمَّ الرَّضَا عَلِيٍّ، ثُمَّ النَّقِيِّ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ

(امام) صادق جعفر، سپس (حضرت) کاظم موسی، سپس امام رضا علی، سپس تقی (که نامش) محمد است، سپس

النَّقِيِّ عَلِيٍّ، ثُمَّ الزَّكِيِّ الْعَسْكَرِيِّ. الْحَسَنُ، ثُمَّ الْحُجَّةُ الْخَلْفُ الْقَائِمُ

علی نقی، سپس زکی عسکری (حضرت) حسن سپس فرزند خلف او حجت قائم

الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ، الْمُرْجَى الَّذِي بَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا، وَبِيَمِينِهِ رِزْقُ الْوَرَى،

منتظر مهدی آن مایه امیدی که به بقای او دنیا باقی مانده و به برکت او خلق روزی خورند

وَبِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ، وَبِهِ يَمَلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، بَعْدَ

و به وجود او زمین و آسمان پایرجا مانده و بدست او خداوند زمین را پر از عدل و داد کند پس

مَا مَلَيْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَأَشْهَدُ أَنَّ أَقْوَالَهُمْ حُجَّةٌ، وَأَمْثَالُهُمْ فَرِيضَةٌ،

از آنکه از ظلم و ستم پر شده باشد و گواهی دهم که گفتارشان (برای ما) حجت و دلیل است و

وَطَاعَتُهُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَمَوَدَّتُهُمْ لَازِمَةٌ مَقْضِيَةٌ، وَالْإِفْتِدَاءُ بِهِمْ

فرمانبرداریشان واجب و پیرویشان فرض و محبت و دوستیشان لازم و حتمی است و اقتداء کردن به ایشان

مُنْجِيَةٌ، وَمُخَالَفَتُهُمْ مُرْدِيَةٌ، وَهُمْ سَادَاتُ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ، وَشَفَعَاءُ يَوْمِ

موجب نجات و مخالفتشان سبب هلاکت است و آنها بندگان و آقایان همه اهل بهشت، و شفیعان روز

الدين، وَأُمَّةٌ أَهْلِ الْأَرْضِ عَلَى الْيَقِينِ، وَأَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، وَأَشْهَدُ

جزا و پیشوایان مردم روی زمین بطور قطع و یقین و هم چنین برترین اوصیاء پسندیده ایشانند و گواهی دهم

أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَمَسْأَلَةَ الْقَبْرِ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَالنُّشُورَ حَقٌّ،

که مرگ حق است و سؤال و جواب در قبر حق است و برانگیخته شدن حق است و زنده شدن پس از مرگ حق است

وَالصِّرَاطَ حَقًّا، وَالْمِيزَانَ حَقًّا، وَالْحِسَابَ حَقًّا، وَالْكِتَابَ حَقًّا، وَالْجَنَّةَ حَقًّا،

و صراط حق است و میزان حق است و حساب حق است و کتاب (نامه اعمال) حق است و بهشت حق است

وَالنَّارَ حَقًّا، وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ،

و دوزخ حق است و براستی قیامت آمدنی است و شکی در آن نیست و حتماً خداوند در میان گورها مردگان را برانگیزد

اللَّهُمَّ فَضْلُكَ رَجَائِي، وَكَرَمُكَ وَرَحْمَتُكَ أَمَلِي، لَا عَمَلَ لِي أَسْتَحِقُّ بِهِ الْجَنَّةَ،

خدایا فضل تو را امید دارم و کرم و رحمت آرزوی من است عملی که بدان سزاوار بهشت

وَلَا طَاعَةَ لِي أَسْتَوْجِبُ بِهَا الرِّضْوَانَ، إِلَّا أَنِّي اعْتَقَدْتُ تَوْحِيدَكَ وَعَدْلَكَ،

باشم ندارم و نه طاعتی که بدان مستوجب رضوان گردم جز آنکه من به یگانگی و عدل و داد تو معتقد هستم

وَأَرْجَيْتُ إِحْسَانَكَ وَفَضْلَكَ، وَتَشَفَّعْتُ إِلَيْكَ بِالنَّبِيِّ وَآلِهِ مَنْ أَحَبَّيْتِكَ،

و به احسان و فضل تو امیدوارم و شفیع گردانم به درگاهت پیغمبر و خاندانش را که محبوب تو آند

وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ، وَأَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و تو بزرگوartترین کریمانی و مهربانترین مهربانانی و درود خدا بر پیامبر ما محمد و آل

أَجْمَعِينَ، الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا كَثِيرًا، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

پاک و پاکیزه اش همگی باد و سلام مخصوص او بسیار بسیار و جنبش و نیرویی نیست

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، إِنِّي أَوْدَعْتُكَ يَقِينِي هَذَا، وَتَبَاتَ

جز به خدای والای بزرگ خدایای مهربانترین مهربانان من این یقینم را (که عرضه داشتم) و استقامت

دینی، وَأَنْتَ خَيْرُ مُسْتَوْدَعٍ، وَقَدْ أَمَرْتَنَا بِحِفْظِ الْوَدَائِعِ، فَرُدَّهُ عَلَيَّ وَقْتِ

در دینم را نزد تو به ودیعت نهادم و تو بهترین امانتدارانی و خودت ما را به امانت‌داری دستور داده‌ای پس ای خدا این

حُضُورِ مَوْتِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ*

امانت را هنگام مرگ به من برگردان به رحمت ای مهربانترین مهربانان

مؤلف گوید: که در دعاهای مأثوره است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ.

خدایا به تو پناه برم از عدیله در وقت مرگ

و عدیله عِنْدَ الْمَوْتِ یعنی عدول کردن از حق به باطل در وقت مردن و آن چنان است که شیطان نزد محتضر حاضر شود و وسوسه کند و او را در تشکیک اندازد تا آنکه او را از ایمان بیرون کند و از این جهت است که در دعاها استعاذه از آن شده و جناب فخر المحققین (ره) فرموده که هر که خواهد از آن سالم بماند استحضار کند اَدْلَهُ ایمان و اصول خمسه را با اَدْلَهُ قَطْعِيَّه و صفای خاطر و بسپرد آنرا به حق تعالی که در وقت حضور موت به او رَدَّ فرماید به این طریق که بگوید بعد از عقاید حقّه:

اللَّهُمَّ يَا أَرْحَمَ الرَّحِمِينَ، إِنِّي قَدْ أَوْدَعْتُكَ يَقِينِي هَذَا، وَتَبَاتَ دِينِي،

خدایا ای مهربانترین مهربانان من به تو سپردم یقین خود و استقامت در دینم را

وَأَنْتَ خَيْرُ مُسْتَوْدِعٍ، وَقَدْ أَمَرْتَنَا بِحِفْظِ الْوَدَائِعِ، فَرُدَّهُ عَلَيَّ وَقْتُ حُضُورِ مَوْتِي،

و تو بهترین امانتداری که به ما دستور امانت‌داری داده‌ای پس آن امانت را هنگام مرگم به من بازگردان.

پس برحسب فرمایش آن بزرگوار خواندن این دعای شریف عدیله و

استحضار معنی آن در خاطر برای سلامت جُستن از خطر عدیله عِنْدَ الْمَوْتِ نافع است و اما اینکه این دعا مأثور است یا از مُنشآت علماء است خَرِيتِ صِنَاعَتِ عِلْمِ حَدِيثٍ وَ رَوَايَتِ وَ جَامِعِ شَمْلِ اٰخْبَارِ اٰئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامِ عَالِمِ مَتَبَحَّرِ خَبِيرٍ وَ مَحَدَّثِ نَاقِدِ بَصِيرِ شَيْخِنَا الْاَكْرَمِ وَ الْمَحَدَّثِ الْاَعْظَمِ مَوْلَانَا الْحَاجِّ مِيرْزَا حَسِينِ النَّوْرِ نَوَّرَ اللّٰهُ مَرْقَدَهُ وَ اَمَّا دُعَاءُ الْعَدِيلَةِ الْمَعْرُوفَةِ فَهِيَ مِنْ مُؤَلَّفَاتِ بَعْضِ

أَهْلِ الْعِلْمِ لَيْسَ بِمَأْثُورٍ وَلَا مَوْجُودٍ فِي كُتُبِ حَمَلَةِ الْأَحَادِيثِ وَتَقَادِهَا وَبَدَانِكِهِ شَيْخِ طُوسِيٍّ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ دِيْلَمِيٍّ رَوَيْتَ كَرْدَه اسْتِ كِه بِخَدْمَتِ حَضْرَتِ صَادِقِ عَلِيهِ السَّلَامِ عَرَضَ كَرْدَمَ كِه شَيْعِيَانِ تُو مِي گُوِيْنْد كِه اِيْمَانِ بَر دُو قِسْمِ اسْتِ يَكِي مَسْتَقَرٌّ وَ ثَابِتٌ وَ دِيْگَرِ اَنَكِه بَه اِمَانَتِ سِپَرْدِه شُدِه اسْتِ وَ زَايِلِ مِي گَرْدَدِ پَسِ بَمِنْ بِيَامُوزِ دَعَائِيٍّ رَا كِه هَر گَاهِ اَنْرَا بِخَوَانِمِ اِيْمَانِ مِنْ كَامَلِ گَرْدَدِ وَ زَايِلِ نَشُودِ فَرْمُودِ كِه بَگُو بَعْدِ اَزِ هَرِ نَمَازِ وَاجِبِ:

رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا، وَبِالْإِسْلَامِ

راضی و خشنودم که پروردگارم خدا است و محمد صلی الله علیه و آله پیغمبرم هست و اسلام

دِينًا، وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا، وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً، وَبِعَلِيٍّ وَلِيًّا وَامَامًا، وَبِالْحَسَنِ

دینم و قرآن کتابم و کعبه قبله‌ام و علی صاحب اختیار و امام من است و حسن و

وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنَ

حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن

جَعْفَرٍ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنَ بْنَ

جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن

عَلِيٍّ، وَالْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَئِمَّةً،

امامان و پیشوایان منند

اللَّهُمَّ إِنِّي رَضِيْتُ بِهِمْ أَئِمَّةً، فَارْضِنِي لَهُمْ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

خدایا من به پیشوایی ایشان خشنودم مرا هم مورد خشنودی آنان گردان که تو بر هر چیز توانایی.

دُعای جُوشن کَبیرُ

در بلد الامین و مصباح کفعمی است و آن مروی است از حضرت سیّد السّاجدین از پدرش از جدبزرگوارش حضرت رسول صلی الله علیه وعلیهم اجمعین و این دعا را جبرئیل علیه السلام آورد برای پیغمبر صلی الله علیه و آله در یکی از غزوات در حالی که بر تن آن حضرت جوشن گرانی بود که سنگینی آن بدن مبارکش را بدرد آورده بود پس جبرئیل عرض کرد که یا محمد پروردگارت تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید که بکن این جوشن را و بخوان این دعا را که او امان است از برای تو و امت تو پس شرحی در فضیلت این دعا ذکر فرموده که مقام نقل تاماش نیست از جمله آنکه هر که آنرا بر کفن خویش نویسد حقّ تعالی حیا فرماید که او را به آتش عذاب کند و هر که آنرا به نیّت در اوّل ماه رمضان بخواند حقّ تعالی او را روزی فرماید لیلۃ القدر و خلق فرماید برای او هفتاد هزار فرشته که تسبیح و تقدیس کنند خدا را و ثوابش را برای او قرار دهند پس فضیلت بسیار نقل کرده تا آنکه فرموده و هر که بخواند او را در ماه رمضان سه مرتبه حرام فرماید حقّ تعالی جسد او را بر آتش جهنّم و واجب فرماید برای او بهشت را و دو ملک بر او موکّل فرماید که حفظ کنند او را از معاصی و در امان خدا باشد مدّت حیوة خود و در آخر خبر است که جناب امام حسین علیه السلام فرمود وصیّت کرد پدرم علی بن ابی طالب صلوات الله علیه بحفظ این دعا و آنکه بنویسم آنرا بر کفن او و تعلیم

کنم آنرا به اهل خود و ترغیب کنم ایشان را به خواندن آن و آن هزار اسم است و در آن است اسم اعظم فقیر گوید که از این خبر دو چیز مُستفاد می‌شود یکی استحباب نوشتن این دعا به کفن چنانچه علامه بحرالعلوم عَطَّرَ اللَّهُ مَرَقَدَهُ در

دُرّه به آن اشاره فرموده:

وَسَنَّ أَنْ يُكْتَبَ بِالْأَكْفَانِ

شَهَادَةَ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ

مستحب است که نوشته شود به کفنها

شهادت اسلام و ایمان

وَهَكَذَا كِتَابَةُ الْقُرْآنِ

وَالْجَوْشَنُ الْمَنْعُوتِ بِالْأَمَانِ

و هم چنین نوشتن قرآن

و جوشن که آنرا به امان وصف کرده‌اند

دوّم استحباب خواندن این دعا در اوّل ماه رمضان و امّا خواندن آن در خصوص شبهای قدر در خبر ذکری از آن نیست لیکن علامه مجلسی قَدَسَ اللَّهُ رَوْحَهُ در زادالمعاد در ضمن اعمال شبهای قدر فرموده و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در هر یک از این سه شب بخوانند و کافیهست فرمایش آن بزرگوار ما را در این مقام أَحَلَّهُ اللَّهُ دَارَ السَّلَامِ بالجمله این دعا صد فصل است و هر فصلی مشتمل بر ده اسم الهی است و در آخر هر فصل باید

گفت:

سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَوْثَ الْعَوْثَ، خَلَّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ،

منزهی تو ای که نیست معبودی جز تو فریاد فریاد برّهان ما را از آتش ای پروردگار

و در بلد الامین است که در اول هر فصل بِسْمِ اللّٰهِ بگوید و در آخرش: سُبْحَانَكَ
یا لا اله الا انت، الْعُوْثُ الْعُوْثُ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَخَلَصْنَا مِنَ النَّارِ یا رَبُّ،

منزهی تو ای که نیست معبودی جز تو فریاد فریاد درود فرست بر محمد و آتش و برهان ما را از آتش ای پروردگار

یا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ.

ای صاحب جلال و بزرگواری ای مهربانترین مهربانان

و آن دُعا این است:

(۱) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ، یا اَللّٰهُ یا رَحْمٰنُ، یا رَحِیْمُ یا کَرِیْمُ، یا مُقِیْمُ

خدایا از تو می خواهم به حق نامت ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای بزرگواری ای برپا دارنده

یا عَظِیْمُ، یا قَدِیْمُ یا عَلِیْمُ، یا حَلِیْمُ یا حَکِیْمُ، سُبْحَانَكَ یا لا اله الا انت،

ای بزرگ ای قدیم ای دانا ای بردبار ای فرزانه منزهی تو ای که معبودی جز تو نیست

الْعُوْثُ الْعُوْثُ، خَلَصْنَا مِنَ النَّارِ یا رَبُّ (۲) یا سَیِّدَ السَّادَاتِ، یا مُجِیْبَ

فریاد فریاد برهان ما را از آتش ای پروردگار من (۲) ای آقای آقایان ای اجابت کننده

الدَّعَوَاتِ، یا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ، یا وَلیَّ الْحَسَنَاتِ، یا غَافِرَ الْخَطِیْئَاتِ، یا

دعاها ای بالا برنده مرتبهها ای صاحب هر نیکی ای آمرزنده گناهان ای

مُعْطِیَ الْمَسْئَلَاتِ، یا قَابِلَ التَّوْبَاتِ، یا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ، یا عَالِمَ الْخَفِیَّاتِ،

دهنده خواستهها ای پذیرنده توبهها ای شنونده صداها ای دانای اسرار پنهانی

یا دَافِعَ الْبَلِیَّاتِ (۳) یا خَیْرَ الْغَافِرِیْنَ، یا خَیْرَ الْفَاتِحِیْنَ، یا خَیْرَ النَّاصِرِیْنَ، یا

ای برطرف کننده بلاها (۳) ای بهترین آمرزندگان ای بهترین گشاینندگان ای بهترین یاران ای

خَیْرَ الْحَاکِمِیْنَ، یا خَیْرَ الرَّازِقِیْنَ، یا خَیْرَ الْوَارِثِیْنَ، یا خَیْرَ الْحَامِدِیْنَ، یا خَیْرَ

بهترین حاکمان ای بهترین روزی دهان ای بهترین ارث بران ای بهترین ستایشگران ای بهترین

الذَّاكِرِیْنَ، یا خَیْرَ الْمُنْزِلِیْنَ، یا خَیْرَ الْمُحْسِنِیْنَ (۴) یا مَنْ لَهُ الْعِزَّةُ

یادکنندگان ای بهترین فرو فرستندگان ای بهترین احسان کنندگان (۴) ای که عزت

وَالْجَمَالَ، يَا مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَالْكَمَالُ، يَا مَنْ لَهُ الْمُلْكُ وَالْجَلَالُ، يَا مَنْ هُوَ

و زیبایی از آن اوست ای که نیرو و کمال از آن او است ای که پادشاهی و جلال از آن او

الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ، يَا مُنْشِئَ السَّحَابِ الثَّقَالِ، يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ، يَا مَنْ هُوَ

است ای که بزرگ و برتر او است ای پدید آورنده ابرهای سنگین ای که او سخت کيفر (یا سخت نیرو) است ای که او

سَرِيعُ الْحِسَابِ، يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْعِقَابِ، يَا مَنْ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ، يَا مَنْ

در حساب کشیدن سریع است ای که او در کيفر سخت است ای که پاداش خوب نزد او است ای که

عِنْدَهُ أَمْ الْكِتَابِ (۵) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا دَيَّانُ يَا

نزد او است مایه و اصل کتابها (۵) خدایا از تو می‌خواهم بحق نامت ای مهرپیشه ای نعمت بخش ای پاداش دهنده ای

بُرْهَانُ، يَا سُلْطَانَ يَا رِضْوَانَ، يَا عَفْرَانَ يَا سُبْحَانَ، يَا مُسْتَعَانَ يَا ذَا الْمَنِّ

دلیل و راهنما ای سلطان ای خوشنود ای آمرزنده ای منزّه ای یاور ای صاحب نعمت

وَالْبَيَانَ (۶) يَا مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّشَيْءٍ لِعِظْمَتِهِ، يَا مَنْ اسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ،

و بیان (۶) ای که هر چیزی در برابر عظمتش فروتن گشته ای که هر چیز در برابر قدرتش تسلیم گردیده

يَا مَنْ ذَلَّ كُلُّشَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، يَا مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ، يَا مَنْ انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ

ای که هر چیزی در برابر عزت و شوکتش خوار گشته ای که هر چیز در برابر هیبتش خاضع گردیده ای که هر چیزی

مِنْ خَشْيَتِهِ، يَا مَنْ تَشَقَّقَتِ الْجِبَالُ مِنْ مَخَافَتِهِ، يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ

از ترس او فرمانبردار و مطیعش گردیده ای که کوهها از هراسش از هم شکافته ای که به امر او آسمانها برپا

بِأَمْرِهِ يَا مَنْ اسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ بِإِذْنِهِ، يَا مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ، يَا مَنْ

گشته ای که زمینها به اذن او در جای خود مستقر گشته ای که رعد به ستایش او غرُش زند ای که

لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ (۷) يَا غَافِرَ الْخَطَايَا، يَا كَاشِفَ الْبَلَايَا، يَا مُنْتَهَى

بر اهل کشور خود ستم نکند ای آمرزنده خطاها ای برطرف کننده بلاها ای منتهای

الرَّجَايَا، يَا مُجْزِلَ الْعَطَايَا، يَا وَاهِبَ الْهَدَايَا، يَا رَازِقَ الْبُرَايَا، يَا قَاضِيَ

امیدها ای دهنده بزرگ عطاها ای بخشنده هدیهها ای روزی ده بندها ای برآورنده

الْمَنِيَا، يَا سَامِعَ الشَّكَايَا، يَا بَاعِثَ الْبُرَايَا، يَا مُطْلِقَ الْأَسَارِي (۸) يَا ذَا الْحَمْدِ

آرزوها ای شنونده شکایتها ای برانگیزنده مردمان ای رهاننده اسیران (۸) ای صاحب ستایش

وَالْتِنَاءِ، يَا ذَا الْفَخْرِ وَالْبَهَاءِ، يَا ذَا الْمَجْدِ وَالسَّنَاءِ، يَا ذَا الْعَهْدِ وَالْوَفَاءِ، يَا

و ثناء ای دارای فخر و زیبایی ای صاحب مجد و بزرگی ای صاحب عهد و وفاء

ذَا الْعُفْوِ وَالرِّضَاءِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالْعَطَاءِ، يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْقَضَاءِ، يَا ذَا الْعِزِّ

ای دارای گذشت و رضا ای دارنده نعمت و عطاء ای که در دست تو است فصل خصومات و داوری ای دارای عزت

وَالْبِقَاءِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالسَّخَاءِ، يَا ذَا الْأَلَاءِ وَالنِّعْمَاءِ (۹) اَللَّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

و پابندی ای صاحب جود و بخشش ای صاحب دهشها و نعمت‌ها (۹) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت

بِاسْمِكَ يَا مَانِعُ يَا دَافِعُ، يَا رَافِعُ يَا صَانِعُ، يَا نَافِعُ يَا سَامِعُ، يَا جَامِعُ يَا

ای مانع ای برطرف کننده ای بالا برنده ای سازنده ای سود رسان ای شنوا ای گردآورنده ای

شَافِعُ، يَا وَاسِعُ يَا مُوسِعُ (۱۰) يَا صَانِعُ كُلِّ مَصْنُوعٍ، يَا خَالِقُ كُلِّ مَخْلُوقٍ، يَا

شفاعت پذیر ای فراخ رحمت ای وسعت بخش (۱۰) ای سازنده هر ساخته ای آفریننده هر آفریده ای

رَازِقُ كُلِّ مَرْزُوقٍ، يَا مَالِكُ كُلِّ مَمْلُوكٍ، يَا كَاشِفُ كُلِّ مَكْرُوبٍ، يَا فَارِجَ

روزی ده هر روزی خور ای مالک هر مملوک ای غمزدای هر غمزه ای دلگشای هر

كُلِّ مَهْمُومٍ، يَا رَاحِمَ كُلِّ مَرْحُومٍ، يَا نَاصِرَ كُلِّ مَخْذُولٍ، يَا سَاتِرَ كُلِّ

اندوهگین ای رحمت بخش هر رحمت خواه ای یاور هر هر بی‌یاور ای عیب پوش هر

مَعْيُوبٍ، يَا مَلْجَأَ كُلِّ مَطْرُودٍ (۱۱) يَا عِدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي، يَا رَجَائِي عِنْدَ مُصِيبَتِي،

معیوب ای پناه هر آواره (۱۱) ای ذخیره هنگام سختی من ای امید من در برابر پیش آمده‌های ناگوار

يَا مُونِسِي عِنْدَ وَحْشَتِي، يَا صَاحِبِي عِنْدَ غُرْبَتِي، يَا وَلِيِّي عِنْدَ نِعْمَتِي،

ای همدم من هنگام ترس و وحشت ای رفیق من در غربتم ای صاحب اختیار من در نعمتم

يَا غِيَاثِي عِنْدَ كُرْبَتِي، يَا دَلِيلِي عِنْدَ حَيْرَتِي، يَا غَنَائِي عِنْدَ افْتِقَارِي، يَا مَلْجَأِي عِنْدَ

ای فریادرس من در غم و اندوه ای دلیل و راهنمایم هنگام سرگردانی ای توانگری من هنگام نداری ای پناه من هنگام

اضْطِرَارِي، يَا مُعِينِي عِنْدَ مَفْزَعِي (۱۲) يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ، يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ، يَا سِتَّارَ

درماندگی ای کمک کارم در بیچارگی و پریشانی (۱۲) ای بخوبی دانای بر هر نادیدنی ای بسیار آمرزنده گناهان ای

پرده پوش

الْعُيُوبِ، يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، يَا طَيِّبَ الْقُلُوبِ، يَا مُنَوِّرَ

بر عیوب بندگان ای غمزدای غمها ای گرداننده دلها ای طیب دلها ای نوربخش

الْقُلُوبِ، يَا أَيْسَ الْقُلُوبِ، يَا مُفْرَجَ الْهُمُومِ، يَا مُنْفَسَ الْغُمُومِ (۱۳) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

دلها ای همدم دلها ای زداینده اندوهها ای غمگشای غمها (۱۳) خدایا از تو

اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ، يَا وَكِيْلُ يَا كَفِيْلُ، يَا دَلِيْلُ يَا قَبِيْلُ، يَا مُدِيْلُ

می خواهم به حق نامت ای بزرگوار ای زیبا ای کارگزار ای عهده‌دار ای راهنما ای پذیرنده ای دولت دهنده

يَا مُنِيْلُ، يَا مُقِيْلُ يَا مُحِيْلُ، (۱۴) يَا دَلِيْلَ الْمُتَحِيْرِيْنَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِيْثِيْنَ، يَا صَرِيْحَ

ای عطا بخشنده ای درگذرنده ای نیرودهنده (تغییر دهنده) (۱۴) ای راهنمای سرگردانان ای فریادرس فریادخواهان ای

دادرس

الْمُسْتَصْرِحِيْنَ، يَا جَارَ الْمُسْتَجِيْرِيْنَ، يَا اَمَانَ الْخَائِفِيْنَ، يَا عَوْنَ الْمُؤْمِنِيْنَ، يَا

دادخواهان ای پناه پناه جویان ای امان بخش ترسناکان ای کمک مؤمنان ای

رَاحِمَ الْمَسَاكِيْنَ، يَا مَلْجَأَ الْعَاصِيْنَ، يَا غَافِرَ الْمُذْنِبِيْنَ، يَا مُجِيْبَ دَعْوَةِ

رحم کننده مسکینان ای پناه عاصیان ای آمرزنده گناهکاران ای اجابت کننده دعای

الْمُضْطَرِّيْنَ (۱۵) يَا ذَا الْجُودِ وَالْاِحْسَانِ، يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْاِيْمَتِيْنَ، يَا ذَا الْاَمْنِ

درماندگان (۱۵) ای دارای بخشندگی و احسان ای صاحب فضل و نعمت ای مایه امن

وَالْاَمَانِ، يَا ذَا الْقُدْسِ وَالسُّبْحَانَ، يَا ذَا الْحِكْمَةِ وَالْبَيَانَ، يَا ذَا الرَّحْمَةِ

و امان ای دارای پاکی و پاکیزگی ای صاحب فرزادگی و بیان ای صاحب رحمت

وَالرِّضْوَانِ، يَا ذَا الْحُجَّةِ وَالْبُرْهَانَ، يَا ذَا الْعِظَمَةِ وَالسُّلْطَانَ، يَا ذَا الرَّأْفَةِ

و خوشنودی ای دارای حجت و دلیل و برهان ای خداوند عظمت و سلطنت ای دارنده رأفت

وَالْمُسْتَعَانَ، يَا ذَا الْعَفْوِ وَالْغُفْرَانِ (۱۶) يَا مَنْ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ اِلٰهُهُ

و ای یاور بندگان ای صاحب بخشندگی و آمرزش (۱۶) ای که پروردگار هر چیز او است ای که معبود

كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ صَانِعُ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ قَبْلَ

هر چیز او است ای که آفریننده هر چیز او است ای که سازنده هر چیز او است ای که او پیش

كُلُّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ عَالِمٌ

از هر چیز بوده و ای که او پس از هر چیز خواهد بود و ای که او برتر از هر چیز است ای که او به هر چیز دانا

بِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ قَادِرٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ يَتَقَى وَيَعْنَى كُلِّ شَيْءٍ (۱۷)

است ای که او به هر چیزی توانا است ای که تنها او بماند و هر چیز دیگر فانی گردد (۱۷)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُؤْمِنٌ يَا مُهَيِّمِنٌ يَا مُكَوِّنٌ يَا مُلْقِنٌ يَا مُبِينٌ يَا

خدا یا از تو می‌خواهم بحق نامت ای امان ده ای مسلط بر هر چیز ای وجود آرنده ای یاد دهنده ای آشکار کننده ای

مُهَوِّنٌ يَا مُمَكِّنٌ يَا مُزَيِّنٌ، يَا مُعْلِنٌ يَا مُقَسِّمٌ (۱۸) يَا مَنْ هُوَ فِي مُلْكِهِ مُتَقِيمٌ،

آسان کننده ای امکان ده در کارها ای زبوربخش ای آشکار کننده ای تقسیم کننده (۱۸) ای که در فرمانروایی پابرجا است

يَا مَنْ هُوَ فِي سُلْطَانِهِ قَدِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي جَلَالِهِ عَظِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ عَلَى عِبَادِهِ

ای که در سلطنت و پادشاهیش قدیم و دیرینه است ای که در جلالت و شوکت بزرگی ای که بر بندگان خویش

رَحِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ

مهربانی ای که به هر چیز دانایی ای که نسبت به نافرمان خود بردباری ای که به امیدوار خود

رَجَاهُ كَرِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي صُنْعِهِ حَكِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ لَطِيفٌ، يَا مَنْ

بخشنده و بزرگواری ای که در آفرینش و ساختن فرزانه‌ای (یا محکم کاری) ای که در عین فرزانی (یا محکم کاری)

مهربانی (یا نرمکاری) ای که

هُوَ فِي لُطْفِهِ قَدِيمٌ (۱۹) يَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا فَضْلُهُ، يَا مَنْ لَا يُسْتَلُّ إِلَّا عَفْوُهُ، يَا

در لطف خود دیرینه‌ای (۱۹) ای که امیدی نیست جز به نیکی او ای که درخواست نشود جز گذشتش ای

مَنْ لَا يُنْظَرُ إِلَّا بَرُّهُ، يَا مَنْ لَا يُخَافُ إِلَّا عَدْلُهُ، يَا مَنْ لَا يَدُومُ إِلَّا مُلْكُهُ،

که چشم‌داشتی نیست جز به نیکی او ای که ترسی نیست جز از عدل او ای که جاوید نمی‌ماند جز فرمانروایی و ملک او

يَا مَنْ لَا سُلْطَانَ إِلَّا سُلْطَانَهُ، يَا مَنْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ، يَا مَنْ سَبَقَتْ

ای که سلطنت و قدرتی نیست جز سلطنت او ای که رحمتش همه چیز را فراگرفته ای که

رَحْمَتُهُ غَضْبَهُ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ، يَا مَنْ لَيْسَ أَحَدٌ مِثْلَهُ (۲۰) يَا فَارِحَ

رحمتش بر خشمش پیشی بسته ای که علمش بر همه چیز احاطه کرده ای که مانندش هیچکس نخواهد بود (۲۰) ای

دلگشای

اَلْهَمُّ، يَا كَاشِفَ الْغَمِّ، يَا غَافِرَ الذَّنْبِ، يَا قَابِلَ التَّوْبِ، يَا خَالِقَ الْخَلْقِ، يَا

اندوه ای غمزدای ای آمرزنده گناه ای توبه‌پذیر ای آفریننده ای

صَادِقَ الوَعْدِ، يَا مَوْفِيَ العَهْدِ، يَا عَالِمَ السِّرِّ، يَا فَالِقَ الْحَبِّ، يَا رَازِقَ

راست وعده ای وفادار پیمان ای دانای اسرار نهران ای شکافنده دانه ای روزی ده

الْأَنَامِ (۲۱) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ يَا عَلِیُّ يَا وَفِیُّ، يَا غَنِیُّ يَا مَلِیُّ، يَا حَفِیُّ

بندگان (۲۱) خدایا از تو خواهم به حق نامت ای والا ای با وفا ای توانگر ای بی نیاز مطلق ای مهربان

يَا رَضِیُّ، يَا زَكِیُّ يَا بَدِیُّ، يَا قَوِیُّ يَا وَلِیُّ (۲۲) يَا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِیْلِ يَا مَنْ سَتَرَ

ای پسندیده (یا دوستدار) ای پاکیزه ای پدید آورنده ای نیرومند ای سرپرست (۲۲) ای که کار نیک را آشکار کنی و ای

که کار زشت را

الْقَبِيحِ، يَا مَنْ لَمْ یُوَاخِذْ بِالْجَرِیْرَةِ، يَا مَنْ لَمْ یَهْتِكِ السِّرَّ، يَا عَظِیْمَ الْعَفْوِ،

پنهان کنی ای که کسی را به گناه نگیری ای که پرده کس نداری ای بزرگ گذشت

يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْاِیْدِیْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا صَاحِبَ

ای نیکو درگذر ای پهناور آمرزش ای گشاده دو دست (فضلش) به رحمت ای مطلع

كُلِّ نَجْوٰی یَا مُنْتَهٰی كُلِّ شَكْوٰی (۲۳) یَا ذَا النِّعْمَةِ السَّابِعَةِ، یَا ذَا الرَّحْمَةِ

از سخن سری و راز ای منتهای هر شکایت (۲۳) ای صاحب نعمت فراوان و ای دارای رحمت

الْوَاسِعَةِ، یَا ذَا الْمِنَّةِ السَّابِقَةِ، یَا ذَا الْحِكْمَةِ الْبَالِغَةِ، یَا ذَا الْقُدْرَةِ الْكَامِلَةِ، یَا ذَا الْحُجَّةِ

پهناور ای صاحب احسان پیشین ای دارای حکمت رسا ای دارای نیروی کامل ای صاحب برهان و دلیل

الْقَاطِعَةِ، یَا ذَا الْكِرَامَةِ الظَّاهِرَةِ، یَا ذَا الْعِزَّةِ الدَّائِمَةِ، یَا ذَا الْقُوَّةِ الْمُتَيْنَةِ، یَا ذَا

قاطع و برنده ای صاحب بزرگواری هویدا ای صاحب عزت جاویدان ای صاحب نیروی محکم ای دارای

العُظْمَةِ الْمُنِیْعَةِ (۲۴) یَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ، یَا جَاعِلَ الظُّلُمَاتِ، یَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ،

عظمت ارجمند (۲۴) ای پدید آورنده آسمانها ای قرار دهنده تاریکیها ای ترحم کننده به اشکهای

یَا مُقْبِلَ الْعَثْرَاتِ، یَا سَاتِرَ الْعَوْرَاتِ، یَا مُخْبِیَ الْأُمُوتِ، یَا مُنْزِلَ الْآیَاتِ،

پدیده‌ها ای درگذرنده لغزشها ای پرده پوش بر عیبها ای زنده کننده مردگان ای فرو فرستنده آیات

يا مُضَعَّفَ الْحَسَنَاتِ، يا مَاجِيَ السَّيِّئَاتِ، يا شَدِيدَ النَّقِمَاتِ (٢٥) اللَّهُمَّ إِنِّي

ای دو چندان کن حسنات ای محو کننده بدیها ای سخت گیرنده انتقامها (٢٥) خدایا ای تو

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُصَوِّرُ يَا مُقَدِّرُ، يَا مُدَبِّرُ يَا مُطَهِّرُ، يَا مُنَوِّرُ يَا مُبَسِّرُ، يَا مُبَشِّرُ

می خواهم به حق نامت ای صورت آفرین ای اندازه گیر ای تدبیر کننده ای پاک کننده ای روشنی بخش ای آسان کننده

ای مژده ده

يَا مُنْذِرُ، يَا مُقَدِّمُ يَا مُؤَخِّرُ، (٢٦) يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ، يَا رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرَامِ،

ای بیم ده ای پیش انداز ای پس انداز (٢٦) ای پروردگار خانه محترم (کعبه) ای پروردگار ماه حرام

يَا رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، يَا رَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، يَا رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، يَا رَبَّ

ای پروردگار شهر محترم (مکه) ای پروردگار رکن و مقام ای پروردگار مشعر الحرام ای پروردگار

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، يَا رَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ، يَا رَبَّ النُّورِ وَالظَّلَامِ، يَا رَبَّ التَّحِيَّةِ

مسجد الحرام ای پروردگار قسمت حل و حرم (در سرزمین حجاز) ای پروردگار روشنی و تاریکی ای پروردگار تحیت

وَالسَّلَامِ، يَا رَبَّ الْقُدْرَةِ فِي الْأَنَامِ (٢٧) يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ،

و درود ای پروردگار نیرو در خلق (٢٧) ای داورترین داوران ای دادرس ترین دادگران

يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ، يَا أَطْهَرَ الطَّاهِرِينَ، يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ، يَا أَسْرَعَ

ای راستگوترین راستگویان ای پاکیزه ترین پاکان ای بهترین آفرینندگان ای سریعترین

الْحَاسِبِينَ، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا أَشْفَعَ الشَّافِعِينَ،

حساب رسان ای شنواترین شنوایان ای بیناترین بینندگان ای بهترین شفیعان

يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ (٢٨) يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، يَا سَدَّ مَنْ لَا سَدَّ لَهُ، يَا ذُخْرَ

ای بزرگووارترین کریمان (٢٨) ای پشتیبان کسی که پشتیبان ندارد ای پشتوانه آن کس که پشتوانه ندارد ای ذخیره

مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ، يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ، يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ، يَا فَخْرَ مَنْ

آن کس که ذخیره ندارد ای پناه آن کس که پناهی ندارد ای فریادرس آنکس که فریادرس ندارد ای افتخار آن کس

لَا فَخْرَ لَهُ، يَا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ، يَا مُعِينَ مَنْ لَا مُعِينَ لَهُ، يَا أُنَيْسَ مَنْ لَا أُنَيْسَ

که مایه افتخاری ندارد ای عزت آنکس که عزتی ندارد ای کمک آنکس که کمکی ندارد ای همدم آنکس که همدمی

ندارد

لَهُ، يَا أَمَانَ مَنْ لَا أَمَانَ لَهُ (۲۹) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَاصِمُ يَا قَائِمُ،

ای امان بخش آنکس که امانی ندارد (۲۹) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای نگهدار ای پابرجا

يَا دَائِمُ يَا رَاحِمُ، يَا سَالِمُ يَا حَاكِمُ، يَا عَالِمُ يَا قَاسِمُ، يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ (۳۰)

ای جاویدان ای رحم کننده ای سلامت بخش ای حاکم ای دانا ای تقسیم کننده ای تنگ گیر ای گشایش بخش (۳۰)

يَا عَاصِمَ مَنْ اسْتَعَصَمَهُ، يَا رَاحِمَ مَنْ اسْتَرَحَمَهُ، يَا غَافِرَ مَنْ اسْتَغْفَرَهُ، يَا

ای نگهدار کسی که نگهداریش خواهد ای رحم کننده کسی که ترحمش خواهد ای آمرزنده کسی که از او آمرزش

خواهد ای

نَاصِرَ مَنْ اسْتَنْصَرَهُ، يَا حَافِظَ مَنْ اسْتَحْفَظَهُ، يَا مُكْرِمَ مَنْ اسْتَكْرَمَهُ، يَا مُرْشِدَ

یاور کسی که از او یاری طلبد ای نگهدار کسی که از او نگهداری خواهد ای اکرام کننده کسی که از او بزرگواری

خواهد ای راهنمای

مَنْ اسْتَرْشَدَهُ، يَا صَرِيحَ مَنْ اسْتَصْرَحَهُ، يَا مُعِينَ مَنْ اسْتَعَانَهُ، يَا مُغِيثَ مَنْ

کسی که از او ره جوید ای دادرس کسی که از او دادرسی خواهد ای کمک‌کار کسی که کمکش خواهد ای فریاد رس

کسی که

اسْتَعَاثَهُ (۳۱) يَا عَزِيزًا لَا يُضَامُ، يَا لَطِيفًا لَا يُرَامُ، يَا قَيُّومًا لَا يَنَامُ، يَا دَائِمًا

به فریادرسیش خواند (۳۱) ای عزیزی که ذلت نپذیرد ای لطیفی که دست‌انداز کسی واقع نگردد ای پاینده که خواب

ندارد ای جاویدانی

لَا يَفُوتُ، يَا حَيًّا لَا يَمُوتُ، يَا مَلِكًا لَا يَزُولُ، يَا بَاقِيًا لَا يَفْنَى، يَا عَالِمًا

که از دست نرود ای زنده‌ای که نمیرد ای پادشاهی که سلطنتش زوال ندارد ای ماندگاری که نیستی ندارد ای دانایی که

لَا يَجْهَلُ، يَا صَمَدًا لَا يُطْعَمُ، يَا قَوِيًّا لَا يَضْعَفُ (۳۲) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

نادانی ندارد ای بی‌نیازی که خوراک نخواهد ای نیرومندی که سستی نپذیرد (۳۲) خدایا از تو خواهم

بِاسْمِكَ يَا أَحَدًا يَا وَاحِدًا، يَا شَاهِدًا يَا مَاجِدًا، يَا حَامِدًا يَا رَاشِدًا، يَا بَاعِثًا

به حق نامت ای یکتا ای یگانه ای گواه ای بزرگوار ای ستوده ای رهنما ای برانگیزنده

يَا وَارِثًا، يَا ضَارًّا يَا نَافِعًا (۳۳) يَا أَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ، يَا أَكْرَمَ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ،

ای ارث برنده ای زیان بخش ای سودرسان (۳۳) ای بزرگتر از هر بزرگی ای بزرگوارتر از هر بزرگوار

يا اَرْحَمَ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ، يا اَعْلَمَ مِنْ كُلِّ عَلِيمٍ، يا اَحْكَمَ مِنْ كُلِّ حَكِيمٍ، يا اَقْدَمَ

ای مهربانتر از هر مهربانی ای داناتر از هر دانا ای فرزانه‌تر از هر فرزانه ای جلوتر

مِنْ كُلِّ قَدِيمٍ، يا اَكْبَرَ مِنْ كُلِّ كَبِيرٍ، يا اَلطَّفَ مِنْ كُلِّ لَطِيفٍ، يا اَجَلَ مِنْ كُلِّ

از هر قدیمی ای بزرگتر از هر بزرگ ای با لطف‌تر از هر لطف‌داری ای والاتر از هر

جَلِيلٍ، يا اَعَزَّ مِنْ كُلِّ عَزِيزٍ (۳۴) يا كَرِيمَ الصَّغْحِ، يا عَظِيمَ اَلْمَنْ، يا كَثِيرَ الْخَيْرِ،

والایی ای عزیزتر از هر عزیز (۳۴) ای بزرگوار چشم‌پوش ای بزرگ نعمت بخش ای پر خیر

يا قَدِيمَ الْفَضْلِ، يا دَائِمَ اللُّطْفِ، يا لَطِيفَ الصُّنْعِ، يا مُنْفَسَّ الْكَرْبِ،

ای دیرینه بخشش ای جاوید لطف ای دقیق صنعت ای زداپنده اندوه

يا كاشِفِ الضُّرِّ، يا مالِكِ الْمُلْكِ، يا قاضِيَ الْحَقِّ (۳۵) يا مَنْ هُوَ فِي

ای برطرف کننده گرفتاری ای فرمانروای عالم هستی ای حاکم بر حق (۳۵) ای که در

عَهْدِهِ وَفِيَّ، يا مَنْ هُوَ فِي وَفَاةِ قَوِيَّ، يا مَنْ هُوَ فِي قُوْتِهِ عَلِيَّ، يا مَنْ هُوَ فِي

پیمانش وفادار و ای که در وفا کردن به پیمانش نیرومند است ای که در نیرومندیش بلند مرتبه است ای که در

عُلُوِّهِ قَرِيبٌ، يا مَنْ هُوَ فِي قُرْبِهِ لَطِيفٌ، يا مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ شَرِيفٌ، يا مَنْ هُوَ

عین بلند مرتبه‌ای نزدیک است ای که در عین نزدیکی دقیق است ای که در عین دقت بزرگوار است ای که

فِي شَرَفِهِ عَزِيزٌ، يا مَنْ هُوَ فِي عِزِّهِ عَظِيمٌ، يا مَنْ هُوَ فِي عَظَمَتِهِ مَجِيدٌ، يا مَنْ

در عین بزرگواری با عزت است ای که در عین عزت با عظمت است ای که در عین عظمتش برجسته است ای که

هُوَ فِي مَجْدِهِ حَمِيدٌ (۳۶) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا كافي يا شافي، يا وافي

در عین برجستگی ستوده است (۳۶) خدایا از تو خواهم به حق نامت ای کفایت کننده ای شفا دهنده ای وفادار

يا مُعافي، يا هادي يا داعي، يا قاضي يا راضي، يا عالي يا باقي (۳۷) يا مَنْ

ای تندرستی بخش ای رهنما ای خواننده‌ای داور ای راضی ای والا مرتبه ای باقی (۳۷) ای که

كُلُّ شَيْءٍ خاضِعٌ لَهُ، يا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خاشِعٌ لَهُ، يا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ كائِنٌ لَهُ، يا مَنْ

هر چیز در برابرش سر تعظیم فرود آورد ای که هر چیز در برابرش رام گشته ای که هر چه در عالم موجود است از آن

اوست ای که

كُلُّ شَيْءٍ مَوْجُودٌ بِهِ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مُنِيبٌ إِلَيْهِ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَائِفٌ مِنْهُ، يَا

هر چه هست بوجود او موجود است ای که هر چیزی بسوی او بازگردد ای که هر چیزی از او اندیشه دارد ای

مَنْ كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ صَائِرٌ إِلَيْهِ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ يُسَبِّحُ

که هر چیزی به او پایدار است ای که هر چیزی بسوی او برگردد ای که هر چیز به ستایش

بِحَمْدِهِ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ (۳۸) يَا مَنْ لَا مَفْرَأَ إِلَّا إِلَيْهِ، يَا مَنْ

او تسبیح گوید ای که هر چیز نابود شود جز ذات او (۳۸) ای که گریزگاهی نیست جز بسوی او ای که

لَا مَفْرَعٌ إِلَّا إِلَيْهِ، يَا مَنْ لَا مَقْصَدَ إِلَّا إِلَيْهِ، يَا مَنْ لَا مَنجَا مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ، يَا مَنْ

پناهگاهی نیست جز بسوی او ای که مقصدی نیست جز درگاهش ای که راه نجاتی از (عذاب و قهر) او نیست جز خود

او ای که

لَا يُرْغَبُ إِلَّا إِلَيْهِ، يَا مَنْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِهِ، يَا مَنْ لَا يُسْتَعَانُ إِلَّا بِهِ، يَا مَنْ

رغبت و اشتیاقی نباشد جز به درگاه او ای که جنبش و نیرویی نیست مگر بوسیله او ای که کمک نجوید جز به او ای که

توکل نشود جز بر او ای که

لَا يُتَوَكَّلُ إِلَّا عَلَيْهِ، يَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُعْبَدُ إِلَّا هُوَ (۳۹) يَا خَيْرَ

امیدوار نتوان بود جز به او ای که پرستش نشود جز او (۳۹) ای بهترین

الْمَرْهُومِينَ، يَا خَيْرَ الْمَرْغُوبِينَ، يَا خَيْرَ الْمَطْلُوبِينَ، يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ، يَا خَيْرَ

کسی که خلق از او ترسند ای بهترین مایه شوق و آرزو ای بهترین جویا شدگان ای بهترین خواسته شدگان ای بهترین

الْمَقْصُودِينَ، يَا خَيْرَ الْمَذْكُورِينَ، يَا خَيْرَ الْمَشْكُورِينَ، يَا خَيْرَ الْمَحْبُوبِينَ،

مقصود خلق ای بهترین یاد شدگان ای بهترین سپاس شدگان ای بهترین دوستان

يَا خَيْرَ الْمَدْعُودِينَ، يَا خَيْرَ الْمُسْتَأْنَسِينَ (۴۰) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا

ای بهترین خواننده شدگان ای بهترین همدان (۴۰) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای

غَافِرٌ يَا سَاتِرٌ، يَا قَادِرٌ يَا قَاهِرٌ، يَا فَاطِرٌ يَا كَاسِرٌ، يَا جَابِرٌ يَا ذَاكِرٌ، يَا نَاطِرٌ يَا

امرزنده ای پرده پوش ای توانا ای قاهر ای آفریننده ای شکننده ای بهم پیوند دهنده ای یادآورنده ای بیننده ای

نَاصِرٌ (۴۱) يَا مَنْ خَلَقَ فَسَوَّى، يَا مَنْ قَدَّرَ فَهَدَى، يَا مَنْ يَكْشِفُ الْبُلُوَى،

یاری دهنده (۴۱) ای که آفرید و بیاراست ای که اندازه گرفت و راهنمایی کرد ای که برطرف کند گرفتاری را

يا مَنْ يَسْمَعُ النَّجْوَى، يا مَنْ يُنْفِذُ الْغَرْقَى، يا مَنْ يُنْجِي الْهَلْكَى، يا مَنْ

ای که بشنود سخن درگوشی را ای که نجات دهد غریق را ای که برهاند هلاک شده را ای که

يَشْفِي الْمَرْضَى، يا مَنْ أَضْحَكَ وَأَبْكَى، يا مَنْ أَمَاتَ وَأَحْيَى، يا مَنْ خَلَقَ

شفا دهد بیمار را ای که بخنداند و بگریاند ای که بمیراند و زنده کند ای که آفرید

الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (۴۲) يا مَنْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ سَبِيلُهُ، يا مَنْ فِي الْأَفَاقِ

دو جفت نر و ماده (۴۲) ای که هم در خشکی و هم در دریا راه رسیدن به او هست ای که در سراسر گیتی

آیاتُهُ، يا مَنْ فِي الْآيَاتِ بُرْهَانُهُ، يا مَنْ فِي الْمَمَاتِ قُدْرَتُهُ، يا مَنْ فِي الْقُبُورِ

نشانه‌های او هست ای که در این نشانه‌ها برهان او موجود است ای که در مردن نشانه قدرت او است ای که در گورها

عَبْرَتُهُ، يا مَنْ فِي الْقِيَمَةِ مُلْكُهُ، يا مَنْ فِي الْحِسَابِ هَيْبَتُهُ، يا مَنْ فِي الْمِيزَانِ

پند او است ای که در روز قیامت نیز سلطنت او است ای که در حساب آن روز هیبت دارد ای که در پای میزان

قَضَائِهِ، يا مَنْ فِي الْجَنَّةِ ثَوَابُهُ، يا مَنْ فِي النَّارِ عِقَابُهُ (۴۳) يا مَنْ إِلَيْهِ يَهْرَبُ

حکم و داوری او است ای که در بهشت پاداش نیک او است ای که در دوزخ شکنجه او است (۴۳) ای که به سویش

گریزند

الْخَائِفُونَ، يا مَنْ إِلَيْهِ يَفْرَعُ الْمُذْنِبُونَ، يا مَنْ إِلَيْهِ يَقْصِدُ الْمُتَيْبُونَ، يا مَنْ إِلَيْهِ

ترسناکان ای که به او پناه برند گنهکاران ای که او را مقصود قرار دهند بازآیندگان ای که بسوی او

يَرْغَبُ الزَّاهِدُونَ، يا مَنْ إِلَيْهِ يَلْجَأُ الْمُتَحَيِّرُونَ، يا مَنْ بِهِ يَسْتَأْنِسُ

روند پارسایان ای که بدو پناه برند سرگردانان ای که به او همدم شوند

الْمُرِيدُونَ، يا مَنْ بِهِ يَفْتَخِرُ الْمُحِبُّونَ، يا مَنْ فِي عَفْوِهِ يَطْمَعُ الْخَاطِئُونَ،

خواستاران ای که به دوستیش افتخار کنند دوستان ای که در گذشت او طمع دارند خطاکاران

يا مَنْ إِلَيْهِ يَسْكُنُ الْمُوقِنُونَ، يا مَنْ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (۴۴) اللَّهُمَّ إِنِّي

ای که به ذکر او آرامش پذیرد دل یقین داران ای که بر او توکل کنند توکل کنندگان (۴۴) خدایا از تو

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَبِيبُ يَا طَيِّبُ، يَا قَرِيبُ يَا رَقِيبُ، يَا حَسِيبُ يَا مُهَيْبُ، يَا

می‌خواهم به حق نامت ای محبوب دلها ای طیب دردها ای نزدیک ای مراقب کار بندگان ای حساب نگهدار ای با

هیبت ای

مُثِيبٌ يَا مُجِيبٌ، يَا خَبِيرٌ يَا بَصِيرٌ (۴۵) يَا اقْرَبَ مِنْ كُلِّ قَرِيبٍ، يَا احَبَّ مِنْ كُلِّ

پاداش نیک دهنده ای اجابت کننده ای آگاه ای بینا (۴۵) ای نزدیکتر از هر نزدیک ای محبوبتر از هر

حَبِيبٍ، يَا ابْصَرَ مِنْ كُلِّ بَصِيرٍ، يَا اخْبَرَ مِنْ كُلِّ خَبِيرٍ، يَا اشْرَفَ مِنْ كُلِّ شَرِيفٍ،

محبوب ای بیناتر از هر بینا ای آگاهتر از هر آگاه ای شریفتر از هر شریف

يَا اَرْفَعَ مِنْ كُلِّ رَفِيعٍ، يَا اقْوَى مِنْ كُلِّ قَوِيٍّ، يَا اغْنَى مِنْ كُلِّ غَنِيٍّ، يَا اجْوَدَ

ای برتر از هر بلند مرتبه ای نیرومندتر از هر نیرومند ای توانگرتتر از هر توانگر ای بخشندهتر

مِنْ كُلِّ جَوَادٍ، يَا اَرَأَفَ مِنْ كُلِّ رَوْفٍ (۴۶) يَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ، يَا صَانِعًا غَيْرَ

از هر بخشنده ای مهربانتر از هر مهربان (۴۶) ای پیروزی که هرگز مغلوب نگردد ای سازنده ای که

مَصْنُوعٍ، يَا خَالِقًا غَيْرَ مَخْلُوقٍ، يَا مَالِكًا غَيْرَ مَمْلُوكٍ، يَا قَاهِرًا غَيْرَ مَقْهُورٍ، يَا

مصنوع کسی نیست ای آفریننده ای که کسی او را نیافریده ای مالکی که مملوک کسی نیست ای چیره شکست ناپذیر ای

رَافِعًا غَيْرَ مَرْفُوعٍ، يَا حَافِظًا غَيْرَ مَحْفُوظٍ، يَا نَاصِرًا غَيْرَ مَتَّصِرٍ، يَا شَاهِدًا

بلند مرتبه که بلندی را کسی به او نداده ای نگهدارنده ای که نگهداری ندارد ای یوری که کشش یاری نکند ای حاضری

غَيْرَ غَائِبٍ، يَا قَرِيبًا غَيْرَ بَعِيدٍ (۴۷) يَا نُورَ النُّورِ، يَا مُنَوَّرَ النُّورِ، يَا خَالِقَ النُّورِ،

که پنهانی ندارد ای نزدیکی که دور نشود (۴۷) ای روشنی نور این روشنی ده نور ای خالق نور و روشنی

يَا مُدَبِّرَ النُّورِ، يَا مُقَدِّرَ النُّورِ، يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ، يَا نُورًا قَبْلَ كُلِّ نُورٍ، يَا نُورًا

ای تدبیر کننده نور ای اندازه گیر نور ای روشنی هر نور ای روشنی پیش از هر نور و ای روشنی

بَعْدَ كُلِّ نُورٍ، يَا نُورًا فَوْقَ كُلِّ نُورٍ، يَا نُورًا لَيْسَ كَمِثْلِهِ نُورٌ (۴۸) يَا مَنْ

پس از هر نور ای روشنی بالای هر نور ای نوری که مانندش نوری نیست (۴۸) ای که

عَطَاءُهُ شَرِيفٌ، يَا مَنْ فِعْلُهُ لَطِيفٌ، يَا مَنْ لُطْفُهُ مُقِيمٌ، يَا مَنْ احْسَانُهُ قَدِيمٌ، يَا

عطا و بخشش شریف و ارجمند است ای که کارش دقیق است ای که لطفش پایدار است ای که احسانش دیرینه است

ای

مَنْ قَوْلُهُ حَقٌّ، يَا مَنْ وَعْدُهُ صِدْقٌ، يَا مَنْ عَفْوُهُ فَضْلٌ، يَا مَنْ عَذَابُهُ عَدْلٌ، يَا

که گفتارش حق است ای که وعده اش راست است ای که گذشتش فضل است ای که کیفرش از روی عدل است

مَنْ ذَكَرَهُ حُلُوًّا، يَا مَنْ فَضَلَهُ عَمِيمٌ (٤٩) اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُسَهِّلٌ

که ذکرش شیرین است ای که فضلش عمومی است (٤٩) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای هموار کننده

يَا مُفْصِّلٌ، يَا مُبَدِّلٌ يَا مُذَلِّلٌ، يَا مُنْزِلٌ يَا مُنَوِّلٌ، يَا مُفْضِلٌ يَا مُجْزِلٌ، يَا مُمِهِّلٌ

راهها ای جدا کننده ای تبدیل کننده ای خوار کننده ای فرود آورنده ای جایزه ده ای افزون بخش ای بزرگ عطا بخش ای

مهلت ده

يَا مُجْمِلٌ (٥٠) يَا مَنْ يَرَى وَلَا يُرَى، يَا مَنْ يَخْلُقُ وَلَا يُخْلَقُ، يَا مَنْ يَهْدِي

ای نیکو بخش (٥٠) ای که ببیند ولی دیده نشود ای که بیافریند ولی کسی او را نیافریند ای که راهنمایی کند

وَلَا يَهْدِي، يَا مَنْ يُحْيِي وَلَا يُحْيِي، يَا مَنْ يَسْئَلُ وَلَا يُسْتَلُّ، يَا مَنْ يُطْعِمُ

ولی راهنمایی نشود ای که زنده کنی ولی زنده نشده ای که بازخواست کند ولی کسی از

وَلَا يُطْعِمُ، يَا مَنْ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ، يَا مَنْ يَقْضِي وَلَا يَقْضَى عَلَيْهِ، يَا مَنْ

او بازخواست نکند ای که بخوراند ولی خوراننده نشود ای که پناه دهد ولی کسی او را پناه ندهد ای که قضاوت کنی

ولی قضاوت بر تو نشود ای که

يَحْكُمُ وَلَا يُحْكَمُ عَلَيْهِ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (٥١)

حکم کنی ولی کسی بر تو حکم نکند ای که نزاید و نه زائیده شده و نیست برایش همتایی هیچکس (٥١)

يَا نِعْمَ الْحَسِيبُ، يَا نِعْمَ الطَّبِيبُ، يَا نِعْمَ الرَّقِيبُ، يَا نِعْمَ الْقَرِيبُ، يَا نِعْمَ

ای نیکو حسابکش ای نیکو طبیب ای نیکو نگهبان ای نیکو نزدیک ای نیکو

الْمُجِيبُ، يَا نِعْمَ الْحَبِيبُ، يَا نِعْمَ الْكَفِيلُ، يَا نِعْمَ الْوَكِيلُ، يَا نِعْمَ الْمَوْلَى،

پاسخ ده ای نیکو دوست ای نیکو عهده‌دار ای نیکو وکیل ای نیکو سرور

يَا نِعْمَ النَّصِيرُ (٥٢) يَا سُرُورَ الْعَارِفِينَ، يَا مَنَى الْمُحِبِّينَ، يَا أَنَيْسَ الْمُرِيدِينَ، يَا

ای نیکو یاور (٥٢) ای مایه دلشادی عارفان ای آرزوی محبان ای همدم خواستاران ای

حَبِيبَ التَّوَّابِينَ، يَا رَازِقَ الْمُقْلِينَ، يَا رَجَاءَ الْمُذْنِبِينَ، يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْعَابِدِينَ،

دوستدار توبه کنندگان ای روزی ده ناداران ای امید گنهکاران ای نورچشم پرستش کنندگان

يَا مُنْفَسَّ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا مُفْرَجَ عَنِ الْمُعْظَمِينَ، يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ

ای برطرف کننده اندوه اندوهناکان ای غمزدای غمزدگان ای معبود پیشینان

وَالْآخِرِينَ (۵۳) اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْتَلِكُ بِاسْمِكَ يَا رَبَّنَا يَا اِهْتَنَا، يَا سَيِّدَنَا يَا مَوْلَانَا،

و پستیان (۵۳) خدایا من از تو می خواهم به حق نامت ای پروردگار ما ای معبود ما ای آقای ما ای سرور ما

یا ناصِرَنَا یا حَافِظَنَا، یا دَلِيْلَنَا یا مُعِيْنَنَا، یا حَبِيْبَنَا یا طَيِّبَنَا (۵۴) یا رَبَّ النَّبِيِّنَ

ای یاور ما ای نگهدار ما ای راهنمای ما ای کمک کار ما ای محبوب ما ای طیب ما (۵۴) ای پروردگار پیمبران

وَالْاَبْرَارِ، یا رَبَّ الصّٰدِقِيْنَ وَالْاٰخِيَارِ، یا رَبَّ الْجَنَّةِ وَالنّٰرِ، یا رَبَّ الصّٰغَرِ

و نیکوکاران ای پروردگار راستگویان و برگزیدگان ای پروردگار بهشت و دوزخ ای پروردگار کوچک

وَالْكِبَارِ، یا رَبَّ الْحُبُوْبِ وَالثَّمَارِ، یا رَبَّ الْاَنْهَارِ وَالْاَشْجَارِ، یا رَبَّ

و بزرگ ای پروردگار حبوبات و میوه جات ای پروردگار نهرها و درختان ای پروردگار

الصّٰحَرٰى وَالْفِجَارِ، یا رَبَّ الْبَرارى وَالْبِحَارِ، یا رَبَّ اللَّيْلِ وَالنّٰهَارِ، یا رَبَّ

دشت و هامون ای پروردگار صحراها و دریاها ای پروردگار شب و روز ای پروردگار

الْاَعْلَانِ وَالْاَسْرَارِ (۵۵) یا مَنْ نَفَذَ فى كُلِّ شَيْءٍ اَمْرُهُ، یا مَنْ لِحِقِ بِكُلِّ شَيْءٍ

پیدا و نهان (۵۵) ای که در هر چیز دستورش نفوذ کرده ای که علمش به هر چیزی

عِلْمُهُ، یا مَنْ بَلَغَتْ اِلَى كُلِّ شَيْءٍ قُدْرَتُهُ، یا مَنْ لَا تُحْصَى الْعِبَادُ نِعْمَتُهُ، یا مَنْ

تعلق یافته ای که قدرت و توانایش به هر چیزی رسیده ای که بندگان شماره نعمتهایش را نتوانند ای که

لَا تُبْلَغُ الْخَلٰئِقُ شُكْرُهُ، یا مَنْ لَا تُدْرِكُ الْاَفْهَامُ جَلَالَهُ، یا مَنْ لَا تَنَالُ الْاَوْهَامُ

خلاق از عهده شکرش برنایند ای که عقول درک عظمت و جلالش نتوانند ای که اوهام و خیالات

كُنْهَهُ، یا مَنْ الْعِظْمَةُ وَالْكِبْرِيَاءُ رِدَائُهُ، یا مَنْ لَا تُرَدُّ الْعِبَادُ قَضَائُهُ، یا مَنْ

به کنه ذاتش نرسند ای که عظمت و بزرگی لباس او است ای که بندگان از حکم او سرپیچی نتوانند ای که

لَا مُلْكَ اِلَّا مُلْكُهُ، یا مَنْ لَا عَطَاءَ اِلَّا عَطَائُهُ (۵۶) یا مَنْ لَهُ الْمَثَلُ الْاَعْلٰى، یا

سلطنتی جز سلطنت او نیست ای که بخششی جز بخشش او نیست (۵۶) ای که از آن اوست عالیتین

مثالها(که حجج الهیه باشند)

مَنْ لَهُ الصّٰفَاتُ الْعُلْيَا، یا مَنْ لَهُ الْاٰخِرَةُ وَالْاَوَّلٰى، یا مَنْ لَهُ الْجَنَّةُ

ای که خاص اوست برترین اوصاف ای که از آن اوست دنیا و آخرت ای که از آن اوست بهشت

الْمَأْوَى، يَا مَنْ لَهُ الْآيَاتُ الْكُبْرَى، يَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، يَا مَنْ لَهُ

آن جایگاه آسایش ای که برای اوست نشانه‌های بس بزرگ ای که برای او است نامهای نیکو ای که برای او است الْحُكْمُ وَالْفَضَاءُ، يَا مَنْ لَهُ الْهُوَاءُ وَالْفَضَاءُ، يَا مَنْ لَهُ الْعَرْشُ وَالْثَّرَى، يَا مَنْ لَهُ

فرمان و داوری ای که از آن او است هوا و فضا ای که از آن او است عرش و فرش ای که از آن او است

السَّمَوَاتُ الْعُلَى.

آسمانهای بلند

(۵۷) اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْتَلِكُ بِاسْمِكَ يَا عَفُوٌّ يَا غَفُوْرٌ، يَا صَبُوْرٌ يَا شَكُوْرٌ،

(۵۷) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای درگذرنده ای آمرزنده ای شکیبا ای سپاس پذیر بندگان

يَا رَوْفٌ يَا عَطُوْفٌ، يَا مَسْتُوْلٌ يَا وَدُوْدٌ، يَا سُبُوْحٌ يَا قُدُوْسٌ (۵۸) يَا

ای مهربان ای توجه کننده ای مورد توجه و درخواست بندگان ای مهرورز ای منزّه ای پاکیزه (۵۸) ای

مَنْ فِى السَّمَاءِ عَظَمَتْهُ، يَا مَنْ فِى الْاَرْضِ اَيَاتُهُ، يَا مَنْ فِى كُلِّ شَيْءٍ

که در آسمان آثار عظمتش هویدا است ای که در زمین نشانه‌هایش آشکار است ای که در هر چیز

دَلَالَتُهُ، يَا مَنْ فِى الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ، يَا مَنْ فِى الْجِبَالِ خَرَائِبُهُ، يَا مَنْ

برهانهای او موجود است ای که در دریا آثار شگفت‌انگیز دارد ای که در کوهها است گنجینه‌هایش ای که

يَبْدَأُ الْخُلُقَ ثُمَّ يَبْعِدُهُ، يَا مَنْ اِلَيْهِ يَرْجِعُ الْاَمْرُ كُلُّهُ، يَا مَنْ اَظْهَرَ فِى

خلق را پدید آورد سپس بازگرداند ای که به سویش همه امورات بازگردد ای که در هر چیز لطف و مهرش را

كُلِّ شَيْءٍ لُّطْفُهُ، يَا مَنْ اَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ خَلْقَهُ، يَا مَنْ تَصَرَّفَ فِى

آشکار ساخته ای که خلقت هر چیز را نیکو ساخته ای که تصرف کرده در

الْخَلْقِ قُدْرَتُهُ (۵۹) يَا حَبِيْبٌ مَنْ لَا حَبِيْبَ لَهُ، يَا طَيِّبٌ مَنْ لَا

همه خلایق قدرت او (۵۹) ای دوست آنکس که دوستی ندارد ای طیب آن کس که

طَيِّبٌ لَهُ، يَا مُجِيْبٌ مَنْ لَا مُجِيْبَ لَهُ، يَا شَفِيْقٌ مَنْ لَا شَفِيْقَ لَهُ، يَا

طیبی ندارد ای پاسخ ده آن کس که پاسخ ده ندارد ای یار دلسوز آن کس که دلسوزی ندارد ای

رَفِيْقٌ مَنْ لَا رَفِيْقَ لَهُ، يَا مُعِيْثٌ مَنْ لَا مُعِيْثَ لَهُ، يَا دَلِيْلٌ مَنْ لَا دَلِيْلَ

رفیق آن کس که رفیق ندارد ای فریادرس آن کس که فریادرسی ندارد ای راهنمای آنکه راهنمایی ندارد

لَهُ، يَا أَيْسَ مَنْ لَا أَيْسَ لَهُ، يَا رَاحِمَ مَنْ لَا رَاحِمَ لَهُ، يَا صَاحِبَ مَنْ لَا

ای مونس آنکس که مونس ندارد ای ترحم کننده آن کس که ترحم کننده ای ندارد ای همدم آن کس که

صَاحِبَ لَهُ (۶۰) يَا كَافِيَ مَنْ اسْتَكْفَاهُ، يَا هَادِيَ مَنْ اسْتَهْدَاهُ، يَا كَالِيَ مَنْ اسْتَكْلَاهُ،

همدمی ندارد (۶۰) ای کفایت کننده آن کس که از او کفایت خواهد و ای راهنمای کسی که از او راهنمایی خواهد ای

يَا رَاعِيَ مَنْ اسْتَرَعَاهُ، يَا شَافِيَ مَنْ اسْتَشْفَاهُ، يَا

نگهبان کسی که از او نگهبانی خواهد ای مراعات کننده کسی که از او رعایت خواهد ای بهبود دهنده کسی که از او

بهبودی خواهد ای

قَاضِيَ مَنْ اسْتَقْضَاهُ، يَا مُعْنِيَ مَنْ اسْتَعْنَاهُ، يَا مُوفِيَ مَنْ اسْتَوْفَاهُ، يَا

داور کسی که از او داوری جوید ای بی نیاز کننده کسی که از او بی نیازی خواهد ای وفا کننده کسی که از او وفا خواهد

مَقْوَى مَنْ اسْتَقْوَاهُ، يَا وَليَّ مَنْ اسْتَوْلَاهُ (۶۱) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتُلْكُ

ای نیرو ده آن کس که از او نیرو خواهد ای سرور کسی که او را به سروری خواهد (۶۱) خدایا از تو می خواهم

بِاسْمِكَ يَا خَالِقُ يَا رَازِقُ، يَا نَاطِقُ يَا صَادِقُ، يَا فَالِقُ يَا فَارِقُ، يَا

به حق نامت ای آفریننده ای روزی ده ای گویند ای راستگو ای شکافنده ای جدا کننده ای

فَاتِقُ يَا رَاتِقُ، يَا سَابِقُ يَا سَامِقُ (۶۲) يَا مَنْ يُقَلِّبُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ، يَا

باز کننده ای پیوست دهنده ای سبقت جوینده ای بلندمرتبه (۶۲) ای که جابجا کنی شب و روز را ای

مَنْ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالْأَنْوَارَ، يَا مَنْ خَلَقَ الظِّلَّ وَالْحَرُورَ، يَا مَنْ سَخَّرَ

که مقرر ساختی تاریکیها و نور را ای که آفریدی سایه و گرما را ای که مسخر خود کردی

الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ، يَا مَنْ قَدَّرَ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ، يَا مَنْ خَلَقَ الْمَوْتَ

مهر و ماه را ای که مقدر کردی خیر و شر را ای که آفریدی مرگ

وَالْحَيَوَةَ، يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وِلْدًا، يَا

و زندگی را ای که آفریدن و فرمان از او است ای که نگرفته است برای خود همسر و فرزندی ای

مَنْ لَيْسَ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، يَا مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَليٌّ مِنَ الدُّلِّ

که شریکی در فرمانروایی ندارد ای که نیست برایش سرپرستی از خواری

(۶۳) یا مَنْ يَعْلَمُ مُرَادَ الْمُرِيدِينَ، یا مَنْ يَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ، یا

(۶۳) ای که می‌داند خواسته دل هر خواهنده را ای که آگاه است از نهاد خاموشان ای

مَنْ يَسْمَعُ أُنِينَ الْوَاهِنِينَ، یا مَنْ يَرَى بُكَاءَ الْخَائِفِينَ، یا مَنْ يُمَلِكُ

که می‌شنود ناله خسته‌دلان ای که می‌بیند گریه ترسناکان ای که دارد

حَوَائِجَ السَّائِلِينَ، یا مَنْ يَقْبَلُ عُذْرَ التَّائِبِينَ، یا مَنْ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ

خواسته‌های خواستاران را ای که بپذیرد عذر توبه‌کنندگان ای که اصلاح نکند کار

الْمُفْسِدِينَ، یا مَنْ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ، یا مَنْ لَا يَبْعُدُ عَنْ قُلُوبِ

مفسدان را ای که از بین نبرد پاداش نیکوکاران ای که دور نباشد از دل

الْعَارِفِينَ، یا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ (۶۴) یا دَائِمَ الْبَقَاءِ، یا سَامِعَ الدُّعَاءِ، یا

عارفان ای بخشنده‌ترین بخشندگان (۶۴) ای همیشه باقی ای شنوای دعا ای

وَاسِعَ الْعَطَاءِ، یا غَافِرَ الْخَطَاةِ، یا بَدِيعَ السَّمَاءِ، یا حَسَنَ الْبَلَاءِ، یا

وسیع بخشش ای آمرزنده خطا و لغزش ای پدید آورنده آسمان ای نیک آزمایش ای

جَمِيلَ الثَّنَاءِ، یا قَدِيمَ السَّنَاءِ، یا كَثِيرَ الْوَفَاءِ، یا شَرِيفَ الْجَزَاءِ

زیبا ستایش ای دیرینه والا ای زیاد وفادار ای ارجمند پاداش

(۶۵) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سَتَّارُ يَا غَفَّارُ، یا قَهَّارُ يَا جَبَّارُ، یا

(۶۵) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای پوشاننده ای آمرزنده ای با قهر و سطوت ای باجبروت و عظمت ای

صَبَّارُ يَا بَارُّ، یا مُخْتَارُ يَا فَتَّاحُ، یا نَفَّاحُ يَا مُرْتاحُ (۶۶) یا مَنْ خَلَقَنِي

صبر پیشه ای نیک بخش ای مختار در کارها ای کارگشا ای پرچود و عطا ای فرح بخش (۶۶) ای که مرا آفریدی

وَسَوَّأَنِي، یا مَنْ رَزَقَنِي وَرَبَّأَنِي، یا مَنْ أَطْعَمَنِي وَسَقَّأَنِي، یا مَنْ

و آراستی ای که روزیم دادی و پروریدی ای که مرا خورداندی و نوشاندی ای که

قَرَّبَنِي وَادَّنَنِي، یا مَنْ عَصَمَنِي وَكَفَّأَنِي، یا مَنْ حَفَظَنِي وَكَوَلَّأَنِي، یا

پیش خود برده و نزدیکم کردی ای که مرا نگهداشته و کفایت کردی ای که محافظت و نگهداریم کردی ای

مَنْ أَعَزَّنِي وَأَغْنَانِي، یا مَنْ وَقَفَّنِي وَهَدَّأَنِي، یا مَنْ أَنْسَنِي وَأَوَّأَنِي، یا

که به من عزت بخشید و توانگرم ساخت ای که به من توفیق داده و راهنمایی کرد ای که با من انس گرفته و جایم داد

مَنْ أَمَاتَنِي وَأَخْيَانِي (۶۷) يَا مَنْ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ، يَا مَنْ يَقْبَلُ

ای که مرا بمیراند و زنده کند (۶۷) ای که حق را بوسیله کلماتش پابرجا کرد ای که توبه را از

التَّوْبَةِ عَنِ عِبَادِهِ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يَا مَنْ لَا تَنْفَعُ

بندگانش بپذیرد ای که میان انسان و دلش حائل گردد ای که سود ندهد

الشَّفَاعَةَ إِلَّا بِإِذْنِهِ، يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ، يَا مَنْ لَا

شفاعت و میانجیگری جز به اذن او ای که او داناتر است به کسی که از راهش گمراه گردد ای که

مُعْتَبَرٌ لِحُكْمِهِ، يَا مَنْ لَا رَادَّ لِقَضَائِهِ، يَا مَنْ انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ لِلْمَرْهَةِ، يَا

کاونده و پی‌جویی برای حکمش نیست ای که بازگردانی برای قضایش نیست ای که هر چیز در برابر امرش مطیع و منقاد

مِنَ السَّمَوَاتِ مَطُوبِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ، يَا مَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ

گشته. ای که آسمانها بدست قدرتش بهم پیچیده. ای که فرستد باده‌ها را نویدی در پیشاپیش

رَحْمَتِهِ (۶۸) يَا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ مِهَادًا، يَا مَنْ جَعَلَ الْجِبَالَ أَوْتَادًا، يَا

رحمتش (۶۸) ای که زمین را گهواره قرار داده ای که کوهها را میخهای (زمین) قرار داد ای

مَنْ جَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا، يَا مَنْ جَعَلَ الْقَمَرَ نُورًا يَا مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ

که خورشید را چراغی تابناک کرد ای که ماه را نوربخش قرار داد ای که شب را

لِبَاسًا، يَا مَنْ جَعَلَ النَّهَارَ مَعَاشًا، يَا مَنْ جَعَلَ النَّوْمَ سُبَاتًا، يَا مَنْ جَعَلَ

پوشش نهاد ای که روز را برای تحصیل معاش مقرر ساختی ای که خواب را مایه آرامش قرار داد ای که

السَّمَاءَ بِنَاءً، يَا مَنْ جَعَلَ الْأَشْيَاءَ أَزْوَاجًا، يَا مَنْ جَعَلَ النَّارَ مِرْصَادًا

آسمان را ساختمانی قرار داد ای که چیزها را جفت آفرید ای که آتش را در کمین (کفار و دوزخیان) قرارداد

(۶۹) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سَمِيعُ يَا شَفِيعُ، يَا رَفِيعُ يَا مَنِيعُ،

(۶۹) خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق نامت ای شنوا ای شفیع ای بلند مرتبه ای والامقام

يَا سَرِيعُ يَا بَدِيعُ، يَا كَبِيرُ يَا قَدِيرُ، يَا خَبِيرُ يَا مُجِيرُ (۷۰) يَا حَيًّا قَبْلَ

ای سریع در کارها ای پدید آورنده ای بزرگ ای توانا ای آگاه ای پناه ده (۷۰) ای زنده پیش از

كُلُّ حَيٍّ، يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، يَا حَيُّ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ حَيٌّ، يَا حَيُّ

هر موجود زنده ای زنده پس از هر موجود زنده ای که نیست مانندش زنده‌ای، ای زنده‌ای

الَّذِي لَا يُشَارِكُهُ حَيٌّ، يَا حَيُّ الَّذِي لَا يَحْتَاجُ إِلَى حَيٍّ، يَا حَيُّ الَّذِي

که شریکش نیست هیچ زنده‌ای، ای زنده‌ای که نیازمند نیست به هیچ زنده‌ای، ای زنده‌ای که

يُمِيتُ كُلَّ حَيٍّ، يَا حَيُّ الَّذِي يَرْزُقُ كُلَّ حَيٍّ، يَا حَيًّا لَمْ يَرِثِ الْحَيَوَةَ

بمیراند هر زنده‌ای را ای زنده‌ای که روزی دهد هر زنده‌ای را ای زنده‌ای که ارث نبرد زندگی را

مِنْ حَيٍّ، يَا حَيُّ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمٌ، لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ

از زنده‌ای، ای زنده‌ای که زنده کند مردگان را، ای زنده پاینده ای که او را چرت

وَلَا نَوْمٌ (۷۱) يَا مَنْ لَهُ ذِكْرٌ لَا يُنْسَى، يَا مَنْ لَهُ نُورٌ لَا يُطْفِئُ، يَا مَنْ لَهُ

و خواب نگیرد (۷۱) ای که یادش فراموش نشدنی است ای که نورش خاموش نشدنی است ای که

نِعْمٌ لَا تُعَدُّ، يَا مَنْ لَهُ مُلْكٌ لَا يَزُولُ، يَا مَنْ لَهُ تَنَاءٌ لَا يُحْصَى، يَا مَنْ لَهُ

نعمتهایش بشمار درنیاید ای که فرمانروایش زوال نپذیرد ای که مدح و ثنایش نتوان شمردن ای که

جَلَالٌ لَا يُكَيَّفُ، يَا مَنْ لَهُ كَمَالٌ لَا يُدْرِكُ، يَا مَنْ لَهُ قَضَاءٌ لَا يُرَدُّ، يَا

چگونگی بزرگی و جلالش نتوان گفتن ای که کمالش قابل درک نباشد ای که فرمان قضایش بازگشت ندارد ای

مَنْ لَهُ صِفَاتٌ لَا تُبَدَّلُ، يَا مَنْ لَهُ نُعُوتٌ لَا تُغَيَّرُ (۷۲) يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ،

که صفاتش تبدیل نپذیرد ای که اوصافش تغییر نکند (۷۲) ای پروردگار جهانیان

يَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ، يَا ظَهَرَ الْأَلْبَابِ، يَا مُدْرِكَ

ای فرمانروای روز جزا ای مقصد نهایی جویندگان ای پشت و پناه پناهندگان ای دریابنده

الْهَارِبِينَ، يَا مَنْ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ، يَا مَنْ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ، يَا مَنْ يُحِبُّ

گریختگان ای که دوست دارد شکیبایان را ای که دوست دارد توبه‌کاران را ای که دوست دارد

الْمُتَطَهِّرِينَ، يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ، يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

پاکیزگان را ای که دوست دارد نیکوکاران را ای که داناتر است به راه یافتگان

(۷۳) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا شَفِيقُ يَا رَفِيقُ، يَا حَفِيْظُ يَا

(۷۳) خدایا از تو می‌خواهم به حق نامت ای مهربان ای رفیق ای نگهدارنده ای

مُحِيطُ، يَا مُقِيْتُ يَا مُعِيْتُ، يَا مُعِزُّ يَا مُذِلُّ، يَا مُبْدِيُّ يَا مُعِيدُ (۷۴) یا

احاطه‌دار بر همه ای توانا ای فریاد رس ای عزت بخش ای خوار کننده ای آغازنده ای بازگرداننده (۷۴) ای

مَنْ هُوَ أَحَدٌ بِلَا ضِدٍّ، يَا مَنْ هُوَ قَرْدٌ بِلَا نِدٍّ، يَا مَنْ هُوَ صَمَدٌ بِلَا عَيْبٍ، يَا

یکتای بی ضد ای که او یگانه‌ای است که مانند ندارد ای که او بی نیازی است بی عیب ای

مَنْ هُوَ وَتَرٌ بِلَا كَيْفٍ، يَا مَنْ هُوَ قَاضٍ بِلَا حَيْفٍ، يَا مَنْ هُوَ رَبٌّ بِلَا

که او تنهایی است و چگونگی ندارد ای که او حاکمی است که ستم در حکمش نیست ای که او پروردگاری است بدون

وَزِيرٍ، يَا مَنْ هُوَ عَزِيزٌ بِلَا ذُلٍّ، يَا مَنْ هُوَ غَنِيٌّ بِلَا فَقْرٍ، يَا مَنْ هُوَ مَلِكٌ

وزیر ای که او عزیزی است بی ذلت ای که او دارایی است که نداری ندارد ای که او پادشاهی است

بِلَا عَزَلٍ، يَا مَنْ هُوَ مَوْصُوفٌ بِلَا شَبِيهِ (۷۵) یا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ

که معزول نشود ای که او توصیف شده‌ای است بی شبیه (۷۵) ای که ذکر او موجب شرافت

لِلذَّاكِرِينَ، يَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ، يَا مَنْ حَمْدُهُ عِزٌّ لِلْحَامِدِينَ،

ذکرکنندگان او است ای که سپاسگزارش مایه سعادت سپاسگزاران است ای که ستایشش عزتی است برای

ستایش‌کنندگان

يَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِّلْمُطِيعِينَ، يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِّلطَّالِبِينَ، يَا مَنْ

ای که طاعتش وسیله نجات مطیعان است ای که در رحمتش باز است به روی رحمت‌خواهان ای که

سَبِيلُهُ وَاضِحٌ لِّلْمُنْبِيِّينَ، يَا مَنْ آيَاتُهُ بُرْهَانٌ لِّلنَّاطِرِينَ، يَا مَنْ كِتَابُهُ

راه بسوی او آشکار است برای بازآمدگان ای که آیات و نشانه‌هایش دلیل روشنی است برای بینندگان ای که کتابش

تَذَكِّرُهُ لِّلْمُتَّقِينَ، يَا مَنْ رِزْقُهُ عُمُومٌ لِّلطَّائِعِينَ وَالْعَاصِينَ، يَا مَنْ

سبب پند و تنبیه است برای پرهیزکاران ای که روزی او همگانی است برای فرمانبرداران و نافرمانان

رَحْمَتُهُ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ (۷۶) یا مَنْ تَبَارَكَ اسْمُهُ، يَا مَنْ تَعَالَى

ای که رحمتش نزدیک است به نیکوکاران (۷۶) ای که نامش بزرگ است ای که اقبال او بلند است

جَدُّهُ، يَا مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ، يَا مَنْ جَلَّ تَنَائُهُ، يَا مَنْ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاءُهُ، يَا

ای که معبودی جز او نیست ای که برجسته است ثنا و مدحش ای که پاکیزه است نام‌هایش ای

مَنْ يَدُومُ بَقَائُهُ، يَا مَنْ الْعِظْمَةُ بَهَائُهُ، يَا مَنْ الْكِبْرِيَاءُ رِدَائُهُ، يَا مَنْ لَا

که بقیایش همیشگی است ای که عظمت جلوه او است ای که بزرگی در بر او است ای که

تُحْصِي الْأَثْمَةَ، يَا مَنْ لَا تُعَدُّ نِعْمَاتُهُ (۷۷) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

نیکیهایش به حساب درنیاید ای که نعمتهایش شماره نشود (۷۷) خدایا از تو خواهم به حق نامت

يَا مُعِينُ يَا أَمِينُ، يَا مُبِينُ يَا مَتِينُ، يَا مَكِينُ يَا رَشِيدُ، يَا حَمِيدُ يَا

ای یاور ای امان بخش ای آشکار کننده ای استوار و ثابت ای پابرجا ای راهنما ای ستوده ای

مَجِيدُ، يَا شَدِيدُ يَا شَهِيدُ (۷۸) يَا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ، يَا ذَا الْقَوْلِ

گرامی ای سخت نیرو ای گواه (۷۸) ای صاحب عرش با شوکت ای صاحب گفتار

السَّديدِ، يَا ذَا الْفِعْلِ الرَّشِيدِ، يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يَا ذَا الْوَعْدِ

محکم ای صاحب کار مستحکم ای صاحب حمله سخت ای صاحب نوید

وَالْوَعِيدِ، يَا مَنْ هُوَ الْوَالِيُّ الْحَمِيدُ، يَا مَنْ هُوَ فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ، يَا مَنْ هُوَ

و تهدید ای که او است صاحب اختیاری ستوده ای که او است کننده هر چه را خواهد ای که او است

قَرِيبٌ غَيْرٌ بَعِيدٍ، يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ، يَا مَنْ هُوَ لَيْسَ بِظَلَامٍ

نزدیکی که دوری ندارد ای که او بر هر چیز گواه باشد ای که او ستمکار بر بندگان

لِلْعَبِيدِ (۷۹) يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، يَا مَنْ لَا شَبِيهَ لَهُ وَلَا نَظِيرَ،

نیست (۷۹) ای که برایش شریک و وزیری نیست ای که برایش شبیه و نظیری نیست

يَا خَالِقَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ الْمُنِيرِ، يَا مُغْنِيَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ، يَا رَازِقَ

ای آفریننده مهر و ماه تابنده ای بی نیاز کننده بی‌نوا درمانده ای روزی ده

الطُّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ، يَا جَابِرَ الْعِظْمِ الْكَسِيرِ، يَا

کودک خردسال ای مهرورز پیر کهن سال ای جوش ده استخوان شکسته ای

عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ هُوَ بَعِيدُهُ خَيْرٌ بَصِيرٌ، يَا مَنْ هُوَ

نگهدار ترسان پناهنده ای که به حال بندگان خیر و بینا است ای که او

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۸۰) يَا ذَا الْجُودِ وَالنَّعْمِ، يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْكَرَمِ، يَا

بر هر چیز قادر و تواناست (۸۰) ای صاحبِ جود و نعمت ای صاحبِ بخشش و بزرگواری ای

خَالِقَ اللَّوْحِ وَالْقَلَمِ، يَا بَارِيَّ الذَّرِّ وَالنَّسَمِ، يَا ذَا الْبَاسِ وَالنَّقَمِ، يَا

آفریننده لوح و قلم ای پدید آورنده ذرات و انسان ای دارای عذاب و انتقام ای

مُلْهِمَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْأَلَمِ، يَا عَالِمَ السِّرِّ وَالْهَيْمَمِ، يَا

الهام بخش عرب و عجم ای برطرف کننده رنج و الم ای دانای راز و قصدهای نهان ای

رَبَّ الْبَيْتِ وَالْحَرَمِ، يَا مَنْ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنَ الْعَدَمِ (۸۱) اَللّٰهُمَّ اِنِّي

پروردگار کعبه و حرم ای که آفریدی موجودات را از نیستی و عدم (۸۱) خدایا از تو

اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا فَاعِلٌ يَا جَاعِلٌ، يَا قَابِلٌ يَا كَامِلٌ، يَا فَاصِلٌ يَا

خواهم به حق نامت ای کننده (هر کار) ای مقرر کننده (امور) ای پذیرنده ای کامل ای جدا کننده ای

وَأَصِلٌ، يَا عَادِلٌ يَا غَالِبٌ، يَا طَالِبٌ يَا وَاهِبٌ (۸۲) يَا مَنْ أَنْعَمَ بِطَوْلِهِ،

پیوست دهنده ای دادگر ای چیره ای جوینده ای بخشنده (۸۲) ای که نعمت بخشید به فضل خود

يَا مَنْ أَكْرَمَ بِجُودِهِ، يَا مَنْ جَادَ بِلُطْفِهِ، يَا مَنْ تَعَزَّزَ بِقُدْرَتِهِ، يَا مَنْ قَدَّرَ

ای که کرم کرد به بخشش خود ای که جود کرد به لطف خود ای که عزیز باشد به نیروی خود ای که اندازه گیرد

بِحِكْمَتِهِ، يَا مَنْ حَكَّمَ بِتَدْبِيرِهِ، يَا مَنْ دَبَّرَ بِعِلْمِهِ، يَا مَنْ تَجَاوَزَ بِحِلْمِهِ،

به حکمت خویش ای که حکم کند به تدبیر خود ای که تدبیر کرد به دانش خود ای که بگذرد به بردباری خویش

يَا مَنْ دَنَى فِي عُلُوِّهِ، يَا مَنْ عَلَا فِي دُنُوِّهِ (۸۳) يَا مَنْ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ

ای که نزدیک است در عین بلندی و ای که بلند است در عین نزدیکی (۸۳) ای که می آفریند هر چه را خواهد

يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ يَا مَنْ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ،

ای که انجام دهد هر چه خواهد ای که راهنمایی کند هر که را خواهد ای که گمراه کند هر که را خواهد

يَا مَنْ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُعِزُّ مَنْ يَشَاءُ،

ای که عذاب کند هر که را خواهد ای که بیامرزد هر که را خواهد ای که عزت بخشد به هر که خواهد

يَا مَنْ يُذِلُّ مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُصَوِّرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ، يَا مَنْ

ای که ذلت دهد به هر که خواهد ای که نقش بندد در میان رحم‌ها هر طور که خواهد ای که

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ (۸۴) يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَكْدًا، يَا

مخصوص به رحمت خویش گرداند هر که را خواهد (۸۴) ای که نگرفته است همسر و فرزندی ای

مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا، يَا مَنْ لَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا، يَا مَنْ

که قرار داد برای هر چیز اندازه‌ای ای که شریک نکرده در حکم خویش احدی را ای که

جَعَلَ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا، يَا مَنْ جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا، يَا مَنْ جَعَلَ

قرار داد فرشتگان را پیام‌آور ای که در آسمان برجها قرار داد ای که

الْأَرْضَ قَرَارًا، يَا مَنْ خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا، يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ

زمین را قرارگاه کرد ای که آفرید از آب بشر را ای که قرار داد برای هر چیز

أَمَدًا، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِدْدًا

مدت و دورانی ای که دانشش به هر چیز احاطه کرده ای که عدد هر چیز را شماره کرده

(۸۵) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ یَا اَوَّلُ یَا اٰخِرُ، یَا ظَهِرُ یَا بَاطِنُ، یَا

(۸۵) خدایا از تو خواهم به حق نامت ای آغاز ای انجام ای ظاهر ای نهان ای

بَرُّ یَا حَقُّ، یَا فَرْدُ یَا وَتَرُ، یَا صَمَدُ یَا سَرْمَدُ (۸۶) یَا خَیْرَ مَعْرُوفٍ

نیکوکار ای برحق ای یکتا ای بی‌همتا ای بی‌نیاز ای ابدی (۸۶) ای بهترین شناخته شده

عُرْفَ، یَا اَفْضَلَ مَعْبُودٍ عِبْدٍ، یَا اَجَلَ مَشْکُورٍ شُکْرِ، یَا اَعَزَّ مَذْکُورٍ ذُکْرِ،

به نیکی ای برترین معبودی که پرستش شده ای بهترین سپاس شدگان ای عزیزترین یادشدگان

یَا اَعْلٰی مَحْمُودٍ حَمْدٍ، یَا اَقْدَمَ مَوْجُودٍ طَلِبٍ، یَا اَرْفَعَ مَوْصُوفٍ

ای والاترین ستوده شده ای پیش‌ترین موجودی که جویایش شده‌اند ای برترین موجودی که مورد

وُصِفَ، یَا اَكْبَرَ مَقْصُودٍ قَصْدٍ، یَا اَكْرَمَ مَسْتَوِلٍ سُئِلَ، یَا اَشْرَفَ

توصیف واقع شده ای بزرگتر مقصودی که قصد او کرده‌اند ای بزرگوار کسی که از او درخواست شده‌ای ارجمندترین

مَحْبُوبٍ عُلِمَ (۸۷) یَا حَبِيبَ الْبَاکِیْنَ، یَا سَيِّدَ الْمُتَوَكِّلِیْنَ، یَا هَادِیَ

دوستی که توان یافت (۸۷) ای دوست گریانان ای آقای توکل کنندگان ای رهنمای

الْمُضِلِّیْنَ، یَا وَلِیَّ الْمُؤْمِنِیْنَ، یَا اَنِیْسَ الذَّاكِرِیْنَ، یَا مَفْرَعَ الْمَلْهُوْفِیْنَ،

گمراهان ای سرور مؤمنان ای همدم یاد کنندگان (او) ای پناه ستمدیدگان

يا مُنَجِّى الصَّادِقِينَ، يا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ، يا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ، يا إِلَهَ

ای نجات دهنده راستگویان ای مقتدرترین قدرت داران ای داناترین دانایان ای معبود

الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ (۸۸) يا مَنْ عَلَا فَفَقِهَرَ، يا مَنْ مَلَكَ فَفَقَدَرَ، يا مَنْ بَطَنَ

تمامی آفریدگان (۸۸) ای که از برتری بر همه قاهر است ای که فرمانروا است و نیرومند ای که در درونی

فَخَبَرَ، يا مَنْ عَبْدٌ فَشَكَرَ، يا مَنْ عُصِيَ فَغَفَرَ، يا مَنْ لَا تَحْوِيهِ الْفِكْرُ، يا

و از درون آگاه ای که پرستندش و او بدان پاداش دهد ای که نافرمانیش کنند و بیمارزد ای که در فکرها ننگبند ای

مَنْ لَا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ، يا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَثْرٌ، يا رازِقَ الْبَشَرِ يا مُقَدِّرَ

که دیده‌ای او را درنیابد ای که هیچ کاری بر او پنهان نماند ای روزی ده بشر ای اندازه‌گیر

كُلِّ قَدَرٍ (۸۹) اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا حَافِظُ يا بَارِئُ، يا ذَارِئُ

هر اندازه (۸۹) خدایا از تو خواهم به حق نامت ای نگهدار ای پدید آورنده ای آفریننده

يا باذِخُ، يا فَارِجُ يا فَاتِحُ، يا كاشِفُ يا ضامِنُ، يا امِرُ يا ناهى (۹۰) يا

ای والامقام ای غمزدای ای کارگشا ای برطرف کننده اندوه ای ضامن بندگان ای فرمان ده ای قدغن کن از کارهای بد

مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ اِلَّا هُوَ، يا مَنْ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ اِلَّا هُوَ، يا مَنْ

(۹۰) ای که نمی‌داند غیب را جز او ای که باز نگرداند بدی را جز او ای که

لا يَخْلُقُ الْخَلْقَ اِلَّا هُوَ، يا مَنْ لا يَعْفِرُ الذَّنْبَ اِلَّا هُوَ، يا مَنْ لا يَتِمُّ النِّعْمَةَ

نیافریند خلق را جز او ای که نیامرزد گناه را جز او ای که به پایان نرساند نعمت و احسان را

اِلَّا هُوَ، يا مَنْ لا يَقْلِبُ الْقُلُوبَ اِلَّا هُوَ، يا مَنْ لا يُدَبِّرُ الْأَمْرَ اِلَّا هُوَ، يا

جز او ای که دگرگون نکند دلها را جز او ای که تدبیر نکند کارها را جز او ای

مَنْ لا يُنْزِلُ الْغَيْثَ اِلَّا هُوَ، يا مَنْ لا يَبْسُطُ الرِّزْقَ اِلَّا هُوَ، يا مَنْ

که فرو نرستد باران را جز او ای که نگستراند روزی را جز او ای که

لا يُخِيبِ الْمَوْتَى اِلَّا هُوَ (۹۱) يا مُعِينِ الضُّعَفَاءِ، يا صاحِبِ الْغُرَبَاءِ، يا

زنده نکند مردگان را جز او (۹۱) ای کمک کار ناتوانان ای رفیق دور از وطنان ای

ناصرِ الْاَوْلِيَاءِ، يا قاهرِ الْاَعْدَاءِ، يا رافعِ السَّمَاءِ، يا اَنيسَ الْاَصْفِيَاءِ، يا

يارِ دوستانِ اى چيره بر دشمنانِ اى بالا برنده آسمانِ اى مونس برگزیدگانِ اى

حَبِيبِ الْاَتْقِيَاءِ، يا كَنزَ الْفُقَرَاءِ، يا اِلَهَ الْاَغْنِيَاءِ، يا اَكْرَمَ الْكُرْمَاءِ

دوست پرهيزكارانِ اى گنجينه بينوايانِ اى معبود توانگرانِ اى كريمترين كريمان

(۹۲) يا كافيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، يا قَائِمًا عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ، يا مَنْ لَا يُشْبِهُهُ

(۹۲) اى كفايت كننده از هر چيزِ اى نگهبان بر هر چيزِ اى كه چيزى مانندش نيست

شَيْءٍ، يا مَنْ لَا يَزِيدُ فِى مُلْكِهِ شَيْءٍ، يا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ، يا

اى كه چيزى به فرمانروائيش نيفزايد اى كه چيزى بر او پوشيده نيست اى

مَنْ لَا يَنْقُصُ مِنْ خَزَائِنِهِ شَيْءٌ، يا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، يا مَنْ لَا

كه كم نشود از گنجينه هائيش چيزى اى كه نيست همانندش چيزى اى كه

يَعْزُبُ عَنْ عِلْمِهِ شَيْءٌ، يا مَنْ هُوَ خَبِيرٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، يا مَنْ وَسِعَتْ

پنهان نماند از دانش او چيزى اى كه او خبير و آگاه است به هر چيزِ اى كه رحمتش

رَحْمَتُهُ كُلِّ شَيْءٍ (۹۳) اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يا مُكْرِمُ يا مُطْعِمُ،

فراگيرد هر چيز را (۹۳) خدايا از تو مى خواهم به حق نامت اى اكرام كننده اى طعام دهنده

يا مُنْعِمُ يا مُعْطِى، يا مُغْنِى يا مُفْنِى، يا مُفْنِى يا مُحْبِى، يا مُرْضِى يا

اى نعمت بخشنده اى عطا ده اى ثروت ده اى سرمايه ده اى فانى كننده اى زنده كننده اى خشنود سازنده اى

مُنْجِى (۹۴) يا اَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَّآخِرَهُ، يا اِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ وَّمَلِيْكَهُ، يا رَبَّ

نجات بخش (۹۴) اى آغاز و انجام هر چيزِ اى معبود و مالك هر چيزِ اى پروردگار

كُلِّ شَيْءٍ وَّصَانِعَهُ، يا بَارِئُ كُلِّ شَيْءٍ وَّخَالِقَهُ، يا قَابِضُ كُلِّ شَيْءٍ

و سازنده هر چيزِ اى پديد آورنده و آفريننده هر چيزِ اى بست و باز كننده هر چيزِ

وَبَاسِطُهُ، يا مُبْدِئُ كُلِّ شَيْءٍ وَّمُعِيدُهُ، يا مُشْئِى كُلِّ شَيْءٍ وَّمُقَدِّرُهُ، يا

اى پديد آورنده و بازگرداننده هر چيزِ اى بوجود آورنده و اندازه گير هر چيزِ اى

مُكَوِّنُ كُلِّ شَيْءٍ، وَّمُحَوِّلُهُ يا مُحْبِى كُلِّ شَيْءٍ، وَّمُمِيتُهُ يا خَالِقُ

بود کننده و تبدیل کننده هر چیز ای زنده کننده و میراننده هر چیز ای آفریننده

كُلِّشَىءٍ وَّوَارِثَهُ (۹۵) يَا خَيْرَ ذَاكِرٍ وَمَذْكُورٍ، يَا خَيْرَ شَاكِرٍ وَمَشْكُورٍ،

و وارث هر چیز (۹۵) ای بهترین یادآور و یاد شده ای بهترین سپاسگزار و سپاس شده

يَا خَيْرَ حَامِدٍ وَمَحْمُودٍ، يَا خَيْرَ شَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ، يَا خَيْرَ دَاعٍ وَمَدْعُوٍّ،

ای بهترین ستاینده و ستوده شده ای بهترین گواه و گواهی شده ای بهترین خواننده و خوانده شده

يَا خَيْرَ مُجِيبٍ وَمُجَابٍ، يَا خَيْرَ مُنِيسٍ وَأَنِيسٍ، يَا خَيْرَ صَاحِبٍ

ای بهترین اجابت کن و اجابت کرده شده ای بهترین انیس و مونس ای بهترین رفیق

وَجَلِيسٍ، يَا خَيْرَ مَقْصُودٍ وَمَطْلُوبٍ، يَا خَيْرَ حَبِيبٍ وَمَحْبُوبٍ (۹۶) يَا

و هم نشین ای بهترین مقصود و مطلوب ای بهترین دوست و محبوب (۹۶) ای

مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعَاهُ مُجِيبٌ، يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ أَطَاعَهُ حَبِيبٌ، يَا مَنْ هُوَ إِلَى

که برای خواننده اش اجابت کند ای که به مطیع و فرمانبردارش دوست است ای که به هر که

مَنْ أَحَبَّهُ قَرِيبٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ اسْتَحْفَظَهُ رَقِيبٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ

دوستش دارد نزدیک است ای که برای هر کس که از او نگهداری خواهد نگاهبانست ای که نسبت به هر کس به او امید

كَرِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي عَظْمَتِهِ رَحِيمٌ، يَا مَنْ

داشته باشد کریم است ای که نسبت به نافرمانش بردبار است ای که در عین عظمت و بزرگیش مهربان است ای که

هُوَ فِي حِكْمَتِهِ عَظِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي إِحْسَانِهِ قَدِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ

در حکمت خود عظیم است ای که در احسان و عطابخشی دیرین است ای که به هر کس که او را

أَرَادَهُ عَلِيمٌ (۹۷) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُسَبِّبُ يَا مُرَغَّبُ، يَا

بطلبد دانا است (۹۷) خدایا از تو می خواهم به حق نامت ای سبب ساز ای رغبت ده ای

مُقَلِّبُ يَا مُعْتَبٌ، يَا مُرْتَبُّ يَا مُخَوِّفٌ، يَا مُحَذِّرٌ يَا مُذَكِّرٌ، يَا مُسَخِّرٌ

ذیر و رو کن ای پی جو ای ترتیب ده ای بیم ده ای ترساننده ای یادانداز ای مسخر کننده ای

مُعَيِّرٌ (۹۸) يَا مَنْ عَلِمَهُ سَابِقٌ، يَا مَنْ وَعَدَهُ صَادِقٌ، يَا مَنْ لُطْفَهُ ظَاهِرٌ،

تغییر دهنده (۹۸) ای که دانشش پیش است ای که وعده اش راست است ای که لطفش آشکار است

يَا مَنْ أَمْرُهُ غَالِبٌ، يَا مَنْ كِتَابُهُ مُحْكَمٌ، يَا مَنْ قَضَائُهُ كَائِنٌ، يَا مَنْ

ای که فرمانش بر همه غالب است ای که کتابش محکم است ای که حکم و قضایش حتمی است ای که

قُرْآنُهُ مَجِيدٌ، يَا مَنْ مُلْكُهُ قَدِيمٌ، يَا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ، يَا مَنْ عَرْشُهُ

قُرْآنش مجید و گرامی است ای که فرمانروایش قدیم است ای که فضل و بخشش همگانی است ای که عرش

عَظِيمٌ (۹۹) يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، يَا مَنْ لَا يَمْنَعُهُ فِعْلٌ عَنْ

او عظیم است (۹۹) ای که سرگرم نکند او را شنیدن از شنیدن دیگر ای که بازش ندارد کاری از

فِعْلٍ، يَا مَنْ لَا يُلْهِيهِ قَوْلٌ عَنْ قَوْلٍ، يَا مَنْ لَا يُعْلِطُهُ سَوَالٌ عَنْ سَوَالٍ،

کاری ای که مشغولش نکند گفتاری از گفتاری دیگر ای که به اشتباهش نیندازد پرسشی از پرسشی

يَا مَنْ لَا يَحْجُبُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ، يَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ الْإِحَاحُ الْمَلْحِينِ، يَا

ای که حجاب نشود او را چیزی از چیزی ای که به ستوهش نیاورد پافشاری اصرار و وزان ای

مَنْ هُوَ غَايَةٌ مُرَادِ الْمُرِيدِينَ، يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى هِمَمِ الْعَارِفِينَ، يَا مَنْ

که او متتهای مقصود جویندگان است ای که او سرحد نهایی و وجه همت عارفان است ای که

هُوَ مُنْتَهَى طَلَبِ الطَّالِبِينَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ ذَرَّةٌ فِي الْعَالَمِينَ،

او آخرین مرحله خواسته خواستاران است ای که بر او ذره‌ای در تمام جهانیان پنهان نیست

(۱۰۰) يَا حَلِيمًا لَا يَعْجَلُ، يَا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ، يَا صَادِقًا لَا يُخْلِفُ، يَا

(۱۰۰) ای بردباری که شتاب نکند ای بخشنده‌ای که بخل ندارد ای راست وعده‌ای که خلاف وعده نمی‌کند ای

وَهَابًا لَا يَمَلُّ، يَا قَاهِرًا لَا يُغْلَبُ، يَا عَظِيمًا لَا يُوصَفُ، يَا عَدْلًا لَا

بخشنده‌ای که خسته نمی‌شود ای چیره‌ای که شکست نپذیرد ای بزرگی که در وصف ننگند ای دادگری که

يَحِيفُ، يَا غَنِيًّا لَا يَفْتَقِرُ، يَا كَبِيرًا لَا يَصْغُرُ، يَا حَافِظًا لَا يَعْغُلُ، سُبْحَانَكَ

در حکمش ستم نکند ای توانگری که درویش نشود ای بزرگی که کوچک نشود ای نگهبانی که غفلت نکند منزهی

يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ، حَلَّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ.

تو ای خدایی که نیست معبودی جز تو فریاد فریاد نجات ده ما را از آتش دوزخ ای پروردگار

دعای جوشن صغیر

در کتب معتبره بشرحی مبسوطتر از شرح جوشن کبیر نقل شده و کفعمی در حاشیه بلد الامین فرموده که این دعائیست رفیع الشأن عظیم المنزله و چون موسی هادی عباسی قصد قتل حضرت کاظم علیه السلام نمود آن حضرت این دعا را خواند جدش پیغمبر صلی الله علیه و آله را در خواب دید که به او فرمود حق تعالی هلاک خواهد کرد دشمن تو را و این دعا در مهج الدعوات سیّد بن طاووس نیز نقل شده و ما بین نسخه کفعمی و سید اختلافست و ما موافق بلد الامین کفعمی نقل نمودیم و آن دعا این است:

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدای بخشاینده مهربان

إلهی، کَمْ مِنْ عَدُوٍّ أَنْتَضَى عَلَيَّ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ، وَشَحَذَ لِي ظُبَّةَ

معبودا چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی بروی من کشید و لبه کاردش را برایم تیز کرد

مِدْيَتِهِ، وَأَرْهَفَ لِي شِبَاحِدَهُ، وَدَافَ لِي قَوَاتِلَ سَمُومِهِ، وَسَدَّدَ إِلَيَّ

و دم برنده اش را برایم آماده کرد و زهرهای کشنده اش را برایم آمیخته و نشان گرفت بسوی من

صَوَائِبَ سِهَامِهِ، وَلَمْ تَنْمُ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ، وَأَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي

تیرهای نشانگیرش را و چشمش در مراقبت من به خواب نرفت و در دل گرفت که به من آزاری رساند

الْمَكْرُوهَ، وَيُجْرِعُنِي دُعَاةَ مَرَارَتِهِ، نَظَرْتُ إِلَى ضَعْفِي عَنِ احْتِمَالِ

و جرعه های تلخ زهر خود را به گلویم بریزد در این حال تو به ناتوانی من نگریستی که طاقت تحمل

الْفَوَاحِ، وَعَجَزَى عَنِ الْإِنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ، وَوَحَدْتِي

ناگوار را ندارم و عجز مرا در استمداد برای کسی که به قصد جنگ با من برخاسته دیدی و تنهایی مرا

فِي كَثِيرٍ مِمَّنْ نَاوَانِي، وَأَرُصَدَ لِي فِيمَا لَمْ أُعْمَلْ فِكْرِي فِي

در مقابل انبوه دشمنانی که قصد آزار مرا کرده و سرِ راهم کمین کرده‌اند و فکر من در خلاصی از

الْأَرُصَادِ لَهُمْ بِمِثْلِهِ، فَأَيَّدْتَنِي بِقُوَّتِكَ، وَشَدَّدْتَ أَزْرِي بِنُصْرَتِكَ،

آنها به جایی نمی‌رسد مشاهده کردی پس مرا به نیروی خود کمک دادی و بوسیله یاری خود پشتم را محکم بستی

وَقَلَّتْ لِي حُدَّةٌ، وَخَذَلْتَهُ بَعْدَ جَمْعِ عَدِيدِهِ وَحَشْدِهِ، وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي

و تیغ برنده دشمن را بر من کند کردی و او را پس از زحمتی که در جمع‌آوری نفرات و وسایل نابودی من کشیده بود

خوار کردی

عَلَيْهِ، وَوَجَّهْتَ مَا سَدَدَ إِلَيَّ مِنْ مَكَائِدِهِ إِلَيْهِ، وَرَدَدْتَهُ عَلَيْهِ، وَلَمْ

و مرا بر او توفیق دادی و شرّ آن نقشه‌های شومی که برای من کشیده بود به خودش برگرداندی و عطف او را در نابودی

يَشْفِ عَلَيْهِ، وَلَمْ تَبْرُدْ حِرَازَاتُ غَيْظِهِ، وَقَدْ عَضَّ عَلَيَّ أَنَامِلُهُ، وَأَدْبَرَ

من فرو نشانندی و دلش را در این باره خنک نکردی و در حالی که از سوز خشمش بر من انگشت به دندان می‌گزید

پشت کرده و

مَوْلِيًّا قَدْ أَحَقَّقْتَ سَرَايَاهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

فرارکرد و تجهیزات جنگی و نفرات او درهم‌شکست پس ستایش برای تو سزااست

پروردگارا که نیرومندی هستی شکست‌ناپذیر

وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَاتِكَ

و بردباری هستی که شتاب نخواهی کرد درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از سپاسگزاران نعمتهای خود

مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلَّائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي وَكَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِي

و از یادکنندگان بخششهای خویش قرار ده معبودا و چه بسیار ستم‌پیشه‌ای که با نقشه شومش به من ستم کرد و

بِمَكَائِدِهِ، وَنَصَبَ لِي أَشْرَاكَ مَصَايِدِهِ، وَوَكَّلَ بِي تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ،

برای شکار کردنم دامها نهاد و مرا دقیقاً زیر نظر گرفت

وَأَضْبَأَ إِلَيَّ إِضْبَاءَ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ، أَنْتَظَرُ لَأَنْتَهَازَ فُرْصَتَهُ، وَهُوَ

و مانند درنده‌ای که برای شکار گریخته خود کمین می‌کند به کمین من نشست تا فرصتی بدست آرد با اینکه

يُظْهِرُ بِشَاشَةِ الْمَلَقِ، وَيَبْسُطُ لِي وَجْهًا غَيْرَ طَلِقٍ، فَلَمَّا رَأَيْتَ دَعَلَ

درصورت ظاهر خود را از روی تملق بشاش نشان می‌داد و روی گشاده بی‌حقیقتی به من می‌نمود، و هنگامی که توای

خدا نادرستی

سَرِيرَتِهِ، وَفُتِحَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ لِشَرِيكِهِ فِي مَلَّتِهِ، وَأَصْبَحَ مُجْلِبًا لِي

باطن او را دیدی و زشتی نیشش را برای هم‌کیشش مشاهده فرمودی و دیدی که چگونه مرا بسوی ستم خود می‌کشد او را

فِي بَغْيِهِ، أَرْكَسْتَهُ لِأُمَّ رَأْسِهِ، وَأَتَيْتَ بُنْيَانَهُ مِنْ أَسَاسِهِ، فَصَرَعْتَهُ فِي

به مغز به زمین زدی و ریشه‌اش را از بیخ و بن برکندی و او را در همان چاهی که برای من کنده بود درافکندی و در

زُبَيْتِهِ، وَرَدَيْتَهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ، وَجَعَلْتَ خَدَّهُ طَبَقًا لِتُرَابِ رِجْلِهِ،

گودالی که به دست خود حفر کرده بود سرنگونش کردی و گونه‌اش را مطابق خاک پایش کردی و او را سرگرم تن و

وَسَعَلْتَهُ فِي بَدَنِهِ وَرَزَقْتَهُ، وَرَمَيْتَهُ بِحَجَرِهِ، وَخَنَقْتَهُ بِوَتْرِهِ، وَدَكَّيْتَهُ

روزی خودش کردی و به سنگ خودش او را زدی و بازه کمان خودش جانش بگرفتی و بوسیله سرنیزه‌های خودش او

راهلاک

بِمَشَاقِصِهِ، وَكَبَيْتَهُ لِمَنْخَرِهِ، وَرَدَدْتِ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ، وَرَبَّقْتَهُ بِدَامَتِهِ،

ساختی و پرو درافکندی و مکر و حيله‌اش را به خودش برگرداندی و در بند پشیمانی گرفتارش کردی و پشتش را در

زیر بار

وَفَسَّاتُهُ بِحَسْرَتِهِ، فَاسْتَخَذْنَا وَتَضَائِلَ بَعْدَ نَخْوَتِهِ، وَانْقَمَعَ بَعْدَ

حسرت خم کردی تا آنکه پس از همه نخوت و تکبر خوار گشته به زانو درآمد و پس از

أَسْتِطَالَتِهِ، ذَلِيلًا مَأْسُورًا فِي رِبْقِ حِبَالَتِهِ، الَّتِي كَانَ يُؤْمَلُّ أَنْ يَرَانِي

گردنکشی با خواری مخصوصی ریشه‌کن شد و در بند دام خود که در روز تسلطش آرزو داشت مرا در آن ببند

فِيهَا يَوْمَ سَطْوَتِهِ، وَقَدْ كِدْتُ يَا رَبُّ لَوْ لَا رَحْمَتِكَ، أَنْ يَحُلَّ بِي مَا

گرفتار شد و ای پروردگار من اگر رحمت تو نبود چیزی نمانده بود که به همان بلایی که او دچار شده

حَلَّ بِسَاحَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبُّ مِنْ مُقَدَّرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَا

من دچار گردم پس ستایش خاص تو است ای پروردگار من که نیرومندی هستی شکست‌ناپذیر و بردباری هستی که

لَا يَعْجَلُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

شتاب نمی‌کنی درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از

الشَّاكِرِينَ، وَاللَّا يَكُ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ شَرِقَ

سپاسگزاران نعمت‌هایت قرار ده و از یادکنندگان عطا‌هایت بدار خدایا چه بسیار حسودی که

بِحَسْرَتِهِ، وَعَدُوٌّ شَجِي بَغِيْظِهِ، وَسَلَفَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ، وَوَحَزَنِي بِمُوقِ

حسرت در گلویش گیر کرده و دشمنی که خشم او در گلویش شکسته و با زبان تیزش مرا آزرده و

عَيْنِهِ، وَجَعَلَنِي غَرَضًا لِمِرَامِيهِ، وَقَلَّدَنِي خِلَالَ لَمْ تَزَلْ فِيهِ، نَادَيْتُكَ يَا

نگاه خشمگین خود را از گوشه چشم همچون تیری بر بدنم فرو کرده و مرا هدف تیرهای خود قرار داده و کارهایی را

به گردنم

رَبِّ مُسْتَجِيرًا بِكَ، وَاثِقًا بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ، مُتَوَكِّلًا عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ

انداخت که من ای پروردگام پیوسته در این باره از روی پناه‌خواهی تو را خواندم به خاطر اطمینانی که بسرعت

اجابت توداشتم

أَتَعْرِفُهُ مِنْ حُسْنِ دِفَاعِكَ، عَالِمًا أَنَّهُ لَا يُضْطَهَدُ مَنْ أَوَى إِلَى ظِلِّ

و بر سابقه خوبی که همیشه در دفاع کردنت داشتم توکل نمودم و می‌دانستم که هرکس در سایه

كَنْفِكَ، وَلَنْ تَفْرَعَ الْحَوَادِثُ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ الْإِنْتِصَارِ بِكَ،

حمایت تو مأوی گیرد مورد ستم و ظلم کسی واقع نگردد و آنکس که به قلعه کمک‌خواهی تو پناه برد حوادث کوبنده

روزگار

فَحَصَّنْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبُّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا

براو کارگر نشود و تو ای خدا بوسیله نیرویت مرا از آزار او در پناه گرفتی پس از آن تو است ستایش ای پروردگار من که

نیرومندی

يُغَلَّبُ، وَذِي آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي

هستی شکست‌ناپذیر و بردباری هستی بدون شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از سپاسگزاران

لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ. وَاللَّا يَكُ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَكَمْ مِنْ

نعمت‌هایت و از یادکنندگان عطا‌هایت قرار ده خدایا و چه بسا ابرهایی از گرفتاری (که بسویم در حرکت بود)

سَحَابٍ مَكْرُوهٍ جَلِيَّتْهَا، وَسَمَاءٍ نِعْمَةٍ مَطَرَتْهَا - وَجَدَاوِلِ كَرَامَةٍ

و تو پراکنده‌شان کردی و چه بسا آسمان نعمتی که بر من فرو باریدی و نهرهای بزرگواری که

اَجْرِيَّتْهَا، وَأَعْيُنِ أَحْدَاثٍ طَمَسَتْهَا، وَنَاشِيَةِ رَحْمَةٍ نَشَرَتْهَا، وَجَنَّةٍ

روان کردی و چشمه‌های جوشان حوادثی که رویش را پوشاندی و لکه‌های کوچکی از ابر رحمت که آنرا پهن کردی و

زره‌های

عَافِيَةِ الْبَسْتِهَا، وَغَوَامِرِ كُرْبَاتٍ كَشَفَتْهَا، وَأُمُورٍ جَارِيَةٍ قَدَّرْتَهَا، لَمْ

تندرستی که بر بدنم پوشاندی و گردابهایی از اندوه که برطرف کردی و امور جاریه دیگری که مقدر کردی و تو هرگاه

تُعْجِزُكَ إِذْ طَلَبْتَهَا، وَلَمْ تَمْتَنِعْ مِنْكَ إِذْ أَرَدْتَهَا، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبَّ

خواستیشان از طلب آنها درنماندی و هرگاه آنها را اراده فرمودی قدرت بر امتناع نداشتند پس تو را است ستایش ای

پروردگار من

مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُعْلَبُ، وَذِي آتَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

ای نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد

وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلْآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي،

و قرار ده مرا از سپاسگزاران نعمت‌هایت و از یادکنندگان عطا‌هایت خدایا

وَكَمِّ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ، وَمِنْ كَسْرِ أَمْلَاقٍ جَبَرْتَ، وَمِنْ مَسْكَنَةٍ

و چه بسا خوش‌گمانی مرا که صورت عمل دادی و چه بسیار شکست‌های بی‌چیزی مرا که جبران کردی و ناداریهای

فَادِحَةٍ حَوَّلْتَ، وَمِنْ صَرَعَةِ مَهْلِكَةٍ نَعَشْتِ، وَمِنْ مَشَقَّةٍ أَرَحْتَ،

سخت و کمر شکن را که از من گرداندی و سقوط‌های نابودکننده‌ای که بلندم کردی و چه سختی‌ها که مبدل به راحتی

کردی

لَا تُسْئَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُونَ، وَلَا يَنْقُصُكَ مَا أَنْفَقْتَ، وَأَلْقَدَ سَأَلْتُ

بازخواست‌نشوی از آنچه می‌کنی ولی دیگران بازخواست شوند و هر چه خرج کنی چیزی از تو کاسته نگردد و چون از تو

بخواهند

فَاعْطَيْتَ، وَلَمْ تُسْأَلْ فَأَبْتَدَأْتَ، وَأَسْتُمِيعُ بَابُ فَضْلِكَ فَمَا أَكْدَيْتَ،

می‌دهی و اگر هم نخواهند تو بی‌سابقه خواستن عطا می‌کنی و از درگاه فضل تو احسان خواستند و تو دریغ نداشتی

أَبَيْتَ إِلَّا أَنْعَامًا وَأَمْتَانًا، وَإِلَّا تَطَوُّلاً يَا رَبِّ وَإِحْسَانًا، وَأَبَيْتَ

ندادی جز از راه نعمت بخشی و امتنانت و جز از راه عطا بخشی بی پایان خود ای پروردگار من و احسانت ولی من هم در مقابل نکرده‌م

إِلَّا أَنْتَهَاكَ لِحُرْمَاتِكَ، وَأَجْتَرَأُ عَلَى مَعَاصِيكَ، وَتَعْدِيًا لِحُدُودِكَ،

جز پرده‌داری محرمات و دلیری بر ارتکاب معاصی و نافرمانی‌هایت و تجاوز از حدود تو

وَعَفْلَةً عَنْ وَعِيدِكَ، وَطَاعَةً لِعِدْوِي وَعَدُوِّكَ لَمْ يَمْنَعَكَ يَا إِلَهِي

و بی خبری از تهدید تو و پیروی از دشمن خود و دشمن تو، ای معبود و ای یاور

و ناصری اخلالی بالشکر عن اتمام احسانك ولا حجزني ذلك

بزرگوار من کوتاهی من در سپاسگزاری تو را از اتمام احسان و نیکی به من باز نداشت و اتمام احسان و نیکی

عَنْ ارْتِكَابِ مَسَاخِطِكَ، اَللّهُمَّ وَهَذَا مَقَامُ عَبْدٍ ذَلِيلٍ اعْتَرَفَ لَكَ

تو نیز مانع من از ارتکاب اعمالی که موجب خشم تو است نشد خدایا اکنون به حال بنده خواری درآمده‌ام

بِالتَّوْحِيدِ، وَأَقْرَأَ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيرِ فِي آدَاءِ حَقِّكَ، وَشَهِدَ لَكَ

که معترف بیگانگی تو است و به زبان خود اعتراف می‌کند که در ادای حق تو کوتاهی کرده و گواهی دهد که تو

بِسُبُوغِ نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ، وَجَمِيلِ عَادَتِكَ عِنْدَهُ، وَإِحْسَانِكَ إِلَيْهِ، فَهَبْ لِي

نعمت خود را بر او فروگذار نکردی و از شیوه نیک و احسان خود نسبت به او کوتاهی نکردی پس

يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي مِنْ فَضْلِكَ مَا أُرِيدُهُ إِلَى رَحْمَتِكَ، وَاتَّخِذْهُ سَلْمًا

ای معبود و آقای من از فضل خویش بدان اندازه به من ببخش که بتوانم خود را به رحمتت برسانم و آنرا نردبانی

قرارداده

أَعْرِجْ فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ، وَآمِنْ بِهِ مِنْ سَخَطِكَ، بِعِزَّتِكَ وَطَوْلِكَ،

و به وسیله آن بسوی خوشنودی تو بالا روم و بدان سبب از خشم تو ایمن گردم به حق عزت و کرم

وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَالِكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ

و به حق پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله پس ستایش خاص تو است ای پروردگار من که

مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

نیرومندی هستی شکست‌ناپذیر و بردباری هستی بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَاتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلْآيَاتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي،

و قرارم ده از شکرگذاران نعمتهایت و از یادکنندگان عطایا و مراحمت، خدایا

وَكَمِّ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي كَرْبِ الْمَوْتِ وَحَشْرَجَةِ الصَّدْرِ،

چه‌بسا بنده‌ای که شب و روزش در سختی مرگ بگذرد و جان به‌سینه‌اش رسیده

وَالنَّظَرِ إِلَى مَا تَقْشَعِرُّ مِنْهُ الْجُلُودُ، وَتَفْرَعُ لَهُ الْقُلُوبُ، وَأَنَا فِي عَاقِبَةِ

و بنگرد بدانچه از هولش بلرزد و دلها بطبد و من در تمام آن مناظر واحوال آسوده و در سلامتی بسر برم

مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي آنَاةٍ

پس ستایش خاص تو است ای پروردگار من که نیرومندی هستی شکست‌ناپذیر و بردباری هستی

لَا يُعْجَلُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَاتِكَ مِنْ

بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمتهایت و از

الشَّاكِرِينَ، وَلِلْآيَاتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَكَمِّ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى

یادکنندگان عطاهایت خدایا و چه‌بسا بنده‌ای که بسر برد شب و

وَأَصْبَحَ سَقِيمًا مَوْجِعًا فِي أَنْتَةٍ وَعَوِيلٍ، يَتَقَلَّبُ فِي غَمِّهِ لَا يَجِدُ

روز خود را در بیماری دردناک و در ناله و فریاد و از اندوه به خود می‌پیچد نه راه چاره‌ای دارد

مَحِيصًا، وَلَا يُسَيِّغُ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا، وَأَنَا فِي صِحَّةٍ مِنَ الْبَدَنِ

و نه غذا و نوشابه‌ای براحتی از گلویش پایین رود و من تندرست و از

وَسَلَامَةٍ مِنَ الْعَيْشِ، كُلُّ ذَلِكَ مِنْكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ

سلامتی کامل برخوردار هستم و همه این نعمتها از تو است پس ستایش خاص تو است ای پروردگار من که نیرومندی

لَا يُغْلَبُ، وَذِي آنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي

هستی شکست‌ناپذیر و بردباری هستی بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از سپاسگزاران

لِنِعْمَاتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلْآيَاتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَكَمِّ مِنْ عَبْدٍ

نعمتهایت و از یادکنندگان عطایا و مراحمت قرارم ده خدایا و چه‌بسا بنده‌ای که بسر برد

أَمْسَى وَأَصْبَحَ خَائِفًا مَرُغُوبًا مُشْفِقًا، وَجَلًّا هَارِبًا طَرِيدًا، مُنْجِرًا

شب و روز خود را در ترس و خوف و هراس و اضطراب از خانه خود گریخته و آواره گشته و از ترس

فِي مَضِيقٍ وَمَخْبَاةٍ مِنَ الْمَخَابِي، قَدْ ضَاقتُ عَلَيْهِ الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا،

در بیغوله‌ای رفته و در خفا گاهی خود را پنهان کرده و زمین بدین پهناوری از هر سو بر او تنگ شده

لَا يَجِدُ حَيْلَةً وَلَا مَنْجِي، وَلَا مَأْوَى، وَأَنَا فِي أَمْنٍ وَطَمَئِينَةٍ، وَعَافِيَةٍ

نه راه چاره‌ای دارد و نه جا و مأوایی و من در کمال امنیت و آسایش و سلامتی

مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغَلَبُ، وَذِي آنَاةٍ

از این ناراحتیها بسر برم پس خاص تو است ستایش ای پروردگار من که نیرومندی هستی شکست‌ناپذیر و بردباری

هستی

لَا يَعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمتهایت و از

الشَّاكِرِينَ، وَاللَّائِكِ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ

یادکنندگان عطا و مراحمت ای خدا و ای آقای من چه بسا بنده‌ای که

أَمْسَى وَأَصْبَحَ مَغْلُوبًا مُكَبَّلًا فِي الْحَدِيدِ بِأَيْدِي الْعُدَاةِ،

شب و روزش در غل و زنجیر آهنین بگذرد در حالی که بدست دشمنانی

لَا يَرْحَمُونَهُ، فَقِيدًا مِنْ أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، مُنْقَطِعًا عَنْ إِخْوَانِهِ وَبَلَدِهِ، يَتَوَقَّعُ

بی‌رحم گرفتار و دور از زن و فرزند و جدای از برادران و شهر و دیار

كُلَّ سَاعَةٍ بَأَيِّ قِتْلَةٍ يُقْتَلُ، وَبَأَيِّ مَثَلَةٍ يُمَثَّلُ بِهِ، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ

هر ساعت انتظار می‌کشد که آیا به چه نحوی او را می‌کشند و یا به چه‌طور اعضای او را می‌بُرند و من در عافیت کامل

ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغَلَبُ وَذِي آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

و دور از تمام اینها بسر برم پس ستایش خاص تو است ای پروردگار نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب

صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ،

درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده مرا از سپاسگزاران نعمتهایت و از یادکنندگان

وَاللَّائِكِ مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ يُقَاسِي

عطا و مراحمت خدایا و چه بسا بنده‌ای که شب و روزش را در حال جنگ بسر می‌برد و خود را آماده

الْحَرْبِ، وَمُبَاشَرَةَ الْقِتَالِ بِنَفْسِهِ، قَدْ غَشِيَتْهُ الْأَعْدَاءُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ

پیکار کرده دشمنان با شمشیر و نیزه و سایر وسایل جنگی از هر سو احاطه‌اش کرده‌اند

بِالسِّيُوفِ وَالرَّمَاكِ وَالْأَلَةِ الْحَرْبِ، يَتَقَعَّقُ فِي الْحَدِيدِ قَدْ بَلَغَ

و او در زیر آن همه اسلحه‌های آهنین گم شده و حد اعلای کوشش خود را برای نجات می‌کند

مَجْهُودَةً، لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَجِدُ مَهْرَبًا، قَدْ أُذِفَ بِالْجِرَاحَاتِ، أَوْ

ولی راه چاره و گریزی ندارد و زخمهای گران برداشته یا

مُتَشَحِّطًا بِدَمِهِ تَحْتَ السِّنَابِكِ وَالْأَرْجْلِ، يَتَمَنَّى شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ، أَوْ

زیر سم اسبها و پاها در خون خویش غلطیده آرزوی یک شربت آب یا

نَظْرَةً إِلَى أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ،

یک نظر به زن و فرزند خود را دارد ولی هیچ یک برایش میسر نیست و من از اتمام آنها در عافیت و سلامت بسر برم

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ

پس ستایش خاص تو است ای پروردگار نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَاللَّائِكِ

بر محمد و آل محمد و قرار ده مرا از سپاسگزاران نعمتهایت و از یادکنندگان عطاها

مِنَ الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي ظُلْمَاتِ

و بخششهای خدایا و چه بسا بنده‌ای که شب و روز کند در تاریکیهای

الْبِحَارِ، وَعَوَاصِفِ الرِّيَّاحِ وَالْأَهْوَالِ وَالْأَمْوَاجِ، يَتَوَقَّعُ الْغَرَقَ

دریاها و یا تندبادهای و هراسها و امواج خروشان دریا که انتظار غرق

وَالْهَلَاكَ، لَا يَقْدِرُ عَلَى حِيلَةٍ، أَوْ مُبْتَلَى بِصَاعِقَةٍ أَوْ هَدْمٍ أَوْ حَرَقٍ، أَوْ

و هلاکت را می‌کشد و راه چاره ندارد یا آن کس که گرفتار شده به صاعقه یا زیر آوار رفتن یا آتش‌سوزی یا

شَرَقٍ أَوْ حَسْفٍ، أَوْ مَسْخٍ أَوْ قَذْفٍ، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ

استخوان به گلو گیر کردن یا به زمین فرو رفتن یا مسخ یا در پرتگاهی گیر کرده و من از اینها همه‌آسوده و راحت هستم

پس

الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يَجْعَلُ، صَلَّ عَلَى

خاص تو است ستایش ای پروردگار نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِأَلَّا تَكَّ مِنْ

محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمت‌هایت و از یادکنندگان عطاها و

الذَّاكِرِينَ، إِلَهِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ مُسَافِرًا شَاخِصًا عَنِ

مرحمت‌هایت خدایا و چه‌بسا بنده‌ای که شب و روزش در مسافرت می‌گذرد دور از

أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، مُتَحِيرًا فِي الْمَقَاوِرِ، تَائِهًا مَعَ الْوُحُوشِ وَالْبَهَائِمِ

زن و فرزند حیران در بیابانها در حال سرگردانی با حیوانات وحشی و چهارپا

وَالْهَوَامِّ، وَحِيدًا فَرِيدًا لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا، أَوْ مُتَأَذِيًا

و گزنده تک و تنها زندگی می‌کند نه چاره‌ای به نظرش می‌رسد و نه راه به جایی برد یا دچار آزار

بِبِرْدٍ أَوْ حَرٍّ أَوْ جُوعٍ أَوْ عُرَى أَوْ غَيْرِهِ مِنَ الشَّدَائِدِ مِمَّا أَنَا مِنْهُ خَلُوءٌ،

سرما یا گرما یا گرسنگی یا برهنگی یا سایر سختیها شده که من از آنها همه آسوده‌ام

فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي

و در تندرستی و آسایش از آنها هستم پس خاص تو است ستایش ای پروردگار نیرومند شکست‌ناپذیر و

أَنَاةٍ لَا يَجْعَلُ، صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بردبار بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمت‌هایت و از

الشَّاكِرِينَ، وَلِأَلَّا تَكَّ مِنْ عَبْدٍ، إِلَهِي وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ

یادکنندگان عطاها و مراحممت ای خدا و ای آقای من و چه‌بسا بنده‌ای که بسر برد

أَمْسَى وَأَصْبَحَ فَقِيرًا عَائِلًا، عَارِيًا مُمْلِقًا، مُحْفِقًا مَهْجُورًا، جَائِعًا

شب و روز خود را در حال فقر و تنگدستی و برهنگی و یأس و هجران دوستان و گرسنگی و

ظُمْنَانَ، يَنْتَظِرُ مَنْ يَعُودُ عَلَيْهِ بِفَضْلٍ، أَوْ عَبْدٍ وَجِيهِ عِنْدَكَ، هُوَ أَوْجَهُ

تشنگی و چشم براه است تا آیا کسی بر او احسانی کند یا (چه‌بسا) برده و غلام آبرومندی در پیش تو که از من

مِنِّي عِنْدَكَ، وَأَشَدُّ عِبَادَةً لَكَ، مَغْلُورًا مَهْجُورًا، قَدْ حُمِلَ ثِقْلًا مِنْ تَعَبِ الْعَنَاءِ،

که آزادم آبرومندتر و عبادت و طاعتش به درگاه تو بیشتر است و زیر زنجیر و قدرت ارباب است و بار سنگین بردگی بر

دوش دارد چه

وَشِدَّةِ الْعُبُودِيَّةِ، وَكُلْفَةِ الرِّقِّ، وَثِقَلِ الضَّرْبِيَّةِ، أَوْ مُبْتَلًا بِبَلَاءٍ شَدِيدٍ،

از رنج و تعب و چه سختی کارهای بردگی و چه مشقت غلام بودن و چه پرداخت وجه سنگین به ارباب خود یا آن

شخصی که به بلاء و

لَا قَبْلَ لَهُ [بِهِ] إِلَّا بِمَنْكَ عَلَيْهِ، وَأَنَا الْمَخْذُومُ الْمُنْعَمُ، الْمُعَافَى الْمَكْرَمُ،

سختی دچارگشته و تاب تحمل آن را ندارد جز اینکه تو در رفع آن بر او کمک کنی ولی مرا هم

دیگران خدمت کنند و هم نعمت

فِي عَافِيَةٍ مِمَّا هُوَ فِيهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، مِنْ مُقْتَدِرٍ

بخشنده و تندرست و گرامی و از آنچه او بدان گرفتار است آسوده ام پس ستایش در برابر این همه نعمت

خاص تو است که نیرومندی

لَا يُغْلَبُ، وَذِي آنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْعَلْنِي

هستی شکست ناپذیر و بردباری هستی که شتاب نکند درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده

لِنِعْمَاتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَالْأَلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، [إِلَهِي وَسَيِّدِي،

از شکرگزاران نعمتهایت و از یادکنندگان عطایا و مراحمت ای معبود و آقای من

وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ شَرِيداً طَرِيداً، حَيْرَانَ مُتَحَيِّراً جَائِعاً

چه بسا بنده ای که بسر برد شب و روز خود را در حال آوارگی و حیرانی و سرگردانی و گرسنگی

خَائِفاً خَاسِراً، فِي الصَّحَارَى وَالْبَرَارِي قَدْ أَحْرَقَهُ الْحَرُّ وَالْبَرْدُ وَهُوَ

ترسان و زیان رسیده در میان صحراها و بیابانها سرما و گرما او را بی تاب کرده و

فِي ضَرٍّ مِنْ، الْعَيْشِ وَضَنْكٍ مِنَ الْحَيَاةِ وَذُلٍّ مِنَ الْمَقَامِ، يَنْظُرُ إِلَيَّ

در وضع فلاکت بار و زندگی سخت و جای خوار و پستی بسر می برد و از روی حسرت به

نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَقْدِرُ لَهَا، عَلَى ضَرٍّ وَلَا نَفْعٍ وَأَنَا خَلَوْتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ

خود می نگردهم و قدرت بر سود و زیان خود ندارد و من

بِجُودِكَ، وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي

به واسطه جود و کرم تو از اینها همه آسوده ام پس معبودی جز تو نیست منزهی تو ای خدای نیرومند شکست ناپذیر و

أَنَاة لَا تَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْعَلْنِي لِأَنْعَمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَإِلَّا لَيْتَكَ مِنْ

بردبار بی شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمتها

الذَّاكِرِينَ، وَأَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، (نسخة المجلسی)

و یادکنندگان عطاهايت و به رحمت خویش بر من رحم کن ای ارحم الراحمین * * * * *

إِلَهِي وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ عَلِيًّا مَرِيضًا سَقِيمًا مُدْنِفًا

ای خدا و ای آقای من چه بسا بنده‌ای که بسر برد شب و روز خود را در حال دردمندی و بیماری و ناخوشی که در بستر

عَلَى فُرْشِ الْعِلَّةِ وَفِي لِبَاسِهَا، يَتَقَلَّبُ يَمِينًا وَشِمَالًا، لَا يَعْرِفُ شَيْئًا

بیماری و جامه ناخوشی افتاده و از شدت ناراحتی به این پهلو و آن پهلو می چرخد و چیزی

مِنْ لَذَّةِ الطَّعَامِ وَلَا مِنْ لَذَّةِ الشَّرَابِ، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً، لَا يَسْتَطِيعُ

از لذت نوشیدنی و خوراک نمی فهمد و از روی حسرت به خود می نگرد و قدرتی

لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَأَنَا خِلْوٌ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا

بر سود و زیان خود ندارد ولی من به واسطه جود و کرم تو از تمام اینها آسوده‌ام پس معبودی جز تو نیست

أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مَنْ مُقْتَدِرٌ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى

منزهی تو ای خدای نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی شتاب درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ، وَلِنِعْمَاتِكَ مِنْ

محمد و آل محمد و قرارم ده از زمره پرستش‌کنندگان خود و از جمله سپاسگزاران نعمت‌هايت و

الشَّاكِرِينَ، وَإِلَّا لَيْتَكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَأَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

یادکنندگان عطاهايت و به رحمت خود بر من ترحم کن ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ، وَقَدْ دَنَا

مهربانان ای سرور من و ای آقای من و چه بسا بنده‌ای که بسر برد شب و روز خود را در حالی که

يَوْمُهُ مِنْ حَتْفِهِ، وَأَحْدَقَ بِهِ مَلَكُ الْمَوْتِ فِي أَعْوَانِهِ، يُعَالِجُ سَكَرَاتِ

عمرش بسرآمده و فرشته مرگ با اعوان و یارانش دور بستر او را گرفته و او در سختیهای جان‌کندن و گردابهای

الْمَوْتِ وَحِيَاضَهُ، تَدْوُرُ عَيْنَاهُ يَمِينًا وَشِمَالًا، يَنْظُرُ إِلَى أَحْيَائِهِ

مرگ غوطه می‌خورد چشمانش به راست و چپ می‌گردد نگاه به دوستان و

وَأَوْدَأْتِهِ وَأَخْلَائِهِ، قَدْ مُنِعَ مِنَ الْكَلَامِ وَحُجِبَ عَنِ الْخِطَابِ، يَنْظُرُ

رفقا و یاران صمیمی خود می‌کند و یارای سخن گفتن ندارد و از گفتار بازمانده از روی حسرت به خود می‌نگرد

إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَأَنَا خَلُوٌ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ

که هیچ بر سود و زیان خود قادر نیست و من ای خدا به واسطه

بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي

جود و کرم تو از اینها همه آسوده‌ام پس معبودی نیست جز تو منزهی تو ای نیرومند شکست‌ناپذیر و

أَنَاةٌ لَا يَعْجَلُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بردبار بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمت‌هایت و از

الشَّاكِرِينَ، وَاللَّائِكِ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

یادکنندگان عطاها و بخشش‌هایت و به رحمت خود بر من ترحم کن ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، مَوْلَايَ وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي مَضَائِقِ

مهربانان ای سرور و آقای من و چه‌بسا بنده‌ای که بسر برد شب و روز خود را در تنگنای

الْحُبُوسِ وَالسُّجُونِ، وَكُرْبِهَا وَذُلِّهَا وَحَدِيدِهَا يَتَدَاوَلُهُ أَعْوَانُهَا

زندانها و محبسها و در ناراحتیها و خواری و زنجیر آهنگین زندان گرفتار است و زندانبانها

وَزَبَانِيَّتِهَا، فَلَا يَدْرِي أَيُّ حَالٍ يُفْعَلُ بِهِ، وَأَيُّ مَثَلَةٍ يُمَثَّلُ بِهِ، فَهُوَ فِي

دژخیمان دست‌بدمست او را بگرداندند او نمی‌داند به چه سرنوشتی دچار خواهد شد و چه عضوی از او را قطع

خواهندکرد پس آن

ضُرٌّ مِنَ الْعَيْشِ، وَضَنْكٌ مِنَ الْحَيَاةِ، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً،

بیچاره در وضع فلاکت‌بار و زندگی سختی بسر می‌برد از روی حسرت به خود می‌نگرد که

لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَأَنَا خَلُوٌ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

قادر بر سود و زیان خود نیست و من به واسطه جود و کرم تو از اینها همه آسوده‌ام

فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

پس معبودی جز تو نیست منزهی تو ای نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ، وَلِنِعْمَائِكَ

درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده در زمره پرستش کنندگان خود و شکرگزاران نعمتهایت

مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلْآئِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

و از یادکنندگان عطاهایت و به رحمت خویش بر من ترحم کن ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، سَيِّدِي وَمَوْلَايَ، وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ قَدْ اسْتَمَرَّ

مهربانان ای آقای من و سرور من و چه بسا بنده‌ای که بسر برد شب و روزش را در حالی که

عَلَيْهِ الْقَضَاءُ، وَأَحْدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ، وَفَارَقَ أَوْذَانَهُ، وَأَحْبَاتَهُ وَأَخْلَائَهُ،

به سرنوشت بدی دچار گشته و گرفتاری از چهار طرف او را احاطه کرده و از دوستان و یاران و رفقای صمیمی دور

گشته

وَأَمْسَى أَسِيرًا حَقِيرًا ذَلِيلًا فِي أَيْدِي الْكُفَّارِ وَالْأَعْدَاءِ، يَتَدَاوَلُونَهُ

و شبش در حال اسارت و کوچکی و ذلت در دست کفار و دشمنان بسر آید که او را دست بدست

يَمِينًا وَسِمَالًا، قَدْ حُصِرَ فِي الْمَطَامِيرِ، وَثُقِّلَ بِالْحَدِيدِ، لَا يَرَى شَيْئًا

به راست و چپ بگردانند و در سیاه‌چالها زندانی شده و به زنجیر و آهن بسته نه از روشنی دنیا ببیند

مِنْ ضِيَاءِ الدُّنْيَا وَلَا مِنْ رَوْحِهَا، يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً، لَا يَسْتَطِيعُ

و نه از نسیم جان بخشش بر او بوزد از روی حسرت به خویشتن بنگرد و قادر بر

لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا، وَأَنَا خِلْوٌ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَلَا إِلَهَ إِلَّا

سود و زیان خویش نباشد و من به واسطه جود و کرم تو از اینها همه آسوده‌ام پس معبودی جز تو نیست

أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنْةٍ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى

منزهی تو ای نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ، وَلِنِعْمَائِكَ مِنَ

محمد و آل محمد و قرارم ده از پرستش کنندگانت و از سپاسگزاران نعمتهایت و از

الشَّاكِرِينَ، وَلِلْآئِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

یادکنندگان عطاهایت و به رحمت خود به من ترحم کن ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، [إِلَهِي وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ قَدْ اشْتَقَّ

مهربانان * ای خدای من و آقایم و چه بسا بنده‌ای که شام و یا صبح کرده و روی میلی که

إِلَى الدُّنْيَا لِلرَّغْبَةِ، فِيهَا إِلَى أَنْ خَاطَرَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ حِرْصاً مِنْهُ عَلَيْهَا،

بدنیا دارد مشتاقانه خود و مالش را به خطر انداخته از روی حرصی که بر آن دارد

قَدْ رَكِبَ الْفُلْكَ وَكُسِرَتْ بِهِ وَهُوَ فِي آفَاقِ الْبِحَارِ وَظَلَمَهَا يَنْظُرُ إِلَى

سوار بر کشتی شده و کشتی او شکسته و او در کرانه‌ها و تاریکی‌های دریا از روی

نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَقْدِرُ لَهَا، عَلَى ضَرٍّْ وَلَا نَفْعٍ وَأَنَا خَلَوْتُ ذَلِكَ كُلَّهُ،

حسرت به خود می‌نگرد قدرتی بر سود و زیان خود ندارد و من

بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي

به جود و کرم تو از همه اینها آسوده‌ام پس معبودی جز تو نیست منزهی تو ای نیرومند شکست‌ناپذیر و

أَنَاءَ لَا يَعْجَلُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنْ

بردبار بی‌شتاب درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده از

الْعَابِدِينَ، وَلِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلْآئِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ،

پرستش‌کنندگان و از سپاسگزاران نعمت‌هایت و از یاد‌کنندگان عطا‌هایت و به

وَأَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، إِلَهِي وَسَيِّدِي، وَكَمْ مِنْ

رحمتت به من ترحم کن ای مهربانترین مهربانان ای معبود من و آقایم و چه بسا

عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ قَدْ اسْتَمَرَّ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ، وَأَحْدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ، وَالْكَفَّارُ

بنده‌ای که شب و یا صبح کرده و قضا بر او ادامه یافته و بلا و کفار

وَالْأَعْدَاءُ، وَأَخَذَتْهُ الرَّمَاةُ، وَالسُّيُوفُ وَالسَّهَامُ، وَجَدَلَ صَرِيحاً وَقَدْ

و دشمنان او را احاطه کرده و نیزه‌ها و شمشیرها و تیرها دورش را گرفته و برو در

شَرِبْتَ الْأَرْضُ مِنْ دَمِهِ وَأَكَلْتَ السَّبَّاعَ وَالطَّيْرُ مِنْ لَحْمِهِ وَأَنَا خَلَوْتُ

افتاده زمین از خونش رنگین و درندگان و پرندگان گوشتش می‌خورند و من

مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، لَا بَاسْتِحْقَاقٍ مِنِّي يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

به جود و کرم تو از آن آسوده‌ام نه اینکه مستحق آن باشم ای که معبودی جز تو نیست

سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا تَعْجَلُ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ

منزهی ای نیرومند شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب درود فرست بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَاتِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَاللَّائِكِ مِنْ

و آل محمد و قرارم ده از سپاسگزاران نعمت‌هایت و یادکنندگان

الذَّاكِرِينَ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. - نسخه المجلسی]

عطاهایت و به رحمتت به من ترحم کن ای مهربانترین مهربانان * * * * *

وَعَزَّتِكَ يَا كَرِيمٌ لَلطُّبْنِ مِمَّا لَدَيْكَ، وَاللَّيْحَنَ عَلَيْكَ، وَالْمُدْنَ يَدِي

سوگند به عزت تو ای بزرگوار که من از آنچه پیش تو است می‌خواهم و در این باره پافشاری دارم و دستم را

نخوگم مع جرمها ای تو، یا ربِّ فِيمَنْ أَعُوذُ وَبِمَنْ أَلُوذُ لَا أَحَدَ لِي إِلَّا أَنْتَ،

با اینکه گناهکار است به سویت دراز کنم پروردگارا (اگر به درگاه تو نیایم) که به پناه ببرم و به که روآورم کسی را جز تو

ندارم

أَفْتَرُدُّنِي وَأَنْتَ مَعُوذِي وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي، أَسْتَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

آیا تو هم مرا برای در صورتی که تو تکیه‌گاه منی و توکلم بر تو است از تو خواهم به حق آن نامت که

وَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَاءِ فَاسْتَقَلَّتْ، وَعَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ، وَعَلَى

بر آسمان نهادی و پابرجا شد و بر زمین نهادی و مستقر شد و بر

الْجِبَالِ فَارَسَتْ، وَعَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ، وَعَلَى النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ، أَنْ تُصَلِّيَ

کوهها نهادی استوار شد و بر شب نهادی تاریک شد و بر روز نهادی روشن گردید که درود فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي كُلَّهَا، وَتَغْفِرَ لِي

بر محمد و آل محمد و همه حاجتهای مرا برآوری و همه گناهانم بیامیزی

ذُنُوبِي كُلَّهَا صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا، وَتُوسِّعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ مَا تُبَلِّغُنِي بِهِ

چه کوچک باشد و چه بزرگ و روزیم را به اندازه‌ای فراخ گردانی که به وسیله آن به

شَرَفَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، مَوْلَايَ بِكَ اسْتَعْنْتُ، فَصَلِّ

شرافت دنیا و آخرت برسم ای مهربانترین مهربانان ای سرور من به تو یاری جویم پس درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنِّي، وَبِكَ اسْتَجِرْتُ فَأَجِرْنِي، وَأَعِنِّي

بر محمد و آل محمد و یاریم ده و به تو پناه آورده‌ام پس پناهم ده و مرا

بطاعتکَ عَن طَاعَةِ عِبَادِكِ، وَبِمَسْئَلَتِكَ عَن مَسْئَلَةِ خَلْقِكَ، وَأَنْقَلِنِي

به وسیله اطاعت خویش از اطاعت بندگانت بی‌نیاز کن و به وسیله درخواست از خود

مِنْ ذُلِّ الْفَقْرِ إِلَى عِزِّ الْغِنَى، وَمِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ فَقَدْ

از درخواست مخلوقت مستغنی ساز و مرا از ذلت نداری و فقر بسوی عزت دارایی منتقل کن و از خواری گناهان به

شوکت اطاعت ببر

فَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ جُوداً مِنْكَ وَكَرَمًا لَا بِاسْتِحْقَاقٍ مِنِّي،

زیرا که تو از روی جود و کرم خویش مرا بر بسیاری از خلق خویش برتری دادی و این نه به خاطر استحقاق من بود

إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

خدایا پس ستایش خاص تو است در همه اینها درود فرست بر محمد و آل محمد

وَأَجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلْآثِمِ مِنَ الدَّاكِرِينَ، پس به سجده

و فرارم ده از سپاسگزاران نعمت‌هایت و یادکنندگان عطا‌هایت * * * * *

برو و بگو: سَجَدَ وَجْهِي الدَّلِيلُ لِرُوحِهِكَ العَزِيزِ الجَلِيلِ، سَجَدَ وَجْهِي

* * * * * به خاک افتاد روی خوادم برای روی عزیز و بزرگوارت به خاک افتاد روی

البالي أَلْفَانِي لِرُوحِهِكَ الدَّائِمِ البَاقِي، سَجَدَ وَجْهِي الْفَقِيرُ لِرُوحِهِكَ

کهنه و فانی من در برابر روی جاویدان و همیشگی تو به خاک افتاد روی فقیر من برای روی

الغَنِيِّ الكَبِيرِ، سَجَدَ وَجْهِي وَسَمِعِي وَبَصَرِي وَلَحْمِي وَدَمِي

بی‌نیاز بزرگ تو به خاک افتاد رو و گوش و چشم و گوشت و خون

وَجِلْدِي وَعَظْمِي، وَمَا أَقَلَّتِ الأَرْضُ مِنِّي، اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ

و پوست و استخوان و هرچه از من که روی زمین است برای خدا پروردگار جهانیان خدایا

عُدُّ عَلَى جَهْلِي بِحِلْمِكَ، وَعَلَى فَقْرِي بِغِنَاكَ، وَعَلَى ذُلِّي بِعِزِّكَ

بر نادانی من به بردباری خویش بازگرد و بر نیازمندیم به بی‌نیازیت و بر خواریم به عزت و

وَسُلْطَانِكَ، وَعَلَى ضَعْفِي بِقُوَّتِكَ، وَعَلَى خَوْفِي بِأَمْنِكَ، وَعَلَى ذُنُوبِي وَخَطَايَايَ

سلطنت و بر ناتوانیم به توانایت و بر ترسم به امان بخشیت و بر گناهان و خطاهایم

بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَذْرُءُ بِكَ فِى نَحْرِ

به عفو و رحمت ای بخشاینده ای مهربان خدایا من دفع فلان

فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ، وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ، فَاكْفِنِيْهِ بِمَا كَفَيْتَ بِهِ اَنْبِيَاءَكَ وَاَوْلِيَاءَكَ

پسر فلان دشمنم را از تو خواهم و از شر او به تو پناه برم پس شرش را از من دور کن هرطور که از پیمبران خلقت و

مِنْ خَلْقِكَ، وَصَالِحِيْ عِبَادِكَ مِنْ فِرَاعِنَةِ خَلْقِكَ، وَطُغَاةِ عُدَاتِكَ وَشَرِّ جَمِيْعِ خَلْقِكَ،

بندگان شایستهات شر یایگان و سرکشان را دور کردی و اولیاء خود از پناه برم به تو

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ وَحَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ.

از شر همه خلقت به رحمت ای مهربانترین مهربانان که تو بر هر چیز توانایی و بس است ما را خدا و نیکو و کیلی

خواهد بود

دعاء سیفی صغیر معروف به دعاء قاموس

شیخ اجل ثقة الإسلام نوری عطر الله مرقدہ در صحیفه ثانیه علویّه آنرا ذکر

کرده و فرموده که از برای این دعا در کلمات ارباب طلسمات و تسخیرات

شرح غریبی است و از برای او آثار عجیبه ذکر کرده‌اند و من چون اعتماد بر

آن نداشتم ذکر نکردم لکن اصل دعا را ذکر می‌کنم تسامحاً و تأسیاً بالعلماء

الأعلام و دعا این است:

بنام خدای بخشاینده مهربان

رَبِّ اَدْخِلْنِيْ فِى لُجَّةِ بَحْرِ اَحَدِيَّتِكَ، وَطَمَّطَامِ يَمِّ وَحَدَانِيَّتِكَ، وَقَوْنِيْ

پروردگارا مرا در میان دریای یگانگیت و در دل اقیانوس یکتائیت وارد کن و نیروم ده

بِقُوَّةِ سَطْوَةِ سُلْطَانِ فِرْدَانِيَّتِكَ، حَتّٰى اَخْرَجَ اِلَيَّ فِضَاءَ سَعَةِ رَحْمَتِكَ،

به نیروی پیروز فرمانروایی تنهائیت تا من به فضای وسیع رحمت درآیم

وَفِي وَجْهِ لَمَعَاتُ بَرْقِ الْقُرْبِ مِنْ آثَارِ حِمَايَتِكَ، مَهِيْبًا بِهَيْبَتِكَ،

در حالی که در چهره‌ام پرتوهایی از برق نزدیکی به تو از آثار حمایت موجود باشد و از هیبت تو هیبتی

عَزِيْزًا بِعِنَايَتِكَ، مُتَجَلِّلاً مُكْرَمًا بِتَعْلِيْمِكَ وَتَزْكِيَّتِكَ، وَالْبِسْنَى خَلَعَ

گرفته باشد و به عنایت تو نیرومند گشته و به برکت تعلیم و پرورش تو با شوکت و گرمی شده باشد و خلعت

الْعِزَّةِ وَالْقُبُولِ، وَسَهَّلَ لِيْ مَنَاهِجَ الْوُصْلَةِ وَالْوُصُولِ، وَتَوَجَّجْنِيْ بِتَاجِ

عزت و قبولی درگاهت را به من بیوشان و راههای وصول و رسیدن به درگاهت را برایم هموار ساز و تاج

الْكَرَامَةِ وَالْوُقَارِ، وَأَلَّفَ بَيْنِيْ وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَدَارِ

بزرگواری و وقار بر سرم نه و میان من و دوستان را در دنیا و آخرت آشتی و الفت بده و

الْقَرَارِ، وَارْزُقْنِيْ مِنْ نُورِ اسْمِكَ هَيْبَةً وَسَطْوَةً تَنْقِذُ لِيْ الْقُلُوبُ

از روشنی نام بزرگواریت هیبت و سطوتی روزی من کن که دلها و ارواح مطیع و متقاد من گردند

وَالْأَرْوَاحُ، وَتَخَضَّعْ لَدَى النَّفُوسِ وَالْأَشْبَاحِ، يَا مَنْ ذَلَّتْ لَهُ رِقَابُ

و نفوس و اشباح در پیش من فروتن گردند ای که در برابرش گردنکشان خوار و

الْجَبَابِرَةِ، وَخَضَعَتْ لَدَيْهِ اَعْنَاقُ الْاَكَاسِرَةِ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنَاجَا مِنْكَ اِلَّا

پادشاهان خاضع و تسلیمند راه نجات و پناهگاهی از تو جز بسوی تو نیست و کمکی نیست مگر

اِلَيْكَ، وَلَا اِعَانَةَ اِلَّا بِكَ، وَلَا اِتِّكَاءَ اِلَّا عَلَيْكَ اِذْفَعْ عَنِّيْ كَيْدَ

بوسیله خودت و اعتمادی نیست جز بر تو دور کن از من بداندیشی

الْحَاسِدِيْنَ، وَظُلْمَاتِ شَرِّ الْمُعَانِدِيْنَ، وَارْحَمْنِيْ تَحْتَ سَرَادِقَاتِ

حسودان و تاریکیهای شر ستیزه‌جویان را و در زیر پرده‌های عرش خود بر من ترحم کن

عَرْشِكَ، يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِيْنَ، اَيِّدْ ظَاهِرِيْ فِي تَحْصِيْلِ مَرَاذِيْكَ، وَتَوَزَّرْ

ای بزرگووارترین بزرگواران یاری ده ظاهرم را در تحصیل موجبات خوشنودیت و نورانی کن

قَلْبِيْ وَسِرِّيْ بِالْاِطْلَاعِ عَلٰى مَنَاهِجِ مَسَاعِيْكَ، اِلٰهِيْ كَيْفَ اَصْدُرُ

دل و اندرونم را به آگاه شدن بر راههای وصول به سویت خدایا چگونه

عَنْ بَابِكَ بِخِيْبَةٍ مِنْكَ، وَقَدْ وَرَدَتْهُ عَلٰى ثِقَةٍ بِكَ، وَكَيْفَ تُؤَيِّسُنِيْ مِنْ

از در خانه‌ات مأیوسانه بازگردم در صورتی که با اطمینان به تو بدینجا آمده‌ام و چگونه از

عَطَائِكَ، وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِدُعَائِكَ، وَهَا أَنَا مُقْبِلٌ عَلَيْكَ، مُلْتَجِيٌّ إِلَيْكَ،

عطا و بخشش تو میدم سازی در صورتی که خودت به دعا کردن وادارم کردی و هم‌اکنون من رو به تو آورده‌ام و

پناهنده به تو

بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَعْدَائِي كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ أَعْدَائِي، اخْتِطِفْ أَبْصَارَهُمْ

گشته‌ام میان من و دشمنانم را دور کن چنانکه میانه خود آن دشمنانم را جدایی انداختی و به وسیله نور قدس خود

عَنِّي بِنُورِ قُدْسِكَ وَجَلالِ مَجْدِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمُعْطَى جَلالِ النِّعَمِ

و شوکت مجدت چشمانشان را از من نابینا کن که همانا تویی خدایی که به رازگویان نعمتهای بزرگ

الْمُكْرَمَةِ لِمَنْ نَجَاكَ بِلَطَائِفِ رَحْمَتِكَ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرَامِ،

و پرارزش عطا کنی به وسیله ریزه‌کاریهای رحمتت ای زنده ای پاینده ای صاحب جلال و بزرگواری

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ الطَّاهِرِينَ.

و درود خدا بر سید ما و پیمبر ما محمد و آل پاک و پاکیزه‌اش همگی

فصل هفتم

در ذکر بعض آیات و دعا‌های نافع مختصره

در ذکر بعض آیات و دعا‌های نافع مختصره که انتخاب کردم از کتب معتبره

اوّل سید اجل سید علیخان شیرازی رضوانُ اللهُ عَلَيْهِ در کتاب کلم طیب نقل

فرموده که اسم اعظم خدایتعالی آنست که افتتاح او اللهُ و اختتام او هُوَ است و

حروفش نقطه ندارد و لا يَتَغَيَّرُ قِرَائَتُهُ أُعْرِبَ أَمْ لَمْ يُعْرَبْ و این در قرآن مجید در

پنج آیه مبارکه از پنج سوره است بقره و آل عمران و نساء و طه و تغابن شیخ

مغربی گفته هر که این پنج آیه مبارکه را ورد خود قرار دهد و هر روز یازده

مرتبه بخواند هر آینه آسان شود برای او هر مهمی از کُلّی و جزئی بزودی

انشاء الله تعالی و آن پنج آیه این است:

(۱) اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ، تا آخر آیه الكرسي

* (۱) خدایی که نیست معبودی جز او زنده و پاینده

(۲) اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ،

(۲) خدایی که نیست معبودی جز او زنده و پاینده که کتاب را به حق بر تو

مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ، وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ،

نازل فرمود و کتابهای پیشین را تصدیق کند و از پیش تورات و انجیل را نازل کرده که هدایتی است برای مردم

وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ (۳) اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ اِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ

و فرقان را نیز نازل فرمود (۳) خدایی که نیست معبودی جز او و قطعاً شما را

در روز قیامت گرد آورد

لَا رَيْبَ فِيهِ، وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا، (۴) اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ، لَهُ

که شکی در آن نیست و کیست که در گفتار از خدا راستگوتر باشد (۴) خدایی که نیست معبودی جز او

الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، (۵) اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ، وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ.

و همه نامهای نیک از آن اوست (۵) خدایی که معبودی جز او نیست و بر خدا باید توکل کنند مؤمنان

دعای توسّل

علّامه مجلسی (ره) فرموده که در بعضی از کتب معتبره نقل کرده‌اند از محمد بن بابویه که این دعاء توسّل را از ائمه روایت کرده است و گفته‌است که در هیچ

امری نخواندم مگر آنکه اثر اجابت را به زودی یافتیم اینست دعا:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ وَاتَّوَجَّهْ اِلَیْکَ

خدایا از تو می‌خواهم و بسویت رو کنم

بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا

بوسيله پیامبرت پیامبر رحمت محمد صلی الله علیه وآله ای

أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا

ابا القاسم ای رسول خدا ای پیشوای رحمت ای آقای ما و سرور ما ما رو آوردیم و

وَأَسْتَشْفِعُنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا، يَا

شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسيله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دهیم ای

وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا

آبرومند در نزد خدا برای ما نزد خدا شفاعت کن ای اباالحسن ای امیرمؤمنان ای

عَلِيَّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا

علی بن ابیطالب ای حجت خدا بر خلق ای آقای ما و سرور ما ما

تَوَجَّهْنَا وَأَسْتَشْفِعُنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ

رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسيله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی

حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءُ يَا

حاجتهای خویش قرار دادیم ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا ای فاطمه زهرا ای

بِنْتُ مُحَمَّدٍ، يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ، يَا سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَاتِنَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا

دختر محمد ای نور چشم پیغمبر ای بانوی ما و سرور ما ما رو آوردیم

وَأَسْتَشْفِعُنَا. وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا، يَا

و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسيله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دهیم ای

وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ،

آبرومند پیش خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا ای ابا محمد ای حسن بن علی

أَيُّهَا الْمُجْتَبَى يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا

ای برگزیده ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای آقای ما و سرور ما

وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَأَسْتَشْفِعُنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش

یَدَىٰ حَاجَتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ، يَا

روی حاجتهای خود قرار دهیم ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما پیش خدا ای ابا عبدالله ای

حُسَيْنَ بْنِ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ،

حسین بن علی ای شهید (راه حق) ای فرزند رسول خدا ای حجت بر خلق

يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ،

ای آقا و سرور ما ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا

و تو را پیش روی حاجتهای خود قرار دهیم ای آبرومند نزد خدا برای ما پیش خدا شفاعت کن ای

اَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا

ابا الحسن ای علی بن الحسین ای زیور پرستش کنندگان ای فرزند رسول خدا ای

حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا

حجت خدا بر خلق ای آقا و سرور ما ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم

وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ،

و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خود قرار دهیم ای آبرومند نزد خدا

اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بْنَ

شفاعت کن برای ما پیش خدا ای اباجعفر ای محمد بن علی ای شکافنده علوم ای

رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا

فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای آقا و سرور ما، ما رو آوردیم

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَتِنَا، يَا

و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دهیم ای

وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ، يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ،

آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما پیش خدا ای اباعبدالله ای جعفر بن محمد ای (امام)

أَيُّهَا الصَّادِقُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا

صادق ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای آقای ما

وَمَوْلِينَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

و سرور ما ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش

يَدَيَّ حَاجَتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا

روی حاجتهای خویش قرار دادیم ای آبرومند پیش خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا ای ابا الحسن ای

مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، أَيُّهَا الْكَاطِمُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى

موسی بن جعفر ای کاظم ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر

خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلِينَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ،

خلق ای آقای ما و سرور ما، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا و تو را

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا

پیش روی حاجتهای خویش قرار دادیم ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما پیش خدا ای

أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى، أَيُّهَا الرِّضَا يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ

ابا الحسن ای علی بن موسی ای (حضرت) رضا ای فرزند رسول خدا ای حجت

اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلِينَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ

خدا بر خلق ای آقا و سرور ما ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو

إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ

به درگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دادیم ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما پیش

اللَّهِ، يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا التَّقِيُّ الْجَوَادُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ،

خدا ای ابا جعفر ای محمد بن علی ای حضرت تقی جواد ای فرزند رسول خدا

يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلِينَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا

ای حجت خدا بر خلق ای آقا و سرور ما ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم

وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ،

و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دادیم ای آبرومند نزد خدا

إِشْفَعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، أَيُّهَا الْهَادِي النَّقِيُّ

شفاعت کن برای ما نزد خدا ای ابا الحسن ای علی بن محمد ای حضرت هادی نقی

يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا

ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای آقای ما و سرور ما ما رو آوردیم

وَأَسْتَشْفِعُنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَتِنَا، يَا

و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دادیم ای

وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا

آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا ای ابا محمد ای حسن بن علی ای

الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا

زکی عسکری ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای آقای ما

وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَأَسْتَشْفِعُنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

و سرور ما ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا و تو را پیش

يَدَيْ حَاجَتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ

روی حاجتهای خویش قرار دادیم ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا ای وصی امام حسن عسکری

وَالْخَلْفَ الْحُجَّةَ، أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنتَظَرُ الْمَهْدِيُّ، يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا

و یادگار شایسته و حجت ای امام قائم منتظر مهدی ای فرزند رسول خدا ای

حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَأَسْتَشْفِعُنَا

حجت خدا بر خلق ای آقا و سرور ما ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم

وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ،

و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دادیم ای آبرومند نزد خدا

إِشْفَعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

شفاعت کن برای ما پیش خدا

پس حاجات خود را بطلبید که برآورده می‌شود انشاء الله تعالی و در

روایت دیگر وارد شده که بعد از این بگوید:

یا سادتی وموالی، انی توجّهت بکم

ای آقایان من و سرورانم من رو آوردم بوسیله شما

أتمتی وعدتی لیوم فقری وحاجتی الی الله، وتوسلت بکم الی الله،

پیشوایان و ذخیرگانم در روز نداری و نیازمندی بدرگاه خدا و توسل جستم بوسیله شما به درگاه خدا

واستشفعت بکم الی الله، فاشفعوا لی عند الله، واستنذونی من

و شفاعت جویی کردم بوسیله شما به درگاه خدا پس شفاعت کنید برای من در پیشگاه خدا و از او بخواهید مرا از

ذنوبی عند الله، فانکم وسیلتی الی الله، وبحبکم وبقربکم أرجو

گناهانم نجات دهد زیرا شما بوسیله من به درگاه خدا و بوسیله دوستی و قرب به شما امید

نجات من الله، فکونوا عند الله رجائی، یا سادتی یا اولیاء الله، صلی

نجات از خدا دارم پس شما هم مایه امید من به درگاه خدا باشید ای آقایان من ای اولیاء خدا درود

الله علیهم اجمعین، ولعن الله اعداء الله ظالمیهم من الاولین

خدا بر همگی ایشان و خدا ستم‌کنندگان به ایشان را که دشمنان خدا هستند از رحمت خویش دور کند چه آنهاکه

گذشته‌اند

والآخرین، امین رب العالمین. *

و چه آنها که پس از این آیند امین رب العالمین

دعاء فرج

مؤلف گوید: که شیخ کفعمی در بلد الامین دعاء

مبسوطی نقل کرده موسوم به دعاء فرج و این دعاء توسل در ضمن آن مذکور

است و گمانم آنستکه دوازده امام خواجه نصیرالدین همین دعاء توسل است که

مُرَكَّب کرده‌اند با صلوات بر حجج طاهره که در یک خطبه بلیغه است که کفعمی در اواخر مصباح آن را ذکر فرموده، و سید علیخان در کلم طیب از قبس المصباح شیخ صهرشتی دعاء توسلی نقل کرده به شرحی که مقام را گنجایش ذکر آن نیست و آن دعا این است:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰبَتِهِ

خدایا درود فرست بر محمد و بر دخترش

وَعَلٰى اٰبَتِهَا، وَاَسْئَلُكَ بِهِمْ اَنْ تُعَيِّنِيْ عَلٰى طَاعَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، وَاَنْ

و بر دو فرزندش و از تو خواهم به حق ایشان که مرا کمک دهی بر اطاعت خود و مایه خشنودیت و اینکه

تُبَلِّغَنِيْ بِهِمْ اَفْضَلَ مَا بَلَغْتَ اَحَدًا مِنْ اَوْلِيَائِكَ، اِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيْمٌ،

بوسیله ایشان برسانی مرا به بهترین مقامی که یکی از اولیاء خود را بدان مقام رسانده‌ای که همانا تو بخشنده و کریمی

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيِّ بْنِ اَبِيْطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

خدایا از تو می‌خواهم به حق امیر مؤمنان علی بن ابیطالب علیه‌السلام

اَلَا اَنْتَقَمْتَ مِنْ مِمَّنْ ظَلَمَنِيْ وَعَشَمَنِيْ، وَاَذَانِيْ وَاَنْطَوِيْ عَلٰى ذٰلِكَ،

که انتقام مرا از آن کس که به من ستم و ظلم و آزار کرده و درصدد آن است بگیرد و به حق آن حضرت که مرا

وَكَفَيْتَنِيْ بِهٖ مَوْنَةً كُلِّ اَحَدٍ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ

از گرفتاری و اذیت هر شخصی محفوظ داری ای مهربانترین مهربانها خدایا از تو خواهم

بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، اِلَّا كَفَيْتَنِيْ بِهٖ مَوْنَةً

به حق ولی خود علی بن الحسین علیه‌السلام که مرا از اذیت و آزار

كُلِّ شَيْطَانٍ مَّرِيْدٍ، وَسُلْطَانٍ عَنِيْدٍ، يَتَّقُوْنِيْ عَلٰى بَطْشِهِ، وَيَتَّصِرُ عَلٰى

هر شیطان نافرمان و سلطان سرکشی که به سخت گرفتنش بر من نیرو گیرد و به

بِحُدْنِهِ، اِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيْمٌ يَا وَهَّابٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ

سپاه و لشکرش برضد من یاری جوید که همانا تو بخشنده و کریمی ای بخشایشگر خدایا از تو می‌خواهم به حق دو ولی

خود

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَّا أَعْتَنِي بِهِمَا

محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهما السلام که بوسیله این دو مرا

عَلِيَّ أَمْرٍ آخِرْتِي بِطَاعَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، وَبَلَّغْتَنِي بِهِمَا مَا يُرْضِيكَ،

بر کار آخرتم به اطاعت و موجبات خوشنودیت کمک دهی و برسانی بوسیله آن دو مرا بدانچه تو را خشنود سازد

إِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تُرِيدُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ

که تویی کننده آنچه بخواهی خدایا از تو می‌خواهم به حق ولی خود موسی بن جعفر

عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِلَّا عَافَيْتَنِي بِهِ فِي جَمِيعِ جَوَارِحِي مَا ظَهَرَ مِنْهَا

علیه السلام که مرا بوسیله آن حضرت تندرستی کامل در تمام اعضاء و جوارح ظاهری

وَمَا بَطَّنَ. يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ الرِّضَا عَلِيٍّ

و باطنی عطا فرمایی ای بخشنده ای کریم خدایا از تو می‌خواهم به حق ولی خود حضرت رضا علی

بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِلَّا سَلَّمْتَنِي بِهِ فِي جَمِيعِ أَسْفَارِي فِي

بن موسی علیه السلام که مرا در تمام سفرهایی که می‌کنم سلامت داری چه در

الْبَرَارِي وَالْبِحَارِ، وَالْجِبَالِ وَالْقِفَارِ، وَالْأَوْدِيَةِ وَالْغِيَاضِ، مِنْ جَمِيعِ

بیابانها و چه در دریاها و کوهها و دشتها و درهها و بیشهها از شر تمامی آنچه

مَا أَخَافُهُ، وَأَخْذَرُهُ، إِنَّكَ رَوْفٌ رَحِيمٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ

از آن ترس و وحشت دارم که همانا تویی دوست و مهربان خدایا از تو خواهم به حق ولی خود

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِلَّا جُدْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَتَفَضَّلْتَ

محمد بن علی علیه السلام که ببخشی بر من از فضل خویش و بوسیله او از رحمت و وسعت بر من تفضل کنی

بِهِ عَلَيَّ مِنْ وَسْعِكَ، وَوَسَّعْتَ عَلَيَّ رِزْقَكَ، وَأَعْنَيْتَنِي عَمَّنْ سِوَاكَ،

و روزیت را بر من فراخ گردانی و از غیر خودت مرا بی‌نیاز کنی

وَجَعَلْتَ حَاجَتِي إِلَيْكَ. وَقَضَاهَا عَلَيْكَ، إِنَّكَ لِمَا تَشَاءُ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ

و مرا محتاج درگاه خودت کنی و قضای حاجتم را نیز خود برعهده گیری که براستی تو بر هر چه بخواهی توانایی خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، إِلَّا أَعْتَنَنِي بِهِ

از تو می‌خواهم به حق ولی خود علی بن محمد علیهما السلام که مرا بوسیله آن حضرت بر

عَلَى تَادِيَةِ فُرُوضِكَ، وَبِرِّ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ، وَسَهْلِ ذَلِكَ لِي، وَأَقْرَنَهُ

ادای واجب‌ات و نیکی کردن به برادران مؤمن کمک دهی و این کار را بر من آسان کنی

بِالْخَيْرِ، وَأَعِنِّي عَلَى طَاعَتِكَ بِفَضْلِكَ يَا رَحِيمُ، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

و به خیر مقرونش داری و مرا بوسیله فضل خود بر طاعت خویش یاری دهی ای مهربان خدا یا از تو خواهم

بِحَقِّ وَلِيِّكَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، إِلَّا أَعْتَنَنِي بِهِ عَلَى أَمْرِ

به حق ولی خود حسن بن علی علیهما السلام که مرا بر کار

آخِرَتِي بِطَاعَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، وَسَرَرْتَنِي فِي مُتَقَلَّبِي وَمَثْوَايَ،

آخرتم بوسیله اطاعت و موجبات خوشنودیت کمک دهی و مرا در بازگشتگاه و اقامتگاهم شادمان و خورسندم کنی

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ

به رحمت خویش ای مهربانترین مهربانان خدا یا از تو خواهم به حق ولی و حجت خود

صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِلَّا أَعْتَنَنِي بِهِ عَلَى جَمِيعِ أُمُورِي،

حضرت صاحب الزمان علیه السلام که بر تمام کارهایم یاری دهی

وَكَفَيْتَنِي بِهِ مَوْنَةَ كُلِّ مُؤَدِّ وَطَاغٍ وَبَاغٍ، وَأَعْتَنَنِي بِهِ فَقَدْ بَلَغَ

و مرا بوسیله آن حضرت از شر هر شخص موذی و سرکش و ستمکاری محفوظ داری و بواسطه آن بزرگوار یاریم دهی

که

مَجْهُودِي، وَكَفَيْتَنِي بِهِ كُلَّ عَدُوٍّ وَهَمٍّ وَغَمٍّ وَدَيْنٍ وَعَيْتِي وَعَنْ وُلْدِي وَ

براستی طاقتم طاق شده و مرا به برکت آن حضرت از شر هر دشمن و غم و اندوه و قرضی را از خودم و از فرزندان

جَمِيعِ أَهْلِي وَإِخْوَانِي، وَمَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ وَخَاصَّتِي، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

و تمام خاندان و برادرانم و کسانی که دلبدن کارشان هستم و نزدیکان مخصوص محفوظ بداری آمین یا رب العالمین

سیم شیخ کفعمی در بلد الامین دعائی مروی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که، هر ملهوف و مکروب و محزون و گرفتار و ترسانی بخواند آنرا، حق تعالی او را فرج کرامت فرماید و آن دعا این است:

یا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، وَ یا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ، وَ یا سَدَّ

ای تکیه‌گاه کسی که تکیه‌گاه ندارد ای ذخیره کسی که ذخیره ندارد و ای پشتیبان

مَنْ لَا سَدَّ لَهُ، وَ یا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ، وَ یا غِیَاثَ مَنْ لَا غِیَاثَ لَهُ وَ یا

کسی که پشتیبان ندارد و ای پناه کسی که پناهی ندارد و ای دادرس کسی که دادرس ندارد و ای

کَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ، وَ یا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ، وَ یا کَرِیْمَ الْعَفْوَ، وَ یا حَسَنَ

گنج آن کس که گنجی ندارد و ای عزت آن کس که عزتی ندارد ای بزرگوار گذشت ای نیکو در

التَّجَاوُزِ، وَ یا عَوْنَ الضُّعْفَاءِ، وَ یا كَنْزَ الْفُقَرَاءِ، وَ یا عَظِیْمَ الرَّجَاءِ، وَ یا مُنْقِذَ

گذر ای یار ناتوانان ای گنج بی‌نویان ای بزرگ امید من ای نجات‌دهنده

الْغَرْقِی، وَ یا مُنْجِی الْهَلْکِی، وَ یا مُحْسِنُ یا مُجْمِلُ، وَ یا مُنْعِمُ یا مُفْضِلُ،

غریقان ای رهاننده هلاک‌شدگان ای احسان‌کننده ای نیکوکار ای نعمت‌بخش ای زیاده‌بخش

أَنْتَ الَّذِی سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّیْلِ وَ نُورُ النَّهَارِ، وَ ضَوْءُ الْقَمَرِ وَ شِعَاعُ

تویی که سجده (و خضوع) کرد برایت سیاهی شب و روشنی روز و تابش ماه و پرتو

الشَّمْسِ، وَ حَفِیْفُ الشَّجَرِ وَ دَوِیُّ الْمَاءِ یا اَللّهُ یا اَللّهُ یا اَللّهُ، لا اِلهَ اِلاَّ

خورشید و صدای درخت و صدای مخصوص آب ای خدا ای خدا ای خدا معبودی نیست

أَنْتَ، وَ حَذْكَ لا شَرِیکَ لَكَ، وَ یا رَبَّاهُ یا اَللّهُ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ

جز تو خدای یگانه ای که شریکی نیست پروردگارا ای خدا درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَ اَفْعَلْ بِنَا ما أَنْتَ أَهْلُهُ.

محمد و انجام ده درباره ما آنچه را تو شایسته آنی

پس بطلب، هر چه حاجت داری.

مؤلف گوید: که از برای فَرَج و رفع گرفتاری و غم نیز نافع است، مواظبت بر

این ذکر که حضرت جواد علیه السلام تعلیم فرموده:

يَا مَنْ يُكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ، اِكْفِنِي مَا اَهْمَنِي.

ای که کفایت کند از هر چیز و چیزی از او کفایت نکند مهمات کار مرا کفایت فرما

دعاء خلاص شدن از زندان و بند

چهارم دعاء خلاص شدن از زندان و بند، سیّد بن طاووس در مُهَجِ الدَّعَوَاتِ

فرموده روایت شده که شخصی در شام محبوس بود مدّت طولی، پس در

خواب دید حضرت زهراء علیها السلام را که به او فرمود بخوان این دعا را و به

او تعلیم فرمود، پس چون خواند از بند خلاص شد و به خانه خود رفت، و آن

دعا این است:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَمَنْ عَلاَهُ، وَبِحَقِّ الْوَحْيِ وَمَنْ

خدايا به حق عرش و آنکس که بر آن احاطه دارد و به حق وحی و آنکس که آنرا

أَوْحَاهُ، وَبِحَقِّ النَّبِيِّ وَمَنْ نَبَّأَهُ، وَبِحَقِّ الْبَيْتِ وَمَنْ بَنَاهُ، يَا سَامِعَ كُلِّ

فرو فرستد و به حق پیغمبر و آنکس که مقام پیغمبری به او داده و به حق خانه کعبه و آنکس که ساختش ای شنوای هر

صَوْتٍ، يَا جَامِعَ كُلِّ قَوْمٍ، يَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، صَلِّ عَلَيَّ

صدا ای گردآورنده هر چه از دست رفته ای پدید آورنده اشخاص پس از مرگ درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَتِنَا وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ

محمد و خاندانش و به ما و همه مردان و زنان با ایمانی که در شرق

الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، فَرَجًا مِنْ عِنْدِكَ عَاجِلًا، بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

و غرب زمین هستند گشایشی هرچه زود از نزد خودت عطا فرما به حق گواهی دادن بر اینکه معبودی نیست جز خدا

وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِ

و محمد بنده و رسول تو است درود خدا بر او و بر آن فرزندان

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا. كَثِيرًا. *

پاک و پاکیزه‌اش و تحیت کامل و بسیاری بر آنها باد

دعا حضرت فاطمه علیها السلام

پنجم سیدبن طاووس در مُهِجِ الدَّعَوَاتِ روایتی از سلمان نقل فرموده که در آخرش مذکور است چیزی که حاصلش این است حضرت فاطمه علیها السلام آموخت به من کلامی که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله آموخته بود و در وقت صبح و شام آن را می‌خواند و فرمود اگر می‌خواهی در دنیا هرگز، تو را تب نگیرد مداومت کن بر آن و آن این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ النَّوْرِ، بِسْمِ اللَّهِ نُوْرِ النَّوْرِ، بِسْمِ اللَّهِ نُورٌ عَلَى نُورٍ، بِسْمِ اللَّهِ

بنام خدا نور (عالم) بنام خدا نور نور (جهان هستی) بنام خدا که نوری است فوق نور بنام خدایی

الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْرَ مِنَ النَّوْرِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

که تدبیرکننده کارهاست بنام خدایی که نور (عالم) را از نور (خود) آفرید ستایش خاص خدایی است

الَّذِي خَلَقَ النَّوْرَ مِنَ النَّوْرِ، وَأَنْزَلَ النَّوْرَ عَلَى الطُّورِ، فِي كِتَابٍ

که آفرید نور را از نور و نازل فرمود نور را بر کوه طور در میان نامه

مَسْطُورٍ، فِي رَقٍّ مَشْشُورٍ، بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ، عَلَى نَبِيِّ مَحْجُورٍ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

نوشته شده و ورقه‌ای گشوده به اندازه معین بر پیامبری دانشمند، ستایش خاص خدایی است

الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ، وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ، وَعَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ

که او به عزت و شوکت یاد شده و به فخر مشهور است و در هر حال در خوشی و ناخوشی

مَشْكُورٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

سپاسگزاری شده و درود خدا بر آقای ما محمد و آل پاکیزه‌اش باد

سلمان گفت چون از حضرت فاطمه علیها السلام آموختم آنرا، بخدا قسم به
بیشتر از هزار نفر از اهل مکه و مدینه که مبتلا به تب بودند آموختم، پس همه
شفا یافتند به اذن خدای تعالی.

حز حضرت امام زین العابدین علیه السلام

ششم حز حضرت امام زین العابدین علیه السلام، سید بن طاووس در دو موضع
از مَهْج این حز شریف را از حضرت امام زین العابدین علیه السلام نقل کرده:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ. يَا أَحْكَمَ

ای شنواترین شنوایان ای بیناترین بینایان ای سریعترین حسابگران ای داورترین

الْحَاكِمِينَ، يَا خَالِقَ الْمَخْلُوقِينَ، يَا رَازِقَ الْمَرْزُوقِينَ يَا نَاصِرَ

داوران ای آفریننده آفریدگان ای روزی‌ده روزی‌خواران ای یاری‌ده

الْمَنْصُورِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا دَلِيلَ الْمُتَحِيرِينَ، يَا غِيَاثَ

یاری‌شدگان ای مهربانترین مهربانان ای راهنمای گمگشتگان ای فریادرس

الْمُسْتَعِيثِينَ، أَغْنِنِي يَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، يَا

فریادخواهان فریادم رس ای مالک روز جزا تو را پرستش کنم و از تو کمک خواهم ای

صَرِيحَ الْمَكْرُوبِينَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ

دادرس گرفتاران ای اجابت‌کننده دعای درماندگان تویی خدا پروردگار

الْعَالَمِينَ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، الْكَبِيرُ يَا

جهانیان تویی خدایی که معبودی جز تو نیست فرمانروای برحق آشکار بزرگواری

رِدَاءِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، وَعَلَى عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى،

جامه تو است خدایا درود فرست بر محمد مصطفی و بر علی مرتضی

وَقَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَخَدِيجَةَ الْكُبْرَى، وَالْحَسَنَ الْمُجْتَبَى، وَالْحُسَيْنَ

فاطمه زهرا و خدیجه کبری و حسن مجتبی و حسین

الشَّهِيدِ بَكْرَبْلَاءِ، وَعَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

شهادت در کربلا و علی بن حسین زین العابدین و محمد بن علی

الْبَاقِرِ، وَجَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاطِمِ، وَعَلَى

باقر و جعفر بن محمد صادق و موسی بن جعفر کاظم و علی

بْنِ مُوسَى الرَّضَا، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ، وَعَلَى بْنِ مُحَمَّدٍ التَّقِيِّ،

بن موسی الرضا و محمد بن علی تقی و علی بن محمد تقی

وَالْحَسَنَ [بْنِ عَلِيٍّ] الْعَسْكَرِيِّ، وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ الْإِمَامَ،

و حسن عسکری و حجت قائم مهدی آن امام

الْمُنْتَظَرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ، وَعَادِ

منتظر صلوات الله عليهم اجمعین خدایا دوستدار هر که ایشان را دوست دارد و دشمن دار

مَنْ عَادَاهُمْ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ، وَأَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ، وَالْعَنْ مَنْ

هر که دشمنشان دارد و یاری کن آنکه یاریشان کند و خوار کن هرکس خوارشان کند و لعنت کن هرکس

ظَلَمَهُمْ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْصُرْ شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي

بر ایشان ستم کند و در فرج آل محمد شتاب کن و پیروان آل محمد را یاری کن و دیدن

رُؤْيَا قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ وَأَشْيَاعِهِ، وَالرَّاضِينَ

روی قائم آل محمد را روزی من کن و مرا از زمره پیروان و شیعیان و کسانی که به کار او راضی هستند قرارم ده

بِفِعْلِهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

دعائی از حضرت امام زین العابدین علیه السلام

* هفتم شیخ کفعمی در بلد الامین دعائی از حضرت امام زین العابدین علیه السلام نقل کرده و فرموده این دعا را مقاتل بن سلیمان از آن حضرت روایت کرده، و هم گفته، هر که صد مرتبه آنرا بخواند و دعایش مستجاب نگردد لعنت کند مُقاتل را، اینست دعا:

إِلٰهِي كَيْفَ أَدْعُوكَ وَأَنَا أَنَا، وَكَيْفَ أَقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ

خدایا چه سان بخوانمت با اینکه من همان من (گنهکار) هستم و چه سان امیدم را از تو ببرم با از او بخوام

وَأَنْتَ أَنْتَ، إِلٰهِي إِذَا لَمْ أَسْأَلْكَ فَتُعْطِنِي، فَمَنْ ذَا الَّذِي أَسْأَلُهُ

اینکه تو همان تویی (که با همه مهربانی) خدایا من اگر از تو نخواهم که به من بدهی پس کیست آن کسی که

فِيُعْطِنِي، إِلٰهِي إِذَا لَمْ أَدْعُوكَ فَتَسْتَجِيبَ لِي، فَمَنْ ذَا الَّذِي أَدْعُوهُ

تا به من بدهد خدایا اگر تو را نخوانمت که دعایم را مستجاب کنی پس کیست آنکس که بخوانمش

فَيَسْتَجِيبُ لِي، إِلٰهِي إِذَا لَمْ أَتَضَرَّعْ إِلَيْكَ فَتَرْحَمْنِي، فَمَنْ ذَا الَّذِي

تا دعایم را مستجاب کند خدایا اگر به درگاه تو زاری نکنم که به من رحم کنی پس کیست که

أَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ فَيَرْحَمْنِي، إِلٰهِي فَكَمَا فَلَقْتَ الْبَحْرَ لِمُوسَى عَلَيْهِ

به درگاهش زاری کنم تا به من رحم کند خدایا همچنانکه شکافتی دریا را برای موسی علیه

السَّلَامِ وَنَجَّيْتَهُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَنْجِيَنِي مِمَّا أَنَا فِيهِ،

السلام و او را نجات دادی از تو می خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و مرا از آنچه در آن گرفتارم

وَتُفَرِّجَ عَنِّي فَرَجًا عَاجِلًا غَيْرَ أَجَلٍ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

نجات بخشی و گشایش فوری به من عطا کنی نه گشایش مدت دار، به فضل و رحمت ای مهربانترین مهربانان

هشتم سیدبن طاوس در مهج الدعوات از حضرت امام محمدباقر علیه السلام روایت کرده که فرمود جبرئیل خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله عرض کرد یا نبی الله، بدانکه هیچ پیغمبری را بقدر تو دوست نداشته‌ام پس بسیار بگو: **اللَّهُمَّ أَنْتَ تَرَى وَلَا تُرَى، وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، وَأَنْتَ إِلَيْكَ الْمُنْتَهَى وَالرُّجْعَى، وَأَنْتَ خَلِّدَا تُو مِ بِنِي وَ دِي دِه نَمِي شُوي تُو دَر بَر تَرِي ن دِي دِ گَاهَا هَسْتِي وَ هَمَانَا سِي ر خَلْق وَ بَا ز گَشْتَشْگَان بَسُوي تُو اسْت وَ ا ز اَن لَكَ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى، وَأَنْتَ لَكَ الْمَمَاتَ وَالْمَحْيَا، وَرَبُّ أَعْوَدُ بِكَ أَنْ أُذَلَّ أَوْ أُخْزَى.** تو است آخرت و دنیا و براستی مرگ و زندگی بدست تو است پروردگارا پناه می‌برم به تو از اینکه خوار شوم یا رسوا گردم.

دعائی سریع الاجابه از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
 نهم کفعمی در بلد الامین دعائی مروی از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام نقل کرده و فرموده عظیم الشان و سریع الاجابه است، و آن این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ التَّوْحِيدُ، وَلَمْ أَعْصِكَ فِي أَبْغَضِ

خدایا همانا من در محبوبترین چیزها در نزد تو که عبارت از توحید و یگانگی بود از تو پیروی کردم و در

مبغوضترین

الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الْكُفْرُ، فَاعْفِرْ لِي مَا بَيْنَهُمَا يَا مَنْ إِلَيْهِ مَفْرَى آمِنِي مِمَّا فَرَعْتُ

چیزها در نزدت که عبارت از

کفر بتو بود نافرمانیت نکردم پس آنچه در این میان است از گناهانم ببامرز ای که بسوی اوست گریزگاه من مرا از آنچه به

مِنْهُ إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعْصِيكَ، وَأَقْبَلْ مِنِّي الْيُسِيرَ مِنْ

خاطر آن بسویت پناه آوردم امان بخش خدایا ببامرز گناهان بسیارم را و بپذیر از من

طَاعَتِكَ، يَا عُدَّتِي دُونَ الْعُدَدِ، وَيَا رَجَائِي وَالْمُعْتَمِدَ، وَيَا كَهْفِي

طاعت اندکم را ای ذخیره در مقابل سایر ذخیره‌ها و ای مایه امید و تکیه‌گاه من و ای پناهگاه

وَالسَّنَدَ، وَيَا وَاحِدًا يَا أَحَدًا، يَا قُلَّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ

ونگهبانم و ای یگانه‌ای یکتا ای آنکه در وصف خود به پیغمبرت گفتی بگو او خدای یکتا است خدا بی نیاز است، نزاید و نه

يُولَدُ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ اصْطَفَيْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ

زاییده شده و نیست برایش همتا و ماندنی هیچکس از تو می‌خواهم به حق آنانکه از میان خلق خود آنها را برگزیدی

وَلَمْ تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَدًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَفْعَلَ

و در خلق خود هیچکس را مانند ایشان نکردی که درود فرستی بر محمد و آل او و درباره من انجام دهی

بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ الْكُبْرَى وَالْمُحَمَّدِيَّةِ

آنچه را تو شایسته آنی خدایا از تو خواهم به حق مقام وحدانیت و یکتایی بزرگ خودت و به مقام محمدی

الْبَيْضَاءِ، وَالْعُلَوِيَّةِ الْعُلْيَا، وَبِجَمِيعِ مَا اخْتَبَجْتَ بِهِ عَلَيَّ عِبَادِكَ،

آن مقام تابنده و به مقام علوی آن مقام والا و به تمام حجت‌های خود بر بندگانت

وَبِالْإِسْمِ الَّذِي حَبَبْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ، فَلَمْ يَخْرُجْ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، صَلِّ عَلَيَّ

و به حق آن نامی که از خلق خود پنهان داشتی که اظهار نشود از تو مگر بخودت که درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا، وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ

محمد و آل محمد و برای من در کارم گشایش و راه نجاتی قرار دهی و به من روزی دهی از آنجا که

أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ، إِنَّكَ تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ.

گمان دارم و از آنجا که گمان ندارم که تو روزی دهی هر که را بخواهی بی حساب

پس حاجت خود را بطلب.

دعائی برای ایمنی از سلطان و بلا و..

دهم کفعمی در مصباح دعائی نقل کرده و فرموده سیدبن طاوس این دعا را

برای ایمنی از سلطان و بلاء و ظهور اعداء و خوف فقر و تنگی سینه ذکر کرده

و آن از ادعیه صحیفه سجّادیّه است، هرگاه ترسیدی از ضرر آنچه ذکر شد

بخوان آنرا، اینست دعا:

يَا مَنْ تَحَلُّ بِهٖ عَقْدُ الْمَكَارِهِ، وَيَا مَنْ يُفْتَأُ بِهٖ حَدُّ الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ

ای که گشوده شود بوسیله او گره گرفتاریها و ای که شکسته شود بوسیله او تندی سختیها و ای که از او خواهش

مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ، ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ،

شود برای رهایی یافتن (از غمها و آمدن) بسوی فضای روح بخش گشایش، کارهای دشوار در برابر قدرت آسان

وَتَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ، وَجَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ، وَمَضَتْ عَلَى

گشته و اسباب و وسایل به سبب لطف تو فراهم گشته و قضا و قدر به قدرت جاری گشته و همه چیز بر طبق

إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ. فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ، وَبِإِرَادَتِكَ دُونَ

اراده تو گذشته است پس تمام چیزها به محض اراده تو بدون اینکه نیازی به گفتن باشد مطیع و فرمانبردارند و به محض

نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ، أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهْمَاتِ، وَأَنْتَ الْمَفْرَعُ فِي الْمَلِمَاتِ،

ارادات بدون احتیاج به نهی و بازداشتن بازداشته اند تویی که برای رفع دشواریها خوانندت و تویی پناهگاه در سختیها

لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ، وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ، وَقَدْ نَزَلَ

دور نشود از آن سختیها مگر آنچه را که تو دور کنی و برطرف نگردد چیزی از آنها مگر آنچه را تو برطرف کنی و

براستی

بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَنِي ثِقَلُهُ، وَالْمَّ بِي مَا قَدْ بَهْطَنِي حَمَلُهُ،

ای پروردگار من چیزی بر من رسیده که سنگینی آن مرا به زحمت انداخته و وارد شده بر من آنچه به دوش کشیدنش

وامانده ام

وَيُقَدِّرُ تِكْ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ وَبِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ، فَلَا مُصْدِرَ لِمَا

کرده و البته به نیروی خودت آنرا بر من وارد کردی و به سلطنت و قدرت خویش آنرا متوجه من کردی پس آنچه را تو

أَوْرَدْتَ، وَلَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ، وَلَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ، وَلَا مُعْلِقَ لِمَا

فرستادی بازگرداننده برایش نیست و آنچه را تو متوجه ساخته ای برگرداننده ندارد و آنچه را تو بسته ای گشاینده ندارد و آنچه

را

فَتَحْتَ، وَلَا مُيَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ، وَلَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ، فَصَلِّ عَلَى

تو گشودی کسش نتواند بست و آنچه را تو دشوار سازی آسان کننده ندارد و آن کس را که تو خوارکنی یاور برایش

نیست پس درود فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَفْتَحْ لِي يَا رَبُّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ، وَاكْسِرْ عَنِّي

بر محمد و آلش و بگشا به فضل خود پروردگارا بر من در گشایش را و قدرت تسلطی را که اندوه و غم

سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ، وَأَنْلِنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ، وَأَذِقْنِي

بر من پیدا کرده به نیروی خود درهم شکن و خوش بینی خودت را در آنچه شکوه کردم به من عنایت کن

حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجًا هَنِيئًا،

و شیرینی رفتار را درباره خواسته‌ام به من بچشان و از نزد خویش رحمت و گشایش گوارایی به من ببخش

وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا وَحَيًّا، وَلَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِمَامِ عَنِ

و هم از نزد خود راه چاره فوری برایم قرار ده و سرگرم مکن به اهمیت دادن به گرفتاریهای دنیا از

تَعَاهِدِ فُرُوضِكَ، وَاسْتَعْمَالَ سُنَّتِكَ، فَقَدْ ضِيقْتُ لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ

انجام واجبات و بکار بستن سنتها و دستوراتت زیرا که براستی ای پروردگار من

ذُرْعًا، وَامْتَلَأْتُ بِحَمَلٍ مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمًّا، وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ

سینه‌ام از این پیش‌آمدی که برایم کرده تنگ شده و برای تحمل این حادثه سر تا پایم را اندوه گرفته و تو بر دفع آنچه

بدان

مَا مُنِيتُ بِهِ، وَدَفَعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَأَفْعَلْ بِي ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ

گرفتارم شده‌ام و برطرف کردن آنچه بدان درافتاده‌ام توانایی پس تو این کار را درباره من بکن اگرچه من سزاوار این

محبت

مِنْكَ، يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَذَا الْمَنِّ الْكَرِيمِ، فَانْتَ قَادِرٌ يَا أَرْحَمَ

تو نیستم ای صاحب عرش عظیم و دارنده نعمت بزرگ زیرا که تو توانایی ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

مهربانها آمین رب العالمین

دعاهایی از حضرت صاحب الامر علیه السلام

* یازدهم کفعمی در بلد الامین فرموده این دعاء حضرت صاحب الامر علیه السلام است که تعلیم فرمود آنرا به شخصی که محبوس بود پس خلاص شد

إلهي عَظَمَ الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ، وَأُنْكَشَفَ الْغِطَاءُ، وَأَنْقَطَعَ الرَّجَاءُ،

خدایا بلاء عظیم گشته و درون آشکار شد و پرده از کارها برداشته شد و امید قطع شد

وَصَاقَتِ الْأَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَإِلَيْكَ

و زمین تنگ شد و از ریزش رحمت آسمان جلوگیری شد و تویی یاور و شکوه بسوی تو است

الْمُسْتَكِي، وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَةِ وَالرَّخَاءِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

و اعتماد و تکیه ما چه در سختی و چه در آسانی بر تو است خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ،

محمد و آل محمد آن زمامدارانی که پیرویشان را بر ما واجب کردی و بدین سبب مقام

وَعَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ، فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلْمَحٍ

و منزلشان را به ما شناساندی به حق ایشان به ما گشایشی ده فوری و نزدیک مانند

الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اِكْفِيَانِي

چشم بر هم زدن یا نزدیکتر ای محمد ای علی ای علی ای محمد مرا کفایت کنید

فَانِّكُمَا كَافِيَانِ، وَأَنْصُرَانِي فَاِنَّكُمَا نَاصِرَانِ، يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبِ الزَّمَانِ،

که شما بید کفایت کننده ام و مرا یاری کنید که شما بید یاور من ای سرور ما ای صاحب الزمان

الْعَوْتُ الْعَوْتُ الْعَوْتُ، أَذْرِكُنِي أَذْرِكُنِي أَذْرِكُنِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ،

فریاد، فریاد، فریاد، دریاب مرا دریاب مرا همین ساعت همین ساعت هم اکنون

الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

زود زود زود ای خدا ای مهربانترین مهربانان به حق محمد و آل پاکیزه اش

*

دوازدهم و نیز کفعمی در مصباح فرموده این دعاء حضرت مهدی صلوات الله

عَلَيْهِ است:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبُعْدَ الْمُعْصِيَةِ.

خدایا روزی ما کن توفیق اطاعت و دوری از گناه

وَصِدْقَ النَّيَّةِ، وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ، وَكَرَمِنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ، وَسَدِّدْ

و صدق و صفای در نیت و شناختن آنچه حرمتش لازم است و گرامی دار ما را بوسیله هدایت شدن و استقامت و استوار

کن

السِّنِينَ بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ، وَأَمَلًا قُلُوبِنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ، وَطَهِّرْ

زیانهای ما را به درستگویی و حکمت و لبریز کن دلهای ما را از دانش و معرفت و پاک کن

بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ، وَاكْفُفْ أَيْدِينَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ،

اندرون ما را از غذاهای حرام و شبهه‌ناک و بازدار دستهای ما را از ستم و دزدی

وَاعْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ، وَاسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ

و ببوشان چشمان ما را از هرزگی و خیانت و ببند گوشهای ما را از شنیدن سخنان بی‌بوده

وَالْغَيْبَةِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ، وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ

و غیبت و تفضل فرما بر علمای ما به پارسایی و خیرخواهی کردن و بر دانش‌آموزان

بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ، وَعَلَى الْمُسْتَمْعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ، وَعَلَى

به کوشش داشتن و شوق و بر شنوندگان به پیروی کردن و پند گرفتن و بر

مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّافَةِ

بیماران مسلمان به بهبودی یافتن و آسودگی و بر مردگان آنها به عطوفت

وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، وَعَلَى الشَّبَابِ

و مهربانی کردن و بر پیرانمان به وقار و سنگینی و بر جوانان

بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَعَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ، وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ

به بازگشت و توبه و بر زنان به شرم و عفت و بر توانگران

بِالتَّوَّاضِعِ وَالسَّعَةِ، وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ، وَعَلَى الْغُزَاةِ

به فروتنی و بخشش کردن و بر مستمندان به شکیبائی و قناعت و بر پیکار کنندگان

بِالنَّصْرِ وَالْغَلَبَةِ، وَعَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى الْأُمَرَاءِ

به یاری و پیروزی و بر اسیران به رهایی یافتن و آسودگی و بر زمامداران

بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ، وَعَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ السِّيَرَةِ، وَبَارِكْ

به عدالت داشتن و دلسوزی و بر ملت به انصاف و خوش رفتاری و برکت ده

لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ، وَأَفْضِ مَا أَوْجِبْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ

برای حاجیان و زائران در توشه و خرجی و به انجام رسان آنچه را بر ایشان واجب کردی از

الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ. بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اعمال حج و عمره بوسیله فضل و رحمت خودت ای مهربانترین مهربانان

* سیزدهم در مهج ذکر شده که این دعاء حضرت حجّة علیه السلام است:

: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ، وَبِحَقِّ مَنْ

خدایا به حق هر که با تو راز گوید و به حق هر که

دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، تَفَضَّلْ عَلَيَّ فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

تو را در صحرا و دریا بخواند. تفضل فرما بر فقیران مؤمنین و مؤمنات

بِالْغِنَاءِ وَالثَّرْوَةِ وَعَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ

به توانگری و ثروت و بر بیماران مؤمنین و مؤمنات به بهبودی یافتن

وَالصِّحَّةِ، وَعَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللِّطْفِ وَالْكَرَمِ، وَعَلَى

و تندرستی و بر زندگان مؤمنین و مؤمنات به لطف و بزرگواری و بر

أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

مردگان مؤمنین و مؤمنات به آمرزش و مهربانی و بر غریبان مؤمنین

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ إِلَىٰ أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

و مؤمنات به بازگرداندن آنها به وطنشان بسلامتی و بهره‌مندی به حق محمد و آل او همگی.

چهاردهم: سید علیخان در کلم طیب فرموده این استغاثه ایست به حضرت صاحب

الزَّمان صلوات الله علیه هر جا که باشی دو رکعت نماز بحمد و هر سوره که

خواهی بگذار پس رو بقبله زیر آسمان به ایست و بگو:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُ الشَّامِلُ الْعَامُّ، وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ، وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ التَّامَّةُ،

سلام خدا بطور کامل و تمام و همه‌جانبه و عمومی و درودهای ممتد و پیوسته و برکتهای پابرجا و تام و تمامش

عَلَىٰ حُجَّةِ اللَّهِ وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلَىٰ خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ، وَسَلَاةٍ

بر حجت خدا و ولی او در زمین و سایر کشورهایش و جانشین او بر خلق و بندگانش و نژاد پاک

النُّبُوَّةِ، وَبَقِيَّةِ الْعِترَةِ وَالصَّفْوَةِ، صَاحِبِ الزَّمانِ، وَمُظْهِرِ الْإِيمَانِ،

نبوت و باقیمانده عترت و (آن سرور) برگزیده یعنی حضرت صاحب الزمان و آشکارکننده ایمان

وَمُلْتَنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ، وَمُظْهِرِ الْأَرْضِ، وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ

و یاددهنده احکام قرآن و پاک کننده زمین و گسترنده عدالت در درازا و پهنای

وَالْعَرْضِ، وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ، وَابْنِ

زمین و حجت قائم مهدی آن امام منتظر پسندیده و فرزند

الْأئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ، الْوَصِيِّ بْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، الْهَادِي

امامان پاکیزه و وصی فرزند اوصیاء پسندیده آن راهنمای

الْمَعْصُومِ ابْنِ الْأئِمَّةِ الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعَزَّ

معصوم فرزند امامان راهنمای معصوم سلام بر تو ای عزت‌بخش مردم

الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُدَلِّ الْكَافِرِينَ

مؤمنی که ناتوان و خوارشان شمرند سلام بر تو ای خوارکننده کافران

الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمانِ،

سرکش و ستمکار سلام بر تو ای مولای من ای صاحب الزمان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا بانوی زنان جهانیان سلام

عَلَيْكَ يَا بْنَ الْأَيْمَةِ الْحُجَّجِ الْمَعْصُومِينَ، وَالْإِمَامِ عَلِيِّ الْخَلْقِ

بر تو ای فرزند پیشوایان و حجتهای معصوم و پیشوای بر خلق

أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ،

همگی سلام بر تو ای سرور من سلام مخلصانه من به تو در ولایت و پیرویت

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا، وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلُّهُ الْأَرْضُ

گواهی دهم که تویی آن پیشوای راه یافته چه در گفتار و چه در کردار و تویی آن بزرگواری که زمین را پر از

قِسْطًا وَعَدْلًا، بَعْدَ مَا مَلَيْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا، فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ، وَسَهَّلَ

عدل و داد کنی پس آنکه پر از ستم و بیدادگری شده باشد پس از خدا خواهیم که شتاب کند در فرج تو و راه آمدنت را

هموار

مَخْرَجَكَ، وَقَرَّبَ زَمَانَكَ، وَكَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ، وَأَنْجَزَ لَكَ مَا

و زمان ظهورت را نزدیک و یار و یاورت را بسیار گرداند و آنچه

وَعَدَكَ، فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ، وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا

به تو وعده فرموده دربارهات وفا کند زیرا که او راستگوترین گویندگان است که فرموده «و ما خواستیم بر کسانی که

فِي الْأَرْضِ، وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ

در زمین زیون شمرده می‌شدند منت نهیم و ایشان را پیشوایانی کنیم و وارثانشان گردانیم» ای سرور من ای صاحب

الزَّمَانِ، يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَاجَتِي كَذَا وَكَذَا (و بجای کذا و کذا حاجات خود را ذکر کند)

الزمان ای فرزند رسول خدا حاجتم این و این است

فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي، لِعِلْمِي أَنَّ لَكَ

پس شفاعت کن برایم در برآمدنش زیرا که من با حاجت خویش به تو متوجه شده‌ام زیرا می‌دانم که

عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَّقْبُولَةً، وَمَقَامًا مَّحْمُودًا، فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ،

شفاعت تو به درگاه خدا پذیرفته و مقامت پسندیده است پس به حق همان خدایی که شما را در کار خود مخصوص

کرده

وَارْتِضَاكُمْ لِسِرِّهِ، وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ، سَلِ اللَّهَ

و برای راز و سِرِّش پسندیده و بدان مقامی که شما در نزد خدا میان خود و او دارید که از خدای

تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي، وَاجَابَةِ دَعْوَتِي، وَكَشْفِ كُرْبَتِي.

تعالی بخواهی من به خواسته‌ام برسم و دعایم اجابت شود و اندوهم برطرف گردد

و بخواه، هر چه خواهی که برآورده می‌شود انشاء الله تعالی مؤلف گوید: که

بهتر آنست که در رکعت اول نماز این استغاثه بعد از حمد سوره اَنَا فَتَحْنَا

بخواند و در رکعت دویم اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ.

فصل هشتم

در مناجات

مناجات خمس عشرة

لمولانا علی بن الحسین علیه السلام علامه مجلسی رحمه الله در بحار فرموده که من یافتم این مناجات را مروی از آن حضرت در کتب بعض اصحاب رضوان الله علیهم.

المناجات الأولى: «مناجاة التائبین»

مناجات اول: مناجات توبه کنندگان

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

الهی اَلْبَسْتَنِي الْخَطَايَا ثَوْبَ مَذَلَّتِي، وَجَلَّلَنِي التَّبَاعُدُ مِنْكَ لِباسَ

خدایا خطاها و گناهان لباس خوارى بر تنم کرده و دورى از تو جامه

مَسَكَنْتِي، وَأَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جِنَايَتِي، فَأَخِيهِ بِتَوْبَةٍ مِنْكَ يَا أَمَلِي

بیچارگی بر تنم افکنده و بزرگ جنایتم دلم را میرانده پس تو زنده اش کن به بازگشت خودت (بسوی من) ای آرزو

وَبُعَيْتِي، وَيَا سُوْلِي وَمُنِيَّتِي، فَوَ عِزَّتِكَ مَا أَجِدُ لِذُنُوبِي سِوَاكَ غَافِرًا،

و مقصودم و ای خواسته و آرمانم به عزتت سوگند برای گناهانم جز تو آمرزنده ای نیابم

وَلَا أَرَى لِكُسْرِي غَيْرَكَ جَابِرًا، وَقَدْ خَضَعْتُ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَعَنَوْتُ

و برای شکستگیم جز تو شکسته بندی نیبم و من بوسیله آه و ناله کردن بسوی تو بدرگاهت خاضع گشته و با زاری

کردن

بِالْإِسْتِكَاةِ لَدَيْكَ، فَإِنْ طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ، وَإِنْ رَدَدْتَنِي

در برابرت خود را به خوارى کشاندم پس اگر توام از درگاه خویش برانى در آن حال به که روآورم؟ و اگر توام

عَنْ جَنَابِكَ فِيمَنْ أَعُوذُ، فَوَا أَسْفَاهُ مِنْ خَجَلْتِي وَافْتِضَاحِي، وَوَا لَهْفَاهُ

از نزد خویش بازگردانی که به پناه برم؟ و بس افسوس از شرمندگی و رسوایم و ای دریغ

مِنْ سُوءِ عَمَلِي وَاجْتِرَاحِي، أَسْأَلُكَ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ الْكَبِيرِ، وَيَا جَابِرَ

از کار بد و گناهانی که بدست آورده‌ام از تو خواهم ای آمرزنده گناه بزرگ و ای شکسته‌بند

الْعَظْمِ الْكَسِيرِ، أَنْ تَهَبَ لِي مُوبِقَاتِ الْجَرَائِرِ، وَتَسْتُرَ عَلَيَّ فَاضِحَاتِ

استخوان شکسته که ببخشی بر من گناهان نابود کننده‌ام را و بپوشی بر من کارهای پنهانی

السَّرَائِرِ، وَلَا تُخَلِّنِي فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِكَ وَغَفْرِكَ،

رسواکننده را و مرا در بازار قیامت از نسیم جان‌بخش عفو و آمرزشت محروم نفرمایی و از

وَلَا تُعْرِنِي مِنْ جَمِيلِ صَفْحِكَ وَسِتْرِكَ، إِلَهِي ظَلَّلْ عَلَيَّ ذُنُوبِي

لباس زیبای گذشت و چشم‌پوشی خود برهنه‌ام نکنی خدایا سایه ابر رحمت را بر گناهانم بینداز

غَمَامَ رَحْمَتِكَ، وَأَرْسِلْ عَلَيَّ عُيُوبِي سَحَابَ رَأْفَتِكَ، إِلَهِي هَلْ

و ابرریزان مهربانی و رأفتت را برای شستشوی عیبهایم بفرست خدایا آیا

يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْأَبِيْقُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ، أَمْ هَلْ يُجِيرُهُ مِنْ سَخَطِهِ أَحَدٌ سِوَاهُ،

بنده فراری جز به درگاه مولایش به کجا بازگردد یا آیا کسی جز او هست که وی را از خشم او پناه دهد

إِلَهِي إِنْ كَانَ النَّدْمُ عَلَيَّ الذَّنْبِ تَوْبَةً فَانِّي وَعِزَّتِكَ مِنَ النَّادِمِينَ،

معبودا اگر پشیمانی بر گناه توبه محسوب شود پس به عزتت سوگند که براستی من از پشیمانانم

وَإِنْ كَانَ الْإِسْتِغْفَارُ مِنَ الْخَطِيئَةِ حِطَّةً فَانِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ،

و اگر آمرزش خواهی از خطا آنرا پاک کند پس براستی من از آمرزش خواهانم

لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى، إِلَهِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ تَبَّ عَلَيَّ، وَبِحِلْمِكَ

خدایا تو را سرد که مرا مؤاخذه کنی تا گاهی که خوشنود شوی خدایا به همان قدرتی که بر من داری توبه‌ام بپذیر و به

بردباریت

عَنِّي اعْفُ عَنِّي، وَبِعِلْمِكَ بِي اِرْفُقْ بِي، إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ

از من بگذر و به همان علمت که به احوالم داری با من مدارا کن خدایا تویی که دری از عفو خود

لِعِبَادِكَ يَا أَبَا إِلَى عَفْوِكَ، سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ فَقُلْتَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً

بسوی بندگان باز کردی و نامش را توبه گذاردی و فرمودی «بسوی خدا بازگردید با توبه

نصوحاً، فما عذُرٌ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ، إِلَهِي إِنْ كَانَ

صادقانه» پس دیگر چه عذری دارد آن کس که از وارد شدن در این در باز شده غفلت ورزد خدایا اگر براستی

قَبِيحَ الذَّنْبِ مِنْ عِبْدِكَ، فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ، إِلَهِي مَا أَنَا بِأَوَّلِ

سرزدن گناه از بندهات زشت است ولی گذشت نیز از نزد تو نیکو است معبودا من نخستین کسی نیستم

مَنْ عَصَاكَ فَتُبَّتْ عَلَيْهِ، وَتَعَرَّضَ لِمَعْرُوفِكَ فَجُدْتَ عَلَيْهِ، يَا مُجِيبَ

که نافرمانیت کرده و توبه پذیرش گشته‌ای و خواستار احسانت گشته و تو بر او احسان

الْمُضْطَّرِّ، يَا كَاشِفَ الضَّرِّ، يَا عَظِيمَ الْبُرِّ، يَا عَلِيمًا بِمَا فِي السِّرِّ، يَا

کرده‌ای، ای پذیرنده بیچاره‌ای غمزدای بزرگ احسان‌ای دانای اسرار نهان‌ای

جَمِيلَ السِّرِّ، اسْتَشْفَعْتُ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيْكَ، وَتَوَسَّلْتُ بِجَنَابِكَ

نیکو پرده‌پوش شفیع گردانم نزد تو جود و کرمت را و توسل جستم به حضرتت و به مهربانیت

[بِجَنَابِكَ] وَتَرَحُّمِكَ لَدَيْكَ، فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَلَا تُخَيِّبْ فِيكَ رَجَائِي،

در پیش تو پس دعایم مستجاب کن و امیدم را درباره خودت به نومییدی مبدل مکن

وَتَقَبَّلْ تَوْبَتِي، وَكُفِّرْ خَطِيئَتِي بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و توبه‌ام را بپذیر و گناه‌ام را به کرم و مهربانی خود نادیده گیر ای مهربانترین مهربانان

الثَّانِيَّةُ: «مُنَاجَاتُ الشَّاكِينَ»

دوم: مناجات شکایت کنندگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشنده مهربان

إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَّارَةً، وَإِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً

خدایا به سوی تو شکایت آورم از نفسی که مرا همواره به بدی وادارد و به سوی گناه شتاب دارد

وَبِمَعَاصِيكَ مُوَلَّعَةً، وَلِسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَةً، تَسْأَلُكَ بِي مَسَائِكَ

و به نافرمانیهای حریص است و به موجبات خشم دست درازی کند مرا به راههایی که

الْمَهَالِكِ، وَتَجْعَلُنِي عِنْدَكَ أَهْوَنَ هَالِكٍ، كَثِيرَةَ الْعِلَلِ، طَوِيلَةَ الْأَمَلِ، إِنَّ

منجر به هلاکت می شود می کشاند و بصورت پست ترین نابودشدگان درم آورد بیماریهای بسیار و آرزویش دراز

مَسَهَا الشَّرُّ تَجَزَعُ، وَإِنْ مَسَهَا الْخَيْرُ تَمْنَعُ، مِيَالَةً إِلَى اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ،

است اگر شری به او رسد بی تاب شود و اگر خیری نصیبش گردد سرکشی کند به اسباب بازی و سرگرمیهای بیهوده

مَمْلُوءَةً بِالْعَفْلَةِ وَالسَّهْوِ، تُسْرِعُ بِي إِلَى الْحَوْبَةِ، وَتُسَوِّفُنِي بِالتَّوْبَةِ،

بسیار متمایل و از بی خبری و فراموشی اناشته است مرا به سوی گناه شتاب دهد و به نوبت توبه به امروز و فردا کند

إِلَهِي أَشْكُو إِلَيْكَ عَدُوًّا يُضِلُّنِي، وَشَيْطَانًا يُغْوِينِي، قَدْ مَلَأَ

خدایا به تو شکایت آورم از دشمنی که گمراهم کند و شیطانی که مرا از راه بدر برد سینهام را پر از

بِالْوَسْوَاسِ صَدْرِي وَأَحَاطَتْ هَوَاجِسُهُ بِقَلْبِي، يُعَاضِدُ لِي الْهَوَى،

وسوسه کرده و تحریکات زهرآگینش قلبم را احاطه کرده به هوا و هواسم کمک کند

وَيَزِينُ لِي حُبَّ الدُّنْيَا وَيَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ الطَّاعَةِ وَالرِّزْقِ، إِلَهِي

و دوستی دنیا را پیش چشمم آرایش دهد میان من و فرمانبرداری و تقرب به درگاهت حائل گردد خدایا

إِلَيْكَ أَشْكُو قَلْبًا قَاسِيًا مَعَ الْوَسْوَاسِ مُتَقَلِّبًا، وَبِالرَّيْنِ وَالطَّنْبَعِ مُتَلَبِّسًا،

پیش تو شکوه آرم از دلی که سخت شده و بدست وسوسه ها بگردد و به زنگ (خودبینی) و خوی زشت پوشیده شده،

وَعَيْنًا عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ حَوْفِكَ جَامِدَةً، وَإِلَى مَا تَسْرُّهَا طَامِحَةً، إِلَهِي

و از دیده ای که به هنگام گریه کردن از خوف تو خشک است ولی برای نگرستن به مناظر خوش آیندش خیره و حریص

است خدایا

لَا حَوْلَ لِي وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِقُدْرَتِكَ، وَلَا نَجَاةَ لِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا إِلَّا

جنبش و نیرویی برای من نیست جز به نیروی تو و راه نجاتی از گرفتاریهای دنیا ندارم جز

بِعِصْمَتِكَ، فَاسْأَلُكَ بِبِلَاغَةِ حِكْمَتِكَ، وَتَفَاذِ مَشِيَّتِكَ، أَنْ لَا تَجْعَلُنِي

نگهداری تو پس از تو می خواهم به حکمت رسایت و به مشیت جاری و گذارایت که مرا تنها در معرض

لِغَيْرِ جُودِكَ مُتَعَرِّضاً، وَلَا تُصَيِّرْنِي لِلْفِتَنِ غَرَضاً وَكُنْ لِي عَلَى

جود و بخشش خود درآوری و هدف تیرهای بلا و آزمایش قرارم ندهی و مرا در پیروزی

الْأَعْدَاءِ نَاصِراً، وَعَلَى الْمَخَازِي وَالْعُيُوبِ سَاطِراً وَمِنَ الْبَلَاءِ وَاقِياً،

بر دشمنان یاری کنی و رسوائیها و عیوبم را بپوشانی و از بلا محافظتم کنی

وَعَنِ الْمَعَاصِي عَاصِماً بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و از گناهان نگاهم داری به مهر و رحمتت ای مهربانترین مهربانان

الثَّالِثَةُ: «مَنَاجَاتُ الْخَائِفِينَ»

سوم: مناجات خائفان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِي أَتَرَكَ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِكَ تُعَذِّبُنِي، أَمْ بَعْدَ حُبِّي إِيَّاكَ تُبْعِدُنِي، أَمْ

خدایا آیا چنان می بینی که پس از ایمان آوردنم به تو مرا عذاب کنی یا پس از دوستیتم به تو مرا از خود دور

مَعَ رَجَائِي لِرَحْمَتِكَ وَصَفْحِكَ تَحْرِمُنِي، أَمْ مَعَ اسْتِجَارَتِي بِعَفْوِكَ

کنی یا با امیدی که به رحمت و چشم پوشیت دارم محروم سازی یا با پناه آوردنم به عفو و گذشتت

تُسَلِّمُنِي، حَاشَا لَوْجَهِيكَ الْكَرِيمِ أَنْ تُخَيِّبَنِي، لَيْتَ شِعْرِي اللَّشَقَاءِ

مرا بدست دوزخ سپاری؟ هرگز! از ذات بزرگوار تو دور است که محروم کنی، ای کاش می دانستم که آیا مادرم مرا

وَلَدْتَنِي أُمِّي أَمْ لِلْعَنَاءِ رَبَّتْنِي، فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِي وَلَمْ تُرَبِّبْنِي، وَلَيْتَنِي

برای بدبختی زانیده یا برای رنج و مشقت مرا پروریده؟ کاش مرا نزانیده و بزرگ نکرده بود

عَلِمْتُ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي، وَبِقُرْبِكَ وَجِوَارِكَ خَصَصْتَنِي،

و کاش می دانستم ای خدا که آیا مرا از اهل سعادت قرارم داده و به مقام قرب و جوار خویش مخصوصم گردانده ای

فَتَقَرَّرَ بِذَلِكَ عَيْنِي، وَتَطْمَئِنُّ لَهُ نَفْسِي، إِلَهِي هَلْ تُسَوِّدُ وَجُوهًا خَرَّتْ

تا چشمم بدین سبب روشن گشته و دلم مطمئن گردد خدایا آیا برآستی سیاه کنی چهره هایی را که در

سَاجِدَةً لِعَظَمَتِكَ، أَوْ تُخْرِسُ أَلْسِنَةً نَطَقَتْ بِالثَّنَاءِ عَلَيَّ مَجْدِكَ

برابر عظمتت به خاک افتاده یا لال کنی زبانهایی را که به نناگویی درباره مبد

وَجَلَّاتِكَ، أَوْ تَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ أَنْطَوْتُ عَلَى مَحَبَّتِكَ، أَوْ تُصِمُّ

و شوکتت گویا شده یا مهر زنی بر دلهایی که دوستی تو را در بردارد یا کر کنی

أَسْمَاعًا تَلَذَّذَتْ بِسَمَاعِ ذِكْرِكَ فِي إِرَادَتِكَ، أَوْ تَعْلُ أَكْفًا رَفَعْتَهَا

گوشههایی را که به شنیدن ذکر در ارادت و رزی به تو لذت برند یا بندگی به زنجیر کیفر دستهایی را

الْأَمَالَ إِلَيْكَ رَجَاءً رَأْفَتِكَ، أَوْ تُعَاقِبُ أَبْدَانًا عَمِلْتَ بِطَاعَتِكَ حَتَّى

که آمال و آرزوها به امید مهرت آنها را به سوی تو بلند کرده یا کیفر کنی بدنهایی را که در طاعتت کار کرده تا

نَحَلْتَ فِي مُجَاهَدَتِكَ، أَوْ تُعَذِّبُ أَرْجُلًا سَعَتْ فِي عِبَادَتِكَ، إِلَهِي لَا

به جایی که در راه کوشش برای تو نزار گشته یا شکنجه دهی پاهایی را که در پرستش راه یافته خدایا

تُغْلِقُ عَلَيَّ مَوْحِدِيكَ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَلَا تُحِبُّ مُشْتَاكِيكَ عَن

درهای رحمتت را به روی یکتا پرستانت مبند و مشتاقانت را از

النَّظَرِ إِلَى جَمِيلِ رُؤْيَتِكَ، إِلَهِي نَفْسٌ أَعَزَّزْتُهَا بِتَوْحِيدِكَ كَيْفَ

مشاهده جمال دیدارت محروم مکن خدایا نفسی را که به وسیله توحید و یگانه پرستیت عزیز داشته‌ای چگونه

تُذَلِّلُهَا بِمَهَانَةِ هِجْرَانِكَ، وَضَمِيرٌ أُنْعَقَدَ عَلَيَّ مَوَدَّتِكَ، كَيْفَ تُحْرِقُهُ

به خواری هجرانت پست کنی و نهادی را که با دوستی تو پیوند شده چگونه به

بِحَرَارَةِ نِيرَانِكَ، إِلَهِي أَجْرُنِي مِنَ أَلِيمِ غَضَبِكَ، وَعَظِيمِ سَخَطِكَ، يَا

حرارت آتشت بسوزانی خدایا پناهم ده از خشم دردناک و غضب بزرگت ای

حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، يَا جَبَّارُ يَا قَهَّارُ، يَا غَفَّارُ يَا سَتَّارُ،

مهرورز ای پربخشش ای مهربان ای بخشاینده ای دارای بزرگی و عظمت ای به قهر گیرنده ای پرده‌پوش

نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مَنَ عَذَابِ النَّارِ وَفَضِيحَةِ الْعَارِ إِذَا امْتَأَزَ الْأَخْيَارُ

نجاتم ده به رحمت خود از عذاب دوزخ و رسوایی ننگ (یا برهنگی) در آن هنگام که نیکان

مِنَ الْأَشْرَارِ، وَحَالَتِ الْأَحْوَالُ وَهَالَتِ الْأَهْوَالُ، وَقَرَّبَ الْمُحْسِنُونَ،

از بدان جدا گردند و احوال دگرگون شود و هراسها مردم را فراگیرد و نزدیک و مقرب شوند نیکوکاران

وَبَعْدَ الْمُسِيئُونَ وَوَفَّيْتَ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

و دور گردند بدکاران و به هر کس هر چه کرده است داده شود و ستم به ایشان نشود

الرَّابِعَةَ: «مُنَاجَاتِ الرَّاجِينَ»

چهارم: مناجات امیدواران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

يَا مَنْ إِذَا سَأَلَهُ عَبْدٌ أَعْطَاهُ، وَإِذَا أَمَلَ مَا عِنْدَهُ بَلَغَهُ، مُنَاهُ، وَإِذَا أَقْبَلَ

ای که هرگاه بنده‌ای از او درخواست کند دهدش و هرگاه چیزی را که نزد او است آرزو کند بدان آرزو رساندش و

چون بدو رو کند

عَلَيْهِ قَرَبَهُ وَأَدْنَاهُ، وَإِذَا جَاهَرَهُ بِالْعِصْيَانِ سَتَرَ عَلَى ذَنْبِهِ وَعَطَاهُ، وَإِذَا

به مقام قرب و نزدیکی خویشش ببرد و چون به آشکاری گناهش کند پرده بر گناهش کشد و آن را بپوشاند و چون بر

تَوَكَّلَ عَلَيْهِ أَحْسَبَهُ وَكَفَاهُ، إِلَهِي مَنْ أَلَذَى نَزَلَ بِكَ مُلْتَمِسًا قِرَاكَ

او توکل کند کفایتش کند و بسش باشد خدایا کیست که بر درگاه تو بار اندازد و میهمان‌نوازیست خواهد

فَمَا قَرَيْتَهُ، وَمَنْ أَلَذَى أَنَاخَ بِيَابِكَ مُرْتَجِيًا نَدَاكَ فَمَا أَوْلَيْتَهُ، أَيَحْسُنُ

و تو پذیرایش نکنی و کیست که مرکب نیاز خود به دربارت خواباند و امید بخششت داشته باشد و تو احسانش

أَنْ أَرْجِعَ عَنْ بَابِكَ بِالْخَبِيَةِ مَصْرُوفًا، وَكَسْتُ أَعْرِفُ سِوَاكَ مَوْلَى

نکنی آیا خوبست که من ناامید از درگاهت باز گردم با اینکه جز تو مولایی را که به احسان نامور باشد

بِالْأِحْسَانِ مَوْصُوفًا، كَيْفَ أَرْجُو غَيْرَكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِكَ، وَكَيْفَ

نشناسم چگونه به جز تو امید داشته باشم با اینکه هر چه خیر است بدست تو است و چگونه

أُوْمَلُّ سِوَاكَ وَالْخَلْقُ وَالْأَمْرُ لَكَ، أَقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ وَقَدْ أَوْلَيْتَنِي

به جز تو آرزومند باشم با اینکه خلقت و فرمان از آن تو است آیا براستی امیدم را از تو قطع کنم با اینکه تو

مَا لَمْ أَسْأَلْهُ مِنْ فَضْلِكَ، أَمْ تُفَقِّرُنِي إِلَى مِثْلِي وَأَنَا عَتَصِمُ بِحَبْلِكَ، يَا

از فضل خویش به من عطا کردی چیزی را که من درخواست نکرده بودم یا مرا همانند خودم نیازمند سازی با اینکه من

به رشته تو

مَنْ سَعَدَ بِرَحْمَتِهِ الْقَاصِدُونَ، وَلَمْ يَشُقَّ بِنِقْمَتِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ، كَيْفَ

چنگ زدم ای که به رحمتش سعادت‌مند گردند قاصدان او و دچار بدبختی و عذاب و کيفرش نشوند آمرزش خواهانش چگونه

أَنْسِيكَ وَلَمْ تَزَلْ ذَاكِرِي، وَكَيْفَ أَلْهُو عَنْكَ وَأَنْتَ مُرَاقِبِي، إِلَهِي

فراموشت کنم با اینکه تو همیشه به یاد منی و چگونه از یاد تو بیرون روم با اینکه تو همیشه مراقب من هستی خدایا

بِذَيْلِ كَرَمِكَ أَعْلَقْتُ يَدِي، وَلِنَيْلِ عَطَايَاكَ بَسَطْتُ أَمْلِي، فَأَخْلَصْنِي

من به ذیل کرمت دست انداختم و برای دریافت عطاهايت دامن آرزويم را گسترده‌ام پس مرا بوسيله يگانگی

بِخَالِصَةِ تَوْحِيدِكَ وَأَجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَةِ عَبِيدِكَ، يَا مَنْ كُلُّ هَارِبٍ إِلَيْهِ

خالص خود خالص گردان و از زمره بندگان برگزیده‌ات قرارم ده ای که هر گریخته‌ای به او

يَلْتَجِي، وَكُلُّ طَالِبٍ إِلَيْهِ يَرْتَجِي، يَا خَيْرَ مَرْجُوٍّ، وَيَا أَكْرَمَ مَدْعُوٍّ، وَيَا

پناه برد و هر جوینده‌ای به او امید دارد ای بهترین مایه امید و ای بزرگوارترین خواننده شده و ای

مَنْ لَا يَرُدُّ سَأَلَهُ، وَلَا يُخَيِّبُ أَمَلَهُ، يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيهِ، وَحِجَابُهُ

کسی که خواننده‌اش را دست خالی باز نگرداند و آرزومندش را نومید نسازد ای که درگاه او به روی خوانندگانش باز و

پرده‌اش

مَرْفُوعٌ لِرَاجِيهِ، أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ مِنْ عَطَايِكَ بِمَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنِي، وَمِنْ

برای امیدوار به او بالا زده است از تو خواهم به بزرگواریت که بر من بخشی از عطای خویش به حدی که دیده‌ام بدان

روشن گردد و از

رَجَائِكَ بِمَا تَطْمَئِنُّ بِهِ نَفْسِي، وَمِنْ الْيَقِينِ بِمَا تَهْوُنُ بِهِ عَلَيَّ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا،

امیدت بدان مقدارم که خاطرطم اطمینان یابد و از یقین بدان اندازه که پیش آمده‌های ناگوار دنیا بر من آسان گردد

وَتَجَلُّوْا بِهِ عَنْ بَصِيرَتِي غَشَوَاتِ الْعَمَى، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و بوسيله آن پرده‌های سیاه کوردلی از دیده دل دور شود به رحمت ای مهربانترین مهربانان

الخامسة: «مناجات الراغبين»

پنجم: مناجات مشتاقان

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِي إِنْ كَانَ قَلَّ زَادِي فِي الْمَسِيرِ إِلَيْكَ، فَلَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِالنَّوْكَلِ

خدایا اگر توشهام برای پیمودن راه بسوی تو اندک است ولی گمانم به توکل و اعتماد

عَلَيْكَ، وَإِنْ كَانَ جُرْمِي قَدْ أَخَفَنِي مِنْ عُقُوبَتِكَ، فَإِنَّ رَجَائِي قَدْ

بر تو نیکوست و اگر جرم و گناهم مرا از کیفر تو ترسناک کرده ولی امیدم به من

أَشَعَرَنِي بِالْأَمْنِ مِنْ نِقْمَتِكَ، وَإِنْ كَانَ ذَنْبِي قَدْ عَرَضَنِي لِعِقَابِكَ فَقَدْ

نوید ایمنی از انتقامت را می دهد و اگر گناهم مرا در سر راه کیفرت قرار داده ولی

أَذْنِي حُسْنُ ثِقَتِي بِثَوَابِكَ، وَإِنْ أَنَا مَتْنِي الْغَفْلَةُ عَنِ الْأَسْتِعْدَادِ

اعتماد خوبی که به تو دارم مرا به پاداش نیکت آگاه کرده و اگر غفلت و بی خبری مرا از آمادگی

لِلْقَائِكَ، فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْمَعْرِفَةَ بِكَرَمِكَ، وَالْإِيكَ، وَإِنْ أَوْحَشَ مَا بَيْنِي

برای شرفیابی درگاهت به خواب عمیقی فرو برده ولی معرفت و آگاهی از کرم و بخششهایت مرا بیدار کرده و اگر

زیاده روی

وَبَيْنَكَ فَرَطُ الْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ، فَقَدْ أَنْسَى بُشْرَى الْغُرْفَانِ

در نافرمانی و سرکشی میان من و تو را تیره ساخته ولی مژده آمرزش و خوشنود شدنت مرا به همدمی و انس با

وَالرَّضْوَانِ، أَسْأَلُكَ بِسُبُحَاتِ وَجْهِكَ، وَبِأَنْوَارِ قُدْسِكَ، وَأَبْتَهْلِ إِلَيْكَ

تو کشانده از تو خواهم به تابشهای جمالت و به انوار ذات مقدست و زاری کنم به درگاهت برای

بِعَوَاطِفِ رَحْمَتِكَ، وَلَطَائِفِ بَرِّكَ، أَنْ تُحَقِّقَ ظَنِّي بِمَا أَوْمَلُهُ مِنْ

جلب عواطف مهرت و دقائق احسانت که حقیقت بخشی به گمانم در آنچه از تو آرزومندم از

جَزِيلِ إِكْرَامِكَ، وَجَمِيلِ إِنْعَامِكَ فِي الْقُرْبَى مِنْكَ، وَالزُّلْفَى لَدَيْكَ،

بخشش فراوان و احسان نیکو در مورد تقرب به تو و نزدیکی به حضرتت

وَالْتَمَتُّعِ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ، وَهَا أَنَا مُتَعَرِّضٌ لِنَفْحَاتِ رَوْحِكَ وَعَطْفِكَ،

و بهره مند شدن از تماشای جمالت و اینک من خود را در معرض نسیم جانبخش لطف و توجهت درآورده

وَمُتَنَبِّعٌ عَيْثَ جُودِكَ وَلُطْفِكَ، فَأَرْؤُ مِنْ سَخَطِكَ إِلَى رِضَاكَ، هَارِبٌ

و خواهان باران جود و احسانت هستم و از خشمت به سوی خوشنودیت گریخته و از خودت بدرگاه خودت فرار

مِنْكَ إِلَيْكَ، راجِ أَحْسَنَ مَا لَدَيْكَ، مُعَوَّلٌ عَلَى مَوَاهِبِكَ، مُفْتَقِرٌ إِلَى

کرده‌ام و امید بهترین چیزی را که نزد تو است دارم و بر بخششهای تو اعتماد و توکل کرده‌ام و نیازمند به سرپرستی

رِعَايَتِكَ، إِلَهِي مَا بَدَأَتْ بِهِ مِنْ فَضْلِكَ فَتَمِّمَّهُ، وَمَا وَهَبْتَ لِي مِنْ

و نگهداری توام خدایا بدانچه از فضل خود درباره من دست زدی به پایانش رسان و آنچه از کرمت بر من

كَرَمِكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَمَا سَتَرْتَهُ عَلَيَّ بِحِلْمِكَ فَلَا تَهْتِكْهُ، وَمَا عَلِمْتَهُ

بخشیدی آن را از من مگیر و آنچه را به بردباری خویش بر من پوشانده‌ای آشکارش مکن و کارهای

مِنْ قَبِيحٍ فَعَلِي فَاغْفِرْهُ، إِلَهِي اسْتَشْفَعْتُ بِكَ إِلَيْكَ، وَاسْتَجَرْتُ بِكَ

زشتی را که من انجام داده‌ام برایم بپامرز خدایا خودت را به درگاهت شفیع آورم و از تو به خودت

مِنْكَ، آتَيْتُكَ طَامِعاً فِي إِحْسَانِكَ، رَاغِباً فِي امْتِنَانِكَ، مُسْتَسْقِياً وَابِلٌ

پناه برم به درگاهت آمده‌ام در حالی که آرزمندم به احسانت مشتاقم به دریافت بخششت تشنه‌ام به باران رحمت

طَوَّلِكَ، مُسْتَمْطِراً غَمَامَ فَضْلِكَ، طَالِباً مَرْضَاتِكَ، قَاصِداً جَنَابِكَ،

باران جویم از ابر فضل و احسانت جویای اسباب خشنودیت هستم و عازم تشریف به آستانت گشته‌ام

وَإِذَا شَرِيعَةٌ رَفِدِكَ، مُلْتَمِساً سَبِيَّ الْخَيْرَاتِ مِنْ عِنْدِكَ، وَإِذَا إِلَى

در جویبار عطایت وارد گشته و خواهشمندم بهترین نیکیهای تو هستم بار نیاز به درگاه

حَضْرَةِ جَمَالِكَ، مُرِيداً وَجْهَكَ، طَارِقاً بِأَبِكَ، مُسْتَكِيناً لِعِظْمَتِكَ

حضرت تو فرود آورده و ذات تو را خواهانم کوبنده‌ام در رحمتت را و خوارم در برابر عظمت

وَجَلَالِكَ، فَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَلَا تَفْعَلْ بِي

و جلالت پس انجام ده در باره‌ام آنچه را تو شایسته‌ای آنی از آمرزش و مهربانی و انجام مده درباره‌ام

مَا أَنَا أَهْلُهُ مِنَ الْعَذَابِ وَالنَّقْمَةِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

آنچه را من سزاوار آنم از عذاب و انتقام به مهربانیت ای مهربانترین مهربانان

السَّادِسَةُ: «مُنَاجَاتُ الشَّاكِرِينَ»

ششم: مناجات سپاسگزاران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِي أَذْهَلْنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابِعُ طَوْلِكَ، وَأَعْجَزَنِي عَنْ

خدایا بخشش بی دری تو انجام دادن سپاسگزاری را از یاد من برد و ریزش فضل و احسانت مرا از

إِحْصَاءِ تَنَائِكَ فَيُضِ فَضْلِكَ، وَشَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُفُ

شمردن ثنا و ستایشت عاجز کرد و پشت سر هم آمدن نیکیهایت مرا از ذکر ستودنیهایت بازداشت و پیاپی

عَوَائِدِكَ، وَأَعْيَانِي عَنْ نُشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي أَيَادِيكَ وَهَذَا مَقَامٌ مَن

رسیدن نعمتهایت مرا از نشر دادن نیکیهایت درمانده کرد و اینجا که من هستم جای کسی است که

اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعْمَاءِ، وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ، وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ

اعتراف به وفور نعمتهای تو و در مقابل آنها به کوتاهی کردن خود دارد و به اهمال کاری و تلف کردن

بِالْإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ، وَأَنْتَ الرَّؤُفُ الرَّحِيمُ الْبَرُّ الْكَرِيمُ، الَّذِي لَا

عمر خویش گواهی دهد و تو ای خدای با عذوفت و مهربان و نیکوکار و بزرگواری که روآورندگان بسویت را نومید

يُخَيِّبُ قَاصِدِيهِ، وَلَا يَطْرُدُ عَنْ فَنَائِهِ أَمَلِيهِ، بِسَاحَتِكَ تَحْطُّ رِحَالُ

نساز و آرزومندات را از درگاهت نرانی، امیدواران به آستانه تو بار امید خود را بیندازند

الرَّاجِعِينَ، وَبِعَرَصَتِكَ تَقِفُ أَمَالُ الْمُسْتَرْفِدِينَ، فَلَا تُقَابِلُ أَمَانَنَا

و آرزوهای عطاخواهان به میدان وسیع کرم تو توقف کنند پس ای خدا تو آرزوهای ما را

بِالتَّخْيِيبِ وَالْأَيَاسِ، وَلَا تُلْبِسُنَا سِرْبَالَ الْقُنُوطِ وَالْإِبْلَاسِ، إِلَهِي

با نومیدی و یأس روبرو مگردان و جامه ناامیدی و دل شکستگی بر ما مپوشان خدایا

تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظِمِ الْإِيكِ شُكْرِي، وَتَضَائِلَ فِي جَنْبِ إِكْرَامِكِ إِيَّايَ

در برابر نعمتهای بزرگت سپاسگزاری من کوچک است و در جنب اکرام و بزرگواری تو ثنا و

ثَنَائِي وَنُشْرِي، جَلَلْتَنِي نِعْمَكَ مِنْ أَنْوَارِ الْإِيمَانِ حُلَلًا، وَضَرَبْتَ

ستایش من خرد و ناقابل است نعمتهای تو زیورهایی از انوار ایمان بر من پوشانده و ریزه کاریهای

عَلَيَّ لَطَائِفُ بَرِّكَ مِنْ الْعِزِّ كِلَالًا، وَقَلَّدْتَنِي مِنْكَ قَلَائِدَ لَا تَحُلُّ،

نیکیت خیمه‌هایی از عزت بر سرم زده و احسانهایت گردن بنده‌هایی به گردنم انداخته که باز نشود

وَطَوَّقْتَنِي أَطْوَقًا لَا تُقَلُّ، فَالَا تُكْ جَمَّةٌ ضَعْفَ لِسَانِي عَنِ احْصَائِهَا

و طوقهایی بدان آویخته که نگسلد، نعمتهای بسیار تو زبان مرا از شمردنش ناتوان کرده

وَنَعْمَا وُكَّ كَثِيرَةٌ قَصْرَ فَهْمِي عَنِ ادْرَاكِهَا فَضْلًا عَنِ اسْتِقْصَائِهَا،

و بخششهای فراوانت خرد و فهم مرا از ادراکش کوتاه کرده تا چه رسد به پی بردن به پایانش و با این

فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ، وَشُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرٍ، فَكَلَّمَا

ترتیب من چگونه می توانم تو را سپاسگزاری کنم و همان سپاسگزاری من تازه احتیاج به سپاسگزاری دیگری دارد و

هرگاه

قُلْتُ لَكَ الْحَمْدُ، وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ، إِلَهِي فَكَمَا

بگویم ستایش مخصوص تو است برای همین جمله لازم است دوباره بگویم ستایش مخصوص تو است خدایا چنانچه

غَدَيْتَنَا بِلُطْفِكَ، وَرَبَّيْتَنَا بِصُنْعِكَ، فَتَمِّمْ عَلَيْنَا سَوَابِغَ النِّعَمِ، وَادْفَعْ عَنَّا

به لطف خویش ما را خوراک دادی و به پرورش خود پروریدی پس نعمتهای فراوانت را بر ما کامل کن و ناگواریهای

مَكَارِهِ النَّقْمِ، وَآتِنَا مِنْ حُظُوظِ الدَّارَيْنِ أَرْفَعَهَا وَأَجَلَّهَا، عَاجِلًا وَآجِلًا، وَلَكَ

سخت و بد را از ما دور کن و عطا کن به ما از بهره های دو جهان برتر و بهترش را چه اکنون و چه در آینده

الْحَمْدُ عَلَيَّ حُسْنِ بَلَائِكَ وَسُبُوغِ نِعْمَاتِكَ، حَمْدًا يُوَافِقُ رِضَاكَ، وَيَمْتَرِي

و ستایش تو را است برای آزمایش نیکویت و نعمتهای فراوانت ستایشی که برابر خوشنودیت باشد

الْعَظِيمِ مِنْ بَرِّكَ وَنَدَاكَ، يَا عَظِيمُ يَا كَرِيمُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و احسان و بخشش بزرگ تو را به سوی ما جلب کند ای بزرگ و ای بزرگوار به رحمت ای مهربانترین مهربانان

السَّابِعَةُ: «مُنَاجَاتُ الْمُطِيعِينَ لِلَّهِ»

هفتم: مناجات فرمانبرداران خدا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

اللَّهُمَّ اَلْهِمْنَا طَاعَتَكَ، وَجَنِّبْنَا مَعْصِيَتَكَ، وَيَسِّرْ لَنَا بُلُوغَ مَا نَتَمَنَّى مِنْ

خدایا طاعتت را بر ما الهام کن و از نافرمانیت ما را دور کن و آسان کن بر ما راه رسیدن بدانچه

إِنْتِغَاءِ رِضْوَانِكَ، وَأَحْلِلْنَا بُحْبُوحَةَ جَنَانِكَ، وَأَفْشِعْ عَنَّا بَصَائِرِنَا

آرزومندیم از تحصیل آنچه موجب خوشنودی تو است و ما را در وسط بهشتهای جای ده و پراکنده ساز از پیش

دیدگان ما

سَحَابِ الْأَرْتِيَابِ، وَكَاشِفُ عَنَّا قُلُوبِنَا أَغْشِيَةَ الْمَرِيَّةِ وَالْحِجَابِ،

ابرهای شک و شبهه را و بردار از دلهای ما پردههای تردید و تاریکی را

وَأَزْهِقِ الْبَاطِلَ عَنَّا ضَمَائِرِنَا، وَأَثْبِتِ الْحَقَّ فِي سَرَائِرِنَا، فَإِنَّ

و دور کن باطل را از نهاد ما و پابرجا کن حق را در درون ما زیرا این

الشُّكُوكِ وَالظُّنُونِ لَوَاقِحُ الْفِتَنِ، وَمَكْدَرَةٌ لِّصَفْوِ الْمَنَاحِحِ وَالْمِنَنِ،

شک و تردیدها و گمانها فتنه‌انگیز و تیره کننده عطاها و بخششهای زلال و صافی است خدایا

اللَّهُمَّ احْمِلْنَا فِي سُنَنِ نَجَاتِكَ، وَمَتَّعْنَا بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ، وَأَوْرِدْنَا

خدایا ما را در کشتی‌های نجات جای ده و از لذت مناجات بهره‌مند ساز و ما را بر لب دریاچه‌های

حِيَاضِ حَبِّكَ، وَأَذِقْنَا حَلَاوَةَ وُدِّكَ وَقُرْبِكَ، وَاجْعَلْ جِهَادَنَا فِيكَ، وَ

محبت وارد کن و شیرینی دوستی و مقام قربت را به ما بچشان و جهد و کوشش ما را در راه خودت و

هَمَّنَا فِي طَاعَتِكَ، وَأَخْلِصْ نِيَّاتِنَا فِي مُعَامَلَتِكَ، فَإِنَّا بِكَ وَوَلَكَّ، وَلَا

همت مان را در طاعت خودت قرار ده و نیت‌های ما را در مورد کارهایی که برایت انجام دهیم خالص گردان زیرا ما با تو

وَسِيْلَةً لَّنَا إِلَيْكَ إِلَّا أَنْتَ، إِلَهِي اجْعَلْنِي مِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ

و از آن تویی و وسیله‌ای به درگاهت نداریم جز خودت خدایا مرا از برگزیدگان نیکوکار قرارم ده

وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ الْأَبْرَارِ، السَّابِقِينَ إِلَى الْمَكْرُمَاتِ، الْمُسَارِعِينَ

و به شایستگان نیک رفتارم ملحق کن آنان که به کارهای نیک پیشی جسته و به سوی خیرات

إِلَى الْخَيْرَاتِ، الْعَامِلِينَ لِلْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، السَّاعِينَ إِلَى رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ

شتابان بوده و برای باقیات صالحات کار می‌کنند و به رسیدن به درجات عالی و بلند کوشایند که برآستی

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِالْأَجَابَةِ جَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

تو بر هر چیز توانایی و به اجابت خواسته‌ام سزاوار به رحمت ای مهربانترین مهربانان

التَّامِنَةُ: «مَنَاجَاتُ الْمُرِيدِينَ»

هشتم: مناجات اهل ارادت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

سُبْحَانَكَ مَا أَضْيَقَ الطَّرْقَ عَلَى مَنْ لَمْ تَكُنْ دَلِيلَهُ، وَمَا أَوْضَحَ الْحَقَّ

منزهی تو! چه اندازه تنگ است راهها بر کسی که تو آش رهنمون نباشی و چه اندازه حقیقت روشن است

عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ سَبِيلَهُ، إِلَهِي فَاسْأَلُكَ بِنَا سُبُلِ الْوُصُولِ إِلَيْكَ، وَسَيِّرْنَا

برای کسیکه تو راهش را نشانش داده‌ای خدایا پس ما را به راههای رسیدن به درگاہت بدار و از

فِي أَقْرَبِ الطَّرْقِ لِلْوُقُودِ عَلَيْكَ، قَرِّبْ عَلَيْنَا الْبُعِيدَ، وَسَهِّلْ عَلَيْنَا

نزدیکترین راهی که به تو رسند ما را ببر دور را بر ما نزدیک گردان و راههای سخت و

الْعُسِيرَ الشَّدِيدَ، وَالْحَقِّنَا بِعِبَادِكَ الَّذِينَ هُمْ بِالْبِدَارِ إِلَيْكَ يُسَارِعُونَ،

و دشوار را بر ما آسان و هموار ساز و ملحقمان دار به آن بندگانت که در پیشی گرفتن به سویت شتاب کنند

وَبَابِكَ عَلَى الدَّوَامِ يَطْرُقُونَ، وَإِيَّاكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَعْبُدُونَ، وَهُمْ

و یکسره بطور مداوم در خانهات را می‌کوبند و در شب و روز تو را پرستش کنند و آنها

مِنْ هَيْبَتِكَ مُشْفِقُونَ، الَّذِينَ صَفَّيْتَ لَهُمُ الْمَشَارِبَ، وَبَلَّغْتَهُمْ

از هیبت ترسانند آنانکه آبخورشان را پاک کردی و بخواسته‌هایشان رسانیدی

الرَّغَائِبَ، وَأَنْجَحْتَ لَهُمُ الْمَطَالِبَ، وَقَضَيْتَ لَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ الْمَأْرَبَ،

و به دادن آنچه جویایش بودند کامرواشان ساختی و حاجتهاشان را از فضل خویش برآوردی

وَمَلَأْتَ لَهُمْ ضَمَائِرَهُمْ مِنْ حُبِّكَ، وَرَوَّيْتَهُمْ مِنْ صَافِي شَرِبِكَ، فَبِكَ

و دلهاشان را سرشار از دوستی خویش کردی و از آب زلال معرفت سیرایشان کردی پس بوسیله

إِلَى لَذِيذِ مَنَاجَاتِكَ وَصَلُوا، وَمِنْكَ أَقْصَى مَقَاصِدِهِمْ حَصَلُوا، فَيَا مَنْ

تو به لذت مناجات نائل گشتند و از ناحیه تو بالاترین مقاصدشان را بدست آوردند پس ای

هُوَ عَلَى الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ، وَبِالْعَطْفِ عَلَيْهِمْ عَائِدٌ مُفْضِلٌ،

کسی که بر آنانکه به سویش رو کنند رو آوری و با توجه بدانها مهرورزی و نعمت بخشی و ای آنکه نسبت به

وَبِالْغَافِلِينَ عَن ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رُؤُوفٌ، وَيَجْذِبُهُمْ إِلَىٰ بَابِهِ وَدُودٌ عَطُوفٌ،

بی‌خبران و غافلان از ذکر خود رحیم و مهربانی و با جلب آنان به درگاهت دوستدار و مهرورزی از تو

أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ حَظًّا، وَأَعْلَاهُمْ عِنْدَكَ مَنْزِلًا،

خواهم از کسانی قرارم دهی که بهره بیشتری از تو دریافت داشته و مرتبه بالاتری را حائز گشته

وَأَجْزَلِهِمْ مِنْ وَدُكٍ قِسْمًا، وَأَفْضَلِهِمْ فِي مَعْرِفَتِكَ نَصيبًا، فَقَدْ انْقَطَعَتْ

و از دوستیت نصیب بیشتری عایدش شده و در معرفتت سهم زیادتری بهره‌اش داده‌اند زیرا که توجه من از همه جا

إِلَيْكَ هِمَّتِي، وَأَنْصَرَفَتْ نَحْوِكَ رَغْبَتِي، فَأَنْتَ لَا غَيْرُكَ مُرَادِي، وَلَكِ

بسوی تو منقطع شده و اراده و آرزویم به جانب تو گشته است پس مراد من تنها تویی نه دیگری

لَا لِسِوَاكَ سَهْرِي وَسَهَارِي، وَلِقَاؤُكَ قَرَّةٌ عَيْنِي، وَوَصْلُكَ مَنِي

و شب‌زنده‌داری و بی‌خوابیم فقط بخاطر تو است نه غیر تو و دیدارت نور چشم من است و وصل تو

نَفْسِي، وَإِلَيْكَ شَوْقِي، وَفِي مَحَبَّتِكَ وَلَهْيِي، وَإِلَىٰ هَوَاكَ صَبَابَتِي،

آرزوی جان من و بسوی تو است اشتیاقم و در وادی محبت تو سرگشته‌ام، و در هوای تو است دلدادگیم

وَرِضَاكَ بُغْيَتِي، وَرُؤْيَتِكَ حَاجَتِي، وَجِوَارِكَ طَلْبِي، وَقُرْبُكَ غَايَتِي

و خوشنودی تو است مقصودم و دیدار تو است حاجت من و نعمت جوارت مطلوب من است نزدیکی و قرب به تو

متنهای

سُؤْلِي، وَفِي مُنَاجَاتِكَ رَوْحِي وَرَاحَتِي، وَعِنْدَكَ دَوَاءٌ عِلَّتِي، وَشِفَاءٌ

خواسته من است و در مناجات با تو است خوشی و راحتیم و پیش تو است داروی دردم و شفای

غُلَّتِي، وَبَرْدٌ لَوْعَتِي، وَكَشْفٌ كُرْبَتِي، فَكُنْ أُنَيْسِي فِي وَحْشَتِي، وَمُقِيلٌ

جگر سوخته‌ام و تسکین حرارت دلم و برطرف شدن دشواریم پس ای خدا بوده باش تو انیس و همدم در حال

وحشتم و گذرنده

عَثْرَتِي، وَغَافِرٌ زَلَّتِي، وَقَابِلٌ تَوْبَتِي، وَمُجِيبٌ دَعْوَتِي، وَوَلِيٌّ

از لغزشم و آمرزنده گناهم و پذیرنده توبه‌ام و اجابت کننده دعایم و سرپرست

عِصْمَتِي وَمُعْنِي فَاقَتِي، وَلَا تَقْطَعْنِي عَنْكَ، وَلَا تُبْعِدْنِي مِنْكَ، يَا

نگهداریم و توانگری ده از نداریم و مرا از خویش جدایم مکن و از درگاهت دورم منما ای

نَعِيمِي وَجَنَّتِي، وَيَا دُنْيَايَ وَآخِرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

تو نعيم و جنت من و ای دنیا و آخرت ای مهربانترین مهربانان

التَّاسِعَةُ: «مُنَاجَاتُ الْمُحِبِّينَ»

نهم: مناجات دوستان

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا، وَمَنْ ذَا الَّذِي

خدایا نیست که شیرینی محبت تو را چشیده باشد و جز تو آهنگ دیگری را بکند و کیست که به مقام

أَنْسَ بِقُرْبِكَ فَأَبْتَغَى عَنْكَ حَوْلًا، إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ اصْطَفَيْتَهُ

قرب تو انس گرفته باشد و درصدد روگرداندن از تو باشد خدایا قرار ده ما را از زمره کسانی که

لِقُرْبِكَ وَوَلَايَتِكَ، وَأَخْلَصْتَهُ لُودُكَ وَمَحَبَّتِكَ، وَشَوَّقْتَهُ إِلَى لِقَائِكَ،

برای قرب و دوستیت برگزیده‌ای و برای عشق و محبتت خالصش گردانده و به دیدارت شائقش کرده و به قضا

وَرَضِيَّتَهُ بِقَضَائِكَ، وَمَنْحَتَهُ بِالنَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ، وَحَبْوَتَهُ بِرِضَاكَ،

و قدرت راضیش ساخته و به دیدن رویت به او نعمت بخشیده و به خوشنودی خویش مخصوصش گردانده

وَأَعَدَّتَهُ مِنْ هَجْرِكَ وَقِلَاقِكَ، وَبَوَّأَتْهُ مَقْعَدَ الصِّدْقِ فِي جِوَارِكَ،

و از غم هجران و فراقش پناهش داده و در جایگاه راستی در جوار خویش جایش داده و

وَخَصَّصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ، وَأَهْلَيْتَهُ لِعِبَادَتِكَ، وَهَيَّيْتَهُ لِقَلْبِهِ لِإِرَادَتِكَ،

به معرفت خویش مخصوصش کرده و برای پرستش و عبادتت او را لایق کردی و در ارادت خویش دل شیدایش کردی

وَاجْتَبَيْتَهُ لِمُشَاهَدَتِكَ، وَأَخْلَيْتَ وَجْهَهُ لَكَ، وَفَرَّغْتَ فُؤَادَهُ لِحُبِّكَ،

و برای مشاهده جمالت انتخابش کردی و رویش را برای خودت از اغیار خالی کردی و دلش را برای محبت خویش

فارغ کردی

وَرَعَيْتَهُ فِيمَا عِنْدَكَ، وَالْهَمَمْتُ ذِكْرَكَ، وَأَوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ، وَسَعَلْتَهُ

و تنها بدانچه نزد تو است راغبش کردی و ذکر خویش را بدو الهام کردی و سپاسگزاری را بدون نصیب کردی

بِطَاعَتِكَ وَصَيْرْتَهُ مِنْ صَالِحِي بَرِيَّتِكَ، وَاخْتَرْتَهُ لِمُنَاجَاتِكَ،

و به طاعت خود سرگرمش ساختی و او را از بندگان شایسته‌ات گرداندی و برای مناجات خویش انتخابش کردی

وَقَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّشَيْءٍ يَّقْطَعُهُ عَنْكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ دَابِّهِمْ

و بریدی از او هر چه را که موجب بریدنش از تو گردد خدایا قرار ده ما را از کسانی که شیوه‌شان در زندگی

الْإِرْتِيَاحُ إِلَيْكَ وَالْحَيْنُ، وَدَهْرُهُمُ الزَّفَرَةُ وَالْأَنِينُ، جِبَاهُهُمْ سَاجِدَةٌ

شادمانی با تو و زاری به درگاه تو است و روزگارشان آه و ناله است پیشانی‌هایشان در برابر عظمتت به خاک

لِعِظَمَتِكَ، وَعْيُونُهُمْ سَاهِرَةٌ فِي خِدْمَتِكَ، وَدُمُوعُهُمْ سَائِلَةٌ مِنْ

افتاده و از دیدگان‌شان در خدمتت یکسره بیدار است و سرشکشان از

خَشْيَتِكَ، وَقُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ بِمَحَبَّتِكَ، وَأَفْتِدَتُهُمْ مُنْخَلَعَةٌ مِنْ مَهَابَتِكَ،

ترس تو ریزان و دل‌هایشان به محبتت آویزان و قلب‌هایشان از هیبتت از جا کنده شده است

يَا مَنْ أَنْوَارُ قُدْسِهِ لِأَبْصَارِ مُحِبِّبِهِ رَآئِقَةٌ، وَسُبُحَاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ

ای که انوار قدسش برای دیدگان دوستانش در کمال درخشندگی است و پرتوافکنی‌های جمالش برای قلوب

عَارِفِيهِ شَائِقَةٌ، يَا مَنْ قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ وَيَا غَايَةَ آمَالِ الْمُحِبِّينَ،

عارفان زاینده (چرکیها) است ای آرمان دل مشتاقان و ای منتهای آرزوی دوستان

أَسْأَلُكَ حُبِّكَ وَحَبًّا مِنْ يَحِبُّكَ وَحَبًّا كُلَّ عَمَلٍ يُوَصِّلُنِي إِلَيْ قُرْبِكَ،

از تو خواهم دوستی خودت و دوستی دوستدارانت و دوستی هر عملی که مرا به قرب تو واصل گرداند

وَأَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا سِوَاكَ، وَأَنْ تَجْعَلَ حَبِّي إِلَيْكَ قَائِدًا إِلَيَّ

و تو را در پیش من محبوبتر از ماسوای تو قرار دهد و از تو خواهم که دوستیم را نسبت به تو جلودارم قرار دهی تا

رِضْوَانِكَ، وَشَوْقِي إِلَيْكَ ذَائِدًا عَنْ عِصْيَانِكَ، وَأَمْنُنُ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ

مرا به رضوانت بکشاند و اشتیاقم را به سویت چنان کنی که بازدارنده از نافرمانیت باشد و بر من منت نه به اینکه بر من

توجهی

عَلَيَّ، وَأَنْظُرُ بِعَيْنِ الْوُدِّ وَالْعَطْفِ إِلَيَّْ، وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ،

فرمایی و با دیده دوستی و عطفوت بر من بنگری و رو از من مگردانی

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْأَسْعَادِ وَالْحِطْوَةِ عِنْدَكَ، يَا مُجِيبُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و مرا از جمله سعادت‌مندان و بهره‌مندان نزد خود قرار دهی ای پاسخ دهنده ای مهربانترین مهربانان

العاشرة: «مناجات المتوسلين»

دهم: مناجات توسل جویان

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِي لَيْسَ لِي وَسِيلَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَاطِفُ رَأْفَتِكَ، وَلَا لِي ذَرِيعَةٌ

خدایا وسیله‌ای به درگاهت ندارم جز عواطف مهرت و به سبب دست‌آویزی ندارم

إِلَيْكَ إِلَّا عَوَافِرُ رَحْمَتِكَ، وَشَفَاعَةُ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَمُنْقِذُ الْأُمَّةِ

جز آنچه معروف است از رحمتت و شفاعت پیامبرت پیامبر رحمت و نجات ده امت

مِنَ الْعُمَّةِ، فَاجْعَلْهُمَا لِي سَبَبًا إِلَى نَيْلِ غُفْرَانِكَ وَصَيْرُهُمَا لِي وَصَلَةً

از غم و اندوه پس ای خدا همان دو را وسیله رسیدنم به آمرزشت قرار ده و سببی برای رسیدنم

إِلَى الْفَوْزِ بِرِضْوَانِكَ، وَقَدْ حَلَّ رَجَائِي بِحَرَمِ كَرَمِكَ وَحَطَّ طَمَعِي

به سعادت خوشنودیت گردان زیرا که بار امیدم در حریم کرمت فرود آمده و مرکب طمعم به

بِفِنَاءِ جُودِكَ، فَحَقِّقْ فِيكَ أَمَلِي، وَاخْتِمْ بِالْخَيْرِ عَمَلِي، وَاجْعَلْنِي مِنْ

آستانه جود تو زانو زده پس ای خدا به آرزوی من جامعه عمل پوشان و پایان کارم را بخیر گردان و

صَفْوَتِكَ الَّذِينَ أَحَلَلْتَهُمْ بِحُبُوحَةِ جَنَّتِكَ، وَيَوَّاتَهُمْ دَارَ كَرَامَتِكَ،

در زمره آن دسته از برگزیدگان قرارم ده که در وسط بهشتت فرودشان آوردی و در خانه بزرگواری خویش جایشان

دادی

وَاقْرَرْتُ أَعْيُنَهُمْ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ يَوْمَ لِقَائِكَ، وَأَوْرَثْتَهُمْ مَنَازِلَ الصِّدْقِ

و دیده آنها را در روز دیدار به همان نظر کردنشان بسبب روشن کردی و جایگاههای راستی را در جوار خویش

بدیشان

فِي جِوَارِكَ، يَا مَنْ لَا يَقْدُ الْوَافِدُونَ عَلَى أَكْرَمِ مِنْهُ، وَلَا يَجِدُ الْقَاصِدُونَ

سپردی ای که واردین بر کریمتر از او وارد نشوند و قاصدان مهربانتر

أَرْحَمَ مِنْهُ، يَا خَيْرَ مَنْ خَلَا بِهِ وَحِيدٌ، وَيَا أَعْظَفَ مَنْ أَوَى إِلَيْهِ طَرِيدٌ

از او نیابند ای بهترین کسی که شخص در تنهایی با او خلوت کند و ای مهربانترین کسی که شخص آواره به درگاهش

إِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ مَدَدْتُ يَدِي، وَبَدَيْلِ كَرَمِكَ أَعْلَقْتُ كَفِّي، فَلَا تُؤْنِسِي الْحَرْمَانَ

جا و مسکن گیرد به سوی عفو و سبقت دست (نیاز) دراز کرده و به ذیل کرم تو چنگ (حاجت) انداخته‌ام پس مرا

محروم

وَلَا تُبَلِّئِي بِالْخَبِيئَةِ وَالْخُسْرَانَ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

برمگردان و به زیان و خسران دچارم مساز ای شنوای دعا ای مهربانترین مهربانان

الحادى عشر: «مناجات المفتقرين»

یازدهم: مناجات نیازمندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

إِلٰهِ كَسْرِي لَا يَجْبِرُهُ إِلَّا لُطْفُكَ وَحَنَانُكَ، وَفَقْرِي لَا يُغْنِيهِ إِلَّا

خدایا شکست مرا جز لطف و مهر تو چیزی جبران نکند و نداریم را جز

عَطْفُكَ وَإِحْسَانُكَ، وَرَوْعَتِي لَا يُسْكِنُنِي إِلَّا أَمَانُكَ، وَذَلَّتِي لَا يُعِزُّهَا

توجه و احسان تو برطرف نسازد و هراس و وحشتم را جز امان تو آرام نکند و خواریم را جز

إِلَّا سُلْطَانُكَ، وَأُمْنِيَّتِي لَا يُبَلِّغُنِيهَا إِلَّا فَضْلُكَ، وَخَلَّتِي لَا يَسُدُّهَا إِلَّا

سلطنت تو به عزت مبدل نسازد و جز فضل تو چیزی مرا به آرزویم نرساند و فقر و احتیاجم را جز احسان تو

طَوْلُكَ، وَحَاجَتِي لَا يَقْضِيهَا غَيْرُكَ، وَكَرْبِي لَا يُفْرِجُهُ سِوَى رَحْمَتِكَ،

پر نکند و حاجتم را جز تو برنیاورد و گره از گرفتاریم جز رحمت تو نگشاید و درماندگیم را

وَضُرِّي لَا يَكْشِفُهُ غَيْرُ رَأْفَتِكَ، وَغُلَّتِي لَا يَبْرِئُهَا إِلَّا وَصْلُكَ،

جز مهر تو برطرف نکند و سوز دلم را جز وصل تو فرو نشاناند

وَلَوْعَتِي لَا يُطْفِئُهَا إِلَّا لِقَاؤُكَ، وَشَوْقِي إِلَيْكَ لَا يَبْلُغُهُ إِلَّا النَّظَرُ إِلَيَّ

و شعله درونم را جز لقاء تو خاموش نسازد و بر آتش اشتیاقم جز نظر به جلوهات چیزی آب

وَجِهَكَ، وَقَرَارِي لَا يَفْرُدُونَ دُنُوِي مِنْكَ وَلَهْفَتِي لَا يَرُدُّهَا إِلَّا

نریزد و قراری ندارم جز در نزدیکی تو و حسرت و افسوسم را جز نسیم جانبخش رحمت باز مگرداند

رَوْحُكَ، وَسَقَمِي لَا يَشْفِيهِ إِلَّا طِبُّكَ، وَعَمِّي لَا يُزِيلُهُ إِلَّا قَرِيبُكَ،

و دردم را جز طبابت تو درمان نکند و اندوهم را جز قرب تو نزدیک

وَجْرَحِي لَا يُبْرِئُهُ إِلَّا صَفْحُكَ، وَرَيْنُ قَلْبِي لَا يَجْلُوهُ إِلَّا عَفْوُكَ،

و زخمم را جز گذشت تو التیام نبخشد و زنگ دلم را جز عفو تو پاک نکند و اندیشه‌های

وَسَوَاسُ صَدْرِي لَا يُزِيحُهُ إِلَّا أَمْرُكَ فَيَا مُنْتَهَى أَمَلِ الْأَمَلِينَ، وَيَا

باطل درونم را جز فرمان تو برطرف نکند پس ای منتها آرزوی آرزومندان و ای سرحد

غَايَةَ سُؤْلِ السَّائِلِينَ، وَيَا أَقْصَى طَلِبَةِ الطَّالِبِينَ، وَيَا أَعْلَى رَغْبَةِ

نهایی خواسته درخواست‌کنندگان و ای آخرین مرحله مطلوب طلب‌کنندگان و ای بالاترین خواهش

الرَّغْبِينَ، وَيَا وَلِيَّ الصَّالِحِينَ وَيَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ

خواهشمندان و ای سرپرست شایستگان و ای امان بخش ترسناکان و ای اجابت‌کننده دعای

الْمُضْطَّرِّينَ، وَيَا ذَخْرَ الْمُعْدِمِينَ، وَيَا كَنْزَ الْبَائِسِينَ، وَيَا غِيَاثَ

درماندگان و ای ذخیره‌داران و ای گنج مستمندان و ای فریادرس

الْمُسْتَغِيثِينَ، وَيَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ، وَيَا أَكْرَمَ

فریادخواهان و ای برآورنده حاجات فقیران و بیچارگان و ای بزرگووارترین

الْأَكْرَمِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، لَكَ تَخَضُّعِي وَسَوَالِي، وَإِلَيْكَ

بزرگواران و ای مهربانترین مهربانان به درگاه تو است فروتنی و خواسته‌ام و به سوی

تَضَرَّعِي وَأَبْتِهَالِي، أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَيِّنَ لِي مِنْ رَوْحِ رِضْوَانِكَ، وَتُدِيمَ

تو است زاری و ناله‌ام از تو خواهم که مرا به نسیم جانبخش خوشنودیت برسانی و نعمتهایی را که

عَلَيَّ نَعَمَ امْتِنَانِكَ وَهَا أَنَا بِبَابِ كَرَمِكَ وَاقِفٌ، وَلِكِنْفَحَاتِ بَرِّكَ

از روی امتنان به من دادی ادامه دهی و من هم اکنون به در خانه کرمت ایستاده و خود را در معرض

مُتَعَرِّضٌ، وَبِحَبْلِكَ الشَّدِيدِ مُعْتَصِمٌ، وَبِعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى مُتَمَسِّكٌ، إِلَهِي اِرْحَمْ

وزش نسیمهای رحمت قرار داده و به رشته محکمت چسبیده و به دستاویز محکمت چنگ زدهام خدایا ترحم

عَبْدَكَ الذَّلِيلَ، ذَا اللِّسَانِ الْكَلِيلِ وَالْعَمَلِ الْقَلِيلِ، وَأَمْنٌ عَلَيْهِ بِطَوْلِكَ

کن به این بنده ذلیل که زبانش کُند و عملش اندک است و بر او بوسیله احسان

الْجَزِيلِ، وَاکْتَفَهُ تَحْتَ ظِلِّكَ الظَّلِيلِ يَا كَرِيمُ يَا جَمِيلُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

فراوانت منت بنه و او را در زیر سایه پایداریت ببری ای بزرگواری زیبابخش ای مهربانترین مهربانان

الثَّانِيَةَ عَشَرَ: «مُنَاجَاتُ الْعَارِفِينَ»

دوازدهم: مناجات عارفان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِي قَصَّرْتَ الْأَسْنُنُ عَنْ بُلُوغِ ثَنَائِكَ كَمَا يَلِيْقُ بِجَلَالِكَ، وَعَجَزْتَ

خدایا زبانها قاصر است از رسیدن به ثنای تو آنطور که شایسته جلال تو است و عقلها

الْعُقُولُ عَنْ إِدْرَاكِ كُنْهِ جَمَالِكَ، وَأَنْحَسَرْتَ الْأَبْصَارُ دُونَ النَّظَرِ إِلَى

عاجز است از ادراک کنه جمالت و دیده‌ها تار و بی‌فروغ ماند از نظر کردن به سوی انوار

سُبْحَاتٍ وَجْهِكَ، وَلَمْ تَجْعَلْ لِلْخَلْقِ طَرِيقًا إِلَى مَعْرِفَتِكَ إِلَّا بِالْعَجْزِ

ذاتت و قرار ندادی برای خلق خود راهی به سوی شناسائیت جز به اظهار عجز

عَنْ مَعْرِفَتِكَ، إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَرَسَّخَتْ أَشْجَارُ الشُّوقِ

از شناسائیت خدایا پس ما را از کسانی قرار ده که درختهای شوق

إِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ، وَأَخَذَتْ لَوْعَةً مَحَبَّتِكَ بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ،

بسوی تو در بوستانهای سینه‌شان ریشه محکم کرده و سوز محبتت سراسر دلشان را فراگرفته

فَهُمْ إِلَى أَوْكَارِ الْأَفْكَارِ يَاوُونَ، وَفِي رِيَاضِ الْقُرْبِ وَالْمُكَاشَفَةِ

پس آنها به آشیانه‌های اندیشه‌ها جای گیرند و در چمنزارهای قرب به تو و مکاشفه

يَرْتَعُونَ، وَمِنْ حِيَاضِ الْمَحَبَّةِ بِكَاسِ الْمُلَاطَفَةِ يَكْرَعُونَ، وَشَرَايِعِ

می‌چرند و از حوضهای محبت به جام ملاطفت (آب حیات) بنوشند و در کنار نهرهای

الْمُصَافَاتِ يَرِدُونَ، قَدْ كُشِفَ الْغِطَاءُ عَنْ أَبْصَارِهِمْ، وَأَنْجَلَتْ ظُلْمَةَ

صفا وارد گشته‌اند در حالی که پرده از پیش دیدگان‌شان برداشته شده و تاریکی شبیه و

الرَّيْبِ عَنْ عَقَائِدِهِمْ وَصَمَائِرِهِمْ، وَأَنْتَفَتْ مُخَالَجَةُ الشَّكِّ عَنْ

تردید از صفحه عقاید و نهادشان زائل گشته و یکسره خلجان شک و ریب از

قُلُوبِهِمْ وَسَرَائِرِهِمْ، وَأَنْشَرَحَتْ بِتَحْقِيقِ الْمَعْرِفَةِ صُدُورُهُمْ، وَعَلَتْ

دلها و درونشان بیرون رفته و دریچه‌های سینه‌شان بواسطه استوار شدن معرفت بازگشته و همت‌هاشان

لِسَبْقِ السَّعَادَةِ فِي الزَّهَادَةِ هِمَمُهُمْ، وَعَذَبَ فِي مَعِينِ الْمَعَامَلَةِ

برای پیشی گرفتن در خوشبختی در اثر پارسایی بلند گردیده و نوشیدن‌هاشان در چشمه کردار

شَرِبُهُمْ، وَطَابَ فِي مَجْلِسِ الْأَنْسِ سِرُّهُمْ، وَأَمِنَ فِي مَوْطِنِ الْمَخَافَةِ

شیرین و گوارا شده و درونشان در محفل انس با تو پاکیزه گشته و راهشان در جاهای هولناک

سِرْبُهُمْ، وَأَطْمَأَنَّتْ بِالرُّجُوعِ إِلَى رَبِّ الْأَرْبَابِ أَنْفُسُهُمْ، وَتَيَقَّنَتْ

امن گشته و جانهای ایشان در بازگشت بسوی رب الارباب مطمئن گردیده و روانشان

بِالْفَوْزِ وَالْفَلَاحِ أَرْوَاهُهُمْ، وَقَرَّتْ بِالنَّظَرِ إِلَى مَحْبُوبِهِمْ أَعْيُنُهُمْ،

به فیروزی و رستگاری یقین پیدا کرده و دیدگان‌شان به واسطه دیدار محبوب روشن گشته

وَأَسْتَقَرَّ بِإِذْرَاقِ السُّؤْلِ وَبَيْلِ الْمَأْمُولِ قَرَارُهُمْ، وَرَبِحَتْ فِي بَيْعِ

و به واسطه رسیدن به مقصود و نائل شدن به آرزوهای خویش قراری یافته و سوداگری ایشان بواسطه فروختن

الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تِجَارَتُهُمْ، إِلَهِي مَا أَلَدَّ خَوَاطِرَ الْإِلْهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَيَّ

دنیا به آخرت کاملاً سودمند گشته است خدا یا چه اندازه لذیذ است یاد تو در دلها که بوسیله الهام خطور کند

الْقُلُوبِ، وَمَا أَحَلَّى الْمَسِيرِ إِلَيْكَ بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ، وَمَا

و چقدر شیرین است سیر بسوی تو با مرکب اندیشه‌ها که در راههای غیب صورت می‌گیرد و چقدر

أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ، وَمَا أَعَذَّبَ شَرِبَ قُرْبِكَ، فَأَعِدْنَا مِنْ طَرْدِكَ وَإِعَادِكَ، وَاجْعَلْنَا

گوارا است طعم دوستی تو و چه شیرین است شربت قرب تو پس ای خدا ما را از راندن و دور کردن پناه ده

مِنْ أَحْصَ عَارْفِيكَ، وَأَصْلَحَ عِبَادِكَ، وَأَصْدَقَ طَاعِيكَ، وَأَخْلَصَ عِبَادِكَ،

و فرمان ده از مخصوص ترین عارفان و از شایسته ترین بندگانت و راستگوترین فرمانبرداران و خالص ترین

یا عَظِيمُ يا جَلِيلُ، يا كَرِيمُ يا مُنِيلُ، بِرَحْمَتِكَ وَمَنَّكَ يا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پرستش کنندگانت ای عظیم ای با جلالت ای بزرگواری ای عطابخش به رحمت و احسانت ای مهربانترین مهربانان

الثَّالِثَةُ عَشْرَ: «مُنَاجَاتُ الدَّاكِرِينَ»

سیزدهم: مناجات یادکنندگان حق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِي لَوْ لَا الْوَأَجِبُ مِنْ قَبُولِ أَمْرِكَ، لَنَزَّهْتُكَ مِنْ ذِكْرِي إِيَّاكَ، عَلَيَّ

خدایا اگر پذیرفتن فرمانت واجب نبود تو را پاکتر از آن می دانستم که من نام تو را به زبان آرم گذشته

أَنَّ ذِكْرِي لَكَ بِقَدْرِي لَا بِقَدْرِكَ، وَمَا عَسَى أَنْ يَبْلُغَ مِقْدَارِي حَتَّى

از اینکه ذکر من از تو کنم به اندازه فهم من است نه به مقدار مقام تو و تازه مگر چه اندازه امید است

أَجْعَلَ مَحَلًّا لِتَقْدِيسِكَ، وَمِنْ أَعْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنَا جَرِيَانُ ذِكْرِكَ عَلَيَّ

قدرم بالا رود که محل تقدیس (و به پاکی ستودن) تو قرار گیرم و از بزرگترین نعمتهای تو بر ما همان جریان داشتن ذکر

تو بر

أَلَسْبِتْنَا، وَإِذْنُكَ لَنَا بِدُعَائِكَ وَتَنْزِيهِكَ وَتَسْبِيحِكَ إِلَهِي فَأَلْهَمْنَا

زبان ما است و همان اجازه های است که برای دعا کردن و به پاکی ستودنت به ما دادی خدایا پس ذکر

ذِكْرِكَ فِي الْخَلَاءِ وَالْمَلَأِ، وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَالْإِعْلَانِ وَالْإِسْرَارِ، وَفِي

خوشی را به ما الهام کن در خلوت و جلوت و شب و روز و آشکار و نهان و در

السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ، وَأَنْسِنَا بِالذِّكْرِ الْخَفِيِّ وَاسْتَعْمَلْنَا بِالْعَمَلِ الزَّكِيِّ،

خوشی و ناخوشی و ما را به ذکر خفی و پنهان مانوس کن و به کار پاکیزه و کوشش خداپسند

وَالسَّعْيِ الْمَرْضِيِّ، وَجَازِنَا بِالْمِيزَانِ الْوَقِيِّ إِلَهِي بِكَ هَامَتِ

و اداری و پاداش ما را به سنگ تمام بده خدایا دلهای شیدا همه سرگشته

الْقُلُوبُ الْوَالِهَةُ، وَعَلَى مَعْرِفَتِكَ جُمِعَتِ الْعُقُولُ الْمُتَبَايِنَةُ، فَلَا

و تشنه تواند و خردهای متفرق و جدا همه در مورد شناسایی و معرفت تو متفق گشته اند و از اینرو

تَطْمِئِنَّ الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِكْرِكَ، وَلَا تَسْكُنُ النُّفُوسُ إِلَّا عِنْدَ رُؤْيَاكَ، أَنْتَ

دلها جز به یاد تو آرام نگیرند و جانها جز به مشاهده جمالت تسکین نیابند تویی که در هر جا

الْمُسَبِّحُ فِي كُلِّ مَكَانٍ وَالْمَعْبُودُ فِي كُلِّ زَمَانٍ، وَالْمَوْجُودُ فِي كُلِّ

تسبیح است گویند و در هر زمانی پرستش کنند و در هر آن موجود بوده‌ای و به هر

أَوَانٍ، وَالْمَدْعُوُّ بِكُلِّ لِسَانٍ، وَالْمُعَظَّمُ فِي كُلِّ جَنَانٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ

زبان تو را خوانند و در هر دلی تو را به بزرگی یاد کنند و از تو آمرزش خواهم از هر

لَذَّةٍ بَعِيرٍ ذِكْرِكَ، وَمِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بَعِيرٍ أَنْسِكَ، وَمِنْ كُلِّ سُرُورٍ بَعِيرٍ

لذتی جز لذت تو و از هر آسایشی جز انس با تو و از هر شادمانی بجز

قُرْبِكَ، وَمِنْ كُلِّ شُغْلٍ بَعِيرٍ طَاعَتِكَ، إِلَهِي أَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ، يَا

قرب تو و از هر سرگرمی به جز فرمانبرداریت خدایا تو فرمودی و گفته‌ات حق است «ای

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا، وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا،

کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را یاد کنید یاد کردن بسیار و تسبیح او گویند در باامداد و پسین»

وَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ فَادْكُرُونِي اذْكُرْكُمْ، فَأَمَرْتَنَا بِذِكْرِكَ، وَعَدَدْتَنَا

و نیز فرمودی و گفته‌ات حق است «مرا یاد کنید تا من هم شما را یاد کنم» پس تو ما را به یاد کردنت دستور فرمودی و به ما

وعده دادی

عَلَيْهِ أَنْ تَذْكُرَنَا تَشْرِيفًا لَنَا وَتَفْخِيمًا وَإِعْظَامًا، وَهَذَا نَحْنُ ذَاكِرُوكَ كَمَا

که برای شرافت و عزت و عظمت بخشی به ما تو هم ما را یاد کنی و ما هم اکنون مطابق فرمانت تو را

أَمَرْتَنَا، فَأَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا، يَا ذَاكِرَ الذَّاكِرِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

یاد کنیم پس تو هم به وعده خویش وفا کن ای که از یادکنندگان یاد کنی و ای مهربانترین مهربانان

الرَّابِعَةَ عَشَرَ: «مُنَاجَاتُ الْمُعْتَصِمِينَ»

چهاردهم: مناجات معتصمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

اللَّهُمَّ يَا مَلَاذَ اللَّائِذِينَ، وَيَا مَعَاذَ الْعَائِذِينَ، وَيَا مُنْجِيَ الْهَالِكِينَ، وَيَا

خدایا ای پناه پناه جویان و ای پناه ده پناهندگان و ای نجات دهنده هلاک شدگان و ای

عَاصِمِ الْبَائِسِينَ، وَيَا رَاحِمِ الْمَسَاكِينِ، وَيَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّينَ،

نگهدار بیچارگان و ای مهرورز مسکینان و ای اجابت کننده درماندگان

وَيَا كَنْزَ الْمُفْتَقِرِينَ، وَيَا جَابِرَ الْمُكْسِرِينَ، وَيَا مَأْوَى الْمُنْقَطِعِينَ، وَيَا

و ای گنج فقیران و ای جبران کننده دل شکستگان و ای جای ده دور از وطنان و ای

نَاصِرِ الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَيَا مُجِيرَ الْخَائِفِينَ وَيَا مُعِثَ الْمَكْرُوبِينَ، وَيَا

یاور آنانکه ناتوانشان شمرده اند و ای پناه ده ترسناکان و ای فریادرس غمدیدگان و ای

حِصْنَ الْلَاجِئِينَ، إِنْ لَمْ أَعِزُّ بِعِزَّتِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ، وَإِنْ لَمْ أَلْذُ بِقُدْرَتِكَ

قلعه محکم پناهندگان اگر من به عزت تو پناه نیاورم پس به که پناه برم و اگر به قدرت تو

فَبِمَنْ أَلُوذُ، وَقَدْ أَلَجَّتُنِي الذُّنُوبُ إِلَى التَّشْبِثِ بِأَذْيَالِ عَفْوِكَ،

دست پناهندگی دراز نکنم پس به که پناهنده شوم (خدایا) گناهان مرا ناچار کرده که به دامان عفو تو چنگ زدم

وَأَحْوَجْتَنِي الْخَطَايَا إِلَى اسْتِفْتَاكِ أَبْوَابِ صَفْحِكَ، وَدَعَّيْتَنِي الْإِسَاءَةَ

و خطاها مرا نیازمند کرده که از تو بخواهم درهای چشم پوشیت را به رویم بگشایی و بدیها

إِلَى الْأَنَاخَةِ بِفِنَاءِ عِزِّكَ، وَحَمَلْتَنِي الْمَخَافَةَ مِنْ نِقْمَتِكَ عَلَى التَّمَسُّكِ

مرا بدینجا کشانده که به آستان عزت تو بار اندازم و ترس از انتقام مرا واداشته که

بِعُرْوَةِ عَطْفِكَ، وَمَا حَقُّ مَنْ اعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ أَنْ يُخْذَلَ، وَلَا يَلِيقُ بِمَنْ

به رشته محکم مهر تو چنگ زدم و براستی آنکس که به ریسمان تو چنگ زند سزاوار خواری نیست و آنکس

اسْتَجَارَ بِعِزِّكَ أَنْ يُسَلَّمَ أَوْ يُهْمَلَ، إِلَهِي فَلَا تُخَلِّنَا مِنْ حِمَايَتِكَ، وَلَا

که به عزت تو پناهنده شود تسلیم کردنش و یا واگذاردنش شایسته نیست پس ای خدا ما را از حمایت خویش وامگذار

و

تُعْرِنَا مِنْ رِعَايَتِكَ، وَذُرْنَا عَنْ مَوَارِدِ الْهَلَكَةِ، فَإِنَّا بِعَيْنِكَ وَفِي كَفِّكَ

از رعایت خود باز مدار و از پرتگاههای هلاکت بازدار زیرا ما در تحت توجه تو و در کف حمایت تو

وَلَكَ، أَسْأَلُكَ بِأَهْلِ خَاصَّتِكَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَالصَّالِحِينَ مِنْ بَرِيَّتِكَ،

و از آن توئیم از تو خواهیم به حق خاصان درگاہت از فرشتگان و شایستگان از بندگانت

أَنْ تَجْعَلَ عَلَيْنَا وَاقِيَةً تُنَجِّنَا مِنَ الْهَلَكَاتِ، وَتُجَبِّبَنَا مِنَ الْآفَاتِ،

که برای ما سپری قرار دهی که ما را از مهالک نجات دهد و خودت ما را از آفات دور کنی

وَتُكِنِّنَا مِنْ دَوَاهِي الْمُصِيبَاتِ، وَأَنْ تُنْزِلَ عَلَيْنَا مِنْ سَكِينَتِكَ، وَأَنْ

و از مصیبت‌های بزرگ ما را محفوظ داری و از آرامش خود بر ما فرود آری و

تُغَشِّيَ وَجُوهَنَا بِأَنْوَارِ مَحَبَّتِكَ، وَأَنْ تُؤْوِيَنَا إِلَى شَدِيدِ رُكْنِكَ، وَأَنْ

چهره‌های ما را به انوار محبت خویش بپوشانی و در پایگاه محکمت ما را جای دهی و ما را

تَحْوِيَنَا فِي أَكْنَافِ عِصْمَتِكَ، بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

در کرانه‌های عصمت خویش بداری به حق عطوفت و مهرت ای مهربانترین مهربانان

الخامسة عشر: «مناجات الزاهدين»

پانزدهم: مناجات پارسایان

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِي أَسْكَنْتَنَا دَاراً حَفَرَتْ لَنَا حُفْرَ مَكْرَهَا، وَعَلَّقَتْنَا بِأَيْدِي الْمَنَائِي

خدایا ما را در خانه‌ای جا داده‌ای که سر راه ما گودالهای نیرنگ را کنده و در دامهای فریب خود ما را

فِي حَبَائِلِ غَدْرِهَا، فَالَيْكَ نَلْتَجِيءُ مِنْ مَكَائِدِ خُدْعِهَا، وَبِكَ نَعْتَصِمُ

به چنگالهای مرگ آویخته پس به سوی تو پناه آوریم از دامهای فریبش و به تو نگهداری جوئیم

مِنَ الْأَغْتِرَارِ بِزَخَارِفِ زِينَتِهَا، فَإِنَّهَا الْمُهِلِكَةُ طُلَّابَهَا، الْمُتْلِفَةُ حُلَّالَهَا،

از مغرور شدن به زر و زیور آراسته‌اش زیرا که دنیا جویندگانش را به هلاکت اندازد و واردین خود را نابود کند

الْمَحْشُوَّةُ بِالْآفَاتِ، الْمَشْحُونَةُ بِالنَّكَبَاتِ، إِلَهِي فَزَهِّدْنَا فِيهَا،

آکنده است از بلا و زیان و پر است از رنج و سختی خدایا پس ما را در دنیا پارسا کن

وَسَلِّمْنَا مِنْهَا بِتَوْفِيقِكَ وَعِصْمَتِكَ، وَأَنْزِعْ عَنَّا جَلَابِيبَ مُخَالَفَتِكَ،

و به وسیله توفیق و نگهداری خود ما را از شرورش سالم بدار و بیرون آر از بر ما جامه‌های مخالفت

وَتَوَلَّ أُمُورَنَا بِحُسْنِ كِفَايَتِكَ، وَأَوْفِرْ مَزِيدَنَا مِنْ سَعَةِ رَحْمَتِكَ،

و نافرمانیت را و با حسن کفایت خود امور ما را سرپرستی فرما و از رحمت و وسیع خود سهمیه عطای ما را افزون گردان

وَأَجْمِلْ صَلَاتِنَا مِنْ فَيْضِ مَوَاهِبِكَ، وَأَغْرِسْ فِي أَفْئِدَتِنَا أَشْجَارَ

و جایزه‌های ما را از سرچشمه پرفیض مواهبت نیکو گردان و بنشان در دل‌های ما درخت‌های

مَحَبَّتِكَ، وَآتِمِّمْ لَنَا أَنْوَارَ مَعْرِفَتِكَ، وَادْفِنْنَا حَلَاوَةَ عَفْوِكَ وَكَذَّةَ

محبتت را و کامل گردان بر ما انوار درخشنده معرفتت را و بچشان به ما شیرینی عفو و لذت

مَغْفِرَتِكَ، وَأَقْرِرْ أَعْيُنَنَا يَوْمَ لِقَائِكَ بِرُؤْيُوتِكَ، وَأَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ

آمرزشتت را و دیدگانمان را در روز قیامت به مشاهده جمالت روشن کن و دوستی دنیا را از دل‌های ما

قُلُوبِنَا، كَمَا فَعَلْتَ بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ، وَالْأَبْرَارِ مِنْ خَاصَّتِكَ،

بیرون کن چنانچه درباره برگزیدگان و نیکان از خواص درگاہت چنین کردی

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ.

به رحمتت ای مهربانترین مهربانان و ای کریم‌ترین کریمان

مُنَاجَاتِ مَنْظُومِهِ حَضْرَتِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

منقول از صحیفه علویّه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

لَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَالْعُلَى

تَبَارَكَتْ تُعْطَى مَنْ تَشَاءُ وَتَمْنَعُ

ستایش تو را است ای صاحب جود و بزرگی و بلندی
بزرگی تو را است که بهر که خواهی بدهی و یا بازگیری

إِلَهِي وَخَلَّاقِي وَحِرْزِي وَمَوْلِي

إِلَيْكَ لَدَى الْإِعْسَارِ وَالْيُسْرِ أَفْزَعُ

ای معبود و آفریدگار و پناه و نگهدار من بدرگاه
تو در سختی و آسانی پناه برم

إِلَهِي لَئِنْ جَلَّتْ وَجَمَّتْ خَطِيئَتِي

فَعَفُوكَ عَن ذَنْبِي أَجَلٌ وَأَوْسَعُ

خدایا اگر خطایم بزرگ و زیاد است
ولی گذشت تو از گناه من بزرگتر و وسیعتر است

إِلَهِي لَئِنْ أَعْطَيْتُ نَفْسِي سَوْئَهَا

فَهَا أَنَا فِي رَوْضِ النَّدَامَةِ أَرْتَعُ

خدایا اگر من از خواهش نفس پیروی کنم
پس در آن حال من در چراگاه پشیمانی می چرم

إِلَهِي تَرَى حَالِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي

وَأَنْتَ مُنَاجَاتِي الْخَفِيَّةَ تَسْمَعُ

خدایا خود تو حال من و نداری و تهدیدستیم را بینی
و تو رازهای پنهان مرا می شنوی

إِلٰهِیْ فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِیْ وَلَا تُزِغْ
فُؤَادِیْ فَلَیْ فِیْ سَیِّبِ جُودِکَ مَطْمَعٌ

خدایا پس امیدم را قطع مکن و منحرف مساز
به نومییدی دلم را که من طمعکار باران سخایت هستم

إِلٰهِیْ لَئِنْ خَبَّیْتَنِیْ أَوْ طَرَدْتَنِیْ
فَمَنْ ذَا الَّذِیْ أَرْجُوْ وَمَنْ ذَا أَشْفَعُ

خدایا اگر نومیدم سازی یا از درگاهت برانی
پس به چه کسی امید داشته باشم و که را شفیع گردانم

إِلٰهِیْ أَجِرْنِیْ مِنْ عَذَابِکَ اِنَّنِیْ
اَسِیْرٌ ذَلِیْلٌ خَائِفٌ لِّکَ اَخْضَعُ

خدایا از عذاب خود پناهم ده که براستی من
اسیر و خوار و ترسان و خاضع درگاه توام

إِلٰهِیْ فَاَنْسِنِیْ بِتَلْقِیْنِ حُجَّتِیْ

اِذَا کَانَ لِیْ فِی الْقَبْرِ مَثْوًیٍّ وَمَضْجَعٌ

خدایا بوسیله تلقین دلیل و حجتت با من انس گیر
در آن هنگام که در گور منزل و مأوی گیرم

إِلٰهِیْ لَئِنْ عَدَّبْتَنِیْ اَلْفَ حِجَّةٍ
فَحَبْلٌ رَّجَائِیْ مِنْکَ لَا یَتَقَطَّعُ

خدایا اگر هزار سال مرا عذاب کنی ولی
باز رشته امید من از درگاه تو قطع نمی شود

إِلٰهِیْ اَذِقْنِیْ طَعْمَ عَفْوِکَ یَوْمَ لَا

بَنُونَ وَلَا مَالٌ هُنَا لِكَ يَنْفَعُ

خدایا مزه گذشتت را به من بچشان در آن روز
که نه فرزندان و نه مال در آنجا سود بخشد

إِلَهِي لَئِن لَّمْ تَرَعْنِي كُنْتُ ضَائِعًا

وَإِن كُنْتُ تَرَعَانِي فَلَسْتُ أَضِيعُ

خدایا اگر تو مراعاتم نکنی یکسره از بین رفته‌ام
و اگر تو مراعاتم کنی ضایع نگردم

إِلَهِي إِذَا لَمْ تَغْفُ عَنِّ غَيْرِ مُحْسِنٍ

فَمَنْ لِمُسَىءٍ بِالْهُوَى يَتَمَتَّعُ

خدایا اگر بنا شود جز از نیکوکار نگذری
پس کیست امید گنهکاری که به هوای نفس کامرانی کرده

إِلَهِي لَئِن فَرَّطْتُ فِي طَلَبِ التَّقَى

فَهَا أَنَا إِثْرَ الْعَفْوِ أَتَّبِعُ وَأَتَّبِعُ

خدایا اگر در جستجوی پرهیزکاری کوتاهی کردم
ولی اینک بدنبال گذشت تو می‌گردم و آنرا می‌جویم

إِلَهِي لَئِن أَخْطَأْتُ جَهْلًا فَطَالَمَا

رَجَوْتُكَ حَتَّى قِيلَ مَا هُوَ يَجْزَعُ

خدایا اگر از روی نادانی خطا کردم پس چه بسیار امیدوار
به تو بوده‌ام بطوری که درباره‌ام گفتند باک ندارد

إِلَهِي ذُنُوبِي بَدَّتِ الطُّوْدَ وَأَعْتَلَّتْ

وَصَفْحُكَ عَنِّ دُنْبِي أَجَلٌ وَأَرْفَعُ

خدایا گناهانم برتر و بلندتر از کوههای بزرگ گشته
ولی چشم‌پوشی تو از گناه من بزرگتر و برتر است

إِلَهِي يُنَحِّي ذِكْرُ طَوْلِكَ لَوْعَتِي
وَذِكْرُ الْخَطَايَا الْعَيْنِ مِنِّي يُدَمِّعُ

خدایا یاد بخشش تو سوز درونم را ببرد
و یاد گناهان چشمانم را اشگبار کند

إِلَهِي أَقْلَنِي عَشْرَتِي وَأَمَحْ حَوْبَتِي
فَإِنِّي مُقِرٌّ خَائِفٌ مُتَضَرِّعٌ

خدایا لغزشم را ببخش و گناهم را محو کن
زیرا که من به گناه اقرار داشته و ترسان و نالانم

إِلَهِي أَنْلِنِي مِنْكَ رَوْحًا وَرَاحَةً
فَلَسْتُ سِوَى أَبْوَابِ فَضْلِكَ أَقْرَعُ

خدایا صفا و آسایشی از جانب خود به من ببخش
که من جز درهای فضل تو را نکوبم

إِلَهِي لَنْ أَقْصِيَنِّي أَوْ أَهْتَنِّي
فَمَا حِيلَتِي يَا رَبِّ أَمْ كَيْفَ أَصْنَعُ

خدایا اگر دورم کنی یا بی‌اعتنائیم کنی
پس دیگر چه‌چاره کنم پروردگارا و یا چه بکنم؟

إِلَهِي حَلِيفُ الْحُبِّ فِي اللَّيْلِ سَاهِرٌ
يُنَاجِي وَيَدْعُو وَالْمُعَقَّلُ يَهْجَعُ

خدایا آنکه با دوستی تو دست بگریبانست شب را همه بیدار
و در مناجات و دعا است ولی غافل یکسره در خواب

إِلَهِي وَهَذَا الْخَلْقُ مَا بَيْنَ نَائِمٍ
وَمُتَنَبِّهِ فِي لَيْلِهِ يَتَضَرَّعُ

خدایا این مردم هم یک دسته شبها خواب

و دست‌های بیدار و به تضرع مشغولند

وَكُلُّهُمْ يَرْجُو نَوَالِكَ رَاجِعاً
لِرَحْمَتِكَ الْعُظْمَىٰ وَفِي الْخُلْدِ يَطْمَعُ

و همگی به امید عطای تو آند و امیدوار
به رحمت بزرگ تو و طمع بهشت برین دارند

إِلَهِي يُمَيِّنِي رَجَائِي سَلَامَةً
وَقُبْحُ حُطِيئَاتِي عَلَيَّ يُشْنَعُ

خدایا امید من مرا آرزومند سلامتی می‌کند
ولی زشتی گناهانم مرا به رسوایی تهدید می‌کند

إِلَهِي فَإِنْ تَغْفُو فَعَفْوِكَ مُنْقِذِي
وَالْإِلَّا فَبِالذَّنْبِ الْمُدْمِرِ أُصْرِعُ

خدایا اگر بگذری گذشت تو نجات بخش من است
وگرنه من با این گناه مهلک به نابودی درافتم

إِلَهِي بِحَقِّ الْهَاشِمِيِّ مُحَمَّدٍ
وَحَرْمَةِ أَطْهَارِ هُمْ لَكَ خُضَعُ

خدایا به حق محمد هاشمی
و به حرمت پاکانی که به درگاهت خاضعند

إِلَهِي بِحَقِّ الْمُصْطَفَىٰ وَأَبْنِ عَمِّهِ
وَحَرْمَةِ أَبْرَارِ هُمْ لَكَ خُشَعُ

خدایا به حق محمد مصطفی و پسر عمویش (علی)
و به حرمت نیکانی که بدرگاهت خاشعند

إِلَهِي فَانْشِرْنِي عَلَىٰ دِينِ أَحْمَدٍ
مُنِيباً تَقِيّاً قَانِتاً لَكَ أَخْضَعُ

خدایا مرا بر دین احمد در قیامت برانگیز
در حال انابه و پرهیزکاری و فروتنی و خضوع

وَلَا تَحْرِمْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي
شَفَاعَتَهُ الْكُبْرَى فَذَاكَ الْمَشْفَعُ

و مرا محروم مکن ای معبود و آقایم از
آن شفاعت بزرگش که شفاعت او پذیرفته است

وَصَلِّ عَلَيْهِمْ مَا دَعَاكَ مُوحِّدٌ
وَنَاجَاكَ أَخْيَارُ بِيَابِكَ رُغَّعٌ

و درود فرست بر ایشان تا زمانی که یکتاپرستی به درگاهت
دعا کند و نیکان با تو در مناجات و به درگاهت در رکوعند

و نیز در صحیفه علویّه مناجاتی دیگر منظوم از آن حضرت نقل کرده که اوّل
آن یا سامع الدعاء است چون مشتمل بر کلمات مشکله و لغات غریبه بود
و بنا بر اختصار است ما آنرا ذکر ننمودیم

ثَلَاثَ كَلِمَاتٍ مِنْ مَوْلَانَا عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُنَاجَاتِ

سه جمله از سرور ما علی علیه السلام در مناجات

إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا، وَكَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي

خدایا این عزت مرا بس است که بنده تو باشم و این افتخار برایم بس است که تو

رَبًّا، أَنْتَ كَمَا أُحِبُّ فَأَجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ.

پروردگار منی تو چنانی که من خواهم مرا همچنان کن که تو خواهی.

باب دُوِّیْم

در اعمال ماههای سال و فضیلت و اعمال روز نوروز و اعمال ماههای رومی و در آن چند فصل است:

فصل اول

در فضیلت و اعمال ماه مبارک رجب

بدانکه این ماه و ماه شعبان و ماه رمضان در شرافت تمامند و روایت بسیار در فضیلت آنها وارد شده بلکه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که ماه رجب ماه بزرگ خداست و ماهی در حرمت و فضیلت به آن نمیرسد و قتال با کافران در این ماه حرامست و رجب ماه خداست و شعبان ماه من است و ماه رمضان ماه اُمّت من است کسی که یک روز از ماه رجب را روزه دارد مستوجب خشنودی بزرگ خدا گردد و غضب الهی از او دور گردد و دری از درهای جهنّم بر روی او بسته گردد و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که هر که یکروز از ماه رجب را روزه بدارد آتش جهنّم یکساله راه از او دور شود و هر که سه روز از آنرا روزه دارد بهشت او را واجب گردد و ایضاً فرمود که رجب نام نهری است در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر هر که یکروز از رجب را روزه دارد البتّه از آن نهر بیاشامد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که ماه رجب ماه استغفار اُمّت من است پس در این ماه بسیار طلب

آمزش کنید که خدا آمرزنده و مهربان است و رجب را اَصَبِّ می گویند زیرا که رحمت خدا در این ماه بر اُمت من بسیار ریخته می شود پس بسیار بگوئید: **اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ**، و ابن بابویه بسند معتبر از سالم روایت کرده است که گفت رفتم بخدمت حضرت صادق علیه السلام در اواخر ماه رجب که چند روز از آن مانده بود چون نظر مبارک آن حضرت بر من افتاد فرمود که آیا روزه گرفته‌ای در این ماه گفتم نه والله ای فرزند رسول خدا فرمود که آنقدر ثواب از تو فوت شده است که قدر آنرا بغیر خدا کسی نمی داند بدرستیکه این ماهیست که خدا آنرا بر ماههای دیگر فضیلت داده و حُرمت آنرا عظیم نموده و برای روزه داشتن آن گرامی داشتن را بر خود واجب گردانیده پس گفتم یابْنَ رَسُولِ اللَّهِ اگر در باقیمانده اینماه روزه بدارم آیا ببعضی از ثواب روزه داران آن فایز می گردم فرمود ای سالم هر که یکروز از آخر این ماه روزه بدارد خدا او را ایمن گرداند از شدتِ سَكَرَاتِ مرگ و از هَوْلِ بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر که دو روز از آخر این ماه روز دارد بر صراطِ بآسانی بگذرد و هر که سه روز از آخر این ماه را روزه دارد ایمن گردد از ترس بزرگ روز قیامت و از شدتها و هَوْلهای آنروز و بَرَاتِ بیزاری از آتش جهنم به او عطا کنند و بدانکه از برای روزه ماه رجب فضیلت بسیار وارد شده است و روایت شده که اگر شخص قادر بر آن نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند تا ثواب روزه آن را دریابد:

سُبْحَانَ إِلَهِ الْجَلِيلِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا

منزه است خدای بزرگ منزه است آنکه تنزیه و تسبیح جز برای او شایسته نیست

لَهُ، سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ.

منزه است خدای برتر و کریمتر منزه است آنکه لباس عزت در بردارد و شایسته آن است

و اما اعمال آن پس بر دو قسم است:

قسم اول اعمال مشترک که آن است که متعلق به همه ماه است و اختصاصی بر روز معین ندارد و آن چند امر است اول آنکه در تمام ایام ماه رجب بخواند این دعا را که روایت شده حضرت امام زین العابدین علیه السلام در حجر در غره رجب خواند:

يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ وَيَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ، لِكُلِّ مَسْئَلَةٍ مِنْكَ

ای که مالک حاجات خواستارانی و ای که نهاد خاموشان دانی برای هر خواسته‌ای از جانب تو

سَمِعُ حَاضِرٌ، وَجَوَابُ عَتِيدٌ، اَللّهُمَّ وَمَوَاعِيدِكَ الصَّادِقَةُ، وَايَادِكَ الْفَاضِلَةُ

گوشی شنوا و پاسخی آماده است خدایا به حق وعده‌های راست و نعمتهای بسیار

وَرَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةُ، فَاسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَقْضِيَ

و رحمت وسیع است از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و

حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كَلِّشِيءٍ قَدِيرٌ. *

حوائج دنیا و آخرت را برآوری که برستی تو بر هر چیز توانایی

دویم بخواند این دعا را که حضرت صادق علیه السلام در هر روز ماه رجب

می خواندند:

خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَيَّ غَيْرِكَ،

نومید شدند آنان که بر دیگری

وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ، وَضَاعَ الْمُلْمُونَ إِلَّا بِكَ، وَاجْدَبَ

جز تو وارد شدند و زیانکار شدند کسانی که به غیر از تو رو کردند و تباه گشتند آنانکه جز به درگاه تو فرود آمدند

الْمُنْتَجِعُونَ إِلَّا مَنْ أَنْتَجَعَ فَضْلَكَ، يَا بَيْتَكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاغِبِينَ، وَخَيْرُكَ

و گرفتار قحطی شدند کسانی که جز از فضل تو پوییدند در خانهات به روی مشتاقان باز و خیر و نیکیت

مَبْدُولٌ لِلطَّالِبِينَ، وَفَضْلُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ، وَيَيْلُكَ مُنَاحٌ لِلْأَمْلِينَ،

به خواستاران عطا شده و فضل و بخششت برای خواهندگان مباح و آزاد است عطایت برای آرزومندان مهیاست

وَرَزِقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ، وَحِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ، عَادَتُكَ

و روزیت حتی برای کسانی که نافرمانیت کنند گسترده است و بردباریت حتی در مورد آنکه به دشمنیت

الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ، وَسَبِيلُكَ الْإِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ، اللَّهُمَّ

برخاسته شامل است شیوهات نیکی به بدکارانست و راه و رسمت زندگی دادن به سرکشان است خدایا

فَاهْدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ، وَارْزُقْنِي اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِينَ،

پس مرا به راه راه‌یافتگان رهبری کن و کوشش کوشایانرا روزیم کن

وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ، وَاعْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ

و قرارم مده از بی‌خبران دور شده از دربارت و در روز جزا گناهم بیامرز .

*سیم شیخ در مصباح فرموده معلی بن خنیس از حضرت صادق علیه السلام

روایت کرده که فرمود بخوان در ماه‌رجب:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ، وَعَمَلَ الْخَائِفِينَ مِنْكَ، وَيَقِينَ

خدایا از تو خواهم شکیبایی سپاسگزارانت را و کردار ترساندگانت را و یقین

الْعَابِدِينَ لَكَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، وَأَنَا عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ،

پرستندگانت را خدایا تو والا و بزرگی و من بنده مستمند بی‌نوی توام

أَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَأَنَا الْعَبْدُ الدَّلِيلُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

تویی بی‌نیاز ستوده و منم بنده خوار درگاه خدایا درود فرست بر محمد و آتش

وَأْمَنْنُ بِغِنَاكَ عَلَى فَقْرِي، وَبِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي، وَبِقُوَّتِكَ عَلَى

و منت نه بوسيله توانگریت بر فقر و نداریم و به بردباریت بر نادانیم و به نیرویت بر

ضَعْفِي يَا قَوِيُّ يَا عَزِيزُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَوْصِيَاءِ

ناتوانیم ای نیرومند و ای با عزت خدایا درود فرست بر محمد و آل او اوصیاء

الْمَرَضِيِّينَ وَكَفَيْتَ كُنْ أَنْجَحَ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پسندیده و کفایت کن آنچه از کار دنیا و آخرت که مرا به اندوه انداخته ای مهربانترین مهربانان

مؤلف گوید: که سید بن طاووس نیز این دعا را در اقبال روایت کرده و از روایت او ظاهر می شود که این دعا جامعترین دعاها است و در همه اوقات می توان خواند چهارم و نیز شیخ فرموده که مستحب است بخوانند در هر روز

این دعا را: اَللّهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغَةِ، وَالْأَلَاءِ الْوَازِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ

خدایا ای دارای عطاهای فراوان و نعمتهای بخش شده و رحمت

الْوَاسِعَةِ، وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ، وَالنِّعَمِ الْجَسِيمَةِ، وَالْمَوَاهِبِ

گشاده و نیروی تام و تمام و نعمتهای بزرگ و موهبتهای

الْعَظِيمَةِ، وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةِ، وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةِ، يَا مَنْ

سترگ و بخششهای نیکو و دهشتهای کامل ای که به تمثیل و مثال

لَا يُنْعَتُ بِتَمْثِيلٍ، وَلَا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ، وَلَا يُغَلَّبُ بِظَهِيرٍ، يَا

آوردن وصف نتوان کرد و ای که به نظیری تشبیه نتوان نمودن و ای که با کمک گرفتن هم مغلوب

مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ، وَاللَّهُمَّ فَانْطِقْ، وَابْتَدِعْ فَشَرَعْ، وَعَلَا فَارْتَفِعْ، وَقَدَّرَ

نشوی ای که آفرید و روزی داد و الهام کرده گویایش کرد و ابداع کرده سپس شروع کرد و برتر شد پس مرتفع گردید و

اندازه

فَأَحْسَنَ، وَصَوَّرَ فَاتَّقَنَ، وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ، وَأَنْعَمَ فَاسْبِغَ، وَأَعْطَى فَاجْزَلَ،

گرفت و نیکو گرفت و نقش بندی کرد پس محکم ساخت و حجت آورد و آنرا رساند و نعمت داد و فراوانش کرد و

عطا کرده و آنرا

وَمَنْحَ فَأَفْضَلَ، يَا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ نَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ، وَدَنَا فِي

افزون کرد و بخشید و زیاده بخشید ای که در عزت چنان بالا است که از دیدگاه چشمها در گذشته و در

اللُّطْفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ، يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نِدَاءَ لَهُ فِي

لطف چنان نزدیک است که از آنچه در افکار خطور کند گذشته ای که در فرمانروایی یکتا است که همتایی برای او در

مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ، وَتَفَرَّدَ بِالْأَلَاءِ وَالْكَبْرِيَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ

قلمرو سلطنتش نیست و به بخششها و بزرگواری یگانه است که رقیبی برای او در جبروت

شأنه، یا مَنْ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ،

مقامش نیست ای که در بزرگی هیبتش ریزه‌کاریهای دقیق اندیشه‌ها سرگردان گشته و دیده‌های تیزبینان در مقام

وَأُحْصِرَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنَامِ، یا مَنْ عَنَتْ

ادراک عظمتش و امانده است ای که چهره‌ها در برابر هیبتش زبون گشته و گردنها در

الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ، وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ لِعَظَمَتِهِ، وَوَجَلَّتِ الْقُلُوبُ مِنْ

مقابل عظمتش خاضع شده و دلها از ترسش هراسان گشته است از

خَيْفَتِهِ، أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْمِدْحَةِ الَّتِي لَا تَنْبَغِي إِلَّا لَكَ وَبِمَا وَآيَتْ بِهِ

تو خواهم به حق همین ستایشی که جز برای تو شایسته دیگری نیست و بدانچه

عَلَى نَفْسِكَ لِدَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ عَلَى

بر عهده خود گرفته‌ای برای خوانندگان از مؤمنین و بدانچه اجابت آنرا بر

نَفْسِكَ لِلدَّاعِينَ، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، وَأَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَأَسْرَعَ

خویش ضمانت کرده‌ای برای خوانندگان ای شنواترین شنوایان و ای بیناترین بینایان و ای سریعترین

الْحَاسِبِينَ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمُتَيْنِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى

حسابگران ای که دارای نیرویی محکم هستی درود فرست بر محمد خاتم پیمبران و بر

أَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَقْسِمُ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا قَسَمْتَ، وَأَخْتِمُ لِي فِي

خانदान او و قسمت من کن در این ماه بهترین قسمتهایی که کرده‌ای و مسلم کن برایم در آنچه

قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ، وَأَخْتِمُ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ خَتَمْتَ، وَأَخِينِي

مقدر کرده‌ای بهترین چیزی را که مسلم کرده‌ای و مهر کن زندگیم را به خوشبختی در زمره کسانی که زندگیشان را مهر

کرده‌ای

مَا أَحْيَيْتَنِي مُؤَفَّرًا، وَأَمَتْنِي مَسْرُورًا وَمَعْفُورًا، وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي

و زنده‌ام بدار تا زمانی که زنده‌ام داری پرروزی باشم و در حال شادمانی و آمرزیدگی بمیرانم و خودت عهده‌دار نجاتم

مِنْ مُسَائِلَةِ الْبُرْزَخِ، وَادْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا وَتَكْوِيْرًا، وَارِ عَيْنِي مُبَشِّرًا

از سؤال و جواب برزخ بشو و منکر و تکویر را از من دفع کن و مبشر

وَبَشِيرًا، وَاجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجِنَانِكَ مَصِيْرًا، وَعَيْشًا قَرِيْرًا،

و بشیر (دو فرشته رحمت) را به چشمم آر و قرار ده برایم راهی بسوی رضوان و بهشتت و زندگی خوش و خرمّت

وَمُلْكًا كَبِيْرًا، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيْرًا. مُؤَلَّفٌ گوید: که این دعائی است

و فرمانروایی بزرگت و درود فرست بر محمد و آتش بسیار * * * * *

که در مسجد صَعْصَعَةَ نیز خوانده میشود. پنجم شیخ روایت کرده که بیرون آمد

از ناحیه مُقَدَّسَه بر دست شیخ کبیر ابی جعفر محمد بن عثمان بن سعید (رض)

این توقیع شریف بخوان در هر روز از ایّام رجب:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِمَعَانِيْ جَمِيْعٍ مَا يَدْعُوْكَ بِهِ وِلَاةٌ اَمْرِكَ،

خدایا از تو خواهم به حق معانی تمام آنچه بوسیله آنها و لیان فرمان تو را خوانند

اَلْمَأْمُوْنُوْنَ عَلَى سِرِّكَ، اَلْمُسْتَبْشِرُوْنَ بِاَمْرِكَ، اَلْوَاصِفُوْنَ لِقُدْرَتِكَ،

آنان که امین بر سر پنهانی تو هستند و به دستورت مژده جویند و نیرویت را توصیف کنند و عظمتت

اَلْمُعْلِنُوْنَ لِعَظَمَتِكَ، اَسْئَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيْهِمْ مِنْ مَشِيْتِكَ، فَجَعَلْتَهُمْ

را آشکارا اعلام کنند از تو خواهم بدانچه گویا شده درباره ایشان از ارادهات و بدین سبب ایشان را

مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ، وَارْكَانًا لِتَوْحِيْدِكَ وَآيَاتِكَ، وَمَقَامَاتِكَ اَلَّتِي

معادن کلمات خویش و پایه‌های یگانگی و نشانه‌ها و مقامات خویش قرارشان دادی آن مقاماتی که در هیچ‌جا

لَا تَعْطِيْلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ، لَا فَرْقَ بَيْنَكَ

تعطیل ندارد و هرکه تو را بشناسد بوسیله آنها شناخته میان تو و آنها فرقی نیست

وَبَيْنَهَا اِلَّا اَنْهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتَقُّهَا وَرَتَقُّهَا بِيَدِكَ، بَدُوْهَا مِنْكَ

جز اینکه ایشان بندگان تو و مخلوق توآند و فتق و رتق کارشان بدست تو است شروعشان از جانب تو

وَعَوَّذُهَا إِلَيْكَ أَعْضَادٌ وَأَشْهَادٌ وَمُنَاةٌ وَأَذْوَادٌ، وَحَفَظَةٌ وَرَوَادٌ، فَبِهِمْ

و بازگشتشان بسوی تو است کمک کاران و گواهان و میزانها و مدافعان و نگهبانان و بازرسان هستند که بدیشان

مَلَأَتْ سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ، حَتَّى ظَهَرَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، فَبِذَلِكَ أَسْأَلُكَ،

آسمان و زمینت را پر کرده‌ای تا معلوم شد که معبودی جز تو نیست پس بدان وسیله از تو می‌خواهم

وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَبِمَقَامَاتِكَ وَعَلَامَاتِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

و به‌جای‌های عزیز و ارجمند نزول رحمتت و به مقامات و نشانه‌هایت که درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيمَانًا وَتَثْبِيثًا يَا بَاطِنًا فِي ظُهُورِهِ، وَظَاهِرًا

محمد و آلش و ایمان و پایداریم را (در دین) بیفزایی ای که در عین آشکاری نهانی ای که در عین نهانی

فِي بُطُونِهِ وَمَكْنُونِهِ، يَا مُفَرِّقًا بَيْنَ النُّورِ وَالذِّجْوَرِ، يَا مَوْصُوفًا بِغَيْرِ

و مستوری آشکاری ای جداکننده نور و ظلمت ای که بدون رسیدن به کنه و

كُنْهِ، وَمَعْرُوفًا بِغَيْرِ شِبْهِهِ، حَادًّا كُلَّ مَحْدُودٍ، وَشَاهِدًا كُلَّ مَشْهُودٍ، وَمَوْجِدًا

و حقیقت تو را وصف کنند و بدون شبیه تو را بشناسند اندازه‌گیر هر چیز محدود و گواه هر گواهی‌شده و هستی‌ده

كُلَّ مَوْجُودٍ، وَمُحْصِيَ كُلَّ مَعْدُودٍ، وَفَاقِدَ كُلَّ مَقْقُودٍ، لَيْسَ دُونَكَ مِنْ

هر موجود و شمارنده هر معدود و گم‌کننده هر گمشده معبودی جز تو نیست

مَعْبُودٍ، أَهْلَ الْكِبَرِيَاءِ وَالْجُودِ، يَا مَنْ لَا يَكْفِيكَ بَكَيْفٍ، وَلَا يُؤَيِّنُ بَأَيْنٍ،

ای شایسته بزرگی و بخشش ای که به وصف و چگونگی در نیایی و در جایی جایگیر نشوی

يَا مُحْتَجِبًا عَنْ كُلِّ عَيْنٍ، يَا دَيْمُومٌ يَا قَيُّومٌ، وَعَالِمٌ كُلِّ مَعْلُومٍ، صَلِّ

ای در پرده از هر دیده ای جاویدان ای پایدار و ای دانای هر دانسته درود فرست

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَلَى عِبَادِكَ الْمُتَّجِبِينَ، وَبَشْرِكَ الْمُحْتَجِبِينَ،

بر محمد و آلش و بر بندگان برگزیده‌ات و انسان‌هایت که در پرده‌اند

وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَالْبُهَمِ الصَّاقِينَ الْحَاقِينَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي

و فرشتگان مقربت و گمنامان صف‌زده و مہبای فرمانت و مبارک کن بر ما در این

شَهْرِنَا هَذَا الْمُرَجَّبِ الْمَكْرَمِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرْمِ، وَأَسْبِغْ

ماه بزرگ و گرمی و ماههای حرام و پس از آن و فراوان کن

عَلَيْنَا فِيهِ النِّعَمَ وَأَجْزَلَ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ، وَأَبْرَرَ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ، بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ

در این ماه بر ما نعمتها را و سرشار کن در آن برای ما سهمها را و سوگندهای ما را در این ماه به انجام رسان به حق نام

اعظم

الْأَعْظَمِ الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ، الَّتِي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهَارِ فَأَضَاءَ وَعَلَى اللَّيْلِ

و بزرگترت که برتر و گرمی‌ترین نامها است آن نامی را که بر روز نهادی و روشن گشت و بر شب گذاردی

فَأَظْلَمَ، وَأَغْفِرْ لَنَا مَا تَعَلَّمْنَا وَمَا لَا نَعْلَمُ، وَأَعِصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ

پس تاریک شد و بیامرز برای ما آنچه تو از ما دانی و آنچه را ما ندانیم و نگاهمان دار از گناهان به بهترین

الْعِصْمِ، وَاکْفِنَا كَوَافِي قَدْرِكَ، وَآمِنُنْ عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ، وَلَا تَكْلِنَا

نگهداری و باکفایت خویش ما را از کفایت قضا و قدرت بی‌نیاز کن و با نیک‌نظری خود بر ما منت نه و ما را

إِلَى غَيْرِكَ، وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ، وَبَارِكْ لَنَا فِيمَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا،

به غیر خودت وامگذار و از خیر و نیکیت منعمان مفرما و مبارک گردان برای ما در آنچه از عمرمان

وَأَصْلِحْ لَنَا خَبِيئَةَ أَسْرَارِنَا، وَأَعْطِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ، وَأَسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ الْإِيمَانِ،

مقدر فرموده‌ای و اصلاح گردان برای ما اسرار پوشیده‌مان را و از جانب خود به ما ایمنی و امان ببخش و ما را با ایمان

خوب

وَبَلِّغْنَا شَهْرَ الصِّيَامِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ، وَالْأَعْوَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

به کار وادار و برسان ما را به ماه روزه و روزها و سالهای بعد از آن ای دارای جلال و بزرگواری

ششم و نیز شیخ روایت کرده که بیرون آمد از ناحیه مقدسه بر دست شیخ ابو

القاسم (رض) این دعاء در ایام رجب:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِيَّ وَابْنَهُ عَلِيَّ

خدایا من از تو خواهم به حق دو مولود در ماه رجب یعنی محمد بن علی دوم (حضرت جواد) و فرزندش علی بن

محمد

بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِ، وَاتَّقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرْبِ يَا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ

آن امام برگزیده و تقرب جویم بوسیله آن دو بسویت به بهترین تقرب ای که از او احسان و نیکی

طَلِبَ، وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغِبَ، أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ أَوْبَقَتْهُ

جویند و همه آنچه را نزد او است راغبند از تو خواهم خواستن خطاکار و گنهکاری که گناهانش

ذُنُوبُهُ، وَأَوْبَقَتْهُ عُيُوبُهُ، فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُؤُوبُهُ، وَمِنَ الرَّزَايَا

او را به نابودی کشانده و عیبهایش او را در بند افکنده و شیوه‌اش بر خطاکاری طولانی شده و کارهایش با رنج و بلا

خُطُوبُهُ، يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ وَحَسْنَ الْأَوْبَةِ، وَالنُّزُوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ، وَمِنَ

آمیخته از تو پذیرش توبه و نیکویی هنگام بازگشت و جدایی از گناه و رهایی از

النَّارِ فَكَأَنَّكَ رَقِيبَتِهِ، وَالْعَفْوَ عَمَّا فِي رِقَابَتِهِ، فَأَنْتَ مَوْلَايَ أَعْظَمَ أَمَلِهِ

آتش و گذشتن تو را از آنچه در گردن دارد خواهان است پس تویی ای مولای من بزرگترین آرزو

وَيَقِينَتِهِ، اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ وَوَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ أَنْ

و تکیه‌گاهش خدایا از تو خواهم به حق مسأله‌های شریف و وسیله‌های الایت که مرا

تَتَعَمَّدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ، وَبِعِمَّةٍ وَازِعَةٍ، وَنَفْسٍ

در این ماه فراگیری به رحمت و وسعت و نعمت بخش شده‌ات و نفس قانعی به من بدهی که قانع باشد بدانچه

بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةً، إِلَى نُزُولِ الْحَافِرَةِ، وَمَحَلِّ الْأَخِرَةِ، وَمَا هِيَ إِلَيْهِ صَائِرَةٌ،

روزیش کرده‌ای تا آن هنگام که به گور درآید و به جایگاه آخرت و آنچه سرانجام او است برود

* هفتم و نیز شیخ روایت کرده از جناب ابوالقاسم حسین بن روح (رض) که نایب خاص

حضرت صاحب الأمر علیه السلام است که فرمود زیارت کن در هر مشهدی که

باشی از مشاهد مشرفه در ماه رجب به این زیارت می‌گوئی چون داخل شدی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ، وَأَوْجِبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا

ستایش خدایی را سزااست که ما را در ماه رجب به زیارتگاه اولیانش رسانید و واجب کرد بر ما از حق ایشان آنچه را

قَدْ وَجِبَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُتَّجِبِ، وَعَلَى أَوْصِيَاءِهِ الْحُجُبِ، اللَّهُمَّ

که واجب بود و درود خدا بر محمد برگزیده و بر اوصیاء در پس پرده‌اش خدایا

فَكَمَا أَشْهَدْتَنَا مَشْهَدَهُمْ، فَأَنْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ، وَأُورِدْنَا مَوْرِدَهُمْ، غَيْرَ

چنانچه ما را موفق به زیارت مرقدشان کردی پس وعده آنها را نیز درباره ما وفا کن و ما را در جای ورود آنها

مُحَلِّتِينَ عَنْ وَرْدٍ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ وَالْخُلْدِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ إِنِّي [قَدْ]

وارد کن نه اینکه ما را از ورود در خانه اقامت و خلود دور سازند سلام بر شما که براستی

قَصَدْتُكُمْ وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْئَلَتِي وَحَاجَتِي، وَهِيَ فَكَأَكْ رَقَبَتِي مِنْ

من شما را مقصود خویش قرار داده و در خواسته و حاجتم به شما تکیه کردم و آن حاجت و خواسته‌ام آزادیم از

النَّارِ، وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ فِي دَارِ الْقَرَارِ، مَعَ شِيعَتِكُمُ الْأَبْرَارِ، وَالسَّلَامُ

آتش دوزخ و جایگزین شدنم با شما است در خانه همیشگی با شیعیان نیکوکاران و سلام

عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، أَنَا سَائِلُكُمْ وَأَمْلِكُكُمْ فِيمَا

بر شما به خاطر آن شکیبایی که کردید و چه نیکو است سرانجام آن خانه بهشت، من از شما خواهم و آرزومند

الْيَوْمِ، التَّفْوِيزُ، وَعَلَيْكُمْ التَّغْوِيزُ فَبِكُمْ يُجَبَّرُ الْمَهِيضُ، وَيُشْفَى

شمایم در آن چیزهایی که در اختیار شما است و تعویض آن برعهده شماست پس بوساطت شما جوش خورد استخوان

شکسته

الْمَرِيضُ، وَمَا تَزْدَادُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَغِيضُ، إِنِّي بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ،

و درمان شود شخص بیمار و آنچه در رحم‌ها زیاد گردد یا کم شود همانا من به راز شما معتمد

وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ، وَعَلَى اللَّهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ فِي رَجْعِي بِحَوَائِجِي،

و به گفتار شما تسلیم و خدا را به شما قسم می‌دهم که از اینجا که بازگردم حوائج را گرفته

وَقَضَائِهَا وَإِمْضَائِهَا وَإِنْجَاحِهَا وَإِبْرَاحِهَا، وَبِشَوْنِي لَدَيْكُمْ

و برآورده شده و به امضاء رسیده باشد و بدانها کامیاب گشته و سختیش رفع شده باشد و نیز درباره کارهایم نزد شما

وَصَلَاحِهَا، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامٌ مُودِّعٌ، وَلَكُمْ حَوَائِجُهُ مُودِعٌ،

و اصلاحش را از او خواهم و سلام بر شما سلام خداحافظی کننده‌ای که حاجتهای خود را نزد شما سپرده

يَسْئَلُ اللَّهُ إِلَيْكُمْ الْمَرْجِعَ، وَسَعْيُهُ إِلَيْكُمْ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ، وَأَنْ يَرْجِعَنِي مِنْ

و از خدا خواهد که دوباره نزد شما آید و راهش بسوی شما بریده نشود و نیز خواهم که خدا مرا از

حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ إِلَى جَنَابِ مُمْرِعٍ، وَخَفْضِ مُوسَعٍ، وَدَعَا

محضر شما به بهترین وجهی برگرداند، برگرداند بسوی جایی سرسبز و خرم و زندگانی وسیع و گوارا

وَمَهَّلَ إِلَى حِينِ الْأَجْلِ، وَخَيْرَ مَصِيرٍ وَمَحَلٍّ فِي النَّعِيمِ الْأَزَلِ

و در خوشی و آسایش تا هنگام رسیدن مرگ و بهترین سرانجام و جایگاه در بهشت پرنعمت ازلی

وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبِلِ، وَدَوَامِ الْأَكْلِ، وَشُرْبِ الرَّحِيقِ، وَالسَّلْسَلِ وَعَلٍ

و زندگی آینده و خوراکیهای همیشگی و نوشیدن شراب و آب پاکیزه و گوارا در چند بار

وَنَهْلٍ، لَا سَامَ مِنْهُ وَلَا مَلَلٌ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ عَلَيْكُمْ

و یکبار که نوشیدنش خستگی و ملال نیاورد و رحمت خدا و برکات و تحیتهای او بر شما باد

حَتَّى الْعُودِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ، وَالْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ، وَالْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ،

تا هنگام بازگشت من به نزد شما و رستگار شدن در زمان رجعت شما و محشور شدن در زمره شما

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ، وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ، وَهُوَ حَسْبُنَا وَيَعْمَلُ الْوَكِيلُ

و رحمت خدا و برکاتش و درودها و تحیاتش بر شما باد و او ما را بس است و نیکو وکیل است

*هشتم سید بن طاوس روایت کرده از محمد بن ذکوان که معروف به سجّاد

است برای آنکه آنقدر سجده کرد و گریست در سجود که نابینا شد گفت عرض

کردم به حضرت صادق علیه السلام فدای تو شوم این ماه رجب است تعلیم بنما

مرا دعائی در آن که حق تعالی مرا به آن نفع بخشد حضرت فرمود بنویس بِسْمِ

اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بگو در هر روز از رجب در صبح و شام و در عقب نمازهای

روز و شب:

يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ، وَأَمَّنُ سَخَطَهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ، يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ

ای که برای هر خیری به او امید دارم و از خشمش در هر شری ایمنی جویم ای که می‌دهد (عطای) بسیار

بِالْقَلِيلِ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ

در برابر (طاعت) اندک ای که عطا کنی به هر که از تو خواهد ای که عطا کنی به کسی که از تو نخواهد

تَحْنُنًا مِنْهُ وَرَحْمَةً، أَعْطِنِي بِمَسْئَلَتِي إِيَّاكَ، جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَجَمِيعَ خَيْرِ

نه تو را بشناسد از روی نعمت بخشی و مهرورزی عطا کن به من به خاطر درخواستی که از تو کردم همه خوبی دنیا و

همه خوبی و خیر

الْآخِرَةَ، وَأَصْرِفْ عَنِّي بِمَسْئَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا، وَشَرِّ الْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ

آخرت را و بگردان از من به خاطر همان درخواستی که از تو کردم همه شر دنیا و شر آخرت را زیرا

غَيْرُ مَنقُوصٍ مَا عَطَيْتَ، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمٌ

آنچه تو دهی چیزی کم ندارد (یا کم نیاید) و بیفزای بر من از فضلت ای بزرگوار

راوی گفت پس گرفت حضرت محاسن شریف خود را در پنجه چپ خود و خواند این دعا را به حال التجا و تضرع به حرکت دادن انگشت سبابه دست راست پس گفت بعد از این:

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا ذَا النِّعْمَاءِ وَالْجُودِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، حَرِّمُ شَيْبَتِي عَلَى النَّارِ،

ای صاحب جلالت و بزرگواری ای صاحب نعمت و جود ای صاحب بخشش و عطا حرام کن محاسنم را بر آتش دوزخ

*نهم از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده که هر که در ماه رجب

صد مرتبه بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَحَدُّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاتُّوبُ إِلَيْهِ

و ختم کند آنها به صدقه ختم فرماید حق تعالی برای او برحمت و مغفرت و

کسیکه چهار صد مرتبه بگوید بنویسد برای او اجر صد شهید.

دهم و نیز از آن حضرت مروی است که کسیکه بگوید در ماه رجب هزار مرتبه

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بنویسد خداوند عزَّ وَجَلَّ برای او صد هزار حسنه و بنا فرماید برای

او صد شهر در بهشت.

یازدهم روایت است کسی که در رجب در وقت صبح هفتاد مرتبه و در وقت

پسین نیز هفتاد مرتبه بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَاتُّوبُ إِلَيْهِ و چون تمام کرد دستها را

بلند کند و بگوید اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ پس اگر در ماه رجب بمیرد خدا از او راضی باشد و آتش او را مسّ نکند به برکت رجب.

دوازدهم در جمیع این ماه هزار مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ وَالْآثَامِ تا خداوند رحمان او را بیامزد.

سیزدهم سیّد در اقبال فضیلت بسیار از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کرده برای خواندن قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ده هزار مرتبه یا هزار مرتبه یا صد مرتبه در ماه رجب و نیز روایت کرده که هر که در روز جمعه ماه رجب صد مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند برای او نوری باشد در قیامت که او را به بهشت بکشاند. چهاردهم سیّد روایت کرده که هر که در ماه رجب یک روز روزه بدارد و چهار رکعت نماز گذارد بخواند در رکعت اوّل صد مرتبه آیه الكرسي و در رکعت دوّم دویست مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ نمیرد تا جای خود را در بهشت ببیند یا دیده شود برای او.

پانزدهم و نیز سیّد روایت کرده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر که در روز جمعه ماه رجب چهار رکعت نماز کند مابین ظهر و عصر بخواند در هر رکعتی حمد یک مرتبه و آیه الكرسي هفت مرتبه و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ پنج مرتبه پس ده مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ بِنُورِ حَقِّ تَعَالَى برای او از روزیکه این نماز را گذارده تا روزی که بمیرد هر روزی هزار حسنه و عطا فرماید او را به هر آیه‌ای که خوانده شهری در بهشت از یاقوت سرخ و به هر حرفی قصری در بهشت از دُرّ سفید و تزویج فرماید او را

حور العین و راضی شود از او بغیر سخط و نوشته شود از عابدین و ختم

فرماید برای او به سعادت و مغفرت «الخبیر».

شانزدهم سه روز از این ماه را که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد روزه بدارد زیرا که روایت شده هر که در یکی از ماه‌های حرام این سه روز را روزه بدارد حقّ تعالی برای او ثواب نهصد سال عبادت بنویسد.

هفدهم در تمام ماه رجب شصت رکعت نماز کند به این طریق که در هر شب آن دو رکعت بجا آورد بخواند در هر رکعت حمد یک مرتبه و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ سه مرتبه و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ یک مرتبه و چون سلام دهد دستها را بلند کند و بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ

معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد خاص او است فرمانروایی و مخصوص او است ستایش می‌میراند و زنده کند و

حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا

او است زنده‌ای که نمیرد هر چه خیر است بدست او است و او بر هر چیز توانا است و بسوی او است بازگشت و جنبش و نیرویی

قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَآلِهِ

نیست مگر بوسیله خدای برتر و بزرگ خدایا درود فرست بر محمد پیامبر امی (درس نخوانده) و بر آتش

و بکشد دستها را بصورت خود. از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مرویست که کسی که این عمل را بجا آورد حقّ تعالی دعای او را مستجاب گرداند و ثواب شصت حجّ و شصت عمره به او عطا فرماید.

هیجدهم از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مروی است کسی که در یک شب از ماه رجب بخواند صد مرتبه **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** در دو رکعت نماز پس گویا صد سال روزه گرفته در راه خدا و حق تعالی در بهشت صد قصر به او مرحمت فرماید هر قصری در جوار پیغمبری از پیغمبران علیهم السلام.

نوزدهم و نیز از آن حضرت مرویست که هر که در یک شب از شبهای رجب ده رکعت نماز کند بخواند در هر رکعتی حمد و **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** یکمرتبه و توحید سه مرتبه بیاورد حق تعالی هر گناهی که کرده «الخبر».

بیستم علامه مجلسی در زاد المعاد فرموده که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که در هر شب و هر روز ماه رجب و شعبان و رمضان سه مرتبه هر یک از حمد و آیه الکرسی و **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** و **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ** و **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ** بخواند و سه مرتبه بگوید **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ** و سه مرتبه بگوید **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** و سه مرتبه بگوید **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ** و چهارصد مرتبه بگوید **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ** و **أَتُوبُ إِلَيْهِ** خداوند تعالی گناهانش را بیاورد اگر چه بعدد قطره‌های باران و برگ درختان و کف دریاها باشد «الخبر» و نیز علامه مجلسی فرموده که در هر شب از شبهای این ماه هزار مرتبه **لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** وارد شده است و بدان که شب جمعه اول ماه رجب را **ليلة الرغائب** می‌گویند و از برای آن عملی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وارد شده با فضیلت

بسیار که سید در اقبال و علامه در اجازه بنی زهره نقل کرده‌اند از جمله فضیلت
 او آنکه گناهان بسیار بسبب او آمرزیده شود و آنکه هر که این نماز را بگذارد
 چون شب اول قبر او شود حقّ تعالی بفرستد ثواب این نماز را بسوی او به
 نیکوتر صورتی با روی گشاده و درخشان و زبان فصیح پس با وی گوید ای
 حبیب من بشارت باد تو را که نجات یافتی از هر شدّت و سختی گوید تو
 کیستی بخدا سوگند که من روئی بهتر از روی تو ندیدم و کلامی شیرینتر از
 کلام تو نشنیده‌ام و بوئی بهتر از بوی تو نبویدم گوید من ثواب آن نماز که
 در فلان شب از فلان ماه از فلان سال بجا آوردی آمدم امشب بنزد تو تا حقّ تو
 را ادا کنم و مونس تنهائی تو باشم و وحشت را از تو بردارم و چون در صور
 دمیده شود من سایه بر سر تو خواهم افکند در عرصه قیامت پس خوشحال باش
 که خیر از تو معدوم نخواهد شد هرگز و کیفیت آن چنان است که روز پنجشنبه
 اول آن ماه را روزه میداری چون شب جمعه داخل شود ما بین نماز مغرب و
 عشاء دوازده رکعت نماز می‌گذاری هر دو رکعت به یک سلام و در هر رکعت
 از آن یک مرتبه حمد و سه مرتبه اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَ دَوَّازِدَهُ مَرْتَبَةً قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ
 می‌خوانی و چون فارغ شدی از نماز هفتاد مرتبه می‌گوئی اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
 النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَعَلٰی اٰلِهِ پَس بَه سَجْدَه مِ رُوٰی وَ هَفْتَاد مَرْتَبَه مِ رُوٰی سُبُوْحُ
 قُدُوْسُ رَبِّ الْمَلٰٓئِكَةِ وَالرُّوْحِ پَس سَر اَز سَجْدَه بِر مِیْدَارِی وَ هَفْتَاد مَرْتَبَه مِ رُوٰی
 رَبِّ اغْفِرْ وَاَرْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَلِيُّ الْاَعْظَمُ پَس بَاز بَه سَجْدَه
 مِ رُوٰی وَ هَفْتَاد مَرْتَبَه مِ رُوٰی سُبُوْحُ قُدُوْسُ رَبِّ الْمَلٰٓئِكَةِ وَالرُّوْحِ پَس حَاجَت

خود را می‌طلبی که انشاء الله برآورده خواهد شد و بدان نیز که در ماه رجب زیارت حضرت امام رضا علیه السلام مندوبست و اختصاصی دارد چنانچه عمره در این ماه فضیلت دارد و روایت شده که تالی حجّ است در فضیلت و منقول است که جناب علی بن الحسین علیه السلام مُعْتَمِر شده بود در ماه رجب و شبانه روز نماز در نزد کعبه می‌گذاشت و پیوسته در سجده بود در شب و روز و این ذکر از آن حضرت شنیده می‌شد که در سجده می‌گفت: عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ.

قِسْمِ دُوَيْمِ

در اعمال مخصوصه ایام و لیالی ماه رجب است

شب اول شب شریفی است و در آن چند عمل است اول آنکه چون هلال را ببیند بگوید:

اَللّٰهُمَّ اِهْلِهٖ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِيْمَانِ، وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ، رَبِّي

خدایا این ماه را بر ما نو کن به امنیت و ایمان و سلامت و دین اسلام پروردگار من

وَرَبُّكَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ،

و پروردگار تو (ای ماه) خدای عزوجل می‌باشد *

و نیز از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است که چون هلال رجب را

می‌دید می‌گفت: اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي رَجَبٍ وَشَعْبَانَ، وَبَلِّغْنَا شَهْرَ رَمَضَانَ،

*** خدایا برکت ده بر ما در ماه رجب و شعبان و ما را به ماه رمضان برسان

وَأَعِنَّا عَلَى الصِّيَامِ وَالْقِيَامِ وَحِفْظِ اللِّسَانِ، وَغَضِّ البَصْرِ، وَلَا تَجْعَلْ

و کمکمان ده برای گرفتن روزه و شب‌زنده‌داری و نگهداری زبان و پوشیدن چشم و بهره‌ما را از آن ماه

حَظَّنَا مِنْهُ الْجُوعَ وَالْعَطَشَ، *

تنها گرسنگی و تشنگی قرار مده

دویم غسل کند چنانکه بعضی از علماء فرموده‌اند: از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مروی است که هر که درک کند ماه رجب را و غسل کند در اوّل و وسط و آخر آن بیرون آید از گناهان خود مانند روزیکه از مادر متولّد شده سیّم زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را چهارم بعد از نماز مغرب بیست رکعت نماز کند بحمد و توحید و بعد از هر دو رکعت سلام دهد تا محفوظ بماند خود و اهل و مال و اولادش و از عذاب قبر در پناه باشد و از صراط بیحساب مانند برق بگذرد پنجم بعد از نماز عشاء دو رکعت نماز کند بخواند در رکعت اوّل حَمْدُ وَالْمُ نَشْرَحُ یک مرتبه و توحید سه مرتبه و در رکعت دویم حَمْدُ وَالْمُ نَشْرَحُ و توحید و مُعَوِّذَتَيْنِ را و چون سلام نماز داد سی مرتبه لا اِلهَ اِلَّا اللهُ بگوید و سی مرتبه صَلَوَاتِ بفرستد تا حقّ تعالی گناهان او را بیامرزد مانند روزیکه از مادر متولّد شده ششم آنکه بخواند سی رکعت نماز در هر رکعت حمد و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ یک مرتبه و توحید سه مرتبه هفتم بجا آورد آنچه را که شیخ در مصباح متهجّد ذکر نموده فرموده ذکر عمل شب اوّل رجب روایت کرده است ابوالبختری وهب بن وهب از حضرت امام جعفر صادق از پدرش از جدّش از حضرت امیرالمؤمنین علیهم السلام که آن حضرت را خوش می آمد که فارغ سازد خود را چهار شب در تمام سال یعنی اِحیا بدارد آن شبها

را به عبادت و آن چهار شب: شب اول رجب و شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عید قربان بود و روایت شده است از ابو جعفر ثانی حضرت امام محمد جواد علیه السلام که فرمود مستحب است که هر آدمی بخواند این دعا را در شب اول رجب بعد از عشاء آخره:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ وَأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرٌ، وَأَنَّكَ

خدایا از تو خواهم بواسطه آنکه تو فرمانروایی و تو بر هر چیز توانایی و تو

ما تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ

هر کاری را بخواهی می شود خدایا من بسویت رو کنم بوسیله پیامبرت محمد پیامبر

الرَّحْمَةِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ

رحمت درود تو بر او و آلش، ای محمد ای رسول خدا براستی من به تو رو آورده ام برای

إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي لِيُنْجِحَ بِكَ طَلِبَتِي، اللَّهُمَّ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

رفتن به درگاه خدا پروردگار من و تو تا بلکه بوسیله تو حاجت روا گردم خدایا به حق پیامبرت محمد

وَالْأَنْبِيَاءِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، أَنْجِحْ طَلِبَتِي

و به حق پیشوایان از خاندانش صلی الله علیه و علیهم که حاجتم را روا کن

پس سؤال کن حاجتت را و روایت کرده است علی بن حدید که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بعد از فراغ از نماز شب در حال سجده می گفت:

لَكَ الْمَحْمَدَةُ إِنْ أَطَعْتُكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ إِنْ

برای تو است ستایش اگر پیروی کنم و تو حجت و برهان

عَصَيْتُكَ، لَا صُنْعَ لِي وَلَا لِعِغْرِي فِي إِحْسَانِ إِلَّا بِكَ، يَا كَائِنُ قَبْلَ

بر من داری اگر نافرمانیت کنم نه کاری از من ساخته است و نه از غیر من در مورد احسان مگر بوسیله تو ای بوده پیش

كُلِّ شَيْءٍ، وَيَا مَكُونَنَّ كُلِّ شَيْءٍ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي

از هر چیز و ای بود کننده هر چیز براستی تو بر هر چیز توانایی خدایا به تو

أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَمِنَ شَرِّ الْمَرْجِعِ فِي الْقُبُورِ، وَمِنَ

پناه برم از انحراف هنگام مرگ و از بازگشت بد در میان گور و از

النَّدَامَةِ يَوْمَ الْأَزْفَةِ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

پشیمانی در روز قیامت پس از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و

تَجْعَلَ عَيْشِي عَيْشَةَ نَقِيَّةً، وَمَيِّتِي مَيِّتَةً سَوِيَّةً، وَمُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا

قرار دهی زندگی مرا زندگی پاک و پاکیزه و مرگم را مرگی معتدل و مستقیم و بازگشتم را بازگشتی

كَرِيمًا، غَيْرَ مُخْزٍ وَلَا فَاضِحٍ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَيْمَةِ

گرامی که خواری و رسوایی در آن نباشد خدایا درود فرست بر محمد و آلش آن پیشوایانی که

يَتَابِعُ الْحِكْمَةَ، وَأَوْلِي النُّعْمَةَ، وَمَعَادِنِ الْعِصْمَةِ وَأَعِصِمْنِي بِهِمْ مِنْ

سرچشمه‌های حکمت و ولی نعمت و معادن عصمتند و بوسیله ایشان مرا از

كُلِّ سُوءٍ، وَلَا تَأْخُذْنِي عَلَى غِرَّةٍ وَلَا عَلَى غَفْلَةٍ، وَلَا تَجْعَلْ عَوَاقِبَ

هر بدی محافظت فرما و مگیر مرا در حال غرور و نه در حال غفلت و بی‌خبری و قرار مده پایان

أَعْمَالِي حَسْرَةً، وَارْضَ عَنِّي فَإِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِلظَّالِمِينَ وَأَنَا مِنَ

کارهایم را حسرت و افسوس و از من راضی شو که راستی آمرزشت مخصوص ستمکاران است و من نیز

الظَّالِمِينَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ، وَأَعْطِنِي مَا لَا يَنْقُصُكَ، فَإِنَّكَ

از ستمکارانم خدایا ببامرز از من آنچه را زیان به تو نزند و عطا کن به من آنچه تو را کم نیاید زیرا که

الْوَسِيعُ رَحْمَتُهُ، الْبَدِيعُ حِكْمَتُهُ وَأَعْطِنِي السَّعَةَ وَالِدَّعَةَ، وَالْأَمْنَ

رحمت تو وسیع و فرزادگیت تازه و جدید است و عطا کن به من وسعت و فراخی و امنیت

وَالصِّحَّةَ، وَالْبُخُوعَ وَالْفُنُوعَ، وَالشُّكْرَ وَالْمُعَافَاةَ، وَالتَّقْوَى وَالصَّبْرَ،

و سلامتی و فروتنی و قناعت و سپاسگزاری و تندرستی و پرهیزکاری و شکیبایی

وَالصَّدْقَ عَلَيْكَ وَعَلَى أَوْلِيَائِكَ، وَالْيُسْرَ وَالشُّكْرَ، وَأَعِمْ بِذَلِكَ يَا

و راستی (و دوستی) نسبت به تو و نسبت به دوستانت و آسانی و شکر و در اینها که گفتم و با من شریک ساز

رَبِّ أَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي فَيْكَ، وَمَنْ أَحَبَّبْتُ وَأَحَبَّنِي، وَوَلَدْتُ

پروردگار من خانواده و فرزندان و برادران دینی مرا و کسانی را که من دوست دارم یا آنان مرا دوست دارند و فرزندان آینده

وَوَلَدَتِي، مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

و پدران گذشته من از مسلمانان و مؤمنین ای پروردگار جهانیان

ابن اُشیم گفته این دعاء بعد از هشت رکعت نماز شب و پیش از نماز وتر است
آنگاه سه رکعت وتر را بجا می آوری

پس چون سلام دادی بگو در حالتی که نشسته باشی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تَفْدُ خَزَائِنَهُ، وَلَا يَخَافُ آمِنَهُ، رَبِّ اِنْ ارْتَكَبْتُ الْمَعَاصِيَ

ستایش آن خدایی را سزااست که خزینه هایش پایان نپذیرد و هر که در امان او بود هراس ندارد پروردگارا اگر من دست به نافرمانی زدم

فَذَلِكَ ثِقَةٌ مَنِّي بِكَرَمِكَ، اِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ، وَتَعْفُو عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَتَغْفِرُ
این بخاطر آن اطمینانی بود که به کرم تو داشتم برآستی که تو از بندگانت توبه شان را می پذیری و از گناهانشان درگذری

الزَّلَلِ، وَاِنَّكَ مُجِيبٌ لِدَاعِيكَ وَمِنْهُ قَرِيبٌ، وَاَنَا تَائِبٌ اِلَيْكَ مِنْ

و لغزشهاشان بیامرزی و برآستی که تو خواننده ات را پاسخ دهی و به او نزدیکی و من بسوی تو

الْخَطَايَا، وَرَاغِبٌ اِلَيْكَ فِي تَوْفِيرِ حَظِّي مِنَ الْعَطَايَا، يَا خَالِقَ الْبَرَايَا،

از گناهان توبه کنم و میل دارم از درگاهت که بهره ام را از عطاهای خویش فراوان گردانی ای آفریننده خلائق

يَا مُنْقِذِي مِنْ كُلِّ شَدِيدَةٍ، يَا مُجِيرِي مِنْ كُلِّ مَخْذُورٍ، وَقُرُّ عَلَيَّ

ای نجات دهنده من از هر سختی ای پناه ده من از هر خطر و چیز ترسناک

السُّرُورِ، وَاكْفِنِي شَرَّ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ فَانْتَ اللَّهُ عَلَيَّ نِعْمًا تَكُ وَجَزِيلِ

خدایا نشاط و خوشحالیم را فراوان گردان و از شر پایان هر کار نگاهم دارد که برآستی ای خدا تو بر نعمتها و عطاهای

عَطَايِكَ مَشْكُورٌ وَلِكُلِّ خَيْرٍ مَذْخُورٌ

سرشارت مورد سپاسگزاری هستی و برای هر خیر و خوبی ذخیره ما باشی

و بدان که علماء از برای هر شب این ماه نماز مخصوصی ذکر فرموده اند که مقام را گنجایش نقل آن نیست.

روز اوّل رجب

روز شریفی است و در آن چند عمل است اوّل روزه گرفتن روایت شده که حضرت نوح علیه السلام در این روز بکشتی سوار شد و امر فرمود کسانی را که با او بودند روزه بدارند و هر که این رُوز را روزه بدارد آتش جهنّم یکسال راه از او دور شود دوّم غسل کند سیّم زیارت امام حسین علیه السلام کند شیخ روایت کرده از بشیر دَهَّان از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود هر که زیارت کند حسین بن علیّ علیهما السلام را در روز اوّل رجب بیامرزد خداوند عالم او را البته چهارم بخواند دعای طویلی که سیّد در اقبال نقل فرموده پنجم شروع کند به نماز سلمان (رض) بدین طریق که ده رکعت نماز گذارد و بعد از هر دو رکعت سلام دهد و در هر رکعت یک مرتبه حمد و سه مرتبه سوره توحید و سه مرتبه قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ بخواند و بعد از هر سلام دستها را بلند کند و بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ

معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد فرمانروایی از آن او است و ستایش مخصوص او است زنده می کند و

می میراند و او است

حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، پس بگوید اَللّهُمَّ لَا

زنده ای که هرگز نمیرد هر چه خیر است بدست او است و او بر هر چیزی توانا است * * * * * خدایا جلوگیری

مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطَىٰ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ،

نیست از آنچه تو عطا کنی و عطابخشی نیست برای آنکس که تو منعش کنی و کوشش شخص کوشا او را از تو بی نیاز نکند

پس دستها را بر روی خود کشد و در روز نیمه ماه نیز این نماز را بهمین کیفیت بخواند لکن عوض این دعا بعد از عَلِي كُشِّيءٍ قَدِيرٌ بگوید:

إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا، لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا،

آن معبود یگانه یکتای فرد بی نیازی که نگرفته است همدم و نه فرزندی

و در روز آخر ماه نیز چنین کند لکن بعد از عَلِي كُشِّيءٍ قَدِيرٌ بگوید:

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

و درود خدا بر محمد و آل پاکیزه اش باد و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای بلند مرتبه و بزرگ

پس دستها را بر روی خود بکشد و حاجت خود را بطلبد و از فوائد این نماز نباید غفلت نمود که آن بسیار است و بدانکه از برای حضرت سلمان نیز نماز دیگری است در روز اوّل این ماه ده رکعت در هر رکعت حمد یکم مرتبه و توحید سه مرتبه با فضیلت بسیار که مجملش آموزش گناهان و محفوظ بودن از فتنه قبر و عذاب روز قیامت و رفتن جذام و برص و ذات الجنب از خواننده آن است و سیّد نیز برای این روز چهار رکعت نماز نقل کرده هر که خواهد به اقبال مراجعه کند و در این روز سنه (۵۷) پنجاه و هفت بقولی ولادت حضرت باقر علیه السلام واقع شده و لکن مختار داعی در سیّم صفر است و در روز دوّم این ماه بقولی ولادت با سعادت حضرت امام علیّ نقی علیه السلام است سنه ۲۱۲ و شهادت آن حضرت در سیّم سنه (۲۵۴) دویست و پنجاه و چهار در سُرّ

مَنْ رَأَى وَاقِعَ شَدَّةٍ، رَوْز دَهْمَ بَقُولِ ابْنِ عِيَّاشٍ وَوَلَادَتِ حَضْرَتِ اِمَامِ مُحَمَّدٍ
تَقَى عَلَيْهِ السَّلَامِ وَاقِعَ شَدَّةٍ.

شَب سِيزْدَهْم

بدانکه مستحبّ است در هریک از ماه رجب و شعبان و رمضان آنکه در شب
سیزدهم دو رکعت نماز بگذارند در هر رکعت حمد یک مرتبه و یس و
تَبَارَكَ الْمَلِكُ وَتَوْحِيدَ بَخَوَانَدِ وَ دَر شَب چَهاردَهْم چَهَار رکعت بدو سلام بهمین
کِیْفِیَّتِ وَ دَر شَب پانزدهم شش رکعت به سه سلام بهمین کِیْفِیَّتِ از حضرت
صَادِقِ عَلِیْهِ السَّلَامِ مَرْوِیْسْت که هر که چنین کند جمیع فضیلت این سه ماه را
دریابد و جمیع گناهانش غیر از شرک آمرزیده شود روز سیزدهم اوّل ایّام
البیض است و ثواب بسیاری برای روزه این روز و دو روز بعد وارد شده و
اگر کسی خواهد عمل اُمّ داوُدّ بجا آورد باید این روز را روزه بگیرد و در این
روز بنا بر مشهور بعد از سی سال از عام الفیل ولادت با سعادت حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام در میان کعبه مُعَظَّمَه وَاقِعَ شَدَّةٍ شَب نِیْمَه ماه رجب
شَب شریفی است و در آن چند عملست اوّل غسل دوّم احیاء آن به عبادت
چنانکه علّامه مجلسی فرموده سیّم زیارت امام حسین علیه السلام چهارم شش
رکعت نماز که در شب سیزدهم ذکر شد پنجم سی رکعت نماز در هر رکعت
حمد و ده مرتبه توحید و این نماز را سید از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
نقل کرده با فضیلت بسیار ششم دوازده رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام و

در هر رکعت هر یک از سوره حمد و توحید و فلق و ناس و آیه الکرسی و قَدْر را چهار مرتبه بخواند و بعد از سلام چهار مرتبه بگوید اَللّهُ اَللّهُ رَبِّي لَا اَشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَلَا اتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيّاً و هر چه می‌خواهد بخواند و این نماز را بدین طریق سیّد از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده و لکن شیخ در مصباح فرموده روایت کرده داود بن سرحان از حضرت صادق علیه السلام که فرمود بجا می‌آوری در شب نیمه رجب دوازده رکعت نماز می‌خوانی در هر رکعت حمد و سوره و چون فارغ شدی از نماز می‌خوانی بعد از آن حمد و معوذتین و سوره اخلاص و آیه الکرسی را چهار مرتبه و می‌گویی بعد از آن سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ چهار مرتبه پس می‌گویی اَللّهُ اَللّهُ رَبِّي لَا اَشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَمَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و بجا می‌آوری در شب بیست و هفتم نیز مثل این را روز نیمه رجب روز مبارکیست و در آن چند عمل است اول غسل دوم زیارت حضرت امام حسین علیه السلام از ابن ابی بصیر منقول است که گفت سؤال کردم از حضرت امام رضا علیه السلام که در چه ماه زیارت کنیم امام حسین علیه السلام را فرمود در نیمه رجب و نیمه شعبان سیّم نماز سلمان به نحویکه در روز اول گذشت چهارم چهار رکعت نماز بخواند و بعد از سلام دست خود را پهن کند و بگوید:

اَللّهُمَّ يَا مُدِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ، وَيَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تَغْيِينِي

خدایا ای خوارکننده هر ستمکار سرکش و ای عزت بخش مؤمنان تویی پناهگاه من در آن هنگام که از راهها وامانده

شوم

الْمَذَاهِبُ، وَأَنْتَ بَارِي خُلُقِي رَحْمَةً بِي، وَقَدْ كُنْتَ عَن خَلْقِي غَنِيًّا، وَلَوْ لَا

و تویی که از روی مهری که به من داشتی به خلقت من دست زدی در صورتی که از خلقت من نیاز بودی و اگر مهر تو نبود بطور مسلم من

رَحْمَتِكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيَّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَلَوْ لَا

در زمره نابودان بودم و تویی که مرا بوسیله یاری دادن بر دشمنانم کمک دهی و اگر

نَصْرِكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا،

یاری تو نبود بطور حتم من از رسوایان بودم ای فرستنده رحمت از معدنهای آن

وَمُنْشِي الْبُرْكََةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا، يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوحِ

و ای پدید آورنده برکت از جاهای آن ای که مخصوص داشت خود را به بلندی مقام

وَالرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعِزُّهُ يَتَعَزَّزُونَ، وَيَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ

و رفعت و از اینرو دوستانش به عزت او عزیز گردند و ای که پادشاهان طوق مذلت را برای او

الْمَذَلَّةَ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، أَسْأَلُكَ بِكَيْفُونِيَّتِكَ

بر گردن نهاده‌اند و از سطوت‌های او ترسانند از تو خواهم به حق بود کردن

الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ كِبْرِيَاؤِكَ وَأَسْأَلُكَ بِكِبْرِيَاؤِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ

که آنرا از کبرای خود جدایش کردی و از تو خواهم به حق کبریایت که آن را از عزت

عِزَّتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ، فَخَلَقْتَ بِهَا

برگرفتی و از تو خواهم به حق عزت که بوسیله آن بر عرش مستولی گشتی و بدان سبب

جَمِيعَ خَلْقِكَ، فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ.

همه خلق خود را آفریدی و همه به خدائیت اعتراف دارند که درود فرستی بر محمد و خاندانش

روایت است که هر صاحب غمی این دعا را بخواند حق تعالی او را از اندوه و

غم آسایش بخشد پنجم عمل أم داود که عمده اعمال این روز است و برای

برآمدن حاجات و کشف کُرَبات و دفع ظلم ظالمان مؤثر است و کیفیت آن بنا

بر آنچه در مصباح شیخ است آنست که چون خواهد این عمل را بجا آورد روزه

بگیرد روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را پس در روز پانزدهم نزد زوال غسل کند و چون وقت زوال داخل شود نماز ظهر و عصر را بجا آورد در حالتیکه رکوع و سجودشان را نیکو کند و در موضع خلوتی باشد که چیزی او را مشغول نسازد و انسانی با او تکلم ننماید پس چون از نماز فارغ شود رو به قبله کند و بخواند حمد را صد مرتبه و سوره اخلاص را صد مرتبه و آیه الکرسی را ده مرتبه و بعد از اینها بخواند سوره انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس و صافات و حم سجده و حمعسق و حم دخان و فتح و واقعه و مُلک و ن و إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ و ما بعدش را تا آخر قرآن و چون از اینها فارغ شود بگوید در حالتی که رو به قبله باشد:

صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيمُ، الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، ذُو

*** درست فرمود خدای بزرگی که معبودی جز او نیست زنده و پاینده و صاحب

الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ

جلالت و بزرگواری است بخشاینده و مهربان بردبار و کریم است آنکه مانندش

شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، الْبَصِيرُ الْخَبِيرُ، شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ،

چیزی نیست و او شنوا و دانا و بینا و آگاه است، گواه است خدا که معبودی جز او نیست

وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ، قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ،

و فرشتگان و دانشوران گواهی داده‌اند که خدایی جز او نیست که عدالت بدو پایدار است و او عزیز و حکیم است

وَبَلَّغْتَ رُسُلَهُ الْكِرَامِ وَأَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ، اللَّهُمَّ لَكَ

و پیمبران بزرگوارش نیز آنرا به مردم رساندند و من بر این مطلب گواهی دهم خدایا از آن تو است

الْحَمْدُ وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الْعِزُّ وَلَكَ الْفَخْرُ، وَلَكَ الْقَهْرُ وَلَكَ النُّعْمَةُ،

ستایش و از آن تو است مجد و برای تو است عزت و خاص تو است افتخار و شایسته تو است قهر و سطوت و

مخصوص تو است نعمت

وَلَكَ الْعِزَّةُ وَلَكَ الرَّحْمَةُ، وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ السُّلْطَانُ، وَلَكَ الْبَهَاءُ

و از آن تو است عظمت و مخصوص تو است رحمت و برای تو است شکوه و خاص تو است سلطنت و از آن تو است

درخشندگی

وَلَكَ الْإِمْتِنَانُ، وَلَكَ التَّسْبِيحُ وَلَكَ التَّقْدِيسُ، وَلَكَ التَّهْلِيلُ وَلَكَ

و مخصوص تو است نعمت بخشی و برای تو است پاکی و از آن تو است پاکیزگی و برای تو است یکتایی و مخصوص

تو است

التَّكْبِيرُ، وَلَكَ مَا يُرَى وَلَكَ مَا لَا يُرَى، وَلَكَ مَا فَوْقَ السَّمَوَاتِ الْعُلَى،

بزرگی و ملک تو است آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود و از تو است آنچه بالای آسمانهای بلند است

وَلَكَ مَا تَحْتَ الثَّرَى، وَلَكَ الْأَرْضُونَ السُّفْلَى، وَلَكَ الْآخِرَةُ

و از تو است آنچه زیر زمین است و از تو است زمینهای زیرین و از آن تو است دنیا و آخرت

وَالْأُولَى، وَلَكَ مَا تَرْضَى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّكْرِ وَالنِّعْمَاءِ،

و مخصوص تو است آن و حمد و ثنا و شکر که تو بپسندی و آنچه نعمت است نیز از تو است

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جِبْرِئِيلَ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، وَالْقَوِيَّ عَلَى أَمْرِكَ،

خدایا درود فرست بر جبرئیل امین بر وحی تو و نیرومند در کار تو و آنکس

وَالْمُطَاعِ فِي سَمَوَاتِكَ وَمَحَالِّ كَرَامَاتِكَ، الْمُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ،

که در آسمانها و جایگاههای کرامتهایت فرمانش برند آن کس که سخنان تو را برساند

النَّاصِرِ لِأَنْبِيَائِكَ، الْمُدْمِرِ لِأَعْدَائِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مِيكَائِيلَ مَلِكِ

یاور پیمبرانت و سرنگون کننده دشمنانت خدایا درود فرست بر میکائیل فرشته

رَحْمَتِكَ، وَالْمَخْلُوقِ لِرَأْفَتِكَ وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمُعِينِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ،

رحمتت و آفریده شده برای بردن مهرت و آمرزش خواه و کمک کار فرمانبرانت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ، وَصَاحِبِ الصُّورِ الْمُنتَظِرِ

خدایا درود فرست بر اسرافیل حمل کننده عرشت و صاحب صور آنکه چشم به راه

لِأَمْرِكَ الْوَجِلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خِيفَتِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ

دستور تو است و نگران و بیمناک است از ترس تو خدایا درود فرست بر حاملین پاکیزه عرش

الطَّاهِرِينَ وَعَلَى السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ الطَّيِّبِينَ، وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ

و بر سفیران گرامی و آن نیکان پاک و بر فرشتگان

الْكَرِيمِ الْكَاتِبِينَ، وَعَلَى مَلَائِكَةِ الْجَنَانِ، وَخَزَنَةِ النَّبِرَانِ، وَمَلَكَ

بزرگوار نویسنده و بر فرشتگان بهشت و نگهبانان دوزخ و فرشته

الْمَوْتِ وَالْأَعْوَانِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْنَا آدَمَ

مرگ و کمک کارانش ای صاحب جلالت و بزرگواری خدایا درود فرست بر پدر ما آدم

بَدِيعِ فِطْرَتِكَ، الَّذِي كَرَّمْتَهُ بِسُجُودِ مَلَائِكَتِكَ، وَأَبَحْتَهُ جَنَّتِكَ، اللَّهُمَّ

پدیده خلقت که گرامیش داشتی به سجده کردن فرشتگان و مباح کردی بر او بهشت را خدایا

صَلِّ عَلَيْنَا حَوَاءَ الْمُطَهَّرَةِ مِنَ الرَّجْسِ الْمُصْفَاتِ مِنَ الدُّنْسِ،

درود فرست بر مادر ما حواء که از پلیدی پاک و از چرکی و آلودگی مصفا گشت و از میان آدمیان

الْمُفَضَّلَةِ مِنَ الْأَنْسِ، الْمُتَرَدِّدَةِ بَيْنَ مَحَالِّ الْقُدْسِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْنَا

برتری داشت و در میان جایگاههای قدسیان رفت و آمد کرده خدایا درود فرست بر

هَابِيلَ وَشِيثَ، وَادْرِيْسَ وَنُوحَ، وَهُودَ وَصَالِحَ، وَإِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ،

هابیل و شیت و ادريس و نوح و هود و صالح و ابراهيم و اسماعیل

وَإِسْحَقَ وَيَعْقُوبَ، وَيُوسُفَ وَالْأَسْبَاطِ، وَلُوطَ وَشُعَيْبَ، وَأَيُّوبَ

و اسحاق و یعقوب و یوسف و اسباط (یعقوب) و لوط و شعیب و ایوب

وَمُوسَى، وَهَارُونَ وَيُوشَعَ، وَمَيْشَا وَالْخَضِرَ، وَذِي الْقَرْنَيْنِ وَيُونُسَ،

و موسی و هارون و یوشع و میشا و خضر و ذی القرنین و یونس

وَالْيَاسَ وَالْبَيْسَعَ، وَذِي الْكِفْلِ وَطَالُوتَ، وَدَاوُدَ وَسَلِّمَانَ، وَرَكَرِيَّا

و الیاس و البیسع و ذا الكفل و طالوت و داود و سلیمان و زکریا

وَشَعْيَا، وَيَحْيَى وَتُورَخَ، وَمَتَّى وَارْمِيَا، وَحَيْثُوقَ وَدَانِيَالَ، وَعَزَيْرٍ

و شعبا و یحیی و تورخ و متی و ارمیا و حیقوق و دانیال و عزیر

و عیسی، و سَمْعُونَ وَ جَرَجِيسَ، وَ الْحَوَارِیِّینَ وَ الْأَتْبَاعِ، وَ خَالِدٍ

و عیسی و شمعون و جرجیس و حواریین عیسی و پیروانشان و خالد

وَ حَنْظَلَةَ وَ لَقْمَانَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَرْحَمْ

و حنظله و لقمان خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و رحمت فرست بر

مُحَمَّدًا وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، کَمَا صَلَّيْتَ

بر محمد و آل محمد و برکت فرست بر محمد و آل محمد چنانچه درود فرستادی

وَ رَحِمْتَ وَ بَارَكْتَ عَلٰی اِبْرَاهِیمَ وَ آلِ اِبْرَاهِیمَ، اِنَّكَ حَمِیدٌ مَّجِیدٌ، اَللّهُمَّ

و رحمت و برکت فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم که برستی تویی ستوده و بزرگوار خدایا

صَلِّ عَلٰی الْاَوْصِیَاءِ وَ السُّعَدَاءِ وَ الشُّهَدَاءِ وَ اَئِمَّةِ الْهُدٰی، اَللّهُمَّ صَلِّ

درود فرست بر اوصیاء و اهل سعادت و شهیدان و امامان راهنما خدایا درود فرست

عَلٰی الْاَبْدَالِ وَ الْاَوْلَادِ، وَ السُّیَّاحِ وَ الْعُبَادِ، وَ الْمُخْلِصِینَ وَ الزُّهَادِ،

بر ابدال (دسته‌ای از صلحاء) و اولاد و سیاحان و پرستش‌کنندگان و مخلصان و پارسایان

وَ اَهْلِ الْجِدِّ وَ الْاِلٰجِیْهِادِ، وَ اَخْصَصْ مُحَمَّدًا وَ اَهْلَ بَیْتِهِ بِاَفْضَلِ

و اهل جدیت و کوشش و مخصوص گردان محمد و خاندانش را به بهترین

صَلَوَاتِکَ، وَ اَجْزَلِ کَرَامَاتِکَ، وَ بَلِّغْ رُوْحَهُ وَ جَسَدَهُ مِنِّیْ تَحِیَّةً وَ سَلَامًا،

درودهایت و فراوانترین کرامت‌هایت و به روح و جسدش از جانب من تحیت و سلامی برسان

وَ زِدْهُ فَضْلًا وَ شَرَفًا وَ کَرَمًا، حَتّٰی تُبَلِّغَهُ اَعْلٰی دَرَجَاتِ اَهْلِ

و فضل و شرافت و بزرگواریش را افزون کن به حدی که او را به اعلی درجه اهل

الشَّرَفِ مِنَ النَّبِیِّیْنَ وَ الْمُرْسَلِیْنَ، وَ الْاَفْضَلِ الْمَقْرَبِیْنَ، اَللّهُمَّ وَ صَلِّ

شرافت از پیامبران و رسولان و فاضلان مقربت خدایا درود فرست

عَلٰی مَنْ سَمَّیْتُ وَ مَنْ لَمْ اُسَمِّ مِنْ مَلَائِکَتِکَ وَ اَنْبِیَائِکَ، وَ رَسُلِکَ

بر هرکس که من نام بردم و هرکه از فرشتگان و پیامبران و رسولان

وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، وَأَوْصِلْ صَلَوَاتِي إِلَيْهِمْ وَإِلَى أَرْوَاحِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ

و فرمانبردارانت را که من نام نبردم و درودهای مرا بر ایشان و بر ارواحشان برسان و آنان را

إِخْوَانِي فِيكَ وَأَعُوَانِي عَلَى دُعَائِكَ، اَللَّهُمَّ اِنِّي اَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَيْكَ،

برادران من در دین و کمک کارانم در دعای به درگاہت قرار ده خدایا من شفیع گردانم تو را پیش خودت

وَبِكْرَمِكَ اِلَى كْرَمِكَ، وَبِجُودِكَ اِلَى جُودِكَ، وَبِرَحْمَتِكَ اِلَى رَحْمَتِكَ،

و کرمت را پیش کرمت و جودت را پیش جودت و رحمتت را پیش رحمتت

وَبِأَهْلِ طَاعَتِكَ اِلَيْكَ، وَاسْأَلُكَ اَللَّهُمَّ بِكُلِّ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ اِحَدٌ مِنْهُمْ، مِنْ

و اهل طاعتت را پیش درگاہت و از تو خواهم خدایا به هرچه یکی از آنها بوسیلہ آن تو را

مَسْئَلَةٍ شَرِيفَةٍ غَيْرِ مَرْدُوْدَةٍ، وَبِمَا دَعَوْتُكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ،

خواسته از سؤالهای شریفی که برگشته و به آنچه تو را خوانده‌اند از دعای پذیرفته شده‌ای که به نومیدی نکشیده

يَا اَللَّهُ يَا رَحْمَنُ، يَا رَحِيمُ يَا حَلِيمُ، يَا كَرِيمُ يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا مُئِمِّلُ، يَا

ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای بردبار ای کریم ای بزرگ ای با جلالت ای بخشنده ای

جَمِيْلُ يَا كَفِيْلُ، يَا وَكِيْلُ يَا مُقِيْلُ، يَا مُجِيْرُ يَا خَبِيْرُ، يَا مُنِيْرُ يَا مُبِيْرُ، يَا

زیبا ای سرپرست ای وکیل ای نادیده‌گیر ای پناده ای آگاه ای روشنی‌ده ای نابود کن ای

مَنْعِيْ يَا مُدِيْلُ يَا مُحِيْلُ، يَا كَبِيْرُ يَا قَدِيْرُ، يَا بَصِيْرُ يَا شَكُوْرُ، يَا بَرُّ يَا

والامقام ای چرخاننده ای جابجا کننده ای بزرگ ای توانا ای بینا ای شکرپذیر ای نیکوکار ای

طَهْرُ، يَا ظَاهِرُ يَا قَاهِرُ، يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ، يَا سَاتِرُ يَا مُحِيْطُ، يَا مُقْتَدِرُ

پاک ای پاکیزه ای قاهر ای پیدا ای پنهان ای پرده پوش ای احاطه‌دار ای با اقتدار

يَا حَفِيْظُ، يَا مُتَجَبِّرُ يَا قَرِيْبُ، يَا وَدُوْدُ يَا حَمِيْدُ يَا مَجِيْدُ، يَا مُبْدِيْ يَا

ای نگهبان ای دارای بزرگی ای نزدیک ای محبوب همه ای ستوده ای بزرگووار ای پدیدآورنده ای

مُعِيْدُ يَا شَهِِيْدُ، يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ، يَا مُنْعَمُ يَا مُفْضِلُ، يَا قَابِضُ يَا

بازگرداننده ای گواه ای احسان‌بخش ای نیکوبخش ای نعمت‌بخش ای زیاده‌بخش ای گیرنده

بَاسِطُ، يَا هَادِيْ يَا مُرْسِلُ يَا مُرْشِدُ، يَا مُسَدِّدُ يَا مُعْطِيْ، يَا مَانِعُ يَا

ای گشایش‌ده ای راهنما ای فرستنده ای رهنمون ای محکم‌کننده ای دهنده ای منع‌کننده ای

دافعُ، یا رافعُ، یا باقی یا وافی، یا خَلَّاقُ یا وَهَّابُ یا تَوَّابُ، یا فَتَّاحُ

جلوگیرنده ای بلند کننده ای باقی ای نگهدار ای آفریننده ای بخشش پیشه ای توبه پذیر ای گشایش‌ده

یا نَفَّاحُ یا مُرْتاحُ، یا مَنْ بَيَدِهِ كُلُّ مِفْتَاحٍ، یا نَفَّاعٌ یا رَوْفٌ یا عَطُوفٌ،

ای زیاده بخش ای رحمت بخش ای که بدست او است هر کلید ای سودرسان ای مهربان ای باعطوفت

یا کافی یا شافی، یا مُعافی یا مُکافی، یا وَفِيٌّ یا مُهَيِّمِنٌ، یا عَزِيزٌ یا

ای کفایت کننده ای درمان بخش ای بهبودی‌بخش ای پاداش دهنده ای باوفا ای نگهدار خلق ای با عزت ای

جَبَّارٌ یا مُتَكَبِّرٌ، یا سَلامٌ یا مُؤْمِنٌ، یا أَحَدٌ یا صَمَدٌ، یا نُورٌ یا مُدَبِّرٌ، یا

جبار ای بزرگوار ای سلامت بخش ای ایمنی‌بخش ای یکتا ای بی‌نیاز ای نور ای مدبر کارها ای

فَرْدٌ یا وَتَرٌ، یا قُدُّوسٌ یا ناصِرٌ، یا مُونِسٌ یا باعِثٌ یا وارِثٌ، یا عَالِمٌ

یگانه ای تنها ای پاکیزه ای یاور ای همدم ای برانگیزنده ای ارث‌برنده ای دانا

یا حاکِمٌ، یا بادی یا مُتعالی، یا مُصَوِّرٌ یا مُسَلِّمٌ یا مُتَحَبِّبٌ، یا قَائِمٌ یا

ای حکم کننده ای آغاز کننده ای برتر ای صورت بخش ای سلامت بخش ای دوستی‌ورز ای قائم به کار خلق ای

دَائِمٌ، یا عَلِیمٌ یا حَکِیمٌ، یا جَوادٌ یا باریٌّ، یا بَارٌ یا سَارٌ، یا عَدَلٌ یا

جاویدان ای دانا ای فرزانه ای بخشنده ای آفریننده ای نیکوکار ای شادی بخش ای دادگستر ای

فاصلٌ، یا دَيَّانٌ یا حَنَّانٌ یا مَنَّانٌ، یا سَمِيعٌ یا بَدِيعٌ یا خَفِيرٌ، یا مُعِينٌ

جداکتنده ای جزاده ای نعمت‌بخش ای عطابخش ای شنوا ای پدیدآورنده ای پناده ای یاور

[مُغِیرٌ] یا ناصِرٌ، یا غافِرٌ یا قَدِیمٌ، یا مُسَهِّلٌ یا مُیسِرٌ، یا مُمِیتٌ یا مُحِیٌ،

ای نشر دهنده ای آمرزنده ای قدیم ای آسان کننده ای هموارکننده ای میراننده ای زنده‌کننده

یا نافعٌ یا رازِقٌ، یا مُقتَدِرٌ یا مُسَبِّبٌ، یا مُغِیثٌ یا مُغنیٌ، یا مُقنیٌ یا

ای سودده ای روزی‌ده ای با اقتدار ای سبب‌ساز ای فریادرس ای بی‌نیازکننده ای دارای دهنده ای

خالِقٌ یا راصِدٌ، یا واحِدٌ یا حاضِرٌ، یا جابِرٌ یا حافِظٌ، یا شَدِیدٌ یا

آفریننده ای نگهدار ای یگانه ای حاضر ای جبران‌کننده ای نگهدار ای استوار ای

غِيَاثُ، يَا عَائِدُ يَا قَابِضُ، يَا مَنْ عَلَا فَاسْتَعْلَى، فَكَانَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى،

فریادرس ای ثروت‌ده ای گیرنده ای که والایی و برتری و به‌دیدگاه‌اعلاهی

يَا مَنْ قَرُبَ قَدْنَا، وَبَعْدَ فَنَائِي، وَعَلِمَ السِّرَّ وَأَخْفَى، يَا مَنْ إِيَّاهِ التَّدْبِيرُ

ای که نزدیکی و بسیار هم نزدیک و دور است و بسیار هم دور دانی سر و نهان ای که تدبیر

وَلَهُ الْمَقَادِيرُ، وَيَا مَنْ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ [سَهْلٌ] يَسِيرُ، يَا مَنْ هُوَ عَلَى مَا

امور با او است و اندازه‌ها از او است و ای که دشوار برای او سهل و آسان است ای که بر هر چه بخواهد

يَشَاءُ قَدِيرٌ، يَا مُرْسِلَ الرِّيَّاحِ، يَا فَالِقَ الْأَصْبَاحِ، يَا بَاعِثَ الْأَرْوَاحِ، يَا

توانا است ای فرستنده بادها ای شکافنده سپیده صبح ای برانگیزاننده ارواح ای

ذَا الْجُودِ وَالسَّمَاحِ يَا رَادَّ مَا قَدَّ فَاتٍ، يَا نَاشِرَ الْأُمُوتِ، يَا جَامِعَ

صاحب جود و سخاوت ای برگرداننده آنچه از دست رفته ای زنده‌کننده مردگان ای گردآورنده

الشَّتَاتِ يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ [بِغَيْرِ حِسَابٍ]، وَيَا فَاعِلَ مَا يَشَاءُ كَيْفَ

پراکنده‌ها ای روزی‌ده بی‌حساب‌بهر که خواهی و ای انجام‌دهنده

يَشَاءُ، وَيَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ، يَا

هر چه بخواهی بهرطور که خواهی و ای صاحب جلال و بزرگواری ای زنده ای پاینده ای زنده در آن‌هنگام که زنده‌ای

نبود ای

حَيُّ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بَدِيعُ السَّمَوَاتِ

ای زنده کن مردگان ای زنده که معبودی جز تو نیست پدیدآورنده آسمانها و

وَالْأَرْضِ، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ

و زمین ای معبود من و آقای من درود فرست بر محمد و آل محمد و رحمت فرست بر

مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ

محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانچه درود فرستادی

وَبَارَكْتَ وَرَحِمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ،

و برکت دادی و رحمت فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم که براستی تویی ستوده و بزرگوار

وَارْحَمْ ذُلِّيَّ وَفَاقَتِي وَفَقْرِي، وَأَنْفِرَادِي وَوَحْدَتِي، وَخُضُوعِي بَيْنَ

و رحم کن به خواری من و بیچارگیم و نداریم و تک و تنهاییم و فروتنیم در

يَدَيْكَ، وَاعْتِمَادِي عَلَيْكَ، وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ، أَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَاضِعِ

برابرت و اعتمادی که بر تو دارم و زاریم به درگاهت تو را خوانم خواندن شخص فروتن

الذَّكِيلِ، الْخَاشِعِ الْخَائِفِ، الْمُسْتَفِيقِ الْبَائِسِ، الْمَهِينِ الْحَقِيرِ، الْجَائِعِ

خوار خاشع ترسان هراسان پریشان بی مقدار کوچک گرسنه

الْفَقِيرِ، الْعَائِذِ الْمُسْتَجِيرِ، الْمُتَمَرِّ بِذَنْبِهِ، الْمُسْتَغْفِرِ مِنْهُ، الْمُسْتَكِينِ لِرَبِّهِ،

فقیر پناهنده پناه خواه معترف به گناه آمرزش خواه از گناه درمانده و زاری کننده به درگاه پروردگار

دُعَاءَ مَنْ أَسْلَمَتْهُ تَقَاتُهُ، وَرَفَضَتْهُ أَحِبَّتُهُ، وَعَظَّمَتْ فَجِيعَتَهُ دُعَاءَ حَرِقٍ

و خواندن شخصی که باران مورد اعتمادش او را واگذارد ده و دوستانش او را رها کرده و درد جانسوزش بزرگ گشته

خواندن شخص دلسوخته

حَزِينٍ، ضَعِيفٍ مَهِينٍ، بَائِسٍ مُسْتَكِينٍ بِكَ مُسْتَجِيرٍ، اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ

غمگین ناتوان بی مقدار پریشان درمانده ای که به تو پناه آورده خدایا از تو خواهم

بِأَنَّكَ مَلِيكٌ، وَأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، وَأَنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ،

چون تویی فرمانروا و تو چنانی که هرکاری را بخواهی می شود و تویی که بر هرچه بخواهی توانایی

وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْحَرَامِ، وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ،

و از تو خواهم به حرمت این ماه محترم و خانه محترم (کعبه) و شهر محترم (مکه)

وَالرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَالْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ، وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ،

و رکن و مقام و مشعرهای بزرگ (جاهای مناسک حج) و به حق پیامبرت محمد علیه و آله السلام

يَا مَنْ وَهَبَ لِأَدَمَ شَيْئًا، وَ لِإِبْرَاهِيمَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ، وَ يَا

ای که شیئ را به آدم بخشیدی و اسماعیل و اسحاق را به ابراهیم دادی و ای

مَنْ رَدَّ يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ، وَ يَا مَنْ كَشَفَ بَعْدَ الْبَلَاءِ ضُرَّ أَيُّوبَ، يَا

که یوسف را به یعقوب برگرداندی و ای که پس از مبتلا شدن ایوب ناراحتیش را برطرف کردی ای که

رَادَّ مُوسَى عَلَى أُمِّهِ، وَ زَاثِدَ الْخِضْرِ فِي عِلْمِهِ، وَيَا مَنْ وَهَبَ لِداوُدَ

موسی را به مادرش برگرداندی و دانش خضر را افزون کردی ای که دادی به داود

سَلِيمَانَ، وَ لَزَكَرِيَّا يَحْيَى، وَ لِمَرْيَمَ عِيسَى، يَا حَافِظَ بِنْتِ شُعَيْبٍ وَيَا

سلیمان را و به زکریا یحیی را و به مریم عیسی را ای نگهدار دختر شعیب ای

كَافِلَ وَ لِدَامٍ مُوسَى، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

کفالت کننده فرزند مادر موسی از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و

تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا، وَ تُجِيرَنِي مِنْ عَذَابِكَ، وَ تُوجِبَ لِي رِضْوَانَكَ،

گناهانم را ببامریزی و از عذاب خود مرا در پناه گیری و مرا مستوجب خوشنودی

وَ أَمَانِكَ وَ إِحْسَانِكَ، وَ عَفْوَانِكَ وَ جَنَانِكَ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُفَكَّ عَنِّي كُلَّ

و ایمنی و احسان و بهشت قرار دهی و از تو خواهم که باز کنی برایم هر

حَلْقَةٍ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ يُؤْذِينِي، وَ تَفْتَحَ لِي كُلَّ بَابٍ، وَ تَلِينَ لِي كُلَّ

حلقه‌ای که میان من و میان آزار کننده من است و بگشایی به‌رویم هر دری را و

صَعْبٍ، وَ تَسَهِّلَ لِي كُلَّ عَسِيرٍ، وَ تُخْرِسَ عَنِّي كُلَّ نَاطِقٍ بَشَرٍ، وَ تَكْفُفَ

نرم کنی برایم هر دشواری را و آسان کنی برایم هر مشکلی را و لال کنی از من زبان هر بدگو را و بازداری از من

عَنِّي كُلَّ بَاغٍ، وَ تَكْتِبَ عَنِّي كُلَّ عَدُوٍّ لِي وَ حَاسِدٍ، وَ تَمْنَعَ مِنِّي كُلَّ

هر زورگو را و خوار کنی دشمنان و حسودان مرا و بازداری از من هر

ظَالِمٍ وَ تَكْفِينِي كُلَّ عَائِقٍ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَاجَتِي، وَ يُحَاوِلُ أَنْ

ستمگری را و کفایت کنی از من هر مانعی را که میان من و حاجتم حائل شود و بخواهد که

يُفَرِّقَ بَيْنِي وَ بَيْنَ طَاعَتِكَ، وَ يُثَبِّطَنِي عَنْ عِبَادَتِكَ، يَا مَنْ أَلْجَمَ الْجِنَّ

میان من و اطاعت تو را جدایی اندازد و از پرستش تو بازم دارد ای که مهار کردی جنیان

الْمُتَمَرِّدِينَ، وَ قَهَرَ عَتَاةَ الشَّيَاطِينِ، وَ أَدَلَ رِقَابَ الْمُتَجَبَّرِينَ، وَ رَدَّ كَيْدَ

نافرمان را و مقهور ساختی شیاطین سرکش را و گردن گردن‌کشان را به خواری کشاندی و نقشه‌های شوم

الْمُتَسَلِّطِينَ عَنِ الْمُسْتَضْعَفِينَ، أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى مَا تَشَاءُ،

مسلط شدگان را از ناتوانها بازگرداندی از تو خواهیم به حق توانیبت بر هر چه خواهی

وَتَسْهِيْلِكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ، اَنْ تَجْعَلَ قَضَاءَ حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ.

و آسان کردنت هر چه را بهر نحو که خواهی که قرار دهی بر آوردن حاجتم را در هر چه خواهی

پس سجده کن بر زمین و بر خاک بگذار دو طرف روی خود را و بگو:

اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ، وَبِكَ اَمَنْتُ،

خدایا برای تو سجده می‌کنم و به تو ایمان دارم

فَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقَتِي، وَاجْتِهَادِي وَتَضَرُّعِي، وَمَسْكِنَتِي وَفَقْرِي اِلَيْكَ يَا رَبِّ.

پس رحم کن به خواری من و نداریم و سعی و کوششم و زاری و بیچارگی‌ام و نیازم به درگاهت ای پروردگار

و کوشش کن که اشک بریزد چشمهای تو اگر چه بقدر سرمگسی (سوزنی)

باشد بدرستی که این علامت استجاب است .

روز بیست و پنجم سنه صد و هشتاد و سه شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه

السلام بسنّ پنجاه و پنج سالگی در بغداد واقع شده و آن روزی است که اَحْزَان

آل محمد علیهم السلام و شیعیان ایشان تازه می‌شود.

شب بیست و هفتم

شب بیست و هفتم شب مبعث و از لیالی متبرّکه است و در آن چند عملست اوّل

شیخ در مصباح فرموده روایت شده از حضرت ابو جعفر امام جواد علیه السلام

که فرمود همانا در رجب شبی است که بهتر است از آنچه که میتابد بر آن آفتاب

و آن شب بیست و هفتم رجب است که در صبح آن پیغمبر خدا صلی الله علیه

و آله به رسالت مبعوث گردید و بدرستی که از برای عامل در آن شب از شیعه

ما اجر عمل شصت سال است بخدمت آن حضرت عرض شد که عمل در آن

شب چیست فرمود چون بجا آوردی نماز عشا را و برختخواب رفتی پس بیدار می‌شوی هر ساعتی که خواستی از شب تا پیش از نیمه آن و بجا می‌آوری دوازده رکعت نماز می‌خوانی در هر رکعتی حمد و سوره‌ای از سوره‌های کوچک مفصل و مفصل از سوره محمد است تا آخر قرآن پس چون سلام دادی در هر دو رکعتی و فارغ شدی از نمازها می‌نشینی بعد از سلام و می‌خوانی حمد را هفت مرتبه و مُعَوِّذَتَيْنِ را هفت مرتبه و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ هر کدام را هفت مرتبه و إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ و آية الكرسي هر کدام را هفت مرتبه و بخوان در عقب همه این دعا را:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ

ستایش خاص خدایی است که نگیرد فرزندی و نیست برای او در فرمانروایی شریکی و نیست برایش یآوری

مِنَ الدُّنْيَا، وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ عَرْجِكَ عَلَى أَرْكَانِ

از خواری و به بزرگی کامل بزرگش شمار خدایا از تو خواهم به حق چیزهایی که موجبات عزت بر پایه‌های

عَرْشِكَ، وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ

عرشت می‌باشد و به حق سرحد نهایی رحمتت از کتابت و به نام بزرگتر بزرگتر

الْأَعْظَمِ، وَذِكْرِكَ الْأَعْلَى الْأَعْلَى، وَبِكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ، أَنْ

بزرگترت و به حق ذکرت که والاتر و برتر و اعلی است و به کلمات تام و تمامت که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ،

درود فرستی بر محمد و آلش و انجام دهی درباره من آنچه را تو شایسته‌ای

پس بخوان هر دعائی که خواستی و مستحب است غسل در این شب و گذشت در شب نیمه نمازیکه در این شب نیز خوانده می‌شود دوّم زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که افضل اعمال این شب است و از برای آن حضرت

در این شب سه زیارت است که در باب زیارات به آن اشاره خواهد شد
 انشاءالله و بدان که ابو عبدالله محمد بن بطوطه که یکی از علماء اهل سنت
 است و در ششصد سال پیش از این زمان بوده در سفرنامه خود که معروفست
 برحله ابن بطوطه در بیان ورود خود از مکه معظمه به نجف اشرف ذکر کرده
 روضه و قبر مبارک مولایمان امیرالمؤمنین علیه السلام را و گفته اهل این شهر
 تمامی رافضی هستند و از برای این روضه مبارکه کراماتی ظاهر شده از جمله
 آنکه در شب بیست و هفتم ماه رجب که نام آن شب نزد اهل آنجا لَيْلَةُ الْمَحْيَا
 است می آورند از عراقین و خراسان و بلاد فارس و روم هر شل و مفلوج و
 زمین گیری که هست و جمع می شود از آنها قریب سی چهل نفر در آنجا پس
 بعد از عشا می آورند این مبتلایان را نزد ضریح مقدس و مردم جمع می شوند و
 منتظرند خوب شدن و برخاستن آنها را و این جماعت مردم بعضی نماز
 می خوانند و بعضی ذکر می گویند و بعضی قرآن تلاوت می کنند و بعضی
 تماشای روضه می کنند تا آنکه بگذرد نصف یا دو ثلث از شب آن وقت جمیع
 این مبتلایان و زمین گیران که حرکت نمی توانستند بکنند برمیخیزند در حالیکه
 صحیح و تندرست می باشند و علتی در آنها نیست و می گویند لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَوَلِيُّ اللَّهِ واین امریست مشهور و مُسْتَفْهِص و من خودم
 آنشب را در آنجا درک نکردم لکن از مردمان ثقه که اعتماد بر قول آنها بود
 شنیدم و هم دیدم در مدرسه‌ای که مهمانخانه آن حضرت است سه نفر زمینگیر
 که قادر بر حرکت نبودند یکی از اهل روم و دیگری از اهل اصفهان و سیمی از

اهل خراسان بود از آنها پرسیدم چگونه شما خوب نشده‌اید و اینجا مانده‌اید
 گفتند ما به شب بیست و هفتم نرسیده‌ایم و همین‌جا مانده‌ایم تا شب بیست و
 هفتم آینده که شفا بگیریم و از برای این شب مردم زیاد از شهرها جمع
 می‌شوند و بازار بزرگی اقامه می‌شود تا مدّت ده روز فقیر گوید: مبّاداً استیّعاد
 کنی این مطلب را همانا معجزات و کراماتی که از این مشاهد مشرفّه بروز
 کرده و به تواتر رسیده زیاده از آن است که احصا شود و در ماه شوّال گذشته
 سنه هزار و سیصد و چهل و سه در حرم مطهّر حضرت ثامن الائمه الهداة و
 ضامن الائمه العصاة مولانا ابو الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه سه
 نفر زن که هر کدام به سبب مرض فلج و نحو آن زمین گیر شده بودند و اطباء و
 دکترا از معالجه آنها عاجز شده بودند شفا یافتند و این معجزات از آن قبر
 مطهّر بر همه واضح و آشکارا گردید مانند نمودار شدن خورشید در سماء
 صاحیه مثل باز شدن در دروازه نجف اشرف بر روی عربهای بادیه و بحدّی
 این مطلب واضح بود که نقل شد دکتراهایی که مطلع بر مرضهای آن زنها بودند
 تصدیق نمودند با آنکه در این باب خیلی دقیق بودند بلکه بعضی از آنها
 تصدیق خود را بر شفاء آنها نوشتند و اگر ملاحظه اختصار و عدم مناسبت محل
 نبود قصّه آنها را نقل می‌نمودم و لقد اّجاد شیخنا الحرّ العاملی فی ارجوزته:

وَمَا بَدَا مِنْ بَرَكَاتٍ مَشْهَدِهِ

فِي كُلِّ يَوْمٍ أَمْسُهُ مِثْلُ غَدِهِ

و آنچه ظاهر است از برکتهای مشهد و مرقدش

در هر روزی دیروزش مانند فردایش است

وَكَشِفَا الْعَمَى وَالْمَرْضَى بِهِ

إِجَابَةُ الدُّعَاءِ فِي أَعْتَابِهِ

و برطرف کند کوری و بیماری را به او

بوسیله مستجاب شدن دعا در آستانه او

سیّم شیخ کفعمی در بلد الامین فرموده که در شب مبعث این دعا را بخوانند:

اللّٰهُمَّ اِنِّی

خدایا از

اَسْتُلُكَ بِالتَّجَلِّيِ الْاَعْظَمِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْمُعْظَمِ، وَالْمُرْسَلِ

تو خواهم به حق بزرگترین تجلی (تو) در این شب از این ماه بزرگ و به حق آن فرستاده

الْمُكْرَمِ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ، وَاَنْ تُغْفِرَ لَنَا مَا اَنْتَ بِهِ مِنَّا اَعْلَمُ،

گرامی که درود فرستی بر محمد و آتش و پیامبری برای ما آنچه را تو بدان از ما داناتری

يَا مَنْ يَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ، اللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي لَيْلَتِنَا هَذِهِ الَّتِي بِشَرَفِ

ای که می‌دانی و ما نمی‌دانیم خدایا مبارک گردان بر ما در این شبی که به واسطه شرافت

الرِّسَالَةِ فَضَّلْتَهَا، وَبِكِرَامَتِكَ اَجَلَلْتَهَا، وَبِالْمَحَلِّ الشَّرِيفِ اَحْلَلْتَهَا،

رسالت آن را فضیلت دادی و به کرامت خویش بزرگش کردی و به جای باشرافتی درش آوردی

اللّٰهُمَّ فَاِنَّا نَسْتُلُكَ بِالْمَبْعَثِ الشَّرِيفِ، وَالسَّيِّدِ اللَّطِيفِ، وَالْعُنْصُرِ

خدایا پس از تو خواهیم به آن بعثت شریف و آن آقای بالطف و عنصر

الْعَفِيفِ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ، وَاَنْ تَجْعَلَ اَعْمَالَنَا فِي هَذِهِ

پارسا که درود فرستی بر محمد و آتش و قرار دهی اعمال ما را در این

اللَّيْلَةِ وَفِي سَائِرِ اللَّيَالِي مَقْبُولَةً، وَدُّنُوبَنَا مَغْفُورَةً، وَحَسَنَاتِنَا

شب و در سایر شبها پذیرفته درگاہت و گناهانمان را آمرزیده و نیکیهایمان را مورد

مَشْكُورَةً، وَسَيِّئَاتِنَا مَسْتُورَةً، وَقُلُوبُنَا بِحُسْنِ الْقَوْلِ مَسْرُورَةً،

قدردانی و بدیهایمان را پوشیده و دل‌هامان را به گفتار نیک خرسند

وَأَرْزُقْنَا مِنْ لَدُنْكَ بِالْيُسْرِ مَذْرُورَةً، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى وَلَا تَرَى،

و روزیهایمان را از نزد خود به آسانی فراوان، خدایا تو می‌بینی ولی خودت دیده نمی‌شوی

وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، وَإِنَّ إِلَيْكَ الرَّجْعِي وَالْمُنْتَهَى، وَإِنَّ لَكَ

و تو در بلندترین دیدگاهی و بطور مسلم بازگشت و پایان بسوی توست و

الْمَمَاتِ وَالْمَحْيَا، وَإِنَّ لَكَ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى، اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ

مرگ و زندگی بدست تو است و انجام و آغاز از آن تو است خدایا ما به تو پناه می‌بریم از

نَذَلٍّ وَخِزْيٍ، وَأَنْ نَأْتِيَ مَا عَنْهُ تَنْهَى، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ

خوار شدن و رسوایی و دست زدن به کاری که تو آنرا قدغن کرده‌ای خدایا ما از تو درخواست بهشت را

بِرَحْمَتِكَ، وَتَسْتَعِيدُ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَأَعِزَّنَا مِنْهَا بِقُدْرَتِكَ، وَتَسْأَلُكَ مِنْ

به رحمتت داریم و پناه جوییم به تو از آتش دوزخ پس ما را به قدرت خویش از آتش پناه ده و از تو

الْحُورِ الْعِينِ، فَارْزُقْنَا بِعِزَّتِكَ، وَاجْعَلْ أَوْسَعَ أَرْزَاقِنَا عِنْدَ كَبِيرِ سِنِنَا،

حور العین درخواست کنیم پس به عزت خویش روزیمان گردان و وسیعترین روزی ما را در هنگام پیری ما قرار ده

وَأَحْسَنَ أَعْمَالِنَا عِنْدَ اقْتِرَابِ اجَابِنَا، وَأَطِلْ فِي طَاعَتِكَ وَمَا يُقَرَّبُ

و بهترین اعمال ما را هنگام نزدیکی شدن مرگمان مقرر دار و طولانی کن عمر ما را در طاعت خود و در آنچه موجب

تقرب

إِلَيْكَ وَيُحْطَى عِنْدَكَ وَيُزَلَّفُ لَدَيْكَ أَعْمَارِنَا، وَأَحْسِنَ فِي جَمِيعِ

درگاهت شود و سبب بهره‌مندی نزد تو و نزدیکی تو گردد و در تمام

أَحْوَالِنَا وَأُمُورِنَا مَعْرِفَتِنَا، وَلَا تَكِلْنَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَيَمُنَّ عَلَيْنَا،

احوال و کارهای ما معرفتمان را کامل و نیکو گردان و ما را به هیچیک از خلق خود وامگذار که بر سر ما منت گذارد

وَتَفْضَلْ عَلَيْنَا بِجَمِيعِ حَوَائِجِنَا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَابْدَأْ بِأَبَائِنَا وَأَبْنَاؤُنَا

و برما تفضل فرما به برآوردن تمام حاجتهای دنیا و آخرت ما و آغاز کن در تمام آنچه ما برای خودمان از تو خواستیم برای

پدران و فرزندانمان

وَجَمِيعِ إِخْوَانِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْنَاكَ لِأَنْفُسِنَا يَا أَرْحَمَ

و همه برادران مؤمن ما ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتُلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ، وَمَلِكِكَ الْقَدِيمِ، أَنْ

مهربانها خدایا از تو خواهیم به حق نام بزرگت و فرمانروایی دیرینهات که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظِيمَ، إِنَّهُ لَا

درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی برای ما گناه بزرگ ما را که براستی

يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ، اللَّهُمَّ وَهَذَا رَجَبُ الْمُكْرَمِ الَّذِي أَكْرَمْتَنَا بِهِ

نیامزد بزرگ را مگر شخص بزرگ خدایا این ماه رجب است که گرامی است و همان ماهی است که ما را بدان گرامی

داشته

أَوَّلُ أَشْهُرِ الْحُرْمِ، أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ

نخستین ماه محترمی است که ما را از میان همه امتهای بدان گرامی داشتی پس ستایش خاص تو است ای صاحب جود

وَالْكَرَمِ فَاسْتُلِكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ

و بزرگواری پس از تو خواهیم بدین ماه و به حق نام اعظم و و اجل اکرم تو

الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ، فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ

که آنرا آفریدی و در سایهات مستقر گردید و آن نام از تو به دیگری نرسد که درود فرستی

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَأَنْ تَجْعَلَنَا مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ

بر محمد و خاندان پاک او و قرار دهی ما را از کسانی که در این ماه

بِطَاعَتِكَ، وَالْأَمَلِينَ فِيهِ لِشَفَاعَتِكَ، اللَّهُمَّ اهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ،

به طاعت تو عمل کنیم و آنانکه در این ماه آرزوی شفاعت تو را دارند خدایا ما را به راه راست راهنمایی فرما

وَاجْعَلْ مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ، فِي ظِلِّ ظَلِيلٍ وَمَلِكٍ جَزِيلٍ، فَإِنَّكَ

و قرار ده جایگاه ما را در نزد خود بهترین جایگاه در سایه همیشگی رحمتت و سلطنت باعظمتت زیرا که تو

حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، اللَّهُمَّ أَقْلِنَا مُفْلِحِينَ مُنْجِحِينَ، غَيْرَ مَعْضُوبٍ

ما را کافی هستی و نیکو وکیلی هستی خدایا ما را برگردان به حال رستگاری و کامیابی که نه در زمره غضب‌شدگان

باشیم

عَلَيْنَا وَلَا ضَالِّينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

و نه از جمله گمراهان به رحمت ای مهربانترین مهربانان خدایا از تو خواهم

بِعِزَّتِي مَغْفِرَتِكَ، وَبِوَجِبِ رَحْمَتِكَ، السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، وَالْغَنِيمَةَ

به حق و سائل حتمی آمرزشت و به آن رحمت که بر خویش واجب کردی که مرا از هر گناهی سالم داری

مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ، اَللَّهُمَّ دَعَاكَ الدَّاعُونَ

و از هر نیکی بهره‌مند سازی و به بهشت برسانی و از آتش دوزخ نجاتم بخشی خدایا خوانندگان تو را خواندند

وَدَعَوْتِكَ، وَسَأَلَكَ السَّائِلُونَ وَسَأَلْتُكَ، وَطَلَبَ إِلَيْكَ الطَّالِبُونَ

و من نیز خواندمت و درخواست کنندگان از تو خواستند و من نیز از تو خواستم و جویندگان از تو جویا شدند

وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ، اَللَّهُمَّ أَنْتَ التَّقِيُّ وَالرَّجَاءُ، وَإِلَيْكَ مُتَهَيِّئِ الرَّغْبَةَ فِي

و من هم تو را جویا شدم خدایا تویی مورد اعتماد و امید و بسوی تو است آخرین مرحله میل و اشتیاق در

الدُّعَاءِ، اَللَّهُمَّ فَصَلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي،

دعاء خدایا درود فرست بر محمد و آلش و بنه یقین را در دلم

وَالنُّورَ فِي بَصَرِي، وَالنَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي، وَذَكَرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

و روشنی در دیده‌ام و خیرخواهی در سینه‌ام و ذکر خود را در شب و روز

عَلَى لِسَانِي، وَرَزَقًا وَاسِعًا غَيْرَ مَمْنُونٍ وَلَا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنِي،

بر زبانم و روزی وسیع بی‌منت و بی‌مانعی روزیم گردان

وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي، وَاجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَرَغْبَتِي فِيمَا

و در آنچه نصیب کرده‌ای برکت ده و بی‌نیازی مرا در نفس خودم قرار ده و اشتیاقم را بدانچه

عِنْدَكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، پس به سجده برو و بگو: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

نزد تو است به رحمت ای مهربانترین مهربانان * * * * * ستایش خاص خدایی است که

هَدَانَا لِمَعْرِفَتِهِ، وَخَصَّنَا بِوِلَايَتِهِ، وَوَقَّفَنَا لِطَاعَتِهِ، شُكْرًا شُكْرًا صَد مَرْتَبَةً.

ما را به معرفت خویش راهنمایی کرد و به دوستی خویش مخصوص گردانید و به طاعتش موفق داشت خدا را شکر...*

پس سر از سجود بردار و بگو:

اَللَّهُمَّ اِنِّي قَصَدْتُكَ بِحَاجَتِي، وَاعْتَمَدْتُ

خدایا من برای حاجتم تو را قصد کردم و در مورد

عَلَيْكَ بِمَسْئَلَتِي، وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِأَمْتِي وَسَادَتِي اَللّٰهُمَّ اَنْفَعْنَا

خواسته‌ام بر تو اعتماد کردم و به وسیله پیشوایان و سرورانم بسوی تو رو آوردم خدایا

بِحُبِّهِمْ، وَأَوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ، وَارْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُمْ وَأَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ فِي

به دوستی ایشان ما را سودمند کن و در جایگاه آنها واردمان کن و همنشینی ایشان را روزی ما گردان و در زمره آنان ما را

داخل بهشت گردان

زُمرَتِهِمْ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

به رحمتت ای مهربانترین مهربانان

و این دعا را سیّد برای روز مبعث ذکر کرده:

روز بیست و هفتم

از جمله اعیاد عظیمه است و روزی است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن روز به رسالت مبعوث گردید و جبرئیل به پیغمبری بر آن حضرت نازل شد و از برای آن چند عمل است اوّل غسل دوّم روزه و آن یکی از چهار روزی است که در تمام سال امتیاز دارد برای روزه گرفتن و برابر است با روزه هفتاد سال سیّم بسیار صلوات فرستادن چهارم زیارت حضرت رسول و امیرالمؤمنین علیهما و آلهما السّلام پنجم شیخ در مصباح فرموده از ریّان بن الصّلت مروی است که حضرت امام جواد علیه السلام در زمانیکه در بغداد بود روز نیمه رجب و روز بیست و هفتم را روزه گرفت و جمیع حشم آن حضرت روزه گرفتند و ما را امر فرمود که بجا آوریم دوازده رکعت نماز که خوانده شود در هر رکعت حمد و سوره و بعد از فراغ از نمازها خوانده شود هر یک از

حمد و توحید و مُعَوِّذَتین چهار مرتبه و لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ چهار مرتبه اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً چهار مرتبه لَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا چهار مرتبه ششم و نیز شیخ روایت کرده از جناب ابوالقاسم حسین بن رُوح رحمه الله که فرموده بجا می آوری در این روز دوازده رکعت نماز می خوانی در هر رکعت حمد و سوره ای که آسان باشد و تشهد می خوانی و سلام می دهی و می نشینی و می گوئی بین هر دو رکعتی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ،

*** ستایش خاص خدایی است که فرزندی برای خود نگرفته و شریکی در فرمانروایی ندارد

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلَّةِ، وَكِبَرُهُ تَكْبِيرًا، يَا عُدَّتِي فِي مُدَّتِي، يَا

یاوری از خوار شدن ندارد (چون خواری ندارد) و به کمال بزرگی او را یاد کن ای توشه من در دوران عمرم ای

صاحبی فی شدتتی، یا ولیی فی نعمتی، یا غیائی فی رعیتتی، یا

رفیق من در سختیم ای سرپرست من در نعمتم ای فریادرس من در آنچه خواهم ای

نجاحی فی حاجتتی، یا حافظی فی غیبتتی، یا کافی فی وحدتتی، یا

بر آورنده حاجتم ای نگهبان من در غیابم ای کفایت کننده ام در گوشه تنهایی ای

أُنْسِي فِي وَحْشَتِي، أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْمُقْبِلُ

همدمم در وحشتم تویی پرده پوش عیبهای من پس ستایش تو را است و تویی نادیده گیرنده

عَثْرَتِي، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْمُنْعِشُ صِرْعَتِي، فَلَكَ الْحَمْدُ صَلَّى عَلَيَّ

لغزشم پس ستایش تو را است و تویی برخیزاننده من هنگام افتادنم پس ستایش تو را است درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَسْتُرُ عَوْرَتِي، وَأَمِنْ رَوْعَتِي، وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي،

محمد و آل محمد و بپوشان عیبم را و ایمنی بخش هراسم را و نادیده گیر لغزشم را

وَاصْفَحْ عَن جُرْمِي، وَتَجَاوَزْ عَن سَيِّئَاتِي فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ، وَعَدَّ الصَّدَقِ

و چشم پوش از جرمم و بگذر از گناهانم در زمره بهشتیان بدان وعده راستی

الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ.

که بدانها داده شده

پس چون فارغ شدی از نماز و دعا می خوانی هر یک از حمد و اخلاص و مَعُوذَ

تَيْنَ و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ و آية الكرسي را هفت مرتبه و بعد

می گوئی لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و اللَّهُ أَكْبَرُ و سُبْحَانَ اللَّهِ و لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ هفت مرتبه

و بعد می گوئی هفت مرتبه اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا و

می خوانی هر دعا که خواهی. هفتم در اقبال و در بعض نسخ مصباح است که مستحب است

در این روز این دعا را بخوانند:

يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ وَالتَّجَاوُزِ، وَضَمَّنَ نَفْسَهُ الْعَفْوَ وَالتَّجَاوُزَ، يَا مَنْ

ای که دستور داده به عفو و گذشت و خود او هم عفو و گذشت (از گنهکاران را) ضمانت کرده ای که

عَفَى وَتَجَاوَزَ، أَعْفُ عَنِّي وَتَجَاوَزْ يَا كَرِيمُ، اللَّهُمَّ وَقَدْ أَكْدَى

عفو کرده و گذشت فرمودی مرا مورد عفو و گذشت خویش قرار ده ای کریم خدا یا جستجو

الطَّلَبُ وَاَعْيَتِ الْحَيْلَةَ وَالْمَذْهَبُ، وَدَرَسَتِ الْأَمَالَ، وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ

به جایی نرسید و راه چاره و رفتن بسته شد و آرزوها کهنه گشت و امید بریده شد

إِلَّا مِنْكَ، وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِئِدُ سَبِيلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ

جز از تو که یکتایی و شریکی نداری خدایا من بخوبی می یابم که راههای جستجو بسوی تو

مُشْرَعَةً، وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً، وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ لِمَنْ دَعَاكَ

گشوده است و آبشخورهای امید در نزد تو پر از آب است و درهای دعاء برای کسی که تو را بخواند

مُفْتَحَةً، وَالْإِسْتِعَانَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبَاحَةً، وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِدَاعِيكَ

باز است و یاریت برای آنکس که از تو یاری خواهد آماده و مباح است و بخوبی می دانم که تو آماده

بِمَوْضِعِ اجَابَةِ، وَلِلصَّارِحِ إِلَيْكَ بِمَرَصَدِ اغَاثَةٍ، وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى

اجابت دعای خوانندگانت هستی و مهیای فریادرسی فریادخواهان از درگاهت می‌باشی و این را هم می‌دانم که در

پناهنده

جُودِكَ وَالضَّمَانَ بَعْدَتِكَ عَوْضًا مِنْ مَنَعِ الْبَاخِلِينَ، وَمَنْدُوحَةً عَمَّا

شدن به جود تو و اعتماد به وعده تو عوض کاملی از منع بخیلان و بی‌نیازی وسیعی است از آنچه

فِي أَيْدِي الْمُسْتَأْتِرِينَ، وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجِبَهُمْ

در دست توانگران و ثروتمندان است و می‌دانم که تو از خلق خویش در حجاب نشوی مگر آنکه اعمال ایشان

الْأَعْمَالُ دُونَكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ زَادِ الرَّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمُ إِرَادَةٍ

میان تو و ایشان حجاب فرا دهد و این را هم دانسته‌ام که بهترین توشه کسی که به سوی تو کوچ کند یک تصمیم جدی

يَخْتَارُكَ بِهَا، وَقَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ قَلْبِي، وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ

و نیرومندی است که تو را بدان اختیار کند و با یک چنین تصمیمی دل من با تو براز و نیاز پرداخته از تو خواهم به حق

هر دعائی

دَعَاكَ بِهَا رَاجٍ بَلَّغْتَهُ أَمَلَهُ، أَوْ صَارِحٌ إِلَيْكَ أَعْتَتَ صَرَخَتَهُ، أَوْ مَلْهُوفٌ

که تو را دعا کرده بدان شخص امیدواری که به آرزویش رسانده ای یا فریادخواهی که به درگاه تو فریادخواهی کرده و

به دادش رسیده

مَكْرُوبٌ فَرَجَّتْ كَرْبُهُ، أَوْ مُذْنِبٌ خَاطَبٌ غَفَرْتَ لَهُ، أَوْ مُعَافَى أَتَمَمْتَ

یا دلسوخته گرفتاری که تو گرفتاریش را بر طرف کرده یا گنهکار خطاپیشه‌ای که تو او را آمرزیده‌ای یا تندرستی که

نعمتت

نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ، أَوْ فَقِيرٌ أَهْدَيْتَ غِنَاكَ إِلَيْهِ، وَلِتِلْكَ الدَّعْوَةُ عَلَيْكَ حَقٌّ

را بر او تمام کرده‌ای یا نداری که از توانگری خود به او داده‌ای و چنین دعایی به درگاهت حقی پیدا کرده

وَعِنْدَكَ مَنْزِلَةٌ، إِلَّا صَلَّىتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَضَيْتَ حَوَائِجِي

و در پیش تو منزلت و مقامی یافته که درود فرستی بر محمد و آل محمد و برآوری حاجاتم را

حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَهَذَا رَجَبُ الْمُرْجَبِ الْمُكْرَمِ، الَّذِي أَكْرَمْتَنَا

حاجات دنیا و آخرت و این ماه رجب‌المرجب و ماه گرامی است آن ماهی که

بِهِ أَوَّلُ أَشْهُرِ الْحُرْمِ أَكْرَمَتُنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ،

نخستین ماه محترم است و ما را بدان گرامی داشته‌ای از میان سایر امتهای صاحب جود و کرم

فَنَسْتُلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمِ، الَّذِي

پس به حق این ماه از تو خواهیم و به حق نام اعظم تو آن نام برتر و گرامی‌تری که آن را

خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ، فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

آفریدی پس در زیر سایه رحمت مستقر گردید و از تو به دیگری نرسد که درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَتَجْعَلَنَا مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ

محمد و خاندان پاکش و قرار دهی ما را از کسانی که در این ماه به طاعتت عمل کنیم

وَالْأَمِلِينَ فِيهِ بِشِفَاعَتِكَ، اللَّهُمَّ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ

و آنانکه در این ماه آرزوی شفاعت را دارند خدایا ما را به راه راست هدایت فرما و جایگاه ما را

مَقِيلِنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلِّ ظَلِيلٍ، فَإِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ،

در پیش خود بهترین جایگاه در زیر سایه همیشگی قرار ده که براستی تو ما را بسی و نیکو و کیلی هستی

وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ الْمُصْطَفَيْنِ، وَصَلَوَاتُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ

و سلام بر بندگان برگزیده‌اش و درودهای او بر ایشان همگی و نیز خدایا

وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ، وَبِكِرَامَتِكَ جَلَّلْتَهُ، وَبِالْمَنْزِلِ

مبارک گردان برای ما در این روزی که آن را برتری دادی و به کرامت خویش آن را بزرگ کردی و به جایگاه

[الْعَظِيمِ] الْأَعْلَى أَنْزَلْتَهُ، صَلِّ عَلَيَّ مَنْ فِيهِ إِلَى عِبَادِكَ أَرْسَلْتَهُ،

بزرگ والاتری آن را جای دادی درود فرست بر آن کس که او را در این ماه به سوی بندگانت فرستادی

وَبِالْمَحَلِّ الْكَرِيمِ أَحَلَّلْتَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلْوَةً دَائِمَةً تَكُونُ لَكَ

و او را به مقام بزرگی درآوردی خدایا درود فرست بر او درودی همیشگی که برای تو

شُكْرًا وَلَنَا ذُخْرًا، وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا، وَاخْتِمِ لَنَا بِالسَّعَادَةِ إِلَى

سپاسگزاری باشد و برای ما ذخیره‌ای و قرار ده برای ما در کارمان آسانی و تا پایان عمرمان با خوشبختی ما را

مُنْتَهَى آجَالِنَا، وَقَدْ قَبِلْتَ الْيُسَيْرَ مِنْ أَعْمَالِنَا، وَبَلَّغْتَنَا بِرَحْمَتِكَ أَفْضَلَ

مقرون دار و تو ای خدا برستی چنانی که اعمال اندک ما را پذیرفتی و به رحمت خویش به بهترین

آمائنا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

آرزوهایمان رساندی همانا تو بر هر چیز توانایی و درود و تحیت خدا بر محمد و آلش باد

مؤلف گوید: که این دعا را حضرت موسی بن جعفر علیه السلام خواند در آنروزی که آن جناب را بجانب بغداد حرکت دادند و آن روز بیست و هفتم رجب بود و این دعا از مَذْخُورِ اَدْعِيَةِ رَجَبِ اسْتِ هَشْتَمِ سَيِّدِ دَرِ اِقْبَالِ فَرْمُودِهِ بخواند اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِالنَّجْلِ الْاَعْظَمِ «الدَّعَاء» و این دعا به روایت کفعمی در اعمال شب این روز گذشت.

روز آخر ماه رجب

غسل در آن وارده شده و روزه اش سبب آمرزش گناهان گذشته و آینده است و نماز سلمان به نحویست که در روز اوّل گذشت.

فصل دویم:

در فضیلت و اعمال ماه شعبان است

بدانکه شعبان ماه بسیار شریفی است و منسوب است به حضرت سید انبیاء صلی الله علیه وآله و آن حضرت این ماه را روزه می داشت و وصل می کرد به ماه رمضان و می فرمود شعبان ماه من است هر که یک روز از ماه مرا روزه بدارد بهشت او را واجب شود و از حضرت صادق علیه السلام روایتست که چون ماه

شعبان داخل می‌شد حضرت امام زین‌العابدین علیه السلام اصحاب خود را جمع می‌نمود و می‌فرمود ای گروه اصحاب من می‌دانید این چه ماهی است این ماه شعبان است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرمود شعبان ماه من است پس روزه بدارید در این ماه برای محبت پیغمبر خود و برای تقرب به سوی پروردگار خود بحق آن خدایی که جان علی بن الحسین به دست قدرت اوست سوگند یاد می‌کنم که از پدرم حسین بن علی علیها السلام شنیدم که فرمود شنیدم از امیرالمؤمنین علیه السلام که هر که روزه دارد شعبان را برای محبت پیغمبر خدا و تقرب بسوی خدا دوست دارد خدا او را و نزدیک گرداند او را به کرامت خود در روز قیامت و بهشت را برای او واجب گرداند و شیخ روایت کرده از صفوان جمال که گفت فرمود به من حضرت صادق ۷ که وادار کن کسانی را که در ناحیه و اطراف تو هستند بر روزه شعبان گفتم فدایت شوم مگر می‌بینی در فضیلت آن چیزی فرمود بلی بدرستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه می‌دید هلال شعبان را امر می‌فرمود منادی را که ندا می‌کرد در مدینه ای اهل مدینه من رسولم از جانب رسول خدا ۹ به سوی شما می‌فرماید آگاه باشید بدرستی که شعبان ماه من است پس خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من یعنی روزه بدارد آن را پس گفت حضرت صادق علیه السلام که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود که فوت نشد از من روزه شعبان از زمانی که شنیدم منادی رسول خدا صلی الله علیه و آله ندا کرد در شعبان و فوت نخواهد شد از من تا مدتی که حیات دارم انشاء الله تعالی پس

می فرمود که روزه دو ماه که شعبان و رمضان باشد توبه و مغفرتست از خدا و روایت کرده اسماعیل بن عبد الخالق که گفت بودم نزد حضرت صادق علیه السلام که در میان آمد ذکر روزه شعبان حضرت فرمود که در فضیلت روزه شعبان چنین و چنان است حتی آنکه مردی مرتکب خون حرام می شود پس روزه می گیرد شعبان را نفع می بخشد او را و آمرزیده می شود و بدانکه اعمال این ماه شریف بر دو قسم است اعمال مشترکه و اعمال مختصه اما اعمال مشترکه پس آن چند امر است اول هر روز هفتاد مرتبه بگوید **اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ اَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ** دویم هر روز هفتاد مرتبه بگوید **اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ اَتُوبُ إِلَيْهِ** و در بعضی روایات **الْحَيُّ الْقَيُّومُ** پیش از **الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ** است و عمل به هر دو خوبست و از روایات مستفاد می شود که بهترین دعاها و ذکرها در این ماه استغفار است و هرکه هر روز از این ماه استغفار کند هفتاد مرتبه مثل آنست که هفتاد هزار در ماههای دیگر استغفار کند سیّم تصدّق کند در این ماه اگرچه به نصف دانه خرمايي باشد تا حق تعالی بدن او را بر آتش جهنّم حرام گرداند.

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از آن جناب سؤال کردند از فضیلت روزه رجب فرمود چرا غافلید از روزه شعبان راوی عرض کرد یابن رسول الله چه ثواب دارد کسی که یک روز از شعبان را روزه بدارد فرمود به خدا قسم بهشت ثواب اوست عرض کرد یابن رسول الله بهترین اعمال در این ماه چیست فرمود تصدّق و استغفار هر که تصدّق کند در ماه شعبان حق تعالی

آن را تربیت کند همچنانکه یکی از شما شتر بچه‌اش را تربیت می‌کند تا آنکه در روز قیامت برسد به صاحبش در حالتی که بقدر کوه اُحُد شده باشد چهارم در تمام این ماه هزار بار بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ که ثواب بسیار دارد از جمله آنکه عبادت هزار ساله در نامه عملش بنویسند پنجم در هر پنجشنبه این ماه دو رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد بار صلوات بفرستد تا حق تعالی برآورد هر حاجتی که دارد از امر دین و دنیای خود و روزه‌اش نیز فضیلت دارد و روایت شده که در هر روز پنجشنبه ماه شعبان زینت می‌کنند آسمانها را پس ملائکه عرض می‌کنند خداوندا بیامرز روزه‌داران این روز را و دعای ایشان را مستجاب گردان و در خبر نبوی است که هر که روز دوشنبه و پنجشنبه شعبان را روزه دارد حق تعالی بیست حاجت از حوائج دنیا و بیست حاجت از حاجتهای آخرت او را برآورد ششم در این ماه صلوات بسیار فرستد هفتم در هر روز از شعبان در وقت زوال و در شب نیمه آن بخواند این صلوات مَرُوِيَّه

از حضرت امام زین العابدین علیه السلام را:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

خدایا درود فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، شَجَرَةَ النَّبُوَّةِ، وَمَوْضِعِ الرَّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ

و آل محمد درخت نبوت و جایگاه رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان

وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ، وَأَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ

و معدن دانش و خاندان وحی خدایا درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ، فِي اللَّجَجِ الْغَامِرَةِ، يَا مَنْ مِنْ رَبِّهَا، وَيَغْرَقُ

محمد کشتی جاری در اقیانوسهای بیکران ایمن شود هر که سوار آن کشتی گردد و غرق شود

مَنْ تَرَكَهَا، الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ، وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ

کسی که آن را واگذارد، هر که بر ایشان تقدم جوید از دین بیرون رفته و کسی که از ایشان عقب ماند به نابودی گراید

ولی ملازم ایشان

لَا حِقِّ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، الْكَهْفِ الْحَصِينِ، وَغِيَاثِ

به حق خواهد رسید خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد آن پناهگاه محکم و فریادرس

الْمُضْطَّرِّ الْمُسْتَكِينِ، وَمَلْجَأِ الْهَارِبِينَ، وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ، اَللّٰهُمَّ

بیچاره درمانده و پناه گریختگان و دستاویز محکم برای وسیله جویان خدایا درود

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَوةً كَثِيْرَةً تُكُوْنُ لَهُمْ رِضًا، وَّلِحَقِّ

فرست بر محمد و آل محمد درود بسیاری که موجب خوشنودی ایشان گردد و حق

مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ اَدَاءً وَقِضَاءً، بِحَوْلِ مِنْكَ وَقُوَّةِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ،

محمد و آل محمد اداء گشته و انجام وظیفه ما شده باشد به جنبش و نیروی تو ای پروردگار جهانیان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، الطَّيِّبِيْنَ الْاَبْرَارِ الْاَخْيَارِ، الَّذِيْنَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد آن پاکان نیکوکار برگزیده آن کسانی که

اَوْجَبَتْ حُقُوْقَهُمْ، وَفَرَضَتْ طَاعَتَهُمْ وَوَلَايَتَهُمْ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

حقوقشان را واجب کردی و اطاعت و دوستیشان را فرض نمودی خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَعْمُرْ قَلْبِيْ بِطَاعَتِكَ، وَلَا تُخْزِنِيْ بِمَعْصِيَتِكَ،

محمد و آل محمد و آباد کن دل مرا به اطاعت خود و به وسیله نافرمانیت رسوایم مکن

وَارْزُقْنِيْ مُوَاَسَاةً مِّنْ قَتْرَتِ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ

و روزی من گردان که کمک مالی دهم بر کسی که روزیت را بر او تنگ کردی بوسیله آنچه بر من فراخ گرداندی از

فَضْلِكَ، وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ، وَاَحْيَيْتَنِيْ تَحْتَ ظِلِّكَ، وَهَذَا شَهْرُ

فضل خویش و گستردی بر من از عدل خویش و مرا در زیر سایهات زنده داشتی و این ماه

نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ، شَعْبَانُ الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ،

پیغمبرت و آقای رسولانت ماه شعبان است که اطراف آن را به رحمت و خوشنودی خود پوشاندی

الَّذِي كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، يَدَّابُّ فِي صِيَامِهِ

آن ماهی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کوشش بسیار داشت در روزه

وَقِيَامِهِ، فِي لَيَالِيهِ وَأَيَّامِهِ، بُخُوعاً لَكَ فِي إِكْرَامِهِ وَإِعْظَامِهِ، إِلَى مَحَلِّ

و شب زنده‌داریش هم در شبها و هم در روزهایش بخاطر فروتنی در برابر تو در مورد گرامی داشتن و بزرگداشتنش

هم‌چنان

حِمَامِهِ، اللَّهُمَّ فَاعِنَّا عَلَى الْأَسْتِنَانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ، وَبِئَلِّ الشَّفَاعَةَ لَدَيْهِ،

تا هنگام مرگش خدایا پس ما را کمک ده تا روش او را در این ماه پیروی کنیم و به شفاعتی که نزد او است برسیم

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعاً مُشَفَّعاً وَطَرِيقاً إِلَيْكَ مَهِيَعاً، وَاجْعَلْنِي لَهُ

خدایا قرار ده او را برای من شفیع پذیرفته و راهی بسویت که همواره باشد و مرا پیرو او گردان

مُتَّبِعاً، حَتَّى الْفَاقِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَنِّي رَاضِياً، وَعَنْ ذُنُوبِي غَاضِياً، قَدْ أَوْجَبْتَ

تا به جایی که در روز قیامت تو را در حالی دیدار کنم که از من خوشنود باشی و گناهانم را نادیده‌گیری و برای من

واجب

لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانِ، وَأَنْزَلْتَنِي دَارَ الْقَرَارِ وَمَحَلَّ الْأَخْيَارِ،

کرده‌باشی از جانب خود رحمت و خوشنودی را و مرا در خانه همیشگی (بهشت جاویدان) و منزلگاه نیکان فرود آری

هشتم بخواند این مناجات مرویه از ابن خالویه را که نقل کرده و گفته این

مناجات حضرت امیرالمؤمنین و امامان از فرزندان او علیهم السلام است که در

ماه شعبان می‌خواندند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ، وَأَسْمَعْ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بشنو دعایم را هنگامی که تو را خوانم و بشنو

نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ، وَأَقْبَلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ، فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ، وَوَقَفْتُ

صدایم را هر گاه تو را صدا زدم و رو به من کن هرگاه با تو راز گویم زیرا من به سوی تو گریختم و پیش رویت

بَيْنَ يَدَيْكَ، مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ، رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ تَوَابِي،

ایستادم در حال بیچارگی و فروتنی به درگاهت و امیدوارم ثوابم را که در پیش تو است

وَتَعَلَّمُ مَا فِي نَفْسِي، وَتَخْبِرُ حَاجَتِي، وَتَعْرِفُ ضَمِيرِي، وَلَا يَخْفَى

و تو آنچه را من در دل دارم می‌دانی و حاجتم را آگاهی و از نهادم باخبری

عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ، وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُبْدِيَ بِهِ مِنْ مَنْطِقِي، وَأَتَفَوَّهُ

و سرانجام کار و سرمنزل من بر تو روشن است و نیز آنچه را می‌خواهم از گفتارم بدان لب گشایم و آن طبعی

بِهِ مِنْ طَلِبَتِي، وَأَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي، وَقَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي

را که می‌خواهم به زبان آرم و امید آن را برای سرانجام کارم دارم، ای آقای من مقدرات

فِي مَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمْرِي، مِنْ سَرِيرَتِي وَعَلَانِيَتِي، وَبِيَدِكَ لَا

تو بر من جاری گشته در آنچه از من تا آخر عمر سرزند چه از کارهای پنهانم و چه آشکارم و بدست تو است نه

بِيَدٍ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَنَقْصِي وَنَفْعِي وَضَرِّي، إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي، فَمَنْ

به دست دیگری کم و زیاد شدن و سود و زیان من خدایا اگر توام محروم کنی پس کیست

ذَآلَّذِي يَرْزُقُنِي، وَإِنْ خَذَلْتَنِي فَمَنْ ذَآلَّذِي يَنْصُرُنِي، إِلَهِي أَعُوذُ

که روزیم دهد و اگر تو خوارم کنی پس کیست که یاریم دهد خدایا پناه برم

بِكَ مِنْ غَضَبِكَ، وَحُلُولِ سَخَطِكَ، إِلَهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ

به تو از خشمت و فرو ریختن عذابت خدایا اگر من شایستگی رحمت تو را ندارم

لِرَحْمَتِكَ، فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ، إِلَهِي كَأَنِّي

ولی تو شایسته آنی که از زیاده بخششت به من احسان کنی خدایا خود را چنان

بِنَفْسِي وَاقِفَةً بَيْنَ يَدَيْكَ، وَقَدْ أَظَلَّهَا حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ، فَقُلْتُ مَا

می‌نگرم که گویا در برابر تو ایستاده و آن توکل نیکویی که بر تو دارم بر سر من سایه افکنده و تو نیز آنچه را

أَنْتَ أَهْلُهُ وَتَعَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ، إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ

شایسته آنی درباره من فرموده و مرا در سراپرده عفو خویش پوشانده‌ای خدایا اگر بگذری پس کیست

بِذَلِكَ، وَإِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُدْنِنِي مِنْكَ عَمَلِي، فَقَدْ جَعَلْتُ

که از تو بدین کار سزاوارتر باشد و اگر مرگم نزدیک شده و معلم مرا به تو نزدیک نکرده من به ناچار قرار می‌دهم

الإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسَيَلْتِي إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي

اقرار به گناه را وسیله خویش به درگاهت خدایا من بر خویشتم ستم کردم در

النَّظَرِ لَهَا فَالَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا، إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بَرُّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ

آن توجهی که بدان کردم پس وای بر او اگر نیامرزیش خدایا پیوسته در دوران زندگی نیکی تو

حیوتی، فَلَا تَقْطَعْ بَرُّكَ عَنِّي فِي مَمَاتِي، إِلَهِي كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ

بر من می‌رسد پس نیکیت را در هنگام مرگ نیز از من مگیر خدایا من چگونه مأیوس شوم از اینکه پس از مرگ مورد

حسن

نَظَرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي، وَأَنْتَ لَمْ تُؤَلِّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي، إِلَهِي

نظر تو واقع کردم در صورتی که در دوران زندگی من جز به نیکی سرپرستیم نکردی خدایا

تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَعَدُّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مُذُنَّبٌ قَدْ غَمَرَهُ

سرپرستی کن کار مرا چنانچه تو شایسته آنی و توجه کن بر من به فضل خویش که همچون گنهکاری هستم

جَهْلُهُ، إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَأَنَا أَحْوَجُ إِلَى سِتْرِهَا

که نادانیش سراپا او را فراگرفته خدایا براستی تو گناهانی را در دنیا بر من پوشاندی که من به پوشاندن آنها

عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرِي، إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ،

در آخرت محتاج‌ترم (در دنیا پوشاندی) با اینکه آشکارش نکردی برای هیچیک از بندگان شایسته‌ات

فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَلَيَّ رُؤُسِ الْأَشْهَادِ، إِلَهِي جُودُكَ بَسَطَ

ای خدا پس در روز قیامت در برابر دیدگان مردم مرا رسوا مکن خدایا جود و بخشش

أَمَلِي، وَعَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي، إِلَهِي فَسُرَّنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْتَضِي

آرزویم را گستاخ کرده و گذشت تو برتر است از عمل من خدایا مرا در آن روزی

فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ، إِلَهِي اعْتِدَارِي إِلَيْكَ اعْتِدَارُ مَنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَن

که میان بندگانت داوری کنی به دیدارت مسرور ساز خدایا عذرخواهی من به درگاهت عذرخواهی کسی است که بی‌نیاز

قَبُولِ عُدْرِهِ، فَاقْبَلْ عُدْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ اعْتَدَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ، إِلَهِي

نشده از پذیرفتن عذرش پس عذر مرا بپذیر ای بزرگوارترین کسی که گنهکاران به درگاهش معذرت خواهی کنند خدایا

لا تَرُدُّ حَاجَتِي، وَلَا تُخَيِّبْ طَمَعِي، وَلَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي وَأَمَلِي،

حاجتم را بازگردان و طعمم را به نومیدی مکشان و امید و آرزویم را از درگاہ قطع مفرما

إِلَهِي لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي، وَلَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي،

خدایا اگر خواری مرا خواسته بودی راهنماییم نمی‌کردی و اگر رسوائیتم را می‌خواستی تندرستیتم نمی‌دادی

إِلَهِي مَا أَظُنُّكَ تَرُدُّنِي فِي حَاجَةٍ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمُرِي فِي طَلِبِهَا مِنْكَ،

خدایا گمان ندارم که مرا بازگردانی در مورد حاجتی که عمر خویش را در خواستن آن از تو سپری کردم

إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا دَائِمًا سَرْمَدًا، يَزِيدُ وَلَا يَبِيدُ كَمَا تُحِبُّ

خدایا ستایش خاص تو است ستایش ابدی جاویدان همیشگی که فزون شود ولی کم نگردد بدان نحو که دوست‌داری

وَتَرْضَى، إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي أَخَذْتُكَ بِعُفُوكَ، وَإِنْ أَخَذْتَنِي

و خوشنود شوی خدایا اگر مرا به جنایتم مأخوذ داری من هم تو را به عفویت بگیرم و اگر به گناهم

بِذُنُوبِي أَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ، وَإِنْ أَدَخَلْتَنِي النَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّي

بگیری من هم تو را به آمرزشت بگیرم و اگر به دوزخم ببری بدوزخیان اعلام می‌کنم که من

أَحِيُّكَ، إِلَهِي إِنْ كَانَ صَغْرَ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي، فَقَدْ كَبُرَ فِي

تو را دوست دارم خدایا اگر عمل من در جنب اطاعت تو کوچک است ولی آرزویم در

جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي، إِلَهِي كَيْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخِيْبَةِ مَحْرُومًا،

کنار امید تو بزرگ است خدایا چگونه من از پیش تو محروم برگردم

وَقَدْ كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ تَقْلِبَنِي بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا، إِلَهِي

با اینکه چنان حسن ظنی من به جود و بخشش داشتیم که مرا مورد رحمت خویش قرار داده با نجات بازم خواهی

گرداند خدایا

وَقَدْ أَفْنَيْتُ عُمُرِي فِي شِرَّةِ السُّهُوِ عَنْكَ، وَأَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةِ

من عمرم را در حرص غفلت از تو سپری کردم و جوانیتم را در مستی دوری از تو

التَّبَاعِدِ مِنْكَ، إِلَهِي فَلَمْ أَسْتَيْقِظْ أَيَّامَ اغْتِرَارِي بِكَ، وَرَكُونِي إِلَي

از بین بردم و از اینرو خدایا بیدار نشدم در آن روزگاری که به کرم تو مغرور بودم و به راه خشم

سَبِيلِ سَخَطِكَ، إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ، قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ،

تو متمایل گشته بودم خدایا من بنده تو و فرزند بنده توام که در برابرت ایستاده و

مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ، إِلَهِي أَنَا عَبْدٌ اتَّصَلْتُ إِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ

به وسیله کرم تو به درگاهت توسل جویم خدایا من بنده‌ای هستم که می‌خواهم از آلودگی آنچه بدان با

أُوَاجِهُكَ بِهِ مِنْ قِلَّةٍ اسْتِحْيَائِي مِنْ نَظْرِكَ، وَأَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ إِذِ

تو روبرو شدم از بی‌حیایی خودم در پیش روی تو خود را پاک سازم و از تو گذشت می‌خواهم زیرا

الْعَفْوَ نَعْتُ لِكْرَمِكَ، إِلَهِي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَنْتَقِلَ بِهِ عَنِ مَعْصِيَتِكَ

گذشت وصف شناسای کرم تو است خدایا من آن نیرویی که بتوانم بوسیله آن خود را از نافرمانیت منتقل سازم ندارم

إِلَّا فِي وَفْتٍ أَيْقَنْتَنِي لِمَحَبَّتِكَ، وَكَمَا أَرَدْتُ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ، فَشَكَرْتُكَ

مگر در آن وقت که تو برای دوستیت بیدارم کنی و آن طور که خواهی باشم پس تو را سپاس گویم که مرا

بَادِخَالِي فِي كَرَمِكَ، وَلِتَطْهِيرَ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاخِ الْغَفْلَةِ عَنكَ، إِلَهِي

در کرم خویش داخل کردی و دلم را از چرکیهای بی‌خبری و غفلت از خویش پاکیزه ساختی خدایا

أَنْظُرُ إِلَيْكَ نَظْرَ مَنْ نَادَيْتَهُ فَاجَابَكَ، وَأَسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَاطَاعَكَ، يَا

به من بنگر نگریستن کسی که او را خوانده‌ای و او پاسخت داده و به یاری خویش به کارش واداشته‌ای و فرمانبریت

کرده

قَرِيبًا لَا يَبْعُدُ عَنِ الْمُعْتَرِّ بِهِ، وَيَا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ عَمَّنْ رَجَا تَوَابَهُ،

ای نزدیکی که دور نگردی از آن کس که بدو مغرور گشته و ای بخشنده‌ای که بخل نوردد از آنکس که امید نیکیش دارد

إِلَهِي هَبْ لِي قَلْبًا يُدْنِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ، وَلِسَانًا يُرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ،

خدایا دلی به من بده که اشتیاقش به تو موجب نزدیکیش به تو گردد و زبانی که صدق گفتارش

وَنَظْرًا يُقْرِبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ، إِلَهِي إِنْ مَنَّنَا تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ وَمَنْ

بسوی تو بالا آید و نظر حقیقت بینی که همان حقیقتش او را به تو نزدیک گرداند خدایا کسی که بوسیله تو شناخته شد

گمنام نیست

لَا ذَبَّكَ غَيْرُ مَخْذُولٍ، وَمَنْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ، إِلَهِي إِنْ مَنَّنَا

و کسی که به تو پنهانده شد خوار نیست و کسی که تو بسویش رو کنی بنده دیگری نخواهد بود خدایا براستی

أَنْتَهَجَ بِكَ لِمُسْتَتِيرٍ، وَإِنْ مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ لِمُسْتَجِيرٍ، وَقَدْ لُذْتُ بِكَ يَا

هرکس به تو راه جوید راهش روشن است و هر که به تو پناه جوید پناه دارد و من ای خدا به تو پناه آورده‌ام

إِلَهِي، فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْجُبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ، إِلَهِي

پس گمانی را که به رحمتت دارم نوید مکن و از مهر خویش منعم مکن خدایا

أَقِمْنِي فِي أَهْلِ وَلَايَتِكَ مَقَامَ مَنْ رَجَا الزِّيَادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ، إِلَهِي

جای مرا در میان دوستدارانت جای آن دسته از ایشان قرار ده که امید افزایش دوستیت را دارند خدایا

وَأَلْهِمْنِي وَلَهَا بِذِكْرِكَ إِلَى ذِكْرِكَ، وَهَمِّتِي فِي رَوْحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ

در دلم انداز شدیدی و شیفتگی ذکر خود را پیاپی و همتم را در نشاط فیروز شدن اسمائت

وَمَحَلُّ قُدْسِكَ، إِلَهِي بِكَ عَلَيْكَ إِلَّا أَحَقَّقْتَنِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ،

و محل قدستت قرار ده خدایا به حق خودت بر خودت سوگند که مرا به محل فرمانبرداریت و جایگاه

وَأَلْمُتَوَى الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ، فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا، وَلَا

شایسته‌ای از مقام خوشنودیت برسانی زیرا که من قادر بر دفع چیزی از خود نیستم و

أَمْلِكُ لَهَا نَفْعًا، إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمَذْنِبُ وَمَمْلُوكُكَ، الْمُتْنِيبُ،

مالک سودی هم برایش نیستم خدایا من بنده ناتوان گنهکار تو و مملوک زاری و توبه کننده به درگاهت هستم

فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفَتْ عَنْهُ وَجْهَكَ، وَحَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِكَ،

پس مرا در زمره کسانی که روی از آنها گرداندی و غفلتشان مانع از گذشتت تو گشته قرارم مده

إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ، وَأَنْزِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بَضِيَاءَ نَظَرِهَا

خدایا بریدن کاملی از خلق بسوی خود به من عنایت کن و دیده‌های دلمان را به نور توجهشان

إِلَيْكَ، حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ، فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ

به سوی خود روشن گردان تا دیده‌های دل پرده‌های نور را پاره کند و به مخزن اصلی

الْعِظْمَةِ، وَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ، إِلَهِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ

بزرگی و عظمت برسد و ارواح ما آویخته به عزت مقدستت گردد خدایا قرارم ده از کسانی که او را خوانندی

نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ، وَلَا حَظَّتْهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ، فَنَاجَيْتُهُ سِرًّا وَعَمِلَ لَكَ

و پاسخ داد و در معرض توجه قرارش دادی و او در برابر جلال تو مدهوش گشت و از این رو در پنهانی با او به راز

گویی پرداختی ولی

جَهْرًا، إِلَهِي لَمْ أُسَلِّطْ عَلَى حُسْنِ ظَنِّي قُنُوطَ الْآيَاسِ، وَلَا انْقَطَعَ

او آشکارا برایت کار کرد خدایا به خوش بینی من ناامیدی را مسلط مکن و امیدم را که به

رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ، إِلَهِي إِنْ كَانَتْ الْخَطَايَا قَدْ اسْفَطْتَنِي

کرم نیکویت دارم قطع مکن خدایا اگر خطاهایم مرا از نظرت انداخته

لَدَيْكَ، فَاصْفَحْ عَنِّي بِحُسْنِ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ، إِلَهِي إِنْ حَطَّنِي الذُّنُوبُ

پس بدان اعتماد خوبی که به تو دارم از من درگذر خدایا اگر گناهانم

مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ، فَقَدْ تَبَهَّنِي الْيَقِينُ إِلَى كَرَمِ عَطْفِكَ، إِلَهِي إِنْ أَنَا مَتَنِي

بواسطه بزرگواریهای لطفت مرا بی مقدار ساخته ولی در عوض یقین به بزرگ توجه تو مرا هشیار کرده خدایا اگر

الْغَفْلَةُ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ، فَقَدْ تَبَهَّنِي الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِ آيَاتِكَ،

بی خبری از آماده شدن برای دیدارت مرا به خواب فرو برده ولی در عوض معرفت به بزرگ نعمتهایت مرا بیدار کرده

إِلَهِي إِنْ دَعَانِي إِلَى النَّارِ عَظِيمِ عِقَابِكَ، فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ

خدایا اگر بزرگ کیفیت مرا به دوزخ می خواند ولی در مقابل پاداش فراوانت مرا به بهشت

جَزِيلٌ ثَوَابِكَ، إِلَهِي فَلِكَ اسْتَلُّ وَإِلَيْكَ ابْتِهَلُ وَأَرْغَبُ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ

دعوت می کند خدایا پس از تو خواهم و بسوی تو زاری کنم و بگرایم و از تو خواهم که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ وَلَا

درود فرستی بر محمد و آل محمد و مرا از کسانی قرارم دهی که پیوسته به یاد تواند و

وَيَقْتَضِ عَهْدَكَ، وَلَا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ، وَلَا يَسْتَخِفُّ بِأَمْرِكَ، إِلَهِي

پیمانت را نمی شکنند و از شکر تو غافل نشوند و دستور تو را سبک نشمارند خدایا

وَأَلْحِقْنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ فَأَكُونُ لَكَ عَارِفًا، وَعَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا،

برسان مرا به نور درخشان عزتت تا عارف به ذات باشم و از غیر تو روگردان باشم

وَمِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و از تو ترسان و نگران باشم ای صاحب جلالت و بزرگواری و درود خدا بر محمد

رَسُولِهِ وَآلِ الطَّاهِرِينَ، وَسَلَّم تَسْلِيمًا كَثِيرًا،

پیامبرش و بر آل پاکش باد و سلام بسیار بر ایشان باد

و این از مناجاتهای جلیل القدر ائمه علیهم السلام است و بر مضامین عالیه مشتمل است و در هر وقت که حضور قلبی باشد خواندن آن مناسب است.

وَأَمَّا أَعْمَالُ مُخْتَصَّةٍ شَعْبَانَ

شب اول نمازهای بسیار در اقبال ذکر شده از جمله دوازده رکعت به حمد و یازده مرتبه توحید روز اول روزه اش فضیلت بسیار دارد و از حضرت صادق علیه السلام روایت است که هر که روزه بگیرد روز اول شعبان را واجب شود برای او بهشت البته و سید بن طاوس ثواب بسیاری نقل کرده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای کسی که سه روز اول این ماه را روزه دارد و در شبهای آنها دو رکعت نماز کند در هر رکعت حمد یک مرتبه و توحید یازده مرتبه و بدانکه در تفسیر امام علیه السلام خبری در فضیلت شعبان و روز اول آن ذکر شده که فوائد بسیار در آن مندرجست.

و شیخ ما ثقة الاسلام نوری نور الله مرقدہ آن خبر را ترجمه نموده و در آخر کتاب کلمه طیبہ ذکر فرموده و چون آن خبر طولانیست و مقام را گنجایش تمام آن نیست ما مختصر آن را در اینجا ذکر می کنیم حاصل آن خبر آن است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در روز اول شعبانی گذشت به جماعتی که در مسجدی نشسته بودند و در امر قدر و امثال آن گفتگو می کردند و بلند شده

بود صداهای ایشان و سخت شده بود لجاجت و جدال ایشان پس حضرت ایستاد و بر ایشان سلام کرد آنها جواب سلام دادند و برای آن جناب برخاستند و خواهش کردند که نزد ایشان بنشینند آن حضرت به ایشان اعتنائی نکرد و فرمود ای گروهی که سخن می‌گویید در چیزی که نفع نمی‌رساند آیا ندانستید که خدای تعالی را بندگانیست که ساکت کرده ایشان را خوف بدون آنکه عاجز باشند از گفتن یا لال باشند بلکه ایشان هرگاه به خاطر آرند عظمت خداوند را شکسته می‌شود زبانهایشان و کنده می‌شود دلهایشان و می‌رود عقلهایشان و مبهوت می‌شوند به جهت اعزاز و اجلال و اعظام خداوند پس هرگاه به خود آمدند از این حالت رو می‌آورند بسوی خدا به کردارهای پاکیزه می‌شمرند نفسهای خود را با ستمکاران و خطاکاران و حال آنکه ایشان منزّهند از تقصیر و تفریط مگر آنکه ایشان راضی نمی‌شوند برای خدا به کردار اندک و بسیار نمی‌شمرند برای او عمل زیاد را و پیوسته مشغولند به اعمال پس ایشان چنانند که هر وقت نظر کنی به ایشان ایستادگانند به عبادت ترسان و هراسان در بیم و اضطرابند پس کجائید شما از ایشان ای گروه تازه کارها آیا ندانستید که داناترین مردم به قدر ساکت‌ترین ایشانند از آن و اینکه جاهلترین مردم به قدر سخنگوترین ایشانند در او، ای گروه تازه کارها امروز غرّه شعبان کریم است نامیده است او را پروردگار ما شعبان به جهت پراکنده شدن خیرات به تحقیق که باز کرده پروردگار شما در او درهای حسنات خود را و جلوه داده به شما قصرها و خیرات او را به قیمت ارزانی و کارهای آسانی پس بخرید آن را و

جلوه داده برای شما ابلیس لعین شُعبهای شرور و بلاهای خود را و شما پیوسته می‌کوشید در گمراهی و طغیان و مَتَمَسِّک می‌شوید به شعبهای ابلیس و رُو می‌گردانید از شعبهای خیرات که باز شده برای شما درهای او و این غُرّه ماه شعبان است و شعبهای خیرات او نماز است و روزه و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و برّ والدین و خویشان و همسایگان و اصلاح ذات البَیِّنِ و صدقه بر فقراء و مساکین بر خود کلفت می‌دهید چیزی را که برداشته شده از شما یعنی امر قضا و قدر و چیزی که نهی کرده شده‌اید از فرو رفتن در آن از کشف سرّهای خدا که هر که تفتیش کند از آنها از تباه شدگانست آگاه باشید به درستی که اگر شما واقف شوید بر آنچه مهیّا فرموده، پروردگار عزّوجلّ برای مطیعین از بندگانش در امروز هر آینه باز خواهید داشت خود را از آنچه در او هستید و شروع خواهید کرد در آنچه امر کردند شما را به آن گفتند یا امیرالمؤمنین علیه السلام و چیست آنکه آن را خداوند مهیّا فرموده در این روز برای مطیعین خود پس حضرت نقل فرمود قصه آن لشکری را که رسول خداصلی الله علیه و آله به جهاد کفار فرستاده بود و دشمنان شب بر ایشان شبیخون زدند و آن شبی تاریک و سخت ظلمانی بود و مسلمانان در خواب بودند کسی از ایشان بیدار نبود جز زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه و قتاده بن نعمان و قیس بن عاصم منقری که هر کدام در یک جانب ایشان بیدار و مشغول نماز و قرآن خواندن بودند دشمنان مسلمانان را تیرباران کردند و به واسطه تاریکی و ندیدن مسلمانان دشمنان را تا از آنها احتراز کنند نزدیک بود

که هلاک شوند که ناگاه از دهان این چند نفر نورهایی ساطع شد که لشکرگاه مسلمانان را روشن کرد و سبب قوت و دلیری ایشان شده پس شمشیر کشیده و دشمنان را کشته و زخم‌دار و اسیر نمودند و چون مراجعت نمودند و برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کردند فرمود این نورها به جهت اعمال این برادران شما است در غره ماه شعبان پس یک یک آن اعمال را حضرت نقل کردند تا آنکه فرمودند چون روز اوّل شعبان می‌شود پراکنده می‌کند ابلیس لشکر خود را در اطراف زمین و آفاق آن و می‌گوید به ایشان که سعی کنید در کشیدن بعضی از بندگان خدا را به سوی خود در این روز و بدرستی که خدای عزّوجلّ پراکنده می‌کند ملائکه را در اطراف زمین و آفاق او و به ایشان می‌فرماید بر راستی نگاه دارید بندگان مرا و ارشاد کنید ایشان را پس همه ایشان نیکبخت می‌شوند به شما مگر آنکه امتناع و سرکشی کند پس بدرستی که او از حدّ گذشته می‌گردد در حزب ابلیس و جنود او بدرستی که خداوند عزّوجلّ چون روز اوّل ماه شعبان می‌شود امر می‌کند به درهای بهشت پس باز می‌شود و امر می‌کند درخت طوبی را پس نزدیک می‌کند شاخهای خود را بر این دنیا آنگاه ندا می‌کند منادی پروردگار عزّوجلّ ای بندگان خدا این شاخهای درخت طوبی است پس درآویزید به او که بلند کند شما را بسوی بهشت و این شاخهای درخت زقوم است پس بترسید از او که نبرد شما را بسوی دوزخ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود قسم به آنکه مرا بر راستی به رسالت مبعوث نموده که هر که فراگیرد دری از خیر و نیکی را در این روز پس به تحقیق که

در آویخته به شاخه‌ای از شاخه‌های درخت طُوبی پس او کشانده است او را بسوی بهشت و هر که فراگیرد دری از شرّ را در امروز پس به تحقیق که در آویخته به شاخه‌ای از شاخه‌های درخت زَقُوم پس آن کشاننده است او را بسوی آتش آنگاه فرمود رسول خداصلی الله علیه و آله پس هر کس که نماز مُستحبی کند امروز برای خدا پس در آویخته به شاخه‌ای از آن و هر که روزه گیرد در این روز پس به تحقیق که در آویخته به شاخه‌ای از آن و هر که صلح دهد میان زن و شوهرش یا پدر و فرزندش یا خویشاوندانش یا مرد و زن همسایه‌اش یا مرد و زن بیگانه پس به تحقیق که در آویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که تخفیف دهد پریشانی را از طلبی که از او دارد یا کم کند از آن پس به تحقیق که در آویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که نظر کند در حساب خود پس ببیند قرض کهنه را که صاحبش از آن مایوس شده پس ادا کند آن را پس به تحقیق که در آویخته به شاخه‌ای از آن و کسی که کفالت کند یتیمی را پس به تحقیق که در آویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که باز دارد سفیهی را از عِرْضِ مؤمنی پس به تحقیق که در آویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که بخواند قرآن یا چیزی از آن را پس به تحقیق که در آویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که یاد آرد خدای را و بشمرد نعمتهای او را و شکر کند پس به تحقیق که در آویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که عیادت کند مریضی را پس به تحقیق که در آویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که نیکی کند پدر و مادر خود یا یکی از آنها را پس به تحقیق که در آویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که پیش از این

روز به غضب آورده بود ایشان را پس خوشنودشان کرد در این روز پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و هر که تشییع کند جنازه را پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که تسلیت دهد در آن مصیبت‌زده را پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و همچنین هر کسی که بجا آورد چیزی را از ابواب خیر در این روز پس به تحقیق درآویخته از آن به شاخه‌ای آنگاه فرمود رسول خداصلی الله علیه وآله قسم به آنکه مرا برآستی به پیغمبری مبعوث فرموده که هر کس که فراگیرد دری از شرّ و گناه را در این روز پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از شاخه‌های درخت زقوم پس آن کشاننده است او را به سوی آتش آنگاه فرمود قسم به آنکه مرا برآستی به پیغمبری فرستاده که هر کس تقصیر کند در این روز نماز واجبی خود را و ضایع کند آن را پس به تحقیق که درآویخته از آن درخت به شاخه‌ای و هر کس که بیاید در نزد او فقیری ضعیف که می‌داند بدی حال او را و او قادر است بر تغییر حالش بدون آنکه ضرری به او برسد و کسی هم نیست از او نیابت کند و بنشیند به جای او پس واگذارد او را که ضایع شود و هلاک گردد و دست او را نگیرد پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن و کسی که عذرخواهی کند از او بدکاری پس نپذیرد عذر او را آنگاه عقوبت نکند او را به قدر بدی او بلکه بیفزاید بر آن پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن و کسی که جدایی اندازد میان شوهری با زنش یا پدر با فرزندش یا برادر با برادرش یا خویشی با خویشش یا میان دو همسایه یا میان دو رفیق یا دو خواهر پس به

تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که سخت بگیرد بر تنگدستی و حال آنکه می‌داند تنگدستی او را پس بیفزاید بر غیظ او بلای او پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که بر او دینی باشد پس منکر شود آن را بر صاحبش و تعدی کند بر او تا آنکه باطل کند دین او را پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که جفا کند یتیمی را و آزار رساند او را و مال او را تباه کند پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن و کسی که داخل شود در عرض برادر مؤمن خود و وادارد مردم را بر آن پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از او و کسی که آوازه خوانی کند به قسمی از خوانندگی که برانگیزاند در آن خواندن بر معاصی پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از او و کسی که بنشیند بشمارد کارهای قبیح خود را در جنگها و انواع ستم خود را بر بندگان خدا و افتخار کند بر آن پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن و کسی که همسایه‌اش مریض شده پس او را عیادت نکرد محض استخفاف به شأن او پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن و کسی که همسایه‌اش مُرد پس مشایعت نکرد جنازه او را به جهت خوار بودن او در نظرش پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که اعراض کند از مصیبت زده و جفا کند او را محض حقارت و کوچکی او در نزدش پس به تحقیق که درآویخته از آن به شاخه‌ای و کسی که عاق کند پدر و مادر خود یا یکی از آن دو را پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن و کسی که پیش، ایشان را عاق کرده بود و خوشنود نکرد ایشان را امروز و حال آنکه

قدرت دارد بر آن پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن و همچنین هرکس بکند کاری از سایر اقسام شر را پس به تحقیق که درآویخته به شاخه‌ای از آن و قسم به آنکه مرا براستی به پیغمبری فرستاده که درآویختگان به شاخهای درخت طوبی بلند می‌کند ایشان را آن شاخها بسوی بهشت آنگاه رسول خداصلی الله علیه و آله نظر خود را به جانب آسمان انداخت اندکی و می‌خندید و مسرور بود آنگاه نظر مبارک را بزیر انداخت بسوی زمین پس پیشانی مبارک را درهم کشید و روی مبارکش تُرش شد آنگاه رو کرد به اصحاب خود و فرمود قَسَمَ به آنکه فرستاده محمد را براستی به پیغمبری که دیدم به تحقیق درخت طوبی را که بلند می‌شد و بلند می‌کرد آنان که به او درآویخته بودند به سوی بهشت و دیدم بعضی ازایشان که درآویخته بودند به یک شاخه از آن و بعضی درآویخته بودند به دو شاخه از آن یا به چند شاخه برحسب فراگرفتن ایشان مر طاعت را و بدرستی که هر آینه می‌بینم زید بن حارثه را که درآویخته به بیشتر شاخهای از آن پس آن شاخها بلند می‌کند او را به اعلیٰ عَلَّیْنِ بهشت پس از این جهت خندیدم و خوشحال شدم پس نگاه کردم بسوی زمین پس قسم به آنکه مرا براستی به پیغمبری فرستاده که دیدم درخت زَقْوَمُ را که پایین می‌رفت شاخهای او و پایین می‌برد درآویختگان به او را بسوی دوزخ و دیدم پاره‌ای از ایشان را درآویخته به شاخه‌ای و دیدم پاره‌ای از ایشان که درآویخته به دو شاخه یا به چند شاخه برحسب فراگرفتن او مَرَّ قَبَایِحِ را و بدرستی که هر آینه می‌بینم بعضی از منافقین را که درآویخته

به بیشتر شاخهای او و آنها فرو می‌برند او را به اَسْفَلِ دَرَكَاتِ او پس از این جهت روی خود را تُرَش کردم و پیشانی را درهم کشیدم روز سیم روز مبارکیست که شیخ در مصباح فرموده در این روز متولد شد جناب حسین بن علی علیه السلام و بیرون آمد توقیع شریف به سوی قاسم بن علاء همدانی وکیل حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که مولای ما حسین علیه السلام متولد شد روز پنجشنبه سیم شعبان پس روزه بگیر آن روز را و این دعا را در

آن روز بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ، الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ

خدایا از تو خواهم به حق مولود در این روز آن مولودی که به او وعده شهادت داده شده بود

قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوَلَادَتِهِ، بَكْتَهُ السَّمَاءُ وَمَنْ فِيهَا، وَالْأَرْضُ وَمَنْ

پیش از اینکه بانگش در این دنیا بلند شود و به دنیا آید آسمانها و هر که در آنها است و زمین و هر که

عَلَيْهَا، وَلَمَّا يَطَّأُ لَابْتِيهَا قَتِيلِ الْعَبْرَةِ، وَسَيِّدِ الْأُسْرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ

بر آن است برایش گریستند پیش از آنکه قدم در این جهان گذارد کشته اشک و آه و آقای طائفه بشر آنکس که در

يَوْمَ الْكُرَّةِ الْمُعْوَضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَيِّمَةَ مِنْ نَسْلِهِ، وَالشُّفَاءَ فِي

روز رجعت به یاری مدد شده و آنکه پاداش کشته شدنش این بود که امامان از نسل او آیند و درمان در

تُرْبَتِهِ، وَالْفَوْزَ مَعَهُ فِي أَوْبَتِهِ، وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ

تربت او است و پیروزی در زمان رجعت با او و اوصیاء از عترت او است پس از حضرت قائم

وَعُغَيْبَتِهِ، حَتَّى يُدْرِكُوا الْأَوْتَارَ، وَيَتَارُوا النَّارَ، وَيَرْضُوا الْجَبَّارَ،

و پس از دوران غیبتش تا اینکه انتقام گیرند و خونها را باز گیرند و خدای جبار را خوشنود سازند

وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ،

و بهترین یاران دین خدا باشند درود خدا بر ایشان در هر زمان که رفت و آمد دارد شب و روز

اللَّهُمَّ فَبِحَقِّهِمُ إِلَيْكَ اتَّوَسَّلُ، وَأَسْأَلُ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ مُسِيئٍ

خدایا پس به حق ایشان به سوی تو دست نیاز دراز کنم و از تو خواهم خواستن شخص گنه‌کار اعتراف کننده بدکردار

إِلَى نَفْسِهِ، مِمَّا فَرَطَ فِي يَوْمِهِ وَأَمْسِيهِ، يَسْأَلُكَ الْعِصْمَةَ إِلَى مَحَلِّ

به نفس خویش از کوتاهیایی که در امروز و دیروزش کرده و اکنون از تو پناه خواهد تا هنگام رفتن در

رَمْسِهِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعِزَّتِي، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ،

گور خدایا پس درود فرست بر محمد و عترتش و ما را در زمره او محشور گردان

وَبَوِّنَا مَعَهُ دَارَ الْكِرَامَةِ وَمَحَلَّ الْإِقَامَةِ، اللَّهُمَّ وَكَمَا أَكْرَمْتَنَا

و جای ده ما را با او در خانه کرامت (بهشت) و جایگاه ماندن همیشگی خدایا چنانچه ما را به شناختن

بِمَعْرِفَتِهِ فَأَكْرَمْنَا بِرُفَّتِهِ، وَارْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُ وَسَابِقَتَهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ

گرامی داشتی هم چنان ما را به نزدیک شدن با او گرامی دار و رفقت و سابقه داشتن با او را روزی ما گردان و بگردان

ما

يُسَلِّمُ لَأَمْرِهِ، وَيَكْثُرُ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ، وَعَلَى جَمِيعِ أَوْصِيَاءِهِ

را از کسانی که تسلیم دستور اویند و هنگام بردن نامش بسیار بر او درود فرستند و بر همه اوصیاء

وَأَهْلِ أَصْفِيَاءِهِ الْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْاِثْنَيْ عَشَرَ النُّجُومِ الزُّهْرِي،

و خاندان برگزیده‌اش که یاری شده‌اند از جانب تو به عدد دوازده، آن ستارگان درخشان

وَالْحُجَجِ عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ، اللَّهُمَّ وَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ

و حاجتهای تو بر تمامی افراد بشر خدایا و ببخش به ما در این روز بهترین

مَوْهَبَةٍ وَأَنْجِحْ لَنَا فِيهِ كُلَّ طَلَبَةٍ، كَمَا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ،

بخششها را و برآور برای ما در این روز هر خواهشی را چنانچه حسین را به محمد جدش بخشیدی

وَعَادَ فَطْرُسٌ بِمَهْدِهِ، فَنَحْنُ عَائِدُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ، نَشْهَدُ تَرْبَتَهُ

و فطرس به گهواره حسین علیه السلام پناه برد و ما پناهنده به قبر او هستیم پس از شهادت او بالای تربتش

وَنَتَنظَرُ أَوْبَتَهُ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

آمده و چشم به راه رجعت او هستیم اجابت کن ای پروردگار جهانیان

پس می‌خوانی بعد از این به دعای حسین علیه السلام و این آخر دعای آن حضرت

است در روزی که بسیار شده بود دشمنان او یعنی روز عاشورا

اللَّهُمَّ أَنْتَ مُتَعَالِي الْمَكَانِ، عَظِيمُ الْجَبْرُوتِ، شَدِيدُ الْمِحَالِ، غَنِيٌّ عَنِ

خدایا تویی والامکان و بزرگ جبروت و سخت نیرو و بی‌نیاز از

الْخَلَائِقِ عَرِيضُ الْكِبْرِيَاءِ، قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ قَرِيبُ الرَّحْمَةِ،

خلایق و دارای بزرگی پهناور و توانای بر هر چه خواهی نزدیک مهر

صَادِقُ الْوَعْدِ، سَابِغُ النَّعْمَةِ، حَسَنُ الْبَلَاءِ، قَرِيبٌ إِذَا دُعِيَ، مُحِيطٌ بِمَا

راست وعده فراوان نعمت نیکو آزمایش نزدیک هرگاه خوانده شوی محیط به هر چه

خَلَقْتَ، قَابِلُ التَّوْبَةِ لِمَنْ تَابَ إِلَيْكَ، قَادِرٌ عَلَى مَا أَرَدْتَ، وَمُدْرِكٌ مَا

آفریده‌ای توبه پذیر برای آن کس که به سوی توبه کند توانا بر هر چه اراده کنی و بدست آورده آنچه

طَلَبْتَ وَشُكْرُ إِذَا شُكِرْتَ، وَذِكْرُ إِذَا ذُكِرْتَ، أَدْعُوكَ مُحْتَاجًا

بجویی و سپاس پذیر هرگاه سپاس شوی و یاد کنی هنگامی که یادت کنند می‌خوانمت نیازمندانه

وَأَرْعَبُ إِلَيْكَ فَقِيرًا، وَأَفْزَعُ إِلَيْكَ خَائِفًا، وَأَبْكِي إِلَيْكَ مَكْرُوبًا،

و توجه کنم بسویت فقیرانه و پناه آرم بسویت خائفانه و گریه کنم به درگهت از روی غمزدگی و ملولانه

وَأَسْتَعِينُ بِكَ ضَعِيفًا، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ كَافِيًا، أَحْكَمُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ]،

کمک جویم بسویله تو ناتوانانه و توکل کنم بر تو کفایت خواهانه خدایا حکم کن میان ما و میان قوم ما به حق

فَأَنَّهُمْ غَرُّوْنَا وَخَدَعُونَا وَخَذَلُونَا، وَعَدَرُوا بِنَا وَقَتَلُونَا وَنَحْنُ عِترَةُ نَبِيِّكَ

زیرا که ایشان ما را فریفتند و با ما نیرنگ زدند و دست از یاری ما کشیدند و با ما بی‌وفایی کرده ما را کشتند با اینکه ما

عترت پیامبر تو

وَوَلَدُ حَبِيبِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الَّذِي اصْطَفَيْتَهُ بِالرَّسَالَةِ، وَأَتَمَمْتَهُ عَلَيَّ

و فرزند حبیب تو محمد بن عبدالله هستم آن (بزرگواری) که او را به رسالت برگزیدی و بر

وَحَيْكَ، فَاجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا فَرَجًا وَمَخْرَجًا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

و حی خویش امینش ساختی پس در کار ما گشایش و فرجی عطا فرما به رحمت ای مهربانترین مهربانان

ابن عیّاش گفت شنیدم از حسین بن علیّ بن سفیان بزوفری که می‌گفت حضرت صادق علیه السلام می‌خواند این دعا را در این روز و فرموده که این دعا از دعاهای روز سیّم شعبان است و آن روز ولادت حسین علیه السلام است شب سیزدهم اوّل لیالی بیض است و کیفیت نماز امشب و دو شب بعد در ماه رجب گذشت شب نیمه شعبان شب بسیار مبارک است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام سؤال شد از فضل شب نیمه شعبان فرمود آن شب افضل شبها است بعد از لیلة القدر در آن شب عطا می‌فرماید خداوند به بندگان فضل خود را و می‌آمرزد ایشان را به مَنْ و کَرَم خویش پس سعی و کوشش کنید در تقرّب جستن به سوی خدای تعالی در آن شب پس بدرستی که آن شبی است که خدا قسم یاد فرموده به ذات مقدّس خود که دست خالی برنگرداند سائلی را از درگاه خود مادامی که سؤال نکنند معصیت را و آن شب آن شبی است که قرار داده حقّ تعالی آن را از برای ما به مقابل آنکه قرار داده شب قدر را برای پیغمبر ماصلی الله علیه و آله پس کوشش کنید در دُعا و ثنا بر خدای تعالی «الخبیر» و از جمله برکات این شب مبارک آنست که ولادت با سعادت حضرت سلطان عصر امام زمان ارواحنا له الفداء در سحر این شب سنه دویست و پنجاه و پنج در سُرّ مَنْ رَای واقع شده و باعث مزید شرافت این لیله مبارکه شده و از برای این شب چند عملست اوّل غسل است که باعث تخفیف گناهان می‌شود دویم احیاء این شب است به نماز و دعاء و استغفار چنانچه امام زین العابدین علیه السلام می‌کردند و در روایتست

که هر که احیا دارد این شب را نمیرد دل او در روزی که دلها بمیرند سیّم زیارت حضرت امام حسین علیه السلام است که افضل اعمال این شب و باعث آمرزش گناهانست و هر که خواهد با او مصافحه کند روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر زیارت کند آن جناب را در این شب و اقل زیارت آن حضرت آن است که به بامی برآید و به جانب راست و چپ نظر کند پس سر به جانب آسمان کند پس زیارت کند آن حضرت را به این کلمات «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِاللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُاللهِ وَبَرَكَاتُهُ» و هر کس در هر کجا باشد در هر وقت که

آن حضرت را به این کیفیت زیارت کند امید است

که ثواب حجّ و عمره برای او نوشته شود و ما زیارت مخصوصه

این شب را در باب زیارات ذکر خواهیم نمود انشاء الله تعالی.

چهارم خواندن این دعا که شیخ و سیّد نقل کرده اند و به منزله زیارت امام

زمان صلوات الله و سلامه علیه است:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا [هذه] وَمَوْلُوْدِهَا، وَحَجَّتِكَ وَمَوْعُوْدِهَا الَّتِي قَرَنْتَ اِلَيَّ

خدایا به حق این شبی که ما در آنیم و به حق آنکس که در آن به دنیا آمده و حجت و موعود آن که همراه کردی به

فَضْلِهَا فَضْلاً، فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَعَدْلاً، لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ وَلَا مُعَقَّبَ

فضیلت این شب فضیلت دیگری و بدین سبب تمام شد کلمه تو بر راستی و عدالت تغییر دهنده ای برای کلمات تو نیست

لِاَيَاتِكَ، نُوْرِكَ الْمَتَّاقِ، وَضِيَاوُكَ الْمَشْرِقِ، وَالْعَلَمِ النُّوْرِ، فِي طَخِيَاءِ

و پس زنده ای برای آیات تو نیست آن نور درخشان و آن روشنی فروزانت و آن نشانه نورانی در شب تاریک ظلمانی

الدِّيَجُوْرِ، الْغَائِبِ الْمَسْتُوْرِ، جَلِّ مَوْلِدِهِ، وَكُرْمِ مَحْتِدِهِ، وَالْمَلَائِكَةِ شَهْدِهِ، وَاللّٰهُ

آن پنهان غایب از انظار که ولادتش بزرگ و کریم الاصل بود و فرشتگان گواهان اویند و خدا

نَاصِرُهُ وَمُؤَيَّدُهُ، إِذَا آتَى مِيعَادَهُ، وَالْمَلَائِكَةُ أَمْدَادُهُ، سَيِّفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُؤُ،

یاور و کمک‌کار او است در آن هنگام که وعده‌اش برسد و فرشتگان مددکارش باشند آن شمشیر برنده خدا که کُند نشود

وَتُورُهُ الَّذِي لَا يَخْبُؤُ، وَ ذُو الْجَلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُؤُ، مَدَارُ الدَّهْرِ،

و نور او که خاموش نگردد و بردباری که کار بی‌رویه انجام ندهد چرخ روزگار بخاطر او گردش کند

وَنَوَامِيسُ الْعَصْرِ، وَوَلَاةُ الْأَمْرِ، وَالْمَنْزَلُ عَلَيْهِمْ مَا يَنْزَلُ فِي لَيْلَةِ

و او و پدران معصومش نوامیس هر عصر و والیان امر خدایند در شب قدر آنچه نازل شود بر ایشان نازل گردد

الْقَدْرِ، وَأَصْحَابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، تَرَاجِمَةٌ وَحِيَةٌ، وَوَلَاةُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ،

و آنهاست صاحبان حشر و نشر و مفسران وحی خدا و سرپرستان امر و نهی او

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى خَاتِمَتِهِمْ وَقَائِمِهِمُ الْمَسْتُورِ عَنْ عَوَالِمِهِمُ اللَّهُمَّ

خدایا پس درود فرست بر خاتم ایشان و قائمشان که در پس پرده است از عوالم آنها خدایا

وَأَدْرِكْ بِنَايَاتِهِمْ، وَظُهُورَهُ وَقِيَامَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ، وَأَقْرَنِ ثَارَنَا

ما را به روزگار او و زمان ظهور و قیامش برسان و از جمله یارانش قرارمان ده و خونخواهی ما را

بِثَارِهِ، وَاكْتُبْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَخُلَصَائِهِ، وَأَحِينَا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ،

به خونخواهی او مقرون گردان و نام ما را در زمره یاران و مخصوصانش ثبت فرما و ما را در دولتش شادکام

وَبِصُحْبَتِهِ غَانِمِينَ، وَبِحَقِّهِ قَائِمِينَ، وَمِنَ السُّوءِ سَالِمِينَ يَا أَرْحَمَ

و متمتع و به هم نشینیش بهره‌مند و به گرفتن حقش پا بر جا بدار و از بدیها بر کنارمان کن ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَوَاتُهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

مهربانان و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است و درودهای او بر آقای ما محمد

خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَعِترَتِهِ

خاتم پیامبران و مرسلین و بر خاندان راستگو و عترت حقگویش باد

النَّاطِقِينَ، وَالْعَنْ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ، وَاحْكُمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ.

و از رحمت خود دور ساز تمام ستمکاران را و میان ما و ایشان داوری کن ای محکمترین حکم‌کنندگان

*پنجم شیخ روایت کرده از اسماعیل بن فضل هاشمی که گفت تعلیم کرد مرا

حضرت صادق علیه السلام این دعا را که بخوانم آنرا در شب نیمه شعبان:

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، الْخَالِقُ الرَّازِقُ، الْمُخَيِّ الْمُمِيتُ،

خدایا تویی زنده پاینده والای بزرگ آفریننده و روزی دهنده زنده کننده و میراننده

الْبُدَىءُ الْبُدَيْعُ، لَكَ الْجَلالُ وَلَكَ الْفَضْلُ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمَنْ وَلَكَ الْجُودُ،

آغاز کننده و پدید آورنده، برای تو است بزرگی و از آن تو است فضیلت و ستایش و از آن تو است نعمت و جود

وَلَكَ الْكِرَامُ وَلَكَ الْأَمْرُ، وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ، وَحَدَكْ لَا شَرِيكَ

و خاص تو است بزرگواری و از تو است فرمان و شوکت و خاص تو است سپاسگزاری که یگانه‌ای و شریکی برایت

لَكَ يَا وَاحِدٌ يَا أَحَدٌ يَا صَمَدٌ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

نیست ای یگانه ای یکتا ای بی نیاز ای که فرزندی ندارد و فرزند کسی نباشد و نیست برایش

كُفْوًا أَحَدٌ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاكْفِنِي

همتایی هیچکس درود فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا و به من رحم کن و کفایت کن

مَا أَهَمَّنِي، وَأَقْضِ دِينِي، وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، فَإِنَّكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

از من آنچه فکر مرا به خود مشغول کرده و قرضم را ادا کن و در روزم گشایش ده زیرا که تو در این شب

كُلَّ أَمْرٍ حَكِيمٍ تَفْرُقُ، وَمَنْ تَشَاءُ مِنْ خَلْقِكَ تَرْزُقُ، فَارْزُقْنِي وَأَنْتَ

هر کار محکمی را از هم جدا کنی و هر یک از مخلوقات خود را بخواهی روزی دهی پس روزم ده که تو

خَيْرُ الرَّازِقِينَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَأَنْتَ خَيْرُ الْقَائِلِينَ النَّاطِقِينَ وَاسْتَلُوا اللَّهَ

بهترین روزی دهندگانی زیرا تو خود گفتی و تو بهترین گویندگان و ناطقان هستی که فرمودی «از خدا بخواهید

مِنْ فَضْلِهِ، فَمِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ، وَإِيَّاكَ قَصَدْتُ، وَابْنَ نَبِيِّكَ اعْتَمَدْتُ، وَلَكَ

از فضل او» پس من از فضل تو می‌خواهم و تو را قصد کردم و به فرزند پیامبرت اعتماد کردم و از تو

رَجَوْتُ، فَارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، *

امیدوارم پس به من رحمت کن ای مهربانترین مهربانان

ششم بخواند این دعا را که حضرت رسول صلی الله علیه وآله در این شب می خواندند: اَللّٰهُمَّ اَقْسِمُ لَنَا مِنْ حَشِيَّتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيَّتِكَ،

***** * خدایا بهره ما کن از ترس خود بدان اندازه که حائل شود میان ما و نافرمانیت و از

وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ رِضْوَانِكَ وَمِنْ الْيَقِيْنِ مَا يَهْوُنُ عَلَيْنَا بِهِ

اطاعت خویش بدان مقدار که ما را به خوشنودی و رضوان تو برساند و از یقین بدان حد که بوسیله آن

مُصِيبَاتُ الدُّنْيَا، اَللّٰهُمَّ اَمْتِعْنَا بِاَسْمَاعِنَا وَاَبْصَارِنَا وَقُوَّتِنَا مَا اَحْيَيْتَنَا،

ناگواریهای دنیا بر ما آسان گردد خدایا ما را به گوشه‌ایمان و دیده‌هایمان و نیرویمان تا زنده‌ایم بهره‌مند

وَاَجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا، وَاَجْعَلْ ثَارَتَنَا عَلٰی مَنْ ظَلَمْنَا، وَاَنْصُرْنَا عَلٰی مَنْ عَادَانَا،

ساز و آن را وارث ما گردان و خون ما را به گردن کسی انداز که بر ما ستم کرده و یاری ده ما را بر کسی که با ما

دشمنی کند

وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِيْ دِيْنِنَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا اَكْبَرَ هَمِّنَا، وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا،

و مصیبت ما را در دین‌مان قرار مده و دنیا را بزرگترین اندوه ما قرار مده و نیز آخرین حد دانش ما قرارش مده

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ،

و مسلط مکن بر ما کسی را که بر ما رحم نکند به رحمت ای مهربانترین مهربانان

و این دعای جامع کاملی است و خواندن آن در اوقات دیگر نیز غنیمت است و

از عوالی اللّٰثالی نقل شده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله همیشه این دعا

را می خواندند هفتم بخواند صلوات هر روز را که در وقت زوال می خواند

هشتم بخواند دعای کمیل را که ورودش در این شبست و در باب اوّل گذشت

نهم آنکه هر یک از سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا اِلهَ اِلَّا اللّٰهُ را صد

مرتبه بگوید تا خداوند تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و برآورد حاجتهای

دنیا و آخرت او را دهم شیخ در مصباح روایت کرده از ابویحیی در ضمن خبری

در فضیلت شب نیمه شعبان که گفت گفتم به مولای خودم حضرت صادق علیه السلام که بهترین دعاها در این شب کدام است فرمود هر گاه به جا آوردی نماز عشا را پس دو رکعت نمازگذار بخوان در رکعت اول حمد و سوره جحد که قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ باشد و بخوان در رکعت دویم حمد و سوره توحید که قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ است پس چون سلام دادی بگو سُبْحَانَ اللَّهِ سِی و سه مرتبه و اَلْحَمْدُ لِلَّهِ سِی و سه مرتبه و اللَّهُ أَكْبَرُ سِی و چهار مرتبه پس بگو:

يَا مَنْ إِلَيْهِ مَلْجَأُ الْعِبَادِ فِي الْمُهَمَّاتِ، وَإِلَيْهِ يَفْزَعُ الْخَلْقُ فِي الْمَلَمَّاتِ،

ای که به سوی او است پناه بندگان در کارهای اندوهخیز و به سوی او پناه برند خلائق در پیش آمدهای ناگوار

يَا عَالِمَ الْجَهْرِ وَالْخَفِيَّاتِ، وَ يَا مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ خَوَاطِرُ الْأَوْهَامِ،

ای دانای آشکار و نهان و ای که بر او پنهان نماند اندیشه‌هایی که در دلها افتد

وَتَصَرَّفُ الْخَطَرَاتِ، يَا رَبَّ الْخَلَائِقِ وَالْبَرِيَّاتِ، يَا مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ

و تصرف کردن آن خطرات ای پروردگار خلائق و آفریدگان ای که ملکوت

الْأَرْضِينَ وَالسَّمَوَاتِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أُمَّتُ الْيَكِّ بِلَا إِلَهٍ إِلَّا

زمینها و آسمانها بدست او است تویی خدایی که معبودی جز تو نیست بسویت توسل جویم به کلمه «لا اله الا انت» پس ای خدایی که معبودی جز تو نیست بگردان مرا در این شب از کسانی که بسویش نگرسته و مورد

أَنْتَ، فَيَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اجْعَلْنِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتُ إِلَيْهِ

فرحمت، و سمعت دُعَاةَهُ فَأَجَبْتَهُ، وَعَلِمْتَ اسْتِقَالَتَهُ فَأَقَلْتَهُ،

رحم خویش قرارش داده و دعایش شنیده و اجابت کرده و پشیمانیش را دانسته پس او را پذیرفته‌ای

وَتَجَاوَزْتَ عَنْ سَالِفِ خَطِيئَتِهِ وَعَظِيمِ جَرِيرَتِهِ فَقَدْ اسْتَجَرْتُ بِكَ

و از خطاهای گذشته‌اش و گناه بزرگش در گذشته ای پس من از گناهانم به تو پناهانده شده

مِنْ ذُنُوبِي، وَلَجَأْتُ إِلَيْكَ فِي سِتْرِ عِيُوبِي، اَللَّهُمَّ فَجُدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ

و به تو ملتی گشته‌ام در اینکه عیوبم را بپوشانی خدایا پس جود کن بر من به کرم خود

وَفَضْلِكَ، وَاحْطُطْ خَطَايَايَ بِحِلْمِكَ وَعَفْوِكَ، وَتَعَمَّدَنِي فِي هَذِهِ

و فضلت و بریز خطاهای مرا به بردباری و گذشت خویش و فراگیر مرا در این

اللَّيْلَةَ بِسَابِغِ كَرَامَتِكَ، وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ أَوْلِيَاءِكَ، الَّذِينَ اجْتَنَبْتَهُمْ

شب به فراوان کرمت و بگردان مرا در این شب از آن دوستانت که آنان را برای طاعت خویش برگزیده

لِطَاعَتِكَ، وَاخْتَرْتَهُمْ لِعِبَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَالِصَتَكَ وَصِفْوَتَكَ، اَللّٰهُمَّ

و برای پرستش انتخاب فرمودی و ایشان را جزء خاصان درگاه و برگزیدگان قراردادی خدایا

اجْعَلْنِي مِمَّنْ سَعَدَ جَدُّهُ، وَتَوَفَّرَ مِنَ الْخَيْرَاتِ حَظُّهُ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ

بدار مرا از آن کسانی که کوششش به جایی رسیده و از نیکیها بهره فراوان نصیبش گشته و به گردانم از

سَلِمَ فَنَعِمَ، وَفَازَ فَعَنِمَ، وَاكْفِنِي شَرَّ مَا اسْأَلْتُ، وَاعْصِمْنِي مِنَ الْاِزْدِيَادِ

آنانکه تندرست شده و متنعم و رستگار و بهره‌مند گشته و کفایت کن مرا از شر آنچه کرده‌ام و نگاهم‌دار از افزودن

فِي مَعْصِيَتِكَ، وَحَبَّبَ اِلَيَّ طَاعَتِكَ، وَمَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ، وَيُزِلُّفَنِي عِنْدَكَ،

در نافرمانیت و دوست‌گردان نود من فرمانبرداریت را و آنچه مرا به تو نزدیک و مقرب درگاهت گرداند

سَيِّدِي اِلَيْكَ يَلْبِغُ الْهَارِبُ، وَمِنْكَ يَلْتَمِسُ الطَّالِبُ، وَعَلَى كَرَمِكَ

آقای من به سوی تو پناه آرد شخص گریز پای و از تو عاجزانه طلب کند جوینده و بر کرم تو

يُعَوِّلُ الْمُسْتَقِيلُ التَّائِبُ اَدَّبَتَ عِبَادَكَ بِالتَّكْرُمِ، وَأَنْتَ اَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ،

تکیه کند شخص عذرخواه و توبه‌کننده ادب کردی بندگانت را به کرم و رززی به آنها و تو کریمترین کریمانی

وَأَمَرْتُ بِالْعَفْوِ عِبَادَكَ وَأَنْتَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ، اَللّٰهُمَّ فَلَا تُخْرِمْنِي مَا

و تو خود به بندگانت دستور گذشت دادی و خود آمرزنده و مهربانی خدایا پس مرا از آنچه از

رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِكَ، وَلَا تُؤَيِّسْنِي مِنْ سَابِغِ نِعَمِكَ، وَلَا تُخَيِّبْنِي مِنْ

کرمت امید دارم محروم مکن و از نعمت‌های ریزانت مأیوسم مدار و از بهره‌های فراوانت که در

جَزِيلِ قَسَمِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْنِي فِي جُنَّةٍ مِنْ

این شب برای فرمانبرداریت مقرر داشته‌ای بی‌بهرام مساز و مرا در پناهگاه محکمی از آزار مخلوقات

شِرَارِ بَرِيَّتِكَ، رَبِّ اِنْ لَمْ اَكُنْ مِنْ اَهْلِ ذَلِكِ، فَانْتَ اَهْلُ الْكَرَمِ وَالْعَفْوِ

شوروت قرار ده پروردگارا اگر من چنین شایستگی ندارم ولی تو شایسته کرم و گذشت و

وَالْمَغْفِرَةِ، وَجَدُّ عَلِيٍّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ، لَا بِمَا اسْتَحِقَّهُ، فَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي

آمزشی و فرو ریز بر من بدانچه تو شایسته آنی نه بدانچه من سزاوار آنم زیرا براستی گمان من نیک است

بِكَ، وَتَحَقَّقَ رَجَائِي لَكَ، وَعَلَقْتُ نَفْسِي بِكَرَمِكَ، فَأَنْتَ أَرْحَمُ

و امیدم درباره تو محکم شده و جانم به سر رشته کرم تو آویخته است پس تویی مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ، اللَّهُمَّ وَأَخْصُنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَزِيلِ

مهربانان و کریمترین کریمان خدایا مرا مخصوص بدار از کرم خویش به بهره‌های فراوان

قِسْمِكَ، وَأَعُوذُ بِعَفْوِكَ. مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَاغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الَّذِي يَحْبِسُ

و تقسیمهای شایانت و از کیفر تو به عفو تو پناه می‌برم و بیمارز برابم آن گناهی را که عادت بد (مانند دروغ) را بر من

حبس

عَلَى الْخُلُقِ، وَيُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزْقَ، حَتَّى أَقُومَ بِصَالِحِ رِضَاكَ، وَأَنْعَمَ

کند و روزی را بر من تنگ سازد تا من به خوشنودی شایسته تو اقدام کنم و به عطای فراوانت

بِجَزِيلِ عَطَائِكَ، وَأَسْعِدَ بِسَابِغِ نِعْمَائِكَ، فَقَدْ لَذْتُ بِكَرَمِكَ

متنعم گردم و به نعمتهای بسیار خوشبخت شوم زیرا من به آستان تو پناه آوردم

وَتَعَرَّضْتُ لِكَرَمِكَ، وَاسْتَعَدْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَبِحِلْمِكَ مِنْ غَضَبِكَ فَجَدُّ

و به کرم تو آویختم و به گذشت تو پناه جستم از ترس کیفرت و به بردباریت پناه جستم از خشمت پس به من عطا کن

بِمَا سَأَلْتُكَ، وَأَنْبِلُ مَا التَّمَسْتُ مِنْكَ، أَسْأَلُكَ بِكَ لَا بِشَيْءٍ هُوَ أَعْظَمُ مِنْكَ

آنچه را از تو خواستم و به من برسان آنچه را از تو خواهش کردم تو را به خودت سوگند دهم چون چیزی از تو بزرگتر

نیست

پس به سجده می‌روی و می‌گوئی يَا رَبِّ بَيْسَتْ مَرْتَبَةٌ يَا اللَّهُ

هفت مرتبه لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ هفت مرتبه مَا شَاءَ اللَّهُ ده مرتبه لَا قُوَّةَ إِلَّا

بِاللَّهِ ده مرتبه پس صلوات می‌فرستی بر پیغمبر و آل او علیهم السلام و

می‌خواهی از خدا حاجت خود را پس قسم به خدا که اگر حاجت بخواهی بسبب

این عمل به عدد قطرات باران هر آینه برساند به تو خداوند عَزَّوَجَلَّ آن حاجتها را بکرم عمیم وفضل جسیم خود یازدهم شیخ طوسی و کفعمی فرموده‌اند که
بخواند در این شب:

إِلَهِي تَعَرَّضَ لَكَ فِي هَذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ، وَقَصَدَكَ الْقَاصِدُونَ،

خدایا خواهندگان در این شب به درگاه تو آمدند و قاصدان تو را مقصد

وَأَمَّلَ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ الطَّالِبُونَ، وَلَكَ فِي هَذَا اللَّيْلِ

خویش قرار دادند و خواهش‌مندان فضل و نیکی تو را آرزو کردند و تو در این شب

نَفَحَاتٌ وَجَوَازٌ وَعَطَايَا وَمَوَاهِبٌ، تَمَنُّ بِهَا عَلَيَّ مَنْ تَشَاءُ

بخششها و جوایز و عطاهایی و بهره‌هایی داری که به هر یک از بندگانت بخواهی

مِنْ عِبَادِكَ، وَتَمَنُّعُهَا مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنَايَةَ مِنْكَ، وَهَا أَنَا ذَا عُبَيْدِكَ

عطا خواهی کرد و از آن کس که عنایت تو نسبت به او سبقت نگرفته است آن را باز داری و من اینک آن بنده کوچک

الْفَقِيرُ إِلَيْكَ، الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ، فَإِنْ كُنْتُ يَا مَوْلَايَ تَفَضَّلْتَ،

و نیازمند درگاه تو و آرزومند فضل و نیکی تو هستم پس ای مولای من اگر بنا داری

فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَعَدْتَّ عَلَيْهِ بِعَائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ،

در این شب بر کسی از خلق خویش تفضلی فرمایی و جایزه‌ای از روی مهر و عطوفت به او بدهی پس درود

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، الْخَيْرِينَ الْفَاضِلِينَ، وَجُدْ

فرست بر محمد و آل محمد آن پاکان پاکیزه برگزیده برتر و از نعمت و نیکی خویش

عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَمَعْرُوفِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ

بر من نیز لطف فرما ای پروردگار جهانیان و درود خدا بر محمد خاتم پیامبران

النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا، إِنَّ اللَّهَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي

و بر آل پاکش و تحیت فراوان که همانا خداوند ستوده و بزرگوار است خدایا

أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَ فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَ، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

من تو را می‌خوانم چنانچه دستور فرمودی پس دعایم را مستجاب کن چنانکه وعده فرمودی که براستی تو خلف وعده نمی‌کنی

و این دعائیست که در سحرها در عقب نماز شفع خوانده می‌شود.
دوازدهم بخواند بعد از هر دو رکعت از نماز شب و شفع و بعد از دعاهای وتر
دعاهائی را که شیخ و سید نقل کرده‌اند.

سیزدهم بجا آورد سجده‌ها و دعاهایی را که از رسول خداصلی الله علیه و آله روایت شده از جمله روایتی است که شیخ از حمّاد بن عیسی از ابان بن تغلب روایت کرده که گفت حضرت صادق علیه السلام فرمودند شب نیمه شعبانی داخل شد و بود رسول خداصلی الله علیه و آله در آن شب نزد عایشه همین که نصف شب شد برخاست رسول خداصلی الله علیه و آله از رختخواب خود برای عبادت پس چون بیدار شد عایشه یافت که پیغمبرصلی الله علیه و آله بیرون رفته از رختخواب او و داخل شد بر او آنچه که فرو گیرد زنها را یعنی غیرت و گمان کرد که آن حضرت رفته پیش بعض زنهاى خود پس برخاست و پیچید بر خود شمله یعنی چادر خود را و قسم به خدا که شمله او از ابریشم و کتان و پنبه نبود ولکن تار آن مو و پود آن از گرکهای شتر بود و جستجو می‌کرد رسول خداصلی الله علیه و آله را در حجره‌های زنهاى دیگرش حجره به حجره پس در این بین که در جستجوی آن حضرت بود به ناگاه نظرش افتاد بر رسول خداصلی الله علیه و آله که در سجده است مثل جامه‌ای که چسبیده شده بر روی زمین پس نزدیک آن حضرت شد شنید که می‌گوید در سجده خود:

سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَخِيَالِي، وَأَمَّنْ بِكَ فَوَادِي، هَذِهِ يَدَايَ وَمَا جَنَيْتُهُ

به خاک افتاد برای تو سراپایم و اندیشه‌ام و ایمان آورد به تو دلم، این است هر دو دستم و آنچه جانی که

عَلَى نَفْسِي، يَا عَظِيمُ [عَظِيمًا] تُرْجِي لِكُلِّ عَظِيمٍ، اغْفِرْ لِي الْعَظِيمَ، فَإِنَّهُ

بر خویش کردم ای بزرگی که در هر کار بزرگی امید به او است بیامرز گناه بزرگم را که

لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا الرَّبُّ الْعَظِيمُ

نیامرزد گناه بزرگ را جز پروردگار بزرگ

پس بلند کرد سر خود را و دوباره برگشت به سجده و شنید عایشه که می گوید:

أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَتْ لَهُ

پناه برم به نور ذات تو که روشن شد بدو آسمانها

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضُونَ وَأَنْكَشَفَتْ لَهُ الظُّلُمَاتُ، وَصَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ

و زمینها و برجیده شد بدو تاریکیها و اصلاح شد بدو کار اولین

وَالْآخِرِينَ مِنْ فُجَاءَةِ نَقْمَتِكَ، وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ، وَمِنْ زَوَالِ

و آخرین از ناگهانی رسیدن عذابت و از پا برجا شدن تندرستی تو و از زائل شدن

نِعْمَتِكَ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا تَقِيًّا تَقِيًّا، وَمِنْ الشَّرْكِ بَرِيئًا لَا كَافِرًا وَلَا

نعمتت خدایا روزیم گردان دلی پاک و پاکیزه و مبرای از شرک که نه کافر باشد و نه اهل

شَقِيًّا، پس بر خاک نهاد دو طرف روی خود را و گفت: عَقَرْتُ وَجْهِي فِي التُّرَابِ

شقاوت * * * * * مالیدم به خاک رویم را

وَحَقُّ لِي أَنْ أَسْجُدَ لَكَ پس همین که خواست رسول خداصلی الله علیه وآله

و بر من سزا است که برایت سجده کنم * * * * *

بر گردد شتافت عایشه به سوی رختخواب خود پس رسول خداصلی الله علیه

وآله آمد به رختخواب او و شنید که نفس بلند می زند فرمود چیست این نفس

بلند آیا نداسته ای که چه شبی است امشب این شب نیمه شعبان است که در آن

قسمت می شود روزیها و در آن نوشته می شود اَجَلْهَا و در آن نوشته می شود
 روندگان به حج و بدرستی که خدای تعالی می آمرزد در این شب از خلق خود
 بیشتر از عدد موهای بُزهای قبیله کَلْب و می فرستد خدای تعالی ملائکه خود را
 از جانب آسمان به سوی زمین در مکه چهاردهم نماز جناب جعفر را به جا آورد
 چنانکه شیخ از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده.

پانزدهم بجا آورد نمازهای این شب را و آن بسیار است از جمله نمازیست که
 روایت کرده ابویحیی صَنَعَانی از حضرت باقر و صادق علیهما السلام و هم
 روایت کرده اند از آن دو بزرگوار سی نفر از کسانی که وثوق و اعتماد است به
 ایشان که آن دو بزرگوار فرمودند که هرگاه شب نیمه شعبان شد پس بجا آور
 چهار رکعت نماز، بخوان در هر رکعت حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ صد مرتبه پس

چون فارغ شدی بگو

اَللّٰهُمَّ اِنِّى الْيَكْفَقِيْرُ، وَمِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ مُّسْتَجِيْرٌ، اَللّٰهُمَّ لَا تُبَدِّلْ

خدایا من به درگاہت نیازمندم و از عذاب و شکنجهات ترسان و پناه خواهم خدایا نامم را (از زمره موحدان)

اِسْمِى، وَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِى، وَلَا تَجْهَدْ بِلَائِى، وَلَا تُشْمِتْ بى اَعْدَائِى، اَعُوْذُ

عوض مکن و جسمم را دگرگون مکن و آزمایشم را سخت مکن و دشمن شادم مفرما

بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ، وَاَعُوْذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ، وَاَعُوْذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ،

پناه می برم به عفوَت از کیفرت و پناه می برم به رحمتت از عذابت و پناه می برم به خوشنودیت از خشمت

وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْكَ جَلِّ ثَنًا وُكِّ، اَنْتَ كَمَا اَثْنَيْتَ عَلٰى نَفْسِكَ، وَفَوْقَ مَا يَقُوْلُ الْقَائِلُوْنَ

و پناه می برم به خودت از خودت مدح تو والا است و تو چنانی که خود ثنائی خود کرده ای و بالاتر از آنی که مردم

گویند

و بدان که فضیلت بسیار وارد شده برای خواندن صد رکعت نماز در این شب
در هر رکعتی یک مرتبه حمد و ده مرتبه توحید و گذشت در ماه رجب
دستورالعمل شش رکعت نماز در این شب بحمد و یس و تبارک و توحید روز
نیمه شعبان عید مولود شریف امام دوازدهم مَوْلَانَا وَإِمَامُنَا الْمَهْدِيُّ حضرت حجة
بن الحسن صاحب الزَّمان صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ است:

وَيُسْتَحَبُّ زِيَارَتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كُلِّ زَمَانٍ وَمَكَانٍ، وَالِدُعَاءُ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ عِنْدَ
و مستحب است زیارت آن حضرت علیه السلام در هر زمان و مکان و در هر جا و دعا برای تعجیل ظهور آن حضرت در

زِيَارَتِهِ وَتَتَاكُدُ زِيَارَتُهُ فِي السَّرْدَابِ بِسُرْمَنْ رَايَ وَهُوَ الْمُتَيْقِنُ ظُهُورُهُ
هنگام زیارت و بخصوص تأکید شده به زیارت آن حضرت در سرداب سامراء، و ظهور آن حضرت

وَتَمْلُكُهُ، وَأَنَّهُ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا

و فرمانروایش مسلم است و او است که زمین را پر از عدل و داد کند چنانچه پر شده باشد از ستم و بیدادگری

در اعمال بقیه این ماه است:

از حضرت امام رضاعلیه السلام منقولست که هر که سه روز از آخر ماه شعبان
روزه بدارد و به ماه مبارک رمضان وصل کند حق تعالی ثواب روزه دو ماه
متوالی برای او بنویسید و ابوالصّلت هروی روایت کرده است که در جمعه آخر
ماه شعبان به خدمت حضرت امام رضاعلیه السلام رفتم حضرت فرمود که ای
ابوالصّلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعه آخر آن است پس تدارک و تلافی
کن در آنچه از این ماه مانده است تقصیرهایی را که در ایّام گذشته این ماه
کرده‌ای و بر تو باد که رو آوری بر آنچه نافعست برای تو و دعا و استغفار
بسیار بکن و تلاوت قرآن مجید بسیار بکن و توبه کن بسوی خدا از گناهان

خود تا آنکه چون ماه مبارک در آید خالص گردانیده باشی خود را از برای خدا و مگذار در گردن خود امانت و حق کسی را مگر آنکه ادا کنی و مگذار در دل خود کینه کسی را مگر آنکه بیرون کنی و مگذار گناهی را که می کرده‌ای مگر آنکه ترک کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و آشکار امور خود و هر که بر خدا توکل کند خدا بس است او را و بسیار بخوان در بقیه این

ماه این دعا را:

اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فَيَمَا مَضَىٰ مِنْ شَعْبَانَ، فَاغْفِرْ لَنَا فَيَمَا بَقِيَ مِنْهُ.

خدایا اگر در آن قسمت از ماه شعبان که گذشته ما را نیامرزیده‌ای در آن قسمت که از این ماه مانده بیامرزمان

بدرستی که حق تعالی در این ماه آزاد می‌گرداند بندهای بسیار از آتش جهنم برای حرمت ماه مبارک رمضان و شیخ از حارث بن مُعِیْرَةَ نَضْرَى روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام می‌خواند در شب آخر شعبان و شب اول ماه

رمضان:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ الَّذِي اُنزِلَ فِيْهِ الْقُرْآنُ،

خدایا این ماه مبارکی که قرآن در آن نازل گشته آن قرآنی که

وَجُعِلَ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ قَدْ حَضَرَ، فَسَلِّمْنَا

راهنمای مردم گردیده و نشانه‌های روشنی از راهبری و جدا کردن میان حق و باطل است فرا رسیده پس ما را در این ماه

فِيْهِ وَسَلِّمْنَا، وَتَسَلِّمُهُ مِنَّا فِيْ يُسْرٍ مِّنْكَ وَعَافِيَةٍ، يَا مَنْ اَخَذَ الْقَلِيلَ

سالم بدار و آن را در حال آسانی و تندرستی از ما بگیر ای که بگیرد اندک را

وَشَكَرَ الْكَثِيْرَ، اِقْبَلْ مِنِّي الْيُسْرَىٰ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَلْكَ اَنْ تَجْعَلَ لِيْ اِلَىٰ

و بسیار قدردانی کند، این طاعت اندک را از من بپذیر خدایا از تو خواهم که برای من بسوی هر

كُلِّ خَيْرٍ سَبِيْلًا، وَمِنْ كُلِّ مَا لَا تُحِبُّ مَانِعًا، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، يَا مَنْ

کار خیری راهی و از هر چه دوست نداری سر را هم مانعی قرار دهی ای مهربانترین مهربانان ای که

عَفَا عَنِّي وَعَمَّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْنِي

گذشتی از من و از آن کارهای زشتی که در پنهانی کردم ای که مرا به سبب دست زدن

بَارِتِكَابِ الْمَعَاصِي، عَفُوكَ عَفُوكَ عَفُوكَ، يَا كَرِيمُ الْهِبِي

به گناهان نگیری گذشت، گذشت، گذشت تو را خواهانم ای بزرگوار خدایا

وَعَظَّتْنِي فَلَمْ أَتَعْظُ وَزَجَرْتَنِي عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ، فَمَا عُدْرِي

مرا پند دادی ولی من پند نگرفتم و از کارهای حرام خود بازم داشتی ولی من بازنیاستادم پس چه عذری

فَاعْفُ عَنِّي يَا كَرِيمُ، عَفُوكَ عَفُوكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ

به درگاهت دارم ای کریم از من گذشت کن که عفو تو را خواهانم خدایا از تو درخواست دارم آسودگی

الْمَوْتِ، وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ، عَظَّمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسُنِ

هنگام مرگ و گذشت در وقت حساب را بزرگ است گناه از بندهات پس باید گذشت

التَّجَاوُزُ مِنْ عِنْدِكَ، يَا اَهْلَ التَّقْوَى وَيَا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ، عَفُوكَ عَفُوكَ،

از جانب تو نیز نیکو باشد ای شایسته پرهیزگاری و ای شایسته آموزش عفو تو گذشت را خواهانم

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ عَبْدُكَ بَنُ عَبْدِكَ بَنُ اُمَّتِكَ، ضَعِيفٌ فَقِيرٌ اِلَى رَحْمَتِكَ،

خدایا من بنده و فرزند بنده و فرزند کنیز توأم ناتوان و نیازمند مهر تو هستم

وَأَنْتَ مُنْزِلُ الْغِنَى وَالْبَرَكَاتِ عَلَى الْعِبَادِ، قَاهِرٌ مُّقْتَدِرٌ، أَحْصَيْتَ

و تویی که دارایی و برکت بر بندگانت فرو فرستی و تو چیره و توانایی کارهای بندگانت را

أَعْمَالَهُمْ، وَقَسَمْتَ أَرْزَاقَهُمْ، وَجَعَلْتَهُمْ مُخْتَلِفَةً السَّنْتَهُمْ وَالْوَالَهُمْ،

شماره‌داری و روزیشان را قسمت کرده و زبانها و رنگهانشان را متفاوت کردی

خَلَقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقِ وَلَا يَعْلَمُ الْعِبَادُ عِلْمَكَ، وَلَا يَقْدِرُ الْعِبَادُ قُدْرَكَ،

آفرینی پس از آفرینش دیگر و بندگانت دانش تو را ندارند و قدر تو را ندانند

وَكُنَّا فَقِيرٌ اِلَى رَحْمَتِكَ، فَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ

و همه ما نیازمند رحمت هستیم پس ای خدا رو از من مگردان و مرا در کردار

صَالِحِي خَلْقِكَ، فِي الْعَمَلِ وَالْأَمَلِ وَالْقَضَاءِ وَالْقَدَرِ، اَللّٰهُمَّ اَبْنِي

و آرزو و امور مربوط به قضا و قدر از شایستگان خلق خویش قرارم ده خدایا زنده‌ام بدار

خَيْرَ الْبَقَاءِ وَاَفْنِي خَيْرَ الْفَنَاءِ عَلٰی مُوَالَاةِ اَوْلِيَائِكَ، وَمُعَادَاةِ اَعْدَائِكَ،

به بهترین وضع زندگی و بمیرانم به بهترین مردن (یعنی) با دوستی دوستانت و دشمنی با دشمنانت

وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ، وَالرَّهْبَةَ مِنْكَ، وَالْخُشُوعَ وَالْوَفَاءَ وَالتَّسْلِيمَ لَكَ

و رغبت به درگاهت و ترس و خشوع از تو و وفاداری و تسلیم بودن در برابر

والتَّصَدِيقِ بِكِتَابِكَ، وَاتِّبَاعِ سُنَّةِ رَسُوْلِكَ، اَللّٰهُمَّ مَا كَانَ فِي قَلْبِي

و تصدیق کردن کتاب تو (قرآن) و پیروی از روش پیغمبرت خدایا آنچه در دل دارم

مِنْ شَكٍّ اَوْ رَيْبَةٍ، اَوْ جُحُوْدٍ اَوْ قُنُوْطٍ، اَوْ فَرَحٍ اَوْ بَدْحٍ اَوْ بَطْرٍ، اَوْ

از شک و تردید یا انکار یا ناامیدی یا خوشی یا گردن فرازی یا اسراف در خوشگذرانی یا

خِيْلًا اَوْ رِيَاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقَاقٍ اَوْ نِفَاقٍ، اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوْقٍ، اَوْ

خودبینی یا خودنمایی یا شهرت جویی یا ایجاد دو دستگی یا دورویی یا کفر یا فسق یا

عِصْيَانٍ اَوْ عَظْمَةٍ، اَوْ شَيْءٍ لَا تُحِبُّ، فَاسْئَلْكَ يَا رَبَّ اَنْ تُبَدِّلَنِي

گناه یا بزرگ‌طلبی یا چیزهای دیگری که تو دوست نداری پس ای پروردگارا از تو خواهم که آنرا تبدیل کنی

مَكَانَهُ اِيْمَانًا بُوْعْدِكَ، وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ، وَرِضًا بِقَضَائِكَ، وَزُهْدًا فِي

به ایمان به وعده‌ات و وفاداری به پیمانت و خوشنودی به قضاء و قدرت و پارسایی در

الدُّنْيَا، وَرَعْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَآثَرَةً وَطَمَٰنِيْنَةً وَتَوْبَةً نَّصُوْحًا، اَسْئَلُكَ

دنیا و اشتیاق بدانچه نزد تو است و فضیلتی و آرامشی و توبه خالص، این را از تو خواهم

ذٰلِكَ يَا رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ، اِلٰهِي اَنْتَ مِنْ حِلْمِكَ تُعْصِي، وَمِنْ كَرَمِكَ وَجُوْدِكَ

ای پروردگار جهانیان خدایا تو را بخاطر بردباریت نافرمانی کنی و به طمع جود و کرمیت اطاعت کنی

تُطَاعُ، فَكَأَنَّكَ لَمْ تُعْصَ، وَاَنَا وَمَنْ لَمْ يَعْصِكَ سَكَّانُ اَرْضِكَ، فَكُنْ عَلَيْنَا

پس گویا نافرمانیت نکرده‌اند و من با کسانی که نافرمانیت نکردند همه ساکنان زمین توئیم تو بر ما

بِالْفَضْلِ جَوَادًا، وَبِالْخَيْرِ عَوَادًا، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ،

به فضل خویش بخشنده باش و به نیکویی بازگردنده ای مهربانترین مهربانان و درود خدا بر محمد و آل او درودی

صَلْوَةٌ دَائِمَةٌ لَا تُحْصَى وَلَا تُعَدُّ، وَلَا يَقْدَرُ قَدْرَهَا غَيْرُكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

همیشگی که به شماره و عدد درنیاید و اندازه‌اش نتواند جز تو ای مهربانترین مهربانان

فصل سیّم

در فضیلت و اعمال ماه مبارک رمضان

شیخ صدوق به سند معتبره روایت کرده از حضرت امام رضا علیه السلام از پدران بزرگواران خود از حضرت امیرالمؤمنین علیه و علی اولاده السلام که فرمود خطبه‌ای خواند برای ما روزی حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله پس فرمود **أَيُّهَا النَّاسُ** بدرستی که رو کرده است به سوی شما ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش ماهی است که نزد خدا بهترین ماهها است و روزهایش بهترین روزها است و شبهایش بهترین شبها است و ساعتهاش بهترین ساعتها است و آن ماهیست که خوانده‌اند شما را در آن بسوی ضیافت خدا و گردیده‌اید در آن از اهل کرامت خدا **نَفْسَها** شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما ثواب عبادت دارد و عملهای شما در آن مقبولست و دعاهاى شما در آن مستجابست پس سؤال کنید از پروردگار خود به نیتهای درست و دلهای پاکیزه از گناهان و صفات ذمیمه که توفیق دهد شما را برای روزه داشتن آن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستی که شقی و بد عاقبت کسی است که محروم گردد از آمرزش خدا در این ماه عظیم و یاد کنید به گرسنگی و تشنگی شما در

این ماه تشنگی و گرسنگی روز قیامت را و تصدّق کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم نمائید پیران خود را و رحم کنید کودکان خود را و نوازش نمائید خویشان خود را و نگاه دارید زبانهای خود را از آنچه نباید گفت و بیوشید دیده‌های خود را از آنچه حلال نیست شما را نظر کردن بسوی آن و بازدارید گوشهای خود را از آنچه حلال نیست شما را شنیدن آن و مهربانی کنید با یتیمان مردم تا مهربانی کنند بعد از شما با یتیمان شما و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید دستهای خود را به دعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نمازها بهترین ساعتها است نظر می‌کند حق تعالی در این اوقات به رحمت به سوی بندگان خود و جواب می‌گوید ایشان را هرگاه او را مناجات کند و بّیک می‌گوید ایشان را هرگاه او را ندا کنند و مستجاب می‌گرداند هرگاه او را بخوانند ای گروه مردمان بدرستی که جانهای شما در گرو کرده‌های شما است پس از گرو بدر آورید به طلب آمرزش از خدا و پشتهای شما گران بار است از گناهان شما پس سبک گردانید آنها را به طول دادن سجده‌ها و بدانید که حق تعالی سوگند یاد کرده است به عزّت و جلال خود که عذاب نکند نمازگذارندگان و سجده‌کنندگان در این ماه را و ترساند ایشان را به آتش جهنم در روز قیامت ایّها النّاس هر که از شما افطار دهد روزه‌دار مؤمنی را در این ماه از برای او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته .

پس بعضی از اصحاب گفتند یا رسول الله همه ما قدرت بر آن نداریم حضرت فرمود پرهیزید از آتش جهنم به افطار فرمودن روزه داران اگرچه به نصف دانه خرما باشد و اگر چه به یک شربت آبی باشد بدرستی که خدا این ثواب را می دهد کسی را که چنین کند اگر قادر بر زیاده از این نباشد أَيُّهَا النَّاسُ هر که خُلُق خود را در این ماه نیکو گرداند بر صراط آسان بگذرد در روزی که قدمها بر آن لغزد و هر که سبک گرداند در این ماه خدمت غلام و کنیز خود را خدا در قیامت حساب او را آسان گرداند و هر که در این ماه شرّ خود را از مردم باز دارد حق تعالی غضب خود را در قیامت از او باز دارد و هر که در این ماه یتیم بی پدری را گرامی دارد خدا او را در قیامت گرامی دارد و هر که در این ماه صلّه و احسان کند با خویشان خود خدا وصل کند او را به رحمت خود در قیامت و هر که در این ماه قطع احسان خود از خویشان خود بکند خدا در قیامت قطع رحمت خود از او بکند و هر که نماز سنتی در این ماه بکند خدا برای او برات بیزاری از آتش جهنم بنویسد و هر که در این ماه نماز واجبی را ادا کند خدا عطا کند به او ثواب هفتاد نماز واجب که در ماههای دیگر کرده شود و هر که در این ماه بسیار بر من صلوات فرستد خدا سنگین گرداند ترازوی عمل او را در روزی که ترازوهای اعمال سبک باشد و کسی که یک آیه از قرآن در این ماه بخواند ثواب کسی دارد که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد أَيُّهَا النَّاسُ بدرستی که درهای بهشت در این ماه گشاده است پس سؤال کنید از پروردگار خود که بروی شما نه بندد و درهای جهنّم در این ماه

بسته است پس سؤال کنید از پروردگار خود که بر روی شما نگشاید و شیاطین را در این ماه غُلّ کرده‌اند پس سؤال کنید از خدا که ایشان را بر شما مسلط نگرداند الخ.

و شیخ صدوق روایت کرده که چون ماه رمضان داخل می‌شد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آزاد می‌کرد هر اسیری که بود و عطا می‌نمود هر سائلی را مؤلف گوید که ماه رمضان ماه خداوند عالمیان است و شریفترین ماهها است و ماهیست که درهای آسمان و درهای بهشت و رحمت گشوده می‌شود و درهای جهنم بسته می‌شود و در آن شبی است که عبادت در آن بهتر است از عبادت در هزارماه.

پس تأمل نما که چگونه خواهی بود در شب و روز خود و چگونه نگاه می‌داری اعضاء و جواح خود را از معصیتهای پروردگار خود و مباداشبها در خواب باشی و روزها غافل از یاد خدا همانا در خبر است که در آخر هر روز از روزهای ماه رمضان در وقت افطار حق تعالی هزارهزار کس را از آتش جهنم آزاد می‌کند و چون شب جمعه و روز جمعه می‌شود در هر ساعتی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد می‌کند که هر یک مستوجب عذاب شده باشند و در شب و روز آخر ماه به عدد آنچه در تمام ماه آزاد کرده است آزاد می‌کند پس ای عزیز مبادا بیرون رود ماه رمضان و گناهان تو باقی مانده باشد و در هنگامی که روزه‌داران مرزدهای خود را بگیرند تو از جمله محرومان و زیانکاران باشی و تقرب بجوی بسوی خداوند تبارک و تعالی به تلاوت کردن قرآن مجید در شبها و روزهای

این ماه و به ایستادن به نماز و جِدِّ و جَهْدِ کردن در عبادت و بجا آوردن نمازها در اوقات فضیلت و کثرت استغفار و دعا فَعَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَنَّهُ مَنْ لَمْ يُعْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، لَمْ يُعْفَرْ لَهُ إِلَى قَابِلٍ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که در ماه رمضان آمرزیده نشود تا سال آینده آمرزیده نشود مگر آنکه در عرفات حاضر

شود

و نگاه دارد خود را از چیزهایی خدا حرام کرده است و از افطار کردن بر چیزهای حرام و رفتار کن به نحوی که مولای ما حضرت صادق علیه السلام وصیّت نموده و فرموده که هرگاه روزه‌داری می‌باید که روزه دارد گوش و چشم و مو و پوست و جمیع اعضای تو یعنی از محرّمات بلکه از مکروهات و فرمود باید که روز روزه تو مانند روز افطار تو نباشد و نیز فرموده که روزه نه همین از خوردن و آشامیدن است تنها بلکه باید در روز روزه نگاه دارید زبان خود را از دروغ و بیوشانید دیده‌های خود را از حرام و با یکدیگر نزاع مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله مکنید و سوگند دروغ مخورید بلکه سوگند راست نیز و دشنام مدهید و فحش مگوئید و ستم مکنید و بی‌خردی مکنید و دلتنگ مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش باشید از آنچه نباید گفت و صبر کنید و راستگو باشید و دوری کنید از اهل شرّ و اجتناب کنید از گفتار بد و دروغ و افتراء و خصومت کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن‌چینی کردن و خود را مُشْرِفِ به آخرت دانید و منتظر فَرَجِ و ظُهورِ قائم آلِ مُحَمَّدِ عَلَيْهِ السَّلَامِ باشید و آرزومند

ثوابهای آخرت باشید و توشه اعمال صالحه برای سفر آخرت بردارید و بر شما باد به آرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع و شکستگی و مذلت مانند بنده‌ای که از آقای خود ترسد و ترسان باشید از عذاب خدا و امیدوار باشید رحمت او را و باید پاک باشد ای روزه‌دار دل تو از عیبها و باطن تو از حیلها و مکرها و پاکیزه باشد بدن تو از کثافتها و بیزاری بجوی بسوی خدا از آنچه غیر اوست و در روزه ولایت خود را خالص گردانی از برای او و خاموش باشی از آنچه حق تعالی نهی کرده است تو را از آن در آشکارا و پنهان و بترسی از خداوند قهار آنچه سزاوار ترسیدن او است در پنهان و آشکار و ببخشی روح و بدن خود را به خدای عزوجلّ در ایّام روزه خود و فارغ گردانی دل خود را از برای محبت او و یاد او و بدن خود را به کارفرمائی در آنچه خدا تو را امر کرده است به آن و خوانده است بسوی آن اگر همه اینها را به عمل آوری آنچه سزاوار روزه داشتن است به عمل آورده‌ای و فرموده خدا را اطاعت کرده‌ای و آنچه کم کنی از آنها که بیان کردم از برای تو به قدر آن از روزه تو کم می‌شود از فضل آن و ثواب آن بدرستی که پدرم گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید که زنی در روز روزه‌ای جاریه خود را دشنام داد حضرت طعامی طلبید آن زن را گفت بخور زن گفت من روزه‌ام فرمود چگونه روزه‌ای که جاریه خود را دشنام دادی روزه از خوردن و آشامیدن تنها نیست بدرستی که حق تعالی روزه را حجابی گردانیده است از سایر امور قبیحه از کردار بد و گفتار بد چه بسیار کمند روزه‌داران و چه بسیارند گرسنگی کشندگان و حضرت امیرالمؤمنین علیه

السلام فرمود که چه بسیار روزه‌داری که بهره‌ای نیست او را از روزه به غیر از تشنگی و گرسنگی و چه بسیار عبادت کننده‌ای که نیست او را بهره‌ای از عبادت به غیر تَعَبِ ای خوشا خواب زیرکان که بهتر از بیداری و عبادت احمقان است و خوشا افطار کردن زیرکان که بهتر از روزه داشتن بی‌خردان است و روایت شده از جابر بن یزید از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به جابر بن عبدالله فرمود ای جابر این ماه رمضانست هر که روزه بدارد روز آن را و بایستد به عبادت پاره‌ای از شبش را و باز دارد از حرام شکم و فَرَجِ خود را و نگاه دارد زبان خود را بیرون رود از گناهان خود مثل بیرون رفتن او از ماه جابر گفت یا رسول الله چه نیکو است این حدیث که فرمودی فرمود ای جابر و چقدر سخت است این شرطهایی که نمودم و بالجمله اعمال این ماه شریف در دو مطلب و یک خاتمه ذکر می‌شود.

در اَعْمَالِ مُشْتَرَكِهِ ماه مبارک رمضان

مطلب اوّل: در اَعْمَالِ مُشْتَرَكِهِ این ماه است و آن بر چهار قِسْم است:

قسم اوّل اعمالی است که در هر شب و روز این ماه بجا آورده می‌شود سید بن طاوس روایت کرده از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام که فرمودند می‌گوئی در ماه رَمَضَانَ از اوّل تا به آخر آن بعد از هر

فریضه:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ مَا أَبْتَغِيْتَنِي

خدایا روزیم گردان حج خانه کعبه را در این سال و در هر سال تا زنده هستم

فِي يُسِّرْ مِنْكَ وَعَافِيَةً، وَسَعَةً رِزْقٍ، وَلَا تُخَلِّني مِنْ تِلْكَ الْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ،

در آسایش و تندرستی از جانب تو و وسعت روزی و دورم مکن از این اماکن گرامی

وَالْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ، وَ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ فِي جَمِيعِ

و مشاهد شریفه و زیارت قبر پیامبرت که درود تو بر او و آتش باد در همه

حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَكُنْ لِي، اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ فِيمَا تَقْضِي وَتَقْدِرُ مِنْ

حاجتهای دنیا و آخرتم پشتیبان من باش خدایا از تو خواهم در آنچه بنا هست درباره اش حکم فرمائی و مقدر کنی در آن

الْاُمْرِ الْمَحْتُمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، مِنْ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَلَا يُبَدِّلُ، اَنْ

فرمان حتمی و مسلم در شب قدر از آن تقدیری که برگشت ندارد و تغییر نپذیرد که

تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حَجَّتِهِمْ، الْمَشْكُورِ سَعْيِهِمْ،

مرا از حاجیان خانه محترم کعبهات ثبت فرمائی آن حاجیانی که حجشان درست و سعیشان مورد تقدیر و سپاس است

الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي

و گناهانشان آمرزیده و کارهای بدشان بخشیده شده است و قرار ده در همان قضا

وَ تَقْدِرُ، اَنْ تُطِيلَ عُمُرِي، وَ تُوسِعَ عَلَيَّ رِزْقِي، وَ تُؤَدِّيَ عَنِّي اَمَانَتِي

و تقدیرات که عمر مرا طولانی گردانی و روزیم را فراخ کنی و امانت و قرضم را

وَدَيْنِي، اَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَ مِي خَوَانِي عَقِبَ نَمَازِهَاي فَرِيضَه: يَا عَلِيُّ يَا

اداء فرمائی، اجابت فرما ای پروردگار جهانیان * * * * * ای والا ای

عَظِيمُ، يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ، اَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ، الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ

بزرگ ای آمرزنده ای مهربان تویی پروردگار بزرگی که نیست مانند او چیزی

وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، وَ هَذَا شَهْرُ عَظَمَتِهِ وَ كَرَمَتِهِ، وَ شَرَفَتِهِ وَ فَضْلَتِهِ

و او شنوا و بینا است و این ماهی است که آنرا بزرگ و گرامی داشته و او را شرافت و برتری داده ای

عَلَى الشُّهُورِ، وَ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي فَرَضْتَ صِيَامَهُ عَلَيَّ، وَ هُوَ شَهْرُ

بر ماههای دیگر و این ماهی است که روزه آن را بر من واجب کرده و این ماه

رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنَ، هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ

رمضان است همان ماهی که قرآن را در آن فرو فرستادی آن قرآنی که راهنمای مردم و نشانه‌های روشنی از هدایت

وَالْفُرْقَانَ وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، فَيَا

و جدا ساختن (میان حق و باطل) است و قراردادی در این ماه شب قدر را و آن را بهتر از هزار ماه کردی پس ای

ذَالْمَنِّ وَلَا يُمَنَّ عَلَيْكَ، مَنْ عَلَيَّ بِفَكَاحٍ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، فِيمَنْ تَمَنُّ

منت داری که کسی بر تو منت ندارد منت نه بر من به آزاد ساختنم از آتش در میان آنانکه

عَلَيْهِ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. وشیخ کفعمی در مصباح

بر آنها منت نهی و داخل بهشتم گردان برحمت ای مهربانترین مهربانان * * * * *

و بلد الامین و شیخ شهید در مجموعه خود از حضرت رسول صلی الله علیه و آله

نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمود هر که این دعا را در ماه رَمَضَانَ بعد از هر

نماز واجبی بخواند حق تعالی بیامزد گناهان

او را تا روز قیامت و دعا این است: اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْ عَلٰى اَهْلِ الْقُبُوْرِ السَّرُوْرَ،

* * * * * خدایا بفرست بر خفتگان در گور نشاط و سرور

اَللّٰهُمَّ اَغْنِ كُلَّ فَقِيْرٍ، اَللّٰهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ اَللّٰهُمَّ اكْسُ كُلَّ عَرِيْانٍ،

خدایا دارا کن هر نداری را خدایا سیر کن هر گرسنه‌ای را خدایا پوشان هر برهنه را

اَللّٰهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدِيْنٍ، اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَن كُلِّ مَكْرُوْبٍ، اَللّٰهُمَّ رُدِّ

خدایا ادا کن قرض هر قرضداری را خدایا بگشا اندوه هر غمزده را خدایا به وطن بازگردان هر

كُلِّ غَرِيْبٍ، اَللّٰهُمَّ فُكِّ كُلِّ اَسِيْرٍ، اَللّٰهُمَّ اصْلِحْ كُلَّ فَاْسِدٍ مِّنْ اُمُوْرٍ

دور از وطنی را خدایا آزاد کن هر اسیری را خدایا اصلاح کن هر فسادى را از کار

المُسْلِمِيْنَ، اَللّٰهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيْضٍ، اَللّٰهُمَّ سَدِّ قَفْرَنَا بِغِنَاكَ، اَللّٰهُمَّ

مسلمین خدایا درمان کن هر بیماری را خدایا ببند رخنه فقر ما را به وسیله دارائی خود خدایا

غَيْرُ سُوْءٍ حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكَ، اَللّٰهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدِّيْنَ، وَاغْنِنَا مِّنْ

بدی حال ما را بخوبی حال خودت مبدل کن خدایا ادا کن از ما قرض و بدهیمان را و بی‌نیازمان کن از

مَعَ أَوْلِيَاءِكَ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَقْتُلَ بِي أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ وَأَسْأَلُكَ

با دوستانت کشته شوم و از تو خواهم که دشمنان خود و دشمنان پیامبرت را بدست من بکشی و از تو خواهم

أَنْ تُكْرِمَنِي بِهَيْوَانٍ مِّنْ شَيْءٍ مِّنْ خَلْقِكَ، وَلَا تُهِنِّي بِكِرَامَةِ أَحَدٍ مِّنْ

که مرا گرامی داری بخوار کردن هر یک از خلق خود که خواهی ولی خوادم نکنی به گرامی داشتن هیچیک از

أَوْلِيَاءِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً حَسْبِيَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ.

دوستانت خدایا قرار ده برای من با پیامبرت راهی خدا مرا بس است و آنچه خواهد شود

مؤلف گوید: که این دعاء موسوم به دعای حجّ است سیّد در اقبال از حضرت

صادق علیه السلام روایت کرده خواندن آن را در شبهای ماه رمضان بعد از

مغرب و کفعمی در بلدالأمین گفته که مستحب است خواندن آن در هر روز از

ماه رمضان و در شب اول نیز و شیخ مفید در مقنعه برای خصوص شب اول نقل

کرده بعد از نماز مغرب و بدانکه بهترین اعمال در شبها و روزهای ماه مبارک

رمضان خواندن قرآن است و بسیار باید خواند چه آنکه قرآن در این ماه نازل

شده است و وارد شده که هر چیزی را بهاریست و بهار قرآن ماه رمضانست و

در ماههای دیگر هر ماهی یک ختم سنت است و اقلّش شش روز است و در ماه

رمضان در هر سه روز یک ختم سنت است و اگر روزی یک ختم تواند بکند

خوبست علامه مجلسی رحمه الله فرموده که در حدیث است که بعضی از

ائمّه علیهم السلام در این ماه چهل ختم قرآن و زیاده می کردند و اگر هر ختم

قرآنی را ثوابش را به روح مقدّس یکی از چهارده معصوم علیهم السلام هدیه

کند ثوابش مضاعف گردد و از روایتی ظاهر می شود که اجر چنین کسی آن

است که با ایشان باشد در روز قیامت و در این ماه دعا و صلوات و استغفار

بسیار باید نمود و لایلهَ اَلَّا اللّهُ بسیار باید گفت و روایت شده که جناب امام زین‌العابدین ۷ چون ماه رمضان داخل می‌شد تکلم نمی‌کرد مگر به دعاء و تسبیح و استغفار و تکبیر و باید اهتمام بسیار نمود به عبادت و نافله‌های شب و روز.

قسم دویم اعمالیست که در شبهای ماه رمضان باید بجا آورد و آن چند امر است:

اول افطار است و مستحب است که بعد از نماز شام افطار کند مگر آنکه ضعف بر او غلبه کرده باشد یا جمعی منتظر او باشند .

دوم آنکه افطار کند با چیز پاکیزه از حرام و شُبّهات و بهتر آنست که به خرمای حلال افطار کند تا ثواب نمازش چهارصد برابر گردد و به خرما و آب و به رطب و به لبن و به حلوا و به نبات و به آب گرم به هر کدام که افطار کند نیز خوبست.

سیم آنکه در وقت افطار دعاهای وارده آنرا بخواند از جمله آنکه بگوید:

اللّهُمَّ لَكَ صُمْتُ، وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ

خدایا برای تو روزه گرفتم و با روزی تو افطار کنم و بر تو توکل کنم

تا خدا عطا کند به او ثواب هر کسی را که در این‌روز روزه داشته و اگر دعای

اللّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ را که سید و کفعمی روایت کرده‌اند بخواند فضیلت

بسیار یابد و روایت شده که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هرگاه

می‌خواست افطار کند می‌گفت:

بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ لَكَ صُئْنَا، وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا، فَتَقَبَّلْ مِنَّا

خدایا برای تو روزه گرفتیم و با روزی تو افطار کنیم پس از ما بپذیر

إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ،

که براستی تو شنوا و دانایی

چهارم در لقمه اول بگوید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ یا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اِغْفِرْ لِي تا خدا او را بیامرزد و در خیر است که در آخر هر روز از روزهای ماه رمضان خدا هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد می‌کند پس از حق تعالی بخواه که تو را یکی از آنها قرار دهد.

پنجم در وقت افطار سوره قدر بخواند.

ششم در وقت افطار تصدق کند و افطار دهد روزه‌داران را اگر چه به چند دانه خرما یا شربت‌ی آب باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که کسی که افطار دهد روزه داری را از برای او خواهد بود مثل اجر آن روزه‌دار بدون آنکه از اجر او چیزی کم شود و هم از برای او خواهد بود مثل آن عمل نیکویی که بجا آورد آن افطار کننده به قوه آن طعام و آیه الله علامه حلی در رساله سَعْدِيَّة از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود هر مؤمنی که اطعام کند مؤمنی را لقمه‌ای در ماه رمضان بنویسد حق تعالی برای او اجر کسی که سی بنده مؤمن آزاد کرده باشد و از برای او باشد نزد حق تعالی یک دعای مستجاب.

هفتم در هر شب خواندن هزار مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ وَّارِد است.

هشتم در هر شب صد مرتبه حم دُخان را بخواند اگر میسر شود.
نهم سید روایت کرده که هر که این دعا را بخواند در هر شب ماه رمضان
آمرزیده شود گناهان چهل سال او:

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ، الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَأَفْتَرَضْتَ عَلَيَّ

خدایا ای پروردگار ماه رمضان که در آن قرآن را فرستادی و بر

عبادتک فيه الصيام، صلِّ على مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ

بندگان روزه را در این ماه واجب کردی درود فرست بر محمد و آل محمد و روزیم گردان حج خانه

الْحَرَامِ، فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَاعْفِرْ لِي تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ،

محترم خود کعبه را در این سال و در هر سال و بیامرز برایم این گناهان بزرگ را

فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ، يَا رَحْمَنُ يَا عَلَّامٌ.

که براستی نیامرزد آنها را جز تو ای بخشاینده و ای بسیار دانا

دهم در هر شب بخواند بعد از مغرب دعای حج را که در قسم اول گذشت.
یازدهم بخواند در هر شب از ماه رمضان :

اللَّهُمَّ إِنِّي أفتَحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ، وَأنتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنِّكَ، وَأَيَقِنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ

خدایا من ستایش را بوسیله حمد تو می‌گشایم و تویی که به نعمت‌بخشی خود بندگان را به درستی و اداری و یقین دارم

أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي

که براستی تو مهربانترین مهربانانی اما در جای گذشت و مهربانی ولی سخت‌ترین کیفرکننده‌ای در

مَوْضِعِ النِّكَالِ وَالنِّقْمَةِ، وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ

جای شکنجه و انتقام و بزرگترین جبارانی در جای بزرگی و

وَالْعِظَمَةِ، اللَّهُمَّ أَذِنْتَ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ

عظمت خدایا تو به من اجازه دادی در این که بخوانمت و از تو درخواست کنم پس ای خدای شنوا

مِدْحَتِي، وَأَجِبْ يَا رَحِيمٌ دَعْوَتِي، وَأَقِلْ يَا غَفُورٌ عَثْرَتِي، فَكَمْ يَا

مدح و ثنایم را بشنو و پاسخ ده ای مهربان خواستهم را و نادیده‌گیر ای آمرزنده لغزشم را ای

إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَهَا، وَهَمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقَلْتَهَا،

معبود من چه بسیار گرفتاری که برطرف کردی و چه بسیار اندوه که زدودی و لغزشها که چشم پوشیدی

وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا، وَحَلْقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتَهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ

و مهر و رحمت که گستردی و زنجیر بلا که از هم باز کردی ستایش خاص خدایی است که نگیرد

صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وُلِيٌّ

همسری و نه فرزندی و نیست برای شریکی در فرمانروایی و نیست برایش یاور

مِنَ الذُّلِّ، وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ

از خواری و به کمال بزرگی او را یاد کن ستایش خدای را به همه ستودگیهایش یکسر بر همه

نَعْمِهِ كُلِّهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ، وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِي

نعمتهایش یکسر ستایش برای خدایی است که ضد و دشمنی در پادشاهی او و ستیزه‌جویی در

أَمْرِهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ، وَلَا شَبِيهَ لَهُ فِي عَظَمَتِهِ،

فرمانش نیست ستایش خدایی را است که شریکی در خلقتش ندارد و شبیهی در عظمت او نیست

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ الظَّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ،

ستایش خاص خدایی است که هویدا است در میان خلق کارش و ستایشش و آشکار است به بزرگواری شوکتش

الْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدَهُ، الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ، وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ

و گشاده است دستش آنکه نقصان نپذیرد خزینه‌هایش و نیفزایدش بسیاری عطا

إِلَّا جُودًا وَكَرَمًا، إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ

مگر جود و بزرگواری برستی که او عزیز و بسیار بخشنده است خدایا از تو خواهم اندکی از

كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ، وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ،

بسیار با اینکه نیازمندم بدان بزرگ است و بی‌نیازی تو از آن قدیم و ازلی است و آن درخواست پیش من بسیار

وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَن ذَنْبِي، وَتَجَاوُزَكَ عَن

ولی در نزد تو اندک و آسان است خدایا برستی گذشت تو از گناهم و چشم‌پوشیت از

خَطِيئَتِي، وَصَفَحَكَ عَنْ ظُلْمِي، وَسَتِرَكَ عَلَى قَبِيحِ عَمَلِي، وَحَلَمَكَ

خطایم و نادیده گیری از ستمم و پرده پوشیت بر کار زشتم و بردباریت

عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطَايَ وَعَمْدِي اَطْمَعَنِي فِي اَنْ

در برابر جنایت و جرم بسیاریم که به خطا یا از روی تعمد کردم مرا به طمع انداخت تا از تو

اَسْئَلُكَ مَا لَا اَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ، اَلَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَاَرَيْتَنِي

درخواست کنم چیزی را که مستحق آن نیستم، درخواست کنم آنچه را که از رحمت روزی من کردی و

مَنْ قُدْرَتِكَ، وَعَرَفْتَنِي مِنْ اِجَابَتِكَ، فَصِرْتُ اَدْعُوكَ اَمِنًا، وَاَسْئَلُكَ

از قدرتت به من نمایاندی و از اجابت دعایت به من شناساندی و این سبب شد که من از روی اطمینان تو را بخوانم

مِسْتَأْنَسًا لَا خَائِفًا وَلَا وَجَلًا، مُدْلًا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ اِلَيْكَ،

و با تو انس گرفته بدون ترس و واهمه از تو حاجت بخوامم و تازه در مطلوب و مقصود خود با ناز و عشوه به

درگاہت آیم

فَاِنْ اِبْطَأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ، وَلَعَلَّ اَلَّذِي اِبْطَاعَنِي هُوَ خَيْرٌ لِي

و اگر حاجتم دیر برآید بواسطه نادانیم بر تو اعتراض کنم در صورتی که شاید دیر کردن آن برای من بهتر باشد زیرا

لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ اَلْاُمُورِ، فَلَمْ اَرَ مَوْلًا كَرِيمًا اَصْبَرَ عَلَيَّ عَبْدًا لَنِيْمٍ مِنْكَ

تو دانای به سرانجام کارها هستی و از اینرو من ندیدم مولای بزرگواری را که بر بنده پست خود شکیباتر از تو باشد

عَلَيَّ يَا رَبُّ، اِنَّكَ تَدْعُونِي فَاُوَلِّي عَنكَ، وَتَتَحَبَّبُ اِلَيَّ فَاتَبَعُضُ اِلَيْكَ،

بر من ای پروردگارم تو مرا می خوانی ولی من از تو رومی گردانم و تو به من دوستی می کنی ولی من با تودشمنی می کنم

وَتَوَدَّدُ اِلَيَّ فَلَا اَقْبَلُ مِنْكَ، كَاَنَّ لِي التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ، فَلَمْ يَمْنَعَكَ ذَلِكَ

و تو به من محبت کنی و من نپذیرم گویا من متنی بر تو دارم و باز این احوال باز ندارد تو را از

مِنَ الرَّحْمَةِ لِي وَاَلْاِحْسَانِ اِلَيَّ، وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

مهر به من و و احسان بر من و بزرگواریت نسبت به من از روی بخشندگی و بزرگواریت

فَارْحَمَ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ، وَجُدَّ عَلَيْهِ بِفَضْلِ اِحْسَانِكَ، اِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ

پس بر بنده نادانت رحم کن و از زیادی احسانت بر او بخش که براستی تو بخشنده و بزرگواری

الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ، مُجْرِي الْفُلْكِ، مُسَخِّرِ الرِّيحِ، فَالِقِ الْأَصْبَاحِ،

ستایش خاص خدا است که مالک سلطنت و روان کننده کشتی (وجود) و مسخرکننده بادها و شکافنده سپیده صبح

ذَيَّانِ الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ، وَالْحَمْدُ

و حکمفرمای روز جزا و پروردگار جهانیان است ستایش خدای را است که بردباریش پس از دانستن و ستایش

لِلَّهِ عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى طَوْلِ أَنَاتِهِ فِي غَضَبِهِ،

برای خدا است بر گذشتش با اینکه نیرومند است و ستایش برای خدا است بر زیادی تحمل و بردباریش در عین خشم

وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى مَا يُرِيدُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ، بَاسِطِ الرِّزْقِ، فَالِقِ

او با اینکه او بر هر چه بخواهد تواناست ستایش خدای را است که آفریننده خلق و گسترنده روزی و شکافنده

الْأَصْبَاحِ، ذِي الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، الَّذِي بَعْدَ فَلَا

صبح صاحب جلال و بزرگواری و فضل و نعمت بخشی آنکه دور است پس

يُرَى، وَقَرَّبَ فَشَهِدَ النَّجْوَى، تَبَارَكَ وَتَعَالَى، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ

دیده نشود و نزدیک است که مطلع از گفتگوهای سری است برتر و والا است ستایش خدایی را که نیست برای او

مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ، وَلَا شَبِيهٌ يُشَاكِلُهُ، وَلَا ظَهِيرٌ يُعَاضِدُهُ، قَهْرَ بَعِزَّتِهِ

ستیزجویی که با او برابری کند و نه شبیهی که هم شکل او باشد و نه پشتیبانی که کمکش کند به عزت خویش

الْأَعْزَاءِ، وَتَوَاضَعَ لِعِظْمَتِهِ الْعُظْمَاءُ، فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

چیره دستان را مقهور ساخته و در مقابل عظمتش بزرگان فروتنی کرده پس بوسیله نیرویش بهر جا که خواهد رسیده

الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ، وَيَسْتُرُّ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَأَنَا أَعْصِيهِ وَ

ستایش خدایی را که پاسخم دهد هرگاه بخوانمش و بپوشاند بر من هر زشتی را و من نافرمانیش کنم و

يُعْظِمُ النُّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ، فَكَمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ هَبَيْتَهُ قَدْ أَعْطَانِي،

بزرگ گرداند بر من نعمتش را ولی من پاداشش ندهم پس چه بسیار بخششهای جانبخشی که به من عطا فرمود

وَعَظِيمَةٌ مَخُوفَةٌ قَدْ كَفَانِي، وَبَهْجَةٌ مُونِقَةٌ قَدْ أَرَانِي، فَاتْنِي عَلَيْهِ

و چه پیش آمدهای بزرگ و هولناکی را که از من دور کرد و چه خوشبهای شگفت انگیزی که به من نمایاند او را

حَامِدًا، وَأَذْكَرُهُ مُسَبِّحًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ حِجَابُهُ وَلَا يُعْلَقُ

ستایش کنان ثنا گویم و تسبیح گویان یادش کنم ستایش خاص خدایی است که پرده‌اش دریده نشود و در خانه‌اش

بایه، وَلَا يَرُدُّ سَأَلَهُ، وَلَا يُخَيِّبُ أَمَلَهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ،

بسته نگردد و خواهنده‌اش رد نشود و آرزومندش نومید نگردد ستایش خاص خدایی است که هراسناکان را امان بخشد

وَيُنَجِّي الصَّالِحِينَ، وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ، وَ

و شایستگان را نجات دهد و ناتوان شمردگان را بلند کند و گردنکشان را زبون کند و

يُهْلِكُ مُلُوكًا وَيَسْتَخْلِفُ آخِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ، مُبِيرِ

شاهان را نابود کند و به جایشان دسته دیگری نشاند ستایش خدای را در هم شکننده سرکشان و نابودکننده

الظَّالِمِينَ، مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ، نَكَالِ الظَّالِمِينَ، صَرِيحِ الْمُسْتَضْرَحِينَ،

ستمکاران دریا بنده گریختگان کیفردهنده ظالمان فریادرس فریادخواهان

مَوْضِعِ حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ، مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ

جایگاه حاجتهای جویندگان تکیه‌گاه مؤمنان ستایش خدایی را است که

خَشِيَّتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاءُ وَ سَكَّانُهَا وَ تَرَجُّفُ الْأَرْضُ وَ عَمَّارُهَا،

از ترس او آسمان و ساکنانش غرش کنند و زمین و آباد کنندگانش بر خود بلرزند

و تَمَوْجُ الْبِحَارِ وَ مَنْ يَسْبِحُ فِي غَمْرَاتِهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا

و دریاها و آنانکه در قعر آنها شناوری کنند به جنبش و موج درآید ستایش خاص خدایی است که ما را به این (دین)

هدایت فرمود

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ،

و اگر او ما را هدایت نکرده بود ما بدان هدایت نمی شدیم ستایش خدایی را است که آفرید و خود آفریده نشده

وَيَرْزُقُ وَلَا يُرْزَقُ، وَيُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ، وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي

روزی دهد و کسی او را روزی ندهد و بخوراند و خود بی نیاز از خوراک است و بمیراند زندگان را و زنده کند

الْمُوتَى، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

مردگان را و او است زنده‌ای که نمیرد هرچه خیر است به دست او است و او برای هرچیز توانا است

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ

خدایا درود فرست بر محمد بندهات و پیامبرت و امین بر و حیت و پسندیده‌ات

وَحَبِيبِكَ، وَخَيْرَتِكَ مَنْ خَلَقِكَ، وَحَافِظِ سِرِّكَ، وَمُبَلِّغِ رِسَالَتِكَ، أَفْضَلَ

و حبیب و برگزیده‌ها از میان خلق و نگهدار رازت و رساننده پیام‌هایم برترین درود

وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ، وَأَكْمَلَ وَأَزْهَى وَأَنْمَى، وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى،

و بهترین و زیباترین و کاملترین و پاکیزه‌ترین و پررشدترین و خوشترین و پاکترین و بلندترین

وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ، وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ

و بیشترین درودی که فرستادی و بر کسی که دادی و ترحمی که کردی و عطفی که ورزیدی و ترحمی که فرستادی بر هر

یکی

مِنْ عِبَادِكَ، وَأَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ، وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ

از بندگانت و پیامبرانت و رسولانت و برگزیدگانت و گرامیان تو از میان

خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَصِيٍّ رَسُولِ رَبِّ

خلقت خدایا و درود فرست بر علی امیر مؤمنان و وصی فرستاده پروردگار

الْعَالَمِينَ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ،

جهانیان بنده تو و ولی تو و برادر پیامبر تو و حجت تو بر خلقت

وَأَيَّتِكَ الْكُبْرَى وَالنَّبَأَ الْعَظِيمَ، وَصَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ، فَاطِمَةَ

و نشانه بزرگت و نبأ عظیم (آن خبر بزرگ) و درود فرست بر صدیقه طاهره فاطمه (زهره)

سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ، وَإِمَامِي الْهُدَى،

بانوی زنان جهانیان و درود فرست بر دو سبط (پیامبر) رحمت و دو پیشوای هدایت

الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَصَلِّ عَلَى أئِمَّةِ

حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت و درود فرست بر پیشوایان

الْمُسْلِمِينَ، عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ،

مسلمانان علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد

وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيٍّ بْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيٍّ بْنِ

و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی

مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَالْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ حُجَجِكَ عَلَى

بن محمد و حسن بن علی و یادگار شایسته و راهنمای حضرت مهدی که اینها حجت‌های تو بر

عبادتک، و امانتک فی بلادک، صَلَوَةً كَثِيرَةً دَائِمَةً اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى

بندگان هستند و امین‌های تو در شهرها و بلاد تواند درودی فرست که بسیار و همیشگی باشد خدایا و بالخصوص درود

فرست

وَلِيِّ اَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَالْعَدْلِ الْمُنتَظَرِ، وَحَقَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ

برسرپرست دستورت آن امام قائم که مایه امید است و آن عدل و دادی که همه چشم‌براهش هستند و فراگیر او را به

فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ، وَايِدُهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ

مقرب حلقه‌وار و به روح القدس یاریش کن ای پروردگار جهانیان خدایا (وسائل آمدنش را) آماده کن

الدَّاعِيَ اِلَى كِتَابِكَ، وَاَلْقَائِمِ بِدِينِكَ، اسْتَخْلِفُهُ فِي الْاَرْضِ كَمَا

تا او به کتاب دعوت کند و به دین تو قیام کند و او را روی زمین جایگزین گردان چنانچه

اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ، مَكَانَهُ لَهٗ دِيْنُهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهٗ، اَبْدَلُهُ مِنْ

جایگزین کردی آنانکه پیش از او بودند و آن دینی را که برایش پسندیده‌ای بدست او پابرجا کن و پس از

بَعْدِ خَوْفِهِ اَمْنًا، يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا، اَللّٰهُمَّ اَعِزَّهُ وَاَعِزِّزْ بِهِ،

ترس و خوفی که داشته آسایش خاطری به او بده که با کمال خلوص تو را پرستش کند خدایا عزیزش گردان و دیگران

وَاَنْصُرُهُ وَاَنْتَصِرْ بِهِ، وَاَنْصُرُهُ نَصْرًا عَزِيْزًا، وَاَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيْرًا،

را به او عزیز کن یاریش کن و بوسیله او دیگران را یاری کن و بطور پیروزمندانه‌ای او را یاری کن و گشایش آسانی

وَاَجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا، اَللّٰهُمَّ اظْهَرِ بِهِ دِيْنَكَ وَسُنَّةَ

بهره‌اش کن و قرار ده برایش از نزد خود حکومتی نصرت‌آور خدایا بدو دین خود و روش

نَبِيِّكَ، حَتّٰى لَا يَسْتَخْفِيْ بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخٰفَةً اَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ،

پیامبرت را آشکار ساز بطوری که چیزی از امور حقه نماند که ناچار باشد از ترس مردم پنهانش کند

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَرْغَبُ اِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيْمَةٍ، تُعِزُّ بِهَا الْاِسْلَامَ وَاَهْلَهُ،

خدایا ما با تضرع و زاری به درگاهت از تو خواستاریم دولتی گرامی را که به وسیله آن اسلام و مسلمین

وَتُذَلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ،

را عزت بخشی و نفاق و منافقین را منکوب سازی و ما را در آن دولت از زمره خوانندگان مردم بسوی اطاعت تو

وَالْقَادَةَ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ مَا

از برندگان بسوی راه خود قرارمان دهی و بدان وسیله بزرگواری دنیا و آخرت را نصیب ما گردانندی خدایا آنچه را که

عَرَفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ وَمَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَبَلَّغْنَا، اللَّهُمَّ الْمُمْ بِه

از حق به ما شناساندهای تاب تحملش را نیز به ما بده و آنچه را که از رسیدن بدان کوتاه آمدیم تو ما را بدان برسان

شَعْتَنَا، وَأَشْعَبَ بِهٍ صَدَعَنَا وَارْتُقَ بِهٍ فَتَقْنَا، وَكَثُرَ بِهٍ قَلْتَنَا، وَأَعَزَّ بِهٍ

خدایا بدان حضرت پراکندگیمان را برطرف کن و گسیختگیمان را دور کن و پریشانی ما را بدو پیوست کن و کمی ما را

بدو زیاد کن

ذَلَّتْنَا، وَأَغْنِ بِهٍ عَائِلَنَا، وَأَقْضِ بِهٍ عَن مَّغْرَمِنَا، وَاجْبِرْ بِهٍ فَقْرَنَا، وَسُدِّ بِهٍ

وخواوری ما را بدو عزت بخش و نداری ما را بدو توانگری بخش و بدهی ما را بوسیله اش بپرداز و فقر ما را بدو جبران

کن

خَلَّتْنَا، وَيَسِّرْ بِهٍ عُسْرَنَا، وَيَبِيضْ بِهٍ وُجُوهَنَا، وَفَكِّ بِهٍ أَسْرَنَا، وَأَنْجِحْ بِهٍ

و شکاف و تفرقه ما را بدو برطرف کن و سختی ما را بدو آسان کن و چهره های ما را بدو سفید گردان و گرفتاران ما را

بدو آزاد

طَلَبْتَنَا وَأَنْجِزْ بِهٍ مَوَاعِيدَنَا، وَأَسْتَجِبْ بِهٍ دَعْوَتَنَا، وَأَعْطِنَا بِهٍ سَوْلَنَا،

کن و خواسته های ما را بدو روا کن و وعده های ما را به او تحقق بخش و دعای ما را بدو مستجاب کن و خواهشهای ما

را

وَبَلِّغْنَا بِهٍ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ آمَالَنا، وَأَعْطِنَا بِهٍ فَوْقَ رَغْبَتِنَا، يَا خَيْرَ

بوسیله او عطا کن و بوسیله او ما را به آرزوهای دنیا و آخرت برسان و بوسیله او بیش از آنچه ما خواهیم به ما بده

ای بهترین

الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ، اِشْفِ بِهٍ صُدُورَنَا، وَأَذْهِبْ بِهٍ غَيْظَ

درخواست شدگان و دست بازترین عطاکنندگان سینه های ما را با ظهورش شفا بخش و بوسیله او عقده

قُلُوبِنَا، وَأَهْدِنَا بِهٍ لِمَا اِخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِأَذْنِكَ، أَنْكَ تَهْدِي مَنْ

دل های ما را برطرف کن و بدو ما را بدان حقی که مورد اختلاف است به اذن خود راهنمایی کن که برستی تو هر که

تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، وَأَنْصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوَّتَا، إِلَهَ

را بخواهی به راه راست هدایت فرمایی و بدست او ما را بر دشمنان و دشمنان ما نصرت ده ای معبود

الْحَقِّ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

برحق - آمین - خدایا ما به تو شکایت کنیم از نبودن پیامبران که درودهای تو بر او و آتش باد

وَعَيْبَةَ وَلِينَا، وَكَثْرَةَ عَدُوَّتِنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهَرَ

و از غیبت مولایمان و از بسیاری دشمنان و کمی افرادمان و از سختی آشوبها و از کمک دادن اوضاع

الزَّمانِ عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ

زمانه به زیان ما پس درود فرست بر محمد و آلش و کمک ده ما را بر این اوضاع به گشایش

تُعْجِلُهُ، وَبِضُرِّ تَكْشِفُهُ، وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ، وَسُلْطَانٍ حَقٌّ تَطْهَرُهُ، وَرَحْمَةً

فوری از طرف خود و برطرف کردن رنج و ناراحتی و یاری با عزت و ظاهر ساختن سلطنت حقه و رحمتی

مِنْكَ تَجَلَّلْنَا، وَعَافِيَةً مِنْكَ تُلْبِسُنَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

از جانب تو که ما را فراگیرد و تندرستی از طرف تو که ما را بپوشاند به رحمتی ای مهربانترین مهربانان

دوازدهم در هر شب بخواند: اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَأَدْخِلْنَا، وَفِي

***** خدایا بوسیله رحمتت ما را در جرگه شایستگان وارد کن و در

عَلِيِّينَ فَارْفَعْنَا، وَبِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنَا، وَمِنْ

علیین بهشت بالا بر و جامی از آب خوشگوار چشمه سلسبیل به ما بنوشان و از

الْحُورِ الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا، وَمِنْ الْوَالِدَانِ الْمُخْلَدِينَ كَانْتَهُمْ لَوْلَا

حوریان بهشتی به رحمت خود به ازدواج ما درآور و از پسران جاویدان که همچون مرواریدانی

مَكُونُونَ فَأَخْدِمْنَا، وَمِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَالْحُومِ الطَّيْرِ فَاطْعِمْنَا وَ مِنْ

در صدفند به خدمت ما بگمار و از میوه‌های بهشتی و گوشت پرندهگان به ما بخوران و از

ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ وَالْأَسْبَرِقِ فَأَلْبِسْنَا، وَكَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ

جامه‌های زربفت و ابریشم و دیبا به ما بپوشان و بدرک فضیلت شب قدر و حج

بَيْنِكَ الْحَرَامِ وَقِتْلًا فِي سَبِيلِكَ فَوْقَ لَنَا، وَصَالِحِ الدُّعَاءِ وَالْمَسْئَلَةِ

خانه کعبه و کشته شدن در راه خود ما را موفق بدار و دعای شایسته و خواهش ما را

فَاسْتَجِبْ لَنَا، وَإِذَا جَمَعَتِ الْأُولَى وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا

برآور و چون اولین و آخرین را در روز قیامت گردآوری در آن هنگام به ما ترحم کن و

وَبَرَأْتَهُ مِنَ النَّارِ فَاكْتُبْ لَنَا، وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَعْلَنَّا، وَفِي عَذَابِكَ

منشور رهایی ما را از آتش بر ایمان بنویس و در دوزخ ما را به زنجیر میند و در شکنجه

وَهَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا، وَمِنَ الزُّقُومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا، وَمَعَ

و خواریت ما را مبتلا مکن و از درخت زقوم و ضریع به ما مخوران و با

الشَّيَاطِينِ فَلَا تَجْعَلْنَا، وَفِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِنَا فَلَا تَكْبُئْنَا، وَمِنَ

شیاطین ما را در یکجا قرار مده و برو در آتش دوزخ ما را مینداز و از

ثِيَابِ النَّارِ وَسَرَابِيلِ الْقَطْرَانِ فَلَا تَلْبِسْنَا، وَمِنَ كُلِّ سُوءٍ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا

جامه‌های آتشین و پیراهنهای آتش‌زای قطران (آهن آب‌شده) به ما مپوشان و از هر بدی ای خدایی که جز تو معبودی

نیست

أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَجَنِّبْنَا.

به حق کلمه «لا اله الا انت» ما را نجات بخش

سیزدهم: از حضرت صادق علیه السلام روایت است که در

هر شب ماه رمضان می‌خوانی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي

خدایا از تو خواهم که در قضاء

وَتَقْدَرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ فِي الْأَمْرِ الْحَكِيمِ، مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا

و قدر حتمی و فرمان حکیمانه خود از آن قضایی که برگشت ندارد

يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ، أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حَجَّتِهِمْ،

و تغییرپذیر نیست چنان مقرر داری که ثبت کنی نام مرا از حاجیان کعبه‌ات که حششان قبول شده و سعیشان

الْمَشْكُورِ سَعِيهِمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، الْمَكْفَرِ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَأَنْ تَجْعَلَ

پذیرفته گردیده و گناهانشان آمرزیده شده و از بدبهاشان صرفنظر گردیده و

فِيْمَا تَقْضَىٰ وَتُقَدَّرُ، اَنْ تُطِيلَ عُمْرِي فِي خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ، وَتَوْسِعَ فِي

نیز در قضا و قدر خود مقرر داری که عمر مرا در خوبی و تندرستی طولانی کنی و

رِزْقِي وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي.

روزیم توسعه دهی و بگردانی مرا از آن کسانی که بوسیله آنان دینت را باری کنی و مرا با دیگری عوض نکنی

چهاردهم: در انیس الصالحین است که در هر شب از شبهای ماه رمضان بخواند:

اَعُوذُ بِجَلالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، اَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي شَهْرُ رَمَضَانَ، اَوْ يَطْلُعَ

پناه می‌برم به جلال ذات بزرگواریت از اینکه ماه رمضان از من بگذرد یا سپیده‌دم امشب

الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ وَلَكَ قَبْلِي تَبَعَةٌ، اَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ.

بزند و هنوز از تو در پیش من بازخواست یا گناهی مانده باشد که مرا بدان عذاب کنی

پانزدهم: شیخ کفعمی در حاشیه بلد الامین از سید بن باقی نقل کرده که فرموده:

مستحب است در هر شب ماه رمضان دو رکعت نماز در هر رکعت حمد و

توحید سه مرتبه و چون سلام داد بگوید:

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَفِيظٌ لَا يَغْفُلُ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ رَحِيمٌ لَا يَعْجَلُ،

منزه است آن خدای نگهبانی که غفلت نکند منزه است آن خدای مهربانی که شتاب نکند

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو پس بگوید

منزه است آن خدای پایرجایی که کسی را از یاد نبرد منزه است آن خدای جاودانی که به چیزی سرگرم نشود *

تسبیحات اربع را هفت مرتبه پس بگوید سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ، يَا عَظِيمُ

***** منزهی تو منزهی منزهی

اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ

ای خدای بزرگ بیمارز گناهان بزرگم را

، پس ده مرتبه صلوات بفرستد بر پیغمبر و آل او علیهم السلام کسی که این دو رکعت نماز را بجا آورد بیامرزد حق تعالی از برای او هفتاد هزار گناه الخ. شانزدهم در خبر است که هر که در هر شب از ماه رمضان سوره *إِنَّا قَتَلْنَا* در نماز مستحبی بخواند آن سال محفوظ بماند و بدان که از اعمالی که در شبهای ماه رمضان مستحب است بجا آورده شود هزار رکعت نماز است در مجموع این ماه که مشایخ و أعاضِم علماء در کتب خود که در فقه یا عبادات نوشته‌اند به آن اشاره نموده‌اند و اما کیفیت بجا آوردن آن پس احادیث در باب آن مختلف است و آنچه موافق روایت ابن ابی قره است از حضرت جواد علیه السلام و مختار شیخ مفید در کتاب غریبه و اشراف بلکه مختار مشهور است آنست که در دهه اوّل و دهه دویم ماه رمضان در هر شبی بیست رکعت خوانده شود هر دو رکعت به یک سلام به این طریق که هشت رکعت آنرا بعد از نماز مغرب بخواند و دوازده رکعت دیگر را بعد از نماز عشاء و در دهه آخر در هر شب سی رکعت بخواند باز هشت رکعت آنرا بعد از نماز مغرب و بیست و دو رکعت دیگر را بعد از نماز عشاء و مجموع این نمازها هفتصد رکعت می‌شود و باقیمانده را که سیصد رکعت است در شبهای قدر بخواند یعنی شب نوزدهم صد رکعت و شب بیست و یکم صد رکعت و شب بیست و سیّم صد رکعت پس مجموع هزار رکعت شود و به ترتیب دیگر نیز وارد شده و تفصیل کلام در جای دیگر است و این مقام را گنجایش بسط نیست و امید که اهل خیر در عمل به این هزار رکعت نماز مسامحه و سهل‌انگاری نکرده از فیض آن خود را

بهره‌مند نمایند و روایت شده که می‌خوانی بعد از هر دو رکعت از نافله‌های ماه

رمضان:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضَى وَتُقَدَّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ، وَفِيمَا تَفْرُقُ

خدایا مقرر دار در آن قضا و قدر حتمی و در آنچه جدا کنی

مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ، فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ

از دستور حکیمانه‌ات در شب قدر که مرا از حاجیان خانه

الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حَجَّتِهِمْ، الْمَشْكُورِ سَعْيِهِمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، وَأَسْأَلُكَ

محترم کعبه‌ات قرار دهی آنان که حجتشان قبول و کوششان پذیرفته و گناهانشان آمرزیده شده و از تو خواهم

أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي فِي طَاعَتِكَ، وَتُوسِّعَ لِي فِي رِزْقِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

که عمرم را در اطاعت خود طولانی گردانی و در روزیم وسعت دهی ای مهربانترین مهربانان

در اعمال سحرهای ماه مبارک رمضان

قِسْمِ سَيِّمِ دَرِاعِمَالِ سَحْرَهَائِ مَاهِ مَبَارَكِ رَمَضَانَ اسْتِ و آن چند امر است:

اول سُّحُورِ خُورْدَنِ و تَرْكِ نَكْنَدِ سَحُورِ رَااگِرچَه بَه یك دَانَه خُرْمَايِ زَبُونِ يَا شَرِبْتِ آبِ بَاشَد و بَهْتَرِيْنِ سُّحُورِهَا سَوِيْقِ يَعْني قَاوْتِ و خُرْمَا اسْتِ و وَارَدِ شَدَه كَه حَقِّ تَعَالِي و مَلَائِكَه صَلَوَاتِ مِي فَرَسْتَدْبِرِ اَنهَاكَه اسْتِغْفَارِ مِي كَنْنَدَرِ سَحْرَهَا و سُّحُورِ مِي خُورْنَد.

دوم سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ دَرِ وَقْتِ سَحُورِ بَخْوَانَدِ كَه هَرِ كَه اَيْنِ سُوْرَه مَبَارَكَه رَا دَرِ وَقْتِ اِفْطَارِ كَرْدَنِ و سُّحُورِ بَخْوَانَدِ دَرِ مَابِيْنِ اَيْنِ دُو وَقْتِ ثَوَابِ كَسِي دَاشْتَه بَاشَدِ كَه دَرِ رَاهِ خُودِ بَغْلُطْدِ.

سیم بخواند دعای عظیم الشانی را که از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده که فرموده این دعایی است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در سحرهای ماه رمضان می خواندند:

دعای سحر

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاءِ، وَكُلِّ بَهَائِكَ

خدایا از تو خواهم به درخشنده ترین مراتب درخشندگیت با اینکه تمام مراتب

بہی، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبِهَائِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

آن درخشنده است خدایا درخواست کنم به همه مراتب درخشندگیت خدایا از تو خواهم به

جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلِّ جَمَالِكَ جَمِيلٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

زیباترین مراتب جمالت با اینکه تمام مراتب جمالت زیبا است خدایا از تو خواهم

بِجَمَالِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِأَجَلِّهِ وَكُلِّ جَلَالِكَ

به همه مراتب جمالت خدایا از تو خواهم به باشکوهترین مراتب جلالت با اینکه تمام مراتب جلال تو

جَلِيلٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

باشکوه است خدایا از تو خواهم به همه مراتب جلالت خدایا از تو خواهم به

عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهَا وَكُلِّ عَظَمَتِكَ. عَظِيمَةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بزرگترین مرتبه عظمت با اینکه تمام مراتب عظمت بزرگ است خدایا از تو خواهم

بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ وَكُلِّ نُورِكَ نَيْرٍ،

به همه مراتب عظمت خدایا از تو خواهم به نورانی ترین مراتب روشنیت با اینکه تمام مراتب روشنیت نورانی است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ

خدایا از تو خواهم به همه مراتب نورت خدایا از تو خواهم به وسیعترین مراتب رحمت با اینکه تمام مراتب رحمت

بِأَوْسَعِهَا وَكُلِّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا،

وسیع است خدایا از تو خواهم به همه مراتب رحمت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِاتِّمَّهَا وَكُلُّ كَلِمَاتِكَ تَامَّةٌ، اللَّهُمَّ

خدایا از تو خواهم به تمامترین کلمات (و سخنان) با اینکه همه سخنان تمام است خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ

از تو خواهم به همه سخنان خدایا از تو خواهم به کاملترین مرتبه کمال با اینکه

وَكُلُّ كَمَالِكَ كَامِلٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي

تمام مراتب کمال است خدایا از تو خواهم به همه مراتب کمال خدایا از تو

أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا وَكُلُّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

خواهم به بزرگترین نامهایت با اینکه تمام نامهایت بزرگ است خدایا از تو خواهم به همه

بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهَا وَكُلُّ عِزَّتِكَ

نامهایت خدایا از تو خواهم به عزیزترین مقام عزت گرچه همه مراتب عزت

عَزِيزَةٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

عزیز است خدایا از تو خواهم به همه مراتب عزت خدایا از تو خواهم به حق گذراترین

مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ

مشیت گرچه تمام مراتب مشیت گذرا است خدایا از تو خواهم

كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِهَا عَلَى

تمام مراتب مشیت خدایا از تو خواهم به حق آن قدرت که احاطه پیدا کردی بدان بر

كُلِّشَيْءٍ، وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا،

هر چیز گرچه تمام مراتب قدرت چنین است خدایا از تو خواهم به همه مراتب قدرت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِأَنْفَذِهِ وَكُلُّ عِلْمِكَ نَافِذٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي

خدایا از تو خواهم به حق نافذترین مراتب دانش گرچه تمام مراتب دانش نافذ است خدایا از تو

أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضَاهُ وَكُلُّ قَوْلِكَ

خواهم به تمام مراتب دانش خدایا از تو خواهم به حق پسندیدهترین سخنان با اینکه همه سخنان

رَضِيٌّ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

پسندیده است خدایا از تو خواهم به حق همه سخنانت خدایا از تو خواهم به حق

مَسْأَلِكَ بِأَحَبِّهَا إِلَيْكَ وَكُلُّ مَسْأَلِكِ إِلَيْكَ حَبِيبَةٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

محبوبترین خواسته‌هایت پیش تو گرچه همه خواسته‌هایت پیش تو محبوب است خدایا از تو خواهم به حق

بِمَسْأَلَتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ

همه خواسته‌هایت خدایا از تو خواهم به حق شریفترین مراتب شرفت با اینکه تمام مراتب آن

شَرِيفٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

شریف است خدایا از تو خواهم به همه مراتب شرفت خدایا از تو خواهم به حق

سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَكُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ

ابدی ترین مراتب سلطنت گرچه تمام مراتب سلطنتت جاویدان است خدایا از تو خواهم به حق تمام مراتب سلطنتت

كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فَاحِرٌ، اللَّهُمَّ

خدایا از تو خواهم به حق گرانمایه‌ترین مراتب فرمانروایت گرچه تمام مراتب فرمانروایت گرانمایه است خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ غُلُوكَ بِأَعْلَاهُ وَكُلُّ

از تو خواهم به همه مراتب فرمانروایت خدایا از تو خواهم به والاترین مقام بلندیت گرچه همه

غُلُوكَ عَالٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِغُلُوكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

مراتب آن و الاست خدایا از تو خواهم به همه مراتب بلندیت خدایا از تو خواهم به حق

مَنْكَ بِأَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنْكَ قَدِيمٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَنْكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ

قدیمترین نعمت گرچه همه نعمتهایت قدیم است خدایا از تو خواهم به حق نعمتهایت خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ بِأَكْرَمِهَا وَكُلُّ آيَاتِكَ كَرِيمَةٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي

از تو خواهم به حق گرامی‌ترین آیاتت گرچه همه آیات تو گرامی است خدایا از تو

أَسْأَلُكَ بِآيَاتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشَّانِ

خواهم به حق همه آیاتت خدایا از تو خواهم بدانچه در آنی از شأن

وَالْجَبْرُوتِ، وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَحَدَهُ وَجَبْرُوتٍ وَحَدَهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي

و مقام و بزرگی واز تو خواهم به هر شأن و مقامی جدا و بهر بزرگی جداگانه خدایا از تو

أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي [به] حِينَ أَسْأَلُكَ فَاجِبْنِي يَا اللَّهُ،

خواهم به آنچه اجابت کنی دعایم را هنگامی که از تو خواهم که اجابت کنی ای خدا

پس هر حاجت که داری از خدا بطلب که البته برآورده است .

چهارم در مصباح شیخ است که روایت کرده ابو حمزه ثمالی که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در ماه رمضان بیشتر از شب را نماز می کرد و چون

سحر می شد این دعا را می خواند:

دعای حضرت امام زین العابدین علیه السلام معروف به دعای ابو حمزه ثمالی

إِلَهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ، وَلَا تَمَكِّرْ بِي فِي حِيلَتِكَ، مِنْ أَيْنَ لِي الْخَيْرُ

خدایا مرا به مجازات و عقوبت ادب مکن و مکر مکن به من با حیلتهات از کجا خیری بدست آورم

يَا رَبِّ، وَلَا يَوْجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ، وَمِنْ أَيْنَ لِي النَّجَاةُ، وَلَا

ای پروردگار من با اینکه خیری یافت نشود جز در پیش تو و از کجا نجاتی برایم باشد با

تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ، لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَعْنَى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ،

اینکه نجاتی نتوان یافت جز به کمک تو نه آن کس که نیکی کند بی نیاز است از کمک تو و رحمتت

وَلَا الَّذِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ، وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ

و نه آن کس که بد کند و دلیری بر تو کند و خوشنودیت نجوید از تحت قدرت تو بیرون رود

قُدْرَتِكَ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ (بگویند تا آنکه نفس قطع شود) [بک] عَرَفْتِكَ،

ای پروردگار من ... * * * * * بوسیله خودت من ترا شناختم

وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ، وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ، وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ،

و تو مرا بر خود راهنمایی کردی و بسوی خود خواندی و اگر تو نبودى من ندانستم که تو کسیتی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيَجِيبُنِي، وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئاً حِينَ يَدْعُونِي،

ستایش خدایی را که می خوانمش و او پاسخم دهد و اگر چه وقتی می خواندم بکندی به درگاهش روم

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي، وَإِنْ كُنْتُ بِخِيَالٍ حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي،

و ستایش خدایی را که می‌خواهم از او و به من عطا می‌کند و اگرچه در هنگامی که او از من چیزی قرض خواهد من

بخل کنم

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَّتِي، وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ

و ستایش خدایی را که هرگاه برای حاجتی بخواهم او را ندا کنم و هر زمان بخواهم برای

لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَّتِي، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُو غَيْرَهُ،

راز و نیاز بدون واسطه با او خلوت کنم و او حاجتم را برآورد ستایش خدایی را که جز او

وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ، لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو

کسی را نخوانم و اگر غیر او دیگری را می‌خواندم دعایم را مستجاب نمی‌کرد و ستایش خدایی را که بجز او

غَيْرَهُ، وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ، لَأَخْلَفَ رَجَائِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَلَنِي

امید ندارم و اگر به غیر او امید داشتم ناامیدم می‌کرد و ستایش خدایی را که مرا به حضرت خود

إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي، وَلَمْ يَكُنْ لِي إِلَى النَّاسِ فَيُهِينُونِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

واگذار کرده و از این رو به من اکرام کرده و به مردم واگذار نکرده که مرا خوارکنند و ستایش خدایی را که

تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي، حَتَّى كَانَنِي

با من دوستی کند در صورتی که از من بی‌نیاز است و ستایش خدایی را که نسبت به من بردباری کند تا به جایی که

لَا ذَنْبَ لِي، فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ بِحَمْدِي، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ

گویا گناهی ندارم پس پروردگار من ستوده‌ترین چیزها است نزد من و به ستایش من سزاوارتر است خدا یا من همه

راههای

سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُتْرَعَةً،

مقاصد را به سوی تو باز می‌بینم و چشمه‌های امید را بسویت سرشار می‌یابم

وَالْأَسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمْلَكَ مَبَاحَةً، وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ

و یاری جستن به فضل تو برای آرزومندان مباح و بی‌مانع است و درهای دعای بسوی تو برای

لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً، وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ، وَلِلْمَلْهُوفِينَ

فراادکنندگان باز است و به خوبی می‌دانم که تو برای اجابت شخص امیدوار آماده‌ای و برای فریادرسای اندوهگینان

بِمَرْضِدِ اغَاثَةٍ، وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ عَوْضاً

مهیای فریادرسی هستی و برآستی می‌دانم که در پناهندگی به جود و کرمیت و خوشنودی به قضا و قدرت عوضی است

مِنْ مَنَعِ الْبَاخِلِينَ، وَمَمْدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَأَثِرِينَ، وَأَنَّ

از جلوگیری کردن بخیلان و گشایشی است از احتیاج بدانچه در دست دنیاطلبان است و برآستی

الرَّاحِلِ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ، وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ، إِلَّا أَنْ

کوچ‌کننده به درگاهت راهش نزدیک است و مسلماً تو از خلق خود در حجاب نشوی مگر آنکه

تَحْجُبُهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ، وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلْبَتِي، وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ

کردارشان میان آنها و تو حاجب شود و من با مطلبی که دارم قصد تو را کرده

بِحَاجَتِي وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِعَاثَتِي، وَبَدَعَاثِكَ تَوَسَّلْتُ مِنْ غَيْرِ

و با حاجت خود رو به درگاه تو آوردم و استغاثه‌ام را به درگاه تو قرار دادم و دعای تو را دست‌آویز خود کردم بی‌آنکه من

اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي، وَلَا اسْتِجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي، بَلْ لِنَثْقَتِي

استحقاق داشته باشم که تو از من بشنوی و نه مستوجب آنم که از من بگذری بلکه بدان اعتمادی که من

بِكْرَمِكَ، وَسَكُونِي إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ، وَلَجَأِي إِلَى الْإِيمَانِ

به کرم تو دارم و آن اطمینانی که به درستی وعده‌ات دارم و به خاطر پناهندگیم به ایمان

بِتَوْحِيدِكَ، وَيَقِينِي بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنْ لَا رَبَّ إِلَّا [لِي] غَيْرُكَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

و اعتقادی که بر یگانگی تو دارم و یقینی که به معرفت و شناسایی تو دارم که می‌دانم پروردگاری غیر

أَنْتَ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَوَعْدُكَ

تو نیست و معبودی جز تو وجود ندارد یگانه‌ای که شریکی برایت نیست خدایا تو فرمودی و گفتارت حق و وعده‌ات

صِدْقٌ، وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيماً، وَلَيْسَ مِنْ

راست است (که فرمودی) «و درخواست کنید خدا را از فضلش که برآستی او به شما مهربان است» و رسم تو چنان

نیست

صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَأَنْتَ الْمَنَّانُ

ای آقای من که دستور سؤال بدهی ولی از عطا و بخشش دریغ نموده و خودداری کنی و تویی بخشاینده

بِأَعْطِيَّاتٍ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ، وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنٍ رَأْفَتِكَ، إِلَهِي

به عطایا بر اهل کشور خود و متوجه بدانها به مهربانی و رأفت خدایا

رَبِّئِنْتَنِي فِي نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا، وَوَهْتَ بِاسْمِي كَبِيرًا، فَيَا مَنْ

مرا در خردسالی در نعمتها و احسان خویش پروریدی و در بزرگی نامم را بر سر زبانها بلند کردی پس ای که

رَبَّنِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعْمِهِ، وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ

در دنیا مرا به احسان و فضل و نعمتهای خود پروریدی و برای آخرتم

إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ، مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ، وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي

به عفو و کرم اشارت فرمودی ای مولای من شناساییم به تو راهنمای من بسوی تو است و محبتی که به تو دارم شفیع من

است

إِلَيْكَ، وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى

به درگاهت و من از راهنمایی کردن این دلیلم بسوی تو مطمئنم و از پذیرفتن شفیعم از جانب تو

شَفَاعَتِكَ، أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ أَحْرَسَهُ ذَنْبُهُ، رَبُّ أَنَا جِيكَ

آسوده خاطر می خوانم ای آقای من به زبانی که گناه لالش کرده پروردگارا با تو راز گویم

بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ، أَدْعُوكَ يَا رَبُّ رَاهِبًا رَاغِبًا رَاجِيًا خَائِفًا، إِذَا

بوسیله دلی که جنایت به هلاکتش کشانده می خوانم ای پروردگار من هراسان و خواهان و امیدوار و ترسان،

رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَزِعْتُ، وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ، فَإِنَّ عَفْوَتَ

ای مولای من هنگامی که گناهانم را مشاهده می کنم هراسان شوم و چون بزرگواری تو را بینم به طمع افتم خدایا اگر

بگذری

فَخَيْرٌ رَاحِمٍ، وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ، حُجَّتِي يَا إِلَهَ فِي جُرْأَتِي عَلَى

بهترین مهرورزی و اگر عذاب کنی ستم نکرده ای، دلیل و بهانه من ای خدا در اینکه دلیری کنم

مَسْئَلَتِكَ مَعَ إِيْيَانِي مَا تَكَرَّرَ جُودَكَ وَكَرَمَكَ، وَعَدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ

در سؤال کردن از تو با اینکه رفتارم خوشایند تو نیست همان جود و کرم تو است و ذخیره من در سختیم با

قَلَّةِ حَيَاتِي رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تَخِيبَ بَيْنَ ذَيْنِ

بی شرمی من همان رأفت و مهربانی تو است و براستی امیدوارم که نومید مکنی میان این و آن آرزویم را

وَذِينَ مُنْيَتِي، فَحَقِّقْ رَجَائِي، وَاسْمَعْ دُعَائِي، يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ،

پس امیدم را صورت عمل ده و دعایم را شنیده گیر ای بهترین کسی که خوانندگان بخوانندش
وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ، عَظُمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي، وَسَاءَ عَمَلِي، فَأَعْطِنِي

و برتر کسی که امیدواران بدو امید دارند ای آقایم آرزویم بزرگ و عملم زشت است پس تو
مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي، وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي، فَإِنَّ كَرَمَكَ

از عفو خویش به اندازه آرزویم به من بده و مرا به بدترین عملم مؤاخذه مکن زیرا کرم تو برتر است

يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ، وَحِلْمِكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ،

از مجازات گنهکاران و بردباریت بزرگتر است از مکافات تقصیرکاران

وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنْ

و من ای آقایم به فضلت پناهنده گشته و از تو بسوی خودت گریخته‌ام و خواستارم آنچه را وعده کردی از

الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بَكَ ظَنًّا، وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطْرِي، هَبْنِي

چشم‌پوشی نسبت به کسی که خوش‌گمان به تو است، من چه‌ام پروردگارا؟ و چه اهمیتی دارم؟ مرا

بِفَضْلِكَ، وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ، أَيُّ رَبِّ جَلَلْنِي بِسِتْرِكَ، وَاعْفُ عَنِّي

به فضل خویش ببخش با عفو خود بر من نیکی کن و منت‌گذار، پروردگارا مرا به پوشش خود ببوشان

تَوْبِيخِي بِكَرَمٍ وَجِهِكَ، فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَيَّ ذَنْبِي غَيْرَكَ مَا فَعَلْتُهُ،

و به کرم ذاتت از سرزنش کردن من درگذر پس اگر دیگری جز تو بر گناهم آگاه می‌شد آن گناه را انجام نمی‌دادم

وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَا اجْتَنَبْتُهُ، لَا لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ، وَأَخَفُ

و اگر از زود به کیفر رسیدن می‌ترسیدم باز هم خودداری می‌کردم و اینکه با این وصف گناه کردم نه برای آن بود که تو

سبکترین بینندگان

الْمُطَّلِعِينَ، [عَلَيَّ] بَلْ لِأَنَّكَ يَا رَبِّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ، وَأَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ،

و یا بی‌مقدارترین مطلعین هستی بلکه برای آن بود که تو ای پروردگار من بهترین پوشندگان و حکم‌کننده‌ترین حاکمان

وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ، سَتَّارُ الْغُيُوبِ، غَفَّارُ الذُّنُوبِ، عَلَّامُ الْغُيُوبِ، تَسْتُرُ

و گرامی‌ترین گرامیان و پوشاننده عیوب و آمرزنده گناهانی گناه را به کرمت می‌پوشانی

الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ، وَتُوَخَّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ

و کيفر را به واسطه بردباريت به تأخير اندازی پس تو را ستایش سزا است بر بردباريت پس

عَلِمِكَ، وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ، وَيَحْمِلُنِي وَيَجْرئُنِي عَلَى

از دانستن و بر گذشتت پس از توانایی داشتن و همین گذشتت تو از من مرا وادار کرده و دلیر ساخته بر

مَعْصِيَتِكَ حِلْمِكَ عَنِّي، وَيَدْعُونِي إِلَى قَلَّةِ الْحَيَاءِ سِتْرُكَ عَلَى،

نافرمانيت و همان پرده پوشيت بر من مرا به بی شرمی واداشته

وَيُسِرُّعَنِي إِلَى التَّوْتُّبِ عَلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ،

و همان معرفتی که من به فراخی رحمت دارم و بزرگی عفو تو مرا بدست زنده به کارهای حرام شتابان می کند

وَعَظِيمِ عَفْوِكَ، يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ، يَا

ای بردبار ای بزرگووار ای زنده و ای پاینده ای آمرزنده گناه ای

قَابِلَ التَّوْبِ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ، أَيْنَ سِتْرُكَ الْجَمِيلِ،

پزیرنده گناه ای بزرگ نعمت ای دیرینه احسان کجاست پرده پوشی زیبایت؟

أَيْنَ عَفْوِكَ الْجَلِيلِ، أَيْنَ فَرَجِكَ الْقَرِيبِ، أَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعِ، أَيْنَ

کجاست گذشت بزرگت؟ کجاست گشایش نزدیکت؟ کجاست فریادرسی فوریت؟ کجاست

رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ، أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةَ أَيْنَ مَوَاهِبِكَ الْهَنِيئَةَ، أَيْنَ

رحمت وسیعت؟ کجاست عطاهاى برجسته ات؟ کجاست بخششهای دلچسب؟ کجاست

صَنَائِعِكَ السَّنِيَّةِ، أَيْنَ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ، أَيْنَ مِنْكَ الْجَسِيمِ، أَيْنَ

نیکی های شایانت؟ کجاست فضل عظیمت؟ کجاست نعمت بزرگت؟ کجاست

إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ، أَيْنَ كَرَمِكَ يَا كَرِيمُ بِهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْنِي

احسان دیرینه ات؟ کجاست کرم تو؟ ای کریم بدان (چه گفتم) و به محمد و آل محمد مرا نجات ده

وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي، يَا مُحْسِنِ يَا مُجْمِلِ، يَا مُنْعِمِ يَا مُفْضِلِ، لَسْتُ أَتَكَلِّفُ فِي

و به رحمتت خلاصم کن ای نیکو ای نیکو بخش ای نعمت ده ای زیاده بخش چنان نیست که من برای

النَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا، بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا، لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى

نجات از عقاب تو به کارهامان تکیه کنم بلکه به فضلی که بر ما داری تکیه زنم زیرا تو اهل تقوی

وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، تُبْدِي بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا، وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا، فَمَا

و شایسته آموزشی آغاز کنی به احسان از روی نعمت بخشی و گذشت کنی از گناه از روی کرم و بزرگواری و با این

وضع

نَدْرِي مَا نَشْكُرُ أَجْمِيلَ مَا تَنْشُرُ، أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمَ مَا أَبْلَيْتُ

ما ندانیم کدامیک را سپاس گویم: آن نیکیها که پراکنده کنی یا زشتیها که پوشانی یا بزرگ آزمایشت

وَأَوْلَيْتَ، أَمْ كَثِيرَ مَا مِنْهُ نَجَيْتَ وَعَافَيْتَ، يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ،

و شایستگی نعمتت یا آن همه چیزهایی که ما را از آن نجات داده و عافیت دادی ای دوست کسی که با تو دوستی کند

وَيَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَا ذَبِّكَ وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ

و ای نور دیده کسی که پناه به تو آرد و از دیگران ببرد تویی نیکوکار و ماییم

الْمُسِيئُونَ، فَتَجَاوَزْ يَا رَبُّ عَنْ قَبِيحِ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ، وَأَيُّ

گنهکار پس درگذر ای پروردگار از زشتیهای ما به نیکیهای خود و کدام

جَهْلٍ يَا رَبُّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ، أَوْ أَيُّ زَمَانٍ أَطْوَلُ مِنْ أُنَاتِكَ، وَمَا قَدْرُ

نادانی است ای پروردگار که جود تو فرایش نگیرد و چه روزگاری درازتر از زمان بردباری تو است و چه ارزشی دارد

أَعْمَالِنَا فِي جَنْبِ نِعْمِكَ، وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ أَعْمَالًا تَقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ، بَلْ

اعمال ما در جنب نعمتهایت و چگونه زیاد بشمریم اعمال (بدمان) را که بتوانیم آنها را برابر با کرم تو کنیم بلکه

كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ، يَا وَاسِعَ

چگونه ممکن است میدان بر گنهکاران تنگ شود با آن رحمت وسیع

الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ فَوْعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي لَوْ نَهَرْتَنِي

که ایشان را فراگرفته ای وسیع آموزش ای دو دستت به رحمت باز سوگند به عزتت ای آقای من اگرچه برانیم

مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ، وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَنْتَهَى إِلَيَّ مِنْ

من از در خانهات برنخیزم و از تملق و چاپلوسیت دست برندارم چون

الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ، تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ،

اطلاع از جود و کرمت پیدا کرده ام و تویی کننده هرچه خواهی عذاب کنی هر که را خواهی

بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ، وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ، لَا

بهرچه خواهی بهرطور که خواهی و رحم کنی هر که را خواهی بهره‌چو خواهی هرطور که خواهی
تُسْئَلُ عَنْ فِعْلِكَ، وَلَا تُنَازِعُ فِي مُلْكِكَ، وَلَا تُشَارِكُ فِي أَمْرِكَ، وَلَا

بازپرسی از کار تو نشود و نزاعی در فرمانروایت رخ ندهد و شریکی در کارت نباشد

تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ، وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ، لَكَ الْخَلْقُ

و ضلّیتی در حکمت نباشد و کسی نیست که در تدبیر تو بر تو اعتراض کند آفرینش

وَالْأَمْرُ، تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، يَا رَبُّ هَذَا مَقَامٌ مِنْ لَدُنْكَ

و دستور از تو است برتر است خدا پروردگار جهانیان پروردگارا این جایگاه کسی است که به تو

وَاسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ، وَالْفِإْحَانُكَ وَبِعَمَلِكَ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي

روی آورده و به کرمت پناه جسته و به احسان و نعمت خو گرفته و تویی بخشاینده ای که

لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ، وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ، وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ وَقَدْ تَوَتَّقْنَا

تنگ ناید عفو تو و کاهش نیابد فضل و بخشش تو و کم نگردد مهر و رحمت و ما

مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ، وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ، أَفْتَرَاكَ يَا

بدان چشم‌پوشی دیرینه و فضل عظیمت و رحمت پهناورت اعتماد کرده‌ایم آیا چنان می‌بینی

رَبُّ تَخْلِفُ ظُنُونَنَا أَوْ تُخَيِّبُ آمَانَنَا، كَلَّا يَا كَرِيمُ فَلَيْسَ هَذَا ظُنُّنَا بِكَ،

پروردگارا که برخلاف گمانهای ما رفتار کنی یا آرزوهایمان نومید کنی؟ هرگز! ای کریم چون ما چنین گمانی به تو

نداریم

وَلَا هَذَا فَيْكَ طَمَعُنَا، يَا رَبُّ إِنَّ لَنَا فَيْكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا، إِنَّ لَنَا فَيْكَ

و طمع ما درباره تو اینگونه نیست پروردگارا برآستی ما درباره تو آرزوی دراز و بسیاری داریم برآستی ما نسبت به تو

رَجَاءً عَظِيمًا، عَصِيْبَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا وَدَعْوَانَا وَنَحْنُ

امید بزرگ و زیادی داریم، تو را نافرمانی کردیم ولی امیدواریم که تو بیوشانی بر ما و خواندیم تو را و امیدواریم

نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا، فَحَقِّقْ رَجَائِنَا مَوْلَانَا، فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ

که تو اجابت کنی ما را پس امید ما را تحقق بخش ای مولای ما که برآستی ما می‌دانیم که به اعمالمان مستوجب

چه (پاداشی)

بَاعْمَانِنَا، وَلَكِنْ عِلْمُكَ فِينَا وَعِلْمُنَا بِأَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ، وَإِنْ كُنَّا

هستیم ولی علم تو درباره ما و علم ما درباره تو این است که ما را از درگاهت نرانی و اگر چه ما

غَيْرُ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ، فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا، وَعَلَى الْمُذْنِبِينَ

مستوجب رحمت تو نیستیم ولی تو شایسته آنی که بر ما بخشش کنی و بر گناهکاران

بِفَضْلِ سَعَتِكَ، فَاْمُنُّنْ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَجُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ

به فضل وسعت توجه فرمایی پس بر ما منت گذار بدانچه تو شایسته آنی و بر ما جود کن که ما نیازمند

إِلَى نَيْلِكَ، يَا عَفَّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا وَبِفَضْلِكَ اسْتَعْنَيْنَا وَبِنِعْمَتِكَ

عطای تویم ای آمرزنده به نور تو راه یافتیم و به فضل تو بی نیازی جستیم و به نعمت تو

أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا، ذُنُوبُنَا بَيْنَ يَدَيْكَ، نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَتَتُوبُ

صبح و شام کردیم گناهان ما پیش روی تو است که ما از آنها آموزش خواهیم و بسویت توبه کنیم

إِلَيْكَ، تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَتُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ، خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ،

تو با نعمتهایت بر ما دوستی کنی و ما به گناهان با تو معارضه و برابری کنیم خیر تو بر ما نازل گردد

وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ، وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلِكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ

و در برابر شر ما بسوی تو بالا آید و تو همیشه تا بوده و هست پادشاه بزرگوار و کریمی بوده ای که از جانب ما کارهای

قَبِيحٍ، فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحْوِطَنَا بِنِعْمِكَ، وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْآتِكَ،

زشت بسوی تو آید ولی آنها جلوگیری نکند از اینکه ما را به نعمتهای خود فراگیری و خود بر ما تفضل کنی

فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ وَأَكْرَمَكَ مُبْدِئاً وَمُعِيداً، تَقَدَّسَتْ

پس منزهی تو که چقدر بردباری و چه بزرگ و کریمی چه در آغاز (نعمت) و چه در ادامه آن نامهات مقدس

أَسْمَائِكَ، وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَكَرُمَ صَنَائِعُكَ وَفِعَالُكَ، أَنْتَ إِلَهِي أَوْسَعُ

و ستایشت ارجمند است و کارها و رفتار گرانهاست فضل تو ای معبود من

فَضْلاً، وَأَعْظَمُ حِلْماً مِنْ أَنْ تُقَايَسَنِي بِفِعْلِي وَخَطِيئَتِي، فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ

وسیعتر و بردباریت بزرگتر از آنست که مرا به کردار و گناهم بسنجی از من درگذر درگذر

الْعَفْوُ، سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي، اللَّهُمَّ اشْعَلْنَا بِذِكْرِكَ، وَأَعِزَّنَا مِنْ

درگذرد ای آقای من... آقای من... آقای من خدایا ما را به ذکر خود مشغول کن و از

سَخَطِكَ، وَأَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ، وَارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ، وَأَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ

خشمت پناهمان ده و از عذابت امانمان ده و از بخششهایت روزیمان گردان و از

فَضْلِكَ، وَارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ

فضل خود بر ما انعام کن و روزی ما کن حج خانهات و زیارت قبر پیامبرت را که درود تو و رحمت

وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ،

و آمرزش و خوشنودیت بر او و بر خاندانش باد که براستی تو به خلق نزدیکی و اجابت کننده دعایی

وَارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ، وَتَوْفَقًا عَلَى مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ

و عمل به طاعتت را روزی ما گردان و بر کیش خودت و روش پیامبرت - که درود تو

عَلَيْهِ وَالهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا،

بر او و آلتش باد - ما را بمیران خدایا بیامرز مرا و پدر و مادرم را و برایشان رحم کن چنانچه مرا در کودکی پروریدند

إِجْزِهِمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا، وَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا، اللَّهُمَّ اغْفِرْ

و پاداششان بده در برابر نیکی به نیکی و در مقابل بدیها به آمرزش خدایا بیامرز

لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ

مردان و زنان بالیمان را چه زندگانشان و چه مردگانشان را و پیوند ده میان ما و ایشان را

بِالْخَيْرَاتِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّتِنَا وَمَيِّتِنَا، وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا، ذَكِّرْنَا وَأُنْتَانَا،

در نیکیها خدایا بیامرز زنده ما و مرده ما و حاضر ما و غائب ما، مرد ما و زن ما را؛

صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا، حُرًّا وَمَمْلُوكِنَا، كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ، وَضَلُّوا ضَلَالًا

کوچک ما و بزرگ ما را، آزاد ما و برده ما را، دروغ گفتند برگشتگان از خدا و گمراه شدند گمراهی

بَعِيدًا، وَخَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

دوری و زیان کردند زیان آشکاری خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ، وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي،

و کارم را ختم به خیر کن و کفایت کن آنچه اندیشه‌ام را به خود مشغول کرده از کار دنیا و آخرتم

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي، وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَاقِيَةً بَاقِيَةً، وَلَا

و مسلط مکن بر من کسی را که به من رحم نکند و بنه بر من از نزد خود نگهبانی همیشگی و

تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا

از من نعمتهای شایسته خود را که به من داده‌ای سلب مفرما و از فضل خویش روزی فراخ

حَلَالًا طَيِّبًا، اَللّٰهُمَّ اَحْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ، وَاَحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ، وَاكْلَانِي

و حلال و پاکی برای من روزی گردان خدایا به نگهبانی خود مرا نگهبانی فرما و به حفظ خود حفظم کن و در حمایت

خود

بِكِلَابَتِكَ وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ،

نگاهداریم کن و روزی من کن حج خانه محترمت را در این سال و در هر سال

وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْأُمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تُخْلِنِي يَا رَبِّ مِنْ

و زیارت قبر پیغمبرت و قبور ائمه علیهم السلام را و محروم مکن پروردگارا از

تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ، وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ، اَللّٰهُمَّ تَبَّ عَلَيَّ حَتَّى

زیارت این مشاهد شریفه و زیارتگاههای گرامی خدایا توبه‌ام ده تا

لَا اَعْصِيكَ، وَاَلْهَمْنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ، وَخَشِيَّتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا

نافرمانیت نکنم و به دلم انداز کار نیک را و عمل بدان و ترست را در شب و روز تا هنگامی که

اَبْقَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ

در این دنیا زنده‌ام داری ای پروردگار جهانیان خدایا من هر زمان پیش خود گفتم که دیگر مهیا و مجهز شده‌ام

وَقُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَاجَيْتُكَ، اَلْقَيْتَ عَلَيَّ نُبْعًا اِذَا اَنَا

و برخاستم برای خواندن نماز در برابرت و با تو به راز پرداختم تو بر من چرت و پینکی را مسلط کردی در آن هنگامی

که

صَلَّيْتُ، وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاتِكَ اِذَا اَنَا نَاجَيْتُ، مَالِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ

داخل نماز شدم و حال مناجات را از من گرفتی در آن وقتی که به راز و نیاز پرداختم، مرا چه شده است که هرگاه با

خود گفتم

صَلَّحْتُ سَرِيرَتِي، وَقَرُبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي، عَرَضْتُ

باطن و درونم نیکو شده و نزدیک شده از مجالس توبه‌کنندگان مجلس من، گرفتاری

لِي بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي، وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ، سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنُ

و پیش‌آمدی برابرم رخ داده که پایم لغزش پیدا کرده و میان من و خدمتگذاریت حائل گشته ای آقای من شاید مرا از درِ

بابک طردت‌نی، وَعَنُ خِدْمَتِكَ نَحْيَتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَحْفًا

خانه‌ات رانده‌ای و از خدمتت دورم کرده‌ای یا شاید دیده‌ای سبک شمارم

بِحَقِّكَ فَاقْصَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنكَ فَقَلَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ

حَقَّتْ رَأْيَ دُورَمِ كَرْدِه‌ای یا شاید دیده‌ای از تو رو گردانده‌ام پس خشمم کرده‌ای یا شاید مرا

وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَفَرَضْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ

در جایگاه دروغگویانم دیده‌ای پس رهایم کرده‌ای یا شاید دیده‌ای سپاسگزار

لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي،

نعمت‌هایت نیستم پس محرومم ساخته‌ای یا شاید مرا در مجلس علماء نیافته‌ای پس خوارم کرده‌ای

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ

یا شاید مرا در زمره غافلانم دیده‌ای پس از رحمت خویش بی‌بهره‌ام کرده‌ای یا شاید

رَأَيْتَنِي آلِفَ مَجَالِسِ الْبُطَّالِينَ فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ

مرا مأنوس با مجالس بیهوده گذرانم دیده‌ای پس مرا به آنها واگذاشته‌ای یا شاید

تُحِبُّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ بَجُرْمِي وَجَرِيرَتِي

دوست نداشتی دعایم را بشنوی پس از درگاهت دورم کرده‌ای یا شاید به جرم و گناهم کیفرم داده‌ای

كَافَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيَاتِي مِنْكَ جَازَيْتَنِي، فَإِنَّ عَفْوَتَايَا رَبِّ

یا شاید به بی‌شرمیم مجازاتم کرده‌ای پس اگر از من بگذری پروردگارا

فَطَالَ مَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي، لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجِلُّ عَنُ

بجاست چون بسیار اتفاق افتاده که از گنهکاران پیش از من گذشته‌ای زیرا کرم تو پروردگارا برتر از

مُكَافَاتِ الْمُقْصِرِّينَ، وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ، مُتَنَجِّزٌ مَا

کیفر کردن تقصیرکاران است و من پناهنده به فضل توام و از ترس تو بسوی خودت گریخته‌ام و درخواست

وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا، إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا

انجام وعدهات را در چشم‌پوشی از کسی که خوش‌گمان به تو است دارم خدایا تو فضل و سعت

وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايِسَنِي بِعَمَلِي، أَوْ أَنْ تَسْتَرِّقَنِي بِخَطِيئَتِي، وَمَا

و بردباریت بزرگتر از آنست که مرا به کردارم بسنجی یا اینکه مرا به خطایم بلغزانی و چه

أَنَا يَا سَيِّدِي وَمَا خَطْرِي، هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدِي، وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ

هستم من ای آقای من و چه ارزشی دارم؟ مرا به فضل خویش ببخش ای آقای من و بر من

بِعَفْوِكَ، وَجَلِّئِنِي بِسِتْرِكَ، وَأَعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ سَيِّدِي

با عفو خود نیکی کن و با پرده‌پوشیت بیوشانم و درگذر از سرزنش کردنم به بزرگواری ذاتت آقای من

أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ، وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي

من همان بنده خردسالی هستم که پروریدی و همان نادانی هستم که دانایش کردی و همان گمراهی هستم که

هَدَيْتَهُ، وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ، وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي أَمَنْتَهُ، وَالْجَائِعُ

راهنماییش کردی و همان پستی هستم که بلندش کردی و همان ترسانی هستم که امانش دادی و گرسنه‌ای هستم

الَّذِي أَشْبَعْتَهُ، وَالْعَطْشَانُ الَّذِي أَرَوَيْتَهُ، وَالْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ،

که سیرش کردی و تشنه‌ای هستم که سیرایش کردی و برهنه‌ای هستم که پوشانیدی

وَالْفَقِيرُ الَّذِي أَعْنَيْتَهُ، وَالضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ، وَالذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ،

و نداری هستم که دارایش کردی و ناتوانی هستم که نیرومندش کردی و خواری هستم که عزیزش کردی

وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ، وَالسَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ، وَالْمُذْنِبُ الَّذِي

و دردمندی هستم که درمانش کردی و خواهنده‌ای هستم که عطایش کردی و گنهکاری هستم که

سَتَرْتَهُ، وَالْخَاطِئُ الَّذِي أَقَلْتَهُ، وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَرْتَهُ، وَالْمُسْتَضْعَفُ

گناهانش را پوشاندی و خطاکاری هستم که از او گذشتی و اندکی هستم که بسیارش کردی و خوارشمرده‌ای هستم

الَّذِي نَصَرْتَهُ، وَأَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي آوَيْتَهُ، أَوْ يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحِيكَ

که یاریش کردی و آواره‌ای هستم که جا و مأوایش دادی منم پروردگارا آن کسی که در خلوت از تو شرم نکردم

فِي الْخَلَاءِ، وَلَمْ أُرَاقِبْكَ فِي الْمَلَأِ، أَوْ يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحِيكَ

و در آشکارا هم رعایت تو را نکردم منم صاحب مصیبتها و ماجراهای بزرگ منم

الَّذِي عَلَى سَيْدِهِ اجْتَرَى، أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ، أَنَا الَّذِي

کسی که بر آقای خود دلیری کرده منم کسی که نافرمانی برپادارنده آسمانها را کرده‌ام منم کسی که

أَعْطَيْتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ الرُّشَا، أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا

برای نافرمانیهای بزرگی که کرده‌ام رشوه داده‌ام منم آن کسی که هرگاه نوید گناهی را به من می‌دادند

خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعَى، أَنَا الَّذِي أَمَهَلْتَنِي فَمَا ارْعَوَيْتُ، وَسَتَرْتُ عَلَى

بشویشتا بان می‌رفتم منم که مهلت دادی ولی من به خود نیامدم و بر من پوشاندی

فَمَا اسْتَحْيَيْتُ، وَعَمَلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَّيْتُ، وَأَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ

ولی من شرم نکردم و نافرمانیها کردم و از حله گذراندم و از چشم خود مرا انداختی و من اعتنا نکردم

فَمَا بِالْأَيْتِ، فَبِحَلْمِكَ أَمَهَلْتَنِي وَبِسِتْرِكَ سَتَرْتَنِي حَتَّى كَانَتْكَ أَغْفَلْتَنِي،

پس باز هم به بردباریت مهلت دادی و به پرده‌پوشیت مرا پوشاندی تا بدانجا که گویا از یاد من بیرون رفتی

وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي، حَتَّى كَانَتْكَ اسْتَحْيَيْتَنِي، إِلَهِي لَمْ

و از کیفرهای گناهان مرا دور داشتی تا به حدی که گویا از من شرم کردی خدایا در

أَعْصِيكَ حِينَ عَصَيْتُكَ، وَأَنَا بَرُّوْبِيَّتِكَ جَاهِدٌ، وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ،

هنگام گناه که من نافرمانیت کردم نه از باب این بود که پروردگارت را منکر بودم و یا دستورت را سبک شمردم

وَلَا لِعُقُوبَتِكَ، مُتَعَرِّضٌ وَلَا لَوَعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ، لَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ

و یا خود را در معرض کیفرت درآوردم و یا تهدیدهای تو را بی‌ارزش فرض کردم بلکه گناهی بود که پیش آمد

وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي، وَغَلَبَنِي هَوَايَ وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي، وَغَرَّنِي

و نفس سرکش نیز آنرا آراست و هوای نفس نیز چیره شد و بدبختی هم کمک کرد و پرده آویخته

سِتْرَكَ الْمُرْخِي عَلَيَّ، فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَخَالَفْتُكَ بَجَهْدِي، فَالآن مِنْ

(پرده‌پوشی تو) هم مرا مغرور کرد و در نتیجه تا آنجا که می‌توانستم در نافرمانی و مخالفت تو کوشیدم ولی اکنون

کیست که

عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي، وَمِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ غَدًا مَنْ يُخَلِّصُنِي،

از عذاب تو مرا نجات دهد و از دست دشمنان در فردای قیامت چه کسی خلاصم کند

وَيَحِبُّ مَنْ اتَّصَلَ بِكَ عَنِّي، فَاسْأَلْهُ عَنِّي، فَوَسَّوْا عَلَيَّ

و به ریسمان چه کسی چنگ زنیم اگر تو رشته خود را از من قطع کنی پس چه رسوایی است برای من

أَخْصَى كِتَابُكَ مِنِّي عَمَلِي، الَّذِي لَوْلَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ

بر آنچه نامه تو از عمل من شماره و احصاء کرده که اگر امید من به کرمت و وسعت

رَحْمَتِكَ، وَنَهَيْكَ إِيَّايَ عَنِ الْقَنُوطِ، لَقَنْطُتُ عِنْدَمَا أَتَذَكَّرُهَا، يَا خَيْرَ

رحمت نبود و از ناامید شدن باز نمی‌داشتی به محض آنکه به یاد آنها می‌افتادم یکسر ناامید می‌شدم ای بهترین

مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ، اَللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ اَتَّوَسَّلُ

کسی که خواندش خواننده‌ای و برترین کسی که امیدش دارد امیدواری خدایا به پیمان اسلام به درگاهت توسل جویم

إِلَيْكَ، وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ اَعْتَمِدُ إِلَيْكَ، وَبِحُبِّي النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْقُرَشِيِّ

و به حرمت قرآن بر تو اعتماد کنم و به دوستی و محبتی که به پیامبر امی قرشی

الْهَاشِمِيِّ الْعَرَبِيِّ التَّهَامِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ، أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ، فَلَا

هاشمی عربی تهامی مکی مدنی دارم امید تقرب به تو را دارم پس تو انس ایمانی مرا مبادل به

تَوْحُشِ اسْتِنْسَاسِ اِيمَانِي، وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبَدَ سِوَاكَ،

وحشت مکن و پاداشم را پاداش آن‌کس که جز تو را پرستیده قرار مده

فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِالسَّنْتِمْ، لِيُحْفِنُوا بِهِ دِمَائِهِمْ، فَادْرِكُوا مَا أَمَلُوا، وَإِنَّا

زیرا مردمی بودند که به زبان ایمان آوردند تا بدان وسیله خون خود را حفظ کنند و بدین مقصود هم رسیدند ولی ما

أَمَنَّا بِكَ بِالسَّنْتِنَا وَقُلُوبِنَا لِنَتَغْفُوَ عَنَّا، فَادْرِكْنَا مَا أَمَلْنَا، وَثَبَّتْ رَجَائِكَ

به دل و زبان به تو ایمان آوردیم تا از ما بگذری پس ما را هم به مقصودمان برسان و امیدت را

فِي صُدُورِنَا، وَلَا تُزِعْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ

در دل‌های ما ثابت و محکم فرما و منحرف مساز دل‌های ما را پس از آنکه هدایت‌مان کردی و ببخش بما از نزد خود

رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، فَوْعَزَّتْكَ لَوْ ائْتَهَرْتَنِي مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ

رحمتی که براستی تویی بسیار بخشنده به عزتت سوگند اگر برانهم من هرگز از در خانه‌ات برنخیزم

وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَلْهِمَ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ، وَسَعَةِ

و دست از تملق و چاپلوسیت برندارم چون شناسایی کرمت و رحمت و وسیعت به دلم الهام شده،

رَحْمَتِكَ، إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ، وَإِلَى مَنْ يَلْتَجِيُّ

بنده به نزد چه کسی رود جز به درگاه مولایش و

الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ، إِلَهِي لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ، وَمَنْعَتَنِي سَبِيكَ

مخلوق به که پناهنده شود جز به خالقش خدایا اگر مرا به بند گرفتن کنی

مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ، وَدَلَّتْ عَلَيَّ فُضَايِحِي عُيُونُ الْعِبَادِ، وَأَمَرْتَنِي

و بازداری از من عطایت را در میان انظار مردم و رسواییهایم را به چشم بندگانت آری و دستور بردنم را

إِلَى النَّارِ، وَحَلَّتْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتَ رَجَائِي مِنْكَ، وَمَا

بسوی دوزخ صادر کنی و میان من و نیکان حائل گردی من هرگز امیدم را از تو قطع نخواهم کرد و

صَرَفْتَ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ، وَلَا خَرَجَ حُبِّكَ مِنْ قَلْبِي، أَنَا لَا أَنْسَى

آرزومندیم را از عفو تو بازنگردانم و بیرون نرود محبت از دلم و من

أَيَادِيكَ عِنْدِي وَسَتْرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا، سَيِّدِي أَخْرَجَ حُبَّ الدُّنْيَا

نعمتهایی که در دنیا به من دادی و پرده پوشیهایت را فراموش نمی‌کنم ای آقای من محبت دنیا را

مِنْ قَلْبِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى وَآلِهِ خَيْرَ تِكِّ مِنْ خَلْقِكَ،

از دلم بیرون کن و جمع کن میان من و میان (پیامبرت حضرت) مصطفی و آلش برگزیدگان خلقت

وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْقُلْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ

و خاتم پیامبران محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وسلمت را و مرا به درجه توبه و بازگشت

إِلَيْكَ، وَأَعِنِّي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي، فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالِ

بسویت برسان و یاریم ده به گریه کردن بر خویشستن زیرا که من عمرم را به امروز و فردا کردن و آرزوها

عُمْرِي، وَقَدْ نَزَلَتْ مَنَزِلَةُ الْأَيْسِينَ مِنْ خَيْرِي، فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالًا

گذراندم و درآمده‌ام در جایگاه ناامیدان از خیر خودم پس کیست که بدحال‌تر از من باشد

مَنِّي، إِنْ أَنَا نَقَلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِي، لَمْ أَمْهَدُهُ لِرُقْدَتِي، وَلَمْ

اگر من بر این حال بسوی قبرم منتقل گردم زیرا که آماده‌اش نکرده‌ام برای خوابیدنم

أَفْرُسُهُ بِأَعْمَلِ الصَّالِحِ لُضَجَعْتِي، وَمَالِي لَا أَبْكِي وَلَا أَدْرِي إِلَىٰ مَا

و فرش نکرده‌ام آنرا به عمل صالح برای آرمیدنم و چرا گریه نکنم در صورتی که نمی‌دانم به چه سرنوشتی

يَكُونُ مُصِيرِي، وَأَرَىٰ نَفْسِي تُخَادِعُنِي وَأَيَّامِي تُخَاتِلُنِي، وَقَدْ

دچار گردم من نفس خود را چنان بینم که با من نیرنگ زند و روزگارم را که مرا بفریبد

خَفَقْتُ عِنْدَ رَأْسِي أَجْنِحَةَ الْمَوْتِ، فَمَالِي لَا أَبْكِي، أَبْكِي لِخُرُوجِ

در حالی که مرگ بالهای خود را بر سرم گسترده پس چرا گریه نکنم؟ گریه کنم برای جان دادنم

نَفْسِي، أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي أَبْكِي لِضَيْقِ لَحْدِي، أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ

گریه کنم برای تاریکی قبرم گریه کنم برای تنگی لحدم گریه کنم برای سؤال منکر

وَتَكْبِيرِ آيَاتِي، أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثَقْلِي

و منکر از من گریه کنم برای بیرون آمدنم از قبر برهنه و خوار که بار سنگینم را

عَلَىٰ ظَهْرِي، أَنْظَرُ مَرَّةً عَنِ يَمِينِي وَأُخْرَىٰ عَنِ شِمَالِي، إِذِ الْخَلَائِقُ

به پشتم بار کرده یکبار از طرف راستم بنگرم و بار دیگر از طرف چپ و هریک از خلایق را

فِي شَأْنِ غَيْرِ شَأْنِي، لِكُلِّ امْرَأٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُعْنِيهِ وَجُوهٌ

در کاری غیر از کار خود بینم برای هر یک از آنها در آنروز کاری است که به خود مشغولش دارد چهره‌هایی

يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ، ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ، وَوَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلِيهَا غَبْرَةٌ

در آن روز گشاده و خندان و شادمانند و چهره‌هایی در آنروز غبارآلود است و سیاهی و خواری آنها را

تَرَهْقُهَا قَتْرَةٌ وَذَلَّةٌ، سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعَوَّلِي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي

فراگرفته ای آقای من بر تو است تکیه و اعتماد و امید

وَتَوَكَّلِي، وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي، تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ، وَتَهْدِي

و توکلم و به رحمت تو آویخته‌ام، به رحمت خود رسانی هر که را خواهی و به کرامتت راهنمایی کنی

بِكْرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ مَا نَقَّيْتَ مِنَ الشَّرْكِ قَلْبِي،

هر که را دوست داری پس ستایش تو را است بر اینکه دلم را از آلودگی شرک پاک کردی

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ بَسْطِ لِسَانِي، أَفْبَلِسَانِي هَذَا الْكَالُ أَشْكُرُكَ أَمْ

و برای تو است ستایش برای باز کردنت زبانم را، آیا به این زبان کُندم سپاس تو را گویم یا

بِغَايَةِ جَهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ، وَمَا قَدَرْتُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ

با نهایت کوشش در کردارم تو را خوشنود سازم؟ و چه ارزشی دارد زبانم پروردگارا در برابر

شُكْرِكَ، وَمَا قَدَرْتُ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ، [إِلَى] إلهي إنْ جَوَدْتُكَ

سپاس تو و چه ارزشی دارد کردارم در کنار نعمت‌های و احسانی که به من کردی خدایا براستی بخشش تو

بَسَطَ أَمَلِي، وَشُكْرِكَ قَبْلَ عَمَلِي، سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي، وَإِلَيْكَ رَهْبَتِي

آرزویم را گسترانید و شکر تو کردارم را پذیرفت آقای من اشتیاق من بسوی تو است و هراسم از تو است

وَإِلَيْكَ تَأْمِيلِي، وَقَدْ سَاقَنِي إِلَيْكَ أَمَلِي، وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي عَكْفَتُ

و آرزو و امیدم بسوی تو است و آرزویم مرا بسوی تو کشانده و همتم ای خدای یگانه من بدرگاه تو نشیمن کرده

هِمَّتِي، وَفِيمَا عِنْدَكَ أَنْبَسَطْتُ رَغْبَتِي، وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي

و در آنچه پیش تو است (جامه) شوقم (دامن) گسترده و امید خالص و ترسم

وَبِكَ أَنْسَتُ مَحَبَّتِي، وَإِلَيْكَ أَلْقَيْتُ بِيَدِي، وَيَجِبُ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ

تنها از تو است و به تو محبتم انس گرفته و دست به جانب تو انداختهام و به ریسمان اطاعت تو بند کردم

رَهْبَتِي، [يَا] مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي، وَبِمُنَاجَاتِكَ بَرَدْتُ أَلَمَ

ترسم را ای مولای من به یاد تو دلم زنده است و به راز و نیاز تو سوزش

الْخَوْفِ عَنِّي، يَا مَوْلَايَ يَا مَوْلَمَلِي، يَا مُنْتَهَى سُؤْلِي، فَرَّقْ بَيْنِي

ترسم را تسکین بخشم پس ای مولای من و ای آرزویم و ای آخرین سرحد خواسته‌ام میان

وَبَيْنَ ذَنْبِي الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ، فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِتَقْدِيمِ الرَّجَاءِ

من و گناهم را که مانع از ملازمت اطاعت تو است جدایی بینداز و این خواهشی که من از تو می‌کنم به خاطر همان امید

دیرینه ایست

فِيكَ وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ، الَّذِي أَوْجَبْتُهُ عَلَي نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ

که به تو دارم و برای آن طمع بزرگی است که درباره‌ات دارم که تو را رفت و مهربانی را برای بندگانت بر خود فرض

کرده‌ای

وَالرَّحْمَةِ فَالْأَمْرُ لَكَ وَحَدُّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ

پس امر و فرمان از آن تو است یگانه‌ای که شریک نداری و خلائق همگی جیره‌خوار تو

وَفِي قَبْضَتِكَ، وَكُلِّشِيءٍ خَاضِعٌ لَكَ، تَبَارَكْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، إِلَهِي

و در قبضه اقتدار تو و خاضع درگاه توأند برتری ای پروردگار جهانیان خدا

ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي، وَكَلَّ عَنْ جَوَابِكِ لِسَانِي، وَطَاشَ عِنْدَ

به من رحم کن در آن هنگامی که حجت و دلیل قطع شود و زبانم از پاسخ تو لال گردد و هوش در هنگام

سُؤَالِكِ إِيَّايَ لَبِّي، فَيَا عَظِيمَ رَجَائِي لَا تُخَيِّبْنِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي،

بازپرسیست از سرم ببرد پس ای بزرگ امیدم مرا نومید مکن در آن‌هنگام که سخت نیازمندم و به‌خاطر

وَلَا تَرُدَّنِي لِجَهْلِي، وَلَا تَمْنَعْنِي لِقَلَّةِ صَبْرِي، اَعْطِنِي لِقَفْرِي،

نادانیم مرا از درگاهت مران و برای کم‌طایقم مهرت را از من بازمدار به خاطر نیازی که دارم به من بده و برای ناتوانیم

وَارْحَمْنِي لِضَعْفِي سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي وَمَعُولِي وَرَجَائِي

به من رحم کن ای آقای من بر تو است اعتماد و تکیه و امید

وَتَوَكَّلِي، وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي وَبِفِنَائِكَ أَحْطُ رَحْلِي، وَبِجُودِكَ أَقْصِدُ

و توکل من و مهر تو است دستاویزم و به آستان تو بار (حاجت) اندازم و به جود تو خواهشم را

طَلَبْتِي، وَبِكِرَمِكَ أَيُّ رَبِّ اسْتَفْتِحُ دُعَائِي، وَكَدَيْكَ أَرْجُو فَاقَتِي،

جویم و به کرم تو ای پروردگار من دعایم را آغاز کنم و از پیش تو امید رفع نیاز و احتیاج خود را دارم

وَبِغِنَاكَ أَجْبُرُ عَيْلَتِي وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي، وَإِلَى جُودِكَ وَكِرَمِكَ

به توانگری تو جبران نداریم کنم و زیر سایه عفو تو بها ایستم و به جود و کرم تو

أَرْفَعُ بَصْرِي، وَإِلَى مَعْرُوفِكَ أَدِيمُ نَظْرِي، فَلَا تُحْرِقْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ

دیده بگشایم و به نیکی تو چشم دوزم پس مرا به آتش مسوزان با اینکه مرکز آرزوی منی و در دوزخم

مَوْضِعُ أَمَلِي، وَلَا تُسَكِّنِي الْهَآوِيَةَ فَإِنَّكَ قُرَّةُ عَيْنِي، يَا سَيِّدِي لَا

سکونت مده که تو نور چشم منی ای آقای من

تُكْذِبُ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَمَعْرُوفِكَ فَإِنَّكَ ثِقَّتِي، وَلَا تَحْرِمْنِي ثَوَابَكَ

گمان مرا به احسان و نیکیت دروغ و بی‌اصل مکن زیرا تو مورد اطمینان محکم منی و از پاداش نیکیت محرومم مساز که

فَأَنْتَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي، إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُقَرِّبْنِي مِنْكَ

تو به نداری من آشنایی خدایا اگر مرگم نزدیک شده ولی کردارم مرا به تو نزدیک نکرده

عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْأَعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذَنْبِي وَسَأَلْتُ عَلَيَّ، إِلَهِي إِنْ

من اعتراف به گناهم را وسیله عذر خویش به درگاهت قرار دهم خدایا اگر درگذری کیست که سزاوارتر از تو

عَفَوْتُ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ، وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي

به گذشت باشد و اگر عذاب کنی پس کیست که در حکم عادل تر از تو باشد

الْحُكْمِ أَرْحَمُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي، وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي، وَفِي الْقَبْرِ

رحم کن در این دنیا به غربتم و هنگام مرگ به غمزدگیم و در قبر به

وَحَدَّتِي وَفِي اللَّحْدِ وَحَشْتِي، وَإِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلٌّ

تنهاییم و در لحد به وحشت و بی‌کسیم و هنگامی که در برابرت به پای حسابم آورند به خواری

مَوْفِي وَاعْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ الْأَدَمِيِّينَ مِنْ عَمَلِي، وَأَدِمْ لِي مَا بِهِ

جایگاهم رحم کن و ببامرز برای من آنچه از کردارم که بر مردم پوشیده مانده و ادامه بده برایم آنچه را که بدان مرا

سَتَرْتَنِي وَارْحَمْنِي صَرِيحاً عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي آيِدِي أَحِبَّتِي،

پوشاندی و در آن حال که در بستر مرگ افتاده و دستهای یاران مرا به این سو و آن سو کنند

وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَى الْمُعْتَسِلِ يُقَلِّبُنِي صَالِحٌ جِيرَتِي، وَتَحَنَّنْ

بر من رحم کن و در آن حال که روی سنگ غسلخانه دراز کشیده‌ام و همسایگان شایسته‌ام به اینطرف و آنطرف

می‌گردانند

عَلَيَّ مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جِنَازَتِي، وَجُدْ عَلَيَّ مَقْبُولاً

بر من تفضل کن و هنگامی که خویشان اطراف جنازهام را بر دوش گرفته‌اند با من مهربانی فرما

قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحِيداً فِي حُفْرَتِي، وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ

و هنگامی که تک و تنها در میان گودال قبر بر تو وارد شوم بر من بخشش کن و به غربت من در آن خانه تازه و نو

غُرْبَتِي، حَتَّى لَا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ، يَا سَيِّدِي إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي

رحم کن بطوری که بجز تو انس نگیرم ای آقای من اگر مرا به خودم واگذاری

هَلَكْتُ، سَيِّدِي فَبِمَنْ أَسْتَغِيثُ إِنْ لَمْ تُقَلِّنِي عَثْرَتِي، فَالِي مَنْ أُنزِعُ إِنْ

هلاک کردم آقای من پس به که استغاثه کنم اگر تو لغزشم را نادیده نگیری و به که پناه برم

فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ فِي ضَجْعَتِي، وَالِي مَنْ أَلْتَجِي إِنْ لَمْ تُنَفِّسْ كُرْبَتِي،

اگر عنایت تو را در آرامگاهم از دست بدهم و به که ملتجی گردم اگر تو غم را برطرف نکنی،

سَيِّدِي مَنْ لِي وَمَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي وَفَضْلٌ مَنْ أُوْمَلُ إِنْ

آقای من که را دارم و که بر من رحم کند اگر تو بر من رحم نکنی و فضل که را آرزو کنم

عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي وَالِي مَنْ الْفِرَارُ مِنَ الذَّنُوبِ إِذَا انْقَضَى

در روز نیازمندم اگر فضل تو را گم کنم و بسوی چه کسی از گناهانم بگریزم در آن هنگام که عمرم

أَجَلِي، سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَرْجُوكَ، إِلَهِي حَقِّقْ رَجَائِي، وَأَمِنْ

بسر رسد ای آقای من مرا با اینکه به تو امیدوارم معذب مفرما خدایا امید مرا تحقق بخش

خَوْفِي، فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُو، فِيهَا إِلَّا عَفْوُكَ، سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا

و ترسم را امان بخش زیرا در این گناهان بسیار امیدمی جز به عفو تو ندارم ای آقای من از تو خواهم چیزی را

لَا أَسْتَحِقُّ، وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، فَاغْفِرْ لِي وَالْبِسْنِي مِنْ

که شایسته آن نیستم و تو شایسته پرهیزکاری هستی و اهل آمرزشی پس بیامرز مرا و از نظر مرحمت خود جامه‌ای بر

نَظْرِكَ ثَوْبًا يُعْطَى عَلَى التَّبِعَاتِ وَتَغْفِرْهَا لِي وَلَا أَطَالُبُ بِهَا، إِنَّكَ ذُو

من ببوشان که گناهانم را ببوشاند و آنها را برایم بیامرز و مورد مؤاخذه قرارم مده که تو دارای

مَنْ قَدِيمٍ، وَصَفْحٍ عَظِيمٍ، وَتَجَاوُزٍ كَرِيمٍ، إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ

متنی دیرینه و چشم‌پوشی بزرگ و گذشت بزرگواری هستی خدایا تویی که فیض خود را

سَيِّبِكَ عَلَيَّ مَنْ لَا يَسْأَلُكَ، وَعَلَى الْجَاهِدِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ، فَكَيْفَ

حتی بر آنکه درخواست نکند و بر منکران پروردگاریت فروریزی پس چگونه نسبت به کسی که

سَيِّدِي بِمَنْ سَأَلَكَ وَأَيُّقِنَنَّ أَنَّ الْخُلُقَ لَكَ وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ

از تو درخواست کند و یقین داند که جهان خلقت از تو و کار بدست تو است؟ برتری

وَتَعَالَيْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، سَيِّدِي عَبْدُكَ بِبَابِكَ أَقَامَتَهُ الْخِصَاصَةُ

و والایی ای پروردگار جهانیان، ای آقای من بنده‌ات به درگاهت آمده و تنگدستی او را پیش روی تو

بَيْنَ يَدَيْكَ، يَفْرَعُ بَابَ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ، فَلَا تُعْرِضْ بوجْهِكَ الْكَرِيمِ

و داشته و به وسیله دعای خود در خانه احسان تو را می‌گوید پس آن روی بزرگوارت را از من

عَنِّي، وَاقْبَلْ مِنِّي مَا أَقُولُ فَقَدْ دَعَوْتُ بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَأَنَا أَرْجُو أَنْ لَا

بر مگردان و آنچه گویم از من بپذیر زیرا من به این دعا تو را خواندم و امیدوارم که بازم مگردانی چون

تَرَدَّتِي مَعْرِفَةً مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ، إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي لَا يُخْفِيكَ

آشنایی کاملی به مهر و رأفت تو دارم خدایا تویی که درمانده و سؤال‌پیچت نکند

سَائِلٌ، وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ، اللَّهُمَّ إِنِّي

سائلی و بخشش و عطا از تو نگاهد تو چنانی که خود گویی و بالاتر از آنی که ما گوئیم خدایا من از تو

أَسْئَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا وَفَرَجًا قَرِيبًا، وَقَوْلًا صَادِقًا، وَاجْرًا عَظِيمًا،

خواهم صبری نیکو و گشایشی نزدیک و گفتاری راست و پاداشی بزرگ

أَسْئَلُكَ يَا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، أَسْئَلُكَ

از تو خواهم پروردگارا هرچه خیر و خوبی است چه آنچه می‌دانم و چه آنچه را نمی‌دانم خواهم از تو

اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرٍ مَا سَأَلُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ،

خدایا از بهترین چیزی که بندگان شایسته‌ات خواهند ای بهترین درخواست شدگان

وَاجُودَ مَنْ أُعْطِيَ، أَعْطِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَالِدِي

و ای بخشنده‌ترین عطابخش عطاکن به من خواسته‌ام را در مورد خود و خانواده و پدر

وَوَلَدِي، وَأَهْلٍ حُرَاتَتِي وَأَخْوَانِي فَيْكَ، وَأَرْغِدْ عَيْشِي، وَأَظْهِرْ

و مادر و فرزندان و بستگان و برادران دینیم و زندگیم را خوش و فراخ گردان

مُرُوتِي، وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أُطِلَّتْ عَمْرُهُ

و مردانگیم را آشکار ساز و تمام حالات مرا اصلاح کن و بگردانم از کسانی که عمرش را طولانی

وَحَسَّنَتْ عَمَلَهُ، وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، وَرَضِيتَ عَنْهُ، وَأَحْيَيْتَهُ حَيَوَةً

و کردارش را نیکو و نعمتت را بر او تمام کرده و از او خوشنود گشته‌ای و زندگی

طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السَّرُورِ، وَأَسْبَغِ الْكِرَامَةَ وَأَتَمِّ الْعَيْشِ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا

پاکیزه‌ای به او بخشیده‌ای که در میان پابرجاترین خوشی و وسیعترین کرامت و کاملترین زندگانی روزگار بسر می‌برد

تَشَاءُ وَلَا تَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ خُصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ،

و براستی تو هر چه را بخواهی انجام دهی ولی جز تو کسی نتواند هر چه خدا خواهد انجام دهد خدایا مرا به ذکر

مخصوص

وَلَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِمَّا اتَّقَرَّبُ بِهِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً،

خود مخصوصم دار و آنچه را من بوسیله آن در تمام ساعات و دقائق روز و شب و سیله تقرب درگاهت قرار دهم

خودنمایی

وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ، اللَّهُمَّ

و شهرت طلبی و سرکشی و گردن فرازی قرار مده و مرا از فروتنان درگاهت قرارم بده خدایا

أَعْطِنِي السُّعَةَ فِي الرِّزْقِ، وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ

به من عطا فرما وسعت در روزی، و امنیت در وطن، و چشم‌روشنی در خاندان

وَالْمَالَ وَالْوَلَدَ وَالْمُقَامَ فِي نِعْمِكَ عِنْدِي وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ،

و مال و اولاد و پایدار ماندن نعمتهایی که در پیش من داری و تندرستی و نیرویی در بدن

وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ، وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ

و سلامتی در دین و همیشه تا زنده‌ام مرا به طاعت خود و اطاعت

و طَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي،

پیامبرت محمد صلی‌الله علیه و آله و اदार کن

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، وَتَنْزِلُهُ

و بگردانم از پرنسب‌ترین بندگانت در هر خیری که نازل کرده و

فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَمَا أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ

در ماه رمضان در شب قدر نازل گردانی و آنچه را در هر سال نازل گردانی از

رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، وَعَاقِبَةَ تُلْبَسُهَا، وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا،

مهری که بگسترانی و تندرستی که بپوشانی و بلاهایی که بازگردانی و کارهای خیری که بپذیری

وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا، وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا

و زشتیهایی را که از آنها درگذری و روزیم کن حج خانه کعبه را در این سال

وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَارْزُقْنِي رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ، وَأَصْرِفْ

و در هر سال و روزیم ده روزی فراخی از فضل وسیع خود و بدیها را

عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَأَ، وَأَقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَالظَّلَامَاتِ، حَتَّى لَا

ای آقایم از من دور کن و بدهیها و مظلمههایی که به گردن دارم از من ادا فرما بطوری که

أَتَادَى بِشَيْءٍ مِنْهُ، وَخُذْ عَنِّي بِأَسْمَاعٍ وَأَبْصَارٍ أَعْدَائِي وَحَسَادِي

به خاطر چیزی از آنها ناراحت نباشم و گوش و چشم دشمنان و حسودان

وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ وَأَنْصُرْنِي عَلَيْهِمْ، وَأَقِرَّ عَيْنِي وَفَرِّحْ قَلْبِي، وَاجْعَلْ لِي

و ستمکارانم را بر من ببند و بر ایشان یاریم ده و دیدهام را روشن کن و دلم را شاد گردان و برایم از

مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا، وَاجْعَلْ مِنْ أَرَادَتِي بَسُوءٍ مِنْ

اندوه و غمم فرج و گشایشی قرار ده و هرکه را از تمامی خلقت که اراده سوئی نسبت به من دارد

جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمِي، وَاكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ

زیر پای من قرارش ده و کفایت کن مرا از شر شیطان و شر سلطان

وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي، وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا، وَاجْرِنِي مِنَ النَّارِ

و بدیهای کردارم و پاکم کن از گناهان همگی، و از آتش دوزخ

بِعَفْوِكَ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَزَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ،

بوسیله عفو خود پناهم ده و به رحمت خویش داخل بهشتم گردان و از حوریههای بهشتی به فضل خود به همسریم

دراور

وَأَلْحِقْنِي بِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ

و ملحقم کن به دوستان شایستهات محمد و آلش آن نیکان پاک

الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، صَلِّوْا تَكَ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَجْسَادِهِمْ وَأَرْوَاحِهِمْ

پاکیزه و برگزیده دروودهای تو بر ایشان و بر جسدهاشان و بر ارواحشان

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، إِلَهِي وَسَيِّدِي وَعَزَّتِكَ وَجَلَالُكَ لَيْنُ طَالِبْتَنِي

و رحمت خدا و برکاتش ای خدای من و آقای من سوگند به عزت و جلالت اگر مرا در مورد

بَدُنُوْبِي لِطَالِبِيْنِكَ بَعْفُوْكَ، وَلَيْنُ طَالِبْتَنِي بِلُوْمِي لِطَالِبِيْنِكَ بِكَرْمِكَ،

گناهان بازخواست کنی من نیز تو را به عفو و گذشتت مطالبه می‌کنم و اگر به پستی‌ام مرا مؤاخذه کنی من هم به کرم‌ت

وَلَيْنُ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ لِأَخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحَبِي لَكَ، إِلَهِي وَسَيِّدِي اِنْ

تو را مطالبه می‌کنم و اگر به دوزخم ببری به دوزخیان گزارش می‌دهم که دوستت دارم ای خدای من و آقای من

كُنْتُ لَا تَغْفِرُ اِلَّا لِاَوْلِيَاءِكَ وَاَهْلِ طَاعَتِكَ فَالِي مَنْ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ،

اگر نیامرزی مگر دوستانت و پیروانت را پس به که پناه برند گناهکاران

وَ اِنْ كُنْتُ لَا تَكْرِمُ اِلَّا اَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَبِمَنْ يَسْتَعِيْثُ الْمُسِيْئُونَ،

و اگر اکرام نکنی مگر نسبت به وفادارانت پس به که استغاثه کنند بدکرداران

إِلَهِي اِنْ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذَلِكَ سُرُوْرٌ عَدُوْكَ وَاِنْ اَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ

خدایا اگر به دوزخم ببری این کار موجب خوشحالی دشمنت گردد و اگر به بهشتم ببری

فَفِي ذَلِكَ سُرُوْرٌ نَبِيِّكَ، وَاَنَا وَاللَّهِ اَعْلَمُ اَنْ سُرُوْرَنَبِيِّكَ اَحَبُّ اِلَيْكَ مِنْ

موجب خوشحالی پیامبرت بشود و من به خدا سوگند مسلماً می‌دانم که خوشحال شدن پیامبرت را بیشتر از

سُرُوْرٍ عَدُوْكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَنْ تَمَلِّأَ قَلْبِيْ حُبًّا لَكَ وَخَشِيَةً

خوشحال شدن دشمنت دوست داری خدایا از تو می‌خواهم که دلم را پر کنی از محبت و ترس از

مِنْكَ، وَتَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَاِيْمَانًا بِكَ، وَفَرَقًا مِنْكَ وَشَوْقًا اِلَيْكَ، يَا

خودت و تصدیق به کتابت و ایمان به خودت و هراس و اندیشه از خود و اشتیاق بسوی خود

ذَالْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ، حَبِّ اِلَى لِقَائِكَ وَاَحْبِبْ لِقَائِيْ، وَاَجْعَلْ لِيْ فِي

ای صاحب جلال و بزرگواری مرا دوستدار لقای خویش کن و نیز لقای مرا دوست بدار و در

لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ، اَللّٰهُمَّ اَلْحِقْنِيْ بِصَالِحٍ مِنْ مَضِيْ،

لقاء خود برای من آرامش و گشایش و کرامتی قرار ده خدایا مرا به شایستگان از مردم گذشته ملحق کن و از شایستگان

باقیمانده

وَأَجْعَلْنِي مِنْ صَالِحِ مَنْ بَقِيَ، وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ، وَأَعِنِّي عَلَى

قرارم ده و به راه شایستگانم ببر و کمکم ده بر مخالفت با

نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ، وَاخْتِمِ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ،

هوای نفسم بدانچه کمک دادی شایستگان را بر مخالفتشان با هوای نفس و ختم کن کارم را به نیکوترین کارهایم

وَأَجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحِ مَا أُعْطَيْتَنِي

و پاداشم را از آن کار به رحمت خود بهشت قرار ده و کمکم ده در آنچه به من داده‌ای که در کار صالح بکار بندم

وَتَبِّئْنِي يَا رَبُّ، وَلَا تَرُدَّنِي فِي سُوءِ اسْتِنْقَذْتَنِي مِنْهُ يَا رَبَّ

و ثابت قدمم دار و بازم مگردان به بدیهایی که از آن نجاتم داده‌ای ای پروردگار

الْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اِيْمَانًا لَا اَجَلَ لَهُ دُوْنَ لِقَائِكَ، اٰحِيْنِيْ مَا

جهانیان خدایا از تو خواهم ایمانی که انتهایش ملاقات تو باشد و تا زنده‌ام داری به همان ایمان

اٰحِيْتِنِيْ عَلَيْهِ وَتَوْفِقِيْ اِذَا تَوَفَّقْتَنِيْ عَلَيْهِ وَاَبْعَثْنِيْ اِذَا بَعَثْتَنِيْ عَلَيْهِ،

زنده‌ام دار و چون بمیرانم بر همان ایمان بمیرانم و چون برانگیزم بر همان ایمان برانگیزم

وَابْرءْ قَلْبِيْ مِنَ الرِّيَاءِ وَالشَّكِّ وَالسُّمْعَةِ فِيْ دِيْنِكَ، حَتّٰى يَكُوْنَ

و پاک کن دلم را از ریا و شک و خودنمایی در دینت تا در نتیجه

عَمَلِيْ خَالِصًا لَكَ، اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِيْ بَصِيْرَةً فِيْ دِيْنِكَ، وَفَهْمًا فِيْ

عملم خالص برای تو باشد خدایا به من عنایت کن بصیرتی در دینت و فهمی (در شناختن)

حُكْمِكَ، وَفِقْهًا فِيْ عِلْمِكَ، وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَوَرَعًا يَخْجُزْنِيْ

حکمت و درک خاصی در فهم علمت و دو سهم از رحمتت و پرهیزکاری آنچنانی که مرا

عَنْ مَعَاصِيْكَ، وَبَيِّضْ وَجْهِيْ بِنُوْرِكَ، وَاجْعَلْ رَغْبَتِيْ فِيمَا عِنْدَكَ،

از گناهانت بازدارد و رویم را به نور خود سفید گردان و شوقم را بدانچه پیش تو است قرار ده

وَتَوْفِقِيْ فِيْ سَبِيْلِكَ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُوْلِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَللّٰهُمَّ

و در راه خود و بر کیش پیامبرت صلی‌الله علیه و آله بمیرانم خدایا

اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسْلِ وَالْجُبْنِ، وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ

به تو پناه می‌برم از کسالت و سستی و اندوه و ترس و بخالت و بی‌خبری

وَالْقَسْوَةَ وَالْمَسْكَنَةَ، وَالْفَقْرَ وَالْفَاقَةَ وَكُلَّ بَلِيَّةٍ، وَالْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ

و سنگدلی و بیچارگی و فقر و نداری و از هر بلا و هرزگی هر چه آشکار باشد

مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ، وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَقَلْبٍ لَا

از آنها و هر چه پنهان و پناه می‌برم به تو از نفسی که قانع نباشد و شکمی که سیر نشود و دلی که

يَخْشَعُ، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ، وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى

نهراسد و داعی که پذیرفته نشود و کاری که سود ندهد و پناه می‌برم ای پروردگرم در مورد

نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي وَعَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ،

خویشتن و دین و مال و همه آنچه به من روزی کرده‌ای از شیطان رانده درگاهت

إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ، وَلَا أَجِدُ

که براستی تو شنوای دانایی خدایا کسی نیست که مرا از تو درپناه خود گیرد و جز تو پناهگاهی

مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِداً، فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ وَلَا

نیابم پس مرا در چیزی از عذاب خود قرارم مده و مرا به هلاکت و عذاب درنداک

تَرُدَّنِي بِهَلَكَةٍ، وَلَا تَرُدَّنِي بِعَذَابٍ أَلِيمٍ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَأَعْلِ

بازمگردان خدایا عملم را بپذیر و نامم را بلند کن و

ذِكْرِي، وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَحُطِّ وَزْرِي، وَلَا تَذْكَرْنِي بِخَطِيئَتِي، وَاجْعَلْ

درجه‌ام را بالا بر و گناه‌ام را بریز و به خطایم مرا یاد مکن و

ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ،

پاداش این مجلس مرا و پاداش گفتارم را و پاداش دعایم را خوشنودی خودت و بهشت قرار ده

وَاعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ، إِنِّي إِلَيْكَ

و بده به من ای پروردگار من تمام آنچه را از تو خواستم و از فضل خویش بر من بیفز که من براستی بسویت

رَاغِبٌ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ أَنْكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ أَنْ نَغْفُوَ عَمَّنْ

مشتاقم ای پروردگار جهانیان خدایا تو خود در کتابت قرآن برای ما نازل فرمودی که ما گذشت کنیم از کسی که

ظَلَمْنَا وَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَاعْفُ عَنَّا، فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا وَأَمَرْتَنَا

به ما ستم کرده و ما به خودمان ستم کردیم پس از ما درگذر که تو از ما سزاوارتر بدین کار هستی و به ما دستور دادی

أَنْ لَا نُرَدَّ سَائِلًا عَنْ أَبْوَابِنَا، وَقَدْ جِئْتِكَ سَائِلًا فَلَا تَرُدَّنِي إِلَّا بِقَضَاءٍ

که هیچ خواهنده‌ای را از درِ خانه‌مان بازنگردانیم و من بصورت خواهندگی به درگاهت آمده‌ام و باز مگردان جز با روا

شدن

حَاجَتِي، وَأَمَرْتَنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا، وَتَحْنُ أَرْقَاءُكَ

حاجتم و به ما دستور دادی که نسبت به بردگانمان احسان و نیکی کنیم و ما بردگان تویم

فَاعْتِقُ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ، يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي، وَيَا غَوْثِي عِنْدَ

پس ما را از آتش دوزخ آزاد فرما ای پناهم در هنگام اندوه و غم ای فریادرسم در هنگام

شِدَّتِي، إِلَيْكَ فَرِغْتُ، وَبِكَ اسْتَعْنْتُ وَوَلَدْتُ، لَا الْوُدَّ بِسِوَاكَ، وَلَا أَطْلُبُ

سختی به درگاه تو زاری کنم و به تو استغاثه کنم و به تو پناه آورم و به دیگری پناه نبرم و گشایش نخواهم

الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ، فَاغْنِنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يُفَكُّ الْأَسِيرَ، وَيَعْفُو عَنِ

جز از تو پس تو به فریادم برس و گشایشی در کارم بده ای که اسیر و گرفتار را آزاد کنی و از گناه

الْكَثِيرِ، إِقْبَلْ مِنِّي الْيُسِيرَ، وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ، إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ

بسیار بگذری طاعت اندک را از من بپذیر و از گناه بسیارم بگذر که براستی تو مهربان

الْعَفْوُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَيَقِينًا صَادِقًا حَتَّىٰ أَعْلَمَ

آمرزنده‌ای خدا یا از تو خواهم ایمانی که همیشه دلم با آن همراه گردد و یقینی راست و کامل که بدانم

أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي، وَرَضْنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي،

مسلماً چیزی به من نرسد جز آنکه بر من نوشته‌ای و خوشنودم کن در زندگی به همانکه نصیبم کرده‌ای

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. *

ای مهربانترین مهربانان

پنجم: و نیز شیخ فرموده که در سحر این دعا را می‌خوانی:

يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي، وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي،

ای ذخیره‌ام در گرفتاریم و ای یار هم‌رم در سختی و ای سرپرستم در نعمت

وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي، أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي، وَالْمُؤْمِنُ رَوْعَتِي،

و ای منتهای رغبت و شوقم تویی پوشاننده زشتی‌م و امنیت بخش هراسم و نادیده‌گیر

وَالْمَقِيلُ عَثْرَتِي، فَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ خُشُوْعَ

لغزشم پس بیمارز برای من خطایم را خدایا از تو خواهم فروتنی

اَلْاِيْمَانِ قَبْلَ خُشُوْعِ الدَّلِّ فِي النَّارِ، يَا وَاحِدُ يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ، يَا مَنْ

ایمان به تو را پیش از آنکه خواری در دوزخ فروتنم گرداند ای یگانه ای یکتا ای بی‌نیاز

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهٗ كُفُوًا اَحَدٌ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ تَحْنُنًا

ای که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و برایش همتایی نیست هیچکس ای که هرکس از او درخواست کند از روی

عطوفت

مِنْهُ وَرَحْمَةً، وَيَبْتَدِيْ بِالْخَيْرِ مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ تَفَضُّلاً مِنْهُ وَكَرَمًا

و مهر به او می‌دهد و آغاز به نیکی کند از روی فضل و کرم نسبت به کسی که از او درخواست نکرده (خدایا) به حق

بِكْرَمِكَ الدَّائِمِ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، وَهَبْ لِي رَحْمَةً وَّاسِعَةً

کرم همیشگی درود فرست بر محمد و آل محمد و ببخش به من رحمتی وسیع

جَامِعَةً اَبْلُغْ بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَّالْآخِرَةِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ لِمَا تُبْتُ

و جامع که بوسیله آن به خیر دنیا و آخرت نائل گردم خدایا من از تو آمرزش خواهم برای گناهیانی که پس از توبه

اِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيْهِ، وَّاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ خَيْرٍ اَرَدْتُ بِهٖ وَجَهَكَ

کردن دوباره دست بدانها زده‌ام و از تو آمرزش خواهم برای هر کار خیری که در انجام آن ذات تو را قصد کردم

فَخَالَطَنِيْ فِيْهِ مَا لَيْسَ لَكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ،

و لی چیزهای دیگری هم در آن مخلوط گشت خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاعْفُ عَن ظُلْمِيْ وَجُرْمِيْ بِحِلْمِكَ وَجُودِكَ يَا كَرِيْمُ، يَا مَنْ لَا

و بگذر از ظلم و جنایت من به بردباری و بخشش خود ای بزرگوار ای که

يَخِيبُ سَائِلُهُ، وَلَا يَنْفَدُ نَائِلُهُ، يَا مَنْ عَلَا فَلَا شَيْءَ فَوْقَهُ، وَدَنَى فَلَا

نومید نکند خواننده‌اش را و تمام شدنی نیست عطایش ای که والا است و چیزی فوق او نیست و نزدیک آمد

شَيْءٍ دُونَهُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمَنِي يَا فَالِقَ الْبَحْرِ

و چیزی از او نزدیکتر نیست درود فرست بر محمد و آل محمد و به من رحم کن ای شکافنده دریا

لِمُوسَى، اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ، السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ

برای حضرت موسی، در همین امشب، امشب، امشب، همین ساعت، همین ساعت، همین ساعت خدا یا پاک کن

قَلْبِي مِنَ النِّفَاقِ، وَعَمَلِي مِنَ الرِّيَاءِ وَلِسَانِي مِنَ الْكُذْبِ، وَعَيْنِي مِنَ

دل من را از نفاق و کارم را از ریا و زبانم را از دروغ و چشمم را از

الْخِيَانَةِ، فَإِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، يَا رَبِّ هَذَا

خیانت زیرا تویی که خیانت‌های چشم‌ها و آنچه را سینه‌ها در خود پنهان کنند می‌دانی پروردگارا اینجاست

مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ، هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ، هَذَا مَقَامُ

جایگاه پناه برنده به تو از آتش این است جایگاه پناه خواننده به تو از آتش

الْمُسْتَعِيثِ بِكَ مِنَ النَّارِ، هَذَا مَقَامُ الْهَارِبِ إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ، هَذَا مَقَامُ

این است جایگاه فریادخواه تو از آتش این است جایگاه گریزان بدرگاہت از آتش این است جایگاه

مَنْ بَيَّوْءُ لَكَ بِخَطِيئَتِهِ، وَيَعْتَرِفُ بِذَنْبِهِ، وَيَتُوبُ إِلَى رَبِّهِ، هَذَا مَقَامُ

کسی که بازگشته بسوی تو از خطاکاریش و معترف است به گناهش و بسوی پروردگارش توبه کند این است جایگاه

الْبَائِسِ الْفَقِيرِ، هَذَا مَقَامُ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، هَذَا مَقَامُ الْمَحْزُونِ

مستمند بینوا این است جایگاه ترسان پناهنده این است جایگاه اندوهناک

الْمَكْرُوبِ، هَذَا مَقَامُ الْمَغْمُومِ الْمَهْمُومِ، هَذَا مَقَامُ الْغَرِيبِ الْغَرِيقِ،

غمزده این است جایگاه دلگیر افسرده این است جایگاه دور از وطن غرق شده

هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَوْحِشِ الْفَرِيقِ، هَذَا مَقَامُ مَنْ لَا يَجِدُ لِدَنْبِهِ غَافِرًا

این است جایگاه وحشت زده هراسان این است جایگاه کسی که نیابد جز تو آمرزنده‌ای

غَيْرِكَ، وَلَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّياً إِلَّا أَنْتَ، وَلَا لِهَمِّهِ مُفَرِّجاً سِوَاكَ، يَا اللَّهُ يَا

برای گناهش و نه توانا بخشی برای ناتوانیش جز تو و نه غمزدایی برای اندوهش جز تو ای خدا ای

كَرِيمٍ، لَا تُحْرِقُ وَجْهِي بِالنَّارِ بَعْدَ سُجُودِي لَكَ، وَتَغْفِرِي بِيغَيْرِ مَنْ

کریم مسوزان رویم را به آتش پس از آنکه برای تو سجده کرده و بدون آنکه متی بر تو داشته باشم

مِنِّي عَلَيْكَ، بَلْ لَكَ الْحَمْدُ وَالْمَنْنُ وَالْتَفَضُّلُ عَلَيَّ، اِرْحَمِ أَيُّ رَبِّ أَيُّ

آنرا به خاک مالیده‌ام بلکه برای تو است ستایش و منت‌گذاری و زیاده‌بخشی بر من رحم کن ای پروردگارم ...

رَبِّ أَيُّ رَبِّ، بگوید تا آنکه نفس قطع شود ضَعْفِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي، وَرِقَّةَ جِلْدِي،

وَتَبَدُّدُ

... * * * * * به ناتوانی و بیچارگی من و نازکی پوست بدنم و گسیختن

أَوْصَالِي، وَتَنَاثُرَ لَحْمِي وَجَسْمِي وَجَسَدِي، وَوَحْدَتِي وَوَحْشَتِي

بند بند اعضايم و فرو ریختن گوشت تنم و پیکرم و تنهائیم و وحشت

فِي قَبْرِي، وَجَزَعِي مِنْ صَغِيرِ الْبَلَاءِ، أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ قُرَّةَ الْعَيْنِ

قبرم و بی‌تابیم از بلای کوچک از تو خواهم پروردگارا روشنی دیده

وَالْإِعْتِبَاطَ يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَالنَّدَامَةِ، بِيَضِّ وَجْهِي يَا رَبِّ يَوْمَ تَسْوَدُّ

و شادمانی در روز حسرت و پشیمانی، سفید گردان رویم را پروردگارا در روزی که روها سیاه گردند

الْوُجُوهُ، آمِنِي مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ، أَسْأَلُكَ الْبُشْرَى يَوْمَ تَقَلَّبُ الْقُلُوبُ

امانم بخش از هراس بزرگ از تو خواهم مژده در روزی که دلها و دیده‌ها زیر و رو گردند

وَالْأَبْصَارُ، وَالْبُشْرَى عِنْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْجُوهُ عَوْنًا

و مژده در وقت جدایی از این دنیا ستایش خاص خدایی است که امید کمک او را در دوران

لِي فِي حَيَاتِي، وَأَعِدُّهُ ذُخْرًا لِيَوْمِ فَاقَتِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ وَلَا أَدْعُو

زندگی دارم و برای روز بی‌توانیم او را ذخیره کرده‌ام ستایش خدایی را است که او را بخوانم و جز او

غَيْرُهُ، وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَحَيِّبَ دُعَائِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْجُوهُ وَلَا

کسی را نخوانم و اگر هم غیر او را بخوانم دعایم به اجابت نرسد ستایش از آن خدایی است که امیدم به او است و جز

أَرْجُو غَيْرَهُ، وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنْعِمِ

او به کسی امید ندارم و اگر به دیگری امید داشته باشم ناامید گردم ستایش خاص خدای نعمت بخش

الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُفْضِلِ، ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ،

نیکو ده زیبا کردار زیاده بخش است که صاحب جلال و بزرگواری است و سرپرست هر نعمت

وَصَاحِبِ كُلِّ حَسَنَةٍ، وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ وَقَاضِي كُلِّ حَاجَةٍ، اَللَّهُمَّ

و صاحب هر خوبی و سرحد نهایی هر شوق و رغبت و برآورنده هر حاجتی است خدایا

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي الْيَقِينَ وَحُسْنَ الظَّنِّ بِكَ،

درود فرست بر محمد و آل محمد و روزیم کن یقین و خوش گمانی به خودت

وَأْتَبِتْ رَجَائِكَ فِي قَلْبِي، وَأَقْطَعْ رَجَائِي عَمَّنْ سِوَاكَ، حَتَّى لَا أَرْجُو

و محکم کن امیدت را در دلم و قطع کن امیدم را از غیر خود تا اینکه جز تو به کسی امید

غَيْرِكَ، وَلَا أَتَّقِ إِلَّا بِكَ، يَا لَطِيفاً لِمَا تَشَاءُ، اَلطُّفَ لِي فِي جَمِيعِ

نداشته و بجز تو به کسی اعتماد نکنم ای لطف کننده به هر چه خواهی به من لطف فرما در تمام

أَحْوَالِي بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، يَا رَبِّ اِنِّي ضَعِيفٌ عَلَى النَّارِ فَلَا

حالاتم بدانچه دوست داری و خوشنود شوی پروردگارا من بر تحمل آتش ناتوانم پس

تُعَذِّبُنِي بِالنَّارِ، يَا رَبِّ اِرْحَمْ دُعَائِي وَتَضَرَّعِي وَخَوْفِي، وَذُلِّي

به آتش عذابم مکن پروردگارا به دعا و تضرع و ترس و خواری

وَمَسْكَنَتِي، وَتَعْوِيذِي وَتَلْوِيذِي، يَا رَبِّ اِنِّي ضَعِيفٌ عَن طَلَبِ

و بیچارگی و پناهندگی و پناه خواهیم رحم کن، پروردگارا من از طلب

الدُّنْيَا، وَأَنْتَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ، أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِقُوَّتِكَ عَلَى ذَلِكَ، وَقُدْرَتِكَ

دنیا ناتوانم و تو گشایش ده بزرگواری از تو خواهم پروردگارا به نیرویت بر این کار و قدرتی که

عَلَيْهِ، وَغِنَاكَ عَنْهُ، وَحَاجَتِي إِلَيْهِ أَنْ تَرْزُقَنِي فِي عَامِي هَذَا، وَسَهْرِي

بر آن داری و بی نیازیت از آن و نیاز من بدان که روزیم کن در این سال و در این ماه

هَذَا، وَيَوْمِي هَذَا، وَسَاعَتِي هَذِهِ، رِزْقاً تُغْنِينِي بِهِ عَنِ تَكْلِيفِ مَا فِي

و در همین امروز و همین ساعت یک چنان روزی که بوسیله آن مرا از به زحمت درآوردن آنچه در

أَيْدِي النَّاسِ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، أَي رَبِّ مِنْكَ أَطْلُبُ، وَإِلَيْكَ

دست مردم است بی نیاز کنی از آن روزی حلال و پاکیزه‌ات، پروردگارا از تو می‌جویم و به درگاه

أَرْغَبُ، وَإِيَّاكَ أَرْجُو وَأَنْتَ أَهْلُ ذَلِكَ لَا أَرْجُو غَيْرَكَ، وَلَا أَتَقِي إِلَّا بِكَ،

تو رغبت کنم و از تو امیدوارم و تو شایسته آنی به جز تو به کسی امید ندارم و بجز تو به کسی اعتماد ندارم

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَي رَبِّ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي

ای مهربانترین مهربانان پروردگارا من به خویشتم ستم کرده پس مرا ببامرز و به من رحم کن

وَعَافِنِي، يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، وَيَا جَامِعَ كُلِّ فَوْتٍ، وَيَا بَارِيَّ النَّفُوسِ

و عافیتم ده ای شنوای هر صدا و ای گردآورنده هر چه از دست رفته و ای آفریننده جانها

بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا مَنْ لَا تَغْشَاهُ الظُّلُمَاتُ، وَلَا تَشْتَبِهُهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ،

پس از مرگ ای که نپوشاندش تاریکیها و مشتهبه نشود بر او صداه

وَلَا يَشْغَلُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ، أَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفْضَلَ

و سرگرمش نکند چیزی از چیز دیگر عطا کن بر محمد صلی الله علیه و آله بهترین چیزی را

مَا سَأَلَكَ، وَأَفْضَلَ مَا سَأَلْتُ لَكَ، وَأَفْضَلَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ

که او از تو خواسته و بهتر چیزی که برای او از تو درخواست شده و بهتر چیزی که از تو تا روز

الْقِيَامَةِ، وَهَبْ لِي الْعَافِيَةَ حَتَّى تُهَيِّبَنِي الْمَعِيشَةَ، وَأَخْتِمْ لِي بِخَيْرِ

قیامت برای او درخواست کند و تندرستی به من عنایت کن تا اینکه زندگی بر من گوارا شود و کارم را

حَتَّى لَا تَضُرَّنِي الذُّنُوبُ، اللَّهُمَّ رَضِّنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي، حَتَّى لَا

ختم بخیر فرما تا گناهان زیانم نرساند خدایا خوشنودم گردان بدانچه روزیم کرده‌ای که دیگر

أَسْأَلُ أَحَدًا شَيْئًا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَفْتَحْ لِي

از هیچکس چیزی نخواهم خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و خزینه‌های رحمت را بر من

خَزَائِنَ رَحْمَتِكَ، وَارْحَمْنِي رَحْمَةً لَا تُعَذِّبُنِي بَعْدَهَا أَبَدًا فِي الدُّنْيَا

بگشا و رحمتی به من بده که پس از آن هرگز در دنیا

وَالْآخِرَةَ، وَارزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا، لَا تُفْقِرُنِي

و آخرت مرا عذاب نفرمائی و روزیم ده از فضل وسیع خود روزی حلال پاکیزه‌ای که مرا جز بدرگاهت فقیر و نیازمند

إِلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ سِوَاكَ، تَزِيدُنِي بِذَلِكَ شُكْرًا، وَالْيَاكُ فَاقَةً وَفَقْرًا، وَبِكَ

درگاه دیگری نکنی و سپاسگزاری مرا در برابرش افزون و نیاز و احتیاجم را به درگاه خود زیاده گردانی

عَمَّنْ سِوَاكَ غِنًا وَتَعَفُّفًا، يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ، يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ، يَا

و بوسیله خود مرا از دیگران بی‌نیاز و خویش‌ن‌دار گردانی ای نیکوکار و ای زیباردار ای نعمت بخش ای زیاده بخش

مَلِيكَ يَا مُقْتَدِرُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَكَفَيْتَنِي الْمُهْمَ كُلَّهُ،

ای پادشاه ای نیرومند درود فرست بر محمد و آل محمد و مهمات کارم را کفایت فرما و بخوبی حاجت روا می

وَاقْضِ لِي بِالْحُسْنَى، وَبَارِكْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي، وَاقْضِ لِي جَمِيعَ

کن و در تمام کارهایم برکت ده و همه حاجت‌م را برآور

حَوَائِجِي، اَللّٰهُمَّ يَسِّرْ لِي مَا اَخَافُ تَعْسِيرَهُ، فَاِنَّ تَيْسِيرًا مَا اَخَافُ

خدایا آسان گردان برایم آنچه را از دشواریش می‌ترسم زیرا آسان کردن آنچه من از دشواریش می‌ترسم

تَعْسِيرَهُ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَّسِيرٌ، وَسَهْلٌ لِي مَا اَخَافُ حَزُونَتَهُ، وَنَفْسٌ عَنِّي

بر تو آسان و کوچک است و هموار ساز برایم آنچه را از ناهمواریش می‌ترسم و برطرف کن از من

مَا اَخَافُ ضَيْقَهُ، وَكُفَّ عَنِّي مَا اَخَافُ هَمَّهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي مَا اَخَافُ بَلِيَّتَهُ يَا

آنچه را از فشار و تنگیش ترسم و باز دار از من آنچه را از اندوهش ترسم و دور ساز از من آنچه را ترس گرفتاریش را

دارم

اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ اَمْلَأْ قَلْبِي حُبًّا لِّكَ، وَخَشِيَّةً مِنْكَ وَتَصَدِيقًا لِّكَ

ای مهربانترین مهربانان خدایا دلم را پر کن از دوستی و ترس خود و تصدیق کردنت و ایمان به تو

وَإِيْمَانًا بِكَ، وَفِرْقًا مِنْكَ، وَشَوْقًا إِلَيْكَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ

و هراس و شوق به سویت ای صاحب جلال و بزرگواری خدایا براستی

لِكَ حَقُّوْقًا فَتَصَدَّقْ بِهَا عَلَيَّ، وَلِلنَّاسِ قِبَلِي تَبِعَاتٌ فَتَحْمَلْهَا عَنِّي، وَوَدَّ

برای تو به گردن من حقوقی است پس آنها را بر من ببخش و برای مردم نیز به عهده من حقوقی است که تو آنها را ادا

فرما

أَوْجَبْتَ لِكُلِّ ضَيْفٍ قَرِيٍّ، وَأَنَا ضَيْفُكَ فَأَجْعَلْ قِرَايَ اللَّيْلَةَ الْجَنَّةَ، يَا وَهَّابَ

و تو برای هر میهمانی پذیرایی مقرر فرمودی و من نیز میهمان توام و پذیرانیم را در این شب بهشت قرار ده

الْجَنَّةَ، يَا وَهَّابَ الْمَغْفِرَةَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ.

ای بخشاینده بهشت ای بخشاینده آموزش جنبش و نیرویی نیست جز به تو

ششم می خوانی دعای ادريس را که شيخ و سيد روايت کرده اند طالب آن

رجوع بمصباح يا اقبال نمايد.

هفتم می خوانی این دعا را که مختصرترین دعاهاى سحر است و در اقبال است:

يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي، وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي، إِلَيْكَ فَزِعْتُ،

ای پناهگاهم در هنگام غمزدگی و ای دادرسم در هنگام سختی و دشواری به درگاهت زاری کنم

وَبِكِ اسْتَعْتْتُ، وَبِكِ لُدْتُ لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ، وَلَا أَطْلُبُ

و به تو استغاثه کنم و به تو پناه آرم و بجز تو به دیگری پناه نبرم و گشایش

الْفَرَجِ إِلَّا مِنْكَ، فَأَعِثْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ، وَيَعْفُو عَنِ

را جز از تو نخواهم پس بدادم برس و گشایشی به من ده ای که بپذیری (طاعت) اندک را و بگذری از (گناه)

الْكَثِيرِ، اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ، وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ

بسیار بپذیر از من (طاعت) اندک را و بگذر از (گناه) بسیار که برآستی تو آمرزنده

الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تُبَاشِرُهُ قَلْبِي، وَيَقِينًا حَتَّى أَعْلَمَ

و مهربانی خدایا از تو ایمانی خواهم که همیشه دلم با آن همراه باشد و یقینی خواهم که (بدان وسیله) بدانم

أَنَّهُ لَنْ يُصَيِّنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي، وَرَضْنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي،

که چیزی به من نرسد جز آنچه برایم نوشته ای و خوشنودم کن از زندگی به همان که نصیب کرده ای

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي، وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، وَيَا

ای مهربانترین مهربانان ای ذخیره ام در غمزدگی و ای یار همراهم در سختی و ای

وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي، أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي،

سرپرستم در نعمت و ای منتهای شوق و رغبتم تویی پوشاننده زشتیهایم

وَالْأَمِينُ رَوْعَتِي، وَالْمُقِيلُ عَثْرَتِي، فَاعْفُرْ لِي خَطِيئَتِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

و امان بخش هراس و دلهره‌ام و چشم‌پوش لغزشم پس بیا مرز خطایم را ای مهربانترین مهربانان

هشتم: می‌خوانی این تسبیحات را که در اقبال است نیز:

سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ

منزه است آنکه

جَوَارِحِ الْقُلُوبِ، سُبْحَانَ مَنْ يُحْصِي عَدَدَ الذُّنُوبِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا

مصیبات و تأثرات دلها را داند منزه است آنکه شماره گناهان را دارد منزه است آنکه

يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، سُبْحَانَ الرَّبِّ

چیزی در آسمانها و زمینها بر او پنهان نماند منزه است پروردگار

الْوَدُودِ، سُبْحَانَ الْفَرْدِ الْوَتَرِ، سُبْحَانَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ، سُبْحَانَ مَنْ

مهربیشه منزه است یکتای یگانه منزه است خدای بزرگ و بزرگتر منزه است آنکه

لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يُؤَاخِذُ أَهْلَ الْأَرْضِ

ستم بر اهل کشور خود نکند منزه است آنکه نگردد زمینیان را

بِأَلْوَانِ الْعَذَابِ، سُبْحَانَ الْحَنَّانِ الْأَمَّانِ، سُبْحَانَ الرَّؤُفِ الرَّحِيمِ،

به عذاب رنگارنگ منزه است احسان بخش پر نعمت منزه است خدای رؤف مهربان

سُبْحَانَ الْجَبَّارِ الْجَوَادِ، سُبْحَانَ الْكَرِيمِ الْحَلِيمِ، سُبْحَانَ الْبَصِيرِ

منزه است خدای مقتدر بخشنده منزه است (خدای) بزرگووار بردبار منزه است (خدای) بینای

الْعَلِيمِ، سُبْحَانَ الْبَصِيرِ الْوَّاسِعِ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى إِقْبَالِ النَّهَارِ،

دانا منزه است بینای وسعت بخش منزه است خدا هنگام آمدن روز

سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى إِدْبَارِ النَّهَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى إِقْبَالِ النَّهَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى إِدْبَارِ

منزه است خدا هنگام رفتن روز منزه است خدا در وقت رفتن شب و آمدن

اللَّيْلِ وَإِقْبَالِ النَّهَارِ، وَكَهْ أَلْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَالْعِزَّةُ وَالْكَبْرِيَاءُ مَعَ كُلِّ نَفْسٍ وَكُلِّ

روز و از آن او است ستایش و شوکت و بزرگی و کبریاء با هر نفس کشیدن و هر

طَرَفَةَ عَيْنٍ، وَكُلُّ لَمَحَةٍ سَبَقَ فِي عِلْمِهِ سُبْحَانَكَ مِلاً مَا أَحْصَى

چشم به هم زدن و هر اشاره‌ای که در علم او گذشته است منزه‌ی تو به پُری آنچه کتاب

کِتَابُكَ، سُبْحَانَكَ زِنَةَ عَرْشِكَ، سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ.

تو احصاء کند منزه‌ی تو هموزن عرش است منزه‌ی تو

و بدان که علما فرموده‌اند که اگر نیت روزه را بعد از سُحُور بکند بهتر است و از

اوّل شب تا به آخر شب نیت می‌توان کرد و همین که می‌داند و قصد دارد که

فردا از برای خدا روزه می‌گیرد و امساک از مفطرات می‌کند بس است و

شایسته است که در سَحَرها نماز شب را ترک نکند و تهجد بعمل آورد.

قسم چهارم

در اعمال روزهای ماه رمضان است

و آن چند چیز است اوّل بخواند هر روز این دعا را که شیخ و سیّد نقل کرده‌اند:

اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ، الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ، هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ

خدایا این ماه رمضان است که در آن قرآن را نازل فرمودی قرآنی که راهنمای مردم و حجت‌هایی است از

الهُدَى وَالْفُرْقَانِ، وَهَذَا شَهْرُ الصِّيَامِ، وَهَذَا شَهْرُ الْقِيَامِ، وَهَذَا شَهْرُ

هدایت و تمیز و این ماه روزه است و ماه شب زنده‌داری است و ماه

الْإِنَابَةِ، وَهَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ، وَهَذَا شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَهَذَا شَهْرُ

بازگشت است و ماه توبه و ماه آمرزش و رحمت است و ماه

الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ، وَهَذَا شَهْرُ فِيهِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ، الَّتِي هِيَ

آزادی از آتش و رسیدن به بهشت است و ماهی است که در آن شب قدری است که آن شب

خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِنِّي

بهتر است از هزار ماه خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و کمک ده مرا

عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ، وَسَلَّمَهُ لِي، وَسَلَّمَنِي فِيهِ وَعَئِنِّي عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ

بر روزه و شب زنده‌داریش و آن را برای من سالمش دار و مرا در آن سالم بدارو کمکم ده بر انجام وظائف آن به بهترین

عَوْنِكَ، وَوَقَّفَنِي فِيهِ لِبِطَاعَتِكَ وَطَاعَةَ رَسُولِكَ وَأَوْلِيَاثِكَ صَلَّى اللَّهُ

کمک خود و موقوف دار در این ماه برای اطاعت خودت و پیروی پیامبرت و اولیانت درود تو

عَلَيْهِمْ، وَفَرَّغْنِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَدُعَائِكَ وَتِلَاوَةِ كِتَابِكَ، وَأَعْظِمْ لِي

بر ایشان باد و فارغ ساز در این ماه برای عبادت و دعا و تلاوت قرآن و برکت مرا در این ماه زیاد

فِيهِ الْبُرْكَاتِ، وَأَحْسِنْ لِي فِيهِ الْعَافِيَةَ، وَأَصِحِّ فِيهِ بَدَنِي، وَأَوْسِعْ لِي فِيهِ

گردان و نیکو کن در آن تندرستیم را و سالم دار در آن بدنم را و فراخ گردان در آن

رِزْقِي، وَاكْفِنِي فِيهِ مَا اَهْمَنِي، وَاسْتَجِبْ فِيهِ دُعَائِي، وَبَلِّغْنِي فِيهِ رَجَائِي،

روزیم را و کفایت فرما در این ماه مهمات مرا و مستجاب گردان در آن دعایم را و به امید و آرزویم برسان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَذْهِبْ عَنِّي فِيهِ النُّعَاسَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و دور کن از من در این ماه چرت

وَالْكَسَلَ وَالسَّامَةَ وَالْفُتْرَةَ، وَالْقَسْوَةَ وَالْعَفْلَةَ وَالْغِرَّةَ، وَجَنِّبْنِي فِيهِ

و بی‌حالی و خستگی و سستی و سنگدلی و بی‌خبری و غرور و امراض

الْعِلَلَ وَالْأَسْقَامَ، وَالْهُمُومَ وَالْأَحْزَانَ، وَالْأَعْرَاضَ وَالْأَمْرَاضَ

و دردها و اندوهها و غمها و عوارض دیگر و بیماریها

وَالْخَطَايَا وَالذُّنُوبَ، وَأَصْرِفْ عَنِّي فِيهِ السُّوَاءَ وَالْفَحِشَاءَ، وَالْجَهْدَ

و خطاها و گناهان را و باز دار از من در این ماه بدی و هرزگی و رنج و بلاء و مشقت و

وَالْبَلَاءَ وَالنَّعَبَ وَالْعَنَاءَ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

زحمت را که براستی تو شنوای دعا هستی خدایا درود فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِزَّنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَهَمَزِهِ وَلَمَزِهِ، وَفَقْتِهِ

و آل محمد و پناهم ده در این ماه از شیطان رانده درگاهت و اشاره‌اش و چشمک زدنش و پُفیدن

وَفَخْه، وَوَسْوَسَتِهِ وَتَثْبِيْطِهِ وَكَيْدِهِ وَمَكْرِهِ، وَحَبَائِلِهِ وَخَدَعِهِ،

و دمیدنش و وسوسه و تعویق انداختنش و نیرنگ و حيله‌اش و دامپاش و فریبپاش

وَأَمَانِيَّهِ وَغُرُورِهِ، وَفِتْنَتِهِ وَشَرَكِهِ، وَأَحْزَابِهِ وَاتِّبَاعِهِ، وَأَشْيَاعِهِ

و دروغپاش و گولپاش و فتنه‌اش و شبکه‌های دامش و همراهانش و پیروانش و دنباله‌ها

وَأَوْلِيَّائِهِ، وَشُرَكَائِهِ وَجَمِيعِ مَكَائِدِهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ

و دوستان و شریکانش و همه اسباب حيله و کیدش خدایا درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا قِيَامَهُ وَصِيَامَهُ، وَبُلُوْغَ اَلْأَمَلِ فِيْهِ وَفِي قِيَامِهِ،

محمد و روزی ما گردان شب‌زنده‌داری و روزه این ماه را و به رسیدن آرزویمان در این ماه

وَاسْتِكْمَالَ مَا يُرِيضِيكَ عَنِّي صَبْرًا وَاحْتِسَابًا، وَاِيْمَانًا وَبِقِيْنًا، ثُمَّ

و در پایداری و انجام کامل چیزهایی که تو را از من خوشنود گرداند از نظر شکیبایی و چشمداشت ایشان و ایمان و

یقین

تَقَبَّلْ ذٰلِكَ مِنِّيْ بِالْاَضْعَافِ الْكَثِيْرَةِ، وَالْاَجْرِ الْعَظِيْمِ، يَا رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ

سپس بپذیر آنرا از من به چند برابر زیادتر و پاداشی بزرگ ای پروردگار جهانیان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ،

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و روزیم کن حج و عمره

وَالْاِحْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ، وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ، وَالْقُرْبَةَ وَالْخَيْرَ

و کوشش و نیرو و نشاط و انابه و توبه و تقرب به خودت و کار خیر

الْمَقْبُوْلَ، وَالرَّعْبَةَ وَالرَّهْبَةَ، وَالتَّضَرُّعَ وَالْخُشُوْعَ، وَالرَّقَّةَ وَالنِّيَّةَ

پذیرفته و شوق و ترس و زاری و فروتنی و دل‌نازکی و نیت

الصَّادِقَةَ، وَصِدْقَ اللِّسَانِ، وَالْوَجَلَ مِنْكَ، وَالرَّجَاءَ لَكَ، وَالتَّوَكُّلَ عَلَيَّكَ،

راست و راستگویی زبان و بیم از خودت و امید و توکل بر خودت

وَالثَّقَّةَ بِكَ، وَالْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِكَ مَعَ صَالِحِ الْقَوْلِ وَمَقْبُوْلِ السَّغِيِّ،

و اعتماد به تو و پرهیزکاری از حرامهای تو با گفتار شایسته و کوشش پذیرفته

وَمَرْفُوعِ الْعَمَلِ وَمُسْتَجَابِ الدَّعْوَةِ، وَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ شَيْءٍ مِنْ

و عمل بالا رفته و دعای مستجاب شده و میان من و هر یک از اینها (که گفتم) جدایی مینداز

ذَلِكَ بَعْرَضٍ وَلَا مَرَضٍ، وَلَا هَمٌّ وَلَا غَمٌّ وَلَا سَقَمٌ، وَلَا غَفْلَةً وَلَا

بواسطه پیشامدها و بیماری و اندوه و غم و درد و غفلت و

نِسْيَانَ، بَلْ بِالْتِّعَاهُدِ وَالتَّحَفُّظِ لَكَ وَفِيكَ، وَالرَّعَايَةِ لِحَقِّكَ، وَالْوَفَاءِ

فراموشی بلکه (موفقم بدار که) به هم پیمانی و خودداری بخاطر تو و درباره تو مراعات حق تو و وفاء

بِعَهْدِكَ وَوَعْدِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

به پیمان و وعده تو (کارهایم انجام شود) به رحمت ای مهربانترین مهربانان خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَقْسِمُ لِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تَقْسِمُهُ لِعِبَادِكَ

محمد و آل محمد و نصیبم کن در این ماه بهتر چیزی را که نصیب بندگان

الصَّالِحِينَ وَأَعْظَنِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَوْلِيَاءَكَ الْمُتَّقِينَ مِنْ

شایستهات کردی و بده بمن در این ماه بهتر چیزی را که عطا کردی به اولیاء مقرب خود از

الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَالتَّحْنُنِ وَالْإِجَابَةِ، وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ الدَّائِمَةِ

رحمت و آمرزش و مهرورزی و اجابت دعا و گذشت و آمرزش همیشگی

وَالْعَافِيَةِ وَالْمُعَافَاةِ وَالْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَخَيْرِ الدُّنْيَا

و تندرستی و آسایش و آزادی از آتش و رسیدن به بهشت و خیر دنیا

وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ دُعَائِي فِيهِ

و آخرت خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و دعایم را در این ماه

إِلَيْكَ وَاصِلًا وَرَحْمَتِكَ وَخَيْرِكَ إِلَيَّ فِيهِ نَازِلًا، وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا،

بسوی خود برسان و رحمت و خیر خود را در این ماه بسوی من نازل فرما و عملم را پذیرفته گردان

وَسَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا، وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا، حَتَّى يَكُونَ نَصِيبِي فِيهِ

و کوششم را در آن سپاس شده و گناهم را آمرزیده قرار ده تا اینکه سهمم در آن

الْأَكْثَرَ، وَحَظِّي فِيهِ الْأَوْفَرَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

بیشتر و بهره‌ام کاملتر باشد خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَوَفَّقْنِي فِيهِ لِلْيَلَةِ الْقَدْرِ عَلَى أَفْضَلِ حَالٍ، تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهَا أَحَدٌ

و موفقم دار برای شب قدر به بهترین حالی که دوست داری یکی

مِنْ أَوْلِيَّائِكَ، وَأَرْضَاهَا لَكَ، ثُمَّ اجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ،

از اولیائت در آن حال باشد و خوشنودترین حالات پیش تو باشد سپس آن شب را برای من بهتر از هزار ماه کن

وَارْزُقْنِي فِيهَا أَفْضَلَ مَا رَزَقْتَ أَحَدًا مِمَّنْ بَلَغَتْهُ أَيَّاهَا وَأَكْرَمَتْهُ بِهَا،

و روزیم ده در آن شب به بهترین روزیهایی که به کسی دادی و به آن روزی او را رسانیدی و بدان گرامیش داشتی

وَأَجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ عِتْقَائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ، وَطَلْقَائِكَ مِنَ النَّارِ، وَسُعْدَاءِ

و مرا در آن شب از آزاد شدگان از جهنم و رها شدگان از دوزخ و سعادتمندان

خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

خلقت قرار ده بحق آموزش و خوشنودیت ای مهربانترین مهربانان خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا الْجِدَّ وَالْإِجْتِهَادَ، وَالْقُوَّةَ

محمد و آل محمد و روزی ما کن در این ماه کوشش و تلاش و نیرو

وَالنَّشَاطَ، وَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، اللَّهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَلَيَالِ عَشْرِ،

و نشاط و آنچه دوست داری و خوشنود شوی خدایا ای پروردگار سپیده‌دم و شبهای ده‌گانه

وَالشَّفَعِ وَالْوَتْرِ، وَرَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ،

و شفع و وتر و پروردگار ماه رمضان و آنچه در آن فرو فرستادی از قرآن

وَرَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَعِزْرَائِيلَ، وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ

و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و همه فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ، وَرَبَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَرَبَّ

مقرب و پروردگار ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پروردگار

مُوسَى وَعِيسَى، وَجَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ

موسی و عیسی و همه پیامبران و فرستادگان و پروردگار حضرت محمد خاتم

النَّبِيِّنَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ،

پیمبران درودهای تو بر او و بر ایشان همگی و از تو خواهم به حقی که تو بر ایشان داری

وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ الْعَظِيمِ، لَمَّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ

و به حقی که ایشان بر تو دارند و به آن حق بزرگ خودت که درود فرستی بر او و آلش و بر ایشان

أَجْمَعِينَ وَنَظَرْتَ إِلَيَّ نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ تَرْضَى بِهَا عَنِّي، رِضَى لَا سَخَطَ

همگی و نظری به من کنی نظری مهربانانه که بدان از من خوشنود گردی خشنودیی که هرگز

عَلَى بَعْدَهُ أَبَدًا، وَأَعْطَيْتَنِي جَمِيعَ سُؤْلِي وَرَعْبَتِي وَأُمْنِيَّتِي وَإِرَادَتِي،

پس از آن خشمی بر من نداشته باشی و همه خواسته‌هایم و میل و آرزو و درخواستم را

وَصَرَفْتَ عَنِّي مَا أَكْرَهُ وَأَحْذَرُ، وَأَخَافُ عَلَى نَفْسِي وَمَا لَا أَخَافُ،

به من بدهی و بگردانی از من آنچه را خوش ندارم و از آن نگران و ترسان بر خویشتم هستم و آنچه را که نمی‌ترسم

وَعَنْ أَهْلِي وَمَالِي وَإِخْوَانِي وَذُرِّيَّتِي، اَللّٰهُمَّ اَيْنِكَ فَرَرْنَا مِنْ ذُنُوبِنَا

و نیز از خانواده و مال و برادران و فرزندانم آنها را بگردانی خدایا بسوی تو گریختیم از گناهانمان

فَاوْنَا تَائِبِينَ، وَتُبْ عَلَيْنَا مُسْتَغْفِرِينَ، وَاعْفِرْ لَنَا مُتَعَوِّذِينَ، وَاعِزَّنَا

پس ما را جای ده به حال توبه و توبه‌مان بپذیر در حال آمرزش‌خواهی و بیامرزمان در حال پناه‌دگی و پناهمان ده

مُسْتَجِيرِينَ، وَاجِرْنَا مُسْتَسْلِمِينَ، وَلَا تَخْذُلْنَا رَاهِبِينَ، وَآمِنًا رَاغِبِينَ،

در حال پناه‌جویی و زنده‌مان ده در حال تسلیم‌شدگی و خوارمان مکن در حال هراسناکی و امانمان ده در حال

امیدواری

وَشَفَعْنَا سَائِلِينَ، وَأَعْطِنَا اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ، اَللّٰهُمَّ

و شفاعتمان را بپذیر در حال خواهندگی و به ما بده که برآستی تو شنوای دعائی و نزدیک و اجابت‌کننده‌ای خدایا

اَنْتَ رَبِّيْ وَاَنَا عَبْدُكَ، وَاحَقُّ مَنْ سَلَّ الْعَبْدُ رَبَّهُ، وَلَمْ يَسْأَلِ الْعِبَادَ

تو پروردگار منی و من بنده تو و سزاوارترین کسی که بنده از او درخواست کند پروردگار او است و درخواست نکنند

بندگان

مِثْلَكَ كَرَمًا وَجُودًا، يَا مَوْضِعَ شَكْوَى السَّائِلِينَ، وَيَا مُنْتَهَى حَاجَةِ

کسی را چون تو در کرم و جود ای مرجع شکایت درخواست‌کنندگان و ای منتهای حاجت

الرَّاعِبِينَ، وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، وَيَا

مشتاقان و ای فریادرس فریادخواهان و ای پاسخ دهنده دعای درماندگان و ای

مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ، وَيَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَيَا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ،

پناهگاه گریختگان و ای دادرس دادخواهان و ای پروردگار ناتوان شمرندگان

وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ، وَيَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ، وَيَا كَاشِفَ

و ای غمزدای غم غمزدگان و ای غمگشای ماتمزدگان و ای برطرف کننده

الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَيَّ

اندوه بزرگ ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای مهربانترین مهربانان درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَعُيُوبِي، وَإِسَاءَاتِي وَظُلْمِي

محمد و آل محمد و بیمارز گناهانم و زشتیهایم و بدیم و ستمم

وَجُرْمِي وَإِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي، وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ، فَإِنَّهُ

و جنابتم و زیاده رویم را بر نفسم و روزیم کن از فضل و رحمت خویش زیرا که

لَا يَمْلِكُهَا غَيْرُكَ، وَاعْفُ عَنِّي، وَاعْفِرْ لِي كُلَّ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي،

مالک آنها نیست کسی جز تو و بگذر از من و بیمارز برایم گناهان گذشتهام را

وَاعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، وَاسْتُرْ عَلَيَّ وَعَلَى الْوَالِدِي

و نگاهم دار در باقیمانده از عمرم و بپوشان بر من و بر پدر و مادرم

وَوَالِدِي، وَقَرَابَتِي وَأَهْلِي حُزَانَتِي، وَ[كُلِّ] مَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلٍ مِنْ

و فرزندانم و خویشانم و بستگانم و هرکس که براه من می‌رود از

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فَإِنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ بِيَدِكَ وَأَنْتَ

مردان مؤمن و زنان با ایمان در دنیا و آخرت زیرا تمام اینها بدست تو است و تو

وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ، فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا سَيِّدِي، وَلَا تَرُدُّ دُعَائِي وَلَا يَدِي إِلَيَّ

وسیع آمرزشی پس نومیدم مکن ای آقایم و دعایم را برنگردان و نه دستم را (خالی) بسوی

نَحْرِي، حَتَّى تَفْعَلَ ذَلِكَ بِي، وَتَسْتَجِيبَ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ،

سینه‌ام تا انجام دهی آنچه را گفتم درباره‌ام و اجابت کنی برایم تمام آنچه را درخواست کردم
وَتَزِيدَنِي مِنْ فَضْلِكَ، فَإِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَنَحْنُ إِلَيْكَ رَاغِبُونَ،

و بیفزائی بر من از فضل خویش که تو بر هر چیز توانائی و ما بسوی تو مشتاقیم

اللَّهُمَّ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ، وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا، وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ،

خدایا از تو است نامهای نیکو و نمونه‌های والا و کبریاء و انواع نعمتها

أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِنْ كُنْتَ قَضَيْتَ فِي هَذِهِ

از تو خواهم به حق نامت در «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» اگر مقدر فرموده‌ای در این

اللَّيْلَةَ تَنْزِلَ الْمَلَائِكَةَ وَالرُّوحَ فِيهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

شب فرود آمدن فرشتگان و روح را (یعنی امشب را شب قدر قرار داده‌ای) که درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي السُّعْدَاءِ وَرَوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ،

محمد و قرار دهی نام مرا در زمره سعادتمندان و روحم را با شهیدان

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ، وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ

و کار نیکم را در علیین (بلندترین مقام بهشت) و گناهانم را آمرزیده و ببخشی به من یقینی که دلم همیشه

بِهِ قَلْبِي، وَإِيمَانًا لَا يَشُوبُهُ شَكٌّ، وَرَضِيَ بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَأَتِنِي فِي

همراه آن باشد و ایمانی به من بدهی که به شک آلوده نگردد و خوشنودی در آنچه قسمتم کرده‌ای و در

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْأُخْرَةِ حَسَنَةً وَفَنِي عَذَابِ النَّارِ، وَإِنْ لَمْ تَكُنْ

دنیا خوبی و خوشی به من ده و در آخرت نیز خوبی بده و از عذاب دوزخ نگاهمان دار و اگر مقدر

قَضَيْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَنْزِيلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحَ فِيهَا، فَأَخْرِنِي إِلَىٰ

نفرموده‌ای در این شب فرود آمدن فرشتگان و روح را پس مرا تا بدان شب باقی بدار و

ذَلِكَ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَطَاعَتَكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ،

روزی من کن در آن شب ذکر خود و شکر و اطاعتت و نیکو پرستش کردند را

وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و درود فرستی بر محمد و آل محمد به بهترین درودهایت ای مهربانترین مهربانان

يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ، يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ اغْضَبِ الْيَوْمَ لِمُحَمَّدٍ وَلِأَبْرَارِ عِتْرَتِهِ،

ای یگانه ای بی نیاز ای پروردگار محمد خشم خود را در امروز بخاطر محمد و نیکان از عترتش (بر دشمنانشان)

وَأَقْتُلْ أَعْدَائَهُمْ بَدَدًا، وَأَحْصِهِمْ عَدَدًا، وَلَا تَدَعْ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ

فروبار و در نتیجه بکش دشمنانشان را یکی پس از دیگری و به شمارشان درآر جدا جدا و یک تن از ایشان را بر روی

مِنْهُمْ أَحَدًا، وَلَا تَغْفِرْ لَهُمْ أَبَدًا، يَا حَسَنَ الصُّحْبَةِ، يَا خَلِيفَةَ النَّبِيِّينَ، أَنْتَ

زمین باقی مگذار و هرگز آنها را نیامرزد ای نیکو رفاقت ای تکیه گاه پیمبران تویی

أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ، وَالذَّائِمُ

مهربانترین مهربانان آفریننده پدید آورنده ای که چیزی مانند تو نیست و خدای جاویدانی

غَيْرُ الْغَافِلِ، وَالْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، أَنْتَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنِ، أَنْتَ خَلِيفَةُ

که غفلت نورزد و زنده ای که هرگز نمیرد تو هر روز در کاری هستی تو تکیه گاه

مُحَمَّدٍ، وَنَاصِرٍ مُحَمَّدٍ، وَمُفْضَلٍ مُحَمَّدٍ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَنْصُرَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ،

محمد و یاور محمد و برتری دهنده محمد هستی از تو خواهم که یاری دهی وصی محمد

وَخَلِيفَةَ مُحَمَّدٍ وَالْقَائِمَ بِالْقِسْطِ مِنْ أَوْصِيَاءِ مُحَمَّدٍ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ

و جانشین محمد و قیام کننده به عدل از اوصیاء محمد را که درود تو بر او

وَعَلَيْهِمْ، اعْظِفْ عَلَيْهِمْ نَصْرَكَ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

و ایشان باد متوجه کن بر ایشان یاریت را ای که نیست معبودی جز تو بحق کلمه «لا اله الا انت»

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا در دنیا و آخرت با ایشان قرار ده

وَاجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِي إِلَى غُفْرَانِكَ وَرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

و پایان کارم را به آمرزش و رحمت خود بکشان ای مهربانترین مهربانان

وَكَذَلِكَ نَسَبْتَ نَفْسَكَ يَا سَيِّدِي بِاللَّطِيفِ، بَلَى إِنَّكَ لَطِيفٌ، فَصَلِّ

و این چنین خود را معرفی کرده ای ای آقای من به اینکه لطف داری آری برآستی تو لطف داری پس درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَالْطُّفُ بِي لِمَا تَشَاءُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

الْمُبْرُورِ حَجَّتُهُمْ، الْمَشْكُورِ سَعِيَّتُهُمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ

بنویسی آنانکه حجشان پذیرفته و سعیشان مورد تقدیر و گناهانشان آمرزیده و

سَيِّئَاتُهُمْ، وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضَى وَتُقَدَّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي، وَتُوسِّعَ

بدیهایشان جبران شده است و در قضا و قدرت مقدر فرمائی که عمرم را طولانی کنی و روزیم

فِي رِزْقِي، وَتُوَدِّدَيَّ عَنِّي أَمَانَتِي وَدَيْنِي، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، اَللَّهُمَّ

را فراخ و امانت و قرضم را بپرداز ای پروردگار جهانیان خدایا

اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا، وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ،

قرار ده در کارم گشایش و راهی و روزیم ده از آنجا که گمان دارم

وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ وَأَخْرُسْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَرِسُ، وَمِنْ حَيْثُ لَا

و از آنجا که گمان ندارم و محافظتم کن از آنجا که من خود را محافظت کنم و از آنجا که

أَحْتَرِسُ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ كَثِيرًا.

محافظت نکنم و درود فرست بر محمد و آل محمد و سلام فرست بسیار

دوم: و فرموده‌اند می‌خوانی این تسبیحات را در هر روز ماه رمضان از اوّل تا

به آخر و آن ده جزء است هر جزء آن مشتمل بر ده:

سُبْحَانَ اللَّهِ (۱) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ

***** منزه است خدا آفریننده هر دم زنی منزه است خدا

الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ

صورت ده منزه است خدا آفریننده همه موجودات جفت منزه است خدا مقرر کننده

الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْوَجْدِ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ

تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده دانه و هسته منزه است خدا

خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ

آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود منزه است خدا

مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ السَّمِيعِ الَّذِي

به مقدار کلمات نامتپاهش منزّه است خدا پروردگار جهانیان منزّه است خدای شنوانی که چیزی

لَيْسَ شَيْءٌ أَسْمَعُ مِنْهُ، يَسْمَعُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ،

شنوانتر از او نیست می شنود از بالای عرش خود آنچه را در زیر هفت زمین است

وَيَسْمَعُ مَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَيَسْمَعُ الْأَيْنِ وَالشَّكْوَى،

و می شنود آنچه را در تاریکیهای بیابان و دریا است و می شنود ناله و شکایت را

وَيَسْمَعُ السَّرَّ وَالْخَفَى، وَيَسْمَعُ وَسَاوِسَ الصُّدُورِ وَلَا يُصِمُّ سَمْعَهُ

و می شنود پنهان و پنهانتر از پنهان را و می شنود وسوسه‌های سینه‌ها را و کر نکند شنوایش را

صَوْتُ (۲) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ،

صدایی (۲) منزّه است خدا آفریننده هر دم زنی منزّه است خدای صورت بخش

سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ

منزّه است خدا آفریننده همه موجودات جُفت منزّه است خدا مقرر دارنده تاریکیها

وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ،

و روشنی منزّه است خدا شکافنده دانه و هسته منزّه است خدا آفریننده هر چیز

سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ،

منزّه است خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود منزّه است خدا به مقدار کلمات نامتپاهش

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْبَصِيرِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ

منزّه است خدا پروردگار جهانیان منزّه است خدای بینائی که چیزی بیناتر از او نیست

أَبْصَرَ مِنْهُ، يُبْصِرُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ، وَيُبْصِرُ مَا

می بیند از بالای عرش خود آنچه در زیر هفت زمین است و می بیند آنچه

فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ،

را در تاریکیهای خشکی و دریا است دیدگان او را درک نکند ولی او درک کند دیدگان را

وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، لَا تَغْشَى بَصَرَهُ الظُّلْمَةُ، وَلَا يُسْتَتَرُ مِنْهُ بَسْتَرٌ،

و او است دقیق و کاردان دیده‌اش را تاریکی نپوشاند و بوسیله پرده چیزی از او مستور نماند

وَلَا يُوَارِي مِنْهُ جِدَارٌ، وَلَا يَغِيبُ عَنْهُ بَرٌّ وَلَا بَحْرٌ، وَلَا يَكِنُّ مِنْهُ جَبَلٌ

و دیوار چیزی را از او پنهان نکند و نادیده نماند ازدید او هیچ خشکی و نه دریایی و هیچ کوهی نتواند مخفی کند از او

مَا فِي أَصْلِهِ، وَلَا قَلْبٌ مَا فِيهِ، وَلَا جَنْبٌ مَا فِي قَلْبِهِ، وَلَا يَسْتَتِرُّ مِنْهُ

آنچه را در ریشه و در زیر خود دارد و نه دلی آنچه را در خود دارد و نه پهلوئی آنچه را در دل دارد و نتواند بپوشاند

صَغِيرٌ وَلَا كَبِيرٌ، وَلَا يَسْتَخْفِي مِنْهُ صَغِيرٌ لِصَغَرِهِ، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ

خود را از او، کوچکی و نه بزرگی، و پنهانی نتواند جست از او کوچکی بخاطر خردیش و مخفی نماند بر او

شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ

چیزی در زمین و نه در آسمان او است که صورت بندد شما را در رحمها

كَيْفَ يَشَاءُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي

هر طور که خواهد معبودی جز او نیست که نیرومند و فرزانه است (۳) منزه است خدا پدیدآورنده

الْأَسْمَاءِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا،

هر دم زنی منزه است خدای صورت بخش منزه است خدا آفریننده همه موجودات جفت

سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ

منزه است خدا مقرر کننده تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده دانه

وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا

و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده آنچه دیدنی و آنچه

لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

نادیدنی است منزه است خدا به مقدار کلمات نامتنهایش منزه است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يُنْشِئُ السَّحَابَ الثَّقَالَ، وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ،

منزه است خدائی که بوجود آورد ابرهای سنگین را و تسبیح گوید رعد به حمد او

وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ، وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ،

و فرشتگان از بیم او و بفرستد صاعقه‌ها را و دچار سازد بدان هر که را خواهد

وَيُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ، وَيَنْزِلُ الْمَاءَ مِنَ السَّمَاءِ

و بادها را نویدی از پیشاپیش رحمت خود فرستد و آب باران را از آسمان

بِكَلِمَتِهِ، وَيُنْبِتُ النَّبَاتَ بِقُدْرَتِهِ، وَيَسْقِطُ الْوَرَقَ بِعِلْمِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ

بوسیله امر خود فرو فرستد و گیاه را به قدرت کامله خویش برویاند و برگ درختان را به علم خود فروریزد منزه است

الَّذِي لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَلَا

خدائی که پنهان نماند از او هموزن ذره‌ای در زمین و نه در آسمان و نه

أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۴) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي

کوچکتر از آن و نه بزرگتر جز آنکه در دفتری روشن است (۴) منزه است خدا پدید آورنده

النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَصُورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا

هر دم زنی منزه است خدای صورت بخش منزه است خدا آفریننده همه موجودات جفت

سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ

منزه است خدا مقرر دارنده تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده دانه

وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا

و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده هر چه دیدنی است و هر چه

لَا يَرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

نادیدنی است منزه است خدا به مقدار کلمات نامتناهیش منزه است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى، وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا

منزه است خدائی که می‌داند آنچه بار دارد هر حیوان ماده‌ای و آنچه در رحمها کم شود و آنچه

تَزَادُ، وَكُلُّشَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ،

بیبزاید و هر چیزی را نزد او اندازه‌ای است دانای غیب و شهود و بزرگ و الواست

سِوَاءَ مَنْكُمْ مِنْ أَسْرَ الْقَوْلِ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ، وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ

برای او یکسان است هر که از شما سخن آهسته کند یا بلند کند و هر که به شب

وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ، لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، يَخْفِظُونَهُ مِنْ

پنهان گردد و یا رهرو شود در روز برای خدا فرشتگانی پیایی است از جلوی روی انسان و از پشت سرش که او را

أَمْرَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ، وَيُحْيِي الْمَوْتَى، وَيَعْلَمُ مَا

به فرمان خدا محافظت کنند منزه است خدائی که بمیراند زندگان را و زنده کند مردگان را و می‌داند آنچه

تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ، وَيَقْرَأُ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى

را زمین از ایشان بکاهد و مستقر کند در رحمها آنچه را خواهد تا مدتی معین

(۵) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ

(۵) منزه است خدا پدید آورنده هر دم زنی منزه است خدای صورت بخش منزه است خدا

خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ

آفریننده موجودات جفت همگی، منزه است خدا مقرر دارنده تاریکیها و روشنی منزه است

اللَّهِ فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ

خدا شکافنده دانه و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیزی منزه است

خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ

خدا آفریننده هر چه دیدنی است و هر چه نادیدنی است منزه است خدا به مقدار کلماتش منزه است خدا

رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ،

پروردگار جهانیان منزه است خدا مالک پادشاهی، بدهی سلطنت را به هر که خواهی

وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ

و بگیری آن را از هر که خواهی و عزت بخشی هر که را خواهی و خوار کنی هر که را خواهی هر چه خیر

الْخَيْرِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّشَيْءٍ قَدِيرٌ، تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَتُوَلِّجُ النَّهَارَ

است بدست تو است و تو بر هر چیز توانایی درآوری شب را در روز و درآوری روز

فِي اللَّيْلِ، تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَتَرْزُقُ

را در شب بیرون آوری زنده را از مرده و بیرون آوری مرده را از زنده و روزی دهی

مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۶) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ

هر که را خواهی بی حساب (۶) منزه است خدا آفریننده هر دم زنی منزه است خدای

الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ

صورت بخش منزه است خدا آفریننده موجودات جفت همگی منزه است خدا مقرر کننده

الظُّلْمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ

تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده دانه و هسته منزه است خدا

خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ

آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده هر دیدنی و نادیدنی منزه است خدا

مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي عِنْدَهُ

به مقدار کلمات نامتهایش منزه است خدا پروردگار جهانیان منزه است خدائی که نزد او است

مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ، وَمَا تَسْقُطُ

کلیدهای غیب و نمی داند آنها را جز او و می داند هر چه در خشکی و دریا است و نیفتد

مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا، وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا

برگی از درخت جز آنکه بداند آنرا و نیست دانه‌ای در تاریکیهای زمین و نه تر و نه

يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (٧) سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ، سُبْحَانَ

خشکی جز اینکه در نامه‌ای روشن است (٧) منزه است خدا پدید آورنده هر دم زنی منزه است

اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ

خدای صورت بخش منزه است خدا آفریننده هر موجود جفت همگی منزه است خدا مقرر دارنده

الظُّلْمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ

تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده دانه و هسته منزه است خدا

خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى، وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللَّهِ

آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده هر دیدنی و هر نادیدنی منزه است خدا

مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا

به مقدار کلمات نامتهایش منزه است خدا پروردگار جهانیان منزه است خدائی که

يُحْصِي مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَلَا يَجْزَى بِالْآيَةِ الشَّاكِرُونَ الْعَابِدُونَ،

شماره نتواند کرد مدحش را گویندگان و پاداش ندهند نعمتهایش را سپاسگزاران پرستش کننده

وَهُوَ كَمَا قَالَ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ، وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ كَمَا أَتْنِي عَلَى نَفْسِهِ، وَلَا

و او چنانست که گفته و برتر از آنست که ما گوئیم و خدای سبحان چنان است که خودش خویشتن را ستوده و

يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ، وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ

رسائی ندارند به چیزی از دانشش جز بدانچه خود او خواهد قلمرو او آسمانها

وَالْأَرْضِ، وَلَا يَؤُدُّهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۸) سُبْحَانَ اللَّهِ

و زمین را فراگرفته و سنگینی نمی کند بر او نگهداشتن آن دو و او والا و بزرگ است (۸) منزه است خدا

بَارِئِ النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَصُورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا،

پدیدآورنده هر دم زنی منزه است خدای صورت بخش منزه است خدا آفریننده هر جفت همگی

سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْهَبِ

منزه است خدا مقرر دارنده تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافته دانه

وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا

و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده هر دیدنی و هر

لَا يَرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

نادیدنی منزه است خدا به مقدار کلماتش منزه است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمَا

منزه است آن خدائی که می داند آنچه فرو رود در زمین و آنچه بیرون آید از آن و آنچه

يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَلَا يَشْغَلُهُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ

فرو ریزد از آسمان و آنچه بالا رود در آن و سرگرمش نکند آنچه فرو رود در زمین

وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا، عَمَّا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَلَا يَشْغَلُهُ مَا

و آنچه بیرون آید از آن از آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا رود در آن و سرگرمش نکند آنچه

يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا، عَمَّا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ

فرو آید از آسمان و آنچه بالا رود در آن از آنچه فرو رود در زمین و آنچه بیرون آید از آن

مِنْهَا، وَلَا يَشْغَلُهُ عِلْمُ شَيْءٍ، عَنْ عِلْمِ شَيْءٍ وَلَا يَشْغَلُهُ خَلْقُ شَيْءٍ عَنْ

و سرگرمش نکند علم به چیزی از علم به چیز دیگر و سرگرمش نکند آفریدن چیزی از

خَلَقَ شَيْءٌ، وَلَا حِفْظُ شَيْءٍ عَنِ حِفْظِ شَيْءٍ وَلَا يُسَاوِيهِ شَيْءٌ، وَلَا

آفریدن چیز دیگر و نه نگهداری چیزی از نگهداری چیز دیگر و چیزی با او مساوی نیست و چیزی

يَعْدِلُهُ شَيْءٌ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۹) سُبْحَانَ اللَّهِ

معادل او نیست و چیزی مانند او نیست و او شنوا و بینا است (۹) منزه است خدا

بَارِي النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَصُورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا،

پدید آورنده هر دم زن منزه است خدای صورت بخش منزه است خدا آفریننده هر موجود جفت

سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ

منزه است خدا مقرر دارنده تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده دانه

وَالنُّوِي، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّشَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا

و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده هر دیدنی و هر

لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

نادیدنی منزه است خدا به مقدار کلمات نامتناهیش منزه است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحَانَ اللَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا،

منزه است خدا خالق آسمانها و زمین آنکه فرشتگان را فرستادگانی مقرر فرمود

أُولَىٰ أَجْنِحَةٍ مِّثْنَىٰ وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ، يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ، إِنَّ اللَّهَ

که آنها دارای بالهایند دوتا دوتا و سه تا سه تا و چهارتا چهارتا و بیفزاید در خلقت هر چه بخواهد و براستی خدا

عَلَىٰ كُلِّشَيْءٍ قَدِيرٌ، مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا، وَمَا

بر هر چیز توانا است هر رحمتی را که خدا گشاید کسی بستن آن نتواند و هر چه را

يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۰) سُبْحَانَ

خدا بندد پس از او کسی آنرا نگشاید و او است نیرومند فرزانه (۱۰) منزه است

اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَصُورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ

خدا آفریننده هر دم زن منزه است خدای صورت بخش منزه است خدا آفریننده هر موجود جفت

كُلُّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْوَجْدِ

همگی منزه است خدا مقرر دارنده تاریکیها و روشنی منزه است خدا شکافنده دانه

وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يَرَى وَمَا

و هسته منزه است خدا آفریننده هر چیز منزه است خدا آفریننده دیدنیها و

لَا يَرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

نادیدنیها منزه است خدا به مقدار کلمات نامتھایش منزه است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ، مَا يَكُونُ

منزه است خدائی که می داند آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است، نباشد

مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةِ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ، وَلَا خَمْسَةَ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ، وَلَا

گفتگوی سری و رازگویی سه نفری جز اینکه او چهارمین آنها است و نه پنجمی جز اینکه او ششمین آنها است و نه

أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَمَا كَانُوا، ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا

کمتر از این و نه بیشتر از این جز اینکه او با آنها است هر کجا که باشند سپس آگاهشان کند

يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

در روز قیامت بدانچه کرده اند برآستی خدا بهر چیز دانا است

سَيِّمٌ: و نیز فرموده اند می خوانی این صلوات را در هر روز ماه رمضان:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

همانا خدا و فرشتگانش درود فرستند بر پیامبر ای کسانی که

آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلَّمُوا تَسْلِيمًا، لَبَّيْكَ يَا رَبِّ وَسَعْدَيْكَ،

ایمان آورده اید شما هم درود فرستید بر او و سلام کنید سلام کامل، پروردگارا من هم دستورت را اجابت کردم و

وَسُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ

بی دریغ از تو سعادت می خواهم و منزهی تو خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ

و آل محمد چنانچه درود فرستادی و برکت دادی بر ابراهیم و آل ابراهیم برآستی

حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اَللّٰهُمَّ اِرْحَمْ مُحَمَّدًا وَّآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا رَحِمْتَ اِبْرَاهِيْمَ

تو ستوده و بزرگواری خدایا مهرورز بر محمد و آل محمد چنانچه مهر ورزیدی بر ابراهیم

وَّآلِ اِبْرَاهِيْمَ، اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ،

و آل ابراهیم برستی تو ستوده و بزرگواری خدایا تحیت و سلام فرست بر محمد و آل محمد

كَمَا سَلَّمْتَ عَلٰى نُوحٍ فِي الْعَالَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اٰمِنُنْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ

چنانچه تحیت فرستادی بر حضرت نوح در میان جهانیان خدایا نعمت بخش بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، كَمَا مَنَنْتَ عَلٰى مُوسٰى وَهٰرُونَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ

محمد چنانچه نعمت بخشیدی بر موسی و هارون خدایا درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا

محمد چنانچه ما را بدو شرافت دادی خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانچه ما را

هَدَيْتَنَا بِهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَّحْمُودًا

بدو راهنمایی کردی خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و به مقام ستوده‌ای برانگیزانش

يَغِيْظُهُ بِهِ الْاَوَّلُوْنَ وَّالْآخِرُونَ، عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَلَعَتْ

که اولین و آخرین بر او غبطه خورند، بر محمد و آلش سلام باد هر زمان که برآید

شَمْسٌ اَوْ غَرَبَتْ، عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَرَفَتْ عَيْنٌ اَوْ

خورشید یا غروب کند بر محمد و آلش سلام باد هر زمان که پلک چشمی بهم خورد یا

بَرَقَتْ، عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا ذُكِرَ السَّلَامُ، عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ

برقی زند، بر محمد و آلش سلام باد هر زمان که ذکر سلامی شود، بر محمد و آلش سلام باد

السَّلَامُ كُلَّمَا سَبَّحَ اللّٰهُ مَلِكًا اَوْ قَدَّسَهُ، السَّلَامُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ فِي

هر زمان که تسبیح خدا کند فرشته‌ای یا تقدیسش کند سلام بر محمد و آلش در میان

الْاَوَّلِيْنَ، وَّالسَّلَامُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ فِي الْاٰخِرِيْنَ، وَّالسَّلَامُ عَلٰى

اولین و سلام بر محمد و آلش در آخرین و سلام بر

مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ فِي الدُّنْيَا وَّالْآخِرَةِ، اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَرَبَّ

محمد و آتش در دنیا و آخرت خدایا ای پروردگار شهر محترم مکه و پروردگار

الرُّكْنَ وَالْمَقَامِ، وَرَبِّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ، أَبْلَغَ مُحَمَّدًا نَبِيَّكَ عَنَّا السَّلَامَ،

رکن و مقام و پروردگار حل و حرم از ما به محمد پیامبرت سلام برسان

اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا مِنَ الْبَهَاءِ وَالنُّضْرَةِ وَالسُّرُورِ وَالْكَرَامَةِ،

خدایا عطا کن به محمد از جلوه و درخشندگی و شادی و بزرگواری و خوش حالی

وَالْعِبْطَةِ وَالْوَسِيلَةِ، وَالْمُنْزَلَةِ وَالْمَقَامِ، وَالشَّرْفِ وَالرَّفْعَةِ، وَالشَّفَاعَةَ

و وسیله و منزلت و مقام و شرافت و بلندی مقام و شفاعت

عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، وَاعْطِ مُحَمَّدًا

نزد تو در روز رستاخیز بهترین چیزی را که عطا کنی به یکی از خلق خود و عطا کن به محمد

فَوْقَ مَا تُعْطِي الْخَلَائِقَ مِنَ الْخَيْرِ أَضْعَافًا كَثِيرَةً لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ،

بالاترین خیری را که به خلائق عطا می کنی به چندین برابر که شماره اش نتواند کسی جز تو

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد پاکترین و پاکیزه ترین و نیکوترین و فزاینده ترین

وَأَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْأَوْلَى وَالْآخِرِينَ، وَعَلَى أَحَدٍ مِنْ

و بهترین درودی که بر یکی از اولین و آخرین و بطور کلی بر یکی از

خَلْقِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

خلق خود فرستی ای مهربانترین مهربانان خدایا درود فرست بر علی علیه السلام امیرمؤمنان

وَوَالٍ مِنْ وَالَاهُ وَعَادٍ مِنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ

و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر آنکس که در ریختن

فِي دَمِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ

خونش شرکت کرد خدایا درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت محمد بر او و آتش

السَّلَامِ، وَالْعَنْ مَنْ آذَى نَبِيَّكَ فِيهَا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ

سلام باد و لعنت کن کسی که پیامبرت را در مورد دخترش آزرده کرد خدایا درود فرست بر حسن

وَالْحُسَيْنِ إِمَامِي الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مِّنْ وَالَاهُمَا وَعَادٍ مِّنْ عَادَاهُمَا،

و حسین دو پیشوای مسلمانان و دوست بدار هر که دوستشان دارد و دشمن دار هر که دشمنشان دارد

وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَيَّ مَنِ شَرِكَ فِي دِمَائِهِمَا، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

و دو چندان کن عذابت را بر هر کس که در ریختن خونشان شرکت کرد خدایا درود فرست بر

عَلَيَّ بِنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مِّنْ وَالَاهُ وَعَادٍ مِّنْ عَادَاهُ،

علی بن الحسین پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد

وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَيَّ مَنِ ظَلَمَهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

و دو چندان کن عذابت را بر هر که به او ستم کرد خدایا درود فرست بر محمد بن علی

إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مِّنْ وَالَاهُ وَعَادٍ مِّنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ

پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را

عَلَيَّ مَنِ ظَلَمَهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ،

بر هر که بدو ستم کرد خدایا درود فرست بر جعفر بن محمد پیشوای مسلمانان

وَوَالٍ مِّنْ وَالَاهُ وَعَادٍ مِّنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَيَّ مَنِ ظَلَمَهُ،

و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر هر که به او ستم کرد

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مِّنْ وَالَاهُ

خدایا درود فرست بر موسی بن جعفر پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد

وَعَادٍ مِّنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَيَّ مَنِ شَرِكَ فِي دَمِهِ، اَللّٰهُمَّ

و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر هر کس که در ریختن خونش شرکت کرد خدایا

صَلِّ عَلَيَّ عَلِيٍّ بِنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مِّنْ وَالَاهُ وَعَادٍ مِّنْ

درود فرست بر علی بن موسی پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار

عَادَاهُ، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَيَّ مَنِ شَرِكَ فِي دَمِهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر هر کس که در ریختن خونش شرکت کرد خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مِّنْ وَالَاهُ وَعَادٍ مِّنْ عَادَاهُ،

محمد بن علی پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد

وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَيَّ مَنْ ظَلَمَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ عَلِيٌّ بِنِ مُحَمَّدٍ

و دو چندان کن عذابت را بر هر کس که بدو ستم کرد خدایا درود فرست بر علی بن محمد

إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ

پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را

عَلَيَّ مَنْ ظَلَمَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ،

بر هر کس که بدو ستم کرد خدایا درود فرست بر حسن بن علی پیشوای مسلمانان

وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَيَّ مَنْ ظَلَمَهُ،

و دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و دو چندان کن عذابت را بر هر کس که بدو ستم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ

کرده ، خدایا درود فرست بر یادگار پس از او پیشوای مسلمانان و دوست دار هر که دوستش دارد

وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ، وَعَجَّلْ فَرَجَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الْقَاسِمِ وَالطَّاهِرِ

و دشمن دار هر که دشمنش دارد و در فرجش شتاب فرما خدایا درود فرست بر قاسم و طاهر

إِنِّي نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ رُقِيَّةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَالْعَنَ مَنْ آذَى نَبِيِّكَ

پسران پیامبرت خدایا درود فرست بر رقیه دختر پیامبرت و لعنت کن بر آن کس که پیامبرت را در مورد او

فِيهَا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ أُمَّ كُثُومَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَالْعَنَ مَنْ آذَى نَبِيِّكَ فِيهَا،

آزرد خدایا درود فرست بر ام کلثوم دختر پیامبرت و لعنت کن کسی را که پیامبرت را در مورد او آزد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ اخْلُفْ نَبِيَّكَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ،

خدایا درود فرست بر فرزندان پیغمبرت خدایا بجای پیامبرت سرپرستی خاندانش را به عهده گیر

اللَّهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ عَدَدِهِمْ وَمَدَدِهِمْ

خدایا پابرجا کن حکومتشان را در زمین خدایا ما را در زمره عتبه و کمکاران و یاران

وَأَنْصَارِهِمْ عَلَيَّ الْحَقِّ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، اللَّهُمَّ اطْلُبْ بِذَخْلِهِمْ

آنها برحق قرارمان ده چه در پنهانی و چه آشکارا خدایا بیستان انتقام

وَوَثَرِهِمْ وَدِمَائِهِمْ، وَكَفَّ عَنَّا وَعَنْهُمْ وَعَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ بَأْسٍ

و قصاص و خونشان را و باز دار از ما و از ایشان و از هر مرد مؤمن و زن با ایمانی شر

كُلِّ بَاطِلٍ وَطَاغٍ، وَكُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّكَ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ

هر ستمگر و سرکش و هر جانوری را که مهارش بدست تو است زیرا تو در سخت‌گیری از همه سخت‌تر و مجازات

عقوبت

تَكْتِيلًا. سید بن طاوس فرموده و می گوئی: يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي، وَيَا صَاحِبِي

از همه شدیدتر است * * * * * ای ذخیره‌ام در حال غمزدگی و ای همدمم

فِي شِدَّتِي، وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي، أَنْتَ السَّاتِرُ

در سختی و ای سرپرستم در نعمت و ای منتهای شوق و رغبت من تویی پوشاننده

عَوْرَتِي، وَالْمُؤْمِنِ رَوْعَتِي، وَالْمُقْبِلِ عَثْرَتِي، فَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، يَا

زشتیم و امان‌بخش ترس و بیمم و نادیده‌گیر لغزشم بیمارز خطای مرا ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و می گوئی: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَدْعُوْكَ لَهُمْ لَا يُفْرَجُهُ غَيْرُكَ

مهربانترین مهربانان * * * * * خدایا تو را بخوانم در مورد اندوهی که برطرفش نکند کسی جز تو

وَلِرَحْمَةٍ لَا تَنَالُ اِلَّا بِكَ، وَلِكَرْبٍ لَا يَكْشِفُهُ اِلَّا اَنْتَ، وَلِرَغْبَةٍ لَا تُبْلَغُ

و در مورد رحمتی که نرسد جز بوسیله تو و برای گرفتگی که برطرفش نکند جز تو و در مورد شوقی که بدان نتوان

اِلَّا بِكَ، وَلِحَاجَةٍ لَا يَقْضِيْهَا اِلَّا اَنْتَ، اَللّٰهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَانِكَ مَا

رسید جز به توفیق تو و در مورد حاجتی که کسی آن را برنیآورد جز تو خدایا هم‌چنانکه شأن تو بود که به من

اَذْنَتْ لِيْ بِهٖ مِنْ مَسْئَلَتِكَ، وَرَحْمَتِيْ بِهٖ مِنْ ذِكْرِكَ، فَلْيَكُنْ مِنْ شَانِكَ

اجازه فرمودی از تو درخواست کنم و بوسیله یادآوریت به من مهر و رزیدی پس ای آقای من از شأن تو

سَيِّدِيْ اَلْاِجَابَةُ لِيْ فِيمَا دَعَوْتُكَ، وَعَوَّادُ الْاِفْضَالِ فِيمَا رَجَوْتُكَ،

باید چنین باشد که در آنچه تو را خواندم اجابت فرمائی و در آنچه امید به تو دارم عایدات فزون بخشی باشد

وَالنَّجَاةُ مِمَّا فَرَعْتُ اِلَيْكَ فِيْهٖ فَاِنْ لَمْ اَكُنْ اَهْلًا اَنْ اُبْلَغَ رَحْمَتَكَ، فَاِنْ

و نجاتم دهی از آنچه درباره‌اش به تو پناه آوردم و اگر من شایستگی ندارم که به رحمت و

رَحْمَتِكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَتَسَعِنِي، وَإِنْ لَمْ أَكُنْ لِلْجَابَةِ أَهْلًا، فَانْتَ

مهر تو برسم مسلماً رحمت تو شایسته است که به من برسد و مرا فراگیرد و اگر من شایستگی اجابت دعا را ندارم

أَهْلُ الْفَضْلِ وَرَحْمَتِكَ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، فَلْتَسَعْنِي رَحْمَتِكَ، يَا إِلَهِي

ولی تو اهل فضلی و رحمت همه چیز را شامل گردد پس باید مرا هم شامل شود ای خدای من

يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ،

ای خدای کریم از تو خواهم به حق ذات بزرگوارت که درود فرستی بر محمد و خاندانش

وَأَنْ تُفَرِّجَ هَمِّي، وَتَكْشِفَ كَرْبِي وَعَمِّي، وَتَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ،

و اینکه اندوه دلم را بگشائی و گرفتاری و غصه‌ام را برطرف کنی و به رحمت خود به من رحم کنی

وَتَرْزُقَنِي مِنْ فَضْلِكَ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

و از فضل خود روزیم گردانی که برستی تو شنوای دعائی و نزدیک و پاسخ دهنده هستی

چهارم: و نیز شیخ و سید فرموده‌اند در هر روز بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ وَكُلِّ

خدایا از تو خواهم از فضلت از برترین آن و همه

فَضْلِكَ فَاضِلٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلَّهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

فضل تو برتر است خدایا از تو خواهم به حق فضل تو همگی خدایا از تو خواهم از

رِزْقِكَ بِأَعْمِهِ وَكُلِّ رِزْقِكَ عَامًّا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلَّهُ،

روزیت از عمومی‌ترین آنها (که شامل همه می‌شود) گرچه تمام روزی تو عمومی است خدایا از تو خواهم به همه اقسام

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَطَائِكَ بِأَهْنَأِهِ وَكُلِّ عَطَائِكَ هَنِيئًا، اللَّهُمَّ

روزیت خدایا از تو خواهم از عطایات از گواراترین عطاها با اینکه همه انواع عطای تو گوارا است خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَطَائِكَ كُلَّهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْجَلِهِ وَكُلِّ

از تو خواهم به همه اقسام عطای تو خدایا از تو خواهم از خیر و نیکیت به زود رس‌ترین آنها در صورتی که تمام

خَيْرِكَ عَاجِلٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلَّهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

نیکیهایت زودرس است خدایا از تو خواهم به همه انواع نیکیت خدایا از تو خواهم

إِحْسَانِكَ بِأَحْسَنِهِ وَكُلُّ إِحْسَانِكَ حَسَنٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بهترین احسانت و همه احسان تو نیکو است خدایا از تو خواهم

بِإِحْسَانِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ

تمام انواع احسانت را خدایا از تو خواهم بدانچه اجابتم کنی هنگامی که از تو خواهم

فَاجِبْنِي يَا اللَّهُ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُرْتَضَى،

پس اجابت کن ای خدا و درود فرست بر محمد بنده پسندیده‌ات

وَرَسُولِكَ الْمُصْطَفَى، وَأَمِينِكَ وَتَجِيحِكَ دُونَ خَلْقِكَ، وَتَجِيحِكَ مِنْ

و فرستاده برگزیده‌ات و امین بر وحیت و محرم رازت از میان خلق و نیک گوهرت از

عِبَادِكَ، وَتَبِيحِكَ بِالصَّدْقِ وَحَبِيبِكَ، وَصَلِّ عَلَى رَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ

بندگان تو و پیامبرت براستی و دوستت و دورد فرست بر رسول و برگزیده‌ات از

الْعَالَمِينَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّرَاحِ الْمُنِيرِ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَبْرَارِ

جهانیان نوید دهنده و ترساننده آن چراغ تابناک و بر خاندان نیکو

الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَحَبَبَتَهُمْ

و پاکیزه‌اش و بر فرشتگانت که خالص گرداندی آنها را برای خویش و آنها را از خلق خود مستور

عَنْ خَلْقِكَ، وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ الَّذِينَ يُنْبِئُونَ عَنْكَ بِالصَّدْقِ، وَعَلَى

داشتی و بر پیامبرانت که از تو براستی خیر دهند و بر

رُسُلِكَ الَّذِينَ خَصَّصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَفَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

رسولانت که به وحی خویش مخصوصشان داشتی و بوسیله رسالت‌های خویش بر جهانیان برتریشان

بِرِسَالَتِكَ، وَعَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ أَدْخَلْتَهُمْ فِي رَحْمَتِكَ،

دادی و بر بندگان شایسته‌ات که داخلشان کردی در رحمت آن

الْأَيِّمَةِ الْمُهْتَدِينَ الرَّاشِدِينَ، وَأَوْلِيَاءِكَ الْمُطَهَّرِينَ، وَعَلَى جِبْرَائِيلَ

پیشوایان راهنمایی شده و رهبر و دوستان پاکیزه‌ات و بر جبرئیل

وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ، وَعَلَى رِضْوَانِ خَازِنِ الْجِنَانِ،

و میکائیل و اسرافیل و فرشته مرگ و بر «رضوان» خزینه‌دار بهشت

وَعَلَىٰ مَالِكٍ خَازِنِ النَّارِ، وَرُوحِ الْقُدُسِ وَالرُّوحِ الْأَمِينِ وَحَمَلَةَ

و بر «مالک» خزینه‌دار دوزخ و روح‌القدس و روح‌الامین و حاملین

عَرْشِكَ الْمُتَرَبِّينَ، وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْحَافِظِينَ عَلَيَّ، بِالصَّلَاةِ الَّتِي

مقرب عرش تو و بر دو فرشته نگهبان من درودی که

تُحِبُّ أَنْ يُصَلِّيَ بِهَا عَلَيْهِمْ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلُ الْأَرْضِينَ، صَلَوَةً

دوست داری که درود فرستند بدان آسمانیان و زمینیان بر ایشان درودی

طَيِّبَةً كَثِيرَةً مُبَارَكَةً، زَاكِيَةً نَامِيَةً ظَاهِرَةً بَاطِنَةً، شَرِيفَةً فَاضِلَةً تَبِيْنُ

پاک و بسیار و مبارک و پاکیزه و فزاینده و آشکار و پنهان و شریف و برتری که آشکار سازی

بِهَا فَضْلَهُمْ عَلَيَّ الْأَوْلِيْنَ وَالْآخِرِينَ، اللَّهُمَّ وَأَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ،

بدان درود برتری ایشان را بر اولین و آخرین خدایا و عطا کن به محمد وسیله

وَالشَّرْفَ وَالْفَضِيلَةَ، وَاجْزِهِ خَيْرَ مَا جَزَيْتَ نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ

و شرف و فضیلت را و پاداشش بده به بهتر چیزی که پاداش دهی پیغمبری را از امتش خدایا

وَأَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مَعَ كُلِّ زُلْفَةٍ زُلْفَةً، وَمَعَ كُلِّ

و عطا کن به محمد صلی الله علیه و آله با هر مقام و رتبه‌ای مقام و رتبه‌ای دیگر و با هر

وَسِيْلَةٍ وَسِيْلَةً، وَمَعَ كُلِّ فَضِيْلَةٍ فَضِيْلَةً، وَمَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفًا، تُعْطَى

وسيله‌ای وسیله‌ای دیگر و با هر فضیلتی فضیلتی دیگر و با هر شرافتی شرافتی دیگر بدهی

مُحَمَّدًا وَآلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَتْ أَحَدًا مِنَ الْأَوْلِيْنَ

به محمد و آتش در روز قیامت بهترین چیزی که عطا کنی به احدی از اولین

وَالْآخِرِينَ، اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَذْنَىٰ

و آخرین خدایا و قرار ده محمد صلی الله علیه و آله را نزدیکترین

الْمُرْسَلِينَ مِنْكَ مَجْلِسًا، وَأَفْسَحَهُمْ فِي الْجَنَّةِ عِنْدَكَ مَنْزِلًا، وَأَقْرَبَهُمْ

رسولان بخود در مجلس و منزلش را در بهشت وسیع‌ترین منازل در پیش خود گردان و نزدیکترین

اَيْنِكَ وَسَيْلَةً، وَاجْعَلْهُ اَوَّلَ شَافِعٍ وَاوَّلَ مُشَفِّعٍ، وَاوَّلَ قَائِلٍ، وَانْجَحْ

افراد از نظر وسیله در نزد خود و قرارش ده نخستین شفیع و هم نخستین کسی که شفاعتش پذیرفته است و نخستین

سائل، وَابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ، الَّذِي يَغِيبُهُ بِهِ الْاَوْلُونَ وَالْاٰخِرُونَ

گویانده و حاجت‌روترین خواننده و برانگیزش به مقامی شایسته که غبطه برند به او اولین و آخرین

یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَاسْئَلْكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاَلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ

ای مهربانترین مهربانان و از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تَسْمَعَ صَوْتِي، وَتُجِيبَ دَعْوَتِي، وَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، وَتَصْفَحَ عَنِّي

صدایم بشنوی و دعایم را اجابت کنی و از خطایم بگذری و از ستمم چشم‌پوشی

ظُلْمِي، وَتَنْجِحَ طَلِبَتِي، وَتَقْضِيَ حَاجَتِي، وَتُنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي،

کنی و حاجت‌روایم کنی و خواسته‌ام بدهی و بدانچه وعده‌ام کرده‌ای وفا کنی

وَتُقِيلَ عَثْرَتِي، وَتَغْفِرَ ذُنُوبِي، وَتَغْفُوَ عَنِّي جُرْمِي، وَتُقْبِلَ عَلَيَّ

و لغزتم را نادیده گیری و گناه‌ام را بیامرزی و از جرمم بگذری و به من رو کنی

وَلَا تُعْرِضَ عَنِّي، وَتَرْحَمَنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي، وَتُعَافِيَنِي وَلَا تَبْتَلِيَنِي،

و رو از من نگردانی و به من رحم کنی و عذابم نکنی و تندرستم کنی و مبتلایم نسازی

وَتَرْزُقْنِي مِنَ الرَّزْقِ اَطْيَبِهِ وَاَوْسَعَهُ، وَلَا تُحْرِمْنِي يَا رَبِّ، وَاَفْضَلَ

و روزیم ده از پاک‌ترین و فراخ‌ترین روزیها و محرومم نکنی ای پروردگار و قرضم

عَنِّي دَيْنِي، وَضَعْ عَنِّي وَزْرِي، وَلَا تُحْمَلْنِي مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ،

را اداء کنی و بار گناه‌ام را از دوشم برداری و باری بر دوشم نهدی که طاقتش را ندارم

يَا مَوْلَايَ وَاَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَاَلِ مُحَمَّدٍ،

ای سرور من و داخل گردانی مرا در هر خیری که داخل کردی در آن محمد و آل محمد را

وَاٰخِرُجْنِي مِنْ كُلِّ سُوْءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَاَلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ

و بیرونم آوری از هر بدی (و شری) که برون آوردی از آن محمد و آل محمد را که درودهای تو

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ، پس سه

بر او و بر ایشان باد و سلام بر او و بر ایشان و رحمت خدا و برکاتش * * *

مرتبه بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي**

* * * خدایا تو را خوانم چنانکه دستورم دادی پس به اجابت رسان دعایم را چنانچه وعده‌ام فرمودی

پس بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلاً مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ،**

* * * * خدایا از تو خواهم اندکی از بسیار با نیاز بس بزرگی که من بدان دارم

وَعِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ، وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ، فَاْمُنُّ

ولی تو از قدیم بی‌نیاز بدان بوده‌ای و آن حاجت پیش من بسیار ولی برای تو سهل و آسان است پس

عَلَيَّ بِهِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كَلْشَىءٍ قَدِيرٌ، أَمِينُ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

بر من بدان حاجت منت نه که تو بر هر چیز توانایی اجابت کن ای پروردگار جهانیان *

* پنجم خواندن این دعا است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي،

خدایا تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس دعایم را به اجابت رسان چنانچه وعده‌ام کردی

و چون طولانی است بجهت اختصار آنرا ذکر نکردیم هر که طالب است به اقبال

یا زادالمعاد رجوع کند.

ششم شیخ مفید در کتاب مقنعه روایت کرده از تِقّه جلیل علی بن مهزیار از

حضرت امام محمد تقی علیه السلام که مستحب است آنکه بسیار بگوئی در هر

وقت از شب و روز ماه رمضان از اوّل ماه تا آخر :

يَا ذَا الَّذِي كَانَ قَبْلَ كُلِّشَىءٍ، ثُمَّ خَلَقَ كُلِّشَىءٍ، ثُمَّ يَبْقَى

ای که بوده‌ای پیش از هر چیز و آفرید هر چیز را و سپس تنها او باقی ماند

وَيَقْنَى كُلِّشَىءٍ، يَا ذَا الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَىءٌ، وَيَا ذَا الَّذِي لَيْسَ فِي

و هر چه هست فانی شود ای که نیست مانندش چیزی ای که معبودی جز او در

السَّمَاوَاتِ الْعُلَى، وَلَا فِي الْأَرْضِينَ السُّفْلَى، وَلَا فَوْقَهُنَّ وَلَا تَحْتَهُنَّ

آسمانهای بالا و نه در زمینهای پائین و نه فوق آنها و نه زیر آنها

وَلَا يَبْنِيهِنَّ إِلَهٌ يُعْبَدُ غَيْرُهُ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهِ

و نه در مابین آنها نیست خاص تو است ستایش آن ستایشی که توانائی ندارد بر شمارش

إِلَّا أَنْتَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَوةً لَا يَقْوَى عَلَى

کسی جز تو درود فرست بر محمد و آل محمد درودی که توانائی نداشته باشد بر

إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ. *

شماره‌اش کسی جز تو

هفتم شیخ کفعمی در بلد‌الأمین و مصباح از اختیار سید بن باقی نقل کرده که هر که

بخواند این دعا را در هر روز ماه رمضان بیامرزد حق تعالی گناهان چهل ساله

او را:

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ، الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ، وَأَفْتَرَضْتَ

*** خدایای پروردگار ماه رضانی که فرود آوردی در آن قرآن را و واجب کردی

عَلَى عِبَادِكَ فِيهِ الصِّيَامَ، ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، فِي هَذَا الْعَامِ

بر بندگانت در این ماه روزه را روزی من کن حج خانه محترمت (کعبه) را در این سال

وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الْعِظَامَ، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ، يَا

و در هر سال و بیامرز برایم گناهان بزرگ را که برآستی نیامرزد آنها را کسی جز تو ای

ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

صاحب جلال و بزرگواری ***

* هشتم: در هر روز صد مرتبه این ذکر را بگوید که محدث فیض در خلاصه

الأذکار ذکر فرموده:

سُبْحَانَ الضَّارِّ النَّافِعِ، سُبْحَانَ الْقَاضِي بِالْحَقِّ،

منزه است خدای زیان رسان و سودرسان منزه است خدای داور بر حق

سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، سُبْحَانَهُ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى.

منزه است خدای والای برتر منزه است او و به حمد او مشغول منزه است او و برتر

نهم: شیخ مفید در مُقْنَعَه فرموده و از سُنَنِ ماهِ رَمَضَانَ صلوات فرستادن بر رسول خدای علیهِ و آله است در هر روز صد مرتبه و اگر زیاده تر فرستاد افضل است.

أَعْمَالُ مَخْصُوصَةٌ لَيْلٍ وَرُجُلِ يَوْمِ مَبَارَكِ رَمَضَانَ

مطلب دویم در اعمال مخصوصه شب و روز ماه مبارک رمضان است:

شب اول در آن چند عمل است: اول آنکه طلبِ هلال کند و بعضی استهلال این ماه را واجب دانسته اند.

دویم چون رؤیت هلال کرد اشاره به هلال نکند بلکه رو به قبله کند و دستها را به

آسمان بلند کند و خطاب کند هلال را و بگوید:

رَبِّي وَرَبِّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ

پروردگار من و پروردگار تو خدا پروردگار جهانیان است خدایا این ماه را بر ما نوا کن با امنیت

وَأَلْيَمَانٍ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ، وَالْمُسَارَعَةِ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى،

و ایمان و سلامتی و اسلام و پیشی گرفتن بدانچه تو دوست داری و خوشنود شوی

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا، وَارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَعَوْنَهُ، وَأَصْرِفْ عَنَّا

خدایا برکت ده به ما در این ماه و خیر و خوبی و کمک آن را روزی ما کن و بگردان از ما

ضُرَّهُ وَسُرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ،

زیان این ماه و شر و بلا و فتنه اش را

و روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون رؤیت می کرد

هلال ما رمضان را روی شریف را به جانب قبله می فرمود و می گفت:

اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ، وَالْعَافِيَةِ الْمُبَجَّلَةِ وَدِفَاعِ

* خدایا این ماه را بر ما نو کن به امنیت و ایمان و تندرستی و اسلام و عافیت کامل و دفاع از

الْأَسْقَامِ، وَالْعَوْنِ عَلَى الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ، وَالْقِيَامِ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ،

دردها و کمک بر نماز و روزه و شب زنده داری و تلاوت قرآن

اللَّهُمَّ سَلِّمْنَا لِشَهْرِ رَمَضَانَ، وَتَسَلِّمَهُ مِنَّا، وَسَلِّمْنَا فِيهِ حَتَّى يَنْقُضَى

خدایا سالم کن ما را برای ماه رمضان و سالم از ما دریافتش کن و ما را در آن سالم بدار تا بگذرد

عَنَّا شَهْرُ رَمَضَانَ، وَقَدْ عَفَوْتَ عَنَّا، وَغَفَرْتَ لَنَا وَرَحِمْتَنَا.

از ما ماه رمضان و تو از ما گذشته باشی و ما را آمرزیده و مورد مهر خویش قرار داده باشی

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون رؤیت هلال نمودی بگو:

اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ، وَقَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ، وَأَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ، هُدًى

خدایا ماه رمضان آمد و تو واجب کرده‌ای بر ما روزه این ماه را و فرو فرستادی در آن قرآن را که راهنمای

لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ، اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ،

مردم است و حجت‌هایی از هدایت و تمیز حق و باطل است خدایا کمک خده ما را بر روزه آن

وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا، وَسَلِّمْنَا فِيهِ، وَسَلِّمْنَا مِنْهُ، وَسَلِّمَهُ لَنَا فِي يُسْرِ مِنْكَ

و آن را از ما بپذیر و سالم بدار ما را در این ماه و از این ماه و آن را نیز برای ما سالم گردان در آسانی

وَعَافِيَةٍ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمٌ. *

و تندرستی که برستی تو بر هر چیز قادری ای بخشاینده ای مهربان

سیم: بخواند دعاء چهل و سیم صحیفه کامله را در وقت رؤیت هلال سید بن

طاوس روایت کرده که روزی حضرت امام‌زین‌العابدین علیه السلام در

راهی می گذشت که نظر کرد به هلال ماه رمضان پس آن حضرت ایستاد و گفت:

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ، الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ

ای مخلوق فرمانبردار پیوسته (در حرکت) و شتابان و رفت و آمد کننده در منزلهای

التَّقْدِيرِ، الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكِ التَّدْبِيرِ، اٰمَنْتُ بِمَنْ نُوِّرَ بِكَ الظُّلْمَ،

معین و گردش کننده در مدار تدبیر ایمان دارم به آن خدائی که تاریکیها

وَأَوْضَحَ بِكَ الْبُهْمَ، وَجَعَلَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ، وَعَلَامَةً مِنْ

را به تو روشن کرد و راههای ناپیدا و مبهم را به تو آشکار کرده و تو را نشانه‌ای از نشانه‌های فرمانروائیش و علامتی

عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ، فَحَدَّ بِكَ الزَّمَانَ، وَأَمْتَهَنَكَ بِالْكَمَالِ وَالنُّقْصَانِ،

از علامات سلطنتش قرار داده و زمان را به تو محدود ساخت و تو را واداشت به کمال و نقصان

وَالطُّلُوعِ وَالْأَفْوَالِ وَالْإِنَارَةِ وَالْكَسُوفِ، فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ،

و طلوع و غروب و پرتوافکنی و گرفتن و در تمام آنها تو در تحت فرمان او فرمانبرداری

وَالِي إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ، سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا ذَبَّرَ مِنْ أَمْرِكَ، وَالْأَطْفَ مَا

و بسوی اراده‌اش شتابان منزّه است خدا که چه شگفت‌انگیز تدبیری در امر تو بکار برد و چه دقیق است

صَنَعَ فِي شَانِكَ، جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرِ حَادِثٍ لِأَمْرِ حَادِثٍ، فَاسْتَلُّ اللَّهُ

صنعتی که در کار تو انجام داده تو را کلید ماه نوی قرار داده برای کاری نو از خدا

رَبِّي وَرَبِّكَ، وَخَالِقِي وَخَالِقِكَ، وَمَقْدَّرِي وَمَقْدَّرِكَ، وَمُصَوِّرِي

پروردگار خود و پروردگار تو و آفریدگار خود و آفریدگار تو و تقدیر کننده خود و تقدیر کننده تو و صورت‌بخش خود

وَمُصَوِّرِكَ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالَ

و صورت‌گر تو خواهم که درود فرستد بر محمد و آل محمد و قرار دهد تو را ماه

بَرَكَهٍ لَا تَمَحُّهَا الْآيَامُ، وَطَهَارَةٍ لَا تُدَسُّهَا الْأَثَامُ، هِلَالَ أَمْنٍ مِنْ

برکتی که روزگار از بینش نبرد و ماه پاکیزه‌ای که آلوده‌اش نکند گناهان ماه امنیت از

الْأَفَاتِ، وَسَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ، هِلَالَ سَعْدٍ لَا نَحْسَ فِيهِ، وَيَمْنٍ لَا

آفات و سلامتی از بدیها ماه خجسته و مسعودی که نحسی در آن نباشد و ماه میمونی که

نَكَدَ مَعَهُ، وَيَسِرُّ لَا يُمَارِجُهُ عُسْرٌ، وَخَيْرٌ لَا يَشُوْبُهُ شَرٌّ، هِلَالَ أَمْنٍ

ملائی با آن نباشد و ماه آسانی که با دشواری مخلوط نشود و ماه خیری که به شرّی آلوده نگردد ماه امنیت

وایمان، و نِعْمَةً وَاِحْسَانًا، وَسَلَامَةً وَاِسْلَامًا، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ

و ايمان و نعمت و احسان و سلامتی و اسلام خدایا درود فرست بر محمد

وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَجْعَلْنَا مِنْ اَرْضِي مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ، وَاَرْكَبِي مَنْ نَظَرَ اِلَيْهِ،

و آل محمد و قرار ده ما را از خوشنودترین مردمی که این ماه بر او طلوع کرده و پاکیزه‌ترین کسانی که بدان نگاه کرده

وَأَسْعِدْ مَنْ تَعَبَدَ لَكَ فِيهِ، وَوَفَّقْنَا اللّٰهُمَّ فِيهِ لِلطَّاعَةِ وَالتَّوْبَةِ،

و سعادتمندترین کسی که پرستش تو را در آن کرده و موفق دار ما را خدایا در این ماه به فرمانبرداری و توبه

وَأَعْصِمْنَا فِيهِ مِنَ الْاِثَامِ وَالْحَوْبَةِ، وَأَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ النِّعْمَةِ، وَالْبِسْنَا

و نگاهمان دار در آن از گناهان و خطا و الهام کن به ما در این ماه شکر نعمت را و بیوشان به ما

فِيهِ جُنْنَ الْعَافِيَةِ، وَآتَمِّمْ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْمِنَّةَ، اِنَّكَ اَنْتَ

در این ماه سپرهای تندرستی و منت خود را بوسیله انجام کامل اطاعتت بر ما تمام کن که براستی تویی

الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّيِّبِينَ، وَاَجْعَلْ لَنَا فِيهِ

پر نعمت ستوده و درود خدا بر محمد و آل پاکش و مقرر دار برای ما در این ماه

عَوْنًا مِنْكَ عَلٰی مَا نَدَبْتَنَا اِلَيْهِ مِنْ مُفْتَرَضِ طَاعَتِكَ، وَتَقَبَّلْهَا اِنَّكَ

کمکی از جانب خود برای انجام آنچه ما را بدان خواندی و طاعت واجب خود و بپذیر آن را که تو

الْاَكْرَمُ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ، وَالْاَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ، اٰمِيْنَ اٰمِيْنَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ.

کریم‌ترین همه کریمانی و مهربانتر از هر مهربانی آمین ای پروردگار جهانیان

*چهارم مجامعت با حلال خود کند و این از خصوصیات این ماه است والا در

ماه‌های دیگر جماع در شب اول مکروه است.

پنجم غسل شب اول ماه کند و روایت شده که هر که در شب اول ماه رمضان

غسل کند خارش بدن به او نرسد تا ماه رمضان آینده .

ششم در نهر جاری غسل کند و سی کف آب بر سر بریزد تا با طهارت معنوی

باشد تا ماه رمضان آینده.

هفتم زیارت قبر امام حسین علیه السلام کند تا گناهانش ریخته شود و ثواب
حجّاج و معتمرین آن سال را دریابد.

هشتم از این شب ابتدا کند به خواندن هزار رکعت نماز این ماه به نحوی که در
آخر قسم دوّم ذکر شد.

نهم دو رکعت نماز کند در این شب در هر رکعت حمد و سوره انعام بخواند و
سؤال کند که حقّ تعالی کفایت کند او را و نگاه دارد او را از آنچه می‌ترسد و
از دردها.

دهم بخواند دعای اللّهُمَّ اِنَّ هَذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ که در شب آخر ماه شعبان
گذشت.

یازدهم بعد از نماز مغرب دستها را بلند کند و بخواند این دعاء وارده از
حضرت جواد علیه السلام را که در اقبالست:

اَللّهُمَّ يَا مَنْ يَمْلِكُ التَّدْبِيرَ، وَهُوَ عَلَيَّ كَلِّشِيْءٍ قَدِيْرٌ، يَا مَنْ

*** * * * خدایا ای که تدبیر امور بدست او است و او بر هر چیز قادر است ای که

يَعْلَمُ خَائِبَةَ الْاَعْيُنِ، وَمَا تُخْفِي الصُّدُوْرُ، وَتُجِنُّ الضَّمِيْرُ، وَهُوَ

می‌داند خیانت چشمها را و آنچه را سینه‌ها پنهان کنند و دلها در خویش مستور دارند و او است

اللطيفُ الخبيرُ، اَللّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ نَوِيْ فَعْمَلٍ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ شَقِيْ

دقیق آگاه خدایا قرار ده ما را از کسانی که نیت کنند و بدنایش عمل کنند و قارمان مده از کسانی که بدبخت شده

فَكْسَلِ، وَلَا مِمَّنْ هُوَ عَلَيَّ غَيْرِ عَمَلٍ يَّتَكَلُّ، اَللّهُمَّ صَحِّحْ اَبْدَانَنَا مِنْ

و تنبلی کرد و نه از کسانی که بر غیر کار و کوشش اعتماد کنند خدایا سالم گردان بدنهامان را از

الْعِلَلِ، وَاَعِنَّا عَلَيَّ مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنْ الْعَمَلِ حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا

بیماریها و کمکمان ده بر آنچه واجب کرده‌ای بر ما از عمل تا بگذرد از ما این ماه تو در حالیکه

شَهْرُكَ هَذَا، وَقَدْ آدَيْنَا مَفْرُوضَكَ فِيهِ عَلَيْنَا، اَللّٰهُمَّ اَعِنَّا عَلٰى صِيَامِهِ،

آنچه را بر ما واجب فرموده بودی انجام داده باشییم خدایا ما را بر روزه این ماه کمک ده

وَوَقَّفْنَا لِقِيَامِهِ، وَنَشْطُنَا فِيهِ لِلصَّلَاةِ، وَلَا تَحْجُبْنَا مِنَ الْقِرَاءَةِ، وَسَهِّلْ

و به شب زنده‌داریش موقفمان دار و برای خواندن نماز در این ماه نشاطی بما بده و از قرائت قرآن محرومان مدار و

لَنَا فِيهِ اِيْتَاءَ الزَّكَاةِ، اَللّٰهُمَّ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا وَصَبًا وَلَا تَعَبًا وَلَا سَقَمًا

آسان گردان بر ما پرداختن زکوة را خدایا چیره مگردان بر ما خستگی و سستی و نه رنج و نه بیماری

وَلَا عَطْبًا اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا الْاِفْطَارَ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ لَنَا

و نه هلاکت را خدایا روزی ما کن افطار کردن از روزی حلال خدایا سهل کن بر ما

فِيهِ مَا قَسَمْتَهُ مِنْ رِزْقِكَ، وَيَسِّرْ مَا قَدَّرْتَهُ مِنْ اَمْرِكَ، وَاَجْعَلْهُ حَلَالًا

در این ماه آن سهمی را که از روزیت نصیب ما کرده‌ای و آسان گردان آنچه را طبق فرمانت مقرر داشته‌ای و قرارش ده

طَيِّبًا نَقِيًّا مِنَ الْاَثَامِ، خَالِصًا مِنَ الْاُصَارِ وَالْاَجْرَامِ، اَللّٰهُمَّ لَا تَطْعِمْنَا

حلال و پاک و پاکیزه از گناهان و خالص از معاصی و جنایات خدایا بر ما مخوران

الْاِطْيَابَ غَيْرَ خَبِيثٍ وَلَا حَرَامٍ، وَاَجْعَلْ رِزْقَكَ لَنَا حَلَالًا لَا يَشُوبُهُ

جز خوراکی پاک که نه پلید باشد و نه حرام و قرار ده روزیت را برای ما حلال که آلوده

دَنَسٌ وَلَا اِسْقَامٌ، يَا مَنْ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

به چرکی و بیماریها نباشد ای که دانایش به نهان همانند دانایش به آشکار است ای که

عِبَادِهِ بِالْاِحْسَانِ، يَا مَنْ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

بر بندگانش به احسان تفضل فرمود ای که او بر هر چیز توانا است و به هر چیز دانا

خَيْرٌ، اَلْهَمْنَا ذِكْرَكَ، وَجَنَّبْنَا عُسْرَكَ، وَاَنْلَنَا يُسْرَكَ، وَاَهْدِنَا لِلرِّشَادِ،

و آگاه است ذکر خود را بهما الهام کن و از دشواریت ما را برکنار دار و به دستورات آسانت برسانمان و به کارهای صواب

وَوَقَّفْنَا لِلسَّدَادِ، وَاَعْصِمْنَا مِنَ الْبَلَايَا وَصَنَا مِنَ الْاَوْزَارِ وَالْاَخْطَايَا،

راهنمائیمان کن و به کارهای محکم و درست موقفمان بدار و از بلاها محفوظمان دار و از گناهان و خطاها نگاهمان دار

يَا مَنْ لَا يَعْزِفُ عَظِيمَ الذُّنُوبِ غَيْرُهُ، وَلَا يَكْشِفُ السُّوءَ اِلَّا هُوَ، يَا

ای که نیامزد گناهان بزرگ را جز او و برطرف نکند بدیها را جز او ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ

مهربانترین مهربانان و کریمترین کریمان درود فرست بر محمد و خاندان

الطَّيِّبِينَ، وَاجْعَلْ صِيَامَنَا مَقْبُولًا، وَبِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى مَوْصُولًا، وَكَذَلِكَ

پاکش و روزه ما را مقبول درگاهت فرما و به نیکی و پرهیزکاری پیوندش ده و هم چنین

فَاجْعَلْ سَعْيَنَا مَشْكُورًا، وَقِيَامَنَا مَبْرُورًا، وَقُرْ آتِنَا مَرْفُوعًا، وَدُعَاتِنَا

کوشش ما را مورد تقدیر و شب زنده داریمان را نیک پذیرفته و قرآن ما را (که خوانده‌ایم) بالا رفته و دعایمان را

مَسْمُوعًا، وَاهْدِنَا لِلْحُسْنَى، وَجَنِّبْنَا الْعُسْرَى، وَيَسِّرْنَا لِلْيُسْرَى، وَأَعْلِ

مقرون به اجابت فرما و ما را به کار نیک هدایت فرما و از دشواریها برکنارمان دار و مهیامان بدار برای آسانها

لَنَا الدَّرَجَاتِ، وَضَاعِفِ لَنَا الْحَسَنَاتِ، وَأَقْبِلْ مِنَّا الصَّوْمَ وَالصَّلَاةَ،

و درجات ما را بالا بر و حسنات ما را دو چندان کن و روزه و نماز ما را پذیر

وَاسْمَعْ مِنَّا الدَّعَوَاتِ، وَأَغْفِرْ لَنَا الْخَطِيئَاتِ وَتَجَاوَزْ عَنَّا السَّيِّئَاتِ،

و دعاهای ما را بشنو و خطاهای ما را ببامرز و از گناهان ما درگذر

وَاجْعَلْنَا مِنَ الْعَامِلِينَ الْفَائِزِينَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ

و قرار ده ما را از عمل کنندگان کامیاب و قرارمان مده از غضب شدگان و نه از

وَلَا الضَّالِّينَ، حَتَّى يَنْقَضِيَ شَهْرُ رَمَضَانَ عَنَّا، وَقَدْ قَبِلْتَ فِيهِ صِيَامَنَا

گمراهان تا بگذرد از ما ماه رمضان و تو روزه و شب زنده‌داریمان را پذیرفته باشی

وَقِيَامَنَا، وَرَزَقَيْتَ فِيهِ أَعْمَالَنَا، وَعَفَرْتَ فِيهِ ذُنُوبَنَا، وَاجْرَلْتَ فِيهِ مِن

و اعمال ما را پاک و پاکیزه کرده و گناهانمان را آمرزیده باشی و بهره ما را در این

كُلِّ خَيْرٍ نَصَيْبِنَا فَإِنَّكَ الْإِلَهُ الْمُجِيبُ، وَالرَّبُّ الْقَرِيبُ، وَأَنْتَ بِكُلِّ

ماه از هر خیر و نیکی به حد کامل داده باشی که براستی تویی معبود اجابت کننده و پروردگار نزدیک و تو بر هر

شَيْءٍ مُّحِيطٌ. *

چیز احاطه داری

دوازدهم: بخواند در این شب این دعای مأثور از حضرت صادق علیه السلام را

که در اقبال است:

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ، مَنْزِلَ الْقُرْآنِ، هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ

*** ** خدایای پروردگار ماه رمضان و فرو فرستنده قرآن این ماه رمضان است

الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ، وَأَنْزَلْتَ فِيهِ آيَاتِ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى

که در آن قرآن را نازل فرموده‌ای و در آن آیة‌هایی است که آنها حجتهای هدایت

وَالْفُرْقَانَ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ، وَأَعِنَّا عَلَى قِيَامِهِ، اللَّهُمَّ سَلِّمْ لَنَا

و تمیز حق و باطل است خدایا روزه‌اش را روزی ما گردان و بر شب زنده‌داریش به ما کمک کن خدایا این ماه را برای

وَسَلِّمْنا فِيهِ، وَتَسَلِّمْهُ مِنَّا فِي يُسْرِ مِنْكَ وَمُعَافَاةٍ وَاجْعَلْ فِيمَا

ما سالم بدار و ما را در آن به سلامت دارو آن را در آسانی و تندرستی کاملی از جانب خود از ما

تَقْضَى وَتُقَدَّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَمِ، وَفِيمَا تَفَرَّقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ

دریافتش کن و قرار ده در آن قضا و قدر حتمی خود و در آن دستور حکیمانه که جدا کنی

فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ، أَنْ تَكْتَبِنِي مِنْ

در شب قدر از آن قضا و قدر حتمی و مسلمی که برگشت ندارد و تغییرپذیر نیست که نام ما را بنویسی در

حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حَجَّتِهِمْ، الْمَشْكُورِ سَعْيِهِمْ، الْمَغْفُورِ

زمره حاجیان خانه محترمت (کعبه) آنانکه حجشان پذیرفته و سعیشان مورد تقدیر

ذُنُوبِهِمْ، الْمُكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضَى وَتُقَدَّرُ أَنْ

و گناهانشان آمرزیده و بدیهایشان جبران شده است و قرار ده در آنچه مقدر فرمائی که

تُطِيلَ عَمْرِي وَتُوسِّعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ،

عمرم را طولانی فرموده و از روزی حلال خود بر من توسعه دهی

سیزدهم: بخواند دعای چهل و چهارم صحیفه کامله را.

چهاردهم بخواند: **اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ،** الخ که سید در اقبال نقل فرموده و

بسیار طولانی است .

پانزدهم بخواند:

اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ،

خدایا براستی ماه رمضان آمد

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي، أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ، وَجَعَلْتَهُ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى

آن ماهی که قرآن را در آن نازل فرمودی و آن را حجت‌هایی از هدایت و تمیز

وَالْفُرْقَانِ، اللَّهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَأَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ

(حق و باطل) قرار دادی خدایا پس برکت ده به ما در ماه رمضان و بر روزه

وَصَلِّوَاتِهِ، وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا

و نمازهایش ما را یاری ده و آن را از ما بپذیر

. روایت است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله چون ماه رمضان داخل

می شد این دعا را می خواند.

شانزدهم و نیز روایت است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله در شب اوّل

ماه رمضان این دعا را می خواندند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِكَ أَيُّهَا الشَّهْرُ

سپاس خدائی را که ما را بوسیله تو گرامی داشت ای ماه

الْمُبَارَكِ، اللَّهُمَّ فَقَوِّنا عَلَى صِيَامِنَا وَقِيَامِنَا، وَتَبِّتْ أَقْدَامَنَا، وَأَنْصُرْنَا

مبارک خدایا به ما نیرو ده بر روزه‌مان و شب زنده‌داریمان و گام‌های ما را پابرجا کن

عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَاحِدُ فَلَا وَكَدَ لَكَ، وَأَنْتَ الصَّمَدُ

و بر مردمان کافر یاریمان ده خدایا توئی یگانه که فرزند نداری و توئی بی‌نیازی

فَلَا شِبْهَ لَكَ، وَأَنْتَ الْعَزِيزُ فَلَا يُعْزَمُكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ،

که شبیه ناداری و توئی عزیزى که چیزی به تو عزت نبخشد و توئی بی نیاز و منم نیازمند

وَأَنْتَ الْمَوْلَى وَأَنَا الْعَبْدُ، وَأَنْتَ الْغَفُورُ وَأَنَا الْمُدْنِبُ، وَأَنْتَ الرَّحِيمُ

و توئی سرور و منم بنده و توئی آمرزنده و منم گنهگار و توئی مهربان

وَأَنَا الْمُخْطِئُ وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ، وَأَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ أَسْئَلُكَ

و منم خطاکار و توئی آفریننده و منم آفریده و توئی زنده و منم مرده از تو خواهم

بِرَحْمَتِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي، وَتَجَاوِزَ عَنِّي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

به رحمت که مرا بیامرزی و از من درگذری که برآستی تو بر هر چیز توانائی

هفدهم در باب اول گذشت ذکر استحباب خواندن دعای جوشن کبیر در اول ماه رمضان.

هیجدهم بخواند دعاء حج را که در اول ماه گذشت

نوزدهم چون ماه رمضان شروع شود سزاوار است تکثیر تلاوت قرآن و مروی است که حضرت صادق علیه السلام در وقت تلاوت قرآن قبل از قرائت این دعا را می خواندند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا كِتَابُكَ الْمُنْزَلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلَى رَسُولِكَ، مُحَمَّدٍ

خدایا من گواهی دهم که این کتابی است که نازل شده از نزد تو بر فرستادهات محمد

بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَكَلَامُكَ النَّاطِقُ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ، جَعَلْتَهُ

بن عبدالله صلی الله علیه و آله و کلام گوئیای تو است که بر زبان پیغمبرت جاری گشته و آن را

هَادِيًا مِنْكَ إِلَى خَلْقِكَ، وَحَبْلًا مُتَّصِلًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ عِبَادِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي

راهنمای خود بر خلق خویش قرار دادی و رشته پیوسته‌ای در مابین خود و مابین بندگانت گردانیدی خدایا من باز کردم

نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَكِتَابَكَ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ عِبَادَةً، وَقِرَاتِي فِيهِ فِكْرًا،

پیش رویم عهد و کتاب تو را خدایا پس قرار ده نظر مرا در آن عبادت و قرائتم را در آن از روی اندیشه

وَفِكْرِي فِيهِ اعْتِبَارًا، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ اتَّعَظَ بِبَيَانِ مَوَاعِظِكَ فِيهِ،

و فکرم را در آن عبرت آور و بگردانم از کسانی که پند گیرد به بیان پندهای تو در آن

وَاجْتَنَّبَ مَعَاصِيكَ، وَلَا تَطَّعْ عِنْدَ قِرَائَتِي عَلَى سَمْعِي، وَلَا تَجْعَلْ

و از معصیتهایت دوری کند و مَهر مَزَن هنگام خواندنم بر گوش من و میندازد

عَلَى بَصَرِي غِشَاوَةً، وَلَا تَجْعَلْ قِرَائَتِي قِرَاءَةً لَا تَدْبُرُ فِيهَا، بَلْ

بر دیده‌ام پرده و مگردان خواندنم را خواندنی که تدبیر در آن نباشد بلکه

اجْعَلْنِي اِتِّدَبِرُ آيَاتِهِ وَأَحْكَامَهُ، آخِذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ، وَلَا تَجْعَلْ

چنانم کن که تدبیر کنم در آیات و احکامش و در برگیرم دستورات دین تو را و قرار مده

نَظْرِي فِيهِ غَفْلَةً، وَلَا قِرَائَتِي هَذَا أَنْتَ أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ، وَبَعْدَ از

نظر مرا در آن نظر بی‌خبری و نه قرائتم را ببوده که براستی تو رؤوف و مهربانی * * *

قِرَائَتِ قُرْآنٍ مَجِيدٍ اِیْنَ دَعَا رَا مِیْ خَوَانَدَنَد: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ قَدْ قَرَأْتُ مَا قَضَيْتَ مِنْ

خداایا من خواندم آنچه را حکم کرده بودی از کتابت

كِتَابِكَ، الَّذِي أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ الصَّادِقِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ

همان کتابی که نازل فرمودی بر پیامبر راستگویی درود تو بر او و آتش پس حمد

رَبَّنَا، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِلُّ حَلَالَهُ، وَيُحَرِّمُ حَرَامَهُ، وَيُؤْمِنُ بِمُحْكَمِهِ

خاص تو است ای پروردگار ما بخدایا بگردانم از کسانی که حلال می‌شمرد حلالش را و حرام داند حرامش را و

ایمان دارد به

وَمُتَّشَابِهِهِ، وَاجْعَلْهُ لِيْ اُنْسًا فِي قَبْرِي، وَاُنْسًا فِي حَشْرِي، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ

محکم و مشابه آن و آن را همدم من در قبرم و همدم در روز محشرم قرار ده و قرار ده مرا از کسانی

تُرْقِيهِ بِكُلِّ آيَةٍ قَرَأَهَا دَرَجَةً فِيْ اَعْلَا عَلِيّينَ، اَمِيْنَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ.

که بالا بری او را به هر آیه از آن که بخواند به درجه‌ای در بالاترین جایگاههای بهشت اجابت فرما ای پروردگار جهانیان

روز اول

و در آن چند عملست اول غسل کردن در آب جاری و ریختن سی کف آب بر سر که باعث ایمنی از جمیع دردها و بیماریها است در تمام سال دوّم کفی از گلاب بر رُو بزند تا از خواری و پریشانی نجات یابد و قدری هم بر سر خود بزند تا در آن سال از سرسام ایمن شود سیّم دو رکعت نماز اول ماه و تصدّق را به عمل آورد چهارم دو رکعت نماز کند در رکعت اول حمد و اِنَّا فَتَحْنَا و در رکعت دوّم حَمْد و هر سوره که خواهد بخواند تا حق تعالی جمیع بدیها را در آن سال از او دور گرداند و در حفظ خدا باشد تا سال آینده پنجم بعد از طلوع

فجر این دعا بخواند:

اَللّٰهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ، وَقَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ، وَاَنْزَلْتَ

خدایا ماه رمضان آمد و تو روزه آن را بر ما واجب کرده‌ای و نازل فرموده‌ای

فِيهِ الْقُرْآنَ، هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ، اَللّٰهُمَّ اَعِنَّا

در آن قرآن را که راهنمای مردم و حجت‌هایی از هدایت و تمیز (میان حق و باطل) است خدایا کمک ده ما را

عَلَىٰ صِيَامِهِ، وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا، وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا، وَسَلَّمْهُ لَنَا فِي يُسْرٍ مِّنْكَ

بر گرفتن روزه‌اش و آن را از ما بپذیر و بخوبی از ما دریافتش کن و سالمش گردان برای ما در آسودگی

وَعَافِيَةٍ، اِنَّكَ عَلَيَّ كَلِّشَىٰءٍ قَدِيرٌ. ششم بخواند دعاء چهل و چهارم صحیفه کامله

و عافیت خودت که همانا تو بر هر چیز توانائی * * * * *

را اگر در شب نخوانده هفتم علامه مجلسی در زادالمعاد فرموده کلینی و شیخ

طوسی و دیگران به سند صحیح روایت کرده‌اند که حضرت امام موسی

کاظم علیه السلام فرمود که در ماه مبارک رمضان در اول سال یعنی روز اول

ماه چنانچه علماء فهمیده‌اند این دعا را بخوان و فرمود که هر که این دعا را برای رضای خدا و بی‌شائبه اغراض فاسده و ریابخواند در آن سال به او نرسد فتنه و گمراهی و نه آفتی که ضرر رساند بدین او یا بدن او و حق تعالی او را حفظ کند از شر آنچه در آن سال واقع می‌شود از بلاها و دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ،

خدایا من از تو خواهم به حق آن نامت که گردن نهاد در برابرش هر چیز و بدان رحمتت که فراگرفت هر چیز را

وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي تَوَاضَعُ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ كُلُّ شَيْءٍ،

و بدان بزرگیت که فروتن شد در برابرش هر چیز و بدان عزتت که مقهور کرد هر چیز را

وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَبِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ كُلُّ شَيْءٍ،

و بدان نیرویت که خاضع شد در برابرش هر چیز و به جبروتت که غالب آمد بر هر چیز

وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا أَوَّلُ قَبْلَ

و بدانشت که هر چیز را احاطه کرده‌ای نور و ای منزه از هر عیب ای نخست پیش از

كُلِّ شَيْءٍ، [وَيَا بَاقِيًا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ]، يَا أَللَّهُ يَا رَحْمَنُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

هر چیز و ای باقی پس از هر چیز ای بخشاینده درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النُّعْمَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

محمد و بیامر از من گناهی را که نعمتها را تغییر دهد و بیامر از من گناهی را که

تُنزِلُ النِّقْمَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقَطِّعُ الرَّجَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

رنج و عذاب فرو ریزد و بیامر از من گناهی را که امید را قطع کند و بیامر از من گناهی را

الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ، وَاعْفِرْ لِي

که دشمنان را چیره کند و بیامر از من گناهی را که دعا را باز گرداند و بیامر از من

الذُّنُوبَ الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِهَا نُزُولُ الْبَلَاءِ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

گناهی که مردم را مستحق نزول بلا گرداند و بیامر از من گناهی را که

تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ، وَاعْفِرْ

باران آسمان را جلوگیری کند و بیامرز از من گناهی را که پرده را بالا زند و بیامرز

لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُوْرِثُ النَّدَمَ،

از من گناهی را که در نابودی شتاب کند و بیامرز از من گناهی را که پشیمانی آورد

وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ، وَالْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ

و بیامرز از من گناهی را که پردهها را بدرد و زره محکمت را که پاره شدنی نیست

الَّتِي لَا تَرَامُ، وَعَافِنِي مِنْ شَرِّ مَا أَحَازِرُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فِي مُسْتَقْبَلِ

بر من بپوشان و سلامتم بدار از شر آنچه حذر می‌کنم از آن در شب و روز در روزهای آینده

سَتِي هَذِهِ، اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبَّ الْاَرْضَيْنِ السَّبْعِ، وَمَا

امسال من خدایا ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و ای پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه

فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ السَّبْعِ الْمَثَانِي

در آنها و آنچه مابین آنها است و ای پروردگار عرش عظیم و پروردگار هفت آیه (یعنی سوره حمد یا هفت سوره)

وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ اِسْرَافِيْلَ وَمِيكَائِيْلَ وَجَبْرَئِيْلَ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ

و قرآن بزرگ و پروردگار اسرافیل و میکائیل و جبرئیل و پروردگار محمد

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَاتِمِ النَّبِيِّينَ، اَسْئَلُكَ بِكَ وَبِمَا

صلی الله علیه و آله آقای رسولان و خاتم پیامبران از تو خواهم به حق خودت و به حق آنچه

سَمَّيْتْ بِهِ نَفْسَكَ، يَا عَظِيمُ أَنْتَ الَّذِي تَمُنُّ بِالْعَظِيمِ، وَتَدْفَعُ كُلَّ

خود را بدان نام نهاده‌ای ای خدای بزرگ توئی که به نعمت عظیم منت نهی و هر محذور را دفع کنی

مَحْذُورٍ، وَتُعْطِي كُلَّ جَزِيْلٍ وَتُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ بِالْقَلِيْلِ وَبِالْكَثِيْرِ،

و هر عطای شایانی را تو عطا کنی و دو چندان کنی کارهای نیک را به کم و زیاد

وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيْرٌ، يَا اللهُ يَا رَحْمَنُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ،

و می‌کنی هر کاری را بخواهی ای توانا ای خدا ای بخشاینده درود فرست بر محمد و خاندانش

وَالْبِسْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَتِي هَذِهِ سِتْرَكَ، وَنَضْرُ وَجْهِي بِنُورِكَ،

و بپوشان بر من در آینده این سال پرده خویش را و چهره‌ام را به نور خویش منور گردان

وَأَجِبْنِي بِمَحَبَّتِكَ، وَبَلِّغْنِي رِضْوَانِكَ وَشَرِيفَ كَرَامَتِكَ وَجَسِيمَ

و به محبت خویش دوستم بدار و مرا به مقام خوشنودی خود و بزرگواری شریف و عطای بزرگت

عَطِيَّتِكَ وَأَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ، وَمِنْ خَيْرِ مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ أَحَدًا

نائل گردان و عطا کن به من از بهترین چیزی که نزد تو است و از بهتر چیزی که عطا می‌کنی بر یکی

مِنْ خَلْقِكَ، وَالْبَسْنِي مَعَ ذَلِكَ عَافِيَتِكَ، يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى، وَيَا

از خلق خویش و با آنها لباس عافیت را هم بر من بپوشان ای مرجع هر شکایت و ای

شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى، وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَيَا دَافِعَ مَا تَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ، يَا

گواه بر هر راز و ای دانای هر پنهان و ای جلوگیری کننده از هر بلا که خواهی ای

كَرِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَفَطَّرْتَهُ،

بزرگوار گذشت ای نیکو درگذر بمیران مرا بر کیش ابراهیم و فطرت او

وَعَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسُنَّتِهِ، وَعَلَى خَيْرِ الْوَقَاةِ،

و بر دین محمد صلی الله علیه و آله و طریقه‌اش و بر بهترین مردنها

فَتَوَفَّنِي مُوَالِيًا لِمُؤَلِّيَاتِكَ، وَمُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، اللَّهُمَّ وَجِّبْنِي فِي هَذِهِ

پس بمیرانم در آن حال که دوست دار دوستانت و دشمن دشمنانت باشم خدایا و مرا در این

السَّنَةِ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ، وَأَجْلِبْنِي إِلَى كُلِّ

سال از هر کاری یا گفتاری یا عملی که مرا از تو دور کند دورم بدار و بسوی کار یا گفتار یا

عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْكَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

عملی که مرا در این سال به تو نزدیک سازد بکشانم ای مهربانترین مهربانان

وَأَمْنَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يَكُونُ مِنِّي أَخَافُ ضَرَرَ

و بازم دار از هر کاری یا گفتاری یا کرداری که از من سرزند و از سرانجام زیان‌آورش

عَاقِبَتِهِ، وَأَخَافُ مَقْتَكَ إِتَّيَ عَلَيْهِ حِذَارًا أَنْ تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ

بیمناک باشم و از خشمت بخاطر آن بر خویش بترسم، بترسم از اینکه توجه کریمانه‌ات

عَنِّي، فَاسْتَوْجِبْ بِهِ نَقْصًا مِنْ حَظِّ لِي عِنْدَكَ يَا رَوْفُ يَا رَحِيمُ،

را از من بگردانی و بدان جهت مستوجب نقصانی از بهره‌ای که پیش تو دارم گردم ای با عطوفت ای مهربان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ فِي حِفْظِكَ، وَفِي جِوَارِكَ

خدایا در آینده امسال مرا در حفظ و پناه

وَفِي كَنَفِكَ، وَجَلِّلْنِي سِتْرَ عَافِيَتِكَ، وَهَبْ لِي كِرَامَتَكَ، عَزَّ جَارُكَ، وَجَلَّ

و کف خودت قرارم ده و پرده عافیت خود را بر من بپوشان و از بزرگواری خویش بر من ببخش عزیز است پناهنده به

ثَنَائِكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعًا لِصَالِحِي مَنْ مَضَى مِنْ

تو و والا است ستایشت و معبودی جز تو نیست خدایا مرا پیرو شایستگان از اولیاء گذشته‌ات قرارم ده

أَوْلِيَائِكَ، وَالْحَقِّقْنِي بِهِمْ، وَاجْعَلْنِي مُسْلِمًا لِمَنْ قَالَ بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ

و بدانها ملحقم کن و چنانم کن که برای آنانکه از جانب تو به حقیقت سخن گفتند

مِنْهُمْ وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ أَنْ تُحِيطَ بِي خَطِيئَتِي وَظُلْمِي وَإِسْرَافِي

تسلیم باشم و پناه می‌برم به تو خدایا از اینکه فرا گیرم خطا و ستم و زیاده‌روی

عَلَى نَفْسِي، وَاتَّبَاعِي لِهَوَايَ، وَاشْتِغَالِي بِشَهَوَاتِي، فَيَحُولُ ذَلِكَ

بر خویشتن و پیرویم از هوای نفس و سرگرمیم به شهوات و در نتیجه آنها میان من

بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، فَأَكُونُ مُنْسِيًّا عِنْدَكَ، مُتَعَرِّضًا

و رحمت و خوشنودی تو حائل گردد و کار بدانجا کشد که فراموش درگاہت شوم و بدانچه موجب خشم

لِسَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ، اللَّهُمَّ وَقِّفْنِي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَى بِهِ عَنِّي،

و عقوبت تو است دست زنم خدایا موقوفم بدار برای هر عمل شایسته‌ای که به وسیله آن از من خشنود

وَقَرَّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى، اللَّهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

شوی و مرا به مقام قرب خویش نزدیک کن خدایا چنانچه هراس دشمن را از پیامبرت محمد صلی الله علیه

وَإِلَهُ هَوْلٍ عَدُوَّةٍ، وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ، وَكَشَفْتَ غَمَّهُ، وَصَدَّقْتَهُ وَعَدَّكَ،

و آله کفایت فرمودی و اندوهِش را برطرف کردی و غمش را زدودی و به وعده‌ات درباره‌اش وفا کردی

وَأَنْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ، اللَّهُمَّ فَبِذَلِكَ فَكُفْنِي هَوْلَ هَذِهِ السَّنَةِ، وَأَفَاتِهَا

و پیمانت را با او به پایان رساندی خدایا به همان ترتیب هراس این سال و آفات

وَأَسْقَامَهَا، وَفِتْنَتَهَا وَشُرُورَهَا، وَأَحْزَانَهَا وَضِيقَ الْمَعَاشِ فِيهَا،

و امراض و بلاها و شرور و اندوهها و تنگی و فشار زندگی را از من دور فرما

وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ الْعَافِيَةِ، بِتَمَامِ دَوَامِ النُّعْمَةِ عِنْدِي إِلَى مُنْتَهَى

و به رحمت خویش برسان مرا به کمال عافیت بوسیله ادامه نعمتت که پیش من داری تا پایان

أَجَلِي، أَسْئَلُكَ سُؤَالَ مَنْ أَسَاءَ وَظَلَمَ وَأَسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ، وَأَسْئَلُكَ أَنْ

عمرم، و از تو خواهم خواستن کسی که گناه کرده و بر خویش ستم کرده و به حال بیچارگی افتاده و به گناه خویش

تَعْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَصَرْتَهَا حَفْظَتُكَ وَأَحْصَتْهَا

معترف است از تو خواهم که بیماریز گناهان گذشته مرا آنها را که نگاهبانان ثبت کرده و فرشتگان

كِرَامٌ مَلَائِكَتِكَ عَلَيَّ، وَأَنْ تَعْصِمَنِي إِلَهِي مِنَ الذُّنُوبِ فِيمَا بَقِيَ

بزرگوارت شماره کرده‌اند و نگاهم داری خدایا از گناهان در آینده

مِنْ عُمْرِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ صَلِّ عَلَيَّ

عمرم تا پایان عمرم ای خدا ای بخشاننده ای مهربان درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، وَآتِنِي كُلَّ مَا سَأَلْتُكَ وَرَغَبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ،

محمد و خاندان محمد و بده به من همه آنچه را از تو خواستم و درباره‌اش مشتاقانه به درگاهت آمدم

فَإِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالذُّعَاءِ، وَتَكَلَّمْتَ لِي بِالْإِجَابَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

زیرا تو خود دستور دعایم دادی و اجابت آن را نیز برایم به عهده گرفتی ای مهربانترین مهربانان

فقیر گوید که سید این دعا را در شب اول ماه ذکر فرموده روز ششم سنه

دویست و یک مردم بیعت کردند با حضرت امام رضا علیه السلام

و سید روایت کرده که برای شکرانه این نعمت دو رکعت نماز در این روز

بگذارند در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه توحید بخوانند شب

سیزدهم اول لیالی بیض است و در آن سه عملست اول غسل دوم چهار رکعت

نماز در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید سیّم دو رکعت نماز که در شب سیزدهم رجب و شعبان نیز خوانده می‌شود در هر رکعت بعد از حمد یس و تَبَارَكَ الْمَلِكُ و توحید بخواند و در شب چهاردهم این نماز خوانده می‌شود به چهار رکعت به دو سلام و در سابق در شرح دعای مجیر گذشت که هر که آن را در ایّام البیض ماه رمضان بخواند گناهانش آمرزیده شود اگرچه به عدد قطرات باران و برگ درختان و ریگ بیابان باشد شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و در آن چند عملست: اوّل غسل دوّم زیارت امام حسین علیه السلام سیّم شش رکعت نماز به حمد و یس و تبارک و توحید چهارم صد رکعت نماز در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید بخواند شیخ مفید در مقنعه از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که هر که این عمل را بجا آورد حق تعالی بفرستد بسوی او ده ملائکه که دفع کنند از او دشمنان او را از جنّ و انس و بفرستد سی فرشته نزد موّت او که او را ایمن کنند از آتش پنجم روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند که چه می‌فرمائی در حق کسی که حاضر شود نزد قبر حسین علیه السلام در شب نیمه ماه رمضان فرمود به کسی که نماز گذارد نزد قبر آن حضرت در شب نیمه ماه رمضان ده رکعت بعد از نماز عشاء و این نماز غیر از نافله شب باشد و بخواند در هر رکعت بعد از حمد قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ده مرتبه و پناه ببرد به خداوند تعالی از آتش جهنّم حق تعالی او را آزاد از آتش ثبت فرماید و از دنیا نرود تا در خواب به بیند ملائکه‌ای که بشارت دهند او را به بهشت و ملائکه‌ای که ایمن گردانند او را از آتش

روز نیمه سنه دوّم ولادت باسعادت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام واقع شد و شیخ مفید فرموده که تولّد امام محمد تقی علیه السلام در سنه صدونود و پنج در این روز بوده لکن مشهور در غیر این روز است بهر حال روز بسیار شریفی است و صدقات و مبرّات در آن فضیلت بسیار دارد شب هفدهم شب بسیار مبارکیست و در آن شب لشکر حضرت رسول صلی الله علیه و آله با لشکر کفار قریش ملاقات کردند در بدر و در روزش جنگ بدر واقع شد و حق تعالی لشکر آن حضرت را بر مشرکین ظفر داد و آن اعظم فتوحات اسلام بود لهذا علماء فرموده‌اند که در آن روز مستحب است صدقه و شکر خدا بسیار نمودن و غسل و عبادت در شبش نیز فضیلت عظیم دارد

مؤلف گوید که روایات بسیار وارد شده که در آن شب بدر حضرت رسول صلی الله علیه و آله با اصحاب فرمود کیست امشب برای ما برود از چاه آب بکشد بیاورد اصحاب سکوت کردند و هیچکدام اقدام بر این کار نکردند حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مشکی برداشت به طلب آب بیرون رفت و آن شب شبی بود سرد و باد می آمد و ظلمت داشت پس رسید به چاه آب و آن چاهی بود بسیار گود و تاریک و آن حضرت دُلوی نیافت تا از چاه آب کشد لاجرم به چاه پایین رفت و مشک را پر کرد و بیرون آمد رو کرد به آمدن که ناگاه باد سختی بر خورد به آن حضرت که آن جناب از سختی آن نشست تا بر طرف شد پس برخاست و حرکت فرمود که ناگاه باد سختی دیگر مانند آن آمد آن حضرت نشست تا او نیز ردّ شد دیگر باره برخاست برود مرتبه

سیم نیز همان نحو بادی رسید و آن حضرت نشست و چون ردّ شد برخاست و خود را به حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسانید حضرت پرسید که یا ابا الحسن برای چه دیر آمدی عرض کرد که سه مرتبه بادی به من رسید که بسیار سخت بود و مرا لرزه فراگرفت و مکثم به جهت برطرف شدن آن بادهای بود فرمود آیا دانستی آنها چه بود یا علیّ عرض کردنه فرمود آن اوّل جبرئیل بود با هزار فرشته که بر تو سلام کرد و سلام کردند و دیگری میکائیل بود با هزار فرشته که بر تو سلام کرد و سلام کردند و پس از آن اسرافیل بود با هزار ملائکه که سلام کرد بر تو و سلام کردند و اینها فرود آمدند به جهت مدد ما فقیر گوید که اشاره به همین است قول آن کسی که گفته که از برای امیر المؤمنین علیه السلام در یک شب سه هزار و سه منقبت بوده و اشاره به همین نموده سید

حمیری در شعر خود در مدح آن حضرت

أَقْسِمُ بِاللَّهِ وَالْآتِهِ
وَالْمَرْءِ عَمَّا قَالَ مَسْئُولٌ

سوگند خورم به خدا و نعمتهایش

و انسان از هر چه گوید بازخواست شود

إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

عَلَى التَّقَى وَالْبِرِّ مَجْبُولٌ

براستی علی بن ابیطالب

فطرتش به پرهیزکاری و نیکی سرشته شده

كَانَ إِذَا الْحَرْبُ مَرَّتْهَا الْقَنَا

وَاحْجَمَتْ عَنْهَا الْبَهَا لَيْلٌ

چنان بود که هنگامی که نيزه‌ها تنور جنگ را می‌افروخت
و دلبران از آن گریزان بودند

يَمْشِي إِلَى الْقِرْنِ وَفِي كَفِّهِ

أَبْيَضُ مَاضِي الْحَدِّ مَصْقُولٌ

بسوی هم‌آورد خویش می‌رفت و در دستش

شمشیر براق و بُران و صیقلی شده بود

مَشَى الْعَفْرَنَا بَيْنَ أَشْبَالِهِ

أَبْرَزَهُ لِلْقَنْصِ الْغَيْلِ

چنانچه شیر در میان بچه‌های خود راه می‌رود

در آن حال که بیشه برای شکار او را بیرون فرستد

ذَاكَ الَّذِي سَلَّمَ فِي لَيْلَةٍ

عَلَيْهِ مِيكَالٌ وَجَبْرِيلٌ

علی همان کسی است که در یکشب بر او

سلام کرد میکائیل و جبرئیل

مِيكَالٌ فِي أَلْفٍ وَجَبْرِيلٌ فِي

أَلْفٍ وَيَتْلُوهُمْ سَرَّافِيلٌ

میکائیل با هزار فرشته و جبرئیل نیز با

هزار فرشته و پشت سر آنها نیز اسرافیل آمد

لَيْلَةَ بَدْرٍ مَدَدًا أَنْزَلُوا

كَأَنَّهُمْ طَيْرٌ أَبَابِيلٌ

در شب بدر که برای کمک فرود آمدند

همانند مرغهای ابابیل (که به مکه آمدند)

شب نوزدهم

شب نوزدهم، اوّل شبهای قدر است و شب قدر همان شبی است که در تمام سال شبی به خوبی و فضیلت آن نمی‌رسد و عمل در آن بهتر است از عمل در هزار ماه و در آن شب تقدیر امور سال می‌شود و ملائکه و روح که اعظم ملائکه است در آن شب به اذن پروردگار به زمین نازل می‌شوند و به خدمت امام زمان علیه السلام مشرف می‌شوند و آنچه برای هر کس مقدر شده است بر امام زمان علیه السلام عرض می‌کنند.

و اعمال شبهای قدر بر دو نوع است یکی آنکه در هر سه شب باید کرد و دیگری آنکه مخصوص است به هر شبی اما اوّل پس آن چند چیز است: اوّل غسل است علامه مجلسی فرموده که غسل این شبها را مقارن غروب آفتاب کردن بهتر است که نماز شام را باغسل بکند.

دوم دو رکعت نماز است در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه توحید بخواند و بعد از فراغ هفتاد مرتبه **اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ** بگویند در روایت نبوی صلی الله علیه وآله است که از جای خود برنخیزد تا حق تعالی او را و پدر و مادرش را

پیامرزد «الخبیر»

سیم قرآن مجید را بکشاید و بگذارد در مقابل خود و بگوید:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَمَا فِیْهِ، وَفِیْهِ اسْمُكَ الْاَكْبَرُ،

خدایا از تو خواهم به حق کتاب فرستاده شده‌ات و آنچه در آنست که در آن است نام بزرگت

وَ اَسْمَاءُ وَاوْكَ الْحُسْنٰی، وَمَا یُخَافُ وَیُرْجٰی اَنْ تَجْعَلَنیْ مِنْ عِقَابِکَ مِنَ النَّارِ،

و نامهای نیکویت و آنچه بدانها ترس و امید شود که قرارم دهی از زمره آزاد شدگان از دوزخ

پس هر حاجت که دارد بخواند.

چهارم آنکه مُصَحَّف شریف را بگیرد و بر سر بگذارد و بگوید:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ، وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ، وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَّحْتَهُ فِيهِ، وَبِحَقِّكَ

خدایا به حق این قرآن و به حق آنکس که او را بدان فرستادی و به حق هر مؤمنی که در این قرآن مدحش کرده‌ای و به

حق که

عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدًا عَرَفَ بِحَقِّكَ مِنْكَ پس ده مرتبه بگوید بِكَ يَا اَللّٰهُ و ده مرتبه

تو بر ایشان داری زیرا کسی نیست که حق تو را بهتر از خودت بشناسد * * * * * به حق خودت ای خدا به حق

بِمُحَمَّدٍ و ده مرتبه بِعَلِيٍّ و ده مرتبه بِفَاطِمَةَ و ده مرتبه بِالْحَسَنِ و ده مرتبه

محمدصلی الله علیه وآله * * * * * به حق علی علیه السلام * * * * * به حق فاطمه علیها السلام * * * * * به حق حسن علیه

بِالْحُسَيْنِ و ده مرتبه بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ و ده مرتبه بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ و ده مرتبه

السلام * * * * * به حق حسین علیه السلام * * * * * به حق علی بن الحسین علیه السلام * * * * * به حق محمد بن

علی علیه السلام * * * * *

بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ و ده مرتبه بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ و ده مرتبه بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى و ده

به حق جعفر بن محمد علیه السلام * * * * * به حق موسی بن جعفر علیه السلام * * * * * به حق علی بن موسی علیه السلام * * * * *

مرتبه بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ و ده مرتبه بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ و ده مرتبه بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

به حق محمد بن علی علیه السلام * * * * * به حق علی بن محمد علیه السلام * * * * * به حق حسن بن علی علیه السلام

و ده مرتبه بِالْحُجَّةِ

به حق حضرت حجت علیه السلام * * * * *

پس هر حاجت که داری طلب کن

پنجم زیارت کند امام حسین علیه السلام را در خیر است که چون شب قدر

می شود منادی از آسمان هفتم ندا می کند از بطنان عرش که حق تعالی آمرزیده

هر که را که به زیارت قبر حسین علیه السلام آمده .

ششم احیا بخواند این شبها را همانا روایت شده هر که احیا کند شب
قدر را گناهان او آمرزیده شود هر چند به عدد ستارگان آسمان و سنگینی کوهها
و کیل دریاها باشد.

هفتم صد رکعت نماز کند که فضیلت بسیار دارد و افضل آنست که در هر
رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید بخواند.

هشتم بخواند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَمْسِیْتُ لَكَ عَبْدًا دَاخِرًا، لَا اَمْلِكُ لِنَفْسِیْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا، وَلَا

خدایا من شام کردم در حالی که بنده خواری هستم که مالک سود و زینانی برای خویش نیستم و نتوانم

اَصْرِفُ عَنْهَا سُوءًا، اَشْهَدُ بِذٰلِكَ عَلٰی نَفْسِیْ، وَاَعْتَرِفُ لَكَ بِضَعْفٍ

از خویشتن پیش آمد ناگواری را بازگردانم و این مطلبی است که من آنرا بر خویش گواهی دهم و به ناتوانی

قُوَّتِیْ، وَقَلَّةِ حِیْلَتِیْ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْجِزْ لِیْ مَا

خود و بیچارگیم در برابرت اعتراف دارم پس درود فرست بر محمد و آل محمد و وفا کن برایم بدانچه

وَعَدْتَنِیْ، وَجَمِیْعِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِنَ الْمَغْفِرَةِ فِیْ هَذِهِ اللَّیْلَةِ،

بر من و همه مؤمنین و مؤمنات وعده فرمودی از آمرزش در این شب

وَاَتَمِّمْ عَلٰی مَا اَتَيْتَنِیْ فَاِنِّیْ عَبْدُكَ الْمِسْكِیْنُ الْمُسْتَكِیْنُ، الضَّعِیْفُ

و تمام کن بر من آنچه را به من دادی زیرا که من بنده بینوای مستمند ناتوان تهیدست

الْفَقِیْرُ الْمُهِنُ، اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنِیْ نَاسِیًا لِذِكْرِكَ فِیْمَا اَوْئِیْتَنِیْ، وَلَا [غَافِلًا]

خوار توام خدایا قرار مده مرا فراموشکار از یاد خویش در آنچه به من انعام فرمودی و نه غافل از

لِاِحْسَانِكَ فِیْمَا اَعْطَيْتَنِیْ، وَلَا اِیْسًا مِنْ اِجَابَتِكَ، وَاِنْ اَبْطَأَتْ عَنِّیْ،

احسانت در آنچه به من عطا کردی و قرارم مده ناامید از اجابت خویش و اگرچه دیرزمانی طول کشد

فِی سَرَّاءٍ اَوْ ضَرَّاءٍ، اَوْ شِدَّةٍ اَوْ رَخَاءٍ، اَوْ عَاقِبَةٍ اَوْ بَلَاءٍ، اَوْ بُؤْسٍ اَوْ

چه در خوشی و چه در سختی در دشواری یا در آسایش در تندرستی یا گرفتاری در تنگدستی یا

يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ، أَنْ تَكْتَبِنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ،

تغییر و تبدیلی ندارد که نام مرا در زمره حاجیان خانه محترمت (کعبه) بنویسی آنان که حجشان

الْمَشْكُورِ سَعِيَّهُمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ، الْمُكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ، وَاجْعَلْ

مقبول و سعیشان مورد تقدیر و گناهانشان آمرزیده و کردار بدشان بخشوده شده است و قرار ده

فيما تَقْضِي وَتُقَدِّرُ، أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي، وَتُوسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي،

در آنچه مقدر فرموده‌ای که عمر مرا طولانی کرده و روزیم را وسیع گردانی

وَتَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا،

و درباره‌ام چنین و چنان کنی

و به جای این کلمه حاجت خود را ذکر کند

شب بیست و یکم

و شب بیست و یکم فضیلتش زیادتر از شب نوزدهم است و باید اعمال آن شب

را از غسل و احیاء و زیارت و نماز هفت قل هو الله و قرآن بر سر گرفتن و صد

رکعت نماز و دعای جوشن کبیر و غیرها در این شب به عمل آورد و در

روایات تأکید شده در غسل و احیاء و جدّ و جهد در عبادت در این شب و شب

بیست و سیّم و آنکه شب قدر یکی از این دو شبست و در چند روایتست که

از معصوم سؤال کردند که معین فرمایید که شب قدر کدامیک از این دو شب

است تعیین نکردند بلکه فرمودند ما ايسرَ ليلتين فيما تطلبُ يا آنکه فرمودند ما

عليك ان تفعل خيراً في ليلتين و نحو ذلك و قال شيخنا الصدوق فيما املی علی

المشايخ في مجلس واحد من مذهب الامامية و من احيى هاتين الليلتين بمذاكرة

العلم فهو افضل وبالجملة از این شب شروع کند به دعا‌های شبهای دهه آخر که

از جمله این دعا است که شیخ کلینی در کافی از حضرت صادق علیه السلام

روایت کرده که فرمود می‌گویی در دهه آخر ماه رمضان در هر شب:

أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، أَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي شَهْرُ رَمَضَانَ، أَوْ يَطْلُعَ

پناه می‌برم به جلال ذات بزرگوارت از اینکه ماه رمضان از من بگذرد یا سپیده امشب بر من

الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ، وَلَكَ قِبَلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَةٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ.

طلوع کند و باز هم از من در پیش تو گناه یا چیزی که پاداشش بد است مانده باشد که بدان عذابم کنی

و کفعمی در حاشیه بلد الامین نقل کرده که حضرت صادق علیه السلام در هر

شب از دهه آخر بعد از فرایض و نوافل می‌خواند:

اللَّهُمَّ ادْعَنَا حَقَّ مَا مَضَى مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَاغْفِرْ لَنَا

خدایا اداء کن از ما حق ایام گذشته ماه رمضان را و بیامرز

تَقْصِيرَنَا فِيهِ، وَتَسَلَّمَهُ مِنَّا مَقْبُولًا، وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِإِسْرَافِنَا عَلَى أَنْفُسِنَا

تقصیر ما را در این ماه و آنرا پذیرفته از ما دریافت کن و مگیر ما را به زیاده‌رویهایی که بر نفس خویش کردیم

وَاجْعَلْنَا مِنَ الْمَرْحُومِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَحْرُومِينَ

و قرارمان ده از رحمت شدگان و قرارمان مده از محرومان

و فرمود هر که بگوید این را بیمارزد حق تعالی تقصیری که از او سرزده در ایام

گذشته از ماه رمضان ونگه دارد او را از معاصی در بقیه ماه و از جمله سید بن

طاوس در اقبال از ابن ابی عمیر از مُرَازِمِ نقل کرده که حضرت صادق علیه

السلام در هر شب از دهه آخر می‌خواند:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ، شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى

خدایا تو فرمودی در قرآنت که از آسمان نازل گشته «ماه رضانی که قرآن در آن نازل گشته که آن قرآن راهنمای مردم

لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ، فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ

و حجت‌هایی است از هدایت و تمیز» و بدین ترتیب حرمت ماه رمضان را با نازل فرمودن قرآن بزرگ کردی

مِنَ الْقُرْآنِ، وَخَصَّصْتَهُ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ،

و به شب قدر مخصوصش داشتی و آن شب را بهتر از هزار ماه گرداندی

اللَّهُمَّ وَهَذِهِ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدْ أَنْقَضْتَ، وَلِيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمْتَ،

خدایا این روزهای ماه رمضان بود که بر من گذشت و این شبهای آن است که آن نیز

وَقَدْ صِرْتُ يَا إِلَهِي مِنْهُ إِلَىٰ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، وَأَحْصَىٰ لِعِدَدِهِ

گذشت و من ای معبودم از این ماه به حالی درآمده‌ام که تو خود بهتر از من می‌دانی و شماره‌اش را

مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ فَاسْتُلْكَ بِمَا سَتَلَكَ بِهِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبُونَ،

از همه مردم بهتر داری پس از تو خواهم بدانچه فرشتگان مقربت

وَأَنْبِيَائُوكَ الْمُرْسَلُونَ، وَعِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و پیامبران فرستاده‌ات و بندگان شایسته‌ات تو را بدان خواستند که درود فرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُفَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ،

و آل محمد و اینکه مرا از آتش دوزخ آزاد کنی و به رحمت خویش به بهشتم ببری

وَأَنْ تُتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَكَرَمِكَ، وَتَقَبَّلَ تَقَرُّبِي، وَتَسْتَجِيبَ دُعَائِي،

و به عفو و بزرگواری خویش بر من تفضل کنی و تقرب‌جویی مرا بپذیری و دعایم را مستجاب گردانی

وَتَمَنَّ عَلَيَّ بِالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ أَعْدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ،

و در آن روز ترس و وحشت با امان دادم از هر هراسی که برای روز قیامت آماده کرده‌ای بر من منت نهدی

إِلَهِي وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِجَلَالِكَ الْعَظِيمِ، أَنْ يَنْقُضِيَ أَيَّامُ

خدایا پناه می‌برم به ذات بزرگواریت و به جلال و شوکت عظیمت که بگذرد روزها

شَهْرِ رَمَضَانَ وَلِيَالِيهِ، وَلَكَ قَبْلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُؤَاخِذُنِي بِهِ، أَوْ

و شبهای ماه رمضان و از تو در نزد من گناه یا پاداش بدی باشد که مرا بدان مواخذه کنی یا

خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُقْتَصَّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي، سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي،

خطایی باشد که بخواهی آنرا از من تقاص کنی و نیامرزیده باشی ای آقای من آقای من آقای من

أَسْئَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِذْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِنْ كُنْتَ رَضِيتَ عَنِّي فِي

از تو خواهی ای که معبودی جز تو نیست زیرا معبودی جز تو نیست که اگر در این ماه از من خوشنود گشته‌ای بر

هَذَا الشَّهْرِ، فَأَزِدْ عَنِّي رِضًا، وَإِنْ لَمْ تَكُنْ رَضِيتَ عَنِّي، فَمِنْ الْآنَ

خوشنودی خویش از من بیفزای و اگر هنوز خوشنود نشده‌ای از هم اکنون از من

فَارْضَ عَنِّي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا اللَّهُ يَا أَحَدًا يَا صَمَدًا، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ

خوشنود شو ای مهربانترین مهربانان ای خدا ای یکتا ای بی نیاز ای که فرزند ندارد

وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. و بسیار بگو: يَا مُلَيِّنَ الْحَدِيدِ لِداوُدَ

و فرزند کسی نیست و برای او همتایی نباشد هیچکس * * * * ای نرم‌کننده آهن برای حضرت داود

عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْكَرْبِ الْعِظَامِ عَنِ أَيُّوبَ عَلَيْهِ

علیه‌السلام ای برطرف‌کننده گرفتاری و ناراحتی بزرگ از ایوب علیه

السَّلَامُ، أَيُّ مُفَرِّجٍ هُمَّ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَيُّ مُنْفَسِّ غَمِّ يُوسُفَ

السلام ای گشاینده اندوه یعقوب علیه‌السلام ای زداینده غم یوسف

عَلَيْهِ السَّلَامُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ، أَنْ تُصَلِّيَ

علیه‌السلام درود فرست بر محمد و آل محمد بدانسان که تو شایسته آنی که درود فرستی

عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ.

بر ایشان همگی و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی و انجام مده درباره من آنچه من سزاوارم

و از جمله این دعاها است که در کافی مسنداً و در مقنعه و مصباح مُرْسَلًا نقل

شده که می‌گوئی در لیله اولی یعنی در شب بیست و یکم:

يَا مُوَلِّجَ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ، وَمُوَلِّجَ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ، وَمُخْرِجَ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ،

ای فروبرنده شب در روز و ای فروبرنده روز در شب و ای بیرون آورنده زنده از مرده و بیرون آورنده مرده از زنده ای

وَمُخْرِجَ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ، يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ

روزی دهنده هر که را خواهی بی حساب ای خدا، ای بخشاینده، ای خدا ای مهربان ای خدا

يا رَحِيمُ، يا اَللّهُ يا اَللّهُ يا اَللّهُ، لَكَ اَلْاَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْاَمْثالُ الْعُلْيَا، وَالْكَبْرِيَاءُ

ای خدا... از آن تو است نامهای نیکو و نمونه‌های والا و بزرگی و نعمتها از تو

وَالْاَلْاِءُ، اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَجْعَلَ اَسْمِي فِي هَذِهِ

خواهم درود فرستی بر محمد و آل محمد و نام مرا در این

اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ، وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ،

شب در زمرة سعادت‌مندان قرار دهی و روحم را با شهداء مقرون سازی و احسان و نیکوکاریم را در بلندترین درجه

وَاسْأَتِي مَغْفُورَةً، وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَاِيمَانًا يَذْهَبُ

بهشت و گناهانم را آمرزیده کنی و به من یقینی عطا کنی که همیشه با دلم همراه باشد و ایمانی به من بدهی

الشُّكَّ عَنِّي، وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

که شک و تردید را از من دور سازد و بدانتچه روزیم کرده‌ای خوشنودم سازی و بدهی به من در دنیا نعمت نیک و در

حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ

آخرت نعمت نیک و نگهداری ما را از عذاب آتش سوزان و روزیم کنی در این شب ذکر خود و سپاسگزاری و اشتیاق

إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَفْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ اَلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

و بازگشت بسویت و توفیق برای انجام آنچه را موفق داشتی بدان محمد و آل محمد را که بر او و بر ایشان سلام باد

دعای شب بیست و دویم

يا سالِحَ النَّهَارِ مِنَ اللَّيْلِ فَاِذَا نَحْنُ مُظْلَمُونَ، وَمَجْرِي الشَّمْسِ

ای که روز (روشن) را از شب (تار) بر کنی و ناگهان ما در تاریکی فرو رویم و ای روان‌کننده خورشید

لِمُسْتَقْرَها بِتَقْدِيرِكَ، يا عَزِيزُ يا عَلِيمُ، وَمَقَدَّرَ الْقَمَرَ مَنَازِلَ

روی مدارش به تقدیری که فرمودی ای نیرومند ای دانا و ای اندازه‌گیر ماه در منزلهای معین

حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ، يا نُورَ كُلِّ نُورٍ، وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ،

تا بازگردد چون شاخه خرمای لاغر خشک ای روشنی هر نور و آخرین سرحد هر شوق

وَوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، يَا اللَّهُ يَا قُدُّوسُ، يَا أَحَدُ يَا وَاحِدُ،

و سرپرست هر نعمت ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای منزله از هر عیب ای یگانه ای یکتا

يَا فَرْدُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا،

ای فرد ای خدا... از آن تو است نامهای نیک و نمونه‌های والا

وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ،

و بزرگی و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و خاندانش

وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرَوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ،

و قرار دهی نامم را در این شب در زمره سعادتمندان و روحم را با شهیدان

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ، وَإِسَاتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِرُ

و احسان و نیکم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و دیگر اینکه یقینی به من بدهی

بِهِ قَلْبِي، وَإِيْمَانًا يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي، وَتَرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي،

که همیشه با دلم همراه باشد و ایمانی به من عطا کنی که شک و تردید را یکسره از من دور سازد و بدانچه نصیبم

وَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

کرده‌ای خوشنودم ساز و بده به ما در دنیا نعمت نیک و در آخرت نیز نعمت نیک و نگهدار ما را از عذاب آتش

الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ،

سوزان و روزیم گردان در این شب ذکر خود و سپاسگزاری و اشتیاق و بازگشت بسویت را

والتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَّعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَالْمُحَمَّدَ، عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

و موفق داری مرا برای انجام آنچه را موفق داشتی بدان محمد و آل محمد علیهم السلام را

دعای شب بیست و سیم

يَا رَبَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَاعِلَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، وَرَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ،

ای پروردگار شب قدر و قرار دهنده آن بهتر از هزار ماه و پروردگار شب و روز

وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ، وَالظُّلَمِ وَالنُّوَارِ وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، يَا بَارِيُّ يَا

و کوهها و دریاها و تاریکی‌ها و روشنیه‌ها و زمین و آسمان ای پدیدآورنده ای

مُصَوِّرُ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمَنُ، يَا اَللّٰهُ يَا قَيُّوْمُ، يَا اَللّٰهُ يَا بَدِيْعُ، يَا اَللّٰهُ

صورت بخش ای عطابخش ای نعمت‌ده ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پابنده ای خدا ای نوآفرین

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ، لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى، وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا، وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْاَوْلَا، اَسْتُلْكَ

ای خدا ای خدا ای خدا از آن توست نامهای نیک و نمونه‌های والا و بزرگی و نعمتها از تو خواهم که

اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِيْ فِيْ هَذِهِ اللَّيْلَةِ

درود فرستی بر محمد و آل محمد و قرار دهی نام مرا در این شب در زمره

فِي السُّعْدَاءِ، وَرَوْحِيْ مَعَ الشُّهَدَاءِ، وَاِحْسَانِيْ فِي عِلِّيِّينَ وَاِسْمَائِيْ

سعادت‌مندان و روحم را با شهیدان و احسان و نیکم را در بلندترین درجات و گناهم را

مَغْفُوْرَةً، وَاَنْ تَهَبَ لِيْ يَقِيْنًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِيْ، وَاِيْمَانًا يُذْهِبُ الشُّكَّ

آمرزیده و یقینی به من ببخشی که همیشه با دلم همراه باشد و ایمانی به من بدهی که یکسره شک و تردید را

عَنِّيْ، وَتُرْضِيْنِيْ بِمَا قَسَمْتِ لِيْ، وَاَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْاٰخِرَةِ

از من دور کنی و بدانچه نصیب کرده‌ای خوشنودم سازی و بده به ما در دنیا نیکی و نعمت و در آخرت نیز

حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيْقِ، وَاَرْزُقْنِيْ فِيْهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ

نیکی و نگاهمان دار از عذاب آتش سوزان و روزیم کن در این شب ذکر خود و سپاسگزاریت و شوق

اِلَيْكَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ، وَالتَّوْفِيْقَ لِمَا وَقَّعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَاَلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

و بازگشت و توبه بسوی خودت را و موفقم بدار بدانچه موفق داشتی بدان محمد و آل محمد علیهم السلام

و روایت کرده محمد بن عیسی به سند خود از صالحین علیهم السلام

که فرمودند مکرر می‌کنی در شب بیست و سیّم از ماه رمضان این دعا را در

حال سجود و قیام و قعود و بر هر حالی که هستی در تمام ماه و هر چه ممکنست

شود و هر زمانی که حاضر شود تورا یعنی یادت آید این دعا در روزگار حیاتت

می گوئی بعد از ستایش کردن حقّ تعالی به بزرگواری و فرستادن صلوات بر

پیغمبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ

خدایا باش برای ولی خود (فلان پسر فلان) * * * * *

و بجای فلان بن فلان بگو اَلْحُسَيْنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ اَبَائِهِ، فِي

* * * * * حضرت حجت فرزند امام حسن عسکری دروذهای تو بر او و بر پدرانش باد در

هَذِهِ السَّاعَةِ، وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلَيْتَا وَحَافِظًا، وَقَادِمًا وَنَاصِرًا، وَدَلِيلًا

این ساعت و در هر ساعت یار و مددکار و نگهبان و رهبر و یاور و راهنما

وَعَيْنًا، حَتَّىٰ تُسَكِّنَهُ اَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا و می خوانی نیز

و دیده بان تا او را از روی میل و رغبت مردم در روی زمین سکونت دهی و بهره مندش سازی زمانی دراز * * * * *

يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، يَا مُجْرِيَ الْبُحُورِ، يَا مُلَيِّنَ

ای تدبیرکننده کارها ای برانگیزنده هر که در گورها است ای روان کننده دریاها ای نرم کننده

الْحَدِيدِ لِداوُدَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا و به

آهن برای حضرت داود درود فرست بر محمد و آل محمد و بکن نسبت به من چنین و چنان * * * * *

جای این کلمه حاجات خود را بخوهد اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ و بلند کن دستهای خود را به

* * * * * همین امشب همین امشب * * * * *

سوی آسمان یعنی در وقت گفتن یا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ تا آخر و بگو این دعا را در حال

* * * * * ای تدبیر کننده کارها * * * * *

رکوع و سجود و ایستاده و نشسته و مکرر کن آنرا و بگو آنرا نیز در شب آخر

ماه رَمَضَانَ.

دعای شب بیست و چهارم

يَا فَالِقَ الْاُصْبَاحِ، وَجَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَنًا، وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا، يَا

ای شکافته سپیده صبح و ای قرار دهنده شب را وسیله آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب کردن ای

عَزِيزُ يَا عَلِيمُ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ،

نیرومند ای دانا ای صاحب نعمت و بخشش و نیرو و جنبش و فضل و نعمت بخشی

وَالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَللَّهُ يَا رَحْمَنُ، يَا أَللَّهُ يَا فَرْدُ يَا وَتَرُ، يَا أَللَّهُ يَا

و جلالت و بزرگواری ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای یگانه یکتا ای خدا ای

ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ، يَا حَىُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْأَمْثَالُ

آشکار و ای نهان ای زنده‌ای که معبودی جز تو نیست از آن تو است نامهای نیک و نمونه‌های

الْعُلَى، وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ، أَسْتَلْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ،

والا و بزرگی و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و دیگر آنکه

وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرَوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ،

قرار دهی نام مرا در این شب در زمره سعادت‌مندان و روحم را با شهیدان

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ، وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِرُ

و احسان و نیکم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و یقینی به من ببخشی که همواره

بِهِ قَلْبِي، وَإِيمَانًا يَذْهَبُ بِالشَّكِّ عَنِّي، وَرِضَىٰ بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَاتِّمْنَا

با دلم مقرون باشد و ایمانی بدهی که شک و تردید را از من دور سازد و خوشنودی بدانچه نصیب کرده‌ای و بده به ما

فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ،

در دنیا نیکی و نعمت و در آخرت نیز نیکی و نعمت و بازمان‌دار از عذاب آتش سوزان

وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ،

و روزیم کن در این شب ذکر خود و سپاسگزاری را و میل و رغبت و بازگشت و توبه کردن بسویت را

والتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَفْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.

و موفقم بدار بدانچه موفق داشتی بدان محمد و آل محمد را درودهای تو و بر او و بر ایشان باد

دعای شب بیست و پنجم

يا جاعِلَ اللَّيْلِ لِبَاسًا، وَالنَّهَارِ مَعَاشًا، وَالْأَرْضِ مِهَادًا، وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا،

ای که شب را پوشش قراردادی و روز را وسیله درآوردن روزی وزمین را گهواره (با بستر گسترده) و کوهها را چون میخ

يا اَللّهُ يا قاهرُ، يا اَللّهُ يا جَبَّارُ، يا اَللّهُ يا سَمِيعُ، يا اَللّهُ يا قَرِيبُ، يا اَللّهُ يا

قراردادی ای خدا ای چیره ای با جبروت ای خدا ای شنوا ای خدا ای نزدیک ای خدا ای

مُجِيبُ، يا اَللّهُ يا اَللّهُ يا اَللّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثالُ الْعُلْيَا،

پاسخده ای خدا... از آن تو است نامهای نیک و نمونه‌های والا

وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ، وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

و بزرگی و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و

تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرَوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ،

قرار دهی نامم را در این شب در زمره سعادت‌مندان و روحم را با شهیدان

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ، وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ

و احسان و نیکم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و یقینی به من بدهی که همیشه ملازم

بِهِ قَلْبِي، وَإِيْمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي، وَرَضِيَ بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَآتِنَا

دل من باشد و ایمانی به من عطا کنی که شک و تردید را از من دور سازد و خوشنودم سازی بدانچه نصیب کرده‌ای

فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ،

و بدهی به من در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهم داری از آتش سوزان دوزخ

وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ،

و روزیم کنی در این شب ذکر خود و سپاسگزاری را و شوق و رغبت و بازگشت و توبه به درگاهت

والتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَفْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

و موفقم دار بدانچه موفق داشتی بدان محمد و آل محمد علیهم السلام را

دعای شب بیست و ششم

يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اَيَّتَيْنِ، يَا مَنْ مَحَا اَيَّةَ اللَّيْلِ وَجَعَلَ اَيَّةَ

ای قرار دهنده شب و روز را دو نشانه (بر قدرتت) ای که نشانه شب را سیاه و نشانه

النَّهَارِ مُبْصِرَةً، لَتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْهُ وَرِضْوَانًا، يَا مُفْصِّلَ كَلْشَىءٍ

روز را روشنی بخش کردی تا فرونی جویند از فضل و خوشنودی پروردگار ای جداکننده هر چیز

تَفْصِيلاً، يَا مَاجِدُ يَا وَهَّابُ، يَا اَللّٰهُ يَا جَوَادُ، يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ، لَكَ

بخوبی ای صاحب مجد و شوکت ای پربخشش ای خدا ای بخشنده ای خدا... از آن تو است

الْاَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْاَمْثَالَ الْعُلْيَا، وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْاَوْلَاءُ اَسْتَلِكُ اَنْ

نامهای نیک و نمونه‌های والا و بزرگ و نعمتها از تو خواهم

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَجْعَلَ اَسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي

درود فرستی بر محمد و آل محمد و دیگر آنکه نامم را در این شب در زمره

السُّعْدَاءِ، وَرُوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ، وَاِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ، وَاِسَاتِي

سعادتندان قرار دهی و روحم را با شهیدان و احسان و نیکم را در بلندترین درجات و گناهم را

مَغْفُورَةً، وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِيْنًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَاِيْمَانًا يُّذْهِبُ الشُّكَّ

آمرزیده و ببخشی بر من یقینی که همواره ملازم قلبم باشد و ایمانی که یکسره شک و تردید را

عَنِّي، وَتَرْضِيْنِي بِمَا قَسَمْتْ لِي، وَاَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْاٰخِرَةِ

از من دور سازد و خوشنودم سازی بدانچه نصیب کرده‌ای و بدهی به من در دنیا نیکی و نعمت و در آخرت نیز

حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيْقِ وَاَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ،

نیکی و نگاهمان داری از عذاب آتش سوزان و روزیم کنی در این شب ذکرت و سپاسگزاریت را

وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَالْاِيْنَابَةَ [وَالتَّوْبَةَ] وَالتَّوْفِيْقَ لِمَا وَقَّعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا

و شوق و رغبت و بازگشت و توبه بسویت و موفقم داری بدانچه موفق داشتی بدان محمد

وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.

و آل محمد را که درود تو بر او و برایشان باد

دعای شب بیست و هفتم

يَا مَادَّ الظِّلِّ، وَلَوْ شِئْتَ لَجَعَلْتَهُ سَاكِنًا، وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا، ثُمَّ

ای امتداد دهنده سایه که اگر می‌خواستی آن را در یکجا ساکن می‌کردی و قراردادی خورشید را بر آن سایه رهبر سپس

قَبَضْتَهُ [إِيَّاكَ] قَبْضًا يَسِيرًا، يَا ذَا الْجُودِ وَالطَّوْلِ، وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْأَلَاءِ، لَا

آن را به آسانی تدریجاً دربرگرفتی ای صاحب جود و عطا و کبریا و نعمت‌معبودی جز تو

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا

نیست که دانای غیب و شهود و بخشاینده و مهربانی معبودی جز تو نیست ای

قُدُّوسٌ يَا سَلَامٌ، يَا مُؤْمِنٌ يَا مُهَيِّمٌ، يَا عَزِيزٌ يَا جَبَّارٌ يَا مُتَكَبِّرٌ، يَا اللَّهُ

منزه از هر عیب ای بی‌خلل ای ایمنی بخش ای مراقب بندگان ای نیرومند ای مقتدر ای بزرگوار ای خدا

يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ، يَا مُصَوِّرٌ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى،

ای آفریننده ای ایجاد کننده ای صورتگر ای خدا ای خدا ای خدا از آن تو است نامهای نیکو

وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا، وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْأَلَاءِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و نمونه‌های والا و کبریا و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرَوْحِي

و آل محمد و اینکه نامم را در این شب در زمره سعادت‌مندان قرار دهی و روحم را

مَعَ الشُّهَدَاءِ، وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ، وَإِسَاتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي

با شهیدان و احسان و نیکم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و ببخشی بر من

يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي، وَتَرْضِيَنِي بِمَا

یقینی که همواره ملازم قلب من باشد و ایمانی که شک و تردید را یکسره از من دور سازد و خوشنودم سازی بدانچه

قَسَمْتَ لِي، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ

نصیب کرده‌ای و بده به من در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهم‌دار از عذاب

النَّارِ الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ

آتش سوزان و روزیم گردان در این شب ذکر خود و سپاسگزاری را و شوق و رغبت بسویت و بازگشت

والتَّوْبَةَ، والتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَّعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.

و توبه به درگاہت و موفقم بدار بدانچه موفق داشتی بدان محمد و آل محمد را درود تو بر او و بر ایشان باد

دعای شب بیست و هشتم

يَا خَازِنَ اللَّيْلِ فِي الْهَوَاءِ، وَخَازِنَ النُّورِ فِي السَّمَاءِ، وَمَانِعَ السَّمَاءِ

ای جا دهنده تاریکی شب را در هوا و جا دهنده روشنی (روز) را در آسمان و جلوگیری کننده آسمان از اینکه

أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَحَابِسَهُمَا أَنْ تَزُولَا، يَا عَلِيمُ يَا [عَظِيمٌ]،

بر زمین افتد مگر به اذن او و نگهدارنده آسمان و زمین از اینکه از جای خود بدر روند ای دانای بزرگ

يَا غَفُورُ يَا دَائِمُ، يَا اللَّهُ يَا وَارِثُ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ

ای آمرزنده ای جاویدان ای خدا ای ارث برنده ای برانگیزنده مردگان در میان گورها ای خدا ای خدا

يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا، وَالْكَبَرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ،

ای خدا از آن تو است نامهای نیکو و نمونه‌های والا و کبریا و نعمتها از تو

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ

خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه قرار دهی نامم را در این

اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ،

شب در زمره سعادت‌مندان و روحم را با شهیدان و احسانم را در بلندترین درجات

وَإِسْمَاتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَإِيمَانًا يُذْهِبُ

و گناهم را آمرزیده و ببخش بر من یقینی که پیوسته همراه و ملازم دلم باشد و ایمانی به من ده که یکسره

الشَّكَّ عَنِّي، وَتَرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي

شک و تردید را از من دور سازد و خوشنودم سازی بدانچه نصیب کرده‌ای و بده به ما در دنیا نیکی و در

الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

آخرت نیکی و نگاهمان دار از آتش سوزان دوزخ و روزیمان گردان در این شب یاد خود

وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ [والتَّوْبَةَ]، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَّعْتَ لَهُ

و سپاسگزاری را و شوق و رغبت و بازگشت و توبه به سویت و موفقم دار بدانچه موفق داشتی بدان

مَحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.

محمد و آل محمد را درود خدا بر او و بر ایشان باد

دعای شب بیست و نهم

يا مُكَوِّرَ اللَّيْلِ عَلَى النَّهَارِ، وَمُكَوِّرَ النَّهَارِ عَلَى اللَّيْلِ، يا عَلِيمُ يا

ای خدائی که شب را به روز پیچانی و روز را بر شب پیچانی ای دانای

حَكِيمُ يا رَبَّ الْأَرْبابِ، وَسَيِّدَ السَّادَاتِ، لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ، يا أَقْرَبَ إِلَيَّ

فرزانه ای پروردگار همه پروردگاران و آقای همه بزرگان معبودی جز تو نیست ای که نزدیکتری به من

مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يا أَلَّهُ يا أَلَّهُ يا أَلَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثالُ

از رگ گردن ای خدا ای خدا ای خدا از آن تو است نامهای نیکو و نمونه‌های

الْعُلْيَا، وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

والا و بزرگی و نعمتها از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرَوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ،

و قرار دهی نام مرا در این شب در زمره سعادت‌مندان و روحم را با شهیدان

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ، وَإِسَائَتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ

و احسان و نیکم را در بلندترین درجات و گناهم را آمرزیده و ببخشی بر من یقینی که پیوسته ملازم

بِهِ قَلْبِي، وَإِيْمَاناً يُذْهِبُ الشُّكَّ عَنِّي، وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَآتِنَا

دل من باشد و ایمانی که یکسره شک و تردید را از من دور سازد و خوشنودم سازی بدانچه به‌رهام کرده‌ای و به ما

فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ

عطا فرما در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهمان دار از عذاب آتش سوزان

وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ

و روزیم گردان در این شب ذکر خود و سپاسگزاری و شوق و رغبت بسویت و بازگشت و توبه

والتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.

به درگاہت را و موفقم دار بدانچه موفق داشتی بدان محمد و آل محمد را که درود خدا بر او و بر ایشان باد

دعای شب سنی أم

الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِكِرَمِ وَجْهِهِ، وَعِزِّ جَلَالِهِ

ستایش مخصوص خدایی است که شریک ندارد ستایش خاص خدا چنانچه شایسته بزرگواری ذات و شوکت جلال او

وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ، يَا قُدُّوسُ يَا نُورُ، يَا نُورَ الْقُدُّوسِ، يَا سُبُّوحُ، يَا مُتَنَهَى

است و چنانچه سزاوار آن است ای منزّه ای روشنی ده ای روشنی مقدس ای پاکیزه از هر عیب ای آخرین حد

التَّسْبِيحِ، يَا رَحْمَنُ يَا فَاعِلَ الرَّحْمَةِ، يَا إِلَهَ يَا عَلِيمُ يَا كَبِيرُ، يَا إِلَهَ يَا

پاکیزگی ای بخشاینده ای مهر پیشه ای خدا ای دانا ای بزرگوار ای خدا ای

لَطِيفُ يَا جَلِيلُ، يَا إِلَهَ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ، يَا إِلَهَ يَا إِلَهَ يَا إِلَهَ، لَكَ

با لطف ای برجسته ای خدا ای شنوا ای بینا ای خدا ای خدا ای خدا از آن

الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى، وَالْأَمْثَالَ الْعُلْيَا وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْأَلَاءِ، أَسْتُلْكَ

تو است نامهای نیکو و نمونه‌های والا و بزرگی و نعمتها از تو خواهم

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي

که درود فرستی بر محمد و خاندانش و قرار دهی نامم را در

هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرَوْحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ، وَاحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ،

این شب در زمره سعادت‌مندان و روحم را با شهیدان و احسان و نیکم را در بلندترین درجات

وَإِسْمَاتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا، تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَإِيمَانًا يُذْهِبُ

و گناهم را آمرزیده و ببخشی به من یقینی که پیوسته ملازم دل من باشد و ایمانی که یکسره

الشَّكَّ عَنِّي، وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَأَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي

شک و تردید را از من دور سازد و خوشنودم سازی بدانچه نصیب کرده‌ای و بدهی به من در دنیا نیکی و در

الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ، وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

آخرت نیکی و نگاهم داری از عذاب آتش سوزان و روزیم کنی در این شب ذکر خود

وَشُكْرَكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَّتَ لَهُ

و سپاسگزاری و شوق و رغبت بسویت و بازگشت و توبه بدرگاہت و موفقم بداری بدانچه موفق داشتی بدان

مَحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.

محمد و آل محمد را درود خدا بر او و بر ایشان باد

بقیه اعمال شب بیست و یکم

کفعمی از سید بن باقی نقل کرده که در شب بیست و یکم می خوانی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَقْسِمُ لِي حَلِمًا يَسُدُّ عَنِّي بَابَ الْجَهْلِ، وَهُدًى

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و چنان بردباری بپهرام کن که ببندد بر من در نادانی را و هدایتی

تَمُنُّ بِهِ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ ضَلَالَةٍ، وَعَنِي تَسُدُّ بِهِ عَنِّي بَابَ كُلِّ فَقْرٍ، وَقُوَّةٌ

به من ده که بر من منت نهد از رهاپیدن از هر گمراهی و بی نیازمی به من بده که درهای انواع فقر را به تمامی بر من

ببندد و نیرویی

تَرُدُّ بِهَا عَنِّي كُلَّ ضَعْفٍ، وَعِزًّا تُكْرِمُنِي بِهِ عَن كُلِّ ذُلٍّ وَرَفِيعَةً

به من ده که هرگونه سستی را از من بازگرداند و عزتی که از هر خواری مرا گرامی داری و رفعت مقامی که بدان وسیله

تَرْفَعُنِي بِهَا عَن كُلِّ ضَعْفَةٍ، وَأَمْنًا تَرُدُّ بِهِ عَنِّي كُلَّ خَوْفٍ، وَعَافِيَةً

مرا از هر پستی بلند کنی و امنیتی که بوسیله آن هر ترسی را از من دور کنی و تندرستی که بدان وسیله مرا از

تَسْتُرُنِي بِهَا عَن كُلِّ بَلَاءٍ، وَعِلْمًا تَفْتَحُ لِي بِهِ كُلَّ يَقِينٍ، وَيَقِينًا تَذْهَبُ

هر بلائی بپوشانی و دانشی که به آن هر یقینی را بر من مفتوح گردانی و یقینی که بدان وسیله

بِهِ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ، وَدَعَاءً تَبْسُطُ لِي بِهِ الْإِجَابَةَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، وَفِي

هر شک و تردیدی را از من دور سازی و دعائی که اجابتش را بر من بگسترانی در همین امشب و در

هَذِهِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ

همین ساعت ای بزرگوار و ترسی به من بده که

كُلِّ رَحْمَةً، وَعِصْمَةً تَحُولُ بِهَا بَيْنِي وَبَيْنَ الذُّنُوبِ، حَتَّى أَفْلِحَ بِهَا

هر رحمتی را بدان وسیله بر من بگسترانی و مرا چنان خودنگهدار کن که همان حالت میان من و گناهان حائل شود

عِنْدَ الْمَعْصُومِينَ عِنْدَكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و بدان وسیله در پیشگاه معصومین (و خود نگهداران) درگاهت رستگار باشم ای مهربانترین مهربانان * * * * *

و روایت شده که در شب بیست و یکم حمّاد بن عثمان بر حضرت صادق علیه السلام وارد شد حضرت سؤال کرد که غسل کرده‌ای عرض کرد بلی فدایت شوم پس حضرت حصیری طلبید و حمّاد را نزدیک خود طلبید و مشغول نماز شد و پیوسته آن حضرت نماز خواند و حمّاد نیز خود را به آن حضرت چسبانیده بود و نماز می‌خواند تا از نمازهای خویش فارغ شدند.

پس آن حضرت دعا کرد و حمّاد آمین گفت تا صبح طلوع کرد آن جناب اذان و اقامه گفت و بعضی از غلمان خود را طلبید و پیش ایستاد و نماز صبح خواند در رکعت اوّل حمد و قدر و در دویم حمد و توحید خواند و بعد از نماز مشغول به تسبیح و تحمید و تقدیس و ثنای بر خدا و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و دعا برای مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات شد پس سر به سجده نهاد و مقدار یک ساعت بجز نفس چیزی از آن جناب شنیده نشد پس از آن این دعا را خواند لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَقْلَبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ تا آخر دعا که در اقبالست و شیخ کلینی روایت کرده که حضرت باقر علیه السلام در شب بیست و یکم و بیست و سیّم دعا می‌خواند تا نیمه شب و بعد از آن شروع می‌نمود به نماز خواندن و بدانکه در هر شب از شبهای این دهه غسل مستحب است و روایت شده که

حضرت رسول صلی الله علیه و آله در هر شب این دهه غسل می کرد و اعتکاف در این دهه مستحب است و فضیلت بسیار دارد و افضل اوقات اعتکاف است و

روایت شده که مقابل دو حجّ و دو عمره است:

وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَاخِرَ، اعْتَكَفَ

رسم رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان بود که چون دهه آخر ماه رمضان می شد در مسجد معتکف

فِي الْمَسْجِدِ، وَضُرِبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ شَعْرِ، وَشَمَّرَ الْمِيزَرَ، وَطَوَى فِرَاشَهُ.

می شد و چادری موئین برایش می زدند و کمر را محکم می بست و بستر خواب را جمع می کرد

و بدانکه در این شب در سنه چهلّم واقع شد شهادت مولای ما حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام و در این شب تجدید می شود احزان آل محمدعلیهم

السلام و اشیاع ایشان و روایت شده که در آن شب مانند شب شهادت امام

حسین علیه السلام برداشته نشد سنگی از روی زمین مگر آنکه در زیر آن خون

تازه بود شیخ مفید فرموده که در این شب صلوات بسیار بفرستد و سعی و

کوشش کند در نفرین بر ظالمان آل محمدعلیهم السلام و لعن بر قاتل

امیرالمؤمنین علیه السلام روز بیست و یکم روز قتل حضرت امیرالمؤمنین علیه

السلام و مناسبست زیارت آن جناب و کلمات حضرت خضرعلیه السلام که به

منزله زیارت آن حضرتست در این روز.

شب بیست و سیّم در هَدِيَّةِ الرَّائِرِ ذَكَرَ شده از دو شب قدر سابق افضل است و

از احادیث بسیار مُسْتَفَادَ می شود که شب قدر همین است و این شب جهنی

است و در این شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر می‌گردد و از برای این شب

غیر از اعمالی که با دو شب سابق شریکست چند عمل دیگر است:

اوّل خواندن سوره عنکبوت و رُوم که حضرت صادق علیه السلام قسم یاد

فرموده که خواننده این دو سوره در این شب از اهل بهشت است.

دوّم خواندن حم دُخان .

سیّم خواندن سوره قدر هزار مرتبه .

چهارم آنکه تکرار کند در این شب بلکه در تمام اوقات این دعا را اَللّهُمَّ كُنْ

لَوْلِيكَ «الخ» و ذکر آن در ضمن ادعیه شبهای دهه آخر بعد از دعاء شب بیست

و سیّم گذشت.

پنجم بخواند:

اَللّهُمَّ اَمِّدْ لِي فِي عُمْرِي، وَاَوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي،

خدایا دراز کن عمرم را و فراخ کن روزیم را

وَاَصِحِّ لِي جِسْمِي، وَبَلِّغْنِي اَمَلِي، وَاِنْ كُنْتُ مِنَ الْاَشْقِيَاءِ فَاَمْحُنِي

و سالم گردان تنم را و برسانم به آرزویم و اگر در زمره بدبختان هستم تو نامم را از

مِنَ الْاَشْقِيَاءِ وَاكْتُبْنِي مِنَ السُّعَدَاءِ، فَاِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ

سَلَكَ اَنَانِ پَاكِ كُنْ و در زمره سعادت‌مندانم ثبت کن زیرا تو خودت در کتابی که

عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ اِلٰهِ، يَمْحُو اللّٰهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ،

بر پیامبر مرسلت صلی الله علیه و آله نازل فرمودی چنین گفتی: «خدا هر چه خواهد محو می‌کند و ثبت می‌کند

وَعِنْدَهُ اُمُّ الْكِتَابِ. *

و نزد او است اصل کتاب»

ششم بخواند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضَىٰ وَفِيمَا

خدایا قرار ده در آنچه حکم کرده و

تُقَدَّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ، وَفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ، فِي لَيْلَةِ

مقدر فرموده‌ای از فرمان حتمی خود و در آنچه جدا کنی از دستور حکیمانه‌ات در شب

الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ، أَنْ تَكْتُنِبَنِي مِنْ حُجَّاجِ

قدر از آن حکمی که بازگشت ندارد و تغییر پذیر نیست که بنویسی مرا از حاجیان

بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ، الْمَشْكُورِ سَعْيِهِمْ،

خانه محترم کعبه‌ات در همین امسال آنانکه حجشان مقبول و سعیشان

الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضَىٰ

مورد تقدیر و گناهانشان آمرزیده و اعمال بدشان بخشوده شده و مقرر فرما در آنچه

وَتُقَدَّرُ، أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي، وَتُوسِّعَ لِي فِي رِزْقِي. *

حکم کرده و مقدر فرموده‌ای که عمرم را طولانی کنی و در روزیم وسعت دهی

هفتم بخواند این دعا راکه در اقبال است :

يَا بَاطِنًا فِي ظُهُورِهِ، وَيَا ظَاهِرًا فِي بُطُونِهِ وَيَا بَاطِنًا لَيْسَ

ای که نهان است در عین آشکاریش و ای که آشکار است در عین نهانیش و ای نهانی که در

يَخْفَى، وَيَا ظَاهِرًا لَيْسَ يُرَى، يَا مَوْصُوفًا لَا يَبْلُغُ بِكَيْفُونَتِهِ.

خفا نیستی و ای آشکاری که دیده نشوی ای که توصیفت کنند ولی هیچ وصفی به کنه ذات تو نرسد

مَوْصُوفٌ، وَلَا حَدٌّ مَحْدُودٌ، وَيَا غَائِبًا غَيْرَ مَقْفُودٍ، وَيَا شَاهِدًا غَيْرَ

و هیچ حدی محدودت نکند و ای که پیدائی ولی گم نشده‌ای و ای که حاضری ولی مشهود

مَشْهُودٌ، يُطَلَبُ فَيَصَابُ، وَلَمْ يَخُلْ مِنْهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ

نشوی تو را طلب کنند و به مقصود نائل گردند، از تو خالی نیست آسمانها و زمین

وَمَا بَيْنَهُمَا طَرْفَةَ عَيْنٍ، لَا يُدْرِكُ بِكَيْفٍ، وَلَا يُؤَيِّنُ بِأَيْنٍ، وَلَا بِحَيْثٍ،

و مابین آندو یک چشم برهم زدن، به چگونگی در نیائی و به جایی و سوئی اندر نشوی

أَنْتَ نُوْرُ النُّوْرِ، وَرَبُّ الأَرْبَابِ، أَحَطْتَ بِجَمِيعِ الأُمُوْر، سُبْحَانَ مَنْ

توئی روشنی نور و پروردگار همه پروردگاران به تمام امور احاطه داری منزّه خدائی که

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ البَصِیْرُ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا، وَلَا هَكَذَا غَیْرُهُ

نیست مانندش چیزی و او است شنوای بینا منزّه است آنکه او چنین است و جز او دیگری چنین نخواهد بود

پس دعا می کنی بدانچه خواهی.

هشتم آنکه غیر از غسل اوّل شب غسلی نیز در آخر شب کند و بدانکه از برای غسل و احیاء این شب و زیارت امام حسین علیه السلام و صد رکعت نماز فضیلت بسیار و تأکید شده شیخ در تهذیب روایت کرده از ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام که فرمود در شبی که امید می رود شب قدر باشد صد رکعت نماز کن بخوان در هر رکعت قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ را ده مرتبه گفتم فدایت شوم اگر قوّت نداشته باشم ایستاده بجا آورم فرمود نشسته بجا آور گفتم اگر قوّت نداشته باشم نشسته بجا آورم فرمود بجا آور به همان حالی که به قفا خفته ای در فراش خود و از دعائم الاسلام روایتست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دهه آخر ماه رمضان رختخواب خود را جمع می کرد و کمر خود را محکم می بست برای عبادت و در شب بیست و سیّم اهل خود را بیدار می کرد و آنها را که خواب رُبوده بود آب بصورتشان می پاچید و حضرت فاطمه صلوات الله علیها نمی گذاشت در این شب احدی از اهلش بخوابد و علاج می فرمود خواب آنها را به کمی طعام و مهیّا می کرد آنها را برای احیاء آن شب از روز یعنی امر می فرمود که روز را خواب و استراحت کنند که شب خوابشان نبرد و احیا

مرتبہ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَآتُوْبُ اِلَيْهِ چہارم بخواند این دعا را کہ شیخ کلینی از

حضرت صادق علیہ السلام نقل کردہ:

اللّٰهُمَّ هَذَا

خدایا این

شَهْرُ رَمَضَانَ، الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ، وَقَدْ تَصَرَّمْتُ، وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ

ماہ رمضان است کہ در آن قرآن را نازل فرمودی و اکنون رو برفتن است و پناہ می‌برم بہ ذات

الْكَرِيمِ يَا رَبِّ، أَنْ يَطَّلِعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ، أَوْ يَتَصَرَّمُ شَهْرُ رَمَضَانَ،

بزرگواری ای پروردگار من کہ سپیدہ دم امشب بر من بزند یا ماہ رمضان بر من بگذرد

وَلَكَّ قِبَلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ، تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي بِهِ يَوْمَ الْآفَاكِ. *

و از تو در پیش من پیگرد یا گناہی باشد کہ بخواهی مرا در روز دیدارت عذاب فرمائی

پنجم بخواند دعاء یا مُدْبِرَ الْأُمُورِ کہ در اعمال شب بیست و سیم گذشت .

ششم وداع کند ماہ رمضان را بہ دعاهای وداع کہ شیخ کلینی و صدوق و شیخ

مفید و طوسی و سید بن طاووس رضوان اللہ علیہم نقل کردہ اند و شاید بہترین

آنها دعای چہل و پنجم صحیفہ کاملہ باشد و سید بن طاووس روایت کردہ

است از حضرت صادق علیہ السلام کہ ہر کہ در شب آخر ماہ رمضان وداع کند

آن ماہ شریف را و بگوید:

اللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِي لِشَهْرِ رَمَضَانَ، وَأَعُوذُ

خدایا فرارش مدہ آخرین دیدار از روزہام در ماہ رمضان و پناہ می‌برم

بِكَ أَنْ يَطَّلِعَ فَجْرُ هَذِهِ اللَّيْلَةِ، إِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَ لِي،

بہ تو از آنکہ سپیدہ دم امشب بر من بزند جز آنکہ مرا آمرزیدہ باشی

بیامرزد حق تعالی او را پیش از آنکه صبح کند و روزی فرماید او را توبه و انابه سید و شیخ صدوق از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده‌اند که گفت رفتم به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در جمعه آخر ماه رمضان چون نظر آن حضرت بر من افتاد فرمود که ای جابر این آخر جمعه‌ای است از ماه رمضان پس آن را وداع کن و بگو:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِنَا أَيَّاهُ، فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنِي مَرْحُومًا وَلَا تَجْعَلْنِي مَحْرُومًا.

خدا یا قرارش مده آخرین دیدار ما از روزه‌مان در ماه رمضان و اگر چنین کرده‌ای پس مرا مورد رحمت قرار ده و قرارم مده در زمره محرومان

پس بدرستی که هر که این دعا را در این روز بخواند به یکی از دو خصلت نیکو ظفر می‌یابد یا به رسیدن به ماه رمضان آینده یا به آمرزش خدا و رحمت بی‌انتها و سید بن طاووس و کفعمی نقل کرده‌اند از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرمود هر که در شب آخر ماه رمضان ده رکعت نماز گذارد بخواند در هر رکعت حمد یک مرتبه و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ده مرتبه بگوید در رکوع و سجود ده مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ و بعد از هر دو رکعت تشهد بخواند و سلام دهد و چون از تمام ده رکعت فارغ شد و سلام داد هزار مرتبه استغفار کند [أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ] و بعد از استغفار سر به سجده گذارد و بگوید در حال سجود:

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

ای زنده ای پاینده ای صاحب جلال و بزرگواری ای بخشاینده دنیا و آخرت

وَرَحِيمَهُمَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، اغْفِرْ

و مهربان آن دو ای مهربانترین مهربانان ای معبود پیشینان و پسینان گناهانمان را بیامرز

لَنَا ذُنُوبَنَا، وَتَقَبَّلْ مِنَّا صَلَوَاتِنَا وَصِيَامَنَا وَقِيَامَنَا.

و نمازها و روزهها و شب زنده‌داریهامان را بپذیر

قسم به حق آنکه مرا براستی به نبوت مبعوث فرموده که جبرئیل مرا خبر داد از اسرافیل از پروردگار خود تبارک و تعالی که سر از سجده برداشته باشد که بیامرزد خدا او را و قبول فرماید از او ماه رمضان را و بگذرد از گناهان او «الخبر» و این نماز در شب عید فطر نیز روایت شده و لکن در آن روایتست که تسبیح اربع را در رکوع و سجود عوض تسبیح رکوع و سجود بخواند و به جای اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا تا به آخر دارد اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَتَقَبَّلْ صَوْمِي وَصَلَاتِي وَ قِيَامِي روز سی‌امسید برای روز آخر دعائی نقل کرده که اولش این است اَللّهُمَّ اِنَّكَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ و چون در این روز غالب مردم قرآن ختم می‌کنند سزاوار است که بعد از ختم بخوانند دعای چهل و دوّم صحیفه کامله را و اگر خواسته باشند این دعای مختصر را بخوانند که شیخ از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده:

اَللّهُمَّ اَشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي، وَاسْتَعْمِلْ بِالْقُرْآنِ بَدَنِي، وَنَوِّرْ بِالْقُرْآنِ بَصْرِي،

خدایا سینه‌ام را بوسیله قرآن بگشا و به کار انداز به دستورات قرآن بدنم را و روشن گردان بوسیله قرآن

وَاطْلُقْ بِالْقُرْآنِ لِسَانِي، وَاعْنِي عَلَيْهِ مَا ابْتَقَيْتَنِي، فَدَانَهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ.

دیدهام را و باز کن به قرآن زبانم را و کمکم ده به (عمل) بدان تا زنده‌ام داری زیرا هیچ جنبش و نیرویی نیست جز به تو

و نیز بخواند این دعا را که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز روایت شده:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِخْبَاتَ الْمُخْبِتِينَ، وَإِخْلَاصَ الْمُؤَقِنِينَ، وَمُرَافَقَةَ

خدایا از تو خواهم اطمینان و خشوع خاشعان درگاهت را و اخلاص اهل یقین و رفاقت با

الأَبْرَارِ وَأَسْتَحِقُّكَ حَقَائِقَ الْإِيمَانِ، وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ

نیکان و استحقاق پیدا کردن برای درک حقایق ایمان و نصیبی از هر خیر

إِثْمٍ وَوَجُوبَ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ.

و سلامتی از هر گناه و لازم شدن مهر و رحمت و موجبات آمرزش و رسیدن به بهشت و رهایی از دوزخ

«خاتمه»

نمازهای شبها ی ماه رمضان

در بیان نمازهای شبها و دعاهای روزها که مشهور است و علامه مجلسی(ره)

در زادالمعاد در فصل آخر اعمال ماه رمضان ذکر فرموده و احقر در اینجا اکتفا

می‌کنم به آنچه که آن بزرگوار نگاشته فرموده:

نماز شب اول چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید.

دوم ، چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ.

سیم ، ده رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید.

چهارم هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ .

پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و بعد از سلام صد

مرتبه اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سوره تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ.

هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ .

هشتم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه

سُبْحَانَ اللَّهِ .

نهم شش رکعت میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و هفت مرتبه

آیه الكرسي و بعد از اتمام پنجاه مرتبه اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ .

دهم بیست رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه توحید .

یازدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ .

دوازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ .

سیزدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید .

چهاردهم شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه إِذَا زُلْزِلَتْ .

پانزدهم چهار رکعت در دو رکعت اوّل بعد از حمد صد مرتبه توحید و در دو

رکعت دیگر پنجاه مرتبه توحید .

شانزدهم دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه أَلْهَيْكُمْ التَّكَاثُرُ هفدهم

دو رکعت در رکعت اوّل حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دوم حمد و

صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ .

هیجدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ

الْكَوْثَرَ .

نوزدهم پنجاه رکعت با حمد و پنجاه مرتبه إِذَا زُلْزِلَتْ و گویا مراد آن باشد که

در هر رکعت یک مرتبه بخواند زیرا که مشکست در یک شب دو هزار و

پانصد مرتبه إِذَا زُلْزِلَتْ خواندن .

بیستم و بیست و یکم و بیست و دوّم و بیست و سیّم و بیست و چهارم در هر یک هشت رکعت به هر سوره که میسر شود.

بیست و پنجم هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید.

بیست و ششم هشت رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید.

بیست و هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید بیست و هشتم شش رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه آية الكرسي و صد مرتبه توحید و صد مرتبه كَوْتَرُ و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد.

فقیر گوید نماز شب بیست و هشتم موافق آنچه من یافتم بدین کیفیت است شش رکعت نماز کند به فاتحة الكتاب و ده مرتبه آية الكرسي و ده مرتبه کوثر و ده مرتبه قل هو الله احد و صد مرتبه صلوات بفرستد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله.

بیست و نهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید .

سی ام دوازده رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ

شدن صد مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد.

و این نمازها چنانچه مذکور شد هر دو رکعت به یک سلام است.

و اما دعاهای روزهای ماه رمضان

از ابن عباس روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فضیلت بسیار از برای روزه هر روز ماه مبارک رمضان بیان فرمود و از برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار از برای آن دعا ذکر کرده و ما به اصل دعا اکتفا می نمایم.

دعای روز اوّل:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ، وَقِيَامِي فِيهِ

*** * * * * * خدایا قرار ده روزه ام را در این ماه روزه روزه داران واقعی و شب زنده داریم را

قِيَامَ الْقَائِمِينَ، وَتَبَهَّنِي فِيهِ عَن نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ، وَهَبْ لِي جُرْمِي فِيهِ

نیز همانند شب زنده داران و بیدارم کن در آن از خواب بیخبران و جنایتم را بر من ببخش

يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ، وَأَعْفُ عَنِّي يَا عَافِيًا عَنِ الْمُجْرِمِينَ.

ای معبود جهانیان و درگذر از من ای درگذرنده از جنایتکاران * * * * *

روز دوم

اللَّهُمَّ قَرِّبْنِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ، وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَتَقْمَاتِكَ،

خدایا نزدیکم کن در این ماه بسوی موجبات خوشنودیت و دورم ساز در آن از خشم و عذابت

وَوَفَّقْنِي فِيهِ لِقِرَاءَةِ آيَاتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و موفقم دار در این روز بخواندن آیات قرآنیت به رحمت خود ای مهربانترین مهربانان * * * * *

روز سیم

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذِّهْنَ وَالتَّنْبِيهَ، وَبَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ

خدایا روزیم کن در این ماه تیزهوشی و بیداری و دورم گردان در آن از بیخردی

وَالتَّمْوِيهِ، وَاجْعَلْ لِي نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنَزِّلُ فِيهِ، بِجُودِكَ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ.

و اشتباه کاری و مقرر فرما برایم بهره ای از هر خیری که در آن نازل گردانی بجود و کرمت ای باجودترین جودمندان

روز چهارم

اللَّهُمَّ قَوِّنِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ، وَأَذِقْنِي فِيهِ

خدایا نیرو ده مرا در این ماه برای برپا داشتن فرمان و دستورت و بچشان به من

حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ، وَأَوْزِعْنِي فِيهِ لِأَدَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ، وَاحْفَظْنِي فِيهِ

شیرینی ذکرَت و به من یاد ده در این ماه طرز بجا آوردن سپاسگزاری خود را به بزرگواریت و نگاهم دار در آن

بِحِفْظِكَ وَسِتْرِكَ، يَا أَبْصَرَ النَّظِيرِينَ.

به نگهداری و محافظت خود ای بیناترین بینایان

روز پنجم

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ

خدایا قرارم ده در این ماه از

الْمُسْتَعْفِرِينَ، وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْقَانِتِينَ، وَاجْعَلْنِي

آمرزش خواهان و قرارم ده در آن از بندگان شایسته فرمانبرداریت و بگردانم

فِيهِ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ الْمُقْرَبِينَ، بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

در این روز از اولیاء مقرب درگاهت به مهت ای مهربانترین مهربانان * * * * *

روز ششم:

اللَّهُمَّ لَا تَحْذُلْنِي فِيهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصِيَتِكَ، وَلَا تَضْرِبْنِي بِسِيَّاطِ نَقْمَتِكَ،

خدایا در این ماه به خاطر دست زدن به نافرمانیت خوارم مساز و تازیانه‌های عذابت را بر من مزن و از موجبات خشمت

وَرَحْزَنِ ي فِيهِ مِنْ مُوجِبَاتِ سَخَطِكَ، بِمَنْكَ وَأَيَادِيكَ، يَا مُنْتَهَى

بدان نعمت بخشی و الطافی که نسبت به بندگان داری دورم بدار ای آخرین حد

رَغْبَةِ الرَّاعِيِينَ.

اشتیاق مشتاقان

روز هفتم:

اللَّهُمَّ اعْنِي فِيهِ عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ،

خدایا یاریم کن در این ماه بر روزه و شب زنده‌داریش

وَجَبِّنِي فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَاثَامِهِ، وَارْزُقْنِي فِيهِ ذِكْرَكَ بِدَوَامِهِ،

و دورم بدار در آن از لغزشها و گناهانش و روزیم کن در آن ذکر خود را بطور دوام و یکسره

بِتَوْفِيقِكَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ. رُوزِ هَشْتَمِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ رَحْمَةً

به توفیق خود ای راهنمای گمراهان * * * * * خدایا روزیم گردان در این ماه مهرورزی نسبت به

الْأَيْتَامِ، وَإِطْعَامِ الطَّعَامِ، وَإِفْشَاءِ السَّلَامِ، وَصُحْبَةِ الْكِرَامِ، بِطَوْلِكَ يَا

یتیمان و خوراندن طعام و به آشکار کردن سلام و هم‌نشینی با کریمان به فضل و کرمی ای

مَلْجَأَ الْأُمَلِينِ. رُوزِ نَهْمِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيبًا مِنْ رَحْمَتِكَ

پناه آرزومندان * * * * * خدایا قرار ده برایم در این روز بهره‌ای از رحمت

الْوَاسِعَةِ، وَاهْدِنِي فِيهِ لِبِرَاهِينِكَ السَّاطِعَةِ، وَخُذْ بِنَاصِيَّتِي إِلَى

وسیعت و راهنمایی کن در این ماه بسوی دلپلهای درخشان و مرا بسوی موجبات

مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ، بِمَحَبَّتِكَ يَا أَمَلَ الْمُشْتَاقِينَ. رُوزِ دَهْمِ اللَّهُمَّ

خوشنودی همه جنبه‌ات سوق ده به حق محبت ای آرزوی مشتاقان * * * * * خدایا

اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ، وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْفَائِزِينَ لَدَيْكَ،

قرارم ده در این ماه از توکل کنندگان بر خودت و بگردانم در آن از سعادت‌مندان درگاهت

وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُقْرَبِينَ إِلَيْكَ، بِإِحْسَانِكَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ. رُوزِ

و قرارم ده در آن از مقربان پیشگاهت به حق احسانت ای هدف نهائی جویندگان * * * * *

يَا زِدْهُمْ اللَّهُمَّ حَبَّبْ إِلَيَّ فِيهِ الْإِحْسَانَ، وَكَرَّهُ إِلَيَّ فِيهِ الْفُسُوقَ

* * * * * خدایا دوست گردان نزد من در این ماه احسان و نیکی را و ناخوش دار در پیش من در این روز فسق

وَالْعِصْيَانَ، وَحَرِّمْ عَلَيَّ فِيهِ السَّخَطَ وَالنِّيرَانَ، بِعَوْنِكَ يَا غِيَاثَ

و نافرمانی و گناه را و حرام گردان در این روز بر من خشم کفربرار و آتش (سوزان) را به کمک خودت ای فریادرس

الْمُسْتَعِيثِينَ. رُوزِ دَوَاذِمِ اللَّهُمَّ زَيِّنِي فِيهِ بِالسَّتْرِ وَالْعَفَافِ، وَاسْتُرْنِي

فربادخواهان * * * * * خدایا در این ماه مرا به زیور پوشش از گناه و پاکدامنی بیارای

فِيهِ بِلِبَاسِ التَّقْوَعِ وَالْكَفَافِ، وَاحْمِلْنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْإِنصَافِ،

و جامه قناعت و اکتفای به مقدار حاجت را به برم کن و وادارم کن در این روز به عدالت و انصاف

وَ اَمْنِي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا آخَفُ، بِعِصْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ. روز سیزدهم

و ایمنیم بخش در آن از هر چه که از آن می ترسم به نگهداری خودت ای نگهدارنده ترسناکان * * * * *

اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْأَفْذَارِ، وَصَبِّرْنِي فِيهِ عَلَى كَأَنَاتِ

خدایا پاکم کن در این ماه از چرکی و کثافات و شکیبایم کن بر مقدراتی که

الْأَقْدَارِ، وَوَقِّقْنِي فِيهِ لِلتَّقَى وَصَحْبَةِ الْأَبْرَارِ، بِعَوْنِكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ

خواهد شد و موفقم دار در این ماه به پرهیزکاری و هم نشینی با نیکان به کمک خودت ای روشنایی دیده

الْمَسَاكِينِ. روز چهاردهم اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي فِيهِ بِالْعَثَرَاتِ وَأَقْلِنِي فِيهِ

مسکینان * * * * * خدایا مگیر مرا در این ماه به لغزشها و بازم دار در آن

مِنَ الْخَطَايَا وَالْهَفَوَاتِ، وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ غَرَضًا لِلْبَلَايَا وَالْأَفَاتِ،

از خطاها و لغزشها و قرارم مده در این روز هدف بلاها و آفات

بِعِزَّتِكَ يَا عِزَّ الْمُسْلِمِينَ. روز پانزدهم اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ

به عزتت ای عزت بخش مسلمانان * * * * * خدایا فرمانبرداری فروتنان را در این ماه

الْخَاشِعِينَ، وَاشْرَحْ فِيهِ صَدْرِي بِإِنَابَةِ الْمُخْبِتِينَ، بِأَمَانِكَ يَا أَمَانَ

روزی من گردان و بگشا سینهم را برای بازگشتن بسویت همانند بازگشتن خاشعان به امان بخشیت ای امان بخش

الْخَائِفِينَ. روز شانزدهم اللَّهُمَّ وَقِّقْنِي فِيهِ لِمُوَافَقَةِ الْأَبْرَارِ، وَجَنِّبْنِي

ترسناکان * * * * * خدایا موفقم دار در این ماه به همراهی کردن با نیکان و دورم دار

فِيهِ مُرَافَقَةَ الْأَشْرَارِ، وَأَوْنِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ، بِالْهَيْتِكَ

در آن از رفاقت با اشرار و جایم ده در آن بوسیله رحمت خود به خانه قرار و آرامش به معبودیت خود

يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ. روز هفدهم اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيهِ لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ، وَأَقْضِ

ای معبود جهانیان * * * * * خدایا راهنمایم کن در آن به کارهای شایسته و برآور در آن حاجات

لی فیهِ الْحَوَائِجَ وَالْأَمَالَ، يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ وَالسُّوَالِ، يَا

و آرزوهای مرا ای کسی که نیازی به شرح حال و درخواست نداری ای

عَالِماً بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. روز

دانا و آگاه بدانچه در دل مردم جهانیان است درود فرست بر محمد و آل پاکش * * * * *

هَيِّجْهُمْ اللَّهُمَّ نَبِّهْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ وَتَوَرُّ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ

* * * * * خدایا آگاهم ساز در این ماه از برکات سحرهای آن و نورانی کن در آن دلم را به پرتو

أَنْوَارِهِ، وَخُذْ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ اثَارِهِ بِنُورِكَ، يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ

انوار آن و بگمار تمام اعضاء و جوارحم را به پیروی کردن آثارش به نور خود ای روشنی دهنده دل‌های

الْعَارِفِينَ. روز نوزدهم اللَّهُمَّ وَفِّرْ فِيهِ حَظِّي مِنْ بَرَكَاتِهِ، وَسَهِّلْ سَبِيلِي

عارفان * * * * * خدایا سرشار کن در این ماه بهرام را از برکات آن و هموار ساز راهم را

إِلَى خَيْرَاتِهِ، وَلَا تَحْرِمْنِي قَبُولَ حَسَنَاتِهِ، يَا هَادِيًا إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ.

به سوی خیرات آن و محروم مساز از پذیرفتن حسناتش ای راهنمای بسوی حقیقت آشکار

روز بیستم اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَانِ، وَأَعْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ

* * * * * خدایا بگشا در این ماه برویم درهای بهشت را و ببند برویم در آن درهای

النَّيْرَانِ، وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، يَا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ

دوزخ را و موقفم دار به تلاوت قرآن ای فرو فرستنده آرامش در دل‌های

الْمُؤْمِنِينَ. روز بیست و یکم اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ دَلِيلًا، وَلَا

مؤمنان * * * * * خدایا برایم در این ماه دلیلی به موجبات خوشنودی خود مقرر فرما و

تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلًا، وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ لِي مَنْزِلًا وَمَقِيلًا، يَا

راهی برای تسلط شیطان بر من باقی مگذار و بهشت را منزل و آسایشگاهم قرار ده ای

قَاضِي حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ. روز بیست و دویم اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ

برآورنده حاجات جویندگان * * * * * خدایا باز کن برویم در این ماه درهای

فَضْلِكَ، وَأَنْزِلْ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتِكَ، وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِمَوْجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ،

فضلت را و برکات را در آن بر من نازل فرما و موفقم دار در آن به موجبات خوشنودیت

وَأَسْأَلُكَ فِيهِ بِحُبُوحَاتِ جَنَاتِكَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ. رُوز

و مسکنم ده در آن وسطهای بهشت ای اجابت کننده دعای درماندگان * * *

بِیست و سِیمِ اَللّٰهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَطَهِّرْنِي فِيهِ مِنْ

* * * * * خدایا شستشویم ده در این ماه از گناهان و پاکم کن در آن از

الْعُيُوبِ، وَامْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ، يَا مُقِيلَ عَثَرَاتِ

عیبها و آزمایش کن در آن دلم را به پرهیزکاری دلها ای نادیده گیرنده لغزشهای

الْمُذْنِبِينَ. رُوز بِیست و چِهارمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ فِيهِ مَا يُرْضِيكَ،

گنهکاران * * * * * خدایا از تو خواهم در این ماه آنچه تو را خوشنود سازد

وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا يُؤْذِيكَ، وَأَسْأَلُكَ التَّوْفِيقَ فِيهِ لِأَنْ أُطِيعَكَ وَلَا

و پناه برم به تو از آنچه تو را بیازارد و از تو خواهم در آن توفیق برای اینکه پیروی کنم و

أَعْصِيكَ، يَا جَوَادَ السَّائِلِينَ. رُوز بِیست و پَنجمِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِبًّا

نافرمانیت نکنم ای بخشنده به خواستاران * * * * * خدایا فرامم ده در این ماه دوستدار

لِأَوْلِيَائِكَ، وَمُعَادِيًّا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَنَّا بِسُنَّةِ خَاتِمِ أَنْبِيَائِكَ، يَا عَاصِمَ

دوستانت و دشمن دارنده دشمنانت و پیرو راه و روش خاتم پیمبرانت ای نگهدارنده

قُلُوبِ النَّبِيِّينَ رُوز بِیست و ششمِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا،

دلهای پیمبران * * * * * خدایا قرار ده کوششم را در این ماه مورد سپاس و تقدیر

وَدَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا، وَعَيْبِي فِيهِ مَسْتُورًا، يَا أَسْمَعَ

و گناهم را در آن آمرزیده و عملم را در آن پذیرفته و عیبم را در آن پوشید ای شنواترین

السَّمَاعِينَ رُوز بِیست و هفتمِ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَصَيِّرْ

شنوایان * * * * * خدایا فضیلت شب قدر را در این ماه روزیم گردان و بگردان

أُمُورِي فِيهِ مِنَ الْعُسْرِ إِلَى الْيُسْرِ، وَأَقْبِلْ مَعَاذِيرِي، وَحُطَّ عَنِّي

کارهایم را در آن از سختی به آسانی و عذرهایم را بپذیر و ورز و

الذَّئِبَ وَالْوِزْرَ، يَا رَوْفًا بَعَادِهِ الصَّالِحِينَ. رُوزِ بِيست و هِشتمِ اَللّٰهُمَّ وَقْرُ

گناه را بریز ای مهربان به بندگان شایسته‌ات * * * * * خدایا سرشار کن بهرام را

حَطَّى فِيهِ مِنَ النَّوَافِلِ، وَاكْرَمُنِي فِيهِ بِاِحْضَارِ الْمَسَائِلِ وَقَرَّبْ فِيهِ

در این ماه از انجام مستحبات و نوافل و گرامیم دار به یاد داشتن مسائل و نزدیک گردان در آن

وَسَيَلْتِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ، يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ اِلْحَاحُ الْمُلْحِينَ رُوزِ

وسيله‌ام را بسویت از میان سایر وسایل ای که سرگرمش نکند سماجت سماجت کنندگان * * * * *

بِيست و نهمِ اَللّٰهُمَّ غَشْنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ، وَاَرْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ

* * * * * خدایا فراگیر مرا در این ماه به مهر خود و روزیم کن در آن به توفیق

وَالْعِصْمَةَ، وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غِيَاهِبِ التُّهْمَةِ يَا رَحِيمًا بَعَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.

و خودنگهداری و پاک کن دلم را از تیرگیهای تهمت ای مهربان نسبت به بندگان مؤمن خود

رُوزِ سِيَامِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ، عَلَيَّ مَا تَرْضَاهُ

* * * * * خدایا چنان کن روزه‌ام را در این ماه که مورد قدردانی و پذیرش بوده و بر طبق خوشنودی تو

وَيَرْضَاهُ الرَّسُولُ، مُحْكَمَةً فُرُوعُهُ بِالْأُصُولِ، بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

و خوشنودی رسولت باشد و محکم باشد فروع آن بوسیله اصول به حق آقای ما محمد

وَ اِلٰهِ الطَّاهِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. *

و آل پاکش و ستایش خاص پروردگار جهانیان است

مؤلف گوید: که در تقدیم و تأخیر دعاها و عبادات هر یک در کتب دعوات

مختلف ذکر کرده‌اند چون روایتش را معتبر نمی‌دانم متعرض ذکر آنها نشدم و

دعای روز بیست و هفتم را کفعمی در روز بیست و نهم ذکر کرده است و

موافق مذهب شیعه در روز بیست و سیّم خواندن دور نیست که آنسب باشد

انتهی.

در اعمال ماه شَوَّال

فصل چهارم در اعمال ماه شَوَّال است

شب اوّل از جمله لیالی شریفه است و در فضیلت و ثواب عبادت و احیای آن احادیث بسیار وارد شده و روایت شده است که آنشب کمتر از شب قدر نیست و از برای آن چند عمل است:

اوّل غسل است در وقتی که غروب کرد آفتاب .

دوم احیاء آن شب به نماز و دعا و استغفار و سؤال از حقّ تعالی و بیّتوته در

مسجد.

سیم آنکه بخواند در عقب نماز مغرب و عشاء و نماز صبح و عقب نماز عید:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَاللَّهُ

... * * * * * خدا بزرگتر است ... نیست معبودی جز خدا و خدا بزرگتر است ...

الْحَمْدُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَيْنا، وَكَه الشُّكْرُ عَلَى مَا أَوْلَيْنا. *

و ستایش خاص خدا است ستایش از آن خدا است بر آنچه ما را راهنمایی فرمود و برای او است سپاس بر آنچه به ما

بخشود * * *

چهارم آنکه چون نماز مغرب و نافله آنرا خواند دستها را به سوی آسمان بلند کند

و بگوید:

يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، يَا ذَا الْجُودِ، يَا مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَتَاصِرَهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ

ای صاحب نعمت و فضل ای صاحب جود و بخشش ای برگزیننده محمد و یاور او درود فرست بر محمد

وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَحْصَيْتَهُ، وَ هُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابِ مُبِينٍ

و آل محمد و بیامر از من هر گناهی را که شماره کرده‌ای و در کتابی روشن در پیش تو ثبت است

پس به سجده برود و صد مرتبه در سجده بگوید **أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ** پس هر حاجت که دارد از حقّ تعالی بخواهد که انشاء الله برآورده خواهد شد و در روایت شیخ است که بعد از نماز مغرب به به سجده رود و بگوید:

يَا ذَا الْحَوْلِ يَا ذَا الطَّوْلِ، يَا مُصْطَفِيًّا مُحَمَّدًا وَنَاصِرَهُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

ای صاحب نیرو و ای صاحب فضل ای برگزیده محمد و یاورش درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَنَسِيتُهُ أَنَا وَهَوَّ عِنْدَكَ فِي كِتَابِ مُبِينٍ

محمد و بیاور از من هر گناهی را که از من سر زده و خود فراموش کرده‌ام ولی نزد تو در دفتری روشن ثبت است

پس بگوید صد مرتبه **أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ**.

پنجم زیارت کند امام حسین علیه السلام را که فضیلت بسیار دارد و زیارت مخصوصه این شب در باب زیارات بیاید انشاء الله.

ششم ده مرتبه بگوید ذکر یا **دَائِمَ الْفَضْلِ** را که در اعمال شب جمعه گذشت.

هفتم بجا آورد ده رکعت نمازی که در شب آخر ماه رمضان گذشت.

هشتم بجا آورد دو رکعت نماز در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه توحید و در

دوم یک مرتبه بخواند و بعد از سلام سر به سجده بگذارد و صد مرتبه بگوید:

أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ پس بگوید: **يَا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، يَا مُصْطَفِيَّ**

توبه کنم بسوی خدا * * * * * ای صاحب منت و جود ای صاحب نعمت و بخشش ای برگزیده

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَفْعَلُ بِكَ كَذَا وَكَذَا.

محمد صلی الله علیه و آله درود فرست بر محمد و آلش و بکن درباره من چنین و چنان

و بجای آن حاجات خود را بطلبد و روایت است که حضرت امیرالمؤمنین علیه

السلام این دو رکعت را به این کیفیت به جا می آورد پس سر از سجده

برمی داشت و می فرمود بحق آن خداوندی که جانم بدست قدرت اوست هر که این نماز را بکند هر حاجت از خدا بطلبد البته عطا کند و اگر بعدد ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا بیامرزد و در روایت دیگر بجای هزار مرتبه توحید صد مرتبه وارد شده لکن نماز را بعد از نماز مغرب و نافله آن باید بجا آورد و شیخ و سید بعد از این نماز این دعا را نقل کرده اند:

یا اَللّهُ یا اَللّهُ یا اَللّهُ، یا رَحْمَنُ یا اَللّهُ، یا رَحِیمُ یا اَللّهُ، یا مَلِکُ یا اَللّهُ، یا قُدُّوسُ

ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای مهربان ای خدا ای پادشاه ای خدا ای منزّه از هر عیب ای

یا اَللّهُ، یا سَلامُ یا اَللّهُ، یا مُؤْمِنُ یا اَللّهُ، یا مُهَيِّمِنُ یا اَللّهُ، یا عَزِيزُ یا اَللّهُ، یا

خدا ای سلامت بخش ای خدا ای ایمنی بخش ای خدا ای مراقب ای خدا ای نیرومند ای خدا ای

جَبَّارُ یا اَللّهُ، یا مُتَكَبِّرُ یا اَللّهُ، یا خالِقُ یا اَللّهُ، یا باریُّ یا اَللّهُ، یا مُصَوِّرُ یا

مقتدر ای خدا ای عظیم الشان ای خدا ای آفریننده ای خدا ای موجد ای خدا ای صورت بخش ای

اَللّهُ، یا عالِمُ یا اَللّهُ، یا عَظِیمُ یا اَللّهُ، یا عَلِیمُ یا اَللّهُ، یا کَرِیمُ یا اَللّهُ، یا حَلِیمُ

خدا ای دانا ای خدا ای بزرگ ای خدا ای آگاه ای خدا ای بزرگووار ای خدا ای بردبار

یا اَللّهُ، یا حَکِیمُ یا اَللّهُ، یا سَمِیعُ یا اَللّهُ، یا بَصِیرُ یا اَللّهُ، یا قَرِیبُ یا اَللّهُ، یا

ای خدا ای فرزانه ای خدا ای شنوا ای خدا ای بینا ای خدا ای نزدیک ای خدا ای

مُجِیبُ یا اَللّهُ، یا جَواذُ یا اَللّهُ، یا ما جِدُ یا اَللّهُ، یا مَلِیُّ یا اَللّهُ، یا وَفِیُّ یا

اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای با شوکت ای خدا ای توانگر مقتدر ای خدا ای وفادار ای

اَللّهُ، یا مَوَلِیُّ یا اَللّهُ، یا قاضی یا اَللّهُ، یا سَریعُ یا اَللّهُ، یا شَدِیدُ یا اَللّهُ، یا

خدا ای سرور ای خدا ای داور ای خدا ای سریع ای خدا ای سخت گیر ای خدا ای

رَؤُفُ یا اَللّهُ، یا رَقیبُ یا اَللّهُ، یا مَجِیدُ یا اَللّهُ، یا حَفِیظُ یا اَللّهُ، یا مُحِیطُ

مهربان ای خدا ای نگهبان ای خدا ای شوکت مند ای خدا ای نگهبان ای خدا ای احاطه کننده

یا اَللّهُ، یا سَیِّدَ السَّاداتِ یا اَللّهُ، یا اَوَّلُ یا اَللّهُ، یا اَخرُ یا اَللّهُ، یا ظاهِرُ یا

ای خدا ای بزرگ بزرگان ای خدا ای آغاز ای خدا ای انجام ای خدا ای پیدا ای

اَللّٰهُ، يَا بَاطِنُ يَا اَللّٰهُ، يَا فَاحِرُ يَا اَللّٰهُ، يَا قَاهِرُ يَا اَللّٰهُ، يَا رَبّاهُ يَا اَللّٰهُ، يَا رَبّاهُ

ای خدا ای ناپیدا ای خدا ای با فخر ای خدا ای چیره ای خدا ای پروردگار من ای خدا ای پروردگار من

يَا اَللّٰهُ، يَا رَبّاهُ يَا اَللّٰهُ، يَا وَدُوْدُ يَا اَللّٰهُ، يَا نُورُ يَا اَللّٰهُ، يَا رَافِعُ يَا اَللّٰهُ، يَا

ای خدا ای پروردگار من ای خدا ای دوستدار ای خدا ای نور ای خدا ای رفعت ده ای خدا ای

مَانِعُ يَا اَللّٰهُ، يَا دَافِعُ يَا اَللّٰهُ، يَا فَاتِحُ يَا اَللّٰهُ، يَا نَافِحُ [عُ] يَا اَللّٰهُ، يَا جَلِيْلُ يَا اَللّٰهُ،

بازدارنده ای خدا ای جلوگیری کننده ای خدا ای گشاینده ای خدا ای دمنده نسیم رحمت ای خدا ای با جلالت ای خدا

يَا جَمِيْلُ يَا اَللّٰهُ، يَا شَهِيدُ يَا اَللّٰهُ، يَا شَاهدُ يَا اَللّٰهُ، يَا مُغيثُ يَا اَللّٰهُ، يَا

ای زیبا ای خدا ای گواه ای خدا ای شاهد ای خدا ای فریادرس ای خدا ای

حَبِيْبُ يَا اَللّٰهُ، يَا فَاطِرُ يَا اَللّٰهُ، يَا مُطَهِّرُ يَا اَللّٰهُ، يَا مَلِكُ يَا اَللّٰهُ، يَا مُقَدِّرُ يَا

دوست ای خدا ای خالق ای خدا ای پاک کننده ای خدا ای پادشاه ای خدا ای نیرومند ای

اَللّٰهُ، يَا قَابِضُ يَا اَللّٰهُ، يَا باسِطُ يَا اَللّٰهُ، يَا مَحِيْ يَا اَللّٰهُ، يَا مُمِيتُ يَا اَللّٰهُ، يَا

خدا ای گیرنده ای خدا ای گسترنده ای خدا ای زنده کننده ای خدا ای میراننده ای خدا ای

بَاعِثُ يَا اَللّٰهُ، يَا وَارِثُ يَا اَللّٰهُ، يَا مُعْطِيْ يَا اَللّٰهُ، يَا مُفْضِلُ يَا اَللّٰهُ، يَا مُنْعِمُ

برانگیخته ای خدا ای ارث برنده ای خدا ای عطا کننده ای خدا ای فروز بخش ای خدا ای نعمت بخش

يَا اَللّٰهُ، يَا حَقُّ يَا اَللّٰهُ، يَا مُبِيْنُ يَا اَللّٰهُ، يَا طَيِّبُ يَا اَللّٰهُ، يَا مُحْسِنُ يَا اَللّٰهُ، يَا

ای خدا ای برحق ای خدا ای آشکار کننده ای خدا ای پاکیزه ای خدا ای نیکوکننده ای خدا ای

مُجْمِلُ يَا اَللّٰهُ، يَا مُبْدِيْ يَا اَللّٰهُ، يَا مُعِيْدُ يَا اَللّٰهُ، يَا بَارِيْ يَا اَللّٰهُ، يَا بَدِيْعُ يَا

زیبا پرور ای خدا ای آغازنده ای خدا ای بازگرداننده ای خدا ای پدیدآورنده ای خدا ای نوآفرین ای

اَللّٰهُ، يَا هَادِيْ يَا اَللّٰهُ، يَا كَافِيْ يَا اَللّٰهُ، يَا شَافِيْ يَا اَللّٰهُ، يَا عَلِيٌّ يَا اَللّٰهُ، يَا

خدا ای راهنما ای خدا ای کفایت کننده ای خدا ای شفابخش ای خدا ای والا مرتبه ای خدا ای

عَظِيْمُ يَا اَللّٰهُ، يَا حَنَّانُ يَا اَللّٰهُ، يَا مَتَّانُ يَا اَللّٰهُ، يَا ذَا الطَّوْلِ يَا اَللّٰهُ، يَا

بزرگ ای خدا ای بسیار مهربان ای خدا ای بسیار بخشنده ای خدا ای صاحب نعمت ای خدا ای

مُتَعَالَى يَا اللَّهُ، يَا عَدْلُ يَا اللَّهُ، يَا ذَا الْمَعَارِجِ يَا اللَّهُ، يَا صَادِقُ يَا اللَّهُ، يَا

برتر ای خدا ای دادگر ای خدا ای دارای مراتب بلند ای خدا ای راستگو ای خدا ای

صَدُوقُ يَا اللَّهُ، يَا دَيَّانُ يَا اللَّهُ، يَا بَاقِي يَا اللَّهُ، يَا وَاقِي يَا اللَّهُ، يَا

راستی پیشه ای خدا ای جزاده ای خدا ای باقی ای خدا ای نگهدارنده ای خدا ای

ذَا الْجَلَالِ يَا اللَّهُ، يَا ذَا الْإِكْرَامِ يَا اللَّهُ، يَا مَحْمُودُ يَا اللَّهُ، يَا مَعْبُودُ يَا اللَّهُ، يَا

صاحب جلالت ای خدا ای صاحب بزرگواری ای خدا ای پسندیده ای خدا ای معبود ای خدا ای

صَانِعُ يَا اللَّهُ، يَا مُعِينُ يَا اللَّهُ، يَا مُكُونُ يَا اللَّهُ، يَا فَعَالُ يَا اللَّهُ، يَا لَطِيفُ يَا

سازنده ای خدا ای یاور ای خدا ای بوجود آورنده ای خدا ای کننده هر کار ای خدا ای با لطف ای

اللَّهُ، يَا غَفُورُ يَا اللَّهُ، يَا شَكُورُ يَا اللَّهُ، يَا نُورُ يَا اللَّهُ، يَا قَدِيرُ [يَمُ] يَا اللَّهُ، يَا رَبَّاهُ

خدا ای آمرزنده ای خدا ای سپاس دارنده ای خدا ای نور ای خدا ای توانا ای خدا ای پروردگار

يَا اللَّهُ، يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهُ، يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهُ، يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهُ، يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ

ای خدا

يَا اللَّهُ، يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهُ، يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهُ، يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهُ، يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهُ اسْتَلْكَ أَنْ

..... از تو خواهم که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَمَنَّ عَلَيَّ بِرِضَاكَ، وَتَغْفِرَ عَنِّي

درود فرستی بر محمد و آل محمد و به خشنودی خود بر من منت گذاری و به بردباریت از من

بِحِلْمِكَ، وَتَوَسَّعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَمِنْ حَيْثُ

بگذری و فراخ گردانی بر من از روزی حلال و پاکیزه‌ات و از جایی که

أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ، فَآتِي عَبْدَكَ لَيْسَ لِي أَحَدٌ سِوَاكَ، وَلَا

گمان دارم و از جایی که گمان ندارم زیرا من بنده توام و کسی را جز تو ندارم و نه هیچکس است

أَحَدٌ اسْتَلَّهُ غَيْرُكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ

که از او درخواست کنم جز تو ای مهربانترین مهربانان، آنچه خدا خواهد نیروئی نیست جز به خدای والای

الْعَظِيمِ پس به سجده می‌روی و می‌گویی: يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ،

بزرگ * * * * * ای خدا ای پروردگار من

يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ، بِكَ تُنْزِلُ كُلَّ حَاجَةٍ، أَسْئَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ فِي مَخْزُونٍ

ای فرستنده برکات هر حاجتی بدست تو فرود آید از تو خواهیم به هر نامی که در خزینه

الْغَيْبِ عِنْدَكَ، وَالْأَسْمَاءِ الْمَشْهُورَاتِ عِنْدَكَ، الْمَكْتُوبَةِ عَلَى سُرَادِقِ

غیب تو محفوظ است و نامهایی که پیش تو آشکار است آنها که بر سراپرده‌های

عَرَشِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقْبَلَ مِنِّي شَهْرَ

عرش تو نوشته شده که درود فرستی بر محمد و آل محمد و از من بپذیری ماه

رَمَضَانَ، وَتَكْتَبَنِي مِنَ الْوَافِدِينَ إِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَتَصَفِّحَ لِي عَنِ

رمضان را و نامم را در زمره رفتگان بسوی خانه محترمت (کعبه) بنویسی و از گناهان بزرگم

الذُّنُوبِ الْعِظَامِ، وَتَسْتَخْرِجَ [لِي] يَا رَبُّ كُنُوزَكَ يَا رَحْمَنُ *

چشم‌پوشی کنی و گنجهای خود را برایم بیرون آوری ای خدای بخشاینده

نهم، چهارده رکعت نماز کند بخواند در هر رکعتی حمد و آیه‌الکرسی و سه

مرتبه قل هو الله احد تا برای او باشد به هر رکعتی ثواب عبادت چهل سال و

عبادت هر که روزه گرفته و نماز خوانده در آن ماه.

دهم شیخ در مصباح فرموده که در آخر شب غسل کن و بنشین در جای نماز

خود تا طلوع فجر روز اول روز عید فطر است و اعمال آن چند چیز است:

اول آنکه بخوانی بعد از نماز صبح و نماز عید آن تکبیراتی را که در شبش بعد

از نماز فریضه می‌خواندی.

دویم آنکه بخوانی بعد از نماز صبح دعائی را که سید روایت کرده اَللّهُمَّ اِنِّي

تَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ اِمَامِي الْخ و شیخ این دعا را بعد از نماز عید ذکر فرموده .

سیم بیرون کردن زکوة فطره است از هر سری صاعی پیش از نماز عید به
تفصیلی که در کتب فقهیه است و بدانکه زکوة فطره واجب مؤکد است و شرط
قبولی روزه ماه رمضان و سبب حفظ تا سال دیگر است و حق تعالی آن را
مقدم بر نماز ذکر فرموده در این آیه شریفه قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ
فَصَلَّى.

چهارم غسل است و بهتر آن است که اگر ممکن شود از نهر غسل کنی و وقت
آن بعد از طلوع فجر است تا زمان بجا آوردن نماز عید چنانچه شیخ فرموده و
در جزء روایتی است که غسل را در زیر سقفی بکن و چون خواستی غسل کنی
بگو:

اللَّهُمَّ اِيْمَانًا بِكَ، وَتَصَدِيقًا

** خدایا بخاطر ایمان به تو و تصدیق

بكِتَابِكَ، وَاتِّبَاعُ سُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. پس بسم الله بگو و

کتاب تو و پیروی از روش پیغمبرت محمد صلی الله علیه و آله

گسل کن و چون از غسل فارغ شدی بگو: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ كَفَّارَةً لِذُنُوبِي، وَطَهْرًا

***** خدایا قرارش ده کفاره گناهانم و دین و مذهبم را

دینی اللَّهُمَّ اَذْهَبْ عَنِّي الدَّنَسَ. *

پاک گردان خدایا دور کن از من چرکی را

پنجم پوشیدن جامه نیکو و به کار بردن بوی خوش و رفتن به صحرا در غیر
مکه برای نماز کردن در زیر آسمان.

ششم پیش از نماز عید در اوّل روز افطار کنی و بهتر آنست که به خرما یا به شیرینی باشد و شیخ مفید فرموده مستحب است تناول کردن مقدار کمی از تربت سیدالشهداء علیه السلام که شفا است از برای هر دردی .

هفتم آنکه چون مهیا شدی از برای رفتن به نماز عید بیرون نروی مگر بعد از طلوع آفتاب و آنکه بخوانی دعاهائی را که سید در اقبال نقل کرده از جمله از ابو حمزه ثمالی روایت کرده از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرمود بخوان در عید فطر و قربان و جمعه وقتی که مهیا شدی به جهت بیرون رفتن به

نماز این دعا را:

اَللّٰهُمَّ مِنْ تَهِيًّا فِيْ هَذَا الْيَوْمِ اَوْ تَعَبًا، اَوْ اَعْدًا

* خدایا هر که آماده شده در این روز یا مهیا

وَاسْتَعَدَّ لِوِفَادَةِ اِلَى مَخْلُوْقٍ، رَجَاءَ رِفْدِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ

و مستعد و مجهز گشته برای ورود به یکی از مخلوقات به امید جایزه و صلّه و بهره‌ها

وَعَطَايَاهُ، فَاِنَّ اِلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهِيَّتِي وَتَعْبِيَّتِي، وَاَعْدَادِي

و عطاهای او ولی ای آقای من تنها بسوی تو است آمادگی و تهیه

وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ، وَنَوَافِلِكَ وَفَوَاضِلِكَ، وَفَضَائِلِكَ

و استعداد و تجهیز من به امید جایزه و صلّه‌ها و بهره‌ها و بخششها و فضلها

وَعَطَايَاكَ، وَقَدْ غَدَوْتُ اِلَى عِيدٍ مِنْ اَعْيَادِ اُمَّةٍ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ

و عطاهای تو و بامداد کردم در عیدی از عیدهای امت پیامبرت محمد که درودهای تو

اللّٰهِ عَلَيْهِ وَعَلَى اِلٰهِ، وَلَمْ اَقِدْ اِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ اَثِقُ بِهِ قَدَمْتُهُ،

بر او و بر آتش باد و البته ورود من بسوی تو نه به امید کردار شایسته‌ای است که بدان اطمینان داشته و پیشکش آورده

وَلَا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوْقٍ اَمَلْتُهُ، وَلَكِنْ اَتَيْتُكَ خَاضِعًا مُّقْرَأًا بِذُنُوبِي، وَاِسَاتَتِي

باشم و نه اینست که به مخلوقی رو کرده و آرزومندش باشم بلکه با حال خضوع به درگاه تو آمده و معترف به گناه و

إِلَى نَفْسِي، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ، اغْفِرْ لِي الْعَظِيمَ مِنْ ذُنُوبِي، فَإِنَّهُ

بدی خود بر نفس خویشتنم پس ای خدای بزرگ بیامرز بزرگ گناهانم را زیرا نیامرزد گناهان بزرگ

لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعَظِيمَ إِلَّا أَنْتَ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

را جز تو ای که معبودی جز تو نیست ای مهربانترین مهربان

*هشتم خواندن نماز عیداست و آن دو رکعت است در رکعت اول حمد و سوره

اعلیٰ بخواند و بعد از قرائت پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیری این قنوت را

بخواند:

اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ، وَأَهْلَ الْعَفْوِ

خدایا ای اهل بزرگی و عظمت و ای شایسته بخشش و قدرت و سلطنت و ای شایسته عفو

وَالرَّحْمَةِ، وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي

و رحمت و ای شایسته تقوی و آمرزش از تو خواهم به حق این روزی که

جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا، وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْرًا [وَشَرَفًا]

قرارش دادی برای مسلمانان عید و برای محمد صلی الله علیه و آله ذخیره و شرف

وَمَزِيدًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ

و فزونی مقام که درود فرستی بر محمد و آل محمد و درآوری مرا در هر خیری که

أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ

درآوردی در آن خیر محمد و آل محمد را و بروم آری از هر بدی و شری که برون آوردی

مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

از آن محمد و آل محمد را - که درودهای تو بر او و بر ایشان باد - خدایا از تو خواهم

خَيْرًا مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادَتِكَ الصَّالِحُونَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ

بهترین چیزی را که درخواست کردند از تو بندگان شایستهات و پناه برم به تو از آنچه پناه بردند از آن

عِبَادَتِكَ الصَّالِحُونَ. پس تکبیر ششم بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع و

سجود برخیزد به رکعت دویم و بعد از حمد سوره وَالشَّمْسِ بخواند پس چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیری آن قنوت را بخواند و چون فارغ شد تکبیر پنجم بگوید و به رکوع رود پس نماز را تمام کند و بعد از سلام تسبیح زهراء علیها السلام بفرستد و بعد از نماز عید دعاهای بسیار وارد شده است و شاید بهترین آنها دعای چهل و ششم صحیفه کامله باشد و مستحب است که نماز عید در زیر آسمان و بر روی زمین بدون فرش و بُوریا واقع شود و آنکه برگردد از مُصَلّی از غیر آن راهی که رفته بود و دعا کند از برای برادران دینی خود به قبولی اعمال.

نهم زیارت کند امام حسین علیه السلام را .

دهم بخواند دعای ندبه را که بعد از این بیاید انشاء الله تعالی و سید بن طاوس فرموده که چون از دعا فارغ شود به سجده رود و بگوید:

أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِ حَرُّهَا لَا يُظْفَى،

پناه می‌برم به تو از آتشی که حرارتش خاموش نشود

وَجَدِيدُهَا لَا يَبْلَى، وَعَطْشَانُهَا لَا يُرْوَى پس بگذارد گونه راست را و بگوید

و تازه‌اش کهنه نگردد و تشنه‌اش سیراب نشود * * * * *

إِلٰهِي لَا تُقَلِّبْ وَجْهِي فِي النَّارِ بَعْدَ سُجُودِي وَتَعْفِيرِي لَكَ بَعِيرٍ مِّنْ

خدایا بدست آتش مسپار چهره‌ام را پس از سجده کردنم و بخاک مالیدنم آن را برای تو بدون اینکه متی

مِنِّي عَلَيْكَ، بَلْ لَكَ الْمَنْ عَلَىِّ پس بگذارد گونه چپ را و بگوید: اِرْحَمْ مَنْ اَسَاءَ

بر تو داشته باشم بلکه تو بر من مَنّت داری * * * * * رحم کن کسی را که بد کرده

وَاقْتَرَفَ، وَاسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ پس برگردد بحال سجده و بگوید: اِنْ كُنْتُ بِسْ

و به نافرمانی دست زده و بیچاره گشته و اعتراف بدانها دارد * * * * * اگر من بد

الْعَبْدُ فَانْتَ نِعْمَ الرَّبُّ، عَظَّمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ

بنده‌ای هستم پس تو خوب پروردگاری هستی بزرگ است گناه بنده‌ات پس باید گذشت تو نیز

عِنْدِكَ يَا كَرِيمٍ پس بگوید: اَلْعَفْوُ الْعَفْوُ صد مرتبه آنگاه سید فرموده: وَلَا تَقْطَعْ

نیکو باشد ای خدای کریم * * * * * گذشت خواهم گذشت خواهم * * * * * و مگذران

يَوْمَكَ هَذَا بِاللَّعْبِ وَالْإِهْمَالِ، وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ أَمْرًا دُوْدُ أَمْ مَقْبُولٌ

این روزت را به بازی و اهمال کاری در صورتی که تو نمی‌دانی آیا مردود درگاهی یا اینکه اعمالت

الْأَعْمَالِ، فَإِنْ رَجَوْتَ الْقَبُولَ فَقَابِلْ ذَلِكَ بِالشُّكْرِ الْجَمِيلِ، وَإِنْ خِفْتَ

پذیرفته شده پس اگر امید پذیرفته شدن داری برابرش کن به سپاسگزاری نیکو و اگر از بازگشتش ترسی

الرَّدِّ، فَكُنْ أَسِيرَ الْحُزْنِ الطَّوِيلِ رُوزِ بِيَسْتِ و پنجم سنه صد و چهل و هشت به

دست به گریبان اندوه طولانی باش * * * * *

قول بعضی وفات امام جعفر صادق علیه السلام واقع شده و بعضی روز وفات را

نیمه رجب گفته‌اند و سبب وفات آن حضرت زهری بوده که در انگور به آن

حضرت خورانیده بودند و روایت شده که چون هنگام وفات آن حضرت شد

چشمهای خود را گشود و فرمود که خویشان مرا جمع کنید چون همه جمع

شدند بسوی ایشان نظر کرد و فرمود شفاعت ما نمی‌رسد به کسی که نماز را

سبک بشمارد و اعتنا به شأن او ننماید.

در اعمال ماه ذی القعدة

فصل پنجم در اعمال ماه ذی القعدة بدان که این ماه اوّل ماههای حرام است که حق تعالی در قرآن مجید ذکر فرموده و سیّد بن طاوس روایتی نقل کرده که ذی القعدة محلّ اجابت دعا است در وقت شدّت و در روز یکشنبه این ماه نمازی با فضیلت بسیار از رسول خداصلی الله علیه وآله روایت کرده که مجملش آن است که هر که آن را بجا آورد توبه اش مقبول و گناهش آمرزیده شود و خصماء او در روز قیامت از او راضی شوند و با ایمان بمیرد و دینش گرفته نشود و قبرش گشاده و نورانی گردد و والدینش از او راضی گردند و مغفرت شامل حال والدین او و ذریّه او گردد و توسعه رزق پیدا کند و ملک الموت با او در وقت مردن مدارا کند و به آسانی جان او بیرون شود و کیفیت آن چنان است که در روز یکشنبه غسل کند و وضو بگیرد و چهار رکعت نماز گذارد در هر رکعت حمد یک مرتبه و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ سه مرتبه و مُعَوِّذَتَيْنِ یک مرتبه پس استغفار کند هفتاد مرتبه و ختم کند استغفار را به لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،

***** جنبش و نیروئی نیست جز به خدای والای بزرگ

پس بگوید: يَا عَزِيزُ يَا عَفَّارُ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،

***** ای نیرومند ای بسیار آمرزنده بیمارز گناهانم را و گناهان همه مردان مؤمن و زنان با ایمان

فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. فقیر گوید ظاهر آن است که این استغفار مذکور و دعای

بعد را بعد از

را که نیامزد کسی گناهان را جز تو * * * * *

نماز باید بجا آورد و بدان که روایت شده که هر که در یکی از ماههای حرام سه روز متوالی که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادت برای او نوشته شود.

و شیخ أَجَلَّ عَلِيَّ بن ابراهیم قمی فرموده که در ماههای حرام گناهان مضاعف می‌شود و همچنین حسنات روز یازدهم سنه صد و چهل و هشت روز ولادت با سعادت حضرت امام رضاعلیه السلام است شب پانزدهم شب مبارک است خداوند نظر رحمت می‌فرماید بر بندگان مؤمنین خود و کسی که در این شب به طاعت حق تعالی مشغول باشد از برای او باشد اجر صد نفر سائح یعنی روزه‌دار مُلازم مسجد که معصیت نکرده باشد خدا را طرفه‌العینی چنانکه در روایت نبوی صلی الله علیه وآله است پس این شب را مغتنم شمار و مشغول کن خود را به طاعت و عبادت و نماز و طلب حاجات از خدا همانا روایت شده که هر که سؤال کند در این شب حاجتی از خداوند تعالی به او عطا خواهد شد روز بیست و سیم سنه دویست و سه به قولی شهادت حضرت امام رضاعلیه السلام واقع شده و زیارت آن حضرت از نزدیک و دور سُنَّت است: قَالَ السَّيِّدُ بْنُ طَاوُسٍ فِي

الْأَقْبَالِ وَرَأَيْتُ فِي بَعْضِ تَصَانِيفِ أَصْحَابِنَا

سید بن طاووس در کتاب اقبال فرموده من در برخی از کتابهای علمای شیعه

الْعَجْمِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُزَارَ مَوْلِينَا الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ

غیر عرب رضوان الله عليهم دیدم که نوشته بود مستحب است زیارت مولای ما حضرت رضا علیه السلام

يَوْمَ ثَالِثِ وَعِشْرِينَ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ مِنْ قُرْبٍ أَوْ بَعْدٍ، بِبَعْضِ

در روز بیست و سوم ماه ذی قعدة از دور و نزدیک بوسیله برخی از

زیاراته المَعْرُوفَة، أَوْ بِمَا يَكُونُ كَالزِّيَارَةِ مِنَ الرِّوَايَةِ بِذَلِكَ

زیارتهای معروف آن حضرت یا بدان چه مانند زیارت باشد از روایاتی که در این باره رسیده

شب بیست و پنجم شب دَحْوِ الْأَرْضِ است (یعنی پهن شدن زمین از زیر خانه کعبه بر روی آب) و از لیالی شریفه است که رحمت خدا در آن نازل می‌شود و قیام به عبادت در آن اجر بسیار دارد و از حَسَن بن علی وَشَا روایتست که گفت من کودک بودم که با پدرم در خدمت امام رضاعلیه السلام شام خوردیم در شب بیست و پنجم ماه ذی القعدة پس فرمود که امشب حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام متولد شده‌اند و زمین از زیر کعبه پهن شده است پس هر که روزش را روزه بدارد چنان است که شصت ماه را روزه داشته باشد.

و به روایت دیگر است که فرمود در این روز حضرت قائم علیه السلام قیام خواهد نمود روز بیست و پنجم روز دَحْوِ الْأَرْضِ است و یکی از آن چهار روز است که در تمام سال به فضیلت روزه ممتاز است و در روایتی روزه‌اش مثل روزه هفتاد سال است و در روایت دیگر کَفَّارَه هفتاد سالست و هر که این روز را روزه بدارد و شبش را به عبات بسر آورد از برای او عبادت صد سال نوشته شود و از برای روزه‌دار این روز هر چه در میان آسمان و زمین است استغفار کند و این روزی است که رحمت خدا در آن منتشر گردیده و از برای عبادت و اجتماع به ذکر خدا در این روز اجر بسیار است و از برای این روز به غیر از

روزه و عبادت و ذکر خدا و غسل دُو عمل وارد است اوّل نمازی که در کتب شیعه قُمیین روایت شده و آن دو رکعت است در وقت چاشت در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سوره وَالشَّمْسِ بخواند و بعد از سلام نماز بخواند:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

جنبش و نیروئی نیست جز به خدای والای بزرگ

پس دعا کند و بخواند: یا مُقْبِلَ الْعَثْرَاتِ أَقْلِنِي عَثْرَتِي، یا مُجِيبَ

***** ای نادیده گیر لغزشها، نادیده گیر لغزشم را ای اجابت کننده

الدَّعَوَاتِ أَجِبْ دَعْوَتِي، یا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ اسْمَعْ صَوْتِي،

دعاها اجابت کن دعایم را ای شنوای صداها بشنو صدایم را

وَارْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَنِّي سَيِّئَاتِي وَمَا عِنْدِي، یا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

و به من رحم کن و از گناهانم و آنچه بدی دارم درگذر ای صاحب جلال و بزرگواری

دویم خواندن این دعا است که شیخ در مصباح فرموده مستحب است خواندن آن:

اللَّهُمَّ دَاحِيَ الْكَعْبَةِ، وَفَالِقَ الْحَبَّةِ وَصَارِفَ اللَّزْبَةِ، وَكَاشِفَ كُلِّ كُرْبَةٍ،

خدایای ای گسترنده خانه کعبه و شکافنده دانه و برطرف کننده سختی و گشاینده هر غم و گرفتاری

أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ أَيَّامِكَ الَّتِي أَعْظَمْتَ حَقَّهَا، وَأَقْدَمْتَ سَبْقَهَا،

از تو خواهم در این روز از روزهایت که بزرگ گرداندی حقش را و در سبقت پیشش انداختی

وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ وَدِيْعَةً، وَإِلَيْكَ ذَرِيْعَةً، وَبِرَحْمَتِكَ الْوَسِيْعَةِ،

و در نزد مؤمنین آن را به ودیعت نهادی و آن را وسیله‌ای برای آمدن به پیشگاهت و رسیدن برحمت و وسعت قراردادی

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ الْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيثَاقِ الْقَرِيبِ يَوْمَ

که درود فرستی بر محمد بنده برگزیده‌ات در روز میثاق نزدیک که روز

التَّلَاقِ، فَاتِقِ كُلِّ رَتَقٍ، وَدَاعِ إِلَى كُلِّ حَقٍّ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَطْهَارِ

دیدار و ملاقات است آن بزرگواری که هر در بسته‌ای را گشود و به هر حقی دعوت فرمود و بر خاندان پاکیزه

الْهُدَاةِ الْمَنَارِ، دَعَائِمِ الْجَبَّارِ، وَوَلَاةِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَأَعْطِنَا فِي يَوْمِنَا

و راهنمایان روشنی‌بخش و پایه‌های دین خدا و زمامداران کار بهشت و دوزخند و عطا کن به ما در این روز

هَذَا مِنْ عَطَائِكَ الْمَخْزُونِ غَيْرَ مَقْطُوعٍ وَلَا مَمْنُوعٍ، تَجْمَعُ لَنَا بِهِ

از عطای موجود در خزینه‌ات که نه پایان دارد و نه جلوگیری شود گردآوری بدان برای ما

التَّوْبَةِ وَحُسْنِ الْأَوْبَةِ، يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَأَكْرَمَ مَرْجُوٍّ، يَا كَفِيًّا يَا وَفِيًّا، يَا

توبه و بازگشت خوبی را بسوی خودت ای بهترین خواننده شدگان و بزرگواری‌ترین مایه امید ای کفایت‌کننده ای وفادار

مَنْ لُطْفُهُ خَفِيٌّ، الْطُفَّ لِي بِالطُّفِكَ، وَأَسْعِدْنِي بِعَفْوِكَ، وَأَيِّدْنِي بِنَصْرِكَ،

ای که لطفش در نهان و خفا است بلطف خویش بر من لطف فرما و به عفو ت سعادت‌مندم کن و به یاریت کمکم ده

وَلَا تُنْسِنِي كَرِيمَ ذِكْرِكَ بِوَلَاةِ أَمْرِكَ، وَحَفَظَةَ سِرِّكَ، وَاحْفَظْنِي مِنْ

و از یاد گرمی‌نات فراموشم مکن به حق زمامداران کار خود و نگهداری رازت و نگاهم دار از

شَوَائِبِ الدَّهْرِ إِلَى يَوْمِ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، وَأَشْهَدْنِي أَوْلِيَاءَكَ عِنْدَ

آلودگیهای روزگار تا روز حشر و برانگیخته شدن و گواه گیر برایم دوستانت را هنگام

خُرُوجِ نَفْسِي، وَحُلُولِ رَمْسِي، وَأَنْقِطَاعِ عَمَلِي، وَأَنْقِضَاءِ أَجَلِي،

جان دادم و سرازیر شدنم در قبر و به پایان رسیدن کردارم و بسر آمدن عمرم

اللَّهُمَّ وَادْكُرْنِي عَلَى طَوْلِ الْبَلِي، إِذَا حَلَلْتُ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى،

خدایا یادم کن در دوران دراز پوسیده شدنم در آن هنگام که میان توده‌های خاک وارد شوم

وَسَيِّبِنِي النَّاسُونَ مِنَ الْوَرَى، وَأَحِلِّلْنِي دَارَ الْمُقَامَةِ، وَبَوِّئْنِي مَنْزِلَ

و مردم فراموشکار یکسره فراموشم کرده‌اند و در خانه ماندنی (بهشت) فرودم آر و در منزل

الْكَرَامَةِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ مُرَافِقِي أَوْلِيَاءِكَ، وَأَهْلِ اجْتِبَائِكَ وَأَصْطِفَائِكَ،

کرامت جایم ده و از رفقای دوستانت و برگزیدگان و مخصوصانت قرارم ده

وَبَارِكْ لِي فِي لِقَائِكَ، وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْعَمَلِ قَبْلَ حُلُولِ الْأَجَلِ،

و دیدارت را بر من مبارک گردان و حسن عمل روزیم کن پیش از آنکه عمرم بسر رسد

بَرِيئاً مِنَ الزَّلَلِ وَسَوْءِ الْخَطْلِ، اَللّٰهُمَّ وَاوْرِدْنِيْ حَوْضَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

در حالی که پاک از لغزش و بد کرداری باشم خدایا مرا به حوض پیامبرت محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ، وَاَسْقِنِيْ مِنْهُ مَشْرَباً رَوِيّاً سَائِغاً هَنِئِئاً، لَا اَظْمَأُ

صلی الله علیه و آله (یعنی حوض کوثر) واردم کن و بنوشان مرا از آن حوض نوشاندنی سیراب کننده و روان و گوارا

که دیگر

بَعْدَهُ وَلَا اَحَلّاً وَرَدَّهُ، وَلَا عَنَّهُ اُذَادُ، وَاَجْعَلْهُ لِيْ خَيْرَ زَادٍ، وَاَوْفِيْ مِيعَادٍ

تشنه نشوم و از ورود بدان جلوگیری نکنند و بازم ندارند و آن را برایم بهترین توشه راه و کاملترین وعده گاه

يَوْمَ يَقُومُ الشَّاهِدُ، اَللّٰهُمَّ وَالْعَن جَبَابِرَةَ الْاَوْلِيْنَ وَالْاٰخِرِيْنَ،

در روز به پا خواستن گواهان قرار ده خدایا دور ساز از رحمت سرکشان اولین و آخرین را

وَبِحُقُوْقِ اَوْلِيَّائِكَ الْمُسْتَأْتِرِيْنَ، اَللّٰهُمَّ وَاَقْصِمْ دَعَائِمَهُمْ، وَاَهْلِكْ

و آنانکه به حقوق دوستان برگزیده ات تجاوز و تعالی کردند خدایا پایه های حکومتشان را در هم شکن

اَشْيَاعَهُمْ وَعَامِلَهُمْ، وَعَجِّلْ مَهَالِكَهُمْ، وَاَسْلُبْهُمْ مَمَالِكَهُمْ، وَضَيِّقْ

و پیروان و عاملان را نابود گردان و به هلاکتشان تعجیل کن و مملکتهاشان را از ایشان بگیر و راهها

عَلَيْهِمْ مَسَالِكَهُمْ، وَالْعَن مُسَاهِمَهُمْ وَمُشَارِكَهُمْ، اَللّٰهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ

را بر ایشان تنگ فرما و آنانکه با ایشان سهم و شریک هستند نیز از رحمت دور کن خدایا شتاب کن در فرج

اَوْلِيَّائِكَ، وَاَرُدُّ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ، وَاُظْهِرْ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ، وَاَجْعَلْهُ

دوستانت و حقوق از دست رفته شان را به آنها باز گردان و قائمشان را به حق ظاهر گردان

لِدِينِكَ مُتَّصِراً، وَبِاَمْرِكَ فِيْ اَعْدَائِكَ مُؤْتِماً، اَللّٰهُمَّ احْفَظْهُ بِمَلَائِكَةِ

و یاری ستاننده دینت و فرمانروای در میان دشمنانت قرارش ده خدایا فرشتگان یاری دهنده را گرداگردش

التَّصْرِ، وَبِمَا اَلْفَيْتَ اِلَيْهِ مِنَ الْاَمْرِ فِيْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ مُتَّقِماً لَكَ حَتَّى

قرار ده و بدان دستوری که در شب قدر بر او فرستی وی را انتقام کشنده برای خودت قرار ده بدان حد

تَرْضَى، وَيَعُوْذُ دِيْنِكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيْداً غَضّاً، وَيَمْحُضُ الْحَقَّ

که تو خوشنود گردی و دین تو به وسیله او و بدست او بصورت نو و تازه ای درآید و حق کاملاً

مَحْضًا، وَيَرْفُضَ الْبَاطِلَ رَفْضًا، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيِّهِ وَعَلَى جَمِيعِ اَبَائِهِ،

خالص گردد و باطل یکسره از بین برود خدایا درود فرست بر او و بر همه پدرانش

وَاجْعَلْنَا مِنْ صَاحِبِهِ وَأُسْرَتِهِ، وَابْعَثْنَا فِي كَرَّتِهِ، حَتَّى نَكُونَ فِي زَمَانِهِ

و قرار ده ما را از اصحاب و نزدیکانش و در زمان رجعت او ما را برانگیز تا ما در زمان او

مِنْ أَعْوَانِهِ، اَللّٰهُمَّ اَذْرِكْ بِنَا قِيَامَهُ، وَأَشْهِدْنَا اَيَّامَهُ، وَصَلِّ عَلَيِّهِ، [على

جزء یارانش باشیم خدایا توفیق درک زمان قیام او را نصیب ما گردان و در روزگار ظهورش ما را حاضر کن و درود

مُحَمَّدٍ] وَارْزُدْ اِلَيْنَا سَلَامَهُ، وَالسَّلَامُ عَلَيِّهِ [عَلَيْهِمْ] وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ.

فرست بر او و سلام او را بسوی ما بازگردان و سلام و تحیت و رحمت خدا و برکاتش بر او باد

و بدانکه میرداماد رحمه الله در رساله اربعه ایام خود در بیان اعمال روز

دَحْوُالارض فرموده که زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام در این روز افضل

اعمال مستحبّه و آکدِ آدابِ مَسْتُونَه است و همچنین زیارت آن حضرت در روز

اول ماه رجب الفرد نیز به غایت مؤکد و مَحْتُوْتُ عَلَيِّهِ است روز آخر ماه سنه

دویست و بیست بنابر مشهور حضرت امام محمد تقی علیه السلام به زهر

معتمضم در بغداد شهید شد و این بعد از دو سال و نیم تقریباً از فوت مأمون

گذشته بود چنانکه خود آن جناب میفرمود اَلْفَرَجُ بَعْدَ اَلْمَأْمُونِ بِثَلَاثِينَ شَهْرًا و این

کلمه مُشْعِرِ است بر آنکه آن حضرت از سوء معاشرت مأمون در کمال اذیت و

صدمه بود که مرگ خود را فَرَج و گشایش خود تعبیر نموده چنانکه پدر

بزرگوارش حضرت امام رضاعلیه السلام در زمان ولایتعهد خود نیز چنین بوده

و در هر جمعه که از مسجد جامع مراجعت می فرمود به همان حالی که عرق دار

و غبار آلوده بود دستها را به درگاه الهی بلند می کرد و می گفت اِلٰهِي اِذَا فَرَجَ و

گشایش امر من در مرگ من است پس همین ساعت در مرگ من تعجیل فرما و پیوسته در غم و غصّه بود تا از دنیا رحلت فرمود و حضرت امام محمد تقی علیه السلام در وقتی که وفات کرد از سنّ شریفش بیست و پنج سال و چند ماهی گذشته بود قبر شریفش در بقعه مبارکه کاظمیه در پشت سر جدّ بزرگوارش حضرت امام موسی علیه السلام واقع است.

فصل ششم

در اعمال ماه ذی الحجّه

بدان که این ماه از ماههای شریفه است و چون این ماه داخل می شد صلّحای صحابه و تابعین اهتمام عظیم در عبادت می کردند و دهه اول آن ایّام معلّومات است که در قرآن مجید ذکر آن شده است و در نهایت فضیلت و برکت است و از رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که عمل خیر و عبادت در هیچ ایّامی نزد حق تعالی محبوبتر نیست از این دهه و از برای این دهه اعمالی است اول روزه گرفتن نه روز اول این دهه که ثواب روزه تمام عمر دارد دویم خواندن دو رکعت نماز مابین مغرب و عشاء در تمام شبهای این دهه در هر رکعت بعد از حمد بخواند یک مرتبه توحید و آیه:

وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً، وَاتَّمَمْنَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، وَقَالَ

و وعده کردیم با موسی سی شب و کامل کردیم آن را به ده شب دیگر و بدین ترتیب وعده گاه خدا چهل شب تمام شد

مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ أَخْلَفْنِي فِي قَوْمِي، وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ.

و موسی به برادرش هارون گفت جانشین من باش در میان قومم و کارشان را اصلاح کن و از راه فساد جویان پیروی مکن

تاباثواب حاجیان شریک شود سیّم از روز اوّل تا عصر روز عرفه در عقب نماز صبح و پیش از مغرب بخواند این دعا را که شیخ و سید از حضرت صادق علیه

السلام روایت کرده اند:

اللَّهُمَّ هَذِهِ الْأَيَّامُ الَّتِي فَضَّلْتَهَا عَلَيَّ

خدایا این روزهایی است که برتری

الْأَيَّامِ وَشَرَّفْتَهَا، [و] قَدْ بَلَّغْتَنِيهَا بِمَنْكَ وَرَحْمَتِكَ، فَانزِلْ عَلَيْنَا مِنْ

و شرافتش دادی بر سایر روزها و به لطف و رحمتت مرا بدانها رساندی پس

بَرَكَاتِكَ، وَأَوْسِعْ عَلَيْنَا فِيهَا مِنْ نِعْمَاتِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ

برکات خودت را بر ما فرو بار و از نعمتهای خود در این روزها بر ما وسعت ده خدایا من از تو خواهم که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَهْدِيَنَا فِيهَا لِسَبِيلِ الْهُدَى،

درود فرستی بر محمد و آل محمد و نیز خواهم که ما را در این روزها به راه هدایت

وَالْعَفَافِ وَالْغِنَى، وَالْعَمَلِ فِيهَا بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، اللَّهُمَّ إِنِّي

و پاکدامنی و بی نیازی راهنمایی فرمانی و موفقمان داری به انجام آنچه دوست داری و موجب خوشنودی تو است خدایا

أَسْأَلُكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى، وَيَا سَامِعَ كُلِّ نَجْوَى، وَيَا شَاهِدَ كُلِّ

از تو خواهم ای جایگاه هر شکایت و ای شنوای هر سخن سیری و راز و ای حاضر در هر

مَلَأَ، وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

جمع و ای دانای هر نهان که درود فرستی بر محمد و آل محمد و

تَكْشِفَ عَنَّا فِيهَا الْبَلَاءَ وَتَسْتَجِيبَ لَنَا فِيهَا الدُّعَاءَ، وَتُقَوِّمَنَا فِيهَا

بگشائی در این روزها از ما بلاء و گرفتاری را و مستجاب گردانی در آنها دعای ما را و نیرو دهی به ما

وَتُعِينَنَا وَتُقَوِّمَنَا فِيهَا لِمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى، وَعَلَى مَا افْتَرَضْتَ

در این روزها و کمکمان دهی و موفقمان داری پروردگارا بدانچه دوست داری و خوشنود گردی و بر آنچه واجب

عَلَيْنَا مِنْ طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَأَهْلِ وَلايَتِكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي

کرده‌ای بر ما از اطاعت خودت و اطاعت پیامبرت و اهل ولایت خدایا از تو

اَسْئَلُكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ

خواهم ای مهربانترین مهربانان که درود فرستی بر محمد و آل محمد و در این

تَهَبَ لَنَا فِيهَا الرِّضَا، اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، وَاَنْ تَحْرِمَنَا خَيْرًا مَا تُنَزِلُ

ایام خوشنودی خویش را به من ببخش که براستی تو شنوای دعائی و محروم مکن ما را از خیریی که در

فِيهَا مِنَ السَّمَاءِ، وَطَهَّرْنَا مِنَ الذُّنُوبِ يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ، وَاَوْجِبْ لَنَا

این روزها از آسمان فرو باری و پاکمان کن از گناهان ای دانای بر نادیدنیها و واجب گردان در این ایام

فِيهَا دَارَ الْخُلُودِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَتْرَكَ لَنَا

برای ما خانه جاویدان را خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و هیچ گناهی برای ما باقی

فِيهَا ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ، وَاَنْ هَمًّا اِلَّا فَرَجْتَهُ، وَاَنْ دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ، وَاَنْ غَائِبًا

مگذار جز آنکه بیماریزی و نه اندوهی جز آنکه بگشائی و نه بدهی جز آنکه بپردازی و نه غائبی

اِلَّا اَدَيْتَهُ، وَاَنْ حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اِلَّا سَهَّلْتَهَا وَيَسَّرْتَهَا،

جز آنکه به ما برسانی و نه حاجتی از حاجات دنیا و آخرت جز آنکه آسان و هموارش گردانی

اِنَّكَ عَلَيَّ كَلِّشِيءٍ قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ، يَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ،

که براستی تو بر هر چیز توانائی خدایا ای دانای اسرار پنهان ای رحم کننده بر اشک دیدگان

يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ، يَا رَبَّ الْاَرْضَيْنِ وَالسَّمَوَاتِ، يَا مَنْ لَا تَتَشَابَهُ

ای اجابت کننده دعاها ای پروردگار زمینها و آسمانها ای که

عَلَيْهِ الْاَصْوَاتُ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ وَاَجْعَلْنَا فِيهَا مِنْ

صداها(ی بیشمار) بر او اشتباه نشود درود فرست بر محمد و آل محمد و قرار ده ما را در این روزها از

عَتَقَاتِكَ وَطَلَقَاتِكَ مِنَ النَّارِ، وَاَلْفَائِزِينَ بِجَنَّتِكَ، وَاَلنَّاجِينَ بِرَحْمَتِكَ

آزادشدگان و رهائی یافتگان از آتش و نائل شوندگان به بهشت و نجات یافتگان بوسیله رحمت

يَا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ. چهارم

ای مهربانترین مهربانان و درود خدا بر آقای ما محمد و آلش همگی * * *

در هر روز از دهه بخواند پنج دعائی را که حضرت جبرئیل برای حضرت عیسی علیه السلام از جانب حق تعالی هدیه آورده که در ایام این دهه بخواند و آن پنج دعا این است:

(۱) أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَكَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ،

* (۱) گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریک ندارد از آن او است فرمانروائی و خاص او است

ستایش هر چه خیر است بدست اوست

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲) أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،

و او بر هر چیز توانا است (۲) گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریک ندارد

أَحَدًا صَمَدًا، لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَكْدًا (۳) أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

یگانه بی نیازی که همسر و فرزندی برای خود نگیرد (۳) گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه

وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا

نیست که شریک ندارد یگانه بی نیازی که نزاید و نه زائیده شده و نیست برایش همتائی

أَحَدٌ (۴) أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَكَهُ

هیچکس (۴) گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریکی ندارد از آن اوست فرمانروائی و خاص او

الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى

است ستایش زنده کند و بمیراند و او است زنده‌ای که نمیرد خیر بدست او است و او بر هر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۵) حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا، لَيْسَ رَآءَ

چیز توانا است (۵) بس است مرا خدا و کافی است بشنود خدا صدای هر کس که دعا کند و رای

اللَّهِ مُنْتَهَى، أَشْهَدُ لِلَّهِ بِمَا دَعَا، وَأَنَّهُ بَرِيءٌ مِمَّنْ تَبَرَّءَ، وَأَنَّ لِلَّهِ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى.

خدا انتهائی نیست گواهی دهم برای خدا بدانچه خوانده است و اینکه بیزار است از هر که از او بیزاری جسته و برای

خدا است آخرت و دنیا

پس حضرت عیسیٰ علیه السلام ثواب بسیاری نقل کرد برای خواندن هر یک از این پنج دعا را صد مرتبه و دور نیست چنانکه علامه مجلسی رحمه الله فرموده اگر کسی هر روز هر یک از این دعاها را ده مرتبه بخواند عمل به روایت کرده باشد و اگر هر روز هر یک را صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود پنجم بخواند در هر روز این دهه این تهلیلات را که از امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست با

ثواب بسیار و اگر روزی ده مرتبه بخواند بهتر است :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ اللَّيَالِي وَالذُّهُورِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ أَمْوَاجِ الْبُحُورِ، لَا

* معبودی جز خدا نیست به شماره شبها و روزگاران معبودی جز خدا نیست به شماره موجهای دریاها

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الشُّوْكِ

معبودی جز خدا نیست و رحمت او بهتر است از آنچه مردم جمع کنند معبودی جز خدا نیست به شماره هر خار

وَالشَّجَرِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبْرِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الْحَجَرِ

و هر درخت معبودی جز خدا نیست به شماره هر مو و کُرک معبودی جز خدا نیست به شماره هر سنگ

وَالْمَدْرِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ لَمَحِ الْعُيُونِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا

و کلوخ معبودی جز خدا نیست به شماره بهم خوردن چشمها معبودی جز خدا نیست در شب چون

عَسَسَ، وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الرِّيحِ فِي الْبَرِّ

تاریک شود و در صبح چون بدمد معبودی نیست جز خدا به شماره بادها در صحراها

وَالصُّحُورِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنَ الْيَوْمِ إِلَى يَوْمٍ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ.

و کوهها معبودی جز خدا نیست از امروز تا روز نفخ صور

روز اوّل روز بسیار مبارک است و در آن چند عمل وارد است: اوّل روزه که

ثواب روزه هشتاد ماه دارد.

دوم خواندن نماز حضرت فاطمه علیها السلام و شیخ فرموده که روایت شده که آن چهار رکعتست بدو سلام مثل نماز امیرالمؤمنین علیه السلام در هر رکعت حمد یک مرتبه و توحید پنجاه مرتبه و بعد از سلام تسبیح آن حضرت بخواند و بگوید:

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُتَيْفِ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ،

منزه است خدای صاحب عزت بلند و والا منزه است صاحب شوکت مرتفع و بزرگ منزه است

سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى آثَرَ النَّمْلَةِ فِي الصَّفَا،

صاحب فرمانروائی گرانمایه و دیرینه منزه است آنکس که بیند جای پای مور را بر روی سنگ

سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَفِعَ الطَّيْرِ فِي الْهُوَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ.

خارا منزه است آنکس که بیند رد عبور پرند را در هوا منزه است آنکس که فقط او چنین است و جز او چنین نیست

سیم دو رکعت نماز پیش از زوال به نیم ساعت در هر رکعت حمد یک مرتبه و هر یک از توحید و آیه الكرسی و قدر ده مرتبه .

چهارم هر که از ظالمی ترسد در این روز بگوید حَسْبِي حَسْبِي حَسْبِي مِنْ

سُؤَالِي عِلْمُكَ بِحَالِي تَا حَقَّ تَعَالَى كَفَايَتُ كُنْدِ شَرِّ ظَالِمٍ رَا اَزْ اَوْ.

و بدانکه در این روز توّلّد شده حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام و در این روز

به روایت شیخین تزویج شده حضرت فاطمه با امیرالمؤمنین علیهما السلام

روز هفتم سنه صد و چهارده وفات حضرت امام محمد باقر علیه السلام در مدینه

واقع شده و روز حُزْنِ شِيعَةِ اسْت .

روز هشتم روز تَرْوِيهِ اسْت و روزه اش فضیلت دارد و روایت شده که کفاره

شصت سال است و شیخ شهید غسل این روز را مستحب دانسته .

شب نهم از لیالی متبرکه و شب مناجات با قاضی الحاجاتست و توبه در آن شب مقبول و دُعا در آن مُستجابست و کسی که آن شب را به عبادت بسر آورد اجر صد و هفتاد سال عبادت داشته باشد و از برای آن شب چند عمل است اول بخواند این دعا را که روایت شده هر که بخواند آن را در شب عرفه یا در

شبهای جمعه خداوند بیامرزد او را:

اَللّٰهُمَّ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى، وَمَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى، وَعَالِمَ كُلِّ

خدایا ای آگاه هر راز و مرجع هر شکایت و دانای هر

خَفِيَّةٍ، وَمُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ عَلَيَّ

پنهان و منتهای هر حاجت ای آغازنده نعمت‌ها بر بندگان

اَلْعِبَادِ، يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا جَوَادُ، يَا مَنْ لَا

ای بزرگوار گذشت ای نیکو درگذر ای بخشنده ای که

يُورِي مِنْهُ لَيْلٌ دَاجٍ، وَلَا بَحْرٌ عَجَّاجٌ، وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ اَبْرَاجٍ، وَلَا ظَلَمٌ

نه شب تاریکی را از تو پنهان کند و نه دریای موج و نه آسمان برج‌دار و نه تاریکیهای

ذَاتُ اِرْتِنَاجٍ، يَا مَنْ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِيَاءٌ، اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ،

پیچیده درهم ای کسی که تاریکی در پیش او روشن است از تو خواهم به حق نور ذات بزرگوارت

اَلَّذِي تَجَلَّيْتْ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكَّاءً، وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا، وَبِاسْمِكَ

همان که بدان وسیله بر کوه تجلی فرمودی و آنرا متلاشی کردی و موسی مدهوش بر زمین افتاد و به همان نامت

اَلَّذِي رَفَعْتَ بِهِ السَّمَوَاتِ بِلا عَمَدٍ، وَسَطَّحْتَ بِهِ اَلْاَرْضَ عَلَيَّ وَجْهٍ

که آسمانها را بدون ستون برافراشتی و زمین را بر روی آبی منجمد شده پهن کردی

مَاءٍ جَمَدٍ، وَبِاسْمِكَ اَلْمُخْرُؤُنِ اَلْمَكْنُونِ اَلْمَكْتُوبِ الطَّاهِرِ، اَلَّذِي اِذَا

و بدان نامت که پیش تو در گنجینه و در پرده و نوشته و پاکیزه است همانکه هرگاه بدان نام

دُعِيْتُ بِهِ اَجَبْتُ، وَاِذَا سُئِلْتَ بِهِ اَعْطَيْتَ، وَبِاسْمِكَ السُّبُوْحِ اَلْقُدُّوسِ

به خوانندت اجابت کنی و هرگاه بدان از تو خواهند عطا فرمائی و به حق نام منزه و مقدس

الْبُرْهَانَ، الَّذِي هُوَ نَوْرٌ عَلَى كُلِّ نَوْرٍ، وَنَوْرٌ مِنْ نَوْرٍ، يُضِيئُ مِنْهُ كُلُّ

و برهان تو که آن نور است بر هر نوری و نور است از نوری که روشنی گیرد از آن هر

نَوْرٌ، إِذَا بَلَغَ الْأَرْضَ انشَقَّتْ، وَإِذَا بَلَغَ السَّمَوَاتِ فُتِحَتْ، وَإِذَا بَلَغَ

نور چون به زمین رسد شکافته شود و چون به آسمانها رسد گشوده شوند و چون به عرش

الْعَرْشِ اهْتَرَّتْ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَرْتَعِدُ مِنْهُ فَرَائِصُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ

رسد بلرزد و به حق آن نامت که بلرزد از آن اندام فرشتگان و از تو خواهم

بِحَقِّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صَلَّى

به حق جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و به حق محمد مصطفی که درود

اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ، وَبِالْإِسْمِ

خدا بر او و آلش و بر جمیع پیمبران و همه فرشتگان و به حق آن نامی

الَّذِي مَشَى بِهِ الْخَضِرُ عَلَى قُلْلِ الْمَاءِ، كَمَا مَشَى بِهِ عَلَى جَدَدِ

که حضرت خضر بوسیله آن بر روی امواج آب دریا راه می‌رفت چنانچه بر روی زمین

الْأَرْضِ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي فَلَقْتَ بِهِ الْبَحْرَ لِمُوسَى وَأَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ

هموار راه می‌رفت و به حق آن نامت که شکافتی بدان دریا را برای موسی و غرق کردی فرعون

وَقَوْمَهُ، وَأَنْجَيْتَ بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ وَمَنْ مَعَهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي

و قوم او را و نجات دادی بدان موسی بن عمران و همراهانش را و به حق آن نامت که موسی

دَعَاكَ بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ

بن عمران بوسیله آن تو را خواند از جانب راست کوه طور و اجابتش کردی

وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ أَحْيَى عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ

و محبت خود را بر دلش انداختی و به حق آن نامت که عیسی بن مریم بوسیله‌اش مردگان را زنده کرد

الْمَوْتَى، وَتَكَلَّمَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا، وَأَبْرَأَ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ،

و در گهواره در زمان کودکی سخن گفت و کور مادرزاد و مبتلای به مرض برص را به اذن تو شفا داد

وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةٌ عَرْشِكَ، وَجَبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ

و بدان نامت که خواند بوسیله آن تو را حاملین عرش و جبرئیل و میکائیل

وَإِسْرَافِيلُ وَحَبِيبُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَلَائِكَتُكَ

و اسرافیل و حبیب محمد صلی الله علیه و آله و فرشتگان

الْمُقَرَّبُونَ، وَأَنْبِيَاءُ وَاكُمُ الْمُرْسَلُونَ، وَعِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، مِنْ أَهْلِ

مقرب و پیمبران مرسلت و بندگان شایسته‌ات از اهل

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ ذُو النَّوْنِ، إِذْ ذَهَبَ

آسمانها و زمینها و بدان نامت که یونس تو را بدان نام خواند در آن هنگام

مُعَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ تَقْدِرَ عَلَيْهِ، فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا

که خشمناک برفت و گمان داشت که بر او سخت نگیری پس ندا کرد در میان تاریکیها که معبودی جز تو نیست

أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ مِنَ النِّعَمِ،

منزهی تو و برستی من از ستمکاران هستم پس تو اجابتش کردی و از اندوه نجاتش دادی

وَكَذَلِكَ تَنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ دَاوُدُ وَخَرَّ

و این چنین نجات دهی مؤمنان را و بدان نام عظیمت که داود بدان نام تو را خواند و برایت

لَكَ سَاجِدًا، فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَتْكَ بِهِ أَسِيَّةُ امْرَأَةٍ

به سجده افتاد پس گناهش آمرزیدی و بدان نامت که آسیه همسر

فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، وَنَجِّنِي مِنْ

فرعون بدان نام تو را خواند و گفت: پروردگارا برای من نزد خود در بهشت خانه‌ای بنا کن و نجاتم ده از

فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ، وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَائَهَا،

فرعون و کردارش و نجاتم ده از دست مردم ستمکار پس دعایش را اجابت کردی

وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ إِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ فَعَافَيْتَهُ وَآتَيْتَهُ أَهْلَهُ،

و بدان نامت که ایوب تو را بدان خواند در آن هنگام که بلا بر او نازل شد پس او را تندرست کرده و کسانش را به او

وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي

دادی و نظائرشان را نیز از رحمت خویش و پندی برای پرستش کنندگان و بدان نامت

دَعَاكَ بِهِ يَعْقُوبُ فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصْرَهُ، وَقَرَّةَ عَيْنِهِ يَوْسُفَ، وَجَمَعْتَ

که یعقوب تو را بدان نام خواند پس بینایش را و نور دیده‌اش یوسف را به او بازگرداندی

شَمْلَهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ سُلَيْمَانُ، فَوَهَبْتَ لَهُ مُلْكًا لَا يُنْبَغِي

و پریشانیش را برطرف کردی و بدان نامت که سلیمان بدان تو را خواند پس بدو سلطنتی دادی که شایسته نبود

لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي سَخَّرْتَ بِهِ الْبُرَاقَ

برای هیچکس پس از او و براستی تو پریشانشی و بدان نامت که براق را

لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، إِذْ قَالَ تَعَالَى: سُبْحَانَ الَّذِي

برای محمد صلی الله علیه و آله مسخر کردی آنجا که فرمودی: «منزه است خدائی که

أَسْرَى بَعْدَهُ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى وَقَوْلُهُ

راه برد بنده‌اش را شبانه از مسجدالحرام تا مسجد اقصی» و گفتار دیگر:

سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ، وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا

«منزه است خدائی که مسخر کرد برای ما این را و گرنه ما نیروی تسخیرش را نداشتیم و ما بسوی پروردگارانمان

لَمُنْقَلِبُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَنَزَّلَ بِهِ جِبْرَائِيلُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

باز می‌گردیم» و بدان نامت که نازل می‌شد بوسیله آن جبرئیل بر محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آدَمُ، فَفَعَّرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ، وَأَسْكَنْتَهُ

علیه و آله و بدان نامت که خواند بدان نام تو را آدم پس گناهش آمرزیدی و در بهشت

جَنَّتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ،

جایش دادی و از تو خواهم به حق قرآن عظیم و به حق محمد خاتم پیمبران

وَبِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ، وَبِحَقِّ فَصْلِكَ يَوْمَ الْقَضَاءِ، وَبِحَقِّ الْمَوَازِينِ إِذَا

و به حق ابراهیم و به حق جدا کردن حق و باطل را در روز داوری و به حق میزانها هنگامی که

نُصِبَتْ، وَالصُّحُفِ إِذَا نُشِرَتْ، وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَمَا جَرَى، وَاللُّوحِ وَمَا

نصب گردد و نامه‌ها آنگاه که گشوده شود و به حق قلم و آنچه بنویسد و لوح و آنچه

أَحْصَى، وَيَحَقُّ الْأِسْمِ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ خَلْقِكَ

بشمارد و به حق آن نامت که نوشتی آنرا بر سراپرده‌های عرش پیش از آنکه خلق را

الْخُلُقَ وَالْدُنْيَا، وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ بِالْفَىٰ عَامٍ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

بیافرینی و دنیا و خورشید و ماه را خلق فرمائی و گواهی دهم که معبودی جز خدای

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

یگانه نیست که شریکی ندارد و اینکه محمد بنده و رسول او است و از تو خواهم بدان نام

الْمُخْزُونِ فِي خَزَائِنِكَ، الَّذِي اسْتَأْتَرْتُ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، لَمْ

محفوظ در خزینه‌هایت که مخصوص خود ساختی آنرا در علم غیب در نزد خویشتن

يُظْهَرُ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا عَبْدٌ

و آگاه نشد بر آن هیچکس از خلق تو نه فرشته مقرب و نه پیامبر مرسل و نه بنده

مُضْطَفًّى وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَقَقْتَ بِهِ الْبِحَارَ، وَقَامَتْ بِهِ الْجِبَالُ

برگزیده‌ای و از تو خواهم بدان نامت که شکافتی بدان دریاها را و برپا شد بدان کوهها

وَاخْتَلَفَ بِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَيَحَقُّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ

و در رفت و آمد شد بدان شب و روز و به حق سوره مبارکه حمد و قرآن عظیم

وَيَحَقُّ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَيَحَقُّ طَهَ وَيَسَ، وَكَهَيْعَصَ وَحَمْعَسَقَ،

و به حق نویسندگان ارجمندت و به حق طه و یس و کهیعص و حمعسق

وَيَحَقُّ تَوْرِيَةَ مُوسَىٰ وَأَنْجِيلَ عِيسَىٰ، وَزَبُورَ دَاوُدَ، وَفُرْقَانَ مُحَمَّدٍ

و به حق تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود و قرآن محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَىٰ جَمِيعِ الرُّسُلِ، وَبَاهِيًا شَرَاهِيًا، اللَّهُمَّ إِنِّي

که درود تو بر او و آتش و بر جمیع رسولان باد و به حق آهی و شراهی (که دو نام اعظم یا نام دو تن از بزرگان دین

أَسْئَلُكَ بِحَقِّ تِلْكَ الْمُنَاجَاتِ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مُوسَىٰ بْنِ

است) خدایا از تو خواهم به حق آن مناجاتی که میان تو و موسی بن

عِمْرَانَ، فَوْقَ جَبَلِ طُورِ سَيْنَاءَ، وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ مَلَكٌ

عمران در بالای کوه طور سیناء گذشت و از تو خواهم به آن نامت که آن را برای گرفتن

الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْأُرْوَاحِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كُتِبَ عَلَيَّ وَرَقِ

جانها به ملک الموت یاد دادی و از تو خواهم بدان نامت که نوشته شد به برگ

الزَيْتُونِ فَخَضَعْتَ النَّيْرَانَ لِتِلْكَ الْوَرْقَةِ، فَقُلْتَ يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا

زیتون و آتشها در مقابل آن نام فروتن گشت و فرمودی «ای آتش سرد

وَسَلَامًا، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَيَّ سُرَادِقِ الْمَجْدِ وَالْكَرَامَةِ،

و سلامت باش» و از تو خواهم بدان نامت که نوشتی آنرا بر سراپرده‌های مجد و کرامت

يَا مَنْ لَا يُخْفِيهِ سَائِلٌ، وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ، يَا مَنْ بِهِ يُسْتَعَاثُ وَإِلَيْهِ

ای که درمانده‌اش نکند سائلی و نگاهدش دادن جایزه‌ای، ای که به او استغاثه شود و

يُجَاءُ، أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ، وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ،

به او پناه برند از تو خواهم به حق آنچه موجب عزت عرشت گشته و به آخرین حد نهایی رحمت از کتاب تو

وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَجَدَّكَ الْأَعْلَى، وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الْعُلَى، اللَّهُمَّ

و به اسم اعظم و مقام والاتر و کلمات کامله و والایت خدایا

رَبَّ الرِّيحِ وَمَا ذَرَتْ، وَالسَّمَاءِ وَمَا أَظَلَّتْ، وَالْأَرْضِ وَمَا أَقَلَّتْ،

ای پروردگار بادها و آنچه پراکنده کند و پروردگار آسمان و آنچه را سایه کند و پروردگار زمین و آنچه بر خود دارد

وَالشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّتْ، وَالْبِحَارِ وَمَا جَرَتْ، وَبِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ عَلَيْكَ

و پروردگار شیاطین و آنچه را گمراه کند و دریاها و آنچه را همراه برند و به حق هر حقی که بر تو است

حَقٌّ، وَبِحَقِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَالرُّوحَانِيِّينَ وَالْكَرُوبِيِّينَ،

و به حق فرشتگان مقربت و روحانیان و کروبیان

وَالْمُسَبِّحِينَ لَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَفْتُرُونَ، وَبِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ،

و آنانکه تسبیح کنند به شب و روز بی آنکه سستی کنند و به حق ابراهیم خلیل تو

وَبِحَقِّ كُلِّ وَلِيٍّ يُنَادِيكَ بَيْنَ الصَّغَا وَالْمَرُوءَةِ، وَسَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ، يَا

و به حق هر ولی و دوستی که تو را در میان صفا و مروه صدا زند و دعایش را به اجابت رسانی ای

مُجِيبُ اسْتَلْكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ، وَبِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ، أَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا

اجابت کننده از تو خواهم به حق این نامها و به این دعاها که بیماریز می آنچه از

قَدَمْنَا وَمَا آخَرْنَا، وَمَا أَسْرَرْنَا وَمَا أَعْلَنَّا، وَمَا أَبْدَيْنَا وَمَا أَخْفَيْنَا، وَمَا

گناهان که از پیش داشته و از این پس داریم و آنچه پنهان کرده و آنچه را آشکار کردیم و آنچه را ظاهر کرده و آنچه را

أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

مخفی کردیم و و آنچه را تو بدان آگاهتری از ما که براستی تو بر هر چیز توانایی به رحمتت ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، يَا حَافِظَ كُلِّ غَرِيبٍ، يَا مُؤَيِّسَ كُلِّ وَحِيدٍ يَا قُوَّةَ كُلِّ

مهربانان ای نگهدار هر غریب ای همدم هر تنها ای نیروی هر

ضَعِيفٍ، يَا نَاصِرَ كُلِّ مَظْلُومٍ، يَا رَازِقَ كُلِّ مَحْرُومٍ يَا مُؤَيِّسَ كُلِّ

ناتوان ای یاور هر ستمدیده ای روزی ده هر محروم ای مؤسس هر

مُسْتَوْحِشٍ، يَا صَاحِبَ كُلِّ مُسَافِرٍ، يَا عِمَادَ كُلِّ حَاضِرٍ، يَا غَافِرَ كُلِّ

وحشت زده ای همراه هر مسافر ای تکیه گاه هر حاضر در وطن ای آمرزنده هر

ذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، يَا

گناه و خطای فریادرس فریادخواهان ای دادرس دادخواهان ای

كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ، يَا بَدِيعَ

برطرف کننده محنت زندگان ای غمزدای غمزدگان ای پدید آورنده

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، يَا مُنْتَهَى غَايَةِ الطَّالِبِينَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ

آسمانها و زمینها ای منتهای مقصود جویندگان ای اجابت کننده دعای

الْمُضْطَرِّينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، يَا دِيَانَ يَوْمِ الدِّينِ،

درماندگان ای مهربانترین مهربانان ای پروردگار جهانیان ای جزا دهنده روز جزا

يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصَرَ

ای بخشنده ترین بخشنندگان ای با کرتمترین کریمان ای شنواترین شنوایان ای بیناترین

النَّاظِرِينَ، يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ، اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ،

بینایان ای قادرترین قدرتمندان بیمارز از من آن گناہانی را کہ نعمتها را تغییر دہد

وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُوْرثُ النَّدَمَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

و بیمارز از من گناہانی را کہ پشیمانی بہ بار آورد و بیمارز از من گناہانی را کہ

تُوْرثُ السَّقَمَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ، وَاعْفِرْ لِي

موجب بیماریها گردد و بیمارز از من گناہانی را کہ پردهها بدرد و بیمارز از من

الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ قَطْرَ

گناہانی را کہ دعا را باز گرداند و بیمارز از من گناہانی را کہ باران را از

السَّمَاءِ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

آسمان جلوگیری کند و بیمارز از من گناہانی را کہ شتاب در نابودی کند و بیمارز از من گناہانی را

الَّتِي تُجَلِّبُ الشَّقَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ، وَاعْفِرْ لِي

کہ بدبختی آرد و بیمارز از من گناہانی کہ هوا را تاریک کند و بیمارز از من

الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا

گناہانی را کہ پرده را بالا زند و بیمارز از من گناہانی را کہ جز تو کسی آنها را نیامزد

غَيْرِكَ يَا اللَّهُ، وَاحْمِلْ عَنِّي كُلَّ تَبِعَةٍ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ

ای خدا و بردار از دوش من ہر حقی کہ از یکی از خلق تو بر گردن من است و قرار دہ برای من در

أَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَيُسْرًا، وَأَنْزِلْ يَقِينَكَ فِي صَدْرِي، وَرَجَاءَكَ

کارم گشایش و آسانی و وسیلہ بیرون آمدنی و فرود آر یقینت را در سینہام و امیدت را

فِي قَلْبِي، حَتَّى لَا أَرْجُوَ غَيْرَكَ، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَعَافِنِي فِي مَقَامِي،

در دلم تا امیددی بہ کسی جز تو نداشته باشم خدایا مرا حفظ کن و عافیتم دہ در جایگاهم

وَاصْحَبْنِي فِي لَيْلِي وَنَهَارِي، وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ

و ہمراہ من باش در شب و روزم و از پیش رو و پشت سرم و از

يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي، وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي، وَيَسِّرْ لِي السَّبِيلَ،

راست و چپم و از بالای سر و زیر پایم و راہ را بر من هموار کن

وَأَحْسِنُ لِيَ التَّيْسِيرَ، وَلَا تَخْذُلْنِي فِي الْعَسِيرِ، وَاهْدِنِي يَا خَيْرَ دَلِيلٍ،

و آسانی خوشی برایم پیش آور و در دشواریها خوارم مکن و راهنمایی کن ای بهترین راهنما

وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِي الْأُمُورِ، وَلَقِّنِي كُلَّ سُرُورٍ، وَأَقْلِبْنِي إِلَى

و در کارها مرا به خودم وامگذار و هر سرور و خوشحالی را به دلم انداز و بازگردان مرا بسوی

أَهْلِي بِالْفَلَاحِ وَالنَّجَاحِ، مَخْبُورًا فِي الْعَاجِلِ وَالْأَجَلِ، أَنْتَ عَلَى

خانواده‌ام به رستگاری و کامیابی و آراسته به شادکامی در دنیا و آخرت که برستی تو

كُلِّشَيْءٍ قَدِيرٌ، وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ،

بر هر چیز توانائی و از فضل خویش روزیم کن و فراخ گردان بر من از روزیهای پاکیزه‌ات

وَاسْتَعْمَلْنِي فِي طَاعَتِكَ، وَأَجِرْنِي مِنْ عَذَابِكَ وَتَارِكِ، وَأَقْلِبْنِي إِذَا

و وادارم کن به انجام طاعتت و پناهم ده از عذاب و آتش دوزخت و بگردانم به رحمت خود

تَوَقَّيْتَنِي إِلَى جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ،

هنگامی که مرا از این جهان بیرون بری بسوی بهشتت خدایا به تو پناه برم از زوال نعمت

وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ، وَمِنْ حُلُولِ نِقْمَتِكَ، وَمِنْ نُزُولِ عَذَابِكَ،

و از تغییر یافتن عافیتت و از آمدن عقوبتت و از نازل شدن عذابت

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَدَرَكِ الشَّقَاءِ، وَمِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ

و به تو پناه برم از سختی بلاء و گرفتاری و رسیدن بدبختی و از تقدیر بد

وَسَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا فِي

و شماتت دشمنان و از شر آنچه از آسمان فرود آید و از شر آنچه در

الْكِتَابِ الْمُنَزَّلِ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْأَشْرَارِ، وَلَا مِنْ أَصْحَابِ

کتاب منزل خود (قرآن) بیان فرموده‌ای خدایا مرا از اشرار و از اهل دوزخ قرارم

النَّارِ، وَلَا تَحْرِمْنِي صُحْبَةَ الْأَخْيَارِ، وَأَحِينِي حَيَوَةَ طَيِّبَةً، وَتَوَقَّيْنِي

مده و از مصاحبت نیکان محروم مفرما و به زندگی پاکیزه زنده‌ام بدار و به مرگ

وَفَاةً طَيِّبَةً تَلْحَقُنِي بِالْأَبْرَارِ، وَارْزُقْنِي مُرَاقَمَةَ الْأَنْبِيَاءِ فِي مَقْعَدِ

پاکیزه‌ای بمیرانم که به نیکان ملحقم داری و رفاقت پیمبران را روزیم گردانی در جایگاه

صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكَ مُقْتَدِرٍ، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰى حُسْنِ بِلَايِكَ

پسندیده نزد پادشاهی نیرومند خدایا از آن تو است ستایش بر خوش آزمایشی

وَصُنْعِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى الْاِسْلَامِ وَاتِّبَاعِ السُّنَّةِ، يَا رَبَّ كَمَا

و خوش رفتاریت و تو را است ستایش بر نعمت دین اسلام و پیروی طریقه (پیمبران) پروردگارا چنانچه

هَدَيْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَعَلَّمْتَهُمْ كِتَابَكَ، فَاهْدِنَا وَعَلَّمْنَا، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى

آن پیمبران را به دین خود راهنمایی کردی و کتاب خود را به آنان یاد دادی ما را نیز هدایت کرده و یادمان ده و تو را

حُسْنِ بِلَايِكَ وَصُنْعِكَ، عِنْدِيْ خَاصَّةً كَمَا خَلَقْتَنِيْ فَاحْسَنْتَ خَلْقِيْ،

است ستایش بر خصوص آزمایش و رفتار نیکت درباره شخص من که مرا آفریدی و خلقتم را نیکو کردی

وَعَلَّمْتَنِيْ فَاحْسَنْتَ تَعْلِيْمِيْ، وَهَدَيْتَنِيْ فَاحْسَنْتَ هِدَايَتِيْ، فَلَكَ

و یاد دادی و نیکو یاد دادی و هدایتیم کردی و نیکو هدایت کردی پس تو را است

الْحَمْدُ عَلٰى اِنْعَامِكَ عَلٰى قَدِيْمًا وَحَدِيْثًا، فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يٰ سَيِّدِيْ

ستایش بر نعمت بخشیت نسبت به من از زمان قدیم و جدید پس چه بسیار محنتی که ای آقای من

قَدْ فَرَجْتَهُ، وَكَمْ مِنْ غَمٍّ يٰ سَيِّدِيْ قَدْ نَفَسْتَهُ، وَكَمْ مِنْ هَمٍّ يٰ سَيِّدِيْ قَدْ

تو آن را گشودی و چه بسیار اندوهی که ای آقای من تو آن را زدودی و چه بسیار غم و غصه‌ای که ای آقای من تو آنرا

كَشَفْتَهُ، وَكَمْ مِنْ بَلَاءٍ يٰ سَيِّدِيْ قَدْ صَرَفْتَهُ، وَكَمْ مِنْ عَيْبٍ يٰ سَيِّدِيْ

برطرف کردی و چه بسیار بلا و گرفتاری ای آقای من که تو آن را باز گرداندی و چه بسیار عیبی ای آقای من

قَدْ سَرَّتَّهُ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى كُلِّ حَالٍ، فِيْ كُلِّ مَثْوًى وَرَمَانٍ، وَمُنْقَلَبٍ

که تو آنرا پوشاندی پس تو را است ستایش بر هر حال و در هر جا و هر زمان و هر منزل

وَمَقَامٍ، وَعَلٰى هَذِهِ الْحَالِ وَكُلِّ حَالٍ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ مِنْ اَفْضَلِ عِبَادِكَ

و هر مقام و بر این حال و هر حال خدایا قرار ده مرا از بهترین بندگانت

نَصِيْبًا فِيْ هَذَا الْيَوْمِ مِنْ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ، اَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ، اَوْ سَوْءٍ تَصْرِفُهُ،

در بهره‌مندی این روز از هر خیریی که قسمت کنی یا گرفتاری که برطرف کنی یا بدی که بازش گردانی

أَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ، أَوْ خَيْرٍ تَسُوْقُهُ، أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا أَوْ عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا،

یا بلائی که دفعش کنی یا خیری که بفرستی یا رحمتی که بگسترانی یا جامه تندرستی که بپوشانی

فَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَبِيَدِكَ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَنْتَ

که برستی تو بر هر چیز توانائی و خزینه‌های آسمانها و زمین بدست تو است و توئی

الْوَاحِدَ الْكَرِيمَ الْمُعْطِيَ الَّذِي لَا يُرَدُّ سَأْلُهُ، وَلَا يُخَيَّبُ أَمَلُهُ، وَلَا

خدای یگانه بزرگووار عطابخشی که خواهنده‌اش دست خالی بازنگردد و آرزومندش ناامید نشود و

يُنْقِصُ نَأْتِلُهُ، وَلَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ بَلْ يَزِدَادُ كَثْرَةً وَطِبَاءً، وَعَطَاءً وَجُودًا،

عطاهايش نقصان نپذیرد و خزینه‌اش پایان ندارد بلکه همواره به زیادی و پاکیزگی و عطا و جودش

وَأَرْزُقُنِي مِنْ خَزَائِنِكَ الَّتِي لَا تَفْنَى، وَمِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ، إِنَّ عَطَاكَ لَمْ

ببفزاید و روزیم کن از خزینه‌هایت که فنا نپذیرد و از رحمت وسعت که برستی عطاى تو از

يَكُنْ مَحْظُورًا، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

کسی منع نشده و تو بر هر چیز توانائی به رحمتت ای مهربانترین مهربانان

*دویم بخواند آن هزار مرتبه [به نقل کفعمی] تسبیحات عشر را که سید ذکر

فرموده و بیاید در اعمال روز عرفه .

سیم بخواند دعاء اللّٰهُمَّ مَنْ تَعَبَّأَ وَ تَهَيَّأَ رَا كَه دَر رُوز عَرَفَه وَ شَب وَ رُوز جَمعه

نیز وارد است و گذشت ذکر آن در اعمال شب جمعه.

چهارم زیارت کند امام حسین علیه السلام و زمین کربلا را و بماند در آنجا تا

روز عید تا آنکه از شر آن سال نگاه داشته شود روز نهم روز عرفه و از اعیاد

عظیمه است اگرچه به اسم عید نامیده نشده است و روزی است که حق تعالی

بندگان خویش را به عبادت و طاعت خود خوانده و موائد جود و احسان خود را

برای ایشان گسترانیده و شیطان در این روز خوار و حقیرتر و رانده‌تر و

خشمناکترین اوقات خواهد بود و روایت شده که حضرت امام زین العابدین علیه السلام شنید در روز عرفه صدای سائلی را که از مردم سؤال می نمود فرمود به او وای بر تو آیا از غیر خدا سؤال می کنی در این روز و حال آنکه امید می رود در این روز برای بچه های در شکم آنکه فضل خدا شامل آنها شود و سعید شوند و از برای این روز اعمال چند است اول غسل دویم زیارت امام حسین علیه السلام که مقابل هزار حجّ و هزار عمره و هزار جهاد بلکه بالاتر است و احادیث در کثرت فضیلت زیارت آن حضرت در این روز متواتر است و اگر کسی توفیق یابد که در این روز در تحت قُبّه مقدّسه آن حضرت باشد ثوابش کمتر از کسی که در عرفات باشد نیست بلکه زیاده و مقدّم است و کیفیت زیارت آن حضرت بعد از این در باب زیارات بیاید انشاء الله تعالی سیم بعد از نماز عصر پیش از آنکه مشغول بخواندن دعاهای عرفه شود دو رکعت نماز بجا آورد در زیر آسمان و اعتراف و اقرار کند نزد حق تعالی به گناهان خود تا فایز شود به ثواب عرفات و گناهانش آمرزیده گردد پس مشغول شود به اعمال و ادعیه عرفه که از حُجَجِ طَاهِرِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِم روایت شده و آنها زیاده از آن است که در این مختصر ذکر شود لکن ما به مقداری که این کتاب گنجایش آن را داشته باشد نقل می کنیم شیخ کفعمی در مصباح فرموده مستحب است روزه روز عرفه برای کسی که ضعف پیدا نکند از دعا خواندن و مستحب است غسل پیش از زوال و زیارت امام حسین علیه السلام در روز و شب عرفه و چون وقت زوال شد زیر آسمان رَوَد و نماز ظهر و عصر را با رکوع و سجود

نیکو به عمل آورد و چون فارغ شود دو رکعت نماز کند در رکعت اوّل بعد از حمد توحید و در دویم بعد از حمد قل یا ایّها الکافرین بخواند بعد از آن چهار رکعت نماز گذارد در هر رکعت بعد از حمد توحید پنجاه مرتبه بخواند فقیر گوید که این نماز همان نماز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که دراعمال روز جمعه گذشت پس فرموده بخوان این تسبیحات را که مروی از حضرت رسول صلی

الله علیه وآله است و سید بن طاووس در اقبال ذکر فرموده:

سُبْحَانَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَرْشُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْأَرْضِ حُكْمُهُ،

منزه است خدایی که در آسمان است عرش او منزه است خدایی که در زمین است فرمان او حکمش

سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْقُبُورِ قَضَاؤُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْبَحْرِ سَبِيلُهُ،

منزه است خدایی که در گورها قضا و فرمایش جاری است منزه است خدایی که در دریا راه دارد

سُبْحَانَ الَّذِي فِي النَّارِ سُلْطَانُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ،

منزه است خدایی که در آتش دوزخ سلطنتش موجود است منزه است خدایی که در بهشت رحمت او است

سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْقِيَمَةِ عَدْلُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ، سُبْحَانَ

منزه است خدایی که در قیامت عدل و دادش برپا است منزه است خدایی که آسمان را بالا برد منزه است خدایی

الَّذِي بَسَطَ الْأَرْضَ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ. پس

که زمین را گسترده منزه است خدایی که ملجا و پناهی از او نیست جز بسوی خودش * *

بگو سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ صد مرتبه و بخوان

* منزه است خدا و حمد از آن خدا است و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر از توصیف است * * * * *

توحید صد مرتبه و آیه الكرسي صد مرتبه و صلوات بر محمد و آل محمد صد

مرتبه و بگو:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَكَهْ أَلْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ،

معبودی جز خدا نیست یگانه‌ای که شریک ندارد پادشاهی خاص او است و از آن او است حمد زنده کند و بمیراند

وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

و بمیراند و زنده کند و او است زنده‌ای که نمیرد هرچه خیر است بدست او است و او بر هر چیز

قَدِيرٌ دِهْ مَرْتَبَهٗ اَسْتَعْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ اَتُوْبُ

توانا است * * * * * آرزش خواهم از خدایی که معبود بحقی جز او نیست که زنده و پاینده است

اِلَيْهِ دِهْ مَرْتَبَهٗ يَ اَللّٰهُ دِهْ مَرْتَبَهٗ يَ اَرْحَمٰنُ دِهْ مَرْتَبَهٗ يَ اَرْحِيْمُ دِهْ مَرْتَبَهٗ يَ اَبَدِيْعَ

و بسویش توبه کنم * * * * * ای خدا * * * * * ای بخشاینده * * * * * ای مهربان * * * * * ای

پدیدآورنده

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ، يَ اَدَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ دِهْ مَرْتَبَهٗ يَ اَحْيٰ يَ اَقِيُوْمُ دِهْ

آسمانها و زمین ای صاحب جلال و بزرگواری * * * * * ای زنده و ای پاینده * * * * *

مَرْتَبَهٗ يَ اَحْتٰنُ يَ اَمْتٰنُ دِهْ مَرْتَبَهٗ يَ اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ دِهْ مَرْتَبَهٗ اَمِيْنُ دِهْ مَرْتَبَهٗ

* * * * * ای پرعطا ای پر نعمت * * * * * ای که معبودی جز تو نیست * * * * * اجابت کن * * * * *

پَسْ بَكَوْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ يَ اَمِّنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيْدِ، يَ ا

* * * * * خدایا از تو خواهم ای کسی که او نزدیکتر است به من از رگ گردن ای

مَنْ يَّحُوْلُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهٖ، يَ اَمِّنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰى وَبِالْاَفْقِ

که حائل شود میان انسان و دلش ای که او در دیدگاه اعلی است و در افق

الْمُبِيْنِ، يَ اَمِّنْ هُوَ الرَّحْمٰنُ عَلٰى الْعَرْشِ اسْتَوٰى، يَ اَمِّنْ لَيْسَ كَمِثْلِهٖ

آشکاری است ای که او بخشاینده است و بر عرش استیلا دارد ای که نیست مانندش

شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ، اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ

چیزی و او شنوا و بینا است از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد

و بخواه حاجت خود را که برآورده خواهد شد انشاء الله تعالی پس بخوان این

صَلٰوٰتِ را که از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که بخواد

مسرور کند محمد و آل محمد علیهم السلام را در صَلٰوٰتِ بر ایشان بگوید:

اللَّهُمَّ يَا أَجُودَ مَنْ أَعْطَى، وَيَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ،

خدایا ای بخشنده‌ترین عطابخشان و ای بهترین درخواست شدگان

وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي

و ای مهربانترین کسی که از او مهربانی جویند خدایا درود فرست بر محمد و آتش در

الْأَوَّلِينَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْآخِرِينَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

زمره پیشینان و درود فرست بر محمد و آتش در زمره پسینان و درود فرست بر محمد

وَآلِهِ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْمُرْسَلِينَ،

و آتش در ساکنین عالم بالا و درود فرست بر محمد و آتش در زمره مرسلین

اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا وَآلَهُ الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالشَّرَفَ وَالرُّفْعَةَ

خدایا عطا کن به محمد و آتش مقام وسیله و فضیلت و شرف و رفعت

وَالدَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ، اللَّهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و درجه بلند خدایا من ایمان آوردم به محمد صلی الله علیه و آله

وَلَمْ أَرَهُ، فَلَا تَحْرِمْنِي فِي الْقِيَمَةِ رُؤْيَتَهُ، وَارْزُقْنِي صُحْبَتَهُ، وَتَوَقَّنِي

با اینکه او را ندیده‌ام پس در روز قیامت از دیدارش محروم مفرما و مصاحبت و همنشینی او را روزیم فرما

عَلَى مَلَّتِهِ، وَاسْقِنِي مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَبًا رَوِيًّا سَائِغًا هَنِيئًا، لَا أَظْمَأُ

و بر کیش او بمیرانم و بنوشانم از حوض او (حوض کوثر) نوشاندنی سیراب و جانبخش و گوارا که

بَعْدَهُ أَبَدًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى

پس از آن هرگز تشنه نشوم که براستی تو بر هرچیز توانایی خدایا من ایمان آورده‌ام به محمد صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمْ أَرَهُ، فَعَرِّفْنِي فِي الْجَنَانِ وَجْهَهُ، اللَّهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّدًا

الله علیه و آله و او را ندیده‌ام پس در بهشت رویش را به من نشان ده خدایا برسان به محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مِنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا پَسِ بِخَوَانِ دَعَاءِ أُمَّ دَاوُدَ رَا كَه

صلی الله علیه و آله از جانب من تحیتی بسیار و سلامی * * * * *

ذکر آن در اعمال ماه رجب گذشت پس بگو این تسبیح را که ثواب آن احصاء نمی‌شود از کثرت و ما به جهت اختصار ترک کردیم ذکر آنرا و آن تسبیح این

است:

سُبْحَانَ اللَّهِ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ

منزه باد خدا پیش از هر کس و منزه باد خدا

بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ مَعَ كُلِّ أَحَدٍ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ يَبْقَى رَبُّنَا وَيَفْنَى

پس از هر کس و منزه باد خدا با هر کس و منزه باد خدا که باقی ماند پروردگار ما و فانی شود

كُلُّ أَحَدٍ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحًا يُفْضَلُ تَسْبِيحَ الْمُسَبِّحِينَ فَضْلًا كَثِيرًا، قَبْلَ

هر کس و منزه باد خدا تنزیهی که فزونی گیرد بر تسبیح تسبیح گویان فزونی بسیاری پیش از هر کس

كُلِّ أَحَدٍ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحًا يُفْضَلُ تَسْبِيحَ الْمُسَبِّحِينَ فَضْلًا كَثِيرًا

و منزه باد خدا تنزیهی که فزونی گیرد بر تسبیح تسبیح گویان فزونی بسیاری

بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحًا يُفْضَلُ تَسْبِيحَ الْمُسَبِّحِينَ فَضْلًا

پس از هر کس و منزه باد خدا تنزیهی که فزونی گیرد بر تسبیح تسبیح گویان فزونی بسیار

كَثِيرًا مَعَ كُلِّ أَحَدٍ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحًا يُفْضَلُ تَسْبِيحَ الْمُسَبِّحِينَ

با هر کس، و منزه باد خدا تنزیهی که فزونی گیرد بر تسبیح تسبیح گویان

فَضْلًا كَثِيرًا لِرَبِّنَا الْبَاقِي وَيَفْنَى كُلُّ أَحَدٍ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحًا لَا يُحْصَى

برتری بسیاری برای پروردگار ما که باقی ماند و جز او فانی شود هر کس و منزه باد خدا تنزیهی که به شماره در نیاید و

دانسته

وَلَا يُدْرَى، وَلَا يُنْسَى وَلَا يُبْلَى، وَلَا يَفْنَى وَلَيْسَ لَهُ مُنْتَهَى، وَسُبْحَانَ اللَّهِ

به دوام او و باقی ماند به نشود و فراموش نگردد و کهنه نشود و فنا نپذیرد و انتهایی برایش نباشد و منزه باد خدا تنزیهی

که

تَسْبِيحًا يَدُومٌ يَدُومِهِ وَيَبْقَى بَقَائِهِ فِي سِنِي الْعَالَمِينَ وَشُهُورِ الدَّهْوَرِ،

دوام داشته باشد بقای او در طول سالهای این جهان و سایر جهانیان و ماههای این روزگار و هر روزگار

وَأَيَّامِ الدُّنْيَا وَسَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ أَبَدًا أَبَدًا وَمَعَ الْأَبَدِ، مِمَّا

و روزهای دنیا و ساعات شب و روز و منزه باد خدا تا جاویدان است جاوید و همراه با جاوید بدانسان که

لَا يُحْصِيهِ الْعَدَدُ، وَلَا يُغْنِيهِ الْأَمَدُ، وَلَا يَقْطَعُهُ الْأَبَدُ، وَتَبَارَكَ اللَّهُ

شماره‌اش نتوان کرد و زمان و مدت آنرا به فنا نکشاند و قطعش نکند «هرگز» و بزرگ است خدا

أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ پس بگو: وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بَعْدَ كُلِّ

بهترین آفریدگان * * * * * و ستایش خاص خدا است پیش از هر کس و ستایش از آن او است پس از هر

أَحَدٍ تا آخر دعا لکن بجای هر سُبْحَانَ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ بگو و چون به أَحْسَنُ

کس * * * * * منزه است خدا و ستایش خاص خداست * * * * * بهترین

الْخَالِقِينَ رسیدی بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ تا به آخر بجای سُبْحَانَ اللَّهِ،

آفریدگان * * * * * معبودی نیست جز خدا پیش از هر کس * * * * * منزه است خدا

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ می گوئی و بعد از آن بگو: وَاللَّهُ أَكْبَرُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ تا به آخر که

جز او خدایی نیست * * * * * و خدا بزرگتر است از توصیف پیش از هر کس * * * * *

*

بجای سُبْحَانَ اللَّهِ، اللَّهُ أَكْبَرُ می گوئی پس می خوانی دعای: اللَّهُمَّ مَنْ تَعَبَأُ وَتَهَيَّأُ

منزه است خدا و خدا بزرگتر است از توصیف * * * * *

را که در اعمال شب جمعه گذشت پس بخوان دعاء علی بن الحسین علیه السلام را که شیخ طوسی در مصباح المتهجد ذکر فرموده اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، مؤلف گوید که این دعا چون دعای در مَوْقِفِ عَرَافَاتِ بود بعلاوه هم بسیار طولانی بود ما ذکر نمودیم و بخوان نیز در این روز با خشوع و رِقَّتِ دعای آن حضرت که در صحیفه کامله است و آن دعای چهل و هفتم است و مشتمل است بر جمیع مطالب دنیا و آخرت صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَي مُنْشِيهَا و از جمله دعاهای مشهور این روز دعای حضرت سید الشهداء علیه السلام است

بشر و بشیر پسران غالب آسَدی روایت کرده‌اند که پسین روز عَرَفَه در عرفات در خدمت آن حضرت بودیم پس از خیمه خود بیرون آمدند با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان با نهایت تَذَلُّ و خشوع پس در جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک را بسوی کعبه گردانیدند و دستها را برابر رو برداشتند مانند مسکینی که طعام طلبد و این دعا را خواندند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَلَا كَصُنْعِهِ

ستایش خاص خدایی است که نیست برای قضا و حکمش جلوگیری و نه برای عطا و بخششش مانعی و نه مانند

صُنْعُ صَانِعٍ، وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، وَأَتَقَنَ

ساخته‌اش ساخته هیچ سازنده‌ای و او است بخشنده وسعت‌ده که آفرید انواع گوناگون پدیده‌ها را و

بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ،

به حکمت خویش محکم ساخت مصنوعات را طلایه‌ها(ی عالم وجود) بر او مخفی نیست و امانتها در نزد او ضایع

جَازِي كُلِّ صَانِعٍ، وَرَائِسُ كُلِّ قَانِعٍ، وَرَاحِمٌ كُلِّ ضَارِعٍ، وَمَنْزِلٌ

نشود پاداش‌دهنده عمل هر سازنده و سامان دهنده زندگی هر قناعت‌پیشه و مهربان نسبت به هر نالان، فروفرستنده

الْمَنَافِعِ، وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ،

هر سود و بهره و آن کتاب جامع که فرستادش بوسیله نور آن نور درخشان و او است که دعاها را شنواست

وَاللِّكْرُبَاتِ دَافِعٌ، وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا

و گرفتاریها را برطرف کند و درجات را بالا برد و گردنکشان را ریشه‌کن سازد پس معبودی جز او نیست و

شَيْءٌ يَعْذِلُهُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ،

چیزی با او برابری نکند و چیزی همانندش نیست و او شنوا است و بینا و دقیق و آگاه

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ،

و او بر هر چیز توانا است خدا یا من بسوی تو اشتیاق دارم و به پروردگاری تو گواهی دهم

مُقِرًّا بِأَنَّكَ رَبِّي، وَالْإِيكَ مَرَدِّي، ابْتِدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ

اقرار دارم به اینکه تو پروردگار منی و بسوی تو است بازگشت من آغاز کردی وجود مرا به رحمت خود پیش از آنکه

شَيْئاً مَذْكُوراً، وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ، ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ، آمِناً

باشم چیز قابل ذکرى و مرا از خاک آفریدی آنگاه در میان صلبها جايم دادی و ایمنم ساختی

لِرَيْبِ الْأُمُونِ، وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسَّنِينِ، فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِناً مِنْ

از حوادث زمانه و تغییرات روزگار و سالها و همچنان همواره از

صُلبِ إِلَى رَحِمٍ فِى تَقَادُمٍ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ، وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ

صلبى به رحمى کوچ کردم در ایام قدیم و گذشته و قرنهای پیشین

تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَطُفُفِكَ لِي وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فِى دَوْلَةِ أَيْمَّةٍ

و از روی مهر و رأفتی که به من داشتی و احسانت نسبت به من مرا به جهان نیاوردی در دوران حکومت پیشوایان

الْكُفْرِ الَّذِينَ تَقَضُوا عَهْدَكَ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ، لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي

کفر آنان که پیمان تو را شکستند و فرستادگانت را تکذیب کردند ولی در زمانی مرا بدینا آوردی که

سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي، وَفِيهِ أَنْشَأْتَنِي، وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ

پیش از آن در علمت گذشته بود از هدایتی که اسبابش را برایم مهیا فرمودی و در آن مرا نشو و نما دادی و پیش از

رَوَّفْتَ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ، وَسَوَابِغِ نِعْمِكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيَّ

این نیز به من مهر و ورزیدی بوسیله رفتار نیکویت و نعمتهای شایانت که پدید آوردی خلقتم را از منی

يُمْنِي، وَأَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ، لَمْ

ریخته شده و جایم دادی در سه پرده تاریکی (مشیمه و رحم و شکم) میان گوشت و خون و پوست

تُشْهِدُنِي خَلْقِي، وَلَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئاً مِنْ أَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي

و گواهم نساختی در خلقتم و واگذار نکردی به من چیزی از کار خودم را سپس بیروم آوردی بدانچه

سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَاماً سَوِيّاً، وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً

در علمت گذشته بود از هدایتم بسوی دنیا خلقتی تمام و درست و در حال طفولیت و خردسالی

صَبِيّاً، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَناً مَرِيّاً، وَعَظَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ

در گهواره محافظتم کردی و روزیم دادی از غذاها شیرى گوارا و دل پرستاران را

الْحَوَاضِنِ، وَكَفَلْتَنِي الْأُمّهَاتِ الرَّوَاحِمَ، وَكَلَّلْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ،

بر من مهربان کردی و عهده‌دار پرستاریم کردی مادران مهربان را و از آسیب جنیان

وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، حَتَّى

نگهداریم کردی و از زیادی و نقصان سالمی داشتی پس برتری تو ای مهربان و ای بخشاینده تا

إِذَا اسْتَهْلَكْتُ نَاطِقًا بِالْكَلامِ، أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْأِنْعَامِ، وَرَبَّيْتَنِي

آنگاه که لب به سخن گشودم و تمام کردی بر من نعمتهای شایانت را و پرورش دادی

زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى إِذَا اكْتَمَلْتُ فِطْرَتِي، وَاعْتَدَلْتُ مِرَّتِي، أَوْجَبْتَ

هرساله زیادتر از سال پیش تا آنگاه که خلقتم کامل شد و تاب و توانم به حد اعتدال رسید واجب کردی

عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنَّ الْهَمَّتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ،

بر من حجت خود را بدین ترتیب که معرفت خود را به من الهام فرمودی و بوسیله عجایب حکمتت به هراسم انداختی

وَأَيَّقْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بُدَائِعِ خَلْقِكَ،

و بیدارم کردی بدانچه آفریدی در آسمان و زمینت از پدیده‌های آفرینشت

وَبَيَّهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ، وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ،

و آگاهم کردی به سپاسگزاری و ذکر خودت و اطاعت و عبادتت را بر من واجب کردی

وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَيَسَّرْتَ لِي تَقْبُلَ مَرْضَاتِكَ، وَمَنَنْتَ

و آنچه رسولانت آورده بودند به من فهماندی و پذیرفتن موجبات خوشنودیت را برایم آسان کردی

عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَطُفِّكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى، لَمْ

و در تمام اینها به یاری و لطف خود بر من منت نهادی سپس به اینکه مرا از بهترین خاکها آفریدی

تَرَضُّ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى، وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ،

راضی نشدی ای معبود من که تنها از نعمتی برخوردار شوم و از دیگری منع کردم بلکه روزیم دادی

وَصُنُوفِ الرِّيَاشِ، بِمِنِّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ

از انواع (نعمتهای) زندگی و اقسام لوازم کامرانی و این بواسطه آن نعمت‌بخشی بزرگ و بزرگترت بود بر من و آن

إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ، وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ،

احسان دیرینهات بود نسبت به من تا اینکه تمام نعمتها را بر من کامل کردی و تمام رنجها و بلاها را از من دور ساختی

لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ، أَنْ دَلَّتَنِي إِلَى مَا يُقْرَبُنِي

باز هم نادانی و دلبری من بر من جلوگیری نشد از اینکه راهنماییم کردی بدانچه مرا به تو نزدیک کند

إِلَيْكَ، وَوَقَفْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي، وَإِنْ سَأَلْتُكَ

و موفقم داشتی بدانچه مرا به درگاهت مقرب سازد که اگر بخوانمت پاسخم دهی و اگر بخواهم از تو

أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ

به من عطا کنی و اگر اطاعتت کنم قدردانی کنی و اگر سپاسگزاریت کنم بر من بیفزایی و همه اینها

إِكْمَالٌ لِّإِنْعَمِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِيٍّ

برای کامل ساختن نعمتهای تو است بر من و احسانی است که نسبت به من داری پس منزهی تو، منزهی از آن‌رو که

مُعِيدٍ حَمِيدٍ مَجِيدٍ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَعَظُمَتْ الْأَوْكُ، فَأَيَّ نِعْمِكَ يَا

آغازنده‌نعمتی و بازگرداننده و ستوده و بزرگواری بسی پاکیزه است نامهای تو و بزرگ است نعمتهای تو پس ای

إِلَهِي أَحْصِيَ عَدَدًا وَذِكْرًا، أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا، وَهِيَ يَا

معبود من کدامیک از نعمتهایت را بشماره درآورده و یاد کنم یا برای کدامیک از عطایهات به سپاسگزاری اقدام کنم در

رَبِّ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ، أَوْ يُبَلِّغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ، ثُمَّ

صورتی که آنها ای پروردگار من بیش از آن است که حسابگران بتوانند آنها را بشمارند یا دانش حافظان بدانها رسد

مَا صَرَفَتْ وَذَرَّاتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ، أَكْثَرَ مِمَّا ظَهَرَ لِي

سپس ای خدا آنچه را از سختی و گرفتاری از من دور کرده و باز داشتی بیشتر بوده از آنچه برایم آشکار شد

مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ، وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي، وَعَقْدِ

از تندرستی و خوشی و من گواهی دهم خدایا به حقیقت ایمان خودم و بدانچه تصمیمات یقینم بدان بسته است

عَزَمَاتِ يَقِينِي، وَخَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي، وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي،

و توحید خالص و بی‌شائبه خود و درون سرپوشیده نهادم

وَعَلَاقِقِ مَجَارِي نُورِ بَصَرِي، وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي، وَخُرْقِ

و رشته‌های دید نور چشمانم و خطوط صفحه پیشانم

مَسَارِبِ نَفْسِي، وَخَذَارِيفِ مَارِنِ عِرْنِينِي، وَمَسَارِبِ سِمَاحِ سَمْعِي،

و رخنه‌های راه‌های تنفسم و پرده‌های نرمه بینیم و راه‌های پرده گوشم

وَمَا ضُمَّتْ وَأَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفْتَايَ، وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَمَغْرَزِ

و آنچه بچسبد و روی هم قرار گیرد بر آن دو لبم و حرکت‌های تلفظ زبانم و محل پیوست کام

حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي، وَمَنَايِبِ أَضْرَاسِي، وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي،

(فک بالای) دهان و آرواره‌ام و محل بیرون آمدن دندان‌هایم و محل چشیدن خوراک و آشامیدن‌هایم

وَحِمَالَةِ أُمِّ رَأْسِي، وَبُلُوعِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي، وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ

و رشته و عصب مغز سرم و لوله (حلق) متصل به رگ‌های گردنم و آنچه در برگرفته آن‌را

صَدْرِي، وَحَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي، وَيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي، وَأَفْلَازِ حَوَاشِي

قفسه سینه‌ام و رشته‌های رگ قلبم و شاه‌رگ پرده دلم و پاره‌های گوشه و کنار

كِبْدِي، وَمَا حَوْتُهُ شَرَّاسِيفُ اضْلَاعِي وَحِقَاقُ مَفَاصِلِي، وَقَبْضُ

جگرم و آنچه را در بردارد استخوان‌های دنده‌هایم و سر‌بند‌های استخوان‌هایم و انقباض

عَوَامِلِي، وَأَطْرَافِ أَنَامِلِي، وَلَحْمِي وَدَمِي، وَشَعْرِي وَبَشْرِي،

عضلات بدنم و اطراف سر انگشتانم و گوشتم و خونم و موی بدنم و بشره پوستم

وَعَصْبِي وَقَصْبِي، وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعُرُوقِي، وَجَمِيعِ جَوَارِحِي، وَمَا

و عصبم و ساقم و استخوانم و مغز و رگ‌هایم و تمام اعضاء و جوارح‌م و آنچه بر اینها

انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي، وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَتَوَمُّي

بافته شده از دوران شیرخوارگی‌م و آنچه را زمین از من بر خود گرفته و خوابم

وَيَقْظَتِي وَسُكُونِي، وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ

و بیداریم و آرامیدنم و حرکت‌های رکوع و سجود من (گواهی دهم) که اگر تصمیم بگیرم

وَأَجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عُمَرْتُهَا أَنْ أُودِّيَ شُكْرَ

و بکوشم در طول قرون و اعصار بر فرض که چنین عمری بکنم و بخوام شکر

وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ، إِلَّا بِمَنْكَ الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ

یکی از نعمتهای تو را بجا آورم نخواهم توانست جز به لطف خود که آن خود واجب کند بر من

شُكْرُكَ أَبَدًا جَدِيدًا، وَتَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا أَجَلٌ، وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا

سپاسگزاریت را دوباره از نو و موجب ستایشی تازه و ریشه دار گردد آری و اگر حریص باشم من

وَالْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ نُحْصِيَ مَدَىٰ إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَآنِفِهِ، مَا

و حسابگران از مخلوق که بخواهیم اندازه نعمت بخشیهای تو را از گذشته و آینده

حَصَرْنَاهُ عَدَدًا، وَلَا أَحْصِينَاهُ أَمْدًا هَيْهَاتَ أَتَىٰ ذَلِكِ، وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي

به حساب درآوریم نتوانیم بشماره درآوریم و نه از نظر زمان و اندازه آنرا احصاء کنیم! هیهات! کجا چنین چیزی میسر

كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَالنَّبَأِ الصَّادِقِ، وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا،

است و تو خود در کتاب گویا و خبر راست و درست خبر داده‌ای که «اگر بشمارید نعمت خدا را احصاء نتوانید کرد»

صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَإِنبَاءُوكِ، وَبَلَّغْتَ أَنْبِيَآؤُكَ وَرَسُلُكَ مَا أَنْزَلْتَ

خدایا کتاب تو و خبری که دادی راست است و رساندند پیامبران و رسولانت هرچه را بر ایشان از وحی خویش

عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ، غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي

فروفرستادی و آنچه را تشریح کردی برای آنها و بوسیله آنها از دین و آیین خود جز اینکه معبودا

أَشْهَدُ بِجُهِدِي وَجِدِّي، وَمَبْلَغِ طَاعَتِي وَوُسْعِي، وَأَقُولُ مُؤْمِنًا

من گواهی دهم به سعی و کوشش من و به اندازه رسائی طاعت و وسعم و از روی ایمان

مَوْقِنًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونُ مَوْرُوثًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

و یقین می‌گویم ستایش خدایی را سزااست که نگیرد فرزندی تا از او ارث برند و نیست برایش

شَرِيكَ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَلَا وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ فَيُرْفِدُهُ فِيمَا

شریکی در فرمانروایی تا با او ضدیت کنند در آنچه پدید آورد و نه نگهداری از خواری دارد تا کمکش کند در آنچه

صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهَةٌ أَلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا،

بوجود آورد پس منزّه باد منزّه که اگر بود در آسمان و زمین خدایانی جز او هر دو تباه می‌شدند و از هم متلاشی

سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ

می‌گشتند منزّه است خدای یگانه یکتای بی‌نیازی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست

لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَآئِهِ

برایش همتایی هیچکس ستایش خدای را است ستایشی که برابر ستایش فرشتگان مقرب او و پیمبران

الْمُرْسَلِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَآلِهِ

مرسلش باشد و درود خدا بر بهترین خلقش محمد خاتم پیمبران و آل

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ، وَسَلِّمْ. پس شروع فرمود آن حضرت در سؤال و

پاک و پاکیزه و خالص او باد و سلام * * * * *

اهتمام نمود در دُعا و آب از دیده‌های مبارکش جاری بود پس گفت:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ، وَلَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ،

خدایا چنانم ترسان خودت کن که گویا می‌بینمت و به پرهیزکاری از خویش خوشبختم گردان و به واسطه نافرمانیت

وَحَرْئِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا

بدبختم مکن و در سرنوشت خود خیر برابم مقدر کن و مقدراتت را برابم مبارک گردان تا چنان نباشم که تعجیل آنچه را

أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِرَ مَا عَجَّلْتَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ

تو پس انداخته‌ای بخواهم و نه تأخیر آنچه را تو پیش‌انداخته‌ای خدایا قرار ده بی‌نیازی در نفس من و یقین

فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالنُّورَ فِي بَصَرِي، وَالْبُصِيرَةَ فِي

در دلم و اخلاص در کردارم و روشنی در دیده‌ام و بینایی در

دینی، وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي

دینم و مرا از اعضا و جوارحم بهره‌مند کن و گوش و چشم مرا وارث من گردان (که تا دم مرگ سلامت باشند)

وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَأْرِبِي، وَأَقْرَبِ بِيذَلِكَ

و یاریم ده بر آنکس که به من ستم کرده و انتقام‌گیری مرا و آرزویم را دربارهاش به من بنمایان

عَيْنِي، اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي، وَأَسْتُرْ عَوْرَتِي، وَأَغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي،

و دیده‌ام را در این‌باره روشن کن خدایا محتمم را برطرف کن و زشتیهایم ببوشان و خطایم بیامرز

وَإِخْسَاءَ شَيْطَانِي، وَفُكَّ رِهَانِي، وَأَجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي، الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي

و شیطان و اهریمنم را از من بران و ذمه‌ام را از گرو برهان و قرار ده خدایا برای من درجه والا در

الْآخِرَةِ وَالْأُولَى، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي سَمِيْعًا

آخرت و در دنیا خدایا حمد تو را است که مرا آفریدی و شنوا

بصیراً، وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحْمَةً بِي، وَقَدْ

و بینا قرارم دادی و ستایش تو را است که مرا آفریدی و از روی مهری که به من داشتی خلقتم را نیکو آراستی در

كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا، رَبِّ بِمَا بَرَّأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ بِمَا

صورتیکه تو از خلقت من بی نیاز بودی پروردگارا به آنطور که مرا پدیدآوردی و در خلقتم اعتدال بکار بردی پروردگارا

اَنْشَأْتَنِي فَاحْسَنْتَ صُوْرَتِي، رَبِّ بِمَا احْسَنْتَ اِلَيَّ وَفِي نَفْسِي

به آنطور که بوجودم آوردی و صورتم را نیکو کردی پروردگارا به آنطور که به من احسان کردی و

عافيتني، رَبِّ بِمَا كَلَّأْتَنِي وَوَقَّعْتَنِي، رَبِّ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي،

عافیتم دادی پروردگارا آنچنانکه مرا محافظت کردی و موفقم داشتی پروردگارا آنچنانکه بر من انعام کرده و هدایتم

رَبِّ بِمَا اَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا اَطْعَمْتَنِي

فرمودی پروردگارا چنانچه مرا مورد احسان قرار داده و از هر خیری به من عطا کردی پروردگارا آنچنانکه مرا خوراندی

وَسَقَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا اَغْنَيْتَنِي وَاَقْنَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا اَعَنْتَنِي وَاَعَزَّزْتَنِي

و نوشاندی پروردگارا آنچنانکه بی نیازم کردی و سرمایهام دادی پروردگارا آنچنانکه کمکم دادی و عزتم بخشیدی

رَبِّ بِمَا اَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي، وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ

پروردگارا آنچنانکه مرا از خلعت باصفایت پوشاندی و از مصنوعات به حد

الْكافي صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَلِ مُحَمَّدٍ، وَاَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ،

کافی در اختیارم گذاری (چنانکه این همه انعام به من کردی) درود فرست بر محمد و آل محمد و کمکم ده بر

وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْاَيَّامِ، وَنَجِّنِي مِنْ اَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ

پیش آمدهای ناگوار روزگار و کشمکشهای شبها و روزها و از هراسهای دنیا و اندوههای

الْآخِرَةِ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْاَرْضِ، اَللّٰهُمَّ مَا اَخَافُ

آخرت نجاتم ده و از شر آنچه ستمگران در زمین انجام دهند مرا کفایت فرما خدایا از آنچه می ترسم

فَاكْفِنِي وَمَا اَحْذَرُ فِقْنِي، وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَاحْرُسْنِي، وَفِي سَفَرِي

کفایتم کن و از آنچه برحذر، نگاهم دار و خودم و دینم را

فَاحْفَظْنِي وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَاحْلُفْنِي، وَفِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي،

حفظ کن و در سفر محافظتم کن و در خانواده و مالم جانشین من باش و در آنچه روزیم کرده ای برکت ده و مرا

وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ

در پیش خودم خوار کن و در چشم مردم بزرگم کن و از شر جن

وَالْأَنْسِ فَسَلِّمْنِي، وَبِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي، وَبِسِرِّيرَتِي فَلَا تُخْرِزْنِي،

و انس بسلامتم بدار و به گناهان رسوایم مکن و به اندیشه‌های باطنم سرافکنده‌ام مکن

وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي، وَبِعَمَلِكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَاللِّي غَيْرِكَ فَلَا تَكْلِنِي

و به کردارم دچارم مساز و نعمتهایت را از من مگیر و بجز خودت به دیگری واگذارم مکن

إِلَهِي إِلِي مَنْ تَكَلَّنِي، إِلِي قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي، أَمْ إِلِي بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي، أَمْ

خدایا به که واگذارم می‌کنی آیا به خویشاوندی که از من بپرد یا بیگانه‌ای که مرا از خود دور کند یا به‌کسانی‌که

إِلِي الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي وَأَنْتَ رَبِّي، وَمَلِيكَ أَمْرِي أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي،

خوارم شمرند و تویی پروردگار من و زمامدار کار من بسوی تو شکایت آرم از غربت خود

وَبُعْدَ دَارِي، وَهَوَانِي عَلَيَّ مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي، إِلَهِي فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ

و دوری خانه‌ام و خواریم نزد کسی‌که زمامدار کار من کردی خدایا پس خشم خود را بر من مبار

غَضَبِكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سِوَاكَ مَا سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنْ

و اگر بر من خشم نکرده باشی باکی ندارم - منزهی تو - جز اینکه در عین حال

عَافِيَتِكَ أَوْسَعُ لِي، فَاسْأَلُكَ يَا رَبُّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ

عافیت تو وسیعتر است برای من پس از تو خواهم پروردگارا به نور ذاتت که روشن شد بدان

الْأَرْضُ وَالسَّمَوَاتُ، وَكُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَصَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ

زمین و آسمانها و برطرف شد بدان تاریکیها و اصلاح شد بدان کار اولین

وَالْآخِرِينَ، أَنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَيَّ غَضَبِكَ وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ لَكَ

و آخرین که مرا بر حال غضب خویش نمیرانی و خشمت را بر من نازل مفرمایی

الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبَّ الْبَلَدِ

مؤاخذه و بازخواست حق تو است تا گاهی که پیش از آن راضی شوی معبودی جز تو نیست که پروردگار شهر

الْحَرَامِ، وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحَلَّتْهُ الْبَرَكَةُ، وَجَعَلَتْهُ

محترم و مشعر الحرام و خانه کعبه‌ای آن خانه‌ای که برکت را بدان نازل کردی و آنرا برای

لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ

مردمان خانه امنی قرار دادی ای کسی که از گناهان بزرگ به بردباری خود درگذری ای که نعمتها را

بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا

به فضل خود فراوان گردانی ای که عطایای شایان را به کرم خود بدهی ای ذخیره‌ام در سختی ای

صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيَّتِي فِي نِعْمَتِي، يَا

رفیق و همدم در تنهایی ای فریادرس من در گرفتاری ای ولی من در نعمت ای

إِلَهِي وَالْهَلْهَلِ أَبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَرَبَّ

معبود من و معبود پدرانم ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و پروردگار

جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَ إِلَهَ

جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد خاتم پیامبران و آل

الْمُنْتَجِبِينَ، وَمَنْزِلِ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ، وَمَنْزِلَ

برگزیده‌اش و فروفرستنده تورات و انجیل و زبور و قرآن و نازل‌کننده

كَهْيَعِصِ وَطِهِ وَيَسَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِنِي

کهیعیص و طه و «یس و قرآن حکمت آموز» تویی پناه من هنگامی که در مانده‌ام کنند

الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا، وَتَضِيقُ بِي الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا، وَلَوْ لَا رَحْمَتُكَ

راهها با همه وسعتی که دارند و زمین بر من تنگ گیرد با همه پهناوریش و اگر نبود رحمت تو

لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي، وَلَوْ لَا سَتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ

بطور حتم من هلاک شده بودم و تویی نادیده‌گیر لغزشم و اگر پرده‌پوشی تو نبود مسلماً

مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَلَوْ لَا نَصْرُكَ

من از رسواشدگان بودم و تویی که به یاری خود مرا بر دشمنانم یاری دهی و اگر نبود یاری تو

إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَالرَّفْعَةِ،

من مغلوب شده بودم ای که مخصوص کرده خود را به بلندی و برتری

فَأَوْلِيَّائِهِ بَعِزَّهُ يَعْتَرِضُونَ، يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَدَلَّةِ

و دوستانش بوسیله عزت او عزت یابند ای که پادشاهان در برابرش طوق خواری

عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا

به گردن گذارند و آنها از سطوتش ترسند می داند حرکت (یا خیانت) چشمها و آنچه را سینه‌ها

تُخْفِي الصُّدُورُ، وَ غَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَرْزَمَةُ وَالذُّهُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ

پنهان کنند و حوادثی که در کمون زمانها و روزگاراها است ای که نداند

كَيْفَ هُوَ. إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، يَا

چگونگی او را جز خود او ای که نداند چیست او جز او ای که نداند او را جز خود او

مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَدَّ الْهُوَاءَ بِالسَّمَاءِ يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ

ای که زمین را بر آب فرو بردی و هوا را به آسمان بست ای که گرامی‌ترین

الْأَسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ

نامها از او است ای دارنده احسانی که هرگز قطع نشود ای گمارنده کاروان برای نجات

لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ، وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ

یوسف در آن جای بی آب و علف و بیرون آورنده‌اش از چاه و رساننده‌اش به پادشاهی پس از بندگی

مَلِكًا، يَا رَادَّةَ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ

ای که او را برگرداندی به یعقوب پس از آنکه دیدگانش از اندوه سفید شده بود و آکنده از غم بود

كَظِيمٍ، يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْبَلَاءِ عَنِ أَيُّوبَ، وَمَمْسِكَ يَدِي إِبْرَاهِيمَ

ای برطرف کننده سختی و گرفتاری از ایوب و ای نگهدارنده دستهای ابراهیم

عَنْ ذَنْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنَاءِ عُمُرِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا

از ذنح پسرش پس از سن پیری و بسرآمدن عمرش ای که دعای زکریا را به اجابت رساندی

فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَىٰ، وَلَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا، يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ

و یحیی را به او بخشیدی و او را تنها و بی‌کس وامگذاردی ای که بیرون آورد یونس را از

بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَانجَاهَهُمْ، وَجَعَلَ

شکم ماهی ای که شکافت دریا را برای بنی اسرائیل و (از فرعونیان) نجاتشان داد

فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ

و فرعون و لشکریانش را غرق کرد ای که فرستاد بادها را نوید دهندگانی پیشاپیش

يَدَي رَحْمَتِهِ، يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يَا مَنْ

آمدن رحمتش ای که شتاب نکند بر (عذاب) نافرمانان از خلق خود ای که

اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَقَدْ غَدَاوا فِي نِعْمَتِهِ يَا كُلُونَ

نجات بخشید ساحران (فرعون) را پس از سالها انکار (و کفر) و چنان بودند که متنعم به نعمتهای خدا بودند

رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادَّوْهُ وَتَادَّوْهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ،

که روزیش را می‌خوردند ولی پرستش دیگری را می‌کردند و با خدا دشمنی و ضدیت داشتند و رسولانش را تکذیب

می‌کردند ای خدا

يَا بَدِيُّ يَا بَدِيعُ، لَا نَدْلِكَ، يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ، يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا

ای خدا ای آغازنده ای پدیدآورنده‌ای که همتا نداری ای جاویدانی که زوال نداری ای زنده در آنگاه که زنده‌ای نبود

مُحْيِي الْمَوْتِي، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ قَلَّ لَهُ

ای زنده کن مردگان ای که مراقبت داری بر هرکس بدانچه انجام داده ای که سیاسگزاری من برایش اندک است

شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَرَأَى عَلَيَّ

ولی محرومم نکند و خطایم بزرگ است ولی رسوایم نکند و مرا بر

الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي

نافرمانی خویش ببند ولی پردهام ندرد ای که مرا در کودکی محافظت کردی ای که در بزرگی روزیم دادی

فِي كِبَرِي، يَا مَنْ آيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصِي، وَيَعْمَهُ لَا تُجَازِي، يَا مَنْ

ای که اندازه مرحمت‌هایی که به من کردی بشماره نیاید و نعمتهایش را تلافی ممکن نباشد ای که

عَارِضِنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ، وَعَارِضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ، يَا مَنْ

روبرو شد با من به نیکی و احسان ولی من با او به بدی و گناه روبرو شدم ای که

هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِيمَانِ، يَا مَنْ دَعَوْتُهُ

مرا به ایمان هدایت کرد پیش از آنکه بشناسم طریقه سپاسگزاری نعمت را ای که خواندمش

مَرِيضًا فَشَفَانِي، وَعُرِيَانًا فَكَسَانِي، وَجَائِعًا فَاشْبَعَنِي، وَعَطْشَانَ

در حال بیماری و او شفایم داد و در برهنگی و او مرا پوشاند و در گرسنگی و او سیرم کرد و در تشنگی

فَارَوَانِي، وَذَلِيلًا فَاعَزَّنِي، وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي، وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي، وَغَائِبًا

و او سیرام کرد و در خواری و او عزتم بخشید و در نادانی و او معرفتم بخشید و در تنهایی و او فزونی جمعیت به من

فَرَدَدَنِي، وَمَقِلًّا فَاعَانَنِي، وَمُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي، وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي،

داد و در دوری از وطن و او بازم گرداند و در ناداری و او دارایم کرد و در کمک‌خواهی و او یاریم داد و در ثروتمندی و

او از من سلب نفرمود

وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَأَبْتَدَأَنِي، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ

و (هنگامی که) از همه این خواسته‌ها دم بستم تو آغاز کردی پس از آن تو است حمد و سپاس ای که

أَقَالَ عَثْرَتِي، وَنَفَسَ كُرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي، وَعَفَّرَ

لغزشم را نادیده گرفت و گرفتگی را از من دور کرد و دعایم را اجابت فرمود و عیبم را پوشاند و گناهانم را آمرزید

ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي، وَإِنْ أَعَدَّ نِعْمَكَ

و به خواسته‌ام رسانید و بر دشمنم یاری داد و اگر بخوادم نعمتها

وَمِنْكَ وَكَرَائِمَ مَنِحِكَ لَا أَحْصِيهَا، يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ أَنْتَ

و عطاها و مراحم بزرگ تو را بشمارم نتوانم ای مولای من این تویی که منت نهادی و این تویی

الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي

که نعمت دادی این تویی که احسان فرمودی این تویی که نیکی کردی این تویی که فزونی

أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَقَّقْتَ، أَنْتَ

بخشیدی این تویی که کامل کردی این تویی که روزی دادی این تویی که توفیق دادی این تویی

الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَوَيْتَ،

که عطا کردی این تویی که بی نیاز کردی این تویی که ثروت بخشیدی این تویی که مأوی دادی این

أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي

تویی که کفایت کردی این تویی که هدایت کردی این تویی که نگهداشتی این تویی که

سَرَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَفَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ، أَنْتَ

پوشاندی این تویی که آمرزیدی این تویی که نادیده گرفتی این تویی که قدرت و چیرگی دادی این تویی

الَّذِي أَعَزَّزْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ، أَنْتَ الَّذِي

که عزت بخشیدی این تویی که کمک کردی این تویی که پشتیبانی کردی این تویی که

أَيَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ

تأیید کردی این تویی که یاری کردی این تویی که شفا دادی این تویی که عافیت دادی این تویی

الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَلَكَ الشُّكْرُ

که اکرام کردی بزرگی و برتری از تو است و ستایش همیشه مخصوص تو است و سپاسگزاری دائمی و جاوید

وَاصِبًا أَبَدًا، ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي، الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي، فَاعْفِرْهَا لِي، أَنَا الَّذِي

از آن تواست و اما من ای معبودم کسی هستم که به گناهانم اعتراف دارم پس آنها را ببامرز و این منم که

أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي

بد کردم این منم که خطا کردم این منم که (به بدی) همت گماشتم این منم که نادانی کردم این منم که

غَفَلْتُ أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا

غفلت و وزیدم این منم که فراموش کردم این منم که (به غیر یا به خود) اعتماد کردم این منم

الَّذِي وَعَدْتُ وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِي نَكَّثْتُ، أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ، أَنَا

که (به کاربرد) تعمد کردم این منم که وعده دادم و این منم که خلف وعده کردم این منم که پیمان شکنی کردم این منم که

به بدی اقرار کردم

الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي، وَأَبُوؤُ بَدْنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي، يَا

این منم که به نعمت تو بر خود و در پیش خود اعتراف دارم و با گناهانم بسویت بازگشتمام پس آنها را ببامرز ای

مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبٌ عِبَادِهِ، وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ، وَالْمُوفِّقُ مَنْ

که زیانش نرساند گناهان بندگان و از اطاعت ایشان بی‌نیازی و تو آنی که هرکس از بندگان

عَمِلَ صَالِحاً مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي،

کردار شایسته‌ای انجام دهد به رحمت خویش توفیقش دهی پس تو را است ستایش ای معبود و آقای من

إِلَهِي أَمْرَتِي فَعَصَيْتُكَ، وَنَهَيْتَنِي فَأَرْتَكِبْتُ نَهْيَكَ، فَاصْبَحْتُ لَا ذَا

خدایا به من دستور دادی و من نافرمانی کردم و نهی فرمودی ولی من نهی تو را مرتکب شدم و اکنون به حالی افتاده‌ام

که

بَرَّ آءَةً لِي فَاعْتَذِرْ، وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ فَيَأِي شَيْءٍ اسْتَقْبَلِكَ يَا

نه وسیله تبرئه‌ای دارم که پوزش خواهم و نه نیرویی دارم که بدان یاری گیرم پس به چه وسیله با تو روبرو شوم

مَوْلَايَ، أَيْسَمْعِي أَمْ بِيصْرِي أَمْ بِلِسَانِي أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي، أَيْسَ

ای مولای من آیا به گوشم یا به چشمم یا به زبانم یا به دستم یا به پایم آیا

كُلُّهَا نَعْمَكَ عِنْدِي، وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ، فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ

همه اینها نعمتهای تو نیست که در پیش من بود و با همه آنها تو را معصیت کردم ای مولای من پس تو حجت و راه

عَلَيَّ، يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزَجِرُونِي، وَمِنْ

مؤاخذه بر من داری ای که مرا پوشاندی از پدران و مادران که مرا از نزد خود برانند و از

الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي، وَمِنْ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي، وَكُلُّ

فامیل و برادران که مرا سرزنش کنند و از سلاطین و حکومتها که مرا شکنجه کنند و اگر

اطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَى مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي،

آنها مطلع بودند ای مولای من بر آنچه تو بر آن مطلعی از کار من در آن هنگام مهلت نمی‌دادند

وَكَلَّفَظُونِي وَقَطَعُونِي، فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ، يَا سَيِّدِي

و از خود دورم می‌کردند و از من می‌بریدند و اینک خدایا این منم که در پیشگاهت ایستاده‌ای آقای من

خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لَا ذُو بَرِّ آءَةٍ فَاعْتَذِرْ، وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ،

با حال خضوع و خواری و درماندگی و کوچکی نه وسیله تبرئه‌جویی دارم که پوزش طلبم و نه نیرویی که یاری جویم

وَلَا حُجَّةَ فَاخْتَجَّ بِهَا وَلَا قَائِلٌ لَمْ اجْتَرِحْ، وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءاً وَمَا عَسَى

و نه حجت و برهانی که بدان چنگ زدم و نه می توانم بگویم که گناه نکرده‌ام و کجا می توانم انکار - فرضاً که انکار کنم

الْجُودَ، وَلَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي، كَيْفَ وَأَنْتَى ذَلِكَ وَجَوَارِحِي

ای مولای من - سودم بخشد! چگونه؟ و کجا؟ با اینکه تمام اعضای من

كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَعَلِمْتُ يَقِيناً غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنْتَ

گواهند بر من به آنچه انجام داده و به یقین می دانم و هیچگونه شک و تردیدی ندارم که تو از کارهای بزرگ از من

سَأَلْتَنِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ، وَأَنْتَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ،

پرسش خواهی کرد و تویی آن داور عادل که ستم نکند و همان عدالتت

وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تَعَذَّبْنِي يَا إِلَهِي

مرا هلاک کند و از تمام عدالت تو می گریزم اگر عذابم کنی خدایا

فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَإِنْ تَعَفُّ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ

بواسطه گناهان من است پس از آنکه حجت بر من داری و اگر از من درگذری پس به بردباری و بخشندگی و

وَكَرَمِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا

بزرگواری تو است معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از ستمکارانم معبودی جز تو

أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ

نیست منزهی تو و من از آمرزش خواهانم معبودی جز تو نیست منزهی تو

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُوحِدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

و من از یگانه پرستانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و من از

الْخَائِفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا

ترسناکانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از هراسناکانم معبودی جز تو نیست

أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي

منزهی تو و من از امیدوارانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و

كُنْتُ مِنَ الرَّاعِبِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ، لَا

من از مشتاقانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تهلیل (لاله‌الله) گویانم

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ

معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از خواهندگانم معبودی جز تو نیست منزهی تو

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

و من از تسبیح‌گویانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تکبیر

الْمُكَبِّرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأُولِينَ، اَللَّهُمَّ

(الله اکبر) گویانم معبودی نیست جز تو منزهی تو پروردگار من و پروردگار پدران پیشین من خدایا

هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا، وَإِخْلَاصِي لِدُكْرِكَ مُوَحِّدًا، وَإِقْرَارِي

این است ستایش من بر تو در مقام تمجیدت و این است اخلاص من بذکر در مقام یکتاپرستیت و اقرار من

بِالْبَيْتِ مُعَدِّدًا، وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أُحْصِهَا لِكثْرَتِهَا وَسُبُوغِهَا

به نعمتهایت در مقام شماره آنها گرچه من اقرار دارم که آنها را نتوانم بشماره درآورم از بسیاری آنها و فراوانی

و تَظَاهِرِهَا، وَتَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ

و آشکاری آنها و پیشی جستن آنها از زمان پیدایش من که همواره در آن عهد مرا بوسیله آن نعمتها یادآوری می‌کردی

خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ، وَكَشَفَ

از آن ساعت که مرا آفریدی و خلق کردی از همان ابتدای عمر که از نداری و فقر مرا به توانگری درآوردی

الضَّرَّ، وَتَسْبِيبِ الْيُسْرِ، وَدَفْعِ الْعُسْرِ، وَتَفْرِيجِ الْكُرْبِ، وَالْعَاقِيَةِ فِي

و گرفتاریم برطرف کردی و اسباب آسایش مرا فراهم ساختی و سختی را دفع نموده و اندوه را زدودی و تنم را

الْبَدَنِ، وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدَرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعُ

تندرست و دینم را سلامت داشتی و اگر یاریم دهند به اندازه‌ای که نعمتت را ذکر کنم تمام

الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ، مَا قَدَّرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ،

جهانیان از اولین و آخرین نه من قدرت ذکرش را دارم نه آنها منزهی تو

تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لَا تُحْصِي الْأَوْكُ، وَلَا

و برتری از اینکه پروردگاری هستی کریم و بزرگ و مهربان که مهرورزی‌هایت به شماره درنیاید

يُبَلِّغُ ثَنَاءُكَ، وَلَا تَكْفِي نِعْمَاؤُكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و ستایشت به آخر نرسد و نعمتهایت را تلافی نتوان کرد درود فرست بر محمد و آل محمد

وَأْتِمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَكَ وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ

و کامل گردان بر ما نعمتهایت را و بوسیله اطاعت خویش سعادت‌مندان گردان منزهی تو معبودی جز تو نیست خدایا

إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ السُّوءَ، وَتُعْثِبُ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِي

تویی که اجابت کنی دعای درمانده را و برطرف کنی بدی را و فریادرسی کنی از گرفتار و شفا دهی

السَّقِيمَ، وَتُعْثِي الْفَقِيرَ، وَتَجْبِرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ،

به بیمار و بی‌نیاز کنی فقیر را و مرمت کنی شکستگی را و رحم کنی به کودک خردسال و یاری دهی به پیر کهنسال

وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطْلِقَ

و جز تو پشتیبانی نیست و نه فوق (توانایی) تو توانایی و تویی الوای بزرگ ای

الْمُكْبَلِ الْأَسِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ

رهاکننده اسیر در کُند و زنجیر ای روزی دهنده کودک خردسال ای پناه شخص ترسانی

الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

که پناه جوید ای که شریک و وزیر برای او نیست درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَعْظِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَحَدًا مِنْ

محمد و عطا کن به من در این شام بهترین چیزی را که عطا کردی و دادی به یکی از

عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تَوَلَّيْتَهَا، وَالْإِئْتِجَادِهَا، وَبَلِيَّةِ تَصَرَّفْتَهَا، وَكُرْبَةِ

بندگان چه آن نعمتی باشد که می‌بخشی و یا احسانهایی که تازه کنی و بلاهایی که می‌گردانی و غم و اندوهی که

تَكْشِفُهَا، وَدَعْوَةِ تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةِ تَقْبَلُهَا، وَسَيِّئَةِ تَتَعَمَّدُهَا، إِنَّكَ

برطرف کنی و دعایی که اجابت کنی و کار نیکی که بپذیری و گناهی که ببوشانی که براستی

لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ

تو بهر چه خواهی دقیق و آگاهی و بر هر چیز توانایی خدایا تو نزدیکترین کسی هستی که

دُعِيَ، وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَى، وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَأَسْمَعُ

خواندند و از هرکس زودتر اجابت کنی و در گذشت از هرکس بزرگوartری و در عطابخشی عطایت از همه وسیعتر

مَنْ سَأَلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ،

و در اجابت درخواست از همه شنواتری ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهربان آن دو پراستی کسی که مانند تو از او

درخواست شود

وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعْوَتُكَ فَاجِبَتْنِي، وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي، وَرَغِبْتُ

نیست و جز تو آرزو شده‌ای نیست خواندمت و تو اجابت کردی و درخواست کردم و تو عطا کردی و به درگاه تو میل

کردم

إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي، وَوَقَّفْتُ بِكَ فَنجَيْتَنِي، وَفَرَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي اللَّهُمَّ

و تو مرا مورد مهر خویش قرار دادی و به تو اعتماد کردم و تو نجاتم دادی و به درگاه تو نالیدم و تو کفایتم کردی خدایا

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ، وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلَىٰ آلِهِ الطَّيِّبِينَ

درود فرست بر محمد بنده و رسول و پیامبرت و بر آل پاک

الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتِكَ، وَهَنْئِنَّا عَطَاكَ، وَاکْتُبْنَا لَكَ

و پاکیزه‌اش همگی و نعمتهای خود را بر ما کامل گردان و عطایت را بر ما گوارا کن و نام ما را در زمره

شاکرین، و لِأَلَا تَكْ ذَاكِرِينَ، آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ يَا مَنْ

سپاسگزارانت بنویس و هم جزء یادکنندگان نعمتهای آمین آمین ای پروردگار جهانیان خدایا ای که

مَلِكٌ قَدْرٌ، وَقَدَّرَ فَقَهْرٌ، وَعُصْبِي فَسْتَرٌ، وَأَسْتُغْفِرُ فَعَفْرٌ، يَا غَايَةَ

مالک آمد و توانا، و توانا است و قاهر و نافرمانی شد ولی پوشاند و آمرزشش خواهند و آمرزد ای کمال مطلوب

الطَّالِبِينَ الرَّاعِينَ وَمُنْتَهَىٰ أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ

جویندگان مشتاق و منتهای آرزوی امیدواران ای که دانشش بهر چیز احاطه دارد

عِلْمًا، وَوَسِعَ الْمُسْتَقْبَلِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا، اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ

و رأفت و مهر و بردباریش توبه‌جویان را فرا گرفته خدایا ما رو به درگاه تو آوریم

فِي هَذِهِ الْعِشِيَّةِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ،

در این شبی که آنرا شرافت و بزرگی دادی بوسیله محمد پیامبرت و فرستاده‌ات

وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَآمِينِكَ عَلَىٰ وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّرَّاجِ

و برگزیده‌ها از آفریدگان و امین تو بر و حیت آن مژده دهنده و ترساننده و آن چراغ

الْمُنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ الْمُسْلِمِينَ، وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ،

تابناک آنکه بوسیله‌اش بر مسلمانان نعمت بخشیدی و رحمت عالمیان قرارش دادی

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِّذَلِكَ مِنْكَ، يَا

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانچه محمد نزد تو شایسته آنست ای خدای

عَظِيمٍ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ الْمُتَجَبِّينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

بزرگ پس درود فرست بر او و بر آل برگزیده پاک و پاکیزه‌اش

أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَالَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُوفٍ

همگی و بپوشان ما را به گذشت خود زیرا صداها با انواع مختلف

اللُّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ

لغته‌اشان (و هرکس به زبانی ناله‌اش) بسوی تو بلند است پس ای خدا برای ما قرار ده در این شام بهره‌ای از هر خیری

بَيْنَ عِبَادِكَ، وَتُورِ تَهْدِي بِهِ وَرَحْمَةً تَنْشُرُهَا، وَبَرَكَاتٍ تَنْزِلُهَا، وَعَافِيَةٍ

که میان بندگانت تقسیم فرمایی و نوری که بدان هدایت فرمایی و رحمتی که بگسترش آنرا و برکتی که نازلش کنی و

تُجَلِّلُهَا، وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ أَقْلِنَا فِي هَذَا

عافیتی که بپوشانی و روزی و رزقی که پهن کنی ای مهربانترین مهربانان خدایا برگردان ما را در این

الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ

هنگام پیروزمند و رستگار و پذیرفته و بهره‌مند و از ناامیدان قرارمان مده و از

الْقَانِطِينَ، وَلَا تُخَلِّنَا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ فَضْلِكَ،

رحمتت دست خالیمان مفرما و محرومان مکن از آنچه از فضل تو آرزومندیم

وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلِ مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ عَطَايِكَ

و جزء محرومان رحمتت قرارمان مده و نه ناامیدمان کن از آن زیادی عطایت که

قَانِطِينَ، وَلَا تَرُدُّنَا خَائِبِينَ، وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجْوَدَ

آرزومندیم و ناکام بازمان مگردان و از درگاہت مطرود و رانده‌مان مکن ای بخشنده‌ترین

الْأُجُودِينَ، وَكَرَّمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ، وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ

بخشندگان و کریمترین کریمان ما با یقین به درگاه تو رو آوردیم و به آهنگ (زیارت) خانه محترم تو (کعبه بدینجا)

امِين قاصِدِينَ، فَأَعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا، وَاكْمِلْ لَنَا حَجَّنا، وَاعْفُ عَنَّا

آمدیم پس کمک ده ما را بر انجام مناسک حج و حجامان را کامل گردان و از ما درگذر

وَاعْفِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا، فَهِيَ بِذِلَّةِ الْإِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ، اللَّهُمَّ

و تندرستمان دار زیرا که ما بسوی تو دو دست (نیاز) دراز کرده ایم و آن دستها چنان است که به خواری اعتراف به گناه

فَاعْظُنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَاكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا

نشاندار شده خدایا در این شام به ما عطا کن آنچه را از تو خواسته ایم و کفایت کن از ما آنچه را از تو کفایت آنرا

خواستیم زیرا کفایت کننده ای

سِوَاكَ، وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ، نَافِذُ فِينَا حُكْمُكَ، مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ، عَدْلٌ

جز تو نداریم و پروردگاری غیر از تو برای ما نیست تویی که فرمانت درباره ما نافذ و دانشت به ما احاطه دارد

فِينَا قَضَاؤُكَ، إِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا

و حکمی که درباره ما فرمایی از روی عدالت است خدایا خیر و نیکی برای ما مقرر کن و از اهل خیر قرارمانده خدایا

واجب گردان برای ما

بِجُودِكَ عَظِيمِ الْأَجْرِ، وَكَرِيمِ الذُّخْرِ، وَدَوَامِ الْيُسْرِ، وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

از آن جودی که داری پاداشی بزرگ و ذخیره ای گرامی و آسایشی همیشگی و بیا مرز گناهان ما را

اجْمَعِينَ، وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ

همگی و در زمره هلاک شدگان بدست هلاکتمان مسپار و مهر و رأفت را از ما باز مگردان

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ،

ای مهربانترین مهربانان خدایا قرارمان ده در این وقت از آن کسانی که از تو درخواست کرده و بدیشان عطا فرموده ای

وَشَكَرَكَ فَرَدَّتْهُ، وَتَابَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ، وَتَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا

و شکر تو را بجا آورده و تو نعمت را بر آنها افزون کرده و بسویت بازگشته و تو پذیرفته ای و از گناهان بسوی

فَعَفَّرَتْهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اللَّهُمَّ وَتَقْنَا وَسَدَّدْنَا وَأَقْبَلْ

تو بیرون آمده و تو همه را آمرزیده ای، ای صاحب جلالت و بزرگواری خدایا ما را پاکیزه و (در دین) محکمان گردان

تَضَرُّعْنَا، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى

و تضرع و زاریمان بپذیر ای بهترین کسی که از او درخواست شود و ای مهربانترین کسی که از او بهر خواهند ای که بر او

پوشیده نیست

عَلَيْهِ أَعْمَاضُ الْجُفُونِ، وَلَا لِحْظُ الْعُيُونِ، وَلَا مَا اسْتَفَرَّ فِي الْمَكُونِ،

بهم نهادن پلکهای چشم و نه بر هم خوردن دیدگان و نه آنچه در مکنون ضمیر مستتر گردیده

وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ، إِلَّا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ

و نه آنچه در پرده دلها نهفته است آری تمام آنها را

عِلْمُكَ، وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوءًا

دانش تو شماره کرده و بردباریت همه را در برگرفته است منزهی تو و برتری از آنچه ستمکاران گویند برتری

كَبِيرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ

بسیاری، تزیه کنند تو را آسمانهای هفتگانه و زمینها و هر که در آنها است و چیزی نیست

شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلِكِ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ، يَا ذَا الْجَلَالِ

جز آنکه به ستایش تو تسبیح کند پس تو را است ستایش و بزرگواری و بلندی رتبه، ای صاحب جلالت

وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ

و بزرگواری و فضل و نعمت‌بخشی و موهبت‌های بزرگ و تویی بخشنده

الْكَرِيمِ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ،

بزرگوار رؤوف و مهربان خدایا فراخ گردان بر من از روزی حلال خود

وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي، وَامِنْ خَوْفِي، وَأَعْتِقْ رِقَبَتِي مِنَ النَّارِ،

و عافیتم بخش در تن و هم در دینم و ترسم را امان بخش و از آتش دوزخ آزادم کن

اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْدَعْنِي، وَأَذْرَعْ عَنِّي شَرَّ

خدایا مرا به مکر خود دچار مساز و در غفلت تدریجی بسوی نابودی میر و فریبم مده و شر

فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ پَسِ سر و دیده خود را بسوی آسمان بلند کرد و از

تبهکاران جن و انس را از من دور کن *****

دیده‌های مبارکش آب می‌ریخت مانند دو مشک و بصدای بلند گفت:

يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ،

ای شنواترین شنوندگان ای

يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَيَّ

بیناترین بینایان و ای سریعترین حساب‌رسان و ای مهربانترین مهربانان درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، السَّادَةِ الْمَيَامِينِ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ

محمد و آل محمد آن آقایان فرخنده و از تو ای خدا درخواست کنم حاجتم را که اگر آنرا به من

أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا

عطا کنی دیگر هرچه را از من دریغ کنی زیانم نزند و اگر آنرا از من دریغ داری دیگر سودم ندهد هرچه

أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لِإِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِّكَ لِشَرِيكَ

به من عطا کنی و آن این است که از تو خواهم مرا از آتش دوزخ آزاد گردانی معبودی جز تو نیست یگانه‌ای که

لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ، وَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّشَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ.

شریک نداری از تو است فرمانروایی و از تو است ستایش و تویی که بر هرچیز توانایی ای پروردگار ای پروردگار

پس مکرر می‌گفت یارب و کسانی که دور آن حضرت بودند تمام گوش داده بودند به

دعاء آن حضرت و اکتفا کرده بودند

به آمین گفتن پس صداهایشان بلند شد به گریستن با آن حضرت تا غروب کرد آفتاب

و بار کردند و روانه جانب مشعر الحرام شدند مؤلف گوید که کفعمی دعاء عرفه امام

حسین علیه السلام را در بلد الامین تا اینجا نقل فرموده و علامه مجلسی در زاد المعاد

این دعای شریف را موافق روایت کفعمی ایراد نموده و لکن سید بن طاووس در

اقبال بعد از یا رَبِّ یا رَبِّ این زیادتى را ذکر فرموده:

إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا

خدا من چنانم که در حال توانگری هم فقیرم پس چگونه فقیر نباشم

فِي فَقْرِي، إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي

در حال تهیدستیم خدایا من نادانم در عین دانشمندی پس چگونه نادان نباشم در عین

جَهْلِي، إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَسُرْعَةَ طَوْ آءِ مَقَادِيرِكَ، مَنَعَا

نادانی خدایا برآستی اختلاف تدبیر تو و سرعت تحول و پیچیدن در تقدیرات تو جلوگیری کنند

عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنْ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ، وَالْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ،

از بندگان عارف تو که به عطایت دل آرام و مطمئن باشند و در بالای تو مأیوس و ناامید شوند

إِلَهِي مَنِي مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي، وَمِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكَرَمِكَ، إِلَهِي وَصَفَتْ

خدایا از من همان سرزند که شایسته پستی من است و از تو انتظار رود آنچه شایسته بزرگواری تو است خدایا تو

نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي، أَفَتَمَنَعُنِي مِنْهُمَا بَعْدَ

خود را به لطف و مهر به من توصیف فرمودی پیش از آنکه ناتوان باشم آیا پس از ناتوانیم لطف و مهرت را از من

وُجُودِ ضَعْفِي، إِلَهِي إِنَّ ظَهَرَتِ الْمَحَاسِنُ مِنِّي فَبِضْلِكَ، وَلَكَ الْمِنَّةُ

دریغ می‌داری خدایا اگر کارهای نیک از من سرزند به فضل تو بستگی دارد و تو را منتی است بر من

عَلَيَّ، وَإِنْ ظَهَرَتِ الْمَسَاوِي مِنِّي فَبِعَدْلِكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ، إِلَهِي

و اگر کارهای بد از من روی دهد آن‌هم بستگی به عدل تو دارد و تو را بر من حجت است خدایا

كَيْفَ تَكِلْنِي وَقَدْ تَكَفَّلْتَ لِي، وَكَيْفَ أَضَامُ وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِي، أَمْ كَيْفَ

چگونه مرا وامی‌گذاری در صورتی‌که کفایت کردی و چگونه مورد ستم واقع گردم با اینکه تو یاور منی یا چگونه

أَخِيْبُ وَأَنْتَ الْحَفِيُّ بِي، هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ، وَكَيْفَ

ناامید گردم در صورتی‌که تو نسبت به من مهربانی هم اکنون به درگاه تو توسل جویم بوسیله آن نیازی که به درگاهت

دارم و چگونه

أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي

توسل جویم بوسیله فقری که محال است پیرامون تو راه یابد یا چگونه از حال خویش به درگاهت شکوه کنم با اینکه

حال

وَهُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَتَرْجِمُ بِمَقَالِي وَهُوَ مِنْكَ بَرَزُ إِلَيْكَ، أَمْ

من بر تو پنهان نیست یا چگونه با زبان (قال) ترجمه حال خود کنم در صورتی که آنهم از پیش تو بُروز کرده به نزد خودت یا

كَيْفَ تُخَيِّبُ اِمَالِي وَهِيَ قَدْ وَدَّتْ اِلَيْكَ، اَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ اُحْوَالِي

چگونه آرزوهایم به نومیدی گراید با اینکه به آستان تو وارد شده یا چگونه احوالم را نیکو کنی

وَبِكَ قَامَتْ، اِلٰهِي مَا اَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي، وَمَا اَرْحَمَكَ بِي مَعَ

با اینکه احوال من به تو قائم است خدایا چه اندازه به من لطف داری با این نادانی عظیم من و چقدر به من مهر داری

قَبِيحِ فِعْلِي، اِلٰهِي مَا اَقْرَبَكَ مِنِّي وَاَبْعَدْتَنِي عَنْكَ، وَمَا اَرَأْفَكَ بِي، فَمَا

با این کردار زشت من خدایا چقدر تو به من نزدیکی و در مقابل چقدر من از تو دورم و با اینهمه که تو نسبت به من

الَّذِي يَحْجُبْنِي عَنْكَ، اِلٰهِي عَلِمْتُ بِاَخْتِلَافِ الْاَثَارِ وَتَنَقُّلَاتِ

مهربانی پس آن چیست که مرا از تو محجوب دارد خدایا آن طوری که من از روی اختلاف آثار و تغییر و تحول

الْاُطُوْر، اَنَّ مُرَادَكَ مِنِّي اَنْ تَتَعَرَّفَ اِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى لَا اَجْهَلَكَ

اطوار بدست آورده‌ام مقصود تو از من آنست که خود را در هر چیزی (جدداً گانه) به من بشناسانی تا من

فِي شَيْءٍ، اِلٰهِي كَلَّمَا اَخْرَسَنِي لَوْ مِي اَنْطَقَنِي كَرَمَكَ، وَكَلَّمَا اَيْسَتَنِي

در هیچ چیزی نسبت به تو جاهل نباشم خدایا هر اندازه پستی من زبانم را لال می کند کرم تو آنرا گویا می کند و

هر اندازه

اَوْصَافِي اَطْمَعْتَنِي مِنْكَ، اِلٰهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي، فَكَيْفَ

اوصاف من مرا مأیوس می کند نعمتهای تو به طمعم اندازد خدایا آنکس که کارهای خویش کار بد باشد

لَا تَكُوْنُ مَسَاوِيَهٍ مَسَاوِي، وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي، فَكَيْفَ لَا

پس چگونه کار بدش بد نباشد و آنکس که حقیقت گویی هایش ادعایی بیش نباشد پس چگونه

تَكُوْنُ دَعَاوِيَهٍ دَعَاوِي، اِلٰهِي حُكْمُكَ النَّافِذُ، وَمَشِيَّتُكَ الْقَاهِرَةُ، لَمْ

ادعاهایش ادعا نباشد خدایا فرمان نافذت و مشیت قاهرهت برای هیچ گوینده‌ای فرصت

يَتْرُكَا لِنْدِي مَقَالَ، وَلَا لِنْدِي حَالَ حَالًا، اِلٰهِي كَمْ مِنْ طَاعَةِ بَنِيَّتِهَا،

گفتار نگذارد و برای هیچ صاحب حالی حس و حال به جای نهد خدایا چه بسیار طاعتی که (پیش خود) پایه گذاری

کردم

وَحَالَةٌ شَيَّدَتْهَا هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ، بَلْ أَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ،

و چه بسیار حالتی که بنیادش کردم ولی (یاد) عدل تو اعتمادی را که بر آنها داشتم یکسره فرو ریخت بلکه فضل تو نیز

اعتمادم را بهم زد

إِلٰهِهِ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدُمْ الطَّاعَةَ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا، فَقَدْ دَامَتْ

خدایا تو می‌دانی که اگر چه طاعت تو در من بصورت کاری مثبت ادامه ندارد ولی

مَحَبَّةٌ وَعَزْمًا، إِلٰهِهِ كَيْفَ اعْزَمُ وَأَنْتَ الْفَاهِرُ، وَكَيْفَ لَا اعْزَمُ وَأَنْتَ

دوستی و تصمیم بر انجام آن در من ادامه دارد خدایا چگونه تصمیم بگیرم در صورتی که تحت قهر توام و چگونه

تصمیم بگیرم با اینکه

الْأَمْرُ، إِلٰهِهِ تَرَدُّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ

تو دستورم دهی خدایا تفکر (یا گردش) من در آثار تو راه مرا به دیدارت دور سازد پس کردار مرا با خودت

بِخِدْمَةِ تَوْصِلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ

بوسیله خدمتی که مرا به تو برساند چگونه استدلال شود بر وجود تو به چیزی که خود آن موجود در هستیش نیازمند

إِلَيْكَ، أَيْكُونُ لِنَعِيرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ، حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرَ

به تو است و آیا اساساً برای ما سواى تو ظهوری هست که در تو نباشد تا آن وسیله ظهور تو

لَكَ، مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَمَتَى بَعُدَتْ حَتَّى

گردد تو کی پنهان شده‌ای تا محتاج بدلیلی باشیم که به تو راهنمایی کند و چه وقت دور مانده‌ای تا

تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوَصِّلُ إِلَيْكَ، عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَكَ عَلَيْهَا

آثار تو ما را به تو واصل گرداند کور باد آن چشمی که تو را نبیند که مراقب

رَقِيْبًا، وَخَسِرَتْ صَفْقَةٌ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيْبًا، إِلٰهِهِ أَمْرَتْ

او هستی و زیان کار باد سودای آن بنده که از محبت خویش به او بهره‌ای ندادی خدایا فرمان دادی

بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ، فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ، وَهِدَايَةِ

که به آثار تو رجوع کنم پس بازگردان بسوی خود (پس از مراجعه به آثار) به پوششی از انوار و راهنمایی

الْإِسْتِبْصَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا، كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا، مَصُونٍ

و از بینش جوئی تا بازگردم بسویت پس از دیدن آثار هم چنانکه آمدم بسویت از آنها که نهادم

السَّرِّ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا، وَمَرْفُوعِ الْهَيْمَةِ عَنِ الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَى

از نظر به آنها مصون مانده و همتم را از اعتماد بدانها برداشته باشم که برآستی تو بر هر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَهِي هَذَا ذَلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَهَذَا حَالِي لَا يَخْفَى

چیز توانائی خدایا این خواری من است که پیش رویت عیان و آشکار است و این حال (تباه) من است

عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ، وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ فَاهْدِنِي

که بر تو پوشیده نیست از تو خواهم که مرا به خود برسانی و بوسیله ذات تو بر تو دلیل می‌جویم

بُنُورِكَ إِلَيْكَ، وَأَقْمِنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ إِلَهِي عَلَّمَنِي مِنْ

پس به نور خود مرا بر ذات راهنمایی فرما و به یادآور مرا با بندگی صادقانه در پیش رویت خدایا بیاموز به من

عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ، وَصَنِّي بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ، إِلَهِي حَقَّقَنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ

از دانش مخزونت و محفوظم دار به پرده مصونت خدایا مرا به حقائق نزدیکان درگاهت

الْقُرْبِ، وَأَسْأَلُكَ بِي مَسْأَلَةِ أَهْلِ الْجَذْبِ إِلَهِي أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي

بیباری و به راه اهل جذب و شوقت ببر خدایا بی‌نیاز کن مرا به تدبیر خودت در باره‌ام

عَنْ تَدْبِيرِي، وَبِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِي، وَأَوْقِفْنِي عَلَى مَرَاكِزِ

از تدبیر خودم و به اختیار خودت از اختیار خودم و بر جاهای

اضْطِرَارِي، إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي، وَطَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي

بیچارگی و درماندگیم مرا واقف گردان خدایا مرا از خواری نفسم نجات ده و پاکم کن از شک

وَشِرْكِي، قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ أَنْتَصِرُ فَاَنْصُرْنِي، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلَا

و شرک خودم پیش از آنکه داخل گورم گردم به تو یاری جویم پس تو هم یاریم کن و بر تو توکل کنم پس

تَكَلِّمْنِي، وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي،

مرا وامگذار و از تو درخواست کنم پس ناامیدم مگردان و در فضل تو رغبت کرده‌ام پس محرومم مفرما

وَبِجَنَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي وَبِبَابِكَ أَقِفُ فَلَا تَطْرُدْنِي، إِلَهِي

و به حضرت تو خود را بستم پس دورم مکن و به درگاه تو ایستاده‌ام پس طردم مکن خدایا

تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ، فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي،

میرا است خوشنودی تو از اینکه علت و سببی از جانب تو داشته باشد پس چگونه ممکن است من سبب آن گردم

إِلَهِي أَنْتَ الْغَنِيُّ بِذَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ

خدایا تو به ذات خود بی‌نیازی از اینکه سودی از جانب خودت به تو برسد پس چگونه از من بی‌نیاز نباشی

غَنِيًّا عَنِّي، إِلَهِي إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يُمَيِّنِي، وَإِنَّ الْهُوَى بَوَائِقِ

خدایا براستی قضا و قدر مرا آرزومند می‌کنند و از آن سو هوای نفس مرا به بندهای

الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي، فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتَبْصُرَنِي،

شهوت اسیر کرده پس تو یاور من باش تا پیروزم کنی و بینایم کنی

وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَغْنِيَ بِكَ عَنْ طَلْبِي، أَنْتَ الَّذِي أَسْرَقْتَ

و بوسیله فضل خویش بی‌نیازم گردانی تا بوسیله تو از طلب کردن بی‌نیاز شوم توئی که تاباندی

الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ، حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَدُّوكَ، وَأَنْتَ الَّذِي

انوار (معرفت) را در دل اولیایان تا اینکه تو را شناختند و یگانه‌ات دانستند و توئی که

أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ، حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ، وَلَمْ يَلْجَأُوا

اغیار و بیگانگان را از دل دوستانت براندی تا اینکه کسی را جز تو دوست نداشته و به غیر تو پناهنده و ملتی

إِلَى غَيْرِكَ، أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمْ الْعَوَالِمُ، وَأَنْتَ الَّذِي

نشوند و توئی مونس ایشان در آنجا که عوالم وجود آنها را به وحشت اندازد و توئی که

هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَ لَهُمُ الْمَعَالِمُ، مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الَّذِي

راهنمائیشان کنی آنگاه که نشانه‌ها برایشان آشکار گردد چه دارد آنکس که تو را گم کرده؟ و چه ندارد

فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ، لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا، وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى

آنکس که تو را یافته است براستی محروم است آنکس که بجای تو بدیگری راضی شود و بطور حتم زیانکار است

کسی که

عَنكَ مُتَحَوِّلًا، كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ، وَكَيْفَ

از تو به دیگری روی کند چنان می‌شود بغیر تو امیدوار بود در صورتی که تو احسانت را قطع نکردی و چگونه

يُطَلَبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَلْتَ عَادَةَ الْإِمْتِنَانِ، يَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّائَهُ

از غیر تو می‌توان طلب کرد با اینکه تو تغییر نداده‌ای شیوه عطابخشیت را ای خدائی که به دوستانت

حَلَاوَةَ الْمُؤَانَسَةِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ، وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ

شیرینی همدمی خود را چشاندی و آنها در برابرت به چاپلوسی برخاستند و ای خدائی که پوشاندی بر اولیاء خودت

مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَعْفِرِينَ، أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ

خلعتهای هیبت خود را پس آنها در برابرت به آمرزش خواهی بپاخواستند تویی که یاد کنی پیش از آنکه

الذَّاكِرِينَ، وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ، وَأَنْتَ

یاد کنندگان یادت کند و تویی آغازنده به احسان قبل از آنکه پرستش کنندگان بسویت توجه کنند و تویی

الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبِينَ، وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا

بخشنده عطا پیش از آنکه خواهندگان از تو خواهند و تویی پربخشش و سپس همان را که به ما بخشیده‌ای از ما

مِنَ الْمُسْتَقْرِضِينَ، إِلَهِي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ،

به قرض می‌خواهی خدایا مرا بوسیله رحمتت بطلب تا من به نعمت و صالت نائل گردم

وَأَجْزِبُنِي بِمَنْكَ حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ، إِلَهِي إِنْ رَجَأْتِي لَا يَنْقُطُ عَنكَ

و بوسیله نعمتت مرا جذب کن تا به تو رو کنم خدایا برآستی امید من از تو قطع نگردد و اگرچه

وَإِنْ عَصَيْتُكَ، كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزَالِنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ، فَقَدْ دَفَعْتَنِي

نافرمانیت کنم چنانکه ترسم و از تو زائل نشود و گرچه فرمانت برم همانا جهانیان مرا بسوی تو رانده‌اند

الْعَوَالِمِ إِلَيْكَ، وَقَدْ أَوْقَعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ، إِلَهِي كَيْفَ أَخِيبُ

و آن علمی که به کرم تو دارم مرا به درگاه تو آورده خدایا چگونه نوید شوم

وَأَنْتَ أَمَلِي، أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي، إِلَهِي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَفِي

و تو آرزوی منی و چگونه پست و خوار شوم با اینکه اعتمادم بر تو است خدایا چگونه عزت جویم با اینکه در

الذَّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي، أَمْ كَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّ وَالْإِيكَ نَسَبْتَنِي، إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ

خواری جایم دادی و چگونه عزت نجویم با اینکه به خود مُتَّسِّبِم کردی خدایا چگونه نیازمند نباشم

وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفَقْرَاءِ أَقْمَتَنِي، أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ

با اینکه تو در نیازمندانم جای دادی یا چگونه نیازمند باشم و تویی که به جود و بخششت

أَغْنَيْتَنِي، وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتُ لِكُلِّ شَيْءٍ، فَمَا جَهْلَكَ

بی‌نیازم کردی و تویی که معبودی جز تو نیست شناساندی خود را به هر چیز و هیچ چیزی نیست که تو را نشناسد

شَيْءٌ، وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي

و تویی که شناساندی خود را به من در هر چیز و من تو را آشکار در

كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ، فَصَارَ

هر چیز دیدم و تویی آشکار بر هر چیز ای که بوسیله مقام رحمانیت خود (بر همه چیز) احاطه کردی

الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ، مَحَّتْ الأَثَارَ بِالأَثَارِ، وَمَحَوْتَ الأَغْيَارَ،

و عرش در ذاتش پنهان شد تویی که آثار را به آثار نابود کردی و اغیار را

بِمُحِيطَاتِ أَفلاكِ الأَنْوَارِ، يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنِ

به احاطه‌کننده‌های افلاک انوار محو کردی ای که در سرپرده‌های عرشش محتجب شد

أَنْ تُدْرِكَهُ الأَبْصَارُ، يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمالِ بَهَايَةِ، فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ [مِنْ]

از اینکه دیده‌ها او را درک کنند ای که تجلی کردی به کمال زیبایی و نورانیت و پابرجا شد عظمتش از

الْإِسْتِوَاءِ، كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ، أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ

استواری چگونه پنهان شوی با اینکه تو آشکاری یا چگونه غایب شوی که تو نگهبان

الحَاضِرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ.

و حاضری برآستی تو بر هر چیز توانائی و ستایش مخصوص خدا است تنها

و بالجمله کسی که توفیق یابد و این روز را در عرفات باشد ادعیه و اعمال بسیار دارد و بهترین اعمال در این روز دعا است و در تمام ایام سال این روز شریف به جهت دعا امتیازی دارد و دعا از برای برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد و روایت وارده در حال عبدالله بن جندب رحمه الله در موقف عرفات و دعای او برای برادران مؤمن خود مشهور است و روایت زید نرسی در حال ثقه جلیل‌القدر معاویة بن وهب در موقف و دعای او در حق یک یک از اشخاصی که در آفاق بودند و روایت او از حضرت صادق علیه السلام در

فضیلت این کار شایسته ملاحظه و دیدار است و رجاء واثق از برادران دینی آنکه اقتدا به این بزرگواران نموده و مؤمنین را در دعا بر خود ایثار نموده و این گنه کار روسیاه را یکی از آن اشخاص شمرده و در حال حیات و ممات از دعای خیر فراموش نفرمایند و بخوان در این روز زیارت جامعه سیم را و در آخر روز عرفه بخوان:

يَا رَبِّ إِنَّ ذُنُوبِي لَا تَضُرُّكَ، وَإِنَّ مَغْفِرَتَكَ

پروردگارا همانا گناهان من زیانی به تو نزند و محققاً آمرزش تو

لی لَا تَنْقُصُكَ، فَأَعْطِنِي مَا لَا يَنْقُصُكَ، وَأَغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ، و ایضاً بخوان:

از من نقصانی به تو نرساند پس عطا کن به من آنچه را نقصان نرساند و بپامرز برایم آنچه را زیانت نزند * * * * *

اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنِي خَيْرَ مَا عِنْدَكَ لِشَرِّ مَا عِنْدِي، فَإِنَّ أَنْتَ لَمْ تَرْحَمْنِي بَتَعْبِي

خدایا محروم مکن از آن خیری که نزد تو است بخاطر آن شری که در پیش من است پس اگر تو به رنج و خستگی

وَصَبِي، فَلَا تَحْرِمْنِي أَجْرَ الْمُصَابِ عَلَيَّ مُصِيبَتِهِ.

رحم نمی کنی پس محروم مدار از پاداش مصیبت دیده ای بر مصیبتش

* مؤلف گوید: که سید بن طاووس در ضمن ادعیه روز عرفه فرموده که چون

نزدیک شود غروب آفتاب بگو بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

«الدعاء» و این همان دعای عشرات است که سابق گذشت پس شایسته است

دعای عشرات را که در هر صبح و شام مستحب است خواندن آن در آخر روز

عرفه ترک نکنند و این اذکار عشراتی را که کفعمی نقل کرده همان اذکار آخر

دعا عشرات است که سید نقل فرموده شب دهم از لیالی متبرکه و از آن چهار

شبی است که احیاء آنها مندوب است و درهای آسمان در این شب باز است و

سنت است در آن زیارت امام حسین علیه السلام و دعاء یا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَی
الْبَرِیَّةِ که در شب جمعه گذشت روز دهم روز عید قربان است و بسیار روز
شریفی است و اعمال آن چند چیز است: اول غسل است که در این روز سنت
مؤکد است و بعضی از علماء واجب دانسته اند.

دویم نماز عید است به همان نحو که در عید فطر ذکر شد لکن در این روز
مستحب است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی شود.

سیم خواندن دعاهائی که وارد شده پیش از نماز عید و بعد از آن و در اقبال
ذکر شده و شاید بهترین دعاهای این روز دعای چهل و هشتم صحیفه کامله
باشد که اول آن اَللّهُمَّ هَذَا یَوْمٌ مُّبَارَكٌ است پس آن را بخواند و دعای چهل و
ششم یا مَنْ یَرْحَمُ مَنْ لَا یَرْحَمُهُ الْعِبَادُ را نیز بخواند.

چهارم خواندن دعای ندبه است که بعد از این خواهد آمد انشاء الله تعالی.
پنجم قربانی است که سنت مؤکد است ششم خواندن تکبیرات است برای کسی
که در منی باشد عقیب پانزده نماز که اولش نماز ظهر روز عید است و آخرش
نماز صبح روز سیزدهم و کسانی که در سایر شهرها هستند بخوانند عقیب ده
نماز از ظهر روز عید تا صبح دوازدهم و تکبیرات موافق روایت صحیح در
کافی این است:

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ

خدا بزرگتر از توصیف است معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است و ستایش خاص خداست خدا بزرگتر است

بر آنچه ما را راهنمایی

عَلَى مَا هَدَانَا اللَّهُ، أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَلَانَا.

کرد خدا بزرگتر است بر آنچه روزی ما کرد از چهارپایان انعام (شتر و گاو و گوسفند) و ستایش خاص خدا است برای آنکه آزمود ما را

و مستحب است تکرار این تکبیرات عقب نمازها به قدر امکان و خواندن بعد از نوافل روز پانزدهم سنه ۲۱۲ ولادت حضرت امام علی نقی علیه السلام واقع شده شب هیجدهم شب عید غدیر و شب با شرافتی است سید در اقبال دوازده رکعت نماز به یک سلام به کیفیتی مخصوص برای این شب با دعائی نقل کرده است روز هیجدهم روز عید غدیر و عیدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ و عید آل محمد علیهم السلام است و عظیمترین اعیاد است و مبعوث نفرموده حق تعالی پیغمبری را مگر آنکه عید کرده است این روز را و حرمت آن را دانسته است و نامش در آسمان روز عهد معهود است و نامش در زمین روز میثاق مأخوذ و جَمَع مَشْهُود است .

و روایت است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا مسلمانان را عیدی هست غیر از جمعه و اضحی و فطر فرمود بلی عیدی هست که از همه حرمتش بیشتر است راوی گفت کدام عید است فرمود که آن روزی است که نَصَبُ کرد حضرت رسول صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را به خلافت خود و فرمود که هر که من مولی و آقای اویم پس علی مولی و آقا و پیشوای او است و آن روز هیجدهم ذی الحجّه است راوی گفت که چه کار در آن روز باید کرد فرمود که باید روزه بدارید و عبادت کنید و محمد و آل

محمدعلیه السلام را یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید و وصیت کرد
 رسول خداصلی الله علیه وآله امیرالمؤمنین علیه السلام را که این روز را عید
 گرداند و هر پیغمبری وصی خود را وصیت می کرد که این روز را عید گردانند
 و در حدیث ابن ابی نصر بزنطی است از حضرت رضاعلیه السلام که فرمود ای
 پسر ابی نصر هر کجا که باشی سعی کن که روز غدیر نزد قبر مطهر حضرت
 امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر شوی بدرستی که خدا در این روز می آمرزد از
 هر مرد مؤمن و زن مؤمنه گناه شصت ساله ایشان را و در این روز آزاد می کند
 از آتش جهنم دو برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و شب قدر و شب
 فطر و یک درهم که در این روز به برادران مؤمن بدهی برابر است با هزار
 درهم که در اوقات دیگر بدهی و احسان کن در این روز به برادران مؤمن خود
 و شاد گردان هر مرد مؤمن و زن مؤمنه را به خدا قسم که اگر مردم فضیلت
 این روز را بدانند چنانکه باید هر آینه هر روز ده مرتبه ملائکه با ایشان
 مصافحه کنند و بالجمله تعظیم این روز شریف لازم و اعمال آن چند چیز است
 اول روزی که کفاره شصت سال گناه است و در خیرست که برابر است با روزه
 عمر دنیا و معادل است با صد حج و صد عمره دویم غسل سیّم زیارت حضرت
 امیرالمؤمنین علیه السلام و سزاوار است که انسان هر کجا باشد سعی کند خود
 را به قبر مطهر آن حضرت برساند و از برای آن جناب در این روز سه زیارت
 مخصوصه نقل شده که یکی از آنها زیارت معروفه به امین الله است که از
 نزدیک و دور خوانده می شود و آن از زیارات جامعه مطلقه است نیز و درباب

زیارات بیاید انشاءالله تعالی چهارم بخواند تعویذی را که سید در اقبال از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده پنجم دو رکعت نماز کند و به سجده رود و صد مرتبه شکر خدا کند پس سر از سجده بردارد و بخواند: اَللّهُمَّ

اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِاَنَّ لَکَ الْحَمْدَ، وَحَدِّکَ لَا شَرِیکَ لَکَ، وَاَنَّکَ

*** * خدایا از تو درخواست کنم بدانکه از برای تو است ستایش یگانه‌ای که شریک نداری و تویی

وَاحِدٌ اَحَدٌ صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ، وَلَمْ یَكُنْ لَکَ کُفُوًا اَحَدٌ، وَاَنَّ

یکتای یگانه‌ای بی‌نیاز که فرزندی نداری و فرزند کسی نیستی و نیست برایت همتائی هیچکس و براستی

مُحَمَّدًا عَبْدَکَ وَرَسُولَکَ، صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ، یَا مَنْ هُوَ کُلُّ یَوْمٍ فِی

محمد بنده و رسول تو است دروهای تو بر او و آتش باد ای که هر روز در

شَأْنٍ، کَمَا کَانَ مِنْ شَأْنِکَ اَنَّ تَفَضَّلْتَ عَلَیَّ، بِاَنَّ جَعَلْتَنِی مِنْ اَهْلِ

کاری هستی چنانچه از شأن تو بود که بر من تفضل فرمودی به اینکه مرا از اهل

اِجَابَتِکَ، وَاهْلٍ دِیْنِکَ وَاهْلٍ دَعْوَتِکَ، وَوَقَفْتَنِی لِذَلِکَ فِی مُبْتَدَءِ

اجابتت و از اهل دینت و اهل دعوتت قرار دادی و موقوفم داشتی بدان در آغاز

خَلْقِی، تَفَضُّلاً مِنْکَ وَکَرَمًا وَجُودًا، ثُمَّ اَرَدَفْتَ الْفَضْلَ فَضْلاً، وَالْجُودَ

آفرینشم از روی تفضل و کرم و بخشش سپس دنبال آوردی این فضل را به فضلی دگر و این بخشش را

جُودًا، وَالْکَرَمَ کَرَمًا، رَافَةً مِنْکَ وَرَحْمَةً، اِلَیَّ اَنَّ جَدَّدْتَ ذَلِکَ الْعَهْدَ

به بخششی دگر و این کرم را به کرمی دگر که آن هم از روی مهر و رحمت بود تا بدانجا که تازه کردی این عهد را

لِی تَجْدِیدًا بَعْدَ تَجْدِیدِکَ خَلْقِی، وَکُنْتُ نَسِیًّا نَسِیًّا نَاسِیًّا سَاهِیًّا

برایم از نو پس از تجدید آفرینشم در صورتی که من در فراموشی بودم و فراموشکاری و بی‌خبری

غَافِلًا، فَاتَمَمْتَ نِعْمَتَکَ بِاَنَّ دَکَّرْتَنِی ذَلِکَ، وَمَنَنْتَ بِهِ عَلَیَّ، وَهَدَيْتَنِی

و غفلت پس تو نعمتت را بر من تمام کردی به اینکه آن را به یادم انداختی و بدان بر من منت نهادی و بر آن راهنمائیم

کردی

لَهُ، فَلِیَکُنْ مِنْ شَأْنِکَ یَا اِلٰهَی وَسَیِّدَی وَمَوْلَایَ اَنَّ تُتِمَّ لِی ذَلِکَ، وَلَا

پس همچنان باید از شأن تو باشد ای معبود و آقا و مولای من که تمام کنی برایم آن نعمت را و از

تَسْلُبْنِيهِ حَتَّى تَتَوَقَّأَنِي عَلَى ذَلِكَ، وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، فَإِنَّكَ أَحَقُّ

من سلب نفرمائی آن را تا هنگامی که بمیرانیم بر آن در حالی که تو از من خوشنود باشی که براستی تو سزاوارترین

الْمُنْعِمِينَ أَنْ تُتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَجَبْنَا دَاعِيكَ

نعمت بخشانی که نعمتت را بر من به پایان رسانی خدایا شنیدیم و پیروی کردیم و خواننده‌ات را اجابت کردیم

بِمَنِّكَ، فَالْحَمْدُ غُفْرَانُكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، أَمَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا

به لطف تو پس از آن تو است حمد و آمرزشت را خواهیم پروردگارا و به سوی تو است بازگشت ایمان داریم به

خدای یگانه‌ای

شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَدَقْنَا وَأَجَبْنَا

که شریک ندارد و به رسولش محمد صلی الله علیه و آله و تصدیق کردیم و اجابت کردیم

دَاعِيَ اللَّهِ، وَأَتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فِي مُوَالَاةِ مَوْلِينَا وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، أَمِيرِ

داعی خدا را و پیروی کردیم از رسول (او) در مورد دوستی و اطاعت مولايمان و مولای مؤمنان امیر

الْمُؤْمِنِينَ عَلَى بَنِ أَبِيطَالِبٍ عَبْدِ اللَّهِ وَأَخِي رَسُولِهِ، وَالصَّدِيقِ الْأَكْبَرِ،

مؤمنان علی بن ابی طالب بنده خدا و برادر رسول او و صدیق اکبر

وَالْحُجَّةِ عَلَى بَرِيَّتِهِ، الْمُؤَيَّدِ بِهِ نَبِيِّهِ وَدِينَهُ الْحَقَّ الْمُبِينِ، عَلَمًا لِدِينِ

و حجّت او بر آفریدگانش آنکه خداوند پیامبرش و دین حق آشکارش را بوسیله او تایید کرد نشانه و پرچم دین

اللَّهِ، وَخَازِنًا لِعِلْمِهِ، وَعَيْبَةَ غَيْبِ اللَّهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ، وَأَمِينَ اللَّهِ عَلَى

خدا و خزینه‌دار دانش او و گنجینه غیب خدا و جایگاه راز خدا و امین خدا بر

خَلْقِهِ، وَشَاهِدَهُ فِي بَرِيَّتِهِ، اللَّهُمَّ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي

خلق او و گواه او در آفریدگانش خدایا ای پروردگار ما ما شنیدیم منادی را که ندا می‌کرد

لِلْإِيمَانِ، أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا، رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا، وَكَفِّرْ عَنَّا

برای ایمان (و می‌گفت) ایمان آورید به پروردگارتان پروردگارا ما هم ایمان آوردیم پس بپارز گناهانمان را

سَيِّئَاتِنَا، وَتَوَقَّأْنَا مَعَ الْأَبْرَارِ، رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ، وَلَا

و بدیهامان را پوشیده دار و ما را با نیکان بمیران پروردگارا عطا کن به ما چیزی را که بوسیله فرستادگانت به ما وعده دادی و

تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، فَإِنَّا يَا رَبَّنَا بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ

در روز رستاخیز رسوایمان مکن که براستی تو خلف وعده نمی کنی، پس ما ای پروردگار به احسان و لطف تو

أَجَبْنَا دَاعِيكَ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَصَدَقْنَا، وَصَدَقْنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ،

اجابت کردیم داعی تو را و پیروی کردیم از رسول تو و تصدیقش کردیم و نیز تصدیق کردیم مولای مؤمنان را

وَكَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ، فَوَلَّنا مَا تَوَلَّيْنَا، وَاحْشَرْنَا مَعَ أَيْمَتِنَا، فَإِنَّا

و کافر شدیم به جبت و طاغوت (غاصبان حقوق آن حضرت) پس والی ما گردان آن را که ما به ولایت برگزیدیم و با

امامانمان

بِهِمْ مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ، وَلَهُمْ مُسَلِّمُونَ، أَمَّا بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ،

محشورمان کن که براستی ما بدیشان ایمان و اعتقاد داریم و تسلیم آنانیم ایمان داریم بر نهانشان و آشکارشان

وَسَاهِدِهِمْ وَغَائِبِيهِمْ، وَحِيَّهِمْ وَمِيَّتِهِمْ، وَرَضِينَا بِهِمْ أَيْمَةً وَقَادَةً

و حاضرشان و غائبشان و زندهشان و مردهشان و خوشنودیم به امامشان و آقایشان و همانها ما را

وَسَادَةً، وَحَسَبْنَا بِهِمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللَّهِ دُونَ خَلْقِهِ لَا نَبْتَغِي، بِهِمْ بَدَلًا وَلَا

در مابین خود و خدا از سایر خلق کافی هستند نجوئیم بجای ایشان بدلی و

نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيَّةً، وَبَرَّئْنَا إِلَى اللَّهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْبًا،

نگیریم جز ایشان همدمی (یا معتمدی) و بیزاری جوئیم به درگاه خدا از هر که برپا کند در برابرشان جنگی

مِنَ الْجِنِّ وَالنَّاسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَكَفَرْنَا بِالْجِبْتِ

از جن و انس از اولین و آخرین و کافر شدیم به جبت

وَالطَّاغُوتِ، وَالْأَوْثَانَ الْأَرْبَعَةَ، وَأَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَكُلِّ مَنْ

و طاغوت و بتهای چهارگانه و دنبال روندگان و پیروانشان و

وَالْأَهْمُ مِنَ الْجِنِّ وَالنَّاسِ مِنَ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ، اللَّهُمَّ إِنَّا

هر که دوستشان دارد از جن و انس از آغاز روزگار تا پایان آن خدایا تو را

نُشْهِدُكَ أَنَّا نَدِينُ بِمَا دَانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَالْمُحَمَّدِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

گواه می‌گیریم که ما متدین هستیم بدانچه متدین شد بدان محمد و آل محمد درود خدا بر او
وَعَلَيْهِمْ، وَقَوْلُنَا مَا قَالُوا، وَدِينُنَا مَا دَانُوا بِهِ، مَا قَالُوا بِهِ قُلْنَا، وَمَا دَانُوا
وبرایشان باد و گفتار ما همان است که آنها گفتند و دین ما همان است که آنها متدین بدان بودند هر چه را آنان گفتند
ماهم گفتیم و هر چه را آنان متدین

بِهِ دِنًا، وَمَا أَنْكَرُوا أَنْكَرْنَا، وَمَنْ وَالُوا وَالَيْنَا وَمَنْ عَادُوا عَادَيْنَا، وَمَنْ
بدان شدند ما هم شدیم و هر چه را آنان انکار کردند ما هم انکار کردیم و هر که را دوست داشتند دوست داریم و هر که را دشمن
دارند دشمن داریم

لَعْنُوا لَعْنَا، وَمَنْ تَبَرَّوْا مِنْهُ تَبَرَّأْنَا [مِنْهُ]، وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنَا
و هر که را لعن کردند لعن کنیم و از هر که بیزاری جستند بیزاری جوئیم و بر هر که ترحم کردند ترحم کنیم
عَلَيْهِ، آمَنَّا وَسَلَّمْنَا وَرَضِينَا وَاتَّبَعْنَا مَوَالِينَا، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ،

ایمان آوردیم و تسلیم و خوشنود گشتیم و پیروی کردیم از سرورانمان دروهای خدا بر ایشان باد
اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لَنَا ذَلِكَ، وَلَا تَسْلُبْنَا، وَاجْعَلْهُ مُسْتَقْرَرًا ثَابِتًا عِنْدَنَا، وَلَا
خدایا پس تو آن را برای ما تکمیل کن و از ما سلب مفرما و آنرا پایگاهی ثابت در پیش ما قرار ده و
تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا، وَأَحِينًا مَا أَحْيَيْنَا عَلَيْهِ، وَأَمِتْنَا إِذَا أَمِتْنَا عَلَيْهِ الِ مُحَمَّدٍ
پایگاه عاریت و موقتش قرار مده و زنده‌مان دار بر همان تا هرگاه که زنده‌مان داری و بمیرانمان بر آن هرگاه
می‌رانند بمان، آل محمد

أَيْمَنَّا، فَبِهِمْ نَأْتُمُّ، وَإِيَّاهُمْ نُوَالِي، وَعَدُوَّهُمْ عَدُوٌّ اللَّهِ نَعَادِي، فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ
پیشوایان مایند به آنها اقتدا کنیم و آنان را دوست داریم و دشمنشان را که دشمن خدا است دشمن داریم پس ما را در
دنیا و

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، فَإِنَّا بِذَلِكَ رَاضُونَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.
آخرت با ایشان قرار ده و از مقربان درگاهت گردان که برستی ما به همان خوشنودیم ای مهربانترین مهربانان
پس باز به سجده رود و صد مرتبه اَلْحَمْدُ لِلَّهِ و صد مرتبه شُكْرًا لِلَّهِ بگوید و

روایت شده که هر که این عمل را بجا

آورد ثواب کسی داشته باشد که در روز عید غدیر نزد حضرت رسول خدا صلی الله علیه

و آله حاضر شده باشد و با آن حضرت بیعت کرده

باشد بر ولایت‌الخبیر و بهتر آنکه این نماز را نزدیک به زوال گذارد که حضرت رسول صلی

الله علیه و آله در آن ساعت امیر المؤمنین علیه السلام

را در غدیر خم به امامت و خلافت برای مردم نصب فرمود و در رکعت اول قدر و در

دویم توحید بخواند

ششم غسل

کند و دو رکعت نماز کند پیش از زوال به نیم ساعت در هر رکعت حمد یک مرتبه و قُلْ

هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ده مرتبه و آیه‌الکرسی ده مرتبه و اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ ده مرتبه بخواند که

مقابل صد هزار حجّ و صد هزار عمره و باعث بر آوردن خداوند کریم است

حوایج دنیا و آخرت او را به آسانی و عاقبت و مخفی نماید که در اقبال در ذکر

این نماز سوره قدر مقدم بر آیه‌الکرسی ذکر شده و علامه مجلسی در زادالمعاد

متابعت اقبال نموده و قدر را مقدّم داشته چنانکه احقر نیز در کتب دیگر چنین

کرده‌ام لکن فعلاً آنچه تتبع کرده‌ام آیه‌الکرسی را مقدّم بر قدر بیشتر دیدم و

احتمال آنکه در اقبال سهوی شده از قلم مبارک سید یا ناسخین در این نماز هم

در عدد حمد و هم در مقدّم داشتن قدر بر آیه‌الکرسی و یا آنکه این عمل

مستقلی باشد غیر از آن نماز خیلی بعید است وَاللَّهُ تَعَالَى الْعَالِمُ و بهتر آنکه بعد

از این نماز این دعا را بخواند رَبَّنَا اِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا «الدُّعَاءُ بَطُولُهُ» .

هفتم بخواند دعاء ندبه را.

هشتم بخواند این دعا را که سید بن طاوس از شیخ مفید نقل کرده:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ

خدایا از تو درخواست کنم به حق

مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ، وَعَلِيٍّ وَلِيِّكَ، وَالشَّانِ وَالْقَدْرِ الَّذِي خَصَّصْتَهُمَا بِهِ دُونَ

محمد پیامبرت و به حق علی ولی تو و بدان منزلت و مرتبه‌ای که بدان وسیله آن دو را از سایر مخلوق خود اختصاص

خَلَقْتَكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ، وَأَنْ تَبْدَأَ بِهِمَا فِي كُلِّ خَيْرٍ

دادی که درود فرستی بر محمد و علی و از آنان شروع کنی در دادن هر خیری

عَاجِلٍ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَيْمَةِ الْقَادَةِ، وَالِدَعَاةِ

که فوری است خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد پیشوایان رهبر و خوانندگان بزرگ و

السَّادَةِ، وَالنُّجُومِ الزَّاهِرَةِ، وَالْأَعْلَامِ الْبَاهِرَةِ، وَسَاسَةِ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانِ

سرور و ستارگان درخشان و نشانه‌های فروزان و تدبیرکنندگان کار بندگان و پایه‌های

الْبِلَادِ، وَالنَّاقَةِ الْمُرْسَلَةِ، وَالسَّفِينَةَ النَّاجِيَةَ الْجَارِيَةَ فِي اللَّجَجِ

جا‌های آباد و ناقه فرستاده شده و کشتی نجات که روان است در دریاهای ژرف

الْغَامِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، خُزَّانِ عِلْمِكَ، وَأَرْكَانِ

پرباب خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد گنجینه‌های دانشت و پایه‌های محکم

تَوْحِيدِكَ، وَدَعَائِمِ دِينِكَ، وَمَعَادِنِ كِرَامَتِكَ، وَصِفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ،

توحید تو و ستونهای دین تو و معدنهای کرامتت و برگزیدگان از خلقت

وَخَيْرِيَّتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، الْأَتْقِيَاءَ الْأَنْقِيَاءَ، النَّجَبَاءَ الْأَبْرَارِ وَالْبَابِ

و بهترین آفریدگانت آن پرهیزکاران پاکیزه و برگزیدگان نیکوکار و درگاهی که مورد

الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ، مَنْ آتَاهُ نَجْيٌ، وَمَنْ أَبَاهُ هَوَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

ابتلای مردم است هرکه بدان درگاه آمد نجات یافت و هرکه سرباز زد سقوط کرد خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَهْلَ الذِّكْرِ الَّذِينَ أَمَرْتُ بِمَسئَلَتِهِمْ، وَذَوِي

محمد و آل محمد اهل ذکری که دستور فرمودی پرسش مسائل از آنها

الْقُرْبَى الَّذِينَ أَمَرْتُ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَفَرَضْتُ حَقَّهُمْ، وَجَعَلْتُ الْجَنَّةَ مَعَادَ

و خوشاوندانی که دستور فرمودی به دوست داشتیشان و حقشان را واجب کردی و بهشت را بازگشنگاه (و سرمزل)

مَنْ اقْتَصَّ اثارَهُمْ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا اَمَرُوْا

کسی قرار دادی که آثارشان را پیروی کند خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانچه دستور

بطاعتک، وَ نَهَوْا عَنْ مَعْصِيَتِكَ، وَ دَلُّوْا عِبَادَكَ عَلٰى وَحْدَانِيَّتِكَ، اَللّٰهُمَّ

پیروی تو را دادند و از نافرمانیت نهی کردند و بندگان را بیگانگیت راهنمایی کردند خدایا

اِنِّىْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ نَجِيْبِكَ، وَ صَفْوَتِكَ وَ اَمِيْنِكَ،

من از تو می خواهم به حق محمد پیامبرت و گرامی و برگزیده و امین تو

وَ رَسُوْلِكَ اِلٰى خَلْقِكَ، وَ بِحَقِّ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ يَعْصُوْبِ الدِّيْنِ، وَ قَائِدِ

و فرستادهات بسوی خلق و به حق امیرمؤمنان و پیشوای دین و رهبر

الْغُرِّ الْمُحَجَّلِيْنَ، الْوَصِيِّ الْوَفِيِّ، وَالصَّدِيْقِ الْاَكْبَرِ، وَالْفَارُوْقِ بَيْنَ

سفیدرویان آن وصی باوفا و صدیق اکبر و جداکننده بین

الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ، وَالشَّاهِدِ لَكَ، وَ الدَّالِّ عَلَيْكَ، وَالصَّادِعِ بِاَمْرِكَ،

حق و باطل و گواه تو و راهنمایی کننده بر تو و آشکار کننده دستورت

وَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيْلِكَ، لَمْ تَأْخُذْهُ فِيْكَ لَوْمَةٌ لَّا تَمِّمُ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى

و جهادکننده در راهت آنکه نگیردش (و ناراحتش نکند) درباره تو ملامت ملامت کننده ای که درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تَجْعَلَنِيْ فِيْ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِيْ عَقَدْتَ فِيْهِ

محمد و آل محمد و مرا قرار دهی در این روزی که بستی برای ولی خود پیمان

لِوَلِيِّكَ الْعَهْدَ فِيْ اَعْنَاقِ خَلْقِكَ، وَ اَكْمَلْتَ لَهُمُ الدِّيْنَ مِنَ الْعَارِفِيْنَ

(امامت) را در گردن خلق خود و کامل گرداندی برای آنها دین را از عارفان

بِحُرْمَتِهِ، وَ الْمُقَرَّرِيْنَ بِفَضْلِهِ مِنْ عَتَقَائِكَ وَ طَلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ، وَ لَا

به حرمتش و اقرارکنندگان به فضل او از آزادشدگان و رهاشدگان از آتش و

تَشْمِتُ بِيْ حَاسِدِيْ النُّعْمِ، اَللّٰهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَهُ عِيْدَكَ الْاَكْبَرَ وَ سَمِيْنَتَهُ

شاد مکن نسبت به من حسودانم را در نعمتهایت خدایا چنانچه آنرا عید بزرگ خود قرار داده ای و نامیدی آنرا

فِي السَّمَاءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ، وَفِي الْأَرْضِ يَوْمَ الْمِيثَاقِ الْمَأْخُودِ

در آسمان روز عهد معهود و در زمین روز پیمان گرفتن و انجمن بازخواست

وَالْجَمْعِ الْمَسْئُولِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْرَبِهِ بِعِيُونِنَا،

شده درود فرست بر محمد و آل محمد و روشن کن بوسیله‌اش دیدگان ما را

وَأَجْمَعِ بِهِ شَمَلَنَا، وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَاجْعَلْنَا لِأَنْعَمِكَ مِنْ

و گردآور بدستش پراکندگی ما را و گمراهمان مکن پس از آنکه هدایتمان کردی و قرارمان ده از سپاسگزاران نعمتهایت

الشَّاكِرِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَفْنَا فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ،

ای مهربانترین مهربانان ستایش خاص خدایی است که شناساند به ما فضیلت این روز را

وَبَصَّرَنَا حُرْمَتَهُ، وَكَرَّمَنَا بِهِ، وَشَرَّفَنَا بِمَعْرِفَتِهِ، وَهَدَانَا بِنُورِهِ، يَا رَسُولَ

و بینامان کرد به حرمت این روز و گرامیمان داشت بدان و شرافتمان داد به معرفتش و هدایتمان کرد به نورش ای رسول

اللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَلَيْكُمَا وَعَلَى عِتْرَتِكُمَا وَعَلَى مُجِيبِكُمَا مِنِّي

خدا ای امیرمؤمنان بر شما و بر عترت شما و بر دوستان شما

أَفْضَلُ السَّلَامِ مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَبِكَمَا اتَّوَجَّهَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي

بهترین سلام و درود من باد تا برپاست شب و روز و بوسیله او رو کنم بسوی خدا پروردگار من

وَرَبِّكُمَا فِي نَجَاحِ طَلِبَتِي وَقَضَاءِ حَوَائِجِي، وَتَيْسِيرِ أُمُورِي، اللَّهُمَّ

و پروردگارتان در موفق شدن به مقصودم و برآورده شدن حاجاتم و آسان شدن کارهایم خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

از تو خواهم به حق محمد و آل محمد که درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُلْعَنَ مَنْ جَحَدَ حَقَّ هَذَا الْيَوْمِ، وَأَنْكَرَ حُرْمَتَهُ، فَصَدَّ عَنْ

محمد و لعنت کنی کسی را که انکار کند حق این روز را و انکار کند حرمتش را و جلوگیری کرد

سَبِيلِكَ لِأَطْفَاءِ نُورِكَ، فَاَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُيَمَّ نُورَهُ، اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنِ أَهْلِ

از راه تو برای خاموش کردن نورت ولی خدا هم نمی‌خواهد جز آنکه نورش را آشکار کند خدایا گشایش ده به کار

خاندان

يَبْتَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ، وَكَاشَفَ عَنْهُمْ وَبِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرْبَاتِ،

محمد پیامبرت و برطرف کن از ایشان و بوسیله ایشان از اهل ایمان گرفتاریها و محنتها را

اللَّهُمَّ امْلَأِ الْأَرْضَ بِهِمْ عَدْلًا، كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَأَنْجِزْ لَهُمْ

خدایا پرکن زمین را بوسیله ایشان از عدل و داد چنانچه پر شده از ستم و بیداد و وفا کن برای آنها

مَا وَعَدْتَهُمْ، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.

آنچه را وعده دادی به آنها که برآستی تو خلف وعده نمی کنی

و اگر بتواند بخواند دعاهاى مبسوطه را که سیّد در اقبال روایت کرده نهم آنکه

چون مؤمنی را ملاقات کند این تهنیت را بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْأَيِّمَةِ عَلَيْهِمُ

ستایش خاص خدایی است که قرار داد ما را از تمسک جویان به ولایت امیرمؤمنان و سایر امامان علیهم

السَّلَامُ، وَنِيزِ بَخَوَانِدِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِهَذَا الْيَوْمِ، وَجَعَلَنَا مِنَ

السلام * * * * * ستایش خاص خدایی است که گرامی داشت ما را به این روز و قرارمان داد از

الْمُؤَفِّينَ بِعَهْدِهِ الْإِيْنَا، وَمِثَاقِهِ الَّذِي وَاتَّقْنَا بِهِ مِنْ وِلَايَةِ وِلَاةِ أَمْرِهِ،

وفاکنندگان به عهدهی که با ما کرده بود و پیمانی که با ما بسته بود از ولایت سرپرستان امر دین او

وَالْقَوَامِ بِقِسْطِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْجَاحِدِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ.

و برپادارندگان عدلش و قرارمان نداد از منکران و تکذیب کنندگان روز جزا

دهم آنکه صد مرتبه بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ كَمَالَ دِينِهِ وَتَمَامَ نِعْمَتِهِ،

* * * * * ستایش خاص خدایی است که قرار داد کمال دین و تمام شدن نعمتش را

بِوِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

به ولایت امیرمؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام

و بدانکه در این روز شریف از برای پوشیدن جامه های نیکو و زینت کردن و

بوی خوش استعمال نمودن و شادی کردن و شاد نمودن شیعیان امیرالمؤمنین

علیه السلام و عفو از تقصیرات ایشان و برآوردن حاجات ایشان و صلّه ارحام و توسعه بر عیال و اطعام مؤمنان و افطار دادن روزه‌داران و مصافحه با مؤمنین و رفتن به زیارت ایشان و تَبَسُّم کردن بر رویشان و هدایا فرستادن بر ایشان و شکر الهی به جا آوردن به جهت نعمت بزرگ ولایت و بسیار فرستادن صلوات و اِکْثَارِ در عبادات و طاعات از برای هر یک فضیلتی عظیم است و یک درهم که کسی در این روز به برادر مؤمن خود بدهد برابر است با صد هزار درهم در غیر این‌روز و طعام دادن به مؤمنی در این روز مثل طعام دادن به جمیع پیغمبران و صدیقان است و در خطبه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است در روز غدیر که هرکه افطار دهد مؤمن روزه‌دار را در شب وقت افطارش مثل آنستکه ده فئام را افطار داده باشد شخصی برخاست عرض کرد یا امیرالمؤمنین فئام چیست فرمود صد هزار پیغمبر و صدیق و شهید پس چگونه خواهد بود در کثرت فضیلت حال کسی که جمعی از مؤمنین و مؤمنات را کفالت کند پس من ضامن او هستم بر خداوند تعالی امان او را از کفر و فقر الخ... وبالجمله فضیلت این‌روز شریف‌زیاده از آنستکه ذکر شود و این روز، روز قبولی اعمال شیعیان و روز برطرف شدن غمهای ایشان است و این روزیست که حضرت موسی علیه السلام بر ساحران غلبه کرده و خداوند آتش را بر ابراهیم خلیل علیه السلام سرد و سلامت کرده و حضرت موسی علیه السلام یوشع بن نون را وصی خود گردانیده و حضرت عیسی علیه السلام شمعون الصفا را وصی خود قرار داده و حضرت سلیمان علیه السلام رعیت خود را بر استخلاف اصف بن

بَرَحِيَا إِشْهَادٌ كَرَّمَهُ وَجَنَابُ رَسُولِ خِدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا بَيْنَ أَصْحَابِ خِدا
 بَرادری افکنده و لهذا شایسته است در این روز عقد اخوت با اِخوانِ مؤمنین و
 کیفیت آن به نحوی که شیخ ما در مستدرک و سایل از کتاب زاد الفردوس
 نقل فرموده چنین است که بگذارد دست راست خود را بردست راست برادر مؤمن
 خود و بگوید:

وَاخِيَتِكَ فِي اللهِ، وَصَافِيَتِكَ فِي اللهِ، وَصَافِحَتِكَ فِي اللهِ وَعَاهَدْتُ اللهُ

برادر شدم با تو در راه خدا و دوست باصفایت شدم در راه خدا و مصافحه کردم با تو در راه خدا و عهد کردم با خدا

وَمَلَائِكَتَهُ وَكُتُبَهُ وَرُسُلَهُ وَأَنْبِيَاءَهُ، وَالْأَيِّمَةَ الْمَعْصُومِينَ عَلَيْهِمْ

و فرشتگانش و کتابهایش و رسولانش و پیمبرانش و امامان معصومین علیهم

السَّلَامُ، عَلَيَّ أَنْتَ إِنْ كُنْتُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَالشَّفَاعَةِ، وَأُذِنَ لِي بِأَنْ

السلام بر اینکه اگر من از اهل بهشت و اهل شفاعت بودم و اجازه‌ام دادند که

أَدْخُلَ الْجَنَّةَ لَا أَدْخُلُهَا إِلَّا وَأَنْتَ مَعِيَ أَنْغَا بَرادری مؤمن بگوید: قَبِلْتُ بِسِ بگوید:

داخل بهشت کردم داخل نشوم جز با تو * * * * * قبول کردم * * *

أَسَقَطْتُ عَنْكَ جَمِيعَ حُقُوقِ الْأُخُوَّةِ، مَا خَلَا الشَّفَاعَةَ وَالِدَعَاءَ وَالزِّيَارَةَ.

و ساقط کردم از تو تمامی حقوق برادری را جز شفاعت و دعا و زیارت

و محدث فیض نیز در خلاصه الاذکار صیغه اخوت را قریب به همین نحو
 ذکر نموده آنگاه فرموده پس قبول نماید طرف مقابل از برای خود یا موکل خود
 به لفظی که دلالت بر قبول نماید پس ساقط کنند از همدیگر جمیع حقوق
 اخوت را مساوی دعا و زیارت روز بیست و چهارم بنا بر شهر روزیست که مَبَاهِلَهُ کرد رس

ول خدا صلی الله علیه و آله با نصاری نجران و پیش از آنکه خواست مَبَاهَلَه کند عبا بر دوش مبارک گرفت و حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه و حَسَن و حسین علیهم السلام را داخل در زیر عبا نمود و گفت پروردگارا هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص ترین خلق بوده اند به او خداوند اینها اهل بیت منند پس از ایشان برطرف کن شک و گناه را و پاک کن ایشان را پاک کردنی پس جبرئیل نازل شد و آیه تطهیر در شأن ایشان آورد پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن چهار بزرگوار را بیرون برد از برای مَبَاهَلَه چون نگاه نصاری برایشان افتاد و حَقِیَّتِ آن حضرت و آثار نزول عذاب مشاهده کردند جُرأت مَبَاهَلَه نمودند و استدعای مصالحه و قبول جزیه نمودند و در این روز نیز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در حال رکوع انگشتی خود را به سائل داد و آیه اِنَّمَا وَاِیُّکُمُ اللّٰهُ در شانش نازل شد و بالجمله این روز روز شریفی است و در آن چند عمل وارد است اوّل غسل دویم روزه سیّم دو رکعت نماز و آن مثل روز عید غدیر است در وقت و کیفیت و ثواب و آیه الکرسی که در نماز مَبَاهَلَه است تا هُم فیها خَالِدُونَ است چهارم خواندن دعای مَبَاهَلَه که شبیه به دعای سحرهای ماه رمضان است و شیخ و سیّد هر دو نقل کرده اند لکن مابین روایات آن دو بزرگوار اختلاف کثیر است و من اختیار می کنم روایت شیخ را در مصباح فرموده دعای روز مَبَاهَلَه روایت شده با فضیلت آن از حضرت صادق علیه السلام می گویی:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ مِنْ بَهَائِکَ بِاَبْهَاهُ، وَکُلُّ بَهَائِکَ بَهِيٌّ،

خدایا از تو خواهم از درخشنده‌ترین مراتب درخشندگیت و همه مراتب آن درخشنده است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبِهَائِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ

خدایا از تو خواهم به تمام مراتب درخشندگیت خدایا از تو خواهم از باشوکت‌ترین مراتب

بِأَجَلِّهِ، وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ،

جلالت و تمام مراتب جلال تو شوکت‌مند است خدایا از تو خواهم به همه مراتب جلالت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ، وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ، اللَّهُمَّ

خدایا از تو خواهم از زیباترین مراتب جمال تو و همه مراتب جمالت زیباست خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ

از تو خواهم به همه مراتب جمالت خدایا تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس دعایم را به اجابت رسان

لِي كَمَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهَا، وَكُلُّ

چنانچه وعده‌ام دادی خدایا از تو خواهم از بزرگترین مراتب عظمتت و همه

عَظَمَتِكَ عَظِيمَةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

مراتب آن بزرگ است خدایا از تو خواهم به همه عظمتت خدایا از تو خواهم

مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ، وَكُلُّ نُورِكَ نَيْرٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ

از تابنده‌ترین مراتب روشنیت و همه مراتب آن تابنده است خدایا از تو خواهم به تمام مراتب روشنیت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا، وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ،

خدایا از تو خواهم از وسیع‌ترین مراتب رحمتت و همه رحمت تو وسیع است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي،

خدایا از تو خواهم به همه مراتب رحمتت خدایا تو را می‌خوانم همچنانکه دستورم دادی

فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ،

پس اجابت کن دعایم را چنانچه وعده فرمودی خدایا از تو خواهم از کاملترین مراتب کمالت

وَكُلُّ كَمَالِكَ كَامِلٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي

و تمام مراتب آن کامل است خدایا از تو خواهم به تمام مراتب کمالت خدایا از تو

أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَتَمِّهَا وَكُلُّ كَلِمَاتِكَ تَامَةٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

خواهم از تمامترین کلمات و سخنان و تمام کلمات تام و تمام است خدایا از تو خواهم

بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا، وَكُلُّ

به کلمات همگی خدایا از تو خواهم به بزرگترین نامهایت و همه

أَسْمَائِكَ كَبِيرَةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ

نامهایت بزرگ است خدایا از تو خواهم به نامهایت همگی خدایا من تو را میخوانم

كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

چنانچه به من دستور دادی پس به اجابت رسان دعایم را چنانچه وعدهام فرمودی خدایا از تو خواهم به

عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهَا، وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزِيْزَةٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا،

عزیزترین مراتب عزت و همه مراتب تو عزیز است خدایا از تو خواهم به همه مراتب عزت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا، وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٌ

خدایا از تو خواهم به گذرترین اراده و خواست و همه مراتب اراده تو گذراست

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتِي

خدایا از تو خواهم به تمام مراتب اراده و خواست خدایا از تو خواهم بدان قدرتت که بوسیله آن بر همه چیز

اسْتَطَلْتَ بِهَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي

برتری گرفتی گرچه تمام مراتب قدرتت برتری گیرنده است خدایا از تو

أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي

خواهم به تمام مراتب قدرتت خدایا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادی تو هم اجابت کن چنانچه

كَمَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِأَنْفَذِهِ، وَكُلُّ عِلْمِكَ نَافِذٌ،

وعده فرمودی خدایا از تو خواهم از نافذترین مراتب دانشت با این که تمام مراتب دانشت نافذ است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضَاهُ،

خدایا از تو خواهم به مراتب دانشت همگی خدایا از تو خواهم از پسندیدهترین گفتارت

وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِيٌّ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

و تمام گفتار تو پسندیده است خدایا از تو خواهم به همه گفتارت خدایا از تو خواهم

مِنْ مَسْأَلِكَ بِأَحَبِّهَا، وَكُلُّهَا إِلَيْكَ حَبِيبَةٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسْأَلِكَ

به محبوبترین چیزی که از تو درخواست شده و همه آنها پیش تو محبوب است خدایا از تو خواهم به تمام آنچه از تو

كُلُّهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي،

درخواست شده خدایا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس اجابتم کن چنانچه وعدهام فرمودی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ، وَكُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ، اللَّهُمَّ

خدایا از تو خواهم به شریفترین مراتب شرف و تمامی مراتب شرف تو شریف است خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلَّهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ،

از تو خواهم به مراتب شرفت همگی خدایا از تو خواهم به حق بادوامترین مراتب سلطنت

وَكُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلَّهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي

و تمام مراتب آن دائمی است خدایا از تو خواهم به مراتب سلطنت همگی خدایا از تو

أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ، وَكُلُّ مُلْكِكَ فَاحِرٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

خواهم به گرانمایه ترین مراتب فرمانرواییت و تمام مراتب فرمانرواییت گرانمایه است خدایا از تو خواهم

بِمُلْكِكَ كُلَّهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا

به تمام مراتب فرمانرواییت خدایا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس اجابتم کن چنانچه

وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلَائِكَ بِأَعْلَاهُ، وَكُلُّ عِلَائِكَ عَالٍ،

وعدهام فرمودی خدایا از تو خواهم به والاترین مراتب بلندیت و تمام مراتب بلندیت تو والا است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلَائِكَ كُلَّهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ

خدایا از تو خواهم به والاترین مراتب بلندیت همگی خدایا از تو خواهم به

بِأَعْجَبِهَا، وَكُلُّ آيَاتِكَ عَجِيبَةٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِآيَاتِكَ كُلُّهَا، اللَّهُمَّ

شگفت ترین آیات و نشانه های تو شگفت است خدایا از تو خواهم به آیات همگی خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَنْكَ بِأَقْدَمِهِ، وَكُلُّ مَنْكَ قَدِيمٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

از تو خواهم به قدیمترین نعمت و همه نعمتهایت قدیم است خدایا از تو خواهم

بِمَنْكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا

به همه اقسام نعمتت خدایا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس اجابت کن دعایم را چنانچه

وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشُّؤْنِ وَالْجَبْرُوتِ

وعدده فرمودی خدایا و من از تو خواهم به آنچه تو در آنی از مقامات و قدرت و عظمت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ، بِكُلِّ شَأْنٍ وَكُلِّ جَبْرُوتٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا

خدایا از تو خواهم به حق هر مقام و هر قدرت و عظمتی که داری خدایا و من از تو خواهم بدانچه

تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ، يَا اللَّهُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْأَلُكَ بِبَهَاءِ لَا إِلَهَ

اجابتم کنی بدان هنگامی که تورا خوانم ای خدا ای که معبودی جز تو نیست از تو خواهم به درخشندگی (یا ارجمندی)

کلمه

إِلَّا أَنْتَ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْأَلُكَ بِجَلَالِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا

«لا اله الا انت» ای که نیست معبودی جز تو از تو خواهم به جلال و شوکت کلمه «لا اله الا انت» ای که معبودی جز تو

نیست

أَنْتَ، أَسْأَلُكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي،

از تو خواهم به کلمه «لا اله الا انت» خدایا تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس اجابت کن دعایم را

فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِأَعْمَةٍ،

چنانچه وعدهام فرمودی خدایا از تو خواهم از عمومی ترین اقسام روزیت

وَكُلِّ رِزْقِكَ عَامًّا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

و تمام اقسام روزی تو عمومی است خدایا از تو خواهم به تمام اقسام روزی تو خدایا از تو خواهم

مِنْ عَطَائِكَ بِأَهْنَاهِ وَكُلِّ عَطَائِكَ هَنِيئًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَطَائِكَ

از گواراترین عطایای تو و تمام عطاهایت گوارا است خدایا از تو خواهم به تمام عطایات

كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْجَلِهِ، وَكُلِّ خَيْرِكَ عَاجِلًا، اللَّهُمَّ

خدایا از تو خواهم به فوری ترین خیر و نیکیت و تمام نیکیهای تو فوری است خدایا

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ، وَكُلِّ

از تو خواهم به تمام نیکیهایت خدایا از تو خواهم به فزونترین فضل تو و همه

فَضْلِكَ فَاضِلٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ

فضل تو فزون است خدایا از تو خواهم به فضل تو همگی خدایا تو را خوانم

كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

چنانچه دستورم دادی پس اجابت کن چنانچه وعدهام فرمودی خدایا درود فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ، وَالتَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ عَلَيْهِ

و آل محمد و برانگیز مرا با داشتن ایمان به خودت و تصدیق به رسولت - که درود بر او

وَ إِلَهِ السَّلَامِ، وَالْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ، وَالْبِرِّ آتَةً مِنْ عَدُوِّهِ،

و آتش باد - و ولایت علی بن ابیطالب و بیزاری از دشمنش

وَ الْأَيْتِمَاءِ بِالْأَيْمَانَةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ

و اقتدا به امامان از آل محمد علیهم السلام زیرا که من خوشنودم

بذَلِكَ يَا رَبُّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ فِي الْأَوَّلِينَ،

بدین ای پروردگار من خدایا درود فرست بر محمد بنده و رسولت در زمره اولین

وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ، وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَأِ

و درود فرست بر محمد در زمره آخرین و درود فرست بر محمد در عالم

الْأَعْلَى، وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِينَ، اللَّهُمَّ أَعْظِ مُحَمَّدًا

بالا و درود فرست بر محمد در زمره مرسلین خدایا عطا کن به محمد مقام

الْوَسِيلَةَ وَالشَّرْفَ وَالْفَضِيلَةَ وَالذَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

وسيله و شرف و فضیلت و درجه بزرگ را خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَتَنَعَّنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَبَارِكْ لِي فِيمَا آتَيْتَنِي،

محمد و آل محمد و قانع کن مرا بدانچه روزیم کرده‌ای و برکت ده به من در آنچه به من داده‌ای

وَ احْفَظْنِي فِي غَيْبَتِي، وَكُلَّ غَائِبٍ هُوَ لِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و نگهداری کن مرا در غیبتم و هر غائبی که مربوط به من است خدایا درود فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ، وَالتَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ، اللَّهُمَّ

و آل محمد و برانگیزم بر ایمان به خودت و تصدیق به رسالت خدایا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانِكَ وَالْجَنَّةَ.

درود فرست بر محمد و آل محمد و از تو خواهم خوبترین خوبها را که خوشنودی تو و بهشت باشد

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَالنَّارِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و پناه برم به تو از بدترین بدها که خشم تو و آتش دوزخ باشد خدایا درود فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْنِي مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ، وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ،

و آل محمد و محافظت کن مرا از هر پیش آمد ناگوار و از هر گرفتاری و از هر شکنجه

وَمِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلَاءٍ، وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ، وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ، وَمِنْ كُلِّ

و از هر فتنه و از هر بلاء و از هر بدی و از هر ناراحتی و از هر مصیبت و از هر

مُصِيبَةٍ، وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ

آفتی که نازل شده یا بعد از این از آسمان بزمین نازل شود در این

السَّاعَةِ، وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، وَفِي هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي هَذَا الشَّهْرِ، وَفِي هَذِهِ

ساعت و در این شب و در این روز و در این ماه و در این

السَّنَةِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَقْسِمُ لِي مِنْ كُلِّ سُورٍ،

سال خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و نصیبم کن از هر شادی

وَمِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ، وَمِنْ كُلِّ اسْتِقَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ فَرَجٍ، وَمِنْ كُلِّ عَافِيَةٍ، وَمِنْ

و از هر خوشحالی و از هر پایداری و از هر گشایشی و از هر تندرستی و از

كُلِّ سَلَامَةٍ، وَمِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ، وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ، وَمِنْ

هر سلامتی و از هر کرامت و از هر روزی فراخ حلال پاکی و از

كُلِّ نِعْمَةٍ، وَمِنْ كُلِّ سَعَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي

هر نعمتی و از هر وسعتی که نازل شده یا بعد از این نازل شود از آسمان به زمین در

هَذِهِ السَّاعَةِ، وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، وَفِي هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي هَذَا الشَّهْرِ، وَفِي

این ساعت و در این شب و در این روز و در این ماه و در

هَذِهِ السَّنَةِ، اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ، وَحَالَتْ

این سال خدایا اگر چنانچه گناهانم شرمنده کرده است چهره‌ام را پیش تو و حائل شد

بَيْنِي وَبَيْنِكَ، وَغَيَّرَتْ حَالِي عِنْدَكَ، فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي

میان من و تو و حالم را پیش تو تغییر داده پس از تو خواهم به حق نور ذاتت که

لَا يُطْفَأُ، وَبِوَجْهِ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ الْمُصْطَفَى، وَبِوَجْهِ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ

خاموش نشود و به آبروی محمد مصطفی حبیب تو و به آبروی ولی تو علی

الْمُرْتَضَى، وَبِحَقِّ أَوْلِيَّائِكَ الَّذِينَ أَنْتَجَبْتَهُمْ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

مرتضی و به حق اولیائت که برگزیدی آنها را که درود فرستی بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَى مِن ذُنُوبِي، وَأَنْ تَعْصِمَنِي فِيمَا

و آل محمد و بیماری برایم گذشته‌های از گناهانم را و نگاهم داری در

بَقِيَّ مِنْ عُمْرِي، وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ أَنْ أَعُودَ فِي شَيْءٍ مِنْ مَعَاصِيكَ

آینده عمرم و پناه می‌برم به تو خدایا از اینکه بازگردم به یکی از گناهان و نافرمانی‌ها

أَبْدًا مَا أَبْقَيْتَنِي حَتَّى تَتَوَفَّأَنِي، وَأَنَا لَكَ مُطِيعٌ، وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، وَأَنْ

هرگز تا زنده‌ام (یعنی) تا آنگاه که مرا بمیرانی و من فرمانبردار تو باشم و تو از من خوشنود باشی و

تَخْتِمَ لِي عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ، وَتَجْعَلَ لِي ثَوَابَهُ الْجَنَّةِ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا

به انجام رسانی عمل مرا به نیکوترین آن و پاداش آنرا برایم بهشت مقرر داری و انجام دهی درباره من آنچه را

أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَيَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

تو شایسته آنی ای اهل تقوی و ای شایسته آمرزش درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

محمد و رحم کن به من به رحمت خویش ای مهربانترین مهربانان

پنجم: بخواند دعایی که شیخ و سید روایت کرده‌اند بعد از دو رکعت نماز و

هفتاد مرتبه استغفار و اول آن الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ است و شایسته است در

این روز تصدق بر فقراء به جهت تأسی به مولای هر مؤمن و مؤمنه امیر

المؤمنين عليه السلام و زیارت کردن آن حضرت و انسب خواندن زیارت جامعه است روز بیست و پنجم روز شریفی است و روزی است که هل آتی در حقّ اهل بیت نازل شده به جهت آنکه سه روز روزه گرفتند و افطار خود را به مسکین و یتیم و اسیر دادند و به آب افطار نمودند و شایسته است که شیعیان اهل بیت علیهم السلام در این ایّام خصوص در شب بیست و پنجم تأسی به موالی خود نمایند در تصدّق به مساکین و ایّتام و سعی در اطعام ایشان و این روز را روزه بدارند و چون بعض علماء این روز را روز مباحله می دانند مناسب است زیارت جامعه و دعاء مباحله را نیز در این روز بخوانند روز آخر ذی الحجه که آخر سال عرب است سیّد در اقبال موافق یک روایت ذکر کرده که دو رکعت نماز کند در هر رکعت حمد یک مرتبه و ده مرتبه قل هو الله احد

ده مرتبه آیه الکرسی بخواند و بعد از نماز بگوید:

اللَّهُمَّ مَا عَمِلْتُ فِي هَذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَلٍ نَهَيْتَنِي عَنْهُ، وَلَمْ تَرْضَهُ،

خدایا آنچه انجام دادم در این سال از اعمالی که مرا از آن نهی فرمودی و راضی بدان نبودی

وَسَيِّئُهُ وَلَمْ تَنْسَهُ، وَدَعَوْتَنِي إِلَى التَّوْبَةِ بَعْدَ اجْتِرَائِي عَلَيْكَ،

و من آنرا فراموش کردم ولی تو فراموشش نکردی و مرا به بازگشت بسویت خواندی پس از دلیری کردنم بر تو

اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ فَاعْفِرْ لِي، وَمَا عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ يُقْرِبُنِي

خدایا من از آن اعمال آمرزش می طلبم پس بیامرزش آنها را و هر عملی که انجام دادم از اعمالی که مرا به تو نزدیک

إِلَيْكَ فَاقْبَلْهُ مِنِّي، وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْكَ يَا كَرِيمُ.

گرداند پس آنرا از من قبول کن و قطع مکن امیدم را از خودت ای بزرگوار

پس چون گفت این را شیطان گوید وای بر من هرچه من تَعَب کشیدم در حق او در این سال همه را خراب کرد به این کلمات و شهادت دهد سال گذشته برای او که سال خود را به خیر ختم نمود.

فصل هفتم

در اعمال ماه محرّم است

بدانکه این ماه، ماه حُزْن اهل بیت علیهم السلام و شیعیان ایشان است و از حضرت امام رضا علیه السلام روایت است که چون ماه محرّم داخل می شد پدر مرا کسی خندان نمی دید و اندوه و حُزْن پیوسته بر او غالب می شد تا روز دهم چون روز عاشورا می شد آن روز، روز مصیبت و حزن و گریه او بود و می فرمود امروز روزی است که حسین علیه السلام شهید شده است شب اوّل سیّد در اقبال برای این شب چند نماز ذکر فرموده اوّل صد رکعت در هر رکعت حمد و توحید بخواند دویم دو رکعت در رکعت اوّل حمد و اَنعام و در دویم حمد و یس سیّم دو رکعت در هر رکعت حمد و یازده قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ در روایت است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر که در این شب این دو رکعت نماز را بجا آورد و صبحش را که اوّل سال است روزه بدارد مثل کسی است که تمام سال را مداومت به خیر کرده و در آن سال محفوظ باشد و اگر بمیرد به بهشت برود و نیز سیّد برای هلال این ماه دعاء مَبْسُوطی ذکر فرموده و اگر

ممکن شود احیا بدارد این شب را به دعا و نماز و خواندن قرآن روز اوّل بدانکه اوّل محرم اوّل سال است و در آن دو عمل وارد است اوّل روزه است و در روایت ریّان بن شیبب از حضرت امام رضاعلیه السلام مرویست که هر که در این روز روزه بدارد و خدا را بخواند خداوند دعای او را مستجاب کند چنانکه دعای زکریّا را مستجاب نمود دویم از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله روز اوّل محرم دو رکعت نماز می کرد و چون فارغ می شد دستها را بلند می کرد

و این دعا را سه دفعه می خواند: **اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَلَهُ الْقَدِيمُ، وَهَذِهِ سَنَةٌ**

***** خدایا تویی معبود ازلی و این سال

جَدِيدَةٌ فَاسْئَلُكَ فِيهَا الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَالْقُوَّةَ عَلَى هَذِهِ النَّفْسِ

تازه است از تو خواهم در این سال نگهداریم را از شیطان و نیروی بر این نفس

الْأَمَارَةَ بِالسُّوءِ، وَالْأَشْتِغَالَ بِمَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ، [يَا كَرِيمُ] يَا ذَا الْجَلَالِ

که پیوسته به گناه فرمان می دهد و سرگرمی بدانچه مرا به تو نزدیک کند ای صاحب جلال

وَالْأَكْرَامِ، يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، يَا ذَخِيرَةَ مَنْ لَا ذَخِيرَةَ لَهُ، يَا حِرْزَ

و بزرگواری ای تکیه گاه کسی که تکیه گاهی ندارد ای ذخیره آنکس که ذخیره ندارد ای پناهگاه

مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ، يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ، يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ، يَا كَنْزَ

آنکس که پناهگاهی ندارد ای فریادرس آنکس که فریادرسی ندارد ای پشتیبان آنکس که پشتیبانی ندارد ای گنج

مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ، يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يَا عِزَّ الضُّعْفَاءِ، يَا مُنْقِذَ

آنکس که گنجی ندارد ای که آزمایشت نیکو است ای بزرگ مایه امید ای عزت بخش ناتوانان ای نجات بخش

الْغُرَقَى يَا مُنْجِيَ الْهَلْكَى، يَا مُنْعِمُ يَا مُجْمِلُ، يَا مُفْضِلُ يَا مُحْسِنُ،

غریقان ای خلاص کننده هالکان ای نعمت بخش ای زیبا پرور ای فروزن بخش ای نیکوده

أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَتُورُ النَّهَارِ، وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعَاعُ

تویی که سجده کرد (و به کمال خضوع درآمد) برایت سیاهی شب و روشنی روز و تابش ماه و شعاع

الشَّمْسِ، وَدَوَىُّ الْمَاءِ وَحَفِيفُ الشَّجَرِ، يَا اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ

خورشید و صدای ریزش آب و بهم خوردن درخت ای خدایی که شریک نداری خدایا

اجْعَلْنَا خَيْرًا مِمَّا يَظُنُّونَ، وَاعْفِرْ لَنَا مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا

قرارمان ده بهتر از آنچه مردم گمان کنند و بیامرزش ما آنچه را که نمی‌دانند و مگیر ما را بدانچه

يَقُولُونَ، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ

گویند بس است مرا خدا معبودی جز او نیست بر او توکل کنم و او است پروردگار عرش

الْعَظِيمِ، أَمَّا بِهِ كُلُّ مَنٍ عِنْدِ رَبِّنَا، وَمَا يَدْعُرُ إِلَّا أَوْلُوا الْأَبَابِ، رَبَّنَا

عظیم ایمان داریم به او و هرچه هست از نزد پروردگار ما است و اندرز نگیرند جز خردمندان پروردگارا

لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.

منحرف مساز دل‌های ما را پس از آنکه هدایت‌مان کردی و ببخش به ما از پیش خود رحمتی که براستی تویی بخشایشگر

شیخ طوسی فرموده که مستحب است روزه دهه اول محرم و لکن روز

عاشورا مساک نماید از طعام و شراب تا بعد از عصر آن وقت بقدر کمی تربت

تناول نماید و سیّد روایت کرده فضیلت روزه تمام ماه را و آنکه روزه او

نگه‌میدارد صائم آنرا از هر گناهی روز سیّم روزی است که حضرت یوسف

علیه السلام از زندان بیرون شده هر که آنروز را روزه دارد آسان فرماید

حق تعالی بر او کارهای مشکل را و برطرف کند از او اندوه را و در روایت

نبوی صلی الله علیه وآله است که دعایش مستجاب شود روز نهم روز تاسوعا

است از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمود تاسوعا روزی بود

که جناب امام حسین علیه السلام و اصحابش را در کربلا محاصره کردند و

سپاه شام بر قتال آن حضرت اجتماع کردند و ابن مرجانه و عمر سعد خوشحال شدند به سبب کثرت سپاه و بسیاری لشکر که برای آنها جمع شده بود و جناب امام حسین علیه السلام و اصحابش را ضعیف شمردند و یقین کردند که یآوری از برای آن حضرت نخواهد آمد و اهل عراق او را مدد نخواهند نمود پس فرمود پدرم فدای آن ضعیف غریب شب دهم شب عاشورا است و سید در اقبال از برای این شب دعا و نمازهای بسیار با فضیلت‌های بسیار نقل کرده از جمله صد رکعت نماز هر رکعت به حمد و سه مرتبه قل هو الله احد و بعد از فراغ از جمیع بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ هفتاد مرتبه و در روایت دیگر بعد از الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ استغفار نیز ذکر شده و از جمله چهار رکعت در آخر شب در هر رکعت بعد از حمد هر یک از آیه‌الکرسی و توحید و فلق و ناس را ده مرتبه بخواند و بعد از سلام صد مرتبه توحید بخواند و از جمله چهار رکعت نماز در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و این نماز مطابق است با نماز امیرالمؤمنین علیه السلام که فضیلت بسیار دارد و بعد از نماز فرموده ذکر خدا بسیار کند و صلوات بسیار بفرستد بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و لعن کند بر دشمنان ایشان آنچه می‌تواند و در فضیلت احیاء این شب روایت کرده که مثل آنست که عبادت کرده باشد به عبادت جمیع ملائکه و عبادت در آن مقابل هفتاد سال است و اگر کسی را توفیق شامل حال شود در این شب در کربلا باشد و زیارت امام حسین علیه السلام کند و بیتوته نزد آن جناب نماید تا صبح خدا او را محشور فرماید آلوده

به خون امام حسین علیه السلام در جمله شهداء با آن حضرت روز دهم روز شهادت أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام و روز مصیبت و حزن ائمه اطهار علیهم السلام و شیعیان ایشان است و شایسته است که شیعیان در این روز مشغول کاری از کارهای دنیا نگردند و از برای خانه خود چیزی ذخیره نکنند و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشند و تعزیت حضرت امام حسین علیه السلام را اقامه نمایند و به ماتم اشتغال نمایند به نحوی که در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود اشتغال می نمایند و زیارت کنند آن حضرت را به زیارت عاشوراء که بعد از این بیاید انشاء الله تعالی و سعی کنند در نفرین و لعن بر قاتلان آن حضرت و یکدیگر را تعزیت گویند در مصیبت آن جناب و بگویند:

أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا وَأَجُورَكُمْ بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ

بزرگ گرداند خدا پاداش ما و شما را در سوگواریمان برای حسین علیه السلام و قرار دهد خداوند ما و شما را

مِنَ الطَّالِبِينَ بَثَارِهِ، مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

از خون خواهانش به همراه ولیش امام مهدی از خاندان محمد علیهم السلام

و شایسته است در این روز مقتل بخوانند و یکدیگر را بگریانند روایت شده که چون حضرت موسی علیه السلام مأمور شد به ملاقات جناب خضر و تعلم از او اول چیزی که در وقت ملاقات بین ایشان مذاکره شد آن بود که آن عالم حدیث نمود برای حضرت موسی مُصِيبَتَهَا و بلاهایی که بر آل محمد علیهم السلام وارد می شود پس گریستند هر دو و سخت شد گریستن ایشان و روایت شده از ابن عباس که گفت در ذیقار خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسیدم

صحیفه‌ای بیرون آورد به خط خود و املاء پیغمبر صلی الله علیه و آله و خواند
 برای من از آن و در آن صحیفه بود مَقْتَلِ امام حسین علیه السلام و آنکه
 چگونگی کشته می‌شود و کی می‌کشد او را و کی یاری می‌کند او را و کی با او
 شهید می‌شود پس گریه کرد آن حضرت گریه سختی و مرا به گریه درآورد
 فقیر گوید که اگر مقام را گنجایش بود مختصر مَقْتَلی در اینجا ذکر می‌کردم
 لکن محلّ را گنجایش نیست هر که خواهد رجوع کند به کُتُبِ ما در مَقْتَلِ و
 بالجمله اگر کسی در این روز نزد قبر امام حسین علیه السلام باشد و مردم را
 آب دهد مثل کسی باشد که لشکر آن حضرت را آب داده باشد و با آن جناب
 در کربلا حاضر شده باشد و خواندن هزار مرتبه توحید در این روز فضیلت
 دارد و روایت شده که خداوند رحمان نظر رحمت بسوی او کند و سیّد برای
 این روز دعایی نقل کرده است شبیه به دعاء عشرات بلکه ظاهر آنست که خود
 آن دعا باشد موافق بعضی روایات آن و شیخ از عبدالله بن سنان از حضرت
 صادق علیه السلام چهار رکعت نماز و دعایی نقل کرده که در این روز در
 وقت چاشت باید به عمل آورد و ما به ملاحظه اختصار ذکر نکردیم [هر که
 طالب است به زادالمعاد رجوع نماید] و نیز شایسته است که شیعیان در این
 روز امساک کنند از خوردن و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کنند و در آخر روز
 بعد از عصر افطار کنند به غذایی که اهل مصیبت می‌خورند مثل ماست یا شیر
 و امثال آنها نه مثل غذاهای لذیذه و آنکه جامه‌های پاکیزه بپوشند و بندها را
 بکشایند و آستین‌ها را بالا کنند به هیئت صاحبان مصیبت و علامه مجلسی در

زادالمعاد فرموده و بهتر آنست که روز نهم و دهم را روزه ندارند زیرا که بنی امیه این دو روز را برای بَرکَت و شماتت بر قتل آن حضرت روزه می داشتند و احادیث بسیار در فضیلت این دو روز و روزه آنها بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسته اند و از طریق اهل بیت علیهم السلام در مذمت روزه این دو روز خصوصاً روز عاشورا وارد شده است و ایضاً بنی امیه علیهم اللّٰغنه از برای برکت آذوقه سال را در روز عاشورا در خانه ذخیره می کرده اند لهذا از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که ترک کند سعی در حوائج خود را در روز عاشورا و پی کاری نرود حق تعالی حوائج دنیا و آخرت او را بر آورد و هر که روز عاشورا روز مصیبت و اندوه و گریه او باشد حق تعالی روز قیامت را روز فَرَح و سُرُور و شادی او گرداند و دیده اش در بهشت به ما روشن گردد و هر که روز عاشورا را روز برکت نامد و از برای منزل خود در آن روز چیزی ذخیره کند خدا آن ذخیره را برای او مبارک نگرداند و در روز قیامت با یزید و عُبَیدُالله بن زیاد و عمر بن سعد عَلَیْهِمُ اللّٰغنه محشور گردد.

پس باید که در روز عاشورا آدمی مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشد و امر کند اهل خانه خود را که تعزیه آن حضرت را بدارند و مشغول ماتم باشند چنانکه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود می باشند و در آن روز امساک کند از خوردن و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کند و در آخر روز بعد از عصر افطار کند اگر چه به شربت آبی

باشد و روزه تمام ندارد مگر آنکه در خصوص آن روز روزه واجبی داشته باشد که به نذر یا مثل آن بر او واجب شده باشد که آن روز را روزه باید بگیرد و در آن روز آذوقه در خانه ذخیره نکند و نخندد و مشغول لهُو و لعب نگردد و هزار مرتبه بر قاتلان آن حضرت لعنت کند و بگوید اَللّهُمَّ اَلْعَن قَتَلَةَ اَلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام.

مؤلف گوید از کلام این بزرگوار معلوم شد که احادیثی که در فضیلت روز عاشورا است مجعول و بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسته‌اند و صاحب شفاء الصدور در شرح این فقره از زیارت عاشورا اَللّهُمَّ اِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو اُمِّيَّةَ كَلَام را در این مقام بسط داده مُلَخَّصَش آنکه تبرک بنی‌امیه به این یوم مَشْرُوم بر چند وجه است یکی آنکه ذخیره قوت و آذوقه را در این روز سُنَّت شمرند و آن آذوقه را تا سال دیگر مایه سعادت و سعه رزق و رَغَدِ عَيْش دانستند چنانچه در اخبار اهل‌بیت علیهم السلام از باب تعریض به ایشان نهی از این مطلب مکرر وارد شده است و دیگر اقامه مراسم عید است از توسعه رزق بر عیال و تجدید ملابِس و قَصَّ شَارِب و تَقْلِيمِ اَظْفَار و مَصَافِحِه و تَعْيِيدَات دیگر که طریقه بنی‌امیه و اتباع ایشان بر او جاریست و دیگر التزام به روزه این روز است که اخبار کثیره در فضل او وضع کرده‌اند و مُلْتَزِم به صیام این روزند امر چهارم از وجوه تبرک به یوم عاشورا اینکه دعا و طلب حوائج را در این روز مستحب دانسته‌اند و به جهت این کار مناقب و فضائلی برای این روز به جَعَل و وَضِع افترا کردند و دعاهایی چند تلفیق کرده تعلیم عاصیان نمودند تا

امر مُلتَبِس و کار مشتبه شود چنانچه خطبه‌ای که در بلاد خود در این روز می‌خوانند برای هر نبی و سیله و شرفی در این روز زیاد می‌کنند مثل اِخْماد نار نمرود و قرار سفینه نوح و اِغْرَاقِ جُنْدِ فرعون و اِنْجَاءِ عِيسَى از دار یهودان چنانچه شیخ صدوق از جبله مکیّه نقل کرده که شنیدم از میثم تَمَّار رَضِيَ اللهُ عَنْهُ که فرمود وَاللَّهِ می‌کشند این اُمَّت پسر پیغمبر خود را در محرم در روز دهم و هر آینه اعداء حقّ سبحانه و تعالی این روز را روز برکت قرار دهند و همانا این کار شدنی است و پیشی گرفته است در علم خدای تعالی و من می‌دانم او را به عهدی که از مولایم امیرالمؤمنین علیه السلام به من رسیده تا آنکه جَبَله می‌گوید گفتم چگونه مردم روز قتل حسین علیه السلام را روز برکت قرار می‌دهند پس میثم بگریست و فرمود حدیثی وضع کنند که او روزیست که خدای تعالی در او توبه آدم را قبول کرد با اینکه خدای تعالی در ذی‌حجه توبه آدم را قبول کرد و گمان می‌کنند که او روزیست که خدای تعالی یونس را از شکم ماهی بیرون آورد با اینکه خدای تعالی یونس را در ذی‌قعدة از شکم ماهی برآورد و گمان می‌کنند که او روزیست که سفینه نوح بر جُودِیّ قرار گرفت با اینکه اِسْتِواءِ سفینه در روز هیجدهم ذی‌حجه بوده و گمان می‌کنند که او روزی است که خدا دریا را برای موسی در او بشکافت با اینکه این کار در ربیع الاول بود و بالجمله با اینهمه تصریح و تأکید که در خبر میثم شده و در حقیقت از علائم نبوت و امامت و دلیل حقیقت طریقه شیعه است که اخبار یقینی چنان داده است و مَضْمُون او مطابق با واقع محسوس است عَجَب است که

دعایی بر طبق این اکاذیب تلفیق شده و در کتب بعضی بی‌خبران که غافل بوده‌اند مذکور و بدست عوام داده شده و البته خواندن آن دعا بدعت و محرّم

است و آن دعا اینست:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

سُبْحَانَ اللَّهِ مَلَأَ الْمِيزَانَ، وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ، وَمَبْلَغَ الرُّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ

منزه است خدا به پُری میزان و منتهای دانش و رسایی خوشنودی و هموزن عرش

بعد از دو سه سطر دارد ده مرتبه صلوات بفرستد و بگوید :

يَا قَابِلَ تَوْبَةِ آدَمَ يَوْمَ

ای پذیرنده توبه آدم در روز

عَاشُورَاءَ يَا رَافِعَ إِدْرِيسَ إِلَى السَّمَاءِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ، يَا مُسَكِّنَ

عاشورا ای بالا برنده ادریس بسوی آسمان در روز عاشورا ای آرام‌کننده

سَفِينَةَ نُوحٍ عَلَى الْجُودِيِّ يَوْمَ عَاشُورَاءَ، يَا غِيَاثَ إِبْرَاهِيمَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ،

کشتی نوح بر کوه جودی در روز عاشورا ای فریادرس ابراهیم از آتش نمرود در روز عاشورا «تا به آخر

و شک نیست که این دعا را یکی از نواصب مدینه یا خوارج مَسَقَطَ

یا امثال اینها جعل کرده و تَتَمِيمِ ظَلَمِ بَنِي أَمِيَّةٍ را نموده تمام شد ملخّص کلام

صاحب شفاء الصّدور و بالجمله در آخر روز عاشورا سزاوار است که یادآوری

از حال حرم امام حسین علیه السلام و دختران و اطفال آن حضرت که در این

وقت در کربلا اسیر اعداء و مشغول به حزن و بُکاء بودند و مصیبت‌هایی بر

ایشان گذشته که در خاطر هیچ آفریده خُطور نکند و قلم را تاب نوشتن نباشد

وَلَقَدْ أَجَادَ مَنْ قَالَ:

فَاجَعَةٌ إِنْ أَرَدْتُ أَكْتُبُهَا

مُجْمَلَةً ذِكْرَةً لِمُدَّكِرٍ

مصیبت بزرگی که اگر خواهم بنویسمش

به نحو اجمال برای یادآوری یادکننده

جَرَتْ دُمُوعِي فَحَالَ حَائِلُهَا

مَا بَيْنَ لِحْظِ الْجُفُونِ وَالزُّبْرِ

اشکم سرازیر شود و حائل گردد

میان پلک چشم و صفحات نامه

وَقَالَ قَلْبِي بَقِيَا عَلَيَّ فَلَا

وَاللَّهِ مَا قَدْ طُبِعْتُ مِنْ حَجَرٍ

و دلم گوید ترحمی کن بر من که

به خدا سوگند من از سنگ آفریده نشده‌ام

بَكَتْ لَهَا الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَمَا

بَيْنَهُمَا فِي مَدَامِعِ حُمْرٍ

گریست بر آن مصیبت زمین و آسمان و هرچه

مابین آن دو است به اشکهای خونین

من از تحریر این غم ناتوانم

که تصویرش زده آتش بجانم

ترا طاقت نباشد از شنیدن

شنیدن کی بود مانند دیدن

پس برخیز و سلام کن بر رسول خدا و علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن
مجتبی و سایر امامان از ذریه سید الشهداء علیهم السلام و ایشان را تعزیت بگو
بر این مصائب عظیمه با دل بریان و چشم گریان و بخوان این زیارت را:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ،

سلام بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

سلام بر تو ای وارث حضرت نوح پیامبر خدا سلام بر تو ای وارث

إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ

ابراهیم خلیل خدا سلام بر تو ای وارث موسی هم گفتار خدا سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ

بر تو ای وارث حضرت عیسی روح خدا سلام بر تو ای وارث حضرت محمد

حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيِّ اللَّهِ،

حبیب خدا سلام بر تو ای وارث علی امیر مؤمنان ولی خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الشَّهِيدِ سِبْطِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای وارث حسن آن امام شهید و نوه رسول خدا سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ وَابْنَ سَيِّدِ

بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند مژده‌دهنده و ترساننده و پسر آقای

الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ

اوصیاء سلام بر تو ای فرزند فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام

عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ

بر تو ای اباعبدالله سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده او سلام

عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَارِثُ الْمَوْتُورُ،

بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا سلام بر تو ای کشته مظلومی که انتقام خونت گرفته نشد

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْهَادِي الزَّكِيُّ وَعَلَى أَرْوَاحِ حَلَّتْ بِفِنَائِكَ،

سلام بر تو ای امام راهنمای پاک و بر آن ارواحی که به آستان تو فرود آمدند

وَأَقَامَتْ فِي جِوَارِكَ، وَوَقَدَتْ مَعَ زُؤَارِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنِّي مَا

و در جوارت رحل اقامت افکندند و با زائرانت ورود کردند سلام من بر تو تا

بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، فَلَقَدْ عَظَمْتَ بِكَ الرَّزِيَّةَ، وَجَلَّ الْمَصَابُ

زنده‌ام من و برپا است شب و روز که براستی بزرگ شد به تو مصیبت و گران شد سوگواری

فِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، وَفِي أَهْلِ السَّمَوَاتِ أَجْمَعِينَ، وَفِي

در میان مؤمنان و مسلمانان و در میان ساکنین آسمانها همگی و در میان

سُكَّانِ الْأَرْضِينَ، فَإِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَصَلَوَاتُ اللَّهِ وَرِكَاتُهُ

ساکنین زمینها «انا لله و انا اليه راجعون» درودهای خدا و برکاتش

وَتَحِيَّاتُهُ عَلَيْكَ، وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ الطَّيِّبِينَ الْمُتَّجِبِينَ، وَعَلَى

و تحیتهایش بر تو و بر پدران پاک و پاکیزه و برگزیده‌ات و بر فرزندان راهنمای

ذُرَارِيهِمُ الْهُدَاةِ الْمُهْدِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَعَلَيْهِمْ، وَعَلَى

راه‌یافته‌شان باد سلام بر تو ای سرور من و بر ایشان و

[رُوحِكَ وَعَلَى] أَرْوَاحِهِمْ، وَعَلَى تُرْبَتِكَ وَعَلَى تُرْبَتِهِمْ، اَللَّهُمَّ لَقَّهِمْ

بر ارواح ایشان و بر تربت تو و بر تربت ایشان خدایا بار بار بر ایشان

رَحْمَةً وَرِضْوَانًا وَرَوْحًا وَرِيحَانًا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا

رحمت و خوشنودی و روح و ریحانی سلام بر تو ای سرور من ای ابا

عَبْدِ اللَّهِ، يَا بَنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَيَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَيَا بَنَ سَيِّدَةِ

عبدالله ای فرزند خاتم پیامبران و ای فرزند آقای اوصیاء و فرزند بانوی

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدُ يَا بَنَ الشَّهِيدِ، يَا أَخَ الشَّهِيدِ

زنان جهانیان سلام بر تو ای شهید (راه حق) و ای پسر شهید و ای برادر شهید

يَا أَبَا الشُّهَدَاءِ، اَللّٰهُمَّ بَلِّغْهُ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ،

و ای پدر شهیدان خدایا برسان به او از اجانب من در این ساعت و در این روز

وَفِي هَذَا الْوَقْتِ وَفِي كُلِّ وَقْتٍ، تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا، سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْكَ

و در این وقت و در هر وقت تحیتی زیاد و سلامی بسیار سلام خدا بر تو

وَرَحْمَةً اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ يَا بَنَ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ، وَعَلَى الْمُسْتَشْهَدِينَ مَعَكَ

و رحمت خدا و برکاتش ای فرزند آقای جهانیان و نیز بر شهید شدگان با تو

سَلَامًا مُتَّصِلًا مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ

سلامی پیوسته به پیوستگی شب و روز سلام بر حسین بن

عَلِيِّ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَى

علی شهید (راه حق) سلام بر علی بن حسین آن شهید (عالیقدر) سلام بر

الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ

عباس فرزند امیرمؤمنان آن شهید (والا مقام) سلام بر فرزندان شهید

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ، السَّلَامُ عَلَى

امیر مؤمنان سلام بر فرزندان شهید حسن سلام بر

الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ جَعْفَرٍ

شهیدان از فرزندان حسین سلام بر شهیدان از فرزندان جعفر

وَعَقِيلٍ، السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مُسْتَشْهَدٍ مَعَهُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و عقیل سلام بر هر شهیدی که با ایشان بود از مؤمنان خدایا درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا، السَّلَامُ

بر محمد و آل محمد و برسان به ایشان از جانب من تحیتی زیاد و سلامی بسیار سلام

عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ، أَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ

بر تو ای رسول خدا نیکو کند خداوند صبر تو را در سوگواری فرزندت حسین سلام

عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ، أَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ

بر تو ای فاطمه نیکو کند خداوند صبر تو را در سوگواری فرزندان حسین سلام

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ،

بر تو ای امیرمؤمنان نیکو کند خدا صبر تو را در مصیبت فرزندان حسین

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي أَخِيكَ

سلام بر تو ای ابا محمد حسن (مجتبی) نیکو گرداند خدا صبر تو را در مصیبت برادرت

الْحُسَيْنِ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَنَا ضَيْفُ اللَّهِ وَضَيْفُكَ، وَجَارُ اللَّهِ

حسین ای مولای من ای ابا عبدالله من میهمان خدا و میهمان توأم و در پناه خدا

وَجَارِكَ، وَلِكُلِّ ضَيْفٍ وَجَارٍ قَرِيٌّ، وَقِرَائِي فِي هَذَا الْوَقْتِ، أَنْ تَسْتَلَّ

و پناه توأم و برای هر میهمان و پناهنده‌ای حق پذیرایی است و پذیرایی من در این وقت این است که از

اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى أَنْ يَرْزُقَنِي فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، إِنَّهُ سَمِيعٌ

خدای سبحان بخواهی که روزیم گرداند آزادی از آتش دوزخ را که براستی او شنوای

الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ. *

دعا و نزدیک و اجابت کننده است

روز بیست و پنجم به قول جمعی از علماء در سال نود و چهار یا روز دوازدهم

سال نود و پنج که آن سال را سَنَةُ الْفُقَهَاءِ می‌گفتند حضرت امام زین

العابدین علیه السلام از دنیا رحلت فرموده.

فصل هشتم

در اعمال ماه صَفَر است

بدانکه این ماه معروف به نُحُوسَت است و برای رفع نُحُوسَت هیچ چیز بهتر از

تصدَّق و ادعیه و استعاذات وارده نیست و اگر کسی خواهد که محفوظ ماند از

بلاهای نازله در این ماه در هر روز ده مرتبه بخواند چنانکه محدث فیض و

غیره فرموده یا شَدِيدَ الْقُوَى، وَيَا شَدِيدَ الْمِحَالِ، يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ يَا

عَزِيزُ ... * * * * * ای سخت نیرو و ای سخت عقوبت ای عزیز ...

عَزِيزُ، ذَلَّتْ بِعَظَمَتِكَ جَمِيعَ خَلْقِكَ، فَاكْفِنِي شَرَّ خَلْقِكَ، يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ، يَا

خوار شد در برابر عظمت همه آفریدگانت پس کفایت کن از من شر خلقت را ای نیکوده ای زیبایی بخش ای

مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ،

نعمت بخش ای فزون بخش ای که نیست معبودی جز تو منزهی تو و من هستم از ستمکاران

فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ، وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ،

پس اجابت کردیم دعایش (یعنی یونس) را و نجاتش دادیم از اندوه و این چنین نجات دهیم مؤمنان را

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

و درود خدا بر محمد و آل پاک و پاکیزه اش

* و سید دعایی برای هلال این ماه روایت کرده روز اول سنه سی و هفتم شروع

به جنگ صفین شد و در این روز سنه شصت و یکم به قولی سر مبارک

حضرت سیدالشهداء علیه السلام را وارد دمشق کردند و بنی امیه آن روز را

عید قرار دادند و آن روزی است که تازه می شود در آن آحزان:

كَانَتْ مَاتِمٌ بِالْعِرَاقِ تَعُدُّهَا

أَمْوِيَّةٌ بِالشَّامِ مِنْ أَعْيَادِهَا

و در این روز و به قولی روز سیّم سنه صد و بیست و یک زید بن علی بن

الحسین شهید شده روز سیّم سید بن طاووس از کتب اصحابنا الامامیه نقل کرده

که مستحب است در این روز دو رکعت نماز در رکعت اول حمد و اِنَّا فَتَحْنَا و

در دویم حمد و توحید بخواند و بعد از سلام صد مرتبه صلوات بفرستد و صد

مرتبه بگوید **اللَّهُمَّ اَعْنُ اَلْ اَبَى سَفِيَانَ** و صد مرتبه استغفار کند پس حاجت خود را بخواهد روز هفتم به قول شهید و کفعمی و دیگران و به قول شیخین در روز بیست و هشتم سنه پنجاهم شهادت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام واقع شده و در این روز سنه (۱۲۸) ولادت حضرت امام موسی علیه السلام در ابواء که نام منزلی است مابین مکه و مدینه واقع شده .

روز بیستم روز اربعین و به قول شیخین روز رُجُوع حرم امام حسین علیه السلام است از شام به مدینه و روز وُرُود جابرین عبدالله انصاری است به کربلا بجهت زیارت امام حسین علیه السلام و او اوّل زائر آن حضرت است و زیارت آن حضرت در این روز مستحب است و از حضرت عسکری علیه السلام روایت شده که فرمود علامات مؤمن پنج چیز است پنجاه و یک رکعت نماز فریضه و نافله در شب و روز گذاردن و زیارت اربعین کردن و انگشتر بر دست راست کردن و جَبین را در سجده بر خاک گذاشتن و بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ را بلند گفتن. و شیخ در تهذیب و مصباح زیارت مخصوصه این روز را از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده و ما انشاء الله آن را در باب زیارات نقل خواهیم نمود.

روز بیست و هشتم سنه یازدهم روز وفات حضرت خاتم الانبیاء صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ است و روز وفات روز دوشنبه بوده بالاتفاق و در وقت وفات سنین عمر مبارکش به شصت و سه رسیده بود چهل سال از سنّ شریفش گذشته بود که وحی بر حضرتش نازل شد و بعد از آن سیزده سال در مکه مردم را دعوت

به خداپرستی نمود و پنجاه و سه سال داشت که به مدینه هجرت فرمود و در سال دهم هجرت وفات فرمود و امیرالمؤمنین علیه السلام متوجه غسل و حنوط آن حضرت شد و بعد از تغسیل و تکفین بر آن جناب نماز گذارد پس دسته دسته اصحاب آمدند و بدون امام بر آن حضرت نماز گذاردند و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن جناب را در حجره طاهره در همان محلی که از دنیا رفته بود مدفون ساخت از انس بن مالک روایت است که چون از دفن پیغمبر صلی الله علیه و آله فارغ شدیم حضرت فاطمه علیها السلام سوی من آمد و گفت ای انس چگونه نفس شما همراهی کرد که خاک بصورت پیغمبر صلی الله علیه و آله بریزید پس گریست و فرمود:

يَا اَبْتَاهُ اجَابَ رَبًّا دَعَاهُ

يَا اَبْتَاهُ مِنْ رَبِّهِ مَا اَذْنَاهُ

پدرجان پاسخ دادی پروردگارت را که تو را خواند

پدر جان چقدر به پروردگار خود نزدیکی

الْخِ وَ لَنْعَمَ مَا قِيلَ

تا به آخر و چه خوب گفته:

ای دو جهان زیر زمین از چه ای

خاک نه ای خاک نشین از چه ای

و به روایت معتبر است که آن مُخَدَّرَه مشتى از خاک پاک آن قبر مطهر گرفت

و بر دیدگان گذاشت و گفت:

مَاذَا عَلَى الْمُشْتَمِّ تَرْبَةَ أَحْمَدٍ

أَنْ لَا يَشُمَّ مَدَى الزَّمَانِ غَوَالِيَا

کسی که قبر احمد را ببوید چه بکند؟

باید که تا پایان عمر عطری را نبوید

صَبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبُ لَوْ أَنَّهَا

صَبَّتْ عَلَيَّ الْأَيَّامِ صِرْنَ لَيَالِيَا

فرو ریخت بر من مصیبت‌هایی که اگر آنها

بر روز روشن ریخته بود شب تار می‌گشت

و شیخ یوسف شامی در دُرِّ النَّظِيمِ نقل کرده که آن حضرت این اشعار را در

مرثیه پدر فرموده:

قُلْ لِلْمُعِيبِ تَحْتَ أَطْبَاقِ الثَّرَى

إِنْ كُنْتَ تَسْمَعُ صرْحَتِي وَبِدَائِيَا

بگو بدانکه در زیر توده‌های خاک پنهان شده

که اگر تو فریاد و ندای مرا می‌شنیدی

صَبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبُ لَوْ أَنَّهَا

صَبَّتْ عَلَيَّ الْأَيَّامِ صِرْنَ لَيَالِيَا

که فرو ریخته بر من مصیبت‌هایی و اگر آنها

بر روز روشن فروریخته بود شب تار می‌گشت

قَدْ كُنْتُ ذَاتَ حِمِيٍّ بِظِلِّ مُحَمَّدٍ

لَا أَحْشَى مِنْ ضَيْمٍ وَكَانَ حِمَالِيَا

براستی که من در سایه محمد پشتیبانی داشتم

و ترسی از ظلم کسی نداشتم و او جورکش من بود

فَأَلْيَوْمَ أَخْضَعُ لِلذَّلِيلِ وَأَتَقِي

ضَيْمِي وَأَدْفَعُ ظَالِمِي بَرْدِ آيَا

ولی امروز در برابر اشخاص خوار فروتن گشته و از ستم

بر خود می ترسم و ستمگرم را با جامه دور می کنم

فَإِذَا بَكَتْ قُمْرِيَّةٌ فِي لَيْلِهَا

شَجَنًا عَلَى غُصْنِ بَكَيْتٍ صَبَاحِيَا

پس اگر مرغ قُمری شبانگاه بگرید

از روی اندوه بر شاخساری من در روزیگریم

فَلَا جَعَلَنَّ الْحُزْنَ بَعْدَكَ مُونِيسَى

وَلَا جَعَلَنَّ الدَّمَعَ فَيْكَ وَشَاحِيَا

قرار دهم اندوه را پس از تو مونس خود

و دانه های اشک را بصورت گردن بندی در آورم

روز آخر ماه سنه دویست و سه به قول شیخ طبرسی و ابن اثیر شهادت امام رضاعلیه السلام واقع شده به انگور مَسْمُوم سنّ مبارکش به پنجاه و پنج رسیده بود و قبر شریفش واقع شد در خانه حمید بن قحطبه در قریه سناباد از ارض طوس و در آن خانه است قبر رشید نیز.

فصل نهم

در اعمال ماه ربیع الاول است

شب اوّل سال سیزدهم بعثت مبدأ هجرت حضرت رسول صلی الله علیه وآله بود از مکه معظمه به مدینه منوره و در آن شب در غار ثور مخفی شد و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام جان خود را فدای جان شریف او نمود و در جای آن حضرت خوابیده از شمشیرهای قبایل مشرکین پروا نکرد و فضل خود و مؤاساة

و برادری خود را با حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر جمیع عالم ظاهر گردانید و آیه کریمه وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ در شأنش نازل شد.

روز اوّل علماء گفته‌اند مستحبّ است که برای تشکر نعمت سلامتی رسول خدا و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما روزه بدارند و زیارت آن دو بزرگوار در این روز مناسب است و سیّد در اقبال برای این روز دعایی نقل فرموده و در این روز به قول شیخ و کفعمی حضرت عسکری علیه السلام وفات کرده و مشهور روز هشتم است و شاید در چنین روز، اوّل مرض آن حضرت بوده روز هشتم سنه دویست و شصت وفات حضرت امام حسن عسکری علیه السلام واقع شده و حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه به منصب جلیل امامت فایز گردیده مناسب است آن دو بزرگوار را در این روز زیارت کردن.

روز نهم روز عید بزرگ و روز عید بقر است و از برای آن شرح بزرگی است که در جای خود ذکر شده و روایتی نقل شده که هر که در این روز چیزی انفاق کند گناهانش آمرزیده شود و گفته‌اند که مستحبّ است در این روز اطعام برادران مؤمن و خوشنود گردانیدن ایشان و توسعه دادن در نفقه و پوشیدن جامه‌های نو و شکر و عبادت حق تعالی کردن و این روز، روز برطرف شدن غمها است و روز بسیار شریفی است و چون روز هشتم ماه وفات امام حسن عسکری علیه السلام بوده این روز، روز اوّل امامت حضرت صاحب الزّمان ارواح العالمین فداءه و سبب مزید شرافتش خواهد بود.

روز دوازدهم به قول جناب کلینی و مسعودی و مشهور بین عامّه ولادت با سعادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله است و مستحبّ است در آن دو رکعت نماز در رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایّها الکافرُونَ و در دوّم سه مرتبه توحید و در این روز نیز آن حضرت به مدینه ورود فرمود و شیخ فرموده که در مثل چنین روز از سنه صد و سی و دو دولت بنی مروان منقضی شد. روز چهاردهم سنه ۶۴ شصت و چهار یزید بن معاویه به درکات جحیم شتافت و در اخبارالدّول است که یزید به مرض ذات الجنب در حوران از دنیا رفت جنازه اش را به دمشق آوردند و در باب صغیر او را دفن کردند و قبرش اینک مزبله می باشد و سنین عمرش به سی و هفت رسیده بود و خلافتش سه سال و نه ماه طول کشید انتهی.

شب هفدهم شب ولادت حضرت خاتم الأنبیاء صلوات الله علیه و شب بسیار مبارکی است و سیّد نقل کرده که در مثل چنین شب نیز قبل از هجرت به یکسال معراج آن حضرت بوده روز هفدهم بنا بر مشهور بین علماء امامیه روز ولادت باسعادت حضرت خاتم الأنبیاء محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است و معروف آنست که ولادت باسعادتش در مکه معظمه در خانه خود آن حضرت واقع شده در روز جمعه در وقت طلوع فجر در عام الفیل در ایّام سلطنت نوشیروان عادل و نیز در این روز شریف سنه هشتاد و سه ولادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام واقع شده و باعث مزید فضل و شرافت این روز گردیده و بالجمله این روز روز بسیار شریفی است و از برای آن چند عمل

است اوّل غسل دوّم روزه و از برای آن فضیلت بسیار است و روایت شده که هرکه این روز را روزه بدارد ثواب روزه یک سال خدا برای او بنویسد و این روز یکی از آن چهار روز است که در تمام سال به فضیلت روزه ممتاز است سیّم زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نزدیک و دور چهارم زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام به همان زیارتی که حضرت صادق علیه السلام کرده و تعلیم محمد بن مسلم فرموده و بیاید انشاءالله در باب زیارات پنجم در وقتی که روز بلند شود دو رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ و ده مرتبه توحید بخواند و بعد از سلام در مصلّی خود بنشیند و این دعا بخواند اَللّهُمَّ اَنْتَ حَيٌّ لَا تَمُوتُ الْخ و این دعای مبسوطی است و چون سَنَدَش را منتهی به معصوم ندیدم مراعات اختصار را اَهَمّ دیدم هرکه طالبست به رجوع زاد المعاد رجوع نماید ششم آنکه مسلمانان این روز را تعظیم بدانند و تصدّق و خیرات بنمایند و مؤمنین را مسرور کنند و به زیارت مشاهد مشرفه روند و سیّد در اقبال شرحی از لزوم تعظیم این روز ذکر نموده و فرموده که من یافتم طایفه نصاری و جمعی از مسلمین را که تعظیم بزرگی از روز ولادت عیسی علیه السلام می نمایند و تعجّب کردم که چگونه مسلمانان قانع شدند که روز مولود پیغمبرشان که اعظم از همه پیغمبران است به این مرتبه از تعظیم باشد که اَدْوَن از تعظیم نصاری است مولد عیسی علیه السلام را.

فصل دهم

در اعمال ماه ربیع الثانی و جمادی الاولی و جمادی الآخره

سیّد بن طاوُس برای هر روز از اوّل این سه ماه دعایی نقل کرده و شیخ مفید فرموده که در روز دهم ماه ربیع الثانی سنه دویست و سی و دو حضرت امام حسن عسکری علیه السلام متولّد شده است و روز شریف بسیار مبارکی است و مستحب است که به شکر این نعمت عظمی روزه بدارند و در روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه جمادی الاولی زیارت حضرت فاطمه زهراء صلوات الله علیها و اقامه ماتم آن مظلومه مناسب است زیرا که در روایت صحیحیه وارد شده که آن حضرت بعد از پدر بزرگوار خود هفتاد و پنج روز در دنیا بود و وفات فرمود و بنا بر مشهور که وفات حضرت رسول صلی الله علیه و آله در بیست و هشتم صفر بوده باید وفات آن مخدّر در یکی از این سه روز واقع شده باشد و در روز نیمه سنه سی و شش فتح بصره بر امیرالمؤمنین علیه السلام و ولادت حضرت امام زین العابدین علیه السلام شده و زیارت هر دو امام در این روز مناسب است .

و اما اعمال ماه الاخره پس سیّد بن طاوُس رضی الله عنه نقل کرده است که در این ماه در هر وقت که خواهد چهار رکعت نماز بکند یعنی به دو سلام در رکعت اوّل بخواند حمد و یک مرتبه آیه الکرسی و بیست و پنج مرتبه **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** و در رکعت دوّم حمد و یک مرتبه **أَلْهِیْکُمْ التَّکَاثُرُ** و بیست و پنج

تُزَلِّفُهَا فَوْقَ زُلْفَى عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ، مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِينَ.

منزلت و مقامی به او دهد برتر از منزلت بندگان گرامیت از اهل آسمانها و اهل زمین

به تحقیق که روایت شده است که هر که به این زیارت آن حضرت را زیارت کند و از خدا طلب آمرزش کند حق تعالی گناهانش را بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند مؤلف گوید که نجل سید بن طاوس نیز این زیارت را در کتاب زوائد الفوائد نقل کرده و گفته که مختص به روز وفات آن حضرت که سیم ماه جمادی الاخره باشد و کیفیت زیارت را به این طریق فرموده که نماز می کنی نماز زیارت یا نماز خود آن حضرت را و آن دو رکعت است در هر رکعت بعد از حمد شصت مرتبه سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ می خوانی و اگر نتوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخوان و در رکعت دوم سوره قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و چون سلام گفتی بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ تا آخر زیارت مذکوره روز بیستم سال پنجم یا دوم از بعثت ولادت با سعادت حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها واقع شده و در آن چند عمل مناسب است اول روزه دوم خیرات و صدقات بر مؤمنین سیم زیارت آن بی بی دنیا و آخرت و بیاید کیفیت زیارت آن حضرت بعد از این.

فصل یازدهم

در اعمال هر ماه نو و اعمال عید نوروز و اعمال ماههای رومی

اما اعمال هر ماه نو چند چیز است اول خواندن دعاهای منقوله در وقت رؤیت هلال که بهترین آنها دعای چهل و سیّم صحیفه کامله است که در اول ماه رمضان ذکر شد دوّم خواندن هفت مرتبه سوره حمد برای دفع درد چشم سیّم اندکی پنیر خوردن روایتست که هرکس مقید کند خود را بخوردن آن در اول هر ماه امید است که حاجتش در آن ماه ردّ نشود چهارم در شب اول دو رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و از حق تعالی سؤال کند که او را از هر ترسی و دردی ایمن گرداند و نبیند در آن ماه امری را که مکروه او باشد پنجم در روز اول دو رکعت نماز کند در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ و در رکعت دوّم بعد از حمد سی مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ بِخَوَانِد و بعد از نماز تصدّقی کند چون چنین کند سلامتی خود را در آن ماه از حق تعالی بخرد و از بعضی روایات نقل است که بعد از نماز بخواند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا، وَيَعْلَمُ

به نام خدای بخشنده مهربان و نیست جنبه‌ای در زمین جز آنکه روزی وی به عهده خدا است و می‌داند

مُسْتَقْرَرًا وَمُسْتَوْدَعًا، كُلُّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ، * بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَإِنْ

قرارگاه و امانگاهش را همه آنها در مکتوبی روشن است * به نام خدای بخشنده مهربان و اگر

يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ، وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ

خدا محنت و رنجی به تو رساند هیچکس برطرف کردن آن نتواند جز او و اگر برای تو نیکی خواهد فضل او را

لِفَضْلِهِ، يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، * بِسْمِ

بازگرداننده‌ای نیست که برساند آن را به هر کس خواهد از بندگانش و او است آمرزنده مهربان به نام

اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا

خدای بخشاینده مهربان بزودی خدا پس از دشواری آسانی قرار دهد آنچه خدا خواهد نیروئی نیست جز

بِاللَّهِ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَأَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ

به خدا بس است ما را خدا و نیکی و کیلی است و واگذارم کارم را به خدا که براستی خدا بینا است

بِالْعِبَادِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، رَبِّ إِنِّي لِمَا

به بندگان معبودی جز تو نیست منزهی تو براستی من از ستمکارانم پروردگارا من بدانچه بسویم

أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنَ خَيْرٍ فَاقْبَلْ، رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ

از خیر فرستاده‌ای نیازمندم پروردگارا مرا تنها مگذار و تو بهترین ارث برندگان (و بازماندگان) هستی

و اما اعمال عید نوروز پس چنان است که حضرت صادق علیه السلام به مُعَلَّى

بن خنیس تعلیم فرموده که چون روز نوروز شود غسل کن و پاکیزه‌ترین

جامه‌های خود را بپوش و به بهترین بوهای خوش خود را خوشبو گردان و در

آن روز روزه بدار پس چون از نماز پیشین و پسین و نافله‌های آن فارغ شوی

چهار رکعت نماز بگذار یعنی هر دو رکعت به یک سلام و در رکعت اوّل بعد

از حمد ده مرتبه سوره اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بِخَوَانٍ و در رکعت دوّم بعد از حمد ده مرتبه

سوره قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و در رکعت سیّم بعد از حمد ده مرتبه سوره قُلْ هُوَ

اللَّهُ أَحَدٌ و در رکعت چهارم بعد از حمد ده مرتبه قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ

بِرَبِّ النَّاسِ بخوان و بعد از نماز به سجده شکر برو و این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ،

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد آن اوصیاء پسندیده

وَعَلَىٰ جَمِيعِ اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَبَارِكْ

و بر همه پیمبران و رسولانت به بهترین درودها و برکت ده

عَلَيْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ، وَصَلِّ عَلَىٰ اَرْوَاحِهِمْ وَاجْسَادِهِمْ، اَللّٰهُمَّ

بر ایشان به بهترین برکتهایت و درود فرست بر ارواح و اجسادشان خدایا

بَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا، الَّذِي فَضَّلْتَهُ

برکت ده بر محمد و آل محمد و برکت ده به ما در این روز که آن را برتری داده

وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَعَظَّمْتَ خَطَرَهُ، اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِيْمَا اَنْعَمْتَ بِهِ

و گرامیش کرده و شرافتش دادی و مقامش را بزرگ کردی خدایا برکت ده به من در آنچه به من تفضل کرده‌ای

عَلَيَّ، حَتَّىٰ لَا اَشْكُرَ اَحَدًا غَيْرَكَ، وَوَسَّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، يَا ذَا الْجَلَالِ

بدانسان که هیچکس را جز تو سپاس نگذارم و روزیم را وسیع گردان ای صاحب جلالت

وَالْاِكْرَامِ، اَللّٰهُمَّ مَا غَابَ عَنِّي فَلَا يَغِيْبُنَّ عَنِّي عَوْنُكَ وَحِفْظُكَ، وَمَا

و بزرگواری خدایا هر چه از من پنهان شده مبدا کمک و نگهداری تو از من پنهان شود و هر چه

فَقَدْتُ مِنْ شَيْءٍ فَلَا تُفْقِدُنِي عَوْنُكَ عَلَيْهِ، حَتَّىٰ لَا اَتَكَلَّفَ مَا لَا

را گم کرده‌ام مبدا یاری خویش را بر آن از من گم کنی تا خود را به زحمت نیندازم درباره

اَحْتَاٰجُ اِلَيْهِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ.

آنچه را بدان نیازمند نیستم ای صاحب جلالت و بزرگواری *

چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده شود و بسیار بگو یا ذَا الْجَلَالِ

وَالْاِكْرَامِ اَمَّا اَعْمَالِ مَاهِئِ رُومِي پَس مَا دَر اَيْنِجَا اِكْتِفَا مِي كُنِيْم بِيه اَنچِه كِه دَر

زَادِ الْمَعَادِ اسْت سَيِّدِ جَلِيْلِ عَلِيِّ بِنِ طَاوُسِ رَحْمَةِ اللّٰهِ رَوَايْتِ كَرْدِه اسْت كِه رُوزِي

جَمْعِي از اصحاب نشسته بودند حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله داخل

شد و بر ایشان سلام فرمود و ایشان جواب سلام گفتند پس حضرت فرمود که

می‌خواهید تعلیم نمایم شما را دوائی که جبرئیل مرا تعلیم کرده است که محتاج به دوائی اطبّا نبوده باشم پس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و سلمان و دیگران سؤال نمودند که آن دوا چیست حضرت رسول صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب نمود و فرمود که در ماه نیشان رومی آب باران می‌گیری و سوره فاتحة الكتاب و آية الكرسي و قل هو الله و قل اعوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قل اعوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و قل يا ايها الكافرون هر یک را هفتاد بار می‌خوانی و به روایت دیگر سوره انا انزلناه را نیز هفتاد مرتبه می‌خوانی و هفتاد مرتبه الله اكبر و هفتاد مرتبه لا اله الا الله می‌گوئی و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد می‌فرستی و هفت روز در بامداد و پسین از آن آب می‌آشامی به حق آن خداوندی که مرا براستی بر خلق مبعوث گردانیده است سوگند یاد می‌کنم که جبرئیل گفت که حق تعالی بردارد از کسی که این آب را می‌آشامد هر دردی را که در بدنش باشد و عافیت بخشد او را و بیرون کند دردها را از بدن او و استخوانهای او و اگر در لوح دردی برای او مقدر شده باشد محو نماید و به حق پروردگاری که مرا به حق فرستاده اگر فرزند نداشته باشد و فرزند خواهد آب نیشان را به آن نیت بیاشامد او را فرزند روزی گردد و اگر زن عقیم باشد و فرزند نیاورد و از این آب با نیت بیاشامد فرزند از او بوجود آید و اگر مرد و زن پسر خواهند یا دختر از آن آب بیاشامند مقصود ایشان به عمل آید چنانچه حق تعالی می‌فرماید يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ اِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ اَوْ يَزُوْجَهُمْ ذُكْرًا وَاِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيْمًا يعنى

حق تعالی می‌بخشد هر که را خواهد دختران و هر که را خواهد پسران یا جُفت می‌گرداند برای ایشان پسران و دختران یعنی هر دو را به ایشان عطا می‌کند و هر که را خواهد عقیم و بی‌فرزند گرداند پس حضرت فرمود که اگر کسی درد سر داشته باشد و از این آب بیاشامد صداع او ساکن گردد به قدرت الهی و اگر درد چشم داشته باشد و در چشمهای خود قطره‌ای از این آب بچکاند و بیاشامد و چشمهای خود را از آن آب بشوید به اذن خدای تعالی شفا یابد و آشامیدن از آن آب بُن دندانها را محکم گرداند و دهان را خوشبو کند و لعاب بُن دندانها را کم کند و بلغم را کم کند و تُخْمه و اِمْتِلا به سبب خوردن طعام و آشامیدن آب به هم نرساند و از بادهای قولنج و غیر آن متأذی نگردد و درد پشت و درد شکم بهم نرساند و از زُکام آزار نکشد و درد دندان بهم نرساند و درد معده و کرم معده را زایل گرداند و محتاج به حجامت نگردد و از مرض بواسیر و خارش بدن و آبله و دیوانگی و خُوره و پیسی و رُعاف و قیّ نجات یابد و کور و لال و کر و زمینگیر نشود و آب سیاه در دیده‌اش نزول نکند و دردی که موجب افطار روزه و نقصان نماز او باشد او را عارض نگردد و از وسوسه‌های جنیان و شیاطین متأذی نگردد پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل گفت هر که از این آب بیاشامد و به جمیع دردهائی که در مردم می‌باشد مبتلا باشد موجب شفا از جمیع آنها گردد پس جبرئیل گفت به حقّ خداوندی که تو را به راستی فرستاده هر که این آیات را بر این آب بخواند و بیاشامد حقّ تعالی دلش را مملوّ گرداند از نور و روشنی و الهام خود را در دل

او وارد سازد و حکمت بر زبان او جاری گرداند و پر کند دل او را از فهم و
 بینائی و به او عطا کند از کرامتها آنچه به احدی از عالمیان عطا نکرده باشد و
 هزار مغفرت و هزار رحمت بر او بفرستد و غش و خیانت و غیبت و حسد و
 بَغی و کبر و بخل و حرص و غضب را از دل او بردارد و از عداوت و دشمنی
 مردم و بدگوئی ایشان نجات یابد و موجب شفاء جمیع امراض او گردد مؤلف
 گوید که این روایت مشهور به عبدالله بن عمر منتهی می شود و به این سبب
 سندش ضعیف است و فقیر به خط شیخ شهید دیدم که این روایت را از حضرت
 امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده بود با همین خواص و سوره ها اما
 آیات و اذکار را به این روش روایت کرده است که می خوانی بر آب نیسان
 فاتحة الكتاب و آية الكرسي و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَ سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى و
 قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ هر یک را هفتاد
 مرتبه و می گوئی هفتاد مرتبه لا إله إلا الله و هفتاد مرتبه الله أكبر و هفتاد مرتبه
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و هفتاد مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ
 إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ و در خواص آن مذکور است که اگر در زندان باشد و از آن
 آب بیاشامد از حبس نجات یابد و سردی بر طبع او غالب نگردد و اکثر آن
 خواص که مذکور شد در این روایت نیز مذکور است و آب باران مطلقاً مبارک
 است و منفعت دارد خواه در نیسان ببارد و خواه در غیر آن چنانچه در حدیث
 معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که بیاشامید آب آسمان
 را که پاک کننده بدن شما است و دردها را دفع می کند چنانچه حق تعالی

می‌فرماید وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ
وَلِيُرَبِّطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ یعنی می‌فرستد حق تعالی بر شما از
آسمان آبی برای آنکه پاک گرداند شما را به آن و ببرد از شما وسوسه شیطان
را و دل‌های شما را محکم گرداند و ثابت گرداند به آن قدم‌های شما را و در
عمل نیسان بهتر آن است که اگر جمعی خوانند هر یک مجموع آن سوره‌ها و
اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند و از برای آنها که می‌خوانند فایده‌اش عظیمتر و
ثوابش بیشتر است و در این سالها بعد از بیست و سه روز که از نوروز بگذرد
تقریباً داخل نیسان ماه رومی می‌شوند و ماه نیسان سی روز است و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که در هفتم حزیران البته حجامت بکن و اگر میسر
نشود در چهاردهم بکن و اوّل حزیران تقریباً هشتاد و چهارم نوروز است و آن
نیز سی روز است و حزیران ماه نحسی است چنانچه در حدیث معتبر منقولست
که در خدمت حضرت صادق علیه السلام ماه حزیران مذکور شد حضرت فرمود
که این ماهی است که حضرت موسی در این ماه نفرین کرد بر بنی اسرائیل و در
یک شب و یک روز سیصد هزار کس ایشان مردند و باز به سند معتبر از آن
حضرت منقولست که حق تعالی اجلها را در ماه حزیران نزدیک می‌گرداند یعنی
موت در آن بسیار می‌باشد و بدانکه ماههای رومی بنایش بر حرکت آفتابست
و عدد آنها دوازده است بدین ترتیب، تشرین الاول، تشرین الآخر، کانون اول،
کانون آخر، شباط، آذر، نیسان، ایار، حزیران، تموز، آب، ایلول و چهار ماه را
سی می‌گیرند که آنها تشرین الاخر و نیسان و حزیران و ایلولند و هفت دیگر

غیر شباط را سی و یک می‌گیرند و شباط را در سه سال متوالی بیست و هشت می‌گیرند و در سال چهارم که سال کبیسه ایشان است بیست و نه می‌گیرند و سال ایشان سیصد و شصت و پنج روز و ربعی است و تشرین الأوّل که اوّل سال ایشان است در این سالها موافق نوزده درجه میزان است و تفصیلش در کتاب بحار الانوار مذکور است و چون این ماهها در احادیث مذکور شده است مجملی در اینجا ایراد نمودیم. انتهی

باب سیّم در زیارات

باب سیّم در زیارات است و مشتمل است بر یک مقدمه و چند فصل و یک خاتمه

مقدمه در آداب سفر است

چون اراده سفر کنی سزاوار آن است که روزه بداری روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را و اختیار نمائی روز شنبه را یا روز سه شنبه را یا روز پنجشنبه را و اجتناب کن از سفر کردن در روز دوشنبه و چهارشنبه و پیش از ظهر روز جمعه و از سفر کردن در این ایّام که در این نظم واقع شده:

هفت رُوzy نحس باشد در مَهی

زان حذر کن تا نیابی هیچ رنج

سه و پنج و سیزده با شانزده

بیست و یک با بیست و چهار و بیست و پنج

در بعضی روایات نقل شده که بیست و یکم سفر کردن خوبست و در روز هشتم و بیست و سیّم خوب نیست. و سفر مکن در محاق شهر و در حالیکه قمر در برج عقرب باشد و اگر ضرورتی حاصل شود برای سفر کردن در این اوقات دعاهاى سفر را بخوان و تصدّق کن و هر وقت که خواهی به سفر رو و روایت شده که مردی از اصحاب حضرت امام محمد باقر علیه السلام اراده سفری کرد خدمت آن حضرت رسید تا وداع کند با آن جناب حضرت به او فرمود که پدرم علی بن الحسین علیه السلام هرگاه اراده می نمود که بیرون رود بسوی بعض املاک خود می خرید سلامتی خود را از خدا به آنچه آسان بود برای او یعنی به دادن صدقه به هر چه که ممکن بود و این در وقتی بود که پای خود را در رکاب می گذاشت و چون به سلامت از سفر مراجعت می کرد شکر می کرد خدا را و تصدّق می داد به آنچه که ممکن بود آن مرد وداع کرد و رفت و بجا نیاورد آنچه را که آن حضرت فرموده بود پس هلاک شد در راه این خبر به امام محمد باقر علیه السلام رسید فرمود این مرد پند داده شد اگر می پذیرفت و سزاوار است که پیش از متوجّه شدن غسل بکنی پس جمع می کنی اهل خود را نزد خود و دو رکعت نماز می گذاری و از خدا خیر خود را سؤال می نمائی و آیه الكرسي می خوانی و حمد و ثنای الهی بجامی آوری و صلوات بر حضرت رسول و آل او صلواتُ اللّهِ عَلَیْهِمْ می فرستی و می گوئی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي، وَمَنْ كَانَ مِنِّي

خدایا به من بعنوان ودیعت به تو سپردم در این روز خودم و خاندانم و مال و فرزندانم و هر که را با

بِسَبِيلِ الشَّاهِدِ مِنْهُمْ وَالْعَائِبِ، اللَّهُمَّ احْفَظْنَا بِحِفْظِ الْإِيمَانِ وَاحْفَظْ عَلَيْنَا،

من راهی دارد حاضرشان و غائبشان را خدایا حفظ کن ما را به حفظ ایمان و نگهداری بر ما باش

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي رَحْمَتِكَ، وَلَا تَسْلُبْنَا فَضْلَكَ، إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ

خدایا ما را در کنف رحمت خویش قرار ده و فضلت را از ما سلب مفرما که ما به تو مشتاقیم خدایا به تو پناه بریم

بِكَ مِنْ وَعْتَاءِ السَّفَرِ، وَكَابَةِ الْمُقَلَبِ وَسَوْءِ الْمُنْظَرِ، فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ

از رنج سفر و اندوهناک برگشتن و بدی دیدار در خاندان و مال و فرزندان

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي اتَّوَجَّهْتُ إِلَيْكَ هَذَا التَّوَجُّهَ طَلِبًا لِمَرْضَاتِكَ وَتَقَرُّبًا

در دنیا و آخرت خدایا من بتو رو کنم در این رو کردن بخاطر اینکه جویای خوشنودی تو و تقرب جستن بدرگاهت

إِلَيْكَ، [اللَّهُمَّ] فَبَلِّغْنِي مَا أَوْمَلُهُ وَأَرْجُوهُ فِيكَ وَفِي أَوْلِيَائِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

هستم خدایا پس برسانم به آرزویم و آنچه از تو و اولیانت امید دارم ای مهربانترین مهربانان

پس وداع کن اهل خود را و برخیز و بر در خانه بایست و تسبیح حضرت

فاطمه علیها السلام را بخوان و سوره حمد را از پیش رو و از جانب راست و از

جانب چپ بخوان و همچنین آیه الکرسی را از سه جانب بخوان و بگو:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي، وَعَلَيْكَ خَلَّفْتُ أَهْلِي وَمَالِي وَمَا حَوَّلْتَنِي، وَقَدْ وَثَّقْتُ

خدایا بسوی تو گرداندم رویم را و به امید تو بجای گذاردم خانواده و مالم و آنچه را به من مرحمت فرمودی و به تو

اطمینان

بِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي، يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ أَرَادَهُ، وَلَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

کردم پس ناامیدم مکن ای که نا امید نکند هر که را به او توجه کند و ضایع نکند هر که را او محافظتش کند خدایا درود

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْفَظْنِي فِيمَا غَبْتُ عَنْهُ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

فرست بر محمد و آلش و محافظت کن آنچه را مربوط به من است و من از آنها دورم و مرا بخودم وامگذارای

مهربانترین مهربانان

الدُّعَاءَ پَسِ بَخْوَانِ سُورَةِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ رَا يَزِيدُهُ مَرْتَبَةً وَ سُورَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَ آيَةِ

الْكَرْسِيِّ وَ سُورَةِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ وَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

پس دست بر جمیع بدن خود بمال و تصدق کن به هر چه میسر باشد و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ سَلَامَتِي، وَ سَلَامَةَ سَفَرِي وَ مَا مَعِي، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي

خدایا من خریدم بوسیله این صدقه سلامتی خود و سلامتی سفرم را و آنچه همراه من است خدایا حفظ کن مرا

محافظت

وَ احْفَظْ مَا مَعِي، وَ سَلِّمْ نِيَّ وَ سَلِّمْ مَا مَعِي، وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِي بِبِلَاغِكَ الْاِحْسَانَ الْجَمِيلِ

کن آنچه همراه دارم و به سلامت بدار مرا و آنچه را که همراه من است و برسان مرا و آنچه همراه من است برساندن

نیکو و زیبایت

و با خود برادر عصائی از چوب درخت بادام تلخ که روایت شده که هر که به

سفری رود و با خود بردارد عصاء بادام تلخ و بخواند وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدِينَةٍ تَأْتِي

وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ و این در سوره قصص است حق تعالی او را ایمن

گرداند از هر سبُعِ دَرْتَدَةٍ و از هر دزد ظلم کننده و از هر حیوان صاحب زهری

تا به خانه خود برگردد و با او باشد هفتاد و هفت ملک که طلب آمرزش کند

برای او تا برگردد و عصا را بگذارد و سُنَّتِ است که با عمامه بیرون روی و

سر عمامه در زیر حنک بگردانی تا اینکه به تو آسیبی نرسد از دزد و غرق

شدن و سوختن و قدری از تربت امام حسین علیه السلام با خود بردار و در

وقت برداشتن بگو:

اللَّهُمَّ هَذِهِ طِينَةٌ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَلِيَّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ،

خدایا این خاک قبر حسین علیه السلام ولی تو و فرزند ولی تو است

اتَّخَذْتُهَا حِرْزاً لِّمَا أَخَافُ وَمَا لَا أَخَافُ *

که آن را پناهگاه خود قرار دادم برای آنچه از آن ترسم و آنچه نترسم *

و با خود بردار انگشتر عقیق و فیروزج و خصوص انگشتری که عقیق آن زرد باشد و بر یک طرفش نقش باشد ماشاء الله لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ و بر طرف دیگرش محمد و علی، سید بن طاوس در امان الاخطار روایت کرده از ابومحمد قاسم بن علا از صافی خادم امام علی النقی علیه السلام که گفت رخصت طلبیدم از آن حضرت که به زیارت جدش امام رضاعلیه السلام بروم فرمود که با خود انگشتری داشته باش که نگینش عقیق زرد باشد و نقش نگین ماشاء الله لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ باشد و بر روی دیگر نگین محمد و علی نقش کرده باشند چون این انگشتر را با خود داری امان یابی از شر دزدان و راهزنان و برای سلامتی تو تمامتر است و دین ترا حفظ کننده تر است خادم گوید بیرون آمدم و انگشتری که حضرت فرمود بهم رسانیدم و برگشتم که وداع کنم چون وداع آن حضرت کرده برگشتم و دور شدم فرمود که مرا برگردانند چون برگشتم فرمود ای صافی گفتم لَبَّيْكَ يَا سَيِّدِي فرمود که انگشتر فیروزه هم باید با خود داشته باشی بدرستی که میان طوس و نیشابور شیری بر خواهد خورد به تو و قافله را منع خواهد کرد از رفتن تو پیش برو و این انگشتر را به شیر بنما و بگو مولای من می گوید که دور شو از راه و باید که بر یک طرف نگین فیروزه اللَّهُ الْمَلِكُ نقش کنی و بر طرف دیگر الْمَلِكُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ زیرا که نقش انگشتر

امیرالمؤمنین علیه السلام اَللَّهُ الْمَلِكُ بود چون خلافت بر آن جناب برگشت
 اَلْمَلِكُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ نقش کرد و نگینش فیروزه بود و چنین نگین امان
 می‌بخشد از حیوانات درنده و باعث ظفر و غلبه می‌شود در جنگها صافی گوید
 که رفتم به سفر و به خدا سوگند در همان مکان که حضرت فرموده بود شیر بر
 سر راه آمد و آنچه فرموده بود به عمل آوردم و شیر برگشت چون از زیارت
 برگشتم آنچه گذشته بود به خدمت آن جناب عرض کردم فرمود که یک چیز
 ماند نگفتی اگر خواهی من نقل کنم گفتم ای آقای من شاید فراموش کرده باشم
 فرمود که شبی در طوس نزدیک قبر شریف شب را بسر می‌بردی گروهی از
 جنیان به زیارت قبر آن حضرت آمده بودند آن نگین را در دست تو دیدند و
 نقش آن را خواندند پس آن را از دست تو بدر آورده بردند به نزد بیماری که
 داشتند و آن انگشتر را در آبی شسته آب آن را به بیمار خود خوراندند و
 بیمارشان صحّت یافت پس انگشتر را برگردانیدند و تو در دست راست کرده
 بودی ایشان در دست چپ تو کردند تو از این مطلب تعجب بسیار کردی و
 سبب آن را ندانستی و نزدیک سر خود یاقوتی یافته برداشتی و الحال همراه تو
 است ببر بازار و آن را به هشتاد اشرفی خواهی فروخت و این یاقوت هدیه آن
 جنیانست که برای تو آورده بودند خادم گفت یاقوت را به بازار بردم و به
 هشتاد اشرفی فروختم همچنانکه سیدم فرموده بود و از حضرت صادق علیه
 السلام منقول است که کسی که بخواند آیه الکرسی را در سفر در هر شب سالم
 بماند و سالم بماند آنچه با اوست و بگوید:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَسِيْرِيْ عِيْرًا، وَصَمْتِيْ تَفَكُّرًا، وَكَلَامِيْ ذِكْرًا،

خدایا قرار ده مسیر مرا عبرت و خاموشی را تفکر و سخنم را ذکر

و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام مرویست که فرمود من پروا نمی‌کنم هرگاه بگویم این کلمات را اگر جمع شوند برای ضرر من جن و انس:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، وَمِنْ اللّٰهِ وَاِلَى اللّٰهِ،

به نام خدا و به خدا و از خدا و بسوی خدا

وَفِي سَبِيْلِ اللّٰهِ، اَللّٰهُمَّ اِيْنِكَ اَسْلَمْتُ نَفْسِيْ، وَاِيْنِكَ وَجْهْتُ وَجْهِيْ،

و در راه خدا خدایا به تو تسلیم کردم خودم را و بدرگاه تو گرداندم رویم را

وَاِيْنِكَ فَوَضْتُ اَمْرِيْ، فَاَحْفَظْنِيْ بِحِفْظِ الْاِيْمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ

و به تو واگذاردم کارم را پس نگهداریم کن به نگهداری ایمان از پیش رویم و از

خَلْفِيْ، وَعَنْ يَمِيْنِيْ وَعَنْ شِمَالِيْ، وَمِنْ فَوْقِيْ وَمِنْ تَحْتِيْ، وَاذْفَعْ

پشت سرم و از راستم و از چپم و از بالای سرم و از زیر پایم و پشتیبانی کن

عَنْيْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، فَاِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ.

از من به قدرت و نیروی خودت زیرا که قدرت و نیروئی نیست جز به خدای والای بزرگ

مؤلف گوید ادعیه و آداب سفر بسیار است و ما در اینجا اقتصار می‌کنیم بذكر چند ادب: اول آنکه سزاوار است برای شخص هرگاه سوار می‌شود بِسْمِ اللّٰهِ را ترک نکند دوم آنکه نفقه خود را حفظ کند و در جای محکم بگذارد زیرا که روایت شده که از فقه مسافر است حفظ کردن نفقه خود سبب آنکه در سفر اعانت رفقا کند و از خدمت و کار کردن در حوائج ایشان مضایقه نکند تا حق تعالی برطرف کند از او هفتاد و سه اندوه و پناه دهد او را در دنیا از هم و غم و برطرف کند از او اندوه بزرگ روز قیامت را و روایت است که حضرت امام

زین العابدین علیه السلام سفر نمی کرد مگر با اشخاصی که شناسند آن حضرت را برای آنکه در راه اعانت آنها نماید زیرا که هر گاه می شناختند آن جناب را نمی گذاشتند که آن حضرت کاری بکند .

و از اخلاق شریفه حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که وقتی با اصحاب در سفر بود خواستند گوسفندی بکشند یکی گفت کشتن گوسفند با من دیگری گفت کندن پوست او با من و دیگری گفت پختن او با من حضرت فرمود جمع کردن هیزمش با من گفتند یا رسول الله این کار ما خواهیم کرد شما زحمت نکشید فرمود می دانم شما این کار را خواهید کرد لکن من خوشم نمی آید که از شما امتیازی پیدا کنم زیرا که حق تعالی کراهت دارد که ببیند بنده خود را که فضیلت داده خودش را به رفقایش و بدانکه ثقیل ترین مردم در سفر نزد رفقا آن کسی است که با آنکه اعضایش صحیح و سالمست تنبلی می کند و مشغول کاری نمی شود و منتظر است که رفقای او کارهای او را بکنند چهارم آنکه مسافر مصاحبت کند با کسی که نظیر او باشد در انفاق کردن پنجم آنکه نیاشامد از آب هر منزلی مگر بعد از آنکه ممزوج کند او را به آب منزل قبل و شایسته و لازم است برای مسافر که با خود بردارد از خاک بلد خویش و از طینتی که تربیت بر آن شده است و هر منزلی که وارد می شود مقداری از آن خاک بریزد در ظرف آب خود و آن را حرکت دهد پس بگذارد تا آب صاف شود آن وقت بنوشد ششم آنکه اخلاق خود را نیکو کند و حلم را

زینت خود کند و بیاید در آداب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام آنچه مناسب اینجا است.

هفتم آنکه توشه از برای سفر خود بردارد و از شرف آدمی است که توشه خود را نیکو گرداند بخصوص در سفر مکه بلی در سفر زیارت امام حسین علیه السلام توشه را از چیزهای لذیذ قرار دادن مانند بریانی و حلواها و غیره محبوب نیست چنانکه بیاید این مطلب در باب زیارت آن حضرت. و ابن اعسم گفته:

مِنْ شَرَفِ الْإِنْسَانِ فِي الْأَسْفَارِ
تَطْيِيبُهُ الزَّادَ مَعَ الْإِكْتَارِ

از شرافت انسان در سفرها

توشه خوب و فراوان برداشتن است

وَلْيُحْسِنِ الْإِنْسَانُ فِي حَالِ السَّفَرِ
أَخْلَاقَهُ زِيَادَةً عَلَى الْحَضَرِ

انسان باید در حال سفر

بیش از وقتی که در خانه است اخلاقش را نیکو کند

وَلْيُذْعَ عِنْدَ الْوَضْعِ لِلْخَوَانِ
مَنْ كَانَ حَاضِرًا مِنَ الْأَخْوَانِ

و هنگامی که سفره را بگستراند بخواند بر سر آن

هر که از برادران دینیش که حاضرند

وَلْيُكْثِرِ الْمَرْحَ مَعَ الصَّحْبِ إِذَا
لَمْ يُسْخِطِ اللَّهَ وَلَمْ يَجْلِبْ أَدَى

و باید با همراهان شوخی زیاد کند در صورتی که

موجب خشم خدا نشود و تولید ناراحتی نکند

مَنْ جَاءَ بَلَدَةً فَذَا ضَيْفٌ عَلَيَّ

إِخْوَانِهِ فِيهَا إِلَى أَنْ يَرَحُلَا

کسی که به شهری درآید میهمان برادران دینی آن

شهر است تا وقتی که از آنجا کوچ کند

يُرِيءُ لَيْلَتَيْنِ ثُمَّ لِيَأْكُلَ

مِنْ أَكْلِ أَهْلِ الْبَيْتِ فِي الْمُسْتَقْبَلِ

تا دو شب بخوبی پذیرائی شود سپس بخورد

از خوراک معمولی اهل آن خانه تا در آنجا است

هشتم آنچه خیلی مهم است در سفر مراعات آن محافظت بر نمازهای فریضه است که بجا آورده شود با شرایط و حدود در اوایل اوقات چه آنکه بسیار مشاهده شده از حجاج و زوار که در طریق مسافرت ضایع کردند نمازهای فریضه خود را به جهت آنکه در وقت بجا نیاوردند یا بجا آوردند سواره و در محمل یا با تیمم یا با نجاست بدن یا جامه و امثال اینها که تمام از بی مبالاتی و استخفافشان به شأن نماز بوده و حال آنکه در روایت است از حضرت صادق علیه السلام که فرمود نماز فریضه بهتر است از بیست حج و یک حجّ بهتر است از خانه‌ای که پر از طلا باشد و آن طلاها را تصدّق دهند تا تمام شود و ترک مکن بعد از نمازهای مقصوره گفتن سی مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ را که تأکید در آن وارد شده است.

در آداب زیارت

فصل اوّل: در آداب زیارتست

و آن بسیار است و در اینجا به چند چیز اکتفا می‌شود اوّل غسل پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت دوّم ترک کلام بیهوده و لغو و مخاصمه و مجادله در راه سیّم غسل برای زیارت هر امامی و آنکه بخواند دعای وارده آن را و بیاید آن در اوّل زیارت وارث چهارم طهارت از حدث کبری و صُغری پنجم پوشیدن جامه‌های پاک و پاکیزه و نو و نیکو است سفید بودن رنگ آن ششم در وقت رفتن به روضه مقدسه گامها را کوتاه برداشتن و به آرامی و وقار سیر نمودن و خاضع و خاشع بودن و سر به زیر انداختن و به بالا و اطراف خود التفات نمودن هفتم خوشبو نمودن خود را در غیر زیارت امام حسین علیه السلام هشتم در وقت رفتن به حرم مطهّر زبان را به ذکر تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید مشغول کردن و به صلوات فرستادن بر محمّد و آل محمّد علیهم السلام دهان را معطر نمودن نهم بر در حرم شریف ایستادن و اذن دخول طلبیدن و سعی در تحصیل رقت قلب و خضوع و شکستگی خاطر نمودن به تصوّر و فکر در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور و اینکه می‌بیند ایستادن او را و می‌شنود کلام او را و جواب می‌دهد سلام او را چنانچه به همه اینها شهادت می‌دهد در وقت خواندن اذن دخول و تدبّر در محبّت و لطفی که به شیعیان و

زائران خود دارند و تأمل در خرابیهای حال خود و خلافتها که به آن بزرگواران کرده و فرموده‌های بی‌حدّ که از ایشان نشنیده و آزارها و اذیتها که از او به ایشان یا به خاصان و دوستان ایشان رسیده که برگشتن آن به آزرده شدن ایشان است و اگر برآستی در خود نگردد قدمهایش از رفتن باز ایستد و قلبش هراسان و چشمش گریان شود و این روح تمام آداب است و شایسته است در اینجا ذکر کنیم اشعار سخاوی و روایتی را که علامه مجلسی رحمه الله در بحار از کتاب عیون المعجزات نقل فرموده اما اشعار سخاوی که شایسته است در آن حال

تمثل به آنها این است:

قَالُوا غَدًا نَأْتِي دِيَارَ الْحِمِي

وَيَنْزِلُ الرِّكْبُ بِمَعْنَاهُمْ

گفتند فردا می‌رسیم به سرزمینهای قرقگاه

و کاروان فرود آید به دولتسرای آنها

فَكُلُّ مَنْ كَانَ مُطِيعاً لَهُمْ

أَصْبَحَ مَسْرُوراً بُلُقِيَاهُمْ

پس هر که پیرو ایشان باشد

به دیدارشان خوشنود گردد

قُلْتُ فَلَی ذَنْبٌ فَمَا حَيْتِي

بَايَ وَجْهِ اتَّلَقَاهُمْ

گفتم پس منی که گنهکارم چه چاره کنم

و به چه رو ایشان را دیدار کنم

قَالُوا أَلَيْسَ الْعَفْوُ مِنْ شَأْنِهِمْ

لَا سَيِّمًا عَمَّنْ تَرَجَّاهُمْ

گفتند مگر شیوه آنها گذشت نیست

خصوصاً از کسی که امیدی به آنها دارد

فَجِئْتُهُمْ أَسْعَىٰ إِلَىٰ بَابِهِمْ

أَرْجُوهُمْ طَوْرًا وَأَخْشَاهُمْ

من هم شتافتم بسوی درگاهشان

گاهی به حال امیدواری و گاهی به حال بیمناکی

و اما آن روایت شریف چنین است که وقتی ابراهیم جمّال که یکی از شیعیان بوده خواست خدمت علیّ بن یقطین رضی الله عنه برسد چون ابراهیم ساریان بود و علیّ بن یقطین وزیر هارون رشید بود و به حسب ظاهر شأن ابراهیم نبود که در مجلس علیّ وارد شود لهذا او را راه نداد اتفاقاً در همان سال علیّ بن یقطین به حجّ مشرف شد در مدینه خواست خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مشرف شود حضرت او را راه نداد.

روز دوّم در بیرون خانه علیّ آن حضرت را ملاقات نمود عرضه داشت که ای سیّد من تقصیر من چه بوده که مرا راه ندادید فرمود به جهت آنکه راه ندادی برادرت ابراهیم جمّال را و حق تعالی ابا فرموده از آنکه سعی تو را قبول فرماید مگر بعد از آنکه ابراهیم تو را عفو نماید علی گفت گفتم ای سیّد و مولای من ابراهیم را من در این وقت کجا ملاقات کنم من در مدینه‌ام و او در کوفه است فرمود هرگاه شب داخل شود تنها برو به بقیع بدون آنکه کسی از اصحاب و

غلامان تو بفهمد در آنجا شتری زین کرده خواهی دید آن شتر را سوار می‌شوی
و به کوفه می‌روی.

علی بن یقظین شب به بقیع رفت و همان شتر را سوار شد به اندک زمانی در
خانه ابراهیم جمال رسید شتر را خوابانید و در را کوبید ابراهیم گفت کیست
گفت علی بن یقظینم ابراهیم گفت علی بن یقظین بر در خانه من چه می‌کند
فرمود بیرون بیا که امر من عظیم است و قسم داد که او را اذن دخول دهد چون
داخل شد گفت ای ابراهیم آقا و مولی ابا فرمود که عمل مرا قبول نماید
مگر آنکه تو از من بگذری .

گفت : غَفَرَ اللَّهُ لَكَ پس علی بن یقظین صورت خود را بر خاک گذاشت و
ابراهیم را قسم داد که پا روی صورت من گذار و صورت مرا زیر پای خود
بمال ابراهیم امتناع نمود علی او را قسم داد که چنین کند پس ابراهیم پا
بصورت علی بن یقظین گذاشت و رُخ او را زیر پای خود بمالید و علی می‌گفت
اللَّهُمَّ اشْهَدْ بَارِئَاتِهَا تَو شَاهِدْ بِأَنَّ بِيْرُونَ آمَدُو سَوَارِ شَدُّ وَ هَمَانِ شَبِّ بِيْ
مدینه برگشت و شتر را بر در خانه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام خوابانید
آن وقت حضرت او را اذن داد بر آن جناب وارد شد و حضرت از او قبول
فرمود.

از ملاحظه این خبر معلوم می‌شود که حقوق اخوان به چه اندازه است.
دهم بوسیدن عتبه عالیه و آستانه مبارکه است و شیخ شهید رحمه الله فرموده که
اگر زیارت کننده سجده کند و نیت کند که از برای خدا سجده می‌کنم به شکر

اینکه مرا به این مکان رسانیده بهتر خواهد بود یازدهم مقدّم داشتن پای راست در وقت داخل شدن و مقدّم داشتن پای چپ در وقت بیرون آمدن مانند مساجد. دوازدهم رفتن به نزد ضریح مطهر بنحوی که بتواند خود را به آن بچسباند و توهم آنکه دورایستادن ادبست و هم است زیرا که وارد شده تکیه کردن بر ضریح و بوسیدن آن.

سیزدهم در وقت زیارت پشت به قبله و رو به قبر منور ایستادن و ظاهراً این ادب مختص به معصوم است و چون از خواندن زیارت فارغ شد گونه راست را به ضریح بگذارد و به حال تضرّع دعا کند پس گونه چپ را بگذارد و بخواند خدا را به حقّ صاحب قبر که او را از اهل شفاعت آن بزرگوار قرار دهد و مبالغه کند در دعا و الحال پس برود به سمت سرّ مطهر و رو به قبله بایستد و دعا کند.

چهاردهم ایستادن در وقت خواندن زیارت اگر عذری ندارد از ضعف و درد کمر و درد پا و غیرها پانزدهم گفتن تکبیر در نزد دیدن قبر مطهر پیش از شروع در خواندن زیارت و در خبریست که هر که تکبیر بگوید پیش روی امام علیه السلام و بگوید لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ نوشته شود برای او رَضْوَانُ اللهُ الْاَكْبَرُ شانزدهم خواندن زیارات مأثورّه وارده از سادات اَنامِ عَلَیْهِمُ السَّلَام و ترک خواندن زیارتهای مخترعه که بعضی خردان از عوام آنها را با بعضی از زیارات تلفیق کرده و نادانان را به آن مشغول ساخته.

شیخ کلینی رحمه الله روایت کرده از عبدالرحیم قصیر که گفت وارد شدم بر حضرت صادق علیه السلام و گفتم فدایت شوم از پیش خود دعائی اختراع کردم فرمود واگذار مرا از اختراع خود هرگاه تو را حاجتی روی دهد پناه بر به حضرت رسول صلی الله علیه وآله و دو رکعت نماز کن و هدیه کن آن را بسوی آن حضرت الخ

هفدهم بجا آوردن نماز زیارت و اَقَلِّ آن دو رکعتست شیخ شهید فرموده که اگر زیارت برای پیغمبر است نماز را در روضه مطهره بجا آورد و اگر در حَرَم یکی از ائمه است در بالای سر بجا آورد و اگر بجا آورد آن دو رکعت را در مسجد مکان یعنی مسجد حرم جایز است و علامه مجلسی رحمه الله فرموده که نماز زیارت و غیر آن را به گمان فقیر در پشت سر و بالای سر کردن بهتر است و علامه بحر العلوم نیز در ذرّه فرموده:

وَمِنْ حَدِيثِ كَرْبَلَا وَالْكَعْبَةِ

لِكَرْبَلَا بَانَ عَلُوُّ الرُّتْبَةِ

و از داستان کربلا و کعبه آن است

که کربلا را برتری رتبه عیان گردیده

و غَيْرُهَا مِنْ سَائِرِ الْمَشَاهِدِ

أَمْثَالُهَا بِالنَّقْلِ ذِي الشَّوَاهِدِ

و غیر آن از سایر مشاهد نیز

مانند آن است به موجب نقلی که شواهدی هم دارد

وَرَاعٍ فِيهِنَّ اقْتِرَابَ الرَّمْسِ

وَ اَثْرِ الصَّلَاةِ عِنْدَ الرَّأْسِ

و مراعات کن در آنها نزدیک شدن به قبر را
و انتخاب کن برای خواندن نماز نزدیک سر را

وَصَلِّ خَلْفَ الْقَبْرِ فَالصَّحِيحُ

كَغَيْرِهِ فِي نَدْبِهَا صَرِيحٌ

و در پشت سر نماز بخوان زیرا صحیح و
غیر صحیح تصریح به استحباب آن کرده‌اند

وَالْفَرْقُ بَيْنَ هَذِهِ الْقُبُورِ

وَعَیْرِهَا كَالنُّورِ فَوْقَ الطُّورِ

و فرق میان این قبرهای محترم
و غیر آنها مانند نور بالای طور است

فَالسَّعْيُ لِلصَّلَاةِ عِنْدَهَا نَدْبٌ

وَقَرْبُهَا بَلِ اللُّصُوقُ قَدْ طُلِبَ

پس مستحب است سعی کنی برای نماز در کنار آن قبور
و نزدیک شدن به آنها بلکه جسیدن به آنها مطلوب است

هیجدهم خواندن سوره یس در رکعت اول و سوره الرَّحْمَن در رکعت دوم اگر
برای آن زیارتی که نماز آن می‌خواند کیفیت مخصوصی ذکر نفرموده باشند و
آنکه دعا کند بعد از نماز به آنچه وارد شده یا به آنچه در خاطر او می‌رسد
برای دین و دنیای خود و تعمیم دهد در دعا زیرا که آن به اجابت نزدیکتر
است.

نوزدهم شیخ شهید رحمه الله فرموده که کسی که داخل حرم مطهر شود و ببیند
که نماز جماعت منعقد شده است ابتدا به نماز کند پیش از آنکه زیارت کند و

همچنین ترک کند زیارت را و داخل نماز شود اگر وقت نماز شده و اگر نه ابتدا کردن به زیارت اولی است چه آن غایت مقصد او است و اگر در بین زیارت نماز بپا شد مستحب است از برای زائران که زیارت را قطع کنند و روی آورند به نماز و کراهت دارد ترک آن و بر ناظر حَرَم است که مردم را امر کند به نماز.

بیستم شیخ شهید رحمه الله از جمله آداب زیارت شمرده تلاوت کردن قرآن نزد ضَرَّاحِ مَطْهَرَه و هدیه کردن آن را به روح مقدس مَزُور و نفع آن به زیارت کننده عاید می شود و متضمن تعظیم مَزُور است .

بیست و یکم ترک نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و بیهوده و اشتغال به صحبت های دنیویّه که همیشه در هر جا مذموم و قبیح و مانع رزق و جالب قساوت قلب است خصوص در این بقاع مَطْهَرَه و قُبَابِ سامیه که خدای تعالی خبر می دهد از بزرگی و جَلالَت آنها در سوره نُور «فِي بُيُوتٍ اَذِنَ اللّٰهُ اَنْ تُرْفَعَ»
الآیة.

بیست و دویم بلند نکردن صدای خود در وقت زیارت چنانچه در هدیه الزائرین ذکر کردم. بیست و سیّم وداع کردن امام علیه السلام را در وقت بیرون رفتن از بلد آن حضرت به مَأْثُور یا به غیر آن.

بیست و چهارم توبه و استغفار نمودن به جهت گناهان و بهتر کردن حال و کردار و گفتار خود را بعد از فراغ از زیارت از آنچه دارا بود پیش از زیارت .
بیست و پنجم انفاق کردن به قدر میسور بر خادمان آستانه شریفه و سزاوار

است که خدام آن محل شریف از اهل خیر و صلاح و صاحب دین و مروّت باشند و تحمّل نمایند آنچه از زائرین می‌بینند و خشم خود را بر آنها فرو نشانند و غلظت و دُرُشتی بر آنها ننمایند و بر قضاء حوائج محتاجین اقدام کنند و غُرباً را راهنمایی و دلالت کنند اگر راه مقصد را گم نمایند و بالجمله بایست خدام را که به حقیقت و راستی مشغول شوند در خدمات لازمه از تنظیف و حراست و محافظت زائران و غیره .

بیست و ششم انفاق و احسان بر فقراء مجاورین و مساکین متعقّین بلد امام‌علیه السلام خصوصاً سادات و اهل علم و مُنْقَطِعین که به مرارت غربت و تنگدستی مبتلا و همواره عَلمِ تعظیم شعائرالله را برپا نموده و دارا هستند جهاتی را که ملاحظه هر یک از آنها کافی است در لزوم اعانت و رعایت.

بیست و هفتم شیخ شهید فرموده که از جمله آداب تعجیل کردن در بیرون رفتن است در وقتی که درگ کرد حَظّ خود را از زیارت برای مزید تعظیم و احترام و شدّت شوق به رجوع و نیز فرموده که در وقتی که زنها می‌خواهند زیارت کنند بایست که خود را جدا کنند از مردان و تنها زیارت کنند و اگر در شب زیارت کنند اولی است و باید که تغییر وضع کنند یعنی لباس خوب و عالی را به لباس پَسْت بدل کنند که شناخته نشوند و مخفی و پنهان بیرون آیند که کسی کمتر ایشان را ببیند و شناسد و اگر با مردان زیارت کنند نیز جایز است اگر چه مکروه است مؤلّف گوید از این کلمات معلوم شد کثرت قبح و شناعت آنچه متعارف شده فعلاً که زنها به اسم تشرّف به زیارت خود را آرایش نموده با

لباسهای نفیس از خانه‌ها بیرون می‌آیند و در حریمهای مطهره مزاحمت با نامحرمان نموده و فشار به بدنهای ایشان داده یا خود را متصل به ضرایح مطهره نموده یا در قبله مردمان نشسته مشغول به زیارت خواندن شده و حواس مردم را پریشان نموده عبادان محل را از زائرین و نماز گذاران و مُتَضَرِّعین و گریه کنندگان از کار خود بازداشته و داخل در زمره صَادِّین عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ شده‌الی غیر ذلک و فی الحقیقه بایست این زیارت از آن زنها از منکرات شرع شمرده شود نه عبادات و داخل در مُوقَّات شود نه قُرَبَات از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به اهل عراق فرمود «یا أَهْلَ الْعِرَاقِ نَبَّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُوَفِّينَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْيُونَ» (ای اهل عراق به من خبر رسیده که زنهاى شما می‌رسند به مردها در راه یعنی برمی‌خورند به نامحرمان در کوچه و بازار آیا حیا نمی‌کنید شماها)

وَقَالَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا يُغَارُ. وَفِي الْفَقِيهِ: رَوَى الْأَصْبَغُ بْنُ نَبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

و فرمود خدا لعنت کند کسی را که غیرت ندارد و در کتاب فقیه اصبح بن نباته روایت کرده از امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَأَقْتِرَابِ السَّاعَةِ، وَهُوَ عَلَيْهِ السَّلَامُ و گوید: شنیدم از آن حضرت که می‌فرمود: بیرون آیند در آخر الزمان و نزدیک شدن قیامت که

شَرُّ الْأَزْمِنَةِ، نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ، دَاخِلَاتُ فِي

بدترین زمانهاست زنانی که برهنه و عریانند و خود را آراسته‌اند و از دین بیرون رفته و در

الْفِتَنِ، مَايَلَاتُ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتُ إِلَى اللَّذَاتِ، مُسْتَحِلَّاتُ

فته‌ها داخل گشته و بسوی شهوات مایل گشته و شتابانند بسوی لذتها و حرامهای (خدا) را

الْمُحَرَّمَاتِ، فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ. *

حلال شمرند و اینان همیشه در جهنم خواهند ماند

بیست و هشتم سزاوار است وقتی که زوَّار بسیار است کسانی که سبقت به ضریح گرفته‌اند تخفیف دهند زیارت را و بیرون روند تا دیگران نیز مثل آنها به قرب ضریح فائز گردند مؤلف گوید که ما در مقام زیارت امام حسین علیه السلام نقل خواهیم کرد آدابی که زائرین آن جناب باید مراعات آنها را نمایند.

فصل دویم

در ذکر اِذْنِ دُخُولِ هَرِّ يَكٍ از حَرَمَهای شَرِيفَه

و در اینجا ذکر می‌شود دو اذن دخول اوّل شیخ کفعمی فرموده چون خواستی داخل شوی به مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله یا در یکی از مشاهد

مشرّفه ائمه علیهم السلام پس بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّی

خدایا من

وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ اَبْوَابِ بِيُوتِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ، وَقَدْ

ایستادم بر در خانه‌ای از درهای خانه‌های پیامبرت که دروذهای تو بر او و ایشان باد و چنان است

مَنْعَتِ النَّاسِ اَنْ يَدْخُلُوْا اِلَّا بِاِذْنِهِ، فَقُلْتَ يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا

که تو قَدْغَن فرموده‌ای که مردم داخل آن گردند جز به اذن تو و فرمودی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید

تَدْخُلُوْا بِيُوتِ النَّبِيِّ اِلَّا اَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعْتَقِدُ حُرْمَةَ

داخل خانه‌های پیغمبر نشوید جز اینکه به شما اذن دهند» خدایا من معتقدم به احترام

صاحبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ، كَمَا اَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ،

صاحب این زیارتگاه شریف در زمان غیبت و پنهانیش چنانچه این عقیده را در زمان حضورش دارم

وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ،

و می دانم که رسول تو و جانشینانش علیهم السلام زنده اند و در نزد تو روزی می خورند

يَرُونَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي، وَيَرُدُّونَ سَلَامِي، وَأَنْتَ حَاجِبٌ

و هم اکنون جای مرا می بینند و سخنان مرا می شنوند و جواب دهند به سلام من ولی تو جلوگیری

عَنْ سَمْعِي كَلَامَهُمْ، وَقَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ، وَإِنِّي

از گوش من شنیدن سخنان را و باز کردی درب فهمم را به مناجات لذیذ ایشان و من اکنون

أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبُّ أَوَّلًا، وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا،

ای پروردگارم اولاً از تو اذن می طلبم و ثانیاً از رسول تو صلی الله علیه و آله

وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمَقْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ

اذن می گیرم و در مرحله سوم از جانشینت این امامی که اطاعتش را بر من واجب فرمودی - فلان پسر فلان -

بجای فلان بن فلان نام ببرد آن امامی را که می خواهد زیارت کند و همچنین نام

پدرش را ببرد مثلاً اگر در زیارت امام حسین علیه السلام است بگوید اَلْحُسَيْنُ بْنُ

عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ و اگر در زیارت امام رضاعلیه السلام است بگوید: عَلِيُّ بْنُ

مُوسَى الرَّضَاعِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ و هكذا پس بگوید: وَالْمَلَائِكَةُ الْمُوَكَّلِينَ

***** و فرشتگانی که موکل

بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا، ءَأَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ

بر این بقعه مبارکه هستند اذن می طلبم آیا داخل شوم ای رسول خدا؟ آیا داخل شوم ای حجت خدا؟

ءَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأَذِّنْ لِي

آیا داخل شوم ای فرشتگان مقرب خدا که در این زیارتگاه اقامت دارید؟ پس اذنم بده

يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ، أَفْضَلَ مَا أَدْنَتْ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ

ای مولای من برای داخل شدن بهترین اذنی را که به یکی از دوستانت می دهی که اگر من

أَهْلًا لِذَلِكَ، فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ پس ببوس عتبه مبارکه را و داخل شو و بگو: بِسْمِ

شایسته آن نیستم مسلماً تو شایسته آنی * * * * * به نام

اللَّهُ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

خدا و به یاد خدا و در راه خدا و بر کیش رسول خدا - که درود خدا بر او و آتش باد -

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. * دَوْم

خدایا بیامرز مرا و به من رحم کن و توبه‌ام بپذیر که براستی تویی توبه‌پذیر مهربان * * * * *

اذن دخولی است که علامه مجلسی رحمه الله از نسخه قدیمه از مؤلفات اصحاب

برای دخول در سرداب مقدس و بقاع منوره ائمه علیهم السلام نقل فرموده و آن

چنان است که می‌گوئی:

اللَّهُمَّ إِنَّ

خدایا

هَذِهِ بَعْضَةُ طَهَّرْتَهَا وَعَقْوَةٌ شَرَفْتَهَا، وَمَعَالِمُ زَكَّيْتَهَا، حَيْثُ أَظْهَرْتَ

این بقعهای است که تو پاکش کردی و درباری است که شرافتش دادی و جایگاههایی است که پاکیزه‌اش ساختی زیرا

آشکار کردی

فِيهَا أَدَلَّةُ التَّوْحِيدِ، وَأَشْبَاحُ الْعَرْشِ الْمَجِيدِ، الَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ مُلُوكًا

در آنها راهنماهای توحید و تمثالهای عرش مجید را آنانکه برگزیدیشان به عنوان فرمانروا

لِحِفْظِ النِّظَامِ، وَاخْتَرْتَهُمْ رُؤَسَاءَ لِجَمِيعِ الْأَنَامِ، وَبَعَثْتَهُمْ لِقِيَامِ الْقِسْطِ

برای حفظ نظام جهان و انتخابشان کردی به عنوان ریاست برای همه مردم و برانگیختی آنها را به منظور برپاداشتن عدالت

فِي ابْتِدَاءِ الْوُجُودِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ، ثُمَّ مَنَنْتَ عَلَيْهِمْ بِاسْتِنَابَةٍ

از آغاز هستی تا روز رستاخیز سپس بر آنها منت نهادی که ایشان را جایگزین

أَنْبِيَاءِكَ لِحِفْظِ شَرَايِعِكَ وَأَحْكَامِكَ، فَأَكْمَلْتَ بِاسْتِخْلَافِهِمْ رِسَالَةَ

پیمبران کردی تا شرایع دین و احکام تو را حفظ کنند و بدین ترتیب با جایگزین کردنشان موضوع رسالت پیمبران

الْمُنْذَرِينَ، كَمَا أَوْجِبْتَ رِيَاسَتَهُمْ فِي فِطْرِ الْمُكَلَّفِينَ، فَسُبْحَانَكَ مِنْ

بیم‌دهنده را کامل گرداندی چنانچه واجب کردی ریاست آنها را در سرشت آنانکه مکلف هستند پس منزهی تو

إِلَهٍ مَا أَرَأَى فَكَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْ مَلِكٍ مَا أَعْدَلَكِ، حَيْثُ طَابِقَ

ای معبود من که چه اندازه مهربانی و معبودی نیست جز تو ای پادشاه که برستی چقدر دادگری زیرا که مطابق آمد

صُنْعَكَ مَا فَطَرْتَ عَلَيْهِ الْعُقُولَ، وَوَافَقَ حُكْمَكَ مَا قَرَّرْتَهُ فِي

آنچه را ساختی با آنچه که خردها را بر آن سرشتی و موافق آمد حکم و دستور تو آنچه را در

الْمُعْقُولِ وَالْمَنْقُولِ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى تَقْدِيرِكَ الْحَسَنَ الْجَمِيلِ، وَلَكَ

امور عقلی و نقلی مقرر داشتی پس حمد تو را سزا است بر این اندازه‌گیری نیکو و زیبایی و

الشُّكْرُ عَلَى قَضَائِكَ الْمُعَلَّلِ بِاكْمَلِ التَّعْلِيلِ، فَسُبْحَانَ مَنْ لَا يُسْتَلُّ

سپاسگزاری تو را است بر این قضاء و تقدیرت که کاملترین جهت و علت را دارا است پس منزه است آنکس که از

کاری که کند

عَنْ فِعْلِهِ، وَلَا يُنَازَعُ فِي أَمْرِهِ، وَسُبْحَانَ مَنْ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ

بازخواست نشود و در فرمانش کسی نزاع نکند و منزه است آنکه به عهده گرفته بر خویش مهر و رحمت را

قَبْلَ ابْتِدَاءِ خَلْقِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِحُكْمٍ يَقُومُونَ مَقَامَهُ

پیش از آنکه آغاز آفرینش کند و ستایش خاص خدائی است که منت گذارد بر ما به وجود فرمانروائی که جانشین اویند

لَوْ كَانَ حَاضِرًا فِي الْمَكَانِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي شَرَفْنَا بِأَوْصِيَاءَ

اگر فرضاً او در جائی حاضر می‌شد و معبودی نیست جز آن خدائی که ما را شرافت دادی به اوصیائی

يَحْفَظُونَ الشَّرَائِعَ فِي كُلِّ الْأَزْمَانِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي أَظْهَرَهُمْ لَنَا

که حفظ کنند شرایع را در هر زمان و خدا بزرگتر (از توصیف) است آشکارشان کرد بوسیله

بِمُعْجَزَاتٍ يَعْجُزُ عَنْهَا الثَّقَلَانِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،

معجزاتی که عاجزند از آوردنش جن و انس جنبش و نیروئی نیست جز به خدای والای بزرگی

الَّذِي أَجْرَانَا عَلَى عَوَائِدِهِ الْجَمِيلَةِ فِي الْأَمَمِ السَّالِفِينَ، اللَّهُمَّ فَلَكَ

که مقرر داشت برای ما آن نعمتهای نیکو را که به امنتهای گذشته عنایت کرده بود خدایا پس تو را است

الْحَمْدُ وَالشُّنَاءُ الْعَلِيُّ، كَمَا وَجَبَ لَوْجْهِكَ الْبَقَاءَ السَّرْمَدِيُّ، وَكَمَا

حمد و ثنای والا چنانچه واجب آمد برای ذات بقاء ابدی تو و چنانکه

جَعَلْتَ نَبِيَّنَا خَيْرَ النَّبِيِّينَ، وَمُلُوكَنَا أَفْضَلَ الْمَخْلُوقِينَ، وَاخْتَرْتَهُمْ عَلَيَّ

قرار دادی پیمبر ما را بهترین پیمبران و امامان ما را بهترین آفریدگان و برگزیدگان از روی

عِلْمٍ عَلَيَّ الْعَالَمِينَ، وَقَفْنَا لِلسَّعْيِ إِلَىٰ أَبْوَابِهِمُ الْعَامِرَةِ إِلَىٰ يَوْمِ

دانش بر تمام جهانیان ما را موفق دار برای شتافتن به سوی درگاههای آبادشان تا روز

الذِّينِ، وَاجْعَلْ أَرْوَاحَنَا تَحِنُّ إِلَىٰ مَوْطِئِ أَقْدَامِهِمْ، وَنُفُوسَنَا تَهْوِي النَّظَرَ

قیامت و ارواح ما را چنان کن که مشتاقانه جای پای ایشان را ببینند و نفوس ما را هواخواه نگاه کردن

إِلَىٰ مَجَالِسِهِمْ وَعَرَصَاتِهِمْ، حَتَّىٰ كَأَنَّنا نَخَاطِبُهُمْ فِي حُضُورِ

به مجالسشان و آستانه‌هایشان گردان بطوری که گویا در حضور خودشان

أَشْخَاصِهِمْ، فَصَلَّىٰ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سَادَةِ غَائِبِينَ، وَمِنْ سُلَالَةِ طَاهِرِينَ،

با آنها سخن می گوئیم پس درود خدا بر ایشان، آن آقایان غایب از نظر و آن پاک نژادان

وَمِنْ أَيْمَةِ مَعْصُومِينَ، اللَّهُمَّ فَادِّنَا بِدُخُولِ هَذِهِ الْعَرَصَاتِ، الَّتِي

و امامان معصوم خدا یا پس اذنمان بده به وارد شدن به این آستانه‌هایی که

اسْتَعْبَدْتَ بِزِيَارَتِهَا أَهْلَ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَوَاتِ وَأَرْسِلْ دُمُوعَنَا

به عبادت و ادا کردن بوسیله زیارتشان اهل زمینها و آسمانها را و جاری کن اشکهای ما را

بِخُشُوعِ الْمَهَابَةِ، وَذَلَّلْ جَوَارِحَنَا بِذُلِّ الْعُبُودِيَّةِ وَفَرَضِ الطَّاعَةِ،

بوسیله خشوع در برابر مهابت و بزرگیت و خوار گردان اعضا و جوارح ما را بخواری بندگی و فرض اطاعت

حَتَّىٰ نُقَرَّ بِمَا يَجِبُ لَهُمْ مِنَ الْأَوْصَافِ، وَتَعْتَرِفَ بِأَنَّهُمْ شُفَعَاءُ

تا اقرار کنیم به اوصافی که برای ایشان واجب است و اعتراف کنیم که آنها شفیعان

الْخَلَائِقِ إِذَا نُصِبَتِ الْمَوَازِينُ فِي يَوْمِ الْأَعْرَافِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ

خلقتند در آن هنگام که میزانها در روز اعراف (یعنی روز قیامت) نصب گردد و حمد خاص خدا است و سلام

عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. پس بیوس عتبه را و

بر بندگان برگزیده‌اش محمد و آل پاکشان باشد *****

داخل شود در حالتی که خاشع و گریان باشی پس بدرستی که آن اذن دخواست از ایشان صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

فصل سیم

در زیارت حضرت رسول خدا و فاطمه زهراء و ائمه بقیع صلوات الله عليهم اجمعین در مدینه طیبه:

بدانکه مستحب مؤکد است در حق قاطبه مردم بخصوص حُجَّاج، مشرف شدن به زیارت روضه مطهره و آستانه منوره فخر عالمیان حضرت سید المرسلین محمد بن عبدالله صلوات الله و سلامه علیه و آله و ترک زیارت آن حضرت باعث آن می شود که جفا شود در حق او در روز قیامت.

و شیخ شهید فرموده که اگر مردم ترک زیارت آن حضرت کنند بر امام است که ایشان را مجبور کند به رفتن به زیارت آن حضرت زیرا که ترک زیارت آن حضرت موجب جفای محرمست.

شیخ صدوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود هرگاه احدی از شما حج کند باید که حَجَّش را ختم کند به زیارت ما زیرا که این از تمامی حج است و نیز روایت کرده از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود تمام کنید حج خود را به زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله که ترک زیارت آن حضرت بعد از حج جفا و خلاف ادبست و شما را امر به این کرده اند و بروید به زیارت قبری چند که حق تعالی لازم گردانیده است بر شما حق آنها و

زیارت آنها را و روزی از حق تعالی طلب کنید نزد آن قبرها و نیز از ابوالصَّلْتِ هَرَوی روایت کرده که گفت به خدمت حضرت امام رضاعلیه السلام عرض کرد که چه می فرمائی یابن رسول الله در حدیثی که اهل آن روایت می کنند که مؤمنین در بهشت زیارت می کنند پروردگارش را از منازل خود کنایه از آنکه معنی حدیث اگر دُرُست باشد چیست با آنکه متضمّن است چیزی را که بحسب ظاهر با اعتقاد حقّ دُرُست نمی آید پس حضرت جواب او را فرمودند به این طریق که ای اَبَا الصَّلْتِ حق تعالی پیغمبرش محمد صلی الله علیه و آله را افضل گردانید از جمیع خلقش از پیغمبران و ملائکه و طاعت او را طاعت خود و بیعت با او را بیعت با خود شمرد و زیارت او را زیارت خود شمرده چنانچه فرموده:

مَنْ يُطِيعَ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَفَرَمُودَه:

هر که اطاعت کند از رسول به تحقیق که خدا را اطاعت کرده * * *

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ وَحَضْرَتِ رَسُولِ صَلَّى اللَّهُ

* براستی کسانی که با تو بیعت کرده اند همانا با خدا بیعت کرده اند و دست خدا بالاتر از دستهای ایشان است * * *

علیه و آله فرموده که هر که مرا زیارت کند در حال حیات یا بعد از فوت من

چنان است که حق تعالی را زیارت کرده باشد... الخ .

و حمیری در قُرْبُ الإسْنَادِ از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده هر که مرا زیارت کند در حیات من یا بعد از فوت من، شفیع او گردم در روز قیامت و در حدیثی است که حضرت

صادق علیه السلام روز عیدی در مدینه بود پس رفت به زیارت حضرت رسول صلی
الله علیه و آله و بر آن حضرت سلام کرد و فرمود که ما بر اهل همه شهرها
فضیلت داریم خواه مکه و خواه غیر مکه به سبب زیارت و سلام ما بر رسول
خداصلی الله علیه و آله و شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب از یزید بن عبدالملک
روایت کرده و او از پدرش از جدش که گفت به خدمت حضرت فاطمه
سلام الله علیها مشرف شدم پس آن حضرت ابتدا فرمود به سلام بر من پس از
من پرسید که برای چه آمده‌ای عرض کردم از برای طلب برکت و ثواب فرمود
که خبر داد مرا پدرم و اینک حاضر است که هر که بر او و بر من سه روز
سلام کند حق تعالی بهشت را از برای او واجب گرداند گفتم در حیات او و شما
فرمود بلی و همچنین بعد از موت ما .

علامه مجلسی رحمه الله فرموده که در حدیث معتبر از عبدالله بن عباس منقول است که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که امام حسن علیه السلام را در
بقیع زیارت کند قدمش بر صراط ثابت باشد در روزی که قدمها از آن لغزد و
در مقنعه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود هر که مرا زیارت
کند گناهایش آمرزیده شود و فقیر و پریشان نمیرد و شیخ طوسی رحمه الله در
تهذیب از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده که هر که
زیارت کند امام جعفر صادق علیه السلام و پدرش حضرت باقر علیه السلام را
درد چشم نکشد و بیماری و دردی به او نرسد و مبتلا نمیرد .

و ابن قولویه در کامل حدیث طولانی از هشام بن سالم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که از جمله فقرات او این است که مردی به خدمت حضرت صادق علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد که آیا زیارت باید کرد پدرت را فرمود بلی عرض کرد چه چیز است از برای آنکه زیارت کند او را فرمود که بهشت از برای او است اگر اعتقاد به امامت او داشته باشد و متابعت او کند عرض کرد کسی که اعراض کند از زیارت او چه خواهد داشت فرمود حسرت خواهد داشت در یوم الحسرة که روز قیامت است «الخ».

واحادیث در این باب بسیار است و ما را همین مقدار کافی و وافی است.

کیفیت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله

اما کیفیت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس چنین است هرگاه وارد شدی انشاء الله تعالی مدینه پیغمبر صلی الله علیه و آله پس غسل کن برای زیارت و چون خواستی داخل مسجد آن حضرت شوی بایست نزد در و بخوان آن اذن دخول اول را و داخل شو از در جبرئیل و مقدم دار پای راست را در وقت دخول پس صد مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** بگو پس دو رکعت نماز تحیت مسجد بگذار و برو به سمت حجره شریفه و دست بمال بر آن و بیوس آن را و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ

* سلام بر تو ای رسول

اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ،

خدا سلام بر تو ای پیغمبر خدا سلام بر تو ای محمد فرزند عبدالله

أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ النَّبِيِّينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ الرِّسَالَةَ، وَأَقَمْتَ

سلام بر تو ای خاتم پیمبران گواهی دهم که تو رسالت را رساندی و

الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

نماز را برپا داشتی و زکات دادی و امر کردی به معروف و نهی کردی از کار بد

وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَصَلَّواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ،

و عبادت کردی خدا را از روی اخلاص تا مرگ به سراغت آمد پس دروهای خدا بر تو باد و رحمتش

وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ، پس بایست نزد ستون پیش که از جانب راست قبر

و بر خاندان پاکیزهات * * * * *

است رو به قبله که دوش چپ به جانب قبر باشد و دوش راست به جانب منبر

که آن موضع رسول خداصلی الله علیه وآله است و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،

گواهی دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ

و گواهی دهم که محمد بنده و رسول او است و گواهی دهم که توئی رسول خدا و همانا

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَنَصَحْتَ

توئی محمد بن عبدالله و گواهی دهم که رسالت پروردگارت را رساندی و برای

لِأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ

امت خیرخواهی کردی و در راه خدا جهاد کردی و خدا را پرستش کردی تا مرگت فرا رسید

بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَدَّيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، وَأَنَّكَ

بوسیله حکمت و پند نیک و آنچه را از حق به عهده داشتی ادا کردی و براستی تو

قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ، وَغَلَّظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ، فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ

نسبت به مؤمنان مهربان و نسبت به کافران سخت‌گیر بودی خدایت به بهترین

شَرَفٍ مَحَلٍّ الْمُكْرَمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَدْنَا بِكَ مِنَ الشُّرْكِ

شرافت جایگاه گرامیان برساند ستایش خدائی را است که ما را بوسیله جناب تو از شرک

وَالضَّلَالَةَ، اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ،

و گمراهی نجات بخشید خدایا پس درودهای خود و درودهای فرشتگان مقربت

وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَهْلَ السَّمَوَاتِ

و پیامبران مرسلت و بندگان شایسته‌ات و ساکنان آسمانها

وَالْأَرْضِينَ، وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَأَلَّا خَرِينِ،

و زمینها و هر که را برای تو ای پروردگار جهانیان تسبیح گویند از اولین و آخرین

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ، وَحَبِيبِكَ

همه را یکجا قرار ده برای محمد بنده و رسولت و پیامبرت و امین (بر وحیت) و همرازت و حبیبت

وَصَفِيِّكَ، وَخَاصِّكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اَللّٰهُمَّ اَعْظِهِ

و دوست خالص و مخصوصت و برگزیده و منتخب تو از میان خلقت خدایا به محمد درجه

الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَآتِهِ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً

بلندی عطا فرما و مقام وسیله را در بهشت به او بده و به مقام پسندیده‌ای او را برگزین

يَعْبُطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَأَلَّا خَرُونَ، اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ «وَلَوْ اَنْهَمُ اِذْ ظَلَمُوا

که غبطه خورند به او اولین و آخرین خدایا تو فرمودی «و اگر ایشان در آن هنگام که به خود ستم کردند

اَنْفُسَهُمْ جَاوُكُ، فَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ، وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُوْلُ لَوْ جَدَّوْا اللّٰهَ

به نزد تو آیند و از خدا آمرزش خواهند و پیغمبر هم برای ایشان آمرزش بخواهد همانا ببیند خدای را

تَوَّاباً رَحِيْمًا»، وَاِنِّي اَتَيْتُكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوْبِي، وَاِنِّي اَتُوْجَّهُ بِكَ

بسیار توبه‌پذیر و مهربان» و من آمرزشخواهانه به درگاہت آمده و توبه از گناهانم کردم و من بوسیله تو

اِلَى اللّٰهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِیَغْفِرَ لِيْ ذُنُوْبِي

رو به خدائی کرده‌ام که پروردگار من و تو است تا بیمارزد گناهانم را

و اگر تو را حاجتی باشد بگردان قبر مطهر را در پشت کتف خود و رو به قبله

کن و دستها را بردار و حاجت خود را بطلب بدرستی که سزاوار است که

برآورده شود انشاء الله تعالى و ابن قولويه به سند معتبر روایت کرده از محمد بن مسعود که گفت دیدم حضرت صادق علیه السلام را که به نزد قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و دست مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَاخْتَارَكَ وَهَدَاكَ

می‌خواهم از خدائی که تو را برگزید و انتخاب فرمود و راهنمائی کرده

و هدی بک، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ. پس فرمود: إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَيَّ

و بوسیله‌ات دیگران را هدایت فرمود که بر تو درود فرستند * * * * * همانا خدا و فرشتگانش درود فرستند بر

النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا.

پیغمبر ای کسانی که ایمان آورده‌اید درود فرستید بر او و تحیت فرستید تحیتی کامل

شیخ در مصباح فرموده که چون فارغ شدی از دعاء در نزد قبر شریف پس برو به نزد منبر و دست بر آن بمال و بگیر دو قبّه پائین

منبر را که مثل انار می‌ماند و به مال صورت و چشمهای خود را به آن پس بدرستی که در آن شفای چشم است و بایست نزد منبر و حمد و ثنای الهی بجا آورد و حاجت خود را بطلب پس بدرستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که مابین قبر و منبر من باغی است از باغهای بهشت و منبر من بردری است از درهای بهشت پس می‌روی به مقام نبی صلی الله علیه و آله و نماز می‌کنی در

آنجا آنچه خواهی و نماز بسیار کن در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله پس بدرستی که نماز در آن معادل با هزار نماز است و هرگاه داخل مسجد می‌شوی یا بیرون می‌روی صلوات بفرست بر آن حضرت و نماز گذار در خانه فاطمه

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ بَرُوْا فِي مَقَامِ جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنْ دَرِ زِيْرِنَاوْدَانَ اسْتِ بِسْ

بدرستی که محلّ ایستادن جبرئیل علیه السلام در وقت اذن دخول

خواستن از پیغمبر صلی الله علیه و آله آنجا بوده و بگو:

أَسْأَلُكَ أَيُّ جَوَادٍ أَيُّ كَرِيمٍ أَيُّ قَرِيبٍ أَيُّ بَعِيدٍ

از تو خواهم ای بخشنده ای بزرگوار ای نزدیک ای دور

أَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ *

که برگردانی بر من نعمت را

زیارت حضرت فاطمه علیها السلام

پس زیارت کن حضرت فاطمه علیها السلام را از نزد روضه مطهره و اختلاف

شده در موضع قبر آن مظلومه، طایفه ای گفته اند که مدفونست در روضه ای که

مابین قبر و منبر باشد و بعضی دیگر گفته اند که در خانه خودش است و فرقه.

سیم گفته اند که در بقیع مدفون است و آنچه بیشتر اصحاب ما بر آن

می باشند آن است که زیارت شود آن مظلومه از نزد روضه و کسی که آن

معظمه را زیارت کند در این سه موضع افضل است و چون ایستادی در این

مواضع از برای زیارت آن مُتَّحِنَه بگو:

يَا مُتَّحِنَةَ امْتَحَنَكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ، فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ

ای آزموده آزمود تو را خدائی که تو را آفرید پیش از آنکه تو را بیافریند پس دریافت تو را در برابر آزمایش

صَابِرَةً، وَزَعَمْنَا نَأْتِيكَ أَوْلِيَاءَ وَمُصَدِّقُونَ، وَصَابِرُونَ لِكُلِّ مَا آتَانَا بِهِ أَبُوكَ،

شکیبا و ما پیش خود چنین عقیده داریم که دوستان توئیم و باور داریم و شکیبائیم به تمام آنچه پدرت صلی الله

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآتَى بِهِ وَصِيَّهُ، فَإِنَّا نَسْتُلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا أَلْحَقْنَا

علیه و آله برای ما آورده و هم چنین آنچه را وصیش آورده است اکنون از تو خواهیم اگر براستی در این عقیده به تو

راست می گوئیم

بِتَصَدِّقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّ قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَاتِكَ. وَ مُسْتَحَبَّ اسْت

با همین راستگوئیمان ما را به آن دو بزرگوار برسانی تا مژده دهیم خود را به اینکه ما بوسیله دوستی تو حتماً پاک

شده ایم * * *

نیز آنکه بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ

***** سلام بر تو ای دختر رسول خدا سلام بر تو ای دختر

نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ

پیغمبر خدا سلام بر تو ای دختر حبیب خدا سلام بر تو ای دختر خلیل

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ،

خدا سلام بر تو ای دختر برگزیده خدا سلام بر تو ای دختر امین خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ

سلام بر تو ای دختر بهترین خلق خدا سلام بر تو ای دختر بهترین

أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ،

پیمبران خدا و رسولانش و فرشتگانش سلام بر تو ای دختر بهترین مخلوقات

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْأَخْرَيْنِ،

سلام بر تو ای بانوی زنان جهانیان از اولین و آخرین

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ، وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای همسر ولی خدا و بهترین خلق پس از رسول خدا سلام

عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدَى شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ

بر تو ای مادر حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت سلام

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّدِيقَةُ الشَّهِيدَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرِّضِيَّةُ

بر تو ای صدیقه شهیده سلام بر تو ای خوشنود از خدا

الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ

و پسندیده حق سلام بر تو ای با فضل و پاکیزه سلام

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْأَنْسِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ،

بر تو ای خوروش از جنس آدمی سلام بر تو ای پرهیزکار پاکیزه

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيمَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ

سلام بر تو ای هم سخن با فرشتگان و ای دانا سلام بر تو ای ستم‌دیده‌ای

الْمَعْصُوبَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمُقَهَّورَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

که حقت را بناحق بردند سلام بر تو ای ستم کشیده‌ای که مقهور دشمنان گشتی سلام بر تو

يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ

ای فاطمه دختر رسول خدا و رحمت خدا و برکاتش درود خدا بر تو

وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَيْتَةِ مِنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ

و بر روح تو و بدنت گواهی دهم که براستی تو از این جهان رفتی با برهانی روشن از جانب پروردگارت و بطور

مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ

مسلم هر که تو را شادان کرد رسول خدا را شادان کرده - که درود خدا بر او و آتش - و هر که بر تو جفا کرد

جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ

به رسول خدا صلی الله علیه و آله جفا کرد و هر که تو را آزرده قطعاً رسول خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

صلی الله علیه و آله را آزرده و هر که با تو پیوند بست با رسول خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

علیه و آله پیوند بسته و هر که از تو ببرد از رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوندش را بریده

لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ

زیرا تو پاره تن او هستی و روح اوئی که در میان تن او است گواه گیرم خدا و پیمبران

وَمَلَائِكَتُهُ، أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَ

و فرشتگانش را که من راضیم از هر که تو از او راضی هستی و خشمگینم بر هر که تو بر او خشمگینی

عَلَيْهِ، مُتَبَرِّءٌ مِّمَّنْ تَبَرَّئْتَ مِنْهُ، مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتَ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ، مُبْغِضٌ

بیزاری جویم از هر که تو از او بیزاری جوئی دوستدارم هر که را تو دوستداری دشمن دارم هر که را تو دشمن داری تنفر

دارم

لِمَنْ أَبْغَضْتَ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّ، وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجَازِياً وَمُثِيباً.

از هر که تو تنفرداری دوستم باهر که تو دوست داری و بس است خدا برای گواهی و حساب داشتن و کیفر دادن و پاداش

نیک دادن

پس صلوات می فرستی بر حضرت رسول و ائمه اطهار علیهم السلام مؤلف گوید: که ما

در روز سیّم جمادی الآخره زیارتی دیگر برای حضرت فاطمه صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا

نقل کردیم و علما نیز زیارت مبسوطی برای آن مظلومه نقل کرده اند و آن مثل

همین زیارت است که از شیخ نقل کردیم اول آن السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ رَسُولِ

اللَّهِ است تا أَشْهَدُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَلَائِكَتَهُ که از اینجا به بعد به این نحو است:

أَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ، أَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ

گواه گیرم خدا و فرشتگانش را که من دوستم با هر

وَالِاكِ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكَ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكَ، أَنَا يَا مَوْلَاتِي بِكِ

که تو را دوست دارد و دشمنم با هر که تو را دشمن دارد و در حال جنگم با هر که با تو بجنگد و من ای بانوی محترم

وَبَابِيكَ وَبِعَلِّكَ وَالْأُمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ مُوقِنٌ وَبِوَالِيَتِهِمْ مُؤْمِنٌ،

نسبت به تو و پدرت و شوهرت و امامان از فرزندان یقین و اعتقاد دارم و به ولایت و زمامداریشان ایمان دارم

وَاطَاعَتِهِمْ مُلتَزِمٌ، أَشْهَدُ أَنَّ الدِّينَ دِينُهُمْ، وَالْحُكْمَ حُكْمُهُمْ، وَهُمْ قَدْ

و به پیرویشان ملتزمم گواهی دهم که دین همان دین آنها است و فرمان فرمان آنها است و آنان بخوبی وظیفه خود را

بَلَّغُوا عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَدَعَوْا إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

از جانب خدای عزوجل ابلاغ کردند و دعوت کردند بسوی خدا بوسیله حکمت و اندرز

الْحَسَنَةَ، لَا تَأْخُذْهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّائِمٌ، وَصَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى

نیکو و اعتنائی نکردند در راه خدا به سرزنش سرزنش کننده‌ای و درودهای خدا بر تو و بر

آبِیْكَ وَبَعْلِكَ وَذُرِّيَّتِكَ الْأَيْمَةَ الطَّاهِرِينَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ

پدرت و شوهرت و فرزندان آن امامان پاکیزه خدایا درود فرست بر محمد

وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلٰی الْبَتُولِ الطَّاهِرَةِ، الصَّادِقَةِ الْمَعْصُومَةِ، النَّقِيَّةِ

و خاندانش و درود فرست بر بتول طاهره صدیقه معصومه آن بانوی پاک

النَّقِيَّةِ، الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ، الزَّكِيَّةِ الرَّشِيْدَةِ، الْمَظْلُوْمَةِ الْمَقْهُوْرَةِ،

پاکیزه خوشنود از حق و پسندیده و آراسته و با رشد و هدایت و ستم‌دیده مقهوره

الْمَعْصُومَةِ حَقُّهَا الْمُمْنُوْعَةِ اِرْتُثَهَا، الْمَكْسُوْرَةَ ضَلَعَهَا، الْمَظْلُوْمِ بَعْلَهَا،

که حقش را غصب کردند و از ارثش جلوگیری کرده و پهلویش شکستند به شوهرش ستم کردند

الْمَقْتُوْلِ وَوَلَدَهَا، فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُوْلِكَ، وَبَضْعَةَ لَحْمِهِ، وَصَمِيْمِ قَلْبِهِ،

و فرزندش را به قتل رساندند (یعنی) فاطمه دختر رسول تو و پاره‌ای از گوشت تنش و سویدای قلبش

وَفَلْدَةَ كَبِدِهِ، وَالنُّخْبَةَ مِنْكَ لَهُ، وَالتَّحْفَةَ خَصَصْتَ بِهَا وَصِيَّهُ، وَحَبِيْبَةَ

و جگر گوشه‌اش و انتخاب شده‌ای برای او و آن تحفه‌ای که مخصوص داشتی بوسیله‌اش وصی پیغمبرت را و آن

الْمُصْطَفَى، وَفَرِيْنَةَ الْمُرْتَضَى، وَسَيِّدَةَ النِّسَاءِ، وَمَبْشُرَةَ الْأَوْلِيَاءِ،

محبوبه مصطفی و همسر مرتضی و بانوی زنان و مزده دهنده اولیاء

حَلِيْفَةَ الْوَرَعِ وَالزُّهْدِ، وَتُفَّاحَةَ الْفِرْدَوْسِ وَالْخُلْدِ الَّتِي شَرَفْتَ

ملازم پارسائی و زهد و سیب باغ فردوس و خلد برین آن بانوی محترمی که با شرافت کردی

مَوْلِدَهَا بِنِسَاءِ الْجَنَّةِ، وَسَلَّلْتَ مِنْهَا أَنْوَارَ الْأَيْمَةِ، وَأَرَحَيْتَ دُونَهَا

ولادتش را به زنان بهشتی و انوار ائمه طاهرین را از آن گوهر پاک خارج کردی و بیاویختی در برابرش

حِجَابَ النَّبُوَّةِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْهَا صَلْوَةً تَزِيْدُ فِي مَحَلِّهَا عِنْدَكَ،

پرده نبوت خدایا درود فرست بر او درودی که بیفزاید بر مقام او در نزد تو

وَشَرَفَهَا لَدَيْكَ، وَمَنْزَلَتَهَا مِنْ رِضَاكَ، وَبَلَّغَهَا مَنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَآتِنَا

و بر شرفش در پیش تو و بر منزلتش از خوشنودیت و برسان بر او از جانب ما تحیت و سلامی و بده به ما

مِنْ لَدُنْكَ فِي حُبِّهَا فَضْلاً وَإِحْسَاناً، وَرَحْمَةً وَعَفْراً إِنَّكَ ذُو الْعَفْوِ الْكَرِيمِ

از نزد خودت در برابر دوستیش فضیلت و احسان و مهر و آمرزشی که براستی تو دارای گذشت و بزرگواری هستی

* مؤلف گوید که شیخ در تہذیب فرموده کہ آنچه روایت شدہ در فضل

زیارت آن معظّمہ بیشتر است از آنکہ إحصا شود و علامہ مجلسی از

مصباح الأنوار نقل کرده کہ از حضرت فاطمہ صلوات اللہ علیہا روایت شدہ کہ

فرمود پدرم بامن فرمود کہ ہر کہ بر تو صلوات بفرستد بیامرزد حق تعالی او را و

ملحق سازد او را بہ من در ہر کجا باشم از بہشت

زیارت حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ از بعید

علامہ مجلسی در زادالمعاد در اعمال عید مولود کہ روز ہفدہم ربیع الاول

است فرمودہ شیخ مفید و شہید و سید بن طاوس رحمہم اللہ گفتہ اند کہ چون

در غیر مدینہ طیبہ خواہی کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ را زیارت کنی

غسل بکن و شبیہ بہ قبر در پیش روی خود بساز و اسم مبارک آن حضرت را

بر آن بنویس و بایست و دل خود را متوجّہ آن حضرت گردان و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،

گواہی دہم کہ معبودی جز خدای یگانہ نیست کہ شریکی ندارد و گواہی دہم کہ محمد بندہ و رسول او است

وَ أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوْلِيَاءِ وَالْأَخْرِيِّينَ، وَأَنََّّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ،

و او آقای اولین و آخرین است و ہم او آقای ہمہ پیمبران و رسولان است

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيْمَةِ الطَّيِّبِينَ پس بگو: اَلْسَّلَامُ

خدایا درود فرست بر او و بر خاندانش امامان پاکیزہ * * * * * سلام

عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ

بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای خلیل خدا سلام بر تو ای پیمبر

اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَحْمَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ

خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو ای رحمت خدا سلام

عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بر تو ای انتخاب شده از جانب خدا سلام بر تو ای دوست خدا سلام بر تو ای

نَجِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ

بنده نجیب خدا سلام بر تو ای خاتم پیمبران سلام بر تو ای آقایی

الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِمًا بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاتِحَ

رسولان سلام بر تو ای که پایداری به عدالت سلام بر تو ای خیرگشا

الْخَيْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحْيِ وَالتَّنْزِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای مرکز وحی و تنزیل سلام بر تو ای

مُبَلِّغًا عَنِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّرَّاجُ الْمُنِيرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

رساننده از خدا سلام بر تو ای چراغ تابناک سلام بر تو ای

مُبَشِّرٌ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَذِيرٌ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُنْذِرٌ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

مژده ده سلام بر تو ای بیم ده سلام بر تو ای ترساننده سلام بر تو ای

نُورَ اللَّهِ الَّذِي يُسْتَضَاءُ بِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ

نور خدا که بدان روشنی جویند سلام بر تو و بر خاندان پاک

الطَّاهِرِينَ الْهَادِينَ الْمُهْدِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ عَبْدِ

و پاکیزه و راهنمای راه یافته‌ات سلام بر تو و بر جدت

الْمُطَّلَبِ وَعَلَى أَبِيكَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى أُمَّكَ أَمْنَةَ بِنْتِ وَهَبٍ

عبدالمطلب و بر پدرت عبدالله سلام بر مادرت آمنه دختر وهب

السَّلَامُ عَلَى عَمِّكَ حَمْرَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ السَّلَامُ عَلَى عَمِّكَ الْعَبَّاسِ

سلام بر عمویت حمزه سیدالشهداء سلام بر عمویت عباس

بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، السَّلَامُ عَلَى عَمِّكَ وَكَفَيْلِكَ أَبِيطَابٍ، السَّلَامُ عَلَى

فرزند عبدالمطلب سلام بر عمویت و سرپرست ابوطالب سلام بر

ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرَ الطَّيَّارِ فِي جَنَانِ الْخُلْدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ،

عموزادهات جعفر که در خلد برین پرواز کند سلام بر تو ای محمد

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَحْمَدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى الْأَوْلِيَانِ

سلام بر تو ای احمد سلام بر تو ای حجت خدا بر اولین

وَالْآخِرِينَ، وَالسَّابِقَ إِلَى طَاعَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالْمُهَيَّمِينَ عَلَى رُسُلِهِ،

و آخرین و پیشرو بسوی فرمانبرداری پروردگار جهانیان و نگهبان بر رسولانش

وَالْخَاتِمَ لِلنَّبِيِّانِ، وَالشَّاهِدَ عَلَى خَلْقِهِ، وَالشَّفِيعَ إِلَيْهِ، وَالْمَكِينَ لَدَيْهِ،

و خاتم پیمبرانش و گواه بر خلقش و شفیع درگاهش و ارجمند در پیشش

وَالْمُطَاعَ فِي مَلَكُوتِهِ، الْأَحْمَدَ مِنَ الْأَوْصَافِ، الْمُحَمَّدَ لِسَائِرِ

و فرمانروا در عالم ملکوتش آن ستوده در اوصاف و پسندیده در هر

الْأَشْرَافِ، الْكَرِيمَ عِنْدَ الرَّبِّ، وَالْمُكَلَّمَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُبِ، الْفَائِزَ

شرافت و بزرگواری در پیشگاه پروردگار و طرف مکالمه (خدا) از پس پرده‌های غیب

بِالسَّبَاقِ، وَالْفَائِتِ عَنِ اللَّحَاقِ، تَسْلِيمَ عَارِفٍ بِحَقِّكَ، مُعْتَرِفٍ

آنکه گوی سبقت را برده و در مسابقه فضیلت کسی به او نرسد (سلام دهم بر تو) سلام کسی که شناسای به حق تو و

بِالتَّقْصِيرِ فِي قِيَامِهِ بِوَجِبِكَ غَيْرِ مُنْكَرٍ مَا انْتَهَى إِلَيْهِ مِنْ فَضْلِكَ،

معترف به کوتاهی کردن در قیام به وظیفه واجب نسبت به تو است انکار نکند آنچه از فضل تو به او رسیده

مُوقِنٍ بِالْمَزِيدَاتِ مِنْ رَبِّكَ مُؤْمِنٍ بِالْكِتَابِ الْمُنْزَلِ عَلَيْكَ، مُحَلِّلٍ

و یقین دارد به فزون بخشیهایی پروردگار در باره تو ایمان دارد به کتابی که بر تو نازل گشته حلال شمرد

حَلَائِكَ مُحَرَّمٍ حَرَامِكَ، أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَعَ كُلِّ شَاهِدٍ، وَأَتَحَمَّلُهَا

حلال تو را و حرام داند حرام تو را گواهی دهم ای رسول خدا با هر گواهی و به عهده گیرم این گواهی را

عَنْ كُلِّ جَاهِدٍ أَنْتَ كَقَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَصَحَّتْ لِمَتِّكَ،

نیز از جانب هر منکری که براستی تو بخوبی رسالت‌های پروردگارت را رساندی و برای امت خیر خواهی کردی

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَصَدَعْتَ بِأَمْرِهِ، وَأَحْتَمَلْتَ الْأَذَى فِي

و در راه پروردگارت جهاد کردی و با بیان رسا دستورش را آشکارا گفتی و در راه او اذیت

جَنِبِهِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ الْجَمِيلَةِ،

و آزار مردم را تحمل کردی و دعوت کردی مردم را به راه او بوسیله حکمت و پند نیکو و زیبا

وَأَدَيْتَ الْحَقَّ الَّذِي كَانَ عَلَيْكَ، وَأَنْتَ كَقَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَعَظَّمْتَ

و ادا کردی آن حقی را که به عهده داشتی و براستی تو نسبت به مؤمنان مهربان و نسبت به کافران

عَلَى الْكَافِرِينَ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ

سخت‌گیر بودی و پرستش کردی خدا را از روی اخلاص تا هنگامی که روز رحلت فرا رسید پس خدایت برساند بدین

أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقْرَبِينَ، وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ

سبب به شریفترین مقام گرامیان و برترین منازل مقربان و بالاترین درجات

الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُكَ لَاحِقٌ، وَلَا يَفُوقُكَ فَائِقٌ، وَلَا يَسْبِقُكَ

رسولان آنجا که دست کسی به تو نرسد و برتری نجویدت برتری جوینده‌ای و پیشی نگیرد بر تو

سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِكَ طَامِعٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنْ

پیشی‌گیرنده‌ای و طمع نکند در ادراک مقامت طمع‌کننده‌ای ستایش خدائی را که ما را بوسیله تو از

الْهَلَكَةِ، وَهَدَانَا بِكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَتَوَرَّنَا بِكَ مِنَ الظُّلْمَةِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ

ورطه هلاکت نجات داد و بدست تو از گمراهی به راه راست هدایت فرمود و از تاریکی به روشنی درآورد پس خداوند

يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ مَبْعُوثٍ، أَفْضَلَ مَا جَازَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، وَرَسُولًا

پاداش نیکویت دهد ای رسول خدا در میان پیامبران به بهترین پاداشی را که پیمبری از امتش دریافت کند و رسولی

عَمَّنْ أُرْسِلَ إِلَيْهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ، زُرْتُكَ عَارِفًا، بِحَقِّكَ

از آنانکه بسوی آنها فرستاده شد بگیرد پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا زیارت کردم تو را با معرفت به حق تو

مُقَرَّرًا بِفَضْلِكَ، مُسْتَبْصِرًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ، وَخَالَفَ أَهْلَ بَيْتِكَ،

و در حال اعتراف به فضل تو و بیبا هستم به گمراهی کسانی که با تو و با اهل بیت تو مخالفت کردند

عَارِفًا بِالْهُدَى الَّتِي أَنْتَ عَلَيْهِ، يَا أَبَتِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي

آشنا هستم به هدایتی که تو برآنی پدرم و مادرم و خودم و خاندانم

وَمَا لِي وَوَلَدِي، أَنَا أَصَلَّى عَلَيْكَ كَمَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، وَصَلَّى عَلَيْكَ

و مال و فرزندانم فدای تو باد بر تو درود فرستم هم چنانکه درود فرستاده خدا

مَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَآؤُهُ وَرُسُلُهُ، صَلَوةٌ مُتَّابِعَةٌ وَافِرَةٌ مُتَّوَصِلَةٌ لَا انْقِطَاعَ

و فرشتگان خدا و پیامبران او و رسولانش درودی پی‌درپی و شایان و پیوسته که نه منقطع گردد

لَهَا، وَلَا أَمَدَ وَلَا أَجَلَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ

و نه محدود به مدت و زمانی باشد درود فرستد خدا بر تو و بر خاندان پاک

الطَّاهِرِينَ، كَمَا أَنْتُمْ أَهْلُهُ، بِسِ دَسْتِهَا رَا بَغْشَا وَ بَگُو: اللَّهُمَّ اجْعَلْ جَوَامِعَ

و پاکیزه‌ها چنانچه شایسته آنید * * * * * خدایا قرار ده دروهای همه جانبه

صَلَوَاتِكَ، وَتَوَامِي بَرَكَاتِكَ، وَفَوَاضِلَ خَيْرَاتِكَ، وَشَرَائِفَ تَحِيَّاتِكَ

و برکتهای فزون پذیر و خیرات فاضله و تحیت‌های شریفه

وَتَسْلِيمَاتِكَ، وَكَرَامَاتِكَ وَرَحْمَاتِكَ، وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ،

و سلامها و کرامتها و رحمتها و دروهای فرشتگان مقربت

وَأَنْبِيَآئِكَ الْمُرْسَلِينَ وَأَئِمَّتِكَ الْمُتَّبَعِينَ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَهْلِ

و پیامبران مرسلت و امامان برگزیده‌ها و بندگان شایسته‌ها و اهل

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ

آسمانها و زمینها و هر که تسبیح تو را گوید ای پروردگار جهانیان از اولین

وَالْآخِرِينَ، عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَشَاهِدِكَ، وَنَبِيِّكَ وَنَذِيرِكَ،

و آخرین (همه را قرار ده) برای محمد بنده‌ها و رسولت و گواخت (بر خلق) و پیامبرت و بیم‌دهنده‌ها

وَأَمِينِكَ وَمَكِينِكَ، وَنَجِيِّكَ وَنَجِيبِكَ، وَحَبِيبِكَ وَخَلِيلِكَ، وَصَفِيِّكَ

و امین تو (بر وحیت) و بنده ارجمندت و برگزیده‌ها و انتخاب کرده‌ها و حبیبت و خلیلت

وَصَفْوَتِكَ، وَخَاصَّتِكَ وَخَالِصَّتِكَ، وَرَحْمَتِكَ وَخَيْرِ خَيْرَتِكَ مِنْ

و آنکس که به خلعت صفا و برگزیدگی مخصوصش داشته و ویژه خویش کردی و رحمت و بهترین برگزیدگان از

خَلْقِكَ، نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَخَازِنِ الْمَغْفِرَةِ، وَقَائِدِ الْخَيْرِ وَالْبِرَّةِ، وَمُقَدِّ

خلقت پیامبر رحمت و خزینهدار آمرزش و پیشوای خیر و برکت و نجات‌دهنده

الْعِبَادِ مِنَ الْهَلَكَةِ بِإِذْنِكَ، وَدَاعِيهِمْ إِلَى دِينِكَ الْقِيمِ بِأَمْرِكَ، أَوْلَّ

بندگان از هلاکت به اذن تو و خواننده ایشان بسوی دین محکمت بدستور تو، آغاز

النَّبِيِّنَ مِيثَاقًا، وَآخِرِهِمْ مَبْعَثًا الَّذِي غَمَسْتَهُ فِي بَحْرِ الْفَضِيلَةِ،

پیمبران در روز میثاق و پایانشان از نظر بعثت آنکه او را فرو بردی در دریای فضیلت

وَالْمَنْزِلَةَ الْجَلِيلَةَ، وَالدرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَالْمَرْتَبَةَ الْخَطِيرَةَ، وَأَوْدَعْتَهُ

و مقام شامخ و درجه بلند و رتبه بس شایان و به ودیعت نهادی او را

الْأَصْلَابَ الطَّاهِرَةَ، وَنَقَلْتَهُ مِنْهَا إِلَى الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لُطْفًا مِنْكَ لَهُ،

در صلبهای پاک و انتقالش دادی از آنها به رحمهای پاکیزه از روی لطفی که نسبت به او داشتی

وَتَحَنُّنًا مِنْكَ عَلَيْهِ إِذْ وَكَلْتَ لِصَوْنِهِ وَحِرَاسَتِهِ، وَحَفِظَهُ وَحِيَاطَتِهِ مِنْ

و مهری که به او ورزیدی که موکل کردی برای حفاظت و حراست و نگهداری و دربرداشتش از

قُدْرَتِكَ عَيْنًا عَاصِمَةً، حَجَبْتَ بِهَا عَنْهُ مَدَانِسَ الْعَهْرِ، وَمَعَايِبَ

قدرت خویش دیده‌بانی نگهدارنده که جلوگیری کردی بدانوسیله از او آلودگیهای هرزگی و معایب

السَّفَاحِ، حَتَّى رَفَعْتَ بِهِ نَوَاطِرَ الْعِبَادِ، وَأَحْيَيْتَ بِهِ مَيِّتَ الْبِلَادِ، بَانَ

زناکاری را تا اینکه بلند کردی به او دیدگان بندگان را و زنده کردی بدو سرزمینهای مرده را به اینکه

كَشَفْتَ عَنْ نُورِ وِلَادَتِهِ ظُلْمَ الْأَسْتَارِ، وَالْبَسْتَ حَرَمَكَ بِهِ حُلَّ

برطرف کردی از نور ولادتش پرده‌های تاریک را و پوشاندی به حرم خودت به وسیله‌اش خلعت‌های

الْأَنْوَارِ، اللَّهُمَّ فَكَمَا خَصَصْتَهُ بِشَرَفِ هَذِهِ الْمَرْتَبَةِ الْكَرِيمَةِ، وَذُخِرَ

روشنی و انوار خدایا همچنانکه او را مخصوص داشتی به شرافت این مرتبه گرامی و ذخیره کردن

هَذِهِ الْمُتَّقِبَةِ الْعَظِيمَةِ، صَلِّ عَلَيْهِ كَمَا وَفَى بِعَهْدِكَ، وَبَلِّغْ رِسَالَتِكَ،

این منقبت بزرگ درود فرست بر او چنانچه به عهدهت وفا کرد و رسانتهای تو را تبلیغ کرد

وَقَاتَلَ أَهْلَ الْجُحُودِ عَلَى تَوْحِيدِكَ، وَقَطَعَ رَحِمَ الْكُفْرِ فِي إِعْزَازِ

و در راه پیشرفت توحید تو با منکران پیکار کرد و برای سربلند کردن دین تو خویشی خود را با اهل کفر قطع کرد

دِينِكَ، وَكَبَسَ تَوْبَ الْبُلُوبِ فِي مُجَاهَدَةِ أَعْدَائِكَ، وَأَوْجَبَتْ لَهُ بِكُلِّ

و به تن کرد جامه بلا را برای جهاد کردن با دشمنان و تو نیز در مقابل هر

أَذَى مَسَّهُ، أَوْ كَيْدٍ أَحَسَّ بِهِ مِنْ الْفِتْنَةِ الَّتِي حَاوَلَتْ قِتْلَهُ، فَضِيلَةً تَفُوقُ

اذیتی که به او رسید یا هرنقشه‌ای که احساس کرد از دشمنی که قصد کشتنش را داشتند فضیلتی برای او واجب

الْفَضَائِلَ، وَيَمْلِكُ بِهَا الْجَزِيلَ مِنْ نَوَالِكَ، وَقَدْ أَسْرَّ الْحُسْرَةَ، وَأَخْفَى

کردی که برتری جوید بر سایر فضائل و دارا شود بدان عطای شایانت را که برآستی آن بزرگوار حسرت خود را نهان

الزَّفْرَةَ، وَتَجَرَّعَ الْغُصَّةَ، وَلَمْ يَتَخَطَّ مَا مَثَلَ لَهُ وَحَيْكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ

داشت و شراره‌های اندوه جان‌فرسا را پنهان کرد و جرعه‌های غصه را فرو داد و از آنچه وحی تو برایش معین کرده بود

وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَةً تَرْضَاهَا لَهُمْ، وَبَلَّغَهُمْ مِنَّا تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا،

پافراز تر گذاشت خدایا درود فرست بر او و بر خاندانش درودی که خودت برای آنها بیسندی و برسان از ما به آنها

وَأَتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مَوَالِيهِمْ فَضْلًا وَإِحْسَانًا، وَرَحْمَةً وَغُفْرَانًا، إِنَّكَ

تحیتی بسیار و سلامی کامل و بده به ما از جانب خود در دوستی ایشان فزونی نعمت و احسان و رحمت و آمرزشی که

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.

برآستی توئی صاحب فضل بزرگ

پس چهار رکعت نماز زیارت بکن به دو سلام با هر سوره که خواهی و چون

فارغ شوی تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را بخوان پس بگو:

اللَّهُمَّ أَنْكَ قُلْتَ

* خدایا تو خود به

لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ

پیغمبرت محمد صلی الله علیه و آله فرمودی: «و اگر ایشان به خود ستم کنند و نزد تو آیند

فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ، وَاسْتَغْفِرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوْ جَدُوا اللَّهَ تَوَابًا رَحِيمًا» وَلَمْ

و از خدا آموزش خواهند و پیغمبر نیز برای آنها آموزش طلب کند حتماً می‌یابند خدا را توبه‌پذیر و مهربان» و من

أَخْضُرُ زَمَانَ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ وَقَدْ زُرْتُهُ رَاغِبًا

زمان رسول تو را - که سلام بر او و آتش باد - درک نکردم خدایا اکنون را از روی شوق زیارت کرده

تَائِبًا مِنْ سَيِّئِ عَمَلِي، وَمُسْتَغْفِرًا لَكَ مِنْ ذُنُوبِي، مُقِرًّا لَكَ بِهَا، وَأَنْتَ

و از کار بدم توبه خواهم و از گناهانم به درگاه آموزش جویم و اقرار بدان گناهانم نیز دارم و تو خود

أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي، وَمُتَوَجِّهًا إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ

آنها را بهتر از من می‌دانی و توجه کنم به درگاهت بوسیله پیامبر رحمت درودهای تو بر او

وَآلِهِ، فَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ بِمُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عِنْدَكَ وَجِبْهًا فِي الدُّنْيَا

و آتش باد پس قرار ده خدایا به حق محمد و خاندانش مرا آبرومند پیش خود در دنیا

وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقْرَبِينَ، يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَا أَبَى أَنْتَ وَأُمِّي يَا

و آخرت و از نزدیکانت، ای محمد ای رسول خدا پدر و مادرم به فدایت ای

نَبِيِّ اللَّهِ، يَا سَيِّدَ خَلْقِ اللَّهِ، إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي، لِيُغْفِرَ لِي

پیامبر خدا ای آقای خلق خدا من بوسیله تو رو کنم به درگاه خدا پروردگار تو و پروردگارم تا بیمارزد

ذُنُوبِي، وَيَتَقَبَّلَ مِنِّي عَمَلِي، وَيَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي، فَكُنْ لِي شَفِيعًا

گناهانم را و بپذیرد از من کردارم را و برآورد حاجاتم را پس تو هم شفیع من باش

عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي، فَنِعْمَ الْمَسْئُولُ الْمَوْلَى رَبِّي، وَنِعْمَ الشَّفِيعُ أَنْتَ، يَا

در پیشگاه پروردگارت و پروردگار من زیرا که نیکو خدائی است که از او درخواست شود مولا و پروردگار من و تو

مُحَمَّدُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ وَأَوْجِبْ لِي مِنْكَ

هم‌نیکو شفיעی هستی ای محمد که بر تو و اهل بیتت سلام باد خدایا و واجب گردان برای من از

الْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ، وَالرِّزْقَ الْوَاسِعَ الطَّيِّبَ النَّافِعَ، كَمَا أَوْجِبْتَ لِمَنْ

نزد خود آموزش و رحمت و روزی فراخ پاکیزه و سودمند چنانچه واجب گرداندی برای کسی که

آتَى نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَهُوَ حَيٌّ فَاقْرَأْ لَهُ بِذُنُوبِهِ،

به نزد پیامبرت محمد - که دروهای تو بر او و آتش باد - در زمان حیات او می آمد و اقرار به گناهانش می کرد

وَاسْتَعْفَرَ لَهٗ رَسُوْلَكَ عَلَيْهِ وَ اِلٰهِ السَّلَامِ، فَعَفَرْتَ لَهٗ بِرَحْمَتِكَ يَا

و رسول تو علیه و آله السلام برایش آمرزش می خواست و تو هم او را می آمرزیدی به رحمت ای

اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ اَمَلْتُكَ وَ رَجَوْتُكَ، وَ قُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ

مهربانترین مهربانان خدایا براستی من به تو آرزومندم و به تو امید کردم و در حضورت ایستاده

وَ رَغِبْتُ اِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ، وَ قَدْ اَمَلْتُ جَزِيْلَ ثَوَابِكَ، وَاِنِّي لَمُقِرٌّ غَيْرُ

و میل به تو کردم از ما سواي تو و من آرزوی پاداش شایان تو را دارم و براستی من اقرار دارم

مُنْكَرٍ، وَ تَائِبٌ اِلَيْكَ مِمَّا اقْتَرَفْتُ، وَ عَائِدٌ بِكَ فِي هَذَا الْمَقَامِ مِمَّا

و منکر نیستم و توبه کننده ام بسویت از گناهانی که مرتکب شدم و پناه جویم به تو در این جایگاه از آن اعمالی

قَدَّمْتُ مِنَ الْاَعْمَالِ الَّتِي تَقَدَّمْتَ اِلَيَّْ فِيهَا، وَ تَهَيْتَنِي عَنْهَا، وَ اَوْعَدْتَ

که جلوتر از خود فرستادم هما نهانی را که پیش از آنکه من انجام دهم تو بر من سبقت گرفته و مرا از آنها نهی فرمودی

عَلَيْهَا الْعِقَابَ، وَ اَعُوذُ بِكَرَمِ وَ جِهِكَ اَنْ تُقِيْمَنِي مَقَامَ الْخِزْيِ وَ الدَّلِّ،

و برانجامش تهدید به عقاب و کیفرم کردی و پناه برم به ذات بزرگواریت از اینکه مرا در مقام رسوائی و خواری بیاداری

يَوْمَ تُهْتَكُ فِيهِ الْاَسْتَارُ، وَ تَبْدُو فِيهِ الْاَسْرَارُ وَ الْفَضَائِحُ، وَ تَرَعْدُ فِيهِ

در آن روزی که پرده ها در آن روز دریده شود و اسرار و رسوائیها در آن روز آشکار گردد و اندامها از دهشتش

الْفَرَايِصُ، يَوْمَ الْحُسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ يَوْمَ الْاَفِكَةِ، يَوْمَ الْاَزْفَةِ، يَوْمَ

بسختی بلرزد، روز حسرت و پشیمانی روز سختی روزی که بزودی بیاید روز

التَّغَابُنِ، يَوْمَ الْفَصْلِ، يَوْمَ الْجَزَاءِ، يَوْمًا كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِيْنَ اَلْفَ

مغیوب شدن روز جدائی (و فصل امور) روز پاداش روزی که اندازه اش پنجاه هزار سال

سَنَةٍ، يَوْمَ النَّفْخَةِ، يَوْمَ تَرْجَفُ الرَّاحِفَةُ، تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ، يَوْمَ النَّشْرِ، يَوْمَ

است روز دمیدن روزی که بلرزاند زمین را لرزاننده (یا نفخه صور) که بدنبالش لرزاننده دیگر آید روز نشر (نامه عمل)

الْعَرْضِ، يَوْمَ يَقُوْمُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِيْنَ، يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ اَخِيهِ

روز عرض اعمال روزی که بپاییزند مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان روزی که بگریزد شخص از برادر

وَأُمِّهِ وَآبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ، يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ وَأَكْنَفُ السَّمَاءِ،

و مادر و پدر و همسر و فرزندانش روزی که شکافته شود زمین و اطراف آسمان

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا، يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلَى اللَّهِ فَيُنَبِّئُهُمُ

روزی که بیاید هر کسی و تنها از خود دفاع کند روزی که بازگردند به پیشگاه خدا پس باخبرشان سازد

بِمَا عَمِلُوا، يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئاً وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ، إِلَّا

بدانچه انجام داده‌اند روزی که سود ندهد دوستی به دوستی به هیچ وجه و نه یاری شوند جز

مَنْ رَحِمَ اللَّهُ، إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ، يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ

آنکس که خدا بدو رحم کند که برآستی او عزیز و مهربان است روزی که بازگردند بسوی دانای غیب

وَالشَّاهِدَةِ، يَوْمَ يُرَدُّونَ إِلَى اللَّهِ مَوْلِيَهُمُ الْحَقِّ، يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ

و شهود روزی که بازگردند بسوی خدا سرپرست حقیقی آنها روزی که بیرون آیند از

الْأَجْدَاثِ سِرَاعاً، كَانَتْهُمْ إِلَى نُصْبٍ يُوفِضُونَ، وَكَانَتْهُمْ جَرَاداً مُنْتَشِرِ،

گورها شتابان گوئی آنها بسوی نشانه و علمی می‌دوند و گوئی ملخهائی هستند پراکنده

مُطْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ إِلَى اللَّهِ، يَوْمَ الْوَاقِعَةِ يَوْمَ تُرْجُّ الْأَرْضُ رَجًّا، يَوْمَ

که چشم دوخته‌اند بسوی خواننده بسوی خدا روز واقعه روزی که بلرزد زمین بسختی روزی که

تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ، وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ، وَلَا يُسْأَلُ حَمِيمٌ

آسمان چون سرب گداخته گردد و کوهها چون پنبه زده شده و هیچ خویشی از حال خویش

حَمِيماً، يَوْمَ الشَّاهِدِ وَالْمَشْهُودِ، يَوْمَ تَكُونُ الْمَلَائِكَةُ صَفًّا صَفًّا،

خود پرسش نشود روز شاهد و مشهود روزی که فرشتگان صف به صف گردند

اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، بِمَوْقِفِي فِي هَذَا الْيَوْمِ وَلَا

خدایا رحم کن به وضع و حالم در آن روز به وضعی که در این روز دارم و در آن جایگاه

تُخْزِنِي فِي ذَلِكَ الْمَوْقِفِ بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، وَاجْعَلْ يَا رَبِّ فِي

مرا رسوا مکن به سبب آن جنایاتی که بر خود کردم و قرار ده پروردگارا در

ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ أَوْلِيَايَاكَ مُنْطَلِقِي وَفِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ

آن روز با اولیاء خود راه مرا و در زمرة محمد و خاندانش

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَحْشَرِي، وَاجْعَلْ حَوْضَهُ مَوْرِدِي، وَفِي الْغُرِّ الْكِرَامِ

علیهم السلام حشر مرا و حوض او را ورودگاه من قرار ده و در میان سفیدرویان گرامی

مَصْدَرِي، وَأَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي، حَتَّى أَفُوزَ بِحَسَنَاتِي، وَتُبَيِّضَ بِهِ

بازگشتگاهم را و بده نامه عملم را بدست راستم تا سعادتمند شوم بوسیله حسناتم و سفید گردان

وَجْهِي، وَتَيْسِّرْ بِهِ حِسَابِي، وَتُرْجِّحْ بِهِ مِيزَانِي، وَأَمْضِي مَعَ الْفَائِزِينَ

بدان وسیله رویم را و آسان کن بدان حسابم را و سنگین کن بدان کفه میزانم را و به همراه رستگاران

مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ إِلَى رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ إِلَهَ

از بندگان شایستهات بسوی رضوان و بهشت بروم ای معبود

الْعَالَمِينَ، اَللّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ اَنْ تَفْضَحَنِي فِي ذَلِكِ الْيَوْمِ بَيْنَ

جهانیان خدایا به تو پناه برم از اینکه رسوایم کنی در آن روز در پیش

يَدَيِ الْخَلَائِقِ بِجَرِيرَتِي، اَوْ اَنْ اَلْتَقِيَ الْخِزْيَ وَالنَّدَامَةَ بِخَطِيئَتِي، اَوْ

روی خلائق به جنایت و گناهم یا دچار رسوائی و پشیمانی گردم بواسطه خطایم یا

اَنْ تُظْهِرَ فِيهِ سَيِّئَاتِي عَلَى حَسَنَاتِي، اَوْ اَنْ تُنَوِّهَ بَيْنَ الْخَلَائِقِ

چیره سازی اعمال بدم را بر کارهای نیکم یا بخوانی مرا در میان خلائق

بِاسْمِي، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ، اَلْعَفْوُ اَلْعَفْوُ، السُّتْرُ السُّتْرُ، اَللّهُمَّ وَاَعُوذُ بِكَ

به نامم ای بزرگواری ای بزرگواری گذشت خواهم گذشت پرده پوشی کن پرده پوشی خدایا و پناه می برم به تو

مِنْ اَنْ يَكُونَ فِي ذَلِكِ الْيَوْمِ فِي مَوَاقِفِ الْاَشْرَارِ مَوْفِي، اَوْ فِي

از اینکه در آن روز جایگاهم در میان جایگاه اشرار باشد یا توقفگاهم در

مَقَامِ الْاَشْقِيَاءِ مَقَامِي، وَاِذَا مَيِّزْتَ بَيْنَ خَلْقِكَ فَسَقِّتْ كُلًّا بِاَعْمَالِهِمْ

جای بدبختان قرار گیرد و هنگامی که جدا کنی میان خلق خود را و هر یک را به اعمال خودشان

زُمْرًا اِلَى مَنَازِلِهِمْ، فَسَقِّتْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَفِي

دسته دسته بسوی منزلهاشان سوق دهی پس مرا به رحمت خود در زمرة بندگان شایستهات سوق ده و در

زُمْرَةَ أَوْلِيَاءِكَ الْمُتَّقِينَ إِلَى جَنَاتِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، پس وداع کن آن

زمره دوستان پرهیزگارت بسوی باغهای بهشت ببر ای پروردگار جهانیان * * * * *

حضرت را و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ

* * * * * سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای مژده دهنده

النَّذِيرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّرَاجُ الْمُنِيرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّفِيرُ

و بیم دهنده سلام بر تو ای چراغ تابناک سلام بر تو ای سفیر

بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ خَلْقِهِ، أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ

بین خدا و خلق گواهی دهم ای رسول خدا که تو نوری بودی در صلبهای

الشَّامِخَةِ، وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ

ارجمند و رحمهای پاکیزه که آلودهات نکرد دوران جاهلیت به نجاستهایش و

تَلْبَسُكَ مِنْ مُدْلِهَمَاتِ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكَ،

نیوشانیدت از جامه‌های چرکینش و گواهی دهم ای رسول خدا که من به تو ایمان دارم

وَبِالْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ، مُوقِنٌ بِجَمِيعِ مَا آتَيْتَ بِهِ رَاضٍ مُؤْمِنٌ،

و به امامان از اهل بیت تو یقین دارم و به تمام آنچه تو آورده‌ای خوشنود و معتقدم

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ أَعْلَامُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى،

و گواهی دهم که امامان از اهل بیت تو مشعلهای هدایت و ریسمان محکم حق هستند

وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ

و بر اهل دنیا حجتند خدایا قرار مده این زیارت را آخرین زیارت

نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، وَإِنْ تَوَقَّيْتَنِي فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى

پیغمبرت - که بر او و آلش سلام باد - و اگر مرا میراندی پس من گواهی دهم در مرگم بر آنچه

مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِّكَ لَا

گواهی دادم بدان در زندگی که همانا تویی خدائی که معبودی جز تو نیست یگانه‌ای که

شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ

شریک نداری و همانا محمد بنده و رسول تو است و همانا امامان از اهل بیت او

أَوْلِيَاءُكُمْ وَأَنْصَارِكُمْ، وَحُجْبُكُمْ عَلَى خَلْقِكُمْ، وَخُلْفَاءُكُمْ فِي عِبَادِكُمْ،

اولیاء و یاران و حجت‌های تو‌اند بر خلقت و جان‌نشینان تو‌اند در بندگانت

وَأَعْلَامُكُمْ فِي بِلَادِكُمْ، وَخُزَّانُ عِلْمِكُمْ، وَحَفَظَةُ سِرِّكُمْ، وَتَرَاجِمَةُ وَحْيِكُمْ،

و مشعل‌های تو‌اند در شهرهایت و خزینه‌داران دانشت و نگهبانان راز تو‌اند و ترجمان‌های وحی تو‌اند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برسان به روح پیامبرت محمد و آل او

فِي سَاعَتِي هَذِهِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ تَحِيَّةً مِنِّي وَسَلَامًا، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

در این ساعت و در هر ساعت تحیت و سلامی از جانب من و سلام بر تو

يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ.

ای رسول خدا و رحمت خدا و برکاتش، قرار ندهد خدا این سلام را آخرین سلام من بر شما

شیخ در مصباح و سیّد در جمال الأسبوع در اعمال روز جمعه فرموده‌اند که

مستحب است زیارت حضرت رسول و ائمه‌علیهم السلام در روز جمعه و

روایت کرده‌اند از حضرت صادق علیه السلام که فرمود هر که خواهد زیارت

کند قبر رسول خدا و قبر امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و قبرهای

سایر حجج طاهره‌علیهم السلام را و در شهر خود باشد پس در روز جمعه غسل

کند و دو جامه پاکیزه بپوشد و بیرون رود به صحرائی و به روایت دیگر بر بام

خانه‌ای بالا رود پس چهار رکعت نماز بگذارد با هر سوره که میسر شود پس

چون تشهد و سلام نماز دهد برخیزد رو به قبله و بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ

سلام بر تو ای پیامبر و رحمت خدا و برکاتش سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ، وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضَى، وَالسَيِّدَةُ الْكُبْرَى،

بر تو ای پیامبر مرسل و (بر تو ای) وصی پسندیده و (بر تو ای) بانوی بزرگ

وَالسَيِّدَةُ الزَّهْرَاءُ، وَالسَّبْطَانِ الْمُتَجَبَّانِ، وَالْأَوْلَادُ الْأَعْلَامُ، وَالْأَمَنَاءُ

و بانوی محترم ای زهرا و بر شما ای دو سبط برگزیده و بر شما ای فرزندان بزرگوار و امینهای

الْمُتَجَبُّونَ، جِئْتُ انْقِطَاعاً إِلَيْكُمْ وَإِلَى آبَائِكُمْ وَوَلَدِكُمْ الْخَلْفِ عَلَى

برگزیده من از همه بریده و آمده‌ام بسوی شما و بسوی پدران شما و فرزندان آن یادگار شایسته

بِرَكَّةِ الْحَقِّ، فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ

به برکت خدا پس دلم تسلیم شما است و یاریم برایتان آماده است تا خدا بوسیله

بِدِينِهِ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي لَمِنَ الْفَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ، مُقِرٌّ

دین خودش (در زمین) حکم کند پس با شمایم با شما نه با دشمن شما و برستی من قائلم به فضل شما و اقرار دارم

بِرَجْعَتِكُمْ، لَا أَنْكُرُ لِلَّهِ قُدْرَةً، وَلَا أَرْعَمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي

به رجعت شما و انکار ندارم هیچگونه قدرتی را برای خدا و نه پندارم جز آنچه خدا خواهد منزّه است خدا صاحب

الْمُلْكِ وَالْمَلَكَوَاتِ، يُسَبِّحُ اللَّهَ بِأَسْمَائِهِ جَمِيعُ خَلْقِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى

ملک و ملکوت تسبیح خدا گویند تمامی خلق بوسیله اسامی خدا و سلام بر

أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

ارواح شما و اجسادتان و سلام بر شما و رحمت خدا و برکاتش

مؤلف گوید: که روایات بسیار وارد شده که از هر کجا سلام و صلوات بر حضرت

رسول صلی الله علیه وآله فرستاده شود به آن حضرت برسد و در روایتی وارد

شده که ملکی موکل است بر آنکه هر مؤمنی که بگوید صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

آلِهِ وَسَلَّمَ آن ملک در جواب او گوید وَعَلَيْكَ پس از آن به حضرت پیغمبر صلی الله

علیه وآله عرض کند یا رسول الله فلان شخص سلام بر شما رسانید آن حضرت

فرماید وَ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

و در روایت معتبر است که آن حضرت فرمود هر که زیارت کند قبر مرا بعد از موت من خواهد بود مثل کسی که هجرت کرده بسوی من در حیات من پس هرگاه استطاعت ندارید که به زیارت قبر من بیایید سلام بفرستید بسوی من که آن سلام می‌رسد به من و اخبار به این مضمون بسیار است و ما در باب اول در ذکر زیارت حجج طاهره در ایام هفته دو زیارت برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز شنبه نقل کردیم اگر خواستی به آنجا رجوع کن و به فیض خواندن آن خود را نائل ساز و بیاید در زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در اذن دخول رواق مطهرش زیارت مختصری از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و شایسته است صلوات فرستادن بر آن حضرت به آن صلواتی که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر آن جناب فرستاده در یکی از خطب خود در روز جمعه چنانچه در روضه کافی است:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا

* همانا خدا و فرشتگانش درود فرستند بر پیغمبر ای آنانکه

الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلَّمُوا تَسْلِيمًا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

ایمان آورده‌اید درود فرستید بر او و سلام کنید سلامی کامل خدایا درود فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَحَنَّنْ عَلَى مُحَمَّدٍ

و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد و مهرورز بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ

و آل محمد و سلام فرست بر محمد و آل محمد همانند بهترین درود

وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ،

و برکت و رحمت و مهر و سلامی که بفرستی بر ابراهیم و آل ابراهیم

اِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ، اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيْلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيْلَةَ،

که براستی تو ستوده و بزرگواری خدایا بده به محمد مقام وسیله را و شرافت و فضیلت

وَالْمَنْزِلَةَ الْكُرَيْمَةَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ اَعْظَمَ الْخَلٰٓئِقِ

و منزلتی بس گرامی خدایا قرار ده محمد و آل محمد را در شرافت بزرگترین خلایق

كُلّٰهُمْ شَرَفًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ، وَاَقْرَبَهُمْ مِنْكَ مَقْعَدًا، وَاَوْجِهَهُمْ عِنْدَكَ يَوْمَ

در روز قیامت و نزدیکترین ایشان بخودت و آبرومندترین آنها پیش خود در روز

الْقِيٰمَةِ جَاهًا، وَاَفْضَلَهُمْ عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَنَصِيْبًا، اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدًا

قیامت و برترین ایشان در منزلت و بهره خدایا عطا فرما به محمد

اَشْرَفَ الْمَقَامِ، وَحِبَاءَ السَّلَامِ، وَشَفَاعَةَ الْاِسْلَامِ، اَللّٰهُمَّ وَاَلْحِقْنَا بِهِ

شریفترین مقام و جایزه سلام و شفاعت دین اسلام را و ای خدا برسان ما را به او

غَيْرَ خَزَايَا، وَلَا نَاكِثِيْنَ، وَلَا نَادِمِيْنَ وَلَا مُبَدِّلِيْنَ، اِلٰهَ الْحَقِّ اٰمِيْنَ. و بیاید

در حالی که نه رسوا باشیم و نه پیمان شکن و نه پشیمان و نه تغییر دهنده احکام ای معبود بر حق آمین * * *

در اواخر باب زیارات ذکر صلواتی بر آن حضرت و آل اوعلیهم السلام

زیارات ائمه بقیع علیهم السلام

یعنی حضرت امام حسن مجتبی و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام

جعفر صادق علیهم السلام چون خواستی زیارت کنی این بزرگواران را باید به

عمل آوری آنچه در آداب زیارات ذکر شد از غسل و طهارت و پوشیدن

جامه های پاک و پاکیزه و استعمال بوی خوش و رخصت طلبیدن در دخول و نحو

اینها و بگو نیز:

يٰمٰوَالِیَّ یٰاَبْنَآءَ رَسُوْلِ اللّٰهِ، عَبْدُكُمْ وَاَبْنُ اُمَّتِكُمْ الذَّلِيْلُ بَيْنَ اَيْدِيكُمْ،

ای آقایان من ای فرزندان رسول خدا من بنده شما و پسر کنیز شمایم که

وَالْمُضَعَفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ، وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ جَائِكُمْ مُسْتَجِيرًا بِكُمْ، قاصداً

ذلیل در برابرتان و فزاینده در علو قدر و منزلتان و اعتراف کننده به حق شمایم آمده‌ام به درگاهتان به حال پناه خواهی

إِلَى حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّبًا إِلَى مَقَامِكُمْ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ، ءَأَدْخُلُ يَا

و حرم شما را قصد کرده و بوسیله مقام شما تقرب جویم و متوسل شوم به خدای تعالی آیا داخل شوم ای سروران من

مَوَالِيَّ، ءَأَدْخُلُ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ،

آیا داخل شوم ای اولیاء خدا آیا داخل شوم ای فرشتگان خدا که حلقه‌وار اطراف این حرم را گرفته

الْمُقِيمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ.

و در این زیارتگاه رحل اقامت افکنده‌اید

و بعد از خشوع و خضوع و رقت داخل شو و پای راست را مقدم‌دار و بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا،

خدا بزرگتر است به بزرگی کامل و ستایش خاص خداست بسیار منزه است خدا در بامداد و پسین

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْمَاجِدِ الْوَاحِدِ، الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ، الْمُتَطَوَّلِ

و ستایش خاص خدا است که یگانه و بی‌نیاز و شوکت‌مند و یکتا و فزونبخش و نعمت ده و احسان‌بخش

الْحَنَّانِ، الَّذِي مَنَّ بِطَوْلِهِ، وَسَهَّلَ زِيَارَةَ سَادَاتِي بِإِحْسَانِهِ، وَلَمْ

و مهرورز است خدائی که منت نهاد بوسیله احسان خود و آسان کرد برایم زیارت آقایانم را به احسان خود

يَجْعَلُنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنْحَ. *

و از زیارتشان بازماند بلکه تفضل و احسان فرمود

پس نزدیک قبور مقدسه ایشان برو و پشت به قبله و رو به قبر ایشان کن و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيْمَةَ الْهُدَى،

* سلام بر شما پیشوایان هدایت

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحَجَّجُ عَلَى أَهْلِ

سلام بر شما شایستگان پرهیزکاری سلام بر شما ای حجتها بر اهل

الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقَوَّامُ فِي الْبَرِّيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

دنيا سلام بر شما ای قیام کنندگان به عدل در میان مردم سلام بر شما ای

أَهْلَ الصَّوْتِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ

شایستگیان برگزیدگی سلام بر شما ای آل رسول خدا سلام بر شما ای اهل

النَّجْوَى، أَشْهَدُ أَنْكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ،

راز گواهی دهم که شما بخوبی تبلیغ و خیرخواهی کردید و در مورد خدا شکیبائی کردید

وَكَذَّبْتُمْ وَأَسْبَغَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُكُمْ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَتَمَّةُ الرَّاشِدُونَ

با اینکه شما را تکذیب کرده و با شما بد کردند ولی شما آنها را بخشیدید و گواهی دهم که شمائید امامان راهبر

الْمُهْتَدُونَ، وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ، وَأَنَّكُمْ

راه یافته و همانا اطاعت شما واجب است و گفتارتان راست است و براستی شما

دَعْوَتُمْ فَلَمْ تَجَاجِبُوا، وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تَطَاعُوا، وَأَنَّكُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ،

مردم را به خدا دعوت کردید ولی اجابت نکردند و دستور دادید ولی اطاعت نکردند و همانا شمائید پایه‌های دین

وَأَرْكَانُ الْأَرْضِ، لَمْ تَزَالُوا بَعَيْنِ اللَّهِ، يَسْخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ،

و رکنهای زمین و همواره در زیر نظر خدا بودید که برمی داشت شما را از صلبهای هر شخص پاک

وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدَسِّسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَلَمْ

و منتقلتان می ساخت به رحمهای پاکیزه، آلوده نکرد شما را اوضاع جاهلیت غرق در نادانی و

تَشْرَكَ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ، طَبْتُمْ وَطَابَ مِنْبِتُكُمْ، مَنْ بَكَّ عَلَيْنا دِيَانٌ

شرکت نکرد در شما فتنه‌های هوا و هوس پاک بودید و پاک بود ریشه شما منت نهاد بوسیله شما بر ما جزا ده

الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ آذِنِ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ، وَيَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ

روز جزا پس نهادتان در خانه‌هایی که اجازه داد خدا بالا رود و یاد شود در آنها نام او و قرار داد

صَلَوْتَنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا، وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، إِذِ اخْتَارَكُمُ اللَّهُ لَنَا، وَطَيَّبَ

درود فرستادن ما را بر شما رحمتی برای ما و کفاره‌ای برای گناهانمان چونکه خدا شما را برای ما انتخاب فرمود و پاک

خَلَقْنَا بِمَا مَنْ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ، وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ،

کرد خلقت ما را بوسیله آنچه منت گذارد بر ما از ولایت شما و ما پیش خدا از نامبردگان به دانش شما

مُعْتَرِفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَأَخْطَأَ، وَأَسْتَكَانَ

و اعتراف کنندگان به تصدیقمان نسبت به شما بودیم و این جایگاه کسی است که زیاده‌روی و خطا کرده و مستمند شده

وَأَقْرَبِمَا جَنَى، وَرَجَى بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ، وَأَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذٌ

و به جنایت خود اقرار داشته و امید دارد بدین جایگاه خلاصی خود را و نجات دهدش خداوند بوسیله شما

الْهَلْكَى مِنَ الرَّدَى، فَكُونُوا لِي شَفَعَاءَ، فَقَدْ وَقَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ

نجات دادن هلاک شدگان از نابودی پس شما شفیعان من باشید که من به شما وارد شدم در آنگاه که دوری کردند

عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا، وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًّا وَأَسْتَكْبَرُوا عَنْهَا، يَا مَنْ

از شما مردم دنیا و آیات خدا را مسخره گرفتند و تکبر ورزیدند از آنها ای

هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُوُ وَدَائِمٌ لَا يَلْهُوُ، وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمَنْ بِمَا

پابرجائی که سهو ندارد و پاینده‌ای که سرگرم نشود و به هر چیز احاطه دارد تو را است منت بدانچه

وَقَفَّتِي، وَعَرَفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ، إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادَكَ، وَجَهَلُوا

مرا بدان موفق داشتی و شناساندی مرا بدانچه مرا بدان برپا داشتی در صورتی که بندگان از آن روگرداندند و از

مَعْرِفَتِهِ وَأَسْتَحَقُّوا بِحَقِّهِ، وَمَالُوا إِلَى سِوَاهُ، فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ

شناختنش نادان بودند و حقش را سبک شمردند و به غیر آن منحرف شدند پس منت داری بر من

مَعَ أَقْوَامٍ خَصَّصْتَهُمْ بِمَا خَصَّصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي

با مردمی که مخصوصشان داشتی بدانچه مرا بدان مخصوص کردی پس تو را است ستایش چونکه من در پیش تودر

مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ وَلَا تُخَيِّبْنِي فِيَمَا

اینمقام یاد شده و نام برده شده بودم پس محروم مکن از آنچه امیدوارم و نومیدم مساز در آنچه

دَعَوْتُ، بِحَرَمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

تو را خواندم به حرمت محمد و آل پاکیزه‌اش و درود خدا بر محمد و آل محمد

پس دعا کن از برای خود به هر چه خواهی و شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب فرموده که بعد از آن هشت رکعت نماز زیارت بکن یعنی از برای هر امامی دو رکعت و شیخ طوسی و سید بن طاوس گفته‌اند که چون خواهی ایشان را وداع کنی بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْهُدَى، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، اسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ،

*** سلام بر شما پیشوایان هدایت و رحمت خدا و برکاتش شما را به خدا می‌سپارم

وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ، آمِنًا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ بِهِ، وَدَلَّلْتُمْ

و می‌فرستم بر شما سلام خود را ایمان داریم به خدا و رسول و بدانچه شما آوردید و بدان راهنمایی کردید

عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ فَاکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ.

خدایا پس بنویس نام ما را در زمره گواهان

پس دعا بسیار کن و از خدا سؤال کن که دیگر بار تو را به زیارت ایشان برگرداند و آخر عهد تو نباشد از زیارت ایشان و علامه مجلسی رحمه الله در بحار زیارت مبسوطی از یکی از نسخ قدیمه ایراد فرموده و چون به تصریح ایشان و دیگران بهترین زیارت برای ایشان زیارات جامعه است که انشاء الله بعضی از آنها بعد از این مذکور خواهد شد.

ما در این مقام به همین قدر اکتفا نمودیم و در باب اول در ذکر زیارات حجج طاهره علیهم السلام در ایام هفته زیارتی برای جناب امام حسن علیه السلام و زیارتی برای این سه امام دیگر نقل کردیم از آنها غفلت نشود و بدانکه ما در زیارت هر یک از حجج طاهره علیهم السلام غیر از ائمه بقیع صلوات الله علیهم صلواتی برای صاحب زیارت ذکر می‌کنیم و در صلوات بر این بزرگواران اکتفا

می‌کنیم به صلواتی که در آخر باب زیارات ذکر می‌شود به آنجا رجوع کن و به ذکر صلوات بر ایشان میزان اعمال حسنه خود را سنگین نما .
 و نیز بدانکه کثرت شوق این مهجور شکسته به آن مشاهد مشرفه مرا وادار می‌کند که از قصیده هائیه فاضل اوحدی ماح آل احمدی جناب شیخ ازری رضوان‌الله علیه که از شیخ‌الفقهاء العظام خاتم‌المجتهدین الفخام شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام نقل شده که آرزو می‌کرد که آن قصیده در نامه عمل او نوشته شود و جواهر در نامه عمل ازری چند شعری که مناسب با این مقامست در اینجا ذکر نموده خود را به آن مشغول نمایم قال رحمه‌الله:

إِنَّ تِلْكَ الْقُلُوبَ أَقْلَقَهَا الْوَجْدُ

وَأَدْمَى تِلْكَ الْعُيُونَ بُكَاهَا

راستی که این دلها را شوق پریشان کرده

و گریه این چشمها را خون آلود کرده

كَانَ أَنْكَى الْخُطُوبِ لَمْ يُبَيْكِ مِنِّي

مُؤَلَّةً لَكِنِ الْهَوَى أَبْكَاهَا

جانگدازترین پیش‌آمدهای مهم دیده‌ام را به گریه

نیاورد ولی هوای دوست آن را گریانند

كُلَّ يَوْمٍ لِلْحَادِثَاتِ عَوَادٍ

لَيْسَ يَقْوَى رَضْوَى عَلَى مُلْتَقَاهَا

هر روز را حوادث غم‌انگیز تازه‌ایست

که کوه رضوی نیروی برخورد آنها را ندارد

كَيْفَ يُرْجَى الْخَلَاصُ مِنْهُنَّ إِلَّا

بِذِمَامٍ مِنْ سَيِّدِ الرُّسُلِ طه

چسان می توان از آنها نجات یافت جز

به عهد و پیمانی از سید رسولان «طه»

مَعْقِلُ الْخَائِفِينَ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ

أَوْفَرُ الْعُرْبِ ذِمَّةً أَوْفَاهَا

دژ محکم ترسناکان از هر ترس

و کاملترین عرب در پیمان و با وفاترین آنها

مَصْدَرُ الْعِلْمِ لَيْسَ إِلَّا لَدَيْهِ

خَيْرُ الْكَائِنَاتِ مِنْ مُبْتَدَاهَا

سرچشمه علم است و نیست جز نزد او

خیر کائنات از آغاز (تا انجام)

فَاضَ لِلْخَلْقِ مِنْهُ عِلْمٌ وَحِلْمٌ

أَخَذَتْ مِنْهُمَا الْعُقُولُ نَهَاها

از آن بزرگوار باران علم و بردباری بر خلق بارید

و خردها از آن علم و بردباری خرد خویش را گرفتند

نَوَّهَتْ بِاسْمِهِ السَّمَوَاتُ وَالْأُ

رْضُ كَمَا نَوَّهَتْ بِصَبْحٍ ذُكَاهَا

بلند کرد نامش را آسمانها و زمین

چنانچه بلند کرد نور صبح را روشنی و پرتوش

وَعَدَّتْ تَنْشُرُ الْفَضَائِلَ عَنْهُ

كُلُّ قَوْمٍ عَلَى اخْتِلَافٍ لُغَاهَا

و چنان شد که فضائل او را منتشر ساختند

هر قومی به اختلاف لغات و زبانشان

طَرِبَتْ لِاسْمِهِ الثَّرَى فَاسْتَطَالَتْ
فَوْقَ عَلْوِيَّةِ السَّمَاءِ سُقْلَاهَا

بوجد و طرب آمد خاک از نام او و برتر گرفت
خود را از بلندترین آسمان پست‌ترین زمینها

جَازَ مِنْ جَوْهَرِ التَّقْدُسِ ذَاتاً
تَاهَتْ الْأَنْبِيَاءُ فِي مَعْنَاهَا

ذاتش از گوهر تقدس گذشت

و پیامبران در فهم ذاتش حیران گشتند

لَا تُجِلُّ فِي صِفَاتِ أَحْمَدَ فِكْراً
فَهِيَ الصُّورَةُ الَّتِي لَنْ تَرَاهَا

سمنند فکر را در صفات احمد به جولان مینداز

زیرا که صورت آن صفات را نخواهی دید

أَيُّ خَلْقٍ لِلَّهِ أَعْظَمُ مِنْهُ
وَهُوَ الْغَايَةُ الَّتِي اسْتَقْصَاهَا

کدامیک از خلق خدا بزرگتر از اوست

و او است آن سرحد نهائی که خدایش استقصاء کرده

قَلْبَ الْخَافِقِينَ ظَهراً لِبَطْنٍ
فَرَأَى ذَاتَ أَحْمَدٍ فَاجْتَبَاهَا

شرق و غرب عالم را زیر و رو کرد

تا بالاخره ذات احمد را دید و آن را برگزید

لَسْتُ أَنْسَى لَهُ مَنَازِلَ قُدْسٍ
قَدْ بَنَاهَا التُّقَى فَأَعْلَاهَا

هرگز فراموش نکنم آن منازل قدسی را که برای او
بنا کرد پرهیزکاری و برافراشت آن بنا را

وَرَجَالًا أَعَزَّةً فِي بُيُوتِ

أَذِنَ اللَّهُ أَنْ يُعَزَّ حِمَاها

و آن مردان با عزت در خانه‌هایی

که خدا اجازه فرمود حریمشان عزیز و محترم باشد

سَادَةً لَا تُرِيدُ إِلَّا رِضَى اللَّهِ

كَمَا لَا يُرِيدُ إِلَّا رِضاها

آن آقایان بزرگواری که جز رضای خدا نمی‌خواستند

چنانچه خدا هم جز رضای آنها را نمی‌خواست

خَصَّها مِنْ كَمالِهِ بِالْمَعانِي

وَبِأَعلى أَسْمائِهِ سَمَّها

آنان را به معانی کمال خویش مخصوص داشت

و به برترین نامهایش نامید

لَمْ يَكُونُوا لِلْعَرْشِ إِلَّا كُنُوزًا

خافِياتٍ سُبْحانَ مَنْ أَبْداها

اینان گنجینه‌هایی بودند که در عرش

پنهان بودند منزه است آنکه آشکارشان کرد

كَمْ لَهُمْ أَلْسُنٌ عَنِ اللَّهِ تُنْبِي

هِيَ أَقلامٌ حِكْمَةٌ قَدْ بَراها

با چه زبانهای زیادی که از خدا خبر دادند

و آنان قلمهای حکمتی بودند که خدا تراشید

وَهُمْ الْأَعْيُنُ الصَّحِيحاتُ تَهْدِي

كُلَّ عَيْنٍ مَكْفُوفَةٍ عَيْنَاهَا

آنان چشمهای صحیح و سالمی هستند که راهنمایی کنند
هر چشم نابینائی را آن دو چشم صحیح آنان

عُلَمَاءُ أَيْمَةِ حُكَمَاءُ

يَهْتَدِي النَّجْمُ بِاتِّبَاعِ هُدَاهَا

دانشمندان و پیشوایان و فرزنگانی که
راه جوید ستاره به پیروی از راهنمائیشان

قَادَةُ عِلْمُهُمْ وَرَأْيُ حِجَاهُمْ

مَسْمَعَا كُلِّ حِكْمَةٍ مَنظَرَاهَا

رهبرانی که دانش و اندیشه‌های خردشان
مرکز شنیدن و دیدن هر حکمتی است

مَا أَبَالِي وَلَوْ أُهَيْلَتْ عَلَيَّ الْأَرْضُ

السَّمَوَاتُ بَعْدَ نَيْلِ وَلَاهَا

باکی ندارم اگرچه فرو ریزد بر زمین
آسمانها پس از آنکه بدوستی ایشان نائل گشته‌ام

ذَكَرَ سَائِرَ زِيَارَاتٍ

در مدینه طیبه نقل از مصباح الزائر و غیره

زیارت ابراهیم بن رسول الله صلی الله علیه وآله می ایستی نزدیک قبر و

می گوئی:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ

سلام بر رسول خدا سلام بر پیامبر خدا سلام بر حبیب خدا سلام به

عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، سَيِّدِ

برگزیده خدا سلام بر انتخاب شده خدا سلام بر محمد بن عبدالله آقای

الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَيْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ،

پیامبران و خاتم رسولان و برگزیده خدا از خلقش در زمین و آسمانش

الْسَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِهِ وَرَسُولِهِ، أَسْلَامٌ عَلَى الشُّهَدَاءِ وَالسُّعْدَاءِ

سلام بر همه پیامبران و رسولان سلام بر شهیدان و سعادتمندان

وَالصَّالِحِينَ، أَسْلَامٌ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ

و بندگان شایسته حق سلام بر ما و بر بندگان صالح خدا سلام بر

أَيُّهَا الرُّوحُ الزَّكِيَّةُ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ، أَسْلَامٌ

تو ای روح پاک سلام بر تو ای جان شریف سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا السُّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّسَمَةُ الزَّكِيَّةُ،

بر تو ای نسل پاکیزه سلام بر تو ای انسان پاک

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرِ الْوَرَى، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى،

سلام بر تو ای فرزند بهترین مردم سلام بر تو ای فرزند پیامبر برگزیده

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمَبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَى، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا بَنَ

سلام بر تو ای فرزند برانگیخته شده بسوی عموم مردم سلام بر تو ای فرزند

الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا بَنَ السَّرَاحِ الْمُثْنِيرِ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ

بشیر و نذیر سلام بر تو ای فرزند چراغ تابناک سلام بر تو

يَا بَنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ

ای فرزند آنکس که بوسیله قرآن تأیید شد سلام بر تو ای فرزند آنکس که بسوی انس

وَالْجَانِّ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا بَنَ صَاحِبِ الرَّأْيَةِ وَالْعَلَامَةِ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ

و جن فرستاده شد سلام بر تو ای فرزند صاحب پرچم و علامت سلام بر تو

يَا بَنَ الشَّفِيعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ،

ای فرزند شفیع در روز قیامت سلام بر تو ای فرزند آن کس که خدایش مخصوص فرمود به بزرگواری

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ

سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که براستی خداوند برای تو خانه نعمت خود را

إِنْعَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ، أَوْ يُكَلِّفَكَ حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ،

انتخاب فرمود پیش از آنکه مقرر و واجب کند بر تو احکام خود را یا تکلیف کند تو را به حلال و حرامش

فَنَقَلَكَ إِلَيْهِ طَيْبًا زَاكِيًّا مَرْضِيًّا، طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ، مُقَدَّسًا مِنْ كُلِّ

پس تو را بدان خانه منتقل فرمود پاک و مبرا و پسندیده و پاکیزه از هر نجاست و تمیز از هر

دَنَسٍ، وَبَوَّئِكَ جَنَّةَ الْمَأْوَى، وَرَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى، وَصَلَّى اللَّهُ

کثافت و آلودگی و جایب داد در بهشت آسایش و بلایت برد به درجات بالا و درود خدا

عَلَيْكَ صَلَوَةً تَقْرُبُ بِهَا عَيْنُ رَسُولِهِ، وَتُبَلِّغُهُ أَكْبَرَ مَأْمُولِهِ، اَللَّهُمَّ اجْعَلْ

بر تو درودی که روشن شود بدان دیده رسول خدا و برساندش به بزرگترین آرزویش خدایا قرار ده

أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَأَزْكَاهَا، وَأَنْمِي بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاهَا، عَلَى رَسُولِكَ

بهترین درودها و پاکیزه‌ترین آنها و فزاینده‌ترین برکاتش و کاملترین آنها را بر رسول خود

وَنَبِيِّكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى مَنْ نَسَلَ مِنْ

و پیامبرت و برگزیده از خلقت محمد خاتم پیامبران و بر نسل او از

أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ، وَعَلَى مَنْ خَلَفَ مِنْ عَتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا

اولاد پاکش و بر یادگاری که بجای گذارد از عترت پاکیزه‌اش به رحمت ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ وَإِبْرَاهِيمَ

مهربانترین مهربانان خدایا از تو خواهم به حق محمد برگزیده‌ات و به حق ابراهیم

نَجْلِ نَبِيِّكَ، أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا، وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا،

فرزند پیامبرت که قرار دهی سعی مرا بدیشان مورد سپاسگزاری و گناهم را آمرزیده

وَحَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً، وَعَاقِبَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً، وَحَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَّةً،

و زندگیم را سعادتمند و عاقبتم را ستوده و حاجاتم را روا شده

وَأَفْعَالِي بِهِمْ مَرْضِيَّةً، وَأُمُورِي بِهِمْ مَسْعُودَةً، وَشُؤْنِي بِهِمْ مَحْمُودَةً،

وکردارم را پسندیده و کارهایم را مقرون به سعادت و وضعم را مورد پسند و ستوده

اللَّهُمَّ وَأَحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ، وَنَفْسُ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَضِيقٍ، اللَّهُمَّ

خدایا و نیکو گردان برایم توفیق را و برطرف کن از من هر اندوه و فشاری را خدایا

جَنَّبَنِي عِقَابَكَ، وَامْنَحْنِي تَوَابَكَ، وَأَسْكِنِي جَنَانَكَ، وَارْزُقْنِي

دور کن مرا از عقاب و شکنجهات و تفضل کن بر من پاداش نیکت را و سکنایم ده در بهشت و روزیم گردان

رِضْوَانِكَ وَأَمَانِكَ، وَأَشْرِكْ لِي فِي صَالِحِ دُعَائِي وَالِدِيَّ وَوَلَدِي،

رضوان و امنیتت را و شریک گردان با من در دعای شایستهام پدر و مادرم و فرزندانم

وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ

و همه مؤمنین و مؤمنات را زندگان از ایشان و مردگانشان را که برستی توئی صاحب اختیار

الصَّالِحَاتِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اعمال صالحی که بجای ماند آمین ای پروردگار جهانیان

پس می خواهی حاجتهای خود را و دور رکعت نماز زیارت می گذاری.

زیارت جناب فاطمه بنت اسد

والده حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می ایستی نزد قبر آن مُخَدَّرَه و می گوئی:

السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ،

سلام بر پیامبر خدا سلام بر رسول خدا سلام بر محمد آقای رسولان

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَخْرِيِّينَ،

سلام بر محمد آقای اولین سلام بر محمد آقای آخرین

السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ

سلام بر کسی که خدا برانگیختش رحمت برای جهانیان سلام و رحمت خدا و

وَرَحْمَةً لِّلَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ اسَدِ الْهَاشِمِيَّةِ،

برکاتش بر تو ای پیغمبر سلام بر فاطمه دختر اسد آن بانوی هاشمی

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیَّتَهَا الصِّدِّیْقَةُ الْمَرْضِیَّةُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیَّتَهَا التَّقِیَّةُ

سلام بر تو ای راستگوی پسندیده سلام بر تو ای بانوی پرهیزکار

النَّقِیَّةُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیَّتَهَا الْكَرِیْمَةُ الرَّضِیَّةُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا كَافِلَةَ

پاکیزه سلام بر تو ای بانوی بزرگوار و خوشنود از حق سلام بر تو ای کفالت کننده

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِیِّیْنَ، اَلسَّلَامُ

محمد خاتم پیامبران سلام بر تو ای والده بزرگ اوصیاء سلام

عَلَیْكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَی رَسُوْلِ اللّٰهِ خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ، اَلسَّلَامُ

بر تو ای که آشکار شد مهت نسبت به رسول خدا خاتم پیامبران سلام

عَلَیْكَ يَا مَنْ تَرَبَّیْتُهَا لَوْلِیُّ اللّٰهِ الْاَمِیْنِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَی رُوْحِكَ

بر تو ای که به او تفویض شد تربیت ولی الله امین سلام بر تو و بر روح تو

وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَی وَدَّكَ وَرَحْمَةَ اللّٰهِ وَبَرَكَاتِهِ،

و بدن پاکت سلام بر تو و بر فرزندت و رحمت خدا و برکاتش

اَشْهَدُ اَنَّكَ اَحْسَنْتَ الْكِفَالَتَةَ، وَاَدَّیْتَ الْاَمَانَةَ، وَاَجْتَهَدْتَ فِی مَرَضَاتِ

گواهی دهم که براستی تو بخوبی کفالت کردی و امانت را پرداختی و در بدست آوردن موجبات خوشنودی خدا کوشش

اللّٰهِ، وَبَالَغْتَ فِی حِفْظِ رَسُوْلِ اللّٰهِ، عَارِفَةً بِحَقِّهِ مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ، مُعْتَرِفَةً

کردی و در نگهداری رسول خدا حد اعلائی سعی خود را مبدول داشتی در حالی که به حق او آشنا و به راستگویی

بِنُبُوَّتِهِ، مُسْتَبْصِرَةً بِنِعْمَتِهِ، كَافِلَةً بِتَرَبِّیَّتِهِ مُشْفِقَةً عَلَی نَفْسِهِ، وَاَقْفَةً

ایمان داشتی و به نبوتش معترف و به نعمتش بینا و آشنا بودی و تربیتش را بعده گرفتی و نسبت بدان حضرت مهر

عَلَی خِدْمَتِهِ، مُخْتَارَةً رِضَاهُ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مَضِیْتَ عَلَی الْاِیْمَانِ،

ورزیدی و برای خدمتکاریش خود را مهیا کردی و خوشنودیش را اختیار کردی و گواهی دهم که تو از این جهان رفتی

وَالْتَمَسْتُكَ بِاَشْرَفِ الْاَدْیَانِ، رَاضِیَةً مَرْضِیَّةً، طَاهِرَةً زَكِیَّةً، تَقِیَّةً نَقِیَّةً،

در حالی که به حق ایمان داشتی و به بهترین ادیان متمسک گشته و در حال خوشنودی و پسندیدگی و پاکی و پاکیزگی و

فَرَضِیُّ اللّٰهُ عَنكَ وَاَرْضَاكِ وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَکَ وَمَا وِیْکَ، اَللّٰهُمَّ

پرهیزکاری و دور از هر بدی بودی پس خدا از تو خوشنود باد و خوشنودت کناد و بهشت را منزل و مأویت قرار دهد

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا، وَتَبِّتْنِي عَلَى

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و سود ده مرا بوسیله زیارت این بانوی محترم و ثابتم بدار

مَحَبَّتِهَا، وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا، وَشَفَاعَةَ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا،

به دوستیش و محرومم مکن از شفاعت او و شفاعت امامان از نژادش

وَأَرْزُقْنِي مُرَاقَبَتَهَا، وَأَحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ، اللَّهُمَّ

و روزیم کن هم جواریش را و محشور کن مرا با او و با فرزندان پاکش خدایا

لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي أَيَّاهَا، وَأَرْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا

قرار مده این زیارتم را آخرین بار زیارتم از این بانوی محترم و روزیم گردان آمدن به زیارتش را همیشه تا

أَبْقَيْتَنِي، وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهَا، وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا،

زنده‌ام داری و چون مرا میراندی در زمره او محشورم کن و در شفاعت او داخلم گردان

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ، وَمَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ،

به رحمت ای مهربانترین مهربانان خدایا به حقی که این بانوی محترم نزد تو دارد و به مقام و منزلت او در

إِغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَأَتَنَا فِي الدُّنْيَا

درگاہت که بیمارز مرا و پدر و مادرم و همه مردان مؤمن و زنان با ایمان را و بده به ما در دنیا

حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.

خوبی و در آخرت نیز خوبی و نگاهمان دار به رحمت از عذاب دوزخ

پس دو رکعت نماز زیارت می‌خوانی و دعا می‌کنی به آنچه خواهی و منصرف

می‌شوی.

زیارت حضرت حمزه رضی الله عنه در أحد

چون به زیارت آن حضرت رفتی می‌گوئی نزد قبرش:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ

سلام بر تو ای عموی گرامی رسول خدا که درود خدا بر او و آتش باد - سلام بر تو ای بهترین شهیدان سلام

الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَأَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ

بر تو ای شیر خدا و شیر رسول خدا گواهی دهم که تو براستی جهاد کردی در راه خدای

عَزَّوَجَلَّ، وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ، وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ، وَكُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ

عزوجل و جان خود را در این راه بذل کردی و برای رسول خدا خیرخواهی کردی و مشتاق بودی آنچه را نزد

سُبْحَانَهُ رَاغِبًا، بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى

خدای سبحان بود پدر و مادرم به فدایت من در اینجا به نزد شما آمدم تا بدینوسیله به رسول خدا صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَالْآلِهِ بِذَلِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بَزِيَارَتِكَ

اللَّهُ علیه و آله تقرب جویم و اشتیاق به تو در شفاعت دارم چونندام بوسیله زیارتت

خَلَّاصَ نَفْسِي، مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارِ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى

خلاص کردن جانم را پناهندهام به تو از آتشی که امثال من بواسطه جنایتی که کرده‌ایم مستحق آن گشته‌ایم

نَفْسِي، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَرَعَا إِلَيْكَ

گریزانم از گناهانی که بر پشت خویش بار کرده‌ام پناهندهام به تو به

رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي، أَتَيْتُكَ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، طَالِبًا فَكَأكَ رَقَبَتِي مِنْ

امید رحمت پروردگارم به زیارتت آمده‌ام از راهی پرنج و دور و خواهان آزادی خویش از

النَّارِ، وَقَدْ أَوْقَرْتَ ظَهْرِي ذُنُوبِي، وَأَتَيْتُ مَا أَسْخَطَ رَبِّي، وَلَمْ أَجِدْ

دوزخم و براستی که خنم کرده پشتم را سنگینی بار گناهانم و به کاری که موجب خشم پروردگار من است دست زده‌ام

أَحَدًا أَفْزَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ

و نیافتم کسی را که به او پناه برم بهتر از شما خاندان رحمت پس تو (ای سرور بزرگوار) شفیعم باش در روز

فَقْرِي وَحَاجَتِي، فَقَدْ سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا، وَأَتَيْتُكَ مَكْرُوبًا وَسَكَبْتُ

نداری و نیازم که راه پیمودم به سوی غمناک آمده‌ام به نزدت در حال محنت زدگی و ریختم

عَبْرَتِي عِنْدَكَ بَاكِيًا، وَصِرْتُ إِلَيْكَ مُفْرَدًا، وَأَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ

اشکم را در پیشت گریان و به درگاهت آمده‌ام تک و تنها و تو از کسانی هستی که خداوند به من دستور

بصَلَّتِهِ، وَحَتَّتِي عَلَى بَرِّهِ، وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَهَدَانِي لِحُبِّهِ، وَرَعَّبَنِي

پیوند او را داده و به نیکی به او وادارم کرده و بر فضل و برتریش راهنمایی کرده و به محبتش هدایت نموده

فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ، وَالْهَمَمِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا

و به رفتن سترِ خوانِ کرمش ترغیب کرده و به من الهام کرده که حاجاتم را در پیش او بخواهم شما خاندانی هستید که

يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَلَا يَخِيبُ مَنْ آتَاهُمْ، وَلَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوِيكُمْ، وَلَا

بدبخت نشود هر که دوستانان دارد و نومید نگردد هر که به درگاهتان آید و زیانکار نشود هر که هوای شما در سر دارد

يَسْعُدُ مَنْ عَادَكُمْ.

و روی سعادت نبیند هر که شما را دشمن دارد

پس رو به قبله می کنی و دو رکعت نماز زیارت بجا

می آوری و بعد از فراغ خود را به قبر می چسبانی و می گوئی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلِزُومِي لِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

خدایا من خود را در گذرگاه مهرت قرار دادم بدانکه ملازم قبر عموی پیغمبرت صلی الله علیه

وَإِلَيْهِ، لِيُجِيرَنِي مِنْ نِقْمَتِكَ [وَسَخَطِكَ وَمَقْتِكَ] فِي يَوْمٍ تَكْثُرُ فِيهِ

و آله گشتم تا مرا در پناه خود گیرد از انتقام تو در روزی که صداها در آن روز

الْأَصْوَاتُ، وَتَشْغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ وَتُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا، فَإِنَّ

بسیار گردد و هرکس سرگرم شود بدانچه از پیش فرستاده و از خویشتن دفاع کند پس اگر

تَرَحَّمَنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ وَلَا حُزْنَ، وَإِنْ تَعَاقَبَ فَمَوْلَى لَهُ

در آن روز به من رحم کنی که ترس و اندوهی ندارم و اگر کیفرم کنی پس تو مولائی هستی که

الْقُدْرَةَ عَلَى عَبْدِهِ، وَلَا تُخَيِّبْنِي بَعْدَ الْيَوْمِ، وَلَا تَصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي،

قدرت داری بر بنده خود ولی ناامیدم مکن پس از این روز و بازم مگردان (از اینجا) بدون حاجتم

فَقَدْ لَصِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، وَرَجَاءِ

چونکه خود را به قبر عموی پیغمبرت چسبانده و بوسیله او به درگاه تو تقرب جویم به آرزوی دست‌رسی به

رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَبِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ جِنَايَةِ

خوشنودی پنهایت و به امید دریافت رحمتت پس بپذیر از من و بازگرد به بردباریت بر نادانی من و به مهرت بر جنایتی

نَفْسِي، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي، وَمَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي، وَلَكِنْ أَخَافُ سُوءَ

که بر خود کردم چونکه گناهم بزرگ است و ترس از آن ندارم که به من ستم کنی ولی از بدی

الْحِسَابِ، فَأَنْظُرِ الْيَوْمَ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، فَبِهِمَا فُكِّنِي مِنْ

حساب ترس دارم پس بنگر امروز پناه آوردنم را به قبر عموی پیغمبرت پس به حق هر دو آنها که آزاد کن از

النَّارِ، وَلَا تُخَيِّبْ سَعْيِي، وَلَا يَهُونَنَّ عَلَيْكَ ابْتِهَالِي، وَلَا تَحْجُبَنَّ عَنكَ

آتش و نومید مکن کوششم را و مبادا زاری من نزد تو ناچیز و خوار قرار گیرد و صدای من از تو محجوب

صَوْتِي، وَلَا تَقْلِبْنِي بِغَيْرِ حَوَائِجِي، يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَمَحْزُونٍ،

گردد و بدون حاجاتم مرا باز نگردان ای فریادرس هر محنت زده و غمناک

وَيَا مُفْرَجًا عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرَانَ الْغَرِيقِ، الْمُشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ،

و ای گشاینده (اندوه) از اندوهگین سرگردان و غریق که مشرف بر هلاکت است

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةَ لَا أَشْقَى بَعْدَهَا أَبَدًا،

پس درود فرست بر محمد و آل محمد و بنگر به من نگرستی که هرگز پس از آن بدبخت نشوم

وَأَرْحَمَ تَضَرُّعِي وَعَبْرَتِي وَأَنْفِرَادِي، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ، وَتَحَرَّيْتُ

و رحم کن به زاری و اشک و تنهاییم چونکه من به خوشنودیت امیدوارم و جویایم

الْخَيْرِ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ، فَلَا تَرُدَّ أَمَلِي، اَللَّهُمَّ إِنَّ تَعَاقُبَ

آن خیریی را که عطا نکند آن را احدی جز تو پس آرزویم را باز مگردان خدایا اگر کيفر کنی

فَمَوْلَى لَهٗ الْقُدْرَةُ عَلَى عِبْدِهِ وَجَزَائِهِ [جَزَاهُ] بِسُوءِ فِعْلِهِ، فَلَا أَخْيِنَنَّ

پس مولائی هستی که بر بنده‌ات قدرت داری و پاداش عمل بدش بوده پس نومیدم مساز

الْيَوْمَ، وَلَا تَصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي، وَلَا تُخَيِّبَنَّ شُخُوصِي وَوَفَادَتِي،

امروز و بازم مگردان بدون روا شدن حاجتم و ناامید مکن حرکت کردن و آمدنم را چونکه پولم را

فَقَدْ أَنْفَدْتُ نَفَقَتِي، وَأَتَعَبْتُ بَدَنِي، وَقَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ، وَخَلَّفْتُ الْأَهْلَ

خرج کرده‌ام و بدنم را به تعب افکندم و بیابانهای بسیاری را پشت سر گذاردم و زن و فرزند

وَالْمَالَ وَمَا خَوَّلْتَنِي، وَآثَرْتُ مَا عِنْدَكَ عَلَى نَفْسِي، وَلَذْتُ بِقَبْرِ عَمِّ

و مال و منالم و آنچه را به من دادی همه را بجای گذاردم و آنچه را پیش تو است برای خود اختیار کردم و به قبر

عموی

نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِتِّغَاءَ مَرْضَاتِكَ، فَعُدُّ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ

پیغمبرت صلی الله علیه و آله پناه آوردم و بوسیله او برای جستن خوشنودیت تقرب جسمم پس بازگرد با بردباریت بر

جَهْلِي، وَبِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ ذَنْبِي، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي، بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمُ.

نادانیم و با مهرت بر گناهم که براستی گناهانم بزرگ گشته به مهرت ای بزرگوار ای بزرگوار

*مؤلف گوید: که مدایح جناب حمزه سلام الله علیه و فضیلت زیارت آن

حضرت بیشتر از آن است که ذکر شود فخرالمحققین رحمه الله در رساله فخریه

فرموده مستحب است زیارت حمزه و باقی شهداء به اُحد زیرا که روایت شده

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرمود هر که زیارت کند مرا و زیارت

نکند عمم حمزه را همانا مرا جفا کرده .

و این فقیر در بیت‌الاحزان فی مصائب سیدة النسوان نقل کردم که حضرت

فاطمه صلوات الله علیها بعد از وفات پدر بزرگوار خود هر هفته روز دوشنبه و

پنجشنبه به زیارت حمزه و شهداء احد می‌رفت و نماز می‌خواند و دعا می‌کرد

در آنجا و ترک نکرد تا وفات فرمود و محمودبن لبید گفته که آن سیده جلیله

سر قبر حمزه می‌رفت و گریه می‌کرد و من در یکی از روزها به زیارت حمزه

مشرف شدم دیدم که آن مظلومه نزد قبر حمزه مشغول به گریه است من صبر

کردم تا گریه‌اش ساکن گشت نزدیک رفتم و سلام کردم و گفتم یا سیدة
النَّسْوَانِ به حقّ خدا قسم است که رگهای دلم را قطع کردی از این گریه‌ات
فرمود ای ابا عمرو برای من شایسته است گریستن زیرا که به من رسیده است
مصیبت بهترین پدرها رسول خداصلی الله علیه و آله پس فرمود واشوقاهُ اِلی
رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَانْشَادَ كَرْد:

اِذَا مَاتَ يَوْمًا مَيِّتٌ قَلَّ ذِكْرُهُ
وَذِكْرُ أَبِي مُدَّ مَاتَ وَاللّٰهُ اَكْثَرُ

هر که می‌میرد یادش کم می‌شود ولی به خدا سوگند

از روزی که پدرم مرده بیشتر یادش شود

و شیخ مفید فرموده: و كان رسول الله صلى الله عليه وآله امر في حياته

***** رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان بود که در زمان زندگی دستور می‌داد

بِزِيَارَةِ قَبْرِ حَمْزَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَيَلُمُّ بِهِ وَيَالِ الشُّهَدَاءِ، وَلَمْ تَزَلْ فَاطِمَةُ

به زیارت قبر حمزه علیه‌السلام بروند و خود هم به زیارت قبر او و سایر شهدا می‌رفت و فاطمه

عَلَيْهَا السَّلَامُ بَعْدَ وَفَاتِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَعُدُّوْا اِلَى قَبْرِهِ

علیه‌السلام نیز پس از وفات پدرش صلی الله علیه و آله صبح و عصر سر قبر

وَتَرُوْحُ، وَالْمُسْلِمُونَ يَنْتَابُونَ عَلٰى زِيَارَتِهِ، وَمُلَازِمَةَ قَبْرِهِ.

او می‌رفت و مسلمانان نیز برای زیارت و ملازمت قبرش می‌رفتند

زیارت قبور شهداء رضوان الله عليهم به أحد

می‌گوئی در زیارت ایشان: اَلسَّلَامُ عَلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰى نَبِيِّ اللّٰهِ

***** سلام بر رسول خدا سلام بر پیامبر خدا

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ،

سلام بر محمد بن عبدالله سلام بر خاندان پاکش

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ

سلام بر شما ای شهیدان با ایمان سلام بر شما ای خاندان

الْإِيمَانِ وَالتَّوْحِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ

ایمان و توحید سلام بر شما ای یاران دین خدا و یاران

رَسُولِهِ، عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فِعْمَ عُقْبَى

رسول خدا - که بر او و آتش سلام باد - سلام بر شما بدان شکیبایی که کردید پس چه خوب است خانه سرانجام شما

الدَّارِ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ، وَأَصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ

گواهی دهم که براستی خداوند شما را برای دین خود انتخاب فرمود و برگزیدتان برای رسول خود و گواهی دهم که

قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَذَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَعَنْ نَبِيِّهِ،

شما در راه خدا جهاد کردید آنطور که باید و دفاع کردید از دین خدا و از پیغمبر خدا

وَجَدْتُمْ بِنَفْسِكُمْ دُونَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ،

و جانبازی کردید در رکاب رسول خدا و گواهی دهم که شما بر همان راه رسول خدا

فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَعَنْ الْأِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَعَرَفْنَا

کشته شدید پس خدایان پاداش دهد از جانب پیامبرش و از دین اسلام و مسلمانان بهترین پاداش و بشناساند

وَجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَمَوْضِعِ إِكْرَامِهِ، مَعَ النَّبِيِّينَ

به ما صورتهای شما را در جایگاه رضوان خود و موضع اکرامش همراه با پیامبران

وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءَ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا، أَشْهَدُ

و راستگویان و شهیدان و صالحان و چه نیکو رفیقانی هستند آنها گواهی دهم

أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ، وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ، وَأَنَّكُمْ لَمِنَ

که شما ناید حزب خدا و هر که با شما بجنگد مسلماً با خدا جنگ کرده و براستی شما

الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ، الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَعَلَى مَنْ

از مقربان و رستگارانید که در پیشگاه پروردگارشان زنده‌اند و روزی می‌خورند پس لعنت خدا
قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، أَتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ،

و فرشتگان و همه مردم بر آنکه شما را کُشت آمده‌ام به نزد شما برای زیارت ای اهل توحید

زَائِرًا وَبِحَقِّكُمْ عَارِفًا، وَبِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا، وَبِمَا سَبَقَ مِنْ

و به حق شما عارفم و بوسیله زیارت شما بسوی خدا تقرب جویم و بدانچه گذشته از

شَرِيفِ الْأَعْمَالِ، وَمَرْضَى الْأَفْعَالِ عَالِمًا، فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ

اعمال شریف و کارهای پسندیده دانایم پس بر شما باد سلام خدا و رحمت

وَبَرَكَاتُهُ، وَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ، لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ وَسَخَطُهُ، اللَّهُمَّ أَنْفَعْنِي

و برکاتش و لعنت خدا و خشم غضبش بر آنکس که شما را کُشت خدایا سود ده مرا

بِزِيَارَتِهِمْ، وَتَبَّتْ عَلَى قَصْدِهِمْ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ، وَاجْمَعْ بَيْنِي

به زیارتشان و بر آن نبی که آنها داشتند مرا هم ثابت بدار و بمیرانم بر آنچه ایشان را بر آن میراندی و گرد آور میان من

وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ، أَشْهَدُ أَنْكُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ بِكُمْ لَاحِقُونَ.

و ایشان در جایگاه خانه رحمت گواهی دهم که شما بر ما سبقت گرفتید و ما هم به شما ملحق خواهیم شد

و می‌خوانی سوره اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ را آنچه توانی و بعضی گفته‌اند که نزد

هر مَزُورِی دو رکعت نماز زیارت می‌گذاری و برمی‌گرددی انشاء الله تعالی.

ذکر مساجد مُعَظَّمِه در مدینه مُنَوَّرِه

از جمله مسجد قبا است که بنا شده بر پرهیزکاری از روز اوّل و روایت شده

که هر که برود به آن مسجد و دو رکعت نماز در آن گذارد برگردد با ثواب

عُمره پس برو به این مسجد شریف و دو رکعت نماز تحیت مسجد بجا آور و

بخوان تسبیح زهراء علیها السلام را پس بخوان زیارت جامعه را که اولش

السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ است و ما آن را زیارت اوّل جامعه قرار می دهیم و بیاید در اواخر باب انشاء الله پس بخوان خدا را و بگو یا کائناً قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ و این دعائیست طولانی نقلش منافی با اختصار است هر که خواهد به مزار بحار رجوع کند.

و نماز می گذاری در مشربه امّ ابراهیم یعنی غرفه مادر حضرت ابراهیم بن رسول الله صلی الله علیه و آله که آن مسکن و محلّ نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله بوده است و در مسجد فضیخ که در نزدیکی مسجد قبا است و آن را مسجد ردّ شمس نیز می گویند و در مسجد فتح که مسجد احزاب نیز می گویند و چون در مسجد فتح از نماز فارغ شدی بگو:

يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، وَيَا

ای فریاد رس گرفتاران و ای اجابت کننده دعای درماندگان و ای

مُغِيثَ الْمَهْمُومِينَ، اكْشِفْ عَنِّي ضُرِّي وَهَمِّي وَكُرْبِي وَعَمِّي، كَمَا

دادرس غمزدگان بگشا از من سختی و اندوه و گرفتاری و غم را چنانچه

كَشَفْتَ عَن نَّبِيِّكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَمَّهُ، وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ،

گشودی از پیامبرت صلی الله علیه و آله اندوهش را و هراس دشمن را از او کفایت کردی

وَإِكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

و از من هم کفایت کند آنچه فکر مرا به خود مشغول داشته از کار دنیا و آخرتم ای مهربانترین مهربانان

و نماز می گذاری در خانه حضرت امام زین العابدین و خانه امام جعفر

صادق علیهما السلام و مسجد سلمان و مسجد امیرالمؤمنین علیه السلام که

مُحاذی قبر حمزه است و مسجد مباحله آنقدر که بتوانی و دعا می کنی به آنچه خواهی انشاءالله تعالی.

زیارت وداع

هرگاه خواستی از مدینه بیرون آئی غسل کن و برو نزد قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و به عمل آور آنچه پیشتر می کردی پس وداع کن آن حضرت را و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ،

سلام بر تو ای رسول خدا

أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ، وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا

تو را به خدا می سپارم و از تو خواهم رعایت کنی و بر تو سلام می فرستم ایمان دارم به خدا و بدانچه

جِئْتَ بِهِ، وَذَلَّلْتَ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ

تو آوردی و بدان راهنمایی کردی خدایا قرار مده این زیارتم را آخرین زیارتم از قبر

نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ، فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ

پیامبرت و اگر پیش از آنکه دوباره موفق به زیارتش شوم مرا میراندی پس من در مرگم نیز گواهی دهم

عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ

بدانچه گواهی بدان دادم در زندگیم که معبودی نیست جز تو و اینکه محمد بنده و رسول تو است

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

درود خدا بر او و آتش باد

و حضرت صادق علیه السلام در وداع قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله به یونس بن یعقوب فرموده که بگو صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي

عَلَيْكَ.

درود خدا بر تو سلام بر تو قرار ندهد خدا (این سلام را) آخرین سلامم بر تو

مؤلف گوید: که ما در کتاب هدیه الزائرین در بیان تکالیف زوَّار در مدینه طیبّه گفتیم از چیزهائی که مهمّ است برای ایشان آنکه مادامی که در مدینه معظمه هستند فرصت را غنیمت دانسته نماز بسیار کنند در مسجد حضرت رسول صلی الله علیه وآله که نماز در آنجا مقابل ده هزار نمازی است که در جای دیگر کرده شود و بهترین مکانهای مسجد روضه است که مابین قبر و منبر است و بدانکه چنانکه شیخ ما در تحیّه فرموده مقدار خوابیدن جسد مبارک پیغمبر ما و ائمه صلواتُ الله علیهم اجمعین از زمین اشرفست از کعبه معظمه به اتفاق جمیع فقهاء چنانچه شهید رحمه الله در قواعد تصریح به آن نموده و در حدیث حسن از حضرمی منقول است که حضرت صادق علیه السلام مرا امر فرمود که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه وآله بسیار نماز کنم تا بتوانم و فرمود که همیشه تو را میسر نمی شود که به این مکان شریف بیائی الخ. و شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب به سند معتبر از مرازم نقل کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود که روزه گرفتن در مدینه و نماز کردن نزد ستونها واجب نیست بلکه واجب همان نماز پنجگانه و روزه ماه رمضان است و لکن هر که خواهد روزه بدارد بهتر است از برای او و فرمود بسیار نماز کنید در این مسجد شریف تا توانید که بهتر است از برای شما و بدانید که آدمی گاه هست زیرک می باشد در کار دنیا مردم او را مدح می کنند که چه بسیار زیرک است فلانی پس چون باشد کسی که در امر آخرت زیرک باشد و زیارت کن حضرت

رسول‌الله صلی الله علیه وآله را در هر روز مکرر و همچنین ائمه بقیع را به اندازه‌ای که ممکن است ترا و هر وقت که مشاهده کردی حجره حضرت رسول صلی الله علیه وآله را سلام بکن بر آن حضرت و مادامی که در مدینه هستی مواظب خود باش و خود را حفظ کن از گناهان و مظالم و تدبیر و تفکر کن در شرافت آنجا خصوص در مسجد شریف که قدمهای مبارک حضرت رسول صلی الله علیه وآله بر آن زمینها گذاشته شده و آن بزرگوار در کوچه و بازار آن تردّد فرموده و در مسجد آن نماز خوانده و آنجا موضع وحی و تنزیل است و حضرت جبرئیل و ملائکه مقربین آنجا فرود می‌آمدند و لَنْعَمَ مَا قِيلَ.

أَرْضُ مَشَى جِبْرِيلُ فِي عَرَصَاتِهَا

وَاللَّهُ شَرَّفَ أَرْضَهَا وَسَمَائَهَا

زمینی که قدم زد جبرئیل در عرصه‌اش

و خدا شرف داد زمین و آسمانش را

و تا ممکن شود تو را تصدّق کن در مدینه خصوص در مسجد و بخصوص به سادات و ذرّیه رسول صلی الله علیه وآله که ثواب جزیل و اجر عظیم بر آن مترتّب است و علامه مجلسی رحمه الله فرموده که در روایت معتبر وارد شده است که درهمی که در آنجا تصدّق کنند برابر است با ده هزار درهم که در جاهای دیگر تصدّق کنند و اگر ممکن شود تو را اختیار کن مجاورت آن بلد طیب را که مجاورت در مدینه مستحبّ است و احادیث مستفیضه در فضیلت آن وارد شده:

سَقَى اللَّهُ قَبْرًا بِالْمَدِينَةِ غَيْثَهُ

فَقَدْ حَلَّ فِيهِ الْأَمْنُ بِالْبَرَكَاتِ

سیراب گرداند خدا قبر مدینه را بوسیله بارانش

که براستی فرو رفت در آن امنیت و برکتها

نَبِيُّ الْهُدَى صَلَّى عَلَيْهِ مَلِيكُهُ

وَبَلَغَ عَنَّا رُوحَهُ التُّحَفَاتِ

پیامبر هدایت که خدایش بر او درود

فرستد و برساند از ما به روحش تحفه‌هایی

وَصَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُ مَا ذَرَّ شَارِقٌ

وَلَا حَتُّ نَجُومٍ اللَّيْلِ مُبْتَدِرَاتِ

و درود فرستد خدا بر او تا بتابد خورشید

و تا ستارگان شب درخشندگی دارند

فصل چهاردهم

در فضیلت و کیفیت زیارت مولای ما حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

و در آن چند مطلب است مطلب اول در فضیلت زیارت آن حضرت است شیخ طوسی به سند صحیح از محمد بن مسلم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود خداوند خلق نافرموده مخلوقی بیشتر از ملائکه و بدرستی که هر روزی نازل می‌شوند هفتاد هزار ملک و بیایند به بیت المعمور و طواف می‌کنند به دور آن و چون از طواف آنجا فارغ شدند به طواف کعبه می‌روند و چون از

طواف کعبه فارغ شدند بسوی قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله می آیند و سلام می کنند بر آن حضرت پس از آن می آیند به سوی قبر امیرالمؤمنین علیه السلام و سلام می کنند بر آن حضرت بعد از آن می آیند نزد قبر حسین علیه السلام و سلام می کنند بر آن جناب پس از آن به آسمان بالا می روند و مثل ایشان هر روز نازل می شود تا روز قیامت.

پس فرمود آن حضرت که هر که زیارت کند امیرالمؤمنین علیه السلام را و عارف به حق آن حضرت باشد یعنی آن جناب را امام واجب الأَطَاعَة و خلیفه بلافصل داند و از روی تجبّر و تکبّر به زیارت نیامده باشد حق تعالی بنویسد از برای او اجر صد هزار شهید و گناهان گذشته و آینده او را ببامرزد و مبعوث گردد در روز قیامت از جمله ایمنان از احوال آن روز و آسان گرداند بر او حساب را و استقبال نمایند او را ملائکه و چون برگردد از زیارت او را مشایعت نمایند تا به خانه خود برگردد و اگر بیمار شود به عیادت او بیایند و اگر بمیرد متابعت جنازه او بکنند و از برای او طلب آمرزش نمایند تا قبرش و سیّد عبدالکریم بن طاوس در فَرَحَةُ الْغَرِيّیِّ از آن حضرت روایت کرده که فرمود هر که پیاده به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام برود حق تعالی به هر گامی ثواب یک حجّ و یک عمره برای او بنویسد و اگر پیاده برگردد به هر گامی ثواب دو حجّ و دو عمره از برای او بنویسد .

و نیز از آن حضرت روایت کرده که به ابنِ ماردِ فرمود ای پسر مارد هر که زیارت کند جدّم امیرالمؤمنین علیه السلام را عارفاً بِحَقِّهِ بنویسد حق تعالی از

برای او به عدد هر گامی حجّ مقبول و عمره پسندیده‌ای، ای پسر مارد و الله
نمی‌خورد آتش جهنّم قدمی را که غبار آلوده شود در زیارت حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام خواه پیاده رَوَد خواه سواره ای پسر مارد بنویس این
حدیث را به آب طلا .

و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود ما می‌گوئیم که در
پشت کوفه قبری هست که پناه نمی‌برد به آن قبر دردناکی مگر آنکه حق تعالی
او را شفا کرامت فرماید مؤلف گوید که از اخبار معتبره ظاهر می‌شود که حق
تعالی قبر امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد طاهرینش را مَعْقِلِ خَائِفِین و مَلْجَا
مُضْطَرِّین و اَمَانِ اهل زمین قرار داده هر غمناکی که نزد او برود غمش زایل
گردد و هر دردناکی که خود را به او بمالد شفا گیرد و هر که به آن پناه برد در
امان باشد سید عبدالکریم بن طاوس روایت کرده از محمد بن علی شیبانی که
گفت من و پدرم و عمّ حسین به نحو پنهانی در شب رفتیم به زیارت قبر
امیرالمؤمنین علیه السلام و این در سال دویست و شصت و چیزی بود و من
کودکی صغیر بودم چون رسیدیم به نزد قبر آن حضرت دیدیم که آن قبر مطهر
دورش سنگهای سیاه گذاشته شده و بنائی ندارد پس ما نزدیک آن رفتیم بعضی
از ما شروع کرد به خواندن قرآن و بعضی دیگر مشغول به نماز شد و بعضی
مشغول به زیارت در این حال بودیم که ناگاه دیدیم شیری به جانب ما می‌آید
چون نزدیک ما آمد به فاصله یک نیزه ما از آن محلّ شریف دور شدیم آن
حیوان به نزدیک قبر رفت و شروع کرد به مالیدن ذراع خود بر قبر یکی از ما

نزدیک او رفت و مشاهده کرد او را شیر متعرض او نشد او برگشت و ما را به حال شیر خبر داد پس ترس از ما برطرف شد و همگی نزدیک او رفتیم و او را مشاهده کردیم دیدیم که در ذراع او جراحی است و آن دست مجروح را به قبر آن حضرت می‌مالید پس یک ساعت با این حال بود آنگاه برفت و ما دیگر باره به حال اوّل خود به نماز و زیارت و قرائت قرآن برگشتیم.

و شیخ مفید نقل کرده که روزی هارون الرشید به آهنگ شکار از کوفه بیرون رفت و به جانب غَرَّيْن و ثَوِيَّه توجّه نمود و در آنجا آهوئی دید فرمان داد تا بازهای شکاری و کِلَاب مَعْلَم را برای شکار آهوان رها کردند و بر آنها بتاختند آهوان که چنین دیدند فرار کرده به پشته‌ای پناه بردند و در آنجا بیمار شدند بازها در ناحیه‌ای بیفتادند و تازیها باز شدند و رشید از این مطلب در عجب شد دیگر باره آهوان از فراز پشته به نشیب آمدند بازها و تازیها آهنگ ایشان نمودند دیگر باره آهوان به آن پشته پناه بردند و جانوران شکاری از قصد ایشان برگشتند تا سه مرتبه کار بدینگونه رفت.

هارون سخت در عجب شد غلامان خود را امر کرد که تعجیل کنید و مردی را که از حال این مکان با خبر باشد بیاورید غلامان رفتند و از قبیله بنی‌اسد پیرمردی را حاضر کردند هارون از وی پرسید که حال این پُشته چیست و در این مکان چه کیفیت است گفت اگر مرا امان می‌دهی قصّه آن را به عرض می‌رسانم گفت با خدا عهد کردم که تو را اذیت نکنم و در امان باشی الحال آنچه دانی بگو گفت خبر داد مرا پدرم از پدران خود که می‌گفتند قبر مطهر

امیرالمؤمنین علیه السلام در این پشته واقعت و حق تعالی آن را حرم امن و امان خود قرار داده که هر چه به آن پناه ببرد در امان باشد.

فقیر گوید در امثال عربست که می‌گویند أَحْمَى مِنْ مُجَبِّرِ الْجَرَادِ یعنی فلانی حمایت کردنش از کسی که در پناه او است بیشتر از پناه دهنده ملخها است و قصه آن چنان است که مردی بادیه نشین از قبیله طَیّ که نامش مُدَلِّج بن سُوید بود روزی در خیمه خود نشسته بود دید جماعتی از طایفه طَیّ آمدند و جوال و ظرفهائی با خود دارند پرسید چه خبر است گفتند ملخهای بسیار در اطراف خیمه شما فرود آمده‌اند آمدیم آنها را بگیریم مُدَلِّج که این را شنید برخاست سوار اسب خود شد و نیزه خود را بر دست گرفت و گفت به خدا سوگند هر کس متعرض این ملخها شود من او را خواهم کشت اَیْکُونُ الْجَرَادُ فِی جَوَارِیِ ثُمَّ تُریدُونَ أَخَذَهُ آیا این ملخها در جوار و پناه من باشند و شما آنها را بگیرید چنین چیزی نخواهد شد پیوسته از آنها حمایت کرد تا آفتاب گرم شد ملخها پریدند و رفتند آن وقت گفت این ملخها از جوار من منتقل شدند دیگر خود دانید با آنها.

و صاحب قاموس گفته ذُوالْأَعْوَاد لقب شخصی خیلی عزیز بوده که بعضی گفته‌اند جَدَّ اکثم بن صیفی بوده طایفه مُضَرُّ هر سال خراجی به او می‌دادند و چون پیر شد او را بالای سریری می‌نشانیدند و در میان قبایل و میاه عرب برای جبایت خراج او را طواف می‌دادند و به حدّی عزیز و محترم بود که هر ترسانی خود را به سریر او می‌رسانید ایمن می‌گشت و هر ذلیل و خواری که به نزد

سریر او می آمد عزیز و ارجمند می گردید و هر گرسنه ای که به نزد او می رسید از گرسنگی می رهید انتهی.

پس هرگاه سریر یک مرد عربی به این مرتبه از عزت و رفعت رسد چه عجب دارد حق تعالی قبر ولی خود را که حامل سریرش جبرئیل و میکائیل و امام حسن و امام حسین علیهم السلام بوده اند معقل خائفین و ملجأ هاربین و فریادرس بیچارگان و شفاء دردمندان قرار داده باشد پس در هر کجا باشی خود را به او برسان و تا ممکن شود خود را به او بچسبان و الحاح کن تا به فریاد تو برسد و تو را از هلاکت دنیا و آخرت نجات دهد.

لُذِّ اِلَى جُودِهِ تَجِدُهُ زَعِيماً

بِنَجَاةِ الْعَصَا يَوْمَ لِقَاهَا

پناه بچودش بیر که می یابی او را کفیلی

برای نجات گنهکار در روز رستاخیز

عَائِدٌ لِّلْمُؤْمَلِينَ مُجِيبٌ

سَامِعٌ مَا تُسِرُّ مِنْ نَجْوِيهَا

آرزو دهنده آرزومندان و اجابت کننده

و شنواست آنچه را پنهان کنی از سخنان سری

در دارالسلام از شیخ دیلمی نقل شده که روایت کردند جماعتی از صلحاء نجف اشرف که کسی در خواب دید که از قبری که در آن مشهد شریف و بیرون آن است ریسمانی کشیده شده متصل به قبّه شریفه حضرت حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه پس آن شخص انشاد کرد:

إِذَا مِتُّ فَأَذْفِنِي إِلَى جَنْبِ حَيْدَرٍ

أَبِي شَبْرٍ أَكْرَمٍ بِهِ وَشُبَيْرٍ

هنگامی که مرگم فرا رسید مرا در کنار حیدر دفن کن

که پدر ارجمند شبیر و شبیر (حسن و حسین) است

فَلَسْتُ أَخَافُ النَّارَ عِنْدَ جَوَارِهِ

وَلَا اتَّقَى مِنْ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ

چونکه من در جوار او ترسی از آتش ندارم

و باکی از سؤال نکیر و منکر ندارم

فَعَارُ عَلِيَّ حَامِي الْحِمَى وَهُوَ فِي الْحِمَى

إِذَا ضَلَّ فِي الْبَيْدَاءِ عِقَالُ بَعِيرٍ

برای حمایت کننده قرقگاه ننگ است که در

حوزه حمایتش حتی افسار شتری گم شود

مطلب دویم در کیفیت زیارت آن حضرت است

بدانکه زیارات منقوله برای آن حضرت بر دو قسم است یکی مُطْلَقَه که مُقَيَّدَ به

وقتی از اوقات نیست و دیگر مخصوصه که عکس آنست و این زیارات در

ضمن دو مقصد بیان می شود مقصد اول در زیارات مُطْلَقَه است و آنها بسیار

است و ما اکتفا می کنیم در اینجا به ذکر چند زیارت اول زیارتی است که شیخ

مفید و شهید و سید بن طاوس و دیگران ذکر کرده اند و کیفیت آن چنان است

که هرگاه اراده زیارت نمائی غسل کن و دو جامه پاک بپوش و به چیزی از

بوی خوش خود را خوشبو کن و اگر نیابی و نکنی نیز مجزی است و چون از

خانه بیرون آمدی بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ مَنْزِلِي أَبْغِي فَضْلَكَ، وَأَزُورُ وَصِيَّ نَبِيِّكَ

خدایا من از خانه‌ام بیرون آمده و جویای فضل توأم و قاصد زیارت وصی پیامبرت

سَلَوْتُكَ عَلَيْهِمَا، اللَّهُمَّ فَيَسِّرْ ذَلِكَ لِي، وَسَبِّبِ الْمَزَارَ لَهُ وَاخْلُقْنِي

- که درودهای تو بر هر دوشان - باد هستم خدایا پس آسان گردان برای من آن را و فراهم کن اسباب زیارتش را

فِي عَاقِبَتِي وَحَزَانَتِي بِأَحْسَنِ الْخِلَافَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پَسِ رَوَانَهُ شَوْ

و جانشینم باش در انجام کارم و کسانم به بهترین جانشینی ای مهربانترین مهربانان * * * * *

درحالی که زبانت گویا باشد به ذکر: **الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و

* * * * * ستایش خدای را است و منزه است خدا و معبودی نیست جز خدا

چون رسیدی به خندق کوفه بایست و بگو: **اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ**، **أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ**

* * * * * خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است که شایسته بزرگی و مجد

وَالْمَجْدِ وَالْعِظَمَةِ، اللَّهُ أَكْبَرُ أَهْلَ التَّكْبِيرِ وَالتَّقْدِيسِ وَالتَّسْبِيحِ وَالْأَلَاءِ، اللَّهُ أَكْبَرُ

و عظمت است خدا بزرگتر است که شایسته بزرگ شمردن و تقدیس و تنزیه و نعمتها است خدا بزرگتر است

مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عِمَادِي وَعَلَيْهِ اتَوَكَّلُ، اللَّهُ أَكْبَرُ رَجَائِي

از آنچه می ترسم و بیم دارم خدا بزرگتر است که تکیه گاه من است و توکل بر او کنم خدا بزرگتر است که امید من

وَالِيهِ أُنِيبُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي، وَالْقَادِرُ عَلَى طَلِبَتِي تَعْلَمُ

است و بسویش باز گردم خدایا تو ولی نعمت منی و توانای بر انجام خواسته‌ام هستی می دانی

حَاجَتِي، وَمَا تُضَمِّرُهُ هَوَاجِسُ الصُّدُورِ، وَخَوَاطِرُ النُّفُوسِ، فَاسْتَلِكْ

حاجتم را و آنچه را پنهان کند تشویشهای دلها و خاطرات نفوس پس از تو خواهم

بِمُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى الَّذِي قَطَعْتَ بِهِ حُجَجَ الْمُحْتَجِّينَ، وَعَذْرُ

به محمد مصطفی که قطع کردی بوسیله او دلیلهای دلیل تراشان و عذر

الْمُعْذِرِينَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، أَنْ لَا تَحْرِمَنِي ثَوَابَ زِيَارَةِ

عذرخواهان را و او را برای جهانیان رحمت قرار دادی که محروم نکنی از ثواب زیارت

وَلِيِّكَ، وَآخِي نَبِيِّكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَصْدَهُ، وَتَجْعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ

ولی خود و برادر پیامبرت امیر مؤمنان و توجه بسویش و قرار دهی مرا از واردین

الصَّالِحِينَ وَشَيْعَتِهِ الْمُتَّقِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَچون نمودار

شایسته و شیعیان پرهیزکارش به مهرت ای مهربانترین مهربانان * * * * *

شود برای تو قُبّه شریفه آن حضرت بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی مَا اَخْتَصَّنٰی بِهِ مِنْ

* * * * * ستایش خدای را که مخصوصم داشت

طِيبِ الْمَوَالِدِ، وَاسْتَخْلَصَنِي اِكْرَامًا بِهِ مِنْ مُوَالَاةِ الْاَبْرَارِ، السَّفَرَةَ

به پاکی ولادت و برگزیدم از روی اکرام بدوستی نیکان و سفیران

الْاَطْهَارِ وَالْخَيْرَةِ الْاَعْلَامِ، اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ سَعْيِي اِلَيْكَ، وَنَضْرَعِي بَيْنَ

پاک و برگزیدگان نمونه خدایا پس بپذیر کوششم را بسویت و زاریم را پیش

يَدَيْكَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي لَا تَخْفَى عَلَيْكَ، اِنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْمَلِكُ الْغَفَّارُ.

درگاهت و بیامرز گناهانم را که بر تو پوشیده نیست که براستی تویی خدای فرمانروای آمرزش پیشه

* مؤلف گوید: که چون در وقت دیدن قُبّه منوره یک حال نشاط و شوقی

برای زائر روی می دهد که میل دارد در آن وقت تمام توجه خود را به آن جناب

نماید و به هر لسانی و بیانی که تواند مدح و ثنای آن بزرگوار گوید خصوص

زائران اهل علم و کمال باشد دوست می دارد که اگر شعر بلیغی در نظر

داشته باشد در آن حال به آن تَمَثَّلُ جُوید

لذبا خاطر مرسید که این چند شعر از قصیده هائیه اُزْرِيّه که مناسب این مقام است

ذکر نمایم و رجاء واثق که سلامی از جانب این صاحب صحیفه سُوداء به آن

صاحب قُبّه بیضاء بنماید و از دُعای خیر فراموشم نفرماید وَالْاَشْعَارُ هَذِهِ:

اَيُّهَا الرَّاَكِبُ الْمَجِدُّ رُوَيْدًا

بِقُلُوبٍ تَقَلَّبَتْ فِي جَوَاهَا

ای سوار تندرو مهلتی ده

بر دلهایی که زیر و رو شوند در سوز و گدازش

إِنْ تَرَأْتِ أَرْضَ الْغَرِيِّنَ فَاخْضَعِ

وَاخْلَعْ النَّعْلَ دُونَ وَادِي طُؤَاهَا

چون نمایان گشت سرزمین نجف خضوع کن

و کفش را در بیرون دروازه شهر از پای بیرون آر

وَإِذَا شِمْتَ قُبَّةَ الْعَالَمِ

الْأَعْلَى وَانْوَارُ رَبِّهَا تَغْشَاهَا

و چون چشمت به گنبد عالم

اعلی افتاد که انوار پروردگارش پوشانده

فَتَوَاضَعْ فَتَمَّ دَارَهُ قُدْسٍ

تَتَمَنَّى الْأَفْلَاكُ لَكُمْ ثَرَاهَا

فروتنی کن که آنجا خانه قدسی است

که افلاک آرزوی بوسیدن خاکش را کنند

قُلْ لَهُ وَالِدُمُوعٌ سَفْحٌ عَقِيقٍ

وَالْحَشَا تَصْطَلِي بِنَارِ غَضَاهَا

به او بگو با دیده خونبار چون عقیق سرخ

و با دلی سوزان به آتش فروزانش

يَا بْنَ عَمِّ النَّبِيِّ أَنْتَ يَدُ اللَّهِ

الَّتِي عَمَّ كُلَّ شَيْءٍ نَدَاهَا

ای پسر عموی پیغمبر توئی دست خدا

که فرا گرفته سخایش همه چیز را

أَنْتَ قُرْآنُهُ الْقَدِيمُ وَأَوْصَافُهُ

ک- آیاتُهُ الَّتِي أَوْحَاهَا

توئی قرآن قدیم حق و صفات تو
آیه‌های آن قرآن است که وحی کرد آن را
خَصَّكَ اللَّهُ فِي مَائِرَ شَتَّى

هِيَ مِثْلُ الْأَعْدَادِ لَا تَتَنَاهَى

ویژه‌ات داشت خدا به افتخارات گوناگونی
که مانند اعداد بی‌پایان است

لَيْتَ عَيْنًا بَعِيرٍ رَوْضِكَ تَرَعَى

قَدَيْتُ وَأَسْتَمِرَّ فِيهَا قَذَاهَا

ای کاش چشمی که در غیر بوستان تو بچرد
پراز خاشاک شود و این خاشاک همچنان در آن بماند

أَنْتَ بَعْدَ النَّبِيِّ خَيْرُ الْبَرِيَا

وَالسَّمَا خَيْرٌ مَا بِهَا قَمَرَاهَا

تو بعد از پیغمبر بهترین مردمی
چنانچه در آسمان بهترین اختران مهر و ماه‌اند

لَكَ ذَاتٌ كَذَاتِهِ حَيْثُ لَوْلَا

أَنَّهَا مِثْلُهَا لَمَا آخَاهَا

ذات تو چون ذات پیمبر است و اگر چنین
نبود هرگز تو را به برادری خویش نمی‌گرفت

قَدْ تَرَاضَعْتُمَا بِتَدْيٍ وَصَالٍ

كَانَ مِنْ جَوْهَرِ التَّجَلَّى غِذَاهَا

هر دوی شما از پستان وصالی شیر خورده‌اید
که غذای آن از گوهر تجلی حق بود

يَا أَخَا الْمُصْطَفَى لَدَى ذُنُوبٍ

چون به درگاه اول برسی بگو: اللَّهُمَّ لِيَابَاكَ وَقَفْتُ، وَبِفِنَائِكَ نَزَلْتُ، وَبِحَبْلِكَ

***** خدایا به در خانه تو ایستادم و به آستانت فرود آمدم و به ریسمان تو

اغْتَصَمْتُ، وَلِرَحْمَتِكَ تَعَرَّضْتُ، وَبِوَلِيَّتِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ تَوَسَّلْتُ،

جنگ زدم و خود را در مهر تو قرار دادم و به نماینده تو - که درودهای تو بر او باد - توسل جستم

فَاجْعَلْهَا زِيَارَةً مَقْبُولَةً، وَدُعَاءً مُسْتَجَابًا پس چون به در صحن برسی بگو:

پس آن را بگردان زیارتی پذیرفته و دعائی اجابت شده *****

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْحَرَمَ حَرَمُكَ، وَالْمَقَامَ مَقَامُكَ، وَأَنَا دَخَلُ إِلَيْهِ أَنَا جِيكَ

خدایا این حرم حرم تو است و این مقام مقام تو است و من داخل آن گردم و با تو راز گویم

بِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، وَمِنْ سِرِّي وَتَجَوَّايَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَنَّانِ الْمُنَّانِ،

بدانچه تو بدان از من داناتری و هم از درون من و از راز من آگاهی ستایش خاص خدای پر نعمت و پر منت

الْمُتَطَوِّلِ الَّذِي مِنْ تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لِي زِيَارَةَ مَوْلَايَ بِإِحْسَانِهِ، وَلَمْ

و پربخششی است که از بخشش او است که آسان کرد برای من زیارت مولایم را به احسانش و چنانم

يَجْعَلُنِي عَنْ زِيَارَتِهِ مَمْنُوعًا، وَلَا عَنْ وَايَتِهِ مَدْفُوعًا، بَلْ تَطَوَّلَ

نکرد که از زیارتش ممنوع باشم و نه از ولایتش برکنار بلکه بخشش کرد

وَمَنْحَ، اللَّهُمَّ كَمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِ، فَاجْعَلْنِي مِنْ شَيْعَتِهِ، وَأَدْخِلْنِي

و احسان فرمود خدایا چنانچه بر من بوسیله معرفتش منت نهادی پس مرا از شیعیانش قرار ده

الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ پس داخل صحن شو و بگو: الْحَمْدُ لِلَّهِ

و بوسیله شفاعتش داخل بهشتم گردان ای مهربانترین مهربانان ***** ستایش خدائی را

الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِهِ وَمَعْرِفَةِ رَسُولِهِ، وَمَنْ فَرَضَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ،

که گرامی داشت مرا بوسیله شناختن او و شناختن پیامبرش و آن کس که اطاعتش را بر من واجب فرمود

رَحْمَةً مِنْهُ لِي، وَتَطَوُّلاً مِنْهُ عَلَيَّ، وَمَنْ عَلَيَّ بِالْإِيمَانِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

از روی مهری که به من داشت و بخششی که به من فرمود و منت نهاد بر من به ایمان، ستایش خدائی را

الَّذِي أَدْخَلَنِي حَرَمَ أَحَى رَسُولِهِ، وَأَرَانِيهِ فِي عَافِيَةٍ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

که وارد کرد مرا به حرم برادر رسولش و در حال تندرستی آن را نشان من داد ستایش خدائی را که مرا

جَعَلَنِي مِنْ زُورِ قَبْرِ وَصِيِّ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدَّهُ لَا

از زائران قبر وصی رسولش قرار داد گواهی دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که

شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ،

شریک ندارد و گواهی دهم که محمد بنده و رسول او است که بحق از نزد خدا آمده

وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا عَبْدُ اللَّهِ، وَأَخُو رَسُولِ اللَّهِ، اللَّهُ أَكْبَرُ. اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا

و گواهی دهم که علی بنده خدا و برادر رسول او است، خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هِدَايَتِهِ، وَتَوْفِيقِهِ لِمَا دَعَا إِلَيْهِ

معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است و ستایش خدای را بر راهنمایش و توفیقش به راهی که بدان (مردم را)

مِنْ سَبِيلِهِ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَفْضَلُ مَقْصُودٍ، وَأَكْرَمُ مَا تَبِي، وَقَدْ آتَيْتَكَ

خوانده است خدایا براستی تو بهترین مقصود و گرامی‌ترین کسی هستی که نزدت آیند و اینک به درگاهت آمده

مُتَقَرِّبًا إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَبِأَخِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ

و تقرب جویم بسویت بوسیله پیامبرت پیامبر رحمت و به برادرش امیر مؤمنان علی بن

أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تُخَيِّبْ

ابیطالب علیهما السلام پس درود فرست بر محمد و آل محمد و نوید مکن

سَعْيِي، وَأَنْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ تَنْعَشُنِي بِهَا، وَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا

کوششم را و بنگر به من به نگاهی مهربانانه که نجات و سربلندیم بخشی بدان و قرارم ده در پیش خود آبرمند

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ. * و چون به در رواق برسی بایست و بگو:

در دنیا و آخرت و هم از مقربان * * * * *

السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ أَمِينِ اللَّهِ عَلَيَّ وَحِيهِ، وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، الْخَاتِمِ

سلام بر رسول خدا امین خدا بر وحیش و بر دستورات حتمی‌اش ختم کننده

لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَالْمُهَيِّمِ عَلَيَّ ذَلِكَ كُلَّهُ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ

آنچه گذشته و گشاینده آنچه پس از این آید و نگهبان بر همه آنها (سلام و) رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ السَّكِينَةِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَدْفُونِ

و برکاتش (بر او باد) سلام بر دارنده آرامش مخصوص حق سلام بر آنکه

بِالْمَدِينَةِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ، السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْقَاسِمِ

در مدینه مدفون است سلام بر آن یاری شده و تأیید شده حق سلام بر ابوالقاسم

مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. پس داخل رواق شو و در وقت داخل

محمد بن عبدالله و رحمت خدا و برکاتش * * * * *

شدن پای راست را مقدم دار و بایست بر در حرم و بگو: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

* * * * * گواهی دهم که معبودی نیست جز

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ

خدای یگانه ای که شریک ندارد و گواهی دهم که محمد بنده و رسول او است که بحق از نزد

عِنْدِهِ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

او آمده و رسولان را تصدیق فرمود سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو

يَا حَبِيبَ اللَّهِ وَخَيْرَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِ اللَّهِ

ای حبیب خدا و برگزیده‌اش از خلق او سلام بر امیر مؤمنان بنده خدا

وَأَخِي رَسُولِ اللَّهِ، يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَبْدَكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ

و برادر رسول خدا ای مولای من ای امیر مؤمنان بنده تو و پسر بنده تو

وَأَبْنُ أُمَّتِكَ، جَاءَكَ مُسْتَجِيرًا بِذِمَّتِكَ، قَاصِدًا إِلَى حَرَمِكَ مُتَوَجِّهًا إِلَى

و فرزند کنیز تو به نزدت آمده پناه جویم به عهده و ذمه تو قاصدم حرمت را و به

مَقَامِكَ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ، ءَأَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ، ءَأَدْخُلُ يَا أَمِيرَ

مقامت توجه کرده‌ام و به درگاه خدای تعالی بوسیله تو توسل جسته‌ام آیا داخل شوم ای مولای من آیا داخل شوم ای

الْمُؤْمِنِينَ، ءَأَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا أَمِينَ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ

امیر مؤمنان آیا داخل شوم ای حجت خدا آیا داخل شوم ای امین خدا آیا داخل شوم ای فرشتگان

اللَّهِ. الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ يَا مَوْلَايَ، أَتَأْذَنُ لِي بِالِدُخُولِ، أَفْضَلَ

خدا که در این زیارتگاه مقیم هستید ای مولای من آیا اذن دخول می‌دهی به بهترین

مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ لَهُ أَهْلًا، فَانْتَ أَهْلٌ لِدَلِكِ.

اذنی که به یکی از دوستانت داده‌ای؟ که اگر من شایسته آن نیستم تو شایسته آنی

پس عتبه را ببوس و مقدم دار پای راست را پیش از پای چپ و داخل شو و در

حال داخل شدن بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

به نام خدا و (توکل) به خدا و در راه خدا و بر کیش رسول خدا - درود خدا بر او

وَإِلَيْهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

و آتش - خدایا بیامرز مرا و به من رحم کن و توبه‌ام بپذیر که براستی تویی توبه‌پذیر مهربان

پس برو تا محاذی قبر مطهر شوی و توقف نما پیش از رسیدن به قبر و رو به

قبر کن و بگو:

السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، أَمِينِ اللَّهِ عَلَى وَحْيِهِ

سلام از خدا بر محمد رسول خدا که امین او است بر وحیش

وَرِسَالَاتِهِ، وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، وَمَعْدِنِ الْوَحْيِ وَالتَّنْزِيلِ، الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ،

و پیغامهایش و دستورات حتمیش آن کان وحی و تنزیل که ختم کننده آنچه گذشته

وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَالْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ الشَّاهِدِ عَلَى الْخَلْقِ،

و گشاینده است آنچه را پس از این آید و نگهبان بر همه آنها است گواه بر خلق،

السَّرَّاجِ الْمُنِيرِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

چراغ تابان و سلام بر او و رحمت خدا و برکاتش خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْمَظْلُومِينَ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَرْفَعَ، وَأَشْرَفَ مَا

محمد و خاندان مظلومش بهترین و کاملترین و برترین و شریفترین درودی که

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيَائِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

بفرستی بر یکی از پیمبران و رسولان و برگزیدگان خدایا درود فرست بر

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ، وَخَيْرِ خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ، وَأَخِي رَسُولِكَ

امیر مؤمنان بندهات و بهترین خلق تو پس از پیامبرت و برادر رسول تو

وَوَصِيِّ حَبِيبِكَ، الَّذِي أَنْتَجَبْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلِ عَلَيَّ مِنْ بَعْتَتِهِ

و وصی حبیبیت آنکس که او را از خلق خود برگزیدی و دلیل بود بر آن کس که

بِرِسَالَاتِكَ، وَدَيَّانِ الدِّينِ بَعْدِكَ، وَقَصَلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ،

به رسالتهایت برانگیختی و حاکم در دین از روی عدل و جدا کن حکم تو در میان آفریدگانت

وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الْأُتَمَّةِ مِنْ

و سلام بر او و رحمت خدا و برکاتش خدایا درود فرست بر پیشوایان از

وَأَوْلَادِهِ، الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِكَ مِنْ بَعْدِهِ، الْمُطَهَّرِينَ الَّذِينَ أَرْضَيْتَهُمْ أَنْصَاراً

فرزندانش قیام کنندگان به فرمان خدا پس از رسول تو آن پاکانی که پسندیدی آنها را برای باری

لِدِينِكَ، وَحَفَظَةَ لِسِرِّكَ، وَشُهَدَاءَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، وَأَعْلَاماً لِعِبَادِكَ،

دینت و برای نگهبانی رازت و گواهان بر آفریدگانت و نشانه‌هایی برای بندگانت

صَلَّوْا تُكَّ عَلَيْنِهِمْ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ

درودهای تو بر ایشان همگی سلام بر امیر مؤمنان علی بن

أَبِيطَالِبٍ، وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ وَخَلِيفَتِهِ، وَالْقَائِمِ بِأَمْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ، سَيِّدِ

ابیطالب و وصی رسول خدا و جانشینش و قیام کننده به فرمان او پس از پیامبر و سید

الْوَصِيِّينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ،

اوصیاء و رحمت خدا و برکاتش سلام بر فاطمه دختر رسول خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْحَسَنِ

صلی الله علیه و آله بانوی زنان جهانیان سلام بر حسن

وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ

و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت از همه خلق سلام بر

الْأُتَمَّةِ الرَّاشِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ

امامان راه یافته سلام بر پیمبران و رسولان سلام بر

الْأئِمَّةَ الْمُسْتَوْدَعِينَ، السَّلَامُ عَلَى خَاصَّةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَى

پیشوایانی که سپرده شدگان (اسرار نبوت) هستند سلام بر خاصان خدا از آفریدگانش سلام بر

الْمُتَوَسِّمِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا بِأَمْرِهِ، وَوَارِزُوا

دقیق نظران نکته‌سنج سلام بر آن مردان با ایمانی که قیام کردند به فرمان او و پشتیبانی کردند

أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، وَخَافُوا بِخَوْفِهِمُ السَّلَامُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، السَّلَامُ

از اولیاء خدا و با ترس آنها آنان نیز ترسیدند سلام بر فرشتگان مقرب حق سلام

عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

بر ما و بر بندگان شایسته خدا

پس برو تا بایستی نزدیک قبر و رو به قبر و پشت به قبله کن و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ

سلام بر تو ای امیر مؤمنان سلام بر تو ای حبیب

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ

خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو ای ولی خدا سلام

عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای پیشوای هدایت سلام بر تو ای

عَلَّمَ التَّقَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْوَفِيُّ،

نشانه پرهیزکاری سلام بر تو ای وصی نیکوکار پرهیزکار و پاکیزه با وفا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ

سلام بر تو ای پدر بزرگوار حسن و حسین سلام بر تو ای ستون

الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، وَأَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَدَيَانَ

دین سلام بر تو ای آقای اوصیاء و امانتدار پروردگار جهانیان و حکومت کننده

يَوْمِ الدِّينِ، وَخَيْرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ الصِّدِّيقِينَ، وَالصَّفْوَةَ مِنْ سُلَالَةِ

در روز جزا (به اذن خدا) و بهترین مؤمنان و آقای صدیقین و برگزیده از نژاد

النَّبِيِّنَ، وَبَابَ حِكْمَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَخَازِنَ وَحْيِهِ، وَعَيْبَةَ عِلْمِهِ،

پیمبران و درب حکمت پروردگار جهانیان و خزینه‌دار وحی او و گنجینه دانشش

وَالنَّاصِحَ لِأُمَّةٍ نَبِيِّهِ، وَالتَّالِيَ لِرَسُولِهِ، وَالْمُوَاسِي لَهُ بِنَفْسِهِ، وَالتَّنَاطِقَ

و خیرخواه امت پیامبرش و پیرو رسولش و کسی که جانش را برای او به کف گرفت و گویای

بِحُجَّتِهِ، وَالدَّاعِيَ إِلَى شَرِيعَتِهِ، وَالْمَاضِيَ عَلَى سُنَّتِهِ، اَللّهُمَّ اِنِّي

به حجش و دعوت کننده به شریعتش و رونده بر طریقه و روش او خدایا من

أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنْ رَسُولِكَ مَا حُمِّلَ، وَرَعَى مَا اسْتَحْفِظَ، وَحَفِظَ مَا

گواهی دهم که آنچه بر عهده داشت از جانب رسول تو همه را رساند و نگهداری کرد آنچه از او خواسته شده بود

اسْتَوْدِعَ، وَحَلَّلَ حَلَالِكَ، وَحَرَّمَ حَرَامَكَ، وَأَقَامَ أَحْكَامَكَ، وَجَاهَدَ

و حفظ کرد آنچه به او سپرده شده بود و حلال کرد حلال تو را و حرام کرد حرام تو را و برپا داشت احکامت را و

پیکار کرد

التَّائِكِينَ فِي سَبِيلِكَ وَالْقَاسِطِينَ فِي حُكْمِكَ، وَالْمَارِقِينَ عَنْ أَمْرِكَ،

با پیمان شکنان (اصحاب جمل) در راهت و با زور گویان در حکمت (معاویه و همدستانش) و با بیرون رفتگان از دین

صَابِرًا مُحْتَسِبًا، لَا تَأْخُذُهُ فِيكَ لَوْمَةٌ لَّائِمٍ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا

تو (خوارج) بردبارانه و پاداش جویانه و در راه تو باکی از سرزنش مردم نداشت خدایا درود فرست بر او بهترین

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ وَأَصْفِيَاءِكَ وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ، اَللّهُمَّ

درودی که بفرستی بر یکی از اولیاء و برگزیدگان و اوصیاء پیمبرانت خدایا

هَذَا قَبْرُ وَوَلِيِّكَ، الَذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَجَعَلْتَ فِي أَغْنَاقِ عِبَادِكَ

این قبر ولی تو است که اطاعتش را واجب فرمودی و بیعتش را در گردن بندگانت قرار دادی

مُبَايَعَتَهُ، وَخَلِيفَتِكَ الَذِي بِهِ تَأْخُذُ وَتُعْطَى، وَبِهِ تُثِيبُ وَتُعَاقِبُ، وَقَدْ

و خلیفه‌ات که بوسیله او بگیری و بدهی و به او پاداش نیک یا کیفر دهی و من

قَصَدْتُهُ طَمَعًا لِمَا أَعْدَدْتَهُ لِأَوْلِيَاءِكَ، فَبِعَظِيمِ قَدْرِهِ عِنْدَكَ، وَجَلِيلِ

آهنگ او کرده‌ام به طمع آنچه آماده کرده‌ای برای دوستانت پس سوگند به آن مرتبه بزرگی که نزد تو دارد و آن موقعیت

خَطَرِهِ لَدَيْكَ، وَقُرْبَ مَنْزِلَتِهِ مِنْكَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

شایانی که در پیش تو دارد و منزلت نزدیکش درود فرست بر محمد و آل محمد

وَأَفْعَلُ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ أَهْلُ الْكِرَامِ وَالْجُودِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

و انجام ده با من آنچه را تو شایسته آنی که براستی تو اهل بزرگواری و بخششی و سلام بر تو ای

مَوْلَايَ، وَعَلَى ضَجِيعِيكَ آدَمَ وَنُوحَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. پس ضریح را

مولای من و بر دو آرمیده در کنارت آدم و نوح و رحمت خدا و برکاتش * * * * *

بیوس و در جانب سر بایست و بگو: يَا مَوْلَايَ إِلَيْكَ وَفُودِي، وَبِكَ أَتَوَسَّلُ إِلَيَّ

* * * * * ای مولای من ورودم بر تو است و بوسیله تو توسل جویم به درگاه

رَبِّي فِي بُلُوغِ مَقْصُودِي وَأَشْهَدُ أَنَّ الْمُتَوَسَّلَ بِكَ غَيْرُ خَائِبٍ،

پروردگارم در رسیدن به مقصود خویش و گواهی دهم که هر کس به تو توسل جوید نومید نشود

وَالطَّالِبَ بِكَ عَنْ مَعْرِفَةٍ غَيْرِ مَرْدُودٍ، إِلَّا بِقَضَاءِ حَوَائِجِهِ، فَكُنْ لِي

و جوینده به توسط تو از روی معرفت باز نگردد جز با حاجات برآورده شده پس تو

شَفِيعاً إِلَيَّ اللَّهُ رَبِّكَ وَرَبِّي فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي، وَتَيْسِيرِ أُمُورِي،

شفیع من شو به درگاه خدا پروردگار تو و پروردگار من در برآمدن حاجت‌هایم و آسان شدن کارهایم

وَكَشْفِ شِدَّتِي، وَغُفْرَانِ ذَنْبِي، وَسَعَةِ رِزْقِي، وَتَطْوِيلِ عُمُرِي،

و برطرف شدن سختیم و آمرزش گناهم و فراخی روزیم و درازی عمرم

وَإِعْطَاءِ سُؤْلِي فِي آخِرَتِي وَدُنْيَايَ، اللَّهُمَّ أَلْعَن قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

و دادن خواسته‌ام در آخرتم و در دنیایم خدایا لعنت فرست بر کشتندگان امیر مؤمنان

اللَّهُمَّ أَلْعَن قَتْلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، اللَّهُمَّ أَلْعَن قَتْلَةَ الْأَئِمَّةِ،

خدایا لعنت فرست بر کُشندگان حسن و حسین خدایا لعنت فرست بر کشتندگان امامان

وَعَذَابُهُمْ عَذَاباً أَلِيماً لَا تُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، عَذَاباً كَثِيراً لَا

و عذابشان کن به عذابی دردناک که تاکنون کسی از جهانیان را بدان عذاب نکرده باشی عذابی بسیار

انْقِطَاعَ لَهُ، وَلَا أَجَلَ وَلَا أَمَدَ بِمَا شَأَقُوا وِلَاةَ أَمْرِكَ، وَأَعِدَّ لَهُمْ عَذَاباً

که بریده نشود و پایان و مدت نداشته باشد به سزای آن دشمنیهائی که با کاردارانت کردند و برای آنها عذابی

لَمْ تُحَلِّهِ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ وَأَدْخِلْ عَلَيَّ قَتْلَةَ أَنْصَارِ رَسُولِكَ،

مهیا گردان که به هیچ یک از خلق خود وارد نکرده باشی خدایا و وارد کن بر کُشندگان یاران رسول

وَعَلَى قَتْلَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَلَى قَتْلَةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلَى

و بر کُشندگان امیر مؤمنان و بر کُشندگان حسن و حسین و بر

قَتْلَةِ أَنْصَارِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَقَتْلَةِ مَنْ قُتِلَ فِي وَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ

کُشندگان یاران حسن و حسین و کُشندگان هرکس که در راه دوستی آل محمد کشته شده است

أَجْمَعِينَ، عَذَاباً أَلِيماً مُضَاعَفًا فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، لَا يُخَفَّفُ

عذابی دردناک و دو چندان در پائین ترین طبقه جهنم که تخفیف پیدا نکند

عَنْهُمْ الْعَذَابُ، وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ مَلْعُونُونَ نَاكِسُوا رُؤْسِهِمْ عِنْدَ

از آنها عذاب و در آنجا سخت غمزده باشند و مورد لعن قرار گرفته و سر به زیر در پیشگاه

رَبِّهِمْ، قَدْ عَايَنُوا النَّدَامَةَ وَالْخِزْيَ الطَّوِيلَ لِقَتْلِهِمْ عِتْرَةَ أَنْبِيَائِكَ

پروردگارشان که ببینند به عیان پشیمانی و رسوائی طولانی را به کیفر اینکه کشتند خاندان پیامبران

وَرُسُلِكَ، وَاتَّبَاعَهُمْ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ فِي مُسْتَسِرٍّ

و رسولان تو و پیروانشان را از بندگان شایستهات خدایا لعنتشان کن در نهاترین

السِّرِّ وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي قَدَمَ

نهان و آشکار عیان در زمین و در آسمان خدایا قرار ده برای من گامی

صِدْقٍ فِي أَوْلِيَاءِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ وَمُسْتَقَرَّهُمْ، حَتَّى

از روی صدق و راستی درباره دوستانت و دوست گردان پیش من زیارتگاه و جایگاهشان را تا آنگاه

تَلْحِقَنِي بِهِمْ، وَتَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

که مرا بدیشان ملحق گردانی و پیرو ایشانم کنی در دنیا و آخرت ای مهربانترین مهربانان

پس ضریح را ببوس و پشت به قبله بایست و رو به جانب قبر امام

حسین علیه السلام کن و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

* سلام بر تو ای اباعبدالله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا

رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ

سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان سلام بر تو ای پسر فاطمه

الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْأَيْمَةِ الْهَادِينَ

زهرا بانوی زنان جهانیان سلام بر تو ای پدر امامان راهنمای

الْمُهَدَّيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَرِيحَ الدَّمْعَةِ السَّائِكَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

راه یافته سلام بر تو ای کشته اشکریزان سلام بر تو ای

صَاحِبَ الْمُصِيبَةِ الرَّائِبَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ، السَّلَامُ

صاحب مصیبت پیایی و همیشگی سلام بر تو و بر جدت و پدرت سلام

عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَّكَ وَأَخِيكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَيْمَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ

بر تو و بر مادرت و برادرت سلام بر تو و بر امامان از فرزندان

وَبَنِيكَ، أَشْهَدُ لَقَدْ طَيَّبَ اللَّهُ بِكَ التُّرَابَ، وَأَوْضَحَ بِكَ الْكِتَابَ، وَجَعَلَكَ

و پسرانت گواهی دهم که راستی خدا خاک (بی‌ارزش) را بوسیله تو خوشبو کرد و (حقایق) قرآن را به تو واضح کرد و

قرار داد

وَأَبَاكَ، وَجَدَّكَ وَأَخَاكَ، وَبَنِيكَ عِبْرَةً لِأُولَى الْأَلْبَابِ، يَا بَنَ الْأَيْمَامِينَ

تو را و پدرت و جدت و برادرت و فرزندان را مایه عبرت و پندی برای صاحبان خرد ای فرزند مردان خجسته

الْأَطْيَابِ التَّلَايِنِ الْكِتَابِ، وَجَّهَتْ سَلَامِي إِلَيْكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ

و پاک و آن خوانندگان قرآن سلامم را بسوی تو متوجه کنم دروذهای خدا

وَسَلَامُهُ عَلَيْكَ، وَجَعَلَ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْكَ، مَا خَابَ مَنْ

و سلام او بر تو باد و قرار دهد دلهای مردم را هواخواه تو، نومید نشد آن کس که به تو

تَمَسَّكَ بِكَ، وَوَجَّأَ إِلَيْكَ. پس برو نزد پای قبر بایست و بگو: السَّلَامُ عَلَى أَبِي

تمسک گشت و به تو پناه آورد * * * * * سلام بر پدر

الْأَيْمَةَ، وَخَلِيلِ النَّبُوَّةِ، وَالْمَخْصُوصِ بِالْأُخُوَّةِ، السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ

امامان و خلیل نبوت و مخصوص به برادری (پیغمبر) سلام بر بزرگ

الدِّينِ وَالْإِيمَانِ، وَكَلِمَةِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى مِيزَانِ الْأَعْمَالِ،

دین و ایمان و کلمه خدای رحمان سلام بر میزان اعمال

وَمُقَلَّبِ الْأَحْوَالِ، وَسَيْفِ ذِي الْجَلَالِ، وَسَاقِي السُّلْسَبِيلِ الزَّلَالِ،

و زیر و رو کننده احوال و شمشیر خدای ذوالجلال و ساقی آب زلال سلسبیل

السَّلَامُ عَلَى صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَالْحَاكِمِ يَوْمَ

سلام بر شایسته مؤمنان و وارث دانش پیامبران و حکومت کننده در روز

الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَى شَجَرَةِ التَّقْوَى، وَسَامِعِ السِّرِّ وَالنَّجْوَى، السَّلَامُ

جزا سلام بر نهال کهنسال تقوا و پرهیزکاری و شنوای راز و سخنان پنهانی سلام

عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ الْبَالِغَةِ، وَيَعْمَتِهِ السَّابِغَةِ، وَيَقْمَتِهِ الدَّامِغَةِ، السَّلَامُ عَلَى

بر حجت رسای خدا و نعمت فراوانش و عذاب کوبنده اش سلام بر

الصِّرَاطِ الْوَاضِحِ، وَالنَّجْمِ اللَّائِحِ، وَالْإِمَامِ النَّاصِحِ، وَالزَّنَادِ الْقَادِحِ،

راه نمایان و اختر فروزان و پیشوای خیرخواه و مشعل تابان

وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، پَسِ بَكُو: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٍّ

و رحمت خدا و برکاتش بر او باد * * * * * خدایا درود فرست بر امیر مؤمنان علی

بْنِ أَبِيطَالِبٍ، أَخِي نَبِيِّكَ، وَوَلِيِّهِ وَنَاصِرِهِ، وَوَصِيِّهِ وَوَزِيرِهِ، وَمُسْتَوْدَعِ

بن ابیطالب برادر پیامبرت و ولی و یاور و وصی و وزیر و نگهدار

عِلْمِهِ، وَمَوْضِعِ سِرِّهِ، وَبَابِ حِكْمَتِهِ، وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ، وَالِدَاعِي إِلَى

دانشش و جایگاه رازش و درب حکمتش و گویای برهانش و خواننده بسوی

شَرِيْعَتِهِ، وَخَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ، وَمُفْرَجِ الْكُرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، قَاصِمِ الْكُفْرَةِ،

شریعتش و جانشین او در امتش و دور کننده اندوه از چهره اش شکننده (شوکت) کافران

وَمُرْغِمِ الْفَجْرَةِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى،

و به خاک مالنده (بینی) فاجران آن کس که منزلش را نسبت به پیامبرت منزلت هارون از موسی قرار دادی

اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالِاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَاَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ

خدایا دوست دار دوستدارش را و دشمن دار هر که دشمنش دارد و یاری کن هر که یاریش کند و خوار کن هر که

خَذَلَهُ، وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْاَوَّلِيْنَ وَالْاٰخِرِيْنَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ

دست از یاریش باز دارد و لعنت کن هر که در برابرش بایستد از اولین و آخرین و درود فرست بر او بهترین

مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَوْصِيَاءِ اَنْبِيَاءِكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ،

درودی را که بفرستی بر یکی از اوصیاء پیامبرانت ای پروردگار جهانیان

پس برگرد به جانب سر از برای زیارت حضرت آدم علیه السلام و نوح علیه

السلام و در زیارت آدم بگو:

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيْبَ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ

سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو ای حبیب خدا سلام بر تو ای پیامبر خدا

اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيْنَ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيْفَةَ اللّٰهِ فِيْ اَرْضِهِ،

سلام بر تو ای امانتدار خدا سلام بر تو ای خلیفه خدا در روی زمین

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا الْبَشَرِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلٰى رُوْحِكَ وَبَدَنِكَ،

سلام بر تو ای پدر افراد بشر سلام بر تو و بر روح و بدنت

وَعَلٰى الطّٰهَرِيْنَ مِنْ وُلْدِكَ وَذُرِّيَّتِكَ، وَصَلِّ اللّٰهُ عَلَيْكَ صَلٰوةً لَا

و بر پاکان از فرزندان و نژادت و درود خدا بر تو درودی که

يُخْصِيْهَا اِلَّا هُوَ، وَرَحْمَةً اللّٰهِ وَبَرَكَاتِهِ. و در زیارت نوح علیه السلام بگو: اَلسَّلَامُ

شماره اش نتواند جز او و رحمت خدا و برکاتش * * * * * سلام بر تو

عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ،

ای پیامبر خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو ای ولی خدا

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيْبَ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَيْخَ الْمُرْسَلِيْنَ، اَلسَّلَامُ

سلام بر تو ای حبیب خدا سلام بر تو ای بزرگ رسولان سلام

عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكَ، وَعَلَى

بر تو ای امانتدار خدا در زمین درودهای خدا و سلامش بر تو و بر

رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، وَعَلَى الطَّاهِرِينَ مِنْ وُدِّكَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

روح تو و بدنت و بر پاکان از فرزندان و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد

پس شش رکعت نماز بکن دو رکعت برای امیرالمؤمنین علیه السلام در رکعت

اول بعد از سوره فاتحة الكتاب سوره الرحمن بخوان و در رکعت دوم سوره

یس و بعد از نماز تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را بخوان و طلب

آمرزش از خدا بکن و از برای خود دعا کن و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ، هَدِيَّةً مِنِّي إِلَى سَيِّدِي

خدایا من خواندم این دو رکعت نماز را که هدیه‌ای باشد از من بسوی

وَمَوْلَايَ، وَلِيَّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ عَلِيَّ بْنَ

آقا و مولایم ولی تو و برادر رسولت امیر مؤمنان و آقای اوصیاء علی بن

أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

ابی طالب - که درودهای خدا بر او و بر آتش باد - خدایا پس درود فرست بر محمد و آل محمد

وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي، وَاجْزِنِي عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ، اللَّهُمَّ لَكَ

و بپذیر آن را از من و پاداشم ده بر آن به پاداش نیکو کاران خدایا من برای تو

صَلَّيْتُ وَلَكَ رَكَعَتٌ وَلَكَ سَجْدَةٌ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لِأَنَّكَ لَا

نماز خواندم و برای تو رکوع کردم و برای تو سجده کردم توئی که یگانه‌ای و شریک نداری زیرا که

تَكُونُ الصَّلَاةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ إِلَّا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

نماز و رکوع و سجود جز برای تو نیست زیرا توئی آن خدائی که معبودی جز

أَنْتَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْ مِنِّي زِيَارَتِي،

تو نیست خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بپذیر از من زیارتم را

وَاعْطِنِي سُوْلِي، بِمُحَمَّدٍ وَ إِلَهِ الطَّاهِرِينَ. و چهار رکعت دیگر را هدیه آدم علیه

و عطا کن به من خواسته‌ام را به حق محمد و خاندان پاکش * * * * *

السلام و نوح علیه السلام گردان پس سجده شکر بجا آور و در سجده بگو:

اللَّهُمَّ الْيَكَّ تَوَجَّهْتُ وَبِكَ اعْتَصَمْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتِي وَرَجَائِي،

خدایا به درگاه تو رو آوردم و به تو تمسک جستم و بر تو توکل کردم خدایا توئی اعتمادگاه و مایه امید من

فَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي وَمَا لَا يَهْمُنِي، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، عَزَّ جَارِكُ،

از من کفایت کن آنچه مرا به اندیشه خود فرو برده و آنچه که اندیشه مرا مشغول نکرده و آنچه را تو بدان داناتر از منی

وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَقَرِّبْ

پناهنده تو عزیز است و مدح و ثنایت والا است معبودی جز تو نیست درود فرست بر محمد و آل محمد و

فَرَجَهُمْ. پس جانب راست رو را بر زمین گذار و بگو: اِرْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ،

فرج آنان را نزدیک کن * * * * * رحم کن به خواری من در برابر

وَتَضَرَّعِي إِلَيْكَ، وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ، وَأُنْسِي بِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

و زاریم به درگاهت و به ترس و وحشتم از مردم و انس به تو ای کریم ای بزرگوار

يَا كَرِيمُ. پس جانب چپ رو را بر زمین گذار و بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّي حَقًّا حَقًّا،

ای بزرگوار * * * * * معبودی جز خدا پروردگارم نیست

سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعْبُدًا وَرِقًا، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ

سجده کنم پروردگارا از روی پرستش خدایا براستی کردارم ناتوان است پس آن را دو چندان کن

لِي، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ. * پس برو به سجود و صد مرتبه بگو شُكْرًا وَ

برایم ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار * * * * *

جهدکن در دعا که این موضع طلبیدن مطالب است و استغفار بسیار بکن که

محلّ آمرزش گناهان است و حاجات خود را از خدا طلب نما که مقام استجاب

دعاها است و سید بن طاوس در مزار و غیر او گفته‌اند که هر نمازی که بجا

می آوری چه فریضه و چه نافله مادامی که در نجف می باشی بخوان بعد از آن این

دعا را:

اَللّٰهُمَّ لَا بُدَّ مِنْ اَمْرِكَ، وَلَا بُدَّ مِنْ قَدْرِكَ، وَلَا بُدَّ مِنْ قَضَائِكَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

خدایا چاره‌ای نیست از دستورت و چاره‌ای نیست از تقدیرت و چاره‌ای نیست از قضایت و جنبش و نیروئی

اِلَّا بِكَ، اَللّٰهُمَّ فَمَا قَضَيْتَ عَلَيْنَا مِنْ قَضَاءٍ، اَوْ قَدَرْتَ عَلَيْنَا مِنْ قَدْرٍ، فَاَعْطِنَا

نیست جز به تو خدایا پس آنچه بر ما معین کرده‌ای از قضای خود یا مقدر فرموده‌ای از تقدیر خویش پس چنان

شکیبائی

مَعَهُ صَبْرًا يَفْهَرُهُ وَيَدْمَعُهُ، وَاجْعَلْهُ لَنَا صَاعِدًا فِي رِضْوَانِكَ، يُنْمِي فِي

برای تحمل آن نیز به ما بده که آن را مقهور خویش کند و بکوبدش و آن شکیبائی را برای ما بالا برد در بهشت رضوان تا

حَسَنَاتِنَا وَتَفْضِيلِنَا، وَسُوْدُدِنَا وَشَرْفِنَا، وَمَجْدِنَا وَنِعْمَاتِنَا، وَكَرَامَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

افزوده گردد در حسنات ما و برتری و سیادت و شرف و شوکت و نعمتها و کرامتهای ما در دنیا

وَالْآخِرَةِ، وَلَا تَقْصُ مِنْ حَسَنَاتِنَا، اَللّٰهُمَّ وَمَا اَعْطَيْتَنَا مِنْ عَطَاءٍ، اَوْ

و آخرت و چیزی از حسنات ما کم مکن خدایا آنچه به ما داده‌ای از عطا یا

فَضَّلْتَنَا بِهِ مِنْ فَضِيلَةٍ، اَوْ اَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ كَرَامَةٍ، فَاَعْطِنَا مَعَهُ شُكْرًا

فضیلتی که به ما داده‌ای یا کرامتی که ما را بدان گرامی داشته‌ای پس به همراه آن سپاسگزاری و شکر نیز به ما بده

يَقْهَرُهُ وَيَدْمَعُهُ، وَاجْعَلْهُ لَنَا صَاعِدًا فِي رِضْوَانِكَ، وَفِي حَسَنَاتِنَا

که آن را مقهور ساخته و بکوبدش و بالا رونده‌اش کن در بهشت رضوانت و در حسنات

وَسُوْدُدِنَا وَشَرْفِنَا، وَنِعْمَاتِكَ وَكَرَامَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَلَا

و سیادت و شرف ما و نعمتهای تو و کرامتت در دنیا و آخرت

تَجْعَلْهُ لَنَا اَشْرًا وَلَا بَطْرًا، وَلَا فِتْنَةً، وَلَا مَقْتًا وَلَا عَذَابًا، وَلَا خِزْيًا فِي

و قرارش مده برای ما خودخواهی و خوش گذرانی و نه فتنه و نه کینه‌توزی و نه عذاب و رسوائی در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اَللّٰهُمَّ اَنَا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ عَثْرَةِ اللِّسَانِ، وَسَوْءِ الْمَقَامِ،

دنیا و آخرت خدایا ما به تو پناه بریم از لغزش زبان و بدی جایگاه

وَحِقَّةِ الْمِيزَانِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَلَقِّنَا حَسَنَاتِنَا

و سبک بودن میزان عمل خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و تلقین کن به ما اعمال نیک ما را

فِي الْمَمَاتِ، وَلَا تُرِنَا اَعْمَالَنَا حَسْرَاتٍ، وَلَا تُخْزِنَا عِنْدَ قَضَائِكَ، وَلَا

در عالم مرگ و اعمال ما را بصورت حسرت آمیز به ما نشان مده و رسوایمان مکن در هنگام قضاوت و

تَفْضُحْنَا بِسَيِّئَاتِنَا يَوْمَ تَلْقَاكَ، وَاجْعَلْ قُلُوبَنَا تَذَكُّرُكَ وَلَا تَسَاكَ،

حکومت و مفتضحمان مکن به کردار بدمان در روز دیدارت و دلهای ما را چنان کن که یادت کند و فراموشت نکند

وَتَخْشَاكَ كَأَنَّهَا تَرَكَ، حَتَّى تَلْقَاكَ، وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ،

و از تو بترسد آن چنان که گویا تو را می بیند تا بدان هنگام که دیدارت کنیم و درود فرست بر محمد و آل محمد

وَبَدِّلْ سَيِّئَاتِنَا حَسَنَاتٍ، وَاجْعَلْ حَسَنَاتِنَا دَرَجَاتٍ، وَاجْعَلْ دَرَجَاتِنَا

و تبدیل کن بدیهای ما را به نیکیها و نیکیهایمان را فرار ده درجات و درجاتمان را

عُرْفَاتٍ، وَاجْعَلْ عُرْفَاتِنَا عَالِيَاتٍ، اَللّٰهُمَّ وَاَوْسِعْ لِفَقِيرِنَا مِنْ سَعَةِ مَا

غرفهها و غرفهها مان را بلند گردان خدایا وسیع گردان برای بینوایان ما از وسعت آنچه

قَضَيْتَ عَلٰى نَفْسِكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَمَنْ عَلَيْنَا

بر خود مقرر فرمودی خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و منت پنه بر ما

بِالْهُدٰى مَا بَقِيَّتِنَا، وَالْكَرَامَةِ مَا اَحْيَيْتِنَا، وَالْكَرَامَةِ اِذَا تَوَقَّيْتِنَا، وَالْحِفْظِ

به هدایت تا در این جهان نگاهمان داری و به کرامت زندهمان داری و نیز به کرامت هنگامی که میراندی که ما را و به نگهداری

فِيْمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِنَا، وَالْبَرَكََةِ فِيمَا رَزَقْتِنَا، وَالْعَوْنِ عَلٰى مَا حَمَلْتِنَا،

محافظتمان در آنچه باقی مانده از عمر ما و برکت در آنچه روزیمان کردهای و به یاری دادن در آنچه به ما تکلیف

وَالثَّبَاتِ عَلٰى مَا طَوَّقْتِنَا، وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِظُلْمِنَا، وَلَا تُقَابِسْنَا بِجَهْلِنَا،

فرمودی و به استقامت و پایداری در آنچه به گردن ما نهادهی و مگیر ما را به ستممان و نسنج ما را به نادانیمان

وَلَا تَسْتَدْرِجْنَا بِخَطَايَانَا، وَاجْعَلْ اَحْسَنَ مَا نَقُولُ ثَابِتًا فِى قُلُوبِنَا،

و بتدریج ما را مغرور به خطاهایمان مکن و قرار ده بهترین سخنی را که ما می گوئیم پایرجا در دلهایمان

وَأَجْعَلْنَا عَظْمَاءَ عِنْدَكَ، وَادِّئِلَّهُ فِي أَنْفُسِنَا، وَأَنْفَعْنَا بِمَا عَلَّمْتَنَا وَزِدْنَا

و بگردان ما را در پیش خودت بزرگ و در پیش خودمان خوار و زبون و سود بخش به ما در آنچه به ما یاد دادی و بیفزای

عِلْمًا نَافِعًا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ، وَمِنْ

ما را به دانشی سودمند و پناه برم به تو از دلی که نترسد و از چشمی که اشک نریزد و از

صَلْوَةٍ لَا تُقْبَلُ، أَجْرُنَا مِنْ سُوءِ الْفِتَنِ، يَا وَلِيَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. *

نمازی که پذیرفته نشود پناه ده ما را از بدی آشوبها ای سرپرست دنیا و آخرت

سید در مصباح الزائر فرموده دعاء دیگر که مستحب است در عقب نماز زیارت

امیرالمؤمنین علیه السلام خوانده شود يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ

المُضْطَّرِّينَ الْفَقِيرِ گوید که این دعاء همان دعاء صفوان است که معروف شده

به دعاء علقمه و خواهد آمد انشاءالله در ذیل زیارت عاشورا.

زیارت سر امام حسین علیه السلام

و بدانکه مستحب است زیارت سر امام حسین علیه السلام در نزد قبر

امیرالمؤمنین علیه السلام و در وسائل و مستدرک یک باب برای آن مرقوم

داشته‌اند و در مستدرک از مزار محمد ابن المشهدی نقل کرده که حضرت

صادق علیه السلام زیارت کرد سر امام حسین علیه السلام را نزد سر

امیرالمؤمنین علیه السلام و نماز گذارد نزد آن چهار رکعت و زیارت این است:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ رَسُوْلِ اَللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان سلام بر تو ای فرزند صدیقه

يَا بَنَ الصِّدِّیْقَةِ الطَّاهِرَةِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا عَبْدِ

طاهره بانوی زنان جهانیان سلام بر تو ای مولای من ای ابا عبدالله

اللَّهُ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ،

و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که تو براستی برپا داشتی نماز را و بدادی زکات را

وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقًّا

و امر به معروف کردی و نهی از منکر کردی و تلاوت کردی قرآن را آنطور که

تِلَاوَتِهِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى، فِي جَنْبِهِ

بایست و پیکار کردی در راه خدا چنانچه شایسته بود و شکیبایی کردی بر آزار (دشمنان) در مورد خداوند

مُحْتَسِبًا، حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ خَالَفُوكَ وَحَارَبُوكَ،

برای درک پاداش تا آنگاه که مرگت فرا رسيد و گواهی دهم که براستی آنانکه با تو مخالفت کردند و با تو جنگیدند

وَأَنَّ الَّذِينَ خَذَلُوكَ، وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ، مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ

و هم چنین آنانکه دست از یاریت برداشتند و آنانکه تو را کشتند همگی ملعونند (و از رحمت حق دورند) به گفته پیامبر

الْأُمِّي، وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى، لَعْنَةُ اللَّهِ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْأَوْلِيَانِ

امی و نومید شود هر که افتراء (بر پیمبر) بندد خدا لعنت کند ستمکاران شما را از اولین

وَالْآخِرِينَ، وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ، أَتَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ

و آخرین و چند برابر کند بر ایشان عذاب دردناک را به درگاهت آمده‌ام برای زیارتت ای مولای من ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ،

رسول خدا در حالی که شناسای به حق توأم و دوستاندار دوستانت و دشمن دشمنانت هستم

مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى الَّتِي أَنْتَ عَلَيْهِ، عَارِفًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ،

و بینایم به هدایتی که بر آن هستی و کاملاً می‌شناسم گمراهی آن کس که با تو مخالفت کرد

فَاشْفَعُ لِي عِنْدَ رَبِّكَ. *

پس تو شفاعت کن برای من نزد پروردگارت

مؤلف گوید: که اگر همین زیارت را در مسجد حنّانه بخوانند نیز مناسب است

زیرا که شیخ محمد بن المشهدی روایت کرده است که حضرت صادق علیه

السلام در مسجد حنّانه حضرت امام حسین علیه السلام را چنین زیارت کرد و

چهار رکعت نماز گذارد و مستور نماند آنکه مسجد حَنَّانه از مساجد شریفه نجف اشرفست و در خبر رسیده که سر مبارک امام حسین علیه السلام آنجا است و در خبری است که حضرت صادق علیه السلام در آنجا دو رکعت نماز کرد پرسیدند از آن حضرت که این چه نمازیست فرمود این موضع سر جدّم حسین بن علیّ علیهما السلام است که آن را در اینجا گذاشتند چون از کربلا آمدند آنگاه آن را به نزد عبیدالله بن زیاد بردند و روایت شده از آن حضرت که فرمودند در آنجا این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى مَكَانِي، وَتَسْمَعُ كَلَامِي، وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِي، وَكَيْفَ

خدایا تو می بینی جای مرا و می شنوی سخنم را و پوشیده نیست بر تو چیزی از کار من و چگونه پوشیده ماند بر تو

يَخْفَى عَلَيْكَ مَا أَنْتَ مُكَوِّئُهُ وَبَارِئُهُ، وَقَدْ جِئْتُكَ مُسْتَشْفِعاً بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ،

چیزی که خود ایجادش کرده و پدیدش آوردی و من بدرگاهت آمده و شفیع گردانم به نزد تو پیامبرت پیامبر رحمت را

وَمُتَوَسِّلاً بِوَصِيِّ رَسُولِكَ، فَاسْأَلُكَ بِهِمَا ثُبَاتَ الْقَدَمِ وَالْهُدَى، وَالْمَغْفِرَةَ فِي الدُّنْيَا

و توسل جویم به وصی پیامبرت پس از تو خواهم به حق آن دو بزرگوار ثبات قدم و هدایت و آمرزش را در دنیا و

وَالْآخِرَةَ.

آخرت

زیارت دویم

زیارت معروفه به امین الله

زیارت معروفه به امین الله است که در نهایت اعتبار است و در تمام کتب مَزَارِيَّة و مصابیح نقل شده است و علامه مجلسی رحمه الله فرمود که آن بهترین

زیارات است از جهت متن و سند و باید که در جمیع روضات مقدّسه بر این مواظبت نمایند و کیفیت آن چنان است که به سندهای معتبر روایت شده از جابر از امام محمد باقر علیه السلام که امام زین العابدین علیه السلام به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریست و گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ، أَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ

سلام بر تو ای امانتدار خدا در زمین او و حجتش بر بندگان او سلام بر تو ای امیر

المؤمنين، أشهدُ أنكَ جاهِدْتَ في اللَّهِ حقَّ جهادِهِ، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ،
مؤمنان گواهی دهم که تو در راه خدا جهاد کردی چنانچه باید و رفتار کردی به کتاب خدا (قرآن)

وَاتَّبَعْتَ سُنْنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ،
و پیروی کردی از سنتهای پیامبرش - صلی الله علیه و آله - تا اینکه خداوند تو را به جوار خویش

فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَأَلْزَمَ أَعْدَائِكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَالِكٍ مِنَ الْحُجَجِ

دعوت فرمود و به اختیار خودش جانت را قبض نمود و ملزم کرد دشمنانت را به حجت و برهان با حجتهای

الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ

و رسای دیگری که با تو بود بر تمامی خلق خود، خدایا قرار ده نفس مرا آرام به تقدیرت

رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً لَصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ،

و خوشنود به قضایت و حریص به ذکر و دعایت و دوستدار برگزیدگان دوستانت

مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ، صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً

و محبوب در زمین و آسمانت و شکیبیا در مورد نزول بلایت و سپاسگزار

لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ، ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آيَاتِكَ، مُشْتَاقَةً إِلَى فَرَحَةِ لِقَائِكَ،

در برابر نعمتهای فزونت و متذکر عطایای فراوانت مشتاق به شاد گشتن دیدارت توشه گیر پرهیزکاری

مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً

برای روز پاداشت پیروی کننده روشهای دوستانه دوری گزیننده

لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مَشْعُورَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَتَنَائِكَ، * پس پهلوی

اخلاق دشمنان سرگرم از دنیا به ستایش و ثنایت * * * * *

روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت: اَللّهُمَّ اِنْ قُلُوبَ الْمُحِبِّتَيْنِ اِلَيْكَ وَالِهَةِ،

* * * * * خدایا بر راستی دل‌های فروتنان درگاهت بسوی تو حیران است

وَسُبُلِ الرَّاغِبِينَ اِلَيْكَ شَارِعَةً، وَاَعْلَامِ الْقَاصِدِينَ اِلَيْكَ وَاضِحَةً،

و راههای مشتاقان به جانب تو باز است و نشانه‌های قاصدان کویت آشکار و نمایان است

وَأَفْتِدَةِ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةً، وَاَصْوَاتِ الدَّاعِينَ اِلَيْكَ صَاعِدَةً،

و قلبهای عارفان از تو ترسان است و صداهای خوانندگان بطرف تو صاعد

وَأَبْوَابِ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُتَّحَةً، وَدَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةً، وَتَوْبَةَ مَنْ

و درهای اجابت برویشان باز است و دعای آنکس که با تو راز گوید مستجاب است و توبه آنکس که

أَنَابَ اِلَيْكَ مَقْبُولَةً، وَعَبْرَةَ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةً، وَالْإِغَاثَةَ

به درگاه تو بازگردد پذیرفته است و اشک دیده آنکس که از خوف تو گرید مورد رحم و مهر است و فریادرسی تو

لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةً، وَالْإِعَانَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُوءَةً،

برای کسی که به تو استغاثه کند آماده است و کمک‌کاریت برای آنکس که از تو کمک خواهد رایگان است

وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِرَةً، وَزَلَلَ مَنْ اسْتَفَالَكَ مُقَالَةً، وَاَعْمَالَ

و وعده‌هایی که به بندگانت دادی وفایش حتمی است و لغزش کسی که از تو پوزش طلبد بخشوده است و کارهای

الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً، وَاَرْزَاقَكَ اِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةً،

آنانکه برای تو کار کنند در نزد تو محفوظ است و روزیهایی که به آفریدگانت دهی از نزدت ریزان است

وَعَوَائِدِ الْمَزِيدِ اِلَيْهِمْ وَاَصِلَةً، وَذُنُوبِ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً،

و بهره‌های بیشتری هم بسویشان می‌رسد و گناه آموزش‌خواهان (از تو) آموخته است

وَ حَوَائِجِ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةً، وَجَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُؤَقَّرَةً، وَ

و حاجتهای آفریدگانت نزد تو روا شده است و جایزه‌های سائلان در پیش تو شایان و وافر است و

عَوَّادِ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةً، وَمَوَّادِ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةً، وَمَنَاهِلِ الظَّمَاءِ

بهره‌های فزون پیاپی است و خوانهای احسان تو برای طعام خواهان آماده است و حوضهای آب برای تشنگان

مُتْرَعَةً، اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَأَقْبَلْ ثَنَائِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ

لبریز است خدایا پس دعایم را مستجاب کن و بپذیر مدح و ثنائیم را و گردآور میان من

أَوْلِيَائِي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، إِنَّكَ وَليُّ

و دوستانم به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین که برستی تویی صاحب

نِعْمَائِي، وَمُنْتَهَى مُنَايَ، وَغَايَةَ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ وَ دَر كَامِل

نعمت‌هایم و منتهای آرزویم و سرحد نهایی امیدم و بازگشتگاه و اقامتگاهم * * * * *

الزِّيَارَةِ بَعْدَ از این زیارت این فقرات نیز مسطور است أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي

* * * * * تویی معبود و آقا و مولای من

وَمَوْلَايَ، اغْفِرْ لِأَوْلِيَائِنَا، وَكُفِّ عَنَّا أَعْدَاءَنَا، وَاشْغَلْهُمْ عَنَّا أَدَانَا، وَأَطْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ

بیامرز دوستان ما را و بازدار از ما دشمنانمان را و سرگرمشان کن از آزار ما و آشکار کن گفتار حق را

وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا، وَأَذْخِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى، إِنَّكَ عَلَيَّ كَلِشَىءٍ قَدِيرٌ.

و آنرا برتر قرار ده و از میان ببر گفتار باطل را و آنرا پست گردان که برستی تو بر هر چیز توانایی

پس حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که از شیعیان ما

این زیارت و دعا را نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام یا نزد قبر یکی از ائمه علیهم

السلام بخواند البته حق تعالی این زیارت و دعاء او را در نامه‌ای از نور بالا برد

و مهر حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بر آن بزند و چنین محفوظ باشد تا

تسلیم نمایند به قائم آل محمد علیهم السلام پس استقبال نماید صاحبش را

ببشارت و تحیّت و کرامت انشاء الله تعالی.

مؤلف گوید: که این زیارت شریفه هم از زیارات مُطلقه محسوب می‌شود و هم از زیارات مخصوصه روز غدیر و هم از زیارات جامعه که در جمیع روضات مقدّسه ائمه‌علیهم‌السلام خوانده می‌شود.

زیارت سیّم

سیّد عبدالکریم بن طاوُس از صفوان جمال روایت کرده است که گفت چون با حضرت صادق علیه‌السلام وارد کوفه شدیم در هنگامی که آن حضرت نزد ابوجعفر دوانقی می‌رفتند فرمود که ای صفوان شتر را بخوابان که این نزدیک قبر جدّم امیرالمؤمنین علیه‌السلام است.

پس فرود آمدند و غسل کردند و جامه را تغییر دادند و پاها را برهنه کردند و فرمودند که تو نیز چنین کن پس روانه شدند به جانب نجف و فرمودند که گامها را کوتاه بردار و سر را بزییر انداز که حق تعالی برای تو بعدد هر گامی که برمی‌داری صد هزار حسنه می‌نویسد و صد هزار گناه محو می‌کند و صد هزار درجه بلند می‌کند و صد هزار حاجت برمی‌آورد و می‌نویسد برای تو ثواب هر صدیق و شهید که بوده باشد یا کشته شده باشد.

پس آن حضرت می‌رفتند و من می‌رفتم با آن حضرت با آرام دل و آرام تن و تسبیح و تنزیه و تهلیل خدا می‌کردیم تا رسیدیم بتّلّها پس نظر کردند به جانب راست و چپ و به چوبی که در دست داشتند خطّی کشیدند پس فرمودند جُستجو

نما پس طلب کردم اثر قبری یافتم پس آب دیده بر روی مبارکش جاری شد و گفت:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ كَافَتْ: أَلَسَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ التَّقِيُّ،

براستی ما از خداییم و حتماً بسویش بازگردیم * * * * * سلام بر تو ای وصی نیکوکردار پرهیزکار

أَلَسَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ، أَلَسَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الرَّشِيدُ،

سلام بر تو ای خیر بزرگ سلام بر تو ای راست گفتار راهبر

أَلَسَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْبَرُّ الزَّكِيُّ، أَلَسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ

سلام بر تو ای نیکوکار پاکیزه سلام بر تو ای وصی رسول پروردگار

الْعَالَمِينَ، أَلَسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

جهانیان سلام بر تو ای برگزیده خدا بر همه خلق گواهی دهم که تویی

حَبِيبُ اللَّهِ، وَخَاصَّةُ اللَّهِ وَخَالِصَتُهُ، أَلَسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَمَوْضِعَ

حبیب خدا و بنده خاص و خالص خدا سلام بر تو ای ولی خدا و راز و

سِرِّهِ، وَعَيْبَةَ عِلْمِهِ وَخَازِنَ وَحْيِهِ پس خود را به قبر چسبانیدند و گفتند: بَابِي

گنجینه دانش و خزینه دار وحیش * * * * * پدر

أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا حُجَّةَ الْخِصَامِ، بَابِي

و مادرم به فدایت ای امیرمؤمنان پدر و مادرم به فدایت ای حجت بر دشمنان پدر

أَنْتَ وَأُمِّي يَا بَابَ الْمَقَامِ، بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا نُورَ اللَّهِ التَّامَّ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

و مادرم به فدایت ای درگاه مقام (اولیاء حق) پدر و مادرم به فدایت ای نور کامل خدا گواهی دهم که تو

قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مَا حُمِلَتْ

براستی رساندی از جانب خدا و از جانب رسول خدا صلی الله علیه وآله آنچه را بعهدہ داشتی

وَرَعَيْتَ مَا اسْتَحْفِظْتَ، وَحَفِظْتَ مَا اسْتَوْدَعْتَ، وَحَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ

و مراعات کردی در آنچه بر حفظ آن گماشته شده بودی و حفظ کردی آنچه را به تو سپرده شده بود و حلال کردی

حلال خدا را

وَحَرَمْتَ حَرَامَ اللَّهِ، وَأَقَمْتَ أَحْكَامَ اللَّهِ، وَلَمْ تَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ

و حرام کردی حرام خدا را و بپا داشتی احکام خدا را و تجاوز نکردی از حدود خدا و پرستش کردی خدا را

مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِكَ.

از روی اخلاص تا مرگت فرا رسید درود خدا بر تو و بر امامان پس از تو

پس برخاست آن حضرت و در بالای سر آن حضرت چند رکعت نماز کرد و

فرمود که ای صفوان هر که زیارت کند امیرالمؤمنین علیه السلام را به این

زیارت و این نماز را بکند برگردد بسوی اهلش و حال اینکه گناهایش آمرزیده

شده باشد و عملش مقبول و پسندیده شده باشد و بنویسد برای او ثواب هر که

زیارت آن حضرت کرده باشد از ملائکه.

صفوان گفت بر سبیل تعجب که (ثواب هر که زیارت کند آن حضرت را از

ملائکه) فرمود بلی در هر شبی هفتاد قبيله از ملائکه آن حضرت را زیارت

می کنند پرسید که هر قبيله چه مقدارند فرمود که صد هزار ملک پس آن

حضرت بقهقري یعنی به پشت بیرون آمدند و در اثنای بیرون آمدن می گفتند:

يَا جَدَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ، يَا طَيِّبَاهُ يَا طَاهِرَاهُ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْكَ،

ای جد بزرگوار ای آقای من ای پاکیزه و ای پاک قرار ندهد خدا این زیارت را آخرین مرتبه از زیارتت

وَرَزَقَنِي الْعُودَ الْيَنْبُوتَ، وَالْمَقَامَ فِي حَرَمِكَ، وَالْكَوْنَ مَعَكَ وَالْأَبْرَارَ

و روزی کند بازگشت بسویت را و ایستادن در حرمت را و بودن با تو را و با نیکان

مِنْ وُلْدِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّثِينَ بِكَ.

از فرزندان درود خدا بر تو و بر فرشتگانی که تو را در برگرفته اند

صَفْوَانِ گفتم که به آن حضرت عرض کردم که رخصت می‌دهید خبر دهم
اصحاب خود را از اهل کوفه و نشان این قبر را به ایشان بدهم فرمود بلی و
درهمی چند دادند که من قبر را مرمت و اصلاح کردم.

زیارت چهارم

در مستدرک الوسائل از مزار قدیم نقل کرده که روایت است از مولای ما امام

محمدباقر علیه السلام که فرمود با پدرم

رفتیم به زیارت قبر جدّم امیر المؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه

السلام در نجف پس ایستاد پدرم نزد قبر مطهر و گریست و گفت:

السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْأَيْمَةِ، وَخَلِيلِ النَّبُوَّةِ، وَالْمَخْصُوصِ بِالْأَخُوَّةِ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر پدر امامان و خلیل نبوت و مخصوص به برادری (رسول خدا) سلام بر

يَعْسُوبِ الْإِيمَانِ، وَمِيزَانِ الْأَعْمَالِ، وَسَيْفِ ذِي الْجَلَالِ، السَّلَامُ عَلَى صَالِحِ

پادشاه ایمان و میزان اعمال و شمشیر خدای صاحب شوکت و جلال سلام بر شایسته

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، الْحَاكِمِ فِي يَوْمِ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَى شَجَرَةِ

مؤمنان و وارث دانش پیامبران و حکومت کننده در روز جزا سلام بر شجره

التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ الْبَالِغَةِ، وَبِعَمَّتِهِ السَّابِغَةِ وَتَقَمَّتِهِ

تقوی سلام بر حجت رسای خدا و نعمت کاملش و عذاب

الدَّامِغَةِ، السَّلَامُ عَلَى الصِّرَاطِ الْوَاضِحِ، وَالنَّجْمِ الْإِلَاحِ، وَالْإِمَامِ

کوبنده‌اش سلام بر طریق روشن و ستاره درخشان و پیشوای

النَّاصِحِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، أَنْغَاكَ كَفْتُ: أَنْتَ وَسَيَلْتِي إِلَى اللَّهِ

خیرخواه و رحمت خدا و برکاتش * * * * * توئی وسیله من بسوی خدا

وَذَرِيعَتِي، وَلِي حَقُّ مُوَالَاتِي وَتَأْمِيلِي، فَكُنْ لِي شَفِيعِي إِلَى اللَّهِ

و واسطه‌ام و مرا است حق دوستداری و آرزومندیم بتو پس شفیع من شو به درگاه خدای

عَزَّوَجَلَّ فِي الْوُقُوفِ عَلَى قَضَاءِ حَاجَتِي، وَهِيَ فَكَاكُ رَقَبَتِي مِنْ

عزوجل در مورد برآوردن حاجتم و آن حاجت آزادیم از

النَّارِ، وَأَصْرِفْنِي فِي مَوْقِفِي هَذَا بِالنُّجْحِ، [و] بِمَا سَأَلْتَهُ كُلَّهُ بِرَحْمَتِهِ

آتش می‌باشد و بازگردان مرا از این جایگاه به کامیابی در تمام خواسته‌ام به رحمت

وَقَدَّرْتَهُ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً، وَتُبّاً رَاجِحاً، وَقَلْباً زَكِيّاً، وَعَمَلاً كَثِيراً،

و توانایی او خدایا روزیم گردان عقلی کامل و خردی ممتاز و دلی پاک و کرداری بسیار

وَأَدَباً بَارِعاً، وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ لِي، وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و ادبی شایسته و قرار ده همه اینها را بسود من و قرارش مده بر زیانم به رحمت ای مهربانترین مهربانان

زیارت پنجم

شیخ کلینی روایت کرده از حضرت ابوالحسن ثالث امام علی النقی علیه السلام

که می‌گوئی نزد قبرامیرالمؤمنین علیه السلام :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، أَنْتَ أَوْلُ مَظْلُومٍ، وَأَوْلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ، صَبْرَتْ

سلام بر تو ای ولی خدا توئی نخستین ستم‌دیده و نخستین کسی که حقش را غصب کردند بردباری کردی

وَاحْتَسَبْتَ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَاشْهَدْ أَنَّكَ لَقَيْتَ اللَّهَ وَأَنْتَ شَهِيدٌ، عَذَّبَ اللَّهُ

به امید پاداش خدا تا مرگت فرا رسید و گواهی دهم که برآستی تو خدا را دیدار کردی در حالی که شهید بودی عذاب

قَاتِلِكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ، وَجَدَّدَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ جِثَّتِكَ عَارِفاً بِحَقِّكَ، مُسْتَبْصِراً

کند خدا کُشنده‌ات را به انواع عذاب و تازه کند بر او عذاب را آمدم به درگاهت در حال معرفت به حق تو و بینای به

بِشَانِكَ مُعَادِيّاً لِأَعْدَائِكَ وَمَنْ ظَلَمَكَ، أَلْفَى عَلَى ذَلِكَ رَبِّي إِنْشَاءَ اللَّهِ، يَا وَلِيَّ

شان و مقامت و در حال دشمنی با دشمنان و آن‌کس که به تو ستم کردند و انشاءالله به همین حال پروردگارم را نیز دیدار

خواهم کرد ای ولی

اللَّهِ إِنَّ لِي ذُنُوبًا كَثِيرَةً، فَاشْفَعْ لِي إِلَى رَبِّكَ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَعْلُومًا، وَإِنَّ

خدا برآستی مرا گناهان بسیاری است پس شفاعت کن مرا به درگاه پروردگارت که مسلماً تو را نزد خدا مقامی است معلوم و

لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا وَشَفَاعَةً، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى، وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى.

برآستی تو در پیش خدا آبرو داری و شفاعت پذیرفته است و خدای تعالی خود فرموده: و شفاعت نکنند جز برای آنکس که او پسندد

زیارت ششم

زیارتیست که جماعتی از علما روایت کرده‌اند از جمله آنها است شیخ محمد بن المشهدی که فرموده روایت کرده است محمد بن خالد طيالسی از سیف بن عمیره که گفت بیرون رفتم با صفوان بن جمّال و جمعی از اصحاب ما به جانب نجف و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت کردیم پس چون فارغ شدیم صفوان روی خود را گردانید بسوی قبر حضرت امام حسین علیه السلام و گفت زیارت می‌کنم حضرت امام حسین علیه السلام را از این مکان از بالای سر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام .

و صفوان گفت که با حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به اینجا آمدم و حضرت چنین زیارت و نماز کرد و دعا خواند که من می‌کنم و فرمود که ای صفوان این زیارت را ضبط کن و این دعا را بخوان و همیشه حضرت امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام را به این نحو زیارت کن که من ضامنم بر خدا که هر که ایشان را چنین زیارت کند و این دعا را بخواند خواه

از نزدیک و خواه از دور اینکه زیارتش مقبول باشد و عملش مزد داده شود و سلامش به ایشان برسد و پسندیده گردد و حاجتهایش برآورده شود هر چند عظیم باشد مؤلف گوید که تتمه این خبر در فضل این عمل بیاید در عقب دعاء صفوان در زیارت روز عاشورا انشاءالله و زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این است رو به قبر آن حضرت بایست و بگو:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا

* سلام بر تو ای

رَسُولَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ،

رسول خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو ای امین خدا

اَلسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اصْطَفَاهُ اللَّهُ وَاخْتَصَّهُ، وَاخْتَارَهُ، مِنْ بَرِيَّتِهِ، اَلسَّلَامُ

سلام بر آن کس که برگزیدش خدا و مخصوصش داشت و اختیارش کرد از میان خلقش سلام

عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللَّهِ مَا دَجَى اللَّيْلُ وَغَسَقَ، وَأَضَاءَ النَّهَارُ وَأَشْرَقَ،

بر تو ای خلیل خدا تا هرگاه که تاریک و ظلمانی گردد شب، و روشن و نورانی گردد روز

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ مَا صَمَتَ صَامِتٌ، وَنَطَقَ نَاطِقٌ، وَذَرَّ شَارِقٌ، وَرَحْمَةٌ

سلام بر تو آنگاه که خاموش است هر خاموش و گویا است هر گویا و بتابد خورشید و رحمت

اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَلسَّلَامُ عَلٰی مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ،

خدا و برکاتش سلام بر مولای ما امیرمؤمنان علی بن ابی طالب

صَاحِبِ السَّوَابِقِ وَالْمَنَاقِبِ، وَالنَّجْدَةِ وَمُبِيدِ الْكُتَابِ، الشَّدِيدِ

صاحب سوابق و مناقب، و نجدت و مبیّد کتاب، الشدید

الْبَاسِ، الْعَظِيمِ الْمِرَاسِ، الْمَكِينِ الْأَسَاسِ، سَاقِي الْمُؤْمِنِينَ بِالْكَأْسِ،

نیرو و بزرگ قدرت و محکم پایه، ساقی مؤمنان با جام

مِنْ حَوْضِ الرَّسُولِ الْمَكِينِ الْأَمِينِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی صَاحِبِ النَّهْيِ،

از حوض رسول پا بر جای امین سلام بر صاحب خرد

وَالْفَضْلِ وَالطَّوَائِلِ، وَالْمَكْرُمَاتِ وَالنَّوَائِلِ، أَلْسَلَامٌ عَلَى فَارِسِ

و فضیلت و نعمتها و کرامات و جوائز سلام بر دلاور

الْمُؤْمِنِينَ، وَكَيْتِ الْمُؤَحِّدِينَ، وَقَاتِلِ الْمُشْرِكِينَ، وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ

مؤمنان و شیر یگانه پرستان و کشنده مشرکان و وصی رسول پروردگار

الْعَالَمِينَ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، أَلْسَلَامٌ عَلَى مَنْ أَيْدَهُ اللَّهُ بِجَبْرَيْلَ،

جهانیان و رحمت خدا و برکاتش سلام بر آنکس که خدا تأیید کرد او را به جبرئیل

وَأَعَانَهُ بِمِيكَائِيلَ وَأَزَلَفَهُ فِي الدَّارَيْنِ، وَحَبَاهُ بِكُلِّ مَا تَقَرَّبُ بِهِ الْعَيْنُ،

و کمکش کرد بوسیله میکائیل و مقربش ساخت در دو جهان و عطا فرمود به او هر چه را که موجب روشنی چشم است

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى أَوْلَادِهِ الْمُتَنَجِّسِينَ،

و درود خدا بر او و بر خاندان پاکش و بر فرزندان برگزیده اش

وَعَلَى الْأَيْمَةِ الرَّاشِدِينَ، الَّذِينَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ،

و بر امامان راه یافته اش آنانکه امر به معروف و نهی از منکر کردند

وَقَرَضُوا عَلَيْنَا الصَّلَوَاتِ، وَأَمَرُوا بِإِتْيَاءِ الزَّكَاةِ، وَعَرَفُونَا صِيَامَ شَهْرِ

و نمازها را بر ما واجب کرده و دستور پرداخت زکات را دادند و شناساندند به ما روزه ماه

رَمَضَانَ، وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ، أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَيَعْسُوبَ

رمضان و خواندن قرآن را سلام بر تو ای امیرمؤمنان و بزرگ و پیشوای

الدِّينِ، وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ، أَلْسَلَامٌ

دین و ایمان و پیشرو سفید رویان سلام بر تو ای دری که از آن به خدا رسند سلام

عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ النَّازِرَةَ، وَيَدَهُ الْبَاسِطَةَ، وَأُذُنَهُ الْوَاعِيَةَ، وَحِكْمَتَهُ

بر تو ای دیده بینای خدا و دست بازش و گوش نگهدار رازش و حکمت

الْبَالِغَةَ، وَيَعْمَتَهُ السَّابِغَةَ، وَتَقَمَّتَهُ الدَّامِغَةَ، أَلْسَلَامٌ عَلَى قَسِيمِ الْجَنَّةِ

رسایش و نعمت شایانش و عذاب کوبنده اش سلام بر قسمت کننده بهشت

وَالنَّارِ، السَّلَامُ عَلَى نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَى الْأَبْرَارِ، وَتَقَمَّتِهِ عَلَى الْفُجَّارِ،

و دوزخ سلام بر نعمت خدا بر نیکان و عذاب او بر بدکاران

السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُتَّقِينَ الْأَخْيَارِ، السَّلَامُ عَلَى أَخِي رَسُولِ اللَّهِ،

سلام بر آقای پرهیزکاران برگزیده سلام بر برادر رسول خدا

وَأَبْنِ عَمِّهِ وَزَوْجِ ابْنَتِهِ، وَالْمَخْلُوقِ مِنْ طِينَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَصْلِ

و پسر عمویش و شوهر دخترش و آفریده شده از طینتش سلام بر ریشه

الْقَدِيمِ، وَالْفَرْعِ الْكَرِيمِ، السَّلَامُ عَلَى الثَّمَرِ الْجَبِيِّ، السَّلَامُ عَلَى أَبِي

قدیم و شاخه کریم سلام بر میوه چیده سلام بر

الْحَسَنِ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى شَجَرَةِ طُوبَى وَسِدْرَةِ الْمُنتَهَى، السَّلَامُ

حضرت ابوالحسن علی علیه السلام سلام بر درخت طوبی و سدره المنتهی (درختهای بهشتی) سلام

عَلَى آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، وَنُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، وَإِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَمُوسَى كَلِيمِ

بر آدم برگزیده خدا و نوح پیغمبر خدا و ابراهیم خلیل خدا و موسی هم سخن

اللَّهِ، وَعَيْسَى رُوحِ اللَّهِ، وَمُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، وَمَنْ بَيْنَهُمْ مِنَ النَّبِيِّينَ

خدا و عیسی روح خدا و محمد حبیب خدا و سایر کسانی که در این بین آمدند از پیامبران

وَالصِّدِّيقِينَ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلَادِكَ رَفِيقًا، السَّلَامُ

و صدیقان و شهیدان و شایستگان و اینان نیکو رفیقانی هستند سلام

عَلَى نُورِ الْأَنْوَارِ، وَسَلِيلِ الْأَطْهَارِ، وَعَنَاصِرِ الْأَخْيَارِ، السَّلَامُ عَلَى

بر نور انوار و نژاد پاکان و عناصر برگزیده سلام بر

وَالِدِ الْأَيْمَةِ الْأَبْرَارِ، السَّلَامُ عَلَى حَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَجَنْبِهِ الْمَكِينِ،

پدر امانان نیکوکار سلام بر ریسمان محکم خدا و جانبدار پابرجایش

وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمِينِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَتِهِ،

و رحمت خدا و برکاتش سلام بر امین خدا در روی زمینش و جانشینش

وَالْحَاكِمِ بِأَمْرِهِ، وَالْقَيِّمِ بِدِينِهِ، وَالنَّاطِقِ بِحِكْمَتِهِ، وَالْعَامِلِ بِكِتَابِهِ،

و حاکم به فرمانش و سرپرست دینش و گویای به حکمتش و عمل کننده به کتابش

أَخِ الرَّسُولِ وَرَوْحِ الْبَتُولِ وَسَيْفِ اللَّهِ الْمَسْئُولِ، أَسْلَامٌ عَلَى

برادر رسول و شوهر بتول و شمشیر از نیام کشیده خدا سلام بر

صَاحِبِ الدَّلَالَاتِ، وَأَلْيَاتِ الْبَاهِرَاتِ، وَالْمُعْجَزَاتِ الْقَاهِرَاتِ،

صاحب دلیلهای و نشانه‌های درخشان و معجزات کوبنده

وَالْمُنْجَى مِنَ الْهَلَكَاتِ، الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي مُحْكَمِ أَلْيَاتِ، فَقَالَ

و نجات بخش از نابودیها آنکس که خدا در آیات محکم قرآن ذکرش کرده

تَعَالَى، وَإِنَّهُ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ، أَسْلَامٌ عَلَى اسْمِ اللَّهِ

و فرموده: «و براستی او در اصل کتاب نزد ما علی و حکیم است» سلام بر نام پسندیده خدا

الرَّضَى، وَوَجْهِهِ الْمُضِيِّ، وَجَنِّهِ الْعَلِيِّ. وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَسْلَامٌ

و مظهر تابانش و جانب والایش و رحمت خدا و برکاتش سلام

عَلَى حُجَجِ اللَّهِ وَأَوْصِيَاءِهِ، وَخَاصَّةِ اللَّهِ وَأَصْفِيَاءِهِ، وَخَالِصَتِهِ وَأَمْنَائِهِ،

بر حجتهای خدا و اوصیاء آن حضرت و خاصان خدا و برگزیدگان او و بندگان خالصش و امانتداریهایش

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، فَصَدَّتْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِينَ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ، زَائِرًا

و رحمت خدا و برکاتش آهنگ تو را کردم ای مولای من ای امین خدا و حجت او برای زیارت

عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَايَكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ

و عارفم به حق تو و دوستدار دوستانت هستم و دشمن با دشمنانت و تقرب جوی به درگاه خدا

بِزِيَارَتِكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ، فِي خَلَاصِ رَقَبَتِي مِنْ

بوسیله زیارتت پس شفاعت کن برای من پیش خدا پروردگار من و پروردگار تو در نجات دادنم از

النَّارِ، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي، حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِسِخْرِ خُودِ رَا بِه قَبْرِ بِجَسْبَانِ

آتش دوزخ و برآوردن حاجاتم حاجات دنیا و آخرت * * * * *

و قَبْرِ رَا بِيُوسِ وَ بَگُو: سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ الْمُسَلِّمِينَ لَكَ

* * * * * سلام خدا و سلام فرشتگان مقرب او و آنانکه

بِقُلُوبِهِمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَالنَّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ وَالشَّاهِدِينَ عَلَى

از دل تسلیم تو شدند ای امیرمؤمنان و آنانکه به فضل و برتری تو گویا بودند و گواه بودند بر

أَنَّكَ صَادِقٌ أَمِينٌ صَدِيقٌ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبِرَّكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

اینکه توئی راستگوی امین راستی پیشه (این سلامها) بر تود باد و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که براستی

طَهْرٌ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ مُطَهَّرٍ، أَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَوَلِيَّ

تو پاک سرشت و پاک و پاکیزه از (پدران) پاک سرشت و پاک و پاکیزه و گواهی دهم برای تو ای ولی خدا و ولی

رَسُولِهِ بِالْبَلَاغِ وَالْإِدَاءِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ جَنْبُ اللَّهِ وَبَابُهُ، وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ

رسولش که (آنچه به عهده داشتی) رساندی و اداء کردی و گواهی دهم که تو به حقیقت جانبدار (یا درجوار) خدائی

(نسبت به او مانند)

وَوَجْهُهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ، وَأَنَّكَ سَبِيلُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو

دری هستی (که بوسیله تو به او رسند) و توئی حبیب خدا و روی او که از آن رو بسویش روند و توئی راه خدا و توئی

بنده خدا و برادر

رَسُولِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ

رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده‌ام بدرگاہت تقرب جوی بسوی خدای عزوجل

بِزِيَارَتِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِشَفَاعَتِكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي

بوسیله زیارتت مشتاق به تو در شفاعتت و از شفاعتت تو می‌جویم آزادی خود را

مِنَ النَّارِ، مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنَ النَّارِ، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلَى

از آتش و پناهنده‌ام به تو از آتش و گریزانم از گناہانی که بر

ظَهْرِي، فَزِعًا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي أَتَيْتُكَ اسْتَشْفِعُ بِكَ يَا مَوْلَايَ،

پشت خود بار کرده‌ام پناه آورده‌ام به تو به امید رحمت پروردگارم آمده‌ام تا تو را شفیع خود گیرم ای مولای من

وَأَتَقَرَّبُ بِكَ إِلَى اللَّهِ لِيَقْضِيَ بِي حَوَائِجِي، فَاشْفَعْ لِي يَا أَمِيرَ

و تقرب جویم بوسیله تو بدرگاه خدا تا بدینوسیله حاجاتم را برآورد پس شفاعت کن برایم ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ فَانِّي، عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلَاكَ وَزَائِرُكَ، وَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ

مؤمنان به درگاه خدا که من بنده خدا و غلام تو و زائر توأم و تو را در پیش خدا

الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّانُ الْكَبِيرُ، وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ،

مقامی است شایسته و جاه و منزلتی است بزرگ و شأن و عظمتی است بسیار و شفاعت پذیرفته است

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و درود فرست بر امیرمؤمنان

عَبْدِكَ الْمُرْتَضَى، وَأَمِينِكَ الْأَوْفَى، وَعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى، وَيَدِكَ الْعُلْيَا،

بنده پسندیده‌ات و امانتدار باوفایت و دست‌آویز محکمت و دست بلدت

وَجَنَبِكَ الْأَعْلَى، وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنَى، وَحُجَّتِكَ عَلَى الْوَرَى، وَصِدِّيقِكَ

و جانب والايت و كلمه نيكويت و حجت تو بر خلق و بزرگترین راستگوی

الْأَكْبَرِ، وَسَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، وَرُكْنِ الْأَوْلِيَاءِ، وَعِمَادِ الْأَصْفِيَاءِ، أَمِيرِ

تو و آقای اوصیاء و رکن اولیاء و تکیه‌گاه برگزیدگان امیر

الْمُؤْمِنِينَ، وَيَعْسُوبِ الدِّينِ، وَقُدْوَةِ الصَّالِحِينَ، وَإِمَامِ الْمُخْلِصِينَ،

مؤمنان و پادشاه دین و ایمان و پیشوای شایستگان و رهبر مخلصان آنکه (خدایش)

الْمَعْصُومِ مِنَ الْخَلَلِ، الْمُهْتَدِ مِنَ الزَّلَلِ، الْمُظَهَّرِ مِنَ الْعَيْبِ، الْمُنَزَّهَ

از عیوب و خلل نگهداشته و از هر لغزشی پاک و از هر عیب پاکیزه و از شک

مِنَ الرَّيْبِ، أَخَى نَبِيِّكَ، وَوَصِيَّ رَسُولِكَ، الْبَائِتِ عَلَى فِرَاشِهِ

و ریب مبرا است برادر پیامبرت و وصی رسولت آنکه (در شب هجرت) در بستر او خوابید

وَالْمُؤَاسَى لَهُ بِنَفْسِهِ، وَكَاشِفِ الْكُرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ، سَيْفًا

و جانش را برای او به کف گرفت و اندوه را از چهره‌اش دور ساخت آنکه قرارش دادی شمشیری بران

لِنُبُوتِهِ، وَأَيَّةَ لِرِسَالَتِهِ، وَشَاهِدًا عَلَى أُمَّتِهِ، وَدَلَالَةً عَلَى حُجَّتِهِ،

برای پیامبری او و نشانه‌ای برای رسالتش و گواهی بر امتش و راهنمایی بر دلیل و برهانش

وَحَامِلًا لِرَايَتِهِ، وَوَقَايَةً لِمُهْجَتِهِ، وَهَادِيًا لِأُمَّتِهِ، وَيَدًا لِبَاسِهِ، وَتَاجًا

و بر دوش کشنده پرچمش و سپری برای حفظ جانش و راهنمایی برای امتش و دست (و نیروئی) برای حمله و نبردش

لِرَأْسِهِ، وَبَابًا لِسِرِّهِ، وَمِفْتَاحًا لِظَفَرِهِ، حَتَّى هَزَمَ جِيُوشَ الشَّرْكِ بِأَذْنِكَ،

و تاجی بر سرش و دری برای رازش و کلیدی برای پیرویش تا اینکه سپاهای شرک را به اذن تو

وَأَبَادَ عَسَاكِرَ الْكُفْرِ بِأَمْرِكَ، وَبَدَّلَ نَفْسَهُ فِي مَرَضَةِ رَسُولِكَ،

منهزم ساخت و لشگرهای مجهز را به فرمان تو نابود کرد و از بدل جان در راه تحصیل خوشنودی رسول تو

وَجَعَلَهَا وَقْفًا عَلَى طَاعَتِهِ، فَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ صَلَوةً دَائِمَةً بَاقِيَةً

دریغ نکرد و آن را وقف طاعت او نمود پس درود فرست بر او درودی همیشگی و پایدار * * * * *

بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ، وَالشَّهَابَ الثَّقِيبَ، وَالنُّورَ الْعَاقِبَ، يَا

* * * * * سلام بر تو ای ولی خدا و ای اخگر نافذ و روشنی دنباله دار ای

سَلِيلَ الْاَطَّابِ، يَا سِرَّ اللّٰهِ اِنْ بَيْنِي وَبَيْنَ اللّٰهِ تَعَالَى ذُنُوبًا قَدْ اَثَقَلَتْ

نژاد پاکان ای راز خدا براستی بین من و خدای تعالی گناهدانی است که پشتم را

ظَهْرِي، وَلَا يَأْتِي عَلَيْهَا اِلَّا رِضَاهُ، فَبِحَقِّ مَنْ اَتْتَمَنَكَ عَلَى سِرِّهِ،

سنگین کرده و مورد بخشودگی قرار نگیرد جز بخشودگی او پس بحق آنکس که تو را امین بر راز خویش قرار داده

وَاسْتَرْعَاكَ اَمْرًا خَلَقَهُ، كُنْ لِي اِلَى اللّٰهِ شَفِيعًا، وَمِنْ النَّارِ مُجِيرًا، وَعَلَى

و سرپرستی کار خلقش را از تو خواسته که شفیع من شوی بدرگاه خدا و پناهم شوی از آتش دوزخ و در

الدَّهْرِ ظَهِيرًا، فَاِنِّي عَبْدُ اللّٰهِ وَوَلِيِّكَ وَزَائِرُكَ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ

پیش آمدهای روزگار پشت و پناهم باشی زیرا من بنده خدا و دوست تو و زائر تو هستم درود خدا بر تو باد * * * * *

رَكَعَتِ نَمَازِ زِيَارَتِ بَكْنٍ وَ هِر دَعَا كِه خَوَاهِي بَكْنٍ وَ بَكُو اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيْرَ

* * * * * سلام بر تو ای امیر

اَلْمُؤْمِنِيْنَ، عَلَيْكَ مِّنِّي سَلَامٌ اللّٰهِ اَبَدًا، مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ. پس

مؤمنان از طرف من بر تو سلام خدا باد همیشه تا زنده بمانم و تا برجا باشد شب و روز * * *

اشاره کن و متوجه شو به جانب قبر امام حسین علیه السلام و بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

* * * * * سلام بر تو ای

يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ، اَتَيْتُكَمَ زَائِرًا وَمُتَوَسِّلًا اِلَى اللّٰهِ

ابا عبد الله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا من به نزد شما دو بزرگوار آمده برای زیارتتان و برای توسل جستن بدرگاه

تَعَالَى رَبِّي وَرَبِّكُمْ، وَمَتَوَجَّهًا إِلَى اللَّهِ بِكُمْ، وَمُسْتَشْفِعًا بِكُمْ إِلَيَّ

خدای تعالی پروردگار من و پروردگار شما و رو کنم بسوی خدا بوسیله شما و شفاعت جویم بوسیله شما

اللَّهُ فِي حَاجَتِي هَذِهِ. وَ بَخْوَانِ تَا آخِرِ دَعَايَ صَفْوَانِ: إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ پَسِ رُو بِهِ

بدرگاه خدا در این حاجتی که دارم * * * * * که برآستی او نزدیک و اجابت کننده است *

قَبْلَهُ كُنْ وَ بَخْوَانِ از اوّل دعا: يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ،

* * * * * ای خدا ای خدا ای خدا ای اجابت کننده دعای درماندگان

وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ. تَا وَاصْرَفْنِي بِقَضَاءِ حَاجَتِي وَ كِفَايَةِ مَا

و ای زداینده اندوه اندوهناکان * * و بازم گردان با حاجت برآورده و کفایت شدن آنچه

أَهَمَّنِي هَمُّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پَسِ مِلْتَفْتِ شُو

به اندیشه‌ام فرو برده اندوهش از کار دنیا و آخرتم ای مهربانترین مهربانان * * * * *

بِهْ جَانِبِ قَبْرِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ بَگُو: أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،

* * * * * سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سلام

وَ السَّلَامُ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ، مَا بَقِيْتُ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ

بر حضرت اباعبدالله الحسین تا من زنده‌ام و بجای باشد شب و روز و قرار ندهد خدا

آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ، وَلَا فَرَقَ اللَّهُ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ.

این زیارتم را آخرین بار زیارتم از شما دو بزرگوار و جدا نکند خدا میان من و شما را

مؤلّف گوید: که قبل از این ذکر شد که دعای صفوان همان است که مشهور

شده به دعای علقمه و بیاید ذکر آن در زیارت روز عاشورا انشاءالله.

زیارت هفتم

زیارتیست که سید بن طاووس در مصباح الزائر نقل کرده به این کیفیت که قصد

کن باب السلام یعنی درگاه روضه مقدسه امیرالمؤمنین علیه السلام که ضریح

مقدس نمایان می شود پس بگو سی و چهار مرتبه:

اللَّهُ أَكْبَرُ وَ بگو: سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ،

خدا بزرگتر است * * * سلام خدا و سلام فرشتگان مقربش

وَأَنْبِيَآئِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، وَجَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ

و پیمبران مرسلش و بندگان شایسته اش و تمام شهدان و راستگویان

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى

بر تو ای امیرمؤمنان سلام بر آدم برگزیده خدا سلام بر

نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى

نوح پیامبر خدا سلام بر ابراهیم خلیل خدا سلام بر موسی

كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ،

هم سخن خدا سلام بر عیسی روح خدا سلام بر محمد حبیب خدا

وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ، السَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ الرَّضِيِّ، وَوَجْهِهِ الْعَلِيِّ،

و رحمت خدا و برکاتش سلام بر نام پسندیده خدا و جمال والایش

وَصِرَاطِهِ السَّوِيِّ، السَّلَامُ عَلَى الْمُهَذَّبِ الصَّفِيِّ، السَّلَامُ عَلَى أَبِي

و راه هموارش سلام بر بنده پاکیزه با صفا سلام بر ابی

الْحَسَنِ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ، السَّلَامُ عَلَى خَالِصِ

الحسن علی بن ابی طالب و رحمت خدا و برکاتش سلام بر خالص

الْأَخْلَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَخْصُوصِ بِسَيِّدَةِ النَّسَاءِ، السَّلَامُ عَلَى

دوستان سلام بر آنکس که مخصوص گشت به همسری بانوی زنان (جهانبان) سلام بر

المَوْلُودِ فِي الكَعْبَةِ المَزُوجِ فِي السَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى اسَدِ اللّٰهِ فِي

متولد شده در کعبه و تزویج شده در آسمان سلام بر شیر خدا در

الْوَعْيِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ شَرَّفَتْ بِهِ مَكَّةَ وَمِنِي، السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ

میدان جنگ سلام بر آنکس که مکه و منی به او شرف یافت سلام بر صاحب

الْحَوْضِ وَحَامِلِ اللُّوَاءِ، السَّلَامُ عَلَى خَامِسِ اَهْلِ الْعِبَاءِ، السَّلَامُ

حوض و پرچمدار (اسلام) سلام بر پنجمین نفر اهل عبا سلام

عَلَى الْبَائِتِ عَلَى فِرَاشِ النَّبِيِّ، وَمُقَدِّيهِ بِنَفْسِهِ مِنَ الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ

بر آنکس که در بستر پیامبر خدا خوابید و جانش را فدای او کرد در برابر دشمنان سلام

عَلَى قَالِعِ بَابِ خَيْبَرَ، وَالدَّاحِي بِهٖ فِي الْفَضَاءِ، السَّلَامُ عَلَى مُكَلَّمِ

بر کُتَنده در خیبر و پرت کُتَنده آن در فضا سلام بر تکلم کننده

الْفِتْيَةِ فِي كَهْفِهِمْ بِلِسَانِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى مُنْبِعِ الْقَلْبِ فِي الْفَلَا،

با اصحاب کهف در میان کهفشان به زبان پیامبران سلام بر بیرون آورنده آب از چاه در بیابان خشک

السَّلَامُ عَلَى قَالِعِ الصَّخْرَةِ وَقَدْ عَجَزَ عَنْهَا الرِّجَالُ الْأَشِدَّاءُ، السَّلَامُ

سلام بر کُتَنده سنگ سختی که مردان نیرومند از کُتَنش عاجز شدند سلام

عَلَى مُخَاطَبِ الثُّعْبَانِ عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ بِلِسَانِ الْفَصَحَاءِ، السَّلَامُ

بر سخن گوینده بالزدها بر بالای منبر کوفه به زبان فصیح سلام

عَلَى مُخَاطَبِ الذَّنْبِ وَمُكَلَّمِ الْجُمُجْمَةِ بِالنَّهْرَوَانِ وَقَدْ نَخَرَتْ

بر سخن گوینده با گُرد و تکلم کننده با جمجمه مرده در نهروان پس از آنکه استخوانهایش

الْعِظَامُ بِالْبِلَا السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الشَّفَاعَةِ فِي يَوْمِ الْوَرَى،

پوسیده شده بود سلام بر صاحب شفاعت در روز آخرت

وَرَحْمَةِ اللّٰهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَمَامِ الزَّكِيِّ حَلِيفِ الْمِحْرَابِ،

و رحمت خدا و برکاتش سلام بر آن پیشوای پاکیزه و ملازم محراب عبادت

السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الْمُعْجَزِ الْبَاهِرِ وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصَّوَابِ،

سلام بر صاحب معجزه روشن و گویای به حکمت و درستی

السَّلَامُ عَلَى مَنْ عِنْدَهُ تَأْوِيلُ الْمُحْكَمِ وَالْمُتَشَابِهِ وَعِنْدَهُ أُمُّ

سلام بر کسی که نزد او است تأویل محکم و متشابه قرآن و پیش او است

الكِتَابِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ رُدَّتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ حِينَ تَوَارَتْ

دفتر اصلی سلام بر آنکس که خورشید برای او برگشت پس از آنکه غروب

بِالْحِجَابِ، السَّلَامُ عَلَى مُحْيِي اللَّيْلِ الْبَهِيمِ بِالتَّهَجُّدِ وَالْأَكْتِيَابِ،

کرده بود سلام بر زنده دارنده شب تاریک به تهجد و زاری

السَّلَامُ عَلَى مَنْ خَاطَبَهُ جِبْرِئِيلُ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ بِغَيْرِ إِرْتِيَابٍ،

سلام بر آنکس که بدون تردید صدایش زد جبرئیل به نام امیر مؤمنان

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ السَّادَاتِ، السَّلَامُ عَلَى

و رحمت خدا و برکاتش سلام بر آقای بزرگان سلام بر

صَاحِبِ الْمُعْجِزَاتِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ عَجِبَ مِنْ حَمَلَاتِهِ فِي

صاحب معجزات سلام بر آنکس که درشگفت شدند از حمله‌هایش در

الْحُرُوبِ مَلَائِكَةُ سَبْعِ سَمَوَاتٍ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَاجَى الرَّسُولَ

جنگها فرشتگان هفت آسمان سلام بر آنکس که با رسول خدا راز گفت

فَقَدَّمَ بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاهُ صَدَقَاتٍ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْجِيُوشِ

و برای رازگوئیش صدقه‌ها داد سلام بر فرمانده سپاهها

وَصَاحِبِ الْغَزَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَى مُخَاطَبِ ذُنُبِ الْفُلُوتِ، السَّلَامُ

و صاحب جنگها سلام بر سخن گوی با گورگهای بیابان سلام

عَلَى نُورِ اللَّهِ فِي الظُّلُمَاتِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ

بر نور خدا در تاریکیها سلام بر آنکس که خورشید برایش بازگشت

فَقَضَى، مَا فَاتَهُ مِنَ الصَّلَاةِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ

پس نمازش را که قضا شده بود بجای آورد و رحمت خدا و برکاتش سلام بر امیر

الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَى إِمَامِ الْمُتَّقِينَ،

مؤمنان سلام بر آقای اوصیاء سلام بر پیشوای پرهیزکاران

السَّلَامُ عَلَى وَاثِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الدِّينِ،

سلام بر وارث علم پیامبران سلام بر پادشاه دین

السَّلَامُ عَلَى عِصْمَةِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَى قُدْوَةِ الصَّادِقِينَ،

سلام بر نگهدار مؤمنان سلام بر مقتدای راستگويان

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ الْأَبْرَارِ، السَّلَامُ عَلَى أَبِي

و رحمت خدا و برکاتش سلام بر حجت نیکان سلام بر پدر

الْأَيِّمَةِ الْأَطْهَارِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَخْصُوصِ بِذِي الْفَقَارِ، السَّلَامُ عَلَى

امامان پاک سلام بر آنکس که به ذوالفقار مخصوص گشت سلام بر

سَاقِي أَوْلِيَائِهِ مِنْ حَوْضِ النَّبِيِّ الْمُخْتَارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مَا

سیراب کننده دوستان خود از حوض پیامبر مختار صلی الله علیه و آله تا

اِطْرَدَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، السَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَنْزَلَ

از پی هم درآید شب و روز سلام بر آن خبر بزرگ سلام بر آنکس که خدا درباره اش نازل فرمود:

اللَّهُ فِيهِ، وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ، السَّلَامُ عَلَى صِرَاطِ

«و براستی او در دفتر اصلی نزد ما علی و حکیم است» سلام بر راه راست

اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَنْعُوتِ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ

خدا سلام بر آنکس که وصفش شده در تورات و انجیل و قرآن

الْحَكِيمِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ پس می اندازی خود را بر ضریح و می بوسی آن را

حکمت آموز و رحمت خدا و برکاتش بر او باد * * * * *

و می گوئی: یا امین الله، یا حجة الله، یا ولی الله، یا صراط الله زارك عبدك

* * * * * ای امین خدا ای حجت خدا ای ولی خدا ای راه خدا زیارتت کرد بنده

وَوَلِيِّكَ، اللَّائِذُ بِقَبْرِكَ، وَالْمُنِيخُ رَحْلَهُ بِفِنَائِكَ، الْمُتَقَرِّبُ إِلَى اللَّهِ

و دوستت که به قبرت پناه آورده و بار (نیاز) خود را به آستان تو انداخته و بوسیله تو به خدای

عَزَّوَجَلَّ، وَالْمُسْتَشْفَعُ بِكَ إِلَى اللَّهِ، زِيَارَةَ مَنْ هَجَرَ فَيْكَ صَحْبَهُ،

عزوجل تقرب جسته و تو را شفیع درگاه خدا قرار داده زیارت کردن آن کس که بخاطر تو دست از رفیقان شسته

وَجَعَلَكَ بَعْدَ اللَّهِ حَسْبَهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الطُّورُ، وَالكِتَابُ الْمَسْطُورُ، وَالرَّقُّ

و تو را پس از خدا برای خود کافی دانسته گواهی دهم که توئی طُور و کتاب مسطور (نامه نوشته) و برگ

الْمَنْشُورُ، وَبَحْرُ الْعِلْمِ الْمَسْجُورِ، يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّ لِكُلِّ مَزُورٍ عِنَايَةَ

پهن شده و دریای جوشان دانش ای ولی خدا براستی هر که را به زیارتش روند نسبت

فِيْمَنْ زَارَهُ وَقَصْدَهُ وَأَتَاهُ، وَأَنَا وَلِيكَ وَقَدْ حَطَّطْتُ رَحْلِي بِفِنَائِكَ،

به زائرش و آنکس که آهنگش کرده و بنزدش آمده عنایتی دارد و من دوست توأم که بار (نیازم) را به آستان تو انداخته

وَلَجَّاتُ إِلَى حَرَمِكَ، وَكُذْتُ بِضَرِيحِكَ، لِعِلْمِي بِعَظِيمِ مَنَزِلَتِكَ،

و به حرم تو ملجی شدم و به ضریح تو پناهنده شدم چون علم دارم به بزرگی منزلت و مقامت

وَسَرَفِ حَضْرَتِكَ، وَقَدْ أَثَقَلَتِ الذُّنُوبُ ظَهْرِي، وَمَنْعَتْنِي رُقَادِي، فَمَا

و شرافت درگاهت و براستی گناهان پشتم را سنگین کرده و خواب را از من گرفته و نمی‌یابم

أَجِدُ حِرْزًا وَلَا مَعْقِلًا، وَلَا مُلْجَأً إِلَيْهِ إِلَّا اللَّهَ تَعَالَى، وَتَوَسَّلِي بِكَ

پناهگاه و نه جای امن و ملجای که بدان پناه برم جز خدای تعالی و توسل بوسیله تو

إِلَيْهِ، وَأَسْتَشْفَعُ بِكَ لَدَيْهِ، فَهَذَا نَاذِرٌ لِنَازِلِ بِنَائِكَ، وَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهٌ

به درگاهش و شفاعت جوئی به تو در نزد او پس من اکنون به آستان تو فرود آمده و تو را در نزد خدا جاه

عَظِيمٌ وَمَقَامٌ كَرِيمٌ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ اللَّهِ رَبِّكَ يَا مَوْلَايَ. پس ببوس ضریح

و منزلتی بزرگ و مقامی شایسته است پس شفاعت کن برای من در پیش خدا که پروردگار تو است ای مولای من **

را و روی خود را به قبله کن و بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّي اتَّقَرَّبُ اِلَيْكَ يَا اَسْمَعَ السَّمَاعِيْنَ،

***** خدایا من به درگاه تو تقرب جویم ای شنواترین شنوایان

وَيَا اَبْصَرَ النَّاطِرِيْنَ، وَيَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِيْنَ، وَيَا اَجْوَدَ الْاَجْوَدِيْنَ،

و ای بیناترین بینایان و ای سریعترین حسابگران و ای سخی‌ترین سخاوتمندان

بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، رَسُولِكَ إِلَى الْعَالَمِينَ، وَبِأَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ

به حق محمد خاتم پیمبران فرستاده و رسول تو بسوی جهانیان و به حق برادر و پسر عمویش

الْأَنْزِعِ الْبَطِينِ، الْعَالِمِ الْمُتَّبِعِ، عَلِيٍِّّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَسَنِ

آن آقای بازپیشانی فراخ سینه آن دانای آشکار کننده یعنی «علی» امیر مؤمنان و به حق حسن

وَالْحُسَيْنِ الْأَمَامَيْنِ الشَّهِيدَيْنِ، وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ،

و حسین دو پیشوای شهید و به علی بن الحسین زیب پرستش کنندگان

وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ الْأَوْلِيَيْنِ، وَبِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ زَكِيِّ

و به محمد بن علی شکافنده دانش پیشینیان و به جعفر بن محمد آن پاکیزه

الصَّادِقَيْنِ، وَبِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاطِمِ الْمُتَّبِعِ، وَحَبِيسِ الظَّالِمِينَ،

در میان راستگویان و به موسی بن جعفر فرو برنده خشم و آشکار کننده حق و زندانی ستمکاران

وَبِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الْأَمِينِ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ عِلْمِ

و به علی بن موسی آن راضی به مقنارت حق و امین او و به محمد بن علی جواد مشعل راه

الْمُهْتَدِينَ، وَبِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْبَرِّ الصَّادِقِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، وَبِالْحَسَنِ

یافتگان و به علی بن محمد آن نیکوکار راستگو و آقای عبادت کنندگان و به حسن

بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِالْخَلْفِ الْحُجَّةِ صَاحِبِ الْأَمْرِ

بن علی عسکری زمامدار مؤمنان و به یادگار شایسته حجت حق صاحب الامر

مُظْهِرِ الْبُرَاهِينِ، أَنْ تَكْشِفَ مَا بِي مِنَ الْهُمُومِ، وَتَكْفِينِي شَرَّ الْبَلَاءِ

آشکارکننده برهانها که بگشائی از من اندوههایم را و کفایت کنی از من بلا

الْمُحْتَمِومِ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

حتمی را و پناهم دهی از آتش گدازنده دوزخ به رحمت ای مهربانترین مهربانان

پس دعا کن برای هر چه بخواهی و وداع نما آن حضرت را و برگرد مؤلف

گوید که سید عبدالکریم بن طاووس در فَرْحَةَ الْغَرِيِّ روایت کرده که حضرت امام

زین العابدین علیه السلام وارد کوفه شد و داخل شد در مسجد آن و در مسجد

بود ابو حمزه ثمالی که از زاهدین اهل کوفه و مشایخ آنجا بود پس حضرت دو رکعت نماز گذاشت ابو حمزه گفت نشنیدم لهجه‌ای پاکیزه‌تر از او نزدیکش رفتم تا بشنوم چه می‌گوید شنیدم می‌گوید «إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ» و این دعائی است معروف مؤلف گوید که ذکر این دعا بعد از این در اعمال کوفه بیاید و آنکه ابو حمزه گفت که آن بزرگوار آمد نزد ستون هفتم و نعلین را کند و ایستاد و دستها را تا برابر گوش بلند کرد و تکبیری گفت که جمیع موهای بدن من از دَهْشَتِ آن راست ایستاد پس چهار رکعت نماز گذارد و رکوع و سجودش را نیکو به عمل آورد پس این دعا را خواند «إِلَهِي إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ» تا آخر دعا و موافق روایت سابقه.

آن بزرگوار برخاست و رفت ابو حمزه گفت که من عقب او رفتم تا مناخ کوفه و آن مکانی بود که شتران را در آنجا می‌خوابانیدند دیدم در آنجا غلام سیاهی است و با او است شتر گزیده و ناقه گفتم با او ای سیاه این مرد کیست گفت «أَوْيَخْفِي عَلَيْكَ شَمَائِلُهُ» از سیما و شمایلش او را نشناختی او علی بن الحسین است ابو حمزه گفت پس خود را انداختم روی قدمهای آن حضرت بوسیدم آن را که آن جناب نگذاشت و با دست خود سر مرا بلند کرد و فرمود مکن سجود

نشاید مگر برای خداوند عزوجل.

گفتم یابن رسول الله برای چه اینجا آمدید فرمود که از برای آنچه که دیدی یعنی نماز در مسجد کوفه و اگر مردم بدانند که چه فضیلتی است در آن بیایند بسوی آن اگرچه به روش کودکان خود را بر زمین کشند یعنی بیایند هر چند

در نهایت سختی باشد راه رفتن بر ایشان مانند اطفالی که راه نیفتاده‌اند نشسته حرکت می‌نمایند پس فرمود آیا میل‌داری که زیارت کنی با من قبر جدّم علیّ بن ابیطالب علیه السلام را گفتم بلی پس حرکت فرمود و من در سایه ناچه او بودم و حدیث می‌کرد مرا تا رسیدیم بَغَرِیْنِ و آن بقعه‌ای بود سفید که نور آن می‌درخشید پس از شتر خویش پیاده شد و دو طرف روی خود را بر آن زمین گذاشت و فرمود ای ابا حمزه این قبر جدّم علیّ بن ابیطالب علیه السلام است پس زیارت کرد آن حضرت را به زیارتی که اوّل آن «السَّلَامُ عَلَی اسْمِ اللّهِ الرَّضَیِّ وَتُورِ وَجْهِهِ الْمُضِیِّ» است پس وداع کرد با آن قبر مطهّر و رفت بسوی مدینه و من برگشتم بسوی کوفه .

مؤلف گوید که از ذکر نکردن سید این زیارت را در فَرْحَةَ تأسف می‌خوردم و در جستجوی آن بودم تا اینکه یک‌یک زیاراتی که برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده ملاحظه کردم زیارتی که در اوّل آن این دو جمله باشد نیافتم مگر این زیارت شریف که جمله اوّلش موافق است و جمله دوّم مختلف پس شاید که این زیارت همان زیارت باشد و این اختلاف چندان ضرر ندارد و اگر گویی که اوّل این زیارت «سَلَامُ اللّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ» است نه «السَّلَامُ عَلَی اسْمِ اللّهِ الرَّضَیِّ» گوئیم اوّل زیارت همان «السَّلَامُ عَلَی اسْمِ اللّهِ الرَّضَیِّ» است و سلام‌های سابق به منزله اذن دخول و طلب رخصت است و شاهد بر این مطلب تطبیق این زیارتست با زیارت روز مولود که کمال مشابَهت را با هم دارند رجوع کن به آنجا تا بر تو معلوم شود و نیز بدانکه در

زیارت ششم و زیارت روز مولود این دو جمله بدون لفظ نور می باشد اما نه در اوّل زیارت واللّهُ الْعَالِمُ وبالجمله ما را از زیارات مطلقه همین هفت زیارت که نقل کردیم کافی است و اگر کسی بیش از این خواسته باشد بخواند زیارات جامعه را و بخواند نیز زیارت مبسوطی را که بعد از این برای روز غدیر نقل می کنیم زیرا که روایت شده بخواندن آن زیارت در هر وقت و در هر کجا که شخص باشد و باید غنیمت شمرد زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و نماز در آن حرم مطهر را زیرا که نماز در نزد آن بزرگوار مقابل دویست هزار نماز است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که زیارت کند امام مفترض الطّاعه را و نماز گذارد نزد او چهار رکعت نوشته شود برای او حجّه و عمره و ما در هَدِيَّةُ الزَّائِرِينَ اشاره کردیم به فضیلت مجاورت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام لکن بشرط آنکه مجاور حَقِّ جوار آن حضرت را ملحوظ داشته باشد و این مطلب بسیار مشکلی است که برای هر کس ممکن نیست و مقام را مقتضی ذکر آن نیست طالبین رجوع کنند به کلمه طیبّه.

ذکر وداع امیرالمؤمنین علیه السلام

چون خواستی وداع کنی آن حضرت را بخوان این وداع را که بعد از زیارت پنجم مذکور در کتب علما نقل شده:

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ

سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش تو را می سپارم به خدا و از تو سرپرستی خواهم و بر

السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرُّسُلِ وَبِمَا جَاءَتْ بِهِ وَدَعَتْ إِلَيْهِ وَدَلَّتْ عَلَيْهِ فَكُتِبْنَا مَعَ

تو سلام فرستم ایمان آوردیم به خدا و به رسولان او و بدانچه آنان از جانب خدا آورده و بدان دعوت کردند و بر آن

راهنمایی

الشَّاهِدِينَ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُ، فَإِنْ تَوَقَّيْتَنِي

نمودند پس خدایا ما را در زمره گواهان بنویس خدایا قرار مده این زیارت را آخرین زیارت من از این بزرگوار و اگر مرا

قَبْلَ ذَلِكَ، فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَشْهَدُ أَنَّ

پیش از آن بمیرانی پس من گواهی دهم در مردنم همان گواهی را که در زندگیم بدان گواهی داده‌ام گواهی دهم که

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ

امیر مؤمنان علی و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی

وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى، وَمُحَمَّدَ بْنَ

و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن

عَلِيٍّ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، وَالْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ،

علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجة بن الحسن

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَيْمَتِي، وَأَشْهَدُ أَنَّ مَنْ قَتَلَهُمْ وَحَارَبَهُمْ

که درودهای تو بر همگی ایشان باد امامان من هستند و گواهی دهم که هر که بکشد ایشان را و بجنگد با ایشان

مُشْرِكُونَ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْهِمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مَنْ

مشرك است و هر که رد کند آنان را در پایین‌ترین طبقه دوزخ است و گواهی دهم که هر که

حَارَبَهُمْ لَنَا أَعْدَاءٌ وَنَحْنُ مِنْهُمْ بُرَاءٌ، وَأَنَّهُمْ حِزْبُ الشَّيْطَانِ، وَعَلَى

با ایشان بجنگد دشمن ما است و ما از آنها بیزاریم و آنان از دار و دسته شیطان هستند و بر

مَنْ قَتَلَهُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَمَنْ شَرِكَ فِيهِمْ

کشدگانشان لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم باد و هم بر کسانی که شریک در خون

وَمَنْ سَرَّهُ قَتْلُهُمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَالتَّسْلِيمِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

آنها شده و از کشتنشان شاد گشتند خدایا از تو خواهم پس از درود و سلام که درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ، وَجَعْفَرَ وَمُوسَى،

محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی

وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ، وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ، وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِ،

و علی و محمد و علی و حسن و حضرت حجت و قرار ندهی آخرین بار زیارتم

فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاحْشُرْنِي مَعَ هَؤُلَاءِ الْمُسَمَّيْنَ الْأَيْمَةَ، اَللّٰهُمَّ وَذَلِّ قُلُوبَنَا لَهُمْ

از این بزرگوار و اگر چنین کنی پس مرا با این نامبردگان که امامان متد محشور گردان خدایا رام گردان دلهای ما را به

بِالطَّاعَةِ وَالْمُنَاصَحَةِ وَالْمَحَبَّةِ، وَحَسَنِ الْمَوَازِرَةِ وَالتَّسْلِيمِ.

فرمانبرداری ایشان و خیرخواهی و دوستی و خوش خدمتی و تسلیم شدن برای آنها

مقصد دویم

در زیارات مخصوصه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

و آنها چند زیارت است اول زیارت روز غدیر است که روایت شده از حضرت

امام رضا علیه السلام که به ابن ابی نصر فرمود ای ابن ابی نصر هر جا که

باشی حاضر شو در روز غدیر نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام بدرستی که حق

تعالی می آموزد در این روز از مرد مؤمن و زن مؤمنه گناه شصت ساله را و

آزاد می کند از آتش جهنم دو برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و در

شب قدر و شب فطر «الخبر» و بدان که برای این روز شریف چند زیارت نقل

شده اول زیارت امین الله که در زیارت دویم مطلقه گذشت دویم زیارتی است

که به سندهای معتبره از حضرت امام علی نقی علیه السلام نقل شده که زیارت

کردند حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را به آن در روز غدیر در سالی که

معصم آن حضرت را طلبیده بود و کیفیت آن چنان است که چون اراده زیارت

نمائی بایست بر درِ قُبّه منوره و رخصت طلب نما و شیخ شهید گفته که غسل

می کنی و پاکترین جامه های خودرامی پوشی و اذن دخول می طلبی می گوئی «اَللّٰهُمَّ

إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ» و این همان اذن دخول اول است که ما در اول باب نقل کردیم پس پای راست را مقدم دار و داخل شو و برو به نزدیک ضریح مقدس

و پشت به قبله در برابر ضریح بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ،

سلام بر محمد رسول خدا خاتم پیامبران

وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَصَفْوَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، آمِينَ اللَّهُ عَلَى وَحْيِهِ

و آقای رسولان و برگزیده پروردگار جهانیان امین خدا بر وحیش

وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، وَالْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَالْمُهَيِّمِ عَلَى

و فرمانهای حتمی‌اش و ختم کننده آنچه از پیش گذشته و گشاینده آنچه پس از او آید و گواه و نگهبان بر

ذَلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ وَصَلَوَاتِهِ وَتَحِيَّاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى

همه آنها و رحمت خدا و برکاتش و درودها و تحیاتش و سلام بر

أَنْبِيََاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ الْمُقْرَبِينَ، وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ

پیامبران خدا و رسولانش و فرشتگان مقربش و بندگان شایسته‌اش سلام

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَوَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَوَلِيَّ

بر تو ای امیر مؤمنان و آقای اوصیاء و وارث دانش پیامبران و ولی

رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَمَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ،

پروردگار جهانیان و سرور من و سرور مؤمنان و رحمت خدا و برکاتش

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ،

سلام بر تو ای مولای من ای امیر مؤمنان ای امین خدا در زمینش

وَسَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ، وَحُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى عِبَادِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ

و سفیرش در میان خلق و حجت رسای او بر بندگانش سلام بر تو ای آئین

اللَّهِ الْقَوِيمَ وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ، الَّذِي

محکم خدا و راه راستش سلام بر تو ای خبر عظیمی که مردم

هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ يُسْتَلُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،

در آن اختلاف کرده و از آن بازخواست شوند سلام بر تو ای امیر مؤمنان

آمَنْتَ بِاللَّهِ وَهُمْ مُشْرِكُونَ، وَصَدَقْتَ بِالْحَقِّ وَهُمْ مَكْدُبُونَ،

ایمان آوردی به خدا در آن وقت که مردم مشرک بودند و تصدیق کردی حق را در هنگامی که آنها تکذیب کردند

وَجَاهَدْتَ وَهُمْ مُجْتَمِعُونَ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ، صَابِرًا

و پیکار کردی در آنگاه که آنان خود را واپس کشیدند و پرستش کردی خدا را مخلصانه در دین و شکیبا

مُحْتَسِبًا حَتَّىٰ آتَيْكَ الْيَقِينَ، أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

و پاداش جو تا آنگاه که مرگت فرا رسید ای لعنت خدا بر ستمکاران سلام بر تو

يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ، وَيَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِمَامَ الْمُتَّقِينَ، وَقَائِدَ الْعُرِّ

ای آقای مسلمانان و پادشاه مؤمنان و پیشوای پرهیزکاران و مقتدای

الْمُحْجَلِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَوَصِيِّهُ،

سفید رویان و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که براستی تویی برادر رسول خدا و وصی او

وَوَارِثُ عِلْمِهِ وَأَمِينُهُ عَلَىٰ شَرْعِهِ، وَخَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ، وَأَوَّلُ مَنْ آمَنَ

و وارث دانشش و امین او بر شریعت و احکامش و جانشین او در امتش و نخستین کسی که ایمان آورد

بِاللَّهِ، وَصَدَّقَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَىٰ نَبِيِّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا أَنْزَلَهُ

به خدا و تصدیق کرد آنچه را بر پیامبرش نازل گشت و گواهی دهم که او بخوبی رساند آنچه را خدا درباره‌ات نازل

فِيكَ، فَصَدَعَ بِأَمْرِهِ، وَأَوْجَبَ عَلَىٰ أُمَّتِهِ فَرَضَ طَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ،

فرموده بود و دستورش را با صدای بلند به مردم رساند و واجب کرد بر امتش لزوم پیروی تو و ولایت را

وَعَقَدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ، وَجَعَلَكَ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، كَمَا

و عقد و بیعت تو را برای آنها بست و تو را نسبت به مؤمنان سزاوارتر از خودشان قرار داد

جَعَلَهُ اللَّهُ كَذَلِكَ، ثُمَّ أَشْهَدَ اللَّهُ تَعَالَىٰ عَلَيْهِمْ، فَقَالَ أَلَسْتُ قَدْ بَلَّغْتُ،

چنانچه خدا چنان مقرر کرده بود و سپس خدای تعالی را بر این مطلب گواه گرفت و فرمود: آیا بخوبی نرساندم؟

فَقَالُوا اللَّهُمَّ بَلَىٰ، فَقَالَ اللَّهُمَّ أَشْهَدُ وَكَفَىٰ بِكَ شَهِيدًا، وَحَاكِمًا بَيْنَ

گفتند: خدایا چرا. فرمود: بار خدایا گواه باش و کافی است گواه بودن تو و حکمرانیت در میان

الْعِبَادِ، فَلَعَنَ اللَّهُ جاحِدَ وَلَايَتِكَ بَعْدَ الْأَقْرَارِ، وَنَاكِثَ عَهْدِكَ بَعْدَ

بندگان پس لعنت کند خدا منکر ولایت و فرمانروائی تو را پس از اقرار و شکننده پیمانت را پس از بستن

الْمِيثَاقِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بَعْدَ اللَّهِ تَعَالَى، وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى مُوفٍ لِكُلِّ

پیمان و گواهی دهم که تو برآستی به عهد خدای تعالی وفا کردی و به حقیقت خدای تعالی وفاکننده است درباره تو

بِعَهْدِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ، فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا، وَأَشْهَدُ

به عهد خویش و هرکس وفا کند بدان پیمانی که با خدا بسته است پس خدا پاداش بزرگی به او خواهد داد و گواهی

أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، الْحَقُّ الَّذِي نَطَقَ بِوَلَايَتِكَ التَّنْزِيلُ، وَأَخَذَ لَكَ

دهم که برآستی تویی امیر مؤمنان بر حق که قرآن درباره ولایت گویا شد و

الْعَهْدَ عَلَى الْأُمَّةِ بِذَلِكَ الرَّسُولِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَعَمَّكَ وَأَخَاكَ الَّذِينَ

رسول خدا از امت خود در این باره پیمان گرفت و گواهی دهم که به حقیقت تو و عمومیت (حمزه) و برادرت (جعفر)

تَاجَرْتُمْ اللَّهُ بِنَفُوسِكُمْ، فَانزَلَ اللَّهُ فِيكُمْ، إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

سودا کردید با خدا بوسیله جانهای خود پس خدا درباره تان نازل کرد: «همانا خدا خرید از مؤمنان

أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ، يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ

جانها و مالهاشان را که (در عوض) بهشت از آنها باشد کارزار کنند در راه خدا پس بکشند

وَيُقْتَلُونَ، وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ، وَمَنْ

و کشته شوند وعده‌ای است که بر او محقق گشته در تورات و انجیل و قرآن و کیست

أَوْفَى بَعْدَهُ مِنَ اللَّهِ، فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ، وَذَلِكَ هُوَ

که وفادارتر باشد به عهد خود از خدا پس شادمان باشید به معامله خویش که انجام دادید که این

النَّوْزُ الْعَظِيمُ، النَّبِيُّونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ، السَّائِحُونَ الرَّاکِحُونَ

کامیابی بزرگی است، توبه گرانی هستند پرستش کننده و ستایشگر و روزه‌دار (یا سفر کننده برای طلب علم) و رکوع

السَّاجِدُونَ، الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَالْحَافِظُونَ

کننده و سجده‌گزار و وادار کننده به معروف و بازدارنده از منکر و نگهبانان

لِحُدُودِ اللَّهِ، وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَنَّ الشَّاكَّ فَيْكَ

حدود خدا و نوید ده به مؤمنان، گواهی دهم ای امیر مؤمنان که هر که درباره تو شک و تردید به خود راه دهد

مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ، وَأَنَّ الْعَادِلَ بِكَ غَيْرَكَ عَانِدٌ عَنِ الدِّينِ

به رسول امین ایمان نیاورده و براستی کسی که عدول کند از تو به دیگری جز تو معاند است در دین

الْقَوْمِ، الَّذِي ارْتَضَاهُ لَنَا رَبُّ الْعَالَمِينَ، وَأَكْمَلَهُ بِيَوْمِ الْغَدِيرِ،

محکم و استواری که پسندیده است برای ما پروردگار جهانیان و کامل کرد آن را بوسیله ولایتت در روز غدیر

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنِيُّ بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ، وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا

و گواهی دهم که توئی مقصود از گفتار خدای نیرومند مهربان «و براستی این است راه راست من

فَاتَّبِعُوهُ، وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ، ضَلَّ وَاللَّهُ وَأَضَلَّ

پس از آن پیروی کنید و از راههای دیگر پیروی نکنید که شما را از راه او جدا کند» گمراه است به خدا و گمراه کرده

مَنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ، وَعَدَدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عَادَاكَ، اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ،

هر کس که پیروی کند جز تو را و عناد ورزیده از حق کسی که با تو دشمنی کند خدایا ما فرمان تو را شنیدیم

وَأَطَعْنَا، وَاتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ فَاهْدِنَا، رَبَّنَا وَلَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ

و اطاعت کردیم و راه راست تو را پیروی کردیم پس ما را هدایت کن پروردگارا و منحرف مکن دلهای ما را پس از

إِذْ هَدَيْتَنَا إِلَى طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ لِأَنْعَمِكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ

آنکه به طاعت خود هدایتمان کردی و قرارمان ده از سپاسگزاران نعمتهایت و گواهی دهم که براستی

لَمْ تَزَلْ لِلْهُوَى مُخَالَفًا، وَلِلتَّقَى مُحَالِفًا وَعَلَى كَظْمِ الْغَيْظِ قَادِرًا، وَعَنْ

تو پیوسته با هوای نفس مخالفت کردی و ملازم پرهیزکاری بودی و بر فرونشاندن خشم خویش توانا و از

النَّاسِ عَافِيًا غَافِرًا، وَإِذَا عُصِيَ اللَّهُ سَاخِطًا، وَإِذَا أُطِيعَ اللَّهُ رَاضِيًا، وَبِمَا

رفتار جاهلانه مردم) گذشت کن و آمرزنده بودی و هنگامی که خدا را معصیت می کردند خشمناک و چون اطاعت او

رامی کردند خوشنود

عَهْدِ إِلَيْكَ عَامِلًا، رَاعِيًا لِمَا اسْتَحْفِظْتَ، حَافِظًا لِمَا اسْتُودِعْتَ، مُبَلِّغًا

می گشتی و بدانچه خدا با تو پیمان بسته بود عمل کرده و در آنچه مأمور حفظش بودی رعایت داشتی، نگهداری کردی آنچه

به تو سپرده شده

مَا حُمِلْتَ، مُنْتَظِرًا مَا وَعَدْتَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضَارِعًا، وَلَا

بود و رساندی آنچه را به عهده داشتی و چشم براه وعده‌ای بودی که به تو داده شده بود و گواهی دهم که تقیه تو (از

دشمنان) نه از باب

أَمْسَكْتَ عَنْ حَقِّكَ جَازِعًا، وَلَا أَحْجَمْتَ عَنْ مُجَاهَدَةِ غَاصِبِيكَ

زبونی و ناتوانی بود و خودداری نکردی از گرفتن حق خود بخاطر عجز و بی‌تابی و کناره‌گیری نکردی از پیکار با

غاصبین حق خود

نَاكِيلًا، وَلَا أَظْهَرْتَ الرِّضَى بِخِلَافِ مَا يُرِضِي اللّٰهَ مُدَاهِنًا، وَلَا وَهَنْتَ

از جهت سستی و چنان نبود که بر خلاف میل خدا برای سازش با دشمن اظهار رضایت کنی و نه اینکه سستی کنی

لِمَا أَصَابَكَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَلَا ضَعُفْتَ وَلَا اسْتَكْنَتَ عَنْ طَلَبِ حَقِّكَ

در برابر آنچه در راه خدا به تو رسید و نه اینکه ناتوان باشی و نه اینکه درمانده شده باشی از مطالبه حق خود بخاطر

مُرَاقِبًا، مَعَاذَ اللّٰهِ أَنْ تَكُونَ كَذَلِكَ، بَلْ إِذْ ظَلِمْتَ احْتَسَبْتَ رَبَّكَ،

ترس از غاصبین حقت، پناه به خدا که چنان بوده باشی بلکه چون به تو ستم کردند تو آن را به حساب پروردگارت

وَفَوَّضْتَ إِلَيْهِ أَمْرَكَ، وَذَكَرْتَهُمْ فَمَا اذْكُرُوا، وَوَعظْتَهُمْ فَمَا اتَّعَطُوا،

گذاردی و کارت را به او واگذار کردی و ستمکاران را پند دادی ولی پند نگرفتند و موعظه‌شان کردی ولی سودشان

وَخَوَّفْتَهُمُ اللّٰهَ فَمَا تَخَوَّفُوا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَاهَدْتَ

نداد و از خدا آنها را ترساندی و نترسیدند و گواهی دهم که تو ای امیر مؤمنان جهاد کردی

فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللّٰهُ إِلَى جِوَارِهِ، وَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ،

در راه خدا آنطور که باید تا اینکه خداوند تو را به جوار خویش دعوت کرد و به اختیار خود جان شریف‌ت را قبض

وَأَلْزَمَ أَغْدَاكَ الْحُجَّةَ بِقَتْلِهِمْ إِيَّاكَ لِتَكُونَ الْحُجَّةَ لَكَ عَلَيْهِمْ، مَعَ مَا

فرمود و ملزم کرد حجت را بر دشمنانت به همان که تو را کشتند تا حجت تو بر آنها تمام باشد با آن همه

لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ

حجت‌های رسای دیگری که بر تمام خلق خدا داشتی سلام بر تو ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ، عَبَدْتَ اللّٰهَ مُخْلِصًا، وَجَاهَدْتَ فِي اللّٰهِ صَابِرًا، وَجَدْتَ

مؤمنان پرستش کردی خدا را از روی اخلاص و پیکار کردی در راه خدا بردبارانه و بذل

بِنَفْسِكَ مُحْتَسِبًا، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ

جان کردی به حساب خدا و به قرآنش عمل کردی و از روش و سنت پیغمبرش پیروی کردی و نماز را برپاداشتی

وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ مَا اسْتَطَعْتَ،

و زکات را پرداختی و به معروف امر کردی و از منکر نهی کردی تا توانستی و در این کار جویا بودی

مُبْتَغِيًا مَا عِنْدَ اللَّهِ، رَاغِبًا فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ، لَا تَخْفَلُ بِالنَّوَائِبِ، وَلَا تَهِنُ

آنچه را نزد خدا است و میل و رغبت داشتی بدانچه خدا وعده داده بود باکی از پیش آمدهای ناگوار نداشتی

عِنْدَ الشَّدَائِدِ، وَلَا تُحْجِمُ عَنْ مُحَارِبِ، أَفِيكَ مَنْ نَسَبَ غَيْرَ ذَلِكَ إِلَيْكَ،

و در برابر سختیها سستی نکردی و رو نگرداندی از جنگجویان، هر که جز این به تو نسبت دهد

وَأَفْتَرَىٰ بِاطِلَالٍ عَلَيْكَ، وَأَوْلَىٰ لِمَنْ عِنْدَ عَنُكْ، لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ

تهمت زده و افترای دروغی را به باطل بر تو بسته و دشمنت را کمک کرده چه آنکه تو بر راستی جهاد کردی در راه خدا

الْجِهَادِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى صَبْرًا احْتِسَابًا، وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ

آنطور که باید و در برابر آزار دشمنان بردباری کردی بردباری پاداش جویانه و تو نخستین کسی بودی که

بِاللَّهِ وَصَلَّىٰ لَهُ، وَجَاهَدَ وَأَبْدَىٰ صَفْحَتَهُ فِي دَارِ الشَّرْكِ، وَالْأَرْضُ

به خدا ایمان آوردی و برای او نماز خواندی و جهاد کردی و خود را آشکار ساختی در مرکز شرک در زمانی که زمین

مَشْحُونَةٌ ضَالَّةٌ وَالشَّيْطَانُ يُعْبِدُ جَهْرَةً، وَأَنْتَ الْقَائِلُ لَا تَزِيدُنِي

پر بود از گمراهی و شیطان را آشکارا می پرستیدند و تو بودی که می گفتی زیادی

كَثْرَةَ النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً، وَلَا تَفَرِّقْهُمْ عَنِّي وَحَشَةً، وَلَوْ أَسْلَمَنِي

مردم در گرد من به عزت من نیفزاید و پراکنده شدنشان نیز بر ترس من افزوده نکند و اگر همه مردم

النَّاسُ جَمِيعًا لَمْ أَكُنْ مُتَضَرِّعًا، اِعْتَصَمْتَ بِاللَّهِ فَعَزَّزْتَ، وَأَثَرْتَ

نیز مرا واگذارند به زاری درنیایم به قدرت خدا تکیه کردی و عزیز گشتی و آخرت

الْآخِرَةَ عَلَى الْأُولَىٰ فَزَهَّدْتَ، وَأَيَّدَكَ اللَّهُ وَهَدَاكَ، وَأَخْلَصَكَ

را بر دنیا برگزیدی و زهد و ورزیدی و خدا نیز کمکت کرد و راهنمایت فرمود و انتخاب کرده

وَأَجَبِيكَ، فَمَا تَنَاقَصْتَ أَعْمَالِكَ، وَلَا اخْتَلَفْتَ أَقْوَالِكَ، وَلَا تَقَلَّبْتَ

و برگزیدت، در کارهای تو تناقضی نبود و گفتارهایت اختلاف نداشت و حالات تو متغیر و دگرگون

أَحْوَالِكَ، وَلَا ادَّعَيْتَ وَلَا افْتَرَيْتَ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا، وَلَا شَرِهْتَ إِلَيَّ

نگشت و ادعائی بر خلاف حق نداشتی و نه بدروغ بر خدا افتراء بستنی و نه آزمند متاع ناقابل

الْحُطْمِ، وَلَا دَسَّكَ الْآثَامُ، وَلَمْ تَزَلْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، وَيَقِينٌ مِنْ

دنیا گشتی و نه گناهان تو را آلوده کرد و پیوسته روش تو برهانی آشکار از پروردگارت بود و در

أَمْرِكَ، تَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، أَشْهَدُ شَهَادَةً حَقًّا،

کارت یقین داشتی بسوی حق و به شاهراه راست (مردم را) راهنمایی می کردی گواهی دهم از روی حقیقت

وَأُقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمَ صِدْقٍ، إِنَّ مُحَمَّدًا وَآلَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ سَادَاتُ

و سوگند یاد کنم به خدا براستی که همانا محمد و آلش صلوات الله علیهم آقایان

الْخَلْقِ، وَأَنْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنْتَ عَبْدُ اللَّهِ وَوَلِيِّهُ، وَأَخُو

خلق بودند و تو مولای من و مولای مؤمنانی و تو براستی بنده خدا و ولی او و برادر

الرَّسُولِ وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ، وَأَنْتَ الْقَائِلُ لَكَ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا

رسول و وصی و وارثش هستی و او به تو فرمود: سوگند بدانکه مرا به حق برانگیخت

أَمَنْ بِي مِنْ كَفَرٍ بِكَ، وَلَا أَقْرَبَ بِاللَّهِ مِنْ جَحْدِكَ، وَقَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ،

ایمان نیاورده به من آن کس که به تو کافر است و اقرار نکرده به خدا کسی که تو را انکار کند و گمراه است کسی که

وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ وَلَا إِلَيَّ مَنْ لَا يَهْتَدِي بِكَ، وَهُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ،

مردم را از تو باز دارد و راه بسوی خدا و بسوی من نیافته آنکس که بوسیله تو رهبری نیافته و این گفتار پروردگار من

عزوجل

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا، ثُمَّ اهْتَدَى إِلَيَّ وَلَا يَتِيكَ،

است که فرمود: «و من آمرزگارم برای آن کس که توبه کند و ایمان آورده و کار شایسته کند و راه یابد - بسوی ولایت

مَوْلَايَ فَضْلُكَ لَا يَخْفَى، وَتُورِكُ لَا يُطْفَأُ، وَأَنْ مَنْ جَحْدَكَ الظُّلُومُ

تو - ای سرور من فضل تو مخفی نیست و نور تو خاموش نگردد و هر که تو را انکار کند ستمکار

الْأَشْقَى، مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ، وَالْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ،

و بدبخت است، مولای من توئی حجت بر بندگان و راهنمای به راه راست

وَالْعُدَّةُ لِلْمَعَادِ، مَوْلَايَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِي الْأُولَى مَنَزِلَتَكَ، وَأَعْلَى فِي

و ذخیره روز معاد مولاى من براستی خداوند مقام تو را در دنیا بلند کرده، و والا گردانید

الْآخِرَةَ دَرَجَتِكَ، وَبَصَّرَكَ مَا عَمِيَ عَلَى مَنْ خَالَفَكَ، وَحَالَ بَيْنَكَ

درجات را در آخرت و بینایت کرد بدانچه پوشیده ماند بر مخالفین تو و آنکس که حائل شد میان تو

وَبَيْنَ مَوَاهِبِ اللَّهِ لَكَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مُسْتَحِلِّي الْحُرْمَةِ مِنْكَ، وَذَائِدِي

و میان بهره‌هایی که خدا به تو داده بود پس خدا لعنت کند آنکس که حرمت تو را حلال پنداشت

الْحَقُّ عَنكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْآخَسِرُونَ، الَّذِينَ تَلْفَحُ وَجُوهَهُمُ النَّارُ

و حق را از تو گرداند و گواهی دهم که آنان زیانکارند که آتش چهره‌شان را بسوزاند

وَهُمْ فِيهَا كَالْحُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَقْدَمْتَ وَلَا أَحْجَمْتَ، وَلَا نَطَقْتَ

و در آنجا زشت منظر باشند و گواهی دهم که اقدام نکردی و واپس نکشیدی و زبان نگشادی

وَلَا أَمْسَكْتَ إِلَّا بِأَمْرٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، قُلْتَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ

و نه بستی جز به دستور خدا و رسولش، تو خود فرمودی: «سوگند بدانکه جانم بدست او است

نَظَرُ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَضْرِبُ بِالسِّيفِ قُدَمَا، فَقَالَ

همانا نگریست بسویم رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگامی که پیشقدمانه شمشیر می‌زدم و به من فرمود:

يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي،

ای علی تو از من به منزله هارونی از موسی جز آنکه پیامبری پس از من نیست

وَأَعْلَمُكَ أَنَّ مَوْتَكَ وَحَيَاتَكَ مَعِيَ وَعَلَى سُنَّتِي، فَوَ اللَّهُ مَا كَذِبْتُ وَلَا

و تو را آگاه کنم که مرگ و زندگی با من و بر روش و طریقه من است و به خدا سوگند دروغ نگویم

كُذِبْتُ، وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضَلَّ بِي وَلَا نَسِيْتُ مَا عَاهَدَ إِلَيَّ رَبِّي، وَإِنِّي

و دروغ به من نگفته‌اند و گمراه نشدم و گمراه نکردند و نه آنکه فراموش کردم آنچه را پروردگارم با من پیمان بسته

لَعَلَى بَيْتَةِ مِنْ رَبِّي، بَيْنَهَا لِنَبِيِّهِ وَبَيْنَهَا النَّبِيُّ لِي، وَإِنِّي لَعَلَى الطَّرِيقِ

و براستی من براهنی آشکار از پروردگارم دارم که برای پیامبرش گفته و او هم برای من بیان کرده و من در طریق

الْوَاضِحِ الْفِظُهُ لَفْظًا، صَدَقْتَ وَاللَّهِ وَقُلْتَ الْحَقَّ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاكَ

روشن و واضحی هستم و بطور صریح و فاش آنرا می‌گویم» به خدا (ای مولای من) راست گفتمی و حق گفتمی پس خدا لعنت کند

آنکس که تو را

بِمَنْ نَاوَاكَ، وَاللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ، هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ

برابر کرد با دشمنان در صورتی که آن خدائی که نامش برجسته است فرماید: آیا یکسانند کسانی که می‌دانند

وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مِنْ فَرَضِ اللَّهِ عَلَيْهِ

با کسانی که نمی‌دانند» پس خدا لعنت کند کسی را که در ردیف تو قرار داد آن کس را که خدا ولایت تو را بر

وَلَايَتِكَ، وَأَنْتَ وَلِيُّ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ، وَالذَّآبُ عَنْ دِينِهِ، وَالَّذِي

بر او واجب کرده بود با اینکه تو بودی ولی خدا و برادر رسول او و دفاع کننده از دینش و آنکس که

نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى، وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى

که قرآن به برتریش گویا است خدای تعالی فرماید: «و برتری داد خدا جهاد کنندگان را بر

الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا، دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً، وَكَانَ اللَّهُ

و انشستگان به پاداشی بزرگ که مرتبتها و آمرزش و رحمت او است و خدا آمرزنده و مهربان

غَفُورًا رَحِيمًا، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ

است» و فرمود خدای تعالی: «آیا قرار داده‌اید آب دادن حاجیان و آباد کردن

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، لَا

مسجد الحرام را مانند آن کس که ایمان آورده به خدا و روز جزا و در راه خدا جهاد کرده؟

يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ، الَّذِينَ آمَنُوا

نزد خدا برابر نیستند و خدا هدایت نمی‌کند گروه ستمکار را، آنانکه ایمان آورده

وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً

و هجرت کرده و در راه خدا جهاد کرده‌اند با مالهایشان و جانهایشان در مرتبت

عِنْدَ اللَّهِ، وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ، يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ،

نزد خدا برترند و اینان کامیاب شدگانند که نویدشان دهد پروردگارشان به رحمتی از او و خوشنودی

وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا، إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ

و بهشتیانی که در آنجا نعمتهائی دائم دارند و همیشه در آنجا جاویدانند برآستی که خدا نزد وی پاداشی

عَظِيمٌ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَخْصُوصُ بِمِدْحَةِ اللَّهِ، الْمَخْلِصُ لِطَاعَةِ اللَّهِ، لَمْ

بزرگ است، گواهی دهم که به حقیقت توئی مخصوص به مدح خدا و مخلص در طاعت خدا که

تَبِيعَ بِالْهُدَى بَدَلًا، وَلَمْ تُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ أَحَدًا، وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى

جایگزینی برای هدایت نجستی و شریک نساختی در پرستش پروردگارت هیچکس را و براستی خدای تعالی

اسْتَجَابَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيكَ دَعْوَتَهُ، ثُمَّ أَمَرَهُ بِإِطْعَامِ مَا

اجابت فرمود دعای پیامبرش صلی الله علیه و آله را درباره تو سپس دستورش داد به آشکار کردن آن مقامی را

أَوْلَاكَ لِأُمَّتِهِ، إِعْلَاءَ لِشَانِكَ، وَإِعْلَانًا لِبُرْهَانِكَ، وَدَخْضًا لِلْأَبَاطِيلِ،

که به تو داده برای امتش تا مرتبهات را بالا برده و برهانت را اعلان کند و اباطیل را از میان بردارد

وَقَطْعًا لِلْمَعَادِيرِ، فَلَمَّا أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَاسِقِينَ، وَاتَّقَى فِيكَ

و عذر و بهانه‌ای بجای نماند و چون بیمناک گشت از آشوب و فتنه فاسقان و بترسید در مورد تو

الْمُنَافِقِينَ، أَوْحَى إِلَيْهِ رَبُّ الْعَالَمِينَ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ

از منافقان وحی کرد به او پروردگار جهانیان: «ای پیغمبر برسان آنچه از پروردگارت

إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ

بر تو نازل شده و اگر نکنی پیام او را نرسانده‌ای و خدا تو را حفظ می‌کند از

النَّاسِ، فَوَضَعَ عَلَى نَفْسِهِ أَوْ زَارَ الْمَسِيرِ، وَتَهَضَّ فِي رَمْضَاءِ الْهَجِيرِ،

مردم» پس او بر خود هموار کرد بارهای سنگین سفر را و بپاخواست در نیمه روز سوزان آن بیابان

فَخَطَبَ وَأَسْمَعَ وَنَادَى فَأَبْلَغَ ثُمَّ سَأَلَهُمْ، أَجْمَعَ فَقَالَ هَلْ بَلَّغْتُ، فَقَالُوا

و خطبه خواند و بگوش مردم رسانید و با صدای بلند به آنها رسانید سپس از همگی آنها پرسیده فرمود: آیا رساندم؟

اللَّهِمْ بَلَى، فَقَالَ اللَّهُمَّ أَشْهَدُ، ثُمَّ قَالَ أَلَسْتُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ

گفتند خدایا آری، پس فرمود: خدایا گواه باش سپس فرمود: آیا من سزاوارتر به مؤمنین از

أَنْفُسِهِمْ، فَقَالُوا بَلَى، فَأَخَذَ بِيَدِكَ وَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيُّ

خودشان نیستم؟ گفتند: چرا، پس دست تو را گرفت و فرمود: هر که من مولای او هستم پس این علی

مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ،

مولای او است خدایا دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و یاری کن هر که یاریش کند

وَ اخْذُلْ مَنْ خَدَلَهُ، فَمَا آمَنَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَيْكَ عَلَى نَبِيِّهِ إِلَّا قَلِيلٌ، وَلَا

و خوار کن هر که دست از یاریش بردارد پس ایمان نیاورد بدانچه خدا درباره تو بر پیغمبرش نازل فرمود جز اندکی

زَادَ أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَخْسِيرٍ، وَلَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَهُمْ

و نیفزود بیشترشان را جز زیانکاری و پیش از آن نیز خدا درباره‌ات نازل فرمود با اینکه

كَارِهُونَ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ، فَسَوْفَ

آنها خوش نداشتند این آیه را «ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر که از شما بازگردد از دین خود پس بزودی

يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ، أَذَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى

خدا بیآورد گروهی را که دوستشان دارد و دوستش دارند با مؤمنان افتاده و با

الْكَافِرِينَ، يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ، ذَلِكَ

کافران سرکشند کارزار کنند در راه خدا و از سرزنش ملامت کننده نهراسند این

فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ، وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ، إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ،

فضل خدا است که به هر که خواهد دهد و خدا وسعت بخشش و دانا است، جز این نیست که سرپرست شما خدا و

وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ،

رسول او و کسانی هستند که ایمان دارند آنانکه بپا دارند نماز را و بدهند زکات را در آن حال که رکوع می‌گذارند

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا، فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ،

و هر که دوستی کند با خدا و رسولش و کسانی که ایمان دارند پس براستی گروه خدا چیره شوندگانند»

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، رَبَّنَا لَا

پروردگارا ما ایمان آوردیم بدانچه نازل فرمودی و پیروی از پیامبرت کردیم پس بنویس ما را با گواهان پروردگارا

تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ

منحرف مکن دل‌های ما را پس از آنکه هدایتیمان کردی و ببخش به ما از نزد خودت رحمتی که براستی تویی

الْوَهَّابُ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَعْلَمُ أَنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ، فَالْعَنَ مَنْ

بخشایشگر، خدایا ما بخوبی می‌دانیم که این (گفتار) حقی است از نزد تو پس لعنت کن هر که

عَارِضَهُ وَاسْتَكْبَرَ، وَكَذَّبَ بِهِ وَكَفَرَ، وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ

با او مخالفت کرد و بزرگی ورزید و او را تکذیب کرده کفر ورزید و بزودی می‌دانند آنانکه ستم کردند به چه سرنوشتی

يَنْقَلِبُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، وَأَوْلَى

دچار گردند سلام بر تو ای امیر مؤمنان و آقای اوصیاء و سرسلسله

الْعَابِدِينَ، وَأَزْهَدَ الزَّاهِدِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، وَصَلَوَاتِهِ وَتَحِيَّاتِهِ،

عبادت کنندگان و زاهدترین زاهدان و رحمت خدا و برکاتش و درودهایش و تحیاتش

أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا لَوْجَهَ اللَّهِ، لَا

توئی که خوراندی طعام را با اینکه دوست داشتی بر بینوا و یتیم و اسیر برای خاطر خدا

تُرِيدُ مِنْهُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا، وَفِيكَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى، وَيُؤْتِرُونَ عَلَى

و نخواستی از ایشان پاداش و سپاسی و درباره تو خدای تعالی نازل فرمود: «و مقدم دارند (آنها را) بر

أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ، وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ

خودشان و گرچه خود حاجتمند باشند و هر که محفوظ ماند از بخل ضمیر او پس آنهاستند

الْمُفْلِحُونَ، وَأَنْتَ الْكَاطِمُ لَلْغَيْظِ وَالْعَافِي عَنِ النَّاسِ، وَاللَّهُ يُحِبُّ

رستگاران» و توئی که فرو بردی خشم خود را و گذشتی از مردم و خدا دوست دارد

الْمُحْسِنِينَ، وَأَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبِأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ، وَأَنْتَ

نیکوکاران را و توئی بردبار در تنگدستی و دشواری و هنگام کارزار و توئی

الْقَاسِمُ بِالسُّوْيَةِ، وَالْعَادِلُ فِي الرَّعِيَّةِ، وَالْعَالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ

قسمت کننده به مساوات و عدالت گستر در رعیت و دانای به حدود و احکام خدا از میان همه

الْبَرِيَّةِ، وَاللَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَمَّا أَوْلَاكَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ، أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا

مردم و خدای تعالی خبر داد از آن بهره‌ای که به تو داده از فضل خود آنجا که فرموده: «آیا آنکس که مؤمن است

كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ، أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ، فَلَهُمْ

همانند کسی است که فاسق است؟ برابر نیستند اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ایشان را است

جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ، وَأَنْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ

بهشتهای اقامتگاه که آماده پذیرائی آنها است به پاداش کارهایی که می‌کردند» و تویی مخصوص به دانستی

التَّنْزِيلِ، وَحُكْمِ التَّوْبِيلِ وَنَصِّ الرَّسُولِ، وَلِكِ الْمَوَاقِفِ الْمَشْهُودَةِ،

قرآن و حکم تأویل و تصریح گفتار پیامبر و تو را است آن موقعهای مشهود و معروف

وَالْمَقَامَاتُ الْمَشْهُورَةُ، وَالْأَيَّامُ الْمَذْكُورَةُ، يَوْمَ بَدْرٍ وَيَوْمَ الْأَحْزَابِ،

و آن مقامات مشهور و آن روزهای تاریخی روز (جنگ) بدر و روز (جنگ) احزاب

إِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ، وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا،

در آن هنگامی که چشمها خیره گشت و جانها به گلوها رسیده و گمانهای گوناگونی به خدا بردند

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زُلْزَالًا شَدِيدًا، وَإِذْ يَقُولُ

در آن هنگام مؤمنان امتحان شدند و به تزلزل سختی دچار گشتند در آن دم که می‌گفتند

الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا

منافقان و آنانکه که در دلهاشان مرضی بود وعده ندادند خدا و رسولش به ما جز

غُرُورًا، وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ، يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا،

فريب. و آن دم که گروهی از ایشان گفتند ای مردم یثرب جای ماندن شما نیست بازگردید و گروهی از

وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ، يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ

آنها اجازه می‌خواستند از پیغمبرشان و می‌گفتند خانه‌های ما بی‌حفاظ است با اینکه خانه‌هاشان

بِعَوْرَةٍ، إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى، وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ

بی‌حفاظ نبود و جز فرار کردن قصدی نداشتند» و خدای تعالی فرمود: «و چون مؤمنان

الْأَحْزَابَ، قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا

احزاب را دیدند گفتند این است آنچه به ما وعده داده خدا و رسولش و

زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا، فَقَتَلَتْ عَمْرَهُمْ وَهَزَمَتْ جَمْعَهُمْ، وَرَدَّ اللَّهُ

نیفزودشان جز ایمان و تسلیم» و تو بودی که عمرو (پهلوان نامی) آنها را کشتی و جمع انبوهشان را مهزوم ساختی «و

الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا، وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ،

خدا کافران را با خشمشان بازگرداند که غنیمتی نیافتند و خدا کفایت کرد جنگ را از مؤمنان و

وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا، وَيَوْمَ أُحُدٍ، إِذْ يُصْعِدُونَ وَلَا يَلُونَّ عَلَى أَحَدٍ،

خدا نیرومند و توانا است» و در جنگ احد «هنگامی که دور می‌شدند و به کسی اعتنا نمی‌کردند

وَالرَّسُولُ يُدْعُوهُمْ فِي آخِرِهِمْ، وَأَنْتَ تَدُودُ بِهِمُ الْمُشْرِكِينَ عَن

و پیغمبر از دنبال سرشان آنها را می‌خواند» و تو بودی که شجاعان سرسخت مشرکان را از

النَّبِيِّ ذَاتِ الْيَمِينِ وَذَاتِ الشَّمَالِ، حَتَّى رَدَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَى عَنكُمْ

پیغمبر دفع می‌کردی از سمت راست و چپ تا اینکه خدای تعالی آنان را ترسان

خَائِفِينَ، وَنَصَرَ بِكَ الْخَازِلِينَ، وَيَوْمَ حُنَيْنٍ عَلَى مَا نَطَقَ بِهِ التَّنْزِيلُ، إِذْ

و خائف از اطراف تو و آن حضرت دفع کرد و بوسيله تو آن لشگر شکست خورده را یاری کرد و در روز حنین چنانچه

أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنكُمْ شَيْئًا، وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا

قرآن بدان گویا باشد: «آن دم که بشگفت آورد شما را بسیار بودندتان ولی سودی برای شما نداشت و زمین با همه

رَحِبَتْ، ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ، ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى

فراخیش بر شما تنگ شد و سپس رو به فرار گذاردید، آنگاه خدا نازل کرد آرامش خود را بر پیامبرش و بر

الْمُؤْمِنِينَ، وَالْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَمَنْ يَلِيكَ، وَعَمَّكَ الْعَبَّاسُ يُنَادِي

مؤمنان» و (مقصود از) مؤمنان تو بودی و همراهان تو، و عمویت عباس فریاد می‌زد به

الْمُنْهَرِمِينَ، يَا أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، يَا أَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ، حَتَّى

گریختگان ای یاران سوره بقره! ای اهل بیعت شجره! تا بالاخره گروهی

اسْتَجَابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ كَفَيْتَهُمُ الْمَوْنَةَ، وَتَكَفَّلَتْ دُونَهُمُ الْمَعُونَةَ، فَعَادُوا

پاسخش را دادند و تو خود کفایت رنج آنها را کردی و کفالت کمک آنها را نمودی و چون برگشتند

إِسْرِينَ مِنَ الْمُتُوبَةِ، رَاجِعِينَ وَعَدَّ اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوْبَةِ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ

نامید از ثواب جهاد بودند و امیدوار به وعده خدای تعالی در توبه بودند و همین است گفتار خدای

جَلَّ ذِكْرُهُ، ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ، وَأَنْتَ حَائِزٌ

جل ذکره که (فرماید): «سپس پذیرفت خدا پس از آن توبه کسی را که می‌خواست» و تو بودی که حائز گشتی

دَرَجَةَ الصَّبْرِ، فَائِزٌ بِعَظِيمِ الْأَجْرِ، وَيَوْمَ خَيْبَرَ إِذْ أَظْهَرَ اللَّهُ حَوْرَ

درجه صبر را و کامیاب شدی به پاداش بزرگ، و در روز جنگ خبیر که خدا آشکار ساخت ضعف و سستی

الْمُنَافِقِينَ، وَقَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَلَقَدْ

منافقان را و برید دنباله کافران را و ستایش خدای را پروردگار جهانیان «با اینکه با

كانوا عاهدوا الله من قبل لا يولون الأذبار، وكان عهد الله مسئولاً،

خدا پیمان بسته بودند از پیش که پشت (به دشمن) نکنند و پیمان خدا بازخواست شدنی است»

مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ، وَالْمَحَجَّةُ الْوَاضِحَةُ، وَالنَّعْمَةُ السَّابِغَةُ

مولای من توئی حجت رسا و طریقه آشکار و نعمت شایان

وَالْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ فَهَيِّنًا لَكَ بِمَا آتَيْكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ، وَتَبًّا لِشَانِكَ

و برهان تابناک پس گوارا باد تو را آنچه خدا از فضیلت و برتری به تو داد و نابود باد دشمن بدخواه

ذِي الْجَهْلِ، شَهِدْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمِيعَ حُرُوبِهِ

و نادان، تو بودی که در رکاب پیغمبر صلی الله علیه و آله در همه جنگها

وَمَعَاذِهِ، تَحْمِلُ الرَّأْيَةَ أَمَامَهُ، وَتَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَّامَهُ، ثُمَّ لِحَزْمِكَ

و غزواتش حاضر بودی پرچم جنگ را پیش رویش بدوش می کشیدی و در برابرش با شمشیر می جنگیدی از آن گذشته

الْمَشْهُورِ وَبَصِيرَتِكَ فِي الْأُمُورِ، أَمَرَكَ فِي الْمَوَاطِنِ وَلَمْ يَكُنْ

بخاطر تدبیر و کاردانی مشهور و بینا بودنت در کارها تو را در هر جا به امارت و فرماندهی منصوب می فرمود و کسی

عَلَيْكَ أَمِيرٌ، وَكَمْ مِنْ أَمْرٍ صَدَّكَ عَنْ امْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ التَّقَى، وَاتَّبَعَ

بر تو امارت نداشت و چه بسیار کارهایی که جلوگیری کرد تو را از انجام آنها پرهیزکاریت ولی پیروی کردند

غَيْرُكَ فِي مِثْلِهِ الْهَوَى، فَظَنَّ الْجَاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا إِلَيْهِ انْتَهَى،

دیگران در مانند آن از هوای نفس و این سبب شد که نادانان گمان کنند که تو ناتوان و درمانده شدی که کارت بدانجا

ضَلَّ وَاللَّهُ الظَّنُّ لَذَلِكَ وَمَا اهْتَدَى، وَلَقَدْ أَوْضَحْتَ مَا أَشْكَلَ مِنْ

منتهی شد گمراه گشت به خدا هر که چنین گمانی کرد و راهبری نشد و تو بخوبی آشکار کردی و این اشکال را

ذَلِكَ لِمَنْ تَوَهَّمْ وَأَمْتَرِي، بِقَوْلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، قَدْ يَرَى الْحَوْلَ

برای آنکس که چنین توهم و تردیدی داشت برطرف کردی به گفتارت - که درود خدا بر تو باد - که فرمودی: «گاهی

باشد

الْقَلْبُ وَجَهَ الْحَيْلَةِ، وَدُونَهَا حَاجِزٌ مِنْ تَقْوَى اللَّهِ، فَيَدْعُهَا رَأَى الْعَيْنِ،

که مرد چاره‌جو و زیردست راه چاره می‌بیند ولی در برابرش پرده‌ای از تقوای خدا است پس دانسته و آشکارا آن را رها

وَيَنْتَهِزُ فُرْصَتَهَا مَنْ لَا حَرِيحَةَ لَهُ فِي الدِّينِ، صَدَقْتَ وَاللَّهِ وَخَسِرَ

می‌کند ولی همان فرصت را غنیمت شمارد کسی که باکی ندارد در کار دین» به خدا تو راست گفتی و یاوه‌سرایان

الْمُبْطِلُونَ، وَإِذْ مَا كَرَّكَ النَّاكِثَانِ فَقَالَا نُرِيدُ الْعُمْرَةَ، فَقُلْتَ لَهُمَا

زیان کردند و هنگامی که آن دو پیمان شکن (طلحه و زبیر) با تو نیرنگ زدند و گفتند: ما قصد انجام عمره داریم و تو

به آن دو فرمودی

لَعَمْرُكُمَا مَا تُرِيدَانِ الْعُمْرَةَ، لَكِنَّ تَرِيدَانِ الْغَدْرَةَ، فَأَخَذْتَ الْبَيْعَةَ

به جان خودتان سوگند که شما قصد عمره ندارید بلکه قصد پیمان شکنی دارید و به همین جهت از آن دو بیعت گرفتی

عَلَيْهِمَا، وَجَدَدْتَ الْمِيثَاقَ، فَجَدًّا فِي النِّفَاقِ، فَلَمَّا نَبَّهْتَهُمَا عَلَى فِعْلِهِمَا

و پیمانشان را تجدید کردی ولی آن دو نیز در نفاق خود کوشیدند و هنگامی که تو به کار (ناشایست)شان آگاهی دادی

أَغْفَلَا وَعَادَا وَمَا انْتَفَعَا، وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهِمَا خُسْرًا، ثُمَّ تَلَاهُمَا أَهْلٌ

تغافل کردند و به کار خود بازگشته و سودمند نشدند و در نتیجه سرانجام کارشان به زیانکاری گرائید و پس از غائله آنها

الشَّامِ فَسِرَّتْ إِلَيْهِمْ بَعْدَ الْأَعْذَارِ، وَهُمْ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ، وَلَا

داستان مردم شام پیش آمد که تو پس از آنکه راه عذر را برایشان بستی بسویشان حرکت کردی و آنها بدین حق متدین

يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ، هَمَجٌ رِعَاعٌ ضَالُّونَ، وَبِالَّذِي أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ

نگشتند و در قرآن اندیشه نمی‌کردند مردمی بی‌خرد و بی‌اراده و گمراه بودند و به آنچه درباره تو بر محمد

فِيكَ كَافِرُونَ، وَلِأَهْلِ الْخِلَافِ عَلَيْكَ نَاصِرُونَ، وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ

نازل گشته بود کافر بودند و در عوض یار و یاور مخالفین تو بودند در صورتی که خداوند به پیروی از تو دستور

بِاتِّبَاعِكَ، وَتَدَبَّرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى نَصْرِكَ وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

داده بود و مؤمنان را به یاری تو دعوت کرده بود و فرموده بود: «ای کسانی که

آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ، وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ، مَوْلَايَ بَكَ ظَهَرَ الْحَقُّ، وَقَدْ

ایمان آوردید از خدا بترسید و با راستگویان باشید» سرور من بوسیله تو آشکار شد حق در صورتی که

نَبَذَهُ الْخَلْقُ، وَأَوْضَحَتِ السُّنَنَ بَعْدَ الدَّرُوسِ وَالطَّمَسِ، فَلَكَ سَابِقَةٌ

مردم آن را به یک سو گذاردند و تو واضح کردی روشهای (انبیاء) را پس از کهنگی و نابودی پس تو را است پیشی

الْجِهَادِ عَلَى تَصْدِيقِ التَّنْزِيلِ، وَلَكَ فَضِيلَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَحْقِيقِ

جستن در جهاد برای (یا بر طبق) تصدیق قرآن و برای تو بود فضیلت جهاد برای تحقق دادن (یا بر طبق تحقیق)

التَّأْوِيلِ، وَعَدُوُّكَ عَدُوُّ اللَّهِ، جَا حِدٌ لِرَسُولِ اللَّهِ، يَدْعُو بَاطِلًا، وَيَحْكُمُ

تأویل قرآن و دشمن تو و دشمن خدا و منکر رسول خدا بود آنکه به باطل دعوت می کرد و به ستم حکم می راند

جَائِرًا، وَيَتَأَمَّرُ غَاصِبًا، وَيَدْعُو حِزْبَهُ إِلَى النَّارِ، وَعَمَّارٌ يُجَاهِدُ

و به غصب و زور حکومت کرده و دار و دسته اش را بسوی دوزخ دعوت می نمود و در آن حال عمار جهاد می کرد

وَيُنَادِي بَيْنَ الصَّفَيْنِ، الرَّوَّاحَ الرَّوَّاحَ إِلَى الْجَنَّةِ، وَلَمَّا اسْتَسْقَى

و میان دو صف فریاد می زد: کوچ کنید کوچ کنید بسوی بهشت و چون آب طلبید و بجای آب

فَسَقَى اللَّبْنَ، كَبَّرَ وَقَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ آخِرُ

شیر به او دادند تکبیر گفت و اظهار داشت که رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرموده: آخرین

شَرَابِكَ مِنَ الدُّنْيَا ضِيَّاحٌ مِنْ لَبْنٍ، وَتَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ، فَاعْتَرَضَهُ

نوشیدنی تو از دنیا جرعه ای از شیر است و تو را فرقه ستمکار می کشند پس در آن حال

أَبُو الْعَادِيَةِ الْفَزَارِيِّ فَقَتَلَهُ، فَعَلَى أَبِي الْعَادِيَةِ لُعْنَةُ اللَّهِ وَلُعْنَةُ

ابوالعادیه فزاری سر راهش را گرفت و او را کشت پس لعنت خدا و لعنت

مَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ أَجْمَعِينَ، وَعَلَى مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ، وَسَلَّتْ

فرشتگان و رسولانش همگی بر ابوالعادیه باد و هم بر آنکس که شمشیر به روی تو کشید و تو به روی او

سَيْفَكَ عَلَيْهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِلَى يَوْمِ

شمشیر کشیدی ای امیر مؤمنان از مشرکان و منافقان تا روز

الدِّينِ، وَعَلَى مَنْ رَضِيَ بِمَا سَأَلَكَ وَلَمْ يَكْرَهُهُ، وَأَعْمَضَ عَيْنَهُ وَلَمْ

قیامت و هم بر آنکس که خوشنود گشت به آنچه بر تو گران بود و ناراحت نشد و دیده برهم نهاد

يُنْكِرُ، أَوْ أَعَانَ عَلَيْكَ بِيَدٍ أَوْ لِسَانٍ، أَوْ قَعَدَ عَن نَّصْرِكَ، أَوْ خَذَلَ عَن

و انکار می‌کرد یا بر علیه تو کمک کردند بدست یا زبان یا دست کشید از یاری تو یا کناره‌گیری کرد از الجهادِ مَعَكَ، أَوْ غَمَطَ فَضْلَكَ وَ جَحَدَ حَقَّكَ، أَوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ جَعَلَكَ اللَّهُ جهاد کردن در رکابت یا فضل تو را نادیده گرفت و حقت را انکار کرد یا برابر کرد با تو کسی را که خدا تو را

أُولَى بِهِ مِنْ نَفْسِهِ، وَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ سَلَامُهُ

به او سزاوارتر از خودش قرار داده بود و درودهای خدا بر تو و رحمت خدا و برکاتش و سلام و تَحْيَاتُهُ، وَ عَلَى الْأَيْمَةِ مِنَ الْبِكِ الطَّاهِرِينَ أَنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَالْأَمْرُ

و تَحْيَاتِش و بر امامان از خاندان پاکت که براستی او ستوده و بزرگوار است و کار

الْأَعْجَبُ وَالْخَطْبُ الْأَفْظَعُ بَعْدَ جَحْدِكَ حَقَّكَ، غَضَبُ الصِّدِّيقَةِ

شگفت‌انگیزتر و پیش‌آمد، جانگدازتر پس از انکار حق تو غضب فدک حضرت صدیقه

الطَّاهِرَةِ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَدَكًا، وَرَدُّ شَهَادَتِكَ وَ شَهَادَةِ

طاهره زهرا بانوی زنان بود و هم چنین رد کردن شهادت تو و شهادت

السَّيِّدِينَ سَلَّاتِكَ، وَ عَتْرَةِ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ، وَقَدْ أَعْلَى اللَّهُ

دو آقای از نژادت و عترت پیامبر مصطفی که درود خدا بر همگیتان باد با اینکه خدای

تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ، وَ رَفَعَ مَنْزِلَتَكُمْ، وَ أَبَانَ فَضْلَكُمْ وَ شَرَفَكُمْ

تعالی درجه و مقام شما را بر مردم والا گردانیده و منزلتان را رفیع و فضل و شرفتان را

عَلَى الْعَالَمِينَ، فَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً، قَالَ اللَّهُ

بر جهانیان آشکار کرده و پلیدی را از شما دور ساخته و بخوبی پاکیزه‌تان کرده است خدای

عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً، وَإِذَا مَسَّهُ

عزوجل فرموده: «براستی انسان حریص آفریده شده چون بدی به او برسد بیتابی کند و چون

الْخَيْرُ مَتُوعاً، إِلَّا الْمُصَلِّينَ فَاسْتَنْنَى اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ الْمُصْطَفَى، وَأَنْتَ

مالی بدستش رسد دریغ کند مگر نمازگزاران» پس جدا کرد خدای تعالی پیامبر مصطفی و همچنین تو را

يَا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ فَمَا أَعَمَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ،

ای آقای اوصیاء از همه مردم پس چه اندازه کور است آنکس که به تو ستم کرد از (پرداخت) حق

ثُمَّ أَفْرَضُواكَ سَهْمَ ذَوِي الْقُرْبَىٰ مَكْرَأً، وَأَحَادُوهُ عَنِ أَهْلِهِ جَوْرًا، فَلَمَّا

ولی از روی مکر و خدعه سهم خویشاوندان پیغمبر را برای تو مقرر داشت در صورتی که آن را از اهلش بستم دور کردند

إِلَّا الْأَمْرُ إِلَيْكَ أَجْرَيْتَهُمْ عَلَيَّ مَا أَجْرِيَا رَغْبَةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَكَ،

و چون کار بدست تو افتاد به همان نحو که آن دو درباره رفتار کرده بودند تو هم بخاطر اشتیاق مندیّت به پاداش خدا

فَأَشْبَهَتْ مِحْنَتَكَ بِهِمَا مِحْنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَ الْوَحْدَةِ

و بی‌اعتنائیت به عمل آن دو به همان نحو رفتار کردی پس شبیه شد گرفتاری تو با آن دو نفر به گرفتاری پیغمبران در

وَعَدَمِ الْأَنْصَارِ، وَأَشْبَهَتْ فِي الْبِيَاتِ عَلَى الْفِرَاشِ الذَّبِيحَ عَلَيْهِ

هنگام تنهائی و بی‌باوری و شبیه گشتی در خوابیدن بر بستر (رسول خدا) به (اسماعیل) ذبیح علیه السلام

السَّلَامُ، إِذْ أَجَبْتَ كَمَا أَجَابَ، وَأَطَعْتَ كَمَا أَطَاعَ إِسْمَاعِيلُ صَابِرًا

چه آنکه تو نیز مانند او پذیرفتی و اطاعت کردی چنانچه اسماعیل اطاعت کرد بردبارانه و پاداش‌جویانه

مُخْتَسِبًا، إِذْ قَالَ لَهُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ

در آن هنگام که (ابراهیم) به او گفت: «ای پسرکم من در خواب دیده‌ام که تو را ذبح می‌کنم پس بنگر

مَاذَا تَرَىٰ، قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ

تا رأی تو چیست گفت ای پدر انجام ده آنچه را مأمور گشته‌ای که مرا انشاءالله خواهی یافت از

الصَّابِرِينَ، وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا أَبَاتَكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَمَرَكَ

بردباران» و هم چنین تو هنگامی که خوابانندت پیغمبر صلی الله علیه و آله و به تو دستور داد

أَنْ تَضْجَعَ فِي مَرَقَدِهِ وَاقِيًا لَهُ بِنَفْسِكَ أَسْرَعْتَ إِلَىٰ إِجَابَتِهِ مُطِيعًا،

که بیماری در خوابگاهش و حفظ کنی او را، به جان خود شتافتی به اجابتش فرمانبردارانه

وَلِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوْطِنًا، فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَىٰ طَاعَتَكَ، وَأَبَانَ عَنِ

و خود را برای کشته‌شدن آماده کردی و خدای تعالی این اطاعت تو را سپاسگزاری کرد و پرده از این

جَمِيلٍ فَعَلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ، وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ

کار شایسته و نیکت برداشت به گفتارش جل ذکره که فرمود: «و از مردم کسی است که می‌فروشد جانش را برای جستن

مَرَضَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ مِحَّتْكَ يَوْمَ صَفِين، وَقَدْ رَفَعَتِ الْمَصَاحِفُ حِيلَةً

رضای خدا، سپس گرفتاری تو در جنگ صفین در آن هنگام که قرآن‌ها را از روی نیرنگ

وَمَكْرًا، فَأَعْرَضَ الشَّكُّ وَعُزِفَ الْحَقُّ، وَاتَّبَعَ الظَّنُّ، أَشْبَهَتْ مِحْنَةَ

و خدعه بر نیزه‌ها کردند و در نتیجه شک و تردید پدیدار شد و حق به یک سو افتاد و از گمان پیروی کردند. (که این

گرفتاری تو) شبیه بود

هَرُونَ إِذْ أَمَرَهُ مُوسَى عَلَى قَوْمِهِ، فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ وَهَرُونَ يُنَادِي بِهِمْ

به گرفتاری هارون هنگامی که موسی او را بر قوم خود امیر کرد و آنها از دورش پراکنده شدند و هارون به آنها فریاد

وَيَقُولُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ، وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا

می‌زد: ای مردم فریب خورده‌اید شما به گوساله‌پرستی و همانا پروردگار شما خدای رحمان است مرا پیروی کنید

أَمْرِي، قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى، وَكَذَلِكَ

و مطیع فرمان من باشید گفتند ما هم چنان پرستش او را می‌کنیم تا بازگردد بسوی ما موسی» و همچنین

أَنْتَ لَمَّا رَفَعَتِ الْمَصَاحِفُ، قُلْتَ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَخُدِعْتُمْ،

تو هنگامی که قرآنها بالای نیزه رفت فرمودی ای مردم شما به اینها فریب خورده‌اید و دچار نیرنگ

فَعَصَوْكُمْ وَخَالَفُوا عَلَيْكُمْ، وَاسْتَدْعَوْا نَصَبَ الْحَكَمَيْنِ فَأَبَيْتَ عَلَيْهِمْ،

شده‌اید ولی نافرمانی و مخالفت تو را کردند و خواستند تا دو نفر حکم معین شود و تو از این کار خودداری کردی

وَتَبَرَّاتَ إِلَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ، وَفَوَّضْتَهُ إِلَيْهِمْ، فَلَمَّا أَسْفَرَ الْحَقُّ وَسَفِهَهُ

و از کردار ایشان بسوی خدا بی‌زاری جستی و کار را به ایشان وا گذاشتی و چون پرده از روی حق برداشته شد و

الْمُنْكَرُ، وَاعْتَرَفُوا بِالزَّلْلِ وَالْجَوْرِ عَنِ الْقَصْدِ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ،

بی‌رویه‌گی منکر روشن شد و به خطای خویش و عدول از حق اعتراف کردند پس از آن اختلاف کرده و تو

وَالزُّمُوكَ عَلَى سَفِهِ التَّحْكِيمِ الَّذِي أَبَيْتَهُ وَأَحْبَبْتَهُ، وَحَظْرَتَهُ وَأَبَا حُوا

را مجبور به پذیرفتن حکمیت سفیهانه کردند آن حکمیتی که تو حاضر به پذیرفتنش نبودی و آنان می‌خواستند و تو ممنوعش

ذَنبُهُمُ الَّذِي اقْتَرَفُوهُ، وَأَنْتَ عَلَى نَهْجِ بَصِيرَةٍ وَهَدْيٍ، وَهُمْ عَلَى سُنَنِ

ساخته و آنها مباح دانستند، گناهی بود که خودشان دست زدند و تو بر طریق بینائی و هدایت بودی و ایشان بر روش

ضَلَالَةٌ وَعَمَى، فَمَا زَالُوا عَلَى النِّفَاقِ مُصْرِبِينَ، وَفِي النُّغَى مُتَرَدِّدِينَ

گمراهی و کوری پس همواره بر نفاق اصرار داشتند و در گمراهی سرگردان بودند

حَتَّىٰ أَذَاقَهُمُ اللَّهُ وَيَالَ أَمْرِهِمْ، فَأَمَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عَانَدَكَ فَشَقِيَّ

تا بالاخره چشایید به ایشان خداوند وبال کارشان را و می‌راند بوسیله شمشیرت دشمنان را و بدبخت و نگویند

وَهُوَى، وَأَحْيَىٰ بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعَدَ فَهَدَىٰ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ غَادِيَةً

گردید و زنده گردانید بوسیله حجت تو هر که سعادت‌مند و هدایت شد دروذهای خدا بر تو باد بامدادان

وَرَأَيْتَهُ، وَعَاكِفَةً وَذَاهِبَةً فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ وَصَفِكَ، وَلَا يُحِيطُ

و شامگاهان و در هنگام اقامت و در سفر که شخص وصف کننده‌ات احاطه به وصف نکند و شخص بدخواه

الطَّاعِينَ فَضْلِكَ أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً، وَأَخْلَصُهُمْ زَهَادَةً، وَأَذَبْتَهُمْ

و عیب‌جویان نتواند فضل تو را نابود گرداند تو از همه مردم در عبادت بهتر و در زهد خالص‌تر و در دفاع

عَنِ الدِّينِ، أَقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجَهْدِكَ، وَفَلَّتْ عَسَاكِرَ الْمَارِقِينَ

از دین سخت‌تری بپاداشتی حدود خدا را به کوشش خود و شکست دادی سپاه‌های بیرون رفتگان از دین

بِسَيْفِكَ، تُخَمِّدُ لَهَبَ الْحُرُوبِ بَيْنَانِكَ، وَتَهْتِكُ سُتُورَ الشُّبُهَةِ بَيَانِكَ،

را به شمشیرت فرو نشاندی شراره جنگها را به سر انگشت تدبیرت و دریدی پرده‌های شبهه را به بیان خود

وَتَكْشِفُ بُسْ أَلْبَاطِلٍ عَنِ صَرِيحِ الْحَقِّ، لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ

و کنار زدی جامه باطل را از حق خالص و صریح. نگرفت تو را درباره خدا ملامت

لَايْمٍ، وَفِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَىٰ لَكَ غِنَىٰ عَنِ مَدْحِ الْمَادِحِينَ، وَتَقْرِيطِ

ملامت‌کننده و در مدح و ثنائی که خداوند از تو کرده بی‌نیازی است از مدح ثناگویان و توصیف

الْوَاصِفِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ

توصیف‌کنندگان خدای تعالی فرماید: «از مؤمنان مردانی هستند که به پیمانی که با خدا کرده بودند صادقانه وفا کردند

عَلَيْهِ، فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ، وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا،

پس برخی از آنها تعهد خویش بسر برده و برخی از آنها به انتظار بسر برند و به هیچوجه تغییر نیافتند»

وَلَمَّا رَأَيْتَ أَنْ قَتَلْتَ النَّكَائِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ وَصَدَقَكَ

و چون دیدی که کُشته‌ای پیمان شکنان و متجاوزان و از دین بیرون روندگان را و راست شد

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَدَهُ، فَأَوْفَيْتَ بَعْدَهُ، قُلْتَ أَمَا أَنْ أَنْ

وعده رسول خدا صلی الله علیه و آله و تو هم به عهدش وفا کردی گفتی آیا وقت آن نشده که

تُخْضَبَ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ، أَمْ مَتَى يُبْعَثُ أَشْقَاهَا، وَاتِّقًا بِأَنَّكَ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ

خضاب شود این (محاسن) از این (خون‌سر)؟ یا چه زمان برانگیخته شود بدبختترین امت؟ چون اطمینان داشتی که بر پایه

رَبِّكَ، وَبَصِيرَةً مِنْ أَمْرِكَ، قَادِمٌ عَلَى اللَّهِ، مُسْتَبَشِرٌ بِبَيْعِكَ الَّذِي بَايَعْتَهُ

برهانی آشکار هستی از پروردگارت و بینائی درکارت و درآئی بر خدا مزده گیر به سودائی که انجام دادی آن را با او و

بِهِ، وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ، اللَّهُمَّ ائْتِنَا أَنْبِيَاءَكَ، وَأَوْصِيَاءَكَ

این است آن کامیابی بزرگ خدایا لعنت کن کُشدگان پیمبران و اوصیاء

أَنْبِيَاءِكَ بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ، وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ، وَالْعَنْ مَنْ غَضِبَ وَوَلِيكَ

پیمبرانت را به همه لعنت‌هایت و جایشان ده در آتش سوزانت و لعنت کن هر که حق ولی تو را

حَقَّهُ، وَأَنْكَرَ عَهْدَهُ، وَجَحَدَهُ بَعْدَ الْيَقِينِ وَالْإِقْرَارِ بِالْوَلَايَةِ لَهُ يَوْمَ

غضب کرد و پیمانش را انکار کرد و پس از یقین و اقرار به ولایتش در روزی

أَكْمَلْتَ لَهُ الدِّينَ، اللَّهُمَّ ائْتِنَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ ظَلَمَهُ،

که دین را برایش کامل کردی منکر او گردید خدایا لعنت کن کُشدگان امیر مؤمنان و هر که به او ستم کرده

وَأَشْيَاعَهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ، اللَّهُمَّ ائْتِنَا ظَالِمِي الْحُسَيْنِ وَقَاتِلِيهِ،

و پیروانشان و یارانشان را خدایا لعنت کن ستمگران حسین علیه السلام و کُشدگان

وَالْمُتَابِعِينَ عَدُوَّهُ وَتَاصِرِيهِ، وَالرَّاضِينَ بِقَتْلِهِ وَخَاذِلِيهِ لَعْنًا وَبَيْلًا،

و پیروان و یاوران دشمنش را و هم آنانکه راضی به کُشتنش بودند و دست از یارش کشیدند لعنتی و بال‌آور

اللَّهُمَّ ائْتِنَا أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ وَمَانِعِيهِمْ حُقُوقَهُمْ، اللَّهُمَّ

خدایا لعنت کن نخستین ستمکاری را که به آل محمد ستم کرد و از حقوقشان ممانعت کرد خدایا

خُصَّ أَوْلَ ظَالِمٍ وَغَاصِبٍ لِيَالِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ، وَكُلِّ مُسْتَنَّ بِمَا سَنَّ

مخصوص گردان نخستین ستمکار و غاصب آل محمد را به لعنت و هم چنین هر پیروی را از آنچه بدعت گذارد

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى عَلِيٍّ

تا روز قیامت خدایا درود فرست بر محمد خاتم پیامبران و بر علی

سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَاجْعَلْنَا بِهِمْ مُتَمَسِّكِينَ، وَبِوَلَائِهِمْ

آقای اوصیاء و آل پاکشان و قرار ده ما را از متمسکین ایشان و از کامیابان به ولایتشان

مِنَ الْفَائِزِينَ الْأَمِينِينَ، الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. *

و ایمنانی که ترسی بر آنها نیست و بیم و اندوهی ندارند * * *

مؤلف گوید که ما در کتاب هدیه الزائرین اشاره کردیم به سند این زیارت و آنکه این زیارت را در هر روز از نزدیک و دور می‌شود خواند و این فایده جلیله‌ای است که البته راغبین در عبادت و شائقین زیارت حضرت شاه ولایت علیه السلام آن را غنیمت خواهند شمرد.

سیم زیارتی است که در اقبال از حضرت صادق علیه السلام

نقل شده که فرمود هرگاه در روز عید غدیر نزد قبر شریف حضرت امیر المؤمنین علیه

السلام باشی نزدیک قبر شریف آن حضرت برو و بعد از نماز و دعا و اگر در

شهرهای دیگر باشی اشاره کن به جانب آن حضرت بعد از نماز و دعا این است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَآخِي نَبِيِّكَ، وَوَزِيرِهِ وَحَبِيبِهِ وَخَلِيلِهِ، وَمَوْضِعِ سِرِّهِ

خدایا درود فرست بر ولی خود و برادر پیامبرت و وزیر او و حبیب و خلیش و معدن اسرارش

وَخَيْرَتِهِ مِنْ أَسْرَتِهِ، وَوَصِيِّهِ وَصَفْوَتِهِ، وَخَالِصَتِهِ وَأَمِينِهِ وَوَلِيِّهِ،

و برگزیده از فامیلش و وصی و زبده و خالصش و امانتدار و دوستش

وَأَشْرَفِ عِزَّتِهِ الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ، وَأَبِي ذُرِّيَّتِهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ، وَالنَّاطِقِ

و شریفترین خاندانش که به او ایمان آورد و پدر فرزنداناش و درگاه حکمتش و گویای

بِحُجَّتِهِ، وَالِدَّاعِي إِلَى شَرِيْعَتِهِ، وَالْمَاضِي عَلَى سُنَّتِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلَى

به حجتش و دعوت کننده بسوی شریعتش و رونده بر طریقه‌اش و جانشین بر

أُمَّتِهِ، سَيِّدِ الْمُسْلِمِينَ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ أَفْضَلَ

امتش آقای مسلمانان و امیر مؤمنان و پیشوای سفید رویان (بر او درود فرست) بهترین

مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَأَصْفِيَاءِكَ وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ، اللَّهُمَّ

درودی که بفرستی بر یکی از خلق خود و برگزیدگان و اوصیاء پیمبرانت خدایا

إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنْ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا حُمِّلَ، وَرَعَى

من گواهی دهم که براستی او از طرف پیامبرت صلی الله علیه و آله برساند آنچه را برعهده داشت و مراقبت کرد

مَا اسْتُحْفِظَ، وَحَفِظَ مَا اسْتُودِعَ وَحَلَّلَ حَالَكَ، وَحَرَّمَ حَرَامَكَ، وَأَقَامَ

آنچه را مسئول حفظش بود و نگهداری کرد آنچه بدو سپرده شده بود و حلال شمرد حلال تو را و حرام دانست حرام

تو را و بها داشت

أَحْكَامَكَ، وَدَعَا إِلَى سَبِيلِكَ، وَوَالَا أَوْلِيَاءَكَ وَعَادَى أَعْدَاءَكَ، وَجَاهَدَ

احکام تو را و دعوت کرد بطریقه تو و دوست داشت دوستان تو را و دشمن داشت دشمنان تو را و پیکار کرد

الْثَّاكِنِينَ عَنْ سَبِيلِكَ، وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ عَنْ أَمْرِكَ صَابِرًا

با پیمان شکنان و زورگویان و آنانکه از تحت فرمان تو خارج شدند بردبارانه

مُحْتَسِبًا مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ حَتَّى بَلَغَ فِي

و پاداش جویانه و رو آور بدان نه رو گردان و بی پروای در راه خدا از ملامت کنندگان تا بدانجا که بسر حد

ذَلِكَ الرِّضَا، وَسَلَّمَ إِلَيْكَ الْقَضَاءَ، وَعَبَدَكَ مُخْلِصًا، وَنَصَحَ لَكَ مُجْتَهِدًا

خوشنودی تو رسید و تسلیم قضای تو گشت و مخلصانه تو را عبادت کرد و از روی جدیت برای تو خیراندیشی نمود

حَتَّى آتِيَهُ الْيَقِينَ، فَقَبَضَتْهُ إِلَيْكَ شَهِيدًا سَعِيدًا، وَلِيًّا تَقِيًّا، رَضِيًّا زَكِيًّا،

تا مرگش فرا رسید و قبض روحش را فرمودی در حالی که شهید و سعادتمند و دوست تو و پرهیزکار و پسندیده و

هَادِيًّا مُهْدِيًّا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى

پاکیزه و راهنما و راه یافته بود خدایا درود فرست بر محمد و بر او بهترین درودی را که فرستادی بر

أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَأَصْفِيَاءِكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. *

یکی از پیمبران و برگزیدگان ای پروردگار جهانیان

مؤلف گوید که سید در مصباح الزائر برای این روز شریف زیارتی دیگر نقل کرده که اختصاصش به این روز معلوم نمی‌شود و آن مُرکّب از دو زیارتست که علامه مجلسی آن را زیارت دوّم و سیم تحفه قرار داده.

دویم از زیارات مخصوصه

زیارت روز مولود حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله

زیارت روز مولود حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله است شیخ مفید و شهید و سید بن طاوس روایت کرده‌اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام زیارت کرد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در هفدهم ربیع الأول به این زیارت و تعلیم فرمود آن را به ثقه جلیل‌القدر محمد بن مسلم تقفی رضی الله عنه و فرمود به او که چون بیائی به مشهد امیرالمؤمنین علیه السلام پس غسل زیارت کن و بیوش پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را و به بوی خوش خود را معطر نما و برو به آرامی و وقار پس چون برسی به باب السّلام یعنی بردر حرم مطهر روبه قبله بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو و بگو:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى خَيْرَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْبَشِيرِ

سلام بر رسول خدا سلام به برگزیده خدا سلام بر نوید ده و

النَّذِيرِ، السَّرَاجِ الْمُنِيرِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الطَّهْرِ

بیم ده و آن چراغ تابناک و رحمت خدا و برکاتش بر او باد سلام بر پاک

الطَّاهِرِ، السَّلَامُ عَلَى الْعِلْمِ الزَّاهِرِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ،

و پاکیزه سلام بر پرچم رخشان سلام بر آنکه نصرت و تأیید شد

السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر ابی القاسم محمد و رحمت خدا و برکاتش سلام بر

أَنْبِيَاءِ اللَّهِ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ

پیامبران مرسلین خدا و بندگان شایسته‌اش سلام بر آن فرشتگان خدا که

الْحَافِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ وَبِهَذَا الضَّرِيحِ اللَّائِذِينَ بِهِ بِسْ بِهْ نَزْدِيكَ قَبْرِ بَرُو وَ

گرداگرد این حرم و ضریح اند و پناهنده به آنند * * * * *

بِگَوْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِمَادَ الْأَتْقِيَاءِ،

* * * سلام بر تو ای وصی اوصیاء سلام بر تو ای تکیه‌گاه پرهیزکاران

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْأَوْلِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ،

سلام بر تو ای ولی اولیاء سلام بر تو ای آقای شهیدان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آيَةَ اللَّهِ الْعُظْمَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَامِسَ أَهْلِ

سلام بر تو ای آیت بس بزرگ خدا سلام بر تو ای پنجمین اهل

الْعِبَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ الْأَتْقِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

عباء سلام بر تو ای پیشوای سفید رویان با تقوی سلام بر تو ای

عِصْمَةَ الْأَوْلِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْمُؤَحِّدِينَ النَّجَبَاءِ، السَّلَامُ

نگهدار اولیاء سلام بر تو ای زیور یکتا پرستان برگزیده سلام بر

عَلَيْكَ يَا خَالِصَ الْأَخْلَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ الْأَيْمَةِ الْأُمَمَاءِ،

تو ای خالص دوستان صمیمی حق سلام بر تو ای پدر امامان امانتدار

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْحَوْضِ وَحَامِلَ اللُّوَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای صاحب حوض و پرچمدار (در روز جزا) سلام بر تو ای

قَسِيمَ الْأَجْنَةِ وَالْظِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ شَرَّفَتْ بِهِ مَكَّةَ وَمِنَى،

قسمت کننده بهشت و دوزخ سلام بر تو ای که شرافت یافت بدو مکه و منی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَحْرَ الْعُلُومِ وَكَنْفَ الْفُقَرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ وُلِدَ

سلام بر تو ای دریای علوم و پناه بینوایان سلام بر تو ای که دنیا آمدی

فِي الْكَعْبَةِ وَرُوحَ فِي السَّمَاءِ بِسَيِّدَةِ النَّسَاءِ، وَكَانَ شُهُودَهَا

در خانه کعبه و به همسری بانوی زنان درآمدی در آسمان و گواهان عقد ازدواج

الْمَلَائِكَةُ الْأَصْفِيَاءُ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُصْبِحَ الضِّيَاءِ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ

تو فرشتگان برگزیده بود سلام بر تو ای چراغ روشن سلام بر تو

يَا مَنْ خَصَّهُ النَّبِيُّ بِجَزِيلِ الْحَبَاءِ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَاتَ عَلَى

ای کسی که مخصوصش داشت پیامبر به عطای شایان ویژه سلام بر تو ای که خفتی بر

فِرَاشِ خَاتِمِ الْأَنْبِيَاءِ، وَوَقَاهُ بِنَفْسِهِ شَرَّ الْأَعْدَاءِ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا مَنْ

بستر خاتم پیامبران و محافظش کردی بجان خودت از شر دشمنان سلام بر تو ای که

رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ فَسَامِي شَمْعُونِ الصَّفَا، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَنْجَى

بازگشت برای او خورشید و بدین جهت همطراز گشتی با شمعون صفا سلام بر تو ای که

اللَّهُ سَفِينَةَ نُوحٍ بِاسْمِهِ وَأَسْمِ أَخِيهِ حَيْثُ اتَّطَمَّ الْمَاءُ حَوْلَهَا وَطَمَى،

خداوند بوسیله نام او و نام برادرش نجات داد کشتی نوح را در آن هنگام که امواج آب گرد آنها را فراگرفت و

می خروشید

أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَابَ اللَّهُ بِهِ وَبِأَخِيهِ عَلَى آدَمَ إِذْ غَوَى، أَسْلَامٌ

سلام بر تو ای کسی که بوسیله او و برادرش خدا توبه آدم را پذیرفت در آن هنگام که راه گم کرد سلام

عَلَيْكَ يَا فُلْكَ النِّجَاةِ الَّذِي مِنْ رَكِبِهِ نَجَى، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُ هَوَى،

بر تو ای کشتی نجاتی که هر که بر آن سوار شد نجات یافت و هر که از آن کناره گرفت به هلاکت افتاد

أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَاطَبَ الثُّعْبَانَ وَذُئِبَ الْفَلَا، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای کسی که سخن گفت با ازدها و گرگ بیابان سلام بر تو ای

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى

امیر مؤمنان و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو ای حجت خدا بر

مَنْ كَفَرَ وَأَنَابَ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ ذَوِي الْأَبَابِ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا

آن کس که کفر ورزید و بازگشت سلام بر تو ای پیشوای صاحبان خرد سلام بر تو ای

مَعْدِنَ الْحِكْمَةِ وَقَصَلَ الْخِطَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ

كان حکمت و جدائی بخش حق و باطل سلام بر تو ای که نزد او است علم

الْكِتَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ يَوْمِ الْحِسَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

کتاب (قرآن) سلام بر تو ای میزان در روز حساب سلام بر تو ای

فَاصِلَ الْحُكْمِ النَّاطِقِ بِالصَّوَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُتَصَدِّقُ

یکسره کننده داوری و گویای بصدق و صواب سلام بر تو ای صدقه دهنده

بِالْخَاتَمِ فِي الْمِحْرَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ

انگشتر در محراب سلام بر تو ای که کفایت کرد خدا از مؤمنان پیکار را

بِهِ يَوْمَ الْأَحْزَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ الْوَحْدَانِيَّةَ وَأَنَابَ،

بوسیله او در جنگ احزاب سلام بر تو ای کسی که از روی اخلاص خدا را به یگانگی شناخت و بسوی او بازگشت

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَاتِلَ خَيْبَرَ وَقَالِعِ الْبَابِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ دَعَا

سلام بر تو ای کشنده (کفار) خیبور و کننده (آن) دَر سلام بر تو ای که خواندش

خَيْرُ الْأَنَامِ لِلْمَبِيتِ عَلَى فِرَاشِهِ فَاسْلَمَ نَفْسَهُ لِلْمَنِيَّةِ وَأَجَابَ، السَّلَامُ

بهترین مردمان برای خوابیدن در بسترش و او جان خود را به کف گرفت و به او پاسخ مثبت داد سلام

عَلَيْكَ يَا مَنْ لَهُ طُوبَى وَحُسْنُ مَأَبٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ

بر تو ای که برای او است «طوبی» (خوشی) و سرانجام نیک و رحمت خدا و برکاتش سلام

عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ عِصْمَةِ الدِّينِ وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بر تو ای سرپرست نگهداری دین و ای آقای آقایان سلام بر تو ای

صَاحِبَ الْمُعْجَزَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ فِي فَضْلِهِ سُورَةُ

صاحب معجزات سلام بر تو ای که نازل گشت در فضیلتش سوره

الْعَادِيَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ كُتِبَ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ عَلَى

«العادیات» سلام بر تو ای که نوشته شده نامش در آسمان بر

السَّرَادِقَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهَرَ الْعَجَائِبِ وَالْآيَاتِ، السَّلَامُ

سراپرده‌ها سلام بر تو ای آشکار کننده شگفتیها و آیات سلام

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْعَزَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُخْبِرًا بِمَا عَبَّرُوا بِمَا هَوَاتِ،

بر تو ای امیر در عزوات سلام بر تو ای خبردهنده از گذشته و از آنچه پس از این آید

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُخَاطَبَ ذُنُبِ الْفُلُوتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ

سلام بر تو ای خطاب کننده گریگ بیابان سلام بر تو ای مهرکننده

الْحَصَى وَمُبَيِّنَ الْمُشْكِلَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عَجِبَتْ مِنْ

سنگریزه و بیان کننده مسائل مشکله سلام بر تو ای که بشگفت آمدند از

حَمَلَاتِهِ فِي الْوَعَا مَلَائِكَةُ السَّمَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَاجَى

حمله‌هایش در میدان جنگ فرشتگان آسمانها سلام بر تو ای که راز گفت

الرَّسُولَ، فَقَدَّمَ بَيْنَ يَدَيْ نَجْوِيهِ الصَّدَقَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ

با رسول خدا و پیش از راز گفتنش صدقه‌ها داد سلام بر تو ای پدر

الْأَيْمَةِ الْبَرَّةِ السَّادَاتِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ

امامان نیکو و سروران و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو ای تالی مرتبه

الْمَبْعُوثِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ خَيْرِ مَوْرُوثٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ

مبعوث به نبوت سلام بر تو ای وارث دانش بهترین ارث گذار و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ

و برکاتش سلام بر تو ای آقای اوصیاء سلام بر تو ای پیشوای

الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غِيَاثَ الْمَكْرُوبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

پرهیزکاران سلام بر تو ای فریادرس گرفتاران سلام بر تو ای

عِصْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهَرَ الْبُرَاهِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

نگهدار مؤمنان سلام بر تو ای آشکار کننده براهین سلام بر تو ای

طَهَ وَيَسَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللَّهِ الْمُتَمِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ

طه و یاسین سلام بر تو ای ریسمان محکم خدا سلام بر تو ای کسی که

تَصَدَّقَ فِي صَلَوَتِهِ بِخَاتَمِهِ عَلَى الْمَسْكِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَالِعَ

صدقه داد در نماز انگشتر خود را بر مسکین سلام بر تو ای کننده

الصَّخْرَةَ عَنْ فَمِ الْقَلِيبِ وَمُظْهِرِ الْمَاءِ الْمَعِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ

سنگ از در چاه و بیرون آورنده آب گوارا سلام بر تو ای دیده

اللَّهِ النَّاطِرَةَ، وَيَدَهُ الْبَاسِطَةَ وَلِسَانَهُ الْمُعْبِرَّ عَنْهُ فِي بَرِيَّتِهِ أَجْمَعِينَ،

بینای حق و دست بازش و زبان تفسیر کننده او در میان همه خلق

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَمَسْتَوْدَعَ عِلْمِ الْأَوْلِيَيْنِ

سلام بر تو ای وارث علم پیامبران و گنجینه علم اولین

وَالْآخِرِينَ، وَصَاحِبَ لُؤْآءِ الْحَمْدِ وَسَاقِيَّ أَوْلِيَائِهِ مِنْ حَوْضِ خَاتَمِ

و آخرین و صاحب پرچم حمد و ساقی دوستان خدا از حوض خاتم

النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا يَعْسُوبَ الدِّينِ، وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ،

پیامبران سلام بر تو ای پادشاه دین و پیشوای سفیدرویان

وَوَالِدِ الْأَيْمَةِ الْمَرْضِيِّينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ، السَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ

و پدر امامان پسندیده (حق) و رحمت خدا و برکاتش سلام بر نام

الرَّضِيِّ، وَوَجْهِهِ الْمُضِيِّ، وَجَنِبِهِ الْقَوِيَّ وَصِرَاطِهِ السَّوِيَّ، السَّلَامُ

پسندیده خدا و جلوه نورانی و طرف نیرومند و راه راست او سلام

عَلَى الْأَمَامِ التَّقِيِّ، الْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ السَّلَامُ عَلَى الْكُوكَبِ الدَّرِيِّ،

بر امام با تقوای مخلص برگزیده سلام بر اختر رخشان

السَّلَامُ عَلَى الْأَمَامِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ، السَّلَامُ

سلام بر امام حضرت ابوالحسن علی علیه السلام و رحمت خدا و برکاتش سلام

عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ التَّقَى، وَمَنَارِ الْهُدَى،

بر پیشوایان راهنما و چراغهای شب تار و نشانه‌های پرهیزکاری و مشعلهای هدایت

وَدَوَى النَّهْيِ وَكَهْفِ الْوَرَى، وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةِ عَلَى أَهْلِ

و صاحبان خرد و پناه مردم و ریسمان محکم خدا و حجت (او) بر اهل

الدُّنْيَا وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَسْلَامٌ عَلَى نُورِ الْأَنْوَارِ، وَحُجَّةِ الْأَجْبَارِ

دنیا و رحمت خدا و برکاتش سلام بر نور انوار و حجت پروردگار جبار

وَالِدِ الْأَيْمَةِ الْأَطْهَارِ، وَقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، الْمُخْبِرِ عَنِ الْأَثَارِ

و پدر امامان اطهار و قسمت کننده بهشت و دوزخ و خبر دهنده آثار

الْمُدْمَرِّ عَلَى الْكُفَّارِ، مُسْتَنْقِذِ الشَّيْعَةِ الْمُخْلِصِينَ مِنْ عَظِيمِ الْأَوْزَارِ،

فروریزنده (هلاکت) بر سر کفار نجات بخش شیعیان با اخلاص از گناهان سنگین بار

أَسْلَامٌ عَلَى الْمَخْصُوصِ بِالطَّاهِرَةِ الثَّقِيَّةِ ابْنَةِ الْمُخْتَارِ، الْمَوْلُودِ فِي

سلام بر آنکس که مخصوص گشت به (همسری) طاهره (آن بانوی) با تقوا دخت پیامبر مختار و آن آقایی که

الْبَيْتِ ذِي الْأُسْتَارِ، الْمَزُوجِ فِي السَّمَاءِ بِالْبِرَّةِ الطَّاهِرَةِ الرَّضِيَّةِ

متولد شد در خانه پرده‌دار (کعبه) آن که تزویج شد در آسمان به بانوی نیکوکار پاکیزه پسندیده

الْمَرْضِيَّةِ، وَالِدَةِ الْأَيْمَةِ الْأَطْهَارِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَسْلَامٌ عَلَى

مرضیه مادر امامان پاک و رحمت خدا و برکاتش سلام بر

النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ، وَعَلَيْهِ يُعْرَضُونَ، وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ،

آن خبر بس بزرگی که درباره‌اش اختلاف کردند و مردم بر او عرضه شوند و از او بازخواست شوند

أَسْلَامٌ عَلَى نُورِ اللَّهِ الْأَنْوَرِ وَضِيَائِهِ الْأَزْهَرِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،

سلام بر روشنترین نور و درخشنده‌ترین پرتوش و رحمت خدا و برکاتش

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ، وَخَالِصَةَ اللَّهِ وَخَاصَّتَهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

سلام بر تو ای ولی خدا و حجتش و بنده خالص خدا و ویژه‌اش گواهی دهم که تو

يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَأَتَّبَعْتَ مِنْهَا جَاحِدًا

ای ولی خدا و حجت او بخوبی در راه خدا جهاد کردی آنطور که شاید و پیروی کردی از طریقه

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَحَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ وَحَرَّمْتَ حَرَامَ اللَّهِ

رسول خدا صلی الله علیه و آله و حلال شمردی حلال خدا را و حرام دانستی حرام خدا را

وَشَرَعْتَ أَحْكَامَهُ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ

و مقرر داشتی احکامش را و بپاداشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی

بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ صَابِرًا

به معروف و نهی کردی از منکر و جهاد کردی در راه خدا بردبارانه

نَاصِحًا مُجْتَهِدًا، مُحْتَسِبًا عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمَ الْأَجْرِ، حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ،

و خیرخواهانه و کوشا و پاداش جویانه در نزد خدا پاداش بزرگ را تا آنکه مرگت فرا رسید

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ دَفَعَكَ عَنْ حَقِّكَ، وَأَزَالَكَ عَنْ مَقَامِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ

پس لعنت کند خدا کسی که تو را از حقت ممنوع کرد و از مقامت برکنار کرد و لعنت کند خدا کسی را که این

ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيَآئَهُ وَرَسُولَهُ، أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ

جریان را شنید و بدان خوشنود گشت گواه گیرم خدا و فرشتگان و پیامبران و رسولانش را که من دوستم با آنکس که

وَالْأَكْبَرِ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكَ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ وَرَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. پس خود

تو را دوست دارد و دشمنم با آنکس که تو را دشمن دارد سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش * * *

را به قبر بچسبان و قبر را بیوس و بگو: أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَتَشْهَدُ

* * * * * گواهی دهم که تو می‌شنوی کلامم را و می‌بینی

مَقَامِي وَأَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ بِالْبَلَاغِ وَالْإِدَاءِ، يَا مَوْلَايَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ،

جایم را و گواهی دهم درباره‌ات ای ولی خدا که (وظیفه‌ات را انجام دادی و) رساندی و پرداختی ای مولای من ای حجت

يَا أَمِينَ اللَّهِ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، إِنَّ بَيْنِي وَاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوبًا قَدْ أَثْقَلْتُ

خدا ای امانتدار خدا ای ولی خدا براستی میان من و میان خدای عزوجل گناهایی است که پشتم را

ظَهْرِي، وَمَنْعَنْتِي مِنَ الرَّقَادِ، وَذِكْرُهَا يُقَلِّلُ أَحْشَائِي، وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَى

سنگین کرده و خوابم را گرفته و یادآوریش اعضاء درونیم را بلرزه درآورد و من بسوی

اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالْإِيكَ، فَبِحَقِّ مَنِ اتَّمَمْتَكَ عَلَى سِرِّهِ، وَاسْتَرْعَاكَ أَمْرَ

خدای عزوجل و بسوی تو گریخته‌ام پس بحق آنکس که تو را امین بر راز خود کرده و سرپرستی کار

خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طَاعَتَكَ بِطَاعَتِهِ وَمُؤَالَاتِكَ بِمُؤَالَاتِهِ، كُنْ لِي إِلَى اللَّهِ

خلفش را به تو واگذارده و طاعت تو را به طاعت خویش مقرون ساخته و دوستی تو را بدوستی خودش پیوسته

شَفِيعًا، وَمِنَ النَّارِ مُجِيرًا، وَعَلَى الدَّهْرِ ظَهِيرًا پس باز خود را به قبر بچسبان و

تو شفیع من باش در درگاه خدا و پناهم از دوزخ و پشت و پناهم در پیش آمد روزگار * * * * *

قبر را ببوس و بگو: یا ولیّ اللّٰه، یا حُجَّةَ اللّٰه، یا بابَ حِطَّةِ اللّٰه، وَلِیْكَ وَزَائِرُكَ،

* * * * * ای ولی خدا ای حجت خدا ای باب حطه خدا دوستت و زائرت

وَاللَّائِذُ بِقَبْرِكَ وَالنَّازِلُ بِفِنَائِكَ، وَالْمُنِيخُ رَحْلَهُ فِي جِوَارِكَ، يَسْئَلُكَ

و پناهنده به قبرت و فرود آینده بدرگاهت و بارانداز در جوارت از تو درخواست می کند

أَنْ تَشْفَعَ لَهُ إِلَى اللَّهِ فِي قَضَاءِ حَاجَتِهِ، وَتُجِّحَ طَلِبَتَهُ فِي الدُّنْيَا

که شفاعت کنی برایش به درگاه خدا در برآمدن حاجتش و رسیدن به خواسته اش در دنیا

وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ الْجَاهَ الْعَظِيمَ، وَالشَّفَاعَةَ الْمَقْبُولَةَ فَاجْعَلْنِي

و آخرت که براستی برای تو در پیش خدا جاه و منزلتی بزرگ و شفاعتی پذیرفته است پس ای

يَا مَوْلَايَ مِنْ هَمِّكَ، وَأَدْخِلْنِي فِي حِزْبِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى

مولای من مرا مورد توجه خود ساز و در زمره حزب خودت داخل گردان و سلام بر تو و بر

ضَجِيعِيكَ أَدَمَ وَنُوحَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَكَدَيْكَ الْحَسَنِ

دو آرمیده در کنار آدم و نوح و سلام بر تو و بر دو فرزندت حسن

وَالْحُسَيْنِ، وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

و حسین و بر امامان پاک از نژادت و رحمت خدا و برکاتش

آنگاه شش رکعت نماز زیارت بکن دو رکعت برای حضرت امیرالمؤمنین علیه

السلام و دو رکعت برای جناب آدم علیه السلام و دو رکعت برای جناب

نوح علیه السلام و بسیار بخوان خدای تعالی را که به اجابت خواهد رسید

انشاءالله تعالی مؤلف گوید که صاحب مزار کبیر گفته که این زیارت را در

هفدهم ربیع الاول در نزد طلوع آفتاب باید به عمل آورد و علامه مجلسی رحمه

الله فرموده که این زیارت بهترین زیارات است و به سندهای معتبر در کتب
 معتبره مذکور است و ظاهر بعضی از روایات آن است که خصوصیت به این
 روز ندارد و در هر وقت که این زیارت را به عمل آورند خوب است.
 مؤلف گوید که اگر کسی گوید که چگونه است در روز مولود پیغمبر صلی الله
 علیه وآله یا مبعث آن حضرت زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده و
 زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت نشده با آنکه شایسته بود که
 زیارت مخصوصی برای حضرت رسول صلی الله علیه وآله در این اوقات وارد
 شده باشد جواب گوئیم که این به جهت شدت اتصال این دو بزرگوار و کمال
 اتحاد این دو نور پاکست با هم که هر که زیارت کند امیرالمؤمنین علیه السلام
 را زیارت کرده حضرت رسول صلی الله علیه وآله را و شاهد بر این از قرآن آیه
 أَنْفُسَنَا است «وَهُوَ فِي آيَةِ التَّبَاهُلِ نَفْسٌ * الْمُصْطَفَى لَيْسَ غَيْرُهُ إِيَّاهَا»
 و از اخبار بسیاری از روایاتست از جمله شیخ محمد بن المشهدی روایت کرده
 از حضرت صادق علیه السلام که فرمود مردی اعرابی به خدمت حضرت
 رسول صلی الله علیه وآله مشرف شد و عرض کرد یا رسول الله صلی الله علیه
 وآله منزل من دور است از منزل تو و من مشتاق زیارت و دیدن تو می شوم
 می آیم به زیارت جناب تو و ملاقات تو برایم حاصل نمی شود و ملاقات
 می کنم علی بن ابیطالب علیه السلام را پس مرا مانوس می کند به حدیث و
 مواظب خود و من برمی گردم با حال اندوه و حسرت بر ندیدن تو فرمود هر که
 زیارت کند علی را مرا زیارت کرده و هر که او را دوست دارد مرا دوست

داشته و کسی که دشمن دارد او را مرا دشمن داشته است برسان این را به قوم خود از جانب من و هر که برود به زیارت او پس به تحقیق که به نزد من آمده و من جزا خواهم داد او را روز قیامت و جبرئیل و صالح المؤمنین و در حدیث معتبری از حضرت صادق علیه السلام مروی است که چون زیارت کنی جانب نجف را زیارت کن عظام آدم علیه السلام و بدن نوح علیه السلام و جسم علی بن ابیطالب علیه السلام را بدرستی که زیارت کرده خواهی بود پدران گذشته را و محمد صلی الله علیه و آله خاتم پیغمبران را و علی علیه السلام بهترین اوصیا را و در زیارت ششم گذشت که فرمودند رو به قبر امیرالمؤمنین علیه السلام بایست و بگو «الَسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ» الی غیر ذلک:

وَلَقَدْ أَجَادَ الشَّيْخُ جَابِرُ فِي تَسْمِيْطِهِ لِلْقَصِيْدَةِ الْأَزْرِيَّةِ بِقَوْلِهِ مُشِيرًا إِلَى الْقُبَّةِ الْعُلَوِيَّةِ

و چه خوب گفته جابر در تسمیط خود در قصیده ازریه که اشاره به گنبد علوی (ع) گوید:

فَاعْتَمِدْ لِلنَّبِيِّ أَكْظَمَ رَمْسٍ

فِيهِ لِلطُّهْرِ أَحْمَدٌ أَيْ نَفْسٍ

پس اعتماد کن بر بزرگترین قبری برای پیامبر

که چه جان شریفی از احمد در آن است

أَوْ تَرَى الْعَرْشَ فِيهِ أَنْوَرُ شَمْسٍ

فَتَوَاضَعُ فَتَمَّ دَارَةُ قُدْسٍ

یا عرش را ببینی که نورانی‌ترین خورشید در آنست

پس فروتنی کن که آنجا خانه مقدسی است

تَتَمَنَّى الْاَفْلاَكُ لَثَمَ ثَرَاهَا

و افلاک آرزو دارند خاکش را بیوسند

و حکیم سنائی گفته:

مرتضائی که کرد یزدانش

همره جان مصطفی جانش

هر دو یکقبله و خردشان دو

هر دو یکروح و کالبدشان دو

دو رونده چو اختر گردون

دو برادر چو موسی و هارون

هر دو یک دُرُّ ز یک صَدَف بودند

هر دو پیرایه شرف بودند

تا نه بگشاد علم حیدر دَرُّ

ندهد سُنَّتِ پیمبر بَرُّ

سیم از زیارات مخصوصه

زیارت شب مَبْعَث

زیارت شب مَبْعَث و روز آن است یعنی بیست و هفتم رَجَب و در آن سه زیارت است اول زیارت رجبیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَّائِهِ» که در اعمال ماه رجب گذشت و آن زیارتی است که در ماه رجب در هر یک از مشاهد مشرفه خوانده می شود لکن صاحب مزار قدیم و شیخ محمد بن المشهدی آنرا

از زیارات مخصوصه شب مبعث نیز شمرده‌اند و چون آن زیارت را خواندی فرموده‌اند بعد از آن دو رکعت نماز زیارت بجا آور و آنچه خواهی دعا کن دویم زیارت «السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْأَيْمَةِ وَمَعْدِنِ النَّبُوَّةِ» است که علامه مجلسی رحمه الله آن را زیارت

هفتم تحفه قرار داده صاحب مزار قدیم گفته که آن مختص است به شب بیست و هفتم رجب چنانکه ما در هدیه الزائر آن را ذکر کردیم.

سیم زیارتی است که شیخ مفید و سید و شهید نقل نموده‌اند به این طریق که چون خواستی در شب مبعث یا روز آن زیارت کنی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را بایست بر درِ قبه شریفه مقابل قبر آن حضرت و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،

گواهی دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد و گواهی دهم که محمد بنده و رسول

وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ، وَأَنَّ الْأَيْمَةَ

او است و علی بن ابیطالب امیر مؤمنان بنده خدا و برادر رسول او است و امامان

الطَّاهِرِينَ مِنْ وُلْدِهِ حُجَّجٌ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ.

طاهرین از فرزندانش حجت‌های بر خلق او هستند

پس داخل شو و بایست نزدیک قبر آن حضرت به نحوی که روی خود را به جانب قبر کرده باشی و قبله را در پشت خود قرار دهی آنگاه صدمرتبه تکبیر بگو و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ خَلِيفَةَ اللَّهِ،

سلام بر تو ای وارث آدم خلیفه خدا سلام

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ صَفْوَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ اِبْرٰهِيْمَ

بر تو ای وارث نوح برگزیده خدا سلام بر تو ای وارث ابراهیم

خَلِيْلِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُوسَىٰ كَلِيْمِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا

خلیل خدا سلام بر تو ای وارث موسی هم سخن خدا سلام بر تو ای

وَارِثَ عِيسَىٰ رُوْحِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رُسُلِ

وارث عیسی روح خدا سلام بر تو ای وارث محمد آقای رسولان

اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اِمَامَ الْمُتَّقِيْنَ،

خدا سلام بر تو ای امیر مؤمنان سلام بر تو ای پیشوای پرهیزکاران

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيَّيْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَصِيَّ رَسُوْلِ رَبِّ

سلام بر تو ای آقای اوصیاء سلام بر تو ای وصی رسول پروردگار

اَلْعٰلَمِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْاَوَّلِيْنَ وَالْاٰخِرِيْنَ، اَلسَّلَامُ

جهانیان سلام بر تو ای وارث علم پیشینیان و پسینیان سلام

عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيْمُ. اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيْمُ، اَلسَّلَامُ

بر تو ای نبأ عظیم (و خبر بسیار بزرگ) سلام بر تو ای راه مستقیم سلام

عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْكَرِيْمُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْوَصِيُّ التَّقِيُّ،

بر تو ای بس پاکیزه بزرگوار سلام بر تو ای وصی پرهیزکار

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْبَدْرُ الْمَضِيءُ،

سلام بر تو ای پسندیده پاکیزه سلام بر تو ای ماه تابان

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الصَّدِيْقُ الْاَكْبَرُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا الْفَارُوْقُ

سلام بر تو ای صدیق اکبر (بزرگترین راستگو) سلام بر تو ای فاروق

اَلْاَعْظَمُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا السَّرَاجُ الْمُنِيْرُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اِمَامَ

اعظم (بزرگترین جدا کننده حق و باطل) سلام بر تو ای چراغ تابناک سلام بر تو ای پیشوای

اَلْهُدٰی، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عِلْمَ التَّقٰی، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ

هدایت سلام بر تو ای نشانه پرهیزکاری سلام بر تو ای حجت

الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاصَّةَ اللَّهِ وَخَالِصَتَهُ، وَأَمِينَ اللَّهِ وَصَفْوَتَهُ،

کبرای خدا سلام بر تو ای بنده خاص و خالص خدا و امانتدار او و برگزیده‌اش

وَبَابِ اللَّهِ وَحُجَّتِهِ، وَمَعْدِنِ حُكْمِ اللَّهِ وَسِرِّهِ، وَعَيْبَةِ عِلْمِ اللَّهِ وَخَازِنَتِهِ،

و باب‌الله و حجتش و معدن حکم خدا و راز او و گنجینه علم خدا و خزینه‌دارش

وَسَفِيرِ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ

و نماینده خدا در میان خلقتش گواهی دهم که تو براستی برپا داشتی نماز را و بدادی زکات را

وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ وَتَلَوْتَ،

و امر به معروف و نهی از منکر کردی و پیروی کردی از رسول خدا و تلاوت

الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَبَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ، وَوَفَّيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَتَمَّمْتَ بِكَ

قرآن کردی آنطور که شایسته تلاوتش بودی و رساندی از جانب خدا و وفا کردی به عهد و پیمان خدا و کامل شد

كَلِمَاتُ اللَّهِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَتَصَحَّحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ

بوسیله تو کلمات خدا و جهاد کردی در راه خدا آنطور که شایسته جهاد بود و خیراندیشی کردی برای خدا و رسولش

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، مُجَاهِدًا

صلی الله علیه و آله و در این راه جان بر کف نهادی بردبارانه و پاداش جوینانه و دفاع کننده از

عَنْ دِينِ اللَّهِ، مُوقِّبًا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَالِبًا مَا عِنْدَ اللَّهِ،

دین خدا و محافظت کننده از رسول خدا به طلب آن پاداشی که نزد خدا است

رَاغِبًا فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ، وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيدًا وَشَاهِدًا

و به اشتیاق آنچه خدا وعده فرموده بود و هم چنان بر این روش که بودی از جهان رفتی در حال شهادت و گواهی

وَمَشْهُودًا، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ مِنْ صَدِيقٍ

و گواه گرفتنت پس پاداشت دهد خدا از پیامبرش و از اسلام و اهل اسلام از یک چنین صدیقی

أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلَامًا، وَأَخْلَصَهُمْ إِيمَانًا،

بهترین پاداش از گواهی دهم که براستی توئی نخستین مردم در (پذیرفتن) اسلام و خالص‌ترین ایشان در ایمان

وَأَشَدَّهُمْ يَقِينًا، وَأَخْوَفَهُمْ لِلَّهِ، وَأَعْظَمَهُمْ عَنَاءً، وَأَحْوَطَهُمْ عَلَى رَسُولِ

و محکم ترین آنها در یقین و بیمناکتریشان از خدا و بزرگترین آنها در رنج و مشقت و با احتیاطترین آنها نسبت به

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَفْضَلَهُمْ مَنَاقِبَ، وَأَكْثَرَهُمْ سَوَابِقَ وَآرْفَعَهُمْ

رسول خدا صلی الله علیه و آله و برترینشان در مناقب و اوصاف و پرسابقه‌ترین آنها (در اسلام) و برترین آنها

دَرَجَةً، وَأَشْرَفَهُمْ مَنَزَلَةً وَأَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ فَقْوِيَّةَ حِينٍ وَهَنُوءًا، وَكَزِمْتَ

در درجه و شریفتریشان در منزلت و مقام، و گرامی‌ترینشان در پیشگاه او، محکم ایستادی هنگام سستی آنها و ملازم

مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ خَلِيفَتَهُ حَقًّا،

گشتی راه رسول خدا صلی الله علیه و آله را و گواهی دهم که برستی تو بودی خلیفه او از روی حقیقت

لَمْ تُنَازِعْ بَرَعَمَ الْمُنَافِقِينَ، وَغَيْظَ الْكَافِرِينَ، وَضِعْنَ الْفَاسِقِينَ، وَقُتِمْتَ

و کسی حق نزاع با تو در این باره نداشت برغم منافقان و خشم کافران و کینه فاسقان و قیام کردی

بِالْأَمْرِ حِينَ فَسَلُوا، وَنَطَقْتَ حِينَ تَتَعَنُّوْا، وَمَضَيْتَ بِنُورِ اللَّهِ إِذْ وَقَفُوا،

به امر (ترویج دین) هنگامی که دیگران کاهلی کردند و گویا شدی هنگامی که آنان کام بسته بودند و در پرتو نور خدا

فَمَنْ اتَّبَعَكَ فَقَدْ اهْتَدَى، كُنْتَ أَوْلَهُمْ كَلَامًا وَأَشَدَّهُمْ خِصَامًا،

پیش رفتی هنگامی که آنان توقف کردند پس هرکه پیروی تو را کرد راه یافت تونخستین ایشان بودی در سخن و سخت‌ترین

ایشان در برابر

وَأَصُوبَهُمْ مَنَاطِقًا، وَأَسَدَّهُمْ رَأْيًا، وَأَشْجَعَهُمْ قَلْبًا، وَأَكْثَرَهُمْ يَقِينًا،

خصم، و در گفتار از همه راستگوتر و در رای و تدبیر از همه محکمتر و در شجاعت از همه دلدارتر و یقینت

وَأَحْسَنَهُمْ عَمَلًا وَأَعْرَفَهُمْ بِالْأُمُورِ، كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ أَبًا رَحِيمًا، إِذْ

از همه بیشتر و کردارت از همه بهتر و به کارها از همه آنها آشناتر بودی، تو برای مؤمنان پدري مؤمنان پدري مهربان بودی چونکه

صَارُوا عَلَيْكَ عِيَالًا فَحَمَلْتَ أَثْقَالَ مَا عَنْهُ ضَعُفُوا، وَحَفِظْتَ مَا

تحت سرپرستی تو قرار گرفتند تو نیز بارهای سنگینی را که تاب تحملش را نداشتند بدوش کشیدی و نگهداری کردی

آنچه را

أَضَاعُوا، وَرَعَيْتَ مَا أَهْمَلُوا، وَسَمَرْتَ إِذْ جَبُنُوا، وَعَلَوْتَ إِذْ هَلِعُوا

ایشان ضایع کردند و مراعات کردی آنچه را اهمال کردند و دامن به کمر زدی وقتی ترسیدند و برآمدی هنگامی که

وَصَبَرْتَ إِذْ جَزَعُوا، كُنْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَاباً صَبّاً، وَغِلْظَةً وَغِيْظاً،

بی‌تابی کردند و بردباری کردی وقتی جزع کردند تو بر کافران عذابی ریزان و با خشونت و خشم بودی

وَلِلْمُؤْمِنِينَ غَيْثاً وَخِصْباً وَعِلْماً، لَمْ تَقْلَلْ حُجَّتَكَ، وَلَمْ يَزِغْ قَلْبُكَ، وَلَمْ

و نسبت به مؤمنان بارانی پربرکت و نعمتی فراوان و دانشی بودی، دلیل و برهانت کند نبود و دلت منحرف نشد و

تَضَعُفٌ بِصِيْرَتِكَ، وَلَمْ تَجْبِنُ نَفْسُكَ، كُنْتَ كَالْجَبَلِ لَا تُحَرِّكُهُ

بی‌بنایت سستی نگرفت و خاطرت را ترس نگرفت، بودی همانند کوهی که

الْعَوَاصِفُ، وَلَا تُزِيلُهُ الْقَوَاصِفُ، كُنْتَ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

بادهای تند تکانش نداد و طوفانهای شکننده از جایش نکند چنانچه رسول خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ قَوِيّاً فِي بَدَنِكَ، مُتَوَاضِعاً فِي نَفْسِكَ، عَظِيماً عِنْدَ اللَّهِ، كَبِيراً

علیه و آله فرمود، نیرومند بودی در بدن و فروتن بودی در پیش خود و با عظمت بودی نزد خدا و بزرگ بودی

فِي الْأَرْضِ، جَلِيلاً فِي السَّمَاءِ، لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِيكَ مَهْمَزٌ، وَلَا لِقَائِلٍ

در زمین و با شکوه بودی در آسمان احدی را بر تو جای بدگونی نبود و برای گوینده‌ای در تو بهانه عیبجویی وجود

نداشت

فِيكَ مَعْمَزٌ، وَلَا لِخَلْقٍ فِيكَ مَطْمَعٌ، وَلَا لِأَحَدٍ عِنْدَكَ هَوَادَةٌ، يُوجَدُ

و هیچ مخلوقی نتوانست در تو طمع بندد و کسی نبود که از تو توقع نرمش داشته باشد شخص

الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ عِنْدَكَ قَوِيّاً عَزِيزاً، حَتَّى تَأْخُذَ لَهُ بِحَقِّهِ، وَالْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

ناتوان و خوار پیش تو نیرومند و عزیز بود تا حقش را بگیری و شخص نیرومند

عِنْدَكَ ضَعِيفاً، [ذَلِيلاً] حَتَّى تَأْخُذَ مِنْهُ الْحَقَّ الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ عِنْدَكَ

عزیز پیش تو ناتوان و خوار بود تا حق را از او بگیری دور و نزدیک (و خودی و بیگانه) نزد تو

فِي ذَلِكَ سَوَاءٌ، شَأْنُكَ الْحَقُّ وَالصَّدَقُ وَالرَّفْقُ، وَقَوْلُكَ حُكْمٌ وَحَتْمٌ،

در این باره یکسان بود کار تو حقیقت و راستی و خوشرفتاری بود و گفتارت مسلم و حتمی

وَأَمْرُكَ حِلْمٌ وَعَزْمٌ، وَرَأْيُكَ عِلْمٌ وَحَزْمٌ، اِعْتَدَلْ بِكَ الدِّينُ، وَسَهْلٌ بِكَ

و فرمانت حلم بود و تصمیم، و رأی و اندیشه‌ات از روی دانش و احتیاط، دین (حق) به تو اعتدال یافت و کار

الْعَسِيرُ، وَأُطْفِئَتْ بِكَ النَّيْرَانُ، وَقَوِيَ بِكَ الْإِيْمَانُ، وَتَبَّتْ بِكَ الْأَسْلَامُ،

مشکل بوسیله تو آسان گشت و آتشفشان بدست تو خاموش شد و ایمان به تو نیرو گرفت و اسلام بوسیله تو پابرجا شد

وَهَدَّتْ مُصِيبَتُكَ الْأَنَامَ، فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، لَعْنُ اللَّهِ مَنْ قَتَلَكَ،

و مصیبت تو مردان را به سختی در هم شکست «انا لله و انا الیه راجعون» (که چه مصیبت بزرگی بود) خدا لعنت کند هر

که تو را کشت

وَلَعْنُ اللَّهِ مَنْ خَالَفَكَ، وَلَعْنُ اللَّهِ مَنْ افْتَرَى عَلَيْكَ، وَلَعْنُ اللَّهِ مَنْ ظَلَمَكَ

و خدا لعنت کند هر که با تو مخالفت کرد و خدا لعنت کند هر که بر تو دروغ بست و خدا لعنت کند هر که بتو ستم

کرد

وَعَصَبَكَ حَقَّكَ، وَلَعْنُ اللَّهِ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَارْضَى بِهِ، إِنَّا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ

و حق تو را غصب کرد و خدا لعنت کند هر که این جریان را شنید و بدان راضی بود ما بسوی خدا از ایشان

بُراءٌ، لَعْنُ اللَّهِ أُمَّةً خَالَفَتْكَ، وَجَحَدَتْ وَايَتِكَ، وَتَظَاهَرَتْ عَلَيْكَ

بیزاری جوئیم خدا لعنت کند مردمی را که با تو مخالفت کردند و ولایت تو را انکار کرده و بر ضد تو به هم کمک دادند

وَقَتَلْتِكَ وَحَادَتْ عَنْكَ وَخَذَلْتِكَ، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثْوِيَهُمْ،

و آنکه تو را کشت و از تو رو گرداند و تو را واگذارد ستایش خدائی را که دوزخ را جایگاه آنها قرار داد

وَبَسَّ الْوَرْدُ الْمَمْرُودُ، أَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَوَلِيَّ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ

و چه بد جایگاهی است برای واردین گواهی دهم برای تو ای ولی خدا و ولی رسول خدا - که درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْبَلَاغِ وَالْأَدَاءِ وَالنَّصِيحَةِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَبَابُهُ،

بر او و آتش باد - که تو رساندی و پرداختی و خیرخواهی کردی و گواهی دهم که براستی توئی حبیب خدا و باب الله و

توئی جناب الله

وَأَنَّكَ جَنْبُ اللَّهِ وَوَجْهُهُ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى، وَأَنَّكَ سَبِيلُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ

(طرف خدا) و آن روئی که از آن به نزدش روند و توئی راه خدا و توئی بنده خدا

وَأَخُو رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا لِعَظِيمِ حَالِكَ وَمَنْزِلَتِكَ

و برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده‌ام به درگاهت برای زیارتت چون مقام و منزلتت

عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ، مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ بِزِيَارَتِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي

در پیش خدا و پیش رسولش بس بزرگ است و من بوسیله زیارت تو به خدا تقرب جویم و بدان وسیله اشتیاق

الشَّفَاعَةِ، اَبْتَغِي بِشَفَاعَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي، مُتَعَوِّدًا بِكَ مِنَ النَّارِ، هَارِبًا

به شفاعت تو دارم و از شفاعت تو خواهان رهائی خودم (از عذاب) هستم و به تو پناهنده‌ام از آتش دوزخ و گریزانم

مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلَي ظَهْرِي، فَرَعًا اِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي،

از گناهانی که بر پشت خود بار کرده‌ام و به درگاه تو هراسانم و امید به رحمت پروردگارم دارم

اَتَيْتُكَ اسْتَشْفِعُ بِكَ يَا مَوْلَايَ اِلَى اللّٰهِ، وَاتَّقَرَّبُ بِكَ اِلَيْهِ لِيَقْضِيَ بِكَ

آمده‌ام بدرگاهت تا تو را شفیع گیرم ای سرور من بدرگاه خدا و تقرب جویم بوسیله تو بدرگاه خدا تا

حَوَائِجِي، فَاشْفَعْ لِي يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اِلَى اللّٰهِ، فَاِنِّي عَبْدُ اللّٰهِ وَمَوْلَاكَ

حاجاتم را برآورد پس شفاعت مرا بکن ای امیر مؤمنان بدرگاه خدا که من بنده خدا و دوست تو

وَزَاوِرُكَ وَلَكَ عِنْدَ اللّٰهِ الْمَقَامُ الْمَعْلُومُ، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّانُ الْكَبِيرُ،

و زائرت هستم و برای تو در پیش خدا مقامی معلوم و منزلتی بس بزرگ و شأن کبیر

وَالشَّفَاعَةُ الْمُقْبُولَةُ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَي

و شفاعت پذیرفته است خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و درود فرست بر

عَبْدِكَ وَامِينِكَ الْاَوْفَى، وَعَرُوتِكَ الْوُثْقَى، وَيَدِكَ الْعُلْيَا، وَكَلِمَتِكَ

بندهات و با وفاترین امانتدارت و ریسمان محکمت و دست (قدرت) و الایت و کلمه

الْحُسْنَى، وَحُجَّتِكَ عَلَي الْوَرَى، وَصِدِّيقِكَ الْاَكْبَرِ سَيِّدِ الْاَوْصِيَاءِ،

نیکویت و حجت تو بر مردمان و بزرگترین راستگو و صدق پیشه‌ات آقای اوصیاء

وَرُكْنِ الْاَوْلِيَاءِ، وَعِمَادِ الْاَصْفِيَاءِ، امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَعْسُوبِ الْمُتَّقِينَ،

و رکن اولیاء و تکیه‌گاه برگزیدگان امیرمؤمنان و پادشاه پرهیزکاران

وَقُدُوةِ الصِّدِّيقِينَ، وَامَامِ الصَّالِحِينَ، الْمَعْصُومِ مِنَ الزَّلْزَلِ، وَالْمَنْظُومِ

و مقتدای راستگویان و پیشوای شایستگان آنکه از لغزش معصوم و از هر خللی

مِنَ الْخَلَلِ، وَالْمَهْدَبِ مِنَ الْعَيْبِ، وَالْمُطَهَّرِ مِنَ الرَّيْبِ، اَخِي نَبِيِّكَ،

دور و از هر عیب مبرا و از هر شک و شبهه‌ای پاک و پاکیزه است، برادر پیامبرت

وَوَصِيَّ رَسُولِكَ، وَالْبَائِتِ عَلَى فِرَاشِهِ، وَالْمَوَاسِي لَهُ بِنَفْسِهِ،

و وصی رسولت و آنکس که در بستر او خوابید و جانش را در راه او به کف نهاد

وَكَاشِفِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ سَيْفًا لِنُبُوتِهِ، وَمُعْجِزًا

و اندوه را از چهره‌اش زدود آنکه قراش دادی برای نبوت پیامبر شمشیری و برای

لِرِسَالَتِهِ وَدَلَالَةً وَاضِحَةً لِحُجَّتِهِ، وَحَامِلًا لِرَايَتِهِ، وَوَقَايَةً لِمُهْجَتِهِ

رسالتش معجزی و برای حجت و برهانش دلالتی روشن و حامل پرچمش و سپهر جانش

وَهَادِيًا لَأُمَّتِهِ، وَيَدًا لِبَاسِهِ، وَتَاجًا لِرَأْسِهِ، وَبَابًا لِنَصْرِهِ وَمِفْتَاحًا لِظَفَرِهِ،

و راهنمای امتش و دست توانای نبردش و تاج سرش و ذری برای یاریش و کلیدی برای پیروزش

حَتَّى هَزَمَ جُنُودَ الشُّرْكِ بَأَيْدِكَ، وَأَبَادَ عَسَاكِرَ الْكُفْرِ بِأَمْرِكَ، وَبَدَّلَ

تا اینکه شکست داد سپاههای شرک را به کمک تو و نابود کرد لشگرهای کفر را به فرمانت و جانش را در راه

نَفْسُهُ فِي مَرَضَاتِكَ وَمَرَضَةِ رَسُولِكَ، وَجَعَلَهَا وَقْفًا عَلَى طَاعَتِهِ،

خوشنودی تو و خشنودی رسول تو بدّل فرمود و آن را وقف بر اطاعت او قرار داد

وَمَجِئًا دُونَ نَكْبَتِهِ، حَتَّى فَاضَتْ نَفْسُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كَفِّهِ،

و سپری در برابر گرفتاریهایش تا وقتی که برآمد جان آن حضرت صلی الله علیه و آله در کف او

وَاسْتَلَبَ بَرْدَهَا، وَمَسَحَهُ عَلَى وَجْهِهِ، وَأَعَانَتْهُ مَلَائِكَتُكَ عَلَى غُسْلِهِ

و خنکی آن را در ربود آن را بر چهره خود کشید و فرشتگان تو نیز در غسل او

وَتَجْهِيْزِهِ، وَصَلَّى عَلَيْهِ، وَوَارَى شَخْصَهُ، وَقَضَى دَيْنَهُ، وَأَنْجَزَ وَعْدَهُ،

و سایر کارهای کفن و دفنش به او کمک کردند و بر او نماز خوانده جنازه‌اش را دفن کرد و بدهی او را پرداخت و به

وَلَزِمَ عَهْدَهُ، وَاحْتَذَى مِثَالَهُ وَحَفِظَ وَصِيَّتَهُ وَحِينَ وَجَدَ أَنْصَارًا

و عده‌اش عمل کرد و ملازم عهد و پیمانانش گشت و همانند او رفتار کرد و وصیتش را حفظ کرد و هنگامی که باورانی

نَهَضَ مُسْتَقِلًّا بِأَعْبَاءِ الْخِلَافَةِ، مُضْطَلِعًا بِأَثْقَالِ الْأِمَامَةِ، فَنَصَبَ رَايَةً

برای خود دید مستقلاً به مسئولیتهای خلافت قیام فرمود و بدوش کشید بارهای سنگین پیشوائی و امامت را، و پرچم

الْهُدَى فِي عِبَادِكَ، وَنَشَرَ ثَوْبَ الْأَمْنِ فِي بِلَادِكَ، وَبَسَطَ الْعَدْلَ فِي

هدایت را در میان بندگانش تو به پا کرد و جامه امنیت را در میان شهرهایت پهن کرد و داد و عدل را در

بَرِيَّتِكَ، وَحَكَمَ بِكِتَابِكَ فِي خَلْقِكَ، وَأَقَامَ الْحُدُودَ، وَقَمَعَ الْجُحُودَ،

میان خلق تو بسط داد و در میان آفریدگانت به کتاب تو حکم کرد و حدود را برپاداشت و کفر و انکار را ریشه کن

ساخت

وَقَوْمَ الزَّيْغِ، وَسَكَنَ الْغَمْرَةَ، وَأَبَادَ الْفِتْرَةَ، وَسَدَّ الْفُرْجَةَ، وَقَتَلَ النَّاكِثَةَ

و کجیها را راست و آشوب و فتنه را آرام نمود و فترت و سستی را از میان برد و شکاف را پرکرد و پیمان شکنان

وَأَلْقَا سِطَّةَ وَالْمَارِقَةَ، وَلَمْ يَزَلْ عَلَىٰ مِنْهَا جِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

و ستمکاران و بیرون روندگان از دین را کشت و پیوسته بر طریقہ رسول خدا صلی اللہ علیہ

وآلِهِ، وَوَتِيرَتِهِ وَطُفِّ شَاكِلَتِهِ، وَجَمَالَ سِيرَتِهِ، مُقْتَدِيًا بِسُنَّتِهِ، مُتَعَلِّقًا

و آله و در راه او و روش نیکو و سیره زیبایش برفت و به سنت او اقتداء کرد و به همش

بِهَمَّتِهِ، مُبَاشِرًا لِطَرِيقَتِهِ، وَأَمَثَلْتُهُ نَصْبُ عَيْنِيهِ يَحْمِلُ عِبَادَكَ عَلَيْهَا،

چسبید و ملازم طریقہ او بود و نمونه کارهای آن حضرت را برابر دیدگانش قرار داده و بندگان تو را بدان کارها

وَيَدْعُوهُمْ إِلَيْهَا إِلَىٰ أَنْ خُضِبَتْ شَيْبَتُهُ مِنْ دَمِ رَأْسِهِ، أَلَلَّهُمْ فَكَمَا لَمْ

و ادار نموده و به آنها می خواند تا آنگاه که محاسن شریفش از خون سرش رنگین شد خدا یا هم چنانکه

يُؤْتِرُ فِي طَاعَتِكَ شَاكًا عَلَىٰ يَقِينٍ، وَلَمْ يُشْرِكْ بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ، صَلَّى

او در اطاعت تو هیچگاه شک را مقلّم بر یقین نداشت و چشم برهم زدنی به تو مشرک نگشت درود

عَلَيْهِ صَلَوةً زَاكِيَةً نَامِيَةً، يَلْحَقُ بِهَا دَرَجَةُ النَّبُوَّةِ فِي جَنَّتِكَ، وَبَلَّغَهُ

فرست بر او درودی پاکیزه و فزاینده که برسد بوسیله آن به درجه نبوت در بهشتت و برسان به او

مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَأَتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مَوَالَاتِهِ فَضْلًا وَأِحْسَانًا،

از جانب ما درود و سلامی و بده به ما از نزد خود در دوستی او فضیلت و احسان

وَمَغْفِرَةً وَرِضْوَانًا إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْجَسِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و آمرزش و خوشنودی که براستی تو دارای فضلی بزرگ هستی به رحمت ای مهربانترین مهربانان

پس بیوس ضریح را و روی راست خود را بگذار بر آن و بعد از آن روی چپ را و میل کن به سمت قبله و نماز زیارت بجای آور و آنچه خواهی بعد از نماز دعا کن و بگو بعد از فرستادن تسبیح زهراء علیها السلام:

اللَّهُمَّ أَنْكَ

خدایا تو

بَشَّرْتَنِي عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقُلْتَ

به من نوید دادی به زبان پیغمبر و فرستاده‌ات محمد که درودهای تو بر او و آتش باد و فرمودی

وَبَشَّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ، اللَّهُمَّ وَإِنِّي مُؤْمِنٌ بِجَمِيعِ

«و مؤده ده کسانی را که ایمان آوردند که برای ایشان سابقه درستی نزد پروردگارشان هست» خدایا من ایمان دارم به همه

أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ فَلَا تَقْنِي بَعْدَ مَعْرِفَتِهِمْ مَوْفِقًا تَفْضَحْنِي

پیمرانت و فرستادگانت که درودهای تو بر ایشان باد و از این رو پس از معرفتی که در حششان دارم فرارم مده در

فِيهِ عَلَى رُؤْسِ الْأَشْهَادِ، بَلْ قَفْنِي مَعَهُمْ، وَتَوَقَّنِي عَلَى التَّصْدِيقِ

جایگاهی که رسوایم کنی در آنجا در برابر مردمان بلکه مرا به همراه آنان باز دار و با تصدیق

بِهِمْ، اللَّهُمَّ وَأَنْتَ خَصَّصْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ، وَأَمَرْتَنِي بِاتِّبَاعِهِمْ، اللَّهُمَّ

به ایشان بمریان خدایا تو بودی که آنان را به کرامت مخصوص داشتی و مرا به پیروی کردنشان دستورم دادی خدایا

وَإِنِّي عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ، مُتَقَرِّبًا إِلَيْكَ بِزِيَارَةِ أَخِي رَسُولِكَ، وَعَلَى كُلِّ

من بنده تو و زائر توأم که تقرب جویم بدرگاہت بوسیله زیارت برادر رسولت و بر آنکس که

مَاتِيٍّ وَمَزُورٍ حَقٌّ لِمَنْ آتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَا تَبِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ،

به دیدار و زیارتش روند حقی است برای دیدار کننده و زائرش و تو بهترین دیدار شده و بزرگوارترین کسی هستی که

فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، يَا جَوَادُ يَا مَاجِدُ، يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ،

به زیارتت آیند از تو خواهم ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای جواد ای با مجد و شوکت ای یکتا ای بی نیاز

يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَلَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا

ای که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست برایش همتائی هیچکس و نگرفته برای خود همسر و نه

وَلَدًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتَكَ إِتْيَايَ مِنْ

فرزندی که درود فرستی بر محمد و آل محمد و دیگر آنکه قرار دهی تحفه خود را نسبت به من از

زیارتی آخا رَسُولِكَ فَكَأَكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ

زیارت کردم برادر رسولت را آزادیم از آتش دوزخ و قرارم دهی از آنانکه

يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ، وَيَدْعُوكَ رَعْبًا وَرَهْبًا، وَتَجْعَلَنِي مِنْ

بسوی خیرات بشتابد و از روی اشتیاق و هراس تو را بخواند و قرارم دهی از

الْخَاشِعِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِزِيَارَةِ مَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ،

خشوع‌کنندگان خدایا تو بر من منت نهادی به زیارت مولایم علی بن ابیطالب

وَوَلَايَتِهِ وَمَعْرِفَتِهِ، فَاجْعَلَنِي مِمَّنْ يَنْصُرُهُ وَيَنْتَصِرُ بِهِ، وَمَنْ عَلَيَّ

و بدوستی و معرفتش پس قرارم ده از کسانی که یاریش کنند و به او یاری ستانند و منت بنه بر من

بِنَصْرِكَ لِدِينِكَ، اللَّهُمَّ وَاجْعَلَنِي مِنْ شِيعَتِهِ، وَتَوَقَّنِي عَلَيَّ دِينِهِ،

به یاری دادنت برای دینت خدایا و مرا از شیعیانش قرارم ده و بر دین او بیمرانم

اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لِي مِنَ الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ، وَالْمَغْفِرَةِ وَالْإِحْسَانِ،

خدایا واجب گردان برای من از رحمت و خوشنودی و آمرزش و نیکی

وَالرِّزْقِ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

و روزی فراخ حلال و پاکیزه آنچه را تو شایسته آنی ای مهربانترین مهربانان

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. *

و ستایش از آن خدا پروردگار جهانیان است

مؤلف گوید: که در روایت معتبر منقول است که حضرت خضرعلیه السلام در

روز شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گریه کنان و استرجاع گویان

بسرعت آمد و ایستاد بر در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام پس گفت:

رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ، كُنْتُ

خدایت رحمت کند ای ابوالحسن که تو نخستین

أَوَّلَ النَّوْمِ إِسْلَامًا، وَأَخْلَصَهُمْ إِيمَانًا، وَأَشَدَّهُمْ يَقِينًا، وَأَخْوَفَهُمْ لِلَّهِ

مردم بودی در پذیرفتن اسلام و خالص‌ترین آنها بودی در ایمان و محکمترین آنها در یقین و ترسناکترینشان از خدا

و شمرد بسیاری از فضائل آن حضرت را قریب به همین عباراتی که در همین زیارت مذکور است پس اگر در این روز این زیارت نیز خوانده شود مناسب است و اصل آن کلمات که به منزله زیارت روز شهادتست در هدیه ذکر کرده‌ایم هر که خواهد به آنجا رجوع کند و نیز بدانکه ما پیش از این در ضمن اعمال شب مبعث کلامی از رحله ابن بطوطه نقل کردیم که متعلق بود به این روضه شریفه صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَي مُشْرَفِيهَا شایسته است به آنجا رجوع شود.

فصل پنجم

در فضیلت کوفه و مسجد بزرگ آن و اعمال آن مسجد و زیارت جناب مسلم است بدانکه کوفه یکی از آن چهار بلدی است که حق تعالی آن را اختیار فرموده و طُور سینین تفسیر به آن شده و در روایتست که آن حرم خدا و حرم رسول صلی الله علیه و آله و حرم امیرالمؤمنین علیه السلام است و یک درهم تصدق در آن حساب می‌شود به صد درهم در جای دیگر و دو رکعت نماز در آن حساب می‌شود به صد رکعت.

و اما فضیلت مسجد کوفه پس زیاده از آن است که ذکر شود و بس است در شرافت آن که یکی از آن چهار مسجدی است که سزاوار است شَدْرِحَال شود به سمت آنها به جهت درک فیوضات آنها و یکی از آن مواطن است که مسافر

مخیر است در آن مابین قصر و اتمام نماز و نماز فریضه در آن معادل حجّ مقبول و معادل هزار نماز است که در جای دیگر بجای آورده شود و در روایات وارد شده که محلّ نماز پیغمبران است و محلّ نماز حضرت مهدی صلوات الله علیه خواهد شد و در روایتی هزار پیغمبر و هزار وصیّ پیغمبر در آن نماز کرده و از بعضی روایات استفاده شود که مسجد کوفه افضل است از مسجد اقصی که در بیت المقدّس است و ابن قولویه از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود اگر مردم بدانند که چه فضیلت دارد مسجد کوفه هر آینه از شهرهای دور تهیّه زاد و راحله کنند و بسوی این مسجد بیایند و فرمود که نماز واجب در آن برابر است با حج مقبول و نماز نافله برابر عمره مقبوله و به روایت دیگر نماز فریضه و نافله در آن مثل حجّ و عمره ای است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله کرده باشند.

شیخ کلینی و غیر او از مشایخ عظام روایت کرده اند از هارون بن خارجه که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود ای هارون چه مقدار مسافت است بین تو و بین مسجد کوفه یک میل می شود گفتم نه فرمود بجای می آوری همه نمازهای خود را در آنجا گفتم نه فرمود اگر من نزدیک آن مسجد بودم امید داشتم که از من فوت نمی شد یک نماز در آن و هیچ می دانی که چیست فضیلت آن موضع نبوده بنده صالحی و نه پیغمبری مگر آنکه نماز گذارده در مسجد کوفه حتی آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبی که او را به معراج می بردند جبرئیل به آن حضرت گفت می دانی که در کجائی یا رسول الله الآن

مقابل مسجد کوفه می‌باشی فرمود پس رخصت بطلب از پروردگار من تا بروم در آن و دو رکعت نماز گذارم پس جبرئیل از حق تعالی اذن طلب کرد حق تعالی اذن مرحمت فرمود پس فرود آورد آن حضرت را و آن جناب دو رکعت نماز گذاشت در آن و بدرستی که جانب راست آن باغی است از باغهای بهشت و میان آن باغی است از باغهای بهشت و عقب آن باغی است از باغهای بهشت و بدرستی که نماز واجب در آن برابر است با هزار نماز و نافله در آن مقابلت با پانصد نماز و نشستن در آن بدون تلاوت و ذکر عبادتست و اگر مردم بدانند که چه فضیلت است در آن بیایند بسوی آن اگرچه به روش کودکان خود را بر زمین کشند.

و در روایت دیگر است که نماز واجب در آن مقابل حج است و نماز نافله مقابل عمره و گذشت در ذیل زیارت هفتم حضرت امیرعلیه السلام اشاره به فضیلت این مسجد شریف و از بعضی روایات معلوم می‌شود که جانب راست این مسجد افضلست از جانب چپ آن .

و اما اعمال مسجد کوفه پس به نحوی که در مصباح الزائر و غیره است آن است که چون داخل کوفه شدی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ

به نام خدا و به ذات خدا و در راه خدا و برکیش رسول خدا درود خدا بر او و آتش باد خدایا فرود

آنزلی منزلاً مبارکاً و أنتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ، پس روانه شو به سوی مسجد کوفه

آر مرا فرود آمدنی با برکت و توئی بهترین فرود آرنندگان * * * * *

و در حال رفتن بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ. تا وارد

***** خدا بزرگتر است و معبودی جز خدا نیست و ستایش خاص خدا است و منزه است خدا *****

شوی به در مسجد پس بایست نزد درو بگو: السَّلَامُ عَلَي سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ،

***** سلام بر آقای ما رسول خدا محمد بن

مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ،

عبدالله و آل پاکیزه‌اش سلام بر امیر مؤمنان علی بن ابی طالب

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَعَلَى مَجَالِسِهِ وَمَشَاهِدِهِ وَمَقَامِ حِكْمَتِهِ،

و رحمت خدا و برکاتش و بر مجالس او و جایگاههای حضور و مقام حکمتش

وَأَثَارِ آبَائِهِ آدَمَ وَنُوحَ، وَإِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَتَبْيَانِ بَيِّنَاتِهِ، السَّلَامُ

و آثار پدرانش آدم و نوح و ابراهیم و اسماعیل و جایگاه بیان حجت‌هایش سلام

عَلَي الْأَمَامِ الْحَكِيمِ الْعَدْلِ الصِّدِّيقِ الْأَكْبَرِ، الْفَارُوقِ بِالْقِسْطِ، الَّذِي

بر امام فرزانه دادگر راستگوی اکبر جدا کننده به عدالت آنکس که خدا بوسیله‌اش

فَرَّقَ اللَّهُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَالْكَفْرِ وَالْإِيمَانِ، وَالشِّرْكِ وَالتَّوْحِيدِ،

جدا کرد میان حق و باطل و کفر و ایمان و شرک و توحید را

لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيِّنَةٍ، وَيَحْيَى مَنْ حَيَّ عَن بَيِّنَةٍ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرٌ

تا هلاک شود هر که هلاک می‌شود از روی دلیل و زنده بماند هر که زنده می‌ماند از روی دلیل گواهی دهم براستی که

الْمُؤْمِنِينَ، وَخَاصَّةً نَفْسَ الْمُتَنَجِّبِينَ، وَزَيْنَ الصِّدِّيقِينَ وَصَابِرِ

توئی امیر مؤمنان و مخصوص در میان برگزیدگان و زیور راستگویان و بردبار

الْمُتَمَتِّحِينَ، وَأَنَّكَ حَكَمُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَقَاضِي أَمْرِهِ، وَبَابُ حِكْمَتِهِ،

امتحان شدگان و براستی توئی حاکم خدا در زمین و قضاوت کننده امرش و دروازه حکمتش

وَعَاقِدُ عَهْدِهِ، وَالنَّاطِقُ بِوَعْدِهِ، وَالْحَبْلُ الْمَوْصُولُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبَادِهِ،

و پیوند دهنده پیمان‌ش و گویای به وعده‌اش و رشته پیوسته میان او و میان بندگانش

وَكَهْفُ النِّجَاةِ، وَمِنْهَاجُ التَّقَى، وَالدَّرَجَةُ الْعُلْيَا، وَمَهْمِينُ الْقَاضِي

و پناهگاه نجات و طریقه پرهیزکاری و درجه برتر و گواه خدای دادگر

الْأَعْلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِكَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ زُلْفَى، أَنْتَ وَلِيِّي

والا، ای امیر مؤمنان به تو تقرب جویم به درگاه خدا تقرب کامل توئی سرپرست

وَسَيِّدِي وَوَسَيْلَتِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

و آقای من و وسیله‌ام در دنیا و آخرت

پس داخل مسجد می‌شوی مؤلف گوید: که بهتر آن است که از دری که در

عقب مسجد است که مشهور است به باب الفیل داخل شوی پس می‌گویی:

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِاللَّهِ

خدا بزرگتر است این است جایگاه پناه برنده به خدا

وَبِمُحَمَّدٍ [حَبِيبِ اللَّهِ] صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

و به محمد حبیب خدا - درود خدا بر او و آلش - و به ولایت امیر مؤمنان

وَالْأَئِمَّةَ الْمَهْدِيِّينَ الصَّادِقِينَ النَّاطِقِينَ الرَّاشِدِينَ، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ

و امامان راهبر راستگوی گویای راه‌یافته‌ای که دور کرده است خداوند

عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً، رَضِيتُ بِهِمْ أُمَّةً وَهَدَاةً وَمَوَالِيَّ،

از ایشان پلیدی را و بخوبی پاکشان کرده خوشنودم به امامت ایشان و راهنمائیشان و سروریشان

سَلَّمْتُ لِأَمْرِ اللَّهِ لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، وَلَا أَتَّخِذُ مَعَ اللَّهِ وَلِيّاً، كَذِبَ

تسلیم امر خدایم و شریک نسازم به او چیزی را و نگیرم به همراه خدا دوستی دروغ گفتند شرک

الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلَالاً بَعِيداً، حَسْبِيَ اللَّهُ وَأَوْلِيَاءَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ

ورزان به خدا و گمراه شدند گمراهی دوری بس است مرا خدا و دوستان خدا گواهی دهم

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،

که معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و گواهی دهم که محمد بنده و رسول او است

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنَّ عَلِيّاً وَالْأَئِمَّةَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ عَلَيْهِمُ

درود خدا بر او و آلش باد و اینکه علی علیه‌السلام و امامان راه یافته از نژاد او علیهم

السَّلَامُ أَوْلِيَّائِي وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ.

السلام سروران مند و حجت‌های خدایند بر خلقش

آنگاه برو به جانب ستون چهارم که در جنب باب انماط و برابر ستون پنجم است و آن ستون حضرت ابراهیم علیه السلام است پس چهار رکعت نماز کن دو رکعت آنرا با حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و دو رکعت دیگر را با حمد و إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ پس چون فارغ شدی از نماز تسیب حضرت زهراء علیها السلام را بگو و بعد از آن بگو:

السَّلَامُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ الرَّاشِدِينَ، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ

سلام بر بندگان شایسته راه یافته‌ای که دور کرده است خداوند از ایشان

الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً، وَجَعَلَهُمْ أَنْبِيَاءَ مُرْسَلِينَ، وَحُجَّةً عَلَى

پلیدی را و پاکیزه‌شان کرده است بخوبی و قرارشان داده است پیمبرانی مرسل و حجت بر

الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

همه خلق و سلام بر رسولان و حمد خاص خدا پروردگار جهانیان است

ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ. وهفت مرتبه بگو: سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ.

و این است تقدیر فرازانه دانا * * * * * سلام بر نوح در میان جهانیان

پس بگو: نَحْنُ عَلَى وَصِيَّتِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، الَّتِي أَوْصَيْتَ بِهَا

* * * * * ما بر سفارش تو پای بندیم ای سرپرست مؤمنان آن سفارشی که به

دُرَيْتِكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ وَالصَّادِقِينَ، وَنَحْنُ مِنْ شِيعَتِكَ وَشِيعَةِ نَبِيِّنَا

فرزندان کردی از رسولان و راستگویان و ما از شیعیان تو و شیعیان پیامبران

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَيْكَ وَعَلَى جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ

محمد هستیم که درود خدا بر او آتش و بر تو و بر همه رسولان

وَالْأَنْبِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ وَنَحْنُ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ، وَدِينِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ

و پیمبران و راستگویان باد و ما نیز بر کیش ابراهیم و دین محمد پیامبر امی (درس نخوانده)

الْأُمِّيَّ وَالْأَئِمَّةَ الْمَهْدِيِّينَ، وَوَلَايَةَ مَوْلَانَا عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

و امامان راه یافته و ولایت سرورمان علی امیر مؤمنان هستیم

السَّلَامُ عَلَى الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَرَحْمَتُهُ وَرِضْوَانُهُ

سلام بر مژده دهنده ترساننده درودهای خدا بر او و رحمتش و خوشنودیش

وَبَرَكَاتُهُ، وَعَلَى وَصِيِّهِ وَخَلِيفَتِهِ، الشَّاهِدِ لِلَّهِ مِنْ بَعْدِهِ عَلَى خَلْقِهِ، عَلِيٍّ

و برکاتش و نیز بر وصی او و جانشینش آن گواه خدا پس از او بر خلقش علی

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الصَّدِيقِ الْأَكْبَرِ، وَالْفَارُوقِ الْمُبِينِ الَّذِي أَخَذَتْ بِيَعْتَهُ

امیر مؤمنان آن صدیق اکبر و جدا کننده (حق و باطل) روشن، آن کس که بیعتش را

عَلَى الْعَالَمِينَ، رَضِيَتْ بِهِمْ أَوْلِيَاءَ وَمَوَالِيٍّ، وَحُكَّامًا فِي نَفْسِي

بر جهانیان گرفتی خوشنودم به سرپرستی و سروری و حکمرانی ایشان در جانم

وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَقِسْمِي، وَحَلِّي وَإِحْرَامِي، وَإِسْلَامِي وَدِينِي،

و فرزندان و خاندان و مال و بهره‌ام و در حال جل و احرامم و اسلام و دینم

وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي، أَنْتُمْ الْأَئِمَّةُ فِي الْكِتَابِ،

و دنیا و آخرتم و زندگی و مرگم شماست امامان در کتاب خدا (قرآن)

وَفَضْلُ الْمَقَامِ وَفَضْلُ الْخِطَابِ، وَأَعْيُنُ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَنَامُ، وَأَنْتُمْ

و فیصله هر مقام و حکم نافذ حق و دیدگان آن بیداری که نخواهد و شماستید

حُكَمَاءَ اللَّهِ، وَبِكُمْ حَكَمَ اللَّهُ، وَبِكُمْ عُرِفَ حَقُّ اللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ

فرزانگان خدا و بوسیله شما حکم راند و بوسیله شما شناخته شود حق خدا معبودی نیست جز خدا محمد

رَسُولُ اللَّهِ، أَنْتُمْ نُورُ اللَّهِ مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا وَمِنْ خَلْفِنَا، أَنْتُمْ سُنَّةُ اللَّهِ الَّتِي

رسول خدا است شماستید نور خدا از پیش روی ما و از پشت سرمان شماستید آن آئین و طریقه خدا که قضا

بِهَا سَبَقَ الْقَضَاءُ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَنَا لَكُمْ مُسَلِّمٌ تَسْلِيمًا لَا أَشْرِكَ

بدان سبقت یافته ای امیر مؤمنان من در برابر شما تسلیمم چنان تسلیمی که چیزی را به خدا شریک

بعضی از روایاتست که حضرت دست دراز کرد و از کوههای شام قطعه برفی آورد و نزدیک آن طشت نهاد تا آن حیوان از شکم دختر بیرون آمد و نیز بدانکه مشهور در ترتیب اعمال مسجد آن است که بعد از اعمال ستون چهارم می روند به وسط مسجد و اعمال آنجا را بجا می آورند و اعمال دُكَّة القضاء و بیت الطَّشْت را در آخر همه بعد از فراغ از دُكَّة حضرت صادق علیه السلام بجا می آورند و لکن ما به همان ترتیبی که سید بن طاووس در مصباح الزائر و علامه مجلسی در بحار و شیخ خضر در مزار نقل کرده اند اعمال را ذکر می نمائیم و اگر کسی خواسته باشد به ترتیب مشهور عمل نماید اعمال دُكَّة القضاء و بَيْت الطَّشْت را بعد از ستون چهارم بجا نیورد و بگذارد در آخر بعد از اعمال دُكَّة حضرت صادق علیه السلام بجا آورد بالجمله می گوئیم پس برو بسوی دُكَّة القضاء و در آنجا دو رکعت نماز کن به حمد و هر سوره که خواهی

و چون فارغ شدی بگو تسبیح زهرا علیها السلام را و بگو

يَا مَالِكِي وَمَمْلُكِي، وَمَتَّعْتَنِي بِالنَّعْمِ الْجِسَامِ مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ ، وَجَهِي

ای مالک من و ای مالک کننده من و ای که مرا غرق نعمتهای بزرگ خود ساختی بدون اینکه استحقاق آنرا داشته باشم

خَاضِعٌ لِمَاتَعْلُوهُ الْأَقْدَامُ لِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، لَا تَجْعَلْ هَذِهِ الشَّدَّةَ، وَلَا هَذِهِ

روی من خاضع است در مقابل آنچه بر آن گذارده شود گاهها برای جلالت سیمای بزرگواریت قرار مده این سختی و نه

الْمِحْنَةَ مُتَّصِلَةً بِاسْتِیْصَالِ الشَّافَةِ، وَامْنَحْنِي مِنْ فَضْلِكَ مَا لَمْ تَمْنَحْ

این گرفتاری را پیوست به ریشه کن کردن بیخ و بن و ببخش به من از فضل خود چیزی را که نبخشیده ای آنرا

بِهِ أَحَدًا مِنْ غَيْرِ مَسْئَلَةٍ، أَنْتَ الْقَدِيمُ الْأَوَّلُ الَّذِي لَمْ تَزَلْ وَلَا تَزَالُ،

به هیچکس بدون درخواست، تویی دیرینه نخست که همواره بوده و همواره خواهی بود

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَزَكِّ عَمَلِي، وَبَارِكْ لِي فِي

درود فرست بر محمد و آل محمد و بیمارز مرا و به من رحم کن و کردارم را پاک کن و برکت بده در عمرم و

آجلی، وَاجْعَلْنِي مِنْ عَتَقَائِكَ وَطُلُقَائِكَ مِنَ النَّارِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

قرارم ده از آزاد شدگان و رهاشدگان از آتش دوزخ به رحمتت ای مهربانترین مهربانان

أَعْمَالُ بَيْتِ الطُّشْتِ که متصل است به دگه قضا، نماز کن در آنجا دو رکعت و

بعد از سلام تسبیح کن پس بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي ذَخَرْتُ تَوْحِيدِي إِيَّاكَ، وَمَعْرِفَتِي بِكَ، وَإِخْلَاصِي لَكَ،

خدایا من ذخیره کردم یگانه پرستی تو را و معرفتم را به تو و اخلاصم را برای تو

وَأَقْرَارِي بِرُبُوبِيَّتِكَ، وَذَخَرْتُ وِلَايَةَ مَنْ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ مِنْ

و اقرارم را به پروردگاری تو و ذخیره کردم ولایت آنان را که بوسیله معرفتشان از میان

بَرِيَّتِكَ، مُحَمَّدٍ وَعَتْرَتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ، لِيَوْمِ فَرَعَى إِلَيْكَ عَاجِلًا

مخلوقات بر من نعمت دادی (یعنی) محمد و خاندانش - که درود خدا بر ایشان باد - برای روز هراسم بسوی تو در

وَأَجَلًا، وَقَدْ فَرَعْتُ إِلَيْكَ وَإِلَيْهِمْ يَا مَوْلَايَ فِي هَذَا، الْيَوْمِ وَفِي

دنیا و آخرت و اینک پناه آورده‌ام بسوی تو و بسوی ایشان ای مولای من در این

مَوْفِي هَذَا، وَسَأَلْتُكَ مَا دَتَنِي مِنْ نِعْمَتِكَ، وَإِزَاحَةَ مَا أَخْشَاهُ مِنْ

روز و در این جایگاهی که هستم و از تو درخواست کنم ادامه نعمتت را و از بین بردن آنچه‌را

نِقْمَتِكَ، وَالْبُرْكََةَ فِيمَا رَزَقْتَنِيهِ، وَتَحْصِينَ صَدْرِي مِنْ كُلِّ هَمٍّ

از خشم و انتقامت که از آن ترس دارم و برکت در آنچه روزیم کرده‌ای و محفوظ داشتن سینه‌ام از هر اندوه

وَجَائِحَةٍ وَمَعْصِيَةٍ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و بلا و گناهی در دین و دنیا و آخرتم ای مهربانترین مهربانان

و نقل شده که حضرت صادق علیه السلام در بَيْتِ الطُّشْتِ دو رکعت نماز

کردند.

بیان نماز و دعا در وسط مسجد

دو رکعت نماز می‌کنی در وسط مسجد در رکعت اول حمد می‌خوانی با قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و در رکعت دوم حمد و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ پس وقتی که سلام دادی تسبیح زهرا علیها السلام را بخوان و بگو:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ، وَدَارُكَ دَارُ السَّلَامِ،

خدایا تویی سلام (بی‌عیب) و از تو است سلام و به تو بازگردد سلام و درگاهت درگاه سلامتی است

حِينَ رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ، اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ ابْتِغَاءَ رَحْمَتِكَ

تحت ده پروردگارا از خود بر ما سلامتی را خدایا من خواندم این نماز را به جستجوی رحمت و

وَرِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ، وَتَعْظِيمًا لِمَسْجِدِكَ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

خوشنودی و آمرزشت و برای بزرگداشت مسجدت خدایا پس درود فرست بر محمد و آل محمد

مُحَمَّدٍ، وَارْفَعْهَا فِي عَلِّيِّينَ، وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و بالا ببر این نماز را در جایگاه بلند بهشت و آنرا از من بپذیر ای مهربانترین مهربانان

مؤلف گوید: که این مقام را دَكَّةُ الْمِعْرَاجِ گفته‌اند و ظاهراً به ملاحظه آن است که در شب معراج حضرت رسول صلی الله علیه و آله از حق تعالی رخصت طلبید و در اینجا فرود آمد و دو رکعت نماز گذاشت و در اول فصل روایت آن گذشت.

اعمال ستون هفتم

و آن مقامی است که در آن حق تعالی توفیق توبه به آدم علیه السلام داده پس برو بطرف ستون هفتم و بایست در نزد آن رو به قبله و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى

***** بنام خدا و به ذات خدا و برکیش رسول خدا درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَبِينَا

خدا بر او و آتش و معبودی نیست جز خدا محمد رسول خدا است سلام بر پدر ما

آدَمَ وَأُمَّنَا حَوَّاءَ، السَّلَامُ عَلَيَّ هَابِيلَ الْمُقْتُولِ ظُلْمًا وَعَدُوَانًا عَلَيَّ

آدم و مادرمان حواء سلام بر هابیل که از روی ستم و دشمنی کشته شد بر بخششهای خدا و

مَوَاهِبِ اللَّهِ وَرِضْوَانِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ شَيْثِ صَفْوَةِ اللَّهِ، الْمُخْتَارِ الْأَمِينِ،

خوشنودیش سلام بر شیث برگزیده خدا و انتخاب شده امین او و به

وَعَلَى الصَّفْوَةِ الصَّادِقِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ، أَوْلَاهِمُ وَآخِرِهِمْ،

برگزیدگان راستگوی از نژاد پاکش نخستشان و پایانشان

السَّلَامُ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِمْ

سلام بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و بر نژاد

الْمُخْتَارِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ عِيسَى رُوحِ

انتخاب شده آنها سلام بر موسی هم سخن با خدا سلام بر عیسی روح

اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَمِيرِ

خدا سلام بر محمد بن عبدالله خاتم پیمبران سلام بر امیر

الْمُؤْمِنِينَ وَذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فِي

مؤمنان و نژاد پاکیزه اش و رحمت خدا و برکاتش سلام بر شما در زمره

الْأَوَّلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فِي الْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ،

پیشینیان سلام بر شما در زمره پسینیان سلام بر فاطمه زهرا

السَّلَامُ عَلَيَّ الْأَئِمَّةِ الْهَادِينَ، شُهَدَاءِ اللَّهِ عَلَيَّ حَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ

سلام بر پیشوایان راهنما که گواهان خدایند بر خلق او سلام بر

الرَّقِيبِ الشَّاهِدِ عَلَيَّ الْأَمَمِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. پس نماز می کنی نزد آن ستون

نگهبان و گواه بر امتها از جانب خدا پروردگار جهانیان * * * * *

چهار رکعت می خوانی در رکعت اول حمد و **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** و در رکعت دوم حمد و **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و در رکعت سیم و چهارم به همین نحو و چون فارغ شدی بگو تسبیح زهرا علیها السلام را پس بگو:

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي الْإِيمَانِ مِنِّي بِكَ

خدایا اگر من نافرمانیت کردم پس (در عوض) فرمانبرداریت کردم در ایمان به تو از روی متنی که تو

مَنَّا مِنْكَ عَلَيَّ، لَا مَنَّا مِنِّْي عَلَيْكَ، وَأَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ لَكَ لَمْ

بر من گذاردی نه اینکه متنی باشد از من بر تو و فرمانبرداریت کردم در محبوبترین چیزها پیش تو

أَتَّخِذُ لَكَ وَلَدًا، وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا، وَقَدْ عَصَيْتُكَ فِي أَشْيَاءَ كَثِيرَةٍ

که نگرتم برایت فرزندی و نخواندم برای تو شریکی و نافرمانیت کردم در جاهای بسیاری

عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ لَكَ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عِبُودِيَّتِكَ، وَلَا

که البته از روی سرکشی و عنادورزی بود و نه از باب بیرون رفتن از تحت بندگی و نه بخاطر

الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلَكِنْ اتَّبَعْتُ هَوَايَ، وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ بَعْدَ

انکار پروردگارت بوده بلکه پیروی هوای نفسم را کردم و شیطان هم مرا بلغزاند پس از

الْحُجَّةِ عَلَيَّ وَالْبَيَانِ، فَإِنْ تُعَذِّبُنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ لِي، وَإِنْ تَغْفِرْ

دلیل و بیانی که بر من داشتی اکنون اگر کیفرم کنی بواسطه گناهانم می باشد و تو ستمی به من نکرده ای و اگر بگذری

عَنِّي وَتَرْحَمْنِي فَبِجُودِكَ وَكَرَمِكَ يَا كَرِيمُ، اللَّهُمَّ إِنْ ذُنُوبِي لَمْ يَبْقَ

و به من ترخم کنی آنهم بواسطه جود و بزرگواری تو است ای خدای کریم خدایا برآستی برای گناهانم چیزی نمانده

لَهَا إِلَّا رَجَاءٌ، عَفْوِكَ وَقَدْ قَدَّمْتُ آلَةَ الْحَرَمَانِ، فَأَنَا أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مَا لَا

جز همان امید گذشت تو و من پیش داشته ام ابزار محرومیت را پس از تو خواهم خدایا آنچه را

أَسْتَوْجِبُهُ، وَأَطْلُبُ مِنْكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّهُ، اللَّهُمَّ إِنْ تُعَذِّبُنِي فَبِذُنُوبِي

مستحقش نیستم و طلب کنم از تو چیزی را که سزاوارش نباشم خدایا اگر عذابم کنی بخاطر گناهانم هست

وَلَمْ تَظْلِمْنِي شَيْئًا، وَإِنْ تَغْفِرْ لِي فَخَيْرٌ رَاحِمٍ، أَنْتَ يَا سَيِّدِي، اللَّهُمَّ

و تو هیچگونه ستمی به من روا نداشته‌ای و اگر بیماریم تو بهترین مهرورزانی ای آقای من، خدایا

أَنْتَ أَنْتَ، وَأَنَا أَنَا، أَنْتَ الْعَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ، وَأَنَا الْعَوَادُ بِالذُّنُوبِ، وَأَنْتَ

تو همانی و من همان، تویی که همیشه بازگردی به آمرزش و منم که همواره بازگردم به گناه تویی

الْمُتَّفَضِّلُ بِالْحِلْمِ، وَأَنَا الْعَوَادُ بِالْجَهْلِ، اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ يَا كَنْزَ

بخشاینده به بردباری و منم بازگردنده به نادانی خدایا از تو خواهم ای گنج

الضُّعْفَاءِ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يَا مُنْقِذَ الْغَرَقَى، يَا مُنْجِيَ الْهَلْكَى، يَا

ناتوانان ای بزرگ مایه امید ای نجات دهنده غریقان و ای نجات بخش هالکان ای

مُمِيتِ الْأَحْيَاءِ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي

میراننده زندگان و ای زنده‌کننده مردگان تویی خدایی که معبودی جز تو نیست تویی که

سَجَدَ لَكَ شِعَاعُ الشَّمْسِ وَدَوَى الْمَاءِ، وَخَفِيفُ الشَّجَرِ، وَنُورُ الْقَمَرِ،

سجده کرد برایت تابش خورشید و بانگ آب و صدای مخصوص بهم خوردن درخت و نور ماه

وَظُلْمَةُ اللَّيْلِ وَضَوْءُ النَّهَارِ، وَخَفَقَانُ الطَّيْرِ، فَاسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا عَظِيمَ

و تاریکی شب و روشنایی روز و صدای بال پرندۀ پس از تو خواهم ای خدای بزرگ

بِحَقِّكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ

به حقی که بر محمد و آل راستگویش داری و به حقی که محمد و آل راستگویش بر تو دارند

عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَى عَلِيٍّ، وَبِحَقِّ عَلِيٍّ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَى فَاطِمَةَ،

و به حق تو بر علی و به حق علی بر تو و به حق تو بر فاطمه

وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحَسَنِ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَيْكَ،

و به حق فاطمه بر تو و به حق تو بر حسن و به حق حسن بر تو

وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ، وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ، فَإِنَّ حَقُّوْقَهُمْ عَلَيْكَ

و به حق تو بر حسین و به حق حسین بر تو چونکه بطور مسلم حقوق تو بر ایشان

مِنْ أَفْضَلِ أَنْعَامِكَ عَلَيْهِمْ، وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُمْ، وَبِالشَّانِ الَّذِي

از برترین نعمت‌بخشی تو بر ایشان است و به حق آن شأن و منزلتی که تو در پیش ایشان داری و بدان منزلتی که

لَهُمْ عِنْدَكَ، صَلِّ عَلَيْهِمْ يَا رَبِّ صَلَوةً دَائِمَةً مُنتَهَى رِضَاكَ، وَاغْفِرْ

آنها در پیش تو دارند که درود فرست بر ایشان پروردگارا درودی همیشگی تا آخرین سرحد خوشنودیت و بوسيله

لِي بِهِمُ الذُّنُوبَ الَّتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ، وَأَرْضِ عَنِّي خَلْقَكَ وَأَتَمِّمْ عَلَيَّ

ایشان بیامرز برایم گناہانی را که میان من و تو است و خلق خود را از من خوشنود ساز و نعمت را بر من تمام کن

نِعْمَتِكَ، كَمَا أَتَمَمْتَهَا عَلَيَّ آبَائِي مِنْ قَبْلُ، وَلَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ

چنانچه بر پدران پیشین من تمام کردی و قرار مده برای هیچیک از آفریدگانت بر من

الْمَخْلُوقِينَ عَلَيَّ فِيهَا امْتِنَانًا، وَأَمُنُّنُ عَلَيَّ كَمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ آبَائِي مِنْ

در این باره منتهی و منت نه بر من چنانچه از پیش بر پدران من منت نهادی

قَبْلُ، يَا كَهَيْعِصَ، اَللَّهُمَّ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فَاسْتَجِبْ لِي

ای «کهیعیص» خدایا چنانچه درود فرستی بر محمد و آتش پس دعای مرا در آنچه از تو

دُعَائِي فِيمَا سَأَلْتُ، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ.

درخواست کردم مستجاب گردان ای کریم ای بزرگوار ای کریم

پس برو به سجده و در سجده بگو:

يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَيَّ حَوَائِجِ السَّائِلِينَ، وَيَعْلَمُ مَا فِي ضَمِيرِ

* * ای که توانایی داری بر (قضاء) حاجتهای خواستاران و بدانی آنچه هست در نهاد

الصَّامِتِينَ، يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ، يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ

خاموشان ای که نیازی ندارد به شرح و بیان ای که می داند بهم خوردن چشمان و هر آنچه را سینه ها

وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، يَا مَنْ أَنْزَلَ الْعَذَابَ عَلَى قَوْمِ يُونُسَ، وَهُوَ يُرِيدُ

پنهان کند ای که فرو فرستاد بر قوم یونس عذاب را و قصد فرموده بود که

أَنْ يُعَذِّبَهُمْ فَدَعَاؤُهُ، وَتَضَرَّعُوا إِلَيْهِ، فَكَشَفَ عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَمَتَّعَهُمْ

عذابشان کند ولی آنان دعا کرده و بدرگاهش تضرع و زاری کردند و او عذاب را از ایشان برطرف کرد و تا زمانی

إِلَى حِينٍ، قَدْ تَرَى مَكَانِي، وَتَسْمَعُ دُعَائِي، وَتَعْلَمُ سِرِّي، وَعَلَانِيَتِي

از زندگی بهره مندشان کرد (خدایا) مکانم را می بینی و دعایم بشنوی و نهان و عیانم و حال و

وَحَالِي، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاكْفِنِي مَا اَهَمَّنِي مِنْ اَمْرِ

وضع را دانی درود فرست بر محمد و آل محمد و کفایت کن آنچه مرا به اندوه واداشته از کار

دینی و دُنْيَايَ وَاخِرَتِي. پس هفتاد مرتبه بگو: یا سَيِّدِي پس سر از سجده بردار

دین و دنیا و آخرت * * * * * ای آقای من * * * * *

و بگو: یا رَبِّ اسْئَلْكَ بَرَكَةَ هَذَا الْمَوْضِعِ وَبَرَكَةَ اَهْلِهِ، وَاسْئَلْكَ اَنْ

* * * پروردگارا از تو خواهم برکت این جایگاه و برکت اهل آنرا و از تو خواهم که

تَرْزُقْنِي مِنْ رِزْقِكَ، رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا، تَسْؤُفُهُ اِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ،

روزی من کنی از روزی خود روزی حلال پاکیزه‌ای که بکشانی آنرا بسوی من به جنبش و نیروی خودت

وَ اَنَا خَائِضٌ فِي عَافِيَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. مؤلف گوید: که در مزار

در حالی که فرو رفته باشم در تندرستی کامل ای مهربانترین مهربانان * * * * *

قدیم در دعای این مقام بعد از یا کریم یا کریم و پیش از سجده ذکر

* * * * * ای بزرگوار * * * * *

کرده دعای اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ تَحَلَّى بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ که از ادعیه صحیفه سجاده است و

* * * * * خدایا ای که گشوده شود بوسیله‌اش گره‌های گرفتاریها * * * * *

در باب اوّل گذشت پس از آن فرمود آنگاه بگو: اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعَلَّمُ وَلَا اَعْلَمُ،

* * * * * خدایا تو می‌دانی و من ندانم و نیرو داری

وَتَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَاَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ، صَلِّ اَللّٰهُمَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و من ندارم و تویی دانای نادیدنیها درود فرست خدایا بر محمد و آل محمد

وَاعْفِرْ لِي وَاَرْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَنِّي، وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ، يَا

و بیامرز مرا و به من رحم کن و از من درگذر و بر من تصدق کن آنچه را تو شایسته آنی ای

اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. آنگاه به سجده برو و بگو: يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَيَّ حَوَائِجِ السَّائِلِينَ

مهربانترین مهربانان * * * * * ای که توانایی بر (فضای) خواسته‌های خواستاران

الخ و بدان نیز که احادیث در فضیلت این ستون هفتم بسیار وارد شده و شیخ کلینی به سند معتبر روایت کرده که امیرالمؤمنین علیه السلام رو به این ستون نماز می کرد و نزدیک می ایستاد که میان آن حضرت و ستون آنقدر فاصله بود که بُزّی بگذرد و در روایت معتبر دیگر وارد شده است که در هر شب شصت هزار ملک از آسمان نازل می شوند و نزد ستون هفتم نماز می کنند و در شب دیگر ملائکه دیگر به این عدد می آیند و دیگر هیچیک عود نمی کنند تا روز قیامت.

و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ستون هفتم

مقام حضرت ابراهیم

است و نیز شیخ کلینی در کافی به سند صحیح از ابواسمعیل سراج روایت کرده که معاویه بن وهب دست مرا گرفت و گفت ابو حمزه ثمالی دست مرا گرفت و گفت که اصبغ

بن نباته دست مرا گرفت و ستون هفتم را به من نشان داد و گفت

که این ستون مقام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که نزد آن نماز می کرد و امام حسن علیه السلام در نزد ستون پنجم نماز می کرد و چون امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر نبود امام حسن علیه السلام در جای او نماز می خواند وَهِيَ مِنْ بَابِ كُنْدَةٍ وَبِالْجُمْلَةِ اخْبَارُ فِي فَضِيلَةِ هَذِهِ السُّتُونِ بَسِيْرًا وَبِنَايِ مَا بَرَّ اِخْتِصَارًا .

عمل ستون پنجم

عمل ستون پنجم بدان که از جمله مواضع ممتازه مسجد کوفه ستون پنجم است که باید نزد آن نماز کنند و حاجات خود را از حق تعالی طلب نمایند زیرا که در روایات معتبره وارد شده است که محل نماز حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام بوده است و منافات ندارد با روایات دیگر زیرا که ممکن است که آن حضرت در همه این مواضع نماز کرده باشد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ستون پنجم مقام جبرئیل علیه السلام است و از حدیث سابق ظاهر است که مقام امام حسن علیه السلام است و بالجمله آنچه از احادیث معلوم می شود آنستکه نزد ستون هفتم و پنجم اشرفست از سایر جاهای مسجد و سید بن طاوس قدس سره گفته که در نزد ستون پنجم دو رکعت نماز کن بحمد و هر سوره که خواهی و چون سلام گفتی و تسبیح نمودی پس بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ أَسْمَائِكَ كُلِّهَا، مَا عَلِمْنَا مِنْهَا

* خدایا از تو درخواست کنم به همه نامهایت همه آنها چه آنها که می دانیم و چه

وَمَا لَا نَعْلَمُ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْكَبِيرِ الْأَكْبَرِ، الَّذِي مَنْ

آنها که نمی دانیم و درخواست کنم به نام بزرگ و بزرگتر و کبیر و اکبر آن نامی که هر که تو را

دعاک به اجبت، و مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أُعْطِيَتْهُ، وَمَنْ اسْتَنْصَرَكَ بِهِ نَصَرْتَهُ،

بدان بخواند پاسخش دهی و هر که بدان نام از تو چیزی درخواست کند به او بدهی و هر که بدان از تو یاری طلبد

یاریش کنی

وَمَنْ اسْتَعْفَرَكَ بِهِ عَفَرْتَ لَهُ، وَمَنْ اسْتَعَانَكَ بِهِ أَعَنْتَهُ، وَمَنْ اسْتَرْزَقَكَ

و هر که بدان نام از تو آمرزش خواهد بیماریش و هر که از تو کمک خواهد کمکش دهی و هر که بدان نام از تو روزی

خواهد

بِهِ رِزْقَتَهُ، وَمَنْ اسْتَعَاثَكَ بِهِ أَغْتَتَهُ، وَمَنْ اسْتَرْحَمَكَ بِهِ رَحِمْتَهُ، وَمَنْ

رویش دهی و هر که بدان از تو فریادری خواهد به فریادش رسی و هر که بدان رحم تو را جوید رحمش کنی و هر که

اسْتَجَارَكَ بِهِ أَجَرْتَهُ، وَمَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ بِهِ كَفَيْتَهُ، وَمَنْ اسْتَعَصَمَكَ بِهِ

بدان نام از تو پناه خواهد پناهش دهی و هر که بدان بر تو توکل کند کفایتش کنی و هر که بدان نام از تو نگهداری خواهد

عَصَمْتَهُ وَمَنْ اسْتَنْفَذَكَ بِهِ مِنَ النَّارِ أَنْقَذْتَهُ، وَمَنْ اسْتَعْطَفَكَ بِهِ

نگاهش داری و هر که بدان نام از تو رهایی از آتش طلبد رهاییش دهی و هر که مهر و عطوفت تو را بدان نام طلب کند

به او

تَعَطَّفْتَ لَهُ، وَمَنْ أَمَلَكَ بِهِ أَعْطَيْتَهُ، الَّذِي اتَّخَذَتْ بِهِ آدَمَ صَفِيًّا، وَنوحًا

او مهرورزی و هر که بوسیله آن به تو آرزومند شود به او عطا کنی، آن نامی که بوسیله آن آدم را صفی خود قرار دادی و

نوح را

نَجِيًّا، وَإِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا، وَمُوسَى كَلِيمًا، وَعِيسَى رُوحًا، وَمُحَمَّدًا حَبِيبًا،

همراز و ابراهیم را خلیل و موسی را هم سخن و عیسی را روح خود و محمد را حبیب

وَعَلِيًّا وَصِيًّا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، أَنْ تَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي،

و علی را وصی خود گرفتی - که درود خدا بر همگی ایشان باد - (بدان نام از تو درخواست کنم) که حاجاتم را برآوری

وَتَعْفُو عَمَّا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي، وَتَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلِجَمِيعِ

و از گناهان گذشته ام درگذری و تفضل کنی بر من بدانچه تو شایسته آنی و همچنین بر همه

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا مُفْرَجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ، وَيَا

مردان مؤمن و زنان باایمان در دنیا و آخرت ای گشاینده اندوه اندوهناکان و ای

غِيَاثَ الْمَلْهُوفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

فریادرس درماندگان معبودی جز تو نیست منزهی تو ای پروردگار جهانیان *

مؤلف گوید: که روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که به بعضی از

اصحاب خویش فرمودند که در نزد ستون پنجم دو رکعت نماز گذار که آن

مصلاى ابراهيم عليه السلام است و بگو اَسَلَامُ عَلَى آيِنَا آدَمَ وَأَمْنَا حَوَاءَ الْخ
قريب به همان که در نزد ستون هفتم رو به قبله خوانده مى‌شد.

عمل ستون سيم

عمل ستون سيم مقام امام زين العابدين عليه السلام آنگاه برو بسوى دگه امام
زين العابدين عليه السلام و آن در نزد ستون سيم است از طرف متصل به باب
کنده مؤلف گويد که اين مقام از طرف قبله مقابل است با دگه باب
اميرالمؤمنين عليه السلام و از طرف غربى مقابل بوده با باب کنده که مسدود
شده و گفته شده که شايسته است آنکه بقدر پنج ذراع متأخر از ستون بعمل
آورده شود زيرا که دگه در آن محل بوده و بالجمله پس نماز کن در آنجا دو
رکعت و بخوان در آن حمد و هر سوره که خواستى پس همين که سلام دادى و

تسبيح نمودى پس بگو:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذُنُوْبِيْ قَدْ كَثُرَتْ، وَكَمْ يَبْقَى لَهَا اِلَّا

بناى خداى بخشاینده مهربان خدايا براستى گناهانم بسيار است و بجای نمانده براى آنها جز

رَجَاءٌ عَفْوِكَ، وَقَدْ قَدَمْتُ اِلٰهَ الْحَرَمٰنِ اِلَيْكَ، فَاَنَا اَسْتُلْكَ اَللّٰهُمَّ مَا لَا

اميد گذشت تو و من پيش آورده‌ام ابزار محروميت خود را بدرگاهت و از تو درخواست دارم خدايا

اَسْتَوْجِبُهُ، وَاَطْلُبُ مِنْكَ مَا لَا اَسْتَحِقُّهُ، اَللّٰهُمَّ اِنْ تُعَذِّبْنِيْ فَبِذُنُوْبِيْ،

چيزى را که شايسته‌اش نيستم و مى‌جويم از تو آنچه را که مستحقش نيستم خدايا اگر عذابم کنى

وَكَمَ تَظْلِمْنِيْ شَيْئًا، وَاِنْ تَغْفِرْ لِيْ فَخَيْرٌ رَّاحِمٍ اَنْتَ يَا سَيِّدِيْ، اَللّٰهُمَّ

بواسطه گناهانم مى‌باشد و تو همچگونه ظلمى به من نکرده‌اى و اگر بيامرزم پس تو بهترين رحم‌کنندگانى اى آقاى من خدايا

اَنْتَ اَنْتَ، وَاَنَا اَنَا، اَنْتَ الْعَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ، وَاَنَا الْعَوَادُ بِالذُّنُوْبِ، وَاَنْتَ

تو همانی و من همانم تویی که بسیار عادت داری به آمرزش و منم که بسیار عادت کرده‌ام به گناه و تویی که

الْمُتَفَضِّلُ بِالْحِلْمِ، وَأَنَا الْعَوَّادُ بِالْجَهْلِ، اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ يَا كَنَزَ

تفضل کنی به بردباری و منم که زیاد عادت کرده‌ام به نادانی خدا یا پس از تو درخواست دارم ای گنج

الضُّعْفَاءِ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يَا مُنْقِذَ الْعَرَقِيِّ، يَا مُنْجِيَ الْهَلْكَى، يَا

ناتوانان ای بزرگ مایه امید ای نجات‌دهنده غریقان و ای نجات‌بخش هلاک شدگان ای

مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ

میراننده زندگان و ای زنده کننده مردگان تویی خدایی که معبودی جز تو نیست تویی که

الَّذِي سَجَدَ لَكَ شُعَاعُ الشَّمْسِ وَنُورُ الْقَمَرِ، وَظَلَمَةَ اللَّيْلِ وَضَوْءُ

سجده کرد برایت تابش خورشید و روشنی ماه و تاریکی شب و پرتو

النَّهَارِ، وَخَفَقَانَ الطَّيْرِ، فَاسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا عَظِيمَ بِحَقِّكَ يَا كَرِيمَ عَلِي

روز و بال زدن پرنده از تو خواهم خدایا ای خدای بزرگ به حق تو ای بزرگواری

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ

محمد و خاندان راستگویش و به حق محمد و خاندان راستگویش بر تو و به حق تو بر علی و به حق

عَلِي عَلِيٍّ، وَبِحَقِّ عَلِيٍّ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلِي فَاطِمَةَ، وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ

علی بر تو و به حق تو بر فاطمه و به حق فاطمه

عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلِي الْحَسَنِ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ، عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ عَلِي

بر تو و به حق تو بر حسن و به حق حسن بر تو و به حق تو بر

الْحُسَيْنِ، وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ، فَإِنَّ حُقُوقَهُمْ مِنْ أَفْضَلِ إِنْعَامِكَ

حسین و به حق حسین بر تو زیرا که حقوق ایشان از برترین نعمت‌بخشیهای تو است

عَلَيْهِمْ، وَبِالْشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُمْ، وَبِالْشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، صَلِّ يَا

بر ایشان و بدان منزلتی که تو در پیش ایشان داری و بدان منزلتی که ایشان در پیش تو دارند درود فرست

رَبِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً دَائِمَةً مُنْتَهَى رِضَاكَ، وَاعْفِرْ لِي بِهِمُ الذُّنُوبَ

پروردگارا بر ایشان درودی همیشگی تا سرحد خوشنودیت و بیامرز بوسیله ایشان گناهای را

شَرِيكًا، وَقَدْ عَصَيْتَكَ فِي أَشْيَاءَ كَثِيرَةٍ عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ لَكَ،

شریکی و در بسیاری از چیزها نیز نافرمانیت کردم اما نه از راه سرکشی و طرقت با تو

وَلَا الْأَسْتِكْبَارَ عَنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا الْجُحُودَ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلَا الْخُرُوجَ

و نه بواسطه کبرورزی از پرستشت و نه از روی انکار پروردگاریت و نه بخاطر بیرون رفتن

عَنِ الْعُبُودِيَّةِ لَكَ، وَلَكِنْ اتَّبَعْتُ هَوَايَ، وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ

از بندگیت ولی پیروی کردم هوای نفسم را و بلغزاند مرا شیطان پس از برقراری حجت

وَالْبَيَانِ، فَإِنْ تَعَذَّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ أَنْتَ لِي، وَإِنْ تَعَفُّ عَنِّي

و بیان اکنون اگر عذابم کنی بواسطه گناهان خود من است بدون آنکه تو به من ستم کرده باشی و اگر از من بگذری

وَتَرَحَّمْنِي فَبِحَوْلِكَ يَا كَرِيمٌ. وَ مِى كُوْنِى نِيْزِ عَدُوْتُ بِحَوْلِ اللّٰهِ

و به من رحم کنی آنهم بواسطه جود و بزرگواری تو است ای بزرگوار * * * * * بامداد، کردم به جنبش و نیروی خدا

وَقُوَّتِهِ، عَدُوْتُ بَغَيْرِ حَوْلٍ مِّنِّي وَلَا قُوَّةَ، وَلَكِنْ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهِ، يَا

بامداد کردم نه به جنبش و نیروی خودم بلکه به جنبش خدا و نیروی او

رَبِّ اسْأَلُكَ بِرَكَّةِ هَذَا الْبَيْتِ وَبِرَكَّةِ أَهْلِهِ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَرزُقْنِي رِزْقًا

پروردگارا از تو خواهم برکت این خانه و برکت اهلیش را و از تو خواهم که روزیم دهی روزی

حَلَالًا طَيِّبًا، تَسُوْقُهُ إِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، وَأَنَا خَائِضٌ فِي عَافِيَّتِكَ.

حلال پاکیزه‌ای که بکشانی آنرا بسوی من به جنبش و نیروی خودت در حالیکه فرو رفته باشم در تندرستی کامل تو

و شیخ شهید و محمد بن المشهدی این عمل را از برای صحن مسجد بعد از

عمل ستون چهارم ذکر نموده‌اند در دو رکعت حمد و توحید و در دو رکعت

دیگر حمد و قدر گفته‌اند و بعد از سلام تسبیح زهراء علیها السلام و در حدیث

معتبر از ابو حمزه ثمالی منقول است که گفت روزی در مسجد کوفه نشسته

بودم ناگاه دیدم که شخصی از درِ کنده داخل شد از همه کس خوش‌تر و

خوش‌تر و پاک‌تر و جامه‌تر و عمامه‌بسر بسته و پیراهن و درّاعه پوشیده و دو نعل

عربی در پای مبارکش بود پس نعلین را کند و نزد ستون هفتم ایستاد و دستها را تا برابر گوش بلند کرد و تکبیری گفت که جمیع موهای بدن من از دهشت آن راست ایستاد پس چهار رکعت نماز گذارد و رکوع و سجودش را نیکو به عمل آورد پس این دعا را خواند «إِلَهِي إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ» و خواند تا رسید به «یا کریم» پس به سجود رفت و مکرر «یا کریم» گفت آنقدر که یک نفس وفا کند پس در سجود گفت «یا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ» و خواند تا هفتاد مرتبه یا سیدی که در اعمال ستون هفتم ذکر شد چون سر از سجده برداشت و نیک ملاحظه کردم حضرت امام زین العابدین علیه السلام بود پس دستهای مبارکش را بوسیدم و پرسیدم که از برای چه آمدید به اینجا فرمود از برای آنچه که دیدی یعنی نماز در مسجد کوفه و در روایتی که در ذیل زیارت هفتم نقل کردیم ابو حمزه را با خود برد به زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام.

اعمال باب الفرج معروف به مقام نوح علیه السلام

چون از عمل ستون سیّم فارغ شدی برو به دکه باب امیرالمؤمنین علیه السلام و آن صفّه‌ای است که متصل است به دری که از مسجد بسوی خانه امیرالمؤمنین علیه السلام مفتوح می‌شده پس چهار رکعت نماز کن به حمد و هر سوره که خواستی از قرآن و چون فارغ شدی تسبیح کن پس بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

خدایا درود فرست بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْضِ حَاجَتِي يَا اللَّهُ، يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَأَلَهُ، وَلَا يَنْفَدُ

و آل محمد و حاجتم را برآور ای خدا ای که ناامید نشود درخواست کننده‌اش و تمام نشود

نَائِلُهُ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ، يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ، يَا رَبَّ الْأَرْضِينَ

عطایش ای برآورنده حاجات ای اجابت کننده دعاها ای پروردگار زمینها

وَالسَّمَوَاتِ، يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ، يَا وَاسِعَ الْأَعْطِيَاتِ، يَا دَافِعَ النَّقِمَاتِ،

و آسمانها ای برطرف کننده گرفتاریها ای که عطاهایت وسیع است ای دفع کننده بلاها

يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ، عُدَّ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَفَضْلِكَ وَإِحْسَانِكَ،

ای تبدیل کننده بدیها به خوبیها بازگرد بر من به نعمت و فضل و احسان خودت

وَاسْتَجِبْ دُعَائِي فِيمَا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ مِنْكَ، بِحَقِّ نَبِيِّكَ وَوَصِيِّكَ

و مستجاب کن دعایم را در آنچه از تو درخواست کنم و از تو می‌خواهم به حق پیامبرت و وصیت

وَأَوْلِيَّائِكَ الصَّالِحِينَ * صفت نماز دیگر در این مقام و آن دو رکعت است همین

و دوستان شایسته‌ات * * * * *

که فارغ شدی و تسبیح کردی پس بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي حَلَلْتُ بِسَاحَتِكَ لِعِلْمِي

* * * * * خدایا من فرود آمدم به آستانت چون علم دارم

بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَصَمْدَانِيَّتِكَ، وَأَنَّهُ لَا قَادِرَ عَلَى قَضَائِ حَاجَتِي غَيْرُكَ،

به یگانگی و بی‌نیازی تو و اینکه کسی جز تو قادر به برآوردن حاجتم نیست

وَقَدْ عَلِمْتُ يَا رَبَّ أَنَّهُ كُلَّمَا شَاهَدْتُ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ، اشْتَدَّتْ فَاقَتِي

و به خوبی دانسته‌ام ای پروردگار من که هراندازه نعمتت را در خود دریابم نیاز و احتیاجم به تو بیشتر می‌گردد

إِلَيْكَ، وَقَدْ طَرَقَنِي يَا رَبَّ مِنْ مُهِمِّ أَمْرِي مَا قَدْ عَرَفْتَهُ، لِأَنَّكَ عَالِمٌ

و اکنون ای پروردگارا بر من فرود آمده پیش آمد مهمی که تو خود می‌دانی زیرا تو دانایی هستی

غَيْرٌ مُعَلِّمٌ، وَأَسْأَلُكَ بِالْأَسْمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَوَاتِ فَاَنْشَقَّتْ،

بدون معلم و از تو خواهم بدان اسمی که نهادی آنرا بر آسمانها و آنها از هم جدا شد

وَعَلَى الْأَرْضَيْنِ فَانْبَسَطْتُ، وَعَلَى النُّجُومِ فَانْتَشَرْتُ، وَعَلَى الْجِبَالِ

و بر زمینها و آنها پهن شد و بر ستارگان و آنها پراکنده گشت و بر کوهها

فَاسْتَقَرْتُ، وَاسْتَلَكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ وَعِنْدَ عَلِيٍّ،

و آنها پایرجا شدند و از تو خواهم بدان نامی که به ودیعت نهادی آنرا نزد محمد و نزد علی

وَعِنْدَ الْحَسَنِ وَعِنْدَ الْحُسَيْنِ، وَعِنْدَ الْأَئِمَّةِ كُلِّهِمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

و نزد حسن و نزد حسین و نزد همگی امامان - که درودهای تو بر همگی ایشان باد - (از تو خواهم)

أَجْمَعِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي يَا رَبِّ

که درود فرستی بر محمد و آل محمد و برآوری پروردگارا

حَاجَتِي، وَتَيْسِّرَ عَسِيرَهَا وَتَكْفِينِي مُهِمَّهَا، وَتَفْتَحَ لِي قُفْلَهَا، فَإِنَّ

حاجتم را و آسان گردانی دشواریش را و کفایت کنی مهم آنرا و باز کنی قفل آنرا

فَعَلْتَ ذَلِكَ فَالْحَمْدُ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَالْحَمْدُ غَيْرُ جَائِرٍ فِي

پس اگر چنین کردی ستایش تو را است و اگر هم نکردی (بازهم) ستایش تو را است که ستم نکرده‌ای

حُكْمِكَ، وَلَا حَائِفٍ فِي عَدْلِكَ، پس می‌گذاری طرف راست رو را بر زمین و

در حکم خود و نه خلافی انجام داده‌ای در عدالتت * * * * *

مِي گَوَيْتُ اللَّهُمَّ إِنَّ يُونُسَ بْنَ مَتَّى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ، دَعَاكَ فِي بَطْنِ

خدایا همانا یونس بن متی بنده تو و پیامبرت بود که تو را در شکم ماهی خواند و تو

الْحُوتِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَأَنَا أَدْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَدَعَا

اجابتش کردی و من نیز تو را می‌خوانم پس اجابت کن به حق محمد و آل محمد * * * *

كُنْ بِهِ أَنْجُوهُ مِنْ خَوْفِي يَا رَبِّ، وَبِغَدَارِ الْكُفْرَانِ يَا رَبِّ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَ

* * * * * خدایا تو دستور دادی به دعا کردن و اجابت کن

بِالدُّعَاءِ وَتَكَلَّمْتَ بِالْإِجَابَةِ، وَأَنَا أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

را به عهده گرفتی و من می‌خوانم چنانچه دستور دادی پس درود فرست بر محمد و آل محمد و اجابت کن

وَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي يَا كَرِيمُ، پس پیشانی را بر زمین گذار و بگو یا مُعِزُّ كُلِّ

دعایم را چنانچه وعده‌ام کرده‌ای ای بزرگوار * * * * * ای عزت‌بخش هر شخص خوار و ای
 ذلیل، وَا مِذْلِ كُلِّ عَزِيزٍ تَعَلَّمَ كُرْبَتِي، فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفَرِّجْ عَنِّي يَا كَرِيمٌ.
 خوارکننده هر عزتمند تو به خوبی گرفتاریم را می‌دانی پس درود فرست بر محمد و آلش و بگشا از من (اندوهم را) ای
 بزرگوار

ذکر نمازی برای حاجت در محل مذکور

و آن چنان است که چهار رکعت نماز می‌گذاری و چون فارغ شدی و تسبیح
 گفتی پس بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَا تَرَاهُ الْعُيُونُ، وَلَا تُحِيطُ بِهِ الظُّنُونُ، وَلَا يَصِفُهُ الْوَاصِفُونَ،

خدایا از تو درخواست کنم ای که نبیندش دیدگان و فرایش نگیرند گمانها و توصیفش نتوانند توصیف‌کنندگان و

وَلَا تُغَيِّرُهُ الْخَوَادِثُ، وَلَا تُقْنِيهِ الدُّهُورُ، تَعَلَّمَ مَثاقِيلَ الْجِبَالِ، وَمَكَائِلَ الْبِحَارِ،

تغییرش ندهد پیش‌آمدها و از بیش نبرد روزگارا، تو می‌دانی سنگینی کوهها و پیمانہ دریاها

وَوَرَقَ الْأَشْجَارِ، وَرَمْلَ الْقِفَارِ، وَمَا ضَاءَتْ بِهِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ، وَأَظْلَمَ عَلَيْهِ

و برگ درختان و ریگهای ریگزارها و آنچه راخورشید و ماه بر آن بتابد

اللَّيْلُ، وَوَضَحَ عَلَيْهِ النَّهَارُ، [و] لَا تُوَارِي مِنْكَ سَمَاءٌ سَمَاءً، وَلَا أَرْضٌ أَرْضاً، وَلَا

و شب بر آن سایه افکند و روز بر آن پرتو افکند و نپوشاند از تو آسمانی آسمان دیگر را و نه زمینی زمین دیگر را و

جَبَلٌ مَا فِي أَصْلِهِ، وَلَا بَحْرٌ مَا فِي قَعْرِهِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ

نه کوهی آنچه را در ریشه دارد و نه دریایی آنچه را در قعر خود دارد از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ خَيْرَ أَمْرِي آخِرَهُ، وَخَيْرَ أَعْمَالِي خَوَاتِيمَهَا، وَخَيْرَ أَيَّامِي يَوْمَ

و قرار دهی بهترین وضع کارم را در آخرش و بهترین کردارم را با پایان آن و بهترین روزهایم را آن روزی که

الْقَافِ، إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَارِدْهُ، وَمَنْ

تو را دیدار کنم که برآستی تو به هر چیز توانایی خدایا هرکس بد مرا بخواهد تو بدش را بخواه و هرکه

كَادَنِي فَكِدْهُ، وَمَنْ بَغَانِي بِهَلَكَةٍ فَاهْلِكْهُ، وَاكْفِنِي مَا أَهْمَنِي مِمَّنْ

نقشه برابم کشد تو درباره اش چنان کن و هر که آرزوی نابودی مرا دارد نابودش کن و کفایت کن آنچه به اندوهم

دَخَلَ هَمُّهُ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ اَدْخِلْنِي فِي دَرْعِكَ الْحَصِينَةِ، وَاسْتُرْنِي

انداخته از کسی که اندوهمش بر من افتاده خدایا درآور مرا در میان زره محکم و بیپوشانم به پوشش

بِسِتْرِكَ الْوَاقِي، يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ، اِكْفِنِي

حفظکننده ات که کفایت کند از هر چیز و چیزی از او کفایت نکند

مَا اَهْمَنِي مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَصَدَّقْ قَوْلِي وَفِعْلِي، يَا شَفِيقُ يَا

کفایت کن آنچه مرا به اندوه انداخته از کار دنیا و آخرت مرا راست درآور گفتار و کردارم را ای مهرورز ای

رَفِيقُ، فَرِّجْ عَنِّي الْمَضِيقَ، وَلَا تُحْمَلْنِي مَا لَا اُطِيقُ، اللَّهُمَّ اِحْسِنِي

یار مهربان بگشا از من این گناه را و بارم مکن چیزی که تابش را ندارم خدایا نگهبانم کن

بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَارْحَمْنِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا

به آن دیده ات که خواب ندارد و رحم کن به قدرتت بر من ای مهربانترین مهربانان ای

عَلَيَّ يَا عَظِيمُ، اَنْتَ عَالِمٌ بِحَاجَتِي وَعَلَى قَضَائِهَا قَدِيرٌ، وَهِيَ لَدَيْكَ

والا ای بزرگ تو دانایی به حاجتم و تو توانایی به برآوردن آن و آن در نزد تو

يَسِيرٌ، وَ اَنَا الْاَيْكُ فَقِيرٌ، فَمَنْ بَهَا عَلَيَّ يَا كَرِيمُ، اِنَّكَ عَلَيَّ كَلِّشِيءٌ قَدِيرٌ

آسان است و من هم نیازمند درگاه توام پس بوسیله آن بر من منت نه ای بزرگوار که برآستی تو بر هر چیز توانایی

پس به سجده می روی و می گوئی: اِلٰهِي قَدْ عَلِمْتَ حَوَائِجِي فَصَلِّ عَلَيَّ

***** خدایا تو می دانی حاجتم را پس درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْضِهَا، وَقَدْ أَحْصَيْتَ ذُنُوبِي، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

محمد و آل محمد و آنها را برآور و تو گناهانم را برشمرده ای پس درود فرست بر محمد

وآلِهِ، وَاعْفِرْهَا يَا كَرِيمُ پس بر زمین می گذاری طرف راست روی خود را و

وآلش و گناهانم را بیمارز ای بزرگوار *****

می گوئی: اِنْ كُنْتُ بِسُّسِ الْعِبَادِ فَانْتَ نِعْمَ الرَّبُّ، اَفْعَلْ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ، وَلَا تَفْعَلْ

اگر من بد بنده ای هستم پس تو خوب پروردگاری هستی انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی و مکن با من

بِی مَا أَنَا أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس بر زمین می گذاری طرف چپ روی خود

آنچه را من سزاوار آنم ای مهربانترین مهربانان * * * * *

را و می گوئی: اللَّهُمَّ إِنَّ عَظْمَ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ

* * * * * خدایا اگر بزرگ است گناه از بندهات باید نیکو باشد گذشت از نزد تو

یا کریمُ پس پیشانی را بر زمین می گذاری و می گوئی: اِرْحَمْ مَنْ أَسَاءَ وَأَقْتَرَفَ،

ای بزرگوار * * * * * رحم کن به کسی که بدی کرده و دست به جنایت

وَأَسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ. مؤلف گوید: که این دعا تا و اغفرها یا کریمُ همان

زده و به حال درماندگی افتاده و اعتراف دارد * * * * *

دعائی است که در مزار قدیم در اعمال صحن مسجد سهله در مقام امام زین

العابدین علیه السلام نقل شده.

اعمال محراب امیرالمؤمنین علیه السلام پس نماز کن در مکانی که ضربت

زدند در آنجا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را دو رکعت بحمد و سوره و

هرگاه که سلام دادی و تسبیح کردی پس بگو: يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ

* * * * * ای که آشکار سازد کار خوب را و بپوشاند

الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجُرَيْرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ وَالسَّرِيرَةَ، يَا عَظِيمَ الْعَفْوَ،

عمل زشت را ای که نگیرد (کسی را) به جنایت و ندرد پرده و درون را ای بزرگ گذشت

يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا صَاحِبَ كُلِّ

ای نیکو درگذر ای پهنآور آمرزش ای گسترده هر دو دست خود به رحمت ای در نزد هر

نَجْوَى، يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يَا

راز ای سرحد نهایی هر شکوه ای بزرگوار چشمپوش ای بزرگ مایه امید ای

سَيِّدَى صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمُ

آقای من درود فرست بر محمد و آل محمد و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی ای بزرگوار

مناجات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ، إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ

خدایا از تو امان خواهم در آن روزی که سود ندهد کسی را نه مال و نه فرزندان مگر آن کس که

بِقَلْبٍ سَلِيمٍ، وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ، يَقُولُ يَا

دلی پاک به نزد خدا آورد و از تو امان خواهم در آن روزی که بگردد شخص ستمکار هر دو دست خود را و گوید ای

لَيْسِنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا، وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يُعْرَفُ

کاش گرفته بودم با پیامبر راهی و از تو امان خواهم در روزی که شناخته شوند

الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ، فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ، وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ

جنایتکاران به سیما و رخساره‌شان و بگیرندشان به پیشانیها و قدمها و از تو امان خواهم

يَوْمَ لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَكْدِهِ، وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا، إِنَّ

در آن روزی که کیفر نبیند پدری بجای فرزندش و نه فرزندی کیفر شود بجای پدرش براستی

وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا، وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ، وَلَهُمْ

وعده خدا حق است و از تو امان خواهم در آن روزی که سود ندهد ستمکاران را عذرخواهی‌شان و بر ایشان است

اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ، وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ

لعنت و ایشان را است بدی آن سرای و از تو امان خواهم در روزی که مالک نیست کسی برای کسی دیگر

شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ، وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ، وَأُمُّهُ

چیزی را و کار در آن روز بدست خدا است و از تو خواهم امان در آن روزی که بگریزد انسان از برادر و مادر

وَأَبِيهِ، وَصَاحِبَتُهُ وَبَنِيهِ، لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ،

و پدر و همسر و فرزندان‌ش برای هرکس از ایشان در آن روز کاری است که (فقط) بدان پردازد

وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمَئِذٍ بِبَنِيهِ،

و از تو خواهم امان در آن روزی که شخص جنایتکار دوست دارد که فدا دهد از عذاب آن روز پسرانش

وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ، وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ، وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ

و همسرش و برادرش و خویشاوندانش که او را در پناه گیرند و هر که در زمین هست یکسره که بلکه

يُنَجِّيه، كَلَّا إِنَّهَا لَظَى نَزَاعَةً لِلشَّوَى، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْمَوْلَى

او را نجات دهد، هرگز که جهنم آتشی است سوزان که پوست از سر بکند مولای من... تویی سرور

وَأَنَا الْعَبْدُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَى، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ

و منم بنده و آیا رحم کند بر بنده جز سرور او مولای من ای مولای من تویی

الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ إِلَّا الْمَالِكُ، مَوْلَايَ يَا

مالک و منم مملوک و آیا رحم کند بر مملوک جز مالک مولای من ای

مَوْلَايَ، أَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلَ إِلَّا الْعَزِيزُ،

مولایم تویی عزتمند و منم خوار و ذلیل و آیا رحم کند بر شخص خوار جز عزیز

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ

مولای من ای مولای من تویی آفریدگار و منم آفریده و آیا رحم کند بر آفریده

إِلَّا الْخَالِقُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَظِيمُ وَأَنَا الْهَافِي، وَهَلْ يَرْحَمُ

جز آفریدگار مولای من ای مولای من تویی بزرگ و منم ناچیز و آیا رحم کند بر

الْهَافِيَ إِلَّا الْعَظِيمُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ وَهَلْ

ناچیز جز بزرگ مولای من ای مولای من تویی نیرومند و منم ناتوان و آیا

يَرْحَمُ الضَّعِيفَ إِلَّا الْقَوِيَّ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ،

رحم کند بر ناتوان جز نیرومند مولای من ای مولای من تویی بی‌نیاز و منم نیازمند

وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْمُعْطَى وَأَنَا

و آیا رحم کند بر نیازمند جز بی‌نیاز مولای من ای مولای من تویی عطابخش و منم

السَّائِلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ السَّائِلَ إِلَّا الْمُعْطَى، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ

سائل و آیا رحم کند بر سائل جز عطاکننده مولای من ای مولای من تویی

الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ إِلَّا الْحَيُّ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ،

زنده و منم مرده و آیا رحم کند مرده را جز زنده مولای من ای مولای من

أَنْتَ الْبَاقِي وَأَنَا الْفَانِي، وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَانِيَ إِلَّا الْبَاقِيَ، مَوْلَايَ يَا

تویی باقی و منم فانی و آیا رحم کند بر فانی جز خدای باقی مولای من ای

مَوْلَايَ، أَنْتَ الدَّائِمُ وَأَنَا الزَّائِلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا الدَّائِمُ، مَوْلَايَ

مولای من تویی همیشگی و منم زوال‌پذیر و آیا رحم کند بر زوال‌پذیر جز خدای همیشگی مولای من

يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الرَّازِقُ وَأَنَا الْمَرْزُوقُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ إِلَّا

ای مولای من تویی روزی‌ده و منم روزی‌خور و آیا رحم کند روزی‌خور را جز

الرَّازِقُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْجَوَادُ وَأَنَا الْبَخِيلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ

روزی‌ده مولای من ای مولای من تویی سخاوتمند و منم بخیل و آیا رحم کند

الْبَخِيلَ إِلَّا الْجَوَادُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْمُعَافِي وَأَنَا الْمُتَبَلِّي، وَهَلْ

بر بخیل جز سخاوتمند مولای من ای مولای من تویی عافیت‌بخش و منم گرفتار و آیا

يَرْحَمُ الْمُتَبَلِّيَ إِلَّا الْمُعَافِي، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْكَبِيرُ، وَأَنَا

رحم کند بر شخص گرفتار جز عافیت‌بخش مولای من ای مولای من تویی بزرگ و منم

الصَّغِيرُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ إِلَّا الْكَبِيرُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ

کوچک و آیا رحم کند بر کوچک جز بزرگ مولای من ای مولای من تویی

الْهُادِي وَأَنَا الضَّالُّ، وَهَلْ يَرْحَمُ الضَّالَّ إِلَّا الْهُادِي، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ،

راهنما و منم گمراه و آیا رحم کند بر گمراه جز راهنما مولای من ای مولای من

أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَأَنَا الْمَرْحُومُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ إِلَّا الرَّحْمَنُ،

تویی بخشاینده و منم بخشش‌پذیر و آیا رحم کند بخشش‌پذیر را جز بخشاینده

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ السُّلْطَانُ وَأَنَا الْمُمْتَحَنُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُمْتَحَنَ

مولای من ای مولای من تویی سلطان و منم گرفتار آزمایش و آیا رحم کند به بنده گرفتار آزمایش

إِلَّا السُّلْطَانَ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الدَّلِيلُ وَأَنَا الْمُتَحَيِّرُ، وَهَلْ يَرْحَمُ

جز سلطان مولای من ای مولای من تویی دلیل و راهنما و منم متحیر و سرگردان و آیا رحم کند

الْمُتَحَيِّرَ إِلَّا الدَّلِيلَ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْغَفُورُ وَأَنَا الْمُدْنِبُ، وَهَلْ

سرگردان را جز راهنما مولای من ای مولای من تویی آمرزنده و منم گنهکار و آیا

يَرْحَمُ الْمُدْنِبَ إِلَّا الْغَفُورُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الْغَالِبُ وَأَنَا

رحم کند گنهکار را جز آمرزنده مولای من ای مولای من تویی غالب و منم

الْمَغْلُوبُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ إِلَّا الْغَالِبُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ

مغلوب و آیا رحم کند بر مغلوب جز غالب مولای من ای مولای من تویی

الرَّبُّ وَأَنَا الْمَرْبُوبُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ إِلَّا الرَّبُّ، مَوْلَايَ يَا

پروردگار و منم پروریده و آیا رحم کند پروریده را جز پروردگار مولای من

مَوْلَايَ، أَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَأَنَا الْخَاشِعُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْخَاشِعَ إِلَّا الْمُتَكَبِّرُ،

ای مولای من تویی خدای با کبریا و بزرگمنش و منم بنده فروتن و آیا رحم کند بر فروتن جز خدای بزرگمنش

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، اِرْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَأَرْضَ عَنِّي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ

مولای من ای مولای من به من رحم کن به رحمت خود و خوشنود شو از من به جود و کرم

وَفَضْلِكَ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْإِحْسَانِ، وَالطَّوْلِ وَالْأَمْتِنَانِ، بِرَحْمَتِكَ يَا

و فضل خود ای صاحب جود و احسان و نعمت و امتنان به رحمتت ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

مهربانترین مهربانان

مؤلف گوید: که سیّد بن طاوُس بعد از این مناجات دعاء طولانی از آن حضرت نقل کرده مسمی به دعاء امان مقام را گنجایش ذکر آن نیست و می خوانی نیز در این مقام شریف دعایی را که در مسجد زید ذکر می کنیم انشاء الله و بدانکه ما در هدیه الزائرین اشاره کردیم به اختلاف در محرابی که محلّ ضربت خوردن امیرالمؤمنین علیه السلام است که آیا همین محراب معروفست یا آن محراب متروک و گفتیم که نهایت احتیاط در آن است که اعمال محراب را در هر دو جا بکنند یا گاهی در معروف و گاهی در متروک.

اعمال دگّه حضرت صادق علیه السلام

پس برو بسوی مقام حضرت صادق علیه السلام و آن واقع است در نزدیکی مسلم بن عقیل رضوان الله علیه و آنجا دو

رکعت نماز کن و چون سلام دادی و تسبیح نمودی پس بگو:

يا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، وَيَا جَابِرَ كُلِّ

ای سازنده هر ساخته و ای جبران کننده هر

كَسِيرٍ، وَيَا حَاضِرَ كُلِّ مَلَأٍ، وَيَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى، وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَيَا

شکسته و ای حاضر هر انجمن و ای گواه هر راز و ای دانای هر پنهان و ای حاضری

غَيْرَ غَائِبٍ، وَيَا قَرِيباً غَيْرَ بَعِيدٍ، وَيَا مُؤْنِسَ كُلِّ وَحِيدٍ، وَيَا حَيّاً

که پنهان نشود و ای غالب شکست ناپذیر و ای نزدیکی که دور نشود و ای همدم هر تنها و ای زنده

حِينَ لَا حَيٍّ غَيْرُهُ، يَا مُحِبِّيَ الْمَوْتَى وَمُمِيتَ الْأَحْيَاءِ، الْقَائِمَ عَلَى

در آن زمان که زنده ای جز او نبود ای زنده کن مردگان و میراننده زندگان و مراقب هر

كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. پس

کس بدانچه کرده است معبودی نیست جز تو درود فرست بر محمد و آل محمد * *

بخوان هر چه خواهی مؤلف گوید: که ما در پیش از این گفتیم و در اینجا نیز

می گوییم که در مزار قدیم و مشهور بین مردم در ترتیب اعمال مسجد آنست

که بعد از این مقام بجا می آورند اعمال دگّه القضاء و بیت الطشت را که ما

موافق مصباح الزائر و بحار و دیگران بعد از اعمال ستون چهارم نقل کردیم پس

اگر خواستی به نحو مشهور عمل نمایی رجوع کن به آنجا و اعمال این دو مقام

را بجا آور انشاء الله تعالی.

ذکر نمازی برای حاجت در جامع کوفه

از حضرت صادق علیه السلام روایت است که کسی که دو رکعت نماز گذارد در مسجد کوفه بخواند در هر رکعت حمد و دو قُلْ اَعُوْذُ و سوره اِخْلَاصُ و کافِرُونَ و نَصْر و قَدْر و سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ اَلْاَعْلَى و چون سلام دهد تسبیح زهراء علیها السلام بگوید پس بطلبد از خدا هر حاجتی که بخواهد خدا حاجتش را برآورده و دعایش را مستجاب خواهد فرمود مؤلف گوید که این ترتیب در سوره‌ها موافق روایت سید بن طاووس است در مصباح و در روایت شیخ طوسی در آمالی سوره قدر بعد از سَبِّحِ اسْمَ است و شاید ترتیب در آنها لازم نباشد همین قدر باید بعد از حمد این هفت سوره را خواند وَاللَّهُ الْعَالِمُ.

زیارت جناب مُسَلِّمِ بْنِ عَقِيلٍ قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ وَ نُورَ ضَرِيحَتِهِ

چون از اعمال مسجد کوفه فارغ شدی برو بسوی قبر مسلم بن عقیل رضوان الله علیه و به ایست نزد او و بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ، اَلْمُتَّصَاغِرِ لِعَظَمَتِهِ جَبَابِرَةُ الطَّاعِينَ، اَلْمُعْتَرِفِ

ستایش از آن خدای پادشاه برحق آشکار آنکه کوچک گردند در برابر عظمتش گردن‌کشان سرکش و آنکس که اعتراف

بِرَبُّوبِيَّتِهِ جَمِيعِ اَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ اَلْمُقَرَّبِ بِتَوْحِيدِهِ سَائِرِ الْخَلْقِ

دارند به پروردگاریش همه اهل آسمانها و زمینها و اقرار دارند بیگانگیش همه مخلوقات به تمامی

اَجْمَعِينَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى سَيِّدِ الْاَنَامِ، وَاَهْلِ بَيْتِهِ الْكِرَامِ، صَلَوَةً تَقَرُّ بِهَا اَعْيُنُهُمْ،

و درود خدا بر آقای تمامی بشر و خاندان گرامیش درودی که روشن گردد بدان دیدگانشان

وَيَرْغَمُ بِهَا اَنْفُ شَانِيَتِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اَجْمَعِينَ، سَلَامٌ اللّٰهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،

و به خاک مالیده شود بدان بینی بدگوشان از جن و انس همگی سلام خدای الوالی بزرگ

وَسَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقْرَبِينَ، وَأَنْبِيَآئِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَأَئِمَّتِهِ الْمُتَتَجِبِينَ، وَعِبَادِهِ

و سلام فرشتگان مقربش و پیمبران مرسلش و پیشوایان برگزیده‌اش و بندگانش

الصَّالِحِينَ، وَجَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ، وَالزَّكَايَاتِ الطَّيِّبَاتِ فِيمَا

شایسته‌اش و همه شهیدان و راستگویان و درودهای پاکیزه و پاک در

تَعْتَدِي وَتَرَوْحُ عَلَيْكَ يَا مُسْلِمَ بْنَ عَقِيلِ بْنِ أَبِيطَالِبٍ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ

بامداد و پسین بر تو ای مسلم بن عقیل بن ابیطالب و رحمت خدا

وَبَرَكَاتِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ

و برکاتش گواهی دهم که براستی تو برپا داشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی

بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَقُتِلْتَ

به معروف (کار نیک) و نهی کردی از منکر (کار زشت) و جهاد کردی در راه خدا

عَلَى مَنَاجِ الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِهِ، حَتَّى لَقِيتَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ

آنطور که شاید و کشته شدی بر راه جهادکنندگان در راه خدا تا اینکه خدای عزوجل را دیدار کردی در حالی که او

عَنْكَ رَاضٍ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَبَدَلْتَ نَفْسَكَ فِي نُصْرَةِ

از تو خوشنود بود و گواهی دهم که تو براستی وفا کردی به پیمان خدا و بدادی جان خود را در یاری

حُجَّةِ اللَّهِ وَأَبْنِ حُجَّتِهِ، حَتَّى أَتَيْتَ الْيَقِينَ، أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَالْوَفَاءِ،

حجت و فرزند حجت خدا تا اینکه مرگ به سراغت آمد گواهی دهم برای تو به اینکه تسلیم گشتی و وفاداری

وَالنَّصِيحَةِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ، وَالسَّبْطِ الْمُتَتَجِبِ، وَالذَّلِيلِ الْعَالِمِ،

و خیرخواهی کردی برای یادگار پیمبر مرسل و آن سبط (نوه) برگزیده و راهنمای دانشمند

وَالْوَصِيِّ الْمُبْلِغِ، وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنْ

و وصی تبلیغ کننده و آن ستم‌دیده‌ای که حقش را پایمال کردند پس خداوند پاداش دهد تو را از جانب پیامبرش و از

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَنْ أَحْسَنِ وَالْحُسَيْنِ، أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ

امیرمؤمنان و از حسن و حسین بهترین پاداشها را به خاطر آن بردباری

وَاحْتَسَبْتَ وَأَعَنْتَ، فَنِعْمَ عَقْبِي الدَّارُ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ

و پاداش جوی و کمکی که کردی و چه خوب است خانه سرانجام تو خدا لعنت کند کسی که تورا کُشت و خدا

لعنت کند کسی که

أَمَرَ بِقَتْلِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ افْتَرَى عَلَيْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ

دستور داد به کُشتن و خدا لعنت کند کسی که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند کسی را که بر تو دروغ بست و خدا

لعنت کند

مَنْ جَهَلَ حَقَّكَ، وَاسْتَحَفَّ بِحُرْمَتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَايَعَكَ وَعَشَّكَ،

کسی که نادانی کرد در حق تو و سبک شمرد حرمت تو را و خدا لعنت کند کسی که با تو بیعت کرد و فریب داد

وَخَذَلَكَ وَأَسْلَمَكَ، وَمَنْ أَلَبَّ عَلَيْكَ وَمَنْ لَمْ يُعِنِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

دست از یاریت برداشته تو را تسلیم دشمن کرد و آنکه دشمن را بر علیه تو شوراند و کمکت نکرد ستایش خدایی را

جَعَلَ النَّارَ مَثْوِيَهُمْ وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ، أَشْهَدُ أَنْكَ قَتَلْتَ مَظْلُومًا،

که دوزخ را جایگاه ایشان قرار داد و بد جایگاهی است برای واردین گواهی دهم که برستی تو مظلوم کشته شدی

وَأَنَّ اللَّهَ مُنْجِزُ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ، جِئْتُكَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكُمْ، مُسْلِمًا لَكُمْ،

وحتماً خداوند وفا کند به آن وعده‌ای که به شما داده است آمده‌ام به‌درگاہت برای زیارت و شناسایم به حق شما و تسلیم

تَابِعًا لِسُنَّتِكُمْ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ

شمایم و پیرو طریقه و روش شما هستم و یاریم برای شما آماده است تا اینکه خدا حکم فرماید و او بهترین

الْحَاكِمِينَ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلَى

حکم‌کنندگان است پس با شمایم با شما نه با دشمن شما دروهای خدا بر شما و بر

أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ، وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

ارواحان و بر اجسادشان و بر حاضر و غایبان و سلام بر شما و رحمت خدا و

وَبَرَكَاتُهُ، قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتُمْ بِالْأَيْدِي وَاللُّسُنِ. وَ در مزار کبیر این

برکاتش، بکشد خدا آن مردمی که شما را کشتند بوسیله دستها و زبانهاشان * * * * *

کلمات را بمنزله اذن دخول قرار داده و گفته پس داخل شو و بیچسبان خود را به قبر

و به روایت سابقه است که اشاره کن به ضریح آنجناب و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ

* سلام بر تو ای بنده شایسته پیرو خدا و رسولش

وَالْأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى

و امیرمؤمنان و حسن و حسین علیهم السلام ستایش برای خدا است و سلام بر بندگان

عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

برگزیده خدا (یعنی) محمد و آل او و سلام بر شما و رحمت خدا و برکاتش

وَمَغْفِرَتُهُ، وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَاضِي عَلَيْهِ

و آمرزشش و بر روح تو و بدنت گواهی دهم که تو برآستی برفتی بر همان راهی که رفتند بر آن

الْبَدْرِيُّونَ، الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الْمُبَالِغُونَ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ، وَتُصْرَةَ

جنگجویان بدر آن جهادکنندگان در راه خدا و کوشش کنندگان در پیکار دشمنان خدا و یاری

أَوْلِيَائِهِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَأَكْثَرَ الْجَزَاءِ، وَأَوْفَرَ جَزَاءِ أَحَدٍ

دوستانش پس خدایت پاداش دهد بهترین پاداش و بیشترین پاداش و شایان ترین پاداش هر کدامیک

مِمَّنْ وَفَى بَبَيْعَتِهِ، وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ، وَأَطَاعَ وَلاةَ أَمْرِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

از آنها که وفا کرد به بیعتش و پاسخ داد به دعوتش و پیروی کرد از زمامداران فرمانش گواهی دهم که تو

قَدْ بَالِغَتْ فِي النَّصِيحَةِ، وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ، حَتَّى بَعَثَكَ اللَّهُ فِي

کوتاهی نکردی در خیرخواهی و حد اعلای کوشش را کردی تا اینکه خداوند تو را برانگیخت در زمره

الشُّهَدَاءِ، وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ السُّعْدَاءِ، وَأَعْطَاكَ مِنْ جِنَانِهِ

شهادت و قرار داد روح تو را با ارواح نیکبختان و بداد به تو از بهشتش

أَفْسَحَهَا مَنْزِلًا، وَأَفْضَلَهَا غُرْفًا، وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي الْعَالَمِينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ

وسیعترین منزلها و بهترین غرفه‌ها را و بالا برد نامت را در جایگاههای بلند و تو را محشور کرد با

النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسُنَ أَوْلِيَاكَ رَفِيقًا،

پیمبران و صدیقان و شهدایان و شایستگان و چه نیکو رفیقانی هستند

أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَنْكُلْ، وَأَنَّكَ قَدْ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ

گواهی دهم که براستی تو سستی نکردی و کندی نورزیدی و با بینی کامل در

أَمْرِكَ، مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ، وَمُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ، فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ،

کار خویش گام برداشتی به شایستگان اقتداء کردی و از پیمران پیروی نمودی پس خدا گرد آورد میان ما و تو

وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَأَوْلِيَّائِهِ فِي مَنَازِلِ الْمُخْتَبِينَ، فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

و میان پیامبر و دوستانش در منزلگاههای بندگان فروتن او که براستی او مهربانترین مهربانان است

پس نماز کن دو رکعت در طرف سر و آنرا هدیه آنجناب کن پس بگو :

خدا یا درود فرست بر

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَدْعَ لِي ذَنْبًا،

محمد و آل محمد و بجا نگذار برایم گناهی ...

و این همان دعائی است که در حرم حضرت عباس علیه السلام خوانده می شود

و بیاید ذکرش و اگر خواستی وداع کنی جناب مسلم را بخوان همان وداعی که

در زیارت جناب عباس علیه السلام ذکر می شود.

زیارت هانی بن عروة رحمة الله و رضوانه علیه

می ایستی در نزد قبر او و سلام می کنی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و

می گوئی:

سَلَامُ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَصَلَوَاتُهُ

سلام خدای بزرگ و درودهایش

عَلَيْكَ يَا هَانِيَّ بْنَ عُرْوَةَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ النَّاصِحُ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ

بر تو ای هانی فرزند عروة سلام بر تو ای بنده شایسته خیرخواه خدا و رسول او

وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتَلْتَ مَظْلُومًا،

و امیر مؤمنان و حسن و حسین علیهم السلام گواهی دهم که تو براستی مظلوم کشته شدی خدا

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَاسْتَحَلَّ دَمَكَ، وَحَسَى قُبُورَهُمْ نَارًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ

لعنت کند کسی که تو را کشت و خونت را حلال دانسته و پرکند گورشان را از آتش گواهی دهم که تو دیدار کردی خدا

وَهُوَ رَاضٍ عَنكَ بِمَا فَعَلْتَ وَنَصَحْتَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ دَرَجَةَ الشُّهَدَاءِ،

را در حالی که از تو خوشنود بود بدان کاری که کردی و برای خیرخواهیت و گواهی دهم که تو رسیدی به درجه

شهیدان

وَجُعِلَ رُوحُكَ مَعَ أَرْوَاحِ السُّعَدَاءِ، بِمَا نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ مُجْتَهِدًا، وَبَدَّلْتَ

و قرار گرفت روح تو با ارواح خوشبختان به خاطر آن خیرخواهی که برای خدا و رسولش کردی و کوششت و بذل

نَفْسِكَ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَمَرْضَاتِهِ، فَرَحِمَكَ اللَّهُ وَرَضِيَ عَنكَ، وَحَشَرَكَ مَعَ مُحَمَّدٍ

جانت درباره خدا و خوشنودی خدا و خدایت رحمت کند و از تو خوشنود گردد و تو را با محمد و آل

وَأَلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَجَمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ مَعَهُمْ فِي دَارِ النِّعِيمِ، وَسَلَامٌ عَلَيْكَ وَرَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ

و بَرَكَاتُهُ.

پاکش محشور گرداند و گردآورد ما و شما را با ایشان در خانه نعمت و سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش

پس دو رکعت نماز کن و هدیه کن آنرا به روح هانی و دعا کن از برای خود

به آنچه می خواهی و وداع کن او را به آنچه در وداع مسلم می گفتی.

فصل ششم

در فضیلت و اعمال مسجد سهله و اعمال مسجد زید و صعصعه

بدانکه بعد از مسجد کبیر کوفه مسجدی به فضیلت مسجد سهله در آن عرصه

نیست و آن خانه حضرت ادریس علیه السلام و حضرت ابراهیم و محل ورود

حضرت خضر علیه السلام و مسکن آن حضرت است و از حضرت صادق علیه

السلام منقول است که به ابوبصیر فرمود ای ابو محمد گویا من می بینم حضرت

صاحب الأمر علیه السلام در مسجد سهله فرود آید با اهل و عیالش و منزل آن حضرت باشد و حق تعالی هیچ پیغمبری نفرستاده است مگر آنکه در آن مسجد نماز کرده است و هر که در آن مسجد اقامت نماید چنانست که در خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله اقامت نموده است و هیچ مرد و زن مؤمنی نیست مگر آنکه دلش مایلست بسوی آن مسجد و در آن مسجد سنگی است که در آن صورت هر پیغمبری هست و هیچکس با نیت صادقه نماز و دعا نمی کند در آن مسجد مگر آنکه برمی گردد با حاجت برآمده شده و هیچکس در آن مسجد امان نمی طلبد مگر آنکه امان می یابد از هر چه که می ترسد.

گفتم فضیلت این است که از برای این مسجد است حضرت فرمود زیادتیر بگویم از برایت عرض کردم بلی فرمود که آن از جمله بقعه هائی است که خدا دوست می دارد که او را در آنها بخوانند و هیچ شب و روزی نیست مگر آنکه ملائکه می آیند به زیارت آن مسجد و عبادت می کنند خدا را در آن پس فرمود که اگر من نزدیک می بودم به شما همه نماز را در آن مسجد می کردم پس فرمود که ای ابا محمد آنچه وصف نکردم از فضیلت این مسجد بیشتر از آن است که گفتم من عرض کردم فدایت شوم و حضرت قائم علیه السلام همیشه در آن مسجد خواهد بود فرمود بلی الخ

اعمال مسجد سهله

پس دو رکعت نماز میان شام و خفتن سنت است از حضرت صادق علیه السلام مروی است که هر غمناکی که چنین کند و دعا کند حق تعالی غمش را زایل کند و از بعض کتب مزاریه نقل شده که چون خواستی داخل مسجد شوی بایست نزد در و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمِنْ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ، وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ

*** به نام خدا و به ذات خدا و از جانب خدا و بسوی خدا و آنچه خدا خواهد و بهترین نامها از خدا است

لِلَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اَللَّهُمَّ

توکل کنم بر خدا و نیست جنبش و نیروئی جز به خدای والای بزرگ خدایا

اجْعَلْنِي مِنْ عُمَّارِ مَسَاجِدِكَ وَبُيُوتِكَ، اَللَّهُمَّ اِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَاَلِ

قرار ده مرا از آبادکنندگان مساجد و خانه‌هایت خدایا من بتو رو کنم بوسیله محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَاَقْدَمَهُمْ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي، فَاجْعَلْنِي لِلَّهِمَّ بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي

محمد و پیش اندازم آنها را در جلوی حاجت‌هایم پس قرارم ده خدایا بوسیله ایشان در پیش خود آبرومند در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ الْمُقَرَّبِينَ، اَللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَذَنْبِهِمْ

دنیا و آخرت و از مقربان خدایا قرار ده نمازهایم را بدیشان پذیرفته و گناهم را

مَغْفُورًا، وَرِزْقِي بِهِمْ مَبْسُوطًا، وَدُعَائِي بِهِمْ مُسْتَجَابًا،

آمرزیده و روزیم را بدیشان فراخمند و دعایم را بدیشان اجابت شده و حاجت‌هایم را

وَحَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَّةً، وَأَنْظِرْ اِلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، نَظْرَةً رَحِيمَةً

بدیشان برآورده و بنگر بمن بروی بزرگواریت نگرستی مهربانانه

اَسْتَوْجِبُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفُهُ عَنِّي اَبَدًا بِرَحْمَتِكَ يَا

که سزاوار گردم بدان بزرگواری در پیش تو را سپس آن را از من باز مگردان هرگز به رحمت ای

اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ

مهربانترین مهربانان ای گرداننده دلها و دیدگان پابرجا کن دلم را بر دین خود

وَدَيْنِ نَبِيِّكَ وَوَلِيِّكَ، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، وَهَبْ لِي مِنْ

و دین پیامبرت و نمایندهات، منحرف مکن دلم را پس از آنکه هدایتیم کردی و به بخشش به من از

لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَمَرْضَاتِكَ

نزد خویش رحمتی که براستی توئی بخشایشگر خدایا بسوی تو رو کنم و خوشنودی تو

طَلَبْتُ، وَتَوَابِكَ اِتَّبَعْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ

را جویم و پاداش نیک تو را خواهانم و به تو ایمان دارم و بر تو توکل کنم خدایا پس روی خود را

بِوَجْهِكَ الْإِلَهِيِّ، وَأَقْبَلْ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ. * پس بخوان آیهالکرسی و مُعَوِّذَتَيْنِ را

بسویم کن و روی مرا بسوی خود گردان * * * * *

و تسبیح کن خدا را هفت مرتبه و تحمید کن هفت مرتبه و تهلیل بگو هفت مرتبه

و تکبیر بگو هفت مرتبه یعنی هر یک از سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

* * * * * منزه است خدا و ستایش از خدا است و معبودی نیست جز خدا و خدا بزرگتر است *

اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ را هفت مرتبه بگو پس بگو: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا هَدَيْتَنِي

* * * * * خدایا از تو است ستایش بخاطر آنکه مرا راهنمایی کردی و از تو است ستایش

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَضَّلْتَنِي، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا شَرَّفْتَنِي وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ

بر آنچه برتریم دادی و از تو است ستایش بر آنکه شرافتم دادی و از تو است ستایش بر هر

بَلَاءٍ حَسَنٍ ابْتَلَيْتَنِي، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ صَلَوَتِي وَدُعَائِي، وَطَهِّرْ قَلْبِي،

آزمایش نیکوئی که مرا بدان آزمودی خدایا بپذیر نمازم را و دعایم را و پاک گردان دلم را

وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

و بازکن سینهام را و توبه‌ام بپذیر که براستی توئی توبه‌پذیر مهربان

و سید بن طاوس فرموده که چون اراده کردی که به مسجد سهله روی پس ما

بین مغرب و عشاء در شب چهارشنبه وارد آن مسجد شو که افضل اوقات دیگر

است پس همانکه وارد شدی نماز مغرب و نافله اش را بجا آور پس برخیز دو

رکعت نماز تحیت مسجد کن قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ و چون فارغ شدی دستها را به سمت
آسمان بلند کن و بگو:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُبْدِيُ الْخَلْقِ وَمُعِيدُهُمْ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

توئی خدائی که معبودی جز تو نیست آغازنده خلق و بازگرداننده آنها و توئی دائی که معبودی جز تو نیست

خَالِقِ الْخَلْقِ وَرَازِقُهُمْ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْفَاضِلُ الْبَاسِطُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا

آفریننده خلق و روزی ده آنها و توئی خدائی که معبودی جز تو نیست برگیرنده و گسترنده‌ای و توئی خدائی که

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، وَبَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، أَنْتَ وَارِثُ الْأَرْضِ وَمَنْ

معبودی جز تو نیست تدبیرکننده اموری و برانگیزنده ساکنان در گوری توئی وارث زمین و ساکنان آن از

عَلَيْهَا، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

تو خواهم به نامت که در گنجینه و پنهان است ای زنده پاینده و توئی خدائی که معبودی جز

إِلَّا أَنْتَ، عَالِمُ السِّرِّ وَأَخْفَى، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ،

تو نیست دانای نهان و نهانتر از تو خواهم بدان نامت که هرگاه بدان تو را خوانند اجابت کنی

وَإِذَا سُئِلَتْ بِهِ أُعْطِيَتْ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ،

و چون بدان از تو درخواست شود عطا کنی و از تو خواهم به حقی که تو بر محمد و خاندانش داری

وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و به حقی که از ایشان بر خود واجب کردی که درود فرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ، يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ، يَا سَيِّدَاهُ

و برآوری حاجتم را همین ساعت همین ساعت ای شنوای دعای ای آقای من

يَا مَوْلَاهُ يَا غِيَاثَاهُ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ

ای سرور من ای دادرس من، از تو خواهم به هر نامی که خود را بدان نامیدی یا انتخابش کردی آن را

فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعَجِّلَ

در علم غیب نزد خودت که درود فرستی بر محمد و آل محمد و شتاب کنی

فَرَجْنَا السَّاعَةَ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ، پس به

در گشایش ما همین ساعت ای گرداننده دلها و دیده‌ها ای شنوای دعاء * * *

سجده برو و خشوع کن و بخوان خدا را به جهت هر چه که می‌خواهی پس نماز می‌گذاری در گوشه‌ای که طرف مغرب و شمال است دو رکعت و آن موضع خانه حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام است که از آنجا به جنگ عمالقه رفت و چون از نماز فارغ شدی تسییح بکن و پس از آن بگو:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْبُقْعَةِ الشَّرِيفَةِ وَيَحِقُّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهَا، قَدْ عَلِمْتَ

خدایا به حق این بقعه شریفه و به حق هرکس تو را در آن پرستش کرده تو که می‌دانی

حَوَائِجِي، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْضِهَا، وَقَدْ أَحْصَيْتَ

حاجات مرا پس درود فرست بر محمد و آل محمد و حاجاتم را برآور و تو که شماره کرده‌ای

ذُنُوبِي، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْهَا، اَللّٰهُمَّ اَحْيِنِي مَا

گناهانم را پس درود فرست بر محمد و آل محمد و آنها را بیامرز خدایا زنده بدار مرا تا

كَانَتْ الْحَيَاةُ خَيْرًا لِّي، وَآمَنَتْنِي اِذَا كَانَتْ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِّي، عَلَيَّ مُوَالَاةٍ

وقتی که زنده بودن برایم بهتر است و بمیرانم وقتی که مرگ برایم بهتر است بر حال دوست داشتن

اَوْلِيَائِكَ، وَمُعَادَاةِ اَعْدَائِكَ، وَافْعَلْ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ، يَا اَرْحَمَ

دوستانت و دشمن داشتن دشمنانت و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ. پس نماز می‌گذاری در گوشه دیگر که در سمت مغرب و قبله است

مهربانان * * * * *

دو رکعت و دستها را بلند می‌کنی و می‌گویی: اَللّٰهُمَّ اِنِّي صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ

خدایا من این نماز را خواندم به امید بدست آوردن * * * * *

اِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَطَلَبَ نَائِلِكَ، وَرَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَوَّازِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

خوشنودیت و به طلب عطایت و به امید دستگیری و جایزه‌هایت پس درود فرست بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي بِأَحْسَنِ قَبُولٍ، وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ الْمَأْمُولَ،

و آل محمد و پذیر آن را از من به بهترین پذیرفتن و به رحمت خود مرا به آرزویم برسان

وَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس به سجده برو و بگذار دو طرف

و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی ای مهربانترین مهربانان * * * * *

صورت را بر خاک پس برو به گوشه‌ای که در طرف مشرق است و دو رکعت

نماز گذار و دستها را بگشا و بگو: اَللّهُمَّ اِنْ كَانَتْ الذُّنُوبُ وَالْخَطَايَا قَدْ اَخْلَقَتْ

* * * * * خدایا اگر چنان است که گناهان و خطاها رویم را از تو فرسوده کرده است

وَجَهِي عِنْدَكَ، فَلَمْ تَرْفَعْ لِي الْيَكَّ صَوْتًا، وَلَمْ تَسْتَجِبْ لِي دَعْوَةً، فَإِنِّي

و در نتیجه بالا نرود از من بسوی تو آوازی و اجابت نکنی برایم دعائی را پس از تو

أَسْأَلُكَ بِكَ يَا اللَّهُ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِثْلَكَ أَحَدٌ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

خواهم به حق خودت ای خدا زیرا نیست مانندت هیچکس و توسل جویم بسویت بوسیله محمد و آتش

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقْبَلَ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ

و از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و رو کنی بسویم بروی

الْكَرِيمِ، وَتُقْبَلَ بِوَجْهِكَ إِلَيْكَ، وَلَا تُخَيِّبْنِي حِينَ أَدْعُوكَ، وَلَا تَحْرِمْنِي

بزرگواریت و بگردانی رویم را بسوی خودت و نومیدم نسازی هنگامی که تو را می‌خوانم و محرومم ننمایی

حِينَ أَرْجُوكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. *

هنگامی که امید به تو دارم ای مهربانترین مهربانان

مؤلف گوید: که از بعض کتب مزاریه غیر معروفه نقل شده که بعد از آن

می‌روی به گوشه دیگر که در طرف مشرق واقع شده و دو رکعت نماز گذار

در آنجا و بگو:

اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اَللّهُ، اَنْ تُصَلِّيَ

* * * * * خدایا از تو می‌خواهم به نامت ای خدا که درود فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ خَيْرَ عُمْرِي آخِرَهُ، وَخَيْرَ أَعْمَالِي

بر محمد و آل محمد و قرار دهی بهترین دوران عمرم را پایانش و بهترین کارهایم را

خَوَاتِيمَهَا، وَخَيْرَ أَيَّامِي يَوْمَ أَلْقَاكَ فِيهِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

انجامشان و بهترین روزهایم را آن روزی که تو را در آن دیدار کنم که براستی تو بر هر چیز توانایی

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ دُعَائِي، وَاسْمَعْ نَجْوَايَ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ، يَا قَادِرُ يَا

خدایا بپذیر دعایم را و بشنو رازم را ای والا ای بزرگ ای توانا ای

قَاهِرُ، يَا حَيًّا لَا يَمُوتُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لِي

چیره ای زنده‌ای که هرگز نمیرد درود فرست بر محمد و آل محمد و بیامرزش از من

الذُّنُوبَ الَّتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ، وَلَا تَفْضَحْنِي عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ،

گناهانی را که میان من و تو است و رسوایم مکن در حضور مردمان

وَاحْرُسْنِي بَعِينِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَارْحَمْنِي بِقُدْرَتِكَ عَلَىَّ يَا أَرْحَمَ

و پاسداریم کن بدان دیده‌ات که نخوابد و رحم کن به من بدان نیروئی که بر من داری ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، وَصَلِّ اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، يَا رَبَّ

مهربانان و درود فرست بر آقای ما محمد و آل پاکش ای پروردگار

العالمين. *

جهانیان

پس نماز می‌گذاری در خانه‌ای که در وسط مسجد است دو رکعت و می‌گویی:

يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ، يَا مَنْ يَحُولُ

ای که نزدیک‌تر است به من از رگ گردن ای که بخوبی بکند آنچه را خواهد ای که حائل شود

بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحُلِّ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَنْ يُؤْذِنَا

میان انسان و دلش درود فرست بر محمد و آلش و حائل شو میان ما و میان کسی که ما را بیازارد

بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، يَا كَافِي مَنْ كَلِّشِيءٌ، وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ، اِكْفِنَا

به جنبش و نیروی خودت ای که کفایت کنی از هر چیز و چیزی از تو کفایت نکند کفایت کن

الْمُهَمِّ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

مهم ما را از کار دنیا و آخرت ای مهربانترین مهربانان

پس بگذار دو طرف روی خود را بر خاک مؤثف گوید که این مکان شریف در این زمان معروف است به مقام امام زین العابدین علیه السلام و در مزار قدیم نقل کرده که بعد از دو رکعت نماز در این مقام بخواند دعای «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَا تَرَاهُ الْعُيُونُ» الخ و این دعا در اعمال دکّه باب امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه ذکر شد به آنجا رجوع شود.

و در نزدیک همین مکان بقعه‌ای است معروف به مقام مهدی علیه السلام مناسب است زیارت آن حضرت در آن محلّ شریف و از بعض کتب مزاریه نقل شده که شایسته است زیارت کنند آن حضرت را در این محل در حالی که ایستاده باشند به این زیارت «سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ» الخ و این همان استغاثه‌ای است که ما در فصل هفتم از باب اول از کلم طیب نقل کردیم دیگر تکرار نکنیم و سید بن طاوس آن را یکی از زیارات سرداب مقدس شمرده بعد از دو رکعت نماز.

ذکر نماز و دعاء در مسجد زید رحمه الله

پس می‌روی به مسجد زید که نزدیک مسجد سهله است و دو رکعت نماز در آن می‌گذاری و دست‌های گشائی و می‌گویی:

إِلَهِي قَدْ مَدَّ إِلَيْكَ الْخَاطِيءُ الْمَذْنِبُ يَدِيهِ بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِكَ، إِلَهِي قَدْ جَلَسَ

خدایا برآستی دراز کرده بدرگاهت بنده خطاپیشه گنهکار دو دست خود را بواسطه خوش گمانیش به تو خدایا نشسته

است

الْمُسِيءُ بَيْنَ يَدَيْكَ، مُقِرّاً لَكَ بِسُوءِ عَمَلِهِ، وَرَاجِئاً مِنْكَ الصَّفْحَ عَنْ زَلَلِهِ، إِلَهِي

بنده بدرکردار در پیش رویت در حالی که اقرار به کردار بد خود دارد و از تو امید دارد که چشم از لغزشش ببوشی خدایا

قَدْ رَفَعَ إِلَيْكَ الظَّالِمُ كَفِيَّهُ، رَاجِئاً لِمَا لَدَيْكَ، فَلَا تُخَيِّبُهُ، بِرَحْمَتِكَ مِنْ فَضْلِكَ،

به حقیقت بلند کرده بدرگاهت بنده ستمکار هر دو کف خود را به امید آنچه در پیش تو است پس نومیدش مکن به

رحمت خود از فضلی که

إِلَهِي قَدْ جَنَّا الْعَاثِدُ إِلَى الْمَعَاصِي بَيْنَ يَدَيْكَ، خَائِفاً مِنْ يَوْمٍ تَجْتُو فِيهِ

داری خدایا زانو زده‌است بنده‌ای بازگشت‌کننده بسوی گناهان در پیشاپیش تو ترسان از آن روزی که زانو زند

الْخَلَاتِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ، إِلَهِي جَاءَكَ الْعَبْدُ الْخَاطِئُ فِرْعَاءً مُشْفِقاً، وَرَفَعَ إِلَيْكَ طَرْفَهُ

خلایق درپیشاپیشت خدایا بدرگاهت آمده بنده‌ای خطاکار در حال هراس و نگرانی و دوخته بسویت چشم خود

حَذِراً رَاجِئاً، وَفَاضَتْ عِبْرَتُهُ مُسْتَعْفِراً نَادِماً، وَعَزَّتِكَ وَجَلَالِكَ مَا

را ترسان و امیدوار و ریزان گشته اشکش در حال آمرزش خواهی و پشیمانی سوگند به عزت و شوکت که من از

أَرَدْتُ بِمَعْصِيَتِي مُخَالَفَتَكَ، وَمَا عَصَيْتُكَ إِذْ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بَكَ جَاهِلٌ،

نافرمانی کردن تو قصد مخالفت تو را نداشتم و چنان نبود که نافرمانیت کنم در حالی که نافرمانی کردم بواسطه نادانی به

مقام تو

وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ، وَلَا لِنَظْرِكَ مُسْتَخِفٌّ، وَلَكِنْ سَوَّلَتْ لِي

و نه بخاطر اینکه خود را در معرض کیفرت قرار دهم و نه اینکه نظر تو را سبک شمارم بلکه نفس (بداندیش، گناه را)

برایم جلوه داد

نَفْسِي، وَأَعَانَتْنِي عَلَى ذَلِكَ شِفَوْتِي، وَعَرَّنِي سِتْرُكَ الْمُرْحَى عَلَيَّ،

و بدبختیم نیز کمک کرد و پرده آویخته تو (و چشم پوشیت) مغرورم کرد

فَمِنَ الْأَنْ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي، وَيَحْبِلُ مِنْ أَعْتَصِمُ إِنْ قَطَعْتَ

پس اینک کیست که مرا از عذاب تو برهاند و به سر رشته چه کسی چنگ زبم اگر تو رشته‌ات را از من

حَبْلَكَ عَنِّي، فَيَا سَوَاتَاهُ غَدَاً مِنَ الْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ، إِذَا قِيلَ

قطع کنی پس چه رسوائی است فردای قیامت هنگام توقف پیش رویت در آن هنگام که به سبک باران گویند:

لِلْمُخْفِينَ جُوزُوا، وَلِلْمُتَّقِلِينَ حُطُّوا، أَمَعَ الْمُخْفِينَ أَجُوزُ، أَمْ مَعَ

بگذرید و به سنگین باران گویند فرو ریزید آیا (در آن وقت) با سبکباران می‌گذرم یا با

الْمُثْقَلِينَ أَحَطُّ، وَيَلِي كَلِّمَا كَبْرَ سِنِّي كَثُرَتْ ذُنُوبِي، وَيَلِي كَلِّمَا طَالَ

سنگین باران سقوط کنم وای بر من که هرچه بیشتر از سن من می‌گذرد گناهانم بیشتر می‌شود و ای بر من که هرچه عمرم

عُمُرِي كَثُرَتْ مَعَاصِي فَكَمْ أَتُوبُ وَكَمْ أَعُودُ، أَمَا أَنْ لِي أَنْ أَسْتَحْيِي

طولانی‌تر می‌شود نافرمانی‌هایم زیادتر می‌شود پس چقدر توبه کنم و چه قدر (دوباره) برگردم آیا زمان آن نرسیده که از

مِنْ رَبِّي، اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، إِغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، يَا

پروردگارم شرم کنم؟ خدایا به حق محمد و آل محمد بیمارز مرا و به من رحم کن ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَخَيْرَ الْغَافِرِينَ. پس گریه کن و صورت به خاک گذار و بگو

مهربانترین مهربانان و بهترین آمرزندگان *

أَرْحَمَ مَنْ أَسَاءَ وَأَقْتَرَفَ، وَأَسْتَكَانَ وَأَعْتَرَفَ، پس بگذار طرف راست رو را و

رحم کن به کسی که بد کرده و دست به گناه زده و در مانده گشته و اعتراف دارد *

بگو: إِنَّ كُنْتُ بِسِّ الْعَبْدُ فَأَنْتَ نِعْمَ الرَّبُّ، پس بگذار طرف چپ را و بگو: عَظْمَ

اگر من بد بنده‌ای هستم پس تو خوب پروردگاری هستی *

الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ يَا كَرِيمٌ. پس برگرد به حال سجود و

پس باید نیکو باشد گذشت از نزد تو ای بزرگوار *

بگو أَلْعَفْوَا أَلْعَفْوَا

گذشت خواهم گذشت

صد مرتبه مؤلف گوید که این مسجد از مساجد شریفه کوفه است و منسوب است

به زید بن صوحان که از بزرگان اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام و از ابدال

بشمار می‌رفته و در جنگ جمل در یاری آن حضرت شهید شده و این دعا که

ذکر شد دعای او بوده که در نماز شب می‌خوانده .

در نزدیکی مسجد او مسجد برادرش صعصعة بن صوحان است که او نیز از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام و از عارفین به حق آن جناب و از بزرگان اهل ایمان است و چندان فصیح و بلیغ بوده که امیرالمؤمنین علیه السلام او را خطیب شحشح گفته و به مهارت در خطب و فصاحت در لسان او را ثنا فرموده و هم او را به قلّت مؤنه و کثرت معونه مدح نموده .

و در شبی که آن حضرت از دنیا رحلت فرمود و فرزندان آن جناب جنازه نازنینش را از کوفه به نجف حمل نمودند صعصعه از جمله مشیّعین بود و چون از کار دفن آن حضرت فارغ شدند صعصعه نزد قبر مقدّس ایستاد و مشتی از خاک برگرفت و بر سر خود ریخت و گفت پدر و مادرم فدای تو باد یا امیرالمؤمنین گوارا باد تو را کرامتهای خدا ای ابوالحسن به تحقیق که مولد تو پاکیزه بود و صبر تو قوی و جهاد تو عظیم بود و به آنچه آرزو داشتی رسیدی و تجارت سودمند کردی و به نزد پروردگار خود رفتی و از این نوع کلمات بسیار گفت و گریه کرد گریه سختی و به گریه درآورد سایرین را و در حقیقت سر قبر آن حضرت مجلس روضه شد که در آن شب منعقد گردید و صعصعه به منزله روضه خوان بود و مستمعین جناب امام حسن و امام حسین علیهما السلام و محمد بن الحنفیه و ابوالفضل العباس و سایر فرزندان و بستگان آن حضرت و چون این کلمات به پایان رسید روی به جانب امام حسن و امام حسین علیهما السلام و سایر آقازادگان کردند و ایشان را تعزیت و تسلیت گفتند پس جملگی به کوفه مراجعت نمودند.

و بالجمله مسجد صعصعة از مساجد شریفه کوفه است و جماعتی امام زمان صلوات الله علیه را در ماه رجب در آن مسجد مبارک مشاهده کرده‌اند که دو رکعت نماز کرده و این دعا را خوانده «اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغَةِ وَالْأَلَاءِ الْوَاظِعَةِ» الدعاء و ظاهر عمل آن حضرت آن است که این دعاء مخصوص این مسجد شریف و از اعمال اوست نظیر دعاهای مسجد سهله و زید لکن چون در ماه رجب بوده که آن حضرت این دعا را خوانده‌اند احتمال داده شده که شاید این دعا از دعاهای ایام رجب باشد و لهذا در کتب علماء در اعمال ماه رجب نیز ذکر شده و ما نیز چون آن دعا را در اعمال رجب ذکر کرده بودیم به همان اکتفا کردیم به تکرار نپرداختیم طالبین به آنجا رجوع کنند انشاء الله.

فصل هفتم

در فضیلت زیارت حضرت ابو عبدالله الحسین صلوات الله علیه
و آدابی که زائر آن جناب باید مراعات آنها را نماید در طریق زیارت و در آن حرم مطهر و کیفیت زیارت آن حضرت و در آن سه مقصد است:

مقصد اول

در فضیلت زیارت آن حضرت است بدانکه فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام از حیثه بیان بیرون است و در اخبار بسیار وارد شده که معادل حج و عمره و جهاد بلکه بالاتر و افضل است بدرجات و باعث مغفرت و خفت حساب

و رفع درجات و اجابت دعوات و موجب طول عمر و حفظ بدن و مال و زیادتی روزی و برآمدن حاجات و رفع هموم و کربات است و ترک آن سبب نقصان دین و ایمان و ترک حق بزرگی از حقوق پیغمبر صلی الله علیه و آله است و کمتر ثوابی که به زائر آن قبر شریف رسد آن است که گناهانش آمرزیده شود و آنکه حق تعالی جان و مالش را حفظ کند تا او را به اهل خود برگرداند و چون روز قیامت شود حق تعالی او را حافظتر خواهد بود از دنیا .

و در روایات بسیار است که زیارت آن حضرت غم را زایل می کند و شدت جان کندن و هول قبر را برطرف می کند و آنکه هر مالی که در راه زیارت آن حضرت خرج شود حساب می شود برای او هر دره می به هزار درهم بلکه به ده هزار درهم و چون رو به قبر آن حضرت برود چهار هزار ملک استقبال او می کنند و چون برمی گردد مشایعت او می نمایند و آنکه پیغمبران و اوصیاء ایشان و ائمه معصومین و ملائکه سلام الله علیهم اجمعین به زیارت آن حضرت می آیند و دعا برای زوآر آن حضرت می کنند و ایشان را بشارتها می دهند و حق تعالی نظر رحمت می فرماید بسوی زائرین امام حسین علیه السلام بیش از اهل عرفات و آنکه هر کسی در روز قیامت آرزو می کند که کاش زوآر آن حضرت بود از بس که مشاهده می کند از کرامت و بزرگواری ایشان در آن روز و روایات در این باب بی حد است و ما در ضمن زیارات مخصوصه اشاره به پاره ای از فضیلت زیارت آن حضرت خواهیم نمود و در اینجا اکتفا می کنیم به ذکر یک روایت ابن قولویه و کلینی و سید بن طاوس و دیگران روایت

کرده‌اند به سندهای معتبره از ثقه جلیل‌القدر معاویه بن وهب بجلی کوفی که
 گفت یک وقتی به خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم دیدم آن
 حضرت را که در مُصَلَّای خویش مشغول نماز است نشستم تا نمازش تمام شد
 پس شنیدم که مناجات می‌کرد با پروردگار خود و می‌گفت ای خداوندی که
 مخصوص گردانیده‌ای ما را به کرامت و وعده داده‌ای ما را شفاعت و علوم
 رسالت را به ما داده‌ای و ما را وارث پیغمبران گردانیده‌ای و ختم کرده‌ای به ما
 امت‌های گذشته را و ما را مخصوص به وصیت پیغمبر گردانیده‌ای و علم گذشته
 و آینده را به ما عطا کرده‌ای و دل‌های مردم را بسوی ما مایل گردانیده‌ای
 «إِغْفِرْ لِي وَلِأَخْوَانِي وَ زَوْارِ قَبْرِ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا» پیامرز
 مرا و برادران مرا و زیارت کنندگان قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام را
 آن‌انکه خرج کرده‌اند مال‌های خود را و بیرون آورده‌اند از شهرها بدن‌های خود را
 برای رغبت در نیکی ما و امید ثواب‌های تو در صله ما و برای شاد گردانیدن
 پیغمبر تو و اجابت نمودن ایشان امر ما را و برای خشمی که بر دشمنان داخل
 کرده‌اند و مراد ایشان خوشنودی تو است پس مکافات ده ایشان را از جانب ما
 بخوشنودی و حفظ کن ایشان را در شب و روز و خلیفه ایشان باش در اهل و
 اولاد ایشان که در وطن خود گذاشته‌اند به خلافت نیکو و رفیق ایشان باش و
 دفع کن از ایشان شرّ هر جبار معاندی را و هر ضعیف و شدید از خلقت را و شرّ
 شیاطین جنّ و انس را و بده به ایشان زیاده از آنچه امید دارند از تو در دور
 شدن از وطن‌های خود و در اختیار کردن ایشان ما را بر فرزندان و اهالی و

خویشان خود خداوندا دشمنان ما عیب کردند بر ایشان بیرون آمدن ایشان را به زیارت ما پس این مانع نشد ایشان را از عزم کردن و بیرون آمدن بسوی ما از روی مخالفت ایشان «فَارْحَمْ تِلْكَ الْوُجُوهُ الَّتِي غَيَّرْتَهَا الشَّمْسُ وَارْحَمْ تِلْكَ الْخُدُودَ الَّتِي تَقَلَّبُ عَلَى قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» پس رحم کن آن رُوها را که آفتاب متغیّر گردانیده است و رحم کن گونه‌های روی ایشان را که می‌گردانند و می‌مالند بر قبر امام حسین علیه السلام و رحم کن آن دیده‌ها را که گریه‌شان جاری شد از ترّحم بر ما و رحم کن آن دلها را که جزع کرده‌اند و سوخته‌اند از برای مصیبت ما و رحم کن آن فغانها را که در مصیبت ما بلند کرده‌اند خداوندا آن جانها و آن بدتُها را به تو می‌سپارم تا سیراب گردانی ایشان را از حوض کوثر در روز تشنگی و پیوسته آن حضرت به این نحو دعا می‌کرد در سجده پس چون فارغ شد گفتم آن دعا که من از شما شنیدم اگر در حقّ کسی می‌کردید که خدا را نمی‌شناخت گمان داشتم که آتش جهنم به او نرسد هرگز واللّه که آرزو کردم که زیارت آن حضرت کرده بودم و حجّ نکرده بودم حضرت فرمود که چه بسیار نزدیکی تو به آن حضرت چه مانع است تو را از زیارت ای معاویه ترک زیارت مکن گفتم فدای تو شوم نمی‌دانستم که این قدر فضیلت دارد فرمود که ای معاویه آنها که برای زیارت کنندگان آن حضرت دعا می‌کنند در آسمان زیاده از آنهاییند که دعا می‌کنند برای ایشان در زمین ترک مکن زیارت آن حضرت را از برای خوف از احدی که هر که از برای خوف ترک زیارت کند آنقدر

حسرت برد که آرزو کند که کاش آنقدر می ماندم نزد قبر آن حضرت که در آنجا مدفون می شدم آیا دوست نمی داری که خدا به ببیند تو را در میان آنها که دعا می کنند برای ایشان رسول خدا و علی و فاطمه و ائمه معصومین علیهم السلام آیا نمی خواهی از آنها باشی که ملائکه در قیامت با ایشان مصافحه می کنند آیا نمی خواهی از آنها باشی که در قیامت ببینند و هیچ گناه برایشان نباشد آیا نمی خواهی از آنها باشی که در قیامت حضرت رسول صلی الله علیه و آله با ایشان مصافحه می کند.

مقصد دویم

در آدابی که زائر حضرت سیدالشهداء علیه السلام باید مراعات آنها را نماید

در طریق زیارت و در آن حرم مطهر و آن چند چیز است :

اول سه روز روزه دارد پیش از آنکه از خانه بیرون رود و در روز سیّم غسل کند چنانکه حضرت صادق علیه السلام به صفوان دستورالعمل دادند و بیاید در ذکر زیارت هفتم و شیخ محمد بن المشهدی در مقدّمات زیارت عیدین ذکر فرموده که چون اراده کنی زیارت آن حضرت را پس سه روز روزه بدار و روز سیّم غسل کن و اهل و عیال خود را بسوی خود جمع کن و بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَوْدِعُكَ الْیَوْمَ نَفْسِیْ

خدایا به تو می سپارم امروز خودم و خاندانم

حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمود شنیده‌ام که جماعتی به زیارت امام حسین علیه السلام می‌روند و با خود سفره‌ها برمی‌دارند که در آنها بزغاله‌های بریان و حلواها هست و اگر به زیارت قبر پدران یا دوستان خود بروند اینها را با خود بر نمی‌دارند.

و در حدیث معتبر دیگر منقول است که آن حضرت به مفضل بن عمر فرمود که زیارت کنید امام حسین علیه السلام را بهتر از آن است که زیارت نکنید و زیارت نکنید بهتر از آن است که زیارت کنید مفضل گفت پُشت مرا شکستی فرمود که والله اگر به زیارت قبر پدران خود بروید اندوهگین و غمناک می‌روید و به زیارت آن حضرت که می‌روید سفره‌ها با خود برمی‌دارید بلکه می‌باید ژوئیده مو و گردآلود بروید.

مؤلف گوید پس چقدر شایسته است برای اغنیا و تجّار که ملاحظه این مطلب را در این سفر بنمایند و هرگاه در بلادی که در بین راه ایشان است تا کربلا بعضی دوستانشان که ایشان را دعوت و میهمانی می‌کنند و در زمان حرکت از منزلشان سفره و ناهار خوریهای آنها را از مطبوعات لذیذه و مرغ بریان و سایر بریانیها مملو می‌کنند قبول نکنند و بگویند که ما مسافر کربلا هستیم و شایسته نیست برای ما تغذّی به این نحو غذاها.

شیخ کلینی رحمه الله روایت کرده که بعد از شهادت امام حسین علیه السلام زوجه کلّیه آن حضرت اقامه ماتم نمود برای آن حضرت و گریست و گریستند سایر زنها و خدمتکاران تا حدّی که اشکهای آنها خشک شد و دیگر اشکشان

نیامد پس از یک جایی برای آن مخدّره هدیه فرستادند جونی که معنی آن را مرغ قَطَا گفته‌اند برای آنکه از خوردن آن قوتی بگیرند در گریستن بر امام حسین علیه السلام چون آن محترمه آن را دید پرسید این چیست گفتند هدیه‌ای است که فلانی فرستاده برای شما که استعانت بجوئید به آن در ماتم حسین علیه السلام فرمود «لَسْنَا فِي عُرْسٍ فَمَا نَصْنَعُ بِهَا» ما که در عروسی نیستیم ما را چه به این خوراک پس امر فرمود آن را از خانه بیرون بردند.

چهارم از چیزهایی که در سفر زیارت امام حسین علیه السلام مندوب است تواضع و فروتنی و خشوع و راه رفتن مانند بنده ذلیل پس کسانی که در طریق زیارت آن حضرت سوار می‌شوند بر این مراکب جدیده که به قوه بخار به سرعت حرکت می‌نماید و امثال آن باید خیلی ملتفت خود باشند که تَجَبَّرُ و تَكَبَّرُ نکنند و بر سایر زائرین و بندگان خدا که بسختی و مشقت به کربلا می‌روند بزرگی ننمایند و آنها را به چشم حقارت نظر نکنند علماء در احوال اصحاب کهف نقل کرده‌اند که آنها از مخصوصین دقیانوس و به منزله وزرای او بودند وقتی که حق تعالی رحمت خود را شامل حال آنها فرمود و به فکر خداپرستی و اصلاح کار خود برآمدند صلاح خود را در این دیدند که از مردم کناره گیرند و در غاری ماوی گرفته به عبادت خدا مشغول شوند پس سوار بر اسبها شده و از شهر بیرون آمدند همینکه سه میل راه رفتند تملیخا که یکی از آنها بود گفت «يَا اِخْوَتَاهُ جَاءَتْ مَسْكَنَةُ الْاٰخِرَةِ وَذَهَبَ مُلْكُ الدُّنْيَا اِنْزِلُوا عَنْ خِيُولِكُمْ وَاْمْشُوا عَلٰى اَرْجُلِكُمْ» ای برادران این راه، راه آخرت است و باید به

نحو فقیری و مسکنت رفت و ملک و ریاست دنیا را باید کنار گذاشت اکنون از اسبها باید پیاده شوید و با پای پیاده به درگاه حق تعالی بروید تا شاید پروردگار شما بر شما رحم نماید و گشایشی در امر شما نصیب شما فرماید پس همگی از اسبهای خویش پیاده شدند و در آن روز آن محترمین معظّمین با پای پیاده هفت فرسخ راه رفتند تا آنکه پاهای ایشان مجروح شد و خون از آنها متقاطر گردید.

پس زائرین این قبر مطهر این مطلب را در نظر داشته باشند و هم بدانند که هر چه در این راه شخص برای خدا تواضع کند باعث رفعت مقام او خواهد شد ولهذا در آداب زیارت آن جناب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود پیاده حق تعالی بنویسد از برای او به عدد هر گامی هزار حسنه و محو می کند از او هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت هزار درجه پس چون به شطّ فرات برسی غسل کن و پاهای خود را برهنه کن و نعلهای خود را در دست خود بگیر و راه رو مانند راه رفتن بنده ذلیل.

پنجم آنکه اگر در بین راه زوآر پیاده دید که وامانده و خسته شده و از او استعانتی خواست تا ممکن شود در کار او اهتمام نموده و او را به منزل برساند و مبادا به او استخفاف و بی اعتنائی نماید شیخ کلینی به سند معتبر از ابوهارون روایت کرده که من حاضر بودم در خدمت حضرت صادق علیه السلام که فرمود به مردمی که در نزد او بودند چه شده از برای شما که استخفاف می نمائید به ما

پس برخاست از بین آنها مردی از اهل خراسان و گفت پناه می‌برم به خدا از آنکه ما استخفاف کنیم به شما یا به چیزی از امر شما فرمود آری تو خودت یکی از آن اشخاص هستی که سبک شمردی و خوار نمودی مرا آن مرد گفت پناه می‌برم به خدا که من خوار نموده باشم شما را فرمود وای بر تو آیا نشنیدی فلان کس را در وقتی که نزدیک به جحفه بودیم با تو گفت مرا بقدر یک میل سوار کن که به خدا سوگند من خسته شدم به خدا سوگند که تو سر بسوی او بلند نکردی و استخفاف به او نمودی و هر کسی که مؤمنی را خوار نماید ما را خوار نموده و حرمت خدا را ضایع کرده.

مؤلف گوید که ما در آداب زیارت در ادب نهم کلامی با روایتی از علی بن یقظین که مناسب است با این مقام ذکر کردیم به آنجا رجوع کن که در آن موعظه نیکویی است و این ادب که در اینجا ذکر شد اختصاص به زوار امام حسین علیه السلام ندارد لکن چون این مطلب در راه زیارت آن حضرت خیلی اتفاق می‌افتد لهذا ما در اینجا ذکر نمودیم.

ششم از ثقه جلیل‌القدر محمد بن مسلم مروی است که به حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد که چون ما به زیارت پدرت حسین بن علی علیه السلام می‌رویم آیا چنانست که در حجیم فرمود بلی گفت پس بر ما لازم است آنچه بر حاجیان لازمست فرمود که بر تو لازم است که نیکو مصاحبت بنمائی با هر که رفیق تو است و بر تو لازم است که کم سخن بگویی مگر سخن خیر و لازمست بر تو که یاد خدا بسیار بکنی و لازمست که جامه‌هایت پاکیزه باشد و

لازمست که غسل کنی پیش از آنکه داخل حایر شوی و لازمست که با خشوع و رقت باشی و نماز بسیار بکنی و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستی و باید که خود را نگاه داری از چیزهایی که سزاوار نیست تو را و باید که دیده خود را از حرام و شبهه بپوشانی و احسان به برادران مؤمن پریشان خود بکنی و اگر کسی را به بینی که خرجش تمام شده او را دستگیری کنی و خرجی خود را میان خود و ایشان برابر قسمت کنی و لازمست بر تو تقیه که قوام دین تو به آن است و پرهیزکاری از چیزهایی که خدا از آنها نهی کرده است و ترک کنی خصومت و بسیار قسم خوردن و مجادله و منازعه که در آن قسم باشد پس چون چنین کنی تمام می شود ثواب حج و عمره از برای تو و مستوجب می شوی از جانب آن کسی که طلب ثواب او کرده ای به مال خرج کردن و از اهل خود دور افتادن اینکه برگردی به آمرزش گناهان و رحمت و خوشنودی خدا.

هفتم در روایت ابو حمزه ثمالی از حضرت صادق علیه السلام در باب زیارت امام حسین علیه السلام منقول است که چون به نینوا رسیدی بارهای خود را در آنجا بگذار و روغن بر خود ممال و سرمه مکش و گوشت مخور مادامی که در آنجا مقیم می باشی.

هشتم غسل به آب فرات است که روایات در فضیلت آن بسیار است در حدیثی از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که غسل کند به آب فرات و زیارت کند قبر امام حسین علیه السلام را از گناهان خالی شود مانند روزی که

از مادر متولد شده باشد و اگرچه گناهان کبیره بوده باشد و روایت شده که خدمت آن حضرت عرض شد که بسا شود که ما به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برویم و دشوار باشد بر ما غسل زیارت به سبب سرما یا غیر آن فرمود که هر که غسل کند در فرات و زیارت کند حسین علیه السلام را نوشته شود برای او از فضیلت آنقدر که بشماره درنیاید .

و از بشیر دهقان روایتست که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام برود پس وضو بگیرد و غسل کند در فرات، بر ندارد قدمی و نگذارد قدمی مگر آنکه بنویسد حق تعالی برای او حجه و عمره و در بعضی روایاتست که غسل کن از فرات از موضعی که برابر قبر آن حضرت واقع شود و خوبست چنانکه از بعضی روایات استفاده می شود چون به فرات برسد صد مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** و صد مرتبه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل آن حضرت بفرستد.

نهم چون خواستی داخل حایر مقدس شوی از دری که در جانب مشرق واقع است داخل شو چنانکه حضرت صادق علیه السلام به یوسف کناسی فرمودند. دهم در روایت ابن قولویه است که حضرت صادق علیه السلام به مفضل بن عمر فرمود که ای مفضل چون برسی به قبر امام حسین علیه السلام بر در روضه بایست و این کلمات را بخوان که تورا به هر کلمه نصیبی از رحمت الهی خواهد بود:

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ،

سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ

سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا سلام بر تو ای وارث موسی هم سخن

اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

خدا سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا سلام بر تو ای وارث

مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيٍّ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ،

محمد حبیب خدا سلام بر تو ای وارث علی وصی رسول خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَحْسَنِ الرَّضِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

سلام بر تو ای وارث حسن (آن امام) پسندیده سلام بر تو ای وارث

فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ الصِّدِّيقُ، السَّلَامُ

فاطمه دختر رسول خدا سلام بر تو ای شهید راستگو سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَارُّ الْقَتِيُّ، السَّلَامُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ

بر تو ای وصی نیکو کردار پرهیزکار سلام بر آن ارواحی که فرود آمدند

بِفِنَائِكَ، وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

به آستانت و بار انداختند به درگاهت سلام بر فرشتگان خدا که در گرد تو آند گواهی دهم که

قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

براستی تو برپا داشتی نماز را و بدادی زکات را و دستور دادی به معروف (کار خوب) و نهی کردی از منکر (کار زشت)

وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و پرستش کردی خدا را از روی اخلاص تا آنگاه که مرگت فرا رسید سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش

* پس بسوی قبر روانه می شوی و به هر قدمی که برمی داری یا می گذاری
مثل ثواب کسی داری، که در خون خود دست و پا زده باشد در راه خدا پس

چون به نزدیک قبر برسی دست بر قبربمال و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ

پس می‌روی و متوجه نماز می‌شوی و به هر رکعت که می‌کنی نزد آن حضرت مثل ثواب کسی داری که حج و عمره هزار مرتبه کرده باشد و هزار بنده آزاد کرده باشد و هزار مرتبه از برای خدا به جهاد ایستاده باشد با پیغمبر مرسل الخیر.

یازدهم از ابوسعید مدائنی منقولست که گفت رفتم به خدمت حضرت صادق علیه السلام و پرسیدم که بروم به زیارت قبر حسین علیه السلام فرمود بلی برو به زیارت قبر حسین علیه السلام فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله نیکترین نیکان و پاکیزه‌ترین پاکیزگان و نیکوکارترین نیکوکاران و چون آن حضرت را زیارت کنی نزد سر آن حضرت هزار مرتبه تسبیح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را بخوان و نزد پاهای آن حضرت هزار مرتبه تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بخوان پس نزد آن حضرت دو رکعت نماز بکن و در آن دو رکعت سوره یس والرَّحْمَنِ بخوان پس چون چنین کنی ثواب عظیم از برای تو خواهد بود گفتم فدای تو شوم تسبیح علی و فاطمه علیهما السلام را به من بیاموز فرمود بلی ای ابوسعید تسبیح علی علیه السلام این است:

سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَنْفَعُ خَزَائِنُهُ، سُبْحَانَ

***** منزه است آنکه تمام نشود خزینه‌هایش منزه است

الَّذِي لَا تَبِيدُ مَعَالِمَهُ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَقْنِي مَا عِنْدَهُ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا

آنکه پایان نپذیرد نشانه‌هایش منزه است آنکه فانی نشود آنچه نزد او است منزه است آنکه

يُشْرِكُ أَحَدًا فِي حُكْمِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا اَضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ، سُبْحَانَ

شریک نگیرد هیچکس را در حکمش منزّه است آنکه از میان نرود فخر و عزتش منزّه است

الَّذِي لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ، * و تسبیح حضرت

آنکه دورانش پایان ندارد منزّه است آنکه معبودی جز او نیست * * * * *

فاطمه علیها السلام این است: سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ

* * * * * منزّه است صاحب جلالت والای بزرگ منزّه است صاحب عزت

الشَّامِخِ الْمُنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ

بلند و فراز منزّه است صاحب فرمانروائی گرانمایه دیرینه منزّه است

ذِي الْبَهْجَةِ وَالْجَمَالِ، سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ

صاحب شادمانی و زیبایی منزّه است آنکه جامه نور و وقار دربردارد منزّه است آنکه

يَرَى آثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا، وَوَقَعَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ. *

بیند جای پای مُور را در سنگ خارا و ردّ عبور پرندۀ را در هوا

دوازدهم آنکه نماز فریضه و نافله را نزد قبر امام حسین علیه السلام بجا آورد

زیرا که نماز نزد آن حضرت مقبولست سید بن طاوس گفته که جدّ و جهد کن

که از تو فوت نشود فریضه و نافله در حایر شریف همانا روایت شده که نماز

واجبی نزد آن حضرت برابر است با حجّ و نماز نافله با عمره.

مؤلف گوید که در روایت مفضلّ گذشت ثواب بسیاری برای نماز در حایر

شریف و در روایت معتبری از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که

زیارت کند آن حضرت را و دو رکعت نماز یا چهار رکعت نزد آن حضرت

بکند ثواب حجّ و عمره برای او نوشته شود و آنچه از اخبار ظاهر می شود آن

است که نماز زیارت و غیر آن را در عقب قبر آن حضرت و در بالا سر کردن

هر دو خوبست و اگر در بالا سر کند عقبتر بایستد که محاذی اصل قبر مقدّس نباشد .

و در روایت ابوحمزه ثمالی است از حضرت صادق علیه السلام که در نزد سرآن حضرت دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اوّل سوره حمد و سوره یس بخوان و در رکعت دوّم سوره حمد و سوره الرّحمن بخوان و اگر خواهی در پشت قبر نماز را بکن و در بالای سر بهتر است و چون فارغ شوی نماز کن آنچه خواهی و اما این دو رکعت نماز زیارت ناچار است نزد هر قبری که زیارت کنند و ابن قولویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که به شخصی فرمود ای فلان چه مانعست تو را که هرگاه حاجتی برای تو روّ دهد بروی نزد قبر حسین صلوات الله علیه و چهار رکعت نماز گذاری نزد او پس حاجت خود را بطلبی بدرستی که نماز فریضه نزد آن حضرت معادلست با حجّ و نماز نافله معادلست با عمره .

سیزدهم بدانکه عمده اعمال در روضه مطهّره امام حسین علیه السلام دعاء است زیرا که اجابت دعا در تحت آن قبّه سامیه یکی از چیزهائی است که در عوض شهادت، حقّ تعالی به آن حضرت لطف فرموده و زائر باید آن را غنیمت دانسته در تضرّع و انابه و توبه و عرض حاجات کوتاهی نکند و در طیّ زیارات آن حضرت ادعیه بسیاری با مضامین عالیّه وارد شده و اگر بنای اختصار نبود من چند دعائی در اینجا ذکر می کردم و بهتر آن است که از دعاهای صحیفه کامله آنچه تواند بخواند که بهترین دعاها است و ما در اواخر این باب بعد از زیارات

جامعه دعائی نقل کنیم که در همه حریمهای شریفه خوانده شود [و بدانکه در ملحقات این کتاب دعائی ذکر می شود که جامع ترین دعاها است که در روضات ائمه علیهم السلام خوانده می شود، از آن غفلت نکنی. «منه»] و به جهت آنکه این محل را خالی نگذاریم این دعای مختصر را که در ضمن یکی از زیارات نقل شده ذکر می کنیم و آن دعا این است که می گوئی در آن حرم شریف در حالی که دستها را بسوی آسمان بلند کرده باشی:

اللَّهُمَّ قَدْ تَرَى مَكَانِي، وَتَسْمَعُ كَلَامِي وَتَرَى مَقَامِي، وَتَضَرُّعِي

خدایا تو می بینی جای مرا و می شنوی سخنم را و بنگری توقفگاهم و زاریم

وَمَلَاذِي بِقَبْرِ حُجَّتِكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ، وَقَدْ عَلِمْتَ يَا سَيِّدِي حَوَائِجِي،

و پناه جستمن را به قبر حجتت و فرزند پیامبرت و بخوبی می دانی ای آقای من حاجتبهام را

وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ حَالِي، وَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ يَا بَابِنِ رَسُولِكَ وَحُجَّتِكَ

و پوشیده نیست بر تو حالم و اکنون رو کرده ام بسویت بوسیله فرزند رسول تو و حجتت

وَأَمِينِكَ، وَقَدْ أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا بِهِ إِلَيْكَ وَالِي رَسُولِكَ، فَاجْعَلْنِي بِهِ

و امانتدارت و آمده ام تقرب جوین بوسیله او بدرگاهت و بدرگاه رسولت پس قرارم ده

عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَعْظِنِي بِزِيَارَتِي

بوسیله او در پیش خود آبرومند در دنیا و آخرت و از نزدیکان و عطا کن به من بوسیله زیارتم

أَمَلِي، وَهَبْ لِي مُنَايَ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِشَهْوَتِي وَرَغْبَتِي، وَأَقْضِ لِي

آرزویم را و بخشش به من آرمانم را و تفضل کن بر من بدادن خواسته و اشتیاقم و برآور

حَوَائِجِي، وَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي، وَلَا تُخَيِّبْ دُعَائِي،

حاجتم را و بازم مگردان ناامید و قطع مکن امیدم را و نومید مکن دعایم را

وَعَرَّفْنِي الْأَجَابَةَ فِي جَمِيعِ مَا دَعَوْتُكَ، مِنْ أَمْرِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا

و نشانم ده اجابت دعایم را در تمام دعاهائی که کردم از کار دین و دنیا

وَالْآخِرَةَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ عِبَادِكَ الَّذِينَ صَرَفْتَ عَنْهُمْ الْبَلَايَا

و آخرت و قرارم ده از آن بندگان که گردانی از ایشان بلاها

وَالْأَمْرَاضَ، وَالْفِتْنََ وَالْأَعْرَاضَ، مِنَ الَّذِينَ تُحْيِيهِمْ فِي عَافِيَةٍ،

و بیماریها و آشوبها و عوارض (و پیش آمدها) را از آنهایی که زنده شان داری در تندرستی

وَتُمِيتُهُمْ فِي عَافِيَةٍ، وَتُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ فِي عَافِيَةٍ، وَتَجِيرُهُمْ مِنَ النَّارِ

و بمیرانیشان در سلامتی و وارد بهشتشان کنی در سلامتی و پناهشان دهی از آتش

فِي عَافِيَةٍ، وَوَفَّقَ لِي بِمَنْ مِنْكَ صَلَاحَ مَا أُوْمَلُّ فِي نَفْسِي، وَأَهْلِي

در سلامتی و فراهم کن برایم به منت خود صلاح آنچه را آرزو دارم درباره خودم و خاندانم

وَوَالِدِي وَإِخْوَانِي وَمَالِي، وَجَمِيعَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و فرزندانم و برادرانم و مال و دارائیم و همه آن نعمتهائی که از کرم به من داده ای مهربانترین مهربانان

*چهاردهم از جمله اعمال در حرم امام حسین علیه السلام صلوات فرستادن بر آن

حضرت است و روایت شده که می ایستی پشت سر نزد کتف شریف آن

حضرت و صلوات می فرستی بر پیغمبر صلی الله علیه

و آله و بر حسین صلوات الله علیه و سید بن طاوس در مصباح الزائرین صلوات را

برای آن حضرت در ضمن یکی از زیارات نقل کرده:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ، قَتِيلِ

محمد و آل محمد و درود فرست بر حسین مظلوم و شهید کشته

الْعَبْرَاتِ، وَأَسِيرِ الْكُرْبَاتِ، صَلَوةً نَامِيَةً زَاكِيَةً مُبَارَكَةً، يَصُعدُ أَوْلَاهَا

اشکهای دیدگان و اسیر گرفتاریها درودی فزاینده و پاکیزه و با برکت که بالا رود آغازش

وَلَا يَنْفَعُ آخِرَهَا، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ [أَحَدٍ مِنْ] أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ

و پایان نپذیرد انجامش بهترین درودی که فرستی بر یکی از فرزندان پیمبران

وَأُمْرُسَلِينَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الْإِمَامِ الشَّهِيدِ

و رسولان ای پروردگار جهانیان خدایا درود فرست بر امام شهید

الْمَقْتُولِ الْمَظْلُومِ الْمَخْذُولِ وَالسَّيِّدِ الْقَائِدِ، وَالْعَابِدِ الزَّاهِدِ، وَالْوَصِيِّ

کشته (راه حق) آن مظلوم بی کس و آن آقای پیشوا و آن عابد پارسا و وصی

الْخَلِيفَةِ، الْإِمَامِ الصِّدِّيقِ، الطَّهْرِ الطَّاهِرِ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ، [وَ] الرَّضِيِّ

جانشین و امام راستگو و پاک پاکیزه خوب و مبارک آن راضی

الْمَرْضِيِّ، وَالتَّقِيِّ الْهَادِي الْمُهْدِي، الزَّاهِدِ الدَّائِدِ، الْمُجَاهِدِ الْعَالِمِ

و پسندیده و با تقوای راهنمای راه یافته آن زاهد مدافع (دین) و مجاهد (راه حق) و عالم

إِمَامِ الْهُدَى، سِبْطِ الرَّسُولِ، وَقُرَّةِ عَيْنِ الْبُتُولِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

پیشوای هدایت نوه رسول (خدا) و نور دیده زهرای بتول درود خدا بر او و آتش

وَسَلَّمَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ، كَمَا عَمِلَ بِطَاعَتِكَ وَنَهَيْ

و سلام، خدایا درود فرست بر آقا و سرور من چنانچه عمل کرد به طاعت تو و نهی کرد

عَنْ مَعْصِيَتِكَ، وَبَالَغْ فِي رِضْوَانِكَ، وَأَقْبَلْ عَلَيَّ إِيْمَانِكَ، غَيْرَ قَابِلٍ

از نافرمانیت و سخت کوشید در راه خوشنودیت و رو آورد بر ایمان تو بدون آنکه درباره تو

فِيكَ عُدْرًا، سِرًّا وَعَلَانِيَةً، يَدْعُو الْعِبَادَ إِلَيْكَ، وَ يَدُلُّهُمْ عَلَيْكَ، وَقَامَ بَيْنَ

عذر و بهانه‌ای بپذیرد چه پنهانی و چه آشکارا می خواند بندگانت را بسوی تو و راهنمائیشان می کرد بر تو و بپاخواست

در

يَدَيْكَ يَهْدِمُ الْجُورَ بِالصَّوَابِ، وَيُحْيِي السُّنَّةَ بِالْكِتَابِ، فَعَاشَ فِي

پیش رویت، ویران کرد (کاخ ظلم و) جور را با درستی و زنده کرد طریقه و آئین (پیمبر) را به قرآن پس زندگی کرد در

رِضْوَانِكَ مَكْدُودًا، وَمَضَى عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَفِي أَوْلِيَائِكَ مَكْدُوحًا،

خوشنودی تو با سختی و درگذشت بر حال اطاعت تو و در زمره دوستانت با حال رنج و ناراحتی

وَقَضَى إِلَيْكَ مَفْقُوداً، لَمْ يَعْصِكَ فِي لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ، بَلْ جَاهَدَ فَيْكَ

و جان خود را به تو تسلیم کرد چون گمگشته، نافرمانیت نکرد نه در شب و نه در روز بلکه پیکار کرد درباره تو

الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرَ، اللَّهُمَّ فَاجِرْهُ خَيْرَ جَزَاءِ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ،

با منافقان و کفار خدایا پس او را پاداش ده به بهترین پاداش راستگویان نیک کردار

وَضَاعِفٌ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ، وَلِقَاتِلِهِ الْعِقَابُ، فَقَدْ قَاتَلَ كَرِيماً، وَقُتِلَ

و چند برابر کن بر آنها (یعنی منافقان و کفار) عذاب را و برای کشتندگانش کیفر را زیرا که آن حضرت بزرگوارانه جنگید

مَظْلُوماً، وَمَضَى مَرْحُوماً، يَقُولُ أَنَا ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ، وَابْنُ مَنْ

و مظلومانه کشته شد و درحالی که مورد مهر خدا بود درگذشت، در آن حالی که می فرمود منم فرزند رسول خدا محمد،

و فرزند

زَكَى وَعَبَدَ، فَقَتَلُوهُ بِالْعَمْدِ الْمُعْتَمَدِ، قَتَلُوهُ عَلَى الْإِيمَانِ، وَاطَاعُوا فِي

آنکس که زکات داد و خدا را پرستش کرد پس او را دانسته و از روی عمد کشتند، کشتندش بر حال ایمان و پیروی

کردند در

قَتَلَهُ الشَّيْطَانُ، وَلَمْ يُرَاقِبُوا فِيهِ الرَّحْمَنَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى سَيِّدِي

(این کارشان یعنی) کشتن آن حضرت از شیطان و ملاحظه نکردند درباره آن حضرت از خدای رحمان خدایا درود

وَمَوْلَايَ، صَلَوةً تَرْفَعُ بِهَا ذِكْرَهُ، وَتُظْهِرُ بِهَا أَمْرَهُ، وَتُعَجِّلُ بِهَا نَصْرَهُ،

فرست بر آقا و مولایم درودی که بالا بری بدان نامش را و چیره سازی بدان فرمانش را و شتاب کنی بدان در یاریش

وَإِخْصُصْهُ بِأَفْضَلِ قِسْمِ الْفَضَائِلِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ، وَزِدْهُ شَرَفاً فِي أَعْلَى

و مخصوصش گردان به بهترین اقسام فضائل در روز قیامت و بیفزای بر شرفش در بلندترین

عِلِّيَّيْنَ، وَبَلِّغْهُ أَعْلَى شَرَفِ الْمُكْرَمِينَ، وَارْفَعْهُ مِنْ شَرَفِ رَحْمَتِكَ فِي

درجات بهشت و برسان او را به برترین شرافت گرامی داشتگان و بالا بر او را از شرافت رحمت

شَرَفِ الْمُقْرَبِينَ فِي الرَّفِيعِ الْأَعْلَى، وَبَلِّغْهُ الْوَسِيلَةَ وَالْمَنْزِلَةَ الْجَلِيلَةَ،

به شرافت مقربان در بلندترین جایگاهها و او را برسان به مقام وسیله و منزلت شایسته

وَالْفُضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالْكَرَامَةَ الْجَزِيلَةَ اللَّهُمَّ فَاجِرْهُ عَنَّا أَفْضَلَ مَا

و فضل و فضیلت و بزرگواری بس شایان خدا، پس او را پاداش ده از ما بهترین پاداشی که

جَازَيْتَ إِمَامًا عَن رَعِيَّتِهِ، وَصَلَّ عَلَى سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ، كُلَّمَا ذُكِرَ

به یک پیشوا از رعیتش می‌دهی و درود فرست بر آقا و سرورم هر زمان که نامش برده شود

وَ كُلَّمَا لَمْ يُذَكَّرْ، يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ، أَذْخِلْنِي فِي حِزْبِكَ وَ زُمْرَتِكَ،

و هرگاه که برده نشود ای آقای من و ای مولای من مرا در حزب خود و زمره خود داخل گردان

وَ اسْتَوْهِبْنِي مِن رَّبِّكَ وَ رَبِّي، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا وَ قَدْرًا وَ مَنَزِلَةً

و بخواه بخششم را از پروردگار خودت و پروردگار من زیرا تو را نزد خدا آبرو و مقام و منزلتی

رَفِيعَةً، إِنْ سَأَلْتَ أُعْطِيتَ، وَإِنْ شَفَعْتَ شَفَعْتَ، اللَّهُ اللَّهُ فِي عَبْدِكَ

و الا است که اگر چیزی بخواهی به تو می‌دهد و اگر وساطت کنی پذیرفته می‌شود خدای را خدای را (در نظر بگیر)

وَ مَوْلَاكَ، لَا تُخَلِّني عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَ الْأَهْوَالِ لِسُوءِ عَمَلِي، وَ قَبِيحِ

درباره بنده و دوستت و امگذار مرا هنگام سختیها و هراسها در برابر کردار بد و رفتار زشت

فِعْلِي، وَ عَظِيمِ جُرْمِي، فَإِنَّكَ أَمَلِي وَ رَجَائِي وَ تَقْتِي وَ مُعْتَمَدِي،

و گناه بزرگم زیرا توئی آرزو و امید و تکیه‌گاه و محل اعتماد

وَ وَسَيْلَتِي إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكَ، لَمْ يَتَوَسَّلِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ بِوَسِيلَةٍ هِيَ

و وسیله‌ام به درگاه خدا پروردگار من و پروردگار تو کسی متوسل نشود به خدا بوسیله‌ای که

أَعْظَمُ حَقًّا، وَ لَا أَوْجِبُ حُرْمَةً، وَ لَا أَجَلُّ قَدْرًا عِنْدَهُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، لَا خَلْفَنِي

حقیقش بزرگتر و حرمتش لازمتر و مقامش شایسته‌تر باشد در پیش او از شما خاندان، خدا مرا از شما جدا نکند

اللَّهُ عَنكُمْ بِذُنُوبِي، وَ جَمَعَنِي وَ إِيَّاكُمْ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ الَّتِي أَعَدَّهَا لَكُمْ وَ لِأَوْلِيَائِكُمْ،

بخاطر گناهانم و گرد آورد مرا با شما در بهشت عدن که آماده کرده است آن را برای شما و دوستان شما که

إِنَّهُ خَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ أَبْلِغْ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ تَحِيَّةً كَثِيرَةً

براستی او بهترین آمرزندگان و مهربانترین مهربانان است خدایا برسان به آقای من و سرورم تحیتی بسیار

وَ سَلَامًا، وَ ارْزُدْ عَلَيْنَا مِنْهُ السَّلَامَ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ كُلَّمَا

و سلامی (زیاد) و بازگردان از او نیز بر ما سلامی که براستی تو بخشنده و بزرگواری و درود فرست بر او هر زمان

ذُكِرَ السَّلَامُ، وَ كُلَّمَا لَمْ يُذَكَّرْ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. *

که ذکر سلامی بشود و هرگاه نشود ای پروردگار جهانیان

مؤلف گوید که ما آن زیارت را در اعمال روز عاشورا نقل کردیم و در اواخر باب صلواتی بر حجج طاهره علیهم السلام نقل خواهیم کرد که صلوات مختصری بر امام حسین علیه السلام نیز در آن مندرج خواهد بود و خواندن آن را نیز ترک مکن .

* پانزدهم از جمله اعمال این روزه منوره دعای مظلومست بر ظالم یعنی سزاوار است از برای کسی که از ظلم ظالمی مضطر شده باشد این دعا را در آن حرم منور بخواند و دعا چنان است که شیخ الطائفه رحمه الله در مصباح متهجّد در اعمال جمعه ذکر نموده فرموده مستحب است دعای مظلوم را نزد قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام بخوانند و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَزُ بِدِينِكَ وَأَكْرُمُ بِهِدَايَتِكَ، وَقُلَانُ يُدْثِلُنِي بِشِرِّهِ،

خدایا من عزت یافته‌ام بواسطه دین تو و گرامی گشته‌ام به سبب راهنمایی تو فلان کس خواریم خواهد بواسطه شر خود

وَيُهَيِّنُنِي بِأَذْيَتِهِ، وَيُعِينُنِي بِوَلَاءِ أَوْلِيَائِكَ، وَيَبْهَتُنِي بِدَعْوَاهُ، وَقَدْ

و پستیم خواهد بوسیله آزار خود و بر من عیب گیرد بخاطر دوستی دوستانت و مبهوتم سازد با ادعای خود و من

جِئْتُ إِلَى مَوْضِعِ الدُّعَاءِ، وَضَمَانِكَ الْإِجَابَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

آمده‌ام بجای دعا کردن و محل ضمانت کردنت از اجابت خدایا پس درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِدْنِي عَلَيْهِ السَّاعَةَ السَّاعَةَ. *

محمد و آل محمد و پیروز گردان مرا بر او همین ساعت همین ساعت

پس خود را بر قبر بیندازد و بگوید:

مَوْلَايَ إِمَامِي مَظْلُومٌ، اسْتَعْدَى عَلَيَّ ظَالِمِهِ النَّصْرَ النَّصْرَ

ای سرور من و ای پیشوای من ستم‌یده‌ای یاری خواهد بر ستمکارش یاری (خواهم) یاری

آنقدر مکرر کند النَّصْرَ را تا نفس منقطع شود.

* شانزدهم از جمله اعمال در آن حرم دعائی است که ابن فهد رحمه الله در
عُدَّة الدَّاعِي از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند هر که از
برای او حاجتی باشد بسوی خداوند عزوجل پس بایستد در نزد سر امام
حسین علیه السلام وبگوید:

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ تَشْهَدُ مَقَامِي وَتَسْمَعُ كَلَامِي، وَأَنَّكَ حَيٌّ

ای ابا عبدالله گواهی دهم که براستی تو جای مرا می‌نگری و سخنم را می‌شنوی و تو زنده‌ای

عِنْدَ رَبِّكَ تُرْزَقُ، فَاسْأَلُ رَبَّكَ وَرَبِّي فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي.

در پیش پروردگارت و روزی می‌خوری پس بخواه از پروردگار خودت و من، برآوردن حاجاتم را

بدرستی که حاجت او برآورده می‌شود انشاء الله تعالی .

* هفدهم از جمله اعمال دو رکعت نماز است در آن حرم مطهر نزد سر مقدس با
سوره الرحمن و سوره تبارک سید بن طاوس روایت کرده که هر که این نماز را
بخواند خداوند منان می‌نویسد برای او بیست و پنج حبه مقبوله مبروره که با
رسول خدا صلی الله علیه وآله به عمل آورده باشد.

* هیجدهم از جمله اعمال در آن قبه سامیه استخاره است و کیفیت آن چنانست
که علامه مجلسی رحمه الله نقل نموده و اصل روایت از کتاب قرب الأَسْنَاد
حمیری است فرموده به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که هر بنده‌ای که در امری از امور صد مرتبه طلب خیر از خداوند عالمیان بکند
که بایستد نزد سر حضرت امام حسین علیه السلام «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

وَسُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید و خدا را به بزرگواری یاد کند و حمد و ثنای خدا بگوید چنانچه سزاوار او است و صد مرتبه طلب خیر از خدا بکند البته حق تعالی آنچه خیر او است در آن امر به او می‌نماید و پیش او می‌آورد و موافق روایات دیگر طلب خیر به این نحو می‌کند که صد مرتبه می‌گوید اَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةِ نَوْزِدِهِمْ شَيْخِ اجَلِ كَامِلِ ابِوَالْقَاسِمِ جَعْفَرِ بْنِ قَوْلُوبِهِ قَمِي رَحِمَهُ اللَّهُ روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که فرمود هرگاه زیارت کردید حضرت ابو عبد الله علیه السلام را ملازمت کنید سکوت را مگر از خیر و بدرستی که ملائکه شب و روز از حفظه حاضر می‌شوند نزد ملائکه که در حائرنند و مصافحه می‌کنند با ایشان ملائکه که در حائرنند جواب نمی‌دهند ایشان را از شدت گریستن و پیوسته مشغول گریه و زاری هستند مگر در وقت زوال شمس و وقت طلوع فجر که در این دو وقت ساکت می‌شوند پس ملائکه حفظه منتظر می‌شوند تا ظهر شود و تا فجر ظاهر شود که در این دو وقت با ایشان تکلم می‌نمایند و ایشان سؤال می‌نمایند از چیزهایی از امر آسمان و اما مابین این دو وقت ملائکه حائر نطق نمی‌کنند و از دعا و گریستن آرام نمی‌گیرند و نیز از آن حضرت روایت کرده که حق تعالی چهار هزار ملک را موکل کرده است به قبر امام حسین علیه السلام ژولیده مو و گردآلود به هیأت اصحاب مصیبت می‌گیرند بر آن حضرت از طلوع صبح تا ظهر و چون ظهر می‌شود چهار هزار ملک فرود می‌آیند و آن چهار هزار ملک بالا می‌روند پس پیوسته گریه می‌کنند تا طلوع صبح و احادیث به این مضمون بسیار است و از این روایات

ظاهر می‌شود که گریستن بر آن حضرت در آن حرم مطهر محبوب بلکه شایسته است که شمرده شود از اعمال آن بقعه مبارکه که بیت‌الاحزان شیعیان است گریستن و مرثیه خواندن برای آن حضرت و از حدیثی که مروی از صفوان از حضرت صادق علیه السلام است مستفاد می‌شود که تضرع ملائکه در درگاه خدا در لعنت کردن بر قاتلان امیرالمؤمنین و بر قاتلان امام حسین علیهما السلام و نوحه کردن جنیان بر ایشان و گریه کردن ملائکه که در دور ضریح امام حسین علیه السلام اند و بسیاری اندوه ایشان به نحوی است که اگر کسی آنها را بشنود خوردن و آشامیدن و خواب کردن بر او گوارا نخواهد بود و در حدیث عبدالله بن حماد بصری است که حضرت صادق علیه السلام به او فرمود به من خبر رسیده که گروهی می‌آیند نزد قبر حسین علیه السلام از اطراف کوفه و مردمانی از غیر ایشان و زنانی که برای آن حضرت نوحه‌گری می‌کنند و این در نیمه ماه شعبان است پس بعضی قرائت می‌کنند و بعضی قصه می‌خوانند یعنی کیفیت شهادت و سائر مصائب را ذکر می‌نمایند و پاره‌ای نوحه‌گری می‌کنند و برخی مرثیه می‌خوانند پس گفتم آری فدایت شوم من مشاهده کرده‌ام پاره‌ای از آنچه بیان فرمودی پس فرمود حمد خداوندی را که قرارداد در میان مردم کسانی را که به نزد ما می‌آیند و ما را مدح می‌کنند و مرثیه می‌خوانند برای ما و قرارداد دشمن ما را کسانی که طعنه می‌زنند بر ایشان از خویشان ما یا از غیر ایشان و تهدید می‌نمایند ایشان را و زشت می‌شمارند کارهای ایشان را و در صدر همین حدیث است که هر که به زیارت او می‌رود بر او می‌گرید و هر که

به زیارت او نمی‌رود بر مصیبت او اندوهناک می‌باشد و دلش می‌سوزد هر که او را به یاد می‌آورد و ترحّم می‌کند هر که نظر می‌کند بسوی قبر پسرش در پایین پای او افتاده در بیابانی که خویشی و دوستی نزد او نیست و حقّ او را غصب کردند و جمع شدند جمعی از کافران و مرتدّان از دین و یآوری یکدیگر کردند تا او را کشتند و در بیابان دفن نکرده انداختند و منع کردند از او آب فراتی را که سگان می‌خوردند و ضایع کردند حقّ رسول خداصلی الله علیه وآله را و وصیّتی را که در حقّ او و اهل بیتش کرده بود و نیز ابن قولویه روایت کرده از حارث أَعْوَر که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود پدر و مادرم فدای حسین شهید در پشت کوفه به خدا قسم گویا می‌بینم جانوران دشتی را از هر نوعی که گردنها را کشیده‌اند بر قبر او و بر او گریه می‌کنند شب را تا صبح «فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَأَيَّاكُمْ وَالْجَفَاءَ» و اخبار در این باب بسیار است بیستم سیّد بن طاوس رحمه الله فرموده که مستحب است آدمی را که هر وقت از زیارت آن حضرت فارغ شود و خواهد که از روضه مقدسه بیرون رود خود را به ضریح بحسبانند و ببوسد و بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ،

سلام بر تو ای مولای من سلام بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ الظَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای بنده زبده خدا سلام بر تو ای کشته تشنگی سلام بر تو ای

غَرِيبَ الْغُرَبَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامٌ مُودَعٌ لَا سَمٌّ وَلَا قَالٍ، فَإِنْ أَمْضَ فَلَا عَنُ

غریب‌تر از هر غریب سلام بر تو سلام خداحفاظی کننده‌ای که نه خسته شده و نه خشمگین پس اگر بروم نه از روی

مَلَالَةٌ، وَإِنْ أَقِمَ فَلَا عَن سُوِّ ظَنِّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ

ملال است و اگر بمانم نه از روی بدگمانی به وعده‌ای است که خدا به بردباران داده قرارش ندهد خدا آخرین بار

مِنِّي لِزِيَارَتِكَ، وَرَزَقَنِي اللَّهُ الْعُودَ إِلَى مَشْهَدِكَ، وَالْمَقَامَ بِفِنَائِكَ، وَالْقِيَامَ فِي

زیارت من از تو و روزیم کند خدا بازگشت بسوی زیارتگاه تو را و ماندن در آستانت و ایستادن در

حَرَمِكَ، وَإِيَّاهُ أَسْأَلُ أَنْ يُسْعِدَنِي بِكُمْ، وَيَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

حرمت را و از خدا خواهم که مرا بوسیله شما سعادتمند کند و با شما قرارم دهد در دنیا و آخرت

مقصد سیم

در کیفیت زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام

در کیفیت زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام و زیارت حضرت عباس

قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ است بدان که زیارات منقوله برای جناب امام حسین علیه

السلام بر دو قسم است یکی مطلقه که مُقَيَّدٌ به وقتی نیست و دیگری

مَخْصُوصَةٌ که عَكْسِ آنست و بیاید ذکر این زیارات در ضمن سه مطلب

مطلب اوّل

در زیارات مُطْلَقَةٌ حضرت امام حسین علیه السلام است و آنها بسیار است و مادر اینجا به

ذکر چند زیارت از آنها اکتفا می‌کنیم.

زیارت اوّل

شیخ کلینی در کافی به سند خود روایت کرده از حسین بن ثویبر که گفت من و یونس بن ظبیان و مفضل بن عمرو ابوسلمه سراج نشسته بودیم نزد حضرت ابی عبدالله جعفر بن محمد علیهما السلام و سخنگو در میان ما یونس بود که سنّش از همه ما بزرگتر بود پس به حضرت عرض کرد فدایت شوم من حاضر می شوم در مجلس این قوم یعنی اولاد عباس پس چه بگویم فرمود هرگاه حاضر شدی و ما را به یاد آوردی پس بگو «اللَّهُمَّ ارِنَا الرَّخَاءَ وَالسَّرُورَ» که آنچه می خواهی از ثواب یا رجوع در رجعت خواهی دریافت گفت گفتم فدایت شوم من بسیار شود که امام حسین علیه السلام را یاد کنم پس در آن وقت چه بگویم فرمود که سه مرتبه بگو صَلَّی اللَّهُ عَلَیْكَ [یا] اَبَا عَبْدِ اللَّهِ که سلام می رسد به آن حضرت از نزدیک و دور پس حضرت فرمود زمانی که حضرت ابو عبدالله الحسین علیه السلام شهید شد گریه کرد بر آن حضرت آسمانهای هفتگانه و هفت زمین و آنچه در آنها و آنچه در مابین آنها است و هر که در بهشت و در آتش است از مخلوق پروردگار ما و آنچه دیده می شود و آنچه دیده نمی شود همه گریستند بر ابی عبدالله الحسین علیه السلام مگر سه چیز که گریه نکرد بر آن حضرت گفتم فدایت شوم آن سه چیز کدامست، فرمود: نگریست بر آن حضرت بصره و نه دمشق و نه آل عثمان گفتم فدای تو شوم می خواهم به زیارت آن حضرت بروم پس چه بگویم و چه بکنم فرمود چون به زیارت آن حضرت روی پس غسل کن در کنار فرات پس بیوش جامه های پاک خود را

وَالنَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبَّنَا، وَمَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَابْنُ

و دوزخ از مخلوقات پروردگار ما و آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود گواهی دهم که تو حجت خدا و فرزند

حُجَّتِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَتِيلُ اللَّهِ وَابْنُ قَتِيلِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ ثَارُ اللَّهِ وَابْنُ

حجت خدائی و گواهی دهم که تو کشته خدا و فرزند کشته خدائی و گواهی دهم که توئی کسی که خداخونخواهیت

ثَارِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَتَرُّ اللَّهِ الْمُؤْتَوْرُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَشْهَدُ

کند و فرزند چنین خونی و گواهی دهم که توئی کشته‌ای که انتقام کشتگان را نگرانی در آسمانها و زمین و گواهی

أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ وَنَصَحْتَ وَوَفَيْتَ وَأَوْفَيْتَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ،

دهم که تو برساندی (آنچه برعهده داشتی) و خیرخواهی کردی و وفاداری کردی و حق را بطور کامل ادا کردی و در راه

خدا جهاد کردی

وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَمُسْتَشْهِداً، وَشَاهِداً وَمَشْهُوداً، أَنَا

و بدنبال آن هدفی که داشتی از جهان درگذشتی بصورت شهادت و شهادت‌جویی و گواه و مورد گواهی (حق) من

عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلَاكَ وَفِي طَاعَتِكَ، وَالْوَافِدُ إِلَيْكَ، أَلْتَمِسُ كَمَالَ الْمَنْزِلَةِ

بنده خدا و دوست تو و در تحت اطاعت تو و وارد بر توأم که جویایم مقام کاملی را

عِنْدَ اللَّهِ، وَتَبَاتَ الْقَدَمِ فِي الْهَجْرَةِ إِلَيْكَ، وَالسَّبِيلِ الَّذِي لَا يَخْتَلِجُ

در پیش خدا و پایداری در هجرت کردن بدرگاهت و (ورود بدان) راهی که در پیش تو اضطراب (و دغدغه) ندارد

دَوْنَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كِفَالَتِكَ الَّتِي أَمَرْتَ بِهَا، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَاءَ بِكُمْ،

از وارد شدن در تحت سرپرستی تو که بدان مأمور گشته‌ای، هر که آهنگ خدا کند از شما آغاز کند، بوسیله

بِكُمْ بَيِّنُ اللَّهِ الْكَذِبَ، وَبِكُمْ يُبَاعِدُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ، وَبِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ،

شما خدا آشکار کند دروغ را و بخاطر شما دور کند خداوند روزگار دشوار و گزنده را و بوسیله شما خداوند (در خیر)

وَبِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ، وَبِكُمْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ، وَبِكُمْ يَفُكُ الذُّلَّ مِنَ

بگشاید و به شما ببندد و بوسیله شما محو کند آنچه را خواهد و (یا) ثبت کند و به شما باز کند (طوق) خواری را از

رِقَابِنَا، وَبِكُمْ يُدْرِكُ اللَّهُ تِرَةَ كُلِّ مُؤْمِنٍ يُطْلَبُ بِهَا، وَبِكُمْ تُنْبِتُ

گردنهای ما و به شما بگیرد خدا انتقام خون هر مؤمنی را که مورد مطالبه است و به شما پرویزاند

الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا، وَبِكُمْ تُخْرِجُ الْأَرْضُ ثِمَارَهَا، وَبِكُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءُ

زمین بر خود درختان را و به شما بیرون آرد زمین میوه‌های خود را و به شما ببارد آسمان

قَطْرَهَا وَرَزَقَهَا، وَبِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكَرْبَ، وَبِكُمْ يُنْزِلُ اللَّهُ الْغَيْثَ،

قطرات بارانش و روزیش را و به شما برطرف گرداند خدا گرفتاری را و به شما فرو بارد خدا باران را

وَ بِكُمْ تُسَبِّحُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ، وَتَسْتَقِرُّ جِبَالُهَا عَنْ

و بوسیله شما تسبیح گوید زمینی که بدنهای مطهر شما را بر خود دارد و مستقر گردد کوهپایه‌ها

مَرَاسِيهَا، إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ، وَتَصْدُرُ مِنْ

بوسیله لنگرهای آن، و خواست پروردگار در اندازه‌گیری کارهایش بسوی شما فرود آید و

بُيُوتِكُمْ، وَالصَّادِرُ عَمَّا فَضَّلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ، لُعْنَتُ أُمَّةٍ قَتَلْتُمْ،

از خانه‌های شما صادر گردد و نیز آنچه صدور باید از تفصیل احکام بندگان، لعنت بر آن امتی که شما را کشتند

وَأُمَّةٌ خَالَفْتُمْ وَأُمَّةٌ جَحَدَتْ وَلَا يَتَّكُمُ، وَأُمَّةٌ ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ، وَأُمَّةٌ

و آن مردمی که با شما مخالفت کردند و آن جمعیتی که منکر شدند ولایت شما را و آن امتی که از دشمن شما

پشتیبانی کردند و آن ملتی

شَهِدَتْ وَلَمْ تُسْتَشْهَدْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَأْوِيَهُمْ، وَبِئْسَ

که حاضر بودند ولی تن به شهادت ندادند ستایش خدائی را که دوزخ را جایگاهشان قرار داد و بد جائی است

وَرْدُ الْوَارِدِينَ، وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ پس

برای واردین و چه بد جایگاهی است ورودگاهشان و ستایش برای خدا پروردگار جهانیان * * *

بگو سه مرتبه: وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ پس سه مرتبه بگو: أَنَا إِلَى اللَّهِ

* * * * * و درود خدا بر تو ای ابا عبدالله * * * * * من بسوی خداوند

مِمَّنْ خَالَفَكَ بَرِيءٌ. پس برمی‌خیزی می‌روی نزد قبر فرزند آن حضرت علی بن

از هر کس که با تو مخالفت کرد بی‌زارم * * * * *

الحسین علیه السلام که در نزد پای پدرش مدفون است پس می‌گوئی: أَسْلَامٌ

* * * * * سلام بر تو ای فرزند

عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ

رسول خدا سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان سلام بر تو ای فرزند

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ خَدِيجَةَ وَفَاطِمَةَ صَلَّى اللَّهُ

حسن و حسین سلام بر تو ای فرزند خدیجه و فاطمه درود خدا

عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ مِیْ گویی این را

بر تو درود خدا بر تو درود خدا بر تو لعنت خدا بر کسی که تو را کشت * * * * *

سه مرتبه و سه مرتبه اِنَّا اِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ، پس برمی خیزی و اشاره می کنی

* * * * * ما بسوی خدا از آنها بیزاریم * * * * *

به دست خود به سوی شهداء رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ و می گویی: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ،

* * * * * سلام بر شما * * * * *

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، فُزْتُمْ وَاللَّهِ، فُزْتُمْ وَاللَّهِ، فُزْتُمْ وَاللَّهِ، فَلَيْتَ

سلام بر شما سلام بر شما رستگار شدید به خدا، رستگار شدید به خدا، و ای کاش من هم

اِنِّي مَعَكُمْ فَافُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا.

با شما بودم و به رستگاری بزرگی نائل می گشتم

پس برمی گردی و می گردانی قبر ابو عبد الله عليه السلام را مقابل خود

یعنی پشت قبر مطهر می ایستی و شش رکعت نماز می گذاری و چون چنین کردی زیارتت

تمام شد پس اگر خواستی برگردی برگرد مؤلف گوید که شیخ طوسی در تهذیب و

صدوق در کتاب مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَةُ نِيزَ اِيْنِ زِيَارَتِ رَا نَقْلَ فَرْمُوْدَهْ اَنْدَ و شیخ

صدوق فرموده که من در کتاب مزار و مقتل انواعی از زیارات نقل کردم و

برای این کتاب این زیارت را اختیار کردم زیرا که آن به اعتبار روایت اصحّ

زیارتست نزد من و همین زیارت شریف ما را کافی و وافیست انتهى.

زیارت دویم

شیخ کلینی روایت کرده از امام علی نقی علیه السلام که فرمود می گوئی نزد حسین علیه السلام:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَشَاهِدَهُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای حجت خدا در زمین و گواه خدا

عَلَى خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيٍّ

بر خلق سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند علی

الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ

مرتضی سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا گواهی دهم که تو برستی برپاداشتی

الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

نماز را و بدادی زکات را و امر کردی به معروف و نهی کردی از منکر (کار زشت)

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيًّا وَمَيِّتًا.

و جهاد کردی در راه خدا تا مرگت فرا رسید پس درود خدا بر تو در زندگی و مرگت

پس گونه راست رو را بر قبر بگذار و بگو: أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى بَيْتَةِ مَنْ

***** گواهی دهم که برستی تو (در کار خود) برهانی روشن از پروردگارت

رَبِّكَ، جِئْتُ مُقِرًّا بِالذُّنُوبِ، لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ. پس یاد کن

داشتی، من آمده‌ام به درگاهت با اقرار به گناهانم تا وساطت کنی برایم در نزد پروردگارت ای پسر رسول خدا *****

أُمَّهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ رَا بِه نَامِهَائِ اِيشَانِ يَكْ يَكْ وَ بَكُو أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حُجَجُ اللَّهِ

***** گواهی دهم که شما ناید حجتهای خدا

پس بگو: أَكْتُبُ لِي عِنْدَكَ مِيثَاقًا وَعَهْدًا، أَنِّي أَتَيْتُكَ مُجَدِّدًا الْمِيثَاقَ، فَاشْهَدْ لِي

ثبت کن برایم در پیش خود پیمان و عهدی که برستی من آمده‌ام برای تجدید پیمان پس گواهی ده برای من

عِنْدَ رَبِّكَ أَنَّكَ أَنْتَ الشَّاهِدُ.

در نزد پروردگارت که برستی توئی گواه

زیارت سیم

زیارت مختصری است که سید بن طاوس در مزار نقل کرده و در آن فضل بسیار است فرموده به حذف اسناد از جابر جعفری از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود به جابر چه مقدار مسافت است بین شما و بین قبر حسین علیه السلام گفت گفتم یک روز و بعض روز فرمود زیارت می کنی آن حضرت را گفتم بلی فرمود آیا خوشنود نکنم تو را آیا بشارت ندهم تو را به ثواب ایشان گفتم بلی فدایت شوم فرمود بدرستی که مردی از شما که مهیا می شود برای زیارت او مژده دهند اهل آسمانها یکدیگر را و چون بیرون رود از منزلش سواره یا پیاده موکل گرداند حق تعالی به او هزار ملک از ملائکه که صلوات بفرستند بر او تا برسد به قبر امام حسین علیه السلام پس حضرت صادق علیه السلام فرمود چون آمدی بسوی قبر حسین علیه السلام به ایست بر در روضه و بگو این کلمات را که از برای تو خواهد بود مقابل هر کلمه از آن بهره ای از رحمت الهی گفت گفتم کدامست آن کلمات فدایت شوم فرمود.

می گوئی:

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةَ، اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

*** سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا سلام بر تو ای

وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ،

وارث نوح پیامبر خدا سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا

اَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللّٰهِ، اَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

سلام بر تو ای وارث موسی هم سخن خدا سلام بر تو ای وارث

عِيسَى رُوْحِ اللّٰهِ، اَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رُسُلِ اللّٰهِ،

عیسی روح خدا سلام بر تو ای وارث محمد آقای رسولان خدا

اَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيٍّ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَخَيْرِ الْوَصِيِّيْنَ،

سلام بر تو ای وارث علی امیرمؤمنان و بهترین اوصیاء

اَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الرَّضِيِّ، الطَّاهِرِ الرَّاضِيِ الْمَرْضِيِّ،

سلام بر تو ای وارث حضرت حسن آن امام پسندیده پاک و راضی (به مقدرات خدا) و مورد پسند حق

اَسْلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الْاَكْبَرُ، اَسْلَامٌ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای بزرگترین راستگو سلام بر تو

أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْاَبْرُ التَّقِيُّ، اَسْلَامٌ عَلَيْكَ وَعَلَى الْاَرْوَاحِ الْاَتِيِّ

ای وصی نیکوکار با تقوی سلام بر تو و بر ارواحی که

حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، وَاَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ، اَسْلَامٌ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ

فرود آمدند به آستانت و بار انداختند بدرگاهت سلام بر تو و بر فرشتگانی

الْحَافِيْنَ بِكَ، اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَاَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَاَمَرْتَ

که گرداگرد تو آند گواهی دهم که تو بر راستی برپاداشتی نماز را و بدادی زکات را و امر

بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ الْمُلْحِدِيْنَ، وَعَبَدْتَ اللّٰهَ

به معروف (کار نیک) کردی و نهی کردی از منکر (کار زشت) و با بی‌دینان ستیزه‌جو پیکار کردی و خدا را پرستش

حَتَّىٰ اَتَيْكَ الْيَقِيْنَ، اَسْلَامٌ عَلَيْكَ وَرَحْمَةٌ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ. *

کردی تا اینکه رحلت فرا رسید سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش

پس می‌روی بسوی قبر مطهر و از برای تو خواهد بود به هر قدمی که برداری و

بگذاری ثواب کسی که در راه خدا کشته شده و در خون خود می‌غلطد پس

چون رسیدی نزد قبر و ایستادی دست خود را بر قبر بمال و بگو «اَسْلَامٌ عَلَيْكَ

یا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» پس برو بسوی نماز و از برای تو است به هر رکعتی که
بجا آوری نزد آن حضرت مثل ثواب کسی که

هزار حج و هزار عمره بجا آورده باشد و هزار بنده آزاد کرده باشد و مثل کسی که هزار
موقف با پیغمبر مرسل ایستاده باشد الخبر و گذشت این روایت به اختلاف
کمی در آداب زیارت امام حسین علیه السلام به روایت مُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ.

زیارت چهارم

از معاویه بن عمار منقول است که به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض
کرد که چون به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بروم چه چیز بگویم
فرمود که بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، رَحِمَكَ اللَّهُ

سلام بر تو ای ابا عبدالله درود خدا بر تو باد ای ابا عبدالله، خدا مورد مهر خویش قرار دهد

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَعْنُ اللَّهِ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعْنُ اللَّهِ مَنْ شَرِكَ فِي دَمِكَ، وَلَعْنُ

ای ابا عبدالله، خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و کسی را که در خون تو شرکت جست و خدا لعنت

اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ بَرِيءٌ

کند کسی که این جریان به اطلاع او رسید و بدان خوشنود بود من بسوی خدا از این جریان بیزاری جویم

زیارت پنجم

بسندمعتبر منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام فرمود به ابراهیم بن ابی البلاد که چون به زیارت امام حسین علیه السلام می روی چه می گوئی گفت
می گویم:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ

* سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای فرزند

رَسُولِ اللّٰهِ، اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ، وَاَتَيْتَ الزَّكٰوةَ، وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

رسول خدا گواهی دهم که تو بر راستی بپاداشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی به معروف (کار نیک) و نهی کردی

وَتَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَدَعَوْتَ اِلَى سَبِيْلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ،

از منکر (کار زشت) و دعوت کردی به راه پروردگارت با فرزاندگی و پند دادن نیکو

وَأَشْهَدُ اَنَّ اَلَّذِيْنَ سَفَكُوْا دَمَكَ، وَاَسْتَحْلَوْا حُرْمَتَكَ مَلْعُوْنُوْنَ مُعْتَدِبُوْنَ عَلٰی

و گواهی دهم که حقا آنانکه ریختند خونت را و حرمت تو را از بین بردند ملعونند (و از رحمت حق دورند) و معذب

لِسَانَ دَاوُدَ وَعِیْسٰی بْنِ مَرْیَمَ، ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوْا يَعْتَدُوْنَ

هستند بر زبان داود و عیسی بن مریم و این بخاطر آن گناهی است که کردند و مردمی تجاوزکار بودند

حضرت فرمود بلی چنین است.

زیارت ششم

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مروی است که به عمّار ساباطی فرمود

که چون برسی به قبر امام حسین علیه السلام بگو:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ

سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای آقایان جوانان اهل بهشت و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ، [السَّلَامُ عَلَيْكَ] يَا مَنْ رِضَاهُ مِنْ رِضَى الرَّحْمَنِ، وَسَخَطُهُ مِنْ سَخَطِ

و برکاتش سلام بر تو ای که خوشنودیش از خوشنودی خدای رحمان و خشمش نیز از خشم خدای

الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، وَحُجَّةَ اللَّهِ، وَبَابَ اللَّهِ، وَالِدَلِيلَ

رحمان سرچشمه گیر سلام بر تو ای امانتدار و حجت خدا و درگاه خدا و راهنمای

عَلَى اللَّهِ، وَالِدَّاعِيَ إِلَى اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ حَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ، وَحَرَمْتَ

بر خدا و خواننده بسوی خدای گواهی دهم که تو براستی حلال کردی حلال خدا را و حرام کردی

حَرَامَ اللَّهِ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ

حرام خدا را و بپاداشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی به معروف (کار نیک) و نهی کردی

عَنِ الْمُنْكَرِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ

از منکر (کار زشت) و دعوت کردی به راه پروردگارت با فرزاندگی و پند دادن نیکو و گواهی دهم که تو

وَمَنْ قَتَلَ مَعَكَ شُهَدَاءً، أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزُقُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ قَاتِلَكَ فِي النَّارِ،

و هر که با تو کشته شد شهیدانی هستید زنده که در نزد پروردگارتان روزی می خورید و گواهی دهم که براستی کشته تو در

آتش است

أَدِينُ اللَّهُ بِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ قَتَلَكَ، وَمِمَّنْ قَاتَلَكَ وَشَايَعَ عَلَيْكَ، وَمِمَّنْ جَمَعَ عَلَيْكَ،

پیروی کنم از خدا به بیزاری جستن از کسی که تو را کشت و جنگ کرد با تو و بر علیه تو از دشمنان پیروی کرد و از

کسانی که دشمن

وَمِمَّنْ سَمِعَ صَوْتِكَ وَلَمْ يُعْنِكَ، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً

برایت جمع کرد و از آنکس که آوازت شنید ولی یاریت نکرد ای کاش من باشم با بودم و به رستگاری بزرگی نائل می شدم

مؤلف گوید که این سه زیارت از مزار ابن قولویه منقولست.

زیارت هفتم

شیخ در مصباح روایت کرده از صفوان جمّال که گفت رخصت طلبیدم از حضرت صادق علیه السلام برای زیارت مولایمان حسین علیه السلام و استدعا کردم که ذکر کند برای من دستورالعملی در زیارت آن حضرت که به آن نحو رفتار بکنم

فرمود ای صفوان روزه بدار سه روز پیش از حرکت خود و غسل کن در روز سیم پس جمع کن اهل و عیال خود را به نزد خود و بگو «اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَوْدِعُكَ الدُّعَاءَ» پس دعائی تعلیم او فرموده که بگوید در وقتی که به فرات برسد آنگاه فرموده پس غسل کن از فرات بدرستی که پدرم خبر داد مرا از پدرانش علیهم السلام که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود همانا این پسر من حسین کشته خواهد شد بعد از من در کنار فرات پس هر که زیارت کند او را و غسل کند از فرات بریزد از او گناهان او مانند روزی که مادر او را متولد کرده پس هرگاه غسل کنی در اثناء غسل بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُورًا وَطَهْرًا وَحِرْزًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقِّمْ

به نام خدا و به یاری خدا خدایا قرارش ده روشنی و پاک کننده و نگهدارنده و شفای از هر دردی و بیماری و

وَأَفَّةً وَعَافَةً، اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَأَشْرَحْ بِهِ صَدْرِي، وَسَهِّلْ لِي بِهِ أَمْرِي.

آفتی و آسبی خدایا پاک کن بدان دلم را و بگشا بدان سینه‌ام را و آسان گردان بدان کارم را

و چون از غسل فارغ شوی بیوش دو جامه طاهر و دو رکعت نماز کن در بیرون مشرعه که آن همان مکانی است که حق تعالی در شأن او فرموده و در زمین قطعه‌ها است نزدیک به یکدیگر و بوستانها است از انگورها و کشتزار

است و خرماستانهاست دو تا از یک بیخ رسته و غیر دو تا از یک بیخ رسته آب خورده می‌شوند به یک آب و زیادتی می‌دهیم بعضی از آنها را بر بعضی در میوه، پس چون از نماز فارغ شوی روانه شو به جانب حائر به حال آرامی و وقار و کوتاه بردار گامهای خود را پس بدرستی که خداوند تعالی می‌نویسد از برای تو به هر گامی که برمی‌داری حجّ و عمره و راه برو با دل خاشع و دیده گریان و بسیار کن ذکر **اللَّهُ أَكْبَرُ و لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ** و ثنا بر خدا و صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و صلوات بر حسین صلوات الله علیه بالخصوص و بسیار کن لعن بر قاتلان آن حضرت و بیزاری جستن از کسانی که در اوّل پایه ظلم و جور را بر اهل بیت علیهم السلام گذاشتند پس هر گاه رسیدی به در حائره ایست و بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

خدا بزرگتر است به کمال و ستایش خدا راست بسیار و منزه است خدا در صبح و شام ستایش خدائی را که ما را به این (راه)

هُدَانَا لِهَذَا، وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ

هدایت کرد و ما خود چنان نبودیم که راه ببریم اگر خدا ما را هدایت نمی‌کرد برآستی که آمدند رسولان پروردگار ما به حق

پس بگو: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ**

*** سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای پیامبر خدا سلام

عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ

بر تو ای خاتم پیمبران سلام بر تو ای آقای رسولان سلام

عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بر تو ای حبیب خدا سلام بر تو ای امیر مؤمنان سلام بر تو ای

سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا قَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ

آقای اوصیاء سلام بر تو ای پیشوای سفیدرویان (در محشر) سلام بر تو

يَا بِنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَى الْاَثَمَةِ مِنْ

ای فرزند فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام بر تو و بر امامان از

وُلْدِكَ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَصِيَّ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ اَيُّهَا

فرزندانت سلام بر تو ای وصی امیر مؤمنان سلام بر تو ای

الصَّدِيقُ الشَّهِيدُ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا

راستگوی شهید سلام بر شما ای فرشتگان خدا که رحل اقامت افکنده‌اید در این

المَقَامِ الشَّرِيفِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ رَبِّي الْمُحَدِّقِينَ بِقَبْرِ

جایگاه شریف سلام بر شما ای فرشتگان پروردگار من که حلقه‌وار دربر گرفته‌اید قبر

الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ مَنِّي اَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ

حسین علیه‌السلام را سلام بر شما از من همیشه تا من هستم و شب

وَالنَّهَارُ. پس می‌گوئی اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنَ

روز برپا است *** * سلام بر تو ای اباعبدالله سلام بر تو ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ

رسول خدا سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان بنده‌ات و فرزند بنده

وَابْنُ امَتِكَ، الْمُقَرَّبُ بِالرَّقِّ، وَالتَّارِكُ لِلْخِلَافِ عَلَیْكُمْ، وَالمَوَالِي لَوْلَیْكُمْ،

و فرزند کنیزت که اقرار به بندگی شما دارد و مخالفت با شما نکرده و دوست دوستدار شما

وَالمُعَادَى لِعَدْوِكُمْ قَصَدَ حَرَمَكَ، وَاسْتَجَارَ بِمَشْهَدِكَ، وَتَقَرَّبَ اِلَيْكَ

و دشمن دشمنانتان می‌باشد آهنگ حرم تو را کرده و پناه آورده به زیارتگاهت و تقرب جسته به درگاهت

بِقَصْدِكَ، ءَاذْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، ءَاذْخُلُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، ءَاذْخُلُ يَا امِيرَ

به همین آهنگ کردند، آیا داخل کردم ای رسول خدا آیا داخل شوم ای پیغمبر خدا؟ آیا داخل کردم ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ، ءَادْخُلُ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، ءَادْخُلُ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ

مؤمنان؟ آیا داخل شوم ای آقای اوصیاء؟ آیا داخل شوم ای فاطمه بانوی زنان

الْعَالَمِينَ، ءَادْخُلُ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، ءَادْخُلُ يَا مَوْلَايَ يَا بِنَ

جهانیان؟ آیا داخل شوم ای مولای من ای اباعبدالله؟ آیا داخل شوم ای سرور من ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ. * پس اگر دلت خاشع و دیده‌ات گریان شد آن علامت رخصت است

رسول خدا؟ * * * * *

پس داخل شو و بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ، الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الَّذِي هَدَانِي ل

* * * ستایش از آن خدای یگانه یکتای فرد بی‌نیازی است که مرا به دوستی و ولایت تو راهنمایی فرمود

وَلَايَتِكَ، وَحَصَّنِي بِزِيَارَتِكَ، وَسَهَّلَ لِي قَصْدَكَ، پس می‌روی تا درِ قبّه مطهره

و به زیارتت مخصوص داشت و آسان ساخت برایم آهنگ کردنت را * * * * *

و بایست محاذی بالای سر و بگو: اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثِ اَدَمَ صِفْوَةَ اللّٰهِ، اَلْسَّلَامُ

* * * * * سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثِ نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثِ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ

بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل

اللّٰهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثِ مُوسَى كَلِيمِ اللّٰهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثِ

خدا سلام بر تو ای وارث موسی هم سخن با خدا سلام بر تو ای وارث

عِيسَى رُوحِ اللّٰهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثِ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللّٰهِ، اَلْسَّلَامُ

عیسی روح خدا سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ

بر تو ای وارث امیر مؤمنان علیه‌السلام سلام بر تو ای فرزند

مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ عَلِيٍّ اَلْمُرْتَضَى، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ

محمد مصطفی سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی سلام بر تو ای

يَابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، اَلْسَّلَامُ

فرزند فاطمه زهرا سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری سلام

عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوَتَرَ الْمُؤْتورُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ

بر تو ای کسی که خدا خونخواهیش کند و فرزند چنین خونی و ای تک و تنها مانده‌ای که انتقام خون گرفته نشد

الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

گواهی دهم که تو بپاداشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی به معروف (کار نیک) و نهی کردی از منکر (کار

وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتِكَ وَلَعَنَ

زشت) و پیروی کردی از خدا و رسولش تا به شهادت رسیدی پس خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند و خدا لعنت

اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَّتْ بِهِ، يَا مَوْلَايَا

کند مردمی که به تو ستم کردند و خدا لعنت کند مردمی که این جریان را شنیدند و بدان راضی شدند ای مولای من ای

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ، وَالْأَرْحَامِ

ابا عبدالله گواهی دهم که تو براستی نوری بودی در صُلْبهای شامخ (و بلند) و رَحْمهای

الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تَلْبَسْكَ مِنْ مَدَاهِمَاتِ

پاک، آلوده‌ات نکرد زمان جاهلیت به پلیدیهایش و نبوشاندت از جامه‌های آلوده و

ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ، وَأَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ،

چرکش و گواهی دهم که براستی تو از جمله ستونهای دین و پایه‌های محکم مردان با ایمانی

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ، الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ، الْهَادِي الْمُهْدِيُّ،

و گواهی دهم که براستی تو پیشوایی هستی نیکوکار و با تقوی و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه یافته

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْإِثْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ

و گواهی دهم که امامان از فرزندان تو اساس (و حقیقت) تقوی و نشانه‌های هدایت و دستاویز

الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَأَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ

محکم (حق) و حجتی بر مردم دنیا هستند و گواه گیرم خدا و فرشتگانش و پیمبرانش

وَرَسُولَهُ، أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِأَيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَائِعِ دِينِي، وَخَوَاتِيمِ

و رسولانش را که من براستی به شما ایمان دارم و به بازگشتتان یقین دارم طبق مقررات دین و مذهب و پایان

* خدایا من نماز خواندم و رکوع کردم و سجده بجا آوردم برای تو تنها که شریک نداری زیرا نماز

وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا يَكُونُ إِلَّا لَكَ، يَا نَكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

و رکوع و سجده نیست جز برای تو چونکه توئی خدائی که معبودی جز تو نیست

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغُهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ السَّلَامِ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برسان از جانب من بدانها بهترین سلام

والتَّحِيَّةِ، وَارْزُقْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ، اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ

و تحیت را و باز گردان از جانب آنها نیز بر من سلام خدایا و این دو رکعت نمازی که خواندم هدیه‌ای است

مِنِّي إِلَى مَوْلَايَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

از من به پیشگاه سرورم حضرت حسین بن علی علیهما السلام خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَأَجْرُنِي عَلَى ذَلِكَ بِأَفْضَلِ أَمَلِي

محمد و بر آن حضرت و بپذیر از من و پاداشم بده در برابر آن برطبق بهترین آرزو

وَرَجَائِي فِيكَ، وَفِي وَوَلِيَّكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ. * پس بر خیز و برو پایین پای قبر

و امیدی که درباره ولی تو دارم ای سرپرست مؤمنان * * * * *

آن حضرت و بایست نزد سر علی بن الحسین علیهما السلام و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ

* * * * * سلام بر تو ای فرزند رسول

يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

خدا سلام بر تو ای فرزند پیامبر خدا سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ [وَابْنُ

سلام بر تو ای فرزند حسین شهید سلام بر تو ای شهید

الشَّهِيدِ «منه»]، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ [و] ابْنُ الْمَظْلُومِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

سلام بر تو ای ستم رسیده و فرزند (آن امام) ستم‌دیده خدا لعنت کند مردمی که

قَتَلْتَكِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتَكِ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

تو را کشتند و خدا لعنت کند مردمی که به تو ستم کردند و خدا لعنت کند مردمی را که از این جریان اطلاع پیدا کرده و بدان

راضی شدند * *

پس بیفکن خودرا بر قبرش و بیوس آنرا و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، لَقَدْ

سلام بر تو ای فرزند ولی و فرزند ولی خدا برستی که

عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ، وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا، وَعَلَى جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ،

بزرگ گشت مصیبت تو و گران شد عزای تو بر ما و بر تمام مسلمانان،

فَلَعْنُ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتُكَ، وَأَبْرَأَ إِلَى اللَّهِ وَالْيَاكُوفِ مِنْهُمْ.

خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند و بیزارای جویم بسوی خدا و بسوی تو از آنها

پس بیرون بیا از دری که پایین پای علی بن الحسین علیهما السلام است و

متوجه شو بسوی شهداء و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَأَحِبَّائَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَأَوْدِيَاءَهُ، السَّلَامُ

سلام بر شما ای اولیاء خدا و دوستانش سلام بر شما ای برگزیدگان خدا و دوستدارانش سلام بر

عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ رَسُولِ اللَّهِ،

شما ای یاوران دین خدا سلام بر شما ای یاران رسول خدا

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ

سلام بر شما ای یاران امیرمؤمنان سلام بر شما ای یاران

فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ

فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام بر شما ای یاران حضرت ابا محمد

الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، الْوَلِيِّ النَّاصِحِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ،

حسن بن علی آن دوست خیرخواه سلام بر شما ای یاران حضرت اباعبدالله

بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي طِبْتُمْ، وَطَابَتِ الْأَرْضُ [أَنْتُمْ] الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ، وَفُرْتُمْ

پدر و مادرم به فدای شما برستی پاکیزه شدید و پاکیزه گشت آن زمینی که شما در آن مدفون شدید و به رستگاری

فَوْزاً عَظِيماً، فَيَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ، فَأَفُوزَ مَعَكُمْ، *

بزرگی رسیدید پس ای کاش من هم با شما بودم که با شما رستگار گردم

پس برگرد به بالا سرِ حضرت امام حسین علیه السلام و دعا بسیار کن از برای خود و از برای اهل و اولاد و پدر و مادر و برادران خود زیرا که در آن روضه مظهره ردّ نمی‌شود دعاء دعاکننده و نه سؤال سؤال کننده.

مؤلف گوید این زیارت معروف به زیارت وارث است و مأخذش کتاب مصباح المتهجّد شیخ طوسی است که از کتب بسیار معتبره معروفه نزد علماء است و من این زیارت را بلاواسطه از همان کتاب شریف نقل کردم آخر زیارت شهداء همین بود که ذکر شد **فِيَايْتِنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ** پس این زیادتها که بعضی بعد از این ذکر کرده‌اند «**فِي الْجَنَانِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا أَسْلَامٌ عَلَيَّ مَنْ كَانَ فِي الْحَائِرِ مِنْكُمْ وَعَلَى مَنْ لَمْ يَكُنْ فِي الْحَائِرِ مَعَكُمْ الْخ**» تمامی اینها زیادی و فضولی است شیخ ما در کتاب **لَوْلُو** مرجان فرموده این کلمات که متضمّن چند دروغ واضح است علاوه بر جسارت ارتکاب بر بدعت و جسارت افزودن بر فرموده امام علیه السلام چنان شایع و متعارف شده که البتّه چند هزار مرتبه در شب و روز در حضور مرقد منورِ ابی عبدالله الحسین علیه السلام و محضر ملائکه مقربین و مطاف انبیاء و مرسلین علیهم السلام به آواز بلند خوانده می‌شود و احدی بر ایشان ایراد نمی‌کند و از گفتن این دروغ و ارتکاب این معصیت نهی نمی‌نمایند و کم کم این کلمات در مجموعه‌هایی که در زیارات و ادعیه احمقان از عوام جمع می‌کنند و گاهی اسمی برای آن می‌گذارند جمع شده و چاپ رسیده و منتشر گشته و از مجموعه این احمق به مجموعه آن احمق نقل گردیده و کار بجایی

رسیده که بر بعضی طلبه مشتبه شده روزی طلبه‌ای را دیدم که آن دروغهای
 قبیحه را برای شهدا می‌خواند دست بر کتفش گذاشتم ملتفت من شد گفتم از
 اهل علم قبیح نیست چنین اکاذیب در چنین محضرى؟ گفت مگر مروى نیست؟
 تعجب کردم گفتم نه. گفت در کتابی دیدم گفتم در کدام کتاب گفت مفتاح
 الجنان ساکت شدم چه کسی که در بی‌اطلاعی کارش به اینجا رسد که جمع
 کرده بعضی عوام را کتاب شمرد و مستند قرار دهد قابل سخن گفتن نیست پس
 شیخ مرحوم کلام را در این مقام طول داده و فرموده که به حال خود گذاشتن
 عوام در امثال این امور جزئیّه و بدعت‌های مختصره مثل غسل اویس قرن و آش
 ابوالدرداء تابع و مخلص حقیقی معایه و روزه صمت که در روز سخن نگویند
 و غیر آن که احدی بر مقام نهی برنیامده سبب تجرّی شده که در هر ماه و سال
 پیغمبر و امام تازه پیدا می‌شود و دسته دسته از دین خدا بیرون می‌روند انتهی
 کلامه رُفِعَ مقامه این فقیر گوید خوب تأمل کن در فرمایش این عالم جلیل که
 مطلع است بر مذاق شرع مقدس چگونه این مطلب همی عظیم و عقده بزرگ در
 دل او گردیده چون می‌داند مفسد این کار را بر خلاف آنانکه از علوم اهل
 بیت علیهم السلام محروم و بی‌بهره ماندند و بدانستن ضغنی از اصطلاحات و
 الفاظ اکتفا کردند که امثال این مطالب را چیزی ندانند بلکه تصحیح و تصویب
 نموده و عمل بر وفق آن نمایند لاجرم کار به جایی رسد که کتاب مصباح
 المتهدد و اقبال و مهج‌الدّعوات و جمال الأسبوع و مصباح الزائر و بلدالأمین و
 جنّة‌الواقیة و مفتاح الفلاح و مقباس و ربیع‌الأسابیع و تحفه و زادالمعاد و امثال

این کتب متروک و مهجور شود و این مجموعه‌های احمقانه شایع شود که در دعای مجیر که از دعاهای معتبره مرویه است در هشتاد موضع آن کلمه **بِعُفُوكَ** زیاد کنند و کسی انکار نکند و در دعای جوشن که مشتمل بر صد فصل است برای هر فصلی یک خاصیتی وضع کنند و با بودن این همه زیارات مأثوره زیارت مفجعه جعل کنند و با بودن این همه دعاهای معتبره مرویه با مضامین عالیه و کلمات فصیحه بلیغه دعائی بی‌ربط در کمال برودت جعل نمایند و نام او را دعاء **حُبّی** گذارند و از کنگره عرش آن را نازل نمایند و چندان فضیلت برای او وضع نمایند که انسان را متحیر و سراسیمه نماید از جمله آنکه العیاذ بالله جبرئیل به حضرت رسول صلی الله علیه و آله از جانب حق سبحانه و تعالی گفته باشد که هر بنده‌ای که این دعا را با خود دارد او را عذاب نکم اگرچه مستوجب جهنّم باشد و عمر خود را به معصیت گذرانده باشد و مرا در هیچوقت سجده نکرده باشد من آن بنده را ثواب هفتاد هزار پیغمبر بدهم و ثواب هفتاد هزار زاهد و ثواب هفتاد هزار شهید بدهم و ثواب هفتاد هزار نماز گزار بدهم و ثواب هفتاد هزار برهنه که پوشانیده باشد بدهم و ثواب هفتاد هزار گرسنه که سیر کرده باشد بدهم و ثواب به عدد ریگهای بیابانها بدهم و ثواب هفتاد هزار بقعه زمین بدهم و ثواب مهر نبوت رسالت پناه بدهم و ثواب عیسی روح الله و ابراهیم خلیل الله بدهم و ثواب اسماعیل ذبیح الله و موسی کلیم الله و یعقوب نبی الله و آدم صفی الله و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و فرشتگان

بدهم یا محمد هر که این دعای بزرگوار حُبّی را بخواند یا با خود دارد بیامرمز
او را و شرم دارم که عذاب کنم الخ .

و شایسته است که انسان از شنیدن اینها عوض خنده گریه کند کتب ادعیه
شیعه که به مرتبه‌ای متقن و محکم بوده که غالب آنها که استنساخ می نمودند
خودشان از اهل علم بودند و از روی نسخی که به خطّ اهل علم و تصحیح شده
علماء بوده مقابله و تصحیح می نمودند و اگر اختلافی بود در حاشیه‌اش به آن
اشاره می کردند مثلاً در دعای مکارم الأخلاق و بَلِّغْ بایمانی در حاشیه‌اش اشاره
می کنند در نسخه ابن اشناس و اَبْلُغْ بایمانی است و در روایت ابن شاذان اللّهُمَّ
أَبْلُغْ ایمانی است یا مثلاً فلان کلمه به خطّ ابن سکون چنین است و به خطّ
شهید چنین و هکذا کارش به جایی رسیده که منحصر به کتاب مفتاح شده که
فی الجمله وصفش را شنیدی و این کتاب مرجع عوام و خواصّ و عرب و عجم
گردیده و این نیست جز از بی اعتنائی اهل علم به حدیث و اخبار و رجوع
نکردن به کتب علماء و فقهاء اهل بیت اطهار و نهی نمودن از امثال این بدع و
اضافات و دَسِّ و ضَاعین و تحریف جاهلین و جلو نگرفتن از نا اهلان و از
تصرفات بی خردان تا کار به جایی رسیده که دعاها موافق سلیقه‌ها تلفیق شده و
زیارتها و مفععه‌ها و صلواتها اختراع شده و مجموعه‌های بسیار از دعاها دَسِّ
شده چاپ شده و بچّه مفتاحها متولّد گشته و کم کم سرایت کرده به سایر کتب
رسیده و شایع و رواج گشته مثلاً کتاب منتهی الآمال این احقر را تازه طبع
کردند بعضی از کُتّاب آن به سلیقه خود در آن تصرفاتی نموده از جمله در احوال

مالک بن یُسْر ملعون نوشته از دعای امام حسین علیه السلام هر دو دست او از کار افتاده بود الحمدلّٰله در تابستان مانند دو چوب خشک می گردید الحمدلّٰله و در زمستان خون از آنها می چکید الحمدلّٰله و بر این حال خُسران مأل بود الحمدلّٰله در این دو سطر عبارت چهار لفظ الحمدلّٰله کاتب موافق سلیقه خود جزء کرده و نیز در بعضی جاها بعد از اسم جناب زینب یا امّ کلثوم به سلیقه خود لفظ خانم زیاد کرده که زینب خانم و امّ کلثوم خانم گفته شود که تجلیل از آن مخدّرات شود و حمید بن قحطبه را چون دشمن داشته به واسطه بدی او حمید بن قحبه نوشته و لکن احتیاط کرده قحطبه را نسخه بدل او نوشته و عَبْدْرَبّه را صلاح دیده عبدالله نوشته شود و زحر بن قیس که بحاء مُهمّله است در هر کجا بوده به جیم نوشته و امّ سلّمه را غلط دانسته تا ممکنش بوده امّ السّلّمه کرده الی غیر ذلک و غرض از ذکر این مطلب در اینجا دو چیز بود یکی آنکه این تصرفاتی را که این شخص کرده به سلیقه خود این را کمال دانسته و خلافتش را ناقص فرض کرده و حال آنکه همین چیزی که او کمال دانسته باعث نقصان شده پس از اینجا قیاس کنیم که چیزهایی که ما از روی جهل و نادانی در دعاها و زیارات داخل می کنیم یا به سلیقه ناقص خود بعض تصرفات می نمائیم و آن را کمال فرض می نمائیم بدانیم که همان چیزها پیش اهلش سبب نقصان و بی اعتباری آن دعا یا زیارت خواهد بود پس شایسته است که ما بهیچوجه در این باب مداخله نکنیم و هر چه دستورالعمل دادند به همان رفتار نموده و از آن تخطّی ننمائیم و دیگر غرضم آن بود که معلوم شود هرگاه

نسخه‌ای که مؤلفش زنده و حاضر و نگهبان او باشد اینطور کنند با او دیگر با
 سایر نسخ چه خواهند کرد و به کتابهای چاپی دیگر چه اعتماد است مگر کتابی
 که از مُصَنَّفَات مشهوره علماء معروفین باشد و به نظر ثقه از علماء آن فن
 رسیده و امضاء فرموده باشد روایت شده در حال ثقه جلیل فقیه مقدّم در اصحاب
 ائمّه علیهم السلام یونس بن عبدالرحمن که کتابی در اعمال شبانه روز نوشته
 بود جناب ابوهاشم جعفری آن کتاب را به نظر مبارک حضرت عسکری علیه
 السلام رسانید حضرت تمام آن را مطالعه و تصفّح فرمود پس از آن فرمود «هذا
 دینی و دین آبائی کله و هو الحق کله» همه این دین من و دین پدران من است
 و تمامش حق است ملاحظه کن که ابوهاشم جعفری با آنکه بر کثرت علم و
 فقاقت و جلالت و دیانت جناب یونس مطّلع بوده است به همین اکتفا نکرده در
 عمل کردن از روی کتاب او تا آنکه آن را به نظر مبارک امام خود رسانیده و
 نیز روایت شده از بורך شنجانی هراتی که مردی معروف به صدق و صلاح و
 ورع بوده که در سامره خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسید و کتاب
 یوم و ليله شیخ جلیل القدر فضل بن شاذان نیشابوری را به آن حضرت داد و
 گفت فدایت شوم می‌خواهم در این کتاب نظر فرمائی و ورق ورق آن را
 ملاحظه نمائی حضرت فرمود «هذا صحیح ینبغی انّ تعمل به» این کتاب صحیح
 است و شایسته است که به آن عمل نمائی الی غیر ذلک و این احقر با اینکه
 می‌دانستم مذاق مردم این زمان و عدم اهتمام ایشان را در امثال این امور برای
 اتمام حجّت سعی و کوشش بسیار کردم که دعاها و زیارات منقوله در این

کتاب حتی الامکان از نسخه‌های اصل نقل شود و بر نسخ متعدده عرضه شود و به قدری که از عهده برآیم تصحیح آن نمایم تا عامل به آن از روی اطمینان عمل نماید انشاءالله بشرط آنکه کاتبین و ناسخین تصرف در آن نمایند و خواننده‌ها اختراع و سلیقه‌های خود را کنار گذارند شیخ کلینی رضی الله عنه از عبدالرحیم قصیر نقل کرده که خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید و عرض کرد فدایت شوم من از پیش خود دعائی اختراع کرده‌ام حضرت فرمود بگذار مرا از اختراع خود یعنی آن را کنار گذار و برای من نقل مکن و نگذاشت که آن دعاء جمع کرده خود را نقل کند خود حضرت برای او دستورالعملی لطف فرمود و شیخ صدوق عَطَّرَ اللهُ مَرْقَدَهُ روایت کرده از عبدالله بن سنان که گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود که زود است می‌رسد به شما شبهه‌ای پس می‌مانید بدون نشانه و راهنما و پیشوای هدایت کننده و نجات نمی‌یابد در آن شبهه مگر کسی که بخواند دعای غریق را گفتم چگونه است دعای غریق فرمود می‌گوئی «یا الله یا رَحْمَنُ یا رَحِيمُ یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلِي دِينَكَ» پس گفتم «یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلِي دِينَكَ» حضرت فرمود بدرستی که خداوند عزَّ وَّجَلَّ مُقَلَّبَ است قلوب و ابصار را لکن بگو چنانکه من می‌گویم «یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلِي دِينَكَ» کافست تأمل در این دو حدیث شریف برای تنبّه کسانی که در دعاها به سلیقه خود بعضی کلمات زیاد می‌کنند و پاره‌ای تصرفات می‌نمایند والله العاصم.

مطلب دویم

زیارت حضرت عباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام

شیخ اجل جعفر بن قولویه قمی به سند معتبر از ابوحمزه ثمالی روایت کرده که

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که چون اراده نمائی که زیارت

کنی قبر عباس بن علی علیه السلام را و آن بر کنار فرات محاذی حایر

است می ایستی بر در روضه و می گوئی:

سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامٌ

* سلام خدا و

مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَآئِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، وَجَمِيعِ الشُّهَدَاءِ

سلام فرشتگان مقربش و پیمبران فرستاده اش و بندگان شایسته اش و تمام شهیدان

وَالصَّادِقِينَ، وَالزَّكَايَاتِ الطَّيِّبَاتِ، فِيمَا تَعْتَدِي وَتَرُوحُ، عَلَيْكَ يَا بِنَ

و راستگویان و درودهای پاکیزه و پاک در هر بامداد و پسین بر تو ای فرزند

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصَدِيقِ، وَالْوَفَاءِ وَالنَّصِيحَةِ،

امیر مؤمنان گواهی دهم برایت که تو تسلیم بودی و تصدیق نمودی و وفاء و خیرخواهی کردی

لِخَلْفِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُرْسَلِ، وَالسَّبْطِ الْمُنْتَجَبِ،

نسبت به (حضرت ابا عبدالله) یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله (آن پیامبر) مرسل و نوه برگزیده (آن حضرت)

وَالدَّلِيلِ الْعَالِمِ، وَالْوَصِيِّ الْمُبَلَّغِ وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَن

و راهنمای دانشمند و وصی که رساننده احکام خدا بود و آن ستم‌دیده‌ای که حشش پایمال شد پس خداوند پاداشت

رَسُولِهِ، وَعَن أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَن الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ

دهد از جانب رسولش و از امیر مؤمنان و از حسن و حسین - درودهای خدا

عَلَيْهِمْ، أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ وَأَعْنَتَ، فَنِعْمَ عُقْبَى

بر ایشان - بهترین پاداشها را بخاطر آن بردباریت و پاداش خوبی و کمکی که کردی و چه نیکو است سرانجام

الدَّارِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهَلَ حَقَّكَ وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ،

خانهات خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و خدا لعنت کند کسی که جهل ورزید درباره حق تو و سبک شمرد حرمت

وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَاءِ الْفِرَاتِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتَلْتَ مَظْلُومًا،

تو را و خدا لعنت کند کسی که حائل شد میان تو و میان آب فرات گواهی دهم که برآستی تو مظلوم کشته شدی

وَأَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ، جِئْتُكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَفِدًا

و برآستی که خدا وفا کند به وعده‌ای که به شما داده آمده‌ام به درگاهت ای پسر امیر مؤمنان و واردم

إِلَيْكُمْ، وَقَلْبِي مُسَلِّمٌ لَكُمْ وَتَابِعٌ، وَأَنَا لَكُمْ تَابِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ،

بر شما و دلم تسلیم شما و پیروتان هست و خودم نیز پیرو شمایم و یاریم برای شما آماده است

حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ، إِنِّي

تا هنگامی که خدا حکم کند و او بهترین حکم‌کنندگان است و من طرفدار شما و با شما هستم نه با دشمن شما و من

بِكُمْ وَبِإِيَابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَنْ خَالَفَكُمْ وَقَتَلَكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ،

نسبت به شما و به بازگشتتان (در زمان رجعت) ایمان دارم و نسبت به هر کس که با شما مخالفت کرده و شما را کشته

کافر و منکرم،

قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتَكُمْ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ. *

بکشد خدا مردمی را که شما را کشتند بدست و زبان

پس داخل روضه شو و خود را به ضریح بچسبان و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ

* سلام بر تو ای بنده شایسته پیرو خدا و رسولش

وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمْ،

و پیرو امیر مؤمنان و حسن و حسین - درود خدا و سلامش بر ایشان باد -

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَرِضْوَانُهُ، وَعَلَى

سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش و آمرزش و خوشنودیش و بر

رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ وَأُشْهَدُ اللَّهُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى بِهِ

روح تو و بدنت گواهی دهم و خدا را نیز به گواهی گیرم که براستی تو برفتی به همان راهی که رفتند بدان راه

الْبُدْرِيُّونَ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الْمُنَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادِ

جنگجویان بدر و پیکار کنندگان در راه خدا و خیرخواهان او در پیکار با

أَعْدَائِهِ، الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَاءِهِ، الذَّابُّونَ عَنْ أَحِبَّائِهِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ

دشمنانش و کوشایان در یاری دوستانش و دفاع کنندگان از دوستانش پس خداوند پاداشت دهد

أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَأَكْثَرَ الْجَزَاءِ، وَأَوْفَرَ الْجَزَاءِ، وَأَوْفَى جَزَاءِ أَحَدٍ مِمَّنْ

به بهترین پاداش و بیشترین پاداش و شایان‌ترین پاداش و کامل‌ترین پاداشی که به هر یک از کسانی دهند

وَفِي بَيْعَتِهِ، وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتَهُ، وَأَطَاعَ وِلاَةَ أَمْرِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ

که به بیعت با او وفا کرد و دعوتش را پذیرفت و پیروی کرد از کار دارانش گواهی دهم که تو براستی

بَالِغْتَ فِي النَّصِيحَةِ، وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ، فَبِعْتِكَ اللَّهُ فِي

کوشش خود را در خیرخواهی کردی و نهایت تلاش خود را در این راه مذبذول داشتی خدایت در

الشُّهْدَاءِ، وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ السُّعْدَاءِ، وَأَعْطَاكَ مِنْ جَنَانِهِ

زمره شهیدان برانگیزد و روح تو را با ارواح نیکبختان قرار دهد و عطا کند بر تو از بهشت خویش

أَفْسَحَهَا مَنْزِلًا، وَأَفْضَلَهَا غُرْفًا، وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عَلِيِّينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ

فراخترین منزل و بهترین غرفه‌ها را و بالا برد نام تو را در بالاترین جایگاهها و محشورت سازد با

النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهْدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَّنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا،

پیمبران و راستگویان و شهیدان و شایستگان و آنها نیکو رفیقانی هستند

أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَنْكُلْ وَأَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ،

گواهی دهم که براستی تو سستی نکردی و سر نتافتی و به راهی که رفتی از روی بصیرت و بینائی کامل رفتی

مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ، وَمُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ، فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ وَبَيْنَ

اقتداء به مردم شایسته کردی و پیروی از پیمبران نمودی پس خداوند گرد آورد میان ما و تو

رَسُولِهِ وَأَوْلِيَاءِهِ فِي مَنَازِلِ الْمُخْتَبِينَ، فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

و رسولش و دوستانش در جایگاههای فروتنان (حق) زیرا که او مهربانترین مهربانان است

مؤلف گوید که خوب است این زیارت را پشت سر قبر رو به قبله بخوانی چنانکه شیخ در تهذیب فرموده ثم ادخل «فانكَبَّ عَلَى الْقَبْرِ وَقُلْ وَ أَنْتَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ» و نیز بدانکه زیارت جناب عباس موافق روایت مذکور همین بود که ذکر شد لکن سید بن طاوس و شیخ مفید و دیگران بعد از این فرموده‌اند که پس برو به سمت بالا سر و دو رکعت نماز کن و بعد از آن آنچه خواهی نماز کن و بخوان خدا را بسیار و بگو در عقب نماز:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَدَعِ لِي فِي هَذَا

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و وامگذار برای من در این

الْمَكَانِ الْمَكْرَمِ وَالْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ،

مکان گرامی و زیارتگاه بزرگ گناهی جز آنکه بیامرزیش و نه اندوهی جز آنکه برطرف کنی

وَلَا مَرَضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ، وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ، وَلَا

و نه بیماری جز آنکه بهبودیش دهی و نه عیبی جز آنکه بپوشانیش و نه روزی جز آنکه وسیعش کنی و نه

خَوْفًا إِلَّا آمَنْتَهُ، وَلَا شَمْلًا إِلَّا جَمَعْتَهُ، وَلَا غَائِبًا إِلَّا حَفِظْتَهُ وَأَدْنَيْتَهُ،

ترسی جز آنکه ایمنی بخشی و نه پراکندگی جز آنکه گردآوری و نه شخص دور از نظری را جز آنکه نگاهداریش کنی

و دیدارش را

وَلَا حَاجَةَ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، لَكَ فِيهَا رِضِيٌّ وَلِيٌّ فِيهَا

نزدیک گردانی و نه حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت که خوشنودی تو و صلاح من در آن باشد

صَلَاحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. * پس برگرد به سوی ضریح و نزد پاهای

جز آنکه برآوری آن را ای مهربانترین مهربانان * * * * *

به ایست و بگو: أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

* * * * * سلام بر تو ای اباالفضل العباس فرزند امیر مؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَوَّلِ الْقَوْمِ

سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیاء سلام بر تو ای فرزند نخستین مردمی

إِسْلَامًا، وَأَقْدَمِهِمْ إِيْمَانًا، وَأَقْوَمِهِمْ بَدِينِ اللَّهِ، وَأَحْوَطِهِمْ عَلَى الْإِسْلَامِ،

که مسلمان شد و جلوترین کسی که ایمان آورد و محکمترین مردم نسبت به دین خدا و با احتیاطترین افراد درباره اسلام

أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَخِيكَ، فَنِعْمَ الْأَخُ الْمُوَاسِي، فَلَعْنُ

گواهی دهم که تو بخوبی خیرخواهی کردی درباره خدا و رسولش و درباره برادرت پس چه نیکو برادر همدردی بودی

خدا

اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتِكَ، وَلَعْنَةَ اللَّهِ أُمَّةً ظَلَمْتِكَ، وَلَعْنَةَ اللَّهِ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ

لعنت کند مردمی که تو را کشتند و خدا لعنت کند مردمی که به تو ستم کردند و خدا لعنت کند مردمی که حرمت تو را

حلال

الْمَحَارِمِ، وَأَنْتَهَكْتَ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ، فَنِعْمَ الصَّابِرُ الْمُجَاهِدُ الْمُحَامِي

شمردند (و پایمال کردند) و دریدند (نسبت به تو) حرمت اسلام را و تو چه نیکو شکیبای مجاهد و حامی

النَّاصِرِ، وَالْأَخُ الدَّافِعُ عَنْ أَخِيهِ، الْمُجِيبُ إِلَى طَاعَةِ رَبِّهِ، الرَّائِبُ

و یاورى بودى و (چه خوب) برادرى که مدافع از برادرش بود و پاسخ دهنده اطاعت پروردگارش و مشتاق بودى

فِيْمَا زَهَدَ فِيهِ غَيْرُهُ، مِنَ الثَّوَابِ الْجَزِيلِ، وَالثَّنَاءِ الْجَمِيلِ، وَأَلْحَقَكَ

بدانچه کناره گیری کردند از آن دیگران از آن نیک پاداش بسیار و ستایش زیبا و ملحق ساخت

اللَّهُ بِدَرَجَةِ آبَائِكَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِزِيَارَةِ

خداوند به درجه پدرانت در بهشتهای پر نعمت خدایا من اقدام به زیارت

أَوْلِيَائِكَ، رَغْبَةً فِي ثَوَابِكَ، وَرَجَاءً لِمَغْفِرَتِكَ وَجَزِيلِ إِحْسَانِكَ،

دوستانت کردم بخاطر اشتیاقی که در پاداش نیک تو دارم و به امید آمرزشت و بسیاری احسانت

فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَأَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي

پس از تو خواهم که - اولاً - درود فرستی بر محمد و آل پاکش و - دیگر آنکه - روزیم را بواسطه

بِهِمْ دَارًا، وَعَيْشِي بِهِمْ قَارًا، وَزِيَارَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَحَيَاتِي بِهِمْ

ایشان ریزان گردانی و خوشیم را بدانها ثابت و زیارتم را بخاطر آنها پذیرفته و زندگیم را بدیشان

طَيِّبَةً، وَأَدْرِجْنِي إِدْرَاجَ الْمُكْرَمِينَ، وَأَجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مِنْ زِيَارَةِ

دل‌پسند کنی و مرا در زمره گرامیان درج کنی و قرارم دهی از کسانی که چون از زیارت

مَشَاهِدِ أَحِبَّائِكَ مُفْلِحاً مُنْجِحاً، قَدْ اسْتَوْجَبَ غُفْرَانَ الذُّنُوبِ، وَسَتَرَ

زیارتگاه دوستانت باز گردد رستگار و کامیاب باشد چنانکه مستوجب شده باشد آمرزش گناهان و پوشیدن

الْعُيُوبِ، وَكَشَفَ الْكُرُوبِ، إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ. * و چون

عیبها و برطرف شدن گرفتاریهایش را که براستی تو شایسته هستی پرهیزکاری (از تو) را و اهل آمرزشی * * *

خواهی وداع کنی آن حضرت را پس برو به نزد قبر شریف و بگو این را که در

روایت أَبُو حمزه ثمالی است و علماء نیز ذکر کرده‌اند:

أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ

***** به خدا می‌سپارم و توجه و مراعات کردنت را خواهانم

السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِكِتَابِهِ وَبِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ

و سلام بر تو می‌فرستم ایمان داریم به خدا و رسولش و به کتابش و بدانچه او از نزد خدا آورده است خدایا

فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي قَبْرِ

بنویس نام ما را با گواهان خدایا مگردان این زیارت را آخرین بار زیارتم از قبر

ابنِ أَخِي رَسُولِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ أَبَدًا مَا

فرزند برادر پیغمبرت - که درود تو بر او و آتش باد - و روزی من کن زیارتش را همیشه تا

أَبْقَيْتَنِي، وَأَحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ آبَائِهِ فِي الْجَنَانِ، وَعَرَّفْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ

زنده‌ام داری و محشورم کن با او و با پدرانش در بهشت و شناسائی برقرار کن میان من و او

وَبَيْنَ رَسُولِكَ وَأَوْلِيَائِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و پیامبرت و دوستانت خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَتَوَقَّئِنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ، وَالتَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ، وَالْوَالِيَةِ لِعَلِيٍّ بْنِ

و بمیرانم بر ایمان بخودت و تصدیق به پیامبرت و بر ولایت علی بن

أَبِيطَالِبٍ، وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَالْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ،

ابیطالب و امامان از فرزندانش علیهم‌السلام و بی‌زاری از دشمنانشان

فَإِنِّي قَدْ رَضِيْتُ يَا رَبِّي بِذَلِكَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

زیرا که من ای پروردگار مهربان به همین خوشنودم و درود خدا بر محمد و آل محمد

پس دعاکن از برای خود و از برای پدر و مادر و مؤمنین و مسلمین و اختیار کن از دعاها هر دعائی که می خواهی مؤلف گوید که روایت شده در خبری از حضرت سید سجّاد علیه السلام آنچه حاصلش آن است که فرمودند خدا رحمت کند عبّاس را که ایثار کرد بر خود برادر خود را و جان خود را فدای آن حضرت نمود تا آنکه در یاری او دو دستش را قطع کردند و حقّ تعالی در عوض دو دست او دو بال به او عنایت فرمود که با آن دو بال با فرشتگان در بهشت مانند جعفر بن ابی طالب پرواز می کند و از برای عبّاس علیه السلام در نزد خداوند منزلتی است در روز قیامت که مَغْبُوطٌ جمیع شهداء است و جمیع شهدا را آرزوی مقام او است.

و نقل شده که حضرت عبّاس علیه السلام در وقت شهادت سی و چهار ساله بود و آنکه امّ البنین مادر عباس علیه السلام در ماتم او و برادران اعیانی او بیرون مدینه در بقیع می شد و در ماتم ایشان چنان ندبه و گریه می کرد که هر که از آنجا می گذشت گریان می گشت گریستن دوستان عجیبی نیست مروان بن الحکم که بزرگتر دشمنی بود خاندان نبوت را چون بر امّ البنین عبور می کرد از اثر گریه او گریه می کرد و این اشعار از امّ البنین در مرثیه حضرت ابوالفضل علیه السلام و دیگر پسرانش نقل شده:

يَا مَنْ رَأَى الْعَبَّاسَ كَرَّ عَلَى جَمَاهِيرِ النَّقَدِ

وَوَرَاهُ مِنْ أُنْبَاءِ حَيْدَرَ كُلِّ لَيْثٍ ذِي لَبَدٍ

ای که دیدی عباس را حمله می کرد بر توده های فرومایه

و پشت سرش فرزندان حیدر بودند چون شیران یال دار

أُنَيْتُ أَنْ ابْنِي أُصِيبَ بِرَأْسِهِ مَقْطُوعَ يَدٍ

وَيَلِي عَلَى شِبْلِي أَمَالَ بِرَأْسِهِ ضَرْبُ الْعَمَدِ

شنیده ام که پسر من را در وقتی که دستش بریده بود به سرش زده اند

وای بر من که شیربچه ام را عمود زدند

لَوْ كَانَ سَيْفُكَ فِي يَدَيْكَ لَمَا دَنَى مِنْهُ أَحَدٌ

اگر شمشیر در دستش بود کسی جرئت نداشت به او نزدیک شود

وَلَهَا أَيْضاً

لَا تَدْعُونِي وَيَكِ أُمَّ الْبَنِينِ

تُذَكِّرُنِي بِلَيْوَتِ الْعَرِينِ

وای بر تو دیگر مرا مادر پسران مخوان

که به یاد شیران بیشه ام می اندازی

كَانَتْ بَنُونَ لِي أَدْعَى بِهِمْ

وَالْيَوْمَ أَصْبَحْتُ وَلَا مِنْ بَنِينَ

پسرانی داشتم که بدان جهت مرا به این نام می خواندند

ولی امروز دیگر پسرانی ندارم

أَرْبَعَةٌ مِثْلُ نُسُورِ الرَّبِيِّ

قَدْ وَاصَلُوا الْمَوْتَ بِقَطْعِ الْوَتِينِ

چهار پسر چون بازهای کوهسار

که با قطع شاهرگشان از جهان رفتند

تَنَازَعُ الْخِرْصَانُ أَشْلَاتَهُمْ

فَكَلَّتْهُمْ أَمْسَى صَرِيحاً طَعِينٍ

نیزه‌ها بر روی پیکرشان سستیزه داشتند

و همگی با تن مجروح به خاک افتادند

يَا لَيْتَ شِعْرَى أَكَمَا أَخْبُرُوا

بَانَ عَبَّاساً قَطِيعُ الْيَمِينِ

ای کاش می‌دانستم که آیا راست است

که دست راست عباس جدا گشته است

مطلب سیّم

در زیارات مخصوصه حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام و آن چند زیارتست اوّل زیارت اوّل رجب و نیمه آن و نیمه شعبان است از حضرت صادق علیه السلام روایت است که هر که زیارت کند امام حسین علیه السلام را در روز اوّل ماه رجب البته حق تعالی بیامرزد او را و از ابن ابی نصر منقولست که از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال کرد که در کدام وقت بهتر است که زیارت کنیم امام حسین علیه السلام را فرمود که در نصف رجب و نصف شعبان شیخ مفید و سید بن طاوس ذکر کرده‌اند که این زیارت که ذکر می‌شود برای روز اوّل رجب و نیمه شعبان است و لکن شهید علاوه کرده بر آن شب اوّل رجب و شب و روز نیمه رجب و روز نیمه شعبان را پس به حسب فرموده ایشان این زیارت برای شش وقت است و کیفیت آن زیارت این است

هرگاه خواستی زیارت کنی اباعبدالله الحسین علیه السلام را در این اوقات غسل کن و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش و بایست بر در قبه مطهره آن حضرت رو به قبله و سلام کن بر جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله و بر امیرالمؤمنین و بر حضرت فاطمه و بر امام حسن و امام حسین و بر باقی امامان صلوات الله علیهم اجمعین و بعد از این بیاید در اذن دخول زیارت عرفه کیفیت سلام کردن بر این بزرگواران پس داخل شو و بایست نزد ضریح مقدس و صد

مرتبه بگو **اللَّهُ أَكْبَرُ** پس بگو

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند خاتم پیمبران

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ

سلام بر تو ای فرزند آقای رسولان سلام بر تو ای فرزند آقای

الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُسَيْنَ بْنَ

اوصیاء سلام بر تو ای اباعبدالله سلام بر تو ای حسین فرزند

عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

علی سلام بر تو ای فرزند فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام بر تو

يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ وَابْنَ صَفِيَّتِهِ، السَّلَامُ

ای ولی خدا و فرزند ولی خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده‌اش سلام

عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ وَابْنَ

بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت او سلام بر تو ای حبیب خدا و فرزند

حَبِيبِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِيرَ اللَّهِ وَابْنَ سَفِيرِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خازِنَ

حبیب او سلام بر تو ای نماینده خدا و فرزند نماینده‌اش سلام بر تو ای خزینه‌دار

الْكِتَابِ الْمَسْطُورِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ

دفتر نوشته سلام بر تو ای ارث برنده تورات و انجیل

وَالزَّبُورِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ

و زبور سلام بر تو ای امانتدار خدای رحمان سلام بر تو ای شریک با

الْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ حِكْمَةِ

قرآن (در هدایت مردم) سلام بر تو ای استوانه دین سلام بر تو ای دروازه حکمت

رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ حِطَّةِ الَّذِي مَنْ دَخَلَهُ كَانَ مِنْ

پروردگار جهانیان سلام بر تو ای درب «حطه» که (برای ریزش گناه بود و) هر که داخلش گردد از

الْأُمْنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْبَةَ عِلْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْضِعَ سِرِّ

ایمنان است سلام بر تو ای گنجینه دانش خدا سلام بر تو ای جایگاه راز

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَثَرَ الْمُوتُورَ، السَّلَامُ

خدا سلام بر تو ای که خدا خونخواهیست کند و فرزند چنین خونی و خون بازجسته و تحت تعقیب سلام

عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ، يَا أَبَى أَنْتَ

بر تو و بر ارواحی که فرود آمدند به آستانت و بارانداختند به بارگاهت پدر

وَأُمِّي وَنَفْسِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ وَجَلَّتِ الرِّزِيَّةُ

و مادرم و خودم به فدایت ای ابا عبدالله برستی که بزرگ شد مصیبت و گران شد عزای تو

بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْأِسْلَامِ، فَلَعْنَةَ اللَّهِ أُمَّةً أَسَسْتَ أَسَاسَ

بر ما و بر تمام ملت مسلمان پس خدا لعنت کند مردمی را که بریختند شالوده و پایه

الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعْنَةَ اللَّهِ أُمَّةً دَفَعْتَكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ،

ظلم و ستم را بر شما خاندان و خدا لعنت کند مردمی را که باز زدند شما را از مقامتان

وَأَزَالَتِكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا، يَا أَبَى أَنْتَ وَأُمِّي

و برکنارتان کردند از آن مرتبه‌هایی که خدا برایتان مرتب کرده بود پدر و مادرم

وَنَفْسِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ لَقَدْ أَقْشَعَرَّتْ لِدِمَائِكُمْ أَظْلَةُ الْعَرْشِ مَعَ

و خودم به فدایت ای ابا عبدالله گواهی دهم که برستی متزلزل گردید بخاطر خون شما عرش (خدا)

أَظَلَّةِ الْخَلَائِقِ، وَبَكْتِكُمْ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ، وَسَكَّانُ الْجِنَانِ وَالْبَرِّ

و اوضاع همه مخلوقات و گریستند برای شما آسمان و زمین و ساکنان بهشت و صحرا

وَالْبَحْرِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ عَدَدَ مَا فِي عِلْمِ اللَّهِ، لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ، إِنْ كَانَ لَمْ

و دریا درود خدا بر تو بشماره آنچه در علم خدا است، بله! ای خواننده از سوی خدا

يُجِيبُكَ بَدَنِي عِنْدَ اسْتِغَاثَتِكَ، وَلِسَانِي عِنْدَ اسْتِئْصَارِكَ، فَقَدْ أَجَابَكَ

اگر در آن هنگامی که استغاثه کردی بدنم نتوانست جواب تو را بدهد و زبانم نتوانست در هنگام یاور طلبیدنت پاسخ

گوید ولی پاسخ داد

قَلْبِي وَسَمْعِي وَبَصْرِي، سُبْحَانَ رَبِّنا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً، أَشْهَدُ

دلم و گوشم و دیدهام منزه است پروردگار ما که وعده پروردگار ما حتماً انجام شدنی است گواهی دهم که

أَنَّكَ طَهَّرْتَ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ، مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ مُطَهَّرٍ، طَهَّرْتَ وَطَهَّرْتَ بِكَ

براستی تو پاک و پاکیزه و پاک شده‌ای هستی از نژاد پاک پاکیزه پاک شده تو خود پاکی و بوجود تو پاک گشت

الْبِلَادِ، وَطَهَّرْتَ أَرْضُ أَنْتَ بِهَا، وَطَهَّرَ حَرَمُكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَمَرْتَ

شهرها و پاک شد زمینی که تو در آن هستی و پاک شد حرمت گواهی دهم که براستی تو دستور فرمودی

بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ وَدَعَوْتَ إِلَيْهِمَا، وَأَنَّكَ صَادِقٌ صِدِّيقٌ، صَدَقْتَ

به عدل و داد و دعوت کردی (مردم را) به آن دو و تو براستی راستگوی راستی‌های هستی

فِيمَا دَعَوْتَ إِلَيْهِ، وَأَنَّكَ ثَارُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ

که راست گفتی در آنچه بدان دعوت کردی و براستی تویی خون خدا در روی زمین و گواهی دهم که تو براستی

عَنِ اللَّهِ، وَعَنْ جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ، وَعَنْ أَبِيكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَنْ

رساندی (آنچه را برعهده داشتی) از طرف خدا و از طرف جدت رسول خدا و از پدرت امیرمؤمنان و از طرف

أَخِيكَ الْحَسَنِ، وَنَصَحْتَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً

برادرت حسن و خیرخواهی کردی و جهاد کردی در راه خدا و از روی اخلاص پرستش خدا کردی

حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ خَيْرَ جَزَاءِ السَّابِقِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ

تا مرگت فرا رسید پس خدایت پاداش دهد به بهترین پاداش پیشینیان و درود خدا بر تو

وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى

و سلام کامل او خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و درود فرست بر

الْحُسَيْنِ، الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ الرَّشِيدِ، قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ وَأَسِيرِ الْكُرْبَاتِ

حسین مظلوم شهید راه یافته کشته اشک و آه و گرفتار ناملايمات

صَلْوَةً نَامِيَةً زَاكِيَةً مُبَارَكَةً، يَصْعَدُ أَوْلَاهَا وَلَا يَنْفَدُ آخِرُهَا، أَفْضَلَ مَا

درودی فرابنده و پاکیزه و با برکت که بالا رود آغازش و پایان نپذیرد انجامش بهترین

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ. آنگاه

درودی که فرستی بر یکی از فرزندان پیامبران فرستاده‌ای معبود جهانیان * * *

قبر مطهر را ببوس و روی راست خود را بر قبر گذار و بعد از آن روی چپ را
آنگاه دور قبر بگرد و طواف کن و چهار جانب قبر را ببوس شیخ مفید رحمه الله
فرموده آنگاه برو بسوی قبر علی بن الحسین علیه السلام و بایست نزد قبر آن

جناب و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الطَّيِّبُ، الزَّكِيُّ الْحَبِيبُ الْمُقَرَّبُ، وَأَبْنُ رِيحَانَةِ

سلام بر تو ای راستگوی پاک پاکیزه آن دوست و مقرب (درگاه حق) و فرزند گل خوشبوی

رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهِيدٍ مُحْتَسِبٍ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، مَا أَكْرَمَ

رسول خدا (حضرت زهرا سلام الله علیها) سلام بر تو بدانجهت که شهیدی بودی پاداش جو و رحمت خدا و برکاتش

براستی که

مَقَامَكَ، وَأَشْرَفَ مُنْقَلَبِكَ، أَشْهَدُ لَقَدْ شَكَرَ اللَّهُ سَعِيكَ وَأَجْزَلَ ثَوَابِكَ، وَالْحَقَّكَ

چقدر گرامی است مقام توو با شرافت است بازگشتگاهت گواهی دهم که خدا قدردانی کرد از کوششی که کردی و

شایان کرد

بِالذَّرْوَةِ الْعَالِيَةِ، حَيْثُ الشَّرْفُ كُلُّ الشَّرْفِ، وَفِي الْغُرْفِ [السَّامِيَةِ] كَمَا

پاداشت را و رساندت به مقامی بس بلند آنجا که همه شرافتها یکجا جمع است و در غرفه‌های بسی بلند چنانچه

مَنْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ، وَجَعَلَكَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ

پیش از آن نیز بر تو منت نهاده بود و قرارت داده بود از خاندانی که دور کرد خداوند از آنها

الرَّجْسِ، وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

پلیدی را و بخوبی پاکیزه‌شان ساخت درودهای خدا بر تو و رحمت خدا و برکاتش

وَرِضْوَانُهُ، فَاشْفَعْ أَيُّهَا السَّيِّدُ الطَّاهِرُ إِلَى رَبِّكَ، فِي حَطِّ الْأَثْمَالِ عَنْ

و خوشنودی او پس شفاعت کن ای آقای بزرگوار پاکیزه بدرگاه پروردگارت در ریختن سنگینه‌های گناه از

ظَهْرِي، وَتَخْفِيفِهَا عَنِّي، وَارْحَمْ ذُلِّي وَخُسُوعِي لَكَ، وَلِلْسَيِّدِ أَيْبِكَ،

دوش من و سبک کردن آنها از من و ترحم فرما به خواریم و فروتنیم در برابر تو و در برابر پدر بزرگوارت

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمَا، پس بچسبان خود را بر قبر و بگو: زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ فِي

درد خدا بر هر دوی شما باد * * * * * بیفزاید خدا شرف شما را در

الْآخِرَةِ، كَمَا شَرَّفَكُمُ فِي الدُّنْيَا، وَأَسْعَدَكُمُ كَمَا أَسْعَدَ بِكُمُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ

آخرت چنانچه شرافتمندان کرد در دنیا و سعادت‌مندان کند چنانچه دیگران را بوسیله شما سعادت‌مند کرد و گواهی

دهم که براستی شما

أَعْلَامُ الدِّينِ، وَتُجُومُ الْعَالَمِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

نشانه‌های دین و اختران جهانیان هستید و سلام بر شما و رحمت خدا و برکاتش

پس رو کن بسوی شهدا و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَأَنْصَارَ رَسُولِهِ،

* * * * * سلام بر شما ای یاوران دین خدا و یاوران رسول خدا

وَأَنْصَارَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ وَأَنْصَارَ فَاطِمَةَ، وَأَنْصَارَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

و یاوران علی بن ابیطالب و یاوران فاطمه و یاوران حسن و حسین

وَأَنْصَارَ الْإِسْلَامِ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَقَدْ نَصَحْتُمْ لِلَّهِ وَجَاهَدْتُمْ فِي

و یاوران دین اسلام گواهی ده‌م که شما به خوبی خیرخواهی کردید برای خدا و جهاد کردید در

سَبِيلِهِ، فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، فُزْتُمْ وَاللَّهُ فَوْزاً

راه خدا پس پاداشتان دهد خدا از دین اسلام و مسلمانان به بهترین پاداش رستگار شدید به خدا سوگند رستگاری

عَظِيماً، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَحْيَاءُ

بزرگی و ای کاش من با شما بودم و با شما به رستگاری بزرگی می‌رسیدم گواهی ده‌م که حتماً شما زنده‌اید

عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ، أَشْهَدُ أَنْكُمْ الشُّهَدَاءُ وَالسُّعْدَاءُ، وَأَنَّكُمْ

و در نزد پروردگارتان روزی می‌خورید گواهی دهم که براستی شما شهید هستید و سعادت‌مند و شما براستی

الْفَائِزُونَ فِي دَرَجَاتِ الْعُلَى، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

رستگاران هستید (که جای دارید) در درجه‌های بلند و سلام بر شما و رحمت خدا و برکاتش

بعد از آن بازگرد و بیا نزدیک سر مبارک آن حضرت و نماز زیارت بکن و دعا کن برای خود و پدر و مادر خود و برای برادران مؤمن و بدانکه سید بن طاوس برای حضرت علی اکبر و شهداء قدس الله ارواحهم زیارتی مشتمل بر اسامی آنها نقل کرده ما به ملاحظه اختصار و شیوع و اشتها آن آنرا ذکر ننمودیم دویم زیارت نیمه رجب غیر از زیارتی که گذشت و آن زیارتیست که شیخ مفید رحمه الله در مزار نقل کرده که از زیارات مخصوصه نصف رجب است که آنرا غفيله می‌گویند یعنی نیمه رجب را غفيله می‌گویند نه زیارت را به سبب غفلت عامه مردم از فضیلت آن پس چون قصد کردی زیارت آن حضرت را در این وقت و آمدی در صحن شریف پس داخل شو یعنی در حرم مطهر و سه مرتبه بگو **اللَّهُ أَكْبَرُ** و بایست در نزد قبر منور و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ

* سلام بر شما ای خاندان خدا سلام بر شما ای برگزیدگان خدا سلام

عَلَيْكُمْ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَةَ السَّادَاتِ،

بر شما ای کسانی که خداوند شما را از میان خلق خود انتخاب فرمود سلام بر شما ای آقایان همه آقاها

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا لِيُوثَ الْعَابَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سُفْنَ النَّجَاةِ،

سلام بر شما ای شیران بیشه‌ها سلام بر شما ای کشتیهای نجات

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ

سلام بر تو ای اباعبدالله الحسین سلام بر تو ای وارث دانش

الْأَنْبِيَاءِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ،

پیامبران و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا سلام بر تو ای وارث

إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ، السَّلَامُ

ابراهیم خلیل خدا سلام بر تو ای وارث اسمعیل، قربانی (راه) خدا سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى

بر تو ای وارث موسی هم‌سخن با خدا سلام بر تو ای وارث عیسی

رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

روح خدا سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا سلام بر تو ای

بْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ

فرزند محمد مصطفی سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی سلام

عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ خَدِجَةَ الْكُبْرَى،

بر تو ای فرزند فاطمه زهرا سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدُ بِنِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلُ بِنِ الْقَتِيلِ،

سلام بر تو ای شهید فرزند شهید سلام بر تو ای کشته (راه حق و) فرزند چنین کشته

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَوَلِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ

سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی خدا سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند

حُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ،

حجت او بر خلق گواهی دهم که برآستی تو برپا داشتی نماز را و بدادی زکوة را

وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَتَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَرَزَيْتَ بِوَالِدَيْكَ،

و امر به معروف کردی و نهی از منکر کردی و داغدار گشتی به (شهادت) پدر و مادرت

وَجَاهَدْتَ عَدُوَّكَ وَأَشْهَدْتَ أَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلَامَ، وَتَرُدُّ الْجَوَابَ، وَأَنَّكَ

و جهاد کردی با دشمن خود و گواهی دهم که تو بخوبی می شنوی سخن گفتن را و باز دهی پاسخ را و تویی

حَبِيبُ اللَّهِ وَخَلِيلُهُ وَتَجِيبُهُ، وَصَفِيَّةُ وَابْنُ صَفِيَّةِ، يَا مَوْلَايَ وَابْنَ

حبیب خدا و خلیل او و دوست نجیب او و برگزیده اش و فرزند برگزیده اش ای مولای من و ای فرزند

مَوْلَايَ، زُرْتُكَ مُشْتَقًا فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى اللَّهِ، يَا سَيِّدِي، وَأَسْتَشْفِعُ

مولای من تو را زیارت کردم مشتاقانه پس شفیع من باش بدرگاه خدا ای آقای من و شفاعت جویم

إِلَى اللَّهِ بِجَدِّكَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ، وَبِأَبِيكَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَبِأُمِّكَ فَاطِمَةَ

بدرگاه خدا بوسیله جدت آقای پیمبران و بوسیله پدرت آقای اوصیاء و بوسیله مادرت فاطمه

سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، أَلَا لَعْنُ اللَّهِ قَاتِلِيكَ، وَلَعْنُ اللَّهِ ظَالِمِيكَ، وَلَعْنُ اللَّهِ

بانوی زنان جهانیان ای که خدا لعنت کند کشندگان تو را و لعنت کند ستمکاران تو را و لعنت کند خدا

سَالِبِيكَ وَمُبْغِضِيكَ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا

غارت کنندگان (حقوق و اموال) تو را و دشمنانت را از اولین و آخرین و درود خدا بر آقای ما

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. آنگاه قبر مطهر را ببوس و متوجه شو بسوی علی

محمد و آل پاک پاکیزه اش باد *****

بن الحسين عليهما السلام و آن جناب را زیارت کن و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ

سلام بر تو ای مولا و سرور من و فرزند

مَوْلَايَ، لَعْنُ اللَّهِ قَاتِلِيكَ، وَلَعْنُ اللَّهِ ظَالِمِيكَ، إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ

مولای من خدا لعنت کند کشندگان را و لعنت کند ستم کنندگان را براستی من تقرب جویم بدرگاه خدا

بِزِيَارَتِكَ وَمِمَّحَبَّتِكَ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

بوسیله زیارت شما و بوسیله دوستی شما و بیزار می جویم بدرگاه خدا از دشمنانتان و سلام بر تو

يَا مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. پس برو تا بررسی به قبور شهداء رضوان الله

ای مولا و سرور من و رحمت خدا و برکاتش *****

عليهم يس بايست و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَى الْاُرُوَاحِ الْمُنِيخَةِ بِقَبْرِ اَبِي عَبْدِ اللّٰهِ

سلام بر آن روانهایی که بار انداختند به کنار قبر ابا عبدالله

اَلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا طَاهِرِينَ مِنَ الدَّنَسِ،

الحسین علیه السلام سلام بر شما ای پاکان از پلیدی

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَهْدِيُونَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَبْرَارَ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ

سلام بر شما ای راه یافتگان سلام بر شما ای نیکوکاران خدا سلام

عَلَيْكُمْ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْحَافِينَ بِقُبُورِكُمْ اَجْمَعِينَ، جَمَعَنَا اللّٰهُ وَاَيَّاكُمْ

بر شما و بر همه فرشتگانی که دربر گرفته اند (حلقه وار) قبرهای شما را گرد آورد خدا ما و شما را

فِي مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ وَتَحْتِ عَرْشِهِ، اِنَّهُ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَاَلسَّلَامُ

در قرارگاه رحمتش و در زیر عرشش که براستی او مهربانترین مهربانان است و سلام

عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ. بعد از آن برو به حرم عباس بن امیرالمؤمنین علیهما

بر شما و رحمت خدا و برکاتش *****

السلام چون برسی به آنجا بايست بر در قبه آن جناب و بگو سلام الله و سلام

مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ تا آخر زیارت آن حضرت که پیش از این گذشت.

سِيم

زیارت نیمه شعبان

بدانکه احادیث بسیار در فضیلت زیارت آن حضرت در نیمه شعبان وارد شده

است و بس است در این باب آنکه به چندین سند معتبر از حضرت امام

زین العابدین و امام جعفر صادق علیهما السلام وارد شده که

هر که خواهد مصافحه کند با او صدویست و چهار هزار پیغمبر پس باید که زیارت کند قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام را در نیمه شعبان بدرستی که [ملائکه و] ارواح پیغمبران رخصت می طلبند و به زیارت آن حضرت می آیند پس خوشا به حال آنکه مصافحه کند با ایشان و ایشان مصافحه کنند با او و با ایشان پنج پیغمبر اولوالعزم نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و علیهم اجمعین راوی گفت پرسیدم که به چه سبب ایشان را اولوالعزم می نامند فرمود به جهت آنکه ایشان مبعوث شده اند به مشرق و مغرب و جن و انس و اما الفاظ زیارت پس دو نحو نقل شده یکی همان زیارتست که برای اوّل رجب نقل شد.

دیگر زیارتی است که شیخ کفعمی در کتاب بلد الامین از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده و آن زیارت چنین است می ایستی نزد قبر آن حضرت و می گوئی:

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الزَّكِيُّ،

ستایش خاص خدای والای بزرگ و سلام بر تو ای بنده شایسته پاکیزه خدا به تو

أُودِعُكَ شَهَادَةً مِّنِي لَكَ تَقْرُبُنِي إِلَيْكَ فِي يَوْمِ شَفَاعَتِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

می سپارم گواهی خود را که برای تو دهم تا اینکه مرا به تو نزدیک کند در روز شفاعت کردنت (از گنهکاران) گواهی

دهم که

قُتِلْتَ وَلَمْ تَمُتْ، بَلْ بَرَجَاءِ حَيَاتِكَ حَيِّتَ قُلُوبُ شِيعَتِكَ، وَبِضِيَاءِ

تو کشته شدی ولی نمردی بلکه به امید زنده بودن زنده است دل‌های شیعیانت و به پرتو

نُورِكَ اهْتَدَى الطَّالِبُونَ إِلَيْكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ نُورُ اللَّهِ الَّذِي لَمْ يُطْفَأْ وَلَا

نور تو ره یافتند طالبان و جویندگان درگاہت و گواهی دهم که براستی تویی آن نور خدا که

يُطْفَأُ أَبَدًا، وَأَنَّكَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي لَمْ يَهْلِكْ وَلَا يَهْلِكُ أَبَدًا، وَأَشْهَدُ أَنَّ

خاموش نگشت و (از این پس نیز) هرگز خاموش نشود و تویی آن روی خدا که نابود نگشت و هرگز نابود نشود و گواهی دهم که

هَذِهِ التُّرْبَةُ تُرْبَتُكَ، وَهَذَا الْحَرَمَ حَرَمُكَ، وَهَذَا الْمَصْرَعُ مَصْرَعُ بَدَنِكَ،

این خاک تربت شریف تو است و این حرم حرم مطهر تو است و همین جا جای افتادن پیکر نازنین تو است،

لَا ذَلِيلَ وَاللَّهِ مُعْزُكَ، وَلَا مَغْلُوبَ وَاللَّهِ نَاصِرُكَ، هَذِهِ شَهَادَةٌ لِي عِنْدَكَ

خوار نیستم به خدا عزیز کننده‌ات و شکست خورده نیستم به خدا یاری دهنده‌ات این گواهی من است در پیش تو

إِلَى يَوْمِ قَبْضِ رُوحِي بِحَضْرَتِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

تا روز گرفتن جانم در حضور تو و سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش

زیارت شبهای قدر

چهارم زیارت شبهای قدر است بدانکه احادیث در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در ماه مبارک رمضان خصوص شب اول و نیمه و آخر آن و در خصوص شب قدر بسیار است و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که هر که زیارت کند امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سیم ماه رمضان و آن شبی است که امید هست شب قدر باشد و در آن شب هر امر محکمی جدا و مقدر می‌شود مصافحه کنند با او روح بیست و چهار هزار [ملک و] پیغمبر که همه رخصت می‌طلبند از خدا در زیارت آن حضرت در این شب و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام مروی است که چون شب قدر می‌شود منادی از آسمان هفتم از بطنان عرش ندا می‌کند که حق تعالی آمرزید هر که را که به زیارت قبر حسین علیه السلام آمده

و در روایت است که هر که شب قدر نزد قبر آن حضرت باشد و دو رکعت نماز گذارد نزد آن حضرت یا آنچه که میسر شود و از حق تعالی سؤال کند بهشت را و پناه برد از آتش حق تعالی به او عطا فرماید سؤال او را و پناه دهد او را از آتش و ابن قولویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که زیارت کند قبر امام حسین علیه السلام را در ماه رمضان و بمیرد در راه زیارت از برای او عرض و حسابی نخواهد بود و به او بگویند که داخل بهشت شو بدون خوف و بیم.

و اما الفاظی که زیارت کرده می شود حضرت امام حسین علیه السلام به آن در لیله قدر پس چنان است که شیخ مفید و محمد بن المشهدی و ابن طاوس و شهید علیهم السلام در کتب مزار ذکر نموده اند و آن زیارت را مختصّ به این شب و عیدین یعنی روز عید فطر و قربان قرار داده اند و شیخ محمد بن المشهدی به اسناد معتبر خود آن را از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده و گفته که آن حضرت فرمودند وقتی که اراده کردی زیارت کنی ابی عبدالله الحسین علیه السلام را پس برو به مشهد آن حضرت بعد از آنکه غسل کرده باشی و پوشیده باشی پاکیزه ترین جامه های خود را پس چون ایستادی نزد قبر آن حضرت پس روی خود را به جانب آن حضرت کن و قبله را میان دو کتف خود قرار ده و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الصَّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ، فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

سلام بر تو ای فرزند صدیقه طاهره حضرت فاطمه بانوی زنان جهانیان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ

سلام بر تو ای مولای من ای اباعبدالله و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که تو

قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ

برپاداشتی نماز را و بدادی زکوة را و امر کردی به معروف (کار نیک) و نهی کردی از

الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ،

منکر (کار زشت) و خواندی قرآن را آنطور که باید و جهاد کردی در راه خدا چنانچه شاید

وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ مُحْتَسِبًا حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، أَشْهَدُ أَنْ

و شکیبایی کردی بر آزار (دشمنانت) درباره خدا پاداش جویانه تا مرگ بسرایت آمد گواهی دهم که براستی

الَّذِينَ خَالَفُوكَ وَحَارَبُوكَ، وَالَّذِينَ خَذَلُوكَ، وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ مَلْعُونُونَ

آنان که که با تو مخالفت کرده و جنگ کردند و آنان که دست از یاریت کشیدند و نیز کسانی که تو را کشتند ملعونند

عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى، لَعْنَةُ اللَّهِ الظَّالِمِينَ لَكُمْ

بر زبان پیامبر امی (درس نخوانده) و زیانکار است کسی که دروغ بندد، خدا لعنت کند ستم‌کنندگان شما را

مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ، أَتَيْتُكَ يَا

از اولین و آخرین و چند برابر کند بر ایشان عذاب دردناکش را آمده‌ام بدربارت ای

مَوْلَايَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ، مُعَادِيًا

مولای من ای فرزند رسول خدا برای زیارت، شناسای به حق تو و دوستدار دوستانت و دشمن

لِأَعْدَائِكَ، مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى الَّتِي أَنْتَ عَلَيْهَا، عَارِفًا بِضَلَالَةِ مَنْ

دشمنانت و بینا بر آن هدایتی که تو بر آن بودی و شناسای به گمراهی آن کس که با تو

خَالَفَكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ. پس بچسبان خود را بر قبر و روی خود را بر آن

مخالفت کرد پس شفاعت کن برای من نزد پروردگارت * * * * *

گذار پس می‌روی به جانب سر مقدس و می‌گوئی: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ

***** سلام بر تو ای حجت خدا در روی

فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَوْحِكَ الطَّيِّبِ، وَجَسَدِكَ الطَّاهِرِ،

زمین و آسمان او درود خدا بر روان پاک و پیکر پاکیزه‌ات

وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا مَوْلَايَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. پس بچسبان خود را به قبر و

و بر تو باد سلام ای مولای من و رحمت خدا و برکاتش *****

ببوس آنرا و بگذار صورت خود را بر آن و بگرد به جانب سر پس دو رکعت نماز زیارت گذار و نماز کن بعد از آن دو رکعت آنچه میسر شود تو را پس از

آن برو بسمت پا و زیارت کن علی بن الحسین علیهما السلام را و بگو:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، لَعَنَ اللَّهُ

سلام بر تو ای مولای من و ای فرزند مولای من، و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد خدا لعنت کند

مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ.

کسی که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و چند برابر کند بر ایشان عذاب دردناکش را

و دعا کن به آنچه می‌خواهی پس زیارت کن شهدا را در حالیکه میل کنی از

سمت پا بطرف قبله پس بگو اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَيُّهَا الصِّدِّيقُونَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَيُّهَا

درد بر شما ای راستگویان درود بر شما ای شهدایان شکیبا گواهی دهم

الشُّهَدَاءُ الصَّابِرُونَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ جَاهِدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلَى الْأَذَى فِي

که براستی شما جهاد کردید در راه خدا و شکیبایی کردید در برابر آزارها درباره خدا و خیرخواهی کردید برای

جَنبِ اللَّهِ، وَنَصَحْتُمْ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، حَتَّى آتَيْتُمْ الْيَقِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ

خدا و رسولش تا اینکه مرگ به سراغتان آمد گواهی دهم که براستی شما زنده‌اید که در نزد پروردگارتان روزی

می‌خورید پس

تُرْزَقُونَ، فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ، وَجَمَعَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ

پاداشتان دهد خداوند از طرف اسلام و مسلمانان بهترین پاداشی که دهد به نیکوکاران و گردآورد خدا میان ما و شما در

فِي مَحَلِّ النَّعِيمِ.

جایگاه نعمت ابدی

پس می‌روی به زیارت عباس بن امیرالمؤمنین علیهما السلام همین که رسیدی
آنجا و ایستادی نزد آن جناب بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ

سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان سلام بر تو ای بنده شایسته

الصَّالِحِ، الْمُطِيعِ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ وَتَصَحَّحْتَ وَصَبَرْتَ حَتَّى

فرمانبر خدا و رسولش گواهی دهم که تو براستی جهاد کردی و خیرخواهی نمودی و شکیبایی کردی تا

آتیکَ الْيَقِينِ، لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَالْحَقَّهُمْ بِدَرَكِ الْجَحِيمِ.

مرگ بسراغت آمد خدا لعنت کند ستم‌کنندگان شما را از اولین و آخرین و بفرستد آنها را به قعر دوزخ

پس نماز تطوُّع کند در مسجد آن جناب هر چه خواهد و بیرون رود.

زیارت در عید فطر و قربان

پنجم زیارت حضرت امام حسین علیه السلام است در عید فطر و قربان بسند
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در یک شب از سه
شب قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند گناهان گذشته و آینده‌اش
آمرزیده شود شب عید فطر یا شب عید اضحی یا شب نیمه شعبان و به روایت
معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقول است که فرمود سه شب
است که هر که زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در آن شبها

گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده شود شب نصف شعبان و شب بیست و سیم ماه رمضان و شب عید یعنی شب عید فطر .

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسی که زیارت کند امام حسین علیه السلام را در شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عرفه در یک سال بنویسد حق تعالی برای او هزار حجّ مبرور و هزار عمره مقبوله و برآورد از برای او هزار حاجت دنیا و آخرت.

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی است که هر که شب عرفه در زمین کربلا باشد و بماند آنجا تا زیارت روز عید کند و برگردد نگاه دارد حق تعالی او را از شرّ آن سال بدانکه علماء از برای این دو عید شریف دو زیارت نقل کرده‌اند یکی زیارت سابقه که به جهت لیالی قدر ذکر شد و دیگر این زیارت است و از کلمات ایشان ظاهر می‌شود که زیارت سابقه مال روزهای عیدین است و این زیارت مال شبهای عیدین فرموده‌اند چون اراده کنی زیارت آن حضرت را در این دو شب پس بایست بر درِ قبه مطهره و نظر بیفکن به جانب قبر و بگو به جهت استیذان:

يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكَ وَأَبْنُ أُمَّتِكَ الدَّلِيلُ بَيْنَ يَدَيْكَ،

ای مولای من ای ابا عبدالله‌ای فرزند رسول خدا بنده تو و فرزند کنیزت که خوار است در برابرت

والمُصَغَّرُ فِي غُلُوِّ قَدْرِكَ، وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكَ، جَاءَكَ مُسْتَجِيرًا بِكَ،

و کوچک شده در باره بلندی مقامت و اعتراف کننده است به حقت به درگاهت آمده پناه جویان به تو

قاصِدًا إِلَى حَرَمِكَ، مُتَوَجِّهًا إِلَى مَقَامِكَ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ،

و آهنگ حرم تو را کرده و رو به جانب مقام تو نموده و توسل جسته به درگاه خدای تعالی بوسیله‌ات

ءَادْخُلُ يَا مَوْلَايَ، ءَادْخُلُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، ءَادْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ

آیا داخل شوم ای مولای من آیا داخل شوم ای ولی خدا آیا داخل گردم ای فرشتگان خدا

الْمُحَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ، الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ. * پس اگر دلت خاشع

که گرداگرد این حرم شریف را گرفته و رحل اقامت افکنده‌اید در این زیارتگاه * * * * *

شده و چشمت گریان شد داخل شو و مقدم‌دار پای‌راست را برپای چپ و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ،

به نام خدا و بیاری خدا

وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْنِيْ مُنْزَلًا مُّبَارَكًا،

و در راه خدا و بر کیش رسول خدا خدا یا فرود آر مرا در فرودگاهی با برکت

وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ. پس بگو اَللّٰهُ اَكْبَرُ كَبِيْرًا، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَثِيْرًا، وَسُبْحَانَ

و تو بهترین فرود آوندگانی * * * * * خدا بزرگتر است به کمال بزرگی و ستایش بسیار خاص خدا است و منزه است

اللّٰهِ بُكْرَةً وَّاصِيْلًا، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الْمَاجِدِ الْاَحَدِ، الْمُنْفَضَّلِ

خدا در هر بامداد و پسین و ستایش از آن خدائی است که فرد و بی‌نیاز و فرازمند و یکتا و تفضل کننده

الْمَنَّانِ، الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ، الَّذِي مِنْ تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لِيْ زِيَارَةَ مَوْلَايَ

و منت گذار و نعمت بخش و پر مهر است آنکه از نعمت بخشیش آسان کرد برایم زیارت مولایم را

بِاِحْسَانِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْنِيْ عَنْ زِيَارَتِهِ مَمْنُوْعًا، وَلَا عَنْ ذِمَّتِهِ مَدْفُوْعًا،

به احسانش و چنانم نکرد که از زیارتش ممنوع گردم و نه از پناه و ذمه‌اش دورم کند

بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ. پس داخل شو و چون به میان روضه رسیدی بایست محاذی قبر

بلکه بر من لطف و احسان فرمود * * * * *

مطهّر با حال خضوع و گریه و تضرّع و بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثِ اَدَمَ صَفْوَةَ

* * * * * سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده

اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثِ نُوحٍ اَمِيْنِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثِ

خدا سلام بر تو ای وارث نوح امانتدار خدا سلام بر تو ای وارث

إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ

ابراهیم خلیل خدا سلام بر تو ای وارث موسی هم سخن خدا سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ

بر تو ای وارث عیسی روح خدا سلام بر تو ای وارث محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيٍّ حُجَّةِ

صلی الله علیه و آله که حبیب خدا است سلام بر تو ای وارث علی(ع) حجت

اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ التَّقِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ

خدا سلام بر تو ای وصی نیکوکار با تقوا سلام بر تو ای که خدا خونخواهیش کند

وَإِنَّ ثَارِهِ، وَالْوَتَرَ الْمُؤْتُونَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ

و فرزند چنین کسی و خون بناحق ریخته تحت تعقیب گواهی دهم که براستی تو به پاداشتی نماز را و پرداختی

الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ

زکات را و امر کردی به معروف (کار نیک) و باز داشتی از منکر (کار زشت) و جهاد کردی در راه خدا

جِهَادِهِ حَتَّى اسْتُبِيحَ حَرَمُكَ، وَقَتِلْتَ مَظْلُومًا. پس بایست در نزد سر مقدس

آنطور که باید تا آنجا که حرمت تو را از بین بردند و به ستم تو را کشتند * * * * *

با دل خاشع و چشم گریان و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

* * * * * سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای

بْنِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیاء سلام بر تو ای

بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَطْلَ

فرزند فاطمه زهراء بانوی زنان جهانیان سلام بر تو ای یگانه قهرمان دلیر

الْمُسْلِمِينَ، يَا مَوْلَايَ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ،

مسلمانان ای سرور من گواهی دهم که براستی تو نوری بودی در صلبهای رفیع و بلند

وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ

و رحمهای پاکیزه، آلوده‌ات نکرد دوران جاهلیت به ناپاکی‌های خود و نپوشانید

مُدْلَهَمَاتٍ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ، وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ،

بر تو از جامه‌های تیره و تارش و گواهی دهم که تو برستی از استوانه‌های دین و از پایه‌های محکم مسلمانان

وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ

و پناهگاه مردم با ایمانی و گواهی دهم که توئی امام نیکوکار با تقوا پسندیده پاکیزه

الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ

راهبر راه یافته و گواهی دهم که امامان از فرزندان تو حقیقت پرهیزکاری و نشانه‌های

الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا. پس بچسبان خود را به

هدایت و دستاویز محکم (دین) و حجت بر مردم دنیا بیاورد * * * * *

قَبْرِ وَ بگو: اَنَا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، يَا مَوْلَايَ اَنَا مُوَالٍ لَوْلِيَّكُمْ، وَمُعَادٍ

* * * * * برستی ما از آن خدائیم و بسویش بازگردیم ای سرورم من دوستدار دوست شمایم و دشمن

لِعَدُوِّكُمْ، وَأَنَا بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِأَيَابِكُمْ، مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ

دشمن شمایم و من به شما ایمان دارم و به بازگشتتان یقین دارم طبق قواعد دینم و پایان

عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، يَا مَوْلَايَ أَتَيْتُكَ

کارهایم و دلم در برابر دل شما تسلیم و کارم پیرو کار شما است ای مولای من آمده‌ام

خَائِفًا قَامِنِي، وَأَتَيْتُكَ مُسْتَجِيرًا فَاجِرُنِي، وَأَتَيْتُكَ فَقِيرًا فَاعْنِنِي،

به درگاهت ترسان پس ایمنی بخش مرا و آمده‌ام به نزدت پناه جو پس پناهم ده و آمده‌ام به پیشگاهت نیازمند پس

بی‌نیازم کن

سَيِّدِي وَمَوْلَايَ، أَنْتَ مَوْلَايَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، آمَنْتُ

ای آقایم و سرورم توئی سرپرست من و حجت خدا بر همه خلق ایمان دارم

بِسِرِّكُمْ وَعَاطَانِيَّتِكُمْ، وَبِظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، وَأَوْلِيَّكُمْ وَأَخْرِكُمْ، وَأَشْهَدُ

به راز درون شما و آشکار شما و بیرون شما و درون شما و آغاز شما و انجام شما و گواهی دهم

أَنْتَ التَّالِي لِكِتَابِ اللَّهِ، وَأَمِينُ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

که براستی تویی تلاوت کننده قرآن و امانتدار خدا خواننده بسوی خدا به فرزانگی و پند

الْحَسَنَةِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتَكَ وَأُمَّةً قَتَلْتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ

نیکو، خدا لعنت کند مردمی که به تو ستم کردند و مردمی که تو را کشتند و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند این جریان
فَرَضِيَتْ بِهِ. پس دو رکعت نماز نزدسر آن حضرت بکن و چون سلام گفتی بگو:

را و بدان خشنود شدند * * * * *

اللَّهُمَّ إِنِّي لَكَ صَلَّيْتُ وَلَكَ رَكَعْتُ، وَلَكَ سَجَدْتُ، وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ،

خدایا من برای تو نماز خواندم و برای تو رکوع کردم و برای تو سجده کردم به تنهایی که شریکی نداری

فَإِنَّهُ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ إِلَّا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي

زیرا روا نیست نماز و رکوع و سجده جز برای تو چون تویی خدائی که معبودی نیست

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي

جز تو خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برسان به ایشان از جانب من

أَفْضَلَ السَّلَامِ وَالتَّحِيَّةِ، وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ، اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ

بهترین سلام و تحیت را و سلام ایشان را به من بازگردان خدایا و این

الرَّكْعَتَانِ هَدِيَّةً مِنِّي إِلَى سَيِّدِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ،

دو رکعت هدیه‌ای است از من به پیشگاه آقایم حسین بن علی علیهما السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ، وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي، وَاجْزِنِي عَلَيْهِمَا

خدایا درود فرست بر محمد و بر او و بپذیر این دو رکعت را از من و پاداشم ده

أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي وَلِيِّكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ پس بچسبان

به بهترین آرزو و امیدم درباره تو و درباره ولیت ای اختیار دار مؤمنان * * * * *

خود را بر قبر و بپوس آنرا و بگو: أَسَلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ

* * * * * سلام بر حسین بن علی آن ستمدیده

الشَّهِيدِ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ، وَأَسِيرِ الْكُرْبَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ،

شاهد کشته اشکها و اسیر گرفتاریها خدایا من گواهی دهم که آن حضرت ولی تو

وَابْنُ وِلْيِكَ وَصَفِيكَ الثَّائِرُ بِحَقِّكَ اَكْرَمْتَهُ بِكَرَامَتِكَ، وَخَتَمْتَ لَهُ

و فرزند ولی تو است و برگزیده قیام کننده به حق تو که او را گرامی داشتی به کرامت خود و ختم کردی عمرش را

بِالشَّهَادَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ، وَقَانِدًا مِنَ الْقَادَةِ، وَاكْرَمْتَهُ

به شهادت و او را آقای از آقایان و پیشوایی از پیشوایان قرار دادی و گرامیش داشتی

بَطِيبِ الْوِلَادَةِ، وَاَعْظَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ

به پاکي نژاد و به او دادی میراثهای پیامبران را و قراردادی او را حجت بر خلق کردی

مِنَ الْأَوْصِيَاءِ، فَأَعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ، وَمَنْحَ النَّصِيحَةِ، وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ،

از میان اوصیاء و او نیز در دعوت کوتاهی نکرد و از خیرخواهی دریغ نمود و جانش را در راه تو نثار کرد

حَتَّى اسْتَنْقَذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ، وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ، وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ

تا اینکه نجات داد بندگانت را از نادانی و سرگردانی (وادی) گمراهی در صورتی که همدست شدند بر ضلّه او کسانی که

مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا، وَبَاعَ حَظَّهُ مِنَ الْآخِرَةِ بِالْأَدْنَى، وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ،

دنیا فریشتان داد و فروختند بهره خود را از آخرت به چیز پستی و سرنگون شدند در (جاه) هواپرستی

وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ، وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَوْلَى الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ،

و به خشم آوردند تو را و پیامبرت را و پیروی کردند از بندگانت مردم نفاق پیشه و دو رو

وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ، فَجَاهَدَهُمْ فَيْكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا

و آن کسانی را که بارهای گناه بر دوش می کشیدند و سزاوار آتش دوزخ بودند پس جهاد کرد با آنها درباره تو با شکیبایی

و پاداش جویانه

مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَيِّمٍ، حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ

بدون آنکه پشت به دشمن کند و درباره تو تحت تأثیر سرزنش ملامت کننده ای قرار گیرد تا جایی که ریخته شد

دَمُهُ، وَأَسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ، اللَّهُمَّ اَلْعَنُهُمْ لَعْنًا وَبِيَلًا، وَعَذَّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا.

خون پاکش در راه فرمانبرداری تو و حرمتش پایمال شد خدایا لعنت کن آنها را لعنتی وبال آور و عذابشان کن به عذابی

دردناک

پس بگرد به جانب علی بن الحسین علیهما السلام و آن جناب در طرف پای

مبارک حضرت حسین علیه السلام است پس بگو:

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

***** سلام بر تو ای ولی خدا سلام بر تو ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

رسول خدا سلام بر تو ای فرزند خاتم پیامبران سلام بر تو ای فرزند

فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان

اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ الشَّهِيدُ، يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي عِشْتَ سَعِيداً،

سلام بر تو ای ستمدیده شهید، پدر و مادرم به فدای تو که سعادتمند زندگی کردی

وَقُتِلْتَ مَظْلُوماً شَهِيداً. پس رو کن بسوی قبور شهداءِ رِضْوَانِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ و بگو:

و مظلوم و شهید کشته گشتی *****

اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الدَّائِبُونَ عَنْ تَوْحِيدِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا

سلام بر شما ای مدافعین از یگانه پرستی خدا سلام بر شما بخاطر

صَبْرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، يَا بِي أَنْتُمْ وَأُمِّي فُزْتُمْ فَوْزاً عَظِيماً. پس برو

آن شکیبائی که کردید پس چه نیکو است خانه سرانجام شما پدر و مادرم به فدایتان که به رستگاری بزرگی فائز گشتید. *

به مشهد عباس بن علی علیهما السلام و بایست نزد ضریح شریف آن جناب و

بگو:

اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ وَالصَّدِيقُ الْمُؤَاسِي، أَشْهَدُ أَنَّكَ آمَنْتَ بِاللَّهِ،

سلام بر تو ای بنده شایسته و راستگوی فداکار گواهی دهم که پرستی تو ایمان داشتی به خدا

وَنَصَرْتَهُ ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ، وَوَأَسَيْتَ بِنَفْسِكَ،

و یاری کردی فرزند رسول خدا را و دعوت کردی (مردم را) به راه خدا و فداکاری کردی با جان خود

فَعَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ أَفْضَلُ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ. * پس بچسبان خود را به قبر و بگو

بر تو باد از جانب خداوند بهترین تحیت و سلام *****

بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ الْحُسَيْنِ

پدر و مادرم به فدایت ای یاور دین خدا سلام بر تو ای یاور حسین (آن آقای)

الصَّدِّيقِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، عَلَيْكَ مِنِّي

راستگو سلام بر تو ای یاور حسین شهید بر تو باد از جانب من

السَّلَامُ مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ. پس نماز کن در نزد سر آن حضرت دو

سلام تا زنده‌ام و برپا است شب و روز * * * * *

رکعت و بگو بعد از آن آنچه را که می‌گفتی در نزد سر حضرت حسین علیه السلام یعنی بخوان دعاء اَللّهُمَّ اِنِّي صَلَّيْتُ الْخِمْسَ بِسُورَةِ مَشْهُدِ حُسَيْنٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِمَا فِيهَا مِنْ نَزْدِ اَنْ حَضْرَتِ اَنْجَا رَا مَكَانَ بَيْتِوْتِهْ يَعْنِي خَوَابِگَاهِ قَرَارِ نَدَهِي وَ چُون خَوَاهِي وَدَاعِ كُنِي اَنْ حَضْرَتِ رَا بَايَسْتِ دَرِ نَزْدِ سَرِ وَ گَرِيهْ كُنِ وَ بَگُو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، سَلَامٌ مُودَعٌ لَا قَالٌ وَلَا سِيَمٌ، فَإِنْ أَنْصَرِفَ فَلَا عَنِّ

سلام بر تو ای مولای من سلام خداحافظی کننده‌ای که نه خشمی دارد و نه خستگی و اگر باز می‌گردم نه

مَلَالَةً، وَإِنْ أَقِمَّ فَلَا عَنِّ سَوْءٍ ظَنُّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ، يَا مَوْلَايَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ

از روی خستگی است و اگر بمانم نه از روی بدگمانی بدانچه خدا به شکیبایان وعده کرده است می‌باشد، ای مولای من

خدا قرار

أَخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ، وَرَزَقَنِي الْعُودَ إِلَيْكَ، وَالْمُقَامَ فِي حَرَمِكَ،

ندهد (این زیارت مرا) آخرین بار زیارت از تو و روزیم گرداند بازگشت بسویت را و توقف در حرمت را

وَأَلْكَوْنَ فِي مَشْهُدِكَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. * پس بیوس ضریح را و جمیع بدن

و بودن در زیارتگاهت را آمین ای پروردگار جهانیان * * * * *

خود را بر آن بمال بدرستی که آن باعث امان و حرز تو است و بیرون برو از

نزد آن حضرت به طوری که رویت به جانب قبر باشد و پشت بر او مکن و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ

سلام بر تو ای درگاه

الْمَقَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ

مقام (اهل ایمان) سلام بر تو ای شریک با قرآن سلام بر تو ای حجت (خدا)

الْخِصَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النِّجَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ

برای ستیزه‌جویان سلام بر تو ای کشتی نجات سلام بر شما ای فرشتگان

رَبِّي الْمُتَّقِينَ فِي هَذَا الْحَرَمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ

پروردگار من که رحل اقامت افکنده‌اید در این حرم شریف سلام بر شما همیشه تا زنده‌ام من و بر پا است شب

وَالنَّهَارُ وَبِغَوْا إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

و روز * * ما از آن خدائیم و بسوی او بازگردیم و جنبش و نیروئی نیست جز به خدای والای بزرگ

پس برو بیرون و سید بن طاوس و محمد بن المشهدی گفته‌اند پس در وقتی که چنین کردی مثل کسی مانی که زیارت کرده خدا را در عرش.

زیارت در روز عرفه

ششم زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه است بدانکه آنچه از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در باب زیارت عرفه رسیده از کثرت اخبار و بسیاری فضیلت و ثواب زیاده از آنست که احصا شود و ما به جهت تشویق زائرین به ذکر چند حدیث اکتفا می‌نماییم:

بسنند معتبر از بشیر دَهَّان منقول است که گفت عرض کردم به خدمت حضرت صادق علیه السلام که گاه هست حجّ از من فوت می‌شود و روز عرفه را نزد

قبر امام حسین علیه السلام می‌گذرانم فرمود که نیک می‌کنی ای بشیر هر مؤمنی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود با شناسایی حق آن حضرت در غیر روز عید نوشته شود برای او ثواب بیست حجّ و بیست عمره مبروره مقبوله و بیست جهاد با پیغمبر مرسل یا امام عادل و هرکه زیارت کند آن حضرت را در روز عید بنویسد حق تعالی برای او ثواب صد حجّ و صد عمره و صد جهاد با پیغمبر مرسل یا امام عادل و هرکه زیارت کند آن حضرت را در روز عرفه با معرفت حق آن حضرت نوشته شود برای او ثواب هزار حجّ و هزار عمره پسندیده مقبوله و هزار جهاد با پیغمبر مرسل یا امام عادل .

گفتم کجا حاصل می‌شود برای من ثواب موقف عرفات پس آن حضرت نظر کرد بسوی من مانند کسی که خشمناک باشد و فرمود که ای بشیر هرگاه مؤمنی برود به زیارت قبر امام حسین علیه السلام در روز عرفه و غسل کند در نهر فرات پس متوجّه شود بسوی قبر آن حضرت بنویسد حق تعالی از برای او بهر گامی که برمی‌دارد حجّی که با همه مناسک به عمل آورده باشد و چنین گمان دارم که فرمود و عمره [غزوه] و در احادیث کثیره بسیار معتبره وارد شده که حق تعالی در روز عرفه اوّل نظر رحمت بسوی زائران قبر حسین علیه السلام می‌افکند پیش از آنکه نظر به اهل موقف عرفات کند و در حدیث معتبر از رفاعه منقول است که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود که امسال حجّ کردی گفتم فدایت شوم زری نداشتم که به حج روم ولکن عرفه را نزد قبر امام حسین علیه السلام گذرانیدم فرمود که ای رفاعه هیچ کوتاهی نکردی از آنچه

اهل منی در آن بودند اگر نه این بود که کراحت دارم که مردم ترک حج کنند
هرآینه حدیثی برای تو می گفتم که هرگز ترک زیارت قبر آن حضرت نکنی
پس ساعتی ساکت شد و بعد از آن فرمود که خبر داد مرا پدرم که هرکه بیرون
رود بسوی قبر امام حسین علیه السلام و عارف به حق آن حضرت باشد و با
تکبّر نرود همراه او می شوند هزار ملک از جانب راست و هزار ملک از جانب
چپ و نوشته شود برای او ثواب هزار حج و هزار عمره که با پیغمبر یا وصی
پیغمبر کرده باشد.

و اما کیفیت زیارت آن حضرت پس چنان است که علماء آجله و رؤساء مذهب
و ملت فرموده اند چون خواستی آن حضرت را در این روز زیارت کنی پس اگر
ممکن شد تو را که از فرات غسل کنی چنان کن و اگر نه از هر آبی که تو را
ممکن باشد و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و قصد زیارت آن حضرت
کن در حالتی که به آرامی و وقار و تانی باشی پس چون به در حایر برسی
بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ وَ بَگُو اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً

خدا بزرگتر است * * * خدا بزرگتر است به کمال بزرگی و ستایش خاص خدا است بسیار و منزه باد خدا در صبح

وَأَصِيلًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا

و شام و ستایش خاص خدائی که ما را به این راه راهنمایی فرمود و ما خود چنان نبودیم که راهنمایی شویم

اللَّهُ، لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ، أَسْلَامٌ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ

اگر خدا راهنماییمان نمی کرد برآستی آمدند رسولان پروردگار ما به حق سلام بر رسول خدا - که درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ،

بر او و آتش - سلام بر امیر مؤمنان سلام بر فاطمه زهرا

سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَى

بانوی زنان جهانیان سلام بر حسن و حسین سلام بر

عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ

علی بن الحسین سلام بر محمد بن علی سلام بر جعفر بن محمد سلام بر

مُحَمَّدِ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى،

محمد سلام بر موسی بن جعفر سلام بر علی بن موسی

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ

سلام بر محمد بن علی سلام بر علی بن محمد سلام

عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْمُتَنَتَّرِ، السَّلَامُ

بر حسن بن علی سلام بر آن جانشین شایسته‌ای که چشم براهش هستند سلام

عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكَ وَابْنُ

بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، بنده تو و پسر

عَبْدِكَ وَابْنِ أُمَّتِكَ الْمُوَالِي لَوْلِيكَ، الْمُعَادِي لِعُدُوِّكَ، اسْتَجَارَ

بنده تو و پسر کنیزت که دوستدار تو و دشمن دشمن تو است به زیارتگاهت

بِمَشْهَدِكَ، وَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ بِقَصْدِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي لَوْلَايَتِكَ،

پناه آورده و بوسیله آهنگ کردن (درگاه) تو به خدا تقرب جوید، ستایش خدائی را سزااست که مرا بدوستی تو راهنمایی

وَخَصَّنِي بِزِيَارَتِكَ، وَسَهَّلَ لِي قَصْدَكَ. پس داخل روضه شو و بایست محاذی

کرد و به زیارتت مخصوص داشت و آهنگ کردنت را برایم آسان کرد * * * * *

سر و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

* * * سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا سلام بر تو ای

وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ،

وارث نوح پیامبر خدا سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

سلام بر تو ای وارث موسی هم سخن با خدا سلام بر تو ای وارث

عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ

عیسی روح خدا سلام بر تو ای وارث محمد دوست خدا سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ

بر تو ای وارث امیر مؤمنان سلام بر تو ای وارث فاطمه

الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

زهره سلام بر تو ای فرزند محمد مصطفی سلام بر تو ای پسر

عَلِيِّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

علی مرتضی سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا سلام بر تو

يَا بَنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوَثْرَ

ای فرزند خدیجه کبری سلام بر تو ای کسی که خدا خونخواهیش کند و فرزند کسی که خدا خونخواهیش کند و ای

کشته‌ای

الْمَوْتُورَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ

که خون کسانش ریخته شد گواهی دهم که تو برآستی پباداشتی نماز را و بدادی زکات را و دستور دادی

بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَلَعَنَ

به کار نیک و بازداشتی از کار زشت و فرمانبرداری خدا کردی تا یقین (یعنی شهادت) به سراغت آمد پس لعنت کند

اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتَكِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتَكِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ

خدا مردمی که تو را کشتند و خدا لعنت کند مردمی که به تو ستم کردند و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند آنرا و بدان

فَرَضَيْتَ بِهِ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيَآئَهُ

راضی شدند ای مولای من ای ابا عبدالله گواه گیرم خدا و فرشتگانش را و پیامبران

وَرُسُلَهُ، أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِأَيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَايِعِ دِينِي، وَخَوَاتِيمِ

و رسولانش را که من به شما ایمان دارم و به بازگشت شما (در رجعت) یقین دارم طبق احکام دینم و پایان

عَمَلِي، وَمُنْقَلَبِي إِلَى رَبِّي، فَصَلِّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ

کردارم و بازگشتم بسوی پروردگارم می‌باشد درودهای خدا بر جانهای شما

وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ وَعَلَى شَاهِدِكُمْ وَعَلَى غَائِبِكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ

و بر پیکرهای شما و بر حاضران و بر غائبان و ظاهران

وَبَاطِنِكُمْ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ،

و باطنان سلام بر تو ای فرزند خاتم پیمبران و فرزند آقای اوصیاء

وَابْنَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَابْنَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ،

و فرزند پیشوای پرهیزکاران و فرزند رهرو سفیدرویان بسوی بهشتهای پر نعمت

وَكَيْفَ لَا تَكُونُ كَذَلِكَ، وَأَنْتَ بَابُ الْهُدَى، وَإِمَامُ التَّقَى وَالْعُرْوَةُ

و چگونه این چنین نباشی در صورتی که تو درگاه هدایت و پیشوای پرهیزکاری و دستاویز

الْوَثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَخَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ، غَذَّتْكَ

محکم (خدا) و حجت بر اهل دنیا هستی و پنجمین اصحاب کساء هستی خوراکت داد

يَدُ الرَّحْمَةِ، وَرَضَعْتَ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمَانِ، وَرَبَّيْتَ فِي حِجْرِ الْأِسْلَامِ،

دست رحمت (حق) و شیر خوردی از پستان ایمان و پرورش یافتی در دامن اسلام

فَالنَّفْسُ غَيْرُ رَاضِيَةٍ بِفِرَاقِكَ، وَلَا شَاكَّةٌ فِي حَيَاتِكَ، صَلَّوَاتُ اللَّهِ

دل راضی به فراق و جدائی تو نیست و هیچگونه شک و تردیدی در زنده بودن تو ندارد درودهای خدا

عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ وَأَبْنَائِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَرِيحَ الْعِبْرَةِ

بر تو و بر پدرانت و فرزندان سلام بر تو ای کشته اشک

السَّائِكَةِ، وَقَرِينَ الْمُصِيبَةِ الرَّائِبَةِ، لَعْنَةُ اللَّهِ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ

ریزان و همدم مصیبت پیایی و مرتب، خدا لعنت کند مردمی که نادیده گرفتند حرمت را

الْمَحَارِمِ، [وَأَنْتَهَكْتَ فِيكَ حُرْمَةَ الْأِسْلَامِ] فَفَقِلْتُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ

[و دریدند در مورد تو حرمت اسلام را] و بدین جهت کشته گشتی درود خدا بر تو که

مَقْهُورًا، وَأَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَ مَوْثُورًا، وَأَصْبَحَ

مقهور (و مغلوب) گشتی و رسول خدا صلی الله علیه و آله بخاطر تو به حال خونخواهی درآمد

كِتَابُ اللَّهِ بِفَقْدِكَ مَهْجُورًا، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ جَدِّكَ وَأَبِيكَ، وَأُمَّكَ

و کتاب خدا (قرآن) بواسطه فقدان تو مهجور (و متروک) گردید سلام بر تو و بر جد و پدر و مادر

وَأَخِيكَ، وَعَلَىٰ الْأُئِمَّةِ مِنْ بَنِيكَ، وَعَلَىٰ الْمُسْتَشْهَدِينَ مَعَكَ، وَعَلَىٰ

و برادرت باد و هم بر امامان از فرزندان و بر شهید شدگان با تو و بر

الْمَلَائِكَةِ الْحَافِينَ بِقَبْرِكَ، وَالشَّاهِدِينَ لِزُؤَارِكَ، الْمُؤْمِنِينَ بِالْقَبُولِ

فرشتگان دربرگیرنده قبرت و حاضران از زوآرت که آمین گویند برای قبول شدن

عَلَىٰ دُعَاءِ شِيعَتِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، يَا أَبَىٰ أَنْتَ

دعای شیعیان و سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش پدر

وَأُمِّي يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا أَبَىٰ أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتْ

و مادرم بفدایت ای فرزند رسول خدا پدر و مادرم به فدایت ای ابا عبدالله برآستی که بزرگ شد

الرِّزْيَةُ، وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا، وَعَلَىٰ جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ

سوگواری تو و عظیم گشت مصیبت تو بر ما و بر تمام اهل آسمانها

وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَهَيَّاتُ لِقِتَالِكَ، يَا

و زمین خدا لعنت کند مردمی که اسپها را زین کرده و دهانه زدند و آماده کشتن و کارزار با تو شدند ای

مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، قَصَدْتُ حَرَمَكَ، وَأَتَيْتُ مَشْهَدَكَ، أَسْأَلُ اللَّهَ

مولای من ای ابا عبدالله آهنگ حرم تو را کردم و به زیارتگاهت آمدم از خدا خواهم

بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ وَبِالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ

بدان شأن و مقامی که تو در نزد او داری و بدان مکانی که تو را در پیش او است که درود فرستد بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يُجْعَلَ مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، بِمَنْهٍ

محمد و آل محمد و قرار دهد مرا با شما در دنیا و آخرت به منت

وَجُودِهِ وَكَرَمِهِ پس بیوس ضریح را پس دو رکعت نماز کن در بالای سر و در این دو

وجود و بزرگواریش * * * * *

رکعت هر سوره که می خواهی بخوان و چون فارغ شدی بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ

***** خدایا من نماز خواندم

وَرَكْعَتُ وَسَجْدَتُ لَكَ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، إِنَّ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ

و رکوع و سجدہ کردم برای تو تنها کہ شریک نداری زیرا نماز و رکوع

وَالسُّجُودَ لَا تَكُونُ إِلَّا لَكَ، لِإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ صَلِّ

و سجدہ روا نیست جز برای تو چونکہ توئی خدائی کہ معبودی جز تو نیست خدایا درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغُهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ، وَارْدُدْ

بر محمد و آل محمد و برسان بدانها از جانب من بهترین تحیت و سلام را و بازگردان

عَلَىٰ مِنْهُمُ التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ، اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ هَدِيَّةً مِنِّي إِلَىٰ

بر من از جانب ایشان تحیت و سلامی خدایا این دو رکعت نماز هدیه‌ای است از من به پیشگاه

مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَإِمَامِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، اللَّهُمَّ

سرور و آقا و پیشوایم حضرت حسین بن علی علیهما السلام خدایا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي، وَأَجْزِنِي عَلَىٰ ذَلِكَ

درود فرست بر محمد و آل محمد و بپذیر آن را از من و پاداشم ده بر آن

أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي وَلِيِّكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس بر خیز و

به بهترین آرزو و امید که در تو و در ولی تو دارم ای مهربانترین مهربانان *****

برو بسوی پای مبارک حضرت حسین علیه السلام و زیارت کن علی بن

الحسین علیهما السلام را و سر آن جناب در نزد پای ابی عبدالله علیه السلام

است پس بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

سلام بر تو ای فرزند پیامبر خدا سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ بْنُ

سلام بر تو ای فرزند حسین شهید سلام بر تو ای شهید فرزند

الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ ابْنُ الْمَظْلُومِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ،

شهید سلام بر تو ای ستم‌دیده فرزند ستم‌دیده خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند

وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ،

و خدا لعنت کند مردمی که به تو ستم کردند و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند آن را و بدان راضی گشتند

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، لَقَدْ

سلام بر تو ای مولای من سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی خدا براستی

عَظَمْتَ الْمُصِيبَةَ وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ،

بزرگ شد سوگوارای تو و عظیم گشت مصیبت تو بر ما و بر تمام مردم با ایمان

فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَالْيَاكُوفِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند و بیزاری جویم بسوی خدا و بسوی تو از ایشان در دنیا و آخرت

پس توجه کن بجانب شهداء و زیارت کن ایشان را و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ

سلام بر شما ای اولیاء

اللَّهِ وَأَحِبَّائِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَأَوْدِيَاءَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا

خدا و دوستانش سلام بر شما ای برگزیدگان خدا و دوستان خالص او سلام بر شما ای

أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ نَبِيِّهِ، وَأَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنْصَارَ فَاطِمَةَ

یاران دین خدا و یاران پیامبرش و یاران امیر مؤمنان و یاران فاطمه

سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ

بانوی زنان جهانیان سلام بر شما ای یاران حضرت ابا محمد حسن بن علی

الْوَلِيِّ النَّاصِحِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ

آن ولی حق و خیرخواه خلق سلام بر شما ای یاران حضرت ابا عبدالله الحسین آن شهید

الْمَظْلُومِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، يَا أَبَا أَنْتُمْ وَأُمِّي طِبْتُمْ وَطَابَتْ

مظلوم دروذهای خدا بر شما همگی پدر و مادرم به فدای شما پاک گشتید و پاک شد

الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ وَفُزْتُمْ وَاللَّهُ فَوْزًا عَظِيمًا، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ

زمینی که شما در آن دفن شدید و رستگار شدید به خدا سوگند رستگاری بزرگی ای کاش من نیز

مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ فِي الْجَنَانِ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ

با شما بودم و با شما به رستگاری نائل می‌شدم در بهشت با شهیدان و مردمان شایسته و چه نیکو

أَوْلِيكَ رَفِيقًا، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. پس برگرد به جانب سِرِّ

رفیقانی هستند سلام بر شما و رحمت خدا و برکاتش * * * * *

امام حسین علیه السلام و بسیار دعا کن از برای خود و از برای اهل و عیال و

برادران مؤمن خود و سید بن طاوس و شهید فرموده‌اند پس برو به مشهد جناب

عبّاس رضی الله عنه همین که رسیدی به آنجا بایست نزد قبر آنجناب و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسَ بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ

سلام بر تو ای ابوالفضل العباس فرزند امیر مؤمنان سلام بر تو ای فرزند

سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَوَّلِ الْقَوْمِ إِسْلَامًا، وَأَقْدَمِهِمْ إِيمَانًا، وَأَقْوَمِهِمْ

آقای اوصیاء سلام بر تو ای فرزند نخستین مردمی که مسلمان شد و بیشترین کسی که ایمان آورد و پابرجاترین آنها در

بَدِينِ اللَّهِ، وَأَحْوَطِهِمْ عَلَى الْإِسْلَامِ، أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَخِيكَ،

دین خدا و مراقب‌ترین آنها در حفظ اسلام گواهی دهم که تو بخوبی خیراندیشی کردی برای خدا و برای رسول خدا و

برای برادرت

فَنِعْمَ الْأَخُ الْمُوَاسِي، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

پس چه نیکو برادر فداکاری بود خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند و خدا لعنت کند مردمی که به تو ستم کردند و

خدا لعنت کند

اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ، وَأَنْتَهَكْتَ فِي قَتْلِكَ حَرَمَةَ الْأِسْلَامِ، فَنِعْمَ

مردمی که حرمت تو را نادیده گرفتند و پرده حرمت اسلام را بوسیله کشتن تو دریدند پس چه نیکو

الْأَخُ الصَّابِرُ الْمُجَاهِدُ الْمُحَامِي النَّاصِرُ، وَالْأَخُ الدَّافِعُ عَنْ أَخِيهِ،

برادر شکیبا و مجاهد و حمایت کننده و یآوری بودی و چه برادر دفاع کننده‌ای بودی از برادرت

الْمُجِيبُ إِلَى طَاعَةِ رَبِّهِ، الرَّاعِبُ فِيمَا زَهَدَ فِيهِ غَيْرُهُ مِنَ الثَّوَابِ

که پاسخ دادی به فرمانبرداری پروردگارت و مشتاق بودی بدانچه بی‌رغبت بودند بدان دیگران از پاداش

الْجَزِيلِ، وَالثَّنَاءِ الْجَمِيلِ، وَالْحَفَّكَ اللَّهُ بِدَرَجَةِ آبَائِكَ فِي دَارِ النَّعِيمِ،

فراوان و ستایش شایان و برساند تو را خداوند به درجه پدران در خانه پر نعمت (بهشت)

أَنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ پس بیفکن خود را بر قبر و بگو: اَللّٰهُمَّ لَكَ تَعَرَّضْتُ،

که براستی او ستوده و بزرگوار است * * * * * خدایا من به درگاه تو آمدم

وَلزِيَارَةِ اَوْلِيَائِكَ قَصَدْتُ، رَغْبَةً فِي ثَوَابِكَ، وَرَجَاءً لِمَغْفِرَتِكَ،

و زیارت دوستانت را آهنگ کردم روی اشتیاقی که به پاداش تو داشتم و امیدی که به آمرزشت

وَجَزِيلِ اِحْسَانِكَ فَاسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ

فراوانی احسان تو دارم پس از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و

تَجْعَلَ رِزْقِي بِهِمْ دَارًا، وَعَيْشِي بِهِمْ قَارًا، وَزِيَارَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً

قرار دهی روزیم را بخاطر ایشان ریزان و خوشی زندگیم را بدیشان پابرجا و زیارتم را بدانها پذیرفته

وَدَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا، وَاَقْلِبْنِي بِهِمْ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا دُعَائِي

و گناهم را به آنها آمرزیده و بازم گردانی مرا بدانها رستگار و کامیاب با دعای مستجاب شده

بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُوَّارِهِ وَاَلْقَاصِدِينَ اِلَيْهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا

به بهترین وضعی که بازگردد بدان وضع یکی از زیارت کنندگانش و آهنگ کنندگان درگاهش به رحمت ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس ببوس ضریح را و نماز گذار نزد آن حضرت نماز زیارت و

مهربانترین مهربانان * * * * *

خواسته باشی و چون خواستی وداع کنی آن حضرت را بگو آنچه را که از پیش

آنچه ذکر کردیم در وداع آن حضرت.

زیارت عاشوراء

هفتم زیارت عاشوراء است بدانکه زیارات منقوله در روز عاشوراء چند زیارت است و ما در اینجا به ملاحظه اختصار به ذکر دو زیارت اکتفا می‌کنیم و در باب دوم در اعمال روز عاشوراء نیز زیارتی نقل کردیم با مطالبی که مناسب است با این مقام و اما آن دو زیارت:

اول زیارت عاشوراء معروفه است که خوانده می‌شود از نزدیک و دور و شرح آن چنانکه شیخ ابوجعفر طوسی در مصباح ذکر فرموده چنین است روایت کرده محمد بن اسمعیل بن بزیع از صالح بن عقبه از پدرش از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرمود هر که زیارت کند حسین بن علی علیهما السلام را در روز دهم محرم تا آنکه نزد قبر آن حضرت گریان شود ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حجّ و دو هزار عمره و دو هزار جهاد که ثواب آنها مثل ثواب کسی باشد که حجّ و عمره و جهاد کند در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام راوی گفت: گفتم فدایت شوم چه ثواب است از برای کسی که بوده باشد در شهرهای دور از کربلا و ممکن نباشد او را رفتن بسوی قبر آن حضرت در مثل این روز فرمود هرگاه چنین باشد بیرون رود بسوی صحرا یا بالا رود بر بام بلندی در خانه خود و اشاره کند بسوی آن حضرت بسلام و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلین آن حضرت و بعد از آن دو رکعت نماز کند و بکند این کار را در اوایل روز پیش از زوال آفتاب پس ندبه کند بر حسین علیه السلام و بگرید بر او و امر کند کسانی را که در

خانه‌اش هستند هرگاه از ایشان تقیّه نمی‌کند به گریستن بر آن حضرت و برپا دارد در خانه خود مصیبتی به اظهار کردن جزع بر آن حضرت و تعزیت بگویند یکدیگر را به مصیبت ایشان به حسین علیه السلام و من ضامنم برای ایشان بر خدا هرگاه بیاورند این عمل را جمیع آن ثوابها را .

گفتم فدای تو شوم ضامن می‌شوی این ثوابها را برای ایشان و کفیل می‌شوی این ثوابها را؟ فرمود که بلی من ضامنم و کفیلم از برای کسی که این عمل را بجا آورد گفتم که چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند فرمود که می‌گویند «أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَليِّهِ الْأَمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» یعنی بزرگ فرماید خداوند اجرهای ما را به مصیبت ما به حسین علیه السلام و قرار دهد ما و شما را از خواهندگان خون او با ولیّ او امام مهدی از آل محمد علیهم السلام و اگر بتوانی که بیرون نروی آن روز را در پی حاجتی چنان کن زیرا که آن روز نحسی است که برآورده نمی‌شود در آن حاجت مؤمن و اگر برآورده شود مبارک نخواهد بود از برای او و نخواهد دید در آن خیری و رشدی و ذخیره نکند البتّه هیچیک از شما برای منزلش در آن روز چیزی را پس هرکه ذخیره کند در آن روز چیزی را برکت نخواهد دید در آن چیزی که ذخیره نموده و مبارک نخواهد بود از برای او در اهلس که ذخیره برای آنها نهاده پس هرگاه بجا آورند این عمل را بنویسد حق تعالی برای ایشان ثواب هزار حجّ و هزار عمره و هزار جهاد که همه را با رسول خدا صلی الله علیه وآله کرده باشد و از

برای اوست مزد و ثواب مصیبت هر پیغمبری و رسولی و وصی و صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد از زمانی که خلق فرموده حق تعالی دنیا را تا زمانی که به پای شود قیامت.

صالح بن عقیبه و سیف بن عمیره گفته‌اند که گفت علقمه بن محمد حصرمی که گفتم به حضرت باقر علیه السلام که تعلیم بفرما مرا دعایی که بخوانم آن را در این روز هرگاه زیارت کنم آن جناب را از نزدیک و دعایی که بخوانم آنرا هرگاه زیارت نکنم او را از نزدیک و بخواهم اشاره کنم به سلام بسوی او از شهرهای دور و از خانه‌ام فرمود به من ای علقمه هرگاه تو بجا آوردی آن دو رکعت نماز را بعد از آنکه اشاره کنی بسوی آن حضرت بسلام پس بگو در وقت اشاره به آن حضرت بعد از گفتن تکبیر این قول را (یعنی زیارت آتیه را) پس به درستی که تو هرگاه گفتی این قول را به تحقیق که دعا کرده‌ای به آن چیزی که دعا می‌کند به آن زائران آن حضرت از ملائکه و بنویسد خداوند از برای تو صد هزار هزار درجه و بوده باشی مثل کسی که شهید شده باشد با امام حسین علیه السلام تامشارکت کنی ایشان را در درجات ایشان و شناخته نشوی مگر در جمله شهیدانی که شهید شده‌اند با آن حضرت و نوشته شود برای تو ثواب زیارت هر پیغمبری و رسولی و ثواب هر که زیارت کرده حسین علیه السلام را از روزی که شهید شده است سلام خدا بر آن حضرت و بر اهل بیتش می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو

يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ سَيِّدِ

ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان و فرزند آقای

الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

اوصیاء سلام بر تو ای فرزند فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام بر تو ای که خدا خونخواهش کند و فرزند چنین کسی و

ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوَتَرَ الْمُؤْتُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي

ای کشته ای که انتقام کشته گانت نگرفتی سلام بر تو و بر روانهایی که فرود آمدند به آسمانت، بر شما

حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامٌ لِلَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ،

همگی از جانب من سلام خدا باد همیشه تا من برجایم و برجاست شب و روز ای

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظَّمْتَ الرَّزِيَّةَ وَجَلَّتْ وَعَظَّمْتَ الْمُصِيبَةَ بِكَ عَلَيْنَا، وَعَلَى

ابا عبدالله براستی بزرگ شد سوگواری تو و گران و عظیم گشت مصیبت تو بر ما و بر

جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَجَلَّتْ وَعَظَّمْتَ مُصِيبَتَكَ فِي السَّمَوَاتِ، عَلَى

همه اهل اسلام و گران و عظیم گشت مصیبت تو در آسمانها بر

جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَسَتْ آسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ

همه اهل آسمانها پس خدا لعنت کند مردمی را که ریختند شالوده ستم و بیدادگری

عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ، وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ

را بر شما خاندان و خدا لعنت کند مردمی را که کنار زدند شما را از مقام مخصوصتان و دور کردند شما را از

مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ

آن مرتبه هایی که خداوند آن رتبه ها را به شما داده بود و خدا لعنت کند مردمی که شما را کشتند و خدا لعنت کند

الْمُؤْمِنِينَ لَهُمْ بِالْمُتَكِينِينَ مِنْ قِتَالِكُمْ، بَرِثْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ

آنانکه تهیه اسباب کردند برای کشدگان شما تا آنها توانستند با شما بجنگند بجزاری جویم بسوی خدا و بسوی شما

وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِنِّي سَلِمٌ لِمَنْ

از ایشان و از پیروان و دنبال روندگانشان و دوستانشان ای اباعبدالله من تسلیمم و در صلحم

سَأَلَمَكُمُ، وَحَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَلَعْنُ اللَّهِ آلَ زِيَادٍ

با کسی که با شما در صلح است و در جنگم با هر کس که با شما در جنگ است تا روز قیامت و خدا لعنت کند خاندان

زیاد

وآل مروان، ولعن الله بنی امیة قاطیة، ولعن الله ابن مرجانه، ولعن

و خاندان مروان را و خدا لعنت کند بنی امیه را همگی و خدا لعنت کند فرزندان مرجانه (ابن زیاد) را و

الله عمر بن سعد، ولعن الله شمرا، ولعن الله امة اسرجت والجمت

خدا لعنت کند عمر بن سعد را و خدا لعنت کند شمرا را و خدا لعنت کند مردمی را که اسبها را زین کردند و دهنه زدند

وتنقبت لقتالك، بآبی انت و اُمی لقد عظم مصابی بك، فاسئل الله

و به راه افتادند برای پیکار با تو پدر و مادرم بفدایت که براستی بزرگ شد مصیبت تو بر من پس می خواهم از

الذی اكرم مقامك و اكرمني بك ان يرزقني طلب تارك مع امام

آن خدائی که گرامی داشت مقام تو را و گرامی مرا بخاطر تو که روزیم گرداند خونخواهی تو را در رکاب آن امام

منصور من اهل بیت محمد، صلى الله عليه وآله، اللهم اجعلني

یاری شده از خاندان محمد صلی الله علیه و آله خدایا قرار ده مرا

عندك و جیها بالحسین علیه السلام فی الدنیا و الآخرة، یا ابا

نزد خودت آبرومند بوسیله حسین علیه السلام در دنیا و آخرت ای ابا

عبدالله انی اتقرب الى الله و الى رسوله، و الى امیر المؤمنین، و الى فاطمة

عبدالله من تقرب جویم به درگاه خدا و پیشگاه رسولش و امیرالمؤمنین و فاطمه

و الى الحسن، و ایتک بموالیتک، و بالبراءة [ممن قاتلک و

و حسن و شما بوسیله دوستی تو و بوسیله بیزاری از کسی که با تو مقاتله کرد و

نصب لك الحرب، و بالبراءة ممن أسس أساس الظلم و الجور

جنگ با تو را برپا کرد و به بیزاری جستن از کسی که شالوده ستم و ظلم

علیکم، و ابرء الى الله و الى رسوله [ممن أسس أساس ذلك، و بنی

بر شما را ریخت و بیزاری جویم بسوی خدا و بسوی رسولش از کسی که پی‌ریزی کرد شالوده این کار را و پایه‌گذاری کرد

عَلَيْهِ بُنْيَانُهُ، وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ، وَجَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ، بَرْتُّ

بر آن بنیانش را و دنبال کرد ستم و ظلمش را بر شما و بر پیروان شما بیزاری جویم

إِلَى اللَّهِ وَاللَّيْكُمْ مِنْهُمْ، وَاتَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ، ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَمُؤَالَاتِهِ

بدرگاه خدا و به پیشگاه شما از ایشان و تقرب جویم بسوی خدا سپس شما بوسیله دوستیتان و دوستی

وَلَيْكُمْ، وَبِالْبُرِّ آتَةٌ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالنَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ، وَبِالْبُرِّ آتَةٌ

دوستان شما و به بیزاری از دشمنانتان و برپا کنندگان (و آتش افروزان) جنگ با شما و به بیزاری

مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعِهِمْ، إِنِّي سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ

از یاران و پیروانشان من در صلح و سازش با کسی که با شما در صلح است و در جنگ با کسی که با شما

حَارِبَكُمْ، وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ، فَاسْتَلُّ اللَّهُ الَّذِي

در جنگ است و دوستم با کسی که شما را دوست دارد و دشمنم با کسی که شما را دشمن دارد و درخواست کنم از

خدائی که

أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ، وَمَعْرِفَةَ أَوْلِيَاءِكُمْ، وَرَزَقَنِي الْبِرَّ آتَةً مِنْ أَعْدَائِكُمْ،

مرا گرامی داشت بوسیله معرفت شما و معرفت دوستانتان و روزیم کند بیزاری جستن از دشمنانتان را

أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمٌ

به اینکه قرار دهد مرا با شما در دنیا و آخرت و پابرجا دارد برای من در پیش شما گام

صِدْقٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ

راست و درستی (و ثبات قدمی) در دنیا و آخرت و از او خواهم که برساند مرا به مقام پسندیده شما

عِنْدَ اللَّهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِي، مَعَ إِمَامٍ هُدَى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ [بِالْحَقِّ]

در پیش خدا و روزیم کند خونخواهی شما را با امام راهنمای آشکار گوئی [به حق]

مِنْكُمْ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَنِي

که از شما (خاندان) است و از خدا خواهم به حق شما و بدان منزلتی که شما نزد او دارید که عطا کند

بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطَى مُصَاباً بِمُصِيبَتِهِ مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا

به من بوسیله مصیبتی که از ناحیه شما به من رسیده بهترین پاداشی را که می‌دهد به یک مصیبت‌زده از مصیبتی که دیده

براستی چه

وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ، وَفِي جَمِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، اللَّهُمَّ

مصیبت بزرگی و چه داغ گرانی بود در اسلام و در تمام آسمانها و زمین خدایا

اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا، مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ،

چنانم کن در اینجا که ایستاده‌ام از کسانی باشم که برسد بدو از ناحیه تو درود و رحمت و آمرزشی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَمَاتِي مَمَاتَ

خدایا قرار ده زندگیم را زندگی محمد و آل محمد و مرگم را مرگ

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتَ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةَ، وَابْنُ أَكَلَةَ

محمد و آل محمد خدایا این روز روزی است که مبارک و میمون دانستند آنرا بنی‌امیه و پسر آن زن

الْأُكْبَادِ، اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

جگرخوار (معاویه) آن ملعون پسر ملعون (که لعن شده) بر زبان تو و زبان پیامبرت - که درود خدا بر او

وآله، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيِّكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و آتش باد - در هر جا و هر مکانی که توقف کرد در آن مکان پیامبرت - صلی‌الله علیه و آله -

اللَّهُمَّ الْعَنَ أَبَا سُفْيَانَ وَمُعَوِيَةَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ، عَلَيْهِمْ مِنْكَ

خدایا لعنت کن ابوسفیان و معاویه و یزید بن معاویه را که لعنت بر

اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْأَيِّدِينَ، وَهَذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمْ

ایشان باد از جانب تو برای همیشه و این روز روزی است که شادمان شدند به این روز دودمان زیاد و دودمان مروان

بخاطر کشتنشان

الْحُسَيْنِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذَابَ

حضرت حسین صلوات الله علیه را خدایا پس چندین برابر کن بر آنها لعنت خود

[الْأَلِيمِ]، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي مَوْقِفِي هَذَا،

و عذاب دردناک را خدایا من تقرب جویم بسوی تو در این روز و در این جایی که هستم

وَأَيَّامِ حَيَاتِي بِالْبِرِّ آتَهُ مِنْهُمْ، وَاللَّعْنَةَ عَلَيْهِمْ، وَبِالْمُؤَالَاتِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ

و در تمام دوران زندگیم به بیزاری جستن از اینها و لعنت فرستادن بر ایشان و بوسیله دوست داشتن پیامبرت و خاندان

نَبِيكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ. * پس می گوئی صد مرتبه: اَللّهُمَّ اَلْعَنُ اَوَّلَ

پیامبرت که بر او و بر ایشان سلام باد * * * * * خدا یا لعنت کن نخستین

ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ، اَللّهُمَّ

ستمگری را که بزور گرفت حق محمد و آل محمد را و آخرین کسی که او را در این زور و ستم پیروی کرد خدا یا

اَلْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدْتَ الْحُسَيْنَ، وَشَايَعْتَ وَبَايَعْتَ وَتَابَعْتَ

لعنت کن بر گروهی که پیکار کردند با حسین علیه السلام و همراهی کردند و پیمان بستند و از هم پیروی کردند

عَلَى قَتْلِهِ، اَللّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً. پس می گوئی صد مرتبه: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

برای کشتن آن حضرت خدا یا لعنت کن همه آنها را * * * * * سلام بر تو ای

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ

ابا عبدالله و بر روانهائی که فرود آمدند به آستانت، بر تو از جانب من سلام خدا باد

[أَبَدًا] مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي

همیشه تا من زندهام و برپا است شب و روز و قرار ندهد این زیارت را خداوند آخرین بار

لِزِيَارَتِكُمْ، اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ، وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَعَلَى

زیارت من از شما سلام بر حسین و بر علی بن حسین و بر

أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ، وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ. * پس می گوئی: اَللّهُمَّ خُصَّ

فرزندان حسین و بر اصحاب و یاران حسین * * * * * خدا یا مخصوص گردان

أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي، وَأَبْدَأَ بِهِ أَوْلَاءَ، ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّالِثَ وَالرَّابِعَ،

نخستین ستمگر را به لعنت من و آغاز کن بدان لعن اولی را و سپس دومی و سومی و چهارمی را

اَللّهُمَّ اَلْعَنُ يَزِيدَ خَامِساً، وَالعَنُ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ،

خدا یا لعنت کن یزید را در مرتبه پنجم و لعنت کن عبیدالله پسر زیاد و پسر مرجانه را

وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْرًا، وَآلَ أَبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ، إِلَى

و عمر بن سعد و شمر و دودمان ابوسفیان و دودمان زیاد و دودمان مروان را تا

يَوْمِ الْقِيَمَةِ. پس به سجده می روی و می گوئی: اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا

روز قیامت * * * * * خدایا مخصوص تو است ستایش

الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَىٰ مُصَابِهِمْ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى عَظِيْمِ رَزِيَّتِي، اَللّٰهُمَّ

سپاسگزاران تو بر مصیبت زدگی آنها، ستایش خدای را بر بزرگی مصیبتم خدایا

ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ، وَتَبَّتْ لِي قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَكَ

روزیم گردان شفاعت حسین علیه السلام را در روز ورود (به صحرای قیامت) و ثابت بدار گام راستیم را در نزد خودت

مَعَ الْحُسَيْنِ، وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ، الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

با حسین علیه السلام و یاران حسین آنانکه بی دریغ دادند جان خود را در راه حسین علیه السلام

علقمه گفت که فرمود حضرت باقر علیه السلام که اگر بتوانی که زیارت کنی آن

حضرت را در هر روز به این زیارت در خانه خود بکن که خواهد بود برای تو

جمیع این ثوابها و روایت کرده محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره که

گفت بیرون رفتم با صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب خودمان بسوی

نجف بعد از خروج حضرت صادق علیه السلام از حیره به جانب مدینه پس

زمانی که ما فارغ شدیم از زیارت یعنی زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام

گردانید صفوان صورت خود را به جانب مشهد ابو عبدالله علیه السلام پس

گفت از برای ما که زیارت کنید حسین علیه السلام را از این مکان از نزد سر

مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام که از اینجا ایما و اشاره کرد به سلام بر آن

حضرت جناب صادق علیه السلام و من در خدمتش بودم سیف گفت پس خواند

صفوان همان زیارتی را که روایت کرده بود علقمه ابن محمد حصرمی از

حضرت باقر علیه السلام در روز عاشوراء آنگاه دو رکعت نماز کرد نزد سر

امیرالمؤمنین علیه السلام و وداع گفت بعد از آن نماز امیرالمؤمنین علیه السلام را و اشاره کرد به جانب قبر حسین علیه السلام بسلام در حالتی که گردانیده بود روی خود را به جانب او و وداع کرد بعد از زیارت او را و از دعاهایی که بعد از نماز خواند این بود:

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا كَاشِفَ كُرْبِ الْمَكْرُوْبِيْنَ، يَا

ای خدا ای خدا ای خدا ای اجابت کننده دعای درماندگان ای برطرف کننده گرفتاری گرفتاران ای

غِيَاثَ الْمُسْتَغِيْثِيْنَ، يَا صَرِيْحَ الْمُسْتَصْرِحِيْنَ، وَيَا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ

فریادرس فریادخواهان ای دادرس دادخواهان و ای کسی که نزدیکتر است به من

مِنْ حَبْلِ الْوَرِيْدِ، وَيَا مَنْ يَحْوُلُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيَا مَنْ هُوَ

از رگ گردن و ای کسی که حائل شود میان انسان و دلش و ای که او (از حیث ظهور)

بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلَى وَبِالْاَلْفِ الْمُبِيْنِ، وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيْمُ عَلَيَّ

در دیدگاه اعلی و افق آشکاری است ای که او بخشاینده و مهربان و بر

الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُوْرُ، وَيَا

عرش (عظمت و کشور وجود) استیلا داری و ای که می داند خیانت دیدگان و آنچه را سینه‌ها پنهان کنند و ای

مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ، يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْاَصْوَاتُ، وَيَا مَنْ لَا

که مخفی نیست بر او امر پوشیده و پنهانی ای که بر او مشتبه نشود صداها و ای که او را

تُغَلِّطُهُ الْحَاجَاتُ، وَيَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ الْحَاحُ الْمَلْحِيْنُ، يَا مُدْرِكَ كُلِّ

به غلط و اشتباه نیندازد حاجتها و ای کسی که او را به ستوه نیاورد پافشاری اصرار ورزان ای درک کننده هرچه

فَوْتٍ، وَيَا جَامِعَ كُلِّ شَمَلٍ، وَيَا بَارِيَّ النَّفُوْسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا مَنْ هُوَ

از دست رود و ای گردآورنده هر پراکنده و ای پدید آورنده نفوس پس از مرگ ای که او

كُلِّ يَوْمٍ فِيْ شَأْنٍ، يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ، يَا مُنْفَسِّ الْكُرْبَاتِ، يَا مُعْطِيَ

هر روزی در کاریست (یا در هر چیز تجلی و ظهوری دارد) ای برآورنده حاجات ای برطرف کننده گرفتاریها ای دهنده

السُّؤْلَاتِ، يَا وَلِيَّ الرَّغْبَاتِ، يَا كَافِيَ الْمُهْمَّاتِ، يَا مَنْ يَكْفِي مَنْ

خواستہ‌ها ای دارندہ ہر چہ مورد رغبت و اشتیاق است ای کفایت کنندہ ہر مہم ای کہ کفایت کند از

كُلِّ شَيْءٍ، وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ، فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ

ہر چیز و کفایت نکند از او چیزی در آسمانها و زمین از تو خواہم بہ حق

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ،

محمد خاتم پیمبران و علی امیر مؤمنان و بہ حق فاطمہ دخت پیامبر

وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، فَإِنِّي بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا،

و بہ حق حسن و حسین کہ راستی من بوسیلہ آنها رو کنم بدرگاہت در اینجائی کہ ہستم

وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ وَبِهِمْ أَتَشْفَعُ إِلَيْكَ، وَبِحَقِّهِمْ أَسْأَلُكَ وَأُقْسِمُ وَأَعَزِّمُ

و بدانها توسل جویم و بدانها شفیع گیرم بدرگاہت و بہ حق ایشان از تو خواہم و سوگند می‌خورم

عَلَيْكَ، وَبِالْشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالَّذِي

و تو را سوگند می‌دهم بدان منزلتی کہ ایشان در پیش تو دارند و بدان قدر و مرتبہ‌ای کہ نزدت دارند و بدانچہ آنها را

فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ، وَبِهِ

برتری داد بر جهانیان و بدان نامی کہ در نزد ایشان گذاردی و تنها آنان را از میان

خَصَّصْتَهُمْ دُونَ الْعَالَمِينَ، وَبِهِ أَبْتَغِيهِمْ وَأَبْتَغِيكَ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ

جهانیان بدان نام مخصوص داشتی و بوسیلہ آن آشکارشان کردی و ظاہر کردی برتری ایشان را بر سایر

الْعَالَمِينَ، حَتَّىٰ فَاقَ فَضْلَهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِينَ جَمِيعًا، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

جهانیان تا آنجا کہ فائق آمد فضیلت ایشان بر فضیلت تمام جهانیان از تو خواہم کہ درود فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي،

بر محمد و آل محمد و بگشائی از من غصہ و اندوہ و گرفتاریم را

وَتَكْفِينِي الْمُهْمَّاتِ مِنْ أُمُورِي، وَتَقْضِي عَنِّي دِينِي، وَتُجِيرَنِي مِنْ

و کفایت کنی امور مہمہام را و بہرذاتی از من بدہیم را و پناہم دہی از

الْفَقْرِ وَتُجِيرَنِي، مِنَ الْفَاقَةِ، وَتُعِينِنِي عَنِ الْمَسْئَلَةِ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ،

نداری و پناهم دهی از نیازمندی و گدائی و بی‌نیازم کنی از درخواست کردن از مخلوق

وَتَكْفِينِي هَمَّ مَنْ أَخَافُ هَمَّهُ، وَعَسْرَ مَنْ أَخَافُ عُسْرَهُ، وَحَزُونََ مَنْ

و کفایت کنی از من اندوه کسی را که می‌ترسم از اندوهش و دشواری کار کسی که می‌ترسم از دشواری کارش و

ناهمواری

أَخَافُ حُزُونََهُ، وَشَرَّ مَنْ أَخَافُ شَرَّهُ، وَمَكْرَ مَنْ أَخَافُ مَكْرَهُ، وَيَغِي

کار کسی که از ناهمواری کارش نگرانم و گزند کسی که از گزندش ترسانم و مکر و حيله کسی که از مکرش ترس دارم

مَنْ أَخَافُ بَغْيَهُ، وَجَوْرَ مَنْ أَخَافُ جَوْرَهُ، وَسُلْطَانَ مَنْ أَخَافُ سُلْطَانَهُ،

و ستم کسی که از ستمش بیمناکم و بیدادگری کسی که از بیدادگریش واهمه دارم و تسلط آن کس که از تسلطش

می‌ترسم

وَكَيْدَ مَنْ أَخَافُ كَيْدَهُ، وَمَقْدِرَةَ مَنْ أَخَافُ مَقْدِرَتَهُ عَلَيَّ، وَ تَرَدُّ عَنِّي

و نقشه کشیدن کسی که از نقشه‌های شومش بیم دارم و قدرت یافتن کسی که از قدرتش بر خود ترسانم و بازگردان از

من

كَيْدِ الْكَيْدَةِ، وَمَكْرَ الْمَكْرَةِ، اَللّٰهُمَّ مَنْ ارَادَنِيْ فَاَرِدْهُ، وَمَنْ كَادَنِيْ

نقشه‌های شوم بد اندیشان و نیرنگ نیرنگ‌زنان را خدایا هر که آهنگ مرا دارد تو آهنگ او کن و هر که دامی سر راهم

فَكَدَهُ، وَاَصْرَفَ عَنِّيْ كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَاسَهُ وَاَمَانِيَّهٗ، وَاَمْنَعُهُ عَنِّيْ كَيْفَ

گذارده تو با او چنان کن و برگردان از من دام و نیرنگ و نیرو و آرزوهایش را و بازش دار از من به هر گونه که خواهی

سِتِّتَ وَاَنِّيْ سِتِّتَ، اَللّٰهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّيْ بِفَقْرٍ لَا تَجْبِرُهُ، وَبِبَلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ،

و هر جا که خواهی خدایا سرگرمش کن از من به چنان فقر و بیچارگی که جبرانش نکنی و به بلائی که مستورش نکنی

وَبِإِفَاقَةٍ لَا تَسُدُّهَا، وَبِسُقْمٍ لَا تُعَافِيهِ، وَذُلٍّ لَا تُعِزُّهُ، وَبِمَسْكِنَةٍ لَا

و به نیازمندی و تهی دستی که سامانش ندهی و بدردی که درمانش نکنی و بخواری و ذلتی که عزتش ندهی و به چنان

بیچارگی

تَجْبِرُهَا، اَللّٰهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصْبَ عَيْنِيْهِ، وَاَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِي

که جبرانش نکنی خدایا وادار خواری را در برابر چشمش و درآور فقر و نداری را در

مَنْزِلِهِ، وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ فِيْ بَدَنِهِ، حَتَّى تَشْغَلَهُ عَنِّيْ بِشُغْلٍ شَاغِلٍ لَا

خانه‌اش و بیماری و درد را در تنش تا سرگرمش کنی از من به سرگرمی مشغول کننده‌ای که

فَرَاغَ لَهُ، وَأَنْسَه ذِكْرِي كَمَا أَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ، وَخَذَعْتَنِي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ،

فراغتی نداشته باشد و مرا از یادش ببر چنانچه (ذکر) خودت را از یاد او بردی و برگیر از من گوش و چشم

وَلِسَانِهِ وَيَدَيْهِ، وَرَجَلَيْهِ وَقَلْبِهِ وَجَمِيعِ جَوَارِحِهِ، وَأَدْخَلَ عَلَيْهِ فِي

و زبان و دست و پا و دل و تمام اعضا و جوارحش را و گرفتارش کن در

جَمِيعِ ذَلِكَ السُّقْمَ، وَلَا تَشْفِهِ حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ لَهُ شُغْلًا شَاغِلًا بِهِ

تمام آنها به درد و بیماری که بهبودی نیابد و در نتیجه آن را برایش سرگرمی مشغول کننده‌ای بگردانی

عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي، وَاكْفِنِي يَا كَافِي مَا لَا يَكْفِي سِوَاكَ فَإِنَّكَ الْكَافِي

که از من و از یاد من بیرون رود و کفایت کن ای کسی که کفایت کنی چیزی را که جز تو کفایت نکند چون تویی کفایت کننده

لَا كَافِي سِوَاكَ، وَمُفْرَجٌ لَا مُفْرَجٌ سِوَاكَ وَمُعِيثٌ لَا مُعِيثٌ سِوَاكَ،

و کفایت کننده‌ای جز تو نیست و گشایش دهنده‌ای هستی که جز تو گشایش دهنده‌ای نیست و فریادرسی هستی که

فریادرسی جز تو نیست

وَجَارٌ لَا جَارَ سِوَاكَ، خَابَ مَنْ كَانَ جَارُهُ سِوَاكَ، وَمُعِيثُهُ سِوَاكَ،

و پناهی هستی که پناهی جز تو نیست نومید گشت کسی که پناهش جز تو باشد

وَمَفْرَعُهُ إِلَى سِوَاكَ، وَمَهْرَبُهُ إِلَى سِوَاكَ، وَمَلْجَأُهُ إِلَى غَيْرِكَ، وَمَنْجَاهُ

و فریادرسش غیر تو باشد و پناهگاهش جز درگاه تو باشد و گریزگاهش جز به آستان تو باشد و ملجای غیر از تو داشته

مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِكَ، فَإِنَّتِ ثِقْتِي وَرَجَائِي، وَمَفْرَعِي وَمَهْرَبِي،

باشد و نجات خود را از مخلوقی غیر از تو خواهد پس تویی محل اعتماد و امید و پناهگاه و گریزگاه

وَمَلْجَأِي وَمَنْجَأِي، فَبِكَ اسْتَفْتِحُ، وَبِكَ اسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و ملجا و نجات بخش من و به تو گشایش طلبم و به تو رستگاری جویم و بوسیله محمد و آل محمد

أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ، وَأَتَوَسَّلُ وَأَتَشْفَعُ، فَاسْئَلْكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، فَلَكَ

بدرگاهت رو کنم و توسل جویم و شفیع گیرم پس از تو خواهم ای خدا ای خدا ای خدا از آن تو است

الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ، وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكِي، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ، فَاسْئَلْكَ يَا

ستایش و خاص تو است سپاسگزاری و بدرگاه تو است شکوه و تویی که بیاریت طلبند از تو خواهم ای

اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

خدا ای خدا ای خدا به حق محمد و آل محمد که درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي فِي مَقَامِي هَذَا، كَمَا

محمد و برطرف کنی از من غصه و اندوه و گرفتاریم را در این جایگاهم چنانچه

كَشَفْتَ عَن نَّبِيِّكَ هَمَّهُ وَعَمَّهُ وَكَرْبَهُ، وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ، فَاكْشِفْ

برطرف کردی از پیامبرت اندوه و غصه و گرفتاریش را و کفایت کردی از او هراس دشمنش را پس برطرف کن

عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ، وَفَرِّجْ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ، وَاكْفِنِي كَمَا كَفَيْتَهُ،

از من چنانچه برطرف کردی از او و بگشا از من چنانچه گشودی از او و کفایت کن چنانچه کن چنانچه او را کفایت کردی

وَاصْرِفْ عَنِّي هَوْلَ مَا آخَفُ هَوْلَهُ وَمَوْنَةَ مَا آخَفُ مَوْنَتَهُ، وَهَمَّ مَا

و بگردان از من هراس آنچه را می ترسم از هراسش و هزینه آنچه را می ترسم از هزینه اش و اندوه آنچه را

آخَفُ هَمَّهُ بِلا مَوْنَةٍ عَلَي نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ، وَاصْرِفْنِي بِقَضَاءِ

می ترسم از اندوهش بی آنکه زحمتی از این ناحیه به من برسد و بازم بگردان با حاجات

حَوَائِجِي، وَكَفَايَةِ مَا أَهَمَّنِي هَمُّهُ، مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ، يَا أَمِيرَ

برآورده و کفایت کردن آنچه اندوهش مرا فراگرفته از کار آخرت و دنیایم، ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ [وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ]، عَلَيْكُمَا مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا مَا بَقِيْتُ وَبَقِيَ

مؤمنان [و ای ابا عبدالله] بر شما باد از جانب من سلام خدا همیشه تا من زنده ام و

اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا، وَلَا فَرَّقَ اللَّهُ

شب و روز برجا است و قرار ندهد خداوند این زیارت مرا آخرین بار از زیارت شما دو بزرگوار و جدا نکند خدا

بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا، اَللّٰهُمَّ اَحْيِنِي حَيٰوةَ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ، وَاَمْتِنِي مِمَّا تَهَمُّ،

میان من و شما را خدایا زنده دار به زندگی محمد و فرزندان او و بمیرانم به مرگ ایشان

وَتَوْفَّقْنِي عَلَي مَلْتِهِمْ، وَاَحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ، وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ

و جانم را بر کیش آنها بگیر و در گروه و جرگه آنان محشورم کن و جدائی مینداز میان من و ایشان

طُرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ،

چشم برهم زدنی هرگز در دنیا و آخرت ای امیر مؤمنان و ای اباعبدالله

أَتَيْنُكُمْ زَائِرًا وَمَتَوَسَّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ، وَمَتَوَجَّهًا إِلَيْهِ بِكُمْ،

آمده‌ام به درگاهتان برای زیارتتان و برای آنکه توسل جویم به درگاه خدا پروردگارم و پروردگار شما دویزگوار و
روکنم بدرگاه

وَمُسْتَشْفِعًا بِكُمْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي حَاجَتِي هَذِهِ، فَاشْفَعَا لِي، فَإِنَّ لَكُمْ

او بوسیله شما و شفیع گیرم شما را به نزد خدای تعالی در این حاجتی که دارم پس شما دو بزرگوار شفاعت کنید برای
من

عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ، وَالْجَاهَ الْوَجِيهَ، وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيلَةَ أَتِي

زیرا شما را در نزد خداوند مقامی است پسندیده و منزلتی است آبرومند و جایگاهی است بلندمرتبه و (مقام) وسیله از
شما

أَنْقَلِبُ عَنْكُمْ مُنْتَظِرًا، لِتَنْجِزِ الْحَاجَةِ وَقَضَائِهَا وَبَجَاحِهَا مِنْ اللَّهِ

است، و من هم اکنون که از نزد شما بازگردم چشم براه قطعی شدن حاجتم و برآمدنش و به انجام رسیدنش از جانب
خدا

بِشَفَاعَتِكُمْ لِي إِلَى اللَّهِ فِي ذَلِكَ، فَلَا أَخِيبُ وَلَا يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا

هستم به شفاعتی که شما برایم در این باره به درگاه خدا می‌کنید پس چنان نباشد که نومید شوم و بازگشتم بازگشت
شخص

خَائِبًا خَاسِرًا، بَلْ يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا رَاجِعًا [رَاجِعًا] مُفْلِحًا مُنْجِحًا،

نومید زیانکاری باشد بلکه بازگشت کسی باشد که با موفقیت و امیدواری و رستگاری و کامیابی

مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي، وَتَشْفَعَا لِي إِلَى اللَّهِ، أَنْقَلِبْتُ عَلَى مَا

با حاجتهائی که تمامیش روا شده باز می‌گردد و شفاعت کنید برایم به درگاه خدا، بازگردم بر آنچه

شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مُفَوَّضًا أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، مُلْجَأًا ظَهْرِي

خدا خواهد و جنبش و نیروئی نیست جز به خدا واگذار کنم کارم را به خدا و پشت و پناه خود را

إِلَى اللَّهِ، مُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ، وَأَقُولُ حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَى،

خدا قرار دهم و توکل کنم بر خدا و می‌گویم بس است مرا خدا و کافی است برای من، بشنود خدا (آواز) هر که او را
بخواند

لَيْسَ لِي وَرَاءَ اللَّهِ وَوَرَاءَكُمْ يَا سَادَتِي مُنْتَهَى، مَا شَاءَ رَبِّي كَانَ،

ای آقایان بزرگوار برای من جز خدا و شما سرمنزل و پایگاهی نیست آنچه پروردگارم خواسته موجود گشت

وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ، وَلَا

و آنچه نخواستہ موجود نگردد و نیست جنبش و نیروئی جز بخدا، شما دو بزرگوار را به خدا می سپارم و قرار

جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمْ، انصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا أَمِيرَ

ندهد خداوند این بار را آخرین بار زیارتم از شما بازگشتم ای آقای من ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَ، وَأَنْتَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا سَيِّدِي، وَسَلَامِي عَلَيْكُمْ

مؤمنان و ای سرور من و تو نیز ای ابا عبدالله ای آقای من و سلام من بر شما دو آقا

مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَاصِلٌ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ، غَيْرُ مَحْجُوبٍ

پیوسته باد تا پیوسته است شب و روز واصل گردد این سلام به شما از شما پوشیده نماند

عَنْكُمْ سَلَامِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمْ أَنْ يَشَاءَ ذَلِكَ وَيَفْعَلَ،

سلام من انشاءالله و از خدا خواهم به حق شما دو بزرگوار که مشیتش بر این کار قرار گیرد

فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، انْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمْ تَائِبًا حَامِدًا لِلَّهِ، شَاكِرًا

و آن را انجام دهد که براستی او بسی ستوده و بزرگوار است بازگردم ای دو آقای من از خدمت شما توبه کننده و ستایش

کننده

رَاجِعًا لِلْإِجَابَةِ، غَيْرَ آيسٍ وَلَا قَانِطٍ، ائِبًا عَائِدًا رَاجِعًا إِلَى

خدا و سپاسگزار و امیدوار به اجابت بدون یأس و ناامیدی و به امید رجوع و بازگشت دوباره برای

زِيَارَتِكُمْ، غَيْرَ رَاجِعٍ عَنْكُمْ وَلَا مِنْ زِيَارَتِكُمْ، بَلْ رَاجِعٌ عَائِدٌ إِنْ

زیارت شما بی آنکه اشتیاق و رغبتم از شما کاسته شود و یا از زیارت شما (سیر شوم) بلکه بازآیم و مراجعت کنم

شَاءَ اللَّهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، يَا سَادَتِي رَغِبْتُ إِلَيْكُمْ وَإِلَى

انشاءالله و جنبش و نیروئی نیست جز به خدا ای آقایان من به زیارت شما و به خودتان اشتیاق و میل ورزیدم

زِيَارَتِكُمْ، بَعْدَ أَنْ زَهَدَ فِيكُمْ وَفِي زِيَارَتِكُمْ أَهْلَ الدُّنْيَا، فَلَا حَيْبِي

پس از آنکه بی میل بودم به شما و به زیارتتان مردم دنیا پس خدا نومیدم نکند

اللَّهُ مَا رَجَوْتُ وَمَا أَمَلْتُ فِي زِيَارَتِكُمْ، إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ. *

در آنچه بدان امیدوارم و آرزومندم در مورد زیارت شما که براستی او خدائی است نزدیک و اجابت کننده

سیف بن عُمیره گوید که سؤال کردم از صفوان و گفتم که علقمه بن محمد این دعا را برای ما از حضرت باقرعلیه السلام روایت نکرد بلکه همان زیارت را حدیث کرد صفوان گفت که وارد شدم با سید خودم حضرت صادق علیه السلام به این مکان پس به جا آورد مثل آنچه را که ما بجا آوردیم در زیارت و دعا کرد به این دعا هنگام وداع بعد از اینکه دو رکعت نماز گذاشت چنانچه ما نماز گذاشتیم و وداع کرد چنانچه ما وداع کردیم

پس صفوان گفت که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود که مواظب باش این زیارت را و بخوان این دعا را و زیارت کن به آن پس بدرستی که من ضامنم بر خدا برای هر که زیارت کند به این زیارت و دعا کند به این دعا از نزدیک یا دور اینکه زیارتش مقبول شود و سعیش مشکور و سلامش به آن حضرت برسد و محبوب نماند و حاجت او قضا شود از جانب خدای تعالی بهر مرتبه که خواهد برسد و او را نومید برنگرداند ای صفوان یافتم این زیارت را به این ضمان از پدرم و پدرم از پدرش علی بن الحسین علیه السلام به همین ضمان و او از حسین علیه السلام به همین ضمان و حسین علیه السلام از برادرش حسن علیه السلام به همین ضمان و حسن از پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام با همین ضمان و امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خداصلی الله علیه وآله با همین ضمان و رسول خداصلی الله علیه وآله از جبرئیل با همین ضمان و

جبرئیل از خدای تعالی با همین ضمان و به تحقیق که خداوند عزوجل قسم خورده به ذات مقدس خود که هر که زیارت کند حسین علیه السلام را به این زیارت از نزدیک یا دور و دعا کند به این دعا قبول می‌کنم از او زیارت او را و می‌پذیرم از او خواهش او را بهر قدر که باشد و می‌دهم مسئلتش را پس بازنگردد از حضرت من با ناامیدی و خسار و بازش گردانم با چشم روشن به برآوردن حاجت و فوز به جنت و آزادی از دوزخ و قبول کنم شفاعت او را در حق هر کس که شفاعت کند حضرت فرماید جز دشمن ما اهل بیت که در حق او قبول نشود قسم خورده حق تعالی به این بر ذات اقدسش و گواه گرفته ما را بر آنچه که گواهی دادند به آن ملائکه ملکوت او پس جبرئیل گفت یا رسول الله خدا فرستاده مرا بسوی تو بجهت سرور و بشارت تو و شادی و بشارت علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از اولاد تو علیهم السلام تا روز قیامت پس مستمرّ و پاینده باد مسرتّ تو و مسرتّ علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان علیهم السلام و شیعه شما تا روز رستخیز پس صفوان گفت که حضرت صادق علیه السلام با من فرمود ای صفوان هرگاه روی داد از برای تو بسوی خدای عزوجلّ حاجتی پس زیارت کن به این زیارت از هر مکانی که بوده باشی و بخوان این دعا را و بخواه از پروردگار خود حاجتت را که برآورده شود از خدا و خدا خلاف نخواهد فرمود وعده خود را بر رسول خود بچود و امتنان خویش وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مُؤَلَّفَ گوید که در نجم ثاقب در ذیل حکایت تشرّف جناب حاجّ سید احمد رشتی به ملاقات امام عصر ارواحنا فداه در سفر حجّ و فرمایش آن

حضرت به او که چرا شما عاشورا نمی‌خوانید عاشوراء عاشوراء عاشوراء و آن حکایت را ما انشاءالله بعد از زیارت جامعه کبیره نقل خواهیم کرد شیخ ما ثقةالاسلام نوری رحمه الله فرموده اما زیارت عاشوراء پس در فضل و مقام آن بس که از سنخ سایر زیارات نیست که بظاهر از انشای و املائی معصومی باشد هر چند که از قلوب مطهره ایشان چیزی جز آنچه از عالم بالا به آنجا رسد بیرون نیاید بلکه از سنخ احادیث قدسیه است که به همین ترتیب از زیارت و لعن و سلام و دعا از حضرت احدیّت جَلَّتْ عَظَمَتُهُ به جبرئیل امین و از او به خاتم النبیین صلی الله علیه و آله رسیده و به حسب تجربه مداومت به آن در چهل روز یا کمتر در قضای حاجات و نیل مقاصد و دفع اعدای بی نظیر و لکن احسن فواید آن که از مواظبت آن بدست آمده فایده‌ای است که در کتاب دارالسلام ذکر کردم و اجمال آن آنکه ثقة صالح متقی حاج ملاحسن یزدی که از نیکان مجاورین نجف اشرف است و پیوسته مشغول عبادت و زیارت نقل کرد از ثقة امین حاج محمد علی یزدی که مرد فاضل صالحی بود در یزد که دائماً مشغول اصلاح امر آخرت خود بود و شبها در مقبره خارج یزد که در آن جماعتی از صلحا مدفونند و معروف است به مزار بسر می‌برد و او را همسایه‌ای بود که در کودکی با هم بزرگ شده و در نزد یک معلم می‌رفتند تا آنکه بزرگ شد و شغل عشّاری پیش گرفت تا آنکه مرد و در همان مقبره نزدیک محلی که آن مرد صالح بیتوته می‌کرد دفن کردند پس او را در خواب دید پس از گذشتن کمتر از ماهی که در هیئت نیکوئی است پس به نزد او رفت

و گفت من می‌دانم مبدأ و منتهای کار تو و ظاهر و باطن تو را و نبودی از آنها که احتمال رود نیکی در باطن ایشان و شغل تو مقتضی نبود جز عذاب را پس به کدام عمل به این مقام رسیدی گفت چنان است که گفتمی و من در اشدّ عذاب بودم از روز وفات تا دیروز که زوجه استاد اشرف حدّاد فوت شد و در این مکان او را دفن کردند و اشاره کرد به موضعی که قریب صد ذرع از او دور بود و در شب وفات او حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام سه مرتبه او را زیارت کرد و در مرتبه سیّم امر فرمود به رفع عذاب از این مقبره پس حالت ما نیکو شد و در سعه و نعمت افتادیم پس از خواب متحیرانه بیدار شد و حدّاد را نمی‌شناخت و محلّه او را نمی‌دانست پس در بازار حدّادان از او تفحص کرد و او را پیدا نمود از او پرسید برای تو زوجه‌ای بود گفت آری دیروز وفات کرد و او را در فلان مکان و همان موضع را اسم برد دفن کردم گفت او به زیارت ابی‌عبدالله علیه السلام رفته بود گفت نه گفت ذکر مصائب او می‌کرد گفت نه گفت مجلس تعزیه داری داشت گفت نه آنگاه پرسید چه می‌جوئی خواب را نقل کرد گفت آن زن مواظبت داشت به زیارت عاشوراء.

زیارت عاشوراء غیر معروفه

دویم زیارت عاشوراء غیر معروفه است که با زیارت معروفه متداوله در اجر و ثواب شریک است بی‌مشقّت گفتن صد مرتبه لعن و صد مرتبه سلام و این برای آنانکه شغل مهمّی دارند فوزی است عظیم و کیفیت آن به نحوی که در

مزار قدیم نقل شده بدون شرح آن چنین است که هرکس دوست دارد زیارت کند آن حضرت را از بلاد دور یا نزدیک پس غسل کند و برود به صحرا یا در بام خانه خود آنگاه دو رکعت نماز کند و بخواند در آن سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ چون سلام گفت اشاره کند بسوی آن حضرت به سلام و متوجه شود به این سلام و اشاره و نیت به آن جهتی که در آنست ابو عبدالله الحسین علیه السلام

یعنی رو کند به کربلای معلی آنگاه باخشوع و استکانت بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ،

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند مژده‌دهنده (به بهشت) و ترساننده (از دوزخ)

وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ

و فرزند آقای اوصیاء سلام بر تو ای فرزند فاطمه بانوی زنان

الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

جهانیان سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده‌اش سلام بر تو ای

ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَتْرُ الْمَوْتُورُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

که خدا خونخواهش کند و فرزند چنین کسی سلام بر تو ای تک و تنها مانده‌ای که انتقام کشندگان را نگرفتی سلام بر

تو

أَيُّهَا الْإِمَامُ الْهَادِي الزَّكِيُّ، وَعَلَى أَرْوَاحِ حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، وَأَقَامَتْ فِي

ای امام راهنمای پاکیزه و بر آن روانهائی که فرود آمدند به آستان و اقامت گزیدند در

جِوَارِكَ، وَوَفَدَتْ مَعَ زُؤَارِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنِّي مَا بَقِيْتُ وَبَقِيَ

کنارت و در آمدند به درگاه تو با زیارت کنندگان سلام بر تو از جانب من تا زنده‌ام و برپا است

اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، فَلَقَدْ عَظَّمْتَ بِكَ الرَّزِيَّةَ، وَجَلَّتْ فِي الْمُؤْمِنِينَ

شب و روز برآستی که بزرگ شد مصیبت تو و گران آمد در میان مؤمنان

وَالْمُسْلِمِينَ وَفِي أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِينَ أَجْمَعِينَ، فَإِنَّا لِلَّهِ

و مسلمانان و در میان اهل آسمانها و زمینها همگی «پس ما همگی از آن خدائیم

وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ

و بسویش بازگردیم» درودهای خدا و برکتها و تحیت‌هایش بر تو باد ای ابا عبدالله

اللَّهِ الْحُسَيْنِ، وَعَلَى آبَائِكَ الطَّيِّبِينَ الْمُتَجَبِّينَ، وَعَلَى ذُرِّيَّتِكُمْ

الحسین و بر پدران پاکیزه و برگزیده‌ات و بر فرزندان

الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَذَلْتِكَ، وَتَرَكْتَ نُصْرَتَكَ وَمَعْوَتَكَ،

راهنمای راه یافته‌ات خدا لعنت کند مردمی که تو را واگذاشتند و دست از یاری و کمک کردن تو برداشتند

وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَسَتْ آسَاسَ الظُّلْمِ لَكُمْ، وَمَهَّدَتْ الْجَوْرَ عَلَيْكُمْ،

و خدا لعنت کند مردمی که پی‌ریزی کردند شالوده ظلم بر شما را و آماده کردند وسائل ستم را بر شما

وَطَرَقَتْ إِلَى آذَانِكُمْ وَتَحِيَّفِكُمْ، وَجَارَتْ ذَلِكَ فِي دِيَارِكُمْ

و باز کردند راه را برای آزار شما و جسارت به ساحت قدستان و جریان دادند آن را در شهرها

وَأَشْيَاعِكُمْ، بَرَّيْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَإِلَيْكُمْ، يَا سَادَاتِي وَمَوَالِيَّ

و در شیعیان شما بی‌زاری جویم بدرگاه خدای عزوجل و بدرگاه شما ای آقایان من و ای سروران

وَأَيْمَتِي، مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعِهِمْ وَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ يَا

و پیشوایان من از آنها و از پیروان و تابعین آنها و می‌خواهم از آن خدائی که گرامی داشت - ای

مَوَالِيَّ مَقَامَكُمْ، وَشَرَّفَ مَنْزِلَتَكُمْ وَشَانَكُمْ، أَنْ يُكْرِمَنِي بِوَلَايَتِكُمْ

سرورانم - مقام شما را و شرافت داد منزلت و مرتبه شما را که گرامی دارد مرا بوسیله ولایت

وَمَحَبَّتِكُمْ، وَالْأَيْتِمَامِ بِكُمْ وَبِالْبِرَاةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ الْبَرَّ

و محبت شما و اقتداء کردن به شما و به بی‌زاری جستن از دشمنانتان و می‌خواهم از خدای نیکوکار

الرَّحِيمِ، أَنْ يَرْزُقَنِي مَوَدَّتِكُمْ، وَأَنْ يُوقِفَنِي لِلطَّلَبِ بِشَارِكُمْ مَعَ الْأَمَامِ

مهربان که روزیم گرداند دوستی شما را و موفقم دارد برای خونخواهی شما بهمراه آن امام

الْمُنْتَظَرِ الْهَادِي مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا

منتظر راهنمای از خاندان محمد و قرار دهد مرا با شما در دنیا

وَالْآخِرَةَ، وَأَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ

و آخرت و برساند مرا بدان مقام پسندیده‌ای که شما نزد خدا دارید و می‌خواهم از خدای

عَزَّوَجَلَّ بِحَقِّكُمْ، وَبِالشَّانِ الَّذِي جَعَلَ اللَّهَ لَكُمْ، أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي

عزوجل به حقی که شما دارید و بدان مقام و مرتبه‌ای که خداوند برای شما مقرر فرموده که بدهد به من

بِكُمْ أَفْضَلَ مَا أَعْطَى مُصَاباً بِمُصِيبَةٍ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، يَا لَهَا

بخاطر مصیبت شما بهترین پاداشی را که می‌دهد به مصیبت زده‌ای از مصیبتش «ما از آن خدائیم و بسویش باز می‌گردیم»

مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَفْجَعَهَا وَأَنْكَاهَا لِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، فَإِنَّا لِلَّهِ

راستی که چه مصیبتی بود! و چه اندازه جانگداز و ریش‌کننده بود برای دل‌های مردمان با ایمان و مسلمان «ما از آن

خدائیم

وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي فِي

و بسویش بازگشت کنیم» خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده در

مَقَامِي مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتُكَ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ، وَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ

این جایگاه از کسانی که می‌رسد بدانها از جانب تو درودها و رحمت و آمرزشی و قرارم ده در پیش خود

وَجِبَاهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ

آبرومند در دنیا و آخرت و از مقربان درگاهت که من تقرب جویم بدرگاهت بوسیله محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَتَوَسَّلُ

و آل محمد - که درودهای تو بر او و بر ایشان همگی باد - خدایا و هم چنین من توسل جویم

وَأَتَوَجَّهُ بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ

و رو کنم بوسیله انتخاب شدگان و برگزیدگان از خلقت محمد و علی

وَالطَّيِّبِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ

و پاکیزگان از فرزندان آن دو بزرگوار خدایا پس درود فرست بر محمد و آل محمد و قرارم ده

مَحْيَايَ مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتِي مَمَاتِهِمْ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا

زندگیم را زندگی آنها و مرگم را مرگ ایشان و جدائی مینداز میان من و ایشان در دنیا

وَالْآخِرَةَ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، اللَّهُمَّ وَهَذَا يَوْمٌ تُجَدِّدُ فِيهِ النِّقْمَةَ،

و آخرت که براستی تو شنوای دعائی خدایا و امروز روزی است که تازه شود در آن رنج (آل محمد)

وَتُنزَلُ فِيهِ اللَّعْنَةُ عَلَى اللَّعِينِ يَزِيدَ وَعَلَى آلِ يَزِيدَ، وَعَلَى آلِ زِيَادٍ

و نازل گردد در آن لعنت بر یزید لعین و بر خاندان یزید و بر خاندان زیاد

وَعُمَرَ بْنِ سَعْدٍ وَالشُّمَيْرِ، اللَّهُمَّ اَعْنُهُمْ وَالْعَنَ مَنْ رَضِيَ بِقَوْلِهِمْ

و عمر بن سعد و شمر خدایا همگی ایشان را لعنت کن و نیز لعنت کن هر که راضی گشت به گفتار

وَفِعْلِهِمْ، مِنْ أَوَّلٍ وَآخِرٍ لَعْنَا كَثِيرًا، وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكِ، وَأَسْكَنْهُمْ جَهَنَّمَ

و کردار ایشان از اول و آخرشان لعنتی بسیار و در آور ایشان را در سوز آشت و در جهنم جایشان ده

وَسَأَتَتْ مُصِيرًا، وَأَوْجِبُ عَلَيْهِمْ وَعَلَى كُلِّ مَنْ شَايَعَهُمْ وَبَايَعَهُمْ

که بد جایگاهی است برای بازگشت و واجب گردان (جهنم را) بر ایشان و بر هر کس که از آنها پیروی کرد

وَتَابِعَهُمْ وَسَاعَدَهُمْ وَرَضِيَ بِفِعْلِهِمْ، وَافْتَحَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ، وَعَلَى كُلِّ

و با آنها بیعت و متابعت کرد و کمکشان داد و به کارشان راضی شد و نیز بگشا برای آنها و بر ایشان و بر هر که

مَنْ رَضِيَ بِذَلِكَ لَعْنَاتِكَ الَّتِي لَعَنْتَ بِهَا كُلَّ ظَالِمٍ وَكُلَّ غَاصِبٍ، وَكُلَّ

بدین کار راضی شد لعنتهای خویش را که لعنت کردی بوسیله آن هر ستمکار و هر غاصب و هر

جَاحِدٍ وَكُلَّ كَافِرٍ، وَكُلَّ مُشْرِكٍ وَكُلَّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ، وَكُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ،

منکر و هر کافری و هر مشرک و هر شیطان رانده و هر سرکش لجوجی را

اللَّهُمَّ اَعْنُ يَزِيدَ وَآلَ يَزِيدَ وَبَنِي مَرْوَانَ جَمِيعًا، اللَّهُمَّ وَضَعْفُ

خدایا لعنت کن یزید و خاندان یزید و پسران مروان را همگی خدایا و چند برابر گردان

غَضَبِكَ وَسَخَطِكَ وَعَذَابِكَ وَتَقَمَّتِكَ، عَلَى أَوَّلِ ظَالِمٍ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِ

خشم و غضب و شکنجه و انتقامت را بر نخستین ستمگری که ستم کرد بر خاندان پیغمبرت

نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ وَالْعَنُ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ لَهُمْ، وَأَنْتَقِمُ مِنْهُمْ إِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ

خدایا و نیز لعنت کن همه کسانی که بر آنها ستم کردند و انتقام بگیر از ایشان که تو از مجرمان بدکار انتقام خواهی

مِنَ الْمُجْرِمِينَ، اللَّهُمَّ وَالْعَنُ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، وَالْعَنُ

گرفت خدایا و هم چنین لعنت کن نخستین ستمکاری را که ستم کرد بر خاندان محمد و لعنت کن

أَرْوَاحَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَقُبُورَهُمْ وَأَلْعَنِ اللَّهُمَّ الْعِصَابَةَ الَّتِي نَازَلَتْ

به روانشان و خانه‌هاشان و گورهای آنها و نیز لعنت کن خدایا آن گروهی را که پیکار کردند با
الْحُسَيْنِ بْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَحَارَبْتَهُ وَقَتَلْتَ أَصْحَابَهُ وَأَنْصَارَهُ، وَأَعْوَانَهُ

حسین فرزند دختر پیامبرت و با او جنگ کردند و کشتند همراهان و انصار و یاران

وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَمُحِبِّبِهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّتَهُ، وَأَلْعَنِ اللَّهُمَّ الَّذِينَ

و دوستان و شیعیان و علاقه‌مندان و خاندان و فرزندان آن حضرت را و لعنت کن خدایا آن کسانی را

نَهَبُوا مَالَهُ وَسَلَبُوا حَرِيمَتَهُ، وَلَمْ يَسْمَعُوا كَلَامَهُ وَلَا مَقَالَهُ، اللَّهُمَّ

که به یغما بردند مالش را و حرمش را چپاول کردند و سخن و گفتارش را نشنیدند خدایا

وَأَلْعَنِ كُلَّ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِيَ بِهِ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ،

لعنت کن هر که را که این جریان به گوشش رسید و بدان راضی شد از گذشتگان و آیندگان

وَالْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

و همه مردم تا روز جزا (و قیامت) سلام بر تو ای ابا عبدالله

الْحُسَيْنِ، وَعَلَى مَنْ سَاعَدَكَ وَعَاوَنَكَ، وَوَأَسَاكَ بِنَفْسِهِ، وَبَدَّلَ

الحسین و بر هر که تو را یاری داد و کمک کرد و با جان خود در راهت فداکاری کرد

مُهِجَتَهُ فِي الذَّبِّ عَنْكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَعَلَيْهِمْ، وَعَلَى

و در دفاع از تو جانبازی نمود سلام بر تو ای مولای من و بر آنها و بر

رُوحِكَ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَعَلَى تُرْبَتِكَ وَعَلَى تُرْبَتِهِمْ، اللَّهُمَّ لَقَّهِمْ

روان تو و روان ایشان و بر تربت شریف تو خاک (پاک) ایشان باد خدایا بیفکن

رَحْمَةً وَرِضْوَانًا وَرَوْحًا وَرِيحَانًا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا

بر ایشان مهر و خوشنودی و نشاط و خوشی سلام بر تو ای مولای من ای ابا

عَبْدِ اللَّهِ، يَا بْنَ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَيَا بْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَيَا بْنَ سَيِّدَةِ

عبدالله ای فرزند خاتم پیامبران و ای فرزند آقای اوصیاء و ای فرزند بانوی

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشَّهِيدِ، اللَّهُمَّ بَلِّغْهُ

زنان جهانیان سلام بر تو ای شهید و ای فرزند شهید خدایا برسان

عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي هَذَا الْوَقْتِ وَكُلِّ وَقْتٍ

به آن حضرت از جانب من در این ساعت و در این روز و در این وقت و در هر وقتی

تَحِيَّةً وَسَلَامًا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ، وَعَلَى

تحیت و سلامی سلام بر تو ای فرزند بزرگ و آقای جهانیان و بر

الْمُسْتَشْهِدِينَ مَعَكَ سَلَامًا مُتَّصِلًا مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، السَّلَامُ

آن کسانی که با تو شهید شدند سلامی پیوسته تا متصل است بهم شب و روز سلام

عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

بر حسین فرزند علی (ع) آن شهید (بزرگوار) سلام بر علی فرزند حسین

الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَى الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ

شهید سلام بر عباس فرزند امیر مؤمنان آن شهید (عالی‌مقام) سلام

عَلَى الشَّهِدَاءِ مِنْ وُلْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَى الشَّهِدَاءِ مِنْ

بر شهیدان از فرزندان امیر مؤمنان سلام بر شهیدان از

وُلْدِ جَعْفَرٍ وَعَقِيلٍ، السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مُسْتَشْهِدٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، اللَّهُمَّ

فرزندان جعفر و عقیل سلام بر هر شهیدی از سایر مردمان با ایمان خدایا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً وَسَلَامًا، السَّلَامُ

درود فرست بر محمد و آل محمد و برسان به آنها از طرف من تحیت و سلامی سلام

عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَحْسَنَ اللَّهُ

بر تو ای رسول خدا و بر تو باد سلام و رحمت خدا و برکاتش نیکو گرداند خداوند

لَكَ الْعِزَّاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا

(صبر و پاداش) مصیبت تو را درباره فرزندت حسین علیه السلام سلام بر تو ای

الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،

ایاالحسن ای امیر مؤمنان و بر تو باد سلام و رحمت خدا و برکاتش

أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ يَا

نیکو گرداند خداوند (صبر و پاداش) مصیبت تو را در مورد فرزندت حسین، سلام بر تو ای فاطمه ای

بِنْتُ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،

دختر فرستاده پروردگار جهانیان و بر تو باد سلام و رحمت خدا و برکاتش،

أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ

نیکو گرداند خداوند (صبر و پاداش) مصیبت تو را در مورد فرزندت حسین، سلام بر تو ای ابا محمد

الْحَسَنَ، وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْعَزَاءَ

حسن (بن علی) و بر تو باد سلام و رحمت خدا و برکاتش نیکو گرداند خداوند (صبر و پاداش) مصیبت تو

فِي أَخِيكَ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَى أَرْوَاحِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،

را در مورد برادرت حسین(ع) سلام بر روانهای مردان و زنان با ایمان

الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

زندگانشان و مردگانشان و بر ایشان باد سلام و رحمت خدا و برکاتش

أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُمُ الْعَزَاءَ فِي مَوْلَاهُمْ الْحُسَيْنِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ

نیکو گرداند خداوند صبر و پاداش آنها را در مصیبت سرور و مولایشان حسین علیه السلام خدایا قرار ده ما را از

الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ إِمَامٍ عَدْلٍ، تُعَزُّ بِهِ الْأَسْلَامَ وَأَهْلَهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

خونخواهان آن حضرت در رکاب آن امام دادگری که عزت بخشی بوسیله آن حضرت اسلام و مسلمین را ای پروردگار

جهانیان

پس به سجده برو و بگو اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى [جَمِيعِ] مَا نَابَ مِنْ خَطْبِ،

***** خدایا ستایش تو را است بر تمام آنچه رسیده است به ما از مصیبتهای ناگوار

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ، وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكَى فِي عَظِيمِ الْمُهْمَاتِ

و تو را است ستایش بر هر امری و به درگاه تو شکوه کنیم در پیش آمدهای مهم و بزرگی که

بِخَيْرَتِكَ وَأَوْلِيَاتِكَ، وَذَلِكَ لِمَا أَوْجَبْتَ لَهُمْ مِنَ الْكِرَامَةِ وَالْفَضْلِ

به برگزیدگان و دوستانت رسیده بخاطر آن کرامت و برتری بسیاری که برای ایشان

الْكَثِيرِ، اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَرْزُقْنِيْ شَفَاعَةَ

مقرر داشتی خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و روزی من گردان شفاعت

الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْوُرُودِ وَالْمَقَامِ الْمَشْهُودِ، وَالْحَوْضِ

حسین علیه السلام را در روز ورود به صحرای محشر و آن جایگاهی که مشهود خلائق است و آن حوضی که

الْمَوْرُودِ، وَاَجْعَلْ لِيْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَاَصْحَابِ

در کنارش وارد شوند و مرا از ثابت قدمان درگاه خود قرار ده آنانکه با حسین و اصحاب

الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، الَّذِيْنَ وَاَسُوْهُ بِاَنْفُسِهِمْ، وَبَدَلُوْا دُوْنَهُ مَهْجَهُمْ،

حسین علیه السلام هستند آن اصحابی که جان خود را فدای آن حضرت کرده و خون خود را در راهش ریختند

وَجَاهِدُوْا مَعَهُ اَعْدَاءَكَ اِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَرَجَائِكَ، وَتَصَدِّقًا

و به اتفاق آن بزرگوار با دشمنان تو پیکار کردند برای بدست آوردن موجبات خوشنودی تو و امیدواریت از روی

تصدیق

بِوَعْدِكَ، وَخَوْفًا مِنْ وَعِيدِكَ اِنَّكَ لَطِيْفٌ لِّمَا تَشَاءُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

به وعدهات و ترس از تهدیدت برآستی که تو پرلطفی نسبت بهر که خواهی ای مهربانترین مهربانان

زیارت اربعین

هشتم زیارت اربعین است یعنی بیستم صفر شیخ در تهذیب و مصباح روایت کرده از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که فرموده علامات مؤمن پنج چیز است پنجاه و یک رکعت نماز گذاشتن که مراد هفده رکعت فریضه و سی و چهار رکعت نافله است در هر شب و روز و زیارت اربعین کردن و انگشت در دست راست کردن و جبین را در سجده بر خاک گذاشتن و بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ را بلند گفتن و کیفیت زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در این روز به دو نحو رسیده یکی زیارتیست که شیخ در تهذیب و مصباح روایت

کرده از صفوان جمّال که گفت فرمود به من مولایم حضرت صادق علیه السلام در زیارت اربعین که زیارت می کنی در هنگامی که روز بلند شده باشد و می گوئی:

السَّلَامُ عَلَىٰ وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيبِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ

سلام بر ولی خدا و دوست او سلام بر خلیل خدا و بنده نجیب او سلام بر بنده

صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَنْيِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَىٰ

برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش سلام بر حسین مظلوم و شهید سلام بر آن بزرگوارى که به گرفتاریها

أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ، وَقَتِيلِ الْعِبْرَاتِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَشْهَدُ اَنَّهُ وِلْيُكَ وَابْنُ وِلْيِكَ،

اسیر بود و کشته اشک روان گردید خدایا من براستی گواهی دهم که آن حضرت ولیّ (و نماینده) تو و فرزند ولیّ تو

بود و

وَصَفِيْكَ وَابْنَ صَفِيْكَ، اَلْفَايِزُ بِكَرَامَتِكَ، اَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ، وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ،

برگزیده ات و فرزند برگزیده ات بود که کامیاب شد به بزرگداشت تو، گرامیش کردی بوسیله شهادت و مخصوصش

داشتی به

وَأَجْتَبَيْتَهُ بِطِيبِ الْوَلَادَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ،

سعادت و برگزیدی او را به پاکزادی و قرارش دادی یکی از آقایان (بزرگ) و از رهروان پیشرو و یکی از کسانی که از

وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ، وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَىٰ خَلْقِكَ مِنْ

حق دفاع کردند و میراثهای پیامبران را به او دادی و از اوصیائی که حجت تو بر خلقت هستند قرارش دادی او نیز

الْأَوْصِيَاءِ، فَأَعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ، وَمَنْحَ النَّصْحِ، وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ،

در دعوت مردم جای عذر و بهانه ای (برای کسی) نگذارد و بیدریغ خیرخواهی کرد و جان خود را در راه تو داد

لَيْسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ، وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنْ

تا برهاند بندگانت را از (گرداب) جهالت و نادانی و سرگردانی (در وادی) گمراهی و چنان شد که همدست شدند بر

علیه

غَرَّتْهُ الدُّثْيَا، وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْذَلِ الْأُذْنِي، وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ

آن حضرت کسانی که دنیا فریشتان داد و فروختند بهره (کامل و سعادت خود را) به بهای پست ناچیزی و بداد آخرتش رادرمقابل بهائی

الْأَوْكَسِ، وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ، وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ،

اندک و بی مقدار و بزرگی کردند و خود را در چاه هوا و هوس سرنگون کردند، و تو و پیامبرت را بخشم

وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ، وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ

آوردند و پیروی کردند از میان بندگان آنانی را که اهل دو دستی و نفاق بودند و کسانی را که بارهای سنگین

الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارِ، فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، حَتَّى سَفِكَ فِي

گناه بدوش می کشیدند و بدین جهت مستوجب دوزخ گشته بودند آن حضرت (که چنان دید) با شکیبائی و پاداش جوئی

با

طَاعَتِكَ دَمُهُ، وَاسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ، اللَّهُمَّ فَالْعَنُهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً، وَعَذِّبْهُمْ

آنها جهاد کرد تا خونش در راه پیروی تو ریخت و حریم مقدسش شکسته شد خدایا آنان را لعنت کن به لعنتی و بالدار

و

عَذَابًا أَلِيمًا، أَسْأَلُكَ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَسْأَلُكَ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ

عذابشان کن به عذابی دردناک سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند آقای

الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَأَبْنُ أَمِينِهِ، عِشْتَ سَعِيدًا، وَمَضَيْتَ

اوصیاء گواهی دهم که براستی تو امانتدار خدا و فرزند امانت دار اوئی سعادت مند زیستی و ستوده از دنیا

حَمِيدًا وَمُتَّ فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا، وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ،

رفتی و گمگشته و ستم دیده و شهید درگذشتی و نیز گواهی دهم که خدا براستی وفا کند بدان وعده ای که به تو داده

وَمُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ،

و به هلاکت رساند هر که دست از یاریت برداشت و عذاب کند کسی که تو را کشت و گواهم دهم که تو بخوبی وفا

کردی

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ

به عهد خدا و جهاد کردی در راه او تا مرگت فرا رسید خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و خدا لعنت کند

مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي

کسی که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند جریان کشتن و ستم تو را و بدان راضی بودند خدایا من تو

را

أَشْهَدُكَ أَنْتَ وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ، بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بِنَ

گواه می‌گیرم که من دوست دارم هر که او را دوست دارد و دشمنم با هر که او را دشمن دارد پدرم و مادرم بقدایت ای

فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ

رسول خدا گواهی دهم که تو براستی نوری بودی در پشت پدرانی بلند مرتبه و رحمهای

الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجَّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدْلِهَمَاتُ

پاکیزه که آلوده‌ات نکرد اوضاع زمان جاهلیت به آلودگیهایش و در برت نکرد از لباسهای چرکینش

مِنْ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ، وَمَعْقِلِ

و گواهی دهم که براستی تو از پایه‌های دین و ستونهای محکم مسلمانان و پناهگاه

الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ، الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي

مردمان با ایمانی و گواهی دهم که تو براستی پیشوای نیکوکار با تقوا و پسندیده و پاکیزه و راهنمای

الْمُهْدِيُّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيَّمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ الْهُدَى،

راه‌یافته‌ای و گواهی دهم که همانا امامان از فرزندان تو روح و حقیقت تقوی و نشانه‌های هدایت

وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَأَشْهَدُ أَنَّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ،

و رشته‌های محکم (حق و فضیلت) و حجت‌هایی بر مردم دنیا هستند و گواهی دهم که من به شما ایمان دارم

وَبِأَيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِيمٌ،

و به بازگشتتان یقین دارم با قوانین دینم و عواقب کردارم و دلم تسلیم دل شما است

وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ،

و کارم پیرو کار شما است و یاریم برایتان آماده است تا آنکه خدا در ظهورتان اجازه دهد

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ

پس با شمایم نه با دشمنان شما دروذهای خدا بر شما و بر روانهای شما

وَأَجْسَادِكُمْ، وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

پس دو رکعت نماز می‌کنی و دعا می‌کنی به آنچه می‌خواهی و برمی‌گردی و دیگر زیارتی است که از جابر منقول است و کیفیت آن چنان است که از عطا روایت شده که گفت با جابر بن عبدالله انصاری بودم در روز بیستم ماه صفر چون به غاضریّه رسیدیم در آب فرات غسل کرد و پیراهن طاهری که با خود داشت پوشید پس گفت که آیا با تو چیزی هست از بوی خوش ای عطا گفتم با من سُد هست پس قدری از آن گرفت و بر سر و بدن پاشید و پابرنه روانه شد تا ایستاد نزد سر مبارک امام حسین علیه السلام و سه مرتبه اَللَّهُ اَكْبَرُ گفت پس افتاد و بیهوش شد و چون به هوش آمد شنیدم که می‌گفت اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ یا آل الله الخ که به عینه همان زیارت نیمه رجب است که ما ذکر نمودیم و با آن فرقی ندارد جز چند کلمه که شاید از اختلاف نسخ باشد چنانچه شیخ مرحوم احتمال داده پس اگر کسی خواست که آن را نیز بخواند رجوع کند به زیارت نیمه رجب و همان را بخواند .

مؤلف گوید که زیارت امام حسین علیه السلام در اوقات شریفه و لیالی و ایّام متبرّکه به غیر از این اوقات که ذکر شد نیز افضل است خصوصاً اوقاتی که به آن حضرت نسبتی داشته باشد مانند روز مباحله و روز نزول هَلْ آتی و روز ولادت شریف آن حضرت و شبهای جمعه و از روایتی مستفاد می‌شود که حق تعالی در هر شب جمعه نظر مکرمتی بر آن حضرت فرماید و جمیع پیمبران و اوصیای ایشان را به زیارت او بفرستد.

و ابن قولویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که زیارت کند قبر امام حسین علیه السلام را در هر جمعه آمرزیده شود البته و از دنیا بیرون نرود با حال حسرت از دنیا و مَسْکَنَشْ در بهشت با امام حسین علیه السلام باشد و در خبر اعمش است که همسایه او برای او گفت در خواب دیدم که رقعہ‌ها از آسمان فرو می‌ریزد که در آنها امان نوشته‌اند برای هر که زیارت امام حسین علیه السلام کند در شب جمعه و بعد از این در اعمال کاظمین در حکایت حاجی علی بغدادی اشاره به این مطلب خواهد شد و غیر این از اوقات شریفه دیگر.

و روایت شده از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا زیارت امام حسین علیه السلام را وقتی هست که بهتر از وقت دیگر باشد فرمود که زیارت کنید آن حضرت را در هر وقت و هر زمان زیرا که زیارت آن حضرت خیر مُقَرَّری است هر که آن را بیشتر به عمل آورد خیر بیشتر خواهد یافت و هر که کمتر کند کمتر خواهد یافت و سعی کنید در زیارت کردن آن حضرت در اوقات شریفه که اعمال صالحه در آنها ثوابش مضاعف است و در آن اوقات شریفه ملائکه از آسمان نازل می‌شوند از برای زیارت آن حضرت الخ و از برای خصوص این اوقات مذکوره زیارت منقولی یافت نشده بلی در روز سیم ماه شعبان که روز تولّد حضرت امام حسین علیه السلام است دعائی از ناحیه شریفه بیرون آمده که بایست آن را خواند و ما آن را در اعمال ماه شعبان ذکر کردیم و بدان نیز که زیارت آن حضرت در غیر کربلا از شهرهای دور فضیلت

زیادی دارد و ما در اینجا به ذکر دو روایت که در کافی و تهذیب و فقیه است قناعت می‌کنیم روایت اول ابن ابی عمیر از هشام روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه راه یکی از شما دور و از خانه‌اش تا به قبور ما مسافت بسیار باشد بالا رود به پشت بام بلندتر منزل خود و دو رکعت نماز کند و اشاره کند به سلام کردن به سوی قبرهای ما پس بدرستی که آن به ما می‌رسد روایت دوم از حنّان بن سُدّیر از پدرش منقولست که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود ای سدید زیارت می‌کنی قبر حسین علیه السلام را در هر روز عرض کردم که فدای تو گردم نه فرمود شما چه جفاکارید در هر جمعه زیارت می‌کنید او را گفتم نه فرمود در هر ماهی زیارت می‌کنید گفتم نه فرمود در هر سالی او را زیارت می‌کنید گفتم گاهی از سالها شده که زیارت کرده‌ام فرمود ای سدید چه جفا کارید شما به امام حسین علیه السلام آیا ندانستید که حق تعالی را دو هزار هزار فرشته است (و در تهذیب و فقیه هزار هزار فرشته است) ژولیده مو گردآلوده که می‌گیرند بر آن حضرت و زیارت می‌کنند و سست نمی‌شوند و چه می‌شود برای تو ای سدید که زیارت کنی قبر حسین علیه السلام را در هر جمعه پنج مرتبه و در هر روزی یک مرتبه گفتم فدایت شوم بین ما و بین او فرسخهای بسیار است فرمود به من که بالا رو به بام خانه‌ات پس نظر کن به جانب راست و چپ پس بلند کن سر خود را بسوی آسمان پس قصد کن جانب قبر آن حضرت را و بگو «السلامُ عَلَیْکَ یا ابا عَبْدِاللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ» نوشته می‌شود برای تو زیارتی و

آن زیارت حجّه و عمره است سُدير گفت بسا شد که بجا آوردم این را در ماه بیشتر از بیست مرتبه و در صدر زیارت اوّل از زیارات مطلقه گذشت چیزی که مناسب این مقام بود.

تذییل در فضیلت و آداب تربت مقدسه امام حسین علیه السلام

بدانکه روایات بسیار وارد شده که در تربت آن حضرت شفای هر درد و مرض است مگر مرگ و امان است از بلاها و باعث ایمنی از هر خوف و بیم است و اخبار در این باب متواتر است و معجزاتی که به سبب این تربت مقدسه ظاهر گردیده است زیاده از آنست که ذکر شود و من در کتاب فوائد الرضویه که در تراجم علماء امامیه است در احوال سیّد محدّث متبّع آقا سیّد نعمه الله جزائری رحمه الله نوشتم که آن سید جلیل در تحصیل علم زحمت بسیار کشیده و سختی و رنج بسیار برده و در اوایل تحصیل چون قادر نبوده بر چراغ به روشنی ماه مطالعه می نموده لاجرم از کثرت مطالعه در ماهتاب و بسیار چیز نوشتن و مطالعه کردن چشمانش ضعف پیدا کرده بود پس به جهت روشنی چشم خود به تربت مقدسه حضرت سیدالشهداء علیه السلام و تراب مراقد شریفه ائمه عراق علیهم السلام اکتحال می کرد و به برکت آن تربت ها چشمش روشن می گشت و نیز نگاشتم که مبادا اهالی عصر ما بواسطه معاشرت با کفار و ملاحظه این مطلب را استعجاب نمایند همانا کمال الدین دمیری در حیوة الحیوان نقل کرده که افعی هرگاه هزار سال عمر کرد چشمانش کور می شود حق

تعالی او را ملهم فرموده که برای رفع کوری خود چشم خود را به رازیانج تر بمالد لاجرم با چشم کور از بیابان قصد می‌کند بساتین و جاهائی را که رازیانج در آنجا باشد و اگر چه مسافتی طویل در بین باشد پس خود را می‌رساند به آن گیاه و چشم خود را بر آن می‌مالد روشنی چشم او برمی‌گردد و این مطلب را زمشخری و غیره نیز نقل کرده‌اند پس هرگاه حق تعالی در یک گیاه تری این خاصیت قرار داده باشد که مار کور پی به آن ببرد و بهره خود را از آن بگیرد چه عجب و استبعادی دارد که در تربت پسر پیغمبر صلوات‌الله علیه و آله که در راه او خودش و عترتش کشته شده شفاء از جمیع امراض و فوائد و برکاتی قرار داده باشد که شیعیان و محبّان او از آن بهره‌ها برند و ما در این مقام به ذکر چند خبر قناعت می‌کنیم اوّل روایت شده که حوریان بهشت چون یکی از ملائکه را می‌بینند که از برای کاری بر زمین می‌آید از او التماس می‌کنند که برای ما تسبیح و تربت قبر امام حسین علیه السلام به هدیه بیاور دوّم به سند معتبر منقول است که شخصی گفت حضرت امام رضا علیه السلام برای من از خراسان بسته متاعی فرستاد چون گشودم در میان آن خاکی بود از آن مرد که آورده بود پرسیدم که این خاک چیست گفت خاک قبر امام حسین علیه السلام است و هرگز آن حضرت از جامه و غیر جامه چیزی به جایی نمی‌فرستد مگر آنکه این خاک را در میانش می‌گذارد و می‌فرماید این امان است از بلاها به اذن و مشیّت خدا سیّم روایت است که عبدالله بن ابی یعفر به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که یک شخص از خاک قبر امام حسین علیه

السلام برمی دارد و منتفع می شود و دیگری برمی دارد و منتفع نمی شود فرمود که نه والله هر که بردارد و اعتقاد داشته باشد که به او نفع می بخشد البته منتفع می شود چهارم از ابو حمزه ثمالی روایتست که عرض کردم به حضرت صادق علیه السلام که می بینم اصحاب ما می گیرند خاک قبر امام حسین علیه السلام را و طلب شفا از آن می کنند آیا شفا در آن هست فرمود که طلب شفا می توان کرد از خاکی که بردارند از میان قبر تا چهار میل و همچنین است خاک قبر جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبر امام حسن و امام زین العابدین و امام محمد باقر علیهم السلام پس بگیر از آن خاک که آن شفای هر درد است و سپری است برای دفع هر چه از آن ترسی و هیچ چیز به آن برابری نمی کند از چیزهایی که از آن شفا طلب می کنند به غیر از دعا و چیزی که آن را فاسد می کند آن است که در ظرفها و جاهای بد می گذارند و آنها که معالجه به آن می کنند کم است یقین ایشان هر که یقین داشته باشد که این از برای او شفا است هرگاه معالجه به آن کند او را کافی خواهد بود و محتاج به دوی دیگر نخواهد شد و فاسد می گرداند آن تربت را شیاطین و کافران از جنیان که خود را بر آن می مالدند و بهر چیز که می گذرد آن تربت آن را بو می کنند و اما شیاطین و کافران جنّ پس حسد می برند فرزندان آدم را بر آن و خود را بر آن می مالدند که اکثر نیکی و بوی خوشش برطرف می شود و هیچ تربت از حایر بیرون نمی آید مگر مهیّا می شوند از شیاطین و کافران جنّ از برای آن تربت آن قدر که عدد ایشان را کسی به غیر از خدا احصا نمی تواند کرد و آن تربت در

دست صاحبش است و ایشان خود را بر آن می‌مالند و ملائکه نمی‌گذارند ایشان را که داخل حایر شوند و اگر تربت سالم از اینها بماند هر بیمار را که به آن معالجه نمایند البتّه در آن ساعت شفا می‌یابد پس چون تربت را برداری پنهان کن و نام خدا بر آن بسیار بخوان و شنیده‌ام که بعضی از آنها که تربت را برمی‌دارند آن را سبک می‌شمارند حتی بعضی از ایشان آن را در توبره چهارپایان می‌اندازند یا در ظرف طعام یا چیزهایی که دست بر آن بسیار مالیده شود از خورجینها و جوالها پس چگونه شفا یابد از آن کسی که به این نوع آن را حرمت دارد ولکن دلی که در آن یقین نیست و سبک می‌شمارد چیزی را که صلاحش در آن است عمل خود را فاسد می‌کند پنجم روایت شده که هرگاه یکی از شما خواهد که بردارد تربت را به اطراف انگشتان بردارد و قدر آن مثل نخود است به بوسد آن را و بر هر دو دیده گذارد و بر سایر بدن بمالد و بگوید:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ مَنْ حَلَّ بِهَا

خدایا به حق این تربت شریف و به حق آن بزرگواری که در آن فرود آمد و

وَتَوَى فِيهَا، وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَأَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ، وَالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَبِحَقِّ

مسکن گرفت و به حق جد و پدر و مادر و امامان از فرزندانش و به حق

الْمَلَائِكَةِ الْحَافِينَ بِهِ، إِلَّا جَعَلْتَهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَبِرَأْ مِنْ كُلِّ

فرشتگانی که او را دربر گرفته‌اند که بگردانی آن را شفای از هر درد و درمان از هر

مَرَضٍ، وَتَجَاةً مِنْ كُلِّ آفَةٍ، وَحِرْزاً مِمَّا أَخَافُ وَأَخْذَرُ.

بیماری و رهایی از هر آفت و پناهگاهی از هر چه از آن می‌ترسم و پرهیز می‌کنم

پس آن را استعمال نماید و روایت شده که مهر کردن تربت امام حسین علیه السلام آنست که بر آن سوره اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بخوانی و نیز روایت شده

که هرگاه تربت را بخوری یا به کسی بخورانی بگو

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اَللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا، وَعِلْمًا نَافِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ

به نام خدا و به ذات خدا، خدایا بگردانش روزی فراخ و دانشی سودمند و شفای از هر

دَاءٍ، اِنَّكَ عَلَيَّ كَلِّشِيءٍ قَدِيرٌ.

دردی که تو بر هر چیز توانائی

مؤلف گوید که فوائد تربت شریفه آن حضرت بسیار است از جمله آنکه مستحب است با میّت در قبر گذاشتن و کفن را به آن نوشتن و دیگر سجده کردن بر آنست که روایت شده که سجده بر آن هفت حجاب را می‌درد یعنی باعث قبولی نماز می‌شود که به آسمانها بالا می‌رود و دیگر تسبیح از تربت آن حضرت ساختن و به آن تسبیح ذکر کردن و در دست داشتن است که فضیلت عظیم دارد و از خاصیتش آنست که در دست آدمی تسبیح می‌گوید بی آنکه صاحبش تسبیح بگوید و معلوم است که این تسبیح غیر از آن تسبیحی است که در همه اشیاء است كما قال الله تعالی:

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ *

و چیزی نیست جز آنکه تسبیح گوید به حمد او ولی شما تسبیحشان را نمی‌فهمید

و عارف رومی در معنی آن گفته:

گر تو را از غیب چشمی باز شد

با تو ذرّات جهان همراز شد

نطق خاک و نطق آب و نطق گل

هست محسوس حواس اهل دل

جمله ذرات در عالم نهان

با تو میگویند روزان و شبان

ما سمیعیم و بصیر و باهشیم

با شما نامحرمان ما خامشیم

از جمادی سوی جان جان شوید

غلغل اجزای عالم بشنوید

فاش تسبیح جمادات آیدت

وسوسه تأولیهها بزایدت

بالجمله این تسبیحی که در این روایت است تسبیحی است که از خصوصیات

ترتبت حضرت سید الشهداء ارواحنا له الفداء است ششم از حضرت امام

رضاعلیه السلام منقول است که هر که بگرداند تسبیح ترتبت امام حسین علیه

السلام را بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» با هر دانه

بنویسد حق تعالی از برای او شش هزار حسنه و محو کند از او شش هزار گناه

و بلند کند از برای او شش هزار درجه و بنویسد از برای او شش هزار شفاعت

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که بگرداند سنگهائی راکه

از ترتبت امام حسین علیه السلام می سازند یعنی تسبیح پخته پس یکبار استغفار

کند هفتاد استغفار از برای او نوشته می شود و اگر تسبیحی را در دست نگاه

دارد و تسبیح نگوید به عدد هر حبه هفت مرتبه از برای او نوشته می‌شود هفتم در حدیث معتبر منقول است که چون حضرت صادق علیه السلام به عراق تشریف آوردند گروهی نزد آن حضرت آمدند و عرض کردند که دانسته‌ایم تربت امام حسین علیه السلام موجب شفای هر درد است آیا باعث ایمنی از هر خوف هست فرمود بلی هرگاه کسی خواهد که او را از هر بیمی امان بخشد باید تسبیحی که از تربت آن حضرت ساخته باشند در دست بگیرد و سه مرتبه این دعا را بخواند:

أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمَامِكَ وَجَوَارِكَ الْمُنِيعِ،

بامداد کردم خدایا در حالی که چنگ زده‌ام به پیمان تو و جوار محکمت

الَّذِي لَا يُطَاوِلُ وَلَا يُحَاوِلُ، مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَطَارِقٍ، مِنْ سَائِرِ مَنْ

که مورد دستبرد واقع نشود و کسی قصد آن نتواند از شر هر ستمکار و شبیخون زنده‌ای از تمامی

خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ، الصَّامِتِ وَالنَّاطِقِ، فِي جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ

کسانی که آفریدی و آنچه خلق فرمودی از مخلوقات خموش و گویایت (و بنهم خود را) در زیر سپر و جوشنی از هر

مَخُوفٍ، بِلِبَاسِ سَابِعَةِ حَصِينَةَ، وَهِيَ وَلاءِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

موجود مخوف و ترسناکی با لباس محکم و نگهدارنده و آن (سپر و لباس) همان دوستی خاندان پیامبر تو محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مُحْتَجِزاً مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَى أَدِيَّةِ بَجْدَارٍ

صلی الله علیه و آله است و نگهداری کنم خود را از هر که آهنگ آزارم کند به دیوار

حَصِينٍ الْأَخْلَاصِ فِي الْأَعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ، وَالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ جَمِيعاً،

محکم اخلاص در اعتراف کردن به حق ایشان و چنگ زدن به رشته محکم ایشان همگی

مُوقِنًا أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَمِنْهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْ، أُولَى مَنْ وَالُوا،

در حالی که یقین دارم که حق از آنها است و با آنها است و از آنها است و در میان آنها است و بوسیله آنها است دوست

دارم هر که را

وَأَعَادِي مَنْ عَادَوْا، وَأَجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

آنها دوست دارند و دشمن دارم هر که را دشمن دارند و کناره گیرم از هر که کناره گرفتند درود فرست بر محمد و آلش

وَأَعِدْنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا أَتَقِيهِ، يَا عَظِيمُ حَجَزَتِ الْأَعَادِي

و نگاهم دار خدایا بوسیله ایشان از شر هر چه از آن پرهیز دارم ای خدای بزرگ دور ساختم دشمنان را

عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا

از خود بوسیله آفریننده آسمانها و زمین «ما نهادیم از پیش رویشان سدی

وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ. * پس تسبیح را ببوسد و بر

و از پشت سرشان سدی و پرده بر دیده شان افکندیم که نمی بینند. * * * * *

هر دو چشم بمالد و بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ، وَبِحَقِّ

* * * * * خدایا از تو خواهم به حق این تربت مبارک و به حق

صَاحِبِهَا وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَبِحَقِّ أَبِيهِ، وَبِحَقِّ أُمِّهِ وَبِحَقِّ أَخِيهِ، وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ،

صاحب آن (حضرت ابا عبد الله) و به حق جانش و به حق پدرش و به حق مادرش و به حق برادرش و به حق فرزندان

پاکش

اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ.

بگردان آن را شفای از هر دردی و امان از هر ترسی و نگهدارنده از هر بدی

* پس تسبیح را بر جبین خود بگذارد پس اگر در صبح چنین کند در امان خدا

باشد تا شام و اگر در شام چنین کند در امان خدا باشد تا صبح و در روایت

دیگر منقول است که هر که از پادشاهی یا غیر او ترسد چون از خانه بیرون آید

چنین کند تا حرزی باشد او را از شر ایشان مؤلف گوید که مشهور میان علماء

آن است که خوردن گل و خاک مطلقاً جایز نیست مگر تربت مقدسه امام

حسین علیه السلام به قصد شفا بی قصد لذت به قدر نخودی بلکه احوط آن است

که به قدر عدسی باشد و خوبست که تربت را در دهان بگذارد و بعد از آن

جرعه‌ای از آب بخورد و بگوید «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَسِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ» علامه مجلسی رحمه الله فرموده احوط آن است که مهر و تسبیح و تربت آن حضرت را نخرند و نفروشند بلکه به هدیه و بخشش بدهند و در برابر آنها اگر تراضی کنند بی آنکه اوّل شرط کرده باشند شاید بد نباشد چنانچه در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که خاک قبر امام حسین علیه السلام را بفروشد چنان است که گوشت آن حضرت را فروخته و خریده باشد.

مؤلف گوید که شیخ ما محدث متبحر ثقة الاسلام نوری رحمه الله در دارالسلام نقل فرموده که روزی یکی از برادران من به خدمت مرحومه والدهام رسید مادرم دید که تربت امام حسین علیه السلام را در جیب پایین قبای خود گذاشته مادرم او را زجر کرد که این بی ادبی است به تربت مقدسه چه آنکه بسا شود در زیر ران واقع شود و شکسته گردد برادرم گفت چنین است که فرمودی و تا به حال دو مهر شکسته‌ام و لکن عهد کرد که من بعد در جیب پایین نگذارد پس چند روزی از این قضیه گذشت علامه والدم در خواب دید بدون اینکه از این مطلب اطلاع داشته باشد که مولای ما حضرت ابو عبدالله الحسین علیه السلام به زیارت او تشریف آورد و در اطاق کتابخانه نشست و ملاطفت و مهربانی بسیار کرد و فرمود بخوان پسران خود را بیایند تا آنها را اکرام کنم پس والد پسرها را طلبید و با من پنج نفر بودند پس ایستادند در نزد در مقابل آن حضرت و در نزد آن حضرت از جامه و چیزهای دیگر بود پس یک یک را

می‌خواند و چیزی از آنها به او می‌داد پس نوبت به برادر مزبور سلمه‌الله رسید حضرت نظری بر او افکند مانند کسی که در غضب باشد و الثفات فرمود بسوی والد مرحوم و فرمود این پسر تو دو تربت از تربتهای قبر من در زیر ران خود شکسته است پس مثل برادران دیگر او را نخواند بلکه افکند بسوی او چیزی و الان در ذهنم است که گویا قاب شانه ترمه به او داد پس علامه والد بیدار شد و خواب خود را برای مرحومه والده نقل کرد و والده حکایت را برای ایشان بیان کرد والد تعجب کرد از صدق این خواب «انتهی»

فصل هشتم

در فضیلت و کیفیت زیارت کاظمین یعنی امام موسی کاظم و امام محمد تقی علیهما السلام و ذکر مسجد بُراثا و زیارت نواب اربعه رضی الله عنه و زیارت جناب سلمان رضی الله عنه و مشتمل است بر چند مطلب:

مطلب اول

در فضیلت و کیفیت زیارت کاظمین علیهما السلام

بدانکه از برای زیارت این دو امام معصوم علیهما السلام فضل بسیاری ذکر شده و در اخبار کثیره وارد شده که زیارت امام موسی علیه السلام مثل زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله است و در روایتی است که هر که او را زیارت کند مثل آنست که زیارت کرده باشد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام را و در روایت دیگر مثل آنست که امام حسین علیه

السلام را زیارت کرده باشد و در حدیث دیگر هر که او را زیارت کند بهشت
از برای اوست .

و شیخ جلیل محمد بن شهر آشوب در مناقب از تاریخ بغداد نقل کرده که خطیب
مؤلف آن کتاب به سند خود از علی بن خالد نقل نموده که گفت هیچ امر
دشواری مرا رؤ نداد که بعد از آن بروم به نزد قبر حضرت موسی بن
جعفر علیهما السلام و متوسل به آن جناب شوم مگر آنکه خدا آن را از برای من
آسان کرد و نیز گفته که دیده شد در بغداد زنی که می‌دوید پس به او گفتند
که بکجا می‌روی گفت بسوی قبر موسی بن جعفر علیهما السلام که دعا کنم
برای پسرم که او را حبس کرده‌اند مردی حنبلی مذهب در آنجا حاضر بود
استهزاء کرد به آن زن و گفت پسرت در زندان مُرد آن زن گفت خداوندا از تو
سؤال می‌کنم به حق آن کسی که او را در زندان شهید کردند که مرادش همان
حضرت است که قدرت خود را به من بنمائی ناگاه پسر آن زن را رها کردند و پسر آن
مرد حنبلی را که استهزاء کرده بود به جنایت او گرفتند.

و شیخ صدوق از ابراهیم بن عقبه روایت کرده که گفت نوشتم به خدمت امام
علی نقی علیه السلام و در نامه سؤال کرده بودم از زیارت ابی عبدالله
الحسین علیه السلام و از زیارت امام موسی و امام محمد تقی علیهما السلام
یعنی آنکه کدام یک از این دو زیارت بهتر است پس حضرت در جواب مرقوم
فرموده بودند ابو عبدالله علیه السلام مقدم است و زیارت این دو معصوم جامعتر
و ثوابش بزرگتر است و اما کیفیت زیارت کاظمین علیهما السلام پس بدانکه

زیارات در آن حرم شریف بعضی مختصّ است به هر یک از آن دو بزرگوار و بعضی مشترک مابین آن دو امام است اما زیارت مختص به امام موسی علیه السلام پس چنانکه سیّد بن طاوس در مزار نقل نموده آن است که چون خواستی آن حضرت را زیارت کنی سزاوار است که غسل کنی پس روانه شوی به زیارت با تائی و وقار همین که به در حرم رسیدی بایست و بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هِدَايَتِهِ

خدا بزرگتر است (از توصیف) معبودی نیست جز خدا و خدا بزرگتر است ستایش خدای را برای راهنمایی کردنش

لِدِينِهِ، وَالتَّوْفِيقِ لِمَا دَعَا إِلَيْهِ مِنْ سَبِيلِهِ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَكْرَمُ مَقْصُودٍ،

(ما را) به دین خود و توفیق دادنش به اجابت دعوت او بدان راهی که او خواست خدایا تو بزرگوارترین مقصود

وَ أَكْرَمَ مَاتِي، وَقَدْ أَتَيْتَكَ مُتَقَرِّبًا إِلَيْكَ بِابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ،

و کریمترین کسی هستی که بدرگاهش آیند و من به درگاهت آمده‌ام و تقرب جویم به پیشگاهت بوسیله فرزند دختر

وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَبْنَائِهِ الطَّيِّبِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

پیامبرت که درودهای تو بر او و بر پدران پاک و فرزندان پاکیزه‌اش باد خدایا درود فرست بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تُخَيِّبْ سَعْيِي، وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي، وَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ

و آل محمد و نومید مکن کوششم را و قطع مکن امیدم را و قرارم ده در نزد خودت

وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ. پس داخل شو و مقدم دار پای

آبرومند در دنیا و آخرت و از مقربان درگاهت * * * * *

راست خود را و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ،

* * * * * به نام خدا و به یاری خدا و در راه خدا و بر کیش رسول خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

صلی الله علیه و آله خدایا بیامرز مرا و پدر و مادرم را و همه مردان

وَالْمُؤْمِنَاتِ.

پس همین که رسیدی به در قبه شریفه بایست و اذن طلب کن و بگو:

ءَاذْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، ءَاذْخُلُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، ءَاذْخُلُ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ،

آیا داخل شوم ای رسول خدا آیا داخل شوم ای پیامبر خدا آیا داخل شوم ای محمد بن عبدالله

ءَاذْخُلُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، ءَاذْخُلُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ، ءَاذْخُلُ يَا أَبَا

آیا داخل شوم ای امیر مؤمنان آیا داخل شوم ای ابامحمد حسن (مجتبی) آیا داخل شوم ای ابا

عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ، ءَاذْخُلُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، ءَاذْخُلُ يَا أَبَا

عبدالله الحسین آیا داخل شوم ای ابا محمد علی بن الحسین (زین العابدین) آیا داخل شوم ای ابا

جَعْفَرَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، ءَاذْخُلُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، ءَاذْخُلُ يَا

جعفر محمد بن علی آیا داخل شوم ای ابا عبدالله جعفر بن محمد آیا داخل شوم ای

مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ، ءَاذْخُلُ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرَ،

مولای من ای ابالحسن موسی بن جعفر آیا داخل شوم ای مولای من ای ابا جعفر

ءَاذْخُلُ يَا مَوْلَايَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ. پس داخل شو و چهار مرتبه بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ

آیا داخل شوم ای مولای من محمد بن علی * * * * * خدا بزرگتر است

پس بایست مقابل قبر و قبله را پشت کتف خود قرار بده پس بگو: اَلسَّلَامُ

* * * * * سلام بر تو ای

عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، اَلسَّلَامُ

نماینده خدا و فرزند نماینده اش سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت او سلام

عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ وَابْنَ صَفِيِّهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ وَابْنَ أَمِينِهِ،

بر تو ای برگزیده خداوند و فرزند برگزیده اش سلام بر تو ای امین خدا و فرزند امین او

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ

سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین سلام بر تو ای پیشوای

الهُدَى، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِلْمَ الدِّينِ وَالتَّقَى، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ

هدایت سلام بر تو ای پرچم دین و تقوی سلام بر تو ای خزینه‌دار

عِلْمِ النَّبِيِّنَ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَازِنَ عِلْمِ الْمُرْسَلِیْنَ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا

علم و دانش پیمبران سلام بر تو ای خزینه‌دار علم و دانش رسولان سلام بر تو ای

نَائِبِ الْاَوْصِیَاءِ السَّابِقِیْنَ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَعْدِنَ الْاَوْحٰی الْمُبِیْنِ،

نایب اوصیاء پیشین سلام بر تو ای معدن وحی آشکار

اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَاحِبَ الْعِلْمِ الْیَقِیْنِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَیْبَةَ عِلْمِ

سلام بر تو ای دارنده دانش یقینی سلام بر تو ای گنجینه دانش پیمبران

الْمُرْسَلِیْنَ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْاِمَامُ الصَّالِحُ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا

مرسل سلام بر تو ای امام شایسته سلام بر تو ای

الْاِمَامُ الزَّاهِدُ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْاِمَامُ الْعَابِدُ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا

امام پارسا سلام بر تو ای امام عابد سلام بر تو ای

الْاِمَامُ السَّیِّدُ الرَّشِیْدُ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْمَقْتُولُ الشَّهِیْدُ، اَلْسَّلَامُ

امام بزرگ و رشید سلام بر تو ای کشته شهید (راه حق) سلام

عَلَیْكَ يَا بَنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ وَاِبْنَ وَصِیِّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَوْلٰی مُوسٰی

بر تو ای فرزند رسول خدا و فرزند وصی آن حضرت سلام بر تو ای سرور من ای موسی

بْنِ جَعْفَرٍ، وَرَحْمَةً اللّٰهِ وَبَرَكَاتِهِ، اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ اللّٰهِ مَا حَمَلَكَ،

بن جعفر و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که براستی تو رساندی از جانب خداوند آنچه را به عهده داشتی

وَحَفِظْتَ مَا اسْتَوْدَعَكَ، وَحَلَلْتَ حَلَالَ اللّٰهِ، وَحَرَمْتَ حَرَامَ اللّٰهِ، وَاَقَمْتَ

و محافظت کردی از آنچه به تو سپرده بود و حلال کردی حلال خدا را و حرام کردی حرام خدا را و بپاداشتی

اَحْكَامَ اللّٰهِ، وَتَلَوْتَ كِتَابَ اللّٰهِ، وَصَبَرْتَ عَلٰی الْاَذٰی فِی جَنْبِ اللّٰهِ،

احکام خدا را و تلاوت کردی (به حق) کتاب خدا را و شکیبا بودی بر آزار خلق در راه خدا

وَجَاهَدْتَ فِی اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتّٰی اَتٰیكَ الْیَقِیْنُ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مَضِیْتَ

و جهاد کردی در راه خدا آنطور که باید تا مرگت فرا رسید و گواهی دهم که تو برفتی

عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ آبَاؤُكَ الظَّاهِرُونَ، وَأَجْدَادَكَ الطَّيِّبُونَ، الْأَوْصِيَاءُ

به همان راهی که رفتند بدان راه پدران پاک و اجداد پاک سرشت آن اوصیای

الْهَادُونَ، الْأَيْمَةَ الْمَهْدِيُونَ، لَمْ تُؤْتِرْ عَمِيَّ عَلَى هُدَىٍّ وَلَمْ تَمَلْ مِنْ

راهنما و آن پیشوایان راه یافته ترجیح ندادی گمراهی را بر هدایت و متمایل نگشتی از

حَقِّ إِلَىٰ بَاطِلٍ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

حق بسوی باطل و گواهی دهم که تو براستی خیرخواهی کردی برای خدا و پیامبرش و برای امیر مؤمنان

وَأَنَّكَ أَذَيْتَ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَنَبْتَ الْخِيَانَةَ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ

و تو بخوبی امانت را پرداختی و از خیانت دوری گزیدی و بپاداشتی نماز را و بدادی

الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا

زکات را و امر کردی به معروف (و کار نیک) و جلوگیری کردی از کار زشت و پرستش کردی خدا را از روی اخلاص

مُجْتَهِدًا مُحْتَسِبًا حَتَّىٰ آتَيْتَ الْيَقِينَ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ

و کوشش و پاداش جوئی تا آنگاه که مرگت فرا رسید، خداوند پاداش نیکویت دهد از اسلام و مسلمین

أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَأَشْرَفَ الْجَزَاءِ آتَيْتَكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، زَائِرًا عَارِفًا

بهترین پاداشها و شریف‌ترین پاداشهای نیک را، آمده‌ام به نزدت ای فرزند رسول خدا برای زیارتت در حالی که شناسای

بِحَقِّكَ، مُقِرًّا بِفَضْلِكَ، مُحْتَمِلًا لِعِلْمِكَ، مُحْتَجِبًا بِذِمَّتِكَ، عَائِدًا بِقَبْرِكَ،

به حق توأم و فضیلتت را اقرار دارم و بار داشتت را تحمل کرده و در پرده پیمانت محجوب گشته و به قبرت پناه آورده

لَائِدًا بِضَرْبِكَ، مُسْتَشْفِعًا بِكَ إِلَى اللَّهِ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ، مُعَادِيًا

به ضربت پناهنده گشته‌ام و تو را بدرگاه خدا شفیع گرفته‌ام دوستدار دوستانت هستم و دشمن

لِلْأَعْدَائِكَ، مُسْتَبْصِرًا بِشَأْنِكَ، وَبِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ، عَالِمًا

دشمنانت بینایم به شأن و مقامت و بدان هدایت و راهنمایی که تو برآنی و دانایم

بِضَلَالَةٍ مِنْ خَالَفَكَ وَبِالْعَمَى الَّذِي هُمْ عَلَيْهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي

به گمراهی آنکس که با تو مخالفت کرد و به گمراهی آن وضعی که بدان گرفتارند، پدر و مادرم

وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، آتَيْتَكَ مُتَقَرِّبًا

و خودم و خاندان و مال و فرزندانم به قربانت ای فرزند رسول خدا آمده‌ام به درگاهت تا تقرب جویم

بِزِيَارَتِكَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، وَمَسْتَشْفِعًا بِكَ إِلَيْهِ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ

بوسیله زیارت تو بدرگاه خدای تعالی و شفیع گیرم تو را به پیشگاهش پس شفاعت مرا بکن در نزد پروردگارت

لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَيَعْفُوَ عَن جُرْمِي، وَيَتَجَاوَزَ عَن سَيِّئَاتِي، وَيَمْحُوَ

تا بپامزد گناهانم را و در گذرد از جرم و تقصیرم و نادیده انگارد اعمال بدم را و محو کند

عَنِّي خَطِيئَاتِي، وَيُدْخِلْنِي الْجَنَّةَ، وَيَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَيَغْفِرَ

خطاهایم را و داخل بهشتم گرداند و تفضل کند بر من بدانچه او شایسته آنست و بپامزد

لِي وَلِأَبَائِي، وَلِأَخْوَانِي وَأَخَوَاتِي، وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

مرا و پدران و برادران و خواهرانم را و همه مردان و زنان با ایمانی را که

فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، بِفَضْلِهِ وَجُودِهِ وَمَنَّهُ * پس بیانداز خود را

در خاورهای زمین و باخترهای آنند به فضلش و به جود و احسانش * * * * *

بر قبر و بیوس آنرا و بگذار دو طرف روی خود را بر آن و دعا کن به آنچه

می خواهی پس برگرد به جانب سر و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَرَحْمَةُ

* * * * * سلام بر تو ای مولا و سرور من ای موسی بن جعفر و رحمت

اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمَامُ الْهَادِي، وَالْوَلِيُّ الْمُرْشِدُ، وَأَنَّكَ مَعْدِنُ

خدا و برکاتش گواهی دهم که توئی پیشوای راهنما و سرپرست ارشاد کننده و توئی معدن

التَّنْزِيلِ، وَصَاحِبُ التَّأْوِيلِ، وَحَامِلُ التَّوْرِيَةِ وَالْإِنْجِيلِ، وَالْعَالِمُ

تنزیل (قرآن) و دارای (علم) تأویل و دارنده تورات و انجیل و دانشمند

الْعَادِلُ، وَالصَّادِقُ الْعَامِلُ، يَا مَوْلَايَ أَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ،

عادل و راستگوی عامل (به احکام دین) ای مولا و سرور من بیزارم از دشمنان خدا از دشمنانت

وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمُؤَالَاتِكَ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ

و تقرب جویم به پیشگاه خداوند بوسیله دوستی تو درود خدا بر تو و بر پدران

وَأَجْدَادِكَ وَأَبْنَائِكَ، وَشِيعَتِكَ وَمُحِبِّيكَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. *

و اجداد و فرزندان و شیعیان و دوستان و رحمت خدا و برکاتش

پس دو رکعت نماز زیارت بکن بخوان در آن سوره یس و الرحمن یا هر چه آسان باشد از قرآن پس دعا کن به آنچه می خواهی زیارت دیگر برای حضرت موسی علیه السلام شیخ مفید و شیخ شهید و محمد بن المشهدی فرموده اند چون خواستی زیارت کنی آن جناب را در بغداد پس غسل کن برای زیارت و قصد کن حرم شریف را و بایست بر در حرم و اذن دخول بطلب پس داخل حرم شو در حالی که می گوئی:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى

به نام خدا و بیاری خدا و در راه خدا و بر

مَلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ. *

کیش رسول خدا درود خدا بر او و بر آلش باد و سلام بر اولیاء خدا باد

بعد از آن برو تا آنکه مقابل قبر حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام شوی پس چون ایستادی نزد قبر آن جناب پس بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین سلام بر تو

يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ، أَشْهَدُ

ای نماینده خدا سلام بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای باب رحمت خدا گواهی دهم

أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ

که برآستی تو برپاداشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی به معروف (کارهای نیک) و نهی کردی از

الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقًّا تِلَاوَتِهِ وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ،

از کار زشت و تلاوت کردی قرآن را آنطور که باید و جهاد کردی در راه خدا آنطور که شاید

وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ مُحْتَسِبًا، وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْكَ

و شکیبایی کردی بر آزار مردم در راه او به حساب درک پاداش و پرستش کردی او را از روی اخلاص تا مرگت

الْبَيِّنِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَوْلَى بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ، وَأَنَّكَ إِنْ رَسُولَ اللَّهِ حَقًّا، أَبْرَأُ

فرا رسید گواهی دهم که تو براستی سزاوارتری نسبت به خدا و پیامبرش و تویی فرزند رسول خدا به حق، بیزارم

إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ، وَاتَّقَرَبُ إِلَى اللَّهِ بِمُؤَالَاتِكَ، أَتَيْتَكَ يَا مَوْلَايَ

به درگاه خدا از دشمنان و تقرب جویم به نزد خدا بوسیله دوستی آمده‌ام بدرگاهت ای سرور من

عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَاءِكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ

با معرفت به حق تو و دوستدار دوستان توأم و دشمن دشمنانم پس شفاعتم را بکن در نزد

رَبِّكَ * پس خود را بر قبر بیفکن و بوسه کن و گونه‌های خود را بر او بگذار پس بگرد از

پروردگارت *****

أَنْجَا وَبِئَا بِه جَانِبِ سِرِّ وَبَايَسْتِ وَبِگُو: أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ

***** سلام بر تو ای فرزند رسول خدا گواهی دهم

أَنَّكَ صَادِقٌ، أَدَيْتَ نَاصِحًا، وَقُلْتَ آمِينًا، وَمَضَيْتَ شَهِيدًا، لَمْ تُؤْثِرْ

که براستی تو صادق در گفتار بودی و خیرخواهانه ادای امانت کردی و امانت در گفتار داشتی و به شهادت از دنیا رفتی

مقدم نداشتی

عَمِيَ عَلَى الْهُدَى، وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقِّ إِلَى بَاطِلٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ

گمراهی را بر هدایت و متمایل نگشتی از حق بسوی باطل درود خدا بر تو

وَعَلَى آبَائِكَ وَأَبْنَائِكَ الطَّاهِرِينَ. پس ببوس قبر منور را و دو رکعت نماز

و بر پدران و فرزندان پاکیزه‌ات باد *****

زیارت گذار و بعد از این دو رکعت هر نماز که خواهی بکن پس از آن به

سجده برو و بگو:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ اعْتَمَدْتُ، وَإِلَيْكَ قَصَدْتُ، وَبِفَضْلِكَ رَجَوْتُ، وَقَبْرَ إِمَامِي الَّذِي

خدایا به تو اعتماد کردم و آهنگ تو کردم و فضل تو را امید دارم و قبر امامم را که

أَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ زُرْتُ، وَبِهِ إِلَيْكَ تَوَسَّلْتُ، فَحَقِّهْمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ

اطاعتش را بر من واجب گرداندیدی زیارت کردم و بوسیله او بدرگاه تو توسل جستم پس بدان حقی که برای آنها

عَلَى نَفْسِكَ، اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَا كَرِيمٍ. پس روی راست خود

بر خود واجب کرده‌ای بیامرز مرا و پدر و همه مردم با ایمان را ای بزرگوار * * * * *

را بگذار و بگو: اللَّهُمَّ قَدْ عَلِمْتَ حَوَائِجِي، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

* * * * * خدایا تو خود حاجت‌های مرا می‌دانی پس درود فرست بر محمد و آل محمد

وَأَقْضِهَا پس جانب چپ روی را بگذار و بگو: اللَّهُمَّ قَدْ أَحْصَيْتَ ذُنُوبِي، فَبِحَقِّ

و آنها را برآور * * * * * خدایا تو خود بخوبی گناهانم را شماره کرده‌ای به حق

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْهَا وَتَصَدَّقْ

محمد و آل محمد درود فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز آنها را و تصدق کن

عَلَيَّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ. پس بر گرد به سجده و بگو شُكْرًا شُكْرًا صد مرتبه پس سر از

بر من بدانچه تو شایسته‌ای * * * * *

سجده بردار و دعا کن به آنچه خواهی از برای هر که می‌خواهی و دوست‌داری آن را .

مؤلف گوید سید جلیل علی بن طاووس رضی الله عنه در مصباح الزائر در یکی از

زیارات حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام این صلوات را بر آن حضرت که

محتوی است بر شمه‌ای از فضائل و مناقب و عبادت و مصائب آن جناب نقل

کرده البته زائر از فیض خواندن آن خود را محروم نکند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ،

خدایا درود فرست بر محمد و خاندانش و درود فرست بر موسی بن جعفر

وَصِيَ الْأَبْرَارِ، وَإِمَامِ الْأَخْيَارِ وَعَيَّةِ الْأَنْوَارِ، وَوَارِثِ السَّكِينَةِ

وصی آقایان نیکوکار و پیشوای خوبان و گنجینه انوار و وارث آرامش

وَالْوَقَارِ، وَالْحِكْمِ وَالْأَثَارِ، الَّذِي كَانَ يُحْيِي اللَّيْلَ بِالسَّهَرِ إِلَى

و وقار و فرزاندگی و آثار (و نشانه‌ها) آن بزرگواری که شب زنده‌دار و بیدار بود تا هنگام

السَّحَرِ بِمُواصَلَةِ الْأَسْتِغْفَارِ، حَلِيفِ السَّجْدَةِ الطَّوِيلَةِ، وَالْدُمُوعِ

سحر و پیوسته مشغول استغفار بود، همدم و رفیق سجده‌های طولانی و اشکهای

الْعُزَيْرَةِ وَالْمُنَاجَاتِ الْكَثِيرَةِ، وَالضَّرَاعَاتِ الْمُتَّصِلَةِ، وَمَقَرِّ النَّهْيِ

ریزان و مناجات بسیار و زاری و ناله پیوسته بود، و هم او مقر عقل و خرد

وَالْعَدْلِ، وَالْخَيْرِ وَالْفَضْلِ، وَالنَّدَى وَالْبَذْلَ، وَمَا لَفَّ الْبُلُوبَى وَالصَّبْرَ،

و عدالت و نیکی و فضیلت و بخشش و جود و عطا بود و نیز آن حضرت خوگرفته بود به بلا و شکیبایی

وَالْمُضْطَّهَدِ بِالظُّلْمِ، وَالْمَقْبُورِ بِالْجَوْرِ، وَالْمُعَذَّبِ فِي قَعْرِ السُّجُونِ،

و پایمال ظلم و ستم گشت و به ظلم و جور در قبر رفت و در سیاه‌چالهای زندان

و ظَلَمِ الْمَطَامِيرِ، ذِي السَّاقِ الْمَرْضُوضِ بِحَلَقِ الْقِيُودِ، وَالْجِنَازَةِ

و سلولهای تاریک تحت شکنجه و عذاب بود آن بزرگواری که ساق پایش از فشار حلقه‌های کُند و زنجیر شکسته و خرد

شد

الْمُنَادَى عَلَيْهَا بَذْلُ الْأَسْتِخْفَافِ، وَالْوَارِدِ عَلَى جَدِّهِ الْمُصْطَفَى

و صاحب آن جنازه مقدسی که جلوش جار می‌زدند با کمار خواری و سبکی و آنکه درآمد بر جدش مصطفی

وَأَبِيهِ الْمُرْتَضَى، وَأُمِّهِ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ، بَارِثِ مَعْضُوبٍ وَوَلَاءِ

و پدرش (علی) مرتضی و مادرش بانوی زنان در حالی که ارثش به یغما رفته و حکومتش ربوده شده

مَسْلُوبٍ، وَأَمْرٍ مَغْلُوبٍ، وَدَمٍ مَطْلُوبٍ، وَسَمِّ مَشْرُوبٍ، أَللَّهُمَّ وَكَمَا

و در کار خود مغلوب دشمنان گشته، و دشمن ریختن خونش را می‌خواست با زهری که به او خوراندند خدایا چنانچه

صَبَرَ عَلَى غَلِيظِ الْمِحْنِ، وَتَجَرَّعَ غُصَّصَ الْكُرْبِ، وَاسْتَسَلَّمَ لِرِضَاكَ،

او صبر کرد بر سختی محنت و سرکشید جرعه‌های گرفتاری را و تن داد به رضایت تو

وَأَخْلَصَ الطَّاعَةَ لَكَ، وَمَحَضَ الْخُشُوعَ، وَاسْتَشَعَرَ الْخُضُوعَ وَعَادَى

و اطاعت کرد تو را از روی اخلاص و بی‌آلایش در برابرت فروتن گشت و خضوع نمود و دشمنی کرد

الْبِدْعَةَ وَأَهْلَهَا، وَلَمْ يَلْحَقْهُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَوْامِرِكَ وَتَوَاهَيْكَ لَوْمَةً

با بدعت و بدعت‌گزاران و سرزنشهای ملامت‌کنندگان بهیچوجه و در هیچ یک از اوامر و نواهی تو در او مؤثر

لَا تَمِّمُ، صَلَّى عَلَيْهِ صَلَوةً نَامِيَةً مُنِيفَةً زَاكِيَةً، تَوْجِبُ لَهُ بِهَا شَفَاعَةَ أُمَّمٍ

نگشت درود فرست بر او درودی با برکت و بلندمرتبه و پاکیزه که موجب شود بدان شفاعت امتهایی

مِنْ خَلْقِكَ، وَقُرُونٍ مِنْ بَرَايَاكَ، وَبَلَّغَهُ عَنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَأَتَانَا مِنْ

از خلق تو را و شامل مردمانی از قرون گذشته شود و برسان به او از جانب ما تحیت و سلامی و بده به ما از

لَدُنْكَ فِي مُوَالَاتِهِ فَضْلًا وَإِحْسَانًا، وَمَعْفِرَةً وَرِضْوَانًا، إِنَّكَ ذُو

نزد خویش به پاداش دوستی او فضل و احسان و آمرزش و خوشنودی خودت را که تو دارای

الْفَضْلِ الْعَمِيمِ، وَالتَّجَاوُزِ الْعَظِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. * و اَمَّا

فضلی همگانی و گذشت بزرگی هستی به رحمتت ای مهربانترین مهربانان * * *

زیارت مختص به امام محمد تقی علیه السلام پس همان‌سه بزرگوار فرموده‌اند که

پس متوجه شو بسوی قبر ابی جعفر محمد بن علی الجواد علیهما السلام که در

پشت سر جد بزرگوار خود مدفون است و چون ایستادی نزد قبر آن حضرت

پس بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ

سلام بر تو ای ولی خدا سلام بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای نور خدا در

فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ

تاریکیهای زمین سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو و بر پدران (پاک) تو

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَوْلِيَاءِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ

سلام بر تو و بر فرزندان سلام بر تو و بر دوستان گواهی دهم که براستی تو

أَقَمْتُ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ

برپاداشتی نماز را و بدادی زکات را و امر به معروف و نهی از

الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ،

مکنر کردی و تلاوت کردی قرآن را چنانچه باید و جهاد کردی در راه خدا آنطور که شاید

وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ، حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا

و شکیبایی بودی بر آزار مردم در مورد (کار) خدا تا مرگت فرا رسید آمده‌ام به درگاهت برای زیارت

عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ

در حالی که عارفم به حق تو و دوست دارم دوستانت را و دشمنم با دشمنانت پس شفاعت مرا بنما در پیشگاه

رَبِّكَ پَس بَبُوسِ قَبْرِ رَا وَ رُوی خُود رَا بَرِ آن بَنه پَس دُو رِکعت نماز زیارت

پروردگارت * * * * *

کُن وَ بَعْدَ از آن هَر نماز که خواهی بگذار پس برو به سجده و بگو اِرْحَمْ مَنْ

*****رحم کن به

اَسَاءَ وَ اَقْتَرَفَ، وَ اسْتَكَانَ وَ اعْتَرَفَ پَس جَانِبِ رُوی رَاسِت رَا بَگُذَار وَ بَگُو اِن كُنْتُ

آنکه بد کرده و مرتکب جرم شده و به بیچارگی افتاده و اعتراف دارد * * * * * اگر من بد

بُنْسَ الْعَبْدُ، فَانْتَ نِعْمَ الرَّبُّ پَس رُوی چِپِ خُود رَا بَگُذَار وَ بَگُو عَظْمَ الذَّنْبِ مِنْ

بنده‌ای هستم پس تو نیکو پروردگاری هستی * * * * * بزرگ گشت گناه از بندهات پس باید

عَبْدِكَ فَلْيُحْسِنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ، يَا كَرِيمُ پَس بَرِگَرْد بَه سَجْدَه وَ بَگُو صَد مَرْتَبَه

نیکو باشد گذشت از طرف تو ای بزرگوار * * * * *

شُكْرًا شُكْرًا پَس بَرُوه بَه كَار خُود زِيَارَت دِيگَر بَرای حَضْرَت اِمَام مَحْمَد تَقِي عَلِيَه

السلام سید بن طاوس در مزار فرموده چون زیارت کردی حضرت امام موسی

کاظم علیه السلام را می‌ایستی نزد قبر حضرت جواد علیه السلام و می‌بوسی آنرا

و می‌گوئی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَرِّ التَّقِيِّ الْإِمَامَ الْوَفِيِّ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای ابا جعفر محمد بن علی که (امام) نیکوکار و پرهیزکار و پیشوایی وفادار بودی سلام بر

عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَجِيَّ اللَّهِ،

تو ای آقای پسندیده و پاکیزه سلام بر تو ای ولی خدا سلام بر تو ای همراز خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِيرَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِرَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ضِيَاءَ

سلام بر تو ای نماینده خدا سلام بر تو ای رازدار خدا سلام بر تو ای پرتو (نور)

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَنَاءَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَلِمَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

خدا سلام بر تو ای روشنی (جمال) خدا سلام بر تو ای کلمه (نشانه تام و تمام) خدا سلام بر تو ای

رَحْمَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النُّورُ السَّاطِعُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ الطَّالِعُ،

رحمت خدا سلام بر تو ای نور درخشان سلام بر تو ای ماه تابان

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّيِّبُ مِنَ الطَّيِّبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرُ

سلام بر تو ای پاک (متولد شده) از پاکان سلام بر تو ای پاکیزه

مِنَ الْمُطَهَّرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَيَّةُ الْعُظْمَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

از نژاد پاکیزگان سلام بر تو ای نشانه بزرگ (حق) سلام بر تو ای

الْحُجَّةُ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُطَهَّرُ مِنَ الزَّلَّاتِ، السَّلَامُ

حجت کبرا (ای الهی) سلام بر تو ای پاک از لغزشها سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنَزَّهَ عَنِ الْمُعْضَلَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلِيُّ عَنِ

بر تو ای منزّه از خسوت و سخت گیریها سلام بر تو ای برتر از

نَقْصِ الْأَوْصَافِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّضِيُّ عِنْدَ الْأَشْرَافِ، السَّلَامُ

نقص در اوصاف سلام بر تو ای پسندیده در نزد مردمان شرافتمند سلام

عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ وَلِيُّ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ، وَأَنَّكَ

بر تو ای استوانه دین (خدا) گواهی دهم که تویی ولی خدا و حجت او در روی زمین و تو

جَنْبُ اللَّهِ، وَخَيْرَةُ اللَّهِ، وَمُسْتَوْدَعُ عِلْمِ اللَّهِ وَعِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ، وَرَكْنٌ

در جوار و مقام قرب خدا هستی و تویی برگزیده خدا و کسی که علم خدا و علم پیمبران به تو سپرده شده و رکن

الْإِيمَانِ، وَتَرَجُمَانُ الْقُرْآنِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مَنْ اتَّبَعَكَ عَلَى الْحَقِّ وَالْهُدَى،

ایمان و مفسر قرآن هستی و گواهی دهم که هر که از تو پیروی کرد بر حق و بر هدایت است

وَأَنَّ مَنْ أَنْكَرَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ عَلَى الضَّلَالَةِ وَالرَّدَى، أَبْرَأُ إِلَيَّ

و هر که منکر تو شد و بدشمنی تو برخاست در گمراهی و هلاکت است بیزاری جویم بدرگاه

اللَّهِ وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ

خدا و پیشگاه تو از آنها در دنیا و آخرت و سلام بر تو تا زنده‌ام و برپا است

اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ * و بگو در صلوات بر آن حضرت: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

شب و روز * * * * * خدایا درود فرست بر محمد

وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، الزَّكِيِّ النَّقِيِّ، وَالْبَرِّ الْوَفِيِّ،

و خاندانش و درود فرست بر محمد بن علی آن امام پاکیزه و با تقوی و نیکوکار با وفا

وَالْمُهَذَّبِ النَّقِيِّ، هَادِي الْأُمَّةِ، وَوَارِثِ الْأَيْمَةِ، وَخَازِنِ الرَّحْمَةِ،

و میرای بی‌عیب و راهنمای امت و وارث امامان و خزینه‌دار رحمت (حق)

وَيَنْبُوعِ الْحِكْمَةِ، وَقَادِدِ الْبَرَكَةِ، وَعَدِيلِ الْقُرْآنِ فِي الطَّاعَةِ، وَوَاحِدِ

و سرچشمه حکمت و پیشوای خیر و برکت و هم‌مطراز قرآن در وجوب اطاعت و یکی از

الْأَوْصِيَاءِ فِي الْأَخْلَاصِ وَالْعِبَادَةِ، وَحُجَّتِكَ الْعُلْيَا وَمَثَلِكَ الْأَعْلَى،

اوصیاء در جهت اخلاص و عبادت و حجت والای تو و نمونه برتر

وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنَى، الدَّاعِي إِلَيْكَ، وَالذَّالُّ عَلَيْكَ، الَّذِي نَصَبْتَهُ عَلَمًا

و نشانه نیکوی تو که (مردم را) به تو دعوت کرد و بر تو راهنمایی فرمود آنکس که او را منصوب کردی (چون) پرچمی

لِعِبَادِكَ، وَمُتْرَجِمًا لِكِتَابِكَ، وَصَادِعًا بِأَمْرِكَ، وَنَاصِرًا لِدِينِكَ، وَحُجَّةً

برای (هدایت) بندگانت و مترجمی برای کتاب (قرآن) و با صدای بلند فرمان تو را برساند و دینت را یاری کرد و حجتی

عَلَى خَلْقِكَ، وَنُورًا تَخْرُقُ بِهِ الظُّلْمَ، وَقُدْوَةً تُدْرِكُ بِهَا الْهُدَايَةَ،

است بر خلق و نوری است که تاریکیها بدو شکافته شود و پیشوایی است که هدایت بوسیله او بدست آید

وَشَفِيعاً تُنَالُ بِهِ الْجَنَّةُ، اَللّهُمَّ وَكَمَا اخَذَ فِي خُشُوعِهِ لَكَ حَظَّهُ، وَاسْتَوْفَى مِنْ

و شفيعی است که به شفاعتش به بهشت توان رسید خدایا چنانچه او از فروتنی در برابر تو بهره خود را گرفت و از مقام

خشیت

خَشِيَّتِكَ نَصِيْبَهُ، فَصَلِّ عَلَيْهِ اَضْعَافَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ وَلِيَّ اَرْضَيْتَ طَاعَتَهُ،

و ترسی که از تو داشت نصیبش را دریافت داشت پس درود فرست بر او چندین برابر آنچه درود فرستی بر یکی از

دوستانت که

وَقَبِلْتَ خِدْمَتَهُ، وَبَلَّغَهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَآتِنَا فِي مُوَالَاتِهِ مِنْ لَدُنْكَ فَضْلًا

اطاعتش را پسندیدی و خدمتش را پذیرفتی و برسان به او از جانب ما تحیت و سلامی و بده به ما بواسطه دوستی او

فضل و

وَإِحْسَانًا، وَمَغْفِرَةً وَرِضْوَانًا، اِنَّكَ ذُو الْمَنِّ الْقَدِيمِ، وَالصَّفْحِ الْجَمِيلِ.

احسان و آمرزش و خوشنودی خود را که براستی تو دارای بخششی دیرینه و چشم پوشی نیکوئی هستی

پس نماز زیارت بجا آور و بعد از سلام بگو اَللّهُمَّ اَنْتَ الرَّبُّ وَاَنَا الْمَرْبُوبُ

الدّعاء زیارت دیگر مختص به آن حضرت شیخ صدوق در فقیه روایت کرده که

چون خواهی زیارت کنی آن حضرت را پس غسل کن و خود را پاکیزه نماو

دو جامه پاک بپوش و بگو در زیارت آن جناب:

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ،

***** خدایا درود فرست بر محمد بن علی

اَلْاِمَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ الرَّضِيِّ الْمَرْضِيِّ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ مِنْ فَوْقِ

آن امام با تقوای پاک و خوشنود و پسندیده و حجت تو بر هر که روی

اَلْاَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى، صَلَوةً كَثِيْرَةً نَامِيَةً زَاكِيَةً، مُبَارَكَةً

زمین و هر که زیر زمین (در سایر کُرَات) است درودی بسیار و با برکت و پاکیزه و مبارک

مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً مُتَوَاتِرَةً، كَاَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ اَحَدٍ مِنْ

و پیوسته و دنبال هم و پیایی همانند بهترین درودی که فرستی بر یکی از

أَوْلِيَاءِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ، السَّلَامُ

دوستانت و سلام بر تو ای ولی (و نماینده) خدا سلام بر تو ای نور خدا سلام

عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثَ عِلْمِ

بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای پیشوای مؤمنان و وارث علم

النَّبِيِّينَ، وَسَلَاةَ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ

پیغمبران و نژاد پاک اوصیاء سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای

الْأَرْضِ، أَتَيْتُكَ زَائِراً عَارِفاً بِحَقِّكَ مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ، مُوَالِياً

زمین آمده‌ام بدرگاہت برای زیارت و به حق تو شناسا و عارفم و دشمنم با دشمنان و دوستدار

لِأَوْلِيَاءِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ.

دوستانت هستم پس شفاعت کن برای من در نزد پروردگارت

آنگاه حاجت خود را سؤال کن بعد از آن نماز

کن در قبّه‌ای که در آن قبر امام محمد تقی علیه السلام است چهار رکعت در نزد سر آن حضرت دو رکعت برای زیارت امام موسی کاظم و دو رکعت برای امام محمد تقی علیهما السلام و نماز مکن در نزد سر امام موسی کاظم علیه السلام که آن مقابل قبور قریش است و جایز نیست آنها را قبله خود گردانیدن.

مؤلف گوید که از کلام شیخ صدوق ظاهر می‌شود که در آن زمانها قبر

شریف حضرت موسی علیه السلام از قبر حضرت جواد علیه السلام

جدا و قبّه و در علیحده داشته بعد از زیارت از آنجا بیرون می‌آمدند و در قبّه

حضرت جواد علیه السلام می‌رفتند که آن هم بنای علیحده داشته .

زیارت مشترک میان دو امام همام علیهما السلام

و اما زیارت مشترک میان دو امام همام علیهما السلام پس آن هم بر دو قسم است قسم اول آنکه آن را برای هر کدام علیحده باید خواند شیخ جلیل جعفر بن محمد قولویه قمی در کامل الزیارة از حضرت امام علی نقی علیه السلام روایت کرده که در زیارت هر یک از آن دو امام چنین بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ

سلام بر تو ای ولی خدا سلام بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای نور خدا

فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَدَأَ اللَّهُ فِي شَأْنِهِ، أَتَيْتُكَ زَائِراً عَارِفاً

در تاریکیهای زمین سلام بر تو ای که آشکار کرد خدا اراده‌اش را درباره او آمده‌ام بدرگهت برای زیارت در حالی

بِحَقِّكَ، مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ، مُوَالِياً لِأَوْلِيَائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا مَوْلَايَ.

که شناسای به حق توأم و دشمنم با دشمنانت و دوستدارم دوستانت را پس شفاعت مرا در نزد پروردگارت بفرما ای

مولای من

* و این زیارت در نهایت اعتبار است و شیخ صدوق و شیخ کلینی و طوسی

نیز به اختلافی آن را ذکر نموده‌اند قسم دویم زیارتی است که بخواندن آن هر

دو امام علیهما السلام زیارت شوند و آن چنانست که شیخ مفید و شهید و

محمد بن المشهدی ذکر کرده‌اند که در زیارت آن دو بزرگوار همین که

ایستادی نزد ضریح طاهر می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيَّيَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا حُجَّتَيْ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا

سلام بر شما ای دو ولی (بزرگوار) خدا سلام بر شما ای دو حجت خدا سلام بر شما ای

نُورَيِ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، أَشْهَدُ أَنَّكُمَا قَدْ بَلَّغْتُمَا عَنِ اللَّهِ مَا حَمَلَكُمَا،

دو نور خدا در تاریکپهای زمین گواهی دهم که شما دو بزرگوار بخوبی رساندید از جانب خدا آنچه به عهده شما گذارده بود

وَحَفِظْتُمَا مَا اسْتَوْدِعْتُمَا، وَحَلَلْتُمَا حَلَالَ اللَّهِ، وَحَرَمْتُمَا حَرَامَ اللَّهِ،

و نگهداری کردید آنچه به شما سپرده بود و حلال کردید حلال خدا را و حرام شمردید حرام خدا را

وَأَقَمْتُمَا حُدُودَ اللَّهِ، وَتَلَوْتُمَا كِتَابَ اللَّهِ، وَصَبَرْتُمَا عَلَى الْأَذَى فِي

و بیاداشتید حدود خدا را و تلاوت کردید کتاب خدا را و شکیبایی کردید بر آزار مردم در

جَنْبِ اللَّهِ، مُحْتَسِبِينَ حَتَّى آتَيْكُمَا الْيَقِينَ، أَبْرَاءُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكُمَا

مورد خداوند بخاطر جستن پاداش تا مرگتان فرا رسید بیزاری جویم بدرگاه خدا از دشمنان شما

وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِوَلَايَتِكُمَا، أَتَيْتُمَا زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكُمَا مُوَالِيًا

و تقرب جویم به پیشگاه خدا بوسیله دوستی شما آمده‌ام به نزد شما برای زیارتتان و شناسای به حق شمایم و دوستدار

لِأَوْلِيَائِكُمَا، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكُمَا، مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى الَّتِي أَنْتُمَا عَلَيْهِ،

دوستانتان و دشمن دشمنانتان هستم بینایم بدان هدایتی که شما بر آن بودید

عَارِفًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمَا فَاشْفَعَا لِي عِنْدَ رَبِّكُمَا، فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ

و آشنایم به گمراهی آنکس که با شما مخالفت کرد پس شفاعت کنید از من در پیشگاه پروردگارتان زیرا که شما را در

نزد

اللَّهُ جَاهًا عَظِيمًا، وَمَقَامًا مَحْمُودًا. *

خدا آبروئی بزرگ و مقامی پسندیده است

پس بیوس تربت شریف آنجا را و بگذار روی راست را بر آن پس برو به جانب

سر مقدس و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا حُجَّتِي اللَّهُ

***** سلام بر شما ای دو حجت خدا

فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ، عَبْدُكُمْ وَوَلِيُّكُمْ زَائِرُكُمْ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ

در زمین و آسمان بنده شما و دوست شما به زیارت شما آمده و تقرب جوید بدرگاه خدا

بِزِيَارَتِكُمَا، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِيْ اَوْلِيَّائِكَ الْمُصْطَفَيْنِ،

بوسیله شما دو بزرگوار خدایا مقرر دار برای من زبان راستی (که براستی سخن گویم) درباره دوستان برگزیده‌ات

وَ حَبِّبْ اِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ، وَ اجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

و دوست گردان برای من زیارتگاههایشان را و مرا با ایشان قرار ده در دنیا و آخرت ای مهربانترین مهربانان

پس نماز زیارت کن از برای هر امامی دو رکعت و بخوان خدا را به آنچه

می خواهی مؤلف گوید که چون در آن زمانها تقیّه بسیار شدید بوده است زیارت‌های

مختصر برای زیارت این دو امام علیهما السلام تعلیم می فرمودند که شیعیان از

آسیب طاغیان زمان محفوظ باشند و اگر زائر طالب زیارت طویلی باشد بخواند

زیارت جامعه را که بهترین زیارتست از برای ایشان خصوصاً یک زیارت از آنها

که از حدیثش ظاهر می شود که مزید اختصاصی به حضرت امام موسی علیه

السلام دارد و آن زیارت بعد از این در اوّل زیارات جامعه مرقوم خواهد شد

رجوع به آنجا شود و چون زائر خواست که از بَلَد آن دو امام علیهما السلام

بیرون رود وداع کند آن دو جناب را به دعاهای وداع که از آن جمله است

آنچه شیخ طوسی عَلَیْهِ الرَّحْمَةُ در تهذیب ذکر فرموده که چون خواهی وداع

کنی امام موسی علیه السلام را بایست نزد قبر و بگو:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ

سلام بر تو ای مولای من ای ابا الحسن و رحمت خدا و برکاتش تو را به خدا

وَ اَقْرَأُ عَلَیْكَ السَّلَامَ، اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَ بِالرَّسُوْلِ، وَ بِمَا جِئْتَ بِهِ وَ دَلَّلْتَ عَلَیْهِ،

می سپارم و بر تو سلام می فرستم ایمان داریم به خدا و به رسول خدا و بدانچه تو آورده‌ای و بدان راهنمایی کرده‌ای

اَللّٰهُمَّ اَكْتُبْنَا مَعَ الشّٰهِدِيْنَ. و همچنین در وداع حضرت امام محمد تقی علیه

خدایا ثبت کن نام ما را با گواهان * * * * *

السلام فرموده می گوئی: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ

و بَرَكَاتُهُ اسْتَوْدِعَكَ اللَّهُ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ،

و بَرَكَاتِهِ تُوْرَا بِه خِدا مِی سِپَارِم و بِر تُو سِلاَم مِی رِساَنَم، اِیْمان دارم بِه خِدا و بِه رِساَلِ خِدا

و بِمَا جِئْتُ بِه وَدَلَّلْتُ عَلَيْهِ، اَللّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. پس سؤال کن

و بدانچه تو آورده ای و بدان راهنمایی کردی خدایا ثبت کن نام ما را با گواهان * * * * *

از خدا که این آخر زیارت تو نباشد و دیگر توفیق برگشتن بیابی و قبر را ببوس و رویهای خود را برقبرگذار مؤلف گوید از چیزهایی که مناسب است در اینجا نقل شود حکایت سعید صالح صفی متقی حاجی علی بغدادی است که شیخ ما در جنّة المأوی و نجم الثاقب نقل کرده و در نجم ثاقب فرموده که اگر نبود در این کتاب شریف مگر این حکایت مُتَقَنَه صحیحه که در آن فواید بسیار است و در این نزدیکیها واقع شده هر آینه کافی بود در شرافت و نفاست آن پس بعد از مقدماتی فرموده که حاجی مذکور ایده الله نقل کرد که در ذمه من هشتاد تومان مال امام علیه السلام جمع شد پس رفتم به نجف اشرف بیست تومان از آن را دادم به جناب علم الهدی و التقی شیخ مرتضی اعلی الله مقامه و بیست تومان به جناب شیخ محمد حسین مجتهد کاظمینی و بیست تومان به جناب شیخ محمد حسن شروقی و باقی ماند در ذمه من بیست تومان که قصد داشتم در مراجعت بدهم به جناب شیخ محمد حسن کاظمینی آل یس ایده الله پس چون مراجعت کردم به بغداد خوش داشتم که تعجیل کنم در ادای آنچه باقی بود در ذمه من پس در روز پنجشنبه بود که مشرف شدم به زیارت

امامین همامین کاظمین علیهما السلام و پس از آن رفته خدمت جناب شیخ سلمه الله و قدری از آن بیست تومان را دادم و باقی را وعده کردم که بعد از فروش بعضی از اجناس بتدریج بر من حواله کنند که به اهلش برسانم و عزم کردم بر مراجعت به بغداد در عصر آن روز و جناب شیخ خواهش کرد بمانم متعذر شدم که باید مزد عمله کارخانه شَعْرَبَافِی را که دارم بدهم چون رسم چنین بود که مزد هفته را در عصر پنجشنبه می دادم پس برگشتم چون ثلث از راه را تقریباً طی کردم سیّد جلیلی را دیدم که از طرف بغداد رو به من می آید چون نزدیک شد سلام کرد و دستهای خود را گشود برای مصافحه و معانقه و فرمود اهلاً و سهلاً و مرا در بغل گرفت و معانقه کردیم و هر دو یکدیگر را بوسیدیم و بر سر عمامه سبز روشنی داشت و بر رخسار مبارکش خال سیاه بزرگی بود پس ایستاد و فرمود حاجی علی خیر است به کجا می روی گفتم کاظمین علیهما السلام را زیارت کردم و برمی گردم به بغداد فرمود امشب شب جمعه است برگرد گفتم یا سیّدی متمکن نیستم فرمود هستی برگرد تا شهادت دهم برای تو که از موالیان جدّ من امیرالمؤمنین علیه السلام و از موالیان مائی و شیخ شهادت دهد زیرا که خدایتعالی امر فرموده دو شاهد بگیرید و این اشاره بود به مطلبی که در خاطر داشتم که از جناب شیخ خواهش کنم نوشته ای به من دهد که من از موالیان اهل بیت علیهم السلام و آن را در کفن خود بگذارم پس گفتم تو چه می دانی و چگونه شهادت می دهی فرمود کسی که حقّ او را به او می رسانند چگونه آن رساننده را نمی شناسد گفتم چه حق فرمود آنچه رساندی به و کیل

من گفتم وکیل تو کیست فرمود شیخ محمد حسن گفتم وکیل تو است فرمود وکیل من است و به جناب آقا سید محمد گفته بود که در خاطر من خطور کرد که این سید جلیل مرا به اسم خواند با آنکه او را نمی‌شناسم پس به خود گفتم شاید او مرا می‌شناسد و من او را فراموش کردم باز در نفس خود گفتم که این سید از حق سادات از من چیزی می‌خواهد و خوش دارم که از مال امام علیه السلام چیزی به او برسانم پس گفتم که ای سید در نزد من از حق شما چیزی مانده بود رجوع کردم در امر آن به جناب شیخ محمد حسن برای آنکه ادا کنم حق شما یعنی سادات را به اذن او پس در روی من تبسمی کرد و فرمود آری رساندی بعضی از حق ما را بسوی وکلای ما در نجف اشرف پس گفتم آنچه ادا کردم قبول شد فرمود آری پس در خاطر من گذشت که این سید می‌گوید بالنسبه به علماء اعلام وکلای ما و این در نظر من بزرگ آمد و گفتم علماء وکلایند در قبض حقوق سادات و مرا غفلت گرفت «انتهی» آنگاه فرمود برگرد جدّم را زیارت کن پس برگشتم و دست راست او در دست چپ من بود چون به راه افتادیم دیدم در طرف راست ما نهر آب سفید صاف جاریست و درختان لیمو و نارنج و انار و انگور و غیر آن همه با ثمر در یک وقت با آنکه موسم آنها نبود بر بالای سر ما سایه انداخته گفتم این نهر و این درختها چیست فرمود هرکس از موالیان ما که زیارت کند جدّم ما را و زیارت کند ما را اینها با او هست پس گفتم می‌خواهم سؤالی کنم فرمود سؤال کن گفتم شیخ عبدالرزاق مرحوم مردی بود مدرّس روزی نزد او رفتم شنیدم که می‌گفت کسی که در طول عمر خود

روزها روزه باشد و شبها به عبادت بسر برد و چهل حجّ و چهل عمره بجای آرد و در میان صفا و مروه بمیرد و از موالیان امیرالمؤمنین علیه السلام نباشد برای او چیزی نیست فرمود آری واللّه برای او چیزی نیست پس از حال یکی از خویشان خود پرسیدم که او از موالیان امیرالمؤمنین علیه السلام است فرمود آری او و هر که متعلق است به تو پس گفتم سیدنا برای من مسئله‌ای است فرمود بپرس گفتم قرآء تعزیه امام حسین علیه السلام می‌خوانند که سلیمان اعمش آمد نزد شخصی و از زیارت سیدالشهداء علیه السلام پرسید گفت بدعت است پس در خواب دید هودجی را میان زمین و آسمان پس سؤال کرد که کیست در آن هودج گفتند به او فاطمه زهرا و خدیجه کبری علیهما السلام پس گفت به کجا می‌روند گفتند به زیارت امام حسین علیه السلام در امشب که شب جمعه است و دید رقعه‌هائی را که از هودج می‌ریزد و در آن مکتوبست «أَمَانٌ مِنَ النَّارِ لِرُؤَاةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ أَمَانٌ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» این حدیث صحیح است فرمود آری راست و تمام است گفتم سیدنا صحیح است که می‌گویند هرکس زیارت کند حسین علیه السلام را در شب جمعه پس برای او امان است فرمود آری واللّه و اشک از چشمان مبارکش جاری شد و گریست گفتم سیدنا مسئله فرمود بپرس گفتم سنه هزار و دویست و شصت و نه حضرت رضاعلیه السلام را زیارت کردم و در درود یکی از عربهای شوریّه را که از بادیه‌نشینان طرف شرقی نجف اشرفند ملاقات کردیم و او را ضیافت کردیم و از او پرسیدیم که چگونه است ولایت رضاعلیه السلام

گفت بهشت است امروز پانزده روز است که من از مال مولای خود حضرت رضاعلیه السلام خورده‌ام چه حدّ دارد منکر و نکیر که در قبر نزد من بیایند گوشت و خون من از طعام آن حضرت روئیده در مهمانخانه آن جناب این صحیح است علی بن موسی الرضاعلیه السلام می‌آید و او را از منکر و نکیر خلاص می‌کند فرمود آری واللّه جدّ من ضامن است گفتم سیّدنا مسئله کوچکی است می‌خواهم بپرسم فرمود بپرس گفتم زیارت من حضرت رضاعلیه السلام را مقبولست فرمود قبولست انشاءالله گفتم سیّدنا مسئله فرمود بسم‌الله گفتم حاجی محمّد حسین بزّازباشی پسر مرحوم حاجی احمد بزّازباشی زیارتش قبولست یا نه و او با من رفیق و شریک در مخارج بود در راه مشهد رضاعلیه السلام فرمود عبد صالح زیارتش قبولست گفتم سیّدنا مسئله فرمود بسم‌الله گفتم فلان که از اهل بغداد همسفر ما بود زیارتش قبولست پس ساکت شد گفتم سیّدنا مسئله فرمود بسم‌الله گفتم این کلمه را شنیدی یانه زیارت او قبولست یا نه جوابی نداد حاجی مذکور نقل کرد که ایشان چند نفر بودند از اهل مترفین بغداد که در این سفر پیوسته به لُهو و لعب مشغول بودند و آن شخص مادر خود را نیز کشته بود پس رسیدیم در راه به موضعی از جاده وسیعه که دو طرف آن بساتین و مواجه بلده شریفه کاظمین است و موضعی از آن جاده که متصل است به بساتین از طرف راست آن که از بغداد می‌آید و آن مال بعضی از ایتام سادات بود که حکومت آن را به جور داخل در جاده کرد و اهل تقوی و ورع سکنه این دو بلد همیشه کناره می‌کردند از راه رفتن در آن قطعه از زمین پس

دیدم آن جناب را که در آن قطعه راه می‌رود گفتم ای سید من این موضع مال بعضی از ایتام سادات است تصرف در آن روا نیست فرمود این موضع مال جدّ ما امیرالمؤمنین ۷ و ذریّه او و اولاد ما است حلال است برای موالیان ما تصرف در آن و در قرب آن مکان در طرف راست باغی است مال شخصی که او را حاجی میرزا هادی می‌گفتند و از متمولین معروفین عجم بود که در بغداد ساکن بود گفتم سیدنا راست است که می‌گویند زمین باغ حاجی میرزا هادی مال حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام است فرمود چه کار داری به این و از جواب اعراض نمود پس رسیدیم به ساقیه آب که از شطّ دجله می‌کشند برای مزارع و بساتین آن حدود و از جاده می‌گذرد و آنجا دو راه می‌شود به سمت بلد یکی راه سلطانی است و دیگری راه سادات و آن جناب میل کرد به راه سادات پس گفتم بیا از این راه یعنی راه سلطانی برویم فرمود نه از این راه خود می‌رویم پس آمدیم و چند قدمی نرفتیم که خود را در صحن مقدّس در نزد کفشداری دیدیم و هیچ کوچه و بازاری را ندیدیم پس داخل ایوان شدیم از طرف باب المراد که از سمت شرقی و طرف پایین پا است و در درِ رواق مطهر مکث نفرمود و اذن دخول نخواند و داخل شد و در درِ حرم ایستاد پس فرمود زیارت بکن گفتم من قاری نیستم فرمود برای تو بخوانم گفتم آری پس فرمود «ءَادْخُلْ يَا اَللّٰهُ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُوْلَ اَللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ» و همچنین سلام کردند بر هر یک از ائمه علیهم السلام تا رسیدند در سلام به حضرت عسکری علیه السلام و فرمود «اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا مُحَمَّدٍ

الْحَسَنَ الْعَسْكَرِيَّ» آنگاه فرمود امام زمان خود را می‌شناسی گفتم چرا
 نمی‌شناسم فرمود سلام کن بر امام زمان خود گفتم «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
 يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا بَيْنَ الْحَسَنِ» پس تبسم نمود و فرمود «عَلَيْكَ السَّلَامُ وَ
 رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» پس داخل شدیم در حرم مطهر و ضریح مقدس را چسبیدیم
 و بوسیدیم پس فرمود به من زیارت کن گفتم من قاری نیستم فرمود زیارت
 بخوانم برای تو گفتم آری فرمود کدام زیارت را می‌خواهی گفتم هر زیارت که
 افضل است مرا به آن زیارت ده فرمود زیارت امینُ الله افضل است آنگاه
 مشغول شد بخواندن و فرمود «السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا أَمِينَيِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتَيْهِ
 عَلَي عِبَادِهِ» الخ و چراغهای حرم را در این حال روشن کردند پس شمعها را
 دیدم روشن است و لکن حرم روشن و منور است به نوری دیگر مانند نور
 آفتاب و شمعها مانند چراغی بودند که روز در آفتاب روشن کنند و مرا چنین
 غفلت گرفته بود که هیچ ملتفت این آیات نمی‌شدم چون از زیارت فارغ شد از
 سمت پایین پا آمدند به پشت سر و در طرف شرقی ایستادند و فرمودند آیا
 زیارت می‌کنی جدّم حسین علیه السلام را گفتم آری زیارت می‌کنم شب جمعه
 است پس زیارت وارث را خواندند و مؤذّن‌ها از اذان مغرب فارغ شدند پس به
 من فرمود نماز کن و ملحق شو به جماعت پس تشریف آورد در مسجد پشت
 سر حرم مطهر و جماعت در آنجا منعقد بود و خود به انفراد ایستادند در طرف
 راست امام جماعت محاذی او و من داخل شدم در صف اوّل و برایم مکانی پیدا
 شد چون فارغ شدم او را ندیدم پس از مسجد بیرون آمدم و در حرم تفحص

کردم او را ندیدم و قصد داشتم او را ملاقات کنم و چند قرانی به او بدهم و شب او را نگاه دارم که مهمان باشد آنگاه بخاطرم آمد که آن سیّد که بود و آیات و معجزات گذشته را ملتفت شدم از انقیاد من امر او را در مراجعت با آن شغل مهمّ که در بغداد داشتم و خواندن مرا به اسم با آنکه او را ندیده بودم و گفتن او موالیان ما و اینکه من شهادت می‌دهم و دیدن نهر جاری و درختان میوه‌دار در غیر موسم و غیر از اینها از آنچه گذشت که سبب شد برای یقین من به اینکه او حضرت مهدی علیه السلام است خصوص در فقره اذن دخول و پرسیدن از من بعد از سلام بر حضرت عسکری علیه السلام که امام زمان خود را می‌شناسی چون گفتم می‌شناسم فرمود سلام کن چون سلام کردم تبسم کرد و جواب داد پس آمدم در نزد کفشدار و از حال جنابش سؤال کردم گفت بیرون رفت و پرسید که این سیّد رفیق تو بود گفتم بلی پس آمدم به خانه مهماندار خود و شب را بسر بردم چون صبح شد رفتم به نزد جناب شیخ محمد حسن و آنچه دیده بودم نقل کردم پس دست خود را بر دهان خود گذاشت و نهی نمود از اظهار این قصّه و افشاء این سرّ و فرمود خداوند تو را موفّق کند پس آن را مخفی می‌داشتم و به احدی اظهار ننمودم تا آنکه یک ماه از این قضیه گذشت روزی در حرم مطهرّ بودم سیّد جلیلی را دیدم که آمد نزدیک من و پرسید که چه دیدی و اشاره کرد به قصه آن روز گفتم چیزی ندیدم باز اعاده کرد آن کلام را بشدّت انکار کردم پس از نظرم ناپدید شد دیگر او را ندیدم انتهی.

مطلب دویم

رفتن به مسجد شریف برائا

و نماز کردن در آنست بدانکه مسجد برائا از مساجد معروفه متبرکه است و واقع شده در بین بغداد و کاظمین در راه زوَّار و غالباً از فیض آن محروم و اعتنائی به آن ندارند با همه فضایل و شرافتی که برای او نقل شده حمویّ که از مورّخین سنه ششصد است در معجم البلدان گفته برائا محلّه‌ای بود در طرف بغداد در قبله کرخ و جنوبی باب محول و برای آن مسجد جامعی بوده که شیعیان در آن نماز می گذاشتند و خراب شده و گفته که قبل از زمان راضی بالله خلیفه عباسی شیعیان در آن مسجد جمع می گشتند و سبّ صحابه می نمودند راضی بالله امر کرد که ناگهانی در آن مسجد ریختند و هر که را یافتند بگرفتند و حبس نمودند و مسجد را خراب کرد و با زمین هموار نمود شیعیان این خبر را به امیرالامراء بغداد بحکم ماکانی رسانیدند بحکم حکم کرد به اعاده بنا و وسعت و احکام آن و نوشت در صدر آن اسم راضی بالله را و پیوسته آن مسجد معمور و محلّ اقامه نماز بود تا بعد از سنه چهارصد و پنجاه که معطل مانده تا الآن و برائا پیش از بنای بغداد قریه‌ای بوده که گمان مردم آنست که علی علیه السلام مرور کرده به آن در زمانی که به مقاتله خوارج نهروان می رفت و در جامع مذکور نماز خوانده و داخل شده در حمامی که در

آن قریه بوده و به این برائا منسوب است ابوشعیب برائی عابد و او اوّل کسی است که در برائا ساکن شد در کوخی یعنی خانه‌ای که از نی ساخته بود و عبادت خدا می‌کرد در آن تا آنکه گذشت به کوخ او دختری از اولاد مستوفیان کبار از ابناء روزگار که تربیت شده بود در قصرها همینکه نظرش به ابوشعیب افتاد و حال او را دید از آن حال خوشش آمد و جذبه ابوشعیب او را کشید به حدّی که اسیر او گردید لاجرم نزد آن عابد زاهد آمد و گفت من اراده کرده‌ام که خادم تو باشم گفت تو را قبول می‌کنم به شرط اینکه از این زیّ و هیئت مجرد شوی آن سعادت‌مند قبول نمود و از آنچه مالک بود تجرّد اختیار کرد و متلبّس شد به لباس نُسّاک ابوشعیب او را تزویج نمود همینکه آن دختر داخل کوخ شد قطعه حصیری دید که ابوشعیب برای حفظ از رطوبت زمین آن را در زیر بدن خود افکنده گفت من نزد تو نخواهم ماند مگر وقتی که این قطعه حصیر را از زیر خود دور افکنی زیرا که از تو شنیدم که می‌گفتی زمین می‌گوید «يَا بَنَ آدَمَ تَجْعَلُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ حِجَابًا وَأَنْتَ غَدَاً فِي بَطْنِي» یعنی ای پسر آدم مابین من و خود حجاب قرار می‌دهی و حال آنکه فردا در شکم من خواهی بود پس ابوشعیب آن حصیر را دور افکند و آن دختر چند سالی نزد او مکث نمود و با هم به نیکوتر وجهی عبادت می‌کردند تا هر دو وفات نمودند مؤلّف گوید که ما در کتاب هدیّة الزّائرین جمله‌ای از روایات که در فضیلت این مسجد شریف است ذکر کردیم و گفتیم که از مجموع این اخبار چند فضیلت برای این مسجد معلوم می‌شود که اگر هر کدام از آن در هر مسجدی

باشد سزاوار است که انسان شدِّ رحال نماید و طیّ منازل کند تا به فیض نماز و دعای در آن مستفیض و متبرک شود اوّل مقرر نمودن حق تعالی که در آن زمین فرود نیاید رئیسی با لشکرش جز پیغمبر یا وصیّ او دویم آنکه خانه حضرت مریم است سیّم آنکه زمین حضرت عیسی علیه السلام است چهارم بودن چشمه در آنجا که برای مریم ظاهر شده پنجم ظاهر کردن حضرت امیرعلیه السلام آن چشمه را به اعجاز خود ششم بودن سنگ سفید متبرک که مریم حضرت عیسی را بر آن گذاشته در آنجا هفتم بیرون آوردن حضرت آن سنگ را از آنجا به اعجاز و نصب نمودن آن را به سمت قبله و نماز کردن به سوی آن هشتم نماز کردن حضرت امیرالمؤمنین و دو نوباوه او حضرت مجتبی و سید الشهداء علیهم السلام در آنجا نهم توقّف حضرت در آنجا چهار روز به جهت شرافت مکان و مقدّس بودن زمین آن دهم نماز کردن پیغمبران خصوص حضرت خلیل الرحمن علیه السلام در آنجا یازدهم بودن قبر پیغمبری در آنجا و شاید آن پیغمبر حضرت یوشع باشد که شیخ مرحوم فرموده که قبرش در خارج کاظمین در قبلی مسجد بر انا است دوازدهم برگشتن آفتاب برای حضرت امیرعلیه السلام در آنجا و با این شرافت و فضایل و بروز آیات الهیّه و معجز حیدریّه در آن معلوم نیست از هزار نفر زائر یکی آنجا برود با آنکه در سر راهشان است و مکرّر از آنجا می گذرند و اگر اتفاقاً کسی بخواهد درک آن فیضها را نماید چون به آنجا رسد و ببیند در مسجد بسته است از دادن جزئی پولی به جهة بازکردن در آن مضایقه کند و خود را از این همه فیوضات عظیمه محروم

نماید و حال آنکه گاه شود برای محض تماشای بغداد و عمارات جبّارین در آن
مصرفها کند چه رسد به مصارف عظیمه قیمت فضول معاش و امتعه نجسه
نجسه یهودیان آن که گرفتن آن از متمّمات زیارت غالب از زوّار است واللّه
المستعان.

مطلب سیم

در زیارت نواب اربعه است رضی اللّٰه عنهم

اعنی جناب ابو عمرو عثمان بن سعید اسدی

و جناب ابو جعفر محمّد بن عثمان

و شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

و شیخ جلیل ابوالحسن علی بن محمّد سمری رضی اللّٰه عنهم

بدانکه از جمله تکالیف زوّار در ایّام توقّف در بلده طیّبه کاظمین رفتن به بغداد
است به جهت زیارت این چهار نائب خاصّ امام عصر صلوات الله علیه که اگر
هر یک از آنها در بلاد بعیده بودند سزاوار بود که انسان منازل بعیده طیّ کند
و رنج و تعب سفر کشد و به فیض زیارت آنها نایل گردد زیرا که در میان تمام
اصحاب خاصّ ائمّه علیهم السلام به بزرگی و جلالت قدر ایشان کسی نمی رسد
قریب هفتاد سال به منصب سفارت و وساطت میان امام علیه السلام و رعیت
فائز شدند و بر دست ایشان کرامات بسیار و خوارق عادات بی شمار جاری
گردید و گفته شده که بعضی از علماء قائل به عصمت ایشان شده و مخفی

نیست که همچنانکه این بزرگواران در حیات خود واسطه بودند میان ولیّ عصر صلوات الله علیه و رعیت و از جمله مناصب ایشان رسانیدن عرایض و رقعہ‌های حاجت خلق بود به آن حضرت حال نیز به همان منصب شریف مفتخرند و باید رقاہ حاجت که در شدائد و سختیها نوشته می‌شود به توسط ایشان به آن حضرت برسد چنانکه در جای خود معلوم گردیده و بالجمله فضایل و مناقب ایشان زیاده از آنست که ذکر شود و همین قدر برای ترغیب زوآر به زیارتشان کافیت و اما کیفیت زیارت ایشان پس به نحو است که شیخ طوسی (ره) در تہذیب و سیدبن طاوس (ره) در مصباح الزائر ذکر کرده‌اند و نسبت داده‌اند آنرا به جناب ابوالقاسم حسین بن روح رحمہ الله کہ فرموده در باب زیارت ایشان کہ سلام می‌کنی بر رسول خدا و بعد از او به امیر المؤمنین و بر خدیجہ کبری و بر فاطمہ زہراء و بر امام حسن و امام حسین و بر ہریک از ائمہ علیہم السلام تا صاحب الزمان صلوات الله علیه پس می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ (و بجای فلان ابن فلان اسم صاحب

قبر و پدرش را می‌بری) أَشْهَدُ أَنَّكَ بَابُ الْمَوْلَى، أَدَيْتَ عَنْهُ وَأَدَيْتَ إِلَيْهِ، مَا

***** گواہی دہم کہ تو باب (واسطہ) مولی و سرور ما بودی کہ از طرف او بہ مردم و از مردم بہ آن

حضرت رساندی

خَالَفْتَهُ وَلَا خَالَفْتَ عَلَيْهِ، قُمْتَ خَاصًّا، وَأَنْصَرَفْتَ سَابِقًا، جِئْتُكَ عَارِفًا

مخالفتش را نکردی و برعلیه او راہ خلافی نہ پیمودی قیام کردی بہ نیابت خاصہ آن حضرت و بازگشتی درحالی کہ

سبقت جویندہ بودی

بِالْحَقِّ الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ، وَأَنَّكَ مَا خُنْتَ فِي التَّأْدِيَةِ وَالسَّفَارَةِ، السَّلَامُ

آمدهام به نزدت با معرفت بدان حقی که بر آنی و برآستی تو خیانت نکردی در ادای وظیفه و مقام سفارت و نمایندگی

آن حضرت سلام

عَلَيْكَ مِنْ بَابِ مَا أَوْسَعَهُ وَمِنْ سَفِيرٍ مَا أَمَّنَكَ، وَمِنْ ثِقَةٍ مَا أَمَكَّنَكَ،

بر تو که چه باب (و واسطه) فراخ نظری بودی و چه نماینده امین و شخص مورد اطمینان محکمی بودی

أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَصَّكَ بِنُورِهِ، حَتَّى عَايَنْتَ الشَّخْصَ، فَأَدَّيْتَ عَنْهُ

گواهی دهم همانا خداوند تو را به نور خود مخصوص داشت تا خود آن حضرت را از نزدیک مشاهده کردی و از جانب

او به مردم رساندی

وَأَدَّيْتَ إِلَيْهِ. پس برمی گردی و باز سلام می کنی بر رسول خدا تا صاحب

و از طرف مردم (نیز) خواسته‌هاشان را) به آن حضرت رساندی * * * * *

الزمان عليهم السلام پس از آن می گوئی: جِئْتُكَ مُخْلِصاً بِتَوْحِيدِ اللَّهِ وَمُؤَالَاةِ

* * * * * آمدهام به نزدت با اخلاص بیگانه‌شناسی خداوند و دوست داشتن دوستانش و بیزاری

أَوْلِيَائِهِ، وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ [أَعْدَائِهِ] وَمِنَ الَّذِينَ خَالَفُوكَ، يَا حُجَّةَ الْمَوْلَى وَبِكَ

از دشمنانش و هم از کسانی که با تو مخالفت کردند ای حجت مولی و سرور من توجه من به آن بزرگواران بوسیله تو

است

إِلَيْهِمْ تَوَجَّهِي، وَبِهِمُ إِلَى اللَّهِ تَوَسَّلِي. * پس دعا می کنی و سؤال می کنی از حق

و توسل من نیز بدگاره خدا بوسیله آنها است * * * * *

تعالی آنچه را که می خواهی که اجابت می شود انشاء الله .

مؤلف گوید و سزاوار است نیز آنکه زیارت شود در بغداد شیخ

اجل عالی مقام ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی عطر الله مرقده که شیخ و رئیس

شیعه و اوثق و اثبت ایشان بود در حدیث و کتاب شریف کافی را که روشنی چشم

شیعه است در مدت بیست سال تألیف نمود والحق منت عظیم بر

شیعه خصوص بر اهل علم نهاد و به جهت جلالت و عظمت شأن آن معظم، ابن اثیر

او را مجدد مذهب امامیه در رأس مائة الثالثة شمرده بعد از آن که مولای ما

حضرت ثامن الائمه صلوات الله عليه را مُجدّد این مذهب در مائة ثانیة شمرده
و مادر کتاب هدیه ذکر کردیم بیشتر علمایی که در مشاهد مشرقه مدفونند
هر که طالب است به آنجا رجوع نماید.

مطلب چهارم

در زیارت جناب سلمان رضی الله عنه است

بدانکه از تکالیف زوّر در کاظمین رفتن به مدائن است به جهت زیارت عبد
صالح الهی جناب سلمان محمدی رضوان الله علیه که اول ارکان اربعه و
مخصوص به شرافت «سَلْمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ» و مُنْخَرِطٌ در سلک اهل بیت نبوت
و عصمت است و در فضیلت او جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده:
سَلْمَانٌ بُحْرًا لَا يُنْزَفُ وَ كَنْزٌ لَا يَنْفَدُ سَلْمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُمْنَحُ الْحِكْمَةَ وَيُؤْتَى الْبُرْهَانَ
سلمان دریائی است که پایان نپذیرد و گنجی است که تمام نشود سلمان از ما خانواده است که فرزاندگی بخشد و برهان
آورد

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام او را مثل لقمان حکیم بلکه حضرت
صادق علیه السلام او را بهتر از لقمان فرموده و حضرت باقر علیه السلام او را از
متوسمین شمرده و از روایات مستفاد شده که آن جناب اسم اعظم می دانست و
از محدثین (به فتح) بوده و از برای ایمان ده درجه است و او در درجه دهم بوده
و عالم به غیب و منایا بوده و از تحف بهشت در دنیا میل فرموده و بهشت
مشتاق و عاشق او بوده و خدا و رسول صلی الله علیه و آله او را دوست

می‌داشتند و حق تعالی پیغمبر صلی الله علیه و آله را امر فرموده به محبت چهار نفر که سلمان یکی از ایشان است و آیاتی در مدح او و اقران او نازل شده و جبرئیل هر وقت بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل می‌شده امر می‌کرده از جانب پروردگار که سلمان را سلام برساند و مطلع گرداند او را به علم منیا و بلایا و انساب و شبها برای او در خدمت پیغمبر ۹ مجلس خلوتی بوده و حضرت رسول و امیر المؤمنین صلوات الله علیهما و آلهما چیزهایی تعلیم او فرمودند از مخزون و مکنون علم الله که احدی غیر او قابل و قوه تحمل آن را نداشته و رسید به مرتبه‌ای که حضرت صادق علیه السلام فرمود «أَدْرَكَ سَلْمَانَ الْعِلْمَ الْأَوَّلَ وَالْعِلْمَ الْآخِرَ وَهُوَ بَحْرٌ لَا يُنْزَحُ وَهُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ» سلمان درک کرد علم اول و آخر را و او دریایی است که هرچه از او برداشته شود تمام نشود و او از ما اهل بیت است و برای شوق زائرین و رغبتشان به زیارت آن جناب کافی است تا ممل در اختصاص و امتیازش در میان تمام صحابه و جمیع امت به اینکه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در یک شب از مدینه به مدائن رفت و بدست مبارک او را غسل داد و کفن نمود و نماز کرد بر او با صفوفی بسیار از ملائکه و همان شب به مدینه مراجعت فرمود زهی شرافت مودت و محبت به خانواده رسالت که انسان را به این مرتبه از جلال و عظمت رساند و اما کیفیت زیارت آن جناب پس بدانکه سیّد بن طاوس در مصباح الزائر چهار زیارت برای آن بزرگوار نقل کرده و ما در اینجا اکتفا می‌کنیم به همان زیارت اول آن و در

هدیه نقل کردیم زیارت چهارم آنرا که شیخ در تهذیب ذکر فرموده پس چون خواستی زیارت کنی آن جناب را می ایستی نزد قبر او رو به قبله و می گویی:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر رسول خدا محمد بن عبدالله خاتم پیامبران سلام بر

امير المؤمنين سيد الوصيين، السَّلَامُ عَلَى الْأئِمَّةِ الْمُعْصُومِينَ

امير مؤمنان آقای اوصیاء سلام بر امامان معصوم

الرَّاشِدِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

راهنما سلام بر فرشتگان مقرب درگاه حق سلام بر تو ای

صاحبِ رَسُولِ اللَّهِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

یار نزدیک و امین رسول خدا سلام بر تو ای دوست ویژه امیر مؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُودِعَ أَسْرَارِ السَّادَةِ الْأَمِيَامِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای که به تو سپرده شد اسرار بزرگان خجسته سلام بر تو ای

بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الْبَرَّةِ الْأَمَاضِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَرَحْمَةً

یادگار خدا از بندگان نیک حق که از جهان رفتند سلام بر تو ای ابا عبدالله و رحمت

اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَطَعْتَ اللَّهَ كَمَا أَمَرَكَ، وَأَتَّبَعْتَ الرَّسُولَ كَمَا

خدا و برکاتش گواهی دهم که براستی تو فرمانبرداری کردی از خداوند چنانچه به تو دستور داده بود و پیروی کردی از

رسولش

نَدَبِكَ، وَتَوَلَّيْتَ خَلِيفَتَهُ كَمَا أَلْزَمَكَ وَدَعَوْتَ إِلَى الْإِهْتِمَامِ بِذُرِّيَّتِهِ

همانطور که از تو خواسته بود و ملازم گشتی جانشین او را چنانچه بر تو لازم کرده بود و مردم را به اهمیت دادن نسبت

به اولاد

كَمَا وَقَفَكَ، وَعَلِمْتَ الْحَقَّ يَقِينًا وَاعْتَمَدْتَهُ كَمَا أَمَرَكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ بَابٌ

آن حضرت دعوت کردی آن سان که تو را واقف گردانید و از روی یقین حق را دانستی و بدان تکیه کردی همانطور که

دستورت داده

وَصِيِّ الْمُصْطَفَى، وَطَرِيقُ حُجَّةِ اللَّهِ الْمُرْتَضَى، وَأَمِينُ اللَّهِ فِيمَا

بود گواهی دهم که تویی واسطه رسیدن به وصی مصطفی و راه رسول به حجت خدا امام مرتضی و امین خدا هستی در

آنچه

اسْتُوْدِعْتَ مِنْ عُلُومِ الْأَصْفِيَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ،

به تو سپرده شده بود از دانش برگزیدگان گواهی دهم که براستی تو در زمره خاندان برگزیده پیامبر هستی

النُّجَبَاءِ الْمُخْتَارِينَ لِنُصْرَةِ الْوَصِيِّ أَشْهَدُ أَنَّكَ صَاحِبُ الْعَاشِرَةِ،

که برای یاری وصی آن حضرت انتخاب شدند، گواهی دهم که تو دارای درجات ده گانه (یعنی تمام درجات)

وَالْبِرَاهِينَ وَالِدَلَّالِ الْقَاهِرَةِ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ

ایمان و دارای برهانها و دلیلهای کوبنده بودی و بپاداشتی نماز را و پرداختنی زکات را و امر کردی

بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَدَيْتَ الْأَمَانَةَ، وَنَصَحْتَ لِلَّهِ

به معروف (کار نیک) و نهی کردی از کار بد و ادای امانت کردی و برای خداو رسولش

وَلِرَسُولِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ، حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، لَعَنَ اللَّهُ

خیرخواهی نمودی و در راه خدا بر آزار دشمنان (دین) شکیبائی کردی تا مرگت فرا رسید خدا لعنت کند

مَنْ جَحَدَكَ حَقًّا، وَحَطَّ مِنْ قَدْرِكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ آذَاكَ فِي مَوَالِكَ،

کسی که حق تو را انکار کرد و از قدر و مقامت کاست خدا لعنت کند کسی که تو را در مورد سروران و موابالت آزد

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَعْتَتَكَ فِي أَهْلِ بَيْتِكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَامَكَ فِي

خدا لعنت کند کسی که تو را در مورد خاندانت (خاندان عصمت) به تعب انداخت خدا لعنت کسی که تو را در مورد

سَادَاتِكَ لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالنَّاسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ

سادات و بزرگان سرزنش کرد خدا لعنت کند دشمنان آل محمد را از جن و انس از پیشینان

وَالْآخِرِينَ، وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا

و پسینان و چند برابر کند بر آنها عذاب دردناک را درود خدا بر تو ای ابا

عَبْدِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

عبدالله درود خدا بر تو ای یار رسول خدا درود خدا بر آن حضرت و بر آلش

وَعَلَيْكَ يَا مَوْلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ الطَّيِّبَةِ، وَ

و بر تو ای دوست با صفای امیر مؤمنان و درود خدا بر روان پاک و

جَسَدِكَ الطَّاهِرِ، وَالْحَقْنَا بِمَنِّهِ وَرَأْفَتِهِ إِذَا تَوَقَّأْنَا بِكَ، وَبِمَحَلِّ السَّادَةِ

پیکر پاکیزه‌ات و (از خدا خواهیم که) ما را به مهر و لطف خود هنگامی که میراندامان به تو و به جایگاه بزرگان

الْمِيَامِينَ، وَجَمَعْنَا مَعَهُمْ بِجَوَارِهِمْ فِي جَنَاتِ النَّعِيمِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ

خجسته‌مان ملحق کند و گرد آورد ما را با ایشان و در جوارشان در بهشتیهای پر نعمت درود خدا بر تو

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى إِخْوَانِكَ الشَّيْعَةِ الْبَرَّةِ مِنَ السَّلْفِ الْمِيَامِينَ،

ای ابا عبدالله و درود خدا بر برادران شیعه نیکویت از گذشتگان خجسته و

وَأَذْخَلَ الرُّوحَ وَالرِّضْوَانَ عَلَى الْخَلْفِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَقْنَا وَإِيَّاهُمْ بِمَنْ

وارد کند خوشی و خوشنودی خود را بر آن کسانی که به یادگار مانده‌اند از مردمان با ایمان و برساند ما و ایشان را به

عترت پاک

تَوَلَّاهُ مِنَ الْعِتْرَةِ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَيْكَ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

پیامبر که دوستشان داری و بر تو و بر آنها همگی سلام و رحمت و برکات خدا باد

پس بخوان اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ هفت مرتبه پس بجا بیاور نماز مندوب آنچه

خواهی مؤلف گوید: که چون خواستی برگردی از زیارت سلمان پس بایست

نزد قبر برای وداع و بگو این وداع را که سید در آخر زیارت چهارم

ذکر فرموده: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَنْتَ بَابُ اللَّهِ الْمُؤْتَى مِنْهُ وَالْمَأْخُودُ

عَنْهُ، اَشْهَدُ اَنَّكَ قُلْتَ حَقًّا وَنَطَقْتَ صِدْقًا، وَدَعَوْتَ اِلَى مَوْلَايَ وَمَوْلَاكَ

گواهی دهم که تو سخن به حق گفتی و زبانت به صدق و راستی گویا بود و دعوت کردی (مردم را) بسوی مولاى من و

مولاى خودت

عَلَانِيَةً وَسِرًّا، اَتَيْتُكَ زَائِرًا وَحَاجَاتِي لَكَ مُسْتَوْدِعًا وَهَا اَنَا ذَا

اشکارا و پنهانی، برای زیارت به درگاهت آمده‌ام و حاجت‌هایم را به تو سپرده‌ام و اکنون با تو

مُودِّعُكَ، أَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَأَمَانَتِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي، وَجَوَامِعَ أَمَلِي إِلَى مُنْتَهَى

خداحافظی می‌کنم و مذهب و امانتم و عواقب کارم و هر نوع آرزویی که دارم همه را تا پایان

أَجَلِي، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَخْيَارِ.

عمر به تو می‌سپارم و سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش و درود خدا بر محمد و خاندان نیکویش باد

آنگاه خدا را بسیار بخوان و برگرد.

مؤلف گوید که چون زائربه زیارت سلمان مشرف شد پس از زیارت دو تکلیف

دیگر دارد اول نماز کردن در طاق کسری دو رکعت یا زیادتر چون آنجا

مصلای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است روایت شده از عمّار ساباطی که

امیرالمؤمنین علیه السلام به مداین آمد و نزول فرمود در ایوان کسری و با او

بود دُلف ابن بحیر پس نماز کرد در آنجا بعد از آن برخاست و به دُلف فرمود

برخیز با من و در خدمت آن حضرت بود جماعتی از اهل ساباط پس گردش

کرد در منازل کسری و بدلف می‌فرمود از برای کسری در این مکان چنین و

چنان بوده و دُلف می‌گفت به خدا قسم چنین است که می‌فرمایی پس با آن

جماعت در تمام آن مواضع گردش کرد و دلف می‌گفت ای سید و مولای من

چنان شما به اینجاها مطلعید که گویا شما این چیزها را در اینجاها نهاده‌اید و

روایت شده که در آن وقتی که حضرت بر مداین مرور می‌فرمود و آثار کسری

و خرابی آن را مشاهده می‌نمود یکی از آن اشخاص که در خدمت آن حضرت بود

از روی عبرت این شعر را خواند

جَرَّتِ الرِّيَاحُ عَلَي رُسُومِ دِيَارِهِمْ

فَكَاتَّبَهُمْ كَانُوا عَلَىٰ مِيعَادٍ

وزد بادها بر ویرانه‌های خانه‌شان

گویا آنان وعده‌گاهی با هم داشته‌اند

حضرت فرمود چرا نخواندی: كَمْ تَرَكَوْا مِنْ جَنَّاتٍ وَعَيْوُنٍ، وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ

***** چه بسیار باغها و چشمه سارها و کشتزارها و جاهای

کریم، وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ، كَذٰلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخِرِينَ، فَمَا

خوب و نعمتی که در آن کامیاب بودند و همه را واگذاشتند چنین بود و ما آنها را به گروه دیگری دادیم و

بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ. * پس از آن فرمود إِنَّ

گریه نکرد بر آنها آسمان و زمین و مهلت نیافتند ***** (آری) براستی

هُؤُلَاءِ كَانُوا وَاٰرِثِيْنَ فَاصْبِرُوْا مَوْرُوْثِيْنَ، لَمْ يَشْكُرُوْا النُّعْمَةَ

اینها وارث بودند ولی اکنون به ارث گذاردند سپاس نعمت نکردند

فَسَلِّبُوْا دُنْيَاهُمْ بِالْمَعْصِيَةِ، اِيَّاكُمْ وَكُفْرَ النُّعْمِ، لَا تُحِلُّ بِكُمْ النُّعْمُ. * فقیر

پس دنیا بخاطر نافرمانی از دستشان رفت مبدا کفران نعمت کنید که انتقام بر شما فرود آید *****

گوید: حاصل این مقام را حکیم خاقانی به شعر در آورده آنجا که فرموده:

هان‌ای دل عبرت‌بین از دیده‌نظرکن‌هان

ایوان مدائن را آینه عبرت دان

پرویز که بنهادی بر خوان تره زرین

زرین تره کو برخوان رو کم ترکوا برخوان

دویم

زیارت کردن جناب حذیفه بن الیمان

که از بزرگان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاصان امیرالمؤمنین علیه السلام است و در میان صحابه مخصوص بود به شناختن منافقین و دانستن نامهای ایشان و اگر در نماز جنازه کسی حاضر نمی شد خلیفه ثانی بر او نماز نمی کرد و از جانب او سالها در مداین والی بود پس او را عزل کرد و جناب سلمان والی آنجا شد چون وفات کرد دوباره حذیفه والی آنجا شد و مستقر بود تا نوبت خلافت به شاه ولایت علیه السلام رسید پس از مدینه رقی مبارک به او و فرمان همایونی به اهل مداین صادر شد و از خلافت خود و استقرار حذیفه در آنجا به نحوی که بود اطلاع دادند و لکن حذیفه بعد از حرکت آن حضرت از مدینه به جانب بصره بجهت دفع شر اصحاب جمل و قبل از نزول موبک همایون به کوفه وفات کرد و در همان مداین مدفون شد از ابو حمزه ثمالی روایت است که چون حذیفه خواست وفات کند فرزند خود را طلبید و وصیت کرد او را به عمل کردن به این نصیحتهای نافع فرمود ای پسر جان من ظاهر کن مایوسی از آنچه که در دست مردم است که در این یأس غنی و توانگری است و طلب مکن از مردم حاجات خود را که آن فقر حاضر است و همیشه چنان باش که روزی که در آن هستی بهتر باشی از روز گذشته ات و هر وقت نماز می کنی چنان نماز کن که گویا نماز وداع و نماز آخر تو است و مکن کاری را که از آن عذر بخواهی و بدانکه در جنب حرم سلمان مسجد جامع مداین است که منسوب است به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که

آن را ساخته یا در آنجا نماز خوانده معلوم نیست از فیض دو رکعت نماز تحیت در آن محلّ شریف خود را محروم نکند.

فصل نهم

فضیلت و کیفیت زیارت امام رضا صلوات الله علیه و علی آبائه و اولاده

در بیان فضیلت و کیفیت زیارت امام الأنس والجنّة المدفون بأرض الغرّبة بضعة سيّد الواری مولانا ابوالحسن علیّ بن موسی الرضا صلوات الله علیه و علی آبائه و اولاده ائمة الهدی اما فضیلت زیارت آن حضرت پس بیشتر از آنست که احصا شود و ما در اینجا تبرّک می جوئیم به ذکر چند خبر و نقل می کنیم اکثر آنرا از تحفة الزائر:

اول از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که فرمود زود باشد که پاره‌ای از تن من در خراسان مدفون گردد و هیچ مؤمنی زیارت نکند او را مگر آنکه حق تعالی بهشت را از برای او واجب گرداند و بدنش را بر آتش جهنم حرام گرداند و در حدیث معتبر دیگر فرموده که پاره‌ای از بدن من در خراسان مدفون خواهد شد هر غمناکی که او را زیارت کند البتّه حق تعالی غمش را زایل گرداند و هر گناهکاری که او را زیارت کند البتّه خدا گناهانش را بیامرزد دوم به سند معتبر منقولست که حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود که هر که زیارت کند قبر فرزند من علی را او را نزد خدای تعالی ثواب

هفتاد حجّ مقبول بوده باشد راوی استبعاد کرد و گفت هفتاد حجّ مقبول حضرت فرمود که بلی هفتاد هزار حجّ گفت هفتاد هزار حجّ فرمود که چه بسیار حجّی باشد که مقبول نباشد هر که آن حضرت را زیارت کند یا یک شب نزد آن حضرت بماند چنان باشد که خدا را در عرش زیارت کرده باشد گفت چنانچه خدا را در عرش زیارت کرده باشد فرمود بلی چون روز قیامت می شود بر عرش الهی چهار کس از پیشینیان و چهار کس از پسینیان خواهند بود اما پیشینیان پس نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام اند و اما پسینیان پس محمّد و علی و حسن و حسین علیهم السلام اند پس ریسمانی می کشند در پای عرش پس می نشینند با ما زیارت کنندگان قبور ائمه و بدرستی که زیارت کنندگان قبر فرزندان علی درجه ایشان از همه بلندتر و عطایشان از همه بیشتر خواهد بود سیّم از حضرت امام رضا علیه السلام روایت است که فرمود در خراسان بقعه ای هست که بر آن زمانی خواهد آمد که محلّ رفتن و آمدن ملائکه خواهد بود پس پیوسته فوجی از ملائکه از آسمان فرود خواهند آمد و فوجی بالا خواهند رفت تا در صور بدمند پرسیدند یابن رسول الله کدام بقعه است فرمود که آن در زمین طوس است و آن والله باغی است از باغهای بهشت هر که مرا زیارت کند در آن بقعه چنانست که رسول خدا صلی الله علیه وآله را زیارت کرده است و بنویسد حق تعالی از برای او به سبب آن زیارت ثواب هزار حجّ پسندیده و هزار عمره مقبوله و من و پدرانم شفیعیان او باشیم در روز قیامت چهارم به چندین سند صحیح از ابن ابی نصر منقول است که گفت

خواندم نامه امام رضا علیه السلام را که نوشته بود که برسانید به شیعیان من که زیارت من نزد خدا برابر است با هزار حجّ پس من این حدیث را به خدمت امام محمدتقی علیه السلام عرض کردم فرمود بلی والله هزار هزار حجّ هست از برای کسی که آن حضرت را زیارت کند و حقّ او را شناسد پنجم به دو سند معتبر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود هر که مرا زیارت کند با این دوری قبر من بیایم به نزد او در سه موطن روز قیامت تا او را خلاصی بخشم از احوال آنها در وقتی که نامه‌های نیکوکاران در دست راست ایشان و نامه‌های بدکاران در دست چپ ایشان پرواز کند و نزد صراط و نزد ترازوی اعمال ششم در حدیث معتبر دیگر فرمود که زود باشد که کشته شوم به زهر با ظلم و ستم و مدفون شوم در پهلوی هارون الرّشید و بگرداند خدا تربت مرا محلّ تردّد شیعیان و دوستان من پس هر که مرا در این غربت زیارت کند واجب شود برای او که من او را زیارت کنم در روز قیامت و سوگند می‌خورم به خدایی که محمدصلی الله علیه وآله را گرامی داشته است به پیغمبری و برگزیده است او را بر جمیع خلائق که هر که از شما شیعیان نزد قبر من دو رکعت نماز کند البته مستحق شود آمرزش گناهان را از خداوند عالمیان در روز قیامت و به حقّ آن خداوندی که ما را گرامی داشته است بعد از محمدصلی الله علیه وآله به امامت و مخصوص گردانیده است ما را به وصیّت آن حضرت سوگند می‌خورم که زیارت کنندگان قبر من گرامی‌تر از هر گروهی‌اند بر خدا در روز قیامت و هر مؤمنی که مرا زیارت کند پس بر روی

او قطره‌ای از باران برسد البتّه حق تعالی جسد او را بر آتش جهنّم حرام گرداند
هفتم به سند معتبر منقول است که محمد بن سلیمان از امام محمد تقی علیه
السلام پرسید که شخصی حجّ واجب خود را کرده است به عنوان حجّ تمتّع پس
به مدینه رفت و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله را کرد پس رفت به
نجف و زیارت پدرت امیرالمؤمنین علیه السلام را کرد و حقّ او را می‌شناخت و
می‌دانست که او حجّت خدا است بر خلق او و او درگاه خدا است که از آن در
به خدا باید رسید پس سلام کرد بر آن حضرت پس رفت به کربلا و حضرت
امام حسین علیه السلام را زیارت کرد پس رفت به بغداد و حضرت امام موسی
کاظم علیه السلام را زیارت کرد پس به شهر خود برگشت و در این وقت خدا
آنقدر مال به او روزی کرده است که به حجّ می‌تواند رفت کدام بهتر است از
برای این مرد که حجّ واجب خود را کرده است که برگردد و باز حجّ بکند یا
برود به خراسان و پدرت امام رضا علیه السلام را زیارت کند فرمود که بلکه
برود بر پدرم سلام کند افضل است و باید که در ماه رجب باشد و در این زمان
مکنید که بر ما و شما از خلیفه خوف تشنیع هست هشتم شیخ صدوق در کتاب
من لایحضره الفقیه از حضرت امام محمد تقی علیه السلام روایت کرده که
فرمود در میان دو کوه طوس قطعه‌ای از زمین است که از بهشت برداشته شده
است هر که داخل شود در آن ایمن خواهد بود در روز قیامت از آتش نهم و نیز
از آن حضرت روایت کرده که فرمود من ضامنم از جانب حق تعالی بهشت را
از برای هر که زیارت کند قبر پدرم را به طوس در حالی که عارف به حق آن

حضرت باشد دهمّ شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا روایت کرده که مردی از صالحین دید در خواب حضرت رسول صلی الله علیه و آله را عرض کرد به خدمت آن حضرت که یا رسول الله از فرزندان تو کدامیک را من زیارت کنم فرمود بعضی از فرزندان من زهر خورده آمد نزد من و بعضی کشته شده آمد گفتم کدامیک از آنها را زیارت کنم با پراکنده شدن مشاهد ایشان فرمود زیارت کن آن کسی را که به تو نزدیکتر است یعنی محلّ توبه قبر او نزدیکتر است و او مدفون است به زمین غربت گفتم یا رسول الله از این فرمایش رضا را قصد کردید فرمود بگو صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ بِكَو صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ بِكَو صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ سَه مرتبه این را فرمود مؤلف گوید که در وسائل و مستدرک ابوابی ذکر شده در استحباب تبرّک به مشهد امام رضا علیه السلام و مشاهد ائمه علیهم السلام و استحباب اختیار زیارت حضرت رضا بر زیارت امام حسین علیهما السلام و بر زیارت هریک از ائمه علیهم السلام و بر حجّ مندوب و عمره مندوبه و چون این کتاب گنجایش تطویل ندارد ما به همین چند خبر که عشره کامله است اکتفا کردیم.

کیفیت زیارت آن حضرت

پس بدانکه از برای آن بزرگوار زیارات چندی نقل شده و زیارت مشهور آن حضرت زیارتی است که در کتب معتبره مذکور است و به شیخ جلیل القدر محمد بن الحسن بن الولید که از مشایخ جناب صدوق است منسوب گردانیده اند و از

مزار ابن قولویه رحمه الله معلوم می شود که از ائمه علیهم السلام مروی بوده باشد و کیفیت آن موافق کتاب من لایحضره الفقیه چنانست که چون اراده نماید زیارت کنی قبر امام رضاعلیه السلام را در طوس پس غسل کن پیش از آنکه از خانه بیرون

روی و بگو در وقتی که غسل می کنی:

اللَّهُمَّ طَهِّرْ لِي قَلْبِي، وَأَشْرَحْ لِي

خدایا پاکم کن و پاک کن دلم را و بگشا

صَدْرِي، وَأَجْرِ عَلَي لِسَانِي مِدْحَتَكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا

سینهام را و مدح و ثنای خود را بر زبانم جاری کن زیرا که

قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُورًا وَشِفَاءً وَمِي گویی در وقت بیرون رفتن

نیروئی نیست جز بوسیله تو خدایا این غسل را برایم پاک کننده و درمان (دردهایم) قرار ده * * * * *

بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ وَاللَّهِ وَاللَّهِ، وَاللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى

به نام خدا و به (یاری) خدا و بسوی خدا و بسوی فرزند رسول خدا بس است مرا خدا و توکل کردم بر

اللَّهُ، اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَإِلَيْكَ قَصَدْتُ، وَمَا عِنْدَكَ أَرَدْتُ پس چون

خدا خدایا به درگاه تو رو کنم و به سوی تو آهنگ دارم و آنچه در پیش تو است (از فضل و احسان) می خواهم * * *

بیرون روی بر در خانه خود بایست و بگو:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي، وَعَلَيْكَ

خدایا رویم را بدرگاه تو کردم و به امید تو

خَلَفْتُ أَهْلِي وَمَالِي وَمَا خَوَّلْتَنِي، وَبِكَ وَتَقْتُ فَلَا تُخَيِّبْنِي، يَا مَنْ لَا

جا گذاشتم خانواده و دارائیم و نیز آنچه را تو به من ارزانی داشتی و به تو اعتماد کردم پس نومیدم مکن ای که

يُخَيِّبُ مَنْ أَرَادَهُ، وَلَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

نومید نکند هر که او را قصد کند و تباہ نسازد هر که را نگهداری کند درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ، فَإِنَّهُ لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظَتْ. پس هرگاه رسیدی بسلامت

و نگهداریم کن به نگهداری خود که برستی تو ضایع نکنی هر که را نگهداری کنی * * * * *

ان شاء الله پس هرگاه خواهی به زیارت بروی غسل بکن و بگو در وقتی که

غسل می کنی:

اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ لِي قَلْبِي، وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَأَجِرْ عَلَيَّ

خدایا پاکم کن و پاک کن دلم را و بگشا سینهام را و مدح و دوستی و ثنای خود را بر

لسانی مِدْحَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، وَقَدْ

زبانم جاری کن که برستی نیروئی نیست جز به تو و این را

عَلِمْتُ أَنَّ قِوَامَ دِينِي، التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ، وَالْأَتْبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ،

بخوبی دانسته‌ام که آنچه موجب ماندن و قوام دین من است همان تسلیم در برابر فرمان تو و متابعت از سنت پیامبرت

وَالشَّهَادَةَ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شِفَاءً وَنُورًا، إِنَّكَ

و گواهی دادن به این مطلب برای همه خلق تو است خدایا این غسل را برای من شفا و نوری قرار ده که

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس بپوش پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را و برو با پای برهنه

تو بر هر چیز توانائی * * * * *

به آرامی و وقار و دلت بیاد خدا باشد و اللَّهُ أَكْبَرُ، و لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، و سُبْحَانَ اللَّهِ،

* * * * * خدا بزرگتر است معبودی جز خدا نیست، منزّه است خداستایش خاص خدا

و الْحَمْدُ لِلَّهِ بگو و گامهای خود را کوتاه بردار و چون داخل روضه مقدّسه شوی

بگو:

* * * * *

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ

به نام خدا و به (باری) خدا و بر کیش رسول خدا صلی الله علیه و آله گواهی دهم که معبودی نیست جز

إِلَّا اللَّهُ، وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ

خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و گواهی دهم که همانا محمد بنده و رسول او است و

عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ پسر برو بنزد ضریح و قبله را در پشت خود بگیر و روبروی آن

علی ولی (و نماینده) خدا است * * * * *

حضرت بایست و بگو أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ

* * * * * گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریک ندارد و گواهی دهم که همانا

مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَرَسُولَهُ وَأَنَّ سَيِّدَ الْأَوْلِيَّينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ

محمد بنده و رسول او است و او آقای اولین و آخرین است و او است آقای

الأنبياءِ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ

پیامبران و رسولان خدایا درود فرست بر محمد بنده و رسول

وَنَبِيِّكَ وَسَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ صَلَوةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ،

و پیامبر و بزرگ و آقای آفریدگانت همگی درودی که نیروی شماره آن را کسی جز تو نداشته باشد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَبْدِكَ

خدایا درود فرست بر امیر مؤمنان علی بن ابیطالب بنده

وَآخِي رَسُولِكَ، الَّذِي أَنْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ

و برادر رسولت آن بزرگواری که او را برگزیدی به علم خود و راهنمایش کردی برای هر که خواستی از

خَلْقِكَ وَالذَّلِيلِ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَاتِكَ وَدَيَانَ الدِّينِ بَعْدَ لِكَ

خلق خود و دلیلش ساختی بر آنکس که برانگیختی او را به رسالتهای خود و داور دین قرارش دادی از روی عدالت

وَفَضْلَ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَالْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ

و فیصله دهنده حکم خود گرداندی او را در میان خلقت و مسلطش کردی بر همه اینها و سلام باد بر او

وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فاطمة بنتِ نَبِيِّكَ، وَرَوْجَةِ

و رحمت خدا و برکاتش خدایا درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت و همسر

و لِيْكَ، وَأُمَّ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْاُجْتِنَةِ

ولی و نماینده‌ات و مادر دو سبط (این امت) حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت

الطُّهْرَةَ الطَّاهِرَةَ الْمُطَهَّرَةَ، التَّقِيَّةَ التَّقِيَّةَ، الرِّضِيَّةَ الزَّكِيَّةَ، سَيِّدَةَ نِسَاءِ

آن بانوی پاک پاکیزه طاهره پرهیزکار زبده پسندیده تزکیه شده بانوی زنان

أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ، صَلَوَةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ

اهل بهشت همه شان درودی بر او فرست که کسی نیروی شماره‌اش را جز تو نداشته باشد خدایا

صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سِبْطَيْ نَبِيِّكَ، وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ

دروود فرست بر حسن و حسین دو نوه پیغمبرت و دو آقای جوانان اهل

الْجَنَّةِ الْقَائِمِينَ فِي خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلِينَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَ بِرِسَالَاتِكَ،

بهشت که بپا خواستند در میان خلقت و دو نشانه بر آن کس که او را به رسالات خود مبعوث داشتی

وَدَيَانِي الدِّينِ بَعْدَكَ، وَفَصَلِّ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ

و دو داور در دینت از روی عدل تو و دو فیصله دهنده حکم تو در میان خلقت خدایا درود فرست

عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَبْدِكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلِ عَلَى مَنْ

بر علی بن الحسین بندهات که قیام کرد در میان خلق تو و دلیل بود بر آنکس که

بَعَثْتَ بِرِسَالَاتِكَ وَدَيَانَ الدِّينِ بَعْدَكَ، وَفَصَلِّ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ

به رسالت مبعوثش داشتی و داور در دین بود به عدل و داد تو و فیصله دهنده حکم تو بود در میان خلقت

سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي

- آقای عبادت کنندگان - خدایا درود فرست بر محمد بن علی بندهات و جانشینت در

أَرْضِكَ، بِأَقْرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ،

روی زمین شکافنده علم پیمبران خدایا درود فرست بر جعفر بن محمد صادق

عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، الصَّادِقِ الْبَارِّ،

بنده و سرپرست دینت و حجت تو بر همه خلقت آن امام راستگوی نیکوکار

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَبْدِكَ الصَّالِحِ، وَلِسَانِكَ فِي

خدایا درود فرست بر موسی بن جعفر بنده شایستهات و زبان گویای تو در میان

خَلْقِكَ، النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ، وَالْحُجَّةِ عَلَى بَرِيَّتِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ

خلقت آنکه به حکم تو گویا بود و حجتی بر خلق تو بود خدایا درود فرست بر علی

بِنِ مُوسَى الرِّضَا المُرْتَضَى، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، الْقَائِمِ بِعَدْلِكَ،

بن موسی الرضا آن آقای پسندیده و بنده تو و سرپرست دینت و قیام کننده به عدل و داد تو

وَالدَّاعِي إِلَى دِينِكَ وَدِينِ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ، صَلَوةً لَا يَقْوَى عَلَى

و دعوت کننده به آئین تو و آئین پدران راستگویی درودی فرست که نیروی

اِحْصَائِهَا غَيْرُكَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ

شماره‌اش را کسی جز تو نداشته باشد خدایا درود فرست بر محمد بن علی بنده و نماینده‌ات

الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، وَالدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ،

که قیام کرد به فرمان تو و دعوت کرد به راه تو خدایا درود فرست بر علی بن محمد

عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، الْعَامِلِ

بنده تو و سرپرست آئین تو خدایا درود فرست بر حسن بن علی آن بزرگواری که بدستورت

بِأَمْرِكَ، الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، وَحُجَّتِكَ الْمُوَدِّيِّ عَنِ نَبِيِّكَ، وَشَاهِدِكَ

عمل کرد و در میان خلقت بپاخواست و آن حجت عالی‌مقام تو که پرداخت (آنچه را بعهده داشت) از طرف پیامبرت و

گواه تو

عَلَى خَلْقِكَ، الْمَخْصُوصِ بِكَرَامَتِكَ، الدَّاعِي إِلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ

بر خلقت آنکه مخصوص گشت به کرامتت و دعوت کننده بود بسوی فرمانبرداری تو و فرمانبرداری

رَسُولِكَ صَلَوةً تَكْمُلُهُمْ أَجْمَعِينَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ،

رسول تو و درودهای تو بر همگی ایشان باد خدایا درود فرست بر حجتت و نماینده‌ات

الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، صَلَوةً تَامَّةً نَامِيَةً بَاقِيَةً، تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ، وَتَنْصُرُهُ

که قیام کننده است در میان خلق تو درودی کامل و روینده و ماندنی که شتاب کنی بدان وسیله در فرج او و بدان یاریش

بِهَا، وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اَللّهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ،

کنی و قرار دهی ما را با آن حضرت در دنیا و آخرت خدایا من تقرب جویم به درگاه تو بوسیله دوستی ایشان

وَأُوَالِي وَلِيَّهُمْ، وَأُعَادِي عَدُوَّهُمْ فَارْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

و دوست دارم دوستشان را و دشمن دارم دشمنشان را پس روزی من گردان بوسیله ایشان خوبی دنیا و آخرت را

وَاصْرَفْ عَنِّي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ * پس

و بگردان از من به برکت ایشان شر دنیا و آخرت و دهشتنهای قیامت را * * *

می نشینی نزد سر آن حضرت و می گوئی: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ

***** سلام بر تو ای ولی خدا سلام

عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نُورَ اللّٰهِ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ،

بر تو ای حجت خدا سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ اَدَمَ صِفْوَةَ،

سلام بر تو ای استوانه دین سلام بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده

اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَّبِيِّ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ

خدا سلام بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا سلام بر تو ای وارث

اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ اِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ

ابراهیم خلیل خدا سلام بر تو ای وارث اسماعیل قربانی خدا سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى

بر تو ای وارث موسی هم سخن خدا سلام بر تو ای وارث عیسی

رُوحِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ رَسُوْلِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا

روح خدا سلام بر تو ای وارث محمد رسول خدا سلام بر تو ای

وَارِثَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٍّ وَّلِيِّ اللّٰهِ، وَوَصِيَّ رَسُوْلِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ،

وارث امیر مؤمنان علی(ع) ولی خدا و وصی رسول پروردگار جهانیان

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ

سلام بر تو ای وارث فاطمه زهرا سلام بر تو ای وارث

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدِيْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ

حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت سلام بر تو ای وارث

عَلِيٍّ بِنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِيْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدِ بِنِ

علی بن الحسین زیور عبادت‌کنندگان سلام بر تو ای وارث محمد بن

عَلِيٍّ، بِاقْرِ عِلْمِ الْأَوْلِينَ وَالْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ جَعْفَرِ بْنِ

علی شکافنده علم اولین و آخرین سلام بر تو ای وارث جعفر بن

مُحَمَّدٍ، الصَّادِقِ الْبَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ،

محمد آن راستگوی نیکوکار سلام بر تو ای وارث موسی بن جعفر

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الشَّهِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ

سلام بر تو ای راستی پیشه شهید سلام بر تو ای وصی

الْبَارِ التَّقِيُّ، أَشْهَدُ أَنْكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ

نیک رفتار با تقوی گواهی دهم که براستی تو برپاداشتی نماز را و بدادی زکات را و امر کردی

بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ،

به معروف (کار نیک) و نهی کردی از کار زشت و پرستش کردی خدا را از روی اخلاص تا مرگت فرا رسید

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ پس خود را بر ضریح

سلام بر تو ای ابا الحسن و رحمت خدا و برکاتش * * * * *

می چسبانی و می گوئی: اَللَّهُمَّ اِيْنِكَ صَمَدَةٌ مِّنْ اَرْضِي، وَقَطَعْتُ الْاِبْلَادَ

* * * * * خدایا به آهنگ دربار تو کوچ کردم از سرزمینم

رَجَاءَ رَحْمَتِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَلَا تَرُدَّنِي بِغَيْرِ قَضَاءٍ حَاجَتِي، وَارْحَمْ

به امید رحمت تو شهرها را درنوردیدم پس نومیدم مکن و بازم مگردان بدون برآوردن حاجتم و رحم کن

تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ ابْنِ اِخِي رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِأَبِي اَنْتَ

به این رفت و آمد و روی آوردنم بر سر قبر برادر زاده پیغمبرت که درودهای تو بر او و آتش باد پدر

وَأُمِّي يَا مَوْلَايَ، اَتَيْتُكَ زَائِراً وَافِداً عَائِداً مِمَّا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي،

و مادرم به فدایت ای سرور من آمده‌ام برای زیارت و واردم بر تو و پناهنده‌ام به تو از آن جنایاتی که بر خود کردم

وَاخْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي، فَكُنْ لِي شَافِعاً اِلَى اللَّهِ يَوْمَ فِقْرِي وَفَاقَتِي،

و بار گناهی که بر دوش کشیدم پس تو شفیع من باش در پیشگاه خداوند در روز نیاز و نداریم

فَلَاكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامٌ مَحْمُودٌ، وَأَنْتَ عِنْدَهُ وَجِيهٌ. پس دست راست را بلند

زیرا که تو در پیشگاه خداوند مقامی شایسته داری و در نزد او آبرومندی * * * * *

می کنی و دست چپ را بر قبر می گشائی و می گوئی: اَللّهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ

* * * * * خدایا من به تو تقرب جویم بوسیله

بِحُبِّهِمْ وَبَوْلَايَتِهِمْ، اَتَوَلَّى اٰخِرَهُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ اَوْلَاهُمْ، وَاَبْرءُ مِنْ كُلِّ

دوستی و ولایت این خاندان دوست دارم آخرین آنها را به همان نحو که دوست داشتم اولین نفرشان را و بیزاری جویم از

هر

وَلِيَجَةَ دُونَهُمْ، اَللّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَكَ، وَاَتَّهُمُوا نَبِيَّكَ،

همدمی غیر از ایشان خدایا لعنت کن کسانی که دگرگون کردند نعمت تو را و متهم کردند (در امر خلافت) پیامبرت را

وَجَحَدُوا بِآيَاتِكَ، وَسَخَرُوا بِإِمَامِكَ، وَحَمَلُوا النَّاسَ عَلَى اَكْتِافِ آلِ

و منکر شدند آیات تو را و به مسخره گرفتند امام تو را و سوار کردند مردم را بر دوش آل

مُحَمَّدٍ، اَللّهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ، وَاَلْبِرَاءَةِ مِنْهُمْ فِي

محمد (و بر علیه آنان تحریکشان کردند) خدایا من به تو تقرب جویم بوسیله لعنت کردن بر ایشان و بیزاری جستن از

آنها در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا رَحْمَنُ، پس برمی گردی و بنزد پای آن حضرت می روی و

دنيا و آخرت ای خدای بخشاینده * * * * *

می گوئی: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَي رُوْحِكَ وَبَدَتِكَ،

* * * درود خدا بر تو ای ابالحسن، درود خدا بر روان تو و بر پیکرت باد

صَبَرْتُ وَأَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدِّقُ، قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَاللُّسُنِ.

بردباری کردی با اینکه تو راستگوئی بودی تصدیق شده خدا بکشد کسانی که تو را کشتند بدست و زبان

پس تضرع و مبالغه کن در لعنت کردن بر کُشنده امیرالمؤمنین و قاتلان حسن و

حسین علیهما السلام و قاتلان جمیع اهل بیت رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم

پس از پشت قبر برو و نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بکن در رکعت اوّل

سوره یس و در رکعت دویم سوره الرحمن بخوان و جهد کن در دعا و تضرع و بسیار دعا کن از برای خود و پدر و مادر خود و جمیع برادران مؤمن خود و آنچه خواهی نزد سر آن حضرت بمان و باید که نمازهای خود را نزد قبر بکنی مؤلف گوید که این زیارت بهترین زیارات آن حضرت است و در فقیه و عیون و کتب علامه مجلسی و غیره و سَخِرُوا بِإِمَامِكَ که در آخر زیارتست با دو میم است یعنی و لعنت کن خداوندا کسانی را که استهزاء نمودند به امامی که تو از جهت ایشان مقرر فرمودی و لکن در مصباح الزائر سَخِرُوا بِإِمَامِكَ است و این نیز درست بلکه شاید از جهتی اولی باشد چه آنکه مراد از ایام ائمه علیهم السلام است چنانکه در خبر صفر بن ابی ذئف در فصل پنجم از باب اول معلوم شد و بدان نیز که لعنت کردن بر قاتلان ائمه علیهم السلام به هر زبانی که کرده شود خوبست و اگر این عبارت را که از بعضی

ادعیه اخذ شده بخواند شاید انسب باشد: **اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ**

 خدا یا لعنت کن کُشندگان امیر

الْمُؤْمِنِينَ، وَقَتْلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَقَتْلَةَ أَهْلِ بَيْتِ

مؤمنان را و کُشندگان حسن و حسین علیهم السلام را و کُشندگان خاندان

نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ وَقَتْلَتَهُمْ، وَزِدْهُمْ عَذَابًا فَوْقَ

پیامبرت را خدا یا لعنت کن دشمنان آل محمد و کُشندگانشان را و بیفزای بر آنها

الْعَذَابِ، وَهَوَانًا فَوْقَ هَوَانٍ، وَذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ، وَخِزْيًا فَوْقَ خِزْيٍ، اللَّهُمَّ

عذابی روی عذابی و خواری بر روی خواری و زبونی بر روی زبونی و رسوائی بر روی رسوائی خدا یا

دُعُهُمْ إِلَى النَّارِ دَعَاً، وَأَرْكُسُهُمْ فِي أَلِيمِ عَذَابِكَ رَكْسًا، وَأَحْشُرْهُمْ

بیفکن آنها را بدوزخ به سختی و سرگونشان کن در عذاب دردناک یک باره و آنان را با پیروانشان

وَأَتْبَاعَهُمْ إِلَى جَهَنَّمَ زُمَرًا. و در تحفة الزائر است که شیخ مفید ذکر کرده که

گروه گروه بسوی جهنم محشور فرما * * * * *

مستحب است که بعد از نماز زیارت امام رضاعلیه السلام این دعا بخوانند :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

* خدایا از تو خواهم

يَا اللَّهُ الدَّائِمُ فِي مُلْكِهِ، الثَّاقِبُ فِي عِزِّهِ، الْمُطَاعُ فِي سُلْطَانِهِ، الْمُتَفَرَّدُ

ای خدائی که فرمانروایش همیشگی و عزتش پایدار است و در سلطنتش (همه موجودات) فرمانبردار اویند، یکتا است

فِي كِبَرِيَّائِهِ، الْمُتَوَحِّدُ فِي دَيْمُومِيَّةِ بَقَائِهِ، الْعَادِلُ فِي بَرِّيَّتِهِ، الْعَالِمُ فِي

در عظمت و بزرگواری و یگانه است در بقای همیشگی در میان مخلوقاتش به عدالت رفتار کند و دانا است در

قَضِيَّتِهِ، الْكَرِيمُ فِي تَأْخِيرِ عُقُوبَتِهِ، إِلَهِي حَاجَاتِي مَصْرُوفَةٌ إِلَيْكَ،

قضات و بزرگوار است در پس انداختن کیفر، خدایا حاجتهای من بسوی تو بازگردد

وَأَمَالِي مَوْفُوفَةٌ لَدَيْكَ، وَكَلَّمَا وَقَفْتَنِي مِنْ خَيْرٍ فَانْتَ دَلِيلِي عَلَيْهِ،

و آرزوهایم در پیشگاه تو باز ایستاده و هرگاه مرا به کار نیکویی موفق کرده‌ای راهنمای من بر آن کار

وَطَّرِيقِي إِلَيْهِ، يَا قَدِيرًا لَا تَوُدُّهُ الْمُطَالِبُ، يَا مَلِيًّا يَلْبِغُ إِلَيْهِ كُلُّ رَاغِبٍ،

و طریق من بسوی آن تو بودی ای توانائی که (زیادی) خواسته‌ها درمانده‌اش نکند ای دارائی که به او پناه آرد هر مشتاق،

مَا زِلْتُ مَصْحُوبًا مِنْكَ بِالنِّعَمِ جَارِيًا عَلَى عَادَاتِ الْأِحْسَانِ وَالْكَرَمِ،

همواره با نعمتهای تو قرین بوده‌ام و بر شیوه‌های احسان و کرمیت (که نسبت به من داشتی) گام بر می‌داشتم

أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ النَّافِذَةِ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَقَضَائِكَ الْمُبْرَمِ الَّذِي

از تو خواهم بدان نیروی نافذت در همه چیزها و بدان حکم مسلمت که با کوچکترین درخواستی

تَحْجِبُهُ بِأَيْسَرِ الدُّعَاءِ وَبِالنَّظَرَةِ الَّتِي نَظَرْتَ بِهَا إِلَى الْجِبَالِ

آن را جلوگیری کنی و بدان نظری که از روی عنایت به کوهها کردی

فَتَشَامَخَتْ، وَالْإِلَى الْأَرْضِينَ فَتَسَطَّحَتْ، وَالْإِلَى السَّمَوَاتِ فَارْتَفَعَتْ

و آنها بلندی گرفتند و به زمینها افکندی هموار شدند و به آسمانها نگرستی و آنها مرتفع گشتند

وَالْيَ الْبِحَارِ فَتَفَجَّرَتْ، يَا مَنْ جَلَّ عَنْ آدَوَاتِ لِحَظَاتِ الْبَشَرِ، وَأَلْفُ

و به دریاها آن نظر را کردی آنها روان گردیدند ای که والاتری از ابزار و آلات دید بشر و لطیفتری

عَنْ دَقَائِقِ خَطَرَاتِ الْفِكْرِ، لَا تُحَمِّدُ يَا سَيِّدِي إِلَّا بِتَوْفِيقٍ مِنْكَ

از ریزه کاریهایی که در افکار خطور کند ستایش نشوی ای آقای من جز به توفیق خودت که خود آن

يَقْتَضِي حَمْدًا، وَلَا تُشْكِرُ عَلَيَّ أَصْغَرَ مِنَّةٍ إِلَّا اسْتَوْجِبْتَ بِهَا شُكْرًا،

نیز موجب ستایش دیگری است و سپاسگزاری نشود بر کوچکترین نعمتی جز آنکه سزاوار گردی بدان سپاسگزاری

فَمَتَى تُحْصِي نِعْمَاؤُكَ يَا إِلَهِي، وَتُجَازِي آلَاؤُكَ يَا مَوْلَايَ، وَتُكَافِي

دیگری را پس چه زمان نعمتهایت بشماره در آید ای معبود من و سپاسگزاری شود به عطاهایت ای سرور من و پاداش

داده شود

صَنَائِعِكَ يَا سَيِّدِي، وَمِنْ نِعْمِكَ يَحْمَدُ الْحَامِدُونَ، وَمِنْ شُكْرِكَ

به داده‌هایت ای آقای من و آن هم از نعمتهای تو است که ستایشت کنند ستایش کنندگان و از سپاس تو است

يَشْكُرُ الشَّاكِرُونَ، وَأَنْتَ الْمُعْتَمِدُ لِلذُّنُوبِ فِي عَفْوِكَ، وَالنَّاشِرُ عَلَيَّ

که سپاسگزاری کنند سپاسگزاران و تویی که مورد اعتمادی در گذشتت از گناهان و گستراننده بر

الْخَاطِئِينَ جَنَاحَ سِتْرِكَ، وَأَنْتَ الْكَاشِفُ لِلضَّرِّ بِيَدِكَ، فَكَمْ مِنْ سَيِّئَةٍ

خطاکاران بالهای پرده پوشیت را و تویی برطرف کننده سختی به قدرتت چه بسیار گناهی که

أَخْفَاهَا حِلْمُكَ حَتَّى دَخَلْتَ، وَحَسَنَةً ضَاعَفَهَا فَضْلُكَ حَتَّى عَظَّمْتَ

پوشاند آن را بردباریت تا اینکه از بین رفت و کار نیکی که چند برابرش کرد فضل تو تا بزرگ گردید

عَلَيْهَا مُجَازَاتُكَ، جَلَلَتْ أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ، وَأَنْ يُرْجَى مِنْكَ

برای آن پاداش تو، تو برتری از آنکه از تو بترسند جز از عدالتت و از اینکه

إِلَّا الْأَحْسَانَ وَالْفَضْلَ، فَاْمُنُّ عَلَىَّ بِمَا أَوْجَبَهُ فَضْلُكَ، وَلَا تَخْذَلْنِي

جز احسان و فضل چیز دیگری از تو امید رود، منت بنه بر من بدانچه لازمه فضل تو است و زبونم مکن

بِمَا يَحْكُمُ بِهِ عَدْلُكَ، سَيِّدِي لَوْ عَلِمْتَ الْأَرْضُ بِذُنُوبِي لَسَاخَتْ بِي،

بدانچه عدالتت بدان حکم کند ای آقای من اگر براستی زمین از گناهان من آگاه بود حتماً مرا در خود فرو برده بود

أَوْ الْجِبَالِ لِهَدَّتْنِي، أَوْ السَّمَوَاتِ لَأَخْطَفْتَنِي، أَوْ الْبِحَارِ لَأَغْرَقْتَنِي،

یا اگر کوهها بدانها اطلاع داشت مرا درهم می شکست یا اگر آسمانها می دانستند مرار بوده بودند یا اگر دریاها می دانست

مرا

سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي، مَوْلَايَ مَوْلَايَ مَوْلَايَ، قَدْ تَكَرَّرَ وَقُوفِي

درامواج خود غرق می کرد ای آقای من ... و ای مولا و سرور من ... براستی بارها شد

لِضِيَاغَتِكَ، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا وَعَدْتَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَسْئَلَتِكَ، يَا

که به مهمانیت آدمم پس محرومم مکن از آنچه به درخواست کنندگان و عده فرمودی ای

مَعْرُوفَ الْعَارِفِينَ، يَا مَعْبُودَ الْعَابِدِينَ، يَا مَشْكُورَ الشَّاكِرِينَ، يَا

مورد شناسائی برای عارفان و ای معبود عبادت کنندگان و ای مورد سپاس سپاسگزاران و ای

جَلِيسَ الذَّاكِرِينَ، يَا مَحْمُودَ مَنْ حَمَدَهُ، يَا مَوْجُودَ مَنْ طَلَبَهُ، يَا

همنشین اهل ذکر ای ستوده ستایش کنندگان ای حاضر نزد آن کس که تو را جوید ای

مَوْصُوفَ مَنْ وَحَدَهُ، يَا مَحْبُوبَ مَنْ أَحَبَّهُ، يَا غَوْثَ مَنْ أَرَادَهُ، يَا

توصیف شده کسی که بیگانگی او را بپرستد ای محبوب دوستدارش ای فریادرس هر که آهنگش کند ای

مَقْصُودَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْهِ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَصْرِفُ

مقصد کسی که بسویش بازگردد ای که نداند غیب را جز او ای که نگرداند بدی

السُّوءَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُدَبِّرُ الْأَمْرَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلَّا هُوَ،

(و بلاء) را جز او ای که تدبیر کار را نکند جز او ای که نیامرزد گناه را جز او

يَا مَنْ لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُنْزِلُ الْغَيْثَ إِلَّا هُوَ، صَلِّ عَلَى

ای که نیافریند خلق را جز او که فرو نفرستد باران را جز او درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ، رَبِّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ

محمد و آل محمد و بیامرزم مرا ای بهترین آمرزندگان پروردگارا از تو آمرزش خواهم

أَسْتَغْفِرَ حَيًّا، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ رَجَاءٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ إِنَابَةٍ،

آمرزش شرمساری و حیاء و از تو آمرزش خواهم آمرزش امیدواری و از تو آمرزش خواهم آمرزش توبه جوئی و

بازگشت

وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ رَغْبَةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ رَهْبَةٍ وَأَسْتَغْفِرُكَ

و از تو آمرزش خواهم آمرزش از روی اشتیاق و از تو آمرزش خواهم آمرزش از روی بیم و هراس و از تو آمرزش خواهم

اسْتِغْفَارَ طَاعَةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ إِيمَانٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ إِقْرَارٍ،

آمرزش از روی طاعت و فرمانبرداری و از تو آمرزش خواهم آمرزش از روی ایمان و از تو آمرزش خواهم از روی اقرار (بگناه)

وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ إِخْلَاصٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ تَقْوَى، وَأَسْتَغْفِرُكَ

و از تو آمرزش خواهم آمرزش از روی اخلاص و از تو آمرزش خواهم آمرزش تقوی و پرهیزکاری و از تو آمرزش خواهم

اسْتِغْفَارَ تَوَكُّلٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ ذِلَّةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ عَامِلٍ،

آمرزش از روی توکل و از تو آمرزش خواهم آمرزش از روی خواری و از تو آمرزش خواهم آمرزش کسی که برایت کار

لَكَ هَارِبٍ مِنْكَ إِلَيْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُبَّ عَلَى

کرده و از (ترس) تو بسوی خودت گریخته پس درود فرست بر محمد و آل محمد و توجه کن بر من

وَعَلَى وَالِدِيَّ بِمَا تَبَتَّ وَتَتَّوَبُ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا أَرْحَمَ

و بر پدر و مادرم بدانچه توجه کرده و بازگردی بر همه خلق خود ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، يَا مَنْ يُسَمِّي بِالْغَفُورِ الرَّحِيمِ، يَا مَنْ يُسَمِّي بِالْغَفُورِ

مهربانان ای که نامور گشتی به آمرزنده مهربان ای که نامور گشتی به آمرزنده

الرَّحِيمِ، يَا مَنْ يُسَمِّي بِالْغَفُورِ الرَّحِيمِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

مهربان ای که نامور گشتی به آمرزنده مهربان درود فرست بر محمد و آل محمد

وَأَقْبَلْ تَوْبَتِي، وَزَكِّ عَمَلِي وَأَشْكُرْ سَعْيِي، وَارْحَمْ ضَرَاعَتِي، وَلَا

و بپذیر توبه‌ام را و پاک کن کردارم را و قدردانی کن از سعی و کوششم و رحم کن به تضرع و زاریم

تَحْجُبْ صَوْتِي، وَلَا تُخَيِّبْ مَسْئَلَتِي، يَا غَوْثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، وَأَبْلُغْ

و در پرده (بی توجهی خود) قرار مده آوازم را و نومید مکن درخواستم را ای فریادرس فریادخواهان و برسان

أَيْمَتِي سَلَامِي وَدُعَائِي، وَشَفَعُهُمْ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ، وَأَوْصِلْ

به امامان و پیشوایانم سلام و دعای مرا و شفع ساز آنها را برای من در تمام آنچه از تو درخواست کردم و برسان

هَدَيْتِي إِلَيْهِمْ كَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ، وَ زِدْهُمْ مِنْ ذَلِكَ مَا يَنْبَغِي لَكَ

هدیه مرا به ایشان بدانسان که شایسته مقام آنها است و بیفزای برای آنها آنچه را تو سزاوار آنی

بِأَضْعَافٍ لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،

به چندین برابر که شماره‌اش نتواند جز تو و جنبش و نیروئی نیست جز به خدای والای بزرگ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى أَطْيَبِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. * مؤلف گوید

و درود خدا بر پاکیزه‌ترین فرستادگان محمد و آل پاکش * * * * *

که علامه مجلسی در بحار از بعض مؤلفات قدمای اصحاب زیارتی برای حضرت امام رضاعلیه السلام نقل کرده که معروف است به جوادیّه و در آخر آن زیارت است که نماز زیارت بجا آور و تسبیح کن و هدیه نما آنرا به آن حضرت پس بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ الدَّائِمُ» و این دعا را تا به آخر نقل کرده پس هرگاه در آن مشهد مقدس آن زیارت را خواندی این دعا را ترک مکن زیارت دیگر زیارتی است که ابن قولویه از بعض ائمه علیهم السلام روایت کرده که فرمودند چون بنزد قبر امام رضاعلیه السلام بروی بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا

خدایا درود فرست بر علی بن موسی الرضا

الْمُرْتَضَى، الْإِمَامِ النَّقِيِّ النَّقِيِّ، وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ

آن امام پسندیده با تقوای پاک و حجت تو بر هر که روی زمین و هر که

تَحْتَ الثَّرَى، الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ، صَلَوةً كَثِيرَةً تَامَةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً

در زیر زمین است آن راستگوی شهید درودی بسیار و تام و تمام و پاکیزه و پیوسته

مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ. زيارت

و بی در پی و دنبال هم مانند بهترین درودی که می فرستی بر یکی از دوستانت * * *

دیگر زیارتی است که شیخ مفید در مُقْنَعَه نقل کرده فرموده می ایستی نزد قبر آن حضرت بعد از آنکه غُسل زیارت کرده باشی و پاکیزه ترین جامه های خود را پوشیده باشی و می گوئی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ

سلام بر تو ای ولی (و نماینده) خدا و فرزند ولی او سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند

حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى وَالْعُرْوَةَ الْوُثْقَى، وَرَحْمَةَ اللَّهِ

حجت او سلام بر تو ای پیشوای هدایت و رشته محکم حق، و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَيَّ مَا مَضَى عَلَيْهِ أَبَاؤُكَ الطَّاهِرُونَ،

و برکاتش نیز بر تو باد گواهی دهم که تو به همان راهی رفتی که پدران پاکت بدان راه رفتند

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ لَمْ تُؤْثِرْ عَمِيَّ عَلَيَّ هُدًى، وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقِّ إِيَّايَ

- درودهای خدا بر ایشان باد - اختیار نکردی کوری (گمراهی) را بر هدایت و تمایل نگشتی از حق بسوی

بَاطِلٍ، وَأَنَّكَ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَأَدَّيْتَ الْأَمَانَةَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ

باطل و تو برآستی خیرخواهی کردی برای خدا و پیامبرش و پرداختی امانت را پس خداوند پاداشت دهد از

الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ خَيْرَ الْجَزَاءِ، أَتَيْتُكَ بِأَبِي وَأُمِّي زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ،

دین اسلام و مسلمانان به بهترین پاداش، آمده ام - پدرم و مادرم به فدایت - به درگاه تو برای زیارت با معرفت به حق

تو

مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ، يَا بَعْجَسْبَانَ

و دوستدارم دوستانت را و دشمنم با دشمنانت پس شفاعت کن از من در نزد پروردگارت * * * * *

خود را به قبر و ببوس آنرا و بگذار دو طرف روی خود را بر آن پس بگرد به

جانب سر و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ

سلام بر تو ای مولا و سرور من ای فرزند رسول خدا و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد گواهی دهم

أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهَادِي، وَالْوَلِيُّ الْمُرْشِدُ، أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ،

که توئی امام راهنما و سرپرست با رشد و هدایت بیزاری جویم بدرگاه خداوند از دشمنانت

وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِوَلَايَتِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و تقرب جویم بدرگاه خدا بوسیله دوستی تو درود خدا و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد

پس دو رکعت نماز زیارت بجا آور و بعد از آن هر چه خواستی نماز کن و بگرد به طرف

پا پس دعا کن به آنچه می خواهی انشاء الله مؤلف گوید که زیارت آن حضرت

در ایام و اوقات شریفه مختصه به آن حضرت فضیلت بسیار دارد خصوصاً در

ماه رجب و بیست و سیّم ذی القعدة و بیست و پنجم آن و ششم ماه رمضان

چنانکه در محلّ خود در اعمال ماهها ذکر شد و غیر این روزها از ایام دیگر که

به آن حضرت اختصاصی دارد و چون خواستی وداع کنی آن حضرت را پس بگو

آنچه را که در وداع حضرت رسول صلی الله علیه وآله می گفتی:

لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ

* قرار ندهد خداوند این

تَسْلِيمِي عَلَيْكَ * و اگر خواستی بگو اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ

سلام را آخرین سلام من بر تو * * * * * سلام بر تو ای نماینده خدا و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ، اَللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي ابْنَ نَبِيِّكَ،

و برکاتش نیز بر تو باد خدایا قرار مده این بار را آخرین بار زیارت من از فرزند پیامبرت

وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَاجْمَعْنِي وَإِيَّاهُ فِي جَنَّتِكَ، وَاحْشُرْنِي مَعَهُ

و حجت تو بر خلقت و گرد آور من و او را در بهشت و محشورم کن با او در

وَفِي حِزْبِهِ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسُنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا،

زمره حزب او با شهیدان و مردان شایسته و آنها نیکو رفیقانی هستند

وَأَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ

و تو را به خدا می سپارم و رعایتت را نسبت به خود خواهانم و سلام بر تو می رسانم، ایمان داریم به خدا

وَبِالرَّسُولِ، وَبِمَا جِئْتَ بِهِ وَدَلَّلْتَ عَلَيْهِ فَكُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ.

و به رسول خدا و بدانچه تو آوردی و بدان راهنمایی کردی پس نام ما را در زمره گواهان ثبت فرما

مؤلف گوید که در اینجا چند مطلب است که شایسته و مناسب است ذکرش
اول بسند معتبر از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقول است که هر که را
بسوی خدا حاجتی بوده باشد پس زیارت کند قبر جدّم حضرت امام رضاعلیه
السلام را در شهر طوس و حال آنکه غسل کرده باشد و نزد سر آن حضرت دو
رکعت نماز بکند و در قنوت نماز حاجت خود را بطلبد پس بدرستیکه مستجاب
می شود مگر آنکه از برای گناهی یا قطع رحمی سؤال کند بدرستیکه موضع
قبر آن حضرت بقعه ای است از بقعه های بهشت و هیچ مؤمنی او را زیارت
نمی کند مگر آنکه حق تعالی او را از آتش جهنّم آزاد می کند و داخل بهشت
می گرداند دوّم علامه مجلسی نقل کرده از خطّ شیخ جلیل شیخ حسین بن
عبدالصّمد والد شیخ بهایی که شیخ ابوالطّیب حسین بن احمد فقیه رازی رحمه
الله ذکر نموده که هر کس زیارت کند حضرت امام رضا یا دیگر از ائمه علیهم
السلام را پس در نزد آن امام به جای آورد نماز جعفر را برای او نوشته شود به
هر رکعتی ثواب کسی که هزار حجّ و هزار عمره بجا آورده باشد و هزار بنده در
راه خدا آزاد کرده باشد و هزار مرتبه به جهاد ایستاده باشد با پیغمبر مرسل و

برای اوست به هر گامی که برمی دارد ثواب صد حجّ و صد عمره و صد بنده آزاد کردن در راه خدای تعالی و نوشته شود برای او صد حسنه و محو شود از او صد سیئه و کیفیت نماز جعفر در اعمال روز جمعه گذشت سیم روایت شده از محوّل سجستانی که چون مأمون طلب کرد امام رضاعلیه السلام را از مدینه به خراسان حضرت به جهت وداع با قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله داخل مسجد شد و مکرّر با قبر آن حضرت وداع می کرد و بیرون می آمد و برمی گشت نزد قبر و در هر دفعه صدای مبارکش به گریه بلند بود من نزدیک آن حضرت رفتم و سلام کردم بر او جواب داد پس تهنیت گفتم او را به آن سفر فرمود مرا زیارت کن همانا من بیرون می شوم از جوار جدّم و می میرم در غربت و دفن می شوم در پهلوی هارون و شیخ یوسف بن حاتم شامی در دُرِّ النّظیم فرموده که روایت کردند جماعتی از اصحاب امام رضاعلیه السلام که آن حضرت فرمود زمانی که من خواستم بیرون بیایم از مدینه بسوی خراسان جمع کردم عیال خود را و امر نمودم ایشان را که بر من گریه کنند تا بشنوم گریه ایشان را پس تقسیم کردم در بین ایشان دوازده هزار دینار و گفتم به ایشان که من بر نمی گردم بسوی عیالم هرگز پس گرفتم ابو جعفر جواد را و بردم او را به مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و گذاشتم دست او را بر کنار قبر و چسبانیدم او را به آن قبر شریف و خواستم حفظ او را به سبب رسول خدا صلی الله علیه و آله و امر کردم جمیع و کیلان و حشم خود را به شنیدن و اطاعت فرمایش او و آنکه مخالفت او را ننمایند و فهمانیدم ایشان را که او قایم مقام من است و سیّد

عبدالکریم بن طاوس روایت کرده که زمانی که مأمون حضرت امام رضا علیه السلام را طلبید از مدینه به خراسان حضرت حرکت فرمود از مدینه بسوی بصره و به کوفه نرفت و از بصره توجّه فرمود بر طریق کوفه به بغداد و از آنجا به قم و داخل قم شد اهل قم پیشباز آن حضرت آمدند و با هم مخاصمه می کردند در باب ضیافت آن حضرت و هر کدام میل داشتند که آن بزرگوار بر او وارد شود حضرت فرمود که شتر من مأمور است یعنی هر کجا او فرود آمد من آنجا وارد می شوم پس آن شتر آمد تا در یک خانه خوابید و صاحب آن خانه در شب آن روز در خواب دیده بود که حضرت امام رضا علیه السلام فردا میهمان او خواهد بود پس چندی نگذشت که آن محل مقام رفیعی گشت و در زمان ما مدرسه معموره است و شیخ صدوق بسند خود از اسحق بن راهویه نقل کرده که گفت چون امام رضا علیه السلام به نیشابور آمد و خواست از آنجا حرکت نماید جمع شدند خدمت آن حضرت اصحاب حدیث و عرض کردند یا بن رسول الله تو از نزد ما می روی و برای ما یک حدیثی نمی فرمایی که ما استفاده کنیم آنرا از جناب تو آن حضرت در عماری نشسته بود سر خود را بیرون نمود و فرمود شنیدم پدرم موسی بن جعفر فرمود شنیدم پدرم جعفر بن محمد فرمود شنیدم پدرم محمد بن علی فرمود شنیدم پدرم علی بن الحسین فرمود شنیدم پدرم حسین بن علی فرمود شنیدم پدرم امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیهم السلام فرمود شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود شنیدم جبرئیل می گفت شنیدم خداوند عزوجل فرمود «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ

عَدَابِي» این حدیث شریف را فرمود و حرکت نمود چون شتر راه افتاد صدا زد
ما را و فرمود بِشْرُو طِيهَا وَ اَنَا مِنْ شُرُو طِيهَا و ابوالصّلت روایت کرده که چون
امام رضا علیه السلام به ده سرخ رسید در وقتی که به نزد مأمون می‌رفت گفتند
یابن رسول الله ظهر شده است نماز نمی‌کنید پس فرود آمد و آب طلبید گفتند
آب همراه نداریم پس بدست مبارک خود زمین را کاوید آنقدر آب جوشید که
آن حضرت و هر که با آن حضرت بود وضو ساختند و اثرش تا امروز باقیست
و چون داخل سناباد شد پشت مبارک خود را گذاشت به کوهی که دیگها از آن
می‌تراشند و فرمود که خداوندا نفع ببخش به این کوه و برکت ده در هرچه در
ظرفی گذارند که از این کوه تراشند و فرمود که از برای آن حضرت دیگها از
سنگ تراشیدند و فرمود که طعام آن حضرت را نپزند مگر در آن دیگها پس از
آن روز مردم دیگها و ظرفها از آن تراشیدند و برکت یافتند چهارم صاحب
مطلع الشّمس نقل کرده که در بیست و پنجم ذی الحجّة سنه هزار و شش شاه
عبّاس اوّل وارد مشهد مقدّس گردید دید که حرم مطهّر را عبدالمؤمن خان
اوزبکی غارت کرده و سوای محجّر طلا دیگر چیزی در آنجا نگذاشته و در
بیست و هشتم ذی الحجّة از مشهد به هرات رفت و هرات را استرداد کرده بعد
از نظم آنجا رجعت به مشهد نمود یک ماه در آنجا توقّف نموده و صحن مقدّس
را مرمت کرده و خدّام بقعه مبارکه را احسان و رعایت فرموده معاودت به عراق
فرمود در اواخر سنه هزار و هشت مجدداً شاه عبّاس به مشهد مقدّس
رفته زمستان را در آنجا گذرانید و خدمت خادم باشی گری آستانه مقدّسه را

خودمقلدومشغول بود چنانچه شبی با مقراض سر شمعها را می گرفت شیخ

بهایی علیه الرحمه بالبدیهة این رباعی را انشاد کرد:

پیوسته بُودَ ملایک علیین

پروانه شمع روضه خُلد آیین

مقراض به احتیاط زن ای خادم

ترسم ببری شهپر جبریل امین

و در سنه هزار و نه بنا به نذری که شاه عباس کرده بود که پیاده به مشهد برود

پیاده به مشهد مشرف گشت و در بیست و هشت روز آن مسافت بعیده را قطع

فرمود صاحب تاریخ عالم آرا این اشعار در این باب نگاشته:

غلام شاه مردان شاه عباس

شه والا گُهر خاقان امجد

بطوف مرقد شاه خراسان

پیاده رفت با اخلاص بیحدّ

تا آنکه گفت:

پیاده رفت شد تاریخ رفتن

ز اصفهان پیاده تا بمشهد (۱۰۰۹)

و چون به مشهد مقدّس رسید صحن مبارک را وسعت داد و ایوان علی شیر که

در گاه روضه متبرّکه از آنجا بوده و در یک گوشه صحن اتّفاق افتاده بود و

بدنما بود در وسط قرار داد و ایوانی مقابل آن در طرف دیگر بساخت و

خیابانی از دروازه غربی شهر تا شرقی طرح کردند که از هر طرف به صحن رسیده از میان ایوانها بگذشت و چشمه‌ها و قنوات احداث کرده به شهر آورد و نهری از میان خیابان و حوضی بزرگ در وسط صحن احداث نمود که آب از حوض گذشته به خیابان شرقی جاری شود و در بناهای مذکور کتیبه‌ها به خط میرزا محمد رضای صدرالکتاب و علیرضای عباسی و محمدرضای امامی رسم شد و هم شاه‌عباس قبه مطهره را به طلا تذهیب کرد چنانچه در کتیبه قبه مطهره به آن اشاره شده و صورت آن کتیبه چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مِنْ عَظَائِمِ تَوْفِيقَاتِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، أَنْ وَفَّقَ السُّلْطَانَ

به نام خدای بخشاینده مهربان از توفیقات بزرگ خدای سبحان این بود که موفق داشت

الْأَعْظَمَ، مَوْلَى مُلُوكِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، صَاحِبِ النَّسَبِ الطَّاهِرِ النَّبَوِيِّ، وَالْحَسَبِ

پادشاه بزرگ و سرور پادشاهان عرب و عجم دارای نسب پاک نبوی

الْبَاهِرِ الْعُلَوِيِّ، تَرَابِ أَقْدَامِ خِدَامِ هَذِهِ الْعَتَبَةِ الْمُطَهَّرَةِ اللَّاهُوتِيَّةِ، غِبَارِ نِعَالِ

و حسب تابناک علوی خاک قدم خدام این عتبه پاکیزه آسمانی و غبار کفشهای زائرین این روضه

زُؤَارِ هَذِهِ الرُّوضَةِ الْمُنُورَةِ الْمَلَكُوتِيَّةِ، مُرُوجِ آثَارِ أَجْدَادِهِ الْمَعْصُومِينَ،

نورانی ملکوتی رواج دهنده آثار اجداد معصومش

السُّلْطَانَ بْنِ السُّلْطَانَ، أَبُو الْمُظْفَرِ شَاهِ عَبَّاسِ الْحُسَيْنِيِّ الْمَوْسَوِيِّ الصَّفْوِيِّ

سلطان پسر سلطان پادشاه پیرومندشاه عباس حسینی موسوی صفوی

بِهَادِرْخَانَ، فَاسْتَسَعَدَ بِالْمَجِيبِيِّ، مَا شِئَاً عَلَى قَدَمَيْهِ مِنْ دَارِ السُّلْطَنَةِ إِصْفَهَانَ،

بهادرخان پس سعادت یافت به آمدن با پای پیاده از پایتخت کشور یعنی اصفهان

إِلَى زِيَارَةِ هَذَا الْحَرَمِ الْأَشْرَفِ، وَقَدْ تَشَرَّفَ بِزِينَةِ هَذِهِ الْقُبَّةِ مِنْ خُلْصِ

به زیارت این حرم شریف و تشرف حاصل کرد به تزیین این گنبد از مال خالص

مَالِهِ فِي سَنَةِ أَلْفٍ وَعَشْرٍ، وَتَمَّ فِي سَنَةِ أَلْفٍ وَسِتِّ وَعَشْرٍ.

خود در سال هزار و ده و اتمام پذیرفت در سال هزار و شانزده

پنجم شیخ طبرسی در اعلام‌الوری بعد از ذکر جمله‌ای از معجزات حضرت امام رضا علیه السلام گفته و اما آنچه ظاهر شده برای مردم از بعد از شهادت آن حضرت تا زمان ما از برکت مشهد مقدس آن حضرت و علامات و عجایبی که مشاهده کردند خلق بسیار و عامّ و خاصّ تصدیق آن نمودند و مخالف و مؤلف اقرار به آن نمودند بسیار بلکه از حدّ حصر خارج است و همانا در آن مشهد مقدّس کور مادرزاد و ابرص شفا یافتند و دعاها مستجاب شده و حاجات برآورده شده و شدائد و مُلِمَّات برطرف شده و ما بسیاری از اینها را خود مشاهده کردیم و علم و یقینی که شک در آن راه نیابد پیدا نمودیم و شیخ اجلّ شیخ حرّ عاملی در اثبات الهداة بعد از نقل این کلام از شیخ طبرسی فرموده که مؤلّف این کتاب محمد بن الحسن الحرّ می‌گوید که من دیدم و مشاهده کردم بسیاری از این معجزات را همچنانکه شیخ طبرسی مشاهده نموده و یقین برای من حاصل شد همچنانکه برای او یقین حاصل شده بود در مدّت مجاورت من در مشهد مقدّس که بیست و شش سال می‌شود و شنیدم چیزهایی در این باب که از حدّ تواتر گذشته و در خاطر ندارم که من دعا کرده باشم در این مشهد و از خدا حاجتی خواسته باشم مگر آنکه برآورده شده الحمدلله و تفصیل را مقام گنجایش ندارد لهذا اکتفا کردیم به اجمال مؤلّف این کتاب عباس قمی گوید که در هر زمان آنقدر کرامات و معجزات از این روضه مقدّسه ظاهر می‌شود که

احتیاج به نقل وقایع گذشته نیست و ما در باب دویم در اعمال شب بیست و هفتم رجب اشاره کردیم به چیزی که مناسب این مقام بود و فعلاً مقام را گنجایش تطویل نیست بهتر آنکه این فصل را به همین جا ختم کنیم و این چند شعر را که از جامی نقل شده در مدح آن حضرت نقل نماییم:

سَلَامٌ عَلٰی آلِ طه وِیس

سَلَامٌ عَلٰی آلِ خَیْرِ النَّبِیِّیْنَ

سلام بر خاندان طه و یاسین

سلام بر خاندان بهترین پیمبران

سَلَامٌ عَلٰی رَوْضَةِ حَلِّ فِیْهَا

اِمَامٌ یُّبَاهِیْ بِهٖ الْمُلُکُ وَالْدِّیْنُ

سلام بر روضه ای که مسکن گرفت در آن

امامی که افتخار کند بدان مُلک و دین

امام بحق شاه مطلق که آمد

حریم درش قبله گاه سلاطین

شه کاخ عرفان گل شاخ احسان

دُرِّ دُرِّجِ امکان مه بُرج تمکین

علیّ بن موسی الرضا کز خدایش

رضا شد لقب چون رضا بودش آیین

ز فضل و شرف بینی او را جهانی

اگر نبود تیره چشم جهان بین
پی عطر رو بند خوران جنت
غبار درش را بگیسوی مشکین
اگر خواهی آری بکف دامن او
برو دامن از هر چه جز اوست بر چین

فصل دهم در زیارت ائمه سرّ من رای علیهم السلام

و اعمال سرداب مطهر و در آن دو مقام است مقام اول در زیارت دو امام معصوم حضرت امام علی نقی و حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیهما چون وارد شدی بسرّ من رای انشاء الله و خواستی زیارت کنی آن دو امام همام علیهما السلام را پس غسل کن و بعد از آن رعایت آداب دخول حریمهای شریفه با تائی و وقار روانه شو تا به در حرم مطهر و اذن دخول عمومی را که در اوایل این باب ذکر شد بخوان پس داخل حرم شو و زیارت کن آن دو بزرگوار را به این الفاظ که اصحّ زیارتست:

السَّلَامُ عَلَیْکُمَا یا وَلِیَّی اللّهِ، السَّلَامُ عَلَیْکُمَا یا حُجَّتِی

سلام بر شما ای دو ولی (و دو نماینده) خدا سلام بر شما ای دو حجت

اللّهِ، السَّلَامُ عَلَیْکُمَا یا نُورِی اللّهِ فی ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَیْکُمَا یا مَنْ

خدا سلام بر شما ای دو نور خدا در تاریکیهای زمین سلام بر شما ای دو بزرگواری که نمایان کرد خداوند

بَدَا لِلَّهِ فِي شَأْنِكُمَا، آتَيْتُكُمَا زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكُمَا، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكُمَا، مُوَالِيًا

اراده‌اش را درباره شما آمده‌ام به زیارتتان با معرفت به حقتان و دشمنم با دشمنانتان و دوست دارم

لِأَوْلِيَاءِكُمَا، مُؤْمِنًا بِمَا آمَنْتُمَا بِهِ، كَافِرًا بِمَا كَفَرْتُمَا بِهِ، مُحَقِّقًا لِمَا

دوستانتان را و مؤمنم به آنچه شما به آن ایمان آوردید و کافرم بدانچه شما بدان کافر شدید حق می‌دانم آنچه را

حَقَّقْتُمَا، مُبْطِلًا لِمَا أَبْطَلْتُمَا، أَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمَا أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي

شما حق دانید و باطل دانم آنچه را شما باطل دانستید درخواست کنم از خدا پروردگار خود و پروردگار شما که قرار

دهد بهره مرا

مِنْ زِيَارَتِكُمَا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي مُرَافَقَتِكُمَا

از زیارت شما دو بزرگوار درود بر محمد و آلش و دیگر آنکه روزی من کند رفاقت شما را

فِي الْجَنَانِ مَعَ آبَائِكُمَا الصَّالِحِينَ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ،

در بهشت با پدران شایسته شما و از او خواهم که آزاد گرداند جانم را از آتش دوزخ

وَيَرْزُقَنِي شَفَاعَتِكُمَا وَمُصَاحَبَتِكُمَا، وَيَعْرِفَ بَيْنِي وَبَيْنِكُمَا، وَلَا

و روزیم گرداند شفاعت شما و همراهی شما را و شناسائی و آشنائی برقرار کند میان من و شما و

يَسْلُبَنِي حُبِّكُمَا وَحُبَّ آبَائِكُمَا الصَّالِحِينَ، وَأَنْ لَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ

از من نگیرد دوستی شما و دوستی پدران شایسته شما را و قرار ندهد این زیارتم را آخرین بار

مِنْ زِيَارَتِكُمَا، وَيَحْشُرَنِي مَعَكُمْ فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ، اَللَّهُمَّ

زیارت شما و محسور گرداند مرا با شما در بهشت به رحمت خود خدایا

ارْزُقَنِي حُبَّهُمَا، وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمَا، اَللَّهُمَّ اَعْنِ ظَالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ

روزیم گردان دوستی این دو بزرگوار را و بمیرانم بر کیش آنان خدایا لعنت کن بر ستم کنندگان به حق آل محمد

حَقَّهُمْ، وَأَنْتَقِمَ مِنْهُمْ، اَللَّهُمَّ اَعْنِ الْاَوْلِيْنَ مِنْهُمْ وَالْاٰخِرِينَ، وَضَاعِفْ

و انتقام گیر از آنها خدایا لعنت کن بر اولین و آخرین آنها و دو چندان کن

عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ، وَابْلُغْ بِهِمْ وَبِاشْيَاعِهِمْ وَمَحَبِّيهِمْ وَمُتَّبِعِيهِمْ اَسْفَلَ

بر آنان عذابت را و برسان آنها را و هم چنین پیروان و دوستان و هم مسلکانشان را به پست‌ترین

دَرْكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ

درجات جهنم که برستی تو بر هر چیز توانائی خدایا شتاب کن در فرج نماینده

وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و جهد می کنی

و فرزند نماینده‌ات و گشایش کار ما را با ظهور و فرج ایشان قرار ده ای مهربانترین مهربانان * * * * *

در دعا کردن از برای خود و پدر و مادر خود و هر دعا که خواهی بکن و اگر توانی به نزدیک قبر ایشان بروی دو رکعت نماز نزد قبر بکن و اگر نتوانی داخل مسجد شو و دو رکعت نماز بکن و هر دعا که خواهی بکن که مستجاب است و این مسجد پهلوی خانه ایشان است و حضرت امام علیّ نقی و امام حسن عسکری علیهما السلام در آن نماز می کرده‌اند مؤلف گوید که این زیارت موافق روایت کامل الزیارة بود و شیخ محمد بن المشهدی و شیخ مفید و شهید نیز این زیارت را در مزار خود نقل کرده‌اند با اختلاف جزئی و بعد از فقره «فی الجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ» فرموده‌اند آنگاه برو و ببنداز خود را بر هر یک از آن دو قبر و بیوس آن را و بگذار طرف راست و چپ روی خود را بر قبر و بعد از آن سر بردار و بگو «اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّهُمْ وَتَوَفَّنِي عَلٰی مِلَّتِهِمْ» تا آخر زیارت که گذشت پس گفته‌اند که چهار رکعت نماز بگذار نزدیک سر مقدّس و بعد از نماز زیارت هر قدر نماز که خواهی بگذار «الخ» و مستور نمازد که آن دو بزرگوار در خانه خود دفن شدند و برای آن دری بود که گاهی باز می کردند و شیعیان داخل می شدند و در نزد قبر زیارت می کردند و گاهی بسته بود و از بیرون مقابل شبّاکی که در دیوار مقابل قبر مطهّر بود زیارت می کردند و در صدر

همین خبر زیارت مذکور است که غسل می‌کنی و به نزد قبر ایشان می‌روی
اگر توانی رفت و اگر نه اشاره می‌کنی بسلام مقابل شبکه که باز می‌شود
بسوی قبر و چنین زائر نماز زیارت خود را در مسجد بکند و چون به همت
موالیان آن خانه برداشته شد و به جای آن قبّه و حرم و رواق و ایوان ساخته
شد آن مسجد داخل در حرم شد و الآن معروف است که ایوان مستطیل که در
صحن پشت سر عسکریین علیهما السلام است متصل است به رواق همان مسجد
مذکور است [بلکه نقل شده که رواق پشت سر مقدّس و یک ذرع از حرم
مطهر نیز مسجد است] بهر حال زوّار از این جهت آسوده شدند و برای آن دو
بزرگوار زیارت مخصوصه بهر کدام و مشترک میان هر دو بزرگوار در کتب
مزاریّه مذکور است اگر راغب شدند نسخه آن بسیار است و اگر زائر را حالی
و مجالی باشد مناسب است که زیارت جامعه کبیره را که بعد از این مذکور
گردد انشاءالله تعالی بخواند زیرا که صدور آن کلمات بلیغه دارای تمام مراتب
اظهار بندگی و تذلل و اعتراف به عظمت و جلالت ائمه از مصدر جلال حضرت
هادی علیه السلام است و سیّد بن طاوس در مصباح الزائر برای هر یک از این
دو بزرگوار زیارت مبسوطه با صلوات بر ایشان و دعای بعد از نماز زیارت
نقل کرده که شایسته است نقل آن اگر چه موجب تطویل است زیرا که فواید
بسیار در آن مندرج است فرمود هرگاه رسیدی به سرّ من رأی غسل کن در
وقت رسیدن غسل زیارت و بپوش پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را و روانه شو با

تأتی و وقار تا برسی بر در حرم شریف آنگاه که رسیدی طلب رخصت کن و
بگو:

ءَاَدْخُلُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، ءَاَدْخُلُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، ءَاَدْخُلُ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءُ سَيِّدَةَ

آیا داخل شوم ای پیغمبر خدا آیا داخل شوم ای امیر مؤمنان آیا داخل شوم ای فاطمه زهرا

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، ءَاَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، ءَاَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ

بانوی زنان جهانیان آیا داخل شوم ای مولا و سرورم ای حسن بن علی آیا داخل شوم ای مولایم

الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، ءَاَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، ءَاَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ مُحَمَّدَ

ای حسین بن علی آیا داخل شوم ای مولایم علی بن حسین آیا داخل شوم ای مولایم محمد

بْنَ عَلِيٍّ، ءَاَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، ءَاَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ مُوسَى بْنَ

بن علی آیا داخل شوم ای مولایم جعفر بن محمد آیا داخل شوم ای مولایم موسی بن

جَعْفَرَ، ءَاَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى، ءَاَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ مُحَمَّدَ بْنَ

جعفر آیا داخل شوم ای مولایم علی بن موسی آیا داخل شوم ای مولایم محمد بن

عَلِيٍّ، ءَاَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، ءَاَدْخُلُ يَا

علی آیا داخل شوم ای مولایم ای ابا الحسن علی بن محمد آیا داخل شوم ای

مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، ءَاَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُؤَكَّلِينَ

مولایم ای ابا محمد حسن بن علی آیا داخل شوم ای فرشتگان خدا

بِهَذَا الْحَرَمِ الشَّرِيفِ. پس داخل شو و در وقت داخل شدن پای راست را مقدم

که به این حرم شریف گماشته شده‌اید * * * * *

دار و بایست نزد ضریح حضرت علی هادی علیه السلام رو به قبر و پشت به

قبله و صد مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** بگو و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الزَّكِيَّ الرَّاشِدَ، النُّورَ

سلام بر تو ای اباالحسن علی بن محمد (امام) پاکیزه راهبر، و روشنی

الثَّاقِبَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ

درخشان و رحمت خدا و برکاتش سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام

عَلَيْكَ يَا سِرَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آلَ اللَّهِ،

بر تو ای راز (دار) خدا سلام بر تو ای رشته (محکم) خدا سلام بر تو ای (که در زمره) خاندان خدا (هستی)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای انتخاب شده خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو

يَا أَمِينَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَقَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ،

ای امانتدار خدا سلام بر تو ای شایسته (درگاه) خدا سلام بر تو ای حبیب خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ الْأَنْوَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْأَبْرَارِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای روشنی روشننها سلام بر تو ای زیور نیکان سلام

عَلَيْكَ يَا سَلِيلَ الْأَخْيَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عُنْصَرَ الْأَطْهَارِ، السَّلَامُ

بر تو ای فرزند نیکان سلام بر تو ای عنصر پاکان سلام

عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رُكْنَ الْإِيمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای حجت خدای رحمان سلام بر تو ای رکن ایمان سلام بر تو

يَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وِلَى الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای سرور مؤمنان سلام بر تو ای سرپرست شایستگان سلام بر تو

يَا عِلْمَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَلِيفَ التَّقَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ

ای پرچم هدایت سلام بر تو ای ملازم تقوی و پرهیزکاری سلام بر تو ای استوانه

الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدِ

دین سلام بر تو ای فرزند خاتم پیامبران سلام بر تو ای فرزند آقای

الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

اوصیاء سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا بانوی زنان جهانیان

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمِينُ الْوَفِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الرِّضِيُّ

سلام بر تو ای امانتدار باوفا سلام بر تو ای پرچمدار پسندیده (دین)

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الزَّاهِدُ التَّقِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحُجَّةُ عَلَى

سلام بر تو ای پارسای با تقوی سلام بر تو ای حجت بر

الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّالِي لِلْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

همه خلق سلام بر تو ای تلاوت کننده (یا هم تلو) قرآن سلام بر تو ای

الْمُبَيِّنُ لِلْحَلَالِ مِنَ الْحَرَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، السَّلَامُ

بیان کننده حلال از حرام سلام بر تو ای سرپرست خیرخواه سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّجْمُ اللَّائِحُ، أَشْهَدُ

بر تو ای راه روشن سلام بر تو ای اختر درخشان گواهی دهم

يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَنْكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَخَلِيفَتُهُ فِي

ای مولای من ای ابا الحسن که بطور مسلم توئی حجت خدا بر خلقش و جانشین او در

بَرِيَّتِهِ، وَأَمِينُهُ فِي بِلَادِهِ، وَشَاهِدُهُ عَلَى عِبَادِهِ، وَأَشْهَدُ أَنْكَ كَلِمَةُ

آفریدگانش و امین او در شهرهایش و گواه او بر بندگانش و گواهی دهم که توئی روح و حقیقت

التَّقْوَى، وَبَابُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى مَنْ فَوْقَ

تقوی و درگاه هدایت و رشته محکم حق و حجت بر هر که روی

الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ، الْمُبْرَأُ

زمین و هر که در زیر زمین است و گواهی دهم که تو پاکی از گناهان و مبرا هستی

مِنَ الْعُيُوبِ، وَالْمُخْتَصَّ بِكَرَامَةِ اللَّهِ، وَالْمَحْبُوبُ بِحُجَّةِ اللَّهِ، وَالْمَوْهُوبُ

از عیبها و مخصوص به کرامت خدا و اختصاص یافته به مرتبه حجت بودن خدا و به او بخشیده شده

لَهُ كَلِمَةُ اللَّهِ، وَالرُّكْنُ الَّذِي يُلْجَأُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ، وَتُحْيَى بِهِ الْبِلَادُ، وَأَشْهَدُ

کلمه خدا و آن رکن و پایه‌ای که بندگان خدا به او پناه برند و زنده شود بوسیله‌اش شهرها و گواهی دهم

يَا مَوْلَايَ أَنِّي بَكَ وَبِأَبَائِكَ وَأَبْنَائِكَ مُوقِنٌ مُقَرَّرٌ، وَلَكُمْ تَابِعٌ فِي ذَاتِ

ای مولای من که من نسبت به تو و به پدران و فرزندانم یقین و اقرار دارم و پیرو شمایم در مورد

نَفْسِي، وَشَرَايِعِ دِينِي، وَخَاتِمَةِ عَمَلِي، وَمُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ وَأَنْتَى وَلِيِّ

خودم و قوانین و احکام دینم و سرانجام کردارم و جای بازگشت و منزلگاهم و من دوستدارم

لِمَنْ وَالِاَكْمُ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمُ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَا نِيَّتِكُمْ، وَأَوْلِيكُمْ

کسی که شما را دوست دارد و دشمنم با کسی که شما را دشمن دارد ایمان دارم به راز درونی و آشکارتان و آغاز

وَأَخْرِكُمْ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. پس

و انجامتان پدر و مادرم به فدایتان و سلام و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد * * *

بپسوس ضریح را و بگذار روی راست را بر آن پس طرف چپ رُو را بگذار و بگو: اَللّهُمَّ

* * * * * خدایا

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَيَّ حُجَّتِكَ الْوَفِيِّ، وَوَلِيِّكَ

درود فرست بر محمد و آل محمد و درود فرست بر حجت با وفایت و نماینده

الزَّكِيِّ، وَأَمِينِكَ الْمُتْرَضِيِّ، وَصَفِيِّكَ الْهَادِي وَصِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ،

پاکت و امانتدار پسندیده‌ات و برگزیده راهنمایت و راه راست

وَأَلْجَادَةِ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةِ الْوَسْطَى، نُورِ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَلِيِّ

و بزرگترین جاده و معتدل‌ترین طریقه، روشنی دل‌های مردمان با ایمان و سرور

الْمُتَّقِينَ، وَصَاحِبِ الْمُخْلِصِينَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ

پرهیزکاران و یار مردمان با اخلاص خدایا درود فرست بر آقای ما محمد و خاندانش

بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَيَّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّاشِدِ الْمَعْصُومِ مِنَ الزَّلَلِ،

و درود فرست بر علی بن محمد آن راهبر معصوم از گناه و لغزش

وَالطَّاهِرِ مِنَ الْخَلَلِ، وَالْمُنْقَطِعِ إِلَيْكَ بِالْأَمَلِ، الْمَبْلُوءُ بِالْفِتَنِ، وَالْمُخْتَبَرِ

و پاک از عیب و خلل و آنکه آرزوی خود را از خلق بسوی تو بریده آن مبتلا به آشوبها و آزموده

بِالْمَحَنِ، وَالْمُمْتَحَنِ بِحُسْنِ الْبَلْوَى، وَصَبْرِ الشَّكْوَى، مُرْشِدِ عِبَادِكَ،

به محتتها و امتحان شده به آزمایش نیکو و بردباری در شکایت مرشد بندگانت

وَبَرَكَاتَةِ بِلَادِكَ، وَمَحَلِّ رَحْمَتِكَ وَمُسْتَوْدَعِ حِكْمَتِكَ، وَالْقَائِدِ إِلَى

و برکت شهرهایت و محل رحمتت و جای سپردن حکمتت و پیشرو بسوی

جَتِّكَ، الْعَالَمِ فِي بَرِّيَّتِكَ، وَالْهَادِي فِي خَلِيقَتِكَ، الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ

بهشت، دانشمند در میان خلقت و راهنمای در آفریدگانت آن کس که پسندش کردی

وَأَنْتَجَبْتَهُ وَأَخْتَرْتَهُ لِمَقَامِ رَسُولِكَ فِي أُمَّتِهِ، وَأَلْزَمْتَهُ حِفْظَ شَرِيعَتِهِ،

و برگزیدی و انتخابش کردی برای جانشینی پیامبرت در میان امتش و ملزمش کردی برای نگهداری شریعت آن حضرت

فَأَسْتَقِلَّ بِأَعْبَاءِ الْوَصِيَّةِ نَاهِضاً بِهَا، وَمُضْطَبِعاً بِحَمْلِهَا، لَمْ يَعْتُرْ فِي

و او نیز به تنهایی بار سنگین جانشینی را بدوش کشید و از جا بلند کرد و توانا بود بر حمل آن نلغزید در هیچ

مُشْكِلٍ، وَلَا هَفَافِي مُعْضِلٍ بَلْ كَشَفَ الْعُمَةَ، وَسَدَّ الْفُرْجَةَ، وَأَدَّى

پیش آمد مشکلی و نه در هیچ کار پیچیده‌ای بلکه هر اندوهی را برطرف کرد و هر رخنه‌ای را بریست و انجام داد

الْمُقْتَرَضِ، اللَّهُمَّ فَكَمَا أَقْرَرْتَ نَاطِرَ نَبِيِّكَ بِهِ فَرَقَهُ دَرَجَتَهُ، وَأَجْزَلُ

هر واجبی را خداپا چنانچه دیده پیغمبرت را بدو روشن کردی پس درجه‌اش را بالا ببر و پاداشش را

لَدَيْكَ مَتُوبَتَهُ، وَصَلِّ عَلَيْهِ، وَبَلِّغُهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَاماً، وَأَتِنَا مِنْ لَدُنْكَ

نزد خود شایان گردان و درود فرست بر او و برسان به آن حضرت از طرف ما تحیت و سلامی و بده به ما

فِي مُوَالَاتِهِ فَضْلاً وَإِحْسَاناً، وَمَغْفِرَةً وَرِضْوَاناً، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ

در دوستی او از نزد خویش فضل و احسان و آمرزش و خوشنودیت را که براستی تو دارای فضل

الْعَظِيمِ. پس نماز زیارت بگذار و چون سلام دادی بگو: يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ،

بزرگی هستی * * * * * ای دارای قدرت کامل (از همه جهت)

وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ، وَالْمِنَّةِ الْمُتَتَابِعَةِ، وَالْأَلَاءِ الْمُتَوَاتِرَةِ، وَالْأَيَادِي

و رحمت فراخ و عطاهای دنبال هم و نعمتهای پی‌درپی و دستگیریهای

الْجَلِيلَةِ، وَالْمَوَاهِبِ الْجَزِيلَةِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِينَ،

بزرگ و بخششهای شایان درود فرست بر محمد و آل محمد آن راستگویان بزرگوار

وَأَعْطِنِي سُؤْلِي، وَاجْمَعْ شَمْلِي، وَلَمْ شَعْنِي، وَزَكِّ عَمَلِي، وَلَا تُزِغْ

و بده به من خواسته‌ام را و گردآور پراکندگیم را و اصلاح کن پریشانیم را و پاک گردان عملم را و منحرف ساز

قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، وَلَا تُزِلَّ قَدَمِي، وَلَا تَكْلُنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةً

دلم را پس از اینکه راهنماییم کردی و نلغزان گامم را و وامگذار مرا بخودم چشم

عَيْنِ اَبَدًا، وَلَا تُخَيِّبْ طَمَعِي، وَلَا تُبَدِّلْ عَوْرَتِي، وَلَا تَهْتِكْ سِتْرِي، وَلَا

برهمزدنی هرگز و محروم مکن طمع و آرزویم را و سرپوش از عیوبم برمدار و پردهام را مدران و

تُوْحِشْنِي وَلَا تُؤَيِّسْنِي، وَكُنْ بِي رُوْفًا رَحِيْمًا، وَاهْدِنِي وَزَكِّئْنِي

به وحشتم گرفتار مکن و نومیدم مکن و نسبت به من رؤوف و مهربان باش و هدایتم کن و پاک

وَطَهِّرْنِي وَصَفِّئْنِي وَاصْطَفِنِي، وَخَلِّصْنِي وَاسْتَخْلِصْنِي وَاصْنَعْنِي

و پاکیزه‌ام کن و صفایم ده و برگزینم و نجاتم ده و خالصم گردان و کامل و آراسته‌ام کن

وَاصْطَنْعْنِي، وَقَرِّبْنِي اِلَيْكَ وَلَا تُبَاعِدْنِي مِنْكَ، وَاطْفُ بِي وَلَا

و به ادب خود مؤدبم کن و به خودت نزدیکم کن و از خود دورم مکن و به من لطف فرما و

تَجْفِنِي، وَاکْرِمْنِي وَلَا تُهِنِّي، وَمَا اَسْئَلُكَ فَلَآ تَحْرِمْنِي وَمَا لَا اَسْئَلُكَ

مورد بی‌لطفی و جفا قرارم مده و گرامیم بدار و خواری به من روا مدار و آنچه از تو خواهم محروم مفرما و آنچه را

نخواهم

فَاَجْمَعُهُ لِي، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، وَاسْئَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ

برایم گرد آر به مهرت ای مهربانترین مهربانان و از تو خواهم به حرمت ذات

الْكَرِيْمِ، وَبِحُرْمَةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِحُرْمَةِ اَهْلِ

گرامیت و به حرمت پیامبرت محمد - که درودهای تو بر او و آتش باد - و به حرمت خاندان

بَيْتِ رَسُوْلِكَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٍّ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِيٍّ

پیامبرت: امیر مؤمنان - علی - و حسن و حسین و علی

وَمُحَمَّدٍ، وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى، وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ، وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ، وَالْخَلْفِ

و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و آن یادگار

الْبَاقِي صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ، وَتُعَجِّلَ

بازمانده - که درودهای تو و برکات بر ایشان باد - که درود فرستی بر همه ایشان و شتاب کنی

فَرَجَ قَائِمِهِمْ بِاَمْرِكَ، وَتَنْصُرَهُ وَتَنْتَصِرَ بِهِ لِدِيْنِكَ، وَتَجْعَلْنِي فِي

در ظهور و فرج قائم ایشان که به فرمان تو قیام کند و یاریش کنی و یاری کنی بوسیله او دین خود را و قرار دهی

جُمَّلَةَ النَّاجِينَ بِهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَتِهِ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّهِمْ لَمَّا

مرا در زمره نجات یافتگان بدو و اخلاص و رزاق در فرمانبرداریش و از تو خواهم به حق ایشان که

اسْتَجَبْتَ لِي دَعْوَتِي، وَقَضَيْتَ لِي حَاجَتِي، وَأَعْطَيْتَنِي سُؤْلِي،

دعایم را به اجابت رسانی و حاجتم را برآوری و خواسته‌ام را به من عطا کنی

وَكَفَيْتَنِي مَا أَهْمَنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا

و مهم کارهای دنیا و آخرت را کفایت کنی ای مهربانترین مهربانان ای

نُورُ يَا بُرْهَانَ، يَا مُنِيرُ يَا مُبِينُ، يَا رَبَّ اكْفِنِي شَرَّ الشُّرُورِ، وَأَفَاتِ

روشنی و ای دلیل بر آن ای روشنی بخش ای آشکار کننده پروردگارا کفایت کن مرا از شر هر شری و هم از آفت‌های

الدُّهُورِ، وَأَسْأَلُكَ النَّجَاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ. و دعا کن برای هر چه خواهی

روزگار و از تو خواهم نجات و رهائی را در روزی که دمیده شود در صور * * * * *

و بسیار بگو: يَا عِدَّتِي عِنْدَ الْعُدَدِ، وَيَا رَجَائِي وَالْمُعْتَمِدَ، وَيَا كَهْفِي

* * * * * ای ذخیره من در برابر ذخیره‌ها و ای امید من و تکیه‌گاهم و ای پناهگاه

وَالسَّنْدَ، يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ، وَيَا قُلَّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ

و پشت و پناهم ای یگانه ای یکتا و ای که درباره خود فرمودی: بگو خدا یکی است، از تو خواهم خدایا به حق

خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَلَمْ تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَدًا، صَلِّ عَلَيَّ

هر که را از آفریدگانت خلق کردی و هیچکس را مانند آنها در میان آفریدگانت قرار ندادی درود فرست بر

جَمَاعَتِهِمْ، وَأَفْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا و به جای این کلمه حاجت بخواه همانا روایت

شده از آن حضرت که

* * * * * گروه آنها و درباره من چنین و چنان کن * * * * *

فرمود من از خداوند عزوجل خواسته‌ام که نا امید برنگرداند کسی را که بخواند

این دعا را در روزه من بعد از من.

زیارت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

شیخ به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده که فرمود قبر من در سُرَّ مَنْ رَأَى امان است از برای اهل دو جانب از بلاها و عذاب خدا مجلسی اول اهل دو جانب را به شیعیه و سنی معنی کرده و فرموده که برکت آن حضرت دوست و دشمن را احاطه فرموده است چنانکه قبر کاظمین علیهما السلام سبب امان بغداد شد الخ و سید بن طاوس فرموده چون خواستی زیارت کنی حضرت عسکری علیه السلام را بجا آور جمیع آنچه را که در زیارت پدرش حضرت هادی علیه السلام بجا می آوردی پس بایست نزد ضریح آن حضرت و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ

* سلام بر تو ای مولا و سرور من

يَا اَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْهَادِيَ الْمُهْتَدِيَّ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،

ای ابا محمد حسن بن علی هادی راه یافته و رحمت خدا و برکاتش نیز بر تو باد

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ اَوْلِيَّائِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ

سلام بر تو ای ولی و نماینده خدا و فرزند اولیاء او سلام بر تو ای حجت خدا

وَابْنَ حُجَجِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ وَابْنَ اَصْفِيَّائِهِ، السَّلَامُ

و فرزند حجت‌های خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا و زاده برگزیدگانش سلام

عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَابْنَ خُلَفَائِهِ وَابَا خَلِيفَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

بر تو ای جانشین خدا و فرزند جانشینانش و پدر جانشین او سلام بر تو ای فرزند

خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

خاتم پیمبران سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیاء سلام بر تو ای

بَنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ

فرزند امیر مؤمنان سلام بر تو ای فرزند بانوی زنان جهانیان سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ الْاَئِمَّةِ الْهَادِيْنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْاَوْصِيَاءِ

بر تو ای فرزند امامان راهنما سلام بر تو ای فرزند اوصیای

الرَّاشِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ

با رشد و هدایت سلام بر تو ای نگهبان پرهیزکاران سلام بر تو ای پیشوای

الْفَائِزِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رُكْنَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَارَجَ

رستگاران سلام بر تو ای پایه و رکن اهل ایمان سلام بر تو ای گشایش‌ده

الْمُلْهُوفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْأَنْبِيَاءِ الْمُتَجَبِّينَ، السَّلَامُ

اندوهناکان سلام بر تو ای وارث پیامبران برگزیده سلام

عَلَيْكَ يَا خازِنَ عِلْمٍ وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي

بر تو ای خزینه‌دار علم وصی رسول خدا سلام بر تو ای دعوت کننده

بِحُكْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاطِقُ بِكِتَابِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

به حکم خدا سلام بر تو ای گوئیای به کتاب خدا (قرآن) سلام بر تو ای

حُجَّةَ الْحُجَجِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا هَادِيَ الْأُمَّمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ

حجت حجت‌های الهی سلام بر تو ای راهنمای ملت‌ها سلام بر تو ای واسطه

النِّعَمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْبَةَ الْعِلْمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ الْحِلْمِ،

و سرپرست نعمتها سلام بر تو ای گنجینه دانش سلام بر تو ای کشتی حلم و بردباری

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْأَمَامِ الْمُتَنْظِرِ الظَّاهِرَةِ لِلْعَاقِلِ حُجَّتُهُ، وَالثَّابِتَةِ

سلام بر تو ای پدر امام منتظر آنکس که حجت و نشانه‌اش برای شخص خردمند آشکار و

فِي الْيَقِينِ مَعْرِفَتُهُ، الْمُحْتَجِّبِ عَنْ أَعْيُنِ الظَّالِمِينَ، وَالْمُعَيَّبِ عَنْ

معرفتش به یقین ثابت و مسلم است آنکه در پرده است از دیده ستمکاران و آن غایب و پنهان از

دَوْلَةِ الْفَاسِقِينَ، وَالْمُعِيدِ رَبُّنَا بِهِ الْأِسْلَامَ جَدِيدًا بَعْدَ الْأَنْطِمَاسِ،

حکومت و دولت اهل فسق و عصیان و آنکس که پروردگار ما بوسیله‌اش دین اسلام را بصورت تازه و نوی بازگرداند

پس از

وَالْقُرْآنَ غَضًّا بَعْدَ الْأَنْدِرَاسِ، أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ،

فرسودگی و قرآن را تر و تازه باز آرد پس از کهنگی گواهی دهم ای سرور من که برآستی تو برپاداشتی نماز را

وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَدَعَوْتَ إِلَى

و پرداختن زکات را و امر کردی به معروف و نهی کردی از منکر (کار زشت) و دعوت کردی

سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا، حَتَّى

مردم را به راه پروردگارت به فرزانتگی و پند نیک و پرستش کردی خدا را از روی اخلاص تا

أَتَيْتَ الْيَقِينَ، أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يَقْبَلَ زِيَارَتِي

مرگت فرا رسید از خدا خواهم بدان منزلت و مقامی که شما در نزد او دارید که بپذیرد زیارتی را که من

لَكُمْ، وَيَشْكُرَ سَعْيِي إِلَيْكُمْ، وَيَسْتَجِيبَ دُعَائِي بِكُمْ، وَيَجْعَلَنِي مِنْ

از شما کردم و قدردانی کند از سعی و کوششم برای رسیدن به درگاه شما و اجابت کند دعایم را بوسیله شما و قرارم

دهد

أَنْصَارِ الْحَقِّ وَأَتْبَاعِهِ، وَأَشْيَاعِهِ وَمَوَالِيهِ وَمُحِبِّيهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

از یاوران حق و پیروان و همراهان و دوستان و دوست دارانش و سلام بر تو

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. پس ببوس ضریحش را و بگذار طرف راست صورت خود

و رحمت خدا و برکاتش *****

را بر آن پس طرف چپ را گذار و بگو: اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ،

***** خدایا درود فرست بر آقای ما محمد و خاندانش *****

وَصَلِّ عَلَي الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَادِي إِلَى دِينِكَ، وَالِدَاعِي إِلَى

و درود فرست بر حسن بن علی آن راهنمای بسوی دین تو و دعوت کننده بسوی

سَبِيلِكَ، عَلَمِ الْهُدَى، وَمَنَارِ التَّقَى، وَمَعْدِنِ الْحِجَى، وَمَاوَى الثُّهَى،

راه تو پرچم هدایت و مشعل تقوی و کان عقل و جایگاه فرزانتگی و خرد

وَعَيْثِ الْوَرَى، وَسَحَابِ الْحِكْمَةِ، وَبَحْرِ الْمَوْعِظَةِ، وَوَارِثِ الْأُمَّةِ،

و باران رحمت مردم و ابر (ریزان) حکمت و دریای پند و وعظ و وارث امامان

وَالشَّهِيدِ عَلَي الْأُمَّةِ، الْمَعْصُومِ الْمُهَذَّبِ، وَالْفَاضِلِ الْمُقْرَبِ،

و گواه بر امت، آن معصوم از گناه و پاکیزه و فاضل مقرب درگاه

وَالْمُطَهَّرِ مِنَ الرَّجْسِ، الَّذِي وَرَّثْتَهُ عِلْمَ الْكِتَابِ، وَأَلْهَمْتَهُ فَصْلَ

و پاک از پلیدی، آن کس که علم کتاب خود (قرآن) را به او ارث دادی و طریقه جدا کردن بین حق و باطل

الْخِطَابِ، وَصَبَّيْتَهُ عِلْمًا لِأَهْلِ قَبِيلَتِكَ، وَقَرَنْتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِكَ،

و داوری آن را به او الهام فرمودی و او را پرچم و نشانه اهل قبله خود قرار دادی مقرون ساختی فرمانبرداری او را به

وَقَرَضْتَ مَوَدَّتَهُ عَلَى جَمِيعِ خَلِيقَتِكَ اللَّهُمَّ فَكَمَا أَنَابَ بِحُسْنِ

فرمانبرداری خود و واجب کردی دوستیش را بر همه آفریدگانت خدایا چنانچه او دل بست با

الْأَخْلَاصِ فِي تَوْحِيدِكَ، وَأَرَدَى مِنْ خَاضَ فِي تَشْبِيهِكَ، وَحَامَى

اخلاصی پاک در توحید تو و محکوم کرد کسی را که در اندیشه تشبیه تو (به مخلوق) فرو رفته بود و حمایت کرد

عَنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ بِكَ، فَصَلِّ يَا رَبِّ عَلَيْهِ صَلَوةً يَلْحَقُ بِهَا مَحَلَّ

از ایمان دارندگان به تو پس درود فرست پروردگارا بر او درودی که او را به جایگاه

الْخَاشِعِينَ، وَيَعْلُو فِي الْجَنَّةِ بِدَرَجَةِ جَدِّهِ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَبَلَّغَهُ مِنَّا

خشوع کنندگان و فروتنان درگاهت رساند و برساند او را بدرجه جدش خاتم پیمبران و برسان به او از جانب من

تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَأَتْنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مَوَالَاتِهِ فَضْلًا وَإِحْسَانًا، وَمَغْفِرَةً

تحیت و سلامی و بده به ما از نزد خویش در دوستیش برتری و احسان و آمرزش

وَرِضْوَانًا، إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ، وَمَنْ جَسِيمٌ. پس نماز زیارت بجا آور و چون

و خشنودی خود را که براستی تو دارای فضلی بزرگ و نعمتی گرانمایه هستی * * * * *

فارغ شدی بگو: يَا دَائِمُ يَا دَيْمُومُ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا كَاشِفَ الْكُرْبِ

* * * * * ای همیشگی و ای پاینده و ای زنده ای همیشه پابرجا ای برطرف کن گرفتاری

وَالْهَمِّ، وَيَا فَارِجَ الْغَمِّ، وَيَا بَاعِثَ الرُّسُلِ، وَيَا صَادِقَ الْوَعْدِ، وَيَا حَيُّ

و اندوه و ای زداینده غم و غصه ای برانگیزنده رسولان و ای راست وعده و ای زنده ای که

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ، وَوَصِيِّهِ عَلِيٍّ ابْنِ عَمِّهِ،

معبودی جز تو نیست توسل جویم بدرگاه تو بوسیله حبیبیت محمد و وصیش علی عموزاده

وَصَهْرِهِ عَلِيٍّ ابْنَتِهِ، الَّذِي خَتَمْتَ بِهِمَا الشَّرَائِعَ، وَقَتَحْتَ بِهِمَا

و شوهر دخترش آن دو بزرگواری که پایان دادی به آن دو مذاهب را و گشودی به آن دو

التَّأْوِيلَ وَالطَّلَابِعَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمَا صَلَوَةً يَشْهَدُ بِهَا الْأَوْلَادُونَ

تأویل و رازهای سر بسته قرآن را پس درود فرست بر آن دو درودی که گواهی دهند بدان پیشینیان

وَالْآخَرُونَ، وَيَنْجُوبُهَا الْأَوْلِيَاءُ وَالصَّالِحُونَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَاطِمَةَ

و پسینیان و نجات یابند به آن دوستان تو و شایستگان درگاهت و توسل جویم بدرگاهت بوسیله فاطمه

الزَّهْرَاءِ وَالِدَةِ الْأَيْمَةِ الْمُهْدِيَيْنِ، وَسَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، الْمُسْتَفْعَةَ

زهراء مادر امامان راه یافته و بانوی زنان جهانیان آنکه شفاعتشی

فِي شِيعَةِ أَوْلَادِهَا الطَّيِّبِينَ، فَصَلِّ عَلَيْهَا صَلَوَةً دَائِمَةً أَبَدَ الْأَبْدِينَ،

پذیرفته است درباره شیعیان فرزندان پاکش درود فرست بر او درودی همیشگی و جاویدان و تا برپا است

وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِالْحَسَنِ الرَّضِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ،

روزگار و توسل جویم بدرگاهت بوسیله حسن مجتبی آن امام پاک پاکیزه

وَالْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الْمَرْضِيِّ الْأَبْرَ التَّقِيِّ، سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ

و حسین مظلوم آن امام پسندیده و نیکوکار با تقوی دو آقای جوانان اهل بهشت

الْأَمَامَيْنِ الْخَيْرَيْنِ الطَّيِّبِينَ، التَّقِيَيْنِ النَّقِيِّينِ، الطَّاهِرَيْنِ الشَّهِيدَيْنِ،

آن دو امام برگزیده پاکیزه با تقوای بی عیب و پاک و آن دو شهید

الْمَظْلُومَيْنِ الْمُقْتُولَيْنِ، فَصَلِّ عَلَيْهِمَا مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمَا غَرَبَتْ،

مظلوم کشته (راه حق) پس درود فرست بر آن دو تا هرگاه که (جهانی برپا است و) سرزند و غروب کند خورشیدی

صَلَوَةً مُتَوَالِيَةً مُتَسَالِيَةً، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

درودی پشت سر هم و بی درپی و توسل جویم بدرگاهت به علی بن الحسین

سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، الْمَحْجُوبِ مِنْ خَوْفِ الظَّالِمِينَ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ،

آقای عبادت کنندگان و مستور از ترس ستمکاران و به محمد بن علی

الْبَاقِرِ الطَّاهِرِ النُّورِ الزَّاهِرِ، الْأَمَامَيْنِ السَّيِّدَيْنِ، مُفْتَحِي الْبَرَكَاتِ،

باقر آن امام پاک و آن روشنی تابناک آن دو امام بزرگ کلید هر برکت

وَمَصْبَاحِي الظُّلُمَاتِ، فَصَلِّ عَلَيْهِمَا مَا سَرَى لَيْلٌ، وَمَا أَضَاءَ نَهَارٌ،

و چراغ هر تاریکی و ظلمت درود فرست بر آنها تا بگذرد شبی و بتابد روزی

صَلْوَةً تَغْدُو وَتَرُوحُ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَنِ

درودی در بامداد و پسین و توسل جویم بدرگاهت بوسیله جعفر بن محمد آن راستگوی از طرف

اللَّهِ، وَالنَّاطِقِ فِي عِلْمِ اللَّهِ، وَبِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ فِي نَفْسِهِ،

خدا و گویای دانش خدا و به موسی بن جعفر آن بنده‌ای که خودبخود شایسته و صالح بود

وَأَوْصِي النَّاصِحِ، الْأَمَامِينَ الْهَادِيَيْنِ الْمُهْدِيَيْنِ، الْوَافِيِّنِ الْكَافِيَيْنِ،

و آن وصی خیرخواه که هر دوی آنها دو امام راهنمای راه یافته و وافی و کافی بودند

فَصَلِّ عَلَيْهِمَا مَا سَبَّحَ لَكَ مَلَكٌ، وَتَحَرَّكَ لَكَ فَالَكَ صَلْوَةً تُنْمِي

پس درود فرست بر آن دو تا هرگاه که تسبیح کند فرشته‌ای و در جنبش باشد به فرمانت فلکی، درودی با برکت

وَتَزِيدُ وَلَا تَفْنِي وَلَا تَبِيدُ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا،

که افزونی یابد و فنا و زوال نپذیرد و توسل جویم بدرگاهت بوسیله علی بن موسی الرضا

وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، الْأَمَامِينَ الْمُطَهَّرِينَ الْمُتَجَبِّينِ، فَصَلِّ

و به محمد بن علی مرتضی (پسندیده) آن دو امام پاک و برگزیده درود فرست

عَلَيْهِمَا مَا أَضَاءَ صَبْحٌ وَدَامَ، صَلْوَةً تُرْقِيهِمَا إِلَى رِضْوَانِكَ فِي

بر آن دو تا روشن باشد بامدادی و (روزی) برپا است درودی که بالا برد آن دو را بسوی رضوانت در

الْعَلِيِّينَ مِنْ جِنَانِكَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّاشِدِ، وَالْحَسَنِ

بلندترین جاهای بهشتت و توسل جویم بدرگاهت به علی بن محمد آن امام با رشد و حسن

بْنِ عَلِيٍّ الْهَادِي، الْفَاتِمِيِّنَ بِأَمْرِ عِبَادِكَ، الْمُخْتَبَرِينَ بِالْمَحَنِ الْهَائِلَةِ،

بن علی هادی که هر دوی آنان قیام کردند به کار بندگانت و به محتتهای هراس‌انگیز آزمایش شدند

وَالصَّابِرِينَ فِي الْأَحْنِ الْأَمَائِلَةِ، فَصَلِّ عَلَيْهِمَا كِفَاءً أَجْرِ الصَّابِرِينَ،

و در برابر کینه‌های لغزاننده بردباری کردند پس درود فرست بر آنان معادل مزد همه بردباران

وَإِزَاءَ ثَوَابِ الْفَائِزِينَ، صَلْوَةً تُمَهِّدُ لَهُمَا الرُّفْعَةَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يَا

و برابر پادشاستاران درودی که آماده کند برای آن دو بلندی رتبه را و توسل جویم به درگاهت

رَبِّ بِإِمَامِنَا، وَمَحَقِّ زَمَانِنَا، الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ، وَالشَّاهِدِ الْمَشْهُودِ،

پروردگارا به امام خودمان و محقق زمانمان آن روز موعود و آن گواه گواهی شده

وَالنُّورِ الْأَزْهَرِ، وَالضِّيَاءِ الْأَنْوَرِ، الْمَنْصُورِ بِالرُّعْبِ، وَالْمُظْفَرِ

و درخشنده‌ترین نور و روشنترین تابش آن یاری شده به رعب و ترس (که رعیش در دلها افتد) و آن پیرومند

بِالسَّعَادَةِ، فَصَلِّ عَلَيْهِ عِدَّةَ الثَّمَرِ، وَأَوْرَاقِ الشَّجَرِ، وَأَجْزَاءِ الْمَدَرِ،

بوسیله سعادت پس درود فرست بر او به شماره میوه‌ها و برگهای درختان و یک یک ریگها

وَعِدَّةَ الشَّعْرِ وَالْوَبْرِ، وَعَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَأَحْصَاهُ كِتَابُكَ،

و به عدد موها و کرکها و به شماره آنچه دانشت بدان احاطه دارد و نامها آن را بشمارد

صَلْوَةً يَغِيْطُهُ بِهَا الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ، اللَّهُمَّ وَاخْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ،

درودی که غیبه خورند بدان پیشینیان و پسینیان خدایا ما را در گروه او محشور گردان

وَاخْفِظْنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَاخْرُسْنَا بِدَوْلَتِهِ، وَأَتْحِفْنَا بِوِلَايَتِهِ، وَأَنْصُرْنَا

و به پیرویش نگهداریمان کن و به دولت او محفوظمان بدار و دوستی او را به ما تحفه ده و یاریمان ده

عَلَى أَعْدَائِنَا بِعِزَّتِهِ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنَ التَّوَّابِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

بر دشمنانمان به عزت و شوکت او و قرارمان ده پروردگارا از توبه کنندگان ای مهربانترین مهربانان،

اللَّهُمَّ وَإِنَّ ابْلِيسَ الْمُتَمَرِّدَ اللَّعِينِ، قَدْ اسْتَنْظَرَكَ لِأَعْوَاءِ خَلْقِكَ

خدایا و از آن سو شیطان سرکش ملعون از تو مهلت خواسته تا خلقت را گمراه کند

فَانظُرْتَهُ وَاسْتَمَهَلَكَ لِإِضْلالِ عبيدِكَ فَاْمَهَلْتَهُ، بِسَابِقِ عِلْمِكَ فِيهِ،

و تو مهلتش دادی و از تو فرصت خواسته برای از راه بدر بردن بندگان و تو فرصتش دادی از روی آن علمت که از

وَقَدْ عَشَشَ وَكَثُرَتْ جُنُودُهُ، وَازْدَحَمَتْ جَبُوشُهُ وَأَنْتَشَرَتْ دُعَاةَهُ

پیش دربارهاش گذشته و اولانه کرده و لشگرش زیاد شده و قشونش انبوه گشته و خوانندگان بسوی

فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ، فَاضْلُوا عِبَادَكُمْ، وَأَفْسِدُوا دِينَكُمْ، وَحَرَّفُوا الْكَلِمَ

او در اطراف زمین پراکنده شده و بندگان را گمراه کرده و دین تو را به فساد کشانده و کلمات (و سخنان تو را) جابجا

کرده

عَنْ مَوَاضِعِهِ، وَجَعَلُوا عِبَادَكَ شَيْعاً مُتَفَرِّقِينَ، وَأَحْزَاباً مُتَمَرِّدِينَ، وَقَدْ

(و تغییر داده‌اند) و بندگانت را بصورت گروه‌های پراکنده و دستجات سرکش (و مخالف با هم) در آورده و تو خود

وَعَدْتَ نَقْضَ بَيْئَانِهِ، وَتَمْزِيقَ شَأْنِهِ، فَأَهْلِكَ أَوْلَادَهُ وَجَبَّوْشَهُ، وَطَهَّرَهُ

و عده کردی که ریشه و پایه‌اش را درهم شکنی و تشکیلاتش را برهم زنی، پس فرزندان و لشگریانش را نابود کن و

بِلَادِكَ مِنْ اِخْتِرَاعَاتِهِ وَاِخْتِلَافَاتِهِ، وَارْحِ عِبَادَكَ مِنْ مَذَاهِبِهِ

شهرها و بلاد خود را از بدعتها و اختلافهایی که ایجاد کرده پاک کن و بندگانت را از راهها (و روشها)

و قِيَاسَاتِهِ، وَاجْعَلْ دَائِرَةَ السُّوءِ عَلَيْهِمْ، وَابْسُطْ عَذْلَكَ، وَأَطْهَرْ دِينَكَ،

و قیاسهای او (که در کار دین کرده) راحت کن و چرخ بد روزگار را بر ایشان به گردش درآور و عدل و دادت را

بگستران و دین

وَقَوِّ أَوْلِيَاءَكَ، وَأَوْهِنْ أَعْدَاءَكَ، وَأَوْرِثْ دِيَارَ إِبْلِيسَ وَدِيَارَ أَوْلِيَاءِهِ

و آئینت را آشکار ساز و دوستانت را نیرو ده و دشمنانت را خوار گردان و سرزمینهای شیطان و سرزمینهای دوستانت

أَوْلِيَاءَكَ، وَخَلِّدْهُمْ فِي الْجَحِيمِ، وَأَذِقْهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ، وَاجْعَلْ

را به دوستانت واگذار فرما و او و اتباعش را در جهنم مخلد بدار و از عذاب دردناک به آنها بچشان و لعنتهای خود را

لِعَائِنِكَ الْمُسْتَوْدَعَةَ فِي مَنَاحِسِ الْخَلْقَةِ، وَمَسَاوِيهِ الْفِطْرَةِ دَائِرَةً

که در جاهای نحس خلقت و مناظر زشت طبیعت به ودیعت نهاده‌ای همه را بر سر

عَلَيْهِمْ، وَمُوكَلَّةً بِهِمْ، وَجَارِيَةً فِيهِمْ كُلَّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ وَعُدُوٌّ وَرَوَاحٍ،

آنها فرو بار که موکل بر آنها گردند و در میان آنان جاری باشد در هر صبح و شام و هر چاشتگاه و پسین

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ

پروردگارا به ما در دنیا حسنه (خوبی) و در آخرت نیز حسنه عطا فرما و نگاهمان دار به رحمت خویش از عذاب

النَّارِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس دعا کن به آنچه خواهی از برای خود و برادرانت

دوزخ ای مهربانترین مهربانان * * * * *

آنگاه زیارت کن ملکه دنیا و آخرت والده امام قائم‌علیها السلام را و قبر آن

معظمه پشت ضریح مولای ما امام حسن عسکری علیه السلام است پس بگو:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

سلام بر رسول خدا صلی الله علیه

وآلِهِ الصَّادِقِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَى مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ

و آله آن راستگوی امین سلام بر سرور ما امیر مؤمنان سلام

عَلَى الْأَنْبِيَاءِ الطَّاهِرِينَ، الْحُجَّجِ الْمَيَامِينِ، السَّلَامُ عَلَى وَالِدَةِ الْأَمَامِ،

بر امامان پاکیزه آن حجت‌های میمون (و با برکت) سلام بر مادر امام و آنکس که بدو سپرده شد

وَالْمُودَعَةِ أَسْرَارِ الْمَلِكِ الْعَلَامِ، وَالْحَامِلَةِ لِأَشْرَفِ الْأَنَامِ، السَّلَامُ

اسرار (خداوند) فرمانروای بسیار دانا و آن بانویی که باردار شد به شریفترین مردمان سلام

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّدِيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَبِيهَةَ أُمِّ مُوسَى

بر تو ای صدیقه پسندیده سلام بر تو ای همانند مادر موسی

وَأَبْنَةَ حَوَارِيٍّ عَيْسَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ

و ای دختر حواری عیسی سلام بر تو ای بانوی با تقوی پاکیزه سلام

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَنْعُوتَةُ فِي

بر تو ای منتخب پسندیده سلام بر تو ای که وصفت در کتاب

الْأَنْجِيلِ، الْمَخْطُوبَةُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ الْأَمِينِ، وَمَنْ رَغِبَ فِي وَصَلَتِهَا

انجیل ذکر شده و از حضرت (عیسی) روح‌الله امین تو را خواستگاری کردند و ای کسی که علاقه‌مند شد در وصلت با

مُحَمَّدَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَالْمُسْتَوْدَعَةَ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ

تو حضرت محمد آقای رسولان و ای که اسرار پروردگار جهانیان به تو سپرده شد سلام

عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الْحَوَارِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى بَعْلِكَ وَوَلَدِكَ،

بر تو و بر پدران حواری تو سلام بر تو و بر شوهر و فرزند تو

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتِ

سلام بر تو و بر روان و پیکر پاکت گواهی دهم که تو بخوبی پرستاری (امام زمان را) کردی

الْكَفَالَةَ، وَادَّيْتِ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرَضَاتِ اللَّهِ، وَصَبَرْتِ فِي

و بخوبی امانت (حق) را پرداختی و در فراهم آوردن موجبات خوشنودی خدا کوشیدی و درباره خدا بردباری

ذَاتِ اللَّهِ، وَحَفِظْتِ سِرَّ اللَّهِ، وَحَمَلْتِ وَلِيَّ اللَّهِ، وَبَالَغْتِ فِي حِفْظِ حُجَّةِ

کردی و راز خدا را نگهداشتی و ولی (و نماینده) خدا را حمل کردی و در نگهداری حجت خدا

اللَّهُ، وَرَغِبْتِ فِي وُصْلَةِ أَبْنَاءِ رَسُولِ اللَّهِ، عَارِفَةً بِحَقِّهِمْ، مُؤْمِنَةً

کوتاهی نکردی و علاقه پیدا کردی در وصلت با فرزندان رسول خدا در حال معرفت و شناسایی به حق ایشان و با ایمان

بِصِدْقِهِمْ، مُعْتَرِفَةً بِمَنْزِلَتِهِمْ، مُسْتَبْصِرَةً بِأَمْرِهِمْ مُشْفِقَةً عَلَيْهِمْ، مُؤَثَّرَةً

به راستگویشان و با اعتراف به منزلت و مقامشان و بینی به امر امامشان و غمخوار برایشان و ترجیح دادن دلخواهشان

هَوَاهِمُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، مُقْتَدِيَةً

(را بردلخواه خود) و گواهی دهم که تو درگذشتی در حالی که در امر دینت بصیرت و بینائی داشتی

بِالصَّالِحِينَ، رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً، تَقِيَّةً نَقِيَّةً زَكِيَّةً، فَرْضِيَّ اللَّهُ عَنْكَ

و به شایستگان اقتدا کردی خوشنود و پسندیده و پرهیزکار و پاک و پاکیزه از دنیا رفتی خدا از تو خشنود باشد و تو

وَأَرْضَاكِ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَأْوِيكَ، فَلَقَدْ أَوْلَاكِ مِنَ الْخَيْرَاتِ

را نیز خوشنود گرداند و بهشت (برین) را منزل و مأویت قرار دهد که براستی خداوند به تو احسان کرد

مَا أَوْلَاكِ، وَأَعْطَاكِ مِنَ الشَّرْفِ مَا بِهِ أَغْنَاكِ، فَهَنَّاكِ اللَّهُ بِمَا مَنَحَكَ مِنْ

آنچه کرد و از شرف (و بزرگواری) به تو عطا فرمود آنچه را که بدان بی نیازت ساخت، پس گوارا کند خدا برایت آن

الْكَرَامَةَ وَأَمْرَاكِ. پس بالا می کنی سر خود را و می گوئی اَللَّهُمَّ اِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ،

کرامتی را که به تو بخشید و سودمندش کند آن را برایت * * * * * خدایا بر تو اعتماد کنم

وَلِرِضَاكِ طَلَبْتُ، وَبِأَوْلِيَائِكَ إِلَيْكَ تَوَسَّلْتُ، وَعَلَى غُفْرَانِكَ وَحَلْمِكَ

و خوشنودی تو را جویم و بوسیله اولیاء تو بدرگاهت توسل جویم و به آمرزش و شکیبائی تو

اتَّكَلْتُ، وَبِكَ اعْتَصَمْتُ، وَبِقَبْرِ أُمِّ وَلِيِّكَ لُذْتُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

توکل کنم و به تو نگهداری (از گناه) می طلبم و به قبر مادر ولی تو پناه آورده‌ام پس درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا، وَتَبَتَّنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا، وَلَا تَحْرِمْنِي

محمد و سود ده مرا بوسیله زیارتش و ثابت بدار مرا بر دوستی و محبتش و محروم منما

شَفَاعَتَهَا وَشَفَاعَةَ وَكَلِّهَا، وَأَرْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا وَأَحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ

از شفاعت او و شفاعت فرزندش و روزیم گردان هم جواریش را و محشورم گردان با او و با

وَكَلِّهَا، كَمَا وَقَفْتَنِي لِزِيَارَةِ وَكَلِّهَا وَزِيَارَتِهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتُوْجِّهُ اِلَيْكَ

فرزندش چنانچه موقم داشتی به زیارت فرزندش و زیارت خودش خدايا من بدرگاه تو رو کنم

بِالْاِيْمَةِ الطَّاهِرِيْنَ، وَاتَّوَسَّلُ اِلَيْكَ بِالْحُجَجِ الْمِيَامِيْنَ مِنْ آلِ طَه

بوسیله امامان پاکیزه و توسل جویم بدرگاهت بوسیله حجتهای میمون و مبارک از آل طه

وَيْسٍ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِيْنَ، وَاَنْ تَجْعَلَنِيْ مِنْ

و یس که درود فرستی بر محمد و آل محمد آن پاکیزگان و قرار دهی مرا از

الْمُطْمَئِنِّيْنَ الْفَآئِزِيْنَ الْفَرِحِيْنَ الْمُسْتَبْشِرِيْنَ، الَّذِيْنَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

اطمینان یافتگان کامروا و شاد کامان مژده گیر که هیچگونه ترسی بر ایشان نیست

وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ، وَاجْعَلْنِيْ مِمَّنْ قَبِلْتَ سَعْيَهُ، وَيَسَّرْتَ اَمْرَهُ، وَكَشَفْتَ

و نه اندوهناک شوند و قرارم ده از کسانی که کوششش پذیرفته و کارش را آسان کرده و گرفتاریش را

ضُرَّهُ، وَآمَنْتْ خَوْفَهُ، اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلٰى

برطرف کرده و ترسش را ایمنی بخشیده‌ای خدايا به حق محمد و آل محمد درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِيْ اَيَّاهَا،

محمد و آل محمد و قرار مده این زیارت مرا آخرین بار زیارتم از این بانوی (محترم)

وَأَرْزُقْنِي الْعُودَ اِلَيْهَا اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِيْ، وَاِذَا تَوَفَّيْتَنِيْ فَاحْشُرْنِيْ فِيْ

و روزیم کن بازگشتن بسوی زیارتش را همیشه تا زنده‌ام و هرگاه مرگ مرا رساندی پس مرا در

رُؤْمَرْتِهَا، وَاَدْخِلْنِيْ فِيْ شَفَاعَةِ وَكَلِّهَا وَشَفَاعَتِهَا، وَاغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدِيْ

گروه او محشور فرما و در شفاعت فرزندش و شفاعت خود او داخلم گردان و مرا و پدر و مادرم را

وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَاَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً،

و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرز و بده به ما در دنیا حسنه و خوبی و در آخرت نیز حسنه به ما عطا فرما

وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَاتِي وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و نگاهمان دار به مهر خودت از عذاب دوزخ و سلام بر همه شما باد ای آقایان من و رحمت خدا و برکاتش نیز بر شما

باد

مؤلف گوید روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که زید شحّام عرض کرد به خدمتش که چه ثوابست از برای کسی که زیارت کند یکی از شما امامان را فرمود مثل آنست که زیارت کرده حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله را و ما در سابق نقل کردیم روایتی از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که هر که زیارت کند امام مفترض الطّاعه را و نماز گذارد نزد او چهار رکعت نوشته شود برای او حجّه و عمره و در هدیه الزّائرین نقل کردیم فضائل جناب حکیمه دختر امام محمد تقی علیه السلام را که قبر شریفش پایین پا چسبیده به ضریح عسکریین علیهما السلام است و گفتیم که در کتب مزار زیارت مخصوصی برای آن معظّمه ذکر نشده با آن مرتبه رفیعه که از برای او است پس سزاوار است او را زیارت کنند به الفاظی که در زیارت اولاد ائمه علیهم السلام نقل شده یا زیارت کنند او را به این الفاظ که در زیارت عمّه مکرمه اش حضرت فاطمه بنت موسی علیه السلام وارد شده و آن چنانست که می ایستی رو به قبله و می گویی:

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ

سلام بر آدم برگزیده خدا سلام بر نوح پیامبر خدا سلام بر ابراهیم

خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ

خلیل خدا سلام بر موسی هم سخن با خدا سلام بر عیسی روح خدا سلام بر

عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ،

تو ای رسول خدا سلام بر تو ای بهترین خلق خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای محمد بن عبدالله خاتم پیامبران سلام بر تو ای

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى بْنِ أَبِيطَالِبٍ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

امیر مؤمنان ای علی بن ابیطالب وصی رسول خدا سلام بر تو ای

فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سِبْطِي الرَّحْمَةَ

فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام بر شما ای دو سبط (پیامبر) رحمت

وَسَيِّدَى شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ بْنَ الْحُسَيْنِ، سَيِّدَ

و دو آقای جوانان اهل بهشت سلام بر تو ای علی بن الحسین بزرگ

الْعَابِدِينَ وَوَرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بَاقِرَ

عبادت کنندگان و نور چشم بینندگان سلام بر تو ای محمد بن علی شکوفنده

الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْبَارِ

علم پس از پیامبر خدا سلام بر تو ای جعفر بن محمد صادق امام نیکوکار

الْأَمِينِ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ الطَّاهِرِ الطُّهْرَ، أَسْلَامٌ

امین سلام بر تو ای موسی بن جعفر امام پاک پاکیزه سلام

عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا المُرْتَضَى، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ

بر تو ای علی بن موسی الرضا آن (بزرگوار) و پسندیده سلام بر تو ای محمد

بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيِّ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ النَّاصِحِ

بن علی تقی سلام بر تو ای علی بن محمد نقی آن خیرخواه

الْأَمِينِ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَسْلَامٌ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ

امین سلام بر تو ای حسن بن علی سلام بر وصی پس از

بَعْدِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نُورِكَ وَسِرَاجِكَ، وَوَلِيِّ وَوَلِيِّكَ وَوَصِيِّ

او خدایا درود فرست بر نور و چراغ تابناکت و بر نماینده نمایندهات و وصی

وَصِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ،

وصی تو و حجت تو بر آفریدگانت سلام بر تو ای دختر رسول خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِيرِ

سلام بر تو ای دختر فاطمه و خدیجه سلام بر تو ای دختر امیر

الْمُؤْمِنِينَ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا

مؤمنان سلام بر تو ای دختر حسن و حسین سلام بر تو ای

بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ

دختر ولی (و نماینده) خدا سلام بر تو ای خواهر ولی خدا سلام بر تو ای عمه

وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ بِنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ

ولی خدا سلام بر تو ای دختر محمد بن علی تقی و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ، وَحَشَرَنَا

و برکاتش بر تو باد سلام بر تو، خداوند آشنائی برقرار کند میان ما و شما در بهشت و محشور گرداند ما را

فِي زُمْرَتِكُمْ، وَأَوْرَدَنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ، وَسَقَانَا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ، مِنْ يَدِ

در گروه شما و درآورد ما را در کنار حوض پیامبر شما و بنوشاندمان از جام جدتان از دست

عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا فِيكُمْ

(ساقی حوض کوثر) علی بن ابیطالب - درود خدا بر همه شما - از خدا خواهم که سرور و حکومت

السُّرُورِ وَالْفَرَجِ، وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى

پیروزمندانه شما را به ما بنماید و گرد آورد ما و شما را در گروه جدتان محمد صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْ لَا يَسْلُبْنَا مَعْرِفَتَكُمْ أَنَّهُ، وَوَلِيٌّ قَدِيرٌ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ

الله علیه و آله و نگیرد از ما معرفت شما را که براستی او سرپرستی توانا است تقرب جویم بدرگاه خدا

بِحُبِّكُمْ، وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَالتَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ

بوسیله دوستی شما و بیزارگی جستن از دشمنانتان و تسلیم بودن در برابر خدا و خوشنود بودن بدان بی آنکه انکار داشته

وَلَا مُسْتَكْبِرٍ، وَعَلَى يَقِينٍ مَا آتَى بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ رَاضٍ، نَطْلُبُ بِذَلِكَ

باشم و گردنکشی کنم و یقین دارم بدرستی آنچه محمد آورده و بدان خوشنودم و بوسیله آن می جوئیم

وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي، اَللَّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ، يَا حَكِيمَةَ أَشْفَعِي

خوشنودی تو را ای آقای ما و ای خدا و همچنین رضای تو و سرای آخرت را جوئایم، ای حکیمه شفاعت کن

لِي فِي الْجَنَّةِ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّانِ، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ

مرا درباره بهشت که براستی تو در نزد خدا مقامی شایسته داری خدایا از تو خواهم که

تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ، فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

سرانجامم را به سعادت به پایان رسانی و از من نگیری آنچه را که بدان معتقدم و جنبش و نیروئی نیست جز

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اَللّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ، وَبِرَحْمَتِكَ

به خدای الوالی بزرگ خدایا دعایمان را اجابت فرما و بپذیر از ما به بزرگواری و عزت و به مهر

وَعَافِيَتِكَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و عافیت و درود خدا بر محمد و آتش همگی و سلامی کامل بر آنها باد ای مهربانترین مهربانان

مؤلف گوید معروفست که در نزد قبرعسکریین علیهما السلام قبور جمله‌ای از سادات عظام است که از جمله آنها است حسین پسر امام علی النقی علیه السلام و من بر حال حسین مطلع نشدم لکن آنچه به نظر می‌رسد آنستکه سیدی جلیل‌القدر و عظیم‌الشأن بوده زیرا که من از بعضی روایات استفاده کردم که از مولای ما حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و برادرش حسین بن علی تعبیر بسبطن می‌کردند و تشبیه می‌کردند این دو برادر را به دو جدشان دو سبط پیغمبر رحمت امام حسن و امام حسین علیهما السلام .

و در روایت ابوالطیب است که صدای حضرت حجة صلوات الله علیه شبیه بود به صدای حسین و در شجرة الاولیاء تألیف سید فقیه محدث حکیم السید احمد اردکانی یزدی در ذکر اولاد حضرت امام علی نقی علیه السلام است که حسین فرزند آن حضرت از زهاد و عبّاد بود و به امامت برادر خود اعتراف داشت و شاید متتبع ماهر بیابد غیر از آنچه ذکر شد چیزی که دلالت کند بر جلالتش .

و نیز بدانکه امامزاده سید محمد فرزند حضرت امام علی نقی علیه السلام را در نزدیکی بلد یک منزلی سامره مزاری است مشهور و به جلالت شأن و بروز کرامات معروف عامه مردم به زیارتش مشرف می‌شوند و نذرها و هدایای بسیار به آنجا می‌برند و حاجات می‌طلبند و اعراب آن حدود تمامی از او خوف دارند و حساب می‌برند کرامات بسیار از آن بزرگوار نقل شده که مقام ذکرش نیست و بس است در جلالت آن جناب که قابلیت و صلاحیت امامت را داشت و فرزند بزرگ هادی علیه السلام بود و در فوت او حضرت امام حسن عسکری علیه السلام گریبان خود را چاک فرمود .

و شیخ ما ثقة الاسلام نوری نورالله مرقدہ اعتقاد عظیمی به زیارت آن بزرگوار داشته و در تعمیر بقعه و ضریح مبارکش سعی فرموده و صورت کتیبه که بر ضریح شریفش نوشته است این است:

هَذَا مَرَقْدُ السَّيِّدِ الْجَلِيلِ، اَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ

* این مرقد سید جلیل ابی جعفر محمد

بن الإمام ابی الحسن علیّ الهادی علیه السلام، عظیم الشان جلیل القدر، کانت الشیعة

فرزند امام ابی الحسن هادی علیه السلام است که دارای منزلتی بزرگ و مقامی شایسته بوده و شیعیان چنین پنداشتند که

تزعّم انه الإمامُ بعدَ ابيه عليه السلام، فلَمّا توفّي نصّ أبوهُ علیّ أخیه ابی مُحَمَّد
امام پس از پدرش علیه السلام او است و چون از دنیا رفت پدرش تصریح کرد به امامت برادرش ابی محمد علیه السلام
الزّکی علیه السلام، وقال له احدث لله شکرًا، فقد احدث فیک امرًا خلفه أبوهُ فی

و به او فرمود برای خدا شکر کن که خدا تازه کرد دستورش را در باره تو، پدرش او را در کودکی

المدينة طفلًا، وقدم علیه فی سامراء مشتدًا، ونهض الی الرجوع الی الحجاز،

در شهر مدینه بجای گذارد و پس از آنکه جوانی نیرومند شده بود در سامرا به خدمت پدر آمد، و دوباره خواست بسوی

حجاز برگردد

ولَمّا بلغ بلد علیّ تسعة فراسخ مرض و توفّي، ومشهدُه هناك، ولَمّا توفّي

و سر راه چون به شهر «بلد» نه فرسنگی سامرا رسید بیمار شد و در همانجا از دنیا رفت و مزار شریفش در همانجا است،

شقّ ابو محمد علیه السلام علیه ثوبه، وقال فی جواب من عابه علیه، قد شقّ موسی

و حضرت ابو محمد علیه السلام در مرگش جامه بر تن درید، و در پاسخ کسی که بر آن حضرت در این کار ایراد گرفت

فرمود: موسی در مرگ

علیّ أخیه هرون، وكانت وفاته فی حدود اثنتین وخمسين بعد المأتین. و

برادرش هارون جامه بر تن درید، و سال وفاتش حدود دویست و پنجاه و دو هجری بود

بالجملة چون خواستی وداع کنی عسکریین علیهما السلام را بایست نزد قبر

مطهر و بگو:

السّلامُ علیکم یا

سلام بر شما ای دو

ولیی الله، استودعکم الله وأقرء علیکم السّلام، آمنّا بالله وبالرسول وبما

نماینده خدا شما را به خدا می سپارم و بر شما سلام می رسانم، ایمان داریم به خدا و به رسول او و بدانچه

جِئْتُمَا بِهِ وَدَلَلْتُمَا عَلَيَّ، اَللّٰهُمَّ اَكْتُبْنَا مَعَ الشّٰهِدِيْنَ اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ

شما آوردید و مردم را بدان راهنمایی کردید خدایا بنویس نام ما را در زمره گواهان (به این مطلب) خدایا قرار مده این

زیارت را

مِنْ زِيَارَتِي اَيَّاهُمَا، وَاَرْزُقْنِي الْعُوْدَ اِلَيْهِمَا، وَاَحْشُرْنِي مَعَهُمَا وَمَعَ اَبَائِهِمَا

آخرین بار زیارت من از این دو بزرگوار و روزیم کن بازگشتن به زیارتشان را و محشورم گردان با این دو و با پدران

الطَّاهِرِيْنَ وَالْقَائِمِ الْحُجَّةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

پاکشان و حضرت قائم و حجت از نژادشان ای مهربانترین مهربانان

مقام دویم

در آداب سرداب مطهر و کیفیت زیارت امام مهدی (عج الله فرجه)

در آداب سرداب مطهر و کیفیت زیارت حجة الله على العباد و بقیة الله في البلاد الامام المهدی حضرت حجة بن

الحسن صاحب الزمان صلوات الله عليه و علی آباءه .

و قبل از شروع تنبیه کنیم بر امری که در کتاب هدیّه از کتاب تحیه نقل کردیم و آن امر اینست که این سرداب مطهر داخل در خانه آن بزرگواران بوده و راه دخول در آن سرداب در قدیم قبل از بناء جدید و ساختن صحن و قبه و حرم از پشت سر نزدیک به قبر نجس خاتون بود و شاید حال در رواق باشد آنجا پایین می رفتند و دالان دراز تاریکی داشت چون از آنجا می گذشتند بدر سرداب غیبت می رسیدند که حال آیینہ کاری شده و پنجره از طرف قبله به صحن عسکریین علیهما السلام باز می شود و آن در از وسط این سرداب باز می شد که حال کاشی دیوار بجای آن را به شکل محرابی ساخته اند و همه اعمال این سه امام علیهم السلام از یک حرم می شد و لهذا شهید اول در مزار بعد از زیارت عسکریین علیهما السلام زیارت سرداب را ذکر کرده پس از آن زیارت نجس خاتون را و در یکصد سال و چیزی قبل مؤید مُسَدَّد احمد خان دنبلی مبلغی خطیر اقدام کرد و صحن آن دو امام علیهما السلام را به نحوی که الآن موجود است جدا نمود و برای آن روضه و رواق و قبه عالیه برپا نمود و برای سرداب مطهر صحنی علی حده و ایوانی و راهی و پله ای جدا و دهلیزی و سردابی مستقل برای زنان ساخت چنانچه حال دیده می شود و آن راه اول و پله ها و در سرداب بالمره مسدود شد و نشانی از آنها نیست [مگر آن مقداری که فعلاً در خانه معروف به خانه اخباریها مشاهده می شود «منته»]

و محلی برای بجا آوردن بعضی از آداب وارده نماند و لکن محلّ جمله‌ای از زیارات که اصل سرداب شریف است تغییری نکرده.

وامّا استیذان و خواندن اذن دخول پس بحسب استقراء در همه زیارات و تصریح علماء بر هر دری که از آنجا مرسوم شده دخول در آن حرم از هر امامی که باشد بایست رعایت کرد و در آن حرم محترم بی‌اذن داخل نباید شد.

الحال شروع کنیم در کیفیت زیارت بدانکه اذن دخول خاصّ سرداب مطهر همان زیارتی است که بعد از این بیاید و اول آن «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِیْقَةَ اللَّهِ» است و در آن استیذان می‌شود و بایست آن را در درِ سرداب پیش از پایین رفتن از پله‌ها خواند و اذن دخولی دیگر سیّد بن طاوس نقل کرده قریب به همان اذن دخول اول که در فصل دویم از باب زیارات نقل کردیم و اذن دخولی دیگر علامه مجلسی از نسخه تقدیمه نقل کرده که اول آن «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ بُعْثَةُ طَهْرَتِهَا وَعَقْوَةُ شَرَفَتِهَا» است که مانیز آنرا بعد از آن اذن دخول عمومی نقل کردیم پس به آنجا رجوع نما و به آن کلمات استیذان کن پس از آن برو و داخل سرداب مطهر شو و زیارت کن آن حضرت را به آنچه خود دستورالعمل داده‌اند چنانچه شیخ جلیل احمد بن ابیطالب طبرسی رحمه الله در کتاب شریف احتجاج روایت کرده که از ناحیه مقدّسه بیرون آمد بسوی محمّد حمیری بعد از جواب از مسائلی که از آن

حضرت سؤال کرده بود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ،

به نام خدای بخشاینده مهربان،

لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَّائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بِالْغَةِ فَمَا

نه خود دستورش را تعقل می‌کنند و نه از دوستانش می‌پذیرند حکمتی است رسا ولی

تُغْنِي النَّدْرُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. هر گاه خواستید توجه

بیم دادنها سودشان ندهد سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا * * * * *

کنید بوسیله ما بسوی خداوند تبارک و تعالی و بسوی ما پس بگویید چنانکه

خدای تعالی فرموده:

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَس، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ،

* * * سلام بر آل یسین سلام بر تو ای دعوت کننده به خدا و عارف به آیاتش

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدَيَانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ

سلام بر تو ای واسطه خدا و سرپرست دین او سلام بر تو ای خلیفه خدا

وَ نَاصِرَ حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

و یاور حق او سلام بر تو ای حجت خدا و راهنمای اراده اش سلام بر تو

يَا تَالِيَ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ

ای تلاوت کننده کتاب خدا و تفسیر کننده آیات او سلام بر تو در تمام آنات و دقایق شب و سرتاسر

نَهَارِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ

روز سلام بر تو ای بجای مانده از طرف خدا در روی زمین سلام بر تو ای پیمان محکم

اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ،

خدا که از مردم گرفت و سخت محکمش کرد سلام بر تو ای وعده خدا که تضمینش کرده

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَصْنُوبُ وَالْعُقُوثُ

سلام بر تو ای پرچم برافراشته و دانش ریزان و فریادرس خلق

وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدَاءٌ غَيْرَ مَكْذُوبٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ،

و رحمت وسیع حق، و آن وعده ای که دروغ نشود سلام بر تو هنگامی که بپا می ایستی

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ

سلام بر تو هنگامی که می نشینی سلام بر تو هنگامی که (فرامین حق را) می خوانی و تفسیر می کنی سلام

عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَتَقْنَتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ،

بر تو هنگامی که نماز می خوانی و قنوت کنی سلام بر تو هنگامی که رکوع و سجده بجای آوری

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَهَلَّلُ وَتُكَبِّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ

سلام بر تو هنگامی که «لا اله الا الله» و «الله اكبر» گوئی سلام بر تو هنگامی که خدا را ستایش کنی

وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي

و از او آمرزش خواهی سلام بر تو هنگامی که بامداد کنی و شام کنی سلام بر تو در

اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى، وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ

شب هنگامی که تاریخش فرا گیرد و در روز هنگامی که پرده برگردد سلام بر تو ای امام

الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَقْدَمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ

امین سلام بر تو ای مقدم (بر همه خلق و) مورد آرزوی آنان) سلام بر تو به همه

السَّلَامِ، أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا

سلامها گواه گیرم تو را ای مولا و سرور من که من گواهی دهم به اینکه معبودی نیست جز خدای یگانه

شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ،

که شریک ندارد و نیز (گواهی دهم که) محمد بنده و رسول او است و محبوبی نیست جز او و خاندانش

وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ،

و گواه گیرم تو را ای مولای من که علی امیر مؤمنان حجت خدا است و حسن حجت او است

وَالْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ،

و حسین حجت او است و علی بن الحسین حجت او است و محمد بن علی حجت او است

وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى

و جعفر بن محمد حجت او است و موسی بن جعفر حجت او است و علی بن موسی

حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ بْنَ

حجت او است و محمد بن علی حجت او است و علی بن محمد حجت او است و حسن بن

عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ، أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَأَنَّ رَجَعْتَكُمْ

علی حجت او است و گواهی دهم که تو حجت خدائی، شماست اول و آخر و مسلماً بازگشت شما

حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا، لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ

حق است که شکی در آن نیست، روزی که سود ندهد کسی را ایمانش که پیش از آن ایمان نیاورده یا در (مدت)

أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ،

ایمان خویش کار خیری انجام نداده و همانا مرگ حق است و ناکر و نکیر (دو فرشته سؤال قبر) حق است

وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ، وَالْبُعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ،

و گواهی دهم که زنده شدن پس از مرگ حق است و برانگیخته شده حق است و صراط حق است و مرصاد (کمینگاه)

حق است

وَالْمِيزَانَ حَقًّا، وَالْحَشَرَ حَقًّا، وَالْحِسَابَ حَقًّا، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقًّا،

و میزان حق است و حشر (در قیامت) حق است و حساب حق است و بهشت و دوزخ حق است

وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقًّا، يَا مَوْلَايَ شَقِيَّ مَنْ خَالَفَكُمُ، وَسَعِدَ مَنْ

و وعده و تهدید درباره آن دو حق است ای مولای من بدبخت است کسی که مخالفت شما را کرد و سعادتمند است

کسی که

أَطَاعَكُمْ، فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ وَأَنَا وَلِيُّ لِكِّ، بَرِي مِنْ

پیرویتان کرد پس گواهی ده بر آنچه تو را بر آن گواه گرفتم و من دوست توأم و بیزارم از

عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا رَضَيْتُمُوهُ، وَالْبَاطِلُ مَا أَسْخَطْتُمُوهُ، وَالْمَعْرُوفُ مَا

دشمنت حق آنست که شما پسند کردید و باطل همانست که شما بدان خشم کردید و معروف (و کار نیک) همان بود که

شما

أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَخَدَّةٌ لَشَرِيكَ

بدان دستور دادید و منکر (و کار زشت) همان بود که شما از آن جلوگیری و نهی کردید، من ایمان دارم به خدای

یگانه‌ای که شریک

لَهُ، وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ،

ندارد و به رسول او و به امیر مؤمنان و به شما - ای مولای من - از اول تا آخرتان

وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ، وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ، آمِينَ آمِينَ. * و بعد از آن این

و یاریم برای شما آماده است و دوستیم خالص و پاک برای شما است آمین آمین * * * * *

دعا خوانده شود: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ،

* * * * * خدایا از تو خواهم که درود فرستی بر محمد پیامبر رحمت

وَكَلِمَةِ نُوْرِكَ، وَاَنْ تَمَلِّأَ قَلْبِيْ نُوْرَ الْيَقِيْنِ، وَصَدْرِيْ نُوْرَ الْاِيْمَانِ،

و کلمه نورت و دیگر آنکه پر کنی دل مرا با نور یقین و سینه‌ام را با نور ایمان

وَفِكْرِيْ نُوْرَ النِّيَّاتِ، وَعَزْمِيْ نُوْرَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتِيْ نُوْرَ الْعَمَلِ وِلِسَانِيْ

و اندیشه‌ام را با نور تصمیمها و اراده‌ام را با نور علم و نیرویم را با نور عمل و زبانی

نُوْرَ الصِّدْقِ، وَدِيْنِيْ نُوْرَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ، وَبَصْرِيْ نُوْرَ الضِّيَاءِ،

را با نور راستگویی و دین و مذهب را با نور بینائیهای از نزد خودت و چشمم را با نور روشنائی

وَسَمِعِي نَوْرَ الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتِي نَوْرَ الْمَوْلَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ

و گوشم را با نور فرزائیگی و حکمت و دوستیم را با نور موالات محمد و آتش علیهم

السَّلَامُ، حَتَّى أَلْتَقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ، فَتَغَشَّيْنِي رَحْمَتَكَ

السلام تا تو را دیدار کنم و من به عهد و پیمان تو وفا کردم پس رحمت خود را بر من ببوشان

يَا وَلِيُّ يَا حَمِيدُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ حُبَّتِكَ فِي أَرْضِكَ،

ای سرپرست و ای ستوده خدایا درود فرست بر محمد حجت تو در روی زمینت

وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ، وَالِدَاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ، وَالتَّائِبِ

و جانشین تو در شهرهایت و دعوت کننده بسوی راهت و قیام کننده به عدل و دادت و انقلاب کننده

بِأَمْرِكَ، وَوَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ، وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ، وَمَجْلِي الظُّلْمَةِ، وَمُنِيرِ الْحَقِّ،

به دستور تو، دوست مؤمنان و نابودی کافران و برطرف کننده تاریکی و روشن کننده حق

وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ، الْمُرْتَقِبِ

و گویای به حکمت و راستی و آن کلمه (دستور و فرمان) کاملت در روی زمین که در حال انتظار

الْخَائِفِ، وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةِ النِّجَاةِ، وَعَلَمِ الْهُدَى، وَنَوْرِ أَبْصَارِ

و هراس بسر برد و آن سرپرست خیرخواه و کشتی نجات و پرچم هدایت و روشنی دیدگان

الْوَرَى، وَخَيْرٍ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى، وَمَجْلِي الْعَمَى الَّذِي يَمَلَأُ

مردم و بهترین کسی که جامه ورداء بپوشد و زداونده گمراهی آنکس که پرکند

الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

زمین را از عدل و داد چنانچه پرشده باشد از ستم و بیدادگری که برآستی تو بر هر چیز

قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَّائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ

توانائی خدایا درود فرست بر بنده مقرب درگاهت و فرزند بندگان مقربت آنانکه فرض کردی فرمانبرداریشان را

وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا، اللَّهُمَّ

و واجب گردانندی حقشان را و دور کردی از ایشان پلیدی را و بخوبی پاکیزهشان کردی خدایا

انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ، وَانْصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ، وَشِيعَتَهُ

یاریش کن و بدست او دینت را یاری کن و یاری کن بوسیله او دوستان خودت و دوستان او و شیعیان

وَأَنْصَارَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ، اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ

و یاورانش را و ما را نیز از آنان قرار ده خدایا نگاهش دار از شر هر متجاوز و سرکشی و از شر

جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ

همه مخلوق خودت و محافظت کن از پیش رُویش و از پشت سرش و از سمت راستش و از طرف

شِمَالِهِ، وَأَحْرُسْهُ وَأَمْنَعُهُ مِنْ أَنْ يُوْصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فِيهِ

چپش و پاسداریش کن و نگاهش دار از اینکه گزند و آسیبی بدو رسد و (شوکت و عزت) رسول

رَسُولِكَ وَآلِ رَسُولِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَآيِدَهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْ

و آل رسولت را در (وجود) او حفظ فرما و آشکار (یا پیروز) گردان بدست او عدل و داد را و بیاریت

نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَأَقْصِمِ قَاصِمِيهِ، وَأَقْصِمِ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ،

کمکش کن و یاورش را نیز یاری کن و هر که دست از یاریش بردارد خوار گردان و در هم شکن شکننده اش را و بشکن

بدست او

وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ، وَجَمِيعِ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ

قدرت و شوکت کافران را و آنان را بدست آن حضرت به خاک هلاک افکن و هم چنین منافقان و همه بی دینان

ستیزه جو را در هر جا

مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، بَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَأَمْلَأْ بِهَا الْأَرْضَ عَدْلًا،

هستند از خاورهای زمین و باخترهای آن چه در خشکی و چه در دریا، و پرکن بوسیله او زمین را از عدل و داد

وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ

و آشکار (یا پیروز) کن بوسیله اش دین پیامبرت - صلی الله علیه و آله - را و قرار ده خدایا مرا نیز از

أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَاتَّبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ

یاران و کمک کاران و پیروان و شیعیانش و به من به نما در مورد آل محمد علیهم

السَّلَامِ مَا يَأْمُلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ، يَا

السلام آنچه را آرزو داشتند و در مورد دشمنشان آنچه از آن می ترسند مستجاب گردان ای معبود حق

ذَ الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. زیارت دیگر منقول از کتب معتبره علماء

و ای صاحب جلالت و بزرگواری ای مهربانترین مهربانان * * * * *

بایست بر در حرم آن حضرت و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَخَلِيفَةَ آبَائِهِ

* * * * * سلام بر تو ای نماینده خدا و جانشین پدران

الْمُهْدِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ الْمَاضِينَ، السَّلَامُ

راه یافته‌اش سلام بر تو ای وصی اوصیاء گذشته سلام

عَلَيْكَ يَا حَافِظَ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنْ

بر تو ای نگهبان رازها و اسرار پروردگار جهانیان سلام بر تو ای یادگار خدا از

الصَّوْفَةِ الْمُتَنْجِبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَنْوَارِ الزَّاهِرَةِ السَّلَامُ

زبده برگزیدگان سلام بر تو ای فرزند نورهای تابان سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَعْلَامِ الْبَاهِرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْعِترَةِ الطَّاهِرَةِ،

بر تو ای فرزند مشعلهای فروزان سلام بر تو ای فرزند عترت پاکیزه

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْعُلُومِ النَّبَوِيَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ

سلام بر تو ای معدن علوم نبوی سلام بر تو ای درگاه خدا

الَّذِي لَا يُؤْتِي إِلَّا مِنْهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ

که نروند (بسوی او) جز از آن (درگاه) سلام بر تو ای راه خدا که هر که جز آن راه

غَيْرَهُ هَلَكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاطِرَ شَجَرَةِ طُوبَى وَسِدْرَةِ الْمُنتَهَى،

را پیمود به هلاکت افتاد سلام بر تو ای بیننده درخت طوبی و سدره‌المنتهی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ

سلام بر تو ای نور خدا آن نوری که خاموش نگردد سلام بر تو ای حجت خداوند

الَّتِي لَا تَخْفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ

آن حجتی که پوشیده نماند سلام بر تو ای حجت خدا بر هر که در زمین

وَالسَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامٌ مَنْ عَرَفَكَ بِمَا عَرَفَكَ بِهِ اللَّهُ، وَتَعَتَكَ

و آسمان است سلام بر تو سلام کسی که تو را شناخته است بدانسان که خدا تو را شناسانده است و توصیف کند

بِبَعْضِ نِعْوَتِكَ الَّتِي أَنْتَ أَهْلُهَا وَفَوْقَهَا، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ

به برخی از صفات تو که شایسته آنی و بالاتر از آن گواهی دهم که توئی حجت بر

مَضَى وَمَنْ بَقِيَ، وَأَنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْعَالِيُونَ وَأَوْلِيَاكَ هُمُ الْفَائِزُونَ،

رفتگان و باقیمانندگان و حتماً گروه تو پیروز شوند و دوستان تو رستگارانند

وَأَعْدَاكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ، وَأَنَّكَ خَازِنُ كُلِّ عِلْمٍ وَفَاتِقُ كُلِّ رَتِقٍ

و دشمنانت زیارنکارند و توئی خزینه‌دار هر دانشی و گشاینده هر گره بسته

وَمُحَقِّقُ كُلِّ حَقٍّ، وَمُبْطِلُ كُلِّ بَاطِلٍ، رَضِيْتُكَ يَا مَوْلَايَ إِمَامًا وَهَادِيًا

و پابرجا کننده هر حق، و باطل کننده هر باطل پسندیدم تو را ای سرور من به امامت و راهنمایی

وَوَلِيًّا وَمُرْشِدًا، لَا أَبْتَغِي بِكَ بَدَلًا، وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِكَ وَلِيًّا، أَشْهَدُ

و سرپرستی و رهبری و نجوم بجای تو دیگری را و نگیرم جز تو سرپرست دیگری را گواهی دهم

أَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ، وَأَنَّ وَعْدَ اللَّهِ فِيكَ حَقٌّ لَا

که توئی آن حق مسلم و ثابتی که عیبی در آن نیست و براسی وعده خدا در تو مسلم است و شک به خود

أَرْتَابُ لِطُولِ الْغَيْبَةِ، وَبُعْدِ الْأَمَدِ، وَلَا أَتَحَيَّرُ مَعَ مَنْ جَهَلَكَ وَجَهَلَ

راه ندهم بخاطر طولانی شدن غیبت تو و دوری زمان و سرگردان نشوم به همراه آنانکه تو را نشناختند و نسبت به تو

بِكَ، مُنْتَظِرٌ مُتَوَقِّعٌ لِيَأْتِيَاكَ، وَأَنْتَ الشَّافِعُ الَّذِي لَا تَنَازِعُ وَ الْوَلِيُّ

دانائی ندارند، چشم به راه و منتظر روزهای حکومت و فرمانروایت هستم و توئی آن واسطه و شفیع که نزاعی در آن

نیست

الَّذِي لَا تُدَافِعُ، ذَخَرَكَ اللَّهُ لِنُصْرَةِ الدِّينِ، وَإِعْزَازِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْإِنْتِقَامِ

و آن سرپرستی که مزاحم نداری ذخیره‌ات کرده است خداوند برای یاری دین و شوکت مؤمنین و انتقام گرفتن

مِنَ الْجَاهِدِينَ الْمَارِقِينَ، أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ، وَتُزَكَّى

از منکرین و بیرون رفتگان از دین گواهی دهم که همانا بوسیله دوستی تو پذیرفته گردد اعمال و پاک شود

الْأَفْعَالُ، وَتُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ، وَتُمَحَى السَّيِّئَاتُ، فَمَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِكَ،

کردار و چند برابر گردد کارهای خوب و محو شود کارهای بد پس هر که ولایت تو را داشت

وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ، قُبِلَتْ أَعْمَالُهُ، وَصَدَّقَتْ أَقْوَالُهُ، وَتَضَاعَفَتْ

و به امامت تو اعتراف کرد اعمالش پذیرفته و گفتارش مورد تصدیق و گواهی است

حَسَنَاتُهُ، وَمُحِبَّتِ سَيِّئَاتُهُ، وَمَنْ عَدَلَ عَنْ وِلَايَتِكَ، وَجَهَلَ مَعْرِفَتَكَ،

و کارهای نیکش مضاعف و بدیهایش محو گردد و هر که رو گرداند از ولایت و دوستی تو و تو را نشاخصت

وَاسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ، أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ، وَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ

و بجای تو دیگری را برگزید خداوند او را سرنگونش کند بصورت در آتش دوزخ و هیچ کاری را از او نپذیرد و

عَمَلًا، وَلَمْ يُعِمَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا، أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَهُ،

میزانی برای او در قیامت برپا نکند (و حسابی برایش باز نکند) گواه گیرم خدا و فرشتگانش را و نیز

وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ بِهَذَا ظَاهِرُهُ كِبَاطِنِهِ، وَسِرُّهُ كَعَلَانِيَّتِهِ، وَأَنْتَ

گواه گیرم تو را ای سرور من بدانچه گفتم که ظاهر و باطنش یکسانست و نهان و آشکارش یکی است

الشَّاهِدُ عَلَى ذَلِكَ وَهُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ، وَمِيثَاقِي لَدَيْكَ، إِذْ أَنْتَ نِظَامُ

و تو گواهی بر این، و این عهد و پیمان من است در پیش تو چون تویی نظام بخش

الدِّينِ، وَيَعْسُوبُ الْمُتَّقِينَ، وَعِزُّ الْمُؤَحِّدِينَ، وَبِذَلِكَ أَمَرَنِي رَبُّ

دین و بزرگ متقین و عزت بخش مردمان یکتاپرست و به همین دستور داده است مرا پروردگار

الْعَالَمِينَ فَلَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ، وَتَمَادَّتِ الْأَعْمَارُ، لَمْ أَزِدْ فَيْكَ إِلَّا

جهانیان و اگر طولانی گردد روزگارا و بدرازا کشد عمرها نیفزاید مرا درباره تو جز

يَقِينًا، وَلَكَ إِلَّا حُبًّا، وَعَلَيْكَ إِلَّا مَتَكَلًّا وَمُعْتَمَدًا، وَلِظُهُورِكَ إِلَّا مُتَوَقِّعًا

یقین و زیاد نگرداند برای تو در من بجز محبت و جز توکل و اعتماد بر تو و جز انتظار و توقع ظهور

وَمُنْتَظَرًا، وَلِجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَرَقِّبًا، فَأَبْدُلْ نَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي

و پیروزی و جز آنکه چشم براه آن باشم که در پیش رویت بیکار کنم و جان خود و مال و فرزند

وَأَهْلِي وَجَمِيعَ مَا خَوَّلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَالتَّصَرُّفُ بَيْنَ أَمْرِكَ

و خاندان و خلاصه هر چه را خدا به من داده است همه را در راحت نثار کنم و همه را در اختیار امر

وَتَهِيكَ، مَوْلَايَ فَإِنْ أَدْرَكْتُ أَيَّامَكَ الزَّاهِرَةَ، وَأَعْلَامَكَ الْبَاهِرَةَ فَهِيَ

و نهی تو بگذارم مولای من اگر من آن دوران درخشان را درک کنم و آن پرچمهای نمایان تو را بینم پس من

أَنَا إِذَا عَبْدُكَ الْمُتَصَرِّفُ بَيْنَ أَمْرِكَ وَتَهِيكَ، أَرْجُو بِهِ الشَّهَادَةَ

همان بنده تو باشم که خود را در اختیار امر و نهی تو بگذارم تا بلکه بدان وسیله در پیش رویت بشهادت رسم

بَيْنَ يَدَيْكَ، وَالْفَوْزَ لَدَيْكَ، مَوْلَايَ فَإِنْ أَدْرَكْنِي الْمَوْتُ قَبْلَ

و در نزد تو کامیاب گردم، ای مولای من و اگر پیش از زمان ظهور تو مرگ به سراغم آید

ظُهُورِكَ، فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِكَ وَبِأَبَائِكَ الطَّاهِرِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، وَأَسْتَلِّهُ

من توسل جویم بوسیله تو و بوسیله پدران پاک تو بدرگاه خدای تعالی و از او خواهم

أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ،

که درود فرستد بر محمد و آل محمد و مقرر فرماید بر من بازگشتن در زمان ظهورت را

وَرَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ لِأُبَلِّغَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي، وَأَشْفِيَّ مِنْ أَعْدَائِكَ

و دوباره آمدن در آن روزهای درخشان حکومتت را تا در مورد فرمانبرداری تو به مقصود خود برسیم (و جراحات) دلم را

از دشمنانت

فُوَادِي، مَوْلَايَ وَقَفْتُ فِي زِيَارَتِكَ مَوْفِقَ الْخَاطِئِينَ النَّادِمِينَ

شفا بخشم سرورا من ایستادهام برای زیارت تو چون خطاکاران پشیمانی

الْخَائِفِينَ، مِنْ عِقَابِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَقَدْ اتَّكَلْتُ عَلَى شَفَاعَتِكَ،

که ترسانند از کیفر پروردگار جهانیان و تکیه کردهام بر شفاعت

وَرَجَوْتُ بِمَوَالِيكَ وَشَفَاعَتِكَ مَحْوَ ذُنُوبِي، وَسَتْرَ عِيُوبِي، وَمَغْفِرَةَ

و وساطت تو و از دوستی و شفاعت تو امید آن دارم که گناهانم محو شود و عیوبم پوشیده گردد و لغزشهایم آمرزیده

شود

زَلَلِي، فَكُنْ لَوْلِيكَ يَا مَوْلَايَ عِنْدَ تَحْقِيقِ أَمَلِي، وَأَسْأَلِ اللَّهَ غُفْرَانَ

پس تو هم ای مولای من کمک چاکرت کن تا آرزویش تحقق یابد و از خدا بخواه که لغزشش را بیامرزد

زَلَلِي، فَقَدْ تَعَلَّقَ بِحَبْلِكَ، وَتَمَسَّكَ بِوَلَائِيكَ، وَتَبَرَّءَ مِنْ أَعْدَائِكَ

زیرا که به رشته محبت تو چنگ زده و به ولایت و دوستی تو تمسک جسته و از دشمنانت بیزارای جوید

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْجِزْ لِرَبِّكَ مَا وَعَدْتَهُ، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ

خدایا درود فرست بر محمد و آلش و وفا کن بدان وعده‌ای که به بنده مقربت داده‌ای، خدایا آشکار کن

كَلِمَتَهُ، وَأَعْلِ دَعْوَتَهُ، وَأَنْصُرْهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَعَدُوِّكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ،

سخن و آئینش را و بلند کن دعوتش را و یاریش ده بر دشمنش و بر دشمن تو ای پروردگار جهانیان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَظْهِرْ كَلِمَتَكَ التَّامَّةَ، وَمُعْيَبِكَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و آشکار کن آن کلمه تامه (و حجت بالغه) خود را و آن پنهان شده

فِي أَرْضِكَ الْخَائِفِ الْمُتَرَقِّبِ، اللَّهُمَّ أَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا، وَأَفْتَحْ لَهُ

در روی زمینت و آن هراسان نگران را خدایا یاریش ده یاری نیرومندی و بگشا برایش

فَتْحًا يَسِيرًا، اللَّهُمَّ وَأَعِزِّ بِهِ الدِّينَ بَعْدَ الْخُمُولِ، وَأَطْلِعْ بِهِ الْحَقَّ بَعْدَ

گشایشی آسان خدایا نیرومند گردان بدست او دین را پس از گمنامی و طالع کن بدو (خورشید) حق (و حقیقت) را پس

الْأُفُولِ، وَأَجَلِ بِهِ الظُّلْمَةَ، وَاكْشِفْ بِهِ الْعُمَّةَ، اللَّهُمَّ وَآمِنْ بِهِ الْبِلَادَ،

از غروب آن و برطرف کن بدو تاریکی را و بگشا بدو غم و اندوه را خدایا ایمن گردان بوسیله‌اش شهرها را

وَاهْدِ بِهِ الْعِبَادَ، اللَّهُمَّ امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا،

و راهنمایی کن بدو بندگانت را خدایا پر کن زمین را بدو از عدل و داد چنانچه پرشده از ستم و بیدادگری

إِنَّكَ سَمِيعٌ مُجِيبٌ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، ائِذْنُ لِرَبِّكَ فِي الدُّخُولِ إِلَى

که براستی تو شنوا و پاسخ دهنده‌ای سلام بر تو ای ولی خدا اجازه ده برای دوستت که در حرمت داخل شود

حَرَمِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

- درودهای خدا بر تو و بر پدران پاکت و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد -

پس برو به نزد سرداب غیبت آن حضرت و میان دو در بایست و درها را به

دست خود بگیر و تَنْخُحْ کن مانند کسیکه رخصت داخل شدن طلبد و بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بگو و پایین رو بتانی و حضور قلب و دو رکعت نماز

در عرصه سرداب بکن پس بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلِلَّهِ

* خدا بزرگتر (از توصیف) است... معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است و حمد خاص خدا است،

الْحَمْدُ، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَعَرَّفَنَا أَوْلِيَاءَهُ وَأَعْدَاءَهُ، وَوَقَّفَنَا

ستایش خداوندی را که ما را به این راه هدایت فرمود و دوستان و دشمنانش را به ما معرفی کرد و ما را به

لِزِيَارَةِ أَيْمَتِنَا، وَلَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْمُعَانِدِينَ النَّاصِبِينَ، وَلَا مِنَ الْغُلَاةِ

زیارت امامان موقعمان داشت و قرارمان نداد از زمره دشمنان و ناصبان و نه از غالیانی (که در حق آنها غلو

المُؤَوِّضِينَ، وَلَا مِنَ الْمُرتَابِينَ الْمُقَصِّرِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ وَلِيَّ اللَّهِ

کردند و آنان) که معتقد به تفویض (و واگذاردن کار بدست آنها) هستند و نه از کسانی که شک و تردید داشتند و در

حقشان

وَإِنِ أَوْلِيَاءَهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُدَّخِرِ لِكِرَامَةِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَبَوَارِ أَعْدَائِهِ،

کوتاهی کنند سلام بر بنده مقرب خدا و فرزند بندگان مقربش سلام بر آنکه ذخیره شده تا اولیاء خدا را گرامی کند و

دشمنانش را

السَّلَامُ عَلَيَّ النُّورِ الَّذِي أَرَادَ أَهْلُ الْكُفْرِ إِطْفَاءَهُ، فَابَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ

نابود گرداند سلام بر آن نور تابانی که اهل کفر آهنگ خاموش کردنش را کردند ولی خداوند نخواست جز آنکه نور

خود را آشکار

نُورَهُ بِكُرْهِهِمْ، وَأَيْدُهُ بِالْحَيَاةِ حَتَّى يُظْهِرَ عَلَيَّ يَدَهُ الْحَقِّ بِرَغْمِهِمْ،

و کامل گرداند گرچه آنان را ناخوش آید و او را بوسیله زندگی (طولانی) نگاه داشت تا برغم آنان حق را بدست او

آشکار سازد

أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اصْطَفَيْكَ صَغِيرًا، وَأَكْمَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبِيرًا، وَأَنْتَ حَيٌّ لَا

گواهی دهم که براستی خداوند تو را در کوچکی برگزید و علوم خود را برای تو در بزرگی کامل کرد و تو زنده هستی

تَمُوتُ حَتَّى تُبْطِلَ الْجِبْتَ وَالطَّاغُوتَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى

و نخواهی مرد تا از میان برداری جبت و طاغوت (معبودهای ساختگی و یاغیان) را خدایا درود فرست بر آن حضرت و

بر

خُدَّامِهِ، وَأَعْوَانِهِ عَلَيَّ غَيْبَتِهِ وَتَأْيِهِ، وَأَسْتُرُهُ سِتْرًا عَزِيزًا، وَاجْعَلْ لَهُ

خدمتکاران و کمک کارانش در دوران غیبت و دوریش و مستور دار در پرده عزت (و نیرومندی) و او را در پناهگاه

محکمی

مَعْقِلًا حَرِيْزًا، وَاشْدُدِ اَللّٰهُمَّ وَطَاتِكَ عَلٰى مُعَانِدِيْهِ وَاخْرُسْ مَوَالِيْهِ

قرارش ده و پایمال کردن و سرکوبی خود را نسبت به دشمنانش سخت و شدید گردان و دوستان و زائرینش را (از گزند

روزگار)

وَزَاثِرِيْهِ، اَللّٰهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِيْ بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا، فَاجْعَلْ سِلَاحِيْ

حفظ کن خدایا چنانچه دل مرا به یاد آوری او آباد کردی اسلحه مرا نیز در

بُنْصُرَتِهِ مَشْهُورًا، وَاِنْ حَالِ بَيْنِيْ وَبَيْنَ لِقَائِهِ الْمَوْتُ اَلَّذِيْ جَعَلْتَهُ

یاری او (آماده کن و) از نیام بدر آر و اگر حائل شد میان من و میان دیدار آن حضرت آن مرگی که مسلم کردی

عَلٰى عِبَادِكَ حَتْمًا وَاَقْدَرْتَ بِهٖ عَلٰى خَلِيْقَتِكَ رَغْمًا، فَاَبْعَثْنِيْ عِنْدَ

بر بندگانت و مقدر کردی آن را بر خلق خود تا بینشان به خاک مالیده و زیونشان کنی پس مرا

خُرُوْجِهٖ ظَاهِرًا مِنْ حُفْرَتِيْ، مُؤْتَزِرًا كَفْنِيْ، حَتّٰى اُجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ

هنگام ظهورش برانگیز تا سر برآرم از قبرم و همانطور که کفن پوشیده‌ام پیکار کنم در پیش رویش

فِي الصَّفِّ الَّذِيْ اَنْتَبَيْتَ عَلٰى اَهْلِهِ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ كَا نَهْمُ بَنِيَانُ

در آن صفی که ستایش کردی اهل آن صف را در قرآن و فرمودی «گوئی آنها بنائی

مَرْصُوصٌ، اَللّٰهُمَّ طَالَ الْاِنْتِظَارُ، وَسَمِتَ مِنَّا الْفَجَارُ، وَصَعَبَ عَلَيْنَا

استوارند» خدایا انتظار ما به درازا کشید و مردمان فاجر بدکار ما را شماتت کنند و انتقام (از دشمن)

الْاِنْتِصَارُ، اَللّٰهُمَّ اَرْنَا وَجْهَ وَلِيِّكَ الْمِيْمُوْنَ فِي حَيَاتِنَا وَبَعْدَ الْمُنُوْنِ،

بر ما دشوار گشت خدایانشان ده به ما روی میمون بنده مقرب و نماینده‌ات را در حال زندگی و پس از مرگ

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَدِيْنُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيْ صَاحِبِ هَذِهِ الْبُقْعَةِ، الْعُوْثُ

خدایا من اعتقاد دارم به رجعت در پیش روی صاحب این بقعه، فریاد،

الْعُوْثُ الْعُوْثُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، قَطَعْتُ فِي وُصْلَتِكَ الْخُلَانَ،

فریاد، فریاد، ای صاحب الزمان برای رسیدن به تو از دوستان صمیمی بریدم

وَهَجَرْتُ لِزِيَارَتِكَ الْاَوْطَانَ، وَاخْفَيْتُ اَمْرِيْ عَنِ اَهْلِ الْبُلْدَانِ،

و برای زیارتت وطن را ترک کردم و هدف و مقصودم را از مردم شهرها(ی سر راه) پنهان داشتم

لِتَكُونَ شَفِيعًا عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي، وَ إِلَىٰ آبَائِكَ وَمَوَالِيٍّ فِي حُسْنٍ

تا تو شفیع من گردی در نزد پروردگار خود و پروردگار من و پیش پدران و سروران من در (خواستن)

التَّوْفِيقِ لِي، وَإِسْبَاحِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ، وَسَوْقِ الْأَحْسَانِ إِلَيَّ، اللَّهُمَّ صَلِّ

خوش توفیقی برای من و فراوانی نعمت بر من و روان شدن احسان و بخشش بسوی من خدایا درود فرست

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَصْحَابِ الْحَقِّ، وَقَادَةَ الْخَلْقِ، وَأَسْتَجِبْ مِنِّي

بر محمد و آل محمد ملازمین حق و راهبران خلق و به اجابت رسان برانیم

مَا دَعَوْتُكَ وَأَعْطِنِي مَا لَمْ أَنْطِقْ بِهِ فِي دُعَائِي مِنْ صَلَاحِ دِينِي

آنچه دعا کردم و عطا کن به من آنچه را به زبان نیاوردم در دعایم از آنچه به صلاح دین

وَدُنْيَايَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

و دنیای من است که براستی توئی ستوده و بزرگوار و درود خدا بر محمد و آل پاکش باد

پس داخل صُفّه شو و دو رکعت نماز کن و بگو اللَّهُمَّ عَبْدُكَ الزَّائِرُ فِي فِنَاءِ

* * * * *
* * * * *
* * * * *
* * * * *
* * * * *
* * * * *
* * * * *

وَلَيْكَ الْمَرْوَرِ الَّذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ الْعَبِيدِ وَالْأَحْرَارِ، وَأَنْقَذْتَ بِهِ

که به زیارتش آیند آنکه واجب کردی فرمانبرداریش را بر هر بنده و آزاد و نجات دادی بوسیله‌اش

أَوْلِيَاءِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا زِيَارَةً مَقْبُولَةً ذَاتَ دُعَاءٍ

دوستان خود را از عذاب دوزخ خدایا این زیارت را زیارتی پذیرفته قرار ده و زیارتی که در آن دعائی

مُسْتَجَابٍ، مِنْ مُصَدِّقٍ بَوْلِيكَ غَيْرِ مُرْتَابٍ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ

مستجاب باشد از فردی که تصدیق کرده ولی و نماینده تو را بدون هیچگونه شک و تردیدی خدایا قرارش مده آخرین

بار آمدنم

بِهِ وَلَا بِزِيَارَتِهِ، وَلَا تَقْطَعْ أَثْرِي مِنْ مَشْهَدِهِ، وَزِيَارَةِ أَبِيهِ وَجَدِّهِ،

به آستان این بزرگوار و زیارتش و پای مرا از زیارتگاه او و زیارت پدر و جدش مبر،

اللَّهُمَّ أَخْلِفْ عَلَيَّ نَفَقَتِي، وَأَنْفَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي

خدایا آنچه در این راه خرج کردم عوض آن را به من بده و سود بخش کن و آنچه را روزی من کرده‌ای در دنیا و آخرتم

لِي وَلِإِخْوَانِي وَأَبَوِيَّ وَجَمِيعِ عِزَّتِي، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ أَيُّهَا الْأَمَامُ

و برای برادرانم و پدر و مادرم و همه خاندانم تو را به خدا می سپارم ای امام بزرگواری

الَّذِي يَفُوزُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، وَيَهْلِكُ عَلَى يَدَيْهِ الْكَافِرُونَ الْمَكْذِبُونَ،

که رستگار شوند بوسیله او مؤمنان و نابود گردند بدست او مردمان کافر و تکذیب کننده

يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ جِئْتُكَ زَائِرًا لَكَ وَلِأَبِيكَ وَجَدَّكَ،

ای مولای من ای فرزند حسن بن علی به دربارت آمده‌ام برای زیارت تو و پدر و جدت

مُتَيْقِنًا الْفُوزَ بِكُمْ، مُعْتَقِدًا إِمَامَتَكُمْ، اللَّهُمَّ اَكْتُبْ هَذِهِ الشَّهَادَةَ

و یقین به رستگاری خویش بوسیله شما دارم و معتقد به امامت شما هستم خدایا ثبت کن این گواهی

وَالزِّيَارَةَ لِي عِنْدَكَ فِي عَلِيِّينَ، وَبَلِّغْنِي بِلَاغِ الصَّالِحِينَ، وَأَنْفَعْنِي

و زیارت مرا نزد خودت در بلندترین جاها و برسانم بدانجا که رسیدند بدان مردمان شایسته و از دوستی

بِحُبِّهِمْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

ایشان به من سود ده ای پروردگار جهانیان

زیارت دیگر زیارتی است که سید بن طاوس نقل کرده و آن چنان است که

می گوئی:

السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ، وَالْعَالِمِ الَّذِي عِلْمُهُ لَا

سلام بر آن حق تازه و جدید و آن دانشمند بزرگواری که دانشش تمام نگردد

يَبِيدُ، السَّلَامُ عَلَى مُحْيِي الْمُؤْمِنِينَ، وَمُبِيرِ الْكَافِرِينَ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر زنده کننده مؤمنان و نابود کننده کافران سلام بر

مَهْدِيِّ الْأُمَمِ وَجَامِعِ الْكَلِمِ، السَّلَامُ عَلَى خَلْفِ السَّلَفِ، وَصَاحِبِ

مهدی همه ملل و جامع تمام کلمات (و احکام الهی) سلام بر یادگار گذشتگان و صاحب

الشَّرْفِ، السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ الْمَعْبُودِ، وَكَلِمَةِ الْمَحْمُودِ، السَّلَامُ عَلَى

شرف (و بزرگی) سلام بر حجت (از طرف خدای) معبود و کلمه ستوده سلام بر

مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ، وَمَذِلِّ الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ عَلَى وَاثِرِ الْأَنْبِيَاءِ، وَخَاتَمِ

عزت بخش دوستان حق و خوار کننده دشمنان او سلام بر وارث پیمبران و خاتم

الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ، وَالْعَدَلِ الْمُشْتَهَرِ، السَّلَامُ

اوصیاء سلام بر حضرت قائم منتظر و آن (سر تا پا) عدالت مشهور سلام

عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ، وَالْقَمَرِ الزَّاهِرِ وَالتُّورِ الْبَاهِرِ، السَّلَامُ عَلَى

بر شمشیر از نیام کشیده (حق) و ماه تابان و نور درخشان سلام بر

شَمْسِ الظَّلَامِ وَبَدْرِ التَّمَامِ، السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنَامِ، وَنَضْرَةِ الْأَيَّامِ،

خورشید تاریکی و ماه شب چهارده سلام بر بهار (شکوفان) مردمان و شادمانی و خرمی روزگار و دوران

السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الصَّمَامِ، وَقَلَّاقِ الْهَامِ، السَّلَامُ عَلَى الدِّينِ

سلام بر صاحب شمشیر برآن و شکافنده سرها سلام بر دین و آئین

الْمَأْثُورِ، وَالْكِتَابِ الْمَسْطُورِ، السَّلَامُ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ، وَحُجَّتِهِ

مقرر (و رسیده از جانب خدا) و کتاب نگاشته سلام بر نماینده خدا در شهرهایش و حجت او

عَلَى عِبَادِهِ الْمُنتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَكَدَيْهِ مَوْجُودُ آثَارِ

بر بندگانش آنکه به او رسید میراث پیمبران و نزد او موجود است آثار

الْأَصْفِيَاءِ، الْمُؤْتَمَنِ عَلَى السِّرِّ وَالْوَلِيِّ لِلْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ

برگزیدگان آن امین بر راز و سرپرست کار (امامت) سلام بر مهدی که

الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ، أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ، وَيَلْمَ بِهِ الشَّعْثَ،

وعدده کرده خدای عزوجل به آمدنش ملتها را تا گرد آورد بوسیله اش گفته ها(ی همه) را و برطرف کند بوسیله اش

پراکندگی را

وَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، وَيُمْكِنُ لَهُ وَيُنْجِزُ بِهِ وَعَدَّ

و پر کند بدست او زمین را از عدل و داد و موقعیتش را محکم و پایرجا کند و با آمدنش به وعده ای

الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ وَالْأَيُّمَةَ مِنْ آبَائِكَ أَيْمَتِي، وَمَوَالِي

که به مؤمنین داده وفا کند گواهی دهم ای مولای من که تو و پدران پیشوای تو امامان و سروران من هستی

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ، أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَسْتَلَّ

در زندگی دنیا و هم در آن روزی که گواهان (خلق) بپاخیزند از تو خواهیم ای مولای من که درخواست کنی

اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي صَلَاحِ شَأْنِي، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي، وَغُفْرَانِ

از خدای تبارک و تعالی اصلاح کارم را و برآوردن حاجتم و آمرزش

ذُنُوبِي، وَالْأَخْذِ بِيَدِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، لِي وَلِالْأَخْوَانِي

گناهانم را و دستگیری از من در دین و دنیا و آخرت و هم چنین برای برادران

وَأَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ كَافَّةً، إِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. پس بجا آور نماز

و خواهران با ایمانم همگی که او خدائی است آمرزنده و مهربان * * * * *

زیارت را به نحوی که پیش از این ذکر نمودیم یعنی دوازده رکعت بعد از هر دو رکعت سلام دهد و تسبیح زهراعلیها السلام بگوید و هدیه کند بسوی آن حضرت و چون از نماز زیارت فارغ شدی بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ،

* * * * * خدایا درود فرست بر حجت خود در روی زمینت و جانشین خود در شهرهایت

الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ، وَالْفَائِزِ بِأَمْرِكَ، وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ،

آنکه دعوت کند به راه تو و قیام کند به عدل تو و کامیاب به فرمان تو سرپرست مؤمنان

وَمُبِيرِ الْكَافِرِينَ، وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ، وَمُنِيرِ الْحَقِّ، وَالصَّادِعِ بِالْحِكْمَةِ

و نابود کننده کافران و برطرف کننده تاریکی و روشنی بخش حق و گویای به حکمت

وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ وَعَيْنِيكَ، وَعَيْنِكَ فِي أَرْضِكَ،

و پند نیکو و راستی و کلمه (و دستور) تو و گنجینهات و دیدهات در روی زمینت

الْمُتَرَقِّبِ الْخَائِفِ، الْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجَاةِ، وَعَلَمِ الْهُدَى، وَنُورِ

آن نگران ترسان و آن دوستدار خیرخواه کشتی نجات و پرچم هدایت و نور

أَبْصَارِ الْوُورَى، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى وَالْوَتْرِ الْمُوْتُورِ، وَمُفْرَجِ

دیدگان مردم و بهترین کسی که پیراهن و قبای (خلافت) به بر کند و انتقام کننده خون مظلومان و گشاینده

الْكَرْبِ، وَمُزِيلِ الْهَمِّ، وَكَاشِفِ الْبَلْوَى، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ

گرفتاری و زداینده اندوه و برطرف کننده بلاء دردهای خدا بر او و بر پدران

الْأَيِّمَةِ الْهَادِينَ وَالْقَادَةَ الْمَيَامِينَ، مَا طَلَعَتْ كَوَاكِبُ الْأَسْحَارِ، وَأَوْرَقَتْ

آن پیشوایان راهنما و رهبران خجسته باد تا هرگاه که سرزند اختران سحرگاه و برگ کند

الْأَشْجَارُ، وَأَيَّعَتِ الْأَثْمَارُ، وَاخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَعَرَّدَتِ الْأَطْيَارُ،

درختان و برسد میوه‌ها و گردش کند شب و روز و نغمه‌سرائی کنند پرندگان

اللَّهُمَّ أَنْفَعْنَا بِحُبِّهِ، وَأَحْسِرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَتَحْتَ لَوَائِهِ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

خدایا سودمند کن ما را به دوستیش و محشورمان کن در گروه او و در زیر پرچمش ای معبود به حق آمین ای پروردگار

جهانیان

ذکر صلوات بر آن حضرت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ الْحَسَنِ

خدایا درود فرست بر محمد و خاندانش و درود فرست بر نماینده امام حسن

وَوَصِيِّهِ وَوَارِيثِهِ، الثَّقَائِمِ بِأَمْرِكَ، وَالْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ، وَالْمُنْتَظَرِ لِأَذْنِكَ،

و وصی او و وارثش آنکه قیام کند بدستورت و آن پنهان در خلق تو و چشم براه اذن تو

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَقَرِّبْ بُعْدَهُ وَأَنْجِزْ وَعْدَهُ، وَأَوْفِ عَهْدَهُ، وَاكْشِفْ

خدایا درود فرست بر او و نزدیک کن دوریش را و انجام ده وعده‌اش را و وفا کن به عهد و پیمان‌ش و برطرف کن

عَنْ بَأْسِهِ حِجَابَ الْغَيْبَةِ، وَأَظْهِرْ بِظُهُورِهِ صَحَائِفَ الْمُحَنَّةِ، وَقَدِّمُ

از نیرویش پرده غیبت را و پشت سر انداز با ظهور آن حضرت اوراق محنت و اندوه را و بفرست در پیش

أَمَامَهُ الرَّعْبَ، وَتَبَّتْ بِهِ الْقُلُوبُ، وَأَقِمَّ بِهِ الْحَرْبَ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنْ

رویش رعب و ترس را و آرامش ده به او دل را و برپا کن بدستش جنگ را و کمکش کن به لشکری از

الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ، وَسَاطَهُ عَلَى أَعْدَاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ، وَأَلْهِمُهُ أَنْ

فرشتگان نشاندار و مسلطش کن بر دشمنان دینت همگی و به او الهام کن

لَا يَدَعُ مِنْهُمْ رُكْنًا إِلَّا هَدَّهٗ، وَلَا هَامًا إِلَّا قَدَّهٗ، وَلَا كَيْدًا إِلَّا رَدَّهٗ، وَلَا

که پایه‌ای از آنها نگذارد جز آنکه فرو ریزد و نه سری از آنها جز آنکه دو نیم کند و نه نقشه شومی جز آنکه بازش

گرداند

فَاسِقًا إِلَّا حَدَّهُ، وَلَا فِرْعَوْنَ إِلَّا أَهْلَكَهُ، وَلَا سِتْرًا إِلَّا هَتَكَهُ، وَلَا عِلْمًا إِلَّا

و نه فاسق بدکاری جز آنکه حدتش زند و نه فرعون (گردنکشی) جز آنکه هلاکش کند و نه پرده‌ای جز آنکه بدرد و نه

پرچمی جز

نَكَسَهُ، وَلَا سُلْطَانًا إِلَّا كَسَبَهُ، وَلَا رُمْحًا إِلَّا قَصَفَهُ، وَلَا مِطْرَدًا إِلَّا خَرَقَهُ،

آنکه سرنگونش سازد و نه سلطنت و قدرتی جز آنکه بتصرف گیرد و نه نیزه‌ای جز آنکه درهم شکند و نه زوبینی جز

آنکه بشکند

وَلَا جُنْدًا إِلَّا فَرَّقَهُ، وَلَا مِنبْرًا إِلَّا أَحْرَقَهُ، وَلَا سَيْفًا إِلَّا كَسَرَهُ، وَلَا صَمًا

و نه لشکری جز آنکه پراکنده سازد و نه منبری جز آنکه بسوزاند و نه شمشیری جز آنکه بشکند و نه بتی

الْأَرْضَهُ، وَلَا دَمًا إِلَّا أَرَأَقَهُ، وَلَا جَوْرًا إِلَّا أَبَادَهُ، وَلَا حِصْنَ إِلَّا هَدَمَهُ،

جز آنکه خرد کند و نه خونی جز آنکه بریزد و نه ستم و بیدادگری جز آنکه از میان بردارد و نه قلعه و دژی جز آنکه

ویران کند

وَلَا بَابًا إِلَّا رَدَمَهُ، وَلَا قَصْرًا إِلَّا خَرَبَهُ، وَلَا مَسْكَنًا إِلَّا فَتَشَهُ، وَلَا سَهْلًا

و نه دری جز آنکه ببندد و نه کاخ و قصری جز آنکه ویران کند و نه مسکنی جز آنکه بازرسی کند و نه زمین همواری

الْأَوْطَانَهُ، وَلَا جَبَلًا إِلَّا صَعَدَهُ، وَلَا كَنْزًا إِلَّا أَخْرَجَهُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

جز آنکه زیر پا گذارد و نه کوهی جز آنکه بالا رود و نه گنجی جز آنکه بیرون آورد به رحمتت ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ. مؤلف گوید: که شیخ مفید بعد از نقل زیارت سابق که اوّل آن اللَّهُ

مهربانان * * * * *

أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ بود فرموده که به روایت دیگر منقول است

که می‌گویی بعد از داخل شدن در سرداب مقدّس «الْسَّلَامُ عَلَيَّ الْحَقُّ الْجَدِيدِ»

پس زیارت را نقل کرده تا نماز زیارت آنگاه فرموده پس دوازده رکعت نماز

زیارت می‌کنی هر دو رکعت به یک سلام و می‌خوانی بعد از آن دعایی را که

از آن حضرت روایت شده:

اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ، وَبَرَحَ الْخَفَاءِ، وَانْكَشَفَ الْغَطَاءِ، وَصَاقَتِ الْأَرْضُ وَمَنْعَتِ

خدایا بزرگ شد بلا و گرفتاری و آشکار شد راز پنهانی و پرده از روی کار برافتاد و زمین (بر ما) تنگ شد و آسمان

السَّمَاءِ، وَإِلَيْكَ يَا رَبُّ الْمُشْتَكَى، وَعَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ،

خودداری کرد و بدرگاه تو آوریم پروردگارا شیکوه را و بر تو اعتماد کنیم در سختی و آسانی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل او آن بزرگانی که واجب کردی بر ما فرمانبرداریشان را و بدینوسیله منزلت و مقامشان

را

مَنْزِلَتَهُمْ، فَرُجِّ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجَاءً عَاجِلًا كَلْمَحِ الْبَصْرِ، أَوْ هُوَ أَقْرَبُ مِنْ ذَلِكَ، يَا

به ما شناساندی بگشا از ما به حق ایشان گشایشی فوری چون چشم برهمزدن یا زودتر از آن ای

مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِي، وَاكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا

محمد ای علی ای محمد یاریم دهید که به حقیقت شماست یاور من و کفایتم کنید که برآستی شماست کفایت

کننده

كافِيَانِي، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثَ، الْغَوْثَ، الْغَوْثَ، اذْرِكْنِي اذْرِكْنِي

اذْرِكْنِي.

من ای مولای من ای صاحب الزمان به فریادم برس مرا دریاب

*مؤلف گوید که این دعای شریفی است و سزاوار است خواندن آن در آنجا

مکرر و در غیر آن مکان و ما در باب اول ذکر کردیم این دعا را با اختلاف

جزئی زیارت دیگر زیارتی است که سید بن طاوس نقل کرده فرموده دُو رکعت

نماز گذارد و بگوید بعد از آن «سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ» الخ و مابین زیارت

را در فصل هفتم از باب اول به عنوان استغاثه به آن حضرت از کَلِمِ طَيِّبِ نَقْلِ

کردیم به آنجا رجوع شود مؤلف گوید که سید بن طاوس در مصباح الزائر

فصلی در اعمال سرداب مقدس ایراد کرده و در آن شش زیارت نقل کرده پس

از آن فرموده و ملحق می‌شود به این فصل دعاء ندبه و زیارتی که مولای ما صاحب الامر علیه السلام هر روز به آن زیارت کرده می‌شود بعد از نماز صبح و آن زیارت هفتم حساب می‌شود و دعای عهد که امر شده به تلاوت آن در حال غیبت و دعایی که آنرا بخوانند در وقتی

که از آن حرم شریف می‌خواهند برگردند پس شروع کرده به ذکر این چهار امر ما هم در این کتاب مبارک متابعت آن بزرگوار نموده و آن چهار امر را ذکر می‌نماییم

اول دعاء ندبه است که مستحب است در چهار عید یعنی عید فطر و قربان و غدیر و روز جمعه بخوانند و آن دعا این است: **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ**

***** ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است

الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ، وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا، اللَّهُمَّ لَكَ

و درود خدا بر آقای ما محمد پیامبرش و بر آل او و سلام کاملی بر ایشان باد خدایا از آن تو است

الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَائِكَ فِي أَوْلِيَائِكَ، الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ

ستایش بر آنچه جاری شد بدان قضا و قدر تو درباره بندگان مقربت آنانکه خالص گردانیدی آنان را

لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ، إِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ،

برای خود و دین خود چون انتخاب کردی برای آنها آن نعمت شایان و پایداری که نزد تو است

الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا اَضْمِحَالَ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي

آن نعمتی که زوال و نابودی برایش نیست، (و این) پس از آنی (بود که) با آنها شرط کردی تا کناره گیرند از

دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدُّنْيَا وَرُخْفِهَا وَزَبْرَجِهَا، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ،

درجات (و ریاستهای) این دنیای پست و از زیب و زبورش و آنها نیز این شرط تو را پذیرفتند

وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ، فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ،

و تو نیز وفای آنان را به این شرط دانستی و پذیرفتشان و مقرب درگاهشان کردی و مقرر داشتی از پیش برای ایشان

نامی بلند

وَالثَّنَاءَ الْجَلِيلِيَّ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ،

و ثنائی آشکار و فرو فرستادی برایشان فرشتگانت را و گرامی داشتی آنان را به وحی خود

وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ، وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ،

و یاریشان کردی به علم خود و قرارشان دادی واسطه درگاہت و وسیله‌ای بسوی خوشنودیت

فَبَعْضُ أَسْكَنتَهُ جَنَّتَكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا، وَبَعْضُ حَمَلَتْهُ فِي

پس برخی را در بهشت جا دادی تا آنگاه که از آنجا بیرونش آوردی و برخی را در کشتی خود سوار کردی

فُلِّكَ وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ، وَبَعْضُ اتَّخَذَتْهُ

و او و همراهانش را که ایمان آورده بودند به مهر خود از هلاکت نجات دادی و برخی را برای خود

لِنَفْسِكَ خَلِيلاً، وَسَتَلَّكَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْأَخْرَيْنَ فَاجَبْتَهُ، وَجَعَلْتَ

خلیل گرفتی و او از تو درخواست کرد نام نیک را در امتهای آینده و تو اجابت کردی و نام او را

ذَلِكَ عَلِيًّا، وَبَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا، وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أُخِيهِ

بلند گرداندی و با برخی از میان درخت بطور مخصوصی سخن گفتی و برای او برادرش را

رِذَاءً وَوَزِيْرًا، وَبَعْضُ أَوْلَدَتْهُ مِنْ غَيْرِ أَبِي، وَأَتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ، وَإَيْدَتْهُ

یاور و وزیر گردانیدی و برخی را بدون پدر بوجود آوردی و نشانه‌های آشکاری به او دادی

بِرُوحِ الْقُدُسِ، وَكُلُّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَا، وَتَخَيَّرْتَ

و به روح القدس (جبرئیل) یاری فرمودی و برای همه آنها دین و قانونی مقرر داشتی و برایشان طریقه و برنامه‌ای قرار

دادی

لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ،

و اوصیائی برای او انتخاب کردی تا یکی پس از دیگری نگهدارنده باشد از زمانی تا زمانی تا برپا ماند دین تو

وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ، وَلَيْلًا يَزُولُ الْحَقُّ عَنْ مَقْرَهٍ، وَيَغْلِبُ الْبَاطِلُ

و حجتی باشند بر بندگانت و تا زائل نگردد (دین) حق از جای خود و تا پیروز نگردد باطل

عَلَى أَهْلِهِ، وَلَا يَقُولُ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا، وَأَقَمْتَ لَنَا

بر اهل حق و کسی نگوید چرا نفرستادی بسوی ما پیامبری که ما را بترساند و چرا بپا نداشتی

عَلَّمَا هَادِيًا، فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَحْزِي، إِلَى أَنْ أَنْتَهَيْتَ

پرچمی راهنما تا پیروی کنیم از آیات تو پیش از آنکه خوار و رسوا گردیم تا اینکه رساندی

بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَكَانَ كَمَا

کار را بدست حبیب خود و برگزیده‌ات (حضرت) محمد صلی الله علیه و آله و او چنان بود که او را

أَنْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مِنْ خَلْقَتِهِ، وَصَفْوَةً مِنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ مَنْ اجْتَبَيْتَهُ،

برگزیدی بزرگ آفریدگانت و برگزیده برگزیدگانت و برترین انتخاب شدگانت

وَأَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَّمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ

و گرامی‌ترین معتمدین تو بود و او را بر پیمبرانت مقدم داشتی و بسوی جن و انس از

عِبَادِكَ، وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ، وَعَرَجْتَ

بندگان مبعوث فرمودی و مشرقها و مغربهای عالم را زیر پایش گذاردی و براق را مسخر او گرداندی

بِرُوحِهِ [بِه] إِلَى سَمَائِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ

و به آسمان خود او را بالا بردی و علم گذشته و آینده را تا هنگام پایان

خَلْقِكَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَحَفَفْتَهُ بِجِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ، وَالْمُسَوِّمِينَ

آفرینش به اوسپردی آنگاه او را بوسیله ترس و رعب (در دل دشمنش) یاری کردی و گرداگردش جبرئیل و میکائیل و

فرشتگان

مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تَظْهَرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ

نشاندارت را واداشتی و به او وعده دادی که دینش را بر همه دینها پیروز گردانی اگرچه مشرکان

الْمُشْرِكُونَ، وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُوءَ صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلْتَ لَهُ

خوش نداشته باشند، و این جریان پس از آنی بود که جایگیرش کردی در جایگاه راستی از خاندانش (یعنی آنان را برای

حفظ

وَلَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ، لَلَّذِي بِنِكَهٍ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ،

دینش معین کردی) و قرار دادی برای او و خاندانش نخستین خانه‌ای را که برای مردم بنا شد که مکه است و مایه برکت

و موجب

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ، مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ، وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، وَقُلْتَ «أِنَّمَا يُرِيدُ

راهنمایی جهانیان است و در آن نشانه‌های آشکاری است چون مقام ابراهیم و هر که در آن درآید ایمن است، و فرمودی:

«جز این»

اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»، ثُمَّ جَعَلَتْ

نیست که خدا اراده فرموده تا دور کند از شما خاندان پلیدی را و بخوبی شما را پاک گرداند» آنگاه

أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ قُلْ لَا

مزد محمد را - که درودهای تو بر او و آتش باد - در کتاب خود دوستی و مودت ایشان قراردادی و فرمودی: «بگو من

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى، وَقُلْتَ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ

از شما برای رسالت مزدی نخواهم جز دوستی خویشانم» و فرمودی: «آنچه مزد از شما خواستم

فَهُوَ لَكُمْ وَقُلْتَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ

آن هم بسود شما است» و فرمودی: «من از شما برای رسالت مزدی نخواهم مگر کسی که بخواهد بسوی پروردگار

خویش

رَبِّهِ سَبِيلاً، فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلَى رِضْوَانِكَ، فَلَمَّا

راهی پیش گیرد» و اینها بودند آن راه بسوی تو و طریقه سلوک بسوی خوشنودیت و چون

انْقَضَتْ أَيَّامُهُ، أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا

روزگار آن حضرت سپری شد برگماشت علی بن ابیطالب را - که درودهای تو بر هر دوی آنها

وَأَلَيْهِمَا هَادِيًا، إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرَ، وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَالْمَلَأَ أَمَامَهُ

و بر ایشان باد - برای راهنمایی زیرا که آن جناب بیم‌دهنده و راهنمای هر ملتی بود، و در همین باره در برابر مردمی

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ

که نزدش حاضر بودند فرمود: هر که من مولا و سرپرست اویم علی مولا و سرپرست او است خدایا دوست دار هر که

دوستش دارد

وَأَنْصُرُ مَنْ نَصَرَهُ، وَآخِذُ مَنْ خَذَلَهُ، وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ

و دشمن دار هر که دشمنش باشد و یاری کن هر که یاریش کند و خوار کن هر که دست از یاریش بردارد، و فرمود: هر

که من پیامبر

أَمِيرُهُ، وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ

او هستم علی امیر و فرمانروای او است، و فرمود: من و علی هر دو از یک درخت هستیم و سایر مردم از درختهای

شَتَّى، وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ

متفرقی هستند، و رتبه او را نسبت به خود چون رتبه هارون نسبت به موسی قرار داد و بدو فرمود: مقام تو

هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَرَوَّجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةَ نِسَاءٍ

در پیش من مانند مقام هارون است از موسی جز اینکه پیامبری پس از من نیست و تزویج کرد به او دخترش بانوی زنان

الْعَالَمِينَ، وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ، وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ، ثُمَّ

جهانیان را وحلال کرد برای او از مسجدش آنچه برای خود او حلال بود، و بیست درهای مسجد را جزدرخانه علی راه،

سپس

أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ، فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ

علم و حکمت خود را به او سپرد و فرمود: من شهر علمم و علی در آن شهر است پس هر که خواهد بدین

الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا، ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي

شهر درآید و حکمت خواهد باید از در آن درآید، سپس فرمود: توئی برادر من و وصی من

وَوَارِثِي، لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي، وَدَمُّكَ مِنْ دَمِي، وَسِلْمُكَ سِلْمِي،

و وارث من گوشتت از گوشت من و خونت از خون من است صلح تو صلح من

وَحَرْبُكَ حَرْبِي، وَالْإِيْمَانُ مُخَالِطُ لَحْمِكَ وَدَمِّكَ، كَمَا خَالَطَ لَحْمِي

و جنگ تو جنگ من است و ایمان با گوشت و خون تو آمیخته شده چنانچه با گوشت

وَدَمِي، وَأَنْتَ عَدَاؤُ عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي وَأَنْتَ تَقْضِي دِيْنِي، وَتَنْجِزُ

و خون من آمیخته و تو در فردای محشر بر سر حوض (کوثر) جانشین منی و تو می پردازی قرض مرا و وفا می کنی

عِدَاتِي، وَشِيعَتُكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ، مُبِيضَةً وَجُوهَهُمْ حَوْلِي

به وعده های من و شیعیانت بر منبرهایی از نور با روهای (نورانی و) سفید در بهشت اطراف

فِي الْجَنَّةِ، وَهُمْ جِيرَانِي، وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ

منند و آنها همسایگان منند و اگر تو نبودی - ای علی - مؤمنان پس از من شناخته نمی شدند،

بَعْدِي، وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ، وَتُوراً مِنَ الْعَمَى، وَحَبْلَ اللَّهِ

و آن جناب پس از رسول خدا راهنمای گمراهی و روشنایی از کوری جهالت و رشته محکم خدا

الْمَتِينِ، وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ، لَا يُسَبِّقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ، وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي

و راه راست او بود، کسی پیشی نگرفت بر او در نزدیکی خویشاوندی به رسول خدا و نه از نظر سابقه در

دین، وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنَقِبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ، يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ

دین و نه کسی توانست در یکی از منقبتها به او برسد، همانند رسول خدا بود - که درود خدا

عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا، وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّوَاتُؤِ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ،

بر هر دوی ایشان باد - و او بود که بر طبق تواتر و باطن قرآن می جنگید و درباره خدا باکی از سرزنش ملامت کنندگان

قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنَائِدَ الْعَرَبِ، وَقَتْلَ أَبْطَالِهِمْ، وَنَاوَشَ دُؤْبَانَهُمْ، فَأَوْدَعَ

نداشت در راه خدا خون بزرگان عرب را به خاک ریخت و دلاورانشان را بکشت و با گرگانشان در افتاد و همین سبب

شد

قُلُوبِهِمْ أَحْقَادًا، بِدَرِيَّةٍ وَخَيْبِرِيَّةٍ وَحَنِينِيَّةٍ وَغَيْرَهنَّ، فَاصْبَتْ عَلَى

در دل‌های ایشان کینه‌ها بگذارد کینه‌های جنگ بدر و خیبر و حنین و غیر آنها پس دشمنی او را

عَدَاوَتِهِ، وَأَكْبَتُ عَلَى مُنَابَذَتِهِ، حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ

به دل گرفتند و به جنگ و مخالفت با او برخاستند تا کشتار کرد با پیمان شکنان (طلحه و زبیر و همراهان) و زورگویان

وَالْمَارِقِينَ، وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ، وَقَتَلَهُ أَشَقَى الْأَخْرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى

(معاویه و همدستانش) و از دین بیرون رفتگان (اصحاب نهروان) و چون درگذشت و شقی ترین مردم پسینیان که پیروی

الْأَوَّلِينَ، لَمْ يُمَثِّلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ

کرد از شقی ترین پسینیان او را کشت امتثال نشد از دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله که در باره راهنمایان دین

بَعْدَ الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ،

یکی پس از دیگری فرموده بود و امت پافشاری بر دشمنی آن حضرت کردند و گرد آمدند برای قطع رحم او

وَأَقْصَاءِ وُلْدِهِ، إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ، فُقُتِلَ مَنْ قُتِلَ،

و تبعید کردن (و آواره ساختن) فرزندانش جز اندکی از کسانی که وفا کردند در رعایت کردن حق در ایشان و در نتیجه

جمعی کشته

وَسُبِّيَ مَنْ سُبِّيَ، وَأُقْضِيَ مَنْ أُقْضِيَ، وَجَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى

و گروهی اسیر و دسته‌ای از وطن آواره گشتند و قلم تقدیر و قضا طوری بر ایشان جاری شد

لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ،

که امید پاداش نیک در آن می‌رود زیرا (کره) زمین از خدا است و به هر که از بندگانش که بخواهد آن را ارث دهد

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَسُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا، وَلَنْ

بدو واگذارد و سرانجام از آن پرهیزکاران است و منزه است پروردگار ما که حتماً وعده پروردگاران انجام شدنی

است

يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ

و خدا خلف وعده نمی‌کند و او است نیرومند فرزانه پس بر پاکیزگان از خاندان

مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْكُوا يَا بَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ

محمد و علی - درود خدا بر هر دو ایشان و آیشان باد - باید گریه کنندگان بگریند و بر آنها

فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَلِيَمْلِهِمْ فَلْتَذْرِفِ الدَّمُوعُ، وَلِيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ،

باید زاری کنندگان زاری کنند و برای امثال آنها باید اشکها روان گردد و فریاد زندگان فریاد زند

وَيَصْرُخُ الضَّاجُونَ، وَيَبْعَجُ الْعَاجُونَ، أَيْنَ الْحَسَنُ أَيْنَ الْحُسَيْنُ، أَيْنَ

و شیون کنندگان شیون کنند و خروش کنندگان خروش سر دهند کجاست حسن؟ و کجاست حسین؟ و کجايند

أَبْنَاءَ الْحُسَيْنِ، صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلُ

فرزندان حسین؟ شایسته‌ای پس از شایسته دیگر و راستگویی پس از راستگوی دیگر کجاست آن راه حق

بَعْدَ السَّبِيلِ، أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ، أَيْنَ الشَّمْسُ الْطَالِعَةُ، أَيْنَ

پس از راه دیگر؟ کجايند برگزیدگان (خدائی) هر یک پس از دیگری؟ کجايند خورشیدهای تابان؟ کجايند

الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ، أَيْنَ النَّائِمُ الزَّاهِرَةُ، أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ،

ماههای نور افشان؟ کجايند اختران فروزان؟ کجايند بزرگان دین و پایه‌های دانش؟

أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَةِ أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ

کجا است بجا مانده خدا که بیرون از خاندان عترت راهنمای (رسول خدا) نیست؟ کجاست آنکه آماده شده برای ریشه کن

دَابِرِ الظُّلْمَةِ، أَيْنَ الْمُنتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعُوجِ، أَيْنَ الْمُرْتَجَى

ساختن ستمگران؟ کجاست آنکه چشم براهش هستند برای راست کردن نادرستیها و کجیها؟ کجاست

لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ، أَيْنَ الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ،

آن مایه امید برای از بین بردن ستم و تجاوز؟ کجاست آنکه ذخیره شده برای نو کردن فریضه‌ها و سنتهای دین؟

أَيْنَ الْمُخَيَّرُ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ

کجاست آن کس که انتخاب گشته برای برگرداندن کیش و آئین؟ کجاست آنکه آرزویش داریم برای زنده کردن قرآن

وَحُدُودِهِ، أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ، أَيْنَ قَاصِمِ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ،

و حدود آن؟ کجاست زنده کننده آثار دین و اهل دین؟ کجاست درهم شکننده شوکت زورگویان؟

أَيْنَ هَادِمِ أَبْنِيَةِ الشَّرْكِ وَالنَّفَاقِ، أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ

کجاست ویران کننده بناهای شرک و دو روئی؟ کجاست نابود کننده اهل فسق و گناه

وَالطُّغْيَانِ، أَيْنَ حَاصِدِ فُرُوعِ الْغَىِّ وَالشَّقَاقِ، أَيْنَ طَامِسِ آثَارِ الزَّيْغِ

و طغیان؟ کجاست آنکه شاخه‌های گمراهی و اختلاف را ببرد؟ کجاست محو کننده آثار کجروی

وَاللُّهُوَاءِ، أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ، أَيْنَ مُبِيدِ الْعُنَاةِ

و هوا و هوسها؟ کجاست پاره کننده دامهای دروغ و بهتان؟ کجاست نابود کننده سرکشان

وَالْمَرْدَةِ، أَيْنَ مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ، أَيْنَ مُعَزِّ

و متمردان؟ کجاست ریشه کن کننده ستیزه جویان و گمراهان و بی‌دینان؟ کجاست عزت بخش

الْأَوْلِيَاءِ وَمَذِلُّ الْأَعْدَاءِ، أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ عَلَى النَّقْوَى، أَيْنَ بَابِ اللَّهِ

دوستان و خوار کننده دشمنان؟ کجاست گردآورنده سخنان بر پرهیزکاری؟ کجاست آن درگاه خداوند

الَّذِي مِنْهُ يُوتَى، أَيْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبُ

که از آنجا بسوی خدا روند؟ کجاست آن آئینه‌خدائی که بسویش توجه کنند اولیاء؟ کجاست آن سبب خدائی

الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرِ رَايَةِ

که پیوست است میان زمین و آسمان؟ کجاست آن فرمانروای روز فتح و پیروزی و برافرازننده پرچم

الْهُدَى، أَيْنَ مُؤَلَّفِ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا، أَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ

هدایت و راهنمائی؟ کجاست گردآورنده شایستگی و خوشنودی (حق)؟ کجاست خواهنده خون

الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ، أَيْنَ

پیمبران و فرزندان پیمبران؟ کجاست خواهنده خون کشته کربلا؟ کجاست آن

الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى، أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ

یاری شده و پیروزمند بر کسانی که بر او ستم کردند و دروغ بستند؟ کجاست آن درمانده‌ای که چون دعا کند

إِذَا دَعَى، أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ

به اجابت رسد کجاست صدر مخلوقات عالم آن نیکوکار با تقوی؟ کجاست فرزند پیامبر

الْمُصْطَفَى، وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، وَابْنُ خَدِيجَةَ الْغُرَّاءِ، وَابْنُ فَاطِمَةَ

برگزیده و فرزند علی مرتضی و فرزند خدیجه روشن سیما و فرزند فاطمه

الْكُبْرَى، يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَالْحِمَى، يَا بِنَ السَّادَةِ

کبری؟ پدر و مادرم بفدایت و خودم بلاگردان و سپر پیش روی تو باشم ای فرزند بزرگان

الْمُقَرَّبِينَ، يَا بِنَ النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، يَا بِنَ الْهُدَاةِ الْمُهْدِيِّينَ، يَا بِنَ

مقرب درگاه حق ای فرزند نجیبان گرامی ای فرزند راهنمایان راه یافته ای فرزند

الْخَيْرَةِ الْمُهْدِيِّينَ يَا بِنَ الْغَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَا بِنَ الْأَطَائِبِ

نیکان پاکیزه ای فرزند گرامیان برگزیده ای فرزند پاکان

الْمُطَهَّرِينَ، يَا بِنَ الْخَضْرَاءِ الْمُتَنَجِّبِينَ، يَا بِنَ الْقِمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ، يَا

پاکیزه ای فرزند جوانمردان پرچوم برگزیده ای فرزند دریا‌های بخشش و عطای گرامی ای

بِنَ الْبُدُورِ الْمُثِيرَةِ، يَا بِنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ، يَا بِنَ الشُّهْبِ الثَّقَابَةِ يَا

فرزند ماههای نور افشان ای فرزند چراغهای تابان ای فرزند ستارگان فروزان ای

بِنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، يَا بِنَ السَّبِيلِ الْوَاضِحَةِ، يَا بِنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، يَا

فرزند اختران درخشان ای فرزند راههای روشن ای فرزند نشانه‌های آشکار ای

بِنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يَا بِنَ السَّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، يَا بِنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ،

فرزند دانشهای کامل ای فرزند آینه‌های معروف و مشهور ای فرزند آثار و معالم رسیده (از خدا و انبیاء)

يَا بِنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَا بِنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ، يَا بِنَ

ای فرزند معجزات موجود ای فرزند دلیلهای آشکار ای فرزند

الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَا بْنَ النَّبِّ الْعَظِيمِ، يَا بْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ

راه مستقیم ای فرزند آن خیر بسیار بزرگ ای فرزند کسی که در دفتر اصلی

لَدَى اللَّهِ عَلَى حَكِيمٍ، يَا بْنَ الْأَيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ، يَا بْنَ الدَّلَائِلِ

نزد خدا «علی» (والا) و فرزانه است ای فرزند آیات و نشانه‌های آشکار ای فرزند دلیلهای

الظَّاهِرَاتِ، يَا بْنَ الْبُرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ، يَا بْنَ الْحُجَجِ

هویدا ای فرزند برهانهای نمایان روشن ای فرزند حجت‌های

الْبَالِغَاتِ، يَا بْنَ النِّعَمِ السَّابِغَاتِ، يَا بْنَ طِهٍ وَالْمُحْكَمَاتِ، يَا بْنَ يَسِّ

رسا ای فرزند نعمتهای شایان و فراوان ای فرزند طه و آیات محکم قرآن ای فرزند سوره یس

وَالذَّارِيَاتِ، يَا بْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ، يَا بْنَ مَنْ دَنَى، فَتَدَلَّى فَكَانَ

و ذاریات ای فرزند سوره طور و العادیات ای فرزند کسی که (در شب معراج) نزدیک شد و نزدیک تر شد

قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، دُثُوًّا وَأَقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، لَيْتَ شِعْرِي،

به فاصله دو کمان یا نزدیکتر، در نزدیکی و قرب نسبت به خدای والای اعلی، ای کاش می‌دانستم

أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، بَلْ أَىُّ أَرْضٍ تُفْلِكُ أَوْ تُرَى، أَرِبْرُضَى أَوْ

در چه جائی منزل گرفته‌ای و چه سرزمین و مکانی تو را بر خود نگهداشته آیا در کوه رضوانی یا

غَيْرِهَا أَمْ ذَى طُوًى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخُلُقَ وَلَا تُرَى، وَلَا أَسْمَعُ

غیر آن یا در ذی طوی، گران است بر من که مردم را ببینم ولی تو دیده نشوی و نشنوم

لَكَ حَسْبِيسًا وَلَا نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلْوَى، وَلَا

از تو صدا و نه رازی، گران است بر من که بی من بر تو تنها بلا احاطه کند، و

يَنَالُكَ مِنِّي ضَجِيحٌ وَلَا شَكْوَى، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا

صدای زاری و شکوه من به تو نرسد، جانم به قربانت ای پنهانی که از میان ما بیرون نیستی

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ أُمِّيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى،

جانم به قربانت ای دور از نظری که از ما دور نیست جانم به قربانت ای آرمان هر مشتاقی که آرزویت کند

مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزَّ لَا يُسَامَى،

از مردان و زنان با ایمانی که به یاد تو ناله از دل کشند جانم به قربانت ای بسته به عزتی که کسی بر تو برتری

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدِلًا يُجَارِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نَعَمٍ لَا

نگیرد جانم به قربانت ای مجد و شوکت ریشه‌داری که هم‌طرز ندارد و جانم به قربانت ای نعمت دیرینه‌ای

تُضَاهِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي، إِلَيَّ مَتَى أَحَارُ

که شبیه ندارد جانم به قربانت ای قرین شرف و بزرگواری که برابر ندارد، تا کی سرگردان

فِيكَ يَا مَوْلَايَ، وَإِلَيَّ مَتَى وَأَيَّ خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكَ وَأَيَّ نَجْوَى،

تو باشم ای مولای من؟ و تا کی و به چه زبانی وصف تو گویم و راز دل کنم

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَأَنَاغِي، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَيَخْذُلَكَ

گران و ناگوار است بر من که پاسخ از دیگری جز تو بشنوم و گفتگو کنم، گران است بر من که بر تو بگریم ولی مردم

تو را

الْوَرَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى، هَلْ مِنْ مُعِينٍ

و اگذارند، گران است بر من که بر تو بگذرد آنچه می‌گذرد نه بر دیگران، آیا کمک‌کاری هست

فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ، هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَأَسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا،

که با او فریاد و گریه را طولانی کنم آیا بی‌تابی (چون من) هست که چون به خلوت رود در زاری و جزع کمکش کند

هَلْ قَدَيْتَ عَيْنٌ فَسَاعَدْتَهَا عَيْنِي عَلَيَّ الْقَدَى، هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ

آیا چشمی هست که خار فراق در آن خلیده و گریان باشد تا چشم پرخار من نیز یاریش دهد، آیا ای پسر احمد

سَبِيلٌ فَتَلْقَى، هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بَعْدَةَ فَنَحْظِي، مَتَى نَرِدُ مَنَا هِلَكَ

بسویت راهی هست تا دیدارت کنم آیا روز جدائی ما به وعده تو پیوست می‌شود تا بهره‌مند گردیم؟ کی می‌شود که به

سرچشمه‌های

الرَّوِيَّةَ فَتَرَوِي، مَتَى نَنْتَقِعُ مِنْ عَذَابِ مَا نِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى مَتَى

پرآبت درآئیم و سیراب شویم، کی می‌شود که سیراب گردیم از آب وصل تو که تنشگی ما باراز کشید کی می‌شود

نُعَادِيكَ وَتُرَاوِحُكَ، فَتَنْقِرَ عَيْنًا، مَتَى تَرَانَا وَتَرِيكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لَوَاءَ

که صبح و شام را با تو بسر بریم و دیده روشن کنیم، کی می‌شود که تو ما را ببینی و ما تو را بینیم و پرچم

النَّصْرِ تَرِي، أتر انا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تَأْمُ الْمَلَأَ، وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ

نصرت را برافراشته باشی و مردم آن را مشاهده کنند، آیا می‌شود که ما ببینیم آن روزی که ما گرداگردت را گرفته و تو

رهبر مردم باشی

عَدْلًا، وَأَذَقْتَ أَعْدَائَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا، وَأَبْرَتِ الْعَتَاةَ وَجَحَدَةَ الْحَقِّ،

و زمین را پر از عدل و داد کنی و بچشانی به دشمنان خواری و کيفر را و نابود کنی سرکشان و منکران حق را

وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَاجْتَنَنْتَ أَصُولَ الظَّالِمِينَ، وَنَحْنُ نَقُولُ

و بزنی ریشه گردنکشان را و برکنی اساس ستمکاران را و ما بگوئیم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَفُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى وَالْيَكِّ

ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است خدایا توئی برطرف کننده گرفتاریها و بلا و از تو دادرسی

أَسْتَعْدَى فَعِنْدَكَ الْعُدْوَى، وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى]، فَأَعِثْ يَا غِيَاثَ

و یاری جویم که در نزد تو است دادخواهی و یاری و توئی پروردگار آخرت و دنیا پس فریاد رسی کن ای فریادرس

الْمُسْتَعِيثِينَ، عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلَى، وَأَرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى، وَأَزِلْ عَنْهُ

درماندگان از بنده خرد گرفتارت، و بنمایان به او آفتاب را ای سخت نیرو و زائل کن

بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى، وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَمَنْ

به دیدار آن حضرت از او اندوه و سوز دلش را و فرو نشان سوز عطشش را ای که بر عرش استواری و ای که

إِلَيْهِ الرَّجْعَى وَالْمُنْتَهَى، اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عُبَيْدَكَ التَّائِقُونَ إِلَى وَبَيْكَ

بسوی او است بازگشت و سر منزل هر چیز خدایا و مانیم بندگان تو که شیفته دیدار نمایندهات هستیم آنکه مردم

الْمَذْكُرِّ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا، وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا

را به یاد تو و به یاد پیامبرت اندازد و تو او را آفریدی که نگهدار و پشتیبان ما باشد و برپایش داشتی

وَمَعَاذًا، وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا، فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا،

تا قوام و پناهگاه ما باشد و او را پیشوای مؤمنین از ما گردانی پس برسان به آن جناب از طرف ما تحیت و سلامی

وَرَدِّنا بِذَلِكَ يَارَبُّ اِكْرَامًا، وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَمَقَامًا،

و بیغزا بدینوسیله ای پروردگار ما بر کرامت و مقام ما و جایگاه او را جایگاه و اقامتگاه ما قرار ده

وَأْتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا، حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ، وَمُرَافَقَةَ

و کامل کن نعمتت را بر ما به مقدم داشتن آن بزرگوار را در پیش روی ما تا ما را به بهشتهای تو درآورد و به رفاقت

الشَّهْدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ

(و هم نشینی) شهیدان از بندگان خالصت برساند خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و درود فرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَّرَسُوْلِكَ السَّيِّدِ الْاَكْبَرِ، وَعَلٰى [عَلِيٍّ] اَبِيهِ السَّيِّدِ الْاَضْعَرِّ،

بر محمد جد بزرگوار او و رسول تو آن آقای بزرگ و بر علی پدر بزرگوارش آن آقای کوچکتر

وَجَدَّتِهِ الصَّدِيْقَةَ الْكُبْرٰى، فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ، وَعَلٰى مَنْ اصْطَفَيْتَ

و بر جد‌هاش صدیقه کبری فاطمه دختر محمد و به برگزیدگان نیک رفتار

مِنْ اَبَائِهِ الْبُرَّرَةِ، وَعَلَيْهِ اَفْضَلُ وَاكْمَلُ وَاَتَمُّ وَاَدْوَمُّ وَاكْثَرُ وَاَوْفَرُ مَا

از پدران آن حضرت و بر خود آن جناب فزونتین و کاملترین و تمامترین و مدام‌ترین و بیشترین و فراوانترین

صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَصْفِيَاءِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلَيْهِ

درودی که بفرستی بر یکی از برگزیدگان و نیکان از خلق خود و درود فرست بر آن جناب

صَلٰوةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا، وَلَا نِهَآيَةَ لِمَدَدِهَا، وَلَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا، اَللّٰهُمَّ

درودی که شماره‌اش بی حد و مدتش بی نهایت و تمام نشدنی باشد خدایا

وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ، وَأَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ، وَأَدِلْ بِهِ اَوْلِيَآئِكَ، وَأَذَلِّ بِهِ

حق را بوسیله آن حضرت برپا دار و باطل را بدو نابود گردان و دوستانت را بوسیله‌اش به دولت رسان و

أَعْدَائِكَ، وَصَلِّ اللّٰهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلَّةً تُؤَدِّي اِلٰى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ،

دشمنانت را بدست او خوار گردان و پیوند کن خدایا میان ما و او را به پیوندی که برساند ما را به رفاقت پدران گذشته

او

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ، وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ، وَاعِنَّا عَلٰى تَادِيَةِ

و بگردان ما را از کسانی که دامن آنها را بگیرند و در سایه لطف آنها بایستند و کمکمان کن بر ادای

حُقُوْقِهِ اِلَيْهِ، وَالْاِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، وَاْمُنُّ عَلَيْنَا

حقوق آن حضرت و سعی و کوشش در فرمانبرداریش و دوری از نافرمانیش و منت نه بر ما

بِرِضَاهُ، وَهَبْ لَنَا رَافَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاةَهُ وَخَيْرَهُ، مَا نَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ

به خوشنودیش و ببخش بر ما رأفت و مهربانی و دعا و خیر آن حضرت را بدان حد که برسیم بدانوسیله

رَحْمَتِكَ، وَفَوْزاً عِنْدَكَ، وَاجْعَلْ صَلَوَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنَا بِهِ

به رحمت وسیع تو و به کامیابی از نزد تو و بگردان نمازهای ما را بوسیله او پذیرفته و گناهانمان را

مَغْفُورَةً وَدُعَائِنَا بِهِ مُسْتَجَاباً، وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَهَمُومَنَا

آمرزیده و دعاهايمان را مستجاب شده و قرار ده روزیهای ما را بدان حضرت گسترده و اندوههای ما را بوسیله اش

بِهِ مَكْفِيَةً، وَحَوَّاجِنَابِهِ مَقْضِيَةً، وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَأَقْبِلْ

برطرف شده و حاجتایمان را روا شده و رو کن بسوی ما (پروردگارا) بدان روی بزرگواریت و پذیر

تَقَرُّبُنَا إِلَيْكَ، وَانظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً، نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ،

تقرب جوئی ما را بدرگاهت و بنگر بسوی ما به نگاهی مهربانانه تا بدانوسیله بتوانیم مقام خود را در پیش تو به کمال

ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ، وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

رسانیم، و دیگر آن مقام را از ما بازنگردان به جود خودت و سیرایمان کن از حوض جدش - که درود خدا بر او

وَأَلِهِ بِكَأْسِهِ وَيَبِيدِهِ، رِيًّا رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِعًا، لَا ظَمًا بَعْدَهُ يَا أَرْحَمَ

و آتش باد - از جام او و بدست آن جناب و سیر و سیراب و گوارا و خوش که تنشگی پس از آن نباشد ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ. پس نماز زیارت بجا می آوری به نحوی که گذشت و دعا می کنی به

مهربانان * * * * *

آنچه خواهی که به اجابت خواهد رسید ان شاء الله امر دویم زیارتی است که هر

روز بعد از نماز صبح مولای ما صاحب الزمان علیه السلام به آن زیارت کرده

می شود و آن زیارت این است:

* * *

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، عَنِ جَمِيعِ

خدایا برسان به مولای من حضرت صاحب الزمان - که درودهای تو بر او باد - از طرف همه

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا

مردان و زنان با ایمان که در شرقها و غربهای زمینند و در خشکی

وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَيْثُمْ وَمِثَّتْهُمْ، وَعَنْ الْوَالِدِيَّ وَالْوَالِدِيَّ، وَعَنْ

و دریا هستند و در همواری زمین و کوهند، زنده‌شان و مرده‌شان و از طرف پدر و مادر و فرزندان و خود من

مِنَ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمُنْتَهَى

درودها و تحیت‌هایی هموزن عرش خدا و به شماره کلمات و سخنانش و نهایت مرتبه

رِضَاهُ، وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ

خوشنودیش و به شماره آنچه برشمرده است آن را دفتر و کتابش و احاطه دارد بدان دانشش خدایا من نومی‌کنم برای آن

فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً فِي رَقَبَتِي، اللَّهُمَّ

جناب در این روز و در هر روز عهد و پیمان و بیعتی را در گردنم

كَمَا شَرَفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ، وَفَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَخَصَصْتَنِي

چنانچه مرا مفتخر ساختی بدین افتخار و برتریم دادی به این فضیلت و مخصوص داشتی

بِهَذِهِ النِّعْمَةِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَاجْعَلْنِي

بدین نعمت پس درود فرست بر مولا و آقایم حضرت صاحب‌الزمان و قرارم ده

مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَالذَّالِّينَ عَنْهُ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ

از یاران و پیروان و دفاع‌کنندگان آن حضرت و بگردانم از شهادت یافتگان

بَيْنَ يَدَيْهِ، طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي الصِّفِّ الَّذِي نَعَتَ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ،

در پیش رویش از روی میل و رغبت بدون اکراه و ناراحتی در آن صفی که اهل آن را در کتاب خود (قرآن) توصیف

کرده

فَقُلْتَ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُيُوتُهُمْ مَرْصُوعًا، عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَطَاعَةَ رَسُولِكَ

و فرمودی: «صفی که گویا بنائی استوارند» در راه فرمانبرداری تو و فرمانبرداری رسول تو

وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

و آل رسولت - که بر تمامی آنها سلام باد - خدایا این بیعتی است از آن جناب در گردن من تا روز قیامت

مؤلف گوید که علامه مجلسی در بحار فرموده که من در بعض کتب قدیمه دیده‌ام که بعد از این زیارت دست

راست را به دست چپ بزند مثل زدن در بیعت و بدان نیز که ما در اعمال سرداب مقدس چهار زیارت نقل

کردیم و این زیارت، زیارت پنجم کتاب ما محسوب می‌شود و در باب اول در ذکر زیارات حجج طاهره در ایام

هفته زیارتی نیز برای آن حضرت نقل کردیم که در روزهای جمعه به آن نیز زیارت کرده شود امر سیّم دعای

عهداست از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند و آن عهد این است:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّوْرِ الْعَظِيْمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيْعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ

خدایای ای پروردگار نور بزرگ و پروردگار کرسی بلند و پروردگار دریای

الْمَسْجُوْرِ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْاَنْجِيْلِ وَالزَّبُوْرِ، وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُوْرِ،

جوشان و فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور و پروردگار سایه و آفتاب داغ

وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيْمِ، وَرَبَّ الْمَلٰئِكَةِ الْمُقْرَبِيْنَ وَالْاَنْبِيَاِ

و فرو فرستنده قرآن بزرگ و پروردگار فرشتگان مقرب و پیمبران

وَالْمُرْسَلِيْنَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيْمِ، وَبِنُوْرِ وَجْهِكَ

و مرسلین خدایا از تو خواهم به ذات بزرگواریت و به نور جمال

الْمُنِيْرِ، وَمَلِكِكَ الْقَدِيْمِ، يَا حَیُّ يَا قَيُّوْمُ، اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِیْ اَشْرَقَتْ

تابانت و فرمانروائی دیرینهات ای زنده ای پابنده از تو خواهم بدان نامت که روشن شد

بِهِ السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُوْنَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِیْ یَصْلِحُ بِهِ الْاَوْلٰوْنَ

بدان آسمانها و زمینها و بدان نامت که صالح و شایسته گشتند بدان پیشینیان

وَالْاٰخِرُوْنَ، يَا حَیُّ قَبْلَ كُلِّ حَیٍّ وَیَا حَیًّا بَعْدَ كُلِّ حَیٍّ، وَیَا حَیًّا حِيْنَ لَا

و پسینیان ای زنده پیش از هر موجود، و ای زنده پس از هر موجود زنده و ای زنده در آن هنگام که

حَیٌّ، يَا مُحْيِیَ الْمَوْتِی وَمُمِیْتَ الْاَحْیَاِ، يَا حَیُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، اَللّٰهُمَّ

زنده ای وجود نداشت ای زنده کن مردگان و ای میراننده زندگان ای زنده ای که معبودی جز تو نیست خدایا

بَلِّغْ مَوْلَانَا الْاِمَامَ الْهَادِی الْمَهْدِیَّ الْقَائِمَ بِاَمْرِكَ، صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَ

برسان به مولای ما آن امام راهنمای راه یافته و قیام کننده به فرمان تو - که دروهای خدا بر او و

عَلٰی اَبَائِهِ الطَّاهِرِيْنَ، عَنْ جَمِیْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ فِی مَشَارِقِ

پدران پاکش باد - از طرف همه مردان و زنان با ایمان در شرقهای

الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَعَنِّي وَعَنْ

زمین و غربهای آن هموار آن و کوهش، خشکی آن و دریایش، و از طرف من و

والدای من الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمَا أَحْصَاهُ

پدر و مادرم درودهایی هموزن عرش خدا و شماره کلمات و سخنان او و آنچه را دانشش احصاء

عِلْمُهُ وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا

کرده و کتاب و دفترش بدان احاطه دارد خدایا من تازه می‌کنم در بامداد این روز

وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَيَبِيعَةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ

و هر چه زندگی کم از روزهای دیگر عهدو پیمان و بیعتی برای آن حضرت در گردنم که هرگز از آن سرنه پیچم

عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَالذَّابِّينَ

و دست نکشم هرگز، خدایا قرار ده مرا از یاران و کمک کارانش و دفاع کنندگان

عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ، وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأَوَامِرِهِ،

از او و شتابندگان بسوی او در برآوردن خواسته‌هایش و انجام دستورات و اوامرش

وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ،

و مدافعین از آن حضرت و پیشی گیرندگان بسوی خواسته‌اش و شهادت یافتگان پیش رویش

اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا

خدایا اگر حائل شد میان من و او آن مرگی که قرار داده‌ای آن را بر بندگانت حتمی

مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِرًا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجْرَدًا

و مقرر پس بیرونم آر از گورم کفن به خود پیچیده با شمشیر آخته و نیزه برهنه

فَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي، اللَّهُمَّ أَرِنِي

پاسخ‌گویان به ندای آن خواننده بزرگوار در شهر و بادیه خدایا بنمایان به من

الطَّلَعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَأَحْلِلْ نَاطِرِي بِنَظَرَةِ مَنْنِي إِلَيْهِ،

آن جمال ارجمندو آن پیشانی نورانی پسندیده را و سرمه وصال دیدارش را به یک نگاه به دیدهام بکش

وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مَنَهْجَهُ، وَأَسْأَلُكَ بِي مَحَجَّتَهُ

و شتاب کن در ظهورش و آسان گردان خروجش را و وسیع گردان راهش را و مرا به راه او درآور

وَأَنْقِذْ أَمْرَهُ، وَاشْدُدْ أَرْزَهُ، وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ،

و دستورش را نافذ گردان و پشتش را محکم کن و آباد گردان خدایا بدست او شهرها و بلادت را و زنده گردان

بوسیله اش بندگان را

فَأَنْتَ كَلَّمْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ، ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ

زیرا که تو فرمودی و گفته ات حق است (که فرمودی): «آشکار شد تبهکاری در خشکی و دریا بخاطر کرده های

أَيْدِي النَّاسِ، فَاطْهَرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَأَيْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ

مردم» پس آشکار کن برای ما خدایا نماینده ات را و فرزند دختر پیامبرت که همانم

رَسُولِكَ، حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَقَهُ، وَيُحِقِّقَ الْحَقَّ

رسول تو است تا دست نیابد به هیچ باطلی جز آنکه از هم بدراند و پابرجا کند حق را

وَيُحَقِّقَهُ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ

و ثابت کند آن را و بگردان آن بزرگوار را خدایا پناهگاه ستمدیدگان بندگان و یاور کسی که جز تو

لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُشِيدًا لِمَا

یآوری برایش یافت نشود و تازه کننده آن احکامی که از کتاب تو تعطیل مانده و محکم کننده آنچه

وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ

رسیده از نشانه های دین و آئینت و دستورات پیامبرت صلی الله علیه و آله و قرارش ده

اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنَتْهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَسِرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا

خدایا از آنانکه نگاهش داری از صولت و حمله زورگویان خدایا شاد گردان (دل) پیامبرت محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ، وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ،

صلی الله علیه و آله را به دیدارش و هم چنین هم که در دعوتش از آن حضرت پیروی کرد و رحم کن به بیچارگی ما

پس از آن

اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ

حضرت، خدایا بگشا این اندوه را از این امت به حضور امام زمان و شتاب کن برای ما در ظهور آن جناب که اینان

بِرُؤْيِهِ بَعِيدًا وَتَرْيَهُ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ظهورش را دور پندارند ولی ما نزدیک می‌بینیم به مهرت ای مهربانترین مهربانان

*پس سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی و در هر مرتبه می‌گویی: «اللَّعْجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ» امر چهارم سید بن طاوس فرموده که چون خواستی مرخص شوی از حرم شریف آن حضرت برگرد بسوی سرداب منیف و نماز کن در آن هرچه بخواهی پس بایست رو به قبله و بگو اَللّهُمَّ اَدْفَعْ عَنَّا وِلِيَّكَ وَايْنَ دَعَا رَا تَا بِهٖ اٰخِرُ ذِكْرِ نَمُوْدَهٗ اَنْگَاه فرموده پس بخوان خدا را بسیار و برگرد با سعادت انشاءالله تعالی مؤلف گوید که شیخ در مصباح این دعا را در اعمال روز جمعه از حضرت امام رضاعلیه السلام نقل کرده و ما نیز این دعا را به نحویکه شیخ از آن حضرت نقل کرده نقل می‌نماییم فرموده روایت کرده یونس بن عبدالرحمن که حضرت امام رضاعلیه السلام امر می‌فرمودند به دعا کردن از برای حضرت صاحب الامرعلیه السلام به این دعا:

اَللّٰهُمَّ اَدْفَعْ عَنَّا وِلِيَّكَ

خدایا دور کن (هر بلائی را) از نماینده

وَخَلِيْفَتِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلٰی خَلْقِكَ، وَّلِسَانِكَ الْمُعْبِرِ عَنكَ، النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ

و خلیفه‌ات و حجت تو بر آفریدگانت و زبان گویایت و سخن گوینده به حکمت

وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ بِاَذْنِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلٰی عِبَادِكَ، اَلْبَحْجَاجِ الْمُجَاهِدِ،

و دیده بینی تو به اذن خودت و گواه تو بر بندگانت آن بزرگ مرد مجاهد

اَلْعَائِدِ بِكَ، اَلْعَابِدِ عِنْدَكَ، وَاَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيْعٍ مَا خَلَقْتَ، وَبَرَآتِ

و پناهنده به تو و پرستش کننده در نزد تو، پناهش ده از شر تمام آنچه آفریده و خلق کردی و پدید آوردی

وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاَحْفَظُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِيْنِهِ

و صورت بخشیدی و نگهداری کن از پیش رویش و از پشت سرش و از طرف راستش

وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ اَلَّذِي لَا يَضِيْعُ مَنْ

و از سمت چپش و از بالای سر و از زیر پایش به نگهداری خودت که تباه نگردد هر که را بدان

حَفِظْتَهُ بِهٖ، وَاَحْفَظْ فِيْهِ رَسُوْلَكَ وَاَبَآءَهُ اٰمِنًا دِيْنِكَ،

نگهداری کنی و نگهداری کن در وجود او (و بوسیله آن حضرت) پیامبرت و پدران او که پیشوایان و پایه‌های دین تو

وَاَجْعَلْهُ فِيْ وَدِيْعَتِكَ اَلَّتِي لَا تَضِيْعُ، وَفِيْ جِوَارِكِ اَلَّذِي لَا يُخَفَّرُ،

هستند و قرار ده آن حضرت را در سپرده خودت که چیزی در آن ضایع نگردد و در جوارک تو که قرقرش شکسته نشود

وَفِي مَنَعِكَ وَعَزِّكَ الَّذِي لَا يُفْهَرُ، وَأَمِنَهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقَ الَّذِي لَا

و در حفظ و عزت خودت که مقهور کسی نگردد و ایمن دار او را به امان محکمیت که هر که را بدان ایمن کردی

يُخَذَلُ مِنْ أَمْنَتِهِ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ،

خوار نگردد و در کنف حمایت خودت قرارش ده که هر که در آن بود مورد دستبرد کسی واقع نگردد

وَأَنْصُرُهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، وَأَيِّدُهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَقَوِّهِ بِقُوَّتِكَ، وَأَرْدِفْهُ

و یاریش کن به یاری نیرومندت و کمکش کن به لشکر پیروزمنتد و نیرومندش کن به نیرویت

بِمَلَائِكَتِكَ وَوَالٍ مَنْ وَالَاهِ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَلْبِسْهُ دِرْعَكَ

و فرشتگانت را پشت سرش بدار و دوست دار دوستدارش را و دشمن دار دشمنش را و ببوشان به برش

الْحَصِيئَةَ وَحَقَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَقًّا، اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ

زره محکمیت را و گرداگردش فرشتگانت را بطور منظم بدار خدایا ترمیم کن بوسیله اش شکستگی (دین) را و پیوست

کن

الْفُتْقَ، وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ،

بوسیله اش گسیختگی را و بمیران بدستش ستم را و نمایان کن بوسیله اش عدالت را و زینت ده به درازی عمرش زمین را

وَأَيِّدُهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرُهُ بِالرُّعْبِ، وَقَوِّ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ،

و کمکش کن به یاری خود و یاریش کن به ایجاد رعب (او در دل دشمنان) و نیرومند کن یاورش را و خوار گردان

وَدَمْدَمِ مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمَّرْ مَنْ غَشَّهٖ، وَأَقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَعَمْدَهُ

خودداری کننده از یاریش را و به هلاکت رسان و نابود کن کسی که به او خیانت کند و بکش بدست او گردنکشان کفر

و استوانه‌ها

وَدَعَائِمَهُ وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُسَ الضَّالَّةِ، وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ، وَمُمَيَّتَةَ السُّنَّةِ

و پایه‌های آن را و بشکن بوسیله آن حضرت (شوکت) رؤسای گمراهی و بدعت گذاران و آنانکه آئین اسلام را نابود

کرده

وَمَقْوِيَّةَ الْبَاطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ، وَأَبِرْ بِهِ الْكَافِرِينَ وَجَمِيعَ

و باطل را تقویت کنند و خوار کن بدستش گردنکشان را و ریشه کن ساز بوسیله آن جناب کافران و تمام

الْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا

بی‌دینان را در شرقهای زمین و غربهای آن و خشکی و دریای آن و سرزمینهای هموار

وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَّارًا، وَلَا تُبْقَى لَهُمْ آثَارًا، اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ

و کوه آن تا آنجا که فردی از آنها باقی نگذاری و اثری از ایشان بجای نگذاری خدایا پاک کن

مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَاعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَآخِي بِهِ سُنْنَ

از وجود آنها شهرها و بلادت را و شفا ده به نابودیشان دل بندگانت را و عزت بخش بدان وسیله مؤمنان را و زنده کن

بوسیله

الْمُرْسَلِينَ، وَدَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ،

آن جناب آئین پیمبران مرسل و احکام کهنه پیمبران را و تازه کن بوسیله‌اش آنچه محو گشته از دینت

وَبُدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ، وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا غَضًّا

و تغییر یافته از فرمانت تا اینکه بازگردد دین تو بوسیله او و بدست آن جناب تر و تازه

مَحْضًا صَاحِحًا لَا عِوَجَ فِيهِ، وَلَا بَدْعَةَ مَعَهُ، وَحَتَّى تُتِيرَ بَعْدَلِهِ ظُلْمَ

و خالص و صحیح که اعوجاجی در آن نباشد و بدعتی همراهش نباشد و تا اینکه روشن گردد بوسیله عدالتش

تاریکیهای

الْجَوْرِ، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَتَوْضَحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ، وَمَجْهُوْلَ

بیدادگری و خاموش گردد بوسیله‌اش آتشیهای کفر و آشکار گردد بدان جناب مشکلات و گره‌های حق و موارد مجهول

الْعَدْلِ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ،

عدل و داد زیرا که او آن بنده بزرگوار تو است که انتخابش کردی برای خودت و برگزیدیش برای جریانات غیب

وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ،

(و پس پرده) خود و نگاهش داشتی از گناهان و مبرایش گردانیدی از عیوب و پاکش کردی از پلیدی

وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ، اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ يَوْمَ حُلُولِ

و سالمش داشتی از چرکی خدایا ما برای او گواهی دهیم در روز قیامت و روز وقوع آن حادثه

الطَّامَّةِ، اَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا، وَلَا اَتَى حُوبًا، وَلَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً، وَلَمْ

بزرگ که برآستی او گناهی مرتکب نشده و دست به کار زشتی نزده و مرتکب معصیتی نشده و هیچ

يُضَيِّعُ لَكَ طَاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً، وَلَمْ

فرمانبرداری تو را وانگذازده و حرمتی را از تو هتک نکرده و واجبی را تغییر نداده و

يُعَيِّرُ لَكَ شَرِيْعَةً، وَانَّهُ الْهَادِيَ الْمُهْتَدِي الطَّاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ

آئینی را به هم نزده و او است راهنمای راه یافته پاک پرهیزکار پاکیزه پسندیده

الزَّكِيُّ، اَللّٰهُمَّ اَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَاَهْلِهِ وَاَوْلَادِهِ، وَذُرِّيَّتِهِ وَاُمَّتِهِ، وَجَمِيْعِ

و زبده خدایا به او عطا کن درباره خودش و درباره خاندان و فرزندان و نژاد و ملت و تمام

رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرِّبُهُ عَيْنُهُ، وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمَمْلَكَاتِ

افراد رعیت (و فرمانبردارانش) آنچه دیده‌اش را بدان روشن کنی و دلش را بدان خوشحال گردانی و گردآوری برای او

فرمانروائی

كُلِّهَا، قَرِيْبِيْهَا وَبَعِيْدِيْهَا، وَعَزِيْزِيْهَا وَذَلِيْلِيْهَا، حَتَّى تُجْرِيَ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ

همه ممالک را نزدیک و دورش را و نیرومند و خوارش را تا اینکه حکم و فرمانش را فوق همه حکمها جاری کنی

حُكْمٍ، وَتَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلَّ باِطِلٍ، اَللّٰهُمَّ اسْئَلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَا جَاحِ

و بوسیله آئین حق او هر باطلی را مغلوب گردانی خدایا ما را وادار بدست آن بزرگوار به راه روشن

الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيْقَةَ الْاَوْسَطَى الَّتِي يَرْجِعُ اِلَيْهَا

هدایت و جاده بزرگ (دیانت) و طریقه مستقیمی که بازگردد بدان راه

الْعَالِي، وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي، وَقُوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَتَبَنَّا عَلَى مُشَايَعَتِهِ،

پیش افتاده تندرو و خود را برساند بدان عقب مانده، و نیرویمان ده برای فرمانبرداریش و پابرجایمان دار بر پیرویش

وَأَمْنُنْ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ، الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِ الصَّابِرِينَ

و منت گذار بر ما به متابعت از آن حضرت و درحزب و گروه او قرارمان ده آنانکه بدستورش قیام کنند و با او صبر کنند

مَعَهُ، الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ، حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِي

در خیرخواهی کردن نسبت به آن جناب طالب رضا و خوشنودی تو می‌باشند تا اینکه در روز قیامت ما را

أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَمُقَوِّبَةِ سُلْطَانِهِ، اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا

جزه باران و اعوان او و هم جزه تقویت کنندگان حکومتش محشورمان داری و این کار را برای ما

مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ، وَرِيَاءٍ وَسَمْعَةٍ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا

از هر شک و شبهه و خودنمایی و شهرت‌طلبی خالص و بدور گردان تا در این کار به غیر تو اعتماد نداشته

تُطَلَّبُ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَحَتَّى تُحَلِّنَا مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ،

و جز رضا و خوشنودی تو چیزی نخواهیم و تا اینکه ما را به جایگاه آن حضرت وارد کنی و جایمان را در بهشت با آن بزرگوار

وَأَعِزَّنَا مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفُتْرَةِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ

قرار دهی و نگاهمان داری از خستگی و کسالت و سستی و ما را از جمله کسانی قرار ده که بدست آنها

لِدِينِكَ وَتُعِزُّهُ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنْ اسْتَبْدَأَكَ بِنَا

دینت را یاری کنی و شوکتمند گردانی بدانها پیروزی ولی و نماینده خود را و این افتخار را نصیب دیگری

غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وِلَاةِ عَهْدِهِ،

غیر از ما مکن زیرا که برای تو آسان است که دیگران را جای ما بگذاری ولی این کار بر ما بسیار گران و ناگوار است
خدایا درود فرست

وَالْأَائِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ، وَبَلِّغُهُمْ آمَالَهُمْ وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ، وَأَعِزِّ نَصْرَهُمْ،

بر پیمانداران و پیشوایان پس از او و آنان را به آرزوهایشان برسان و عمرشان را طولانی گردان و شوکتمند کن پیرویشان
را

وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَهُ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ، وَتَبَّتْ دَعَائِمُهُمْ، وَاجْعَلْنَا

و کامل کن برای آنها آنچه از دستورات خود را که به آنها مستند کردی و پایه‌های (حکومت) آنان را پابرجا کن

لَهُمْ أَعْوَانًا وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا، فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ، وَخَزَائِنُ

و ما را از اعوان او و از یاران دین و آئینت قرار ده زیرا که آنها معادن کلمات (و فرامین) تو و خزینه دارهای

عَلَمِكَ، وَأَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ، وَدَعَائِمُ دِينِكَ، وَوِلَاةُ أَمْرِكَ وَخَالِصَتُكَ

دانش توآند و آنها بنیاد ارکان یگانه پرستیت و استوانه‌های دینت و سرپرستان دستورت و زبده‌های

مِنْ عِبَادِكَ، وَصَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَوْلِيَاءُؤُكَ، وَسَلَائِلُ أَوْلِيَاءِكَ

از بندگانت و برگزیدگان از آفریدگانت و بندگان مقربت و نژاد دوستانت

وَصَفْوَةُ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و چکیده فرزندان پیامبرت و سلام بر او و بر ایشان و رحمت خدا و برکاتش

(فصل)

در زیارات جامعه و دعایی که بعد از زیارات خوانده می‌شود و صلوات بر حجج طاهره‌علیهم السلام و محتوی بر چند مقام است مقام اول در زیارات جامعه که هر امامی را به آن زیارت می‌توان نمود و آنها بسیار است و ما به ذکر چند زیارت از آنها اکتفا می‌نماییم زیارت اول شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه روایت نموده که از حضرت امام رضاعلیه السلام سؤال کردند در باب آمدن به نزد قبر امام موسی علیه السلام فرمودند که نماز بگذارید در مسجدهایی که در اطراف قبر آن حضرت است و مجزی است در همه مواضع یعنی در زیارت هر یک از ائمه‌علیهم السلام یا مطلق مزارهای شریفه مقدسه مانند مراقد انبیاء و سایر اوصیاء علیهم السلام «کَمَا هُوَ الظَّاهِرُ» اینکه بگویی:

السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَصْفِيَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمْنَاءِ اللَّهِ

سلام بر بندگان مقرب خدا و بر برگزیدگانش سلام بر آنکه امین خدا

وَأَحِبَّائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَخُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ

و دوستان اویند سلام بر یاران خدا و جانشینانش سلام بر جایگاههای معرفت

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُظْهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ،

خدا سلام بر مسکتهای ذکر خدا سلام بر آشکار سازندگان امر و نهی خدا

السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقْرِرِينَ فِي مَرْضَاتِ

سلام بر خوانندگان (مردم) بسوی خدا سلام بر استقرار یافتگان در خوشنودیهای

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَدْلَاءِ عَلَى

خدا سلام بر مخلصان در فرمانبرداری خدا سلام بر راهنمایان بسوی

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ

خدا سلام بر آن بزرگوارانی که هر که دوستشان دارد خدای را دوست داشته و هر که دشمنشان دارد

عَادَى اللَّهُ، وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ، وَمَنْ جَهَلَهُمْ فَقَدْ جَهَلَ اللَّهَ،

خدای را دشمن داشته و هر که آنان را بشناسد خدای را شناخته و هر که نشناسدشان خدای را شناخته

وَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنْ

و هر که بدانان چنگ زند به خدا چنگ زده و هر که آنان را رها کند خدای عزوجل را رها

اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَأَشْهَدُ اللَّهَ أَنِّي سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ

کرده است و خدای را گواه گیرم که من تسلیم برای هر کس که شما تسلیم اوئید در جنگم با هر که شما در جنگید

مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ، مَفْوِضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعْنُ اللَّهِ عَدُوَّ

ایمان دارم به نهان و آشکار شما و اختیار همه این کارها را به شما واگذار کنم خدا لعنت کند دشمن

آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

آل محمد را از جن و انس و بیزارى جویم بدرگاه خدا از ایشان و درود خدا بر محمد و آلش

✽ و این زیارت در کتاب کافی و تهذیب و کامل الزیارة نقل شده و در همه کتب بعد از اتمام زیارت مذکور است که این یعنی این کلماتی که ذکر شد مجزی است در همه زیارتها و بسیار صلوات می فرستی بر محمد و آل محمد علیهم السلام و نام می بری یک یک را به نامهای ایشان و بیزارى می جویی از دشمنان ایشان و اختیار می نمای هر دعایی را که خواهی از برای خود و مؤمنین و مؤمنات.

مؤلف گوید که ظاهر آنست که تتمه مذکوره جزء حدیث بوده و بر تقدیری که عبارت بعضی از محدثین باشد چون اعظم مشایخ حدیث چنین فهمیده اند که در همه زیارتها کافی است چنانچه ظاهر اول حدیث بر آن دلالت دارد و در باب زیارات جامعه نقل نموده اند و الفاظ زیارت همه از صفات جامعه است که اختصاص به بعضی ندارد بنا بر این خاطر از جامعه بودن این زیارت جمع و خواندن آن در همه مشاهد حتی در مشاهد انبیاء و اوصیاء علیهم السلام چنانچه جمعی از علماء در مشهد جناب یونس علیه السلام نقل کرده اند مناسب است و چون در ذیل زیارت امر به صلوات بر هر یک بخصوص وارد شده است اگر صلوات منسوبه به ابوالحسن ضراب اصفهانی را که در آخر اعمال روز جمعه نقل کردیم بخوانی بسیار مناسب است.

زیارت دویم ایضاً شیخ صدوق در فقیه و عیون روایت کرده از موسی بن عبدالله نخعی که گفت عرض کردم به خدمت حضرت امام علی الثقی علیه السلام که یابن رسول الله مرا تعلیم فرما زیارتی با بلاغت که کامل باشد که هرگاه خواستم زیارت کنم یکی از شما را آنرا بخوانم فرمود که چون بدرگاه رسیدی بایست و بگو شهادتین را
یعنی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا

گواهی دهم که

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

معبودی نیست جز خدای یگانه ای که شریک ندارد و گواهی دهم که محمد - که دروهای خدا بر او

وَأَلِيهِ عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ. و با حال غسل باشی و چون داخل حرم شوی و قبر را

و آتش باد - بنده و رسول او است * * * * *
بینی بایست و سی مرتبه اَللَّهُ اَكْبَرُ بگو پس اندکی راه برو به آرام دل و آرام تن و گامها را نزدیک یکدیگر
گذار پس بایست و سی مرتبه اَللَّهُ اَكْبَرُ بگو پس نزدیک قبر مطهر رو و چهل مرتبه اَللَّهُ اَكْبَرُ بگو تا صد تکبیر
تمام شود و شاید چنانکه مجلسی اول گفته وجه تکبیر این باشد که اکثر طباع مایلند بَعْلُوْ مبادا از عبارات امثال
این زیارت بَعْلُوْ افتند یا از بزرگی حق سبحانه و تعالی غافل شوند یا غیر اینها پس بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ

* * * * * سلام بر شما ای

بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَوْضِعِ الرَّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ وَمَعْدِنِ

خانندان نبوت و جایگاه رسالت و مرکز رفت و آمد فرشتگان و جای فرود آمدن وحی (الهی) و معدن

الرَّحْمَةِ، وَخَزَانِ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَأَصُولِ الْكِرَامِ، وَقَادَةَ الْأُمَمِ،

رحمت (حق) و گنجینه داران دانش و سرحد نهائی بردباری و اصول و اساس کرم و بزرگواری و پیشوایان ملتها

وَأَوْلِيَاءِ النَّعْمِ، وَعَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ، وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ، وَسَاسَةَ الْعِبَادِ،

و در اختیار دارندگان نعمتها و ریشه و اصول نیکان و استوانه های خوبان و زمامداران بندگان

وَأَرْكَانِ الْبِلَادِ، وَأَبْوَابِ الْإِيمَانِ، وَأُمْنَاءَ الرَّحْمَنِ، وَسَلَالَةَ النَّبِيِّينَ،

و پایه ها و ستونهای شهرها و بلاد و درهای ایمان و امینهای خدای رحمان و نژاد پیمبران

وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَعَتْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ،

و زبده (اولاد) رسولان و عترت انتخاب شدگان پروردگار جهانیان، و رحمت خدا و برکاتش (نیز بر آنها باد)

السَّلَامُ عَلَى أُمَّةِ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى وَأَعْلَامِ النَّقَى، وَذَوِي

سلام بر پیشوایان هدایت و چراغهای تاریکی و نشانه های پرهیزکاری و صاحبان

النُّهَى، وَأَوْلِي الْحِجَى، وَكَهْفِ الْوَرَى، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى،

خرد و دارندگان عقل و فطانت و پناهگاه مردمان و وارثان پیمبران و نمونه اعلاى (الهی)

وَالدَّعْوَةَ الْحُسْنَى، وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى،

و اهل دعوت نیکو (که مردم را به خدا می خوانند) و حجت های خدا بر اهل دنیا و آخرت و این جهان

وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِينِ بَرَكَتِهِ

و رحمت خدا و برکاتش (نیز بر ایشان باد) سلام بر جایگاه های شناسائی خدا و مسکین های برکت

اللَّهُ، وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ، وَحَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَاءِ

خدا و کانهای حکمت و فرزاندگی خدا و نگهبانان راز خدا و حاملان کتاب خدا و اوصیاء

نَبِيِّ اللَّهِ، وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ،

پیامبر خدا و فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله، و رحمت خدا و برکاتش (نیز بر ایشان باد)

السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ وَالْأَدْلَاءِ عَلَى مَرَضَاتِ اللَّهِ،

سلام بر خوانندگان بسوی خدا و رهنمایان بسوی موجبات خوشنودی خدا

وَالْمُسْتَقْرِرِينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّآمِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي

و استقرار یافتگان در فرمان خدا و کاملان در دوستی و محبت خدا و مخلصان در

تَوْحِيدِ اللَّهِ، وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ، الَّذِينَ لَا

یگانه پرستی خدا و آشکار کنندگان امر و نهی خدا و بندگان گرامی خدا آنانکه پیشی نگیرند

يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ

بر خداوند در گفتار و آنانکه بدستورش عمل کنند، و رحمت خدا و برکاتش (بر ایشان باد) سلام

عَلَى الْأَيْمَةِ الدُّعَاةِ وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ، وَالسَّادَةِ الْوَلَاةِ، وَالذَّادَةَ الْحُمَاةِ،

بر امامان دعوت کننده (بحق) و پیشوایان راهنما و آقایان سرپرست و دفاع کنندگان و حامیان (از دین خدا)

وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأُولَى الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ، وَحِزْبِهِ وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ،

و اهل ذکر و فرمانداران و نمایندگان خدا و برگزیدگان او و گروه او و گنجینه دانشش

وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَتُورِهِ وَبُرْهَانِهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا

و حجت او و راه او و نور او و دلیل روشن او، و رحمت خدا و برکاتش (بر ایشان باد) گواهی دهم که نیست

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ، وَشَهِدَتْ لَهُ

معبودی جز خدای یگانه که شریک ندارد چنانچه گواهی داده خدا برای خودش و گواهی دادند برای او

مَلَأْتِكُنَّهُ، وَأَوْلُوا الْعِلْمَ مِنْ خَلْقِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

فرشتگانش و دانشمندان از خلق او معبودی نیست جز او که نیرومند و فرزانه است

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى، أَرْسَلَهُ

و گواهی دهم که محمد بنده انتخاب شده او است و رسول پسندیده او است که فرستاد او را

بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ،

با هدایت و آئین حق تا پیروزش کند بر همه آئینها و گرچه خوش نداشته باشند مشرکان

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ، الْمَعْصُومُونَ

و گواهی دهم که شما نیکو پیشوایان راهبر راه یافته معصوم

الْمُكْرَمُونَ، الْمُقْرَبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفُونَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ،

گرامی مقرب پرهیزکار راستگوی زبده فرمانبرداران خدا

الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ، الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ، إِصْطَفَاكُمْ

و قیام کنندگان به فرمانش و انجام دهندگان خواسته‌اش و آنانکه به مقام کرامت او رسیدند، برگزیدتان

بِعِلْمِهِ، وَارْتِضَاكُمْ لِعَيْبِهِ، وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَاجْتَبَيْكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ

به علم خود و پسندیدتان برای جریانات غیب (پس پرده) خود و انتخابتان کرد برای راز خود و اختیارتان کرد به قدرتش

و

بِهُدَاهُ، وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ، وَأَنْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ، وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكُمْ

عزیزتان کرد به راهنمایی خود و مخصوصتان داشت به دلیل روشنش و برگزید شما را برای نور خود و تأیید کرد شما را

به روح خود

خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَحُبَجَاءَ عَلَى بَرِّيَّتِهِ، وَأَنْصَاراً لِدِينِهِ، وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ،

و پسندید شما را برای جانشینی در زمینش و تا که حجت‌هایی باشید بر مخلوقش و یاورانی برای دینش و نگهبانانی برای

رازش

وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدِعاً لِحِكْمَتِهِ، وَتَرَاجِمَةً لِرُوحِهِ، وَأَرْكَاناً

و گنجینه دارانی برای دانشش و سپردگان حکمتش و مفسران وحیش و پایه‌های

لِتَوْحِيدِهِ، وَشُهِدَآءَ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَعْلَاماً لِعِبَادِهِ، وَمَنَاراً فِي بِلَادِهِ،

یگانه شناسیش و گواهانی بر خلقتش و نشانه‌هایی برای بندگانش و مشعل‌هایی در شهرها و بلادش

وَأَدْلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ، عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَأَمَنَكُم مِّنَ الْفِتَنِ،

و راهنمایی بر راهش، خداوند نگهداشت شما را از لغزش و ایمن داشت شما را از فتنه‌ها

وَطَهَّرَكُم مِّنَ الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ، وَطَهَّرَكُم تَطْهِيراً،

و آزمایشات و پاکتان کرد از چرکی و دور کرد از شما پلیدی را و بخوبی پاکیزه‌تان کرد،

فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ، وَأَكْبَرْتُمْ شَانَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَأَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ

شما نیز (در برابر) عظیم شمردید شوکتش را و مقامش را بزرگ دانستید و کرمش را ستودید و به ذکر او ادامه دادید

مِيثَاقَهُ، وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ،

و پیمانش را محکم کردید و آن عهدی را که در فرمانبرداریش داشتید سخت استوار کردید و در پنهانی و آشکار

وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَدَلْتُمْ أَنفُسَكُمْ

برای او خیرخواهی کردید و مردم را با حکمت و پند نیکو به راهش دعوت کردید و در راه خشنودی او

فِي مَرْضَاتِهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ، وَأَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ،

بذل جان کردید و در مقابل پیش آمدهای ناگوار بخاطر او بردباری کردید، و نماز را بپا داشتید

وَأَتَيْتُمُ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُم عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتُم فِي

و زکات را پرداختید و امر به معروف و نهی از منکر کردید و در راه خدا آن طور که باید

اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّىٰ أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ، وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ

جهاد و مبارزه کردید تا بالاخره دعوت حق را آشکار و واجبات او را بیان داشتید و حدود و مقرراتش را

وَنَشَرْتُمُ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ، وَسَنَّتُمْ سُنَّتَهُ، وَصَبَرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى

برپا داشتید و دستورات و احکامش را منتشر ساختید و روش او را مقرر داشتید و در راه

الرِّضَا، وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ، وَصَدَقْتُمْ مِّن رُّسُلِهِ مَن مَّضَىٰ، فَالرَّاعِبُ

رضای او گام برداشتید و تسلیم قضا و قدر او شدید و پیمبران گذشته او را تصدیق کردید پس آنکه از شما رو گرداند

عَنكُم مَّارِقٌ، وَاللَّازِمُ لَكُمْ لِأَحَقِّ، وَالْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكَم زَاهِقٌ، وَالْحَقُّ

از دین خارج گشته و آنکه ملازم شما بود به حق رسیده و آنکه کوتاهی کرد در حق شما نابود گردید، و حق

مَعَكُمْ، وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ، وَمِيرَاثُ النَّبِيِّ

همراه شما و در میان شما خاندان و از جانب شما است و بسوی شما بازگردد و شما نژاد اهل حق و معدن آن، و میراث

نبوت

عِنْدَكُمْ، وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَفَصْلُ الْخِطَابِ

نزد شما است و بازگشت خلق خدا بسوی شما است و حسابشان با شما است و سخنی که حق و باطل را جدا کند

عِنْدَكُمْ، وَآيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ، وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَنُورُهُ وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ،

نزد شما است و آیات خدا پیش شما است و تصمیمات قطعی او (یا دستورات لازم) درباره شما است و نور و دلیل

روشنش

وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ، مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَ اللَّهَ وَ

نزد شما است و امر امامتش محول به شما است، هر که شما را دوست دارد خدای را دوست داشته و هر که شما را

دشمن دارد خدای را

مَنْ أَحْبَبَكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَمَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ

دشمن داشته و هرکس به شما محبت داشته باشد به خدا محبت داشته و هرکس با شما کینه توزد با خدا کینه توزی کرده

و هرکه به شما

فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، أَنْتُمْ [السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ] وَالصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَشُهَدَاءُ دَارِ

جنگ زند به خدا جنگ زده شما نژاد شاهراه و راه راست و گواهان در این دار

الْفَنَاءِ، وَشَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَالْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ،

فانی (دنیا) و شفیعیان در خانه پایدار (قیامت) و رحمت پیوسته (حق) و آن آیت و نشانه پنهان در گنجینه و آن امانتی

وَالْأَمَانَةُ الْمُحْفَظَةُ، وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ، مَنْ آتَيْكُمْ نَجِي، وَمَنْ لَمْ

که نگهداری شده (یا حفظش بر مردم واجب است) و آن درگاهی که مردم بدان آزمایش شوند هرکه به نزد شما آمد

نجات یافت و هرکس

يَأْتِيَكُمْ هَلَاكٌ، إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ، وَعَلَيْهِ تَدْتُّونَ، وَيَهُ تُوْمِنُونَ، وَلَهُ

نیامد هلاک شد (شما مردم را) بسوی خدا می خوانید و بر او راهنمایی کنید و به او ایمان دارید

تُسَلِّمُونَ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَيَقُولُ تَحْكُمُونَ،

و تسلیم او هستید و بدستورش عمل کنید و بسوی راه او (مردم را) ارشاد کنید و به گفتار او حکم کنید،

سَعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ، وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ، وَخَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ، وَضَلَّ مَنْ

نیک بخت شد هر که شما را دوست دارد و به هلاکت رسید هر که شما را دشمن داشت و زیانکار شد آنکه منکر شما

گشت و گمراه شد

فَارَقَكُمْ، وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ، وَسَلِمَ مَنْ

آنکه از شما جدا گشت و رستگار شد آن که به شما چنگ زد و ایمن گشت آنکه بدرگاه شما پناه آورد و سلامت یافت

صَدَّقَكُمْ، وَهُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ مَنِ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوِيَهُ، وَمَنْ

هر که شما را تصدیق کرد و هدایت شد هر که به شما چنگ زد، هر که پیروی شما را کرد بهشت مأوی او است و هر

که

خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوِيَهُ، وَمَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ، وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ،

مخالفت شما را کرد دوزخ جایگاه او است، و هر که منکر شما شد کافر و هر که با شما جنگ کرد مشرک است

وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي اسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقُ لَكُمْ

و هر کس شما را رد کرد در ته جهنم جای دارد گواهی دهم که این مقام و منزلت در زمان

فِيمَا مَضَى، وَجَارَ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ، وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَتُورَكُمْ وَطِينَتَكُمْ

گذشته برای شما ثابت بوده و در آینده زمان نیز برای شما جاری است و همانا روانهای شما و نورتان و سرشتتان

وَاحِدَةٌ، طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا، فَجَعَلَكُمْ

یکی است همگی پاک و پاکیزه است و برخی از برخی دیگر گرفته شده خداوند شما را بصورت نورهایی آفرید

بِعَرْشِهِ مُحَدِّقِينَ، حَتَّىٰ مِنْ عَلَيْنَا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ أَدْنَىٰ لِلَّهِ أَنْ

و گرداگرد عرش خود قرارتان داد تا آنگاه که با آوردنتان در این جهان بر ما منت گذارد و قرارتان داد در خانه‌هایی که

اجازه داد

تُرْفَعُ، وَيَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ

بلند گردند و نام او در آنها برده شود و مقرر داشت که دروهای ما بر شما و هم چنین آنچه را از دوستی شما برای

وَلَايَتِكُمْ، طَيِّبًا لِحُلُقِنَا، وَطَهَارَةً لِنَفْسِنَا، وَتَزَكِيَةً لَنَا، وَكَفَّارَةً لِدُنُونِنَا

ما مخصوص داشته همه اینها موجب پاکی اخلاق ما و پاک شدن خود ما و تزکیه ما و کفاره گناهان ما باشد

فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمِينَ بِفَضْلِكُمْ، وَمَعْرُوفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، فَبَلَغَ اللَّهُ

و ما در نزد خدا از زمره تسلیم شدگان برتری شما و شناخته شدگان به تصدیق مقام شما بودیم پس خداوند برساند

بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، وَأَعْلَىٰ مَنَازِلِ الْمُتَّقِينَ، وَأَرْفَعَ

شما را به شریفترین جایگاه گرامیان و بلندترین منازل مقربان و بالاترین

دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ، وَلَا يَقُوقُهُ فَائِقٌ، وَلَا

درجات رسولان آنجا که کسی بدان نرسد و فوق آن جایگاه کسی راه نیابد و

يَسْبِقُهُ سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي إِذْرَاكِهِ طَامِعٌ، حَتَّىٰ لَا يَبْقَىٰ مَلَكٌ مُّقْرَبٌ،

پیش روی بر آن پیشی نگیرد و برای رسیدن بدانجا کسی طمع ننهد، تا اینکه بجای نماند فرشته مقرب

وَلَا نَبِيٌّ مُّرْسَلٌ، وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ، وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ، وَلَا دَنِيٌّ

و نه پیامبر مرسل و نه صدیق و نه شهید و نه عالم و نه جاهلی و نه پست

وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ، وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَلَا

و نه برتری و نه مؤمن نیک کردار و نه تبهکار بدکاری و نه گردنکش ستیزه‌جو و نه

شَيْطَانٌ مَرِيدٌ، وَلَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ، إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةُ أَمْرِكُمْ،

اهریمن متمرده و نه خلق دیگری که در این میان گواه باشد جز آنکه بشناساند به او خداوند جلالت

وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ، وَكِبَرَ شَأْنِكُمْ، وَتَمَامَ نُورِكُمْ، وَصِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ،

و قدر و عظمت مقام و بزرگی منزلت و کامل بودن نورتان را و درستی منصبها

وَتَبَاتَ مَقَامِكُمْ، وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ، وَكَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ،

و پایرجا بودنتان را (در اطاعت حق) و شرافت همگان و منزلت شما را در پیش خود و مقام گرامی شما را

وَخَاصَّتِكُمْ لَدَيْهِ، وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ، بِأَبَىٰ أَنْتُمْ وَأُمِّي وَأَهْلِي

و خصوصیتی که در نزد او دارید و جایگاه نزدیکی که نسبت به او دارید پدر و مادر و خاندان

وَمَالِي وَأُسْرَتِي، أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ، أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ،

و مال و فامیلم فدای شما گواه گیرم خدا را و گواه گیرم شما را که من ایمان دارم به شما و بدانچه شما بدان ایمان دارید

كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلَالَةِ مَنْ

و کافر من نسبت به دشمن شما و بدانچه شما انکار آن را کردید بینامی به مقام شما و به گمراهی آنکه

خَالَفَكُمْ، مُوَالٍ لَّكُمْ وَاَوْلِيَاءِكُمْ، مُبْغِضٍ لِّاَعْدَائِكُمْ وَمَعَادٍ لَّهُمْ، سَلِّمْ

با شما مخالفت کرد دوست‌دار شما و (دوستدار) دشمنان شما و بغض دشمنان را در دل دارم و دشمن آنها را صلح

لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَحَرْبٍ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُحَقِّقٍ لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٍ لِمَا

با هر که با شما صلح کند و در جنگم با هر کس که با شما در جنگ است حق می‌دانم آنچه را شما حق دانستید و باطل

دانم

أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٍ لَّكُمْ عَارِفٍ بِحَقِّكُمْ، مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ،

آنچه را شما باطل دانستید پیرو شما می‌دانم عارف به حق شما می‌انجامم به برتری شما دارم بار علم دانش شما را تحمل کنم

مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِأَيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرِجْعَتِكُمْ،

و از مهالک در پرده عهد و امان شما روم به شما (و حقتان) اعتراف دارم و به بازگشتن ایمان دارم و رجعت شما را

تصدیق دارم

مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ،

و چشم براه فرمان شما و منتظر دولت شما می‌گفتارگان را بگیرم و دستورات را انجام دهم

مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، زَائِرٌ لَّكُمْ لَا يُذْعَانِدُ بِقُبُورِكُمْ، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ

و به شما پناه جویم و شما را زیارت کنم و به قبرهای شما پناه آورم و شما را بدرگاه خدای

عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ، وَمُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَمُقَدِّمٌ أَمَامَ طَلِبَتِي، وَحَوَائِجِي

عزوجل شفیع آورم و بوسیله شما به پیشگاهش تقرب جویم و شما را در پیش روی خواسته و حاجات

وَأَرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ،

و اراده‌ام قرار دهم در همه حالات و کارهایم، ایمان دارم به نمان شما و آشکارتان

وَشَاهِدِكُمْ وَعَائِبِكُمْ، وَأَوَّلِكُمْ وَأَخِرِكُمْ، وَمَفُوضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ

و حاضران و غائبان و اول و آخرتان و در این باره کار را به خودتان وامی‌گذارم (و هیچگونه ایرادی به کارهای شما

ندارم)

وَمُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ، وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ، وَنُصْرَتِي

و تسلیم شما می‌دانم و دلم نیز تسلیم شما است و رأی من نیز تابع (رای) شما است و یاریم

لَكُمْ مَعَدَّةٌ، حَتَّىٰ يُحِبِّيَ اللَّهُ تَعَالَىٰ دِينَهُ بِكُمْ، وَيَرُدُّكُمْ فِي آيَاتِهِ،

برایتان آماده است تا آنکه خدای تعالی دینش را بوسیله شما زنده کند و دوباره بازگرداند شما را در روزها (ی حکومت)

خود

وَيُظْهِرْكُمْ لِعَدْلِهِ، وَيُمَكِّنْكُمْ فِي أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ غَيْرِكُمْ،

و آشکارتان سازد برای عدل خود و پابرجایتان کند در روی زمینش، پس با شما باشم با شما نه با غیر شما

أَمَنْتُ بِكُمْ، وَتَوَلَّيْتُ أَخْرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ، وَبَرَّيْتُ إِلَى اللَّهِ

و ایمان دارم به شما و دوست دارم آخرین فرد شما را به همان دلیل که دوست دارم اولین شخص شما را و بیزارى

جویم به

عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمِنَ الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ، وَالشَّيَاطِينِ

پیشگاه خدای عزوجل از دشمنانتان و از جبت و طاغوت (خلفای ناحق) و شیاطین

وَحِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ وَالْجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ، وَالْمَارِقِينَ مِنْ وَلَايَتِكُمْ،

و پیروانشان (سایر غاصبین) آن ستمکاران بر شما و منکران حق شما و بیرون‌روندگان از زیر بار ولایت و زمامداری شما

وَالْغَاصِبِينَ لِأَرْثِيكُمْ، وَالشَّاكِينَ فِيكُمْ، وَالْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ، وَمِنْ كُلِّ

و غصب‌کنندگان میراث شما و شک‌کنندگان درباره شما و منحرف‌شدگان از طریقه شما و از هر همدم

وَلِيحَةِ دُونِكُمْ، وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ، وَمِنَ الْأَيْمَةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَىٰ

و وسیله‌ای غیر از شما و هر فرمانروائی جز شما و از پیشوایانی که مردم را به

النَّارِ، فَتَبَّتَنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَىٰ مُوَالَاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ،

دوزخ می‌خوانند پس خداوند پابرجایم بدارد همیشه تا زنده‌ام بر موالات و دوستی و دین و آئین شما

وَوَفَّقَنِي لَطَاعَتِكُمْ، وَرَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ، وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مُوَالِيكُمْ،

و موفقم دارد برای فرمانبرداری شما و روزیم گرداند شفاعت شما را و قرارم دهد از برگزیدگان دوستانتان

التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ أَثَارَكُمْ، وَيَسْأَلُكُمْ

آن‌انکه تابع دعوت شما هستند و بگرداند مرا از کسانی که پیروی کند از آثار شما و می‌رود

سَبِيلَكُمْ، وَيَهْتَدِي بِهَدْيِكُمْ، وَيُحْشَرُّ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَيَكْرَهُ فِي

به راه شما و راهنمایی جوید به راهنمایی شما و محشور گردد در گروه شما و بازگردد در دوران رجعت

رَجَعْتِكُمْ، وَيَمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَيُشْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَيُمْكِنُ

و بازگشت شما و به فرمانروائی رسد در دوران حکومت شما و مفتخر گردد به عافیت (و حسن عاقبت) از شما

فِي أَيَّامِكُمْ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ غَدًا بِرُؤْيَيْتِكُمْ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي

و مقتدر گردد در روزهای (حکومت) شما و روشن گردد دیده‌اش فردای قیامت بدیدار شما پدر و مادرم و خودم

وَأَهْلِي وَمَالِي، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَاءَ بِكُمْ، وَمَنْ وَحَدَّهُ قَبْلَ عُنْكُمْ، وَمَنْ

و خاندان و داراییم به فدای شما هر که آهنگ خدا کند از شما (باید) شروع کند و آنکس که خدا را به یکتائی شناسد

قَصْدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوَالِيَّ لَا أُحْصِي ثَنَائِكُمْ، وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ

(طریقه‌اش را) از شما پذیرد و هر که قصد او کند به شما رو کند سروران من ثنای شما را نتوانم کرد و با مدح

كُنْهَكُمْ وَمِنْ الْوَصْفِ قَدْرُكُمْ، وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ، وَهُدَاةُ الْأَبْرَارِ

به کنه و حقیقت شما نرسم و با توصیف قدر و منزلت شما را بیان نتوانم که شما نید روشنی خوبان و راهنمای نیکان

وَحُجَجُ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتِمُ، وَبِكُمْ يُنْزَلُ الْغَيْثُ، وَبِكُمْ

و حجتهای خدای جبار، خداوند (عالم وجود را) به شما آغاز کرد و به شما نیز ختم کند و بخاطر شما فرو ریزد باران را

يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِكُمْ يُنْفَسُ الْأَهِمُّ،

و بخاطر شما است که نگهدارد آسمان را از اینکه بر زمین افتد جز به اذن او و بخاطر شما بگشاید اندوه را

وَيَكْشِفُ الضَّرَّ، وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَهَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ،

و برطرف کند سختی را و در پیش شما است آنچه را پیمبرانش فرود آورده و فرشتگانش به زمین آوردند

وَأِلَى جَدِّكُمْ. وَ اِگر زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد بجای: وَ اِلَى جَدِّكُمْ

و بسوی جد شما * * * * *

بگو: وَ اِلَى اَخيكَ بَعَثَ الرُّوحَ الْاَمِينُ، اَتَاكُمْ اللهُ مَا لَمْ يُوْتِ اَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ

برادرت روح‌الامین (جبرئیل) نازل گردید به شما داده است خداوند آنچه را به هیچیک از مردم جهانیان

طَاطَا كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ، وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطَاعَتِكُمْ وَخَضَعَ كُلُّ

نداده سر (فروتنی) بزیر آورده هر شخص شریفی در برابر شرف شما و گردن نهاده هر متکبری به فرمانبرداری شما و

فروتن گشته هر

جَبَّارٍ لِّفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ كَلْشَىءٍ لِّكُمْ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفَازَ

گردنکشی در برابر فضل شما و خوار شده هر چیزی برای شما و روشن شد زمین به پرتو نور شما و رستگار شدند

الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرِّضْوَانِ، وَعَلَى مَنْ جَدَدَ

مردمان رستگار بوسیله ولایت و دوستی شما، بوسیله شما به بهشت رضوان توان رسید و بر آنکس که منکر

وَلَايَتِكُمْ غَضَبَ الرَّحْمَنِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي،

فرمانروائی شما است خشم خدای رحمان (حتم و مسلم) است، پدر و مادرم و خودم و خاندان و دارائیم فدای شما باد،

ذِكْرِكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ، وَأَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي

(ای سروران من گرچه) ذکر شما در (زبان) ذکرکنندگان است و نامهایتان در میان نامها و پیکرتان با سایر

الْأَجْسَادِ وَأَرْوَاحِكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ، وَأَثَارُكُمْ

پیکرها و روانتان در میان سایر روانها و جانها (عداد) سایر جانها و آثارتان در میان

فِي الْأَثَارِ، وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ، فَمَا أَحَلَى أَسْمَاءَكُمْ وَأَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ،

آثار (دیگران) و قبرها (در شمار) سایر قبرها است ولی (شما را چه نسبت با دیگران) چه شیرین است نامهایتان

وَأَعْظَمَ شَانَكُمْ، وَأَجَلَ خَطْرِكُمْ، وَأَوْفَى عَهْدِكُمْ، وَأَصْدَقَ وَعْدِكُمْ،

و بزرگواری است جانها و بزرگ است مقامتان و برجسته است منزلت و موقعیتتان و با وفا است عهدتان و راست است

و عدهتان

كَلَامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى، وَفِعْلُكُمْ الْخَيْرُ،

سخنستان نور و دستوراتان یکپارچه رشد و رستگاری است، سفارشتان پرهیزکاری و کارتان خیر و خوبی

وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ، وَسَجِيَّتُكُمْ الْكِرَامُ، وَشَانُكُمْ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ

و عادت شما احسان و نیکی و شیوه شما کرم و بزرگواری و رفتارتان حق و راستی

وَالرِّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنَّ ذِكْرَ

و مدارائی است و گفتارتان مسلم و حتمی است و رأی شما دانش و بردباری و دوراندیشی است اگر از

الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَهُ وَأَصْلُهُ وَقَرَعَهُ، وَمَعْدِنُهُ وَمَأْوِيَهُ وَمُنْتَهَاهُ، بِأَبِي أَنْتُمْ

خیر و خوبی ذکری به میان آید آغاز و ریشه و شاخه و مرکز و جایگاه و پایانش شماست پدر و مادرم و خودم

وَأُمِّي وَنَفْسِي، كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ، وَأَحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ،

به فدای شما چگونه توصیف کنم ثنای نیکوی شما را و چگونه شماره کنم آزمایشهای خوبی که دادید

وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الدُّلِّ، وَفَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا مِنْ

و بوسیله شما بود که خدا ما را از ذلت بیرون آورد و گشایش داد به گرفتاریهای سخت ما و نجاتمان داد از

شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، بِمُؤَالَاتِكُمْ

پرتگاه هلاکت و نابودی و هم از آتش دوزخ، پدر و مادرم و خودم به فدای شما که بوسیله دوستی شما

عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا، وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ

خداوند به ما یاد داد دستورات دینمان را و اصلاح کرد آنچه را که از دنیا ما تباہ گشته بود و بوسیله شما کلمه (توحید

و

تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ، وَاتَّالَفَتِ الْفُرْقَةُ، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ

معارف دین) کامل شد و نعمت بزرگ گشت و جدائی و اختلاف مبدل به الفت و اتحاد گردید و بوسیله موالات شما

پذیرفته

الطَّاعَةَ الْمُفْتَرَضَةَ، وَلَكُمْ أُمُودَهُ الْوَاجِبَةَ، وَالذَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةَ، وَالْمَقَامُ

گردد فرمانبرداری واجب و (تنها) دوستی شما است که بر خلق لازم و فرض است و از آن شما است درجات بلند و

مقام

الْمَحْمُودُ، وَالْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّانُ الْكَبِيرُ،

شایسته و جایگاه معین و معلوم در نزد خدای عزوجل و منزلت عظیم و رتبه بزرگ

وَالشَّفَاعَةُ الْمُقْبُولَةُ، رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ، فَارْتَبْنَا مَعَ

و شفاعت پذیرفته، پروردگارا ما ایمان داریم بدانچه نازل فرمودی و پیروی کردیم از پیامبرت پس نام ما را با

الشَّاهِدِينَ، رَبَّنَا لَا تَرْغُ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ

گواهان (به این حقایق) ثبت فرما، پروردگارا منحرف مکن دلهای ما را پس از آنکه راهنمائیمان کردی و ببخش به ما از

نزد خویش

أَنْتَ الْوَهَّابُ، سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا، يَا وَلِيَّ اللَّهِ

رحمتی که براستی توئی بخشایشگر منزه است پروردگارا ما که براستی وعده او انجام شدنی است ای ولی خدا

[در گفتن یا وَلِيَ اللَّهُ إمامی را که زیارت می‌کنند مخاطب سازد و ممکن است که همه مُراد باشند بر سبیل بدلیّت یا جنسیّت و اگر بعنوان جمیع بگوید بهتر است که «یا اَوْلِيَاءَ اللَّهِ» بگوید «ذَلكَ نقل من شرح المجلسی الأول» [إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ

اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا

همانا میان من و خدای عزوجل گناہانی است که محو و پاک نکند آنها را

إِلَّا رِضَاكُمْ، فَبِحَقِّ مَنْ أَيْتَمَنُكُمْ عَلَى سِرِّهِ، وَاسْتَرَاعَاكُمْ

جز رضایت شما پس به حق آن خدائی که شما را امین به راز خود کرده و سرپرستی

أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرْنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ

کار خلق خود را به شما واگذارده و فرمانبرداری شما را به فرمانبرداری خود که شما بخشش گناہانم را (از خدا)

بخواهید

شُفَعَائِي، فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاكُمْ

و شفیعیان من گردید زیرا که من فرمانبردار شمایم، هر که از شما فرمانبرداری کند خدای را فرمانبرداری کرده و هر که

نافرمانی شما

فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ

کند خدای را نافرمانی کرده و هر که شما را دوست دارد خدای را دوست داشته و هر که شما را دشمن دارد خدای را

دشمن داشته،

اللَّهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ

خدایا اگر من شفیعیانی را می‌یافتم که نزدیکتر باشند بدرگاہت از محمد و خاندان

الْأَخْيَارِ، الْأَيْمَةِ الْأَبْرَارِ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي، فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ

نیکیوش آن پیشوایان نیکوکار بطور مسلم آنها را شفیعیان خود قرار می‌دادم پس از تو می‌خواهم بدان حقی که برای

ایشان

عَلَيْكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَيَحَقِّهِمْ، وَفِي

بر خود واجب کردی که مرا در زمره عارفان به مقام آنها و به حق آنها قرارم ده و نیز

زُمْرَةَ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى

در زمره کسانی که بوسیله شفاعت آنها مورد مهر قرار گرفته‌اند که تو مهربانترین مهربانانی و درود خدا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَسَلَّم تَسْلِيمًا كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

محمد و آل پاکش و سلام مخصوص و بسیاری بر آنها باد و بس است ما را خدا و نیکو وکیلی است

مؤلف گوید که این زیارت را شیخ نیز در تهذیب نقل کرده و بعد از این دعای و داعی نقل کرده‌اند که ما به ملاحظه اختصار آنرا ذکر نمودیم و این زیارت چنانکه علامه مجلسی فرموده بهترین زیارات جامعه است از جهت متن و سند و فصاحت و بلاغت و والد ماجدش در شرح فقیه فرموده که این زیارت احسن و اکمل زیارات است و من تا در عتبات عالیات بودم زیارت نکردم ائمه‌علیهم السلام را مگر به این زیارت .

و شیخ ما در نجم ثاقب حکایتی نقل کرده که از آن ظاهر می‌شود که باید به این زیارت مواظبت کرد و از آن غفلت نمود و آن حکایت چنین است جناب مستطاب تقی صالح سید احمد بن سید هاشم بن سید حسن موسوی رشتی تاجر ساکن رشت ائده الله در هفده سال قبل تقریباً به نجف اشرف مشرف شد و با عالم ربّانی و فاضل صمدانی شیخ علی رشتی طاب ثراه که در حکایت آینده مذکور خواهند شد انشاءالله به منزل حقیر آمدند و چون برخاستند شیخ از صلاح و سداد سید مرقوم اشاره کرد و فرمود که قضیه عجیبه دارد و در آن وقت مجال بیان نبود پس از چند روزی ملاقات شد فرمود که سید رفت و قضیه را با جمله‌ای از حالات سید نقل کرد بسیار تأسف خوردم از نشنیدن آنها از خود او اگر چه مقام شیخ رحمه الله اجل از آن بود که اندکی خلاف در نقل ایشان برود و از آن سال تا چند ماه قبل این مطلب در خاطر بود تا در ماه جمادی الآخره این سال از نجف اشرف برگشته بودم در کاظمین سید صالح مذکور را ملاقات کردم که از سامره مراجعت کرده عازم عجم بود پس شرح حال او را چنانکه شنیده بودم پرسیدم از آنجمله قضیه معهوده همه را نقل کرد مطابق آن و آن قضیه چنان است که گفت در سنه هزار و دویست و هشتاد به اراده حج بیت الله الحرام از دارالمرز رشت آمدم به تبریز و در خانه حاجی صفر علی تاجر تبریزی معروف منزل کردم چون قافله نبود متحیر ماندم تا آنکه حاجی جبار جلودار سدهی اصفهانی باربرداشت به جهت طرابوزن تنها از او مالی کرایه کردم و رفتم چون به منزل اوّل رسیدیم سه نفر دیگر به تحریص حاجی صفرعلی به من ملحق شدند یکی حاجی ملا باقر تبریزی حجه فروش معروف علماء و حاجی سید حسین تاجر تبریزی و حاجی ملا علی نامی که خدمت می‌کرد پس به اتفاق روانه شدیم تا رسیدیم به ارزنة الروم و از آنجا عازم طرابوزن و در یکی از منازل مابین این دو شهر حاجی جبار جلودار به نزد ما آمد و گفت این منزل که در پیش داریم مخوف است قدری زود بار کنید که به همراه قافله باشیم چون در سایر منازل غالباً از عقب قافله به فاصله می‌رفتیم پس ما هم تخمیناً دو ساعت و نیم یا سه

به صبح مانده به اتفاق حرکت کردیم به قدر نیم یا سه ربع فرسخ از منزل خود دور شده بودیم که هوا تاریک شد و برف مشغول باریدن شد بطوری که رفقا هر کدام سر خود را پوشانیده تند راندند من نیز آنچه کردم که با آنها بروم ممکن نشد تا آنکه آنها رفتند من تنها ماندم پس از اسب پیاده شدم در کنار راه نشستم و به غایت مضطرب بودم چون قریب ششصد تومان برای مخارج راه همراه داشتم بعد از تأمل و تفکر بنا بر این گذاشتم که در همین موضع بمانم تا فجر طالع شود به آن منزل که از آنجا بیرون آمدیم مراجعت کنم و از آنجا چند نفر مستحفظ به همراه برداشته به قافله ملحق شوم در آن حال در مقابل خود باغی دیدم و در آن باغ باغبانی که در دست بیلی داشت که بر درختان می زد که برف از آنها بریزد پس پیش آمد به مقدار فاصله کمی ایستاد فرمود تو کیستی عرض کردم رفقا رفتند و من ماندم راه را نمی دانم گم کرده ام فرمود به زبان فارسی نافله بخوان تا راه را پیدا کنی من مشغول نافله شدم بعد از فراغ از تهجد باز آمد و فرمود نرفتی گفتم واللّه راه را نمی دانم فرمود جامعه بخوان من جامعه را حفظ نداشتم و تاکنون حفظ ندارم با آنکه مکرر به زیارت عتبات مشرف شدم پس از جای برخاستم و جامعه را بالتمام از حفظ خواندم باز نمایان شد فرمود نرفتی هستی مرا بی اختیار گریه گرفت گفتم هستم راه را نمی دانم فرمود عاشورا بخوان و عاشورا را نیز حفظ نداشتم و تاکنون ندارم پس برخاستم و مشغول زیارت عاشورا شدم از حفظ تا آنکه تمام لعن و سلام و دعای علقمه را خواندم دیدم باز آمد و فرمود نرفتی هستی گفتم نه هستم تا صبح فرمود من حال تو را به قافله می رسانم پس رفت و بر الاخی سوار شد و بیل خود را بدوش گرفت و فرمود به ردیف من بر الاغ سوار شو سوار شدم پس عنان اسب خود را کشیدم تمکین نکرد و حرکت نمود فرمود جلو اسب را به من ده دادم پس بیل را بدوش چپ گذاشت و عنان اسب را بدست راست گرفت و براه افتاد اسب در نهایت تمکین متابعت کرد پس دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود شما چرا نافله نمی خوانید نافله نافله نافله سه مرتبه فرمود و باز فرمود شما چرا عاشورا نمی خوانید عاشورا عاشورا عاشورا سه مرتبه و بعد فرمود شما چرا جامعه نمی خوانید جامعه جامعه جامعه و در وقت طیّ مسافت بنحو استداره سیر می نمود یک دفعه برگشت و فرمود آنست رفقای شما که در لب نهر آبی فرود آمده مشغول وضو به جهت نماز صبح بودند پس من از الاغ پایین آمدم که سوار اسب خود شوم و نتوانستم پس آن جناب پیاده شد و بیل را در برف فرو کرد و مرا سوار کرد و سر اسب را به سمت رفقا برگردانید من در آن حال به خیال افتادم که این شخص کی بود که به زبان فارسی حرف می زد و حال آنکه زبانی جز ترکی و مذهبی غالباً جز عیسوی در آن حدود نبود و چگونه به این سرعت مرا به رفقای خود رساند پس در عقب خود نظر کردم احدی را ندیدم و از او آثاری پیدا نکردم پس به رفقای خود ملحق شدم.

زیارت سیم

زیارتیست که علامه مجلسی آن را در تحفة الزائر زیارت هشتم جوامع قرار داده و فرموده که این زیارتی است که سید بن طاوس در ضمن ادعیه عرفه روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام و در هر وقت و هر موضع که باشد می توان کردن خصوصاً در روز عرفه و زیارت این است:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ

✽ سلام بر تو ای رسول خدا سلام

عَلَیْكَ يَا نَبِيَّ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَيْرَةَ اللّٰهِ مِنْ خَلْقِهِ، وَآمِنَهُ عَلٰی

بر تو ای پیغمبر خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا از خلقش و امین او بر

وَحِيهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَوْلٰیَیَ اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا

وحیش سلام بر تو ای سرور من ای امیر مؤمنان سلام بر تو ای

مَوْلٰی اَنْتَ حُجَّةُ اللّٰهِ عَلٰی خَلْقِهِ، وَبَابُ عِلْمِهِ، وَوَصِيُّ نَبِيِّهِ، وَالْخَلِيْفَةُ

مولای من، توئی حجت خدا بر خلق او و درگاه علم و دانش او و وصی پیامبرش و جانشین

مِنْ بَعْدِهِ فِيْ اُمَّتِهِ، لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً غَضَبْتَكَ حَقَّكَ، وَوَعَدْتَ مَقْعَدَكَ، اَنَا

پس از او در میان امتش خدا لعنت کند مردمی که حق تو را غضب کردند و بجای تو نشستند، من

بَرِيٌّ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيْعَتِهِمْ اِلَيْكَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا فَاطِمَةَ الْبِتُوْلِ،

از آنها و از پیروانشان بدرگاه تو بیزاری جویم سلام بر تو ای فاطمه بتول

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَيْنَ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُوْلِ

سلام بر تو ای زینت زنان جهانیان سلام بر تو ای دختر رسول

[اللّٰهُ] رَبُّ الْعَالَمِيْنَ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْكَ وَعَلَيْهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اُمَّ الْحَسَنِ

خدا پروردگار جهانیان - درود خدا بر تو و بر او باد - سلام بر تو ای مادر حسن

وَالْحُسَيْنِ، لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً غَضَبْتَكَ حَقَّكَ، وَمَمَعْتُكَ مَا جَعَلَهُ اللّٰهُ لَكَ

و حسین خدا لعنت کند مردمی که حق تو را غضب کردند و محرومت کردند از آن حق حلالی که

حَلَالًا، اَنَا بَرِيٌّ اِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيْعَتِهِمْ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَوْلٰیَیَ ا

خداوند برایت مقرر داشته بود من بیزارم به پیشگاه تو از آنها و از پیروانشان، سلام بر تو ای مولای من ای

أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الزَّكِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتَكِ،

ابا محمد حسن «زکی» سلام بر تو ای سرور من، خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند

وَبَايَعَتْ فِي أَمْرِكَ وَشَايَعَتْ، أَنَا بَرِيءٌ إِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيعَتِهِمْ،

و در کار (گرفتن خلافت از) تو با همدیگر بیعت کرده و همکاری کردند من بیزارم به پیشگاه تو از آنها و از پیروانشان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، صَلَوَاتُ اللَّهِ

سلام بر تو ای مولای من ای ابا عبدالله (ای) حسین بن علی - دروهای خدا

عَلَيْكَ وَعَلَى أَبِيكَ وَجَدَّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

بر تو و بر پدرت و بر جدت محمد صلی الله علیه و آله خدا لعنت کند مردمی که

اسْتَحَلَّتْ دَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتَكِ، وَاسْتَبَاكَ حَرِيمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ

خون تو را حلال شمردند و خدا لعنت کند مردمی که تو را کشتند و هتک حرمت تو را مباح دانستند و خدا لعنت کند

أَشْيَاءَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمُ بِالْتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ،

همراهان و پیروانشان را و خدا لعنت کند آنانکه اسباب کار را فراهم کردند تا آنها نیروی نبرد با شما را پیدا کنند،

أَنَا بَرِيءٌ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ

من بیزارم به پیشگاه خدا و به پیشگاه تو از ایشان سلام بر تو ای مولای من ای ابا محمد:

عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ

علی بن حسین سلام بر تو ای مولای من ای ابا جعفر محمد بن

عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ

علی سلام بر تو ای مولای من ای ابا عبدالله جعفر بن محمد سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بر تو ای مولای من ای ابا الحسن موسی بن جعفر سلام بر تو ای

مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا

مولای من ای ابا الحسن علی بن موسی سلام بر تو ای مولای من ای ابا

جَعْفَرُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ

جعفر محمد بن علی سلام بر تو ای مولای من ای ابالحسن علی بن

مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلَامُ

محمد سلام بر تو ای مولای من ای ابا محمد حسن بن علی سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ صَاحِبَ الزَّمَانِ، صَلَّى اللَّهُ

بر تو ای مولای من ای ابا القاسم محمد بن الحسن صاحب الزمان - درود خدا بر

عَلَيْكَ وَعَلَى عِثْرَتِكَ الطَّاهِرَةِ الطَّيِّبَةِ يَا مَوْلَايَ كَوْنُوا شُفَعَائِي فِي حَطِّ وَزْرِي

تو و بر خاندان پاک پاکیزهات - ای سروران من شما شفیعان من باشید در ریختن بار گران گناه و

وَحَطَايَايَ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ، وَأَتَوَالِي آخِرُكُمْ بِمَا أَتَوَالِي أَوْلَاكُمْ،

خطاهایم ایمان دارم به خدا و بدانچه بر شما نازل شده و دوست دارم آخرین فرد شما را به همان دلیل که دوست دارم

اولین

وَبَرِّتُ مِنَ الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى يَا مَوْلَايَ أَنَا سَلِمٌ لِمَنْ

شخص شما را و بیزارم از جبت و طاغوت و لات و عزی (یعنی خلفای ناحق) ای سروران و بزرگانم من در صلح و

سازشم با هر که

سَأَلَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ، وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ إِلَى يَوْمِ

با شما در صلح است و در جنگ با هر کس که با شما در جنگ است و دشمنم با کسی که با شما دشمنی کند و دوستم

با کسی که شما را

الْقِيَمَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِيكُمْ وَغَاصِبِيكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ أَشْيَاعَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَأَهْلَ

دوست دارد تا روز قیامت، و خدا لعنت کند ستمگران شما و غاصبین حقوق شما را خدا لعنت کند پیروان و همراهان و

مَذْهَبِهِمْ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ

هم مسلکان آنها را و بیزاری جویم بدرگاه خدا و به پیشگاه شما

زیارت چهارم

زیارت معروفه به امین الله است که اولش این است «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحَجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهِدْتَ فِي اللَّهِ» تا آخر زیارت که گذشت در زیارات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام زیرا که ما آنرا زیارت دویم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام قرار دادیم.

زیارت پنجم

زیارت «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدْنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَآئِهِ فِي رَجَبٍ» است که در اعمال ماه رجب گذشت پس آنچه از زیارات جامعه در این کتاب مبارک است پنج زیارت است و کفایت می کند انشاء الله.

مقام دویم

در دعائی که بعد از زیارت هر یک از ائمه علیهم السلام خوانده می شود سید بن طاوس رحمه الله فرموده که مستحب است این دعا خوانده شود عقب زیارت

ائمه علیهم السلام:

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي

خدایا اگر گناهان آبرویم

قَدْ أَخْلَقْتَ وَجْهِي عِنْدَكَ، وَحَجَبْتَ دُعَائِي عَنْكَ، وَحَالَتْ بَيْنِي

را در پیشگاه تو برده و دعایم را از تو پوشانده و میان من و تو حائل

وَبَيْنَكَ، فَاسْأَلْكَ أَنْ تُقْبِلَ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَتَنْشُرَ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ،

گشته پس از تو خواهم که رو آری بر من به روی گرامیت و بگسترانی رحمت خود را بر من

وَتُنَزِّلَ عَلَيَّ بَرَكَاتِكَ، وَإِنْ كَانَتْ قَدْ مَنَعَتْ أَنْ تَرْفَعَ لِي إِلَيْكَ صَوْتًا، أَوْ

و فروباری برکاتت را بر من و اگر گناهان من مانع از این است که آوازی از من بسوی تو بالا آید یا

تَغْفِرَ لِي ذُنُوبًا، أَوْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَةَ مُهْلِكَةٍ، فَهَذَا نَادَا مُسْتَجِيرٌ بِكَرَمِ

از اینکه گناهی از من بیامری یا از خطای نابودکننده ای درگذری پس من نیز پناه جسته ام به بزرگواری

وَجْهِكَ، وَعِزِّ جَلَالِكَ، مُتَوَسِّلٌ إِلَيْكَ، مُتَقَرِّبٌ إِلَيْكَ بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ،

ذات و عزت و جلالت و بدرگاہت توسل جسٹہ و بہ پیشگاہت تقرب و نزدیکی جویم بہ محبوبترین خلق تو در نزد

وَ اَكْرَمِهِمْ عَلَيْكَ، وَ اَوْلَاهُمْ بِكَ، وَ اطْوَعِهِمْ لَكَ، وَ اعْظَمِهِمْ مَنْزِلَةً

و گرامی ترین آنها بر تو و شایسته ترین آنها به تو و فرمانبردارترینشان برای تو و بزرگترین آنها نزد تو در منزلت

وَ مَكَانًا عِنْدَكَ، مُحَمَّدٌ، وَ بَعِثْتَهُ الطَّاهِرِينَ، الْاٰثِمَةَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ

و مقام (یعنی) محمد و عترت پاکیزه اش آن پیشوایان راهنمای راه یافته

الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَى خَلْقِكَ طَاعَتَهُمْ وَ اَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَ جَعَلْتَهُمْ

آنانکه واجب کردی بر خلق خویش فرمانبرداریشان را و دستورشان دادی به دوستی آنها و گرداندیدی

وِلَاةَ الْاٰمْرِ مِنْ بَعْدِ رَسُوْلِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ، يَا مُدِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ

آنها را زمامداران پس از رسالت - که درود تو بر او و آتش باد - ای خوار کننده هر گردنکش

عَنِيدِ، وَيَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ، بَلَّغْ مَجْهُودِي، فَهَبْ لِي نَفْسِي السَّاعَةَ،

ستیزه جو و ای عزت بخش مؤمنان تاب و توانم رفته پس ببخش مرا در همین ساعت

وَ رَحْمَةً مِنْكَ تَمُنُّ بِهَا عَلَيَّ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس ضریح را ببوس و هر

و رحمتی از خودت به من ده که منت نهی بر من ای مهربانترین مهربانان * * * * *

دو طرف رو را بر ضریح بگذار و بگو: اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا مَشْهُدٌ لَا يَرْجُو مَنْ فَاتَتْهُ

* * * * * خدایا براستی اینجا زیارتگاهی است که اگر کسی

فِيهِ رَحْمَتِكَ اَنْ يِّنَالَهَا فِي غَيْرِهِ، وَلَا اَحَدٌ اَشَقَى مِنْ اِمْرَةٍ قَصَدَتْهُ

رحمت در اینجا به او نرسد امیدندارد که در جای دیگری نصیب او گردد و کسی بدبختر نیست از آن شخصی که از روی

امیدواری آهنگ

مُؤْمَلًا قَابَ عَنْهُ خَائِبًا، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْاَيَابِ وَ خَيْبَةِ

این درگاه کند ولی ناامید برگردد خدایا به تو پناه برم از بدی و شر چنین بازگشتی و از نومیدی در

الْمُنْقَلَبِ، وَ الْمُنَاقَشَةِ عِنْدَ الْحِسَابِ، وَ حَاشَاكَ يَا رَبُّ اَنْ تَقْرَنَ طَاعَةَ

هنگام رجوع و سخت گیری در هنگام حساب و دور است از تو ای پروردگار من که مقرون سازی فرمانبرداری

وَلِيْكَ بِطَاعَتِكَ، وَ مَوَالَاتِهِ بِمَوَالَاتِكَ، وَ مَعْصِيَتَهُ بِمَعْصِيَتِكَ ثُمَّ

ولی خود را به فرمانبرداری خودت و دوستیش را بدوستی خودت و نافرمانیش را به نافرمانی خودت آنگاه

تُوَيْسَ زَائِرَهُ، وَالْمُتَحَمِّلَ مِنْ بُعْدِ الْبِلَادِ إِلَى قَبْرِهِ، وَعَزَّتِكَ يَا رَبِّ لَا

مأیوس گردانی زائرش را و آنکه رنج سفر را برای زیارت قبرش از راههای دور بر خود تحمل کرده به عزت تو سوگند
پروردگارا

يَنْعَقِدُ عَلَى ذَلِكَ ضَمِيرِي، إِذْ كَانَتْ الْقُلُوبُ إِلَيْكَ بِالْجَمِيلِ تَشِيرُ بِسِ

که دل من به چنین مطلبی گواهی ندهد زیرا که دلها بسوی تو به نیکی اشاره کند (و گواهی دهد) * * *

نماز زیارت کن و چون خواهی وداع کنی و برگردی بگو: اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ

* * * * * سلام بر شما ای خاندان

بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنِ الرَّسَالَةِ، سَلَامٌ مُودَعٌ لَا سَيِّمٌ وَلَا قَالَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ

نبوت و مرکز رسالت سلام خدا حافظی که نه از روی خستگی است و نه از روی خشم و رحمت خدا

وَبَرَكَاتُهُ. الْخُ وَ شَيْخٍ مَفِيدٍ نِيزَ اَيْنَ دَعَا رَا نَقْلَ كَرْدَه وَ لَكِن بَعْدَ اَزِ اَلْجَمِيلِ تَشِيرُ

و برکاتش بر شما باد * * * * *

فَرَمُودَه بِسِ بَگو: يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا

* * * * * ای ولی خدا همانا میان من و خدای عزوجل گناहانی است که محو نکند آنها را جز

رِضَاكَ، فَبِحَقِّ مَنْ اٰتَمَنَكَ عَلٰى سِرِّهِ، وَاسْتَرْعَاكَ اَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ

رضا و خوشنودی تو پس به حق آن خدائی که تو را امین بر راز خود قرار داده و سرپرستی کار خلقش را به تو واگذارده
و مقرون ساخته

طَاعَتِكَ بِطَاعَتِهِ، وَمَوَالَتِكَ بِمَوَالَاتِهِ، تَوَلَّ صَلَاحَ حَالِي، مَعَ اللَّهِ

فرمانبرداری تو را به فرمانبرداری خود و دوستی تو را به دوستی خود، در دست بگیر اصلاح کردن مرا با خدای

عَزَّوَجَلَّ، وَاجْعَلْ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكَ تَخْلِيطِي بِخَالِصِي زُؤَارِكَ،

عزوجل و بگردان بهره مرا از زیارت خود آمیخته شدن مرا به زیارت کنندگان خالص خود

الَّذِينَ تَسْتَلُّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي عِتْقِ رِقَابِهِمْ، وَتَرْغَبُ إِلَيْهِ فِي حُسْنِ

آنانکه درخواست کنی از خدای عزوجل آزادی آنها را (از عذاب دوزخ) و از روی میل و اشتیاق پاداش

تَوَابِهِمْ، وَهَا أَنَا الْيَوْمَ بِقَبْرِكَ لِأَتِدُّ، وَبِحُسْنِ دِفَاعِكَ عَنِّي عَائِدُّ،

نیکیویشان را از او خواهانی و من اینک به قبر تو پناهنده گشته و به دفاع کردن نیکیوت از خود پناه جستهم

فَتَلَفَنِي يَا مَوْلَايَ وَأَدْرِكْنِي، وَاسْتَلِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فِي أَمْرِي، فَإِنَّ لَكَ

پس تدارک کارم را بفرما ای مولای من و دریابم و از خدای عزوجل اصلاح کارم را بخواه زیرا که برای تو

عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا كَرِيمًا، وَجَاهًا عَظِيمًا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا.

در نزد خدا منزلتی گرامی و مقامی بزرگ است درود خدا و سلام مخصوصش بر تو باد

مؤلف گوید که بهتر آن است که زائر چون خواهد دعا کند در مشاهد مشرفه بلکه هر دعا کننده در هر کجا که باشد برای هر مطلب و حاجتی آنکه مقدم دارد بر دعای خود دعا بر سلامتی وجود مقدس حجت عصر حضرت صاحب الامر علیه السلام را و این مطلب بسیار مهم و دارای فواید مهمه است که شرحش مناسب اینجا نیست و شیخ مرحوم در باب دهم کتاب نجم ثاقب این مطلب را مشروحاً ذکر نموده و بعضی از ادعیه مخصوص به این مقام را ذکر فرموده هر که خواهد به آنجا رجوع کند و مختصرترین آنها دعائی است که در اعمال شب بیست و سیم ماه رمضان در ضمن دعاهای شبهای دهه آخر ذکر شد و ما در ذکر آداب زائر امام حسین علیه السلام دعائی نقل کردیم که در همه مشاهد مشرفه خوانده می شود.

مقام سیّم

در صلوات بر حجج طاهره علیهم السلام است شیخ طوسی در مصباح در اعمال روز جمعه فرموده خبر داد ما را جماعتی از اصحاب ما از ابوالفضل شیبانی که گفت حدیث کرد ما را از لفظ خود ابو محمد عبدالله بن محمد عابد بدلیه گفت سؤال کردم از مولای خود امام حسن عسکری علیه السلام در منزل آن حضرت بسرّ من رأی سنه دویست و پنجاه و پنج که املاء فرماید بر من یعنی کلمه کلمه بفرماید کیفیت صلوات فرستادن بر پیغمبر و اوصیاء آن حضرت صلوات الله علیهم را و حاضر کرده بودم با خود کاغذ بزرگی پس املاء کرد بر من از لفظ خود بدون اینکه از کتابی به بیند فرمود:

صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه وآله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلَّ وَحَيْكَ، وَبَلِّغْ رِسَالَتِكَ وَصَلِّ

خدایا درود فرست بر محمد چنانچه وحی تو را متحمل شد و پیامهات را رسانید و درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَحَلَّ حَلَالُكَ، وَحَرَّمَ حَرَامَكَ، وَعَلَّمَ كِتَابِكَ، وَصَلَّ

بر محمد چنانچه حلال کرد حلال تو را و حرام کرد حرام تو را و به مردم یاد داد کتاب تو را و درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَقَامَ الصَّلَاةَ، وَآتَى الزَّكَاةَ، وَدَعَا إِلَى دِينِكَ، وَصَلَّ

بر محمد چنانچه برپاداشت نماز را و زکات داد و بدین تو دعوت فرمود و درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا صَدَّقَ بِوَعْدِكَ، وَأَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ، وَصَلَّ عَلَى

بر محمد چنانچه وعده تو را تصدیق کرد و ترسانید (مردم را) از تهدید تو و درود فرست بر

مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ، وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ، وَفَرَّجْتَ بِهِ

محمد چنانچه آمرزیدی بوسیله اش گناهان را و پوشاندی بدو عیوب را و برطرف کردی بدو

الْكُرُوبَ، وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ، وَكَشَفْتَ بِهِ الْعَمَاءَ،

گرفتاریها را و درود فرست بر محمد چنانچه دفع کردی بدو بدبختی را و زدودی بدو غمها را

وَأَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ، وَتَجَيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ، وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا

و اجابت کردی بدو دعا را و نجات دادی به برکت او از بلا و درود فرست بر محمد چنانچه

رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ، وَأَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ، وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ، وَأَهْلَكْتَ

رحم کردی بدو بندگان را و زنده کردی بدو شهرها و بلاد را و شکستی بدو گردنکشان را و هلاک کردی

بِهِ الْفِرَاعِنَةَ، وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أضعَفْتَ بِهِ الْأُمُوالَ، وَأَحْرَزْتَ بِهِ

بدو فرعونها (و مدعیان خدایی) را و درود فرست بر محمد چنانچه چند برابر کردی بدو اموال را و پناه دادی بدو

مِنَ الْأَهْوَالِ، وَكَسَرْتَ بِهِ الْأَصْنَامَ، وَرَحِمْتَ بِهِ الْأَنَامَ، وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا

(مردم) را از هراسها و شکستی بدو بتها را و رحم کردی بدو بر مردمان و درود فرست بر محمد چنانچه

بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَدْيَانِ، وَأَعَزَّزْتَ بِهِ الْإِيْمَانَ، وَتَبَّرْتَ بِهِ الْأَوْثَانَ، وَعَظَّمْتَ بِهِ

برانگیختی او را به بهترین ادیان و عزت دادی به او بر ایمان و نابود کردی بدو بتان را و عظمت دادی بدو به

الْبَيْتِ الْحَرَامِ، وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا.

خانه کعبه و درود فرست بر محمد و خاندان پاک و نیکوکارش و سلام مخصوص بر ایشان فرست

صَلَوَاتُ بِرِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ أَخِي نَبِيِّكَ، وَوَلِيِّهِ

خدایا درود فرست بر امیرمؤمنان علی بن ابیطالب برادر پیامبرت و سرپرست

وَصَفِيِّهِ وَوَزِيرِهِ، وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ، وَمَوْضِعِ سِرِّهِ، وَبَابِ حِكْمَتِهِ،

کارهایش و برگزیده‌اش و وزیرش و محل سپردن دانشش و جایگاه رازش و درگاه حکمتش

وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ، وَالدَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ، وَخَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ، وَمُفْرَجِ

و گویای بحجتش و دعوت کننده به شریعتش و جانشین او در میان امتش و برطرف کننده

الْكَرْبِ عَنِ وَجْهِهِ قَاصِمِ الْكُفْرَةِ، وَمُرْغِمِ الْفَجْرَةِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ

گرفتگی از چهره‌اش درهم شکننده کافران و به خاک افکننده فاجران، آن بزرگواری که قرارش دادی نسبت به پیامبرت

به منزله

هَرُونَ مِنْ مُوسَى، اللَّهُمَّ وَالٍ مِنْ وَالَاهُ وَعَادٍ مِنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرُ مَنْ نَصَرَهُ،

هارون از موسی خدایا دوست دار هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد و یاری کن هر که یاریش کند

وَإِخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنَ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ

و خوارکن هر که دست از یاریش بردارد و لعنت کن هر که به دشمنیش برخیزد از اولین و آخرین و درود فرست بر او

أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

بهترین درودی را که بفرستی بر یکی از اوصیاء پیامبرانت ای پروردگار جهانیان

صَلَوَاتُ بِرِ سَيِّدَةِ نِسْوَانِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ، حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَتَبِيِّكَ، وَأُمِّ

خدایا درود فرست بر صدیقه (طاهره) فاطمه آن بانوی پاکیزه محبوب دوست و پیامبرت و مادر

أَحِبَّائِكَ وَأَوْصِيَاءِكَ، الَّتِي أَنْتَجَبْتَهَا وَفَضَّلْتَهَا وَاخْتَرْتَهَا عَلَى نِسَاءِ

دوستان و برگزیدگانت آن بانویی که او را برگزیدی و فضیلت و برتریش دادی بر زنان

الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا، وَكُنِ

جهانیان خدایا تو انتقامش را بگیر از کسانی که به او ستم کردند و حرمتش را سبک

الثَّائِرَ اَللّٰهُمَّ بِدَمِ اَوْلَادِهَا، اَللّٰهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهَا اُمَّ اَيِّمَّةِ الْهُدٰى،

شمرند و تو ای خدا خونخواهی فرزندانش را بکن خدایا همچنانکه او را بدین مقام رساندی که مادر امامان راهنما

وَحَلِيْلَةَ صَاحِبِ الْوَاوَا، وَالْكَرِيْمَةَ عِنْدَ الْمَلَاِ الْاَعْلٰى، فَصَلِّ عَلَيَّهَا

و همسر پرچمدار محشر و گرامی در عالم بالا قرارش دادی پس درود فرست بر او

وَعَلٰى اُمِّهَا صَلَوةٌ تُكْرَمُ بِهَا وَجَهَ اَبِيْهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتُقَرُّ

و بر مادرش (خدایچه) درودی که گرامی داری بدان آبروی پدرش محمد صلی الله علیه و آله را و روشن گردانی

بِهَا اَعْيُنُ ذُرِّيَّتِهَا، وَاَبْلِغْهُمْ عَنِّيْ فِيْ هَذِهِ السَّاعَةِ، اَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ.

بدان دیده فرزندانش را و برسان بدیشان از من در این ساعت بهترین تحیت و سلام را

صَلَوَاتُ بَرِّ حَسَنٍ وَ حُسَيْنٍ عَلَيْهِمَا السَّلَام

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ، وَوَلِيِّيْكَ، وَاَبْنِيْ

خدایا درود فرست بر حسن و حسین دو بنده و دو نمایندهات و دو فرزند

رَسُوْلِكَ، وَسَيِّطِيْ الرَّحْمَةِ، وَسَيِّدِيْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، اَفْضَلَ مَا

پیامبرت و دو سبط (دو نوه پیامبرت) پیامبر رحمت و دو آقای جوانان اهل بهشت بهترین

صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِّنْ اَوْلَادِ النَّبِيِّنَ، وَالْمُرْسَلِيْنَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

درودی را که بفرستی بر یکی از فرزندان پیامبران و مرسلین خدایا درود فرست بر

الْحَسَنِ بْنِ سَيِّدِ النَّبِيِّنَ، وَوَصِيِّ امِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

حسن فرزند آقای پیامبران و وصی امیر مؤمنان سلام بر تو ای فرزند

رَسُوْلِ اللهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّيْنَ، اَشْهَدُ اَنَّكَ يَا بَنَ امِيْرِ

رسول خدا سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیاء گواهی دهم ای فرزند امیر

الْمُؤْمِنِيْنَ اَمِيْنُ اللهُ وَاَبْنُ اَمِيْنِهِ، عِشْتَ مَظْلُوْمًا وَّمَضَيْتَ شَهِيدًا،

مؤمنان که براستی تویی امانتدار خدا و فرزند امانتدار او مظلومانه زندگی کردی و به صورت شهادت از این جهان رفتی

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ، وَبَلِّغْ

و گواهی دهم که تویی آن پیشوای پاکیزه راهنمای راه یافته خدایا درود فرست بر او و برسان

رُوحَهُ وَجَسَدَهُ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ، اللَّهُمَّ

به روحش و به جد بزرگوارش از جانب من در این ساعت بهترین تحیت و سلام را خدایا

صَلِّ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ، قَتِيلِ الْكُفْرَةِ وَطَرِيحِ

درود فرست بر حسین بن علی آن ستم‌کشیده شهید، و کشته مردمان کافر و به خاک افتاده مردمان

الْفَجْرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ،

فاجر سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ مَوْقِنًا أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ

سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان گواهی دهم از روی یقین که تویی امانتدار خدا و فرزند

أَمِينِهِ، قَتِلْتَ مَظْلُومًا وَمَضَيْتَ شَهِيدًا، وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى الطَّالِبُ

امین او، مظلومانه کشته شدی و بصورت شهادت از این جهان رفتی و گواهی دهم که براستی خدای تعالی انتقام

بِثَارِكَ، وَمُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالتَّأْيِيدِ فِي هَلَاكِ عَدُوِّكَ،

خونت را خواهد گرفت و وفا کند بدان وعده‌ای که به تو داده در مورد یاری کردند و تأیید تو برای نابود کردن دشمنت

وَإِظْهَارِ دَعْوَتِكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ

و آشکار ساختن دعوت و مرامت و گواهی دهم که تو به خوبی به عهد خدا وفا کردی و در راه

اللَّهِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ

خدا جهاد کردی و خدا را از روی اخلاص پرستش کردی تا آنگاه که شهادتت فرا رسید خدا لعنت کند مردمی که

اللَّهُ أُمَّةً خَدَلَّتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً آلَبَّتْ عَلَيْكَ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِمَّنْ

تورا کشتند و خدا لعنت کند مردمی که دست از یاریت کشیدند و خدا لعنت کند مردمی که دیگران را بر علیه تو تحریک کرده

و لشکرکشی کردند

أَكْذَبَكَ، وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّكَ وَاسْتَحَلَّ دَمَكَ، يَا بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَبَا

و بیزارم بدرگاه خدای تعالی از کسی که تو را تکذیب کرده و حق تو را سبک شمرد و خونت را حلال دانست پدر و

مادرم به فدایت ای ابا

عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ خَاذِلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ وَاَعَيْتَكَ

عبدالله خدا لعنت کند دشمنت را و خدا لعنت کند خوارکنندهات را و خدا لعنت کند کسی که فریاد تو را شنید

فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يَنْصُرْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَبَا نِسَائِكَ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ

و پاسخت نداده و یاریت نکرد و خدا لعنت کند کسی که زنان را اسیر کرد من بسوی خدا بیزاری جویم از آنها

بَرِيءٌ، وَمِمَّنْ وَالَاهُمْ وَمَالَاهُمْ وَأَعَانَهُمْ عَلَيْهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَالْأَيْمَةَ

و از هرکس که دوستشان داشت و همکاری و کمکشان کرد و گواهی دهم که تو و پیشوایان

مِنْ وَوَلَدِكَ كَلِمَةَ التَّقْوَى، وَبَابُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ

از فرزندان تو کلمه (و حقیقت) پرهیزکاری و دستاویز محکم و حجتی هستند

عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِمَنْزِلَتِكُمْ مُوقِنٌ وَلَكُمْ تَابِعٌ

بر مردم دنیا و گواهی دهم که من به شما ایمان دارم و به منزلت و مقام شما یقین دارم و پیرو

بِذَاتِ نَفْسِي، وَشَرَايِعِ دِينِي، وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَمُنْقَلَبِي فِي دُنْيَايَ وَأَخْرَتِي

شمامیم به شخص خودم و به قوانین دینم و سرانجام کارهایم و بازگشتگاهم در دنیا و آخرت

صَلَوَاتُ بَرِّ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ عَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ

خدایا درود فرست بر علی بن الحسین آقای عبادت‌کنندگان آنکه او را برای خود خالص گرداندی

لِنَفْسِكَ، وَجَعَلْتَ مِنْهُ أُمَّةً الْهُدَى، الَّذِينَ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ، وَبِهِ يَعْدِلُونَ،

و از نسل او قرار دادی امامان راهنمایی که مردم را به حق راهنمایی کنند و بدان بازمی‌گردند او را برای

اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَأَصْطَفَيْتَهُ وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا

خویش انتخاب کردی و از پلیدی پاکش کردی و برگزیدی و راهنمای راه یافته‌اش گرداندی

مَهْدِيًا، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَةِ أَنْبِيَائِكَ

خدایا پس درود فرست بر او بهترین درودی را که فرستی بر یکی از فرزندان پیامبران

حَتَّى تَبْلُغَ بِهِ مَا تَقَرَّرَ بِهِ عَيْنُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

تا به مقامی رسائی که روشن گردد دیده‌اش بدان مقام در دنیا و آخرت که برآستی تو عزیز و فرزانه هستی

صَلَوَاتُ بَرِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ الْعِلْمِ، وَإِمَامِ الْهُدَى، وَقَائِدِ أَهْلِ

خدایا درود فرست بر محمد بن علی شکافنده علم و پیشوای هدایت و رهبر مردم

التَّقْوَى، وَالْمُتَتَّبِعِ مِنْ عِبَادِكَ، اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ،

با تقوی و برگزیدگان از میان بندگانت خدایا چنانچه او را قرار دادی نشانه و دلیلی برای بندگانت

وَمَنَارًا لِبِلَادِكَ، وَمُسْتَوْذَعًا لِحِكْمَتِكَ، وَمُتَرْجِمًا لَوْحِيكَ، وَأَمَرْتَ بِطَاعَتِهِ،

و مشعل هدایتی برای بلاد و شهرهایت و ودیعه نگهداری برای حکمتت و ترجمان و مفسری برای وحیت و دستور

دادی (ما را) به

وَحَدَّرْتَ مِنْ مَعْصِيَتِهِ، فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ

فرمانبرداریش و برحذر داشتی از نافرمانیش پس درود فرست بر او پروردگارا بهترین درودی را که بفرستی بر یکی

مِنْ ذُرِّيَةِ أَنْبِيَائِكَ، وَأَصْفِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ وَأُمَمَائِكَ، يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ

از فرزندان پیامبران و برگزیدگان و رسولان و امینهای ای پروردگار جهانیان

صَلَوَاتُ بَرِّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، خَازِنِ الْعِلْمِ الدَّاعِي إِلَيْكَ

خدایا درود فرست بر جعفر بن محمد صادق آن گنجینه دار دانش و دعوت کننده بسوی تو

بِالْحَقِّ، النُّورِ الْمُبِينِ، اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ كَلَامِكَ وَوَحِيكَ،

به درستی، و آن نور آشکار خدایا چنانچه او را گرداندیدی معدن سخن و کلام و وحیت

وَخَازِنَ عِلْمِكَ، وَلِسَانَ تَوْحِيدِكَ، وَوَلِيَّ أَمْرِكَ، وَمُسْتَحْفَظَ دِينِكَ، فَصَلِّ

و خزینه دار دانشت و زبان یکتاپرستیت و سرپرست دستورت و نگهدارنده دینت پس درود

عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَاءِكَ وَحُجَجِكَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ.

فرست بر او بهترین درودی را که بفرستی بر یکی از برگزیدگان و حجت‌های خود که برستی تو ستوده و بزرگواری

صَلَوَاتُ بَرِّ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، ابْنِ الْوَفِيِّ، الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ،

خدایا درود فرست بر آن امین مورد اعتماد و اطمینان حضرت موسی بن جعفر آن نیکوکار باوفا و پاک پاکیزه، آن نور آشکار

النُّورِ الْمُبِينِ، الْمُجْتَهِدِ الْمُحْتَسِبِ، الصَّابِرِ عَلَى الْأَذَى فَيْكَ، اللَّهُمَّ وَكَمَا بَلَغَ

و کوشای جویای پاداش (نیک تو) و آن شکیبایی بر آزار خلق به حساب تو، خدایا چنانچه او رسانید

عَنْ آبَائِهِ مَا اسْتُودِعَ مِنْ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ، وَحَمَلَ عَلَى الْمَحَجَّةِ، وَكَابَدَ أَهْلَ الْعِزَّةِ

از طرف پدرانش آنچه به او سپرده شده بود از امر و نهی تو و مردم را به راه روشن (دین) واداشت و تحمل کرد در برابر عزتمندان

وَالشَّدَّةِ فِيمَا كَانَ يَلْقَى مِنْ جُهَالِ قَوْمِهِ، رَبِّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ مَا

و زورمندان آنچه را که از نادانان قوم خود می دید پس درود فرست بر او بهترین و کاملترین درودی

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِمَّنْ أَطَاعَكَ، وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ، إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

را که بفرستی بر یکی از فرمانبرداران و خیراندیشان بندگان که برستی تو آمرزنده و مهربانی

صَلَوَاتُ بَرِّ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى، الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ وَرَضَيْتَ بِهِ مَنْ

خدایا درود فرست بر علی بن موسی آن بزرگواری که او را پسندیدی و خوشنود ساختی بوسیله او هر که را

شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ، وَقَائِمًا بِأَمْرِكَ،

خواستی از آفریدگان خدایا چنانچه گرداندی آن حضرت را حجتی بر آفریدگان و قیام کننده دستورت

و ناصراً لدينك، وشاهداً على عبادك، وكما نصح لهم في السرِّ

و یاور دینت و گواه بر بندگان و چنانچه آن جناب خیرخواهی نمود برای ایشان در پنهانی

وَالْعَلَانِيَةِ، وَدَعَا إِلَى سَبِيلِكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ فَصَلِّ عَلَيْهِ

و آشکار و دعوت کرد براه تو با کلمات حکیمانه و پند و اندرز نیکو پس درود فرست بر او

أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ وَخَيْرَتِكَ، مِنْ خُلُقِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

بهترین درودی را که فرستی بر یکی از دوستانت و از برگزیدگان از خلق خود که تو بخشنده و بزرگوار هستی

صَلَوَاتِ بَرِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى، عِلْمِ التَّقَى، وَنُورِ الْهُدَى،

خدایا درود فرست بر محمد بن علی بن موسی نشانه تقوی و چراغ هدایت

وَمَعْدِنِ الْوَفَاءِ، وَفَرْعِ الْأَزْكَيَاءِ، وَخَلِيفَةِ الْأَوْصِيَاءِ وَأَمِينِكَ عَلَى

و معدن وفاء و نژاد مردمان پاکیزه و جانشین اوصیاء و امین تو بر

وَخِيكَ، اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ، وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ

و حیت خدایا چنانچه راهنمایی کردی بوسیله آن حضرت از گمراهی و نجات بخشیدی (مردم را) بوسیله آن حضرت از

الْحَيْرَةِ، وَأَرَشَدْتَهُ بِهِ مَنْ اهْتَدَى، وَرَكَّبْتَهُ بِهِ مَنْ تَزَكَّى، فَصَلِّ عَلَيْهِ

سرگردانی و راهنمایی کردی بدو هرکه را ره یافت و پاک کردی بدو هرکه را پاک شد پس درود فرست بر او

أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ، وَبَقِيَّةِ أَوْصِيَاءِكَ، إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

بهترین درودی را که فرستی بر یکی از دوستانت و باقیمانندگان از اوصیاءت که براستی تو نیرومند و فرزانه ای

صَلَوَاتِ بَرِّ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَصِيِّ الْأَوْصِيَاءِ، وَإِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ،

خدایا درود فرست بر علی بن محمد وصی اوصیاء و پیشوای پرهیزکاران

وَخَلْفِ أَيْمَةِ الدِّينِ، وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ كَمَا

و یادگار پیشوایان دین و حجت بر همه خلائق خدایا چنانچه

جَعَلْتَهُ نُورًا يَسْتَضِي بِهِ الْمُؤْمِنُونَ فَبَشَّرَ بِالْجَزِيلِ مِنْ ثَوَابِكَ،

گردانیدی آن جناب را نوری که روشنی جویند بوسیله آن جناب مردم بایمان و آن حضرت نوید داد به پاداش

وَأَنْذَرَ بِاللَّيْمِ مِنْ عِقَابِكَ، وَحَذَّرَ بِأَسْكَ، وَذَكَرَ بِآيَاتِكَ، وَأَحَلَّ حَلَالَكَ،

شایانت و بیم داد به کیفر دردناکت و از صولت تو (مردم را) ترساند و آنان را به یاد آیات تو انداخت و حلالت را حلال

وَحَرَّمَ حَرَامَكَ، وَبَيَّنَّ شَرَائِعَكَ وَفَرَائِضَكَ، وَحَضَّ عَلَى عِبَادَتِكَ،

و حرامت را حرام کرد و مقررات و واجبات تو را بیان کرد و مردم را به پرستش تو واداشت

وَأَمَرَ بِطَاعَتِكَ، وَنَهَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَصَلَّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ

و به فرمانبرداریت دستور داد و از نافرمانیت بازداشت پس درود فرست بر او بهترین درودی را که بفرستی

عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ، وَذُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ، يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ. *

بر یکی از دوستانت و فرزندان پیمبرانت ای معبود جهانیان

راوی این صلوات ابو محمد یمنی گفت که چون حضرت عسکری علیه السلام از ذکر صلوات بر پدرش فارغ

شد و نوبت بر خود آن جناب رسید ساکت ماند عرض کردم که کیفیت صلوات بر باقی را بفرمائید فرمود اگر

نه این بود که ذکر این از معالم دین است و خدا امر فرموده ما را که به اهلس برسانیم هر آینه دوست داشتم که

ساکت مانم و لکن چون در مقام دین است بنویس.

صَلَوَاتِ بَرِّ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ، الْبَرِّ التَّقِيِّ الصَّادِقِ الْوَفِيِّ

خدایا درود فرست بر حسن بن علی بن محمد آن نیکوکار باتقوای راستگوی باوفا،

النُّورِ الْمُضِيِّ، خَازِنِ عِلْمِكَ، وَالْمُدَكَّرِ بِتَوْحِيدِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَخَلْفِ أُمَّةِ

آن نور تابناک، خزینه دار دانشت و یادآورنده یکتاپرستیت و سرپرست فرمانت و یادگار پیشوایان دین

الدِّينِ الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ، وَالْحُجَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبُّ أَفْضَلَ مَا

آن راهنمایان بارشد، و حجت بر مردم دنیا پس درود فرست بر او پروردگارا بهترین درودی

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ، وَحَبَجِكَ وَأَوْلَادِ رُسُلِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.

را که بفرستی بر یکی از برگزیدگان و حجت‌های و فرزندان رسولات ای معبود جهانیان

صَلَوَاتِ بَرِّ وَلِيِّ الْأَمْرِ الْمُنْتَظَرِ عَلَيْهِ السَّلَامِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَّائِكَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ،

خدایا درود فرست بر نماینده و فرزند نمایندگان آن‌که فرض و لازم کردی فرمانبرداریشان را

وَأَوْجِبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً اللَّهُمَّ

و واجب کردی حقشان را و دور کردی از ایشان پلیدی را و به خوبی پاکیزه‌شان کردی خدایا

انصُرْهُ وَأَنْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَأَنْصُرْ بِهِ أَوْلِيَّائَكَ وَأَوْلِيَّائَهُ وَشِيعَتَهُ

یاریش کن و یاری کن به او دین و آئینت را و یاری کن بوسیله او دوستانت را و هم دوستان او و پیروان

وَأَنْصَارَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ، اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ

و یارانش را و ما را از ایشان فرارمان ده خدایا پناه ده آن جناب را از شر

جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ

هر زورگو و سرکشی و از شر تمام آفریدگان و نگاهش دار از پیش رو و از پشت سرش و از سمت راست و از

شِمَالِهِ، وَاحْرُسْهُ وَأَمْنَعْهُ أَنْ يُوْصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ

سمت چپش و نگهداریش کن و جلوگیری کن آن جناب را از اینکه پیش آمد بدی برایش رخ دهد و حفظ کن در وجود او

پیامبرت

وَأَلِ رَسُولِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَأَيِّدْهُ بِالنُّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ،

و آل پیامبرت را و آشکار کن بدو عدل و داد را و تأییدش کن به یاری (و پیروزی) خود و یاری کن یاورش را

وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَأَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ

و خوارگردان هرکه دست از یاریش بردارد و سرکوب کن بدست آن جناب گردنکشان کفر و بی‌دینی را و بکش

بوسیله‌اش کفار

وَالْمُنَافِقِينَ، وَجَمِيعِ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا،

و منافقین و تمام بی‌دینان را هرکجا که هستند در شرقهای زمین و غربهای آن

وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَأَمْلَأْ بِهَا الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ،

و خشکی و دریا و پرکن بوسیله او زمین را از عدل و داد و آشکار کن بوسیله آن جناب آیین پیامبرت را - که بر او و
آتش سلام باد -

وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَاتَّبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَأَرْنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ

و قرار ده خدایا مرا از یاران و کمک‌کاران و تابعان و شیعیانش و به من بنمایان در مورد خاندان محمد

مَا يَأْمُلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

آنچه آرزو دارند و در دشمنانشان آنچه بیم دارند ای معبود به حق - آمین -

خاتمه

در بیان زیارت انبیاء عظام علیهم السلام و زیارت امامزادگان عالی مقام و زیارت قبور مؤمنین اَسْأَلُكَ اللَّهُ دارالسَّلَام و مشتمل است بر سه مطلب مطلب اول در زیارت پیغمبران عظام علیهم السلام است بدانکه تکریم و تعظیم انبیاء علیهم السلام عقلاً و شرعاً لازم است: «لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ» و زیارت ایشان راجح و پسندیده و علماء تصریح فرموده‌اند به استحباب زیارت ایشان و عدد آن بزرگواران اگر چه خیلی بسیار است لیکن قبور معلومه ایشان بسیار کم است و قبور آنهایی که نقداً مستحضر هستم از این قرار است حضرت آدم و حضرت نوح در مرقد منور حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مدفونند و حضرت ابراهیم علیه السلام در قدس خلیل که در نزدیکی بیت المقدس است مدفونست و در جوار آن حضرت جناب ساره زوجه آن حضرت و جناب اسحق و یعقوب و یوسف علیهم السلام مدفونند و حضرت اسماعیل علیه السلام و مادرش هاجر در مسجدالحرام در حجر مدفونند و در او است قبور انبیاء علیهم السلام و از حضرت باقر علیه السلام منقول است که ما بین رکن و مقام مملو است از قبور پیغمبران و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که ما بین رکن یمانی و حجرالاسود هفتاد پیغمبر مدفون است و در بیت المقدس قبور جمله‌ای از پیغمبران واقع است مانند حضرت داود و سلیمان و غیرهما سلام الله علیهم اجمعین که در نزد اهل آنجا معروفند و قبر جناب زکریا علیه السلام در حلب معروف است و از برای جناب یونس علیه السلام در شریعه کوفه بقعه و قبه‌ای است معروف و قبر حضرت هود و صالح در نجف اشرف مشهور و مرقد حضرت ذی الکفل در کنار شطّ فرات در نزدیکی کوفه به مسافت چند فرسخ معروف است و در شهر موصل است قبر جرجیس پیغمبر و در بیرون شهر قبر شیث هبه‌الله و در شوش قبر دانیال پیغمبر و در قبلی [این به حسب آن چیزی است که در سابق در باب مسجد بُرائنا ذکر شد و الاً فعلاً آن قبر شریف مشهور نیست «منه»] مسجد بُرائنا قبر جناب یوشع علیه السلام و غیر اینها سلام الله علیهم اجمعین و اما در باب کیفیت زیارت ایشان پس در اخبار زیارت مخصوصی برای ایشان بنظر نرسیده مگر زیارت حضرت

آدم و نوح علیهما السلام که در باب زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به شرح رفت لکن از روایت زیارات جامعه که ما آن را اول زیارات جامعه قرار دادیم ظاهر می‌شود که انبیاءعلیهم السلام نیز به آن زیارت کرده می‌شوند شاهد بر این آنکه شیخ جلیل محمد بن المشهدی در مزار و سید اجل علی بن طاوس در مصباح الزائر و غیر ایشان رضوان‌الله علیهم در آداب دخول کوفه همین زیارت شریفه را از برای مشهد حضرت یونس علیه السلام ذکر کرده‌اند و مظنون آن است که نقل ایشان زیارت مذکوره را از روی همان کلیه‌ای باشد که از خبر ظاهر می‌شود به هر حال اگر کسی آن زیارت جامعه را در مراقد شریفه انبیاءعلیهم السلام بخواند مناسب است و چون زیارت در سابق مذکور شد محتاج به نقل آن در اینجا نیستیم هر که خواهد به زیارت اول زیارات جامعه رجوع کند و از فیض عظیم آن خود را بهره‌مند نماید مطلب دویم در زیارت امامزادگان عظام و شاهزادگان عالی‌مقام که قبورشان محلّ فیوضات و برکات و موضع نزول رحمت و عنایت الهیه است و علمای اعلام تصریح فرموده‌اند به استحباب زیارت قبور ایشان و بحمدالله تعالی در غالب بلاد شیعه قبورشان موجود بلکه در قری و بریه و اطراف کوهها و دره‌ها پیوسته ملاذ در ماندگان و ملجأ و اماندگان و پناه مظلومین و موجب تسلی دل‌های پژمردگان بوده و خواهند بود تا یوم قیامت و از بسیاری از ایشان کرامات و خوارق عادات مشاهده شده لکن مستور نماند که امامزاده‌ای که انسان به اطمینان خاطر محض درک فیوضات و کشف کربات بار سفر بندد و شدّرحال کند به سمت قبر شریفش باید دو مطلب را اول درست کرده آنگاه قصد مقصد کند اول جلالت قدر و عظمت شأن صاحب آن مرقد علاوه بر شرافت نسب آنچه از کتب احادیث و انساب و تواریخ معلوم شود دویم معلوم بودن قبر آن سید جلیل و صحّت نسبت قبر به او و جمع بین این دو بسیار کم است و ما در کتاب هدیه الزائر به ذکر جمعی از ایشان اشاره نمودیم و در نفثة المصدور و منتهی الامال اشاره به محسن بن حسین علیه السلام نمودیم و چون این کتاب را گنجایش ذکر نیست اقتضای می‌کنیم به ذکر دو نفر از ایشان اول سیده جلیله معظمه حضرت فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام که به حضرت معصومه سلام‌الله علیها شهرت دارد قبر شریفش در بلده طیبّه قم معروف و مشهور است و دارای قبه عالیه و ضریح و صحنهای متعدده و خدمه بسیار و موقوفات کثیره است و روشنی چشم اهل قم و معاذ و ملاذ عامّه خلق است و در هر سال جماعت بسیار از بلاد بعیده شدّرحال کنند و تعب سفر کشند به جهت درک فیوضات از زیارت آن معظمه و فضیلت و جلالت آن حضرت از اخبار بسیار ظاهر می‌شود شیخ صدوق به سند حسن کالصّحیح از سعد بن سعد روایت کرده که از حضرت امام رضاعلیه السلام سؤال نمود از فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود که هر که او را زیارت کند از برای اوست بهشت و به سند معتبر دیگر از فرزند آن حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که هر که عمه مرا در قم زیارت کند پس از برای اوست بهشت علامه

مجلسی رحمه الله از بعض کتب زیارات نقل کرده که علی بن ابراهیم از پدرش از سعد اشعری قمی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود ای سعد نزد شما قبری هست از ما سعد گفت گفتم فدای تو شوم قبر فاطمه دختر امام موسی علیه السلام را می فرمائی فرمود بلی «مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ» هر که او را زیارت کند و حق او را بشناسد از برای اوست بهشت چون به نزد قبر آن حضرت برسی نزد سرش رو به قبله بایست و سی و چهار مرتبه: اللَّهُ أَكْبَرُ و سی و سه مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ و سی و سه مرتبه: الْحَمْدُ لِلَّهِ بگو پس بگو:

خدا بزرگتر است (از توصیف) * * * * * منزه است خدا * * * * * ستایش خاص خداست * * * * *

* * * * *

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَوَّوَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ

سلام بر آدم برگزیده خدا سلام بر نوح پیامبر خدا سلام بر ابراهیم

خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ

خلیل خدا سلام بر موسی هم سخن خدا سلام بر عیسی روح خدا

عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ،

سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای بهترین خلق خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، خَاتِمَ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای محمد بن عبدالله خاتم پیامبران سلام بر تو ای

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

امیر مؤمنان علی بن ابیطالب وصی رسول خدا سلام بر تو ای

فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سِبْطَيَّ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ،

فاطمه بانوی زنان جهانیان سلام بر شما ای دو نوه پیامبر رحمت

وَسَيِّدَيَّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، سَيِّدَ

و دو آقای جوانان اهل بهشت سلام بر تو ای علی بن الحسین آقای

الْعَابِدِينَ، وَقُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بَاقِرِ

عبادت کنندگان و روشنی چشم بینندگان سلام بر تو ای محمد بن علی شکافنده

الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْبَارِّ

دانش پس از پیامبر سلام بر تو ای جعفر بن محمد راستگوی نیکوکار

الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ الطَّاهِرِ الطُّهْرَ، السَّلَامُ

امین سلام بر تو ای موسی بن جعفر امام پاک پاکیزه سلام

عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا المُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ

بر تو ای علی بن موسی (آن) خوشنود (از حق) و پسندیده سلام بر تو ای محمد

بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ بْنَ مُحَمَّدٍ التَّقِيِّ النَّاصِحِ

بن علی تقی سلام بر تو ای علی بن محمد تقی (ای) خیرخواه

الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ

امین سلام بر تو ای حسن بن علی سلام بر وصی

بَعْدِهِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى نُوْرِكَ وَسِرَاجِكَ، وَوَلِيِِّّ وَلِيِّكَ، وَوَصِيِّ

پس از او خدا یا درود فرست بر نور خود و چراغ تابناکت و نماینده

وَصِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللّهِ،

نماینده‌ات و وصی وصیت و حجت تو بر آفریدگانت سلام بر تو ای دختر رسول خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيْجَةَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ

سلام بر تو ای دختر فاطمه و خدیجه سلام بر تو ای دختر

اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ

امیرمؤمنان سلام بر تو ای دختر حسن و حسین سلام

عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ اللّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای دختر ولی خدا سلام بر تو ای خواهر ولی خدا سلام بر تو

يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ، وَرَحْمَةُ اللّهِ

ای عمه ولی خدا سلام بر تو ای دختر موسی بن جعفر - و رحمت خدا وبرکاتش نیز بر تو باد -

وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَفَ اللّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ، وَحَشَرْنَا

سلام بر تو باد، خداوند شناسایی و آشنایی برقرار کند میان ما و شما در بهشت و محشور گرداند

فِي زُمْرَتِكُمْ، وَأَوْرَدَنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ، وَسَقَانَا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ، مِنْ يَدِ

ما را در گروه شما و واردمان کند بر سر حوض پیامبرتان و بنوشاند به ما از جام جدتان از دست (ساقی کوثر)

عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، أَسْتَلُّ اللَّهُ أَنْ يَرِينَا فِيكُمْ

علی بن ابیطالب - درودهای خدا بر شما باد - از خدا می‌خواهم که بنمایاند به ما در مورد شما

السُّرُورِ وَالْفَرَجِ، وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ، صَلَّى

خوشحالی و گشایش (و ظهور) شما را و گردآورد ما و شما را در گروه جدتان محمد صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْ لَا يَسْلُبْنَا مَعْرِفَتَكُمْ، إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ، اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ

الله علیه و آله و نگیرد از ما معرفت شما را که براستی او سرپرست توانایی است تقرب جویم به درگاه خدا

بِحَبِّكُمْ، وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَالتَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ

بوسیله دوستی شما و بی‌زاری جستن از دشمنانتان و تسلیم شدن به پیشگاه خدا با رضایمندی و خوشنودی بدون انکار

وَلَا مُسْتَكْبِرٍ، وَعَلَى يَقِينٍ مَا آتَى بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ رَاضٍ، نَطْلُبُ بِذَلِكَ

و گردنفرازی و از روی یقین بدرستی آنچه محمد(ص) آورده و بدان راضی و خوشنودم می‌جویم بدان وسیله

وَجْهَكَ، يَا سَيِّدِي، اللَّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالْدَّارَ الْآخِرَةَ، يَا فَاطِمَةَ أَشْفَعِي

جلب توجه (یا دیدار) تو را ای آقای من ای خدا و خوشنودی تو و سعادت خانه آخرت را، ای فاطمه (معصومه)

شفاعت کن

لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّانِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ

برای من در بهشت که تو را در پیشگاه خداوند منزلتی بزرگ است خدایا از تو خواهم که

تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ، فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

سرانجام کارم را به خوشبختی ختم فرمایی و از من نگیری آن (ایمان و معتقداتی) را که در آن هستم و جنبش و نیرویی

جز

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ، وَبِرَحْمَتِكَ

به خدای الوالی بزرگ نیست خدایا به اجابت رسان دعای ما را و بپذیر آنها به بزرگواری و عزت و به مهر و عافیت

خودت

وَعَافِيَتِكَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ، وَسَلَّم تَسْلِيمًا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و درود خدا بر محمد و آلش و هم سلام مخصوص او بر ایشان باد ای مهربانترین مهربانان

دویم

زیارت جناب شاهزاده عبدالعظیم حسنی

امامزاده لازم التعظیم جناب شاهزاده عبدالعظیم که نسب شریفش به چهار واسطه به سبط جلیل حضرت خیرالوری امام حسن مجتبی علیه السلام منتهی می شود بدین طریق عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابیطالب علیهم السلام و قبر شریفش در ری معلوم و مشهور و ملاذ و معاذ عامه مخلوقست و علو مقام و جلالت شأن آن حضرت اظهر من الشمس است چه آن جناب بعلاوه آنکه از دودمان حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله است از اکابر محدثین و اعظام علماء و زهاد و عباد و صاحب ورع و تقوی است و از اصحاب حضرت جواد و حضرت هادی علیهما السلام است و نهایت توسل و انقطاع به خدمت ایشان داشته و احادیث بسیار از ایشان روایت کرده و اوست صاحب کتاب خطب امیرالمؤمنین علیه السلام و کتاب یوم و لیلة و اوست که دین خود را بر امام زمانش حضرت هادی علیه السلام عرض کرد و حضرت تصدیق او نمود و فرمود «یا اباالقاسم، هذا والله دین الله الذی ارتضاه لعیاده، فآتیت علیه، تبتک الله بالقول الثابت فی الدنیا والأخره». و صاحب بن عباد رساله مختصره در احوال آن جناب نوشته که شیخ ما مرحوم ثقةالاسلام نوری در خاتمه مستدرک آن را نقل فرموده و در آنجا و در رجال شیخ نجاشی است که حضرت عبدالعظیم از سلطان زمان خویش ترسید و گریخت و در شهرها گردش می کرد بعنوان آنکه قاصد و پیک است تا به ری آمد و مخفی شد در ساریانان و به روایت نجاشی در سردابی در خانه مردی از شیعیان در سکه الموالی و در آنجا عبادت خدا می کرد و روزها روزه می داشت و شبها به نماز می ایستاد و پنهان بیرون می آمد و زیارت می کرد قبری را که در مقابل قبر او است و راه در میان است و می گفت این قبر مردی از فرزندان حضرت امام موسی علیه السلام است و پیوسته در آنجا می بود و یک و دو از شیعه خبر می شدند از احوال او تا آنکه اکثر مردم ری او را شناختند پس شخصی از شیعه حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله را در خواب دید که فرمود مردی از فرزندان مرا از سکه الموالی برخوانند داشت و مدفون خواهند کرد نزد درخت سیب در باغ عبدالجبار بن عبدالوهاب و اشاره فرمود به همان مکان که در آنجا مدفون شد پس آن شخص رفت که آن درخت و مکان را از صاحب باغ بخرد صاحب باغ گفت از برای چه می خری این درخت و جای آن را آن

شخص خواب خود را نقل کرد صاحب باغ گفت من نیز چنین خواب دیده‌ام و موضع این درخت را با جمیع باغ وقف کرده‌ام بر آن سید و سایر شیعیان که در آنجا مرده‌های خود را دفن کنند پس عبدالعظیم بیمار شد و به رحمت ایزدی واصل گشت چون او را برهنه کردند که غسل بدهند در جیش رقعهای یافتند که در آنجا نسب شریف خود را نوشته بود که منم ابوالقاسم عبدالعظیم پسر عبدالله پسر علی پسر حسن پسر زید پسر امام حسن پسر علی بن ابیطالب علیهم السلام و نیز صاحب بن عبّاد در وصف علم عبدالعظیم گفته که روایت کرده ابوتراب رویانی که گفت شنیدم از ابوحمّاد رازی که می‌گفت وارد شدم بر حضرت امام علی نقی علیه السلام در سرّ مَنْ رَأَى پس سؤال کردم از آن حضرت جمله‌ای از مسائل حلال و حرام خود و جواب فرمود مسائل مرا پس زمانی که وداع کردم با آن حضرت برای بیرون آمدن از آنجا حضرت با من فرمود ای حمّاد هرگاه مشکل شد بر تو چیزی از امور دینت در ناحیه خود یعنی در بلدی پس سؤال کن آن‌را از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی و سلام مرا به او برسان و محقق داماد در کتاب رواشح گفته که احادیث بسیار در فضیلت زیارت عبدالعظیم روایت شده و وارد شده که هر که زیارت کند قبر او را بهشت بر او واجب شود و شیخ شهید ثانی قدس سره در حواشی خلاصه همین روایت را از بعض نسابین نقل فرموده و ابن بابویه و ابن قولویه به سند معتبر روایت کرده‌اند که مردی از اهل ری به خدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام رفت حضرت از او پرسید که کجا بودی عرض کرد که به زیارت امام حسین علیه السلام رفته بودم فرمود که اگر زیارت می‌کردی قبر عبدالعظیم را که نزد شماست هر آینه مثل کسی بودی که زیارت امام حسین علیه السلام کرده باشد فقیر گوید که علماء از برای آن بزرگوار زیارتی نقل نکردند مگر آنکه فخر المحققین آقا جمال الدین در مزار خود فرموده که زیارت آن حضرت به این نحو مناسب است:

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ،

*** سلام بر آدم برگزیده خدا سلام بر نوح پیغمبر خدا

السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ

سلام بر ابراهیم خلیل خدا سلام بر موسی هم‌سخن با خدا سلام

عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بر عیسی روح خدا سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای

خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ

بهترین خلق خدا سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو ای محمد بن

عَبْدِ اللَّهِ خَاتِمَ النَّبِيِّينَ، أَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ

عبدالله خاتم پیامبران سلام بر تو ای امیرمؤمنان علی بن

أَبِي طَالِبٍ وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ، أَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ

ابیطالب وصی رسول خدا سلام بر تو ای فاطمه بانوی زنان

الْعَالَمِينَ، أَسَلَامٌ عَلَيْكُمَا يَا سِبْطِي الرَّحْمَةَ، وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ

جهانیان سلام بر شما ای دو نوه (پیامبر) رحمت و دو آقای جوانان اهل

الْجَنَّةِ، أَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، وَقُرَّةَ عَيْنِ

بهشت سلام بر تو ای علی بن الحسین آقای عبادت کنندگان و نور چشم

النَّاطِرِينَ، أَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، بَاقِرِ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ،

بینندگان سلام بر تو ای محمد بن علی شکافنده دانش پس از پیامبر خدا

أَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ الْبَارِئَ الْأَمِينَ، أَسَلَامٌ

سلام بر تو ای جعفر بن محمد آن امام راستگوی نیکوکار امانتدار سلام

عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ، الطَّاهِرَ الطُّهْرَ، أَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ

بر تو ای موسی بن جعفر پاک و پاکیزه سلام بر تو ای علی بن

مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى، أَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ النَّقِيِّ،

موسی آن خوشنود (از حق و) پسندیده سلام بر تو ای محمد بن علی نقی

أَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ، النَّاصِحَ الْأَمِينَ، أَسَلَامٌ

سلام بر تو ای علی بن محمد نقی آن خیرخواه امین سلام

عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَسَلَامٌ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ

بر تو ای حسن بن علی سلام بر وصی پس از او خدایا درود فرست

عَلَى نُورِكَ وَسِرَاجِكَ، وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ، وَوَصِيِّ وَصِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ

بر نور خود و چراغ تابناکت و نماینده نماینده ات و وصی وصی تو و حجت تو بر

خَلَقَكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ، وَالطَّاهِرُ الصَّغِيُّ، السَّلَامُ

آفریدگانت سلام بر تو ای آقای پاکیزه و پاک باصفا سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ السَّادَةِ الْأَطْهَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُصْطَفِينَ

بر تو ای فرزند آقایان پاک نهاد سلام بر تو ای فرزند برگزیدگان

الْأَخْيَارِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَعَلَى ذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ

نیکوکار سلام بر رسول خدا و بر فرزندان رسول خدا - و رحمت خدا

و بَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْعَبْدِ الصَّالِحِ الْمُطِيعِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

و برکاتش بر او باد - سلام بر بنده شایسته فرمانبردار خدا پروردگار جهانیان

و لِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ ابْنَ السَّبْطِ

و فرمانبردار رسول او و امیرمؤمنان سلام بر تو ای ابالقاسم فرزند نوه

الْمُنْتَجَبِ الْمُجْتَبَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَزِيَارَتِهِ ثَوَابُ زِيَارَةِ سَيِّدِ

برگزیده (رسول خدا یعنی) حضرت مجتبی سلام بر تو ای کسی که با زیارت کردن تو ثواب زیارت حضرت سید

الشُّهَدَاءِ يُرْتَجَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ،

الشهداء امید می رود سلام بر تو، خدا آشنایی برقرار کند میان ما و شما در بهشت

و حَشَرْنَا فِي زُمْرَتِكُمْ، وَأُورِدْنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ وَسَقَانَا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ،

و محشور کند ما را در گروه شما و وارد کند ما را به حوض پیامبرتان و بنوشاند به ما از جام جد شما

مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا

از دست علی بن ابیطالب - درودهای خدا بر شما باد - از خدا درخواست می کنم که بنمایاند

فِيكُمْ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ، وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ،

به ما خوشحالی و ظهور شما را و گردآورد ما و شما را در گروه جدتان محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْ لَا يَسْلُبْنَا مَعْرِفَتَكُمْ إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ، أَتَقَرَّبُ

صلی الله علیه و آله و نگیرد از ما معرفت شما را که براستی او سرپرست توانایی است تقرب جویم

إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ، وَالثَّرَاةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَالتَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ رَاضِيًا بِهِ

بدرگاه خدا بوسیله دوستی شما و بیزاری جستن از دشمنان شما و تسلیم بودن برای خدا با رضایتمندی بدو،

غَيْرَ مُنْكَرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ، وَعَلَىٰ يَقِينٍ مَا آتَىٰ بِهِ مُحَمَّدٌ نَطْلَبُ بِذَلِكَ

بدون انکار و گردنکشی و با یقین داشتن به درستی آنچه محمد(ص) آورده و می‌جوئیم بدان توجه خاطر تو را

وَجَهَّكَ يَا سَيِّدِي، اللَّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالْدَارَ الْآخِرَةَ، يَا سَيِّدِي وَأَبْنَ

ای آقای من، ای خدا و خوشنودی تو و سعادت خانه آخرت را، ای آقای من و ای فرزند

سَيِّدِي، اِسْفَعْ لِي فِي الْجَنَّةِ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّانِ، اللَّهُمَّ

آقای من شفاعت مرا درباره بهشت بفرما که برای تو در پیشگاه خدا منزلت و مقام مخصوصی است خدایا

أِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ، فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ، وَلَا

من از تو درخواست می‌کنم که سرانجام کار مرا به خوشبختی ختم فرمایی و نگیری از من آنچه را (از ایمان و معتقدات)

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَتَقَبَّلْهُ

که در آن هستم و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ خدایا مستجاب فرما دعای ما را و بپذیر

بِكْرَمِكَ وَعِزَّتِكَ، وَبِرَحْمَتِكَ وَعَافِيَتِكَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

آنرا به بزرگواری و عزت خود و به رحمت و عافیت و درود خدا بر محمد و آلش

أَجْمَعِينَ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

همگی و سلام مخصوصت ای مهربانترین مهربانان *

پس محقق مذکور فرموده که در بعضی اخبار مذکور است که امامزاده عبدالعظیم در اوقات توقف در ری از منزل پنهان بیرون می‌آمد و قبری که در مقابل قبر او است و راه در میان است زیارت می‌کرد و می‌فرمود که این قبر مردی از اولاد موسی بن جعفر علیهما السلام است و الحال قبری در آنجا است که به امامزاده حمزه فرزند امام موسی علیه السلام منسوب است و ظاهر آن است که همان قبری باشد که امامزاده عبدالعظیم زیارت آن می‌نمود انشاءالله او را نیز زیارت باید نمود و همین زیارت را می‌توان خواند و فقره «السلام عليك يا ابا القاسم» و فقره بعد از آن را نباید خواند انتهای مخفی نماند که در صحن امامزاده حمزه قبر شیخ جلیل سعید قدوة المفسرين جمال الدين ابوالفتوح حسين بن علي خزاعي(ره) صاحب تفسیر معروف است باید آن جناب را زیارت نمود همچنین از زیارت جناب شیخ صدوق رئیس المحدثین معروف به ابن بابویه که در نزدیکی بلد شاهرزاده عبدالعظیم است غفلت نباید نمود.

مطلب سیم

در زیارت قبور مؤمنین رضی الله عنهم

در زیارت قبور مؤمنین رضی الله عنهم اجمعین است شیخ ثقه جلیل القدر جعفر بن قولویه قمی از عمرو بن عثمان رازی روایت کرده که گفت شنیدم از حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام که می فرمود هر که قادر نباشد بر زیارت ما پس زیارت کند صلحاء از موالیان ما را تا نوشته شود برای او ثواب زیارت ما و کسی که قادر نباشد بر صله و نیکی به ما پس صله و نیکی کند با صالحان موالیان ما تا از برای او نوشته شود ثواب صله و نیکی به ما.

و نیز به سند صحیح روایت کرده از محمد بن احمد بن یحیی الأشعری که گفت من در فید که اسم منزلی است در طریق مکه با علی بن بلال روانه شدیم سر قبر محمد بن اسماعیل بن بزیع پس علی بن بلال برای من گفت که صاحب این قبر برای من روایت کرد از حضرت امام رضاعلیه السلام که فرمودند هر که بیاید به نزد قبر برادر مؤمن خود و دست بر قبر گذارد و هفت مرتبه بخواند سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ رَا اَیْمَنُ گردد در روز فزع اکبر یعنی از ترس بزرگ روز قیامت.

و در روایت دیگر مثل همین را نقل کرده مگر آنکه دارد و رو به قبله کند فقیر گوید این ایمن بودن که حدیث دلالت بر آن دارد ممکن است از برای خواننده باشد چنانچه ظاهر حدیث است و محتمل است که از برای صاحب قبر باشد چنانچه تأیید می کند آن را حدیثی که بعد از این از سید بن طاوس نقل می شود و نیز در کامل الزیارة به سند معتبر منقول است که عبدالرحمن بن ابی عبدالله به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که چگونه بگذارم دست خود را بر قبور مسلمین پس حضرت بدست خود اشاره به زمین فرمود و دست را بر زمین گذاشت و خود مقابل قبله بودند و نیز به سند صحیح منقول است که عبدالله بن سنان به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که چگونه سلام باید کرد بر اهل قبور فرمود که می گوئی:

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنْ

* سلام بر اهل این دیار (خانهها) از

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ، وَنَحْنُ أَنْشَاءُ اللَّهِ بِكُمْ لِاحِقُونَ.

مؤمنین و مسلمانان شما پیشروان ما (در این راه) بودید و ما هم انشاءالله به شما ملحق خواهیم شد

واز حضرت امام حسین علیه السلام روایت شده که هر که داخل قبرستان شود و

بگوید:

اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الْأَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ، وَالْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ، وَالْعِظَامِ النَّخْرَةِ، الَّتِي

خدایا ای پروردگار این روانهای از دنیا رفته و پیکرهای پوسیده و استخوانهای متلاشی شده‌ای که

خَرَجْتَ مِنَ الدُّنْيَا وَهِيَ بِكَ مُؤْمِنَةٌ، أَدْخِلْ عَلَيْهِمْ رَوْحاً مِنْكَ

از دنیا بیرون رفته‌اند در حال ایمان به تو بفرست بر آنها رحمت (و آمرزشی) از جانب خود

وَسَلَاماً مِنِّي.

و سلامی از من

بنویسد حق تعالی از برای او حسنات بعدد خلق از زمان آدم تا قیام قیامت و از

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که هر که داخل قبرستان شود و

بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مِنْ أَهْلِ لَا

بنام خدای بخشنانده مهربان سلام بر اهل کلمه «لا اله الا الله» از طرف اهل کلمه «لا

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَا أَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، كَيْفَ وَجَدْتُمْ

اله الا الله» ای اهل «لا اله الا الله» به حق این کلمه مقدسه «لا اله الا الله» (آیا) چگونه یافتید (پاداش)

قَوْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مِنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا

گفتار «لا اله الا الله» را از خود کلمه مقدسه «لا اله الا الله» ای که معبودی نیست جز خدا به حق این کلمه مقدسه «لا اله الا

اللَّهُ، اغْفِرْ لِمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ

اللله» بیامرز هر که را که گوید «لا اله الا الله» و محشور کن ما را در زمره گویندگان «لا اله

إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَوَلِيُّ اللَّهِ حَقِّ سُبْحَانِهِ وَتَعَالَى ثَوَابِ پَنجاه سال

الا الله» محمد رسول الله، علی ولی الله *****

عبادت برای او بنویسد و گناه پنجاه ساله را از او و پدر و مادرش محو گرداند و در روایت دیگر وارد شده که بهتر سخنی که در قبرستان بگوئی چون از آنجا بگذری آن است که بایستی و بگوئی:

اَللّٰهُمَّ وَلِّهِمْ مَا تَوَلَّوْا، وَاخْشُرْهُمْ مَعَ مَنْ اَحْبَبُوْا. وسید بن طاوس در مصباح

خدایا دوست آنها گردان هر که را دوست داشتند و محشورشان کن با هر کس که دوست داشتند * * * * *

* * * *

الزَّائِرُ گفته که چون قصد کنی زیارت مؤمنین را سزاوار است که روز پنجشنبه باشد و اگر نه هر وقت که خواستی و کیفیت زیارت ایشان چنین است که رو به قبله کنی و بگذاری دست خود را بر قبر و بگوئی:

اَللّٰهُمَّ اَرْحَمَ غُرَبَتِهِ، وَصَلِّ وَحَدِّثْهُ، وَاَنْسِ وَحَشَّتْهُ، وَاَمِنْ رَوْعَتَهُ، وَاَسْكِنِ اِلَيْهِ

خدایا رحم کن به غربت او و برهان او را از تنهایی و انیس و وحشت او باش و به پریشانی و هراسش ایمنی بخش و

روان کن

مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ، وَاَلْحِقْهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ.

بسوی از رحمت خود مقداری که بی نیاز گردد به برکت آن از رحمت دیگری جز تو و ملحقش کن بهر که دوستش دارد

پس می خوانی سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ رَاهِفَ مَرْتَبَةٍ و روایت شده در صفت زیارتشان

و ثواب او حدیث دیگری از فضیل که گفت هر که بخواند سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را

هفت مرتبه نزد قبر مؤمنی حق تعالی ملکی بسوی قبر او فرستد که عبادت کند

خدا را نزد قبر او و بنویسد حق تعالی از برای میت ثواب این عمل ملک را

پس چون از قبرش مبعوث شود به هیچ هولی از احوال قیامت نگذرد مگر آنکه

حق تعالی بگرداند آن هول را از او به سبب آن ملک تا خدا او را داخل بهشت

گرداند و با هفت مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ سوره حمد و دو سوره قُلْ اَعُوْذُ و قُلْ هُوَ اللّٰهُ

أَحَدٌ و آية الكرسي را هر یک سه مرتبه بخواند و نیز روایت شده در صفت زیارت آنها روایت دیگری از محمد بن مسلم که گفت به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که مردگان را زیارت بکنیم فرمود بلی گفتم آیا آنها می دانند که ما به زیارت آنها رفته ایم فرمود بلی قسم به خدا می دانند و شاد می شوند و انس می گیرند به شما عرض کردم که چه بگوئیم وقتی که به زیارت ایشان برویم فرمود بگو:

اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَن جُنُوبِهِمْ، وَصَاعِدِ إِلَيْكَ أَرْوَاحَهُمْ، وَلَقِهِمْ

خدایا دور گردان زمین را از پهلوهایشان (یعنی نگاهشان دار از فشار قبر) و بالا بر به نزد خود روانها و ارواح ایشانرا

مِنْكَ رِضْوَانًا، وَأَسْكِنِ إِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَحَدَّتْهُمْ،

و از خوشنودی خودت به آنها بده و از رحمت خود به اندازه ای هم نشینشان کن که تنهایشان را جبران کنی

وَتُونِسُ بِهِ وَحَشْتَهُمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. پس سبید فرموده و در

و وحشتشان را به انس و آرامش مبدل کنی که راستی تو بر هر چیز توانایی * * * * *

وقتی که بوده باشی بین قبرهای مؤمنین بخوان یازده مرتبه قل هوالله احد را و هدیه کن آن را از برای ایشان به تحقیق که روایت شده که حق تعالی به عدد مُردگان ثواب می دهد و در کامل الزیاره از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود مردگان را چون پیش از طلوع آفتاب زیارت کنید می شنوند و جواب می دهند شما را و اگر بعد از طلوع آفتاب زیارت کنید می شنوند و جواب نمی دهند و در دعوات راوندی حدیثی مرویست از حضرت رسول صلی الله علیه وآله در کراهت زیارت اموات در شب چنانچه فرمود حضرت بابی ذر «وَلَا تَزُرُّهُمْ أَحْيَانًا بِاللَّيْلِ» و در مجموعه شیخ شهید از حضرت رسول صلی الله

علیه و آله منقول است که هیچکس نمی گوید نزد قبر میّتی سه مرتبه اَللّهُمَّ اِنِّی

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، اَنْ لَا تُعَذِّبَ هَذَا اَلْمِیَّتَ.

خدایا از تو خواهم به حق محمد و آل محمد که عذاب نکنی این مرده را

مگر آنکه خداوند تعالی دور گرداند از او عذاب را در روز قیامت

از جامع الأخبار نقل است که بعضی از صحابه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمود هدیه بفرستید برای مردگان خود پس گفتیم که چیست هدیه مرده‌ها فرمود صدقه و دعا و فرمود ارواح مؤمنین می آیند هر جمعه به آسمان دنیا مقابل خانه‌ها و منزلهای خود و فریاد می کنند هر یک از ایشان به آواز حزین با گریه، ای اهل من و اولاد من ای پدر من و مادر من و خویشان من مهربانی کنید بر ما به آنچه بود در دست ما و عذاب و حساب او بر ما است و نفعش برای غیر ما و هر یک فریاد می کنند خویشان خود را مهربانی کنید ما را بدرهمی یا به قرص نانی یا به جامه‌ای که خداوند ببوشاند شما را از جامه بهشت پس گریست رسول خدا صلی الله علیه و آله و گریه کردیم ما و آن جناب از زیادی گریستن قدرت بر سخن گفتن نداشت پس فرمود اینها برادران دینی شمایند که خاک پوسیده شده‌اند بعد از سرور و نعمت پس ندا می کنند به عذاب و هلاکت بر جانهای خود و می گویند وای بر ما اگر انفاق می کردیم آنچه را که در دست ما بود در طاعت و رضای خداوند محتاج نبودیم بسوی شما پس برمی گردند با حسرت و پشیمانی و فریاد می کنند زود بفرستید صدقه مردگان را و ایضاً از آن جناب روایت کرده که فرمود هر صدقه که برای مرده داده می شود می گیرد آن را ملکی در طبقی نور که درخشان است شعاع آن و می رسد به هفت آسمان پس می ایستد بر لب قبر و فریاد می کند «اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ یا اَهْلَ الْقُبُورِ» اهل شما فرستادند این هدیه را بسوی شما پس آن را می گیرد و داخل در قبر خود می کند و به آن خوابگاهش فراخ می شود پس فرمود آگاه باشید هر کس مهربانی کند مرده را به صدقه پس برای او است نزد خداوند از اجر مانند اُحُد و می باشد روز قیامت در سایه عرش خدا روزی که نیست سایه جز سایه عرش خدا زنده و مرده نجات می یابند به این صدقه و حکایت شده که امیر خراسان را در خواب دیدند که می گفت بفرستید برای من آنچه را که می اندازید برای سگان خود که من محتاجم به آن و بدانکه زیارت قبور مؤمنین ثواب بسیار دارد و علاوه فواید عظیمه بر آن مترتب است باعث عبرت و آگاهی و زهد و بی میلی به دنیا و رغبت در آخرت می شود و در وقت اندوه بسیار و شادی بسیار باید به قبرستان رفت پس عاقل آنست که در قبرستان عبرت بگیرد از اموات تا حلاوت دنیا از دلش بیرون رود و شاهد کالای دنیوی

در کامش تلخ شود و تفکر کند در فنای دنیا و تقلب احوال آن و بخاطر بیاورد که او نیز عنقریب مثل ایشان خواهد گشت و دستش از عمل کوتاه و باعث عبرت دیگران شود.

وَلَقَدْ أَجَادَ الشَّيْخُ النَّظَامِي فِي قَوْلِهِ

زنده دلی در صف افسردگان
رفت بهمسایگی مُردگان
حرف فنا خواند ز هر لوح پاک
روح بقا جُست ز هر روح پاک
کارشناسی پی تفتیش حال
کرد از او بر سر راهی سؤال
کین همه از زنده رمیدن چرا است
رخت سوی مرده کشیدن چرا است
گفت پلیدان بمغاک اندرند
پاک نهادان تَه خاک اندرند
مرده دلانند بروی زمین
بهر چه با مُرده شوم همنشین
همدمی مرده دهد مردگی
صحبت افسرده دل افسردگی
زیر گل آنانکه پراکنده‌اند
گر چه بتن مرده بدل زنده‌اند
مرده دلی بود مرا پیش از این
بسته هر چون و چرا پیش از این
زنده شدم از نظر پاکشان
آب حیاتست مرا خاکشان

رُؤْي أَنَّهُ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَا عَيْسَى هَبْ لِي مِنْ

در حدیث است که خدای تعالی به عیسی علیه السلام وحی فرمود که ای عیسی به من واگذار کن از

عَيْنِكَ الدُّمُوعَ، وَمِنْ قَلْبِكَ الخُشُوعَ، وَاکْحُلْ عَيْنَيْكَ بِمِيلِ الحَزَنِ إِذَا

چشم خود اشک را و از دلت فروتنی را و سرمه بکش به چشمانت با میل حزن و اندوه در آن هنگام

ضَحِكَ البَطْلَانُونَ، وَتَمَّ عَلَى قُبُورِ الأَمْوَاتِ، فَنادِهِمْ بِالصَّوْتِ الرِّفِيعِ،

که بخندند بیهوده گذرندگان عمر و بر سر قبور مردگان به ایست و آنان را با آواز بلند بخوان

لَعَلَّكَ تَأْخُذُ مَوْعِظَتَكَ مِنْهُمْ، وَقُلْ إِنِّي لَأَحِقُّ بِهِمْ فِي اللّاحِقِينَ.

شاید پند خود را از آنان بگیری و با خود بگو من هم در زمره دیگران به آنها ملحق خواهم شد

تمام شد آنچه مقدّر شده بود ثبت آن در این کتاب شریف در عشیّه یکشنبه دهم ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۴۴ یک هزار و سیصد و چهل و چهار شب ولادت با سعادت حضرت ثامن الائمه مولانا ابوالحسن الرضا صلوات الله علیه و چون در این روز کاغذ فوت مادرم به من رسید از برادران ایمانی که از این کتاب منتفع می گردند التماس دعا و زیارت دارم و برای آن مرحومه مغفوره و برای خودم و والد در حیات و ممات والحمد لله اولاً و آخراً و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ نویسنده و مترجم نیز رجاء دعاء دارند. «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى» چنین گوید این گنه کار روسیاه عَبَّاسِ قَمِّي عَفَى اللهُ عَنْهُ بعد از آنکه بعون الله تعالی کتاب مفاتیح الجنان را تألیف نمودم و در اقطار منتشر گشت بخاطرم رسید که در طبع دویم آن بر آن زیاد کنم دعای وداعی برای ماه رمضان و خطبه روز عید فطر و زیارت جامعه ائمه المؤمنین و دعای «اللَّهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هَذَا الْأَمَامَ» که در عقب زیارات خوانده می شود و زیارت وداعی که هر یک از ائمه علیهم السلام را به آن وداع کنند و رُقعه‌ای که برای حاجت می نویسند و دعائی که در غیبت امام عصر عجل الله فرجه باید خوانده شود و آداب زیارت به نیابت بواسطه کثرت حاجت به اینها لکن دیدم هرگاه این کار را کنم فتح بابی شود برای تصرف در کتاب مفاتیح و بسا شود بعضی از فضولان بعد از این در آن کتاب بعضی از ادعیه دیگر بیفزایند یا از آن کم کنند و به اسم مفاتیح الجنان در میان مردم رواج دهند چنانکه در مفتاح الجنان مشاهده می شود لاجرم کتاب را به همان حال خود گذاشتم و این هشت مطلب را بعد از تمام شدن مفاتیح ملحق به آن نمودم و به لعنت خداوند قَهَّار و نفرین رسول خداصلی الله علیه وآله و ائمه اطهار علیهم السلام واگذار و حواله نمودم کسی را که در مفاتیح تصرف کند اینک شروع کنیم به ذکر آن هشت مطلب اول دعای وداع ماه مبارک رمضان است شیخ کلینی رضوان الله علیه در کتاب کافی روایت کرده از ابویصیر از حضرت صادق علیه السلام این دعا را برای وداع ماه رمضان :

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ،

خدایا تو فرمودی در قرآنت که نازل فرمودی:

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، وَهَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ تَصَرَّمْ،

«ماه رمضان که نازل شد در آن ماه قرآن» و این ماه رمضان است که گذشت

فَأَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ، إِنْ كَانَ بَقِيَ عَلَيَّ ذَنْبٌ لَمْ

پس از تو خواهم به ذات بزرگوart و کلمات تامه و کاملت که اگر گناهی به گردن من باقی مانده

تَعْفِرَهُ لِي، أَوْ تُرِيدَ أَنْ تُعَذِّبَنِي عَلَيْهِ، أَوْ تُقَايِسَنِي بِهِ إِنْ [لَا] يَطَّلِعَ فَجْرٌ

که آنرا نیامرزیده‌ای یا می‌خواهی مرا به جرم آن عذاب کنی یا بدان مرا بسنجی (می‌خواهم) که طلوع نکند سپیده‌دم

هَذِهِ اللَّيْلَةَ، أَوْ يَتَصَرَّمْ هَذَا الشَّهْرُ إِلَّا وَقَدْ عَفَرْتَهُ لِي، يَا أَرْحَمَ

این شب یا بگذرد این ماه جز آنکه آمرزیده باشی آنرا از من ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا، وَأَوْلِيهَا وَآخِرِهَا، مَا قُلْتَ

مهربانان خدایا ستایش تو را است به همه ستایش‌هایت آغازش و انجامش چه آن ستایشهایی که

لِنَفْسِكَ مِنْهَا، وَمَا قَالَ الْخَلَائِقُ الْحَامِدُونَ الْمُجْتَهِدُونَ، الْمَعْدُودُونَ

خودت برای ذات خود بیان کرده‌ای و چه آنها که آفریدگان ستایش کننده و کوشا و معدودوی

الْمُؤَفَّرُونَ ذِكْرَكَ وَالشُّكْرَ لَكَ، الَّذِينَ أَعْنَتَهُمْ عَلَى آدَاءِ حَقِّكَ مِنْ

که بسیار یاد تو کنند و سپاست گزارند به زبان آرند آنانکه یاریشان کردی بر ادای حق خود از

أَصْنَافِ خَلْقِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقْرَبِينَ، وَالنَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ

طبقات مختلف آفریدگانت از فرشتگان مقرب و پیامبران و مرسلین

وَأَصْنَافِ النَّاطِقِينَ وَالْمُسَبِّحِينَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ، عَلَى أَنَّكَ

و طبقات دیگر از گویندگان و تسبیح‌کنندگان از همه مردم عالم (ستایشت کنم) بر اینکه

بَلَّغْتَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَعَلَيْنَا مِنْ نِعْمِكَ وَعِنْدَنَا مِنْ قِسْمِكَ

ما را به ماه رمضان رساندی و ما در زیر بار نعمتهای تو بودیم و در نزد ما بود بهره‌های تو

وَإِحْسَانِكَ، وَتَظَاهِرِ امْتِنَانِكَ، فَبِذَلِكَ لَكَ مُتَّهَى الْحَمْدِ، الْخَالِدِ

و احسانت و منت های پی در پیت و به همین جهت تو را ستایش کنم به آخرین حد ستایش ستایشی جاویدان

الدَّائِمِ الرَّاَكِدِ الْمُخَلَّدِ السَّرْمَدِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ طُولَ الْأَبَدِ، جَلَّ ثَنَائُكَ

و دائمی و ماندنی و همیشگی و بی حد و انتهایی که تا ابد پایان نداشته باشد، براستی که برجسته است ثنای تو

اعْتَنَّا عَلَيْهِ، حَتَّى قَضَيْتَ عَنَّا صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ مِنْ صَلَاةٍ، وَمَا كَانَ مِنَّا

که ما را یاری کردی بر انجام فرائض این ماه تا بخوبی گذراندی از ما روزه و نمازش را و همچنین اعمال نیک دیگری

که

فِيهِ مِنْ بَرٍّ أَوْ شُكْرٍ أَوْ ذِكْرِ، اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ،

در این ماه از ما سر زد از نیکوکاری یا سپاسگزاری یا ذکر یا خدایا پس آنها را بپذیر از ما به بهترین پذیرش خود

وَتَجَاوَزِكَ وَعَفْوِكَ وَصَفْحِكَ وَغُفْرَانِكَ، وَحَقِيقَةَ رِضْوَانِكَ، حَتَّى

و بهترین گذشت و عفو و چشم پوشی و آمرزش و حقیقت خوشنودیت تا به حدی که

تُظَفِّرْنَا فِيهِ بِكُلِّ خَيْرٍ مَطْلُوبٍ، وَجَزِيلٍ عَطَاءٍ مَوْهُوبٍ، وَتُوقِنَا فِيهِ

برسانی ما را در این ماه به هر خوبی و خیری که مطلوب ما است و به عطای شایانی که ببخشی و نگاهمان داری در آن

مِنْ كُلِّ مَرْهُوبٍ، أَوْ بَلَاءٍ مَجْلُوبٍ، أَوْ ذَنْبٍ مَكْسُوبٍ، اَللّٰهُمَّ اِنِّي

از هر چیزی هراسناک یا بلایی که بر سرمان آید یا گناهی که بهم رسد خدایا از تو خواهم

اَسْأَلُكَ بِعَظِيمِ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَرِيمِ أَسْمَائِكَ

به بزرگترین چیزی که یکی از آفریدگانت از تو درخواست کنند از نامهای

وَجَمِيلِ ثَنَائِكَ، وَخَاصَّةِ دُعَائِكَ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

بزرگواری و از ثنای برجستهات و از دعای مخصوصت که درود فرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تُجْعَلَ شَهْرُنَا هَذَا أَكْثَمَ شَهْرِ رَمَضَانَ مَرَّةً عَلَيْنَا، مُنْذُ أَنْزَلْتَنَا إِلَى

و دیگر آنکه بگردانی این ماه رمضان را بزرگترین ماه رضانی که بر ما گذشته است از آن روزی که ما را به این

الدُّنْيَا بِرَكَّةٍ فِي عِصْمَةِ دِينِي، وَخَلَاصِ نَفْسِي، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي،

دنیا آوردهای تاکنون از این نظر که آنرا برکتی قرار دهی در ضمن نگهداری دینم و رهایی خودم (از دوزخ)

وَتَشْفَعْتَنِي فِي مَسَائِلِي وَتَمَامِ النُّعْمَةِ عَلَيَّ، وَصَرْفِ السُّوءِ عَنِّي،

و برآوردن حاجاتم و دیگر آنکه شفاعتم را بپذیری در خواسته هایم و کامل کردن نعمت را بر من

وَلِبَاسِ الْعَافِيَةِ لِي فِيهِ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي بِرَحْمَتِكَ مِمَّنْ خَرْتُ لَهُ لَيْلَةً

و گرداندن بدی را از من و پوشاندن لباس عافیت را در این ماه بر من و مرا به رحمت خود از آن کسانی قرار دهی که

شب

الْقَدْرِ، وَجَعَلْتَهَا لَهُ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فِي أَعْظَمِ الْأَجْرِ، وَكَرَائِمِ

قدر را که بهتر از هزار ماه گردانیدی برای آنها اختیار کرده‌ای در بزرگترین پاداش و گرامی‌ترین

الذَّخْرِ، وَحَسَنِ الشُّكْرِ، وَطُولِ الْعُمُرِ، وَدَوَامِ الْيُسْرِ، اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ

ذخائر و سپاسگزاری نیک و طول عمر و آسودگی همیشگی خدایا و از تو خواهم

بِرَحْمَتِكَ وَطَوْلِكَ وَعَفْوِكَ، وَنِعْمَائِكَ وَجَلَالِكَ، وَقَدِيمِ إِحْسَانِكَ

به رحمتت و به بخشش و گذشتت و نعمتهای (بسیار) و جلال و احسان دیرینه

وَأَمْنِنَاكَ، أَنْ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِشَهْرِ رَمَضَانَ حَتَّى تَبْلُغَنَاهُ

و منت‌گذاریت که این ماه را آخرین ماه رمضان ما قرار ندهی تا اینکه برسانی ما را

مِنْ قَابِلٍ عَلَى أَحْسَنِ حَالٍ، وَتُعَرِّفَنِي هِلَالَهُ مَعَ النَّاطِرِينَ إِلَيْهِ،

بدان در سال آینده به بهترین حال و نشان دهی به من ماه نو این ماه را به همراه بینندگان آن

وَالْمُعْتَرِفِينَ لَهُ فِي أَعْفَى عَافِيَتِكَ، وَأَنْعَمِ نِعْمَتِكَ، وَأَوْسَعِ رَحْمَتِكَ،

و اعتراف‌کنندگان به حق آن در بهترین عافیت و تندرستی که به من داده و کاملترین نعمت و فراخترین رحمتت

وَأَجْزَلِ قِسْمِكَ، يَا رَبِّي الْذِّي لَيْسَ لِي رَبٌّ غَيْرُهُ، لَا يَكُونُ هَذَا

و شایسته‌ترین بهره‌هایت ای پروردگار من که جز او پروردگاری ندارم چنان نباشد که این

الْوَدَاعُ مِنِّي لَهُ وَدَاعَ فَنَاءٍ، وَلَا آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِلِقَاءِ، حَتَّى تَرِينِيهِ مِنْ

وداعی که من از این ماه می‌کنم وداع فنا و مرگ من و آخرین بار دیدار من از این ماه باشد بلکه در سال آینده نیز آنانرا

قَابِلٍ فِي أَوْسَعِ النِّعَمِ، وَأَفْضَلِ الرَّجَاءِ، وَأَنَا لَكَ عَلَى أَحْسَنِ الْوَفَاءِ،

به ما بنمایان در فراخترین نعمتها و بهترین امیدها و در حالی که من (نسبت به تو) وفادارتر باشم

إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، اللَّهُمَّ اسْمَعْ دُعَائِي، وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَتَذَلُّلِي

که براستی تویی شنوای دعاها خدایا دعایم را اجابت کن و به تضرع و زاری و خواریم

لَكَ، وَاسْتِكَانَتِي وَتَوَكَّلِي عَلَيْكَ، وَأَنَا لَكَ مُسَلِّمٌ، لَا أَرْجُو نَجَاحًا وَلَا

در برابرت و مستمندی و توکلی که بر تو دارم رحم کن و من تسلیم جناب توام که امید ندارم به موفقیت

مُعَافَاةً وَلَا تَشْرِيفًا، وَلَا تَبْلِيغًا إِلَّا بِكَ وَمِنْكَ، وَأَمْنُنْ عَلَيَّ جَلَّ ثَنَاؤُكَ،

و تندرستی و نه به شرافت و مقامی برسم جز بوسیله تو و از جانب تو و منت نه بر من - ای که ثنایت

و تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، بِتَبْلِيغِي شَهْرَ رَمَضَانَ وَأَنَا مُعَافًا مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ

برجسته و نامهایت منزّه است - باینکه برسانی مرا به ماه رمضان در حالی که سالم باشم از هر ناراحتی

وَمَحْذُورٍ مِنْ جَمِيعِ الْبَوَاقِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي آعَانَا عَلَى صِيَامِ هَذَا

و گرفتاری و از تمام ناگواریها و ناملايمات ستایش خدایی را که کمک داد ما را بر روزه این

الشَّهْرِ وَقِيَامِهِ، حَتَّى بَلَغَنِي آخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ.

ماه و نماز و عبادتش تا مرا به آخرین شبش رسانید .

دویم خطبه روز عید فطر است که امام جماعت بعد از بجا آوردن نماز عید

می خواند و آن به نحوی که شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه از

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل فرموده چنین است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ، ثُمَّ

ستایش خاص خدایی است که آسمانها و زمین را آفرید و تاریکیها و نور را مقرر فرمود

الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ، لَا نُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا، وَلَا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ

و با این حال آنانکه کافر شدند به پروردگار خویش (غیر او را) با او برابر می کنند ما هیچ چیزی را شریک او نسازیم و

جز او

وَلِيًّا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ، وَلَهُ

کسی را برای خود سرپرست نگیریم و ستایش خاص خدایی است که از او است آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین

است و در

الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ، وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ، يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا

آخرت نیز ستایش خاص او است و او فرزانه و آگاه است می داند آنچه را در زمین فرو رود و آنچه

يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَهُوَ الرَّحِيمُ

از آن برون آید و آنچه از آسمان فرود آید و آنچه در آن بالا رود و او است مهربان

الْغَفُورُ، كَذَلِكَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

و آمرزنده این چنین است خدا که معبودی جز او نیست و بسوی او است بازگشت و ستایش خاص خدایی است که

يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَوْفٌ

نگهدارد آسمان را از اینکه بر زمین افتد جز به اذن او که همانا خداوند به مردم پرمهر

رَحِيمٌ، اللَّهُمَّ ارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ وَاغْمُنَا بِمَغْفِرَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ

و رحیم است خدایا به ما رحم کن به رحمت خود و فراگیر ما را به آمرزشت که براستی تو والا

الْكَبِيرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مَقْنُوطٌ مِنْ رَحْمَتِهِ، وَلَا مَخْلُوءٌ مِنْ نِعْمَتِهِ،

و بزرگی ستایش خدایی را که کسی نه از رحمتش نومید است و نه از نعمتش محروم

وَلَا مُؤَيِّسٌ مِنْ رَوْحِهِ، وَلَا مُسْتَنْكَفٌ عَنْ عِبَادَتِهِ، الَّذِي بِكَلِمَتِهِ قَامَتْ

و نه از مهرش مأیوس و نه از پرستشش (در عالم تکوین) روگردان است آنکه به فرمانش برپا شد

السَّمَوَاتُ السَّبْعُ، وَاسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُ الْمِهَادُ، وَتَبَّتِ الْجِبَالُ

آسمانهای هفتگانه و پابرجا گشت زمین گسترده و مستقر شد کوههای

الرَّوَّاسِي، وَجَرَّتِ الرِّيحُ الْلَّوَّاقِحُ، وَسَارَ فِي جَوِّ السَّمَاءِ السَّحَابُ،

سخت بنیان و روان گشت بادهای آبتن کننده و به سیر و حرکت درآمد در فضای آسمان ابرها

وَقَامَتْ عَلَى حُدُودِهَا الْبِحَارُ، وَهُوَ إِلَهُ لَهَا، وَقَاهِرٌ يَذِلُّ لَهُ

و ایستاد بر سر مرز خود دریاها و او است معبود آنها و او است قاهری که خوانند در برابرش

الْمُتَعَزِّزُونَ، وَيَتَضَائِلُ لَهُ الْمُتَكَبِّرُونَ وَيَدِينُ لَهُ طَوْعًا وَكَرْهًا

عزت طلبان و ناجیزند در پیش او بزرگمنشان و پیرو فرمان اویند خواه و ناخواه

الْعَالَمُونَ، نَحْمَدُهُ كَمَا حَمِدَ نَفْسَهُ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَعْفِرُهُ

جهانیان ستایش کنیم چنانچه او خود را ستوده و چنانچه شایسته آنست و از او کمک خواهیم و آمرزش جوییم

وَنَسْتَهْدِيهِ، وَنَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، يَعْلَمُ مَا

و راهنمایی جوییم و گواهی دهیم که نیست معبودی جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد می‌داند آنچه را

تُخْفِي النَّفُوسُ وَمَا تُجِنُّ الْبِحَارُ، وَمَا تَوَارِي مِنْهُ ظُلْمَةٌ، وَلَا تَغِيبُ

پنهان کنند دلها و آنچه را بپوشانند (در قعر خود) دریاها و در پرده نکند از او چیزی را تاریکی، و پنهان نشود

عَنْهُ غَائِبَةٌ، وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ مِنْ شَجَرَةٍ، وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَةِ الْأَ

از او هیچ غایبی و نیفتد برگ‌گی از درخت و نه دانه‌ای در تاریکی جز آنکه

يَعْلَمُهَا، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ، وَيَعْلَمُ

آنها می‌داند معبودی نیست جز او و هیچ تر و خشکی نیست جز آنکه در دفتری روشن ثبت است و می‌داند

مَا يَعْمَلُ الْعَامِلُونَ، وَأَيَّ مَجْرَىٰ يَجْرُونَ وَإِلَىٰ أَيِّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ،

هر کاری را که کسی انجام دهد و به چه راهی می‌روند و بسوی چه سرمنزلی بازگردند

وَسَتُنْهَدِي اللَّهَ بِالْهُدَىٰ، وَنَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَنَبِيُّهُ، وَرَسُولُهُ إِلَيَّ

و از خدا راهنمایی جوییم و گواهی دهیم که همانا محمد بنده و پیامبر و رسول او است بسوی

خَلْقِهِ، وَأَمِينُهُ عَلَيَّ وَحِيهِ، وَأَنَّهُ قَدْ بَلَغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ، وَجَاهِدَ فِي اللَّهِ

آفریدگانش و امین او است بر وحیش و براستی او رسانید رسالتها (و پیامها)ی پروردگارش را و جهاد کرد در راه خدا

الْحَائِدِينَ، عَنْهُ الْعَادِلِينَ بِهِ، وَعَبَدَ اللَّهَ حَتَّىٰ آتِيَهُ الْيَقِينُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

با کسانی که از او روگردانند و دیگری را با او برابر کردند، و پرستید خدا را تا دم مرگ - درود خدا بر او

وَأَلِّهِ وَسَلَّمَ، أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي لَا تَبْرَحُ مِنْهُ نِعْمَةٌ، وَلَا تَنْفَدُ

و آتش باد - سفارش می‌کنم شما را به پرهیزکاری و ترس از خدایی که همیشه نعمتش بوده، و پایان نپذیرد

مِنْهُ رَحْمَةٌ، وَلَا يَسْتَعْنِي الْعِبَادُ عَنْهُ، وَلَا يَجْزِي أَنْعَمَهُ الْأَعْمَالُ، الَّتِي

مهرش و هرگز بندگان از او بی‌نیاز نشوند و اعمال بندگان پاداش نعمتهای او نگردد آن خدایی که

رَغَبَ فِي التَّقْوَى، وَزَهَّدَ فِي الدُّنْيَا، وَحَذَرَ الْمَعَاصِي، وَتَعَزَّزَ بِالْبَقَاءِ

مردم را به پرهیزکاری ترغیب کرده و به زهد و پارسایی در دنیا واداشته و از نافرمانیها برحذر داشته و به بقای همیشگی

وَدَلَّلَ خَلْقَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ، وَالْمَوْتُ غَايَةُ الْمَخْلُوقِينَ وَسَبِيلُ

عزیز گشته و مخلوق خود را بوسیله مرگ و نابودی خوار کرده، و مرگ است سرانجام همه مخلوق و راهی که

الْعَالَمِينَ، وَمَعْتَوِدُ بِنَوَاصِي الْبَاقِينَ، لَا يُعْجِزُهُ إِبَاقُ الْهَارِبِينَ، وَعِنْدَ

همه جهانیان باید آترا طی کنند و نقش بسته بر پیشانی بازماندگان که درمانده‌اش نکند فرار کردن فراریان و چون

حُلُولِهِ يَأْسِرُ أَهْلَ الْهُوَى، يَهْدِمُ كُلَّ لَذَّةٍ، وَيَزِيلُ كُلَّ نِعْمَةٍ، وَيَقْطَعُ كُلَّ

فرارسد مردم هواپرست را گرفتار کند و فرو ریزد بنای هر لذت و خوشی را و بگیرد هر نعمتی را و جدا کند از انسان

بِهَجَّةٍ، وَالْدُّنْيَا دَارٌ كَتَبَ اللَّهُ لَهَا الْفَنَاءَ، وَلِأَهْلِهَا مِنْهَا الْجَلَاءَ، فَأَكْثَرُهُمْ

هر نشاط و خرمی را و دنیا خانه‌ای است که خداوند فنا و نیستی را برای آن و کوچ کردن را برای مردم آن مقرر داشته

ولی بیشتر آنها

يَنُومُ بِقَاتِّهَا، وَيُعْظَمُ بِنَاتِّهَا، وَهِيَ حُلُوءَةٌ خَضِرَةٌ قَدْ عَجَّلَتْ لِلطَّالِبِ،

قصد ماندن آترا دارند و بنای آترا بزرگ دانند و دنیا (در نظر اهلش) شیرین و سرسبز است که شتابان به سراغ خواهانش

آید

وَالْتَبَسَتْ بِقَلْبِ النَّاطِرِ، وَتَضَنَّى ذَا الثَّرْوَةِ الضَّعِيفَ، وَيَجْتَوِيهَا

و بدل بیننده فریبنده آید، دیدن وضع توانگران ناتوانان را به حال نزاری و یأس اندازد

الْخَائِفُ الْوَجِلُ، فَارْتَحِلُوا مِنْهَا يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ بِأَحْسَنِ مَا بِحَضْرَتِكُمْ،

و شخص ترسان و اندیشناک وضع آترا خوش ندارد پس کوچ کنید از آن - خدایتان رحمت کند - با در دست داشتن

بهترین

وَلَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ الْقَلِيلِ، وَلَا تَسْأَلُوا مِنْهَا فَوْقَ الْكَفَافِ،

توشه‌ای که از آن دارید و بیش از مقدار اندکی از آن نجوئید و زیاده از آنچه کفایت زندگی را کند نخواهد

وَارْضَوْا مِنْهَا بِالْيَسِيرِ، وَلَا تَمُدَّنَّ أَعْيُنَكُمْ مِنْهَا إِلَى مَا مُتِعَ الْمُتْرَفُونَ

و به چیز کمی از آن قانع شوید و ندوزید چشمان خود را بدانچه خوشگذرانها از آن بهره گیرند

بِهِ، وَاسْتَهَيَّنُوا بِهَا، وَلَا تُؤْطِنُوهَا، وَأَضِرُّوا بِأَنْفُسِكُمْ فِيهَا، وَإِيَّاكُمْ

و آن را سبک دانید و کوچک شمارید و آن را وطن خود قرار ندهید (و دل به آن نبندید) خود را در این دنیا (با تحمل

سختی

وَالْتَنَعَمَ وَالتَّلَهَّى وَالْفَاكِهَاتِ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ غَفْلَةً وَاغْتِرَارًا، أَلَا إِنَّ

عباد و ترک شهوات) به تعب و زیان اندازید، و حذر کنید از خوشگذرانی و سرگرمی و فکاهیات زیرا که آنها غفلت

الدُّنْيَا قَدْ تَنَكَّرَتْ وَأَدْبَرَتْ وَأَحْلَوَّتْ وَأَذْنَتْ بِوَدَاعِ آلَا وَإِنَّ الْآخِرَةَ

و غرور بار آرد، آگاه باشید که دنیا (با همه فریبندگیش) خود را به بیگانگی زده و پشت کرده و شیرین گشته و اعلام
وداع کرده، آگاه

قَدْ رَحَلَتْ فَأَقْبَلَتْ وَأَشْرَفَتْ، وَأَذْنَتْ بِاطِّلاع، آلَا وَإِنَّ الْمِضْمَارَ الْيَوْمَ

باشید که آخرت (بسوی شما) حرکت کرده و می آید و نزدیک شده و اعلام ورود کرده، آگاه باشید که میدان مسابقه (یا

وَالسَّبَّاقَ غَدًا، آلَا وَإِنَّ السُّبْقَةَ الْجَنَّةَ، وَالْغَايَةَ النَّارَ، آلَا أَفَلَا تَأْتِبُ مِنْ

مدت آمادگی برای مسابقه) امروز و خود مسابقه فردا است، آگاه باشید که برد این مسابقه بهشت است و عقب مانده جایش
دوزخ است، پس

حَطِيئَتِهِ قَبْلَ يَوْمٍ مَنِيئَتِهِ، آلَا عَامِلٌ لِنَفْسِهِ قَبْلَ يَوْمِ بُؤْسِهِ وَقَفَرِهِ، جَعَلْنَا

آیا کسی نیست که از خطایش توبه کند پیش از رسیدن روز مرگش؟ آیا کسی نیست که برای خود کار کند پیش از روز
سختی و بیچارگیش

اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِمَّنْ يَخَافُهُ وَيَرْجُو ثَوَابَهُ، آلَا إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ يَوْمٌ جَعَلَهُ اللَّهُ

خداوند ما و شما را از کسانی قرار دهد که از او می ترسند و امید پاداشش را دارند بدانید که امروز روزی است که
خداوند

لَكُمْ عِيدًا، وَجَعَلَكُمْ لَهُ أَهْلًا، فَادْكُرُوا اللَّهَ يَذْكُرْكُمْ، وَاذْعُوهُ يُسْتَجِبْ

آن را برای شما عید قرار داده و شما را شایسته آن گردانید پس یاد خدا کنید تا خدا نیز یاد شما کند و او را بخوانید تا
اجابت

لَكُمْ وَأَدُّوا فِطْرَتَكُمْ فَإِنَّهَا سُنَّةُ نَبِيِّكُمْ، وَقَرِيضَةٌ وَاجِبَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ،

کند و زکات فطره خود را بپردازید زیرا که آن سنت پیغمبر شما و قریضه واجبی است از پروردگارتان

فَلْيُؤَدِّهَا كُلُّ أَمْرٍ مِنْكُمْ عَنْ نَفْسِهِ، وَعَنْ عِيَالِهِ كُلِّهِمْ، ذَكَرَهُمْ وَأَنْشَاهُمْ،

پس بپردازد هر یک از شما برای خودش و برای نانخورانش همه شان مرد و زنشان

وَصَغِيرِهِمْ وَكَبِيرِهِمْ، وَحُرَّهُمْ وَمَمْلُوكِهِمْ، عَنْ كُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ، صَاعًا

از کوچک و بزرگشان و آزاد و برده شان از هر ستری یک صاع (که تقریباً سه کیلو است)

مِنْ بُرٍّ، أَوْ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ، أَوْ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ، وَأَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا فَرَضَ

از گندم یا یک صاع از خرما یا یک صاع از جو و پیروی کنید خدا را در آنچه بر شما واجب کرده

عَلَيْكُمْ وَأَمْرُكُمْ بِهِ، مِنْ إِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِتْيَاءِ الزَّكَاةِ، وَحَجِّ الْبَيْتِ،

و شما را بدان دستور داده است از برپاداشتن نماز و دادن زکات و حج خانه کعبه

وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ،

و روزه ماه رمضان و امر به معروف و نهی از منکر

وَالْإِحْسَانِ إِلَى نِسَائِكُمْ، وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ، وَأَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا

و نیکی کردن نسبت به زنان و نسبت به زیر دستانتان (از برده‌ها) و پیروی کنید خدا را در آنچه

نَهَاكُمْ عَنْهُ مِنْ قَدْفِ الْمُحْصَنَةِ، وَإِتْيَانِ الْفَاحِشَةِ، وَشُرْبِ الْخَمْرِ،

شما را از آن بازداشته است از همتم زدن به زنان پاکدامن و بی‌عفتی و هرزگی کردن و می‌گساری

وَبَخْسِ الْمِكْيَالِ، وَتَقْصِ الْمِيزَانِ، وَشَهَادَةِ الزُّورِ، وَالْفِرَارِ مِنَ

و کم فروشی با پیمانانه و ترازو و شهادت ناحق دادن و گریختن از

الزَّحْفِ، عَصَمْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ بِالتَّقْوَى، وَجَعَلَ الْآخِرَةَ خَيْرًا لَنَا وَلَكُمْ

جهاد با دشمن، خداوند ما و شما را بوسیله تقوا نگاه دارد و بگرداند منزل آخرت را برای ما و شما بهتر

مِنَ الْأُولَى، إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ وَأَبْلَغَ مَوْعِظَةِ الْمُتَّقِينَ، كِتَابُ اللَّهِ

از منزل دنیا براستی که بهترین سخن و رساترین پند برای پرهیزکاران کتاب خداوند

الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ،

نیرومند فرزانه است، پناه برم به خدا از شیطان رانده (درگاه حق) به نام خدای بخشاینده مهربان

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

بگو او خدای یگانه است خدای بی خلل است که نزاده و زانیده نشده و نیست برایش همتائی هیچکس

پس می‌نشینند اندکی بعد از فراغ از خطبه مانند کسی که تعجیل داشته باشد

پس برمی‌خیزد و خطبه دویم را می‌خواند و آن همان خطبه‌ای است که حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام در روز جمعه بعد از نشستن و برخاستن از خطبه اول

می‌خواندند و آن خطبه چنین است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ، وَتُؤْمِنُ بِهِ وَتَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ، وَتَشْهَدُ أَنْ لَا

ستایش خدای را، او را ستایش کنیم و از او کمک جوئیم و به او ایمان داریم و بر او توکل کنیم و گواهی دهیم که

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، صَلَوَاتُ

معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و نیز به اینکه محمد بنده و رسول او است - درودهای

اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَغْفِرَتُهُ وَرِضْوَانُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

خدا و سلام او بر آن حضرت و بر آتش و نیز آموزش و خوشنودیش بر آنها باد - خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، صَلَوَةً نَامِيَةً زَاكِيَةً تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتَهُ،

محمد بنده و رسول و پیامبرت درودی با برکت و پاکیزه که بوسیله آن درجه‌اش را بالا ببری

وَتُبَيِّنُ بِهَا فَضْلَهُ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ

و برتریش را آشکار کنی و درود فرست بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ

و آل محمد چنانچه درود فرستادی و برکت دادی و رحمت فرستادی بر ابراهیم و آل

إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ عَذِّبْ كَفَرَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ الَّذِينَ

ابراهیم که برستی تو ستوده و بزرگووار هستی خدایا عذاب کن کافران اهل کتاب را آنان که

يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِكَ، وَيَجْحَدُونَ آيَاتِكَ، وَيَكْذِبُونَ رُسُلَكَ اللَّهُمَّ

مردم را از راه تو باز دارند و آیات تو را انکار کنند و پیامبرانت را دروغگو پندارند خدایا

خَالَفَ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَأَلْقَى الرَّغْبَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَأَنْزَلَ عَلَيْهِمْ رِجْزَكَ

در میان آنان اختلاف کلمه ایجاد کن و رعب و ترس در دلهاشان بینداز و عذاب و انتقام و بالای

وَتَقَمَّتِكَ، وَبَأْسَكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ، اللَّهُمَّ أَنْصُرْ

سخت را بر آنان نازل گردان آن عذابی را که بازنگردانی از مردم بدکار و مجرم خدایا یاری کن

جِيوشِ الْمُسْلِمِينَ وَسَرَايَاهُمْ، وَمُرَابِطِهِمْ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ

لشگرهای مسلمانان و سپاههای ایشان و مرزبانانسان را در شرقها

وَمَغَارِبِهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ

و غربهای زمین که برستی تو بر هر چیز توانائی خدایا بیامرز مردان با ایمان

وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى زَادَهُمْ،

و زنان با ایمان را و مردان و زنان مسلمان را خدایا تقوی را توشه آنها قرار ده

وَالْاِيْمَانَ وَالْحِكْمَةَ فِي قُلُوْبِهِمْ، وَاَوْزِعْهُمْ اَنْ يَشْكُرُوْا نِعْمَتَكَ الَّتِي

و ایمان و حکمت را در دلهاشان بنه و به آنان بیاموز که سپاسگزاری کنند از نعمتی که به ایشان

اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ وَاَنْ يُؤْفُوا بِعَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَهُمْ عَلَيْهِ، اِلَهَ الْحَقِّ وَخَالِقَ

داده‌ای و وفا کنند به آن پیمانی که تو از ایشان گرفتی ای معبود بحق و ای آفریدگار

الْخَلْقِ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِمَنْ تُوِّفَى مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِيْنَ

خلق، خدایا بیامرز هر که از این جهان رفته از مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان مسلمان

وَالْمُسْلِمَاتِ، وَلِمَنْ هُوَ لَاحِقٌ بِهِمْ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْهُمْ، اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ،

را و هر که از آنها که از این پس بدیشان ملحق گردد که برستی تو نیرومند و فرزانه‌ای،

اِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْاِحْسَانِ، وَاٰتَاءِ ذِي الْقُرْبٰى، وَيَنْهٰى عَنِ الْفَحْشَآءِ

همانا خداوند دستور دهد به عدالت و نیکی کردن و بخشش به خویشان و منع کند از کار بد و ناروا

وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ، يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ، اذْكُرُوا اللّٰهَ يَذْكُرْكُمْ، فَاِنَّهٗ ذَاكِرٌ

و ستم، پندتان می دهد تا شاید پند گیرید یاد خدا کنید تا خدا هم یاد شما کند زیرا که او یاد کند

لِمَنْ ذَكَرَهُ، وَاَسْئَلُوا اللّٰهَ مِنْ رَحْمَتِهِ وَفَضْلِهِ، فَاِنَّهٗ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ دَآءِ دَعَاہٖ،

کسی را که یادش کند و از رحمت و فضل او درخواست کنید که از او نومید نشود هر که او را بخواند

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً، وَّفِيْنَا عَذَابَ النَّارِ.

پروردگارا عطا کن به ما در دنیا نعمت (و نیکی) و در آخرت نعمت و نگاهمان دار از عذاب دوزخ

زیارت جامعه ائمه المؤمنین

سیم زیارت جامعه ائمه المؤمنین است که هر امامی را در هر وقت از شهور و ایام به آن زیارت می توان کرد و این زیارت را سید بن طاوس در مصباح الزائر از ائمه علیهم السلام روایت کرده با مقدماتی از دعاء و نماز در وقت رفتن به سفر زیارت پس فرموده چون خواستی غسل زیارت کنی بگو در وقتی که غسل

می کنی:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ

به نام خدا و بیاری خدا

وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، اَللَّهُمَّ اغْسِلْ عَنِّي دَرَنَ الذُّنُوبِ، وَوَسَخَ

و در راه خدا و بر کیش رسول خدا، خدایا بشوی از من چرکی گناهان و آلودگی

الْعُيُوبِ، وَطَهِّرْنِي بِمَاءِ التَّوْبَةِ، وَأَلْبِسْنِي رِدَاءَ الْعِصْمَةِ، وَأَيِّدْنِي

عیوب را و پاکیزه ام کن به آب توبه و بر تنم کن جامه خودداری (از گناه) را و کمک کن

بِلُطْفٍ مِنْكَ، يُوقِّفُنِي لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ. * پس

به لطفی از جانب خود که مرا موفق دارد به کارهای شایسته که برآستی تو دارای فضل عظیمی هستی * * *

هرگاه نزدیک در حرم مطهر شدی بگو: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَقَفَّنِي لِقَصْدِ وَلِيِّهِ

* * * * * ستایش خاص خدائی است که مرا موفق داشت به آهنگ کردن

وَزِيَارَةِ حُجَّتِهِ، وَأَوْرَدَنِي حَرَمَهُ، وَلَمْ يَبْخَسْنِي حَظِّي مِنْ زِيَارَةِ

بسوی نماینده اش و زیارت حجتش و در حرمش واردم کرد و نکاست بهره ام را از زیارت

قَبْرِهِ، وَالنُّزُولِ بِعَقْوَةِ مُعَيْبِهِ وَسَاحَةِ تَرْبَتِهِ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَسْمِنِي

قبرش و از فرود آمدن به آستانش که در آن از انظار دور گشته و ورود به کنار تربت پاکش، ستایش خدائی را که

داغدارم نکرد

بِحِرْمَانٍ مَا أَمَلْتُهُ وَلَا صَرَفَ عَنِّي مَا رَجَوْتُهُ، وَلَا قَطَعَ رَجَائِي فِيمَا

به محرومیت از آنچه آرزو داشتیم و بازنگردانید از من آنچه را امیدوار به آن بودم و قطع نکرد امیدم را در آنچه

تَوَقَّعْتُهُ، بَلْ أَلْبَسَنِي عَافِيَتَهُ، وَأَفَادَنِي نِعْمَتَهُ، وَأَتَانِي كَرَامَتَهُ. پس هرگاه

متوقع بودم بلکه (جامه) عافیت خود را در برم کرد و از نعمتش بهره‌مندم ساخت و از کرامتش به من عنایت فرمود* *

*

وارد حرم شدی بایست برابر ضریح مقدّس و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْمُؤْمِنِينَ،

***** سلام بر شما ای پیشوایان مؤمنان

وَسَادَةَ الْمُتَّقِينَ، وَكُبْرَاءَ الصِّدِّيقِينَ وَأُمَّرَاءَ الصَّالِحِينَ، وَقَادَةَ

و آقایان پرهیزکاران و بزرگان مردم راستی پیشه و زمامداران مردمان شایسته و رهبران

الْمُحْسِنِينَ، وَأَعْلَامَ الْمُهْتَدِينَ وَأَنْوَارَ الْعَارِفِينَ، وَوَرَثَةَ الْأَنْبِيَاءِ،

نیوکوکاران و پرچمداران راه یافتگان و چراغهای روشن عارفان و وارثان پیامبران

وَصَفْوَةَ الْأَوْصِيَاءِ، وَسُمُوسَ الْأَتْقِيَاءِ، وَبُدُورَ الْخُلَفَاءِ، وَعِبَادَ

و برگزیده اوصیاء و خورشیدهای تابان مردمان با تقوی و ماههای فروزان جانشینان و بندگان (خاص)

الرَّحْمَنِ، وَسُرُكَاءَ الْقُرْآنِ، وَمَنْهَجَ الْأَيْمَانِ، وَمَعَادِنَ الْحَقَائِقِ، وَسُفْعَاءَ

خدای رحمان و شریکان قرآن و راه روشن ایمان و معادن حقائق و شفیعان

الْخَلَائِقِ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، أَشْهَدُ أَنْكُمْ أَبْوَابُ اللَّهِ وَمَفَاتِيحُ

خلایق و رحمت خدا و برکاتش نیز بر شما باد، گواهی دهم که براستی شما وسائط خدا و کلیدهای

رَحْمَتِهِ، وَمَقَالِيدُ مَغْفِرَتِهِ، وَسَحَابَتُ رِضْوَانِهِ، وَمَصَابِيحُ جَنَانِهِ،

رحمت او و وسائل آمرزشش و ابرهای پرآب خوشنودیش و چراغهای بهشتش

وَحَمَلَةَ فُرْقَانِهِ، وَخَزَنَةَ عِلْمِهِ، وَحَفَظَةَ سِرِّهِ، وَمَهْبِطُ وَحْيِهِ، وَعِنْدَكُمْ

و حاملان قرآنتش و خزینه‌داران علمش و نگهبانان رازش و فرودگاه وحی او هستید و در پیش شما است

أَمَانَاتُ النَّبُوَّةِ، وَوَدَائِعُ الرِّسَالَةِ، أَنْتُمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ وَأَحْبَابُهُ، وَعِبَادُهُ

امانت‌های (گران‌بهای) نبوت و سپرده‌های مقام رسالت، شمائید امین‌های خدا و دوستانش و بندگان

وَأَصْفِيَاءُؤُهُ، وَأَنْصَارُ تَوْحِيدِهِ وَأَرْكَانُ تَمَجِيدِهِ وَدُعَاتُهُ إِلَى كِتَابِهِ،

و برگزیدگان او و یاران یگانه پرستیش و پایه‌های تمجید (و به بزرگی ستودن) او و خوانندگان بسوی کتاب‌هایش

وَحِرَسَةَ خَلَائِقِهِ وَحَفَظَةَ وَدَائِعِهِ، لَا يَسْبِقُكُمْ تَنَاءُ الْمَلَائِكَةِ فِي

و پاسداران خلائقش و نگهبانان و دایعش، فرشتگان از نظر اخلاص و خشوع در ثنای الهی بر شما

الْإِخْلَاصِ وَالْخُشُوعِ، وَلَا يُضَادُّكُمْ ذُؤَابِتُهُالِ وَخُضُوعِ، أَنِّي وَلَكُمْ

سبقت نگرفته‌اند و هیچ زاری کننده و فروتنی در این باره با شما برابری نتواند، کجا توانند؟ با اینکه تنها شما نیستید

الْقُلُوبُ الَّتِي تَوَلَّى اللَّهُ رِيَاضَتَهَا بِالْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ، وَجَعَلَهَا أَوْعِيَةً

که دارا هستید دل‌هایی را که خداوند عهده‌دار تربیت و تزکیه آنها به خوف و رجاء گشته و آنها را جایگاهانی

لِلشُّكْرِ وَالثَّنَاءِ، وَأَمْنَهَا مِنْ عَوَارِضِ الْعَفْلَةِ، وَصَفَّأَهَا مِنْ سُوءِ الْفِتْرَةِ،

برای سپاسگزاری و ثنای خویش قرار داده و از عوارض غفلت و بیخبری ایمنشان ساخته و از بدبهای سستی و

درماندگی

بَلْ يَتَقَرَّبُ أَهْلُ السَّمَاءِ بِحُبِّكُمْ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَتَوَاتُرِ

پاک و مصفاایش کرده بلکه تقرب اهل آسمان به خداوند بوسیله دوستی شما و بیزاری جستن از دشمنان شما و پی‌درپی

الْبُكَاءِ عَلَى مُصَابِكُمْ، وَالْأَسْتِغْفَارِ لِشَيْعَتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ، فَإِنَّا أَشْهَدُ

گریستن بر مصیبت‌های شما و آمرزش خواهی برای شیعیان و دوستان شما است و من گواه می‌گیرم

اللَّهِ خَالِقِي، وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ، وَأَشْهَدُكُمْ يَا مَوَالِيَّ، أَنِّي مُؤْمِنٌ

خدائی که خالق من است و گواه گیرم فرشتگان و پیامبرانش را و هم چنین شما را گواه گیرم ای سروران من که به

ولایت

بَوْلَايَتِكُمْ مُعْتَقِدٌ لِأَمَامَتِكُمْ، مُقَرَّبٌ بِخِلَافَتِكُمْ، عَارِفٌ بِمَنْزِلَتِكُمْ مَوْقِنٌ

و زمامداری شما ایمان دارم و به پیشوائی و امامتان معتقدم و به خلافت و جانشینتان اقرار دارم و به منزلت و مقامتان

عارفم

بِعِصْمَتِكُمْ خَاضِعٌ لَوْلَايَتِكُمْ، مُتَقَرَّبٌ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ

و معصوم بودنتان را یقین دارم و در برابر زمامداری شما خاضع و فروتم و بوسیله دوستی شما و بیزاری جستن از

أَعْدَائِكُمْ، عَالِمٌ بِأَنَّ اللَّهَ قَدْ طَهَّرَكُمْ مِنَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا

دشمنانتان بدرگاه خدا تقرب جویم و دانایم به اینکه بطور مسلم خداوند شما را از کارهای زشت پاک کرده چه آشکارش

و

بَطْنٍ، وَمِنْ كُلِّ رِيْبَةٍ وَنَجَاسَةٍ، وَدَيْبَةٍ وَرَجَاسَةٍ وَمَنْحَكُمُ رَايَةَ الْحَقِّ

چه پنهانش و از هر شک و شبهه و آلودگی و پستی و پلیدی و به شما عطا کرده آن پرچم حق را که

الَّتِي مَنْ تَقَدَّمَهَا ضَلَّ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا زَلَّ، وَفَرَضَ طَاعَتَكُمْ عَلَى

هر که بر آن پیشی گیرد گمراه است و هر که از آن عقب کشد (در راه سعادت) بلغزد و واجب فرمود فرمانبرداری

كُلِّ أَسْوَدٍ وَأَبْيَضٍ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ وَفَيْتُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَذِمَّتِهِ، وَبِكُلِّ مَا

شما را بر هر سیاه و سفیدی و گواهی دهم که شما بخوبی وفا کردید به عهد و پیمان خدا و به هر چه

اشْتَرَطَ عَلَيْكُمْ فِي كِتَابِهِ، وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ، وَأَنْفَذْتُمْ طَاعَتَكُمْ فِي

شرط کرده بود بر شما در کتاب خود و شما نیکو که مردم را براه خدا خواندید و نیروی خود را در راه

مَرْضَاتِهِ، وَحَمَلْتُمْ الْخَلَائِقَ عَلَى مِنْهَاجِ النُّبُوَّةِ وَمَسَالِكِ الرَّسَالَةِ،

خوشنودیش صرف کردید و مردم را به طریقه نبوت و راههای رسالت واداشتید

وَسِرْتُمْ فِيهِ بِسِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَمَذَاهِبِ الْأَوْصِيَاءِ، فَلَمْ يُطِعْ لَكُمْ أَمْرٌ،

و در این راه به سیره پیامبران و در راههای اوصیاء گام برداشتید ولی از دستور شما پیروی نکردند

وَلَمْ تُصْنَعْ إِلَيْكُمْ أُذُنٌ فَصَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ پَسْ خُودِ

و به سخن شما گوش ندادند - درودهای خدا بر روانهای شما و بر اجساد شما باد - * * *

رَا بِه قَبْرِ مُنَوَّرٍ مِي چَسْبَانِي وَ مِي گوئی: بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا حُجَّةَ اللَّهِ، لَقَدْ

***** پدر و مادرم به قربانت ای حجت خدا که برستی

أَرْضِعْتَ بِثَدْيِ الْإِيمَانِ، وَفُطِمْتَ بِنُورِ الْإِسْلَامِ، وَغَذَيْتَ بِبِرْدِ الْبَيْقِينِ،

تو از پستان ایمان شیرخوردی و با نور اسلام از شیرت باز گرفتند و از غذای گوارای بیقین غذا خوردی

وَأَلْبَسْتَ حُلَّ الْعِصْمَةِ، وَاصْطَفَيْتَ وَ وُرِّثْتَ عِلْمَ الْكِتَابِ وَوَلَقَنْتَ

و جامه‌های عصمت در برت کردند و برگزیده شده و علم قرآن را به ارث بردی و طریقه داوری

فَصَلَ الْخِطَابِ، وَأَوْضَحَ بِمَكَانِكَ مَعَارِفَ التَّنْزِيلِ وَغَوَامِضُ

و جدا ساختن میان حق و باطل به تو الهام و تلقین شد و روشن شد بواسطه مکانت و منزلت معارف قرآن و مشکلات

التَّأْوِيلِ، وَسَلَّمْتَ إِلَيْكَ رَايَةَ الْحَقِّ، وَكَلَّفْتَ هِدَايَةَ الْخَلْقِ، وَبَدَدَ إِلَيْكَ

تأویل و پرچم حق بدست تو داده شد و هدایت و راهنمایی خلق به تو تکلیف شد

عَهْدُ الْأِمَامَةِ، وَالزَّمْتَ حِفْظَ الشَّرِيعَةِ، وَأَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ وَفَيْتَ

و عهد و فرمان امامت به تو رسید و به حفظ شریعت ملزم گشتی و گواهی دهم ای سرور من که تو بخوبی وفا کردی

بِشَرَائِطِ الْوَصِيَّةِ، وَقَضَيْتَ مَا لَزِمَكَ مِنْ حُدِّ الطَّاعَةِ، وَنَهَضْتَ

به شرایط وصیت و هر حدی از اطاعت را که به انجام آن ملزم بودی انجام دادی و به مسئولیتهای

بِأَعْبَاءِ الْأِمَامَةِ، وَاحْتَذَيْتَ مِثَالَ النَّبُوَّةِ فِي الصَّبْرِ وَالْأَجْتِهَادِ

سنگین امامت قیام کردی و بر طبق الگوی نبوت در این راه گام برداشتی در شبکیائی و کوشش

وَالنَّصِيحَةَ لِلْعِبَادِ، وَكَظَمَ الْغَيْظَ وَالْعَفْوِ عَنِ النَّاسِ، وَعَزَمْتَ عَلَى

و خیرخواهی بندگان و فرو بردن خشم و گذشت از مردم، و مصمم بودی بر

الْعَدْلَ فِي الْبَرِيَّةِ، وَالنَّصْفَةَ فِي الْقَضِيَّةِ، وَوَكَّدْتَ الْحُجَجَ عَلَى الْأُمَّةِ

عدل و داد در میان مردم و انصاف در قضاوت و حکم و محکم کردی حجتهای خود را بر امت (اسلامی)

بِالدَّلَائِلِ الصَّادِقَةِ، وَالشَّرِيعَةِ النَّاطِقَةِ وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ

بوسیله دلیلهای راست و درست و زبان گویای شریعت و دعوت کردی (مردم را) بسوی خدا بوسیله حکمت

الْبَالِغَةِ، وَالْمَوْعِظَةَ الْحَسَنَةَ، فَمُنِعْتَ مِنْ تَقْوِيمِ الزِّيغِ، وَسَدَّدْتَ الثَّلَمَ،

رسا و پند نیکو ولی نگذارند کجیها را راست کنی و شکستگیها را پر کنی

وَاصْلَاحِ الْفَاسِدِ، وَكَسْرِ الْمُعَانِدِ، وَاحْيَاءِ السُّنَنِ، وَإِمَامَةِ الْبِدْعِ، حَتَّى

و مفاصل را اصلاح و دشمنان ستمیزه جو را در هم شکنی و سنتها را زنده و بدعتها را بمیرانی تا اینکه

فَارَقْتَ الدُّنْيَا وَأَنْتَ شَهِيدٌ، وَلَقِيتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

از این جهان بصورت شهادت برفتی و در حالی رسول خدا صلی الله علیه و آله را

وَأَنْتَ حَمِيدٌ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ تَرَادَفٌ وَتَزِيدٌ. بعد برو بطرف پایین پای

دیدار کردی که ستوده (و پسندیده) بودی - درودهای خدا بر تو باد بطور پیاپی و فزونی * * * * *

مبارک و بگو: يَا سَادَتِي يَا آلَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنِّي بِكُمْ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ جَلَّ

* * * * * ای آقایان من ای خاندان رسول خدا من بوسیله شما تقرب جویم بدرگاه خدای جل

وَعَلَا، بِالْخِلَافِ عَلَى الَّذِينَ غَدَرُوا بِكُمْ، وَكَتَبُوا بِيَعْتَكُمْ، وَجَحَدُوا

و علا به اینکه مخالفم با کسانی که نیرنگ زدند به شما و بیعت شما را شکستند

وَلَا يَتَّبِعُكُمْ، وَأَنْكَرُوا مَنْزِلَتَكُمْ، وَخَلَعُوا رِبْقَةَ طَاعَتِكُمْ، وَهَجَرُوا أَسْبَابَ

و زمامداری شما و همچنین منزلت و مقام شما را انکار کردند و رشته پیروی شما را از گردن خود باز کردند و وسائل

دوستی

مَوَدَّتِكُمْ، وَتَقَرَّبُوا إِلَى فِرَاعَتِهِمْ بِالْبِرَاءَةِ مِنْكُمْ وَالْأَعْرَاضِ عَنْكُمْ،

شما را به دور افکندند و به دربار زمامداران ناحق و فرعون مسلک خود تقرب جستند بوسیله بیزاری جستن و

روگرداندن از شما

وَمَنْعُكُمْ مِنْ إِقَامَةِ الْحُدُودِ، وَإِسْتِيصَالِ الْجُحُودِ، وَسَعْبِ الصَّدَقِ،

و جلوگیری کردند شما را از برپاداشتن حدود الهی و ریشه کن کردن انکار (حق تعالی) و گرفتن شکافهای دین،

وَلَمَّ الشَّعَثِ، وَسَدَّ الْخَلَلِ، وَتَثْفِيفِ الْأَوْدِ، وَإِمْضَاءِ الْأَحْكَامِ، وَتَهْذِيبِ

و رفع پریشانی، و بستن رخنه‌ها و برطرف کردن کجی، و اجرای احکام، و تهذیب (قوانین)

الْإِسْلَامِ، وَقَمْعِ الْأَثَامِ، وَأَرْهَجُوا عَلَيْكُمْ نَفْعَ الْحُرُوبِ وَالْفِتَنِ وَأَنْحَوْا

اسلام، و از بین بردن گناهان، و برانگیختند بر ضد شما (طوفانها) و غبار جنگها و آشوبها را و زدند

عَلَيْكُمْ سَيْوِفَ الْأَحْقَادِ، وَهَتَكُوا مِنْكُمْ السُّتُورَ، وَابْتَاعُوا بِخُمْسِكُمْ

به شما شمشیرهای کینه را و پرده‌های حرمت شما را بدریدند و با پول خمس شما

الْخُمُورَ، وَصَرَفُوا صَدَقَاتِ الْمَسَاكِينِ إِلَى الْمُضْحِكِينَ وَالسَّاحِرِينَ،

شرابها خریدند و صدقات (و حقوق) مساکین و بیچاره‌ها را به دلکها و مسخره‌چیان دادند

وَذَلِكَ بِمَا طَرَقَتْ لَهُمُ الْفَسَقَةُ الْغَوَاةُ، وَالْحَسَدَةُ الْبُغَاةُ، أَهْلُ النَّكْثِ

و این (خلافکاریها) بدان جهت شد که راه را باز کردند برای آنها فاسقان گمراه و حسودان ستم‌پیشه و مردمان پیمان

شکن

وَالْغَدْرِ وَالْخِلَافِ وَالْمَكْرِ، وَالْقُلُوبِ الْمُتْنِنَةِ مِنْ قَدَرِ الشَّرِّ،

و دغل و اهل خلاف و نیرنگ و دل‌هانی که از کثافت شرک بدبو گشته

وَالْأَجْسَادِ الْمُشْحَنَةِ مِنْ دَرَنِ الْكُفْرِ، الَّذِينَ أَضَبُوا عَلَى النَّفَاقِ،

و اجسادی که از چرکی کفر آکنده شده بود آنانکه به نفاق و دورویی گرویدند

وَ اكْبُوا عَلَى عَلَائِقِ الشَّقَاقِ، فَلَمَّا مَضَى الْمُصْطَفَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ

و بطرف و سائل و رشته‌های تفرقه هجوم بردند، چون پیامبر مصطفی صلوات الله علیه

وَ آلِهِ، اِخْتَطَفُوا الْعِرَّةَ، وَ اتَهَزُّوا الْفُرْصَةَ، وَ اتَهَكُّوا الْحُرْمَةَ، وَ عَادَرُوهُ

و آله از این جهان درگذشت (اهل اسلام را) غافلگیر کردند و فرصت را غنیمت شمردند و حرمت (اهل بیت) را دریدند

عَلَى فِرَاشِ الْوَفَاةِ، وَ أَسْرَعُوا لِنَقْضِ الْبَيْعَةِ، وَ مُخَالَفَةِ الْمَوَاتِقِ،

و آن حضرت را در بستر مرگ گذارده و شتافتند برای شکستن بیعت و مخالفت پیمانهای محکمی

الْمُؤَكَّدَةِ، وَ خِيَانَةَ الْأَمَانَةِ الْمَعْرُوضَةَ عَلَى الْجِبَالِ الرَّاسِيَةِ وَ ابْتَأَنُ

که بسته بودند و خیانت کردن نسبت به آن امانتی که عرضه شد بر کوههای محکم و آنها از حملش خودداری کردند

تَحْمِلَهَا، وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ الظُّلُومُ الْجَهُولُ، ذُو الشَّقَاقِ وَالْعِزَّةِ

و برداشت آن را این انسان ستمگر نادان تفرقه‌اندازی که مباحات می‌کردند

بِالْإِثْمِ الْمُؤَلِّمَةِ، وَ الْإِنْفَةِ عَنِ الْإِنْتِقَادِ لِحَمِيدِ الْعَاقِبَةِ، فَحُسِرَ سَفَلَةُ

به گناهان دردناک و ننگ داشتن از گردن نهادن برای کار انجام ستوده پس کار بدانجا کشید که گراآمدند فرومایگان

الْأَعْرَابِ وَ بَقَايَا الْأَحْزَابِ إِلَى دَارِ النُّبُوَّةِ وَ الرَّسَالَةِ، وَ مَهَبَطِ الْوَحْيِ

از عربهای بیابان و باقیماندگان احزاب (قریش) به در خانه نبوت و رسالت و محل هبوط وحی الهی

وَ الْمَلَكَةِ، وَ مُسْتَقَرَّ سُلْطَانِ الْوَلَايَةِ، وَ مَعْدِنِ الْوَصِيَّةِ وَ الْخِلَافَةِ

و فرشتگان، و مرکز سلطنت حکومت اسلام و معدن وصیت و جانشینی (رسول گرامی)

وَ الْأَمَامَةِ، حَتَّى نَقَضُوا عَهْدَ الْمُصْطَفَى فِي آخِيهِ عِلْمِ الْهُدَى،

و امامت تا اینکه شکستند پیمان حضرت مصطفی را درباره برادرش پرچم هدایت

وَ الْمُبِينِ طَرِيقِ النِّجَاةِ مِنْ طُرُقِ الرَّدَى، وَ جَرَحُوا كَيْدَ خَيْرِ الْوَرَى

و آشکار کننده راه رستگاری از راههای هلاکت و نابودی و مجروح کردند جگر بهترین خلق خدا را

فِي ظُلْمِ ابْنَتِهِ، وَ اضْطِهَادِ حَبِيبَتِهِ، وَ اهْتِضَامِ عَزِيزَتِهِ، بَضْعَةِ لَحْمِهِ،

با آن ستمی که به دخترش کردند و محبویه‌اش را لگدکوب نمودند و عزیزش را پایمال ظلم و ستم ساختند همانکه پاره

تنش

وَفَلْدَةَ كَبِدِهِ، وَخَذَلُوا بَعْلَهَا، وَصَغَرُوا قَدْرَهُ، وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَهُ،

و جگر گوشه‌اش بود، و شوهرش را تنها و بی‌کس گذاردند و قدر و منزلتش را خوار شمردند و حرمتش را هتک نمودند

وَقَطَعُوا رَحِمَهُ، وَأَنْكَرُوا أُخُوَّتَهُ، وَهَجَرُوا مَوَدَّتَهُ، وَتَقَضُّوا طَاعَتَهُ،

و رحم او را قطع کردند و برادریش را (با رسول خدا) انکار نمودند و دوستیش را رها کردند و (دستور) فرمانبرداریش

وَجَحَدُوا وَلاِيَّتَهُ، وَأَطَمَعُوا الْعَبِيدَ فِي خِلَافَتِهِ، وَقَادُوهُ إِلَى بَيْعَتِهِمْ

را شکستند و زمامداریش را انکار کردند و بردگان را در خلافت او به طمع انداختند و او را بسوی بیعت با آنها کشیدند

مُضَلَّتِي سَيُوفِهَا، مُقَدِّعَةَ أَسْنَتَيْهَا، وَهُوَ سَاخِطُ الْقَلْبِ، هَائِجُ الْعَضَبِ،

در زیر شمشیرهای آخته نيزه‌های برهنه و در آن حالی که آن جناب دلش نسبت به آنان خشمگین شد و خشمش

تحریک گشته

شَدِيدُ الصَّبْرِ، كَاظِمُ الْغَيْظِ، يَدْعُونَهُ إِلَى بَيْعَتِهِمْ الَّتِي عَمَّ شَوْمُهَا

و سخت شکیبایی کرد و خشم خود را فرو برد، او را دعوت می‌کردند به بیعتی که شومی آن

الْإِسْلَامَ، وَزَرَعَتْ فِي قُلُوبِ أَهْلِهَا الْآثَامَ، وَعَقَّتْ سُلْمَانَهَا، وَطَرَدَتْ

اسلام را فراگرفت و تخم گناهها را در دل اهل آن کاشت و سلمان فارسی را کنار زده و مقداد

مِقْدَادَهَا، وَنَفَتْ جُنْدُبَهَا، وَفَتَقَتْ بَطْنَ عَمَارِهَا، وَحَرَفَتْ الْقُرْآنَ،

را طرد نمودند و ابوذر را تبعید کردند و درون شکم عمار را پاره کرده و قرآن را تحریف کردند

وَبَدَّلَتْ الْأَحْكَامَ وَغَيَّرَتْ الْمَقَامَ، وَأَبَا حَتِّ الْخُمْسِ لِلطَّلْقَاءِ، وَسَلَّطَتْ

و احکام را جایجا کرده و مقام (خلافت) را تغییر دادند و خمس را برای آزادشدگان (در فتح مکه) مباح ساختند

أَوْلَادَ اللَّعْنَاءِ عَلَى الْفُرُوجِ وَالِدَمَاءِ، وَخَلَطَتْ الْحَلَالَ بِالْحَرَامِ،

و فرزندان لعنت‌شدگان را بر نوامیس و خون مردم مسلط کردند و حلال را با حرام مخلوط ساخته

وَاسْتَخَفَّتْ بِالْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ، وَهَدَمَتْ الْكِعْبَةَ، وَأَغَارَتْ عَلَى دَارِ

و ایمان و اسلام را خوار و خفیف نمودند و خانه کعبه را ویران ساختند و در جنگ «حره»

الْهَجْرَةَ يَوْمَ الْحَرَّةِ، وَأَبْرَزَتْ بَنَاتِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ لِلنِّكَالِ

هجرتگاه رسول خدا را غارت کرده و دختران مهاجر و انصار را برای شکنجه و بیدادگری از پرده

وَالسُّورَةِ، وَالْبَسْتَهُنَّ ثَوْبَ الْعَارِ وَالْفَضِيحَةَ، وَرَخَّصَتْ لِأَهْلِ

بیرون کشیدند و جامه ننگ و رسوائی در برشان کرده و به اهل شبهه و نفاق رخصت و آزادی

السُّبُهَةِ فِي قَتْلِ أَهْلِ بَيْتِ الصَّقْوَةِ، وَإِبَادَةِ نَسْلِهِ، وَاسْتِيصَالَ شَافَتِهِ،

دادند برای کشتار اهل بیت برگزیده حق و نابود کردن نسل پاکش و ریشه کن کردن آنها

وَسَبِي حَرَمِهِ، وَقَتْلِ أَنْصَارِهِ، وَكَسْرِ مَنِيرِهِ، وَقَلْبِ مَقْخَرِهِ، وَاخْفَاءِ دِينِهِ،

و اسیر کردن حرمش و کشتن یارانش و شکستن منبرش و وارونه کردن مفاخرش و پنهان کردن دینش

وَقَطْعِ ذِكْرِهِ، يَا مَوَالِيَّ فَلَوْ عَايَنَكُمُ الْمُصْطَفَى وَسِيَّاهُ الْأُمَّةِ مَعْرِفَةً

و از بین بردن نامش! ای سروران من پس چه حالی داشت پیامبر مصطفی اگر شما را مشاهده می کرد در آن حالی که

فِي أَكْبَادِكُمْ، وَرِمَاحُهُمْ مُشْرَعَةٌ فِي نُحُورِكُمْ، وَسَيُوفُهَا مُوَلَعَةٌ فِي

تیرهای (ستم) امت (او) در (خون) جگرهای شما غرق گشته و نیزه هاشان در گلوی شریف شما فرو رفته و

شمشیرهاشان خون پاک

دِمَائِكُمْ، يَشْفِي أَبْنَاءَ الْعَوَاهِرِ غَلِيلَ الْفِسْقِ مِنْ وَرَعِكُمْ، وَغَيْظَ الْكُفْرِ

شما را آشامیده و زنازادگان عطش فسق و خشم و کفر خود را از پارسائی و ایمان شما فرو نشانند (و از دولت سر شما

و ایمان شما

مِنْ إِيْمَانِكُمْ، وَأَنْتُمْ بَيْنَ صَرِيحٍ فِي الْمِحْرَابِ قَدْ فَلَقَ السَّيْفُ هَامَتَهُ

دست به کارهای ناشایست زدند) با اینکه شما در آن حال یا در محراب عبادت با فرق شکافته افتاده بودید

وَشَهِيدٍ فَوْقَ الْجَنَازَةِ قَدْ شُكَّتْ أَكْفَانُهُ بِالسَّهَامِ، وَقَتِيلٍ بِالْعِرَاءِ قَدْ

و یا شهید گشته و جنازه تان در تابوت هدف تیرها قرار گرفته و کفتان سوراخ سوراخ گشته و یا کشته در بیابان افتاده

رُفِعَ فَوْقَ الْقَنَاةِ رَأْسُهُ، وَمُكَبَّلٍ فِي السِّجْنِ قَدْ رُضَّتْ بِالْحَدِيدِ

و سر مقدسش بالای نیزه ها رفته و یا به زنجیر بسته در میان زندان که فشار زنجیر گران

أَعْضَائِهِ، وَمَسْمُومٍ قَدْ قَطَّعَتْ بِجُرْعِ السَّمِّ أَمْعَاءَهُ، وَشَمْلُكُمْ عِبَادِيدُ

اعضای شریفش را درهم کوفته و یا مسمومی که از جرعه های زهر امعاء شریفش قطعه قطعه شده و جمع شما پریشان

گشته

تُفْنِيهِمُ الْعَبِيدُ وَأَبْنَاءُ الْعَبِيدِ، فَهَلِ الْمِحْنُ يَا سَادَتِي إِلَّا الَّتِي لَزِمْتَكُمْ،

و بردگان و برده‌زادگان آنها را نابود می‌کردند! پس ای بزرگان و سروران من آیا محنت و بلا جز آنها بود که بر شما فرو

ریخت

وَالْمَصَائِبُ إِلَّا الَّتِي عَمَّتْكُمْ، وَالْفَجَائِعُ إِلَّا الَّتِي خَصَّتْكُمْ، وَالْقَوَارِعُ

و مصیبت جز آنهایی بود که شما را فرا گرفت و فجایع دردناک جز آنهایی بود که مخصوص شما گردید و حوادث

کوبنده

إِلَّا الَّتِي طَرَقَتْكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ

جز آنهایی بود که به شما وارد شد؟! درودهای خدا بر شما و بر روانتان و پیکرتان

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. بعد قبر منور را ببوس و بگو: بَابِي أَنْتُمْ وَآمِي يَا آلَ

و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد * * * * * پدر و مادرم به فدای شما ای

خاندان

الْمُصْطَفَى، إِنَّا لَا نَمْلِكُ إِلَّا أَنْ نَطُوفَ حَوْلَ مَشَاهِدِكُمْ، وَتُعْزِي فِيهَا

مصطفی ما (فعلًا) کاری از دستمان ساخته نیست جز آنکه گرد زيارتگاههای شما بگردیم و ارواح مقدسه شما

أَرْوَاحِكُمْ عَلَى هَذِهِ الْمَصَائِبِ الْعَظِيمَةِ الْحَالَّةِ بِفَنَائِكُمْ، وَالرِّزَايَا

را تسلی دهیم بر این مصیبتهای بزرگی که به آستان مقدس شما رسیده و این پیش‌آمدهای ناگوار

الْجَلِيلَةِ النَّازِلَةِ بِسَاحَتِكُمْ الَّتِي أَثْبَتَتْ فِي قُلُوبِ شِيعَتِكُمُ الْقُرُوحَ،

و گرانی که به ساحت شما فرود آمده و دل‌های شیعیان شما را جریحه‌دار کرده

وَأَوْرَثَتْ أَكْبَادَهُمُ الْجُرُوحَ، وَزَرَعَتْ فِي صُدُورِهِمُ الْغُصَصَ، فَنَحْنُ

و جگرهای آنان را ریش کرده! و در سینه‌هاشان غصه و اندوه کاشته است و ما

نُشْهِدُ اللَّهَ أَنَّا قَدْ شَارَكْنَا أَوْلِيَاءَكُمْ وَأَنْصَارَكُمْ، الْمُتَقَدِّمِينَ فِي إِرَاقَةِ

خدای را گواه می‌گیریم که شریک هستیم با دوستان و یاران گذشته شما در ریختن

دِمَاءِ النَّاكِثِينَ وَالْفَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ، وَقَتْلَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ شَبَابِ

خون پیمان شکنان و تجاوزکاران و از دین بیرون رفتگان و کشتندگان ابی‌عبدالله‌الحسین‌آقای‌جوانان

أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَوْمَ كَرَبْلَاءَ بِالنِّيَّاتِ وَالْقُلُوبِ، وَالتَّاسُفِ

اهل بهشت علیه‌السلام در کربلا بوسیله نیتها و دل‌هاشان و تأسف خوردن

عَلَى قُوَّةِ تِلْكَ الْمَوَاقِفِ الَّتِي حَضَرُوا لِنُصْرَتِكُمْ، وَعَلَيْكُمْ مَنَّا

بر اینکه حضور در آن جنگهائی که آنان برای یاریتان حضور یافتند از دست ما رفته،

السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. * بعد قبر شریف را بین خود و قبله قرار بده و

و سلام، و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد *****

بگو: اللَّهُمَّ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الَّتِي صَدَرَ عَنْهَا الْعَالَمُ مَكُونًا مَبْرُؤًا عَلَيْهَا،

خدایا ای صاحب آن جنان قدرتی که این جهان از آن قدرت هستی یافت و در آن پدید آمد

مَفْطُورًا تَحْتَ ظِلِّ الْعِظْمَةِ، فَنَطَقْتَ شَوَاهِدُ صُنْعِكَ فِيهِ، بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ

و در زیر سایه عظمت و بزرگی او آفریده شد و گویا شد شواهد خلقتت در آن به اینکه تویی آن خدائی

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مَكُونُهُ وَبَارئُهُ وَقَاطِرُهُ، ابْتَدَعْتَهُ لَا مِنْ شَيْءٍ وَلَا

که معبودی جز تو نیست و هستی بخش آن و پدید آورنده و آفریدگارش تویی که آن را پدید آوردی نه از چیزی و نه

عَلَى شَيْءٍ وَلَا فِي شَيْءٍ، وَلَا لَوْحِشَةٍ دَخَلَتْ عَلَيْكَ، إِذْ لَا غَيْرَكَ وَلَا

بر روی چیزی و نه در چیز دیگری و نه به خاطر وحشتی که (از تنهایی خود) بر تو وارد شده باشد در

حَاجَةٌ بَدَتْ لَكَ فِي تَكْوِينِهِ، وَلَا لِاسْتِعَانَةٍ مِنْكَ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدَهُ، بَلْ

آن هنگامی که جز تو چیزی نبود و نه از روی احتیاجی که در آفرینش آن برایت پیدا شده باشد و نه برای اینکه پس از

خلقتش

أَنْشَأْتَهُ لِيَكُونَ دَلِيلًا عَلَيْكَ، بِأَنَّكَ بَايِنٌ مِنَ الصَّنْعِ، فَلَا يُطِيقُ

استعانت بدان جوئی بلکه آن را ایجاد کردی تا دلیل و راهنمایی باشد بر تو به اینکه تو خود جدائی از ساختمان آفرینش،

عقل هیچ

الْمُنْصِفُ لِعَقْلِهِ أَنْكَارَكَ، وَالْمَوْسُومُ بِصِحَّةِ الْمَعْرِفَةِ جُودَكَ، أَسْأَلُكَ

با انصافی تاب انکار تو را ندارد و هیچ شخصی که نامدار به معرفت صحیح باشد نتواند منکر تو گردد از تو خواهم

بِشَرَفِ الْأَخْلَاصِ فِي تَوْحِيدِكَ، وَحُرْمَةِ التَّعَلُّقِ بِكِتَابِكَ وَأَهْلِ بَيْتِ

به شرافت اخلاص در یکتا پرستیت و به حق حرمت علاقه مندی به کتاب آسمانیت و به حق خاندان

نَبِيِّكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ أَدَمَ بَدِيعِ فِطْرَتِكَ، وَبِكُرِّ حُجَّتِكَ، وَلِسَانِ

پیامبرت که درود فرستی بر آدم آن پدیدۀ خلقتت و نخستین حججت و زبان

قُدْرَتِكَ، وَالْخَلِيفَةَ فِي بَسِيطَتِكَ، وَعَلَى مُحَمَّدٍ الْخَالِصِ مِنْ صَفْوَتِكَ،

قدرت و نیرویت و خلیفه در زمین پهناورت و بر محمد آن خالص از برگزیدگان

وَالْفَاحِصِ عَنِ مَعْرِفَتِكَ، وَالْغَائِصِ الْمَأْمُونِ عَلَى مَكْنُونِ سَرِيرَتِكَ،

و جستجو کننده از معرفت و شناور (در دریای شناسائی) و امین بر راز پنهانت

بِمَا أَوْلَيْتَهُ مِنْ نِعْمَتِكَ بِمَعُونَتِكَ، وَعَلَى مَنْ بَيْنَهُمَا مِنَ النَّبِيِّينَ

بدانچه او را برگزیدی از نعمتی که به کمک خودت به او عنایت کردی و بر پیامبران

و الْمَكْرَمِينَ، وَالْأَوْصِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ، وَأَنْ تَهَبِنِي لِإِمَامِي هَذَا پَس

و گرامیان و اوصیاء و راستگویانی که مابین آن دو بزرگوار بودند و دیگر آنکه (از تو خواهم) مرا به این امامم ببخشی *

*

پهلوی روی خود را بر ضریح مبارک بگذار و بگو: اللَّهُمَّ بِمَحَلِّ هَذَا السَّيِّدِ مِنْ

طاعتک، و بِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكَ لَا تُمَتِّنِي فُجَاءَةً، وَلَا تَحْرِمْنِي تَوْبَةً،

اطاعت تو دارد و به منزلتی که در پیش تو دارد مرا به مرگ ناگهانی نمیران و از توبه محروم منما

وَارْزُقْنِي الْوَرَعَ عَنِ مَحَارِمِكَ دِينًا وَدُنْيَا، وَاشْغَلْنِي بِالْآخِرَةِ عَنِ

و پارسائی از محرمات را در دین و دنیا روزی من گردان و از طلب کردن دنیا به کار آخرت سرگرم کن

طَلَبِ الْأُولَى، وَوَفَّقْنِي لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، وَجَنِّبْنِي اتِّبَاعَ الْهَوَى

و موفقم دار بدانچه تو دوست داری و خوشنودی و دورم کن از پیروی هوای نفس

وَالْأَغْتِرَارَ بِالْأَبَاطِيلِ وَالْمُنَى، اللَّهُمَّ اجْعَلِ السَّدَادَ فِي قَوْلِي

و گول خوردن به کارهای باطل و آرزوها، خدایا قرار ده راستی را در گفتارم

وَالصَّوَابَ فِي فِعْلِي، وَالصَّدْقَ وَالْوَفَاءَ فِي ضَمَانِي وَوَعْدِي،

و درستی را در کردارم و وفا را در تعهد و وعدهام

وَالْحِفْظَ وَالْإِيْنَانَ مَقْرُونِينَ بَعْهْدِي وَوَعْدِي، وَالْبِرَّ وَالْإِحْسَانَ مِنْ

و حفظ (از یاد نبردن) و بینائی را مقرون به عهد و پیمانم و نیکوئی و احسان را در

شَانِي وَخَلْقِي، وَاجْعَلِ السَّلَامَةَ لِي شَامِلَةً وَالْعَافِيَةَ بِي مُحِيطَةً

رفتار و اخلاقم و چنان کن که (همیشه) سلامت شاملم باشد و تندرستی بپیچده به اطرافم باشد

مُلْتَقَةً، وَلَطِيفَ صُنْعِكَ وَعَوْنِكَ مَصْرُوفاً إِلَيَّ، وَحَسْنَ تَوْفِيقِكَ

و رفتار لطیف و کمکت را بسوی من متوجه کن و توفیق نیک

وَيُسْرَكَ مَوْفُوراً عَلَيَّ، وَأَحْسِنِي يَا رَبُّ سَعِيداً، وَتَوَفَّنِي شَهِيداً،

و آسانی کار را بر من وافر و کامل گردان و زنده‌ام بدار پروردگارا به خوشبختی و بمیرانم بصورت شهادت

وَطَهَّرْنِي لِلْمَوْتِ وَمَا بَعْدَهُ، اَللّهُمَّ وَاجْعَلِ الصَّحَّةَ وَالنُّورَ فِي

(در راه دین) و برای مرگ و عالم پس از مرگ پاکم کن، خدایا و بنه صحت و روشنی را در

سَمْعِي وَبَصْرِي وَالْجِدَّةَ وَالْخَيْرَ فِي طُرُقِي، وَالْهُدَى وَالْبَصِيرَةَ فِي

گوشم و در دیده‌ام و توانگری و خیر و خوبی را در راههایم و راهنمایی را در

دِينِي وَمَذْهَبِي، وَالْمِيزَانَ أَبَداً نَصَبَ عَيْنِي، وَالذِّكْرَ وَالْمَوْعِظَةَ

دین و آئینم و میزان (عدل و شرع) را همیشه در برابر چشمم و ذکر و پند را

شِعَارِي وَدِثَارِي، وَالْفِكْرَةَ وَالْعِبْرَةَ أَنْسَى وَعِمَادِي، وَمَكَّنَ الْيَقِينَ

شعار و جامه‌ام و اندیشه و عبرت را انیس و تکیه‌گاهم و جای ده یقین را

فِي قَلْبِي، وَاجْعَلْهُ أَوْثَقَ الْأَشْيَاءِ فِي نَفْسِي، وَاعْلِبْهُ عَلَيَّ رَأْيِي

در دلم و بگردان آن را محکمترین چیزها در پیش من و چیره کن آن را بر رای

وَعَزْمِي، وَاجْعَلِ الْإِرْشَادَ فِي عَمَلِي، وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ مِهَادِي

و تصمیمم و قرار ده ارشاد در کردار و تسلیم در برابر دستورت را بستر

وَسَنْدِي، وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ وَقَدْرِكَ أَقْصَى عَزْمِي وَبِهَائِي، وَأَبْعَدَ

و پشتوانه‌ام و راضی بودن به قضا و قدرت را آخرین حد تصمیم و مقصودم و عالیترین

هَمِّي وَغَايَتِي، حَتَّى لَا أَتَقِيَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ بِدِينِي، وَلَا أَطْلُبَ بِهِ

نقطه همت و هدفم تا پرهیز نکنم از هیچیک از خلق تو در کار دینم و نجویم بوسیله آن

غَيْرَ آخِرَتِي، وَلَا أَسْتَدْعِي مِنْهُ إِطْرَائِي وَمَدْحِي، وَاجْعَلْ خَيْرَ

جز آخرتم را و نخواهم از آن نناگوئی و مدحم را (و تنها دینم برای تو باشد) و بگردان بهترین

الْعَوَاقِبِ عَاقِبَتِي، وَخَيْرَ الْمَصَائِرِ مَصِيرِي، وَأَنْعَمَ الْعَيْشِ عَيْشِي،

سرانجامها را سرانجام من و بهترین بازگشتگاهها را بازگشتگاه من و خوشترین زندگی را زندگی من

وَأَفْضَلَ الْهُدَى هُدَايَ، وَأَوْفَرَ الْحُظُوظِ حَظِّي، وَأَجْزَلَ الْأَقْسَامِ

و بهترین هدایت را هدایت من و کاملترین بهره‌ها را بهره من و شایانترین قسمتها را

قَسْمِي وَنَصِيبِي، وَكُنْ لِي يَا رَبُّ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَلِيًّا، وَإِلَى كُلِّ خَيْرٍ

قسمت و نصیب من، و باش برای من پروردگارا از هر بدی نگهدار و بسوی هر کار خیری

دَلِيلًا وَقَائِدًا، وَمِنْ كُلِّ بَاغٍ وَحَسُودٍ ظَهِيرًا وَمَانِعًا، اللَّهُمَّ بَكَ

راهنما و رهبر و از هر ستمکار و حسودی پشتیبان و جلوگیری، خدایا تنها

اعْتِدَادِي وَعِصْمَتِي، وَتَقَاتِي وَتَوْفِيقِي، وَحَوْلِي وَقُوَّتِي، وَلَكَ مَحْيَايَ

به تو است توشه‌گیری و خود نگهداری و وثوق و توفیق و جنبش و نیرویم و از تو است زندگی

وَمَمَاتِي، وَفِي قَبْضَتِكَ سَكُونِي وَحَرَكَتِي، وَإِنَّ بَعْرُوتَكَ الْوُثْقَى

و مرگم و در قبضه قدرت تو است آرامش و جنبشم و همانا به رشته محکم تو است

اسْتِمْسَاكِي وَوُصْلَتِي، وَعَلَيْكَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا اعْتِمَادِي وَتَوَكُّلِي،

تمسک و توسل و تنها بر تو است در هر کاری اعتماد و توکلم

وَمِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَمَسِّ سَقَرِ نَجَاتِي وَخَلَاصِي، وَفِي دَارِ أَمْنِكَ

و نجات و رهاییم از عذاب جهنم و تماس پیدا کردن با دوزخ فقط بدست تو است و در خانه امن

وَكَرَامَتِكَ مَثْوَايَ وَمُنْقَلَبِي، وَعَلَى آيَدِي سَادَتِي وَمَوَالِيَّ آلِ

و کرامت تو است منزل و مأوایم و بدست آقایان و سرورانم خاندان

الْمُصْطَفَى فَوْزِي وَفَرَجِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

پیامبر مصطفی است رستگاری و گشایش کارم خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاعْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، وَاعْفِرْ لِي

و بیامرز مردان مؤمن و زنان با ایمان و مردان و زنان مسلمان را و بیامرز مرا

وَلِوَالِدَيَّْ وَمَا وَكَّدَا، وَأَهْلِ بَيْتِي وَجِيرَانِي، وَلِكُلِّ مَنْ قَلَّدَنِي يَدًا مِّنَ

و پدر و مادرم را و فرزندانشان را و خاندانم و همسایگانم را و هر مرد و زن با ایمانی که حتی به گردن من دارد

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ. [وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ

که براستی تو دارای فضل و بخشش بزرگی هستی (و سلام و

رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ]. * چهارم دعائی است با مضامین عالیه که بعد از زیارت هر

رحمت خدا و برکاتش بر تو باد) * * * * *

یک از ائمه علیهم السلام خوانده می شود و این دعا را سید بن طاوس در مصباح

الزائر بعد از زیارت جامعه مذکوره نقل فرموده و آن دعای شریف این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هَذَا الْأِمَامَ

خدایا من زیارت کردم این امام را

مُقَرَّبًا بِإِمَامَتِهِ، مُعْتَقِدًا لِفَرْضِ طَاعَتِهِ فَقَصَدْتُ مَشْهَدَهُ بِذُنُوبِي

در حالی که اقرار به امامتش دارم و معتقدم که اطاعتش بر من واجب است و با این حال آهنگ زیارتگاهش را کردم با

گناہانی

وَعَيُوبِي، وَمُؤَبِّقَاتِ آثَامِي، وَكَثْرَةِ سَيِّئَاتِي وَخَطَايَايَ، وَمَا تَعْرِفُهُ

که دارم و با عیوب و جرمهای هلاکت بارم و بدیهای بسیار و خطاکاری‌هایم و آنچه تو خود می دانی

مَنِي، مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ مُسْتَعِيدًا بِحِلْمِكَ، رَاجِيًا رَحْمَتِكَ، لَاجئًا إِلَى

و پناه آورده‌ام به گذشتت و به بردباریت و امیدوارم به رحمتت و ملتجی گشته‌ام به پایه

رُكْنِكَ، عَائِدًا بِرَأْفَتِكَ مُسْتَشْفِعًا بِوَلِيَّتِكَ وَابْنِ (هر گاه این دعاء بعد از زیارت

و اساس مرحمتت و پناهنده‌ام به مهرت و شفیع گرفته‌ام ولی تو و فرزندت * * * * *

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد عوض کلمه و ابْنِ در تمام چهار موضع

و ابی گوید «منه»

أَوْلِيَّائِكَ، وَصَفِيَّتِكَ وَابْنِ أَصْفِيَّائِكَ، وَأَمِينِكَ وَابْنِ أَمَنَائِكَ، وَخَلِيفَتِكَ وَابْنِ

اولیانت را و برگزیده‌ات و پدر برگزیدگان را و امین تو و فرزند امانتدارانت را و جانشین تو و فرزند

خُفَائِكَ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَى رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، وَالذَّرِيعَةَ إِلَى

جانشینانت را آنکه قرارشان دادی وسیله‌ای بسوی رحمت و خورشودیت و واسطه‌ای برای

رَأْفَتِكَ وَغُفْرَانِكَ، اللَّهُمَّ وَأَوَّلُ حَاجَتِي إِلَيْكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنِّي

مهر و آمرزشت خدایا نخستین حاجتم بدرگاه تو این است که بیامرزی گناهان گذشته‌ام را

ذُنُوبِي عَلَى كَثْرَتِهَا، وَأَنْ تَعْصِمَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عَمْرِي، وَتُطَهِّرَ

با بسیاری آنها و نگاهم داری از گناه در باقیمانده عمرم و پاک کنی

دِينِي مِمَّا يُدْنِسُهُ وَيَشِينُهُ وَيُزْرِي بِهِ، وَتَحْمِيَهُ مِنَ الرَّيْبِ وَالشَّكِّ

دین و آئین مرا از آنچه آلوده و چرکینش کند و معیوش سازد و نگاهداریش کنی از شک و شبهه

وَالْفُسَادِ وَالشَّرْكِ، وَتَثَبِّتَنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَذُرِّيَّتِهِ

و فساد و شرک و استوارم بداری بر فرمانبرداری خود و فرمانبرداری پیامبرت و فرزندان

التُّجْبَاءِ السُّعْدَاءِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتِكَ وَسَلَامِكَ وَبَرَكَاتِكَ

نجیب و سعادت‌مندش - که درودهای تو و رحمت و سلام و برکاتت بر ایشان باد -

وَتُحْيِيَنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ وَتُمِيتَنِي إِذَا أَمَتَنِي عَلَى

و زنده‌ام بداری تا هر قدر که زنده‌ام بر فرمانبرداریشان و بمیرانیم هرگاه که مردم بر

طَاعَتِهِمْ وَأَنْ لَا تَمُحُو مِنِّي قَلْبِي مَوَدَّتِهِمْ وَمَحَبَّتِهِمْ وَبُغْضِ أَعْدَائِهِمْ

فرمانبرداریشان و محو نکنی از دل من دوستی و محبت ایشان و بغض دشمنانشان

وَمُرَافَقَةِ أَوْلِيَائِهِمْ وَبِرَّهُمْ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبُّ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ مِنِّي،

و رفاقت دوستانشان و نیکی کردن به ایشان را و از تو خواهم پروردگارا که بپذیری این (زیارت و دعا) را از من

وَتُحِبِّبَ إِلَيَّ عِبَادَتَكَ وَالْمُؤَاطَبَةَ عَلَيْهَا، وَتَنْشِطَنِي لَهَا، وَتُبَعْضُ إِلَيَّ

و مرا دوستدار عبادت کنی و مواظبم دهی بر آن و بنشاطم آوری برای عبادت و متنفرم کنی

مَعَاصِيكَ وَمَحَارِمِكَ، وَتَدْفَعَنِي عَنْهَا، وَتُجَنِّبَنِي التَّقْصِيرَ فِي

از گناهان و محرمات و بازم داری از آنها و برکنارم داری از کوتاهی کردن در

صَلَوَاتِي وَالْأَسْتِهَاةَ بِهَا، وَالتَّرَاحِيَّ عَنْهَا، وَتُوقِنُنِي لِتَأْدِيتِهَا كَمَا

نمازهایم و سرسری گرفتن آن و سستی و کاهلی کردن در آن و موقفم دار برای اداء آن چنانچه

فَرَضْتَ وَأَمَرْتَ بِهِ عَلَى سُنَّةِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

واجب کرده‌ای و دستور فرموده‌ای به روش پیامبرت - که درودهای تو

وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ خُضُوعاً وَخُشُوعاً، وَتَشْرَحَ صَدْرِي لِأَيْتَاءِ

و رحمت و برکاتت بر او و آلتش باد - با حال خضوع و خشوع و دیگر آنکه سینه‌ام را باز کنی (و بلندی نظر به من

دهی)

الزُّكُوةِ، وَأَعْطَاءِ الصَّدَقَاتِ، وَبَذْلِ الْمَعْرُوفِ وَالْإِحْسَانِ إِلَى شِيَعَةِ

برای پرداختن زکات و دادن صدقات و انجام کار نیک و احسان نسبت به شیعیان

آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَمَوَاسَاتِهِمْ وَلَا تَتَوَقَّأَنِي إِلَّا بَعْدَ أَنْ

آل محمد علیهم السلام و مواسات با آنها و نمیرانیم مگر بعد از اینکه

تَرْزُقَنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَقُبُورِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ

روزیم کنی حج خانه کعبه‌ات و زیارت قبر پیامبرت و قبور امامان علیهم السلام

السَّلَامِ، وَأَسْأَلُكَ يَا رَبُّ تَوْبَةً نَصُوحاً تَرْضَاهَا، وَيَتِيَةً تَحْمَدُهَا، وَعَمَلًا

را و از تو خواهم پروردگارا توبه حقیقی مورد پسندت را و نیتی که ستوده درگاه تو باشد و کردار

صَالِحًا تَقْبَلُهُ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي إِذَا تَوَقَّيْتَنِي، وَتَهَوِّنَ عَلَيَّ

شایسته‌ای که تو بپذیری و دیگر آنکه مرا بیامری و به من رحم کنی هنگامی که از این جهان مرا ببری و آسان کنی بر

سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَتَحْشُرَنِي فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ

من سختیهای مرگ را و محشورم کنی در گروه محمد و آلتش - که درودهای خدا

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَتَجْعَلَ دَمْعِي غَزِيرًا فِي

بر او و بر ایشان باد - و داخل بهشتم کنی به رحمت خودت و اشکم را فراوان کنی در انجام

طَاعَتِكَ، وَعَبْرَتِي جَارِيَةً فِيمَا يُقْرَبُنِي مِنْكَ، وَقَلْبِي عَطُوفًا عَلَى

طاعتت و سرشکم را ریزان نمائی در آنچه مرا به تو نزدیک گرداند و دلم را مهربان کنی نسبت

أَوْلِيَاءِكَ، وَتَصُونَنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا مِنَ الْعَاهَاتِ وَالْآفَاتِ،

به دوستانت و نگاهم داری در این دنیا از آسیبها و آفات

وَالْأَمْرَاضِ الشَّدِيدَةِ وَالْأَسْقَامِ الْمُزْمِنَةِ وَجَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ

و بیماریهای سخت و دردهای مزمن و از هر نوع بلا

وَالْحَوَادِثِ، وَتَصَرَّفَ قَلْبِي عَنِ الْحَرَامِ وَتُبِعُّضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ،

و حادثه‌ای و بگردانی دلم را از توجه به حرام و مبعوض گردانی در نزد من نافرمانی‌ها

و تُحِبُّبَ إِلَيَّ الْحَلَالَ، وَتَفْتَحَ لِي أَبْوَابَهُ، وَتُثَبِّتَ نِيَّتِي وَفِعْلِي عَلَيْهِ،

و محبوب گردانی در پیش من حلال را و بگشائی برویم درهای آن را و استوار کنی نیت و کارم را بر آن

وَتَمُدَّنِي فِي عُمْرِي، وَتُعَلِّقُ أَبْوَابَ الْمِحْنِ عَنِّي، وَلَا تَسْلُبْنِي مَا مَنَنْتَ

و دراز گردانی عمرم را و بربندی برویم درهای غم و محنت را و نعمتهائی که به من داده از من

بِهِ عَلَيَّ، وَلَا تَسْتَرِدِّ شَيْئًا مِمَّا أَحْسَنْتَ بِهِ إِلَيَّ، وَلَا تَنْزِعَ مِنِّي النِّعَمَ

نگیری و چیزی از احسانهای (بیشمار) خود را از من بازنستانی و جدا کنی از من نعمتهای (بسیاری)

الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ، وَتَزِيدَ فِيمَا حَوَّلْتَنِي، وَتُضَاعِفَهُ أضعافاً

را که به من عنایت فرمودی و بیفزائی بر آنچه به من ارزانی داشتی و مضاعف گردانی آنرا

مُضَاعَفَةً، وَتَرْزُقْنِي مَالاً كَثِيراً وَاسِعاً سَائِغاً، هَنِيئاً نَامِياً وَافِيّاً، وَعِزّاً

به چندین برابر و روزیم کنی مالی بسیار و وسیع و ریزان و گوارا و با برکت و رسا، و نیز عزتی

بَاقِياً كَافِياً، وَجَاهاً عَرِيضاً مَنِيَعاً، وَنِعْمَةً سَابِغَةً عَامَّةً، وَتُغْنِيَنِي بِذَلِكَ

باقی و کافی، و آبرویی پهناور و شکوهمند و نعمتی شایان و فراگیرنده و بی‌نیازم کن بدینوسبیل

عَنِ الْمَطَالِبِ الْمُنْكَدَةِ وَالْمَوَارِدِ الصَّعْبَةِ، وَتُخَلِّصَنِي مِنْهَا مُعَافاً فِي

از تکاپوهای پرمشقت و موارد سخت و دشوار و رهنائم دهی از آنها با سلامتی

دِينِي وَنَفْسِي وَوَلَدِي، وَمَا أَعْطَيْتَنِي وَمَنْحَتَنِي، وَتَحْفَظَ عَلَيَّ مَالِي

دین و جان و فرزندانم و چیزهای دیگری که به من عطا کرده و ارزانی داشتی و نگهداری برایم مالم

وَجَمِيعَ مَا حَوَّلْتَنِي، وَتَقْبِضَ عَنِّي أَيْدِيَ الْجَبَابِرَةِ، وَتَرُدَّنِي إِلَيَّ

و همه آنچه را به من بخشیده‌ای و برگیری از سر من دستهای (ستم‌پیشه) گردنکشان را و بازم گردانی

وَطَنِي، وَتَبْلُغَنِي نِهَآيَةَ أَمَلِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَتَجْعَلَ عَاقِبَةَ

به وطنم و برسانی مرا به نهایت آرزویم در دنیا و آخرتم و بگردانی سرانجام

أَمْرِي مَحْمُودَةً حَسَنَةً سَلِيمَةً، وَتَجْعَلَنِي رَحِيبَ الصَّدْرِ، وَاسِعَ الْحَالِ،

کارم را پسندیده و نیکو و سالم، و قرارم دهی فراخ سینه (و بلند نظر) و فراخ حال

حَسَنَ الْخُلُقِ، بَعِيداً مِنَ الْبُخْلِ وَالْمَنَعِ وَالنَّفَاقِ، وَالْكَذْبِ وَالْبُهْتِ

و خوش خلقی و دور از بخل و ممانعت (از احسان و دستگیری) و نفاق و دروغ و بهتان

وَقَوْلِ الزُّورِ، وَتَرْسُخَ فِي قَلْبِي مَحَبَّةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشِعْبَتِهِمْ،

و زورگوئی و ریشه‌دار کنی در دلم دوستی محمد و آل محمد و شیعیانشان را

وَتَحْرُسَنِي يَا رَبِّ فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي، وَأَهْلِ حُرْنَاتِي

و محافظتم کنی پروردگارا در جانم و خاندان و مال و فرزندان و نانخوران

وَأَخْوَانِي، وَأَهْلِ مَوَدَّتِي وَذُرِّيَّتِي، بِرَحْمَتِكَ وَجُودِكَ، اللَّهُمَّ هَذِهِ

و برادران و دوستان و نژادم به مهر و جودت خدایا اینها بود

حَاجَاتِي عِنْدَكَ، وَقَدْ اسْتَكْرَثْتُهَا لِلْوَمِيِّ وَشُحِّي، وَهِيَ عِنْدَكَ

حاجتهایی که من بدرگاه تو دارم و اینکه زیادشان کردم بخاطر گداصفتی و حرص زیادی است که من دارم

صَغِيرَةً حَقِيرَةً وَعَلَيْكَ سَهْلَةٌ يَسِيرَةٌ، فَاسْأَلُكَ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ

ولی همه آنها در نزد تو کوچک و اندک است و انجامش برای تو سهل و آسان است پس از تو خواهیم به آن آبرویی که

محمد و آل

مُحَمَّدٍ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَكَ، وَيَحَقِّهْمُ عَلَيْكَ، وَبِمَا أَوْجَبْتَ لَهُمْ،

محمد - که بر او و بر ایشان سلام باد - در نزد تو دارند و به حقی که ایشان بر تو دارند و بدانچه واجب کرده‌ای

وَبِسَائِرِ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيَائِكَ وَأَوْلِيَاءِكَ، الْمُخْلِصِينَ مِنْ

برای ایشان و به حق سایر پیامبران و رسولان و برگزیدگان و دوستان مخلص از

عِبَادِكَ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ لَمَّا قَضَيْتَهَا كُلَّهَا، وَأَسْعَفْتَنِي بِهَا،

بندگان و به حق بزرگترین نام اعظمت که همه این حاجتها را برایم برآوری و کامروایم سازی بدانها

وَلَمْ تُخَيِّبْ أَمَلِي وَرَجَائِي اللَّهُمَّ وَشَفِّعْ صَاحِبَ هَذَا الْقَبْرِ فِيَّ، يَا

و امید و آرزویم را مبدل به نومیدی نکنی خدایا و شفاعت صاحب این قبر را درباره من بپذیر، ای

سَيِّدِي يَا وَلِيَّ اللَّهِ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَسْئَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لِي إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ

آقای من ای ولی خدا و ای امانتدار خدا از تو خواهم که شفاعت کنی از من بدرگاه خدای عزوجل

فِي هَذِهِ الْحَاجَاتِ كُلِّهَا، بِحَقِّ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ، وَبِحَقِّ أَوْلَادِكَ

در همه این حاجتها به حق پدران پاکت و بحق فرزندان

الْمُنْتَجِبِينَ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَائُهُ، الْمَنْزِلَةَ الشَّرِيفَةَ،

برگزیده‌اش زیرا که برای تو در نزد خداوندی که نامهایش منزّه است مقامی است بس شریف

وَالْمَرْتَبَةَ الْجَلِيلَةَ، وَالْجَاهَ الْعَرِيضَ، اللَّهُمَّ لَوْ عَرَفْتُ مَنْ هُوَ أَوْجُهُ

و مرتبتی است برجسته و آبروئی است پهناور و بسیار خدایا اگر من کسی را سراغ داشتم که آبرومندتر بود

عِنْدَكَ مِنْ هَذَا الْأَمَامِ، وَمِنْ آبَائِهِ وَأَبْنَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

در نزد تو از این امام بزرگوار و از پدران و فرزندان پاکیزه‌اش - که درود و سلام

وَالصَّلَاةُ، لَجَعَلْتَهُمْ شَفَعَائِي وَقَدَّمْتَهُمْ أَمَامَ حَاجَتِي وَطَلِبَاتِي هَذِهِ،

بر ایشان باد - بطور مسلم آنها را شفیعان خود می‌گرفتم و پیش روی حاجتها و خواسته‌هایم قرار می‌دادم

فَاسْمَعْ مِنِّي وَاسْتَجِبْ لِي، وَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

پس از من بپذیر و دعایم را به اجابت رسان و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی ای مهربانترین مهربانان

اللَّهُمَّ وَمَا قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْئَلَتِي، وَعَجَزَتْ عَنْهُ قُوَّتِي، وَلَمْ تَبْلُغْهُ

خدایا و هر چه را کوتاه آمد از آن درخواست من (و از یادم رفت) و ناتوان شد از آن نیرویم، و فکرم بدان نرسید

فِطْنَتِي مِنْ صَالِحِ دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، فَاْمُنُّنْ بِهِ عَلَيَّ وَاحْفَظْنِي

از آنچه به صلاح دین و دنیا و آخرتم باشد پس آنها را بر من منت گذار (و عطا فرما) و محافظتم کن

وَآخِرُسُنِّي، وَهَبْ لِي وَاعْفِرْ لِي، وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ أَوْ مَكْرُوهٍ، مِنْ

و پاسداریم کن و به بخش بر من و بیامرزم مرا، و هر که قصد دارد به من آسیبی یا امر ناخوشایندی وارد کند

شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، أَوْ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ، أَوْ مُخَالِفٍ فِي دِينٍ، أَوْ مُنَازِعٍ فِي دُنْيَا،

چه از شیطانی متمرّد یا سلطانی معاند یا مخالف در دین یا ستیزه‌جویی در مال دنیا

أَوْ حَاسِدٍ عَلَيَّ نِعْمَةً، أَوْ ظَالِمٍ أَوْ بَاغٍ، فَاقْبِضْ عَنِّي يَدَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي

یا حسودی که در نعمتی بر من رشک برد یا ستمکار یا زورگویی (هر که باشد) قدرتش را از سر من بازگیر و

كَيْدُهُ، وَأَشْغَلُهُ عَنِّي بِنَفْسِهِ، وَاكْفِنِي شَرَّهُ وَشَرَّ أَتْبَاعِهِ وَشَيَاطِينِهِ،

نقشه‌اش را از من بازگردان و او را بخودش مشغول کن و شر خودش و شر پیروان و شیاطینش را از من کفایت فرما

وَاجْرِنِي مِنْ كُلِّ مَا يَضُرُّنِي وَيُجْحِفُ بِي، وَأَعْطِنِي جَمِيعَ الْخَيْرِ كُلِّهِ

و پناهم ده از هر چه به من زیان زند و به هلاکتم اندازد و هر خیر و خوبی است همه را

مِمَّا أَعْلَمُ وَمِمَّا لَا أَعْلَمُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ

به من عطا فرما چه آنکه می‌دانم و چه آن را که نمی‌دانم خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و ببامرز

لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِإِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي، وَأَعْمَامِي وَعَمَّاتِي، وَأَخْوَالِي

مرا و پدر و مادرم و برادران و خواهرانم و عموهایم و عمه‌هایم و داییهایم

وَخَالَاتِي، وَأَجْدَادِي وَجَدَّاتِي، وَأَوْلَادِهِمْ وَذُرَّارِيهِمْ، وَأَزْوَاجِي

و خاله‌هایم و اجداد و جددهایم را و فرزندانشان و نژادشان و همسرانشان

وَذُرِّيَّاتِي، وَأَقْرَبَائِي وَأَصْدِقَائِي، وَجِيرَانِي وَإِخْوَانِي فَيَكُ مِنْ أَهْلِ

و فرزندان خودم و خویشانم و رفقا و همسایگانم و برادران دینیم را از اهل

الشَّرْقِ وَالْعَرَبِ، وَلِجَمِيعِ أَهْلِ مَوَدَّتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،

شرق و غرب عالم و تمام آنانکه با من دوستی داشته و دارند از مردان و زنان با ایمان

الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَلِجَمِيعِ مَنْ عَلَّمَنِي خَيْرًا، أَوْ تَعَلَّمَنِي عِلْمًا،

زنده و مرده‌شان را و تمام کسانی که کار خیری را به من یاد داده یا از من علمی آموخته‌اند

اَللّٰهُمَّ اشْرِكْهُمْ فِي صَالِحِ دُعَائِي وَزِيَارَتِي لِمَشْهَدِ حُجَّتِكَ

خدایا شریک ساز ایشان را در دعای خیری که کرده‌ام و زیارتی که از زیارتگاه حجت

وَوَلِيِّكَ، وَاشْرِكْنِي فِي صَالِحِ ادْعِيَّتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

و ولیت نصیب شده و مرا نیز در دعا‌های خیر ایشان شریک ساز به مهرت ای مهربانترین مهربانان

وَبَلِّغْ وَلِيَّكَ مِنْهُمْ السَّلَامَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ، يَا

و سلام برسان از طرف آنها بر ولی خودت، و بر تو باد ای سرور

سَيِّدِي يَا مَوْلَايَ * يَا فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ (بجای این کلمه نام امامی را که زیارت می کند و نام پدر آن بزرگوار

و آقای من ای فلان ... سلام خدا و رحمت و برکاتش * * * * *

* * *

را بگوید) * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَنْتَ وَسَيِّلتِي إِلَى اللَّهِ،

* * * * * درود خدا بر تو و بر روح و جسمت تویی وسیله من بدرگاه خدا

وَدَّرِيَعَتِي إِلَيْهِ، وَلِي حَقُّ مُوَالَاتِي وَتَأْمِيلِي، فَكُنْ شَفِيعِي إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي

و واسطه من در پیشگاهش و من بر تو حق موالاتی و تأمیلتی، فکن شفیع من شو بدرگاه خدای عزوجل در

الْوُقُوفِ عَلَيَّ قِصَّتِي هَذِهِ، وَصَرَفِي عَنْ مَوْفِي هَذَا بِالنُّجْحِ بِمَا سَأَلْتُهُ

اطلاع بر جریان کارم و بازگرداندنم از اینجا با کامیابی بدانچه درخواست کرده‌ام همه

كُلَّهُ، بِرَحْمَتِهِ وَقُدْرَتِهِ، اَللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً، وَوَلَبّاً رَاجِحاً،

را به مهر و قدرتت، خدایا روزیم کن عقلی کامل و خردی که بچربد (بر هوای نفس)

وَعَزّاً بَاقِياً، وَقَلْباً زَكِياً، وَعَمَلاً كَثِيراً، وَأَدَباً بَارِعاً، وَاجْعَلْ ذَلِكَ كَلِّه

و عزتی باقی و دلی پاک و کرداری بسیار و ادبی نیکو و همه را بسود من قرار ده

لِي، وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

نه به زیان من به مهتر ای مهربانترین مهربانان

در ذکر زیارت وداع

پنجم در ذکر زیارت وداع که هریک از ائمه علیهم السلام به آن وداع کرده شوند بدانکه از جمله آداب زیارت چنانچه در محلّ خود ذکر شده وداع کردن زائر است مَزُور را در وقت بیرون رفتن از بلد آن بزرگوار به آنچه از ایشان رسیده چنانچه در غالب زیارات مشاهده می شود و ما در مفاتیح در ابواب زیارات

ائمه عليهم السلام برای هر یک از ایشان صلوات الله عليهم و داعی نقل کردیم و در وداع حضرت سیدالشهداء علیه السلام اکتفا کردیم به همان زیارت و داعی که در آداب بیستم از آداب زائر آن حضرت ذکر شد. و بالجمله در اینجا ذکر می کنیم این زیارت و داع را که شیخ محمد بن المشهدی آنرا در باب وداع مزار کبیر نقل کرده و سید بن طاوس رحمه الله بعد از زیارت جامعه مذکوره و ما نقل می کنیم آنرا از مصباح الزائر فرموده چون خواستی وداع کنی و برگردی یعنی در هر یک از مشاهد مشرفه که هستی پس بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنِ الرَّسَالَةِ، سَلَامٌ مُودَعٍ لَا

سلام بر شما ای خاندان نبوت و معدن رسالت سلام خداحافظی نه از روی

سَنَمٍ وَلَا قَالَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

خستگی و نه از روی ناراحتی و دلنگی و رحمت خدا و برکاتش نیز بر شما خاندان باد که برستی او ستوده و بزرگوار

سَلَامٌ وَلِيٍّ غَيْرٍ رَاغِبٍ عَنْكُمْ، وَلَا مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ، وَلَا مُسْتَبَدِّلٍ بِكُمْ،

است سلام دوستداری که از شما به دیگری متمایل نگشته و منحرف نشده و شما را با دیگری عوض نکرده

وَلَا مُؤَثِّرٍ عَلَيْكُمْ، وَلَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكُمْ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ

و کسی را بر شما مقدم نداشته و از نزدیکی و تقرب به شما کناره گیری نکند، قرار ندهد خداوند این زیارت را

زِيَارَةِ قُبُورِكُمْ، وَإِتْيَانِ مَشَاهِدِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ، وَحَشْرَنِيَ اللَّهُ فِي

آخرین بار زیارت من از قبرهای مقدس شما و آمدن به زیارتگاهایتان سلام بر شما باد و خدا مرا در گروه شما محشور

زُؤْمَرَتِكُمْ، وَأُورِدَنِي حَوْضَكُمْ وَأَرْضَكُمْ عَنِّي، وَمَكَّنَنِي فِي دَوْلَتِكُمْ،

گرداند و بر سر حوض شما (حوض کوثر) درآورد و شما را از من خوشنود گرداند و در حکومت شما

وَأَخْيَانِي فِي رَجْعَتِكُمْ وَمَلَكَنِي فِي أَيَّامِكُمْ، وَشَكَرَ سَعْيِي لَكُمْ،

قدرتی به من بدهد و در زمان رجعت شما زندهام گرداند و در دوران سلطنتان فرمانروایم کند و کوششم را در راه

وَعَفَّرَ ذُنُوبِي بِشَفَاعَتِكُمْ وَأَقَالَ عَثْرَتِي بِحُبِّكُمْ، وَأَعْلَى كَعْبِي

شما بپذیرد و گناهانم را به شفاعت شما بریزد و لغزشم را بواسطه محبتم به شما نادیده گیرد

بِمُؤَالَاتِكُمْ، وَشَرَفَنِي بِطَاعَتِكُمْ، وَأَعَزَّنِي بِهُدْيِكُمْ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ

و مقامم را بخاطر دوستی شما بلند گرداند و به فرمانبرداری شما شرفم دهد و به راهنمایی شما عزیزم گرداند و قرار دهد

يَنْقَلِبُ مُقْلِحًا مُنْجِحًا، سَالِمًا غَانِمًا، مُعَافًا غَنِيًّا، فَائِزًا بِرِضْوَانِ اللَّهِ

مرا از کسانی که باز گردد از اینجا رستگار و کامیاب و سالم و بهره کام و تندرست و بی نیاز و رسیده به خوشنودی خدا

وَفَضْلِهِ وَكِفَايَتِهِ، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُورِكُمْ، وَمَوَالِكُمْ

و فضل و کفایتش به بهترین وضعی که بازگردد بدان وضع یکی از زائرن و دوستداران

وَمُحِبِّكُمْ وَشَيْعَانِكُمْ، وَرَزَقَنِي اللَّهُ الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ مَا أَبْقَانِي

و محبت و رزان و شیعیان شما و روزیم گرداند خداوند بازگشت به اینجا را باز هم مکرر در مکرر تا زندهام دارد

رَبِّي بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ، وَإِيمَانٍ وَتَقْوَى وَإِحْبَاتٍ، وَرِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ

(در این جهان) پروردگارم با نیتی درست و ایمان و پرهیزکاری و فروتنی و روزی فراخ و حلال

طَيِّبٍ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ، وَذِكْرِهِمْ وَالصَّلَاةِ

و پاکیزه خدایا قرارش مده آخرین بار زیارت من از این بزرگواران و یادآوری و درود فرستادن

عَلَيْهِمْ، وَأَوْجِبْ لِي الْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ، وَالْخَيْرَ وَالْبَرَكَاتِ، وَالنُّورَ

بر ایشان و واجب گردان برایم آمرزش و رحمت و خیر و برکت و روشنی

وَالْإِيمَانَ، وَحَسُنَ الْأَجَابَةُ، كَمَا أَوْجِبَتْ لِأَوْلِيَائِكَ الْعَارِفِينَ بِحَقِّهِمْ

و ایمان و بخوبی اجابت کردن دعایم را چنانچه واجب گردانیدی (اینها را) برای آن دوستان که معرفت به حق آنان

داشته

الْمُوجِبِينَ طَاعَتَهُمْ، وَالرَّاعِبِينَ فِي زِيَارَتِهِمْ، الْمُتَقَرِّبِينَ إِلَيْكَ وَاللَّيْهَمِ،

و اطاعتشان را واجب دانسته و مشتاق زیارتشان بودند و بدرگاه تو و ایشان تقرب می جستند

بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَمَالِي وَأَهْلِي، اجْعَلُونِي مِنْ هَمِّكُمْ،

پدر و مادرم و خودم و مال و خاندانم به فدای شما مرا در نظر داشته باشید (و از یادم نبرید)

وَصَيِّرُونِي فِي حَزْبِكُمْ، وَأَدْخِلُونِي فِي شَفَاعَتِكُمْ، وَأَذْكُرُونِي عِنْدَ

و در گروه خودتان قرارم دهید و در شفاعتتان واردم کنید و در نزد پروردگارتان یادم

رَبِّكُمْ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْ أَرْوَاحَهُمْ

کنید خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برسان به روانها

وَأَجْسَادَهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. *

و اجساد ایشان از جانب من تحیت و سلامی بسیار و سلام و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد

ششم در تحفة الزائر است که از حضرت صادق علیه السلام منقول است که

هرگاه تو را حاجتی بسوی خدای تعالی باشد یا از امری خائف و ترسان باشی

در کاغذی بنویس:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ، بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ

به نام خدای بخشاینده مهربان خدایا من به تو رو کنم به محبوبترین نامها

إِلَيْكَ، وَأَعْظَمَهَا لَدَيْكَ، وَأَتَقَرَّبُ وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَنْ أَوْجِبَتْ حَقَّهُ

در پیشگاهت و بزرگتترین آنها در نزدت و تقرب و توسل جویم بدرگاهت بوسیله کسانی که حقشان را

عَلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ، وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِيَّ بْنِ

بر خود واجب کردی (یعنی) به محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن

الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ،

الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر

وَعَلِيَّ بْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيَّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنَ بْنَ

و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن

عَلِيٍّ، وَالْحُجَّةَ الْمُتَنْظِرَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، أَكْفِنِي كَذَا وَكَذَا.

علی و حجت منتظر - که دروذهای تو بر همه ایشان باد - کفایت کن مرا از چنین و چنان

یعنی حاجت خود را ذکر کنی پس رقعہ را بہ پیچ و دربندقیہ ای از گل بگذارد و در میان آب جاری یا چاہی بینداز کہ حق تعالی بزودی فرج کرامت فرماید.

ہفتم بہ سند معتبر مروی است کہ شیخ ابو عمرو نائب اول امام عصر صلوات اللہ علیہ این دعا را ملافرمود بہ ابو علی محمد بن ہمام و امر فرمود او را کہ آن را بخواند و سیّد بن طاوس در جمال الاسبوع بعد از ذکر دعاهای وارده بعد از نماز عصر جمعہ و صلوات کبیرہ این دعا را ذکر کردہ و فرمودہ و اگر برای تو عذری باشد از جمیع آنچه ذکر کردیم پس حذر کن از آنکہ مہمل گذاری خواندن این دعا را پس بدرستی کہ ما شناختیم این را از فضل خداوند جلّ جلالہ کہ مخصوص فرمودہ ما را بہ آن پس اعتماد کن بہ آن و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي

خدایا خود را بہ من بشناسان زیرا اگر تو خود را بہ من نشناسانی من پیامبرت را نخواهم شناخت خدایا پیامبرت را

بہ من بشناسان کہ اگر پیامبرت را بہ من نشناسانی حجت تو را نخواهم شناخت خدایا بشناسان بہ من

حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي، اللَّهُمَّ لَا

حجت خود را کہ اگر حجتت را بہ من نشناسانی از دینم گمراہ کردم خدایا

تُمَتِّنِي مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، اللَّهُمَّ فَكَمَا

نمیران مرا بہ مرگ دوران جاهلیت و منحرف مساز دلم را پس از اینکہ هدایتم کردی خدایا ہم چنانکہ

هَدَيْتَنِي لِوَلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ مِنْ وِلَايَةِ وَلاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ

راهنماییم کردی بہ فرمانبرداری کسی کہ اطاعتش را بر من واجب کردی از آن کارداران تو کہ پس از

رَسُولِكَ، صَلَّوْا تَكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى وَالَيْتُ وَلاةَ أَمْرِكَ أَمِيرٍ

پیامبرت - که درودهای تو بر او و آتش باد - آمدند تا به راهنمایی تو من زمامداری فرمانداریت را پذیرفتم که آنان
(عبارتند از) امیر

الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا

مؤمنان علی بن ابیطالب و حسن و حسین و علی و محمد

وَجَعْفَرًا وَمُوسَى، وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا، وَالْحَسَنَ، وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ

و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت قائم

الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اَللَّهُمَّ فَتَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ،

مهدی - که درودهای تو بر همگی ایشان باد - خدایا مرا ثابت قدم دار بر دین خودت

وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ، وَلَيِّنْ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ وَعَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ

و بکار فرمانبرداریت و ادبم کن و دلم را برای (فرمانبردار) و لبت نرم گردان و معافم دار از آنچه

بِهِ خَلَقْتَ، وَتَبِّتْنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن خَلْقِكَ،

خلق خود را بدان آزمودی و پابرجایم مدار بر اطاعت زمامدارت آن بزرگواری که از خلق خود او را پوشاندی

وَبِإِذْنِكَ غَابَ عَن بَرِيَّتِكَ، وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمُعَلَّمِ

و به اذن خودت او را از دیده آفریدگانت پنهان کردی و او چشم به راه فرمان تو است و تویی دانا - بی آنکه کسی

بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرٍ وَلِيِّكَ، فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ،

به تو خبر داده باشد - بدان وقتی که در آن صلاح ولی تو است که به او اجازه دهی برای آشکار ساختن کارش

وَكَشَفَ سِتْرَهُ فَصَبْرُنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخْرَتَ،

و کنار زدن پرده‌اش پس به من صبری بر این جریان عطا کن که دوست نداشته باشم پیش افتادن چیزی را

وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، وَلَا كَشَفَ مَا سَتَرْتَ، وَلَا الْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ،

که پس انداختنی و پس انداختن چیزی را که پیش انداختنی و نه آشکار ساختن آنچه را پوشاندی و نه کنجکاوی از آنچه

پنهان داشتی

وَلَا أُنَازِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ، وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ، وَمَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا

و کشمکش نکنم با تو در تدبیرت و نگویم چرا و چگونه و برای چیست که آنکس که کار بدست او است

يَظْهَرُ، قَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ، وَأَفْوُضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ،

آشکار نشود با اینکه زمین از ستم پر شده و واگذارم همه کارهایم را به تو

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِيَنِي وَلِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ، مَعَ عِلْمِي

خدایا از تو خواهم که ولی امرت را آشکارا و نافذالامر به من بنمایانی با اینکه می‌دانم

بَانَ لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ وَالْبُرْهَانَ، وَالْحُجَّةَ وَالْمُشِيَّةَ، وَالْحَوْلَ

تمام سلطنت و قدرت و دلیل و برهان و خواست و جنبش

وَالْقُوَّةَ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ

و نیرو و خاص تو است ولی این مرحمت را درباره من و همه مؤمنین بفرما تا نظر کنیم بصورت ولی امر تو

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ، ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ وَاضِحَ الدَّلَالَةِ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ،

- که درودهای تو بر او باد - در حالی که با سخنی آشکار و با دلیلی واضح مردم را از گمراهی نجات دهد

شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ اِبْرَزْ يَا رَبِّ مُشَاهَدَتَهُ، وَتَبَّتْ قَوَاعِدُهُ، وَاجْعَلْنَا

و از بیماری نادانی شفا بخشد پروردگارا جمال زیبایش را برای مشاهده ما از پرده برون آر و پابرجا کن بنیاد کارهایش را

و بگردان

مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْتِهِ، وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ، وَتَوَقَّفْنَا عَلَى مِلَّتِهِ، وَاحْشُرْنَا

ما را از کسانی که روشن گردد دیده‌شان به دیدارش و بگمارمان برای خدمتش و بمیرانمان بر کیش و آئینش و

محشورمان گردان

فِي زُمْرَتِهِ، اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ، وَذَرَأَاتِ وَبَرَآتِ،

در گروهش خدایا در پناهش گیر از شر تمام آنچه خلق فرموده و آفریدی و پدید آورده

وَأَنْشَأَتْ وَصَوَّرَتْ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ

و پروریدی و صورت دادی و محافظتش کن از پیش رویش و از پشت سرش و از راست

وَعَنْ شِمَالِهِ، [و] مِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ

و چپش و از بالای سر و از زیر پایش به نگهداری خودت که تباہ نشود هر که را بدان

حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ، وَوَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ،

نگهداری کردی و نگهدار بوجد او (آئین) رسولت و وصی رسولت را - که بر او و آتش سلام باد -

اللَّهُمَّ وَمُدِّ فِي عُمُرِهِ، وَزِدْ فِي أَجَلِهِ، وَأَعِنَهُ عَلَى مَا وَكَّلْتَهُ

خدایا طولانی گردان عمرش را و بیفزای در اجلس و یاریش ده در آنچه بدستش سپرده‌ای

وَاسْتَرْعَيْتَهُ، وَزِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ، فَإِنَّهُ الْهَادِي الْمُهْدِيُّ وَالْقَائِمُ

و رعایتش را از او خواسته‌ای و بیفزای در کرامتت بر او که او راهنمای راه یافته و قیام کننده

الْمُهْدِي، وَالطَّاهِرُ التَّقِيُّ الزَّكِيُّ، النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ، الصَّابِرُ

راهبری است و پاک و با تقوی و پاکیزه و خالص و راضی (از حق) و پسندیده و بردبار

الشُّكُورُ الْمُجْتَهِدُ، اَللّٰهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِيْنَ لِطَوْلِ الْاَمَدِ فِيْ غَيْبَتِهِ،

و سپاسگزار و کوشا است خدایا و از ما مگیر یقین بطولانی شدن زمان غیبتش را

وَانْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا، وَلَا تُسِنَا ذِكْرَهُ وَاَنْتِظَارَهُ، وَاَلْاِيْمَانَ بِهِ، وَقُوَّةَ

و منقطع شدن خبرش را از ما و از یاد ما مبر آن بزرگوار را و هم چنین انتظار آمدنش و ایمان به او و قوت

الْيَقِيْنَ فِيْ ظُهُورِهِ وَاَلدُّعَاءَ لَهُ وَاَلصَّلٰوةَ عَلَيْهِ، حَتَّى لَا يُنْفِطِنَا طَوْلُ

یقین در ظهورش را و دعای بر آن حضرت و درود بر او را تا بحدی که توמיד نکند ما را طول

غَيْبَتِهِ مِنْ قِيَامِهِ، وَيَكُوْنُ يَقِيْنُنَا فِيْ ذٰلِكَ كَيْقِيْنُنَا فِيْ قِيَامِ رَسُوْلِكَ،

غیبت آن حضرت از قیام و ظهورش و یقین ما در این باره مانند یقینی باشد که ما در قیام رسولت

صَلٰوَاتِكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ، وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيْلِكَ، فَقُوْ قُلُوْبَنَا

- که درودهای تو بر او و آتش باد - داریم و همچنین مانند یقینی باشد که به وحی و قرآن او داریم پس تقویت کن

دل‌های

عَلَى الْاِيْمَانِ بِهِ، حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى،

ما را بر ایمان به او تا درآوری ما را بدست آن جناب در راه روشن هدایت

وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى، وَاَلطَّرِيْقَةَ الْوَسْطَى، وَقُوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَتَبَّتْنَا

و راهنمایی و شاهراه (دین) و جاده مستقیم و نیرومند کن ما را بر اطاعت او و پابرجایمان کن

عَلَى مُتَابَعَتِهِ، وَاَجْعَلْنَا فِيْ حَزْبِهِ وَاَعْوَانِهِ وَاَنْصَارِهِ، وَاَلرَّاضِيْنَ بِفِعْلِهِ،

بر پیرویش و قرارمان ده در گروه او و اعوان و یارانش و کسانی که راضی به کارهای اویند

وَلَا تَسْلُبْنَا ذٰلِكَ فِيْ حَيٰوَتِنَا، وَلَا عِنْدَ وِفَاتِنَا، حَتَّى تَتَوَقَّأَنَا وَنَحْنُ

و این عقیده را از ما مگیر نه در زندگی و نه هنگام مرگمان تا بمیرانی ما را بر این عقیده

عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَا شَاكِينَ وَلَا نَاكِثِينَ وَلَا مُرْتَابِينَ وَلَا مُكَذِّبِينَ، اللَّهُمَّ

که نه شک داشته باشیم و نه پیمان شکن و نه شبهه‌ای داشته و نه تکذیب کننده باشیم خدایا

عَجَّلْ فَرَجَهُ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَأَخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَدَمِّمْ

تعجیل فرما در ظهورش و تأییدش کن به یاری خود و یاری کن یاورش را و خوار کن هر که دست از یاریش بردارد و

به هلاکت رسان

عَلَىٰ مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ، وَأَظْهَرَ بِهِ الْحَقَّ، وَأَمَّتْ بِهِ الْجَوْرُ،

هر که را به دشمنیش برخیزد و او را تکذیب کند و آشکار کن به او حق را و بمیران به او جور و ستم را

وَأَسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذُّلِّ، وَأَنْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ، وَأَقْتُلْ بِهِ

و نجات بخش به او بندگان با ایمانت را از خواری و زنده کن به او شهرها را و بکش بدست او

جَبَايِرَةَ الْكُفْرِ، وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُسَ الضَّالَّةِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ

سرکشان کفر را و در هم شکن بوسیله‌اش سرکرده‌های گمراهی را و خوار گردان بوسیله‌اش گردنکشان

وَالْكَافِرِينَ، وَأَبِرْ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَالنَّاكِثِينَ، وَجَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ

و کافران را و نابود کن بدو منافقان و پیمان شکنان و همه مخالفان (اسلام)

وَالْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا

و بی‌دینان را که در شرقهای زمین و غربهای آن و در خشکی و دریا و در همواری زمین

وَجَبَلِهَا، حَتَّىٰ لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَارًا، وَلَا تَبْقَىٰ لَهُمْ آثَارًا، طَهَّرْ مِنْهُمْ

و کوهها هستند تا آنکه بجای نگذاری از آنها احدی را و اثری از آنها باقی نگذاری و پاک گردان از ایشان

بِلَادَكَ، وَأَشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا أَمْتَحَىٰ مِنْ دِينِكَ،

شهرهایت را و شفابخش از نابودی آنها سینه‌های بندگانت را و تازه کن بدو آنچه محو گشته از دینت

وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَغَيْرٍ مِنْ سُنَّتِكَ، حَتَّىٰ يَعُودَ دِينُكَ بِهِ،

و اصلاح کن بوسیله‌اش آنچه تبدیل شده از حکم و قانونت و تغییر یافته از روش و سنتت تا در نتیجه بازگردد دین تو

وَعَلَىٰ يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صَحِيحًا، لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا بَدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّىٰ

بوجود آن جناب و بدست او تر و تازه و صحیح که هیچگونه کجی و بدعتی در آن نباشد و بدینوسیله

تُطْفِئُ بَعْدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ،

به برکت عدل و داد و خاموش گردانی آتش کفار را که همانا آن بزرگوار بنده تو است که او را خاص خود گرداندی

وَارْتَضَيْتَهُ لِنَصْرِ دِينِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ،

و برای یاری دینت پسندیدی و به علم خویشتن برگزیدی و از گناهان نگاهش داشتی

وَبَرَأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَطَهَّرْتَهُ

و از عیوب مبرايش ساختی و بر نادیدنیها مطلعش کردی و بر او انعام فرمودی و از پلیدی

مِنَ الرَّجْسِ، وَتَقَيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ

و از چرکی پاک و پاکیزه‌اش کردی خدایا درود فرست بر او و بر پدرانش

الْأَيِّمَةِ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى شَيْعَتِهِ الْمُتَتَجِبِينَ، وَبَلِّغْهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ مَا

امامان پاک و بر شیعیان برگزیده‌اش و برسان آنان را به هر آرزویی که

يَأْمَلُونَ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ،

دارند و این عقیده ما را خالص از هر شک و شبهه و خودنمائی و شهرت‌طلبی

حَتَّى لَا نُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو

تا نخواهیم بدان غیر تو را و نجوئیم بدان جز ذات تو را خدایا ما به تو شکوه کنیم

إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا، وَعَيَّبْنَا إِمَامِنَا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا،

از فقدان پیامبرمان و غیبت امام و رهبرمان و سختی روزگار بر ما و درآمدن فتنه‌ها بر سر ما

وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، اللَّهُمَّ فَافْرُجْ

و پشت بهم دادن دشمنان بر دشمنی ما و بسیاری دشمنان و کمی افراد ما خدایا پس بگشا

ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحٍ مِنْكَ تَعَجَّلْهُ، وَنَصْرٍ مِنْكَ تَعَزَّهُ، وَإِمَامٍ عَدْلٍ تَطْهِّرْهُ، إِلَهَ

از ما این اندوه را به گشایشی از طرف خود که زود بفرستی و یاری از خودت که عزتت دهی و به امام عادل‌ی که

آشکارش کنی

الْحَقِّ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذِنَ لِرُوَيْلِكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي

ای معبود به حق آمین خدایا از تو خواهیم که به نماینده و ولیت اذن دهی برای آشکار ساختن عدالتت در

عِبَادِكَ، وَقَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ، حَتَّى لَا تَدْعَ لِلْجُورِ يَا رَبِّ دِعَامَةً

میان بندگان تو و کشتن دشمنانت را در شهرهایت تا اینکه پروردگارا ستونی برای ظلم و ستم باقی نگذاری

إِلَّا قَصَمْتَهَا، وَلَا بَقِيَّةً إِلَّا أَفْنَيْتَهَا، وَلَا قُوَّةً إِلَّا أَوْهَنْتَهَا، وَلَا رُكْنًا إِلَّا

جز آنکه درهم شکنی و نه بازمانده‌ای جز آنکه نابودش کنی و نه نیروئی جز آنکه سستش کنی و نه پایه‌ای جز آنکه

هَدَمْتَهُ، وَلَا حَدًّا إِلَّا فَلَطْتَهُ وَلَا سِلَاحًا إِلَّا أَكَلْتَهُ، وَلَا رَايَةً إِلَّا نَكَسْتَهَا،

درهم فرو ریزی و نه تیزی جز آنکه کندش کنی و نه اسلحه‌ای جز آنکه از کار بیندازی و نه پرچمی جز آنکه سرنگون

سازی

وَلَا شُجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ، وَلَا جَيْشًا إِلَّا خَذَلْتَهُ، وَارْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجَرِكَ

و نه پهلوانی جز آنکه بکشی و نه سپاهی جز آنکه خوارش گردانی و سنگبارانشان کن پروردگارا به سنگ

الدَّامِغِ، وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ، وَيَأْسِكِ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ

کوبندهات و بزنی آنها را به شمشیر برندهات و بدان حمله و انتقامت که بازش نگردانی از مردمان

الْمُجْرِمِينَ، وَعَذِّبْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءَ وَلِيِّكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ

بدکار و عذاب کن دشمنان خودت و دشمنان ولیت و دشمنان رسولت را

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِيَدِ وَلِيِّكَ وَأَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ، اللَّهُمَّ

- که درودهای تو بر او و آتش باد - بدست ولیت و بدست بندگان مؤمنت خدایا

اَكْفِ وَلِيِّكَ وَحَجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَكَيْدَ مَنْ أَرَادَهُ، وَأَمْرُكَ

کفایت کن ولیت و حجتت را در روی زمین از هراس دشمنش و از حيله هرکس که سوء قصدش کند و مکر کن

بِمَنْ مَكَرَ بِهِ، وَاجْعَلْ دَائِرَةَ السَّوْءِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا، وَأَقْطَعْ عَنْهُ

با هرکس که به او مکر کند و چرخ بد روزگار را برای هرکس که سوء قصدش را دارد به گردش درآور

مَادَّتْهُمْ، وَأَرَعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ، وَزَلِّزْ أَقْدَامَهُمْ، وَخَذِّمْ جَهْرَةً وَبَغْتَةً،

و شر آنها را از سر آن بزرگوار بگردان و در دلهای آنها رعب او را بیفکن و پاهایشان را بلغزان و بطور آشکارا و ناگهانی

آنها را بگير

وَسَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، وَأَخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ وَالْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ،

و عذابت را بر ایشان سخت گردان و رسواشان کن در میان بندگانت و لعنتشان کن در شهرهایت

وَأَسْكَنَهُمْ أَسْفَلَ نَارِكِ، وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكِ، وَأَصْلِهِمْ نَاراً، وَاحْشُ

و در ته دوزخ خود جایشان ده و محیط گردان بر ایشان سخت ترین عذابت را و در آتش جایشان ده و بر کن

قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَاراً، وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ

گور مردگان را از آتش و در سوز آتشت واردشان کن زیرا که اینان نماز را ضایع کردند

وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ، وَأَضَلُّوا عِبَادَكَ وَأَخْرَبُوا بِلَادَكَ، اللَّهُمَّ وَأَخِي

و از شهوات پیروی کردند و بندگانت را گمراه کردند و شهرهایت را ویران کردند خدایا زنده کن

بِوَلِيِّكَ الْقُرْآنَ، وَأَرِنَا نُورَهُ سَرْمَداً لَا لَيْلَ فِيهِ، وَأَخِي بِهِ الْقُلُوبَ

بدست ولایت قرآن را و بنمایان به ما نور آن بزرگوار را همیشگی که شب (و تاریکی) نداشته باشد و زنده کن بوسیله آن

جناب دلهای

الْمِيَّتَةَ، وَأَشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَعِرَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى

مرده را و بهبودی بخش بدو سینه‌های سوخته را و جمع کن بوسیله او آراء مختلفه را بر

الْحَقِّ وَأَقِمَّ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ، وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى لَا يَبْقَى

حق و برپا کن بدو حدود تعطیل شده و احکام و اگذارده شده را تا آنجا که حقی بجای

حَقَّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبُّ مِنْ أَعْوَانِهِ، وَمَقْوِيَّتِهِ

نماند جز آنکه آشکار شود و نه عدل و دادی جز آنکه شکفته گردد و قرار ده پروردگارا ما را از گروه یاران و تقویت

کننده

سُلْطَانِهِ، وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَالْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ،

سلطنتش و فرمانبرداران فرمانش و خوشنودان از کارش و تسلیم شوندگان احکام و دستوراتش

وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَنْتَ يَا رَبُّ الَّذِي تَكْشِفُ

و از کسانی که احتیاج به تقیه (و محافظه کاری و اظهار خلاف عقیده) از ترس مردم نداشته باشند و تویی پروردگارا که

برطرف کنی

الضَّرَّ وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ، وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ،

گرفتاری را و اجابت کنی از درمانده چون تو را بخواند و از اندوه بزرگ نجات بخشی

فَاكْشِفِ الضَّرَّ عَنِّ وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْهُ خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ، كَمَا ضَمَّنْتَ لَهُ،

پس برطرف کن گرفتاری را از ولی خود و او را خلیفه خود در زمینت قرار ده چنانچه تعهد کرده‌ای

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا

خدایا قرارم مده از ستیزه‌جویان آل محمد علیهم‌السلام و

تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ

قرارم مده از دشمنان آل محمد علیهم‌السلام و قرارم مده از اهل

الْحَقِّ وَالْعِظِّ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ

کینه و خشم بر آل محمد علیهم‌السلام زیرا که من پناه به تو می‌برم از این جریان

فَاعِزْنِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَاجِرْنِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي

و تو پناهم ده و از تو پناه می‌خواهم و تو در پناهم گیر خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا بوسیله ایشان

بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

از نزد خود رستگارم کن در دنیا و آخرت و از مقربان درگاہت قرارم ده آمین ای پروردگار جهانیان

آداب زیارت به نیابت

* هشتم در آداب زیارت به نیابت است بدانکه ثواب زیارت هریک از رسول خدا و

ائمّه هدی علیهم‌السلام را هدیه روح مقدّس هریک از ایشان می‌توان کرد و

همچنین بروح هریک از مؤمنان هدیه می‌توان کرد و زیارت به نیابت ایشان

می‌توان کرد چنانکه به سند معتبر منقولست که داود صرمی به حضرت امام علیّ

نقی علیه‌السلام عرض کرد که من پدر تو را زیارت کردم و ثوابش را از برای

تو قرار دادم فرمود که تو را از جانب خدا اجر و ثواب عظیم هست و از جانب

ما حمد و ثنا و در حدیث دیگر منقولست که امام علیّ نقی علیه‌السلام شخصی

را فرستاد بحایر امام حسین علیه‌السلام که از برای آن حضرت زیارت و دعا

کند و به سند معتبر از حضرت امام موسی بن جعفر علیهما‌السلام منقولست که

چون به زیارت مرقد منور رسول خداصلی الله علیه وآله بروی و از اعمال زیارت فارغ شوی دو رکعت نماز بکن و بایست نزد سر رسول خداصلی الله علیه وآله و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مِنْ أَبِي وَأُمِّي، وَزَوْجَتِي وَوَالِدِي وَحَامَتِي،

سلام بر تو ای پیامبر خدا از طرف پدر و مادر و همسر و فرزندان و نزدیکانم

وَمِنْ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي، حُرِّهِمْ وَعَبْدِهِمْ، وَأَيُّضِهِمْ وَأَسْوَدِهِمْ.

و از طرف همه همشهریهایم آزادشان و بندهشان، سفیدشان و سیاهشان

پس به هر کس از اهل بلد خود بگویی که من به نیابت تو به پیغمبرصلی الله علیه وآله سلام دادم صادق خواهی بود و در بعضی از روایات وارد است که از بعضی از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین سؤال نمودند از مردی که دورکعت نماز می کند یا یک روز، روزه می دارد یا حاجت یا عمره بجای آورد یا زیارت می کند رسول خداصلی الله علیه وآله یا یکی از ائمه طاهرین علیهم السلام را و ثواب آنرا از برای پدر و مادر خود یا برادر مؤمن خود هدیه می کند آیا او را ثوابی هست فرمود که ثواب آن عمل به آن شخص می رسد بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب فرموده است کسی که به نیابت برادر مؤمن به زیارت رود به اجرت چون فارغ شود از غسل زیارت و موافق بعضی از نسخ از عمل زیارت بگوید:

اللَّهُمَّ مَا أَصَابَنِي مِنْ تَعَبٍ، أَوْ نَصَبٍ أَوْ شَعَثٍ أَوْ لُغُوبٍ، فَأَجْرُ فَلَانٍ

خدایا آنچه به من رسیده از تعب یا رنجی یا گرد و غبار یا خستگی پس مزدش را به فلانی

بْنِ فَلَانٍ فِيهِ، وَأَجْرُنِي فِي قَضَائِي عَنْهُ. پس چون زیارت کند در آخر زیارت

پسر فلان بده و مرا هم در انجام دادن بجای او مزد ده * * * * *

بگوید: **اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَوْلَايَ عَنِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ، اَتَيْتُكَ زَائِرًا عَنْهُ،**

* * * سلام بر تو ای مولای من از طرف فلانی پسر فلان، من از طرف او به زیارت آمده‌ام

فَاشْفَعْ لَهُ عِنْدَ رَبِّكَ. پس هر دعا که خواهد از برای او بکند و نیز فرموده است

پس شفاعت او را در نزد پروردگارت بفرما * * * * *

که چون کسی خواهد که به نیابت دیگری زیارت کند بگوید: **اَللّٰهُمَّ اِنَّ فُلَانَ بْنَ**

* * * * * خدایا همانا فلانی پسر فلان

فُلَانٍ اَوْفَدْتَنِيْ اِلَى مَوَالِيهِ وَمَوَالِيٍّ، لِاَزُوْرٍ عَنْهُ رَجَاءً لِّجَزِيْلِ الثَّوَابِ،

مرا روانه کرده بدرگاه سروران خودش و سروران من تا از طرف او زیارت کنم به امید پاداش شایان

وَفِرَارًا مِنْ سُوْءِ الْحِسَابِ، اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ يَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِاَوْلِيَّايْهِ الدَّالِّينَ

و فرار از بدی حساب (روز قیامت) خدایا برستی او رو کند بدرگاهت بوسیله سرورانش که

عَلَيْكَ فِيْ غُفْرَانِكَ ذَنْوِيْهِ، وَحَطُّ سَيِّئَاتِيْهِ، وَيَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِهِمْ عِنْدَ

بر تو راهنمایی کنند در مورد آمرزش گناهانش و ریختن کارهای بدش و توسل جوید به آستانت بوسیله ایشان

مَشْهَدِ اِمَامِيْهِ، صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ، اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنْهُ وَاَقْبَلْ شَفَاعَةَ

در نزد زیارتگاه امام خود - که درودهای تو بر ایشان باد - خدایا پس بپذیر از او و بپذیر شفاعت

اَوْلِيَّايْهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ فِيْهِ، اَللّٰهُمَّ جَاْزِهِ عَلٰى حُسْنِ نِّيَّتِيْهِ.

سرورانش را - که درودهای تو بر ایشان باد - درباره‌اش خدایا پاداشش ده بر این خوش نیتی

وَصَحِيْحِ عَقِيْدَتِيْهِ، وَصِحَّةِ مُوَالَاتِيْهِ، اَحْسَنَ مَا جَاْزَيْتَ اَحَدًا مِنْ

و عقیده صحیح و دوستی درستش بهترین پاداشی که عطا کنی به یکی از

عَبِيْدِكَ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَاَدِمْ لَهُ مَا خَوَّلْتَهُ، وَاَسْتَعْمِلْهُ صَالِحًا فِيمَا اَتَيْتَهُ،

بندگان با ایمانت و ادامه بده برای او هر نعمتی را که به او ارزانی داشته‌ای و به شایستگی وادارش در آنچه به او داده‌ای

وَلَا تَجْعَلْنِيْ اٰخِرَ وَاوَدِّ لَهُ يُوْفِدُهُ، اَللّٰهُمَّ اَعْتَقْ رَقِيْبَتِيْ مِنْ النَّارِ،

و مرا آخرین نماینده‌ای که می‌فرستد قرارم مده خدایا آزاد کن او را از آتش دوزخ

وَأَوْسِعْ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَاجْعَلْهُ مِنْ رُقُقَاءِ مُحَمَّدٍ

و فراخ گردان بر او در روزی حلال پاکیزه‌ات و او را از رفقای محمد

وَأَلِ مُحَمَّدًا، وَبَارِكْ لَهُ فِي وُلْدِهِ وَمَالِهِ وَاهْلِهِ، وَ مَا مَلَكَتْ يَمِينُهُ،

و آلتش قرار ده و برکت ده به او در فرزندان و دارائی و خانواده‌اش و آنچه را مالک آن است

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَحُلِّ بَيْنَهُ وَبَيْنَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و حائل شو میان او و میان

مَعَاصِيكَ حَتَّى لَا يَعْصِيكَ، وَأَعِنُّهُ عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ أَوْلِيَائِكَ،

نافرمانی‌هایت تا اینکه نافرمانی تو را نکند و کمکش ده بر فرمانبرداری خودت و فرمانبرداری اولیائت

حَتَّى لَا تَفْقِدَهُ حَيْثُ أَمَرْتَهُ، وَلَا تَرَاهُ حَيْثُ نَهَيْتَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

تا بدانجا که او را حاضر بینی در هر جا که دستور دادی و نبینی او را در هر جا که نهی فرموده‌ای خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ، وَاعْفُ عَنْهُ وَعَنْ جَمِيعِ

محمد و آل محمد و بیامرز او را و مورد رحمت قرارش ده و درگذر از او و از همه

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِذْهُ

مردان و زنان با ایمان خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و پناهش ده

مِنْ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ، وَمِنْ فَرَعِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ، وَسَوْءِ الْمُتَقَلِّبِ، وَمِنْ ظُلْمَةِ

از هراس روز جزا (که بر احوال خود آگاه شود) و از بیم و ترس روز قیامت و از بدی جای بازگشت و از تاریکی

الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، وَمِنْ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ

قبر و وحشت آن و توقفگاههایی که موجب خواری است در دنیا و آخرت خدایا درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ جَائِزَتَهُ فِي مَوْقِفِي هَذَا غُفْرَانِكَ

بر محمد و آل محمد و جایزه او را در این جایی که ایستاده‌ام برای او آمرزشت قرار ده

وَتُخَفِّتُهُ فِي مَقَامِي هَذَا عِنْدَ إِمَامِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَنْ تُقِيلَ عَثْرَتَهُ،

و تحفه‌اش در این مقامی که هستم در نزد امامم - که درود تو بر او باد - این باشد که تو از لغزشش چشم‌پوشی کنی

وَتَقْبَلَ مَعْدِرَتَهُ، وَتَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِهِ، وَتَجْعَلَ التَّقْوَى زَادَهُ، وَمَا

و عذرش را بپذیری و از خطایش درگذری و تقوی و پرهیزکاری را توشه‌اش قرار دهی و آنچه

عِنْدَكَ خَيْرًا لَهُ فِي مَعَادِهِ، وَتَحْشُرُهُ فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

در پیش تو است در روز معاد برایش خیر و خوبی گردانی و محشورش کنی در گروه محمد و آل محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتَغْفِرَ لَهُ وَكُلَّوَالِدَيْهِ، فَإِنَّكَ خَيْرٌ مَرْعُوبٍ إِلَيْهِ،

صلی الله علیه و آله و بیامری او را و پدر و مادرش را که تو بهترین کسی هستی که بسویت میل کنند

وَأَكْرَمَ مَسْئُولٍ اعْتَمَدَ الْعِبَادُ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ وَكُلُّ مُوفِدٍ جَائِزَةٌ، وَكُلِّ

و بزرگوartترین درخواست شده‌ای هستی که بندگان بر تو اعتماد کنند خدایا و برای هر شخصی که کسی را به‌نمایندگی

به‌جایی فرستد

زَائِرٍ كَرَامَةٍ، فَاجْعَلْ جَائِزَتَهُ فِي مَوْفِي هَذَا غُفْرَانِكَ، وَالْجَنَّةَ لَهُ

جایزه‌ای مقرر است و هر زائری را کرامتی است پس جایزه او را در اینجا که ایستاده‌ام آموزش و بهشت برای او

وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الْخَاطِئُ الْمُدْنِبُ

مقرر فرما و هم چنین برای همه مردان و زنان با ایمان خدایا ضمناً هم من بنده خطاکار گنهکار

الْمُقِرُّ بِذُنُوبِهِ، فَاسْئَلْكَ يَا اللَّهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَنْ لَا تَحْرِمَنِي

معترف به گناهانم هستم (که بدرگاهت آمده‌ام) از تو خواهم خدایا به حق محمد و آل محمد که پس از مرد

بَعْدَ ذَلِكَ الْأَجْرِ وَالْثَوَابِ مِنْ فَضْلِ عَطَائِكَ، وَكَرَمِ تَفَضُّلِكَ. * پس برود

و پاداش او مرا هم از افزونی عطا و بزرگواری نعمت بخشیت محروم نکنی * * *

به نزد ضریح مقدس و دستها را بسوی آسمان بلند کند رو به قبله و بگوید:

يَا مَوْلَايَ يَا اِمَامِي، عَبْدُكَ

* ای مولای من ای امام و پیشوایم بنده‌ات

فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ اَوْفَدَنِي زَائِرًا لِمَشْهَدِكَ، يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِذَلِكَ

فلانی پسر فلان مرا به زیارت قبرت فرستاده و بدینوسیله بدرگاه خدای عزوجل و به پیشگاه

وَالِي رَسُولِهِ وَالْيَنِيكَ، يَرْجُو بِذَلِكَ فَكَأَنَّ رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ مِنَ الْعُقُوبَةِ، فَاعْفِرْ لَهُ

رسول خدا و به آستان تو تقرب جسته و از این راه امید دارد که خود را از آتش دوزخ و از کیفر آزاد کند پس ای خدا

بیامرز او را

وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ،

و همه مردان و زنان با ایمان را ای خدا ای خدا

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ

معبودی نیست جز خدای بردبار بزرگوار معبودی نیست جز خدای والای بزرگ از تو خواهم که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَسْتَجِيبَ لِي فِيهِ، وَفِي جَمِيعِ إِخْوَانِي

درود فرستی بر محمد و آل محمد و اجابت کنی دعایم را درباره او و درباره همه برادرانم

وَأَخَوَاتِي، وَوَلَدِي وَأَهْلِي، بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و خواهرانم و فرزندان و خاندانم به جود و کرم خودت ای مهربانترین مهربانان

پایان کتاب شریف مفاتیح الجنان و ملحقات آن

از تألیفات محدث جلیل‌القدر مرحوم حاج شیخ عباس قمی رضوانُ اللهُ تَعَالَى

عَلَيْهِ

که متن و حاشیه آن به قلم: دانشمند محترم آقای حاج سید هاشم رسولی
محلاتی ترجمه شده و از خوانندگان محترم تمنا می‌شود مؤلف و مترجم را از
دعای خیر فراموش نفرمایند.

ملحقات دویم مفاتیح

مخفی نماند که این نسخه شریفه از جهت خط و چاپ و صحت از سایر چاپها
امتیاز دارد بعلاوه آنکه مصنف در مفاتیح چند دعا را بواسطه طول آن اول آن را
ذکر کرده و بقیه‌اش را نقل ننموده و ما در اینجا آن بقیه را ذکر می‌نماییم تا

اشخاصی که این کتاب را دارند محتاج به کتاب دیگر نشوند و چون در مفاتیح برای امامزاده‌ها زیارتی نقل نشده در اینجا یک زیارتی برای امامزاده‌ها نقل می‌کنیم امید که منظور نظر اهل معرفت و دعا واقع شود و قدر آنرا دانسته احترام و شکر مؤلف و کاتب و بانی طبع آنرا بجا آورده باشند والله الموفق اما دعاها اول دعای نماز حضرت امام حسین علیه السلام که در مفاتیح اول آن ذکر شده و تمامش این است:

دعای نماز حضرت امام حسین علیه السلام

اللَّهُمَّ أَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِأَدَمَ وَحَوَّاءَ، إِذْ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا

خدایا تویی که دعای آدم و حواء را به اجابت رساندی آنگاه که گفتند پروردگارا ما به خود ستم کردیم

وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ، وَتَادَاكَ نُوحٌ

و اگر ما را نیامیزی و به ما رحم نکنی حتماً از زیانکاران خواهیم بود، و نوح تو را ندا کرد

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَبَجَّيْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ وَأَطْفَاتِ نَارٍ نَمُرُودَ

و تو اجابتش کردی و او و کسانش را از گرفتاری بزرگ نجات دادی و خاموش کردی آتش نمود را

عَنْ خَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ، فَجَعَلْتَهَا بَرْدًا وَسَلَامًا، وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ

از خلیلت ابراهیم و آن را سرد و سلامت کردی و تویی که دعای ایوب را به اجابت رساندی

لِأَيُّوبَ إِذْ نَادَى مَسْنِيَّ الضَّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، فَكَشَفْتَ مَا بِهِ

آنگاه که ندا کرد (پروردگارا) من به محنت دچارم و تو مهربانترین مهربانانی و تو محنتش را برطرف کردی

مِنْ ضَرِّ، وَأَتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذِكْرِي لِأُولِي

و کسانش را به او دادی و مانندشان را همراه آنها (اضافه) به او دادی از روی مرحمتی از خودت و اندرزی

الْأَثْبَابِ، وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِذِي النُّونِ، حِينَ نَادَاكَ فِي الظُّلُمَاتِ

برای خردمندان و تویی که به اجابت رساندی دعای ذوالنون (حضرت یونس) را هنگامی که ندا کرد تو را در تاریکیها

أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَنجَّيْتَهُ مِنَ الْعَمِّ،

که معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از ستمکارانم و از اندوه نجاتش دادی

وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِمُوسَى وَهَارُونَ دَعَوَتَهُمَا حِينَ قُلْتَ قَدْ

و تویی که دعای موسی و هارون را اجابت کردی هنگامی که فرمودی

أَجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ، وَعَفَرْتَ لِدَاوُدَ

دعایتان به اجابت رسید پس استقامت ورزید و غرق کردی فرعون و قومش را و آمرزیدی برای داود

ذَنْبَهُ، وَتُبَّتْ عَلَيْهِ رَحْمَةٌ مِنْكَ وَذِكْرِي وَقَدَيْتَ إِسْمَاعِيلَ بِذَبِيحِ

گناهش را و توبه‌اش را از روی مرحمتی که داشتی و اندرز (دیگران) پذیرفتی و فدا کردی برای اسماعیل قربانی

عَظِيمٍ بَعْدَمَا أَسْلَمَ، وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ فَنَادَيْتَهُ بِالْفَرَجِ وَالرُّوحِ، وَأَنْتَ

بزرگی پس از آنکه تسلیم شد و (پدرش) پیشانی او را بر خاک نهاد و تو او را به گشایش و رحمت ندا کردی

الَّذِي نَادَاكَ زَكَرِيَّا نِدَاءً خَفِيًّا، فَقَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي،

و تویی آن خدائی که زکریا در پنهانی تو را ندا کرده گفت: پروردگارا من استخوانم سست شده

وَأَشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا، وَقُلْتُ يَدْعُونَا

و موی سرم سپید گشته و نبوده‌ام پروردگارا در زمینه دعای تو (در گذشته) محروم و تو فرمودی «می‌خوانند ما را

رَغْبًا وَرَهْبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ، وَأَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِلَّذِينَ آمَنُوا

از روی شوق و ترس و برای ما خاشع بودند» و تویی خدائی که اجابت کردی برای آنانکه ایمان آورده

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ، لِتَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ، فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْوَنَ

و کارهای شایسته انجام دادند تا بیفزائی بر آنها از فضل خود پس قرارم مده از خوارترین

الدَّاعِينَ لَكَ، وَالرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ، وَاسْتَجِبْ لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُمْ بِحَقِّهِمْ

و پست‌ترین دعا کنندگان و مشتاقان درگاهت و دعایم را به اجابت رسان چنانچه دعای آنان را به اجابت رساندی و به

حق

عَلَيْكَ، فَطَهَّرْنِي بِتَطْهِيرِكَ، وَتَقَبَّلْ صَلَوَتِي وَدُعَائِي بِقَبُولِ حَسَنِ،

ایشان بر تو که مرا پاک گردان به پاک کردن خودت و بپذیر نماز و دعایم را بپذیرش خوبی، و خوش

وَطَيِّبْ بِقِيَّةِ حَيَاتِي، وَطَيِّبْ وَقَاتِي، وَاخْلُفْنِي فِيمَنْ أَخْلَفُنِي، وَاخْفِظْنِي

و خرم کن باقیمانده زندگیم را و خوش گردان وقاتم را و جانشین من باش در میان آنانکه بجای گذارم

يَا رَبِّ بِدُعَائِي، وَاجْعَلْ ذُرِّيَّتِي ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً، تَحَوُّطُهَا بِحِيَاطَتِكَ بِكُلِّ

و با دعایم پروردگارا مرا نگهداری کن و فرزندانم را فرزندان پاکیزه قرار ده و در برگیر آنها را به در برگرفتن خودت

به همه

مَا حُطَّتْ بِهِ ذُرِّيَّةٌ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا

آنچه دربرگیری بدانها فرزندان یکی از دوستان خود و فرمانبردارانت را به رحمت ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ، وَلِكُلِّ دَاعٍ مِنْ خَلْقِكَ

مهربانترین مهربانان ای که بر هر چیز نگهبانی و بر هر که از آفریدگانت که تو را بخواند

مُجِيبٌ، وَمِنْ كُلِّ سَائِلٍ قَرِيبٌ، أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ،

اجابت کنی و به هر خواستاری نزدیکی از تو خواهم ای که معبودی جز تو نیست زنده پاینده

الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَبِكُلِّ

یکتای بی خللی که زایید و نه زائیده شده و نیست برایش همتائی هیچکس، و

اسْمٍ رَفَعْتَ بِهِ سَمَائِكَ، وَفَرَشْتَ بِهِ أَرْضَكَ، وَأَرْسَيْتَ بِهِ الْجِبَالَ،

به حق هر نامی که بلند کردی بدان آسمانت را و فرش کردی بدان زمینت را و محکم و پابرجا کردی بدان کوهها را

وَأَجْرَيْتَ بِهِ الْمَاءَ، وَسَخَّرْتَ بِهِ السَّحَابَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

و روان کردی بدان آب را و تسخیر کردی بدان ابرها و خورشید و ماه

وَالنُّجُومَ وَاللَّيْلَ وَالنَّهَارَ، وَخَلَقْتَ الْخَلَائِقَ كُلَّهَا، أَسْأَلُكَ بِعِظَمَةِ

و ستارهها و شب و روز را و آفریدی همه آفریدگان را از تو خواهم به بزرگی

وَجْهِكَ الْعَظِيمِ، الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ، فَأَضَاءَتْ بِهِ

ذات بزرگت که تابناک شد برایش آسمانها و زمین و روشنی گرفت بدان

الظُّلُمَاتِ، إِلَّا صَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَكَفَيْتَنِي أَمْرَ مَعَاشِي

تاریکیها که (اولاً) درود فرستی بر محمد و آل محمد و (پس از آن) کفایت کنی کار معاش

وَمَعَادِي، وَأَصْلَحْتَ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، وَلَمْ تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ

و معاد مرا و اصلاح کنی همه کارهایم را و مرا بخودم وامگذار ای چشم برهم زدنی

عَيْنٍ، وَأَصْلَحْتَ أَمْرِي وَأَمْرَ عِيَالِي وَكَفَيْتَنِي هَمَّهُمْ، وَأَغْنَيْتَنِي

و اصلاح کنی کار من و کار خانوادهام را و کفایت کنی از من اندوه ایشان را و بی نیاز کنی

وَأَيَّاهُمْ مِنْ كَنْزِكَ وَخَزَائِنِكَ وَسَعَةِ فَضْلِكَ الَّذِي لَا يَنْفَدُ أَبَدًا، وَأَثْبِتْ

من و ایشان را از گنج خود و خزینه‌هایت و فراخی فضلت که هرگز پایان نپذیرد و پابرجا کن

فِي قَلْبِي يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ الَّتِي تَنْفَعُنِي بِهَا، وَتَنْفَعُ بِهَا مَنْ ارْتَضَيْتَ

در دلم چشمه‌های حکمتی را که سود دهی مرا بدان و سود دهی بدان هر که را که پسندیده‌ای

مِنْ عِبَادِكَ وَاجْعَلْ لِي مِنَ الْمُتَّقِينَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ إِمَامًا، كَمَا جَعَلْتَ

از بندگانت و قرار ده برایم از مردمان با تقوی در آخر الزمان امامی چنانچه

إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ إِمَامًا، فَإِنَّ بِتَوْفِيقِكَ يَفُوزُ الْفَائِزُونَ، وَيَتَوَبُّ التَّائِبُونَ

ابراهیم خلیل را امام گردانیدی زیرا مردمان رستگار به توفیق تو رستگار شوند و توبه کنندگان نیز به توفیق تو توبه کنند

وَيَعْبُدُكَ الْعَابِدُونَ وَبِتَسْتَدِيدِكَ يَصْلُحُ الصَّالِحُونَ الْمُحْسِنُونَ

و عبادت کنندگان نیز به توفیق تو عبادت کنند و به تأیید و یاری تو شایسته گردند مردمان شایسته نیکوکار

الْمُخْتَبِتُونَ الْعَابِدُونَ لَكَ الْخَائِفُونَ مِنْكَ، وَبِإِرْشَادِكَ نَجَا النَّاجُونَ مِنْ نَارِكَ،

و فروتن و آنانکه تو را عبادت کنند و از تو ترسانند، و با ارشاد و راهنمایی تو نجات یابند نجات یافتگان از آتش

دوزخ

وَأَشْفَقَ مِنْهَا الْمُشْفِقُونَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبِخِذْلَانِكَ خَسِرَ الْمُبْطِلُونَ، وَهَلَكَ

و بهراسند از آن هراسناکان از آفریدگانت و بوسيله خوار کردن تو زیانکار شوند اهل باطل و هلاک شدند

الظَّالِمُونَ، وَغَفَلَ الْغَافِلُونَ، اَللّٰهُمَّ اَتِ نَفْسِي تَقْوِيَهَا، فَاَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلِيهَا،

ستمکاران و غافل شدند بیخبران خدایا بده به نفس من پرهیزکاریش را که توئی اختیار دار و سرپرستش

وَأَنْتَ خَيْرٌ مَنْ زَكِّيَهَا، اَللّٰهُمَّ بَيْنَ لَهَا هُدَاهَا، وَاللّٰهُمَّ تَقْوِيَهَا، وَبَشْرُهَا

و توئی بهترین کسی که پاکیزه‌اش کردی خدایا راهنمائیش را برایش آشکار کن و پرهیزکاریش را به او الهام کن

بِرَحْمَتِكَ حِينَ تَتَوَقَّأَهَا وَنَزَّلَهَا مِنَ الْجَنَانِ عَلَيْهَا، وَطَيِّبُ وَقَاتِهَا وَمَحْيَاهَا،

و به رحمت خود نویدش ده آنگاه که او را از این جهان ببری و در بلندترین جاهای بهشت منزلش ده و گوارا کن وفات و زندگیش

وَأَكْرِمُ مُنْقَلَبَهَا وَمَثْوِيهَا، وَمُسْتَقَرَّهَا وَمَأْوِيهَا، فَأَنْتَ وَلِيِّهَا وَمَوْلِيهَا

را و گرامی کن جای بازگشت و منزلگاه و قرارگاه و مأوایش را که براستی تویی اختیاردار و سرپرستش

دویم دعای بعد از نماز زیات حضرت جوادعلیه السلام

دعا این است: اللَّهُمَّ أَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْمَرْبُوبُ، وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ، وَأَنْتَ

خدایا تویی پروردگار و منم پروریده و تویی آفریدگار و منم آفریده و تویی

الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ، وَأَنْتَ الْمُعْطَى وَأَنَا السَّائِلُ، وَأَنْتَ الرَّازِقُ وَأَنَا

مالک و منم مملوک و تویی عطابخش و منم درخواست کننده و تویی روزی ده و منم

الْمَرْزُوقُ، وَأَنْتَ الْقَادِرُ وَأَنَا الْعَاجِزُ، وَأَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ،

روزی خور و تویی توانا و منم خسته درمانده و تویی نیرومند و منم ناتوان

وَأَنْتَ الْمُغِيثُ وَأَنَا الْمُسْتَعِيثُ، وَأَنْتَ الدَّائِمُ وَأَنَا الزَّائِلُ، وَأَنْتَ

و تویی فریادرس و منم فریادخواه و تویی پاینده و منم زوالپذیر و تویی

الْكَبِيرُ وَأَنَا الْحَقِيرُ، وَأَنْتَ الْعَظِيمُ وَأَنَا الصَّغِيرُ، وَأَنْتَ الْمَوْلَى وَأَنَا

بزرگ و منم حقیر بی مقدار و تویی عظیم و منم کوچک و تویی سرپرست و منم

الْعَبْدُ، وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ، وَأَنْتَ الرَّفِيعُ وَأَنَا الْوَضِيعُ، وَأَنْتَ

بنده و تویی عزیز و منم خوار و ذلیل و تویی والا رتبه و منم پست و تویی

الْمُدَبِّرُ وَأَنَا الْمُدَبَّرُ، وَأَنْتَ الْبَاقِي وَأَنَا الْفَانِي، وَأَنْتَ الدِّيَانُ وَأَنَا

تدبیر کننده و منم که در تحت تدبیر توأم و تویی باقی و منم فانی و تویی پاداش دهنده و منم

الْمُدَانُ، وَأَنْتَ الْبَاعِثُ وَأَنَا الْمَبْعُوثُ، وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ، وَأَنْتَ

پاداش گیرنده و تویی برانگیزنده و منم برانگیخته و تویی بی نیاز و منم فقیر نیازمند و تویی

الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ، تَجِدُ مَنْ تُعَذِّبُ يَا رَبِّ غَيْرِي، وَلَا أَجِدُ مَنْ

زنده و منم مرده تو برای عذاب کردن - پروردگارا - غیر مرا هم داری ولی من غیر تو کسی را ندارم که

يَرْحَمُنِي غَيْرِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَرِّبْ فَرَجَهُمْ،

به من رحم کند خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و ظهور و فرجشان را نزدیک

وَارْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَتَضَرَّعِي إِلَيْكَ وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ،

و رحم کن بخواریم در برابرت و زاریم بدرگاهت و وحشتم از مردم

وَأُنْسِي بِكَ يَا كَرِيمُ تَصَدَّقْ عَلَيَّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، بِرَحْمَةٍ مِنْ عِنْدِكَ

و انسم به تو ای بزرگوار تصدق کن (و کرم فرما) بر من در این ساعت به دادن رحمتی از نزد خودت

تَهْدِي بِهَا قَلْبِي، وَتَجْمَعُ بِهَا أَمْرِي وَتَلْمُ بِهَا شَعْتِي، وَتَبَيِّضُ بِهَا

که راهنمایی کنی بدان دلم را و فراهم کنی بدان (پراکندگی) کارم را و گردآوری بدان پریشانیم را و سفید گردانی بدان

وَجْهِي، وَتُكْرِمُ بِهَا مَقَامِي، وَتَحُطُّ بِهَا عَنِّي وَزْرِي، وَتَغْفِرُ بِهَا مَا

رویم را و گرامی داری بدان مقامم را و بریزی بدان بار گناهم را و بیماری را و بهترین

مَضَى مِنْ ذُنُوبِي، وَتَعْصِمُنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، وَتَسْتَعْمِلُنِي فِي

گناهان گذشته‌ام را و نگاهم داری در باقیمانده از عمرم و در همه موارد بگماری مرا

ذَلِكَ كُلَّهُ بِطَاعَتِكَ وَمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، وَتَخْتِمُ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ،

به کار فرمانبرداری و طاعتت و بدانچه تو را از من خوشنود سازد و پایان دهی کردارم را به بهترین

وَتَجْعَلُ لِي ثَوَابَهُ الْجَنَّةِ، وَتَسْأَلُكَ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ، وَتُعِينُنِي عَلَى

آنها و پاداش آن را بهشت مقرر فرمائی و مرا به راه مردمان شایسته واداری و کمک دهی

صَالِحٍ مَا أَعْطَيْتَنِي، كَمَا أَعَنْتَ الصَّالِحِينَ عَلَى صَالِحٍ مَا أَعْطَيْتَهُمْ،

تا آنچه به من عطا کرده‌ای در راه شایسته‌ای بکار برم چنانچه شایستگان را کمک دادی به انجام عمل صالح در آنچه به

آنها عطا

وَلَا تَنْزِعْ مِنِّي صَالِحًا أَبَدًا، وَلَا تَرُدَّنِي فِي سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ أَبَدًا،

فرمودی و هیچگاه توفیق کار شایسته انجام دادن را از من مگیر و هیچگاه برمگردان در آن بدی که مرا از آن نجات

داده‌ای

وَلَا تُشْمِتْ بِي عَدُوًّا وَلَا حَاسِدًا أَبَدًا، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةً

و هیچگاه مرا گرفتار شماتت دشمن و حسودی مکن و هیچگاه مرا چشم برهمزدنی به خودم

عَيْنِ أَبَدًا، وَلَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اَللَّهُمَّ صَلِّ

و امگذار و نه کمتر از این مقدار و نه بیشتر از آن ای پروردگار جهانیان خدایا درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَرِنِي الْحَقَّ حَقًّا فَاتَّبِعُهُ، وَالْبَاطِلَ بَاطِلًا

بر محمد و آل محمد و حق را (همانطور که هست) حق به من نشان ده تا پیروی کنم و باطل را نیز باطل بنمایان

فَاجْتَنِبْهُ، وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ مُتَشَابِهًا فَاتَّبِعْ هَوَايَ بَعِيرٍ هُدًى مِنْكَ،

تا از آن دوری گزینم و آن را بر من مشتبه مکن تا در نتیجه بدون بصیرت و راهنمایی تو

وَاجْعَلْ هَوَايَ تَبَعًا لِمَطَاعَتِكَ، وَخُذْ رِضَا نَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي، وَاهْدِنِي

پیروی از هوای نفسم کنم و میل مرا پیرو طاعت خودت قرار ده و آنچه رضایت تو است از نفس من بگیر و راهنمایی

کن

لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ

به اذن خودت بدان حقی که در آن اختلاف شده که براستی تو راهنمایی کنی هر که را خواهی بسوی راه

مُسْتَقِيمٍ. * پس حاجات خود را از خدا بطلب که برآورده خواهد شد انشاء الله

تعالی

راست * * * * *

و زیارت دیگر

از برای آن حضرت روایت شده: اَلسَّلَامُ عَلَيَّ اَلْبَابِ اَلْاَقْصَدِ، وَاَلطَّرِيقِ

* * * * * سلام بر محکمترین درگاه و راستترین راه

اَلْاَرْشَدِ، وَاَلْعَالِمِ اَلْمُوَيَّدِ، يَنْبُوعِ اَلْحِكْمِ، وَمِصْبَاحِ اَلظُّلْمِ، سَيِّدِ اَلْعَرَبِ

و بر آن دانشمند تأیید شده (از جانب پروردگار) سرچشمه حکمتها و چراغ تاریکیها آقای عرب

وَاَلْعَجْمِ، اَلْهَادِي اِلَى الرَّشَادِ، اَلْمَوْفِقِ بِاَلتَّايِيدِ وَاَلسَّدَادِ، مَوْلَايَ

و عجم راهنمای راه رشد و هدایت و موفق به تأیید و استقامت (حق) سرور و مولایم حضرت
 أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْجَوَادِ، أَشْهَدُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ،

ابی جعفر محمد بن علی جواد گواهی دهم ای ولی خدا که پرستی تو برپاداشتی نماز را

وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ

و بدادی زکات را و امر به معروف و نهی از منکر کردی و جهاد کردی

فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ،

در راه خدا آنطور که باید و خدا را از روی اخلاص پرستش کردی تا رحلتت فرا رسید،

فَعِشْتَ سَعِيداً، وَمَضَيْتَ شَهِيداً، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً

سعادتمند زیستی و شهید از جهان رفتی ای کاش من هم با شما بودم و به رستگاری بزرگی نائل

عَظِيماً، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. * پس بیوس تربت شریف را و بگذار صورت

می شدم و رحمت خدا و برکاتش نیز بر تو باد * * * * *

راست را بر آن و دو رکعت نماز زیارت را بجا آور و دعا کن بعد از آن هرچه

بخواهی.

سوم

دو زیارت از برای امامزادگان

سید اجل علی بن طاوس رضی الله عنه در مصباح الزائر دو زیارت از برای

امامزادگان نقل نموده که به آن زیارت کرده می شوند و نقلش در اینجا مناسب

است فرموده که چون قصد کردی زیارت کنی یکی از ایشان را مثل قاسم

فرزند حضرت کاظم علیه السلام یا عباس فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام یا علی

بن الحسين عليه السلام را که مقتول بطف است و هر که جاری مجرای ایشان

باشد در حکم پس بایست بر سر قبرشان و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ

سلام بر تو ای آقای

الزَّكِيُّ، الطَّاهِرُ الْوَلِيُّ، وَالِدَاعِي الْحَفِيُّ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قُلْتَ حَقًّا، وَنَطَقْتَ

پاک و پاکیزه و سرور من و ای دعوت کننده (به حق) به مهربانی، گواهی دهم که تو حق گفتی و

حَقًّا وَصِدْقًا، وَدَعَوْتَ إِلَى مَوْلَايَ وَمَوْلَاكَ عِلَانِيَةً وَسِرًّا، فَازْ مُتَّبِعُكَ،

به حق و راستی سخن کردی و (مردم را) آشکارا و نهان بسوی مولای من و مولای خودت دعوت فرمودی رستگار شد

پیرو تو

وَنَجِي مُصَدِّقِكَ، وَخَابَ وَخَسِرَ مُكَذِّبُكَ، وَالْمُتَخَلِّفُ عَنْكَ إِشْهَدُ لِي

و نجات یافت تصدیق کننده‌ات و نومید و زیانکار شد تکذیب کننده‌ات و آنکس که با تو مخالفت کرد گواه باش برای

من

بِهَذِهِ الشَّهَادَةِ لِأَكُونَ مِنَ الْفَائِزِينَ بِمَعْرِفَتِكَ وَطَاعَتِكَ، وَتَصَدِّقِكَ

این گواهی را تا من بوسیله معرفت و اطاعت تو و تصدیق و پیروی کردند

وَاتَّبَاعِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي وَأَبْنَ سَيِّدِي أَنْتَ بَابُ اللَّهِ

از زمره رستگاران باشم و سلام بر تو ای آقای من و ای فرزند آقای من تویی درگاه خدا

الْمُؤْتَى مِنْهُ، وَالْمَأْخُوذُ عَنْهُ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا، وَحَاجَاتِي لَكَ مُسْتَوْدِعًا،

که از آن دریافت و (معالم دین را) از آن بگیرند آمده‌ام به درگاهت برای زیارت و حاجت‌های خود را به تو سپرده‌ام

وَهَا أَنَا ذَا اسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَأَمَاتِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي، وَجَوَامِعَ

و من اکنون به تو می‌سپارم دینم و امانتم و سرانجام کارهایم و همه

أَمَلِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

آرزوهایم را تا پایان عمرم و بر تو باد سلام و رحمت خدا و برکاتش

زیارت دیگر از برای اولاد ائمه علیهم السلام

می گوئی: السَّلَامُ عَلَى جَدِّكَ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَى أَبِيكَ الْمُرْتَضَى [الرُّضَا].

*** سلام بر جدّ تو حضرت مصطفی سلام بر پدرت امام مرتضی (و پسندیده)

السَّلَامُ عَلَى السَّيِّدَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَى خَدِيجَةَ أُمِّ

سلام بر دو آقای بزرگوار حسن و حسین سلام بر خدیجه مادر

سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ أُمِّ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ،

بانوی زنان جهانیان سلام بر فاطمه مادر امامان پاکیزه

السَّلَامُ عَلَى النَّفُوسِ الْفَاخِرَةِ، بُحُورِ الْعُلُومِ الرَّاحِرَةِ، شُفَعَائِي فِي

سلام بر بزرگواران با افتخار آن دریاهای موج علم و دانش شفیعان من در

الْآخِرَةِ، وَأَوْلِيَائِي عِنْدَ عَوْدِ الرُّوحِ إِلَى الْعِظَامِ النَّاخِرَةِ، أَيْمَةَ الْخَلْقِ،

آخرت و سروران من هنگام بازگشت روح به استخوانهای پوسیده، پیشوایان خلق

وَوَلَاةِ الْحَقِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّخْصُ الشَّرِيفُ الطَّاهِرُ الْكَرِيمُ،

و زمامداران حق سلام بر تو ای شخص شریف پاکیزه بزرگوار

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَمُصْطَفَاهُ، وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّهُ

گواهی دهم که معبودی جز خدا نیست و اینکه محمد بنده و برگزیده او است و علی ولی او

وَمُجْتَبَاهُ، وَأَنَّ الْأِمَامَةَ فِي وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، نَعْلَمُ ذَلِكَ عِلْمَ

و انتخاب شده از طرف او است و به اینکه منصب امامت تا روز قیامت در اولاد او است و این مطلب را

الْيَقِينِ، وَتَحْنُ لِدَلِكِ مُعْتَقِدُونَ، وَفِي نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ.

به یقین می دانیم و بدان معتقدیم و در یاریشان کوشانیم

چهارم در اعمال روز عرفه

در ذیل تسبیح سُبْحَانَ اللَّهِ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ که در مفاتیح

مذکور است بعد از تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ بخوان:

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مَعَ كُلِّ

و ستایش خدای را پیش از هر کس و ستایش خدای را بعد از هر کس و ستایش خدای را با هر

أَحَدٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ يَبْتَدِئُ رَبَّنَا وَيَفْنِي كُلَّ أَحَدٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُفْضَلُ

کس و ستایش خدای را که باقی است پروردگار ما و فانی شود هر کس و ستایش خدای را ستایشی که فزونی جوید

حَمْدَ الْحَامِدِينَ، حَمْدًا كَثِيرًا قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُفْضَلُ

برستایش ستایش کنندگان ستایش بسیاری پیش از هر کس و ستایش خدای را ستایشی که فزونی جوید

حَمْدَ الْحَامِدِينَ حَمْدًا كَثِيرًا بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُفْضَلُ

ستایش ستایش کنندگان را ستایشی بسیار پس از هر کس و ستایش خدای را ستایشی که فزونی جوید

حَمْدَ الْحَامِدِينَ حَمْدًا كَثِيرًا مَعَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُفْضَلُ

ستایش ستایش کنندگان را ستایشی بسیار با هر کس و ستایش خدای را ستایشی که فزونی جوید

حَمْدَ الْحَامِدِينَ حَمْدًا كَثِيرًا لِرَبَّنَا الْبَاقِي وَيَفْنِي كُلَّ أَحَدٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

ستایش ستایش کنندگان را ستایشی بسیار برای پروردگار ما که باقی است و فانی شود هر کس و ستایش خدای را

حَمْدًا لَا يُحْصَى وَلَا يُدْرَى، وَلَا يُنْسَى وَلَا يَبْلَى، وَلَا يَفْنَى وَلَا يَسْ

ستایشی که بشماره درنیاید و مقدارش دانسته نشود و فراموش نگردد و کهنه نشود و فنا نپذیرد

لَهُ مُنْتَهَى، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَدُومُ بَدْوَامِهِ، وَيَبْتَدِئُ بِبِقَائِهِ فِي سِنِي

و نهایت نداشته باشد و ستایش خدای را ستایشی که دوام یابد به دوام او و باقی بماند به بقای او در طول سالیان

الْعَالَمِينَ، وَشُهُورِ الدُّهُورِ وَأَيَّامِ الدُّنْيَا، وَسَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ،

(بی‌شمار) جهانیان و ماههای روزهای این جهان و ساعتهای شب و روز

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَبَدًا أَبَدًا وَمَعَ الْأَبَدِ، مِمَّا لَا يُحْصِيهِ الْعَدَدُ، وَلَا يَفْنِيهِ

و ستایش خدای را به همیشگی همیشه و تا ابد بدان حلا که شماره‌اش نکند شماره و عدد و تمامش نکند

الْأَمَدُ، وَلَا يَقْطَعُهُ الْأَبَدُ، وَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ. (بعد بگو) لَا إِلَهَ

زمان و مدت و قطع نکند دنباله‌اش را ابد (و همیشگی) و بزرگ است خدا که بهترین آفرینندگان است * * * «معبودی

إِلَّا اللَّهُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَعَ

نیست جز خدا» پیش از هر کس و «معبودی نیست جز خدا» پس از هر کس و «معبودی نیست جز خدا» با

كُلِّ أَحَدٍ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَبْقَى رَبُّنَا وَيَفْنَى كُلُّ أَحَدٍ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

هر کس و «معبودی نیست جز خدا» که باقی است پروردگار ما و فانی شود هر کس و «معبودی نیست جز خدا»

تَهْلِيلًا يُفْضَلُ تَهْلِيلَ الْمُهْلَلِينَ فَضْلًا كَثِيرًا قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

به یکتا خوانی آن چنانی که فزونی جوید یکتاخوانی یکتاخوانندگان را فزونی بسیاری پیش از هر کس و «معبودی نیست

جز

اللَّهُ تَهْلِيلًا يُفْضَلُ تَهْلِيلَ الْمُهْلَلِينَ فَضْلًا كَثِيرًا بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ، وَلَا إِلَهَ

خدا» به یکتاخوانی آنچنانی که فزونی جوید یکتاخوانی یکتاخوانان را فزونی بسیاری بعد از هر کس و «معبودی نیست

إِلَّا اللَّهُ تَهْلِيلًا يُفْضَلُ تَهْلِيلَ الْمُهْلَلِينَ فَضْلًا كَثِيرًا مَعَ كُلِّ أَحَدٍ، وَلَا

جز خدا» به یکتاخوانی آنچنانی که فزونی جوید یکتاخوانی یکتاخوانان را فزونی بسیار با هر کس و «معبودی

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَهْلِيلًا يُفْضَلُ تَهْلِيلَ الْمُهْلَلِينَ فَضْلًا كَثِيرًا لِرَبَّنَا الْبَاقِي

نیست جز خدا» به یکتاخوانی آنچنانی که برتری جوید یکتاخوانی یکتاخوانان را فزونی بسیاری برای پروردگار ما که

باقیست

وَيَفْنَى كُلُّ أَحَدٍ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَهْلِيلًا لَا يُحْصَى وَلَا يُدْرَى، وَلَا

و فانی شود هر کس و «معبودی نیست جز خدا» به یکتاخوانی آنچنانی که شماره نشود مقدارش و دانسته نشود و

يُنْسَى وَلَا يَبْلَى وَلَا يَفْنَى، وَكَيْسَ لَهُ مُنْتَهَى، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَهْلِيلًا

فراموش نگردد و کهنه نشود و فنا نپذیرد و انتها نداشته باشد و «معبودی نیست جز خدا» به یکتاخوانی آنچنانی

يَدُومُ بِدَوَامِهِ، وَيَبْقَى بِبَقَائِهِ فِي سِنِي الْعَالَمِينَ، وَشُهُورِ الدُّهُورِ

که ادامه باید به دوام او و باقی ماند به بقای او در طول سالیان جهانیان و ماههای روزگاران

وَأَيَّامِ الدُّنْيَا، وَسَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَبَدَ الْأَبَدِ وَمَعَ

و روزهای این جهان و ساعت‌های شب و روز و «معبودی نیست جز خدا» به همیشگی همیشه و تا

الْأَبَدِ، مَمَّا لَا يُحْصِيهِ الْعَدَدُ، وَلَا يُفْنِيهِ الْأَمَدُ، وَلَا يَقْطَعُهُ الْأَبَدُ، وَتَبَارَكَ

أَبَدِ بَدَانِ حَدِّكَ شِمَارَه‌اش نَكُنْدِ عَدْدِ وَ فَانِيشِ نَكُنْدِ مَدْتِ وَ دِنْبَالَه‌اش رَا قَطْعِ نَكُنْدِ أَبَدِ وَ بَزْرِكِ اسْتِ

اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (پس بگو) وَاللَّهُ أَكْبَرُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ وَاللَّهُ أَكْبَرُ بَعْدَ

خِدا كِه بَهْتَرِينِ آفَرِينِنْدِگَانِ اسْتِ * * * وَ «خِدا بَزْرِكْتَرِ اسْتِ» پِيْشِ از هَر كَسِ وَ «خِدا بَزْرِكْتَرِ اسْتِ» بَعْدِ

كُلِّ أَحَدٍ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مَعَ كُلِّ أَحَدٍ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ يَبْقَى رَبُّنَا وَيَفْنِي كُلَّ أَحَدٍ،

از هَر كَسِ وَ «خِدا بَزْرِكْتَرِ اسْتِ» با هَر كَسِ وَ «خِدا بَزْرِكْتَرِ اسْتِ» كِه باقِي مَانْدِ پَرُورْدِگَارِ ما وَ فَانِي شُودِ هَر كَسِ

وَاللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا يَفْضُلُ تَكْبِيرَ الْمُكَبَّرِينَ فَضْلًا كَثِيرًا قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ،

وَ «خِدا بَزْرِكْتَرِ اسْتِ» بَزْرِكِي آنْجَنَانِي كِه فَزُونِي جُويدِ بَرِ تَكْبِيرِ تَكْبِيرِگُوِيانِ (بَزْرِكِ شِمَرْدِنِ بَزْرِكِ شِمَارِنْدِگَانِ) فَزُونِي

بَسِياري پِيْشِ از

وَاللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا يَفْضُلُ تَكْبِيرَ الْمُكَبَّرِينَ فَضْلًا كَثِيرًا بَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ،

هَر كَسِ وَ «خِدا بَزْرِكْتَرِ اسْتِ» بَه تَكْبِيرِي كِه فَزُونِي جُويدِ بَرِ تَكْبِيرِ تَكْبِيرِگُوِيانِ فَزُونِي بَسِياري پَسِ از هَر كَسِ

وَاللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا يَفْضُلُ تَكْبِيرَ الْمُكَبَّرِينَ فَضْلًا كَثِيرًا مَعَ كُلِّ أَحَدٍ

وَ «خِدا بَزْرِكْتَرِ اسْتِ» بَه تَكْبِيرِي كِه فَزُونِي جُويدِ بَرِ تَكْبِيرِ تَكْبِيرِگُوِيانِ فَزُونِي بَسِياري با هَر كَسِ

وَاللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا يَفْضُلُ تَكْبِيرَ الْمُكَبَّرِينَ فَضْلًا كَثِيرًا لِرَبِّنَا الْبَاقِي

وَ «خِدا بَزْرِكْتَرِ اسْتِ» بَه تَكْبِيرِي كِه فَزُونِي جُويدِ تَكْبِيرِ تَكْبِيرِگُوِيانِ رَا فَزُونِي بَسِياري بَرايِ پَرُورْدِگَارِ ما كِه باقِيست

وَيَفْنِي كُلَّ أَحَدٍ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا لَا يُحْصَى وَلَا يُدْرَى، وَلَا يُنْسَى

وَ فَانِي شُودِ هَر كَسِ وَ «خِدا بَزْرِكْتَرِ اسْتِ» بَه تَكْبِيرِي كِه بَه شِمَارَه دَرِنِيابِدِ وَ مَقْدَارِشِ دَانِستَه نَشُودِ وَ فَرَامُوشِ نَگَرْدَدِ

وَلَا يَبْلَى، وَلَا يَفْنِي وَلَيْسَ لَهُ مُنْتَهَى، وَاللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا يَدُومٌ بَدَوَامِهِ،

وَ كِهِنَه نَشُودِ وَ فَنَّا نَبْذِيرِدِ وَ نِهائِتِ نَدَاشْتَه باشَدِ وَ «خِدا بَزْرِكْتَرِ اسْتِ» تَكْبِيرِي كِه دَوامِ يابَدِ بَه دَوامِ او

وَيَبْقَى بِبَقَائِهِ فِي سِنِي الْعَالَمِينَ، وَشَهْوَرِ الدُّهُورِ، وَآيَامِ الدُّنْيَا وَسَاعَاتِ

وَ باقِي مَانْدِ بَه بَقايِ او دَرِ طُولِ سالِهايِ جِهانِيانِ وَ ماهِهايِ رُوزْگارانِ وَ رُوزِهايِ دُنْيا وَ ساعَتِهايِ

الَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَبَدَ الْأَبَدِ، وَمَعَ الْأَبَدِ، مَمَّا لَا يُحْصِيهِ الْعَدَدُ،

شَبِ وَ رُوزِ وَ «خِدا بَزْرِكْتَرِ اسْتِ» بَه هَميشِگِي هَميشَه وَ تا أَبَدِ بَدَانِ حَدِّكَ شِمَارَه‌اش نَكُنْدِ هِيچِ عَدْدِي

وَلَا يُفْنِيهِ الْأَمَدُ، وَلَا يَقْطَعُهُ الْأَبَدُ، وَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ.

و فانیس نکند مدت و زمانی و قطع کند دنباله‌اش را ابد و بزرگ است خدا بهترین آفرینندگان

دعای مکارم الأخلاق

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ بَايْمَانِي أَكْمَلَ الْأَيْمَانِ، وَاجْعَلْ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برسان ایمان مرا به کاملترین درجات ایمان و بگردان

يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ، وَأَنْتَهُ بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَّاتِ، وَبِعَمَلِي إِلَى

یقینم را بهترین یقینها و نیتم را به بهترین نیتها منتهی گردان و عملم را به

أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ، اللَّهُمَّ وَفَرِّ بِلُطْفِكَ نَيْتِي، وَصَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي،

بهترین اعمال خدایا شایان کن به لطف و کرمت نیتم را و درست کن بوسیله آنچه در پیش تو است یقینم را

وَاسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

و اصلاح کن به نیروی خودت مفسد کار مرا خدایا درود فرست بر محمد و آلش

وَكَفِّنِي مَا يَشْغَلُنِي الْأَهْتِمَامُ بِهِ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْتَلْنِي غَدًا عَنْهُ

و کفایت کن از من آنچه را اهتمام بدان مرا بخود مشغول کرده و بگمارم بدانچه فردای قیامت مرا بدان بازخواست کنی

وَاسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيْمَا خَلَقْتَنِي لَهُ، وَاعْزِنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ،

و روزهایم را تنها برای آنچه بخاطر آن خلق کرده‌ای فارغ ساز و بی‌نیازم کن و وسیع گردان بر من روزیت را

وَلَا تَفْتِنَنِي بِالنَّظَرِ، وَأَعِزَّنِي وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكِبْرِ، وَعَبِّدْنِي لَكَ، وَلَا

و مرا در فتنه نگاه (یا اندیشه‌های بیهوده یا مهملت دادن) مینداز و عزیزم گردان و به بزرگمنشی مبتلایم مکن و به عبادت

خودت

تُفْسِدُ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ، وَاجْرَ لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيَّ الْخَيْرَ وَلَا تَمَحِّفُهُ

و ادا کنم کن و تباه مکن عبادتم را بخودبینی و بدست من کار خیر مردم را اجرا کن ولی با منت گذاری

بِالْمَنِّ، وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ، وَاعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ، اللَّهُمَّ صَلِّ

من از بیشش نبری و برسانم به پایه‌های بلند اخلاق و نگاهم دار از فخر کردن و به خود بالیدن خدایا درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِي

بر محمد و آلش و بالا ببر مرا در میان مردم به درجه‌ای جز آنکه پائینم آری

عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا، وَلَا تُحَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحَدَّثْتَ لِي ذِلَّةً

در پیش خودم به همان مقدار و پیش نیاور برای من عزتی در ظاهر جز آنکه پیش‌آوری برابم خواری

بِاطْنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدْرِهَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

در باطن در پیش خودم به همان اندازه خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَمَتَّعْنِي بِهَدْيٍ صَالِحٍ لَا اسْتَبْدِلُ بِهِ، وَطَرِيقَةَ حَقِّ لَا اَزِيغُ عَنْهَا، وَبَيَّةٍ

و بهره‌مند ساز مرا به هدایت شایسته‌ای که چیزی را با آن تبدیل نکنم و راه حقی که منحرف نشوم از آن و نیت درستی

رُشْدٍ لَا اَشْكُ فِيهَا، وَعَمَّرْنِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذِلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ، فَاذَا

که شک نکنم در آن و عمرم بده تا وقتی که عمرم در راه طاعت تو صرف گردد و هرگاه (دیدی)

كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِي اِلَيْكَ، قَبْلَ اَنْ يَسْبِقَ مَقْتِكَ

عمر من چراگاه شیطان شد جانم را بگیر پیش از آنکه خشم تو بر من سبقت جوید

اِلَيَّ، اَوْ يَسْتَحْكِمَ غَضَبِكَ عَلَيَّ، اَللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ خِصْلَةَ تَعَابٍ مِّنِّي اِلَّا

یا غضبت درباره من محقق گردد خدایا وامگذار برای من خصلتی را که مورد نکوهش باشد جز آنکه

اَصْلَحْتُهَا، وَلَا عَائِبَةً اَوْ نَبُّ بِهَا اِلَّا حَسَنَتَهَا وَلَا اَكْرَوْمَةً فِي نَاقِصَةٍ اِلَّا

اصلاحش کنی و نه عیبی که مایه سرزنش باشد جز آنکه نیکویش گردانی و نه کرامتی که در من ناقص باشد جز

اَتَمَمْتُهَا، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَبْدَلْنِي مِنْ بَغْضَةٍ

آنکه کاملش گردانی خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و مبدل کن برای من کینه

اَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةِ وَمِنْ حَسَدِ اَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ، وَمِنْ ظَنَّةِ اَهْلِ

کینه توزان را به محبت و حسد ستمکاران را بدوستی و بدگمانی مردمان

الصَّلَاحِ الثَّقَةِ، وَمِنْ عَدَاوَةِ الْاُدُنِّينَ الْوَلَايَةِ، وَمِنْ عَفْوِ ذَوِي

شایسته را به اطمینان و وثوق و دشمنی نزدیکانم را بدوستی و نافرمانی و مخالفت خویشاوندان را

الْاُرْحَامِ الْمُبَرَّةِ، وَمِنْ خِذْلَانِ الْاَقْرَبِينَ النَّصْرَةَ، وَمِنْ حُبِّ الْمُدَارِينِ

به نیکی کردن و احسان و خوار کردن نزدیکان مرا به یاری دادن و دوستی ظاهری مدارا کنندگان را

تَصْحِيحِ الْمَقَّةِ، وَمِنْ رَدِّ الْمَلَابِسِينَ كَرَمِ الْعِشْرَةِ، وَمِنْ مَرَارَةِ خَوْفٍ

به دوستی حقیقی و دور ساختن آمیزش کنندگان مرا به خوش رفتاری و تلخی ترس

الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأُمَّتَةِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ، وَاجْعَلْ لِي

مرا از ستمکاران به شیرینی امنیت مبدل فرما خدایا درود فرست بر محمد و آلش و قرار ده برایم

يَدًا عَلٰى مَنْ ظَلَمَنِي، وَّلِسَانًا عَلٰى مَنْ خَاصَمَنِي، وَظَفْرًا بِمَنْ

دست نیرومندی بر هر که به من ستم کند و زبان گویائی بر هر که با من ستیزی کند و پیروزی به هر کس

عَانَدَنِي، وَهَبْ لِي مَكْرًا عَلٰى مَنْ كَايَدَنِي، وَقُدْرَةً عَلٰى مَنْ

که با من دشمنی کند و حيله‌ای در مقابل حيله‌کنندگانم به من بده و نیروی بر کسی

اضْطَهَدَنِي، وَتَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي، وَسَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي، وَوَقْفَنِي

که در تنگنایم گذارد و تکذیب گفتار هر که عیبجویی و بدگوئیم کند و تندرستی از شر کسی که مرا تهدید کند و موقفم

بدار

لِطَاعَةِ مَنْ سَدَّدَنِي، وَمُتَابَعَةِ مَنْ أَرَشَدَنِي، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

برای فرمانبرداری کسی که کمکم کند و پیروی کسی که به راه راستم وادارد خدایا درود فرست بر محمد

وَّآلِهِ، وَسَدَّدَنِي لِأَنَّ أَعَارِضَ مَنْ غَشَّنِي بِالنُّصْحِ وَأَجْرِي مَنْ

و آلش و پابرجایم کن تا پاسخ دهم خیانت کسی را که به من خیانت کرده به خیرخواهی و پاداش دهم کسی

هَجَرَنِي بِالْبُرِّ، وَأُتِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَدْلِ، وَأُكَافَى مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ،

که ترک مرا کرده به نیکی و عوض دهم کسی که محرومم کرده به بذل و بخشش و مکافات کنم هر که پیوندش را از

من بریده

وَأُخَالِفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَأَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَأُعْضِيَ

به پیوستن و مخالفت کنم با هر که پشت سرم بدگوید به اینکه بخوبی یادش کنم و سپاسگزاری کنم از نیکی و احسان و

چشم‌پوشی

عَنِ السَّيِّئَةِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ، وَحَلِّنِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ،

کنم از بدی دیگران خدایا درود فرست بر محمد و آلش و بیارایم به زیور شایستگان

وَالْبِسْنَى زِينَةَ الْمُتَّقِينَ فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكُظْمِ الْغَيْظِ، وَإِطْفَاءِ

و در برم کن زینت پرهیزکاران را در عدالت گستری و فرو بردن خشم و خاموش کردن آتش (فتنه و آشوب)

النَّائِرَةِ، وَصَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ وَإِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ،

و گرد آوردن مردم پراکنده و اصلاح میان مردم و آشکار ساختن کارهای خوب

وَسِتْرِ الْعَائِبَةِ، وَلَيْنِ الْعَرِيكَةِ، وَخَفْضِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ السَّيْرِ،

و پوشاندن عیوب و نرم خوئی و فروتنی و خوشرفتاری

وَسُكُونِ الرِّيحِ، وَطِيبِ الْمُخَالَفَةِ، وَالسَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَإِثَارِ

و نداشتن باد و نخوت و خوش خلقی و سبقت گرفتن بسوی فضیلت و از خودگذشتگی

التَّفَضُّلِ، وَتَرْكِ التَّغْيِيرِ وَالْأَفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ، وَالْقَوْلِ

در احسان و بخشش و ترک کردن سرزنش مردم و بخشش بر غیر مستحق و سخن کردن

بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ وَاسْتِقْلَالَ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي،

بحق و راستی و اگر چه گران و سخت باشد و کم شمردن کار خیرم را اگر چه گفتار و کردارم

[وَاسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَإِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي] وَأَكْمَلُ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ

زیاد باشد (و زیاد شمردن کار شر را از گفتار و کردارم اگر چه کم باشد) و کامل کن اینها را برایم بوسیله

الطَّاعَةِ، وَلِزُومِ الْجَمَاعَةِ، وَرَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَمُسْتَعْمِلِي الرَّأْيِ

طاعت همیشگی و ملازمت با جماعت (اهل حق) و واگذاریدن بدعتگزاران و آنانکه رأی ساختگی خود را

الْمُخْتَرَعِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ

بکار بندند خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و مقرر دار فراخترین روزیت را بر من آنگاه

إِذَا كَبُرْتُ، وَأَقْوَى قُوَّتِكَ فِيَّ إِذَا نَصَبْتُ، وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكَسَلِ عَنْ

که پیر شوم و نیرومندترین نیرویت را در من هنگامی که از کار افتاده و امانده شدم و گرفتارم مکن به بیحالی

عِبَادَتِكَ وَلَا أَلْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ، وَلَا بِالْتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ، وَلَا

در عبادتت و نه به کوری و گمراهی از راهت و نه بدست زدن آنچه مخالف دوستی تو است و نه

مُجَامَعَةٍ مِنْ تَفَرُّقِ عَنكَ، وَلَا مُفَارَقَةٍ مِنْ اجْتِمَاعِ إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ

به همراه شدن با کسی که از تو جدا شده و نه جدا شدن از آن کس که با تو همراه گشته خدایا

اجْعَلْنِي أَصُولُ بَكَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ، وَأَسْئَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ، وَأَتَضَرَّعُ

چنانم کن که در هنگام بیچارگی و گرفتاری به تو رو کنم و در هنگام حاجتمندی از تو درخواست کنم

إِلَيْكَ عِنْدَ الْمُسْكِنَةِ، وَلَا تَقْتِنِي بِالْأَسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطُرَرْتُ، وَلَا

و در هنگام نداری بدرگاه تو زاری کنم و دچارم مکن به کمک خواهی از غیر خودت در هنگام ناچاری و نه

بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ، وَلَا بِالتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونِكَ

به خضوع و کرنش برای درخواست غیر تو گاهی که نیازمند گشتم و نه به زاری کردن بدرگاه دیگری جز تو

إِذَا رَهَيْتُ، فَاسْتَحِقَّ بِذَلِكَ خِذْلَانِكَ وَمَنْعَكَ وَإِعْرَاضَكَ يَا أَرْحَمَ

هنگام هراسم که در نتیجه سزاوار خذلان و خواری تو گردم و مستحق منع لطف و اعراض تو شوم ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّي

مهربانان خدایا چنان کن که آنچه را شیطان در دلم و خاطرم اندازد از آرزو

والتَّنْظِي وَالْحَسَدِ، ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَتَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَتَدْبِيرًا عَلَى

و بدگمانی و حسد همه مبدل به تذکر عظمت تو و تفکر در قدرت تو و تدبیری برای از بین بردن

عَدُوِّكَ، وَمَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هَجْرٍ، أَوْ شَتْمٍ

دشمنت گردد و آنچه را بر زبانت جاری سازد از تلفظ به فحش یا هرزه گوئی

عَرَضٍ، أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ، أَوْ اِعْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ، أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ، وَمَا

یا بی عرضی یا شهادت ناحق یا غیبت مؤمنی که غائب است یا دشمننام به مؤمنی که حاضر است و امثال اینها را همه

أَشْبَهَ ذَلِكَ نَطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ وَإِعْرَاقًا فِي التَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَذَهَابًا فِي

را مبدل کن به ذکر حمد و ستایش خودت و ثناگوئی به حد اغراق و ورود در

تَمَجِّدِكَ، وَشُكْرًا لِنِعْمَتِكَ، وَإِعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ، وَإِحْصَاءً لِمَنِّكَ،

تمجیدت و سپاسگزاری نعمت و اعتراف به احسان و لطف و شماره کردن بخششهایت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا أُظْلَمَنَّ وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي،

خدایا درود فرست بر محمد و آلش و چنان کن که من مورد ستم واقع نشوم با اینکه تو قادر بر دفع آن هستی

وَلَا أَظْلِمَنَّ وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي، وَلَا أَضِلَّنَّ، وَقَدْ أَمَكَّنْتَكْ

و مورد ستم واقع نشوم با اینکه تو قادری که آن را از سر من بگیری و گمراه نشوم با اینکه به هدایت کردنم امکان داری

هِدَايَتِي، وَلَا أَفْتَقِرَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وَسُعَى، وَلَا أَطْعِينَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ

و نیازمند نشوم با اینکه وسعت روزیم از نزد تو است و طغیان نکنم با اینکه هستی

وُجْدِي، اَللّٰهُمَّ اِلَى مَغْفِرَتِكَ وَقَدْتُ، وَ اِلَى عَفْوِكَ قَصَدْتُ، وَ اِلَى

(با نشاط) از جانب تو است خدایا بسوی آمرزش تو وارد گشتم و به جانب گذشت تو آهنگ کردم و بسوی

تَجَاوُزِكَ اِسْتَقْتُّ، وَ بِفَضْلِكَ وَتَقْتُّ، وَ لَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي

چشم پوشی تو بار شوق خود را بستم و به فضل و کرم تو اعتماد کردم و چیزی که موجب

مَغْفِرَتِكَ، وَلَا فِي عَمَلِي مَا اسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوِكَ، وَمَالِي بَعْدَ اَنْ حَكَمْتُ

آمرزش تو باشد در نزد من نیست و نه در کردارم چیزی است که مستحق عفو تو گردم و چیزی برای من نمانده پس از

اینکه

عَلَى نَفْسِي اِلَّا فَضْلَكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ، اَللّٰهُمَّ

خود را محکوم کردم جز فضل تو پس درود فرست بر محمد و آلش و بر من تفضل فرما خدایا

وَ اَنْطِقْنِي بِالْهُدَى، وَ اَلْهَمْنِي التَّقْوَى وَ وَفَّقْنِي لِلتِّي هِيَ اَرْزَقِي،

و به هدایت و راهنمایی گویایم کن و تقوی و پرهیزکاری را به من الهام کن و موفقم دار به روش و کرداری که پاکیزه تر

است

وَ اسْتَعْمَلْنِي بِمَا هُوَ اَرْضَى، اَللّٰهُمَّ اسْأَلُكَ بِبِي الطَّرِيقَةَ الْمُثَلِّي،

و بگمارم بدانچه بیشتر مورد خوشنودی تو است خدایا مرا به نیکوترین راه وادار و چنان کن

وَ اجْعَلْنِي عَلَى مِلَّتِكَ اَمُوتُ وَ اَحْيِي، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

که بر آئین تو بمیرم و بر آن زنده شوم خدایا درود فرست بر محمد و آلش

وَ مَتَّعْنِي بِالْاَقْبِصَادِ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ اَهْلِ السَّدَادِ، وَ مِنْ اَدَلَّةِ الرَّشَادِ،

و بهره مند کن به میانه روی و قرارم ده از محکم کاران و از راهنمایان به راه راست و صواب

وَ مِنْ صَالِحِي الْعِبَادِ، وَ اَرْزُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ، وَ سَلَامَةَ الْمِرْصَادِ،

و از بندگان شایستهات و روزیم کن رستگاری در روز قیامت و به سلامت گذشتن از کمینگاه آن روز را

اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يُخَلِّصُهَا، وَأَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا

خدایا بگیر برای خود از نفس من آنچه را که موجب نجات و خلاصی او گردد و به جای گذار برای خودم از نفسم

يُصَلِّحُهَا، فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ تَعَصِمُهَا، اللَّهُمَّ أَنْتَ عَدَّتِي إِنْ حَزِنْتُ،

زیرا که نفس من بخودی خود هلاک شونده است مگر آنکه تو نگاهش داری خدایا توئی ذخیره‌ام هنگام حزن

وَأَنْتَ مُنْتَجَعِي إِنْ حُرِمْتُ، وَبِكَ اسْتِغَاثَتِي إِنْ كَرِهْتُ، وَعِنْدَكَ مِمَّا

و اندوه و توئی جایگاه نعمت و توشه من (آنگاه که از همه جا) محروم گردم و به تو استغاثه کنم هرگاه که به اندوه

فَاتَ خَلْفُ، وَلِمَا فَسَدَ صِلَاحُ، وَفِيمَا أَنْكَرْتَ تَغْيِيرُ، فَاْمُنُّنْ عَلَيَّ قَبْلَ

سختی دچار گردم و پیش تو است عوض هر چه از دست برود و اصلاح هر آنچه تباه گردد و تغییر دادن هر چه را که

بد دانستی پس (ای)

الْبَلَاءِ بِالْعَافِيَةِ، وَقَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجِدَةِ وَقَبْلَ الضَّلَالِ بِالرِّشَادِ، وَكَفْنِي

خدا) منت گذار بر من بدادن تندرستی و عافیت پیش از رسیدن بلا و به توانگری پیش از درخواست و به راهنمایی قبل

از گمراهی

مَوْتَةَ مَعْرَةَ الْعِبَادِ، وَهَبْ لِي آمَنَ يَوْمَ الْمَعَادِ، وَأْمِنْحْنِي حُسْنَ

و کفایت کن از من رنج آزار رساندن بندگان را و امنیت روز معاد را به من ببخش و عطا کن

الرِّشَادِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَادْرَأْ عَنِّي بِلُطْفِكَ، وَأَغْذِنِي

به من راهنمایی کردن نیکویت را خدایا درود فرست بر محمد و آتش و دفاع کن از من به لطف خود و غذایم ده

بِنِعْمَتِكَ، وَأَصْلِحْنِي بِكَرَمِكَ، وَدَاوِنِي بِصُنْعِكَ، وَأَظْلِنِي فِي ذِرَاكَ،

به نعمتت و اصلاحم کن به بزرگواریت و درمانم کن به تربیت و پرورش خودت و در سایه حمایت و لطف خودت

وَجَلِّئِنِي رِضَاكَ، وَوَقِّفْنِي إِذَا اشْتَكَلْتُ عَلَيَّ الْأُمُورُ لِأَهْدَاها، وَإِذَا

قرارم ده و خلعت خوشنودیت را در برم کن و موقوفم بدار گاهی که کارها بر من مشکل شود بدست‌ترین آنها

تَشَابَهَتْ الْأَعْمَالُ لِأَزْكَاهَا، وَإِذَا تَنَاقَضَتْ الْمَلَلُ لِأَرْضَاهَا، اللَّهُمَّ

و هنگامی که کردارها به هم مشبه گردد به پاکیزه‌ترین آنها و چون به اختلاف و نزاع برخیزند ملتها به پسندیده‌ترین آنها

خدایا

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوَجِّنِي بِالْكَفَايَةِ، وَسَمِّنِي حُسْنَ الْوِلَايَةِ،

درود فرست بر محمد و آلش و تاج کفایت را بر سرم بگذار و زیبا کن رخسارم را به خوش دوستی

وَهَبْ لِي صِدْقَ الْهِدَايَةِ، وَلَا تَقْتِنِي بِالسَّعَةِ، وَأُمِحْنِي حُسْنَ الدَّعَةِ،

و ببخش به من درستی در هدایت را و آزمایشم مکن به وسعت (روزی و ثروت) و زندگی خوش به من عطا فرما

وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًا كَدًا، وَلَا تَرُدْ دُعَائِي عَلَيَّ رَدًّا، فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ

و مگردان زندگیم را سختی روی سختی و دعایم را رد مکن بر من زیرا شریک و ضدی برای تو قرار ندادم

لَكَ صِدْدًا، وَلَا أَدْعُو مَعَكَ نِدَاءً، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ، وَاْمْنَعْنِي

و همتا و رفیقی برایت نگرفتم خدایا درود فرست بر محمد و آلش و جلوگیری کن از

مِنَ السَّرْفِ، وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ، وَوَفِّرْ مَلَكَتِي بِالْبِرْكََةِ فِيهِ،

اسراف کاری و نگهدار روزیم را از تلف شدن و شایان کن مایملک (و دارائیم) را به برکت

وَأَصِْبْ بِي سَبِيلَ الْهِدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقُ مِنْهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

و راهنمایی کن مرا به راه درست نیکی و احسان در آنچه از دارائیم خرج می‌کنم خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ، وَاكْفِنِي مَوْنَةَ الْأَكْتِسَابِ، وَاَرْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ احْتِسَابٍ،

محمد و آلش و کفایت کن از من رنج کسب کردن (و تلاش برای پیدا کردن روزی) را و روزیم ده بی حساب

فَلَا أَشْتَغِلْ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَلَا أَحْتَمِلْ إِصْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ،

تا در نتیجه سرگرم نشوم از انجام عبادتت به طلب روزی و بدوش نکشم وزرو وبال مسئولیتهای کسب و کار را

اَللّٰهُمَّ فَاطِبْنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ، وَاَجِرْنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا أَرْهَبُ،

خدایا عطا کن به من با نیروی خودت آنچه را می‌جویم و پناهم ده به عزتت از آنچه می‌ترسم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ، وَصُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَلَا تَبْتَدِلْ

خدایا درود فرست بر محمد و آلش و حفظ کن آبرویم را به فراخی مال و دارائی و بی‌اعتبار مکن

جَاهِي بِالْاِقْتَارِ، فَاسْتَرْزِقْ اَهْلَ رِزْقِكَ وَاَسْتَعْطِي شِرَارَ خَلْقِكَ،

جاه و شخصیتم را به تنگدستی و نداری که در نتیجه از روزی خورانت روزی خواهم و از اشرار خلقت خواستار عطا

گردم

فَافْتِنِنِ بِحَمْدِ مَنْ اَعْطَانِي، وَاُبْتَلِي بِذَمِّ مَنْ مَنَعْنِي، وَاَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ

و بدین سبب گرفتار شوم به ستایش کسی که چیزی به من عطا کرده و مبتلا گردم به بدگوئی کسی که از من دریغ داشته

وَلِيُّ الْأَعْطَاءِ وَالْمَنْعِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي صِحَّةً

در صورتی که سرپرست بخشش و دریغ در حقیقت توئی نه آنها خدایا درود فرست بر محمد و آتش و روزیم کن

صحت و سلامتی

فِي عِبَادَةٍ، وَفَرَاغًا فِي زَهَادَةٍ، وَعِلْمًا فِي اسْتِعْمَالِ، وَوَرَعًا فِي

در حال انجام عبادت و فراغت و آسایش در عین زهدورزی (و کناره‌گیری از دنیا) و علم

اجْمَالِ، اللَّهُمَّ اخْتِمْ بَعْفُوكَ أَجَلِي، وَحَقِّقْ فِي رَجَاءِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي،

باعمل و ورع و پارسائی در عین اینکه کار دنیا کنم (یا در حال اعتدال در زندگی) خدایا عمرم را با گذشت خودت به پایان

رسان و آرزوئی

وَسَهِّلْ لِي بُلُوعَ رِضَاكَ سُبُلِي، وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي،

که در امیدواری به رحمت دارم تحقق بخش و هموار کن راههایم را برای رسیدن به خوشنودیت و نیکوگردان در جمیع

حالات کردارم را

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَبَهَّنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَ

خدایا درود فرست بر محمد و آتش و آگاهم کن به ذکر خودت در اوقات غفلت و بی‌خبری

اسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهْلَةِ، وَأَنْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً

و بگمارم به کار فرمانبرداری خودت در روزهای مهلت (و دوران عمر) و باز کن برای من بسوی محبت و دوستیت راه

همواری

أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأَفْضَلِ

که کامل کنی بوسیله آن برای من خیر دنیا و آخرت را خدایا درود فرست بر محمد و آتش همانند بهترین

مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ، وَأَنْتَ مُصَلٌّ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ، وَأَتَنَا

درودی که فرستادی بر یکی از مخلوقات پیش از آن حضرت و یا پس از او بر یکی از آفریدگانت بفرستی و بده به ما

فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَتَنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.

در دنیا خوبی و خوشی و در آخرت نیز خوبی و نگاهم دار به رحمتت از عذاب دوزخ

لازم به تذکر نیست که ملحقات دوّم مفاتیح و همچنین سوره‌های مبارکه

عنکبوت و روم و دُخان و حدیث شریف کساء جزء مفاتیح نبوده و طبع

کنندگان در آخر آن اضافه کرده‌اند و ما نیز برای استفاده خوانندگان محترم در پایان کتاب ضمیمه کردیم.

سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

الم ۱۱ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ۚ

الف، لام، میم * آیا این مردم پنداشته‌اند که به (صرف) اینکه گویند ایمان آوردیم رها شوند و آزمایش نشوند

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ

(در صورتی که) آزمودیم کسانی را که پیش از ایشان بودند تا معلوم کند خدا کسانی را که راست گفتند و معلوم کند

الْكَاذِبِينَ ۚ ۱۳ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا

دروغگویان را * و یا چنین پنداشتند کسانی که کار بد انجام دهند که بر ما پیشی گیرند (از کافر ما بگریزند) چه بد

يَحْكُمُونَ ۚ ۱۴ مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنْ أَجَلَ اللَّهُ لَاتِ وَهُوَ السَّمِيعُ

قضاوت می‌کنند * هر که امید دیدار خدا دارد (بداند که) حتماً وعده خدا آمدنی است و او شنوا و

الْعَلِيمُ ۚ ۱۵ وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

دانا است * و هر که جهد و کوشش کند برای خود می‌کوشد که براستی خداوند از جهانیان بی‌نیاز است

۱۶ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ

* و آنانکه ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهند ما نیز بدیها (و گناهانشان را) محو کنیم

وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ۚ ۱۷ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ

و به بهتر از آنچه انجام داده‌اند پاداششان دهیم * و ما انسان را

بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا

درباره پدر و مادرش به نیکی سفارش کرده‌ایم و اگر (آن دو) کوشیدند تا شریک تا شریک من سازی چیزی را که بدان علم نداری

تَطْعِمُهُمَا إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَنْبِئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ ۱۸ وَالَّذِينَ آمَنُوا

(و مشرک شوی) اطاعتشان مکن که بازگشت شما بسوی من است و من آگاهتان می‌کنم بدانچه عمل می‌کرده‌اید* و آنانکه ایمان آورده

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ ۝ ۱۹ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ

و کارهای شایسته انجام داده‌اند آنها را در گروه شایستگان می‌بریم* و برخی از مردم

يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةً لِلنَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ

گویند ما به خدا ایمان داریم و چون در راه خدا آزاری به ایشان رسد آزار مردم را چون عذاب خدا گیرد

جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي

و اگر یاری و نصرتی از جانب پروردگارت برسد آنان گویند ما هم با شما بودیم آیا خدا داناتر نیست به آنچه

صُدُّوا الْعَالَمِينَ ۝ ۱۱۰ وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ۝ ۱۱۱

در سینه‌های (مردم) جهانیان است* و براستی خدا معلوم می‌کند کسانی را که ایمان دارند و معلوم می‌دارد منافقان را

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ

و گویند کسانی که کافر نشدند به کسانی که ایمان آورده‌اند پیروی کنید از راه ما و ما نیز بار خطاهای شما را

وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝ ۱۱۲ وَلَيَحْمِلُنَّ

به عهده می‌گیریم ولی آنها چیزی از خطاهای ایشان را به عهده نمی‌گیرند و دروغ می‌گویند* و بدوش کشند بارهای

أَثْقَالَهُمْ وَأَتْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْئَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ

گران خویش را و بارهای گران دیگری را با بارهای گران خویش و بازخواست شوند روز قیامت از آن دروغهائی که

بسته‌اند

۱۱۳ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ

و همانا فرستادیم نوح را بسوی قومش و بماند در میانشان هزار سال پنجاه

عَامًا فَآخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ۝ ۱۱۴ فَانجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ

سال کم پس طوفان بگرفتشان و آنها ستمگران بودند* و ما او را با

السَّفِينَةَ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ۝ ۱۱۵ وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا

کشتی نشینان نجات دادیم و آن کشتی را نشانه و عبرتی برای جهانیان کردیم * (به یاد آر داستان) ابراهیم (را) که به

قوش گفت

اللَّهُ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۱۱۶ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ

خدا را بپرستید و از او بترسید که این بهتر است برای شما اگر بدانید * جز این نیست که پرستش می‌کنید بجز

اللَّهُ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكَاءً إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ

خدا بتنهائی را و دروغ می‌سازید و همانا اینهائی را که بجز خدا می‌پرستید مالک

لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَأَشْكُرُوا لَهُ إِنَّهُ

روزی شما نیستند و روزی را نزد خدا بجوئید و او را بپرستید و سپاس او را بجا آورید که بسوی او

تُرْجَعُونَ ۱۱۷ وَإِنْ تَكْذَبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أَمَمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ

بازگشت کنید * و اگر تکذیب (پیغمبر ما را کنید) پس ملت‌هائی پیش از شما نیز تکذیب (پیغمبرانشان را)

إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۱۱۸ أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ

کردند و بر عهده پیامبر نیست جز رساندن آشکار * آیا نبینند چگونه پدید آرد خدا خلق را سپس بازش گرداند براستی

ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۱۱۹ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ

این کار برای خدا آسان است * بگو در زمین گردش کنید و بنگرید چگونه پدید آورد

الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۱۲۰

(خداوند) خلق را سپس ایجاد کند جهان دیگری را که براستی خدا بر هر چیز توانا است *

يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ۱۲۱ وَمَا أَنْتُمْ

عذاب کند هر که را خواهد و رحم کند هر که را خواهد و بسوی او بازگردانده شوید * و نتوانید

بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ

فرار کنید در زمین و نه در آسمان و برای شما جز خدا

وَلِيِّ وَلَا نَصِيرٍ ۱۲۲ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِنْ

دوست و یابوری نیست * و آنان که کافر شدند به آیات خدا و روز معاد اینان از

رَحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱۲۳ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ

رحمت من نومیدند و آنها را است عذابی دردناک * پاسخی که قوم ابراهیم دادند جز این نبود که

قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجِيَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ

گفتند بکشید او را یا بسوزانیدش و خدا نجاتش داد از آتش و براستی در این داستان برای مردمی که

يُؤْمِنُونَ ۱۲۴ وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي

ایمان دارند نشانه‌ها و پندهائی است * (ابراهیم) گفت جز این نیست که شما بتهایی را جز خدا (به پرستش) گرفته‌اید تا

در میان خود

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم

برای زندگانی دنیا دوستی برقرار کنید سپس در روز رستاخیز بیزاری جوئید از همدیگر و یکدیگر را لعن و نفرین کنید

بَعْضًا وَمَا يَكُمُ النَّارُ وَمَالِكُمْ مِنَ نَاصِرِينَ ۱۲۵ فَمَنْ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ

و جایگاهتان دوزخ است و یآوری ندارید * پس لوط بدو ایمان آورد و گفت

إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۱۲۶ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ

من بسوی پروردگارم مهاجرت می‌کنم که براستی او نیرومند و فرزانه است * و به او بخشیدیم اسحاق

وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا

و یعقوب را و مقام نبوت و کتاب آسمانی را در فرزندان او قرار دادیم و پاداشش را در این دنیا

وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ۱۲۷ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ

به او دادیم و در آخرت نیز از شایستگان خواهد بود * و (داستان) لوط را که به قوم خود گفت شما بدین

لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ۱۲۸ أَتَيْنَكُم

کار زشت اقدام می‌کنید که بر این کار سبقت نجسته هیچیک از مردم جهانیان * آیا شما (برای دفع شهوت)

لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا

پیش مردان می‌روید و راهها را می‌زنید و در مجمع عمومی به کارهای ناروا دست می‌زنند و

كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتَّبِنَا بَعْدَ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

پاسخ قومش جز این نبود که گفتند اگر راست می‌گویی عذاب خدا را بسوی ما بیاور *

۱۲۹ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ ۱۳۰ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا

(لوط) گفت: پروردگارا مرا بر گروه فسادگر یاری ده و چون فرستادگان ما

إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّا أَهْلُهَا كَانُوا

برای بشارت به نزد ابراهیم آمدند گفتند ما هلاک می‌کنیم مردم این ده را که مردمش

ظالمین ۱۳۱ قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ

ستمکارند * (ابراهیم) گفت: لوط در این ده است! گفتند ما بهترینم چه کسی در آنجا است، ما لوط و

وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ۱۳۲ وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا

کسانش را نجات خواهیم داد بجز زنش که او از جاماندگان (در میان مردم بدکار) است * و چون فرستادگان ما به نزد

لوط آمدند،

سَيِّءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجِيُكَ

او از آمدنشان اندوهناک و دل‌تنگ شد، آنان به لوط گفتند ترس و اندوهگین مباش ما تو را

وَأَهْلِكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ۱۳۳ إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ

و کسانت را نجات دهیم بجز زنت که او از جاماندگان است * فرو باریم بر مردم این

الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۱۳۴ وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً

ده غذایی سخت از آسمان بخاطر آن فسق و عیبانی که می‌کردند * و بجا گذاردیم از آن ده نشانه‌ای

بَيِّنَةً لِقَوْمٍ يَعْتِلُونَ ۱۳۵ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا

روشن برای مردمی که خرد خود را بکار برند * و فرستادیم بسوی (مردم شهر) مدین برادرشان شعیب را و او (بدانها)

گفت ای مردم

اللَّهِ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۱۳۶ فَكَذَّبُوهُ

خدا را بپرستید و انتظار آمدن روز قیامت را داشته باشید و در زمین به فساد مکشید * آنها شعیب را تکذیب کردند

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثْمِينَ ۱۳۷ وَعَادًا وَثَمُودَ

و به زلزله دچار گشتند و همه را مرگ در میان خانه‌هاشان به زانو درآورد * و (داستان) عاد و ثمود

وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ

که شما جاهل‌یشان را آشکارا دیده‌اید و شیطان بیاراست برای ایشان کردارشان را و از

عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ ۱۳۸ وَقَارُونَ وَقَارُونَ وَهَامَانَ وَقَدْ

راه بازشان داشت با اینکه بینائی داشتند * و (داستان) قارون و فرعون و هامان که موسی

جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ

برای ایشان دلیلهای روشن و (معجزات) آشکار آورد ولی آنها در روی زمین بزرگی (و تکبر) کردند و نتوانستند بگریزند

۱۳۹ فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ

* و هر یک را بنحوی به گناهش گرفتیم پس به برخی از آنها سنگریزه فرستادیم و برخی را

أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا

صیحه (آسمانی) گرفت و برخی را به زمین فرو بردیم و برخی را غرق کردیم

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۱۴۰ مَثَلُ الَّذِينَ

و چنان نبود که خدا به آنها ستم کند بلکه آنها بودند که به خود ستم می‌کردند * حکایت کسانی که

اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ

غیر از خدا (چیزهای دیگری را) دوستان خود گرفته‌اند مانند عنکبوت است که خانه‌ای بساخت ولی اگر می‌دانستند

الْبُيُوتِ لَبِيتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۱۴۱ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ

سست‌ترین خانه برآستی خانه عنکبوت است * همانا خداوند می‌داند (و می‌شناسد) آنچه را جز او می‌خوانند

مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۱۴۲ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا

(و به خدائی می‌پرستند) و او نیرومند و حکیم است * و ما این مثلها را

لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ ۱۴۳ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

برای مردم می‌زنیم ولی جز دانشمندان آنها را نمی‌فهمند * خداوند آسمانها و زمین را

بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ۱۴۴ أَتُلُّ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنَ

بحق آفرید و در این خلقت نشانه‌ایست برای مؤمنان * بخوان آنچه را که از قرآن به تو وحی

الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

می‌شود و بپادار نماز را که برآستی نماز باز می‌دارد (انسان را) از کار زشت و ناپسند

وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ۱۴۵ وَلَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ

و یاد کردن خدا (شما را) بزرگتر است (از یاد کردن شما او را) و خدا می‌داند آنچه را می‌کنید * و بحث و مجادله نکنید

با اهل کتاب

إِنَّا بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ

جز بطریقی که نیکو است مگر کسانی از ایشان که ستم کردند، و به آنها بگوئید ما ایمان داریم بدانچه بر ما و

إِنَّا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَالْهَذَا وَالْهَؤُلَاءِ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ۱۴۶

بر شما هر دو نازل شده و خدای ما و خدای شما یکی است و ما مطیع و تسلیم اوئیم *

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ

و این چنین ما بر تو قرآن را فرو فرستادیم پس آنها را که کتاب (آسمانی) دادیم بدان ایمان آرند و

وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ ۱۴۷ وَمَا

از این گروه (یعنی کفار مکه) نیز کسانی هستند که بدان ایمان دارند و انکار نکنند آیات ما را جز مردمان کافر * و تو

كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخْطُءُ بِيَمِينِكَ إِذًا لَرْتَابَ

پیش از این کتاب خوان نبودی و نمی نوشتی بدست خود کتابی و گر نه اهل باطل در (قرآن) به شک

الْمُبْطِلُونَ ۱۴۸ بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا

می افتادند * بلکه این قرآن آیه هائی است روشن در سینه های کسانی که دانش به آنها داده شد و

يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ ۱۴۹ وَقَالُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ

منکر نشوند آیات ما را جز ستمکاران * و گویند چرا بر او نازل نشود نشانه ها (و معجزاتی) از جانب پروردگارش

قُلْ إِنَّمَا آيَاتُ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ۱۵۰ أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا

بگو نشانه ها (و معجزات) همه نزد خدا است و من تنها بیم رسانی آشکارم * آیا کافی نیست اینها که ما بر تو

عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَى لِقَوْمٍ

این کتاب را نازل کردیم که برایشان خوانده شود براستی که در این قرآن رحمت و پندی است برای مردمی که

يُؤْمِنُونَ ۱۵۱ قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَيِّنَى وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ

ایمان دارند * بگو خدا کافی است برای گواه بودن میان ما و شما که می داند آنچه در آسمانها

وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

و زمین است و آنانکه به باطل گرویدند و به خدا کافر شدند زانکاران

۱۵۲ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْ لَا أَجَلٌ مُسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ

* و از تو درخواست زود رسیدن عذاب را می‌کنند و اگر وقت مقرر آن نبود عذاب بر ایشان

وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۱۵۳ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنْ

می‌آمد و بطور ناگهانی عذاب بر آنها خواهد رسید در حالی که بی‌خبر باشند * از تو درخواست زود رسیدن عذاب را
کنند

جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ۱۵۴ يَوْمَ يَغْشِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ

در صورتی که جهنم احاطه دارد بر کافران * روزی که فرا گیردشان عذاب از بالای سرشان و از

تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۱۵۵ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ

زیر پاهایشان و خدا (به آنها) گوید بچشید (سزای) اعمالی را که می‌کردید * ای بندگان من که

أَمِنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ ۱۵۶ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ

ایمان آورده‌اید همانا زمین من پهناور است (اگر در سرزمین مکه از ترس مشرکین نتوانید مرا بپرستید بجای دیگر بروید)

پس مرا

ثُمَّ إِنِّي أُنَادِي بِرُجُوعِهِمْ ۱۵۷ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنْ

پرستش کنید هرکس چشنده مرگ است سپس بسوی مابازگردید* و آنانکه ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند

الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ

درغرفه‌هایی از بهشت جایشان دهیم که نهرها از زیر آن غرفه‌ها روانست و جاویدان در آن خواهند بود و چه خوبست

پاداش

الْعَامِلِينَ ۱۵۸ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۱۵۹ وَكَأَيِّنْ مِنْ

اهل عمل * آنانکه شکیبایی کرده و به پروردگارشان توکل کنند * و چه بسیار

دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۱۶۰

جانورانی که بار روزی خود نکشند (و روزی خود را آماده نکرده‌اند) خدا آنها و شما را روزی دهد و او شنوا و دانا

است *

وَلَكِنَّ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

و اگر از ایشان بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفرید و خورشید و ماه را مسخر کرد

لَيَقُولَنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفِكُونَ ۱۶۱ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

بی شک خواهند گفت خدا، پس چرا (از پرستش حق به پرستش بتان) باز می‌گردند؟ خدا است که بگستراند روزی هرکس را

وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۱۶۲ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ

از بندگانش که بخوهد و یا تنگ گیرد بر او که براستی خدا به هر چیز دانا است * و اگر از آنها بپرسی کیست که فرو فرستد

السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لِيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ

آب (باران) را و زنده کند بدان زمین را پس از مرگش؟ بی شک خواهند گفت: خدا، بگو ستایش خاص خدا است

بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ۱۶۳ وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ

ولی بیشترشان بی‌خردی می‌کنند * و زندگی این دنیا جز بازیچه و سرگرمی بیش نیست و به حقیقت

الدَّارَ الْآخِرَةَ لِهِيَ الْحَيَاةُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۱۶۴ فَاذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ

زندگی حقیقی در سرای آخرت است اگر می‌دانستند * و چون بر کشتی سوار شوند (و گرفتار امواج متلاطم دریا گردند)

دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيَهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ۱۶۵

خدا را از روی اخلاص دینداری بخوانند و چون خدا آنان را بخشگی رساند در آن حال شرک ورزند *

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَسْتَمْتَعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۱۶۶ أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَا

(بگذار) تا کفران کنند نعمتهائی را که به ایشان داده‌ایم و از آنها کام بگیرند و بزودی خواهند دانست * آیا نمی‌بینند که ما

جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ

(مکه را) حرم امنی قرار دادیم ولی مردم اطراف آنها را (با قتل و غارت) می‌ربایند آیا (باز هم) به باطل می‌گروند

وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ ۱۶۷ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ

و به نعمت خدا کفر می‌ورزند * و کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا دروغ بندد یا

كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ۱۶۸ وَالَّذِينَ

پس از اینکه حق بسویش آمد آن را تکذیب کند مگر در دوزخ جایگاه کافران نیست * و کسانی که

جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ۱۶۹

درواهما کوشش و مجاهدت کنند محققاً به راههای (معرفت و سعادت) خویش راهنماییشان می‌کنیم و همانا خدا با نیکوکاران است*

سُورَةُ الرُّومِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

الم ۱۱ غُلِبَتِ الرُّومُ ۱۲ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ

الف، لام، میم * مغلوب گشتند رومیان در نزدیکی این سرزمین و آنان پس از مغلوب شدنشان غالب خواهند شد

۱۳ فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِ وَيَوْمَئِذٍ يَفِرْحُ

* در ظرف چند سال - همه کارها جلوتر و عقب‌تر از این نیز بدست خدا است - و در آن روز

الْمُؤْمِنُونَ ۱۴ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۱۵ وَعَدَّ

مؤمنان از یاری خدا خورسند شوند * که او هر که را خواهد یاری کند و هم او نیرومند و مهربان است * وعده

اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعَدَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۱۶ يَعْلَمُونَ

خدا است و خدا خلف وعده نمی‌کند ولی بیشتر مردم (این حقیقت را) نمی‌دانند * (و فقط) ظاهری

ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ ۱۷ أَوَلَمْ

از زندگانی دنیا را می‌دانند ولی آنها خود از آخرت (و جهان دیگر) بیخبرند * آیا اینان پیش خود

يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا

فکر نمی‌کنند که خداوند نیافریده است آسمانها و زمین را و آنچه در میان آن دو است جز

بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ ۱۸

به حق و برای مدتی معین و برآستی که بسیاری از مردم به ملاقات کردن پادشاه پروردگارشان کافرند *

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

آیا گردش نمی‌کنند در روی زمین تا بنگرند که چگونه بوده است سرانجام کسانی که پیش از آنان بوده‌اند

كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا

(آن مردمی) که در نیرو سخت‌تر از اینها بودند و زمین را زیر و رو کردند و بیش از آنچه اینان

وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا

آبادش کردند آنها آبادش کردند و پیمبرانشان معجزه‌ها برای ایشان آوردند، خدا چنان نبود که با آنها ستم کند ولی خود

أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ ۱۹ ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوءِ أَنْ كَذَّبُوا

آنها بودند که بر خود ستم می‌کردند * سپس سرانجام کسانی که بد کردند بدتر بود که تکذیب کردند

بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ ۱۰ اللَّهُ يَدْعُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ

آیات خدا را و بدان استهزاء می‌کردند * خدا است که خلق را در آغاز می‌آفریند و دوباره بازش گرداند آنگاه شما بسوی

إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۱۱ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ ۱۲ وَلَمْ يَكُنْ

او بازگردید * و روزی که قیامت برپا شود ناامید (و یا خاموش) شوند تبهکاران * و نیست برای آنها

لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءٌ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ ۱۳ وَيَوْمَ تَقُومُ

از شریکانی که برای خدا گرفتند شفیعی و به آن شریکان کافر گردند (و از آنان بی‌زاری جویند) * و روزی که قیامت

السَّاعَةِ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ ۱۴ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

برپا شود در آن روز از هم جدا شوند * و اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند

فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ ۱۵ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَفَاءَ

آنان در بوستانی (در بهشت) شادان باشند * و اما کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما و دیدار آخرت را

الْآخِرَةِ فَاوْلِيكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ۱۶ فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ

دروغ شمردند آنان در عذاب احضار گردند * پس تنزیه کنید خدای را هنگامی که شام کنید

وَحِينَ تَصْبِحُونَ ۱۷ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا

و هنگامی که صبح کنید * و ستایش خاص او است در آسمانها و زمین و شب هنگام

وَحِينَ تَظْهَرُونَ ۱۸ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ

و آنگاه که به نیم روز رسید * برون آرد زنده را از مرده و برون آرد مرده را از

الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ۱۹ وَمِنْ آيَاتِهِ

زنده و زنده کند زمین را پس از مرده‌گیش و شما نیز اینچنین (از گورها) برون آید * و از آیات و نشانه‌های

أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ ۲۰ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ

خدا این است که شما را از خاک آفرید آنگاه بشری گردیدید (که در زمین) پراکنده شوید * و از نشانه‌های او آن است

خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً

که برای شما از جنس خودتان جفت‌هایی (و همسرانی) آفرید تا بدانها آرامش یابید و در میان شما مهر

وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۱۲۱ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ

و محبت برقرار فرمود برآستی که در این کار آیاتی (و پندهائی) است برای آنانکه اندیشه می‌کنند * و از جمله آیات او

خلقت

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافِ السِّنْتِكُمْ وَالْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ

آسمانها و زمین و اختلاف زبانها و رنگهای شما است و برآستی در این کار (نیز) برای

لآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ ۱۲۲ وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ

برای جهانیان عبرتهائی است * و از جمله آیات او خفتن شما است در شب و روز و طلب کردن روزی شما است

مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ۱۲۳ وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ

از فزون بخشیش و برآستی در این (نیز) پندهائی است برای مردمی که می‌شنوند * و از جمله آیات وی آن است که

الْبُرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ

می‌نمایاند به شما برق را (در آسمان) برای بیم و امید، و فرو می‌فرستد از آسمان آب (باران) را و زنده می‌کند بدان زمین

را

مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۱۲۴ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ

پس از مردنش برآستی که در این (نیز) پندهائی است برای مردمی که خرد را بکار بندند * و از جمله آیات وی آن است

السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ

که آسمان و زمین به فرمان او برپا است سپس هنگامی که شما را (در قیامت) از خاک برخواند شما در آن وقت

تَخْرُجُونَ ۱۲۵ وَكَهْ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَائِمُونَ ۱۲۶ وَهُوَ

(از قبرها) بیرون آید * و از او است هر چه در آسمانها و زمین است و همگی فرمانبردار اویند * و او است

الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَكَهْ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي

که خلق را در آغاز بیافریند و دوباره بازش گرداند و بازگرداندن (روی حساب ظاهر) برای او آسانتر است * و او را

است صفات

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۱۲۷ ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ

والا رتبه در آسمانها و زمین و او است نیرومند حکیم * برای شما از (وضع زندگی) خودتان مثلی

أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِيمَا رَزَقْنَاكُمْ

می‌زند: آیا کسانی که مملوک شما هستند شریکند با شما در آنچه روزیتان کرده‌ایم تا (در نتیجه) شما

فَاتَمَّتْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نَفَصَلُ الْآيَاتِ

و آنان در آن (اموال) یکسان باشید که بترسید از آنها همچنانکه از امثال خودتان می‌ترسید؟ (هرگز چنین نیست)

لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۱۲۸ بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ

این چنین شرح دهیم آیات را برای مردمی که خرد را بکار می‌بندند * بلکه مردمان ستمگر از هواهای نفسانی

يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۱۲۹ فَاقْمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ

خویش بدون علم و دانش پیروی می‌کنند، پس کیست که هدایت کند کسی را که خدا گمراه کرده و آنها را بارانی نیست

*

حَنِيفًا فطَّرَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ

پس تو توجهت را مستقیماً به این دین کن دین فطری خدا که مردم را بر آن سرشته و تعبیری در خلقت خدا نیست این

الدِّينُ الْقِيمَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۱۳۰ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ

است دین (استوار و) مستقیم ولی بیشتر مردم نمی‌دانند * بازآمدگان بدرگاه او باشند و از او بترسید

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۱۳۱ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا

و نماز را بپا دارید و از مشرکان نباشید * از آن کسانی که دین خود را پراکنده ساخته

دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ۱۳۲ وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ

و چندین فرقه شدند و هر گروهی به آنچه نزد خود دارند شادمانند * و هنگامی که به مردم

ضُرُّ دَعَا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ

رنج و سختی رسد پروردگارش را به‌حال بازگشتگی بسوی او (بیاری) خوانند، آنگاه چون (خدا) رحمت خود را به آنها

بچشانند در آن هنگام

بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ۱۳۳ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۱۳۴

گروهی از ایشان به پروردگارشان مشرک گردند * (بگذار) تا کافر شوند بدان نعمتهائی که به ایشان دادیم و از آنها کام
برگیرند که بزودی

أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ ۱۳۵ وَإِذَا

خواهند دانست * آیا (مگر) نازل کرده‌ایم بر آنها دلیلی که آن دلیل سخن می‌گوید درباره آنچه را با خدا شریک پندارند *
و چون

أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ

رحمتی به مردم بچشانیم بدان خوشحال گردند و اگر بواسطه اعمالی (و گناهانی) که از پیش کرده‌اند بلائی و پیش‌آمد
بدی

إِذَا هُمْ يَقْتُونُ ۱۳۶ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ

به آنها رسد آنها نوید گردند * آیا ندیدند که خداوند روزی هرکس را که خواهد (روی مصالح) بگستراند یا تنگ گیرد

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۱۳۷ فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ

براستی که در این کارنشانه‌هایی است برای مردمی که ایمان دارند * پس بده به خویشاوندان حق او را و هم چنین
(حق) مستمند

وَابْنِ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمْ

و در راه مانده را که این کار بهتر است برای کسانی که رضایت خاطر خدا را می‌خواهند و آنانند

الْمُقَلَّبُونَ ۱۳۸ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاً لَّيْرُبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرِيوَا

رستگاران * و آنچه به ربا دهید تا زیاد شود در مال مردم پس زیاد نمی‌شود

عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمْ

در نزد خدا و آنچه را برای زکات می‌دهید که رضایت خاطر خدا را بجوئید آنهایند

الْمُضْعِفُونَ ۱۳۹ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ

فزون‌ی یافتگان * خدا است آنکه شما را آفرید سپس روزیتان داد سپس بمیراندتان و باز زنده‌تان کند

هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكُمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ

آیا از بت‌های شما که شریک خدا سازید کسی هست که از این کارها بکند منزه است خدا و برتر است

عَمَّا يُشْرِكُونَ ۱۴۰ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي

از آنچه با او شریک سازند * آشکار شد فساد و تباهی در خشکی و دریا بواسطه اعمال (و رفتار)

النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۱۴۱ قُلْ سِيرُوا فِي

مردمان تا ببخشاند خداوند سزای بعضی از اعمالشان را شاید (بسوی حق) بازگردند * بگو گردش کنید در

الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ

زمین و بنگرید چسان بوده سرانجام کسانی که پیش از این بودند و بیشترشان

مُشْرِكِينَ ۱۴۲ فَاقِمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ

مشرك بودند * پس تو توجهت را به این دین مستقیم (و استوار) کن پیش از آنکه بیاید آن روز بازگشت ناپذیر (که

کسی

لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ ۱۴۳ مَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلْ صَالِحًا

نتواند بازش گرداند) از خدا که در آن روز (همه از هم) جدا شوند * هر که کافر شود وبال کفرش بر خود او است و

هرکس کار شایسته

فَلِأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ ۱۴۴ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ

کند برای خودشان آماده می‌کند * تا پاداش دهد خداوند به آنانکه ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند از

فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ۱۴۵ وَمِن آيَاتِهِ أَن يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ

فضل و بخشش که برستی او کافران را دوست نمی‌دارد * و از جمله آیات خدا این است که می‌فرستد بادهای

مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ

را نوید دهنده (به باران) و تا برساند به شما رحمت خویش را و تا کشتی به فرمان او جریان یابد و از

فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۱۴۶ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ

فزون بخشیش بجوئید و شاید سپاسگزارید * و ما پیش از تو پیمبرانی بسوی

قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا

قومشان فرستادیم و معجزات برای آنها آوردند و ما انتقام گرفتیم از آنانکه بدکار بودند و

عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ ۱۴۷ اَللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا

یاری مؤمنان بر ما حق و مسلم است * خدا است که می‌فرستد بادهای را و بدانوسیله ابرها را برمی‌انگیزاند

فَيَسُطُّهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فترى الْوَدْقَ يَخْرُجُ

پس آن را بگستراند در آسمان هر طور که خواهد و روی هم متراکمش کند در این هنگام قطرات باران را به بینی

مِنْ خَلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ۱۴۸

که از خلال آن بیرون آید و چون برساند آن را به هرکس از بندگانش که خواهد آنان شادمانی کنند *

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لُمُبْسِلِينَ ۱۴۹ فَانظُرْ إِلَى

وگرچه آنان پیش از آنکه باران بر ایشان نازل گردد نومید بودند * پس به

آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي

نشانه‌های رحمت خدا بنگر که چگونه زنده کند زمین را پس از مرگش برآستی که همین خدا است که زنده کننده

الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۱۵۰ وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ

مردگان است و او بر هر چیز توانا است * و اگر بادی بفرستیم و آن کشت و زراعت را زرد شده ببینند

مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ ۱۵۱ فَاتَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا

دنبال آن به کفران نعمت برخواهند گشت * تو البته نمی‌توانی (سخنت را) به مردگان بشنوانی و

تَسْمَعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَكَلُوا مُدْبِرِينَ ۱۵۲ وَمَا أَنْتَ بِبَاهِدِي الْعُمَى عَنُّ

هم نمی‌توانی ندایت را به گران بشنوانی هنگامی که به فرار روی بگردانند * و تو راهبر نیستی کوران را از

ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ۱۵۳ اللَّهُ الَّذِي

گمراهیشان و نشنوانی جز کسی را که به آیات ما ایمان دارند و تسلیم و مطیع باشند * خدا است که شما را

خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ

از ناتوانی آفرید و پس از ناتوانی نیرو (ی جوانی) داد و از پس نیرومندی

ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ ۱۵۴ وَيَوْمَ تَقُومُ

ناتوانی و پیری داد بیافریند هر چه را خواهد و او دانای توانا است * و روزی که قیامت برپا شود

السَّاعَةِ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا

سوگند یاد کنند بدکاران * که جز ساعتی (در دنیا یا در قبر و برزخ) درنگ نکرده‌اند، این چنین بدروغ سرگردان

يُؤْفَكُونَ ۱۵۵ وَقَالَ الَّذِينَ أَوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ

می‌شدند * و (درمقابل) آنان که دانش و ایمان به آنها داده شده گویند: همانا شما در مکتوب

اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبُعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبُعْثِ وَلَكِنَّا كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۱۵۶

خدا (لوح محفوظ) تا روز رستاخیز مکث کرده‌اید و این هم روز رستاخیز و لکن شما نمی‌دانسته‌اید *

فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ۱۵۷ وَلَقَدْ

و در آن روز کسانی را که ستم کرده‌اند عدلخواهیشان سودشان ندهد و جلب رضایت (ما را) نتوانند کرد * و ما

ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَكِنَّ جِبَّتَهُمْ بَايَةٌ لِيَقُولَنَّ

برای مردم در این قرآن از هرگونه مثل زده‌ایم و اگر آیه‌ای (و معجزه‌ای) برای ایشان بیاوری

الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ ۱۵۸ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ

آنانکه کافر شدند گویند شما جز مردمی بیهوده کار نیستید * این چنین خدا مهر زند بر دل‌های کسانی که

لَا يَعْلَمُونَ ۱۵۹ فَاصْبِرْ إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُؤْقِنُونَ ۱۶۰

نمی‌دانند * پس صبر کن که وعده خدا حق است و به سبکی و شتاب نکشاندت مردمی که (حساب‌را) یقین

(و باور) نمی‌دارند *

سُورَةُ الدُّخَانِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

حَم ۱۱ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ۱۲ إِنْ أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ

حاء، میم * سوگند به این کتاب روشن و آشکار * که ما نازل کردیم آن را در شبی فرخنده و ما بیم دهنده بودیم

۱۳ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ۱۴ أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ۱۵

* در آن شب فیصله یابد هر کار محکمی * فرمانی است، از نزد ما که ما فرستندگان بودیم (محمد و سایر پیمبران را) *

رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۱۶ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

از روی رحمتی که از جانب پروردگار تو است و او شنوا و دانا است * پروردگار آسمانها و زمین

وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ۱۷ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ

و آنچه در میان آن دو است اگر (از) یقین دارانید * معبودی نیست جز او که زنده کند و بمیراند پروردگار شما

وَرَبُّ آبَائِكُمْ الْأُولِينَ ۱۸ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ۱۹ فَارْتَقِبْ يَوْمَ

و پروردگار پدران پیشین شما * بلی آنان در شکی بازی می‌کنند * پس منتظر باش روزی را

تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ ۱۱۰ يَعْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱۱۱ رَبَّنَا

که آسمان دودی آشکار بیاورد * که فرا گیرد (مردم را) و این غذایی است دردناک * (گویند) پروردگارا

اَكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ اِنَّا مُؤْمِنُونَ ۱۱۲ اِنِّي لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ

برطرف کن از ما این عذاب را که ما ایمان آورنده‌ایم * کجا پند گیرند در صورتی که آمد بسوی آنها

رَسُولٌ مُّبِينٌ ۱۱۳ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ ۱۱۴ اِنَّا كَاشِفُو

پیامبری آشکار * و رو گردان شدند از او و گفتند تعلیم یافته‌ای دیوانه است * هر آینه ما برطرف کننده‌ایم

الْعَذَابِ قَلِيلاً اِنَّكُمْ عَائِدُونَ ۱۱۵ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى اِنَّا

عذاب را اندکی ولی شما (به کفر خود) بازگشت خواهید کرد * روزی که به عذاب سختی آنها را بگیریم که ما

مُنْتَقِمُونَ ۱۱۶ وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ۱۱۷

انتقام گیرنده‌ایم * و ما پیش از ایشان نیز قوم فرعون را آزمودیم و پیامبر بزرگواری بسویشان آمد * (و به آنها گفت)

اَنْ اَدُّوْا اِلَيَّ عِبَادَ اللّٰهِ اِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ اَمِيْنٌ ۱۱۸ وَاَنْ لَا تَعْلُوْا عَلَيَّ اللّٰهُ

واگذارید به من بندگان خدا را که من برای شما پیامبر امینی هستم * و بر خدا تکبر و بزرگی نکنید که

اِنِّي اَتِيكُمْ بِسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ۱۱۹ وَاِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ اَنْ تَرْجُمُوْنِ

من برای شما دلیل روشنی آورده‌ام * و پناه می‌برم به پروردگار خود و پروردگار شما از اینکه سنگسارم کنید

۱۲۰ وَاِنْ لَّمْ تُوْمِنُوْا لِيْ فَاَعْتَرِلُوْنِ ۱۲۱ فَدَعَا رَبَّهُ اَنْ هُوَّلَآءِ قَوْمٌ

* و اگر به من ایمان نمی‌آورید بحال خودم واگذارید * پس بدرگاه پروردگارش دعا کرد که اینان مردمی

مُجْرِمُوْنَ ۱۲۲ فَاَسْرَبْ بَعَادِي لِيْلًا اِنَّكُمْ مُّتَّبِعُوْنَ ۱۲۳ وَاَتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوًا

بدکارند * (در پاسخ به او گفته شد) بندگانم را شبانه حرکت ده که در تعقیب شمایند * و دریا را هم چنان شکافته

اِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّعْرَقُوْنَ ۱۲۴ كَمْ تَرَكُوْا مِنْ جَنٰتٍ وَعَيْوُنٍ ۱۲۵ وَزُرُوْعٍ وَمَقَامٍ

و گشاده واگذار که آنهایند لشگری غرق شده * چه بسیار باغها و چشمه‌سارها که بجا گذاشتند * و زراعتها و منزلهای

كَرِيْمٍ ۱۲۶ وَنَعْمَةٌ كَانُوْا فِيْهَا فَاكِهِيْنَ ۱۲۷ كَذٰلِكَ وَاُوْرَثْنٰهَا قَوْمًا اٰخِرِيْنَ

ارجمند * و نعمتی که در آن کامیاب و متنعم بودند * چنین بود و ما ارث دادیم آنها را به مردمی دیگر

۱۲۸ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَآءُ وَالْاَرْضُ وَمَا كَانُوْا مُنْظَرِيْنَ ۱۲۹ وَلَقَدْ

* و گریه نکرد بر آنها آسمان و زمین و مهلت به آنها داده نشد * و به حقیقت

نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ۚ ۱۳۰ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا

ما بنی اسرائیل را از عذابی خوارکننده نجات دادیم * از دست فرعون که او برتری جوینده

مِنَ الْمُسْرِفِينَ ۚ ۱۳۱ وَقَدْ اخْتَرْنَا لَهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ ۚ ۱۳۲

اسراف‌کار بود * و از روی علم برگزیدیم موسی و همراهانش را بر جهانیان *

وَاتَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ ۚ ۱۳۳ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ۚ ۱۳۴ إِنْ

و بدادیمشان از آیات آنچه را که در آن بود آزمایشی آشکار * و البته اینان می‌گویند * که بجز

هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ ۚ ۱۳۵ فَاتُوا بِأَبَائِنَا إِن كُنْتُمْ

این مردن نخستین هیچ نیست و دیگر زنده نخواهیم شد * و شما پدران ما را بیاورید اگر

صَادِقِينَ ۚ ۱۳۶ أَهْمُ خَيْرٌ أَمْ قَوْمٌ تُبَعِّ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ

راست می‌گویند * آیا آنها بهترند یا قوم تبع (که از پادشاهان یمن بود) و آنانکه پیش از ایشان بودند و همه را هلاک کردیم که

أَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ۚ ۱۳۷ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

آن مردمی بدکار بودند * و ما نیافریدیم آسمانها و زمین را و آنچه در میان آن دو است

لَاعِينِينَ ۚ ۱۳۸ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۚ ۱۳۹ إِنْ

بازیچه * و نیافریدیم آنها را جز به حق و لکن بیشترشان نمی‌دانند * مسلماً

يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ۚ ۱۴۰ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا

روز جدائی (میان اهل حق و باطل) وعده‌گاه همگی ایشان است * روزی که سود ندهد دوستی برای دوستش چیزی

وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۚ ۱۴۱ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۚ ۱۴۲ إِنْ

و نه آنان یاری شوند * مگر کسی را که خدا رحم کند که براستی او نیرومندی است مهربان * همانا

شَجَرَةَ الزَّقُّومِ ۚ ۱۴۳ طَعَامُ الْأَثِيمِ ۚ ۱۴۴ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ۚ ۱۴۵ كَعَلَىٰ

درخت زقوم * خوراک شخص گنهکار است * که چون مس گداخته در شکمها می‌جوشد * همانند جوشیدن

الْحَمِيمِ ۚ ۱۴۶ خَذْوَةٌ فَاغْتَلَوْهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ ۚ ۱۴۷ ثُمَّ صَبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ

آب جوش * (دستور دهیم) که (گنهکار را) بگیردش و به میان دوزخش بیفکنید * سپس از عذاب جوشان روی

سرشان

مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ۱۴۸ ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ۱۴۹ إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ

بریزید * (و به او گویند) بچش که تو بودی همان شخص نیرومند گرامی * همانا این است آن

بِهِ تَمْتَرُونَ ۱۵۰ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ۱۵۱ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۱۵۲ يَلْبَسُونَ مِنْ

عذابی که بدان شک داشتید * و همانا پرهیزکاران در جای امنی هستند * در باغها و چشمه سارها * می پوشند از

(جامه های)

سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ ۱۵۳ كَذَلِكَ وَرَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ۱۵۴ يَدْعُونَ فِيهَا

حریر و دیبا و روبروی همدیگرند * چنین است (حال بهشتیان) و جفت و همسرشان کنیم حوریان درشت چشم را *

در آنجا با

بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ ۱۵۵ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَّيْهُمْ

حال امن و آسایش هر رقم میوه ای می طلبند * و نجشند در آنجا طعم مرگ را جز همان مرگ نخستین و نگاهشان دارد

خداوند از

عَذَابِ الْجَحِيمِ ۱۵۶ فَضَلًا مِنْ رَبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۱۵۷ فَاِنَّمَا

عذاب دوزخ * و این فضل و کرمی است از جانب پروردگار تو و این است کامیابی بزرگ * حقیقت این

يَسْرَنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۱۵۸ فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ ۱۵۹

است که ما آسان (و روان) کردیم این قرآن را به زبان تو شاید پند گیرند * (و اگر نپذیرفتند) پس منتظر باش که آنها

نیز منتظرند *

حدیث شریف کساء

بِسْنَدٍ صَحِيحٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ

به سندی صحیح از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

از فاطمه زهرا سلام الله علیها دختر رسول خدا صلی الله علیه

وآلِهِ، قَالَ سَمِعْتُ فَاطِمَةَ أَنَّهَا قَالَتْ، دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ فِي

و آله، جابر گوید شنیدم از فاطمه زهرا که فرمود: وارد شد بر من پدرم رسول خدا در

بَعْضِ الْأَيَّامِ، فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ، فَقُلْتُ عَلَيْكَ السَّلَامُ قَالَ

بعضی از روزها و فرمود: سلام بر تو ای فاطمه در پاسخش گفتم: بر تو باد سلام فرمود:

إِنِّي آجِدُ فِي بَدَنِي ضَعْفًا، فَقُلْتُ لَهُ أُعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَاهُ مِنَ الضُّعْفِ،

من در بدنم سستی و وضعفی درک می‌کنم، گفتم: پناه می‌دهم تو را به خدا ای پدرجان از سستی و ضعف

فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ آيْتِنِي بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِي فَغَطِّينِي بِهِ، فَاتَّيْتُهُ بِالْكِسَاءِ

فرمود: ای فاطمه بیاور برابم کساء یمانی را و مرا بدان ببوشان من کساء یمانی را برایش آوردم

الْيَمَانِي فَغَطَّيْتُهُ بِهِ، وَصِرْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ، وَإِذَا وَجْهُهُ يَتَلَاوُ كَأَنَّهُ الْبَدْرُ

و او را بدان پوشاندم و هم چنان بدو می‌نگریستم و در آن حال چهره‌اش می‌درخشید همانند ماه

فِي لَيْلَةٍ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ، فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوْلَدِي الْحَسَنِ قَدْ

شب چهارده پس ساعتی نگذشت که دیدم فرزندم حسن وارد شد و

أَقْبَلَ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ، فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قَرَّةَ عَيْنِي

گفت سلام بر تو ای مادر گفتم: بر تو باد سلام ای نور دیده‌ام

وَسَمْرَةَ فُوَادِي، فَقَالَ يَا أُمَّاهُ إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَاحَةَ طَيِّبَةٍ، كَأَنَّهَا رَاحَةُ

و میوه دلم گفت: مادرجان من در نزد تو بوی خوشی استشمام می‌کنم گویا بوی

جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ نَعَمْ إِنَّ جَدَّكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ

جدم رسول خدا است گفتم: آری همانا جد تو در زیر کساء است پس حسن بطرف

نَحْوِ الْكِسَاءِ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ

کساء رفت و گفت: سلام بر تو ای جد بزرگوار ای رسول خدا آیا به من اذن می‌دهی

أَدْخُلَ مَعَكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَقَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَكْدِي وَيَا

که وارد شوم با تو در زیر کساء؟ فرمود: بر تو باد سلام ای فرزندم و ای

صَاحِبَ حَوْضِي، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ مَعَهُ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَمَا كَانَتْ

صاحب حوض من اذنت دادم پس حسن با آن جناب بزیر کساء رفت

إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوْلَدِي الْحُسَيْنِ قَدْ أَقْبَلَ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاهُ،

ساعتی نگذشت که فرزندم حسین وارد شد و گفت: سلام بر تو ای مادر

فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا قُرَّةَ عَيْنِي وَتَمَرَةَ فُوَادِي، فَقَالَ

گفتم: بر تو باد سلام ای فرزند من و ای نور دیده‌ام و میوه دلم فرمود:

لِي يَا أُمَاهُ إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً، كَأَنَّهَا رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ

مادر جان من در نزد تو بوی خوشی استشمام می‌کنم گویا بوی جدم رسول

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ نَعَمْ إِنَّ جَدَّكَ وَأَخَاكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ،

خدا است (ص) گفتم آری همانا جد تو و برادرت در زیر کساء هستند

فَدَنَنِي الْحُسَيْنُ نَحْوَ الْكِسَاءِ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ، أَسَلَامُ

حسین نزدیک کساء رفته گفت: سلام بر تو ای جد بزرگوار، سلام

عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ،

بر تو ای کسی که خدا او را برگزید آیا به من اذن می‌دهی که داخل شوم با شما در زیر کساء

فَقَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا شَافِعَ أُمَّتِي، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ

فرمود: و بر تو باد سلام ای فرزندم و ای شفاعت کننده امتم به تو اذن دادم پس او نیز با

مَعَهُمَا تَحْتَ الْكِسَاءِ فَأَقْبَلَ عِنْدَ ذَلِكَ أَبَوَ الْحَسَنِ عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ،

آن دو در زیر کساء وارد شد در این هنگام ابوالحسن علی بن ابیطالب وارد شد

وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا

و فرمود سلام بر تو ای دختر رسول خدا گفتم: و بر تو باد سلام ای ابا

الْحَسَنِ وَيَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ يَا فَاطِمَةَ إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً

الحسن و ای امیر مؤمنان فرمود: ای فاطمه من بوی خوشی نزد تو استشمام می‌کنم

طَيِّبَةً كَأَنَّهَا رَائِحَةُ أَخِي وَابْنِ عَمِّي رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ نَعَمْ هَا هُوَ مَعَ

گویا بوی برادرم و پسر عمویم رسول خدا است؟ گفتم: آری این او است که

وَلَدَيْكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَأَقْبَلَ عَلِيٌّ نَحْوَ الْكِسَاءِ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

با دو فرزندت در زیر کساء هستند پس علی نیز بطرف کساء رفت و گفت سلام بر تو

يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ، قَالَ لَهُ وَعَلَيْكَ

ای رسول خدا آیا اذن می‌دهی که من نیز با شما در زیر کساء باشم رسول خدا به او فرمود: و بر تو

السَّلَامُ يَا أَخِي يَا وَصِيَّي وَخَلِيفَتِي وَصَاحِبَ لِي وَآئِي، قَدْ أَذِنْتُ لَكَ

باد سلام ای برادر من و ای وصی و خلیفه و پرچمدار من به تو اذن دادم

فَدَخَلَ عَلَيَّ تَحْتَ الْكِسَاءِ، ثُمَّ أَتَيْتُ نَحْوَ الْكِسَاءِ، وَقُلْتُ السَّلَامُ

پس علی نیز وارد در زیر کساء شد، در این هنگام من نیز بطرف کساء رفتم و عرض کردم سلام

عَلَيْكَ يَا ابْنَتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ،

بر تو ای پدرجان ای رسول خدا آیا به من هم اذن می‌دهی که با شما در زیر کساء باشم؟

قَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا بِنْتِي وَيَا بَضْعَتِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلْتُ تَحْتَ

فرمود: و بر تو باد سلام ای دخترم و ای پاره تنم به تو هم اذن دادم، پس من نیز به زیر

الْكِسَاءِ، فَلَمَّا اكْتَمَلْنَا جَمِيعًا تَحْتَ الْكِسَاءِ، أَخَذَ أَبِي رَسُولَ اللَّهِ

کساء رفتم، و چون همگی در زیر کساء جمع شدیم پدرم رسول خدا

بِطَرْفِي الْكِسَاءِ، وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ الْيُمْنَى إِلَى السَّمَاءِ، وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ

دو طرف کساء را گرفت و با دست راست بسوی آسمان اشاره کرد و فرمود: خدایا

هُؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي وَحَامَّتِي، لِحْمِهِمْ لَحْمِي، وَدَمُهُمْ دَمِي،

اینانند خاندان من و خواص و نزدیکانم گوشتشان گوشت من و خونشان خون من است

يُؤَلِّمُنِي مَا يُؤَلِّمُهُمْ، وَيَحْزَنُنِي مَا يَحْزَنُهُمْ، أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارِبَهُمْ،

می‌آزارد مرا هرچه ایشان را بیازارد و به‌اندوه می‌اندازد مرا هرچه ایشان را به‌اندوه در آورد من در جنگم با هر که با ایشان

بجنگد

وَسَلِمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ، وَمُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، إِنَّهُمْ

و در صلحم با هر که با ایشان در صلح است و دشمنم با هر کس که با ایشان دشمنی کند و دوستم با هر کس که ایشان را

دوست دارد اینان

مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ، فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَعُفْرَانِكَ

از منند و من از ایشانم پس بفرست درودهای خود و برکتهایت و مهرت و آمرزش

وَرِضْوَانِكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ، وَأَذْهَبُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً،

و خوشنودیت را بر من و بر ایشان و دور کن از ایشان پلیدی را و پاکیزه‌شان کن بخوبی

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَا مَلَائِكَتِي وَيَا سَكَّانَ سَمَوَاتِي، إِنِّي مَا خَلَقْتُ

پس خدای عزوجل فرمود: ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمانهایم برآستی که من نیافریدم

سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَلَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً، وَلَا قَمَراً مُنْبِرًا، وَلَا شَمْساً مُضِيَّةً، وَلَا

آسمان بنا شده و نه زمین گسترده و نه ماه تابان و نه مهر درخشان و نه

فَلَكَاً يَدُورُ، وَلَا بَحْراً يَجْرِي، وَلَا فَلَكَاً يَسْرِي، إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ هَؤُلَاءِ

فلک چرخان و نه دریای روان و نه کشتی در جریان را مگر بخاطر دوستی این

الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ وَمَنْ

پنج تن اینان که در زیر کساینده پس جبرئیل امین عرض کرد: پروردگارا کیانند

تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنِ الرَّسَالَةِ،

در زیر کسای؟ خدای عزوجل فرمود: آنان خاندان نبوت و کان رسالتند:

هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا، فَقَالَ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ، أَتَأْذَنُ لِي أَنْ

آنان فاطمه است و پدرش و شوهر و دو فرزندش جبرئیل عرض کرد: پروردگارا آیا به من هم اذن می‌دهی

أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ لِأَكُونَ مَعَهُمْ سَادِسًا، فَقَالَ اللَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ،

که به زمین فرود آیم تا ششمین آنها باشم خدا فرمود: آری به تو اذن دادم

فَهَبِطْ يَا أَمِينُ جِبْرَائِيلُ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، الْعَلِيُّ

پس جبرئیل امین به زمین آمد و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا، (پروردگارا) علی

الْأَعْلَى يُقْرِئُكَ السَّلَامَ، وَيَخُصُّكَ بِالتَّحِيَّةِ وَالْإِكْرَامِ، وَيَقُولُ لَكَ

اعلی سلامت می‌رساند و تو را به تحیت و اکرام مخصوص داشته و می‌فرماید:

وَعِزَّتِي وَجَلَالِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَلَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً، وَلَا

به عزت و جلالم سوگند که من نیافریدم آسمان بنا شده و نه زمین گسترده و نه

قَمَراً مُنْبِرًا، وَلَا شَمْساً مُضِيَّةً وَلَا فَلَكَاً يَدُورُ، وَلَا بَحْراً يَجْرِي، وَلَا

ماه تابان و نه مهر درخشان و نه فلک چرخان و نه دریای روان و نه کشتی در

فُلُكًا يَسْرِي، إِلَّا لِأَجْلِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ، وَقَدْ أذِنَ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ،

جریان را مگر برای خاطر شما و محبت و دوستی شما و به من نیز اذن داده است که با شما

فَهَلْ تَأْذَنُ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا

در زیر کساء باشم پس آیا تو هم ای رسول خدا اذنم می دهی؟ رسول خدا(ص) فرمود و بر تو باد سلام ای

أَمِينٍ وَحَى اللَّهِ، إِنَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ جِبْرَائِيلُ مَعَنَا تَحْتَ

امین وحی خدا آری به تو هم اذن دادم پس جبرئیل با ما وارد در زیر

الْكِسَاءِ، فَقَالَ لِأَبِي إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْحَى إِلَيْكُمْ يَقُولُ: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ

کساء شد و به پدرم گفت: همانا خداوند بسوی شما وحی کرده و می فرماید: «حقیقت این است که خدا می خواهد

لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا، فَقَالَ عَلِيُّ لِأَبِي

پلیدی (و ناپاکی) را از شما خاندان ببرد و پاکیزه کند شما را پاکیزگی کامل» علی ۷ به پدرم گفت:

يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي مَا لِي جُلُوسِنَا هَذَا تَحْتَ الْكِسَاءِ مِنَ الْفَضْلِ عِنْدَ

ای رسول خدا به من بگو این جلوس (و نشستن) ما در زیر کساء چه فضیلتی (و چه شرافتی) نزد

اللَّهِ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، وَأَصْطَفَانِي بِالرِّسَالَةِ نَبِيًّا،

خدا دارد؟ پیغمبر(ص) فرمود: سوگند بدان خدائی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت و به رسالت و نجات دادن (خلق)

مَا ذَكَرْنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ

برگزید که ذکر نشود این خبر (و سرگذشت) ما در انجمن و محفلی از محافل مردم زمین که در آن گروهی از

شَيْعَتِنَا وَمُحِبِّينَا، إِلَّا وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ،

شیعیان و دوستان ما باشند جز آنکه نازل شود بر ایشان رحمت (حق) و فرا گیرند ایشان را فرشتگان

وَاسْتَعْفَرَتْ لَهُمْ إِلَى أَنْ يَتَفَرَّقُوا، فَقَالَ عَلِيُّ إِذَا وَاللَّهِ فَرْنَا وَفَارَ شَيْعَتُنَا

و برای آنها آمرزش خواهند تا آنگاه که از دور هم پراکنده شوند، علی (که این فضیلت را شنید) فرمود: با این ترتیب به

خدا سوگند ما

وَرَبِّ الْكَعْبَةِ، فَقَالَ النَّبِيُّ ثَانِيًا يَا عَلِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا،

رستگار شدیم و سوگند به پروردگار کعبه که شیعیان ما نیز رستگار شدند، دوباره پیغمبر فرمود: ای علی سوگند بدانکه
مرا بحق به نبوت

وَاصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا، مَا ذَكَرَ خَبْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ

برانگیخت و به رسالت و نجات دادن (خلق) برگزید ذکر نشود این خبر (و سرگذشت) ما درانجمن ومحفلی از محافل

أَهْلِ الْأَرْضِ، وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَمُحِبِّينَا، وَفِيهِمْ مَهْمُومٌ إِلَّا

مردم زمین که در آن گروهی از شیعیان و دوستان ما باشند و در میان آنها اندوهناکی باشد جز

وَفَرَجَ اللَّهُ هَمَّهُ، وَلَا مَغْمُومٌ إِلَّا وَكَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ، وَلَا طَالِبُ حَاجَةٍ إِلَّا

آنکه خدا اندوهش را برطرف کند و نه غمناکی جز آنکه خدا غمش را بگشاید و نه حاجتخواهی باشد جز آنکه

وَقَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ، فَقَالَ عَلِيٌّ إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَسُعِدْنَا، وَكَذَلِكَ

خدا حاجتش را برآورد، علی گفت: بدین ترتیب به خدا سوگند ما کامیاب و سعادتمند شدیم و هم چنین

شِيعَتُنَا فَازُوا وَسُعِدُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَرَبُّ الْكَعْبَةِ.

شیعیان ما کامیاب و سعادتمند شدند در دنیا و آخرت به پروردگار کعبه سوگند

حواشی کتاب مفاتیح الجنان

که برای استفاده خوانندگان محترم در اینجا آورده شده:

فضیلت سوره یس

منقول است از مفاتیح النجاح از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است
که هر که سوره یس را بخواند بواسطه رضای خدای، بخشد خدای عزوجل او
را و میدهد به او اجر چنانکه گویا خوانده قرآن را دوازده نوبت و هر بیمار که
خوانده شود نزد او سوره یس نازل می شود به عدد هر حرفی از آن ده فرشته
پیش او، صف می زنند و جهت او استغفار می کنند و در قبض روح او حاضرند

و مشایعت جنازه او می‌کنند و نماز بر او می‌کنند و در وقت دفن او حاضرند و هر بیماری که بخواند این سوره را در سَکَرَات مرگ یا نزد او بخوانند می‌آید رضوان خازن بهشت با یک شربت از آب بهشت و به او می‌دهد پس او می‌آشامد و می‌میرد سیراب و مبعوث می‌شود سیراب و محتاج نمی‌شود به حوضی از حوضهای پیغمبران تا وقتی که داخل بهشت می‌شود و او سیراب است و منقول است که سوره یس به صاحبش می‌رساند خیر دنیا و آخرت را و دفع می‌کند از او بلای دنیا و هَوَئِهای آخرت را و دفع می‌کند هر شَرِّی را و روا می‌کند جهت او هر حاجتی را و هر که بخواند این سوره را برابر بیست حجّ است برای او و هر که بشنود جهت او باشد هزار نور و هزار یقین و هزار برکت و هزار رحمت و از او بیرون می‌آورد هر کوفتی را و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در قبرستان درآید و سوره یس بخواند خدای عزّوجلّ عذاب اموات را تخفیف دهد و جهت او باشد به عدد ایشان حسنات و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره یس را در روز بخواند مرزوق و محفوظ است تا شب و هر که پیش از خواب در شب بخواند موکل سازد خدای عزّوجلّ بر او هزار فرشته که حفظ کنند او را از شرّ هر شیطان رجیم و از هر آفتی و اگر بمیرد در آن روز خدای تعالی او را داخل بهشت سازد، الخبر.

فضیلت سوره الرَّحْمَن

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود مگذارید خواندن سوره الرَّحْمَن را بدرستی که او در دل منافقان قرار نمی‌گیرد و می‌آید از نزد خدای عزّوجلّ در روز قیامت در صورت آدمی در بهترین صورتی و خوشترین بوئی تا آنکه می‌ایستد نزد خدای تعالی در جایی که نزدیکتر از آن نیست به خدای تعالی پس می‌گوید خدای عزّوجلّ به آن که کیست آنکه قیام می‌نمود به امر تو در حیات دنیا و مداومت می‌کرد در خواندن تو پس او می‌گوید یا ربّ فلان و فلان پس سفید می‌شود رویهای ایشان، پس می‌گوید به ایشان که شفاعت کنید هر کس را که می‌خواهید پس شفاعت می‌کنند تا حدّی که کسی نمی‌ماند که اراده شفاعت جهت او داشته باشد که شفاعت نکند پس خدای

عزّوجلّ می‌گوید به ایشان که داخل بهشت شوید و هر جا که می‌خواهید ساکن شوید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که بخواند سوره الرَّحْمَن را و هر جا که بخواند «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» بگوید «لَا بَشِيءٌ مِّنَ الْآتِكِ رَبِّ أَكْذَبُ» پس اگر در شب بخواند آنگاه بمیرد شهید مرده و اگر در روز بخواند آنگاه بمیرد شهید مرده.

فضیلت سوره واقعه

نقل است که عثمان بن عفّان به عیادت عبدالله بن مسعود رفت در مرضی که به آن فوت شد به او گفت که از چه شکوه داری گفت از گناهان خود گفت چه

چیز میل داری گفت رحمت پروردگار خود گفت جهت تو طبیب طلب نکنم
گفت طبیب مرا بیمار کرده گفت امر نکنم که به تو عطیّه بدهند گفت در وقتی
که احتیاج داشتیم به من ندادی الحال که مستغیم می دهی گفت آنچه می دهم
جهت دختران تو بوده باشد گفت ایشان را به آن حاجتی نیست جهت اینکه من
ایشان را امر کردم بخواندن سوره واقعه و من شنیده ام از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله که می گفت هر که بخواند سوره واقعه را در هر شب نمی رسد به
او پریشانی هرگز و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقلست که هر که
بخواند سوره واقعه را هر شب پیش از آنکه بخوابد ملاقات کند خدای عزوجل
را در حالتی که روی آن شخص چون ماه باشد در وقت تمامی آن و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که مشتاق باشد به بهشت و به
وصف بهشت سوره واقعه بخواند.

فضیلت سوره جمعه

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که واجبست بر هر مؤمن هرگاه شیعه
ما باشد که بخواند در نماز شب جمعه سوره جمعه و سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى و
در نماز ظهر آن جمعه و منافقین و هرگاه این را به عمل آورد چنانست که گویا
عمل رسول خدا صلی الله علیه و آله را بجا آورده و ثواب و جزای او بر خداوند
عزوجلّ بهشت است.

فضیلت سوره تبارک

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که بخواند سوره

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ در مکتوبه پیش از

آنکه بخوابد پیوسته در امان خدای تعالی خواهد بود تا داخل صبح شود و در امان خدای تعالی خواهد بود روز قیامت تا داخل بهشت شود و قطب راوندی از ابن عباس نقل کرده که مردی خیمه زد بر روی قبری و ندانست که آن قبر است پس خواند سوره تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ را پس شنید صیحه زنده‌ای را که گفت این سوره مُنْجِيَه است پس این مطلب را به حضرت رسول صلی الله علیه وآله عرض کرد آن حضرت فرمود آن سوره نجات دهنده است از عذاب قبر.

فضیلت سوره النَّبَأِ

شیخ صدوق از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود هر که بخواند سوره عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ را از سال بیرون نشود که زیارت کند بیت‌الله الحرام را هرگاه مداومت کند بر آن در هر روز و شیخ طبرسی در مجمع‌البیان از ابی بن کعب روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که بخواند سوره عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ را سیراب فرماید حق تعالی او را از شراب سرد در روز قیامت و بدانکه در روایات اهل بیت علیهم السلام وارد شده که نَبَأُ عَظِيمٍ ولایت است و آنکه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نَبَأُ عَظِيمٍ است «هُوَ النَّبَأُ الْعَظِيمُ وَ فُلْكَ نُوحٍ * وَ بَابُ اللَّهِ وَ انْقَطَعَ الْخِطَابُ.»

فضیلت سوره اعلیٰ

شیخ صدوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که سوره سَبَّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى را در فریضه یا نافله بخواند در روز قیامت به او گویند که از هر دری از درهای بهشت که می‌خواهی داخل شو.

فضیلت سوره والشَّمْسِ

در مجمع‌البیان از ابی بن کعب از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که کسی که سوره والشَّمْسِ را بخواند گویا تصدق داده هر چه که بتابد بر آن شمس و قمر.

در فضیلت سوره قدر و زلزله

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ را در نماز فریضه بخواند منادی از جانب پروردگار او را ندا کند که خدا گناهان گذشته تو را آمرزید عمل از سرگیر و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مروی است که هر که چهار مرتبه اِذَا زُلْزِلَ را بخواند مثل آن کسی است که همه قرآن را خوانده.

فضیلت سوره عادیات

در خبر است که هر که مداومت بر خواندن آن کند با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام محشور گردد.

فضیلت سوره کافرون و نصر و توحید و معوذتین

در احادیث بسیار وارد شده فضیلت خواندن سوره قل یا ایها الکافرون در نمازهای فریضه و نافله و آنکه خواندن آن رُبْع قرآن است و سوره توحید ثلث قرآن است و خواندن سوره نصر در فرایض و نوافل سبب نصرت بر اعداء است و آنکه چون شخص از منزل خود بیرون رود معوذتین را بخواند چشم بد به او ضرر نرساند و کسی که در خواب ترسد در وقت خواب این دو سوره را با آیه الکرسی بخواند.

مُقَدِّمَةٌ رِسَالَةِ الْبَاقِيَّاتِ الصَّالِحَاتِ فِي الْأَدْعِيَةِ وَالصَّلَوَاتِ الْمُنْدُوبَاتِ

به نام خدای بخشاینده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَمَكَ السَّمَاءَ وَتَدَبَّ عِبَادَهُ إِلَى الدُّعَاءِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ

سپاس خداوندی را است که آسمان را برافروخت و بندگان خود را به دعا فراخواند و درود و سلام بر

عَلَى مَنْ قَدَّمَهُ فِي الْأَصْطِفَاءِ مُحَمَّدٌ خَاتِمِ الْأَنْبِيَاءِ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ

پیامبری که او را در برگزیدگی مقدم داشت (و او) محمد خاتم پیامبران است و بر خاندان طاهربینش

مَصَابِيحِ الدُّجَى سَيِّمًا عَلَى قَائِمِهِمْ خَاتِمِ الْأَوْصِيَاءِ

که چراغهای شب تارند بویژه بر قائم ایشان که خاتم اوصیاء است.

و بعد چنین گوید این گنجه کار روسیاه و مقصّر درگاه اله عبّاس بن محمدرضا القمّی سامحهما الله که این مجموعه ای است مشتمل بر مختصری از اعمال شبانه روز و ذکر بعضی از نمازهای مأثوره و نبذی از عوذات و احراز و اذکار

و ادعیه موجزه و خواصّ بعضی از سُور و آیات و مجملی از آداب اموات و جمع کردم آن را تا به مفاتیح الجنان مُنضمّ گردد و آن کتاب شریف از هر جهتی کامل و نفعش اتمّ شود و نامیدم آن را «بالباقیات الصّالحات فی الأدعیه و الصّلوات المندوبات قال اللهُ تعالی و الباقیات الصّالحات خیرٌ عند ربّک ثواباً و خیرٌ اَملاً» و مرتّب گردانیدم آن را بر شش باب و یک خاتمه: باب اول در مختصری از اعمال شب و روز، باب دوّم در ذکر بعضی از نمازهای مستحبّه، باب سیّم در ادعیه و عوذات آلام و اسقام و علل اعضا و تب و غیره، باب چهارم در ادعیه‌ای که منتخب شده از کتاب شریف کافی، باب پنجم در ذکر بعض احراز و ادعیه موجزه که منتخب شده از مهج الدّعوات و مجتبی، باب ششم در ذکر خواصّ بعض سُور و آیات و ذکر بعض ادعیه و مطالب متفرّقه خاتمه در مجملی از احکام اموات رجاء واثق و امید صادق که اخوان مؤمنین و شیعیان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این مجرم عاصی را از دعا و طلب مغفرت در حال حیات و بعد از ممات فراموش نفرمایند.

باب اوّل

در مختصری از اعمال شب و روز

در مختصری از اعمال شب و روز و مشتمل است بر چند فصل: فصل اوّل در اعمالی که متعلق است به مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب بدانکه از جمله اوقات شریفه وقت بین الطلوعین است و اخبار بسیاری از اهل بیت علیهم السلام در

فضیلت این وقت و تحریر بر عبادت و ذکر و تسبیح در آن وارد شده است و در بعض اخبار تعبیر شده از این وقت به ساعت غفلت چنانکه از حضرت باقر علیه السلام منقول است که ابلیس لعین لشکرهای خودش را متفرق و پهن می کند در دو وقت در حین غروب آفتاب و حین طلوع آن پس بسیار یاد کنید خدا را در این دو ساعت و پناه بجوئید به خدا از شر ابلیس و لشکرش و در پناه خدا در آورید کودکان خود را در این دو ساعت زیرا که آن دو ساعت غفلت است و بدانکه خواب در این وقت مکروه است و نیز از حضرت باقر علیه السلام مرویست که خواب در وقت صبح شومست و روزی را منع می کند و رنگ را زرد و متغیر می کند و این خواب هر مشومی است بدرستی که حق تعالی روزیها را در مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب قسمت می کند پس بپرهیزید از خواب کردن در این وقت و شیخ طوسی در مصباح این دعا را نقل کرده که در وقت طلوع فجر صادق بخوانند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ صَاحِبُنَا فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَفْضِلْ عَلَيْنَا، اللَّهُمَّ بِنِعْمَتِكَ تَتِمُّ

بار خدایا تویی یاور ما پس درود فرست بر محمد و خاندانش و بر ما زیاده بخش، بار خدایا به نعمت کارهای

الصَّالِحَاتُ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَتَمِّمْنَا عَلَيْنَا عَائِدًا بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ،

شایسته پایان پذیرد پس درود فرست بر محمد و آلش و نعمت را بر ما تمام کن پناهنده به خدا از آتش

عَائِدًا بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، عَائِدًا بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، * پس میگوئی: یا

پناهنده به خدا از آتش پناهنده به خدا از آتش * * * * *

فَالِقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا أَرَى وَمُخْرِجَهُ مِنْ حَيْثُ أَرَى، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

شکافنده سپیده از آنجا که من نبینم و برون آورنده اش از آنجا که بینم درود فرست بر محمد و آلش

وَأَجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِنَا هَذَا صَلَاحًا، وَأَوْسَطَهُ فَلَاحًا، وَآخِرَهُ نَجَاحًا. انتهى پس ده

و قرار ده آغاز این روز را شایستگی و وسطش را رستگاری و پایان را موفقیت و کامیابی * * * * *

مرتبہ می گوئی: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَشْهَدُكَ اَنْهُ مَا اَصْبَحَ بِیْ مِنْ نِعْمَةٍ اَوْ عَافِیَةٍ فِیْ دِیْنِ

* * * * * بار خدایا برآستی من تو را گواه گیرم که هر چه از نعمت یا عافیتی در دین

اَوْ دُنْیَا فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِیْكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ، وَلَكَ الشُّكْرُ، بِهَا عَلَیَّ حَتَّى

یا دنیا به من برسد همه از تو است که یکتائی و شریک نداری سپاس خاص تو است و برمن است سپاسگزاری بر آن تا

تَرْضَا وَبَعْدَ الرِّضَا * و اذکار وارده در این وقت غیر آنچه ذکر شد بسیار است

خوشنود گردی و بالاتر از خوشنودی * * * * *

و بهترین آنها ذکر سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، است که

منزه است خدا و ستایش خاص خدا است و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است * * * * *

تعبیر شده از آن به باقیات الصالحات و نیز خواندن این دعا است: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

وَحَدَّهُ لَا شَرِیْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَهُوَ

معبودی جز خدای یگانه نیست شریک ندارد پادشاهی خاص او است

الْحَمْدُ، يُحْيِیْ وَيُمِیْتُ، وَيُمِیْتُ وَيُحْيِیْ، وَهُوَ حَىٌّ لَا یَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ

و ستایش هم خاص او است زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می کند و او است زنده ای که نمیرد تمام نیکیها

بدست

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. و چون ندای اذان صبح را شنیدی می گوئی اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

اوست و او بر هر چیزی توانا است * * * * *

اَسْأَلُكَ بِاقْبَالِ نَهَارِكَ، وَاذْبَارِ لَيْلِكَ، وَحُضُورِ صَلَوَاتِكَ، وَأَصْوَاتِ دُعَائِكَ،

به آمدن روزت و رفتن شب و رسیدن نمازهایت و صداهای دعایت و تسبیح فرشتگان

وَتَسْبِيحِ مَلَائِكَتِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ

که درود فرستی بر محمد و خاندانش و توبه ام بپذیری که تو برآستی توبه پذیر مهربانی

التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

و چون خواستی متوجه به نماز شوی و حاجت داری به رفتن به بیت الخلا پس ابتدا کن به آن و آداب بیت‌الخلا بسیار است و جمله‌ای از آن بطور اختصار آن

است که مقدّم داری در وقت داخل شدن پای چپ را و می‌گوئی:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

به نام خدا و با یاد خدا پناه برم بخدا از پلید ناپاک آلوده پرور (یعنی) شیطان رانده شده

حالات مستور کردن عورت را از ناظر محترم و حرام است در این حال رو به قبله و پشت به قبله نشستن و مستحب است آنکه بگوئی در حال قضاء حاجت:

اللَّهُمَّ أَطْعِمْنِي طَيِّبًا فِي عَافِيَةٍ وَأَخْرِجْهُ مِنِّي خَبِيثًا فِي عَافِيَةٍ * و وقتی که

خدایا بخورانم غذای پاک در تندرستی و از من خارجش کن ناپاک در تندرستی * * * * *

نظرت افتاد بر آنچه از تو دفع شده می‌گوئی: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْحَلَالَ وَجَنِّبِي الْحَرَامَ

* * * * * خدایا روزی حلالم ده و از حرام دورم کن * * * * *

و چون خواستی استنجاء کنی اول استبراء می‌کنی پس دعای رؤیت آب را

* * * * *

می‌خوانی اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا، وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجِسًا، * و در وقت

ستایش خاص خدائی است که آب را پاک کننده قرار داد و ناپاکش نکرد * * * * *

استنجاء می‌گوئی اللَّهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَأَعِقِّهِ وَأَسْتُرْ عَوْرَتِي، وَحَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ، و

خدایا عورتم را (از گناه) نگه دار و پارسایش کن و آنچه پوشیدنش باید بیوشان و بدنم را بر آتش حرام کن * * * * *

چون از جای خود برخاستی دست راست را بر شکم می‌کشی و می‌گوئی: اللَّهُمَّ

* * * * * سپاس خاص خدائی است که زدود از من

لِلَّهِ الَّذِي أَمَّا طَعْنِي الْأَذَى وَهَتَانِي طَعَامِي وَشَرَابِي وَعَافَانِي مِنَ الْبُلْوَى، * پس

آزار را و گوارا کرد بر من خوراک و نوشیدنیم را و از بلیه نگاهم داشت * * * * *

بیرون می آیی و مقدم می داری پای راست را بر پای چپ و این دعا را

می خوانی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنِي

سپاس خدائی را که لذت غذا

لذَّتهُ وَأَبْقَى فِي جَسَدِي، قُوَّتَهُ وَأَخْرَجَ عَنِّي آذَاهُ يَا لَهَا نِعْمَةٌ، يَا لَهَا نِعْمَةٌ يَا لَهَا

به من داد و نیرویش را در بدنم نهاد و آزارش را برون برد، وه که چه نعمتی چه نعمتی چه

نِعْمَةً لَا يَقْدِرُ الْقَادِرُونَ قَدْرَهَا *

نعمتی که اندازه گیران اندازه اش نتوانند کرد

و چون خواستی وضو بگیری ابتداء می کنی به مسواک نمودن

که دهان را پاکیزه می کند و بلغم را برطرف و حفظ را زیاد می کند و باعث

زیادتی حسنات و خوشنودی حق تعالی است و دو رکعت نماز با مسواک افضل

است از هفتاد رکعت به غیر از مسواک و اگر مسواک نباشد انگشت مجزی

است از آن و سزاوار است که در وقت وضو گرفتن رو به قبله بنشیند و ظرف

آب را در جانب راست خود می گذاری و چون

نگاهت بر آب فتاد این دعا می خوانی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا، وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا، *

ستایش خاص خدائی است که آب را پاک کننده قرار داد و قرارش نداد ناپاک

پس می شوئی دست خود را پیش از آنکه داخل ظرف آب کنی و می گوئی: در

وقت داخل کردن دست در ظرف آب بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ

***** به نام خدا و به ذات خدا خدایا مرا از توبه کنندگان قرارم ده

وَأَجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ، * پس سه دفعه مضمضه می کنی با سه کف آب و

می گوئی:

و نیز فرارم ده از پاکیزه کنندگان * * * * *

اللَّهُمَّ لَقْنِي حُجَّتِي يَوْمَ الْقَاكِ، وَأَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ، پس سه دفعه استنشاق

خدایا دلیل قاطعی روز لقائت بر زبانم نه و زبانم را به ذکر خودت باز کن * * * * *

می کنی و می گوئی: اللَّهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ، وَأَجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشَمُّ رِيحَهَا

* * * * * خدایا بوی بهشت را بر من حرام مکن و فرارم ده از زمره کسانی که بوی آن

و رَوْحَهَا وَطَيِّبَهَا، پس شروع کن بشستن صورت و می گوئی: اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ

و نسیمش و عطرش را بیوید * * * * * خدایا سفید گردان رویم را در آن

تَسْوَدُ فِيهِ الْوُجُوهُ، وَلَا تَسْوَدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيِضُ فِيهِ الْوُجُوهُ، * پس بردار یک

روزی که روها سیاه گردد و سیاه نکن رویم را روزی که روها سفید گردد * * * * *

مشت آب به جهت شستن دست راست و در وقت شستن می گوئی: اللَّهُمَّ آعْظِنِي

* * * * * خدایا نامه عملم را

كِتَابِي بِيَمِينِي، وَالْخُلْدَ فِي الْجِنَانِ بِيَسَارِي، وَحَاسِبْنِي حِسَاباً يَسِيراً، * پس دست

بدست راستم ده و رقعہ جاوید در بهشت را بدست چپم و حسابم را به آسانی برس * * * * *

چپ را بشوی و در آن وقت می گوئی: اللَّهُمَّ لَا تُعْظِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي وَلَا مِنْ

* * * * * خدایا مده نامه عملم را بدست چپم و نه پشت

وَرَاءَ ظَهْرِي، وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْلُوبَةً إِلَيَّ عُنُقِي، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ مَقْطَعَاتِ النَّيرانِ، *

* سرم و قرارش مده بسته به گردنم و پناه برم به تو از پاره‌های (سوزان) آتش * * *

پس مسح کن جلو سر را به رطوبت دست راست خود و می گوئی در این حال:

اللَّهُمَّ غَشِّنِي رَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ. *

* خدایا بیوشان مرا به رحمت و برکات خود

پس مسح کن پاهای خود را و می خوانی در این حال :

اللَّهُمَّ تَبَّنِي عَلَى الصَّرَاطِ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ، وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي

خدایا مرا بر صراط ثابت بدار در آن روزی که قدمها بلغزد و کوششم را در کاری که تو را خوشنود کند قرار ده

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. * و چون فارغ شدی از وضو می گوئی: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

ای صاحب بزرگواری و کرامت * * * * * خدایا از تو می خواهم

تَمَامَ الْوُضُوءِ وَتَمَامَ الصَّلَاةِ وَتَمَامَ رِضْوَانِكَ وَالْجَنَّةِ. و می گوئی نَبِزَ الْحَمْدِ لِلَّهِ

درستی و کمال وضوء و کمال نماز و کمال خوشنودی تو و بهشت را * * * ستایش خاص خدا

رَبِّ الْعَالَمِينَ

پروردگار جهانیان است

و می خوانی سوره قدر را سه مرتبه پس بعد از فراغ از وضو بوی خوش بکار

می بری پس روانه می شوی به جانب مسجد با حالت سکینه و وقار

و می گوئی در وقت بیرون شدن از خانه به جهت رفتن به مسجد:

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي، خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ وَالَّذِي هُوَ

به نام آن خدائی که مرا آفرید و سپس راهنمایم کرد و آن کس که

يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ،

غذایم دهد و آب نوشاند و هرگاه بیمار شوم او شفایم دهد و آنکه بمیراندم و باز زندهام کند

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ، رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقْنِي

و آنکه طمع دارم بپامرزد خطایم را در روز رستاخیز پروردگارا مرا فرزانی بخش و به شایستگیان

بِالصَّالِحِينَ، وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ

ملحقم کن و خوش نامم گردان در نزد آیندگان و از وارثان بهشت پر

النَّعِيمِ، وَأَغْفِرْ لِأَبِي، *

نعمتم گردان و پدرم را بپامرز

و چون خواستی داخل مسجد شوی اول ملاحظه تَه کفش خود می نمائی که نجاستی با آن نباشد پس پای راست را مقدّم می داری پس می خوانی این دعا را:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ، وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ كُلُّهَا لِلَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى

*** به نام خدا و بذات خدا و از جانب خدا و بسوی خدا و بهترین همه نامها از آن خدا توکل کردم بر

اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ لِي

خدا و جنبش و نیروئی نیست مگر بخدا، خدایا درود فرست بر محمد و آتش و

أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَتَوَيْتِكَ وَأَعْلِقْ عَنِّي أَبْوَابَ مَعْصِيَتِكَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ زُورَاكِ

درهای رحمت و توبهات را بسویم باز کن و درهای نافرمانیت برویم ببند و مرا در زمره زائران

وَعَمَّارِ مَسَاجِدِكَ، وَمِمَّنْ يُنَاجِيكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَمِنَ الَّذِينَ هُمْ فِي

و آبادکنندگان مساجدت قرارم ده و از کسانی که در شب و روز با تو به راز و نیازند و از کسانی که در

صَلَوَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَأَدْحَرُ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ، وَجُنُودَ إِبْلِيسَ أَجْمَعِينَ، *

نماز ترسانند و دور گردان از من شیطان رانده و سپاهیان او را به تمامی ***

چون اراده کردی که نماز کنی می گوئی: اللَّهُمَّ إِنِّي أُقَدِّمُ إِلَيْكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ

***** خدایا من پیش دارم بسویت محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ، بَيْنَ يَدَيِ حَاجَتِي، وَأَتَوَجَّهُ بِهِ إِلَيْكَ فَاجْعَلْنِي بِهِ وَجِيهًا عِنْدَكَ فِي

علیه و آله را پیشاپیش حاجت و خواستهام و بوسیله او بسویت توجه کنم پس قرارم ده آبرومند در نزد خویش در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ وَاجْعَلْ صَلَوَاتِي بِهِ مَقْبُولَةً وَذَنْبِي بِهِ مَغْفُورًا،

دنیا و آخرت و از مقربان درگاهم گردان و نمازم را بخاطر او پذیرفته و گناهم را آمرزیده

وَدُعَاتِي بِهِ مُسْتَجَابًا إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، *

و دعایم را مستجاب گردان که همانا تو آمرزنده و مهربانی

پس اذان و اقامه می گوئی به جهت نماز و مابین اذان و اقامه فاصله می کنی به

یک سجده یا نشستنی و این دعا را می خوانی:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِيْ بَارًا وَعَيْشِيْ قَارًا، وَرِزْقِيْ دَارًا، وَاجْعَلْ لِيْ عِنْدَ

*** * خدایا دلم را نیک خواه و زندگانیم را بر قرار و روزیم را ریزان کن و برایم در کنار

قَبْرِ رَسُوْلِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مُسْتَقْرَأً وَقَرَارًا، *

قبر رسول خود صلی الله علیه و آله منزلگاه و جایگاهی قرار ده

و آنچه خواهی دعا می کنی و حاجت خود را از حق تعالی طلب می کنی زیرا که

دعا در بین اذان و اقامه ردّ نمی شود و بعد از گفتن اقامه می خوانی:

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَمَرْضَاتِكَ، طَلَبْتُ وَتَوَابِكَ ابْتِغَيْتُ

***** * خدایا فقط به تو رو کنم و خوشنودی تو را جویم و پاداش نیکت خواهم

وَبِكَ اَمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَفْتَحْ

و به تو ایمان دارم و بر تو توکل کنم خدایا درود فرست بر محمد و آتش و بگشا

مَسَامِعَ قَلْبِيْ لِذِكْرِكَ وَتَبَتَّنِيْ عَلٰى دِيْنِكَ، وَلَا تَرْغِ قَلْبِيْ بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِيْ وَهَبْ

گوشه های دلم را برای یاد کردنت و بر دین خود پابرجایم دار و دلم را پس از اینکه راهنمایی کردی منحرف مساز

لِيْ مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ، *

و از نزد خود رحمتی به من ببخش که همانا تویی بخشنده

پس مهیا می شوی به جهت نماز و حاضر می کنی قلب خود را و ملاحظه

می کنی ذلّت مقام خود را و عظمت و جلالت مولای خود را که در مقام مناجات

با او درآمده ای و چنان باش که گویا او را می بینی و حیا کن از آنکه با او

تکلم کنی و دلت به جانب دیگر متوجّه باشد پس می ایستی با وقار و خشوع در

حالتی که دستهایت را بر رانهای خود مقابل سر زانو گذاشته باشی و مابین

قدمهایت بقدر سه انگشت تا یک شبر باز کرده فُرجه می گذاری و نظرت را به

موضع سجده می افکنی پس نیت فریضه صبح بکن قربةً الى الله و تکبيرة الاحرام بگو و مستحب است که شش تکبیر دیگر بر او اضافه کنی و در هر تکبیری دستها را بلند کنی تا محاذی نرمة گوش در حالی که کف دستها رو به قبله باشد و انگشتها غیر از انگشت بزرگ به هم چسبیده باشد و بخوانی دعاهای تکبیرات را به این طریق که بعد از تکبیر سیم بگوئی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

خدایا توئی پادشاه برحق آشکار معبودی جز تو نیست

سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، و بعد

منزهی تو و براستی من بر خویشتم ستم کردم پس گناهم بیامرز که نیامرزد گناهان را جز تو * * *

از تکبیر پنجم می گوئی: لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ، وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ

* * * * * به آماده خدمتم خیر بدست تو است و شر از تو نیست

وَالْمُهْدَىٰ مِنْ هَدَيْتِ عَبْدِكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ، ذَلِيلٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، مِنْكَ وَبِكَ وَلَكَ

راه یافته کسی که تو راهنمائیش کردی بنده تو و زاده دو بنده دیگر ت پیش درگاهت از تو و با تو و برای تو

وَإِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا، وَلَا مَفْرَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، سُبْحَانَكَ وَحَنَانِكَ تَبَارَكْتَ

و بسوی تو است نه پناهگاهی و نه جایی برای رهائی و نه گریزگاهی جز بسوی تو نیست منزهی تو و من خواهان

رحمتم برتر

وَتَعَالَيْتَ، سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ، * و بعد از تکبیر هفتم می گوئی: وَجْهَتْ

و والا ئی منزهی تو ای پروردگار خانه محترم * * * * * من رو بسوی

وَجْهِي لِذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، حَنِيفاً مُسْلِماً

آنکس کنم که آسمانها و زمین را آفرید دانای نهان و آشکار است با حال اعتدال و تسلیم

وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَوَتِي وَسُكْيَ وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ

و از مشرکان نیستم همانا نماز و عبادت و زندگی و مرگ من از خدا پروردگار

الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ، وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ،* و چون خواهی

جهانیان است که شریکی برای او نیست و بدان مأمورم و من از مسلمانانم * * * * *

شروع کنی به قرائت کلمه استعاذه را آهسته می گوئی پس بخوان سوره حمد را با آداب تمام و حضور قلب و تفکر در معانی آن و بعد از فراغ بقدر یک نفس ساکت می شوی پس بخوان سوره‌ای از قرآن و خوبست که امثال سوره عمّ و هل آتی ولا اقسیم بوده باشد پس از آن نیز به قدر یک نفس ساکت می ایستی پس دستها را بلند می کنی به جهت گفتن تکبیر به طریقی که سابق ذکر شد پس برو به رکوع و می گذاری دست راست را بر سر زانوی راست پیش از گذاشتن دست چپ بر زانوی چپ و انگشتان کف دست را از هم باز می کنی و پُر می کنی آنها را از زانوهای خود و کمر را خم نموده و گردن را کشیده و مساوی با کمر و نظر را به مابین قدمها می افکنی و بگو:

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ و سزاوار است که این ذکر را هفت مرتبه یا پنج

منزه است پروردگار بزرگ من و او را سپاس گویم * * * * *

مرتبه یا سه مرتبه بگوئی و پیش از گفتن ذکر این دعا را بخوانی:

اَللّٰهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ اَسَلْتُ، وَبِكَ اَمَنْتُ،

خدایا برای تو رکوع کردم و برای تو تسلیم شدم و به تو ایمان آوردم

وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ رَبِّي خَشَعْتُ لَكَ سَمْعِي وَبَصْرِي، وَشَعْرِي وَبَشْرِي

و بر تو توکل کردم و توئی پروردگار من خاشع شد برای تو گوش و چشم و مو و پوست و

و لَحْمِي وَدَمِي وَمُخِّي وَعَصْبِي، وَعِظَامِي وَمَا أَقْلَتُهُ قَدَمَايَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ

گوشت و خون و مخ و رگ و استخوانم و (خلاصه) آنچه را در پاهایم بر خود حمل کرده بدون سرپیچی و نه تکبر

ورزی

وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ، پس برخیز از رکوع و بایست و در این حال می گوئی سَمِعَ
اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ

و نه به حال خستگی * * * * * می شنود خدا هر کس او را ستایش کند

پس تکبیر می گوئی و برو به سجده با نهایت خضوع و خشوع و کفها را پهن
کرده پیش از زانوها بر زمین می گذاری و سجده می کنی بر تربت امام
حسین علیه السلام و ذکر سجود را بگو و بهتر آنکه هفت یا پنج یا سه
مرتبہ بگوئی و پیش از ذکر این دعا را بخوانی:

اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ،

خدایا برای تو سجده کردم و به تو ایمان آوردم و برای تو

وَلَكَ أَسَلْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَأَنْتَ رَبِّي سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ، وَشَقَّ سَمْعَهُ

تسلیمم و بر تو توکل کنم و تویی پروردگار من سجده کرد چهره ام برای کسی که او را آفرید و گوش

وَبَصَرَهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ، پس ذکر را بگو و

و چشمش را شکافت ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است خجسته باد خدا بهترین آفریننده * * * * *

سر از سجده بردار و بنشین و مستحب است که تکبیر بگوئی و متورکاً بنشینی
و بگوئی:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ * و نیز می گوئی: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَاجْبُرْنِي

آمرزش خواهم از خدا و بسویش توبه کنم * * * * * خدایا مرا بیامرز و به من رحم کن و حالم نیکو

وَادْفَعْ عَنِّي وَعَافِنِي، إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ

کن و از من دفاع کن و تندرستم بدار که من بدان خیری که برایم بفرستی نیازمندم خجسته است خدا پروردگار

الْعَالَمِينَ. * پس تکبیر می گوئی و برو به سجده دوم و به عمل می آوری آنچه

جهانیان * * * * *

را که در سجده اول بجای آوردی پس سراز سجده بردار و جلسه استراحت را

بجای آوری پس برخیز و در حال برخاستن می گوئی:

بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ * و چون قرار گرفتی بخوان

به ایستم و بنشینم به جنبش خدا و نیروی او * * * * *

حمد و سوره و بهتر آنکه سوره توحید بخوانی و مستحب است گفتن سه مرتبه

كَذَلِكَ اللَّهُ

این چنین است خدا

ربّی بعد از فراغ از سوره توحید پس تکبیر می گوئی و دستها را به جهت قنوت

بلند می کنی تا به مقابل صورت

پروردگار من * * * * *

و شکم کف دستها را بسوی آسمان می کنی و انگشتها را بهم می چسبانی سواى

انگشت بزرگ و خوبست آنکه اختیار کنی به جهت قنوت خواندن کلمات فرج

را و بخوانی بعد از آن: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا

* * * * * خدایا بیمارز ما را و به ما رحم کن

وَعَافِنَا، وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، * پس

و تندرستانم بدار و از ما بگذر در دنیا و آخرت که همانا تو بر هر چیز توانائی

می گوئی اللَّهُمَّ مَنْ كَانَ أَصْبَحَ وَلَهُ ثِقَةٌ أَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ، فَانْتَ تَقْتِي وَرَجَائِي

خدایا هرکس که بامداد کند و تکیه گاه یا امیدواری بجز تو داشته باشد ولی تکیه گاه و امید من تویی ای بخشنده ترین

يا أَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ

کسی که از او درخواست شود و ای مهربانترین کسی که مهر از او خواهند درود فرست بر محمد و آتش و به

ضَعْفِي وَمَسْكَنَتِي، وَقِلَّةَ حِيلَتِي وَأَمْنُنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ، طَوْلًا مِنْكَ وَفُكًا رَقَبَتِي

ناتوانی و درماندگی و کم چارگیم رحم کن و به فضل خود به بهشت بر من منت نه و آزادم کن از آتش

مِنَ النَّارِ، وَعَافِنِي فِي نَفْسِي وَفِي جَمِيعِ أُمُورِي، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

دوزخ و تندرستی و عافیت در جانم و در تمام کارم عنایت کن به رحمت خود ای مهربانترین مهربانها

و سزاوار است طول دادن قنوت و دعاهائی که در قنوت خوانده می شود بسیار است پس تکبیر می گوئی و رکوع و سجود را بجا بیاور بهمان نحو که مذکور

شد و بعد از فراغ از دو سجده بنشین از برای تشهد و سلام و مستحب است آنکه متورکاً بنشینی و پیش از تشهد بگوئی: بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، وَالْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى،

***** به نام خدا و به ذات خدا و همه نامهای نیکو

كُلُّهَا لِلّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلّٰهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللّٰهُ، * تا آخر و چون

از آن خدا است و ستایش مخصوص خدا است و بهترین نامها برای خدا است گواهی دهم که معبودی جز خدا نیست *

فراغ شدی از نماز شروع می کنی به خواندن تعقیب که تأکید و امر بسیار به آن

شده و حق تعالی فرموده:

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ

و چون فراغت یافتی به عبادت کوش و بسوی پروردگارت بگرای

و روایت شده در تفسیر آیه یعنی چون فارغ شوی از نماز خود را به تعب انداز

در دعا و بسوی پروردگار خود رغبت کن و حاجات خود را از او بطلب و امید

خود را از غیر او قطع کن

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که هر که از شما فارغ گردد

از نماز پس باید دستها را بلند کند بسوی آسمان و خود را به تعب افکند در

دعا، و از روایات استفاده شده که تعقیب، زیاد کننده روزی است و مؤمن در

نماز است و ثواب نماز دارد مادام که به ذکر حق تعالی مشغول است و دعا بعد از نماز واجب بهتر است از نماز سُنَّت و علامه مجلسی رحمه الله فرموده که تعقیب ظاهرش آن است که قرآن و دعا و ذکر که متصل باشد به نماز عرفاً تعقیب می باشد و لکن افضل آن است که با وضو باشد و نشسته باشد رو به قبله و بهتر آن است که بر طریق تشهّد نشسته باشد و سخن نگوید در اثنای تعقیب خصوصاً در تعقیب نماز شام .

و بعضی گفته اند که جمیع شرایط نماز را در تعقیب رعایت کنند و ظاهر آن است که به هر حالی که بعد از نماز مشغول قرآن و ذکر و دعا باشد ثواب تعقیب فی الجمله داشته باشد اگر چه در راه رفتن باشد.

مؤلف گوید که از ائمه اطهار علیهم السلام دعاهای بسیار برای دین و دنیا در تعقیب نمازها وارد شده و چون اشرف عبادات بدنیه نماز است و تعقیبات ماثوره را در تکمیل نمازها مدخلیتی عظیم است و ایضاً موجب رفع درجات و حظّ سیئات و حصول مطالب و حاجات می گردد بخاطر داعی رسید که جمله ای از آنها را در این رساله ایراد کنم و نقل کنم اکثر آن را از کتاب بحار و مقباس علامه مجلسی عطرالله مرقدّه الشریف.

پس گوئیم تعقیبات بر دو قسم است تعقیبات مشترکه و تعقیبات مختصّه، اما مشترکه و آن تعقیباتی است که بعد از هر نماز خوانده شود و آن بسیار است و ما در اینجا به چند امر از آن اکتفا می نمایم:

اول تسبیح حضرت فاطمه زهراء صلوات الله علیها است و احادیث در فضیلت این زیاده از حدّ و احصاء است از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ما امر می کنیم کودکان خود را به تسبیح فاطمه علیها السلام چنانکه امر می کنیم ایشان را به نماز ، پس آن را ترک مکن که هر که مداومت نماید بر آن شقی و بدبخت نمی شود و در روایات معتبره وارد شده که ذکر کثیر که خدا در قرآن مجید به آن امر فرموده تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام است و هر که بعد از هر نماز بر آن مداومت نماید خدا را بسیار یاد کرده و به آیه کریمه «وَأذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» عمل نموده و به سند معتبر از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که تسبیح فاطمه سلام الله علیها را بگوید و بعد از آن استغفار کند خدا او را بیامرزد و آن بر زبان صد هست و در میزان عمل هزار و شیطان را دور می کند و خدا را خوشنود می گرداند .

و به سندهای صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که تسبیح فاطمه علیها السلام را بعد از نماز بگوید پیش از آنکه پاها را از هیئت نماز بگرداند آمرزیده شود و بهشت او را واجب گردد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که تسبیح فاطمه علیها السلام را بعد از هر نماز خواندن بهتر است نزد من از آنکه هزار رکعت نماز بگذارد در هر روزی .

و در روایت معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که عبادت الهی کرده نشده است به چیزی از تسبیح و تمجید که بهتر از تسبیح فاطمه علیها السلام باشد و اگر چیزی از آن بهتر می بود حضرت رسول صلی الله علیه وآله

آن را به حضرت فاطمه علیها السلام عطا می فرمود و احادیث در فضل آن زیاده از آنست که در این رساله ایراد توان کرد و در کیفیت آن اختلافی در احادیث هست و اشهر و اظهر آن است که سی و چهار مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** و سی و سه مرتبه **الْحَمْدُ لِلَّهِ** و سی و سه مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** بگوید.

و در بعضی روایات **سُبْحَانَ اللَّهِ** پیش از **الْحَمْدُ لِلَّهِ** وارد شده و بعضی از علماء جمع به این نحو کرده اند که بعد از نماز بطریق اول بخواند و در هنگام خواب رفتن بطریق ثانی و ظاهراً مطلقاً بطریق اول که مشهور است اولی باشد و سنت است که بعد از اتمام کردن یک نوبت **لا إله إلا الله** بگوید چنانکه از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که بعد از هر نماز فریضه تسبیح فاطمه علیها السلام را بگوید و در عقب آن یک مرتبه **لا إله إلا الله** بگوید خدا او را بیامرزد و بهتر آن است که به تسبیح تربت حضرت امام حسین علیه السلام حساب آن را نگاه دارد و در جمیع اذکار سنت است و پیوسته تسبیح تربت آن حضرت را با خود داشتن مستحب است و حرز از بلاها است و مورث ثواب بی انتها است.

و منقولست که در ابتدا حضرت فاطمه علیها السلام رشته ای از پشم تابیده بودند و بر آن گره ها زده بودند و به آن تسبیح می گفتند تا آنکه حضرت حمزه بن عبدالمطلب رضی الله عنه شهید شد پس حضرت فاطمه علیها السلام از تربت قبر آن شهید بزرگوار خاک برگرفت و تسبیح ساخت و به آن تسبیح می کرد مردم نیز چنان کردند.

و چون سیدالشهداء حسین بن علی علیهما السلام شهید شد سنت شد که از تربت آن امام مظلوم تسبیح سازند و با آن ذکر گویند.

از حضرت صاحب الامر علیه السلام مرویست که هر که تسبیح تربت امام حسین علیه السلام در دست داشته باشد و ذکر را فراموش کند ثواب ذکر برای او نوشته می شود و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تسبیح تربت آن حضرت ذکر می کند و تسبیح می گوید بی آنکه آدمی بگوید و فرمود که یک ذکر یا استغفار که با آن گفته می شود برابر است با هفتاد ذکر که با چیز دیگر گفته شود و اگر بی ذکر بگرداند به هر دانه هفت تسبیح برای او نوشته می شود و به روایت دیگر اگر با ذکر بگرداند به هر دانه چهل حسنه برای او نوشته می شود و مروی است که حوریان بهشت چون ملکی را می بینند که به زمین می آید از او التماس می کنند که تسبیح و تربت حضرت حسین علیه السلام را برای ما بیاور .

و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که مؤمن می باید خالی نباشد از پنج چیز: مسواک و شانه و سجاده که بر روی آن نماز کند و تسبیحی که در آن سی و چهار دانه باشد و انگشتر عقیقی و ظاهر آن است که خام و پخته هر دو خوب است و خام بهتر است .

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که به تسبیح تربت قبر امام حسین علیه السلام یک تسبیح بگوید حق تعالی برای او چهار صد حسنه بنویسد و چهار صد گناه از او محو کند و چهار صد حاجت او را بر آورد و چهار صد

درجه برای او بلند کند و مروی است که مستحب است که رشته اش کبود باشد به رنگ آسمان .

و از بعضی روایات مستفاد می شود که زنان را به انگشتان شمردن افضل است و لکن احادیث فضیلت تربت مطلقاً اکثر و اقوی است دویم مستحب است که بعد از سلام نماز فریضه سه مرتبه دست بردارد تا محاذی روی و برگرداند تا به زانو یا نزدیک زانو و با هر مرتبه یک **اللَّهُ أَكْبَرُ** بگوید.

چنانکه علی بن ابراهیم و سید بن طاوس و ابن بابویه به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که مفضل بن عمر از آن حضرت پرسید که به چه علت نماز گذارنده بعد از سلام سه مرتبه تکبیر می گوید و دست برمی دارد فرمود برای آنکه چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله فتح مکه نمود نزد حجرالأسود نماز ظهر با اصحاب گذارد و چون سلام نماز داد سه نوبت تکبیر گفت و با هر نوبت دست برداشت پس گفت:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَّهُ،

معبودی نیست جز خدای یکتای یکتای یکتا که به وعده اش وفا کرده و

وَتَصَرَ عَبْدَهُ، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ، وَعَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي

بنده اش را یاری کرد و سپاهش را پیروز کرد و به تنهایی بر همه احزاب غالب آمد پس فرمانروایی او راست و ستایش

خاص او است

وَيُمِيتُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، پس رو به جانب اصحاب گردانید و فرمود

زنده می کند و می میراند و او بر هر چیز توانا است * * * * *

ترک مکنید این تکبیر را و این دعا را بعد از هر نماز فریضه زیرا که هر که بعد از سلام چنین کند ادا کرده است شکر نعمت خدا را بر تقویت اسلام و لشکر اسلام و در حدیث صحیح منقول است که چون حضرت صادق علیه السلام از نماز فارغ می شدند دستها را بالای سر مبارک خود بلند می کردند و دعاء می نمودند.

و از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر بنده ای که دستها را بسوی خدا بلند کند حق تعالی شرم می کند که دستهای او را خالی برگرداند پس چون دعا کنید دستها را فرو میاورید مگر آنکه بر سر و روی خود بکشید

سیم کلینی به سند معتبر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که هر کس بعد از نماز فریضه پیش از آنکه پاهای خود را بگرداند سه مرتبه این دعا را بخواند خدا گناهان او را بیامرزد اگرچه مانند کف دریا باشد در بسیاری:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

آمرزش خواهم از خدائی که معبودی جز او نیست زنده پاینده دارای جلال و بزرگواری و بسویش بازگشت کنم

و در روایت دیگر وارد شده است که هر که این استغفار را در هر روز بخواند

حق تعالی چهل کبیره او را بیامرزد چهارم کلینی به سند معتبر از حضرت

صادق علیه السلام روایت کرده است که ترک مکن بعد از هر نماز این دعا را:

أُعِيدُ نَفْسِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ،

پناه دهم خودم و آنچه پروردگارم روزیم کرده به خدای یگانه بی نیازی که نزاید و نزنیده شده

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَأُعِيدُ نَفْسِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي بَرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ

و نیست برایش همتائی هیچکس و پناه دهم خود و آنچه پروردگارم روزی من کرده به خدای سپیده دم از شر

مَا خَلَقَ، وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ، وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ، وَمِنْ شَرِّ

آنچه آفریده و از شر شب هنگامی که تاریکیش فرا گیرد و از شر دمندهگان در گره‌ها و از شر

حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ، وَأُعِيدَ نَفْسِي وَمَا رَزَقْنِي رَبِّي مِنْ بَرِّ النَّاسِ، مَلِكِ النَّاسِ، إِلَهِي

حسود هنگامی که حسد ورزد و پناه دهم خودم و آنچه پروردگارم روزیم کرده به پروردگار مردم پادشاه مردم معبود

النَّاسِ، مِنْ شَرِّ أَلْوَسَوَاسِ الْخَنَاسِ، الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ،

مردم از شر وسوسه‌گر پنهانی که وسوسه کند در سینه‌های مردم (چه) باشد از جنیان و (چه) از مردم

پنجم شیخ کلینی به سند معتبر از علی بن مهزیار روایت کرده است که محمد

بن ابراهیم به حضرت امام علی تقی علیه السلام نوشت که اگر مصلحت دانی ای

سید من تعلیم نما برای من دعائی که بعد از همه نمازها بخوانم تا حق تعالی به

سبب آن جمع نماید برای من خیر دنیا و آخرت را پس آن حضرت نوشت که

می‌گوئی:

أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ، الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا

پناه برم به ذات بزرگواریت و به عزتت که مورد دستبرد نیست و قدرتت که چیزی از آن خودداری نتواند

شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا، * و در بعضی از روایات

از شر دنیا و آخرت و از شر تمامی دردها * * * * *

این تتمه را دارد: وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، *

* * * * * و جنبش و نیروئی نیست جز به خدای الوالی بزرگ * * * * *

ششم کلینی و ابن بابویه به سندهای صحیح و غیر صحیح از حضرت امام محمد

باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام روایت کرده‌اند که کمتر چیزی که تو را

مجزی است از دعاء بعد از نماز واجب آن است که بگوئی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ

خدایا از تو می‌خواهم هر خیرری را که علمت بدان احاطه دارد و پناه می‌برم به تو از هر شری که

بِهِ عِلْمِكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ عَافِیَتِكَ فِیْ اُمُوْرِیْ كُلِّهَا، وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ خِزْیِ

علمت بدان احاطه دارد خدایا از تو می‌خواهم عافیت را در تمام کارهایم و پناه می‌برم به تو از رسوائی

الدُّنْیَا وَعَذَابِ الْاٰخِرَةِ، * و در روایت ابن بابویه چنین است: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی

دنیا و عذاب آخرت * * * * * خدایا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ تَاْخِرَ دَعَا هَفْتَمِ سُنَّتِ اسْتِ که چون از نماز

محمد و آل محمد خدایا از تو می‌خواهم..... * * * * *

فارغ شود بگوید: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَجِرْنِیْ مِنَ النَّارِ،

* * * * * خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا از آتش پناه ده

وَاَدْخِلْنِیْ الْجَنَّةَ وَزَوِّجْنِیْ الْحُوْرَ الْعِیْنَ، چنانکه در حدیث معتبر از حضرت

و داخل بهشتم گردان و حورالعین به همسریم درآر * * * * *

امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که باید بنده از نماز فارغ نشود تا آنکه از

حق تعالی سؤال کند بهشت را و پناه برد به خدا از دوزخ و سؤال کند که

تزویح کند او را با حورالعین .

هشتم به سند موثق از حضرت صادق علیه السلام مرویست که چون حق تعالی

امر کرد که این آیات را به زمین آورند چنگ زدند به عرش الهی و گفتند

پروردگارا ما را بسوی اهل خطا و گناهکاران می‌فرستی پس حق تعالی وحی

کرد بسوی ایشان که بروید بسوی زمین به عزّت و جلال خودم سوگند یاد کنم

که تلاوت نکند شما را احدی از آل محمدصلی الله علیه وآله و شیعیان ایشان

مگر آنکه نظر رحمت کنم بسوی ایشان از رحمت‌های پنهان خود هر روز هفتاد

نظر در هر نظری هفتاد حاجت او را برآورم و او را قبول کنم هر چند معصیت بسیار کرده باشد .

و به روایت دیگر هر که این آیات را بعد از هر نماز بخواند او را ساکن گردانم در حظیره قدس با هر گناهی که داشته باشد و اگر نکنم نظر کنم بسوی او بنظر رحمت خاص خود در هر روز هفتاد نظر کردن و اگر نکنم هر روز هفتاد حاجت او را برآورم که کمتر آنها آمرزیدن گناهان باشد و اگر نکنم او را پناه دهم از شرّ شیطان و از شرّ هر دشمنی و یاری دهم او را بر ایشان و مانع نشود او را از داخل شدن بهشت غیر از مرگ و آن آیات اینها است سوره فاتحه تا آخر و

آیه الکرسی تا هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ بخواند بهتر است و آیه شهادت یعنی:

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ، قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

گواهی دهد خدا که نیست معبود بحق جز او و نیز فرشتگان و دارندگان علم (گواهی داده‌اند) که انصاف بدو پایدار

است و نیست معبودی

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ، وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ

جز او که عزیز و فرزانه است همانا دین نزد خدا اسلام است و اختلاف نکرده‌اند کسانی که کتابشان داده‌اند

إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعٌ

مگر پس از آنکه آمده است برایشان دانش به‌خاطر ستمگری میانشان و هر که کفر ورزد به آیات خدا پس خدا زود

به حساب خواهد

الْحِسَابُ، * و آیه مُلْكٍ يَعْنِي: قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ، تُؤْتِي الْمُلْكَ، مَنْ تَشَاءُ وَ

رسید * * * * * بگو ای خدای صاحب ملک و فرمانروائی می‌دهی فرمانروائی را به هر که خواهی

تَنْزِعُ الْمُلْكَ، مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ

و بستانی ملک را از هر که خواهی و عزت بخشی هر که را خواهی و زیون کنی هر که را خواهی همه خوبیها بدست تو

است

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تَوَلَّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَتَوَلَّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَتُخْرِجُ

که همانا تو بر هر چیز توانائی درآوری شب را در روز و درآوری روز را در شب و بیرون آری

الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ، مِنَ الْحَيِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ، بِغَيْرِ حِسَابٍ،

زنده را از مرده و بیرون آوری مرده را از زنده و روزی دهی هر که را خواهی بی حساب

و به سند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که هر که آیه‌الکرسی را بعد از هر نماز فریضه بخواند او را گزنده ضرر نرساند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود که یا علی بر تو باد به تلاوت کردن آیه‌الکرسی بعد از هر نماز فریضه بدرستی که محافظت نکند بر آن مگر پیغمبری یا صدیقی یا شهیدی و از حضرت رسالت پناه‌صلی الله علیه وآله منقولست که هر که آیه‌الکرسی را بعد از هر نماز بخواند مانعی نباشد او را از داخل شدن به بهشت بغیر مرگ و به روایت دیگر هر که آیه‌الکرسی را بعد از هر نماز فریضه بخواند نمازش مقبول گردد و در امان خدا باشد و خدا او را از بلاها و گناهان نگاه دارد .

نهم کلینی و ابن بابویه و دیگران به سندهای معتبر از حضرت امام محمد باقرعلیه السلام روایت کرده‌اند که شبیه هذلی به خدمت حضرت رسول‌صلی الله علیه وآله آمد و گفت یا رسول‌الله‌صلی الله علیه وآله من پیر شده‌ام و قوه‌ام وفا نمی‌کند به اعمالی که قبل از این خود را به آن عادت داده بودم از نماز و روزه و حجّ و جهاد پس تعلیم کن مرا کلامی که خدا مرا به آن نفع بخشد و بر من سبک و آسان باشد حضرت فرمود که بار دیگر بگو او سه مرتبه این سخن

را اعاده کرد پس حضرت فرمود که نماند بر دُورِ تو درختی و کلوخی مگر
اینکه گریست بر تو برای ترحّم بر تو هرگاه از نماز صبح فارغ شوی ده مرتبه
بگو:

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،

منزه است خدای بزرگ و حمد او را است و جنبش و نیروئی نیست مگر بوسیله خدای والای بزرگ

تا خدا تو را عافیت دهد به برکت این دعا از کوری و دیوانگی و خوره و پیسی
و پریشانی و خَرَفُ شدن شبیه گفت: یا رسول الله صلی الله علیه وآله این برای
دنیای من است برای آخرت من چیزی بفرما فرمود که می گوئی بعد از هر نماز:
اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِّنْ عِنْدِكَ، وَأَفِضْ عَلَيَّ مِمَّنْ فَضْلِكَ، وَأَنْشُرْ

خدایا مرا از نزد خود راهنمایی کن و از فضل خویش بر من افاضه کن و بگستر بر من از رحمت خویش

عَلَيَّ مِمَّنْ رَحْمَتِكَ، وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِمَّنْ بَرَكَاتِكَ، پس حضرت فرمود که

و فرو ریز بر من از برکاتت *****

اگر بر این مواظبت نماید و عمداً ترک نکند تا وقت مردن چون به صحرای
محشر درآید هشت دَرِ بهشت برای او گشوده گردد که از هر دَرِ که خواهد
داخل شود و دعای آخر به اسانید معتبره دیگر وارد شده دهم خواندن تسییحات
اربع است چنانچه شیخ طوسی و ابن بابویه و حمیری به سندهای صحیح از
حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که روزی حضرت رسالت پناه صلی
الله علیه وآله به اصحاب خود فرمود اگر جمع کنید آنچه دارید از جامها و
ظرفها و بر روی هم گذارید آیا به آسمان می رسد گفتند نه یا رسول الله صلی
الله علیه وآله فرمود که می خواهید تعلیم کنم شما را چیزی که

اصلش در زمین است و شاخه‌هایش در آسمان گفتند بلی یا رسول‌الله صلی الله علیه و آله فرمود که بعد از هر نماز سی نوبت بگوئید:

سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ که اصل اینها در زمین است

منزه است خدا و حمد خاص خدا است و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر از توصیف است * * * * *

و فرعیان در آسمان و دفع می‌کند از آدمی خانه فرود آمدن و غرق شدن و سوختن و در چاه افتادن و دریدن درندگان و به مرگهای بد مردن و هر بلائی که در آن روز از آسمان نزول کند و اینها بقیات صالحات که حق تعالی در قرآن فرموده .

و به سندهای صحیح دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که این تسبیحات را بعد از هر نماز فریضه چهل نوبت بخواند پیش از آنکه از جای نماز حرکت کند هر حاجت که از خدا سؤال کند روا گردد و به سند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که بعد از نماز فریضه سی مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ بگوید بر بدنش گناهی نماند مگر بریزد و در حدیث صحیح دیگر از آن حضرت منقول است که ذکر بسیار که حق تعالی در کلام مجید مدح کرده است این است که سی مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ بعد از هر نماز فریضه بگوید.

و قطب راوندی روایت کرده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به براء بن عازب گفت که می‌خواهی دلالت کنم تو را بر امری که چون بجا آوری به حق و راستی دوست خدا باشی گفت بلی فرمود که بعد از هر نماز هر یک از

تسبیحات اربع را ده مرتبه بگو چون چنین کنی هزار بلیه در دنیا از تو دور گردد که یکی از آنها مرتبه شدن باشد و هزار مرتبه در آخرت برای تو ذخیره کنند که یکی آن باشد که در جوار حضرت رسول صلی الله علیه و آله باشی یازدهم کلینی به سند حسن از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که بعد از نماز فریضه سه مرتبه بگوید:

يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ، وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ أَحَدٌ غَيْرُهُ،

ای که می کند هر چه خواهد و جز او هیچکس نتواند بکند آنچه را خواهد

هر حاجت سؤال کند روا شود.

دوازدهم شیخ برقی به سند موثق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که بعد از فارغ شدن از نماز پیش از آنکه زانوهای خود را از جای خود حرکت دهد ده مرتبه این تهلیل را بخواند حق تعالی چهل هزار گناه او را محو کند و چهل هزار حسنه برای او بنویسد و چنان باشد که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد و فرمود که من صد مرتبه می خوانم و شما را ده مرتبه کافی است:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا صَمَدًا، لَمْ يَتَّخِذْ

گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریک ندارد معبودی است یکتا یگانه بی نیاز که نگرفته برای خود

صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، * و فضیلت این تهلیل بسیار وارد شده است خصوصاً در

همسری و نه فرزندی *****

تعقیب نماز صبح و شام و هنگام طلوع و غروب آفتاب .

سیزدهم کلینی و ابن بابویه و دیگران به سندهای صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که جبرئیل به نزد حضرت یوسف علیه السلام آمد در زندان و گفت بعد از هر نماز بگو:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا، وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا

خدایا قرار ده برایم گشایش و راه چاره‌ای و روزیم ده از آنجا که گمان دارم و از آنجا که

أَحْتَسِبُ، * چهاردهم در بلد‌الأمین از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت

گمان ندارم *****

کرده است که هر که خواهد که خدا او را در قیامت بر اعمال بد او مطلع

نگرداند و دیوان گناهان او را نگشاید باید که بعد از هر نماز بخواند:

اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَرْجَى مِنْ عَمَلِي، وَإِنَّ رَحْمَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ

خدایا مسلماً آمرزش تو امیدوار کننده‌تر از عمل من است و مسلماً رحمت تو پهناورتر از

ذَنْبِي، اللَّهُمَّ إِنَّ كَانَ ذَنْبِي عِنْدَكَ عَظِيمًا فَعَفْوُكَ، أَعْظَمُ مِنْ ذَنْبِي، اللَّهُمَّ إِنَّ لَمْ

گناه من است خدایا اگر گناهم پیش تو بزرگ است پس گذشت تو بزرگتر از گناه من است خدایا اگر من

أَكُنُّ أَهْلًا أَنْ تَرْحَمَنِي، فَرَحْمَتِكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَتَسَعَنِي، لِأَنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ

شایستگی ندارم که تو بر من رحم کنی پس رحمت تو شایستگی دارد که به من برسد و مرا فرا گیرد زیرا که رحمتت

همه

شَيْءٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّحِمِينَ. * پانزدهم کفعمی از حضرت رسالت پناه صلی

چیز را فرا گیرد به رحمت ای مهربانترین مهربانها *****

الله علیه و آله روایت کرده است که مردی به آن حضرت شکایت کرد بیماری و

تنگدستی را فرمود که بعد از هر نماز فریضه بگو:

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ

***** توکل کنم بر خدای زنده‌ای که نمی‌میرد و ستایش خاص خدائی است که نه

يَتَّخِذُ صَاحِبَةً، وَلَا وِلْدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنْ

همدمی برای خود گرفته و نه فرزندی و نیست برای او شریکی در سلطنت و نیست او را دوستی برای رفع

الدُّلِّ وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا * و به روایت دیگر فرمود که هیچ شدتی مرا رو نداد مگر

مذلت و او را به کمال بزرگی تکبیر گوی *****

آنکه جبرئیل برای من مُتمثل شد و گفت که این دعا بخوان و در احادیث معتبره

وارد شده است که برای وساوسِ سینه و قرض و پریشانی و بیماری مکرر این

دعا را باید خواند و در بعضی روایات در اولش «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» است

شانزدهم شیخ مفید در مقنعه در تعقیب هر نماز این دعا را آورده است:

اللَّهُمَّ أَنْفَعْنَا بِالْعِلْمِ وَزَيَّنَّا بِالْحِلْمِ وَجَمَّلْنَا بِالْعَافِيَةِ وَكَرَّمْنَا بِالتَّقْوَى إِنَّ وِليَّ

خدایا ما را به علم و دانش سود ده و به حلم زیور بخش و به تندرستی زینت ده و به پرهیزکاری گرامی دار برستی

سرپرست من

اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ * هفدهم ابن بابویه و شیخ طوسی

خدائی است که کتاب را فرو فرستاد و او صالحان را دوست دارد *****

و غیر ایشان به سندهای معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت

کرده‌اند که هر که خواهد بیرون رود از دنیا و حال آنکه پاک شده باشد از

گناهان چنانچه پاک می‌شود طلا از غشّ و از او احدی بازخواست مظلومه ننماید

در قیامت پس بخواند بعد از نمازهای پنجگانه نسبت پروردگار را یعنی سوره

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را دوازده مرتبه پس دستها را بسوی آسمان بگشاید و این دعا

را بخواند پس حضرت فرمود که این از رازهای مکنون است که تعلیم کرد مرا

رسول خداصلی الله علیه و آله و امر کرد مرا که تعلیم به حسن و حسین علیهما

السلام نمایم و دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ الطَّهْرِ الْمُبَارَكِ

خدایا من از تو می‌خواهم به حق نام مستور در گنجینه‌ها و پاک و پاکیزه و مبارکت

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ يَا وَهَبَ الْعَطَايَا يَا مُطْلِقَ

و از تو می‌خواهم به حق نام بزرگ و سلطنت ازلیت ای بخشنده عطاها و ای رها کننده

الْأُسَارَى يَا فَكَّكَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفُكِّ

اسیران و ای آزاد کننده مردمان از آتش درود فرست بر محمد و آل محمد و ما را از آتش دوزخ

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا آمِنًا وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ سَالِمًا وَاجْعَلْ

آزاد کن و از دنیا در حال امن و امان بیرونم بر و به سلامتی وارد بهشتم کن و قرار ده

دُعَائِي أَوْلَهُ فَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَآخِرَهُ صَلاَحًا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ وَ

دعای مرا آغازش را رستگاری و وسطش را کامیابی و انجامش را شایستگی که همانا توئی دانای بر نادیدنیها *

در بعضی نسخ معتبره دعا چنین است: يَا فَكَّكَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ أَسْأَلُكَ أَنْ

*** ای آزاد کننده بندگان از آتش از تو می‌خواهم که درود فرستی

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا

بر محمد و آل محمد و اینکه مرا از آتش دوزخ آزاد کنی و از دنیا سالم بیرونم بری

سَالِمًا وَتَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ آمِنًا وَأَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي أَوْلَهُ فَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ نَجَاحًا

و در حال امن و امان داخل بهشتم کنی و قرار دهی دعایم را آغازش را رستگاری و وسطش را کامیابی

وَآخِرَهُ صَلاَحًا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ وَ كَلِينِي بِه سِنْدِ مَعْتَبِرِ اَز حَضْرَتِ

و انجامش را شایستگی که توئی دانای نادیدنیها ***

صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که ایمان دارد به خدا و روز قیامت

باید که ترک نکند بعد از هر نماز فریضه خواندن سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را

بدرستی که هر که بخواند آن را خدا جمع کند برای او خیر دنیا و آخرت را و

می‌آمرزد او را و پدر و مادر او را و هر که از پدر و مادر او به هم رسیده‌اند .

و در حدیث دیگر وارد شده است که هر که بعد از هر فریضه ده مرتبه سوره
 قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند حق تعالی از حورالعین به او تزویج نماید و سید بن
 طاوس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که بعد از
 هر نماز سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند رحمت از آسمان بر سرش فرو ریزد و
 سکنینه بر او نازل گردد و خدا نظر رحمت بسوی او افکند و گناهانش را
 بپامرزد و هر حاجت که سؤال کند برآورد و در امان خدا باشد هیچدهم کلینی و
 دیگران به سند معتبر از اهل بیت علیهم السلام روایت کرده اند که هر که بعد از
 هر نماز ریش خود را بدست راست خود بگیرد و دست چپ را بسوی آسمان
 بگشاید و سه مرتبه بگوید:

يا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اِرْحَمْنِي مِنَ النَّارِ پس سه مرتبه بگوید: اَجِرْنِي مِنَ

ای صاحب جلال و بزرگواری رحم کن بر من از آتش دوزخ * * * * * نگاهم دار از

الْعَذَابِ الْأَلِيمِ پس دست راست را از ریش بردارد و هر دو دست را بسوی

عذاب دردناک * * * * *

آسمان بگشاید و سه مرتبه بگوید: يا عَزِيزُ يا كَرِيمُ يا رَحْمَنُ يا عَفُوْرُ يا رَحِيمُ

پس دستها را بگرداند و پشت دستها را به جانب آسمان کند و سه مرتبه بگوید:

اَجِرْنِي مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ پس

نگاهم دار از عذاب دردناک * * * * *

بگوید: وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ پس حضرت فرمود که هر

* * * * * و درود فرستد خدای محمد و آلش و نیز فرشتگان و روح * * * * *

که این دعا را بخواند خدا جمیع گناهان او را بیامزد و از او راضی شود و استغفار کند برای او جمیع خلائق بغیر از جن و انس تا هنگام مردن او نوزدهم شیخ مفید در کتاب مجالس از محمد بن الحنفیه روایت کرده است که روزی پدرم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در دور کعبه طواف می کرد ناگاه مردی را دید که چنگ در پرده های کعبه زده و این دعا می خواند.

پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گفت این است دعای تو گفت بلی مگر شنیدی حضرت فرمود بلی شنیدم گفت پس بخوان این دعا را بعد از هر نماز بخدا سوگند که هر مؤمنی که این دعا بخواند بعد از هر نماز البته حق تعالی می آمرزد گناهان او را هر چند به عدد ستاره های آسمان و قطره های باران و ریگ زمین و ذره های خاک باشد پس حضرت امیر علیه السلام گفت که من می دانم این دعا را و حق تعالی واسع العطا یا و کریم است آن مرد گفت راست گفتم یا امیر المؤمنین و بالای هر دانائی داناتری است و آن مرد حضرت خضر علیه السلام بود و کفعمی نیز این دعا را در کتاب بلد الامین روایت کرده است و دعا این است:

يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ يَا مَنْ لَا يُغَلِّطُهُ

ای کسی که بازش ندارد شنیدن از کسی از شنیدن دیگری ای کسی که او را به غلط

السَّائِلُونَ وَيَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ الْإِحَاحُ الْمُلِحِّينَ أَذْقَنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَمَعْفَرَتِكَ

نیاندازند سائلان و ای کسی که به ستوهش نیآورد اصرار زیاد اصرار کنندگان بچشان به من از لذت گذشت و آمرزش

وَحَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ * بیستم دیلمی در اعلام الدین از ابن عباس روایت کرده که

و از شیرینی رحمت * * * * *

حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که سه مرتبه این آیات را بعد از نماز مغرب بخواند آنچه از ثواب در روز گذشته از او فوت شده باشد دریابد و نمازش مقبول گردد و اگر بعد از هر نماز فریضه و سنت بخواند نوشته شود برای او حسنات به عدد ستارگان آسمان و قطرات باران و برگ درختان و ذرات خاک زمین و چون بمیرد به هر حسنه ده حسنه در قبر به او داده شود و این است آیات:

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ

پس تنزیه خدا کنید هنگامی که شب می‌کنید و هنگامی که روز می‌کنید و خاص او است ستایش در آسمانها

وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ

و زمین و شامگاه و هنگامی که به نیمروز می‌رسید بیرون آورد زنده را از مرده و بیرون آورد مرده را

مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ

از زنده و زنده کند زمین را پس از مردنش و شما نیز این چنین (از قبر) بیرون آئید منزه است پروردگار تو پروردگار

الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

عزت از آنچه توصیفش کنند و سلام بر رسولان و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است

بیست و یکم سیّد بن طاوس به سند معتبر از جمیل بن درّاج روایت کرده است که مردی به خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت ای مولای من سنّم بالا رفته است و خویشان من مُردند و مونسای ندارم و می‌ترسم که مرا نیز مرگ دریابد حضرت فرمود که برادران مؤمن صالح برای انس گرفتن بهترند از اقارب و اگر درازی عمر خود و خویشان و دوستان را خواهی این دعا را بعد از هر نماز بخوان:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

* * * خدایا درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ الْمُصَدِّقَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ إِنَّكَ

محمد خدایا این مطلب را پیامبر راستگوی تصدیق شده که درود تو بر او و آتش باد فرمود که همانا

قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ

تو فرموده‌ای من در کاری که می‌کنم مردد نشدم مانند مردد شدنم در گرفتن روح بنده مؤمنم

يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَكْرَهُ مَسَائَتَهُ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَلْ

او مرگ را خوش ندارد و من هم ناراحتی او را خدایا پس درود فرست بر محمد و آل محمد و شتاب کن

لِوَلِيِّكَ الْفَرَجِ وَالْعَافِيَةِ وَالنُّصْرَةَ وَلَا تَسْؤُنِي فِي نَفْسِي وَلَا فِي أَحَدٍ مِنْ أَحِبَّتِي

در فرج ولی خود و عافیت و یاریش و بد حالم مکن درباره خودم و نه درباره یکی از دوستانم

و اگر خواهی یک یک از دوستان خود را نام ببر و بگو: «وَلَا فِي فُلَانٍ وَلَا فِي

فُلَانٍ» راوی گفت: چون بر این دعا مداومت کردم چندان عمر یافته‌ام که از

زندگانی ملول شده‌ام و این دعا بسیار معتبر است و در جمیع کتب دعا نقل شده

است.

ذکر تعقیبات مختصه به نماز صبح

بدانکه تعقیب نماز صبح زیادتر از سایر نمازهاست و احادیث در فضیلت خصوص این

تعقیب بسیار است از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که ذکر خدا

بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب کاملتر است در تحصیل روزی از سفر کردن

در زمین و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که از طلوع

صبح تا طلوع آفتاب در مصلاهی خود قرار گیرد و به تعقیب مشغول باشد خدا

او را از آتش دوزخ مستور گرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
 منقولست که شیطان لشکر روز را از طلوع صبح تا طلوع آفتاب پهن می کند و
 لشکر شب را از غروب آفتاب تا ذهاب حمره مغربی پس خدا را در این دو
 ساعت بسیار یاد کنید که در این دو ساعت شیطان آدمی را از ذکر خدا غافل
 می سازد و به سند صحیح منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام در خراسان
 چون نماز صبح می کردند تا طلوع آفتاب در مصلای خود می نشستند و مشغول
 تعقیب بودند پس خریطه برای آن حضرت می آوردند که مسواکها در آن بود و
 به یک یک از آنها مسواک می کردند پس اندک کُندر می خوانیدند پس قرآن
 مجید را برمی گرفتند و تلاوت می کردند و از حضرت رسول صلی الله علیه
 و آله منقول است که هر که از طلوع صبح تا طلوع آفتاب مشغول تعقیب باشد ثواب حج
 برای او نوشته می شود و در حدیث قدسی وارد شده است که حق تعالی می فرماید
 ای فرزند آدم یاد کن مرا بعد از صبح یک ساعت و بعد از عصر یک ساعت تا
 کفایت کنم جمیع مهمّات تو را اما تعقیبات مختصه به صبح اول ابن بابویه به
 سند معتبر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که بعد از
 نماز صبح هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» بگوید خدا او را بیامرزد
 هر چند در آن روز هفتاد هزار گناه بکند و به روایت دیگر هفتصد گناه دویم
 ایضاً ابن بابویه به سند صحیح و سندهای معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه
 السلام روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح یازده مرتبه سوره قل
 هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند در آن روز گناهی بر او نوشته نشود برغم آنف شیطان و در

بلد الأَمِين از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده که هر که سوره قُلْ
 هُوَ اللهُ أَحَدٌ را هر روز ده مرتبه بخواند در آن روز هر چند شیطان سعی کند
 گناهی بر او نوشته شود نشود سیم کلینی به سند صحیح روایت کرده است از
 حضرت صادق علیه السلام که هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید
 «مَاشَاءَ اللهُ كَانَ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» در آن روز هیچ
 مکروهی نبیند و شیخ طوسی و دیگران نیز در کتب دعا ذکر کرده‌اند چهارم
 کفعمی و غیر او از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده‌اند که هر
 که سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ را بعد از صبح ده مرتبه و نزد زوال شمس ده
 مرتبه و بعد از عصر ده مرتبه بخواند به تعب اندازد دو هزار کاتب را سی سال
 و نیز از آن حضرت مرویست که هر که هفت مرتبه آن را بعد از طلوع فجر
 بخواند هفتاد صف از ملائکه هفتاد صلوات بر او بفرستند و هفتاد مرتبه بر او
 ترحم کنند و از امام محمد تقی علیه السلام ثواب بسیار منقولست برای کسی که
 سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را در شبانه روزی هفتاد و شش مرتبه بخواند بعد از طلوع
 صبح پیش از نماز صبح هفت مرتبه و بعد از نماز صبح ده مرتبه و بعد از زوال
 شمس پیش از نافله ده مرتبه و بعد از نوافل زوال بیست و یک مرتبه و بعد از
 نماز عصر ده مرتبه و بعد از نماز عشاء هفت مرتبه و در وقت خواب یازده
 مرتبه و از جمله ثوابش آن است که حق تعالی هزار ملک خلق کند که در سی
 و شش هزار سال ثواب آن را برای او بنویسند پنجم ابن بابویه و سایر علماء
 رضوان الله علیهم به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت

کرده‌اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که

هر که هر روز عقب نماز صبح ده مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ حق تعالی او را عافیت دهد از کوری و دیوانگی و
خوره و پریشانی و خانه بر سرش فرود آمدن یا خرافت در هنگام پیری ششم
در بلد الامین از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود هر که خواهد که خدا در اجل او تأخیر کند و
او را بر دشمنان یاری دهد و از مرگهای بد او را نگاه دارد باید که هر بامداد و
پسین بر این دعا مداومت نماید سه مرتبه بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ مِلَأَ الْمِيزَانَ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ

تنزیه خدا را به پُری میزان و حد نهائی علم

وَمَبْلَغِ الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ * و سه مرتبه بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ مِلَأَ

و سرحد خوشنودی و سنگینی عرش و پهنای کرسی * * * * * ستایش خدای را به پری

الْمِيزَانَ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ وَمَبْلَغِ الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ * و سه

میزان و حد اعلای علم و سرحد خوشنودی و سنگینی عرش الهی و پهنای کرسی * * *

مرتبه بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِلَأَ الْمِيزَانَ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ وَمَبْلَغِ الرِّضَا وَزِنَةَ

* * * * * نیست معبودی جز خدا به پری میزان و حد آخر دانش و سرحد خوشنودی و به وزن

الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ * و سه مرتبه بگوید: اللَّهُ أَكْبَرُ مِلَأَ الْمِيزَانَ وَمُنْتَهَى

عرش و پهنای کرسی * * * * * خدا بزرگتر است به پری میزان و حد آخر

الْعِلْمِ وَمَبْلَغِ الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ * هفتم سید بن طاوس به سند

دانش و سرحد خوشنودی و به سنگینی عرش و پهنای کرسی * * * * *

معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» به اسم اعظم خدا نزدیکتر باشد از سیاهی چشم به سفیدی آن و به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام و حضرت کاظم علیه السلام منقول است که بعد از نماز صبح و مغرب پیش از آنکه سخن بگوید و حرکت کند هفت مرتبه این دعا بخواند هفتاد نوع بلا از او دور گردد که سهلتر آنها خوره و پیسی و شرّ شیطان و شرّ پادشاهان باشد و در بعضی روایات معتبره سه مرتبه نیز وارد شده و بعضی ده مرتبه و اقلّش سه مرتبه و اکثرش صد مرتبه و هر چه بیشتر بگوید ثوابش بیشتر است هشتم شیخ احمد بن فهد و دیگران روایت کرده‌اند که مردی به خدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام شکایت کرد که کار من بسته شده است و به هر کاری که متوجّه می‌شوم سودی نمی‌یابم و به هر حاجت که رُو می‌نهم برآورده نمی‌شود حضرت فرمود که بعد از نماز صبح ده مرتبه بگو «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ» راوی گفت که اندک زمانی که بر این مداومت کردم جمعی از بادیه آمدند و خبر دادند مرا که مردی از اقوام تو مُرده و به غیر از تو وارثی ندارد پس مال بسیار بدست من آمد و تا حال بی‌نیازم و در کافی و مکارم روایت کرده‌اند که مردی هلقام نام به آن حضرت عرض کرد که دعائی مرا تعلیم کن که جامع باشد برای دنیا و آخرت و آسان باشد حضرت این دعا را تعلیم او کرد که بعد از نماز صبح بخواند تا آفتاب طلوع کند و مداومت کرد او بر این دعا و حالش

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

جنبش و نیروئی نیست جز بخدا توکل کردم بر خدای زنده‌ای که نمیرد و ستایش مخصوص خدائی است که

لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنَ الذَّلِيلِ

فرزندی نگرفته و شریکی در فرمانروائی ندارد و نیست برایش یاورى از خواری

وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا * یازدهم شیخ طبرسی و کفعمی و دیگران از حضرت رسول صلی

الله علیه وآله روایت

به بزرگی کامل او را بزرگ شمار * * * * *

کرده‌اند که به اصحاب خود گفت که آیا عاجزید از آنکه هر صبح و شام نزد

خداوند عالمیان عهدی بگیرید گفتند چگونه عهدی بگیریم فرمود که این دعا

بخوانید هر که این دعا بخواند مهوری بر او می‌زنند و در زیر عرش الهی

می‌گذارند چون روز قیامت شود منادی ندا می‌کند که کجايند آنانکه نزد خداوند

رحمن عهدی دارند پس آن عهد را به ایشان دهند و با آن عهد داخل بهشت

شوند و شیخ طوسی (ره) این دعا را در تعقیب نماز صبح ایراد کرده:

اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ أَعْهَدُ

خدایا ای آفریننده آسمانها و زمین دانای غیب و شهود بخشاینده مهربان من با تو عهد می‌کنم

إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنْ

در این دنیا که براستی توئی خدائی که معبودی جز تو نیست یکتائی که شریک برایت نیست و اینکه

مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول تو است خدایا پس درود فرست بر محمد و آتش

وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَلَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَإِنَّكَ إِن

و هرگز به اندازه چشم برهم زدن مرا به خودم و نه به هیچ یک از مخلوقات و امگذار زیرا اگر

وَكَلَّتْنِي إِلَيْهَا تَبَاعِدُنِي مِنَ الْخَيْرِ وَتُقَرِّبُنِي مِنَ الشَّرِّ أَي رَبِّ لَا أَتَّقِ إِلَّا

مرا بدانها واگذاری از خیر دورم کرده و به شر نزدیکم کرده‌ای ای پروردگار من اطمینان ندارم جز

بِرَحْمَتِكَ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا تُؤَدِّيهِ إِلَيَّ

به رحمتت پس درود فرست بر محمد و خاندان پاکیزه‌اش و این پیمان رانزد خود محفوظ نگهدار که در

يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَنْتَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ * دوازدهم در عده‌الداعی از حضرت

صادق علیه السلام

روز قیامت آن را به من بازگردانی که همانا تو خلف وعده نمی‌کنی * * * * *

روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح پیش از آنکه تکلم کند بگوید
«رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ» حق تعالی روی او را از آتش جهنم نگاه دارد و
ابن بابویه در ثواب الأعمال به سند معتبر روایت کرده است که بعد از نماز
صبح صد مرتبه بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ تا حق تعالی روی تو را
از آتش جهنم نگاه دارد و به روایت دیگر صد مرتبه پیش از سخن گفتن بگو:
يَا رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

پروردگارا درود فرست بر محمد و آل محمد و آزاد کن از آتش

در سجده شکر است

و چون از تعقیب نماز فارغ شدی پس سجده شکر بجا می‌آوری و اجماعی
علماء شیعه است که سجده شکر سنت است در وقت متجدد شدن نعمتی یا دفع
شدن بلائی و بهترین افرادش سجده بعد از نماز است برای شکر توفیق اداء نماز
به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایتست که پدرم امام

زین العابدین علیه السلام هیچ نعمتی از خدا یاد نکرد مگر آنکه به شکر آن سجده کرد و هیچ آیه‌ای نخواند که در آن سجده باشد مگر آنکه سجده می‌کرد و دفع نکرد خدا از او بدی را که از آن می‌ترسید مگر آنکه سجده کرد و از هر نماز واجب که فارغ می‌شد بعد از آن سجده می‌کرد و هر وقت که توفیق می‌یافت که میان دو کس اصلاح کند برای شکر آن سجده می‌کرد و در جمیع مواضع سجود آن حضرت اثر سجود بود به این سبب آن حضرت را سجّاد می‌نامیدند و ایضاً به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایتست که هر مؤمن که از برای خدا سجده کند برای شکر نعمتی در غیر نماز حق تعالی برای او ده حسنه بنویسد و ده سیئه محو کند و ده درجه در بهشت بلند گرداند و به سندهای معتبره بسیار از آن حضرت منقولست که نزدیکترین احوال بنده به خدا در حالتی است که در سجده باشد و گریان باشد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که سجده شکر واجبست بر هر مسلمانی تمام می‌کنی به آن نماز خود را و خوشنود می‌گردانی به آن پروردگار خود را و ملائکه را از خود به عجب می‌آوری بدرستی که هرگاه که بنده نماز کند و بعد از آن سجده شکر کند پروردگار عالمیان حجاب را از میان بنده و ملائکه بگشاید پس گوید ای ملائکه من نظر کنید بسوی بنده من که ادا کرد فرض مرا و تمام کرد عهد مرا پس سجده کرد نزد من برای شکر آنچه من بر او انعام کرده‌ام ای ملائکه من او را چه باید داد گویند پروردگارا رحمت تو پس فرماید که دیگر چه باید داد گویند پروردگارا بهشت تو باز فرماید که دیگر چه باید داد گویند کفایت

مهمّات او و برآوردن حاجات او پس حق تعالی مکرّر سؤال نماید و ملائکه جواب گویند تا آنکه ملائکه گویند پروردگارا دیگر ما چیزی نمی دانیم آنگاه خداوند کریم فرماید که من او را شکر کنم چنانچه او مرا شکر کرد و اقبال کنم بسوی او به فضل خود و رحمت عظیم خود را در قیامت به او بنمایم و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که خداوند عالمیان ابراهیم علیه السلام را برای آن خلیل خود گردانید که سجده بر زمین بسیار می کرد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که چون نعمتی از نعمتهای خدا را به یاد آری و در موضعی باشی که کسی از مخالفان تو را نه بیند پهلوی روی خود را بر زمین نه و اگر در جایی باشی که ایشان باشند و نتوانی سجده کرد دست بر پایین شکم خود گذار و خم شو برای تواضع و شکستگی نزد خدا و دست بر شکم گذاشتن برای آن است که مخالفان گمان کنند که پیچی در شکم تو بهم رسیده است و در روایت بسیار وارد شده است که حق تعالی به حضرت موسی علیه السلام خطاب کرد که می دانی چرا تو را برگزیدم و از میان خلق تو را کلیم خود گردانیدم موسی گفت: نمی دانم ای پروردگار من فرمود: برای آنکه بر احوال بندگان خود مطلع شدم در میان ایشان کسی ندیدم که نزد من نفسش از تو ذلیل تر باشد بدرستی که چون تو از نماز فارغ می شوی دو طرف روی خود را بر خاک می گذاری و به سند موثق از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که سجده بعد از نماز واجب شکر خدا است بر آنکه توفیق داد بنده خود را بر آنکه ادا کرد فرض او را و کمتر آنچه در این سجده گویند آنست که

سه مرتبه بگوید شُكْرًا لِلَّهِ رَاوَى پرسید که چه معنی دارد شُكْرًا لِلَّهِ حضرت فرمود که معنی آن است که این سجده از من شکر خدا است بر آنکه مرا توفیق داد که به خدمت او قیام نمودم و فرض او را ادا کردم و شکر خدا موجب مزید نعمت و توفیق طاعت است و اگر در نماز تقصیری مانده باشد که به نافله‌ها تمام نشده باشد به این سجده تمام می‌شود و اما کیفیت این سجده به هر نحو که واقع شود به عمل می‌آید و احوط آن است که اگر بر زمین باشد و تواند مانند سجده نماز بر هفت عضو سجده کند و پیشانی را بر چیزی گذارد که در نماز بر آن می‌گذارد و افضل آنست که برخلاف سجده نماز دستها را بر زمین بخواباند و شکم را بر زمین برساند و سنت است که اول پیشانی را بر زمین گذارد پس طرف راست رو را پس طرف چپ رو را پس باز پیشانی را بر زمین گذارد و به این سبب دو سجده شکر می‌گویند و ظاهراً بدون ذکر نیز به عمل می‌آید و سنت است که ذکر می‌بکند و بهتر آن است که از اذکار و ادعیه باشد که مذکور خواهد شد و مستحب است که این سجده را طول دهد چنانچه منقولست که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بعد از طلوع صبح سجده می‌کرد تا وقت زوال و بعد از عصر تا شام و در حدیث دیگر وارد شده که آن حضرت زیاده از ده سال هر روز بعد از طلوع آفتاب تا وقت زوال در سجده بودند و به سند صحیح منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام آنقدر در سجود می‌ماند که سنگ ریزه مسجد از عرق او تر می‌شد و دو طرف روی خود را بر زمین مسجد می‌چسبانید و در رجال کشی مذکور است که فضل بن

شاذان به نزد ابن ابی عمیر آمد و او در سجده بود و سجده را بسیار طول داد چون سر برداشت و طول سجده او را مذکور ساختند گفت اگر سجود جمیل بن درّاج را می‌دیدید سجود مرا طویل نمی‌شمردید و گفت روزی به نزد جمیل رفتم و او سجده را بسیار طول داد چون سر برداشت من گفتم که سجده را طول دادید گفت که اگر طول سجده معروف بن خَرّ بوذ را می‌دیدید سجده مرا سهل می‌شمردی و ایضاً از فضل بن شاذان روایت کرده است که حسن بن علی بن فضال به صحرا می‌رفت برای عبادت و سجده را چندان طول می‌داد که مرغ می‌آمد و بر پشتش می‌نشست به گمان آنکه جامه‌ای است افتاده و وحشیان بر دور او چرا می‌کردند و از او وحشت نمی‌کردند و ایضاً روایت کرده است که علی بن مهزیار(ره) چون آفتاب طلوع می‌کرد به سجده می‌رفت و سر بر نمی‌داشت تا برای هزار نفر از برادران خود دعا می‌کرد مثل آنچه از برای خود دعا کرده بود و بر پیشانی او پینه بود مانند زانوی شتر از بسیاری طول سجود و ایضاً روایت کرده است که ابن ابی عمیر بعد از نماز صبح به سجده شکر سر می‌گذاشت و بر نمی‌داشت مگر وقت ظهر و افضل آنست که سجده شکر بعد از جمیع تعقیبات باشد و پیش از نوافل و در نماز مغرب اکثر گفته‌اند که بعد از نوافل بجا آورد و بعضی پیش از نوافل گفته‌اند و ظاهراً هر دو خوبست و پیش از نوافل بجا آوردن افضل است چنانچه حمیری از حضرت صاحب‌الزّمان علیه السلام روایت کرده است و اگر هر دو را به عمل آورد شاید بهتر باشد اما دعاهای این سجده بسیار است و آسانتر آنها این چند امر است

اول به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که اگر خواهی صد مرتبه شُکراً شُکراً بگو و اگر خواهی صد مرتبه عَفْواً عَفْواً و در عیون اخبارالرضا از رجاء بن ابی الضحاک روایت کرده است که حضرت امام رضا علیه السلام در راه خراسان هر گاه از تعقیب نماز ظهر فارغ می شد به سجده شکر می رفت و صد مرتبه می گفت شُکراً لِلَّهِ و چون از تعقیب عصر فارغ می شد صد مرتبه در سجده می گفت حَمْداً لِلَّهِ دَوِّمَ شیخ کلینی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که نزدیکترین احوال بنده بسوی خدای تعالی وقتی است که بنده در سجود باشد و خدای خود را بخواند چون به سجده

روی بگو:

يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَيَا مَلِكَ الْمُلُوكِ وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ وَيَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ وَيَا

ای پرورنده همه پروردگان و ای پادشاه پادشاهان و ای آقای همه آقایان و ای قاهر بر جباران و ای

إِلَهَ الْأَلِهَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ *

معبود معبودان (مجازی) درود فرست بر محمد و آل محمد

پس حاجت خود را بطلب پس بگو: فَإِنِّي عَبْدُكَ نَاصِيَتِي فِي قَبْضَتِكَ *

***** پس من بنده توام که سر رشته کارم در قبضه قدرت تو است

پس هر دعا که خواهی بکن که خدا بخشنده است و بر آوردن هیچ حاجت بر او

دشوار نیست.

سیمم ایضاً کلینی به سند موثق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است

که شنیدم شبی پدرم در مسجد به سجود رفته می گریست و این دعا می خواند:

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي حَقًّا حَقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعْبُدًا وَرِقًا اللَّهُمَّ إِن

منزهی تو خدایا تو پروردگار منی براستی و درستی سجده کنم برایت پروردگارا از روی پرستش و بندگی خدایا

عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي اَللّٰهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ وَتُبُّ عَلَيَّ

عمل من ضعیف (و اندک) است پس آن را برای من دو چندان کن و نگاهم دار از روزی که بندگانت را برانگیزی و

توبه‌ام

اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ *

بپذیر که همانا تویی توبه پذیر مهربان

چهارم ایضاً کلینی به سند معتبر روایت کرده است که حضرت امام موسی علیه

السلام در سجده این دعا را می خواند:

اَعُوْذُ بِكَ مِنْ نَارِ حَرُّهَا لَا يُطْفِئُ

پناه می‌برم به تو از آتشی که حرارتش خاموش نگردد

وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ نَارٍ جَدِيْدُهَا لَا يَبْلِيْ وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ نَارٍ عَطْشَانُهَا لَا يُرْوِي

و پناه می‌برم به تو از آتشی که تازه‌اش کهنه نگردد و پناه می‌برم به تو از آتشی که تشنه‌اش سیراب نگردد

وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ نَارٍ مَسْلُوْبُهَا لَا يُكْسِيْ *

و پناه می‌برم به تو از آتشی که هر که در آن برهنه گردد پوشانده نشود

پنجم ایضاً کلینی به سند معتبر روایت کرده است که شکایت کرد مردی به

حضرت صادق علیه السلام که امّ و لدی دارم و او علیل است حضرت فرمود که

به او بگو بعد از هر نماز واجب در سجده شکر بگوید:

يَا رَوْفُ يَا رَحِيْمُ يَا رَبِّ يَا سَيِّدِيْ * پس حاجت خود را بطلبد ششم در روایات

ای بنده‌نواز ای مهربان ای پروردگار ای آقای من * * * * *

معتبره بسیار منقولست که حضرت صادق و کاظم علیهما السلام در سجده شکر

بسیار می‌فرمودند:

اَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ * هفتم به سند صحیح از

از تو خواهم آسودگی هنگام مرگ و گذشت هنگام حساب * * * * *

حضرت صادق علیه السلام مرویست که در سجده می گفتند: سَجَدَ وَجْهِي اللَّيْمُ

* * * * * سجده کند روی پست من

لِوَجْهِ رَبِّي الْكَرِيمِ * هشتم در بعضی از کتب معتبره از حضرت امیرالمؤمنین علیه

برای روی بزرگوار پروردگارم * * * * *

السلام روایت شده که بهترین سخنان نزد حق تعالی آن است که بنده در سجده

سه مرتبه بگوید: اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفِرْ لِي

من به خویشتم ستم کردم پس بیامرم

* نهم در جعفریات به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده

است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله چون سر به سجده می گذاشت این

* * * * *

دعا را می خواند: اَللّٰهُمَّ مَغْفِرَتِكَ اَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي وَرَحْمَتِكَ الْاَرْجَى عِنْدِي مِنْ

خدا یا دامنه آمرزشت وسیع تر از گناهان من است و پرتو رحمت امیدوار کننده تر از عمل من است پس بیامرم

عَمَلِي فَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ * دهم قطب راوندی از حضرت

گناهانم را ای زنده ای که نمیرد * * * * *

صادق علیه السلام روایت کرده است که هرگاه تو را شدتی و غمی عارض شود

و به نهایت برسد سجده کن بر زمین و بگو: يَا مُدَلِّ

* * * * * ای خوار کننده

كُلِّ جَبَّارٍ يَا مُعِزُّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَحَقَّكَ بَلَّغَ مَجْهُودِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

هر سرکش ای عزت بخش هر خوار و ذلیل به حق خودت سوگند که طاقتم طاق شد پس درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ عَنِّي * و در عده الداعی از آن حضرت روایت کرده است که هرگاه

محمد و گره از کارم بگشا * * * * *

به مردی نازله یا امر شدیدی یا کربی و غمی نازل شود زانوها و دستهای خود را تا مَرْفَقُ برهنه کند و بر زمین بچسباند و سینه خود را بر زمین برساند و حاجت خود را طلب کند. یازدهم ابن بابویه به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هرگاه بنده در سجده سه مرتبه بگوید:

يا اَللّهُ يا رَبّاهُ يا سيِّداهُ خداوند کریم جواب او گوید لَبَّيْكَ بنده من

خدایا پروردگارا سرورا *****

حاجت خود را بطلب و در مکارم الأخلاق روایت کرده است که هر که در سجده بگوید یا رَبّاهُ یا سيِّداهُ آنقدر که نفس منقطع شود حق تعالی فرماید که حاجت خود را بخواه. دوازدهم در مکارم الأخلاق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله به مردی گذشت و او در سجده بود می گفت: يا رَبُّ ما ذا عَلَيَّكَ

پروردگارا چه می شود بر تو *****

اَنْ تُرْضِيَ عَنِّي كُلَّ مَنْ كانَ لَهُ عِنْدِي تَبِعَةٌ وَاَنْ تُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَاَنْ تُدْخِلَنِي

اگر از من راضی کنی هر که را که از او پیش من حقی است و اینکه بیماری گناهانم را و مرا به رحمت

الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِكَ فَاِنَّمَا عَفْوِكَ عَنِ الظَّالِمِينَ وَاَنَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَلتَسْعِنِي

خویش وارد بهشت گردانی زیراگذشت تو شامل حال ستمکاران می شود و من هم از ستمکارانم و باید

رَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

رحمت تو مرا هم فرا گیرد ای مهربانترین مهربانها

پس حضرت فرمود که سر بردار که دعایت مستجاب شد بدرستی که دعای پیغمبری را خواندی که در زمان قوم عاد بود مؤلف گوید که ما در مفاتیح در ضمن اعمال مسجد کوفه و مسجد زید بعضی دعاها نقل کردیم که در سجده

خوانده می‌شود و شیخ طوسی در مصباح‌المتجهّد در ذکر سجده شکر فرموده و

مستحب است که دعا کند از برای برادران خود در سجده پس بگوید:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَاللَّيْلِ الْعَشْرِ وَالشَّفَعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ

*** خدا یا ای پروردگار سپیده دم و شبهای ده گانه و شفع و وتر (و پروردگار) شب

إِذَا يَسِرُّ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ وَخَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِكُ كُلِّ شَيْءٍ

هنگامی که بگذرد و پروردگار همه چیز معبود همه چیز و آفریننده همه چیز و مالک هر چیز

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْعَلْ بِي وَبِفُلَانٍ وَفُلَانٍ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِنَا مَا

درود فرست بر محمد و آل او انجام ده درباره من و فلانی و فلانی آنچه را تو شایسته آنی و انجام مده درباره ما آنچه

را

نَحْنُ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ * و چون سر از سجده برداشتی

ما سزاوار آنیم زیرا که تو اهل تقوی و اهل آمرزشی ***

می‌مالی دست خود را بر موضع سجود خود و می‌مالی بصورت خود از طرف

چپ صورت پس می‌مالی به پیشانی پس به جانب راست سه مرتبه و در هر

مرتبه می‌گوئی:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

خدا یا از آن تو است ستایش معبودی نیست جز تو دانای غیب و شهود بخشاینده مهربان

اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنِّي الْهَمَّ وَالْحَزْنَ وَالْغَيْرَ وَالْفِتْنَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطْنَ

خدا یا دور کن از من اندوه و غم و دگرگونیها و آشوبها را آنچه آشکار است و آنچه پنهان

فصل دُوِّم

در مختصری از اعمالی که متعلق به مابین طلوع آفتاب و غروب آنست

چون آفتاب خواهد طلوع کند می خوانی در آن وقت دعاهائی را که در فصل پنجم خواهد آمد انشاءالله تعالی و سزاوار است که در ابتدای روز تصدقی دهی اگر چه چیز کمی باشد و آنکه پیش از ظهر مهیّا شوی برای نماز ظهر و مقدم داری خواب قیلوله را و خواب قیلوله معین است برای عبادت در شب و روزه روز و جدّ و جهد می کنی که برای ظهر بیدار شوی پس وضو می گیری و می روی به جانب مسجد و نماز تحیّت مسجد را بجا می آوری و منتظر دخول وقت می شوی اگر وقت داخل نشده و مستحب است آنکه نماز در اوّل وقت خوانده شود و چون زوال محقق شد اوّل کاری که می کنی آنست که می گوئی:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ

منزه است خدا و معبودی جز خدا نیست و ستایش خاص خدائی است که نگرفته همسری و نه فرزندی و نیست

يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا

برایش شریکی در فرمانروائی و نیست برایش سرپرستی از خواری و به بزرگی او را تکبیر گوی

و روایت شده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود که محافظت کن بر این چنانکه محافظت می کنی بر چشمهای خود و اگر با وضو نیستی مبادرت کن به وضو گرفتن و آدابی که در سابق ذکر شد به عمل می آوری پس شروع می کنی به خواندن نوافل ظهریه و آنها هشت رکعت است

پس نیّت می‌کنی از برای دو رکعت اوّل و هفت تکبیری که در سابق ذکر شد با دعاهایش بجا می‌آوری و کلمه استعاذه را می‌گوئی و می‌خوانی سوره حمد و توحید در رکعت اوّل و سوره حمد «وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» در رکعت دویم و بعد از فراغ از این دو رکعت سه تکبیری که در تعقیبات ذکر شد با تسبیح

حضرت فاطمه علیها السلام می‌گوئی پس می‌خوانی:

اللَّهُمَّ إِنِّي ضَعِيفٌ فَقَوِّ فِي رِضَاكَ ضَعْفِي وَخُذْ إِلَيَّ الْخَيْرَ بِرِضَايَتِي

*** * خدایا من ناتوانم پس تقویت کن در خوشنودی خود ناتوانی مرا و مهارم را بسوی کار خیر بکش

وَاجْعَلِ الْإِيمَانَ مُنْتَهَى رِضَايَ وَبَارِكْ لِي فِيهَا قَسَمْتُ لِي وَبَلَّغْنِي بِرَحْمَتِكَ

و ایمان را حد آخر خوشنودی من در زندگی قرار ده و برکت ده برایم در آنچه روزیم کرده‌ای و به رحمت

كُلِّ الْأَذَى أَرْجُو مِنْكَ وَاجْعَلْ لِي وُدًّا وَسُرُورًا لِلْمُؤْمِنِينَ وَعَهْدًا عِنْدَكَ

مرا به تمامی آنچه از تو امید دارم برسان و قرار ده برایم محبت و شادمانی برای مؤمنان و پیمانگی در پیش تو

پس برمی‌خیزی و دو رکعت دیگر به جا می‌آوری به همین طریق مگر آنکه شش تکبیر افتتاح را نمی‌گوئی و نیز برمی‌خیزی و دو رکعت دیگر به همین کیفیت بجا می‌آوری و تسبیح و دعای مذکور را در عقب این چهار رکعت نیز می‌خوانی و دو رکعت دیگر از این نوافل را مابین اذان و اقامه می‌کنی و بعد از اقامه نماز می‌گوئی:

اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ النَّامَّةُ وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ بَلِّغْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

خدایا ای پروردگار این دعوت نام و تمام و نماز برپا شده، برسان محمد صلی الله علیه

وآلِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ بِاللَّهِ اسْتَفْتَحُ وَبِاللَّهِ اسْتَنْجِحُ

و آله را به درجه و وسیله و برتری و فضیلت بوسیله خداوند افتتاح نماز کنم و بوسیله خدا کامیابی جویم

وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اتَّوَجَّهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و به محمد صلی الله علیه و آله رو کنم خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ * پس مشغول

و قرارم ده به برکت ایشان در نزد خود از آپرومندان در دنیا و آخرت و از مقربان درگاهت * * * * *

شو به خواندن نماز ظهر و مراعات می کنی آنچه را که در نماز صبح مذکور شد و در اینجا در ماسوای بسم الله آهسته بخوان و بهتر آنکه بخوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره انا انزلناه را و در رکعت دوم سوره توحید را و چون دو رکعت از آن را خواندی و از تشهد فارغ شدی می گوئی بعد از صلوات تشهد:

وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ

و بپذیر شفاعت او را و بالا بر درجه اش را

* پس برخیز و بخوان تسبیحات اربع را سه مرتبه و اگر اضافه کنی استغفاری قربة الی الله نیز خوبست پس رکوع و سجود را بجا آور به همان آدابی که در سابق به شرح رفت پس برخیز از رکعت سیم و رکعت چهارم را نیز به همین کیفیت بجا آور پس تشهد و سلام بخوان پس از نماز شروع می کنی به خواندن تعقیب و آن سه تکبیری که در اول تعقیبات بود می گوئی پس می خوانی لا اله الا الله الهاً واحداً تا آخر دعا که سابق مذکور شد پس تسبیح زهرا علیها السلام را می گوئی و می خوانی آنچه خواهی از تعقیبات مشترکه که بعد از نماز صبح می خواندی پس می خوانی تعقیبات مختصه نماز ظهر را و آنها بسیار است و ما بعضی از آنها را در هدیه و مفاتیح ذکر نمودیم و این مختصر گنجایش ذکر ندارد پس سجده شکر بجا می آوری و چون از تعقیب نماز ظهر فارغ شدی مهیا می شوی به جهت نماز عصر پس بجا می آوری نافله آن را و آن نیز هشت

رکعتست و بعد از فراغ از نوافل نماز عصر بجا می‌آوری به همان آداب که مذکور شد و سزاوار است آنکه بخوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره «اِذَا جَاءَ يَا سُوْرَةُ اَلْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ» یا امثال آن را و در رکعت دوم می‌خوانی سوره توحید را و بعد از فراغ از نماز می‌خوانی از تعقیبات مشترکه آنچه را که بخواهی پس به عمل می‌آوری آنچه را که مختص به نماز عصر است که از جمله هفتاد مرتبه استغفار و ده مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ است پس سجده شکر بجا می‌آوری و چون خواستی از مسجد بیرون آئی این دعا را می‌خوانی:

اَللّٰهُمَّ دَعَوْتَنِيْ فَاَجَبْتُ دَعْوَتَكَ وَصَلَّيْتُ مَكْتُوبَتَكَ وَاَنْتَشَرْتُ فِيْ اَرْضِكَ

خدا یا مرا دعوت کردی و من پذیرفتم دعوتت را و نماز واجب را خواندم و در روی زمینت به راه افتادم

كَمَا اَمَرْتَنِيْ فَاَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلِ بِطَاعَتِكَ وَاَجْتِنَابِ مَعْصِيَتِكَ

و آنگاه چنانچه به من دستور دادی پس از فضل تو درخواست می‌کنم عمل به طاعتت را و اجتناب از معصیتت را

وَالْكَفَافَ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ

و کفایت از روزی را به رحمتت

فصل سیّم

در اعمالی که متعلق به مابین غروب آفتاب تا وقت خوابست بدانکه آنچه سزاوار است از برای تو در نزدیکی غروب آنست که تعجیل کنی به رفتن به جانب مسجد و آنکه در وقت زردی آفتاب بگوئی:

اَمْسِيْ ظُلْمِيْ مُسْتَجِيْرًا بِعَفْوِكَ وَاَمْسَتِ

شام کرد ستم و ظلم من که پناهنده به عفو تو است و شام کرد

ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَأَمْسِي خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ وَأَمْسِي ذُلِّي

گناهانم پناهنده به آمرزش تو و شام کرد خواریم پناهنده به امنیت تو و شام کرد ترسم

مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ وَأَمْسِي فَقْرِي مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ وَأَمْسِي وَجْهِي الْبَالِي

پناهنده به عزت تو و شام کرد بینوائیم پناهنده به دارائی تو و شام کرد رخ فرسوده‌ام

مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي اللَّهُمَّ الْبِسْنَى عَافِيَتِكَ وَغَشْنِي بِرَحْمَتِكَ

پناهنده به روی جاویدان همیشگی تو خدایا عافیت خود را بر من بپوشان و با رحمت مرا فرما

وَجَلَّلَنِي كَرَامَتِكَ وَقِنِي شَرَّ خَلْقِكَ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ

و بزرگواریت را بر من بپوشان و نگاهم دار از شر خلق خویش از جن و انس ای خدا ای بخشاینده ای مهربان

و سزاوار است که در این وقت مشغول باشی به تسبیح کردن و استغفار نمودن زیرا که فضیلت این وقت مثل فضیلت پیش از طلوع است و حق تعالی فرموده «وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ» و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون آفتاب تغییر کرد یعنی مشرف بر غروب شد پس ذکر

کن خدای عزوجل را و اگر با مردمی هستی که تو را مشغول دارند برخیز

و دعا کن یعنی از نزد آنها برخیز و مشغول دعا شو و می گوئی در وقت غروب:

يَا مَنْ خَتَمَ النَّبُوَّةَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اخْتِمَ لِي فِي يَوْمِي هَذَا بِخَيْرٍ

ای که منصب نبوت را به محمد صلی الله علیه و آله ختم فرمودی امروز مرا به خیر ختم فرما

و شَهْرِي بِخَيْرٍ وَسُنَّتِي بِخَيْرٍ وَعُمْرِي بِخَيْرٍ و می خوانی تهلیل و استعاذه مأثوره را

و ماه مرا ختم به خیر فرما و سال و عمرم را به خیر ختم فرما * * * * *

که در ادعیه صبح و مساء بیاید پس می گذاری دست خود را بر بالای سرت

و می کنی بر صورت خود و می گیری ریش خود را بدست و می گوئی:

أَحْطَطُ عَلَى نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي

احاطه کردم بر خود و خانواده و مال

وَوَكَدَى مِنْ غَائِبٍ وَشَاهِدٍ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

و فرزندم از غایب و حاضر آنها بدان خدائی که معبودی جز او نیست عالم غیب و شهود

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ * می خوانی تا اَلْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

و بخشاینده و مهربان و زنده و پاینده است نگیرد او را چرت و نه خوابی * * * * *

پس مبادرت می کنی به خواندن نماز مغرب و سزاوار نیست تأخیر افکندن نماز

مغرب را از اول وقت آن و در احادیث کثیره تأکید بسیار شده به تأخیر

نینداختن آن از اول وقتش و چون خواستی مشغول نماز شوی اذان و اقامه

می گوئی به همان آدابی که در سابق گذشت و نیز در

مابین اذان و اقامه می گوئی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَقْبَالِ لَيْلِكَ وَأَذْبَارِ نَهَارِكَ

خدایا از تو خواهم به حق رو آوردن شبت و رو گرداندن روزت

وَحُضُورِ صَلَوَاتِكَ وَأَصْوَاتِ دُعَائِكَ وَتَسْبِيحِ مَلَائِكَتِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

و رسیدن وقت نمازهایت و آواز دعا کنندگان بدرگاهت و تسبیح فرشتگانت که درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُتُوبَ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ * پس

محمد و آل محمد و اینکه توبه ام بپذیری که براستی تویی توبه پذیر مهربان * * * * *

برمی خیزی و نماز مغرب را با آداب و شرایط بجا می آوری و بعد از فراغ از

نماز سه تکبیر و تسبیح زهراء علیها السلام را می گوئی پس می خوانی:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا

همانا خدا و فرشتگانش درود فرستند بر پیغمبر ای کسانی که ایمان آورده اید درود فرستید بر او و تحیت

تَسْلِيمًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ * و هفت

کامل خدایا درود فرست بر محمد پیامبر محترم و بر فرزندان او و بر خاندانش * * * * *

مرتبه می گوئی: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ

***** به نام خدای بخشاینده مهربان جنبش و نیروئی نیست جز بوسیله خدای والا

الْعَظِیْمِ پَس سَه مَرْتَبَه مِی گَوِی: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ وَلَا یَفْعَلُ مَا

و بزرگ ***** ستایش خاص خدائی است که می کند آنچه را خواهد و غیر او نتواند بکند

یَشَاءُ غَیْرَهُ * پَس مِی گَوِی: سُبْحَانَکَ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ اِغْفِرْ لِی ذُنُوبِی جَمِیْعاً

آنچه را خواهد ***** منزهی تو معبودی جز تو نیست بیامرز همه گناهانم را

فَاِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ کُلَّهَا جَمِیْعاً اِلَّا اَنْتَ *

زیرا نیامرزد همه گناهان را به تمامی جز تو

و اگر دوست داشته باشی که تعقیب بیشتر از این بخوانی افضل آنست که بعد

از نافله مغرب بخوانی پس برمی خیزی به جهت خواندن نافله و آن چهار رکعت

است به دو سلام و مکروه است تکلم مابین نماز مغرب و نافله آن ومی خوانی

در رکعت اولّ سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و در رکعت دومّ توحید و در دو

رکعت دیگر هر سوره که خواسته باشی و سزاوار است که در رکعت سیّم

بخوانی اولّ سوره حدید تا «عَلِیْمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» و در رکعت چهارم آخر سوره

حشر «لَوْ اَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ» تا آخر سوره و اگر به حمد تنها بخوای اکتفا کنی

جایز است مثل سایر نوافل و سزاوار است بلند خواندن قرائت در آن و هم چنین

در سایر نافله های شب پس چون از نافله مغرب فارغ شدی مانعی نیست از

آنکه بخوانی از تعقیبات مشترکه آنچه که خواهی پس سجده شکر بجا

می آوری بنحوی که در سابق گذشت و اقل چیزی که در سجده شکر مجزی

است آنست که بگوئی شُکراً شُکراً شُکراً و شیخ کلینی از حضرت صادق علیه

السلام روایت کرده است که فرمود هرگاه از نماز مغرب فارغ شدی دست

بکش بر جبین خود و بگو سه مرتبه:

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

به نام خدائی که معبودی نیست جز او عالم غیب و شهود بخشاینده و مهربان خدایا

اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الْهَمَّ وَالْحَزْنَ

از من دور کن غم و اندوه را

و شایسته است آنکه بخوانی نماز غفیله را و کیفیت آن در مفاتیح و غیره مذکور است و چون شفق پنهان شود اذان و اقامه می‌گویی از برای نماز عشاء به همان آدابی که در سابق گذشت پس شروع کن بخواندن فریضه عشاء با آداب و شرایط و سزاوار است آنکه طول دهی قنوت و تعقیب آن را زیرا که وقت وسعت دارد پس می‌خوانی در تعقیب دعاء مشترکه بین صبح و شام را پس از آن می‌خوانی دعاهاى مختصّه به شام را و آنها بسیار است از جمله دعائى است که برای طلب روزی وارد شده و در مفاتیح نقل شده و مستحبّ است آنکه بخوانی هفت مرتبه سوره قدر را پس می‌گویی:

اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَمَا

خدایا ای پروردگار هفت آسمان و آنچه

أَظَلَّتْ وَ رَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا أَقَلَّتْ وَ رَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّتْ وَ

بر آن سایه افکنده و پروردگار هفت زمین و آنچه که بر پشت خود حمل نموده و پروردگار شیاطین و هرکه را گمراه کرده‌اند و

رَبَّ الرِّيَّاحِ وَمَا ذَرَّتْ اللَّهُمَّ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَ كُلِّ شَيْءٍ

پروردگار بادهای و هرچه را پراکنده کننده ای خدا پروردگار هرچیز و معبود هر چیز و مالک هرچیز

أَنْتَ اللَّهُ الْمُقْتَدِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ وَ أَنْتَ الْآخِرُ

توئی خدای توانای بر هر چیز توئی خدای نخست که چیزی پیش از تو نبود و توئی خدای پایان

فَلَا شَيْءَ بَعْدَكَ وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَا شَيْءَ فَوْقَكَ وَ أَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَا شَيْءَ

که چیزی پس از تو نخواهد بود و توئی آشکار که نیست چیزی فوق تو و توئی درون که نیست چیزی

دُونَكَ رَبِّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَآلِهِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ

بعد از تو ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و خدای ابراهیم و اسماعیل و اسحاق

وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ اسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَوْلَانِي

و یعقوب و اسباط او از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و مرا

بِرَحْمَتِكَ وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ مِمَّنْ لَا طَاقَةَ لِي بِهِ اَللَّهُمَّ اِنِّي

به رحمت خویش سرپرستی کنی و مسلط مگردانی بر من هیچکس از خلقت را از آن کسانی که من طاقت مقابله‌شان

ندارم خدایا

اَتَّحَبُّ إِلَيْكَ فَحَبِّبْنِي وَ فِي النَّاسِ فَعَزِّزْنِي وَ مِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ الْجِنِّ

من به تو دوستی ورزم پس دوستم دار و در میان مردم عزیزم گردان و از شر شیاطین جن

وَالْأَنْسِ فَسَلِّمْنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * پس دعا می‌کنی

و انس محفوظم بدار ای پروردگار جهانیان و درود فرست بر محمد و آلش * * * * *

به آنچه دوست می‌داری پس سجده شکر بجا می‌آوری پس نماز و تیره را بجا

می‌آوری و آن دو رکعت نافله نشسته است بعد از نماز عشاء و مستحب است

آنکه در این نماز خوانده شود صد آیه از قرآن و خوبست آنکه در رکعت اول

بعد از حمد خوانده شود سوره واقعه و در دویم سوره توحید و می‌خوانی بعد از

سلام هر دعایی که خواستی و چون خواستی بخوابی سزاوار است که مهبای

موت شوی و با طهارت باشی و توبه از گناهان نمایی و قلب خود را از هموم

دنیا فارغ سازی و یاد کنی وقت مرگ و خوابیدن در لحد را تنها و بی کس و

وصیت خود را نوشته در زیر و ساده خود گذاری و عازم باشی بر آنکه برای نماز شب برخیزی زیرا که فخر مؤمن و زینت او در دنیا و آخرت نماز در آخر شب است و می خوانی در وقت خوابیدن سوره قل هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و سوره اَلْهِكْمُ و التَّكْوِيْنُ و آية الكرسي را پس سه دفعه می خوانی:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ عَلَّمَهُ الْقَهْرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ بَطَّنَ فِجْبَرٍ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ مَلَكَ

ستایش مخصوص خدائی است که برتر و غالب است در درون و آگاه است و ستایش خاص خدائی است که فرمانروا است

فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ يُحْيِي الْمَوْتِي وَيُمِيتُ الْاَحْيَاءَ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

و اندازه گیرد و ستایش مخصوص خدائی است که زنده کند مردگان را و بمیراند زندگان را و او بر هر چیز توانا است

* پس می گویی تسبیح حضرت زهراء علیها السلام را و می خوابی بر طرف راست به هیئت میّت که در قبر گذاشته می شود اما خوابیدن به هیئت محضر شیخ ما ثقة الاسلام نوری در دارالسلام فرموده که نیافتم آنرا در هیچ خبر و اثری بلی غزالی آنرا ذکر کرده و شک نیست که رشد در خلاف اوست انتهی و اگر خواستی آنکه بیدار شوی از برای نماز شب یا غیر آن و بترسی از غلبه خواب می خوانی آخر سوره کهف را که این آیه است:

قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحٰى اِلٰى اَنَّمَا الْهُكْمُ اِلٰهُ وَاَحَدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ

بگو جز این نیست که من بشری هستم مانند شما که به من وحی شود و جز این نیست که خدای شما خدای یگانه است پس هر که امید

رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ اَحَدًا * و روایت شده از حضرت

لقاء پروردگارش را دارد باید عمل شایسته کند و هیچکس را در پرستش پروردگارش شریک نکند * * * * *

*

سوره بنی اسرائیل را بخوان که اولش این است: قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ
و در وقت خواب سرمه بکش هفت میل چهار میل در چشم راست و سه میل در

چشم چپ و در وقت سرمه کشیدن می خوانی این دعا را:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَصَلِّيَ

خدا یا از تو می خواهم به حق محمد و آل محمد که درود فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصْرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي

بر محمد و آل محمد و قرار دهی روشنی در دیده ام و بینائی در دینم

وَأَلْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي

و یقین در دلم و اخلاص در کارم و تندرستی در جانم و فراخی در

رِزْقِي وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * و سزاوار است

روزیم و سپاسگزاری همیشگی تو را تا زنده ام برستی تو بر هر چیز توانائی *****

آنکه ترک کنی خواب بَيْنَ الطُّلُوعَيْنِ و خواب بعد از عصر را و چون خواستی
بخوابی چراغ را خاموش می کنی و رو به قبله می خوابی و در بامی که اطرافش
دیوار نداشته باشد نمی خوابی و خوابی که دیدی برای هر کس نقل مکن مگر
آنکه عالم و ناصح و مهربان باشد.

فصل چهارم

در برخاستن از خواب و نماز شب خواندن

بدانکه روایات بسیار وارد شده است از اصحاب عصمت علیهم السلام در باب
برخاستن شب و بیان فضیلت آن و روایت شده که آن شرف مؤمن است و آنکه

نماز شب باعث صحت بدن و کفاره گناهان روز و برطرف کننده وحشت قبر است رُوی را سفید و بُوی را پاکیزه و روزی را جَلْب می‌نماید و آنکه مال و پسران زینت حیات دنیایند و هشت رکعت نماز در آخر شب با نماز وتر زینت آخرت است و گاهی حق تعالی جمع می‌فرماید این دو زینت را برای بعضی از مردمان و آنکه دروغ گفته کسی که بگوید من نماز شب می‌کنم و روز گرسنگی می‌برم زیرا که نماز شب ضامن روزی روز است و از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرموده بود در وصیت رسول خدا به علیّ عَلَیْهِمَا وَ الْهِمَا السَّلَامُ یا علی وصیت می‌کنم ترا در باب نفس خودت به چند خصلت پس حفظ کن آنها را بعد از آن فرمود خداوند ا یاری کن او را و ذکر فرمود جمله‌ای از خصلتها تا اینکه فرمود:

وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَ عَلَيْكَ

بر تو باد به خواندن نماز شب و بر تو باد به خواندن نماز شب و بر تو باد

بِصَلَاةِ الزَّوَالِ وَ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ الزَّوَالِ وَ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ الزَّوَالِ

به خواندن نماز زوال و بر تو باد به خواندن نماز زوال و بر تو باد به خواندن نماز زوال

*و ظاهر اینست که حضرت اراده کردند به نماز شب سیزده رکعت را و به نماز زوال هشت رکعتی که نافله زوال است و از انس روایت است که گفت شنیدم حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود دو رکعت نماز در دل شب بهتر است بسوی من از دنیا و آنچه در دنیا است و روایت شده که از امام زین العابدین علیه السلام سؤال کردند که چه شده که کسانی که در شب تهجد

می‌کنند رویشان از همه کس نیکوتر است فرمود برای آنکه ایشان خلوت می‌کنند با خدا حق تعالی می‌پوشاند به ایشان از نور خویش وبالجمله روایات در این باب بسیار است و مکروه است ترک برخاستن شب و شیخ بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود نیست بنده‌ای مگر اینکه بیدار می‌شود در هر شب یک مرتبه یا دو مرتبه یا چند مرتبه پس اگر برخاست که برخاست و اگر نه می‌گشاید شیطان میان پاهای خود را پس بول می‌کند در گوش او آیا نمی‌بیند آن کسی که برنخاسته است از برای نماز شب صبح که برمی‌خیزد گران و مکدر و سنگین و کسبل است و شیخ برقی به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود از برای شب شیطانی است که او را رها می‌گویند پس هرگاه بنده‌ای از خواب بیدار شود و اراده کند برخاستن برای نماز شب را آن شیطان به او گوید حالا وقت برخاستن تو نیست پس دفعه دیگر که بیدار شود و خواهد برخیزد آن شیطان گوید که وقت برخاستن نشده یعنی زود است پس پیوسته او را از برخاستن زایل کند و حبس کند او را تا فجر طلوع کند و چون فجر طلوع شود بول کند در گوش او آن وقت بگذرد از او در حالیکه دُم خود را می‌جنباند از ناز و بخود می‌بالد و ابن ابی جمهور از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت روزی به اصحاب خود فرمود که احدی از شما هرگاه خوابید شیطان گره می‌زند بر پس سر او سه گره بزند مکان هر گرهی عَلَیْكَ لَیْلٌ طَوِيلٌ فَارْقُدْ یعنی شبت دراز است بخواب پس هرگاه بیدار شد و ذکر خدا کرد یک گره

گشوده شود و اگر وضوء گرفت یک گره دیگر گشوده گردد و اگر نماز خواند یک گره دیگر گشوده گردد پس داخل صبح شود به حال نشاط پاکیزه نفس والا صبح کند خبیث النَّفْسِ كَسْلَانَ و این روایت در کتب اهل سنت نیز مذکور است و قطب راوندی روایت کرده از امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود طمع مکن در سه چیز با سه چیز طمع مکن در بیداری شب با پر خوردن و در نور صورت با خوابیدن در جمیع شب و در امان از دنیا با صحبت فُسَّاق و نیز قطب راوندی روایت کرده که حضرت عیسی علیه السلام صدا زد مادر خود مریم علیه السلام را بعد از مردنش و گفت ای مادر با من تکلم کن آیا می خواهی به دنیا برگردی گفت بلی برای آنکه نماز گذارم برای خدا در شب بسیار سرد و روزه بگیرم در روز بسیار گرم ای پسر جان من این راه بیمناک است.

کِفَیَّتِ نِمازِ شِیب

و اما کِفَیَّتِ نِمازِ شِیب بنحو آسان و مختصر که همه کس بتواند بجا آورد انشاءالله تعالی آنست که چون از خواب برخاست سجده کند برای خداوند تعالی و نیکو است در این حال یا در حال برداشتن سر از سجده بگوید:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَحْیَانِیْ بَعْدَ مَا اَمَاتَنِیْ وَ اِلَیْهِ النُّشُورُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

ستایش خاص خدائی است که مرا پس از آنکه میراند زنده‌ام کرد و بسوی او است رستاخیز ستایش خاص

الَّذِیْ رَدَّ عَلَیَّ رُوحِیْ لِأَحْمَدِهِ وَأَعْبُدُهُ * و چون برخاست و ایستاد بگوید: اَللّٰهُمَّ

خدائی است که روح را به من بازگرداند تا ستایش و پرستش کنم * * * * * خدایا

اَعِنِّیْ عَلَیْ هَوْلِ الْمَطَّلَعِ وَ وَسَّعْ عَلَیَّ الْمَضْجَعِ وَ ارْزُقْنِیْ خَیْرًا بَعْدَ الْمَوْتِ

یاریم ده بر هراس روز قیامت و فراخ گردان بر من آرامگاه قبرم را و خیر و خوبی پس از مرگ را روزی ما گردان

* و چون صدای خروس شنید بگوید: **سُبُوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ**

***** بسیار منزه و بسیار پاکیزه است پروردگار فرشتگان و روح (جبرئیل)

سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَعْمُرْنِي

پیشی گرفته مهوت بر خشمتم معبودی نیست جز تو بد کرده‌ام و به خویشتم ستم کرده‌ام پس بیاور مرا

أَنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ فَتُبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ * و چون نگاه

که براستی نیامرزد گناهان را جز تو پس توبه‌ام بپذیر که همانا توئی توبه پذیر مهربان *****

کند به اطراف آسمان بخواند: **اللَّهُمَّ أَنَّهُ لَا يُوَارِي مِنْكَ لَيْلٌ سَاجٍ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ**

***** خدایا براستی نپوشاند چیزی را از تو شب تار و نه آسمان

أَبْرَاجٍ وَلَا أَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ وَلَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ وَلَا بَحْرٌ لُجِّيٌّ

برج دار و نه زمین گسترده و نه تاریکیهای متراکم روی هم و نه دریای پرآب

تُدَلِّجُ بَيْنَ يَدَيِ الْمُدَلِّجِ مِنْ خَلْقِكَ تُدَلِّجُ الرَّحْمَةَ عَلَى مَنْ تَشَاءُ مِنْ خَلْقِكَ

بروی شبانه در پیش شبروان خلق خویش و در شب، رحمت خویش را به هر که خواهی از خلق خود بدهی

تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ غَارَتِ النُّجُومُ وَتَامَتِ الْعُيُونُ وَ

بدانی بهم خوردن دیدگان را و آنچه را در سینه‌ها است ستارگان فرو رفتند و دیدگان به خواب رفتند و

أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ إِلَه

توئی زنده پاینده که نگیردت چرت و خواب منزه است خدا پروردگار جهانیان و معبود

الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * پس بخواند پنج آیه آل عمران ان فی

رسولان و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است ***** براستی در

خَلَقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَأَيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ

خلقت آسمانها و زمین و اختلاف شب و روز نشانه‌هایی است برای صاحبان خرد

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ

آنانکه یاد کنند خدا را ایستاده و نشسته و به پهلو خفته و بیندیشند در آفرینش

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ رَبَّنَا

آسمانها و زمین (و گویند) پروردگارا تو اینها را بیهوده نیافریده‌ای منزه‌ی تو پس ما را از عذاب دوزخ نگهدار پروردگارا

إِنَّكَ مَنْ تَدْخُلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ رَبَّنَا إِنَّنا سَمِعْنَا

هر که را تو بدوزخ بری برستی که خوارش کرده‌ای و ستمکاران را یآوری نیست پروردگارا ما نداننی را شنیدیم

مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا

که به ایمان ندا می‌زد (و می‌گفت) به پروردگارتان ایمان آورید ما نیز ایمان آوردیم پروردگارا گناهان ما را بیامرز و

سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنا مَعَ الْأَبْرارِ رَبَّنَا وَاتِّنا ما وَعَدْتَنَا عَلٰى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ

بدیهای ما را پوشیده دار و بمیران ما را با نیکان پروردگارا آنچه را که به ما وعده داده‌ای بوسیله فرستادگان خویش به ما

بده

الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ *

و در روز قیامت رسوایمان مکن که تو خلف وعده نمی‌کنی

پس هرگاه خواست که متوجه شود بسوی عبادت و او را

حاجتی به تخلی بوده باشد ابتدا کند به آن و چون بیرون آید از خلاء ابتدا کند

به مسواک بعد از آن وضو بسازد وضوء کامل و خود را خوشبو سازد پس

برخیزد به نماز شب و اوّل وقت آن از نصف شب است و هر چه نزدیکتر شود

به طلوع صبح صادق افضل است و اگر طلوع کند صبح و چهار رکعت آن را

بجا آورده باشد بقیّه را بخواند به حمد تنها بی سوره پس چون برخاست برای

نماز شب شروع می‌کند به هشت رکعت نماز شب و بعد از هر دو رکعت سلام

می‌دهد و خوب است که در دو رکعت اوّل بعد از حمد شصت مرتبه توحید

بخواند در هر رکعتی سی مرتبه تا منصرف شود از نماز و نبوده باشد میان او و

خدای عزوجل گناهی و یا آنکه در رکعت اوّل آن توحید و در رکعت دوّم «قُلْ

یا اَیُّهَا الْکَافِرُونَ» بخواند و در شش رکعت دیگر حمد و هر سوره که خواهد بخواند و کافی است حمد و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» در هر رکعتی و جایز است اکتفا به حمد تنها و چنانکه سنّت است قنوت در نمازهای واجبی سنّت است نیز در هر رکعت دویمی از نوافل و کافی است سه سُبْحَانَ اللَّهِ گفتن و یا آنکه گفته شود:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ

خدایا ما را ببامرز و

لَنَا وَارْحَمْنَا وَ عَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَيَّ كَلِّشِيءٍ قَدِيرٌ * و

به ما رحم کن و عافیت به ما بده و بگذر از ما در دنیا و آخرت که همانا تو بر هر چیز توانایی *

یا آنکه بگوید: رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ

*** پروردگارا ببامرز و رحم کن و درگذر از آنچه می‌دانی که براستی تویی عزیزتر از همه و بزرگوارتر و گرامیتر

و روایت شده که حضرت امام موسی علیه السلام چون شب در محراب عبادت

می‌ایستاد می‌خواند اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا و این دعاء پنجاهم صحیفه کامله

است و چون فارغ شود از هشت رکعت نماز شب پس بجا می‌آورد دو رکعت

نماز شفع و یک رکعت نماز وتر و می‌خواند در این سه رکعت بعد از حمد قُلْ

هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ تا به منزله آن باشد که یک ختم قرآن کرده باشد زیرا که سوره

توحید ثلث قرآن است و یا آنکه بخواند در نماز شفع در رکعت اوّل حمد و قُلْ

أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و در رکعت دوّم حمد و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و چون از نماز

شفع فارغ شد مستحبّ است آنکه بخواند اِلٰهِي تَعَرَّضْ لَكَ فِي هَذَا اللَّيْلِ

الْمُتَعَرِّضُونَ و این دعائی است که در اعمال شب نیمه شعبان در مفاتیح‌الجنان

مذکور شده و چون از دو رکعت شفع فارغ شد برمی‌خیزد به جهت یک رکعت

و تر و می خواند در آن حمد و سوره توحید و یا آنکه می خواند بعد از حمد قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ سه مرتبه و مُعَوِّذَتَيْنِ یعنی قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ پس دست برمی دارد برای قنوت و دعا می خواند آنچه بخواند شیخ طوسی فرموده که دعاهائی که در این محل خوانده می شود از بسیاری احصا نمی شود و لکن چیز موقتی نیست که خلاف آن جایز نباشد و مستحب است که انسان در قنوت آن گریه کند از خوف خدا و ترس از عقاب خدا یا تباکی کند و دعا کند برای برادران مؤمن و مستحب است که ذکر شود چهل نفر پس بدرستی که کسی که دعا کند برای چهل مؤمن دعایش مستجاب می شود انشاء الله و دعا کند به آنچه خواسته باشد و شیخ صدوق در فقیه فرموده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در قنوت و ترمی خواند: اَللّٰهُمَّ اِهْدِنِيْ فِيمَنْ هَدَيْتَ

وَ عَافِنِيْ فِيمَنْ عَافَيْتَ

*** * خدایا راهنمایی کن در زمره آنانکه راهنمایی کردی و تندرستیم ده در آنانکه تندرستی دادی

وَ تَوَلَّيْنِيْ فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ وَ بَارِكْ لِيْ فِيمَا اَعْطَيْتَ وَ قِنِيْ شَرَّ مَا قَضَيْتَ فَاِنَّكَ

و سرپرستیم کن در آنانکه سرپرستی کردی و مبارک گردان برابم در آنچه عطا کردی و نگهدار از شر آنچه مقدر

کرده ای

تَقْضَى وَ لَا يُقْضَى عَلَيْكَ سُبْحَانَكَ رَبَّ اَلْبَيْتِ اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوْبُ اِلَيْكَ وَ

تو حکمفرمایی و کسی بر تو حکم نکند منزهی ای پروردگار کعبه آمرزش از تو خواهم و بسویت توبه کنم و به تو

ایمان آورم

اَوْمِنُ بِكَ وَ اَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ يَا رَحِيْمُ * و سزاوار است

و بر تو توکل کنم و هیچ جنبش و نیرویی نیست جز به تو ای خدای مهربان * * * * *

آنکه هفتاد مرتبه بگوید **اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ** و سزاوار است که دست چپ را بدعاء بلند کرده باشد و استغفار را بدست راست بشمارد و روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله استغفار می کرد.

در نماز وتر هفتاد مرتبه و هفت مرتبه می گفت: **هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ** * * * * * این جایگاه پناه برنده به تو است از آتش دوزخ * * * * *

و نیز روایت شده که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در سحر در نماز وتر سیصد مرتبه می گفت:

اَلْعَفْوُ اَلْعَفْوُ وَ بگوید بعد از این: رَبُّ اَغْفِرْ لِي وَ اَرْحَمْنِي وَ تَبَّ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ
گذشت خواهم گذشت خواهم * * * * * پروردگارا مرا ببامرز و به من رحم کن و توبه‌ام بپذیر که براستی
اَلتَّوَابُ اَلْعَفْوُ الرَّحِيمُ * و سزاوار است آنکه طول دهد قنوت را و چون فارغ
تویی توبه‌پذیر آمرزنده و مهربان * * * * *

شد از قنوت به رکوع رود و چون سر از رکوع برداشت بخواند این دعا را که
شیخ در تهذیب از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده:

هَذَا مَقَامٌ مِنْ حَسَنَاتِهِ نِعْمَةٌ مِنْكَ وَ شُكْرُهُ ضَعِيفٌ وَ

* این جایگاه کسی است که نیکبایی که کرده نعمتی است از تو و سپاسش ناتوان و

ذَنْبُهُ عَظِيمٌ وَ لَيْسَ لِدَٰلِكَ اِلَّا رَفِقُكَ وَ رَحْمَتُكَ فَاِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ

گناهش بزرگ است و در برابر آن جز مدارایی تو و رحمت چیزی نیست زیرا که تو در کتابی که از جانب

عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ

بر پیامبر مرسلت صلی الله علیه و آله نازل شده فرمودی «آنان که اندکی از شب را می‌خفتند

وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ طَالَ هُجُوعِي وَ قَلَّ قِيَامِي وَ هَذَا السَّحَرُ وَ اَنَا

و در سحرها ایشان آمرزش می‌خواستند» ولی خواب من به درازا کشید و بیداریم اندک شد اکنون سحر است و من

أَسْتَغْفِرُكَ لِذُنُوبِي اسْتَغْفَارَ مَنْ لَا يَجِدُ لِنَفْسِهِ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً

از تو آمرزش گناهم را خواهم آمرزش خواستن کسی که نیابد برای خویش سود و زیان و نه مرگ و زندگی

وَلَا نُشُورًا * پس به سجده رَوَد و نماز را تمام کند و بعد از سلام تسبیح

و نه رستاخیزی * * * * *

زهراء علیها السلام بخواند پس بگوید: اَلْحَمْدُ لِربِّ الصَّبَاحِ اَلْحَمْدُ لِفاَلِقِ اَلْاَصْبَاحِ

سُبْحَانَ

* * * * * ستایش برای پروردگار بامداد ستایش برای شکافنده صبح * * * * * مزه‌ی

و بگوید:

رَبِّي الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ سه مرتبه پس بگوید: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا بَرُّ

ای پروردگار فرمانروای پاکیزه و نیرومند فرزانه * * * * * ای زنده و ای پاینده و ای نیکوکار

يَا رَحِيْمُ يَا غَنِيُّ يَا كَرِيْمُ ارْزُقْنِي مِنَ التِّجَارَةِ اعْظَمَهَا فَضْلًا وَاوْسَعَهَا رِزْقًا

ای مهربان ای بی‌نیاز ای بزرگواری روزی کن مرا از تجارت آنچه درآمد فزونتر و روزیش وسیعتر

وَ خَيْرَهَا لِي عَاقِبَةً فَانَّهُ لَا خَيْرَ فِيمَا لَا عَاقِبَةَ لَهُ * و شایسته است که بخواند بعد

و عاقبتش بهتر از همه باشد زیرا در آن چیزی که پایان خوبی نداشته باشد خیری نیست * * * * *

از این دعای حزین را اُنَاجِيكَ يَا مَوْجُودًا فِي كُلِّ مَكَانٍ الخ پس به سجده رود

* * * * * با تو راز گویم ای که در هر جا هستی * * * * *

و بگوید: پنج مرتبه سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ * پس بنشیند و بخواند

* * * * * مزه است و پاک و پاکیزه است پروردگار فرشتگان و روح * * * * *

آیه‌الکرسی را دگر باره به سجده رود و ذکر سابق را پنج مرتبه بخواند پس

برخیزد به جهت نافله صبح و آن دو رکعت است در رکعت اوّل بعد از حمد

سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و در رکعت دوّم بعد از حمد سوره توحید بخواند

و چون سلام داد بخوابد بر پهلوی راست رو به قبله به هیئت میّت در لحد و

بگذارد گونه راست خود را بر روی دست راست و بگوید:

اسْتَمْسَكْتُ بِعُرْوَةِ اللَّهِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاعْتَصَمْتُ بِحَبْلِ اللَّهِ

جنگ زدم به دستاویز محکم خدا که گسستن برایش نیست و چسبیدم به ریسمان محکم خدا

الْمَتِينِ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ فُسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ فُسَقَةِ

و پناه برم به خدا از شر فاسقان عرب و عجم و پناه برم به خدا از شر فاسقان

الْجِنِّ وَالْأَنْسِ * پس سه مرتبه بگوید: سُبْحَانَ رَبِّ الصَّبَاحِ فَالِقِ الْأَصْبَاحِ

جن و انس * * * * * منزه است پروردگار بامداد و شکافنده صبح

و بخواند: پنج آیه آل عمران اِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ پَس بَرخیزد و

بنشیند و تسبیح زهراء علیها السلام بگوید و در کتاب من لایحضره الفقیه است

که روایت شده هر که صلوات بفرستد بر محمد و آل محمد صد مرتبه مابین دو

رکعت نافله صبح و نماز صبح نگاه دارد حق تعالی روی او را از حرارت آتش

و کسی که بگوید صد مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ

أَتُوبُ إِلَيْهِ» بنا کند خداوند تعالی از برای او خانه‌ای در بهشت و کسی که

بخواند بیست و یک مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بنا کند حق تعالی برای او خانه‌ای در

بهشت و اگر بخواند آن را چهل مرتبه پیامرزد حق تعالی او را و سزاوار است

آنکه خوانده شود بعد از فراغ از نماز شب دعای سی و دوم صحیفه کامله اَللّهُمَّ

يَا ذَا الْمُلْكِ الْمَتَابِدِ بِالْخُلُودِ پَس سجده شکر کند و سزاوار است که دعا کند در

آن از برای برادران مؤمن خود و بخواند دعای اَللّهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ را که در ادعیه

سجده شکر گذشت رجاء واثق از برادران دینی که از برای این گنه کار رُوسپاه
نیز دعا کنند که بسیار محتاجم به دعاء وَاللّٰهُ الْمَوْقِفُ.

فصل پنجم

در ذکر بعض اذکار و دعاها که در صبح و مساءً باید خواند

بدان ایدگَ اللّٰه که تحریص و ترغیب بی شمار بر محافظت این دو وقت در
آیات و اخبار شده است لهذا در این دو وقت ادعیه و اذکار بسیار از رسول خدا
و ائمه اطهار صلوات اللّٰه علیهم اجمعین مأثور گردیده و ما در این رساله به ذکر

مختصری از اینها تبرک می جوئیم اول ابن بابویه به سند معتبر از حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که هر که پیش از طلوع آفتاب قُلْ
هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ وَاِنَّا اَنْزَلْنَاهُ وَايَةُ الْكُرْسِيِّ هر کدام را یازده مرتبه بخواند خدا منع
کند مال او را از آنچه ترسد و فرمود که هر که قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ وَاِنَّا اَنْزَلْنَاهُ
پیش از طلوع آفتاب بخواند در آن روز گناهی به او نرسد هر چند شیطان جهد
کند دوم کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی و دیگران به سندهای معتبر از
حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که فریضه و واجبست بر هر مسلمان
که ده مرتبه پیش از طلوع آفتاب و ده مرتبه پیش از غروب این دعا بخواند:

لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ

معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد فرمانروایی از آن اوست و ستایش خاص او است می میراند و زنده
می کند

حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * و در بعضی از روایات

و او زنده‌ای است که نمیرد هر چه هست بدست اوست و بر هر چیز توانا است * * * * *

چنین وارد است که يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي و در چند روایت وَهُوَ حَيٌّ

* * * * * زنده می‌کند و می‌میراند و می‌میراند و زنده می‌کند * * * * * و او زنده‌ای است

لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ * نیست و در بعضی هست و ظاهراً همه خوبست و اگر همه

که نمیرد و همه خیرها بدست او است * * * * *

قسم را بگوید بهتر است و در بعضی از روایات وارد شده است که اگر ترک شود قضا کنید که لازم است و در بعضی از روایات کفاره گناهان اوست در آن

روز سیم ابن بابویه و دیگران به سندهای معتبر بسیار از حضرت امام

زین العابدین و حضرت صادق علیهما السلام روایت کرده‌اند که هر که در شام

صد مرتبه اللَّهُ أَكْبَرُ بگوید چنانست که صد بنده آزاد کرده باشد و به سند

صحیح دیگر از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که صد مرتبه

پیش از طلوع آفتاب و صد مرتبه پیش از غروب آفتاب اللَّهُ أَكْبَرُ بگوید

خداوند کریم برای او مثل ثواب صد بنده آزاد کردن بنویسد و هر که ده مرتبه

سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ بگوید خدا ده حسنه برای او بنویسد و هر که زیاده بگوید

زیاده برای او نوشته شود چهارم ایضاً ابن بابویه به سند معتبر از حضرت

صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله

فرمود که در بهشت غرفه‌ای چند هست که ظاهر آنها از اندرون آنها و اندرون

آنها از بیرون آنها نمایان است و از امت من کسی در آنها ساکن می‌شود که

سخن نیک گوید و طعام به مردم بخوراند و به هر که رسد سلام کند و در شب

حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که هر که در صبح سه مرتبه و

در شام سه مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * نترسد از

بنام خدای بخشاینده مهربان جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ * * * * *

شیطان و نه از پادشاهی و نه از خُرّه و نه از پیسی و حضرت فرمود که من صد

مرتبه می گویم و در تعقیب نماز صبح و شام هفت مرتبه نیز گذشت هفتم به

سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مردی از انصار چند

روز به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله نرسید و حضرت از او پرسید

که به چه سبب در این چند روز از ما غایب بودی گفت به سبب تنگدستی و

طول بیماری فرمود می خواهی تو را دعائی تعلیم نمایم که چون بخوانی فقر و

بیماری از تو زایل گردد گفت بلی یا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که در

صبح و شام این دعا بخوان:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

جنبش و نیرویی نیست جز بوسیله خدا توکل کردم بر خدای زنده‌ای که نمیرد و ستایش خاص خدایی است

الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِّنَ

که نگرفته فرزندی و نیست برایش شریکی در فرمانروایی و نیست برایش یوری (برای نجات او) از

الدُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا * هشتم در روایات معتبره بسیار از حضرت صادق علیه

خواری و به کمال بزرگی او را یاد کن * * * * *

السلام منقول است که پیش از طلوع و غروب آفتاب ده مرتبه بگو: اَعُوذُ بِاللَّهِ

السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ هَمَزَاتِ

پناه برم به خدای شنوای دانا از وسوسه‌های

الشَّيَاطِينِ وَاعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَخْضُرُونَ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * و در بعضی

شیاطین و پناه برم به خدا از اینکه نزد من حاضر شوند همانا خداوند شنوا و دانا است * * * * *

از روایات چنین است: وَاعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَخْضُرُونَ * و در بعضی روایات:

* * * * * و پناه به تو برم پروردگارا از اینکه نزد من حاضر شوند * * * * * پناه جویم

أَسْتَعِذُّ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَاعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَخْضُرُونَ تَا آخِرَ

به خدای شنوای دانا از شیطان رانده درگاه و پناه برم به خدا از اینکه پیش من حاضر شوند * * * * *

نهم در فلاح السائل از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که چه

مانع است شما را که در هر صبح و شام این دعا را سه مرتبه بخوانید:

اللَّهُمَّ مَقْلَبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ

خدایا ای گرداننده دلها و دیده‌ها ثابت دار دل مرا بر دین خود و منحرف مساز دلم را پس از آنکه

هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ

راهنمایی کردی و ببخش بر من از نزد خویش رحمتی که براستی تو بخشنده‌ای و پناهم ده از آتش

بِرَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ اْمُدِّدْ لِي فِي عُمْرِي وَ اَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَ اَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ

به رحمتت خدایا زیاد کن در عمرم و در روزی من فراخی ده و بگستران بر من از

رَحْمَتِكَ وَ اِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي اُمِّ الْكِتَابِ شَقِيًّا فَاجْعَلْنِي سَعِيدًا فَانَّكَ تَمْحُومًا

رحمت و اگر نام من در پیش تو در نامه اصلی (لوح) بدبخت ثبت شده مرا خوشبخت قرار ده زیرا که تو هر چه را

بخواهی

تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ وَ عِنْدَكَ اُمُّ الْكِتَابِ * دهم شیخ طوسی و سید بن طاوس از

محو و هر چه را بخواهی ثبت کنی و اصل کتاب نزد تو است * * * * *

حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که هر که در صبح و شام

«یک مرتبه» بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ

* * * * * منزه است خدا و به ستایشش

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ حق تعالی ملکی بفرستد بسوی بهشت با بیلی از نقره که

خیزم منزه است خدای بزرگ * * * * *

برای او در زمین بهشت که از مشک ناب است درختان غرس کند و دیواری بر دور آنها بکشد و دری بر آن نصب کند و بر آن دربنویسد که این بستان فلان پسر فلان است و سید به روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که این تسبیح را بگوید در غیر مقام تعجب حق تعالی هزار گناه او را محو کند و هزار حسنه برای او ثبت نماید و هزار شفاعت برای او بنویسد و هزار درجه برای او بلند کند و برای او از این کلمه مرغ سفید خلق کند که تا روز قیامت این تسبیح را گوید و ثوابش برای او نوشته شود یازدهم قطب راوندی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که صبح کند و چهار نعمت خدا را یاد نکند می ترسم که نعمت خدا از او زایل گردد:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنِي نَفْسَهُ وَ لَمْ يَتْرُكْنِي عَمِيانَ الْقَلْبِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

ستایش خدایی را سزااست که خود را به من شناساند و مرا کوردل و امگذارد ستایش خدایی را سزااست که

جَعَلَنِي مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ رِزْقِي فِي

مرا از امت محمد صلی الله علیه و آله قرارم داد ستایش خدایی را سزا است که روزی مرا در

يَدِيهِ وَ لَمْ يَجْعَلْ رِزْقِي فِي آيْدِي النَّاسِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَتَرَ ذُنُوبِي وَ

اختیار خود قرار داد و قرار نداد روزیم را در اختیار مردم ستایش خدایی را سزااست که گناهان و

عُيُوبِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي بَيْنَ الْخَلَائِقِ يَعْنِي سِپَاسِ خِدَاوَنْدِي رَا سِزَاَسْتِ كِهْ خُودِ رَا

عیبهایم را پوشاند و در میان خلایق رسوایم نکرد * * * * *

به من شناسانید و مرا کور دل نگذاشت سپاس خداوندی را رواست که مرا از امت محمد صلی الله علیه و آله گردانید حمد می کنم خداوندی را که روزی مرا

خود متکفل شد و بدست مردم نگذاشت ستایش می کنم خداوندی را که گناهان
مرا پوشانید و مرا میان خلائق رسوا نگردانید دوازدهم در بلدالأمین از سلمان
فارسی روایت کرده است که هر بنده که داخل صبح شود بگوید سه مرتبه:
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ حَقُّ تَعَالَى هفتادونوع
ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان ستایش برای خدا ستایش بسیار و پاک و مبارک * * * * *

بلازا و رفع کند که کمتر آنها اندوه باشد

سیزدهم

شیخ کلینی به سند معتبر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده

است که چون صبح کنی بگو:

أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ وَدِينِ عَلِيٍّ

* * * * * بامداد کردم در حال ایمان به خدا و بر دین محمد و روش او و دین علی

وَسُنَّتِهِ وَدِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَسُنَّتِهِمْ آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ وَ

و روش او و دین اوصیاء و روش آنها ایمان دارم به نهان و آشکارشان و حاضر و

غَائِبِهِمْ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَلِيٍّ

غایبشان و پناه برم به خدا از آنچه پناه جست از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْأَوْصِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَرْغَبُ إِلَى اللَّهِ فِيمَا رَغِبُوا إِلَيْهِ

علیه السلام و اوصیاء علیهم السلام و توجه کنم بسوی خدا در آنچه ایشان بسوی او توجه کردند

و لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ * چهاردهم شیخ کلینی از حضرت امام محمد باقر علیه

و جنبش و نیرویی نیست جز به خدا * * * * *

السلام فضیلت بسیاری نقل کرده برای خواندن این دعا بعد از صبح پیش از

طلوع آفتاب:

اللَّهُ أَكْبَرُ

خدا بزرگتر است

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا

خدا بزرگتر است به کمال بزرگی و منزّه است خدا در بامداد و پسین و ستایش بسیار خاص خدا پروردگار جهانیان است

لَا شَرِيكَ لَهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ * پانزدهم در بلد الامین از حضرت

که شریکی ندارد و درود خدا بر محمد و آتش * * * * *

صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که در صبح سه مرتبه این دعا بخواند تا شام به او بلائی نرسد و اگر در شام بگوید تا صبح به او بلائی نرسد:

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ

بنام خدایی که زیان نرسد با بودن نام او

شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * شانزدهم کلینی و ابن

به چیزی در زمین و نه در آسمان و او است شنوای دانا * * * * *

بابویه و دیگران به سندهای موثق و معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه

السلام روایت کرده‌اند که حق تعالی حضرت نوح علیه السلام را بنده بسیار

شکر کننده نامید برای آنکه هر صبح و شام این دعا می خواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَمْسَى وَأَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِي

* * * * * خدایا من تو را گواه گیرم که برآستی هرچه در شام و صبح به من رسیده از نعمتی یا تندرستی در

دین او دُنْيَا فَمِنْكَ وَ حَذْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَيَّ

دین یا دنیا پس آن از تو است یگانه‌ای که شریک نداری ستایش خاص تو است و سپاس برای آن نعمت از تو است

حَتَّى تَرْضَى إِلَيْنَا * و در بعضی روایات است: اللَّهُمَّ إِنَّهُ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ

تا بدان حد که خوشنود گردی ای معبود ما * * * * * خدایا برآستی هر نعمتی که روزانه به من رسد یا

عَافِيَةٌ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لِاشْرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهَا

سلامتی در دین یا دنیایی که دارم از تو است شریکی برای تو نیست ستایش خاص تو است و سپاس برای تو در آن

نعمت

عَلَى حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا * ده مرتبه می خواند و هر دو خوبست

تا حدی که خوشنود گردی و بالاتر از خوشنودی * * * * *

هفدهم

کلینی و برقی به سندهای معتبر از حضرت صادق و کاظم علیهما السلام روایت کرده اند که چون نزدیک شود به غروب آفتاب این دعا بخوان تا ایمن گردی از شرّ هر درتده و از شرّ شیطان لعین و فرزندان او و از هر گزنده و صاحب

زهری و از دزدان و غولان:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

* بنام خدای بخشاینده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

ستایش خاص خدایی است که نگیرد فرزندی و نیست برایش شریکی در فرمانروایی و ستایش خاص خدایی است

الَّذِي يَصِفُ وَلَا يُوصَفُ وَ يَعْلَمُ وَلَا يُعْلَمُ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي

که توصیف کند ولی به وصف نیاید می داند ولی حقیقتش دانسته نشده حرکت دیدگان را با آنچه در سینه ها پنهان است

الضُّدُورُ وَ أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْكَرِيمِ وَ بِاسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَ بَرَأَ وَ

می داند و پناه برم به ذات کریم خدا و بنام بزرگ خدا از شر آنچه خلق کرده و آفرید و

مِنْ شَرِّ مَا تَحْتَ الثَّرَى وَ مِنْ شَرِّ مَا ظَهَرَ وَ مَا بَطَنَ وَ مِنْ شَرِّ مَا كَانَ فِي اللَّيْلِ

از شر آنچه در زیر زمین است و از شر آنچه آشکار و آنچه نهان است و از شر آنچه در شب

وَالنَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ أَبِي قَتْرَةَ وَ مَا وَكَلَدَ وَ مِنْ شَرِّ الرَّسَيْسِ وَ مِنْ شَرِّ مَا وَصَفَتْ

و روز است و از شر شیطان و فرزندانش و از شر افساد (یا بیماریهای ثابت) و از شر آنچه گفتم

وَمَا لَمْ أَصِفْ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * هيجدهم کلینی به سند معتبر از حضرت

و آنچه به زبان نیاوردم و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است * * * * *

باقرعلیه السلام روایت کرده است که هر که در صبح این دعا را بخواند در آن

روز هیچ چیز به او ضرر نرساند و هر که در شام بخواند در آن شب چیزی او

را ضرر نرساند انشاءالله تعالی:

اللَّهُمَّ اِنِّي

خدایا من

اَصْبَحْتُ فِي ذِمَّتِكَ وَ جِوَارِكَ اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْتُوْدِعُكَ دِينِي وَ نَفْسِي وَ دُنْيَايَ وَ

بامداد کردم در پناه و جوار تو خدایا من به تو می سپارم دینم و خودم و دنیا و

اٰخِرَتِي وَ اَهْلِي وَ مَالِي وَ اَعُوْذُبِكَ يَا عَظِيْمٌ مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ جَمِيْعًا وَ اَعُوْذُبِكَ

آخرتم و خانواده و داراییم را و به تو پناه برم ای خدای بزرگ از شر همه خلقت و به تو پناه برم

مِنْ شَرِّ مَا يُبْلِِسُ بِهِ اِبْلِيسُ وَ جُنُوْدُهُ *

از شر آنچه ابلیس و لشگریانش بدو سرگردانمان کنند

نوزدهم ایضاً کلینی به سند کالصحیح روایت کرده است که مردی به خدمت

حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که مرا دعائی تعلیم فرما که هر صبح و

شام بخوانم حضرت فرمود که این دعا را بخوان:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ

ستایش خدایی را سزا است که می کند آنچه خواهد

وَ لَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ اَنْ يُحْمَدَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا هُوَ

و جز او نمی کند آنچه را خواهد و ستایش برای خدا چنانچه دوست دارد که ستایش شود، ستایش برای خدا چنانچه

اَهْلُهُ اللَّهُمَّ اَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ وَ اٰخِرِ جَنِّي مِنْ

شایسته آنست خدایا مرا درآور در هر خیری که درآوردی در آن محمد و آل محمد را و بیرونم آر از

كُلُّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

هر بدی که بیرون آوردی از آن محمد و آل محمد را درود خدا بر محمد و آل محمد

بیستم در بلدالأمین از رسول خداصلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که در صبح هفت مرتبه بخواند این دعا را در آن روز از بلاها محفوظ باشد:

فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ

خدا بهترین نگهبان است و او مهربانترین

الرَّاحِمِينَ إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ فَإِنْ تَوَلَّوْا

مهربانان است برآستی سرپرست من خدایی است که قرآن را فرستاد و او شایستگان را دوست دارد پس اگر روگردانند

فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

بگو خدا مرا بس است که معبودی جز او نیست بر او توکل کنم که او پروردگار عرش بزرگ است

بیست و یکم در بعضی از کتب معتبره مروی است که هر که سه مرتبه در بامداد و سه مرتبه در آخر روز این صلوات را بخواند گناهانش آمرزیده شود و شادی او همیشه باشد و دعایش مستجاب گردد و روزیش فراخ شود و بر دشمن یاری یابد و در بهشت از رفیقان محمدصلی الله علیه وآله باشد این است

صَلَوَات:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد در زمره پیشینیان و درود فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى

و آل محمد در آیندگان و درود فرست بر محمد و آل محمد در گروه عالم بالا

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ اعْظِمِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَ

و درود فرست بر محمد و آل محمد در زمره رسولان خدایا بده به محمد(ص) وسیله (مقامی است در بهشت) و

الشَّرْفَ وَالْفُضِيلَةَ وَالذَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ اللَّهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لَمْ أَرَهُ

شرافت و فضیلت و مقام و درجه بزرگ خدایا من ایمان آوردم به محمد و آل او با اینکه او را ندیدم

فَلَا تَحْرِمْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ رُؤْيِيَهُ وَارْزُقْنِي صُحْبَتَهُ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ

پس محروم مساز در روز قیامت از دیدارش و روزیم کن هم‌نشینیش را و بمیرانم بر کیش او

وَاسْتَقْنِي مَنْ حَوْضِهِ مَشْرَبًا رَوِيًّا سَائِعًا هَنِيئًا لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا إِنَّكَ عَلَى

و بنوشانم از حوض او نوشاندنی بسیار و سیراب کننده و گوارا که هرگز پس از آن تشنه نشوم که براستی تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ كَمَا آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَمْ أَرَهُ فَارِنِي

هرچیز توانایی خدایا چنانچه من به محمد صلی الله علیه و آله بی‌آنکه او را ببینم ایمان آوردم

فِي الْجَنَانِ وَجْهَهُ اللَّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَ سَلَامًا *

پس در بهشت صورتش را نشان من بده خدایا به روح محمد(ص) از جانب من تحیت و سلام فراوان برسان

مؤلف گوید که این صلوات همان صلواتی است که کفعمی از حضرت

صادق علیه السلام نقل کرده که هر که بخواند مسرور کند محمد و آل

محمدعلیهم السلام را در صلوات بر ایشان آن را بخواند و ما در مفاتیح در

اعمال روز عرفه آن را ذکر نمودیم و بدانکه دعاهای وارده در صبح و شام

بسیار است و این مختصر را گنجایش بیش از این نیست و بیاید در باب چهارم

ذکر ده دعا از کافی که در وقت صبح و شام خوانده می‌شود و اگر وقت داشتی

بخوان دعای عشرات و دعای معروف به یستشیر و دعای نور و دعای عهد

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ را و این دعاها را در مفاتیح ما ذکر نمودیم و در آداب

تربت نیز ذکر نمودیم دعای **أَصْبَحْتُ أَللَّهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ** را که تسبیح تربت بر دست گرفته و آن دعا را در صبح و مساء برای ایمنی از هر خوف بخوانند.

فصل ششم

در دعاهایی که در ساعات روز باید خواند و دعاهای هر روز که خصوصیتی به ساعتی ندارد

بدانکه شیخ طوسی و سیّد بن باقی و شیخ کفعمی هر روز را به دوازده ساعت منقسم ساخته‌اند و هر ساعتی را به امامی از ائمه اثنی عشر صلوات الله علیهم اجمعین نسبت داده‌اند و برای هر ساعتی دعائی که مشتمل بر توسّل به آن امام عالیمقام است ذکر کرده‌اند و اگر چه روایتش را بخصوص ایراد نکرده‌اند اما معلوم است که چنین امری را بدون روایت ذکر نمی‌کنند و ما در این رساله اکتفا می‌کنیم به آنچه در مصباح المتهدّد است فرموده ساعت اوّل از طلوع فجر است تا طلوع آفتاب منسوب است به امیرالمؤمنین علیه السلام و دعای آن این است:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْبُهَاءِ وَالْعِظْمَةِ وَالْكَبْرِیَاءِ وَالسُّلْطَانِ أَظْهَرْتَ الْقُدْرَةَ كَيْفَ شِئْتَ

خدایای ای پروردگار زیبایی و بزرگی و بزرگواری و پادشاهی قدرت خود را به هر سان که خواستی نمایاندی

وَمَنْنْتَ عَلَى عِبَادِكَ بِمَعْرِفَتِكَ وَتَسَلَّطْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبْرٍ وَتَكَ وَعَلَّمْتَهُمْ شُكْرَ

و طبق معرفت خویش بر بندگانت نعمت دادی و بوسیله مقام جبروتت بر ایشان مسلط گشتی و یادشان دادی شکر

نِعْمَتِكَ اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ عَلَى الْمُرْتَضَى لِلدِّينِ وَالْعَالِمِ بِالْحُكْمِ وَمَجَارِي التَّقَى

نعمتت را خدایا به حق علی آن پسندیده برای دین و دانای به حکم و راههای تقوی

إِمَامِ الْمُتَّقِينَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَقْدَمَهُ بَيْنَ

پیشوای پرهیزکاران درود فرست بر محمد و آلش در زمره پیشینیان و پسینیان و او را

يَدِي حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا

پیش روی حاجاتم بدارم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و با من چنین و چنان کنی

ساعت دوّم از طلوع شمس است تا ذهاب حُمَرِه و منسوب است به حضرت امام

حسن مجتبی علیه السلام:

اللَّهُمَّ لَبِسْتُ بِهَاآتِكَ فِي أَعْظَمِ قُدْرَتِكَ وَ صَفَا نُورِكَ فِي أَنْوَرِ

خدایا لباس درخشندگی را در بزرگترین نیرویت به برداری و صاف گشته نورت در روشن ترین

ضَوْئِكَ وَ فَاضَ عِلْمِكَ حِجَابِكَ وَ خَلَّصْتَ فِيهِ أَهْلَ الثَّقَةِ بِكَ عِنْدَ جُودِكَ

پرتوت و زیاده گشت دانشت بر پردهات و خالص گردانیدی آنرا به کسانی که به هنگام جودت

فَتَعَالَيْتَ فِي كِبْرِيَاَتِكَ عُلُوًّا عَظُمَتْ فِيهِ مَنَّتِكَ عَلَيَّ أَهْلِ طَاعَتِكَ فَبَاهَيْتَ بِهِمْ

به تو اعتماد کنند پس برتر شدی در کبریای خود بدان حد که نعمتت بر اهل طاعتت بزرگ شد و تو بوسیله آنها

أَهْلَ سَمَوَاتِكَ بِمِنَّتِكَ عَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ وَ بِهِ

بر اهل آسمانها به همان نعمتی که بدیشان داده ای مباحث کردی خدایا به حق حسن بن علی بر تو از تو خواهم و

أَسْتَعِيثُ إِلَيْكَ وَأَقْدَمُهُ بَيْنَ يَدِي حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بوسیله او به تو استغاثه کنم و او را پیش روی حاجاتم مینهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد

وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا *

و درباره من چنین و چنان کنی

ساعت سیّم از ذهاب شعاع است تا ارتفاع نهار و منسوب است به حضرت امام

حسین علیه السلام يَا مَنْ تَجَبَّرَ فَلَا عَيْنٌ تَرَاهُ يَا مَنْ تَعْظَمُ فَلَا تَخْطُرُ الْقُلُوبُ

*** ** ای که بزرگی داری پس دیده ای نیست که تو را بیند و ای که عظمت داری پس به دلها

بِكُنْهِهِ يَا حَسَنَ الْأَمْنِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا حَسَنَ الْعَفْوِ يَا جَوَادًا يَا كَرِيمًا يَا مَنْ

خطور نکند کُنْهش ای نیکو درگذر ای نیکو گذشت ای نیکو گذشته ای بخشنده ای بزرگوار ای که چیزی از خلقتش

لَا يُشْبِهُهُ شَيْءٌ مِنْ خَلْقِهِ يَا مَنْ عَلَى خَلْقِهِ بِأَوْلِيَاءِهِ إِذْ أَرْتَضِيَهُمْ لِدِينِهِ وَ

شبیبه او نیست ای که بوسیله دوستانش بر خلق خویش منت نهادی زیرا آنان را برای دین خود پسندیدی

أَدَّبَ بِهِمْ عِبَادَهُ وَ جَعَلَهُمْ حُجَجًا مَنَّا مِنْهُ عَلَى خَلْقِهِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ

و بندگان را بدیشان ادب کردی و آنان را از روی نعمت بخشی بر خلق خود حجتها و دلپها قرارشان دادی از تو

خواهم به حق

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ السَّبْطِ التَّابِعِ لِمَرْضَاتِكَ وَ النَّاصِحِ فِي

حسین بن علی علیهما السلام آن سبط پیغمبر که پیرو خوشنودیهای تو و خیرخواه در

دینک و الدلیل علی ذاتک أَسْأَلُكَ بِحَقِّهِ وَ أَقْدَمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ

دین تو و راهنمای بر ذات تو بود از تو خواهم به حق او و او را پیش روی حاجاتم قرار دهم

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا *

که درود فرستی بر محمد و آل محمد و درباره من چنین و چنان کنی * *

ساعت چهارم منسوب است به علی بن الحسین علیهما السلام و آن از ارتفاع

نهار است تا زوال شمس:

اللَّهُمَّ صَفَا

* خدایا صاف گشته

نورک فی اتمَّ عَظْمَتِكَ وَ عَلَا ضِيَاؤُكَ فِي أَبْهَى ضَوْبِكَ أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ الَّذِي

نور تو در کاملترین مقام بزرگی و بالا گشت درخشندگی در روشن ترین پرتوت از تو خواهم بدان نورت که

نُورَتْ بِهِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ قَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَ أَحْيَيْتَ بِهِ الْأَمْوَاتَ

آسمانها و زمینها را بدان نور کردی و پشت گردنکشان را بوسیله آن درهم شکستی و مردگان را بدان زنده کردی

وَ أَمَتَّ بِهِ الْأَحْيَاءَ وَ جَمَعْتَ بِهِ الْمُتَفَرِّقَ وَ فَرَّقْتَ بِهِ الْمُجْتَمِعَ وَ أَتَمَمْتَ بِهِ

و زندگان را بدان میراندی پراکندهها را بدان گرد آوردی و گردآوردهها را بدان پراکنده کردی و سخنان را بدان تمام

کردی و

الْكَلِمَاتِ وَ أَقَمْتَ بِهِ السَّمَاوَاتِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

آسمانها را برپا داشتی از تو خواهیم به حق ولی تو علی بن الحسین علیهما السلام

الذَّابُّ عَنْ دِينِكَ وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ وَأَقْدَمَهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ

دفاع کننده از دینت و جهاد کننده در راهت و او را پیش روی حاجت‌هایم می‌دارم که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا * ساعت پنجم

درود فرستی بر محمد و آل محمد و درباره من چنین و چنان کنی * * * * *

منسوب است به امام محمد باقر علیه السلام و آن از زوال شمس است تا مقدار

چهار رکعت از آن :

اللَّهُمَّ

خدایا

رَبِّ الضِّيَاءِ وَالْعِظْمَةِ وَالنُّورِ وَالْكَبْرِيَاءِ وَالسُّلْطَانِ تَجَبَّرَتْ بِعِظْمَةِ بَهَائِكَ

ای پروردگار روشنی و بزرگی و نور و کبریاء و پادشاهی برتری گرفتی به عظمت درخشندگیت

وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ عِبَادِكَ بِرَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ دَلَلْتَهُمْ عَلَيَّ مَوْجُودِ رِضَاكَ وَ

و منت نهادی بر بندگانت به مهر و رحمت و راهنماییشان کردی بر موجودی خوشنودیت و

جَعَلْتَ لَهُمْ دَلِيلًا يَدُلُّهُمْ عَلَيَّ مَحَبَّتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمْ مَحَابَبَكَ وَ يَدُلُّهُمْ عَلَيَّ

برای ایشان راهنمایی قرار دادی که آنها را به محبتت راهنمایی کند و یادشان دهد وسایل دوستی تو را و بر

مَشِيَّتِكَ اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَيْكَ وَأَقْدَمَهُ بَيْنَ يَدَيَّ

خواسته تو راهنماییشان کند خدایا به حق محمد بن علی علیهما السلام بر تو که او را پیش روی

حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا

حاجت‌های خود قرار دهم می‌خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و با من چنین و چنان کنی

ساعت ششم منسوب است به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و آن از مقدار

چهار رکعت از زوال گذشته است تا نماز ظهر :

يَا مَنْ لَطْفَ عَنْ إِدْرَاكِ الْأَوْهَامِ يَا مَنْ كَبَّرَ عَنْ مَوْجُودِ

ای که دقیقتر آمد از رسیدن خیالها ای که بزرگتر آمد از دیدن

الْبَصْرِ يَا مَنْ تَعَالَى عَنِ الصِّفَاتِ كُلِّهَا يَا مَنْ جَلَّ عَنْ مَعَانِي اللَّطْفِ وَاللُّطْفِ

چشمها ای که برتر آمد از همه اوصاف ای که والاتر آمد از مفاهیم دقیق، و دقیقتر آمد

عَنْ مَعَانِي الْجَلَالِ اسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ وَضِيَاءِ كِبْرِيَايِكَ وَاسْئَلُكَ بِحَقِّ

از معانی جلال از تو خواهم به نور ذات و روشنی بزرگیت و از تو خواهم به حق

عَظَمَتِكَ الْعَافِيَةِ مِنْ نَارِكَ وَاسْئَلُكَ بِحَقِّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ وَأَقْدَمُهُ بَيْنَ

عظمتت معافیت از دوزخ را و از تو خواهم به حق جعفر بن محمد بر تو و او را پیش

يَدِي حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا

روی حاجات خود قرار دهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و با من چنین و چنان کنی

ساعت هفتم منسوب است به موسی بن جعفر علیهما السلام و آن از نماز ظهر است

تا مقدار چهار رکعت قبل از عصر :

يَا مَنْ تَكَبَّرَ عَنِ الْأَوْهَامِ صُورَتُهُ يَا مَنْ تَعَالَى عَنِ الصِّفَاتِ نُورُهُ

ای که بزرگتر است از پندارها صورتش ای که برتر است از اوصاف نورش

وَأَنْ تَقْرُبَ عِنْدَ دُعَاءِ خَلْقِهِ يَا مَنْ دَعَا الْمُضْطَرُّونَ وَاجَأَ إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ وَ

ای که نزدیک است هنگام خواندن مخلوقش ای که خوانندش درماندگان و به او پناه برند خائفان و

سَأَلَهُ الْمُؤْمِنُونَ وَعَبْدَهُ الشَّاكِرُونَ وَحَمِيدَهُ الْمُخْلِصُونَ اسْئَلُكَ بِحَقِّ نُورِكَ

از او خواهند مؤمنان و او را پرستش کنند سپاسگزاران و ستایشش کنند مخلصان از تو خواهم به حق نور

الْمُضِيِّءِ وَبِحَقِّ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْكَ وَاتَّقَرَّبُ بِهِ إِلَيْكَ وَأَقْدَمُهُ بَيْنَ يَدِي

تابانت و به حق موسی بن جعفر بر تو و من بوسیله آن حضرت بدرگاهت تقرب جویم و او را پیش روی

حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا

حاجتهای خویش قرار دهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد که درباره من چنین و چنان کنی

ساعت هشتم منسوب است به علی بن موسی الرضا علیه السلام و آن از مقدار

چهار رکعت بعد از ظهر است تا نماز عصر:

يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ يَا خَيْرَ مَنْ أَعْطَىٰ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ يَا مَنْ أَضَاءَ

***** ای بهترین خواننده شده‌ای بهترین عطاکننده ای بهترین درخواست شده‌ای که روشنی بخشید

بِاسْمِهِ ضَوْءُ النَّهَارِ وَ أَظْلَمَ بِهِ ظُلْمَةُ اللَّيْلِ وَ سَالَ بِاسْمِهِ وَايِلُ السَّيْلِ وَ رَزَقَ

بوسیله نامش روز روشن را و تاریک کرد بدان شب تار را و ریزان شد بنامش باران سیل آسا و روزی کرد

أَوْلِيَاءَهُ كُلَّ خَيْرٍ يَا مَنْ عَلَا السَّمَوَاتِ نُورُهُ وَ الْأَرْضِ ضَوْئُهُ وَ الشَّرْقِ

به دوستانش هر خیر را ای که برتر آمد از آسمانها نورش و از زمین پرتوش و از شرق

وَالْغَرْبِ رَحْمَتُهُ يَا وَاسِعَ الْجُودِ اسْتَلْكَ بِحَقِّ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِمَا

و غرب رحمتش ای پهناور بخشش از تو خواهیم به حق علی بن موسی الرضا علیهما

السَّلَامِ وَ أَقْدَمَهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ

السلام و او را پیش روی حاجتهای خود قرار دهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و آن

تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا * ساعت نهم منسوب است به حضرت امام محمد تقی علیه

من چنین و چنان کنی *****

السلام و آن از نماز عصر است تا دو ساعت بعد می گوئی:

يَا مَنْ دَعَاهُ الْمُضْطَّرُّونَ فَاجَابَهُمْ وَالتَّجَا

ای که خواندش درماندگان پس اجابت کند و ملتجی شوند

إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ فَامْتَنَهُمْ وَعَبْدَهُ الطَّائِعُونَ فَشَكَرَهُمْ وَشَكَرَهُ الْمُؤْمِنُونَ فَحَبَاهُمْ

به درگاهش خائفان و بدانها ایمنی بخشد و بپرستندش مطیعان پس قدردانی کند و سپاسگزاریش کنند مؤمنان

وَ أَطَاعُوهُ فَعَصَمَهُمْ وَ سَأَلُوهُ فَأَعْطَاهُمْ وَ نَسُوا نِعْمَتَهُ فَلَمْ يَخُلْ شُكْرَهُ مِنْ

پس عطایشان بخشد و فرمانش برند و او نگاهشان دارد و بخواهند از او و او بدیشان بدهد و نعمتش را فراموش کنند

ولی او

قُلُوبِهِمْ وَامْتَنَنَّ عَلَيْهِمْ فَلَمْ يَجْعَلِ اسْمَهُ مَسِيئًا عِنْدَهُمْ اسْتَلْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدِ بْنِ

دل آنها را از شکر خود خالی نگذارد و منت گذارد بر ایشان که نامش را از یاد آنها نبرد از تو خواهیم به حق محمد بن

عَلِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حُجَّتِكَ الْبَالِغَةِ وَ نِعْمَتِكَ السَّابِغَةِ وَ مَحَجَّتِكَ الْوَاضِحَةِ وَ

علی علیهما السلام حجت رسالت و نعمت ریزانت و راه روشن و واضحت و

أَقْدَمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي

او را پیش روی حاجت‌هایم می‌دارم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و با من

كَذَا وَ كَذَا * ساعت دهم منسوب است به امام علی نقی علیه السلام و آن از دو

چنین و چنان کنی * * * * *

ساعت بعد از نماز عصر است تا پیش از زرد شدن آفتاب:

يَا مَنْ عَلَا فَعَظُمَ يَا مَنْ تَسَلَّطَ فَتَجَبَّرَ وَ تَجَبَّرَ

* ای که والا آمد و بزرگ ای که مسلط آمد و جبار

فَتَسَلَّطَ يَا مَنْ عَزَّ فَاسْتَكْبَرَ فِي عِزِّهِ يَا مَنْ مَدَّ الظِّلَّ عَلَيَّ خَلْقِهِ يَا مَنْ اِمْتَنَ

ای که عزیز آمد و بزرگی گرفت در عزتش ای که کشید سایه را بر سر خلقش ای که منت نهاد بوسیله احسان

بِالْمَعْرُوفِ عَلَيَّ عِبَادِهِ يَا عَزِيْزاً ذَا اِنْتِقَامٍ يَا مُنْتَقِماً بِعِزِّهِ مِنْ اَهْلِ الشَّرْكِ

بر بندگانش ای عزیز با انتقام ای انتقامجو با عزتش از اهل شرک

اَسْأَلُكَ بِحَقِّ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ اَقْدَمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي

از تو خواهم به حق علی بن محمد علیهما السلام و او را پیش روی حاجت‌های خویش قرار دهم

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا * ساعت یازدهم

که درود فرستی بر محمد و آل محمد و با من چنین و چنان کنی * * * * *

منسوب است به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و آن پیش از زرد شدن

آفتاب است تا زرد شدن آن:

يَا اَوْلَاَّ بِلاَ اَوْلِيَّةٍ وَ اٰخِرًا بِلاَ اٰخِرِيَّةٍ يَا قَيُّوْمًا بِلاَ مُتَمَتِّهِ لِقَدَمِهِ يَا عَزِيْزاً بِلاَ

* ای آغاز بدون آغاز و ای آخری که انجام ندارد ای پاینده بی‌انتهای ازلی و ای عزیزی که

اِنْقِطَاعٍ لِعِزَّتِهِ يَا مُتَسَلِّطاً بِلاَ ضَعْفٍ مِنْ سُلْطَانِهِ يَا كَرِيْمًا بِدَوَامِ نِعْمَتِهِ يَا

عزتش قطع نگردد ای مسلطی که سلطنتش سستی و ضعف ندارد ای بزرگواری که نعمتش همیشگی است ای

جَبَّاراً وَ مُعِزّاً لِاَوْلِيَّائِهِ يَا خَبِيْرًا بِعِلْمِهِ يَا عَلِيْمًا بِقُدْرَتِهِ يَا قَدِيْرًا بِذَاتِهِ اَسْأَلُكَ

جبار عزیزکننده دوستانش ای آگاه بوسیله دانشش ای دانای به قدرتش ای توانای به ذاتش از تو خواهم

بِحَقِّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَأَقْدَمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ

به حق حسن بن علی علیهما السلام و او را پیش روی حاجت‌هایم قرار دهم که درود فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا * ساعت دوازدهم منسوب است

بر محمد و آل محمد و دربار من چنین و چنان کنی * * * * *

به امام عصر علیه السلام و آن از زرد شدن شمس است تا غروب آن:

يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِنَفْسِهِ عَنْ

ای که یگانه ای به خودی خود از

خَلْقِهِ يَا مَنْ غَنِيََ عَنْ خَلْقِهِ بِضَعْفِهِ يَا مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ خَلْقَهُ بِالطُّفْهِ يَا مَنْ سَلَكَ

خلق خویش ای که بی‌نیازی به کار خود از خلق خود ای که شناساند خود را به خلق خویش بوسیله لطفش ای که برده

بِأَهْلِ طَاعَتِهِ مَرْضَاتُهُ يَا مَنْ أَعَانَ أَهْلَ مَحَبَّتِهِ عَلَى شُكْرِهِمْ يَا مَنْ مَنَّ عَلَيْهِمْ

مطیعانش را به راه‌های خوشنودیش ای که کمک داده اهل محبتش را بر سپاسگزاریشان ای که بر ایشان

بِدِينِهِ وَ لَطْفَ لَهُمْ بِنَائِلِهِ اسْتَلْكَ بِحَقِّ الْخَلْفِ الصَّالِحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ

به سبب دین خود منت نهاده و بوسیله نعمت بر آنها لطف کردی از تو خواهم به حقی که آن یادگار شایسته علیه‌السلام

أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ بِهِ وَأَقْدَمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

بر تو دارد و زاری کنم بدرگاہت بوسیله او و او را پیش روی حاجت‌های خود قرار دهم که درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَوْلِي

محمد و با من چنین و چنان کنی خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد آن دستور دارانی که

الْأَمْرِ الَّذِينَ أَمَرَتْ بِطَاعَتِهِمْ وَأَوْلِي الْأَرْحَامِ الَّذِينَ أَمَرَتْ بِصَلَاتِهِمْ وَ ذَوِي

فرمان پیرویشان را صادر فرمودی و خویشاوندانی که دستور پیوند با ایشان را دادی و نزدیکانی که

الْقُرْبَى الَّذِينَ أَمَرَتْ بِمَوَدَّتِهِمْ وَالْمَوَالِي الَّذِينَ أَمَرَتْ بِعِرْفَانِ حَقِّهِمْ وَأَهْلِ

دستور دوستی آنها را دادی و سرورانی که دستور شناسایی حقشان را فرمودی و اهل

الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَتْهُمْ تَطْهِيراً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

بیتی که پلیدی را از ایشان دور ساختی و به خوبی پاکیزه‌شان کردی که درود فرستی بر محمد

و آلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا * علامه مجلسی (ره) در مقباس المصاییح

و آل محمد و بامن چنین و چنان کنی * * * * *

فرموده و به سندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حق سبحانه و تعالی در سه ساعت شب و سه ساعت روز خود را به مجد و بزرگواری یاد می‌کند و سه ساعت روز از وقت چاشت تا اول ظهر است و سه ساعت شب ثلث آخر شب است تا صبح پس هر بنده مؤمن که این تمجید را بخواند و دلش با خدا باشد البته حق تعالی حاجت او را برآورد و اگر شقی و بد عاقبت باشد امیدوارم که سعادت مند و نیکو عاقبت گردد مؤلف گوید: که اگر در این ساعت‌های روز و شب این دعا را بخواند مناسبتر خواهد بود این است دعا:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ أَنْتَ

تویی خدایی که معبودی جز تو پروردگار جهانیان نیست تویی خدایی که معبودی جز تو بخشاینده مهربان نیست تویی خدایی که معبودی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَلِكُ يَوْمِ الدِّينِ أَنْتَ اللَّهُ

جز تو والا و بزرگ نیست تویی خدایی که معبودی جز تو فرمانروای روز جزا نیست تویی خدایی که معبودی جز

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ أَنْتَ اللَّهُ لَا

تو آمرزنده مهربان نیست تویی خدایی که معبودی جز تو عزیز فرزانه نیست تویی خدایی که معبودی جز تو نیست

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ بَدَأَ الْخَلْقَ وَإِنَّكَ يَعُودُ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَ

که خلقت از تو آغاز گشته و بسوی تو بازگردد تویی خدایی که معبودی جز تو نیست که همیشه بوده و

لَا تَزَالُ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

خواهی بود تویی خدایی که جز تو معبودی نیست که آفریننده خیر و شر هستی تویی خدایی که معبودی جز تو نیست

خَالِقُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَحَدُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ

که آفریننده بهشت و دوزخی تویی خدایی که معبودی جز تو نیست یگانه بی‌نیازی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست

و

لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ

نیست برایش همتایی هیچکس تویی خدایی که معبودی جز تو نیست آن پادشاه منزّه بی‌خلل ایمنی‌بخش

الْمُهَيِّمِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ الْمُتَكَبِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ أَنْتَ اللَّهُ الْخَالِقُ

مراقب نیرومند مقتدر بزرگ مقام منزّه است خدا از آنچه با او شریک کنند تویی خدای آفریننده

الْبَارِي الْمُصَوِّرُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

و ایجاد کننده و صورتگر که نامهای نیکو از تو است و تسبیح گوید برایت آنچه در آسمانها و زمین است

و أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ وَالْكَبِيرِيَاءُ

و تویی نیرومند فرزانه تویی خدایی که معبودی جز تو نیست آن خدای بزرگ والا که عظمت و کبریا

رد آوگ * و ابن بابویه به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت

در برداری *****

کرده است که هر بنده‌ای که هر روز هفت مرتبه بگوید:

أَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ

از خدا بهشت خواهم و پناه برم به خدا از آتش دوزخ

جهنم گوید خدایا او را از من پناه ده و به سند معتبر دیگر از آن حضرت روایت

کرده است که اگر مؤمنی در یک روز چهل گناه کبیره بکند پس از روی

ندامت و پشیمانی این استغفار را بخواند خدا گناهان او را ببامزد:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بَدِيعُ

آمرزش خواهم از خدایی که معبودی جز او که زنده و پاینده است نیست پدیدآرنده

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ * و اِيضاً بِهِ

آسمانها و زمین و صاحب جلالت و بزرگواری و از او خواهم که توبه‌ام بپذیرد *****

سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است هر که هر روز هفت مرتبه بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ كَانَتْ أَوْ هِيَ كَائِنَةٌ اِذْ اَدَايَ شُكْرِ نِعْمَتِهَايَ غَاضِبَةً وَ آئِنْدَه

ستایش از آن خداسست به هر نعمتی که بوده یا پس از این خواهد بود * * * * *

کرده است و ایضاً به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است که هر که هر

روز بیست و پنج مرتبه بگوید:

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِيْنَ وَ الْمُسْلِمَاتِ حَقِّ تَعَالٰی

خدایا بیامرز مردان مؤمن و زنان باایمان را و مردان مسلمان و زنان مسلمان را * * * * *

به عدد هر مؤمن که گذشته و هر مؤمن که بیاید تا روز قیامت حسنه در نامه اعمال او بنویسد و به آن عدد گناه از او محو کند و درجه‌ای در بهشت برای او بلند کند، و ایضاً به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است که هر که هر

روز صد مرتبه بگوید:

لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ

جنیش و نیرویی نیست جز به خدا

حق تعالی هفتاد نوع بلا از او دور گرداند که کمتر آنها هم و غم باشد و به روایت دیگر هرگز پریشان نشود و کلینی و شیخ طبرسی و دیگران به سندهای

حَسَن و معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر روز هفتاد مرتبه می گفت: اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَ هَفْتَادِ مَرْتَبَه اَتُوْبُ اِلَى اللّٰهِ وَ دَر كَشْفِ الْعَمَّةِ وَ اِمَالِي شَيْخِ طُوسِي بِه سِنْدِ مَعْتَبَرِ رَوَايَتِ شَدَه است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود هر که هر روز صد مرتبه بگوید لا اِلهَ اِلَّا اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِيْنُ اِمَانِ يَابِدِ اَز فِقْرِ وَ وَحْشَتِ قَبْرِ وَ تَوَانْغِرِي بِه اَوْ رُوِي آوَرْدِ وَ دَر هَايَ بَهْشَتِ بَر رُوِي اَوْ كَشُوْدَه شُوْدِ وَ دَر اِمَالِي

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» است و در ثواب الأعمال و محاسن برقی سه مرتبه روایت کرده‌اند و قطب راوندی در دعوات خود روایت کرده است از حضرت امام رضا علیه السلام که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که خواهد که او را زیاده از مجاهدین در ملاء اعلیٰ ثنا گویند پس هر روز این دعا بخواند اگر حاجتی داشته باشد برآورده شود و اگر دشمنی داشته باشد بر او غالب گردد و اگر قرضی داشته باشد ادا شود و اگر غمی و همی داشته باشد زایل گردد و این دعا از هفت آسمان بالا رود تا در لوح محفوظ برای او نوشته شود این است دعاء:

سُبْحَانَ اللَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ

منزه است خدا چنانچه سزاوار خدا است و ستایش برای خدا چنانچه سزاوار خدا است و معبودی جز او نیست چنانچه او را شاید

وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

و خدا بزرگتر از توصیف است چنانچه او را سزد و نیرو و جنبشی نیست جز به خدا و درود خدا بر محمد

النَّبِيِّ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَالنَّبِيِّينَ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ * و به

آن پیامبر بزرگوار و بر خاندانش و بر تمام رسولان و پیامبران تا آنجا که خدا خوشنود گردد * * *

سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که شخصی از اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله نامه‌ای را یافت و به خدمت آن حضرت آورد پس حضرت فرمود ندا کردند که همه اصحاب حاضر شوند پس بر منبر برآمد و فرمود که این نامه‌ای است که یوشع بن نون وصی موسی علیه السلام نوشته است و مضمون نامه این بود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بدرستی که پروردگار شما

به شما دوست و مهربان است بدرستی که بهترین بندگان پرهیزکار گم‌نامست و بدترین خلق کسی است که انگشت نمای مردم باشد به ریاست باطل پس کسی که خواهد به او ثواب کامل داده شود و شکر نعمتهای خدا کرده باشد پس در

هر روز این دعا بخواند: سُبْحَانَ اللَّهِ كَمَا

***** منزه است خدا چنانچه

يُنْبَغِي لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُنْبَغِي لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَمَا يُنْبَغِي لِلَّهِ وَلَا حَوْلَ

سزاوار است و ستایش از آن خدا است چنانچه شایسته است و معبودی جز او نیست چنانچه شایدش و جنبش و

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى

نیروی نیست جز به خدا و درود خدا بر محمد و خاندانش آن پیامبر امی و بر

جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَالنَّبِيِّينَ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ * و در بلدالأمین از حضرت

همه رسولان و پیامبران تا آنجا که خدا خوشنود گردد *****

رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که هر روز ده مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ

بنام خدای بخشاینده مهربان جنبش

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد

و نیروی نیست جز بوسیله خدای والای بزرگ *****

شده و خدا دفع کند از او هفتاد نوع بلا را که از جمله آنها دیوانگی و خوره و

پیسی و فالج بوده باشد و حق تعالی هفتاد هزار ملک موکل گرداند که برای او

استغفار نمایند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که هر روز

صد مرتبه بگوید «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» تنگدستی و فقر او را درنیابد و هر

که هر روز صد مرتبه بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ حَقِّ تَعَالَى بَدَنش رَا بَرِ آتَش

منزه است خدا و ستایش از آن او است و معبودی جز او نیست و خدا بزرگتر است * * * * *

جهنم حرام گرداند و در بلد الامین از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که هر روز ده مرتبه این دعا بخواند حق تعالی چهار هزار گناه کبیره او را بیامزد و او را از سكرات مرگ و فشار قبر و صد هزار هول قیامت نجات دهد و از شرّ شیطان و لشکرهاى او محفوظ گردد و قرضش ادا شود و هم و همّش زایل گردد این است دعا:

أَعَدَدْتُ لِكُلِّ هَوْلٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لِكُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لِكُلِّ نِعْمَةٍ

مهیا کردم برای هر بیم و هراسی «لا اله الا الله» را و برای هر غم و اندوهی «ما شاء الله» را و برای هر نعمتی

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لِكُلِّ رِخَاءٍ الشُّكْرُ لِلَّهِ وَ لِكُلِّ أُعْجُوبَةٍ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ لِكُلِّ ذَنْبٍ

«الحمد لله» را و برای هر آسودگی «الشكر لله» و برای هر شگفتی «سبحان الله» و برای هر گناهی

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ لِكُلِّ مُصِيبَةٍ أَنَا لِلَّهِ وَ أَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ لِكُلِّ ضَيْقٍ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ

«استغفر الله» و برای هر پیش آمد ناگوار «انالله و انالیه راجعون» و برای هر فشار و سختی «حسبى الله» و

لِكُلِّ قَضَاءٍ وَ قَدَرٍ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ لِكُلِّ عَدُوٍّ اِعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ وَ لِكُلِّ طَاعَةٍ

برای هر قضا و قدری «توكلت على الله» و برای هر دشمنی «اعتصمت بالله» و برای هر اطاعت

وَ مَعْصِيَةٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ * و کلینی و ابن بابویه و برقی

و نافرمانی «لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم» را * * * * *

رحمة الله عليهم به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که هر روز ده مرتبه این دعاء بخواند حق تعالی چهار و پنج هزار حسنه برای او بنویسد و محو فرماید از او چهل و پنج هزار سیئه و چهل و پنج هزار درجه در بهشت برای او بلند کند و حرزی باشد برای او از شرّ شیطان و

ظالمان و متصرف نشود او را و احاطه به او نکند گناه کبیره و به روایت دیگر چنان باشد که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد و خدا در بهشت خانه‌ای برای او بنا کند و در روایت ابن بابویه ده بار نیست، این است دعا:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ

گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریک ندارد معبود یگانه یکتای بی‌نیازی که نگردد

صَاحِبَةً وَلَا وَكَلًا * و در ثواب‌الأعمال و محاسن و کافی از حضرت صادق علیه

همسری و نه فرزندی * * * * *

السلام روایت کرده‌اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که هر

روز پانزده مرتبه بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

* * * * * معبودی نیست جز خدا

حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ تَصَدِيقًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَ رِقًّا حَقِّ تَعَالَى

که حق است حق، معبودی نیست جز خدا از روی ایمان و تصدیق معبودی نیست جز خدا از روی بندگی و بردگی *

رُویِ رَحْمَتِ خُودِ رَا اَزِ اَوْ نَگَرْدَانَد تَا دَاخِلِ بَهْشْتِ گَرْدَانَد اَوْ رَا وَ دَرِ مَحَاسِنِ اَزِ

حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است

که هر که هر روز صد مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ بگوید بهتر باشد از صد شتر برای کعبه قربانی

کردن و هر که صد مرتبه اَلْحَمْدُ لِلَّهِ بگوید بهتر باشد از صد بنده آزاد کردن و هر

که صد مرتبه بگوید اللَّهُ أَكْبَرُ بهتر باشد از آنکه صد اسب با زین و لجام

در راه خدا بفرستد و هر که صد مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید کسی از او عملش نیکوتر

نباشد مگر کسی که بیشتر بگوید و قطب راوندی روایت کرده است که در

بنی اسرائیل عابدی بود که سالها عبادت حق تعالی کرده بود روزی دعا کرد که

پروردگارا می‌خواهم حال خود را نزد تو بدانم اگر عملهای مرا پسندیده باشی دیگر از این اعمال بسیار کنم و الاّ پیش از مرگ توبه کنم حق تعالی ملکی به نزد او فرستاد و گفت تو را نزد خدا هیچ عمل خیر نیست گفت پروردگارا عبادتهای من چه شد ملک گفت هر کار خیری که می‌کردی به مردم خیر می‌دادی و می‌خواستی مردم تو را نیک دانند و به نیکی یاد کنند اکنون ثواب تو همان است که خود برای عمل خود راضی شدی این سخن بر عابد بسیار گران آمد و محزون و نالان شد پس بار دیگر ملک آمد و گفت حق تعالی می‌فرماید که الحال خود را از من بخر و بعد از این هر روز به عدد هر رگی از رگهای بدن خود تصدّق بکن گفت چگونه توانم چنین کاری بکنم فرمود که هر روز

سیصد و شصت مرتبه به عدد رگهای بدن خود بگو: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا

خدا و خدا بزرگتر از توصیف است و جنبش و نیرویی نیست جز به خدا * * * * * منزه است خدا و ستایش از آن خدا و معبودی نیست جز

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ * گفت پروردگارا زیاده بفرما

خدا و خدا بزرگتر از توصیف است و جنبش و نیرویی نیست جز به خدا * * * * *

فرمود اگر زیاده بگوئی ثوابت بیشتر است و کلینی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله هر روز به عدد رگهای بدن سیصد و شصت مرتبه می‌گفت:

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيراً عَلَى كُلِّ حَالٍ * و به روایت دیگر از آن حضرت

ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است ستایش بسیار بر هر حال * * * * *

منقول است که هر که در دو ماه پیاپی هر روز چهارصد مرتبه این دعا بخواند

خدا علم بسیار یا مال بسیار او را کرامت فرماید این است دعا:

حَسْبِيَ اللَّهُ رَبِّيَ اللَّهُ لَا

بس است مرا خدا پروردگارم خدا است

إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ * و ایضاً روایت کرده است که

معبودی جز او نیست بر او توکل کنم و او است پروردگار عرش عظیم * * * * *

هر که در عرض یک سال هر روز یک مرتبه این دعا بخواند نمیرد تا جای خود را

در بهشت ببیند:

سُبْحَانَ الدَّائِمِ الْقَائِمِ سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ سُبْحَانَ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ سُبْحَانَ

منزه است خدای جاویدان پابرجا منزه است پابرجای جاویدان منزه است یگانه یکتا منزه است

الْفَرْدِ الصَّمَدِ سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي

بی‌همتای بی‌نیاز منزه است زنده پاینده منزه است خدا و به حمد او مشغولم منزه است زنده‌ای که

لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سُبْحَانَ

نمیرد منزه است فرمانروای پاکیزه منزه است پروردگار فرشتگان و روح منزه است

الْعَلِيِّ الْأَعْلَى سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى

والای برتر منزه است و برتر

باب دویم

در ذکر نمازهای مستحبیه که در مفاتیح الجنان ذکر نشده

نماز اعرابی سید بن طاوس در جمال الأسبوع از شیخ تلعبیری نقل کرده که او

به سند خود از زید بن ثابت روایت کرده که گفت مردی از بادیه‌نشینان به

خدمت حضرت رسالت پناه‌صلی الله علیه وآله ایستاد و گفت پدر و مادرم فدای

تو باد یا رسول‌الله‌صلی الله علیه وآله ما در بادیه می‌باشیم و دوریم از مدینه و

و منزه است خدا پروردگار عرش کریم * * * * *

مرا براستی فرستاده سوگند که هر مؤمن و مؤمنه که این نماز را بکند در روز جمعه من ضامنم بهشت را برای او و از جای خود برنخیزد تا گناهانش و گناهان پدر و مادرش آمرزیده شود و عطا فرماید حق تعالی به او ثواب هر که نماز کرده در این روز در شهرهای مسلمانان و بنویسد از برای او اجر کسی که روزه گرفته و نماز کرده در این روز در مشرق و مغرب عالم و حق تعالی به او عطا فرماید آنچه را که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده باشد مؤلف گوید: که شیخ طوسی در مصباح نیز این نماز را نقل کرده و لکن در روایت ایشان دعای مذکور نیست بلکه فرموده چون فارغ شدی از نماز بگو: سُبْحَانَ

اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَلَا حَوْلَ

* * * * * منزه است خدا پروردگار عرش بزرگوار و هیچ جنبش

و لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ هفتاد مرتبه.

و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ

نماز هدیه

روایت شده از معصومین علیهم السلام که آدمی که در روز جمعه هشت رکعت نماز بگذارد یعنی بعد از هر دو رکعت سلام بگوید چهار رکعت آن را هدیه حضرت رسول صلی الله علیه و آله بکند و چهار رکعت دیگر را هدیه حضرت فاطمه صلوات الله علیها و در روز شنبه چهار رکعت بکند و هدیه حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه گرداند و همچنین هر روز از هفته را

چهار رکعت بکند و هدیه امامی کند به ترتیب آنها تا آنکه در روز پنجشنبه چهار رکعت کند و هدیه امام جعفر صادق علیه السلام گرداند و باز در روز جمعه هشت رکعت کند چهار رکعت آن را هدیه حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و چهار رکعت دیگر هدیه حضرت فاطمه سلام الله علیها گرداند و در روز شنبه چهار رکعت هدیه حضرت امام موسی علیه السلام کند و همچنین هر روز چهار رکعت بگذارد و هدیه امامی نماید به ترتیب تا روز پنجشنبه چهار رکعت را هدیه امام عصر عجل الله فرجه گرداند و مابین هر دو رکعت یعنی بعد از هر دو رکعت از این نمازها این دعاء بخواند:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ اِلَيْكَ يَعُوذُ السَّلَامُ حَيَّنَا رَبَّنَا مِنْكَ

خدایا تویی سلام و از تو است سلام (و سلامتی) و بسوی تو بازگردد سلام تحیت فرست پروردگارا بر ما

بِالسَّلَامِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذِهِ الرُّكْعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنَّا اِلَى وَلِيِّكَ فُلَانٍ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

به سلام خدایا این چند رکعت هدیه‌ای است از ما بسوی ولی تو فلان پس درود فرست بر محمد

وَ اٰلِهِ وَ بَلَّغْهُ اِيَّاهَا وَ اَعْطِنِيْ اَفْضَلَ اَمَلِيْ وَ رَجَائِيْ فَيْكَ وَ فِي رَسُوْلِكَ

و آتش و اینها را به او برسان و عطا کن به من بهترین امید و آرزویم را درباره خود و درباره پیامبرت

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ فِيهِ * پس هر دعا که می‌خواهد بکند و به جای فلان

که درودهای تو بر او و آتش و درباره او * * * * *

اسم آن امام علیه السلام را بگوید که نماز را برای او بجا می‌آورد.

نماز لَيْلَةِ الدَّفْنِ

دو رکعت است در رکعت اول حمد و آیه الکرسی و در رکعت دویم حمد و ده

مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ و چون سلام دهد بگوید:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ اَبْعَثْ ثَوَابَهَا اِلٰی قَبْرِ فُلَانٍ * و به جای

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بفرست ثواب آن را به قبر فلان کسی * * * * *

فلان نام میت را ذکر کند نماز دیگر ایضاً سید بن طاوس از حضرت رسول صلی الله علیه

و آله روایت کرده است که فرمود نمی گذرد

بر میت ساعتی سخت تر از شب اول قبر پس رحم نمائید مُردگان خود را به صدقه و

اگر نیافتی چیزی که صدقه بدهی پس یکی از شماها دو رکعت نماز کند

بخواند در رکعت اول فاتحة الكتاب یک مرتبه و قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ دو مرتبه

و در رکعت دویم فاتحه یک مرتبه و اَلْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ ده مرتبه و سلام دهد و

بگوید:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی

خدایا درود فرست بر محمد

مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ اَبْعَثْ ثَوَابَهَا اِلٰی قَبْرِ ذٰلِكَ الْمَيِّتِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ پس حق تعالی

و آل محمد و بفرست ثواب این نماز را بسوی قبر این مرده فلانی پسر فلانی * * * * *

می فرستد همان ساعت هزار ملک بسوی قبر آن میت با هر ملکی جامه ای و

حُلّه ای و تنگی قبر او را وسعت دهد تا روز نفع صور و عطا کند به نماز گذار

به عدد آنچه آفتاب بر آن طلوع می کند حسنات و بالا برده شود برای او چهل

درجه مؤلف گوید که کفعمی نیز این نماز را به همین کیفیت نقل کرده پس از

آن فرموده که در بعض کتب دیدم که در رکعت اول بعد از حمد آیه الکرسی یک مرتبه و توحید دو مرتبه بخواند.

و علامه مجلسی قدس سره در زادالمعاد فرموده که باید مردگان را فراموش نکنند زیرا که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و از جانب فرزندان و خویشان و برادران مؤمن امیدوارند و احسان ایشان را چشم براهند خصوصاً دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد مشرفه پدر و مادر را زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر برای ایشان به عمل آورد و در خبر است که بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر عاق ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد به سبب اعمال خیری که از برای ایشان به عمل آورد و بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر نیکوکار باشد و بعد از فوت ایشان عاق گردد به سبب آنکه اعمال خیری که باید از برای ایشان به عمل آورد کم به عمل آورد و عمده خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان آن است که قروض ایشان را ادا کند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری گرداند و حجّ و سایر عبادات که از ایشان فوت شده باشد سعی کند به استیجار یا به تبرّع بجا آورد.

و در حدیث صحیح منقول است که حضرت صادق علیه السلام در هر شب از برای فرزند خود و در هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز می کردند و در رکعت اول *إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ* و در رکعت دوم *إِنَّا أَنْعَمْنَا* می خواندند و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بسا باشد که میّت در تنگی

و شدتی بوده باشد و حق تعالی به او وسعت دهد و تنگی از او بردارد پس به او گویند این فَرَج که تو را روی داد به سبب نمازی است که فلان برادر مؤمن برای تو کرد راوی پرسید: دو میّت را در دو رکعت نماز شریک می توانم کرد فرمود بلی فرمود که میّت شاد می شود و فَرَج می یابد به دعا و استغفاری که از برای او کنند چنانچه زنده شاد می شود به هدیه که برای او برند و فرمود که بر میّت داخل می شود در قبرش نماز و روزه و حجّ و تصدق و سایر اعمال خیر و دعا و ثواب آن اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته می شود و در حدیث دیگر فرمود که هر که از مسلمانان برای میّتی عمل صالحی بکند خدا ثواب آن را مضاعف می گرداند و میّت به آن عمل منتفع می گردد و در روایتی وارد شده است که هرگاه شخصی به نیت میّتی تصدّقی بکند حق تعالی جبرئیل را امر می نماید که با هفتاد هزار ملک به نزد قبر او می روند و هر یکی طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر یک به او می گویند اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَی دوست خدا این هدیه فلان مؤمن است برای تو پس قبر او روشن می شود و حق تعالی هزار شهر در بهشت به او کرامت می فرماید و هزار حوری به او تزویج می فرماید و هزار حُلّه به او می پوشاند و هزار حاجت او را روا می کند.

نماز فرزند برای پدر و مادر

دو رکعتست در رکعت اول فاتحه و ده مرتبه: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ

***** پروردگارا بیامرز مرا و پدر و مادرم و دیگر مؤمنان را

يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ و در رکعت دوم فاتحه و ده مرتبه رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ

در روزی که حساب برپا شود ***** پروردگارا بیامرز مرا و پدر و مادرم و

لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ * و چون سلام دهد ده مرتبه

هرکه در حال ایمان به خانه من درآید و هر مرد مؤمن و زن با ایمانی را *****

بگوید: رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا

پروردگارا ترحم کن بر ایشان چنانچه پروریدند مرا در کودکی

نماز گرسنه

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که گرسنه باشد وضو بگیرد و

دو رکعت نماز گذارد و بگوید:

يَا رَبِّ اِنِّي جَائِعٌ فَاطْعِمْنِي * و در روایت دیگر بگوید: رَبِّ اطْعِمْنِي فَاِنِّي جَائِعٌ

پروردگارا من گرسنه‌ام غذایم ده ***** پروردگارا غذایم ده که من گرسنه‌ام

پس بدرستی که حق سبحانه و تعالی او را در ساعت طعام دهد.

نماز حدیث نفس

از حضرت صادق علیه السلام روایت است که نیست هیچ مؤمنی که بگذرد بر او چهل

صبح مگر آنکه عارض شود او را حدیث نفس پس هر گاه او را حدیث نفس

عارض شود دو رکعت نماز گذارد و پناه برد به خدا از آن و از آن حضرت

منقول است که فرمود شکایت کرد حضرت آدم علیه

السلام بسوی خداوند عزوجل از حدیث نفس پس جبرئیل نازل شد و گفت بگو:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

جنش و نیرویی نیست جز به خدا

حضرت آدم علیه السلام این ذکر را گفت حدیث نفس از او برطرف شد پس حضرت فرمود این است اصل لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ و از حضرت باقر علیه السلام روایت است که مردی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و شکایت کرد به آن حضرت از وسوسه و حدیث نفس و دینی که او را سنگین کرده بود و از درویشی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به او فرمود بگو: تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ

توکل کردم بر خدای زنده‌ای که نمیرد و ستایش خدایی را است که نگیرد فرزندی و نیست

لَهُ شَرِيكَ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِلِيُّ مِنَ الدُّلِّ وَ كَبْرَهُ تَكْبِيرًا و این را مکرر

برایش شریکی در فرمانروایی و نیست برایش یاری از خواری و به کمال بزرگی او را بزرگ شمار * * * * *

*

بگو پس چندی نگذشت که آن مرد آمد خدمت آن حضرت و گفت یا رسول الله خداوند وسوسه مرا برد و قرض مرا ادا کرد و مرا از درویشی توانگر کرد و نیز

روایت شده که از برای دفع وسوسه شیطان بگو هنگامی که در سینه‌ات

شکی پیدا شد: هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ

او است آغاز و انجام و آشکار

وَالْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ * و نیز از برای دفع وسوسه شیطان از حضرت

و نهان و او به هر چیز دانا است * * * * *

صادق علیه السلام مرویست که دست بر سینه خود بکشد و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

***** بنام خدا و به ذات خدا محمد رسول

و لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اَللّهُمَّ اَمْسَحْ عَنِّي مَا اَحْذَرُ پَس

خدا است و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ خدایا پاک کن از من آنچه را از آن می ترسم *

دست بر شکم خود می کشی و سه مرتبه می گویی که انشاءالله برطرف خواهد شد و نیز از برای دفع و سوسه نافع است شستن سر به سدر و مسواک کردن و انار خوردن و آب نیسان آشامیدن و روزه سه روز از هر ماه پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه وسطو نیز بگوید:

اَعُوذُ بِاللَّهِ الْقَوِيِّ مِنَ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ وَ اَعُوذُ بِمُحَمَّدٍ الرَّضِيِّ مِنْ شَرِّ مَا قُدِّرَ وَ

پناه می برم به خدای نیرومند از شیطان گمراه و پناه می برم به محمد پسندیده از شر آنچه مقدر گشته و

قُضِيَ وَ اَعُوذُ بِاللَّهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْجَنَّةِ وَ النَّاسِ اَجْمَعِينَ

قضا بر آن رفته و پناه می برم به معبود مردم از شر جن و مردم همگی

نماز استخاره ذات الرقاع

و کیفیت آن چنانست که هرگاه اراده کردی امری را می گیری شش رقعہ را و

می نویسی در سه رقعہ از آن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلانِ بْنِ

***** بنام خدای بخشنانده مهربان خیر می خواهم از خدای نیرومند فرزانه برای فلان فرزند

فُلَانَةٌ اِفْعَلُ و در سه رقعۀ دیگر می نویسی لَا تَفْعَلْ بجای اِفْعَلْ پس می گذاری آنها را در زیر مصلای خود و دو رکعت نماز می گذاری و چون فارغ شدی سجده می کنی و می گوئی در سجود صد مرتبه:

اَسْتَخِيْرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ پَسِ مِي نَشِيْنِي و مِي گوئِي: اَللّٰهُمَّ

خير جويم از خدا به رحمتش خير جوبي در عافيت * * * * * خدايا

خِرْلِي وَاخْتِرْلِي فِي جَمِيْعِ اُمُوْرِي فِي يُسْرِ مِنْكَ وَاَعِيفِيَةً پَسِ مِي زَنِي

خير براي من بخواه و خير براي من برگزين در همه كارهايم در آساني از جانب خود و عافيت * * * * *

به رقعۀها و آنها را به هم مخلوط می کنی و یکی یکی بیرون می آوری پس

هرگاه سه اِفْعَلْ پشت سر هم بیرون آمد آن امر را بجا می آوری که اراده

کرده ای و اگر سه لَا تَفْعَلْ بیرون آمد به جا نیاور آن امر را که نیت کرده ای و

اگر یکی اِفْعَلْ بیرون آمد و دیگری لَا تَفْعَلْ پنج رقعۀ بیرون آور و به آن نگاه

کن هرگاه سه اِفْعَلْ است و دو لَا تَفْعَلْ بجا آور آن امر را و اگر به عکس است

بجا نیاور مؤلف گوید که معنی استخاره طلب خير کردن است پس هر کاری که

می خواهی بکنی طلب کن خير خود را از حق تعالی و روايت شده که در سجده

آخر نماز شب طلب خير کن و صدويک مرتبه بگو: اَسْتَخِيْرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ و در

* * * * * خير جويم از خدا به رحمتش

سجده آخر نافله صبح و در هر رکعت از

نافله های زوال نیز استخاره مندوبست و بدانکه علامه مجلسی قدس

سره از والدماجدش نقل کرده که روايت کرده از استادش شيخ بهائي (ره) که گفت

شنيدم از مشايخ که مذاکره می کردند از حضرت قائم عَجَلُ اللّٰه فرجه در

استخاره با تسبیح آنکه تسبیح را بدست گیرد و سه مرتبه صلوات بفرستد بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین و یک قبضه از تسبیح را بگیرد و دو تا دو تا بشمرد پس اگر یکی باقی ماند بجا آورد و اگر دو تا باقی ماند بجا نیاورد .

و شیخ فقیه اجل صاحب جواهر فرموده در جواهر استخاره‌ای است معمول نزد بعضی اهل زمان ما و بسا هست که نسبت داده می‌شود به مولای ما حضرت قائم عجل الله فرجه و او آن است که بعد از قرائت و دعا یک قبضه از تسبیح را بگیرد و هشت هشت طرح کند پس اگر یکی باقیماند فی الجمله نیکست و اگر دو تا باقی ماند یک نهی از آن است و اگر سه تا ماند اختیار دارد چون فعل و ترک آن مساویست و اگر چهارتا ماند دو نهی است از آن و اگر پنج تا ماند بعضی گفته‌اند که تعب و رنج دارد و بعضی گفته‌اند که در آن ملامت است و اگر شش تا ماند نهایت خوبست و باید تعجیل در آن کرد و اگر هفت تا ماند حکمش مثل پنج است و اگر هشت تا ماند چهار نهی از آن است .

و بدانکه ما در باب ششم بعضی از استخارات را ذکر خواهیم کرد و بدان نیز که مرحوم محدث کاشانی در تقویم المحسنین برای استخاره به قرآن مجید در ایام هفته ساعاتی نقل کرده و گفته اختیار این مطلب بنا بر مشهور است و اگر چه یافت نشده بر آن حدیثی از اهل بیت علیهم السلام پس گفته روز یکشنبه نیک است تا ظهر پس از عصر تا مغرب روز دوشنبه نیکست تا طلوع شمس پس از نهار تا ظهر و از عصر تا عشاء آخر روز سه شنبه نیکست از اول وقت نهار تا ظهر

پس از عصر تا عشاء آخر روز چهارشنبه نیکست تا ظهر پس از عصر تا عشاء
آخر روز پنجشنبه نیکست تا طلوع آفتاب پس از ظهر تا عشاء آخر روز جمعه
نیکست تا طلوع آفتاب پس از زوال تا عصر روز شنبه نیکست تا وقت نهار
پس از زوال تا عصر و این جدول مأخوذ است از مدخل منظوم محقق طوسی
طاب ثراه.

ذکر نماز برای قضای دین و کفایت ظلم سلطان

شیخ طوسی روایت کرده است که مردی خدمت حضرت صادق علیه السلام
رسید و گفت شکایت می‌کنم بسوی تو ای آقای من از قرضی که مرا فرا گرفته
و از سلطانی که ستم به من می‌کند می‌خواهم تعلیم فرمائی مرا دعائی که
تحصیل کنم به آن غنیمتی که ادا نمایم به آن قرض خود را و باز دارم به آن
ستم سلطان را فرمود هرگاه تاریکی شب تو را فرا گرفت پس دو رکعت نماز
گذار بخوان در رکعت اول آن حمد و آیه الکرسی و در رکعت دویم حمد و آخر
سوره حشر لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ تا آخر سوره پس بگیر قرآن مجید را
و بگذار بر سر خود و بگو:

بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَ بِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَ بِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ وَ

*** به حق این قرآن و به حق آنکس که او را بدین قرآن فرستادی و هر مؤمنی که در آن مدحش کردی و

بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدٌ أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ * بگو: [بِكَ] يَا اللَّهُ * ده مرتبه یا

به حق تو بر ایشان زیرا هیچکس به حق تو از خودت آشناتر نیست * * به حق خودت ای خدا * * ای

مُحَمَّدٌ * ده مرتبه یا عَلِيُّ * ده مرتبه یا فَاطِمَةُ * ده مرتبه یا حَسَنٌ * ده مرتبه

محمد * ای علی * ای فاطمه * ای حسن * * * * *

یا حُسَيْنٌ * ده مرتبه یا عَلِيُّ بْنِ الْحُسَيْنِ * ده مرتبه یا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ * ده

ای حسین * ای علی فرزند حسین * ای محمد فرزند علی * * * * *

مرتبه یا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ * ده مرتبه یا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ * ده مرتبه یا عَلِيُّ بْنُ

* ای جعفر فرزند محمد * ای موسی بن جعفر * ای علی فرزند

مُوسَى * ده مرتبه یا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ * ده مرتبه یا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ * ده مرتبه

موسی * ای محمد بن علی * ای علی فرزند محمد * * * * *

یا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ * ده مرتبه بِالْحُجَّةِ * ده مرتبه پس حاجت خود را بطلب راوی

ای حسن بن علی * به حق حضرت حجت * * * * *

گفت آن مرد رفت و بعد از مدتی آمد درحالی که قرضش ادا شده بود و امر
سلطانش اصلاح شده بود و مالش زیاد گشته بود مؤلف گوید که ظاهر آن است
که این عمل بعد از نماز بجا آورده می شود نماز حاجت از دعوات راوندی نقل
است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام گذشتند به مردی که بر در خانه
مردی نشسته بود فرمود با وی که برای چه بر در منزل این ستمکار جَبَّار
نشسته ای گفت به جهت محنت و سختی که مرا عارض شده فرمود برخیز تا من
تو را راهنمایی کنم به دری که بهتر از در او است و بسوی رَیّی که بهتر است
برای تو از او پس گرفت دست او را و آورد او را تا به مسجد پیغمبر صلی الله
علیه وآله و فرمود که رو به قبله کن و دو رکعت نماز کن بدرگاه خدا پس
ثناگو خدا را و صلوات بفرست بر رسول خدا صلی الله علیه وآله و بخوان آخر
سوره حَشْرُ و شش آیه اوّل سوره حدید و دو آیه که در آل عمران است پس

سؤال کن حاجت خود را از خدا که خدا عطا می‌فرماید تو را جناب راوندی فرموده شاید دو آیه آیه قُلِ اللَّهُمَّ مَا لِكَ الْمُلْكِ بِأَيْدِيهِمْ يَوْمَئِذٍ تا بَعْدَ حِسَابِ عَمَلِكُمْ فرموده شاید سه آیه قُلِ اللَّهُمَّ مَا لِكَ الْمُلْكِ بِأَيْدِيهِمْ يَوْمَئِذٍ و بدانکه روایت شده از امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود هرگاه یکی از شما اراده حاجتی کند پس صبح پنجشنبه در طَلَبِ آن بیرون رود و بخواند در وقتی که از منزل بیرون می‌رود آخر سوره آل عمران و آیه الكرسي و اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ و سوره حمد زیرا که در اینها است حوائج دنیا و آخرت.

نماز در مُهِمَّات

چهار رکعت می‌گذاری و قنوت و ارکان آن را نیکو بجا می‌آوری و می‌خوانی در رکعت اول حمد یکمرتبه و حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ هفت مرتبه و در رکعت دوم حمد یک مرتبه و آیه ماشاءالله لا قوة الا بالله ان ترن انا اقل منك مالا و و كذا هفت مرتبه و در رکعت سیم حمد یک مرتبه و قوله تعالى لا اله الا انت سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ هفت مرتبه و در چهارم حمد یک مرتبه و اَفْوَضُ امْرِي اِلَى اللَّهِ اِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ هفت مرتبه پس حاجت بخواه.

نماز رفع عُسْرَت و سختی

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون دشوار شود بر تو کاری دو رکعت نماز بگذار وقت زوال بخوان در رکعت اول فاتحه و قُلْ هُوَ اللَّهُ و اِنَّا

فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا تَا وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَ در رکعت دوم فاتحه و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَاللَّهُ نَشْرَحُ وَ این نماز به تجربه رسیده است.

نماز برای زیاد شدن روزی

روایتست که مردی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله من صاحب عیالم و قرض دارم و حالم سخت است تعلیم فرما مرا دعائی که بخوانم خداوند عزوجل را به آن تا روزی کند مرا آن قدری که قرض خود را ادا کنم و استعانت بجویم با آن برعیال خویش فرمود ای بنده خدا وضو بگیر وضوی کاملی پس دو رکعت نماز کن و رکوع و سجود آن را تمام بجا آور پس بگو:

يَا مَاجِدُ يَا وَاحِدُ يَا كَرِيمُ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ

*** ** ای با مجد و شوکت ای یگانه ای بزرگوار توجه کنم بسویت بوسیله پیامبرت محمد پیامبر رحمت

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ اِنِّي اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ

درود خدا بر او و آتش ای محمد ای رسول خدا براستی من متوجه گشته‌ام بوسیله تو بسوی خدا پروردگار خود و

رَبِّكَ وَ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَ اَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ وَ

پروردگار تو و پروردگار هر چیزی و از تو خواهم خدایا که درود فرستی بر محمد و خاندانش و

اَسْأَلُكَ نَفْحَةَ كَرِيمَةٍ مِنْ نَفْحَاتِكَ وَ فَتْحًا يَسِيرًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا اَللَّهُمَّ بِهِ شَعْنِي وَ

از تو خواهم نسیمی کریمانه از نسیمهای رحمتت و گشایشی آسان و روزی وسیعی که پریشانیم را بدان برطرف کنم و

اَقْضِي بِهِ دَيْنِي وَ اَسْتَعِينُ بِهِ عَلَيَّ عِيَالِي

قرضم را بدان اداء کنم و کمک جویم بدان بر عائله‌ام

نماز دیگر برای زیاد شدن روزی

چون خواستی به دگان خویش بروی ابتدا کن به مسجد و دو رکعت نماز یا

چهار رکعت بجا آور

و بگو: غَدَوْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ وَ غَدَوْتُ بِلَا حَوْلَ مِنِّي وَلَا قُوَّةَ وَلَكِنْ

*** بامداد کردم به نیروی خدا و قدرت او و بامداد کردم نه به نیروی خودم و نه به قدرتم بلکه

بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ أَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي

به نیرو و قدرت تو ای پروردگار من خدایا همانا من بنده توام که خواهان فضل توام چنانچه به من دستور دادی

فَيَسِّرْ لِي ذَلِكَ وَ أَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ * نماز دیگر دو رکعت است در رکعت

پس آنرا برای من آسان گردان در آن حال که من در عافیت تو آسودم * * * * *

اول حمد یک مرتبه و اِنَّا اعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ سه مرتبه و در رکعت دوم حمد یک مرتبه و

هر یک از دو قُلْ اَعُوْذُ سه مرتبه.

نماز حاجت

منقول از مکارم هرگاه نصف شب شود غسل کن و دو رکعت نماز بجا آور
بخوان در هر دو رکعت حمد و پانصد مرتبه سوره توحید و لکن در رکعت دوم

چون از خواندن توحید فارغ شدی بخوان آخر سوره حشر که لَوْ اَنْزَلْنَا هَذَا
الْقُرْآنَ عَلٰى جَبَلٍ باشد تا آخر سوره و شش آیه اول سوره حدید و بگو بعد از
آن به همان حال که ایستاده‌ای هزار مرتبه اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ پس نماز
را تمام کن و ثنا کن حق تعالی را پس اگر حاجت برآورده شد فَبِهَا وَاِلَّا دَفَعَهُ
دیگر بجا آور و اگر در دفعه دوم برآورده نشد دفعه سیم به عمل آور که

انشاءالله تعالی برآورده شود. نماز دیگر ثقةالاسلام کلینی در کافی به سند معتبر روایت کرده از عبدالرحیم قصیر که گفت وارد شدم بر حضرت صادق علیه السلام و عرض کردم فدای تو شوم از پیش خود دعائی اختراع کرده ام فرمود واگذار مرا از اختراع خود هرگاه تو را حاجتی روی دهد پس پناه بر به رسول خدا صلی الله علیه و آله و دو رکعت نماز کن و هدیه کن آن را بسوی حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کردم به چه نحو کنم این نماز را فرمود غسل می کنی و دو رکعت نماز می گذاری مثل نماز فریضه در افتتاح و اختتام و چون

سلام گفתי می گوئی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ إِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ

خدایا تویی سلام و از تو است سلام و بسوی تو بازگردد سلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْلُغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنِّي السَّلَامَ وَ أَرْوَاهُ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بفرست از جانب من به روح محمد و ارواح

الْأئِمَّةِ الصَّادِقِينَ سَلَامِي وَ ارْزُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ وَ السَّلَامَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةً

امامان راستگو سلامم را و بازگردان بر من از ایشان سلامی و درود بر ایشان و رحمت

اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

خدا و برکاتش خدایا این دو رکعت نماز هدیه ای است از من به پیشگاه رسول خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَاتَّبِنِي عَلَيْهِمَا مَا أَمَلْتُ وَ رَجَوْتُ فَيْكَ وَ فِي رَسُولِكَ يَا وَلِيَّ

علیه و آله پس پاداشم بده بر آن دو بدانچه امید و آرزو دارم درباره پیامبرت ای سرپرست

الْمُؤْمِنِينَ * پس به سجده می روی و چهل مرتبه می گوئی: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَيًّا

مؤمنان * * * * * ای زنده و پاینده ای زنده ای

لَا يَمُوتُ يَا حَيًّا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس

که نمیرد ای زنده‌ای که معبودی جز تو نیست ای دارای جلالت و بزرگواری ای مهربانترین مهربانان * *

جانب راست روی را بر زمین می‌گذاری و این دعا را چهل مرتبه می‌گویی
پس جانب چپ روی را بر زمین می‌گذاری و باز چهل مرتبه می‌گویی پس سر
از سجده بر می‌داری و دست راست را بلند می‌کنی و چهل مرتبه می‌خوانی
پس دستها را بگردن خود می‌گذاری و التَّجَا می‌بری به انگشت شهادت خود و
چهل مرتبه می‌خوانی پس می‌گیری ریش خود را بدست چپ و گریه یا تَبَاکِی
می‌کنی یعنی اگر گریه‌ات نیاید خود را به گریه می‌داری و می‌گویی: یا مُحَمَّدُ

یا رَسُولَ اللَّهِ أَشْكُو إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ حَاجَتِي وَإِلَى

* * * * * ای محمد ای رسول خدا بی‌اورم بسوی خدا و بسوی تو و همچنین بسوی

أَهْلِ بَيْتِكَ الرَّاشِدِينَ حَاجَتِي وَبِكُمْ أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ فِي حَاجَتِي * * * * * پس به

خاندان راه‌یافته‌ات حاجتم را و بوسیله شما رو کنم بسوی خدا در مورد حاجتم * * * *

سجده می‌روی و می‌گویی یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ أَنْقِذْ نَفْسَ مَنْقُطِعْ شَوْدِ پَس

می‌گویی:

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَفْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا وَبِهِ جَائِ وَأَفْعَلْ بِي كَذَا

درود فرست بر محمد و آل محمد و انجام ده درباره من چنین و چنان * * * * * * * * * * * * * * * *

حاجت خود را می‌خواهی پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که من ضامنم
برخداي عزوجل که از جای خود حرکت نمی‌کنی مگر آنکه حاجت تو برآورده
شود مؤلف گوید: که در باب چهارم ادعیه بسیاری برای حوائج دنیا و آخرت
ذکر نمائیم و شیخ کفعمی در بلدالأمین برای حاجت مهمه ذکر کرده که بنویسد
این کلمات را در کاغذی و ببندازد در آب:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ رَبِّ إِنِّي

بنام خدای بخشاینده مهربان از بنده خوار و ذلیل بسوی مولی و سرور بزرگوار پروردگارا براستی

مَسْنِي الضُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

من به گرفتاری دچار گشتم و تو مهربانترین مهربانانی به حق محمد و آلش درود فرست بر محمد و آلش

وَإَكْشِفْ هَمِّي وَفَرِّجْ عَنِّي عَمِّي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * وَايْضاً نَمَازَ

و بزداى اندوهم را و بگشای از من غم و غصام را به رحمت ای مهربانترین مهربانان * * * * *

حاجت سید بن طاوس در مزار در باب اعمال مسجد کوفه در ذیل اعمال محراب

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده ذکر نماز حاجتی که در خصوص این

مکان باید به عمل آورد و آن چهار رکعت است یعنی به دو سلام می خوانی در

رکعت اول حمد و ده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و در رکعت دوم حمد و بیست و

یک مرتبه توحید و در رکعت سیم حمد و سی و یک مرتبه توحید و در رکعت

چهارم حمد و چهل و یک مرتبه توحید و چون سلام نماز دادی و تسبیح

خواندی بخوان پنجاه و یک مرتبه توحید و پنجاه مرتبه استغفار کن و پنجاه

مرتبه صلوات بر پیغمبر و

آل آن حضرت بفرست و پنجاه مرتبه بگو: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

* * * * * جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ

پس بگو: يَا اللَّهُ الْمَانِعُ [ای یمنع قدرته عن ایصال الضرر الی خلقه و الحاصل

* * * * * ای خدائی که مانع است * * * * *

أَنَّهُ تَعَالَى لَا يَفْعَلُ فِيهِ مَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنَ التَّعْذِيبِ وَالْإِنْتِقَامِ «منه» [قُدْرَتُهُ خَلَقَهُ

وَالْمَالِكُ

* * * * * از اینکه آسیب قدرتش را به خلق برساند و نگهدارد

قُرَيْشٌ وَ طَوَاعِيتِهَا وَ اَمَكَّنَهُ مِنْهُمْ يَا مُعِيثُ يَا مُعِيثُ يَا مُعِيثُ * می گوئی: این

قریش یاریش دادی و بر آنها مسلطش ساختی ای فریادرس... ای فریادرس... * * * * *

را مکرر پس سؤال می کنی از خداوند تعالی حاجات خود را که حق تعالی عطا می فرماید آن را ایضاً نماز حاجت سید بن طاوس قدس سره روایت کرده فرموده که در شب جمعه و شب عید اضحی دو رکعت نماز بکن و در هر رکعت سوره فاتحه بخوان و آیه اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ را صد مرتبه بگو پس حمد را تمام کن و بعد از حمد بخوان دویست مرتبه سوره توحید را و چون سلام گفتی هفتاد مرتبه بگو:

لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ

پس به سجده برو و دویست مرتبه بگو یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ پس هر حاجت که داری بطلب که انشاءالله بر آورده است

ایضاً نماز حاجت که جماعت بسیاری از علماء مانند شیخ مفید و طوسی و سید بن طاوس و دیگران آن را نقل کرده اند از حضرت صادق علیه

السلام و کیفیت آن موافق روایت سید چنان است که هرگاه تو را حاجت مهمی روی دهد بسوی خداوند عزوجل پس سه روز متوالی که چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه باشد روزه بگیر و چون روز جمعه شد غسل کن و جامه نو و نظیف بپوش پس بالا رو به بامی که بلندترین بامهای خانهات باشد و دو رکعت نماز بجا آور پس دستها را بسوی آسمان بلند کن و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي حَلَلْتُ بِسَاحَتِكَ لِمَعْرِفَتِي بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَ

* خدایا من به آستان تو فرود آمدم چون به یگانگی و

صَمَدًا نَيْتِكَ وَ أَنَّهُ لَا قَادِرًا عَلَى قَضَاءِ حَاجَتِي غَيْرُكَ وَقَدْ عَلِمْتُ يَا رَبُّ أَنَّهُ

بی‌نیاز است آشنا بودم و می‌دانستم که کسی جز تو قدرت بر آوردن حاجتم را ندارد و به خوبی دانستم که پروردگارا که

كُلَّمَا تَظَاهَرَتْ نِعْمَتُكَ عَلَيَّ اشْتَدَّتْ فَاقَتِي إِلَيْكَ وَقَدْ طَرَقَنِي هُمٌّ كَذَا وَ كَذَا بِهِ

بهر اندازه نعمت بیشتر بر من باریده احتیاج و نیازم به تو سختتر شده و اکنون اندوه فلان کار و فلان جریان به من وارد

شده *

جای کذا و کذا حاجت خود را ذکر کند و أَنْتَ بِكَشْفِهِ عَالِمٌ غَيْرٌ مُعَلِّمٌ وَاسِعٌ غَيْرٌ

***** و تو برای برطرف کردن آن دانای بدون معلم هستی و بدون مشقت رفع

آن

مُتَكَلِّفٍ فَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى الْجِبَالِ فَسُنِفَتْ وَ وَضَعْتَهُ عَلَى

توانی پس از تو خواهم به حق آن نامت که نهادی بر کوهها و آنها از هم پراکنده شد و نهادی آنرا بر

السَّمَاوَاتِ فَانْشَقَّتْ وَ عَلَى النُّجُومِ فَانْتَثَرَتْ وَ عَلَى الْأَرْضِ فَسُطِحَتْ وَ

آسمانها و آنها از هم شکافت و بر ستارگان و آنها فرو ریخت و بر زمین نهادی پس گسترده شد و

أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عِنْدَ عَلِيٍّ وَ

از تو خواهم بدان حقی که قرار دادی آنرا در پیش محمد صلی الله علیه و آله و در نزد علی و

الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ

حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی

وَ الْحَسَنِ وَ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ

و حسن و حضرت حجت علیهم السلام که درود فرستی بر محمد و خاندانش و اینکه

تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَ تُبَسِّرَ لِي عَسِيرَهَا وَ تَكْفِينِي مُهِمَّهَا فَإِنَّ فَعَلْتَ فَلَكَ

حاجتم برآوری و دشواریش را آسان کنی و مهمش را کفایت کنی پس اگر انجام دادی که

الْحَمْدُ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَكَ الْحَمْدُ غَيْرُ جَائِرٍ فِي حُكْمِكَ وَ لَا مُتَّهَمٌ فِي قَضَائِكَ

ستایشت کنم و اگر هم انجام ندهی باز هم ستایشت کنم که ستمی در حکم تو نیست و نه در داوریت

وَلَا حَآئِفٍ فِي عَدْلِكَ * پس رخسار خود را می چسبانی به زمین و می گویی:

متهم هستی و نه از عدالت روگردانده‌ای * * * * *

اَللّٰهُمَّ اِنْ يُّوْسِنُ بِنِ مَتِيْ بِنْدَهَاتِ تُو رَا دَر شَكْمِ مَاهِيْ خَوَانَد وِ بِه خَاطِرِ اِيْنِكِه بِنْدَهَاتِ يُوَد دَعَايِش رَا مَسْتَجَابِ كَرْدِي و

خدايا همانا يونس بن متي بندهات تو را در شکم ماهی خواند و به خاطر اینکه بندهات بود دعایش را مستجاب کردی و

اَنَا عَبْدُكَ اَدْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لِيْ حَضْرَتِ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامِ فَرْمُوْد بَسَا حَاجْتِيْ اَز

من نیز بنده توام تو را می خوانم پس دعایم مستجاب کن * * * * *

برای من پیدا می شود و من می خوانم این دعا را پس مراجعت می کنم و حاجتم

برآورده شده است. مؤلف گوید که سید بن طاوس در جمال الأسبوع کلامی

فرموده که حاصلش این است که هرگاه از خدای تعالی حاجتی خواستی لااقل

چنان باشد حال تو مثل آنکه هرگاه حاجت مهمه بطلبی از یکی از پادشاهان دنیا

چه هرگاه حاجتی به ایشان داشته باشی طلب رضا و خوشنودی ایشان می نمائی

به هر چه ممکنت شود پس همچنین در وقت حاجت خواستن از خدا کوشش کن

در تحصیل رضای او و مبادا که اقبالت بخدا کمتر باشد از اقبالت بر ملوک دنیا

که اگر چنین باشد حال تو پس تو از مستهزئین هالکین خواهی بود و چگونه

جایز خواهد بود که اهتمام تو به رضای خدا کمتر باشد از اهتمام بر رضای

مخلوقین پس هرگاه منزلت خدا نزد تو کمتر باشد از منزلت ملوک دنیا که

ایشان بندگان خدای تواند پس تو استخفاف و استهزاء کرده‌ای به خدا و حقیر

شمرده‌ای عظمت و جلالت او را و از او اعراض کرده‌ای و هیهات که در این

صورت ظفریابی به حاجت خود به سبب نماز یا روزه خود و باید روزه و نماز

تو که به جهت حاجت بجا می آوری از روی تجربه نباشد چه آنکه انسان تجربه

نمی‌کند مگر کسی را که بدگمان است در حقّ او و حقّ تعالی مذمّت فرموده
آنهایی را که گمان بد در حقّ او بردند بقوله تعالی يَظُنُّونَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ
دَآئِرَةُ السَّوْءِ بلکه باید در کمال اطمینان و اعتماد باشی به رحمت خدا و به
وعده‌های او و امید تو به خدا در طلب حاجت خود زیادتر باشد از آنکه قصد
کنی حاتم را بجهت طلب یک قیراط چه اگر بجهت یک قیراط قصد حاتم کنی
یقین داری که به تو عطا خواهد کرد به هر نحو که باشد پس بدانکه حاجت تو
نزد حق تعالی پست‌تر و کمتر است از یک قیراط نزد حاتم پس البتّه مبدا که
اعتمادت به حقّ تعالی کمتر باشد و نیز سزاوار است از برای تو که هرگاه به
جهت حاجتی روزه یا نمازی بجا آوری نیّت کنی آن عمل خود را به جهت
الأهمّ فالأهمّ از حاجات دینیّه خود و بدانکه اهمّ آنها حوائج آن کسی است که
تو در پناه هدایت و حمایت اوئی و آن امام زمان تو صلوات الله علیه است پس
باید نماز و روزه تو اوّل به جهت قضاء حاجات آن حضرت باشد و بعد به جهت
حوائج دینیّه تو و بعد به جهت آن حاجتی که عارض تو شده و قصد آن را
داشته مثلاً هرگاه ظالمی در صدد کشتن و هلاکت تو باشد و تو روزه حاجت
گرفتی برای خلاصی از شرّ او و بدانکه اهمّ از آن حاجت دینیّه تو است که آن
عفو و رضای حق تعالی باشد از تو و آنکه بر تو اقبال فرماید و عمل تو را
قبول خود کند زیرا که در کشته شدن تو دنیای تو فاسد شود هرگاه دین تو
سالم باشد بعلاوه آنکه اگر کشته نشوی لابد خواهی مرد و لکن اگر عفو و
رضای خدا برای تو حاصل نشود در دنیا و آخرت هلاک خواهی شد و هولها و

شدایدی برای تو حاصل خواهد شد که به خیال تو نخواهد رسید و اما اینکه گفتیم مقدّم بدار حاجت امام زمان خود را بر حوائج خود پس به جهت آن است که بقای دنیا و اهل آن بواسطه وجود اوست پس هرگاه وجود تو محفوظ باشد بوجود یک نفر دیگر چگونه مقدّم بداری حوائج و مراد خود را بر حوائج او بلکه واجبست مقدّم داری حوائج او را بر حوائج خود و مراد او را بر مراد خود و بدانکه آن جناب در حاجات خودش از روزه و نماز تو مستغنی است و حاجتی به تو ندارد لکن مقتضای بندگی و وظیفه تو آن است که چنین کنی چنانکه استفتاح می کنی دعاهای خود را به صلوات بر ایشان صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

نماز استغاثه

در مکارم است که چون خواستی در شب بخوابی بگذار نزد سر خود ظرف نظیفی که در آن آب طاهر باشد و بپوشان آن را به پارچه نظیفی و چون بیدار شدی در آخر شب از برای نماز شب از آن آب بیاشام سه جرعه پس وضو بگیر به باقی آن آب و رُو به قبله کن و اذان و اقامه بگو و دو رکعت نماز کن و بخوان در آن هر سوره که خواهی از قرآن و چون از قرائت فارغ شدی به رکوع می روی و می گوئی در رکوع بیست و پنج مرتبه یا غِيَاثَ الْمُسْتَعِيْثِيْنَ پس سر از رکوع بر می داری و بیست و پنج مرتبه می گوئی و همچنین در سجده اوّل و بعد از سر برداشتن و در سجده دویم و بعد از سر برداشتن در هر

کدام بیست و پنج مرتبه می گوئی و برمی خیزی و رکعت دوم را نیز به همین کیفیت بجا می آوری که مجموع سیصد مرتبه گفته شود پس تشهد می خوانی و سلام می دهی و بعد از نماز سر بسوی آسمان می کنی و سی مرتبه می گوئی:

مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ

از جانب بنده ذلیل بسوی سرور بزرگ

* و حاجت می طلبی همانا به زودی حاجت روا خواهد شد انشاءالله تعالی. نماز استغاثه به حضرت بتول صلی الله علیها روایت شده که هرگاه تو را حاجتی باشد بسوی حق تعالی و سینهات از آن تنگ شده باشد پس دو رکعت نماز بکن و چون سلام نماز گفتی سه مرتبه تکبیر بگو و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخوان پس به سجده برو و بگو صد مرتبه: یا مَوْلَاتِ یا فاطمَةُ اُغِيثِنِي

***** ای مولای من ای فاطمه به فریادم برس *****

پس جانب راست رو را بر زمین گذار و همین را صد مرتبه بگو پس به سجده برو و همین را صد مرتبه بگو پس جانب چپ رو را بر زمین گذار و صد مرتبه بگو پس باز به سجده برو و صد و ده مرتبه بگو و حاجت خود را یاد کن بدرستی که خداوند برمی آورد آن را انشاءالله تعالی. مؤلف گوید که شیخ حسن بن فضل طبرسی در مکارم الأخلاق فرموده نماز استغاثه به بتول علیها السلام دو رکعت نماز می کنی پس به سجده می روی و می گوئی یا فاطمَةُ صد مرتبه پس جانب راست رو را بر زمین می گذاری و صد مرتبه می گوئی پس جانب چپ

می گذاری و صد مرتبه می گوئی پس دوباره به سجده می روی و صد و ده مرتبه می گوئی پس از آن می گوئی:

یا آمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ اسْتَلْكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ

ای امان بخش از هر چیز و هر چیز از تو ترسان و بیمناک از تو خواهم به همان امان بخشیت از هر

شیءٍ وَ خَوْفٍ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا

چیز و همان ترس هر چیز از تو که درود فرستی بر محمد و به من امان بخشی

لِنَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وَكَلْدِي حَتَّى لَا أَخَافَ أَحَدًا وَ لَا أَخْذَرَ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا

برای خود و خانواده و مال و فرزندانم تا بدانجا که از هیچکس ترسم و هرگز از چیزی بیم نداشته باشم

إِنِّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * و نیز در این کتاب شریف از حضرت صادق علیه

که برستی تو بر هر چیز توانایی * * * * *

السلام روایت کرده که فرمود هرگاه یکی از شما خواهد استغاثه کند بسوی

خداوند پس دو رکعت نماز کند پس به سجده رود و بگوید:

يا مُحَمَّدُ يا رَسولَ اللَّهِ يا عَلِيُّ يا سَيِّدِي الْمُؤْمِنِينَ

ای محمد ای رسول خدا، ای علی ای دو آقای مؤمنین

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِكُمَا اسْتَغِيثُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ اسْتَغِيثُ بِكُمَا يا

و مؤمنات به شما دو آقا استغاثه بسوی خدای تعالی کنم ای محمد ای علی بوسیله شما فریادخواهی کنم

غوثاهُ بِاللَّهِ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ * و می شماری هر یک از امامان را پس

ای فریاد بوسیله خدا و محمد و علی و فاطمه * * * * *

می گوئی: بِكُمْ اَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى پس بدرستی که در همان ساعت به فریاد تو

* * * * * بوسیله شما توسل جویم بسوی خدای تعالی * * * * *

خواهند رسید انشاء الله تعالی

نماز حضرت حجّت علیه السلام

در مسجد جمکران که در یک فرسخی بلده طَبَّه قم می باشد شیخ مرحوم در نجم ثاقب کیفیت بناء این مسجد شریف را به امر امام صاحب الزّمان علیه السلام نقل کرده در حکایت اوّل از باب هفتم آن کتاب و در آن حکایت است که آن جناب فرمود به حسن مثله جمکرانی مردم را بگو تا رغبت کنند بدین موضع و عزیز دارند و چهار رکعت نماز اینجا بگذارند دو رکعت تحیّت مسجد در هر رکعتی یک بار الحمد و هفت بار قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ و تسبیح رکوع و سجود هفت بار بگویند و دو رکعت نماز امام صاحب الزّمان علیه السلام بگذارند بر این نسق چون فاتحه خواند به اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ رسد صد بار بگوید و بعد از آن فاتحه را تا آخر بخواند و در رکعت دویم نیز به همین طریق بگذارد و تسبیح در رکوع و سجود هفت بار بگوید و چون نماز تمام کرده شد تهلیل بگوید و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام و چون از تسبیح فارغ شود سر به سجده نهد و صد بار صلوات بر پیغمبر و آله صلوات الله عليهم بفرستد و این نقل از لفظ مبارک امام علیه السلام است که فَمَنْ صَلَّى هُمَا فَكَأَنَّمَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ یعنی هر که این دو رکعت نماز را بگذارد همچنین باشد که دو رکعت نماز در کعبه گذارده باشد ایضاً نماز آن حضرت و نیز در نجم ثاقب از کتاب کنوز النّجاح شیخ طبرسی نقل کرده که بیرون آمد از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الزّمان علیه الصلوة والسلام که هر کس را بسوی حق تعالی حاجتی باشد پس باید که بعد از نصف شب جمعه غسل کند و بجای نماز خود رود و دو

رکعت نماز گذارد در رکعت اول بخواند سوره حمد را و چون به اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ برسد صد مرتبه آن را مکرر کند و بعد از آنکه صد مرتبه تمام شود تتمه سوره حمد را بخواند و بعد از تمام شدن سوره حمد سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را یک مرتبه بخواند و رکوع و دو سجده بجا آورد و سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ را هفت مرتبه در رکوع بگوید و سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ را در هر یک از دو سجده هفت مرتبه بگوید و بعد از آن رکعت دویم را نیز مانند رکعت اول بجا آورد و بعد از تمام شدن نماز این دعا را بخواند پس بدرستی که حق تعالی البته حاجت او را برمی آورد هرگونه حاجتی که باشد مگر آنکه حاجت او در قطع صلح رحم باشد و دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنْ أَعْطَيْتَكَ فَالْمَحْمُودَةَ لَكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجْبَةَ لَكَ مِنْكَ الرَّوْحُ وَ

خدایا اگر فرمانبرداریت کنم پس حمد و ستایش از آن تو است و اگر نافرمانیت کنم تو حجت داری از تو است مهر و یاری و

مِنْكَ الْفَرَجُ سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَ شَكَرَ سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ وَ غَفَرَ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ

از تو است گشایش منزه است آنکه نعمت داده و قدردانی کرد منزه است آنکه مقدر کرد و آمرزید خدایا اگر من

عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَعْطَيْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَ هُوَ الْإِيمَانُ بِكَ لَمْ أَتَّخِذْ

تو را نافرمانی کردم ولی در عوض فرمانبرداریت کردم در محبوبترین چیزها در نزد تو و آن ایمان به تو است که برایت

لَكَ وَ لَدَاً وَ لَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكاً مَنَّا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَنَّا مِنِّي بِهِ عَلَيْكَ وَ قَدْ

فرزندى نگرفتم و برایت شریکی قائل نشدم و این منی بود از تو بر من نه اینکه منی باشد از من بر تو و اینکه تو را

عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ وَ لَا الْخُرُوجِ عَنْ عِبُودِيَّتِكَ وَ لَا

نافرمانی کردم ای خدا نه از روی کبر و عنادورزی بود و نه بخاطر اینکه از تحت بندگیت بیرون رفته

الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ وَلَكِنْ أَعْطَتْهُ هَوَايَ وَ أَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ فَلَكَ الْحُجْبَةُ عَلَيَّ وَ

و پروردگاریت را منکر شده باشم بلکه پیروی کردم هوای نفسم را و شیطان مرا لغزاند پس تو را بر من حجت و

الْبَيَانُ فَإِنْ تَعَذَّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرُ ظَالِمٍ لِي وَإِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي فَإِنَّكَ

بیان هست و اگر عذابم کنی بخاطر گناهان من است و تو ستمکار بر من نیستی و اگر ببامری مرا و رحم کنی پس

براستی تو

جَوَادُ كَرِيمٌ * و بعد از آن تا نفس او وفا کند یا کریم یا کریم * را مکرر

بخشنده و بزرگواری * * * * * ای کریم ای کریم * * * * *

بگوید و بعد از آن بگوید:

يَا اِمْنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ اَسْتَلُكَ بِاَمْنِكَ

ای ایمن از هر چیز و هر چیز از تو ترسان و بیمناک از تو خواهم به همان امانی

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ خَوْفٍ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ

که از هر چیز داری و آن ترسی که هر چیز از تو دارند که درود فرستی بر محمد و آل محمد و

اَنْ تُعْطِيَنِي اَمَانًا لِنَفْسِي وَ اَهْلِي وَ وَاكْدِي وَ سَائِرِ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتَّى

به من امانی دهی برای خود و خانواده و فرزندان و سایر چیزهایی که به من عطا فرموده‌ای تا

لَا اَخَافُ وَ لَا اَحْذَرُ مِنْ شَيْءٍ اَبَدًا اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ

نترسم و بیم نداشته باشم از چیزی هرگز که براستی تو بر هر چیز توانایی و

نِعْمَ الْوَكِيلُ يَا كَافِيَّ اِبْرَاهِيمَ نُمْرُودَ وَ يَا كَافِيَّ مُوسَى فِرْعَوْنَ اَسْتَلُكَ اَنْ

کافی است ما را خدا و نیکو و کیلی است ای کفایت کننده ابراهیم از نمروود و ای کفایت کننده موسی از فرعون از تو

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانِ بِنِ فُلَانٍ * به جای فلان

خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و کفایت کنی از من شر فلان پسر فلان را * * * * *

بن فلان نام شخصی را که از ضرر او می ترسد و نام پدر او را بگوید و از حق

تعالی طلب کند که ضرر او را دفع نماید و کفایت کند پس بدرستی که حق

تعالی البته کفایت ضرر او خواهد کرد انشاءالله تعالی و بعد از آن به سجده

رود و حاجت خود را مسئلت نماید و تضرع و زاری کند بسوی حق تعالی پس

بدرستی که نیست مرد مؤمنی و نه زن مؤمنه‌ای که این نماز را بگذارد و این دعا را از روی اخلاص بخواند مگر آنکه گشوده می‌شود برای او درهای آسمان برای برآمدن حاجات او و دعای او مستجاب می‌گردد در همان وقت و در همان شب هرگونه حاجتی که باشد و این به سبب فضل و انعام حق تعالی است بر ما و بر مردمان «انتهی». مؤلف گوید که نجل جلیل شیخ طبرسی رضی‌الدین حسن بن فضل نیز این نماز را در مکارم الأخلاق نقل کرده و در اوّل دعا بجای

اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ، اِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ ذَكَرْ كَرِهَةً و بعد از حَتَّى لَا
 اَخَافَ كَلِمَةً اَحَدًا اَضَافَهُ كَرِهَةً و بعد از فِرْعَوْنَ اَسْأَلُكَ و بقیه مثل همانند نماز
 خوف از ظالم منقول از مکارم غسل می‌کنی و دو رکعت نماز می‌گذاری و
 زانوهای خود را برهنه می‌کنی در نزد جا نماز خود و صد مرتبه می‌گوئی:

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَيًّا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ بِرَحْمَتِكَ اَسْتَعِيْثُ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ

ای زنده‌ای پاینده‌ای زنده‌ای که معبودی جز تو نیست به رحمت تو پناه جویم پس درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاغْنِنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ * پس چون فارغ شدی از این بگو: اَسْأَلُكَ اَللّٰهُمَّ

محمد و همین ساعت به فریادم برس الساعه * * * * * از تو خواهم خدایا

اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ اَنْ تُلْطِفَ لِيْ وَّ اَنْ تَغْلِبَ لِيْ وَّ اَنْ

که درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه نسبت به من لطف فرمایی و غالب گردانی به نفع من و

تَمَكِّرْ لِيْ وَّ اَنْ تَخْدَعَ لِيْ وَّ اَنْ تَكِيدَ لِيْ وَّ اَنْ تَكْفِيَنِيْ مَوْنَةَ فُلَانِ بَنِ فُلَانِ

مکر کنی و خدعه کنی و کید کنی به نفع من و کفایت کنی از من زحمت فلان... را

و این دعای حضرت رسول صلی الله علیه و آله است در روز اُحُد.

نماز به جهت تیزی ذهن و قوت حافظه

در مکارم الاخلاق روایت شده از صادقین علیهما السلام که می نویسی با زعفران در ظرف نظیفی حمد و آیه الکرسی و اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ و یس و واقعه و سوره حشر و تبارک و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ و دُو قُلْ اَعُوْذُ را پس این سوره ها را می شوئی به آب زمزم یا به آب باران یا آب نظیفی پس می اندازی در آن آب دو مثقال کُندر و ده مثقال شکر و ده مثقال عسل پس بگذار آن را شب در زیر آسمان و بگذار بر روی آن آهنی پس آخر شب که می شود دو رکعت نماز می خوانی در هر رکعت حمد و پنجاه بار قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ و چون فارغ شدی از نماز آب را می آشامی که نیکو و مُجَرَّب است برای حفظ انشاءالله و بیاید در اواخر باب ششم چیزهایی که سبب کثرت حافظه خواهد بود.

نماز برای آمرزش گناهان

دو رکعت بجا آورد در هر رکعت شصت مرتبه قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ بخواند چون از نماز فارغ شود گناهانش آمرزیده شود نماز دیگر شیخ طوسی در مصباح در اعمال روز جمعه گفته روایت شده از عبدالله بن مسعود که گفت فرمود رسول خداصلی الله علیه وآله هر کسی که در روز جمعه بعد از نماز عصر دو رکعت نماز گذارد بخواند در رکعت اول فاتحه و آیه الکرسی و قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ بیست و پنج مرتبه و در رکعت دوم فاتحه و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ و قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ بیست و پنج مرتبه و چون از نماز فارغ شود بیست و پنج مرتبه بگوید:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ از دنیا بیرون نرود تا بنمایاند حق تعالی

بهشت

جنیش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ *****

را در خواب به او و ببیند مکان خود را در بهشت. مؤلف گوید که سید بن طوس در فصل سی و سیّم جمال الأسبوع نماز برای آمرزش گناهان نقل کرده و فرموده این نمازی است جلیل القدر و عظیم الشأن حامل اسرار الهی می‌شناسد آن را و مبادا که در حق آن سُستی کنی هر که طالب است به آن کتاب رجوع کند.

نماز وصیّت

که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به آن وصیّت فرموده دو رکعت است بین مغرب و عشاء در رکعت اول حمد و سیزده مرتبه إذا زُلْزِلَتْ و در دوم حمد و پانزده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اگر هر شب بجا آورد ثوابش را غیر از خدا کسی نتواند شماره نماید.

نماز عفو

دو رکعت است در هر رکعت حمد و یک مرتبه اَنَا اَنْزَلْنَاهُ و بعد از قرائت رَبِّ عَفُوكَ عَفُوكَ پانزده مرتبه و در رکوع ده مرتبه تمام می‌کنی مثل نماز جعفر

مؤلف گوید نماز استغفار مثل نماز عفو است مگر آنکه عوض رَبِّ عَفْوِكَ باید
اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ گفته شود و این نماز برای توسعه معاش نافع است انشاءالله تعالی.

ذکر نمازهای ایام هفته

نماز روز شنبه سید بن طاوس از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
روایت کرده که فرمود خواندم از کتابهای پدرانم علیهم السلام که هر که روز
شنبه چهار رکعت نماز گذارد بخواند در هر رکعتی حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و
آیه الکرسی بنویسد خداوند عزوجل او را در درجه پیغمبران و شهداء و صالحین
و نیکو رفیقانند ایشان.

نماز روز یکشنبه و نیز از آن حضرت مرویست که فرمود هر که روز یک شنبه
چهار رکعت نماز بخواند در هر رکعت حمد و سوره تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ
حق تعالی مکان دهد او را در بهشت هر کجائی که خواسته باشد.

نماز روز دوشنبه و نیز فرمود که هر که روز دوشنبه ده رکعت نماز بجا آورد
بخواند در هر رکعت حمد و توحید ده مرتبه حق تعالی در روز قیامت برای او
نوری قرار دهد که روشنائی دهد مَوْقِف را تا غبطه برند بر او جمیع خلق خدا
در آن روز.

نماز روز سه شنبه و نیز از آن حضرت مرویست که هر که در روز سه شنبه
شش رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعت بعد از حمد آیه آمَنَ الرَّسُولُ را

تا به آخر و سوره إِذَا زُلْزِلَتْ را یک مرتبه حق تعالی گناهان او را بیامرزد و از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده.

نماز روز چهارشنبه و نیز از آن حضرت مرویست که هر که روز چهارشنبه چهار رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ خَدَاوَنَد قبول فرماید توبه او را از هر گناهی و تزویج فرماید به او حوریّه در بهشت.

نماز روز پنجشنبه و فرمود آن حضرت که هر که روز پنجشنبه ده رکعت نماز گذارد و بخواند در هر رکعتی سوره حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را ده مرتبه ملائکه به او گویند که هر حاجتی داری بخواه که برآورده خواهد شد.

نماز روز جمعه و نیز فرمود که هر که روز جمعه چهار رکعت نماز کند و بخواند در هر رکعتی سوره حمد و تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ و حم سجده حق تعالی او را داخل بهشت کند و شفاعت او را در حقّ اهلیت او قبول فرماید و نگهدارد او را از فشار قبر و هولهای روز قیامت راوی سؤال کرد از آن حضرت که در چه وقت از روزها این نمازها را باید بجا آورد فرمود از مابین طلوع آفتاب تا وقت زوال.

باب سیّم

در ادعیه و عوذات الّام و اسقام و علل اعضا و تب و غیره

سید بن طاوس در مَهَجِ الدَّعَوَاتِ نقل کرده از سعید بن ابی الفتح قمی که در واسط ساکن بود گفت مرا مرضی عظیم بود که طبیبان از علاج آن عاجز بودند و پدرم مرا به دارالشفا برد و طبیبان و ساعور که مقدّم ترسایان باشد در طبّ جمع کرد برای معالجه من پس ایشان فکر کردند و گفتند که این مرض را غیر از خدا کسی نمی تواند علاج کند از این سخن شکسته دل و غمناک شدم و کتابی از کتابهای پدرم برداشتم که چیزی از آن مطالعه نمایم در پشت آن کتاب دیدم نوشته که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر که را مرضی باشد بعد از نماز صبح

چهل بار بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

بنام خدای بخشنده مهربان ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است بس است ما را خدا و نیکو وکیلی است

تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و دست بر

منزه و بزرگ است خدا بهترین آفریدگان و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ * * *

آنجا که علّت باشد بمالد از آن صحت یابد و حضرت عزّت او را شفا بخشد پس من صبر کردم چون صبح شد فریضه را بجا آوردم و چهل نوبت این دعا را خواندم و دست بر آن محل می مالیدم پس خدای تعالی آن مرض را از من دفع نمود و من نشسته بودم و می ترسیدم که مبادا برگردد تا سه روز بدین حال بودم باز نگردید بعد از آن پدرم را خبر دادم به این قصّه پس شکر خدا را بجا آورد و برای بعضی از اطباء که ذمی بود آن را نقل کرد پس آن طبیب نزد من

آمد و مرض را دید که برطرف شده در همانحال مسلمان شد و کلمه شهادت گفت و اسلامش نیکو گردید. شیخ کفعمی در مصباح فرموده که هرگاه در تو علتی باشد دست بمال به موضع سجده خود و بمال آن را بر موضع علت هفت مرتبه در عقب هر نماز فریضه و بگو:

يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ

ای که فرو برد زمین را بر آب و بر بست هوا را به آسمان و انتخاب کرد برای خود بهترین

الْأَسْمَاءِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا وَ ارْزُقْنِي وَ

نامها را درود فرست بر محمد و آل محمد و درباره من چنین و چنان کن و روزیم ده و

عافني من كذا وَ كذا * دعای عافیت کفعمی از متهمّد نقل کرده که هر کسی

سالم بدار از چنین و چنان * * * * *

که طلب عافیت بکند از دردی که با اوست پس بگوید در سجده دوم از دو

رکعت اول نماز شب :

يَا عَلِيُّ يَا

ای والا ای

عَظِيمُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا سَمِيعَ الدَّعَوَاتِ يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ صَلَّى عَلَى

بزرگ ای بخشاینده ای مهربان ای شنوای دعاها ای عطاکننده نیکیها درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اعْطِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي مِنْ

محمد و آلش و عطا کن به من از خیر دنیا و آخرت آنچه را تو شایسته آنی و برگردان از من از

شَرِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ اذْهَبْ عَنِّي هَذَا الْوَجَعِ وَ نام برد آن درد را فائنه

شر دنیا و آخرت آنچه را تو شایسته آنی و برطرف کن از من این درد را * * * * * زیرا که این

قَدْ غَاظَنِي وَ أَحْزَنَنِي * و الحاح کند در دعا که عافیت به تعجیل به او می رسد

درد مرا خشمناک و اندوهگین ساخته * * * * *

انشاءالله تعالی و از عدةالداعی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که بگو
در نزد علّت در حالی که خود را ظاهر کنی در زیر آسمان و دستها را بلند کنی:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَيَّرْتَ أَقْوَامًا فِي كِتَابِكَ

خدایا تو سرزنش کردی مردمی را در کتاب خود

فَقُلْتَ قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا

و فرمودی «بگو بخوانید آن کسانی را که به جز خدا پنداشتید که نتوانند بردارند زیان و محنت را از شما و نه

تحویلاً فَمَا مِنْ لَا يَمْلِكُ كَشْفَ ضُرِّي وَلَا تَحْوِيلَهُ عَنِّي أَحَدٌ غَيْرُهُ صَلِّ عَلَيَّ

آنرا بگرداند» پس ای خدایی که جز تو نتواند بردارد محتتم را و نه بگرداندش آنرا از من هیچکس درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اكْشِفْ ضُرِّي وَ حَوِّلْهُ إِلَيَّ مَنْ يَدْعُو مَعَكَ إِلَهًا آخَرَ فَإِنِّي أَشْهَدُ

محمد و آلش و برطرف کن محتتم را و بگردانش به نزد کسی که بخواند با تو معبود دیگری را چون من گواهی دهم که

أَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ * و روایت شده که هر مؤمنی که هر بیماری و علّتی پیدا کند

معبودی جز تو نیست * * * * *

دست بمالد به موضع درد و بگوید با خلوص نیت: وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ

* * * * * «و نازل کنیم از این قرآن چیزی را که شفا و رحمت است

شِفَاءً وَ رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا عافیت یابد از آن هر نحو

برای مؤمنان و نیفزاید ستمکاران را جز خسران و زیان» * * * * *

علّتی باشد و مصداق این در خود آیه است که فرموده شِفَاءً وَ رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

ایضاً برای دفع مرض یک صاع گندم بخرد و قفا بخوابد و آن گندمها را بر

روی سینه خود بریزد و بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلْتُكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ

خدایا از تو خواهم بدان نامت که چون بخواندت بدان نام درماندهای برطرف کردی درماندگیش را

مَكَنتَ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ عَلَى خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ

و نیرو و تمکّش دادی در زمین و گردانیدی او را خلیفه خود بر خلقت که درود فرستی بر محمد و

عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي پَس بِرَخِيْزِد وَ بَنَشِيْد وَ گَنْدَمَهَا رَا اَز اَطْرَاف

بر خاندانش و مرا از این درد تندرستی بخشی * * * * *

خود جمع کند و این دعا را بخواند پس آن را قسمت کند به چهار قسمت و هر چارک آن را که یک مدّ باشد به مسکینی دهد و این دعا را بخواند که انشاءالله تعالی از مرض بهبودی حاصل کند و ایضاً از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول

است که دست بگذار بر موضع درد و بگو سه مرتبه:

اَللّهُ اَللّهُ اَللّهُ رَبِّيْ حَقًّا لَا اَشْرِكُ بِهِ شَيْئًا اَللّهُمَّ اَنْتَ لَهَا وَ لِكُلِّ عَظِيْمَةٍ فَفَرِّجْهَا

خدا... پروردگار من است به حقیقت که شریک نسازم با او چیزی را خدا یا تویی برطرف کننده این درد و هر درد بزرگی

پس برطرف کن آن را

عَنِّي * و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دست بر موضع درد

از من * * * * *

گذار و بگو: بِسْمِ اللّهِ پَس دَسْت بَكْش بِر اَن وَ بگو هفت مرتبه:

اَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللّهِ وَ اَعُوْذُ بِقُدْرَةِ اللّهِ وَ اَعُوْذُ

پناه برم به عزت خدا و پناه برم به قدرت خدا و پناه برم

بِجَلَالِ اللّهِ وَ اَعُوْذُ بِعَظْمَةِ اللّهِ وَ اَعُوْذُ بِجَمْعِ اللّهِ وَ اَعُوْذُ بِرِسُوْلِ اللّهِ صَلَّى اللّهُ

به جلالت خدا و پناه برم به بزرگی خدا و پناه برم به جمع خدا و پناه برم به رسول خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ اَعُوْذُ بِاَسْمَاءِ اللّهِ مِنْ شَرِّ مَا اَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ مَا اَخَافُ عَلٰى

علیه و آله و پناه برم به نامهای خدا از شر آنچه بیم دارم و از شر آنچه می ترسم بر

نَفْسِي * و روایت شده که هرگاه فرزند مریض شد مادرش بالای بام رود و

خودم * * * * *

مقنعه از سر بگیرد که موی او در زیر آسمان ظاهر شود پس به سجده رود و

بگوید:

اللَّهُمَّ رَبَّ أَنْتَ

خدایا تو او را

اعْطَيْتَنِيهِ وَأَنْتَ وَهَيْبَتُهُ لِي اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ هَيْبَتَكَ الْيَوْمَ جَدِيدَةً إِنَّكَ قَادِرٌ

به من دادی و تو آش به من بخشیدی خدایا بخششت را امروز تازه گردان که براستی تویی توانای

مُقْتَدِرٌ * پس سر بلند نکند تا آنکه خوب شود فرزند او و شیخ شهید(ره) نقل

نیرومند *****

کرده که هر که درد شدیدی دارد بخواند بر قَدَحِ آبی چهل مرتبه سوره حمد پس آن آب را بریزد بر خود و بگذارد مریض نزد خود زنبیلی که در آن گندم باشد پس بدست خود از آن گندم به سائل دهد و امر کند او را که دعا کند برای او تا شفاء یابد انشاء الله تعالی و به اسانید معتبره وارد شده که دوا کنید بیماران خود را به تصدق و نیز شیخ شهید نقل کرده برای رفع مرض آنکه دست بگذارد بر بازوی راست مریض و بخواند حمد هفت مرتبه و بخواند این دعا را:

اللَّهُمَّ أزلْ عَنْهُ الْعِلْلَ وَالذَّاءَ وَأَعِدْهُ إِلَى الصَّحَّةِ وَالشِّفَاءِ وَآمِدْهُ بِحُسْنِ

خدایا دور کن از او بیماریها و درد را و بازش گردان به تندرستی و بهبودی و کمکش کن به خوب

الْوَقَايَةِ وَرُدَّهُ إِلَى حُسْنِ الْعَافِيَةِ وَاجْعَلْ مَا نَالَهُ فِي مَرَضِهِ هَذَا

نگهداری و بازش گردان با تندرستی خوب و قرار ده آنچه را در این بیماری به او رسیده

مَادَّةً لِحَيَاتِهِ وَكَفَّارَةً لِسَيِّئَاتِهِ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس اگر

مایه‌ای برای زندگانش و کفاره‌ای از گناهانش خدایا و درود فرست بر محمد و آل محمد * * *

اثر نکرد در خوب شدن او مکرر کند حمد را هفتاد مرتبه که اثر خواهد کرد
انشاءالله تعالی از حضرت باقرعلیه السلام روایت است که هرکس را که سوره
حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ خوب نکند چیز دیگر او را خوب نکند و هر علتی را این
دوسوره نیکومی کند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر مؤمنی
که علتی داشته باشد از روی اخلاص بگوید:

وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ مَسْحَ كُنْدَ مَوْضِعِ عِلَّتِ رَا حَق

و نازل گردانیم از قرآن آنچه را شفاء و رحمت است برای مؤمنان * * * * *

تعالی او را شفا دهد .

و از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که برای رفع

تمامی امراض بخوان بر آنها:

يَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَ مُدْهِبَ الدَّاءِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ

ای فرو فرستنده شفاء و دور کننده درد درود فرست بر محمد و آلش و فرو فرست برای

وَجَعِيَ الشِّفَاءَ سَيِّدِ بَن طَاوَسِ دَر مِهَجِ از ابن عباس روایت کرده که گفت من در

دردم شفاء * * * * *

نزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نشسته بودم پس شخصی در آمد رنگ او

رفته و گفت یا امیرالمؤمنین من همیشه بیمارم و دردهای بسیار دارم پس مرا

دعائی بیاموز که به آن استعانت بجویم بر امراض حضرت فرمود که می آموزم

تو را دعائی که جبرئیل آن را به حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آموخت در

وقتی که حسن و حسین بیمار بودند و آن دعا این است:

إِلَهِي كُلَّمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ نِعْمَةً قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِي وَ كُلَّمَا ابْتَلَيْتَنِي بِبَلِيَّةٍ قَلَّ

خدایا هر اندازه نعمت به من دهی شکر من در برابرش اندک است و هر گاه مبتلایم گردانی به بلایی اندک است

لَكَ عِنْدَهَا صَبْرِي فَيَا مَنْ قَلَّ شُكْرِي عِنْدَ نِعْمِهِ فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَ يَا مَنْ قَلَّ

در برابر آن شکیبایی من پس ای کسی که اندک است شکر من در برابر نعمتهایش ولی او محروم نگرداند و ای که کم

صَبْرِي عِنْدَ بَلَاتِهِ فَلَمْ يَخْذُلْنِي وَ يَا مَنْ رَانِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَ

است شکیباییم در برابر بلایش ولی او مرا وامگذارد و ای که دید مرا بر حال گناهان ولی رسوایم نکرد و

يَا مَنْ رَانِي عَلَى الْخَطَايَا فَلَمْ يُعَاقِبْنِي عَلَيْهَا صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

ای که دید مرا بر حال خطا کاریهام ولی مؤاخذه ام نکرد بر آنها درود فرست بر محمد و آل محمد

وَ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَ اشْفِنِي مِنْ مَرَضِي اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * ابن عباس

و بیمارز گناهم را و شفایم ده از بیماریم که تو بر هر چیز توانایی * * * * *

گفت پس دیدم آن مرد را بعد از یک سال در حالی که رنگش نیکو و قرمز

شده بود و گفت در هیچ دردی نخواندم این دعا را مگر آنکه شفایفتم و

داخل نشدم بر سلطانی که از او می ترسیدم مگر آنکه خداوند عزوجل ردّ کرد

شرّ او را از من منقول است که به نجاشی از پدراناش کلاهی به ارث رسیده بود

از چهارصد سال که بر هر دردی که نهاده می شد ساکن می گشت پس آن کلاه

را شکافتند که به بینند چه در آنست دیدند که در آن این دعا است:

بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلَأَئِكَةَ وَأَوْثُوا الْعِلْمِ

بنام خدا پادشاه برحق و آشکار، گواهی دهد خدا که معبودی جز او نیست و فرشتگان و دانشمندان نیز گواهی داده اند

انصاف بدو

قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْاِسْلَامُ لِلَّهِ نُورٌ

پایدار است معبودی جز او نیست که عزیز و فرزانه است همانا دین نزد خدا اسلام است برای خدا نور است

وَ حِكْمَةٌ وَ حَوْلٌ وَ قُوَّةٌ وَ قُدْرَةٌ وَ سُلْطَانٌ وَ بُرْهَانٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اَدَمُ صَافِيٌّ

و حکمت و هر جنبش و توانایی و نیرو و سلطنت و برهان، معبودی جز خدا نیست، آدم برگزیده

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُوسَى كَلِيمُ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

خداست معبودی نیست جز خدا، ابراهیم خلیل خدا است، معبودی نیست جز خدا، موسی هم سخن خدا است، معبودی

نیست جز خدا،

مُحَمَّدٌ الْعَرَبِيُّ رَسُولُ اللَّهِ وَ حَبِيبُهُ وَ خَيْرَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ أُسْكُنْ يَا جَمِيعَ

محمد عربی رسول خدا و حبیب او است و برگزیده او است از خلقش آرام گیرید ای همه

الْأَوْجَاعِ وَ الْأَسْقَامِ وَ الْأَمْرَاضِ وَ جَمِيعِ الْعِلَلِ وَ جَمِيعِ الْحُمَمَاتِ سَكَّنَتْكَ

دردها و بیماریها و امراض و همه علتها و همه تبها، آرام کردم تو را بدان خدای

بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى

که آرام شوند برایش شب و روز و او است شنوای دانا و درود خدا بر

خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ * در مکارم الأخلاق است که نجاشی ملک

بهترین خلقش محمد و آل او همگی *

صُدَاعِي دَاشْتِ مَرَضِ خُودِ رَا بَرَايِ حَضْرَتِ رَسُوْلِ صَلِيَ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نُوشت

حضرت این حرز را برای او فرستاد او در کلاه خود گذاشت دردش ساکن شد و

آن حرز این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ شَهِدَ اللَّهُ * تا آخر

بنام خدای بخشنانده مهربان معبودی نیست جز خدا فرمانروای برحق و آشکار گواهی دهد خدا * * *

آيَهُ لِلَّهِ نُورٌ وَ حِكْمَةٌ وَ عِزٌّ وَ قُوَّةٌ وَ بُرْهَانٌ وَ قُدْرَةٌ وَ سُلْطَانٌ وَ رَحْمَةٌ يَا مَنْ لَا

* * * برای خدا است نور و حکمت و عزت و توانایی و برهان و نیرو و سلطنت و رحمت ای که هرگز

يَنَامُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَبْرَاهِيمُ خَلِيلُ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُوسَى كَلِيمُ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

نخوابد معبودی نیست جز خدا، ابراهیم خلیل خدا است معبودی نیست جز خدا، موسی هم صحبت خدا است معبودی

نیست جز خدا

عِيسَى رُوحُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ صَفِيُّهُ وَ صِفْوَتُهُ

عیسی روح خدا و کلمه او است معبودی نیست جز خدا محمد رسول خدا است و برگزیده و خاص درگاهش

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أُسْكُنُ سَكْنَتَكَ بِمَنْ يَسْكُنُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ

درود خدا و سلامش بر او و آتش باد آرام باش که آرامت کردم بدانکه آرام شود برای او آنچه در آسمانها

وَالْأَرْضِ وَبِمَنْ سَكَنَ لَهُ مَا فِي الْيَلِّ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ فَسَخَّرْنَا لَهُ

و زمین است و به آنکه آرام شود برای او آنچه در شب و روز است و او است شنوای دانا پس به فرمانش درآوردیم باد

را

الرَّيْحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رَحَاءً حَيْثُ أَصَابَ وَ الشَّيَاطِينَ كُلَّ بِنَاءٍ وَ غَوَاصِّ الْأَ

که می‌رفت به دستورش به نرمی هرکجا که می‌خواست و شیاطین را از هر بنآء و غواصی بدانکه

إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ *

بسوی خدا بازگردد هرکاری

تعویذ به جهت درد سر و درد گوش از حضرت باقرالعلوم علیه السلام مرویست

که به جهت تسکین درد سر، سر را مسح کند و هفت مرتبه بگوید:

أَعُوذُ بِاللَّهِ

* پناه برم به خدایی

الَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ

که آرام شود برایش آنچه در خشکی و دریا است و آنچه در آسمانها و زمین است و او شنوا

الْعَلِيمُ * و این دعا از برای درد گوش نیز از حضرت صادق علیه السلام هفت

و دانا است *****

مرتبه نقل شده و نیز از آن حضرت وارد شده که پنیر بسیار کهنه را قدری

بگیر و نرم بکوب و با شیر ممزوج کن و بر روی آتش گرم و نرم کن و چند

قطره در گوش که درد می‌کند بریز ایضاً برای درد سر بخواند بر قده آب:

أَوْلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا

***** آیا ندانند کسانی که کافر شدند که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند

فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ * پس بیاشامد آن را

پس از هم بازشان کردیم و آفریدیم از آب هر چیز زنده‌ای را آیا ایمان نمی‌آورند * * * * *

و روایت شده که هرگاه کسالت یا صداع عارض حضرت رسول صلی الله علیه

و آله می‌گشت دستها را می‌گشود و فاتحه و معوذتین می‌خواند و بصورت

می‌کشید پس برطرف می‌شد از آن حضرت درد و نیز از برای رفع صداع دست

بکشد بر سر او و بگوید:

إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا

براستی خدا نگهدارنده آسمانها و زمین را از اینکه بیفتند و اگر بیفتند نگاهشان ندارد

مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

هیچکس جز او که براستی او بردبار و آمرزنده است

و از ربیع الأبرار نقلست که مأمون را در طرطوس صداعی عارض شد و به

هیچ‌وجه علاج آن نشد قیصر روم کلاهی برای او فرستاد و نوشت برای او

شنیدم خبر صداع تو را این کلاه را فرستادم که بر سر گذاری تا درد ساکن

شود مأمون ترسید که در آن زهری تعبیه کرده باشد امر کرد که بر سر حاملش

نهادند دید ضرری به او نرسانید پس امر کرد بر سر کسی دیگر که صداع

داشت نهادند دردش ساکن شد آن وقت مأمون آن کلاه را بر سر خود گذاشت

دردش ساکن گشت تعجب نمود او را شکافت دید که در آن نوشته است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لَلَّهِ فِي عِرْقِ سَاكِنِ حَمِ عَسَقٍ لَا يُصَدِّعُونَ عَنْهَا وَلَا

چه بسیار نعمتی از خدا که در رگی ساکن است به آیه «حم عسق» درد سر نکشند از آن و بیهوش

يُنْزِفُونَ مِنْ كَلَامِ الرَّحْمَنِ خَمَدَاتِ النَّيِّرَانِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَجَالٍ

نگردند از سخن خدای رحمان خاموش گشت آتش و جنبش و نیرویی نیست جز به خدا و روان شد

نَفْعُ الدَّوَاءِ فَيْكَ كَمَا يَحُولُ مَاءُ الرَّبِيعِ فِي الْغُصْنِ * تعویذ به جهت درد شقیقه

منفعت این دواء در تو چنانچه روان شد آب بهار در شاخه درخت * * * * *

بگذارد دست بر محل درد و سه دفعه بگوید: یا ظاهرًا مَوْجُودًا وَا یا باطنًا غَیْرَ

* * * * * ای آشکار موجود و ای نهانی که گم نگشته

مَقْضُودٍ أَرْدُدْ عَلَيَّ عَبْدِكَ الضَّعِيفِ أَيَادِيكَ الْجَمِيلَةَ عِنْدَهُ وَأَذْهَبْ عَنْهُ مَا بِهِ مِنْ

بازگردان بر بنده ناتوانت الطاف نیکت را که پیش او بود و دور ساز از او آزاری را که دارد

أَذَى أَنْتَكَ رَحِيمٌ قَدِيرٌ بِهِ جِهَتِ كَرِي غُوشِ از حضرت باقر العلوم علیه السلام وارد

که تو مهربان و توانایی * * * * *

شده که بگذارد دست بر آن و بخوان: لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ * تا آخر

* * * * * اگر فرود آوریم این قرآن را بر کوهی

سوره به جهت درد دهان از حضرت صادق علیه السلام مروی است که بگذارد

دست بر آن و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

* بنام خدای بخشناینده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الَّتِي لَا يَضُرُّ مَعَهَا شَيْءٌ

بنام خدایی که زیان نرساند با ذکر نام او دردی پناه برم به کلمات خدا که زیان نرساند به آنها چیزی

قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِاسْمِكَ الطَّاهِرِ الْمُقَدَّسِ الْمُبَارَكِ

منزه است و بی عیب است... از تو خواهم پروردگارا بدان نام پاک و پاکیزه و مبارک

الَّذِي مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أُعْطِيَتْهُ وَمَنْ دَعَاكَ بِهِ أَجَبْتَهُ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ

که هر که تو را بدان بخواند خواسته اش را بدهی و هر که بدان بخواند اجابتش کنی از تو خواهم ای خدا ای خدا... که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُعَافِيَنِي مِمَّا أَجِدُ فِي فَمِي وَفِي

درود فرستی بر محمد پیمبرت و خاندانش و اینکه مرا عافیت بخشی از آنچه در دهانم و در

رَأْسِي وَفِي سَمْعِي وَفِي بَصَرِي وَفِي بَطْنِي وَفِي ظَهْرِي وَفِي يَدِي وَفِي

سرم و در گوشم و در چشمم و در شکمم و در پشتم و در دستم و در

رِجْلِي وَفِي جَوَارِحِي كُلِّهَا كَمَا شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى بِهْ جِهَتِ دَرْدِ دَنَدَانِ

از

پایم و در همه اعضای من است * * * * *

حضرت صادق علیه السلام مرویست که بخواند بر آن بعد از گذاشتن دست بر

آن حمد و توحید و قدر و این آیه مبارکه:

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ

و بینی کوهها را و پنداری که بی حرکتند و با اینکه مانند رفتن ابرها هم می روند کار خدایی است

الَّذِي اتَّقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ *

که هر چیز را محکم ساخت و برستی او آگاه است بدانچه شما می کنید * * * * *

ایضاً از امیرالمؤمنین علیه السلام مرویست که دست بکش به موضع سجده خود

پس مسح کن دندان دردکن را و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَالشَّافِي اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ عُوذَةٌ

بنام خدا و شفا دهنده خدا است و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای الوالی بزرگ

مجرّبّه برای درد دندان

می خوانی حمد و دو قُلْ أَعُوذُ و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را و می خوانی با هر سوره بسْمِ

اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و بعد از قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ می گوئی: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ

* * * * * بنام خدای بخشاینده مهربان و از اوست آنچه در

لَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا

شب و روز آرام گیرد و او است شنوای دانا گفتیم ای آتش باش سرد و سلامت بر ابراهیم

عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ نُوَدِّي أَن بُرِكَ مِنِّي النَّارِ وَ

و اندیشیدند درباره اش کیدی پس گرداندمشان زیانکاران ندا شد که مبارک است هر که در آتش است و هر که

مَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ پس می گوئی: اَللَّهُمَّ يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ

در اطراف آنست و منزه است خدا پروردگار جهانیان * * * ای کفایت کننده از هر چیز که چیزی

لَا يَكْفِي مِنْكَ شَيْءٌ إِكْفِ عَبْدَكَ وَأَبْنِ أُمَّتِكَ مِنْ شَرِّ مَا يُخَافُ وَيُحْذَرُ وَمِنْ

از تو کفایت نکند کفایت کن بندهات را و فرزند کنیزت را از شر آنچه می ترسد و بیم دارد و از

شَرِّ الْوَجَعِ الَّذِي يَشْكُوهُ إِلَيْكَ *

شر دردی که شکوه اش بدرگاہت آورده

و نیز روایت شده که کاردی یا برگ خرمائی بگیرد و بمالد بر آن جانب که

درد می کند و بگوید هفت مرتبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَإِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ اللَّهِ أَسْكُنْ بِالَّذِي سَكَنْتَ لَهُ

بنام خدا و به ذات خدا، محمد رسول خدا است و ابراهیم خلیل خدا است آرام گیر به حق آنکس که رام شد برای او

مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِأَذْنِهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ *

آنچه در شب و روز است به اذنش و او بر هر چیز توانا است

و ایضاً وارد شده که چوبی یا آهنی بگذارد بر دندان درد کن و افسون کند آن

را از جانب آن هفت مرتبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ دُوْدَةٌ تَكُونُ فِي الْفَمِ تَأْكُلُ الْعَظْمَ وَ

بنام خدای بخشاینده مهربان شگفتا! و تمام شگفت به این است که کرمی در دهان می خورد استخوان و در عوض خون

فرو می ریزد

غیره بگذارد دست بر آن و بگوید هفت مرتبه: **أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ جَلَالِهِ مِنْ شَرِّ مَا**

***** پناه برم به عزت خدا و جلالش از شر آنچه می‌یابم

أَجِدُّ * و بگذارد دست راست بر موضع درد و بگوید سه مرتبه **بِسْمِ اللَّهِ** به جهت قولنج بنویسد بر لوحی یا کتفی حمد و توحید و **دو قُلْ أَعُوذُ** و در زیر

آنها بنویسد: أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِيمِ

***** پناه برم بذات خدای بزرگ

وَبِعِزَّتِهِ الَّتِي لَا تُرَامُ وَ بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ هَذَا الْوَجَعِ

و به عزتش که مورد دستبرد واقع نشود و به قدرتش که چیزی از آن سر باز نزند از شر این درد

وَمِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُّ مِنْهُ * پس بشوید آن را به آب باران و در

و از شر آنچه در آن است و از شر آنچه از آن به من می‌رسد *****

وقتی که ناشتا است و در وقت خواب بیاشامد که انشاءالله مبارک و نافع است

به جهت درد شکم و قولنج روایت شده که شخصی خدمت حضرت رسول صلی

الله علیه و آله شکایت کرد از درد شکم برادرش حضرت فرمود امر کن برادرت

را که بیاشامد شربتی از عسل با آب گرم آن مرد رفت و فردای آن روز خدمت

آن حضرت آمد و عرض کرد که آن شربت را به او آشامانیدم و فایده نبرد

فرمود **صَدَقَ اللَّهُ وَ كَذَبَ بَطْنُ أَخِيكَ** برو او را شربت عسل بده و تعویذ کن آن

را به سوره حمد هفت مرتبه پس چون آن مرد رفت حضرت فرمود به

امیرالمؤمنین علیه السلام یا علی بدرستی که برادر این مرد منافق است و از این

جهت است که آن شربت او را نفع نمی‌بخشد به جهت ثالول و آن میخچه‌ای

عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ

پروردگارا من نذر کرده‌ام برای تو آنچه را در شکم من است آزاد پس بپذیر از من که براستی تویی شنوای

الْعَلِيمُ * پس به بندد آن را بران راست او و چون فرزندش متولد شد آن را

دانا *****

باز کند و نیز روایت شده که بخواند بر آن:

فَاجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ تَارُطِبًا جَنِيًّا

پس بیاوردش درد زاییدن بسوی تنه درخت خرما * (تا آیه ۲۵ سوره مریم)

پس صدا بلند کند به این آیه:

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُم مِّن بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا

و خدا بدر آورد شما را از شکمهای مادرانتان که نمی‌دانستید چیزی

وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ كَذَلِكَ أَخْرَجُ إِلَيْهَا

و قرار داد برای شما گوش و چشم و دل شاید شما سپاسگزارید این چنین برون آی

الطَّلِقُ أَخْرَجُ بِأَذْنِ اللَّهِ *

این چنین برون آی به اذن خدا

و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که برای آسان شدن ولادت

بنویسد در پوستی یا کاغذی:

اللَّهُمَّ فَارِجَ الْهَمِّ وَ كَاشِفَ الْغَمِّ وَ رَحْمَانَ الدُّنْيَا

خدایا ای غم‌گشا و برطرف کننده اندوه ای بخشاینده دنیا

وَالْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا اِرْحَمِ فُلَانَةَ بِنْتَ فُلَانَةَ رَحْمَةً تُغْنِيهَا بِهَا عَنْ رَحْمَةِ

و آخرت و مهربان آن دو، رحم کن فلان زن دختر فلان را به رحمتی که بی‌نیازش کنی بدان از رحمت

جَمِيعِ خَلْقِكَ تُفْرِجْ بِهَا كُرْبَتَهَا وَ تَكْشِفْ بِهَا غَمَّهَا وَ تُيسِّرْ بِهَا وِلَادَتَهَا وَ

همه خلق خود و بگشایی بدان محنتش را و برطرف کنی بدان اندوهش را و آسان گردانی زایندش را

قَضَىٰ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ وَ قِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بِهِ جَهت باز

و داوری شد میانشان به حق و ستمی به ایشان نشد و گفته شد ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است * * *

کردن بسته شده بنویسد اول سوره اِنَّا فَتَحْنَا تَا مُسْتَقِيمًا و سوره اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ

و این آیات را:

وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا اِيَّهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ

و از آیات خدا این است که «قرار داد برای شما از خودتان جفتهایی تا آرامش یابید بدانها و قرار داد میانه شما

مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ثُمَّ اَدْخَلُوا عَلَيْهِمُ الْاَبَابَ

دوستی و مهر برآستی دراین کار نشانه‌هایی است برای مردمی که تفکر می‌کنند» سپس «داخل شوید برایشان از این

دروازه‌ها

فَاِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَانْكُمُ غَالِبُونَ فَفَتَحْنَا اَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَ فَجَّرْنَا

و چون داخل شدید غلبه با شما است» پس گشودیم درهای آسمان را به آبی ریزان و شکافتیم در

الْاَرْضَ عَيْونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلٰى اَمْرٍ قَدْ قُدِرَ رَبِّ اَشْرَحَ لِي صَدْرِي وَ

زمین چشمه‌ها و به هم پیوست (هر دو) آب برای کاری که مقدر شده بود پروردگارا سینه‌ام را بگشا و

يَسْرُلِي اَمْرِي وَ اَحْلَلُّ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي وَ تَرَكْنَا

کارم را آسان کن و گره از زبانم بگشا تا فهم کنند گفتارم را و واگذاریشان در آن روز

بَعْضُهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَ نَفَخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ

که برخی موج زنند در برخی دیگر و در صور دمیده شود و

جَمْعًا كَذٰلِكَ حَلَلْتُ فُلانُ بِنِ فُلانِ عَنِ بِنْتِ فُلانَةَ لَقَدْ جِئَكُمْ رَسُوْلٌ مِنْ

گردشان آریم این چنین گشودم فلان پسر فلان را از دختر فلان به حقیقت آمد شما را پیامبری از

اَنْفُسِكُمْ عَزِيْزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِيْنَ رَوْفٌ رَحِيْمٌ فَاِنَّ

خودتان که ناگوار است بر او آنچه شما را به رنج اندازد و علاقمند به شما است و نسبت به مؤمنان رُؤْف و مهربان است

اگر

تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ

پشت کردند بگو بس است مرا خدا معبودی جز او نیست بر او توکل کنم که او پروردگار عرش بزرگ است

پس این نوشته را همراه او نموده و بر او آویزان کنند و در طَبِّ الْأُئِمَّةِ دَعَائِي از

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نیز نقل شده که تعلیم اسحاق صحاف

فرموده چون طولانی بود ذکر ننمودیم تعویذ تب (۱) بخواند این تعویذ را که

رسول خدا صلی الله علیه و آله تعلیم امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده:

اللَّهُمَّ ارْحَمْ جِلْدِي الرَّقِيقَ وَ عَظْمِي الدَّقِيقَ وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ فَوْرَةِ الْحَرِيقِ يَا

خدایا رحم کن به پوست نازکم و استخوان باریکم و پناه برم به تو از فوران حریق ای

أُمَّ مِلْدَمٍ إِنْ كُنْتَ آمَنْتَ بِاللَّهِ فَلَا تَأْكُلِي اللَّحْمَ وَلَا تَشْرَبِي الدَّمَ وَلَا تَفُورِي مِنْ

تب اگر ایمان به خدا داری پس مخور گوشت را و نیاشام خون را و فوران مکن از

الْقَمِّ وَأَنْتَقِلِي إِلَى مَنْ يَزَعَمُ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَإِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

دهان و برو به نزد کسی که می‌پندارد که با خداوند معبود دیگری است چون که من گواهی دهم که نیست معبودی جز

خدا

وَ حُدَّةَ لِشَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ * (۲) مواظبت کند در صبح

یگانه‌ای که شریک ندارد و گواهی دهم که محمد بنده و رسول او است * * * * *

و شام بخواندن دعای نور که سلمان از حضرت فاطمه صلوات الله علیها نقل

کرده و در مفاتیح ذکر شده (۳) روایت شده که ائمه علیهم السلام تب را به آب

سرد معالجه می‌کردند پیوسته یک جامه را در آب تر می‌کردند و بر جسد

می‌چسبانیدند (۴) به خط امام رضا علیه السلام دیده شد که برای تب به سه

قطعه کاغذ بنویسند بر قطعه اول:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى * و بر دوم: بِسْمِ اللَّهِ

بنام خدای بخشاینده مهربان نترس که براستی تویی برتر * * * * * به نام خدای

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا تَخَفْ نَجْوَتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * و بر سوّم: بِسْمِ اللّٰهِ

بخشاینده مهربان ترس که نجات یافتی از مردم ستمکار * * * بنام خدای

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اَلَا لَهُ الْخُلُقُ وَ الْاَمْرُ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * پس

بخشاینده مهربان هان که از آن اوست آفرینش و فرمان، برتر است خدا پروردگار جهانیان * *

بخواند بر هر قطعه‌ای سه مرتبه توحید و ببلعد آن را در سه روز هر روزی یکی از آنها را که خوب خواهد شد انشاءالله (۵) تکمه‌های پیراهن را بگشاید و سر را در پیراهن داخل کند و اذان و اقامه گوید و هفت مرتبه حمد بخواند که انشاءالله خوب خواهد شد (۶) روایت است از ائمه‌علیهم السلام که بنویسد در پوستی و آویزان کند بر تب دار این عودّه را:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ سُلْطَانِكَ وَ مَا اَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ اَنْ

خدایا من از تو درخواست می‌کنم به عزت و نیرو و سلطنت و آنچه را دانش تو بدان احاطه دارد که

تُصَلِّیْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ لَا تُسَلِّطَ عَلٰی فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ شَيْئًا مِّمَّا

درود فرستی بر محمد و آل محمد و دیگر آنکه مسلط نکنی بر فلان کس پسر فلانی چیزی را از

خَلَقْتَ بِسُوِّءٍ وَّ اَرْحَمَ جِلْدَهُ الرَّقِیْقَ وَ عَظْمَهُ الدَّقِیْقَ مِنْ فُوْرَةِ الْحَرِیْقِ

مخلوقات به بدی و رحم کن به پوست نازکش و به استخوان باریکش از جوشش سوختن،

اُخْرِجِیْ یَا اُمَّ مِلْدَمٍ یَا اَکَلَةَ اللّٰحْمِ وَ شَارِبَةَ الدَّمِ حَرُّهَا وَ بَرْدُهَا مِنْ جَهَنَّمَ اِنْ

بیرون روی تب ای خورنده گوشت و نوشنده خون که گرمی و سردیت در دوزخ است اگر برستی

كُنْتُ اٰمَنْتَ بِاللّٰهِ الْاَعْظَمِ اَنْ لَا تَاْكُلِیْ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ لَحْمًا وَ لَا تَمْصِیْ لَهُ دَمًا

ایمان به خدای اعظم داری نباید بخوری از فلان پسر فلان گوشتی و نمکی از او خونی

وَلَا تَنْهَکِیْ لَهُ عَظْمًا وَ لَا تَنْوَرِیْ عَلَیْهِ غَمًّا وَ لَا تَهَيِّجِیْ عَلَیْهِ صُدَاعًا وَ اَنْتَقِیْ

و باریک نکنی استخوانش را و نفرستی بر او اندوهی و تحریک نکنی بر او درد سری و کوچ کن

عَنْ شَعْرِهِ وَ بَشْرِهِ وَ لَحْمِهِ وَ دَمِهِ اِلٰی مَنْ زَعَمَ اَنْ مَعَ اللّٰهِ الْاٰخِرَ لَا اِلٰهَ اِلَّا

عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَ كَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا

بر زنده‌ای که نمیرد و به حمدش تسبیح‌گوی و آگاه بودن او به گناهان بندگانش بس است

بَصِيرًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ صَدَقَ وَعْدُهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ

معبودی نیست جز خدا یگانه‌ای که شریک ندارد راست آمد وعده‌اش و یاری کرد بنده‌اش را و منهزم ساخت

الْأَحْزَابَ وَ وَحْدَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي إِنَّ اللَّهَ

احزاب را به تنهایی آنچه خدا خواهد، نیرویی نیست جز به خدا و مقرر فرمود خدا که غلبه خواهیم کرد من و

فرستادگانم همانا خدا

قَوِيٌّ عَزِيزٌ إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ وَ مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى

توانا و نیرومند است و حتماً حزب خدا غلبه کند و هر که متمسک شود به خدا حتماً به

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ * (۸) بر سه

راهی راست هدایت شده است و درود خدا بر محمد و آل پاک و پاکیزه‌اش * * * * *

قطعه شکر بنویسد و هر قطعه را صبح ناشتا بخورد تا سه روز در قطعه

أَوَّلَ عَقْدَتُ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ در دوم شَدَدَتْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ در سیم سَكَنْتُ بِإِذْنِ اللَّهِ دُعَاءِ

زحیر روایت شده که شخصی شکایت کرد به حضرت موسی بن جعفر علیه

السلام و گفت مرا زحیری است که ساکن نمی‌شود فرمود هرگاه فارغ شدی از

نماز شب بگو:

اللَّهُمَّ مَا كَانَ مِنْ خَيْرٍ فَمِنْكَ لَا حَمْدَ لِي فِيهِ وَ مَا عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ فَقَدْ حَذَرْتَنِيهِ

خدایا هرچه خیر است از تو است و من ستایشی ندارم و آنچه کار بد کردم که تو مرا از آن کار برحذر داشتی

لَا عَذْرَ لِي فِيهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَتَكَلَّ عَلَى مَا لَا حَمْدَ لِي فِيهِ أَوْ آمَنَ مِمَّا

من عذری در آن ندارم خدایا به تو پناه برم از اینکه توکل کنم بر آنچه حمدی در آن ندارم یا ایمن گردم از آنچه

لَا عَذْرَ لِي فِيهِ

عذری در آن برای من نیست

*دعاء قرقره شکم و نیز روایتست که شخصی شکایت کرد به آن حضرت و گفت شکم من پیوسته صدا می‌کند و من حیا می‌کنم با مردم تکلم کنم زیرا که آن صدا از شکم من بیرون می‌آید و مردم می‌شنوند پس دعا کنید از برای من به شفاء، آن حضرت فرمود هرگاه فارغ شدی از نماز شب بگو اَللّٰهُمَّ مَا عَمِلْتُ مِنْ خَيْرٍ فَهُوَ مِنْكَ لَا حَمْدَ لِيْ فِيْهِ تا آخر آنچه که گذشت و نیز از حضرت صادق علیه السلام وارد شده برای قرائت شکم که سیاه دانه با عسل بخورد دعای برص یعنی پیسی اندام از یونس روایتست که گفت سپیدی در مابین دیدگان من عارض شده بود شکایت کردم آن را به حضرت صادق علیه السلام فرمود وضو بگیر و دو رکعت نماز گذار و بگو:

يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيْمُ يَا سَمِيْعَ الدَّعَوٰتِ يَا مُعْطِيَّ الْخَيْرٰتِ اَعْطِنِيْ خَيْرَ

ای خدای بخشاینده ای مهربان ای شنوای دعاها ای دهنده نیکیها عطا کن

الدُّنْيَا وَ خَيْرَ الْاٰخِرَةِ وَ قِنِيْ شَرَّ الدُّنْيَا وَ شَرَّ الْاٰخِرَةِ وَ اَذْهَبْ عَنِّيْ مَا اَجِدُ فَقَدْ

به من خیر دنیا و خیر آخرت را و نگاهم دار از شر دنیا و شر آخرت و دور کن از من آنچه می‌یابم که کارم را

غَاضِنِيْ الْاَمْرُ وَاَحْزَنَنِيْ

مشکل کرده و محزونم ساخته

یونس گفت چنان کردم که آن حضرت فرموده بود حق تعالی آن پیسی را از من زایل کرد و لَهُ الْحَمْدُ و در روایت عدّه الداعی است که حضرت با وی فرمود چون ثلث آخر شب می‌شود برخیز در اوّل آن و وضو بگیر و مشغول نماز شب خود بشو و بگو در سجده آخر در رکعت اوّل: يَا عَلِيُّ يَا عَظِيْمُ يَا

***** ای والا ای بزرگ ای بخشاینده ای مهربان *****

رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ای شنوای دعاها ای عطاکننده خیرات درود فرست بر محمد و آل محمد

وَأَعْظَنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَأَصْرِفْ عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا

و بده به من از خیر دنیا و آخرت آنچه را تو شایسته آنی و دور کن از من از شر دنیا

وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَأَذْهَبْ عَنِّي هَذَا الْوَجَعَ فَإِنَّهُ قَدْ غَاظَنِي وَأَخْزَنَنِي

و آخرت آنچه را تو شایسته آنی و دور کن از من این درد را که برآستی ناراحتم کرده و محزونم نموده

*و الحاح و مبالغه کن در دعاء یونس گفت من بجا آوردم آنچه فرموده بود
به کوفه هنوز نرسیده بودم که خوب شدم و نیز برای آن نوشتن سوره یس با
عسل در جامی و شستن و خوردن وارد است چنانکه برای بواسیر نیز وارد شده
و همچنین تربت امام حسین علیه السلام با آب باران برای پیسی وارد شده و
حنا را بانوره مخلوط کردن و بر روی آن مالیدن نیز روایت شده به جهت جرب
و دمل و قوباء و آن جوشی است در بدن یا خارش بسیار که آن را دار گویند
روایت شده که بخوانند بر او و بنویسند و بر او آویزان کنند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ

و داستان سخن بد چون درخت بدی است که کنده شده از روی زمین

مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ تَا آخِرِ آيَةٍ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً

و قرار ندارد (سوره ابراهیم ۲۷) * * * از آن آفریدیمتان و در آن بازگردانیمتان و از آن برون آوریمتان بار

أُخْرَى اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَنْتَ لَا تُكَبِّرُ اللَّهَ يَبْقَى وَأَنْتَ لَا تَبْقَى وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

دیگر، خدا بزرگتر است و تو بزرگ نیستی خدا بماند و تو نمائی و خدا بر هر چیز توانا است

* به جهت درد عورت روایت شده که یکی از اصحاب ائمه‌علیهم السلام عورت خود را گشوده بود در موضعی که شایسته نبود مبتلا شده بود به درد آن خدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد حضرت تعلیم فرمود او را این عَوَدَه فرمود دست چپ خود را بر آن بگذارد و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا

بنام خدا و به خدا آری هر که برای خدا روی تسلیم (بر زمین) نهد و نکوکار باشد پاداشش پیش پروردگار اوست و

خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ إِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي

ترسی بر ایشان نیست و نه غمناک شوند خدایا من رویم را برای تو تسلیم کردم و کارم را

إِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ * این را سه مرتبه بگو که عافیت

به تو واگذار نمودم پناهگاه و راه نجاتی از تو نیست جز به تو * * * * *

خواهی یافت انشاءالله تعالی به جهت درد زانو از طبّ الائمه نقل است که جابر

جعفی از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که گفت من نزد امام

حسین علیه السلام بودم که مردی از شیعیان او از بنی امیه آمد به خدمتش و

عرض کرد یابن رسول الله من نمی توانم به خدمت شما بیایم به جهت درد پائی

که دارم حضرت فرمود: چرا غافلی از تعویذ امام حسن علیه السلام گفت یابن

رَسُولِ اللَّهِ چيست آن فرمود اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا تَا وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

* پس بجا آورد آن مرد آنچه فرموده بود آن حضرت پس از آن احساس نکرد

درد پا را و نیز برای درد زانو وارد شده که چون نماز گذاردی بگو:

يَا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطَى يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا اَرْحَمَ مَنْ

ای بهترین عطابخش ای بهترین سؤال شده ای مهربانترین

اسْتُرْجِمَ اِرْحَمَ ضَعْفَى وَ قَلَّةَ حَيْلَتَى وَ اَعْفِنِى مِنْ وَجَعِ * و برای درد ساقها

مهر خواسته رحم کن به ناتوانی و بیچارگیم و عافیتم ده از این درد * * * * *

وارد شده هفت مرتبه بخوانند این آیه شریفه را وَاَتْلُ مَا أُوحِيَ اِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ لَنْ تُجَدَّ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا به جهت درد چشم روایات بسیار وارد شده که بعد از نماز صبح و نماز مغرب بخواند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ اَنْ تُصَلِّىَّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

خدایا من از تو خواهم به حق محمد و آل محمد بر تو که درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ النُّوْرَ فِى بَصْرِى وَ البَصِيْرَةَ فِى دِيْنِى وَ اَلْيَقِيْنَ فِى قَلْبِى

محمد و قرار دهی روشنی در دیده‌ام و بینایی در دینم و یقین در دلم

وَ اَلْاِخْلَاصَ فِى عَمَلِى وَ السَّلَامَةَ فِى نَفْسِى وَ السَّعَةَ فِى رِزْقِى وَ الشُّكْرَ لَكَ

و اخلاص در کردارم و تندرستی در جانم و فراخی در روزیم و سپاسگزاری

أَبَدًا مَا أَبَيَّتْنِى

همیشه تا زنده‌ام

* و بزنتی از یونس بن ظبیان روایت کرده که گفت وارد شدیم بر حضرت

صادق علیه السلام دیدیم آن حضرت راکه درد

چشم سختی کرده به حدی که مامغموم شدیم از جهت آن حضرت روز دیگر که

خدمتش رسیدیم دیدیم که چشمش دردی ندارد و خوب شده گفتیم فدایت شویم

آیا معالجه فرمودید چشمان خود را به چیزی فرمود بلی به چیزی که او از جمله

معالجات بود گفتیم چه بود آن فرمود تعویذی بود پس ما نوشتیم آن تعویذ را و

آن تعویذ این است:

اَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَ اَعُوْذُ بِقُوَّةِ اللّٰهِ وَ اَعُوْذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَ اَعُوْذُ بِنُوْرِ اللّٰهِ وَ اَعُوْذُ

پناه برم به عزت خدا و پناه برم به نیروی خدا و پناه برم به قدرت خدا و پناه برم به نور خدا و پناه برم

بِعَظْمَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَمَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِبَهَاءِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ

به بزرگی خدا و پناه برم به جلال خدا و پناه برم به جمال خدا و پناه برم به جلوه خدا و پناه برم

بِجَمْعِ اللَّهِ * گفتیم ما چیست جَمْعُ اللَّهِ فرمود بَكُلِّ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِعَفْوِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ

به هرچه * * * * * از خدا است و پناه برم

بِغُفْرَانِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِالْأَيْمَةِ وَ نام برد یک یک ایشان را آنگاه

به گذشت خدا و پناه برم به آموزش خدا و پناه برم به رسول خدا و پناه برم به امامان * * * * *

گفت: عَلَى مَا تَشَاءُ مِنْ شَرٍّ مَا أَجِدُ اللَّهُمَّ رَبَّ الْمُطِيعِينَ

بر آنچه تو می خواهی از شر آنچه می یابم خدایا پروردگار اطاعت کنندگان

* و نیز برای درد چشم وارد شده که بخواند بر آن آیه الکرسی و در دل گیرد

خوب شدن آن را و اگر پیش از آن دست بر چشم نهد و بگوید:

أُعِيدُ نَوْراً بَصْرِي بِنُورِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفَأُ

پناه می دهم نور دیده ام را به نور خدایی که خاموش نگردد

وارد شده برای ضعف باصره نافع است و برای ضعف چشم و شب کوری

وارد شده است که بنویسد آیه نور را مکرر در جامی و به آب محو کند و آن

آب را در شیشه کند و از آن آب با میل به چشم کشد و روایت شده که هر که

قرآن را از روی قرآن بخواند بهره ای برد از چشم خود و نیز روایت شده که هر

که در هر روز بگوید فَجَعَلْنَا سَمِيعاً بَصِيراً چشمانش از آفات سالم بماند شیخ

کفعمی فرموده که به تجربه رسیده برای درد چشم و جمیع دردهای اعضا

توسل جستن به حضرت امام موسی علیه السلام برای خون دماغ آب یخ بر سر

و پیشانی‌ش بریزد تعویذ بطلان سحر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مروی

است که بر پوست آهو بنویسد و با خود نگاه دارند:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ بِسْمِ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ

***** (باری) خدا و بنام خدا و آنچه خدا خواهد بنام خدا و جنبش

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ

و نیرویی نیست جز به خدا «گفت موسی آنچه شما آورده‌اید جادو است و خدا

حتماً آن را باطل می‌کند زیرا خدا اصلاح نمی‌کند

عَمَلِ الْمُفْسِدِينَ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَ انْقَلَبُوا

کار تبهکاران را پس حق قرار گرفت و کاری که آنها می‌کردند باطل گشت و در آن حال مغلوب گشتند و خوار و زبون

صَاغِرِينَ * و نیز از برای دفع شیاطین و جادوگران از حضرت رسول خداصلی

بازگشتند *****

الله علیه و آله وارد شده که آیه سخره بخوانند و آن این است:

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي

همانا پروردگار شما کسی است که آفرید آسمانها و زمین را در

سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَ الشَّمْسُ

شش روز سپس به عرش پرداخت، بپوشاند شب را به روز که با شتاب از دنبال آن رود و مهر

وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مَسْحَرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِلَّا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ

و ماه و ستارگان تحت فرمان اویند بدانید که از اوست آفرینش و فرمان بزرگست خدا پروردگار

الْعَالَمِينَ أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَ لَا تُفْسِدُوا فِي

جهانیان بخوانید پروردگار خویش را به زاری و پنهانی که او تجاوزکاران را دوست ندارد و فساد نکنید در روی

الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

زمین پس از اصلاح آن و بخوانید خدا را با بیم و امید برآستی که رحمت خدا نزدیک است به نیکوکاران

*و در بعضی روایت است که تا تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ بخواند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که بر هر یک از برگ و دانه درخت اسفند ملکی موکل است که با آنها هست تا آنکه بیوسد و ریشه اش و شاخش غم و سحر را برطرف می کند و در دانه اش شفای هفتاد درد است پس مداوا کنید به اسفند و کُندر و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که مصروعی را دید پس طلب کرد قدحی از آب و خواند بر آن حمد و معوذتین و دمید در قدح پس امر فرمود که از آن آب بر سر و صورتش ریختند تا به هوش آمد و فرمود دیگر عود نخواهد کرد بسوی تو هرگز و روایت شده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که اگر جنّ سنگی افکند آن سنگ را بگیرد و بیافکند به همان موضعی که سنگ از آنجا آمده و بگوید:

حَسْبِيَ اللهُ وَ كَفَى وَ سَمِعَ اللهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ وَرَاءَ اللهِ مُنْتَهَى

بس است مرا خدا و کافی است و می شنود خدا دعای کسی را که بخواندش و برتر از خدا جایی نیست

و نیز از برای شرّ جنیان نگاه داشتن مرغ و خروس و کبوتر و بزغاله در خانه نافع است و نیز از برای شرّ جنیان در سفرو بیابان و مواضع هولناک آن از حضرت صادق علیه السلام مرویست که دست بر بالای سر گذارد و به صدای بلند بخواند أَغْفِرَ دِينَ اللَّهِ يَغْفُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا آیا غیر دین خدا را می جویید با اینکه برایش تسلیم گشته آسمانها و زمین از روی میل و اکراه و

وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

بسویش بازگردند

* و نیز در بیابان در مواضع موحشه و هولناک وارد شده است که بلند
 اذان گویند حرز چشم زخم وارد شده آیه **وَإِنْ يَكَادُ بخوانند و نیز از**
 حضرت صادق علیه السلام مروی است که چون ترسد که چشم او در کسی یا
 چشم کسی در او تأثیر کند سه مرتبه بگوید: **مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ**
الْعَظِيمِ * و وارد شده که هرگاه احدی خود را به هیأت نیکو آراست پس
 بخواند وقتی که از منزل بیرون می شود **دو قُلْ أَعُوذُ** را تا ضرر نرساند به او
 چیزی باذن الله تعالی و نیز از برای دفع چشم زخم وارد شده که دستها را برابر
 رو بلند کند و سوره حمد و توحید و **دو قُلْ أَعُوذُ** را بخواند و دست بر پیش سر
 بکشد **ایضاً تعویذ چشم زخم:**

اللَّهُمَّ رَبَّ مَطَرٍ حَابِسٍ وَ حَجَرٍ يَابِسٍ وَ لَيْلٍ دَامِسٍ وَ رَطْبٍ وَ يَابِسٍ رُدِّ عَيْنٍ

خدایای پروردگار باران در حبس و سنگ سخت و شب تار و هر تر و خشک برگردان چشم

الْعَايِنِ عَلَيْهِ فِي كِبِدِهِ وَ نَخْرِهِ وَ مَالِهِ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ قُطُورٍ ثُمَّ

چشم زن را بر خودش در جگرش و گلویش و مالش «دیده برگردان آیا بینی در آسمان شکافی سپس

ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَ هُوَ حَسِيرٌ تعویذ دیگر بگوید:

دوباره دیده بازگردان تا دور مانده از هدف به تو بازگردد و امانده» * * * * *

اللَّهُمَّ ذَا السُّلْطَانِ الْعَظِيمِ وَ الْمَنِّ الْقَدِيمِ وَ الْوَجْهِ الْكَرِيمِ ذَا الْكَلِمَاتِ الثَّمَامَاتِ

خدایای صاحب سلطنت بزرگ و نعمت دیرین و ذات بزرگوار و صاحب کلمات تام و تمام و دعاهای

وَ الدَّعَوَاتِ الْمُسْتَجَابَاتِ عَافِ فُلَانًا مِنْ أَنْفُسِ الْجِنِّ وَ أَعْيُنِ الْإِنْسِ

مستجاب شده عافیت ده فلانی را از نفسهای جنیان و چشم مردم

* و این تعویذی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حسنین علیهما
 السلام خواند و اصحاب خویش را فرمود که زهار اولاد خویش را به این

کلمات تعویذ کنید، تعویذ چشم زخم برای حیوانات و غیره مروی از

امیرالمؤمنین علیه السلام:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ عَبَسَ عَابِسٌ وَ شَهَابٌ قَابِسٌ حَجَرَ

بنام خدای بخشاینده مهربان بنام خدای بزرگ بر ترش رویی ترش روی و اخگر فروزان و سنگ

يَابِسٌ رَدَدْتُ عَيْنَ الْعَايِنِ عَلَيْهِ مِنْ رَأْسِهِ إِلَى قَدَمَيْهِ أَخَذَ عَيْنَاهُ قَابِضٌ بِكِلَاهُ وَ

خشک بازگرداندم چشم چشمزن را بر خودش از سر تا به پایش بگیرد دو چشمش را گیرنده او و بر همسایه و

عَلَى جَارِهِ وَأَقَارِبِهِ جِلْدُهُ دَقِيقٌ وَ دَمُهُ رَقِيقٌ وَ بَابُ الْمَكْرُوهِ تَلِيقٌ فَارْجِعْ

خویشانش و پوستش نازک و خونش رقیق و درب مکروه سزای او است «پس دیده را بگردان آیا

الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْتَقِلِبُ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِنًا وَ

شکافی در آسمانها بینی سپس بازگردان دوباره تا دور مانده از هدف به تو بازگردد و وامانده باشد»

هُوَ حَسِيرٌ به جهت دفع و سوسه شیطان روایت شده که استعاذه کند به خدای

تعالی پس بگوید:

آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ وَ شَيْخٌ شَهِيدٌ از حضرت رسول صلی الله

ایمان آوردم به خدا و رسولش از روی اخلاص به دین او * * * * *

علیه و آله نقل کرده که فرمودند شیطان بر دو قسم است شیطان جنی و آن دور

می شود به گفتن: لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ شیطان انسی و آن

* * * * * جنبش و نیرویی نیست جز به خدای الوالی بزرگ * * * * *

دور می شود به فرستادن صلوات بر بر محمد و آل آن جناب علیهم السلام مؤلف

گوید: که در باب نمازها گذشت نماز حدیث نفس و ذکر بعضی عوذات به

جهت دفع و سوسه به آنجا مراجعه شود به جهت ایمنی از دزد بخواند بر حلقه ها

وَ قَفَلَ قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ تا آخر سوره عوده عقب روایت شده که

تیز نظر کن به ستاره سُهی و آن ستاره کوچکی است نزدیک ستاره وسطی

بنات نَعش و بگوید سه مرتبه:

اللَّهُمَّ رَبَّ أَسْلَمَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ

***** خدایای پروردگار ستاره «اسلم» درود فرست بر محمد و آل محمد و شتاب کن در فرج ایشان و

سَلَّمْنَا مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ * و نیز روایت شده که بر آن نظر افکند و سه مرتبه

***** سالم بدار ما را از شر هر صاحب شری *****

بگوید: اللَّهُمَّ رَبَّ هُودِ ابْنِ أُسَيَّةَ آمِنِي شَرِّ كُلِّ عَقْرَبٍ وَحَيَّةٍ هر شب که چنین

***** خدایای پروردگار هود فرزند «اسیة» ایمن دار مرا از شر هر عقرب و ماری *****

گوید از شر مار و عقرب محفوظ ماند و نیز به جهت دفع شر عقارب و مارها

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که بخواند در نزد شب:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

بنام خدا و به یاری خدا و درود خدا بر محمد و آتش

أَخَذْتُ الْعَقَابِ وَأَلْحِيَّاتِ كُلَّهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِأَفْوَاهِهَا وَأَذْنَابِهَا

گرفتم عقربها و مارها را همهشان را به اذن خدای تبارک و تعالی دهنهاشان و دمهاشان

وَأَسْمَاعِهَا وَأَبْصَارِهَا وَقُؤَاهَا عَنِّي وَعَمَّنْ أَحَبَّتْ إِلَى ضُحْوَةِ النَّهَارِ

و گوشهاشان و چشمهاشان و تمام قواشان را از خودم و از هر که را که دوست دارم تا برآمدن روز

إِنْشَاءَ اللَّهِ تَعَالَى * و نیز به جهت شر عقرب بخواند سلام علی نوح فی العالمین

انشاء الله تعالی ***** سلام بر نوح در جهانیان *****

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ * و روایت شده که وقتی

***** براستی ما چنین پاداش دهیم نیکوکاران را که او از بندگان مؤمن ما است *****

حضرت نوح علیه السلام سوار کشتی شد منع فرمود عقرب را از سوار شدن بر

کشتی عقرب گفت من معاهده می کنم با تو که نگزم کسی را که بگوید:

سَلَامٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى

سَلام بر محمد و آل محمد و بر

نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ * و در چند حدیث وارد شده است که مالیدن نمک رفع زهر

نوح در جهانیان * * * * *

عقرب و گزندگان می کند

ادعیه‌ای که منتخب شده از کتاب شریف کافی

باب چهارم

در ادعیه‌ای که منتخب شده از کتاب شریف کافی و آن مشتمل بر چند فصل است: فصل اوّل در بعض دعاهاى وارده در وقت صبح و شام غیر آنچه در سابق گذشت و آن ده دعا است اوّل از حضرت صادق علیه السلام روایتست که حضرت علیّ بن الحسین علیه السلام چون داخل صبح می شد می گفت:

أَبْتَدِءُ يَوْمِي هَذَا بَيْنَ يَدَيَّ نِسْيَانِي وَعَجَلْتِي بِسْمِ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ * دُوِّمَ از

شروع می کنم این روزم را در برابر فراموشی و شتابم به نام خدا و آنچه خدا خواهد * * *

حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر کس این کلمات را سه مرتبه بگوید در وقتی که داخل شب می شود پوشیده شود به بالی از بالهای جبرئیل تا آنکه

داخل صبح شود:

أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الْعَلِيِّ

می سپارم به خدای والای

اللَّاعْلَى الْجَلِيلَ الْعَظِيمَ نَفْسِي وَمَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ نَفْسِي

برتر باجلالت بزرگ خودم را و هر که کارش بر دوش من است به خدا می سپارم نفس

الْمَرْهُوبَ الْمَخُوفَ الْمُتَضَعِّعَ لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَيْءٍ *

هراسان ترسان خودم را به آن خدایی که سر فرود آورد در برابر عظمتش هر چیز

سیّم و نیز از آن حضرت مروی است که چون داخل شام شوی بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِنْدَ إِقْبَالِ لَيْلِكَ وَإِدْبَارِ

خدایا از تو خواهم در هنگام آمدن شب و روگرداندن

نهارکَ وَ حُضُورِ صَلَوَاتِكَ وَ أَصْوَاتِ دُعَائِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

روزت و حضور نمازهایت و آوازهای خوانندگانت که درود فرستی بر محمد و آل محمد

و دعا کن به آنچه خواهی چهارم از حضرت صادق علیه السلام مرویست که

پدرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ چون داخل صبح می شد می گفت:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ

بنام خدا و به یاری خدا و بسوی خدا و در راه

اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ إِنِّيكَ أَسَلَمْتُ نَفْسِي وَ

خدا و بر کیش رسول خدا درود خدا بر او و آتش خدایا به تو واگذاردم خودم را و

إِنِّيكَ فَوَضْتُ أَمْرِي وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي بِحِفْظِ

به تو واگذاردم کارم را و بر تو توکل کنم ای پروردگار جهانیان خدایا نگهداریم کن به نگهداری

الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ

ایمان از پیش رویم و از پشت سرم و از سمت راستم و از سمت چپم و از بالای سرم و

مِنْ تَحْتِي وَ مِنْ قِبَلِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ نَسْأَلُكَ الْعَفْوَ

از زیر پایم و از پیش رویم معبودی جز تو نیست جنبش و نیرویی نیست جز به خدا از تو خواهم گذشت

وَ الْعَافِيَةَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ شَرِّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ

و عافیت از هر بدی و شری در دنیا و آخرت خدایا به تو پناه برم از

عَذَابِ الْقَبْرِ وَ مِنْ ضَعْفَةِ الْقَبْرِ وَ مِنْ ضَيْقِ الْقَبْرِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَوَاتِ

عذاب قبر و از فشار قبر و از تنگی قبر و به تو پناه برم از پورش های

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْحِلِّ وَ

شب و روز خدایا ای پروردگار مشعرالحرام و پروردگار شهر محترم مکه و پروردگار حل و

الْحَرَامِ اَبْلِغْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَنِّي السَّلَامَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِدِرْعِكَ

حرم برسان به محمد و آل محمد از من سلامی خدایا به تو پناه برم به زره

الْحَصِيْنَةَ وَ اَعُوْذُ بِجَمْعِكَ اَنْ تُمَيِّنَنِيْ غَرْقًا اَوْ حَرْقًا اَوْ شَرْقًا اَوْ قَوْدًا اَوْ صَبْرًا

محکمت و پناه برم به گردآوردنت از اینکه بمیرانیم به صورت غرق شدن یا سوختن یا گلوگیر شدن یا کت‌بسته

اَوْ مُسَمًّا اَوْ تَرْدِيًّا فِيْ بَثْرٍ اَوْ اَكِيْلَ السَّبْعِ اَوْ مَوْتَ الْفُجَاءَةِ اَوْ بِشْيْءٍ مِّنْ مِّمَاتٍ

یا مسمومیت یا پرت شدن در چاه یا طعمه درنده شدن یا مرگ ناگهانی یا به یکی از مرگهای بد دیگر

السَّوِّءِ وَلَكِنْ اٰمَتْنِيْ عَلٰى فِرَاشِيْ فِيْ طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُوْلِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

ولی بمیرانم در بسترم در حال اطاعت تو و اطاعت رسولت صلی الله علیه و آله و در حالی که

وَ اٰلِهٍ مُّصِيْبًا لِلْحَقِّ غَيْرَ مُخْطِئٍ اَوْ فِي الصَّفِّ الَّذِيْنَ نَعْتَهُمْ فِي كِتَابِكَ كَانَتْهُمْ

به حق رسیده و خطاکار نباشم یا در زمره صف آنها که در قرآنت وصفشان کرده «که گویی بنایی

بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ اَعِيْذُ نَفْسِيْ وَ وُلْدِيْ وَ مَا رَزَقْنِيْ رَبِّيْ بِقَلِّ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

استوارند» پناه دهم خود و فرزندانم و آنچه پروردگارم روزیم کرده به «قل اعوذ برب الفلق * * *

* تا آخر سوره: وَ اَعِيْذُ نَفْسِيْ وَ وُلْدِيْ وَ مَا رَزَقْنِيْ رَبِّيْ بِقَلِّ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ *

* * * * * و پناه دهم خود و فرزندانم و آنچه پروردگارم روزیم کرده به «قل اعوذ برب الناس» * * *

تا آخر سوره و می گوئی: الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ اللّٰهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ وَ

* * * * * ستایش برای خدا است به شماره آنچه آفریده و ستایش خدای را همانند آنچه آفریده و

الْحَمْدُ لِلّٰهِ مِثْلًا مَا خَلَقَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ زِنَةَ عَرْشِهِ

ستایش خدای را به پُری آنچه آفریده و ستایش خدای را به امتداد کلماتش و ستایش خدای را هموزن عرشش

وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رِضًا نَفْسِهِ وَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيْمُ الْكَرِيْمُ وَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ

و ستایش خدای را به اندازه خوشنودیش و معبودی نیست جز خدای شکیبای بزرگوار و معبودی نیست جز خدای

والای

الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبِّ الْعَرْشِ

بزرگ منزله است خدا پروردگار آسمانها و زمینها و آنچه در میان آن دو است و پروردگار عرش

الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَأَعُوذُ

بزرگ خدایا من به تو پناه برم از درک کردن بدبختی و از شماتت دشمنان و به تو پناه برم

بِكَ مِنْ الْفَقْرِ وَالْوَقْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ

از ناداری و سنگین‌باری و به تو پناه برم از بدی دیدن در خاندان و مال و فرزند

و صلوات بفرست بر محمد و آل محمد ده مرتبه پنجم .

و نیز از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون نماز مغرب و صبح بجا

آوردی بگو هفت مرتبه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ

الْعَظِيمِ پس بدرستی که هر کس این را بگوید نرسد به او جدام و پیسی و

دیوانگی و نه هفتاد نوع از انواع بلاها و می‌گویی چون داخل صبح و داخل شام

شدی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الصَّبَاحِ الْحَمْدُ لِلْفَائِقِ الْأَصْبَاحِ دُو مَرْتَبَةٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ

ستایش خاص پروردگار صبحدم ستایش خاص شکافنده سپیده‌دم * * * * * ستایش خدایی را که

اللَّيْلَ بِقُدْرَتِهِ وَجَاءَ بِالنَّهَارِ بِرَحْمَتِهِ وَنَحْنُ فِي عَافِيَةٍ *

شب را به قدرت خویش ببرد و روز را به مهر خویش درآورد و ما در حال تندرستی هستیم

و می‌خوانی آیه‌الکرسی و آخر حشر و ده آیه از صافات: وَسُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ

الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَسُبْحَانَ اللَّهِ

مرسلین و ستایش خدای را است پروردگار جهانیان پس منزله است خدا هنگامی که شام کنی و هنگامی که

حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ

بامداد کنی و از او است ستایش در آسمانها و زمین و شامگاه و چون ظهر کنی

تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ

برون آرد زنده را از مرده و برون آرد مرده را از زنده و زنده کند زمین را پس از

مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تَخْرُجُونَ سُبُوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّنَا وَرَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ

مرگش و این چنین بیرون آورده شوید منزّه و پاکیزه است پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح، پیشی جسّته

رَحْمَتِكَ غَضَبِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفُرْ لِي

مهرت بر خشمت معبودی جز تو نیست منزهی تو که براستی من به خود ستم کرده‌ام پس ببامرز مرا و به من

وَارْحَمْنِي وَ تُبُّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ *

رحم کن و توبه‌ام بپذیر که همانا تویی توبه‌پذیر مهربان

ششم و نیز از حضرت صادق علیه السلام این دعا برای وقت صبح روایت شده:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَحْمَدُكَ وَ

خدایا از آن تو است ستایش تو را ستایش کنم و از تو

أَسْتَعِينُكَ وَ أَنْتَ رَبِّي وَ أَنَا عَبْدُكَ أَصْبَحْتُ عَلَى عَهْدِكَ وَ وَعَدِكَ وَ أَوْمِنُ

کمک خواهم و تویی پروردگار من و منم بنده تو بامداد کردم بر پیمان و وعده تو و ایمان دارم

بِوَعْدِكَ وَ أَوْفَى بِعَهْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ حَدَّهُ لَا

به وعده‌ات و وفا کنم به عهد تو تا می‌توانم و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای یگانه‌ای که

شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَصْبَحْتُ عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ

شریک ندارد و گواهی دهم که محمد بنده و رسول او است بامداد کردم بر فطرت اسلام

وَ كَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ وَ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا عَلَى

و کلمه اخلاص و کیش ابراهیم و دین محمد که درود خدا بر آن دو و بر آلشان باد بر

ذَلِكَ أَحْيَى وَ أَمُوتُ إِِنْ شَاءَ اللَّهُ اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي وَ أَمِتْنِي إِذَا أَمِتْنِي

همین زندگی کنم و بر آن بمیرم انشاءالله خدایا زنده‌ام دار تا زنده‌ام داری و بمیرانم هنگامی که بمیرانیم

عَلَى ذَلِكَ وَ إِعْتَنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَى ذَلِكَ ابْتَغِي بِذَلِكَ رِضْوَانَكَ وَ اتَّبَاعَ

بر اینکه گفتم و برانگیزم در آن هنگام که محشورم کنی بر همین و من می‌جویم بدان خوشنودی تو و پیروی

سَبِيلِكَ إِلَيْكَ الْبَجَاتُ ظَهَرِي وَإِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي آلُ مُحَمَّدٍ أَيْمَتِي لَيْسَ لِي

راه تو را و به تو تکیه دادم پشتم را و به تو واگذاردم کارم را آل محمد امامان منند و

أَيَّمَةٌ غَيْرُهُمْ بِهِمْ أَنْتُمْ وَإِيَّاهُمْ أَتَوَلَّى وَبِهِمْ أَقْتَدِي اللَّهُمَّ اجْعَلْهُمْ أَوْلِيَاءِي فِي

امامی جز ایشان برابرم نیست بدانها پیروم و آنان را دوست گیرم و بدیشان اقتداء کنم خدایا قرارشان ده دوستان من در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاجْعَلْنِي أَوْلِيَاءَهُمْ وَأَعَادِي أَعْدَاءَهُمْ فِي الدُّنْيَا

دنيا و آخرت و چنان کن که من دوست بدارم دوستانشان را و دشمن بدارم دشمنانشان را در دنیا

وَالْآخِرَةِ وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ وَآبَائِي مَعَهُمْ *

و آخرت و ملحقم کن به شایستگان و پدرانم را نیز با ایشان قرار ده

هفتم و نیز از آن حضرت مروی است که هر چه را ترک کردی خواندن این دعا

را ترک مکن در هر صبح و شام:

اللَّهُمَّ نَبِيٌّ أَصْبَحْتُ أَسْتَغْفِرُكَ فِي هَذَا الصَّبَاحِ

خدایا من بامداد کردم که آمرزش خواهم از تو در این بامداد

أَوْ فِي هَذَا الْيَوْمِ لِأَهْلِ رَحْمَتِكَ وَأَبْرَأُ

و در این روز برای آنان که شایسته رحمت هستند و بیزار می‌جویم

إِلَيْكَ مِنْ أَهْلِ لَعْنَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَبْرَأُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذَا

به تو از آنان که دور از رحمت توآند خدایا بامداد کردم در حالی که بیزار می‌جویم بسویت در این روز و در این

الصَّبَاحِ مِمَّنْ نَحْنُ بَيْنَ ظَهْرَانِهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَمِمَّا كَانُوا يَعْبُدُونَ أَنَّهُمْ

بامداد از آنان که در میان آنهایم از مشرکان و از آنچه می‌پرستند براستی که اینان

كَانُوا قَوْمٌ سَوْءٍ فَاسْقِنِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا أَنْزَلْتَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي

مردمی بدکار و فاسقند خدایا قرار ده آنچه را فرو فرستی از آسمان به زمین در

هَذَا الصَّبَاحِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ بَرَكَةً عَلَى أَوْلِيَائِكَ وَعِقَابًا عَلَى أَعْدَائِكَ اللَّهُمَّ

این بامداد و در این روز برکتی بر دوستانت و عقابی بر دشمنانت خدایا

وَالْمَنْ وَالْأَكْ وَعَادِ مَنْ عَادَكَ اللَّهُمَّ اخْتِمِ لِي بِالْأَمْنِ وَالْأَيْمَانِ كَلِّمًا

دوست دار دوست دارت را و دشمن دار هرکه دشمنت دارد خدایا پایان ده برابم به امنیت و ایمان هر زمان

طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ أَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي

که خورشید سر زند یا غروب کند خدایا بیامرز مرا و پدر و مادرم را و رحمتشان کن چنانچه پروراندند مرا

صَغِيرًا أَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ

در کوچکی خدایا بیامرز مردان مؤمن و زنان با ایمان مردان مسلمان و زنان مسلمان را زندگانشان

مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ أَللَّهُمَّ أَنْتَ تَعْلَمُ مَقَلَبَهُمْ وَ مَتَوَيْهِمْ أَللَّهُمَّ احْفَظْ إِمَامَ

و مردگانشان را خدایا تو می دانی بازگشتگاه و اقامتگاهشان را خدایا محافظت کن امام

الْمُسْلِمِينَ بِحِفْظِ الْإِيمَانِ وَ أَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَ اجْعَلْ

مسلمین را به حفظ ایمان و یاریش کن پیروزمندانه و بگشا برایش به آسانی و قرارده

لَهُ وَ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا أَللَّهُمَّ الْعَنْ فُلَانًا وَ فُلَانًا وَ الْفِرْقَ الْمُخْتَلِفَةَ

برای او و برای ما از نزد خود سلطنتی با نصرت خدایا لعنت کن فلانی و فلانی و دسته هایی که اختلاف کردند

عَلَى رَسُولِكَ وَ وِلَاةِ الْأَمْرِ بَعْدَ رَسُولِكَ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ شَبِيعَتِهِمْ وَ

بر پیامبر تو و زمامداران (باطل) پس از پیامبرت را و پیشوایان (دروغی) پس از او و پیروانشان را و

أَسْأَلُكَ الزِّيَادَةَ مِنْ فَضْلِكَ وَ الْأَقْرَارَ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِكَ وَ التَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ

از تو خواهم زیاده فضل تو را و اقرار بدانچه آورده است از پیش تو و تسلیم بودن فرمات را

وَ الْمُحَافَظَةَ عَلَى مَا أَمَرْتُ بِهِ لَا أَبْتَغِي بِهِ بَدَلًا وَ لَا أَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا

و محافظت بر آنچه بدان فرمان دادی بطوری که آنرا به چیزی تبدیل نکنم و به بهایی آنرا نفروشم

أَللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَ قِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ إِنَّكَ تَقْضِي وَ لَا يُقْضَى

خدایا هدایت کن مرا در زمره کسانی که هدایت کردی و نگاهم دار از شر آنچه حکم کردی که تو چنانی که حکم کنی

و کسی بر تو حکم

عَلَيْكَ وَ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ رَبَّ الْأَبْيْتِ تَقَبَّلْ مِنِّي

نکند و خوار نشود کسی که تو دوستش داری بزرگی تو و برتری منزهی تو ای پروردگار خانه کعبه بپذیر از من

دُعَائِي وَ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ مِنْ خَيْرٍ فَضَاعِفُهُ لِي أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَ اتِّبَا مِنْ

دعایم را و آنچه را بوسیله آن به تو تقرب جستم از نیکی پس آنرا برایم مضاعف گردان به چندین برابر و بده به ما از

لَذُنْكَ أَجْرًا عَظِيمًا رَبِّ مَا أَحْسَنَ مَا أَبْلَيْتَنِي وَاعْظَمَ مَا أَعْطَيْتَنِي وَاطْوَلَ

پیش خود پاداشی بزرگ پروردگارا چه نیکو است آنچه مرا آزمودی و بزرگ است آنچه به من دادی و چه طولانی است

مَا عَافَيْتَنِي وَ أَكْثَرَ مَا سَتَرْتَ عَلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا عَلَيْهِ

عافیتی که به من دادی و بسیار است آنچه بر من پوشیدی پس تو را است ستایش ای معبود من بسیار و پاکیزه و با

برکت به اندازه

مِلَأُ السَّمَوَاتِ وَمِلَأُ الْأَرْضِ وَمِلَأُ مَا شَاءَ رَبِّي وَرَضِي وَكَمَا يَنْبَغِي لُوجْهِ

پُری آسمانها و پُری زمین و پُری آنچه پروردگارم خواهد و خوشنود گردد و بدان سان که شایسته ذات

رَبِّي ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ *

پروردگارم صاحب جلال و بزرگواری است

هشتم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایتست که هر کس بگوید در

وقت طلوع فجر:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ

معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد از او است فرمانروایی و او را است ستایش

يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

زنده کند و بمیراند و او است زنده‌ای که نمیرد خیر و خوبی بدست او است و او بر هر چیز توانا است

ده مرتبه و صلوات بفرستد بر محمد و آل محمد ده مرتبه و تسبیح کند سی و

پنج مرتبه و تهلیل گوید سی و پنج مرتبه و تحمید گوید خدایا سی و پنج مرتبه نوشته

نشود در آن روز از غافلین و اگر در شب بگوید نیز نوشته نشود در

آن شب از غافلین نهم از محمد بن فضیل روایتست که نوشتم به خدمت حضرت

امام محمد تقی علیه السلام و از آن حضرت درخواستم که مرا تعلیم فرماید

دعائی پس نوشت آن حضرت در جواب من که می‌گوئی در وقت صبح و شام:

اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً پس دعا می کنی برای حاجت

خدا... پروردگار من است بخشاینده مهربانی که چیزی را شریکش قرار ندهم * * * * *

خود که این کلمات مقدمه است برای سؤال هر حاجتی به اذن خدا دهم از حضرت صادق علیه السلام منقول است که به داود رقی فرمود که ترک مکن این دعا را سه مرتبه در وقت صبح و سه مرتبه در وقت شام:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دَرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تُرِيدُ

* * * * * خدایا قرار ده مرا در زره محکمت که قرار دهی در آن هر که را خواهی

پس بدرستی که پدرم علیه السلام می فرمود که این از دعاهای مخزون است.

دعاهای وقت خوابیدن و بیدار شدن

فصل دُوِّم

در بعض دعاهای وارده در وقت خوابیدن و بیدار شدن و آن هفت دعا است اول از حضرت صادق علیه السلام مروی است که کسی که بگوید سه مرتبه در وقتی که در خوابگاه خود در آید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَّنَ فَخَبَّرَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ

ستایش خدایی را که برتر آمد و چیره و ستایش خدایی را که نهان است و آگاه و ستایش خدایی را که مالک است

فَقَدَّرَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و نیرومند و ستایش خدایی را که زنده کند مردگان را و بمیراند زندگان را و او بر هر چیز توانا است

بیرون آید از گناهان خود مانند روزی که زائیده او را مادر او و این روایت را صدوق و شیخ نیز نقل کرده اند و در عده الداعی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که این آذنی چیزی است که مجزی است از تحمید و لکن در آن

روایت حمد دویم بعد از حمد سیّم است دویم و نیز از آن حضرت مرویست که

حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون در رختخواب خود جامی گرفت

می خواند آیه الکرسی و می گفت:

بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ اَللّهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنَامِي وَ فِي يَقَظَتِي

بنام خدا ایمان آوردم به خدا و کافرَم به طاغوت خدایا حفظ کن مرا در خوابم و در بیداریم

* سیّم از مفضل بن عمر منقول است که حضرت صادق علیه السلام به من

فرمود که اگر بتوانی شب نکن مگر آنکه تعویذ کنی خود را به یازده حرف

گفتم خبر ده مرا به آنها فرمود بگو:

أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللَّهِ وَ

پناه برم به عزت خدا و پناه برم به نیروی خدا و پناه برم به جلال خدا و پناه برم به سلطنت خدا و

أَعُوذُ بِجَمَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِدَفْعِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِمَنْعِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ

پناه برم به جمال خدا و پناه برم به دفاع خدا و پناه برم به جلوگیری کردن خدا و پناه برم به جمع آوری خدا و پناه برم

بِمُلْكِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ شَرِّ

به فرمانروایی خدا و پناه برم به ذات خدا و پناه برم به رسول خدا صلی الله علیه و آله از شر

مَا خَلَقَ وَ بَرَاءَ وَ ذَرَاءَ وَ تعویذ کن خود را به این هر وقت که خواهی.

آنچه آفرید و پدید آورده * * * * *

چهارم از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسی که بخواند صدمرتبه قل

هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ در وقتی که در خوابگاه خود رود آمرزیده شود از گناهان پنجاه ساله

خود و نیز از آن حضرت مرویست که کسی که بخواند در وقتی که در

رختخواب خود رود قل يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَ قل هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بنویسد حق تعالی

برای او بیزاری از شرک را پنجم از حضرت صادق علیه السلام منقولست که

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود کسی که بخواهد برخیزد برای نماز

شب و در رختخواب خود جا کرده باشد بگوید:

اللَّهُمَّ لَا تُؤْمِنِي مَكْرَكًا وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ

خدایا مرا ایمن از مکر خود مفرما و ذکرت را فراموشم منما و قرارم مده از بی خبران،

أَقُومُ سَاعَةَ كَذَا وَ كَذَا

بها خیزم در فلان ساعت

* هرگاه چنین گفت حق تعالی موکل فرماید به او ملکی که او را بیدار کند در

آن ساعت ششم و نیز از آن حضرت مرویست که فرمود هرگاه یکی از شما

برخواست در شب از خواب بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ النَّبِيِّينَ وَ إِلَهِ الْمُرْسَلِينَ وَ رَبِّ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

منزه است خدا پروردگار پیمبران و معبود رسولان و پروردگار ناتوان شمردگان ستایش خدایی را

الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس بدرستی که چون این را گفت

که زنده کند مردگان را و او بر هر چیز توانا است * * * * *

می گوید خدای تبارک و تعالی راست گفت بنده من و شکر نمود هفتم از عبدالرحمن بن

حجاج روایت است که حضرت صادق علیه السلام در آخر شب که از خواب

برمی خواست صدا را بلند می فرمود به حدی که اهل خانه بشنوند و می گفت:

اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَ وَسَّعْ عَلَيَّ ضَيْقَ الْمَضْجَعِ وَ ارْزُقْنِي خَيْرَ مَا

خدایا کمکم کن بر هراس روز قیامت و فراخ گردان بر من تنگی آرامگاهم را و روزیم کن خوبی

قَبْلَ الْمَوْتِ وَ ارْزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ

پیش از مرگ و خوبی پس از مرگ را

دعاهای وقت خروج از منزل

فصل سیّم

در ذکر چند دعائی که در وقت بیرون آمدن از منزل خوانده می‌شود و آن هشت است اول از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آدمی هرگاه خواست از منزل خود بیرون رود بگوید سه مرتبه در وقتی که اراده دارد:

اللَّهُ أَكْبَرُ وَ سَهْ مَرْتَبَهٗ بِاللَّهِ أَخْرُجُ وَ بِاللَّهِ ادْخُلُ وَ عَلَيَّ اللَّهُ اتَّوَكَّلُ

بنام خدا بیرون می‌روم و بنام خدا داخل می‌شوم و بر خدا توکل می‌کنم

پس بگوید: اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِيْ فِيْ وَجْهِ هٰذَا بِخَيْرٍ وَ اخْتِمْ لِيْ بِخَيْرٍ وَ قِنِيْ شَرَّ كُلِّ

*** خدايا بگشا (دري) براي من از خير در اين سمت كه مي‌روم و سرانجام را خير گردان و نگاهم دار از شر هر

دَابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّيْ عَلَيَّ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ پيوسته در ضمان خداوند

چنبده كه زمامش بدست تو است براستي پروردگار من بر راه راست است *****

عزوجل باشد تا برگردد به همان مكاني كه در آن بوده دويم از حضرت امام زين العابدين عليه السلام مرويست كه در وقت بيرون شدن از در منزل بگويد:

بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ

بنام خدا ايمان آوردم به خدا و توكل كردم به خدا

سيم از حضرت امام محمد باقر عليه السلام منقول است كه هر كس بگويد در

وقتي كه از منزل خود بيرون مي‌شود:

بِسْمِ اللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ خَيْرَ

***** بنام خدا بس است مرا خدا توكل كردم بر خدا، خدايا از تو خواهم خير و خوبي

اُمُورِي كُلِّهَا وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْاٰخِرَةِ كفايت فرمايد حق

همه كارهايم را و پناه برم به تو از رسوايي دنيا و عذاب آخرت *****

تعالی آنچه را که اندوهگین سازد او را از امر دنیا و آخرت او.

چهارم از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بگو در وقتی که از منزل

خود بیرون روی:

بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ

بنام خدا توکل کردم بر خدا

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا خَرَجْتُ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ

جنبش و نیرویی نیست جز به خدا خدایا از تو خواهم خیر آنچه را به خاطرش بیرون آمدم و پناه برم به تو از شر

مَا خَرَجْتُ لَهُ اللَّهُمَّ أَوْسَعُ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَتَمِّمُ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَأَسْتَعْمِلُنِي

آنچه برایش بیرون شدم خدایا فراخ گردان بر من از فضل خودت و کامل گردان بر من نعمت را و بدارم

فِي طَاعَتِكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ رَسُولِكَ

در کار اطاعت و شوقم را در آنچه نزد تو است قرار ده و بمیرانم بر کیش خود و کیش پیامبرت

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ *

پنجم از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که پدرم علیه السلام این

کلمات را می گفت در وقتی که از منزل بیرون می شد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَرَجْتُ بِحَوْلِ

بنام خدای بخشاینده مهربان به جنبش

اللَّهِ وَقُوَّتِهِ لَا بِحَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّتِي بَلْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا رَبِّ مُتَعَرِّضًا

خدا و نیرویش درآیم نه به جنبش و نیروی خودم بلکه به جنبش و نیروی تو پروردگارا و خود را در معرض

لِرِزْقِكَ فَآتِنِي بِهِ فِي عَافِيَةٍ *

روزی تو قرار دادهام پس از آن به من بده با عافیت

ششم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که بخواند قُلْ هُوَ

اللَّهُ أَحَدٌ ده مرتبه هنگامی که از منزل خود بیرون می‌رود پیوسته در حفظ

خداوند عزوجل باشد و حق تعالی نگهبان او باشد تا برگردد به منزل خود هفتم

از حضرت امام موسی علیه السلام مرویست که هرگاه خواستی سفر روی

به ایست بر در خانه‌ات و بخوان فاتحة الكتاب را از پیش رو و از جانب راست و

از جانب چپ و همچنین قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را و همچنین قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و قُلْ

أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ را پس بگو:

اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ وَ سَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا

خدایا مرا حفظ کن و حفظ کن آنچه با من است و به مقصودم برسان و سالمم بدار با هر چه با من است و برسانم و

برسان آنچه

مَعِيَ بِلَاغًا حَسَنًا *

با من است به خوبی و نیکی

هشتم و نیز از آن حضرت مروی است که هرگاه بیرون شدی از منزل خود در

سفر یا در حضر پس بگو: بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ مَا

***** بنام خدا ایمان آوردم به خدا و توکل کردم بر خدا آنچه

شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

خدا خواهد جنبش و نیرویی نیست جز به خدا

و ایشان جدایی مینداز که برآستی تو بر هر چیز توانایی

دویم روایت شده از صفوان جمال که دیدم حضرت صادق علیه السلام رو به قبله

کرد پیش از تکبیر و گفت:

اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنْ رَوْحِكَ

خدایا مرا از نسیم جانبخش لطفت

وَلَا تَقْطُنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تُؤْمِنِي مَكْرَكَ فَإِنَّهُ لَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ

محروم مکن و از مهر و رحمت ناامیدم مکن و از مکرمت ایمنم مکن زیرا ایمن نشوند از مکر خدا جز مردم

الْخَاسِرُونَ *

زیانکار

سیم از حضرت صادق علیه السلام مروی است که حضرت امیرالمؤمنین علیه

السلام می گفت بعد از آنکه فارغ از زوال می گشت:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ

خدایا به تو تقرب جویم بوسیله جود و کرمت

وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ

و تقرب جویم به تو بوسیله محمد بنده و رسول تو و تقرب جویم به تو به فرشتگان مقربت

وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ بِكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْغَنِيُّ عَنِّي وَ بِي الْفَاقَةُ إِلَيْكَ أَنْتَ

و پیمبران مرسلت و به خودت خدایا تو از من بی نیازی ولی من بدرگاهت نیازمندم تو

الْغَنِيُّ عَنِّي وَ أَنَا الْفَقِيرُ إِلَيْكَ أَقْلُتَنِي عَثْرَتِي وَ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبِي فَاقْضِ

از من بی نیازی ولی من محتاج توام لغرضم را نادیده گرفتی و گناهانم را بر من پوشاندی

الْيَوْمَ حَاجَتِي وَ لَا تُعَذِّبْنِي بِبَيْحِ مَا تَعَلَّمُ مِنِّي بَلْ عَفْوِكَ وَ جُودِكَ يَسْعُنِي

پس در این روز حاجتم را برآور و معذیم مکن بلکه گذشت و جود تو فرایم گیرد

آنگاه حضرت به سجده می افتاد و می گفت: يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَ يَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَرُّ

***** ای شایسته پرهیزکاری و ای شایسته آمرزش ای نیکوکار ای

يَا رَحِيمُ أَنْتَ أَبْرَبِي مِنْ أَبِي وَ أُمِّي وَ مِنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ أَقْلِبْنِي بِقَضَاءِ حَاجَتِي

مهربان تو نیک رفتارتری نسبت به من از پدر و مادرم و از همه خلائق بازگردان با حاجت روا و دعای

مُجَاباً دُعَائِي مَرْحُوماً صَوْتِي قَدْ كَشَفْتَ أَنْوَاعَ الْبَلَاءِ عَنِّي *

مستجاب و آوازی که مورد مهرت قرار گرفته و انواع بلا را از من دور کرده باشی

چهارم از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که چون از نماز

فریضه فارغ شدی بگو:

رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَ

خوشنودم به پروردگاری خدا و به پیامبری محمد و به دین اسلام و به کتابم که قرآن است و به امام

بِعَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ

وَ الْحَسَنِ وَ الْحُجَّةِ أَلَلَّهُمْ وَ لِيُكَ الْفَائِمِ الْحُجَّةُ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ

خدایا نماینده تو حجت است نگهداری کن از پیش رو و

مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ أَمْدُدْ لَهُ فِي

از پشت سر و از راست و چپ و از بالای سر و از زیر پایش و طولانی کن عمرش را

عُمُرِهِ وَ اجْعَلْهُ الْفَائِمَ بِأَمْرِكَ وَ الْمُتَّصِرَ لِدِينِكَ وَ أَرِهِ مَا يُحِبُّ وَ مَا تَقَرَّبُ بِهِ

و او را قیام کننده به امرت قرار ده و یاور دینت و بنما به او آنچه را دوست دارد و آنچه دیده اش را روشن کند

عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ وَ فِي شِيعَتِهِ وَ فِي عَدُوِّهِ وَ أَرِهِمْ

درباره خودش و در فرزندان و خاندانش و در مال و در شیعیانش و در دشمنانش بنما بدانها از او آنچه را می ترسند و

بنما

مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ وَ أَرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَ تَقَرَّبُ بِهِ عَيْنُهُ وَ أَشْفِ صُدُورَنَا وَ

به او در مورد ایشان آنچه را دوست دارد و دیده اش بدو روشن شود و سینه های ما و

صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ *

سینه های مردم با ایمان را شفا ده

و فرمود که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله فارغ می شد از نماز می گفت:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا

خدایا بیامرزش برای من آنچه از پیش فرستادم و از دنبال و آنچه پنهان کردم و آشکار و

اسرافای علی نفسی و مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَالْمُؤَخِّرُ لَا إِلَهَ

زیاده رویهایم بر خود و آنچه را تو بهتر از من می دانی خدایا تویی پیش انداز و پس انداز معبودی

إِلَّا أَنْتَ بَعْلَمِكَ الْغَيْبِ وَبِقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا

جز تو نیست به دانشت بر غیب و به نیرویت بر خلق همگی و تا زمانی که بدانی زندگی را برای من بهتر

لِي فَاحْيِنِي وَتَوَفَّنِي إِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَشِيَّتَكَ فِي

زندهام دار و بمیرانم هرگاه بدانی مرگ را برایم بهتر از زندگی خدایا من از تو خواهم ترس تو را در

السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَكَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الْغَضَبِ وَالرِّضَا وَالْقَصْدَ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَا وَ

پنهانی و آشکار و گفتار حق را در خشم و خوشنودی و میانه روی را در ننداری و دارایی و

أَسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَنْفَدُ وَقُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ وَأَسْأَلُكَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَبِرَكَّةٍ

از تو خواهم نعمتی تمام نشدنی و روشنی چشمی قطع نشدنی و از تو خواهم راضی بودن به قضا و قدر و مبارک بودن

الْمَوْتِ بَعْدَ الْعَيْشِ وَبَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَلَذَّةَ الْمُنْظَرِ إِلَى وَجْهِكَ وَ

مرگ را پس از زندگی و گوارایی زندگی پس از مرگ را و لذت دیدار رویت را و

شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْكَ وَ لِقَائِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرَاءٍ مُضِرَّةٍ وَلَا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ اللَّهُمَّ زَيْنًا

شوق دیدار و لقایت را بدون سختی زیانبخش و نه فتنه گمراه کننده خدایا زینت ده

بِزِينَةِ الْإِيمَانِ وَاجْعَلْنَا هُدَاةَ مُهْتَدِينَ اللَّهُمَّ اهْدِنَا فِيمَنْ هَدَيْتَ اللَّهُمَّ إِنِّي

ما را به زیور ایمان و قرارمان ده راهنمایانی راه یافته خدایا راهنماییمان کن در زمره آنانکه هدایت کردی خدایا از

أَسْأَلُكَ عَزِيمَةَ الرَّشَادِ وَالثَّبَاتِ فِي الْأَمْرِ وَالرُّشْدِ وَأَسْأَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَ

تو خواهم تصمیم رهنمایی و پایداری در کار (دین) و رشد و از تو خواهم سپاسگزاری نعمت و

حُسْنَ عَافِيَّتِكَ وَ آدَاءَ حَقِّكَ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ قَلْبًا سَلِيمًا وَ لِسَانًا صَادِقًا

حسن عافیت و اداء حقت را و از تو خواهم پروردگارا دلی سالم و زبانی راستگو

وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا تَعَلَّمُ وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا تَعَلَّمُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعَلَّمُ فَإِنَّكَ

و آموزش خواهم از تو از آنچه می دانی و از تو خواهم خیر آنچه را دانی و پناه می برم به تو از شر آنچه می دانی زیرا تو

تَعَلَّمُ وَلَا تَعَلَّمُ وَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ *

می دانی و ما نمی دانیم و تویی دانای هر غیب

پنجم از حضرت صادق علیه السلام روایت است که هر کس این کلمات را بگوید نزد هر نماز فریضه محفوظ ماند خودش و خانه اش و مالش و اولادش:

أَجِيرُ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وَكْدِي وَ أَهْلِي وَ دَارِي وَ كُلِّ مَا هُوَ مِنِّي بِاللَّهِ

*** پناه دهم خودم و مال و فرزند و خاندان و خانه ام و هر چه دارم به خدای یکتای

الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَ أَجِيرُ

یگانه بی نیازی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست برایش همتایی هیچکس و پناه دهم

نَفْسِي وَ مَالِي وَ وَكْدِي وَ كُلِّ مَا هُوَ مِنِّي بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ تَا آخِرِ سُورَةِ

خودم و مال و فرزند و هر چه از من است به پروردگار سپیده دم از شر آنچه آفریده *** ** * و

وَ أَجِيرُ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وَكْدِي وَ كُلِّ مَا هُوَ مِنِّي بِرَبِّ النَّاسِ تَا آخِرِ سُورَةِ وَ

و پناه دهم خودم و مال و فرزند و هر چه از من است به پروردگار مردم *** ** * و

أَجِيرُ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وَكْدِي وَ كُلِّ مَا هُوَ مِنِّي بِاللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

پناه دهم خودم و مال و فرزند و هر چه از من است به خدایی که معبودی جز او نیست زنده و پاینده ای

لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَ لَا نَوْمٌ

که نگیردش چرت و نه خوابی

تَا آخِرِ آيَةِ الْكُرْسِيِّ

دعاهای وارده به جهت رزق

فصل پنجم

در بعض دعاهای وارده به جهت رزق و آنها پنج است: اول از معاویة بن عمار منقول است که از حضرت صادق علیه السلام در خواستم که دعائی مرا تعلیم فرماید برای رزق پس آن حضرت این دعا را تعلیم من فرمود و من ندیدم چیزی برای زیاد شدن رزق بهتر از این فرمود بگو:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا

خدایا روزیم گردان از فضل وسیع و حلال و پاکیزهات روزی وسیع حلال پاکیزه‌ای

بِلاغًا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ صَبَابًا هَنِيئًا مَرِيئًا مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ

که رساننده دنیا و آخرت باشد ریزان ریزان گوارا دلچسب بدون رنج و بدون منت از هیچیک از

خَلْقِكَ إِلَّا سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَاسْتَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَمِنْ

خلق خود جز فراخی از فضل وسعت زیرا تو گفتی خدا را از فضلش درخواست کنید پس من از

فَضْلِكَ أَسْتَلُّ وَ مِنْ عَطِيَّتِكَ أَسْتَلُّ وَمِنْ يَدِكَ الْمَالُ أَسْتَلُّ *

فضل تو درخواست کنم و از عطایت درخواست کنم و از دست پُرت خواستارم

دویم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی است که به زید شحام فرمود

که بگو به جهت طلب روزی در سجده نماز فریضه:

يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَ يَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ ارْزُقْنِي وَارْزُقْ عِيَالِي مِنْ

ای بهترین درخواست شدگان و ای بهترین عطاکنندگان روزی ده مرا و عیالم را از

فَضْلِكَ فَإِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ *

فضل خود که براستی تویی صاحب فضل بزرگ

سیم از ابوبصیر منقول است که شکایت کردم بسوی حضرت صادق علیه السلام از حاجت خود و خواستم از آن حضرت که مرا تعلیم فرماید دعائی به جهت رزق پس حضرت این دعا را تعلیم من فرمود که از زمانی که من خواندم آن را دیگر محتاج نشدم فرمود بگو در نماز شب در حال سجده:

يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَيَا خَيْرَ مَسْئُولٍ وَيَا أَوْسَعَ مَنْ أَعْطَىٰ وَيَا خَيْرَ مُرْتَجِيٍّ

ای بهترین خواننده شده و ای بهترین درخواست شده و ای وسیعتر کسی که عطا کند و ای بهترین مایه

ارزقنی و اوسع علی من رزقک و سبب لی رزقا من قبلك انک علی کل

امید روزیم ده و فراخ گردان بر من از روزیت و وسیله سازی کن روزیم را از جانب خود که تو بر

شیئی قدیر

هر چیز توانایی

* مؤلف گوید که شیخ طوسی این دعا را در سجده آخر رکعت هشتم نافله شب در مصباح ذکر فرموده چهارم روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله این دعا را برای طلب روزی تعلیم فرمود:

يَا رَازِقَ الْمُقْلِينَ وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ وَيَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا ذَا الْقُوَّةِ

ای روزی ده ندادان و ای مهرورز به مسکینان و ای سرپرست مؤمنان و ای صاحب نیروی

المؤمنین صل علی محمد و اهل بیته و ارزقنی و عافنی و اکفنی ما اهمنی

محکم درود فرست بر محمد و خاندانش و روزیم ده و عافیتم ده و کفایتم کن آنچه مهم است بر من

پنجم ابوبصیر این دعا را به جهت طلب روزی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده و آن حضرت فرموده که این دعای علی بن الحسین علیهما السلام است که خدا را به آن می خوانده:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حَسَنَ الْمَعِيشَةِ مَعِيشَةً اتَّقَوِي بِهَا عَلَىٰ جَمِيعِ حَوَائِجِي وَ

خدایا از تو خواهم خوبی زندگانی را آن زندگانی که نیرو گیرم بدان بر همه خواسته‌هایم و

اتَوَصَّلْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ إِلَىٰ آخِرَتِي مِنْ غَيْرِ أَنْ تُتَرَفَّنِي فِيهَا فَاطْعِي أَوْ تُقْتَرَّ

برسم بدان در زنده بودنم به آخرت بدون آنکه بی‌خبر و سرکشم کنی در آن که طغیان کنم یا سختگیری

بِهَا عَلَيَّ فَاشْفِي أَوْ سِعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَأَفْضِلْ عَلَيَّ مِنْ سَبَبِ فَضْلِكَ

بر من که بدبخت گردم وسیع گردان بر من از روزی حلالت و زیاده بخش بر من از فضل ریزانت

نِعْمَةً مِنْكَ سَابِغَةً وَعَطَاءً غَيْرَ مَمْنُونٍ ثُمَّ لَا تَشْغَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ بِأَكْثَارٍ

نعمتی از تو ریزان و عطایی بی منت سپس سرگرم مکن از سپاسگزاری نعمتت به زیادی

مِنْهَا تَلْهِينِي بِهِجْتَهُ وَتَفْتِنُنِي زَهْرَاتُ زَهْوَتِهِ وَلَا بِأَقْلَالٍ عَلَيَّ مِنْهَا يَقْصُرُ

آن که غافل کند مرا خرمی و شادابیش و بفریبد مرا آب و رنگ فریبنده‌اش و نه به اندک دانش بر من از دنیا که در

نتیجه کوتاه آید

بِعَمَلِي كَدُّهُ وَيَمْلَأُ صَدْرِي هَمَّهُ أَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي غِنِيَّ عَنْ شِرَارِ

زحمت من از تلاشش و پر کند سینه‌ام را اندوهش عطا کن به من - ای خدا - از آن آنچه را که بی‌نیازی از بدان

خَلْقِكَ وَبَلَاغًا أَنَالُ بِهِ رِضْوَانَكَ وَأَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ مَا

خلقت باشد و برساند مرا به خوشنودیت و پناه برم به تو خدایا از شر دنیا و شر آنچه

فِيهَا وَلَا تَجْعَلْ عَلَيَّ الدُّنْيَا سِجْنًا وَلَا فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا أَخْرَجْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا

در آن است و قرار مده دنیا را بر من زندان و نه جدا گشتنش را از من اندوه، بیرونم آر از آشوبش در حال

مَرَضِيًّا عَنِّي مَقْبُولًا فِيهَا عَمَلِي إِلَىٰ دَارِ الْحَيَاةِ وَمَسَاكِينِ الْأَخْيَارِ وَأَبْدَلْنِي

خوشنودیت از من و پذیرفتگی عملم در آن بسوی خانه زندگی و جایگاههای سکونت نیکان و عوضم ده

بِالدُّنْيَا الْفَانِيَةِ نَعِيمِ الدَّارِ الْبَاقِيَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَزْلِهَا وَزَلْزَالِهَا وَ

از دنیای فانی و نعمتهای خانه جاویدان خدایا پناه برم به تو از فشار و سختی و لرزه‌های آن و

مِنْ سَطَوَاتِ شَيَاطِينِهَا وَسَلَّاطِينِهَا وَنَكَالِهَا وَمِنْ بَغْيٍ مَن بَغَىٰ عَلَيَّ فِيهَا

بورشهای شیاطین و سلاطین آن و از وبالش و از ستم آنکس که بر من در آن ستم کند

اللَّهُمَّ مَنْ كَادَتِي فَكِدْهُ وَمَنْ أَرَادَتِي فَارِدْهُ وَقُلِّ عَنِّي حَدًّا مَن نَصَبَ لِي حَدَّهُ

خدایا هر که نقشه برای من بکشد تو برایش نقشه کنش و هر که قصد بد برایم کند تو درباره اش چنان کن و کُند کن از من

تیزی

وَاطْفَاءُ عَنِّي نَارَ مَنْ شَبَّ لِي وَ قُوْدُهُ وَ اَكْفِنِي مَكْرَ الْمَكْرَةِ وَ اَفْقَأْ عَنِّي عُيُونَ

سلاح کسی را که سلاحش را برایم تیز کرده و خاموش کن از من آتشی که برایم افروخته و کفایت کن از من مکر

بداندیشان

الْكُفْرَةَ وَ اَكْفِنِي هَمَّ مَنْ اَدْخَلَ عَلَيَّ هَمَّهُ وَ اَذْفَعْ عَنِّي شَرَّ الْحَسَدَةِ وَ اعْصِمْنِي

و کور کن از من چشم کافران را و کفایت کن از من اندوه آنکس که اندوهش را بدلم انداخته و دور کن از من شر

حسودان را

مِنْ ذَلِكَ بِالسَّكِينَةِ وَ اَلْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِيْنَةَ وَ اَحْبِنِي فِي سِتْرِكَ الْوَاقِي وَ

و نگاهم دار از آن به آرامش خود و بپوشان بر من زره محکمت را و زنده‌ام دار در پوشش نگهدارنده‌ات و

اصْلِحْ لِي حَالِي وَ صَدِّقْ قَوْلِي بِفِعَالِي وَ بَارِكْ لِي فِي اَهْلِي وَ مَالِي

به صلاح درآور حالم را و راست درآور گفتارم را به کردارم و برکت ده برایم در خاندان و مالم

مؤلف گوید: که در باب دویم در ذکر نمازها گذشت نمازهایی به جهت زیاد

شدن روزی.

دو دعا به جهت دین

فصل ششم

در ذکر دو دعا به جهت دین، اول از حضرت صادق علیه السلام منقول است که

فرمود بگو:

اَللّٰهُمَّ لِحِظَّةٍ مِنْ لِحِظَاتِكَ تُيَسِّرُ عَلَيَّ غُرْمَائِيْ بِهَا الْقَضَاءَ وَ تُيَسِّرُ لِيْ بِهَا

خدایا توجهی خواهم از توجهاتت که آسان گردانی بدان بر طلبکارانم پرداخت را و آسان گردانی برایم بدان

الْاِقْتِضَاءَ اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ *

وام‌گیری را که براستی تو بر هر چیز توانایی

دویم این دعا است که از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده:

اللَّهُمَّ ارْزُدْ إِلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ مَطَالِمَهُمُ الَّتِي قَبْلِي صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا

خدایا بازگردان بسوی همه خلق خود حقوقی را که در نزد من دارند کوچک و بزرگش را

فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ وَ مَا لَمْ تَبْلُغْهُ قُوَّتِي وَ لَمْ تَسَعُهُ ذَاتُ يَدِي وَ لَمْ يَقْوَا

در آسانی و تندرستی و آنچه را نیروی من بدان نرسد و دارایم بدان وفا نکند و بر آن قدرت نداشته باشد

عَلَيْهِ بَدَنِي وَ يَقِينِي وَ نَفْسِي فَادِّهِ عَنِّي مِنْ جَزِيلٍ مَا عِنْدَكَ مِنْ فَضْلِكَ ثُمَّ

بدنم و یقینم و جانم پس آنرا بپرداز از من از آن فضل شایانی که داری و بجای مگذار از آن

لَا تُخَلِّفْ عَلَيَّ مِنْهُ شَيْئًا تَقْضِيهِ مِنْ حَسَنَاتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا

بر من چیزی را که بپردازی آنرا از حسنات من ای مهربانترین مهربانان گواهی دهم که

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ

معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و گواهی دهم که محمد بنده و رسول او است و

الَّذِينَ كَمَا شَرَعَ وَ أَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا وَصَفَ وَ أَنَّ الْكِتَابَ كَمَا أَنْزَلَ وَ أَنَّ

دین همانست که او مقرر داشته و اسلام همان است که توصیف کرده و کتاب چنان است که نازل فرموده و

الْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ذَكَرَ اللَّهُ مُحَمَّدًا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ بِخَيْرٍ وَ

گفتار همانست که او گفته و همانا خدا برحق و آشکار است و خدا محمد و خاندانش را بخیر یاد کند و

حَيًّا مُحَمَّدًا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ بِالسَّلَامِ

تحيّت دهد به محمد و خاندانش بوسيله سلام

دعاهایی برای دفع اندوه و غم و خوف و غیره

فصل هفتم

در ذکر بعض دعاهای وارده برای دفع اندوه و غم و خوف و غیره و مشتمل است بر دوازده دعا اوّل روایت شده از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که چون نازل شد به تو امری که از آن ترسانی رو کن به سوی قبله و دو رکعت نماز گذار پس بگو:

يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْإِحْسِيْنَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ای بیناترین بینایان و ای شنواترین شنوایان و ای تندترین حسابگران و ای مهربانترین مهربانان

بگو این کلمات را هفتاد مرتبه و در هر مرتبه که گفتی حاجت خود را با آن ذکر کن دویم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که فرمود هر که را برسد همی یا غمی یا اندوهی یا بلائی یا شدتی پس بگوید:

اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ *

خدا پروردگار من است که شریک نسازم به او چیزی را توکل کنم بر زنده‌ای که هرگز نمیرد *

سیم از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون برادران یوسف حضرت یوسف را در چاه افکندند جبرئیل علیه السلام آمد نزد او و گفت چه می کنی در اینجا ای پسر، جناب یوسف علیه السلام گفت برادرانم مرا افکندند در این چاه گفت دوست داری که بیرون آیی از آن گفت این بسته به مشیت خداوند عَزَّوَجَلَّ است اگر خواست بیرون خواهد آورد مرا جبرئیل گفت که حق تعالی می فرماید بخوان مرا به این دعا تا تو را از چاه بیرون آورم گفت کدامست آن دعا گفت بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ

خدایا از تو خواهم که تو را است ستایش و معبودی جز تو نیست که بسی منت گذار و پدیدآورنده آسمانها و

وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

زمین و صاحب جلالت و بزرگواری هستی که درود فرستی بر محمد و آل محمد و قرار دهی

تَجْعَلَ لِي مِمَّا أَنَا فِيهِ فَرَجًا وَمَخْرَجًا

برای من در آنچه در آن هستم گشایش و فرجی

پس کاروان آمد و او را بیرون آورد همچنانکه حق تعالی قصه او را در قرآن

مجید ذکر فرموده چهارم از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرگاه

ترسیدی از امری پس بگو:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَا يَكْفِيكَ مِنْكَ أَحَدٌ وَأَنْتَ تَكْفِي مِنْ كُلِّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَاكْفِنِي كَذَا

خدایا تو چنانی که کفایت نکند از تو هیچکس ولی تو هر یک از آفریدگانت را کفایت کنی پس کفایت کن از من چنین

وَ كَذَا وَ دَرِ حَدِيثٍ دِيْغَرٍ فَرَمُوْدٌ مِيْ گُوْنِي: يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِيكَ مِنْكَ

و چنان را * * * * * ای کفایت کننده از هر چیز و چیزی نیست که از تو کفایت کند

شَيْءٌ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ اِكْفِنِي مَا اَهْمَنِي مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ صَلِّ عَلَيَّ

در آسمانها و زمین کفایت کن آنچه مرا به اندوه انداخته از کار دنیا و آخرت و درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

محمد و آتش

و فرمود حضرت صادق علیه السلام که هر کسی که داخل شود بر سلطانی که از

او بترسد پس بگوید:

بِاللَّهِ اسْتَفْتِحُ وَ بِاللَّهِ اسْتَنْجِحُ وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اَتَوَجَّهُ اَللَّهُمَّ

بوسیله خدا پیروزی جویم و به خدا کامیابی طلبم و به محمد صلی الله علیه و آله رو کنم خدایا

ذَلَّلْ لِي صُعُوبَتَهُ وَ سَهِّلْ لِي حَزُونَتَهُ فَإِنَّكَ تَمَحُّوْ مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ

رام کن برایم دشواریش را و هموار کن برایم ناهمواریش را که تو مو کنی آنچه را خواهی و پابرجا کنی و پیش تو
است

الْكِتَابِ وَ بگوید نیز: حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ

دفتر اصلی کتاب * * * * * بس است مرا خدا معبودی جز او نیست بر او توکل کنم و او است پروردگار عرش

الْعَظِيمِ وَ اَمْتَنُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ وَ قُوَّتِهِمْ وَ اَمْتَنُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ

عظیم و خود را نگهدارم به نیرو و جنبش خدا از جنبش و نیروی ایشان و نگهدارم خود را به پروردگار سپیده دم از

شَرِّ مَا خَلَقَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ *

شر آنچه آفریده و جنبش و نیرویی نیست جز به خدا

پنجم روایت شده که این دعای حضرت باقر علیه السلام است در امری که حادث

شود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا

وَ ارْحَمْنِي وَ زَكِّ عَمَلِي وَ يَسِّرْ مُنْقَلَبِي وَ اهْدِ قَلْبِي وَ آمِنْ خَوْفِي وَ عَافِنِي فِي

و به من رحم کن و عملم را پاک کن و آسان کن بازگشتگاهم را و هدایت کن دلم را و امان بخش ترسم را و عافیت ده

عُمْرِي كُلِّهِ وَ ثَبِّتْ حُجَّتِي وَ اغْفِرْ خَطَايَايَ وَ بَيِّضْ وَجْهِي وَ اعْصِمْنِي فِي

در همه عمرم و پابرجا کن حجتم را و بیامرز گناهانم را و سفید گردان رویم را و نگاهم دار در

دِينِي وَ سَهِّلْ مَطْلَبِي وَ وَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي فَإِنِّي ضَعِيفٌ وَ تَجَاوَزْ عَنِّي

دینم و آسان کن خواستهام و فراخ گردان روزیم را زیرا که من ناتوانم و در گذر از

سَيِّئِي مَا عِنْدِي بِحُسْنٍ مَا عِنْدَكَ وَ لَا تَفْجَعْنِي بِنَفْسِي وَ لَا تَفْجَعْ لِي حَمِيمًا

بدی آنچه نزد من است به خوبی آنچه پیش تو است و داغدارم مکن به خودم و داغدار مکن خویشانم را

وَ هَبْ لِي يَا إِلَهِي لِحِظَةً مِنْ لِحِظَاتِكَ تَكْشِفُ بِهَا عَنِّي جَمِيعَ مَا بِهِ ابْتَلَيْتَنِي وَ

و بخش به من معبودا توجهی از توجهات را که برطرف کنی بدان تمام گرفتاریهایم را و بازگردانی بدان

تَرُدُّبِهَا عَلَيَّ مَا هُوَ أَحْسَنُ عَادَتِكَ عِنْدِي فَقَدْ ضَعَعْتُ قُوَّتِي وَ قَلَّتْ حِيلَتِي

بر من آنچه را بهترین شیوه تو است در پیش من زیرا که نیروی من سست و چاره‌ام کم شده و

وَأَنْقَطَعَ مِنْ خَلْقِكَ رَجَائِي وَ لَمْ يَبْقَ إِلَّا رَجَاؤُكَ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَىكَ وَ قَدَّرْتُكَ

بریده از خلق تو امیدم و برابم بجای نمانده جز امید به تو و توکلم بر تو، و نیروی تو

عَلَيَّ يَا رَبَّ أَنْ تَرْحَمَنِي وَ تُعَافِيَنِي كَقُدْرَتِكَ عَلَيَّ أَنْ تُعَذِّبَنِي وَ تَبْتَلِيَنِي

بر من پروردگارا برای رحم بر من و عافیتم همانند نیروی تو است بر من که عذابم کنی و گرفتارم سازی

الهِ ذِكْرُ عَوَايِدِكَ يُؤْنِسُنِي وَ الرَّجَاءُ لِلْإِنْعَامِ يُقَوِّنِي وَ لَمْ أَخْلُ مِنْ نِعْمِكَ

خدایا یاد نعمت‌هایت آرامم کند و امید نعمت بخشیت نیروی من دهد و هیچگاه بیرون نبوده‌ام از نعمت‌هایت از

مُنْذُ خَلَقْتَنِي فَأَنْتَ رَبِّي وَ سَيِّدِي وَ مَفْزَعِي وَ مَلْجَأِي وَ الْحَافِظُ لِي وَ الذَّابُّ

آن‌روز که خلقم کرده‌ای پس تویی پروردگار و آقا و پناهگاه و ملجأ من و نگهدارنده از من

عَنِّي وَ الرَّحِيمُ بِي وَ الْمُتَكَفِّلُ بِرِزْقِي وَ فِي قَضَائِكَ كُلُّ مَا أَنَا فِيهِ

و مهربان به من و کفالت کننده روزیم و در قضا و قدرت تو است هر چه من در آنم

فَلْيَكُنْ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ فِيمَا قَضَيْتَ وَ قَدَّرْتَ وَ حَتَمْتَ تَعْجِيلُ خَلَاصِي

پس چنان باشد ای آقای من و سرورم در آنچه حکم و مقدر و مسلم فرموده ای تعجیل در خلاص

مِمَّا أَنَا فِيهِ جَمِيعِهِ وَ الْعَافِيَةُ لِي فَإِنِّي لَا أَجِدُ لِدَفْعِ ذَلِكَ أَحَدًا غَيْرَكَ وَ لَا أَعْتَمِدُ

شدنم از آنچه من در آنم همه آن و تندرستیم زیرا من نیابم برای دفع آن هیچکس را جز تو و تکیه نکنم

فِيهِ إِلَّا عَلَىكَ فَكُنْ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ وَ رَجَائِي لَكَ

در آن جز بر تو پس بوده باش ای دارای جلالت و بزرگواری در نزد بهترین گمانی که به تو دارم و بهترین امیدم

وَ أَرْحَمُ تَضَرُّعِي وَ اسْتِكَانَتِي وَ ضَعْفَ رُكْنِي وَ أَمْنُ بِذَلِكَ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ كُلِّ

بر تو و رحم کن بر زاری و بیچارگی و سستی اساس و پایه‌ام و منت نه بدان بر من و بر هر

دَاعٍ دَعَاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ *

خواننده‌ای که تو را بخواند ای مهربانترین مهربانان و درود خدا بر محمد و آلش باد

ششم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که فرمود حضرت
علی بن الحسین علیهما السلام می فرمود باکی ندارم هرگاه بگویم این کلمات را
اگر جمع شوند برای ضرر من جن و انس:

بِسْمِ اللَّهِ وَ

بنام خدا و

بِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

بذات خدا و از جانب خدا و بسوی خدا و در راه خدا و بر کیش رسول خدا درود خدا بر او

وَ آلِهِ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَسَلْتُ نَفْسِي وَإِلَيْكَ وَجْهَتُ وَجْهِي وَإِلَيْكَ الْجَأْتُ

و آلتش باد خدایا به تو تسلیم کردم خودم را و بسویت توجه دادم رویم را و به تو

ظَهَرْتُ وَإِلَيْكَ فَوَضْتُ أَمْرِي اللَّهُمَّ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ

پشت خود را گرم کردم و به تو واگذاردم کارم را خدایا حفظ کن مرا به حفاظت ایمان از پیش رویم و

مِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي وَمَا قَبْلِي

از پشت سرم و از راست و از چپم و از بالای سر و زیر پایم و آنچه در پیش دارم

وَادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ *

و رفع کن از من به جنبش و نیروی خودت که جنبش و نیرویی نیست جز به تو

هفتم برای دفع کربت و خوف از سلطان وارد شده بخوانند دعاء اهلبیت علیهم

السلام را:

يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مُكُونًا

ای بوده پیش از هر چیز و ای بود کننده

كُلِّ شَيْءٍ وَيَا بَاقِيًا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَ

هر چیز و ای باقی پس از هر چیز درود فرست بر محمد و آل محمد و با من چنین و و چنان کن

کذا بجای کذا و کذا حاجت خود را بخواه.

هشتم از حضرت امام محمد تقی علیه السلام مروی است که برای فرج و گشایش امر مواظبت کن بخواندن یا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي

***** ای که کفایت کند از هر چیز و کفایت نکند از او چیزی

مِنْهُ شَيْءٌ اِكْفِنِي مَا اَهْمَنِي *

کفایت کن آنچه مرا به اندیشه فرو برده است

نهم از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که می فرمود به فرزند خود ای پسرک من هرگاه برسد مصیبتی به یکی از شماها یا نازل شود به او نازله ای وضوی کامل بگیرد و دو رکعت نماز گذارد یا چهار رکعت و بگوید

در آخر آن:

يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَيَا سَامِعَ كُلِّ نَجْوَى وَيَا شَاهِدَ كُلِّ مَلَأٍ وَيَا عَالِمَ كُلِّ

ای موضع هر شکایت و ای شنوای هر راز و ای حاضر هر انجمن و ای دانای هر

خَفِيَّةٍ وَيَا دَافِعَ مَا يَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ يَا خَلِيلَ اِبْرَاهِيمَ وَيَا نَجِيَّ مُوسَى وَيَا

پنهان و ای جلوگیری هرچه بخواهد از بلاها ای خلیل ابراهیم و ای انتخاب کننده موسی و ای

مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ اِسْتَدَّتْ فَاقْتَهُ وَ قَلَّتْ

برگزیننده محمد صلی الله علیه و آله بخوانمت خواندن کسی که به سختی نیازمند شده و

حِيلَتُهُ وَ ضَعْفَتْ قُوَّتُهُ دُعَاءَ الْغَرِيبِ الْغَرِيقِ الْمُضْطَرِّ الَّذِي لَا يَجِدُ لِكَشْفِ مَا

چاره اش کم و نیرویش سست گشته خواندن دور از وطن غریق درمانده ای که نیابد برای

هُوَ فِيهِ اِلَّا اَنْتَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *

برطرف شدن گرفتاریش جز تو ای مهربانترین مهربانان

پس بدرستی که نمی‌خواند این دعا را احدی مگر آنکه برطرف می‌کند حق تعالی از او نازله را انشاءالله تعالی. دهم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که برای رفع هم و غم غسل می‌کنی و دو رکعت نماز می‌گذاری و می‌گوئی:

يا فارجِ اَلْهَمِّ وَايا كاشِفِ اَلْغَمِّ يا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَاَلْآخِرَةِ وَايا رَحِيمَهُمَا

*** ای گشاینده اندوه و ای زداینده غم ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهرورز در آن دو

فَرِّجْ هَمِّي وَاكشِفِ غَمِّي يا اَللّهُ الْوَاحِدُ الْاَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَاكُنْ يُولَدُ

بگشا اندوهم و برطرف کن غصه‌ام را ای خدای یگانه یکتای بی‌نیازی که فرزند نگیرد و

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ اِعْصَمِنِي وَاطَهِّرْنِي وَاذْهَبْ بِيَلْبِيتِي وَايا اَبِيهَ الْكُرْسِيِّ وَايا

فرزند کسی نیست و نیست برایش همتایی هیچکس، نگاهم دار و پاکم کن و گرفتاریم را برطرف کن *****

معوذتین را یازدهم روایت شده که برای رفع هم می‌گوئی در سجده صد مرتبه:

ای *****

يا حَيُّ يا قَيُّوْمُ يا لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ بِرَحْمَتِكَ اَسْتَعِيْثُ فَاكْفِنِي ما اَهْمَنِي وَايا تَكْلِنِي

ای زنده پاینده ای که معبودی جز تو نیست به رحمت تو پناه برم پس کفایت کن آنچه برایم اهمیت دارد و وامگذارم

اِلَى نَفْسِي * دوازدهم از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که به

به خودم *****

سماعه فرمود که ای سماعه هر وقت که از برای تو حاجتی باشد نزد حق تعالی

پس بگو:

اَللّهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ

خدایا از تو خواهم

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاَعْلَى فَاِنَّ لَهُمَا عِنْدَكَ شَأْنًا مِنَ الشَّانِ وَاَقْدَرًا مِنَ الْقَدْرِ فَبِحَقِّ

به حق محمد و علی زیرا آن دو را نزد تو منزلتی است از منزلتها و مقامی است از مقامها پس به حق

ذَلِكَ الشَّانِ وَبِحَقِّ ذَلِكَ الْقَدْرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ

آن منزلت و به حق این مقام که درود فرستی بر محمد و آل محمد و بکنی درباره من

بی کذا و کذا پس بدرستی که چون روز قیامت شود نماند ملک مقربیی و نه

چنین و چنان *****

پیغمبر مرسلی و نه مؤمن ممتحنی مگر آنکه او محتاج است بسوی محمد و علی

صلواتُ اللهَ علیهما و آلهما در آن روز. فقیر گوید: که ابن ابی الحدید نقل کرده

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود وقتی سؤال کردم از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله که دعا کند برای من به مغفرت فرمود دعا خواهم کرد

پس برخاست و نماز گذاشت و دست به دعا برداشت گوش دادم به دعای آن

حضرت شنیدم می گوید اَللّهُمَّ بِحَقِّ عَلِيٍّ عِنْدَكَ اِغْفِرْ لِعَلِيٍّ یعنی خدایا به حق

علیّ نزد تو بیامرز علی را من گفتم یا رسول الله این چه دعائی بود که کردی

فرمود آیا کسی گرامی تر از او هست نزد خدا که من او را شفیع خود کنم نزد

او مؤلف گوید: که ما در باب اوّل در ذکر ادعیه سجده شکر ذکر کردیم بعض

دعاهائی که مناسبت با این فصل داشت:

دعاهائی برای علّتها و مرضها

فصل هشتم

در ذکر چند دعائی برای علّتها و مرضها اوّل از حضرت صادق علیه السلام

منقول است که می گوئی از برای دردها:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِّلّٰهِ فِي عِرْقٍ سَاكِنٍ وَغَيْرِ سَاكِنٍ عَلٰی

***** بنام خدا و به یاری خدا چه بسیار نعمت خدا که وجود دارد در رگی ساکن و غیر ساکن بر

عَبْدٍ شَاكِرٍ وَ غَيْرِ شَاكِرٍ و می گیری ریش خود را بدست راست خود بعد از نماز

بنده سپاسگزار و غیر سپاسگزار *****

فریضه و می گوئی سه مرتبه: اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنِّيْ كُرْبَتِيْ وَ عَجِّلْ عَافِيَّتِيْ وَ اَكْشِفْ

***** خدایا بگشا از من گرفتاریم را و بشتاب در تندرستیم و برطرف کن سختیم را

ضُرِّيْ وَ حَرِيصٌ باش که این عمل با اشک و گریه باشد دوّم از حضرت

صادق علیه السلام منقول است که بگذار دست بر موضع درد و بگو: بِسْمِ اللّٰهِ وَ

بِاللّٰهِ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لِاحْوَالٍ وَ لِاقْوَةِ الْاَبِّ بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ

بنام خدا و بیاری خدا محمد رسول خدا است که درود خدا بر او و آتش باد و جنبش و نیرویی نیست جز به خدا خدایا

امْسَحْ عَنِّيْ مَا اَجِدُ

پاک کن از من آنچه را درک می کنم

و مسح می کنی بدست راست موضع درد را سه مرتبه سیم از حضرت امام

محمد باقر علیه السلام مرویست که امیرالمؤمنین علیه السلام مریض شد رسول

خداصلی الله علیه وآله به دیدن او رفت و فرمود به او که بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ تَعْجِيْلَ عَافِيَّتِكَ وَ صَبْرًا عَلٰى بَلِيَّتِكَ وَ خُرُوْجًا اِلٰى رَحْمَتِكَ

خدایا از تو خواهم شتاب در عافیتت و شکیبایی بر بلایت و درآمدن بسوی رحمتت را

چهارم از حضرت صادق علیه السلام مروی است که فرمود می گذاری دست

خود را بر موضع درد و می گوئی سه مرتبه:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيْمِ الَّذِيْ نَزَلَ بِهِ الرُّوْحُ

خدایا از تو خواهم به حق قرآن عظیمی که فرود آورد آن را روح

الْاَمِيْنُ وَ هُوَ عِنْدَكَ فِيْ اُمِّ الْكِتَابِ عَلٰى حَكِيْمٍ اَنْ تَشْفِيَنِيْ بِشِفَائِكَ وَ

الأمین و آن در نزد تو در دفتر اصلی والا و فرزانه است که درمانم کنی به درمان خود و

تَدَاوِينِي بِدَوَائِكَ وَتُعَافِينِي مِنْ بَلَائِكَ وَ صَلَوَاتِ مِي فَرَسْتِي بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

مداوایم کنی به داروی خویش و عافیتم دهی از بلای خود * * * * *

محمدعلیهم السلام. پنجم از ابو حمزه روایتست که مرا عارض شد دردی در زانویم پس شکایت کردم آن را به حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود هرگاه نماز گذاردی پس بگو:

يَا اَجُودَ مَنْ اَعْطَى وَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا اَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ اِرْحَمْ ضَعْفِي وَ

ای بهترین کسی که عطا کند و ای بهترین درخواست‌شدگان و ای مهربانترین رحم‌خواستگان رحم کن بر ناتوانی و

قَلَّةَ حَيْلَتِي وَ اَعْفِنِي مِنْ وَجَعِي كَفْتِ خَوَانِدَمِ اَنْ رَا وَ عَافِيَتِ يَافْتَمِ مَوْلَفِ كُوَيْدِ:

بیچارگیم و عافیتم ده از این دردم * * * * *

که ما در اول باب سیّم دعاهائی برای علل و استقام ذکر نمودیم.

بعضی احراز و عوذات

فصل نهم

در بعض احراز و عوذات است و آنچه ذکر می‌شود در اینجا پنج چیز است اول روایت شده که شخصی خدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت از وحشت کرد حضرت فرمود آیا خبر ندهم شما را به چیزی که اگر بگوئید آن را وحشت نخواهید کرد در شب و نه در روز.

بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ اِنَّهُ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ اِنَّ اللّٰهَ

بنام خدا و به یاری خدا و توکل کردم بر خدا که براستی هر که توکل کند بر خدا او برایش بس است براستی خدا

بِالْبَالِغِ اَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي كَنْفِكَ وَ فِي

برساند فرمانش را و قرار داده خدا برای هر چیز اندازه‌ای خدایا قرار ده مرا در کنف خود و در

جَوَارِكَ وَاجْعَلْنِي فِي أَمَانِكَ وَفِي مَعِكَ رَوَايَتِ شَدِيدَةٍ مَرْدِي سِي سَالِ اَيْنِ رَا

جوار خود و قرارم ده در امان و حفظ خودت * * * * *

می خواند شبی آن را ترک کرد عقرب او را در آن شب گزید دویم روایت شده کسی که شب به روز آورد در خانه یا اطایقی تنها بخواند آیه الکرسی را و بگوید:

اللَّهُمَّ اِنْسِ وَحَشْتِي وَ اَمِنْ رَوْعَتِي وَ اَعِنِّي عَلَيَّ وَ حَدَّتِي *

خدایا آرامش ده وحشتم را و ایمنی بخش به ترسم و کمکم ده بر تنهایم

سیم روایتست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله تعویذ فرمود حسن و

حسین علیهما السلام را به این کلمات: اُعِيذُ كَمَا بِكَلِمَاتِ

* * * * * پناه دهم شما را به کلمات

اللَّهِ التَّامَّةِ وَ اَسْمَاءِهِ الْحُسْنَى كُلَّهَا عَامَّةً مِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَ اَلْهَامَّةِ وَ مِنْ شَرِّ

تامه خدا و نامهای نیکویش به تمامی آنها عموماً از شر هر گزنده و خزنده از شر

كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ

هر چشم بد و از شر حسود وقتی حسودی کند

پس فرمود همچنین تعویذ می کرد حضرت ابراهیم علیه السلام، اسماعیل و اسحاق

را چهارم روایت شده که در بعضی غزوات اصحاب حضرت رسول صلی الله

علیه و آله خدمت آن حضرت شکایت کردند از اذیت کیکها فرمود در وقتی که

به خوابگاه خود روند بگویند:

اَيُّهَا الْاَسْوَدُ الْوَتَّابُ الَّذِي لَا يُبَالِي غَلَقًا وَلَا بَابًا عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِأَمِّ

* * * * * ای سیاه جهنده ای که باکی ندارد از هیچ در بند و نه از هیچ دری سوگند دهم تو را به

الْكِتَابِ أَنْ لَا تُؤْذِنِي وَ اَصْحَابِي اِلَى أَنْ يَذْهَبَ اللَّيْلُ وَ يَجِيئَ الصُّبْحُ بِمَا جَاءَ

دفتر اصلی که آزار نکنی مرا و همراهان مرا تا بگذرد شب و بیاورد بامداد آنچه را دارد

* پنجم روایت شده از حضرت امیرالمؤمنین ۷ که فرمود چون دیدی سبُع را
یعنی جانور درنده را مانند شیر و پلنگ و گرگ و امثال آنها بگو:

أَعُوذُ بِرَبِّ دَانِيَالٍ وَالْجُبِّ مِنْ كُلِّ أَسَدٍ مُسْتَأْسَدٍ

پناه برم به پروردگار دانیال و چاه از هر شیر درنده

* و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که چون جانوری درنده دیدی
بخوان در صورت او آیه الکرسی و بگو مَرَّ او را:

عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِعَزِيمَةِ اللَّهِ وَعَزِيمَةِ

تو را سوگند دهم به تصمیم خدا و تصمیم

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَزِيمَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَعَزِيمَةِ

محمد صلی الله علیه و آله و تصمیم سلیمان بن داود و تصمیم

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام والأئمة الطاهرين عليهم

امیر مؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام و امامان پاک علیهم

السَّلَامِ مِنْ بَعْدِهِ پس بدرستی که منصرف خواهد شد از تو انشاء الله تعالی.

السلام پس از او * * * * *

ششم روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه

السلام فرمود یا علی هرگاه واقع شدی در ورطه ای یا بلیه ای بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

بنام خدای بخشننده مهربان جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ

پس بدرستی که خداوند عزوجل برطرف می کند از تو آنچه بخواد از انواع بلا.

چند دعای موجز که برای حوائج دنیا و آخرت نافع است

فصل دهم

در ذکر چند دعای موجز است که برای حوائج دنیا و آخرت نافع است و آنچه در اینجا ذکر می‌شود سی دعا است اول از حضرت صادق علیه السلام مرویست که بگو:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَ أَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ وَلَا تُشَقِّنِي بِنَشْطِي

خدایا چنانم کن که از تو بترسم چنانکه گویی تو را می‌بینم و خوشبختم کن به پرهیزکاریت و بدبختم مکن به نشاطم

لِمَعَاصِيكَ وَ خُرْلِي فِي قَضَائِكَ وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَأْخِيرَ مَا

برای نافرمانی‌هایت و نیک بخواه برایم در قضایت و برکت ده برایم در مقدرت تا دوست نداشته باشم دیر آمدن آنچه

عَجَّلْتَ وَلَا تَعْجِلْ مَا أَخَّرْتَ وَ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَ مَتَّعْنِي بِسَمْعِي وَ

را شتاب داری و نه زود آمدن آنچه را تأخیر اندازی و قرار ده بی‌نیازیم را در خودم و بهره‌مندم ساز به گوش و

بَصْرِي وَ اجْعَلْهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي وَ انصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَ ارْنِي فِيهِ

چشمم و قرارشان ده آن دو را وارث من و یاریم کن بر هر که به من ستم کند

قُدْرَتِكَ يَا رَبِّ وَ اقْرَأْ بِذَلِكَ عَيْنِي *

و قدرت خودت را در او به من نشان ده پروردگارا و دیده‌ام را بدان روشن کن

دویم و نیز از آن حضرت منقول است که بگو:

اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى هَوْلِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَأَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا

خدایا کمکم ده بر هراس روز قیامت و بیرونم ببر از دنیا در حال سلامت

وَ زَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ وَ اكْفِنِي مَوْتِي وَ مَوْتَةَ عِيَالِي وَ

و همسرم گردان از حورالعین و هزینه‌ام را کفایت کن و نیز هزینه نان‌خوران و

مَوْتَةَ النَّاسِ وَ ادْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ *

هزینه مردم را و درآور مرا به رحمت خود در زمره بندگان شایسته‌ات *

سِیِّمِ اَیْنَ دَعَاءِ شَرِیْفَسْتِ کِه نَگَهِ مِی دَاردِ اَز گَناهاَن و جَامِعِ دَنیَا و آخِرْتَسْتِ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یَا

بِناَمِ خِداِی بَخْشاِنِندِه مِهرِباَن اِی

مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِیْلِ وَ سَتَرَ الْقَبِیْحَ وَ لَمْ یَهْتِكِ السِّرَّ عَنِّی یَا کَرِیْمَ الْعَفْوِ یَا حَسَنَ

کِه اَشْکارِ کَندِ زیبا را و بپوشاند زشت را و ندرد پرده مرا ای بزرگوار گذشت ای نیکو

التَّجَاوُزِ یَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ وَ یَا بَاسِطَ الْاَیْدِیْنِ بِالرَّحْمَةِ یَا صَاحِبَ کُلِّ نَجْوٰی

درگذر ای فراخ آمرزش و ای گشاده هر دو دست به رحمت و مهر ای همراه هر راز

وَ یَا مُنْتَهٰی کُلِّ شَکْوٰی یَا کَرِیْمَ الصَّحْحِ یَا عَظِیْمَ اَلْمَنِّ یَا مُبْتَدِئَ کُلِّ نِعْمَةٍ قَبْلَ

و ای مرجع هر شکایت ای بزرگوار چشم پوش ای بزرگ منت ای آغازنده هر نعمت پیش از

اِسْتِحْقَاقِهَا یَا رَبَّاهُ یَا سَیِّدَاهُ یَا مَوْلِیَّاهُ یَا غَیْبَتَاهُ یَا غَیْبَاتِاهُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ

شایستگی آن ای پروردگار ای آقا ای سرور ای منتهای آرزو ای فریادرس درود فرست بر محمد و

اَلْ مُحَمَّدِ وَ اَسْئَلُکَ اَنْ لَا تَجْعَلَ لِنِیِّ اَنْگَهِ مِی طَلِبی اَز حَقِّ تَعَالٰی هَر چِه

آل محمد و از تو خواهم که قرارم ندهی در آتش * * * * *

بِخواهی چهارم از حضرت صادق علیه السلام منقول است که این دعا را خواند:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ تَقْتِی

خدا یا تویی تکیه گاه من

فِی کُلِّ کُرْبَةٍ وَ اَنْتَ رَجَآئِی فِی کُلِّ شِدَّةٍ وَ اَنْتَ لِی فِی کُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بِی ثِقَّةٌ

در هر گرفتاری و تویی امید من در هر سختی و تو برای من در هر پیش آمدی تکیه گاه و ذخیره ام هستی

وَ عَدَّةٌ کَمِّ مِنْ کَرْبٍ یَضْعَفُ عَنْهُ الْفَوَادُ وَ تَقِلُّ فِیْهِ الْحِیْلَةُ وَ یَخْذُلُ عَنْهُ

چه بسیار گرفتاری که ناتوان شود از آن دل و کم شود در آن چاره و باری ندهد در آن

الْقَرِیْبِ وَ الْبَعِیْدِ وَ یَشْمَتُ بِهٖ الْعَدُوُّ وَ تُعِیْنِی فِیْهِ الْاُمُورُ اَنْزَلْتَهُ بِکَ وَ

خویش و بیگانه و شماتت کند بدان دشمن و خسته ام کند در آن کارها و من آنرا بدرگاه تو آوردم

شَکْوَتُهُ اِلَیْکَ رَاغِبًا فِیْهِ عَمَّنْ سِوَاکَ فَفَرَّجْتَهُ وَ کَشَفْتَهُ وَ کَفَّیْنِیْهِ فَاَنْتَ وَلِیُّ

و شکوه‌اش به تو کردم و به جز تو از دیگران روگرداندم و تو بگشودی و برطرف کردی و کفایت کردی پس تویی

سرپرست

كُلُّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبٍ كُلِّ حَاجَةٍ وَ مُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيرًا وَ لَكَ

هر نعمت و صاحب هر حاجت و سرحد نهایی هر شوق پس تو را است ستایش بسیار و تو را است

الْمَنُّ فَاضِلًا

منت فزون

* مؤلف گوید: که این دعا همان دعای حضرت رسول صلی الله علیه و آله است در یوم بدر و احزاب و نیز دعای حضرت سیدالشهداء علیه السلام است که در روز عاشوراء در کربلا خواند و غیر از این نیز دو دعای دیگر از آن حضرت مروی است که در آن روز خواندند که یکی این دعاء است که تعلیم حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود در آن وقتی که او را به سینه خود چسبانید و خونها در بدن مبارکش می جوشید برای حاجت و مهم و اندوه و بلاهای سخت و امر عظیم و دشوار:

بِحَقِّ يَسٍ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَ بِحَقِّ طِهِ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ يَا مَنْ

***** به حق یس و قرآن حکمت آموز و به حق طه و قرآن بزرگ ای که

يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ يَا مُنْفِئًا عَنِ

توانایی بر حاجات خواستاران ای که می دانی آنچه در دلها است ای برطرف کننده گرفتاری

الْمَكْرُوبِينَ يَا مُفَرِّجًا عَنِ الْمُعْمُومِينَ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ

گرفتاران ای غمزدای اندوه غمندگان ای مهرورز پیر کهنسال ای روزی ده کودک

الصَّغِيرِ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلُ بِي

خردسال ای که نیازی ندارد به شرح و بیان درود فرست بر محمد و آل محمد و بکن با من

كَذَا وَ كَذَا وَ حَاجَتِ خُودِ رَا بَخَوَاه

چنین و چنان * * * * *

پنجم از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دست خود را به سوی

آسمان بلند کرد و گفت: رَبِّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا لَا أَقَلَّ

* * * * * پروردگارا مرا به خودم وامگذار چشم بر همزدنی هرگز نه کمتر

مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ *

از آن و نه بیشتر

ششم و نیز از آن حضرت مرویست که این کلمات را می گفت:

إِرْحَمْنِي مِمَّا لَأَطَاقَةَ لِي بِهِ وَلَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ * هفتم از حضرت صادق علیه السلام

به من رحم کن از آنچه تاب و نیرویش را ندارم و شکیبایی بر آن ندارم * * * * *

منقولست که بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِجَلَالِكَ وَ جَمَالِكَ وَ كَرَمِكَ اَنْ تَفْعَلَ بِي

* * * * * خدایا از تو خواهم به جلال و جمال و بزرگواریت که با من چنین

کَذَا وَ كَذَا * هشتم از فضل بن یونس منقول است که حضرت امام موسی علیه

و چنان کنی * * * * *

السلام به من فرمود که بسیار بگو:

اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنِيْ مِنَ الْمُعَارِيْنِ وَلَا تُخْرِجْنِيْ مِنَ التَّقْصِيْرِ * یعنی

خدایا قرار مده مرا از کسانی که ایمانشان عاریه و غیر ثابت است یا آنکه قرار

مده مرا از کسانی که آنها را به خودشان وا گذاشته مانند ستوری که مهارش را

به گردش افکنند و او را رها کنند به چرا که هر کاری که خواهد بکند و هر

کجا خواهد برود و بیرون مکن مرا از تقصیر یعنی چنان مکن که من خود را

مقصر ندانم بلکه چنان باشم که همیشه خود را مقصر درگاه تو بدانم نهم از

حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که حق تعالی آمرزید مردی از اهل بادیه را به سبب این دو کلمه که دعا کرد به آن:

اللَّهُمَّ إِن تَعَذَّبْنِي فَاهْلُ لِدَلِكَ أَنَا وَإِنْ تَغْفِرْلِي فَاهْلُ لِدَلِكَ أَنْتَ *

خدایا اگر عذابم کنی من شایسته آنم و اگر بیامرزیم تو شایسته آنی * * * * *

دهم از داود رقی مرویست که گفت می شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که بیشتر چیزی که الحاح می کرد به آن در دعا می خواند خدا را به حق پنج تن یعنی رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم یازدهم از یزید صایغ روایت است که گفتم به حضرت صادق علیه السلام که بخوان خدا را برای ما حضرت این دعا را نمود برای ما:

اللَّهُمَّ ارْزُقْهُمْ صِدْقَ الْحَدِيثِ وَادَاءَ الْأَمَانَةِ وَالْمُحَافَظَةَ عَلَى الصَّلَوَاتِ

خدایا روزی ایشان کن راستگویی و پرداختن امانت و محافظت بر نمازها را

اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ أَحَقُّ خَلْقِكَ أَنْ تَفْعَلَهُ بِهِمْ اللَّهُمَّ أَفْعَلُهُ بِهِمْ * دوازدهم بخواند این دعا

خدایا اینان سزاوارترین خلق تواند که با آنها چنین کنی خدایا با ایشان چنین کن * * * * *

را که امیرالمؤمنین علیه السلام می خواند:

اللَّهُمَّ مَنْ عَلَى بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَالتَّفْوِيضِ إِلَيْكَ

خدایا منت نه بر من به توکل کردن بر خودت و واگذاردن بسوی تو

وَالرِّضَا بِقَدْرِكَ وَالتَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا آخَرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ

و راضی بودن به مقدراتت و تسلیم بودن در برابر فرمانت تا دوست ندارم زود آوردن آنچه را تأخیر انداختی و نه تأخیر

مَا عَجَّلْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

آنچه را زود آوردی ای پروردگار جهانیان

* سیزدهم روایت شده که جبرئیل خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد که پروردگارت می فرماید هرگاه خواستی مرا عبادت کنی روز و شبی حق عبادت مرا دستهای خود را بلند کن بسوی من و بگو:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لَهُ دُونَ

خدایا تو را است ستایش ستایشی جاویدان با جاوید بودن خودت و تو را است ستایش ستایشی که پایان ندارد جز

عَلَيْكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيَّتِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا جَزَاءَ

علم تو و تو را است ستایش ستایشی که اندازه ندارد جز مشیت تو و تو را ستایش ستایشی که گوینده اش پادش ندارد

لِقَاتِلِهِ إِلَّا رِضَاكَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ وَ لَكَ الْمَنْ كُلُّهُ وَ لَكَ الْفَخْرُ كُلُّهُ وَ لَكَ

جز خوشنودی تو خدایا همه ستایش از تو است و همه منتها از تو است و همه فخر از تو است و همه

الْبِهَاءُ كُلُّهُ وَ لَكَ التُّورُ كُلُّهُ وَ لَكَ الْعِزَّةُ كُلُّهَا وَ لَكَ الْجَبْرُوتُ كُلُّهَا وَ لَكَ

درخشندگی از تو است و همه نور از تو است و همه عزت از تو است و همه جبروت از تو است و همه

الْعِظْمَةُ كُلُّهَا وَ لَكَ الدُّنْيَا كُلُّهَا وَ لَكَ الْآخِرَةُ كُلُّهَا وَ لَكَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ كُلُّهُ وَ

بزرگی از تو است و همه دنیا از تو است و همه آخرت از تو است و همه شب و روز از تو است و همه

لَكَ الْخَلْقُ كُلُّهُ وَ بِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ وَ إِلَيْكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ عَلَانِيَتِهِ وَ سِرِّهِ

خلق از تو است و هر چه خیر بدست تو است و همه کارها به تو بازگردد چه آشکارش و چه پنهانش

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا أَبَدًا أَنْتَ حَسَنُ الْبَلَاءِ جَلِيلُ الثَّنَاءِ سَابِغُ النُّعْمَاءِ عَدْلُ

خدایا تو را است ستایش ستایشی همیشگی تو آزمایشت نیکو و برجسته ثنایی و ریزان نعمتی و دادگر

الْقَضَاءِ جَزِيلُ الْعَطَاءِ حَسَنُ الْأَلَاءِ إِلَهُ فِي الْأَرْضِ وَ إِلَهُ فِي السَّمَاءِ اللَّهُمَّ لَكَ

در قضاوت و عطایت شایان و نعمتهایت نیکو معبود زمین و معبود آسمان خدایا تو را است

الْحَمْدُ فِي السَّبْعِ الشَّدَادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْأَرْضِ الْمِهَادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ طَاقَةَ

ستایش در هفت آسمان و تو را است ستایش در زمین گسترده و تو را است ستایش بقدر طاقت

الْعِبَادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ سَعَةَ الْبِلَادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْجِبَالِ الْأَوْتَادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ

بندگان و تو را است ستایش به پهناوری شهرها و تو را است ستایش در کوههای چون میخ و تو را است ستایش

فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي

در شب چون بپوشاند و تو را است ستایش در روز چون روشنی دهد و تو را است ستایش در

الْآخِرَةِ وَ الْأُولَىٰ وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْمَنَانِ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ

دنیا و آخرت و تو را است ستایش در سوره حمد و قرآن بزرگ و منزّه است خدا و به

بِحَمْدِهِ وَ الْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ

حمدش مشغولم و زمین تمامی در قبضه او است روز قیامت و آسمانها پیچیده است بدست قدرت او

سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا

منزه و برتر است از آنچه (با او) شریک سازند منزّه است خدا و بحمدش مشغولم هر چیزی نابود است جز

وَ جَهَّهُ سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَ تَعَالَيْتَ وَ تَبَارَكْتَ وَ تَقَدَّسَتْ خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ

ذات او منزهی تو پروردگارا و برتری و خجسته‌ای و مقدس، همه چیزها را خلق فرمودی

بِقُدْرَتِكَ وَ قَهَرْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِعِزَّتِكَ وَ عَلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ بَارْتِفَاعِكَ وَ

به قدرتت و مقهور ساختی هر چیزی را به عزتت و فراز آمدی بر فراز هر چیز به بلندیت و

غَلَبْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُوَّتِكَ وَ ابْتَدَعْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِحِكْمَتِكَ وَ عَلِمَكَ وَ بَعَثْتَ

غالب آمدی بر هر چیز به نیرویت و بیافریدی هر چیزی را به حکمت و دانشت و برانگیختی

الرُّسُلَ بِكُتُبِكَ وَ هَدَيْتَ الصَّالِحِينَ بِأَذْنِكَ وَ أَيْدَتَ الْمُؤْمِنِينَ بِنَصْرِكَ وَ

رسولان را به کتابهایت و راهنمایی کردی شایستگان را به اذن خودت و تأیید کردی مؤمنان را به یاری خود و

قَهَرْتَ الْخَلْقَ بِسُلْطَانِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ حَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَا نَعْبُدُ غَيْرَكَ

مقهور ساختی خلق را به سلطنت خودت معبودی نیست جز تو یکتایی که شریک نداری نپرستیم کسی را جز تو و

وَ لَا نَسْتَعِينُ إِلَّا إِيَّاكَ وَ لَا نَرْغَبُ إِلَّا إِلَيْكَ أَنْتَ مَوْضِعُ شَكْوَانَا وَ مُنْتَهَىٰ رَغْبَتِنَا وَ

درخواست نکنیم جز از تو و شوقی نداریم جز بدرگاه تو تویی مرجع شکایت ما و منتهای شوق ما و

إِلَهُنَا وَ مَلِكُنَا *

معبود و مالک ما

چهاردهم روایت شده که مردی خدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شکایت کرد از دیر شدن جواب دعایش فرمود چرا نمی خوانی دعای

سریع الأجابة را پرسید که آن کدام دعا است فرمود بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ

خدایا از تو خواهم به نام بزرگ بزرگتر و برجسته بزرگوارترت که در گنجینه‌ها پنهان است

النُّورِ الْحَقِّ الْبُرْهَانِ الْمُبِينِ الَّذِي هُوَ نُورٌ مَعَ نُورٍ وَ نُورٌ مِنْ نُورٍ وَ نُورٌ فِي

آنکه نور حق و برهان آشکار است آنکه نوری است به همراه نوری و نوری است که جدا گشته از نوری و نوری است

در

نُورٍ وَ نُورٌ عَلَى كُلِّ نُورٍ وَ نُورٌ فَوْقَ كُلِّ نُورٍ وَ نُورٌ تُضِيءُ

نوری و نوری است بالای هر نوری و نوری است بر فراز هر نور و نوری است که روشنی گیرد

بِهِ كُلُّ ظُلْمَةٍ وَ يُكْسِرُ بِهِ كُلُّ شِدَّةٍ وَ كُلُّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

بدان هر تاریکی و شکسته شود بدان هر سختی و هر شیطان متمرّدی و هر گردنکش لجوجی

لَا تَقْرُبُهُ أَرْضٌ وَلَا يَقُومُ بِهِ سَمَاءٌ وَ يَأْمَنُ بِهِ كُلُّ خَائِفٍ وَ يَبْطُلُ بِهِ سِحْرُ كُلِّ

که هیچ سرزمینی بدو آرام نگردد و هیچ آسمانی بدو نه‌ایستد و امان یابد بدان هر ترسناکی و باطل شود بدان جادوی هر

ساحِرٍ وَ بَغْيٍ كُلِّ بَاغٍ وَ حَسَدٍ كُلِّ حَاسِدٍ وَ يَتَصَدَّعُ لِعَظَمَتِهِ الْبَرُّ وَ الْبَحْرُ وَ

جادوگر و ستم هر ستمگر و رشک هر حسود و سر فرود آرد در برابر عظمتش خشکی و دریا و خود را نگهدارد

يَسْتَقِيلُ بِهِ الْفُلُكُ حِينَ يَتَكَلَّمُ بِهِ الْمَلِكُ فَلَا يَكُونُ لِلْمَوْجِ عَلَيْهِ سَبِيلٌ وَ هُوَ

بدان کشتی آنگاه که بر زبان آرد آن نام را فرشته و بدان واسطه موج را بر کشتی راهی نباشد و آن

اسْمُكَ الْأَعْظَمُ الْأَجَلُّ الْأَجَلُّ الْأَكْبَرُ الَّذِي سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ

همان بزرگترین نام بزرگتر و شایسته‌ترین نام شایسته‌تر و آن بزرگترین نوری است که خود را

وَاسْتَوَيْتَ بِهِ عَلَى عَرْشِكَ وَ اتَّوَجَّهَ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَسْأَلُكَ بِكَ وَ

بدان نام نهادی و استوار شدی بدان بر عرش خود و رو کنم بسویت بوسیله محمد و خاندانش و از تو خواهم به حق

خودت و

بِهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا * بجای کذا و

بدیشان که درود فرستی بر محمد و آل محمد و درباره من چنین و چنان کنی * * * * *

کذا حاجت بخواد پانزدهم از عمرو بن ابی المقدام مرویست که حضرت
صادق علیه السلام املاء کرد بر من این دعا را و این دعا جامع دنیا و آخرت
است می گویی بعد از حمد و ثنای خداوند عزوجل:

اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ

خدایا تویی خدایی که نیست معبودی جز تو بردبار بزرگوار و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو عزیز

الْحَكِيمُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

فرزانه و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو یکتای قهار و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو

الْمَلِكُ الْجَبَّارُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحِيمُ الْعَفَّارُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

فرمانروای جبار و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو مهربان آمرزنده و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو

الشَّدِيدُ الْمُحَالُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

سخت کیفر و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو بزرگ و برتر و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو

أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُنِيعُ الْقَدِيرُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

شنوای بینا و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو و الامقام توانا و تویی خدایی که نیست معبودی

إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الشَّكُورُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا

جز تو آمرزنده سپاس پذیر و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو ستوده و گرامی و تویی خدایی که نیست معبودی

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغُفُورُ الْوَدُودُ وَأَنْتَ اللَّهُ

جز تو بی نیاز ستوده و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو آمرزنده و دوستدار و تویی خدایی که

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الدِّيَّانُ وَأَنْتَ

نیست معبودی جز تو پر نعمت و پر مهر و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو بردبار پاداش دهنده و تویی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْجَوَادُ الْمَجَادُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ وَ

خدایی که نیست معبودی جز تو بخشنده باشوکت و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو یکتای یگانه و

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَائِبُ الشَّاهِدُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الظَّاهِرُ

تویی خدایی که نیست معبودی جز تو غائب و حاضر و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو آشکار

الْبَاطِنُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِكُلِّشَيْءٍ عَلِيمٌ تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ وَبَسَطْتَ

پنهان و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو بهر چیز دانا کامل آمد نور تو که راهنمایی کردی و گشودی

يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ رَبَّنَا وَجْهَكَ أَكْرَمَ الْوُجُوهِ وَجْهَتِكَ خَيْرُ الْأَجْهَاتِ وَعَظِيَّتِكَ

دست عطایت و عطا کردی پروردگار ما ذات تو گرامی‌ترین ذاتها و جانب تو بهترین جانبها و عطایت

أَفْضَلُ الْعَطَايَا وَأَهْنَأُهَا تَطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ وَتُعْصِي رَبَّنَا فَتَغْفِرُ لِمَنْ شِئْتَ

فزونترین عطاها و گواراترین آنها است فرمانبرداریت کنند پروردگارا و تو سپاسگزاری کنی و نافرمانیت کنند و تو

بیامیزی هر که را

تُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ وَتَكْشِفُ السُّوءَ وَتَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَتَغْفُو عَنِ الذُّنُوبِ لَا

خواهی اجابت کنی درماندگان را و برطرف کنی بدی را و بپذیری توبه را و درگذری از گناهان پاداش

تُجَازِي أَيْدِيكَ وَلَا تُحْصِي نِعْمَكَ وَلَا يُبْلَغُ مِدْحَتَكَ قَوْلُ قَائِلِ اللَّهِ صَلَّى

دستگیریهایت داده نشود و نعمتهایت به شماره درنیاید و رسا درنیاید به مدح و ثنایت گفتار کسی خدایا درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ وَرَوْحَهُمْ وَرَاحَتَهُمْ وَسُرُورَهُمْ

بر محمد و آل محمد و شتاب کن در فرج و نصرت و آسایش و شادمانیشان

وَأَذِقْنِي طَعْمَ فَرَجِهِمْ وَأَهْلِكَ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا

و بچشان به من شیرینی دوران فرج ایشان را و هلاک گردان دشمنانشان را از جن و انس بده به ما در دنیا

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ

خوبی و در آخرت نیز خوبی نگاهمان دار از عذاب دوزخ و قرارمان ده از کسانی که ترسی

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ وَ

بر آنها نیست و نه آنان که اندوهناک شوند و قرارم ده از کسانی که بردباری کنند و به پروردگارشان توکل کنند و

تَبَتَّنِي بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِي الْمَحْيَا وَ

پایدارم بدار به گفتار پابرجا در زندگی دنیا و در آخرت و برکت بده به من در زندگی و

الْمَمَاتِ وَالْمَوْقِفِ وَالنُّشُورِ وَالْحِسَابِ وَالْمِيزَانَ وَأَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَ

مرگ و توقفگاه قیامت و زنده شدن آن روز و حساب و میزان و هراسهای روز قیامت و

سَلَّمْنِي عَلَى الصِّرَاطِ وَاجْرِنِي عَلَيْهِ وَارْزُقْنِي عِلْمًا نَافِعًا وَ يَقِينًا صَادِقًا وَ

سالتم بدار بر صراط و بگذرانم از آن و روزیم گردان علمی سودمند و یقینی راست و درست و

تُقَى وَ بَرًّا وَ وِرْعًا وَ خَوْفًا مِنْكَ وَ فَرَقًا يُبَلِّغُنِي مِنْكَ زُلْفَى وَ لَا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ

تقوی و نیکرفتاری و پارسایی و خوف و ترسی از خودت که برساندم به مقام قرب تو و دورم نکند از تو

وَ اٰخِبِيْنِي وَ لَا تُبَغِضْنِي وَ تَوَلَّنِي وَ لَا تَخْذُلْنِي وَ اَعْطِنِي مِنْ جَمِيعِ خَيْرِ الدُّنْيَا

و دوستم دار و دشمنم مدار و سرپرستیم کن و وامگذارم و عطا کن به من از همه خوبیهای دنیا

وَ الْاٰخِرَةِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ اَعْلَمْ وَ اَجْرِنِي مِنَ السُّوْءِ كُلِّهِ بِحَدَا فِيرهِ مَا

و آخرت آنچه بدانم و آنچه ندانم و پناهم ده از همه بدیها به تمامی چه آنها

عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ اَعْلَمْ *

که می دانم و چه آنها که ندانم

شانزدهم از معاویه بن عمار منقولست که به حضرت صادق علیه السلام عرض

کردم که آیا تخصیص نمی دهی مرا به آموختن دعائی فرمود بلی بگو:

يا وَاٰحِدٍ يا مَاجِدٍ يا اَحَدٍ يا صَمَدٍ يا مَنْ لَمْ يَلِدْ

* ای یگانه ای بزرگواری ای یکتا ای بی نیاز ای که فرزند ندارد

وَ لَمْ يُوْلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ

و فرزند کسی نیست و نیست برایش همتایی هیچکس

يا عَزِيزُ يا كَرِيْمُ يا حَنَّانُ يا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ يا اَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ وَ يا خَيْرَ مَنْ

ای عزیز ای بزرگواری ای پر مهر ای شنوای دعاها ای بخشنده تر کسی که از او خواهند و ای بهترین

اَعْطَى يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ قُلْتُ وَ لَقَدْنا دانا نُوحٌ فَلَنْعَمَ الْمُجِيبُونَ

عطاکننده ای خدا ای خدا تو خود فرمودی «و نوح ما را ندا کرد و چه خوب پاسخ دهنده بودیم»

پس حضرت فرمود که رسول خداصلی الله علیه و آله می گفت:

نِعْمَ لِنِعْمِ الْمُجِيبِ أَنْتَ وَ نِعْمَ الْمَدْعُوُّ وَ نِعْمَ

آری تو خوب پاسخگویی هستی و خوب خواننده شده و خوب

الْمَسْئُولُ اسْأَلْكَ بِنُورٍ وَجْهِكَ وَ اسْأَلْكَ بِعِزَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ جَبْرَوْتِكَ وَ

خواسته شده‌ای هستی از تو خواهم به نور ذاتت و از تو خواهم به عزت و قدرت و جبروتت و

اسْأَلْكَ بِمَلَكُوتِكَ وَ دِرْعِكَ الْحَصِينَةِ وَ بِجَمْعِكَ وَ أَرْكَانِكَ كُلِّهَا وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

از تو خواهم به فرمانروایی و تسلطت و زره محکمت و مقام جمع تو و همه رکنها و اساس تو و به حق محمد

وَ بِحَقِّ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي

و به حق اوصیای پس از محمد که درود فرستی بر محمد و آل محمد و بکنی با من

كَذَا وَ كَذَا *

چنین و چنان

هفدهم روایت شده که شخصی معروف به ابو جعفر از اهل کوفه به

حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که مرا دعائی بیاموز که بخوانم آن را

حضرت فرمود بگو:

يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَ يَا مَنْ أَمِنُ سَخَطَهُ عِنْدَ كُلِّ عُسْرَةٍ وَ يَا مَنْ يُعْطَى بِالْقَلِيلِ

ای کسی که امیدوار به او هستم برای هر کار نیک و ای که ایمن هستم از خشمش در هر دشواری و ای که عطا کند در

برابر اندک

الْكَثِيرِ يَا مَنْ أَعْطَى مَنْ سَأَلَهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَ رَحْمَةً يَا مَنْ أَعْطَى مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ

بسیار ای که عطا کند بهر که از او خواهد از روی نعمت بخشی و مهر ای که عطا کند هر که از او نخواهد

وَ لَمْ يَعْرِفْهُ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِي بِمَسْئَلَتِي مِنْ جَمِيعِ خَيْرِ

و شناسدش درود فرست بر محمد و آل محمد و بده به من به این خواستتم از همه خوبی

الدُّنْيَا وَ جَمِيعِ خَيْرِ الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا أَعْطَيْتَنِي وَ زِدْنِي مِنْ سَعَةِ

دنیا و همه خوبی آخرت زیرا کاستنی نیست آنچه تو به من بدهی و بیفزای برایم از

فَضْلِكَ يَا كَرِيمٌ *

فضل وسیعت ای کریم

هیجدهم روایت شده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام این دعا را

تعلیم برادرش عبدالله بن علی فرمود:

اللَّهُمَّ ارْفَعْ ظَنِّي صَاعِدًا وَلَا تَطْمَعْ فِيَّ عَدُوًّا وَ

خدایا بالا بر گمانم را فرازمندانه و به طمع مینداز در من دشمنی و

لاحاسدًا وَأَحْفَظْنِي قَائِمًا وَ قَاعِدًا وَ يَقْظَانَ وَ رَاقِدًا اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي

نه حسودی را و محافظتم کن در حال ایستادن و نشستن و در بیداری و خواب خدایا بیمارز مرا و به من رحم کن

وَ اهْدِنِي سَبِيلَكَ الْاَقْوَمَ وَ قِنِي حَرَّ جَهَنَّمَ وَ اَحْطُطْ عَنِّي الْمَغْرَمَ وَ الْمَائِمَ

و راهنماییم کن به راه راست و درست و نگاهم دار از آتش داغ جهنم و بردار از دوشم بدهکاری و گناه را

وَ اجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ الْعَالَمِ *

و قرارم ده از نیکان عالم

نوزدهم روایت شده که این دعاء الحاح است:

اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَ

خدایا ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و آنچه در میان آنها است و پروردگار عرش بزرگ و پروردگار جبرئیل و

میکائیل وَ اسْرَافِيلَ وَ رَبَّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ اِنِّي

میکائیل و اسرافیل و پروردگار قرآن عظیم و پروردگار محمد خاتم پیمبران از

اَسْتُلْكَ بِالَّذِي تَقُوْمُ بِهِ السَّمَاءُ وَ بِهِ تَقُوْمُ الْاَرْضُ وَ بِهِ تُفَرَّقُ بَيْنَ الْجَمْعِ وَ بِهِ

تو خواهم بدانکه پابرجا است بدان آسمان و بایستد بدان زمین و پراکنده کنی بدان میان هر جمع را و

تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَ بِهِ تَرْزُقُ الْاَحْيَاءَ وَ بِهِ اَحْصَيْتَ عَدَدَ الرِّمَالِ وَ وَزْنَ

جمع کنی بدان میان هر پراکنده را و بدان روزی دهی زندگان را و بدان شماره کنی عدد ریگها و وزن

الْجِبَالِ وَ كَيْلَ الْبُحُوْرِ

کوهها و پیمانہ دریاها را

پس صلوات می فرستی بر محمد و آل محمد و سؤال می کنی حاجت خود را و الحاح و اصرار می کنی در طلب حاجت خود بیستم از ثقة جلیل ابن ابی یغفور روایت شده که حضرت صادق علیه السلام این دعا را می خواند:

اللَّهُمَّ امْلَأْ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَ خَشْيَةً مِنْكَ وَ تَصَدِيقًا وَ اِيْمَانًا بِكَ وَ فِرْقًا مِنْكَ وَ

خدایا پرکن دلم را از محبت خود و ترس از خود و تصدیق و ایمان به خود و هراس و دهشت از خود و

شوق بدرگاہت ای صاحب جلال و الأکرام اللَّهُمَّ حَبِّ إِلَى لِقَائِكَ وَ اجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ

شوق بدرگاہت ای صاحب جلال و بزرگواری خدایا محبوب گردان در پیش من دیدارت را و قرار ده برای من در

دیدارت

خَيْرَ الرَّحْمَةِ وَ الْبَرَكَةِ وَ الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ وَ لَا تُؤَخِّرْنِي مَعَ الْأَشْرَارِ وَ

بهترین مهر و برکت را و ملحقم کن به شایستگان و دنبال مینداز به همراه اشرا و

الْحَقْنِي بِصَالِحٍ مَنْ مَضَى وَ اجْعَلْنِي مَعَ صَالِحٍ مَنْ بَقِيَ وَ خُذْنِي سَبِيلَ

ملحقم کن به مردان شایسته از گذشتگان و قرارم ده با شایستگان از آیندگان و مرا به راه

الصَّالِحِينَ وَ اعْنِي عَلَى نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ

شایستگان ببر و کمک ده بر خودم بدانچه کمک دادی بدان شایستگان را بر خودشان

وَ لَا تَرُدَّنِي فِي سُوءٍ اسْتَقْدَتْنِي مِنْهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ أَسْأَلُكَ اِيْمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ

و بازم مگردان در آن بدی که خلاصم کردی از آن ای پروردگار جهانیان از تو خواهم ایمانی که

دُونَ لِقَائِكَ تُحْيِينِي وَ تُمِيتُنِي عَلَيْهِ وَ تَبْعُنِي عَلَيْهِ إِذَا بَعَثْتَنِي وَ أَبْرَأُ قَلْبِي مِنْ

پایانش دیدار تو باشد که بدان زندهام داری و بر آن بمیرانی و بر آن مرا برانگیزی هنگامی که برانگیزم و پاک کن دلم را

الرِّبَاءِ وَ السَّمْعَةِ وَ الشَّكِّ فِي دِينِكَ اللَّهُمَّ اعْطِنِي نَصْرًا فِي دِينِكَ وَ قُوَّةً فِي

از خودنمایی و شهرت طلبی و شک در دین تو خدایا به من ده یاری در دینت را و نیروی در

عِبَادَتِكَ وَ فَهْمًا فِي خَلْقِكَ وَ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ بَيْضَ وَ جَهِي بُنُورِكَ

عبادتت را و فهم در آفرینشت را و دو بهره از رحمتت و سفید کن رویم را به نور خود

وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ عَلَى مِلَّتِكَ وَ مِلَّةِ رَسُولِكَ

و میل و رغبت را قرار ده در آنچه نزد تو است و بمیرانم در راه خودت بر کیش خود و کیش رسولت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ

خدایا به تو پناه برم از بی حالی و پیری و ترس و بخل و بی خبری و سنگدلی

وَالْفَتْرَةِ وَالْمَسْكِنَةِ وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ

و سستی و ننداری و پناه برم به تو پروردگارا از نفسی که سیر نشود و از دلی که فروتنی نکند

وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يَسْمَعُ وَمِنْ صَلَاةٍ لَا تَنْفَعُ وَأُعِذُ بِكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَدُرَيْتِي

و از دعایی که به اجابت نرسد و از نمازی که سود ندهد و پناه دهم به تو خودم و خاندان و فرزندانم را

مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ وَلَا أَجِدُ مِنْ دُونِكَ

از شیطان رانده خدایا برستی که پناه ندهد از تو هیچکس و نیابم جز پیش تو

مُلْتَحِدًا فَلَا تَخْذُلْنِي وَلَا تَرُدَّنِي فِي هَلَاكَةٍ وَلَا تَرُدَّنِي بِعَذَابِ أَسْئَلُكَ الثَّبَاتَ

پناهگاهی پس مرا وامگذار و بازم مگردان در هلاکت و بازم مگردان در عذاب از تو خواهم پایداری

عَلَى دِينِكَ وَالتَّصَدِيقِ بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ اذْكُرْنِي بِرَحْمَتِكَ

در دینت را و تصدیق کتابت را و پیروی رسولت را خدایا یاد کن مرا بوسیله رحمتت

وَلَا تَذْكُرْنِي بِخَطِيئَتِي وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ اللَّهُمَّ

و یادم مکن به خطاکاریم و بپذیر از من و بیفزای بر من از فضل خود که براستی من به تو مشتاقم خدایا

اجْعَلْ ثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ مَجْلِسِي رِضَاكَ عَنِّي وَاجْعَلْ عَمَلِي وَدُعَائِي

قرار ده پاداش گفتارم و پاداش مجلسم را خوشنودی خودت از من و قرار ده کردار و دعایم را

خَالِصًا لَكَ وَاجْعَلْ ثَوَابِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَاجْمَعْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَ

خالصانه برای خود و پاداشم را بهشت قرار ده به مهرت و گردآور برای من تمام آنچه را از تو خواستم و

زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ اللَّهُمَّ غَارَتِ النُّجُومُ وَنَامَتِ الْعُيُونُ وَ

بیفزای بر من از فضل خود که براستی من به تو مشتاقم خدایا اختران پنهان گشته و دیده‌ها به خواب رفته و

أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا يُورِي مِنْكَ لَيْلٌ سَاجٍ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ وَلَا أَرْضٌ

تو زنده پاینده‌ای که نپوشاند کسی را از تو شب پوشاننده و نه آسمانی که دارای برجهای است و نه زمین

ذَاتُ مِهَادٍ وَلَا بَحْرٌ لُجِّيٌّ وَلَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ تُدْلِحُ الرَّحْمَةَ عَلَى

گسترده و نه دریای ژرف و نه تاریکیهای روی هم انباشته بریزی رحمت خود را شبانه بر

مَنْ تَشَاءُ مِنْ خَلْقِكَ تَعَلَّمْ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ أَشْهَدُ بِمَا

هر که خواهی از خلق خود می‌دانی خیانت دیده‌ها و آنچه را پنهان کنند سینه‌ها گواهی دهم بدانچه

شَهِدْتُ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ وَشَهِدْتَ مَلَائِكَتِكَ وَأُولُوا الْعِلْمِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ

گواهی دهی خودت بر خویشتن و گواهی دهند فرشتگانت و دانشمندان، نیست معبودی جز تو نیرومند

الْحَكِيمُ وَمَنْ لَمْ يَشْهَدْ عَلَى مَا شَهِدْتَ عَلَى نَفْسِكَ وَشَهِدْتَ مَلَائِكَتِكَ وَ

فرزانه و هر که گواهی ندهد بدانچه تو بر خود گواهی داده‌ای و گواهی داده‌اند بدان فرشتگان تو

أُولُوا الْعِلْمِ فَارْتَبِ شَهَادَتِي مَكَانَ شَهَادَتِهِ اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ

پس بجای آن گواهی مرا بنویس خدایا تویی سلام و از تو است سلامتی از

أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تُفَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ *

تو خواهم ای صاحب جلالت و بزرگواری که آزاد کنی مرا از آتش مؤلف

گوید که این دعا را شیخ طوسی در مصباح بعد از رکعت چهارم نافله شب ذکر

فرموده و علامه مجلسی روایتی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که

فرموده این دعا را در نماز وتر بخوان. بیست و یکم روایت شده که این دعای

ابوذر است که جبرئیل علیه السلام به حضرت رسول صلی الله علیه وآله عرض

کرده که آن معروف است نزد اهل آسمان:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَالْإِيمَانَ وَالتَّصَدِيقَ بِنَبِيِّكَ وَالْعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ

خدایا من از تو خواهم امنیت و ایمان و تصدیق به پیامبرت و تندرستی از تمام

الْبَلَاءِ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَالْغِنَى عَنْ شِرَارِ النَّاسِ *

بیست و دویم از ابو حمزه روایت است که گفت گرفتیم این دعا را از حضرت امام محمد باقر علیه السلام و آن حضرت این دعا را جامع می‌نامید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ

بنام خدای بخشاینده مهربان گواهی دهم که معبودی نیست جز تو خدای یگانه‌ای

لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِجَمِيعِ رُسُلِهِ وَ

که شریک نداری و گواهی دهم که محمد بنده و رسول تو است ایمان دارم به خدا و به همه رسولانش و

بِجَمِيعِ مَا أُنزِلَ بِهِ عَلَيَّ جَمِيعِ الرُّسُلِ وَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لِقَاءَهُ حَقٌّ وَ صَدَقَ

به همه آنچه نازل شده بر تمامی رسولان و براستی وعده خدا حق است و دیدارش حق است و راست گفته

اللَّهُ وَ بَلَغَ الْمُرْسَلُونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهُ

خدا و رسانده‌اند رسولان و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است و منزه است خدا هرگاه تنزیه کند خدا را

شَيْئٌ وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُسَبِّحَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا حَمِدَ اللَّهُ شَيْئٌ وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ

چیزی و چنانچه دوست دارد خدا که تنزیه شود و ستایش خدای را هرگاه ستایش کند او را چیزی و چنانچه دوست

دارد خدا

أَنْ يُحْمَدَ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللَّهُ شَيْئٌ وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُهَلَّلَ وَاللَّهُ

که ستایش شود و نیست معبودی جز خدا هرگاه تهلیل کند او را چیزی و چنانچه خواهد خدا که تهلیل شود و خدا

أَكْبَرُ كُلَّمَا كَبَّرَ اللَّهُ شَيْئٌ وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُكَبَّرَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَفَاتِيحَ

بزرگتر است هرگاه به بزرگی ستایدش چیزی و چنانچه خواهد خدا که به بزرگی یاد شود خدایا از تو خواهم کلیدهای

الْخَيْرِ وَ خَوَاتِيمَهُ وَ سَوَابِعَهُ وَ قَوَائِدَهُ وَ بَرَكَاتِهِ وَ مَا بَلَغَ عِلْمُهُ عِلْمِي وَ مَا

خیر و پایانه‌های آن را و شایانه‌هایش و فایده‌هایش و برکاتش را و آنچه را رسیده به دانستنش علم من و آنچه

قَصَرَ عَنِّ أَحْصَائِهِ حِفْظِي اللَّهُمَّ أَنْهَجْ لِي أَسْبَابَ مَعْرِفَتِهِ وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَهُ وَ

کوتاه آمده از شماره‌اش حفظ من خدایا آشکار کن برای من اسباب شناسایش را و بگشا برابم درهای آن را و

غَشْنِي بَرَكَاتِ رَحْمَتِكَ وَ مِنْ عَلَيَّ بِعِصْمَةٍ عَنِ الْأَزَالَةِ عَن دِينِكَ وَ طَهَّرْ

پوشانم برکت‌های رحمتت را و منت‌گذار بر من به خودداری کردن از بیرون رفتن از دینت و پاک کن

قَلْبِي مِنَ الشَّكِّ وَلَا تَشْغَلْ قَلْبِي بِدُنْيَايَ وَ عَاجِلِ مَعَاشِي عَنِ أَجْلِ ثَوَابِ

دلم را از شک و سرگرم مکن دلم را بدنیایم و زندگی زودگذرم از پاداش آینده آخرت

آخِرَتِي وَ اشْغَلْ قَلْبِي بِحِفْظِ مَا لَا تَقْبَلُ مِنِّي جَهْلَهُ وَ ذَلِّ لِكُلِّ خَيْرٍ لِسَانِي وَ

و سرگرم کن دلم را به نگهداری و حفظ آنچه نپذیری از من نادانیش را و رام کن برای هر کار نیک زبانم را و پاک کن

طَهَّرْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَ لَا تُجْرِهِ فِي مَفَاصِلِي وَ اجْعَلْ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ اللَّهُمَّ

دلم را از خودنمایی و جریانش مده در مفاصلم و قرار ده عملم را خالص برای خود خدا یا به تو

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَ أَنْوَاعِ الْفَوَاحِشِ كُلِّهَا ظَاهِرِهَا وَ بَاطِنِهَا وَ غَفَلَاتِهَا وَ

پناه برم از بدی و انواع کارهای زشت همه‌اش پیدا و نهانش و غفلتهایش و

جَمِيعِ مَا يُرِيدُنِي بِهِ الشَّيْطَانُ الرَّجِيمُ وَ مَا يُرِيدُنِي بِهِ السُّلْطَانُ الْعَنِيدُ مِمَّا

تمام آنچه از من خواهد شیطان رانده شده و آنچه از من خواهد سلطان ستیزه‌جو از آنچه علم تو بدان

أَحْطَتْ بِعِلْمِهِ وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى صَرْفِهِ عَنِّي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ طَوَارِقِ

احاطه دارد و تو قدرت بر دفع آن از من داری خدا یا به تو پناه برم از شبیخون زنان

الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ زَوَابِعِهِمْ وَ بَوَائِبِهِمْ وَ مَكَايِدِهِمْ وَ مَشَاهِدِ الْفِسْقَةِ مِنَ الْجِنِّ

جن و انس و خشم‌جویی‌هاشان و شرورشان و توطئه‌هاشان و جاهایی که حضور یابند فاسقان جن

وَ الْإِنْسِ وَ أَنْ أُسْتَزَلَّ عَنْ دِينِي فَتَفْسُدَ عَلَيَّ آخِرَتِي وَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مِنْهُمْ

و انس و از اینکه لغزانده شوم از دینم پس تباه شود بر من آخرتم و یا این کار از آنها

ضَرَرًا عَلَيَّ فِي مَعَاشِي أَوْ يَعْرِضَ بَلَاءٌ يُصِيبُنِي مِنْهُمْ لِقُوَّةِ لِي بِهِ وَ لَا صَبْرًا

زیانی باشد که در زندگی بر من رسد یا بلایی پیش آید که از ایشان بر من اصابت کند که من طاقتش را ندارم و

شکیبایی

لِي عَلَى احْتِمَالِهِ فَلَا تَبْتَلِيَنِي يَا إِلَهِي بِمُقَاسَاةِ فَيَمْنَعُنِي ذَلِكَ عَنْ ذِكْرِكَ وَ

تحملش را ندارم پس دچارم مکن خدا یا به کشیدن رنج آن که جلوگیری کند از یاد تو و

يَشْغَلُنِي عَنْ عِبَادَتِكَ أَنْتَ الْعَاصِمُ الْمَانِعُ الدَّافِعُ الْوَاقِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ أَسْأَلُكَ

سرگرمم کند از پرستش تو تویی نگهدار و جلوگیری و دفع و حفظ کننده از اینها همه از تو خواهم

اللَّهُمَّ الرَّفَاهِيَةَ فِي مَعِيشَتِي مَا أَبْقَيْتَنِي مَعِيشَةً أَقْوَى بِهَا عَلَي طَاعَتِكَ وَأَبْلُغْ

خدایا رفاه (و فراخی) در زندگی تا در دنیا زنده‌ام داری چنان که نیرو گیرم بدان بر پیرویت و برسانم

بِهَا رِضْوَانِكَ وَأَصِيرُ بِهَا إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ غَدًا وَلَا تَرْتِزْنِي رِزْقًا يُطْغِينِي وَ

بدان به خوشنودیت و در آیم بدان به خانه زندگی ابدی در فردای قیامت و روزیم مکن آنچنان روزی که

لَا تَبْتَلِيَنِي بِفَقْرٍ أَشْقَى بِهِ مُضِيْعًا عَلَيَّ أَعْطِنِي حِطًّا وَافِرًا فِي آخِرَتِي وَمَعَاشًا

سرکشم کند و دچارم مکن به فقری که بدبخت گردم و تنگ گیرد بر من، عطا کن مرا بهره شایان در آخرتم و روزی

وَاسِعًا هَيْئًا مَرِيئًا فِي دُنْيَايَ وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا وَلَا تَجْعَلْ فِرَاقَهَا

فراخ و گوارا و لذیذی در دنیا و دنیا را بر من زندان مکن و جدایی و فراقش را

عَلَيَّ حُزْنًا أَجْرِنِي مِنْ فِتْنَتِهَا وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا وَ سَعِي فِيهَا

بر من اندوه منما نگاهم دار از آشوبش و بگردان کارم را در آن پذیرفته و کوششم را در آن

مَشْكُورًا اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ بِمِثْلِهِ وَمَنْ كَادَنِي فِيهَا فَكِدْهُ

مورد قدردانی خدایا هرکه قصد سوئی درباره من دارد تو با او چنان کن و هرکه درباره‌ام بداندیشی کند تو با او چنان کن

وَاصْرِفْ عَنِّي هَمَّ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ هَمَّهُ وَامْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِي فَإِنَّكَ خَيْرٌ

و بگردان از من اندوه کسی که وارد ساخته بر من اندوهش را و نقشه‌کش بدانکه برایم نقشه کشید که تو ماهرتر از

الْمَاكِرِينَ وَافْقَأْ عَنِّي عُيُونَ الْكُفْرَةِ الظَّلْمَةِ وَالطُّغَاةِ الْحَسَدَةِ اللَّهُمَّ وَ أَنْزِلْ

همه نقشه‌کشانی و کور کن از من چشم کافران ستمگر و سرکشان حسود را خدایا فروبار

عَلَيَّ مِنْكَ السَّكِينَةَ وَالْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ وَاحْفَظْنِي بِسِرِّكَ الْوَاقِي وَ

بر من از جانب خود آرامش و بپوشان بر من زره محکم را و حفظ کن مرا به پوشش نگهدارنده‌ات و

جَلِّئْنِي عَافِيَتِكَ النَّافِعَةَ وَ صَدِّقْ قَوْلِي وَ فِعَالِي وَ بَارِكْ لِي فِي وُلْدِي وَ أَهْلِي

بپوشانم به تندرستی سودمندت و تصدیق کن گفتارم و کردارم را و برکت ده در فرزندان و خاندان

وَ مَالِي اللَّهُمَّ مَا قَدَّمْتُ وَ مَا آخَرْتُ وَ مَا أَعْقَلْتُ وَ مَا تَعَمَّدْتُ وَ مَا تَوَانَيْتُ وَ

و مالم خدایا آنچه من پیش انداختم یا پس انداختم و آنچه از روی غفلت یا از روی عمد انجام دادم و آنچه سستی کردم

و

مَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ فَأَغْفِرْهُ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * بیست و سیم از محمد

آنچه آشکار کردم و آنچه در پنهان انجام دادم همه را بیامرز ای مهربانترین مهربانان * * * * *

بن مسلم روایتست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود بخوان:

اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي

خدایا وسعت ده در

رِزْقِي وَامْدُدْ لِي فِي عُمْرِي وَأَغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْصَرِبُ بِهِ لِدِينِكَ

روزیم و دراز گردان عمرم را و بیامرز گناهم را و بگردانم از کسانی که یاری دهی بدانها دینت را

وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي *

و مرا با دیگری عوض مکن

بیست و چهارم روایت شده که حضرت صادق علیه السلام این دعا را

می خواندند: يَا مَنْ يُشْكِرُ الْإِسِيرَ وَيَغْفُو عَنِ الْكَثِيرِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

* * * * * ای که از اندک سپاسگزاری کنی و از (جرمهای) بسیار درگذری و آمرزنده و مهربانی

إِغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي ذَهَبَتْ لَدَتْهَا وَبَقِيَتْ تَبِعَتْهَا * بیست و پنجم و نیز روایت

بیامرز برای من گناهایی که خوشی و لذتش رفته و بازخواست و کيفرش باقی مانده * * * * *

شده که آن حضرت این دعا را می خواندند: يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا

* * * * * ای نور و ای منزّه (از هر عیب) ای نخست پیشینیان و ای پایان

آخِرَ الْأَخْرِينَ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ إِغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ وَأَغْفِرْ لِي

پیشینیان ای بخشاینده ای مهربان بیامرز از من گناهایی را که نعمتها را تغییر دهد و بیامرز از من

الذُّنُوبَ الَّتِي تُحِلُّ النَّعْمَ وَأَغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ وَأَغْفِرْ لِي

گناهایی را که عذابها را فرو بارد و بیامرز از من گناهایی را که پردهها را بدرد و بیامرز برایم

الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ وَأَغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ وَأَغْفِرْ لِي

گناهایی را که بلا نازل کند و بیامرز از من گناهایی را که قدرت را بدست دشمنان اندازد و بیامرز برایم

الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَأَغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَأَغْفِرْ لِي

گناهانی را که در ناپودی شتاب کند و بیمارز برایم گناهانی را که امید را قطع کند و بیمارز برایم

الدُّنُوبَ الَّتِي تَظْلِمُ الْهَوَاءَ وَاعْفِرْ لِي الدُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ وَاعْفِرْ

گناهانی را که تاریک گرداند هوا را و بیمارز برایم گناهانی را که بالا زند پرده را و بیمارز

لِي الدُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَاعْفِرْ لِي الدُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ غَيْثَ السَّمَاءِ

از من گناهانی را که بازگرداند دعا را و بیمارز برایم گناهانی را که جلوگیری از باران آسمان

بیست و ششم و نیز این دعا از آن حضرت منقولست: يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي وَيَا

صاحِبِي فِي شِدَّتِي وَيَا وَلِيَّتِي فِي نِعْمَتِي وَيَا غِيَاثِي فِي رَغْبَتِي * فرموده و

همدمم در سختی و ای سرپرستم در نعمتم و ای فریادرسم در وقت اشتیاقم * * * * *

این دعا دعای امیرالمؤمنین علیه السلام است: اَللّٰهُمَّ كَتَبْتَ الْاَثَارَ وَ عَلِمْتَ الْاَخْبَارَ

خداایا نوشتی آثار را و دانستی اخبار را و

وَ اَطَّلَعْتَ عَلٰى الْاَسْرَارِ فَحَلَّتْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الْقُلُوبِ فَالَسِّرْ عِنْدَكَ عَلَانِيَةً وَ

مطلع گشتی بر اسرار و رازها پس حائل گشتی میان ما و دلها پس راز در پیش تو آشکار و

الْقُلُوبَ اِلَيْكَ مُفَضَّةً وَ اِنَّمَا اَمْرُكَ لِيَسِيءَ اِذَا اَرَدْتَهُ اَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ

دلها بسویت کشیده شده و جز این نیست که دستور تو درباره چیزی که بخواهی آن است که بدان بگویی باش و باشد

فَقُلْ بِرَحْمَتِكَ لِطَاعَتِكَ اَنْ تَدْخُلَ فِي كُلِّ عَضْوٍ مِنْ اَعْضَائِي وَ لَا تُفَارِقْنِي

پس از روی مهرت طاعتت را بگو که درآید بهر عضوی از اعضای من و از من جدا نگردد

حَتَّى اَلْقَاكَ وَ قُلْ بِرَحْمَتِكَ لِمَعْصِيَّتِكَ اَنْ تَخْرُجَ مِنْ كُلِّ عَضْوٍ مِنْ اَعْضَائِي فَلَا

تا تو را دیدار کنم و از روی مهرت به نافرمانیت فرمان ده که بیرون رود از هر عضوی از اعضای من و به من

تَقْرُبْنِي حَتَّى اَلْقَاكَ وَ اَرْزُقْنِي مِنَ الدُّنْيَا وَ زَهِّدْنِي فِيهَا وَ لَا تَزُوْهَا عَنِّي وَ

نزدیک نگردد تا تو را دیدار کنم و روزیم ده از دنیا و بی‌علاقه‌ام کن در آن و او را از من روگردان مکن در وقتی بدان

رَغْبَتِي فِيهَا يَا رَحْمَنُ *

رغبت دارم ای بخشاینده *

بیست و هفتم علی بن ابراهیم از پدرش از ابن محبوب از علاء بن رزین از عبدالرحمن بن سیّابه روایت کرده که گفت عطا کرد حضرت صادق علیه السلام به من این دعا را:

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلِيِّ الْحَمْدِ وَ أَهْلِهِ وَ مُنْتَهَاةِ وَ مَحَلِّهِ أَخْلَصَ مِنْ وَحْدَهُ وَ اهْتَدَى مَنْ

ستایش خدای راکه سرپرست ستایش و شایسته آن و منتهای آن و جایگاه آن است اخلاص دارد کسی که او را به یگانگی

شناخت و رویافت

عَبْدَهُ وَ فَازَ مَنْ أَطَاعَهُ وَ آمِنَ الْمُعْتَصِمُ بِهِ اللَّهُمَّ يَا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَ الثَّنَاءِ

کسی که پرستشش کرد و رستگار شد کسی که فرمانبریش کرد و امان یافت کسی که به او پناه برد خدایای ای صاحب جود

و شوکت

الْجَمِيلِ وَ الْحَمْدِ أَسْأَلُكَ مَسْئَلَةً مَنْ خَضَعَ لَكَ بِرِقَبَتِهِ وَ رَغِمَ لَكَ أَنْفُهُ وَ عَقَرَ

و ستایش شایان و ستودگی از تو خواهم خواستن کسی که خاضع تو گشته با سر خود و به خاک مالیده در برابر

بینش را و

لَكَ وَجْهَهُ وَ دَلَّلَ لَكَ نَفْسَهُ وَ فَاضَتْ مِنْ خَوْفِكَ دُمُوعُهُ وَ تَرَدَّدَتْ عَبْرَتُهُ

چهره خود به خاک سائیده و خود را به خواری انداخته و ریزان گشته از ترست اشکهایش و سرشگ دردیده اش بغلطد

وَ اعْتَرَفَ لَكَ بِذُنُوبِهِ وَ فَضَحَتْهُ عِنْدَكَ خَطِيئَتُهُ وَ شَانَتْهُ عِنْدَكَ جَرِيرَتُهُ

و به گناهان خود در برابرت اعتراف دارد و خطایش او را در پیش تو رسوا کرده و زشتش کرده او را در نزد تو جنایتش

فَضَعَفَتْ عِنْدَ ذَلِكَ قُوَّتُهُ وَ قَلَّتْ حِيلَتُهُ وَ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَسْبَابُ خَدَائِعِهِ

و از این رو ناتوان گشته در این حال نیرویش، و کم شده چاره اش و منقطع گشته از او وسایل نیرنگهایش

وَ اضْمَحَلَّ عَنْهُ كُلُّ بَاطِلٍ وَ الْجَائِئَةُ ذُنُوبُهُ إِلَى ذُلِّ مَقَامِهِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ

و دور گشته از او هر باطلی و بناچار کشانده است او را گناهانش به خواری ایستادن در نزد تو و

خُضُوعِهِ لَدَيْكَ وَ ابْتِهَالِهِ إِلَيْكَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ سُؤَالَ مَنْ هُوَ بِمَنْزَلَتِهِ أَرْغَبُ

فروتنیش در نزد تو و زاریش بدرگهت از تو خواهم خدایای خواستن کسی که او چنین است و مایلم

إِيكَ كَرَعْتِهِ وَ اتَضَعُ إِلَيْكَ كَتَضَرُّعِهِ وَأَبْتَهْلُ إِلَيْكَ كَأَشَدِّ ابْتِهَالِهِ اللَّهُمَّ

بدرگاهت چون میل او و فروتنی کنم چون فروتنی او و زاری کنم بدرگاهت به سخت‌ترین زاری او خدایا پس رحم کن

فَارْحَمِ اسْتِكَانَةَ مَنْطِقِي وَ ذُلَّ مَقَامِي وَ مَجْلِسِي وَ خُضُوعِي إِلَيْكَ بِرَقَبَتِي

به زار و نزاری گفتارم و خواری جایگاه و مجلسم و فروتنیم بدرگاهت به سر و گردنم از تو خواهم خدایا

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الْهُدَى مِنَ الضَّلَالَةِ وَ الْبَصِيرَةَ مِنَ الْعَمَى وَ الرَّشَدَ مِنَ الْغَوَايَةِ

راهنمایی از گمراهی و بینایی از کوری و راهبایی از بیراهه رفتن و از تو خواهم خدایا

وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَكْثَرَ الْحَمْدِ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَ أَجْمَلَ الصَّبْرِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ أَفْضَلَ

ستایش بیشتر در هنگام آسایش و شکیبایی بهتری را در وقت مصیبت و سپاسگزاری کاملتری در

الشُّكْرِ عِنْدَ مَوْضِعِ الشُّكْرِ وَ التَّسْلِيمِ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ وَ أَسْأَلُكَ الْقُوَّةَ فِي

جای سپاسگزاری و تسلیم در پیش شبهه‌ها و از تو خواهم نیرویی در فرمانبرداریت

طَاعَتِكَ وَ الضَّعْفَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَ الْهَرَبَ إِلَيْكَ مِنْكَ وَ التَّقَرُّبَ إِلَيْكَ رَبِّ

و سستی از انجام نافرمانیت و گریز بسوی خودت از (عذاب) تو و تقرب بدرگاهت پروردگارا تا خوشنود شوی

لِتَرْضَى وَ التَّحَرَّى لِكُلِّ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي فِي إِسْخَاطِ خَلْقِكَ التِّمَاسَا لِرِضَاكَ

و پیدا کردن هر چه تو را خوشنود سازد از من در به خشم آوردن خلقت به خاطر تحصیل رضایت تو پروردگارا به که

رَبِّ مَنْ أَرْجُوهُ إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي أَوْ مَنْ يَعُودُ عَلَيَّ إِنْ أَقْصَيْتَنِي أَوْ مَنْ يَنْفَعُنِي

امید داشته باشم اگر توام رحم کنی یا کیست که به من توجه کند اگر تو دورم کنی یا کیست که گذشتش به من سود

بخشد اگر

عَفُوهُ إِنْ عَاقَبْتَنِي أَوْ مَنْ أَمَلُ عَطَايَاهُ إِنْ حَرَمْتَنِي أَوْ مَنْ يَمْلِكُ كِرَامَتِي إِنْ

تو کیفرم کنی یا آرزومند عطای که شوم اگر تو محرومم کنی یا کیست که بدست داشته باشد گرامی داشتنم را اگر تو

خوارم

أَهَنْتَنِي أَوْ مَنْ يَضُرُّنِي هَوَانُهُ إِنْ أَكْرَمْتَنِي رَبِّ مَا أَسُوءَ فَعَلِي وَ أَقْبَحَ عَمَلِي وَ

کنی کیست که خوار کردنش به من زیان زند اگر تو گرامیم داری پروردگارا چه بد است رفتارم و چه زشت است

کردارم و چه سخت است

أَقْسَى قَلْبِي وَ أَطْوَلَ أَمَلِي وَ أَقْصَرَ أَجَلِي وَ أَجْرَانِي عَلَى عِصْيَانٍ مِنْ خَلْقَتَنِي

دلم و چه دراز است آرزویم و کوتاه است عمرم و چه گستاخم بر نافرمانی آفریدگارم پروردگارا و

رَبِّ وَمَا أَحْسَنَ بِلَاتِكَ عِنْدِي وَ أَظْهَرَ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ كَثُرَتْ عَلَيَّ مِنْكَ النِّعْمُ فَمَا

چه نیکو است آزمایشت از من و آشکار است نعمتهایت بر من بسیار شد نعمت‌های تو بر من که

أُحْصِيهَا وَقَلَّ مِنِّي الشُّكْرُ فِيمَا أَوْلَيْتَنِيهِ فَبَطِرْتُ بِالنِّعْمِ وَ تَعَرَّضْتُ لِلنِّقْمِ وَ

شماره‌اش نتوانستم و اندک شد سپاسگزاری من در آنچه به من عطا کردی و سرمست شدم به نعمت‌های و خود را در

معرض

سَهَوْتُ عَنِ الذِّكْرِ وَ رَكِبْتُ الْجَهْلَ بَعْدَ الْعِلْمِ وَ جُرْتُ مِنَ الْعَدْلِ إِلَى الظُّلْمِ وَ

کیفر تو فرار دادم و از یاد تو غافل شدم و به مرکب جهل سوار شدم پس از دانایی و گذشتم از عدالت به سوی ظلم و

ستم و

جَاوَزْتُ الْبِرَّ إِلَى الْإِثْمِ وَ صِرْتُ إِلَى اللَّهِ مِنْ الْخَوْفِ وَ الْحُزْنِ فَمَا أَصْغَرَ

تجاوز کردم از نیکی به گناهکاری و در افتادم به سرگرمی بجای ترس و اندوه پس چه خُرد است نیکباییم و اندک است

حَسَنَاتِي وَ أَقَلَّهَا فِي كَثْرَةِ ذُنُوبِي وَ أَعْظَمَهَا عَلَيَّ قَدْرَ صِغَرِ خَلْقِي وَ ضَعْفِ

آنها در مقابل بسیاری گناهانم و چه بزرگ است آنها در جنب خُردی خلقتم و ناتوانی

رُكْنِي رَبِّ وَ مَا أَطْوَلَ أَمَلِي فِي قِصْرِ أَجَلِي وَ أَقْصَرَ أَجَلِي فِي بُعْدِ أَمَلِي وَ مَا

بنیادم پروردگارا و چه دراز است آرزویم در مقابل کوتاهی عمرم و چه کوتاه است عمرم در دوری آرزویم و چه

أَقْبَحَ سَرِيرَتِي فِي عَلَانِيَتِي رَبِّ لَا حُجَّةَ لِي إِنْ اِحْتَجَجْتُ وَلَا عُذْرَ لِي إِنْ

زشت است باطنم در پیش ظاهرم پروردگارا حجتی ندارم اگر حجت بخواهم و عذری ندارم

اعْتَدَرْتُ وَلَا شُكْرَ عِنْدِي إِنْ ابْتَلَيْتَ وَأُولِيْتُ إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَى شُكْرِي مَا

اگر بخواهم عذرخواهی کنم و سپاسگزاری ندارم اگر مبتلا گردم و مورد احسان قرار گیرم اگر تو کمکم ندهی بر

سپاسگزاری

أَوْلَيْتُ رَبِّي مَا أَخَفَّ مِيزَانِي غَدًا إِنْ لَمْ تُرَجِّحْهُ وَ أَزَلَّ لِسَانِي إِنْ لَمْ تُثَبِّتْهُ وَ

بدانچه احسانم کردی پروردگارا چه سبک است ترازوی اعمالم فردای قیامت اگر تو چربش نکنی و چه پرلغزش است

زبانم اگر تونگاهش

أَسْوَدَ وَجْهِي إِنْ لَمْ تُبَيِّضْهُ رَبِّ كَيْفَ لِي بِذُنُوبِي الَّتِي سَلَفَتْ مِنِّي قَدْ هَدَّتْ

نداری و چه سیاه است چهره‌ام اگر تو سفیدش نکنی پروردگارا چه کنم با گناهانی که از من در پیش گذشته و بنیادم

لَهَا أَرْكَانِي رَبِّ كَيْفَ أَطْلُبُ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا وَ أَبْكَى عَلَى خِيَّتِي فِيهَا وَلَا

برای آن درهم شکسته پروردگارا چگونه می جویم شهوات دنیا را و می گریم بر کامیاب نشدنم در آنها ولی
أَبْكَى وَ تَشْتَدُّ حَسْرَاتِي عَلَى عِصْيَانِي وَ تَفْرِيطِي رَبِّ دَعْتَنِي دَوَاعِي الدُّنْيَا

نمی گریم و سخت نمی شود افسوسم به نافرمانیم و کوتاهی کردنم پروردگارا انگیزه های دنیا

فَاجْتَبْتُهَا سَرِيعاً وَ رَكَنْتُ إِلَيْهَا طَائِعاً وَ دَعْتَنِي دَوَاعِي الْأَخِرَةِ فَتَشَبَّطْتُ عَنْهَا وَ

مرا خواندند بشتاب پذیرفتم و به میل و رغبت بدانها دل بستم ولی چون دواعی آخرت مرا خواندند واپس کشیدم و از

أَبْطَأْتُ فِي الْأَجَابَةِ وَالْمُسَارَعَةِ إِلَيْهَا كَمَا سَارَعْتُ إِلَى دَوَاعِي الدُّنْيَا وَ

پذیرفتنشان و شتابتن بسوی آنها کندی کردم چنانچه شتابتم بسوی انگیزه های دنیا و متاع پوسیده اش و کالای

حُطَامِهَا الْهَامِدِ وَ هَشِيمِهَا الْبَائِدِ وَ سَرَابِهَا الذَّاهِبِ رَبِّ خَوَّفْتَنِي وَ شَوَّقْتَنِي

بی خاصیت و نابود شونده اش و سراب بی حقیقتش پروردگارا مرا ترساندی و تشویقم کردی

وَاحْتَبَجَّتْ عَلَيَّ بَرِّقِي وَ تَكَفَّلَتْ لِي بِرِزْقِي فَأَمِنْتُ خَوْفَكَ وَ تَتَبَّطْتُ عَنْ

و دلیل آوردی به بندگیم و کفالت کردی روزیم را پس من از ترست ایمن گشتم و واپس کشیدم از

تَشْوِيقِكَ وَ لَمْ أَتَكَلَّ عَلَى ضَمَانِكَ وَ تَهَاوَيْتُ بِاخْتِجَاجِكَ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ أَمْنِي

تشویقت و اعتماد نکردم بر ضمانتت و سبک گرفتم دلیل آوردنت را خدایا قرار ده ایمنیم را

مِنْكَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا خَوْفًا وَ حَوْلُ تَتَبَّطُّ شَوْقًا وَ تَهَاوَيْتُ بِحُجَّتِكَ فَرَقًا مِنْكَ

از تو در این دنیا ترس و تبدیل کن واپس کشیدنم را از شوق و سبک شمردنم را بدلیل تو هراسی از خودت

ثُمَّ رَضِّنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي مِنْ رِزْقِكَ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ رِضَاكَ

سپس قانعم گردان بدانچه قسمتم کرده ای از روزیت ای بزرگوار از تو خواهم بنام بزرگت خوشنودی تو را

عِنْدَ السُّخْطَةِ وَ الْفُرْجَةِ عِنْدَ الْكُرْبَةِ وَ النُّورِ عِنْدَ الظُّلْمَةِ وَ الْبَصِيرَةَ عِنْدَ تَشْبُهِهِ

هنگام خشم و گشایش در هنگام گرفتاری و روشنی در وقت تاریکی و بینایی در وقت مشته شدن

الْفِتْنَةِ رَبِّ اجْعَلْ جُنَّتِي مِنْ حَطَايَا حَصِينَةً وَ دَرَجَاتِي فِي الْجَنَانِ رَفِيعَةً

فتنه پروردگارا قرار ده سپر مرا از خطاهایم محکم و درجه هایم را در بهشت بلند

وَ أَعْمَالِي كُلَّهَا مُتَقَبَّلَةً وَ حَسَنَاتِي مُتَضَاعَفَةً زَاكِيَةً أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتَنِ كُلِّهَا مَا

و کارهایم را همگی پذیرفته و کارهای خوبم را چند برابر و پاک پناه می‌برم به تو از فتنه‌ها همه آنها چه آنچه

ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ مِنْ رَفِيعِ الْمَطْعَمِ وَالْمَشْرَبِ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَعْلَمُ وَ مِنْ

آشکار است و چه پنهان و از خوراک و آشامیدنی ممتاز و از شر آنچه می‌دانم و از

شَرِّ مَا لَا أَعْلَمُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَشْتَرِيَ الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ وَ الْجَفَا بِالْحِلْمِ وَ الْجَوْرَ

شر آنچه نمی‌دانم و پناه برم به تو از اینکه بخرم نادانی را به دانش و جفا را به بردباری و ستم

بِالْعَدْلِ وَ التَّقْطِيعَةَ بِالْبِرِّ وَ الْجَزَعَ بِالصَّبْرِ أَوْ الْهُدَى بِالضَّلَالَةِ أَوْ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ

را به عدالت و بریدن از خویشان را به نیکوکاری و بی‌تابی را به شکیبایی یا هدایت را به گمراهی یا کفر را به ایمان

*مؤلف گوید که این دعاء مشتمل است بر مضامین عالیه و عبدالرحمن

بن‌سیّابه همان کس است که حضرت صادق علیه السلام او را وصیت نافع

فرموده که شایسته است نقلش در اینجا و آن چنان است که عبدالرحمن نقل

کرده که چون پدرم سیابه وفات کرد مردی از دوستان او آمد در منزل ما را

کوبید من به سوی او رفتم مرا تعزیت گفت پس پرسید که پدرت چیزی

گذاشته برای شما گفتم نه پس کیسه‌ای که هزار درهم داشت به من داد و گفت

این را نیکو محافظت کن و از کسب آن معاش کن من خوشحال شدم و به نزد

مادرم رفتم و او را به این خبر دادم پس در آخر آن روز رفتم به نزدیکی از

اصدقاء پدرم که برای من کسی مهیا کند او برای من سرمایه از جامه‌های

سابری خرید پس در دکانی نشستم و مشغول کسب شدم پس حق تعالی از آن

کسب مرا خیر بسیاری روزی فرمود پس وقت حج رسید در دلم افتاد که به حج

روم به نزد مادرم رفتم و گفتم می‌خواهم به حج روم مادرم گفت که هزار درهم

پول آن مرد را بده عبدالرحمن گفت پول آن مرد را تهیه کردم و بُردم به او

دادم او خوشحال شد مثل آنکه آن پول را به او بخشیدم پس گفت شاید این پول کم بوده تو را اگر می‌خواهی بیشتر بدهم به تو گفتم نه در دلم افتاده که به حجّ مشرفّ شوم و خواستم که پول شما را به خودت ردّ کنم پس به مکه رفتم و اعمال حجّ را بجا آوردم و برگشتم به مدینه و با جمعی از مردم به خدمت حضرت صادق علیه السلام مشرف شدم و در آن اوقات حضرت اذن عام می‌داد پس من نشستم در آخر جمعیت مردم و من در آن وقت جوان بودم پس مردم شروع کردند در سؤال کردن از آن حضرت و آن جناب جواب آنها را می‌داد و می‌رفتند تا آنکه جمعیت کم شد حضرت بسوی من اشاره کرد من نزدیک آن جناب شدم فرمود آیا حاجتی داری گفتم فدایت شوم من عبدالرحمن پسر سیابه هستم احوال پدرم را پرسید گفتم پدرم وفات کرد فَتَوَجَّعَ وَ تَرَخَمَ یعنی حضرت محزون و غمگین شد و گویا دردی او را عارض شد و فرمود خدا او را راحت کند پس پرسید که ترکه گذاشت گفتم نه فرمود پس از کجا توانستی به حجّ بیائی پس شروع کردم به قصّه آن مردی که آمد و هزار درهم به من داد عبدالرحمن گفت که حضرت فرصت نداد تا من قصّه‌ام را تمام کنم که به من فرمود تو آمدی حجّ هزار درهم آن مرد را چه کردی گفتم ردّ کردم آن را به صاحبش فرود آخسنتّ پس فرمود آیا وصیّتی نکنم تو را گفتم چرا بفرمائید فرمود ملازمت کن براستی در گفتار و اداء امانت تا شریک شوی مردم را در اموال ایشان همچنین و جمع فرمود ما بین دو انگشت خود یعنی اگر قولت درست شد و دروغ نگفتی و خلاف وعده نکردی و سر موعده که طلبکار را

و عده کرده بودی مال را رَدّ کردی و مال مردم را نخوردی از مردم هر چه
 بخواهی بگیری به تو می دهند پس تو شریک مردم می شوی در مال ایشان
 بواسطه امانت و صداقت که در تو هست عبدالرحمن گفت من این وصیت را از
 آن حضرت حفظ کردم یعنی رفتار به آن نمودم و چندان مال پیدا کردم که
 زکات دادم سیصد هزار درهم را و در روایت دیگر وارد شده که این دعای
 حضرت علی بن الحسین علیهما السلام است و در آخرش این زیادتست آمینَ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ بیست و هشتم از ابن محبوب روایت شده که حضرت صادق علیه
 السلام این دعا را تعلیم شخصی فرمود که بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي لَا تُنَالُ مِنْكَ إِلَّا بِرِضَاكَ وَالْخُرُوجَ مِنْ جَمِيعِ

خدایا از تو خواهم بدان رحمت که دست کسی بدان نرسد جز به خوشنودی تو بیرون رفتن از تمام

معاصیکَ وَالذُّخُولَ فِي كُلِّ مَا يُرْضِيكَ وَالنَّجَاةَ مِنْ كُلِّ وَرْطَةٍ وَالْمَخْرَجَ مِنْ

نافرمانیهايت و داخل شدن در هر چه تو را خوشنود سازد و رهایی از هر ورطه و گرداب و درآمدن از

كُلِّ كَبِيرَةٍ أَتَى بِهَا مَنِيَّ عَمْدٌ أَوْ زَلَّ بِهَا مَنِيَّ خَطَأٌ أَوْ خَطَرَ بِهَا عَلَيَّ خَطَرَاتٌ

گناه بزرگی که از روی عمد از من سرزده و یا خطایی مرا بدان لغزنده یا به دلم انداخته آنرا وسوسه های

الشَّيْطَانِ أَسْأَلُكَ خَوْفًا تَوْقَفَنِي بِهِ عَلَيَّ حُدُودِ رِضَاكَ وَ تَشَعَّبَ بِهِ عَلَيَّ كُلُّ

شیطان از تو خواهم ترسی که نگاه داری مرا بوسیله آن بر مرزهای خوشنودیت و پراکنده سازی بدان وسیله از من هر

شَهْوَةٍ خَطَرَ بِهَا هَوَايَ وَاسْتَنْزَلَ بِهَا رَأْيِي لِيُجَاوِزَ حَدَّ حَلَالِكَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ

خواهش نفسانی که به خاطر من اندازد هوای نفس و رأی من بلغزد تا از مرز حلال تو تجاوز کند از تو خواهم خدایا که

مرا

الْأَخْذَ بِأَحْسَنِ مَا تَعَلَّمُ وَ تَرْكِ سَيِّئِ مَا تَعَلَّمُ أَوْ أُخْطِئَ مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ أَوْ مِنْ

به بهترین چیزی که از من می دانی بگیری و واگذاری آن بدیها را که می دانی یا خطایی که کرده ام چه ندانسته انجام

داده ام و چه دانسته

حَيْثُ أَعْلَمُ أَسْأَلُكَ السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَالزُّهْدَ فِي الْكَفَافِ وَالْمَخْرَجَ بِالْيَبِيَانِ مِنْ

از تو خواهم فراخی در روزی و قناعت به همان مقدار کفایت و بیرون آمدن با روشنی و بصیرت از هر شبهه

كُلُّ شُبُهَةٍ وَالصَّوَابَ فِي كُلِّ حُجَّةٍ وَالصَّدْقَ فِي جَمِيعِ الْمَوَاطِنِ وَانصافِ

و درستی در هر دلیل و راستی در تمام جاها و انصاف دادن به مردم از

النَّاسِ مِنْ نَفْسِي فِيمَا عَلَيَّ وَلِيَّ وَالتَّذَلُّلَ فِي إِعْطَاءِ النِّصْفِ مِنْ جَمِيعِ مَوَاطِنِ

خودم در آنچه به زیان و سود من است و رام بودن در دادن انصاف در تمام موارد

السَّخَطِ وَالرِّضَا وَتَرَكَ قَلِيلَ الْبُعْغِي وَكَثِيرِهِ فِي الْقَوْلِ مِنِّي وَالْفِعْلِ وَتَمَامِ

خشم و رضا و ترک کردن ستم کمش و زیادش در گفتار و کردار و کامل کردن

نِعْمِكَ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَالشُّكْرَ لَكَ عَلَيْهَا لِكَيْ تَرْضَا وَبَعْدَ الرِّضَا وَ

نعمت را در همه چیزها و سپاسگزاری در برابر آنها تا حدی که خوشنود شوی و پس از خوشنودی و

أَسْأَلُكَ الْخَيْرَةَ فِي كُلِّ مَا يَكُونُ فِيهِ الْخَيْرَةُ بِمَيْسُورِ الْأُمُورِ كُلِّهَا لَا

از تو خواهم خیر و خوبی در هر چیزی که در آن خیری باشد به کارهای آسان نه

بِمَعْسُورِهَا يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ وَأَفْتَحُ لِي بَابَ الْأَمْرِ الَّذِي فِيهِ الْعَافِيَةُ

به دشواریهای بزرگوار ... و بگشا برایم درب آن کاری را که در آن تندرستی

وَالْفَرَجُ وَأَفْتَحُ لِي بَابَهُ وَ يَسِّرْ لِي مَخْرَجَهُ وَ مَنْ قَدَّرْتَ لَهُ عَلَيَّ مَقْدُورَةً مِنْ

و گشایش باشد و بگشا برایم درش را و آسان گردان برایم بیرون آمدنش را و هر که را مقدر کرده‌ای که بر من قدرتی

داشته باشد از

خَلَقْتَكَ فَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصْرِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ وَ خُذْهُ عَن يَمِينِهِ وَ عَن

خلقت پس برگیر از من گوشش و چشمش و زبانش و دستش را و برگیر او را از راستش و از

يَسَارِهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ مِنْ قُدَامِهِ وَامْنَعُهُ أَنْ يَصِلَ إِلَيَّ بِسُوءٍ عَزَّ جَارِكُ وَ جَلَّ

چپش و از پشت سرش و از پیش رویش و جلوگیری کن از اینکه بدی او به من برسد عزیز است پناهندات و

برجسته است

تَنَاءُ وَجْهَكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ أَنْتَ رَبِّي وَ أَنَا عَبْدُكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ

ثنای ذات معبودی جز تو نیست تویی پروردگار من و من بنده توام خدایا تویی امید من در هر

كُرْبَةً وَأَنْتَ تَقْتِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ فَكَمْ

گرفتاری و تویی محل اعتمادم در هر سختی و تو برای من در هر پیش‌آمدی که به من وارد آید پشت و ذخیره‌ای چه بسیار

مِنْ كَرْبٍ يَضْعَفُ عَنْهُ الْفُؤَادُ وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَيَسْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ وَتُعْبَى فِيهِ

گرفتاری که ناتوان آمد از آن دل و کم شد در آن چاره و شماتت کرد بدان دشمن و درمانده شد از آن

الْأُمُورُ أَنْزَلَتْهُ بِكَ وَشَكَوَتْهُ إِلَيْكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ قَدْ فَرَّجَتْهُ وَ

وسایل و من به درگهات آوردم و شکوه‌اش به تو کردم و روگردانم در آن از غیر تو و تو آنرا از من دور کردی و

كَفَيْتَهُ فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ فَلَكَ

کفایت فرمودی پس تویی سرپرست هر نعمت و صاحب هر حاجت و سرحد هر اشتیاق و تو را

الْحَمْدُ كَثِيرًا وَلَكَ الْمَنْ فَاضِلًا

حمد بسیار و تو راست متنی فزون

بیست و نهم به سند معتبر روایت شده که حضرت صادق علیه السلام این دعا را

به ابو بصیر یاد داد که بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَّابِينَ وَ

خدایا از تو خواهم گفتار توبه‌کنندگان و

عَمَلَهُمْ وَنُورَ الْأَنْبِيَاءِ وَصِدْقَهُمْ وَنَجَاةَ الْمُجَاهِدِينَ وَتَوَابَهُمْ وَشُكْرَ

کردارشان را و روشنی پیامبران و راستگویی‌شان را و نجات جهادکنندگان و پاداش نیک آنها را و سپاسگزاری

الْمُصْطَفَيْنَ وَنَصِيحَتَهُمْ وَعَمَلَ الذَّاكِرِينَ وَيَقِينَهُمْ وَإِيمَانَ الْعُلَمَاءِ وَقِفَّهُمْ

برگزیدگان و خیرخواهیشان را و کردار یادکنندگان تو و یقینشان را و ایمان مردمان دانشمند و فهم آنها را

وَ تَعَبَدَ الْخَاشِعِينَ وَتَوَاضَعَهُمْ وَحُكْمَ الْفُقَهَاءِ وَسِيرَتَهُمْ وَخَشْيَةَ الْمُتَّقِينَ وَ

و عبادت خاشعان و فروتنیشان را و فرزاندگی مردمان فقیه و راه و روششان را و ترس پرهیزکاران و

رِعْبَتَهُمْ وَتَصَدِيقَ الْمُؤْمِنِينَ وَتَوَكُّلَهُمْ وَرَجَاءَ الْمُحْسِنِينَ وَبِرَّهُمُ اللَّهُمَّ إِنِّي

شوقشان را و ایمان قلبی مؤمنان و توکل آنها را و امیدواری نیکوکاران و نیکوکاریشان را خدایا من از

أَسْأَلُكَ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ وَ مَنزِلَةَ الْمُقْرَبِينَ وَ مُرَافَقَةَ النَّبِيِّينَ اللَّهُمَّ إِنِّي

تو خواهم پاداش نیک سپاسگزاران را و منزلت و مقام مقربان را و رفاقت با پیامبران خدایا از

أَسْأَلُكَ خَوْفَ الْعَامِلِينَ لَكَ وَ عَمَلَ الْخَائِفِينَ مِنْكَ وَ خُشُوعَ الْعَابِدِينَ لَكَ وَ

تو درخواست کنم ترس کارکنندگان برای تو و عمل ترسانگان از تو و خشوع عبادتکنندگان را و

يَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَ تَوَكَّلَ الْمُؤْمِنِينَ بِكَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ بِحَاجَتِي عَالِمٌ غَيْرٌ

یقین توکل کنندگان بر تو و توکل مؤمنان به تو خدایا تو به حاجت من دانایی بی آنکه به تو

مُعَلِّمٌ وَ أَنْتَ لَهَا وَاسِعٌ غَيْرُ مُتَكَلِّفٍ وَ أَنْتَ الْاِذَى لَا يُحْفِيكَ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُكَ

یاد دهند و تو به برآوردنش توانایی بی آنکه به رنج درافتی و تویی که درماندهات نکند خواهنده و کم و کاست نکند

نَائِلٌ وَلَا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلٌ قَائِلٌ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَ فَوْقَ مَا نَقُولُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ

عطا و بخشش و به مدحت تو نرسد گفتار گوینده و تو چنانی که گویی برتر از آنی که ما گوئیم خدایا قرار ده

لِي فَرَجًا قَرِيبًا وَ اجْرًا عَظِيمًا وَ سِتْرًا جَمِيلًا اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي عَلَى ظُلْمِي

برایم گشایشی نزدیک و پاداشی بزرگ و پوششی زیبا خدایا تو می دانی که من با اینکه بر خود ستم کردم

لِنَفْسِي وَ اسْرَافِي عَلَيْهَا لَمْ آتَخِذْ لَكَ ضِدًّا وَ لَا نِدًّا وَ لَا صَاحِبَةً وَ لَا وَكْدًا يَا مَنْ

و زیاده روی کردم ولی دشمن و شریکی برایت نگرفته ام و نه همسر و نه فرزندی ای که

لَا تُغْلَطُهُ الْمَسَائِلُ وَ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَيْءٌ عَنِ شَيْءٍ وَ لَا سَمِعُ عَنْ سَمْعٍ

به غلط نیندازد او را درخواستها و ای که سرگرمش نکند چیزی از چیز دیگر و نه شنیدنی از شنیدن دیگر

وَ لَا بَصَرَ عَنْ بَصَرٍ وَ لَا يُبْرِمُهُ الْإِحْحاحُ الْمُلْحِحِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي فِي

و نه دیدنی از دیدن دیگر و ای که به ستوهش نیاورد اصرار اصرارکننده از تو خواهم که بگشایی از من در

سَاعَتِي هَذِهِ مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ إِنَّكَ تَحْيِي الْعِظَامَ وَ

این ساعت از جایی که گمان دارم و از جایی که گمان ندارم تو زنده کنی استخوانهای پوسیده را و

هِيَ رَمِيمٌ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَ

تو بر هر چیز توانایی ای که کم شد برای او سپاسگزاری من و با این حال محرومم نکنی و

عَظَّمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَ رَانِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَجْهَنِّي وَ خَلَقْنِي

بزرگ شد خطایم ولی رسوایم نکنی و دیدی مرا بر گناهان و برویم نیابردی و مرا آفریدی

لَلَّذِي خَلَقَنِي لَهُ فَصَنَعْتُ غَيْرَ الَّذِي خَلَقَنِي لَهُ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ أَنْتَ يَا سَيِّدِي وَ

برای آنچه آفریدی ولی من برای چیز دیگری کار کردم چه نیکو سرپرستی هستی تو ای آقای من و

بِئْسَ الْعَبْدُ أَنَا وَجَدْتَنِي وَ نِعْمَ الطَّالِبُ أَنْتَ رَبِّي وَ بَشَسَ

چه بد بنده‌ای یافتی مرا و تو نیکو خواستاری ای پروردگار من ولی به بد

الْمَطْلُوبُ الْفَيْئِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ بَيْنَ

خواسته‌های برخورداردی بنده‌ات و فرزند بنده و فرزند کنیزت در پیش

يَدَيْكَ مَا شِئْتَ صَنَعْتُ بِبِي اللَّهُمَّ هِدَاتِ الْأَصْوَاتِ وَ سَكَتِ

روی تو است هر چه خواهی دربارهم انجام دهی خدایا آوازاها خاموش گشته

الْحَرَكَاتِ وَ خَلَا كُلُّ حَبِيبٍ بِحَبِيبِهِ وَ خَلَوْتُ بِكَ أَنْتَ الْمَحْجُوبُ إِلَيَّ فَاجْعَلْ

و جنبشها آرام شده و هر دوستی با دوست خود خلوت کرده و من نیز با تو خلوت کرده‌ام که تویی دوست من پس

نتیجه

خَلَوْتِي مِنْكَ اللَّيْلَةَ الْعَتِقَ مِنَ النَّارِ يَا مَنْ لَيْسَتْ لِعَالَمٍ فَوْقَهُ صِفَةٌ يَا مَنْ لَيْسَ

این خلوت کردنم را در این شب، آزادی از آتش برایم مقرر دار ای که نیست برای هیچ دانشمندی برتر از او وصفی و

ای که نیست

لِمَخْلُوقٍ دُونَهُ مَنَعَةٌ يَا أَوَّلُ قَبْلِ كُلِّ شَيْءٍ يَا آخِرًا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ لَيْسَ

برای هیچ مخلوقی در برابر او مانع و نیرویی ای نخست پیش از هر چیز و ای آخر پس از هر چیز ای که نیست

لَهُ عُنْصُرٌ وَ يَا مَنْ لَيْسَ لِأَخْرِهِ فَنَاءٌ وَ يَا أَكْمَلَ مَنُوعَاتٍ وَ يَا أَسْمَحَ الْمُعْطِينَ وَ

برای او عنصری و ای که نیست برای پایانش فنا نیستی و ای کاملترین توصیف شدگان و ای بخشاینده‌ترین عطاکنندگان

و

يَا مَنْ يَفْقَهُ بِكُلِّ لُغَةٍ يُدْعَى بِهَا وَ يَا مَنْ عَفْوُهُ قَدِيمٌ وَ بَطْشُهُ شَدِيدٌ وَ مَلَكُهُ

ای که می‌فهمد به هر زبانی که او را بدان خوانند ای که گذشتش دیرینه و حملهاش سخت و فرمانروایش

مُسْتَقِيمٌ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَافَهُتَ بِهِ مُوسَىٰ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا

پایدار است از تو خواهم به آن نامت که بی‌واسطه سخن گفتی بدان با موسی ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّمَدُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ

که معبودی جز تو نیست خدایا تویی بی نیاز از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و

أَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ *

مرا به رحمت خود داخل بهشت گردانی

سی ام از یونس روایت است که به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم

مرا تعلیم فرما دعای کوچکی فرمود بگو:

يَا مَنْ دَلَّنِي عَلَى نَفْسِهِ وَدَلَّلَ قَلْبِي بِتَصَدِيقِهِ أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَالْأَيْمَانَ

ای که راهنمایی کرد مرا بر خودش و با تصدیق کردن به خود دلم را رام کرد از تو امنیت و ایمان خواهم

ذکر بعض احراز و ادعیه موزنه که منتخب شده از کتاب مهج الدعوات و مجتبی

باب پنجم

در ذکر بعض احراز و ادعیه موزنه که منتخب شده از کتاب مهج الدعوات و مجتبی که هر دو از مصنفات رضی الدین سید بن طاوس قدس سره است و آن چند امر است اول از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود به امیرالمؤمنین علیه السلام هر گاه تو را امر

دشواری پیش آید بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

خدایا از تو خواهم به حق محمد و آل محمد که درود فرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنَجِّبَنِي مِنْ هَذَا الْأَعْمَى * دُوِّمَ حَرَزَ حَضْرَتِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ:

محمد و مرا از این اندوه نجات بخشی * * * * *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ فَاعْنِنِي

بنام خدای بخشاینده مهربان ای زنده و ای پاینده به رحمت تو استغاثه کنم پس به دادم برس

وَلَا تَكْلِنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ * *

و مرا به خودم و امگذاز چشم بر هم زدنی هرگز و همه کارم را اصلاح فرما

سَيِّمِ حِرْزِ حَضْرَتِ اِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ سَدَدَتْ أَفْوَاهَ

بنام خدای بخشاینده مهربان به نام خدا و به ذات خدا بستم دهنهای

الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ وَالسَّحَرَةَ وَالْأَبَالِسَةَ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

جن و انس و شیاطین و جادوگران و رانده شدگان از جن و انس

وَالسَّلَاطِينِ وَمَنْ يَلُوذُ بِهِمْ بِاللَّهِ الْعَزِيْزِ الْأَعَزُّ وَبِاللَّهِ الْكَبِيْرِ الْاَكْبَرِ بِسْمِ اللَّهِ

و پادشاهان و هرکه را بدانها پناهانده شود به خدای عزیزتر از هر عزیز و به خدای بزرگ بزرگتر (از هر بزرگ) بنام

خدای

الظَّاهِرِ الْبَاطِنِ الْمَكْتُوْنِ الْمَخْزُوْنِ الَّذِيْ اَقَامَ بِهِ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ ثُمَّ

آشکار نھان پوشیده و در گنجینه‌ای که بپا ایستاد بذات او آسمانها و زمین سپس

اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا

استوار گشت بر عرش بنام خدای بخشاینده مهربان «و مسلم شد عذاب بر ایشان به سزای ستمی که کردند

فَهُمْ لَا يَنْطِقُوْنَ قَالَ اٰخِسُوْا فِيْهَا وَلَا تُكَلِّمُوْنَ وَاعْتَتِ الْوُجُوْهُ لِلْحَىِّ الْقَيُّوْمِ وَ

و آنها سخن نکنند» «خدا فرماید خفه شوید در اینجا و سخن مگویید» «و متواضع گشت چهره‌ها برای خدای زنده پاینده

قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا وَخَشَعَتِ الْاَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ اِلَّا هَمْسًا

و نومید گشت هر که بار ستمی بر دوش دارد» «و بیفتد صداها به احترام خدای رحمان و جز صدای پایی نشنوی»

وَ جَعَلْنَا عَلَى قُلُوْبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ يَّفْقَهُوْهُ وَ فِيْ اٰذَانِهِمْ وَقْرًا وَ اِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي

«و نهادیم بر دلهای ایشان سربوشی که فهم نکنند و در گوشهانشان سنگینی و چون یاد کنی پروردگارت را در

الْقُرْآنِ وَحَدَّهُ وُلُّوا عَلَىٰ أَذْبَارِهِمْ نُفُورًا وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ

قرآن به تنهایی، گریزان پشت کنند» و چون بخوانی قرآن را بنهم میان تو و میان

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ

آنانکه به آخرت ایمان ندارند پرده‌ای پوشان» و نهادیم از پیش رویشان سدّی و از

خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا

پشت سرشان سدّی و پرده افکنندیم بر آنها که نمی‌بینند» امروز مهر زنیم بر دهنشان و دستهایشان با ما سخن کنند

أَيْدِيهِمْ فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ لَوْ أَتَفَقَتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ

و آنها دم نزنند» اگر همه آنچه در زمین است خرج می‌کردی نمی‌توانستی الفت میان دلهاشان بدهی

وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

ولی خدا الفت داد میانشان که او نیرومند و فرزانه است» و درود خدا بر محمد و آل

الطَّاهِرِينَ *

پاکش باد

چهارم حرز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

يَا خَالِقَ الْخَلْقِ وَيَا بَاسِطَ الرِّزْقِ وَيَا فَالِقَ الْحَبِّ وَيَا بَارِيَّ النَّسَمِ وَمُحْيِيَ

ای آفریننده خلق و ای گستراننده روزی و ای شکافنده دانه و ای آفریننده هر دم‌زن و زنده کننده

الْمَوْتَى وَمُمِيتَ الْأَحْيَاءِ وَدَائِمَ الثَّبَاتِ وَمُخْرِجَ النَّبَاتِ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ

مردگان و میراننده زندگان و همیشه پابرجا و برون آورنده گیاه، انجام ده با من آنچه را تو

أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ * پنجم حرز

شایسته آنی و انجام مده با من آنچه را من استحقاق دارم و تویی اهل تقوی و آمرزش * * * * *

حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روایت است از علی بن یقطين که گفت

خبر دادند به ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام و در نزد او جماعتی از اقوام

او بودند به آنچه قصد کرده است موسی بن مهدی در کار او پس گفت به اقوام خود چه رأی دارید در این باب گفتند رأی ما این است که از او دور شوی و شخص خود را مخفی کنی که ایمن از شر او نتوان شد پس حضرت تبسم فرمود و تمثّل جست به شعر کعب بن مالک:

زَعَمْتَ سَخِينَةَ أَنْ سَتَغْلِبَ رَبَّهَا

فَلْيَغْلِبَنَّ مَغَالِبَ الْعَلَابِ

پس بلند کرد دست خود را بسوی آسمان و گفت:

إِلَهِي كَمْ مِنْ عَدُوٍّ شَحَذَ لِي طَبَّةَ مُدَيْتِهِ وَأَرْهَفَ لِي شَبَا حَدِّهِ وَدَافَ لِي

خدایا چه بسا دشمنی که تیز کرده برایم دم کاردش را و نازک کرد برایم دم تیغش را و بهم آمیخت برایم

قَوَاتِلَ سُمُومِهِ وَ لَمْ تَمَّ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ فَلَمَّا رَأَيْتَ ضَعْفِي عَنِ احْتِمَالِ

زهرهای کشنده را و به خواب نرفت در کمین من چشم دیده بانیش و چون تو ناتوانی مرا از کشیدن

الْفَوَاحِ وَ عَجَزِي عَنِ مَلِمَاتِ الْجَوَائِحِ صَرَفْتَ ذَلِكَ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ

مشکلات دیدی و درماندگیم را از بلاهای سخت مشاهده کردی آنرا به نیرو و قدرت خود از من گرداندی نه به نیرو و

لَا بِحَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ فَالْقَيْتَنِي فِي الْحَفِيرِ الَّذِي اخْتَفَرَهُ لِي خَائِبًا مِمَّا أَمَلْتُ فِي

قدرت خودم و افکندی او را در آن چاهی که برای من کنده بود ناامید از آنچه آرزومند بدان بود در

الدُّنْيَا مُتَبَاعِدًا مِمَّا رَجَاهُ فِي الْأَخْرَةِ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ قَدْرَ اسْتِحْقَاقِكَ

دنیا و دور از آنچه امید بدان داشت در آخرت پس تو را ستایش بر این کار به اندازه استحقاق تو

سَيِّدِي اَللّٰهُمَّ فَخِذْهُ بِعِزَّتِكَ وَ اَقْلُ حِدَّةً عَنِّي بِقُدْرَتِكَ وَ اجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا

ای آقای من خدایا او را به عزت خود بگیر و کُند کن سلاح تیزش را از من به قدرتت و برایش سرگرمی قرار ده در

آنچه

يَلِيهِ وَ عَجْزًا عَمَّا يُنَاوِيهِ اَللّٰهُمَّ وَ اَعِدْنِي عَلَيْهِ عَدُوٍّ حَاضِرَةً تَكُونُ مِنِّ

پیش اوست و درماندگی از انجام دشمنیش خدایا مسلط کن مرا بر او تسلطی فوری که از خشمم درمانی باشد و از

غَيْظِي شِفَاءً وَمِنْ حَنْقِي عَلَيْهِ وَقَاءً وَصَلِّ اللَّهُمَّ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ وَانظُمِ

غیظم بر او نگهداری باشد و به پیوند خدایا دعایم را به اجابت و منظم کن

شِكَايَتِي بِالْتَّغْيِيرِ وَعَرَفَهُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ وَعَرَفْنِي مَا

شکوهام را به دگرگونی و بنمایان به او به همین زودی آنچه را بیم دادی بدان بر ستمکاران و بنمایان به من آنچه

وَعَدْتَ فِي إِجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالْمَنُّ الْكَرِيمِ * كَفَتْ

را نوید دادی در اجابت درماندگان که تو دارای فضل و بخشش بزرگ و عطایی گرامی هستی * * *

پس متفرق شدند قوم و جمع نشدند مگر برای قرائت خبر موت موسی بن

مهدی ششم رقعۀ الجیب حرز حضرت امام رضاعلیه السلام روایت است از

یاسر خادم مأمون که گفت زمانی که وارد شد ابوالحسن علی بن موسی

الرضاعلیه السلام به قصر حمید بن قحطبه بیرون کرد از تن لباس را و داد به

حمید و حمل کرد حمید و داد به جاریه خود که بشوید آن را پس نگذشت

زمانی که آن جاریه آمد و با او رقعۀ ای بود و داد به حمید و گفت یافتم این

رقعه را در گریبان لباس ابوالحسن علیه السلام پس حمید به آن حضرت گفت

فدای تو کردم بدرستی که این جاریه یافته است رقعۀ ای در گریبان پیراهن تو

چیست آن فرمود تعویذی است که آن را از خود دور نمی‌کنم حمید گفت ممکن

است که ما را مشرف کنی به آن پس فرمود که این تعویذی است که هر که

نگاه دارد در گریبان خود دفع می‌شود بلا از او و می‌باشد برای او حرزی از

شیطان رجیم پس خواند تعویذ را بر حمید و آن این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا أَوْ

بنام خدای بخشاینده مهربان بنام خدا من پناه می‌برم به خدای رحمان از تو اگر پرهیزکار باشی یا

غَيْرَ تَقِيٍّ أَخَذْتُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْبَصِيرِ عَلَى سَمْعِكَ وَبَصْرِكَ لَا سُلْطَانَ لَكَ

غیر پرهیزکار بستم بوسیله خدای شنوای بینا، گوش و چشم تو را که تسلطی نباشد تو را

عَلَىَّ وَلَا عَلَى سَمْعِي وَلَا عَلَى بَصْرِي وَلَا عَلَى شَعْرِي وَلَا عَلَى بَشْرِي وَلَا

بر من و نه بر گوش و نه بر چشمم و نه بر مو و نه بر پوست تنم و نه

عَلَى لَحْمِي وَلَا عَلَى دَمِي وَلَا عَلَى مُخِّي وَلَا عَلَى عَصَبِي وَلَا عَلَى عِظَامِي

بر گوشت و نه بر خونم و نه بر مغز و نه بر رگم و نه بر استخوانم

وَلَا عَلَى مَالِي وَلَا عَلَى مَا رَزَقْنِي رَبِّي سَتَرْتُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَسِطَرِ التُّبُوَّةِ

و نه بر مالم و نه بر آنچه پروردگار من روزیم کرده پوشاندم میان خودم و تو را به پوشش نبوت

الَّذِي اسْتَتَرَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ بِهِ مِنْ سَطَوَاتِ الْجَبَابِرَةِ وَالْفَرَاعِنَةِ جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِي

که پوشانند پیامبران خدا خود را بدان وسیله از حمله‌های گردنکشان و سرکشان، جبرئیل از راستم و

وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِي وَإِسْرَافِيلُ عَنْ وَرَائِي وَمَحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

میکائیل از چپم و اسرافیل از پشت سرم و محمد صلی الله علیه و آله

أَمَامِي وَاللَّهُ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ يَمْنَعُكَ مِنِّي وَيَمْنَعُ الشَّيْطَانَ مِنِّي

از پیش رویم و خدا نیز مطلع است بر کارم و تو را از من بازدارد و نیز شیطان را از من بازدارد

اللَّهُمَّ لَا يَغْلِبُ جَهْلُهُ أَنَا تَكْ أَنْ يَسْتَفِزَّنِي وَيَسْتَحْفِنِي اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التَّجَاتُ

خدایا چیره نگردد نادانی او بر حوصله تو که در نتیجه مرا به ناراحتی کشاند و سبکم شمارد خدایا من به تو پناهنده شدم

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التَّجَاتُ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التَّجَاتُ *

خدایا به تو پناهنده شدم خدایا به تو پناهنده شدم

و از برای این حرز حکایت عجیبی است که روایت کرده آن را ابوالصلت هروی

که گفت مولای من علی بن موسی الرضا علیه السلام روزی نشسته بود در

منزل خود داخل شد بر او رسول مأمون و گفت که تو را امیر می طلبد پس امام

برخاست و مرا گفت نمی طلبد مرا مأمون در این وقت مگر به جهت کاری

سخت و به خدا که نمی‌تواند با من کاری بد کردن جهت این کلمات که از جدّم رسول خداصلی الله علیه وآله به من رسیده ابوالصلّت گفت همراه امام‌علیه السلام بیرون رفتم نزد مأمون چون نظر حضرت بر مأمون افتاد این حرز را تا آخر خواند پس زمانی که حضرت ایستاد مقابل مأمون نظر کرد بسوی او مأمون و گفت ای ابوالحسن امر کرده‌ام که صد هزار درهم به جهت تو بدهند و بنویس هر حاجتی که داری پس چون امام پشت گردانید مأمون نظر در قفای امام کرد و گفت اراده کردم من و اراده کرده است خدا و آنچه اراده کرده است خدا بهتر بوده است.

هفتم حرز حضرت جوادعلیه السلام:

يَا نُورُ يَا بُرْهَانَ يَا مُبِينُ يَا مُنِيرُ يَا رَبُّ اِكْفِنِي الشُّرُورَ وَ اَفَاتِ الدُّهُورِ وَ

ای نور و ای دلیل روشن و ای آشکارکننده‌ای نوربخش پروردگارا کفایت کن از شرور و آفات روزگار و

أَسْئَلُكَ النَّجَاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ *

از تو خواهم رهایی را در روزی که دمیده شود در صور

هشتم حرز امام علیّ نقی علیه السلام:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ يَا عَزِيزَ الْعِزِّ فِي عِزِّهِ مَا اَعَزَّ عَزِيزَ الْعِزِّ فِي عِزِّهِ يَا عَزِيزُ

بنام خدای بخشاینده مهربان ای عزت‌بخش عزت در عین عزتش چه عزیز است عزت بخش عزت در حال عزت ای

عزیز،

اَعِزَّنِي بِعِزِّكَ وَ اَيِّدْنِي بِنَصْرِكَ وَ اَدْفَعْ عَنِّي هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَ اَدْفَعْ عَنِّي

عزیز گردان مرا به عزت خود و کمک ده به یاریت و دور گردان از من وسوسه‌های شیاطین را و دفع کن از من

بِدْفَعِكَ وَ اَمْنَعْ عَنِّي بِصُنْعِكَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ خَلْقِكَ يَا وَاحِدُ يَا اَحَدُ يَا فَرْدُ

به دفاع خود و بازدار از من بسامان دادن خود و قرار ده از نیکان بندگانت ای یکتا ای یگانه ای تنها

یا صَمَدُ *

ای بی نیاز

نهم حرز حضرت امام حسن عسکری علیه السلام:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

* بنام خدای بخشاینده مهربان

یا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَ يَا غَوْثِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَ يَا مُونِسِي عِنْدَ وَحْدَتِي

ای ذخیره‌ام در سختی و ای فریاد‌رسم در گرفتاری و ای همدم در تنهایی

أُحْرُسُنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ أَكُنْفُنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ *

محافظتم کن بدان دیده‌ات که نخوابد و مرا در پناه آن نیرویت گیر که آهنگ آن نشود

دهم حرز مولانا القائم علیه السلام:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا مَالِكَ الرَّقَابِ وَ يَا هَا زِمَ الْأَحْزَابِ يَا

*** بنام خدای بخشاینده مهربان ای بدست دارنده جانها ای پراکنده کننده دستجات ای

مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ سَبِّبْ لَنَا سَبَبًا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ

گشاینده درها ای سبب‌ساز اسباب آماده کن برای ما سببی را که پیدا کردنش نتوانیم به حق کلمه «لا اله

إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ * یازدهم قنوت

الا الله محمد رسول الله» که درود خدا بر او و آتش همگی *** *

امام حسین علیه السلام: اَللّهُمَّ مَنْ اَوْى اِلى مَاوِىَّ فَانْتَ مَاوِىَّ وَ مَنْ لَجَا اِلى

*** خدا یا هرکس برای خود مأوایی گیرد و تویی مأوای من و هر که پناهنده به پناهگاهی شود

مَلْجَاً فَانْتَ مَلْجَاىَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمَعْ نِدَائِى وَ اَجِبْ

و تویی پناهگاه من خدا یا درود فرست بر محمد و آل محمد و بشنو فریادم را و اجابت کن

دُعَاىِى وَ اجْعَلْ مَا بى عِنْدَكَ وَ مَثْوَاىَ وَ اَحْرُسْنِى فِى بَلْوَاىَ مِنْ اِفْتِنَانِ

دعایم را و قرار ده بازگشتگاه و اقامتگاهم را نزد خود و محافظتم کن در مورد آزمایش از مفتون شدن

الْاِمْتِحَانِ وَ لَمَّةِ الشَّيْطَانِ بِعِظْمَتِكَ الَّتِي لَا يَشُوْبُهَا وَ لَعْنِ نَفْسِ بَتَفْتِينِ وَ لَا

به آزمایش و تماس پیدا کردن با شیطان بدان عظمت و بزرگیت که بهم نزند آنرا حرص شخصی یا فتنه انگیزتن و نه

وَارِدُ طَيْفٍ بَتَّظْنِينَ وَلَا يَلْمُ بِهَا فَرَحٌ حَتَّى تَقْلِبِنِي إِلَيْكَ بِرَادَتِكَ غَيْرَ ظَنِينٍ

خاطره خوبی با بدگمانی و نه نزدیک گردد بدان سرمستی تا اینکه بازگردانی مرا بسوی خود بوسیله اراده‌ات نه بصورت

تهمت زده

وَلَا مَظْنُونٍ وَلَا مُرَابٍ وَلَا مُرْتَابٍ إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * مؤلف گوید که سید

و نه مظنون و نه مورد بدگمانی و نه مشکوک براستی تو مهربانترین مهربانانی * * * * *

بن طاوس قنوتات ائمه علیهم السلام را جمع کرده در مهج الدعوات و چون

طولانی بود آنها من اکتفا به همین یک قنوت کردم دوازدهم دعاء حضرت

رسول صلی الله علیه و آله که امان است از جن و انس:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان معبودی نیست جز خدا بر او توکل کنم و او است پروردگار عرش بس بزرگ

مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ

آنچه خدا خواهد باشد و آنچه نخواهد نباشد گواهی دهم که براستی خدا بر هر چیز توانا است و براستی خدا

قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ

دانشش به هر چیز احاطه دارد خدایا به تو پناه برم از شر خودم و از شر هر

دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * سیزدهم دعاء مجرب

جنبنده‌ای که اختیارش بدست تو است همانا پروردگار من به راه راست است * * * * *

روایت است از انس که گفت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که

هر کس این دعا را در هر صبح و شام بخواند موکل فرماید حق تعالی به او

چهار فرشته که او را حفظ کنند از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و

از طرف چپش و در امان خداوند عزوجل باشد و اگر سعی کنند خلائق از جن و

انس که ضرر به او برسانند نتوانند آن دعاء این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَ

بنام خدای بخشاینده مهربان بنام خدا بهترین نامها بنام خدا پروردگار زمین و

السَّمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ سَمٌّ وَلَا دَاءٌ بِسْمِ اللَّهِ أَصْبَحْتُ وَ عَلَيَّ

آسمان بنام خدایی که زبان نرساند با بودن نام او زهری و نه دردی بنام خدا صبح کردم و بر

اللَّهِ تَوَكَّلْتُ بِسْمِ اللَّهِ عَلَى قَلْبِي وَ نَفْسِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى دِينِي وَ عَقْلِي بِسْمِ اللَّهِ

خدا توکل کردم بنام خدا بر دل و جانم بنام خدا بر دین و خردم بنام خدا

عَلَى أَهْلِي وَ مَالِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى مَا أَعْطَانِي رَبِّي بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ

بر خاندان و داراییم بنام خدا بر آنچه پروردگارم به من داده بنام خدایی که زبان نرساند با بودن

اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا

نامش چیزی در زمین و نه در آسمان و او است شنوای دانا خدا، پروردگار من است که

أَشْرِكُ بِهِ شَيْئًا اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ أَعَزُّ وَ أَجَلُّ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ عَزَّ جَارِكُ وَ

شریک نسازم با او چیزی را خدا بزرگتر است خدا بزرگتر و نیرومندتر و برتر است از آنچه من از آن ترسم پناهنده‌ات

نیرومند

جَلَّ تَنَائُوكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ

و مدح و ثنایت والا است و معبودی جز تو نیست خدا یا به تو پناه برم از شر خودم و از شر هر

سُلْطَانٍ شَدِيدٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مِنْ شَرِّ

سلطان سرسخت و از شر هر شیطان متمرد و از شر هر سرکش لجوج و از شر

قَضَاءِ السَّوْءِ وَ مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ

پیش آمد بد و از (شر) هر جنبنده‌ای که تو اختیارش را بدست داری که برستی تو براه راستی هستی و

أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَكَّلُ

تو بر هر چیز نگهبانی همانا سرپرست من خدایی است که قرآن را فرستاد او سرپرستی کند

الصَّالِحِينَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ

از شایستگان «اگر روگردان شدند بگو بس است مرا خدا معبودی جز او نیست بر او توکل کنم و اوست پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ *

عرش بزرگ

چهاردهم دعاء حضرت رسول صلی الله علیه وآله:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقِرَ

خدایا به تو پناه برم از اینکه ندار شوم

فِي غِنَاكَ أَوْ أَضِلَّ فِي هُدَاكَ أَوْ أَذِلَّ فِي عَزِّكَ أَوْ أُضَامَ فِي سُلْطَانِكَ أَوْ

در سایه دارایی تو یا گمراه گردم با وجود راهنمایی یا خوار گردم در سایه عزت تو یا ستمی به من شود در سایه

سلطنت تو یا

أُضْطَهَدَ وَالْأَمْرُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَقُولَ زُوراً أَوْ أَغْشَى فُجُوراً أَوْ

در زیر فشار پامال شوم با اینکه کار بدست تو است خدایا به تو پناه برم از اینکه زورگویم یا درآیم در هرزگی و کار

زشت یا

أَكُونَ بِكَ مَغْروراً *

اینکه به تو (و گذشتت) مغرور شوم

پانزدهم دعائی است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام از ابو حمزه ثمالی

روایت است که گفت از حضرت امام محمد باقر علیه السلام اجازه خواستم که

به خدمتش مشرف شوم پس حضرت از خانه بیرون آمد و لبهای مبارکش

می جنبید و فرمود دانستی تکلم مرا گفتم بلی فدایت شوم فرمود تکلم کردم به

کلامی که تکلم نکرده به آن احدی هرگز مگر آنکه کفایت کرده حق تعالی

آنچه مهمّ او است از امر دنیا و آخرت او گفتم فدایت شوم خبر ده مرا به آن

فرمود بلی هر که این کلمات را در حال بیرون رفتن از خانه بخواند مهمّات او

میسر می شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ

بنام خدای بخشاینده مهربان بس است مرا خدا توکل کردم بر خدا، خدایا از تو خواهم خوبی را

أُمُورِي كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ * شانزدهم از ادعیه

در همه کارهایم و پناه برم به تو از رسوایی دنیا و عذاب آخرت * * * * *

الوسائل الى المسائل از محمد بن حارث نوفلی خادم حضرت امام محمد

تقی علیه السلام منقول است که وقتی تزویج کرد مأمون دختر خود را به

حضرت امام محمد تقی علیه السلام نوشت حضرت برای او که از برای هر زنی

صدیقی است از شوهرش و حق تعالی اموال ما را در آخرت ذخیره نهاده

همچنانکه اموال شما را در دنیا به شما داده و من بکابین دختر تو دادم و مسائل

الی المسائل را و آن مناجاتی است که به من داده پدرم و به او رسیده از

پدرش جناب موسی بن جعفر و به او رسیده از پدرش جعفر و به او رسیده از

پدرش محمد و به او رسیده از پدرش علی بن الحسین و به او رسیده از پدرش

حسین و به او رسیده از برادرش حسن و به او رسیده از پدرش امیرالمؤمنین

علی بن ابی طالب صلوات الله علیهم و به او رسیده از رسول خدا صلی الله علیه

و آله که به آن حضرت داد جبرئیل علیه السلام و گفت یا محمد رب العزه تو را

سلام می‌رساند و می‌فرماید این مفاتیح گنجهای دنیا و آخرت است آن را

وسیله خود ساز بسوی مطالب خود تا بررسی به مرام خود و سرانجام گردد

مطلب تو و ایثار مکن آن را در حاجتهای دنیا که کم می‌گرداند حظ آخرت را

و آن ده وسیله است که بواسطه آن درهای رغبات گشوده می‌شود و طلب کرده

می شود به سبب آنها حاجات و به انجام می رسد و این است نسخه آن مناجات

استخاره:

اللَّهُمَّ إِنَّ خَيْرَتَكَ فِيمَا اسْتَخَرْتُكَ فِيهِ تَنْبِيلُ الرَّغَائِبِ وَ تَجْزُلُ الْمَوَاهِبِ وَ تَغْنِمُ

خدایا آن خیری که تو برایم پسندی در این طلب خیری که از تو کردم خواسته های مرا به من می رساند و موهبتها را

برجسته و

الْمَطَالِبِ وَ تَطْيِبُ الْمَكَاسِبِ وَ تَهْدِي إِلَى أَجْمَلِ الْمَذَاهِبِ وَ تَسُوقُ إِلَى أَحْمَدِ

خواسته ها را پر بهره سازد و کسبها را پاکیزه کند و به بهترین روشها راهنمایی کند و بسوی پسندیده ترین عاقبتها سوق

دهد

الْعَوَاقِبِ وَ تَقِي مَخُوفَ النَّوَابِغِ اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَخِيرُكَ فِيمَا عَزَمَ رَأْيِي عَلَيْهِ وَ

و از پیش آمدهای ترسناک نگاه دارد خدایا خیرجویی کنم از تو در این کاری که تصمیمم بر آن قرار گرفته

قَادِنِي عَقْلِي إِلَيْهِ وَ سَهَّلِ اللَّهُمَّ فِيهِ مَا تَوَعَّرَ وَ يَسَّرْ مِنْهُ مَا تَعَسَّرَ وَ اكْفِنِي فِيهِ

و عقلم مرا بدان کشانده خدایا آسان گردان در این کار آنچه را مشکل شده و هموار کن آنچه را دشوار گشته و مهم مرا

الْمُهِمَّ وَ ادْفَعْ بِهِ عَنِّي كُلَّ مَلِمٍ وَ اجْعَلْ يَا رَبِّ عَوَاقِبَهُ غَنَمًا وَ مَخُوفَهُ سَلْمًا وَ

در آن کفایت فرما و دور ساز از من هر سختی را و بگردان عواقب آنرا ای پروردگار من بهره ور و بیمناک آنرا سلامتی و

دورش

بُعْدَهُ قُرْبًا وَ جَدَّبَهُ خِصْبًا وَ ارْسِلِ اللَّهُمَّ اجَابَتِي وَ أَنْجِحْ طَلِبَتِي وَ اقْضِ حَاجَتِي

را نزدیک و تنگی آنرا فراوانی و اجابت دعایم را خدایا برسان و کامروایم کن در خواهشم و برآور حاجتم را

وَ اقْطَعْ عَنِّي عَوَائِقَهَا وَ امْنَعْ عَنِّي بَوَائِقَهَا وَ اعْطِنِي اللَّهُمَّ لَوْ آءَ الظَّفَرِ

و موانعش را از من دور گردان و بدیهایش را از من بازدار و بده خدایا بدستم پرچم پیروزی

وَ الْخَيْرَةَ فِيمَا اسْتَخَرْتُكَ وَ وَفُورَ الْمَغْنَمِ فِيمَا دَعَوْتُكَ وَ عَوَائِدَ الْأَفْضَالِ فِيمَا

و خیر خود را در آنچه خیرش را از تو خواستم و بهره شایانی را در آنچه تو را در آن خواندم و عایدات فزون در آنچه

رَجَوْتُكَ وَ اقْرَنْهُ اللَّهُمَّ بِالنَّجَاحِ وَ خُصَّةً بِالصَّلَاحِ وَ ارْنِي سَبَابَ الْخَيْرَةِ فِيهِ

امید به تو داشتم و مقرونش کن خدایا به رستگاری و مخصوصش کن به شایستگی و بنمایان به من اسباب خوبی را در

واضحةً وأعلام غنمها لائحةً وأشدُّ خناقَ تعسيرها وأنعش صريعَ

آن بطور وضوح و نشانه‌های بهره‌مندی را آشکارا و برطرف کن دشواریش را و پیش‌آور

تیسیرها و بین اللهم ملتبسها وأطلق محتبسها و مكن أسها حتى تكون

آسانیش را و روشن کن خدایا ابهامش را و رها کن قید و بندش را و محکم کن اساسش را تا خیری گردد که

خيرة مقبلة بالغنم مزيلة للغرم عاجلة للنعف باقية الصنع إنك ملى بالمزيد

به بهره‌مندی روی آورد و بدهی مرا برطرف کند و سودش زودرس و پایدار گردد که تو پرستی فزون بخشیت سرشار

مبتدء بالجود * مناجات استقاله: اللهم إن الرجاء لسعة رحمتك أنظني

و آغازکننده به احسانی * * * * * خدایا همانا امید به فراخی رحمت مرا به عذرخواهی

باستفالتك والأمل لاناتك و رفیقك شجعتنی علی طلب امانك و عفوك ولی

گویا کرده و آرزوی مهلت دادن و مدارا کردن مرا بر خواستن امان و عفو تو دلیر ساخته و من گناہانی دارم

یا رب ذنوب قد واجهتها أوجه الأتقَامِ وَ خَطَايَا قَدْ لَحِظْتُهَا أَعْيُنُ

پروردگارا که روبرو گشته با آنها و جوهری از انتقام و خطاهایی دارم که چشمهای ریشه‌کننده آنها

الأصطلام واستوجبت بها علی عدلك أليم العذاب واستحقت باجتراحها

را زیر نظر گرفته و سزاوار گشتم با بدنها بر طبق عدل تو عذاب دردناکی را و مستحق گشتم به ارتکاب آنها

مبیر العقاب و خفت تعويقها لأجابتی و رذها ایای عن قضاء حاجتی

کیفر نابودکننده‌ای را و ترس آن دارم که اجابت دعایم را به تأخیر انداخته و جلوگیری کنند از برآورده شدن حاجتم

بإبطالها لطلبتی و قطعها لأسباب رغبتی من أجل ما قد أنقض ظهري من

به خاطر از بین بردنشان خواسته‌ام را و قطع کردنشان اسباب شوق و امیدم را از آن جهت که پشتم از

ثقلها و بهظنی من الأستقلال بحملها ثم تراجعت رب إلى حلمك عن

سنگینی آنها شکسته و به مشقت انداخته مرا بدوش کشیدنش ولی چون برگشتم پروردگارا و نظر کردم به بردباریت از

الخطيئين و عفوك عن المذنبين و رحمتك للعاصين فأقبلت بتقتي متوكلاً

خطاکاران و گذشتت از گنهکاران و مهتر نسبت به نافرمانان پس رو آوردم به همان اطمینانی که داشتم و بر تو توکل

کردم

عَلَيْكَ طَارِحاً نَفْسِي بَيْنَ يَدَيْكَ شَاكِيّاً بَنَى إِلَيْكَ سَائِلاً مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْ

و خود را در پیش رویت انداختم و درد دلم را به تو اظهار کردم و خواستارم آنچه را سزاوارش نیستم از
تَفْرِيجِ الْهَمِّ وَلَا أَسْتَحِقُّهُ مِنْ تَنْفِيسِ النِّعَمِ مُسْتَقِيلاً لَكَ أَيَّايَ وَاثِقاً مَوْلَايَ بِكَ
گشایش اندوه و آنچه سزاوار نیستم از برطرف کردن غم و گذشتت تو را خواهانم در حالی که ای مولای من به تو
اطمینان دارم

اللَّهُمَّ فَاْمُنْ عَلَيَّ بِالْفَرْجِ وَ تَطَوَّلْ عَلَيَّ بِسُهُولَةِ الْمَخْرَجِ وَ اذْلُنِي بِرَأْفَتِكَ

خدایا پس منت بنه بر من به گشایش و احسان کن بر من که به آسانی بیرون آیم و راهنماییم کن به مهر خودت
عَلَي سَمْتِ الْمَنْهَجِ وَ اَزْلُنِي بِقُدْرَتِكَ عَنِ الطَّرِيقِ الْأَعْوَجِ وَ خَلِّصْنِي مِنْ
بسوی راه راست و بگردانم به نیروی خود از راه کج و خلاصم کن از

سِجْنِ الْكُرْبِ بِاِقَالَتِكَ وَ اَطْلِقْ أَسْرِي بِرَحْمَتِكَ وَ طَلْ عَلَيَّ بِرِضْوَانِكَ وَ جُدْ

زندان گرفتاری به گذشت خود و از اسارت رهایم کن به رحمت خود و سایه خوشنودیت را بر سرم بگستران
عَلَيَّ بِاِحْسَانِكَ وَ اَقْلِنِي عَشْرَتِي وَ فَرِّجْ كُرْبَتِي وَ اَرْحَمْ عِبْرَتِي وَ لَا تَحْجُبْ
و باران احسانت را بر من بیار و لغزشم را نادیده گیر و اندوهم را بگشا و رحم کن به اشکریزانم و در پرده قرار مده

دَعْوَتِي وَ اَشْدُدْ بِالْاِقَالَةِ اَزْرِي وَ قَوِّبْهَا ظَهْرِي وَ اَصْلِحْ بِهَا اَمْرِي وَ اَطْلِبْ بِهَا

دعایم را و با چشم پوشیت کمر مرا محکم ببند و نیرومند گردان بدان پشتم را و کارم را بدان اصلاح کن
عُمْرِي وَ اَرْحَمْنِي يَوْمَ حَشْرِي وَ وَقْتِ نَشْرِي اِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ غَفُورٌ رَحِيمٌ
و عمرم را طولانی گردان و در روز رستاخیز و هنگامی که سر از گور بیرون آورم به من رحم کن که تویی با جود و
بزرگووار و آمرزنده و مهربان

*مناجات سفر: اللَّهُمَّ اِنِّي اُرِيدُ سَفْرًا فَخْرِ لِي فِيهِ وَ اَوْضِحْ لِي فِيهِ سَبِيلَ

*** * * * * * * * * * *
الرَّأْيِ وَ فَهْمِيهِ وَ اَفْتَحْ لِي عَزْمِي بِالْاِسْتِقَامَةِ وَ اَشْمَلْنِي فِي سَفْرِي بِالسَّلَامَةِ
بینایی را بنما و به من بفهمان و آغاز کن تصمیم مرا به استقامت و در برگیر مرا در این سفر به تندرستی

وَ اَفِدْنِي جَزِيلَ الْحِظِّ وَ الْكِرَامَةِ وَ اَكْلَانِي بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَ الْحِرَاسَةِ وَ جَبْنِي

و فایده ده بهره شایان و کرامت و به خوبی محافظت و پاسداری مرا به عهده گیر و دور گردان از من

اللَّهُمَّ وَ عِثَاءَ الْأَسْفَارِ وَ سَهْلَ لِي حُزُونََةَ الْأَوْعَارِ وَ اطْوِ لِي بِسَاطَ الْمَرَاحِلِ

خدایا دشواریهای مسافرت را و آسان کن برایم ناهمواری بیابانها را و در هم بیچ برایم منزلهای دور و دراز را

وَ قَرَّبْ مِنِّي بُعْدَ نَأْيِ الْمَنَاهِلِ وَ بَاعِدْ فِي الْمَسِيرِ بَيْنَ خَطَى الرَّوَاحِلِ حَتَّى

و نزدیک کن برایم آبشخورهای دور را و بلند گردان در راه گامهای همگی مرکبهای بارکش را تا

تُقَرَّبَ نِيَابَ الْبُعِيدِ وَ تُسَهَّلَ وَ عُورَ الشَّدِيدِ وَ لَقِّنِي اللَّهُمَّ فِي سَفَرِي نَجْحَ

نزدیک کنی دوری راههای دور را و آسان گردانی ناهمواریهای سخت را و بیفکن بر من خدایا در این سفر سایه کامیابی

طَائِرِ الْوَاقِيَةِ وَ هَبْنِي فِيهِ عَنَّمِ الْعَافِيَةِ وَ خَفِيرِ الْأَسْتِقْلَالِ وَ دَلِيلَ مُجَاوِزَةِ

همای فرخنده نگهدارنده را و ببخش به من در این سفر بهره تندرستی و نگهبان استقلال و راهنمای گذشتن

الْأَهْوَالِ وَ بَاعِثْ وَفُورِ الْكِفَايَةِ وَ سَانِحِ خَفِيرِ الْوَلَايَةِ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ سَبَبَ

هراسها و آنچه باعث کفایت شایان و برخورد نگهبان ولایت است و بگردان این سفر را خدایا وسیله

عَظِيمِ السَّلْمِ حَاصِلِ الْغَنَمِ وَ اجْعَلِ اللَّيْلَ عَلَيَّ سِتْرًا مِنْ الْأَفَاتِ وَ النَّهَارَ مَانِعًا

سلامتی بزرگ و بهره‌ای بدست آمده، و قرار ده خدایا شب را برایم پرده‌ای از آفات و روز را جلوگیری

مِنَ الْهَلَكَاتِ وَ اقْطَعْ عَنِّي قِطْعَ لُصُوصِهِ بِقُدْرَتِكَ وَ اَحْرُسْنِي مِنْ وَحُوشِهِ

از نابودیها و دور ساز از من دسته‌های راهزن را به نیروی خودت و محافظتم کن از حیوانات وحشی

بِقُوَّتِكَ حَتَّى تَكُونَ السَّلَامَةَ فِيهِ مُصَاحِبَتِي وَ الْعَافِيَةَ فِيهِ مُقَارِنَتِي وَ الْيَمْنَ

به تواناییت تا بدانجا که سلامتی در این سفر همراهم باشد و تندرستی ملازمم گردد و نیکبختی

سَاقِي وَ الْيُسْرُ مُعَانِقِي وَ الْعُسْرُ مُفَارِقِي وَ الْفَوْزُ مُوَافِقِي وَ الْأَمْنُ مُرَافِقِي

پیش‌رویم و آسانی کارها دست به گردنم باشد و سختی از من دور و کارم بر وفق کامیابی باشد و امنیت

إِنَّكَ ذُو الطَّوْلِ وَ الْمَنِّ وَ الْقُوَّةِ وَ الْحَوْلِ وَ أَنْتَ عَلَيَّ كَلِّشِيءٍ قَدِيرٌ وَ بَعِيدَاكَ

رفیقم باشد که تو دارای احسان و منت بخشی و نیرو و قدرتی و تو بر هر چیز توانایی و به بندگانت

بَصِيرٌ خَبِيرٌ * مناجات طلب رزق: اللَّهُمَّ أَرْسِلْ عَلَيَّ سِجَالَ رِزْقِكَ مِذْرَارًا

بینا و آگاهی * * * * * خدایا بفرست بر من دلوهای روزیت را ریزان

وَ امْطِرْ عَلَيَّ سَحَابَ إِفْضَالِكَ غِزَارًا وَ أَدِمْ غَيْثَ نَيْلِكَ إِلَيَّ سِجَالًا وَ أَسْبِلْ

و ببار بر من ابرهای فزون بخشیت را فراوان و پیوست کن باران عطایت را بر من پیاپی و ریزان کن

مَزِيدَ نِعْمِكَ عَلَى خُلَّتِي اِسْبَالًا وَاَفْقِرُنِي بِجُودِكَ اِلَيْكَ وَاَغْنِنِي عَمَّنْ يَطْلُبُ

فزونی نعمت را بر نیاز و حاجتم بطور کامل و نیازمندم کن به بخشندگی خودت و بی‌نیازم کن از کسی که خودش

مَالِدَيْكَ وَاَدَاةَ فَقْرِي بِدَوَاءِ فَضْلِكَ وَاَنْعَشْ صِرْعَةَ عَيْتِي بِطَوْلِكَ وَ

جویای احسان تو است و مداوا کن درد بی‌نواییم را به درمان فضل خود و بردار از زمین پیکر نداریم را به کرم خود و

تَصَدَّقْ عَلَى اِقْلَالِي بِكَثْرَةِ عَطَائِكَ وَ عَلَى اِخْتِلَالِي بِكَرِيمِ حَبَائِكَ وَ سَهْلُ

تصلقت کن بر تنگدستیم به زیادی عطای خود و بر نیازمندیم به جایزه گرامیت و آسان گردان

رَبِّ سَبِيلِ الرِّزْقِ اِلَيَّ وَ ثَبَّتْ قَوَاعِدَهُ لَدَيَّ وَ بَجَسْ لِي عَيْنُونَ سَعَتِهِ بِرَحْمَتِكَ

پروردگارا راه روزی را بر من و پابرجا کن پایه‌هایش را برای من و بشکاف برایم چشمه‌های فراخیش را به رحمت

وَ فَجَّرْ اَنْهَارَ رَعْدِ العَيْشِ قِبَلِي بِرَأْفَتِكَ وَاَجْدِبْ اَرْضَ فَقْرِي وَاَخْصِبْ

و روان کن نهرهای شادکامی زندگی را در پیش رویم به مهرت و بخشکان سرزمین فقر و نداریم را و پرخیر و سرسبز

کن

جَدَبَ ضُرِّي وَاَصْرِفْ عَنِّي فِي الرِّزْقِ الْعَوَاقِبَ وَاَقْطَعْ عَنِّي مِنَ الضِّيقِ

سرزمین خشک بدحالیم را و دور گردان از روزی من موانع جلوگیر آنرا و بندهای تنگی و فشار را از روزم

العَلَائِقِ وَاَرْمِنِي مِنْ سَعَةِ الرِّزْقِ اَللّٰهُمَّ بِاَخْصَبِ سِهَامِهِ وَاَحْبَنِي مِنْ رَعْدِ

بگسل و پرتاب کن خدایا از فراخی روزی بسویم پرخیرترین تیرهایش را و ببخش به من از کامیابی زندگی

العَيْشِ بِاَكْثَرِ دَوَامِهِ وَاَكْسُنِي اَللّٰهُمَّ سَرَابِيلَ السَّعَةِ وَ جَلَابِيْبَ الدَّعَةِ فَاِنِّي يَا

پردوامترین نصیبهایش را و بپوشان بر من خدایا از روزی پیرانه‌های فراخش را و روپوشهای آسوده زیستی را که براستی

من

رَبِّ مُنْتَظِرٌ لِاِنْعَامِكَ بِحَذْفِ الْمَضِيْقِ وَاَلْتَطَوُّلِكَ بِقَطْعِ التَّغْوِيْقِ وَ لِتَفْضْلِكَ

ای پروردگار عزیز چشم براهم انعام تو را بوسیله رفع تنگدستی و بخششت را به پایان یافتن تأخیر و عقب افتادن و

فزون بخشیت را

بِاِزَالَةِ التَّقْتِيْرِ وَاِلْوُصُوْلِ حَبْلِي بِكَرَمِكَ بِالتَّبْسِيْرِ وَ اَمْطِرِ اَللّٰهُمَّ عَلَيَّ سَمَاءَ

به از بین بردن ناداری و منتظرم پیوست شدن رشته‌ام را به کرمت به گشایش و آسانی و ببار خدایا بر من آسمان

رِزْقِكَ بِسِجَالِ الدِّيمِ وَأَغْنِنِي عَنْ خُلُقِكَ بِعَوَائِدِ النِّعَمِ وَارْمِ مَقَاتِلَ

روزیت را به بارانهای دنباله‌دار و بی‌نیازم کن از مخلوق خود به نعمتهای پرفایده و هدف تیر قراردده گلوگاه

الْأَقْتَارِ مِنِّي وَاحْمِلْ كَشْفَ الضَّرِّ عَنِّي عَلَى مَطَايَا الْأَعْجَالِ وَاضْرِبْ عَنِّي

نداریم را و باز کن بارهای رفع گرفتاری و سختی مرا بر مرکبهای تندروی و بز ن گردن

الضِّيقِ بِسَيْفِ الْأَسْتِيصَالِ وَأَتْحِفْنِي رَبُّ مِنْكَ بِسَعَةِ الْأَفْضَالِ وَأَمْدُدْنِي

تنگدستی مرا به شمشیر نابودی و تحفهام ده پروردگارا از جانب خود به فراخی بخشش و کمکم ده

بِنُومِ الْأَمْوَالِ وَأَحْرُسْنِي مِنْ ضَيْقِ الْأَقْلَالِ وَأَقْبِضْ عَنِّي سُوءَ الْجَدْبِ

به رویندگی اموال و محافظتم کن از تنگی ناداری و بگیر از من بدی قحطی و خشکسالی را

وَابْسُطْ لِي بِسَاطَ الْخِصْبِ وَاسْتِنِي مِنْ مَاءِ رِزْقِكَ غَدَقًا وَانْهَجْ لِي مِنْ

و بگستران برایم بساط پرخیری و برکت را و بنوشان بر من از آب گوارای روزیت به گوآرایی و آشکار کن برایم از

عَمِيمٍ بِذَلِكَ طُرْقًا وَفَاجِنْنِي بِالثَّرْوَةِ وَالْمَالِ وَأَنْعَسْنِي بِهِ مِنْ صَرَعَةِ الْأَقْلَالِ

بخشش همگانیت راههایی را و ناگهانی مرا به ثروت و دارایی رسان و بلندم کن بوسیله آن از زمین نداری

وَ صَبِّحْنِي بِالْأَسْتِظْهَارِ وَ مَسِّنِي بِالْتَّمَكُّنِ مِنَ الْإِسَارِ أَنْكَ ذُو الطَّوْلِ الْعَظِيمِ

و بامدادانم را به پشتیبانی کردنت و شامگاهانم را با تمکن از آسایش و فراخی قرار ده که برآستی تو دارای احسانی

بزرگ

وَالْفُضْلِ الْعَمِيمِ وَالْمَنْ الْجَسِيمِ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ * مناجات استعاده:

و فضلی همگانی و منی کلان هستی و تویی بخشنده بزرگوار * * * * *

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُلِمَّاتِ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ وَأَهْوَالِ عِظَائِمِ الضَّرَّاءِ فَأَعِزَّنِي

خدایا به تو پناه می‌برم از رسیدن بلاهای نازله و هراس سختیهای بزرگ پس پناهم ده

رَبِّ مِنْ صَرَعَةِ الْبِأْسَاءِ وَ أَحْجِبْنِي مِنْ سَطَوَاتِ الْبَلَاءِ وَ نَجِّنِي مِنْ مُفَاجَاةِ

پروردگارا از افتادگی تنگدستی و در پرده‌ام گیر از حملات بلاء و نجاتم ده از عذابهای ناگهانی

النِّقَمِ وَاجْرِنِي مِنْ زَوَالِ النِّعَمِ وَ مِنْ زَلَلِ الْقَدَمِ وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ فِي حَيَاةِ

و پناهم ده از زوال نعمتها و از لغزش گامها و قرارم ده خدایا در محوطه

عِزِّكَ وَحِفَافِ حِرْزِكَ مِنْ مُبَاغَتَةِ الدَّوَابِّ وَ مُعَاجَلَةِ البَّوَادِرِ اَللّٰهُمَّ رَبِّ وَ

عزت و در حفاظ پناه‌گیری از گردشهای بد و ناگهانی روزگار و به شتاب آمدن پیش آمدهای ناگوار خدایا پروردگارا

اَرْضِ البَّلَاءِ فَاخْشِفْهَا وَعَرِّصَةَ المِحَنِ فَارْجُفْهَا وَ شَمْسَ النَّوَابِ فَاكْشِفْهَا

زمین بلا را فرو بر و میدانهای محنت و اندوه را برهم ریز و خورشید حوادث ناگوار را تاریک کن

وَ جِبَالَ السُّوءِ فَاَنْسِفْهَا وَ كُرْبَ الدَّهْرِ فَاكْشِفْهَا وَ عَوَاقِبَ اَلْاُمُورِ فَاصْرِفْهَا وَ

و کوههای بدی را متلاشی کن و گرفتاریهای روزگار را برطرف کن و موانع کارها را از من بگردان و

اَوْرِدْنِي حِيَاضَ السَّلَامَةِ وَاَحْمِلْنِي عَلٰى مَطَايَا الكِرَامَةِ وَاَصْحِبْنِي بِاِقَالَةِ

در کنار حوضهای پرآب تندرستی واردم کن و بر مرکبهای بزرگواری و کرامت خود سوارم کن و همراهم باش به

چشم‌پوشی

العُثْرَةِ وَاَشْمَلْنِي بِسِتْرِ العُورَةِ وَ جُدْ عَلَيَّ يَا رَبِّ بِالْاَيْتِ كَ وَ كَشْفِ بِلَايِكَ وَ

از لغزش و در برم گیر به پوشاندن عیبم و بخشندگی کن بر من پروردگارا به نعمت‌های و برطرف کردن بلایت و

دَفْعِ ضَرَّائِكَ وَاَدْفَعْ عَنِّي كَلَاكِلَ عَذَابِكَ وَاَصْرِفْ عَنِّي اَلْاِيْمَ عِقَابِكَ وَاَعِزَّنِي

دور کردن سختی‌های و دفع کن از من توده‌های (تار) عذابت را و بگردان از من کیفر دردناکت را و در پناهم گیر

مِنْ بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَاَنْقِذْنِي مِنْ سُوءِ عَوَاقِبِ اَلْاُمُورِ وَاَحْرُسْنِي مِنْ جَمِيعِ

از پیش آمدهای بد روزگار و نجاتم ده از بد سرانجامی کارها و محافظتم کن از همه

اَلْمَحْذُورِ وَاَصْدَعْ صَفَاةَ البَّلَاءِ عَن اَمْرِي وَاشْلُلْ يَدَهُ عَنِّي مَدَى عُمْرِي اِنَّكَ

محذورات و بشکن سنگ سخت بلا را از کارم و شل گردان دستش را از من تا آخر عمرم که براستی

الرَّبُّ اَلْمَجِيْدُ اَلْمُبْدِيُّ اَلْمُعِيْدُ اَلْفَعَالُ لِمَا تُرِيْدُ * مَنَاجَاتُ طَلَبِ تَوْبَةِ: اَللّٰهُمَّ اِنِّي

تو پروردگاری هستی بزرگووار و آغازنده و برگرداننده و به خوبی انجام دهی هر چه را خواهی * * * * * خدایا

من

قَصَدْتُ اِلَيْكَ بِاِخْلَاصِ تَوْبَةٍ نَصُوحٍ وَ تَثْبِيْتِ عَقْدٍ صَحِيْحٍ وَ دَعَاٍ قَلْبٍ قَرِيْبٍ

آهنگ تو را کردم با اخلاص توبه حقیقی و پایداری در پیمان درست و دعای با دل مجروح

وَ اِعْلَانِ قَوْلٍ صَرِيْحٍ اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنِّي مُخْلِصَ التَّوْبَةِ وَ اِقْبَالَ سَرِيْعِ اَلْاُوْبَةِ وَ

و آشکار کردن گفتار صریح خدایا بپذیر از من توبه مخلصانه‌ام و روی آوردن شتابان بازگشتم و

مَصَارِعَ تَخْشَعِ الْحَوْبَةَ وَ قَابِلِ رَبِّ تَوْبَتِي بِجَزِيلِ الثَّوَابِ وَ كَرِيمِ الْمَأْبِ وَ

به خاک افتادن فروتنی گناه و برابر کن پروردگارا توبه‌ام را با پاداشی شایان و بازگشتی بزرگوارانه و

حَطُّ الْعِقَابِ وَ صَرْفِ الْعَذَابِ وَ غَنَمِ الْأَيَابِ وَ سِتْرِ الْحِجَابِ وَ أَمْحِ اللَّهُمَّ مَا

ریزش کیفر و گرداندن عذاب و بهره‌مندی در بازگشت و پرده‌پوشی و محو کن خدایا آنچه

ثَبَّتَ مِنْ ذُنُوبِي وَ اغْسِلْ بِقَبُولِهَا جَمِيعَ عُيُوبِي وَ اجْعَلْهَا جَالِيَةً لِقَلْبِي شَاخِصَةً

ثبت شده است از گناهانم و شستشو ده با پذیرش توبه‌ام همه عیبهایم را و قرار ده آنها را جلا دهنده دلم و خیره کننده

لِبَصِيرَةِ لُبِّي غَاسِلَةً لِذَرْنِي مُطَهَّرَةً لِجِاسَةِ بَدَنِي مُصَحَّحَةً فِيهَا ضَمِيرِي

بینش عقل و خردم و شوینده چرکی‌ام و پاک کننده نجاست تنم و درست کننده نهادم

عَاجِلَةً إِلَى الْوَفَاءِ بِهَا بِصِيرَتِي وَ اقْبَلْ يَا رَبُّ تَوْبَتِي فَإِنَّهَا تَصْدُرُ مِنْ

شتابان بسوی وفای به آن بینایم و بپذیر پروردگارا توبه‌ام را که براستی این توبه سرزند از

إِخْلَاصِ نِيَّتِي وَ مَحْضِ مِنْ تَصْحِيحِ بِصِيرَتِي وَ احْتِفَالِ فِي طَوِيَّتِي وَ اجْتِهَادِ

روی اخلاص نیتم و خلص از روی درستی بینایم و روشنی کامل در نهادم و از روی کوشش

فِي نِقَاءِ سَرِيرَتِي وَ تَثْبِيتِ لِأَنَابَتِي وَ مُسَارَعَةِ إِلَى أَمْرِكِ بِطَاعَتِي وَ اجْلُ

در پاک کردن درونم و پابرجایی بازگشتم و شتابندگی بسوی دستورت به فرمانبرداریم و روشن کن

اللَّهُمَّ بِالتَّوْبَةِ عَنِّي ظَلَمَةَ الْأَصْرَارِ وَ أَمْحُ بِهَا مَا قَدَّمْتَهُ مِنَ الْأَوْزَارِ وَ اكْسُنِي

خدایا بوسیله توبه از من تاریکی اصرار بر گناه را و محو کن بدان وسیله آنچه را پیش فرستاده‌ام از گناهان و بپوشان بر

من

لِبِاسِ التَّقْوَى وَ جَلَا بَيْبَ الْهُدَى فَقَدْ خَلَعْتُ رِبْقَ الْمَعَاصِي عَنْ جِلْدِي وَ

جامه پرهیزکاری و روپوشهای هدایت را که من بیرون آوردم مهار نافرمانی را از گردنم و

نَزَعْتُ سِرْبَالَ الذُّنُوبِ عَنْ جَسَدِي مُسْتَمْسِكًا رَبِّ بِقُدْرَتِكَ مُسْتَعِينًا عَلَيَّ

کندم پیراهن گناهان را از تنم در حالی که متمسک شدم پروردگارا به نیروی تو و کمک جویم برای

نَفْسِي بِعِزَّتِكَ مُسْتَوْدِعًا تَوْبَتِي مِنَ النَّكْثِ بِخَفَرَتِكَ مُعْتَصِمًا مِنَ الْخِذْلَانِ

خودم به عزتت و سپارنده‌ام توبه‌ام را از شکستن آن به حمایتت و چنگ زدنم از (دچار نشدن) خواری

بِعِصْمَتِكَ مُقَارِنًا بِهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ * مناجات طلب حج: اللَّهُمَّ

به نگهداریت و قرین کنم آنرا به جمله «لا حول ولا قوة الا بك» * * * * * خدايا

ارزُفْنِي الْحَجَّ الَّذِي افْتَرَضْتَهُ عَلَيَّ مِنْ اسْتِطَاعِ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَاجْعَلْ لِي فِيهِ

روزیم گردان حجی را که واجبش کردی بر هر کس که بتواند بدان راه یابد و قرار ده برایم در آن

هادِيًا وَ إِلَيْهِ دَلِيلًا وَ قَرُبٌ لِي بَعْدَ الْمَسَالِكِ وَ اعْنِي عَلَيَّ تَأْدِيَةَ الْمَنَاسِكِ وَ

راهنمایی و بسویش دلیل و راهبری و نزدیک کن برایم دوری راهها را و کمک کن به من در انجام مراسم و اعمال حج

و

حَرَمٌ بِأِحْرَامِي عَلَيَّ النَّارِ جَسَدِي وَ زِدْ لِسَفَرِ قُوَّتِي وَ جَلْدِي وَ ارزُفْنِي رَبِّ

حرام گردان با احرام بستنم بدنم را از آتش دوزخ و بیغزا برای مسافرت نیرو و چابکیم را و روزیم کن پروردگارا

الْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ الْإِفَاضَةَ إِلَيْكَ وَ أَظْفِرْنِي بِالنَّجْحِ بِوَافِرِ الرِّيحِ

حضور و وقوف در برابرت و کوچ کردن بسوی درگاهت و کامیابم کن با موفقیت به سودی سرشار و

وَ اصْدِرْنِي رَبِّ مِنْ مَوْقِفِ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ إِلَى مُزْدَلَفَةِ الْمَشْعَرِ وَ اجْعَلْهَا زُلْفَةً

بازم گردان پروردگارا از جایگاه حج اکبر بسوی تفریگاه «مشعر» و آنرا وسیله رسیدن

إِلَى رَحْمَتِكَ وَ طَرِيقًا إِلَى جَنَّتِكَ وَ قَفْنِي مَوْقِفِ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ مَقَامِ

به رحمتت و راهی بسوی بهشت قرار ده و بازدار مرا در موقف مشعر الحرام و جایگاه

وُقُوفِ الْحَرَامِ وَ أَهْلِنِي لِتَأْدِيَةِ الْمَنَاسِكِ وَ نَحْرِ الْهَدْيِ التَّوَامِكِ بِدَمٍ يَتُّجُّ

توقف برای احرام و اهل و شایسته‌ام گردان برای انجام دستورات حج و کشتن قربانی فربه به خونی جوشان

وَ أَوْدَاجٍ تَمُجُّ وَ اِرَاقَةَ الدَّمَاءِ الْمَسْفُوحَةِ وَ الْهَدَايَا الْمَذْبُوحَةِ وَ فَرِي

و رگهایی خونفشان و ریختن خونهای ریزان و قربانهای ذبح شده و بریدن

أَوْدَاجِهَا عَلَيَّ مَا أَمَرْتُ وَ التَّنْفُلُ بِهَا كَمَا وَسَّمْتُ وَ أَحْضِرْنِي اللَّهُمَّ صَلَاةَ

رگهای آن بر طبق آنچه دستور داده‌ای و زیاده بر واجب و دستورت چنانچه مقرر فرمودی و حاضرکنم خدایا برای نماز

الْعِيدِ رَاجِيًا لِلْوَعْدِ خَائِفًا مِنَ الْوَعِيدِ حَالِقًا شَعْرَ رَأْسِي وَ مَقْصِرًا وَ مُجْتَهِدًا

عید در حال امیدواری به وعده‌ات و ترسان از تهدیدت سرتراشیده و پس از تقصیر کردن و کوشای

فِي طَاعَتِكَ مُشَمَّرًا رَامِيًا لِلْجِمَارِ بِسَبْعٍ بَعْدَ سَبْعٍ مِنَ الْأَحْجَارِ وَأَدْخِلْنِي

در فرمانبرداریت و آماده برای زدن جمرات به هفت عدد پس از هفت عدد دیگر از سنگها و داخلم گردان

اللَّهُمَّ عَرِّصَةَ بَيْتِكَ وَ عَقْوَتِكَ وَ مَحَلَّ أَمْنِكَ وَ كَعْبَتِكَ وَ مَسَاكِينِكَ وَ سُؤَالَكَ وَ

خدایا در فضای خانهات و در ساحت آن و در محل امنیت و خانه کعبه و در میان مستمندانت و خواستاران و

مَحَاوِبِجِكَ وَ جُدْ عَلَيَّ اللَّهُمَّ بِوَأْفِرِ الْأَجْرِ مِنَ الْأَنْكِفَاءِ وَالنَّفْرِ وَ اخْتِمِ اللَّهُمَّ

حاجتمندانت و احسان کن بر من خدایا به مزد فراوان در برگشتن و کوچ کردن و پایان ده خدایا

مَنَاسِكَ حَجِّي وَ أَنْقِضَاءَ عَجْبِي بِقَبُولِ مِنْكَ لِي وَ رَافَةَ مِنْكَ بِي يَا أَرْحَمَ

اعمال حج مرا و سرانجام ناله و خروشم را به پذیرفتن خود و مهری از جانب خودت نسبت به من ای مهربانترین

الرَّاحِمِينَ * مناجات کشف ظلم: اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمَ عِبَادِكَ قَدْ تَمَكَّنَ فِي بِلَادِكَ

مهربانان * * * * * خدایا براستی ستم بندگانت چنان جایگیر شده در شهرهای تو

حَتَّى آمَاتِ الْعَدْلِ وَ قَطَعَ السُّبُلَ وَ مَحَقَّ الْحَقَّ وَ أَبْطَلَ الصِّدْقَ وَ أَخْفَى الْبِرَّ

که عدالت را میرانده و راهها را بریده و حق را نابود کرده و راستی را باطل ساخته و نیکوکاری را ناپدید کرده و

وَ أَظْهَرَ الشَّرَّ وَ أَحْمَدَ التَّقْوَى وَ أزالَ الْهُدَى وَ أَرَاخَ الْخَيْرَ وَ أَثْبَتَ الضَّرَّ وَ

شر و بدی را آشکار ساخته و چراغ پرهیزکاری را خاموش و هدایت را از میان برده و خیر و خوبی را از بین برده و

زبان را پایدار کرده و

أَنْمَى الْفُسَادَ وَ قَوَّى الْعِنَادَ وَ بَسَطَ الْجَوْرَ وَ عَدَى الطُّورَ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ لَا

فساد را رویانده و دشمنی را ریشه‌دار و جور و ستم را گسترش داده و از حد گذرانده، خدایا پروردگارا

يَكْشِفُ ذَلِكَ إِلَّا سُلْطَانُكَ وَ لَا يُجِيرُ مِنْهُ إِلَّا ائِمْنَانُكَ اللَّهُمَّ رَبِّ فَاثْبُرِ الظُّلْمَ وَ

برطرف نکند آنرا چیزی جز نیرو و سلطنت تو و پناه ندهد چیزی از آن جز منت بخشیت خدایا پروردگارا پس ظلم را

ریشه‌کن

بُثَّ جِبَالَ الْعَشْمِ وَ أَحْمَدَ سُوقَ الْمُنْكَرِ وَ أَعَزَّ مَنْ عَنْهُ يَنْزَجِرُ وَ أَحْصَدُ شَافَةَ

ساز و متلاشی کن کوههای زورگویی را و فرو نشان رونق کارهای زشت را و عزیز گردان کسی که از کار زشت

جلوگیری کند و بزنی ریشه

أَهْلِ الْجَوْرِ وَ الْبِسْمِ الْحَوْرَ بَعْدَ الْكُورِ وَ عَجَّلِ اللَّهُمَّ إِلَيْهِمُ الْيَبَاتِ وَ أَنْزِلْ

اهل ستم را و بپوشان بر تنشان لباس نقصان را پس از زیادی و بزودی برسان خدایا بر سرشان غافلگیری و شبیخون را و

فروبار

عَلَيْهِمُ الْمَثَلَاتِ وَأَمِتْ حَيَاةَ الْمُنْكَرِ لِيُوْا مِنْ الْمَخُوفِ وَ يَسْكُنَ الْمَلْهُوفُ وَ

بر آنها عذابهای نمونه را و پایان ده به حیات کارهای زشت تا امان یابد ترسناک و آرام گیرد شخص دلسوخته و

يَسْبَحُ الْجَائِعُ وَ يُحْفَظُ الضَّايِعُ وَ يَأْوِي الطَّرِيدُ وَ يَعُودُ الشَّرِيدُ وَ يُعْنَى

سیر گردد گرسنه و حفظ شود گمشده و جای گیرد شخص آواره و بازگردد به کاشانه‌اش گریخته و بی‌نیاز گردد

الْفَقِيرُ وَ يُجَارَ الْمُسْتَجِيرُ وَ يُوقَّرَ الْكَبِيرُ وَ يُرْحَمَ الصَّغِيرُ وَ يُعْزَّ الْمَظْلُومُ وَ

نیازمند و پناه گیرد پناه جوینده و مورد احترام قرار گیرد بزرگ و رحم شود بر کوچک و عزیز گردد ستم‌دیده و

يُذَلُّ الظَّالِمُ وَ يُفْرَجَ الْمَعْمُومُ وَ تَنْفَرِجَ الْعَمَاءُ وَ تَسْكُنُ الدَّهْمَاءُ وَ يَمُوتَ

خوار گردد ستمکار و بازگردد دل غم‌دیده و گشوده شود غمهای تیره و فرو نشیند جنجال و آشوب و بمیرد

الْأَخْتِلَافُ وَ يَعْلُو الْعِلْمُ وَ يَشْمَلُ السَّلْمُ وَ يُجْمَعُ الشَّتَاتُ وَ يَقْوَى الْإِيْمَانُ وَ

اختلاف و دودستگی و برتری گیرد علم و دانش و بگیرد همه جا را صلح و صفا و گرد آید پراکنده‌ها و نیرومند گردد

ایمان و

يُتْلَى الْقُرْآنُ أَنْكَ أَنْتَ الدِّيَانُ الْمُنْعَمُ الْمَنَانُ * مناجات شکر خدا: اَللّٰهُمَّ لَكَ

تلاوت شود قرآن که براستی تویی پاداش‌ده نعمت‌بخش پرمنت * * * * * خدایا تو را است

الْحَمْدُ عَلَى مَرَدِّ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ وَ مَلِمَاتِ الضَّرَّاءِ وَ كَشْفِ نَوَائِبِ اللَّأْوَاءِ وَ

ستایش بر بازگرداندن بلاهای نازله و پیش‌آمدهای سخت و برای برطرف کردن مشکلات ناگوار و

تَوَالِي سُبُوغِ النِّعْمَاءِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى هَنِيئِ عَطَائِكَ وَ مَحْمُودِ بَلَائِكَ وَ

بطور متوالی ریختن نعمتها و تو را است ستایش بر عطای گوارایت و بلای پسندیده‌ات و

جَلِيلِ الْآتِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى إِحْسَانِكَ الْكَثِيرِ وَ خَيْرِكَ الْغَزِيرِ وَ تَكْلِيْفِكَ

نعمتهای برجسته‌ات و تو را است ستایش بر احسان بسیار و خیر ریزانت و تکلیف

الْإِسِيرِ وَ دَفْعِ الْعَسِيرِ وَ لَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ عَلَى تَثْمِيرِكَ قَلِيلِ الشُّكْرِ وَ

اندک و دفع کردن بلای دشوار و تو را است ستایش پروردگارا برای به ثمر رساندنت سپاسگزاری اندک را و

إِعْطَائِكَ وَ اِفْرَ الْأَجْرِ وَ حَطَّكَ مُتَقَلِّ الْوِزْرِ وَ قَبُولِكَ ضَيْقَ الْعُدْرِ وَ وَضِعَكَ

عطا کردند به مزد بسیار و برداشتنت بار سنگین گناه را و پذیرفتنت عذر بیچاره و برداشتنت

بَاهِضِ الْأَصْرَ وَ تَسْهِيكَ مَوْضِعَ الْوَعْرِ وَ مَنْعِكَ مَفْطَحِ الْأَمْرِ وَ لَكَ الْحَمْدُ

بار گران تکلیف را و هموار کردند جای ناهموار را و جلوگیری از پیش آمد ناگوار و تو را است ستایش

عَلَى الْبَلَاءِ الْمَصْرُوفِ وَ وَافِرِ الْمَعْرُوفِ وَ دَفْعِ الْمَخُوفِ وَ إِذْلالِ الْعُسُوفِ

بر بلائی بازگشته و خیر و خوبی بسیار و جلوگیری از پیش آمدهای ترسناک و رام کردن سختیهای سرکش

وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى قِلَّةِ التَّكْلِيفِ وَ كَثْرَةِ التَّخْفِيفِ وَ تَقْوِيَةِ الضَّعِيفِ وَ إِغَاثَةِ

و تو را است ستایش بر کمی تکلیف و بسیاری تخفیف و تقویت کردن ناتوان و فریادری

اللَّهِيفِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى سَعَةِ إِمْهَالِكَ وَ دَوَامِ إِفْضَالِكَ وَ صَرْفِ إِمْحَالِكَ وَ

به شخص اندوهگین و تو را است ستایش بر مهلت دادن دامنه داری و ادامه نعمت بخشیت و برگرداندن کیفرخواهیت و

حَمِيدِ أَفْعَالِكَ وَ تَوَالِي نَوَالِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى تَأْخِيرِ مُعَاجَلَةِ الْعِقَابِ وَ

کارهای پسندیده‌ات و پی‌درپی آمدن جایزه‌ات و تو را است ستایش بر تأخیر انداختن شتاب در عقاب و

تَرْكِ مُغَافَصَةِ الْعَذَابِ وَ تَسْهِيلِ طَرِيقِ الْمَأْبِ وَ أَنْزَالِ غَيْثِ السَّحَابِ إِنَّكَ

صرف نظر کردن از تعجیل در عذاب و هموار کردن راه بازگشت و توبه و فروفرستادن باران از ابر رحمت که تو

براستی

الْمَنَّانُ الْوَهَّابُ * مناجات طلب حوائج: جَدِيرٌ مِنْ أَمْرَتِهِ بِالِدُّعَاءِ أَنْ يَدْعُوكَ وَ

منت‌دار بخشنده‌ای * * * * * شایسته است کسی را که دستور دعایش دادی که تو را بخواند و

مَنْ وَعَدْتَهُ بِالْإِجَابَةِ أَنْ يَرْجُوكَ وَ لِيَ اللَّهُمَّ حَاجَةٌ قَدْ عَجَزْتُ عَنْهَا حِيلَتِي

کسی را که وعده اجابتش دادی که امیدوار به تو باشد و من خدایا حاجتی دارم که درمانده شده از آن چهارم

وَ كَلَّتْ فِيهَا طَاقَتِي وَ ضَعُفَ عَنْ مَرَامِيهَا قُوَّتِي وَ سَوَّتْ لِي نَفْسِي الْأَمَّارَةَ

و طاق شده در آن طاقتم و سست شده از جستجویش نیرویم و آراسته برام نفس وادارکننده

بِالسُّوءِ وَ عَدْوَى الْغُرُورِ الَّذِي أَنَا مِنْهُ مَبْلُوءٌ أَنْ أَرْغَبَ إِلَيْكَ [كَذَا فِي الْمَنْهَجِ وَ

به بدی و دشمن فریبنده‌ای که من به بلایش دچارم از اینکه در آن حاجت به تو روآرم * * * * *

لَعَلَّ إِلَيْكَ بِمَعْنَى عَنكَ لَيْسَتْ تَقِيمُ الْمَعْنَى وَ فِي الْبَلَدِ الْأَمِينِ هَكَذَا أَنْ أَرْغَبَ إِلَى

ضَعِيفٍ مَثَلِي وَمَنْ هُوَ فِي التَّحَوُّلِ شَكْلِي الخ «منه» [اللَّهُمَّ وَأَنْجِحْهَا بِأَيْمَنِ

خدايا اين حاجت مرا روا کن به ميمون ترين روا کردن

وراهنمايش کن

النَّجَاحِ وَاهْدِهَا سَبِيلَ الْفَلَاحِ وَأَشْرَحْ بِالرَّجَاءِ لِلسَّعَافِكِ صَدْرِي وَيَسِّرْ فِي

به راه رستگاری و باز کن بوسيله اميد به دستگيريت سينه‌ام را و آسان کن در ميان اسباب خير

أَسْبَابِ الْخَيْرِ أَمْرِي وَصَوِّرْ إِلَيَّ الْفَوْزَ بِلُؤْغِ مَا رَجَوْتَهُ بِالْوُصُولِ إِلَيَّ مَا

کارم را و نقش بند برای من کامیابی را به رسیدن بدانچه اميد دارم، به دریافت آنچه را آرزو دارم و موفقم دار

أَمَلْتُهُ وَوَقَّفَنِي اللَّهُمَّ فِي قَضَاءِ حَاجَتِي بِلُؤْغِ أُمْنِيَّتِي وَتَصَدِيقِ رَغْبَتِي

خدايا در برآوردن حاجتم به رسیدن به خواسته‌ام و درست درآمدن آنچه را مشتاقم و پناهم ده خدايا

وَاعْزِنِي اللَّهُمَّ بِكَرَمِكَ مِنَ الْخَبِيَّةِ وَالْقَنُوطِ وَالْأَنَاءِ وَالتَّشْبِيطِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَلِيءٌ

به کرم خود از نومیدي و یأس (در کارها) و تأخیر انداختن و تأمل کردن خدايا عطایای شایان تو سرشار است

بِالْمَنَائِحِ الْجَزِيلَةِ وَفِيَّ بِهَا وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِعِبَادِكَ خَبِيرٌ بِصِيرٌ

و آنها را (به بندگانت) پرداخت کنی و تو بر هر چیز توانایی و نسبت به بندگانت آگاه و بینایی *****

*هفدهم حجاب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام: يَا مَنْ إِذَا اسْتَعَدَّتْ بِهِ

أَعَاذَنِي وَإِذَا

***** ای که هرگاه به او پناهنده شوم پناهم دهد و چون

اسْتَجَرْتُ بِهِ عِنْدَ الشَّدَائِدِ أَجَارَنِي وَإِذَا اسْتَعْتْتُ بِهِ عِنْدَ النَّوَائِبِ آغَاثَنِي وَ

به جوارش درآیم در سختیها مرا بپذیرد و چون از او در هنگام پیش آمدهای ناگوار فریادرسی خواهم به فریادم رسد و

إِذَا اسْتَنْصَرْتُ بِهِ عَلَيَّ عَدُوِّي نَصَرَنِي وَآعَانَنِي إِلَيْكَ الْمَفْزَعُ وَأَنْتَ الثَّقَةُ

چون او را برای پیروزی دشمنم بیاری طلبم یاریم دهد و کمکم دهد ناله و زاری بدرگاه تو است تویی مورد اعتماد

فَاقْمَعْ عَنِّي مَنْ أَرَادَنِي وَاعْلِبْ لِي مَنْ كَادَنِي يَا مَنْ قَالَ إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا

پس بازگردان از من آنکس که قصدم کرده و مغلوب کن در برابرم کسی که نقشه برایم کشیده ای که گفتمی «اگر خدا

یاریتان

غَالِبَ لَكُمْ يَا مَنْ نَجَّاهُ نَوْحًا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ يَا مَنْ نَجَّاهُ لُوطًا مِنَ الْقَوْمِ

کند کسی بر شما چیره نشود» ای که نجات دادی نوح را از دست مردم ستمکار ای که نجات دادی لوط را از دست

مردم

الْفَاسِقِينَ يَا مَنْ نَجَّاهُ هُودًا مِنَ الْقَوْمِ الْعَادِينَ يَا مَنْ نَجَّاهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ

تبهکار ای که نجات دادی هود را از شر مردم تجاوزکار ای که نجات دادی محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ نَجِّنِي مِنْ أَعْدَائِي وَأَعْدَائِكَ بِأَسْمَائِكَ يَا

علیه و آله را از شر مردمان کافر نجات ده مرا از شر دشمنان خود و دشمنان تو به حق نامه‌بای ای

رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ لَا سَبِيلَ لَهُمْ عَلَيَّ مِنْ تَعَوَّذَ بِالْقُرْآنِ وَأَسْتَجَارُكَ بِالرَّحِيمِ

بخشاینده ای مهربان راهی ندارند آنها بر کسی که پناهنده شود به قرآن و تو را پناهگاه خود گیرد بنام مهربان

الرَّحْمَنِ الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَ

و بخشاینده، خدای رحمان بر عرش استوار شد و همانا حمله پروردگارت سخت است و او است که (به خلقت) آغاز

کند و

يُعِيدُ وَهُوَ الْعَفْوَورُ الْوَدُودُ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدِ فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ فَإِنْ تَوَكَّلُوا فَقُلْ

بازگرداند و او است آمرزنده مهرورز و دارای عرش باشوکت و انجام دهنده هرچه را خواهد و اگر رو گردانند بگو بس

است مرا

حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ * هَيَجِدُهُمْ حِجَابِ

خدا که معبودی جز او نیست بر او توکل کنم و او است پروردگار عرش بزرگ * * * * *

حضرت امام موسی کاظم علیه السلام: تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ

وَتَحَصَّنْتُ بِذِي

* * * * * توکل کردم بر زنده‌ای که هرگز نمیرد و متحصن شدم به صاحب

الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ وَأَسْتَعْنَتْ بِذِي الْكِبْرِيَاءِ وَالْمَلَكُوتِ مَوْلَايَ اسْتَسَلَّمْتُ

عزت و بزرگی و کمک جستم بوسیله دارنده مقام بزرگی و فرمانروایی ای مولا و سرورم من

إِيَّاكَ فَلَا تُسَلِّمْنِي وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فَلَا تَخْذُلْنِي وَلَجَأْتُ إِلَى ظِلِّكَ الْبَسِيطِ

خود را تسلیم تو کردم پس مرا وامگذار و بر تو توکل کردم پس خواریم مکن و پناه آوردم به سایه گستردهات

فَلَا تَطْرَحْنِي أَنْتَ الْمَطْلَبُ وَالْإِيَّاكَ الْمَهْرَبُ تَعْلَمُ مَا أَخْفَى وَمَا أَعْلَنُ وَتَعْلَمُ

پس به یک سویم میفکن تویی مطلوب (خلق) و درگاه تو است گریزگاه میدانی آنچه را پنهان کنم و آنچه را آشکار

سازم و میدانی

خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ فَاْمَسِكْ عَنِّي اللَّهُمَّ أَيَّدِي الظَّالِمِينَ مِنْ

خیانت چشمها و آنچه را سینهها پنهان کنند پس نگهدار از من خدایا دست ستمکاران را از

الْجَنِّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ وَاشْفِنِي وَعَافِنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * نوزدهم:

جن و انس همگی و تندرستم ده ای مهربانترین مهربانان * * *

حجاب حضرت امام محمد تقی علیه السلام: أَلْخَالِقُ أَعْظَمُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ وَالرَّازِقُ

أَبْسَطُ

* * * * * آفریدگار بزرگتر است از آفریدگان و روزی دهنده دست بازتر

يَدًا مِنَ الْمَرْزُوقِينَ وَنَارُ اللَّهِ الْمُؤَصَّدَةٌ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ تَكِيدُ أَفْئِدَةَ الْمَرَدَّةِ وَ

است از روزی خوران و آتش در بسته خدا در ستونهای کشیده شده فرا گیرد دلهای مردمان سرکش را و

تَرُدُّ كَيْدَ الْحَسَدَةِ بِالْأَقْسَامِ بِالْأَحْكَامِ بِاللُّوْحِ الْمَحْفُوظِ وَالْحِجَابِ

بازگرداند بداندیشی حسودان را به سوگندها، به حکمها، به لوح محفوظ و پرده

الْمُضْرُوبِ بِعَرْشِ رَبِّنَا الْعَظِيمِ اخْتَجَبْتُ وَاسْتَتَرْتُ وَاسْتَجَرْتُ وَاعْتَصَمْتُ وَ

آویخته به عرش عظیم پروردگار ما در پرده شدم و مستور گشتم و پناه جستم و نگهداشتم و

تَحَصَّنْتُ بِالْمِ وَبِكَهَيْعِصٍ وَبِطِهٍ وَبِطَسْمٍ وَبِحَمٍّ وَبِحَمِصِقٍ وَنُونٍ وَبِطَسِينٍ

متحصن گشتم به «الم» و به «کهایعص» و به «طه» و به «طسم» و به «حم» و به «حمصق» و «نون» و به «طسین»

وَبِقِ وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ وَآتَهُ لَقَسَمُ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمُ وَاللَّهُ وَلِيِّي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

و به «ق» و قرآن مجید که براستی آن اگر میدانستید سوگند بزرگی است و خدا سرپرست من است و نیکو و کیلی است

*بیستم از کتاب تعبیر الرؤیا تصنیف شیخ کلینی منقول است که وَشَا
 حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود دیدم پدرم را در خواب که
 فرمود ای فرزند من هرگاه در شدتی واقع شدی بسیار بگو یا رَوْفُ یا رَحِيمُ
 پس حضرت فرمود آنچه ما در خواب می بینیم همچنان است که در بیداری به
 بینیم. بیست و یکم دعاء رزق و غیره منقول از کتاب مُجْتَبَى تصنیف سید بن
 طاوس (ره)

اللَّهُمَّ إِنَّ دُنُوبِي لَمْ يَبْقَ لَهَا إِلَّا رَجَاءُ عَفْوِكَ وَقَدْ قَدَّمْتُ آلَةَ الْحَرَمَانِ بَيْنَ

خدایا براستی در برابر گناهام چیزی نمانده جز امید گذشت تو و من در جلوی روی خودم ابزار محرومیت را واداشته‌ام

يَدَيَّ فَإِنَّا أَسْأَلُكَ مَا لَا اسْتِحِقُّهُ وَ أَدْعُوكَ مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ وَ اتَّضَرَّعُ إِلَيْكَ بِمَا لَا

و از تو خواهم چیزی را که سزاوارش نیستم و می خوانم بدانچه استحقاق آنرا ندارم و زاری کنم به درگاهت بدانچه

اسْتَأْهِلُهُ وَ لَمْ يَخْفَ عَلَيْكَ حَالِي وَ إِنِ خَفِيَ عَلَى النَّاسِ كُنْهُ مَعْرِفَةِ أَمْرِي

شایستگی آن را ندارم و وضع من بر تو پوشیده نیست و گرچه حقیقت کار من بر مردم پوشیده است

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ رِزْقِي فِي السَّمَاءِ فَأَهْبِطْهُ وَ إِنْ كَانَ فِي الْأَرْضِ فَأَظْهِرْهُ وَ إِنْ

خدایا اگر روزی من در آسمان است آنرا به زمین آر و اگر در زمین است آشکارش کن و اگر

كَانَ بَعِيداً فَقَرِّبْهُ وَ إِنْ كَانَ قَرِيباً فَيَسِّرْهُ وَ إِنْ كَانَ قَلِيلاً فَكَثِّرْهُ وَ بَارِكْ لِي فِيهِ

دور است نزدیکش گردان و اگر نزدیک است آسانش کن و اگر کم است زیادش کن و برکتی در آن بده

بیست و دوّم دعاء دفع شرّ ابلیس منقول از مجتبی: اللَّهُمَّ إِنْ أَيْلِسَ عَبْدٌ مِنْ

عَبِيدِكَ

***** خدایا همانا ابلیس بنده‌ای از بندگان تو است

يَرَانِي مِنْ حَيْثُ لَا أَرَاهُ وَ أَنْتَ تَرَاهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَرَاكَ وَ أَنْتَ أَقْوَى عَلَى أَمْرِهِ

که می بیند مرا از جایی که من او را نمی بینم و تو او را می بینی از جایی که او تو را نبیند و تو نیرو داری بر همه کارهایش

كُلِّهِ وَهُوَ لَا يَتَّقِي عَلَى شَيْءٍ مِنْ أَمْرِكَ اللَّهُمَّ فَإِنَّا أَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِ يَا رَبِّ

ولی او هیچگونه نیرویی بر هیچیک از کارهای تو ندارد خدایا من از تو برای مبارزه با او کمک گیرم پروردگارا

فَأِنِّي لَا طَاقَةَ لِي بِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَيْهِ إِلَّا بِكَ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ إِنِّ

که برستی من طاقت او را ندارم و جنبش و نیرویی در برابرش ندارم جز بوسیله تو ای پروردگار من خدایا اگر

أَرَادَتِي فَأَرِدْهُ وَإِنِّي كَادَتِي فَكِدْهُ وَأَكْفِنِي شَرَّهُ وَأَجْعَلْ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ

آهنگم کرد تو آهنگش کن و اگر نقشه برایم کشید تو نیز با او چنان کن و شرش را از من کفایت کن و نقشه‌اش را در

گلوگاه خودش قرارده

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ * بیست

به مهتر ای مهربانترین مهربانان و درود خدا بر محمد و آل پاکش * * * * *

و سیم و نیز در مجتبی است که شخصی در خواب حضرت پیغمبر صلی الله علیه

وآله را دید و از آن حضرت خواست که مرادعائی تعلیم فرمائید که دلم را زنده

گرداند حضرت این کلمات را تعلیم او فرمود:

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُحْيِيَ قَلْبِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

ای زنده ای پاینده ای که نیست معبودی جز تو از تو خواهم که زنده گردانی دلم را خدایا درود فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ

و آتش

آن شخص گفت پس سه مرتبه این کلمات را خواندم پس خدا قلبم را

زنده گردانید. بیست و چهارم از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است

که هر که بخواهد اجلس تأخیر بیفتد و نصرت پیدا کند بر دشمنان خود و از

مردن بد محفوظ بماند پس بگوید سه مرتبه در وقت دخول در شب و سه مرتبه

در وقت دخول در صبح:

سُبْحَانَ اللَّهِ مِلْأَ الْمِيزَانِ وَ مُنتَهَى الْحِلْمِ وَ مَبْلَغَ الرِّضَا وَ زِنَةَ الْعَرْشِ

تنزیه خدای را به پری میزان و سرحد نهایی حلم و رسایی خوشنودی و هموزن عرش

* بیست و پنجم نقل است از کتاب نثر اللثالی تألیف سید سعید علی بن فضل

اللّه الحسینی راوندی که مردی به حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام

شکایت کرد از دین خود فرمود بگو:

اَللّٰهُمَّ يَا فَارِجَ الْاَلْهَمِّ وَ مَنْفَسَ الْغَمِّ وَ مَذْهَبَ الْاَحْزَانِ وَ مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ

خدایای ای زدااینده اندوه و ای غمگشا و ای بَرَنده گرفتگیهای دل و اجابت کننده دعای درماندگان

يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ وَ رَحِيْمَهُمَا اَنْتَ رَحْمَنِي وَ رَحْمَنُ كُلِّ شَيْءٍ

ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهرورز در آن دو تویی بخشاینده من و بخشنده هر چیز

فَارْحَمْنِي رَحْمَةً تُغْنِيْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَ تَقْضِيْ بِهَا عَنِّي الدَّيْنَ

پس با من مهر کن مهری که بی نیازم کنی از مهر دیگران و بپرداز از من بدهیم را

پس هرگاه به قدر پُری زمین طلا مدیون باشد حق تعالی ادا فرماید از تو

باب ششم

ذکر خواص بعضی سُوْر و آیات و ذکر بعض ادعیه و مطالب متفرقه

در ذکر خواص بعضی سُوْر و آیات و ذکر بعض ادعیه و مطالب متفرقه و آن مشتمل بر چهار امر است: اوّل شیخ کلینی در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که هر کس بخواند مُسَبِّحات یعنی سوره حدید و حشر و صفّ و جمعه و تغابن و اعلی را پیش از خواب نمیرد تا درک نماید حضرت قائم علیه السلام را و اگر مُرد در جوار حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله خواهد بود

دویم و نیز در آن کتاب است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود هر که بخواند چهار آیه از اوّل سوره بقره و آیه الكرسی و دو آیه بعد از آن و سه آیه آخر بقره را نه بیند در جان و مال خود چیزی را که مکروه او باشد و نزدیک نشود به او شیطان و فراموش نکند قرآن را سیّم و نیز روایت کرده از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام که هر که سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را بخواند و صدا به آن بلند کند مثل کسی باشد که شمشیر از نیام کشیده در راه خدا جهاد کند و اگر آهسته بخواند مثل کسی باشد که در راه خدا در خون خود طپیده باشد و کسی که ده مرتبه بخواند محو کند از او هزار گناه از گناهانش را چهارم و نیز شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود پدرم می فرمود: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ قُرْآنٍ است و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ رُبْعَ قُرْآنٍ پنجم از حضرت امام موسی علیه السلام نقل کرده که هر که بخواند آیه الكرسی را در وقت خواب نترسد از فلج انشاء الله و کسی که بخواند آن را در عقب هر فریضه ضرر نرساند به او صاحب زهری و فرمود کسی که مقدّم دارد قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را بین خود و بین شخص جبار منع فرماید حق تعالی او را از شرّ او بخواندن آن سوره را از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ خود پس هرگاه چنین کرد حق تعالی روزی کند او را از خیر او و منع کند او را از شرّ او و فرمود هرگاه ترسیدی از امری بخوان صد آیه از قرآن از هر جای قرآن که باشد پس بگو: اَللّهُمَّ اكْشِفْ عَنِّي الْبَلَاءَ سَهْ مَرْتَبَةً. ششم و نیز شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود هر که ایمان به خدا و روز

قیامت دارد وانگذارد خواندن قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را در عقب فریضه پس بدرستی که کسی که بخواند آن را جمع فرماید حق تعالی برای او خیر دنیا و آخرت را و بیمارزد او را و پدر و مادر و اولاد او را. هفتم و نیز از آن حضرت روایت کرده که هر که سوره اَلْهِیْکُمْ التَّکْوِیْنُ را بخواند نزد خواب نگاه داشته شود از عذاب قبر. هشتم و نیز از آن حضرت روایت کرده که اگر خوانده شود سوره حمد بر مرده هفتاد مرتبه پس ردّ کرده شود روح به او عجیبی نخواهد داشت.

نهم از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام خاصیت بسیار وارد شده برای خواندن کودک در هر شب سه مرتبه قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و سه مرتبه قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ و صد مرتبه توحید و اگر نتواند پنجاه مرتبه و هرگاه مواظبت داشته باشد به آن محفوظ بماند از بلاها تا روزی که وفات کند. دهم و نیز شیخ کلینی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود به مفضل ای مفضل منع و حفظ کن خود را از تمام مردم به بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ و به قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ که بخوانی آن را از طرف راست و طرف چپ و از پیش رو و از پشت سر و از بالای سر و پایین پای خود و هرگاه داخل شدی بر سلطان جائری بخوان سه مرتبه آن را در وقتی که نظر به او افکنی و بشمار بدست چپ خود و دست خود را به همان حال که انگشتان را جمع کرده‌ای برای شماره بگذار باشد تا از نزد او بیرون شوی و بعضی گفته‌اند که خواندن سوره را ترک مکن تا از نزد او بیرون شوی. یازدهم در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که برای ایمنی از سوختن و غرق شدن بخواند:

برای ایمنی از دزد در وقتی که به رختخواب رود بخواند:

قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ تَا وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيرًا

* بگو بخوانید خدا را یا بخوانید رحمان را *

*دوازدهم و نیز شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود مَلُولٌ نَشْوِیدُ از قرائتِ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا زیرا که هر که این سوره را در نوافل خود بخواند نرساند حق تعالی به او زلزله ابداً و نمیرد به زلزله و نه به صاعقه و نه به آفتی از آفات دنیا تا بمیرد و در وقت مردن او ملکی کریم از نزد حق تعالی بر او نازل شود و بنشیند نزد سر او و بگوید: ای ملک الموت رفق و مدارا کن به ولیّ الله زیرا که او بسیار مرا یاد می کرد الخیر و در آخر خیر است که پرده از جلو چشمش برداشته شود و منازل خود را در بهشت ببیند و قبض روح او شود به نرم تر وجهی و مشایعت کنند روح او را هفتاد هزار فرشته که ببرند او را بسوی بهشت. سیزدهم و نیز کلینی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود سوره مُلک مانعه است منع می کند از عذاب قبر الخیر چهاردهم و نیز از آن حضرت مروی است که قرآنی در دریافتاد چون او را یافتند دیدند رفته بود کلمات او جز این آیه **أَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** تَصِيرُ الْأُمُورُ پانزدهم و نیز شیخ کلینی از زراره روایت کرده که گفت می گیری قرآن را در ثلث دویم ماه رمضان و می گشائی و می گذاری مقابل خود و می گوئی: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَمَا**

*** خدا یا از تو خواهم به حق قرآن فرستاده ات و آنچه

فِيهِ وَ فِيهِ اسْمُكَ الْأَعْظَمُ الْأَكْبَرُ وَ أَسْمَاؤُكَ الْحُسْنَى وَ مَا يُخَافُ وَ يُرْجَى أَنْ

در آن است و در آن است نام اعظم بزرگتر و نامهای نیکوت و آنچه موجب بیم و امید است که مرا

تَجْعَلَنِي مِنْ عَتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ * و دعا می کنی به آنچه حاجت داری شانزدهم

از آزادشدگان دوزخت کنی قرارم دهی * * * * *

شیخ کفعمی در مصباح و محدث فیض در خلاصه الأذکار فرموده که دیدم در

بعض کتب اصحاب امامیه که هر کس خواسته باشد در خواب ببیند یکی از پیغمبران و امامان علیهم السلام را یا یکی از مردمان یا والدین خود را بخواند

سوره شمس و لَیْل و قَدْر و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و سوره اخلاص و مُعَوِّذَتَيْنِ را

پس بخواند صد مرتبه سوره اخلاص و صلوات بفرستد بر پیغمبر و آل او صد

مرتبه و بخوابد با وضو به جانب راست خواهد دید هر که را اراده کرده

انشاءالله و تکلم خواهد کرد با او انشاءالله هر چه بخواند و در نسخه دیگر

دیدم که این عمل را بجا آورد در هفت شب بعد از آنکه این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يُوصَفُ وَالْإِيمَانُ

خدایا تویی زنده که وصف نشود و ایمان از او

يُعْرَفُ مِنْهُ مِنْكَ بَدَتِ الْأَشْيَاءُ وَإِلَيْكَ تَعُوذُ فَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كُنْتَ مَلْجَأَهُ وَ

شناخته شود از تو شروع شود چیزها و بسوی تو بازگردد پس هر یک به تو رو کنند تویی ملجأ و

مَنْجَاهُ وَ مَا أَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَلَا مَنْجَامِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ فَاسْتَلِكْ بِلَا إِلَهَ

پناهگاهش و هر کدام پشت کنند ملجأ و پناهی از تو نیست جز بسوی خودت پس از تو خواهم به کلمه «لا اله

إِلَّا أَنْتَ وَ اسْتَلِكْ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

الأنت» و از تو خواهم به «بسم الله الرحمن الرحيم» و به حق حبیب تو محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَ آلِهِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَ بِحَقِّ عَلِيِّ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ

مکان پاکی در جامه پاکی رو به قبله بر دست راست خود یعنی به هیئت مرده که در لحد گذاشته می شود بخوابد و نیت کند مطلب خود را اگر در شب اول ندید در شبهای بعد و از هفت شب تجاوز نمی کند گفته شده مجربست. هجدهم و نیز در خلاصة الأذکار است که از حضرت زهراء صلوات الله علیها روایت است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر من وارد شد در وقتی که رختخواب خود را پهن کرده بودم و می خواستم بخوابم فرمود ای فاطمه خواب مگر آنکه چهار عمل بجای آوری، ختم قرآن کنی و پیغمبران را شفیع خود گردانی و مؤمنین را از خود خوشنود گردانی و حج و عمره بکنی این را فرمود و داخل نماز شد من توقف کردم تا نماز خود را تمام کرد گفتم یا رسول الله امر فرمودی به چهار چیز که من قدرت ندارم در این وقت آنها را بجا آورم آن حضرت تبسم کرد و فرمود هرگاه بخوانی قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ را سه مرتبه پس گویا ختم قرآن کرده ای و هرگاه صلوات بفرستی بر من و بر پیغمبران قبل از من ما شفیعان تو خواهیم بود در روز قیامت و هرگاه استغفار کنی از برای مؤمنین پس تمامی ایشان از تو خوشنود شوند و هرگاه بگوئی سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ پس حج و عمره کرده ای. مؤلف گوید: که کفعمی

روایتی نقل کرده که هر کس در وقت خواب بگوید سه مرتبه:

يَفْعَلُ اللهُ مَا يَشَاءُ بِقُدْرَتِهِ وَيَحْكُمُ مَا يُرِيدُ بِعِزَّتِهِ مثل آن است که هزار رکعت

انجام دهد خدا هر چه را خواهد به قدرتش، و حکم کند هر چه خواهد به عزتش * * * * *

نماز کرده. نوزدهم و نيز در خلاصة الأذکار است که در وقت مطالعه بخواند:

اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ

* خدایا بروم آراز

ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَ أَكْرَمِنِي بِنُورِ الْفَهْمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَأَنْشُرْ

تاریکیهای وهم و گرامیم دار به نور فهم خدایا بگشا برویم درهای رحمتت را و ببار بر

عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ * بیستم روایت شده که

سرما خزینه‌های دانشت را به مهتر ای مهربانترین مهربانان * * * * *

شخصی به خدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام نوشت که قرض بسیار دارم حضرت نوشتند که استغفار بسیار بکن و زبانت را تر بردار بخواندن سوره اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ. بیست و یکم در حدیث است که مفضل به خدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از تنگی نفس و گفت اندک راهی که می‌روم نفسم تنگ می‌گیرد و می‌نشینم فرمود که بول شتر بخور تا ساکن شود. و در حدیث دیگر است که شخصی به آن حضرت شکایت کرد از سرفه فرمود که قدری از انجدان رومی با همان قدر از نبات سفوف کن و یک روز یا دو روز بخور آن شخص گفت که یک مرتبه خوردم و برطرف شد. بیست و دویم از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که حضرت عیسی علیه السلام به شهری گذشتند دیدند که مردم آن شهر روهای ایشان زرد و چشمهای ایشان کبود است و از بسیاری مرض به آن حضرت شکایت کردند فرمود که شما گوشت را نشسته می‌پزید و هیچ حیوانی از دنیا بدر نمی‌رود مگر آنکه جنابتی با او هست بعد از آن گوشت را پیش از پختن شستند بیماریشان برطرف شد و حضرت

بِدَمِهِ وَ عَظْمِهَا بِعَظْمِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا وَقَاءً لِآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ وَ در

به خون او و استخوانش به استخوان او خدایا قرارش ده نگهدار آل محمد علیه و آله السلام * * *

حدیث دیگر فرمود که این دعا بخواند: یا قَوْمِ اِنِّیْ بِرِیِّ مِمَّا تُشْرِكُوْنَ اِنِّیْ وَجْهْتُ

* * * * * ای مردم من بیزارم از آنچه شما شریک خدا سازید من روکنم

وَ جَهِیْ لِذِی فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَ مَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِیْنَ

بسوی کسی که آفرید آسمانها و زمین را یک دل در حال تسلیم و نیستم من از مشرکان

اِنَّ صَلَوَتِیْ وَ نُسْکِیْ وَ مَحِیْاِیْ وَ مَمَاتِیْ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ لَا شَرِیْکَ لَهُ وَ

همانا نماز و عبادتم و زندگی و مرگم از آن خدا پروردگار جهانیان است که شریک ندارد و

بِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَ اَنَا مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ اَللّٰهُمَّ مِنْکَ وَ لَکَ بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ

به همین دستور دارم و از مسلمانانم خدایا از تو و برای توست بنام خدا و بیاری خدا و خدا بزرگتر است

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَ نَامِ فِرْزَنْدِیْ رَا بَبْرَدْ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بپذیر از فلانی * * * * *

پس آن را بکشد علامه مجلسی در حلیه فرموده بدانکه عقیقه فرزند سنت

مؤکد است برای کسی که قادر بر آن باشد و بعضی از علماء واجب می دانند و

بهتر آن است که در روز هفتم واقع شود و اگر تأخیر کند تا بلوغ طفل بر پدر

سنت است و بعد از بلوغ تا آخر عمر بر خودش سنت است و در احادیث معتبره

بسیار وارد شده است که عقیقه واجب است بر کسی که او را فرزندی به هم

رسد و در احادیث بسیار منقول است که هر فرزندی در گرو عقیقه است یعنی

اگر نکند او در معرض مُردن و انواع بلاها است و از حضرت صادق علیه السلام

منقول است که عقیقه لازمست بر کسی که غنی باشد و کسی که فقیر باشد بعد

از آنکه به هم رساند بکند اگر به هم نرساند بر او چیزی نیست و اگر عقیقه

برای او نکنند تا وقتی که قربانی برای او بکنند قربانی از عقیقه مجزی است و در حدیث دیگر منقول است که از آن حضرت پرسیدند که ما طلب کردیم گوسفندی برای عقیقه و بدست نیامد چه می فرمائید تصدّق کنیم قیمتش را فرمود که طلب کنید تا بیابید خدا دوست می دارد خوراندن طعام و ریختن خون را و در حدیث دیگر پرسیدند که فرزندی که در روز هفتم بمیرد عقیقه اش می باید کرد فرمود که اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه بکنند و در حدیث معتبر از عمر بن یزید منقول است که به خدمت آن حضرت عرض کرد که نمی دانم که پدرم برای من عقیقه کرده است یا نه فرمود که عقیقه بکن پس او در پیری خود را عقیقه کرد و در حدیث حسن از آن حضرت منقول است که فرزند را در روز هفتم نام می گذارند و عقیقه می کنند و سر می تراشند و موی سرش را با نقره می کشند و آن نقره را تصدّق می کنند و پا و ران عقیقه را برای قابله که مدد کرده در زائیدن می فرستند و باقی را بخورد مردم می دهند و تصدّق می کنند و در حدیث موثّق دیگر فرمود که هرگاه پسری یا دختری برای تو متولّد شود عقیقه می کنی در روز هفتم گوسفند یا شتری و نام بگذار و سرش را بتراش در روز هفتم و به وزن موی سرش طلا یا نقره تصدّق کن و در حدیث دیگر وارد شده است که رُبْع گوسفند را به قابله می دهد و اگر بی قابله زائیده باشد آن را به مادر می دهد که به هر که خواهد بدهد و اَقْلًا بخورد ده کس از مسلمانان می دهد و هر چند زیاده باشند بهتر است و خود از گوشت عقیقه نمی خورد و اگر قابله زن یهودیّه باشد

قیمت رُبُع گوسفند به او می‌دهد و در روایت دیگر وارد شده است که به قابله
ثلث گوسفند را می‌دهند و مشهور میان علماء آن است که عقیقه یا شتر یا
گوسفند یا بز می‌باید باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز ولادت اذان در گوش حسنین
صلوات الله علیهما گفتند و حضرت فاطمه علیها السلام در روز هفتم از ایشان
عقیقه کردند و به قابله پای گوسفند را دادند با یک اشرفی و باید که اگر شتر
باشد پنج ساله یا در شش باشد یا بیشتر و اگر بز باشد یک سال یا در دو باشد
یا بیشتر و اگر گوسفند باشد اقلأً شش ماهه یا در هفت باشد و اگر هفت ماه
تمام باشد بهتر است و می‌باید که خُصیه‌اش را نکشیده باشند و بهتر آن است
که نمالیده باشند و مغز شاخش نشکسته باشد و گوشش نبریده باشد و بسیار
لاغر نباشد و کور نباشد و لنگ بسیار لنگ نباشد که بر آن راه رفتن دشوار
باشد. اما در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عقیقه از
باب قربانی نیست هر گوسفندی که باشد خوبست غرض گوشت است هر چند
فربه‌تر باشد بهتر است و مشهور میان علماء آن است که سنت است که عقیقه
پسر نر باشد و عقیقه دختر ماده باشد و گمان فقیر این است که از برای هر دو
گوسفند نر بهتر است موافق احادیث معتبره بسیار و از برای هر دو گوسفند ماده
هم خوب است و سنت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند بلکه بهتر
آن است که از طعامی که در آن پخته باشد نخورند و خوردن مادر کراهیتش
بیشتر است و بهتر آن است که عیال پدر و مادر هم که در خانه ایشان می‌باشند

از آن گوشت و طعام نخورند و سنت است که بپزند و خام تصدق نکنند و اقلش آن است که با آب نمک بپزند بلکه محتمل است که این بهتر باشد و اگر خام تصدق کنند هم خوبست و اگر حیوان عقیقه به هم نرسد قیمتش را تصدق کردن فایده ندارد بلکه باید صبر کنند تا به هم رسد و شرط نیست که جماعتی که به خوردن عقیقه حاضر می‌شوند فقیر باشند اما صلحاء و فقراء را طلبیدن بهتر است انتهی. فقیر گوید که مشهور کراهت شکستن استخوانهای عقیقه است و

روایت:

يُكْسِرُ عَظْمُهَا وَيَقْطَعُ لَحْمَهَا وَ تَصْنَعُ بِهَا بَعْدَ الذَّبْحِ مَا شِئْتَ

بشکند استخوانش را و تکه کند گوشتش را و پس از کشتن با آن هر چه خواهی بکن

منافات با کراهت ندارد و صاحب جواهر فرموده‌ام آنچه مشهور شده بین مردم عراق از استحباب پیچیدن استخوانهای آن را در خرقة سفید و دفن کردن آن واقف نشدم بر نصی در آن واللّه العالم. بیست و ششم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که در وقت ختنه کردن پسر این دعا بخوانند و اگر در آن وقت میسر نشود تا بالغ شدن طفل هر وقت که میسر شود بر آن طفل بخوانند که از او حرارت آهن را از کُشتن و غیر آن رفع می‌کند، دعا این است:

اللَّهُمَّ هَذِهِ سُنَّتُكَ وَ سُنَّةُ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اتِّبَاعٍ مِنَّا لَكَ وَ لِنَبِيِّكَ

خدایا این روش تو و روش پیامبر تو (ص) است و پیروی ما است از تو و از پیامبر تو

بِمَشِيَّتِكَ وَ بِرَادَتِكَ وَ قَضَائِكَ لِأَمْرِ أَرَدْتَهُ وَ قَضَاءِ حَتْمَتِهِ وَ أَمْرِ أَنْفَذْتَهُ وَ

بخواست و اراده و فرمان مسلم تو برای کاری که اراده فرموده و فرمانی که مسلم داشتی و دستوری که اجرا داشتی و

أَدَقْتَهُ حَرَّ الْحَدِيدِ فِي خِتَانِهِ وَ حِجَامَتِهِ بِأَمْرِ أَنْتَ أَعْرَفُ بِهِ مِنِّي اللَّهُمَّ فَطَهْرُهُ

چشاندی به او سوز آهن را در جای ختنه و حجامتش به کاری که تو بدان داناتر از منی خدایا او را

مِنَ الذُّنُوبِ وَرَدِّ فِي عُمُرِهِ وَادْفَعِ الْآفَاتِ عَن بَدَنِهِ وَالْأَوْجَاعِ عَن جِسْمِهِ وَ

از گناهان پاک گردان و در عمرش بیفزا و آفات را از بدنش و دردها را از جسمش دور گردان

زِدَّهُ مِنَ الْغِنَى وَادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا تَعْلَمُ *

و داراییش را زیاد و نداری را از او دور گردان چونکه تو می‌دانی و ما نمی‌دانیم *

بیست و هفتم سید بن طاوس از دعوات خطیب مستغفری نقل کرده که او از

حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود هرگاه خواستی تَفَالُّ بَرْنِي

به کتاب الله عزوجل پس بخوان سوره اخلاص سه مرتبه پس صلوات بفرست

بر پیغمبر و آل آن حضرت سه مرتبه پس بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي تَفَالَّتُ بِكِتَابِكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فَارِنِي مِنْ كِتَابِكَ مَا هُوَ

خدایا من تَفَالُّ زدم به کتاب تو و بر تو توکل کردم به من بنما از کتاب خود آنچه را

مَكْتُومٌ مِنْ سِرِّكَ الْمَكْنُونِ فِي غَيْبِكَ

پنهان است از راز نهان در غیب تو

پس باز کن جامع را یعنی قرآنی که جامع تمام سُوْر آیات باشد و بگیر فال را

از خطّ اوّل از جانب اوّل بدون آنکه بشمری اوراق و سطور و بدانکه علامه

مجلسی از بعض مؤلّفات اصحاب از خطّ شیخ یوسف قطیفی نقل کرده و او از خطّ

آیه الله علامه که روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که فرمود هرگاه

اراده کردی که استخاره کنی از کتاب عزیز بگو بعد از بسمله:

إِنْ كَانَ فِي قَضَائِكَ وَقَدْرِكَ أَنْ تَمَنَّ عَلَى شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِفَرَجٍ

اگر در قضا و قدر تو است که مَنّت نهی بر شیعیان آل محمد علیهم السلام به ظهور

وَلِيَّكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ فَأَخْرِجِ إِلَيْنَا آيَةً مِنْ كِتَابِكَ نَسْتَدِلُّ بِهَا عَلَى ذَلِكَ

ولی و حجت بر خلق خود پس برون آر برای ما آیه‌ای از کتاب خود که بدان راه یابیم بر این کار

پس می‌گشائی مصحف شریف را و می‌شمی شش ورق و از ورق هفتم می‌شمی شش سطر و نظر می‌کنی در آن و مطلب را از آن بیرون می‌آوری و شیخ شهید قدس سره در ذکری فرموده و از جمله استخاره‌ها استخاره به عدد است و این مشهور نبوده در عصرهای گذشته پیش از زمان سید کبیر عابد رضی‌الدین محمد بن محمد الاوی الحسینی مجاور مشهد غروی رضی‌الله عنه و ما روایت می‌کنیم این استخاره را با جمیع مرویات او را از جماعتی از مشایخ خودمان از شیخ کبیر فاضل جمال الدین بن المطهر از والدش رضی‌الله عنهما از سید رضی الدین مذکور از حضرت صاحب الامر علیه الصلوة والسلام می‌خوانی فاتحه را ده مرتبه و اقلش سه مرتبه و کمتر از آن یک مرتبه پس می‌خوانی سوره قدر را ده مرتبه پس می‌خوانی این دعا را سه مرتبه:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ وَ أَسْتَشِيرُكَ

***** خدایا من خیرجویی کنم از تو به خاطر داشتت به سرانجام کارها و با تو مشورت کنم

لِحُسْنِ ظَنِّي بِكَ فِي الْمَأْمُولِ وَالْمَحْذُورِ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ الْأَمْرُ الْفُلَانِي مِمَّا

به خاطر خوش گمانیم به تو در آنچه مورد آرزو و بیم است خدایا اگر فلان کار از آنهایی است که

قَدَيْتُ بِالْبَرَكَةِ أَعْجَازُهُ وَ بَوَادِيهِ وَ حُقَّتْ بِالْكَرَامَةِ أَيَّامُهُ وَ لِيَالِيهِ فَخْرُلِي

انجام و آغازش به برکت بسته شده و روز و شبش سرتاسر کرامت است پس برگزینم برایم

اللَّهُمَّ فِيهِ خَيْرَةٌ تَرُدُّ شُمُوسَهُ ذُلُولًا وَ تَقْعُضُ أَيَّامَهُ سُورًا اللَّهُمَّ إِمَّا أَمْرٌ

خدایا آن خیری را که چموشش رام و روزگارش شادمان گردد خدایا اگر دستور است

فَاتَّمِرُ وَ إِمَّا نَهْيٌ فَاتَّنَهِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِرَحْمَتِكَ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ

انجام دهم و اگر قدغن است خودداری کنم خدایا خیرجویی کنم به رحمت تو خیری را در تندرستی

پس می‌گیری یک قبضه از تسبیح را و نیت می‌گیری حاجت را اگر عدد آن
 قبضه جفت است پس آن اِفْعَلُ است یعنی بجا آور و اگر طاق است لا تَفْعَلُ است
 یعنی مکن آن کار را یا بعکس یعنی طاق خوب است و جفت بد و این بسته
 است به قصد استخاره کننده فقیر گوید: تَقْعُضُ بَضَادِ مَعْجَمِهِ است به معنی تَرُدُّ وَ
 تَعْطُفُ و ما در باب نمازها استخاره ذات الرِّقَاعِ و بعضی از اقسام استخاره و
 ساعات آن را ذکر کردیم بدانجا رجوع شود و بدانکه سیّد بن طاوس فرموده
 کلامی که حاصلش این است که من نیافتم حدیث صریحی در آنکه انسان
 استخاره کند برای غیر خود و لکن یافتیم احادیث بسیار که امر شده در آن بر
 قضاء حاجات اخوان به دعوات و سایر توسّلات بلکه در اخبار از فوائد دعا بر
 اخوان چندان ذکر شده که محتاج به ذکر نیست و استخاره نیز از جمله حاجات
 و از جمله دعوات است زیرا که انسان را که تکلیف کرد شخصی به استخاره
 کردن برای او پس حاجتی برای او وارد کرده پس آن شخصی که مباشر
 استخاره می‌شود می‌خواهد استخاره برای خود کند که آیا صلاح است که بگوید
 بکن یا نه و می‌خواهد برای آن شخص که به او گفته استخاره کند که آیا
 مصلحت است در فعل یا در ترک و این از چیزهائی است که داخل است در
 تحت عموم روایات به استخارات و به قضاء حاجات. علامه مجلسی قدس سره
 فرموده که کلام سیّد در جواز استخاره برای غیرخالی از قوّت نیست به جهت
 عمومات خصوص در وقتی که قصد کند نایب از برای خود که بگوید به شخص
 مستخیر بکن یا مکن چنانکه سیّد به آن اشاره فرموده و این حيله‌ای است برای

داخل کردن استخاره را در تحت اخبار خاصه لکن اولی و احوط آن است که صاحب حاجت خودش استخاره کند برای خود زیرا که ما ندیدیم خبری که وارد شده باشد در جواز و کالت در استخاره و اگر این جایز یا راجح بود اصحاب سؤال می کردند از ائمه علیهم السلام و اگر سؤال کرده بودند نقل می شد برای ما لا اقل در یک روایتی بعلاوه آنکه مَضْطَرَّ اولی است به اجابت و دعای او اقرب است به خلوص نیت انتهی. بیست و هشتم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر کس یهود یا ترسا یا گبری را به بیند و بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَيْكَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَ

ستایش خدایی را که برتریم داد بر تو به دینم اسلام و به کتابم قرآن و به پیامبرم محمد و

بِعَلِيٍّ إِمَامًا وَ بِالْمُؤْمِنِينَ إِخْوَانًا وَ بِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً خُدا میان او و آن کافر در جهنم

به امام علی و به مؤمنین دربرادری و به خانه کعبه قبله ام * * * * *

جمع نکند. مؤلف گوید که از آیات و اخبار بسیار استفاده می شود که مسلمان باید از دوستی کفار و محبت و میل به ایشان و تشبه به ایشان اجتناب کند و بر مسلک آنها سلوک نکند.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا

* * * * * برای شما مقتدای خوبی است ابراهیم و کسانی که با وی بودند وقتی

لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ

به قومشان گفتند ما از شما و از آنچه جز خدا می پرستید بیزاریم و همیشه میان ما و شما

الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا شَيْخ صدوق روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که

* * * * * دشمنی و کینه توی برقرار است * * * * *

فرمود وحی فرستاد حق تعالی بسوی پیغمبری از پیغمبران خود که بگو به مؤمنین نپوشید لباس دشمنان مرا و نخورید مطاعِم دشمنان مرا و نروید بر مسلکها یعنی راههای دشمنان من پس دشمنان من خواهید بود همچنانکه ایشان دشمنان منند و لهذا در بسیاری از خبرها وارد شده که فلان عمل را بجا آورید و خود را به کفّار شبیه نگردانید مانند روایتی که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که فرمود شارب را از ته بگیرید و ریش را بلند بگذارید و به یهودان و گبران خود را شبیه مگردانید و نیز فرمود گبران ریشهای خود را چیدند و سبیلان خود را زیاد کردند و ماها شارب خود را می چینیم و ریش را می گذاریم و چون نامه دعوت آن جناب به ملوک رسید کسری به باذان که عامل یمَن بود نوشت که آن حضرت را نزد او فرستد و او کاتب خود بانویه و مردی که او را خرخسک می گفتند به مدینه فرستاد و آن دو ریشها را تراشیده و شارب را گذاشته بودند پس آن جناب را ناخوش آمد که به ایشان نظر کند و فرمود وای بر شما که امر کرده شما را به این گفتند ربّ ما یعنی کسری فرمود لکن پروردگار من امر کرده مرا به گذاشتن ریش و

چیدن شارب و بدانکه حق تعالی در سوره هود فرموده:

وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ

متمایل نشوید بسوی کسانی که ستم کردند که جهنمی شوید و جز خدا دوستانی ندارید و

ثُمَّ لَا تَنْصُرُونَ

یاری نمی شوید

مفسرین در معنی آن فرموده‌اند که یعنی میل اندک نکنید چه جای بسیار بسوی آنانکه ستم کردند پس برسد به شما آتش جهنم و بعضی گفته‌اند که رُكُونِ مَنْهِيٌّ عَنْهُ دُخُولٌ بِأَيْشَانِ اسْتِ دِرْظَلْمِ اَيْشَانِ وَ اِظْهَارِ رِضَايَتِ بِهٖ كَارِ اَيْشَانِ وَ اِظْهَارِ مَوَالَاتِ اَيْشَانِ وَ دِرْ رَوَايَتِ اَهْلِيَّتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامِ اسْتِ كِهٖ رُكُونِ مَوَدَّتِ وَ نَصِيحَتِ وَ طَاعَتِ اَيْشَانِ اسْتِ بِيَسْتِ وَ نَهْمٌ نُوَزِدُهٗ حِرْفَسْتِ كِهٖ اَسْبَابِ فِرْجِ اسْتِ بِرَايِ دَاعِيِ اَنْ اَزْ اَفَاتِ تَعْلِيْمِ كَرْدِهٖ اَنْ رَا حَضْرَتِ رَسُوْلِ خُدَا بِهٖ اَمِيْرَالْمُؤْمِنِيْنَ صَلَوَاتِ اللّٰهِ عَلَيْهِمَا وَ اٰلِهِمَا وَ نَقْلِ كَرْدِهٖ اَنْ رَا شَيْخِ صَدُوْقِ دِرْ كِتَابِ خِصَالِ دِرْ اَبْوَابِ تِسْعَةِ عَشْرٍ فَرْمُوْدِهٖ مِيْ گُوئِيْ:

يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ وَ يَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ وَ يَا سِنْدَ مَنْ لَا سِنْدَ لَهُ وَ يَا حِرْزَ

ای تکیه‌گاه کسی که تکیه‌گاه ندارد و ای ذخیره کسی که ذخیره ندارد و ای پشت

مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ وَ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ وَ يَا كَرِيْمَ الْعَفْوِ وَ يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ وَ

کسی که پشتی ندارد و ای فریادرس کسی که فریادرسی ندارد ای بزرگوار گذشت ای خوش آزمایش

يَا عَظِيْمَ الرَّجَاءِ وَ يَا عِزَّ الضُّعْفَاءِ وَ يَا مُنْقِذَ الْغَرَقَى وَ يَا مُنْجِيَّ الْهَلَكَى يَا

ای بزرگ امید و ای عزت ناتوانان و ای نجات‌بخش غریقان نابود شده ای

مُحْسِنِ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَ نُورُ

نیک‌ده ای زیبا ای نعمت‌بخش ای فروزنبخش تویی که سجده کند برایت سیاهی شب و روشنی

النَّهَارِ وَ ضَوْءُ الْقَمَرِ وَ شِعَاعُ الشَّمْسِ وَ دَوِيُّ الْمَاءِ وَ حَفِيْفُ الشَّجَرِ يَا اللّٰهُ يَا

روز و پرتو ماه و شعاع خورشید و صدای آب و صدای درخت ای خدا ای

اللّٰهُ يَا اللّٰهُ أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ پَسِ مِيْ گُوئِيْ: اَللّٰهُمَّ اَفْعَلْ بِيْ كَذَا وَ كَذَا

خدا ای خدا تویی یگانه‌ای که شریک نداری * * * * * خدایا با من چنین و چنان کن بجای این حاجت خود را ذکر می‌کنی پس بدرستی که از جای خود

برنخواهی خاست که مستجاب می شود انشاء الله تعالی. سی ام شیخ کفعمی از
 مفاتح الغیب نقل کرده که هر که بنویسد لفظ بسم الله را بر در بیرون از منزل
 خود ایمن از هلاک خواهد گشت و اگر چه کافر باشد و گفته که فرعون را
 خداوند زود هلاک نکرد و مهلت داد او را با ادعای او ربوبیت را به جهت آنکه
 نوشته بود بر در منزل خود بِسْمِ اللّٰهِ را و حق تعالی وحی فرمود به موسی وقتی
 که از خدا خواست سرعت هلاک او را تو نظر می کنی به کفر او و من نظر
 می کنم به آنچه نوشته بر در خود. سی و یکم شیخ ابن فهد روایت کرده است
 که روزی ابوالدرداء را خبر دادند که خانه ات سوخته است گفت نسوخته است
 دیگری خبر داد باز چنین گفت تا سه مرتبه پس معلوم شد که خانه های اطراف
 همه سوخته خانه او نسوخته گفتند از چه راه دانستی که خانه تو نسوخته است
 گفت زیرا که شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر که در صبح این
 دعا بخواند در آن روز بدی به او نمی رسد و اگر در شام بخواند در آن شب
 بدی به او نمی رسد و من این دعا را خوانده بودم.

اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَلَا

خدایا تویی پروردگارم معبودی جز تو نیست بر تو توکل کنم و تویی پروردگار عرش بزرگ و

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَعْلَمُ أَنْ

جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ آنچه خدا خواهد شود و آنچه نخواهد نشود، می دانم که

اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ

خدا بر هر چیز توانا است و علم خدا به همه چیز احاطه دارد خدایا به تو پناه برم از شر خودم و

مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ قَضَاءِ السُّوءِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْجِنِّ

از شر قضای بد و از شر هر صاحب شری و از شر جن و انس و از

الْأَنْسِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

شر هر جنبنده‌ای که اختیارش بدست تو است همانا پروردگارم به راه راست است

سی و دوم شیخ کلینی و غیر او روایت کرده‌اند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که این دعا را تعلیم زُراره فرمود که در زمان غیبت و

امتحان شیعه بخواند:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَاتِّكَّ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي

خدایا خود را به من بشناسان که اگر خود را نشناسانی پیامبرت را نشناسم خدایا

رَسُولَكَ فَاتِّكَّ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ

رسولت را به من بشناسان که اگر رسولت را نشناسانی حجتت را نشناسم خدایا حجتت را به من بشناسان

فَاتِّكَّ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي

که اگر نشناسانی از دین خود گمراه گردم

سی و سیم در عده الدّاعی است که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مرویست که هرگاه یکی از شما اراده کرد بخوابد بگذارد دست راست خود را در زیر صورت راست خود و بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَضَعْتُ جَنْبِي لِلَّهِ عَلَى مِلَّةِ أَبِيهِمْ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بنام خدا گذاردم پهلویم را به زمین برای خدا و بر کیش ابراهیم و دین محمد(ص)

وَ وِلَايَةِ مَنْ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ

و دوستی کسی که واجب کرده خدا فرمانبرداریش را هرچه خدا خواهد شود و هر چه نخواهد نشود

پس هر کسی که بگوید این را در نزد خواب حفظ کند حق تعالی او را از دزد غارت کننده و از خراب شدن و طلب آمرزش کند برای او ملائکه سی و

چهارم و نیز در عِدَّة الدَّاعِي است که خواندن اِنَا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بر هر چیزی که ذخیره و پنهان می کنند حرز است از برای او بنابر آنچه روایت شده از ایشان علیهم السلام سی و پنجم و نیز از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که هر که بخواند صد آیه از قرآن از هر آیه که باشد پس بگوید هفت مرتبه یا اللَّهُ پس اگر بخواند بر سنگی خدا بشکافد آن را سی و ششم و نیز از آن حضرت نقل کرده که کسی که بخواند قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را در وقتی که به خوابگاه خود رود سه مرتبه موکل فرماید حق تعالی به او پنجاه هزار فرشته که پاسبانی کنند او را در آن شب و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که بگذرد بر او یک روز و در نماز خود قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ نخواند روز قیامت به او گویند ای بنده خدا نیستی تو از نماز گذارندگان و نیز از آن حضرت منقولست که کسی که بگذرد بر او جمعه یعنی هفته و نخواند در آن قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ پس بمیرد بدین ابی لَهَب و نیز از آن جناب مرویست که کسی که برسد به او مرضی یا شدتی و نخواند در آن حال قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و بمیرد در آن مرض یا شدت پس او از اهل آتش است سی و هفتم و نیز در عِدَّة الدَّاعِي نقل کرده که این رقیه را برای حفظ زراعت خربزه و خیار و سایر زراعتها از ضرر کرم و جانوری که آن را فاسد می کند و کیفیت آن چنانست که بنویسد بر چهار پارچه نی یا چهار رقععه و بگذارد در چهار نی و بگذارد آنها را در چهار طرف

مزرعه:

أَيُّهَا الدُّوْدُ أَيُّهَا الدَّوَابُّ وَالْهُوَامُ وَالْحَيَوَانَاتُ أُخْرِجُوا مِنْ هَذِهِ

ای کرهما و ای جانورها و حشرات و حیوانات بیرون روید از این

الْأَرْضِ وَالزَّرْعِ إِلَى الْخَرَابِ كَمَا خَرَجَ ابْنُ مَتَّى مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ فَإِنْ لَمْ

زمین و درخت به زمین ویرانه‌ای چنانچه برون رفت بونس از شکم ماهی و اگر بیرون

تَخْرُجُوا أَرْسَلْتُ عَلَيْكُمْ شَوْاطِئًا مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٍ [سَأ] فَلَا تَنْصِرَانِ أَلَمْ تَرَ

نروید می‌فرستم بر شما شعله‌ای از آتش و دود که یاری نشوید آیا ندیدی آنانکه

إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا

بیرون رفتند از خانه‌هاشان از ترس مرگ و هزاران نفر بودند خدا بدیشان گفت بمیرید

فَمَا تَوَأخِرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ سُبْحَانَ الَّذِي

و مردند بیرون روید که تو رانده‌ای، پس ترسان و نگران بیرون رفت منزّه است خدائی که

أَسْرَى بِعِبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى كَأَنَّهُمْ يَوْمَ

برد بنده‌اش را شبانه از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی، گویا روزی که

يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحِيَّةً فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ وَ

آنها رستاخیز را ببینند بسر نبرده‌اند جز شبانگاه یا بامدادی، پس بیرون کردیم آنان را از باغها و چشمه‌ها و

زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ وَ نِعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَكَيْفَ هُمْ بِمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ

زراعتها و مقام گرامی و نعمتی که در آن کامیاب بودند و گریه نکرد بر آنها آسمان

وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ أَخْرَجَ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ

و زمین و مهلت داده نشدند، بیرون رو که نباشد تو را که تکبر ورزی در آن بیرون رو

إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ أَخْرَجَ مِنْهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَاقِبِلٍ

که تو از زبونانی بیرون شو از آن مذموم و مطرود که سپاهبانی بسویشان آریم که تحمل آن نیارند

لَهُمْ وَ لَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَ هُمْ صَاغِرُونَ * سِى وَ هَشْتَم سَيِّدِ بِن طَاوَسِ اَز

و از آنجا به ذلت بیرونشان کنیم که زبون شوند * * * * *

حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که صبح کند و در

دستش انگشتر عقیقی باشد و در انگشت دست راست کرده باشد و پیش از

آنکه نظرش بر کسی بیفتد نگین آن را به جانب کف دست بگرداند و به آن نظر

کند و سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ تا آخر بخواند پس بگوید:

اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَحَدَّهُ لِشَرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَ اٰمَنْتُ بِسِرِّ آلِ

ایمان دارم به خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و کافر به جبت و طاغوت (خلفای ناحق) و ایمان دارم به راز آل

مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَأَوْلِيَهُمْ وَأَخْرِهِمْ پس چون چنین کند

محمد و نهران و آشکار و باطن و اول و آخرشان * * * * *

خداوند عالمیان او را نگاه دارد در آن روز از شر آنچه از آسمان نازل می‌شود

و آنچه بالا می‌رود بسوی آسمان و آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه بیرون

می‌آید از زمین و در حرز و حمایت خدا و دوستان خدا باشد تا شام سی و نهم

شیخ کفعمی از کتاب جمع الشتات از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که

هرگاه خواستی از ما حدیثی نقل کنی و شیطان تو را فراموشی داده بگذار دست

خود را بر جبهه خود و بگو:

صَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ يَا مُذَكَّرَ الْخَيْرِ

درود خدا بر محمد و آلش خدایا از تو خواهم ای به یاداندازه خیر

وَ فَاعِلُهُ وَالْاَمْرَ بِهِ ذَكَرْنِيْ مَا اَنْسَانِيَهُ الشَّيْطَانُ وَ در کتاب من

و انجام دهنده‌اش و دستور دهنده‌اش یادم آر آنچه را شیطان از یادم برده * * * * *

لايحضره الفقيه از حضرت صادق علیه السلام نقلست که کسی که بسیار باشد

* * * * *

سهو او در نماز پس بگوید در وقتی که داخل خلاء شود:

بِسْمِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ

به نام خدا پناه برم به خدا از پلید نجس و خبیث

الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ مؤلف گوید که کسی که می خواهد حافظه اش

ناپاک کننده (یعنی) شیطان رانده * * * * *

زیاد شود مسواک کند و روزه بگیرد و قرآن بخواند و خصوص آیه الکرسی و
اِذْمان خوردن مویز ناشتا خصوص اگر سرخ و بیست و یک دانه باشد برای فهم
و ذهن و حافظه نافع است و خوردن حلوا و گوشت نزدیک گردن و غسل و
عدس نیز مورت حفظ است و نقل شده که از دواهایی که به تجربه رسیده است
آن است که کُندر و سَعْد و شکر طبرزد را مساوی با هم گرفته و نرم بکوبند و
سُفوف کرده روزی پنج درهم بخورند لکن سه روز متوالی بخورند و پنج روز
ترک کنند و هکذا و بگویند هر روزی بعد از نماز صبح پیش از آنکه تکلم
کنند:

يا حَيُّ يا قَيُّوْمُ فلا يَمُوتُ شَيْئاً عِلْمُهُ ولا يُوَدُّهُ و هم بخوانند عقب نمازها دعای

ای زنده ای پابنده که در نرود از علم او چیزی و نه بر او سنگینی کند * * * * *

سُبْحانَ مَنْ لا يَعْتَدِي على أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ را و بخوانند نمازی را که در باب دوّم به
جهت قوّت حافظه نقل کردیم و غیر ذلک و اجتناب کنند از چیزهایی که سبب
نسیان می شود و آن خوردن سیب ترش و گشنیز سبز و پنیر و پس خورده موش
و بول در آب ایستاده و خواندن الواح قبرها و رفتن از بین دو زن و دور
افکندن شپش زنده و نچیدن ناخنها و ترک قیلوله و کثرت معاصی و کثرت
هموم و احزان در امر دنیا و کثرت اشتغال و علائق و نظر افکندن به دار کشیده
و مُرور از بین قطار شتر چهلم شیخ ابن فهد نقل کرده از حضرت صادق علیه

السلام که فرمود هر دعائی که پیش از آن تمجید نباشد پس آن ابتر است اوّل تمجید است پس ثنا راوی گفت کمتر چیزی که کفایت می کند از تمجید چیست فرمود می گوئی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ

خدایا توئی اول که نیست پیش از تو چیزی و توئی آخر که نیست بعد از تو چیزی و توئی

الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ

ظاهر که نیست برتر از تو چیزی و توئی درون که نیست ورای تو چیزی و توئی

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

عزیز و فرزانه

بعضی از آداب و ادعیه متعلق به موت

خاتمه در بعضی از آداب و ادعیه متعلق به موت است بدانکه چون بر کسی آثار موت ظاهر شود اوّل کسی که باید به احوال او بپردازد آن شخص خودش است که سفر ابدی آخرت در پیش دارد و در خُورِ آن سفر او را توشه می باید پس اوّل چیزی که او را ضرور است اقرار به گناه و اعتراف به تقصیر و ندامت از گذشته ها و توبه کامل کردن است و تضرّع و زاری به جناب مقدّس ایزدی

کردن که از گناهان گذشته او درگذرد و در احوال و اهوالی که در پیش دارد او را به خود و دیگران وانگذارد.

پس متوجه وصیت شود و حقوق خدا و خلق آنچه در ذمه او باشد ادا کند و به دیگران وانگذارد که بعد از مردن اختیار از دستش بدر رود و به حسرت در اموال خود نگردد و شیاطین جنّ و انس و سوسه‌ها کنند او صیاء و وارثان او را و مانع شوند که ذمه او را بری سازند و او را چاره‌ای نباشد و گوید که برگردانید مرا آنقدر که آنچه از اعمال شایسته خواهم در مال خود بکنم و از او نشنوند و حسرت و ندامت سود نبخشد پس به قدر ثلث مال خود از برای خویشان و تصدّقات و خیرات و آنچه مناسب حال خود داند وصیت کند که زیاده از ثلث را اختیار ندارد پس ابراء ذمه از برادران مؤمن خود بطلبد و هر که را که غیبت کرده باشد یا اهانتی یا آزاری به او رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان التماس کند که او را حلال کنند و اگر حاضر نباشند از برادران مؤمن التماس کند که برای او ابراء ذمه بخواهند پس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکل بر جناب مقدّس الهی به آمینی بگذارد و وصیّ برای اولاد صغیر خود تعیین کند پس کفن خود را مهیّا نماید و از شهادتین و عقاید و اذکار و ادعیه و آیات آنچه در کتب مبسوطه مذکور است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد به تربت حضرت امام حسین علیه السلام بفرماید بنویسند و این در صورتیست که پیشتر غافل شده باشد و کفن را مهیّا نکرده باشد و اگر نه مؤمن می‌باید که همیشه کفنش مهیّا باشد و نزد او حاضر باشد چنانچه از حضرت

صادق علیه السلام منقول است که هر که کفنش با او باشد در خانه‌اش او را از غافلان ننویسند و هرگاه که نظر کند به آن کفن ثواب یابد و باید که بعد از آن دیگر در فکر زن و فرزند و مال نباشد و متوجه جناب مقدّس ایزدی شود و به یاد او باشد و تفکّر کند که این امور فانی بکار او نمی‌آید و به غیر لطف و رحمت پروردگار در دنیا و آخرت چیزی به فریاد او نمی‌رسد و بداند که چون توکل بر حق تعالی کند امور بازماندگان او به احسن وجوه صورت خواهد یافت و بداند که اگر خود باقی بماند بدون مشیّت الهی نفعی به ایشان نمی‌تواند رسانید و از ایشان ضرری دفع نمی‌تواند کرد و آن خداوندی که ایشان را آفریده است از او به ایشان مهربانتر است و باید که در آن حال در مقام رجاء و امید باشد و از رحمت الهی بسیار امیدوار باشد و از شفاعت رسول خداصلی الله علیه و آله و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام امید عظیم داشته باشد و منتظر قدوم شریف ایشان باشد و بداند که همگی در آن وقت حاضر می‌شوند و شیعیان خود را بشارت‌ها می‌دهند و ملک موت را سفارشها می‌کنند شیخ طوسی در مصباح متهجّد فرموده مستحب است برای انسان وصیّت و اخلال نکردن به آن، چه آنکه روایت شده که سزاوار است برای آدمی که شب به روز نیامورد مگر آنکه وصیّت نامه‌اش زیر سرش باشد و مؤکد است در حال مرض و نیکو وصیّت کند و خلاص کند خود را از حقوقی که مابین او و خدا است و از مظالم عباد و به تحقیق روایت شده از رسول خداصلی الله علیه و آله که هر که نیکو نکند وصیّت را در نزد مرگ خود این نقص در عقل و مروّت او بوده است

گفتند یا رسول‌الله صلی الله علیه و آله چگونه است آن وصیت نیکو فرمود چون حاضر شود وفات او و جمع شده باشند مردم نزد او بگوید:

اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ إِنِّي

خدایا ای آفریننده آسمانها و زمین و دانای غیب و شهود و بخشاینده مهربان من

أَعْهَدُ إِلَيْكَ إِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ

عهد می‌کنم با تو که برستی گواهی دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد و به اینکه محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ

علیه و آله بنده و رسول او است و به اینکه قیامت خواهد آمد شکی در آن نیست و خدا برانگیزد هر که

فِي الْقُبُورِ وَأَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ مَا وَعَدَ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ

در گور است و حساب حق است و بهشت حق است و هر چه نوید داده شده از نعمتها

مِنَ الْمَأْكَلِ وَالْمَشْرَبِ وَالنِّكَاحِ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ الْإِيمَانَ حَقٌّ وَأَنَّ

از خوراک و نوشیدنی و ازدواج حق است و دوزخ حق و ایمان حق است و دین همانست

الَّذِينَ كَمَا وَصَفَ وَأَنَّ الْأِسْلَامَ كَمَا شَرَعَ وَأَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قَالَ وَأَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا

که او وصف کرده و اسلام چنانست که او مقرر داشته و گفته همان گفته او است و قرآن همانگونه است که

أَنْزَلَ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَإِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا إِنِّي رَضِيتُ بِكَ

نازل گشته و خدا بر حق و آشکار است و من عهد کنم با تو در دنیا که من خوشنودم به پروردگاری تو

رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ وَوَلِيِّيًّا وَبِالْقُرْآنِ

و به دین اسلام و به پیامبری محمد صلی الله علیه و آله و به ولایت علی و به کتابم قرآن

كِتَابًا وَأَنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَوَعْدَتِي عِنْدَ الْأُمُورِ الَّتِي تَنْزَلُ بِي وَأَنْتَ وَلِيِّي

و به اینکه خاندان پیامبرت که بر او و بر ایشان سلام باد امامانند خدایا تویی تکیه‌گاهم

سِدَّتِي وَرَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَعَدَّتِي عِنْدَ الْأُمُورِ الَّتِي تَنْزَلُ بِي وَأَنْتَ وَلِيِّي

در سختی و امیدم در گرفتاری و ذخیره‌ام در پیش آمدها و تویی ولی

فِي نِعْمَتِي وَالْإِلهِ وَأَبَائِي صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَكَلِّنِي إِلَى نَفْسِي

نعمت من و معبود پدرانم درود فرست بر محمد و آلش و مرا به خودم وامگذار

طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَ أَنْسُ فِي قَبْرِی وَ حَشْتِي وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ الْآفَاقِ

چشم برهم زدن هرگز و در وحشت قبرم انیس من باش و فرار ده برایم در پیش خود پیمانی گسترده در روز

دیدارت

مَشُورًا

پس این عهد میّت است در روزی که وصیت می کند به حاجت خود و وصیت حقّ است بر هر مسلمانی فرمود حضرت صادق علیه السلام که تصدیق این در سوره مریم است قول خداوند تبارک و تعالی:

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا يَعْنِي مَالِكٌ نَمِي شُونَ
شفاعت را مگر کسی که فراگرفته از نزد خدای بخشنده عهد و پیمان را و این همان عهد است و فرمود رسول خداصلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام که بیاموز آن را و تعلیم کن آن را به اهل بیت و شیعه خود فرمود آن حضرت که آموخت آن را به من جبرئیل پس شیخ فرموده نسخه آن نوشته که گذارده می شود با میّت در نزد جریده بگوید پیش از نوشتن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ

بنام خدای بخشاینده مهربان گواهی دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد و گواهی دهم که

مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ أَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَ

محمد بنده و رسول او است - درود خدا بر او و آلش - و به اینکه بهشت حق است و دوزخ حق است و

أَنَّ السَّاعَةَ حَقٌّ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ آنگاه بنویسد:

قیامت حق و آمدنی است که شکی در آن نیست و به اینکه خدا برانگیزد آنانکه در گورند * * * * *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ شَهِدَ الشُّهُودُ الْمُسَمَّوْنَ فِي هَذَا الْكِتَابِ أَنَّ آخَاهُمْ

بنام خدای بخشاینده مهربان گواهی دهند نامبردگان در این نامه که برادر

فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (فلان بن فلان) بجای این اسم آن شخص ذکر شود: أَشْهَدُهُمْ

ایمانی ایشان فلان پسر فلان * * * * * گواه گرفته آنها را

وَاسْتَوْدَعَهُمْ وَأَقْرَبَّ عِنْدَهُمْ أَنَّهُ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ

و سپرده به آنها و اقرار کرده نزدشان و گواهی دهد که معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد و به اینکه

مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّهُ مُقَرَّبٌ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ

محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول او است و به همه پیامبران

وَالرُّسُلِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ وَ إِمَامُهُ وَ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَوَلَدِهِ

و رسولان علیهم السلام اقرار دارد و به اینکه علی ولی خدا و امام او است و امامان از فرزندان او

أُمَّتُهُ وَ أَنَّ أَوْلَهُمُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ

پیشوایان اویند که اولشان حسن و سپس حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و

جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ عَلِيُّ

جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی

بْنُ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمُ الْحُجَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ

بن محمد و حسن بن علی و قائم حجت علیهم السلام می باشد و به اینکه بهشت حق است

وَ النَّارَ حَقٌّ وَ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَ أَنَّ

و دوزخ حق است و قیامت آمدنی است و شکی در آن نیست و خدا برانگیزد هر که در گورها است و

مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ [عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ] جَاءَ بِالْحَقِّ وَ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ

محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول او است که به حق آمده و به اینکه علی ولی خدا

وَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مُسْتَخْلَفُهُ فِي أُمَّتِهِ مُؤَدِّيًّا

و جانشین پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که او را در میان امتش جانشین کرده و

لِأَمْرِ رَبِّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ وَ ابْنَيْهَا الْحَسَنَ

دستور پروردگارش تبارک و تعالی را می‌رساند و فاطمه دختر رسول خدا و فرزندش حسن

وَ الْحُسَيْنَ ابْنَا رَسُولِ اللَّهِ وَسِبْطَاهُ [وَ] إِمَامَا الْهُدَى وَ قَائِدَا الرَّحْمَةِ وَ أَنَّ عَلِيًّا

و حسین فرزندان و دو نوه رسول خدا و دو رهبر هدایت و پیشوای رحمت و نیز علی

وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ حَسَنًا وَ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمْ

و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حضرت حجت علیهم

السَّلَامُ أَمَّةٌ وَقَادَةٌ وَ دُعَاءٌ إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ حُجَّةٌ عَلَى عِبَادِهِ

السلام پیشوایان و رهبران و دعوت‌کنندگان بسوی خدا جل و علا هستند و حجت بر بندگان اویند * *

پس بگوید: یا شَهِودُ ای فلان و ای فلان که نام برده شده‌اید در این نوشته ثابت

کنید برای من این شهادت را نزد خودتان تا ملاقات کنید به آن مرا در نزد

حوض کوثر پس شهود بگویند ای فلان:

نَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَالشَّهَادَةَ وَالْأَقْرَارُ وَالْأَخَاءُ مَوْدُوعَةٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى

ای فلانی تو را به خدا می‌سپاریم و گواهی و اقرار و برادری سپرده است در نزد رسول خدا صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ پس به هم پیچند آن

اللَّهُ علیه وآله و بر تو سلام می‌رسانیم و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد * * * * *

صحیفه را و مهر کنند او را و باید مختوم شود به مهر شهود و مهر میّت و

گذاشته شود در طرف راست میّت با جریده و نوشته شود صحیفه با کافور با

سَرِ چوبی و معطرّ و خوشبو نباشد و سزاوار است که در وقتی که مرگ حاضر

می‌شود باطن قدمهای محتضر را رو به قبله کنند و بوده باشد نزد او کسی که

بخواند سوره یس و صاّقات و ذکر کند خدا را و تلقین کند او را شهادتین و

اقرار به یک یک از امامان‌علیهم‌السلام و تلقین کند او را کلمات فرَج:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ

معبودی نیست جز خدای بردبار کریم معبودی نیست جز خدای والای بزرگ منزّه است خدا پروردگار آسمانهای

السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَرَبِّ

هفتگانه و زمینهای هفتگانه و آنچه در آنها و مابین آنها و آنچه زیر آنها است و پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ

عرش بزرگ و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است و درود بر محمد و آل پاکش

و حاضر نشود نزد او جُنُب و حایض و چون از دنیا گذشت فرو خوابانند چشمانش را و بکشند دستهایش را و بهم گذارند دهانش را و بکشند ساقهایش را و ببندند چانه‌اش را و شروع کنند در تحصیل کفن او و کفن واجب او سه پارچه است ننگ و پیراهن و ازار که سرتاسری باشد و مستحب است که زیاد شود بر این پارچه‌ها حَبْرَه یَمَیْمَیَه و آن جامه‌ای است که از یمین می‌آورند یا ازار دیگر و زیاد کنند پارچه پنجمی که به پیچند به آن رانهای میّت را و مستحب است که علاوه بر اینها عمامه برای او قرار دهند پس تحصیل کنند برای او مقداری از کافور که آتش به آن نرسیده باشد و افضل آن وزن سیزده درهم و ثلث است و اوسط آن چهار مثقال و اقل آن یک درهم است و اگر دشوار باشد هر قدر که ممکن است تحصیل کنند و سزاوار است که بنویسد بر همه کفنها یعنی بر هر پارچه‌ای از آن:

فُلَانٌ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّ

فلانی گواهی دهد که معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد و به اینکه محمد رسول خدا است و

عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِمَّةَ مِنْ وَوَلَدِهِ (و یک یک امامان را ذکر کند) (پس

علی امیرمؤمنان است و امامان از فرزندانش * * * * *

بنویسد) ائِمَّتُهُ ائِمَّةُ الْهُدَى الْاَبْرَارُ و بنویسد این را به تربت امام حسین علیه

امامان او و پیشوایان هدایت و نیکان هستند * * * * *

السلام یا به انگشت و ننویسند به سیاهی و باید غسل دهند میّت را به سه غسل
اوّل به آب سِدْر دوّم به آب کافور سیّم به آب خالص و کیفیت غسلش مثل
غُسل جنابت است ابتدا می کند اوّل به شستن دستهای میّت سه مرتبه پس
می شوید عورت او را به کمی از اِشنان سه مرتبه پس غسل می دهد سر او را با
کف سدر سه مرتبه پس جانب راست و بعد جانب چپ را به همین نحو و
می کشد دست خود را بر جمیع بدن میّت و باید این شستن‌ها به آب سدر باشد
پس بشوید ظرفها را تا اثر سدر برود و بریزد در ظرف آب دیگری و بیندازد
در آن کمی از کافور پس غسل دهد او را به آب کافور مثل غسل به آب سدر
و بریزد بقیّه آب را و بشوید ظرفها را پس آب خالص بیاورد و غسل سیّم بدهد
به همان نحو و بایستد غسل دهنده بر جانب راست او و بگوید هر زمانی که
غسل دهد از او عَضوی را عَفْواً عَفْواً و چون از غسل دادن فارغ شود بخشکاند
بدن میّت را به جامه نظیفی و واجب است بر غسل دهنده غسل در این حال یا
در مابعد و مستحبّ است مقدّم داشتن وضو بر غسلهای میّت پس کفن کند او
را و حاضر کند آن پارچه پنجمی را که ران پیچ باشد و پهن کند و بگذارد بر
روی آن مقداری از پنبه و بپاشد بر آن مقداری زیره و بگذارد آن را بر قُبُل و
دُبُر میّت و بر سوراخ دُبُر او پنبه بگذارد پس آن پارچه را ببندد بر رانهای او و
محکم ببندد رانهای او را پس لُنگش را ببندد از نافش تا هر کجا که برسد و

بپوشاند بر او پیراهنش و بالای آن سرتاسری را و بالای آن جیره و یا چیزی که
قائم مقام آن باشد و بگذارد با او دو جریده از چوب خرما یا از درخت دیگری
و باید تر و تازه باشد و درازی آن به مقدار استخوان ذراع باشد می گذارد یکی
از آن دو را در جانب راست چسبیده به بدن از آن محلی که موضع بستن کُنگ
است و دیگری را در جانب چپ مابین پیراهن و سرتاسری و بگذارد کافور را
بر مواضع سجده میّت که پیشانی و باطن کفها و سر زانوها و اطراف انگشتان
پاها باشد و اگر از کافور چیزی زیاد آمد بگذارد بر سینه او و بیچد بر او
کفهایش را و ببندد او را از جانب سر و پاهایش تا او را به خاک سپرد و در
آن وقت گره کفن را بگشاید و چون از امر کفن فارغ شدند او را سوار بر
تابوت کنند و ببرند او را تا مصلیّ پس بر او نماز بخوانند علامه مجلسی در
زادالمعاد در باب نماز میّت فرموده آنچه که مُلَخَّصش این است این نماز واجب
است بر همه مسلمانان که علم به فوت شخصی به هم رسانند و اگر یکی از
ایشان بجا آورد از دیگران ساقط می شود و واجب است نماز بر شیعه اثنی
عشری که بالغ باشد بی خلاف و اشهر و اقوی آن است که بر طفلی که شش
سالش تمام شده باشد نماز واجب است و ظاهراً به قصد قربت اکتفا می توان
کرد و کمتر از شش ماهه را اگر زنده متولّد شده باشد بعضی سنّت دانسته اند و
بعضی بدعت و احوط نماز نکردن است و سزاوارترین مردم به نماز میّت وارث
او است بنا بر مشهور و شوهر اولی است به زن خود و واجبست که نماز
گذارنده رو به قبله بایستد و سر جنازه به جانب راست او باشد و میّت بر پشت

خواهیده باشد و در این نماز طهارت از حدث شرط نیست و جنب و حیض و بی‌وضو این نماز را می‌توانند کرد و سنت است که با وضو باشد و اگر آب بهم نرسد یا مانعی داشته باشد یا وقت تنگ باشد سنت است که تیمم کند و ظاهر بعضی احادیث است که بدون عذر نیز تیمم مستحب است و سنت است که پیش نماز برابر میان مرد بایستد و سینه زن بنا بر مشهور و سنت است که کفش را بکنند و واجب است که نیت نماز کنند و پنج تکبیر بگویند و سنت است که در هر تکبیر دستها را بردارند تا محاذی گوشها و مشهور آن است که بعد از تکبیر

اول بگویند:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ بَعْدَ مِنْ تَكْبِيرِ دَوْمٍ بَقُويد:

گواهی دهم که نیست معبودی جز خدا و گواهی دهم که محمد رسول خدا است * * * * *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَعْدَ مِنْ تَكْبِيرِ سَيِّمٍ بَقُويد: اللَّهُمَّ اغْفِرْ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد * * * * * خدایا بیامرز

لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَ بَعْدَ مِنْ تَكْبِيرِ چهارم بَقُويد: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْأُمَّةِ وَ

مردان و زنان با ایمان را * * * * * خدایا بیامرز این مرده را * * * *

تکبیر پنجم را بگویند و فارغ شوند مجزی است و موافق مشهور بهتر آن است

که چنین کند بعد از نیت بگوید:

اللَّهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا

* * * * * خدا بزرگتر است گواهی دهم که نیست معبودی جز خدای یگانه که شریک ندارد و گواهی دهم که

محمد

عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ بِس بَقُويد: اللَّهُ

بنده و رسول او است که به حق او را فرستاده نوید ده و ترساننده است در پیشاپیش قیامت * * * * * خدا

اَكْبَرُ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بزرگتر است خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد

وَ اَرْحَمَ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلٰى

و رحم کن بر محمد و آل محمد همانند بهترین درود و برکت و رحمتی که فرستادی بر

اِبْرٰهِيْمَ وَ آلِ اِبْرٰهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ وَ صَلِّ عَلٰى جَمِيْعِ الْاَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِيْنَ

ابراهیم و آل ابراهیم که تویی ستوده و بزرگوار و درود فرست بر تمام پیامبران و مرسلین

پس بگوید: اَللّٰهُ اَكْبَرُ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِيْنَ

*** * خدا بزرگتر است خدایا پیامرز مؤمنین و مؤمنات را و مردان و

وَ الْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْاَمْوَاتِ تَابِعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ اِنَّكَ

زنان مسلمان را زندگانشان و مردگانشان را و پیوست کن میان ما و آنها به خیرات که تو

مُجِيْبُ الدَّعَوَاتِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ پس بگوید: اَللّٰهُ اَكْبَرُ اللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا

اجابت کننده دعاهایی و بر هر چیز توانایی *** * * * * خدا بزرگتر است خدایا همانا این

عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ اُمَّتِكَ نَزَلَ بِكَ وَ اَنْتَ خَيْرُ مَنْزُوْلٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ

بنده تو و فرزند بنده تو و فرزند کنیز تو است که بر تو درآمده و تو بهترین میزبانی خدایا ما جز

مِنْهُ اِلَّا خَيْرًا وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنْا اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِيْ اِحْسَانِهِ وَ اِنْ

خوبی از او سراغ نداریم و تو داناتری به حال او از ما خدایا اگر او نیکوکار است پس بیفز در احسان او و اگر

كَانَ مُسِيْئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَ اغْفِرْ لَهُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ فِيْ اَعْلٰى عِلِّيِّیْنَ وَ اَخْلَفْ

بدکار است پس از او درگذر و او را پیامرز خدایا او را قرار ده در نزد خود در بالاترین جایگاهها و جانشین او باش

عَلٰى اَهْلِهِ فِي الْغَابِرِيْنَ وَ اَرْحَمَهُ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ پس بگوید: اَللّٰهُ

بر خاندانش در میان سایر زندگان و رحم کن بر او به رحمت خود ای مهربانترین مهربانان *** * * * * خدا

اَكْبَرُ وَ فَاْرَغُ مِیْ شُوْدُ وَ اِگْرُ زَنْ بَاشْدُ مِیْ گُوِيْدُ: اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ اُمَّتُكَ وَ ابْنَةُ عَبْدِكَ

بزرگتر است و فارغ می شود و اگر زن باشد می گوید: خدایا این کنیز تو و دختر کنیز تو است که بر تو وارد

نَزَلَتْ بِكَ وَ اَنْتَ خَيْرُ مَنْزُوْلٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا اِلَّا خَيْرًا وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِهَا مِیْنَا

شده و تو بهترین میزبانی خدایا ما از این زن جز نیکی سراغ نداریم و تو خود داناتری به او از ما

اللَّهُمَّ إِنَّ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فِي إِحْسَانِهَا وَإِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا

خدایا اگر نیکوکار است در احسانش بیفزای و اگر بدکار است از او درگذر

وَاعْزِرْ لَهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ عَلَى أَهْلِهَا فِي

و بیامرز او را، خدایا او را در بلندترین جایگاهها قرارده و جانشین بر خاندانش باش در

الْغَابِرِينَ وَارْحَمْهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و اگر میت مستضعف باشد بگوید:

سایر بازماندگان و رحم کن بر او به رحمت خود ای مهربانترین مهربانان * * * * *

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ و اگر میت طفل

خدایا بیمارز آنانکه توبه کردند و پیروی از راه تو نمودند و نگاهشان دار از عذاب دوزخ * * * * *

نابالغ باشد بگوید: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِأَبَوَيْهِ وَ لَنَا سَلْفًا وَ فِرَاطًا وَ أَجْرًا

* * * * * خدایا قرار ده او را برای پدر و مادرش و برای ما گذشته و ذخیره و مزدی *

و سنت است که بر جای خود بایستد تا جنازه را بردارند خصوصاً پیش نماز و

در روایتی وارد شده است که بعد از فارغ شدن از نماز بگوید:

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ از حضرت

پروردگارا بده به ما در دنیا خوبی و در آخرت نیز خوبی و نگاهمان دار از عذاب دوزخ * * * * *

صادق علیه السلام منقول است که سزاوار آن است که برادران مؤمن را خبر

کنند به مردن او تا به جنازه او حاضر گردند و بر او نماز کنند و از برای او

استغفار کنند و میت و ایشان همه ثواب ببرند و در حدیث حسن از حضرت

صادق علیه السلام منقول است که چون مؤمن را به قبر می گذارند او را ندا

می کنند که اوّل عطائی که تو را دادیم بهشت است و اوّل عطائی که دادیم آنها

را که با جنازه تو آمده اند آمرزش گناهان است و در حدیث دیگر فرمود که

اولّ تحفه‌ای که به مؤمن می‌دهند در قبر آن است که می‌آموزند هر کس را که همراه جنازه او بوده است و در حدیث دیگر فرموده که هر که همراهی جنازه مؤمنی بکند تا او را دفن بکنند حق تعالی در قیامت هفتاد ملک بر او بگمارد که همراهی او نمایند و استغفار برای او کنند از قبر تا موقف حساب و فرمود که هر که یک طرف جنازه بگیرد بیست و پنج گناه کبیره‌اش آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان بیرون آید و باید که جنازه را چهار کس بردارند و بهتر آن است که از برای کسی که تشییع جنازه کند اولّ دست راست میّت را که جانب چپ جنازه است بدوش راست خود بردارد پس پای راست میّت را باز بدوش راست بردارد پس از پشت جنازه برود و پای چپ میّت را بدوش چپ خود بردارد پس دست چپ میّت را که در جانب راست جنازه است بدوش چپ بردارد و چون خواهد که بار دیگر تربیع کند از پیش جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه برگردد و باز به همان روش تربیع کند و اکثر علماء برعکس گفته‌اند که اولّ ابتداء بدست راست جنازه می‌کند پس به پای راست پس به پای چپ پس به دست چپ و اولّ موافق احادیث معتبر اولی است و اگر هر دو رابه عمل آورند بهتر است و افضل آن است که عقب جنازه یا پهلوها راه رود و پیش جنازه نرود و ظاهر اکثر احادیث آن است که اگر جنازه مؤمن باشد پیش آن راه رفتن خوبست و در جنازه خلاف مذهب خوب نیست زیرا که ملائکه او را استقبال به عذاب می‌کنند و با جنازه سواره رفتن مکروه است و از

حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که جنازه‌ای را به بیند این

دعا را بخواند:

اللَّهُ أَكْبَرُ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَللَّهُمَّ زِدْنَا إِيمَانًا

خدا بزرگتر است، این است آنچه خدا و رسولش به ما وعده دادند و خدا و رسول راست گفتند خدایا بیفزای بر ایمان

وَ تَسْلِيمًا أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَ قَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ هَيْجَ مَلَكِي فِي

و تسلیم ما ستایش خدایی را که عزت دارد به قدرتش و مقهور کرد بندگان را به مرگ * * * * *

آسمان نماند مگر آنکه گریه کند از برای ترحم به او و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که در حال برداشتن جنازه این دعا را بخواند:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ

بنام خدا و به یاری خدا خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بیامرزد مردان و زنان

الْمُؤْمِنَاتِ وَ منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام هرگاه

با ایمان را * * * * *

جنازه‌ای را می‌دید می‌گفت: أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي مِنَ السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ * و

* * * ستایش خدایی را که قرار نداد مرا از زمره هلاک‌شدگان * * * * *

زنان را تشییع جنازه سنت نیست و بعضی گفته‌اند که جنازه را بسیار تند بردن مکروه است و مکروه است کسی را که به جنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل گفتن و نیز علامه مجلسی در حلیه فرموده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که بر جنازه‌ای نماز کند هفتاد هزار ملک بر او نماز کنند و گناهان گذشته‌اش آمرزیده شود پس اگر همراهی کند تا او را دفن کنند به هر قدمی که بردارد قیراطی از ثواب به او بدهند که قیراطی مانند کوه احد باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر مؤمنی بر جنازه‌ای نماز کند بهشت او را

واجب می‌شود مگر آنکه منافق یا عاق پدر و مادر باشد و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون مؤمنی بمیرد و در جنازه او چهل نفر از مؤمنان حاضر شوند و بگویند: اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلَّا خَيْرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنَّا یعنی خداوندا ما از او به غیر از نیکی چیزی نمی‌دانیم و تو داناتری به احوال او از ما چون این را بگویند حق تعالی فرماید که من شهادت شما را قبول کردم و آمرزیدم آن گناهانی را که می‌دانم و شما نمی‌دانید.

و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که اوّل چیزی که در عنوان نامه مؤمن می‌نویسند بعد از مرگش آن چیزی است که مردم در حق او می‌گویند اگر نیک می‌گویند نیک می‌نویسند و اگر بد می‌گویند بد می‌نویسند فقیر گوید که شیخ طوسی در مصباح متعجّد فرموده و مستحبّ است تریع جنازه یعنی بدوش بگیرد جانب کتف راست میّت را پس از آن بیاید بطرف پا بدوش بگذارد پای راست او را پس از آن پای چپ او را و بعد از آن کتف چپ او را حاصل آنکه چهار گوشه جنازه را به این ترتیب بر دوش کشد که تعبیر از آن بدوَرَحی کنند یعنی مثل سنگ آسیا گردیدن او باشد و چون جنازه را نزد قبر آورند اگر مرد است بگذارند او را بطرف پاهای قبر و بیاورند او را تائب قبر در سه دفعه و اگر جنازه زن است او را بگذارند طرف پیش قبر که جانب قبله است پس داخل در قبر شود ولیّ میّت یا کسی که امر کند و نازل شود در قبر از طرف پای قبر که آن باب قبر است و چون نازل شد بگوید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَلَا تَجْعَلْهَا حُفْرَةً مِنْ حُفْرِ النَّارِ

خدایا قرار ده آنرا باغی از باغهای بهشت و قرارش مده گودالی از گودالهای دوزخ

و سزاوار است که شخص نازل سر برهنه و پابرهنه باشد با بندهای گشاده پس

بگیرد میت را و از سر او داخل در قبر کند و بگوید در آن حال:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ اَللَّهُمَّ اِيْمَانًا بِكَ وَ

بنام خدا و به یاری خدا و در راه خدا و بر کیش رسول خدا، خدایا ایمان دارم به تو و

تَصَدِيقًا بِكِتَابِكَ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ اَللَّهُمَّ

تصدیق دارم کتابت راه، این است آنچه خدا و رسولش به ما وعده داده‌اند و آنها راست گفتند خدایا

زِدْنَا اِيْمَانًا وَ تَسْلِيمًا پَسِ بَخْوَابَانِدِ اُو رَا بِرِ جَانِبِ رَاسْتِ وَ رُوِي اُو رَا بِه قَبْلِه

بر ایمان و تسلیم ما بفرما * * * * *

کند و بگشاید بندهای کفن را از جانب سر و پای او و بگذارد صورت میت را

بر خاک و مستحب است که بگذارد با او چیزی از تربت امام حسین علیه السلام

پس بچیند بر او خشت و بگوید آن کسی که می‌چیند خشت را:

اَللَّهُمَّ صَلِّ وَ حَذِّتْهُ وَ اَنَسْ وَ حَشَّتْهُ وَ اَرَحَمْ غُرْبَتَهُ وَ اَسْكِنْ

* * * * * خدایا از تنهایی برهانش و به وحشتش انس ده و بر بی‌کسبش رحم کن و همراه

اِيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَ اَحْشُرْهُ مَعِ مَنْ

او کن از رحمتت بدان مقدار که بی‌نیازی جوید بدان از رحمت دیگران و محشورش کن با هر که

كَانَ يَتَوَلَّاهُ [مِنَ الْاِيْمَةِ الطَّاهِرِيْنَ] * وَ مُسْتَحَبَّ اسْتِ كِه تَلْقِيْنِ كَرْدِه شُوْد مِيْتِ

دوست دارد از امامان پاکیزه * * * * *

به شهادتین و اسماء ائمه علیهم السلام وقت گذاشتن در قبر پیش از چیدن خشت بر او پس می گوید تلقین کننده: یا فُلانَ بَنَ فُلانٍ (و به جای این اسم می برد آن میّت و پدر او را)

أُذْكَرِ الْعَهْدَ الَّذِي خَرَجْتَ عَلَيْهِ مِنْ دَارِ الدُّنْيَا شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ

یادآر پیمانی را که بر آن از خانه دنیا رفتی یعنی گواهی به اینکه نیست معبودی جز خدای یگانه

لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَ رَسُولَهُ وَ أَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ

که شریک ندارد و اینکه محمد بنده و رسول او است و علی امیرمؤمنان است و حسن

وَ الْحُسَيْنَ وَ ذَكَرَ كُنْدِ ائِمَّةِ رَا يَكُ بِيَكُ تَا آخِرِ ائِمَّتِكَ ائِمَّةُ الْهُدَى الْأَبْرَارِ

و حسین * * * * * امامان توآند، پیشوایان راهنمای نیکوکار * * * * *

پس وقتی که فارغ شد از چیدن خشت بریزد خاک بر او و مستحب است که خاک بریزند کسانی که حاضر شده اند با پشت دستهای خودشان و بگویند در

آن حال:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ

ما از آن خداییم و بسویش بازگردیم این است آنچه خدا و رسولش به ما وعده دادند و راست گفتند خدا و رسول

اَللّهُمَّ زِدْنَا اِيْمَانًا وَ تَسْلِيْمًا پَس چُون اراده كند بيرون آمدن از قبر را بيرون بيايد

خدایا بر ایمان و تسلیم ما بیفز * * * * *

از طرف پاهای میّت پس پر کند قبر را و بلند کند از زمین بقدر چهار انگشت و نریزد در قبر غیر از خاک قبر و گذارده شود نزد سر او خشتی یا لوحی پس بریزد آب بر قبر و ابتداء کند به ریختن آب از جانب سر پس دور داده شود آب ریختن بر چهار طرف قبر تا برگردد نزد سر آنجائی که اول شروع کرده است به آب ریختن پس اگر از آن آب چیزی زیاد بیاید بریزد بر وسط قبر پس وقتی

که پوشانید قبر را بگذارد دست خود را بر قبر هر کسی که می خواهد و بگشاید انگشتان خود را و فرو ببرد در خاک قبر و دعا کند برای میّت پس بگوید:

اَللّٰهُمَّ اِنْسٍ وَحَشْتَهُ وَاَرْحَمَ غُرْبَتَهُ وَاَسْكِنْ رَوْعَتَهُ وَصِلْ وَحَدَتَهُ وَاَسْكِنْ

خدا یا انس ده به وحشت او و رحم کن بر بی کسی او و فرو نشان اضطرابش را و از تنهایی برهانش و

اِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَاَحْشُرُهُ مَعَ مَنْ

همدم او کن از رحمت خودت به مقداری که بی نیازی جوید بدان از رحمت دیگران و محسورش کن با هر که

كَانَ يَتَوَلَّاهُ پس وقتی که برگشتند مردم از نزد قبر تأخیر بیدازد برگشتن خود

دوستش دارد * * * * *

را کسی که سزاوارتر است به آن میّت و مهربانی کند به او و بگوید به صدای

بلند اگر مقام تقیّه نباشد یا فُلَانُ بِنَ فُلَانٍ (اسم میّت و پدر او را ببرد) اَللّٰهُ رَبُّكَ

ای فلان پسر فلان * * * * * خدا پروردگار تو است و محمد پیامبرت و قرآن کتابت

وَمُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ وَالْقُرْآنُ كِتَابُكَ وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتُكَ وَ عَلِيٌّ اِمَامُكَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ

(و نام ببرد ائمه را یک یک)

و کعبه قبلهات و علی امام تو است و حسن و حسین * * * * * امامان تو آند امامان

اِئِمَّتُكَ اَئِمَّةُ الْهُدَى الْاَبْرَارِ مؤلف گوید که غیر از وقت احتضار از برای میّت دو

راهنمای نیکوکار * * * * *

جا تلقین مستحبّ است یکی وقتی که او را در قبر گذارند و بهتر آن است که

بدست راست دوش راست او را و بدست چپ دوش چپ او را بگیرند و او را

حرکت دهند و تلقین کنند و دیگر وقتی که او را دفن کردند سنت است که ولیّ

میّت یعنی اقرب خویشان او بعد از آنکه مردم از سر قبر او برگردند نزد سر

میّت بنشینند و به صدای بلند او را تلقین کند و خوب است که دو کف دست را

روی قبر گذارد و دهان را نزدیک قبر برد و اگر دیگری را نائب کند نیز خوب است و در اخبار وارد شده است که چون این تلقین را بکنند منکر به نکیر می گوید بیا برویم تلقین حجتش کردند احتیاج به پرسیدن نیست پس برمی گردند و سؤال نمی کنند علامه مجلسی علیه الرحمه فرموده و تلقین کننده به این نحو بگوید جامع تر است:

إِسْمَعِ إِفْهَمُ يَا فُلَانُ بِنَ فُلَانٍ (و نام او و پدرش را بگوید) هَلْ أَنْتَ عَلَيَّ الْعَهْدُ

بشنو و بفهم ای فلان پسر فلان * * * * * آیا تو بر آن پیمانی که

الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا

از ما جدا شدی هستی که عبارت بود از گواهی دادن به اینکه نیست معبودی جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و اینکه

محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ خَاتَمُ الْمُرْسَلِينَ وَ أَنْ

صلی الله علیه و آله بنده و رسول او و آقای پیمبران و خاتم رسولان است و اینکه

عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ إِمَامٌ أَفْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ عَلَيَّ

علی امیرمؤمنان و آقای اوصیاء است و آن امامی است که خداوند پیرویش را به

الْعَالَمِينَ وَ أَنْ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ

جهانیان واجب فرموده و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و

جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ

جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی

بْنَ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أئِمَّةً

بن محمد و حسن بن علی و حضرت قائم حجت مهدی - دروذهای خدا بر همگیشان باد - که پیشوایان

الْمُؤْمِنِينَ وَ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَيَّ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَ أئِمَّةً هُدَى أَبْرَارًا يَا فُلَانُ

مؤمنان و حجت‌های خدا بر همه آفریدگانند و امامان توأند امامان هدایت و نیکوکار

بْنِ فُلَانٍ إِذَا آتَاكَ الْمَلَكَانِ الْمُقْرَبَانِ رَسُولَيْنِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ

ای فلانی هنگامی که آن دو فرشته مقرب که فرستادگان خدای تبارک و تعالی هستند به زودت آمدند و

سَلَاكَ عَنْ رَبِّكَ وَ عَنْ نَبِيِّكَ وَ عَنْ دِينِكَ وَ عَنْ كِتَابِكَ وَ عَنْ قِبْلَتِكَ وَ عَنْ

از تو از پروردگارت و از پیامبرت و از دینت و از کتابت و از قبلهات و از امامان تو

أَمَّتِكَ فَلَا تَخَفْ وَقُلْ فِي جَوَابِهِمَا اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّي وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ

پرسیدند نترس و در پاسخشان بگو خدا جل جلاله پروردگار من است و محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَبِيِّي وَالْإِسْلَامُ دِينِي وَ الْقُرْآنُ كِتَابِي وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتِي وَ

علیه و آله پیامبرم می باشد و اسلام دین من است و قرآن کتاب من و کعبه قبله من و

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِمَامِي وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى إِمَامِي وَ

امیرمؤمنان علی بن ابیطالب امام من است و حسن بن علی مجتبی امام من است و

الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّهِيدُ بَكْرُبَلَاءِ إِمَامِي وَ عَلِيُّ بْنُ زَيْنِ الْعَابِدِينَ إِمَامِي وَ

حسین بن علی که در کربلا شهید شد امام من است و علی زین العابدین امام من است و

مُحَمَّدٌ بَاقِرُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ إِمَامِي وَ جَعْفَرُ الصَّادِقُ إِمَامِي وَ مُوسَى الْكَاطِمُ

محمد شکافنده علم پیامبران امام من است و حضرت جعفر صادق امام من است و موسی کاظم

إِمَامِي وَ عَلِيُّ الرِّضَا إِمَامِي وَ مُحَمَّدُ الْجَوَادُ إِمَامِي وَ عَلِيُّ الْهَادِي إِمَامِي وَ

امام من است و علی الرضا امام من است و محمد جواد امام من است و علی الهادی امام من است و

الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ إِمَامِي وَ الْحُجَّةُ الْمُنتَظَرُ إِمَامِي هُوَ لَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

حسن العسکری امام من است و حضرت حجت منتظر امام من است اینان که درودهای خدا بر

أَجْمَعِينَ أَمَّتِي وَ سَادَتِي وَ قَادَتِي وَ شُفَعَائِي بِهِمْ أَتَوَلَّى وَ مِنْ

همگیشان باد امامان و آقایان و رهبران و شفیعیان منند که بدیشان دوستی و رزم و از

أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّءُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ثُمَّ أَعْلَمُ يَا فُلَانُ بَنَ فُلَانٍ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ

دشمنانشان بیزاری جویم در دنیا و آخرت، وانگه بدان ای فلان پسر فلان که براستی خدای تبارک و

تَعَالَى نِعْمَ الرَّبُّ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نِعْمَ الرَّسُولُ وَ أَنَّ أَمِيرَ

تعالی خوب پروردگاری است و محمد صلی الله علیه وآله نیکو رسولی است و امیر

الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَأَوْلَادِهِ الْأَيْمَةَ الْأَحَدَ عَشَرَ نِعْمَ الْأَيْمَةُ وَأَنَّ مَا

مؤمنان علی بن ابیطالب و فرزندان امامهای یازده گانه نیکو امامانی هستند و براستی هر چه را

جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَقٌّ وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ سَوْأَلَ مُنْكَرًا وَ

محمد صلی الله علیه وآله آورده است همگی حق است و مرگ حق است و سؤال نیکبر و

نَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَالْبُعْثَ حَقٌّ وَالشُّورَ حَقٌّ وَالصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ

منکر در قبر حق است و برانگیخته شدن حق است و دوباره زنده شدن حق است و صراط حق است و میزان حق است

وَ تَطَائُرَ الْكُتُبِ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ

و پراکنده شدن نامه های اعمال بر مردم حق است و بهشت حق است و دوزخ حق است و قیامت آمدنی است که شکی

أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ پَسِ بگوید أَفْهِمْتُ يَا فُلَانُ در حدیث است که میّت

در آن نیست و خدا برانگیزد هر که در گور است * * * * * آیا فهمیدی فلانی * * * * *

در جواب می گوید بلی فهمیدم پس بگوید: تَبَّتْكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ هَذَا اللَّهُ

* * * * * خدایت پابرجا بدارد به گفته پایدار و هدایت کند خدا

إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ عَرَّفَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَوْلِيَائِكَ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ پَسِ

به راه راست، آشنایی برقرار کند خدا میان تو و دوستانش در جایگاه رحمتش * *

بگوید: اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضِ عَنِ جَنْبِيهِ وَأَصْعِدْ بَرُوحِي إِلَيْكَ وَكَلِّهِ مِنْكَ بُرْهَانًا

* * * * * خدایا دور کن زمین را از پهلوهایش و بالا ببر روح او را بسوی خود و تلقین کن به او از نزد خود برهانی،

اللَّهُمَّ عَفُوكَ عَفُوكَ

خدایا گذشتت گذشتت...

به کلمه شریفه عفو ختم کردم این رساله را رجاء واثق که عفو الهی شامل گردد

حال این روسیاه و کسانی که به این رساله (عمل می نمایند) و کان ذلک فی

آخر یوم الجمعة التاسع عشر من شهر محرم الحرام سنة ۱۳۴۵ الف و ثلثمائة و خمس

و اربعین فی جوار امامنا المسموم مولینا الغریب المظلوم ابی الحسن علی بن

موسی الرضا علیه و علی آباءه السّلام من الحیّ القیوم والحمد لله اولاً و آخراً و
صَلَّى اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ کتبه بيميناه الوازرة عباس بن محمد رضا القمي عفی
عنهما.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چند دعای مُوجز و عَوَذهای مختصره از کتاب بحار

ذکر چند دعای مُوجز و عَوَذهای مختصره که نقل شده از کتاب بحار
و ملحق شده به کتاب باقیات صالحات اول از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
منقول است که مردی را دید که می خواند از روی دفتری دعای طولانی
حضرت فرمود ای مرد آن خدائی که می شنود کثیر را جواب می دهد از قلیل آن
شخص عرض کرد ای مولای من می فرمائی چه کنم فرمود بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَي كُلِّ نِعْمَةٍ وَأَسْأَلُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ وَ

ستایش خدای را بر هر نعمتی و از او خواهم هر خیری را و پناه برم به خدا از هر شری و

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ *

آمرزش خواهم از خدا از هر گناهی

دوّم دعائی است که حضرت صادق علیه السلام تعلیم

فرمود آن را به بعضی از اصحاب خود که برای دفع هول و غم بخواند:

أَعَدَدْتُ لِكُلِّ عَظِيمَةٍ

آماده کرده ام برای هر پیش آمد بزرگی «لا اله الا

لا اله الا الله و لكل هم و غم لا حول و لا قوة الا بالله محمد النور الاول و علی

اللَّهُ» را و برای هر غم و اندوهی «لا حول ولا قوة الا بالله» محمد نور نخستین است و علی نور النور الثانی و الأئمة الأبرار عُدَّةٌ للقاءِ اللَّهِ وَ حِجَابٌ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ دُوم و امامان نیکوکار ذخیره‌ای برای دیدار خدا و پرده‌ای از دشمنان خدایند خوار است هر چیز

لِعِظْمَةِ اللَّهِ وَ اسْتَلُّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْكِفَايَةَ

در برابر عظمت خدا و از خدای عزوجل کفایت کارم را خواهانم *

* سیم دعائی است برای رفع بیماریها و ناخوشیها سید بن طاوس (ره) فرموده

که ما تجربه کردیم آن را می نویسی در رقعهای:

يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ يَا مَنْ يَجْعَلُ الشِّفَاءَ فِيمَا يَشَاءُ مِنَ الْأَشْيَاءِ صَلِّ

ای که نامش دوا و ذکرش شفا است ای که بنهد شفا را در هر چیزی که خواهد درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ شِفَائِي مِنْ هَذَا الدَّاءِ فِي اسْمِكَ هَذَا

بر محمد و آل محمد و بنه شفای مرا از این درد در این نامت *

پس می نویسی ده مرتبه یا اللَّهُ ده مرتبه یا رَبُّ ده مرتبه یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ چهارم برای بَثْر یعنی آبله ریزی که بر اندام برآید از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که چون احساس کردی به آن بگذار انگشت سبّابه را بر آن و بگردان دَوْرِ آن و بگو هفت مرتبه لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ و دفعه هفتم بچسبان انگشت سبّابه را بر روی آن و فشار بده آن را پنجم روایت شده که برای خنازیر مکرر بگوئید یا رَوْفُ یا رَحِيمُ یا رَبُّ یا سَيِّدِي ششم از برای درد کمر روایت شده که دست بگذار بر موضعی که درد می کند و سه دفع بخواند:

وَ مَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَ مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا

هیچ کس نخواهد مُرد جز به اذن خدا سرنوشتی است ملت دار و هر که پاداش دنیا را خواهد از آتش دهیم

نُوتِهِ مِنْهَا وَ مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُوتِهِ مِنْهَا وَ سَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ پس هفت

و هر که پاداش آخرت خواهد از آتش دهمیم و سپاسگزاران را پاداش دهمیم * * *

مرتبه إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بِخَوَانِدِ انْشَاءِ اللَّهِ عَافِيَتِ يَابِد.

هفتم برای درد ناف روایت شده که دست بگذار بر موضع درد و بگو سه مرتبه:

وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ

براستی آن کتابی است عزیز که باطل بر او راه نیابد نه از جلوش و نه از پشت سرش نازل شده از طرف

حَكِيمٍ حَمِيدٍ عَافِيَتِ يَابِي انْشَاءِ اللَّهِ

حکیمی ستوده * * * * *

هشتم تعویذی است برای هر درد مروی از حضرت رضاعلیه السلام:

أَعِيذُ نَفْسِي بِرَبِّ الْأَرْضِ وَرَبِّ السَّمَاءِ أَعِيذُ نَفْسِي

پناه دهم خودم را به پروردگار زمین و پروردگار آسمان پناه دهم خودم را به آنکس که زیان نزند

بِالَّذِي لَا يَضُرُّهُ مَعَ إِسْمِهِ دَاءٌ أَعِيذُ نَفْسِي بِالَّذِي اسْمُهُ بَرَكَهٌ وَشِفَاءٌ * *

با نام او دردی پناه دهم خودم را به آن کس که نامش برکت و شفاء است * * * * *

نهم برای درد خاصره یعنی تهیگاه روایت شده که چون فارغ شدی از نماز

بگذار دست خود را بر موضع سجود خود پس بکش بر روی خاصره و بخوان

آخر سوره قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ رَا أَفْحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا تَا آخِرِ سُوْرَةِ مَبَارَكَةِ

دهم برای درد شکم و قولنج و نحو آن می خوانی بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَذَا

النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا تَا آخِرِ آيَةِ پَسِ مِی خَوَانِی سُوْرَةِ حَمْدِ رَا هَفْتِ مَرْتَبَةِ وِ اَیْنِ

مَجْرَبِ اسْتِ یَا زِدْ هَمِ دَعَایِ شَخْصِ مَهْمُومِ وِ اَنِ کَسِی کِه بَلِیَّهْ بِهْ اُو رَسِیْدَهْ وِ

چاره اش قطع گشته در شب جمعه چون از نماز عشاء فارغ شود بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا

أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ دوازدهم دعای حضرت موسی بن

جعفر علیهما السلام به جهت خلاصی از زندان:

يَا مُخَلِّصَ الشَّجَرِ مِنْ بَيْنِ رَمَلٍ وَ طِينٍ وَ مَاءٍ وَ يَا مُخَلِّصَ اللَّبَنِ مِنْ بَيْنِ قَرْتٍ

ای برون آورنده درخت از میان ریگ و گل و آب و ای برون آورنده شیر از میان سرگین

وَ دَمٍ وَ يَا مُخَلِّصَ الْوَلَدِ مِنْ بَيْنِ مَشِيمَةٍ وَ رَحِمٍ وَ يَا مُخَلِّصَ النَّارِ مِنْ بَيْنِ

و خون و ای برون آورنده بچه از میان پرده و بچه‌دان و ای برون آورنده آتش از میان

الْحَدِيدِ وَ الْحَجَرِ وَ يَا مُخَلِّصَ الرُّوحِ مِنْ بَيْنِ الْأَحْشَاءِ وَ الْأَمْعَاءِ خَلِّصْنِي مِنْ

آهن و سنگ و ای برون آورنده جان از میان احشاء و روده‌ها نجاتم ده از

يَدَيِّ هَارُونَ بِه جَای اسم هارون اسم آن ظالمی را ببرد که او را در زندان کرده

***** دست هارون *****

روایت شده که چون حضرت در حبس هارون این دعا را خواند بعد از آنکه شب

درآمد وضو تازه کرد و چهار رکعت نماز گذاشت هارون خواب هولناکی دید

بترسید امر کرد تا آن حضرت را از زندان رها کردند

دعاء فرج

سيزدهم دعاء فرج: اَللّهُمَّ اِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ اَخْلَقْتَ وَجْهِي عِنْدَكَ

***** خدایا اگر چه گناهانم مرا در پیش تو

فَانِّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ عَلَيَّ وَ

بی‌آبرو کرده ولی من روکنم بدرگاہت بوسیله پیامبرت پیامبر رحمت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وعلی‌و

فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْاَئِمَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ بدانکه ادعیه فرج بسیار

***** فاطمه و حسن و حسین و امامان دیگر علیهم‌السلام *****

است و از ادعیه فرج است دعای الهی طُمُوحُ الْأَمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَيْكَ الْخِ و
این دعا در مفاتیح در اعمال شب جمعه ذکر شد چهاردهم دعای شریفی که در
نماز وتر خوانده می شود علّامه مجلسی قدس سره در بحار آن را از کتاب اختیار
نقل نموده فرموده می کشی دست خود را به جانب آسمان و می گوئی:

إِلَهِي كَيْفَ أَصْدُرُ عَنْ بَابِكَ بِخَبِيئَةِ مِنْكَ وَقَدْ قَصَدْتُهُ عَلَى ثِقَةٍ بِكَ إِلَهِي كَيْفَ

خدایا چگونه بازگردم از درگاهت به نومیدی با اینکه از روی اطمینان به تو آهنگت کردم خدایا چگونه

تو یسئنی مِنْ عَطَائِكَ وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِدُعَائِكَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

مأیوسم کنی از عطای خود با اینکه تو خود دستور دعایم دادی درود فرست بر محمد و آل محمد

وَارْحَمْنِي إِذَا اشْتَدَّ الْأَمْنُ وَ حَظِرَ عَلَيَّ الْعَمَلُ وَ انْقَطَعَ مِنِّي الْأَمَلُ وَ أَفْضَيْتُ

و رحم کن بر من آنگاه که سخت شد ناله‌ام و کاری از دستم ساخته نیست و آرزویم بریده شده و به حال مرگ

إِلَى الْمُنُونِ وَ بَكَتْ عَلَيَّ الْعُيُونُ وَ وَدَّعَنِي الْأَهْلُ وَالْأَحْبَابُ وَ حَثِي عَلَيَّ

درافتاده‌ام و بگریند بر من چشمها و خداحافظی کنند با من خاندان و دوستانم و

الْتِرَابُ وَ نَسِيَّ اسْمِي وَ بَلِيَّ جِسْمِي وَ انْطَمَسَ ذِكْرِي وَ هَجَرَ قَبْرِي فَلَمْ

خاک روی من بریزند و نامم فراموش شود و تنم پوسیده شود و از یادم ببرند و گورم را ترک کنند و دیگر

يَزُرُّنِي زَائِرٌ وَ لَمْ يَذْكُرْنِي ذَاكِرٌ وَ ظَهَرَتْ مِنِّي الْمَائِمَةُ وَ اسْتَوَلَّتْ عَلَيَّ

کسی به دیدنم نیاید و کسی یادم نکند و گناهان من آشکار گردد و مظلومه‌ها بر من مستولی گردد

الْمُظَالِمُ وَ طَالَتْ شِكَايَةُ الْخُصُومِ وَ اتَّصَلَتْ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيَّ

و بسیار گردد شکایت طرفهای دعوا و پیوست شود نفرین مظلومان (در آن هنگام) درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَرْضِ خُصُومِي عَنِّي بِفَضْلِكَ وَ إِحْسَانِكَ وَ جُدْ عَلَيَّ

محمد و آل محمد و راضی کن طرفهای دعوا را از من به فضل و احسانت و ببخش بر من به

بِعَفْوِكَ وَ رِضْوَانِكَ إِلَهِي ذَهَبَتْ أَيَّامٌ لَدَاتِي وَ بَقِيَتْ مَائِمِي وَ تَبِعَاتِي وَقَدْ

گذشت و خوشنودیت خدایا روزهای خوشی و لذت گذشت و به جا ماند گناهان و مسئولیت‌م و اکنون

أَتَيْتُكَ مُنِيئاً تَائِباً فَلَا تُرَدَّنِي مَحْرُوماً وَ لَا خَائِباً اللَّهُمَّ آمِنْ رَوْعَتِي وَ اغْفِرْ

بدرگاهت آمده‌ام بازگرد و توبه‌کننده پس بازم مگردان محروم و نومید خدایا به هراسم آرامش ده و لغزشم را بپامرز

زَلَّتِي وَ تَبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ *

و توبه‌ام را بپذیر که تویی توبه‌پذیر مهربان

پانزدهم دعاء حزین دعائی است شریف بعد از نماز شب خوانده می‌شود و آن

دعاء مطابق آنچه در مصباح متهدّد است این است:

أَنَا جِيكَ يَا مَوْجُوداً فِي كُلِّ مَكَانٍ لَعَلَّكَ تَسْمَعُ بِدَائِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي

* راز گویم با تو ای که هستی در هر جا و مکان تا شاید فریادم را بشنوی چونکه جرم و گناهم بزرگ

وَ قَلَّ حَيَاتِي يَا مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَيُّ الْأَهْوَالِ أَتَذَكَّرُ وَ أَيُّهَا أَنْسَى وَ لَوْلَمْ يَكُنْ

و شرمم کم است مولایم ای مولایم کدامیک از هراسهایم را یادآوری کنم و کدامیک را فراموش کنم و اگر نباشد

إِلَّا الْمَوْتُ لَكُنْفَى كَيْفَ وَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ أَعْظَمُ وَ أَذْهَى مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ حَتَّى

جز همان مرگ تنها مرا بس است چسان! با اینکه جهان پس از مرگ بزرگتر و سخت‌تر است مولای من ای مولایم تا چه

مَتِي وَ إِلَى مَتِي أَقُولُ لَكَ الْعُتْبَى مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى ثُمَّ لَا تَجِدُ عِنْدِي صِدْقاً وَ لَا

وقت و تا کی بگویم که (من گنهکارم و) تو حق بازخواستم داری نه یک بار بلکه بارها ولی باز هم تو راستی و

وَفَاءً فَيَاغُوْثَاهُ ثُمَّ وَ اغُوْثَاهُ بَكَ يَا اللَّهُ مِنْ هَوَى قَدْ غَلَبَنِي وَ مِنْ عَدُوٍّ قَدْ

وفا از من نبینی، پس ای فریاد و باز هم ای فریاد به درگاه تو خدایا از هوای نفسی که بر من چیره گشته و از دشمنی که

اسْتَكَلَبَ عَلَيَّ وَ مِنْ دُنْيَا قَدْ تَزَيَّنْتُ لِي وَ مِنْ نَفْسٍ أَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ

بر من حمله‌ور شده و از دنیایی که خود را برابم آراسته و از نفس فرمانده به بدی جز آنکه پروردگارم رحم کند

رَبِّي مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ إِنْ كُنْتُ رَحِمْتَ مِثْلِي فَارْحَمْنِي وَ إِنْ كُنْتُ قَبِلْتَ

مولای من ای مولایم اگر به کسی چون من رحم کرده‌ای پس به من نیز رحم کن و اگر کسی را مانند من پذیرفته‌ای

مِثْلِي فَاقْبَلْنِي يَا قَابِلَ السَّحَرَةِ اقْبَلْنِي يَا مَنْ لَمْ أَزَلْ أَتَعَرَّفُ مِنْهُ الْحُسْنَى يَا

مرا هم بپذیر ای پذیرنده ساحران (فرعون) مرا هم بپذیر ای که تا بوده از او نیکی دیده‌ام ای

مَنْ يُغَذِّيْنِي بِالنِّعَمِ صَبَاحاً وَ مَسَاءً ارْحَمْنِي يَوْمَ أَتِيكَ فَرْداً شَاخِصاً إِلَيْكَ

که غذایم دادی به نعمتهای خود در هر صبح و شام رحم کن به من روزی که به نزدت آیم تنها در حالی که بلند کرده‌ام
بَصْرِي مُقَدِّدًا عَمَلِي قَدْ تَبَرَّءُ جَمِيعُ الْخَلْقِ مِنِّي نَعَمَ وَ أَبِي وَ أُمِّي وَ مَنْ كَانَ لَهُ
بدرگاهت دیده‌ام را و نامه عملم به گردنم افتاده و همه مردم از من بیزار می‌جویند حتی پدر و مادرم و حتی کسی که رنج

و

كَذِي وَ سَعْيِي فَإِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي فَمَنْ يَرْحَمُنِي وَ مَنْ يُؤْنِسُ فِي الْقَبْرِ وَ حَشْتِي
تلاشم برای او بوده پس اگر تو نیز به من رحم نکنی پس چه کسی به من رحم کند و کیست که مونس وحشت قبرم
باشد

وَ مَنْ يُنْطِقُ لِسَانِي إِذَا خَلَوْتُ بِعَمَلِي وَ سَأَلْتَنِي عَمَّا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَإِنْ
و کیست که زبانم را گویا کند آنگاه که با عملم خلوت کنم و بپرسی از من آنچه تو بدان داناتری از خودم پس اگر
قُلْتَ نَعَمَ فَإِنَّ الْمَهْرَبُ مِنْ عَدْلِكَ وَ إِنْ قُلْتَ لَمْ أَفْعَلْ قُلْتَ أَلَمْ أَكُنِ الشَّاهِدَ
بگویم آری کجا از عدل تو گریزگاهی است و اگر بگویم نکردم جواب دهی آیا من گواه تو نیستم

عَلَيْكَ فَعَفُوكَ عَفُوكَ يَا مَوْلَايَ قَبْلَ سَرَابِيلِ الْقَطْرَانِ عَفُوكَ عَفُوكَ يَا مَوْلَايَ
پس گذشتت را گذشتت را خواهانم ای مولایم پیش از پوشیدن پیراهن آتش‌زا گذشتت گذشتت را خواهم ای مولای من
قَبْلَ جَهَنَّمَ وَ النَّيْرَانَ عَفُوكَ عَفُوكَ يَا مَوْلَايَ قَبْلَ أَنْ تُغَلَّ الْأَيْدِي إِلَى الْأَعْنَاقِ
پیش از گرفتار شدن جهنم و آتش سوزان گذشتت گذشتت را خواهم ای مولای من پیش از آنکه دستها به گردنها با
زنجیر بسته شود

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ خَيْرَ الْغَافِرِينَ *

ای مهربانترین مهربانان و بهترین آمرزندگان

شانزدهم روایت شده از ثقه جلیل عالم عابد عبدالله بن جندب که از بزرگان
اصحاب حضرت موسی و امام رضا علیهما السلام و وکیل ایشان می‌باشد آنکه
وقتی عریضه‌ای خدمت حضرت ابوالحسن یعنی امام موسی علیه السلام نوشت و
در آن عرض کرد که فدایت شوم من پیر شدم و ضعف و عجز پیدا کردم از
بسیاری از آنچه قوت داشتم بر آن و دوست دارم فدایت شوم که تعلیم فرمائی

مرا کلامی که مرا به خداوند تعالی نزدیک کند و فهم و علم مرا زیاد کند
 حضرت در جواب او، او را امر فرموده بود که بسیار بخواند این ذکر شریف را
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ هفدهم در حدیث
 قدسی است که ای محمد صلی الله علیه و آله بگو به کسانی که می خواهند
 تقرب بجویند بسوی من بدانید از روی یقین که این
 کلام افضل است از هر چیزی که تقرب می جویند به سبب آن به سوی من بعد از
 فرائض و آن کلام این است که می گوئی:

اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَمْ يُمْسِ اَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ اَنْتَ اِلَيْهِ اَحْسَنُ صَنِعًا

خدایا براستی کسی نیست از خلق تو که شام کرده باشد و رفتار تو با او بهتر

وَلَا لَهُ اَدْوَمُ كِرَامَةً وَلَا عَلَيْهِ اَبْنِنٌ فَضْلًا وَلَا بِهِ اَشَدُّ تَرْفُّقًا

و بزرگواری تو نسبت به او پاینده تر و فضل تو بر او آشکارتر و مدارا کردن تو با او

وَلَا عَلَيْهِ اَشَدُّ حِيَاظَةً وَلَا عَلَيْهِ اَشَدُّ تَعَطُّفًا مِنْكَ عَلَيَّ وَ اِنْ كَانَ جَمِيعُ

زیادتر و نگهداری تو بر او محکم تر و مهر تو بر او سخت تر از من باشد و اگر چه همه

الْمَخْلُوْقِيْنَ يَعِدُّ دُونَ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ تَعْدِيْدِي فَاشْهَدْ يَا كَافِيَ الشَّهَادَةِ بَائِي

مخلوقات بر شمردند نعمتهای تو را بر خود مانند شمردن من پس گواه باش ای که گواه بودن تو کافی است که من تو را

أَشْهَدُكَ بِنَيْتِهِ صِدْقٌ بَانَ لَكَ الْفَضْلُ وَالطَّوْلُ فِي اِنْعَامِكَ عَلَيَّ مَعَ قَلَّةِ شُكْرِي

گواه گیرم با نیتی صادقانه به اینکه تو را است برتری و داد و دهش در نعمت بخشیت بر من با سپاسگزاری اندک من

لَكَ فِيهَا يَا فَاعِلَ كُلِّ اِرَادَةٍ صَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ طَوْفَنِي اَمَانًا مِنْ حُلُوْلِ

برای تو در آنها ای بوجود آورنده هر اراده درود فرست بر محمد و آلش و بینداز در گردنم امان نامه ای از آمدن

السَّخَطِ لِقَلَّةِ الشُّكْرِ وَ اَوْجِبْ لِي زِيَادَةً مِنْ اِتْمَامِ النِّعْمَةِ بِسَعَةِ الْمَغْفِرَةِ

خشمتم برای کمی سپاسگزاریم و مقرر کن برایم بیش از پیش کامل کردن نعمت را به فراخی آمرزشتم

أَمْطِرُنِي خَيْرَكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَقَايِسْنِي بِسُوءِ سَرِيرَتِي

و بیار بر من باران خوبی و خیر خود را و درود فرست بر محمد و آلش و نسج مرا به بدی باطنم

وَأَمْتَحِنْ قَلْبِي لِرِضَاكَ وَاجْعَلْ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ فِي دِينِكَ لَكَ خَالِصًا وَلَا

و آزمایش کن دلم را برای خوشنودیت و بگردان آنچه را در دین تو بدان تقرب بدرگاهت جویم خالص و چنان کن که

آن به

تَجْعَلُهُ لِلزُّومِ شُبُهَةً أَوْ فَخْرًا أَوْ رِيَاءً يَا كَرِيمُ * فقیر گوید که این دعا از ادعیه سِرِّ

خاطر ملازمت شبهه یا به خود بالیدن یا خودنمایی نباشد ای کریم * * * * *

قُدسیّه است و آن سی و یک دعاء است که برای حوائج دنیا و آخرت است و

مشایخ آن را با اسانید متصله نقل کرده‌اند و بعضی از ادعیه آن در مصباح

متهجّد و مصباح کفعمی ذکر شده و هر که طالب تمام آن است رجوع کند به

کتاب بلدالأمین یا کتاب دعای بحار یا جواهر السنّیّه و ما در اینجا یک دعای

دیگر از آن نقل می‌کنیم هیجدهم و نیز در ادعیه سِرِّ است که هر که اراده کرده

که بیرون رود از اهل خود پی حاجتی یا سفری و دوست داشته باشد که او را

بر گردانم سالم با برآوردن حاجتش پس بگوید وقتی که بیرون می‌شود از

خانه‌اش:

بِسْمِ اللَّهِ مَخْرَجِي وَبِإِذْنِهِ خَرَجْتُ وَقَدْ عَلِمَ قَبْلَ أَنْ أَخْرُجَ خُرُوجِي وَقَدْ

بنام خداست بیرون آمدنم و به اذن او بیرون آمیم و او می‌دانست پیش از بیرون آمدنم خروجم را و

أَحْصَى عِلْمُهُ مَا فِي مَخْرَجِي وَ مَرَجِعِي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ الْأَكْبَرِ تَوَكَّلْ

علمش شماره کرده برون رفتن و بازگشتم را توکل کنم بر معبود اکبر توکل

مُفَوِّضٌ إِلَيْهِ أَمْرُهُ وَ مُسْتَعِينٌ بِهِ عَلَى شَأْنِهِ مُسْتَزِيدٌ مِنْ فَضْلِهِ مُبْرَأٌ نَفْسَهُ مِنْ

کسی که کارش را به او واگذارده و از او در کارهایش کمک گیرد و از فضلش زیاده خواهد و خود را

كُلِّ حَوْلٍ وَمِنْ كُلِّ قُوَّةٍ إِلَّا بِهِ خُرُوجَ ضَرِيرٍ خَرَجَ بَضْرَهُ إِلَى مَنْ يَكْشِفُهُ وَ

برکنار دارد از هر جنبش و نیرویی جز به او بیرون آمدن زیان رسیده‌ای که زبانش را بسوی کسی برده

خُرُوجَ فَقِيرٍ خَرَجَ بِقَفْرِهِ إِلَى مَنْ يَسُدُّهُ وَ خُرُوجَ عَائِلٍ خَرَجَ بِعَيْلَتِهِ إِلَى مَنْ

که آن را برطرف کند و نداری که نداریش را بدرگاه کسی برده که جلوش را بگیرد و عائله‌مندی که عائله‌اش را

يُغْنِيهَا وَ خُرُوجَ مَنْ رَبُّهُ أَكْبَرُ ثِقَتِهِ وَ أَعْظَمُ رَجَائِهِ وَ أَفْضَلُ أُمْنِيَّتِهِ اللَّهُ تَقْتَى

به نزد کسی برده که بی‌نیازش کند و خروج کسی که پروردگارش بزرگترین اعتماد و امید و برترین خواسته او است خدا

است

فِي جَمِيعِ أُمُورِي كُلِّهَا بِهِ فِيهَا جَمِيعاً أَسْتَعِينُ وَلَا شَيْءَ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ فِي

اعتمادم در همه کارهایم و به او در همه آنها کمک جویم و چیزی نیست جز آنچه خدا در

عَلِمَهُ أَسْأَلُ اللَّهَ خَيْرَ الْمَخْرَجِ وَالْمَدْخَلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ * نوزدهم

علمش خواسته از خدا خواهم خوبی در خروج و دخولم معبودی نیست جز او و بسوی او است بازگشت * *

در ذکر نماز و دعاء در شب زفاف

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون عروس را به نزد تو

بیاورند بگو که پیش از آن وضو بسازد و تو وضو بساز و دو رکعت نماز بکن

و بگو که او را نیز امر کنند که دو رکعت نماز بگذارد پس حمد الهی کن و

صلوات بر محمد و آل محمد بفرست پس دعا کن و امر کن آن زنان را که با

او آمده‌اند آمین بگویند و این دعا بخوان:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْفَهْمَ وَ وُدَّهَا وَ رِضَاهَا وَ أَرْضِنِي بِهَا وَ اجْمَعْ بَيْنَنَا بِأَحْسَنِ

خدایا روزیم کن الفت و دوستی و رضایش را و مرا از او راضی کن و گردآور میان ما به بهترین

اجتماع و انس ایتلاف فانک تحب الحلال و تکره الحرام و از حضرت

گردآوردن و مأنوسترین سازش که تو دوست داری حلال را و ناخوش داری حرام را * * * * *

صادق علیه السلام منقول است که چون در شب زفاف به نزد عروس بروی موی

پیشانی‌ش را بگیر و رو به قبله آور و بگو: **اللَّهُمَّ بِأَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحَلَلْتُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ**

*** ** * خدا یا به امانت تو او را گرفتم و به کلمات تو حلالش کردم پس اگر

لی منها ولدًا فاجعله مبارکاً تقيًا من شيعه آل محمد ولا تجعل للشيطان فيه

از او فرزندی نصیبم کردی او را مبارک و باتقوی و از شیعیان آل محمد قرار ده و برای شیطان در او

شِرْكَاً وَ لَانَصِيْباً *

شُرکت و نصیبی قرار مده *

دعای رَهْبَه

بیستم دعای رَهْبَه است روایت شده که حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام چون شب در محراب عبادت می ایستاد آن را می خواند و آن دعای پنجاهم صحیفه است و اینست:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا وَ رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا وَ رَزَقْتَنِي مَكْفِيًّا اللَّهُمَّ إِنِّي

*** ** * خدا یا تو مرا کامل آفریدی و در کودکی پروریدی و به حد کفایت روزیم دادی خدا یا من

وَجَدْتُ فِيهَا أَنزَلْتَ مِنِّي كِتَابَكَ وَ بَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ أَنْ قُلْتَ يَا عِبَادِي الَّذِينَ

در آیاتی که در قرآنت نازل کردی دیده‌ام که بندگان را مژده داده‌ای و فرمودی: «ای بندگان من که

أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا وَ

بر خود زیاده روی کرده‌اید نومید نشوید از رحمت خدا که خدا همه گناهان را می‌آمرزد» و

قَدْ تَقَدَّمَ مِنِّي مَا قَدْ عَلِمْتَ وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَيَا سَوْآتَاهُ مِمَّا أَحْصَاهُ عَلَيَّ

سرزد از من آنچه تو خود دانی و تو از من به آنها داناتری پس چه رسوائی است برای آنچه دفترت بر

كِتَابِكَ فَلَوْلَا الْمَوَاقِفُ الَّتِي أُؤْمِلُ مِنْ عَفْوِكَ الَّتِي شَمِلَ كُلَّ شَيْءٍ لَأَلْقَيْتَ

من ثبت کرده و اگر نباشد جایگاههایی که در آنها آرزوی گذشتت را دارم آن گذشتی که همه چیز را فراگیرد،

بِيَدِي وَ لَوْ أَنَّ أَحَدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَكُنْتُ أَنَا أَحَقُّ بِالْهَرَبِ مِنْكَ وَ

بدست خود هلاک شده بودم و اگر کسی می‌توانست از پروردگارش بگریزد من از همه سزاوارتر بودم و

أَنْتَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ إِلَّا آتَيْتَ بِهَا وَ كَفَى بِكَ

تویی که نه در زمین و نه در آسمان چیزی از تو پوشیده نماند مگر آنکه به باوری آنرا و کافی است که تو

جَازِيًا وَ كَفَى بِكَ حَسِيبًا اللَّهُمَّ إِنَّكَ طَالِبِي إِنْ أَنَا هَرَبْتُ وَ مُدْرِكِي إِنْ أَنَا

کیفر دهی و کافی است که تو حسابگر باشی خدایا تو احضارم کنی اگر بگریزم و تو دریابیم اگر

فَرَرْتُ فَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ رَاغِمٌ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَإِنِّي لَذَلِكَ أَهْلٌ وَ

فرار کنم و من اینک در برابر صورت خضوع و خواری و سربریزم اگر عذابم کنی سزاوارم و

هُوَ يَا رَبِّ مِنْكَ عَدْلٌ وَ إِنْ تَعَفُّ عَنِّي فَقَدِيمًا شَمَلْنِي عَفْوُكَ وَ الْبَسْتَنِي

به مقتضای عدل تو است و اگر بگذری از دیرزمانی گذشتت مرا فراگرفته و جامه عافیت بر من پوشانده‌ای

عَافَيْتَكَ فَاسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْرُوفِ مِنْ أَسْمَائِكَ وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ

از تو خواهم خدایا به نامهای مخزونت و بدرخشندگی در پردات که

بِهَائِكَ إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ وَ هَذِهِ الرَّمَّةَ الْهَلُوعَةَ الَّتِي

رحم کنی بر این تن بی‌تاب و این اسکلت ناشکیبا که طاقت حرارت آفتاب را

لَا تَسْتَطِيعُ حَرًّا شَمْسِيكَ فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ حَرَّ نَارِكَ وَ الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ صَوْتَ

ندارد چسان تاب حرارت دوزخ دارد در صورتی که تاب غرُش

رَعْدِكَ فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ غَضَبَكَ فَارْحَمْنِي اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَمْرٌ حَقِيرٌ وَ خَطَرِي

رعد (آسمان) را ندارد چسان تاب تحمل خشم تو را دارد پس رحم کن به من خدایا که من شخصی بی‌مقدار و

بی‌ارزشم

يَسِيرٌ وَ لَيْسَ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَ لَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا

و چنان نیست که عذاب کردن من به قدر مثقال ذره‌ای در فرمانرواییت

يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ وَ أَحْبَبْتُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ لَكَ وَ لَكِنْ

ببغزاید و اگر چنین بود که می‌افزود در فرمانرواییت من از تو شکیبایی بر آن را درخواست می‌کردم و دوست داشتم

که فرمانرواییت افزوده

سُلْطَانِكَ اَللّٰهُمَّ اَعْظَمُ وَ مُلْكِكَ اَدْوَمُ مِنْ اَنْ تَزِيْدَ فِيْهِ طَاعَةَ الْمُطِيعِيْنَ اَوْ

گردد ولی سلطنت تو خدایا بزرگتر و فرمانرواییت پابنده‌تر از آن است که ببغزاید در آن فرمانبرداری فرمانبران یا

تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْمُذْنِبِيْنَ فَارْحَمْنِيْ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَ تَجَاوِزْ عَنِّيْ يَا

بکاهد از آن نافرمانی گنهکاران پس به من رحم کن ای مهربانترین مهربانان و در گذر از من ای

ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَ تَبَّ عَلَيَّ اَنْكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ

دارای جلال و بزرگواری و توبه‌ام بپذیر که تویی توبه‌پذیر مهربان

ملحقات دویم باقیات صالحات

دعاء حضرت سجّاد علیه السلام وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ التَّوْبَةِ وَ

طَلَبِهَا:

اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ نَعْتُ الْوَاصِفِيْنَ وَ يَا مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ رَجَاءُ الرَّاجِيْنَ وَ يَا

خدایا ای که وصفش نکند توصیف وصف‌کنندگان و ای که از او نگذرد امید امیدواران و ای

مَنْ لَا يَضِيْعُ لَدَيْهِ اَجْرُ الْمُحْسِنِيْنَ وَ يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى خَوْفِ الْعَابِدِيْنَ وَ يَا مَنْ

که تباہ نشود در نزدش مزد نیکوکاران و ای که او است سرحد نهایی ترس عبادت‌کنندگان و ای که

هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِيْنَ هَذَا مَقَامٌ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ اَيْدِي الدُّنُوْبِ وَ قَادَتْهُ اَزْمَةٌ

او است غایت بیم پرهیزکاران این است جایگاه کسی که دست بدستش داده‌اند دستهای گناهان و کشنده‌اند او را

مهارهای

الْخَطَايَا وَ اسْتَحُوذَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ فَقَصَرَ عَمَّا اَمَرَتْ بِهِ تَفْرِيطًا وَ تَعَاطَى مَا

خطاها و چیره شده بر او شیطان و بدین سبب کوتاهی کرده از دستوراتت از روی کاهلی و دست زده بدانچه

نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْرِيراً كَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ اَوْ كَالْمُنْكَرِ فَضَّلَ اِحْسَانِكَ اِلَيْهِ

نهی کردی از غرور چون کسی که خیر ندارد از قدرتی که تو بر او داری یا مانند کسی که منکر فزونی احسان تو بر خود

است

حَتَّىٰ إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بُصْرُ الْهُدَىٰ وَ تَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَابِ الْعَمَىٰ أَحْصَىٰ مَا

تا چون چشم بصیرتش گشوده شد و ابرهای گمراهیش برطرف شد

ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ وَ فَكَّرَ فِيمَا خَالَفَ بِهِ رَبَّهُ فَرَأَىٰ كَبِيرَ عَصِيَانِهِ كَبِيرًا وَ جَلِيلَ

ستمهای خود را بر خویشتن برشمرد و در آنچه مخالفت پروردگارش را کرده اندیشه کرد و نافرمانی بزرگش را بزرگ

دید

مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا فَاقْبَلْ نَحْوَكُمُؤْمَلًا لَكَ مُسْتَحْيِيًّا مِنْكَ وَ وَجَّهَ رَعْبَتَهُ إِلَيْكَ

و مخالفت عظیم خود را عظیم پس رو آورده بسویت امیدوار به تو و شرمنده و روی اشتیاقش را به تو

ثِقَةً بِكَ فَاْمَكَ بِطَمَعِهِ يَقِينًا وَ قَصَدَكَ بِخَوْفِهِ إِخْلَاصًا قَدْ خَلَا طَمَعُهُ مِنْ كُلِّ

متوجه کرد از روی اعتماد به تو و از روی یقین با طمعش آهنگت کرده و از روی اخلاص با ترس قصد تو کرده طمعش

از هر

مَطْمُوعٍ فِيهِ غَيْرِكَ وَ أَفْرَحَ رَوْعُهُ مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ مِنْهُ سِوَاكَ فَمَثَلَ بَيْنَ يَدَيْكَ

مورد طمعی جز تو بریده و از هر ترسناکی جز تو نمی ترسد پس مجسم شده در برابرت با تضرع و دوخته است چشم

خود

مُتَضَرِّعًا وَ غَمَضَ بَصْرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِّعًا وَ طَاطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَذَلِّلًا وَ

را بر زمین با حال خشوع و برای عزتت با خواری سر بزیر افکنده و فاش کرده راز خود را برایت

أَبْتَكُ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا وَ عَدَدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصَىٰ

آن رازی که تو خود داناتری بدان با حال خضوع و برشمرده از گناهانش آنچه را تو بهتر شمرده‌ای

لَهَا خُشُوعًا وَ اسْتِغَاثَ بِكَ مِنْ عَظِيمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ وَ قَبِيحِ مَا فَضَحَهُ فِي

با خشوع، و استغاثه کند به تو از گناه بزرگی که در علم تو او را تباه ساخته و زشتی آنچه

حُكْمِكَ مِنْ ذُنُوبٍ أَدْبَرْتَ لَذَاتُهَا فَذَهَبَتْ وَ أَقَامَتْ تَبِعَاتِهَا فَلَزِمَتْ لَا يُنْكِرُ يَا

در حکم تو او را رسوا کرده، گناهانی که خوشیش رفته و مسئولیتش بجا مانده، معبودا اگر عقابش کنی منکر عدل تو

نیست

إِلَهِي عَدْلُكَ إِنْ عَاقَبْتَهُ وَ لَا يَسْتَعْظِمُ عَفْوَكَ إِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَ رَحِمْتَهُ لِأَنَّكَ

و اگر از او درگذری و رحمتش کنی گذشتت را بزرگ نداند زیرا تو

الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَتَعَاظَمُهُ غُفْرَانُ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ فَهَذَا أَنَا ذَا قَدْرٍ

پروردگار کریمی هستی که بزرگ نباشد در نزدش آمرزش گناه بزرگ خدایا من اکنون آمده‌ام بدرگاہت

جِئْتُكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ مِنْ الدُّعَاءِ مُتَّجِرًا وَعَدَاكَ فِيمَا وَعَدْتَ بِهِ

و فرمانبردارم دستوری را که فرمودی در دعا کردن و خواهانم وفای به وعده‌ات را

مِنَ الْأَجَابَةِ إِذْ تَقُولُ أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

در اجابتی که وعده دادی چون که فرمودی «بخوانید مرا تا اجابت کنم» خدایا پس درود فرست بر محمد و آلش

وَأَلْقَنِي بِمَغْفِرَتِكَ كَمَا لَقَيْتَكَ بِإِقْرَارِي وَارْفَعْنِي عَنِ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ كَمَا

و با آمرزشت به من روآور چنانچه من با اقرار (به گناه) به تو روآوردم و بردار مرا از افتادنگاههای گناه چنانچه

وَضَعْتَ لَكَ نَفْسِي وَاسْتَرْنِي بِسِتْرِكَ كَمَا تَأْتِيْتَنِي عَنِ الْإِنْتِقَامِ مِنِّي اللَّهُمَّ وَ

خود را برایت پست کردم و به پوشش خود مرا بپوشان چنانچه مهلتم دادی از انتقام خدایا

ثَبَّتْ فِي طَاعَتِكَ نَيْتِي وَ أَحْكِمْ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيرَتِي وَ وَفَّقْنِي مِنَ الْأَعْمَالِ

نیتم را در اطاعتت ثابت گردان و بینایم را در بندگیت محکم کن و به کارهایی موفقم دار

لِمَا تَغْسِلُهُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَايَا عَنِّي وَ تَوْفَّقْنِي عَلَيَّ مِلَّتِكَ وَ مِلَّةَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

که بشویی بدان چرکی خطاها را از من و بمیرانم بر کیش خود و کیش پیامبرت محمد

عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَفَّيْتَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ كَبَائِرِ

علیه السلام آنگاه که بمیرانی مرا خدایا من در این جایگاهم بدرگاہت توبه کنم از گناهان کبیره

ذُنُوبِي وَ صَغَائِرِهَا وَ بَوَاطِنِ سَيِّئَاتِي وَ ظَوَاهِرِهَا وَ سَوَائِفِ زَلَّاتِي وَ

و صغیره‌ام و از بدیهای پوشیده و آشکارم و از لغزشهای گذشته و

حَوَادِثِهَا تَوْبَةً مَنْ لَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِيَةٍ وَلَا يُضْمِرُ أَنْ يَعُودَ فِي خَطِيئَةٍ وَ

تازه‌ام توبه کسی که به خود تلقین نکند تجدید گناهی را و در دل نگردد که دوباره به خطایی بازگردد و

قَدْ قُلْتَ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنِ عِبَادِكَ وَ تَغْفُو عَنْ

تو ای خدای من در کتاب محکم فرمودی که توبه را از بندگانت می‌پذیری و از بدیها می‌گذری و

السَّيِّئَاتِ وَ تَحِبُّ التَّوَابِينَ فَاقْبَلْ تَوْبَتِي كَمَا وَعَدْتَ وَاغْفُ عَن سَيِّئَاتِي كَمَا

دوست داری توبه‌کاران را پس چنانچه وعده فرمودی توبه‌ام ببذیر و از بدیهایم درگذر چنانچه

ضَمِنْتَ وَاَوْجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ كَمَا شَرَطْتَ وَ لَكَ يَا رَبِّ شَرْطِي اِلَّا اَعُوذَ فِي

ضمانت کردی و مقرر دار برایم دوستیت را چنانچه شرط فرمودی و من با تو شرط می‌کنم که در کار

چَمَكُرُوْهِكَ وَ ضَمَانِي اِلَّا اَرْجِعَ فِي مَذْمُوْمِكَ وَ عَهْدِي اَنْ اَهْجُرَ جَمِيْعَ

ناپسند تو بازنگردم و ضمانت کنم که بازنگردم در امر نکوهیده‌ات و تعهد کنم که ترک کنم تمام

مَعَاصِيكَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ فَاغْفِرْ لِي مَا عَلِمْتَ وَ اصْرِفْنِي بِقُدْرَتِكَ

نافرمانیهایم را خدایا تو داناتری بدانچه کرده‌ام بیامرز گناهانی را که از من دانی و بگردانم به نیرویت

اِلَى مَا اَحْبَبْتَ اَللّٰهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ وَ تَبِعَاتٌ قَدْ نَسِيْتُهُنَّ وَ كُلُّهُنَّ

بدانچه دوست داری خدایا بر من بازخواستهایی است که به یاد دارم و بازخواستهایی است که فراموش کرده‌ام

بِعَيْنِكَ اَلَّتِي لَا تَنَامُ وَ عَلِمِكَ الَّذِي لَا يَنْسِي فَعَوِّضْ مِنْهَا اَهْلَهَا وَاَحْطُطْ

و همه در برابر دیده تو است که خواب نرود و علمت که فراموشی ندارد عوض آنها را به صاحبانش بده و سنگینیش

عَنِّي وَ زِرِّهَا وَ خَفَّفْ عَنِّي ثِقَلَهَا وَاَعْصِمْنِي مِنْ اَنْ اُقَارِفَ مِثْلَهَا اَللّٰهُمَّ وَ اِنَّهُ

را از دوش من بردار و سبک کن گرانیش را و نگاهم دار از ارتکاب امثال آن خدایا

لَا وَفَاءَ لِي بِالتَّوْبَةِ اِلَّا بِعِصْمَتِكَ وَ لَا اسْتِمْسَاكَ بِي عَنِ الْخَطَايَا اِلَّا عَنْ قُوَّتِكَ

جز به نگهداری تو نتوانم به توبه‌ام وفا کنم و جز به نیروی تو نتوانم خود را از خطا نگهدارم پس تقویتم کن

فَقُوَّتِي بِقُوَّةِ كَافِيَةٍ وَ تَوَلَّنِي بِعِصْمَةِ مَانِعَةٍ اَللّٰهُمَّ اَيُّمَا عَبْدٍ تَابَ اِلَيْكَ وَ هُوَ فِي

به نیرویی کافی و سرپرستیم کن به نگهداری بازدارنده خدایا هر بنده‌ای که توبه کند بدرگاهت ولی در

عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسْخُ لِتَوْبَتِهِ وَ عَائِدٌ فِي ذَنْبِهِ وَ خَطِيئَتِهِ فَاِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ

علم غیب نزد تو توبه‌شکن باشد و بازگردنده به گناه و خطایش باشد من به تو پناه برم که

اَكُوْنَ كَذَلِكَ فَاجْعَلْ تَوْبَتِي هَذِهِ تَوْبَةً لَا اَحْتَاجُ بَعْدَهَا اِلَى تَوْبَةٍ تَوْبَةً مَوْجِبَةً

چنین باشم و این توبه‌ام را چنان کن که محتاج نباشم دوباره توبه کنم، توبه‌ای که سبب شود

لِمَحْوِمَا سَلَفَ وَاَلْسَّلَامَةَ فِيمَا بَقِيَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعْتَذِرُ اِلَيْكَ مِنْ جَهْلِي وَ

گناهان گذشته‌ام محو گردد و در آینده نیز آلوده نگردم خدایا من از تو پوزش خواهم از نادانیم و

أَسْتَوْهِيكَ سَوْءَ فِعْلِي فَاضْمُنِي إِلَى كَنْفِ رَحْمَتِكَ تَطَوُّلاً وَأَسْتُرْنِي بِسِتْرِ

از تو بخشش خواهم از کار بدم پس به احسان خود مرا در پناه رحمت درآور و به فضلت در پرده عافیت ببوشانم

عَافِيَتِكَ تَفَضُّلاً اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ أَوْ زَالَ عَنْ

خدایا من بدرگاهت توبه کنم از هر چه مخالف اراده‌ات کردم یا

مَحَبَّتِكَ مِنْ خَطَرَاتِ قَلْبِي وَ لِحَظَاتِ عَيْنِي وَ حِكَايَاتِ لِسَانِي تَوْبَةً تَسَلِّمُ بِهَا

بیرون از دوستیت از خطرات دلم و نگاههای چشمم و سرگذشتهای زبانم توبه‌ای که سالم ماند بدان

كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَى حِيَالِهَا مِنْ تَبِعَاتِكَ وَ تَأْمَنُ مِمَّا يَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَلِيمِ

هر عضوی جداگانه از کیفرهای تو و ایمن گردد از آنچه تجاوزکاران می‌ترسند از

سَطَوَاتِكَ اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَ حَدِّتِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ وَجِبَ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ

سطوهای دردناکت خدایا رحم کن به تنهاییم در برابرت و طپیدن دلم از ترست

وَ اضْطِرَابِ أَرْكَانِي مِنْ هَيْبَتِكَ فَقَدْ أَقَامْتَنِي يَا رَبُّ ذُنُوبِي مَقَامَ الْخِزْيِ

و لرزش اندامم از هیبتت که برپا داشته پروردگارا گناهانم مرا بدرگاه تو در جای رسوایی

بِفَنَائِكَ فَإِنْ سَكَتُ لَمْ يَنْطِقْ عَنِّي أَحَدٌ وَ إِنْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِأَهْلِ الشَّفَاعَةِ

پس اگر سکوت کنم کسی از جانب من سخن نکند و اگر شفاعت خواهم شایسته شفاعت نیستم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ شَفِّعْ فِي خَطَايَايَ كَرَمَكَ وَ عُدَّ عَلَى سَيِّئَاتِي

خدایا درود فرست بر محمد و آلش و شفیع گردان در خطاهایم بزرگواریت را و ببخش گناهانم را

بِعَفْوِكَ وَ لَا تَجْزِنِي جَزَائِي مِنْ عِقُوبَتِكَ وَ ابْسُطْ عَلَيَّ طَوْلَكَ وَ جَلِّئْنِي بِسِتْرِكَ

به گذشتت و بیاداشتم که عذاب تو است پاداشم مده و احسانت را بر من بگستران و به پرده پوشیت ببوشانم

وَ أَفْعَلْ بِي فِعْلَ عَزِيزٍ تَضَرَّعَ إِلَيْهِ عَبْدٌ ذَلِيلٌ فَرَحِمَهُ أَوْ غَنِيٍّ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ

و رفتار کن با من به رفتار نیرومندی که زاری کند بدرگاهش بنده خوار و رحمش کند، یا بی‌نیازی که بنده

فَقِيرٌ فَنَعَشَهُ اللَّهُمَّ لَا خَفِيرَ لِي مِنْكَ فَلْيَخْفُرْنِي عِزُّكَ وَ لَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ

نیازمندی به نزدش رفته و بی‌نیازش کرده خدایا پناه دهی از تو ندارم و باید نیروی تو پناهم دهد و شفיעی ندارم

فَلْيَسْفَعْ لِي فَضْلَكَ وَقَدْ أَوْجَلْتَنِي خَطَايَا فَلْيُوْمِنِي عَفْوِكَ فَمَا كُلُّ مَا

و فضل تو باید شفیعم گردد و خطاهایم به سختی مرا ترسانده و گذشتت باید ایمنم گرداند و هر چه گفتم چنان نیست که همه از

نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلِ مَنِي بِسُوءِ آتْرِي وَلَا نَسِيَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمٍ فِعْلِي لَكِنْ

روی نادانی به بدکاریم باشد و نه از روی فراموشی کردار نکوهیده‌ام در گذشته بلکه برای آنکه آسمانت

لِتَسْمَعَ سَمَاوُكَ وَمَنْ فِيهَا وَارْضُكَ وَمَنْ عَلَيْهَا مَا أَظْهَرْتُ لَكَ مِنَ النَّدَمِ وَ

و هرکه در آست و زمینت و هر که بر آن است اظهار پشیمانی مرا بدرگاہت بشنوند و پناهندگیم را در توبه

لَجَأْتُ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ التَّوْبَةِ فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي لِسُوءِ مَوْفِقِي أَوْ

بسویت ببینند شاید برخی از آنها به رحمتت بر توفیگاه بدم رحم کند یا

تُدْرِكُهُ الرَّقَّةُ عَلَيَّ لِسُوءِ حَالِي فَيُنَالَنِي مِنْهُ بِدَعْوَةٍ هِيَ أَسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ

برای حال بدم دلش بسوزد و دعایی کند که نزد تو پذیرفته‌تر از

دُعَائِي أَوْ شَفَاعَةَ أَوْ كَدُّ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي تَكُونُ بَهَا نَجَاتِي مِنْ غَضَبِكَ وَ

دعای من باشد یا شفاعتی کند که مؤثرتر از شفاعت من باشد و همان وسیله نجات من از

فَوْزَتِي بِرِضَاكَ اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً إِلَيْكَ فَآنَا أَنْدَمُ النَّادِمِينَ وَإِنْ يَكُنْ

خشمت و رسیدنم به خوشنودیت گردد خدایا اگر پشیمانی توبه محسوب گردد من پشیمانترین پشیمانانم

التَّرْكُ لِمَعْصِيَتِكَ إِنَابَةً فَآنَا أَوْلُ الْمُتَّيِبِينَ وَإِنْ يَكُنِ الْأَسْتِغْفَارُ حِطَّةً لِلذُّنُوبِ

و اگر ترک معصیت بازگشت حساب شود من نخستین بازگشت کننده‌ام و اگر آمرزشخواهی گناهان را

فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ اللَّهُمَّ فَكَمَا أَمَرْتِ بِالتَّوْبَةِ وَضَمِنْتَ الْقَبُولَ وَحَثَّتِ

بریزد من از آمرزشخواهانم خدایا چنانچه دستور به توبه دادی و پذیرفتنش را ضمانت کردی و

عَلَى الدُّعَاءِ وَوَعَدْتِ الْأَجَابَةَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْبَلِ تَوْبَتِي

به دعا تشویق کردی و اجابتش را وعده دادی درود فرست بر محمد و آل محمد و بپذیر توبه‌ام را

وَلَا تَرْجِعْنِي مَرْجِعَ الْخَبِيَّةِ مِنْ رَحْمَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ

و بازم مگردان نومیدانه از رحمتت که تو برآستی توبه‌پذیری بر گناهکاران

وَالرَّحِيمِ لِلْخَاطِئِينَ الْمُنِيبِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ وَ

و مهرورزی به خطاکاران بازگشته خدایا درود فرست بر محمد و آلش چنانچه بدو راهنماییمان کردی و

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا اسْتَنْقَذْتَنَا بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوةً تَشْفَعُ

درود فرست بر محمد و آلش چنانچه به وی نجاتمان دادی و درود فرست بر محمد و آلش درودی که شفیع ما گردد

لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ

در روز قیامت و در روز نیازمندی بدرگاهت که تو بر هر چیز توانایی و این کار بر تو آسان است

قَدْ تَمَّتْ بِعَوْنِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْمَنَّانِ

متن کامل مفاتیح الجنان همراه با ترجمه فارسی

التماس دعا